

گزیده

حکمت نامه پیامبر اعظم ﷺ

فارسی - عربی

محمدی ای شهری

تألیف: مرتضیٰ خورشید



دانشگاه



مرکز تحقیقات کتاب و اسناد



گزیده

حکمت نامه‌های امیر عظیم



محمدی‌ای شیری

تخصیص

مرتضی خوش نصیب

با همکاری: جمعی از پژوهشگران

گزیده حکمت‌نامه پیامبر اعظم ﷺ

محمّد محمّدی ری‌شهری

تلفیخ: مرنّضی خوش‌نصیب

هنگاران: جمعی از پژوهشگران

تحقیق: پژوهشگاه علوم و معارف حدیث

پیگیری و نظارت بر تحقیق: واحد حکمت‌تلفیخ

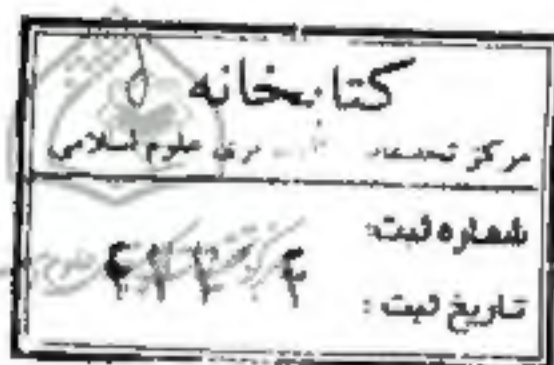
مسئول پیگیری: مجتبی فرجی

بازبین نهایی: سید مجتبی خوروی

نمونه‌خوان: علی‌قلی نگران، معطفی لوجی، سیدعاشق شهرستانی، معتمدعلی دیباغی، مهدعلی والنّی

خوش‌ادیس: حسن فروزانگان

صفحه‌آرا و عروقیچین: فخرالدین جلیلووند، علی‌اسلام ذریاب، حسن افقیان



ناشر: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث

چاپ: اول / ۱۳۸۹

چاپخانه: دارالحدیث

نشرگان: ۱-۲۰۰

قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان



سازمان چاپ و نشر

دفتر مرکزی: قم، میدان شهدا، خیابان معلم، پلاک ۱۲۵، تلفن: ۰۲۵۱ ۷۷۲۰۵۲۳ / فاکس: ۰۲۵۱ ۷۷۲۰۵۷۱ / ص.ب. ۳۷۱۸۵ / ۴۴۶۸
تمایشگاه دائمی علوم حدیث (قم، خیابان معلم): ۰۲۵۱ ۷۷۲۰۵۲۵ / فروشگاه شماره ۲۵: شهر ری، حرم حضرت عبدالعظیم حسنی ﷺ
کاشانی: ۵۵۹۵۲۸۶۲
فروشگاه شماره ۳۰: مشهد مقدس، چهارراه شهدا، ضلع شمالی باغ نادری، مجتمع فرهنگی تجاری گنجینه کتاب، طبقه هم‌کف،
۰۵۱۱ ۲۲۲۰۰۶۲-۳
فروشگاه شماره ۴۰: مشهد مقدس، میدان تختی، خیابان شهید اسدالله زاده، نرسیده به چهار راه پل خاکس، دست چپ، ساختمان کوثر،
تلفن: ۲۲۲۱۲۲۲

<http://www.hadith.net>

hadith@hadith.net

ISBN: 978 - 964 - 493 - 531 - 2

© کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است ©



مرکز تحقیقات کتب و تاریخ اسلام

محدثی ری شهری، محمد، ۱۳۳۵ -

[حکمت‌نامه پیامبر اعظم ﷺ، برگزیده فارسی]

مستحب حکمت‌نامه پیامبر ﷺ / محمد محدثی ری شهری؛ تلخیص، مرتضی خوش نصیب؛ با همکاری جمعی از پژوهشگران - قم: دار الحدیث، ۱۳۸۹. ۱۱۲۹ ص.

ISBN: 978 - 964 - 493 - 531 - 2

لهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیما.

کتاب‌نامه به صورت زیر نویس.

۱. محمد، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۰ ق. ۲. احادیث شیعه - قرن ۱۴. ۳. احادیث اهل سنت - قرن ۱۴. الف. خوش نصیب، مرتضی؛ ۱۳۳۵ -، خلاصه کنده. ب. به عنوان.

۱۳۸۶ ۸۰۱۴ ح ۲۲/۹/م ۲ BP

۲۹۷/۹۳

لهرست نویسی پیش از انتشار، دو کتابخانه تخصصی حدیث / قم.

فهرست اجمالی

۷	پیش‌گفتار
۹	مقدمه «گزیده»
۱۳	بخش یکم: حکمت‌های عقلی و علمی
۱۵	باب یکم: عقل و جهل
۴۲	باب دوم: علم، حکمت و معرفت
۷۳	بخش دوم: حکمت‌های اعتقادی
۷۵	باب یکم: ایمان
۹۲	باب دوم: ایمان به خدا
۱۶۲	باب سوم: قضا و قدر
۱۹۳	باب چهارم: دوستی خدا و نزدیکی به او
۲۰۵	باب پنجم: نبوت
۲۳۹	باب ششم: قرآن و سنت
۲۳۸	باب هفتم: دین، شریعت و اسلام
۲۵۵	باب هشتم: ایمان به معاد
۲۸۷	بخش سوم: حکمت‌های عقیدتی، اجتماعی و سیاسی
۲۸۹	باب یکم: امامت
۳۳۲	باب دوم: امت
۳۶۳	بخش چهارم: حکمت‌های مربوط به جهان و انسان
۳۶۵	باب یکم: آفرینش
۳۶۶	باب دوم: زمین
۳۷۰	باب سوم: دنیا
۳۸۸	باب چهارم: اجل
۳۹۰	باب پنجم: شیطان
۳۹۲	باب ششم: انسان
۴۰۱	باب هفتم: آرزو
۴۰۵	باب هشتم: برکت
۴۲۲	باب نهم: خیر
۴۳۹	باب دهم: مصیبت‌ها، بلاها و شرور

۴۵۷	بخش پنجم: حکمت‌های تربیتی
۴۵۹	باب یکم: تبلیغ
۴۹۱	باب دوم: کودک
۵۲۱	باب سوم: تربیت جوان
۵۲۵	باب چهارم: عوامل خودسازی
۵۹۱	باب پنجم: آفات خودسازی
۶۴۷	بخش ششم: حکمت‌های عبادی
۶۴۹	باب یکم: اطاعت و عبادت خدا و کارهای شایسته
۶۶۰	باب دوم: نماز و مقدمات آن
۶۹۰	باب سوم: دعا و ذکر
۷۵۸	باب چهارم: روزه
۸۰۳	باب پنجم: حج و عمره
۸۲۷	باب ششم: امر به معروف و نهی از منکر
۸۳۳	باب هفتم: جهاد
۸۳۹	باب هشتم: بهترین مکان‌های عبادت
۸۶۱	بخش هفتم: حکمت‌های اخلاقی و اجتماعی
۸۶۳	باب یکم: مهم‌ترین عوامل سازنده جامعه
۸۸۲	باب دوم: آسیب‌های جامعه
۸۸۹	باب سوم: حکمت‌های خانوادگی
۹۰۰	باب چهارم: حکمت‌های حقوقی
۹۱۱	بخش هشتم: حکمت‌های اقتصادی
۹۱۳	باب یکم: پیشرفت اقتصادی
۹۲۲	باب دوم: پایه‌های توسعه
۹۴۲	باب سوم: خاستگاه‌های توسعه
۹۵۷	باب چهارم: موانع توسعه
۹۶۱	باب پنجم: آفات توسعه
۹۷۷	بخش نهم: حکمت‌های پزشکی و بهداشتی
۹۷۹	باب یکم: پزشکی و درمان
۹۹۱	باب دوم: درمان با میوه‌ها و غذاها و گیاهان دارویی
۹۹۸	باب سوم: بیماری‌ها
۱۰۰۷	بخش دهم: حکمت‌های گوناگون

پیش‌گفتار

حکمت‌نامه پیامبر اعظم ﷺ، ثمره تلاشی نو در جهت توسعه فرهنگ قرآن و حدیث و دومین اثر به انجام رسیده در پژوهشکده علوم و معارف حدیث^۱ است که به برکت سال پیامبر اعظم ﷺ^۲ و به منظور آشنایی هر چه بیشتر جهانیان و بویژه پژوهشگران با چهره ملکوتی خاتم پیامبران، تقدیم گردید.

این حکمت‌نامه، سخنان حکیمانه آن بزرگ‌ترین حکیم الهی را - که منابع معتبر اسلامی گزارش کرده‌اند -، در کنار آیاتی که خداوند متعال بر قلب مقدسش فرود آورد، با نظمی جدید و سهل الوصول، در زمینه‌های: معرفت‌شناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، اعتقادات، اجتماعیات، تربیت، سیاست، اقتصاد و بهداشت، ارائه می‌کند.

این حکمت‌نامه، افزون بر تبیین راه‌های تکامل و کامیابی مادی و معنوی انسان، سند روشنی است بر نبوت خاتم انبیا؛ چرا که سخنانی در این سطح و با این عمق، بدون ارتباط با مبدأ وحی، از کسی که حتی یک روز به مدرسه نرفته و یک ساعت استاد ندیده، اصولاً امکان‌پذیر نیست.

به سخن دیگر، هر انسان آگاه و منصفی این حکمت‌نامه را بخواند و بداند که گوینده آن، اُمّی و درس‌ناخوانده است، تردیدی در ارتباط او با مبدأ وحی نخواهد کرد و به تعبیر دقیق قرآن کریم:

﴿وَيَذَرِي الَّذِينَ أَوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْخَصِيدِ﴾^۳

و کسانی که از دانش بهره یافته‌اند، می‌دانند که آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، حق است و به راه آن عزیز ستوده، راهبری می‌کند.

۱. نخستین اثر کتاب پیامبر اعظم ﷺ از نگاه قرآن و اهل بیت ﷺ بود که در نیمه اول سال ۱۳۸۵ هجری شمسی منتشر شد.

۲. گفتمانی است که در سال ۱۳۸۵ هجری شمسی، بر پایه تقویم هجری قمری، دو بار سالگرد وفات پیامبر خدا ﷺ تکرار می‌شد و به همین مناسبت، رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، این سال را سال پیامبر اعظم ﷺ نامیدند.

۳. مائده: آیه ۶.

گفتنی است که آیه «وَمَا يَنْطِقُ غَيْرُ الْهَوَىٰ ۚ إِنَّ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ»^۱ به همه رهنمودهای پیامبر ﷺ اعتبار و خيانی می‌بخشد، و بدین سان، همه حکمت‌های نبوی، مشمول عبارت «الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ» در آیه پیش گفته می‌شوند که آشنایی اهل علم و آگاهی با آنها، ایمان آوردن به صحت آنها و به صداقت پیامبر خدا ﷺ را به همراه دارد.

گزیده حکمت‌نامه پیامبر اعظم ﷺ

پس از انتشار حکمت‌نامه پیامبر اعظم ﷺ، با عنایت به این که بهره‌برداری همگان، بویژه در سطح جهان، از کتابی با این حجم از مطالب، عملاً میسر نیست، از فاضل ارجمند جناب آقای مرتضی خوش نصیب - که تهیه اصل حکمت‌نامه نیز با همکاری ایشان تحقق یافت - تقاضا کردم که گزیده‌سازی آن را نیز بر عهده بگیرد و بدین سان، خوش نصیبی خود را با ارائه این خدمت ارزشمند به آستان قدس نبوی کامل گرداند، و خداوند منان را سپاس، که وی از عهده این خدمت، به خوبی برآمد و گلچینی پرفایده از گلستان حکمت محمدی، تقدیم ارادتمندان این آستان نمود. از ایشان و همه کسانی که به گونه‌ای در ساماندهی نهایی این کتاب، نقش ایفا کرده‌اند، صمیمانه سپاس گزارم و برای همه آنان، از حضرت باری تعالی - جلّت عظمتش - پاداشی در خور فضل او مسئلت دارم.

در پایان، توجه عزیزانی را که مایل‌اند از این کتاب یا سایر منابع روایی، سخنی را به پیامبر ﷺ یا اهل بیت ایشان ﷺ نسبت دهند، به یکی از مهم‌ترین آداب نقل حدیث، جلب می‌نمایم. شیخ کلینی^۲ از امام علی^۳ روایت کرده که می‌فرماید:

إِذَا حَدَّثْتُمْ بِحَدِيثٍ فَأَسْبَدُوا إِلَى الَّذِي حَدَّثْتُمْ: إِنْ كَانَ حَقًّا فَلَكُمْ وَإِنْ كَانَ كَذِبًا فَعَلَيْهِ.^۴

هنگاس که حدیثی را نقل می‌کنید، آن را به کسی که آن را روایت نموده، نسبت دهید، که اگر درست باشد، به سود شماست و اگر دروغ باشد، به زیان راوی است.

رَبَّنَا! نَقْبَلُ مِنْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

محمد محمدی ری شهری

۱۳۸۷/۸/۲۲

۱۲ ذی قعدة ۱۴۲۹

۱. نجم: آیه ۲ و ۳: «وَأَزْهَرُ مِنْ سَخْنٍ نَمِيٍّ كَوَيْدٍ» این [کتاب]، بجز وحی‌ای که فرستاده می‌شود، نیست.

۲. الکافی: ج ۱ ص ۵۲ ح ۷.

مقدمه «گزیده»

پیامبر اعظم ﷺ، خاتم انبیا، کامل ترین انسان، و بزرگ ترین شخصیتی است که در ظلمت‌گده جامعه جاهلی روزگار خویش، توانست در پرتو کتاب آسمانی و با حکمت برگرفته از آبشخور وحی، مطمئن ترین راه و صول به قلّه کمالات را به بشر، بنمایاند. بی تردید، شناساندن چنین حکمت‌های ناب، گامی بایسته در مسیر هدایت جامعه به سوی نور و رستگاری است. در این راه، حکمت‌نامه پیامبر اعظم ﷺ، دومین اثری بود که پژوهشکده علوم و معارف حدیث، در جهت نمایاندن قطره‌ای از اقیانوس معارف نبوی و ارثه جهرای گویا از شخصیت و سیره پیامبر گرامی اسلام ﷺ، با نظمی نو و شیوه‌ای جدید، سامان داد. این کتاب چهارده جلدی، دانش‌نامه‌ای نسبتاً گسترده از سخنان گهربار آن رسول گرامی و نیز آموزه‌های علمی و حکمی و سیره فردی و اجتماعی و رفتارهای خردمندانه آن حضرات است که در سال ۱۳۸۶ هجری شمسی به زیور طبع، آراسته شد.

معرفی کتاب حاضر

گسترده‌گی کتاب حکمت‌نامه پیامبر اعظم ﷺ و ضرورت آشنایی هر چه بیشتر گروه‌های مختلف مردم با سخن و سیره آن پیشوای آسمانی، پژوهشکده را واداشت تا با فراهم آوردن گنجینه‌ای از بوستان حکمت نبوی، مجموعه‌ای را با عنوان گزیده حکمت‌نامه پیامبر اعظم ﷺ، در قالب کتابی که هم‌اکنون پیش روی شماست، به جویندگان معرفت از چشمه زلال نبوت، تقدیم نماید. در این زمینه، یادآوری نکات زیر، لازم به نظر می‌رسد:

۱. تمامی بخش‌ها و باب‌های حکمت‌نامه پیامبر اعظم ﷺ (بدون استثنا) و نیز ۸۰ درصد فصل‌ها و ۷۰ درصد عنوان‌های فرعی و به همین میزان از تحلیل‌ها و مقالات مندرج در متن اصلی، در این

گریده، آورده شد؛

۲. آنچه بیش از همه مشمول تلخیص و گریش قرار گرفته، آیات و احادیث پر شمار و متنوعی است که با موضوع مشابه، دلیل بحث‌ها، نافع و فصل‌های دانش‌نامه گسترده، گرد آمده است؛

۳. جامع‌ترین و گویاترین احادیث، از مساع معسرتر، در ذیل هر عنوان، انتخاب گردید؛

۴. قریب به اتفاق توضیحاتی که در پانوشت‌ها بود، حذف شد؛

۵. به ذکر یک مساع دارای اعتبار بیشتر، بری هر حدیث، در پانوشت، اکتفا گردید

با این همه، بخش‌های ده‌گانه این کتاب - که گزارش احتمالی آنها در پی خواهد آمد -، گویای جامعیت آن در عین اختصار است

بخش یکم حکمت‌های عقلی و علمی

در این بخش از کتاب، از خرد آدمی و جایگاه رفیع آن در منظر شخصیت بحسب جهان اسلام و ضرورت حردورری و ژرف‌اندیشی و هشدار نسبت به گرفتار آمدن در دام جهل و پناندهای آن سخن به میان آمده است. بررسی مکاتب والای علم و حکمت و چگونگی دستیابی به آنها و دیگر مباحث مرتبط، ادامه بخش بحسب را تشکیل می‌دهد.

بخش دوم، حکمت‌های اعتقادی

در این بخش، حکمت‌ها و آموزه‌های بلندسوی درباره عنصر ایمان، چگونگی ایمان به خدا، نبوت و معاد و موضوعات مرتبط به هر یک، همچنین پاره‌ی مباحث اعتقادی دیگر، همچون فصا و قدر، آمده است.

بخش سوم حکمت‌های اجتماعی و سیاسی

این بخش، به بررسی دو موضوع مهم مامت و امت، اختصاص یافته است. امامت، از حساس‌ترین و نقش‌آفرین‌ترین مسئلتی است که مسلمانان با آن مواجه بوده‌اند، چ‌پگاه امام چگونگی شاحت امام، عمق صایعه محرومیت از مام و دیگر گفتنی‌های ضروری و در ادامه، امت و ویژگی‌های آن و راه‌های پیشتاری و عوامل انحطاط امت‌ها و آینده امت محمدی و ... مورد بحث قرار گرفته است.

بخش چهارم: حکمت‌های مربوط به جهان و انسان

اصل آفرینش و خلقت آسمان‌ها، زمین، فرشتگان، شیطان و انسان و موضوعات متوعی در ارتباط با انسان، همچون موحبات خیر و شر و بر نقش آرزو و تأثیر مصائب بلاها و شرور در زندگی او، موضوعات بخش چهارم را تشکیل داده‌اند.

بخش پنجم: حکمت‌های تربیتی

در این بخش، سخنان حکیمانه پیامبر خدا ﷺ دربارهٔ تنبیغ، پرورش کودک، پرورش جوان، و عوامل خودسازی و موانع آن، ارائه شده است.

بخش ششم: حکمت‌های عبادی

این بخش، به سخنان حکیمانه پیامبر خدا ﷺ دربارهٔ عبادت و کارهای نیکو، نماز، دعا، ذکر، روزه و ادب ماه رمضان، حج و عمره، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد و مکان‌هایی که عبادت در آنها از اهمیت بیشتری برخوردار است، اختصاص یافته است.

بخش هفتم: حکمت‌های اخلاقی و اجتماعی

اسلام، دین زندگی است. پرداختن به معارف حنماعی و سیاسی و آمیختن آنها با معارف عبادی و اعتقادی، از اصول برجستهٔ این آیین الهی است. پیامبر خدا، خود، مهم‌ترین وجه رسانی را به کمال رساندن ارزش‌های اخلاقی معرّفی کرده است و هم‌ار این رو، امور هدیش، در ابعاد گستردهٔ اجتماع، از مکانی رفیع برخوردار است. در بخش هفتم این مجموعه، حکمت‌های نبوی در موضوعات مختلف اخلاقی و اجتماعی گزارش شده است.

بخش هشتم: حکمت‌های اقتصادی

در این بخش، حکمت‌های نبوی دربارهٔ مبائل اقتصادی و آموزه‌های مرتبط با معیشت انسانی سامان یافته است. اهمیت توسعهٔ اقتصادی و ضرورت تحوّل و پیششازی در ایجاد چنین توسعه‌ای و بر پایه‌ها، عوامل، موانع و آفات آن، موضوع سخن حدیث نبوی در این بخش است.

بخش نهم، حکمت‌های پزشکی و بهداشتی

در این بخش، رهمودها، آموزه‌ها و سیره بهداشتی و پزشکی‌ای که از پیامبر خدا ﷺ گزارش شده، ارائه می‌گردد. بیم‌نگاهی به جایگاه طبابت، طب پیشگیری و همچنین توجه به موضوع بیماری و اشاره به پاره‌ای از راه‌های پروودت در آب و چگونگی درمان و بیان انواع داروهای طبیعی، موضوع مطالب گرد آمده در این بخش است

بخش دهم حکمت‌های گوناگون

پایان بخش این مجموعه گسترده، حکمت‌های گوناگونی در موضوعات پراکنده است، حاوی آنچه از آموزه‌های پیامبر خدا ﷺ که در ذیل عناوین گذشته نمی‌گنجد.

امید، آن‌که این اثر بتواند در شاحت هر چه همیق‌تر پیامبر رحمت و حکمت، حضرت محمد ﷺ و این پروود او، نقش افرین باشد! آمین، رب العالمین!

مرتضی حوش‌صبیب

بخش یکم

حکمت های عقلی و علمی





مرکز تحقیقات کتابخانه و اسناد ملی

معنای «عقل» و «جهل»

اندیشه و تعقل، اصلی‌ترین تکیه گاه‌های اسلام در عقیده، اخلاق و اعمال اند. در نظرایں آیین آسمانی، انسان حق ندارد آنچه را که خرد نادرست می‌داند، باور کند و به صیغاتی که خرد ناپسند می‌داند، متصرف شود و کارهایی را که خرد ناپسند می‌داند، انجام دهد.

از این رو، در فرهنگ قرآن و احادیث پیامبر خدا و اهل بیت آن بررگوار، واژه‌هایی که مردم رایج تعقل و اندیشه دعوت می‌کند (مانند: تفکر، تذکر، تمیز، تعقل، تعمق، تدبر، تکرار، تکرار و تکرار)، به عنوان محور و اساس سخن آنان، مردم و پیش از هر چیز دیگر، مورد توجه و تأکید

در قرآن کریم، مشتقات «علم» ۷۷۹ بار، «عقل» ۴۹ بار، «فقه» ۲۰ بار، «فکر» ۱۸ بار، «ذکر» ۲۷۴ بار، «تدبر» ۴ بار و «لب» ۱۶ بار آمده است.

در نظر اسلام، خرد، اصلی انسان، معیار ارزش و درجات کمال او، ملاک ارزیابی اعمال، میزان جزا و سخت داطعی خداوند متعال است.

خرد، از بهترین هدیه‌های الهی به انسان، نخستین پایه اسلام، اساسی‌ترین پایه زندگی و زیباترین زیور انسان است. خرد، گران‌بهاترین ثروت، بهترین دوست و راهنما، و اصلی‌ترین تکیه گاه اهل ایمان است. در نظر اسلام، علم، نیازمند خرد است. زیرا علم بدون خرد، برای عالم، زیانبار است و هر که دانشش بر خردش فزونی یابد، یاری بر او خواهد بود.

کوتاه سخن، این که: از نظر اسلام، تنها راه تکامل مادی و معنوی و سازندگی دنی و آخرت و رسیدن به جامعه مطلوب و مقصد اعلای انسانیت، درست فکر کردن است و همه گرفتاری‌های انسان، نتیجه نادانی و به کار نگیرتن اندیشه است.

از این رو، در جهان پس از مرگ، آنان که به مرجع عقیده، اخلاق و اعمال ناشایسته خود گرفتار می‌شوند، درباره ریشه گرفتاری‌های خود، چنین می‌گویند:

﴿وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾ فَأَعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ فَنَسْتَخِرُ الْاَصْحَابِ السَّعِيرِ^۱

وگویند: اگر [بسی حق را] شنیده [و پیچیده] بودیم یا خردورری می‌مویدیم، در [میان] اودعیان نبودیم. پس به گناه خود

اقرار می‌کنند؛ و مرگ باد بر اهل جهنم!

واژه «عمل» در لغت

واژه «عقل» در زبان عرب، به معنای نگه داشتن، در داشتن و حسی کردن است، همانند بستن شتر را عقال^۱ همان گونه که عقال، شتر را از حرکت بی‌خوابی می‌درد، و همین در جان انسان به نام «عقل» وجود دارد که او را از نادانی و لغزش در اندیشه و عمل، باز می‌دارد

واژه «عقل» در احادیث اسلامی

محدث بزرگوار، شیخ حر عاملی^۲، در انتهای باب «و حوب طاعة العقل و مخالفة الجهل (لروم پیروی از عقل و نافرمانی از نادانی)» درباره معانی عقل، چنین می‌گوید

عقل، در سخن اندیشمندان و حکیمان، معانی بسیار دارد و نا جستجو در حدیث، سه معنی برایش به دست می‌آید

۱. مروهی که بدان خوبی‌ها و بدی‌ها و نفاوسها و رصیدهای بها شاخته می‌شود، و این، معیار تکلیف سرعی است
 ۲. ملکه‌ای که به انتخاب خوبی‌ها و پرهیز از بدی‌ها عزم می‌جویند
 ۳. نقل و دست‌ی، که در برابر جهل (نادانی) قرار می‌گیرد، به تو برابر دیوانگی
- بیشترین استعمال «عمل» در احادیث، معنای دوم و سوم است.^۳

خطر جهل

ملاحظه آنچه اسلام در ادب مختلف معرفت شاختن آورده، نشان می‌دهد که این آیین الهی، برای ساختن جامعه‌ی ارزشی مورد نظر خود، پیش و بیش از هر چیز دیگر، به اندیشه و شاخت و آگاهی، اهمیت داده و انسان‌ها را از خطر «جهل» و به کار سداحت اندیشه، بر حذر داشته است

از منظر اسلام، جهل، آفت شکوفایی انسانیت و ریشه همه معاصد فردی و اجتماعی است و تا این آفت، ریشه کن نشود، ارزش‌ها شکوفا نمی‌گردند و جامعه‌ی انسانی تحقق نمی‌یابد

از دیدگاه اسلام، جهل، ریشه همه بدی‌ها، بزرگ‌ترین مصیبت، زیانبارترین بیماری و خطرناک‌ترین دشمن است و شخص جاهل، بدترین حمله‌ده، بدکه مردمانی در سال زندگان است

معانی واژه «جهل»

به طور کلی، برای جهل مدموم، چهار معنا متصور است
اول، همه گونه نادانی،

۱. ن. کذ الصحاح، ج ۵ ص ۱۷۶۹، التمهید ص ۲۲۲-۲۲۳

۲. وسائل الشیعة ج ۱۵ ص ۲۰۸

- دوم نادانی نسبت به علوم و معارف مفید و سازنده ،
 سوم نادانی نسبت به ضروری‌ترین معارف مورد نیاز انسان ،
 چهارم ، بیرویی در مقابل خرد ،
 و پنجم ، توضیح این معانی :

۱. همه‌گونه نادانی

هر چند در نگاه ابتدایی ، به نظر می‌رسد که هر نوع نادانی ، ریاضات و معنوم است ، ولی با تأمل ، معلوم می‌شود که حقیقت این است که هر ندانستی ، نكوهیده و هر دانستی ، پسندیده نیست بلکه برعکس ، برخی از دانسته‌های ریاضیه و برخی از ندانسته‌های مفید و سازنده و درست به همین دلیل ، در اسلام ، تلاش و تحقیق برای کشف برخی از امور و اسرار ، ممنوع شده است

۲ نادانی نسبت به معارف مفید

بی‌تردید ، اسلام برای همه علوم و معارفی که در خدمت انسان اند ، ارزش قائل است لیکن این ، بدان معنایست که نادانی نسبت به همه این علوم ، برای همه مردم ، ممنوم یا خطرناک است
 به بیان دیگر ، ادبیت ، صرف و نحو ، منطق ، کلام ، فلسفه ، ریاضی ، فیزیک ، شیمی و سایر رشته‌های علوم و فنون ، در خدمت انسان و از مظاهر اسلام ، ارزشمندند ، ولی نمی‌توان پذیرفت که ندانستن این علوم ، ریشه همه شرور ، بزرگ‌ترین مصیبت ، زیاده‌ترین فواید ، خطرناک‌ترین دشمن و شدیدترین هراس است و چنانچه کسی برخی از این علوم و یا همه آنها را نداند ، به‌ترین جهل‌نگان بر روی زمین و همانند مرده‌ای در میان زنده‌هاست

۳ نادانی نسبت به ضروری‌ترین معارف مورد نیاز انسان

علوم و معارفی که انسان را با مبدأ و مقصد خود آشنای می‌کند و راه رسیدن به فلسفه آفرینش خود را به او نشان می‌دهد ، ضروری‌ترین معارف مورد نیاز اوید . ظمناً جهل به این معارف ، جامعه انسانی را در معرض دشواری‌ترین مصیبت‌ها و شرور ، قرار می‌دهد . نه تنها شایسته این معارف ، گرسا نیست بلکه این معارف ، در صورتی کارایی دارند که «جهل» به مفهوم چهارم ، به وسیله خرد ، مهار شود

۴. بیرویی در مقابل عقل

در متون اسلامی ، جهل ، مفهومی دارد که بر خلاف معانی گذشته ، امری وجودی است نه عدمی ، و آن ، شعور مرموری در مقابل خرد است که همانند خرد ، آفریده خداوند متعال است و آثار و پیامدهایی دارد که بر آنها به «سپهیان نادانی» (در برابر «سپاهیان خرد») تعبیر شده است .

چنان که در متون حدیثی آمده همه ریهایی‌های اعتقادی، اخلاقی و عملی (مانند خیر، عزم، معرفت، حکمت، ایمان، عدالت، انصاف، اُفت، رحمت، مودت، رأفت، برکت، قناعت، سخاوت، امانت، شهادت، حیا، پاکیزگی، امید، پیمان‌داری، صدق، بردباری، شکبایی، فروتنی، عباد و نشاط) از سپاهیان حرد، شمرده شده‌اند.

در مقابل آنها نیز همه رشتی‌های اعتقادی، اخلاقی و عملی (مانند شر، حماقت، کفر، ستم، جنابایی، فسقوت، قطع رحم، عداوت، بغض، عصب، فحش، حرص، نحل، حیانت، کودبی، جلع، پرده‌داری، پلیدی، ناامیدی، حیانت، دروغ‌گویی، ناشکبایی، بی‌تابی، تکبر، معروک‌سالیت) از سپاهیان نادانی، شمرده شده‌اند.

هر چند اسلام با جهل مدموم، نویژه با مفهوم سوم آن، به شدت مبارزه می‌کند، لیکن خطرناک‌ترین جهل از منظر این مکتب جهل به مفهوم چهارم است؛ یعنی انتخاب راهی که بروی نادانی، انسان را بدان دعوت می‌کند و پیروی از آن را بر او اگر انسان، از روی نادانی، راهی را انتخاب کرد، سپاهیان نادانی، راه شاحت معارف سارنده و حقایق والای انسانی و رسیدن به مقصد اهلای اسامیت را بر او مسدود می‌نمایند و در این حال، اگر کسی بزرگ‌ترین دانشمند روی زمین هم بشود، رانش بوی بردی هدیش سودی نمی‌بخشد و بیماری نادانی، نور از پای در خواهد آورد.

الْبَاسِلُ الْأَوَّلُ

العقل والجَهْلُ

الفصل الأول: معرفة العقل

بِسْمِ

عقل و جهل

فصل یکم، شناخت عقل

۱/۱، حقیقت عقل

۱ ۱ حقیقة العقل

۱ رسول الله ﷺ العقل نور حنقه الله للإسباب، وجعله
يضيء على القلب ليعرف به الفرق بين المشاهدات
من المعنيات^۱

۲ عنه ﷺ العقل نور في القلب، يعرف به بين حق
والباطل^۲

۱. پیامبر خدا ﷺ: عقل، نوری است که خداوند آن را
برای انسان آفرید و وسیله روشنی بخشی دل قرار
داد تا بدان، تفاوت دیدنی‌ها را از سادیدنی‌ها بار
شاسد

۲. پیامبر خدا ﷺ: عقل، نوری است در دل که دل به
وسيلة آن، حق را از باطل جدا می‌کند

۲/۱، خلق العقل والجهل

۲/۱ آفرینش عقل و جهل

۳ رسول الله ﷺ إن الله خلق العقل من نور محروبي
مكسوبي في سابي عبيد لدى^۳ لم يطلع عليهم سي
مرسل ولا ملك مقرب فجعل يعلم نفسه، ونفسهم
روحه والزهد رأسه، والحياء عييه، والجهل
لسانه، والرأفة حمة^۴، والرحمة قلبه ثم خشاء
وقواه بفسفرة أشياء باليقين، والإيمان،
والصدق، والشكينة، والإحسان، والرفق،
والعطية، والقسوع، والتسليم، والشكر ثم
قال ﷺ أدبر، فأدبر، ثم قال له، أقبل، فأقبل، ثم

پیامبر خدا ﷺ خداوند عقل را از نوری محروم
و بهمان در علم ازلی خود آفرید و هیچ پیامبر
فرستاده شده و فرشته مقرب را بر آن آگاه
ساخت دانش را جان آن، فهم را روحش، رهد
را سرش، حیا را چشمانش، حکمت را رانش،
مهر را همتش، و رحمت را دلش قرار داد و آن گاه
ده چهر را در او جا داد و او را به آب توابعی
بشد یقین، ایمان، راستی، آرامش، احلاص،
مدرا، ذهش، فصاحت، تسلیم بودن و
سپاس‌گراری

سپس فرمود «پشت کن» و عقل، پشت کرد
آن گاه به او فرمود: «رو کن» و او رو آورد،
و آن گاه به او فرمود: «حرف بزن»، عقل گفت.

۱ عوالي الاکبر ج ۱ ص ۲۱۸ ح ۱

۲ إرشاد القلوب ص ۱۹۸

۳ في المصدر «التي»، وما في المس أئنه من معاني الأخبار

۴ في معاني الأخبار «فمه» بدل «هته»

قَالَ لَهُ: تَكَلِّمْ

قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ صِدٌّ وَلَا بَدْلٌ وَلَا شَيْءٌ وَلَا كُفُوٌ، وَلَا عَدِيلٌ وَلَا مِثْلٌ، الَّذِي كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ خَاضِعٌ ذَلِيلٌ

قَالَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَجِئْتِي وَجَلَالِي مَا خَلَقْتُ خَلْقًا أَحْسَنَ مِنْكَ، وَلَا أَطْوَحَ لِي مِنْكَ، وَلَا أَرْفَعَ مِنْكَ، وَلَا أَشْرَفَ مِنْكَ، وَلَا أَغْرَى مِنْكَ، بِكَ أَزْجِدُ وَبِكَ أُعْطِي، وَبِكَ أُؤَخِّذُ وَبِكَ أُعَذِّبُ، وَبِكَ أَدْعِي وَبِكَ أَرْتَجِي وَبِكَ أُبْتَغِي، وَبِكَ أَحَافُ وَبِكَ أُحْذَرُ، وَبِكَ الثَّوَابُ وَبِكَ الْعِقَابُ^۱

الفصل الثاني: قيمة العقل

۱/۲. هَدِيَّةُ مَنْ أَلَّه

۴. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْقَلْ لُ هَدِيَّةٌ مِنْ اللَّهِ^۲

۲/۲ خَيْرُ الْمَوَاهِبِ

۵. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا قَسَمَ اللَّهُ لِعِبَادِهِ شَيْئًا أَفْضَلَ مِنْ الْعَمَلِ صَوْمِ الْعَاقِلِ أَفْضَلُ مِنْ سَهْرِ الْعَاهِلِ، وَاطْفَارِ عَاهِلٍ أَفْضَلُ مِنْ صَوْمِ عَاهِلٍ، وَاقَامَةُ الْعَاقِلِ أَفْضَلُ مِنْ شُحُوصِ الْعَاهِلِ^۳

۳/۲. أَصْلُ الْإِنْسَانِ

۶. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا مَعْشَرَ قُرَيْشٍ! إِنَّ حَسَبَ الرَّحْلِ

مستایش، از این حدایی است که صد و انبازی ندارد، مشابه و هم‌ترازی ندارد، و معادل و هم‌اندی برایش نیست؛ حدایی که همه چیز در برابر عظمتش خاضع و رام است

آن‌گاه پروردگار - تبارک و تعالی - فرمود: «به عزّت و جلالت سوگند، آمریدهای بهتر از تو بیافریدم و فرمان‌بردارتر از تو برانم بیست و برتر از تو و شریف‌تر و عزیزتر از تو وجود ندارد با تو مواخذه می‌کنم و با تو می‌بخشم با تو به یگانگی شاخته می‌شوم و با تو پرمستیده می‌شوم با تو خواننده می‌شوم و با تو به من پناه می‌آورند و در بهر من هستند با تو از من می‌ترسند و بسمای می‌مانند و ثواب و عذاب با تو است»

فصل دوم: ارزش عقل

۱/۲. هدیه‌ای از سوی خداوند

۴. پیامبر خدا ﷺ: عقل، ارمان خداوند است

۲/۲ بهترین بخشش

۵. پیامبر خدا ﷺ: خداوند، چیزی با ارزش‌تر از عقل، در میان بندگان تقسیم نکرد از این رو جواب خردمند، برتر از بیداری نادان است و خورده خردمند، برتر از پرورده نادان است و پر جا بودنی خردمند، برتر از به حرکت در آمدن نادان

۳/۲ ریشه انسان

۶. پیامبر خدا ﷺ: ای گروه قریش! همد تبار آدمی، دیس اوست و حوا مردی‌اش، خُلق و حوی

۱. الاصل ص ۱۲۷ ح ۱

۲. شعب الإسلا ح ۵ ص ۲۸۸ ح ۷۰۶۰

۳. المحاسن ج ۱ ص ۳۰۸ ح ۶۱۹

دینه، و مَرُوهُ تَهْ حُلُقَهُ، و رُصْلُهُ عَقْلُهُ.^۱

اوست و سیدش عقل اوست

۴/۲ هَدِيقُ الْفَرِّ

۲/۲ دوست انسان

۷. رسول الله ﷺ هَدِيقُ كُلِّ امْرِئٍ عَقْلُهُ، وَغَدُوهُ جَهْلُهُ.^۲

۷. پیامبر خدا ﷺ دوست هر انسانی، عقل او و

دشمنش جهل اوست

الفصل الثالث. الحث على التعقل والتفكر والتفقه

فصل سوم. تشویق بر خردورزی،

تفکر و ژرف‌اندیشی

۱/۳ التَّعْقُلُ

۱/۳ خردورزی

الكتاب

قرآن

﴿كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾^۳

﴿بدین گوید. خداوند آیات خود را برای شما بیان می‌کند

پاشد که بیندیشید﴾

الحديث

حدیث

۸ رسول الله ﷺ لَمْ يُعَدِّ اللَّهُ شَيْءًا أَسْفَلَ مِنَ الْعَقْلِ^۴

۹ عنه ﷺ - لِحَنِی ﷺ - : يَا عَلِيُّ، إِذَا تَقَرَّرَ الْعِبَادُ

إِلَى خَالَئِهِمْ بِالرَّيِّ تَقَرَّبَ إِلَيْهِ بِالْعَقْلِ تَجِبُهُمْ^۵

۱۰ عنه ﷺ جَدُّ الْمَلَائِكَةِ وَاجْتَهَدُوا فِي طَاعَةِ اللَّهِ

بِالْعَقْلِ، وَجَدُّ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ بَنِي آدَمَ وَاجْتَهَدُوا فِي

طَاعَةِ اللَّهِ عَلَى فِدْرِ عُقُولِهِمْ، فَأَعْمَلُهُمْ بِطَاعَةِ اللَّهِ

أَوْفَرَهُمْ عَقْلًا^۶

۸. پیامبر خدا ﷺ خدا با چیری بهتر از خرد،

بندگی همی‌شود

۹. پیامبر خدا ﷺ - به علی ﷺ - ای علی! هر گاه

بندگان با یکی کردن، به آفریدگار خویش نزدیک

شوند، تو با خردورزی به او نزدیک شو تا در آن

پیشی‌گیری

۱۰. پیامبر خدا ﷺ هرشتگان، با خرد، در فرمان‌برداری

از خداوند، کوشش و تلاش کردند و انسان‌های

مؤمن سیر به اندازة خردشان، در راه طاعت

خداوند کوشش و تلاش نمودند پس، از میان

آنان، کسانی بیشترین فرمان‌برداری از خداوند را

به‌خای آوردند که بیشترین بهره‌ر از خرد داشتند.

۲/۳ التَّفَكُّرُ

الكتاب

﴿وَسُحَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا

۱ التکفیر ج ۸ ص ۱۸۱ ح ۲۰۳

۲ المحاسن ج ۱ ص ۳۰۹ ح ۶۱۰

۳ البقرة ۲۱۲ ۴ التبعات ص ۴۳ ح ۱۷

۵ مشکاة الأئمة ص ۴۹ ح ۱۱۷۶

۶ تیسر المطالب ص ۳۱۳

۲ ۳ تفکر

قرآن

﴿و آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است، به سود

فَهِيَ إِنْ هِيَ ذَلِكَ لَا يَتَلَقَّوْنَ لِقَاؤُهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»

الحدیث

شما رام کرد همه از اوست، قطعاً در این [امر] برای
مردمی که می‌اندیشند، شانه‌هایی است.

حدیث

۱۱ رسول الله ﷺ أَصْدَقُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَشَدَّهُمْ تَفَكُّرًا
هِيَ أَمْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ^۱

۱۱ پیامبر خدا ﷺ راستگوترین مؤمنان در ایمان،
کسی است که بیشتر در مسئله دنیا و آخرت
اندیشد

۱۲ عنه ﷺ لَا عِبَادَةَ مِثْلَ التَّفَكُّرِ^۲

۱۲ پیامبر خدا ﷺ هیچ عبادتی، چون اندیشه کردن
بست

۱۳ عنه ﷺ التَّفَكُّرُ حَيَاةُ قَلْبِ الْبَصِيرِ كَمَا يَمْشِي الْمُسْتَبِيرُ
فِي الظُّلُمَاتِ بِالنُّورِ، فَعَلَيْكُمْ بِخُصِي الثَّخَلُصِ وَبِئْسَ
الْتَّرْتُّصِ^۳

۱۳ پیامبر خدا ﷺ اندیشه، [مایه] حیات قلب‌ساست،
چنان که طالب روشایی، با نور در تاریکی راه
می‌رود پس سر شما باد بیک ره شدن [از]
کار یکی‌ها] و کم درنگ کردن [در راه]

۳/۳ التَّفَقُّه

الكتاب

«وَهُوَ الَّذِي أَمَّاكُمْ مَرُّ ثُفَيْرٍ وَحَدَّةٍ فَطُفَيْرٍ
وَمُسْوَدِّغٍ فَذُفَيْرٍ الْأَيْتُ لِقَاؤُهُمْ يَفْهَوْنَ»^۴

۳۳۳ ژرف‌اندیشی

قرآن

الحدیث

«وَأَوْ هَانُ كَسَى لَيْتَ كَمَا شَا رَا رِيكُ نِي، يَدِيدُ أَوْرِدُ
بِسَ [برای شما] فراگاه و محل امانتی [ملزوم] کرد،
بی‌تردید ما آیات [خود] را برای مردمی که می‌فهمند،
به روشنی بیان کردیم»

۱۴ رسول الله ﷺ قُلْتُ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْحِكْمَةِ كَيْسٌ
خَرِبٌ، فَتَعَلَّمُوا وَعَلِّمُوا وَتَفَقَّهُوا وَلَا تَمُوتُوا عَنْهَا لَا
فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَحْدِثُ عَلَى الْجَهْلِ^۵

حدیث

۱۵ عنه ﷺ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا الْعِلْمُ بِالنُّفُسِ، وَهِيَ
بِالتَّفَقُّهِ^۶

۱۵ پیامبر خدا ﷺ دلی که در روش حکمت بست،
مسلک حائزای ویران است پس بیاموزید و
امورشی دهید و دین‌شمار گردید و نادان نمیرید؛
چرا که خداوند، عذر نادانی را نمی‌پذیرد

۱ الجایة ۱۳

۲ اعلام‌الذین ص ۲۷۳

۳ کتاب من لا یحضره الفقه ج ۱ ص ۳۷۲ ح ۵۷۶۲

۴ الکافی ج ۲ ص ۵۹۹ ح ۲

۵ الامام ۹۸

۶ کفر العیال ج ۱ ص ۱۶۷ ح ۲۸۷۵۰

۷ المعجم الکبیر ج ۱۹ ص ۳۹۵ ح ۹۲۹

۱۵ پیامبر خدا ﷺ ای مردم! همان دانش، با آموختن،
حاصل می‌شود و دین‌شناسی، با ژرف‌اندیشی

۴/۳. تَحْذِيرُ تَرْكِ التَّعَقُّلِ

الکتاب

﴿قَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ
الشَّعِيرِ﴾^۱

الحديث

۱۶ رسول الله ﷺ: إِسْتَرِشِدُوا الْعَقْلَ تَرشِدُوا، وَلَا تَعَصُوا
فَتَذَمُّوا^۲

۵/۳. ذَوْرُ الْعَقْلِ فِي خِزَاءِ الْأَعْمَالِ

۱۷ رسول الله ﷺ: إِذَا بَلَغَكُمْ عَنْ رَجُلٍ حُسْنُ حَالٍ
فَانظُرُوا فِي حُسْنِ عَمَلِهِ، فَإِنَّمَا يُجَارِي بَقِيَّةَ^۳

۱۸ عنه ﷺ: إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ كَثِيرَ الصَّلَاةِ كَثِيرَ الصِّيَامِ،
فَلَا تُبَاهُوا بِهِ حَتَّى تَنْظُرُوا كَيْفَ عَمَلُهُ^۴

الفصل الرابع عوامل تقوية العقل

۱/۴ العلم

۱۹ رسول الله ﷺ: إِنَّ الْعِلْمَ حَيَاءُ الْقُلُوبِ مِنَ الْجَهْلِ،
وَحَيَاءُ الْأَبْصَارِ مِنَ الظُّلُمِ، وَمَوَهُ الْأَبْدَانِ مِنَ الصُّعْبِ^۵

۲/۴ التقوى

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا
وَيُخَفِّضْ عَنْكُمْ سِنْيَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ

۱ الملت ۱۱

۲ كثر التواتر ج ۲ ص ۳۱

۳ للكافي ج ۱ ص ۱۲ ح ۹

۴ الكافي ج ۱ ص ۲۶ ح ۲۸

۵ الامالي للطوسي - ص ۴۸۸ ح ۱۰۶۹

۴/۳. هشدار درباره ترک خرددورزی

قرآن

﴿و [جهلیان] اگر بیند [و پذیرفته] بودیم یا
نمقل کرده بودیم، در [میان] دورخیان بودیم﴾^۱

حدیث

۱۶ پیامبر خدا ﷺ: از خرد، راه‌مائی بگیری تا به رُشد
برسی و از خرد، سافرمائی مکسید که پشیمان
می‌شوی

۵/۳. بخش خرددورزی در پاداش اعمال

۱۷ پیامبر خدا ﷺ: اگر از رفتار بیکوی شخصی به شما
خبر رسید، در بیکویی خردش بگریید چرا که به

اظهار خردش پاداش داده می‌شود

۱۸ پیامبر خدا ﷺ: اگر فردی را بسیار نمازگزار و بسیار
روزه‌گیر یافتید، به وی مبالید، تا وقتی که در
جگونی خردش بگریید

فصل چهارم عوامل تقویت عقل

۱،۴ دانش

۱۹ پیامبر خدا ﷺ: دانش، مریه زندگی دلب [اورها]
شدن [از نادانی است، و نور چشمان است از
تاریکی، و بیرومندی بدن است از مانوانی]

۲/۴ پروا پیشگی

﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از خدا پروا بدارید،
برای شما [بیروی] تشخیص [حق از باطل] قرار
می‌دهد و گناهاتتان را از شما می‌داند و شما را

الْعَظِيمُ^۱

من آمرد و خدا دارای بخشش بزرگ است»

۳/۴ تلاوة القرآن

۳/۴ تلاوت قرآن

۲۰ رسول الله ﷺ عَلَيْكَ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ مِثْلَهُ نُورٌ لَدَى فِي الْأَرْضِ، وَنُفْخَةُ لَكَ فِي السَّمَاءِ^۲

۲۰ پیامبر خدا ﷺ بر تو ماد تلاوت قرآن؛ چرا که در زمین برایت نور است و در آسمان، برایت اندوخته

۴/۴ الجهاد في سبيل الله

۴/۴ جهاد در راه خدا

۲۱ رسول الله ﷺ مَنْ رَمَى بِشَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَانَ لَهُ نُورٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۳

۲۱ پیامبر خدا ﷺ کسی که در راه خدا تیراندازی کند، برای او نوری در قیامت خواهد بود

الفصل الخامس - علامات العقل

فصل پنجم نشانه‌های عقل

۱/۵. آثار العقل ومركباته

۱/۵ آثار و فواید عقل

أ- عقاب الجاهل

الف - مهار شدن جاهل

۲۲ رسول الله ﷺ إِنَّ الْعَقْلَ عِقَابٌ مِنَ الْجَهْلِ، وَالْجَهْلُ مِثْلُ أَحَبِّ الدَّوَابِّ، فَإِنْ لَمْ تُعْقَلْ حَازَتْ، قَسَا الْعَقْلَ عِقَابٌ مِنَ الْجَهْلِ^۴

۲۲ پیامبر خدا ﷺ عقل، مازدارنده از جهل است و نفس، به سان پمیدترین چارپاست که اگر مهار نگیرد، سرگردان می‌شود پس عقل، مهار نادانی است

ب- معرفة الله

ب - شناخت خدا

۲۳ تحف العقول قديم المدينة رَجُلٌ نَصْرَانِيٌّ مِنْ أَهْلِ نَجْرَانَ، وَكَانَ فِيهِ نِيَانٌ وَلَهُ وَقَارٌ وَهَيْبَةٌ، فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا أَعْقَلَ طَغَا النَّصْرَانِيُّ؟! فَرَحَّرَ الْقَائِلُ وَقَالَ: مَهْ إِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ وَحَّدَ اللَّهَ وَعَمِلَ

۲۳ تحف العقول - مردی مسیحی از اهل نجران، وارد مدینه شد وی مردی مسحور و با وقار و هبت بود

گفته شد: ای پیامبر خدا! چه قدر ایس

مسحی، خردمند است!

پیامبر خدا، گوینده را از سخن باز داشت و

فرمود: ساکت! خردمند، کسی است که خدا را به

۱ الامال ۲۹

۲ صحیح ابن حبان ج ۲ ص ۷۸

۳ الترغیب والترهیب ج ۲ ص ۲۸۱ ح ۱۸

۴ تحف العقول ص ۱۵

بطاعتیه^۱

یگانه‌گی باور کند و به پیروی از او پایبند باشد»

ج - فِکْرُهُ الْأَخْلَاقُ

ج - اخلاق شایسته

۲۱ - رسول الله ﷺ: «تَوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ يَصِفُ الْعَقْلَ»^۲

۲۴ پیامبر خدا ﷺ: مهربانی با مردم، یکی از حردمندی

است

۲۵ عنه ﷺ: «حَسَنُ الْأَدَبِ دَلِيلٌ عَلَى صِحَّةِ الْعَقْلِ»^۳

۲۵ پیامبر خدا ﷺ: ادب نیکو، نشانه سلامت حرد

است

د - التَّوَدُّدُ لِلْآخِرَةِ

د - توشه‌گیری برای آخرت

۲۶ رسول الله ﷺ: «مِنْ حُطَّتِهِ لَهُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ -: أَلَا وَلَيْدٌ

۲۶ پیامبر خدا ﷺ: در یکی از خطبه‌های روز

مِنْ عِلَامَاتِ الْعَقْلِ التَّجَافِي عَنْ دَارِ الْغُرُورِ، وَالْإِنَابَةُ

جمعه - بدایید که از نشانه‌های حردمندی،

إِلَى دَارِ الْحُلُودِ، وَالتَّوَدُّدُ لِشُكْسَى الْقُبُورِ، وَالتَّأَهُبُ

[دل] آمدن از خانه فریبده [ی دنیا] و رو کردن به

لِيَوْمِ الشُّعُورِ»^۴

سکوی جاودانه و توشه‌گیری برای حبه قبر و

ه - الْحُظْمُ بِالْحَبَّةِ

آبادگی برای روز رستاخیز است

۲۷ رسول الله ﷺ: «مَنْ وَصَّيْتُهُ بِسَطْرٍ عَقْلٌ

مَا اكْتَسَبَ بِهِ الْحَبَّةَ، وَطَلَبَتْ بِهِ رِضًا الرَّحْمَنُ»^۵

ه - راهبانی به بهشت

۲/۵. إِيْتِبَارُ الْعَقْلِ

۲۸ رسول الله ﷺ: «سَبْعَةُ أَشْيَاءَ تَدُلُّ عَلَى عَقُولٍ

أَصْحَابُهَا - الْمَالُ يَكْتَسِفُ عَنْ مِقْدَارِ عَمَلٍ صَاحِبِهِ،

وَالْحَاجَةُ تَدُلُّ عَلَى عَقْلِ صَاحِبِهَا، وَالْمُصِيبَةُ تَدُلُّ

عَلَى عَقْلِ صَاحِبِهَا إِذَا نَزَلَتْ بِهِ، وَالْعَصَبُ يَدُلُّ عَلَى

عَقْلِ صَاحِبِهِ، وَالْكِتَابُ يَدُلُّ عَلَى عَمَلِ صَاحِبِهِ،

وَالرُّسُولُ يَدُلُّ عَلَى عَقْلِ مَنْ رُسُلُهُ، وَالتَّهْمِيَّةُ تَدُلُّ

۲۷ پیامبر خدا ﷺ: در سفارش به علی ع: «حرد، آن

چیزی است که بهشت با آن به دست می‌آید و

حشودنی خداوند، با آن طلب می‌گردد»

۲/۵ آزمودن عقل

۲۸ پیامبر خدا ﷺ: هفت چیز بر حردمندی صاحبان

حرد، دلالت دارد: ثروت، از میزان حرد صاحب

مال، پرده بر می‌دارد؛ نیازمندی، بر حرد نیازمند،

دلالت دارد؛ بلا، بر خرد بلا دینه، دلالت می‌کند؛

و حشم، بر حرد حشم‌گی، دلالت دارد؛ نوشته

بر حرد نویسمه دلالت می‌کند؛ فرستاده، بر خرد

فرستنده، دلالت دارد؛ و هدیه، بر انتظار حرد

۱ تحف العقول ص ۵۴

۲ الکافی ج ۲ ص ۶۱۳ ح ۴

۳ إرشاد القلوب؛ ص ۱۹۹، ۴، أنوار الدین ص ۳۳

۵ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۳۶۹ ح ۵۷۶۲

عَلَى بِقَدَارِ عَقْلِ مُهْدِيهَا.^۱

هدیه دهد، دلالت می‌کند.

۳/۵. صفات العقلاء

۳/۵ ویژگی‌های عاقلان

۲۹ رسول الله ﷺ صفة العاقل أن يحتم عَشْرَ جِهَلٍ عَلَيْهِ، وَيَتَحَاوَزُ عَشْرَ ظَلَمَةٍ، وَيَتَوَاضَعُ بِمَنْ هُوَ دُونَهُ، وَيُسَابِقُ مَنْ فَوْقَهُ فِي طَلَبِ الْبِرِّ، وَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَنْكَلِمَ تَدَبَّرَ فَإِنْ كَانَ خَيْرًا نَكَلَّمَ فَحِيمًا، وَإِنْ كَانَ شَرًّا سَكَتَ فَصِيمًا، وَإِذَا عَزَمَتْ لَهُ شَيْءٌ سَقَطَ بِسَاقِهِ وَأَمْسَكَ يَدَهُ وَلِسَانَهُ، وَإِذَا رَأَى صِيفَةً سَهَرَهَا لَا يَمَارِقُ الْخِيَاءَ، وَلَا يَبْدُو مِنْ الْجِرَاحِ، فَيَنْتَدِي عَشْرُ جِهَالٍ يُعْرِفُ بِهَا الْعَاقِلُ.^۲

۲۹ پیامبر خدا ﷺ ویژگی خردمند، آن است که در برابر حماقت دادن، بردباری می‌کند؛ از آن که بر او ستم کرده، می‌گذرد؛ نسبت به بردستان، فروتنی می‌نماید؛ با بالادستان، در جستجوی خوبی، رقابت می‌ورزد؛ هرگاه خواست سخن بگوید، می‌اندیشد تا اگر خوب بود، بر زبان آورد و بهره‌جوید و اگر بد بود، سکوت کند و سالم بماند؛ اگر لعشگاری برایش پیش آمد، از خداوند، سلامت می‌طلبد و دست و زبان خود را بنگه می‌دارد؛ اگر تمییزی دید، به سرعت از آن بهرگز نمی‌گیرد؛ حیا از او جدا نمی‌شود و آزمندی از او بی‌طکار نمی‌گردد؛ ایها ویژگی‌های دهگانه‌ای هستند که خردمند، با آنها شناخته می‌شود.

۴/۵. أَعْقَلَ النَّاسِ

۳۰ رسول الله ﷺ أَكْمَلَ النَّاسِ نَفْعًا أَحْوَدُهُمْ لِنَفْسِهِ وَأَحْوَدُهُمْ^۳

۴/۵. عاقل‌ترین مردم

۳۰ پیامبر خدا ﷺ کامل‌ترین مردم در خرد، کسی است که از خداوند، بیشتر هراس دارد و از او بیشتر ادعت می‌کند.

۳۱ عَنْهُ ﷺ أَعْمَلَ النَّاسِ أَنْفُسَهُمْ مُدَارَةً لِنَفْسِهِ^۴

۵/۵. مَا يَحْتَ عَلَى الْعَاقِلِ

الكَدْبُ

﴿قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ عَثَرُهُ الْخَبِيثُ تَتَلَوَّى اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتْلَحَّوْنَ﴾^۵

۳۱ پیامبر خدا ﷺ خردمندترین مردم، کسی است که بیشتر با مردم مدار کند.

۵/۵ آنچه بر عاقل، واجب است

قرآن

الحديث

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَتْلُوا الْقُرْآنَ بِلُحُونِكُمْ وَتِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ﴾^۶

۳۲ تحف العقول قَالَ [رَسُولُ اللَّهِ ﷺ] أَرْبَعَةٌ تَلْزَمُ كُلَّ

حديث

۳۲ تحف العقول. پیامبر ﷺ هر مود ۱ چهار چیز بر هر

۱ معذب الجواهر ص ۶۰ ۲ بحف العقول ص ۲۸

۳ تحف العقول ص ۵۰

۴ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۳۹۵ ح ۵۸۱۰

۵ المائدة ۱۰۰

ذِي جَبْنٍ وَعَقْبٍ مِّنْ أُمَّتِي .

هوشیار و خردمندی از اُمت من، واجب است؛

قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا هُوَ؟

گفته شد، ای پیامبر خدا! آن چهار چیز،
کدام‌اند؟

قَالَ اسْتِمْاعُ الْعِلْمِ، وَحِفْظُهُ، وَبُشْرُهُ، وَالْعَمَلُ بِهِ^۱

فرمود: شنیدن دانش، نگهداری آن، شرف آن
و عمل بدان.

۶/۵. مَا يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ

۳۳ رسول الله ﷺ - فِي وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ ﷺ - يَا عَلِيُّ

۵/۶ آنچه شایسته عاقل است

لَا يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ ظَالِمًا لِأَمِي تِلَاثٍ مَرَّتَيْنِ
لِمَعَانِي، وَتَزُودٌ لِمَعَادٍ، أَوْ لَذَّةٌ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ^۲

۳۳ پیامبر خدا ﷺ - در سفارش به علی ﷺ - سرافراز
نیست که خردمند، جز در طلب سه چیز، گام بر
دارد: گذران زندگی، فراهم کردن نوشهٔ احترام، و
به دست آوردن لذت غیر حرام

۳۴ عَنْهُ ﷺ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ تَكُونَ بَصِيرًا بِرَمَانِهِ^۳

۳۴ پیامبر خدا ﷺ، بر خردمند است که به رمانهٔ خویش
بصیر باشد

۳۵ عَنْهُ ﷺ رَأْسُ الْعَقْلِ بِعَدِّ الْإِيمَانِ بِأَقْبَى مُدَارَةِ النَّاسِ
فِي غَيْرِ تَرْكِ حَقٍّ^۴

۳۵ پیامبر خدا ﷺ اوج خردمندی، پس از ایمان به
حدود و مدارا کردن با مردم، جز در مورد
مخالفت با حق است

الفصل السادس. آفات العقل

الكتاب

فصل ششم. آسیب‌های عقل

﴿الَّذِينَ يُجْبِلُونَ فِي عِلِّيَّتِ اللَّهِ بِغَيْرِ مَلْطَمٍ أَسْعَمَهُمْ
كَثْرَ مَلْطَمًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ النَّبِيِّ عَامِنُوا كَذَلِكَ بِطَلْعِ
اللَّهُ عَلَى كُلِّ لَظٍ مِّنْكَتَنِي حَمَارٍ﴾^۵

قرآن

الحدیث

۳۶ رسول الله ﷺ مَنْ قَارَفَ دُنْيَا فَارَقَهُ عَقْلٌ لَا يَرْجِعُ
إِلَيْهِ أَبَدًا^۶

﴿کسانی که دربارۀ آیت خدا - بدون هیچی که برای آنان
آینده باشد - مجادله می‌کنند، [این سیره] در نزد خدا و
برد کسانی که ایمان آورده‌اند، [ما به] عدلوتی برگزیده است.
پس بگویند، خدا بر دل هر متکبر و دورگوی مهر می‌دهد﴾

حدیث

۳۶ پیامبر خدا ﷺ آن که مرتکب گاهی شود، خردی
را کوی خدا می‌شود که هرگز به سویش باز
نمی‌گردد

۱ تحف العقول ص ۵۷

۲ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۳۵۶ ح ۵۷۶۲

۳ الحاصل ص ۵۲۵ ح ۱۳

۴ تحف العقول ص ۴۲

۵ ظفر ۳۵

۶ المعجزة الیوم ج ۸ ص ۱۶۰

الفصل السابع: الجهل

فصل هفتم: جهل

۱/۷ التَّحذِيرُ مِنَ الْجَهْلِ

۱/۷ هشدار درباره جهل

الكتاب

قرآن

﴿إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضُّمُكُ الَّذِي يُدْبِرُ
لَا يُعْقَلُونَ﴾^۱

﴿قطعاً بدترین حیوانات نزد خدا، کمان و لالائی‌اند که
می‌اندیشند﴾

الحديث

حدیث

۳۷ رسول الله ﷺ يا عَلِيُّ، لَا فَرْقَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ،
وَلَا مَالٌ أَعْوَدُ مِنَ الْعَقْلِ^۲

۳۷ پیامبر خدا ﷺ ای علی! هیچ تنگ‌دستی‌ای، بدتر
از نادانی نیست و هیچ سرم‌پای، سودمندتر از
خردمندی نیست

۳۸ عَنْهُ ﷺ مَا أَعْرَأَ اللَّهُ بِجَهْلٍ قَطُّ، وَلَا أَدَلَّ بِحِلْمٍ قَطُّ^۳

۳۸ پیامبر خدا ﷺ خداوند، هیچ کس را به سبب
بی‌دانی، عزیز نکرد و هیچ کس را به سبب
بی‌دلی، حوار نساخت

۲، ۷ وَجُودُ الْهَجْرَةِ مِنْ قُرَى الْحُفَالِ

۳۹ پیامبر خدا ﷺ بدی دنیا و آخرت، با نادانی است،

۱۰ رسول الله ﷺ - هِيَ وَجِيبَةٌ لِعَلَى ﷺ - يَلْزَعُ عَلِيُّ،

۲/۷. نروم کوچ از حوامع جاهل

لَا تَسْكُرُ الرُّشَاقَ، فَإِنَّ شُيُوعَهُمْ جَهْلَةٌ، وَشُبَّانُهُمْ
عَرْمَةٌ، وَسَوَانُهُمْ كُشْفَةٌ، وَالْعَالِمُ بَيْنَهُمْ كَالْحَمِيمَةِ بَيْنَ
الْكِلَابِ^۴

۲ پیامبر خدا ﷺ - در سعادش به علی ﷺ - ای علی!
در روستا|هایی که تحصیل دانش در آنها مقدور
نیست|سکونت مکن، چرا که پیرانش، نادان‌اند و
جوانانش، شرور و ریشخ، بی‌حجاب، و عالم در
میان آنها چو نان لاشه مُرداری است در میان سگان.

الفصل الثامن: علامات الجاهل

فصل هشتم: نشانه‌های جاهل

الكتاب

قرآن

﴿وَيَذَرُ قَبْلَ نَهْمٍ أَتَعْبُوا مَا أَمَرَ اللَّهُ فَأَلَوُ بَلْ سَخَعَ مَا
أَلْفِينَا عَلَيْهِ ءَابَاءُنَا أُولُو كَان ءَامَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ

۱ الا مائ ۷۲

۲ التکوی ج ۱ ص ۲۵ ح ۲۵

۳ التکوی ج ۲ ص ۱۱۲ ح ۵

۴ روضة الواعظین ص ۱۷

۵ جامع الأخبار ص ۳۹۱ ح ۱۰۹۱

﴿و چون به آنان گفته شود، «از آنچه خدا نازل کرده است،

پیروی کنید، می‌گویند به؛ بلکه از چیزی که پدران

خود را بر آن یافته‌ایم، پیروی می‌کنیم. آیا هر چند

شَيْئًا وَلَا يُلْتَذَرُونَ^۱

الحدیث

۴۱ رسول الله ﷺ إِنَّمَا يُدْرِكُ الْحَيْرُ كُلَّهُ بِالْعَقْلِ، وَلَا دِينَ

بِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ^۲

۴۲ . عَنْهُ ﷺ أَطِيعِ رَبَّكَ نُسَمُنِي عَافِلًا، وَلَا تَعْصِهِ تُنْسِنِي

جَاهِلًا^۳

۴۳ هُوَ ﷺ - لَيْسَ سَأَلُهُ عَنْ أَعْلَامِ الْجَاهِلِينَ - بِنَ صَحْبَةٍ

عَنَّاكَ^۴ وَإِنْ اعْتَرَقَتْكَ شَمَكٌ، وَإِنْ أَعْطَاكَ مَنْ غَلِيكَ،

وَإِنْ أَعْطَيْتَهُ كَفَرَكَ، وَإِنْ سَرَرْتَ إِلَيْهِ حَاتَكَ، وَإِنْ أَسْرَأَ

إِلَيْكَ أَتَهْمَكَ وَإِنْ اسْتَمْسَى بَطِيرٌ وَكَانَ قَطًا غَلِيظًا، وَإِنْ

اِنْتَفَرَ جَنَحَهُ سَمَتْهُ آفَةٌ وَلَمْ يَشْعَرْجْ، وَإِنْ فَرَحَ أَمْرٌ

وَعَلِمِي، وَإِنْ خَرِبَ أَيْسَى، وَإِنْ ضَجَّكَ هَوًى^۵، وَإِنْ تَكُنَىحَارًا^۶، يَقَعُ فِي الْأَبْرَارِ، وَلَا يُحِبُّ اللَّهُ وَلَا يُؤْتِيهِمْ وَلَا

يَسْتَحْيِي مِنْ اللَّهِ وَلَا يَذْكُرُهُ، وَإِنْ أَرْضَيْتَهُ مَذْحَكَ وَمَالَ

فِيكَ مِنَ الْخَسْبَةِ مَا لَمْ يَسْ هِيكَ، وَإِنْ سَحِطَ عَلَيْكَ

ذَهَبٌ مَذْحَكَهُ وَوَقَعَ مِنَ السُّوءِ مَا لَيْسَ هِيكَ، فَهَذَا

مَجْرَى الْجَاهِلِ^۷

۱ القرآ ۱۷

۲ تحف الموعود ص ۵۱

۳ حلیة الأولیاء ج ۶ ص ۳۴۵

۴ یقاله لقیبت من ملا ی علیه وعناء فی ثغابا (لسان العرب ج ۱۵ ص ۱۰۱)

۵ القهوی الامتلاء (المصالح ج ۱ ص ۱۵۴۵) والمراد به هنا انه فتح له وامتلا من الضحك

۶ بحر الخمر والرجل یخمر یخمره صعب وانکسر، بحر الخمر یخمر یخمره صاح (المصالح ج ۲ ص ۶۵۱)

۷ تحف الموعود ص ۱۸

پدرانشان چیرگی را درک نمی‌کرده و به راه صواب

نمی‌رفت‌مانند [، باز هم در خور پیروی هستند]؟

حدیث

۴۱ پیامبر خدا ﷺ تمام حوییی‌ها، با حرد به دست

می‌آید و کسی که حردمند نیست، دین ندارد

۴۲ پیامبر خدا ﷺ پروردگارت را اطاعت کسی با

حردمند نایمده شوی، و او را نافرمانی ممکن که

بدان نایمده می‌شوی

۴۳ پیامبر خدا ﷺ - در پاسخ کسی که از نشانه‌های

بدان پرسید - اگر با او هم‌مشین شوی، تو را

حسنه می‌کند و اگر از او کناره‌گیری کنی، تو را

دشنام می‌دهد. اگر چیرگی را به تو ببخشد، منت

ملی‌گذاشت و اگر چیرگی را به او ببخشی، ناسپاسی

می‌کند. اگر رازی را در اختیارش بگذاری،

تو را به افشای آن [متهم می‌سازد. گر بی‌بیار شود،

ناسپاسی می‌کند و سرسخت و حشن می‌گردد و

اگر ننگ‌دست شود، بی‌پروا سمعت‌های خدا را

انکار می‌کند. اگر شاد باشد، ریاده روی می‌کند و

طعیان می‌ورزد، و گر غمگین باشد، ناامید

می‌گردد. اگر بخندد، فقهه می‌رند و اگر گریه

کند، در هم شکسته می‌شود. از نیکان، بدگو بی

می‌کند. خدا را دوست نمی‌دارد و در رفتارش، او

را در نظر نمی‌گیرد. از خداوند، حیا نمی‌کند و به

پاد او نیست. اگر او را احشود کنی، تو را می‌ستاید

و آنچه از حوییی‌ها در تو نیست، به تو نسبت

می‌دهد، و اگر ناراضی گردد، ستایش او می‌رود و

آنچه از بدی در تو نیست، به تو نسبت می‌دهد.

این، روش بدان است

۴۱ عنه ﷺ كفى بالإعترار بالله جهلاً^۱

۴۵ عنه ﷺ مَنْ لَمْ يَزَلْ فِي عِبْدَةِ بَعْدَهُ إِلَّا فِي مَطْعَمٍ وَمَشْرَبٍ، قُلَّ عِلْمُهُ وَكَثُرَ جَهْلُهُ^۲

الفصل التاسع ما ينبغي للحاهل

۹. ۱. التَّعَلُّمُ

۴۶ رسول الله ﷺ مَنْ لَمْ يَهْجِرْ عَنِّي ذَلِكَ التَّمْلُكُ سَاعَةً، بَقِيَ فِي ذَلِكَ الْجَهْلِ أَبَدًا^۳

۴۷ عنه ﷺ لَا يَنْبَغِي لِلْعَامِ أَنْ يَسْكَبَ عَلَى عِلْمِهِ، وَلَا يَنْبَغِي لِلْجَاهِلِ أَنْ يَسْكَبَ عَلَى جَهْلِهِ قَالَ لَقَدْ حَسُّ بِكَرُهُ «مَسْئَلُوا أَهْلَ الدُّخَانِ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»^۴

۹. ۲. الْوُقُوفُ عِنْدَ الشُّبُهَةِ

۴۸ رسول الله ﷺ - لِعَبِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - بِأَعْلَى مِنْ صِفَاتِ الْمَوْتِ أَنْ يَكُونَ بَرًّا مِنَ الْمُحَرَّمَاتِ، وَبِقِصَابِ شُبُهَاتٍ^۵

الفصل العاشر ما ينبغي في معاشره

الحاهل

۱۰. ۱. السُّلَامُ عِنْدَ الْمُخَاطَبَةِ

الكتاب

«وَعِنْدَ الرُّخْمِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هُوًا وَإِذَا

۴۴ پیامبر خدا ﷺ برای نادانی، همین بس که [آدمی]

به [مهلتی که] خداوند [داده و در کیفر گناهان عجله نکرده] فریفته شود

۴۵ پیامبر خدا ﷺ آن که به سمعت خداوند را جر در

خوراکی و نوشیدنی نمی‌بیند، دانشش اندک و نادانی‌اش بسیار است

فصل دهم آنچه شایسته جاهل است

۱/۹. اُمُوحْتَنُ

۴۶ پیامبر خدا ﷺ کسی که ساعتی بر خواری فرا گرفت شکیب نوردد، همواره در خواری نادانی باقی می‌ماند

۴۷ علیه السلام سرور نیست عالم به دانش غنیمت، خاموشی گریزد^۱ و سرور نیست جاهل بر جهل خود، سکوت کند خداوند - که بزرگ همه - بدش می‌فرماید. «پس اگر می‌دانید از این ذکر، چوینا شوید»

۲/۹. درنگ کردن در موارد تردید

۴۸ پیامبر خدا ﷺ - به عبید بن جریح - از ویژگی‌های مؤمن، آن است که ... از حرام‌ها پاک باشد و در موارد تردید، توقف کند

فصل دهم آنچه در معاشرت با جاهل.

شایسته است

۱/۱۰. سلام کردن، هنگام رویارویی

قرآن

«و بتدگان خدای رحمان، کسانی‌اند که روی زمین به نرمی گام برمی‌دارند و چون نادانان، پیشان را طرف خطاب

۱ شعب الایمان ج ۱ ص ۵۷۲ ح ۷۱۶

۲ اعلام الدین ص ۲۹۲

۳ غوثی الاکبر ج ۱ ص ۲۸۵ ح ۱۳۵

۴ التحل ۴۳ و الأئوب ۷

۵ المعجم الأوسط ج ۵ ص ۲۹۸ ح ۵۳۶۵

۶ التمهید ص ۷۶ ح ۱۷۱

خَاطِبُهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا^۱

الحديث

۴۹ مسند ابن حنبل عن النعمان بن مقرن سب رجل رجلاً يده [] فجعل الرجل النسوب يقول: عليك السلام.

قال رسول الله ﷺ أما إن سلكا بينكما يدب عنك، كلما يمشيك هذا قال له: هل أنت، وأنت أحق به، وإذا قال له: عليك السلام قال: لا، بل لك أنت أحق به^۲

۲/۱۰ السُّكُوتُ عَبْدُ الصَّارِعِ

۵۰ رسول الله ﷺ إن موسى عليه السلام قال:

أوجسي

فقال البعشر: ... أهرض عن الجهال، وأسلم عن السفهاء، فإن ذلك فصل العلماء ورؤس العلماء، إذا شتمك الجاهل فاسكت عنه سلماً وجانبه حرماً، فإن ما بين من حمله عليك وشتمه إليك أكثر^۳

۳/۱۰ الإعراض

الكتاب

﴿خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾^۴

۱ الفرقان ۶۳

۲ كتابي المصدر، والصحيح قلت: كما في كثر المتأخر

۳ مسند ابن حنبل ج ۹ ص ۱۹۱ ح ۳۸۰۶

۴ مائة المعري ص ۱۴۱

۵ الأعراف ۱۹۹

قرار دهند، به ملائمت پاسخ می‌دهند

حدیث

۴۹ مسند ابن حنبل - به نقل از نعمان بن مقرن - مردی، شخصی را در نزد پیامبر ﷺ دشنام می‌داد و او در جواب می‌گفت: بر تو سلام!

پیامبر ﷺ [خطاب به فردی که با سلام، به دشنام دهده جواب می‌داد] فرمود: آگاه باش! فرشته‌ای در میان شما دو نفر است که از تو دفاع می‌کند. هر گاه او تو را دشنام می‌دهد، فرشته به او می‌گوید: تو چینی! بلکه تو سراوارتری، و وقتی تو در پاسخ می‌گویی: بر تو سلام، [آن فرشته] می‌گوید: نه! بلکه تو سراوار [سلام] هستی^۵

۲/۱۰ هاموشی، هنگام کشمکش

۵ پیغمبر خدا ﷺ موسی علیه السلام را ملاقات کرد و گفت: مرا پند ده

خضر علیه السلام گفت: ... از نادانان، کنار بگیر کن و در برابر اهلان، بردبار باش، زیرا این سرای بردباران، مصیبت و برای آگاهان، رست است اگر نادانی تو را دشنام داد، به ملائمت سکوت کن و با دوراندیشی، از او کنار بگیر! زیرا نوابی که از نادانی و دشنام او به تو برآید باقی مانده، بیشتر است^۶

۳/۱۰ کنارگیری

قرآن

﴿كَدَّبْتُ بِرُشْدِي، وَبِهِ [كَار] بِسَدِيدِهِ قَوْمَانِ دَاوُدَ وَآلِ

نَادَانِ رُخِ بَرَقَابِ﴾

الحديث

حديث

۵۱ رسول الله ﷺ إِنَّمَا النَّاسُ رَجُلَانِ مُؤْمِنٌ وَكَافِرٌ. فَلَا تُؤْذِي الْمُؤْمِنَ، وَلَا تُجَاوِرِ الْجَاهِلَ^۱

۵۱ پیامبر خدا ﷺ مردمان، دو گروه اند مؤمن و کافران مؤمن را آزار نده و با نادان، هم نشینی مکن

الفصل الحادي عشر: الجاهلية الاولى

فصل یازدهم جاهلیت نخست

۱/۱۱ معنى الجاهلية

۱/۱۱ معنای جاهلیت

الكتاب

قرآن

﴿وَلَنَزِّنَ فِي سُورَتِكَ وَلَا تُزَكَّرُ ثَمْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقْرَنَ الْأَضْوَاءَ وَالْعَيْنِ الزُّكُوءَ وَأَطْرَقَ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾^۲

﴿و شما [ای هسران پیامبر] در خانه هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت نخست، رست های خود را آشکار مکنید و سار برها دارید و رکعات بدهید و خدا و فرستاده اش را فرمان برید. حد فقط می خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بردارد و شما را پاک و پاکیزه گرداند﴾

الحديث

۵۲ رسول الله ﷺ إِنَّمَا سَعَبُ الْجَاهِلِيَّةِ نَحَبُ أَعْمَالِهَا،

حديث

وَجَهَالَةُ أَهْلِهَا...، إِنَّ أَهْلَ الْجَاهِلِيَّةِ عَبَدُوا غَيْرَ اللَّهِ^۳

۵۲ پیامبر خدا ﷺ [دوران قبل از اسلام] به جهت سستی کارها و نادانی مردمان آن، جاهلیت نامیده شد. به درستی که اهل جاهلیت، غیر خدا را پرستش کردند

۱ المعجم الأوسط ج ۸ ص ۳۰۲ ح ۸۶۹۸

۲ الأحزاب ۳۳

۳ تاریخ المدينة ج ۲ ص ۵۵۸

سخنن بر بارهٔ جاهلیت

قرآن، رورگر قل از اسلام عرب را، دورهٔ جاهلیت نامیده است و این، از آن جهت است که در آن رورگار، نه جای علم، نه جای حق، یک ملسه آرای سعبه و باطل بر آباد حکومت می کرده است. حامهٔ عرب در آن رورگار، از طرف جنوب، هم حور حشه بود و مردم حبشه نصرانی بودند، از طرف مغرب، به امپرتوری روم - که آنان بصرانی بودند - منتهی می شد و از طرف شمال، به یرل - که مجوسی بودند - محدود می گشت و در بواحی دیگر، هند و مصر - که بت پرست بودند - قرار داشت.

در میان خود عرب ها براطایفی از یهود رندگی می کردند. خود عرب ها دارای آیین بت پرستی بودند و عبت با رندگی قبیله ای سر می کردند. این اوصاع و شرایط، برای آباد یک حامهٔ ندوی و بی اساس که مخروطی از آباد و رسوم یهود و نصارا و مجوسی بود، نه وجود آورده بود و مردم بصر در نادانی و بی حری کاس به سر می بردند.

بر فابل بیادانگرد، رندگی پستی داشت، پیوسته گرفتار جنگ و عارت و چااول اموال و تجاوز به بوامیس یکدبگر بودند و هیچ گونه امیت و امنتهاری و یا صبح و صیدی در بین آباد نبود. آن کسی پیش می اصاد که چنگلی نیز تر می داشت و ریاست، از آب کسی بود که می توانست با رور، ناحیه ای را تسحیر کند. در بین مردان، فصیت این بود که حور بری کسد و تعصب حدهی داشته باشد و متکبر و معرور باشد، از ستمکاران پیروی کند، حقوق ستم دیدگان را پینال نماید، ظلم و تجاوز کند، قمار بیازد و شرابحوری کسد، زنا کند و مردار و خون و غرمای خشک بخورند.

ربان آباد هم، از مزایدی انسانی محروم بودند و به هیچ وجه مالک اراده و اعمال خود نبودند و به آنها ارث نمی رسید. مردان، بی حساب، ن می گرفتند، همان طور که یهود و بعضی از بت پرست ها عادت داشتند. در عین حال، رن ها خود را می آاسد و هر که ر دوست می داشتند، به خود می خواندند. ربا و بی ناموسی، در بین آباد رایج بود و حتی رن های شوهر دار هم آلوده بودند و بسا که در مراسم حج هم با بدب برهه شرکت می کردند. از بدبختی های بزرگ فرزدان، یکی هم ب بود که گاهی سرزمین های حرب و رعبی بی آب و علف، به مربع، گرفتار قحطی می شدند و کار به جایی می رسد که مردم از ترس فقر و تنگ دستی، فرزدان خود را می کشتند. دختران را بزرده به گور می کردند و بزرگ ترین حبر ناگوار، این بود که به کسی حبر دهد که رنش دختر زاییده است.

پس هرح و مریح عجیب، در پس هر جمعی از آداب، به صورتی حلو می‌کرد و در هر ناحیه‌ای از سرزمین شبه
جزیره عربستان، با آداب و مراسم عجیب و عقائد حرفی آداب، به وضعی در می‌آمد گذشته از این، همه آنها
گرفتار بلای بزرگی سوازی بودند و تعیم و نعم، حتی در شهرهای آنان وجود نداشت، تا چه رسد به عشایر و
قبائل.

تمام این احوال و اعمال و عادات و رسوم که برای آن ذکر کردیم، از اموری هستند که از آیات قرآن و
خطاباتی که متوجه آنها شده، به خوبی استنباط می‌شود.^۱



۲/۱۱. أخلاق الجاهلیة

الکتاب

﴿إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ فَأُنْزِلَ اللَّهُ سَاجِدَةً عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالرَّهْمَ كَفَّةً التَّقْوَى وَكَانُوا أَحْقَ مَا وَأَمَلَهُ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا^۱﴾

الحدیث

۵۳ رسول الله ﷺ مَنْ كَانَ فِي قَبْرِ حَبَّةٍ مِنْ حَرْدَلٍ مِنْ عَصِيَّةٍ بِحَسَنَةِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ أَعرَابِ الْجَاهِلِيَّةِ^۲

۳/۱۱. أعمال الجاهلية

أ- وأذ البیات

الکتاب

﴿وَإِذَا بَشَّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنْثَىٰ نَقِلَ وَجْهَهُ عُسُوذًا وَهُوَ كَقَلْبِهِ^۱ يَنْذُرُ مِنَ الْإِلْطَامِ مِنْ سُوءِ مَا يُنْقَضُ بِهِ أَيْفُسُكُهُ عَلَىٰ هَوًى أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ إِلَّا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ^۲﴾

الحدیث

۵۱ رسول الله ﷺ إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ عَلَيْكُمْ عُقُوقَ الْأُمّهَابِ. وَأَذَ الْبَيَاتِ وَمَعَ وَهَابٍ^۳

ب- النُّوْلُ

۵۵ دعائم الإسلام. إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ نَهَىٰ عَنِ التَّمَانِي

۲/۱۱. خوی‌های جاهلی

قرآن

﴿أَنْ گاه که کفران در دین‌های خود، تعصب، آن هم تعصب جاهلیت ورزیدند، پس خدا آرامش خود را بر فرستاده خویش و بر مؤمنان فرو فرستاد و آرمان تقوا را ملایم آنان ساخت، و [در واقع] آنان به [رعایت] آن [آرمان]، سرافراز و شایسته [انصاف به] آن بودند، و خدا سواره بر هر چیزی دانست﴾

حدیث

۵۳ پیامبر خدا ﷺ هر که در دل او به اندازه دانه حردلی تعصب باشد، خداوند او را در روز رستاخیز، با عرب‌های [عصر] جاهلیت محشور می‌گرداند.

۴/۱۱. کردارهای جاهلی

الف سریده به گور کردن دختران

قرآن

﴿و هر گاه یکی از آنان را به دختر مرده آورند، چهره‌اش سیاه می‌گردد در حالی که غشم [و اندوه] خود را فرو می‌خورد. از بدی آنچه بدتر بشارت داده شده، او قبیله [ی سرود] روی می‌پوشاند [که] آیا او را با خواری نگاه دارند، یا در خاک پنهانش کنند؟ و، چه بد فارسی می‌کنند﴾.

حدیث

۵۴ پیامبر خدا ﷺ: خداوند، نافرمانی از مادران (عاق مادران) و رنده به گور کردن دختران و اذان کردن حقوق واجب را بر شما حرام کرد

ب- جانوگری

۵۵ دعائم الإسلام: پیامبر ﷺ از تمائم و تبول، منع

۱ الفتح ۲۶ ۲ التکویم ج ۲ ص ۳۰۸ ح ۲

۳ النحل ۵۸ و ۵۹

۴ صحیح البخاری ج ۲ ص ۸۴۸ ح ۲۲۷۲

وَالْتَوَلَّ ۱ قَالَتُمَا نِيْمَ . مَا يُعَلِّقُ مِنَ الْكُتُبِ وَالْحَرِيرِ وَغَيْرِ
ذَلِكَ، وَالتَّوَلَّ مَا تَتَحَبَّبُ بِهِ السَّاءُ بِنِي أُرُوْجِهِيْنَ
كَالْكُهَانَةِ وَأَشْبَاهِهَا وَهِيَ عِي لَشَحْرِ ۲

۱/۱۱ مُحَقُّ الْإِسْلَامِ لِعَادَاتِ اجَاهِلِيَّةِ

۵۶. رسول الله ﷺ إِنَّ اللَّهَ يَكْرَهُ أَنْ يُدْعَى بِأَسْمَاءِ رَحِمَتِهِ لِلْعَالَمِينَ،
وَلَا مُحَقُّ الصَّارِفِ وَالْمَزَامِيرِ، وَأُمُورَ الْجَاهِلِيَّةِ
وَالْأَوْثَانِ ۳

۵۷. تفسیر القمی: حَجَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حَجَّةَ الْوُدَّاعِ لِشَمَامِ
عَشْرِ حِجَجٍ مِنْ مَقْدِمَةِ الْمَدِينَةِ، فَكَانَ مِنْ قَوْلِهِ بَيْنِي
أَنْ حَمِدَ اللَّهَ وَأَمْسَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ لَا وَكُلُّ مَا تَزُوْاو
بِدَعَةٍ كَانَتْ مِنَ الْجَاهِلِيَّةِ أَوْ دِمِ أَوْ مَا مِنْ فَهُوَ تُحِبُّ قَدِمْتِي
هَاسِبٍ، بَسَّ أَحَدًا أَكْرَمَ مِنْ أَحَدٍ لَا مَا تَعْوَى الْاَهْلُ
بُلْعَتُ ۴

وَالْوَا: نَقَم

قَالَ اللَّهُمَّ اشْهَدْ ۵

۱. التمانم جمع نسمة، وهي حر او كسب المرء، جمعها عسر
اولادهم يتكون بها العین فی رحمهم. لأبطلها الاسلام. وإنما
جمعها شركاً لأنهم أرادوا بها دفع المقادير المكتوبة عليهم
فطبوا دلع الأذى من عير الله الذي هو دافعه. وفي حديث
عبد الله بن مسعود عن النبي صلى الله عليه وسلم: حَسْبُكَ الْبُوءَةُ وَحَسْبُكَ الْوَدَّ
بِحَبِيبِ الْمَرْأَةِ إِلَى وَجْهِهِ مِنَ الْحَمْرِ وَغَيْرِهِ، جَعَلَهُ مِنَ الْبُوءَةِ
لَا عَمَلَهُمْ أَنْ ذَلِكَ يُوَثِّرُ وَيُفْعَلُ خِلَافَ مَا هَدَاهُ اللَّهُ تَعَالَى
(النهاية: ج ۱ ص ۱۹۷ و ۱۹۸ و ۲۰۰)

وَقَالَ الْقُتَيْبِيُّ: وَيَأْتِي الثَّوَلَةُ كَهَمْرَةٍ السَّحَرِ أَوْ شَهْدِ وَغَيْرِ
صَحِيبِ مَعَهَا الْمَرْأَةُ إِلَى وَجْهِهَا (القاموس المحيط: ج ۳
ص ۳۴۱)

۲. دهانم الإسلام ج ۲ ص ۱۶۲ ح ۲۹۷

۳. للكتلي ج ۶ ص ۳۹۶ ح ۱

۴. تفسیر القمی ج ۱ ص ۱۷۱

کرد «تمانم» مهره‌ها یا نوشته‌هایی هستند که به
خود او بران می‌کنند، و «تَوَلَّ»، کاری است که
ربان، برای محبوب بودن در نزد شوهرانشان
انجام می‌دهد (از قیل - فالگیری، طالع‌بینی و
مانند آن) و پیامبر ﷺ از سحر [بیر] منع فرمود.

۲/۱۱ محو عادات جاهلی از سوی اسلام

۵۶. پیامبر خدا ﷺ به راستی که خداوند، مرا رحمتی
برای جهانیان، معرفت کرد، و بدان جهت که سار
و جنگ‌ها و بی‌ها و سنت‌های جاهلیت و نیتان را
ناوود کسم

۵۷. تفسیر القمی: پیامبر خدا، در دهمین سال ورود به
مدینه، حجة الوداع را به جای آورد. بخشی از
انتخاب ایشان که در سرزمین مکه پس از حمد و
تثانی سوره بقره فرمود، چنین است:

«بدانید که هر افتخار یا بدعت جاهلیت و هر
حون و سنت جاهلیت، در زیر پای من است هیچ
کس شرافتی بر دیگری ندارد، جر به تقوا آید
بلاع کردم» ۶

گفتند آری

فرمود «خدا یا آگاه باش»

۵۸. رسول الله ﷺ إِنَّ اللَّهَ قَدْ وَضَعَ بِالإِسْلَامِ مَنْ كَانَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ شَرِيحاً، وَشَرَفَ بِالإِسْلَامِ مَنْ كَانَ فِي الْحَاوِلِيَّةِ وَصِيحاً، وَأَعَزَّ بِالإِسْلَامِ مَنْ كَانَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ ذَلِيلاً، وَأَذْهَبَ بِالإِسْلَامِ مَا كَانَ مِنْ نَحْوَةِ الْجَاهِلِيَّةِ وَتَفَاخَرُهَا بِمَشَائِرِهَا وَبِأَسْبَابِهَا فَانَاسَ النَّوْمَ كُلَّهُمْ - أَبْصَحَهُمْ وَأَسْوَدَهُمْ، وَقَرَّبَهُمْ وَعَرَّبَهُمْ وَعَجَمَهُمْ - بِسَ آدَمَ، وَإِنَّ آدَمَ خَلَقَهُ اللَّهُ مِنْ طِينٍ، وَإِنَّ أَحَبَّ النَّاسِ إِلَيَّ اللَّهُ النَّاسُ الْقِيَامَةُ أَطْوَعُهُمْ لَهُ وَأَتَقَاهُمْ^۱

۵/۱۱ ما أنبرم من سمن الجاهلية

۵۹. رسول الله ﷺ - فِي وَصِيَّتِهِ لِمَعَادٍ مِنْ حَتَلٍ لَمَّا بَحَثَهُ إِلَى الْمَوْتِ - أَمَرَ أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ إِلَّا مَا سَنَهُ لإِسْلَامُ، وَأَظْهَرَ أَمْرَ الإِسْلَامِ كُنْهُ صَغِيرُهُ وَكَبِيرُهُ^۲

۶۰. عَنْهُ ﷺ لَا جِلْفَ فِي الإِسْلَامِ، وَأَيْمًا حَلَفَ كَانَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ لَمْ يَرُدَّهُ لإِسْلَامُ إِلَّا شِدَّةً^۳

۶۱. عَنْهُ ﷺ أَلَا إِنَّ رَجَباً شَهْرُ اللَّهِ الْأَصَمِّ، وَهُوَ شَهْرٌ عَظِيمٌ، وَإِنَّمَا سُمِّيَ الْأَصَمُّ لِأَنَّهُ لَا يُقَارِنُهُ شَهْرٌ مِنَ الشُّهُورِ عِندَ اللَّهِ حُرْمَةً وَفَضْلاً، وَكَانَ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ يُعْظَمُونَهُ فِي جَاهِلِيَّتِهَا، فَلَمَّا جَاءَ لإِسْلَامُ لَمْ يَرُدُّ إِلَّا تَعْظِيماً وَفَضْلاً^۴

۶۲. الزَّهْدُ لِلْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ زُرَّارَةَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ﷺ: النَّاسُ يَرَوْنَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ

۱. التكملي ج ۵ ص ۳۴۰ ح ۱

۲. تصحیح المصنوع ص ۲۵

۳. صحیح مسلم ج ۴ ص ۱۹۶۱ ح ۲۰۶

۴. فضائل الأشهر الثلاثة ص ۲۴ ح ۱۲

۵۸. پیامبر خدا ﷺ به راستی که خداوند به سبب اسلام، آن را که در جاهلیت شریف بود، پست کرد و به سبب اسلام، کسانی را که در جاهلیت پست بودند، شرافت بخشید و به واسطه اسلام، کسانی را که در جاهلیت خوار بودند، عزیز ساخت و به واسطه اسلام، غرور جاهلیت و فخر فروشی به قبیله‌ها و بارهای برجسته را از بین برد

امروز، همه مردم، از سپاه و سعید و قریشی و عرب و هیر عرب، از نسل آدم‌اند و خداوند، آدم را از خاک امرید به درستی که محبوب‌ترین مردم در سرد خداوند در روز رستاخیز، پارساترین و پیروترین آنها نسبت به حد وید است

۵/۱۱ سنت‌های جاهلی تأیید شده و ماندگار

۵۹. پیامبر خدا ﷺ - در معارش به معاد بن حبل، هنگامی که او را به پهن فرستاد - رسم‌های جاهلیت را نابردگی، چو آنچه را که اسلام تأیید کرده است، و شئون اسلامی را آشکارگی، بزرگ و کوچک آن را

۶۰. پیامبر خدا ﷺ هیچ پیمانی [که سو پدید باشد] در اسلام نیامده است، و هر پیمانی که در جاهلیت، در امر حیر و باری کردن حق [بود، اسلام بر شدت آن افزوده است

۶۱. پیامبر خدا ﷺ بدانید که رجب، ماه بزرگ خدا (شهر الله الأصم) است و آن، ماهی بزرگ است و ماه رجب را «أصم» نامیده‌اند؛ زیرا هیچ ماهی در احترام و فصیلت، به پایه‌اش نمی‌رسد، مردمان جاهلیت، این ماه را بزرگ می‌شمردند پس هنگامی که اسلام آمد، بر بزرگی و فصیلت آن افزود

۶۲. الزهد، حسین بن سعید - به نقل از زراره - به امام باقر ع گفتیم مردم نقل می‌کند که پیامبر خدا

أَشْرَفُكُمْ فِي الْجَاهِلِيَّةِ أَشْرَفُكُمْ فِي الْإِسْلَامِ
فَقَالَ ﷺ صَدَقُوا، وَلَيْسَ حَيْثُ تَدْعُونَ كَأَنَّ
أَشْرَفَهُمْ فِي الْجَاهِلِيَّةِ أَسْحَاهُمْ نَعْسًا، وَأَحْسَنَهُمْ
حُلُقًا وَأَحْسَنَهُمْ جَوَارًا وَأَكْمَهُمْ أَذَى هَدْيِكَ الَّذِي إِذَا
أُسْلِمَ لَمْ يَرُدَّ إِلَّا حَيْرًا^۱

الفصل الثاني عشر الجاهلية الاخرى

۱/۱۲. الرُّجْعَةُ إِلَى الْجَاهِلِيَّةِ

الكتاب

«وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَلَا يَذَكَّرُ
أُولُو الْقُلُوبِ أَلَمْ نَقُلْكُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى
عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصْعُقَ اللَّهُ مِنْهُ شَيْئًا وَيَصْطَرِّقَ اللَّهُ
بِشْرَارِهِ»^۲

الحدیث

۶۳. رسول الله ﷺ نَعَثَ بَيْنَ جَاهِلِيَّتَيْنِ، لِأَمْرَاهُمَا شَرًّا
مِنْ أَوْلَاهُمَا^۳

۶۴. عَنِ النَّبِيِّ ﷺ إِنْ بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ لَأَيَّامٌ يَسْرُ فِيهَا
الْجَهْلُ، وَيَرْفَعُ فِيهَا الْعِلْمُ^۴

۲/۱۲ مَا يُوحِي الرُّجْعَةُ إِلَى الْجَاهِلِيَّةِ

أ- عَدَمُ مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ

۶۵. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ مَاتَ مَيِّتَةً

فرمود: اگر کسی تریں شما در جاهلیت،
گرمی تریں شما در دوران اسلام است»

امام باقر ﷺ فرمود: راست می‌گویید؛ و بی‌شک
آن گونه که شما گمان می‌کنید شریف‌ترین
مردمان در جاهلیت، کسانی بودند که از همه
بخشیده‌تر، خوش‌اخلاق‌تر، همایه‌دارتر و
بی‌ارادتر بودند. ایسان اگر اسلام بیاورند، اسلام
جز بر خوبی‌شان نمی‌افزاید»

فصل نوازدهم جاهلیت دوم

۱/۱۲ بازگشت به جاهلیت

مروئی

«وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَلَا يَذَكَّرُ
أُولُو الْقُلُوبِ أَلَمْ نَقُلْكُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى
عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصْعُقَ اللَّهُ مِنْهُ شَيْئًا وَيَصْطَرِّقَ اللَّهُ
بِشْرَارِهِ»^۲

حدیث

۶۳. پیامبر خدا ﷺ در میان دو جاهلیت برانگیخته
شدم که دومین آن، بدتر از اولی است

۶۴. پیامبر خدا ﷺ به درستی که پیش از رستاخیز،
روزگاری خواهد بود که نادانی، فرود می‌آید و
دانش، برچیده می‌شود

۲/۱۲ عوامل بازگشت به جاهلیت

الف- شناختن پیشوا

۶۵. پیامبر خدا ﷺ آن که بمیرد و امامی نداشته باشد،

۱. ترمذی للحسن بن سعید ص ۵۹ ح ۱۵۷

۲. آل عمران ۱۱۴

۳. الأمالی للشمس ج ۲ ص ۳۷۷

۴. صحیح البخاری ج ۶ ص ۲۵۹۰ ح ۲۶۵۳

جاهلیه^۱

به مرگ جاهلیت از دپ رفته است

۶۶ عَنْهُ ﷺ مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ مَاتَ مَيْتَةً

۶۶ پیامبر خدا ﷺ: آن که بمیرد و بر گردنش بیعت [به

امامی] نباشد، با مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

جاهلیه^۲

ب- باده نوشی

ب- شَرِبُ الْخَمْرِ

۶۷ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مُدِيرُ الْخَمْرِ يَلْقَى اللَّهَ كَمَا يَدْرِي^۳

۶۷ پیامبر خدا ﷺ می‌گسار، خداوند قدر را مانند

بت پرست، ملاقات می‌کند

۶۸ عَنْهُ ﷺ شَارِبُ الْخَمْرِ كَمَا يَدْرِي الْوُثْنِ، وَشَارِبُ الْخَمْرِ

۶۸ پیامبر خدا ﷺ می‌گسار، مانند بت پرست است

می‌گسار، مانند پرستنده لات و عزی [از بت‌ن

کَمَا يَدْرِي اللَّاتِ وَالْعُزَّى^۴

جاهلیت] است

۱ الکافی ج ۱ ص ۳۹۷ ح ۱

۲ صحیح مسلم ج ۳ ص ۱۵۷۸ ح ۵۸

۳ الکافی ج ۶ ص ۱۰۴ ح ۲

۴ الجامع الصغير ج ۲ ص ۷۴ ح ۴۸۵۳

معنای «علم» ، «حکمت» و «معرفة»

واژه «علم» در لغت ، به معنای دانستن و دانش و مقصود واژه «چهر» است همچنان که واژه «معرفت» و «عرفان» به معنای شناخت و آگاهی حاصل از آیه در آثار است معرفت و عرفان ، مقصود واژه «انکار» به واژه «حکمت» نیز در لغت ، از ریشه «حکم» به معنای «مسح» گرفته شده است و بر «حکم و دوری عادلانه ، مانع ظلم است همچنین ، دهه است و دیگر چار پذیر ، «حکمه» نامیده می شود ، چون مانع و مهاد کننده حیوان است بر این پایه ، علم ، «حکمت» نامیده شده است چون ر چهل عالم ، جلوگیری می کند

علم و معرفت ، در قرآن و حدیث

﴿قُلْ هَلْ يَسْمَوْنَ الَّذِينَ يَغْتَفُونَ وَأَنْدَبُوا لَا يَفْقَهُونَ فِقْهًا سَلَكُوا أَوْلُوا لَا تُبْ

بگر آیا دانایان و نادانان ، با هم برابرند ؟ تنها خود میدان ، سلاک می شوند﴾

هیچ مکنسی عاصه اسلام بری دانش و معرفت و آگاهی ، ارزش قائل نیست و هیچ دینی عاصه اسلام ، مردم را از خطر چهل ، بر حذر نداشته است از نظر اسلام علم (دانش) ، اساس همه ارزش ها و چهل (ب دانش و با آگاهی) ، ریشه همه معیشت و مقاصد فردی و اجتماعی است همچنین از نظر اسلام ، انسان در هر حرکتی بیار به شناخت و آگاهی دارد و عقاید ، اخلاق و اعمال انسان باید مدی علمی داشته باشد

از نظر اسلام ، دانش ، حقیقت و جوهری دارد و ظاهر و پوسه بی نوع دانش های رسمی ، اعم از اسلامی و غیر اسلامی ، پوسه دانش محسوب می شوند و حقیقت علم و معرفت ، چیر دیگری است چه این که حقیقت دانش ، بودی است که در پرتو آن ، انسان ، چهل را آن گونه که هست ، می بیند و جایگاه خود را در هستی می یابد نور دانش ، مراتبی دارد که بالاترین آن ، به تنها انسان را ، راه تکامل خود آشامی کند ، بلکه او را در این مسیر ، حرکت می دهد و به مقصد اعلای انسانیت می رساند

قرآن کریم ، ب صراحت از این نور ، سخن می گوید :

﴿أَوَمِنْ كَانِ مَثَافَاخِيفَةً وَحَقْلَانَا نُوْرًا يَنْشِيْ بِهٖ فِی الْاِنْسَانِ كَمِیْ مَثَقْلَةً فِی الْاُنْصَابِ لَيْسَ مَحَارِجَ مَثَقْلَةً ۚ

ای کسی که مرده تن بود و زنده اش کریم و برای او نوری بدد آوردم تا در پرتو آن در میان مردم برود چون کسی است که

گویند گرفتار در تاریکی هاست و از آن بیرون آمدنی نیست﴾

جوهر دانش است که به دانش ، برش حقیقی می‌بخشد؛ یعنی دانش را در خدمت انسان و در جهت تکامل و به‌روزی او قرار می‌دهد و بدون آن ، به تنها دانش ، فاقد خواص و آثار دانش می‌شود ، بلکه تبدیل به یک عنصر صدمه‌ارزش و صدمه‌انسانیت می‌گردد .

متأسفانه خطر بزرگی که امروز جامعه بشر را تهدید می‌کند ، این است که دانش ، رشد کرده ؛ ولی جوهر و جهت و خاصیت خود را از دست داده و در مسیر انحطاط و سقوط انسانی به کار گرفته شده است

با اندکی تأمل ، به سادگی می‌توان دریافت که در جهت امروز ، دانش ، چه آفتی را بر جامعه بشری تحمیل کرده است و شمشیر دانش در کف قدرت‌های بزرگ جهان ، چه به رور انسان آورده است

آب هون و ابزار دردی ، گرسنگی ، قتل و فساد را می‌توان دانش نامید؟ آیا دانشی که جامعه را به فساد و تاهی می‌کشد ، دانش و نور است ، یا جهل و ظلمت؟ این جاست که معنی صحیح دقیق پیامبر خدا مشخص می‌گردد که فرمود

إِنَّ مِنَ الْعِلْمِ جَهْلًا^۱

برخی از دانش‌ها ، نادانی است

واقعیت این است که دانش در دنیای امروز نادر دست داوران جوهر و جهت راستی خود ، به این سرخوش شوم گرفتار شده که همچون جهل ، گشوده و فاسد کننده و خائن‌سور گردیده است ؛ بلکه از جهل نیز دانا تر شده است . امام علی (ع) چه زیبا و دقیق فرموده است ؛

رُبَّ عَالِمٍ قَدْ قَتَلَهُ جَهْلُهُ ، وَ عِلْمُهُ مَعَهُ لَا يَنْصَعُهُ^۲

بسی دانشمند که نادانی‌اش او را کشته و دانشی که به همراه داشته ، او را سودی نبخشد ، است

حکمت ، در قرآن و حدیث

واژه «حکمت» ، بیست بار در قرآن کریم آمده است و خداوند متعال ، در این کتاب آسمانی ، ۹۱ بار ، خود را با صفت «حکیم» ستوده است .^۳

تأمل در موارد کاربرد این واژه در متون اسلامی ، نشان می‌دهد که حکمت از نگاه قرآن و حدیث ، عبارت است از «مقتضات محکم و استوار عمیق ، عملی و روشی برای نیل به مقصد والای انسانیت ، و آنچه حدیث اسلامی در تفسیر حکمت آورده‌اند ، در واقع ، مصداقی از مصادیق این تعریف کنی است

۲ هیچ‌الایله حکمت ۱۱۷

۱ سی‌این دلوود: ج ۴ ص ۳۰۳ ح ۵۰۱۲

۳ صفت «حکیم» در قرآن ۳۶ بار همراه با صفت «عظیم» ۴۷ بار ، صفت «عزیز» ، چهار بار ، صفت «حجیر» و یک بار همراه هر یک از

صفات «تواضع» ، «حجید» ، «عمی» و «وسع» آمده است

الباب الثالث

العلم والحكمة والمعرفة

الفصل الأول: الحث على طلب العلم

والحكمة

۱/۱ فضل العلم

۶۹ رسول الله ﷺ أَكْثَرُ النَّاسِ قِيَمَةً كَثَرَهُمْ عِلْماً، وَفَرْقُ النَّاسِ قِيَمَةً أَقَلُّهُمْ عِلْماً^۱

۷۰ عَنْهُ ﷺ الْعِلْمُ رَأْسُ الْحَيْرِ كُلِّهِ^۲

۷۱ عَنْهُ ﷺ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ نَدَاكَ الْعِلْمُ بَيْنَ عِبَادِي مِمَّا يَحِبُّ عَلَيْهِ الْقُلُوبُ الْمُتَيَّنَةُ إِذَا هُمْ اسْتَهْوَاهُ بَنِي أُمِّي^۳

۷۲ عَنْهُ ﷺ نِعَمٌ وَرَبُّ الْإِبْرَةِ الْعِلْمُ^۴

۷۳ عَنْهُ ﷺ الْعِلْمُ حَيَاءُ الْإِسْلَامِ وَبَسَادُ الْإِيمَانِ^۵

۷۴ عَنْهُ ﷺ أَفْضَلُكُمْ بِيَمَاناً أَفْضَلُكُمْ مَعْرِفَةً^۶

۷۵ عَنْهُ ﷺ مَنْ عَمَلَ عَلَى غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يُعْمِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُ^۷

۲/۱ فصل الحكمة

الكتاب

﴿يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ

۱ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۸ ص ۳۹۵ ح ۵۸۶۰

۲ جامع الاحادیث للقمی ص ۱۰۲

۳ الکافی ج ۱ ص ۱۰۱ ح ۶

۴ الکافی ج ۱ ص ۲۸ ح ۳

۵ الجامع الصغير ج ۲ ص ۱۹۲ ح ۵۷۱۱

۶ جامع الأخبار ص ۳۶ ح ۱۸

۷ الکافی ج ۱ ص ۱۵ ح ۳

باب دوم

علم، حکمت و معرفت

فصل یکم، تشویق به طلب علم و حکمت

۱/۱ ارزش علم

۶۹ پیامبر خدا ﷺ، بالارزش ترین مردم، دانشمندترین

آنهاست و کم‌ارزش ترین مردم، نادان ترین ایشان

۷۰ پیغمبر خدا ﷺ دانش، سرآمد هر گونه چیزی

است

۷۱ پیامبر خدا ﷺ خداوندی می‌فرماید که گنگوی

عمی در میان مدگانم، دل‌های مردم را حیات

می‌بخشد، آن‌گاه که در آن به امر می‌برسند

۷۲ پیغمبر خدا ﷺ دانش، دستاری بیکو برای ایمان

است

۷۳ پیامبر خدا ﷺ: دانش، [مدیة] حیات اسلام و ستون

ایمان است

۷۴ پیامبر خدا ﷺ مؤمن ترین شما، دانشمندترین

شماست

۷۵ پیامبر خدا ﷺ آن‌کس که بی‌دانش دست به

کاری بزند، بیش از آن که اصلاح کند، تباہ

می‌سازد

۲/۱ ارزش حکمت

قرآن

﴿خدا﴾ به هر کس که بخواهد، حکمت می‌بخشد و به هر

کس حکمت داده شود، به یقین خیری فراوان داده شده

خَيْرًا غَيْرًا وَمَا يَذْكُرُ إِلَّا أَوْلُوا الْأَلْسِبِ^۱

الحديث

حدیث

۷۶ رسول الله ﷺ إِنَّ لِلَّهِ حَقَّ الْإِسْلَامِ فَجَعَلَ لَهُ عَرَصَةً، وَجَعَلَ لَهُ نُورًا، وَجَعَلَ لَهُ حِصًّا وَجَعَلَ لَهُ بَصِيرًا فَأَمَّا عَرَصَتُهُ فَأَلْقُرَانٌ، وَأَمَّا سُوْرُهُ فَأَلْحِكْمَةُ، وَأَمَّا حِصَّتُهُ فَاسْمُ رُفٍّ، وَأَمَّا أَنْصَارُهُ فَأَبُو وَاهِلٌ بَيْتِي وَشَيْعَتَا^۲

۷۶ پیامبر خدا ﷺ: خداوند، اسلام را فرید پس برای آن، قمری بهاد و نوری گذاشت و دژی و باوری قلمرو آن، قرآن است و نور آن، حکمت و دژ آن، نیکی و و باورانش من و حامدانش و پیروانمان هستیم

۷۷ عَنْهُ ﷺ إِنَّ لِقَمَانَ قَالَ لِأَبِيهِ يَا بَنِي، عَنَيْتَ بِمَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ، وَاسْمِعْ كَلَامَ الْحُكَمَاءِ، فَإِنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْقُلُوبَ الْمَيِّتَ بِوَرِّ الْحِكْمَةِ كَمَا يُحْيِي الْأَرْضَ الْمَيِّتَةَ بِوَرِّ الْمَطَرِ^۳

۷۷ پیامبر خدا ﷺ لقمان به پسرش گفت، «پسرکما همواره در مجلس دانشمندان باش و سخنان حکماء را بشو که خداوند، قلب مرده را به نور حکمت، زنده می‌کند، همان گونه که زمین مرده را باران زنده می‌گرداند»

۷۸ عَنْهُ ﷺ الْحِكْمَةُ صَالَةُ الْمُؤْمِنِ^۴

۷۸ پیغمبر خدا ﷺ حکمت، گم‌شده مؤمن است

۳/۱ وَحُبُّ التَّعْلُمِ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ

۳/۱ وحب اموختن بر همه مسلمانان

۷۹ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ^۵

۷۹ پیامبر خدا ﷺ جستجوی دانش، بر هر مرد و مرد مسلمان واجب است

۸۰ عَنْهُ ﷺ طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ، إِلَّا بِنِيتَةٍ يُحِبُّ بَعَادَةَ الْعِلْمِ^۶

۸۰ پیامبر خدا ﷺ جستجوی دانش، بر هر مسلمانی واجب است آگاه باشید که خداوند، جویندگان دانش را دوست دارد

۸۱ عَنْهُ ﷺ أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالْعَصَبِ، فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ^۷

۸۱ پیامبر خدا ﷺ دانش را بجوئید، هر چند در چوب باشد، زیرا جستجوی دانش، بر هر مسلمانی واجب است

۸۲ عَنْهُ ﷺ أَطْلُبُوا الْعِلْمَ، فَإِنَّهُ السَّبَبُ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الْفِرَاقِ^۸

۸۲ پیامبر خدا ﷺ دانش را بجوئید که رشته میان شما و خداوند ﷻ است

۱ البقرة ۳۶۹ ۲ الکافی ج ۲ ص ۴۶ ح ۴

۳ المعجم الكبير ج ۸ ص ۱۹۹ ح ۷۸۱۰

۴ جامع الأخبار ص ۲۱۸ ح ۵۵۱

۵ کثر القوائد ج ۲ ص ۱۰۷

۶ الکافی ج ۱ ص ۳۰ ح ۱

۷ شعب الإيمان ج ۲ ص ۲۵۱ ح ۱۶۶۳

۸ الأنالی للمعید ص ۲۹ ح ۱

سخن در باره «ز گهواره تا گور» دانش بجوی»

این جمله معروف، منسوب به پیامبر خداست که فرمود

أَطْلُبُوا الْعِلْمَ بَيْنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّعْدِ^۱

از گهواره تا گور، دانش بجوید

در آداب المتعلمین و بیر الوافی این مضمون مدین شکل آمده است

گفته شده است که وقت طلب علم، از گهواره تا گور است^۲

در باورهای محققان در تفسیر الفهمی و آداب المتعلمین بیر آمده است

در روایت معروف آمده است که از گهواره تا گور دانش بجوید^۳

هر دوسی شاعر نامی پارسی زبان بر این کلام را چنان به شعر در آورده است

چس گفت: به هر رسبگوی

گهواره تا گور، دانش بجوی

با همه تلاشی که برای یافتن این سخن در جوامع حدیثی صورت گرفت، چس مصممونی یافت نشد

میانهای که در این سخن آمده، به شعر، بیشتر شباهت دارد تا به سخن پیامبر خدا و به نظر می رسد که محققان

محترم آداب المتعلمین و تفسیر الفهمی، بدون تحقیق، این کلام را «حدیث» نامیده اند.

۲ آداب المتعلمین ص ۱۱۱، شواهد ج ۱ ص ۱۷۶

۱ آداب المتعلمین ص ۱۱۱

۳ تفسیر الفهمی ج ۲ ص ۴۰۱، آداب المتعلمین ص ۱۱۱

۴/۱. فَضِّلْ طَالِبَ الْعِلْمِ

۸۳ رسول الله ﷺ طَالِبُ الْعِلْمِ بَيْنَ الْجُهَالِ كَالْحَيِّ بَيْنَ الْمَوَاتِ^۱

۸۴ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ خَرَجَ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ كَانَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى يَرْجِعَ^۲

۸۵ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا جَاءَ الْمَوْتُ طَالِبَ الْعِلْمِ وَهُوَ عَلَى هُدًى الْحَالِ مَاتَ وَهُوَ شَهِيدٌ^۳

۵/۱. فَضِّلْ طَلِبَ الْعِلْمِ عَلَى الْعِبَادَةِ

۸۶ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ خَرَجَ يَطْلُبُ بَاباً مِنْ عِلْمٍ لِيَزِدَّ بِهِ بَاطِلًا إِلَى حَقٍّ أَوْ صَلَاةً إِلَى هُدًى، كَانَ غَسَلُهُ دَلِيلَ كِعْبَادَةِ مُتَعَبِّدٍ أَرْتَعِينَ عَاماً^۴

۸۷ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ - لَا بَى دُرٍّ - يَا أَيُّهَا دُرُّ، لَأَنْ تَعْدُوَ لِمُحْتَلَمٍ بِهِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ خَيْرٌ لَكَ مِنْ أَنْ تُصَلِّيَ مِائَةَ رَكْعَةٍ، وَلَأَنْ تَعْدُوَ فَتَعْلَمَ بَاباً مِنَ الْعِلْمِ عَمِلَ بِهِ أَوْ لَمْ يَعْمَلْ خَيْرٌ مِنْ أَنْ تُصَلِّيَ أَلْفَ رَكْعَةٍ^۵

۸۸ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَابٌ مِنَ الْعِلْمِ يَتَعَلَّمُهُ الْإِنْسَانُ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَلْفِ رَكْعَةٍ نَطَوَّعاً^۶

۶/۱. فَوَائِدُ طَلِبِ الْعِلْمِ

أ- مَحَنَةُ اللَّهِ

۸۹ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ طَالِبُ الْعِلْمِ أَحَبُّهُ لِلَّهِ وَأَحَبُّهُ الْعَلَمَائِكَ

۲/۱. لِرُوشِ طَالِبِ عِلْمِ

۸۳ پیامبر خدا ﷺ جوئیای دانش، در میان نادانان، همچون زبله در میان مردگان است

۸۴ پیامبر خدا ﷺ آن که در جستجوی دانش بیرون برود، در راه خداست، تا آن گاه که بر گردد

۸۵ پیامبر خدا ﷺ اگر مرگی جوئیای دانش، در حالی در رسد که وی در جستجوی دانش باشد، شهید مرده است

۵/۱. دِیوَتِرِی طَلِبِ عِلْمِ بِنِ عِبَادَتِ

۸۶ پیامبر خدا ﷺ آن که در پی سابی از دانش بیرون می‌رود تا با آن، باطلی را به حق یا گمراهی را به هدایت برگرداند، کردارش همچون چهل سال عبادت عابد است.

۸۷ پیامبر خدا ﷺ - به بیو در - ای بیو در! اگر بر خیری و آیه‌ای از کتاب خدا را فراگیری، برایت بهتر از صد رکعت نماز است و اگر بر خیری و بابی از دانش را فراگیری، چه نه آن عمل شود و چه نشود، بهتر از آن است که هزار رکعت نماز بخوانی

۸۸ پیامبر خدا ﷺ سابی از دانش را که انسان فرا بگیرد، برایش بهتر از هزار رکعت نماز مسعنی است

۶/۱. فَوَائِدُ طَلِبِ عِلْمِ

الف - دوستی خدا

۸۹ پیامبر خدا ﷺ، جوئیای دانش را خداوند دوست

۱ الامالی للطوسی ص ۵۷۷ ح ۱۱۹۱

۲ مس الترمدی ح ۵ ص ۲۹ ح ۳۶۴۷

۳ تاریخ بغداد ج ۹ ص ۲۴۷

۴ الامالی للطوسی ص ۶۱۸ ح ۱۲۷۵

۵ مس ابن ماجه ج ۱ ص ۷۹ ح ۲۱۹

۶ تبه الخواطر ج ۲ ص ۱۱۹

وَأَحِبُّهُ النَّبِيُّونَ^۱

می دارد و فرشتگان و پیامبران نیز او را دوست می دارند

۹۰ عَنْهُ ﷺ طَالِبُ الْعِلْمِ مَحْفُوفٌ بِعَاقِبَةِ اللَّهِ^۲

ب- إِكْرَامُ الْمَلَائِكَةِ

۹۱ پیامبر خدا ﷺ عاقبت خداوند، حویای دانش را مرا گرفته است
ب- تکریم فرشتگان

۹۱ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَتَّصِعُ أَحْبَبَها لَطَالِبِ الْعِلْمِ رَضِيَ بِهِ^۳

۹۱ پیامبر خدا ﷺ فرشتگان سال هایشان را از سر حشودی، برای جویای دانش می گیرند

۹۲ عَنْهُ ﷺ إِذَا حَرَجَ الرَّجُلُ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَثْرَهُ خَسَبٍ، فَإِذَا التَّقَى هُوَ وَالْعَالَمُ فَتَدَاكُرُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى شَيْئًا أَطْلُتَهُمَا مَلَائِكَةُ وَمُودِيَا مِنْ قَوْمِهِمَا أُنْ قَدْ عَفِرَتْ لَكُمْ^۴

۹۲ پیامبر خدا ﷺ هنگامی که کسی در پی دانش بیرون رود، خداوند برای گم های او پاداش می نویسد و هنگامی که او و دانشمند با هم ملاقات کنند و از نور خداوند متعال سخن به میان آورند، فرشتگان بر آنها سایه می افکند و از دلای سرشان ندا داده می شوند که «مس، شمارا امر ریدم»

ج- تَكْفُلُ الزُّرُقِ

۹۳ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ تَكْفُلُ لَطَالِبِي الْعِلْمِ بِرِفْقَةٍ حَاضَةٍ عَمَّا حَمَسَهُ لِعَمْرٍ^۵

۹۳ پیامبر خدا ﷺ، بسی گمان، خداوند متعال، روری حویای دانش را به نور ویژه، امروون پر آنچه برای دیگران تصمیم کرده، به عهده گرفته است

۹۴ عَنْهُ ﷺ مَنْ نَقَّهَ فِي دِينِ اللَّهِ كَفَاهُ اللَّهُ هَمَّهُ وَرَفَعَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ^۶

د- اسْتَغْفَارُ كُلِّ شَيْءٍ

۹۴ پیامبر خدا ﷺ آن که در دین خدا تعقیه کند، خداوند، هم و غمش را کفایت می کند و از آن جایی که خودش هم گمان نمی برد، روری اش را می رساند

۹۵ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّهُ يَسْتَعِيرُ لَطَالِبِ الْعِلْمِ مِنَ السَّمَاءِ وَمِنْ فِي الْأَرْضِ حَتَّى الْخَوْتُ فِي الْبَحْرِ^۷

۱- جامع الأخبار ص ۱۱۰ ح ۱۹۵

۲- عوالي اللآلی ج ۱ ص ۲۹۲ ح ۱۶۷

۳- الکافی ج ۱ ص ۲۴ ح ۱

۴- دعائم الإسلام ج ۱ ص ۸۱

۵- مية المرید، ص ۱۶۱

۶- جامع بیان العلم وفضل ج ۱ ص ۴۵

۷- الکافی ج ۱ ص ۳۱ ح ۱

۹۵ پیامبر خدا ﷺ هر کس که در آسمان و زمین است، حتی ماهیان دریا، برای جویای دانش، امرش می طلبد

د- آموزش طوسی همه چیز

۹۶ عنه علیه السلام طَالِبُ الْعِلْمِ أَمَّلَ مِنْ الصَّاحِدِينَ
وَالْمُرَاطِبِينَ وَالْحَجَّاجِ وَالصَّاعِدِ وَالْمُعْتَكِبِينَ
وَالْمُجَاوِرِينَ، وَاسْتَفْقَرَتْ لَهُ الشَّجَرُ وَالزَّيْبَاحُ
وَالسَّحَابُ وَالْبَحَارُ وَالنُّجُومُ وَالنَّبَاتُ وَكُلُّ شَيْءٍ
طَلَبَ عَلَيْهِ الشَّمْسُ^۱

۹۶ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - نبرد خدا، جویای دانش، از
جهادگران و مرزداران و حاجیان و عمره گران و
معتکمان و مجاوران خانه خدا، برتر است و
درختان و باده و ابر و دریاها و ستارگان و
گیاهان و هر آنچه خورشید بر آن می تابد، برای
وی آمرزش می طلبد

هـ - سهوله طریق الجنة

۹۷ رسول الله صلی الله علیه و آله مَا مِنْ رَجُلٍ يَسْلُكُ طَرِيقاً يَطْلُبُ
فِيهِ عِلْماً إِلَّا سَهَّلَ اللَّهُ لَهُ بِهِ طَرِيقَ الْجَنَّةِ^۲

۹۷ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، هیچ کس راهی را در جستجوی
دانش نپیمود، مگر آن که خداوند، راه بهشت را
برایش هموار کرد

۹۸ عنه علیه السلام مَنْ سَلَكَ طَرِيقاً يَطْلُبُ فِيهِ عِلْماً سَلَكَ اللَّهُ
بِهِ طَرِيقاً إِلَى الْجَنَّةِ^۳

۹۸ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر کس راهی را در جستجوی دانش
پیماید، خداوند، راهی را به سوی بهشت برایش
مس گشاید

۷/۱ التَّحْذِيرُ مِنْ تَرْكِ الْمَعْلُومِ

۹۹ رسول الله صلی الله علیه و آله النَّاسُ رَجُلَانِ، هَالِكٌ وَمُتَعَلِّمٌ،
وَلَا خَيْرَ فِيمَا سِوَاهُمَا^۴

۷/۱ هشدار درباره تری آموختن
۹۹ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مردم، دو گونه اند دانشمند
و دانشجو، و در غیر این دو دسته، خیری
نیست

۱۰۰ عنه علیه السلام لَا خَيْرَ فِي الْعَيْشِ إِلَّا لِزُجَلَيْهِ عَالِمٍ مَطَاعٍ
أَوْ مُسْتَمِعٍ وَاعٍ^۵

۱۰۰ - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خیری در زندگانی نیست، مگر
برای دو کس: دانشمندی پیروی شده یا
شونده ای مرا گیرنده.

۱۰۱ عنه علیه السلام أَعْدُ عَالِماً أَوْ مُتَعَلِّماً أَوْ أَحِبَّ أَعْلَمَاءَ،
وَلَا تَكُنْ رَابِعاً قَتَيْكَ بِمَعْصِيهِمْ^۶

۱۰۱ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله یا دانشمند باش یا دانشجو و یا
دانشمندان را دوست مدار، و چهارمی (دشمن
دانشمندان) مباش که با دشمنی شان هلاک
می گردی

۱ - إرشاد القلوب ص ۱۶۴

۲ - سنن أبی داود ج ۳ ص ۳۱۷ ح ۳۶۴۳

۳ - الکافی ج ۱ ص ۳۲ ح ۱

۴ - المعجم الكبير ج ۱ ص ۲۰۱ ح ۱۰۱۶۱

۵ - الکافی ج ۱ ص ۳۳ ح ۷

۶ - النخاع ص ۱۳۳ ح ۱۱۷

الفصل الثانی، سبل المعرفة

فصل دوم راه های معرفت

۱/۲ التَّعَلُّمُ وَالتَّفَكُّرُ

۱/۲. آموختن و اندیشیدن

الكتاب

قرآن

﴿الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ • عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾^۱

﴿همان کس که به وسیله قلم آموخت. آنچه را که انسان

نمی دانست [به تدریج به او] آموخت﴾

الحديث

حدیث

۱۰۲ رسول الله ﷺ إِنَّمَا الْعِلْمُ بِالتَّعَلُّمِ^۲

۱۰۲ پیامبر خدا ﷺ همانا دانش، با آموختن، حاصل

می شود

۱۰۳. عنه ﷺ إِنَّ التَّمَكُّزَ حَيَاةً قَلْبِ التَّصَوُّرِ. كَمَا يَحْيِي

الْعُسَيْرُ فِي الظُّلُمَاتِ بِالنُّورِ. يُحْيِي التَّحَلُّصَ. وَيُحْيِي

الرُّبُصَ^۳

۱۰۳. پیامبر خدا ﷺ اندیشیدن، [مایه] حیات دل

شخص با بصیرت است، همان گونه که شخص

پیرایه به دست در تاریکی در پیرایه نور [خروج]

راه می رود و به خوی، خود را نجات می دهد و

کمر درنگ می کند

﴿مَنْ رَزَقَهُ الرُّوحَ الْأَمْسَ • عَلَى قَلْبِهِ مَكُونٌ مِنْ

الْمُتَدَبِّرِينَ﴾^۴

۲/۲ وحی

﴿عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى﴾^۵

قرآن

الحديث

﴿روح الامين آن را بر دلت نازل کرد تا از [جمله] هشدار

وهدنگار باشی﴾

۱۰۱ رسول الله ﷺ الْعِلْمُ مِيرَانِي وَمِيرَاتُ الْأَنْبِيَاءِ قَبْلِي^۶

۱۰۵ عنه ﷺ إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ شَجَرَةِ النَّبُوءَةِ، وَمَعْ صُحُ

الرُّسَالَةِ، وَمُحْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ، وَبَيْتُ الرُّحْمَةِ، وَضَعْدُ

الْعِلْمِ^۷

۱۰۴. پیامبر خدا ﷺ دانش، میراث من و میراث

پیامبران پیش از من است

۱۰۵. پیامبر خدا ﷺ ما اهل بیت، از شجره نبوت و

هدیگاه رسالت و محل مد و شدید فرشتگان و خانه

رحمت و معدن دانش هستیم

۱ العلق ۴ و ۵

۲ صحیح البخاری ج ۱ ص ۲۸ ح ۶۷

۳ التکفیر ج ۳ ص ۵۹۹ ح ۲

۴ الشراء: ۱۹۳ و ۱۹۱ ۵ النجم ۵

۶ فردوس الاخبار ج ۳ ص ۹۶ ح ۴۰۱۴

۷ مسائل علی بن جعفر ص ۳۲۲ ح ۸۰۶

۲/۳. الإلهام

الكتاب

﴿فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عَمِيدِنَا
وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا﴾^۱

﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أِمْرِ تَمُوسَ أَنْ أَرْسُلَ فِيهَا خِفَتَ عِيسَى
فَأَلْقَاهُ فِي النَّيْمِ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ
وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾^۲

الحديث

۱۰۶ رسول الله ﷺ إذا أراد الله بعبده خيراً ما ينزع الله قلبه من الدنيا
وآلها^۳ رُشدة^۴

۱۰۷ عنه ﷺ علم الباطن سر من سر الله ﷻ، وحكم من
حكم الله، يتدفق من قلوب من يشاء من أوليائه^۵

الفصل الثالث. موانع المعرفة

۱/۳. إتياع الهوى

الكتاب

﴿وَأَفْرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَصْلَهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ
وَجَعَلْنَا عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقْفًا فَنَجَّلَ عَلَىٰ مَضْرَبٍ مَعْنُوءٍ
فَقَسَّ يَهْدِيهِ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾^۱

الحديث

۱۰۸ رسول الله ﷺ حُبُّكَ لِلشَّيْءِ يُعْمِي وَتُحِبُّهُ^۲

۱ الکهف ۶۵ ۲ القصص ۷

۳ سند هزله ج ۵ ص ۱۱۷ ح ۱۷۰۰

۴ المرقوس ج ۳ ص ۴۲ ح ۱۱۰۴

۵ الجاثية ۲۳

۶ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۳۸۰ ح ۵۸۱۴

۲/۳. الإلهام

قرآن

﴿تا بندهای او بندگان ما را یافتند که از جانب خود به او
رحمتی عطا کرده و از نزد خود پند و دانشی آموخته
بودیم﴾

﴿و به ماجر موسی وحی (الهام) کردیم که: او را شیر داد و
چون بر او بیساک شدی، او را در نیل بینداز، و مژگ و
تندره ملرز که ما او را به تو باز می‌گردانیم و از [زمره]
پیامبرش قرار می‌دهیم﴾.

حدیث

۱۰۶ پیامبر خدا ﷺ هرگاه خداوند، حویلی بندهای
را بسجواهد، او را دین شمس می‌گرداند و راه
هدایتش راه و الهام می‌فرماید

۱۰۷ پیامبر خدا ﷺ علم باطن، رازی است از
رازهای خداوند ﷻ و حکمی از احکام اوست که
در دل هر یک از اولیای خود که بسجواهد، قرار
می‌دهد

فصل سوم. موانع معرفت

۱/۳. هواپرستی

قرآن

﴿پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود
قرار داده و خدا او را دانسته گمراه گردانیده و برگوش او
و دلش مهر زده و بر دیدنش پرده نهاده است؟ پس از
خدا، چه کسی او را هدایت خواهد کرد؟ آیا پسند
می‌گیرید؟﴾

حدیث

۱۰۸ . پیامبر خدا ﷺ: محبتت به چیزی، کور و کورت
می‌کند

۲/۳. حُبُّ الدُّنْيَا

۲.۳ دنیا دوستی

۱۰۹ رسول الله ﷺ مَالِي أَرَى حُبَّ الدُّنْيَا قَدْ غَلَبَ عَنِّي كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ، حَتَّى كَأَنَّ الْمَوْتَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا عَلَيَّ غَيْرِهِمْ كُتِبَ، وَكَأَنَّ الْحَقَّ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا عَلَيَّ غَيْرِهِمْ وَحَتَّى كَأَنَّ لَمْ يَسْمَعُوا وَيَرَوْا مِنْ حَبْرِ الْأَمْوَاتِ قَبْلَهُمْ، أَسِيلُهُمْ سَبِيلَ فَوْحٍ تَسْرِعُ عَمَّا قَلِيلٍ إِلَيْهِمْ رَاجِعُونَ، يُؤْتِيهِمْ أَجْدَانَهُمْ وَيَأْكُلُونَ رُءُوسَهُمْ، يَفْشُرُونَ أَنْفَهُمْ مُحَلِّدُونَ بَعْدَهُمْ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ أَمَا يَسْخَطُ أَحَرُّهُمْ بِأَوْلِيهِمْ أَلْقَدْ حَبَلُوا وَسَوَّاءُ كُلِّ وَاعِظٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ، وَأَمْسُوا شَرَّ كُلِّ عَاقِبَةٍ حَوْضٍ وَلَمْ يَحَامُوا سُرُولَ عَادِجَةٍ وَتَوَاتَقَ حَادِثَةٍ؟

۱۰۹ پیامبر خدا ﷺ چه شده است که می‌بسم دوستی دنیا بر بسیاری از مردم، چیره گردیده است؟ گویی که مرگ در این دنیا برای غیر ایشان نوشته شده است و گویی که حق در این دنیا، بر غیر ایشان واجب شده است و بداری که خبر درگذشتگان خود را شنیده و ندیده‌اند! راه آنها، راه مسافرانی است که به رودی به درگذشتگان، می‌پیوندند. خانه‌هایشان گور آنها خواهد شد و [دیگران] میراث آنها را خواهند خورد. پس گمان می‌کند که پس از ایشان ماندگارند. دور باد، دور باد! آیا وپس از آنها از نخستین آنها عبرت نمی‌گیرد؟ بی‌گمان، نادانی کردند و هم اندر دهمده‌ای در کتاب خدا را از یاد بردند و از لحظه هر عرجام بدی، خود را ایمن یافتند و از فرود آمدن ملاهای آسمانی و پیشامدهای هراسناک

برسیدند

۳/۳ الذُّمُّ

الکتاب

﴿كُلُّ بَلٍّ رَأَى عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْفُرُونَ﴾^۱

الحدیث

۱۱۰ رسول الله ﷺ إِنَّ الْعَبْدَ يُدْبِئُ الدُّنْيَا فَيَمْسِكُ بِهَا نَعْمَ الَّذِي كَانَ عَدِ عَلِمَةً^۲

۴/۳ مَرَضُ الْقَلْبِ

الکتاب

﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ أَلَمْ يَكُنْ عَلَى قُلُوبِ أَهْلِهَا﴾^۳

۱ المذبحه المأزله للمقاموس المحیط ج ۱ ص ۲۳۹

۲ الکافی ج ۸ ص ۱۶۸ ح ۱۹۰

۳ المطفی ص ۱۴

۴ عده النماهی ص ۱۹۷

۵ محمد ۲۱

۲.۳ بیمار دلی

قرآن

﴿أَيَا بَه آيَاتِ قُرْآنٍ مِّنْ أَنْذِرْتُمْ؟ يَا [مَكْرُ] بَرِّ دَلِّهَايْشَانِ قُلِّهَايِي بَعَادَ شَدَّهْ اسْتِ؟﴾

قرآن

﴿بِه چسین است! بلکه آنچه مرتکب می‌شدید، بر دل‌هایشان رنگار نهاده است﴾

حدیث

۱۱۰ پیامبر خدا ﷺ [گاه] بنده گناه می‌کند، پس دانشی ر که پیش‌تر می‌دانسته، از یاد می‌برد

الحدیث

۱۱۱ رسول الله ﷺ الطَّائِعُ مُعَلِّقَةٌ بِقَائِمَةٍ مِّنْ قَوَائِمِ
الْقُرْشِ، فَإِذَا انْشَقَّتِ الْحَرَمَةُ وَأُجْرِيتْ عَلَى الْحَطَايَا
وَعَصِيَّ الرَّبِّ، بَشَّ اللَّهُ الطَّائِعَ فَيَطْنَعُ عَلَى قَلْبِهِ، فَلَا
يَعْمَلُ بَعْدَ ذَلِكَ^۱

۵/۳ الظُّلُم

الکتاب

﴿يُنَجِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ هَدَىٰ اللَّهُ مَا تَلَوُّوا مَالِكُومَ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ
الدُّنْيَا وَفِي الْأُخْرَةِ وَيُصَلِّ اللَّهُ الطَّالِعِينَ وَيَفْعَلُ
اللَّهُ مَا يَشَاءُ﴾^۲

الحدیث

۱۱۲ رسول الله ﷺ يَا كُمْ وَالظُّلُمَ فَإِنَّهُ يُحَرِّمُ قُلُوبَكُمْ^۳

۶/۳ العَقْلَة

﴿لَقَدْ كُنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَٰذَا فَكُشِلَتْ عَنْكُمُ غِطَاةٌ
فَبَصَرُكُمُ الْيَوْمَ خَبِيرٌ﴾^۴

۷/۳ الْأُمْلُ

۱۱۳ رسول الله ﷺ مَنْ يَرْتَعْشِبْ فِي الدُّنْيَا فَطَالَ فِيهَا أَمَلُهُ
أَعْمَىٰ لِلَّهِ قَدْتُهُ عَلَى قَدْرِ رَعِيَّتِهِ فِيهَا^۵

۸/۳ الطَّمْعُ

۱۱۴ رسول الله ﷺ الطَّمْعُ يُدْهِبُ الْحِكْمَةَ مِمَّنْ قُدُوبُ

حدیث

۱۱۱ پیامبر خدا ﷺ طبع (مهر زنده بر دل‌ها) به پایه‌ای
از پایه‌های عرش، آویخته است پس هر گاه
حرمت شکسته شد و خطاها جاری گشتند و
پروردگار سرپیچی شد، حد شوند، طبع را بر
می‌انگیزد تا بر دل گناهکار، مهر بریزد. پس در این،
دیگر چیزی درک نمی‌کند

۲ ۵ ستم

قرآن

﴿خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا
و در آخرت با سخن ستوار، ثابت می‌گرداند و شکران
را بر آن می‌گذارد، و خدا هر چه بخواهد، انجام
می‌دهد﴾

حدیث

۱۱۲ پیامبر خدا ﷺ از ستم بپرهیزید، که دل‌ها پتان
را ویران می‌کند

۳/۶ غفلت

﴿والتَّائِبُ إِلَىٰ رَبِّهِ [حال]، در غلب بردی پس، ما پرده‌ها
را [از جلوی چشمانت] برداشتم و دیده‌ات امروز، تیز
است﴾

۳ ۷ آرزو

۱۱۳ پیامبر خدا ﷺ، آن که به دنیا رغبت ورزد و
آرزویش در آن دراز گردد، خداوند دلش را به
انذاره رغبتش به آن، کور می‌کند

۴/۸ آرزو

۱۱۴ پیامبر خدا ﷺ آزمندی، حکمت را از دل‌های

۱ شعب الإيمان ج ۵ ص ۱۴۱ ح ۷۳۱۴

۲ پیراهیم ۲۷

۳ صحیفه الإمام الزمخشري ص ۹۷ ح ۳۳

۴ فی ۲۲ ۵ شعب العمول ص ۶۰

الْقُلَامُ^۱

دانا یان می بَرَد

۹/۳. النُّعْصَبُ

۹/۳. نُعْصَبُ

۱۱۵ رسول الله ﷺ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ حَبْرَةٌ مِنْ خَرْدَلٍ
مِنْ عُصْبَةِ بَعَثَ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ أَتْرَابِ الْجَاهِلِيَّةِ^۲

۱۱۵ پیامبر خدا ﷺ هر کس در دلش، دانه خردلی از
نُعْصَب باشد، حناوند او را روز قیامت، با اعراب
جاهلی بر می انگیزد

۱۰/۳. كَثْرَةُ الْأَكْلِ

۱۰/۳. بُرْخُورِي

۱۱۶ رسول الله ﷺ لَا تَدْخُلُ الْحِكْمَةُ جَوْماً مَبْرَ طَعَاماً^۳
۱۱۷ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْقَلْبُ يَتَحَمَّلُ الْحِكْمَةَ عِنْدَ خُلُوِّ الْبَطْنِ.
الْقَلْبُ يَمُجُّ الْحِكْمَةَ عَنِ الْإِثْلَاءِ الْبَطْنِ^۴

۱۱۶ پیامبر خدا ﷺ حکمت، به درون انباشته از هوراک
وارد نمی شود

۱۱۷ پیامبر خدا ﷺ آن گاه که شکم خالی باشد، دل
حکمت را می پذیرد زمانی که معده پر باشد، دل
حکمت را بیرون می افکند

الفصل الرابع: ما يزيل حجب المعرفة

۱/۴. الْقُرْآنُ

فصل چهارم: عوامل برطرف شدن

الكتاب

حجاب‌های معرفت

وَيَأْتِيهَا النَّاسُ إِذَا جَاءَتْكُمْ مُوَعِدَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشَاءَ لَكُمْ
فِي السُّنُورِ وَهَدَىٰ وَرَحْمَةً لِلْمُؤْمِنِينَ^۵

۱/۴. قرآن

قرآن

الحديث

۱۱۸ رسول الله ﷺ خَيْرُ الدُّوَاءِ الْقُرْآنُ^۶

«ای مردما به یمن، برای شما از جانب پروردگارتان
اندروزی و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست، و رمنمود
رحمتی برای گروندگان [به خدا] آمده است»

حدیث

۲/۴. الذِّكْرُ

۱۱۹ رسول الله ﷺ إِنْ ذَكَرَ اللَّهُ شَاءَ^۷

۱۱۸. پیامبر خدا ﷺ قرآن، بهترین داروست

۲/۴. ذِکْرُ

۱۱۹ پیامبر خدا ﷺ به درستی که ذکر خدا، شفاست

۱. کنز العمال ج ۲ ص ۴۹۵ ح ۷۵۷۶

۲. الکافی ج ۲ ص ۳۰۸ ح ۳

۳. حوالی الکافی ج ۱ ص ۴۲۵ ح ۱۱۱

۴. نبيه الخواطر ج ۲ ص ۱۱۹

۵. یوس ۵۷ راجع الإسراء ۸۲ و معصیت ۴۱

۶. سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۱۶۹ ح ۳۵۳۳

۷. شعب الإسناد ج ۱ ص ۴۵۹ ح ۷۱۷

۱۲۰. هـ. ۱۲۰. بِذِكْرِ اللَّهِ تَخَيُّ الْقُلُوبِ^۱

۱۲۱. هـ. ۱۲۱. إِنَّ آدَمَ شَكََا إِلَى اللَّهِ مَا يَخْلُقُ مِنْ حَدِيثِ
النَّفْسِ وَالْحُرْنِ، فَتَرَلَّ عَلَيْهِ جِبْرِيلُ ۖ فَقَالَ لَهُ يَا
آدَمُ، قُلْ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَقَالَهَا فَذَهَبَ عَنْهُ
الْوَسْوَسَةُ وَالْحُرْنُ^۲

۳/۴ الإِسْتِعَاذَةُ

الكتاب

﴿وَقُلْ رَبِّ اغْوُذْ بِكَ مِنْ هَرَجَاتِ الشَّيْطَانِ﴾ وَأَعُوذُ بِكَ
رَبِّ أَنْ يَخْضُرُونَ^۳

الحديث

۱۲۲. رسول الله ﷺ إِنَّ إِبْلِيسَ لَهُ شَرَطُومٌ كَشَرَطُومِ
الْكَلْبِ وَاصْبُ عَلَى قَبْرِ ابْنِ آدَمَ يُدَكِّرُهُ الشَّهَوَاتِ
وَاللَّذَابِ، وَيَأْتِيهِ بِالْأَمَانِ، وَيَأْتِيهِ بِالْوَسْوَسَةِ عَمَى
عَلَيْهِ لِمَشْكِكَةُ فِي رَبِّهِ، فَإِذَا قَالَ الْعَبْدُ «أَعُوذُ بِاللَّهِ
السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ
يَحْضُرُونِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» حَسَسَ الْحَرَطُومُ
عَنِ الْقَلْبِ^۴

الفصل الخامس: آثار العلم والحكمة

۱/۵. الإيمان

الكتاب

﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَفَعَلَنِيكَ وَأَوْثَرُوا الْعِلْمَ

۱. تبيين قضاوت ج ۲ ص ۱۲۰

۲. الأمان للصنوع ص ۶۳۷ ح ۸۵۵

۳. المؤمنون ۹۷ و ۹۸

۴. كنز العمال ج ۱ ص ۲۵۱ ح ۱۲۶۶

۱۲۰. پیامبر خدا ﷺ، با ذکر خدا، دل‌ها رنجه می‌شوند.

۱۲۱. پیامبر خدا ﷺ: آدم ﷺ از القائنات نفسانی و اندوه،
به خدا شکوه کرد. جبرئیل ﷺ بر او فرود آمد و
بدو گفت: ای آدم! بگو: «لا حول ولا قوة إلا بالله»
هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به [اراده] خدا.
آدم ﷺ آنرا گفت و وسوسه و اندوهش رفت.

۳/۴ استعاذه

قرآن

﴿در بگو پروردگارا! از وسوسه‌های شیطان‌ها به تو پناه
می‌برم و پروردگارا! از این که [آنها] به پیش من حاصر
شوند، به تو پناه می‌برم﴾

حدیث

۱۲۲. پیامبر خدا ﷺ ابلیس، پوزهای چون پوره سگ
صرد که آن را روی دل انسان می‌گذارد و شهوت‌ها
و لذت‌ها را به یادش می‌آورد و آرزوهایی را در
دلش می‌اندازد و در دلش وسوسه می‌کند تا او را
درمارة پروردگارش به شک اندازد پس هرگاه
بنده بگوید: «اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ» به خدای
شنوای دانا پناه می‌برم و از این که نزد من حضور
یابد، به خدا پناه می‌برم همان خداوند، شنوا و
دانا است، پوره را از دلش بر می‌دارد.

فصل پنجم: آثار علم و حکمت

۱/۵ ایمان

قرآن

﴿وَعَبَّ كَ هَوَارِهِ بِهٖ عِلْمِ قِيَامِ دَارِهِ، گواهی می‌دهد که جز
از هیچ مصودی نیست، و فرشتگان و دانشوران [نیر به

فَاتِمَا بِالْقَبْرِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿

الحدیث

مفودی بسبب ﴿

حدیث

۱۲۲ رسول الله ﷺ . أَمَّا عَلَامَةُ الْعِلْمِ فَارْبَعَةٌ الْعَدَمُ بِالشَّيْءِ وَالْعِلْمُ بِمَحَبَّتِهِ . وَالْعِلْمُ بِمَكَارِهِهِ وَالْعِلْمُ بِفَرَقِهِ . وَالْحِفْظُ لَهَا حَتَّى تَوَدَّى ۱

۲/۵ الحثیثیة

الکتاب

۲/۵ خدا ترسی

قرآن

﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ﴾ ۲

الحدیث

خدا لرجمند آمروده است ﴿

حدیث

۱۲۱ رسول الله ﷺ رَأَى الْحِكْمَةَ مُحَافَظَةً لِقَوْلِهِ ۱

۱۲ پیامبر خدا ﷺ اساس حکمت، ترس از خداوند ﷻ

است

۳/۵ العمل

۳ عمل

۱۲۵ مجمع البیان عن حابر سَلَا الشَّيْءُ ﷺ هَذِهِ لَایَه

۱۲۵ مجمع البیان - به عمل از حابر - هنگامی که

﴿وَمَا يَقْبَلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ﴾ ۲ وَقَالَ الْعَالِمُ أُنْدَى

پیامبر ﷺ این ده را خواند ﴿وَجَرْدَانِ شَمْسٍ، أَرَدَ

عَمَلٌ عَنِ آفَةٍ، فَعَمَلٌ طَاعَةٍ، وَاحْتِنَبَ سَحَابَةٌ ۱

در می باشد، فرمود دانشمند! حقیقی! کسی

۱۲۶ رسول الله ﷺ رَأَى الْعَالِمَ مَنْ يَعْمَلُ بِالْعِلْمِ وَإِنْ كَانَ

است که دارای بیش از الهی باشد و در نتیجه، به

قَلِيلَ الْعَمَلِ ۲

آنچه خدا از او خواسته، عمل کند و از خشم

۱/۵ للصَّلاح

خداوند توری گیرد

۱۲۷ رسول الله ﷺ - می بیانی ما یَسْتَقْبُ عَنِ الْعِلْمِ -

۱۲۶ پیامبر خدا ﷺ عالم، کسی است که به علم،

عمل کند، هر چند اندکی ۱

۲ درستی

۱ آل عمران ۱۸

۲ بحار الأنوار ج ۱ ص ۱۲۰ ح ۱۰

۳ فاطر ۲۸

۴ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۳۶۶ ح ۵۷۶

۵ التکوین ۴۳ ۶ مجمع البیان ج ۸ ص ۴۵۶

۷ نوافذ الأعمال ص ۳۴۶ ح ۱

۱ در کثر الصلوات آمده است هر چند چیر عالمی، اندکی است

۲۷ پیامبر خدا ﷺ - در بیان آنچه از علم، مشعب

أَمَّا الْعِلْمُ، فَيَتَشَعَّبُ بِهِ الْفَنَى وَبِئْسَ كَانَ قَفَرًا وَالْحَوْدُ
وَأِنْ كَانَ نَجِيلًا، وَلَمَهَابَةً وَإِنْ كَانَ هَيَّأً، وَالسَّلَامَةُ وَبِئْسَ
كَانَ سَقِيمًا، وَالْقُرْبُ وَإِنْ كَانَ قَصِيًّا، وَالْحَيَاءُ وَإِنْ كَانَ
صَفِيًّا، وَالرَّفَقَةُ وَبِئْسَ كَانَ وَصِيًّا، وَالشُّرْفُ وَإِنْ كَانَ
رَذَلًا، وَالْحِكْمَةُ، وَالْحُظُوءَةُ، فَهَذَا مَا يَتَشَعَّبُ لِلْعَالَمِينَ
بِعِلْمِهِ فَطَوْبَى لِمَنْ عَقَلَ وَعَلِمَ^۱

الفصل السادس: آداب العلم

۱/۶ ما یدبقی فی طلب العلم

أ- الإخلاص

۱۲۸ رسول الله ﷺ طَالِبُ الْعِلْمِ فِي أَمَلٍ عِنْدَ اللَّهِ يَسْتِ

الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ^۲

۱۲۹ عَنْهُ ﷺ لَا تَطْلُبُوا الْعِلْمَ لِسُبَاهَا بِهِ السُّلَامَةُ،

وَلَا لِمَارِهَا بِهِ السُّعْيَةُ، وَلَا لِتَصْرِفِهَا بِهِ وَجْهَ النَّاسِ

إِلَيْكُمْ قَدْ قُلَّ ذَلِكَ فَهُوَ مِنَ النَّارِ، وَلَكِنْ تَطْلُمُوهُ فِي

وَالدَّارِ الْآخِرَةِ^۳

۱۳۰ عَنْهُ ﷺ - فِي ذِكْرِ صِفَاتِ الْمُؤْمِنِ - لَا يَزِدُّ لِلْحَقِّ

مِنْ عَدُوٍّ، لَا يَتَعَنَّمُ إِلَّا لِيَعْلَمَ، وَلَا يَعْلَمُ إِلَّا لِيَعْمَلَ^۴

ب- اخْتِيَارُ الْمُعَلِّمِ الصَّالِحِ

الكتاب

﴿قُلِ ابْتَغُوا الْعِلْمَ فِي طَعَامِهِ﴾^۵

۱- نصب المفعول ص ۱۶

۲- الجامع الصغير ج ۲ ص ۱۲۹ ح ۵۲۵۱

۳- تنبيه الخواطر ج ۲ ص ۲۱۵

۴- التمهيد ص ۷۵ ح ۱۷۱

۵- عیسی ۲۴

می‌شود. و اما علم: گرچه انسان فقیر باشد،
ر آن، توانگری حاصل می‌شود و اگر بحیل باشد،
خود، و اگر حور باشد، ابهت، و اگر بیمار باشد،
سلامت، و اگر دور باشد، نزدیکی، و اگر هرزه
باشد، شرم، و اگر پست باشد، والایی، و اگر حقیر
باشد، شرافت و حکمت و منزلت اینها چیزهایی
هستند که از دانش حردمند، برایش به دست می‌آید.
پس حوث به حال آن که خرد ورزید و دانست!

فصل ششم: آداب آموختن

۱/۶، آنچه بر طلب علم، شایسته است

الف- اخلاص

۱۲۸ پیامبر خدا ﷺ جوای دانش برای خدا را انگیزه

نهی ﷺ نمود خدا برتر از مجاهد راه خداست

۱۲۹ پیامبر خدا ﷺ دانش را [ب این هدف] بجوید

که بدن به دانشمندان هجر بفرشید، یا با نادانان به

جدل برخیزید و یا مردم را به سوی خود بگردانید؛

چرا که هر کس چنین کند، در آتش است؛ لیکن

دانش را تنها برای خدا و سرای آخرت، فرا بگیرد

۱۳۰ پیامبر خدا ﷺ - در بیان ویژگی‌های مؤمن -

مؤمن، آن است که حق را [حتی] از دشمنش

می‌پذیرد، و فرا نمی‌گیرد، جز بری آن که بداند و

دانستش نه برای به کار بستن است.

ب- انتخاب آموزگار درستکار

قرآن

﴿پس انسان باید به خوراک خود بگردد﴾

الحديث

۱۳۱. رسول الله ﷺ: إِنْ هَذَا الْعِلْمُ دِينَ، فَاطْرُوهُ عَمَّ نَأْخُذُونَ دِينَكُمْ^۱

۱۳۲. عنه ﷺ: لَا تَعْبُدُوا إِلَّا إِلَى عَالِمٍ يَدْعُوكُمْ مِنْ ثَلَاثٍ إِلَى ثَلَاثٍ مِنَ الْكِبَرِ إِلَى التَّوَاضُّعِ، وَمِنْ الْمُدَاهَنَةِ إِلَى الْمَصَاحَبَةِ، وَمِنْ الْجَهْلِ إِلَى الْعِلْمِ^۲

ج-رعايتۀ الاهم فالاهم

۱۳۳. التوحيد عن ابن عباس حاة أعرابي إلى النبي ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، عَلَّمَنِي مِنْ غَرِيبِ الْعِلْمِ قَالَ: مَا ضَعَفَتْ فِي زَأْسِ الْعِلْمِ حَتَّى تُسْأَلَ عَنْ عَرَابِهِ^۳

قَالَ الرَّجُلُ: مَا زَأْسُ الْعِلْمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قَالَ: تَعْرِفَةُ اللَّهِ حَقَّ تَعْرِفَتِهِ

قَالَ الْأَعْرَابِيُّ: وَمَا تَعْرِفَةُ اللَّهِ حَقَّ تَعْرِفَتِهِ؟

قَالَ: تَعْرِفَةُ بِلَا مِثْلِ وَلَا شِبْهِ وَلَا يَدِّ، وَأَنَّهُ وَاحِدٌ

أَحَدٌ ظَاهِرٌ بَاطِنٌ أَوَّلٌ آخِرٌ، لَا كَمَوْلَهُ وَلَا مَطِيرٌ، فَذَلِكَ

حَقَّ تَعْرِفَتِهِ^۴

د-الدراية

۱۳۴. مسند ابن حنبل عن أبي عبد الرحمن: خَدُّنَا مَنْ كَانَ يَقْرَأُنَا مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُمْ كَانُوا يَقْتَرِنُونَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ عَشْرَ آيَاتٍ، فَلَا يَأْخُذُونَ فِي الْعَشْرِ

حديث

۱۳۱. پیامبر خدا ﷺ: این دانش، دین است پس بیک سگریذ که از چه کسی دین خود را می‌گیرید

۱۳۲. پیامبر خدا ﷺ: مرد کسی مشیید، مگر دانشمندی که شمارا در سه چیز به سه چیز دیگر فرما بخواند از تکبر به فروتنی، و از سازشکاری و در برابر مسکرات به اندرزگویی، و از نادانی به دانش

ج-رعايت اولوياتها

۱۳۳. التوحيد - به نقل از ابن عباس - نادیه‌نیشی، مرد پیامبر ﷺ آمد و گفت ای پیامبر خدا! از شیگفتنی‌های دانش به من بیاموز

فرمود: «با اساس دانش چه کرده‌ای که از شیگفتنی‌هایش می‌پرسی؟»

مرد گفت: ای پیامبر خدا! اساس دانش چیست؟

فرمود: شاحت خدا، آن‌چنان که باید؟

نادیه‌نیش گفت: شاحت خدا، آن‌چنان که حق شاحت اوست، چگونه است؟

فرمود: او را بی‌مانند و بی‌شبه و بی‌همت بدانی و بدانی که او یکتا، یگانه، پیدا، نهان، سحت و پایان است، به همتایی دارد و به همتایی. این، حق شاحت اوست»

د-فهمیدن

۱۳۴. مسند ابن حنبل - به نقل از ابو عبد الرحمن -

هر کدام از اصحاب پیامبر ﷺ که به ما قرائت قرآن می‌آموختند، می‌گفتند که آنان، قرائت ده آیه را از

۱ تاریخ جرجان، ص ۵۴۷، الرقم ۹۱۴

۲ تنبیه الخواطر ج ۲ ص ۲۳۳

۳ التوحيد ص ۲۸۵ ج ۵

الْأُخْرَى حَتَّى يَتْلَمُوا مَا فِي هَذِهِ مِنَ الْعِلْمِ وَالْعَمَلِ

هـ-الکتابه

۱۳۵ المستدرک علی الصحیحین عن عمرو بن العاص.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: قَهْدُوا الْعِلْمَ

قُلْتُ وَمَا قَهْدُهُ؟

قَالَ: كِبَايَتُهُ.^۱

و-السؤال

۱۳۶ رسول الله ﷺ: الْعِلْمُ خَرَائِصُ وَمِيتَاحُهَا السُّؤَالُ.

فَاسْأَلُوا رَجُلَكُمْ اللَّهُ، فَإِنَّهُ يُؤْجِرُ أَرْبَعَةَ لَسَانِي.

وَالْمُتَكَلِّمُ، وَالْمُسْتَمِعُ، وَالْمُجِيبُ لَهُمْ.^۲

ز-المصنوع

۱۳۷ رسول الله ﷺ: مَنْ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى دُلِّ الْمُعْلَمِ مَعَهُ،

يَكُنْ فِي دُلِّ الْجَهْلِ أَبَدًا.^۳

ح-القواضع للمُعْلَمِ

۱۳۸ رسول الله ﷺ: قُواصِعُوا لِمَنْ تَعْلَمُونَ بِهِ^۴

۱۳۹ عَنْهُ ﷺ: أَطْلُبُوا مَعَ الْعِلْمِ الشُّكْمَةَ وَالْجِلْمَ، لِمَنْ

لَيْسَ تَعْلَمُونَ وَلِمَنْ تَعْلَمْتُمْ بِهِ، وَلَا تَكُونُوا مِنْ خَبَائِزِ

الْعُلَمَاءِ فَيُعَلِّبَ جَهْلَكُمْ عَلَيْكُمْ.^۵

۱. مستدرک حبل ج ۹ ص ۱۲۶ ح ۳۵۴۱

۲. المستدرک علی الصحیحین ج ۱ ص ۱۸۸ ح ۳۶۲

۳. تحف العقول ص ۴۱

۴. حوالی فلاکوی ج ۱ ص ۲۸۵ ح ۱۳۵

۵. المعجم الأوسط ج ۶ ص ۲۱۰ ح ۶۱۸۴

۶. الفردوس ج ۱ ص ۲۹ ح ۲۳۸

پیامبر خدا فرامی گرفتند و تا آنچه در این ده آیه از علم و عمل بود، نمی دانستند، قرائت ده آیه دیگر را آغاز نمی کردند

هـ-نگارش

۱۳۵ المستدرک علی الصحیحین - به نقل از عمرو بن

عاص - پیامبر خدا فرمود: دانش و درسد

کبیده

گفتم درسد کردن آن، چگونه است؟

فرمود: نگارش آن

و-پرسش

۱۳۶. پیامبر خدا ﷺ: دانش، گنجینه است و کلید آن،

پرسش. پس - خدا رحمتتان کند - پرسید: چرا که

به چهار کس، پاداش داده می شود: پرسشگر،

گوینده، شنونده و دوستدار آنها

ز-شکوبایی

۱۳۷ پیامبر خدا ﷺ: کسی که ساعتی بر خواری فرا

گرفت، شکایت نوزد، همواره در خواری نادانی

باقی می ماند.

ح-فروتنی در برابر آموزگار

۱۳۸. پیامبر خدا ﷺ: در برابر کسی که از او هر می گیرید،

فروتنی کنید.

۱۳۹ پیامبر خدا ﷺ: همراه با دانش، آرامش و بردباری

را هم بخواهید. در برابر آن که به او یاد می دهید و

آن که از او یاد می گیرید، بر مشی به خرج دهید و از

دانشمندان متکبر مباشید، که مدعی تان بر دانشتان

چیره می گردد

ط - إغْتِنَامُ الْفُرْصَةِ فِي الصُّغَرِ وَالشُّبَابِ

۱۴۰ رسول الله ﷺ مَثَلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ الْعِلْمَ فِي صِغَرِهِ كَمَثَلِ الزَّوْشِمِ عَلَى الصَّخَرَةِ، وَمَثَلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ لَيْسَ فِي كِبَرِهِ كَالَّذِي يَكْتُوبُ عَلَى الْمَاءِ^۱

۲/۶ مَا لَا يَنْدَعِي فِي طَلَبِ الْعِلْمِ

أ - التَّعَلُّمُ لِعِبَرِ اللَّهِ

۱۴۱ رسول الله ﷺ مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ رِيَاءً وَشُمُوعَةً يُرِيدُ بِهِ الدُّنْيَا تَرَعَ اللَّهُ بِرُكَّهٍ، وَصَوَّبَ عَلَيْهِ مَعِيشَتَهُ، وَوَكَّلَهُ اللَّهُ إِلَى نَفْسِهِ، وَمَنْ وَكَّلَهُ اللَّهُ إِلَى نَفْسِهِ مَعِدَ هَذَاكَ^۲

۱۴۲ عنه ﷺ - فِي وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ^۳ - مَنْ سَعَى بِعِلْمٍ يُعْلَمُ أَسْمَارِي بِهِ السُّمَاهُ، أَوْ يُعَادِلُ بِهِ الْفَنَاءَ، أَوْ يَتَذَوَّرُ النَّاسَ إِلَى نَفْسِهِ، فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ^۴

۱۴۳ عنه ﷺ - فِي وَصِيَّتِهِ لِأَبِي دَرٍّ - يَا أَبَادِرْ مَنْ طَلَبَ عِلْمًا لِيَصْرِفَ بِهِ وَجْهَهُ النَّاسَ إِلَيْهِ ثُمَّ يَجِدُ رِيحَ الْحَبْرِ يَا أَبَادِرْ مَنْ اتَّبَعَ عِلْمَ يَبْعُدُ بِهِ النَّاسَ لَمْ يَجِدْ رِيحَ الْجَنَّةِ^۵

۱۴۴ عنه ﷺ مَنْ أَخَذَ الْعِلْمَ مِنْ أَهْلِهِ وَعَمَلَ بِعِلْمِهِ سَحَابًا وَمَنْ أَرَادَ بِهِ الدُّنْيَا فَهِيَ خَطُّهُ^۶

۱۴۵ عنه ﷺ إِنَّ أَوَّلَ النَّاسِ يَقْتَضِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيْهِ .

ط - استفاده از فرصت در کودکی و جوانی

۱۴۰ پیامبر خدا ﷺ کسی که در حرد سالی دانش بیامورد، [دانشش] مانند نقش بر سنگ است و کسی که در بزرگ سالی دانش بیامورد، مانند کسی است که بر آب می‌نگارد

۲/۶ آنچه در طلب علم، شایسته نیست

الف - آموختن برای غیر خدا

۱۴۱ پیامبر خدا ﷺ هر کس دانش را برای ریا و خودنمایی و به دست آوردن دین فر گیرد، خداوند برگشتش را از وی بر می‌دارد و روزی را بر او کرم می‌کند و او را به خودش وامی‌گذارد و انصاف هر کس که خدا او را به خودش واگذارد، هلاکتش یحتمل است

۱۴۲ - پیامبر خدا ﷺ - در سفارش به علی^۳ - هر کس دانش را فرا گیرد تا بدان یا نادان بستاند یا با دشمنان مجادله کند و یا مردم را به سوی خود بخواند، از اهل آتش است

۱۴۳ پیامبر خدا ﷺ - در سفارش به ابوذر - ای ابوذر! هر کس دانش را بطلند تا بدان، مردم را متوجه خود کند، بوی بهشت را نمی‌یابد ای ابوذر! هر کس دانش را بطلند تا بدان به مردم میرنگ برند، بوی بهشت را نمی‌یابد

۱۴۴ پیامبر خدا ﷺ هر کس دانش را از اهش فرا گیرد و به دانش خود عمل کند، نجات می‌یابد و هر کس با آن، دنیا را بطلند، بهره‌ او همان است.

۱۴۵ پیامبر خدا ﷺ نخستین کسی که در روز قیامت

۱. المردود ج ۱ ص ۱۳۵ ح ۶۱۲۰

۲. مکالم الاخلاق ج ۲ ص ۳۶۸ ح ۲۶۶۰

۳. کتاب من لا یحضره الفقه ج ۱ ص ۳۶۳ ح ۶۷۶۲

۴. مکالم الاخلاق ج ۲ ص ۳۶۴ ح ۲۶۶۱

۵. الکافی ج ۱ ص ۴۶ ح ۱

رَجُلٌ تَعْلَمُ الْعِلْمَ وَعِلْمُهُ وَقَرَأَ الْقُرْآنَ فَأَتَى بِهِ فَعُزِّيَهُ
بِنَمَةٍ قَرَقَهَا

قَالَ فَمَا عَمِلْتَ فِيهَا؟

قَالَ تَعْلَمْتُ الْعِلْمَ وَعِلْمُهُ وَقَرَأْتُ فِيكَ الْقُرْآنَ

قَالَ كَذَبْتَ وَلَكِنَّكَ تَعْلَمُ الْعِلْمَ لِيُقَالَ عَالِمٌ
وَقَرَأْتَ الْقُرْآنَ لِيُقَالَ هُوَ قَارِئٌ

فَقَدْ قِيلَ! لَمْ أَمَرَ بِهِ فَسَجِبْ عَلَى وَجْهِهِ حَتَّى تُثَبِّتَ
فِي النَّارِ

ب- الاستحباب

۱۲۶ رسول الله ﷺ لَا يَسْعَى الشَّيْخُ أَنْ يَحْمِلَ بِهِ
حَسِبَ الشَّامُ فَيَعْلَمُ مَعَهُ الْعِلْمُ^۱

۱۲۷ عنه ﷺ لَا يَسْعَى الشَّيْخُ أَنْ يَتَعْلَمَ الْعِلْمَ كَمَا
لَا يَسْعَى أَنْ يَأْكُلَ الْحَبِيرَ^۲

الفصل السابع أحكام التعلّم

۷ ۱ مَا يَحْتَثُّ تَعْلَمُهُ

۱۲۸ رسول الله ﷺ أَمَصُّ نَعْلٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ^۳

۱۲۹ عنه ﷺ تَعْلَمُوا الْعِلْمَ وَعَلِّمُوا النَّاسَ، تَعْمُرُوا
الْفَرَائِضَ وَعَلِّمُوا النَّاسَ، تَعْلَمُوا الْقُرْآنَ وَعَلِّمُوا
النَّاسَ فَإِنِّي أَمْرٌ مُقْبُوضٌ، وَالْعِلْمُ سَيِّجُصٌ وَتُظْهَرُ
الْبَشَنُ حَتَّى يَحْتَبِفَ اثْنَانِ فِي قَرِيبَةٍ لَا يَحْدَانِ أَحَدُ

۱ صحیح مسلم ج ۳ ص ۱۵۱۴ ح ۱۹۵

۲ الفردوس ج ۵ ص ۱۴۱ ح ۷۷۶۵

۳ الفردوس ج ۵ ص ۷۳ ح ۷۴۹۴

۴ الفردوس ج ۱ ص ۳۵۲ ح ۱۱۱۲

بر او حکم می‌شود... مردی است که دانش را یاد
گرفته و یاد داده و قرآن خوانده است پس آورده
می‌شود و نعمت هدیش را به او می‌شناساند و او
بیر می‌شناسد

{ خداوند } می‌پرسد: آیا آنها چه کردی؟

می‌گوید دانش یاد گرفتم و یاد دادم و به خاطر
تو قرآن خواندم

می‌فرماید: ادعوی می‌گویی؛ بلکه دانش
آموختی تا به تو دانشمند بگویند و قرآن خواندی
تا تو را قاری بخواند و {اینها به تو} گفته شد {پس
پاداشت را گرفته‌ای}

سپس فرمان داده می‌شود که وی را به
صورت، بر زمین بکشند تا در آتش اندازند

ب- حجاب کشیدن

۱۲۶ پیامبر خدا ﷺ سالمد نباید از این که نزد جوان

می‌شهند و از او دانش می‌آمورد، حجاب بکشد

۱۲۷ پیامبر خدا ﷺ سالمد نباید از این که دانش

می‌آمورد، حجاب بکشد، همان گونه که از

خوردن نان، حجاب نمی‌کشد

فصل هفتم: احکام آموختن

۱/۷ آنچه آموختن، واجب است

۱۲۸ پیامبر خدا ﷺ: برترین دانش، لا اله الا الله [و علم
به یگانگی خداوند] است

۱۲۹ پیامبر خدا ﷺ: دانش را فراگیرید و به مردم

بیامورید و اجابت دین را یاد بگیرید و به مردم یاد

دهید قرآن را فراگیرید و به مردم بیامورید،

يَقْبَلُ بَيْنَهُمَا.^۱

۲/۷ مَا يَنْبَغِي تَعَلُّهُ

۱۵۰ رسول الله ﷺ خَيْرُ الْعِلْمِ مَا نَفَعَ^۲

۱۵۱ عَنْهُ ﷺ الْعِلْمُ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصَى، فَخُذْ مِنْ كُلِّ

شَيْءٍ أَحْسَنَهُ^۳

۱۵۲ سنن الترمذی عن رید بن ثابت أَمَرَني رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

أَنْ تُعَلَّمَ السَّرِيَّةَ^۴

۳/۷ مَا يَحْرُمُ تَعَلُّهُ

أ- عِلْمُ النُّجُوم

۱۵۳ رسول الله ﷺ عَنِ أَفْسَسَ عِلْمًا مِنَ النُّجُومِ، أَفْهَقَ

شَعْبَهُ مِنَ السَّحَرِ رَدَّ مَا رَدَّ^۵

معلق

يَتَبَيَّنُ مِنَ النَّأْمُلِ فِي نَحْوِ هَذِهِ الْأَحَادِيثِ أَنَّ

الْمَقْصُودَ مِنْ عِلْمِ النُّجُومِ الْمَحْرُومِ تَعَلُّهُ لَيْسَ هُوَ

الْعِلْمُ بِمَفْهُومِهِ الْمَعَاصِرِ، بَلِ الْمَقْصُودُ هُوَ التَّعَرُّفُ

عَلَى تَأْثِيرِ النُّجُومِ فِي مَصِيرِ الْإِنْسَانِ، وَالتَّحَسُّبُ

بِعَوَادَتِ الْمُسْتَقْبَلِ عَنْ طَرِيقِ الْمَطَالَعَةِ فِي سِيرِ

الْكَوَاكِبِ مُطْلَقاً أَوْ مَعَ الْاعْتِمَادِ بِتَأْثِيرِهَا فِي مَصِيرِ

الْإِنْسَانِ.

۱ سنن الترمذی ج ۱ ص ۷۸ ح ۲۲۵

۲ تبيين الخواطر ج ۲ ص ۳۲

۳ كثر القوائد ج ۲ ص ۳۱

۴ سنن الترمذی ج ۵ ص ۶۸ ح ۲۷۱۵

۵ سنن أبي داود ج ۱ ص ۱۶ ح ۳۹۰۵

بسیاری رفتنی‌ام و دانش به زودی جمع می‌گردد و

فته‌ها آشکار می‌شوند، تا آن حاکم که دو تن در

فریبه‌ای اختلاف می‌کند و کسی را نمی‌یابد تا

میان آن دو، داوری کند

۲/۷ آنچه بر آموختن، شایسته است

۱۵۰ پیامبر خدا ﷺ بهترین دانش، آن است که سود

بخشد.

۱۵۱ پیامبر خدا ﷺ: دانش، بیش از آن است که به شمار

در آید. پس، از هر چیز، بیکوترینش را بگیر

۱۵۲ سنن الترمذی - به نقل از رید بن ثابت -: پیامبر

خدا به من فرمود دلالت‌ها را بهان سرینانی را یاد بگیرم

۳/۷ آنچه آموختن، حرام است

الف - علم نجوم

۱۵۳ پیامبر خدا ﷺ هر کس دانشی درباره ستارگان

مرا بگیرد، شایعه‌ای از سحر آموخته است؛ هر چه

بیش، بیشتر

توضیح

همان طور که با ناْمُل در متن این گونه احادیث

معلوم می‌شود، مقصود از علم نجومی که

آموختن آن تحریم شده است، دانش

ستاره‌شناسی به مفهوم امروزی آن نیست؛ بلکه

مقصود، آشنایی با نقش ستارگان در سرنوشت

انسان و پیش‌بینی حوادث آینده از طریق مطالعه

در سیر کواکب با اعتقاد به مؤثر بودن آنها در

سرنوشت انسان است

ب- المنجّر

ب- جادو

۱۵۴. الإمام علیؑ عن رسول الله ﷺ ساجِرُ المسلمین یُقْتَلُ، وَلَا یُقْتَلُ ساجِرُ کُفَّارٍ، قیلَ یا رسولَ الله، ویمُ ذلکَ؟ قالَ: لِأَنَّ الشُّرْکَ وَالسَّحَرَ مَقْرُونانِ، وَاللهِ فِیهِ مِنَ الشُّرْکِ أَعْظَمُ^۱

۱۵۴. امام علیؑ: پیامبر ﷺ فرمود: «جادوگر مسلمانان باید کشته شود؛ ولی جادوگر کفار کشته نمی‌شود»
گفته شد، ای پیامبر خدا! علتش چیست؟
فرمود: «چون شرک و سحر، قرین یکدیگرند و وجود شرک در کسی، بدتر از وجود سحر است»

۴/۷. مَا لَا یَنْبَغِی تَعْلُمُهُ

۴/۷ آنچه آموختنش، شایسته نیست

۱۵۵. جامع بیان العلم وفضله عن امی هریره: إِنَّ لِنَبِیِّ ﷺ دَحْلَ الْمَسْجِدِ قَرَأَی جَمْعاً مِنَ النَّاسِ عَلَى رَجُلٍ فَقَالَ: وَمَا هَذَا؟

۱۵۵. جامع بیان العلم وفضله - به نقل از ابو هریره -
پیامبر خدا، داخل مسجد شد و دید گروهی از مردم، گرد مردی را گرفته‌اند، فرمود: «چه خبر است؟»
گفتند: ای پیامبر خدا! مردی علامه آمده است.
فرمود: «چه علامه‌ای؟»

قالوا: یا رسولَ الله، رَجُلٌ عَلَّامَةٌ

قالَ: وَمَا الْعَلَّامَةُ؟ قالوا: أَعْلَمُ النَّاسِ بِالْأَسْأَلِ الْعَرَبِ، وَأَعْلَمُ النَّاسِ بَرِیَّةٍ، وَأَعْلَمُ النَّاسِ بِشَرْعٍ، وَأَعْلَمُ النَّاسِ بِمَا اِخْتَلَفَ فِیهِ الْعَرَبُ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: هَذَا عِلْمٌ لَا یَنْفَعُ، وَجَهْلٌ لَا یَضُرُّ^۲

گفتند: داناترین مردم به نَسَب‌های عرب و داناترین مردم به بریّت و داناترین مردم به شعر و داناترین مردم به آنچه عرب در آن اختلاف کرده است

الفصل الثامن: الحثّ علی التعلیم

پیامبر خدا فرمود: «اینها، دانشی است که سودی نمی‌بخشد و ندانستن آن هم زیانی ندارد»

۱/۸. وَجُوبُ التَّعْلِيمِ

فصل هشتم: تشویق به آموزش

أَوْجُوبُ التَّعْلِيمِ عَلَى الْعَالَمِ

۱/۸ وجوب آموزش

۱۵۶. رسول الله ﷺ: مَا أَخَذَ اللهُ الْمِيثَاقَ عَلَى الْعَمِیِّ أَنْ یَتَعَلَّمَ حَتَّى أَخَذَ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ یُعَلِّمُوا^۳

۱۵۶. پیامبر خدا ﷺ: «حداوند از مردم برای یادگیری، پیمان نگرفت، تا آن گاه که از دانشمندان برای یاد دادن، پیمان گرفت»

۱. دهانم الإسلام: ج ۲ ص ۸۸۲ ح ۱۷۲۵

۲. جامع بیان العلم وفضله ج ۲ ص ۲۳

۳. اعلام النبیین ص ۸۰

۱۵۷. عَنْهُ ﷺ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُسْأَلُ الْعَبْدَ عَنْ فَصْلِ عَلَيْهِ
كَمَا يُسْأَلُهُ عَنْ فَصْلِ مَالِهِ^۱

ب - حُرْمَةُ كِتَابِ الْعِلْمِ

الكتاب

﴿إِنَّ الدِّينَ يَنْتَعِمُونَ مَا أُنْزِلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَنْشُرُونَ
بِهِ كُنْهًا فَغُلًّا وَأُفْلِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي تُطُوعِهِمْ إِلَّا النَّارُ
وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقَبِضَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ
أَلِيمٌ﴾^۲

الحديث

۱۵۸. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ سُنَّ عَنْ عِلْمٍ كَسَمَّ كَسَمَهُ، أَلْجَمَ
يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِلَحَامٍ مِنْ دَارٍ^۳

۱۵۹. عَنْهُ ﷺ الْعِلْمُ لَا يَحُلُّ مَعْفَاً^۴

۱۶۰. عَنْهُ ﷺ مَثَلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ الْعِلْمَ ثُمَّ لَا يُحَدِّثُ بِهِ
كَمَثَلِ الَّذِي يَكْرُرُ الْكِرَّ فَلَا يُعْفَى مِنْهُ^۵

۲/۸ فَصْلُ التَّعْلِيمِ

۱۶۱. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَمْعَلُ الصَّدَقَةِ أَنْ يَتَعَلَّمَ الْفَرَسُ
الْمُسْلِمُ عِلْماً ثُمَّ يُعَلِّمَهُ أَحِبَّاءَ الْمُسْلِمِ^۶

۱۶۲. عَنْهُ ﷺ يَحْيَى الرَّجُلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَهُ مِنَ
الْحَسَنَاتِ كَالشُّجَابِ الزُّكَّامِ وَكَانِجِيَالِ الزُّرَّاسِيِّ
فَيَقُولُ يَا رَبِّ، أَنْتَ بِي هَدَا وَلَمْ أَعْمَلْهُ؟ فَيَقُولُ هَدَا

۱. الجامع الصغير ج ۱ ص ۲۹ ح ۹۱۱.

۲. العم ۱۷۴

۳. سنن الترمذی، ج ۵ ص ۲۹ ح ۲۶۴۹

۴. فردوس الکبیر ج ۳ ص ۹۶ ح ۴۰۱۵

۵. للمصنوع الأوسط ج ۱ ص ۲۱۳ ح ۲۸۹

۶. سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۸۹ ح ۲۴۳

۱۵۷. پیامبر خدا ﷺ، خداوند متعال، از مباد دانش
انسان می پرسد، همان گونه که از مباد دارایی اش
می پرسد.

ب - حرام بودن کتمان علم

قرآن

﴿کسانی که آنچه را خداوند از کتاب مودل کرده پنهان
می دارند و بدان بهای دجیری به دست می آورند، آنان
جر آتش، در شکم های خویش فرو نمی برند و خدا رور
قیامت با ایشان سخن بخواهد گفت و پاکشان بخواهد کرد
و عذابی دردناک خواهند داشت﴾

حدیث

۱۵۸/ پیامبر خدا ﷺ هر کس از دانشی پرسیده شود و آن
را پنهان کند، روز قیامت، با لگامی از آتش، لگام
زده سخن فرماید

۱۵۹. پیامبر خدا ﷺ مع دانش، رو نیست

۱۶۰. پیامبر خدا ﷺ مثل کسی که دانش می آموزد،
ولی آن را بارگو نمی کند، مثل کسی است که گنج
می اندوزد، ولی از آن حرج نمی کند

۲/۸ ارزش آموزش

۱۶۱. پیامبر خدا ﷺ برترین صدقه، آن است که فرد
مسلمان دانشی را فراگیرد و پس آن را به برادر
مسلمانش بیامورد

۱۶۲. پیامبر خدا ﷺ ادعی در روز رساخیر می آید
و با خود، کارهای بیکی چون اسرهای انبوه ی
کوه های استوار دارد پس می گوید، پروردگارا!
اینها را که من نکرده ام پس، از کجا مید?

عَلَّمَكَ الَّذِي عَلَّمَهُ النَّاسُ يُعْمَلُ بِهِ مِنْ بَعْدِكَ.^۱

[حدادوند] می‌فرماید: «ایس، دانشی تو هست که به مردم آموختی و پس از تو، بدان عمل کردند».

۳/۸ فَضْلُ الْمُعَلِّمِ

۳/۸ ارزش آموزگار

الكتاب

قرآن

﴿رَلْنَا وَابْتَعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِسَابَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾^۲

«پرووردگارا! در میان آنان، فرستاده‌ای از خودشان برمیگیر تا آیات تو را بر آنان بخواند و کتاب و حساب و حکمت به آنان بیامورد و پاکیزشان کند. که تو خود، شکست‌ناپذیر

الحدیث

حکیمی

حدیث

۱۶۳ سنن ابن ماجه عن عبدالله بن عمرو حَرَّحَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ذَاتَ يَوْمٍ مِنْ بَعْضِ حُجَرِهِ فَدْخَلَ الْمَسْجِدَ فَإِذَا هُوَ بِخَلْقَيْنِ: أَحَدَاهُمَا يَقْرَءُونَ الْقُرْآنَ وَيَدْعُونَ اللَّهَ، وَالْآخَرَى تَعْلَمُونَ وَيُتَعَلَّمُونَ فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ كُلُّ عَلَى خَيْرٍ هَؤُلَاءِ يَقْرَءُونَ الْقُرْآنَ وَيَدْعُونَ اللَّهَ، قَبْلِ شَاءَ أَعْطَاهُمْ وَإِنْ شَاءَ نَسَبَهُمْ، وَهَؤُلَاءِ يَتَعَلَّمُونَ وَيُتَعَلَّمُونَ، وَإِنَّمَا يُبْنَى مُعَلِّمًا فَنَحْلَسَ مِنْهُمْ^۳

۱۶۳ سنن ابن ماجه - به نقل از عبدالله بن عمرو -^۱ روزی پیامبر خدا از یکی از حجره‌های خود بیرون آمد و داخل مسجد شد و با دو حلقه رو به‌رو شد. یک حلقه قرآن می‌خواندند و خدا را یاد می‌کردند، و حلقه دیگر به یاد گرفتن و یاد دادن، سرگرم بودند. پیامبر ﷺ فرمود: «همه اینها در کار خیرند. ایان به تلاوت قرآن مشغول‌اند و دعا می‌کنند. اگر خدا بخواهد، به ایشان عطا می‌کند و اگر بخواهد، باز می‌دارد؛ و آنان به آموختن و فراگرفتن، سرگرم‌اند و من، آموزگار برای بیگفته شده‌ام». پس با آنان نشست

۱۶۴ رسول الله ﷺ إِنَّ مُعَلِّمَ الْخَيْرِ يَسْتَعْرِضُهُ ذُوُّ الْأَرْضِ وَحَيَّانُ النَّهْرِ وَكُلُّ دِي رُوحٍ فِي السَّمَاءِ وَجَمِيعُ أَهْلِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، وَإِنَّ الْعَالِمَ وَالْمُسْلِمَ فِي الْأَجْرِ سَوَاءٌ يَأْتِيَانِ يَوْمَ لِقَائِهِ كَفَرْتَنِي بِهِ يَرُدُّجَانِ^۴

۱۶۴ پیامبر خدا ﷺ، حبیب‌دگان زمین و مهربان در و هر جاننداری در هوا و همه اهل آسمان و زمین، برای آموزگار نیکی، آمرزش می‌خواهند، و دانشمند و دانشجو در پاداش برابرند و روز رستاخیز، چون دو اسب در مسابقه، دوشادوش هم‌دیگر می‌آیند

۱۶۵ عَنْهُ ﷺ إِذَا قَالَ الْمُعَلِّمُ لِلصَّبِيِّ قُلْ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، فَقَالَ الصَّبِيُّ «بِسْمِ اللَّهِ

۱۶۵. پیامبر خدا ﷺ هنگامی که آموزگار به کودک بگوید: «بگو «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و کودک

۱. بصائر الدرجات ص ۵ ح ۱۶

۲. البقرة ۱۲۹

۳. سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۸۳ ح ۱۲۹

۴. بصائر الدرجات ص ۳ ح ۱

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، کَتَبَ اللَّهُ بَرَاءَةَ يَلْحَقِي وَبَرَاءَةَ
لِأَيُّوبَ وَبَرَاءَةَ يَلْمَعْلَمُ^۱

بگوید «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، خداوند، توری از
آتش را برای کودک و پدر و مادرش و امورگار
می‌نویسد

الفصل التاسع آداب التعلیم

فصل بهم آداب آموختن

۱/۹ الإخلاص

۱/۹ اخلاص

۱۶۶ رسول الله ﷺ العالم إذا أراد يعلمه وَحَةَ اللَّهِ هَذِهِ
كُلُّ شَيْءٍ، وإذا أراد يعلمه أن يَكْبِرَ بِهِ الْكُفُورَ هَاتِ مِنْ
كُلِّ شَيْءٍ^۲

۱۶۶ پیامبر خدا ﷺ دانشمند، اگر ما دانشش حشودی
خداوند ﷻ را بخواهد، همه چیز از او می‌هراسد و
اگر بخواهد ما دانشش رو اندوزد، از همه چیز
می‌هراسد

۲/۹ التواضع بين المتعلمين

۲/۹ رفتار برتر با علم‌آموزان

۱۶۷ رسول الله ﷺ أَبْعَدُ الْخَلْقِ مِنَ اللَّهِ وَجُلَايَ رَجُلٌ
يُجَالِسُ الْأُمَرَاءَ فَمَا قَالُوا مِنْ جُورٍ حَذَقَهُمْ عَلَيْهِ،
وَمُعَلِّمُ الصَّبِيَّانِ لَا يُؤَامِي بَيْنَهُمْ وَلَا يُرَاقِبُ اللَّهُ لِحَسَنِ
الْيَتِيمِ^۳

۱۶۷ / پیامبر خدا ﷺ دورترین مردم از خداوند، دو
کس‌اند کسی که با فرمانروایان می‌نشید و هر
صحن سخنی را که می‌گوید، تأیید می‌کند، و
امورگار کودکان که با آنان یکسان رفتار می‌کند و
درمارة یتیم، حذارادر نظر نمی‌گیرد

۳/۹ تَوَلَّى الْمُتَعَلِّمُ

۳/۹ پرورگذاشت علم‌آموزان

۱۶۸ رسول الله ﷺ وَقَرَأُوا مِنْ تَعْلُمُونَ الْعَمَى^۴

۱۶۸. پیامبر خدا ﷺ کسانی را که به آنها دانش
می‌آموزند، بزرگ بدارید

۴/۹ الرِّفْقُ

۴/۹ ملولوا

۱۶۹ رسول الله ﷺ لِيَهْوِيَ لِمَنْ تَعْلَمُونَ وَمَنْ تَعْلَمُونَ
مِنْهُ^۵

۱۶۹. پیامبر خدا ﷺ با کسی که به او می‌آموزید و نیز
کسی که از او می‌گیرید، نرمی کنید

۱۷۰ عَنِ اللَّهِ إِنْ اللَّهُ لَمْ يَبْعَثْ مُعْتَصِ وَلَا مُتَعْتَصًا وَلَكِنْ
بَعَثَ مُعَلِّمًا مُؤْتَرًّا^۶

۱۷۰. پیامبر خدا ﷺ خداوند، مراسختگیر و آرا دهنده
بر پیکیخت؛ بلکه مرا آموزگاری آسانگیر
برانگیخت

۱. جامع الأخبار ص ۱۱۹ ج ۲۱۱

۲. الفردوس ج ۳ ص ۷۶ ج ۴۲۰۱

۳. كنز العمال ج ۱۶ ص ۲۲ ج ۱۳۷۶

۴. الفردوس ج ۱ ص ۳۸۷ ج ۷۱۲۵

۵. صبه للمريد ص ۹۳

۶. صحيح مسلم ج ۲ ص ۱۱۰۵ ج ۳۳

۵/۹. قَوْلُ «لَا أَعْلَمُ»

۵/۹. گفتن «منی دانم»

۱۷۱ رسول الله ﷺ - من وَصِيَّتِي لِأَيِّ ذَرٍّ - يَا أَبَا ذَرٍّ،
إِذَا سُئِلْتَ عَنْ عِلْمٍ لَا تَعْلَمُهُ قُلْ: «لَا أَعْلَمُ» تَجِبُ مِنْ
تَبَيُّنِهِ، وَلَا تُفْتِ النَّاسَ بِمَا لَا عِلْمَ لَكَ بِهِ تَجِبُ مِنْ عَذَابِ
يَوْمِ الْقِيَامَةِ^۱

۱۷۱ پیامبر خدا ﷺ - در سفارشش به ابو ذر - ای ابو
ذره هر گاه از دانشی پرسیده شدی که آن را
نمی‌دانی، بگو: «منی دانم» تا از پیامدهای آن،
رهایی یابی و در آنچه منی دانی، به مردم فتوا مده
تا از کیمر و ور قیامت بترسی.

الفصل الحاشی: فضل العلماء

فصل دهم: ارزش عالمان

۱/۱۰. أَمْنَاءُ اللَّهِ

۱/۱۰. امینان خدا

۱۷۲ رسول الله ﷺ الْعُلَمَاءُ أَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ^۲

۱۷۲ پیامبر خدا ﷺ دانشمندان، امینان خداوند بر
آفریدمهای او هستند.

۱۷۳ عَنْهُ ﷺ الْعُلَمَاءُ أَمْنَاءُ أُمَّتِي^۳

۱۷۳ پیامبر خدا ﷺ: دانشمندان، امینان امت من هستند.

۱۷۴ عَنْهُ ﷺ الْعِلْمُ وَدِيعةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَالْعُلَمَاءُ
أَسَاوُهُ عَلَيْهِ، مَنْ عَمِلَ بِعِلْمِهِ آدَى مَاتَتْهُ، وَمَنْ لَمْ
يَعْمَلْ كَيْفَ هِيَ دِيْوَانُ اللَّهِ تَعَالَى أَنَّهُ مِنَ الْعَانِيِينَ^۴

۱۷۴ پیامبر خدا ﷺ دانش، ودیعه خدا در زمین اوست و
دانشمندان، امینان او بر آن هستند پس هر کس
دانش خود را به کار بندد، امانتش را از دست داده است
و هر کس به کار نبندد، در دیوان خداوند متعال،
جرو حیانتکاران نوشته می‌شود

۲/۱۰. وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ

۲/۱۰. ورثان پیامبران

۱۷۵ رسول الله ﷺ إِنْ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ، وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ

۱۷۵ پیامبر خدا ﷺ: همانا دانشمندان، وارثان
پیامبران‌اند پیامبران، دینار و درهم به ارث
بهادمانند؛ بلکه دانش را به ارث گذاشته‌اند پس
هر کس از آن [دانش] ببرد، بهره‌ای فراوان برده
است

لَمْ يُوَرِّثُوا دِينَاراً وَلَا دِرْهَماً، وَلَكِنْ وَرَّثُوا الْعِلْمَ، فَمَنْ
أَخَذَ مِنْهُ أَخَذَ بِحَقٍّ وَافٍ^۵

۱۷۶ عَنْهُ ﷺ أَكْرَمُوا الْعُلَمَاءَ فَإِنَّهُمْ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ، فَمَنْ
أَكْرَمَهُمْ فَقَدْ أَكْرَمَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ^۶

۱۷۶ پیامبر خدا ﷺ دانشمندان را گرامی بدارید؛ چرا که
آنان، وارثان پیامبران‌اند. پس هر کس آنان را گرامی
بدارد، خدا و پیامبرش را گرامی داشته است.

۱. الأملی للطوسی ص ۵۲۷ ج ۱۱۶۲

۲. المواضع العددية ص ۱۸

۳. الفرقان ص ۳ ج ۲۶ ح ۴۲۱۱

۴. الدرة الباهرة ص ۱۷

۵. الکافی ج ۱ ص ۳۱ ح ۱

۶. تاریخ بغداد ج ۱ ص ۴۳۸

۳/۱۰. يَدَادُهُمْ أَفْضَلُ مِنْ دِمَائِ الشُّهَدَاءِ

۳/۱۰ برتری مرکب آسان بر خون شهیدان

۱۷۷ رسول الله ﷺ وَرَيْنَ جَبْرِ الْعُلَمَاءِ بِدَمِ الشُّهَدَاءِ فَرَجَحَ عَلَيْهِمْ^۱

۱۷۷ پیامبر خدا ﷺ مرکب [قلم] دانشمندان، با خون شهیدان سنجیده شد پس بر آن برتری یافت.

۱۷۸ عَنْهُ ﷺ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ وَرَيْنَ يَدَادِ الْعُلَمَاءِ بِدِمَائِ الشُّهَدَاءِ فَيَرْجَحُ يَدَادُ الْعُلَمَاءِ عَلَى دِمَائِ الشُّهَدَاءِ^۲

۱۷۸ پیامبر خدا ﷺ چون روز قیامت شود، مرکب [قلم] دانشمندان با خون شهیدان سنجیده می‌شود، پس مرکب [قلم] دانشمندان بر خون شهیدان، برتری می‌یابد

۴/۱۰. مَوْتُهُمْ ثَلَاثَةٌ فِي الدِّينِ

۴/۱۰ مرگشان شکافی در دین است

۱۷۹ رسول الله ﷺ مَوْتُ الْعَالِمِ ثَلَاثَةٌ فِي الْإِسْلَامِ لَا يَسُدُّهَا احْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ^۳

۱۷۹ پیامبر خدا ﷺ مرگ دانشمند، شکافی در اسلام است که مد و رفت شب و روز، آن را پر نمی‌سازد

۱۸۰ عَنْهُ ﷺ مَوْتُ الْعَالِمِ مُصِيبَةٌ لَا تُحْبَرُ وَتُسَمَّى لَا تُسَدُّ، وَهُوَ نَجْمٌ طَقَسَ^۴، وَمَوْتُ فَبَيْلِهِ أَيْسَرُ مِنْ مَوْتِ عَالِمٍ^۵

۱۸۰، پیامبر خدا ﷺ مرگ دانشمند، مصیبتی است که مراد، پدید و شکافی پُرشدنی است و آن، ستاره‌ای است که ناپدید می‌گردد، مرگ یک عالمه، آسان‌تر از مرگ یک دانشمند است

۱۰ فصل العالم على العابد

۱۰ برتری عالم بر عابد

۱۸۱ رسول الله ﷺ فَصَلَ الْعَالِمُ عَلَى الْعَابِدِ كَفَصَلِ الْقَمَرِ عَلَى سَائِرِ النُّجُومِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ^۶

۱۸۱ پیامبر خدا ﷺ برتری دانشمند بر عابد، مانند برتری ماه شب چهارده بر دیگر ستارگان است

۱۸۲ عَنْهُ ﷺ إِنَّ فَصْلَ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَصْلِ الشَّمْسِ عَلَى الْكَوَاكِبِ، وَفَصْلَ الْعَابِدِ عَلَى غَيْرِ الْعَابِدِ كَفَصْلِ الْقَمَرِ عَلَى الْكَوَاكِبِ^۷

۱۸۲ پیامبر خدا ﷺ بی‌گمان، برتری دانشمند بر عابد، مانند برتری خورشید بر ستارگان است و برتری عابد بر غیر عابد، مانند برتری ماه بر ستارگان است

۱۸۳ عَنْهُ ﷺ بَيْنَ الْعَالِمِ وَالْعَابِدِ مِثْلَةُ ذَرَجَةٍ، بَيْنَ كُلِّ ذَرَجَتَيْنِ خُصْرُ الْجَوَادِ الْمَصْرَمِ سَبْعِينَ سَنَةً^۸

۱۸۳ پیامبر خدا ﷺ میان دانشمند و عابد، صد درجه است که میان هر دو درجه، هفتاد سال تاختی است راه‌لر میان تاریک است

۱ تاریخ بغداد ج ۲ ص ۱۹۲

۲ الأملی للعلوی ص ۵۲۱ ح ۱۱۶۹

۳ القردوس ج ۱ ص ۱۶۹ ح ۶۴۵۹

۴ طمس الحکم دهب صوره (القیس ص ۴۹۴)

۵ القردوس ج ۴ ص ۱۶۸ ح ۶۴۵۸

۶ الکافی ج ۱ ص ۳۴ ح ۱

۷ بصائر الدرجات، ص ۸ ح ۸

۸ جامع بیان العلم وفضلہ ج ۱ ص ۲۷

۱۸۴ عنه علیه السلام - مِنْ وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ عليه السلام -: يَا عَلِيُّ، سَوْمُ الْعَالِمِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الْعَابِدِ ^۱

۱۰/۶ الْعُلَمَاءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

۱۸۵ رسول الله صلی الله علیه و آله إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ الْعُلَمَاءَ فَقَالَ إِنِّي لَمْ أُسْتَوْدِعْ حِكْمَتِي قُلُوبَكُمْ وَأَنَا أُرِيدُ أَنْ أُعَذِّبَكُمْ، أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ ^۲

۱۸۶ عنه علیه السلام أَشَدُّ مِنْ يُتَمِّ الْقَتِيمِ الَّذِي انْقَطَعَ عَنْ أُمِّهِ وَابْنِهِ يُتَمُّ يَقِيمٌ انْقَطَعَ عَنْ إِمَامِهِ وَلَا يَغْبِرُ عَلَى الْوُصُولِ إِلَيْهِ، وَلَا يَدْرِي كَيْفَ حُكْمُهُ فِيمَا يُتَلَنِي بِهِ مِنْ شَرَائِعِ دِينِهِ، أَلَا مَثَلُ كَانٍ مِنْ شَيْعَتِنَا عَالِمًا بِعُلُوبِنَا وَهَذَا الْحَاجِلُ بِشَرْعِنَا الْمُتَقَطِّعُ عَنْ مُشَاهَدَتِنَا بِحَقِّهِمْ فِي جَمْعِهِ، أَلَا مَثَلُ هَذَا وَرُشْدُهُ وَعَلَّقُهُ شَرِّ مَثَلَاكَانَ مَعَنَا فِي الرُّمُوقِ الْأَعْلَى ^۳

الفصل الحادي عشر ما ينبغي للعالم

۱۱/۱ العَمَلُ

۱۸۷ رسول الله صلی الله علیه و آله عَمُّوا مَا شِئْتُمْ مِنْ شَيْئٍ أَنْ تَعْمُوا.

فَلَنْ يَنْفَعَكُمْ اللَّهُ بِالْعِلْمِ حَتَّى تَعْمَلُوا ^۱

۱۸۸ عنه علیه السلام إِنِّي لَا أَحَافُ عَلَيْكُمْ فِيمَا لَا تَعْمَلُونَ وَلَكِنْ انْظُرُوا كَيْفَ تَعْمَلُونَ فِيمَا تَعْمَلُونَ ^۲

۱ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۳۶۷ ح ۵۷۶۲، معارج الانوار ج ۲ ص ۲۲ ح ۶۶، به دالغ که یصحبها العابد بدل عباد العابد

۲ کتزالعقائد ج ۱ ص ۱۷۲ ح ۲۸۸۹۴

۳ الاحتیاج ج ۱ ص ۹ ح ۲

۴ حلیه الاولیاء ج ۱ ص ۲۳۶

۵ حلیه الاولیاء ج ۸ ص ۱۳۲

۱۸۲ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در آنچه به علی علیه السلام سفارش کرده است - ای علی! خوبان دانشمند، برتر از عبادت عابد است

۱۰/۶ عالمان در روز رستاخیز

۱۸۵ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله؛ هنگامی که روز قیامت فرا رسد، خداوند، دانشمندان را گرد می آورد و می گوید: ای من، حکمتم را در دل های شما به ودیعه نهادم تا شما را کبر دهم به بهشت وارد شوید

۱۸۶ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله؛ سخت تر از یتیمی کسی که پدرش را از دست داده، یتیمی کسی است که از امام خود، بریده شده و توان دستیابی به او را ندارد و حکم مسائل دینی مورد ابتلاش را نمی داند. بدانید که هر کس از شیعیان ما که به علوم ما آگاه باشد، این شخصی که به شریعت ما آگاه نیست و به ما دسترس ندارد، [همچون] یتیمی است در دامان او بدانید که هر کس او را هدایت و ارشاد کند و شریعت و احکام ما را به او بیامورد، در جمع بهشتیان برین، با ما خواهد بود

فصل یازدهم آنچه برای عالم

شایسته است

۱۱/۱ عمل

۱۸۷ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله؛ اگر می خواهید بدانید، هر چه می خواهید بیاموزید؛ ولی هرگز جداوند، شما را از دانش بهره نمی دهد، تا آن که بدان عمل کنید.

۱۸۸ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله؛ من از آنچه نمی دانید، نمی ترسم؛ ولی بنگرید که در آنچه می دانید، چگونه عمل می کنید

۱۸۹ عنه ﷺ الْعِلْمُ إِسَامُ الْعَمَلِ وَالْعَمَلُ تَابِعُهُ يُلْهِمُهُ
اللهُ الشَّعْءَةَ وَيُحَرِّمُهُ الْأَشْقِيَاءَ^۱

۱۸۹ - پیامبر خدا ﷺ دانش، پیشوای عمل است و عمل، پیرو آن، خداوند، آن را در دل نسیک بخشان می‌اندازد و او تیر محبان، در بر می‌دارد

۲/۱۱ مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ

۱۹۰ رسول الله ﷺ تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ وَتَعَلَّمُوا لِمِ
الشَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ، وَتَوَاضَعُوا لِمَنْ تَعَلَّمُونَ مِنْهُ^۲

۲/۱۱ اخلاق پسندیده

۱۹۰ - پیامبر خدا ﷺ دانش را فرا گیرید و آرامش و وقار را برای آن بیاموزید و در برابر کسی که از او فرا می‌گیرید، فروتنی کنید

۱۹۱ عنه ﷺ زِينَةُ الْعِلْمِ الْإِحْسَانُ^۳

۱۹۱ - پیامبر خدا ﷺ زیور دانش، احسان است

۳/۱۱ الْحِلْمُ

۱۹۲ رسول الله ﷺ يَمُحُ وَيُزِيلُ الْعِلْمَ الْحِلْمُ^۴

۳/۱۱ بردباری

۱۹۲ - پیامبر خدا ﷺ، بهترین دست یار دانش، بردباری است

۱۹۳ عنه ﷺ زَيْنُ الْعِلْمِ حِلْمُ أَهْلِهِ^۵

۱۹۴ عنه ﷺ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، مَا جُمِعَ شَيْءٌ مِنْ شَيْءٍ وَأَصْلٌ مِنْ حِلْمٍ إِلَى عِلْمٍ^۶

۱۹۳ - پیامبر خدا ﷺ زیور دانش، بردباری اهل آن است

۴/۱۱ رَدُّ الْفُتْنَةِ

۱۹۵ رسول الله ﷺ إِذَا ظَهَرَ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ
الْعَالِمُ حِلْمَهُ، فَمَنْ لَمْ يَعْمَلْ فَقَلْبُهُ لَعْنَةُ اللَّهِ^۷

۱۹۴ - پیامبر خدا ﷺ، سوگند به آن که جسام در دست اوست، برتر از بردباری با دانش، چیری با چهر دیگر گردد بیامد

۵/۱۱ عَدَمُ الْإِكْتِئَاءِ مِمَّا يَعْلَمُ

۴/۱۱ منازعه یا بدعت

۱۹۵ - پیامبر خدا ﷺ هر گاه در امت من بدعت‌ها آشکار شدند، بر دانشمند است که دانش خود را آشکار سازد و هر که این کار را نکند، نفرین خدا بر او باد

۱۹۶ رسول الله ﷺ لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ عَاقِلًا حَتَّى يَجْتَنِبَ فِيهِ عَشْرُ حِصَالٍ لَا يَسَامُ مِنْ طَلَبِ الْعِلْمِ طَوْلُ عُمُرِهِ^۸

۵/۱۱ بصعده نکردن به دانش‌ها

۱۹۶ - پیامبر خدا ﷺ، مؤمن، حردمند نمی‌گردد، تا آن که ده ویژگی در او نگردد آید: - در طول زندگی اش، از جستجوی دانش، ملول نگردد

۱ التمهيد ص ۵۲۳ ح ۱۲

۲ المعجم الأوسط ج ۶ ص ۲۰۰ ح ۶۱۸۴

۳ کتاب من لا يحضره الفقيه ج ۴ ص ۱۰۲ ح ۵۸۶۸

۴ الکافي ج ۱ ص ۴۸ ح ۳

۵ سنن الترمذي ج ۱ ص ۱۵۰ ح ۵۸۳

۶ التمهيد ص ۵ ح ۱۱ ۷ الکافي ج ۱ ص ۵۴ ح ۲

۸ التمهيد ص ۴۳۳ ح ۱۷

۱۹۷. عَنْهُ عَلَيْهِ صَلَواتُهُ لَا يَشْتَعَانِ طَالِبُ دُنْيَا وَطَالِبُ عِلْمٍ^۱ ۱۹۷. پیامبر خدا ﷺ در آرمند، سیر نمی‌شوند. جوینای دنیا و جوینای دانش

الفصل الثانی عشر: ما لا یذبخی للعالم

فصل دوازدهم آنچه برای عالم،

شایسته نیست

۱/۱۲. تَرَكُ لِلْعَقْلِ

۱/۱۲ عمل نکردن

۱۹۸. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ ارَادَ عِلْماً وَلَمْ يَزِدْهُ هُدًى، لَمْ يَزِدْهُ مِنَ اللَّهِ إِلَّا هُدًى^۲

۱۹۸. پیامبر خدا ﷺ هر کس بر دانش خویش افزود، ولی بر هدایتش بیافزود، جز بر دوری‌اش از خدا بیافزود

۱۹۹. عَنْهُ عَلَيْهِ صَلَواتُهُ مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَلَمْ يَحْتَمِلْ بِمَا فِيهِ، خَسِرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمًى^۳

۱۹۹. پیامبر خدا ﷺ هر کس دانش اندوزد و به آن عمل نکند، خداوند، روز قیامت وی را سیاه‌بین می‌انگیزد.

۲/۱۲. حُبُّ الدُّنْيَا

۲/۱۲. تمیادوستی

۲۰۰. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا دَهَبَتْ خَوْفُ الْآخِرَةِ مِنْ قَلْبِهِ وَمَا أَتَى اللَّهَ عَبْدٌ عِلْماً فَازْدَادَ لِدُنْيَا حُبًّا إِلَّا ارْدَادَ اللَّهُ عَلَيْهِ غَضَباً^۴

۲۰۰. پیغمبر خدا ﷺ هر کس دنیا را دوست بدارد، ترس آخرت از دلش می‌رود. خداوند، به بندمای دانش بداد و دیادوستی‌اش افزایش نیامت، چهر آن که حشم خداوند بر او پیشتر شد

۳/۱۲. مُخَالَفَةُ السُّلْطَانِ الْجَانِبِ وَعَمَالِهِ

۳/۱۲. معاصرت با پادشاه مستمکر و کارگزاران او

۲۰۱. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْمُتَمَاءُ أَمَاءُ الرَّسُولِ عَلَى عِبَادِهِ مَا لَمْ يُخَالِفُوا السُّلْطَانَ - يَمُصِي فِي الظُّلَمِ - فَإِذَا لَقُوا ذَلِكَ فَقَدْ حَاثُوا الرَّسُولَ، فَاحْذَرُوهُمْ وَاعْتَرِ لَوْهُمْ^۵

۲۰۱. پیامبر خدا ﷺ: دانشمندان، امتداداران پیامبر برای بدگمان خدایند، تا آن گاه که با پادشاهان - در مستمگری‌شان - در پیامبرند. آن گاه که چنین کنند، به پیامبران، خیانت کرده‌اند پس، از آنان بر حذر باشید و از آنان کناره بگیرید

۲۰۲. عَنْهُ عَلَيْهِ صَلَواتُهُ إِنْ أَبْغَضَ الْخَلْقُ إِلَى اللَّهِ وَالْعَالَمِ مَرُورَ الْعَمَالِ^۶

۲۰۲. پیامبر خدا ﷺ بی‌گمان، مفرورترین خلق مرد خداوند ﷻ، دانشمندی است که به دیدار کارگزاران [مستمکر] می‌رود

۱. الذکاء ج ۱ ص ۴۶ ح ۱

۲. صبه المبرید ص ۱۵۲

۳. مکرم الأخلاق ج ۲ ص ۳۴۸ ح ۳۶۶۰

۴. دهام الإسلام ج ۱ ص ۸۲

۵. جامع بیان العلم وفضله ج ۱ ص ۱۸۵

۶. تفرهوس ج ۱ ص ۲۱۵ ح ۸۲۲

۴/۱۲. طَلَبُ الرَّفْعَةِ

۴/۱۲ برتری طلبی

۲۰۳ رسول الله ﷺ احذَرُوا الشَّهْوَةَ الْخَفِيَّةَ الْعَالَمَ يَجِبُ أَنْ يُجْلَسَ إِلَيْهِ^۱

۲۰۳ پیامبر خدا ﷺ از شهوت پنهان پرهیزید
دانشمند، دوست دارد که کارش بشنید

۵/۱۲. الرِّيَاءُ

۵/۱۲ خودنمایی

۲۰۴ رسول الله ﷺ مَنْ رَأَى النَّاسَ يَحِلُّ بِهِ رَأْيُ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۲

۲۰۴ پیامبر خدا ﷺ هر کس دانش خود را به رخ مردم بکشد، خداوند، او را در روز قیامت، انگشت‌ها می‌کشد

۲۰۵ عَنْهُ ﷺ مَنْ سَمِعَ النَّاسَ يَحْمِدُهُ سَمِعَ اللَّهُ بِهِ سَابِعَ خَلْقِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَحَفَرَهُ وَصَفَرَهُ^۳

۲۰۵ پیامبر خدا ﷺ هر که او را در دانشش رده مردم سوساند، خداوند در روز قیامت، او را به رشی‌هایش [را به حقیقت می‌رساند و حواری و کوجکش می‌سازد]

الفصل الثالث عشر حقوق العالم

۱/۱۳ الإِكْرَامُ

فصل سیزدهم حقوق عالم

۲۰۶ رسول الله ﷺ أَكْرِمُوا الْعُلَمَاءَ وَوَقِّرُوهُمْ^۴

۱/۱۳ احترم کنید دانشمندان را

۲۰۷ عَنْهُ ﷺ مَنْ أَكْرَمَ مَعَهَا مُسْلِمًا لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ عَنْهُ رَاضٍ، وَمَنْ أَهَانَ فَفِيهَا مُسِيئًا لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ عَلَيْهِ عَصَبَانُ^۵

۲۰۶ پیامبر خدا ﷺ: دانشمندان را اکرام کنید و آنان را گرامی بن دارید

۲۰۷ پیامبر خدا ﷺ هر کس مسلمان دین‌شناسی را بزرگ بداند، خداوند در روز قیامت، در حالی ملاقات می‌کند که از او خوشود است و هر کس فقیهی مسلمان را احرار کند، خداوند را در روز قیامت، در حالی ملاقات می‌کند که بر وی خشمناک است

۲/۱۳ التَّوَاضُّعُ لَهُ

۲۰۸ رسول الله ﷺ تَوَاضَعُوا لِلْعَالَمِ وَارْفَعُوا قَلْبًا الْمَلَائِكَةُ تَرْفَعُ الْعَالِمَ وَتَحْفَضُ أَجْسَادَهَا وَسَتْمُرُ لَهُ^۶

۲/۱۳ تواضع بر برابر عالم

۲۰۸ پیامبر خدا ﷺ در برابر دانشمند، فروتنی کنید و او را از رخ بنهید^۱ چرا که مرشدگان، دانشمند را بالا می‌کشند و مال‌های خود را پایین می‌ورند (فروتنی می‌کنند) و مرایش آمرزش می‌طلبند

۱ التلخیص الصغیر ج ۱ ص ۴۲ ح ۲۴۷

۲ المعجم الکبیر ج ۲ ص ۱۶۷ ح ۱۶۱۵

۳ حلیه الأولیاء ج ۵ ص ۹۹

۴ فردوس الأخبار ج ۱ ص ۱۰۹ ح ۳۳۳

۵ عوالم ثلاثی ج ۱ ص ۲۵۹ ح ۳۱

۶ الفردوس ج ۲ ص ۴۵ ح ۲۲۶۳

۳/۱۳ مُجَالَسَتُهُ

۳/۱۳. همنشینی با عالم

۲۰۹ رسول الله ﷺ: لَأَنْبِيَاءُ قَادَةٌ، وَالْفُقَهَاءُ سَادَةٌ، وَمُجَالَسَتُهُمْ رِيَادَةٌ^۱

۲۰۹. پیامبر خدا ﷺ: پیامبران، پیشوا هستند و فقیهان، سرورند و همشی با آنان، مایه فرومی‌دانش است

۲۱۰ عنه ﷺ قَالَ لَقَمَانُ لِابْنِهِ يَا بُنَيَّ، صَاحِبِ الْعُلَمَاءِ وَاقْرَبْ مِنْهُمْ، وَجَالِسُهُمْ وَزُرُهُمْ فِي بُيُوتِهِمْ، فَلَمَّا كُنْتَ تُشَبِّهُهُمْ فَتَكُونُ مَتَهُمْ، وَاجْلِسْ مَعَ صَلَاحِيهِمْ، قَرُبًا أَصَابَهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ فَتَدْخُلُ فِيهَا وَإِنْ كُنْتَ طَالِعًا^۲

۲۱۰. پیامبر خدا ﷺ: لقمان به پسرش گفت: «پسرکم! با دانشمندان، همدم و نزدیک و همشس باش و در خانه‌هایشان به دیدارشان برو، شاید که به آنها شبیه گردی و از آنان به شمار آیی، و با صالحان آنها بنشین که چه بسا خدا ایشان را به رحمتی سوازد و در نتیجه، تو سیر در آن داخل شوی، هر چند بدکار باشی»

الفصل الرابع عشر: علماء النسوة

۱/۱۴. تَحْذِيرُ الْعَالِمِ بِإِلَاقَةِ

فصل چهاردهم عالمان بد

۲۱۱ رسول الله ﷺ: فِي وَصِيَّةٍ لِقَبْدَلَةَ بْنِ مَسْعُودٍ... يَا بَنِي مَسْعُودٍ، مَنْ سَلَّمَ الْعِلْمَ وَلَمْ يَحْتَلِ بِمَا فِيهِ حَشَرَةٌ لَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى^۳

۱/۱۴. هشدار به عالم بی عمل

۲۱۱. پیامبر خدا ﷺ: در سفارش به عبد الله بن مسعود: ای فرزند مسعود! هر کس دانش بیامورد و بدان عمل نکند، خداوند در روز قیامت، او را کور محسوس می‌گرداند.

۲۱۲ عنه ﷺ الْعَالِمُ وَالْعِلْمُ وَالْعَمَلُ فِي نَجَسٍ، فَإِذَا لَمْ يَحْتَلِ الْعَالِمُ بِمَا يَعْلَمُ كَانَ الْعِلْمُ وَالْعَمَلُ فِي الْحَبَرِ وَكَانَ الْعَالِمُ فِي النَّارِ^۴

۲/۱۴. الْعَالِمُ بِإِلَاقَةِ جَاهِلٍ

۲۱۳ رسول الله ﷺ: إِنَّ مِنَ الْعِلْمِ جَهْلًا^۵

۲۱۲. پیامبر خدا ﷺ: دانشمند و دانش و عمل، در بهشت‌اند، چون دانشمند به آنچه می‌داند، عمل نکند، دانش و عمل به بهشت می‌روند و دانشمند، در دوزخ می‌افتد

۲۱۴. عنه ﷺ: فِي جَوَابِهِ يَسْعَدُ حِينَ قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ،

۲/۱۴. عالم بی عمل، نادان است

۲۱۳. پیامبر خدا ﷺ: برخی از دانش‌ها نادانی است
۲۱۴. پیامبر خدا ﷺ: در پاسخ به سعد، هنگامی که گفت: ای پیامبر خدا! من از نزد قومی به سوی تو

۱ الامالی للطبرسی ص ۴۷۳ ح ۱۰۳۲

۲ اعلام الدین ص ۲۷۲

۳ مکالم الأخلاق ج ۲ ص ۳۶۸ ح ۲۶۹۰

۴ فردوس الأخبار ج ۲ ص ۱۰۲ ح ۴۰۳۸

۵ سنن ابی داود ج ۱ ص ۳۰۳ ح ۵۰۱۲

أَتَيْتَكَ مِنْ قَوْمٍ هُمْ وَأَسْعَافُهُمْ سَوَاءٌ - يَا سَعْدُ لَا
أُحِبُّكَ يَا عَجَبْتَ مِنْ ذَلِكَ أَ قَوْمٌ عَلِمُوا مَا جَهْلَ هَؤُلَاءِ
ثُمَّ جَهِلُوا كَجَهْلِهِمْ^۱

می‌بینم که آنان و چارپایانشان یکسان‌اند - ای
سعد ای تو را به شگفتی‌تر از این آگاه نکنم؟ قومی
که آنچه را ایشان نمی‌دانند، می‌دانند؛ ولی مانند
ایشان، ندانی می‌کند

۳/۱۱ شِدَّةُ جِسَابِ الْعُلَمَاءِ

۲۱۵ رسول الله ﷺ إِنَّ لِلَّهِ عَفَايَ الْأَكْسَرَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
مَا لَا يُعَافِي الْعُلَمَاءَ^۲

۳/۱۲ سختی حسابرسی عالمان
۲۱۵ پیامبر خدا ﷺ خداوند بزرگوار در روز قیامت،
بسی سوادان را از چیزهایی معاف می‌دارد که
دانشمندان را از آنها معاف نمی‌کند
۲۱۶ . پیامبر خدا ﷺ هانا بدان که خداوند، چهل گناه
را از مادلان می‌آمرزد، پیش از آن که یک گناه را از
دلنا بیامرد

۲۱۶ عَنْهُ ﷺ أَلَا وَإِنَّ اللَّهَ يَمْحُزُّ لِلْجَاهِلِ أَرْبَعِينَ ذَنْبًا قَبْلَ
أَنْ يَمْحُزُّ لِعَالِمٍ ذَنْبًا وَاحِدًا^۳

۴/۱۴ عَقَابُ عُلَمَاءِ الشُّوْءِ

۲۱۷ رسول الله ﷺ أَوْحَى اللَّهُ إِلَى دَاوُدَ ﷺ لَا تَجْعَلَ
نَبِيَّ وَنَبِيَّكَ عَالِمًا مَعْتَمِدًا بِالذُّمِّ فَيُضِلُّكَ عَنْ طَرِيقِ
مَحْشِي. فَإِنْ أُولَئِكَ قَطَاعُ طَرِيقِ عَادَى الْعَرِيدِ مِنْ أَيْنَ
مَا أَنَا صَانِعٌ بِهِمْ أَنْ أَرْغَ خَلَاوَةَ مُسَاجِنِي عَنْ قُلُوبِهِمْ^۴

۲/۱۲ کیفر عالمان بد
۲۱۷ پیامبر خدا ﷺ خداوند به داود ﷺ وحی کرد
قصص من و خودت، دانشمند مصون دلب را قهر
مده که تو را از مسیر محبت من، باز می‌دارد
ایشان، و اهرمان راه بدگای خواهان می‌اند. کمترین
کاری که با آنان می‌کنم، این است که شیرینی را از
باز با خود را از دل‌هایشان می‌برم

۲۱۸ عَنْهُ ﷺ الْعُلَمَاءُ رَجُلَانِ رَحُلٌ عَالِمٌ أَجْدُ بِعِلْمِهِ
فَهَذَا مَاجٍ، وَعَالِمٌ تَارِكٌ لِعِلْمِهِ فَهَذَا هَالِكٌ وَبَيْنَ هَسِ
النَّارِ لِيَتَأَدَّبُونَ مِنْ رِيحِ الْعَالِمِ النَّارِ لِعِلْمِهِ وَإِنْ تُشَدُّ
أَهْلُ النَّارِ نَدَمَةً وَحَسْرَةً رَحُلٌ دَعَا عَبْدُ بَنِي إِفْوَ
فَاسْتَجَابَ لَهُ وَقِيلَ مِمَّ، فَأَطَاعَ اللَّهُ فَأَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ
وَأَدْخَلَ الدَّاعِيَ النَّارَ يَتْرِكُ عِلْمَهُ وَاتِّبَاعَهُ الْهَوَى وَطُولِ
الْأَمَلِ. أَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَى فَيُضِلُّ عَنِ الْحَقِّ. وَطُولُ الْأَمَلِ
يُضِلُّ عَنِ الْآخِرَةِ^۵

۲۱۸ پیامبر خدا ﷺ دانشمندان، دو گونه‌اند مردی
دلنا که به دانش خود، عمل می‌کند، و این، سعادت
یافته است - و دانشمندی که دانش خود را و نهاده -
و این، هلاک شده است - و دورحیان از سوی
دانشمند و گذارنده دانش خود، ادبیت می‌شوند و
پنجهان برین و پر حسرت برین ساکنان جهنم، مردی
است که بندهای را به سوی خدا فرا خوانده و او پاسخ
مثبت داده و از وی پذیرفته و اطاعت خدا را کرده و
خدا هم او را به بهشت برده است؛ ولی آن دعوت
کننده را به سبب و نگهداردن دانشش و پیروی از
هوسش و درازی آرزویش، به دورح افکنده است
پیروی هوس، از حق باز می‌دارد و درازی آرزو،
آخرت را از یاد می‌برد

۱ کنز العمال ج ۱۰ ص ۲۱۱ ح ۲۹۱۱۶

۲ حلیه الأولیاء ج ۲ ص ۳۳۱

۳ تاریخ بغداد ج ۱ ص ۲۳۸ ۴ الکافی ج ۱ ص ۱۶ ح ۱

۵ الکافی ج ۱ ص ۴۴ ح ۱

حکمت های اعتقادی

باب یک  ایمان

باب دوم  ایمان بر خدا

باب سوم قضا و قدر

باب چهارم دوستی خدا و نزدیکی به او

باب پنجم نبوت

باب ششم قرآن و سنت

باب هفتم : دین، شریعت و اسلام

باب هشتم : ایمان به معاد

القسم الثاني

الحِكْمَةُ الْعَفَائِدِيَّةُ



مكتبة

التَّائِبُ لِلَّهِ

الْإِيمَانِ

الفصل الأول، التعرف على الإيمان

۱/۱ معنى الإيمان

أَلْتَصْدِيقُ بِالْغَيْبِ قَلْبًا وَلِسَانًا

الكتاب

﴿الْبَيْنُ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُفِيثُونَ الصَّلَاةَ وَمَا
زُرْتُمْ بِهِ يُنْفِقُونَ﴾^۱

الحديث

۲۱۹ رسول الله ﷺ معاصر الناس، إِيَّةَ نَسِ يَتُؤَمِّنُ مِنْ
أَمِنْ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِقَلْبِهِ.^۲

ب-عَقْدُ بِالْقَلْبِ وَإِقْرَارُ بِاللِّسَانِ وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ

۲۲۰ رسول الله ﷺ الْإِيمَانُ قَوْلٌ مَقُولٌ، وَعَمَلٌ مَعْمُولٌ،
وَعِرْفَانٌ الْقَوْلِ^۳۲۲۱ الإمام عبيد الله سَأَلْتُ النَّبِيَّ ﷺ عَنِ الْإِيمَانِ؟ قَالَ
تَصْدِيقٌ بِالْقَلْبِ وَإِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ.^۴

ج-إِقْرَارٌ بِالْقَوْلِ وَعَمَلٌ بِالْجَوَارِحِ

۲۲۲ رسول الله ﷺ الْإِيمَانُ قَوْلٌ وَعَمَلٌ^۵

۱ البقرة ۳- ۲ كنه الزبده ص ۹۳

۳ الأمل للمفيد ص ۲۷۵ ح ۲

۴ الأمل للطوسي ص ۲۸۴ ح ۵۵۱

۵ التمهيد ص ۵۳ ح ۶۸

بِسْمِ

إِيمَانِ

فصل یکم، شناخت ایمان

۱/۱ معنای ایمان

الف- تصدیق ربانی و قلبی عیب

قرآن

﴿أَنْتَ إِيْمَانٌ، كَانِي هَتَدَ﴾ که به عیب ایمان می‌آوردند و
ساز را بر پا می‌دارند، و از آنچه به ایشان زوری داده‌ایم،
ایمان می‌کنند﴾

حدیث

۲۱۹ پیغمبر خدا ﷺ ای مردم! کسی که با زبانش
ایمان آورد و با دلش ایمان نیاورد، مؤمن نیست

ب- پیوند قلبی، اقرار ربانی و عمل کردن با اندام‌ها

۲۲۰ پیغمبر خدا ﷺ ایمان، گفتار است و کردار
و شناخت عقلی۲۲۱ امام عیسیٰ ع ار پیغمبر ﷺ پرسیدم ایمان
چیست؟

مزمود، و تصدیق به دل و اقرار با زبان و عمل با

بدن‌ها

ج- اقرار ربانی و عمل کردن با اندام‌ها

۲۲۲ پیغمبر خدا ﷺ ایمان، عبارت است از گفتار و
کردار

۲۲۳ هـ. ع. ﷺ: الْإِيمَانُ قَوْلٌ وَعَمَلٌ، يُرِيدُ وَيَقْصُ، وَمَنْ قَالَ غَيْرَ ذَلِكَ فَهُوَ مُبْتَدِعٌ.^۱

د- العمل بما يقتضيه العقد القلبي

الكتاب

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى تُحَكِّمُوا بَيْنَهُمَا شَجَرِ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾^۲

الحديث

۲۲۱. رسول الله ﷺ: لَمَّا سَبِلَ مَا لَا إِيْمَانَ؟ - نُصِبَ^۳

۲۲۵ هـ. ع. ﷺ: مَا بَالُ أَقْوَامٍ يَتَّخِذُونَ قَادِرَ رَأْوِ الرَّجْسِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي قَطَعُوا حَدِيثَهُمْ؟^۴ وَآفَهُ لَا يَدْخُلُ قَلْبُ رَحِلِ الْإِيْمَانِ حَتَّى يُحِبُّهُمْ شَوْ وَلِقَائِهِمْ مَتَى^۵

هـ- ما خلص في القلب وصدقه الأعمال

۲۲۶ رسول الله ﷺ: لَيْسَ الْإِيْمَانُ بِالتَّعَلُّي وَلَا بِالتَّمَسُّ، وَلَكِنَّ الْإِيْمَانَ مَا خَلَصَ فِي الْقَلْبِ وَصَدَّقَهُ الْأَعْمَالُ^۶

۲۲۷ هـ. ع. ﷺ: لَا يَقْبَلُ إِيْمَانٌ إِلَّا عَمَلٌ وَلَا عَمَلٌ إِلَّا إِيْمَانٌ^۷

۲/۱ حَقِيقَةُ الْإِيْمَانِ وَعِلَالَتُهُ

۲۲۸ رسول الله ﷺ: يَكُلُّ شَيْءٌ حَقِيقَةً وَمَا يَلْعَ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيْمَانِ حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ مَا أَصَابَهُ لَمْ يَكُنْ

۲۲۴. پیامبر خدا ﷺ: ایمان، گمتهار است و کردار؛ افرایش و کاهش می‌یابد، هر کس جبر این را بگوید، بدعت‌گذار است

د- عمل کردن بر اساس پیوند قلبی

قرآن

﴿وَلِي چَیْنِ مِیْسَتْ، بَهِ پَرور دگارت قَسَمَ کَهِ اِیْمَانِ مِی آوَرِنْد، مَگر آن کَهِ تَوْرَهِ دَر مِوَرْدِ اَنجَهِ مِیَالِ اَنانِ مِیْدَ اِخْتِلَافِ اسْتِ، دَلَوْرِ گِرْدَانِش وَ سَیِّسِ اَرِ حَکَمِی کَهِ گِرْدَمِی، دَر دَلِ هَاشَانِ اِحْسَاسِ نَارَاحَنِی [و تَرَدِیدِ] مِکُنْد وَ کَامَلًا سِرِ تَسْلِیْمِ فِرودِ آوَرِدِ﴾.

حدیث

۲۲۳. پیامبر خدا ﷺ: در پاسخ به این پرسش که ایمان چیست؟ - صبر

۲۲۵. پیامبر خدا ﷺ: عَدَای رَا چَهِ شَدَهِ اسْتِ کَهِ بَا هِمِ سَحَنِ شَیْءِ گَوِیَنْد وَ چَوْنِ مَرْدِی اَرِ خَانَدَانِ مَرَا مِی بَیْسَد، سَحَنِ خُودِ رَا مَطْلَعِ مِی کَسَد؟^۱ مَهِ حِدَا سَوِگِند، اِیْمَانِ دَر دَلِ هِیچِ کَسِ حَایِ مِی گِیَرَد، مَگر اَن گَاهِ کَهِ اَنارِ (حَدِثِاسَم) رَا بَهِ حَاطَرِ حِدَا وَ مَهِ وَاسَطَهِ حَوِیْشِ شَانِ مِی، دُوسْتِ بِلَدَارِد

هـ- آنچه در دل، خالص است و عمل، خواه آن است

۲۲۶. پیامبر خدا ﷺ: ایمان، به ارستن و آرزو نیست؛ بلکه ایمان، آن است که در دل خالص باشد و عمل، آن را تأیید کند

۲۲۷. پیامبر خدا ﷺ: هیچ ایمانی بدون عمل، و هیچ عملی بدون ایمان، پذیرفته نمی‌شود

۲/۱ حَقِیْقَتِ اِیْمَانِ وَ مِشَاهِدَهِایِ اَن

۲۲۸. پیامبر خدا ﷺ: هر چیزی حقیقتی دارد، و هیچ سده‌ای به حقیقت ایمان نمی‌رسد، مگر آن گاه که

۱. الترمذی ج ۱ ص ۱۱۰ ح ۳۷۳

۲. النساء ۶۵ ۳. مکی التواری ۱۷

۴. صی فی حلیة: ج ۱ ص ۵۰ ح ۱۴۰

۵. معانی الأخبار ص ۱۸۷ ح ۳

۶. کثر المسائل ج ۱ ص ۶۱ ح ۳۶۰

يُغْفِرُ لَهُ، وَمَا أَعْطَاهُ لَمْ يَكُنْ لِنَفْسِهِ.^۱

۲۲۹. عَنْهُ عَلَيْهِ سَبْعَةٌ مَن كُرِّمَ بِهِ فَقَدْ اسْتَكْتَلَ حَقِيقَةَ
الْإِيمَانِ وَأَبْوَابُ الْجَنَّةِ مُفْتَحَةٌ لَهُ مَن أَسْبَغَ وَضوءَهُ،
وَأَحْسَنَ صَلاَتَهُ، وَأَدَّى زَكَاةَ مَالِهِ، وَكَفَّفَ غَضَبَهُ،
وَسَجَّنَ لِسَانَهُ، وَاسْتَفْقَرَ لِدِينِهِ، وَأَدَّى النُّصِيحَةَ لِأَهْلِ
بَيْتِ نَبِيِّهِ^۲

۲۳۰. عَنْهُ عَلَيْهِ لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتَّى أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ
نَفْسِهِ، وَتَكُونَ عِمْرَتِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ عِمْرَتِي،
وَيَكُونَ أَهْلِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِي. وَتَكُونَ دَانِي أَحَبَّ
إِلَيْهِ مِنْ ذَانِي^۳

۲۳۱. الإمام الكاظم عليه رفع إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم في
بعض غزواته فقال من القوم؟ فقالوا هؤلاء هم رسولنا
رسول الله، قال وما نفع من يمانكم؟ قالوا الضمير
عند التلاوة، والشكر عند الرحمة، والرضا بالقضاء
فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم علماء علماء كادوا من اليقظة أن
يكونوا أنبياء، إن كنتم كما تصنعون فلا تبصروا ما لا
تسكون، ولا تجمعوا ما لا تأكلون وانهاؤا الله الذي
إليه ترجعون^۴

۳/۱ اصل ایمان

۲۳۲. رسول الله صلى الله عليه وسلم ثلاثه من اصل الإيمان الكف
عن قال لا إله إلا الله ولا تكفره يذب ولا تهرجه
من الإسلام يقتل، والجهد ما من مد بعثي الله إلى أن

معتقد باشد آنچه به او رسیده، نمی‌شده که نرسد، و

آنچه به او نرسیده، امکان نداشته است که برسد

۲۲۹ پیامبر خدا ﷺ هفت چیز است که در هر کس وجود
داشته باشند، آن کس حقیقت ایمان را کامل کرده
است و درهای بهشت به روش باز است؛ کسی که
وضویش را شاداب بگیرد، نمازش را نیکو به جا
آورد، رکات مالش را بپردازد، حشم خود را نگه
دارد، زبانش را به بند کشد، برای گناهش آمرزش
بطلد، و با خانواده پیامبرش خالص و یکدل باشد،
۲۳۰ پیامبر خدا ﷺ: هیچ بنده‌ای مؤمن نیست، مگر
آن که مرا از خودش دوست‌تر بدارد، خاندانم را از
خاندان خودش دوست‌تر بدارد، بستگان مرا از
بستگان خودش دوست‌تر بدارد، و جان مرا از جان
خودش دوست‌تر بدارد

۲۳۱ امام کاظم علیه: در یکی از جنگ‌های پیامبر ﷺ
گروهی مرد ایشان آمدند پرسید: شما کیستید؟
گفتند: جمعی مؤمن، ای پیامبر خدا!
فرمود: دشانه ایمان‌تان چیست؟

گفتند: شکیایی در گرفتاری، سپاس‌گراری در
برخورداری، و خشودای به قضا [ای الهی].

پیامبر خدا فرمود: بردبارانی (خردمندانی) دان
که از [شدت] دانایی نزدیک است که پیامبر باشد
اگر راست می‌گویید، پس بنا کنید آنچه را که در آن
ساکس نمی‌شوید، و گرد می‌آورید آنچه را که
بسی خورید، و از خدایی که به سوی او باز می‌گردید،
پروا بدارید

۳/۱ ریشه ایمان

۲۳۲. پیامبر خدا ﷺ سه چیز از اصول ایمان است
خودداری از [آزار] کسی که گفته است: لا اله إلا الله
و این که او را به سبب گناهی کافر نشماری و بر اثر
کاری، از اسلام بیرونش ندانی؛ و جهاد که از وقتی

۱. مستدرک حبل ج ۱ ص ۱۱۷ ح ۲۷۵۶۰

۲. کتاب من لا یحضره الفقه ج ۱ ص ۳۵۹ ح ۵۷۶۲

۳. الفردوس ج ۵ ص ۱۵۴ ح ۷۷۹۶

۴. الکافی ج ۲ ص ۴۸ ح ۱

يَقَاتِلَ آخِرَ أَكْثَرِ الدِّجَالِ لَا يُطْلَهُ جَوْرٌ جَائِرٌ وَلَا عَدْلٌ
عَادِلٌ، وَالْإِيمَانُ بِالْأَقْدَرِ^۱

۱/۱. اَوْثَقُ عَزَى الْإِيمَانِ

۲۲۲. الإمام الصادق ﷺ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِأَصْحَابِهِ، أَيُّ
عَزَى الْإِيمَانِ أَوْثَقُ؟ فَقَالُوا اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، وَقَالَ
بَعْضُهُمُ الصَّلَاةُ، وَقَالَ بَعْضُهُمُ الرُّكَاةُ، وَقَالَ بَعْضُهُمُ
الصِّيَامُ، وَقَالَ بَعْضُهُمُ الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ، وَقَالَ بَعْضُهُمُ
الْجِهَادُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِكُلِّ مَا قَسَمْتُ فَصَلُّ وَلَيْسَ
بِهِ، وَلَكِنَّ أَوْثَقَ عَزَى الْإِيمَانِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْبَحْثُ
فِي اللَّهِ وَتَوَالِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَالْتِمَازُ مِنْ عَدَائِهِ^۲

الفصل الثانی ما یجب الایمان به

۱/۲ العبدُ

﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا
رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾^۳

۲ ۲. اللَّهُ وَمَلَائِكَتُهُ وَكُتُبُهُ وَرُسُلُهُ

الكتاب

﴿قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُرْسِلَ إِلَيْنَا مِنْ دُونِهِ
وَأَنِصْبِغْ بِإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْإِسْحَاقَ وَمَا أَوْتِيَ
مُوسَى وَعِيسَى وَمَا أَوْتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ
بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾^۴

^۱ مس ای دلوود ج ۳ ص ۱۸ ح ۲۵۲۲

^۲ الکافی ج ۲ ص ۱۲۵ ح ۶

^۳ البقره ۳

^۴ البقره ۱۳۶

خداوند مرا بر انگیخت، تا زمانی که آخرین افراد
آفت من با دجال بجنگد، برقرار خواهد بود وستم
ستمگر و داد دگر، آن را در جرمان می‌اندازد؛ و
ایمان داشتن به مقدرات

۴/۱ محکم‌ترین دستگیره‌های ایمان

۲۲۲ امام صادق ﷺ پیامبر خدا به اصحابش فرمود

وکنام دستگیره ایمان، اسوارتر است؟

[اصحاب] گفتند، خدا و پیامبرش داناترند یکی
گفت سوار یکی گفت رکات یکی گفت روزه
یکی گفت حج و عمره و دیگری گفت جهاد

پیامبر خدا فرمود: «هر یک از اینها که گفتند،
رزش خود را دارد؛ اما آن بیست [که من می‌خواهم]،
فیکه محکم‌ترین دستگیره‌های ایمان، مهر و کسب
[دانش برای خدا، و دوست‌داشتن دوستان خدا و
سری از دشمنان خداست]»

فصل دوم آنچه ایمان داشتن به آن،

ضروری است

۱/۲ عبد

﴿أَنَّا [مَنْ] كَسَانِي هَسْتَنَد] كَهْ بِهْ عِيب، اِیْمَانِ مِی‌آورد و
سَلَزْ رَا بِرِ پَا مِی‌دارد و اَزْ آنْجِهْ بِهْ اِیْمَانِ رُوزِی دَاَدِایِم
اِیْمَانِ مِی‌کُند﴾

۲/۲ خدا و فرشتگان و کتاب‌ها و پیامبرانش

قرآن

﴿بگویند: ما به خدا، و به آنچه بر ما نازل شده، و به آنچه
بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل
آمده، و به آنچه به موسی و عیسی داده شده، و به آنچه به
همه پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده، ایمان
آورده‌ایم؛ هیچ یک از ایشان فرق نمی‌گذاریم؛ و در
برابر او تسلیم هستیم﴾

الحديث

۲۳۴ رسول الله ﷺ أَوْثَقُ الْعَزَى الْإِيمَانُ بِأَقْوَى^۱

۳/۲. الْآخِرَةُ

﴿وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ
وَمِنَ الْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾^۲

۴/۲. خَاتَمُ الْأَنْبِيَاءِ ﷺ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ

الكتاب

﴿لِكَيْ تَرْسَخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ
مِمَّا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمِمَّا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ﴾^۳

الحديث

۲۳۵ . رسول الله ﷺ مَا آمَنَ بَاقِيَّ مَنْ لَمْ يُؤْمَرْ بِهِ ، وَلَمْ يُؤْمِنْ
بِشَيْءٍ لَمْ يُؤْمَرْ . أَوْ قَالَ لَمْ يَجِبْ . عَلَيْهِ^۴

الفصل الثالث: مبادئ الإيمان

۱/۳ العقل

الكتاب

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْخَلْقِ الْآلِ
وَالنَّهَارِ لَآيَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ﴾ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ
قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا
شَدَحْنَاكَ فَلَنَّا عَذَابُ الْآلَمِ^۵

۱ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۴۰۲ ح ۵۸۶۸

۲ البقرة ۴ ۳ الباء ۱۶۲

۴ الأنالی للطوسی ص ۶۲۹ ح ۱۲۹۴

۵ آل عمران ۱۹۰ و ۱۹۱

حديث

۲۳۴ . پیامبر خدا ﷺ محکم‌ترین دستگیره‌ها ایمان به

حدیث

۳/۲ آخرت

﴿و آنانی که بدانچه به سوی تو فرود آمده و به آنچه پیش از
تو نازل شده است، ایمان می‌آورند و به آخرت، یقین
دریخت﴾.

۴/۲. آخرین پیامبر ﷺ و آنچه بر او نازل شد

قرآن

﴿بیکر بر سهیل آنان، راسخی در دانش و مؤمنان، به آنچه
بر تو نازل شده و به آنچه پیش از تو نازل گردیده، ایمان
دارند﴾

حديث

۲۳۵ . پیامبر خدا ﷺ به خدا ایمان نیاورده است کسی
که به می‌ایمان نیاورده باشد، و به می‌ایمان
نیاورده است کسی که ولایت (/ محبت) علی را
نداشته باشد

فصل سوم: بنیادهای ایمان

۱/۳. جزوه

قرآن

﴿سَلَامًا در آفرینش آسمانها و زمین، و در آمد و شد شب
و روز، برای خردمندان، نشانه‌هایی [قانع کننده] هست،
حیوانی که غذا را ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده، [در
حالت احوال] یاد می‌کنند و در آفرینش آسمانها و زمین
می‌اندیشند [و می‌گویند]: «پروردگارا! اینها را پیچوده
نیافریدی، سزای تو پس ما را از عذاب آتش، در امان
بدری﴾

الحديث

حديث

۲۳۶ رسول الله ﷺ قَسَمَ اللَّهُ الْعَقْلَ ثَلَاثَةَ أَجْرٍ: مَنْ كُنَّ فِيهِ كَمَلُ عَقْلِهِ، وَمَنْ لَمْ يَكُنْ [فيه] فَلَا عَقْلَ لَهُ حُسْنُ الصَّغِيرَةِ يَأْتِيهِ، وَحُسْنُ الطَّاعَةِ فِيهِ، وَحُسْنُ الصَّبْرِ عَلَى أَمْرِ اللَّهِ^۱

۲۳۶ پیامبر خدا ﷺ خداوند، چرد را سه بخش کرده است که در هر کس پس سه بخش باشد، خردش کامل است و در هر کس نباشد، از خرد پس بهره است بیکو شستن خدا، بیکو فرمان بردن از خدا، و بیکو شکایی کردن در کار خدا

۲/۳ اَعْلَمُ

۲/۳ دانش

الكتاب

قرآن

﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْعَصَىٰ وَأَوَّلُوا الْعِلْمَ قَابِئًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْخَرِيرُ الْحَكِيمُ﴾^۲

«خدا که همواره به عدل قیام دلرد گواهی می‌دهد که جز او هیچ معبودی نیست، و درشتگاری [او] و دانشوران [بیر چسب گواهی می‌دهد] جز او، که توانا و فرزانه است»

الحديث

هیچ معبودی نیست

۲۳۷ رسول الله ﷺ الْعِلْمُ حَيَاءٌ لِإِسْلَامٍ وَعِمَادُ الْإِيمَانِ^۳

حديث

۲۳۷ پیامبر خدا ﷺ دانش، جان اسلام و ستون ایمان است

۲ ۳ الوحي

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُولٍ إِلَّا نُوْحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ﴾^۴

۲/۳ وحی

«در پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم، مگر این که به او وحی کردیم که: «خدا بی جز من نیست» پس مرا پرستید»

۲ ۴ التَّوْحِيدُ

الكتاب

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُضْحِبِينَ﴾^۵

۲ ۳ توفیق

قرآن

«و کسانی را که در راه ما مجاهدت کنند، قطعاً به راه‌های خویش هدایتشان می‌کنیم؛ و در حقیقت، خدا ب بیکو کارا است»

الحديث

۲۳۸ رسول الله ﷺ قَالَ اللَّهُ - جَلَّ جَلَالُهُ - عِبَادِي، كُلُّكُمْ صَالٌ إِلَّا مَنْ هَدَيْتُهُ، وَكُلُّكُمْ فَقِيرٌ إِلَّا مَنْ أَعْيَيْتُهُ،

۲۳۸ پیامبر خدا ﷺ خداوند - که شکوهش پُر عظمت است - فرمود: «بندگان من! همه شما گمراهید، مگر کسی که من راه‌نمایی‌اش کنم همه شما

۱ تحف العقول: ص ۵۱ ۲ آل عمران ۱۸

۳ انذار المشرك ج ۲ ص ۱۲۴

۴ الانبياء ۲۵ ۵ العنكبوت ۶۹

وَكُلُّكُمْ مُذْنِبٌ إِلَّا مَنْ عَصَتْهُ^۱

بباز میدید، مگر کسی که من بی نیازش کنم. همه
شما گناهکارید، مگر کسی که من مصوبش دارم؛

الفصل الرابع: آفات ایمان

فصل چهارم: آفت‌های ایمان

۱/۴. الظُّلْمُ

۱/۴ ستم

الكتاب

قرآن

﴿قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزَنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يَكَذِبُونَ
وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِثَابِتِ اللَّهِ يَخْضَبُونَ﴾^۲

«ما می‌دانیم که آنچه آنها می‌گویند، تو را اندوهناک
می‌سازد. آنان تو را تکذیب نمی‌کنند؛ بلکه این
ستمکاران، آیات خدا را انکار می‌کنند».

الحديث

حديث

۲۳۹ الإمام علي عليه السلام قال أبو جهل للبيبي عليه السلام: إنا لا نكذبك
ولكن نكذب بما جئت به، فأمر الله ﴿فَرِيضَتَهُمْ
لَا يَكَذِبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِثَابِتِ اللَّهِ
يَخْضَبُونَ﴾^۳

۲۳۹ امام علی علیه السلام: ابو جهل به پیامبر ﷺ گفت: ما تو را
دروغزن نمی‌شماریم؛ بلکه آنچه را آورده‌ای، دروغ
می‌دانیم.
پس خداوند، این آیه را فرو فرستاد: «آنان تو را
دروغزن نمی‌شمارند؛ بلکه این ستمکاران، آیات خدا را انکار
می‌کنند».

۲/۴. الشُّرْكُ

۲/۴ شرک

۲۴۰ صحيح البخاري عن عبدالله لما تزلت ﴿الَّذِينَ خَانُوا
وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ﴾ شَقَّ ذَلِكَ عَلَى
المُسْلِمِينَ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّمَا لَا تَظْلِمُ نَفْسًا؟
قَالَ ﷺ لَيْسَ ذَلِكَ، إِنَّمَا هُوَ شُرْكٌ، أَلَمْ تَسْمَعُوا مَا
قَالَ لَقْمَانُ لِأَبِيهِ وَهُوَ يَعْطَلُ ﴿يَبْنِي لَأَتَشْرِكَ بِكَ إِنَّ
الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾^۴

۲۴۰. صحيح البخاري - به نقل از عبدالله الله -: چون آیه «آنان
که ایمان آوردند و ایمانشان خالص را به ستم نمی‌آمیزند...» نازل
شد، این مطلب، بر مسلمانان سخت آمد و گفتند: ای
پیامبر خدا! کدام یک از ماست که به خویش ستم
نکند (گناهی نکند)؟^۵

پیامبر ﷺ فرمود «مقصود، این نیست مراد از
این [ستم]، شرک است. مگر نشیده‌اید آنچه را که
لقمان در مقام پند، به پسرش گفت: «ای پسر! من
برای خدا شریکی نمی‌جویم؛ (چرا که) شرک، ستمی بزرگ
است»؟^۶

۳/۴ الغُلُو

۲۴۱ عيون أخبار الرضا عليه السلام عن إبراهيم بن أبي محمود

۳/۴ غلو
۲۴۱. عيون أخبار الرضا عليه السلام - به نقل از ابراهیم بن ابی

۱ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۳۹۷ ح ۵۸۴۸

۲ الأنعام ۳۳

۳ من شرمذی ج ۵ ص ۲۶۱ ح ۳۰۶۵

۴ صحيح البخاري ج ۳ ص ۱۲۶۲ ح ۳۳۱۶

قَدْ تَلَّ لِلرَّحْمَةِ يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ عِدَدَنَا أَجْبَاراً
 فِي فَصَائِلِ أُمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ص) وَفَصَائِلِكُمْ أَهْلَ الْإِسْمِ
 وَهِيَ مِنْ رِوَايَةِ مُحَالِمِيكُمْ وَلَا تَعْرِفُ مِثْلَهَا عَنْكُمْ
 أَفْتَدِينُ بِهَا؟ فَقَالَ: يَا بَنِي أَبِي مُحَمَّدٍ لَقَدْ أَحْبَبَنِي أَبِي
 عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ (ص) أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ: مَنْ أَصْحَى
 إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَثِدَهُ فَإِنْ كَانَ الْبَاطِلُ عَنِ اللَّهِ فَقَدْ عَثِدَ
 اللَّهُ وَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ عَنْ إِبْلِيسَ فَقَدْ عَثِدَ إِبْلِيسَ.

ثُمَّ قَالَ الرَّحْمَةُ يَا بَنِي أَبِي مُحَمَّدٍ إِنَّ مُحَالِمِيَنَا
 وَصَمَوْنَا أَجْبَاراً فِي فَصَائِلِنَا وَجَعَلُوا عَلَيْنَا أَقْسَامَ
 ثَلَاثَةِ أَحَدِهَا الْمَلُوكُ وَثَانِيهَا التَّقْصِيرُ فِي أُمُرِنَا
 وَثَالِثُهَا التَّصْرِیحُ بِمُتَالِبِ أَعْدَائِنَا فَإِذَا سَمِعَ النَّاطِقُ
 الْمَلُوكَ فِيمَا كَفَرُوا شِعْبَنَا وَتَسَبُّوهُمْ إِلَى الْقَوْلِ بِرَبِّهِمْ
 وَإِذَا سَمِعُوا التَّقْصِيرَ اعْتَقَدُوهُ فِيمَا وَإِذَا سَمِعُوا التَّصْرِیحَ
 أَعْدَائِنَا بِأَسْمَائِهِمْ تَلَبَّوْنَا بِأَسْمَائِنَا وَقَدْ قَالَ اللَّهُ
 ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ
 عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ﴾^۱

یابن ابی محمود: إِذَا أَحَدُ النَّاسِ يَحِبُّ
 وَشِمَالاً فَأَتَمَّ طَرِيقَنَا فَأَتَانَا مِنْ لَدُنْهُ سِرْمٌ وَهُوَ
 فَارَقَنَا فَارَقَنَا إِنَّ دَمِي مَا يَحْرِجُ الرَّجُلَ مِنْ الْإِيمَانِ
 أَنْ يَهْوَلَ لِلْعَصَا هَذِهِ نَوَاقِثُ ثُمَّ يَدِينُ بِدِينِكَ وَيَنْزِلُ
 وَمِنْ حَالَتِهِ

یابن ابی محمود: احفظ ما حَدَّثَكَ بِهِ فَقَدْ جَمَعْتَ
 لَكَ فِيهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ^۲

محمود... به امام رضا (ع) گفتم: ای فرزند پیامبر خدا! ما درباره فصایل امیر مؤمنان و فصایل شما اهل بیت، اخباری در دست داریم که راویان آنها، مخالفان شما هستند و چنان اخباری را از شما سرع نداریم آیا آنها را بپذیریم؟

امام رضا (ع) فرمود: ای پسر ابو محمود! پذیرم از پدرش از جدش به من خسر داد که پیامبر خدا فرمود: هر کس به گوینده‌ای گوش دهد، او را عبادت کرده است یا بر این، اگر گوینده، او خدا بگوید، در واقع، خدا را عبادت کرده است و اگر از ابلیس بگوید، ابلیس را عبادت کرده است.

امام رضا (ع) سپس فرمود: ای پسر ابو محمود! مخالفان ما، درباره فصایل ما اخباری را جعل کرده‌اند که بر سه دسته‌اند، یک دسته از آنها علو امیر است؛ دسته دوم، کوتاهی در حق ماست؛ و دسته سوم، تصریح به معایب دشمنان ماست. هر گاه مردم، اخبار علو امیر را درباره ما بشنوند، شیعیان ما را کبر می‌کنند و آنان را معتقد به ربوبیت ما می‌خوانند. هر گاه اخبار تقصیر امیر در حق ما را بشنوند، به آنها معتقد می‌شوند. هر گاه اخباری را بشنوند که در آنها از دشمنان ما به نام آنان بد گفته شده است، از ما صراحتاً بد می‌گویند؛ حال آن که خداوند فرموده است: ﴿إِنَّمَا رَاكِبُ اسْمِكَ يَكُ لَكَ﴾^۱ یعنی هر که از نام تو بگوید، تو را عبادت کرده است. و اگر روی نماند، دشمنان خواهند بود.

ای پسر ابو محمود! وقتی مردم به راست و چپ می‌روند، تو از راه ما جدا مشو؛ زیرا هر کس با ما همراه باشد، ما با او همراه هستیم و هر که از ما جدا شود، ما بر او جدا می‌شویم. کمترین چیزی که اسلام را از ایمان بیرون می‌برد، این است که به ریگی بگوید، این یک هسته است، و سپس به آن معتقد شود و از کسی که با او مخالفت ورزید، تبری جوید. ای پسر ابو محمود! آنچه را برایت گفتم، حفظ کن؛ زیرا خیر دنیا و آخرت را در آن، برای تو گردآوری کردم.

۱/ ۴. الْكَذِبُ

الكتاب

﴿إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِمَا جَاءَهُمْ مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِينَ هُمْ يَكْذِبُونَ﴾^۱

الحديث

۲۴۲ كثر الضلال عن عبدالله بن جرير. قال أبو الدرداء: يا رسول الله هل يسرق المؤمن؟

قال: قد يكون ذلك، قال: فهل يرى المؤمن؟

قال: بلى وإن كره أبو الدرداء. قال: هل يكذب المؤمن؟

قال: إنما يفتري الكذب من لا يؤمن، إن العبد يزل الزلّة ثم يرجع إلى ربه فينوبت فتوب الله عليه^۲

۵/ ۴. إِيْدَاءُ النُّفُوسِ

۲۴۳. رسول الله ﷺ: أَلَا وَإِنَّ أَدَى الْمُؤْمِنِ مِنْ أَكْثَرِ شَيْءٍ سَلْبُ الْإِيمَانِ^۳

۴/ ۴. دروغگویی

قرآن

﴿تنها کسانی دروغ‌پردازی می‌کنند که به آیات خدا ایمان ندارند، و آنان خود، دروغگوها هستند﴾

حدیث

۲۴۲ کثر الضلال - به نقل از عبدالله بن جریر - ابو دردا گفت ای پیامبر خدا! آیا مؤمن، دردی می‌کند؟

پیامبر ﷺ فرمود: ممکن است.

گفت: آیا مؤمن را می‌کند؟

فرمود: نه؛ اگر چه ابو دردا حوش نداشته

باشد.

گفت: آیا مؤمن دروغ می‌گوید؟

فرمود: «تنها آن کس دروغ می‌گوید، که ایمان

ندارد»^۱ عده نعرشی می‌کند، سپس به سوی

پروردگارش بر می‌گردد و توبه می‌کند و خدا هم

توبه‌اش را می‌پذیرد^۲

۵/ ۴. اولر مؤمن

۲۴۳ پیغمبر خدا ﷺ: بدانید که آرردن مؤمن، از

بررگ‌ترین اسباب از دست رفتن ایمان است

۱ الح ۱۰۵

۲ کثر الضلال ج ۳ ص ۸۷۴ ح ۸۹۹۱

۳ کثر الضلال ج ۱ ص ۳۵۲

سخنی درباره امکان یا عدم امکان زوال ایمان

بر پایه آیات و احادیثی که در این فصل آمد، ایمان دو گونه است: پایدار و ناپایدار. ایمان پایدار، ایمانی است که تا هنگام مرگ، همراه مؤمن است و ایمان ناپایدار، همراهی آن با انسان، موقتی است و پس از مدتی، راین می‌گردد و عمل به مقتضای ایمان، موجب پایداری آن، و ترک عمل، سبب ناپایداری آن است. در این جا این بحث قابل طرح است که: آیا اساساً ایمان ناپایدار، حقیقتاً ایمان است؟ و آیا ایمان حقیقی، قابل زوال است یا خیر؟

در این باره، چند نظر وجود دارد از جمله این که در حدت و لای ایمان غیر قابل زوال هستند و ظاهر آن نظریه صحیح در مسئله مورد بحث، همین نظریه است که به روشی می‌توان آن را از روایات اهل بیت علیهم السلام استخراج کرد، چنان که در روایتی به سند معتبر از امام باقر و ب امام صادق علیه السلام آمده:

«إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ خَلْقًا لِلْإِيمَانِ لَا رِوَالَ لَهُ، وَخَلَقَ خَلْقًا لِلْكَفْرِ لَا رِوَالَ لَهُ وَخَلَقَ خَلْقًا بَيْنَ ذَلِكَ وَاسْتَوْدَعَ بَعْضَهُمُ الْإِيمَانَ، فَإِنْ بَشَأَ أَنْ يَكْفُرَ لَمْ يَكُفِرْ، وَتَمَنَّى أَنْ يَسْلُطَهُمْ إِيَّاهُ سَلَطَهُمْ»^۱

حدادند آفریدگانی را برای ایمان به گونه‌ای امریده که [ایمانشان] از میان رفتنی نیست و برای کفر نیز آفریدگانی را چنان پدید آورده که آن [کفر] هم زوال‌پذیر نیست و در این میان آفریدگانی را پدید آورده و در برخی از آنها، ایمان را به ودیعه گذاشته است اگر بخواهد آن را برایشان کامل کند کامل می‌کند و اگر بخواهد از آنها سلب کند، سلب می‌کند.

این روایت و نظایر آن به روشی دلالت دارند بر این که ایمان در سیر تکاملی خود، گاه در اثر مجاهدت به مرتبه والایی از ایمان دست می‌یابد که دیگر، قاص زوال نیست، بدین معاکه حدادند متعال، مصوبیت وی را از لغزش، تضمین می‌کند. در چنین مرتبه‌ای، ایمان، جزء لاینفک طبیعت انسان می‌گردد و بدین سان، آفرینش او در جهت ایمانی پایدار قرار می‌گیرد.

به عکس، گاه انسان در نتیجه کارهای ناشایست به نقطه‌ای از کفر می‌رسد که این صفت، صمیمه ذات او می‌گردد و آفرینش او در جهت کفری پایدار که هرگز روی سعادت را نخواهد دید، قرار می‌گیرد. بر پایه این نظریه، اگر ایمان حقیقی تا به درجه‌ای از کمال برسد که جزء طبیعت انسان گردد، قابل زوال است و هنگامی که به درجه مورد اشاره رسید، قابل زوال نیست.

^۱ الکافی ج ۲ ص ۲۱۷ ح ۱، تفسیر العنابی ج ۱ ص ۳۷۳ ح ۷۶، مطهری، ج ۶ ص ۲۲۶ ح ۱۵

الفصل الخامس: درجات الإيمان

فصل پنجم: مراتب ایمان

۱/۵ ما يَتَفَضَّلُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ

الكتاب

﴿أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِندَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾^۱

الحديث

۲۴۱. رسول الله ﷺ - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿فِيهِمْ ظِلٌّ لِنَفْسِهِ وَجَنَّتْهُمْ مَقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ مَا يُسَبِّحُ﴾ - السَّابِقُ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِخَيْرِ جِسَابٍ، وَالْمَقْتَصِدُ يُعَاشِرُ جِسَاباً يَسْرَأُ، وَالظِّلُّ لِنَفْسِهِ يُجَنِّسُ فِي يَوْمٍ مَقْدَرُهُ حَمْسُونَ^۲ أَلْفَ شَيْءٍ حَتَّى يَدْخُلَ الْخَيْرُ فِي جَنَفِهِ ثُمَّ يَرْحَمُهُ فَيَدْخُلُ الْجَنَّةَ.^۳

۲۴۲. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْإِيمَانُ ثَلَاثِيَانِ وَثَلَاثَةٌ وَثَلَاثُونَ شَرِيعَةً، مَنْ وَافَى بِوَاحِدَةٍ مِنْهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ^۴

۲/۵. أَعْلَى دَرَجَاتِ الْإِيمَانِ

۲۴۳. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنْ أَعْلَى مَنَازِلِ الْإِيمَانِ دَرَجَةٌ وَاحِدَةٌ، مَنْ بَلَغَ إِلَيْهَا فَقَدْ فَازَ وَظَفِرَ، وَهُوَ أَنْ يَسْتَبِيحَ بِشَرِيئَتِهِ فِي الصَّلَاحِ إِلَى أَنْ لَا يُبَالِيَ بِهَا إِنْ ظَهَرَتْ، وَلَا يَخَافُ عِقَابَهَا إِذَا اسْتَتَرَتْ.^۵

۱. الانفال ۴

۲. فِي الْمَعْرِفَةِ وَالْمَعْرِفَةِ وَالتَّحْقِيقِ مِنَ بَحَارِ الْأَنْوَارِ

۳. تَقْرِيرِ طَوَاتٍ ص ۳۵۱ ح ۴۷۷

۴. الْمَعْجَمُ الْأَرْسَطُ ج ۷ ص ۲۱۵ ح ۷۳۱۰

۵. عِلَلُ الدَّاعِي ص ۲۱۴

قوله

۵. آنچه مؤمنان را بر یکدیگر برتری می بخشد

﴿آنان هستند که حَقّاً مؤمن‌اند. برای آنان نزد پروردگارشان، درجاتی [گوناگون] و آمرزش و پوزی و پیکر عفو بود﴾

حديث

۲۴۳. پیغمبر خدا ﷺ - درباره این سخن خداوند: ﴿و برخی از ایشان، میلند و مستند و برخی از ایشان، به آن حد، در کفرهای یک پیشند﴾ - پیش از، بدون حسابی به بهشت می رود میائرو، حسابی اندکی می شود و ستم کننده به خویش، یک روز - که اندازه اش پناه هزار سال است - نگه داشته می شود، چندان که اندوه و آلودش را فراموشی گیرد. سپس خداوند به او رحم می آورد و وارد بهشتش می کند

۲۴۴. پیغمبر خدا ﷺ [منظومه به هم پیوسته] ایمان، عبارت است از سبب و سی و سه بخش [و شریعه]. هر که یکی از آنها را درست و کامل انجام دهد [و از یکی از آن شریعه ها وارد آنگاه ایمان گردد، بهره مند شده]، وارد بهشت می گردد.^۱

۲/۵ بالاترین مراتب ایمان

۲۴۵. پیغمبر خدا ﷺ بالاترین مرتبه ایمان، یک درجه است که هر کس به آن درجه برسد، برنده و پیروز شده است، و آن این است که باطن او به آن حد، پاک شود که هر گاه آشکار شود، پاک می داشته باشد و هر گاه پوشیده بماند، از عاقبت آن [یا از کفر جدا بر آید] بیم نداشته باشد

۱. زیرا ایمان، منظومه به هم پیوسته ای است که التزام درست و کامل به هر بخشی منجر به التزام به سایر بخش ها می گردد به عبارت دیگر، ورود صحیح و درست از هر شریعه ای از نهر ایمان، انسان را وارد مجموعه جاری رلال ایمان می کند

۳/۵ للسبيل إني ذيل أعلى درجات الإيمان

الكتاب

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾^۱

الحديث

۲۴۷ رسول الله ﷺ من أعطى في وضع به وأحب في وبعض في وأتبع في فقد استكمل إيمانه^۲

۲۴۸ عنه ﷺ - لِمَا سَأَلَهُ مُعَاذُ بْنُ أَسَدٍ الْإِيمَانُ - أَفْضَلُ الْإِيمَانِ أَنْ تُحِبَّ فِيهِ، وَتُبْعَ فِيهِ اللَّهُ، وَتُعْمَلَ لِسَانَكَ فِي ذِكْرِ اللَّهِ^۳

۲۴۹ عنه ﷺ ثلاث حصل من كن فيه استكمل حصل الإيمان إذا رضى لم تدخله رضاء في باطل وادعص لم تحرجه نصت من الحق وإذا قدر لم يتعاط ما ليس له^۴

۲۵۰ عنه ﷺ ثلاث من كن فيه استكمل إيمانه لا يحاف في الله نومة لا يم ولا يراني بشي ورس عمليه، وإذا عرَضَ عليه أمران أخذهما للذيما والآخرة للأجرو آخر الأمر الآخرة على أمر الدنيا^۵

۲۵۱ عنه ﷺ لا يؤمن أحدكم حتى يحب لأخيه ما يحب لنفسه^۶

۱ الأنفال ۲

۲ سنن ترمذي ج ۴ ص ۶۷۰ ح ۲۵۲۱

۳ مسند ابن حنبل ج ۸ ص ۲۶۶ ح ۲۲۱۹۱

۴ التكملي ج ۲ ص ۳۳۹ ح ۲۹

۵ تيب الخواطر ج ۱ ص ۲۳۱

۶ صحيح البخاري ج ۱ ص ۱۴ ح ۱۳

۳/۵ راه رسیدن به بالاترین مراتب ایمان

قرآن

﴿مُؤْمِنِينَ، هُمَا كَسَانِيَانَهُ كَه چُون حِدا ياد شُود، دِل هایشان بترسد و چُون آیاتِ او بر آنان خوانده شود، بر ایمانشان افزوده می‌شود و بر پروردگارِ خود توکل می‌کند﴾

حدیث

۲۴۷ پیامبر خدا ﷺ هر که دادن و سدادش و مهر و کیش، برای خدا باشد و برای [فصاحت از] خدا از دواج کند، ایمانش را به کمال رسانده است

۲۴۸ پیامبر خدا ﷺ - در پاسخ به مُعَاذُ بْنُ اِیْمَانُ که از ایشان درباره برترین ایمان پرسید - برترین [درجه] ایمان، این است که برای خدا، دوست بداری و برای خدا دشمن بداری، و ریاست را در یاد خدا به کار اندازی

۲۴۹ پیامبر خدا ﷺ - سه خصیت است که هر کس داشته باشد، احصیت‌های ایمان را کامل دارد: هر گاه حشود می‌شود، حشودی‌اش او را به ناحق نکشاند؛ و هر گاه خشمگین می‌شود، خشمش او را لرحم برود برود؛ و هر گاه قدرت می‌یابد، به آنچه از او است، دست دراز نکند

۲۵۰ پیامبر خدا ﷺ سه چیز است که در هر کس وجود داشته باشد، ایمانش کامل است: در راه خدا از بکوهش هیچ بکوهشگری نهراسد، در هیچ کار خود ریا نکند، و هر گاه دو امر برانش پیش آید که یکی دنیایی و دیگری آخرتی بود، کار آخرت را بر کار دنیا برگزیند

۲۵۱ پیامبر خدا ﷺ هیچ یک از شما مؤمن نباشد، مگر آن که آنچه را برای خود دوست دارد، برای برادرش نیز دوست بدارد

الفصل السادس: آثار الإيمان وبركاته

فصل ششم: آثار و برکات ایمان

۱/۶ الفعرة

۱/۶ شماخت

الكتاب

قرآن

﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾^۱

﴿همج مصیبتی، جر به اذن خدا می‌رسد و کسی که به خدا یگردد، دلش را به راه می‌آورد و خدا به هر چیزی دانست﴾

الحديث

حدیث

۲۵۲ رسول الله ﷺ الإيمان غریبٌ، ولهائة القوى، ورستة الحياء، ومألة الفقه، وثمرة العلم^۲

۲۵۲ پیغمبر خدا ﷺ ایمان [بها] یروهنه است؛ حامعش بر هیوگاری، ریورش آرام، دلرایشی اش دلبایی و میومش دلش است

۲/۶ مكارم الأخلاق

۲ اخلاق پسندیده

۲۵۳ رسول الله ﷺ إنما بُعثت لأتمم مكارم الأخلاق

۲۵۳ پیامبر خدا ﷺ مس، در حقیقت، سوی ایس بر انگیزخته شدم که اخلاق پسندیده را به کمال برسانم

۲۵۱ عمه ﷺ بُعثت بمكارم الأخلاق ومحاسنها

۳/۶ إتيان الناس من ولاية الطاعات

الكتاب

۲۵۴ پیامبر خدا ﷺ من با اخلاق پسندیده و سیکو بر انگیزخته شدم

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ

وَاجْتَنِبُوا الطُّغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسَبِّحُوا بِحَمْدِ اللَّهِ فَمَنْظُورًا

كَيْفَ كَانَ عَذَابَ الْعَاقِبِينَ﴾^۳

الحديث

قرآن

۲۵۵ رسول الله ﷺ من کتابی الی اهل بجران - باسم یو

﴿و در حقیقت، در میان هر امتی، فرستاده‌ای بر انگیزختم که [بگوید] «خدا را پرستید و از طاعت او [دریگر] بهره‌برنده پس، در میان ایشان کسی است که خدا [او را] هدایت کرده و در میان ایشان، کسی است که گمراهی بر او سراوار است، بما بر این، در زمین یگردد تا ببینید فرجام نکذیب‌کندگان چگونه بوده است﴾

حدیث

۲۵۵ پیامبر خدا ﷺ - در نامه‌اش به بحرانیان - به نام

۱ التیسار ۱۱

۲ التفرحوس ج ۱ ص ۱۱۲ ح ۲۸۰

۳ التیسار الکبری ج ۱ ص ۳۲۳ ح ۲۰۷۸۲

۱ الأملی للطوسی ص ۵۹۶ ح ۱۲۳۱

۵ البحر ۳۶

ابراهیم و اسحاق و یعقوب، من مُحَمَّدٌ النَّبِيُّ رَسُولُ اللَّهِ
إِلَى أَصْفَى نَجْرٍ وَأَهْلِ نَجْرٍ، إِنْ أَسْلَمْتُمْ فَإِنِّي أَحْمَدُ
إِلَيْكُمْ اللَّهُ إِلَهَ إِبْرَاهِيمَ وَاسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ، أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي
أَدْعُوكُمْ إِلَى عِبَادَةِ اللَّهِ مِنْ عِبَادَةِ الْعِبَارِ، وَادْعُوكُمْ إِلَى
وَلَايَةِ اللَّهِ مِنْ وَلَايَةِ الْعِبَارِ^۱

۴/۶. حیر الدنیا والاخرة

الکتاب

«مَنْ عَمِلَ مَسْلُكًا مِنْ ذِكْرِ أَوْ أَسْمَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ
فَتُخْبِئُهُ حَيَاةُ طَيِّبَةٍ وَلَتُخْرِجَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا
كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۲

الحدث

۲۵۶ رسول الله ﷺ حسن لا يستحسن إلا ما يؤمن
جمعاً يوجب الله به يهر الحمة السور في القلب، واليقظة
في الإسلام، والروح في الدين، والتوذة في الناس،
وحسن السمعة في الزجر^۳

الفصل السابع: قيمة الإيمان

۱/۷ فصل الإيمان

أَحَبُّ الْأَشْيَاءِ إِلَى اللَّهِ

۲۵۷ رسول الله ﷺ - من وَجِبَتْهُ لِيُؤَيِّ دَر - بِأَبَا ذَرٍّ.
مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ الْإِيمَانِ بِهِ وَتَرْكِهِ مَا
أَقْرَبُ أَنْ يَمُرَّكَ^۴

۱ دلائل النبوة للبيهقي ج ۵ ص ۳۸۵

۲ التعليل ۹۷ ۳ كثر القوافل ج ۲ ص ۱۰

۴ الأمل في الطوسي ص ۵۳۱ ح ۱۱۶۲

خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب از محمد
پیامبر و فرستاده خدا، به اسقف نجران و به اهالی
نجران، اگر اسلام آوردید، هم صدا با شما، خدا،
همان معبود ابراهیم و اسحاق و یعقوب راستایش
می‌گویم، آنک، من شما را از پرستشندگان به
پرستش خدا، و از ولایت‌سندگان به ولایت خدا
فرا می‌خوانم

۴/۶. خبر دنیا و آخرت

قرآن

«هر کس، چه مرد و چه زن کار شایسته کند و مؤمن
باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات [ب‌حقیق]
می‌بخشیم و مسلماً به آنان، بهتر از آنچه انجام می‌دادند،
پاداش خواهیم داد»

حدیث

۲۵۶. پیامبر خدا ﷺ هیچ چیزی است که جز در مؤمن
راستش، گردد نمی‌آید و خداوند به سبب آنها
بهشت را بر او واجب می‌گرداند. روشنایی در دل،
فهم در اسلام، پارسایی در دین، دوست داشتن
مردم، و خوش‌سیمایی

فصل هفتم: ارزش ایمان

۱/۷ فصیلت ایمان

الف - محبوب‌ترین‌ها نزد خداوند

۲۵۷ پیامبر خدا ﷺ - در سغارش به ابو ذر - ای ابو ذر!
هیچ چیزی مرد خداوند متعال، دوست داشتنی‌تر از
این دو نیست ایمان آوردن به او، و ترک آنچه به
ترک آن فرمان داده است

ب- قَمَرُ الْجَنَّةِ

۲۵۸. رسول الله ﷺ الْإِيمَانُ قَمَرُ الْجَنَّةِ^۱

۲/۷ مَوَاقِعُ الْمُؤْمِنِ عِنْدَ اللَّهِ

۲۵۹. رسول الله ﷺ نَزَلَ جِبْرِئِيلُ ﷺ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ اِسْتَقْبَلْ لِلْمُؤْمِنِ اسْمًا مِنْ أَسْمَائِي سَمِيَّتُهُ مُؤْمِبًا، قَالَ الْمُؤْمِنُ مَيِّ وَأَنَا مَيَّةُ^۲

۳/۷ كَرَامَةُ الْمُؤْمِنِ

أ- أَعْظَمُ حُرْمَةٍ مِنَ الْكَعْبَةِ

۲۶۰. نَسِيبُ الْخَوَاطِرِ مِنْ ابْنِ عَبَّاسٍ. نَظَرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِلَى الْكَعْبَةِ فَقَالَ - مَرَحَبًا بِكَ مِنْ تَيْبٍ، مَا أَعْظَمَكَ وَمَا أَعْظَمَ حُرْمَتَكَ، وَاللَّهِ إِنْ الْمُؤْمِنِ أَعْظَمَ حُرْمَةً عِنْدَ اللَّهِ مِنْكَ، لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَرَّمَ مِنْكَ وَاحِدَةً وَحَرَّمَ مِنَ الْمُؤْمِنِ ثَلَاثًا دَمَهُ وَمَالَهُ وَأَنْ يُنْظَرَ بِهِ ظَرْفُ الشَّوْءِ^۳

ب- أَعْظَمُ حُرْمَةٍ مِنَ الْعَلِكِ الْمُقَرَّبِ

۲۶۱. رسول الله ﷺ مَثَلُ الْمُؤْمِنِ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ مَنْكِبِ مُقَرَّبٍ، وَإِنَّ الْمُؤْمِنِ عِنْدَ اللَّهِ أَعْظَمُ مِنْ دَبْكٍ، وَلَيْسَ شَيْءٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ مُؤْمِنٍ تَائِبٍ أَوْ مُؤْمِنَةٍ تَائِبَةٍ^۴

ج- أَكْرَمُ الْأَشْيَاءِ عَلَى اللَّهِ

۲۶۲. رسول الله ﷺ لَيْسَ شَيْءٌ أَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ^۵

۴/۷ بَرَكَةُ الْمُؤْمِنِ فِي الْكَوْنِ

۲۶۳. رسول الله ﷺ قَالَ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى. تَوَلَّيْتُكُمْ

ب- بهای بهشت

۲۵۸. پیامبر خدا ﷺ ایمان، بهای بهشت است

۲/۷ چنگاه مؤمن در پیشگاه خداوند

۲۵۹. پیامبر خدا ﷺ جبرئیل ﷺ فرود آمد و گفت، ای محمدا خداوند تو را فرود می‌رساند و می‌فرماید: «برای مؤمن، نامی را از نام‌های خودم برگزینم و او را مؤمن نامیدم پس مؤمن از من است و من از او هستم»

۳/۷ کرامت مؤمن

الف- برتری حرمت مؤمن بر کعبه

۲۶۰. نسیب الخواطر - به نقل از ابن عباس - پیامبر خدا به کعبه مگر نیست و فرمود: «آفرین بر تو خانه! چه بر لگی تو و چه بزرگ است حرمت تو!» (اما) به خدا سوگند که مؤمن نزد خداوند، با حرمت‌تر از پوست آریز خداوند تعالی از نو تنها یک چیز را حرام کرد و از مؤمن، سه چیز را مالش را، جانش را، و گمان بد بردن به او را

ب- برتری حرمت مؤمن از فرشته مقرب

۲۶۱. پیامبر خدا ﷺ - مؤمن در نزد خداوند ﷻ، مانند فرشته مقرب است. مؤمن نزد خداوند، از این هم بالاتر است هیچ چیز نزد خداوند، دوست داشتنی‌تر از مرد یارن مؤمن توبه‌گر نیست.

ج- گرامی‌ترین چیزها در نزد خداوند

۲۶۲. پیامبر خدا ﷺ هیچ چیز برای خداوند، گرامی‌تر از مؤمن نیست

۴/۷ برکت مؤمن در هفتگی

۲۶۳. پیامبر خدا ﷺ، خداوند - که شجسته و والا است -

۱. کثر العدال ج ۱ ص ۳۷۷ ح ۳۰۷

۲. کشف الریبه ص ۹۴ ۳. نسیب الخواطر ج ۱ ص ۵۲

۴. بیرون أخبار الرضا ﷺ ج ۲ ص ۲۹ ح ۳۳

۵. المعجم الصغير ج ۲ ص ۴۷

مِنْ حَلَقِي فِي الْأَرْضِ هِمَا يَنْ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا مُؤْمِنٌ وَاحِدٌ مَعَ إِمَامٍ عَادِلٍ لَا اسْتَعْيَبَتْ هِمَا عَلَى جَمِيعِ مَا حَلَقْتُ فِي أَرْضِي وَلَقَامَتْ سَبْعُ سَمَاوَاتٍ وَأَرْضِي بِهِمَا، وَجَعَلْتُ لَهُمَا مِنْ إِيْمَانِهِمَا أُتْسَا لَا يَحْتَاحَا بِي أَنْسَ سِوَاهُمَا^۱

۵/۷. بَرَكَةُ الْمُؤْمِنِ فِي الْجَنَّةِ

۲۶۱. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِذَا رَأَى أَهْلَ قَرْيَةٍ قَدْ اسْرَمُوا فِي الْمَعَاصِي وَفِيهَا ثَلَاثَةُ نَفَرٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بَادَاهُمْ حُلَّ جَلَالَةٍ وَتَعَدَّسَتْ أَسَاوُهُ بِأَهْلِ مَعْصِيَتِي لَوْلَا قَسَمُكُمْ مِنْ الْمُؤْمِنِينَ السَّحَابِينَ بِجَلَالِي، الْعَامِرِينَ بِعِزَّتِهِمْ أَرْضِي وَفَسَّاجِدِي^۲ وَالْمُسْتَعْمِرِينَ بِالْأَسْعَادِ خَوْعاً يَتَى لَأَنْزِلَتْ لِكُلِّ عَدَائِي ثُمَّ لَا أَهَابِي^۳

الفصل الثامن خصائص المؤمن

۱/۸. الْخَصَائِصُ النَّفْسِيَّةُ

أ- حَسَنُ الْحَلْقِ

۲۶۵. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ لِلْمُؤْمِنِ أَرْبَعَ عِلَامَاتٍ: وَجْهًا مُسَبِّطًا، وَلِسَانًا لَطِيفًا، وَقَلْبًا رَحِيمًا، وَيَدًا مُعْطِيَةً^۴

ب- تَسْرُّهُ الْحَسَنَةُ وَتَسْوَهُ السَّيِّئَةُ

۲۶۶. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ سَرَّتْهُ حَسَنَتُهُ وَسَاءَتْهُ سَيِّئَتُهُ

می فرماید: اگر در روی زمین، از حاور تا باختر آن، افرادی مدائشتم بمجر یک مؤمن با یک پیشوای نادگر، وجود همان دو، پس بود و نیازی به هیچ یک از دیگر آمریدگاتم در زمین نبود و به واسطه برکت وجود آن دو، همت آسمان و زمین برپا می شد، و از ایمان آن دو، برایشان همدی قرار می دادم که به همدی غیر از خود، نیاز نمی داشتند

۵/۷. بَرَكَةُ مُؤْمِنٍ فِي الْجَنَّةِ

۲۶۲. پیامبر خدا ﷺ خداوند - تبارک و تعالی - هرگاه اهل شهری را ببیند که در گناهان زیاده روی کرده اند، اگر [حتی] سه نفر مؤمن نیز در میان آنان باشد، او - که شکرش گرامی است و نام هایش مقدس است - آنان را مدامی دهد که ۱۰۰ ای پادشاهان من! اگر در میان شما مؤمنانی بودند که به خاطر عظمت من، با یکدیگر دوستی می ورزید و با سوار خود، زمین مرا و مسجدهای مرا آباد می کنند و از بیم من، در سحرگاهان آموزش می طلبید، بی گمان، عذابم را بر شما فرو می رستم و باکی نداشتیم

فصل هشتم ویژگی های مؤمن

۱/۸. ویژگی های درونی

الف - خوش خویی

۲۶۵. پیامبر خدا ﷺ. مؤمن، چهار نشانه دارد: روی گشاده، زبان خوش، دل مهربان، و دست دهنده

ب- نشاد شدن از خوبی و ناراحت شدن از بدی

۲۶۶. پیامبر خدا ﷺ آن که خوبی اش او را شاد سازد

۱ مشکاة الأثر من ۴۹۴ ح ۱۶۱۸

۲. الأمال للصدوق من ۲۶۷ ح ۲۸۹

۳. إعلام اللید من ۱۲۲

فَهُوَ مُؤْمِنٌ^۱

و بدی‌اش او را ناراحت گردانند، او مؤمن است

۲۶۷ سنن ابن ماجه عن عائشة: إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يَقُولُ

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ مِنَ الَّذِينَ إِذَا أَحْسَنُوا اسْتَبْشَرُوا وَإِذَا أَسَاؤُوا اسْتَغْفَرُوا.^۲

۲۶۷ من این ماجه - به نقل از عایشه - پیامبر ﷺ می‌گفت: «بار خدایا! مرا از آنان قرار ده که هرگاه کار نیک کند، شاد می‌شوند و هرگاه کار بد کنند، مرزش می‌طلبند»

ج-الزُّهْقُ

۲۶۸ رسول الله ﷺ الْمُؤْمِنُ لَيْسَ هَبْنُ سَمْعُ لَهُ خُلُقٌ

حَسَنٌ، وَالْكَافِرُ قَطُّ عَلِيْظُ لَهُ خُلُقٌ سَوِيٌّ وَهِيَ خَبْرِيَّةٌ^۳

۲۶۸ - پیامبر خدا ﷺ مؤمن، نرم و رام و بخشنده است و کفری خوش دارد کافر، درشت‌خوی و خشن و بداخلاق است و روحیهٔ رو در گویی دارد

ب-الْكِبَاسَةُ

۲۶۹ رسول الله ﷺ لَا يَلْسَعُ الْمُؤْمِنُ مِنْ جُحْرِ مَرْتَضٍ^۴

هـ-الزُّهْدُ

۲۶۹ پیامبر خدا ﷺ مؤمن، از یک سوراخ، دو بار بیش نمی‌خورد

۲۷۰ رسول الله ﷺ - فِي صِفَةِ الْمُؤْمِنِ - تَدُ عَشَةُ ضَمًا

لِي نَبِيٍّ وَرُوحَهُ عَارِيَّةٌ مِي بَدَنِهِ^۵

۲۷۰ - پیامبر خدا ﷺ - در وصف مؤمن - : خود را در خانه‌اش میهمان، و روحش را در بدش عاریت می‌شمارد

۲/۸ الْخَصَائِصُ الْاجْتِمَاعِيَّةُ

أ-الْأَمْرُ وَالْأَمَانَةُ

۲۷۱ رسول الله ﷺ أَلَا أُسَبِّحُكُمْ بِالْمُؤْمِنِ؟ مَنِ اتَّخَذَ

الْمُؤْمِنُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ^۶

۲/۸ ویژگی‌های اجتماعی

الف-خصيت و اعتمادی

۲۷۲ عَنْهُ ﷺ أَلَا أُسَبِّحُكُمْ لِمَ سَمِّيَ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا؟

۱ - الحاصل من ۱۱ ح ۱۹

۲ - من ابن ماجه ج ۲ ص ۱۲۵۵ ح ۳۸۲

۳ - الأمالي للعلوي ص ۳۶۶ ح ۷۷۷

۴ - کتاب من لا يحضره الفقيه ج ۴ ص ۳۷۸ ح ۵۷۸۵

۵ - تاریخ دمشق ج ۵ ص ۳۹۵ ح ۱۳۱۱

۶ - الکافي ج ۲ ص ۳۳۵ ح ۱۹

۲۷۱ پیامبر خدا ﷺ آپ شمارا از مؤمن خبر بدهم؟

کسی است که مؤمنان، او را بر جان و مال خود، امین بدانند

۲۷۲ - پیامبر خدا ﷺ: آیا به شما نگویم که چرا مؤمن را

مؤمن نامیده‌اند؟ چون مردم را در جان و مالشان،

لَا يَمَارِهِ النَّاسُ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ^۱

تأمین داده است

ب- الفَوَاسِةُ

ب- همدردی

۲۷۳ رسول الله ﷺ الْمُؤْمِنُونَ كَرَحْلٍ وَاحِدٍ إِي شَكِي
رَأْسُهُ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ نَجَدٍ بِالْحُمَى وَالشُّهُرِ^۲

۲۷۳ پیامبر خدا ﷺ مؤمنان، همانند یک فردند که هر
گاه سرش درد بگیرد، دیگر اعضایش نیز بد تب و
بی خوابی، یا لوله هم صدامی شوند

ج- الدَّفَاعُ عَنِ الْمُحْتَمَعِ الْإِسْلَامِيِّ

ج- دفاع از جامعه اسلامی

۲۷۴ رسول الله ﷺ الْمُؤْمِنُونَ إِحْوَاءٌ تَكَافَأُ دِمَاؤُهُمْ وَهُمْ
يَدُّ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ^۳

۲۷۴ پیامبر خدا ﷺ مؤمنان برادرند، خونهایشان
برابر است و در برابر دیگران، «یک» دست‌اند.

د- يَرْضَى لِلنَّاسِ مَا يَرْضَى لِنَفْسِهِ

د- برای مردم، آن پسندد که برای خود می‌پسندد

۲۷۵ رسول الله ﷺ أَلَا وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ حَاكِمٌ عَلَى نَفْسِهِ،
يَرْضَى لِلنَّاسِ مَا يَرْضَى لِنَفْسِهِ^۴

۲۷۵ پیامبر خدا ﷺ «ای» مؤمن، داور خویش
است؛ برای مردم، همان چیزی را می‌پسندد که
برای خود می‌پسندد

ه- النَّصِيحُ لِلْإِخْوَانِ

ه- خیرخواهی برای برادران

۲۷۶ رسول الله ﷺ الْمُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ بِبَعْضٍ نَعِيحَةٌ
وَأَذْوَنُ وَإِي اسْتَرْفَتْ قَسَارِلُهُمْ وَأَبْدَانُهُمْ وَالصَّغَرَةُ
بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَشَشَةٌ فَيَتَحَادَلُونَ وَإِي اجْتَمَعَتْ
قَسَارِلُهُمْ وَأَبْدَانُهُمْ^۵

۲۷۶ پیامبر خدا ﷺ مؤمنان نسبت به یکدیگر،
خیرخواه و مهرورزند؛ هر چند مرل‌ها و
بدن‌هایشان از همدیگر دور باشند ولی
سنگ‌دندان نسبت به یکدیگر، خبیث‌تکار و
دع‌کنارند؛ هر چند مرل‌ها و بدن‌هایشان در کنار
هم باشند

۳/۸ الذِّصَانُصُ الْعَمَلِيَّةُ

أ- الإِحْتِهَادُ فِي الْعَمَلِ

۳/۸ ویژگی‌های عملی

۲۷۷ رسول الله ﷺ تَجِدُ الْمُؤْمِنَ يَجْتَهِدُ فِيمَا يُطِيقُ مَثَلَهُمَا

۲۷۷ پیامبر خدا ﷺ مؤمن را در آنچه می‌تواند، کوشا

۱ علی الشریع ص ۵۲۳ ح ۲

۲ صحیح مسلم ج ۱ ص ۲۰۱۰ ح ۲۷

۳ تفسیر ج ۱ ص ۱۰۱ ح ۲

۴ تاریخ دمشق ج ۵ ص ۳۹۵ ح ۱۳۱۱

۵ شعب الإسلام ج ۶ ص ۱۱۱ ح ۷۶۸

عَلَى مَا لَا يُطِيقُ.^۱

می‌یابی و به آنچه نمی‌تواند، مشتاق

ب- الصَّلَاةُ

ب- نمازگزار

۲۷۸. رسول الله ﷺ - مَيَّ وَجِيهٍ لِقَبِيٍّ ﷺ - يَا عَلِيُّ،

۲۷۸. پیامبر خدا ﷺ - در سمارش به علی ﷺ - ای

لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ الصَّلَاةُ، وَالزَّكَاةُ، وَالصُّوْمُ.^۲

علی! مؤمن، سه نشانه دارد: نماز، زکات و

روزه

ج- حِفْظَةُ الْمُؤْمِنَةِ

ج- کم هزینه بودن

۲۷۹. رسول الله ﷺ الْمُؤْمِنُ يَسِيرُ الْمُؤْمِنَةِ^۳

۲۷۹. پیامبر خدا ﷺ: مؤمن، کم هزینه است.

الفصل التاسع: اليقين

فصل نهم: یقین

۱/۹. فَضِّلُ الْيَقِينِ

۱/۹. فضیلت یقین

الكتاب

قرآن

﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ اِبْرَاهِيمَ اِسْمٰحٰنًا لِّمَا صَدَّقَ وَكَانُوا

﴿و چون شکایی کردند و به آیات ما یقین داشتند برمی

از آنان را پشوائی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم

را] هدایت می‌کردند﴾

الحدیث

حدیث

۲۸۰. رسول الله ﷺ حَيْرٌ مَا اَلْقَى فِي الْقَلْبِ الْيَقِيْنُ^۴

۲۸۰. پیامبر خدا ﷺ: بهترین چیزی که در دل انعکس

۲۸۱. عنه ﷺ كَفَى بِالْيَقِيْنِ غِنًى.^۵

شده، یقین است.

۲/۹. عِلْمُ الْيَقِيْنِ

الكتاب

۲۸۱. پیامبر خدا ﷺ برای توانگری، یقین کافی

است

﴿عَلَّا لَوْ تَعْتَمِدُونَ عِلْمَ الْيَقِيْنِ﴾ لَتَرَوْهُ لَلْجَبِيْمِ﴾ ثُمَّ

۲/۹. علم اليقین

لَتَرَوْهَا عَيْنَ الْبَلْبِيْنِ﴾ ثُمَّ لَتَحْسَبَنَّ يَوْمَئِذٍ عَم

قرآن

۱ از هدایای حبل ص ۴۷۰

۲ کتاب ص لا بعصره الفقه ج ۴ ص ۳۶۱ ح ۵۷۶۲

۳ تاریخ بیهق ج ۵ ص ۳۱۵

۴ السجدة ۲۴

۵ الاطالی للصلوف ص ۵۷۶ ح ۷۸۸

۶ الکافی ج ۲ ص ۸۵ ح ۱

﴿هرگز چنین نیست، اگر علم‌الیقین داشته باشید به یقین،

دورخ را می‌بیند پس آن را قطعاً به عین‌الیقین

درمی‌بیند. پس، در همان روز است که از بحث [ب]

الدُّعِيمُ^۱

الحديث

۲۸۲ رسول الله ﷺ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ ثَلَاثَ حَصَاٍ غُثٍّ هُنَّ عَنْ عِبَادِي نَوْرَهُنَّ رَجُلٌ مَا عَمِلَ شَوْءاً أَبَدٌ لَوْ كَشَعْتُ عَطَانِي فَرَأَى حَتَّى يَسْقِي وَيَعْنَمَ كَيْفَ أَفْعَلُ بِحَقِّي إِذَا أَمَّتْهُمْ^۲

۳/۹. تَفْسِيرُ الْيَقِينِ

۲۸۳ معانی الاخبار - به نقل از احمد بن ابی عبد الله برقی،
 می‌گوید: حدیث مرعوم علی العقی ﷺ جاء حبرئیل علیه السلام
 النبی ﷺ فقال يا رسول الله، إِنَّ اللَّهَ سَارِكٌ وَتَعَالَى
 أَرْسَلَنِي إِلَيْكَ بِهَدْيٍ لَمْ يُعْطَهَا أَحَدٌ قَبْلَكَ قَالَ رَسُولُ
 اللَّهِ ﷺ هَبْ وَمَاهِي^۳ قَالَ نَضِيرٌ وَأَحْسَنُ مَعَهُ
 هَبْ هَذَا تَفْسِيرُ يَنْصَبُ؟ قَالَ الْمُؤْمِنُ مَعْلُومٌ كَأَنَّهُ
 يَرَاهُ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ يَرَى أَفَّةً فَإِنَّ اللَّهَ يَرَاهُ، وَأَنْ يَعْنَمَ يَقِيناً
 أَنْ مَا أَصَابَهُ لَمْ يَكُنْ يُحِطُّنَهُ وَأَنْ مَا أُعْطَاهُ لَمْ يَكُنْ
 لُصْنَةً، وَهَذَا كُلُّهُ عَصَانُ التَّوَكُّلِ وَمَدْرَجَةُ تَرْهَدُ^۴

۴/۹. عِلَامَاتُ الْمُؤَقِنِ

۲۸۴ رسول الله ﷺ أَمَّا عِلَامَةُ الْمُؤَقِنِ فَسِتَّةٌ أَيْقَنَ سَافَةً
 حَقًّا فَأَمْسَ بِهِ، وَأَيْقَنَ بَأَنَ الْمَوْتِ حَقًّا فَحَدَّرَهُ،
 وَأَيْقَنَ بَأَنَ النَّبِثِ حَقًّا فَجَافَ الْفَصِيحَةَ، وَأَيْقَنَ بَأَنَ
 الْحَنَةِ حَقًّا فَاشْتَقَّ إِلَيْهَا، وَأَيْقَنَ بَأَنَ النَّارِ حَقًّا فَطَهَّرَ
 سَعِيَّهُ لِلْحَقِيقَةِ مَعَهَا، وَأَيْقَنَ بَأَنَ الْحَسَابِ حَقًّا فَحَسَبَ

۱ التَّنَاوُلُ ۸-۵

۲ كَلَامُ الْعَمَالِ ج ۱۰ ص ۳۷۲ ح ۲۹۱۵۸

۳ معانی الاخبار ص ۲۶۰ ح ۱

روی زمین! پرسیده خواهد شد

حدیث

۲۸۲ پیغمبر خدا ﷺ حدیث متواتر می‌فرماید: همه چیز
 است که آنها را از دید بندگانش پنهان نگه داشته‌ام و اگر
 فردی آنها را مشاهده کند، هرگز عمل بد انجام
 نمی‌دهد، اگر پرده خود را کنار رنم و مرا چنان ببیند
 که یقین پیدا کند و بداند که بعد از می‌مردن آفریدگارم،
 با آنها چه می‌کند.

۳/۹. تَفْسِيرُ الْيَقِينِ

۲۸۳ معانی الاخبار - به نقل از احمد بن ابی عبد الله برقی،
 از پدرش، در حدیثی که سند آن را به پیامبر خدا
 رسانده است - جبرئیل علیه السلام نزد پیغمبر ﷺ آمد و
 گفت: ای پیامبر خدا! حدیث - تبارک و تعالی - مرا
 با هدیه‌ای به سوی تو فرستاده که پیش از تو در نه
 هیچ کس نداده است.

پیامبر ﷺ فرمود: آن هدیه چیست؟

حضرت ﷺ گفت: اشکسای و چیرین بهتر از

ن

پیامبر خدا فرمود: گفتم تفسیر یقین چیست؟
 گفت: شخصی که یقین دارد، برای خدا چنان
 کار می‌کند که گویی او را می‌بندد زیر اگر و خدا را
 نمی‌بیند، خدا که او را می‌بیند و به یقین می‌داند که
 آنچه به او رسیده، نمی‌شد که نرسد و آنچه به او
 نرسیده، امکان نداشت که برسد همه اینها
 شایعه‌های توکل و پلکان رهدند.

۴/۹. مَشَاهِدُ هَيِّ اَهْلِ الْيَقِينِ

۲۸۴ پیغمبر خدا ﷺ شانه اهل یقین، شش چیز است،
 به حقانیت خدا یقین پیدا کرده، از این رویه او ایمان
 آورده است، یقین پیدا کرده که مرگ راست است، از
 این رو او در خداست یقین پیدا کرده که
 رستخیز، راست است و از این رو، از رسوایی [در
 آن روز] می‌ترسد؛ یقین پیدا کرده که بهشت راست

نفسه^۱

۵/۹. ثمرات الیقین

۲۸۵ رسول الله ﷺ إِنَّ اللَّهَ بِحِكْمَتِهِ وَجَلَالِهِ جَعَلَ الرُّوحَ وَالْفَرْحَ فِي الرِّبَا وَالْيَقِينَ^۲

۲۸۶ عنه ﷺ إِنَّ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ كَانَ يَمْشِي عَلَى الْمَاءِ، وَلَوْ رَادَّ يَقِيئاً لَمْشَى فِي الْهَوَاءِ^۳.

۲۸۷ . عنه ﷺ لَوْ أَنَّ عِيسَى كَانَ أَحْسَنَ يَقِيئاً مِمَّا كَانَ لَمْشَى فِي الْهَوَاءِ وَصَلَّى عَلَى الْمَاءِ^۴

الفصل العاشر - الوسوسة

۱/۱۰ الوسوسة في العقائد

۲۸۸ كثر العمل من ابن مسعود سألنا رسول الله ﷺ عَنِ الرَّحْلِ بَعْدَ الشَّيْءِ لَوْ خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ مَتَحَلِّقُهُ الطُّيُورُ كَانَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ أَنْ يَتَكَلَّمَ بِهِ، قَالَ ذَلِكَ مُحْضُ الْإِيمَانِ، أَوْ ضَرِيعُ الْإِيمَانِ^۵

۲۸۹ الکافی عن ابن اُبی عمیر عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق ﷺ جاء رجل إلى النبي ﷺ فقال يا رسول الله، هلكت! فقال له ﷺ أذاك بحیث فقال لك من خلقك؟ فقلت الله، فقال لك الله من خلقه؟ فقال إي والذي يتك بالحق لكان كذا، فقال رسول الله ﷺ ذاك والله محض الإيمان

۱. محف العقول ص ۲۰

۲. کثر العمل ج ۳ ص ۴۳۷ ح ۷۳۳۳

۳. کثر العمل ج ۲ ص ۴۳۹ ح ۷۳۴۲

۴. کثر العمل ج ۳ ص ۴۳۹ ح ۷۳۴۳

۵. کثر العمل ج ۱ ص ۳۹۸ ح ۱۷۰۹

است و از این رو، مشتاق آن است؛ یقین پیدا کرده که دوزخ راست است و از این رو، برای نجات از آن می‌کوشد؛ و یقین پیدا کرده که حساب راست است و از این رو، از خود حساب می‌کشد.

۵/۹ آثار یقین

۲۸۵ پیامبر خدا ﷺ حدیث از روی حکمت و جلال خود، آسایش و گشایش را در خشنودی و یقین قرار داد

۲۸۶ پیامبر خدا ﷺ عیسی بن مریم ﷺ روی آب راه می‌رفت و اگر یقین بیشتری داشت، در هوا می‌رفت

۲۸۷ . پیامبر خدا ﷺ، اگر برادر عیسی ﷺ یقینش بهتر از آن بود که داشت، بی گمان، در هوا راه می‌رفت و روی آبی، بهار می‌خواند

فصل دهم - وسوسة

۱/۱۰ وسوسة در اعتقادات

۲۸۸ کثر العمل - به سهل از عبید الله بن مسعود ... از پیامبر خدا سوال کردیم که گاهی اوقات چیزهایی از دهان انسان می‌گذرد که اگر از آسمان سقوط کند و در وسط آسمان، پرنده او را بگیرد، برایش خوش‌تر است تا این که آن خطورات ذهنی را به زبانش آورد پیامبر خدا فرمود: «این، همان محض است، یا همان ناب است»

۲۸۹ الکافی به نقل از ابن اُبی عمیر، از محمد بن مسلم، از امام صادق ﷺ - مردی خدمت پیامبر ﷺ آمد و گفت ای پیامبر خدا! هلاک شدم

پیامبر ﷺ بدو فرمود: «آن حبیب (شیطان) به‌سرع تو آمد و گفت: چه کسی تو را آورده است؟ و تو گفتی: خدا، و او گفت خدا را چه کسی آورده است؟» مرد گفت، آری، سوگند به آن که تو را به حق برانگیخت، مطلب همین گونه است [که می‌فرمایی] پیامبر خدا فرمود: «به خدا، سوگند که این، ایمان

قَالَ ابْنُ أَبِي عَمِيرٍ حَدَّثْتُ بِدَنِّكَ عَبْدَ الرَّحْمَنِ
بِالنَّجَاحِ فَقَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ أَنَّ
رَسُولَ اللَّهِ ﷺ إِنَّمَا عَسَى بِمَوْبِهِ «هَذَا وَاقِعُ مَحْصُ
الْإِيمَانِ» خَوْفُهُ أَنْ يَكُونَ قَدْ هَلَكَ حَيْثُ غَرَضَ لَهُ دَنِّكَ
فِي قَبْرِهِ.^۱

۲/۱۰ علاج الوسوسة

الكتاب

«وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ» وَأَعُوذُ بِكَ
رَبِّ أَنْ يَخْضُرُوا^۲

الحديث

۲۹۰ الإمام الصادق ﷺ أَنَّى السَّيِّئُ ﷺ رَجُلٌ مَعَارٍ، سَعِدَ
لَقَبْتُ مِنْ وَسْوَئَةٍ صَدْرِي شِدَّةً وَأَنَا رَجُلٌ مُعَلِّ مُدْرِسٌ
مُخَوِّجٌ فَقَالَ لَهُ كَرَّرْ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ «تَوَكَّلْتُ عَلَى
الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ
صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ
يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الدُّنْيَا وَكَثِيرٌ تَكْبِيرًا» فَلَمْ يَلَيْثَ الرَّجُلُ
أَنْ عَادَ إِلَيْهِ، فَصَالَ، يَا رَسُولَ اللَّهِ، ادْهَبْ أَهْ عَنِّي
وَسْوَئَةٌ صَدْرِي، وَقَصِي ذَيْبِي وَوَشِّعْ رِزْقِي.^۳

۳/۱۰ تحاور الله عن الوسوسة

۲۹۱ رسول الله ﷺ تَجَاوَزَ اللَّهُ لِأَمْنِي عَمَّا حَدَّثْتُ بِهِ
أَنْفُسَهَا مَا لَمْ تَنْطَلِقْ بِهِ أَوْ تَعْمَلْ^۴

محض است.

ابن ابی عمیر می‌گوید من این حدیث را برای
عبد الرحمن بن حجاج گفتم او گفت پدرم از امام
صادق ﷺ برایم حدیث کرد که فرمود مقصود
پیامبر ﷺ از این که فرمود «به خدا سوگند که این،
ایمان محض است»، همان ترس او از این است که
نکند با حضور آن افکار در ذهنش، به هلاکت افتاده
باشد

۲/۱۰ درمان وسوسه

قرآن

«وَبِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»
می‌برم و پروردگارا از این که [بها] به پیش من حاضر
شود. به تو پناه می‌برم»

حدیث

۲۹۰. امام صادق ﷺ. مردی خدمت پیامبر خدا آمد و
گفت، در دلم وسوسه شدیدی افتاده، در حالی
که من از نزدی عیالوار و بدهکار و بارسند هشتم
پیامبر خدا فرمود «این جملات را تکرار کن
تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي
الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الدُّنْيَا، وَكَثْرَةُ تَكْبِيرًا»
توکل می‌کنم بر ربه‌ای که نمی‌میرد و ستمش، برای
خداوندی است که همراه و فریدی اختیار نکرده
است و در جهاننداری، شریکی ندارد و یاری از سر
دلت نگرفته است، و او را بسیار بزرگ بشمار»

دبری نگذشت که آن مرد، سرد پیامبر ﷺ بار
گشت و گفت، ای پیامبر خدا! خداوند، وسوسه
سیه‌ام را از بین برد و پنهی مرا ادا کرد و روری‌ام را
وسعت بخشید

۳/۱۰ گذشت خدا از وسوسه

۲۹۱ پیامبر خدا ﷺ خداوند، از وسوسه‌ها و تشکیکات
دهشی انت من، تارمانی که آنها را به ربان یا به مرحله
عمل می‌آورده باشد، گذشت کرده است

۱ التکلم ج ۲ ص ۱۲۵ ح ۳

۲ المؤمنون ۹۷ و ۹۸

۳ کتب من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۳۳۸ ح ۹۸۶

۴ تنبیه المخاطر ج ۲ ص ۱۲۰

التَّائِبُ الثَّانِي

بسم

الْإِيمَانُ بِاللَّهِ

ایمان به خدا

الفصل الأول: معرفة الله

فصل یکم: شناخت خدا

۱/۱. قِيَمَةُ مَعْرِفَةِ اللَّهِ

۱/۱. ارزش شناخت خدا

أ- دَعَاةُ الدِّينِ

الف- استواری دین

۲۹۲ رسول الله ﷺ دَعَاةُ الدِّينِ وَأَسَاسَةُ الْمَعْرِفَةِ بِأَفْوَهٍ
وَالْيَقِينِ، وَالْعَقْلُ السَّامِعُ، وَهُوَ الْكَفُّ عَنِ مَعَاصِي
اللَّهِ ﷻ^۱

۲۹۲ پیامبر خدا ﷺ پایه و بیان دین، معرفت به
خداوند ﷻ، یقین و عقل سودمند، یعنی عقل باز
درنده از گناهان است

ب- الْفَضْلُ لِلْفَرَائِصِ

ب- برتری و اجابت

۲۹۳ تَسْبِيحُ الْحَوَاطِرِ سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَنْ
أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ، فَقَالَ الْعِلْمُ بِاللَّهِ وَنَفْعُهُ فِي دِينِهِ،
وَكُرَّرَهُمَا عِلْمُهُ
فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَسَأَلَكَ عَنِ الْعَمَلِ فَتُخْبِرُنِي
عَنِ الْعِلْمِ!
فَقَالَ ﷺ إِنَّ الْعِلْمَ يَنْفَعُكَ نَفْعَ قَلِيلِ الْعَمَلِ، وَإِنَّ
الْعَمَلَ لَا يَنْفَعُكَ نَفْعَ كَثِيرِ الْعَمَلِ^۲.

۲۹۳ تسبیح الحواطر: سرودی از پیامبر خدا در باره
برترین عمل پرسید، پیامبر ﷺ فرمود: «عزم
به خدا و فقه در دینش»، و اینها را تکرار
کرد

مرد گفت ای پیامبر خدا! از عمل می‌پرسم،
به من از علم خبر می‌دهی؟

پیامبر ﷺ فرمود: «با علم است که عمل اندک
هم به تو سود می‌رساند، در حالی که با جهل،
مردمانی عمل هم سودی نمی‌بخشد».

۲/۱. الْهُدَاةُ إِلَى مَعْرِفَةِ اللَّهِ

۲/۱. راهنمایان به سوی معرفت خدا

أ- اللَّهُ ﷻ

الكتاب

﴿إِنْ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ﴾^۳

الف- خداوند ﷻ

قرآن

﴿هَاسَاتُ هَدَايَتٍ بِرِ عَهْدِ مَاسَتٍ﴾.

۱. الفردوس ج ۲ ص ۲۲۲ ح ۳۰۷۷

۲. تیسب الحواطر ج ۱ ص ۸۲

۳. التلیل ۱۲

الحدیث

حدیث

۲۹۴ رسول الله ﷺ قال الله - جلّ جلاله - عبادي، كنكم

صالحا إلا من هديته، وكنكم فقيرا إلا من أعسيته،

وكنكم مدينا إلا من عصيته ۱

۲۹۵ عنه ﷺ من أصبح ولا يذكر ربقة شيئا خاف عنه

روال النعمية، أولها أن يقول الحمد لله الذي عرّني

نعمته ولم يتركني غميا القلب ۲

۲۹۴ پیامبر خدا ﷺ خداوند - که عظمتش بشکوه باد -

می فرماید: «مسدگان من ائمه شد گم راهید، جر

آن که من، او را ره بنمایم و همگی نادارید، جر آن

که من، او را دارا کنم و همه گمراهکارید، جر آن

من، او را نگاه دارم»

۲۹۵ پیامبر خدا ﷺ هر که صبح بر حیرد و از چهار چیز

یاد نکند، از زوال نعمتش بیمناکم محسست، آن که

مگوید: ستایش، خدایی را که خودش را به من

شناساند و مرا کوردل و سعاد

۱ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۳۹۷ ح ۵۸۱۸

۲ الدعوات ص ۸۱ ح ۲۰۴

بحثی درباره احادیث «شماخت خدا از طریق خدا»

گفتیم که خداوند ، خود از ره‌سمایان به سوی حدشناسی است ؛ یعنی خدا را می‌توان از طریق خود او شناخت . اکنون این مسئله مطرح است که مقصود از «شناخت خدا با خدا» چیست ؟ در پاسخ می‌توان به تفسیر روش از «شناخت خدا با خدا» ارائه کرد

۱ شماخت خدا از طریق آثار

خداوند متعال ، با ارائه آثار عجم و قدرت و حکمت در نظام آفرینش به انسان ، او را با آفریدگار حکیم و توانای جهان ، آشت می‌کند . شماری از احادیث ، به این تصویر اشاره دارند ، مانند ،
إِنَّمَا عَرَّفَ اللَّهُ - حُلَّ وَ عَرَّ - نَفْسَهُ إِلَى خَلْقِهِ بِالْكَلَامِ وَ الدَّلَالِ عَلَيْهِ وَ الْأَعْلَامِ^۱
 می‌نمود ، خدای تعالی خود را با سخن و دلالت و نشانه‌ها به مردم شناسانده است

۲ شماخت خدا از طریق تریه و تقدیس

تریه و تقدیس آفریدگار از مشابهت با آفریده‌ها ، دومین تفسیر شماخت خدا به خداست
 صدرالدین شیرازی رحمه الله در این باره می‌گوید

معایش این است که در اعراض او خود تنها بر وجود و سلال شود پس ، ذات او ، باقی ماند و شبهه دشمن ، شماخته شود پس چون غیر او را می‌شد و شبیهی ، چه جسم باشد و چه روح ، برای او تصور شد ، دانسته می‌شود که او را توصیف به غیر ذات خود مبرء است پس هر کس خدا را این گونه بشناسد که به هیچ چیزی شبیه نیست و چیزی هم شبیه او نیست ، می‌گمان ، خدا را به خدا شماخته است ، نه به غیر او^۲

این تفسیر ، در شماری از احادیث نیز آمده است ، مانند آن که امیر مؤمنان علی علیه السلام ، در پاسخ کسی که از ایشان پرسید «چه گونه خدا ، خود را به تو شناسانده است ؟» ، فرمود
لَا يَشْبَهُهُ صُورَةً ، وَ لَا يُحَسَّنُ بِالْحَوَاسِّ ، وَ لَا يُقَاسُ بِالنَّاسِ^۳
 هیچ تصویری ، شبیه او نیست و با حواس ، حس نمی‌شود و با مردم مقایسه نمی‌گردد

۲ شرح أصول الکافی ج ۳ ص ۶۱

۱ الکافی ج ۸ ص ۱۴۸ ح ۱۲۸

۳ الکافی ج ۱ ص ۸۵ ح ۲

۴. شناخت خدا از طریق شهود قلبی

کامل ترین تفسیر شناخت خدا، شناخت او از طریق شهود قلبی است که «آفتاب آمد دلیل آفتاب» در شماری از احادیث، بدین گونه از تفسیر اشاره شده: «رحمة الله» در حدیث، از صحف ادريس، نقل شده است؛

بِالْحَقِّ حُرِفَ الْحَقُّ، وَ بِالنُّورِ أُهْتَدِيَ إِلَى النُّورِ وَ بِالشَّمْسِ أُبْهِرَتْ الشَّمْسُ.^۱

یا حق، حق شناخته می شود و یا نور، به نور راه یافده می شود و یا خورشید، خورشید دیده می شود.



ب - ال‌امبیاء

ب - پیامبران

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى تَصَدُّقٍ أَنَا وَنَبِيٌّ
أَنِيعٌ وَيُسَبِّحُنَ اللَّهَ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾^۱

قرآن

﴿بگو، این است راه من و هر کس پیروی‌ام کرد، با
بینایی به سوی خدا دعوت می‌کنم، و منزّه است خدا و
من از مشرکان هستم﴾.

ج - اهل البيت

حدیث

۲۹۶ رسول الله ﷺ: أَنَا وَعَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ، مَنْ عَزَمْنَا فَقَدْ

عَزَمَ اللَّهُ ﷻ، وَمَنْ أَنْكَرَنَا فَقَدْ أَنْكَرَ اللَّهُ ﷻ^۲

ج - اهل بیت

۳/۱. فطرة التوحيد

الكتاب

﴿فَإِذَا هُوَ بِذِي خَيْبٍ فَأُتِيَ الْمَلَكُ الَّذِي فَطَرَهُ النَّاسَ
فَقَالَ لَا تَبْكُ يَا مُحَمَّدُ إِنَّكَ الْخَيْرُ الْكَفَرُ وَلَنْ يَكُونَ
النَّاسُ لَابْعَظُونَ﴾^۳

۳/۱. فطرت توحیدی

قرآن

﴿پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین
کن، یا همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است.
آفرینش خداوند، تغییر‌پذیر نیست. این است همان دین
پایدار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند﴾.

الحدیث

۲۹۷ رسول الله ﷺ: كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ حَتَّى
يُعَرَّبَ^۴ عَنْهُ لِسَانُهُ، فَإِذَا أَعْرَبَ هَبْهُ لِسَانُهُ إِمَّا شَاكِرًا
وَأِمَّا كَفُورًا^۵.

حدیث

۲۹۸ عَنْهُ ﷺ: كُلُّ نَسَمَةٍ تُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ حَتَّى يُعَرَّبَ عَنْهَا
لِسَانُهَا، فَأَبْوَاهَا يَهُودَانِهَا وَيُنَصْرَانِهَا^۶.

۲۹۷ پیامبر خدا ﷺ: هر مولودی، بر فطرت [توحیدی]
متولد می‌شود تا آن که زبان بگشاید^۱ [و به رشد
برسد]. چون زبان گشود، یا شاکر می‌شود و یا
کافر

۲۹۸ پیامبر خدا ﷺ: هر انسانی، بر فطرت [توحیدی]
به دنیا می‌آید تا آن که زبان بگشاید و پدر و
مادرش، او را یهودی و یا مسیحی کنند.

۱ یوسف ۱۰۸

۲، کتاب الدین، ص ۲۶۱ ح ۷

۳ الروم ۳۰

۴ لقرب الزحج من نفسه، إن بین وأوضح لمحمد معنی

القلعة ج ۱ ص ۲۹۹) والظاهر ان الإعراب في هذا الموضع

كتابه من تسمير الحق والباطل

۵ مستدرك حبل ج ۵ ص ۱۲۹ ح ۱۴۸۱۱

۶ مستدرك حبل ج ۵ ص ۳۰۳ ح ۱۵۵۸۹

۱ - مقصود از زبان گشودن در این روایت و روایت بعدی،
رشد عمی و قدرت تشخیص حق و باطل است

بحثی درباره فطرت خدائشناسی

بحثیین حاشیگاه خدائشناسی ، فطرت (سرشت) انسان است . آیات و احادیثی که دلالت بر این موضوع دارند ، به سه دسته تقسیم می‌شوند

دسته اول ، آیات و احادیثی که دلالت می‌کند بر این که خدائشناسی ، به صورت یک احساس ، در وجود همه انسان‌ها نهاده شده است . چکیده این دسته از آیات و روایات ، در پس حدیث سوی آمده است که می‌فرماید

كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ^۱

هر مولودی ، بر فطرت خود ، متولد می‌شود

دسته دوم ، متونی که بر اساس^۲ آنها ، خداوند تعالی ، ر همه مردم پیش از تولدشان ، بر روییت خود ، پیمان گرفته است ، مانند این آیه قرآن

وَإِذْ أَخَذْنَا مِنْ بُنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأُتْبِعْنَاهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمُ السَّبَّحَةَ فَاذْكُرُوا مَا كُنْتُمْ عَلَيْهِ^۳

و آن گاه که پروردگار از پشت بنی آدم ، فرزندان را برگرفت و بر خودشان گواه ساخت که «آیا من پروردگار شما می‌ستم»^۴ گفتند: «چرا» گواهی دادیم^۵

دسته سوم ،صوصی که طبیعت انسان به گونه‌ای ترسیم می‌کند که وقتی در بسست سحی‌ها قرار بگیرد ، موانع شاحت ، از حلو دیده جان ، کنار می‌روند و در این حال ، همه وجود ، خدا را احساس می‌کند و دست یار به سوی آن بی‌یار می‌برد . جمع بندی آیات قرآن در این زمینه ، در کلام نورانی امام عسکری علیه السلام بدین گونه آمده است

لَقَدْ هُوَ الَّذِي يَتَأَنَّهُ إِلَيْهِ عِنْدَ الْحَوْنِجِ وَالشَّدَائِدِ كُلِّ مَخْلُوقٍ جَدَّ أَنْفَاطِ الرُّحَاءِ مِنْ كُلِّ مَنْ هُوَ دُونَهُ ، وَ تَقَطُّعِ الْأَسْبَابِ مِنْ حَمِيعِ مَا سِوَاهُ^۶

خداوند ، کسی است که هر مخلوقی در بارها و سحی‌ها و به هنگام قطع امید از همه دیگر افراد ، و سینه‌های غیر از او ، بدو روی می‌آورند

۲ . اعراف آیه ۱۷۲

۱ . الکافی ، ج ۲ ص ۱۴ ح ۳

۳ . التوحید ص ۲۳ ح ۵ ، سحی الأخبار ص ۴ ح ۲ ، بحر الأنوار ج ۲ ص ۲ ح ۱۶

روشن‌ترین براهین توحید فطری

دسته سوم از متونی که بدانها اشاره شد، در واقع، پیامگر روشن‌ترین براهان‌های تجربی توحید فطری‌اند که قرآن کریم، برای معرفی خداوند متعال به عنوان حقیقتی که انسان ذاتاً یا آن آشناست و خود را نیازمند به آن می‌یابد، مکرر بدانها استناد کرده است.



۴/۱. رُؤْيَةُ اللَّهِ بِالْقَلْبِ

الكتاب

﴿ما كذب الفؤادُ ما رأى﴾^۱

الحدیث

۲۹۹. التوحيد عن محمد بن الفضيل. سأبتُ أبا انخسب

هل رأى رسول الله ﷺ ربه؟

فقال نعم بقلبه رآه، أما سمعت الله يقول: ﴿ما كذب الفؤادُ ما رأى﴾ أي لم يزه بالبصر، ولكن رآه بالقلوب^۲

۳۰۰. التوحيد عن مرارم عن الإمام الصادق عليه السلام سمعته

يقول رأى رسول الله ﷺ ربه بقلبه^۳

۴/۱. دین خدا با دل

قرآن

﴿آنچه را دل دید، انکار نکرد﴾

حدیث

۲۹۹. التوحيد - به نقل از محمد بن فضیل - از امام

کظم علیه السلام پرسیدم آیا پیامبر خدا پروردگارش را دید؟

فرمود: «آری» ب دلش او را دید. آیا شنیده‌ای که خداوند می‌فرماید: ﴿آنچه را دل دید، انکار نکرد﴾؛ یعنی با دیده [ی سر] ندید، بلکه با [رسته] دل دید.

۳۰۰. التوحيد - به نقل از مرارم - شنیدم که امام صادق علیه السلام

می‌فرماید: «پیامبر خدا، پروردگارش را دسد» یعنی ب دلش.

۱. الحجج، ۱۱.

۲. التوحيد ص ۱۱۶ ح ۱۷

۳. التوحيد ص ۱۱۶ ح ۱۶

بعضی در مطلق عقیده به امکان رؤیت خدا با چشم

پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام بر پایه آموزه‌های قرآن و سنت و حکم قطعی عقل و برهان، بر این باورند که دیدار حسی خداوند متعال، مستبعد است.

پیروان مکتب معتزله از اهل سنت بر عاصد امامیه، معتقد به عدم امکان رؤیت حسی خداوند متعال هستند؛^۱ اما اشعری و گروهی از اهل حدیث که «مُشته» و یا «حشوته» نامیده می‌شوند، قائل به امکان رؤیت حسی هستند.

هر چند قائلان به امکان دیدار خدا با چشم، گفته‌اند که ما بر مدعی خود، هم دلیل عقلی داریم و هم دلیل نقلی؛^۲ اما مطلقان دلیل عقلی آنان، نه قدری واضح است که نیازی به بررسی ندارد، مانند این که «صیرف وجود اشیا، مقتضی امکان رؤیت آنهاست» زیرا همان طور که در احادیث اهل بیت علیهم السلام ملاحظه می‌شود، چشم تنها چیزی را می‌تواند ببیند که دارای رنگ و کیفیت باشد و چنین چیزی نمی‌تواند نامحدود و آفریدگار باشد.

همچنین استدلال به ادله نقلی همچون آنکه: «وَهُوَ يُرَىٰ بِبَصَرِ الْبَاطِنِ»^۳، بر امکان رؤیت حسی صحیح نیست زیرا جمع میان این آیه و سایر یقینی که دلالت بر عدم امکان رؤیت حسی دارند، مانند «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ»^۴، گویای آن است که رؤیت حسی مقصود نیست بلکه ین قبیل آیات و روایات تنها قابلیت انطباق بر «رؤیت قلبی» را دارند.

۱/۵. معرفة النفس ومعرفة الله

الكتاب

﴿وَفِي الْأَنْصَابِ آيَاتٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُنْصَرُونَ﴾^۱

الحديث

۳۰۱ رسول الله ﷺ من عرف نفسه فقد عرف ربه^۲۳۰۲ عنه ﷺ اعرفكم انفسه اعرفكم ربكم^۳

۱/۵. حوبشناسی و خداشناسی

قرآن

﴿و در دین برای اهل بقی، نشانه‌هایی [مستفاد کنید] است و در خود شما مگر نمی‌بینید؟﴾

حدیث

۳۰۱ پیامبر خدا ﷺ هر کس خود را بشناسد، خدایش را

شناخته است

۳۰۲. پیامبر خدا ﷺ هر که به نفس خویش آگاه‌تر باشد،

به خدای خویش، عارف‌تر است



۱ الذاریات ۲۰ و ۲۱

۲ هواری الماکب ج ۱ ص ۱۰۲ ح ۱۱۹

۳ جامع الأخبار ص ۳۵ ح ۱۲

تحلیلی درباره نقش خودشناسی در خداشناسی

در نگاه قرآن کریم، در آفرینش انسان، شباهت و دلایل روشنی بری خداشناسی وجود دارد که هر کس اهل لجاحث نباشد و بخواهد از راه دلیل و برهان، حقیق هستی را بداند، می‌تواند با دقت در حکمت‌های وجود خود، با آفریدگار جهان و حقیقة الحقیق، آشنا شود

اقسام احادیث دعوت به خودشناسی

احادیث اسلامی، با الهام از قرآن، فراوان بر خودشناسی تأکید دارند. این احادیث را می‌توان به پنج دسته تقسیم کرد: دسته نخست احادیثی هستند که خودشناسی را بدورترین شایسته‌ها معرفی می‌کنند؛ مانند آنچه از امام علی علیه السلام روایت شده است که:

أَصْلُ الْمَعْرِفَةِ مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ نَفْساً^۱

برترین شناخت، خودشناسی است.

دسته دوم احادیثی هستند که به بیان‌های شدت حسن خود پرداخته‌اند. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

لَا تَجْهَلْ نَفْسَكَ، فَإِنَّ الْجَاهِلَ مَعْرِفَةَ نَفْسِهِ جَاهِلٌ بِكُلِّ شَيْءٍ^۲

از خود بی‌خبر نباش که بی‌خبر از خود، از همه چیز بی‌خبر است.

دسته سوم، حادثنی هستند که تصریح می‌کند خودشناسی، مقدمه و کلید هستی‌شناسی است؛ چنان‌که از امام علی علیه السلام نقل شده است:

مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَكَوْنُ لِمِيزَةٍ اعْرَفَ^۳.

آن که خود را بشناسد، دیگران را بهتر می‌داند.

دسته چهارم، حادثنی هستند که خودشناسی، آنگاه خداشناسی، بلکه براساس خداشناسی می‌داند که مشهورترین آنها این حدیث شریف است که از پیامبر خدا و امام علی علیه السلام روایت شده که فرموده‌اند:

مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ^۴.

آن که خود را بشناسد، پروردگارش را شناخته است.

دسته پنجم، احادیثی‌اند که مقصود از خودشناسی را تبیین و تفسیر می‌کند.

۱. فرد الحکم ح ۲۹۳۵

۲. فرد الحکم ح ۸۷۵۸

۳. فرد الحکم ح ۱۰۳۳۷، بیون الحکم والمواظ ح ۵۲۴ ح ۹۵۲۷

۴. روضة الواعظین ح ۲۶ ح ۳۳۷۰

۶/۱. آیات معرفه الله

الكتاب

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتَلَفِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ أَنَّهُ قِيمًا وَفَعُولًا وَعَلَىٰ جُلُودِهِمْ وَمِنْ ثَمَرَاتِهِ فِي خَلْقِ السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ رِثًا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطَلًا تُجِيبُكَ فَتَنَّا عَذَابَ النَّارِ﴾^۱

الحديث

۳۰۳ رسول الله ﷺ - في دعاء الجوش الكبير - يا من في السماء عظمته، يا من في الأرض آياته، يا من في كل شيء دلالة، يا من في البحار عجائبه، يا من في العبال حرائقه، يا من مدأ الحلق ثم يمده، يا من يقيه يرحم الأمر كله، يا من ظهر في كل شيء لطفه، يا من أحسن كل شيء خلقه، يا من صرف في حلالي قدرته^۲

۶/۱. دشانه‌های خداشناسی

قرآن

﴿سَمَاءٌ فِي آفَاقِهَا آسَمَانُهَا وَرَمِيمٌ، وَدَرِیْ یَکَدِیْگَرِ آمَدَنِ شَبِّ وَ رُورِ بَرای خردسلان دشانه‌هایی [قانع کننده] است. همانان که خدا را استاده و داشته، و به بهلو آوریده [در همه احوال] یاد می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند [و سرگویند که:] پروردگارا! اینها را بپرده بپارزدای، مگر می‌توان پس ما را از عذاب [آتش] دورخ، در امن بدار﴾

حدیث

۳۰۳. پیامبر خدا ﷺ - در دعای اجوش کبیر - ای آن که در آسمان، عظمتش پیداست و در زمین، نشانه‌هایش ای آن که هر چیز، بر اینمیزی به سوی اوست ای آن که شگفتی‌هایش در دریا و انبوحته‌هایش در کوه‌هاست ای آن که خلق را پدید آورد و سپس، باز می‌گرداند ای که همه کارها به او باز می‌گردد ای که لطفش را در همه چیز هویدا کرد ای که هر چه آفرید، بیکو آفرید ای که قدرتش، همه مخلوقات را می‌چرخاند!

۱ آل عمران ۱۹۰ و ۱۹۱

۲ البلد الامین ص ۱۰۷

تأملاتی درباره نقش خویشناسی در خداشناسی

از نگاه قرآن، در آفرینش انسان، شانه‌های روشنی‌فروزی برای خداشناسی وجود دارد و این، بدان معناست که انسان، نمی‌تواند خود را آن‌گونه که هست، ببیند، اما آفریدگار خود را نیابد، و خودشناسی باشد، اما خدا را نشناسد.

شانه‌های خدا در وجود انسان، در این باب، به سه دسته تقسیم شده‌اند و اینک، توضیح کوتاهی درباره این شانه‌ها

۱. پیدایش انسان از خاک

از نگاه قرآن، خاک، عصاره گِل، آب، علق و بطنه، نقطه‌های آغار بر آفرینش هستند که عقل با تأمل در مسیر تکاملی خاک تا به وجود آمدن انسان، چاره‌ای جز اعتراف به آفریدگار توانا و حکیم ندارد

۲. صورت‌بندی حین

پس از تکمیل مصالح مساعدان بدن، چسب برای صورت‌بندی و نقاشی آماده می‌شود.

﴿هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾^۱

اوست کسی که شما را در ربهان‌ها چنان که می‌خواهد، شکل می‌دهد. حدایی نیست، جز او که پیر و مبدی هر رانه است.

۳. پیدایش حیات

قرآن کریم، در موارد متعدد، پدیده شکفت حیات را مستند به آفریدگار توانای جهان کرده است و آن را یکی از آیات الهی و دلایل غیر قابل انکار وجود خدا می‌داند و گاه، مسکرا را با توجه به این حقیقت، مورد ملامت قرار می‌دهد:

﴿كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ﴾^۲

چگونه به خدا کفر می‌ورزید، در حالی که مرده بودید و (خدا)تان احیاء آید.

۴. خواب

خواب، مایه تجدید قوای فرسوده شده، رمز نشاط و طروت است که تقریباً یک‌سوم عمر انسان، هر یک از آن

می‌گردد

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَاقِبُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَتَبَعَارُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَشْكُرُونَ^۱

و از نشانه‌های او حوالی شما در شب و روز است و سیر و روی [جستار شما از فضلش بی‌گمان در این نشانه‌هایی برای گروه شنواست] ﴿

۵ روزی

پیش‌بینی مابین مورد نیاز برای تعدیه اسرار و همه موجودات رزق و هماهنگی مواد مورد نیاز انسان با کوشش‌های طبیعی او، دلیل دیگری بر توحید و حداثاسی است

﴿هَلْ مِنْ حَبِيقٍ عَنَّا إِنَّهُ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُنَزِّلُ الْمَطَرَ^۲

یا خدایا! آفریدگاری هست که در آسمان و زمین روزی باران بفرستد جز او خدایی نیست پس ما کجا معترف می‌شویم؟ ﴿

۶ همسر

آفریش همسر با توجه به تاثیر شگرفی که در آرامش آدمی دارد به شهایی که می‌است که ثابت کند جهان هستی دارای آفریدگاری حکیم و توانمند است

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يَخْلُقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا بِهِنَّ وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّعَزِّمِ الْمُفَكِّرِينَ^۳

مهر می‌سازد

و از نشانه‌های اوست که چهره‌هایی از جنس خویش برایتان آفرید تا با ایشان آرام بگیرید و میانان، دوستی و مهریابی دهد در این، نشانه‌هایی است برای کسانی که می‌اندیشند ﴿

۷ پوشاک

وجود منابع پوشاک در زمین، ماند وجود منابع تعدیه و حورک، ثابت می‌کند که جهان، طلق نقشه و محاسبه دقیق و حکیمانه‌ی پدید آمده که حتی حرئی ترین مسائل ضروری زندگی بر او دیده تیریین پدید آورنده آن، پنهان نهانده است

﴿وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَبِيلَ بَقِيَّتِكُمْ الْخَزْرَ وَسَرَبِيلَ بَقِيَّتِكُمْ أَنْتُمْ^۴

و برای شما جامه‌هایی ساخت که از گرما حفظتان می‌کند و جامه‌هایی که در جنگ، بگهار می‌دارد ﴿

۸ ابزارهای یادگیری

پیش‌بینی ابزارهای درونی و بیرونی در وجود انسان برای کسب آگاهی، نشانه دیگری از نشانه‌های آفریش

^۱ فاطر آیه ۳

^۲ روم آیه ۲۳

^۳ حجر آیه ۸۱

^۴ روم آیه ۲۱

انسان و دلیل دیگری بری اثبات توحید و حداشناسی است

۹. اختلاف ریاها و شکل‌ها

اختلاف ریاها، شکل‌ها و رنگ‌های مردم، یکی دیگر بر دلایل حداشناسی است؛ زیرا اگر کارخانه آفریش شعور نداشت، مانند همه ماشین‌های دیگر، تولیدات آن یکسواخت بود

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلَافُ الْمُبِينُ وَاللَّيْلُ لَا تَكُنُ لِلْعَالَمِينَ

و از نشانه‌های اوست آفریش آسمان‌ها و زمین و مختلف ریاها و رنگ‌هایشان در این نشانه‌هایی برای داناان است﴾

۷/۱. طُرُقُ الْوُصُولِ إِلَى أَسْمَى مَرَاتِبِ مَعْرِفَةِ اللَّهِ

أ- ذِكْرُ اللَّهِ

الكتاب

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ دُخْرَ كَثِيرَةٍ
وَسَبِّحُوهُ ثُبْرَةً وَأَصِيلًا هُوَ الَّذِي يُضَلِّي عَنكُم
وَلَنُفِخَ بَنفَخَتَكُم مِّنَ الطُّنُجِ إِلَى السُّورِ وَمَن
بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا﴾^۱

الحديث

۳۰۴ رسول الله ﷺ يَسْمَعُ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا كَانَ الْعَالِي
عَلَى عِبْرِي لِشَيْعَالٍ بِي جَعَلْتُ نَعِيمَهُ وَلَذَّتُهُ فِي
ذِكْرِي. فَإِذَا جَعَلْتُ نَعِيمَهُ وَلَذَّتُهُ فِي ذِكْرِي عَشْفِي
وَعَشْفَتُهُ. فَإِذَا عَشَفِي وَعَشَفَتُهُ رَحِمْتُ الْحَبَابَ عِيسَا
نَبِيَّيْ وَيَسَى. وَصَرْتُ مَعَالَمًا بَيْنَ عَسِيهِ. لَا يَسْهُو إِذَا
سَهَا النَّاسُ. أَوْ نَكَتَ كَلَامُهُمْ كَلَامُ الْأَنْبِيَاءِ^۲

ب- مَحَبَّةُ اللَّهِ

۳۰۵ رسول الله ﷺ الْمَحَبَّةُ أَسَاسُ الْمَعْرِفَةِ^۳

ج- الْإِنْقِطَاعُ إِلَى اللَّهِ

۳۰۶ رسول الله ﷺ - يَبِي الدُّعَاوِ - إِلَهِي مَسْ دَا اَلْبَدِي
اَنْقَطَعْ إِلَيْكَ فَلَمْ تَصْلُدْ؟^۴

د- وِلَايَةُ أَهْلِ الْبَيْتِ

۳۰۷ رسول الله ﷺ نَحْنُ الْوَسِيلَةُ إِلَى اللَّهِ، وَالْوَصْلَةُ إِلَى
رِصْوَانِ اللَّهِ^۵

۷/۱. راه‌های رسیدن به بالاترین مراتب خداشناسی

الف. ذکر خدا

قرآن

﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را یاد کنید. یادِ
بسیار و صبح و شام او را به یادِ بیستاید. دوست کسی
که با فرشتگان خود هر شما درود می‌فرستد تا شما را از
تاریکی‌ها به سوی روشایی برآورد، و به مؤمنان،
همواره مهربان است﴾

حدیث

۳۰۴. پیامبر خدا ﷺ خداوند متعال، می‌فرماید: هر
گاه، دل مشغولِ عمده پندهای، من باشم، نعمت و
لذت او را در ذکر خودم قرار می‌دهم، و چون نعمت
و لذت او را در ذکر خودم قرار دهم، به من عشق
می‌ورزد و من نیز به او عشق می‌ورزم، و چون عاشق
یکدیگر شدیم، حجاب میان خودم و او را برمی‌دارم
و نشانه‌های در جلو چشمانش قرار می‌دهم که چون
مردم [مرا] از یاد ببرند، او از یاد ببرد [اینان،
سجدهشان، سخن پیامبران است]

ب- محبت خدا

۳۰۵. پیامبر خدا ﷺ محبت، اساس معرفت است

ج- انقطاع به سوی خدا

۳۰۶. پیامبر خدا ﷺ - در دعا - خدایا! چه کسی برای
پیوستن به تو، از همه گسست و توبه او نپویستی؟

د- ولایت اهل بیت

۳۰۷. پیامبر خدا ﷺ ما وسیله [ی سریدیکی] به سوی
خداییم و راه وصل به خشنودی او.

۱ الاحزاب ۴۱-۴۳ ۲ حله الاولیه ج ۶ ص ۶۵

۳ المواضع المدروسة ص ۱۴۱

۴ بحار الأنوار ج ۹ ص ۹۰ ح ۳۴۲ ص ۵۴

۵ بحار الأنوار ج ۲۵ ص ۲۳ ح ۳۸

سخنی درباره راههای رسیدن به بالاترین مراتب خدائشناسی

آنچه با عنوان «راه‌های رسیدن به بالاترین مراتب خدائشناسی» نگاشته، در بردارندهٔ مطنش‌ترین دستورها برای سیر و سلوك به سوی الله است که در متون اسلامی، به آنها اشاره شده است و گذر از منازل سلوك و رسیدن به قلّه یقین و معرفت شهودی، بدون عمل به این راه‌مروده، ممکن پذیر نیست. در واقع، حرکت انسان به سوی کمال مطلق، بدین سان آغاز می‌گردد:

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ

نخستین گام در این سیر و سلوك، یاد خدمت امام علی (ع) دربارهٔ نقش یاد خدا در سارتدگی انسان می‌فرماید:

أَصْلُ صَلَاحِ الْقَلْبِ اشْتَغَالُهُ بِذِكْرِ اللَّهِ^۱

اساس سامان یافتن دل، اشتغال آن به یاد خداست

یاد خدا، در واقع، رمز خودسازی است؛ چرا که به تدریج، قلبان را از خود حیوانی تهی می‌کند و دل را از ردایل خلاق، پاک می‌گرداند و آن را برای پذیرش نور حق، آماده می‌سازد. در متون اسلامی، نقش سرنوشت‌ساز یاد خدا در سارتدگی انسان به تفصیل مورد توجه قرار گرفته است:

حقیقت دگر

بکتهٔ اساسی، این که حقیقت دگر، احساس حضور در محضر حق تعالی است. این رو، دگرویی، بدون توجه قلبی، اثر چندانی در نورانیت دل نخواهد داشت. شدت توجه قلبی انسان به آفریدگار جهان سیر مسئولیت‌شناسی در همهٔ زمینه‌هاست.

دگر به این معنا و بویژه تدویم آن، مبار دشوار است؛ چنان که امام صادق (ع) در گفتگوی یکی از یارانش، دربارهٔ سخت‌ترین چیزهایی که خدا بر خلقش واجب کرده است، چنین فرموده است:

أَلَا أُخْبِرُكَ بِأَشَدِّ مَا لَزَّضَ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ؟ قُمْتُ بِنِي، قَالَ: إِيصَافُ النَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ، وَتَوَاسُؤُكَ أَحَاكَ، وَذِكْرُ اللَّهِ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ أَمَا إِنِّي لَا أَقُولُ سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَإِنْ كَانَ هَذَا مِنْ ذَلِكَ، وَلَكِنْ ذِكْرُ اللَّهِ - جُلُّ وَعَزُّ - فِي كُلِّ مَوْطِنٍ إِذَا فَجَمْتَ عَلَى طَاعَةٍ أَوْ عَلَى نَهْيَةٍ.^۲

۱. حرر الحکم ج ۲۰۸۳

۲. الکافی ج ۲ ص ۱۲۵ ح ۸، معنی الاخیار ص ۱۹۲ ح ۳، بحار الانوار ج ۷۵ ص ۲۴ ح ۲۹

[اسام ﷺ فرمود: «آیا تو را از سخت ترین و اجابتی که خدا بر خلقش واجب کرده، آگاه نکنم؟» گفتیم: چرا فرمود: «انصاف دادست به مردم از جانب خودت، و سهمیم کردن برادرت ادر مثل و دلزایی است، و ذکر خدا در هر حال امانت است که مقصود من از ذکر گفتی سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر» بسم. اگر چه اینها هم ذکر هستند بلکه مقصود، یاد کردن خدای ﷻ در هر جایی است که، هنگ طاعت یا مصیبت می‌کشی»

دو رعایت آداب عدا خوردن

یاد خداوند ﷻ عدا جان است. هر چه این حوراک بیشتر به روح برسد، نیروی روح، بیشتر می‌شود و صفا و نورانیت دل، افروخته تر می‌گردد. به عکس عدهای مادی که هر چه بیشتر انسان از آب مصرف کند، برای جسم و جاننش زیاده‌بارتر است و، کتفا به قدر ضرورت در خوردن سلامت جسم و حال انسان را تضمین می‌کند. از پیامبر خدا ﷺ چنین روایت شده است

إِذَا أَقْبَلَ الرَّحُلُ الطَّعْمَ مُلِئَ بِخَوْفِهِ نَوْرًا^۱

چون انسان از حور کسی بکاهد، درویش پُر از نور می‌شود

سه ولایت اهل بیت

راه توحید و سوک به سوی معرفت شهودی و گه گاه مطلق، راهی است بس دشوار و در آن، راهبران سیر در کمین اند. پیمودن این راه، بون راه نمایی و دستگیری رهبران به مقصد رسیده و مصون از خطا، که همان پیامبر خدا و خادمان او هستند. خطرات که، بلکه غیر ممکن است. چه اینکه اهل بیت ﷺ، ابواب معرفت خدا و راه رسیدن به رضوان الهی هستند و این، بدان معناست که تنها آنها با معارف اسلام باب آشنایی و بر اساس آموزه‌های وحی، می‌تواند آفریدگار حقیقی جهان را به مردم معرفی کند و آنان را ترمیدد به بالاترین مراتب توحید، هدایت نماید. در «بازارت جامعه کبیره» که از امام هادی ﷺ روایت شده، خطاب به آنان می‌گوییم

يُؤَااَبِكُمْ عَلَّمَنَا اللهُ مَعَالِمَ دِينِنَا^۲

به ولایت شما، خداوند، معارف دینمان را به ما آموخت

چهار استعداد از خداوند متعال

چهارمین دستو. کار برای سوک الی الله، بپیش و یاری خواستش از خداوند متعال است. دعا، در رساندن مالک به مقصد، هم طریقت دارد و هم موضوعیت. طریقت درد، چون مایه توفیق یافتن انسان برای انجام دادن

^۱ الفردوس ج ۱ ص ۲۹ ح ۱۱۲۸ نیز ر ک المجمع الاوسط ج ۵ ص ۲۲۹ ح ۵۱۶۵ میه الخواصر ج ۲ ص ۲۲۹ زاد المعاد ص ۷۷ ح ۱۸۷

^۲ تهذیب الأحکام ج ۶ ص ۱۰۱ ح ۷۷، کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۶۱۶ ح ۳۳۳ عیون اخبار الرضا ﷺ ج ۲ ص ۲۷۷ ح ۱ التلخیص لکبیر ص ۵۳۳، بحار الانوار ج ۱۰۲ ص ۱۳۲ ح ۴

سایر برنامه‌های سوگ است، و موضوعیت دارد، چون خود، معر عبادت است

حتی می‌توان گفت که اگر دعا با شرایط آن انجام شود، یکی از نزدیک‌ترین راه‌ها و شاید نزدیک‌ترین راه برای رسیدن به مقصد است، چنان که حدیثی در متعال می‌فرماید

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أَحْبَبْتُ دُعَاءَ اسْتِغَاثَةٍ دُعَاءِ فُلَيْتُشْجِيئُوا إِلَيَّ وَلَئِنْ سَأَلُوا مِنِّي لَأُجِبَنَّهُمْ يَزِيدُونِ^۱

و چون بندگانم از تو درباره من پرسیدند، به آن‌ها بگو که [من نزدیکم و بنای دعا گذارم چون مرا بخواهند، پاسخ می‌دهم]

پس [بندگانم! دعوی من را بپذیرند و به من ایمان آورند، شاید که رها یابند]

پنج احیای عقل و میراندن نفس

بانه کار بهش رهمودهای چهارگانه‌ای که شرح آن گذشت، به تدریج قوای عقلانی سالک الهی، رشد می‌کند و

هوس‌های حیوانی، در او می‌میرند تا آن که به این نقطه می‌رسد که امیر مؤمنان در وصف او می‌فرماید

قَدْ أَحْيَا عَقْلَهُ، وَأَمَاتَ نَفْسَهُ، حَتَّى دَقَّ جَلْبَلَهُ، وَ نَطَفَ قَلْبُهُ، وَ بَرَقَ لَهُ لَامِعٌ كَثِيرُ الْبَرَقِ، فَأَبَانَ لَهُ الطَّرِيقَ وَ سَلَكَ بِهِ السَّبِيلَ، وَ تَدَاعَتْهُ الْأَبْوَابُ إِلَى بَابِ السَّلَامَةِ، وَ دَارَ الْإِقَامَةِ، وَ تَبَيَّنَتْ رِجَالُهُ بِطَمَائِنِهِ يَزِيدُ فِي قَرَارِ الْأُمْرِ وَ لَزَاقَةِ بِمَا اسْتَمَلَ قَلْبُهُ، وَ أَرْضَى رَبَّهُ^۲.

عقل خود را زنده کرده و نفس خود را میرانده است، تا حدی که درخشش هدیش مارک و رحمتی‌هایش لطیف گشتند و بر وی

مردمان و ناهایک، برایش درخشیدن گرفتند و راهش روشن گشته و او را به راه در آورده است و درها، او را به در سلامت و

سرای امان گشادند و ثابت قدم و با کمال طمأنینه، در جایگاه امن و راحت به عرصه ایچه هدیش به کار برده و حدیث را

حشود ساخته، جای گرفته است.

۸/۱ آثار معرفه الله

أَخْشِيَةُ اللَّهِ

الكتاب

﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَلُوبٌ﴾^۱

التحذیر

۳۰۸ رسول الله ﷺ مَنْ كَانَ بِاللَّهِ عَزْفٌ كَانَ مِنْ أَهْلِ أَحْوَفٍ^۲

ب- اجتناب المحارم

۳۰۹ رسول الله ﷺ مَنْ عَزَفَ اللَّهَ وَعَظَّمَهُ مَتَعَ مَاءٌ مِنْ الْكَلَامِ، وَبَطْنٌ مِنَ الطَّعَامِ، وَغَمٌّ^۳ تَعَسَتْ بِالنَّهْدِ وَالْعِيَامِ^۴

ج- الرضا بقضاء الله

۳۱۰ رسول الله ﷺ قَالَ اللَّهُ ﷻ عَلَامَةُ مَعْرِفَتِي فِي قُلُوبِ عِبَادِي حُسْنُ مَوْجِعِ قَدْرِي أَلَّا أَشْكُنَ وَلَا أُسْتَبْطِنَ وَلَا أُسْتَمْعَى^۵

۱ فاطر ۲۸

۲ جامع الأخبار ص ۲۵۸ ح ۶۸۲

۳ قال العلامة المجلسي رحمه الله: «ومعناه كذا، وليس معنى السبح بمعنى: أي جعلها صافية خالصة، لرحمتها مطروحة دليته حافظة، لروافد كمالها، قال في النهاية أصل الطير المحو والطير وحملت الريح لآثر محته وطعمه ومع الشيء كثر وزاد، يقال أعتبه وعبه وعفا الشيء صفا وخلص، انتهى وأقول الأظهر معنى المجالس وغيره وأكثر سجع الكتاب دعوى أي أتعجب، والمعنا: ما فتح والممد-

التعجب (مرآة العقول ج ۹ ص ۲۵۶)

۴ الكافي ج ۲ ص ۳۳۷ ح ۲۵

۵ كنز العمال ج ۱ ص ۱۲۹ ح ۶۰۶

۸/۱ آثار معرفت خدا

الف- بیم از خدا

قرآن

﴿وَرَبِّكَ أَنْتَ خَدَا، تَنهَا دَانِيَاتُكَ أَنْ تُؤْمِنَ تَرَسُّدَ، أَرَى، خَدَا، لَوْ حَسِبْتَ أَمْرُودَهُ اسْتَ﴾

حدیث

۳۰۸ پیامبر خدا ﷺ هر کس به خدا آگاه‌تر باشد، از او بیم‌گاتر است

ب- پرهیز از حرام‌ها

۳۰۹ پیامبر خدا ﷺ هر که خدا و عظمت او را بشناسد، کام از کلام و درون از طعام، بار می‌دارد و نظر خویش را به روزه و شب زنده‌داری رام می‌کند

ج- رضایت به قضای الهی

۳۱۰ پیامبر خدا ﷺ خدای ﷻ فرمود: «نشانه معرفت به من در دل‌های سداگام، سکویی موقعیت منزلت من است، این که از من گنه نشود و ازوری رسانندم [دیر و گند به شمار بیاید و پنهان، شمرده شوم]

د- استجابه الدعاء

د- اجابت دعا

۳۱۱ رسول الله ﷺ قَالَ لِلَّهِ قَوْلٌ مِّنْ أَهْلِ لِي وَلَيْتَ أَفَقَدَ
أَرْضًا لِّمُحَارِبَتِي وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدٌ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ
مِمَّا انْتَرَضْتُ عَلَيْهِ، وَإِنَّهُ لَيَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّافِلَةِ حَتَّى
أُجِيبَهُ، فَإِذَا أُجِيبَتْهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ، وَنَصْرَهُ
الَّذِي يُعِزُّ بِهِ، وَلِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ، وَيَدَّهُ الَّتِي
يَهْطِلُ بِهَا، إِنْ دَعَانِي أَجَبْتُهُ، وَإِنْ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ^۱

۳۱۲ عَنْهُ ﷺ تَوَعَّدَكُمْ اللَّهُ تَعَالَى حَتَّى تَعْرِفْتَهُ لَرَأَيْتَ
يَدْعَايَكُمْ الْجِبَالُ^۲

۳۱۱. پیامبر خدا ﷺ: خدای عزوجل می فرماید: «وهر که به
دوست من توهین کند، به جنگ با من برخاسته
است. بدهای به من یا بهتر از انجام دادن واجباتش
تقرب بجسته است و او یا انجام دادن مستحب به
من، تقرب می جوید تا دوستدارش شوم و چون
دوستدارش می شوم، گوش شنیدن او و دیده
دیدن او و زبان گفتش و دست فعالیت او می گردم
اگر مرا بخواند، اجابتش می کنم و اگر از من
بخواهد، عطايش می نمایم»

۳۱۲. پیامبر خدا ﷺ اگر خداوند متعال را چنان که
بایسته شایسته اوست، می شناسند، کوه‌ها با
دعای شما از جا کنده می شوند

۱. التکفیل ج ۲ ص ۲۵۶ ح ۷

۲. موارد الأصول ج ۲ ص ۱۳۲

چکیده آنچه در باره نقش خداشناسی گذشت

آثار و مرکب خداشناسی و نقش آن در زندگی انسان را در دو بخش می‌توان خلاصه کرد

بخش اول- نقش خداشناسی در زندگی فردی

مهم‌ترین نقش خداشناسی در زندگی فردی، محنت و رُس و محدودیت متعال است^۱، چرا که انسان، بطریاً عاشق ربایی است و از آن جا که خداوند متعال جامع همه ربایی‌هاست و همه ربایان، ربایی خود را از او دارند، انسان نمی‌تواند خدا را بشناسد و او را دوست نداشته باشد^۲، از این رو، امام معینی^۳ می‌فرماید

مَنْ عَرَفَ اللَّهَ أَحَبَّهُ^۱

هر که خدا را بشناسد، دوستش خواهد داشت

بخش دوم- نقش خداشناسی در زندگی اجتماعی

خداشناسی، به دلیل این که ربوبی ارزش‌های اعتقادی، اخلاقی و عملی است، اصلی‌ترین پایه‌های جامعه نبویه انسانی می‌رسمت به همین جهت، نمی‌توان جامعه‌ای که خدا را دور ندارد، انتظار داشت ارزش‌های انسانی و در رأس آنها عدالت، اجتماع را رعایت نماید. لذا امام رضا^۴ درباره فلسفه حد پرستی می‌فرماید

لِعَلِّ كَثِيرًا مِنْهَا أَنْ لَمْ يَعْرِ بِاللهِ يَوْمَ مُحَصَّبِ مَعَاصِيهِ، وَلَمْ يَنْتَه عَنِ ارْتِكَابِ الْكَثَائِرِ وَلَمْ يُرَاقِبْ أَحَدًا لِيَمَّا بَشَنَّهُمْ وَهَتَكُوا مِنَ الْعَادِ وَالظُّلْمِ^۲

به عدت‌های بسیار، یک عتب آن که کسی که به حد نظر نکند، با فرمانی او می‌هرزد و از نکات گناهان کبیره، بازتابند و هیچ کس را در آنچه از تباهی و شتم دوست می‌دارد و لذت می‌برد، نباید

و اگر روزی جامعه بشری به طور شایسته با آفریده‌گر جهان پیوند برقرار کند، بهترین زندگی‌ها را برای خود

فراهم ساخته است، به امید آن روز!

^۱ تفسیر الخواصر ج ۱ ص ۵۲

^۲ علی الشرائع ص ۲۵۲ ح ۹، بحار الانوار ج ۳ ص ۶۰ ح ۴۳

۹/۱. لَا يَبْلُغُ أَحَدٌ كُنْهَ مَعْرِفَتِهِ

۹/۱ کسی به حقیقت معرفت او نمی‌رسد

۳۱۳ رسول الله ﷺ - فِي الدُّعَاءِ - يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ^۱

۳۱۳ پیامبر خدا ﷺ در دعا - ای آن که کسی نمی‌داند او چیست، حر خودش!

۳۱۴ عنه ﷺ - فِي تَسْبِيحِهِ أَفْوَ سُبْحَانَهُ - شَبَّاحُكَ مَا عَزَمَكَ حَقُّ مَعْرِفَتِكَ^۲

۳۱۴ پیامبر خدا ﷺ - در تسبیح خدای سبحان - مژگی تو! ما آن گونه که باید، تو را نشناخته‌ایم

۱۰/۱. النَّهْيُ عَنِ التَّفَكُّرِ فِي ذَاتِهِ

۱۰/۱. پرهیز از اندیشیدن در ذات خدا

۳۱۵ رسول الله ﷺ تَفَكَّرُوا فِي لَامِ اللَّهِ وَلَا تَتَفَكَّرُوا فِي اللَّهِ^۳

۳۱۵ پیامبر خدا ﷺ در نعمت‌های خدا بیدیشید و در [ذات] خدا بیدیشید

۳۱۶ عنه ﷺ تَفَكَّرُوا فِي حَلْقِ اللَّهِ وَلَا تَفَكَّرُوا فِي اللَّهِ فَإِنَّكُمْ لَنْ تُقَدِّرُوا قُدْرَهُ^۴

۳۱۶ پیامبر خدا ﷺ در خلق خدا بیدیشید و در [ذات] خدا بیدیشید که شما او را اندازه نمی‌توانید کرد

فصل دوم. شناخت یگانگی خدا

الفصل الثاني معرفة توحيد الله

۱/۲. اَوْزَانُ تَوْحِيدٍ

الف - بهای بهشت

۱/۲ قِيَمَةُ التَّوْحِيدِ

أ - ثَمَرُ الْجَنَّةِ

۳۱۷ پیامبر خدا ﷺ توحيد، بهای بهشت است

۳۱۷ رسول الله ﷺ التَّوْحِيدُ ثَمَرُ الْجَنَّةِ^۱

۳۱۸ پیامبر خدا ﷺ یسی گمان، «لا إله إلا الله»، نبرد جلوند ﷻ سخنی برگزیده و عزیز است هر کس آن را حالصه بگوید، بهشت برایش واجب می‌شود و هر کس آن را به دروغ بگوید، درایی و خویش حفظ می‌شود، اما ره به دودخ می‌برد

۳۱۸ عنه ﷺ إِنَّ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» كَلِمَةٌ عَظِيمَةٌ كَرِيمَةٌ عَلَى اللَّهِ، مَنْ قَالَهَا مُحْبِصاً اسْتَوْجَبَ الْجَنَّةَ، وَمَنْ قَالَهَا كَاذِباً عَصَمَتْ مَالَهُ وَدَمَهُ، وَكَانَ مُصِيرُهُ إِلَى النَّارِ^۲

۱ عوالي اللآلئ ج ۴ ص ۱۳۲ ح ۲۲۶

۲ عوالي اللآلئ ج ۴ ص ۱۳۲ ح ۲۲۷

۳ المعجم الأوسط ج ۶ ص ۲۵۰ ح ۲۳۱۹

۴ تنبيه الخواطر ج ۱ ص ۲۵۰

۵ الأملی للطنوسی ص ۵۷۱ ح ۱۱۷۸

۶ التوحيد ص ۲۲ ح ۱۸

ب - حصص الله

ب - در خدا

۳۱۹ رسول الله ﷺ حَدَّثَنِي حَبْرُئِيلُ سَيِّدُ الْعَلَائِكَةِ قَالَ قَالَ اللَّهُ سَيِّدُ السَّادَاتِ إِنَّهُ بَنَى مَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَمَنْ قَرَأَ لِي بِالتَّوْحِيدِ دَخَلَ جَنَّتِي، وَمَنْ دَخَلَ جَنَّتِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي^۱

۳۱۹. پیامبر خدا ﷺ سمرور فرشتگان، حبرئیل برایم حدیث کرد و گفت: سرور سروران، خداوند ﷻ فرمود: «من، تنها حدیث و حدایی جز من نیست. پس هر که به یگانگی من اقرار کند، به دژ من در می آید و هر که به دژم در آید، از عذاب من، ایمن می شود»

۲/۲ تفسیر التوحید

۳۲۰ رسول الله ﷺ التَّوْحِيدُ ظَاهِرُهُ فِي بَاطِنِهِ، وَبَاطِنُهُ فِي ظَاهِرِهِ، ظَاهِرُهُ مَوْصُوفٌ لَا يُرَى، وَبَاطِنُهُ تَوْجُودٌ لَا يَحْصَى يُطْلَبُ بِكُلِّ مَكَانٍ وَلَمْ يَحُلْ بِهِ مَكَانٌ طَرَفَةٌ غَيْرِي، حَاصِرٌ غَيْرُ مُحْدُودٍ، وَغَائِبٌ غَيْرُ مَعْقُودٍ^۲

۲/۲ معنای توحید
۳۲۰. پیامبر خدا ﷺ اسمعنا، توحید آن است که ماهرش، در باطن او و باطنش در ظاهر اوست. ماهرش وصف کردنی و نادیدنی و باطنش، موجود و پنهان شده است. در هر جا طلب می شود و هیچ جایی، حتی یک لحظه از او حالی نیستیم. حاصر است؛ اما نه محدود، و غایب است؛ اما نه معقود

۳/۲ التَّوْحِيدُ فِي الْخَالِقَةِ

الكتاب

فَإِنَّهَا النَّاسُ اشْكُرُوا بِحَمْدِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ مِنْ حَلِيٍّ غَيْرِ اللَّهِ يَزِدُّكُمْ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَالَّذِي تَوَلَّوْنَ^۳

۴/۲ توحید در آفرینش

قرآن

«ای مردما! بعبادت خدا را بر خود یاد کنید. آیا غیر از خدا آفریدگاری است که شما را از آسمان و زمین، روزی دهد؟ خدایی جز او نیست. پس چگونه [از حق] انحراف می یابید؟»

حدیث

۳۲۱ پیامبر خدا ﷺ - در دعا - ای آن که جز تو خدایی نیست، ای خدا! به آفریدگاری جز تو هست و نه روری دهنده ای ای خدا! به نامت که در هر چیز با قدرت و شوکت و دلیل و برهان، آشکار است، از تو می خواهیم

الحدیث

۳۲۱ رسول الله ﷺ - لِي الدُّعَاءُ - : يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، لَيْسَ حَافِقًا وَلَا رَافِقًا سِوَاكَ يَا اللَّهُ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الظَّاهِرِ فِي كُلِّ شَيْءٍ بِالقُدْرَةِ وَالْكِبَرِيَاءِ وَالْجَبَرِ وَالسُّلْطَانِ يَا اللَّهُ^۴

۱ عبود اجبار و رضا ﷺ ج ۲ ص ۱۳۵ ح ۳

۲ معانی الأخبار: ص ۱۰ ح ۱

۳ ظاهر ۳

۴ تلخیص الامین: ص ۱۱۵

۴/۲. التَّوْحِيدُ فِي الرُّبُوبِيَّةِ

الكتاب

﴿قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَفَمَنْ يَتَّبِعُ الطُّغْيَانِ
وَالْأَهْوَاءَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْحَيِّتِ وَيُخْرِجُ
الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ
أَفَلَا تَتَّقُونَ﴾^۱

الحديث

۳۲۲ رسول الله ﷺ - هي دُعَاءُ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ - يَا مَنْ
لَا يُدَبِّرُ الْأَمْرَ إِلَّا هُوَ^۲

۵/۲. التَّوْحِيدُ فِي الْعِبَادَةِ

الكتاب

﴿إِنَّكَ مُعَذِّبٌ وَإِنَّكَ مُسْتَعِينٌ﴾^۳

الحديث

۳۲۳ رسول الله ﷺ لَمْ يَكُنْ إِلَّا بِحَيْرٍ ائْتَمَّكُمْ مَنْ تَعْبُدُو
اللَّهَ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنْ تَدْعُوا اللَّاتَ وَالْمَرْيَةَ^۴

۳/۲. تَوْحِيدُ رُبُوبِيَّةِ

قرآن

﴿بِكَرٍ﴾ كهست که از آسمان و زمین، به شما دوری
می‌بخشد؟ یا كهست که حاکم بر گوش‌ها و دیدگان است؟
و كهست که زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از
مرده خارج می‌سازد؟ و كهست که کارها را تدبیر
می‌کند؟^۱ خواهند گفت: «خدا» پس بگو: «آیا پروا
می‌کنید؟»

حدیث

۳۲۲ پیامبر خدا ﷺ - در دعای «جوشن کبیر» - ای
آن که کسی جز او، کارها را تدبیر نمی‌کند!

۵/۲. تَوْحِيدُ دِينِ عِبَادَتِ

قرآن

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا هَؤُلَاءِ هُمْ يَدْعُونَ إِلَهَ غَيْرِ اللَّهِ﴾

حدیث

۳۲۳. پیامبر خدا ﷺ: جز حیر برای شما نیافریده‌ام
فقط حنای یگانه و بی‌شریک را بپرستید... و
[بت‌های] لات و عَزَّ را واهید

۱ یونس ۳۱

۲ البلد الأمين، ص ۱۱۰

۳ المائدة ۵

۴ مستدرک حبل، ج ۹ ص ۱۸ ح ۲۳۱۸۸

سخنی درباره توحید در عبادت

توحید در عبادت، در قرآن و روایات اسلامی در دو معنای کار می‌رود.

۱ اطاعت از خدای یگانه و ترک پرستش غیر او، مانند این آیه

﴿وَلِلَّهِ عِبَادَتِي كُلُّ أَشْيَءٍ رُسُولًا أَلَّا أَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ وَأَجْتَنِبُ الْفُتُورَ^۱

و در هر وقتی فرستاده‌ای بر من که بگویم که تنها خدا را پرستیدم و از طاعت پروردگارم بپرهیزم﴾

۲ حالص کردن انگیزه در پرستش خدای یگانه

الله لا اله الا هو، توحید در عبادت بهر هست، زیرا طاعت از او امر الهی به طور مطلق.

مستترم احلاص و پاک‌سازی انگیزه است، اما به دلیل اهمیت این معنی و مراتب احلاص در عبادت، عنوان مستقلی دارد



توحید در عبادت

الفصل الثالث: معرفة أسماء الله وصفاته

فصل سوم: شناخت اسما و صفات خدا

۱/۳ عَدَدُ أَسْمَاءِ اللَّهِ

۱/۳ تعداد نام‌های خدا

۳۲۴ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ فِي الْقُرْآنِ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ اسْمًا مَن أَحْصَاهَا كُلُّهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ^۱

۳۲۴ پیامبر خدا ﷺ در قرآن، سود و نه نام برای خدا [خدا] هست که هر کسی آنها را برشمارد، به بهشت در می‌آید

۲/۳ مَا رُوِيَ فِي تَفْسِيرِ الْأَسْمِ الْأَعْظَمِ

۲/۳ روایاتی در تفسیر اسم اعظم

۳۲۵ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ أَفْرَزْتُ إِلَى لِاسْمِ الْأَعْظَمِ^۲ مِنْ سَوَادِ الْقَبْرِ إِلَى بَيْتِهَا^۳

۳۲۵ پیامبر خدا ﷺ نزدیکي بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ به اسم اعظم،^۱ پیشتر از نزدیکي میاهي چشم نه سبیدی است

۳۲۶ عَنْهُ ﷺ إِسْمُ اللَّهِ الْأَعْظَمُ فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ﴾^۱ وَ﴿لَهُ كُفُّوا أَعْيُنَكُمْ عَنْ

۳۲۶ پیامبر خدا ﷺ اسم اعظم خدا، در این دو آیه است ﴿وَهُوَ يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَلِدْ﴾^۲

۱ تاریخ بغداد ج ۳ ص ۴۲۲ الرقم ۱۵۵۳

۲ اسمیت کلمه «اسم» فی معناها الجامع القابل للمعنى على جميع اسمائه تعالى، وهو من باب ذكر المفهوم والإشارة به إلى المصداق. وبما أن الاسم الأعظم لشرف المصداق فلا محالة أن يكون أولي وأحسن بانطراق المفهوم على وجه يتضح معنى كون «باسم الله» أقرب إلى الاسم الأعظم من مراد العيون إلى بياضها، فإن القرب بينهما قرب ذاتي، والـ مفهوم متعلق مع مصداقه خارجاً، والقرب مراد العين إلى بياضها قرب مكاني، والاتحاد بينهما وصفي (العين هي تفسير القرب ص ۵۱۴)

۳ عده الذمعي ص ۴۹

۴ البقرة ۲۵۵ وهي آية الكرسي

۵ البقرة ۱۶۳

۶ معجم الذهب ص ۳۸۳

۳۲۷ عَنْ التِّرْمِذِيِّ عَنْ بَرِيدٍ، سَمِعَ النَّبِيَّ ﷺ رَجُلًا يَقُولُ وَهُوَ يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَلِدْ دَارِدٌ وَنَهَ فَرَرْتُ كَسَى اسْتِ وَهَيْجَ كَسَى هَمَايَ وَبَسْتُ، ارْ تُو دَر خَوَاسْتِ مِي كَمِ

۱ ورا تفسیر در معنای جامعی به کار رفته که قابل انطباق بر همه اسم‌های خدای متعال است. این از باب ذکر مفهوم و اشاره به مصداق است و از آن رو که اسم اعظم، شریف‌ترین مصداق است، ما گزیر، در انطباق مفهوم بر آن، سزاوارتر و شایسته‌تر از دیگر نام‌هاست و باین توضیح، معنای هر دیکتر برودن بسم الله به اسم اعظم، حتی نزدیکتر از میاهي چشم به سبیدی آن، معلوم می‌شود زیرا نزدیکي میان آن دو، ذاتی است چرا که مفهوم، در خارج، به مصداقش متحد است و می نزدیکي میاهي چشم به سبیدی آن، مکانی است و اتحاد میان آن دو، انضمامی

يَكُنْ لَهُ كَهْوًا أَحَدٌ

فَقَالَ ﷺ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَدْ سَأَلَ اللَّهُ بِاسْمِهِ
الْأَعْظَمِ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أُجَابَ، وَإِذَا سُئِلَ بِهِ أُعْطِيَ.
۳۲۸ رسول الله ﷺ - لَمَّا سُئِلَ عَنِ اسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ - كَرَّرَ
اسْمَ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ، فَفَرَّغَ قَلْبَكَ عَنْ كُلِّ مَا سِوَاهُ
وَادْعُهُ يَا أَيُّ اسْمٍ شِئْتَ، فَلَيْسَ فِي الْحَقِيقَةِ قَوْلُهُ اسْمٌ دُونَ
اسْمٍ، بَلْ هُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ۱

هر مرد دسوگند به آن کسی که جانم در دست

او است، این مرد از خداوند به اسم اعظمش
درخواست کرد؛ اسمی که هر گاه با آن خوانده
شود، پاسخ می‌دهد و هر گاه با آن از او درخواست
شود، عطا می‌کند؛

۳۲۸. پیامبر خدا ﷺ چون از ایشان درباره اسم اعظم خدا
پرسیده شد - هر نامی، از نام‌های الهی است پس
دلت را از هر چه غیر او است، تهی ساز و او را با هر
نامی که خواستی، بخوان! چرا که در حقیقت
این گونه نیست که خداوند، نام خاصی داشته
باشد و نام دیگری را نداشته باشد؛ بلکه او یکتای
چیزهاست

۱ - من لثمذی حج ۵ ص ۵۱۵ ح ۳۱۷۵

۲ - مصباح الشریعة ص ۱۲۹

پژوهشی درباره معنای اسم اعظم

موضوع اسم اعظم خداوند ﷻ، در احادیث اسلامی، بویژه در دعاف، بسیار تکرار شده و این نکته نیز آمده است که هر کس خدا را با آن نام بخواند، دعایش مستجاب می‌شود و هلیت حق این نام (بجز یک حرف از آن) را می‌داند اما آن نام چیست؟

واقعیت این است که، روایات، در این باره، محتفبه و نمی‌توان پاسخ قاطعی از نظر روایات اسلامی، به این سؤال داد؛

بودن دلیل قاطعی بر مرد از اسم اعظم، موجب شده است که دیدگاه‌های مختلفی درباره آن ارائه گردد، تا آن‌جا که سیوطی، بیست قول را در این زمینه نقل کرده است.

بهترین تحقیق در تبيين اسم اعظم

علامه سید محمدحسین طباطبائی رحمه الله در پاسخ به این سؤال که معنی اسم اعظم چیست، می‌گوید:

در میان مردم، شایع شده که اسم اعظم، اسمی است لفظی، از اسمای خدای متعال، که اگر خدا را به آن بخواند، دعا مستجاب می‌شود و در هیچ مقصدی، اثر تأثیر بار نمی‌ماند و چون در میان اسمای حسای خدا، به چنین اسمی دست نیافته‌اند و در لفظ جلاله (تعالی) نیز چنین اثری ندیده‌اند، معتقد شده‌اند که اسم اعظم، مرکب از حروفی است که هر کسی، آن حروف و نحوه ترکیب آنها را نمی‌داند و اگر کسی به آن دست بیابد، همه موجودات، در برابرش خاضع می‌شوند و به فرمانش در می‌آیند.

در حالی که به نظر می‌رسد اسمای الهی و مخصوصاً اسم اعظم او، هر چند در عالم، مؤثر باشند و سیاب و وسایطی برای برول فیض از ذات خدای متعال در این عالم مشهود بوده باشد، این تأثیرشان به خاطر حقایقشان است، نه الفاظی که در قلم گویش، دلالت بر قلال مع دارند. همچنین به خاطر معانی‌شان که از الفاظ مهمیده می‌شوند و در ذهن تصور می‌شوند پیر نیستند؛ بلکه معنی این تأثیر، این است که خدای متعال که پدیدآورنده هر چیزی است، هر چیزی را با یکی از صفات کریمش پدید می‌آورد که مناسب آن چیز است و در قالب اسمی است، نه این که لفظ خشک و حالی اسم و یا معنی آن و یا حقیقت دیگری عبر از ذات متعالی خداوندی، چنین تأثیری داشته باشد.

چیزی که هست، خدای متعال، وعده داده است که دعای دعاکننده را اجابت می‌کند و فرموده است

﴿أَجِيبْ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَا﴾

نجات می‌گمم دعای دعاکننده را، وقتی مرا بخواند

و این جابیت، موقوف بر دعا و طلب حقیقی و حذی است و نیز همان طور که در تفسیر این آیه گذشت - موقوف بر این است که درخواست، از خود جدا شود و به دیگری آری کسی که دمیّت از تمامی وسایل و اسباب بردارد و برای پکی از حوایجش، نه پروردگارش متّصل شود، در حقیقت متّصل به حقیقت آن اسمی شده است که با حاجتش تناسب دارد و در نتیجه، آن اسم نیز به حقیقتش تأثیر می‌کند و دعای او مستجاب می‌شود

این است حقیقت دعا به اسم و به همین جهت، خصوصیت و عمومیت تأثیر، به حال آن اسمی بستگی دارد که حاجتمند، به آن تمسک جست است پس اگر بر اسم، اسم عظم باشد، تمامی اشیا، در برابر حقیقت آن اسم، رام می‌شوند و دعای کسی که با آن اسم دعا کرده، به طور مطلق مستجاب می‌شود

بنابرین، رویات و دعیه این باب را باید بر این معنی حمل کرد، نه بر اسم بلفظی یا مفهوم آن، پس که در روایت آمده است که «عداوید، اسمی را برای خود و یا چهری را اسم اعظم خود را نه یکی از پیامبران یا بدگانش آموخته»، معنی این است که راه اقتطاع به سوی خود را نه وی آموخته است، نه بر گونه که اسم خداوندی مناسب با دعا و درخواست و بر ریش جاری ساخته است پس اگر واقعاً اسم بلفظی آن در کار باشد و معنی روشنی هم داشته باشد، باز هم تأثیر آن دعا، بر این جانب نیست که الهی و معانی، وسایل و اسبابی هستند که به نحوی، حقایق را محط می‌کنند

۳/۲. مَا يَحِبُّ فِي مَعْرِفَةِ صِفَاتِ اللَّهِ

۲. مایسته‌ها بر شناختن صفات خدا

۳۲۹. رسول الله ﷺ إِنَّ الْعَالِقَ لَا يَوْصَفُ إِلَّا بِمَا وَصَفَ بِهِ نَفْسُهُ، وَكَيْفَ يَوْصَفُ الْعَالِقُ الَّذِي تَعَجَّرُ الْخَوَاشِ أَنْ تُدْرِكَهُ، وَالْأَوْهَامُ أَنْ تَسَانَهُ، وَالْحَسْرَاتُ أَنْ تُحْدَهُ، وَالْأَبْصَارُ الْإِحْاطَةَ بِهِ [؟] خَلَّ عَنَّا يَهْجُهُ الْوَاصِفُونَ، نَأْيُ هِيَ قُرْبُهُ وَقُرْبُ هِيَ نَأْيُهُ، كَيْفَ الْكَيْفِيَّةُ، فَلَا يُقَالُ لَهُ كَيْفٌ، وَأَيْنَ الْأَيْنُ، فَلَا يُقَالُ لَهُ أَيْنٌ، وَهُوَ مُنْقَضُ الْكَيْفِيَّةِ فِيهِ وَالْأَيُونِيَّةِ، فَهُوَ الْأَحَدُ الصُّحْدُ كَمَا وَصَفَ نَفْسَهُ، وَالْوَاصِفُونَ لَا يَبْلُغُونَ نَعْتَهُ، لَمْ يَبْدُ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفْوًا أَحَدٌ^۲

۴/۳. الْأَحَدُ^۳

الكتاب

﴿اتَّخَذُوا أَمْثَلَهُمْ وَزُفَرْتَهُمْ أَرْسَالًا مِنْ ذُنُوبِ كُلِّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أَمْزَوْا إِلَّا لِيُظْهِرُوا لَهَا وَجْهًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سَخِرْنَاهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾^۱

الحدیث

۳۳۰. رسول الله ﷺ - فِي الدُّعَاءِ - أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْوَاحِدُ الْقَرُّ الصُّحْدُ^۵

۱ نای بغداد (سنن العرب ج ۱۵ ص ۳۰۰)

۲ کَلَامَةُ الْأَثَرِ ص ۱۲

۳ «الْأَحَدُ» صفة مشبهة، و«الوَاحِدُ» اسم فاعل، و«كَلَامَةُ» مشتقان من مادة «وَحَدَّ» وهو يدل على الانفراد (معجم معانيس اللغة ج ۶ ص ۹۰ المصباح المبرور ص ۶۵۰، الصحاح ج ۲ ص ۵۱۷)، وبما أن دلالة الصفة المشبهة على الجذر والمادة أكثر وأقوى من دلالة اسم الفاعل، لذا فإن دلالة «الْأَحَدِ» على الانفراد أكثر من دلالة «الوَاحِدِ».

۴ النونية ۳۱ ۵ البلد الآمين ص ۴۱۴

۳۲۹. پیامبر خدا ﷺ، آفریدگار، جز به آنچه خود وصف کرده، توصیف نمی‌شود، و چگونه توصیف شود آفریدگاری که حواس، از ادراک او و اوهام، از رسیدن به او و رهیافت‌ها [ی‌دهنی و قبی]، از تعریف کردن او و اندیشه‌ها، از احاطه بر او ناتوان‌اند؟

او از وصف و صف‌کنندگان برتر است. در [عین] نزدیک، دور و در [عین] دوری، نزدیک است. او چگونه را پدید آورد پس درباره او نمی‌توان گفت. چگونه هست؟ و کجایی را پدید آورد پس درباره او گفته نمی‌شود. «کجاست؟» چگونه و کجایی درباره او جاری نیست، پس اوست یگانه بی‌بیار. همان‌سان که خود را توصیف کرده است. و وصف‌کنندگان به توصیف او نمی‌رسند، نراده و راده نشده است و کسی همتای او نیست

۴/۳. أَحَدٌ^۱

القرآن

﴿يَمَنْ، فَتَشْتَمِلُ وَرَاهِبَانِ خُودَ وَ مَسِيحَ پسر مریم را به جای خدا به الوهیت گرفتند، یا آن که مأثور نبودند، جز این که خطایی یگانه را بپرستند که هیچ معبودی جز او نیست. مَرَّه است او از آنچه [با وی] شریک می‌گردانند﴾

حدیث

۳۳۰. پیامبر خدا ﷺ - در دعا - درخواست می‌کنم تو را به ناصت، ای کسی که هدایی جز تو نیست، یکتای بی‌بیار -

۱ صفت «أَحَدٌ» (یگانه)، صفت مشبهة لـ «وَحَدَّ» «الوَاحِد» (یکتا)، اسم فاعل و هر دو برگرفته از ماده «وَحَدَّ» هستند که بر یگانگی، دلالت دارد، از آن‌جا که دلالت صفت مشبهة بر ماده، بیشتر و قوی‌تر از دلالت اسم فاعل است، دلالت «أَحَدِ» بر یگانگی، بیشتر از دلالت «وَاحِدِ» است

۵/۳. الأول. الآخر^۱

۳۳۱ رسول الله ﷺ اللَّهُمَّ أَسْتَ الْأَوَّلَ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ، وَأَسْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ^۲

۳۳۲ عَنْهُ ﷺ لَا يَرَالِ النَّاسُ يُسْأَلُونَ عَنْ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى يَقُولُوا هَذَا اللَّهُ كَانَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، فَمَاذَا كَانَ قَبْلَ أَقْو؟ فَإِنْ قَالُوا لَكُمْ ذَلِكَ، فَقُولُوا هُوَ الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ فَلَيْسَ بَعْدَهُ شَيْءٌ، وَهُوَ الظَّاهِرُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْبَاطِنُ دُونَ كُلِّ شَيْءٍ، وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ^۳

۶/۳ الباری^۴

الكتاب

هُوَ أَوَّلُ الْخَلْقِ الْبَارِئُ الْفَصُولَةُ الْأَنْعَامُ

۱ جاء الأول. والآخر في القرآن والحديث بصيغتهما

۱ الأول والآخر السطفتان

وهذا المعنى لله تعالى وحده لا يشترك فيه غيره، وما من أول مطلق وغير مطلق إلا هو. وورد هذان اللفظان بهذا المعنى مرة واحدة في القرآن الكريم وذلك هي الآية الثالثة من سورة الحديد. قال سبحانه

﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (الحديد ۳)

۲ الأول والآخر التبيينان

إن إطلاق الأول والآخر حتى غير الله سبحانه في القرآن والحديث مبني على مثل ﴿أَوَّلُ الْمُضْمِيزِينَ﴾ (الأنعام ۱۶۱) و ﴿أَوَّلُ الْعَبِيدِينَ﴾ (الزحرفه ۸۱) وغيرهما

من هنا مری آن ما ورد فی وباره اهل البیت علیهم السلام لحصانهم عند مخاطبتهم. «أنتم الأول والآخر» (الاحتجاج ج ۲ ص ۳۱۷) هو بمعنى الأئمة والآخرية السببية ولا عفر فی حقیقتهم (راجع اهل البیت فی کتاب والسنه القسم الثالث الفصل الاول بهم فتح الذین وبهم بحکم)

۲ صحیح مسلم ج ۱ ص ۲۰۸۵ ح ۲۷۱۳

۳ المعظمه ج ۵۵ ح ۱۱۷

۴ الباری فی اللغة اسم فاعل من مادة براء بمعنى خیر والباری هو الخالق الذی خلق الخلق لا عن مثال

۵/۳. الأول. الآخر^۱

۳۳۱ پیامبر خدا ﷺ خدایا! تو اوّل هستی و پیش از تو چیزی نیست. تو جر هستی و پس از تو چیزی نیست

۳۳۲ پیامبر خدا ﷺ مردمان پیوسته درباره هر چیزی سؤال می کنند تا این که می گویند «خداوند پیش از هر چیزی بوده است پس، چه چیزی پیش از او بوده است؟» اگر به شما چنین گفتند بگویند: اوست اوّل پیش از هر چیز و پس از او چیزی نیست. و اوست ظاهر هر اثر از هر چیز، و باطنی مردی که هر چیز، و او به هر چیزی داناست

۶/۳ الباری^۴

هو

﴿توبت باری حاتی بوسل صورتگر اکه﴾ بهترین نام ها (و)

۱ دو واژه «اولیه» و «آخره» در قرآن و حدیث، در دو معنای کار بسته اند

۱ لاول و آخر مطلق

این معنای حدیثی متعالی اختصاص دارد هیچ کس حر او اول و آخر مطلق نیست در قرآن کریم، این دو واژه بها یک بار به این معنا آمده اند. در آیه سوم از سوره حید آمده است ﴿اَوَّلَ الْأَوَّلِ وَالْآخِرِ وَالْبَاطِنِ وَالظَّاهِرِ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾

۲ لاول و آخر نسبی

تکریر واژه «اولیه» و «آخره» در قرآن و حدیث برای عی حدیثی متعالی، نسبی آمده استند ﴿أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ﴾ (مستقیم) و ﴿أَوَّلُ الْعَالَمِينَ﴾ (مستقیم) و ﴿أَوَّلُ الْأَوَّلِ وَالْآخِرِ وَالْبَاطِنِ وَالظَّاهِرِ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾

بن دو به مر این آنچه در تبیین برخی های فعلی است در ربوب ائمه که «اسما ازل و آخریه» به معنای اول و آخر بودن نسبی است و عفر نیست

۴ صحت دهری (آفریننده) «ا» اسم فاعل از ماده براء است که به معنای آفریدن و ماری، کسی است که آفریده را بدوی الگو آفریده است

الْفُسْحَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ^۱

الحديث

۳۳۳. رسول الله ﷺ - فِي دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ - يَا رَبِّ
كُلِّ شَيْءٍ وَصَافَةٍ. يَا بَارِيَّ كُلِّ شَيْءٍ وَحَالِقَهُ^۲

۷/۳. الْبَاسِطُ، الْقَابِضُ

الكتاب

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ كَلْبَهُ قَرْضًا خَسَنًا فَيُصْبِغُهُ لَهُ
أَصْبَغًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْضِي وَيَخْضُطُ وَرَبُّهُ
تُزْجَعُونَ﴾^۳

الحديث

۳۳۴. رسول الله ﷺ - فِي الدُّعَاءِ - . سُحْبَانَهُ مِنْ رَارِقِي مَا
أَوْصَاهُ. وَسُحْبَانَهُ مِنْ قَابِضٍ مَا أَبْطَلَهُ^۴

۳۳۵. عَنْهُ ﷺ - أَيُّهَا - يَا قَابِضُ كُلِّ شَيْءٍ وَهَاسِطُهُ^۵

۸/۳. الْبَاقِي

الكتاب

﴿عَلَى مَنْ عَلَيْهَا فَارٍ وَبَيْنَ يَدَيْهِ رُكُودُ الْجُنُودِ
وَإِلْخِرَامُ^۶

الحديث

۳۳۶. رسول الله ﷺ - فِي دُعَائِهِ يَوْمَ الْأَحْرَابِ - يَا صَرِيحُ

۱. الحشر ۲۴ ۲. تِلْكَ الْأَمْثِلُ ص ۴۱۰

۳. البقرة ۲۴۵

۴. مَبِيعَ الذَّمِّ ص ۱۱۰

۵. تِلْكَ الْأَمْثِلُ ص ۴۱۰

۶. الرحمن ۲۶ و ۲۷

صفات [از آن نوست. آنچه در آسمان‌ها و زمین است.
[جمله] او را تسبیح می‌گویند، و او شکست‌ناپذیر
بردارنده است

حدیث

۳۳۳. پیامبر خدا ﷺ - در دعای «جوشن کبیر» - : ای
خداوندگار هر چیز و سازنده آن، ای آمریخته
همه چیز و آمریدگار آن!

۷/۳. بَاسِطُ، قَابِضُ

قرآن

«کس آن کسی که به [بندگان] خدا وام نیکویی دهد تا
[خدا] آن را برای او چند برابر بپردازد؟ و خداست که
[در محبت بندگان] تنگی و گشایش بدهد می‌آورد؛ و
به سوی او بازگردانده می‌شوید»

حدیث

۳۳۴. پیامبر خدا ﷺ - در دعا - : «مَنْ رَاسَهُ رُورِي رَسَانِي كَمَا
جَه تَنَگ گِیرَنَدَه اَسْت، وَ عَمْرَهُ اَسْت تَنَگ گِیرَنَدَه اَي
كَمَا جَه كَسْتَرَانَدَه اَسْت»

۳۳۵. پیامبر خدا ﷺ - در دعای «جوشن کبیر» - : ای
گیرنده هر چیز و گستراننده آن!

۸/۳. الْبَاقِي

قرآن

«هر چه بر [زمین] است، فانی شده است و ذاتِ پاکش
و فرجند پروردگارت باقی خواهد ماند»

حدیث

۳۳۶. پیامبر خدا ﷺ - در دعایش در نبرد احزاب - :
ای فریادرس اندوهگینان، ای پاسخ دهنده دعای

«سَكْرُونِ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُصْطَرِّينَ أُنْتَ اللَّهُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ»، وَأَنْتَ اللَّهُ تَعْدُ كُلَّ شَيْءٍ وَأَنْتَ اللَّهُ تَبْقَى وَيَقْبَى كُلُّ شَيْءٍ وَأَنْتَ الدَّائِمُ الَّذِي لَا يَهْيُ، وَأَنْتَ الَّذِي أَحْصَيْتَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَأَحْصَيْتَ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا، أَنْتَ الْبَدِيعُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَالْبَاقِي بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ^۱

۳۳۷ عهده ﷺ - پس دعایه می غرقاب - اَمْسِ ظُنْمِي مُسْتَجِيرًا بِمَقْوَدِكَ وَأَمْسِ وَجْهِي الْهَاسِ مُسْتَحِيرًا بِوَجْهِكَ يَا حَيُّ^۲

۹/۳ العبدی، البدیع^۲

الكتاب

«بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قُلِّصَ الْأَمْرُ فَهَلُمَّا تَفَوُّنَا بِهُ عَزَّ وَجَلَّ»^۱

«إِنْ يَطْلُبْ رِبِّكَ لَتَجِدَنَّ» إِنَّهُ هُوَ نَدَى وَيَعْدُ^۲

الحدث

۳۳۸ رسول الله ﷺ الحمد لله الذي كان في أوله وحده ابتداءً ما أبدع وأشأ ما خلق عسى غير مثال كان سبق بشي مما خلق^۳

۳۳۹ عهده ﷺ - من خطبته في غدیر حتم - أشهد بأنه الله

۱ هیچ الدعوات ص ۹۱ ۲ الکافی ج ۱ ص ۱۶۱ ح ۵

۳ البدی، والبدیع فی اللغة کلاماً فعلیل بمعنى فاعل من مادة ابدع وابدع، وهما مقاربان فی المعنی

فالبدی، والبدیع فی اللغة هو الذي احدث الاشياء ابتداءً وبلا سابق مثالی

۱ المیزة ۱۱۷ ۲ البروج ۱۲ و ۱۳

۶ الأزل القديم (المصالح ج ۱ ص ۱۶۲)

۷ التوحید ص ۱۱۴ ح ۱

بیچارگان! تو پیش از همه چیز، خدا بوده ای و تو پس از همه چیز، خدایی تو، آن خداوندی هستی که بیدار می مانی و همه چیز از میان می رود .. تو، آن خاوندانی هستی که فنا نمی پذیری، تو کسی هستی که به همه چیز، احاطه علمی داری و همه چیز را به شماره در آورده ای تو نوآور پیش از همه چیزها و پایدار پس از همه چیزها هستی

۳۳۷. پیغمبر خدا ﷺ - در دعایش در عرفات .. شتم به گذشت تو پند آورده .. و وجه فبپذیرم، به وجه پایدار تو، پناهنده گشته است

۹/۳ بدی، بدیع^۱

قرآن

«إِذَا بَدِيعُ آوْرَدَ أَسَانَهَا وَرَبِّهَا [است] و چون به کاری براده فرماید، فقط می گوید، [موجود] باشد، پس آوْرَدَ [موجود] می شود»

«آری! معجزات پروردگارت سبقت سنگین است، هم دوست که [آفرینش را] آغاز می کند و باز می گرداند»

حدیث

۳۳۸ پیغمبر خدا ﷺ سبایش، خدایی راست که در دیربگی خود، یگانه است .. در آنچه پدید آورد، اعازگر بود و آنچه را آفرید، نو پدید آورد، به ار روی آگویی که بر چیزی که آفرید، پیشی گرفته باشد.

۳۳۹. پیغمبر خدا ﷺ - در مسخراسی خود در غدیر

۱ دو صفت بدی، (آغازگر) و بدیع (نوآور)، هر دو در بحث، فعلیل به معنای فاعل از ماده ابدع و بدیع، اند و معنای نزدیک به هم دارند

مندی، و بدیع، در بحث، به کسی گفته می شود که اشیا را محسوس بار و بدون نمونه پیشین، پدید آورده است

الَّذِي ... صَوَّرَ مَا أُنْذِرُ عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ^۱

۱۰/۳ القصص^۲

الكتاب

قرآن

﴿وَاللَّهُ يَفْقَهُ بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ

لَا يَفْقَهُونَ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾^۳

﴿فَسْتَذَكِّرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَأَعُوْذُ بِاللَّهِ مِنَ اللَّهِ إِنَّ

اللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ﴾^۴

الحديث

۳۴۰ رسول الله ﷺ - يَا مَنْ لَا يَحْبِبُهُ شَيْءٌ

عَنْ شَيْءٍ^۵

۱۱/۳ العناب^۶

الكتاب

﴿وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ

حَكِيمٌ﴾^۷

حديث

نهم - گواهی می‌دهم که او حدایی است که -

بدون هیچ نمونه‌ای نگارگری کرد.

۱۰/۳ بصیر^۱

﴿و خداست که به حق دوری می‌کند، و کسانی را که در

برابر او می‌خوانند. [عاجز و] به چیزی دلوری

می‌کند، در حقیقت خداست که خود، شوی

یست﴾

﴿پس به زودی آنچه را به شما می‌گویم، به یاد خواهید

آورد، و کارم را به خدا می‌سپارم خداست که به [حال]

بدگن [خود] یست﴾

۳۳۰ بصیر خدا ﷻ - در دعا - ای آن که چیزی او را

ر چیزی پوشیده نمی‌دارد!

۱۱/۳، اناب^۱

قرآن

﴿و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود و این که خدا

توبه‌پذیر منجیده‌کار است [رسوا می‌شدند]﴾

صفت بصیر (بینا) ۱. بر وزن فعل به معنای فاعل،

بر گرفته از ماده «بصر» است به معنای عالم (آگاه) است

و جزء «بصر» به معنای نور و «بصره» ۲. پس روشنگر، زیور

نور، منبع علم است و علم، گونه‌ای از روشایی است

۳. مصدر «تَوَّابٌ» (توبه‌پذیر) ۴. صیغه مبالغه از ماده «تَوَّابٌ»

است که دلالت بر بازگشت دارد پس تَوَّابٌ در صفات

حاطونند، به معنای بسیار بازگشته (توبه‌پذیر) است

احادیث بر توبه (بازگشت) را برای انسان و خدا به کار

برده‌اند و یک حدیث، توبه عباد را به معنای پذیرفتن توبه

انسان دانسته است. تَوَّابٌ همان پذیرنده توبه‌هاست

۱ الاحیاج ج ۱ ص ۱۶۰ ح ۳۲

۲ بصیرة فعل بمعنى الفاعل مشتق من مادة بصره بمعنى

العالم (مجمع مستقیس اللغة ج ۱ ص ۲۵۳ وراجع

المصباح ج ۲ ص ۵۹۱ و المصباح للبیر ص ۵۰)

والبصر بمعنى النور، و «بصره» بمعنى مصفة، لأن النور مصدر

العلم والعلم نوع من الإضاءة

۳ خالرج ۲۰، ۴ خالرج ۲۱

۵ البلد الأمین ص ۱۱۱

۶ التواب في اللغة صيغة مبالغة من مادة توبه وهو يند على

الرجوع، فالتَوَّاب بمعنى الرجوع كثيرا

وقد استعملت الأحاديث التوبة للإنسان وفي أيضا

وهذا أحدها مروي الله قبوله توبة الإنسان، فالتَوَّاب القابل

للتَوَّاب

۷ النور ۱۰

﴿وَهُوَ الَّذِي يَغْفِلَ الثَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ﴾^۱

الحدیث

۳۴۱ رسول الله ﷺ - فِي قِصَّةِ آدَمَ ﷺ - قُلْنَا أَفَرَأَيْتَ إِنْ جَعَلْنَا بَيْنَهُمَا وَبَيْنَ رَبِّهِمَا الْخَجَّةَ مِنْ اللَّهِ تَعَالَى كَتُمَا رَحْمَةَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَنَقَبَ عَلَيْهِمَا رَبُّهُمَا إِنَّهُ هُوَ الثَّوَابُ الرَّحِيمُ قَالَ اللَّهُ يَا آدَمُ اهْبِطْ أَرْضَ وَرَوحَكَ إِلَى الْأَرْضِ . فَإِذَا أَصْلَحْنَا أَصْلَحْنَا . وَإِنْ عَبَيْتُمَا لِي قُوَّتَيْنِ . وَإِنْ تَعَرَّضْتُمَا بِرِصَالٍ تَسْأَعُنِي بِرِصَالِكُمَا . وَإِنْ جَعَلْتُمَا بَيْنِي أَمْتَيْنِ . فَتَعْطِي

قَالَ فَبَيْنَا بَيْنَكَ عِدَدُكَ وَقَالَ رَبُّنَا فَأَعْمَا هُنَا صَلَاحُ أَعْمَا وَعَلَى الْعَمَلِ مَا يُرْصِكَ عَمَّا قَالَ اللَّهُ لَهُمَا إِذَا عَبَيْتُمَا سُوءًا فَتَوَا إِلَيَّ مِنْهُ أَنَا عَلَيْكُمَا وَأَنَا اللَّهُ الثَّوَابُ الرَّحِيمُ^۲

۱۲/۳ الحائِرُ، الْجَارُ^۳

الكتاب

﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾^۴

۱ الثوری ۲۵

۲ تفسیر الفیثی ج ۱ ص ۳۶ ح ۲۱

۳ الجبار اسم فاعل من جبر ، یجبر من ماله وجبر وهو جس من المعطه والعلو والاستعاده (معجم مفردی) ج ۱ ص ۵۱ ، والجبر ان تعي الرجل من فقر ، او تطلع عظمه من كسر

۴ الفجر ۲۳

﴿وَنُوسِتْ كَسِي كَه تَوْبَه رَا اَز بِنْدِگَانِ خُود مِي پَذِيرِد وَاَز گناهانِ درمی گذرد و آنچه می کنید، می فاند﴾

حدیث

۳۴۱ . پیامبر خدا ﷺ - در داستان آدم ﷺ - پس آن گاه که آن دو (آدم و حوا)، برای پروردگارشان به گناه خود اقرار کردند و به این که حجت از خدا برای آنهاست، رحمت رحمتگر مهربان، آنها را دریافت پس پروردگارشان، بر آنها بارگشت که او توبه پذیر مهربان است خدا فرمود: ای آدم! تو با همسرت، به سوی زمین فرود آید. پس هر گاه صالح گشت من، شما را به سامان می کنم و اگر برای من کار کنید، شما را برومزم می کنم و اگر خشودی مرا بشانه برید، به خشودی شما می شتابم و اگر از من نرسیدید، شما را از ناخشودی ام ایمن می سازم.

در آن هنگام، [آدم و حوا] گریستند و گفتند پروردگارا ما را برای صلاح خودمان و بر عمل به آنچه تو را خشود می سازد، یاری کن

خداوند به ایشان فرمود: هر گاه بدی کردید، پس از آن به سوی من باز گردید تا بر شما باز گردم. سم حدی توبه پذیر مهربان

۱۲، ۳ حابر، جفار^۱

قرآن

﴿نُوسِتْ حَلایی که جر او مبرودی بیست، همان فرمانروایی پاک سلامت [بخش و] ایمنی بخش نگهبان شکست ناپذیر چیره مشکبَر است پاک است خدا را آنچه [با تو] شریک می گردانند﴾

۱ صفت جابر (به سامان کننده)، اسم فاعل از جبر یجبر از ماده جبر و است که آن هم گونه ای از ستورگی و بند پایگی و ایستدگی است و جبر، آن است که انسان را بر یاری می سازد کرد

الحديث

۳۴۲ رسول الله ﷺ - مِنْ دُعَاءٍ عَلَّمَهُ إِبْرَاهِيمُ جِبْرِيلُ ﷺ -
أَنْتَ جَبَّارٌ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَجَبَّارٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ ،
لَا جَبَّارَ مِثْلَهُمَا غَيْرُكَ^۱

۳۴۳ عَنْهُ ﷺ تَوَكَّلْتُ عَلَى جَبَّارِ الَّذِي لَا يَهْزُهُ أَحَدٌ^۲

۳۴۴ عَنْهُ ﷺ - أَيْضاً - لَا إِلَهَ غَيْرُكَ ، تَعَالَيْتَ أَنْ يَكُونَ
لَكَ وَلَدٌ أَوْ شَرِيكَ ، وَتَجَبَّرْتَ أَنْ يَكُونَ لَكَ بَدَلٌ ، لَا إِلَهَ إِلَّا
أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ^۳

۱۳/۳ الحافظ الحافظ

الكتاب

﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ إِنَّ اللَّهَ خَصِيصٌ عَلَيْهِمْ وَهُوَ
أَعْلَمُ عَلَيْهِمْ بِمُوعِيلِهِ﴾^۱

﴿قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا أَمْسَكْتُمْ عَلَى أَخِيهِ مِنْ لَبِثٍ
فَاللَّهُ خَبِيرٌ خَفِيصًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾^۲

الحديث

۳۴۵ رسول الله ﷺ - فِي الدُّعَاءِ - أَثْبِتَ فِي قَسَائِكَ
وَمَذَرِكَ الْبَرَكَةَ فِي نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي فِي لَوْحِ الْحِفْظِ
الْمَحْفُوظِ بِحِفْظِكَ ، يَا حَفِظَ الْحَاقِظِ حِفْظُهُ احْفَظْنِي
بِالْحَفِظِ الَّذِي جَعَلْتَ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ مَحْمُوظًا^۳

۱۴/۳ للحاكم

الكتاب

﴿وَأَثْبِتْ مَا يُوْحَىٰ إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّىٰ يَخُفَّكَ اللَّهُ وَهُوَ

حديث

۳۴۲ پیامبر خدا ﷺ - از دعایی که جبرئیل ﷺ آن را به
وی ام‌وحت - تو چیره اهل آسمان‌ها و چیره اهل
زمین هستی - هیچ چیره‌ای جر تو در آنها نیست -

۳۴۳ پیامبر خدا ﷺ توکل کردم بر چیره‌ای که کسی
بر او علیه نمی‌کند

۳۴۴ پیامبر خدا ﷺ - در دعای: خدایی جر تو نیست
برتر و بالاتر از آنی که تو را سرزندگی با انبیا
باشد و چیره‌تری از آن که برایت همانندی باشد
خدایی جر تو نیست یگانه‌ای، بی هیچ انبیا

۱۳/۳، حافظ، حافظ

قرآن

﴿وَكُلُّ مَنْ عِنْدَهُ بِمَا جَاءَ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ﴾^۱ خدا
بر ایشان نگهبان است و تو بر آنان گمارده نیستی،
﴿يَقُولُونَ﴾ گفتند: آیا همان گونه که شما را پیش از این بر
برادرش امین گردانیدم، بر او امین سازم؟ پس خدا
بهترین نگهبان است، و اوست مهربان‌ترین مهربانان^۲

حديث

۳۴۵ پیامبر خدا ﷺ - در دعا - [خداوند!] در قضا
و قدرت، برکت را برای خودم و خانواده‌ام و
دارایی‌ام در لوح محفوظی که خود نگاهداری‌اش
می‌کنی، ثبت کن ای نگهبان و ای کسی که حفظ
تو، نگهدار است! مرا با آن نگهداری خود، نگاه بدار
که هر که را با آن حفظ کردی، محفوظ ساختی.

۱۳/۳ حاکم

قرآن

﴿وَأَنْتَ يَا يَٰيُوحَىٰ إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ حَتَّىٰ يَخُفَّكَ اللَّهُ وَهُوَ

۱ التاج ج ۱ ص ۲۲۹ ۲ التاج ج ۱ ص ۲۰۹
۳ البلد الامین ص ۴۲۲ ۴ الشوری ۶
۵ یوسف ۶ ۶ البلد الامین ص ۵۱۱

خُبْرُ الْحَكِيمِ^۱

الحديث

۳۴۶ رسول الله ﷺ الحمد لله ربِّ العالمين والبركات من لا اله الا هو العرش وهو احكم الحاكمين وسرع الحاسين وحكمته عدل وهو للحميد اهل^۲.

۳۴۷ عنه ﷺ لله عظيم الاكوار، دائم الشعاء عادل في حكمه، عالم في ملكه^۳

۱۵، ۳ الحكيم

الكتاب

«وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ»^۴

الحديث

۳۴۸ رسول الله ﷺ قال الله تبارك وتعالى وإن من عبادي المؤمنين لمن لا يصلح إيمانه إلا بالفقر ولو أعينته لأفسده ذلك، وإن من عبادي المؤمنين من لا يصلح إيمانه إلا بالعباء ولو أفرغته لأفسده ذلك، وإن من عبادي المؤمنين من لا يصلح إيمانه إلا بالسقم ولو ضحكت جسده لأفسده ذلك، وإن من عبادي المؤمنين من لا يصلح إيمانه إلا بالصحة ولو أسقمته لأفسده ذلك، إني أدبر عبادي ليعمي بقلوبهم؛ فإني أعلم خبير^۵

۱ یونس ۱۰۹ ۲ الذر. دوع الم افدة ص ۸۸

۳ مروج الدعوات. ص ۱۱۷

۴ الزخرف ۸۱

۵ التوحيد ص ۱۰۰ ح ۱

خدا [ایمان تو و انان]، ثاوری کند، و او بهترین داوران

است

حدیث

۳۴۶ پیامبر خدا ﷺ ستایش، از آن خداست که بالا بریده درجه ها و صاحب عرش است، و او حاکم ترین حاکمان و سریع ترین حسانگران است و حکم او، داد است، و او شایسته ستایش است.

۳۴۷ پیامبر خدا ﷺ خداوند، نعمت هایش پرری و همیشگی اند، در حکم خود، دادگر است و در فرمانروایی خود، دانست

۱۵/۳ حکیم

قرآن

«وَالَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ»^۱

هوست سجده کار دانا

حدیث

۳۴۸ پیامبر خدا ﷺ خداوند - تبارک و تعالی - فرمود، .. همانا از بندگان مؤمن من، کسی هست که ایمان او جر یا تنگ دستی به سامان نمی شود و اگر و را توانگر سازم، توانگری [ایمان] او را تباه می کند، و از بندگان مؤمن من، کسی هست که ایمانش جر یا توانگری به سامان نمی شود و اگر او را تنگ دست کنم، تنگ دستی [ایمان] او را تباه می سازد، و از بندگان مؤمن من، کسی هست که ایمان او جر یا بیماری به سامان نمی شود و اگر تن او را بهبود بخشم، [ایمان] او را تباه می کند، و از بندگان مؤمن من، کسی هست که ایمانش جر یا تن درستی به سامان نمی شود و اگر او را بیمار کنم، [ایمان] او را تباه می سازد، من بندگان را طبق دانش خود به دل های ایشان، تدبیر می کنم؛ و من، دانا و آگاهم

۱۶/۳. الحَلِيمُ

۱۶/۳. حَلِيمٌ

الكتاب

قرآن

﴿يَبْدَأُخْلُقُهُمْ مُذْخَلًا يُرْضَوْنَهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ عَلِيمٌ﴾^۱

﴿آنرا را به جایگاهی که آن را می‌پسندد، درجواهد آورد، و شک نیست که خداوند، دانایی برده‌دار است﴾

الحديث

حدیث

۳۴۹ رسول الله ﷺ أَوْحَى اللَّهُ إِلَى أُجَيِّ الْغُرَيْرِ لَا بَأْسَ مَكْرِي حَتَّى تَدْخُلَ جَنَّتِي، فَاهْرُ غُرَيْرُ يَبْكِي، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: لَا تَبْكِي يَا غُرَيْرُ! فَإِنْ عَصَيْتَنِي بِجَهَنكَ عَقَرْتُ لَكَ بِحَلَمِي، لَا مَسِيَ كَرِيمٌ لَا أُعْجِلُ بِإِتْقَانِهِ قَلْبِي عِبَادِي وَأَنَا أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.^۲

۳۴۹ پیامبر خدا ﷺ، خداوند ﷻ به سرادرم غُرَیر و وحی کرد: «و. لز مکر من، ایمن ماش تا من که به بهشتم در این»

۳۵۰ عَنْهُ ﷺ يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ عَصَاءُ حَلِيمٌ^۳

پس غُرَیر گریست و بر خود لرزید. خداوند به او وحی کرد، دای غُرَیرا گریه مکن. اگر به دلیل نادانی ات مرا مافرومانی کنی، تو را با بر دباری خود پیامرم! زیرا من، کریمی هستم که در کبر پسندگم شتاب نمی‌کنم و من، مهربان‌ترین مهربانانم!

۱۷/۳. الْحَمِيدُ، الْمَحْمُودُ، الْحَامِدُ^۴

۳۵۰ پیامبر خدا ﷺ ای آن که با کسی که او را مافرومانی کنم، برده‌دار است!

الكتاب

۱۷/۳ حميد و محمود و حامد^۱

قرآن

﴿قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ زَكَّيْنًا إِنَّهُ وَسَّيْرُهُ

عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ﴾^۱

﴿بگفتند، آیا از کار خدا تعجب می‌کنی؟ رحمت خدا و برکات او بر شما خاندان [رسالت] باد! پس گمان، از سودهای برگزیده است﴾

الحديث

حدیث

۳۵۱. رسول الله ﷺ - فِي دُعَاءِ الْجَوْشَنِ كَبِيرٍ يَا حَمِيْدُ

۳۵۱ پیامبر خدا ﷺ - در دعای جوشن کبیر - ای

۱ الحج ۵۹.

۲ التوروس ج ۱ ص ۱۴۱ ح ۵۱۴

۳ المصباح للکفعمی ص ۲۲۶

۴ والحمد لله والمحمودة والحمد لله عشقه من مادة «حمد» وهو يدل على خلاف الذم يقال: حمدت فلاناً أحمده، ورجل محمود ومحمد إذا كثرت حسنة المحموده غير المذمومة

والظاهر من استعمالات القرآن والحديث أن الحمد والشكر، كما قال ابن الأثير «مقتضيان والحمد أهمهما لأن الله سبحانه وتعالى يحمد على صفاته الذاتية وعلى عطائه، ولا يشكر على صفاته

على صفاته

۵ مود ۷۲

۱ صلحهای حمید (ستوده)، محمود (ستوده) و حامد (بشکر ستوده) برگرفته از ماده «حمد» اند که بر خلاف دم و نکوهش، دلالت دارد گفته می‌شود «احمدت فلاناً أحمده» فلان را ستودم و می‌ستایم و «رجل محمود ومحمد» آن گاه می‌گویند که خوی‌های ستوده و سائق‌هیلد کسی بسیار باشد

از کاربرد دعای قرآن و حدیث، چنین می‌نماید که حمد و شکر، آن سان که ابن اثیر گفته، نزدیک به هم هستند و حمد، اهم از شکر است! زیرا خداوند متعال بر صفات ذاتی و بر عطایش حمد می‌شود و بر صفاتش شکر گزارده نمی‌شود

دیکر و مذکور، یا خیر شاکر و مشکور، یا خیر حامد و محمود^۱

۳۵۲ عه ﷺ إِنَّ آدَمَ لَتَأْزَى الثُّورَ سَاطِعاً مِنْ صَلْبِهِ؛ إِذْ كَانَ اللَّهُ قَدْ سَقَلَ أَشْيَاحَهَا مِنْ ذُرْوِ الْعَرْشِ إِلَى ظَهْرِهِ، زَأَى الثُّورَ وَلَمْ يَنْتَبِشِ الْأَشْيَاحُ فَقَالَ مَا هِيَ الْأَشْيَاحُ؟

فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى يَا آدَمُ، هِيَ أَشْيَاحُ أَصْصِ خَلَاتِقِي وَبِرِّيَاتِي هَذَا مُعْتَدٌ وَأَنَا مَحْمُودٌ بِخَمِيدٍ فِي أَعْمَالِي، شَقَقْتُ لَهُ اسْمًا مِنْ اسْمِي^۲

۱۸/۳ الْحَيُّ

الكتاب

«وَنُوعِلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَنَسْخُ حُجَّتَهُ لَوْعَلِّي بِهِ بَدُوبُ عِبَادِهِ خَبِيرًا»^۳

الحدیث

۳۵۳ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - فِي دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ - يَا حَيُّ قَبْلِ كُلِّ حَيٍّ، يَا حَيُّ بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ، يَا حَيُّ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ حَيٌّ، يَا حَيُّ الَّذِي لَا يُشَارِكُهُ حَيٌّ، يَا حَيُّ الَّذِي لَا يَحْتَاجُ إِلَى حَيٍّ، يَا حَيُّ الَّذِي يُمِيتُ كُلَّ حَيٍّ، يَا حَيُّ الَّذِي يَرْزُقُ كُلَّ حَيٍّ، يَا حَيُّ لَمْ يَرِثِ أَحْيَاءٌ مِنْ حَيٍّ، يَا حَيُّ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ^۴

۱ المجلد الامين ص ۱۱۰

۲ التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري ﷺ ص ۲۱۹ ح ۱۰۲

۳ الفرقان ۵۸

۴ المجلد الامين ص ۱۱۸

بهترین یاد کننده و یاد شده، ی بهترین سپاس گزار و سپاس داشته شده، ای بهترین ستاینده و ستوده!

۳۵۲ پیغمبر خدا ﷺ آدم ﷺ آن گاه که سورا را از صلب خود، تابان دید، آن هنگام که خداوند، اشباح را از اوج عرش به پشت او حابه جا کرده سورا دید و اشباح [برای او] روشن شدند پس گفت اس اشباح چیست؟

خداوند متعال فرمود: ای آدم! اینها اشباح برترین مخلوقات و امریدگان من اند، اس، محمّد است و من، ستودنی ستوده در کارهایم برای او نامی از نام خود برگزفتم ...

۱۸/۳ حی

قرآن

«وَسَيُحْيِي الْمَيِّتَ» که می میرد، توکل کن و به ستایش او تسبیح گوی، و همین پس که او به گناهان بسدگانه اگر است!

حدیث

۳۵۳ پیغمبر خدا ﷺ - در دعای الجوشن کبیر - ای رنده پیش از هر رنده، ای رنده پس از هر رنده، ای رندهای که همانند او رندهای نیست، ای رندهای که رندهای با او شریک نمی گردد، ای رندهای که رندهای بیار ندارد، ای رندهای که هر رندهای را می میراند، ای رندهای که هر زندهای را زوری می رساند، ای رندهای که زندگی را از رندهای لوث برده است، ای رندهای که مردگان را رنده می کند، ای رنده، ای پائندهای که جواب سبک و جواب گران، لو را فرا نمی گیرد!

۱۹/۳ الخالق^۱

الكتاب

﴿ثُمَّ خَلَقْنَا النُّفُوسَ بَلَدًا فَخَلَقْنَا الْعِظْمَ مُضَعَةً فَخَلَقْنَا
الْأَضْفَةَ عِظًا فَكَسَوْنَا الْعِظَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَا
خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ^۲
﴿إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلْقُ الْعَلِيمُ^۳﴾

الحدیث

۲۵۴ رسول الله ﷺ: «فِي قَوْلِهِ تَعَالَى ﴿أَحْسَنُ كُلِّ شَيْءٍ
حَقْفَةً﴾ - أَمَا إِنَّ إِبْرَاهِيمَ الْقِرَدَةَ لَيْسَتْ بِحَقْفَةٍ وَلَكِنَّهُ
أَحْكَمُ حَقْفَهَا^۱

۲۵۵ عنه ﷺ: «فِي صِفَةِ اللَّهِ ﷻ: خَلَقَ مَا خَلَقَ لَا مَقْوُومَةَ بَيْنَ
أَحَدٍ وَلَا تَكَلُّفٍ وَلَا أَحْتِيَالٍ^۲

۱. إِنَّ حَقْفَةَ الْخَسْرِ خِيَارَةٌ مِنْ تَنَاسُلِ أَجْزَاءِ كُلِّ شَيْءٍ مَعَ بَعْضِهَا
وَأَنْسَاجِمْ كُلِّ الْأَجْزَاءِ مَعَ مَا هُوَ خَارِجٌ ذَاتُهُ مِنْ هَدَفٍ وَهَاجَةٍ ،
مِجْمَالٌ لِلْوَجْهِ إِذَا عَلَى سَبِيلِ الْمَثَالِ يَعْصِي تَنْظِيمَ أَجْرَائِهِ ،
وَحُسْنَ الْعِدَالَةِ يَعْصِي أَنْسَاجَهَا مَعَ هَدَفِ الْمَجْمُوعِ الْمُتَمَلِّدِ ،
حَيْثُ يَنَالُ كُلُّ دَيْ حَقِّ حَقِّهِ وَفَسَّ عَلَى دَنْتٍ
وَمِنْ الْمُمْكِنِ أَنْ يَجِدَ شَيْئًا مِنَ الْأَشْيَاءِ ، لَيْسَ جَمِيلًا فِي مَقَرِّهَا
بِغَارَتِهِ بَلْبَرَةٍ ، لَكِنَّهُ فِي الْوَالِغِ جَمِيلٌ لِنَفْسِهِ وَفِي إِطَارِ نِظَامِ
الْبَحْلِيَّةِ ، فَقَدْ رَوَى عَنْ النَّبِيِّ ﷺ فِي مَعْرُضِ حَدِيثِهِ عَنْ قَوْلِهِ
سُحْبَانَهُ ﴿الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ وَخَلَقَهُ﴾ (المجلد ۷)
لَمَّا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ الْقِرَدَةَ لَيْسَتْ بِحَقْفَةٍ وَلَكِنَّهُ أَحْكَمُ خَلْقِهَا (الدر
المستور ج ۶ ص ۵۲۹)

إِنَّ هَذَا الْمَعْنَى يَسْجَمُ أَيْضًا مَعَ الْمَفْهُومِ الْفَرَوِيِّ لِكَلِمَةِ
«أَحْسَنَ» يَقُولُ الْفَرَوِيُّ
أَحْسَنَ الشَّيْءِ عَرَفْتَهُ وَأَتَقَفْتَهُ الْمَصْبَاحُ الْمَنْوَرُ ص ۱۳۶

۲. المؤمنون ۱۱

۳. الحجر ۸۶

۱. الدر المستور ج ۶ ص ۵۳۹

۵. الاحتجاج ج ۱ ص ۱۶۰ ح ۳۲

۱۹/۳ خالق^۱

قرآن

﴿أَن گاه، مظهر را به صورت عظمه در آورديم. پس آن، عظمه
را [به صورت] مضمعه گردانيديم، و آن گاه مضمعه را
استخوان‌هایی ساختيم، بعد، استخوان‌ها را با گوشتي
پوشانيديم، آن گاه [چنين را در] آفريني ديگر پديد
آورديم. آفرين پادير خدا كه بهترين آفرينندگان
است﴾

﴿به دوستي كه پروردگار تو، همان آفريننده داناست﴾

حدیث

۲۵۴ پیامبر خدا ﷺ: «در باره آیه ﴿وَمَا آتَاهَا أَفْرِيدَ. مَبْكُرٌ
كَوْنُهُ﴾: هَذَا سَرِيٌّ بَوْرِيَّكَانَ، رِيْبَا يَسْتِ دُولِي
[خداوند آفرينش آن را استوار ساخته است
﴿يَا مَعْزُومُ خَلَقَ ﷻ﴾ در وصف خداوند ﷻ: و آنچه را
آفرید، بدون یاری گرفتن از کسی و به سختی
تعدادی چهارماندیشی آفرید

۱. حقیقت حس و بیکری، عبارت است از تناسب اجزای
هر چیزی با یکدیگر و هماهنگی کل اجزاء با هدف و هایتی که
خارج از ذات آن است. بنا بر این، به عنوان نمونه، حس
چهره، یعنی تناسب اجزای آن و حس داندگری، یعنی
هماهنگی داندگری با هدف جماعه معدن که در آن، هر
حقولی به حق خود برسد

امکان دارد چیزی را بیایم که در سنجش با چیز دیگر، در
دیده ما را بیاید. لذا آن، در واقع برای خود و در چارچوب
نظام آفرینش، ریاست از پیامبر ﷺ روایت شده که به
مناسبت سخن گفتن درباره آیه ﴿الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ وَخَلَقَهُ﴾
آن که هر چه آفرید، نیکو ساخت﴾، فرمود
لَمَّا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ الْقِرَدَةَ لَيْسَتْ بِحَقْفَةٍ وَلَكِنَّهُ أَحْكَمُ خَلْقِهَا.
هَذَا سَرِيٌّ بَوْرِيَّكَانَ، رِيْبَا يَسْتِ دُولِي [خداوند] آفرینش آن
و استوار ساخته است

این معنا مفهوم لغوی واژه «أَحْسَنَ» نیز هماهنگ است
بیومی می‌گوید: أَحْسَنَ الشَّيْءَ، یعنی آن را ساختم و به
بیکری انجام دادم

۲۰/۳ الرّازِقُ، الرّزّاقُ

الکتاب

﴿مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُوا ۗ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ﴾^۱

﴿وَإِذَا رَأَوْا تَبْعُرَهُ أَوْ لَقُوا فَأَنصَبُوا إِلَيْهَا وَيُتْرَكُونَ فَنَافِثٌ عَلَى مَا عِنْدَ اللَّهِ حَيْزٌ مِنَ الظُّهْرِ وَفِي السَّحَرَةِ وَمِثْلُ حَيِزِ الرَّبَّاعِينَ﴾^۲

الحديث

۳۵۶ رسول الله ﷺ - فِي دَعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ - اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا رَارِقُ كُلِّ مَرُودٍ . يَا حَلَّكَ كُلِّ مَمْلُوكٍ^۳

۳۵۷ عَنْهُ ﷺ - فِي الدُّعَاءِ - يَا رَارِقُ الْعُيَلَيْنِ . يَا رَارِقُ الْمَسَاكِينِ^۴

۲۱/۳ الرّؤُوفُ

الکتاب

﴿وَبِذَلِكَ فَضَّلُ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةً وَأَنَّ اللَّهَ رءُوفٌ رَحِيمٌ﴾^۵

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ وَالظُّلُكَ نَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَنْفَرِهِ وَيُنْفِثُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بَانِبِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالْحَاسِبِينَ لَرءُوفٌ رَحِيمٌ﴾^۶

۱ الداریاب ۵۷ و ۵۸

۲ الجمعة ۱۱

۳ تلبید المؤمنین ص ۱۰۳

۴ التکامل ج ۲ ص ۵۵۲ ح ۲

۵ النور ۲۱

۶ الحج ۶۵

۲۰/۳ رزاق، رزّاق

قرآن

﴿وَرِائِي، هیچ روری ای نمی‌خواهم، و نمی‌خواهم که مرا حوراک دهد. خداست که خود، روری بخشد نیرومند استوار است﴾

﴿و چون شد و شد یا سرگرمی‌ای بیستد، به سوی آن روی آورد می‌شوند، و تو را در حالی که ایستاده‌ای، ترک می‌کند بگردد آنچه نزد خداست، از سرگرمی و از داد و ستد، بهر است، و خدا بهترین روری‌دهندگان است﴾

حدیث

۳۵۶ پیامبر خدا ﷺ - در دعای جوشن کبیر -

مخواستید! من از تو درخواست می‌کنم به نامت .. ای روری رسان هر روری حور، ای فرمانروای هر بنده!

۳۵۷ . پیامبر خدا ﷺ - در دعا - ای روری رسان تنگ‌دستان، و ای رحم‌کننده بر بیسویان!

۲۱/۳ رؤوف

قرآن

﴿و اگر فضل و رحمت خدا بر شما بود و این که خدا، مهرورز و مهربان است [مجازات سختی در انتظارتان بود]﴾

﴿آیا ندیده‌ای که خدا، آنچه را در زمین است، به نفع شما رام گردانید و کشتی‌ها در دریا به فرمان او روان‌اند، و اسلحان را نگاه می‌دارد تا [میان] بر زمین فرو افتند مگر به ادنی خودش [باشد]؟ در حقیقت خداوند نسبت به مردم سخت مهرورز و مهربان است﴾.

الحديث

۳۵۸ رسول الله ﷺ - مِن دُعَائِهِ بَعْدَ الصَّلَاةِ بِمَعْرِفَةِ
بِالْكَامِلَةِ - يَا أَكْرَمَ مِن كُلِّ كَرِيمٍ، وَرَأْفَ مِن كُلِّ
رُؤُوفٍ، وَأَعْطَفَ مِن كُلِّ عَطُوفٍ^۱

۲۲/۳ الرَّبُّ

الكتاب

﴿إِنَّ إِلَهُكُمْ لَوَاحِدٌ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا
وَرَبُّ الْمَشْرِقِ﴾^۲

﴿سُبْحَنَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ﴾^۳

الحديث

۳۵۹ رسول الله ﷺ - بِرَجُلٍ سَأَلَهُ أَنْ يُعَلِّمَهُ دُعَاءَ يُوسَعُ بْنُ
يَرْفَعُهُ - قُلْ يَا مَاهِدُ يَا وَاحِدُ، يَا أَكْرَمَ يَا دَائِمُ،
تَوَجَّهْ بِكَ بِمُحَمَّدٍ بِرَبِّكَ سُبُّ رَحِمِهِ ﷺ، يَا مُحَمَّدُ يَا
رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي تَوَجَّهْتُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَرَبِّي وَرَبِّ كُلِّ
شَيْءٍ^۴

۳۶۰ عَمَّا ﷺ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقَدِيمُ

الْأَوَّلُ غَيْرُ مَعْرُوفٍ^۵، وَالْبَاقِي بَعْدَ قَدَاءِ الْخَلْقِ،
الْعَظِيمُ الرَّبُّ الْيَوَّيَّةُ، نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ^۶

۲۳/۳ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

الكتاب

﴿لَمَّا خَلَّوْا فَكُلُّ رُبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَسِعَتْ وَلَابِرُهُ مَأْسَمَةٌ

حديث

۳۵۸ پیامبر خدا ﷺ - در دعا پس از نماز معروف به
«کامله» - ای کریم‌تر از هر کریم، و مهربان‌تر از
هر مهربور، و مهربان‌تر از هر مهربان!

۲۲/۳ رب

قرآن

﴿که قطعاً معبود شما یگانه است، پروردگار آسمان‌ها و
زمین و آنچه میان آن دو است، و پروردگار خاورها﴾
﴿سره است پروردگار تو، پروردگار شکوهمند، از آنچه
وصف می‌کنند﴾

حديث

۳۵۹ پیامبر خدا ﷺ - به مردی که او خواست دهایی
را که او پیامورده که خداوند بدان، روری‌اش را
بکلمه تراند - بگو ای پرورگار، ای یگانه، ای کریم،
ای پاینده‌ایه سوی تو روی می‌آورم به وسیله محمد
پیامبر رحمت ای محمد، ای سرستاده
خدا من به وسیله تو به سوی خدا، پروردگار تو و
پروردگار من و پروردگار همه چیز، روی
می‌آورم...

۳۶۰ پیامبر خدا ﷺ: ستایش، از آن خدایی است که
جر او خدایی نیست که فرمان‌روای آشکار است...
نخست دگرگون شدنی (وصف شدنی)^۱ و پایدار
پس از نبودی آفریدگان است پروردگاری‌اش
سُرگ است. روشایی آسمان‌ها و زمین‌هاست

۲۳/۳ رحمان و رحیم

قرآن

﴿ای پیامبر! پس اگر تو را تکذیب کردند بگو
«پروردگار خدا دارای رحمتی گسترده است» و [با این]

۱ حماد الأسبوع ص ۱۹۴

۲ الصافات ۵ و ۳ الصافات ۱۸۱

۳ التکافیر ج ۲ ص ۵۵۲ ح ۶

۴ فی بحر الأنوار «موصوفه» بدل «معروفه»

۵ مهج الدعوات ص ۱۵۸

۶ - بتایر نسخه بحر الأنوار

عَنِ الْقَوْمِ الْفَاجِرِينَ^۱

﴿قَالَ هَلْ أُمِيتُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا مَا أُمِيتُكُمْ عَلَى أَحِبِّهِ مِنْ قَبْلِ
لِلَّهِ خَيْرٌ حَقًّا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾^۲

الحدیث

۳۶۱. رسول الله ﷺ إِذْ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ قَالَ بِرَأْسِ
رَحْمَانِ الدُّنْيَا، وَالرَّحِيمِ رَحِيمِ الدُّنْيَا^۳

۳۶۲. عَنْهُ ﷺ إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى نِعَاجَ بَنِي يَاسِينَ الْقَبْرِ مِنْ
رَحْمَتِهِ، وَقَطِيعٍ مِنْ عَفْوِهِ، مَعَ عَظِيمِ سَمَةِ رَحْمَتِهِ^۴

۳۶۳. الْأَدَبُ الْمَعْرُودُ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّهُ السَّبِيُّ ﷺ رَحُلٌ وَمَنَّةٌ
صَبِيٌّ، فَجَعَلَ يَحُصُّهُ إِلَيْهِ، فَعَالَ السَّبِيُّ ﷺ: أَتُرَحِّمُهُ؟

قَالَ نَعَمْ

قَالَ فَاقْطَعْ أَرْحَمُ بِكَ بِكَ بِهِ، وَهُوَ أَرْحَمُ
الرَّحِمِينَ^۵

۲۴/۳ السُّنُوحُ، الْقُدُوسُ

الكتاب

﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَلَمُ الْقُدُوسُ الْأَمَلُ
الْقَوْمُ الْفَاجِرِينَ الْعَرَبُ الْخَنَازُ الْمَكْفَرُ سُبْحَنَ اللَّهِ
عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾^۶

﴿يَسْبِغْ لَكَ مَا فِي السُّمُوتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْحَكُّ
الْقُدُوسُ الْعَرَبُ الْحَكِيمُ﴾^۷

۱ الانعام ۱۶۷ ۲ يوسف ۶۴

۳ الشُّبُهَاتُ فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ ج ۱ ص ۲۹

۴ إرشاد القلوب ج ۱ ص ۱۰۹

۵ الأدب المفرد ص ۱۱۹ ج ۳۷۷

۶ الحشر ۲۳

۷ الجمعة ۱

حال] عذاب او از گروه مجرمان بازگرفته، می‌خواهد
شده»

﴿[بصورت] گفت: آیا همان گونه که شما را پیش از این بر
برادرش لعین گردانیدم، بر او لعین سازم؟ پس عذاب
بهترین نگهبان است و دوست مهربان‌ترین مهربانان﴾

حدیث

۳۶۱. پیامبر خدا ﷺ عیسی پسر مریم گفت درحمان،
رحمتگر دنیا و رحیم، مهربان آخرت است»

۳۶۲. پیامبر خدا ﷺ همان خدای متعال، از یاس بنده
از رحمتش و ناامیدی او از گدازشش با [وجود]
گسترده‌گی سترگ رحمت او، شگفتی می‌نماید

۳۶۳. الأدب المعرود - به نقل از ابو هریره - مرودی در
جلی که کودکی با او بود، به حضور پیامبر ﷺ آمد
و او را این آهوش خود فرمود پیامبر ﷺ فرمود
«آیا به او مهر می‌ورزی؟»

گفت بله

فرمود: «خدا به تو، از توبه او مهربان‌تر است
و او مهربان‌ترین مهربانان است»

۲۴/۳ سُنُوح، قُدُوس

قرآن

﴿دوست خدایی که جر او مصوبی نیست، همان فرمان‌روای
پاک سلامت [بخش] و [ایمنی بخش نگهبان،
شکست‌ناپذیر، چیره [و] متکبر [است]، پاک است
خدا از آنچه [با او] شریک می‌گردانند﴾

﴿آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، خدایی را که
پادشاه پاک از جمیع فرزانه است، تسبیح می‌گویند﴾.

الحدیث

حدیث

۳۶۴ رسول الله ﷺ ما من صباح يُصبحُ العبادُ فيه إلا ومُنادٍ يُنادي: سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْقُدُّوسِ.^۱

۳۶۴. پیامبر خدا ﷺ هیچ بلعدادی نیست که بندگان به آن در آیند، مگر آن که بانگ‌دهندای، بانگ برمی‌آورد، پیراسته است فرمان‌روای بسیار پاک‌ا.

۳۶۵ عنه ﷺ قُلْ: سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ، رَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ، جَلَّتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ بِالْعِزَّةِ وَالْجَبَرُوتِ.^۲

۳۶۵. پیامبر خدا ﷺ بگو: «پیراسته است خدای فرمان‌روای بسیار پاک، پروردگار فرشتگان و روح آسمان‌ها و زمین را با عزت و جبرگی، پرشاندی».

۲۵/۳ السَّلَامُ

۳۶۶ رسول الله ﷺ إِذَا السَّلَامُ اسْمٌ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ تَعَالَى وَضَعَهُ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ.^۳

۲۵/۳ سلام

۳۶۶. پیامبر خدا ﷺ همانا سلام، نامی از نام‌های

۳۶۷ عنه ﷺ - فِي ذِكْرِ أَحْوَالِ أَهْلِ الْخَنَةِ - قَالُوا: زُبَا أَسَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ، وَلَكَ نَجْوُ الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

خدای متعال است که آن را در زمین، نهاده است.

فَقَالَ أَمَا السَّلَامُ وَعَنِي السَّلَامُ. وَلِي نَجْوُ الْكَمَالِ وَالْإِكْرَامِ. فَمَرَحَبًا بِعِبَادِي.^۴

۳۶۷. [پیامبر خدا ﷺ - در یادکردن احوال بهشتیان - می‌گوید: ای پروردگار ما نویی سلام، و از توست سلام، و شکوه و ارجمندی، تنها سرور توست

پس [خدا] می‌فرماید: «صم سلام و با من است سلام شکوه و ارجمندی، تنها سرور من است پس به بندگانم خوشامد می‌گویم»^۵.

۲۶/۳ السَّمِيعُ

الكتاب

﴿هَذَلِكَ دَعَا زَعْرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ﴾^۶

۲۶/۳. سمیع

قرآن

﴿وَأَنْ جَا [بود که] زکریا پروردگارش را خواند [و] گفت: «پروردگارا! از جانب خود، فریدی پاک و پسندیده به من عطا کن، که تو شونده دعایی»﴾.

الحدیث

۳۶۸ رسول الله ﷺ - فِي دُعَاءِ الْجَوْشِيِّ الْكَبِيرِ - يَا سَامِعَ

حدیث

۳۶۸. پیامبر خدا ﷺ - در دعای اجوشن کبیر: ای

۱ سنن ابی حنبله ج ۵ ص ۵۳۳ ح ۳۵۶۹

۲ المعجم الکبیر ج ۲ ص ۲۶ ح ۱۱۷۱

۳ الأدب المفرد ص ۲۹۲ ح ۹۸۹

۴ سعد الحمود: ص ۱۱۰

۵ آل عمران: ۳۸

الأصوات، يا عديم الحفیات^۱

شونده اوها، ای داناى نهان‌ها!

۲۷/۳ الشافی

۲۷/۳ شافی

الكتاب

قرآن

﴿وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ﴾^۲

﴿و چون بیمار شوم، او مرا درمان می‌بخشد﴾.

الحديث

حدیث

۳۶۹ رسول الله ﷺ - في دعاء الفرج - يا سابع نعم، يا كاشف الألم، يا شافي السقم^۳

۳۶۹ پیامبر خدا ﷺ - در دعای فرج - ای هراوان کننده نعمت‌ها، ای در میان برنده درد، ای شفا بخش بیماری‌ها

۲۸/۳ الشاکر، الشکور

۲۸/۳ شاکر، شکور

الكتاب

قرآن

﴿مَا مَغْلُ أَلَّهُ عَذَابَكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَءَامَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا﴾^۴

﴿اگر سپاس بخارید و ايمان آورید، خدا می‌خواهد با عذاب شما چه کند؟ و خدا همواره سپاس‌پذیر (حق‌شناس)

الحديث

حدیث

۳۷۰ رسول الله ﷺ اللَّهُمَّ أَتَى الذَّاكِرُ لِمَنْ ذَكَرَكَ، شَاكِرٌ لِمَنْ شَكَرَكَ، الْمُجِيبُ لِمَنْ دَعَاكَ، الْمُعِيتُ لِمَنْ مَادَاكَ، وَالْمُرْجِي لِمَنْ رَحَاكَ، الْمُصْبِلُ عَلَى مَنْ سَاجَاكَ الْمُعْطَى لِمَنْ سَأَلَكَ^۵

۳۷۰ پیامبر خدا ﷺ خداوند! تو یاد کننده کسی هستی که تو را یاد کند، سپاس‌گزار کسی هستی که تو را سپاس بگردد، اجابتگر کسی هستی که تو را بخواند، فرمادار کسی هستی که تو را آواز دهد، و امیدبخش کسی هستی که به تو امید بندد، روی آورنده به کسی هستی که ما تو را راز و نیاز کند، و عطابخش کسی هستی که از تو درخواست کند

۲۹/۳ انصابق

۲۹/۳ صابق

الكتاب

قرآن

﴿سَلِّ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَكُمْ إِلَى نِوَمِ الْقَبْرِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَضَلُّ مِنْ أَلَّهِ خَبِيثًا﴾^۶

﴿خداوند، کسی است که هیچ مبودی جز او نیست. به یمن، در روز دستاگیر - که هیچ شکي در آن نیست - شما را گرد خواهد آورد، و راستگوتر از خدا در سخن کیست؟﴾

۱ البلد الامن ص ۲ ۲ البحر ۸۰

۲ موج الدعوات ص ۱۲۰ ۳ اله ۱۶۷

۴ البلد الامن ص ۱۷۱

۵ اله ۸۷

الحديث

۳۷۱ رسول الله ﷺ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ... يَا حَكَمَ
الْحَاكِمِينَ، يَا أَعْدَلَ الْعَادِلِينَ، يَا أَصْدَقَ الصَّادِقِينَ^۱

۳۰ / ۳ الصُّفَدُ^۲

الكذب

﴿أَلَلَّةُ الصُّفَدِ﴾^۳

الحديث

۳۷۲ رسول الله ﷺ الصُّفَدُ الَّذِي لَا خَوْفَ لَهُ^۴

۳۱ / ۳ الظَّاهِرُ، الْبَاطِنُ^۵

۳۷۳ رسول الله ﷺ - فِي الدُّعَاءِ - أَنْتَ ظَاهِرٌ مَلِيحٌ

۱ التمهيد للكمي ص ۳۸

۲ الصُّفَدُ صفة مشبهة من مادة «صَفَدَ» وَهُوَ مِثْلُ «رَكِبَ» وَ«رَكِبَ»

الْمَعْنَى وَالْأَخَرُ الصَّلَاةُ فِي الشَّيْءِ (مجموع معانيي اللغة

ج ۳ ص ۳۰۹)

۳ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ إِسْمَ «الصُّفَدِ» عَلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ فِي غُرَّةِ الْمَعْنَى

الْأَوَّلِ يَمُرُّ إِلَى أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْبَدِ الْمَعْمُودُ إِلَيْهِ فِي الْقُرْآنِ،

وَفِي غُرَّةِ الْمَعْنَى الْآخِي يَمُرُّ إِلَى أَنَّ اللَّهَ هُوَ الَّذِي لَا جَوْلَ لَهُ

وَالْفَصْدُ مِنَ الْأَحْرَفِ لَهُ غُرَّةٌ مِنَ الْفَقْصِ، وَمِنْ هُنَا

تَصَدَّقَتْ تَعَالَى بِمَعْنَى أَنَّهُ الوجود المطلق، وَلَا سَبِيلَ لِلْفَقْصِ

إِلَى ذَاتِهِ الْبَقْدَةِ

۴ الإخلاص ۲

۵ التمهيد الكبير ج ۲ ص ۲۲ ح ۱۱۶۲

۵ «الظَّاهِرُ» إسم فاعل من مادة «ظَهَرَ» وَهُوَ يَدُلُّ عَلَى غُرَّةِ وَبُرُورِ

وَمِنْ ذَلِكَ ظَهَرَ الشَّيْءُ يَظْهَرُ ظُهُورًا، فَهُوَ ظَاهِرٌ إِذَا انْكَشَفَ

وَبَرَّ.

وَالْبَاطِنُ إسم فاعل من مادة «بَطَنَ» وَهُوَ خِلَافُ الظَّاهِرِ

وَالْإِنْكَشَافُ بَاطِنُ الْأَمْرِ دُخَانُهُ، خِلَافُ ظُهُورِهِ (مجموع

معانيي اللغة ج ۱ ص ۲۵۹)

۶ إِنَّ السُّؤَالَ الَّذِي يُمْكِنُ أَنْ يُثَارَ حَوْلَ هَاتَيْنِ الْمَعْنَيَيْنِ وَكَيْفَ

يُطْلَقُ هَاتَانِ الْمَعْنَيَانِ التَّضَادُّانِ عَلَى اللَّهِ مِنْ آيٍ وَحَدِيثٍ؟ يَهْوِلُ

حديث

۳۷۱ پیامبر خدا ﷺ خداوند! من از تو درخواست
می‌کنم به نامت، ای حاکم‌ترین حاکمان، ای
دادگر‌ترین دادگران، ای راستگو‌ترین راستگو‌یان!

۳۰ / ۳ صمد^۱

قرآن

﴿حنای صمد﴾

حديث

۳۷۲ پیامبر خدا ﷺ صمد، کسی است که میان‌نهی

بـ

۳۱ / ۳ ظاهر، باطن^۲

۳۷۳ پیامبر خدا ﷺ در دعا: «تویی ظاهر که درانتر

و ا» «صمد» (بی‌پایا کننده / بی‌نیاز) «، صفت مشبهه از

ماده «صمد» است که دو معنا دارد: یکی «قصه» و دیگری

«استواری در کار» اطلاق نام «صمد» بر خدای سبحان، در

پرتو معنای نخست، بدان باز می‌گردد که خدا همان سروری

است که در بارها، استگ او می‌کنند، و در پرتو معنای دوم،

به این بر می‌گردد که خدا کسی است که میان‌نهی نیست و

مظور از «میان‌نهی» بودن، «جاری بودن از معنی» (بار)

است

پس صمد بودن خدای متعال، به این معناست که او وجود

مطلق است و هیچ نقصی در ذات مقدس او راه ندارد

۶ صفت «ظاهر»، اسم فاعل از ماده «ظَهَرَ» است که بر

میر و مندی و آشکار شدن دلالت دارد و هنگامی به کار می‌رود

که چیزی هویدا گردد.

و «باطن»، اسم فاعل از ماده «بَطَنَ» است که بر خلاف آشکار شدن

و عریض گشتن است باطن هر چیزی، یعنی انبساط آن بر خلاف

ظهور (پرویا) آن

پرسشی که درباره این دو صفت ممکن است مطرح شود، آن است

که چگونه این دو صفت متضاد، همزمان بر خدا اطلاق می‌شوند؟

فَوَلِّكَ شَيْءًا، وَأَنْتَ الْهَاطِلُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ

از تو چیزی نیست، و تویی باطن که نزدیک‌تر از
تو نباشد [چیزی نیست]

۳۲/۳ للعالم، العليم

۳۲/۳. عالم، علیم

الكتاب

قرآن

﴿وَمِنْ شُجُوْهِ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَنْظُمُ الْعَزَّ وَالْأَخْرُ﴾^۱

﴿قُلْ إِنَّمَا أَلْعَلُّمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾^۲

﴿و اگر سخن به آوار گویی، او نهان و پنهان‌تر را می‌داند﴾
﴿بگو عدم [آن]، فقط پیش خداست و من، صرفاً هشدار
دهنده‌ای آشکارم﴾

الحديث

حدیث

۳۷۴ رسول الله ﷺ - في تمجيد الله جل وعلا - سبحانه

الذي لا إله غيره ، عالم كل شيء بخير عظيم^۱

۳۷۴ پیامبر خدا ﷺ - در بررگداشتند خدای شکوهمند

والا - سرهمی تو، کسی که جر او خدایی
نیست! - دانای به هر چیز، بدون امورگار

۳۳/۳ العظیم

الكتاب

۳۳/۳. عظیم

﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ﴾^۲

قرآن

﴿إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ﴾^۱

﴿پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی﴾

الحديث

﴿چرا که تو به خدای بزرگ نمی‌گرویدی﴾

حدیث

۳۷۵ رسول الله ﷺ - في حديث المعراج وقد قال له

سُبْحَانَهُ أَظْهَرَ إِلَى عَرَشِي - فَنَظَرْتُ إِلَى عَظَمَةِ ذَهَبَتْ

لَهَا مَسِي وَعَشِي عَلَى ، فَأَنْهَمْتُ أَنْ قُلْتُ سُبْحَانَ رَبِّي

الْعَظِيمِ وَيَحْمَدُهُ لِعَظَمِ مَا رَأَيْتُ فَلَمَّا قُلْتُ ذَلِكَ تَجَسَّسَ

۳۷۵ پیامبر خدا ﷺ - در «حدیث معراج» که خدای

سبحان به او فرمود: به عرشم بنگر: پس به

بیشترگی‌ای بگریستم که جانم برای آن رفت و بیهوش

شدم. پس به سبب بیشترگی آنچه دیدم، به من الهام

شد. گفتم «مر» است خداوندگار بیشترکم و من، به

ستایش او می‌پردازم! پس چون آن را گفتم،

هو أمير المؤمنين علي في الجواب عن هذا السؤال ما

مضمونه «ان حبيته الظهور هي غير حبيته الباطن ، وان الله

سبحانه ظاهر عن المعون من حيث افعاله ، لكنه باطن عن

من حيث ذاته ولا يتيسر للانسان بقراءة المذكرة ان يحيط

بالذات الالهية . راجع بهج البلاغة الخطبة (۲۱۳)

۱ صحيح مسلم ج ۱ ص ۲۰۸۴ ح ۶۱

۲ طه ۷

۳ الملك ۲۷

۴ العنكبوت ص ۵۳ ح ۱۱۰ ۵ الواقعة ۷۴

۶ الحاقة ۳۳

۱. حضرت امیر المؤمنین علی رضی الله عنه فرمایند: این پرسش، چنین معصومی

فرموده: «حسب الظهور» غیر از حقیقت باطن است و خدای

سبحانه از حیث افعالش بر خورده ظاهر (آشکار) است؛ اما از

حیث ذاتش، از همه باطن (پوشیده) است و آدمی نمی‌تواند به

موازی اندرکی خود بر ذات الهی احاطه یابد

النَّشِيءُ عَنِّي حَتَّى قُلْتُهَا سَبْعاً^۱.

بیهوشی از من برطرف شد، تا این که آن را هفت بار
گفتم

۳۷۶ عنه علیه السلام - فِي الدُّعَاءِ - يَا أَعْظَمَ مِنْ كُلِّ عَظِيمٍ^۲

۳۷۶ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در دعای: ای بزرگ‌تر از هر سرگرمی!

۳۴/۳ انْعَفُوْ

۳۴/۳ عَفُوْ

الكتاب

قرآن

﴿وَهُوَ الَّذِي يَغْفِلُ الْذُنُوبَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْظُوْهُمْ غِبْرَ

الْأَشْيَاءِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْفُرُوْنَ﴾^۳

﴿و اوست کسی که توبه را از بندگان خود می‌پدیرد و از
گناهان درمی‌گذرد و آنچه می‌کنید می‌داند﴾

الحديث

حدیث

۳۷۷ رسول الله صلی الله علیه و آله اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفُوٌّ كَرِيمٌ تُحِبُّ الْعَفْوَ،۳۷۷ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خداوند! تو بحث‌پسگر کریمیفَاعْفُ عَنِّي^۴.

همین که بخشایش را دوست می‌داری پس بر
من بخشای!

۳۵/۳ الْغَافِرُ، الْغَفُورُ، الْعَفَّارُ

۳۵/۳ عَافِرٌ، غَفُورٌ، عَفَّارٌ

الكتاب

قرآن

﴿قُلْ مَعَادِي تَدِيسُ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ

رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ سَرِيعُ

الْغَفْلَةِ الرَّحِيمُ﴾^۵

﴿بگو، ای بندگان من که بر خویشش، زیاده‌روی روا
داشتند یدا از رحمت خدا نومید مشوید، در عقیقت، خدا
هسته گناهان را می‌آمرزد، که او خود آمرزندهٔ سهریبن
است﴾

الحديث

است

۳۷۸ رسول الله صلی الله علیه و آله - فِي الدُّعَاءِ الْحُسَيْنِ يَا أَسْمَاءُ

الْحُسَيْنِ - أَسْأَلُكَ بِسَمِيِّكَ الْعَافِرِ يَا عَفَّارَ الذُّنُوبِ يَا

۳۷۸ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در دعای معروف به «اسماءُالله^۶

الْحُسَيْنِ» - اَر تُو در خواست می‌کنم به نام

۳۷۹ عنه علیه السلام إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ أَنَا جَلِيسٌ مِّنْ جَالِسِي، وَمُطِيعٌ

آمرزنده‌ها، ای آمرزگار گناهان، ای خدا!

مِّنْ أَطَاعَنِي، وَعَافِرٌ مِّنْ اسْتَعْفَزَنِي^۷۳۷۹ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند می‌فرماید، «من،

۱ عِلَّ الشَّرِيعِ ص ۳۱۵ ح ۱

۲ المصباح للکفمی ص ۳۸

۳ الشوری ۲۵

۴ سنن ترمذی ج ۵ ص ۵۳۴ ح ۲۵۱۳

۵ الزمر ۵۳ ۶ البلد الأمین ص ۴۱۸

۷ الإقبال ج ۳ ص ۱۷۴

همشین کسی هستم که با من، همشین شود،

و فرمانبر کسی هستم که از من فرمان ببرد،

و آمرزندهٔ کسی هستم که از من، آمرزش

بخواهد».

۳۶/۳ الطَّيِّبُ

الكتاب

﴿يَتَأْتِيهَا النَّاسُ آمَنَةً يَقْرَأُوا بِلِسَانِ اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَمِيدُ﴾

الحديث

۳۶/۳ غنی

قرآن

﴿ای مردم! شما به خدا بیازمیدید و خداست که بی نیاز ستوده است﴾

حدیث

۳۸۰ رسول الله ﷺ - مِنْ دُعَاءِ عَمَّةٍ عَنِّيًّا ^۱ - اللَّهُمَّ إِنَّكَ غَنِيٌّ لَا تَقْتَرِفُ ^۲

۳۷/۳ الْقَائِمُ، الْقَنُومُ

الكتاب

﴿لَللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَنُومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ﴾ ^۳

الحديث

۳۸۰ پیامبر خدا ﷺ - از دعایی که از رابه علی علیه السلام اموحت - بار خدایا! تو بی نیازی هستی که بیازمد نمی گردد

۳۷/۳ قائم قنوم

قرآن

﴿خداست که معبودی جز او نیست رده و بر پا دارنده است نه خوابی سبک او را فرد می گیرد، نه خوابی گرس﴾

حدیث

۳۸۱ رسول الله ﷺ - فِي دُعَاءِ الْحَوْشِ الْكَبِيرِ يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ مَائِمٌ بِهِ، يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ صَائِرٌ بِهِ ^۱

۳۸/۳ الْقَادِرُ، الْقَدِيرُ

الكتاب

﴿لَقَدْ زَمْنَا فَلْيَمُ الْقَادِرُونَ﴾ ^۲

الحديث

۳۸۱ پیامبر خدا ﷺ - در دعای جوشن کبیر ای کسی که همه چیز به او استوار است، ای کسی که همه چیز به سوی او بازگردانده می شود

۳۸/۳ قادر قدیر

قرآن

﴿و توانا آمدیم، و چه نیک تواناییم﴾

حدیث

۳۸۲ رسول الله ﷺ - مِنْ دُعَائِهِ إِذَا أَمْسَنَ - اللَّهُمَّ إِنَّكَ بِجَمِيعِ حَاجَتِي عَالِمٌ، وَإِنَّكَ عَلَيَّ جَمِيعِ نَجِيحِي مَادِرٌ ^۱

۳۸۲ پیامبر خدا ﷺ - در دعای ایشان در شامگاه -

خدایا! تو به همه نیاز من، دانایی، و تو بر سر آوردن همه آن، توانایی

۱ طاهر ۱۵

۲ مجمع الدعوات ص ۱۷۴

۳ البقرة ۲۵۵

۴ المصباح للكفعمي ص ۳۳۹

۵ الرسائل ۲۳

۶ المعجم الأوسط ج ۷ ص ۳۳۵ ح ۷۶۵۷

۳۹/۳. الْقَدِيمُ، الْأَزَلِيُّ

۳۹/۳ قَدِيم، اَزَلِی

۳۸۳ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ اللَّهُمَّ أَمَّا اللَّهُ، الشَّهِيدُ الْقَدِيمُ،

۳۸۳ پیامبر خدا ﷺ: خدا یا! تو خدا ی، گواه و دیرینه،

الْقَلْبِ الْعَظِيمُ^۱

و بلند پایه و بزرگی

۳۸۴ عَنْهُ ﷺ كَانَ اللَّهُ وَلَمْ يَكُنْ شَيْءٌ قَبْلَهُ^۲

۳۸۴ پیامبر خدا ﷺ: خدا بود و هیچ چیزی پیش از

او نبود

۳۸۵ عَنْهُ ﷺ كَانَ اللَّهُ وَلَيْسَ شَيْءٌ غَيْرُهُ^۳

۳۸۵ پیامبر خدا ﷺ: خدا بود و چیزی جز او نبود

۴۰/۳. الْقَرِيبُ

۴۰/۳ قَرِیب

الْكِتَابِ

قرآن

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَهُ

﴾ و هر گاه بندگان من، از تو درباره من بپرسند (بگو) من

أَسْتَجِبُ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِلِقَائِهِمْ

زدیکم و دعای دعا کنند را، آن گاه که مرا بخوانند

يَرْشُدُونَ﴾^۱

اجابت می‌کنم. پس [آنان] باید فرمان مرا گردن بند و به

من ایمان آورند، باشد که راه یابند﴾

الْحَدِيثُ

حدیث

۳۸۶ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - فِي الدُّعَاءِ - يَا عَالِيَّ الْعَرْشِ مِي

۳۸۶ پیامبر خدا ﷺ: در دعا: ای والا! سردیک در

عُلُوِّهِ وَارْتِمَاعِهِ وَدَوَامِهِ^۲

[عین] والا یی، بلندپایگی و پایداری خود

۴۱/۳. الْقَوِيُّ

۴۱/۳ قَوِی

الْكِتَابِ

قرآن

﴿فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَالِحًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ

﴾ پس چون فرمان ما در رسید صالح و کسانی را که با او

بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَمِنْ غَيْرِي يُؤْمِنُ إِنْ رَكِبَ هُوَ الْقَوِيُّ

ایمان آورده بودند، به رحمت خود رهانیدیم و از سرایی

الْعَزِيزُ﴾^۳

آن روز [مجات دادیم] به یقین، پروردگار تو همان

بهرمند شکست‌ناپذیر است﴾

﴿إِنَّ إِلَهَهُ هُوَ أَسْرَأُ لِقَىٰ ذُو الْقُوَّةِ الْعَمِيمِ﴾^۴

﴿خداست که خود، زودتر به پیش می‌روم از استوار است﴾

^۱ مهج الدعوات ص ۱۲۲^۲ صحیح طبرانی ج ۶ ص ۲۹۹ ح ۶۸۱۲^۳ صحیح ابن حبان ج ۱۴ ص ۷ ح ۶۱۴۰^۴ القیمة ۱۸۶ وراجع خود ۶۱^۵ جمال الأسبوع، ص ۲۳۱^۶ خود ۶۶^۷ الغاریات ۵۸

الحديث

۳۸۷. رسول الله ﷺ التَّحَمُّدُ فِي الْيَدَى . لَهُ الْإِحْاطَةُ بِكُلِّ شَيْءٍ ، وَالْعَلِيَّةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ ، وَالْقُوَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ

۴۲/۳ الكاشف

الكتاب

«إِنَّهُ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَا وَيُخَفِّفُ الْسَّوْءَ وَيَجْعَلُكَ خَلَفَاءَ الْأَرْضِ أَهْلَ طَعِ اللَّهُ طَعْلًا مَا تَذْكُرُونَ»^۱

۳۸۸. رسول الله ﷺ - مِنْ دُعَائِهِ يَوْمَ الْأَحْرَابِ - يَا مُصْطَرِّجَ الْتَكْرُوبِ^۲ وَمَا مُجِيبَ دَعْوِ الْمُضْطَرِّينَ وَبَا كَاشِفِ عَنِّي ، اكْشِفْ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكُرْبِي^۳

۴۳/۳ الكافي^۴

الكتاب

«وَاللَّهُ أَغْلَمُ مَا عَدَاكُمْ وَكَفَى بَالَهُ وَلِيًّا وَكَفَى بَالَهُ نَصِيرًا»^۵

۱ الاحتماج ج ۱ ص ۱۳۸ و ۱۳۹ ح ۳۲

۲ العمل ۶۲

۳ الكزبة العمى الذى ياخذ بالعمى (المصباح ج ۱ ص ۱ ۲)

۴ الكافي ج ۲ ص ۵۶۱ ح ۱۷

۵ «الكافي» اسم فاعل من مادة «كفى» وهو يدل على العجب الذى لا يستزاد فيه كفى الشيء . يكفى ، كفايه ، فهو كاف . اد حصل به الاستغناء عن غيره . وقد كفى كفايه . دام بسلام . معجم مفاتيح اللغة ج ۵ ص ۱۸۸ للمصباح الصغير ص ۵۳۷

۶ النساء ۴۵

حديث

۳۸۷. پیامبر خدا ﷺ : ستایش ، خدای راست که . احاطه به همه اشیا و چیزگی بر همه چیز و بر و مدی در همه چیز ، از آن اوست .

۴۲/۳ کاشف

قرآن

«[کهست] آن کس که درمانده را ، چون وی را بتواند احبت می کند ، و گرفتاری را برطرف می گرداند و شما را جانشین این زمین قرار می دهد؟ آیا معبودی با خداست؟ چه کم پند می پذیرد؟»

حديث

«پیامبر خدا ﷺ - از دعای ایشان در روز احزاب - ای خدایم ! اندوهگینان ، ای احسانگر در خواست بیچارگان ، و ای باز یزیده اندوه من ! دل ننگی و نگرانی و اندوه مرا باز بر

۴۳/۳ کافی^۱

قرآن

«و خدا به [حال] دشمنان شما دانافر است ، کافی است که خدا ، سرپرست . - شما [باشد ، و کافی است که خدا یاور . - شما [باشد»

۱ «کافی» (مسند) ، اسم فاعل از ماده «کفی» است که بر بسندگی ای دلالت دارد که بهایتی برایش قایل تصور نیست ؛ یعنی نیاز به افزایش ندارد . «کفی الشيء» ، یعنی ، کفایتش کافه ، هیچکس گفته می شود که با آن ، نیازی از دیگری حاصل آید و فقد کفی کفایت ، یعنی ، فلان کار رایج حوس عهددار شد .

الحديث

۳۸۹ رسول الله ﷺ يا كافيًا بين كل شيء ولا يكمي
 منه شيء، يا رب كل شيء، اكبر كل شيء حتى
 لا يقصر مع اسمك شيء.^۱

۴۴/۳ الكريم، الاكرم

الكتاب

﴿اقرأ ربك الاكرم الذي علم بالقلم﴾^۲

الحديث

۳۹۰ رسول الله ﷺ - في الدعاء - يا من يأمر بالتقوى
 والتجاور، صل على محمد وآل محمد، واعف عني
 وتجاوز يا كريم يا كريم، يا اكرم من كل كريم،
 واراف من كل رزوق، واعطف من كل عطاء، صل
 على محمد وآل محمد، واجمع عليّ بالتقوى والعبادة
 والمعيرة والرحمة.^۳

۴۵/۳ المالك، المالك، المليك

الكتاب

﴿قُلْ لَّيْسَ لِي مَلِكٌ يُؤْتِي مَالَكَ مِنْ شَاءٍ وَيَمُرُغُ
 الْمَلَائِكَةُ مِنْ شِئَاءٍ وَتَعْرِضُ عَنْ شِئَاءٍ وَتُجْلُ عَنْ شِئَاءٍ
 مِثْلَكَ الْحَقُّ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^۴
 ﴿لَهُ مَلِكٌ السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَهُوَ عَلَى كُلِّ
 شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^۵

۱ بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۳۶۱

۲ الملق ۳۰ و ۲

۳ جمال الأسبوع ص ۱۹۱

۴ آل عمران ۶۶ ۵ المائدة ۱۲۰

حديث

۳۸۹ پیامبر خدا ﷺ بار خدایا، ای که بسنده از همه
 چیز هست و چیزی را او بسنده نیست، ای
 پروردگار همه چیز! [در برابر] همه چیز، ما را
 بسنده باش تا با نام تو، چیزی آسیب نرساند

۴۴/۳ کریم، اکرم

قرآن

﴿بخوان و پروردگار تو کریم ترین [کریم] است همان
 کسی که به وسیله قلم آموخت﴾

حديث

۳۹۰ پیامبر خدا ﷺ - در دعا - ای کسی که به بخشایش
 و گذشت، دستور می دهی بر محمد و حاندان
 ما محمد، درود فرست و مرا عفو کن و از من
 درگذر ای کریم، ای کریم، ای کریم تر از هر
 کریم، و مهرورتر از هر مهرور و دلسورتر از
 هر دلسوزی، بر محمد و حاندان محمد، درود
 فرست و مرا از عفو و سلامت و آمرزش و
 رحمت، بهره مند ساز

۴۵/۳ مالک، ملک، ملوک

قرآن

﴿مگر بهار خدایا! تویی که فرمان‌روایی، هر آن کس را که
 بخواهی، فرمان‌روایی می‌بخشی، و از هر که بخواهی،
 فرمان‌روایی را باز می‌ستانی، و هر که را بخواهی، عزت
 می‌بخشی، و هر که را بخواهی، خوار می‌گردانی همه
 خواسته‌ها به دست توست و تو بر هر چیزی توانایی﴾

﴿فرمان‌روایی آسمان‌ها و زمین و آنچه در آنهاست، از آن

خداست و او بر هر چیزی تواناست﴾

الحديث

۳۹۱ رسول الله ﷺ - في صفة الله سبحانه وتعالى -

المالِكُ لِمَا مَنَعَهُمْ بِنَاءً^۱

۳۹۲ عنه ﷺ، رَشَدَ عَصَبُ اللَّهِ عَلَى رَجُلٍ تَسْمَى بِمِثْلِ

الْأَمَلِكِ إِلَّا مَلَكَ إِلَّا قِيَهُ^۲

۴۶/۳ الْمُحِبُّ

الْكِتَابِ

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَصْنَعُونَ

عَنِّي عِدْتِي سَيَخْلَوْنَ جَهَنَّمَ نَاخِرِينَ﴾^۳

الحديث

۳۹۳ رسول الله ﷺ - في دُعَايِهِ لَيْلَةَ الْأَحْرَابِ - يَا عَرَبُ

الْمَكْرُوبِينَ^۴، وَيَا مُحِبِّ الْمُصْطَرِّينَ، وَيَا كَائِنَ

الْكَرْبِ التَّظْلِيمِ^۵

۴۷، ۳ لِلْمُحِبِّ

الْكِتَابِ

﴿وَلَهُ مَا فِي السَّمُوتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ مُكْرِمًا

نَسِيمًا مُجِيبًا﴾^۶

الحديث

۳۹۴ رسول الله ﷺ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَّمَنِي بُوْحْدَهُ، وَدَعَاَنِي

۱ تصحیح المقول ص ۳۷

۲ مستدرک حبل ج ۲ ص ۵۵۰ ح ۳۸۸ ۱

۳ عارف ۶۰

۴ الْكَرْبُ الْحَرُّ وَالْعَمَّةُ الَّذِي يَأْخُذُ بِالْعَسْرِ (لسان العرب ح ص ۷۹۱ كرباء)

۵ تفسیر التمجید ج ۲ ص ۱۸۶

۶ الباء ۱۳۶

حديث

۳۹۱ پیامبر خدا ﷺ - در مقام توصیف خدای پاک و

متعال - و [خدا] مالک آن چیزی است که بندگان

را مالک آن کرده است

۳۹۲ پیامبر خدا ﷺ خدا بر مردی که فرمان‌روای

فرمان‌روایان (شاهشاه) نامیده می‌شود، سبح

حشماک است فرمان‌روایی، جر برای

خداوند عز و جل

۴۶/۳ محیب

قرآن

﴿و پروردگارتان فرمود مرا بخوانید تا شما را اجابت

کند﴾ در حقیقت، کسانی که از پرسشش من‌کبر

می‌درزد، به رودی، خوار در درخ در می‌آیند﴾

حديث

۳۹۳ پیامبر خدا ﷺ - در دعایش در شب جنگ

احصراب - ای فریادرس اندوهگینان، و ای

باسح دهنده درماندگان، و ای سرطرف کسده

بدوه بزرگا

۴۷/۳ محیب

قرآن

﴿و آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن

خداست، و خدا، همواره بر هر چیزی احاطه دارد﴾

حديث

۳۹۴ پیامبر خدا ﷺ ستایش، خدایی راست که در

یگانگی‌اش بلندمرتبه است و در یکتایی‌اش،

بردیگه است و در سلطنتش، شکوهمند است و

تَفَرَّدَ بِهِ، وَجَلَّ فِي سُلْطَانِهِ، وَعَظَمَ فِي أَرْكَانِهِ، وَأَحَاطَ
بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْماً وَهُوَ فِي مَكَانِهِ^۱

۳۹۵. عَمَهُ ﷺ - فِي جِرِّ رَأْيِهِ - أَعُوذُ بِاللهِ الْمُحِيطِ بِكُلِّ
شَيْءٍ وَلَا يُحِيطُ بِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ
مُحِيطٌ^۲

۴۸/۳. لِلْمُحِيطِ، الْمُحِيطُ

الكتاب

﴿لَهُ، فَذَلِكَ اسْمُكَ وَالأَرْضُ يُخْبِرُ، وَنُعْبِتُ وَهُوَ عَلَى
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^۳

الحدیث

۳۹۶ رسول الله ﷺ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمُحِيطُ بِالأَمْوَاتِ، وَالْمُحِيطُ
بِالأَحْيَاءِ، وَالْقَادِرُ عَلَى مَا تَشَاءُ^۴

۳۹۷ عَمَهُ ﷺ - فِي الدُّعَاءِ الْمُسْتَسْقَى بِالأَسْمَاءِ الْحُسْنَى - يَا
مُحِيطُ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ يَا اللهُ، يَا مُحِيطُ أَهْلِ
السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ يَا اللهُ، يَا مُحِيطُ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ يَا اللهُ^۵

۴۹/۳. الْمُصَوِّرُ

الكتاب

﴿خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَنْصَرِ
صُورَكُمْ وَإِنَّهُ الْمُصَبِّرُ﴾^۶

در ارکانش، بزرگ است و دانش او، همه چیز را
مرا گرفته و او در جایگاه خویش است

۳۹۵. پیامبر خدا ﷺ - در جبرش^۱ - به خدایی پناه
می‌برم که هر چیزی را مرا گرفته و چیزی او را
مرا نگرفته است و او همه چیز را فراگیرنده
است

۴۸/۳. مُحِيطِ، مُحِيطٌ

قرآن

﴿درمان‌درایی آسمان‌ها و زمین، از آب است رنده می‌کند
و می‌پزند و لای هر چیزی تواناست﴾

حدیث

۳۹۶ پیامبر خدا ﷺ - بار خدایا! تویی رنده‌کننده
مردگان، و میراننده زندگان و توانا بر هر چه
خواهی،

۳۹۷ پیامبر خدا ﷺ - در دعایش معروف به «اسماءُ
الحُسْنَى» - ای استوار دارنده اهل آسمان‌ها و
زمین، ای خدا! ای رنده‌کننده اهل آسمان‌ها و
زمین، ای خدا! ای میراننده اهل آسمان‌ها و زمین،
ای خدا!

۴۹/۳. مُصَوِّرُ

قرآن

﴿آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید و شما را صورت‌نگری کرد
و صورت‌هایتان را بیگو آراست؛ و فرجام به سوی
لویت﴾.

۱ الاحتجاج ج ۱ ص ۱۳۸ ح ۳۲

۲ مهج الدعوات ص ۱۶ ۳ التعبد ۲

۴ التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام ص ۶۶

۵ البلد الأمين ص ۱۲۰

۶ التعبد ۳

۱ جبر: دماغه و دگر یا هر چه برای دفع چشم زخم و بلا به کار
می‌رود

الحدوث

مفتی اعظم

٣٩٨ رسول الله ﷺ - هي دُعاءُ الجوشن الكبير - يا مَنْ
تَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يا مَنْ يَعْمَلُ مَا يَشَاءُ يا مَنْ يَهْدِي مَنْ
يَشَاءُ يا مَنْ يُصِلُّ مَنْ يَشَاءُ يا مَنْ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ
يا مَنْ يُعَمِّرُ لِمَنْ يَشَاءُ يا مَنْ يُمِيتُ مَنْ يَشَاءُ يا مَنْ يُرِي
مَنْ يَشَاءُ يا مَنْ يُصَوِّرُ فِي الْأَرْحَامِ مَا يَشَاءُ يا مَنْ
يَحْتَضِرُ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ

٣ / ٥٠. العُفُصِل، المتفُصِل

الكتاب

﴿بَلِّغْ فَصْلَ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾^٢

الحديث

٣٩٩. رسول الله ﷺ - في الدعاء - سبحانه من جلالته
أصله، وسبحانه من مفصل ما أغفقه^١
٤٠٠. عنه ﷺ - كان إذا أتاه الأمر متعجباً قال - الحمد
لله المضمع المفصل، الذي يجمع بين الصالحات^٢

3 / ٥١ المقدّر

الكتاب

﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾^٥

وَالْقَائِلُ الْإِحْبِيَّاحَ وَجَعَلَ أَلْيَلُ سَكَنًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ

١٠٤ المبدأ الخامس

٤ الجمعة ١٤٠٠ هـ

٣ مهجرات الدعوات ص ٦٩

المصنف لا يبين شيئا من ٦ ص ٩٠ ر ١

14 الفصل

۳۹۸ پیسہ خدا تعالیٰ در دعای جوشن کبیر: ای کسی که آنچه را بخواهد، می فریاد: ای کسی که آنچه را بخواهد، انجام می دهد: ای کسی که هر که را بخواهد، راه می نماید: ای کسی که هر که را بخواهد، راه می نماید: ای کسی که هر که را بخواهد، عذاب می دهد: ای کسی که هر که را بخواهد، می آمرزد: ای کسی که هر که را بخواهد، عزیز می کند: ای کسی که هر که را بخواهد، حواری می کند: ای کسی که آنچه را بخواهد، در رجم ها صورتگیری می کند: ای کسی که هر که را بخواهد، با رحمتش بر مرگش بیدار

٣ / ٥٠ مَفْصِلٌ وَ مَتَابِلٌ

قد

«این فصل خداست آن را به هر که بخواهد، عطا می‌کند»
«سجده تلوی فیصل بسیار است»

جملہ مضامین

۳۹۹ پیامبر خدا ﷺ - در دعا - 'پاک است بی عرض
 بخشنده‌ای که چه بیش از استحقاق بخشنده است
 پاک است مثل از استحقاق بخشنده‌ای که چه
 نعمت دهد است'

۴۰. **پایامبر خدا ﷺ** - وقتی به چیزی بر می خورد که او را خوش حال می کرد - ستایش، برای خدای نعمت دهنده و بیش از استحقاق بخشیده است؛ کسی که به نعمت او، یکی ها به انجام می رسند

٥١ / ٢. عَقَبُورْ

قوتی

➤ **ماييم که هر چيري را به انداره آوريدايم**

﴿هموست که﴾ شکائدهٔ صبح است، و شب را برای

حُسْبُنَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ^۱

الحديث

۱۰۱ رسول الله ﷺ - فِي الدُّعَاءِ - يَا مَنْ لَهُ التَّيْدِيرُ وَإِلَيْهِ التَّقْدِيرُ.^۲

۵۲/۳ المَنَان

الكتاب

﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِسَابَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ لَيْسٍ ضَلُّوا لُبِّمِ﴾^۳

الحديث

۱۰۲ رسول الله ﷺ إِنْ شِئْتَ بِسْمِ اللَّهِ وَبِسْمِ اسْمَاءٍ مَثَلِ الْوَاحِدِ - مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَهِيَ

اللَّهُ، الْإِلَهُ، الْوَاحِدُ، الْأَحَدُ، الْفَرْدُ... الْمَنَانُ.^۴

۱۰۳ عَمَّا رَوَى عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ عَلَيْهِ سِتْرَةٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَوَلَدَيْهِمْ فَقَدْ جَمَعَ اللَّهُ لَهُ الْخَيْرَ كُلَّهُ^۵

۵۳/۳ المُنَقَّم

الكتاب

﴿وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُصِلٍ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ﴾^۶

آرایش، و خورشید و ماه را وسیله حساب قرار داده
یس، اندازه‌گیری آن توانای داناست^۱

حدیث

۳۰۱ پیامبر خدا ﷺ - در دعا - ای کسی که تدبیر کردن،
از آن آویست و اندازه نهادن، به او بر می‌گردد!

۵۲/۳ مَنَان

قرآن

﴿به یقین، خدا بر مؤمنان منت نهاد [که] پیامبری از
خودشان در میان آنان برانگیخت، تا آیات خود را بر
شان بفرستد و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان
بپاشد و قطعاً پیش از آن، در گمراهی آشکاری
بودند﴾

حدیث

﴿پیامبر خدا ﷺ خدا، تود و نه نام دارد، یکی کمتر
از صد هر کس آنها را سرشمارد، وارد بهشت
می‌شود این نام‌ها عبارت‌اند از: الله، احد، یگانه،
بی‌همتا، صمد... گشاده‌دست

۳۰۲ پیامبر خدا ﷺ کسی که خدا، به او شناخت اهل
بیت من و ولایت آنان را سترگ‌بخشی کرده باشد،
به درستی که همه خوبی‌ها را برای او فراهم کرده
است

۵۳/۳ مُنَقَّم

قرآن

﴿و هر که را خدا هدایت کند، گمراه‌کنندگی ندارد مگر
خدا بیست که نیرومند که هر خواه است؟﴾

۱ الانعام ۹۶ ۲ مہج الدعوات ص ۱۲۰

۳ آل عمران ۱۶۴

۴ التَّحْصِيلُ ص ۵۹۳ ح ۱

۵ الْأَمَلِيُّ لِلصَّدُوقِ ص ۵۶۱ ح ۷۵۱

۶ الزمر ۲۷

الحديث

۱۰۴ رسول الله ﷺ - فِي الدُّعَاءِ - اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ ... يَا دَاجِرُ يَا مُنْتَصِرُ يَا مُهَيْدِكُ يَا مُنْتَقِمُ.^۱

۵۴/۳. المُذِلُّ

الكتاب

﴿الْحَفْظُ لَهُ الَّذِي أُنْزِلَ عَلَى عَهْدِهِ الْكِتَابُ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا﴾^۲

الحديث

۱۰۵ رسول الله ﷺ لَهُمْ رَبُّهُمْ وَرَبُّ كُلِّ شَيْءٍ مُرِلَ التَّوْرُ وَالْإِنْجِيلُ وَالْفُرْقَانُ هَالِكُ الْحُثِّ وَالْثَوِي^۳

۳ ۵۵ العَمَشِيُّ

الكتاب

﴿هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ أَلْمَزُوقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيَمْشِي نَشْجًا﴾^۴ الْإِنْفَالِ^۵

الحديث

۱۰۶ رسول الله ﷺ - فِي صِفَةِ اللَّهِ حَلٌّ وَعِلَالٌ - لَهُ إِحَاطَةٌ بِكُلِّ شَيْءٍ وَالطَّلِيَّةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، وَنُفُوهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ، وَالْقُدْرَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، وَلَيْسَ مِثْلُهُ شَيْءٌ، وَهُوَ مُشْتَبِهُ الشَّيْءِ، حِينَ لَا شَيْءٌ، دَسَمَ فَاثِمٌ بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْقَرِيرُ الْحَكِيمُ، جَلَّ عَنْ أَنْ تُدْرَكَهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ^۶

۱ مهج الدعوات ص ۱۹۴ ۲ الكهف ۳

۳ مهج الدعوات ص ۱۷۸

۴ الرعد ۱۲

۵ الاحتجاج ج ۱ ص ۱۳۹ ح ۳۲

حديث

۳۰۴ پیامبر خدا ﷺ - در دعا - حدیبا! از تو می‌خواهم به نامت ای یاری‌رسان، ای پیروورگر، ای هلاک‌کننده، ای سحت‌کنر!

۵۴/۳. مُذِلُّ

قرآن

﴿سَابِسْ حَدَائِي رَاكَ ابْنُ كِتَابِ [آسانی] رَا بِرِ بَسْمَا﴾
خود فرو فرستاد و هیچ گونه کزی‌ای در آن ننهاد!

حديث

۳۰۵ پیامبر خدا ﷺ بار حدایا! ای پروردگار ما و پروردگار همه چیز، ای فرو و پر تورات و انجیل و قرآن! ای شکامیده دانه و هسته!

۵۵/۳. مُنْشِي

قرآن

﴿أَوَسْتُ كَمَنْسٍ كَهَ بَرَقَ رَا بِرَايِ بِمِمْ وَابِيدَ بِهَ شَمَا مِي سَايَانْدَ وَابِرْهَائِي كِرَانِ بَارَ رَا بِدِيدَارِ مِي كَنْدَ﴾

حديث

۳۰۶ پیامبر خدا ﷺ - در وصف خداوند ﷻ - برای اوست فراگیرندگی نسبت به هر چیز، و چیرگی بر هر چیز، و بیرومندی در هر چیز، و توانایی بر هر چیز، و چیری همانند او نیست، اوست سو پدیدآور چیر، آن گاه که چیری نبود همبستگی است و استوار به دادگری است حدایی جبر او - که شکست‌ناپذیر و هرزانه است - وجود ندارد هراتر از آن است که چشم‌ها به او سرستند و است که چشم‌ها را در می‌یابد، و اوست در یکسبب گاه

۵۶/۳. المَهْلِك

الکتاب

﴿وإن من قِزْبَةٍ إِلَّا نُحْنُ مِنْهُ لَكُمْ قَتْلَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا مُبْتَدَأًا فَلَنْ يَكُنَ مِنْ الْغَنِيِّ مُشْفُورًا﴾^۱

الحديث

۴۰۷ رسول الله ﷺ - من خُطِبَ يَوْمَ الْعَدِيرِ - مُعَاذِ النَّاسِ، إِنَّهُ مَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَاللَّهِ تُهْلِكُهَا بِسُكْدِ يَبِهَا، وَكَذَلِكَ يَهْلِكُ الْقَرْيَ وَهِيَ ظَالِمَةٌ كَمَا ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى وَهَذَا عَنِّي إِمَامُكُمْ وَوَلِيُّكُمْ، وَهُوَ مُوَاعِدُ اللَّهِ وَاللَّهُ بِصَدَقِ مَا وَعَدُ

مُعَاذِ النَّاسِ، قَدْ صُلِّ قَبْلَكُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ، وَاللَّهُ لَقَدْ أَهْلَكَ الْأَوَّلِينَ وَهُوَ مُهْلِكُ الْآخِرِينَ قَبَالَ لَهُ تَعَالَى ﴿لَمْ يَهْلِكِ الْأَوَّلِينَ • ثُمَّ يَنْبَغُهُمُ الْآخِرِينَ • كَذَلِكَ مَقْعُ الْفُجُورِ بِالْمُحْرَمِينَ • وَيُنْزِلُ يَوْمَئِذٍ الْبُكْرَيْنِ﴾^۲

۵۷/۳ التَّوْر

۴۰۸ رسول الله ﷺ بِاسْمِ اللَّهِ التَّوْرِ، بِاسْمِ اللَّهِ تَوْرِ السُّورِ، بِاسْمِ اللَّهِ تَوْرِ عَلَى تَوْرِ بِاسْمِ اللَّهِ الَّذِي هُوَ مُدِيرُ الْأُمُورِ، بِاسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَ التَّوْرَ مِنَ التَّوْرِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ التَّوْرَ مِنَ التَّوْرِ، وَنَزَلَ التَّوْرَ عَلَى الطُّورِ^۳، فِي

۱ الإسراء ۵۸ ۲ المصلا ۱۶-۱۹

۳ الاحتجاج ج ۱ ص ۱۵۹ ح ۳۷

۴ الطُّورُ هُوَ جَبَلُ كَلَمَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْأَرْضِ الْمُقَدَّمَةِ (مَجْمَعُ الْبَحْرَيْنِ ج ۲ ص ۱۹۱) ط ۱۱

۵۶/۴. مَهْلِك

قرآن

﴿و هیچ شهری نیست، مگر این که ما آن را [در صورت نافرمانی] پیش از روز رستاخیز، به هلاکت می‌رسانیم یا آن را سخت عذاب می‌کنیم. این [حقیرت] در کتاب [الهی] نوشته شده است﴾

حدیث

۴۰۷ پیامبر خدا ﷺ - از سخنرانی ایشان در روز غدیر - ای جماعت مردم! هیچ شهری نیست، مگر آن که خدا آن را به جهت دروغ‌انگاری [مردم] آن، هلاک کرده است. همچون شهرها را هلاک می‌کند، در حالی که مردم آنها متمکرنند، همان طور که خدای متعال [در قرآن] ذکر کرده است. این، هلی، امام و سرپرست شماست او وعده‌های خداست^۱ و خدا به شما وعده داده کرده است، و ما می‌کند

ای جماعت مردم! پیش از شما پیشتر پیشبان، گمراه شدید و بی‌گمان، خدا، آن را هلاک کرد، او هلاک کننده پیشبان است. خدای متعال فرمود ﴿ایا پیشینیان را هلاک نکردیم؟ پس او آن، پستان را از بی آنها خواهیم آورد. بدین گونه، با بدکاران رفتار می‌کنیم. در آن روز، رای بدروغ‌انگاران﴾

۵۷/۳ تَوْر

۴۰۸ پیامبر خدا ﷺ به نام خدا که نور است به نام خدایی که روشنایی روشنایی است، به نام خدایی که روشنایی در روشنایی است به نام خدایی که

۱. وعده‌های مکرر خدا در طول ۲۳ سال رسالت پیامبر اسلام به امانت و ولایت علی بن ابی طالب ﷺ، در آیات و احادیث متعددی وارد شده‌اند که تحریر آنها در روز غدیر بود

کتاب مسطور، لی رِقُّا مشور، یفذر مقدور عسی
نَبِیُّ مَحْبُور.^۲

۵۸/۳. الوکیل

الكتاب

﴿وَتُؤْتِ الْأَمْمُورَ وَالْخُفْرَ ۚ إِلَٰهَهُ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ
وَكِيلًا﴾^۳

الحديث

۴۰۹ رسول اللہ ﷺ اِجْرُ مَا نَكَلَّمُ بِهِ اِبْرَاهِيْمُ ؑ حِيْنَ نَفَى
فِي النَّارِ «حَسْبِيَ اللّٰهُ وَرِعْمَ الْوَكِيْل»^۴
۱۱۰ عَنْهُ ﷺ لَا تَكِلْ اِلَى غَيْرِ اللّٰهِ، فَيَكِيْنَكَ اللّٰهُ بِهٖ^۵

۵۹/۳. الولي للمولى

الكتاب

﴿اِنَّهُ وَلِيُّ الدِّينِ ؕ اَمْضُوا نَجْرَهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى
النُّوْرِ ۚ وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا اُولٰٓئِكَ هُمُ الظُّلُمُوْنَ ۚ نَجْرُ خَوْنِهِمْ
مِّنَ النُّوْرِ اِلَى الظُّلُمَاتِ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ النَّارِ هُمْ
فِيْهَا خٰلِدُوْنَ﴾^۶

الحديث

۴۱۱ رسول اللہ ﷺ اَللّٰهُمَّ اَمْتَ رِضَتِيْ عِنْدَ شِدَّتِيْ.

۱ الرق - بالفتح والكسر - جند بكتب فيه (المصباح للمير
ص ۲۳۵، قق۱)

۲ مہج الدعوات، ص ۱۹، ۳ المرمز ۹

۳ تدریج بغداد ج ۹ ص ۱۱۸ الرقم ۴۷۸

۴ کلامی المصدر والمصحح ص ۱

۵ مستدرک الوسائل ج ۱۱ ص ۲۱۷ ح ۱۲۷۹۰

۶ البقرة ۲۵۷

تدبیر کنندہ کارہاست، بہ نام حدایی کہ روشنائی
ر از روشنائی افرید ستایش، برای خدایی است
کہ روشنائی و از روشنائی افرید و روشنائی را بر
کوه طور، فرود آورد، در کتابی نوشته شد، در
برگہای گشوده، بہ اندازہای معین، سر پیامبری
شادمان

۳. ۵۸. وکیل

قرآن

﴿توسد﴾ پروردگار خاور و باحر حدایی جرار بیست
پس او را کارساز خویش اختیار کن﴾

حدیث

۴۰۹ پیغمبر خدا ﷺ آن گاہ کہ ابراہیم ؑ در آتش
پر تاب شد، و پیس سخن او این بود «حسبنا
الله و بیکو حمایتگری است»

۴۱۰ پیامبر خدا ﷺ بہ غیر خدا اعتماد نکن؛ چرا
کہ [در این صورت]، خدا تو را بہ او می سپارد

۳/۵۹. ولی، مولا

قرآن

﴿خداوند، سرور کسانی است کہ ایمان آورده اند. آنان را از
تاریکی ها بہ سوی روشنائی بہ در می برد﴾ و [ن] کسانی
کہ کفر ورزیده اند، سرورانشان [علمان عصیانگران،
ظاہرستاند، کہ آنان را از روشنائی بہ سوی تاریکی ها بہ
در می برد. آنان، اهل آتش اند کہ خود، در آن
جاودل اند﴾

حدیث

۴۱۱. پیامبر خدا ﷺ بار خدا را اتوایی مورد اعتماد

وَرَجَائِي عِنْدَ كُرْبَتِي، وَعُدَّتِي عِنْدَ الْأُمُورِ الَّتِي تُسْرِلُ
بِي، فَأَسْتَ وَلِيِّي فِي رَحْمَتِي، وَإِلَهِي وَإِلَهُ آبَائِي، حَلُّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.^۱

۶۰/۳ الهادی

الکتاب

﴿وَقُلْنِي بِرَبِّكَ هَابِيًا وَنَحْبِيرًا﴾^۲﴿وَإِنْ أَتَاكَ لَهَابُ الْمُبِينِ﴾ «مَنْوَا إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^۳

الحديث

۱۱۲ رسول الله ﷺ إِيْسَا أَنَا مُبْلَغُ وَفَاقَةُ يَهْدِي، وَقَاسِمُ رَهْطَةِ
يُعْطِي^۴

الفصل الرابع: معرفة الصفات السلبية

۱، ۴ لَيْسَ كَعَمَلِهِ شَيْءٌ

الكتاب

﴿فَإِذَا جَاءَ السَّمَوتُ وَالْأَرْضُ جَعَلَ لَكُمْ مِّنْ أَمْتِكُمْ آرُوجًا
وَمِنَ الْأَنْعَامِ آرُوجًا يَذُرُّوْكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَعَمَلِهِ شَيْءٌ
وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾^۵

الحديث

۱۱۳ رسول الله ﷺ قَالَ اللهُ جَعَلَ خَلْقًا مَّا عَرَفْتِي
مَنْ شَبَّهَنِي بِخَلْقِي^۶

من در سحنی‌ام، و امید من، در گرفتاری‌م، و سار
و برگ منی در اموری که بر من مقدور می‌کسی، پس
تو در رحمت من، سرپرست من و جدای من و
جدای پدران من، بر محمد و خاندان او درود
فرست!

۶۰/۳ هادی

قرآن

﴿لَمَّا [برای] لَوْ] همین پس که پروردگارت هادی و یاور [لِوَأ
باشد﴾

﴿و خداوند، کسانی را که ایمان آورند، به سوی صراط
مستقیم، هدایت می‌کند﴾.

حدیث

۴۱۳ پیامبر خدا ﷺ من، تنها پیام‌رسانم و خدا،
همدایت منی کند من، تنها تقسیم‌کننده‌ام و خدا،
بخشنده است

فصل چهارم، شناخت صفات‌های سلبی

۱/۴ چیزی مانند او نیست

قرآن

﴿بَدِدَ آوْرِدَةُ آسْمَانِهَا وَ رَمِينَ بَسْت. لَزْ خُودَتَانِ بَرَايِ شَمَا
حَفْتِ هَائِي قَرَارِ دَادِ وَ اَزْ خَامِهَا [تیر] نَرِ وَ عَادَه [قوار
داد] بَدِیْنِ وَ سَبَلَه، شَمَا رَا بَسَارِ مِی‌گِرْدَلَنَدَ چِیزِی مَانَدِ
لَوْ نِیَسْتَه، وَ نَوِیَسْتِ شُئُوْبِی بِنِیَا﴾.

حدیث

۴۱۳ پیامبر خدا ﷺ خداوند قادر مودد... هر که مرا به
آفریده‌ام همدست کند، مرا نشناخته است!

۱ مصباح المستهد من ۱۶ ج ۱۵

۲ الفرقان، ۳۱

۳، الحج: ۵۴

۴ مستداین حبل ج ۶ ص ۳۳ ح ۱۶۹۳۶

۵ الشوری ۱۱ ۶ التوحید ص ۶۸ ح ۲۳

۲/۱. ثُمَّ يَلِدُ وَلَمْ يُولَدْ

۱۱۴ رسول الله ﷺ يوشك الناس ينساء نورا بينهم حتى يقول قائلهم هذا الله حق الحق، فمن حق الله؟ فإذا قالوا ذلك فقولوا: ﴿اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾. ثُمَّ لِيَهْلُ عَنِ يَسَارِهِ ثَلَاثًا، وَتَسْتَعِدَّ بِأَفْوِهِ مِنَ الشَّيْطَانِ^۱

۳/۴. لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ

الكتاب

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ﴾^۲

الحدیث

۱۱۵ مسند امی معلق عن امی هریره سمعت رسول الله ﷺ ينحكي موسى ﷺ غنى الجبر، قال رفع في نفسه هل يسام الله ﷻ، فأرسل الله إليه ملكاً فأرسله ثلاثاً، ثم أعطاه فارور ريس من كل يد فارورة، وأمره أن يحتفظ بهما

قال فجعل يسام وتكاد ينده تلتقيان ثم استيقظ فوجد أحدهما عن الأخرى حتى نام ومعه فأصطفقت يده، فانكسرت القارورتان وال صرب الله له مثلاً أن الله ﷻ لو كان ينام لم يستميك السماء والأرض^۳

۲/۲. نه کسی را اراده و نه از کسی زاییده شده است

۱۱۲ پیامبر خدا ﷺ، نزدیک است که مردم، آن قدر از همه بگر سوال کنند تا یکی از آنها بگوید: پس خدا، افریدگار را آفرید؛ این خداوند ﷻ را چه کسی آفریده است؟ وقتی چنین گفتند، شما [در پاسخ] بگویید: «خداوند، یگانه است خداوند، صمد است براده و رده نشده است و هیچ کس، همتای او نیست»

۳/۲. نه خوابی سبک او را فرو می‌گیرد و نه

خوابی گران

قرآن

﴿خداست که معبودی جز او نیست، رانده و پر پادار نشده است نه خوابی سبک او را فرو می‌گیرد و نه خوابی گران﴾

حدیث

۱۱۵ مسند امی معلق - به نقل از ابو هریره - از پیامبر خدا شنیدم که روزی سر از موسی ﷺ حکایت کرده، می‌فرمود «در دل موسی ﷺ گذشت که آیا خدای بزرگ می‌خوابد؟»

پس خدا، فرشته‌ای به سوی او فرستاد و فرشته، سه بار موسی ﷺ را گرفت و فشار داد پس از آن، دو شیشه به او داد که در هر دست خود، یکی از آنها را بگیرد و به او فرمان داد تا از آنها نگهداری کند [پس از مدتی] خواب، موسی ﷺ را فراگرفت و نزدیک بود که دو دستش به هم بخورد [و شیشه‌ها بسکند] ناگهان از خواب پرید و آنها را از یکدیگر دور نگاه داشت و جلوی به هم خوردن دست‌ها و شیشه‌ها را گرفت کمی بعد، دوباره به خواب رفت و [پس از مدتی] دو دستش به هم برخورد کرد و شیشه‌ها شکست

پیامبر خدا فرمود «خدا برای موسی ﷺ این مثال را رد [و به او فهماند] که اگر خدا بخوابد، می‌تواند آسمان و زمین را نگه دارد»

۱. الحسن الکبری للنسائی ج ۶ ص ۱۷۰ ح ۱۰۱۹۷

۲. البقرة ۲۵۵

۳. مسند امی معلق ج ۶ ص ۱۳۱ ح ۶۶۳۹

الفصل الخامس، عدل الله

فصل پنجم، دادگری خدا

۱/ ۵. معنی عدل الله

۱/ ۵. معنای دادگری خدا

أ- لَيْسَ فِي أَعْمَالِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنَ الظُّلْمِ

الف- در کارهای خداوند، هموزن ذره‌ای، ستم نیست

الكتاب

قرآن

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ﴾^۱

﴿خدا به هیچ وجه به مردم ستم نمی‌کند؛ لیکن مردم خود بر خویش، ستم می‌کنند﴾

حدیث

الحدیث

۲۱۶. صحیح مسلم- به نقل از ابو ذر، از پیامبر ﷺ، آنجا

۱۱۶ صحیح مسلم، عن أبي ذر عن النبي ﷺ فيما روى عن الله تبارك وتعالى أنه قال يا عبادي إني حرمت الظلم على نفسي، وجعته بينكم محرماً، فلا تظالموا^۲

که سخن خداوند متعال را روایت می‌نماید - ای بندگان مرا! همانا ستم را بر خودم حرام کردم و آن را بر میان شما نیز حرام کردم. پس هر یکدیگر ستم نکنید

ب- بر پا داشتن قسط (برابری)

ب- القيام بالقسط

قرآن

الكتاب

﴿وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبْدِلَ لِكَلِمَاتِهِ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾^۳

﴿در سخن پروردگارت به راستی و داد، سرانجام گرفته است﴾ و هیچ تغییر دهنده‌ای برای کلمات او نیست و او شنوای دقیق است﴾

حدیث

الحدیث

۳۱۷ پیامبر خدا ﷺ، آسمان‌ها و زمین، با دادگری،

۱۱۷ رسول الله ﷺ بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ^۱

پایدار می‌مانند

ج- الأمر بالقسط

ج- فرمان به برابری

﴿أَلَمْ أَمُرْ زَيْدَ بْنَ أَبِي هُرَيْرَةَ وَأَقِيمُوا وَجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوا إِلَى الْإِسْلَامِ كَمَا بَدَأَكُمْ

﴿یگو: «پروردگارم به دادگری فرمان داده است» و [این

که] در هر مسجدی، روی خود را مستقیم [به سوی

قیه] کنید، و در حالی که دین خود را برای او خالص

۱. یوس: ۴۱؛ وراجع بس ۵۱

۲. صحیح مسلم ج ۴ ص ۱۹۹ ح ۵۵

۳. الانعام ۱۱۵ ۱ عوالمی ثلاثی ج ۴ ص ۱۰۳

تَعَوُّوْنَ»^۱

د- أَعْدِلْ الْعَادِلِينَ

۱۱۸ رسول الله ﷺ - فِي دُعَاءِ الْجَوْشِ الْكَبِيرِ - : يَا

أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ، يَا أَعْدِلَ الْعَادِلِينَ^۲

هـ- الْعَدْلُ فِي الْقَضَاءِ وَالْحُكْمِ

الكتاب

﴿وَأَنْصِي نَذْرَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾^۳

الحديث

۱۱۹ رسول الله ﷺ لَمَّا رَأَى سَوْسَ ﷺ رُقُومَهُ

لَا يُحْسِبُونَهُ وَلَا يُؤْمِنُونَ صَحْرًا وَعِزًّا مِنْ مَعِي

بَلَدَ الْغُبَرِ، فَشَكَا ذَلِكَ إِلَى رَبِّهِ، وَكَانَ مَعَهُ شَكٌّ^۴

أَنْ قَالَ يَا رَبِّ، أَنْتَ بَعَثْتَ إِلَيَّ مُوسَى، وَلِي ثَلَاثُونَ

سَنَةً، فَلَبِثْتُ فِيهِمْ أَدْعُوهُمْ إِلَى الْإِيمَانِ بِكَ

وَالْتَّصِدِيقِ بِرِسَالَاتِي، وَأَحْضَوْهُمْ عَذَابَكَ وَتَعَمَّتْكَ

ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ سَنَةً، فَكُذِّبُوا وَلَمْ يُؤْمِرُوا بِي،

وَجَعَلُوا بُيُوتِي وَاسْتَحَقُّوا بِرِسَالَاتِي، وَفَدَّ نَوَاحِدِي

وَجِئْتُ أَنْ يَقْتُلُونِي، فَأَسْرِلْ عَلَيْهِمْ عَذَابَكَ، إِنَّهُمْ

قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ

قَالَ - فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى أَنْ فِيهِمُ الْعَجَسُ،

وَالْجَسْنَ وَالطُّفْلَ، وَالشَّيْخَ الْكَبِيرَ، وَالْمَرْأَةَ الضَّعِيفَةَ،

۱- الامراف ۷۹

۲- المصباح للكنهی ص ۳۳۸

۳- یوس ۵۱

۴- فی المصدر «شکي» و ما فی المس التبتاه من محاذ الاثر

گردانید، وی را بخوانید، همان گونه که شما را پدید

آورد [به سوی تو] برمی گردید»

د- دادگر تویی دادگران

۱۱۸ پیامبر خدا ﷺ - در دعای جوش کبیر - : ای

بهترین داوران! ای دادگر ترین دادگران!

هـ - دادگری در قضاوت و حکمرانی

قرآن

﴿وَمِثْلَ آبٍ إِلَى الْبَحْرِ، دَلُورِي مِثْلَ آبٍ إِلَى الْبَحْرِ﴾

سی دور

حديث

۱۱۹ پیامبر خدا ﷺ یوس ﷺ، زمانی که دید فرشت

دعوت تو را نمی پذیرد و به او ایمان نمی آورند،

تو در میان من و او ایستادی، از این رو، به

پروردگارش شکوه نمود در بعضی از شکوه های او

چیزی بود ای پروردگار من! تو مرا در سی سالگی به

سوی قوم مبعوث فرمودی و من، سی و سه سال

در میانشان ماندم و آنان را به ایمان آوردن به تو و

تصدیق رسالتم دعوت نمودم و از عذاب و بخت تو

بیعتشان دادم! اما آنان تکذیب کردند و به من ایمان

نیاوردند، و بیعت را انکار نمودند و رسالتم را سبک

شمردند و من را تهدید نمودند و رسیدم که مرا

بکشند، پس، عذابت را بر آنان فرود آور؛ زیرا آنان،

قومی هستند که ایمان نمی آورند

آن گاه خداوند به یوس ﷺ وحی فرمود، او در

میان آنان، زن باردار و جبین و کودک خردسال و مرد

پیر و زن ناتوان و مستضعف حقیر وجود دارد، در

حالی که من، داور دادگر هستم که رحمتم بر حشمت

وَالْمُسْتَظْفَعُ الْمُهَيَّنُّ^۱، وَأَنَا الْحَكَمُ الْقَدَلُ، سَبَقَتْ
رَحْمَتِي عَصِيي، لَا أَعَذُّبُ الصَّاعَزَ بِدُوبِ الْكِبَارِ مِنْ
قَوْمِكَ، وَهُمْ - يَا يُونُسَ - عِبَادِي وَحَنَفِي، وَبِرَّيْتَنِي مِي
بِلَادِي، وَلَمَّا عَيَّلْتَنِي، أُحِبُّ أَنْ أَتَأَنَّهُمْ، وَأَرْفُقَ بِهِمْ،
وَأُنْتَظِرُ نَوْبَهُمْ^۲

۲/۵ العدل في جزاء السيئات

الكتاب

﴿الْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ
اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾^۳

الحديث

۱۲۰ رسول الله ﷺ مَنْ أَصَابَ فِي الدُّنْيَا دُبًّا فَمَرِئًا بِهِ،
فَإِنَّهُ أَعْدَلُ مِنْ أَنْ يُشَنِّيَ نَعْمَةً عَلَى عَبْدِهِ، وَمَنْ أَتَى
دُبًّا فِي الدُّنْيَا فَسَرَّهُ اللَّهُ عَلَيْهِ، فَإِنَّهُ كَرُمَ مِنْ أَنْ يَمُوتَ
فِي شَيْءٍ قَدْ عَمِيَ عَنْهُ^۴

پیشی گرفته است، من، حردسالان قوم تو را به خاطر
گاهان بزرگسالانشان کیمر می‌دهم و - ای یونس -
آنان، پسندگان و آفریدگان و مردمان من در
سرزمین‌های من و در زیر پوشش مرا اند دوست
دارم درباره آنان، حوصله کنم و با ایشان مدارا نمایم،
و انتظار نوبه‌شان را می‌کشم

۲/۵ بندگی در مجازات گناهان

قرآن

﴿امروز، هر کسی به [سوی] آنچه انجام داده است، کیمر
می‌یابد امروز، ستمی نیست. آری، خدا، رودشمار
است﴾

حدیث

۱۲۰ پیامبر خدا ﷺ هر کس در دنیا به گناهی گرفتار
آید و کیمر شود، خداوند، دادگتر از آن است که
کیمر آن را بر بنده‌اش تکرار نماید، و هر کس در
دنیا به گناهی مرتکب شود و خداوند آن را
پوشاند، خداوند، بخشنده‌تر از آن است که به
چیزی که گشتب کرده است، باز گردد.

۱ مهین آی حقیر (الصحاح، ج ۶ ص ۲۲۰۹ ص ۹)

۲ تفسیر المیزان، ج ۲ ص ۱۲۹ ح ۱۴

۳ غافر ۱۷

۴ سنن ابن ماجه، ج ۲ ص ۸۶۸ ح ۳۶۰۴

الْبَابُ الثَّالِثُ

باب سوم

القضاء والقدر

قضا و قدر

الفصل الأول. الإيمان بالتقدير

فصل یکم. ایمان به تقدیر

۱/۱ معنی ایمان بالتقدیر

۱/۱ معنی ایمان به قدر

۴۲۱ رسول الله ﷺ لا يؤمن عبدٌ حتى يؤمن بالقدرِ خيره وشره. حتى يعلم أن ما أصابه لم يكن ليخطئه وأن ما أخطاه لم يكن ليصيبه^۱

۴۲۱. پیامبر خدا ﷺ: بنده، ایمان ندارد، تا این که به خیر و شر قدر، ایمان بیاورد و بداند که آنچه بدو رسیده، ساعد از او خطا می‌رفته و آنچه از او خطا رفته، نباید بدو می‌رسیده است

۲/۱ وجوب ایمان بالقدر

۲/۱ وجوب ایمان به قدر

۴۲۲ رسول الله ﷺ الإيمان بالقدر مطلق التوحيد^۲

۴۲۲. پیامبر خدا ﷺ ایمان به قدر، پدیده یکتاپرستی است

۴۲۳ عنه ﷺ إِنْ القدر نظامُ التوحيد. فمن وعده الله وأمن بالقدر بعد استمساك المروية التوحي^۳

۴۲۳. پیامبر خدا ﷺ همانا قدر، پایه یکتاپرستی است هر که خدا را یگانه بداند و به قدر ایمان آورد، در حقیقت، به محکم‌ترین ریسمان، چنگ رده است

۳/۱ تحريم التكذيب بالقدر

۴۲۴. پیامبر خدا ﷺ هیچ یک از شمس ایمان ندارد، مگر این که به خیر و شر، و شیرینی و تلخی قدر، ایمان بیاورد

۴۲۵ رسول الله ﷺ من لم يؤمن بالقدر خيره وشره مائنا من بري^۴

۳/۱. هرمت شروع پنداشتن تقدیر

۴۲۶ عنه ﷺ من كذب بالقدر، عذبه كما عذب به^۵

۴۲۵. پیامبر خدا ﷺ هر که به خیر و شر قدر ایمان بیاورد، من از او بیزارم

۴۲۶. پیامبر خدا ﷺ هر که قدر را شروع پندارد، در حقیقت، به آنچه من آورده‌ام، کفر ورزیده است.

۱ سی‌الترمذی ج ۱ ص ۱۵۱ ح ۲۱۱۴

۲ الترمذی ج ۱ ص ۱۱۴ ح ۲۸۵

۳ المعجم الاوسط ج ۴ ص ۱۶ ح ۳۵۷۳

۴ التوحيد ص ۳۸۰ ح ۲۷

۵ مستدرک ابویوسف ج ۱ ص ۲۸۹ ح ۶۴۰۴

۶ کنز العمال ج ۱ ص ۱۰۶ ح ۱۸۱

۱۲۷. عَنْهُ عَلَيْهِ أَرْبَعَةٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَائِدٌ وَمُنَانٌ، وَمُكَذِّبٌ بِالْقَدَرِ، وَمُدْمِنٌ خَمْرٍ^۱

۲۲۷. پیامبر خدا ﷺ چهار کس‌اند که خداوند در روز رستاخیز، به آنان نگاه نمی‌کند، بدرهتار را پدر و مادر، مست‌گداز، تکذیب‌کننده قدر، و می‌گسار

۱۲۸. عَنْهُ عَلَيْهِ مَا فَتَلَكْتَ أُمَّةً قَطُّ إِلَّا بِالشَّرْكِ بِمَا فِيهِ، وَمَا أَشْرَكَتْ أُمَّةٌ حَتَّى يَكُونَ بُدُوُ شُرَكَهَا التَّكْذِيبُ بِالْقَدَرِ^۲

۲۲۸. پیامبر خدا ﷺ هرگز امتی نابود نشد، مگر به‌ا شرک و رسیدن به خداوند ﷻ، و امتی شرک بورید، مگر این که آغاز شرکشان تکذیب قدر

۱/۱ ما لا يُعَافِي الْإِيمَانَ بِالْقَدَرِ

۱۲۹. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الدَّوَاءُ مِنَ الْقَدَرِ، وَلَقَدْ يَتَفَعُّ بِأَدِيهِ أَهْلُ^۳

بود

۱/۱ آنچه با ایمان به تقدیر، معافات ندارد

۱۳۰. سَنَسَّ التِّرْمِذِيُّ عَنْ أَبِي حُرَيْرَةَ عَنْ أَبِيهِ سَأَلْتُ رَسُولَ

۲۲۹. پیامبر خدا ﷺ درمان، تقدیر شده است و به اند خدا سود می‌بخشد

اللَّهِ ﷺ، فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَرَأَيْتَ رُقًى تُسْتَرْقَى بِهَا وَدَوَاءٌ تُنَادَوِي بِهِ وَثِقَاءُ تُنْقَى بِهَا، هَلْ تُزِيدُ مِنَ قَدَرِ اللَّهِ شَيْئاً؟ قَالَ هِيَ مِنَ قَدَرِ اللَّهِ^۴

۲۳۰. حسن الترمذی - به نقل از ابو حرامه، از پدرش -

از پیامبر خدا پرسیدم و گفتم، ای پیامبر خدا! رُقعه‌هایی که آنها را با خود همراه می‌سازیم و دوائی که بدان ملأوا می‌کنیم و جبری که خود را با آن حفاظت می‌کنیم، آیا چیزی از قدر خدا را بار می‌گرداند؟

فرمود: «اینها، جزو قدر هستند»

۱. التخصال ص ۲۰۳ ح ۱۸

۲. تاریخ دمشق ج ۴۵ ص ۳۹۴ ح ۹۹۱۷

۳. المعجم الكبير ج ۱۲ ص ۱۳۱ ح ۱۲۷۸۱

۴. سنن الترمذی ج ۴ ص ۳۹۹ ح ۲۰۶۵

۱. ژاپه تحریک، افسون، طسم

۲. جزر دعای نگه‌دارنده، دعای محافظ در برابر چشم‌رحیم

و دیگر سیبها

سخنی درباره نقش قضا و قدر در پیدایش مصائب و شرور

آیات و احادیث این فصل، نه چند نکته بسیار مهم در شناخت مبدأ حیر و شر در نظام آفرینش و نقش قضا و قدر در پیدایش مصائب (گرفتاری‌ها) و شرور (بدی‌ها و گوازی‌ها) اشاره دارند. این نکات، عبارت‌اند از:

۱. حیر و شر، مخلوق و مقدر خداست

حیر و شر، مخلوق و مقدر خداست. بدین معنا که پدیده‌ها (اعم از حوادث طبیعی و غیر طبیعی)، همه در محدوده خلق و تقدیر خداوند هستند و اگر خداوند متعال بخواهد، هیچ پدیده‌ای، چه حیر و چه شر، تحقق نمی‌یابد. حتی کارهایی که انسان به اراده و اختیار خود انجام می‌دهد، از دین قانون کلی، مستثایست. هر چند خداوند متعال، در وضع قوانین و حکام، از کارهای رشت، بهی‌گرفته است. این آیه شریف، نه‌همین‌معا اشاره دارد:

﴿قُلْ كُلٌّ عِنْدَ اللَّهِ﴾

بگو همه ی پیشامدهای حرب و بدی از کائنات خداست

اعتقاد به این حقیقت، «توحید افعالی» نامیده می‌شود.

بر این اساس، ثبوتی - که آفریدگار شرور را غیر از آفریدگار حیرات می‌داند - مشرک، و قدری - که شرور را خارج از محدوده تقدیر الهی می‌داند - گناه شمرده شده‌اند.

۲. آفرینش و تقدیر شر، قبضی است

احادیث تقدیم آفرینش حیر بر شریک‌گر پس مطلبی است که هر چند شر، آفریدگاری جدا از آفریدگار حیر ندارد و آفریدگار هر دو، همان ذات پاک خداوند است، ولی جهت شر و تقدیر آن، اصالت ندارد؛ بلکه به تبع حیر است. از این رو پس از حیر و به دنبال آن، آفریده شده است.

برای نمونه، آفرینش انسان، حیر است. اما وی برای رسیدن به هدف آفرینش خود - که همانا رسیدن به مقام خلافت الهی است - باید دارای اراده و آردی باشد. آردی، موجود بالاراده و آرد، می‌تواند از آردی خود، سوء استفاده کند، شر (بدی)، ایجاد نماید و جامعه را به فساد بکشد. در این جا نیز هدف آفرینش، آفریدن شر و فساد نبوده است، بلکه شر و فساد، پس از آفرینش موجود آردی به نام انسان و به تبع آن، تحقق می‌یابد.

۳ انسان در پیدایش لاگواری‌ها نقش دارد

سومین نکته قبل توجه در تبیین رابطه «قضا و قدر» و «شرور»، نقش انسان در پیدایش شرور است. تقدیر نهی در مورد شروری که به دست انسان پدید می‌آید، خدلال (به معنای) و گذار شدن انسان به خویش) است. انسان، گاهی استحقاق «توفیق» می‌یابد و گاهی استحقاق «خدلال»، و آن‌گاه که استحقاق خدلال یافت، خداوند، او را به خود، وامی‌گذارد. در این حالت که انسان، بدون این که مجبور باشد، به اراده خودش سر می‌آفریند.

بر این اساس، آنچه حیران‌انگیز می‌رود، به توفیق خداوند و منسوب به خداست و آنچه شر از انسان سر می‌زند، به خود او منسوب است؛ چرا که او بر خلاف خواست تشریفی خداوند و به اراده خود، آن را انجام داده است.

الفصل الثانی: دور القصاء والقدر فی العالم

فصل دوم: نقش قضا و قدر در عالم

۱/۲ التقدير فی خلق العالم

۱/۲ تقدير در آفرینش جهان

الكتاب

قرآن

﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ مَقْدَرًا﴾^۱

﴿مایم که هر چیزی را به اندازه آفریدایم﴾

الحديث

حدیث

۴۳۱ رسول الله ﷺ قَدَّرَ أَهْلَ الْمَقَادِيرِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِحَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ^۲

۴۳۱ پیامبر خدا ﷺ خداوند، پنجاه هزار سال پیش
از آفرینش آسمانها و زمین، اندازهها را مقرر
نمود

۴۳۲ عنه ﷺ إِنَّ اللَّهَ قَدَّرَ الْمَقَادِيرَ وَدَبَّرَ التَّدَابِيرَ حِينَ
أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ بِأَلْفِي عَامٍ^۳

۴۳۲ پیامبر خدا ﷺ خداوند حدود و هزار سال پیش
از آفرینش آدم، اندازهها را مقرر نمود و تدبیرها را
انگشاد

۲/۲ التقدير فی خلق الإنسان

۲/۲ تقدير در آفرینش انسان

الكتاب

قرآن

﴿وَمَا تَخْلُقُ مِنْ أَشْيٍ وَلَا تَصِفُ إِلَّا بِعِلْمٍ وَمَا لَكُمْ مِنْ
مُعْجَزٍ وَلَا يَنْفَعُ مِنْ غُرُورٍ إِلَّا فِي كُتُبٍ﴾^۱

﴿در هیچ ماده‌ای بار نمی‌گیرد و بار نمی‌دهد، مگر به علم
او و هیچ سال‌نورده‌ای عمر دراز نمی‌دهد و از معجز
کسبه نمی‌شود مگر آن که در کتابی [مدرج] است﴾
حدیث

الحديث

۴۳۳ رسول الله ﷺ كُلُّ شَيْءٍ بِمَقْدَرٍ، حَتَّى الصَّخْرَ
وَالْكَبِيرَ^۲

۴۳۳ پیامبر خدا ﷺ هر چیزی، در گرو تقدیر است،
حتی ناتوانی و بزرگی

۴۳۴ عنه ﷺ خَلَقَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ وَكَتَبَ حِسَابَهَا وَرَبِّهَا
وَمَصَائِبَهَا^۳

۴۳۴ پیامبر خدا ﷺ خداوند، همه جانها را آفرید
و زندگی و روزی و گرفتاری‌های آنها را مقرر
کرد

۱ القمر ۴۹

۲ التوحيد ص ۳۶۸ ح ۷

۳ عيون اخبار الرضا ج ۱ ص ۱۴۱ ح ۳۹

۴ طاهر: ۱۱

۵ الكيس العن والقطه والنبه (ساج المردس ج ۸ ص ۱۵۱
اکوس)

۶ صحيح مسلم ج ۱ ص ۲۱۵ ح ۱۸

۷ سنن الترمذي ج ۴ ص ۱۵۱ ح ۲۱۴۳

۱۳۵. عَنْهُ عَلَيْهِ سَبَقَ الْعِلْمُ وَجَفَّ الْقَدَمُ، وَصَصَى الْقَدَرُ بِتَحْقِيقِ الْكِتَابِ وَتَصْدِيقِ الرَّسُولِ، وَيَنْشِئُ عَادَةَ مِنْ أَفْوَاهِهِ لِمَنْ آمَنَ وَأَتَى، وَبِالشَّقَاءِ لِمَنْ كَذَبَ وَكَفَرَ، وَبِوَلَايَةِ اللَّهِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِرَأْيِهِ مِنَ الْمُشْرِكِينَ^۱

۳/۲. تَقْدِيرُ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ

الكتاب

«وَإِنْ تُحْسِنْتُمْ خَسَنَةً يَقُولُوا هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُحْسِنْتُمْ سَيِّئَةً يَقُولُوا هَذَا مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فَمَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكْتَادُونَ بِفَقْهِنَا حَدِيثًا»^۲

الحديث

۱۳۶. كَثُرَ الْعَمَلُ عَنْ أَبِي عَنَاسٍ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ حَسَنًا

مِنْ أَمْسِي لَا يَوْمَ لَهُمْ يَوْمَ لَا يَسْلَمُ الْمَرْجُئَةُ وَالْقَذَرِيَّةُ

قِيلَ وَمَا الْمَرْجُئَةُ؟ قَالَ الَّذِينَ يَقُولُونَ الْإِيمَانُ

قَوْلٌ بِلا عَمَلٍ

قِيلَ فَمَا الْقَذَرِيَّةُ؟ قَالَ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَمْ يَقْدِرْ

الشَّرُّ^۳

۱۳۷. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ رَغِمَ أَنْ اللَّهُ تَعَالَى يَأْمُرَ بِالسُّوءِ

وَالْفَحْشَاءِ فَقَدْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ، وَمَنْ رَغِمَ أَنْ الْخَيْرِ

وَالشَّرِّ يَحْيِي مَشِيئَةَ اللَّهِ فَقَدْ أَحْرَجَ اللَّهَ مِنْ سَطْرِيهِ^۴

۴/۲. خَلَقَ الْخَيْرَ قَبْلَ الشَّرِّ

۱۳۸. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ اللَّهُ ﷻ يَا آدَمُ أَنَا اللَّهُ الْكَرِيمُ، خَلَقْتُ

۳۳۵. پیامبر خدا ﷺ: دانش، پیشی گرفت و قدم حشکید

و تقدیر به فرستادن قرآن و تصدیق مرستدگان، و به

حوش‌بختی از جانب خداوند ﷻ پری مؤمنان و

پرهیزگاران، و به بدبختی برای دروغگویان و

کافران، و به ولایت خدا بر مؤمنان و پیزازی او از

مشرکان، تحقق یافت

۳/۲. تقدیرِ خیر و شر

قرآن

«و اگر [پیشند] خوبی به آنان برسد می‌گویند: «ایں» از

جانب خداست» و چون صدمه‌ای به ایشان برسد،

می‌گویند «ایں» از طرف توست» بگو همه از جانب

خداست» [آخر] ایں فرم ر چه شده است که

می‌خواهد مضمی را [درست] در یابد؟

حدیث

۱۳۶. کثر العمل - به نقل از ابی عناس - پیامبر خدا،

مرجئه برای دو گروه از امت من، در اسلام، سهمی

بیست، مرجئه و قدریه

گفته شد: مرجئه کیان‌اند؟

فرمود: «آنان که می‌گویند: ایمان، گفتار بدون

رفتار است»

گفته شد: قدریه کیان‌اند؟

فرمود: «آنان که می‌گویند: شر، تقدیر شده

است»

۳۳۷. پیامبر خدا ﷺ کسی که می‌گوید خدای متعال به

بدی و فحشا دستور می‌دهد، هر خداوند، دروغ

می‌بندد و کسی که می‌گوید: خیر و شر، بدون مشیت

خداوند به وجود می‌آیند، خداوند را از

فرمان‌روایی‌اش بیرون برده است.

۴/۲. آفرینش خیر، پیش از شر

۳۳۸. پیامبر خدا ﷺ: خداوند ﷻ فرمود: «ای آدم! من

۱ التوحید ص ۲۴۲ ح ۱۲، ۲ النساء ۷۸،

۳ کثر العمل ج ۱ ص ۱۳۶ ح ۶۴۲

۴ الکافی ج ۱ ص ۱۵۸ ح ۶

الْخَيْرَ قَبْلَ الشَّرِّ^۱

خدای بر دگوار، خیر را پیش از شر آفریدم.

الفصل الثالث. دور التقدير

في أفعال الإنسان

مصل سوم. نقش تقدیر در کارهای انسان

۱/۳ تقدیر واجبات و فضايل و گناهان

۱/۳ تقدیر الفرائض و الفضائل و النعماني

۳۹ رسول الله ﷺ عن ابي اروي حديسي، ان الله يبارك وتعالى يقول: يابن آدم! بمشيئتي كُنتَ، اَبْتُ اَلَّذِي تَشَاءُ لِنَفْسِكَ مَا تَشَاءُ، وِبَارِئَتِي كُنتَ اَبْتُ اَلَّذِي تُرِيدُ لِنَفْسِكَ مَا تُرِيدُ، وَهَصِلَ بِعَمَّتِي عَلَيْكَ مَوْتٌ عَلَى تَعَصُّبِي، وَبِجَهْمَتِي وَغُيُوبِي وَعَافِيَتِي، ذُبْتُ اِلَيْهِ فَرَائِصِي، فَأَنَا اَوَّلُ بِحَسَنَاتِكَ بِسُوءِكَ، وَأَنْتَ اَوَّلُ بِسُوءَاتِكَ مَعِيَ، فَالْحَبْرُ مَعِيَ اِلَيْكَ مَعَ اَوَّلِيَّتِ هِدَاةً^۲، وَالشَّرُّ مَعِيَ اِلَيْكَ مَعَ حَبِيبِ خَرَاءٍ، وَبِاحْسَانِي اِلَيْكَ هُوَ يَبْ عَمِي طَاعِي، وَبِسُوءِ ظَنِّكَ بِي فَطَفْتُ مَعِي رَحْمَتِي، فَلِي اَلْحَمْدُ وَالْحُجَّةُ عَلَيْكَ بِاَلْيَتِيَارِ وَلِسَ السَّيِّئِ عَلَيْكَ بِاَلْعَصِيَارِ، وَلَكَ خَرَاءُ الْخَيْرِ عِنْدِي بِاَلْاِحْسَانِ لَمْ اَدْعُ بِحَدِيرِكَ وَلَمْ اَحْدِكْ عِنْدَ عِيْرَتِكَ، وَلَمْ اُكَلِّمْكَ فَوْقَ طَاقَتِكَ، وَلَمْ اُحْمِلْكَ مِنَ الْاَمَانَةِ اِلَّا مَا اَقْرَرْتُ بِهِ عَمِي نَفْسُكَ رَحِمْتُ لِنَفْسِي مَكَ مَا رَحِمْتُ لِنَفْسِكَ مَعِيَ^۳

۳۹ پیامبر خدا ﷺ، مسحن خود را از خدا روایت

می کنم خداوند - تبارک و تعالی - می فرماید: ای مرد آدم! به مشیت من است که آنچه می خواهی، برای خود می خواهی، و به اراده من است که آنچه اراده می کنی، برای خود اراده می کنی، و به سبب بسیاری نعمتم بر تو، بر نافرمانی از من بیرو گرفتی، و در سبب پاکي و یاری و اسایش من، واجب های مرا برای من ادا نمودی پس، من به یکی های تو در (ب) سزاوارترم و تو به بدی هدیت از من شایسته تری پس، خیر رسیده از جانب من به تو - که به خاطر محبت من است - ابتدایی است (نه بازتاب عمل تو)، و شر رسیده از جانب من به تو - که به سبب جرم توست - یک کبر است، و به سبب احسان من به تو، بر نافرمانی از من، بیرو گرفتی و به جهت ننگمانی به من، از رحمم نومید گشتی پس به خاطر بیان، منایش، از من و حجت، علیه توست، و به جهت نافرمانی (ت) دستم بر تو بار است، و به جهت احسان، مرد من پاداش خیر داری هشدار دادن به تو را ترک نمی کنم، برای سرکشی اب مواظبت نمی نمایم (و هشدارت می دهم)، و به بیشتر از توانایی ات موظف نمی کنم، و به تو تحمیل نمی کنم از امانت، خبر آن مقداری که علیه خود اعتراف نمودی - از تو خشنودم، به مقداری که پیش خودت از من خشنودی

۱ تفسیر المیزان ج ۶ ص ۳۵ ح ۶۱

۲ بالرحم خبر للخیر وكذا الجملة التالية أي الحية الواصلة من أليق مسببة من دون استحقاقك لأن مبادئ الخير التي سحمت بعملك أيضاً هي، والبر للواصل جزء متفرع عن جانبك وفي نسخة «ب» بالصب وهو على الخبر والخبر مقدور (هامش المصدر ص ۳۶)

۳ التوحيد ص ۳۶۳ ح ۱۳

۲/۳. معنی الأمر بین الأمرین

۱۱۰ رسول الله ﷺ إِنَّ اللَّهَ لَا يُطَاعُ جَبْرًا وَلَا يَعْصَى تَعْلُوبًا وَلَمْ يُهْجَلِ الْعِبَادَ مِنَ الْمَمْلَكَةِ، وَلَكِنَّهُ الْقَادِرُ عَلَى مَا أَقْدَرُهُمْ عَلَيْهِ، وَالْمَالِكُ لِمَا مَلَكَهُمْ إِيَّاهُ، فَإِنَّ الْعِبَادَ إِنْ تَخَرَّوْا بِطَاعَةِ اللَّهِ لَمْ يَكُنْ مِنْهَا مَانِعٌ وَلَا عَنْهَا صَادٌّ، وَإِنْ عَصَوْا بِمَعْصِيَةِ فَشَاءَ أَنْ يَحُولَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَهَا فَقُلْ، وَلَيْسَ مِنْ إِنْ شَاءَ أَنْ يَحُولَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ شَيْءٍ (فَقُلْ)، وَلَمْ يَفْعَلْهُ، فَأَتَاهُ الَّذِي فَعَلَهُ، كَانَ هُوَ الَّذِي أَدْعَاهُ فِيهِ^۱

۲/۳. معنای «امر میان دو امر»

۳۳۰. پیامبر خدا ﷺ: خداوند از روی اجبار، فرمانبری و از روی شکست، نافرمانی نمی‌شود و بندگان را بدون سرپرست، رها نکرده است؛ بیکس او بر آنچه آنان را بر آن نیرومند ساخته، تواناست و چیزی را که به این تمییک مموده، مالک است؛ چرا که اگر بندگان، از خدا فرمان برند، چیزی و کسی نمی‌تواند از آن باز بدرد، و اگر [قصد کند که] مرتکب نافرمانی جدا شود و خدا بخواهد میان آنان و آن [نافرمانی] جدایی اندازد، چسب می‌کند، و [البته] چسب نیست که اگر کسی خواست میان کسی و کار او مانع شود، ولی شد و آن شخص آن کار را انجام داد، [تو این گفت که] مانع کار، آن کس را به آن کار وادار مموده است^۲

۳/۳. دَمُ الْغَانِلِينَ بِالْجَبْرِ

۱۱۱ رسول الله ﷺ مَا عَرَفَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ يَحْلِفُهُ وَلَا وَصْفُهُ بِالْعَدْلِ مَنْ نَسَبَ إِلَيْهِ ذَنْبٌ عِبَادِهِ^۳

۳/۳. نکوهش معتقدان به جبر

۳۳۱. پیامبر خدا ﷺ: هر که خدا را به آمرزیدارش تشبیه بکند، او را به درستی [شناخته است] و هر که گفته‌اند بندگان را به خدا نسبت دهد، او را عادل ندانسته است

۴/۳. دَمُ الْقَدَرِيَّةِ

۱۱۲ رسول الله ﷺ جَنَابِي مِنْ أُمِّي لَا تَنَالُهُمْ شِعَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْمَرْجِيَّةُ وَالْقَدَرِيَّةُ^۴

۱۱۳ عَنْهُ ﷺ لَمَسَ الْقَدَرِيَّةُ عَلَى لِسَانِ سَعِيدِ نَبِيٍّ^۵

۴/۳. نکوهش قدریه

۳۳۲. پیامبر خدا ﷺ: دو گروه از امت من هستند که روز رستاخیز، شفاعتم شامل آنها نمی‌گردد؛ مرجئه و قدریه

۳۳۳. پیامبر خدا ﷺ: قدریه، بر زبان هفتاد پیامبر، مبرهن شده‌اند.

۵/۳. معنی القدریَّة

أ- مَا يَدُلُّ عَلَى أَنَّ الْقَدَرِيَّةَ هُمُ الْمُفَوَّضَةُ

۱۱۴ رسول الله ﷺ الْقَدَرِيَّةُ الَّذِينَ يَقُولُونَ: الْخَيْرُ وَالشَّرُّ

۵/۳. مقصود از قدریَّة

الف- آنچه دلالت می‌کند بر این که قدریه همان مَفَوَّضَه‌اند

۳۳۴. پیامبر خدا ﷺ: قدریه، کسانی هستند که

۱ توضیح ذلك إن مجرد القدرة على الخيول بين العبد وفعله لا يدل على كونه تعالى فاعله، إذ القدرة على المنع غير المنع، ولا يوجب إسناد الفعل إليه سبحانه

۲ تحف العقول ص ۳۷ ۳ التوحید، ص ۴۷ ح ۱۰

۴ حلیة الأولیاد ح ۹ ص ۲۵۱

۵ المیزان ص ۳۴۴

۱ توضیح این که صرف قدرت داشتن خداوند بر حایل شدن میان شخص و کارش، بر این که خداوند، کننده آن کار است، دلالت نمی‌کند؛ زیرا توانایی بر جلوگیری، غیر از جلوگیری کردن است و موجب سبب دادن کار به خداوند می‌شود

۲ علامه طباطبائی می‌گوید: ما یبینه شدن ایشان به قدریه، ۳۳۴

بِأَيْدِيهِمْ؛ أَيْسَ لَهُمْ فِي شَفَاعَتِي صِيبٌ، وَلَا تَأْتِيهِمْ
وَلَا هُمْ يَسِي'

می‌گوید: حیر و شر، در اختیار ماست آنان از
شعاعت می بهره‌ای ندارند نه می از آنان هستیم و
به آنان از می‌اند.

١٥: عَلَيْهِ سَلَامٌ إِلَّا إِنْ كُنَّ أَتْمِ مَجْرُوسًا، وَمَجْرُوسٌ هَذِهِ
الْأَتْمَةُ الَّذِينَ يَقُولُونَ: لَا قُدْرَةَ، وَيَزْعُمُونَ أَنَّ الْمَسِيحَ
وَالْقُدْرَةَ إِلَهُمُ وَلَهُمْ ٧

۴۳۵ پیامبر خدا ﷺ ها! برای هر امتی، مجوسی
هست و مجوسی این امت، کسانی هستند که
می‌گویند: قدری وجود ندارد و گمان می‌کند
که حیثیت و قدرت به باد واگذار شده و از آن
بهاست

ب- ما يدلُّ على أنَّ القدرية هم الجبرية

٤٤٦. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يَعْمَلُونَ
الْمَعَاصِيَ، وَيَقُولُونَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ قَضَىٰ رَحْمَتَهُ عَلَيْنَا
الزَّادُ عَلَيْنَا كَالشَّاهِدِ سَمِعَهُ فِي حَبِيلِ أَقْبَى ٢

ب- آنچه دلالت می‌کند بر این که قدرته همان خبرگرایان اند
۴۴ پیغمبر خدا ﷺ در احقر رماں شومی پیدا
می‌شود که گناه می‌کند و می‌گویند: خدای
متعالی، آن را بر ایشان مقدر نموده‌است. مگر آنان،
همانند کسی است که در راه خدا شمشیر می‌کشد

عنه از این حدیث صحیح پیامبر ﷺ گرفته شده که «همان قدری که
مجرم این است مانند ۵۰ پی، مجرمه، مقوضه را به این صیبت
افزوده» خواهند که آمان قدر را انکار می کردند و هر حد آن
مجرم می کردند و [از سوی دیگر،] معروضه، مجرمه را به این
صیبت «افزوده» خواهند که آمان قدر را اثبات می کردند

لَقَدْ اُنْجِهَ اِلٰى سَادَاتِ اِمْلَاقِ اَهْلِ سِيَرَةٍ بِهٖ دَس
مِيْ اَمَدِ اِيْنِ اَسْتِ كِهْ اِيْشَانْ هَر دُو طَرَفَهٗ (مَجْبُورَهٗ وَ مَقْضُودَهٗ) رَا
عَدِيْهٗ نَاصِيَهٗ اَسَدِ وَ حَدِيْثَهٗ پِيَا مِرِ اَمَامِ عَلِيِّ عَلِيْهِ السَّلَامِ رَا بَرِ هَر دُو مَطْبِيقِ
دَا اَمَدِ مَجْبُورَهٗ اَعْدِيَهٗ حُوسَدِ اَمَدِ رِبْرِ اَنَاسِ حَيْرِ وَ سِرِ وَ
خَاصِ وَ مَعْصِيَهٗ وَ بَهٗ عِيْرِ اَسْمَانِ سَبَبِ مِيْ دَهْدِهٗ چنان كِهْ
مَجْبُورِ مِ اَنْزِلَ اَنْدِ كِهْ دَا اَهْلِ هَمْدِ خَيْرِ هٗ وَ شَرِ هٗ [كُنْصِي] اَجَزِ
اَسْمَانِ اَسَدِ وَ مَعْصِيَهٗ اَمَامِ عَلِيِّ عَلِيْهِ السَّلَامِ دَرِ اِيْنِ حَدِيْثِ پَنَا بَرِ هَمِيْنِ نَظَرِ
[اَنْهَ] اَسَدِ وَ مَقْضُودَهٗ رَا بَرِ قَدْرِيَهٗ حُوسَدِ اَمَدِ رِبْرِ اَنَاسِ قَائِلِ
بِهٖ دُو خِلَاقِ دُو عَالَمِ اَمَدِ [يَكِي] اَسْمَانِ سَبَبِ بَهٗ اَعْمَالِشِ وَ
[دِيْگَرِي] حُدُودِ سَبَبِ اَسَدِ بَهٗ دِيْگَرِ كَارِهَآ چنان كِهْ
مَجْبُورِ مِ خُدَايِ حَيْرِ وَ خُدَايِ سِرِ مَعْتَدِ اَمَدِ وَ سَبَبِ اَمَامِ عَلِيِّ عَلِيْهِ السَّلَامِ
دَرِ اَسَادِيْثِ پَنَا كِهْ دَهٗ جِيْرِ وَ بَهٗ قَدْرَهٗ اَنْظَرِ بَهٗ هَمِيْنِ نَظَرِ اَسْتِ

(الكنزى ج ١ ص ١٥٧ ، يادوش)

١. ألفردوس ج ٢ ص ٢٣٨ ح ٢٧٠٦.

٢ تفسير النجاشي ج ١ ص ١٩٩

٢ تطهير النفوس ص ٣٤٤

تحلیلی درباره جبر و تفویض و امر بین الامرین

بحث جبر و تفویض، از دیرباز، ذهن انسان را به خود مشغول ساخته است.

برای روشن شدن این مسئله، این موضوع را در سه بخش «نظریه جبر»، «نظریه تفویض» و «نظریه نه جبر و نه تفویض» مورد بررسی قرار می‌دهیم.

یک نظریه جبر

جبر، در مقابل اختیار و آزادی است. انسان مجبور، کسی است که قدرت و اختیار و آزادی ندارد. انسان در مورد عملی خاص، وقتی قادر و مختار است که نوبتی اراده و انجام دادن آن عمل و نیز توانایی ترک راده و انجام ندادن آن عمل را داشته باشد.

دلائل نظریه جبر و نقد آنها

طرفداران نظریه جبر، به دو دلیل، تمسک کرده‌اند که جملاً به طرح و نقد آن دو می‌پردازیم.

۱. تمسک به قصا و قدر

مهم‌ترین دلیل متکلمان جبری مذهب، قص و قدر خداوند است. ایان اختیار انسان را مضافی یا عمومیت قصا و قدر خداوند می‌دانند و معتقدند که اگر خداوند برای اسباب، کاری مثل خوردن شراب را تقدیر کرده باشد، ولی انسان آزاد باشد که آن را ترک کند و این کار را انجام ندهد، خداوند، مغلوب و انسان، غالب عرض می‌شود.

نقد دلیل نخست

در پاسخ این دلیل، باید گفت که قص و قدر در اعمال اختیاری انسان، به معنای مجبور کردن، و نه اعمال حاضی نیست؛ بلکه تقدیر خداوند در این باره، به این معناست که خداوند، برای قدرت و توانایی انسان، حدی قائل شده و نه اندرة معینی به انسان، قدرت بخشیده است.

فضای خداوند نیز به این معناست که خداوند به این محدودیت، حکم کرده و آن را ایجاد نموده است. البته به کار بردن این قدرت محدود نیز، مشروط به ادل حاکم است. باینکه اگر انسان معصیت کند، خداوند، مغلوب نمی‌شود؛ چرا که خود خداوند، قدرت معصیت را به انسان داده و در هنگام معصیت نیز، تکویناً مانع صدور

معصیت شده است، هر چند تشریعاً و از طریق پیامبرش به انسان‌ها اعلام کرده است که به معصیت، رضایت تشریعی ندارد.

۲. تمسک به توحید افعالی

دلیل دیگر طرفداران جبر توحید افعالی حدّ ابد است که بر اساس آن، فاعل همه اعمال، خداست.

نقد دلیل دوم

در مورد توحید افعالی باید گفت که اگر توحید افعالی، به معنای انجام شدن همه کارها (از جمله کارهای اختیاری انسان و گناهان و) به وسیله خدا باشد، پس معنی همان جبر است و معنی است نادرست.

معنای درست توحید افعالی، این است که قدرت و توانایی انجام دادن همه اعمال، از سوی خداست یعنی حتی آن‌گاه که انسان‌ها کارهای اختیاری انجام می‌دهند، بجز قدرت آن‌ها در خدا دریافت کرده است.

دو نظریه تعویض

تعویض در مقابل جبر، معنی واگذاری اعمال انسان به طور مطلق به خود او

بر اساس نظریه تعویض انسان در محدوده اعمال تعویض شده به او، اصل «توانایی انجام دادن امور» را از خدا دریافت کرده است و پس از این دریافت، او خود در اعمال خویش استعمال دارد و تحقق این اعمال، منوط به اذن و اجازه تکوینی خدا نیست بلکه خداوند نسبت به این اعمال، فاقد قدرت و توانایی است.

بر اساس این نظریه، خداوند بر اعمال انسان، قدرت ندارد؛ چرا که انسان بر اعمال اختیاری خویش قدرت دارد. در نتیجه اگر خداوند بخواهد این اعمال را در باشد، ممکن دو قادر بر یک مقدور پیش می‌آید، که محال است.

نقد نظریه تعویض لازمه این نظریه، عجز و ضعف خدا و محدود شدن سلطنت اوست؛ چرا که بر اساس این نظریه، خداوند بر اعمال اختیاری انسان‌ها، سلطنت ندارد و عجز از این است که خلوق صدور فعل انسان‌ها را بگیرد. در حالی که محدودیت و عجز و ضعف، از ویژگی‌های مخلوق است و نمی‌توان بین صفات رابطه حائز نسبت داد. امام باقر (ع) در رابطه با بطلان نظریه تعویض (در کتاب بطلان نظریه جبر) می‌فرماید:

لَمْ يَقْوُصْ الْأَمْرُ إِلَى حَلْفِهِ وَهَذَا مِنْ رُضْعَةٍ، وَلَا أُخْبِرُهُمْ عَلَى مُعَايِنَةِ ظُلْمًا^۱

خداوند، از روی سستی و ناتوانی، کار را به آفریداش سپرده و آنها را از روی ستم، به گناهان واداشته است.

به نظریه نه جبر و نه تعویض،

امامان اهل بیت (ع) صحت رد نظریه جبر و نظریه تعویض، نظریه صحیح را «جایگاهی میان جبر و تعویض» دانسته‌اند. امام صادق (ع) در حدیثی می‌فرماید:

لَا جَبْرَ وَلَا قَدَرَ وَلَكِنْ مَتَرَلَةٌ بَيْنَهُمَا^۱

نه جبر است و نه قدر است؛ بلکه جایگاهی میان این دو است

بر اساس این نظریه، انسان‌ها مجبور نیستند (چرا که دارای قدرت و اختیارند) و از سوی دیگر، کارها به طور مطلق، به انسان‌ها تفویض شده است (چرا که محدود، بر نسبت به مقهورات انسان‌ها قادر است)؛ بلکه مالکیت انسان در طول مالکیت خداست و محدودیت به داشتن قدرت، مالک‌تر و توانا تر است.



الفصل الرابع: أصناف القصاء والقدر

فصل چهارم: اقسام قضا و قدر

۱/۴ القضاء الموقوف والمحتوم

۱/۴ قضای معلق و قضای حتمی

الكتاب

قرآن

﴿يُنْخَوِ الْأَلْهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّثُ وَعِبْدُهُ أُمُ الْكُتُبِ﴾^۱

﴿خدا آنچه را بخواهد، محو یا اثبات می‌کند و اصل کتاب،

بردگوست﴾

الحديث

حديث

۴۴۷ رسول الله ﷺ ... أمر الله بحري إلى قصائيه، وقصاؤه

۴۴۷ پیامبر خدا ﷺ کار خدا، در جهت قضای او، و

بحري إلى قدره، ولكل قصاء قدر وكل قدر أهل

قضای او در جهت قدر او جریان می‌یابد برای هر

ولكل أهل كتاب ﴿يُنْخَوِ الْأَلْهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّثُ

قضایی، قدری است و برای هر قدری، پاداشی

وعبده أُمُ الْكُتُبِ﴾^۲

است و برای هر پایانی، [حکمی] مکتوب

(قضی) است ﴿خداوند آنچه را بخواهد، محو یا اثبات

می‌کند و اصل کتاب، بردگوست﴾

۲/۴ لا ملز من القصاء المحتوم

۲/۴ از قضای حتمی، گریزی نیست

الكتاب

قرآن

﴿وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَ لَهُ وَشَاءَ لَهُمُ كَيْنٌ

﴿و چون خدا برای قومی آسیبی بخواهد، هیچ برگشتی

ذوهم من ذال﴾^۳

برای آن نیست؛ و غیر از او هماهنگی برای آنان

نخواهد بود﴾

الحديث

حديث

۴۴۸ رسول الله ﷺ والذي نفس محمد بيده لو جهدت

۴۴۸. پیامبر خدا ﷺ سوگند به آن که جان محمد به

الأمة لتفعل ما فعلك، إلا شيئا قد كتبه الله لك^۴

دست او است، گر همه امت بکوشد تا سودی به

۴۴۹ حبة الأولياء من اس. خدمت رسول الله ﷺ

او نرساند، نمی‌توانند، مگر آن چیزی که خدا

عشر يسين مما أرسلي في حاجة قط فلم تهيا، لا

برای او مقرر نموده است

قال لو قصي كان - أو قدر كان -^۵

۴۴۹ حبة الأولياء - به سفل از آس - ده مال در

۴۵۰ رسول الله ﷺ إن الله إذا أراد إقصاء أمر سرع عقون

حکمت پیامبر خدا بودم هرگز مرا برای انجام

دادن کاری نمرستاد و آن کار انجام نشد، مگر

این که فرمود «اگر قصا بود، می‌شد؛ یا اگر قدر

بود، می‌شد»

۱ الزم ۳۹

۲ تاریخ دمشق ج ۵۲ ص ۱۴۵ ح ۱۱۱۴

۳ الزم ۱۱

۴ التردوس ج ۴ ص ۳۶۵ ح ۷۱۵۵

۵ حبة الأولياء ج ۶ ص ۱۷۹ ح ۳۶۶

۴۵۰ پیامبر خدا ﷺ هرگاه خداوند، حاکم عمل

الرَّجَالِ حَتَّى يُصْهِبَ أَمْرَهُ، فَإِذَا أَمْضَاهُ رَدَّ إِلَيْهِمْ
عَقُولَهُمْ وَوَقَعَتِ الْبِدَاةُ^۱

۴۵۱ الثَّعْبَةُ لِلنَّعْمَانِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَتَّاسٍ. قَالَ رَسُولُ

لِلَّهِ يَا عَتَّاسُ، وَيْلٌ لِدُرِّهِ مِنْ وَلَدِكَ، وَيْلٌ

لِوَلَدِكَ مِنْ وَلَدِي. فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَفَلَا أُجَنَّبُ

النِّسَاءَ، أَوْ قَالَ أَفَلَا أُجَنَّبُ نَفْسِي؟

قَالَ: إِنَّ عَلَّمَ اللَّهُ قَدْ مَضَى، وَالْأُمُورُ يَتَوَدَّوْنَ، وَنُ

الْأَمْرَ سَتَيْكُونُ فِي وَلَدِي.^۲

پوشیدن کاری را اراده نماید، بجز مردان را بر
می‌گردد تا کارش را به انجام رساند، وقتی کارش را
به انجام رساند، خردشان را بار می‌گرداند و
پشیمانی رَح می‌دهد

۴۵۱ الثَّعْبَةُ، نَعْمَانِي - به نقل از عبد الله بن عتاس -

پیامبر خدا به پدرم فرمود: ای عتاس! وای بر

پوندگان من از نسل تو و وای بر فرزندان تو از نسل

من!

گفت: ای پیامبر خدا! آیا از زنان، دوری کنم؟

(خود را عقیم سازم؟)

فرمود: همانا عدم خداوند خدا را انجام گرفته و

کفرها به دست اوست و این کار، به رودی درباره

فرزندان من، محقق می‌شود!

۱ الجامع الصغير ج ۱ ص ۲۵۳ ح ۱۶۶۶

۲ الثَّعْبُ الْقَطْعُ، جَبَّةٌ بِجَنْبِهِ جَبَأٌ، وَاسْتِصَالُ الْخَصِيَّةِ،

و مجرب، أي مقطوع الذكر (ناج العروس ج ۱ ص ۳۴۷

«جیب»)

۳ التَّيَّةُ لِلنَّعْمَانِيِّ ص ۲۴۸ ح ۲

توضیحی درباره احادیثی که به ظاهر، قصای غیر حتمی را نفی می‌کنند

احادیث فصلی که گذشت، به روشی دلالت دارند بر بر که قصای خداوند و مقدرات او، دوگانه‌اند. قصای محتوم که غیر قابل تغییر است و قصای غیر محتوم که می‌تواند تغییر نماید؛ یکی در مقابل این احادیث، احادیث دیگری نیز هستند که به ظاهر، دلالت بر نفی وجود قصای موقوف یا غیر محتوم و در نتیجه، انحصار قصای الهی در قصای محتوم دارند.

دسته‌بندی این احادیث

این احادیث را به چند دسته می‌توان تقسیم کرد

دسته اول، احادیثی هستند که تأکید می‌کنند **«قلم تقدیر الهی»** آنچه را تا قیامت پدید می‌آید، رقم رده و نوشته آن سر خشک شده است (اشاره به بر که مقدرات الهی، تا قیامت، مشخص و غیر قابل به سر برد).

در کتاب علی الشرائع آمده است که

عَبْدُ حَبْرَنَبْلٍ رضی الله عنه قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ يَا مُحَمَّدُ، وَيْلَ لَوْلَاكَ مِنْ وَلَدِ الْعَبَّاسِ فُخِرَ إِلَيْهِ عليه السلام الْعَبَّاسُ لَقَالَ يَا هُمُ، وَيْلَ لَوْلَاكَ مِنْ وَلَدِكَ فَقَدْ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَفَأَجِبْتُ نَفْسِي؟ قَالَ: «خَفَّ الْقَلَمُ بِمَا لَبِثَ»^۱

جبرئیل رضی الله عنه بر پیامبر صلی الله علیه و آله ماری شد و گفت: ای محمد! وای به حال فرزندان او! نسب فرزندان عباس پس پیامبر صلی الله علیه و آله مرد عباس رفت و به او فرمود: عمو! وای به حال فرزندان من! نسب فرزندان، عباس گفت: ای پیامبر خدا، آیا خودم را عقیم کنم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «قلم تقدیر، به این کار، رقم خورده است»

دسته دوم، احادیثی هستند که دلالت دارند بر این که عذای از مردم، برای بهشت آفریده شده‌اند و عذای برای دوزخ و هر یک تنها توانایی کاری را دارند که برای آن آفریده شده‌اند

چنان‌که حمزان بن حمص، روایت کرده که

قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَعْلِمُ أَهْلَ الْجَنَّةِ مِنْ أَهْلِ الدَّرَجَةِ؟ قَالَ: «نَعَمْ»، قِيلَ: فَكَيْفَ يَعْمَلُ الْعَامِلُونَ؟ قَالَ: «كُلُّ مُبْتَدَأٍ لِمَا خُلِقَ لَهُ»^۲

گفته شد: ای پیامبر خدا! آیا بهشتیان از جهنمین، بارشادخته شده‌اند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آری» گفته شد پس عمل

کنندگان، بر چه اساسی عمل می‌کنند؟ هر کس برای آنچه به خاطرش آورده شده، ثبت است»

دسته سوم، احادیثی هستند که به ظاهر، سعادت و شقاوت انسان‌ها را مقدر و مفروض می‌دانند و با این حدس، باز هم توصیه به عمل می‌نمایند، تا پس استدلال که آنها که اهل سعادت‌اند، توفیق عملی را پیدا می‌کند که آنها را به سعادت مقدرشان برساند و آنها که اهل شقاوت‌اند، توفیق کارهایی را می‌یابد که آنها را به سربوشت شومشان رهنمون می‌گردد، مانند آنچه درباره عمر بن خطاب نقل شده است که

إِنَّهُ قَالَ لِلنَّبِيِّ ﷺ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَرَأَيْتَ مَا نَعْمَلُ فِيهِ أَمْرٌ مَبْدُوحٌ أَوْ مَبْتَدَأٌ أَوْ أَمْرٌ قَدْ فُرِغَ مِنْهُ؟ قَالَ: «أَمَّا قَدْ فُرِغَ مِنْهُ، فَاَعْمَلْ يَا بَنِي الْخَطَّابِ، فَإِنَّ كَلَامَ نَبِيِّكَ، لَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ فَإِنَّهُ يَعْمَلُ لِلْسَّعَادَةِ، وَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الشَّقَاءِ فَإِنَّهُ يَعْمَلُ لِلشَّقَاءِ»^۱

عمر به پیامبر ﷺ گفت ای پیامبر خدا! ظرتان درباره آنچه عمل می‌کنیم چیست؟ آیا مبدع یا مبدع است یا پیش‌تر، مسلم و قطعی شده؟ فرمود: «ن عمل پیش‌تر مسلم و قطعی شده پس - ای پسر خطاب - عمل کن که همه مهیا شده‌اند (برای آنچه به خاطرش آورده شده‌اند) آن که اهل خوش‌بختی است برای خوش‌بختی می‌کوشد و آن که اهل بدبختی است، برای بدبختی کار می‌کند»

نکاتی در تفسیر این احادیث

برای تبیین این احادیث، توجه به سه نکته ضروری است

۱. تعارض این گونه احادیث با قرآن و احادیث قطعی المنصور

اگر مقصود از این احادیث، نفی آزادی انسان در ساختن سربوشت خود و سلب اراده و مشیت از خداوند در تفسیر سربوشت انسان و جهان باشد، به تنها این احادیث آحاد، مخالف احادیث متواتر و مست قطعی پیامبر ﷺ هستند، بلکه با صریح قرآن کریم و اساساً با فلسفه بعثت انبای الهی تعارض دارند، مثلاً این، بر فرض صحت سلب آنها، باز هم مردود و غیر قابل قبول خواهد بود

۲. عدم تعارض علم خداوند، با اراده او و آزادی انسان

ممکن است این احادیث، کنایه از عدم ارلی خداوند متعال به امور مذکور باشد، بدین معنا که او می‌داند چه کسی خوش‌بخت خواهد شد و چه کسی بدبخت؟ چه کسی به بهشت خواهد رفت و چه کسی به دوزخ؟ ره خواهد یافت؟ و در یک جمله، خداوند متعال سربوشت دبی و خروی همه انسان‌ها را می‌داند، اما نکته مهم و دقیق، این است که علم خدا، علّت معلوم نیست؛ بلکه تابع معلوم است و به متبوع آن، چنان که اشاعره و همفکران آنها پنداشتند

پس برین، عدم ارلی خداوند متعال، نه با اراده و مشیت او تعارضی دارد و نه با اراده و اختیار انسان در ساختن

سروشست خود .

به سخن دیگر، احادیث مذکور ، می‌خواهند بگویند که حدود متعال می‌داند که انسان با انتخاب خود ، چگونه سروشت خود را در دسا و حرب^۱ رقم خواهد زد . خوش بخت خواهد شد با بدبخت ، و بهشتی می‌شود با دورخی این مطلب ، به روشنی در برخی احادیث آمده است .

بنا بر این ، خشک شدن قلم تقدیر ، به تنهایی آر دی را برسان سلب نمی‌کند ، بلکه به او آزادی می‌دهد ؛ زیرا نوشته غیر قابل تغییر آن ، آر بودن انسان در انتخاب را و خوش بختی یا بدبختی است

۲ قلمرو آزادی انسان در محدوده تقدیر الهی

آراد بودن انسان در تعیین سروشت دیوی و انجروی خود ، منطبق نیست ، بلکه در محدوده قضا و قدر الهی است ؛ زیرا هر کس بر اساس تقدیر حکیمانه حضرت حق عزوجل استعداد ویژه‌ای دارد و تنها در محدوده مقدرات و استعدادهای خود می‌تواند آر دی و بلاش خویش بهره‌گیرنده این که هر کس بتواند به هر موقعیت دلخواه مادی یا معنوی دست یابد و آنچه در احادیث پیشین آمده که «كُلُّ مُيَسَّرٍ لِّمَا حُقِّقَ لَهُ» ، به نظر می‌رسد که ناظر به این نکته باشد

آری! انسان بر مانند همه فریده‌های حدود^۲ ، نمی‌تواند لا قهر و مقدرات الهی خارج شود . تنها تفاوت انسان با سایر آفریده‌ها ، این است که در تعیین سروشت خود ، در محدوده مقدرات الهی ، آر د است و هر سروشتی را انتخاب کرد ، نظام آفریش ، ابرار را مسدود به آق را برایش فراهم خواهد ساخت ﴿كُلَّا تُجَذَّ هُنَالَا وَ هُنَالَا مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا﴾ پس را و آسان را از عطای پروردگارت مدد می‌بخشیم و عطای پروردگارت (از کسی) دریغ نشده است ﴿

الفصل الخامس. خصائص القضاء والقدر

فصل پنجم ویژگی‌های قصا و قدر

۱/۵ الحُسْنُ

۱/۵ نیکی

۱۵۲ رسول الله ﷺ - فِي الدُّعَاءِ - هُوَ الْقَرِيرُ الْعَمُورُ
جَمِيلُ النَّشَاءِ، حَسَنُ الْبَلَاءِ، سَمِيحُ الدُّعَاءِ، حَسَنُ
الْقَصْدِ^۱

۲۵۲. پیامبر خدا ﷺ - در دعا :- او (خداوند)، ارجمند
بسیار، آمرزنده، زیبا ثنا، نیکو آزماینده، شنوای
دعا، و نیکو حکم‌کننده است

۲، ۵ الْعَدْلُ

۲، ۵ دادگری

۱۵۳ الْكَافِي: أَنِّي جَبْرِئِيلُ ﷺ إِلَى نَبِيِّ ﷺ فَقَالَ لَهُ يَا
رَبِّكَ يَقُولُ لَكَ إِذَا أُرِدْتُ أَنْ تَعْبُدَنِي يَوْمًا وَلَيْلَةً خَوِّ
عِبَادَتِي فَأَرْفَعُ بِذَلِكَ إِلَيْيَ وَقُلْ «الْحَمْدُ لَكَ أَنْعَمْتُ
خَمْدًا أَمْدًا، أَمْتُ حَسَنُ الْبَلَاءِ، جَلِيلُ النَّشَاءِ، سَامِعُ
الْحَمْدِ عَدْلُ الْقَضَاءِ، خَرِيلُ الْمَطَاءِ»^۲

۲۵۳ کفای: جبرئیل ﷺ به حضور پیامبر ﷺ رسید و
گفت: پروردگارت به تو می‌فرماید: هرگاه،
خواستی روز و شبی را، چنان که شایسته من
است، عبادتم بدهی، دستانت را به سوی من بر آور و
بگو: ... خدا یا! ستایش جاوید، از آن توست. تو
نیکو آزماینده، زیبا ثنا، بسیار نعمت دهنده، به
دادگری داور می‌کنی، و بسیار بخشنده‌ای

۳، ۵ الْحَيَرَةُ لِلْمُؤْمِنِ

۳، ۵ حیر مؤمن

۱۵۴ رسول الله ﷺ فِي كُلِّ نَصَاءٍ أَقْبَلَهُ جَمْرَةٌ يَلْمُؤُمِينَ^۳
۱۵۵ عَنْهُ ﷺ الْمُؤْمِنُ كُلُّ لَهُ فِيهِ خَيْرٌ، وَلَهُمْ ذَلِكَ لِأَخِي
إِلَّا يَلْمُؤُمِينَ، إِنْ أَصَابَهُ سَرَاءٌ فَشَكَرَ اللَّهُ فَلَهُ أَجْرٌ، وَإِنْ
أَصَابَهُ صَرَاءٌ فَصَبَرَ فَلَهُ أَجْرٌ، فَكُلُّ نَصَاءٍ أَقْبَلَهُ يَلْمُؤُمِينَ
خَيْرٌ^۴

۲۵۴. پیامبر خدا ﷺ در همه قصاهای خداوند ﷻ
برای مؤمن، خیر است

۲۵۵. پیامبر خدا ﷺ در هر چیزی که برای مؤمن
است، خیر است و این، برای کسی جز مؤمن
نیست اگر آسایش دام‌گیرش شود، سپس
می‌گرارد که برای او پاداشی است، و اگر سختی
گریبانگیرش گردد، شکب می‌وردد، که [بار هم]
برای او پاداشی است. باین برین، همه حکم‌های
خداوند برای مسلمانان، خیر است.

۱۵۶ الْإِمَامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ ﷺ صَحَبَكَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ دَائِمًا
يَوْمَ حَتَّى بَدَتْ نَوَاجِذُهُ^۵، ثُمَّ قَالَ: أَلَا نَسْأَلُكَ بِمِ

۲۵۶ امام زین‌العابدین ﷺ روزی، پیامبر خدا، چنان
حندید که دندان‌هایش هوید شد آن‌گاه فرمود
«ایا از من نمی‌پرسید که چرا حنیدیم؟»^۶
گفتند: چرا، ای پیامبر خدا!

۱. المذروع الوثيقة: ص ۸۸

۲. سُبْرَةُ النَّمَةِ بِمَا قَالُوا وَسُئِلَ (التهذيب ج ۲ ص ۳۳۸ سیخ).

۳. الکافی ج ۲ ص ۵۸۱ ح ۱۶

۴. التوحید ص ۳۷۱ ح ۱۱

۵. التمس الکبری ج ۳ ص ۵۳۶ ح ۶۵۴

۶. النواجِذُ مِنَ الْأَسْنَانِ الْمَضُوحَةِ، وَمِنْهَا الَّتِي تَبْدُو عَدَّةً

الصحیح (التهذيب ج ۵ ص ۲۰ سجد۹)

صَبَحْتُ؟ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ

قَالَ حَبِيبُ لِقَوْمِ الْمُسْلِمِ، أَلَمْ يَسْ مِنْ قَضَائِهِ
يُصِيبُهُ اللَّهُ إِلَّا كَانَ حَبِيراً لَهُ فِي عَاقِبَةِ أَمْرِهِ

فرمود: «برای مسلمانان در شگفتی! [زیرا] هیچ
حکمی از سوی خداوند ﷻ نیست، جز این که در
سرانجام کارش برای او حیران‌ساز»

فصل ششم: دُعا در قصاص

الفصل السادس: الدَّاء فِي الْقَضَاءِ

۱/۶ معنای دعا

۱/۶ معنی الدعاء

۲۵۷ پیامبر خدا ﷺ - درباره این سخن خدای متعال

۲۵۷ رسول الله ﷺ - فِي قَوْلِهِ «يُفْضُوا إِلَهُ مَا يَشَاءُ
وَيُثْبِتُ وَعِندَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» - يَمْحُو مِنَ الْأَجَلِ مَا
يَشَاءُ، وَيَزِيدُ فِيهِ مَا يَشَاءُ^۱

«خداوند آنچه را بخواهد، محو یا الهات می‌کند و اصل کتاب
برداشت می‌کند» - از أجل، آنچه را بخواهد، محو می‌کند
و در أجل، آنچه را بخواهد، می‌افزاید

۲۵۸ پیامبر خدا ﷺ خداوند ﷻ به یکی از پیامبرانش
وحی فرمود: «فلان پادشاه را خبر کن که من تا فلان
وقت، جنت را می‌گیرم»

۲۵۸ عَنْهُ ﷺ إِنَّ اللَّهَ يُوحِي إِلَى نَبِيِّ مِنْ أَنْبِيَائِهِ أَنْ أَخْبِر
فُلَانُ الْمَلِكُ أَنِّي مُتَوَفِّيهِ إِلَى كَذَا وَكَذَا، فَأَقْدَهُ ذَلِكَ النَّبِيُّ
فَأَخْبَرَهُ، قَدْ عَاثَ اللَّهُ الْمَلِكُ وَهُوَ عَلَى شَرِّ بَرٍّ حَتَّى سَقَطَ
مِنَ الشَّرِّ، فَعَالَ يَارَبِّتُ أَخْلِي عَنِّي وَيَسْبِطُ طَعْمِي
وَأَقْصِي أَمْرِي، فَأَوْحَى اللَّهُ ﷻ إِلَى ذَلِكَ النَّبِيِّ أَنْ تَقُلْ
فُلَانُ الْمَلِكُ، فَأَعْلِمُهُ أَنِّي قَدْ نَسِيتُ فِي أَخْلِي وَرِدْتُ
فِي عَمْرِهِ خَمْسَ عَشْرَةَ سَنَةً فَقَالَ ذَلِكَ النَّبِيُّ يَا رَبِّ
إِنَّكَ لَتَعْلَمُ أَنِّي لَمْ أَكْذِبْ قَطُّ، فَأَوْحَى اللَّهُ ﷻ بِهِ بِمَا
أَسْبَغَ عَبْدٌ مَأْمُورٌ فَأَبْلَغَهُ ذَلِكَ، وَلَهُ لَا يُسْأَلُ عَمَّا
يَفْعَلُ^۲

آن پیامبر به مرد پادشاه رفت و او را آگاه کرد [در
لحظه موعود] خدا پادشاه را در حالی که بر تختش
قرار داشت، [به مرگ] آگاه ساخت تا پس که از تحت
المناد، آن گاه گفت: «پروردگارا! به من مهلت ده تا
بوزادم برگردم و کارم را انجام دهم»

آن گاه خداوند ﷻ به آن پیامبر، وحی فرمود:
«مرد آن پادشاه برو و به او خبر بده که من، أجل او را
به تاخیر انداختم و به عمر او، پانزده سال افزودم»
آن پیامبر گفت: «پروردگارا! تو خود می‌دانی
که من هرگز دروغ نگفتم! [و اگر این خبر را به پادشاه
برسانم، مرد او دروغگو شمرده می‌شود]»

۲/۶ مَا يُوْجِبُ حُسْنَ الدَّاءِ

خداوند ﷻ به او وحی فرمود: «همانا تو بنده‌ای
مأمور هستی، پس، خبر را به او برسان، که از کار
خدا، پرسش نمی‌شود».

أ- الدُّعَاءُ

۲۵۹ رسول الله ﷺ الدُّعَاءُ يَزِدُّ الْقَضَاءَ وَفِيهِ حِلْفُهُ

۲/۶ عوامل میگویند شدن دعا

الف- دعا

۲۵۹ پیامبر خدا ﷺ دعا، قضا را باز می‌گرداند

۱ التوحید ص ۴۰۱ ح ۵

۲ التفرّد ص ۵ ص ۲۶۱ ح ۸۱۲۶

۳ التوحید ص ۴۱۳ ح ۱

قَصَاءُ اِنْ قَضَاءُ مَاضٍ، وَقَصَاءُ مُحَدَّثٌ^۱

۴۶۰. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الدُّعَاءُ جُدُّ مِنْ أَجْسَادِ اللَّهِ تَعَالَى مُجْتَنَّبٌ،

يُرَدُّ الْقَصَاءُ بَعْدَ أَنْ يُبْرَمَ^۲

ب- صَلَوةُ الْأَرْحَامِ

۴۶۱. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ شَرَّهُ النَّسَاءُ فِي لِأَجْلِ، وَالرُّبَادَةُ فِي

الرُّزْقِ، فَلْيَحْصِلْ رَجِيئُهُ^۳

۳/۶ مَا يُوْجِبُ سُوءَ النَّدَامِ

الكتاب

«إِنْ لَقِيَ لَمْ يَغْتَبِرْ مَا يَقُومُ حَتَّى يَغْتَبِرُوا مَا بِلِنَفْسِهِمْ وَإِنْ

أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ»^۴

الحديث

۴۶۲. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا تَقَصَّ قَوْمٌ سَهْدَهُمْ إِلَّا شَلَّطَ عَلَيْهِمْ

عَدُوَّهُمْ، وَمَا جَازَ قَوْمٌ إِلَّا كَثُرَ لِقَلُّ بَيْنَهُمْ، وَمَا مَسَحَ

قَوْمٌ الرُّكَاةَ إِلَّا حَبَسَ الْفَطْرُ عَنْهُمْ، وَلَا ظَهَرَتْ فِيهِمْ

الْفَاجِئَةُ إِلَّا قَسَا فِيهِمُ الصَّوْتُ، وَمَا يُخَيِّرُ قَوْمٌ

الْمَكْيَالَ وَالْمِيرَانَ إِلَّا أَجِدُوا بِالسَّيْنِ^۵

۴۶۳. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أَبْغَضَ الْمُسْلِمُونَ عُلَمَاءَهُمْ، وَأَظْهَرُوا

عِمَارَةَ أَسْوَاقِهِمْ وَتَنَاجَّهُوا عَنِّي خَمِيعَ نَذْرَاهِمُ، وَمَا هُمْ

إِلَّا اللَّهُ بِأَرْبَعِ جِصَالٍ بِالتَّحْطِطِ مِنَ الزَّمَانِ، ۱. جَوْرِ مِنَ

السُّلْطَانِ، وَالْجِيَانَةِ مِنَ وَلَاوِ الْأَحْكَامِ، وَالصُّوْلَةِ مِنَ

الْعَدُوِّ^۶

۱. الفردوس ج ۲ ص ۱۱ ح ۲۰۹۰

۲. تمشد الغلبه ج ۵ ص ۳۳۸ الرقم ۵۲۹۷

۳. الکافی ج ۲ ص ۱۵۲ ح ۱۶

۴. الرقم ۱۱ ۵. إرشاد القلوب ص ۷۱

۶. المستدرک علی الصحیحین ج ۱ ص ۳۶۱ ح ۷۹۳

حداوند، درباره آفریدگانش، دو گونه قضا دارد

قضای نافذ [و تغییر ناپذیری]، و قضای نوپدید [و

جایگزین] قضای تغییر یافتنی].

۴۶۰. پیامبر خدا ﷺ، دعاء، سپاهی از سپاهیان آماده

خدای متعال است که قضا را [حتی] پس از قطعی

شدن، باز می گرداند.

ب- صله رجم

۴۶۱. پیامبر خدا ﷺ، هر که تأخیر در أجل و بسیاری در

روزی، بخوش حالش می کند، باید صله رجم نماید.

۳/۶ عوامل ناخوشایندی مدا

قرآن

«در حققت، خدا حال قومی را تغییر می دهد تا آنان، حال

خود را تغییر دهد و چون خدا برای قومی آسیبی

بخواهد هیچ برگشتی برای آن نیستند و شهر از او

محافظت نمی برای آنان نخواهد بود»

حدیث

۴۶۲. پیامبر خدا ﷺ هیچ قومی پیمانشان را شکستند،

جز این که دشمنانشان بر آنان مسلط شدند، و هیچ

قومی ستم نکردند، جز این که کشتار در بینشان

روح پاست، و هیچ قومی از پرداخت رکات

خودداری نکردند، مگر این که از باران، محروم

شدند، و گناه در میان آنان، پدیدار نگشت، مگر این

که مرگ در بینشان گسترش یافت، و هیچ قومی در

پیمان و پورن کردن، کم نگذاشتند، جز این که به

قحطی گرفتار آمدند.

۴۶۳. پیامبر خدا ﷺ- هرگاه مسلمانان، دانشمندانشان و

دشمن بدانند و ساختمان‌های یارانشان را بلند کند

او مال اندوزی را بر سایر کارها ترجیح دهند] و بر

پایه انبساط ثروت، زدواج نمایند، خداوند ﷻ آنان

ر با چهار چیز، هدف قرار می دهد قحطی روزگار،

ستم پادشاه، خیانت دوران، و پورش دشمن.

سخنی دربارهٔ بدا

بدا، یکی از آموزه‌های مهم اسلامی است. از آن‌جا که آیات قرآن کریم و احادیث نقل شده در کتاب‌های شیعه و اهل سنت، به روشی بر بدا دلالت دارند، همه فرق و مذاهب اسلامی، عملاً مفهوم بدا را پذیرفته‌اند. البته برخی، از آن‌رو که معنای بدا به درستی درک نکرده‌اند و پنداشته‌اند که بدا با علم دائمی و ابدی خدا در تعارض است، به انکار آن پرداخته‌اند.

این، در حالی است که در عمل، همه فرق مسلمان دست به دعا درمی‌دارند و به توبه‌های خود و به توبه‌های خویش، بلکه تغییر سرنوشت خود را از خدا می‌خواهند، و این، چیزی جز اعتقاد عملی به مفهوم «بدا» نیست.

بدا، در لغت

و تره «بدا» از ریشه «بدو» است، به معنای «ظهور» است. ظهور، خود در دو معنای «ظهور پس از حجاب» و «پیدایش رأی جدید»، به کار می‌رود.

معنای دوم بدا (پیدایش رأی جدید)، خود دو صورت دارد: پیدایش رأی بر خلاف رأی قبلی (تعبیر در رأی)، و پیدایش رأی بدون سابقه قبلی.^۱

بدین سان، «بدا» در لغت عرب، در سه مورد به کار می‌رود:

۱. آشکار شدن چیزی پس از محضی بودنش

۲. پیدایش رأی بر خلاف رأی قبلی (تعبیر رأی)

۳. پیدایش رأی بدون سابقه قبلی.

حال باید دید که بدا در قرآن و احادیث، به کدام معنی در مورد حدی متعال به کار رفته است.

بدا، در قرآن و احادیث

بسیاری از کسانی که در مورد بدا نظر داده‌اند و یا آن را تکرار کرده‌اند، در این گمان بوده‌اند که بدا به معنای نخست آن، در مورد خدا به کار رفته است. در اینجا به توجیه برداشتن در مورد خداوند پرداخته‌اند؛ اما باید توجه داشت که در قرآن و احادیث، «بدا» در مورد خداوند متعال، به دو معنای اخیر به کار رفته است. معنای سوم، مورد براج نیست و تنها معنای دوم، مورد بحث و اختلاف نظر است.

۱. در این صورت دوم، «بدا» به «بدا» هم معنی می‌دهد.

در بحث قصا و قدر دیدیم که خداوند، ممکنات و دریی‌هایی همچون، توان، رویری و بقا را به طور محدود، در اختیار انسان‌ها قرار داده است. این محدودیت، تقدیر الهی است. از سوی دیگر، تقدیر الهی به دو گونه محتوم (تعیین‌پذیر) و غیر محتوم (تعییرپذیر) تقسیم می‌شود.

بنا، عبارت است از تغییر در تقدیر غیر حتمی از طریق تقدیم و تأخیر تقدیرات و یا محو یک تقدیر و اثبات تقدیری دیگر، چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید:

وَتَخَوُّوا اللَّهَ مَا يَشَاءُ وَيُنَبِّئُكُمْ عَيْنَهُ أَمْ كُنتُمْ تَعْلَمُونَ

خدا آنچه را بخواهد، معذرت یا اثبات می‌کند و اصل کتابه بود ایست.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه شریف می‌فرماید:

هَلْ يُمْحَى إِلَّا مَا كَانَ ثَابِتًا؟ وَ هَلْ يُنْبَأُ إِلَّا مَا لَمْ يَكُنْ؟^۱

یا هر آنچه ثابت است، محو می‌شود؟ و آیا هر آنچه نبوده است، اثبات می‌شود؟

نمونه‌هایی از بنا در قرآن

قرآن کریم، در طی از موارد مهمی را که در بهاد روح داده است، ذکر می‌کند. از جمله این موارد، خدا، در عذاب قوم یونس است.

وَكُلُّوْا لَا تَخَافُوْا قُرْبٰنًا ؕ اَمْسِكْ عَلَيْكُمْ زُرُوعَكُمْ وَلَا تَمْشُوا فِيْ اَرْضِكُمْ مَّيْمٰنًا وَلَا شِمٰلًا وَلَا تَنْقِبُوا عَنْهُنَّ اَعْدَابًا ؕ اَلْجَزٰى فِى الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَ الْمَآْخِرَةِ اَكْبَرُ ۚ

چرا هیچ شهری بود که [اهل آن] ایمان بیاورند و امنش به حلقش بود بپوشند. مگر قوم یونس که وقتی [در آبرین لحظه] ایمان آوردند، عذاب رسولی را در زندگی بهاد از آن برطرف کردیم و تا چندی، آنان را به خوردن ساختیم.

مورد دیگر، بنا، در وعده خداوند به موسی علیه السلام است.

وَوَعَدْنَا مُوسٰى ثَلٰثِيْنَ لَّيْلَةً وَّ اَنْقَضٰهَا بِعَشْرِ لَّيْلَةٍ وَاَقَالَ مُوسٰى لِاٰجِبِهٖ هٰزُوًّا اَخْلَقِيْ فِىْ قُرْبٰى وَاَصْلَحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيْلَ الْمُظْلِمِيْنَ ۚ

و با موسی، سی شب وعده گذاشتیم و آن را به ده شب دیگر تمام کردیم. تا آن که وقت معین به روزگار شد، در جهت شب به سر آمد. و موسی [هنگام رفتن به کوه طور] به برادرش هارون گفت: در میان قوم من، جانشینم باش و [کار آن را] اصلاح کن و راه صالحان را پیروی کن.

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه می‌فرماید:

كَانَ فِى الْعِلْمِ وَ التَّقْدِيْرِ ثَلٰثِيْنَ لَّيْلَةً ۚ ثُمَّ بَدَا فِىْ فِرَادَةِ عَشْرًا ۚ كَتَمَ مِيقَاتُ رَبِّهِ لِلْأَوَّلِ وَ الْآخِرِ اَرْبَعِيْنَ لَّيْلَةً ۚ

[قرار موسی علیه السلام با خدا در دانش و تقدیر، سی شب بود. سپس برای خدا، به حاصل شد و ده [شب] افزود، تا آن که مهلت

۱. تفسیر ج ۱ ص ۱۶۷ ح ۲، شریعت، ص ۱۳۳ ح ۲

۲. اعراف آیه ۱۲۲

۱. رعد آیه ۳۹

۲. یونس آیه ۹۸

۳. تفسیر المیزان ج ۱ ص ۲۴ ح ۴۶، مدار الأنوار ج ۱ ص ۱۳ ح ۳۳۶ ح ۲۷

مقرر پروردگارش از ابتدا تا انتها در جهن شب به سر آمد

امام صادق علیه السلام در بین دو حدیث، تصریح می‌نماید که خدا، در «کتاب تقدیرات (أم الكتاب)» بوده است و نه در علم ذاتی خدا؛ چرا که هم تقدیر قلی و هم تعبیر در تقدیر قلی و اثبات تقدیر جدید، همگی در علم ذاتی و ازلی خدا بوده‌اند.

نمونه‌هایی از بنا در احادیث اهل سنت

در این جا به چند نمونه از بدیهی که در منابع حدیثی من مست آمده‌اند، اشاره می‌کنیم تا مشخص گردد که این مسئله به احادیث اهل بیت علیهم السلام اختصاص ندارد

الدَّهَاءُ يَرُدُّ الْقَضَاءَ، وَلِلَّهِ لِيْ غَلْفَةٌ قَضَاءَانِ، قَضَاءُ مَا فِيْهِ، وَ قَضَاءُ مُّحَدَّثٍ.^۱

دعا، نص را باز می‌گرداند خداوند دو قصا در امریده‌هايش دارد قضاى ظمى و قضاى حادث

لَا يَرُدُّ الْقَدْرَ إِلَّا الدَّهَاءُ^۲

قدر را جر دعا، باز می‌گرداند

همچنین از امام عی علیه السلام نقل شده است که فرمود:

إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ الْأَمْرَ الْخَبِيرَ^۳

خداوند، امر ظمى شده را باز می‌گرداند

بطور این حادث، در منابع اهل سنت، بسیار قراوان است. سایر این، مسکراں بنا، باید همه این احادیث را منکر شوند

بنا از دیدگاه وجدان و عقل

هر انسانی تا مراجعه به وجدان خود، در می‌یابد که وصحت موجودش می‌توانست به گونه‌ای دیگر باشد مثلاً اگر فقیر است، می‌توانست عسی باشد، یا اگر مریض است، می‌توانست سالم باشد و از همین روست که در دعاهایش از خدا می‌خواهد که وراثت و تمدن در دست کند این تعبیر در تقدیر، چیرى جز بنا نیست

از سوى دیگر، عقل، و خود همه کمالات را در خدا ثبت می‌کند و از جمله کمالات، «قدرت مطلق» است بر اساس این کمال، خداوند، حسی پس از تقدیری حاضر مانند فقر فلاں کس، یا بیماری فلاں کس، می‌تواند این تقدیر را تعبیر دهد و آن دو کس را عسی و سالم کند پس که بگوییم «خداوند، پس از تقدیر مودل یک چیز، دیگر توانایی تعبیر آن را ندارد»، محدود کردن قدرت خدا و سلب مودل کمالات اوست و این، خلاف حکم صریح عقل است

۱. الفردوس ج ۲ ص ۱۱ ح ۲۰۹۰، كنز العمال ج ۱۶ ص ۳۷۵ ح ۴۵۲۰

۲. سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۳۵ ح ۹۰ المستدرک على الصحيح ج ۱ ص ۶۷۰ ح ۱۸۱۴

۳. كنز العمال ج ۱ ص ۳۲۴ ح ۱۵۵۶

الفصل السابع: تقدير السعادة والشقاوة

۱/۷ السَّعِيدُ سَعِيدٌ فِي نَظَرِ أُمِّهِ وَكَذَلِكَ الشَّقِيُّ

۴۶۴ رسول الله ﷺ إِنَّ السُّفْهَانَ إِذَا اسْتَقَرَّتْ فِي الرُّجِمِ قَمَضَى لَهَا أَرْبَعُونَ يَوْمًا. جَاءَ ذَلِكَ الرُّجِمُ فَصَوَّرَ عَظْمَهُ وَلَحْمَهُ وَدَمَهُ وَشَعْرَهُ وَبَشَرَهُ وَتَمَعَهُ وَبَصَرَهُ، فَيَقُولُ يَا رَبِّ أَذْكَرُ أَمْ أَتَنَّى؟ يَا رَبِّ شَقِيٌّ أَمْ سَعِيدٌ؟ فَيَقْضِي اللَّهُ مَا شَاءَ وَيُكْتُبُ، ثُمَّ يَقُولُ أَيُّ رَبِّ أَيُّ شَيْءٍ رِزْقُهُ؟ فَيَقْضِي اللَّهُ مَا شَاءَ، فَيُكْتُبُ ثُمَّ يُطَوِّى بِالصَّحِيفَةِ فَلَا تُشَرُّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ^۱

۲/۷ فَعَنَى سَعَادَةُ الْمَوْلُودِ وَشَقَاوَتُهُ قَبْلَ

وِلَادَتِهِ

۴۶۵ التَّوْحِيدُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ سَأَلْتُ أَبَا الْعَاسِ

مَوْسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنِ مَعْنَى قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ «الشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ، وَالسَّعِيدُ مَنْ سَعَدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ». فَقَالَ الشَّقِيُّ مَنْ عَیِمَ اللَّهُ وَهُوَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَنَّهُ سَيَعْمَلُ أَعْمَالَ الْأَشْقِيَاءِ، وَالسَّعِيدُ مَنْ عَلِمَ اللَّهُ وَهُوَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَنَّهُ سَيَعْمَلُ أَعْمَالَ السَّعْدِ.

قُلْتُ لَهُ: فَمَا مَعْنَى قَوْلِهِ ﷺ: «اعْمَلُوا فِكْرًا مُشْتَرًّا لِمَا خُلِقَ لَهُ»

فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْحُرَّ وَالْإِسْلَامَ لِيَعْبُدُوهُ وَنَسَمَ يَحْتَفَهُمْ بِعَصْوِهِ، وَذَلِكَ قَوْلُهُ ﷺ: «وَمَا خَلَقْتُ الْإِسْلَامَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِي»^۲ فَيَسَّرَ كُلًّا لِمَا خُلِقَ لَهُ فَالْوَيْلُ^۳ لِمَنْ اسْتَحَبَّ الْعَمَى عَلَى الْهُدَى^۴

۱ المعجم الكبير ج ۳ ص ۱۷۷ ح ۳۰۱

۲ قدوریات ۵۶

۳ الریئل: کلمة عذاب، ولیل: واد فی جهنم لو أرسلت فیہ الجبال لعمات من حره (المصباح ج ۵ ص ۱۸۴۶ رویل)

۴ التَّوْحِيدُ ص ۳۵۶ ح ۳

فصل هفتم: تقدیر خوش‌بختی و بدبختی

۱/۷ خوش‌بخت، بر رَحِمِ مادرش خوش‌بخت

است و هم‌چنین بدبخت

۴۶۴ پیامبر خدا ﷺ: وقتی سطفه در رَجِم قرار گرفت و چهل روز از آن سپری شد...، فرشته رَجِم می‌آید و استخوان و گوشت و خون و مو و پوست و گوش و چشم آن (جسم) را شکل می‌دهد و می‌گوید: پروردگرا! آیا مرد است یا زن؟ پروردگرا! آیا بدبخت است، یا خوش‌بخت؟ آن گاه خداوند ﷻ آنچه را بخواهد، حکم می‌کند و همان نوشته می‌شود. سپس می‌گوید: پروردگرا! روزی او چیست؟ آن گاه خدا، آنچه را بخواهد، حکم می‌کند. پس نوشته می‌شود و سپس در یک صفحه پیچیده می‌شود و تا روز رستاخیز، گشوده نمی‌شود.

۲/۷ معنای خوش‌بختی و بدبختی بورا، قبل از

تولد

۴۶۵ التَّوْحِيدُ - به نقل از محمد بن ابی حمیر - از امام کاظم ع دربارۀ معنای این سخن پیامبر خدا که: «بدبخت، کسی است که در رَجِم مادرش بدبخت شده است و خوش‌بخت، کسی است که در رَجِم مادرش خوش‌بخت شده است» پرسیدم.

فرمود: «بدبخت، کسی است که خدا در حالی که او در رَجِم مادرش است، می‌داند که او کارهای بدبختان را خواهد کرد، و خوش‌بخت، کسی است که خدا در حالی که او در رَجِم مادرش است، می‌داند که او کارهای خوش‌بختان را خواهد کرد».

به ایشان گفتم پس معنای این سخن پیامبر خدا، که: «عمل کنید، که هر کس برای آنچه آفریده شده، موفق است»، چیست؟

فرمود: «خداوند ﷻ جن و انس را آفرید تا او را بپرستند و آنان را بپاازید که نافرمانی‌اش نکنند، و این [به دلیل] سخن خداوند ﷻ است که: «وَجَنِّ وَاِنْسَ را می‌پاازیدم، جز برای آن که مرا بپرستند». این چنین [خداوند، راه رسیدن] هر کس را به فلسفه آفرینش خود، هموار ساخته است پس، وای بر کسی که کم‌راهی را بر هدایت، ترجیح دهد!

پژوهشی درباره حدیث «خوش بخت در رحم مادرش خوش بخت است»

از ظاهر این حدیث، چس بر داشت می‌شود که خوش بختی و بدبختی، مادرزادی‌اند و سعادت و شقاوت انسان‌ها، پیش از آن‌که متولد شوند، مشخص است به سخن دیگر، هر کسی در شکم مادر سعادت‌مند باشد، زندگی او پس از تولد نیز توأم با خوش بختی ست و اگر در شکم مادر بدبخت رقم خورده باشد، پس از تولد نیز بدبخت خواهد بود.

مادر این برداشت، این سوال، مطرح می‌شود که این حدیث، بر مجبور بودن انسان‌ها در پیمودن راه سعادت و شقاوت، دلالت ندارد؟

پیش از پاسخ‌گویی به این سوال، توجه به این نکته ضروری است که اعتقاد به جبر - چنان‌که پیش از این به تفصیل توضیح دادیم - به معنای انکار عدم حصولی انسان، اختیار و آزادی خویش و میر به معنای انساب ظلم و فعل قبیح به خداوند متعال است و در صورت اجرای سوءنیت افعال انسان، دین و شریعت و ارزش‌های اخلاقی بی‌معنا خواهد بود. بر اساس این نکته مسلم و تردیدناپذیر، قصاص و قتل الهی و از جمله تقدیر خوش بختی و بدبختی انسان، حتماً باید به گونه‌ای تفسیر شود که به مجبور بودن انسان در انتخاب راه زندگی بی‌جامد با عاقبت به این نکته، می‌توان گفت که این حدیث، به یکی از دو معنای زیر، اشاره دارد:

۱. خداوند، قبل از تولد انسان‌ها، به خوش بختی و بدبختی آنها علم دارد.

خداوند متعال، سرنوشت همه انسان‌ها را قبل از تولد آنها می‌داند؛ اما روشن است که عدم اراده خداوند، علت صدور افعال انسان نیست. به سخن دیگر خداوند متعال می‌داند که هر انسانی با اراده و انتخاب خود، چه راهی را در زندگی انتخاب می‌کند. با این فرض، انسان در انتخاب راه خوب یا بد، مجبور نیست. این تفسیر از حدیث، عیناً از امام کاظم علیه السلام روایت شده است.

الشَّيْءُ مَنْ عَلِمَ اللَّهُ وَهُوَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَنَّهُ سَيَعْمَلُ أَعْمَالَ الْأَشْقِيَاءِ، وَ السُّعْدُ مَنْ عَلِمَ اللَّهُ وَهُوَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَنَّهُ سَيَعْمَلُ أَعْمَالَ السُّعْدَاءِ.^۱

بدبخت، کسی است که خداوند او همان زمانی که در رحم مادرش است می‌داند که او کارهای بدبختان را خواهد کرد و خوش بخت، کسی است که خداوند او همان زمانی که او در رحم مادرش است، می‌داند که او کارهای خوش بختان را خواهد کرد.

۲ خوش بختی برای مؤمن و بدبختی برای کافر، تقدیر شده است

معمای دیگری که برای حدیث می‌توان نمود، این است که خداوند متعال برای فرزندانی که می‌دانند در آینده راه درست زندگی را انتخاب می‌کند و ایمان می‌آورند، در شکم مادرهایشان خوش بختی مقدر کرده و برای فرزندانی که می‌دانند در آینده راه نادرست را انتخاب می‌کند و کفر می‌ورزند، در شکم مادرهایشان بدبختی مقدر نموده است.

بدین‌بین، سعادت و شقاوت، گرچه به وسیله حدیث تقدیر می‌شود، اما بر اساس ایمان و تقوا، و کفر و انکار - که عمل اختیاری انسان‌اند - برای انسان، رقم می‌خورند.

۳/۷. دَوْرُ الْعَقْلِ فِي مَصِيرِ الْإِنْسَانِ

الكتاب

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا مَقُومٌ حَتَّى يُعَيِّرُوا مَا بَأْسُهُمْ﴾^۱

الحديث

۴۶۶ رسول الله ﷺ كَمَا تَكُونُونَ يُوتَى - أَوْ يُؤْمَرُ عَلَيْكُمْ^۲

۴/۷. مَبَارَى السَّعَادَةِ

أ- المعرفة

الكتاب

﴿يُوتَى الْحَفَنَةُ مِنْ بَشَاءٍ وَمِنْ يُوْثِ الْحَفَنَةِ لَقَدْ أُوْتِيَ

حِفْزًا غَنِيًّا وَمَا يَذْكَرُ إِلَّا أَوْلُوا الْأَلْسِنِ﴾^۳

الحديث

۴۶۷ رسول الله ﷺ يَعْلَمُ إِمَامَ الْعَمَلِ وَالْعَمَلُ تَابِعُهُ، يُفْهِمُهُ

أَفْهَ السَّعَادَةِ وَيَحْرِمُهُ الْأَشْيَاءُ^۴

ب- الإيمان

۴۶۸ رسول الله ﷺ أَسْعَدُ النَّاسِ شِعَاعِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ

عَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، حَالِصًا مِنْ دِينِهِ أَوْ نَفْسِهِ^۵

ج- ولاية أهل البيت ﷺ

۴۶۹ رسول الله ﷺ يَمْلِكُ اللَّهُ - يَا عَلِيُّ، نَجِدُكَ تَوَلَّيْتُ^۶

۱ الرعد ۱۱

۲ مستدركه ج ۱ ص ۳۳۷ ح ۵۷۷

۳ البرة ۲۶۹

۴ التخصال ص ۵۱۲ ح ۱۲

۵ صحيح البخاري ج ۱ ص ۱۹ ح ۹۹

۶ الأمالي للصدوق ص ۶۷ ح ۲۲

۳/۷. نقش عمل در سر دوشنت انسان

قرآن

﴿وَرَحِيمٌ خَلَقَ جِلْ جِلْ قَوْمِي رَ تَعْيِيرُ مِي دَهْدَ تَا آدَانِ حَالِ

خود را تعیر دهد﴾

حدیث

۴۶۶. پیامبر خدا ﷺ همان گوی که هستید، سر شما

سرپرستی (حکومت) می شود

۴/۷. عوامل خوش محنتی

ب- شناخت

قرآن

﴿اَلَمْ يَلْمِزْ يَ هَر كَسِي كَه يَغْرَاهِدُ، حَكْمَتِ مِي يَغْشَدُ، وَ يَ هَر

كَلَسِي حَكْمَتِ نَادَا شُودَ، يَ يَفِي، خَيْرِي دَر لَوَلِ دَادَا شُودَ

اَلَمْ يَلْمِزْ يَ هَر كَسِي كَه يَغْرَاهِدُ، حَكْمَتِ مِي يَغْشَدُ، وَ يَ هَر

حدیث

۴۶۷. پیامبر خدا ﷺ دَانِش، پِشَوایِ عَمَلِ اَمِت و

عَمَل، پِرو آن حِدَلوید، آن رَا یَ یِک بَحْتَانُ الْهَامِ

مِی کُند و بَد بَحْتَانِ رَ اَرِ اَن، مَحْرُوم مِی سَارَد

ب- ایمان

۴۶۸. پیامبر خدا ﷺ بِر حُور دَار تَر مِی اَصْرَاد اَر مَعَادَت

شِعَاعَتِ مِی دَر رُوز رِستَا حِیر، کَسِی اَمِت کَهِ یَ

اِخْلَاصِی بِر حَاسْتَه لَز دِل و جَان، اَلَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ،

مِگوید

ج- ولایت اهل بیت ﷺ

۴۶۹. پیامبر خدا ﷺ - یَ عَلِی ﷺ - اِی عَلِی اِیْک بَخْت

اَمِت هَر کَهِ وَلَايَتِ تَوَر پِیْدِیرَد

۱۷۰. عَنْهُ عليه السلام - أَيْضاً - أَلَا إِنَّ السَّعِيدَ كُلَّ سَعِيدٍ مِمَّنْ أَحَبَّكَ
وَأَحَذَ بِطَرِيقَتِكَ ^۱

د - اِتِّبَاعُ الْقُرْآنِ

الكتاب

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلْأَمْرِ هِيَ أَقْوَمُ﴾ ^۲

الحديث

۱۷۱ رسول الله صلى الله عليه وآله إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ التَّوْرُ الْمُسِيءُ مِمَّنْ
خَفَلَتْ شِعَارُهُ وَدِثَارُهُ ^۳ أَسْعَدَهُ اللَّهُ ^۴

ه - اِلِسْتِعَانَةُ مِنَ اللَّهِ

الكتاب

﴿كَيْفَ يَمُوتُ • يَكْفُرُ زُحْمَتِ رَبِّكَ عِنْدَهُ رَكْبَتًا • فَذُحْلًا
رُثَةً مَدَامَ حَفِيًّا • قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي
وَأَسْتَغْلِي الرِّأْسَ شَيْئًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ
شَقِيًّا﴾ ^۵

الحديث

۱۷۲ رسول الله صلى الله عليه وآله يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ
ارْحَمْنِي رَحْمَةً تُطْفِئُ بِهَا غَضَبَكَ وَتَكْفُ بِهَا عَذَابَكَ
وَتَرْزُقَنِي بِهَا سَعَادَةً مِنْ عَمَلِكَ ^۶

۲۷۰ پیامبر خدا صلى الله عليه وآله - به علی عليه السلام - هان! سبک‌بخت
کامل، کسی است که تو را درست بخارد و روش
تو را در پیش بگیرد

د - پیروی از قرآن

قرآن

﴿عَلِمْنَا أَنَّ الْقُرْآنَ، بِهِ رَامِيَ كَمَا اسْتَوَارْتَرِينَ رَاهَةً،
هُدَايَتٌ مِي كَدِّ﴾.

حديث

۲۷۱ پیامبر خدا صلى الله عليه وآله ایس قرآن، همان سور آشکار
است هر کس آن را حاکم رویی و زیرین خود
قرار دهد، خداوند او را خوش‌بخت می‌کند

خطاباری جستن از خدا

قرآن

﴿كَانَ، هَذَا، هِيَ، صَادَ [ابن] يَادِي لَزُحْمَتِ بِرُورِدْكَارِ
تَو [دِهَارَةُ] بِنْدَهَلِش [زُكْرِيَا]، أَنْ كَادَ كَه [رُكْبَةٍ]
بِرُورِدْكَوَرِش رَا نَجْوَا كَرْدَ، كُفْتَه [بِرُورِدْكَارَا] مِمَّنْ
اِسْتَعْوَانَم سَبَّ كَرْدِيدَه وَ [مُؤِي] سَرَمِ اَرِ بِرِي سَبِيدَه
كُفْتَه، وَ - اِي بِرُورِدْكَارِ مِمَّنْ - هَر كُزَرِ دَرِ دَعَايِ تُو مَالِيدَه
بِرُورِدْكَارِ﴾

حديث

۲۷۲ پیامبر خدا صلى الله عليه وآله ای خدا ای خدا ای خدا

بخشنده مهربان! سر من رحمتی ارزانی بدار
که با آن، حشم خود را خاموش کنی و عذابت را
بار دیری و نسیک‌بختی سزد خودت را نصیبم
فرمایی

۱ الأُمَامِي لِلطُّوسِي ص ۴۹۸ ح ۱۰۹۳

۲ الإسراء ۹

۳ الشَّعَارُ الثَّرِبُ الَّذِي يَبْنِي الْجَسَدَ، لِأَنَّهُ يَبْنِي شَعْرَةً، وَالْثَّرِبُ

الثَّرِبُ الَّذِي يُوَقُّ الشَّعَارَ (التهذيب ج ۲ ص ۴۸۰ «شعر»)

۴ التَّصْبِيرُ الْمُسْرَبُ إِلَى الْإِمَامِ الْمُسْكِرِيِّ عليه السلام ص ۴۱۹ ح ۲۹۷

۵ مريم ۱-۱

۶ مَكَلِمُ الْأَخْلَاقِ ج ۲ ص ۱۴۳ ح ۲۳۵۴

۵/۷. مَا يُحَوِّلُ الْأَشْفِيَاءَ سَعْدَاءَ

۵/۷ آنچه تیره‌بختان را دیک‌بخت می‌کند

۴۷۳ حلیة الأولیاء عن الأوزاعي قَدِمْتُ الْمَدِينَةَ فَسَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِهِ عليه السلام «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُنْثِتُ وَبَعْدَهُ أُمُّ الْكَيْبِ»

۴۷۳ حلیة الأولیاء - به نقل از اوراوی - به مدینه آمدم و از محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام درباره این سخن خداوند علیه السلام پرسیدم «وحدای هر چه را بخواهد محو یا نشاء می‌کند و اصل کتابش بود نوشت»

فَقَالَ نَعَمْ. حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُ عَنْهَا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَقَالَ لَا بُدَّ لَكَ بِهَا يَا عَلِيُّ، فَيُشْرِبُ بِهَا أُتَيْتُ مِنْ بَعْدِي، الصَّدَقَةُ عَلَى وَجْهِهَا، وَاصْطَاعُ الْمَرْحُومِ، وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ، وَصِلَةُ لَرْجَمِ، تُحَوِّلُ الشَّقَاءَ سَعَادَةً، وَرَبْدُ فِي الْمَمَرِ، وَتَقِي مَصَارِعَ السُّوءِ.^۱

فرمود: «آری پدرم، از جدش علی بن ابی طالب علیه السلام برایم نقل کرد که فرمود: درباره آن، از پیامبر خدا پرسیدم فرمود: نه یقین، درباره آن نه تو مرده می‌دهم. تو هم درباره آن، پس از من به ائمت‌م مرده بده که، صدقه خالصانه، سیکرکاری، نیکی به پدر و مادر، و صله رحم، تیره‌بختی را به دیک‌بختی تبدیل می‌کند و عمر را طولانی می‌نماید و از مرگ‌های بد، بگه می‌دارند»

۶، ۷. فَادَى الشَّقَاءَ

أ- حَتُّ الدُّبَا

۴۷۴ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَنْتَسِ الْعَبْدَ عَبْدٌ حَتَّى لَعَبَدُوهُ وَأَنْهَنَهُ الْعَاجِلَةُ نَحْيَ الْأَجَلِ عَارِ بِالرُّعْبَةِ الْمَاحِلَةِ وَشَمِي بِالْعَاقِبَةِ^۲

۶/۷ ریشه‌های تیره‌بختی

الف - دبیا دوسی

۴۷۴ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بدترین سده، کسی است که برای عبادت، فریده شده؛ ولی دبی او را از احترت باز دارد، و به دبای دلخواه برسد؛ ولی سرانجام [در احترت] بدبخت گردد

ب - نافرمانی خدا

ب - مَعْصِيَةُ اللَّهِ

۴۷۵. رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَسَّ عَمَلٌ سَوْءًا شَهِدَتْ عَلَيْهِ جَوَارِحُهُ، وَبِقَاعُهُ، وَشَهْوَرُهُ، وَأَعْوَامُهُ، وَسَاعَاتُهُ وَأَيَّامُهُ وَلَيَالِي الْجَنَّةِ وَسَاعَاتُهَا وَأَيَّامُهَا، فَيَشْقَى بِذَلِكَ شَقَاءَ الْأَبَدِ.^۳

۴۷۵ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر کس هر کار بدی انجام دهد، عصای بدش، مکان‌ها، ماه‌ها، سال‌ها، ساعت‌ها (رورهایش) و شب‌های جمعه و لحظه‌ها و روزهای ن، علیه او گواهی می‌دهد. آن‌گاه بدین سبب، برای همیشه تیره‌بخت می‌گردد

۱ حلیة الأولیاء ج ۶ ص ۱۱۵

۲ التواتر للروندی ص ۱۱۵ ج ۹۸

۳ التعمیر المصوب إلى الإمام العسكري عليه السلام ص ۶۵۵ ج ۲۷۲

ج - مُخَالَفَةُ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

ج - مخالفت با اهل بیت علیهم السلام

۱۷۶ رسول الله ﷺ - لِقَائِي يَوْمَ عَرَفَةَ - إِنَّ الشَّقِيَّ كُلَّ الشَّقِيَّ حَقَّ الشَّقِيَّ مِنْ عَصَاكَ، وَنَصَبَ لَكَ عَدُوًّا مِنْ بَعْدِي ^۱

۳۷۶ پیامبر خدا ﷺ - به منی در روز عرفه - .
بلدحت حقیقی، کسی است که از تو سرپیچی کند
و پس از من با تو دشمنی ورزد.

د - اتِّبَاعُ الْهَوَى

د - پیروی از خواسته های نفس

۱۷۷ رسول الله ﷺ - إِحْذِرِ الْهَوَى، فَإِنَّهُ قَائِدُ الْأَشْقِيَاءِ إِلَى النَّارِ ^۲

۳۷۷ پیامبر خدا ﷺ از هوای نفس بپرهیز؛ چرا که
راهنمای تیر میخندان به سوی جهنم است

فصل هشتم. رضایت از قضا

الفصل الثامن الرضا بالقضاء

۱/۸. تطبیق به خشنودی از قضا

۱/۸ الرضا على الرضا بالقضاء

۱۷۸ رسول الله ﷺ من سعادته من آدم رضاء بما قضى لله له. ومن شعاعه من آدم تركه استعارة الله. ومن شعاعه من آدم تحفظه بما قضى الله له ^۳

۳۷۸ پیامبر خدا ﷺ از سببیک بختی فرورد آدم.
حشودی اوست به آنچه خداوند برای او حکم
نموده است، و از تیر میخانی فرورد آدم، ترک طلب
حیر از خداوند است، و [تیر] از تیر میخانی فرورد
آدم، ب حشودی اش از حکم خداوند درباره
اوست

۱۷۹ معاني الأخبار من أحمد بن أبي عبد الله عن أبيه رفعه
جاء جبرئيل ﷺ إلى النبي ﷺ فقال: يا رسول الله إن الله
- تبارك وتعالى - أرسلني إليك بهدية لم يحط بها أحداً
قبلك.

۳۷۹. معانی الأخبار - به نقل از احمد بن ابی عبد الله،
از پدرش، در حدیثی که سند آن را به اهل بیت علیهم السلام
رسانده است -؛ جبرئیل ﷺ نرد پیامبر ﷺ آمد و
گفت: «ای پیامبر خدا! خداوند - تبارک و تعالی -
مرا با هدیه ای پیش تو فرستاده که آن را پیش از تو
به کسی عطا ننموده است»

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - قُلْتُ وَمَا هِيَ؟

قَالَ الصَّبْرُ وَأَحْسَنُ مِنْهُ

قُلْتُ: وَمَا هُوَ؟

قَالَ الرِّضَا ^۴

پیامبر خدا فرمود: گفتم آن چیست؟

گفت: «شکیبایی و بهتر از آن»

گفتم: آن (بهتر از شکیبایی) چیست؟

گفت: «خشنودی [به قضا]»

۱ الاثر للمنفذ من ۱۶۱ ح ۲

۲ تاریخ اصبهان ج ۲ ص ۳۳۲ الرقم ۱۸۷۵

۳ سنن الترمذی ج ۴ ص ۴۵۵ ح ۲۱۵۱

۴ معانی الأخبار من ۲۶۰ ح ۱

۱۸۰ الإمام الصادق عليه السلام لم يكن رسول الله يقول شي و قد نصي لو كان غيره^۱

۲۸۰ امام صادق عليه السلام هیچ گاه پیامبر خدا درباره چیزی که گذشته بود، نمی فرمود کاش عبر این بود!

۲/۸. التحذير من عدم الرضا بالقضاء

۲/۸ هشدار درباره ناخشنودی از قضا

۴۸۱ رسول الله ﷺ قال الله جل جلاله: من لم يرض بقضائي ولم يؤمن بقدري، فليتمس بها عيري^۲

۲۸۱ پیامبر خدا ﷺ خداوند ﷻ فرمود: هر کس به قضای من خشنود نباشد و به قدر من ایمان نیاورد، باید در پی حدیثی غیر از من باشد!

۴۸۲ عنه ﷺ - يما أوصى به علياً عليه السلام - يا علي، شر الناس من اتهم الله في قضائه^۳

۲۸۲. پیامبر خدا ﷺ - از جسمه سوارش هایش به علی علیه السلام - ای علی! بدترین مردم، کسی است که خداوند را در قضایش متهم کند

۳/۸ مبادئ الرضا بالقضاء

۳/۸ عوامل خشنودی به قضا

أ- اليقين

الف- يقين

۴۸۳ رسول الله ﷺ لما أعطى الله آدم من الأرض قام وجاء الكعبة فصلّى ركعتين، فأنهت الله كعبته الدعاء اللهم إني أسألك إيماناً بآية محمد ﷺ، وتقيماً صادقاً حتى أعلم أنه لا يصيبي إلا ما كتبت لي، ورضاً بما قسمت لي^۴

۲۸۳ پیامبر خدا ﷺ وقتی خداوند، آدم را به زمین فرستاد، آمد رو به روی کعبه ایستاد و دو رکعت نماز به جا آورد آن گاه خداوند، این دعا را به او انعام فرمود: خدا یا! از تو ایسمانی طلبی می خواهم و یقینی صدقانه - تا بدانم خبر آنچه برایم مقدر داشته‌ای، به من نمی رسد - و [بیر] خشنودی به آنچه برایم تقسیم کرده‌ای!

ب- عقل خدا

ب- فصل الله

۴۸۴ رسول الله ﷺ إذا أراد الله ﷻ بقدر خيراً أرضاه بما قسم له وبأرك له فيه، وبذلك لم يرد به خيراً لم يرض به بما قسم له ولم يُبارك له فيه^۵

۲۸۴ پیامبر خدا ﷺ خداوند ﷻ، هر گاه برای بنده‌ای نیکی بخواهد، او را به آنچه برای او قسمت نموده، خشنود می‌سازد و برایش در آن برکت قرار می‌دهد، و هنگامی که برای بنده‌ای نیکی بخواهد، او را به آنچه قسمتش نموده، خشنود نمی‌سازد و در آن برایش برکت قرار نمی‌دهد

۱ الکافی ج ۲ ص ۶۳ ح ۱۳

۲ التوحید ص ۳۷۱ ح ۱۱

۳ کتاب من لا يحضره الفقيه ج ۴ ص ۲۶۳ ح ۵۷۶۲

۴ الروحانية النجاة بعالم داري و جنة دارال حادها من عباد وجهها (المعجم الوسيط ج ۳ ص ۱۰۱۵ در حد)

۵ المعجم الأوسط ج ۶ ص ۱۱۷ ح ۵۹۷۱

۶ الرضا عن الله بعصاة لآبي أبي الدرداء ص ۸۹ ح ۵۵

۴/۸. آثار الرضا بالقضاء

۴، ۸ آثار خشودی به قضا

أ- التَّقَرُّبُ إِلَى اللَّهِ وَرِضْوَانُهُ

الف- نزدیکی به خدا و خشنودی او

۴۸۵ رسول الله ﷺ: أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى مُوسَى ﷺ: إِنَّكَ لَنْ تَقْرُبَ إِلَيَّ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ الرِّضَا بِقَضَائِي، وَلَنْ تَعْمَلَ عَمَلًا أَحْظَ بِخَسَائِكَ مِنَ الْكِبَرِ^۱

۴۸۵ پیامبر خدا ﷺ: خدای متعال به موسی ﷺ وحی فرمود: «تو هرگز با چیزی که محبوب‌تر از خشودی به قضای من باشد، به من نزدیک نمی‌شوی و هرگز عملی را انجام نمی‌دهی که برای یکی‌هایت، نابود کننده‌تر از تکبر باشد»

۴۸۶ عنه ﷺ: مَنْ رَضِيَ مِنَ اللَّهِ بِالتَّسْوِيرِ مِنَ الرُّزْقِ، رَضِيَ اللَّهُ بِنَهْ بِالتَّسْوِيرِ مِنَ الْعَمَلِ^۲

۴۸۶ پیامبر خدا ﷺ: هر کس به روزیِ بزرگ از جانب خدا بخشود باشد، خداوند (بیر) به عملِ اندکی او خشنود می‌شود

ب- سَهَابُ الْخَيْرِ

خشود می‌شود

۴۸۷ رسول الله ﷺ: لَا يَمَانُ بِالْقَدَرِ يُدْهِبُ اللَّهُ وَبَحْرَنَ^۳

ب- مردود اندوه

ج- الرِّاحَةُ

۴۸۷ پیامبر خدا ﷺ: اِيْمَانٌ بِقَدَرٍ، عَمٌّ وَانْدَوَةٌ رَاحَةً

ج- آسودگی

۴۸۸ رسول الله ﷺ: لَدُنَّا دُولٌ، فَمَا كَانَ لَكَ مِنْهَا شَاءٌ عَلَى صَعْتٍ، وَمَا كَانَ مِنْهَا عَلَيْكَ لَمْ يَدْفَعَهُ بِقُوَّتٍ، وَمَنْ انْقَطَعَ رِجَاؤُهُ مِمَّا فَاتَ اسْتِرَاحَ بَدْنِهِ، وَمَنْ رَضِيَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ قَرَّبَ عَلَيْهِ^۴

۴۸۸ پیامبر خدا ﷺ: دنیا در گردش است (دست به دست می‌گردد)، آن مقداری که برای توست، ب وجود ناتوانی‌ات، به تو می‌رسد، و آن مقدار که به زیان توست، نمی‌توانی آن را یا بوانست دور کنی. هر کس امیدش به آنچه از دست داده، قطع شود، تش آسوده می‌گردد، و هر کس به آنچه خدا روزی‌اش نموده، خشنود باشد، چشمش روشن می‌شود

د- العَصَى

د- بی‌نیازی

۴۸۹ رسول الله ﷺ: إِنْ رَضِيَ بِقَسَمِ اللَّهِ، تَكُنْ مِنَ أَعْيَنِ النَّاسِ^۵

۴۸۹ پیامبر خدا ﷺ: به قسمت خدا خشنود باش تا از بی‌نیازترین مردم باشی

۴۹۰ عنه ﷺ: مَنْ رَضِيَ بِقَسَمِ اللَّهِ كَانَ عَبْدًا^۶

۴۹۰ پیامبر خدا ﷺ: کسی که به قسمت خدا خشنود باشد، بی‌نیاز است

۱ حلیة الأولیاء ج ۷ ص ۱۳۷

۲ تحف الموعود ص ۵۷

۳ مستد الشهاب ج ۱ ص ۱۸۷ ح ۲۷۷

۴ التمهید ص ۵۴ ح ۱۰۶

۵ الامالی للمنفذ ص ۳۵۰ ح ۱

۶ کثر القبول ج ۲ ص ۱۶۲

النَّبِيُّ

مَحَبَّةُ اللَّهِ وَالتَّقَرُّبُ إِلَيْهِ

الفصل الأول. الترغيب في محبة الله

۱/۱ فصل محبة الله

الكتاب

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَصْنَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لَهُ وَلَئِذَا جَاءَ الْقُرْآنُ تُنَادُوا أَيُّهَا الْقُرْآنُ مَلَكًا وَلَئِذَا يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ فَأُولَئِكَ الْفَرَقَةُ لَهُمْ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾^۱

الحدیث

۱۹۱. رسول الله ﷺ - لِمَنْ سَأَلَهُ أَيُّ النَّاسِ أَكْثَرُكُمْ
إِيمَانًا؟ - أَصَدُّهُمْ حُبًّا^۲

۱۹۲. عنه ﷺ. الْإِيمَانُ فِي قَلْبِ الرَّحُلِ أَنْ يُحِبَّ اللَّهَ^۳

۲/۱ التَّامُّونَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ

۴۹۳. رسول الله ﷺ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُبَّكَ، وَحُبَّ
مَنْ يُحِبُّكَ، وَالصَّمَلَ الَّذِي يُنْتَمِي حُبَّكَ اللَّهُمَّ
اجْعَلْ حُبَّكَ أَخْبَإً لِي مِنْ مَنِّي وَأَهْلِي وَمَنْ أَلَمَّ
الْبَارِدُ^۴

۴۹۴. عنه ﷺ. إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ.

۱ البقرة ۱۶۵

۲ جامع الأحادیث للقمي ص ۲۰۵

۳ شفاء قلوب ج ۱ ص ۱۱۴ ح ۳۸۶

۴ كنز العمال ج ۲ ص ۱۹۵ ح ۳۷۱۸

باب چهارم

دوستی خدا و نزدیکی به او

فصل یکم. تشویق به خدا دوستی

۱/۱ فصلت خدا دوستی

قرآن

﴿وَمِنْ بَرِيٍّ إِذَا تَدَارَكَهُ الْمَوْتُ فِي حُبِّ اللَّهِ هُوَ اللَّهُ حُبُّهُ يُؤْتِيهِ الْغَنَاءَ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾^۱

حدیث

حدیث

۲۹۱. پیامبر خدا ﷺ - در پاسخ کسی که پرسید: بهترین
مردم برای لحاظ ایمان کدام‌اند؟ - راستگو ترس آنها
در دوستی

۲۹۲. پیامبر خدا ﷺ. ایمان در دل انسان، آن است که
خدا را دوست بدارد

۲/۱ کاملان در خدا دوستی

۲۹۳. پیامبر خدا ﷺ. بار الهی دوستی تو و دوستی آن
که دوستت دارد و کرداری را که مرا به دوستی است
می‌رساند، از تو درخواست می‌کنم. بار الهی
دوستی خودت را بردم، محبوب‌تر از خودم و
خانواده‌ام و آب حنک، قرار ده

۲۹۴. پیامبر خدا ﷺ. خداوند حق، نور چشمم را در
بهار قرار داده است و همان‌گونه که عذرا را محبوب

وَحَبَّيْهَا إِلَيَّ كَمَا حَبَّبَ إِلَيَّ الْجَائِعُ الطَّعَامَ وَالْيَ ظَمَّانُ الْمَاءَ؛ فَإِنَّ الْجَائِعَ إِذَا أَكَلَ الطَّعَامَ شَبَّحَ وَإِذَا شَرِبَ الْمَاءَ زَوِيَ، وَأَنَا لَا أَشْبَعُ مِنَ الصَّلَاةِ^۱

شخص گرسنه و آب را محبوب نشسته قرار دهد، بجز را محبوسم ساخته است؛ حال آن که هرگاه شخص گرسنه غذا بخورد، سیر می‌شود و هرگاه آب بنوشد، سیراب می‌گردد؛ اما من، از نماز سیر نمی‌شوم

۳/۱ عِبَادَةُ الْمُحِبِّينَ

۳/۱ پرسش‌های دوستداران

۱۹۵ رسول الله ﷺ بَكَى شُعَيْبٌ ﷺ مِنْ حُبِّ اللَّهِ ﷻ حَتَّى عَمِيَ، فَرَدَّ اللَّهُ ﷻ عَلَيْهِ بَصَرَهُ، ثُمَّ بَكَى حَتَّى عَمِيَ، فَرَدَّ اللَّهُ ﷻ عَلَيْهِ بَصَرَهُ، ثُمَّ بَكَى حَتَّى عَمِيَ، فَرَدَّ اللَّهُ ﷻ عَلَيْهِ بَصَرَهُ، فَلَمَّا كَانَتِ الرَّابِعَةُ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ يَا شُعَيْبُ، إِلَى مَتَى يَكُونُ هَذَا أَبَدًا مِنْكَ؟ إِنْ يَكُنْ هَذَا حَقًّا مِنْ النَّارِ فَقَدْ أُجِرْنَاكَ، وَإِنْ يَكُنْ شَوْقًا إِلَى الْجَنَّةِ فَقَدْ أُنِجْتُكَ

۲۹۵ پیامبر خدا ﷺ شعیب ﷺ از دوستی خدای ﷻ چندان گریست که نابینا شد پس خداوند، بینایی‌اش را به او بازگرداند. باز چندان گریست تا آن که نابینا شد پس خداوند، بینایی‌اش را به او بازگرداند. باز چندان گریست که ناتوان شد پس خداوند، بینایی‌اش را به او بازگرداند. در مرتبه چهارم، خداوند به او وحی کرد: «ای شعیب! این کار را تا کی می‌خواهی همچنان تکرار کنی؟ اگر این کار از ترس دوزخ است، آن را کنار بگذار و اگر از اشتیاق به بهشت است، آن را بر تو روا ساختم»

قَالَ إِلَهِي وَسَيِّدِي أَنْتَ تَعْلَمُ أَنِّي مَا يَكْبُتُ شَوْقًا مِنْ بَارِيٍّ، وَلَا شَوْقًا إِلَى خَلْقِكَ، وَنَكِرَ غَدَّ حُبُّكَ عَلَيَّ فَلَمَّا أَصْبِرُ أَوْ أَرَاكَ عَاوَحِي اللَّهُ جَلَّ خَلَالُهُ إِلَيْهِ أَمَا إِنْ كَانَ هَذَا هَكَذَا فَمَنْ أَجَلِي هَذَا مَا حَدَّثُكَ كَلِمَتِي مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ^۲

خداوند گفت: بار اله و سرور! تو خود می‌دانی که از ترس دوزخ و یا از سر اشتیاق به بهشت گریه نمی‌کنم؛ لیکن دوستی تو، با دلم پیوند خورده است. از این رو، تاب صبوری ندارم تا تو را ببینم پس خداوند ﷻ به او وحی کرد: «هانا! حال که کارت به این سبب است، به رودی موسی بن عمران، هم سخن خود را به خدمت تو در جوار هم آورده».

۴/۱ أُجِبُوا اللَّهَ وَحَمَوْهُ

۱۹۶ رسول الله ﷺ أُجِبُوا اللَّهَ لِمَا يَمْدُوكُمْ بِهِ مِنْ نِعْمَةٍ، وَأُجِبُوا لِيُحِبَّ اللَّهُ ﷻ، وَأُجِبُوا أَهْلَ بَيْتِي لِحُبِّي^۳

۱۹۷. عَنْهُ ﷺ قَالَ اللَّهُ ﷻ لِيَدُودُ ﷻ أَحِبِّبِي، وَحَبِّبِي

إِلَى خَلْقِي

قَالَ يَا رَبِّ، تَعَمَّ أَمَا أُجِيبُكَ، فَكَيْفَ أَحْبِبُّكَ إِلَى

۲/۱ خدا را دوست بدارید و محبوب دیگران سازید

۲۹۶ پیامبر خدا ﷺ خدا را به سبب نعمت‌هایی که به شما بخشیده است، دوست بدارید، و مرا به سبب دوستی خدای ﷻ دوست بدارید، و اهل بیت مرا برای دوستی من، دوست بدارید

۲۹۷ پیامبر خدا ﷺ خدای ﷻ به داوود ﷻ فرمود: «مرا دوست بدار و محبوب بندگم گردان»

۱ الأملی للمفسر، ص ۵۲۸ ح ۱۱۶۲

۲ علی الشرائع ص ۵۷ ح ۱

۳ الأملی للمفسر ص ۱۴۶ ح ۵۹۷

حَلَقِكَ؟

قَالَ أَذْكَرُ أَيَّامِي عَنْهُمْ، فَأَنْتَ إِذَا رَكَّزْتَ نَفْسَهُمْ
دِيكَ أَحَبُّوْنِي^۱

داوود گفت: پروردگارا! آری، من تو را دوست
دارم؛ اما چگونه تو را محبوب بندگان گردانم؟
فرمود: نعمت‌هایی را که به آنان داده‌ام، یادآور
شو؛ زیرا اگر خوبی‌هایم را یادآورشان شوی، مرا
دوست خواهند داشت.

الفصل الثانی مبادئ محبة الله

۱/۲. بِكُرُ الله

فصل دوم عوامل خدا دوستی

۴۹۸ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ اللَّهِ أَحَبَّهُ^۲

۱/۲ یاد خدا

۴۹۹ عَنْهُ ﷺ قَالَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى يَا مُحَمَّدُ، لَوْ أَنَّ الْخَلَائِقَ
نَظَرُوا إِلَى عَجَائِبِ صَمْعِي مَا عَبَدُوا غَيْرِي وَنُفُوسُهُمْ
وَجَدُوا خَلَاوَةً ذَكَرِي فِي قُلُوبِهِمْ بِرُءُوسِهَا، وَلَوْ جِئْتُمْ
نَظَرُوا إِلَى نَظَائِفِ بَرِّي مَا اشْتَعَلُوا بِشَيْءٍ سِوِي^۳.

۴۹۸ پیامبر خدا ﷺ هر که خداوند ﷻ را بار یاد
کند، خداوند دوستش خواهد داشت.

۴۹۹ پیامبر خدا ﷺ خداوند ﷻ به من فرمود: ای
محمد! اگر، فریدگان به ساحت‌های شگفت من
ماهی نگریستند، جز مرا نمی‌پرستیدند، و اگر
شیرینی یاد مرا در دل‌هایشان می‌چشیدند، ملازم
هرگاه کن می‌شدند، و اگر به طرایف یکی‌های من
می‌نگریستند، به چیزی جز من نمی‌پرداختند.

۲/۲ الطَّلَب

۵۰۰ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الرَّحَابَ الْقَصَاءَ،
وَبَرَكَاتِ الْمَوْتِ بَعْدَ الْقَبْرِ، وَبَرَكَاتِ الْقَبْرِ بَعْدَ الْمَوْتِ
وَلَدَّةَ الْمَنْظَرِ إِلَى وَجْهِكَ، وَشَوْقًا إِلَى رُؤْيِكَ وَلِقَائِكَ.
مِنْ غَيْرِ صَرَاءٍ مُصْرُوٍّ وَلَا بَيْتَةٍ مُصَلَّةٍ^۴

۲/۲ درخواست

۵۰۰ پیامبر خدا ﷺ بار الهای من از تو خشود
به قصابت، برکت مرگ پس از زندگی، حوشی
زندگی پس از مرگ، لذت نگریشت به
رحسارت، شوق دیدن و دیدت بی‌نگیابی
ریابار و یافته‌ای گمراه‌کننده را خواستارم.

الفصل الثالث: مبادئ التحنن إلى الله

۱/۳ طاعة الله

۵۰۱ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ أَحَبَّ الْمَاسِ إِلَى اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
أَطْوَعُهُمْ لَدُنِّي، وَأَتَقَاهُمْ^۵

فصل سوم، خاستگاه محبوبیت در نزد خدا

۱/۳ فرمانبری از خدا

۵۰۱ پیامبر خدا ﷺ محبوب‌ترین مردم در نزد خداوند
در روز قیامت، فرمانبرترین آنها نسبت به او و
پرهیزگارترین آنان است.

۱ قصص الانبياء ص ۲۰۵ ح ۲۶۶

۲ التمهيد للحسين بن سعيد ص ۵۵ ح ۱۲۸

۳ مصباح القلوب ص ۵۵۹

۴ التكملي ج ۲ ص ۵۱۸ ح ۶

۵ التكملي ج ۵ ص ۳۴۰ ح ۱

۲/۲. مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ

۲/۳. اخلاق والا

۵۰۲ رسول الله ﷺ أَخْبَكُمْ إِلَى اللَّهِ أَحَابِسَكُمْ أَحْلَافًا،

۵۰۲ پیامبر خدا ﷺ محبوب‌ترین‌های شما در نزد

خداوند، خوش‌خو‌ترین‌های شما هستند؛ آنان

که مرو‌نی می‌کند و نا‌دیگران، الفت می‌گیرد و

دیگران نیز با آن، الفت می‌گیرند.

الْمُطَوِّوْنَ أَكْنَافًا الَّذِينَ يَأْتُونَ وَيُؤْتُونَ^۱

۵۰۳ الإمام الصادق ع قَالَ رَجُلٌ لِلنَّبِيِّ ﷺ يَا رَسُولَ

۵۰۳ امام صادق ع مردی به پیامبر ﷺ گفت ای پیامبر

خدا! به من کاری را بیاموز که چون انجامش دهم،

هم خدا در آسمان و هم زمینان، دوستم بدارند

پیامبر ﷺ فرمود: «به آنچه نزد خداوند است،

راغب باش، تا خداوند دوستت بدارد، و به آنچه

نزد مردم است، پی‌میلی نشان بده، تا مردم

دوستت بدارند»

لِلَّهِ، عَلَّمَنِي شَيْئًا إِذَا أَنَا فَعَلْتُهُ أَحَبَّنِي اللَّهُ مِنْ أَسْمَاءٍ،

وَحَبَّنِي أَهْلُ الْأَرْضِ

قَالَ إِرْغَبْ فِيهَا عِنْدَ اللَّهِ يُحِبُّكَ اللَّهُ، وَارْغَبْ فِيهَا

عِنْدَ النَّاسِ يُحِبُّكَ النَّاسُ^۲

۵۰۴ رسول الله ﷺ مَا مِنْ جُرْعَةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنْ

جُرْعَتَيْنِ جُرْعَةُ شَيْطَانٍ يَزُدُّهَا مُؤْمِنٌ بِحِلْمٍ، وَجُرْعَةُ

جَنَّةٍ يَزُدُّهَا مُؤْمِنٌ بِصَبْرِ^۳

۵۰۵ عَنْهُ ﷺ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الشَّجَرَ، فَأَجْتَوَهُ، وَجِئْتُ

الْحَيْلَ، فَأَبْصَوَهُ^۴

۵۰۶ عَنْهُ ﷺ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَنِ عِبَادَهُ الْعَوْرَ^۵

۵۰۷ عَنْهُ ﷺ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ نَزْمًا فِي الْأَمْرِ كُلِّهِ^۶

۳/۳. محاسن الأعمال

۵۰۸ رسول الله ﷺ حَمَلَةُ الْقُرْآنِ هُمُ الْمُحْفَوُونَ بِرَحْمَةِ

اللَّهِ، الْمَتَبُوسُونَ بِوَرِّ اللَّهِ عَزَّ يَا حَمَلَةُ الْقُرْآنِ، تَحَبُّوْ

إِلَى اللَّهِ يَتَوَفِّرُ كِتَابُهُ بِرَدِّكُمْ حُبًّا وَيُحِبُّكُمْ إِلَى حَقِيهِ^۷

۵۰۴ پیامبر خدا ﷺ هیچ جرعه‌ای نزد خدا محبوب‌تر

از دو جرعه نیست جرعه خشمی که مؤمن، آن را با

بردباری مرو‌می‌نزد؛ و جرعه‌ی تاب‌ناکی که مؤمن، آن

را با شکیلی [به درون خود] باز می‌گرداند

۵۰۵ پیامبر خدا ﷺ خداوند، به‌حشدگان را دوست

می‌دارد؛ پس دوستشان بنارید، و بحیلان را

دشمن می‌دارد؛ پس دشمنشان بنارید

۵۰۶ پیامبر خدا ﷺ خداوند، سادگان ساعیرت خود

را دوست دارد

۵۰۷ پیامبر خدا ﷺ خداوند، ملایمت را در همه

کارها دوست دارد

۳/۴. کارهای نیکو

۵۰۸ پیامبر خدا ﷺ: رحمت خدا، حاملان قرآن را

مراگرفته است و آنان را نور خداوند عظیم پوشیده

شد. مانند ای حاملان قرآن! ما بر رگناشت کتابش،

به خدا دوستی کنید، تا شما را بیشتر دوست بدارد

و شما را محبوب سادگانش گرداند

۱ تاریخ بغداد ج ۱ ص ۳۸۲

۲ تهذیب الأحکام ج ۶ ص ۳۷۷ ح ۱۱۰۲

۳ الاثری للمعبد ص ۱۱ ح ۸

۴ درر الأحادیث ص ۳۵

۵ المعجم الأوسط ج ۸ ص ۲۱۵ ح ۸۴۴۱

۶ صحیح البخاری ج ۵ ص ۳۲۴ ح ۵۶۷۸

۷ جامع الأخبار ص ۱۱۵ ح ۲۰۲

۵۰۹. عنه ﷺ الله ﷻ يُحِبُّ إِعَاثَةَ الْفُقَرَاءِ^۱
 ۵۱۰. عنه ﷺ إِنْ لَقِيَ طَبِيبٌ يُحِبُّ الطَّيِّبَ، نَظِيفٌ يُحِبُّ
 ۵۰۹. پیامبر خدا ﷺ حدای ﷻ یاری کردنِ دادخواهان
 را دوست دارد.

الطَّاهِرَ^۲
 ۵۱۱. عنه ﷺ مَا مِنْ صَدَقَةٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ قَوْلِ الْحَقِّ^۳
 ۵۱۲. عنه ﷺ مَا مِنْ قَطْرَةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ أَفْرِ مِنْ قَطْرَتَيْنِ
 ۵۱۰. پیامبر خدا ﷺ خداوند، پاک است و پاکان را
 دوست دارد؛ پاکیزه است و پاکیزگی را دوست
 دارد.

فَطَرَةٍ دَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَقَطْرَةٌ دَمٍ - فِي سَوَادِ اللَّيْلِ -
 مِنْ حَشِيَّةِ اللَّهِ^۴
 ۵۱۱. پیامبر خدا ﷺ هیچ صدقهای نبرد خدا، محبوب تر
 از گفتن حق نیست.

۵۱۳. عنه ﷺ إِنْ لَقِيَ اللَّهُ تَعَالَى يُحِبُّ أَنْ تَعْمَلَ بَيْنَ
 أَوْلَادِكُمْ^۵
 ۵۱۲. پیامبر خدا ﷺ هیچ قطره ای نبرد خداوند،
 محبوب تر از دو قطره، بیست قطره حوی در راه

۵۱۴. عنه ﷺ ثَلَاثَةٌ يُحِبُّهُنَّ اللَّهُ: قِلَّةُ الْكَلَامِ، وَبِقِلَّةِ سَامٍ،
 وَقِلَّةِ السَّعْيِ^۶
 ۵۱۳. پیامبر خدا ﷺ: خداوند متعال، دوست دارد که
 ۵۱۴. سه چیز را دوست

۴/۳. أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ
 ۵۱۵. رسول الله ﷺ أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ سُرُورٌ تَكْجَمُهُ
 عَلَى الْمُؤْمِنِ: نَظَرُهُ عَمَهُ جَوْعَةً، أَوْ مَكْشَفَ عَمِهِ
 كَرْهَةً^۷

۵۱۶. الإمام العاقل ﷺ سُبُلُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَيُّ الْأَعْمَالِ
 أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ؟
 ۵۱۵. رسول خدا ﷺ: شادمانی، کم گویی، کم حوی، و کم حوری
 می دارد.

۴/۳. محبوب ترین کارها نزد خدا
 ۵۱۶. امام باقر ﷺ: محبوب ترین کارها در نزد
 خدا، شادمانی، کم گویی، کم حوی، و کم حوری

۵۱۷. الإمام العاقل ﷺ سُبُلُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَيُّ الْأَعْمَالِ
 أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ؟
 ۵۱۵. پیامبر خدا ﷺ: محبوب ترین کارها در نزد
 خدا، شادمانی، کم گویی، کم حوی، و کم حوری

قَالَ: إِتِّبَاعُ سُورِ الْمُسْلِمِ
 ۵۱۶. امام باقر ﷺ: از پیامبر خدا پرسیدند چه کاری
 نزد خداوند ﷻ محبوب تر است؟

قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا إِتِّبَاعُ سُورِ الْمُسْلِمِ؟
 ۵۱۶. امام باقر ﷺ: از پیامبر خدا پرسیدند چه کاری
 نزد خداوند ﷻ محبوب تر است؟

۱. التَّكْلَفِيُّ ج ۴ ص ۲۷ ح ۴.
 ۲. سنن الترمذی ج ۵ ص ۱۱۲ ح ۲۷۹۹.
 ۳. شعب الإمام ج ۶ ص ۱۲۵ ح ۷۶۸۵.
 ۴. الامالی للمعبد ص ۱۱ ح ۸.
 ۵. كنز العمال ج ۱۶ ص ۱۶۶ ح ۵۳۵۶.
 ۶. تبيين الخواطر ج ۲ ص ۲۱۳.
 ۷. التَّكْلَفِيُّ ج ۲ ص ۱۹۱ ح ۱۱.

فرمود: پی در پی شادمان کردن مسلمانان
 پرسیدند: مقصود از پی در پی شادمان کردن
 مسلمان چیست؟

فرمود: «هر طرف صاحب گرسنگی اش،

قَالَ شَيْعُ خَوْعَتِهِ، وَتَمَيُّسُ كُرْبَتِهِ، وَقَصَاءُ

زودن اندوهش و پرداختن بدهی‌اش^۱

ذبیح^۲

۵/۳ محبوب‌ترین مردم نزد خدا

۵/۳. أَحَبُّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ

۵۱۷ پیامبر خدا ﷺ حق، مانحور خدایید. از این رو،

محبوب‌ترین خلق در نزد خدا، کسی است که به

مانحوران خدا سودی برساند و نحواده‌ای را

شامان کند

۵۱۷ رسول الله ﷺ الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ، فَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَى

اللَّهِ مَنْ نَفَعَ عِيَالَ اللَّهِ، وَدَخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ سُورٍ^۳

۵۱۸. عَنْهُ ﷺ أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَسْعَهُمْ بِعِيَادِهِ،

وَقَوْمُهُمْ بِحَقِّهِ، وَالَّذِينَ يُحِبُّونَ إِلَهُمُ الْمَعْرُوفَ وَبِعَالِهِ^۴

۵۱۹. عَنْهُ ﷺ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «أَحَبُّ الْعِبَادِ

إِلَيَّ الْمُتَحَابُّونَ بِي أَحَبِي، الْمُتَعَلِّقَةُ قُلُوبُهُمْ بِالصَّاحِبِ،

وَالْمُسْتَعِيرُونَ بِالْأَسْعَارِ، أَوْلَيْكَ إِذَا أَرَدْتَ بِأَهْلِ

الْأَرْضِ عَقُوبَةً دَكَرُكُمْ فَصَرَفَ الْعَقُوبَةَ عَنْهُمْ^۵

۵۲۰. مِنْهُ ﷺ إِنَّ أَحَبَّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ نَوْمُ الْقِسْمَةِ

وَأَدْنَاهُمْ مِنْهُ مُجَلِّياً بِمَا هَادِلٌ^۶

۵۲۱. عَنْهُ ﷺ إِنَّ أَحَبَّكُمْ إِلَى اللَّهِ أَحْسَنُكُمْ عَمَلًا^۷

الفصل الرابع موانع محبة الله

۱/۴. أخطر الموانع

الكتاب

﴿كَلَّا بَلْ تُجَافُونَ الْعَاجِلَةَ وَتَنُورُونَ الْأَجْرَةَ﴾^۲

۵۲۰. پیامبر خدا ﷺ محبوب‌ترین مردم در نزد

خداوند در روز قیامت و نزدیک‌ترین آنان به

جایگاه او، پیشوای دادگر است

۵۲۱. پیامبر خدا ﷺ محبوب‌ترین شما در نزد خداوند،

بیک کردارترین شماست

فصل چهارم: موانع خدا دوستی

۱/۲. خطرناک‌ترین مانع

قرآن

﴿وَمَنْ يَأْتِ بِشَيْءٍ مِنْ دُونِ اللَّهِ يُرِيدُ أَنْ يَبَدِّلَ آيَاتِنَا﴾

و او می‌گذارد^۱

۱. حرب الإسلام، ص ۱۴۵ ح ۵۲۲.

۲. الکافر ج ۲ ص ۱۶۶ ح ۶.

۳. تحف الموعود ص ۴۹.

۴. مکالم الاخلاق ج ۲ ص ۳۷۵ ح ۲۶۶۱.

۵. سنن الترمذی ج ۳ ص ۶۱۷ ح ۱۳۲۹.

۶. التجمعيات ص ۲۳۸.

۷. القیامة ۲۰ و ۲۱.

الحديث

۵۲۲ رسول الله ﷺ حُبُّ الدُّنْيَا وَحُبُّ اللَّهِ لَا يَجْتَمِعَانِ فِي قَلْبٍ أَبَدًا^۱

۲، ۱ مَا يُبْغِضُهُ اللَّهُ

الكتاب

«لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَاهِلَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ شَهِيدًا عَلَيْهِمَا»^۲

«وَلَا تَوَلَّوْا سَبْقَىٰ فِی الْأَرْضِ لِنَبْسٍ مِّنْهُ وَتَوَلَّوْا الْحَزْنَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ»^۳

الحديث

۵۲۳ رسول الله ﷺ إِنْ لَّهِ يُبْعَضُ الْوَسَّعُ وَالشُّعْتُ^۴

۵۲۴ عَنْهُ ﷺ إِنْ لَّهِ سَحْتُ الْإِبْعَاقُ وَيُبْعَضُ الْإِمَارُ^۵

۵۲۵ عَنْهُ ﷺ إِنْ لَّهِ تَحَصُّ الْأَكْلُ فَوْقَ شَعْبِهِ وَالْعَامَرُ سُنَّ طَاعَةِ رَبِّهِ، وَالتَّارِكُ سُنَّةَ بَيْتِهِ، وَالْمُحَمَّرُ دَمُهُ، وَالْمُحَمَّصُ عِمْرَةُ بَيْتِهِ، وَالْمُؤَدِّي حَيْرَانُهُ^۶

۵۲۶ عَنْهُ ﷺ أُبْعَضُ الْكَلَامُ بَيْنَ اللَّهِ وَرَأْسِ الرَّجُلِ لِلرَّحْلِ «إِنِّي لَأَتَّقِي اللَّهَ» فَيَمُوتُ «عَلَيْكَ بِمَسَلِكِكَ»^۷

۵۲۷ الْكَافِي عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ الْإِمَامِ الصَّادِقِ ﷺ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «مَا مِنْ شَيْءٍ أُبْعَضُ إِلَى اللَّهِ مِنْ نَيْتٍ يَحْرُبُ فِي الْإِسْلَامِ بِالْفَرَقَةِ - يَعْنِي بِالطَّلَاقِ -

۱ منیه الخواصر ج ۲ ص ۱۲۲

۲ النساء ۱۱۸ ۳ البقرة ۲۰۵

۴ شعب الإيمان ج ۵ ص ۱۶۸ ح ۳۲۶

۵ نوادر الأصول ج ۱ ص ۳۶

۶ كنز العمال ج ۱۶ ص ۸۷ ح ۱۱۰۲۹

۷ شعب الإيمان ج ۱ ص ۴۳۶ ح ۶۳۰

حديث

۵۲۲ - پیامبر خدا ﷺ دنیا دوستی و خدا دوستی، هرگز در یک دل، جمع نمی‌شوند

۲/۱ آنچه خدا دشمن می‌دارد

قرآن

«خداوند، بانگ برنداشتن به پدربانی را دوست ندارد، مگر اگر [کسی که بر او ستم رفته باشد] و خدا، شروای دناست»

«و چون برگردد [یا ریاستی یابد]، کوشش می‌کند که در زمین، عساد سایه و کشت و سل را مایه‌د بدارد و خداوند نیاکاری را دوست ندارد»

حديث

۵۲۳ (پیامبر خدا ﷺ خداوند، چرک بودن و زولیدگی را دشمن می‌دارد)

۵۲۴ (پیامبر خدا ﷺ خداوند، هر چه کردن را دوست می‌دارد و با حق خشکی را دشمن می‌دارد)

۵۲۵ پیامبر خدا ﷺ خداوند کسی را که پس از سیری باز هم می‌خورد، کسی را که از فرمانبری پروردگارش عفت می‌کند، آن که سنت پیامبرش را رها می‌کند، آن که به پیمان‌ش وفادار نیست، آن که با حامیان پیامبرش دشمنی می‌ورزد، و آن که همسایگانش را می‌آزارد، دشمن می‌دارد

۵۲۶ پیامبر خدا ﷺ ساحوش ترین سخنان در نزد خداوند ﷻ، آن است که کسی به دیگری بگوید «از خدا ترس!» و آن شخص پاسخ دهد «تو خودت را بیای!» [و پندش را گوش نکند]

۵۲۷ الکافی - نه نقل از صفوان بن مهران - امام صادق ﷺ فرمود: پیامبر خدا فرمود: نبرد خداوند، هیچ چیزی مفرورتر از خانه‌ای که بر اثر

ثُمَّ قَالَ أَبُو عَهِدٍ اللَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا وَكَّدَ فِي نَفْطَلَايِ
وَكَّرَزَ فِيهِ الْقَوْلَ مِنْ يُعْصِيهِ الْفَرْقَةُ.^۱

۳/۴ أَبْغَضُ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ

۵۲۸ رسول الله ﷺ مَا شَيْءٌ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ الْحَلِّ
وَسُوءِ الْحُلُقِ، وَهُوَ لَيْسَ بِدُ الْفَتْلِ كَمَا يُعْبَدُ الْحَلُّ
الْفَتْلُ.^۲

۵۲۹ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَبْغَضُ الْحَلْقِ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى نَزْجُلُ يُجَالِسُ
لَأَمْرَاءَ مَا قَالُوا مِنْ جَوْرِ حَسَدَهُمْ عَلَيْهِ، وَمَقْلَمُ
الصَّيَّانِ لَا يُؤَاسِي نِسْهُمْ وَلَا يُرَاقِبُ اللَّهُ فِي التَّيْمِ.^۳

۵۳۰ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَيْسَ شَيْءٌ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ مِنْ بَطْرِ مَلَأَنَ^۴

۵/۴ أَبْغَضُ لِلْعَاسِ إِلَى اللَّهِ

۵۳۱ رسول الله ﷺ أَبْغَضُ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ وَأَبْغَضُهُمْ مِنْهُ
مُحِبِّاً بِمَا جَانِزَ^۵

۵۳۲ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَبْغَضَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى رَجُلٌ خَرَّدَ ظَهْرُ
مُسْلِمٍ بِغَيْرِ حَقٍّ^۶

۵۳۳ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَبْغَضُ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مَنْ صَرَّ عَلَى عِيَالِهِ^۷

۵۳۴ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَبْغَضَ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى الْجَعْرِيتُ الثَّرِيثُ
الَّذِي لَمْ يُرَ أَمِي مَالٍ وَلَا وَلَدٍ^۸

جداایی و پیرای شود، بیست و یک یعنی بر اثر طلاق
پس امام صادق علیه السلام فرمود: اخذ و بدو سبب
دشمنی ای که با جنایی داشت، درباره طلاق، چندان
تأکید ورزید و سخن را درباره آن، بارها باز گفت

۳/۴. مغفورترین کارها در نزد خدا

۵۲۸ پیغمبر خدا ﷺ هیچ چیز در نزد خداوند ﷻ مسمو تر
از بخل و بدحوی نیست که این یکی، همان گونه که
سرکه عمل را تباه می‌کند، ایمان را تباه می‌کند

۵۲۹ پیامبر خدا ﷺ دورنمای مردم از خداوند، دو
مردند مردی که با حکمرانان همشینی کند و در هر
رود و ستمی که می‌گویند، تصدیق و تأییدشان
نماید؛ و آموزگار کودکان که میان آنان به یکسان
رفتار نکند و خدا را درباره یثیم در نظر بگیرد

۵۳۰ پیامبر خدا ﷺ هیچ چیز در نزد خداوند، مسمو تر
لا شکم پر نیست

۴/۴ دشمن‌ترین مردم در نزد خدا

۵۳۱ پیامبر خدا ﷺ دشمن‌ترین مردم در نزد خدا،
و دور ترشان در مرلث مرد او، پیشوای ستمکار
است

۵۳۲ پیامبر خدا ﷺ دشمن‌ترین مردم نزد خداوند ﷻ
کسی است که به ناحق، پشت مسلمانی را برهنه کند
[و بر آن، تازیانه زند]

۵۳۳ پیامبر خدا ﷺ دشمن‌ترین بندگان در نزد
خداوند ﷻ، کسی است که نسبت به خانواده‌اش بخل
ورزد

۵۳۴ پیامبر خدا ﷺ دشمن‌ترین بندگان در نزد
خداوند، حیث گزافه‌کاری است که از مال و
فرزندش، خبری به کسی نمی‌رسد

۱ الکافی ج ۵ ص ۳۲۸ ح ۱

۲ مکرم الأعلان ج ۱ ص ۵۱ ح ۱۹

۳ کثر العمل ج ۱۶ ص ۲۲ ح ۱۳۶۱

۴ عبود العباد ج ۲ ص ۲۶ ح ۸۹

۵ سنن الترمذی ج ۲ ص ۶۱۷ ح ۱۳۲۹

۶ الکافی ج ۷ ص ۳۶۰ ح ۲

۷ الترمذی ج ۱ ص ۳۶۷ ح ۱۴۸۲

۸ شعب الإیمان ج ۷ ص ۱۷۷ ح ۹۹

۵۳۵ عنه ﷺ إِنَّ أَعْضَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَتْقَاءِ النَّاسِ لِلَّيْسَاءِ^۱

۵۳۵ پیامبر خدا ﷺ دشمن ترین مردم در نزد خداوند، کسی است که به خاطر ریشانش از او ترسد

۵۳۶ عنه ﷺ أَبْغَضُكُمْ إِلَيَّ الْقَتَاوُونَ بِأَسْمِيَةِ، انْفِرَ قَوْنٌ بَيْنَ الْإِخْوَانِ، الْمُتَلَمِّسُونَ بِلُجَرَاءِ الْقُرَاتِ^۲.

۵۳۷ عنه ﷺ إِنَّ أَعْضَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مَنْ يُفْتَدِي بِسَمِيَةِ الْمُؤْمِنِ وَلَا يَقْتَدِي بِحَسَبِيَةِ^۳.

۵۳۶ پیامبر خدا ﷺ دشمن ترین شما در نزد خداوند، سخن چیان هستند که میان برادران، جدایی می افکند و برای بی گناهان، لعنش می تراشد

۵۳۷ پیامبر خدا ﷺ دشمن ترین مردم در نزد خداوند متعال، کسی است که کار بد مؤمن را سر مشق قرار می دهد، اما کار یکش را سر مشق قرار نمی دهد.

الفصل الخامس. خصائص المحبوبين

عند الله

فصل پنجم ویژگی های محبوبان خدا

۱ / ۵ میزان منزلت العبد عند الله

۱ / ۵ مقدار منزلت بنده نزد خدا

۵۳۸ رسول الله ﷺ مَنْ كَانَ يُحِبُّ أَنْ يُعْتَمَ مَرَلَةً عِنْدَ اللَّهِ فَلْيَطْرِكْهُ مَرَلَةً اللَّهُ عِنْدَهُ^۱ فَإِنَّ اللَّهَ يُرِلُّ الْقَدَمَةَ حَتَّى أُرْلَهُ مِنْ بَعْدِهِ^۲

۵۳۸ پیامبر خدا ﷺ هر که دوست دارد بدانند نزد خدا چقدر محبوب موقعیتی دارد، به موقعیت خود، نزد خودش توجه کند؛ زیرا احدا، بنده را در همان جایگاهی نمی بیند که او خدا را نزد خود، در چنان جایگاهی نبوده است

۵۳۹ عنه ﷺ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُعْتَمَ مَرَلَةً عِنْدَ اللَّهِ فَلْيَطْرِكْهُ مَرَلَةً عِنْدَهُ^۳

۲ / ۵ المحبة عند احفائه الله

۵۳۹ پیامبر خدا ﷺ هر که دوست دارد بدانند که نزد خدا چقدر موقعیتی دارد، ببند که خدا نزد او چقدر موقعیتی دارد

۵۴۰ رسول الله ﷺ إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ الْعَبْدَ نَادَى جِبْرِيلُ «يَا اللَّهُ يُحِبُّ فُلَانًا فَأَحْبِبْهُ» فَيَحْبُّهُ جِبْرِيلُ فَيُنَادِي جِبْرِيلُ فِي أَهْلِ السَّمَاءِ «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ فُلَانًا فَأَحْبِبْهُ»، فَيَحْبُّهُ أَهْلُ السَّمَاءِ، ثُمَّ يَوْضَعُ لَهُ الْقُرُوءَ

۲ / ۵ محبوب شدن در میان دوستان خدا

۵۴۰ پیامبر خدا ﷺ هر گاه خداوند بنده را دوست بدارد، به جبرئیل ندا می کند «خداوند، فلانی را دوست دارد، پس او را دوست داشته باش»

در نتیجه، جبرئیل دوستش می دارد. پس از آن، جبرئیل در میان آسمانیان ندا می کند «خداوند، فلانی را دوست دارد، پس دوستش بدارید»

۱ عه إلى الملاكي ج ۱ ص ۶۲ ح ۱۳۵

۲ مجمع البيان ج ۱ ص ۵۰۰

۳ الجعفریات ص ۱۹۷

۱ المستدرک على الصحيح ج ۱ ص ۶۷۲ ح ۱۸۲۰

۵ المحاسن ج ۱ ص ۳۹۲ ح ۸۷۷

پی الارضی^۱

۵۴۱ عنه عليه السلام إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا بِسِ أَمْنِي قَدَفَ فِي قُلُوبِ أَصْحَابِيهِ وَرُوحِ مَلَائِكِيهِ وَشُكَّائِ عَرْشِيهِ مَحَبَّةً لِيُحِبُّوهُ، فَبَدَلَكَ الْمُحِبُّ حَقًّا، طَوْبَ لَكَ، وَلَهُ شِعَاعَةٌ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۲

۳/۵ الْإِنْسُ بِالله

۵۴۲ الدعوات وَعَنْهُ [أَي رَسُولِ اللَّهِ عليه السلام]: يَا رَبِّ، وَدَدْتُ أَنِّي أَعْلَمُ مَنْ تُحِبُّ مِنْ عِبَادِكَ فَأُحِبُّهُ قَالَ عليه السلام إِذَا رَأَيْتَ عَبْدِي يُكْثِرُ ذِكْرِي فَهُوَ أَوْيَتْ لَهُ مِنِّي ذَلِكَ، وَأَنَا أُحِبُّهُ، وَدَرَأَيْتَ عَبْدِي لَا يَذْكُرُنِي فَهُوَ حَاشَتْهُ عَنِّي ذَلِكَ، وَأَنَا أَبْغَضُهُ^۳

۵ الحماة من الدنيا

۵۴۳ رسول الله عليه السلام إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا حَمَاهُ الدُّنْيَا، كَمَا يَظَلُّ أَحَدُكُمْ يَحْمِي سَقِيمَةَ الْمَاءِ^۴

۵/۵ الْإِتْلَاءُ مَعْطِيمُ النَّلَاءِ

۵۴۴ رسول الله عليه السلام إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا يَبْلَاهُ يَعْطِيهِ النَّلَاءَ، فَمَنْ رَجَعِي فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ الرَّصِي، وَمَنْ سَخَطَ النَّلَاءَ فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ السَّخَطُ^۵

۵۴۵ عنه عليه السلام إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا يَبْلَاهُ، فَإِنْ خَيْرَ حَسَبَهُ، فَإِنْ رَجَعِي اصْطَفَاهُ^۶

۱ صحیح البخاری ج ۳ ص ۱۱۷۵ ح ۳۰۳۷

۲ مصباح الشریعة ص ۵۲۴

۳ الدعوات ص ۲۰ ص ۱۸

۴ سنن الترمذی ج ۱ ص ۳۸۱ ح ۲۰۳۶

۵ الکافی ج ۲ ص ۲۵۳ ح ۸

۶ مسکن القواد ص ۸۰

در نتیجه، آسمانیان دوستش می‌دارند. آن گاه، رمیة مقبولیت او در زمین فراهم می‌شود

۵۴۱ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه خداوند، بنده‌ای از انتم را دوست بدارد، محبتش را در دل‌های برگزیدگان و در جان‌های فرشتگان و ساکنان عرشش می‌افکند تا دوستش بدارند چنین کسی، به حقیقت، دوستدار است. خوشایه حالش او در روز قیامت، سرد خداوند، حق شفاعت دارد

۳/۵ اَمْنٌ بِالله

۵۴۲ الدعوات و از او (یعنی پیامبر خدا) است [که گفتم]، پروردگرا! دوست داشتم بدانم کدام بنده را دوست می‌داری، تا دوستش بدارم

خداوند فرمود: «هر گاه بدهی بنده‌ای بسیار مرا شکمی کند، [بدان که] من به او «چاره» پاد خود را بدهم و من، او را دوست دارم؛ اما هر گاه بدهی بنده‌ام مرا پاد نمی‌کند، [بدان که] من او را در آن پاد داشتیم و من، او را دشمن می‌دارم»

۴/۵ پرهیز از دنیا

۵۴۳ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه خدا، بنده‌ای را دوست بدارد، او را از دنیا می‌پرهیزاند، همان گونه که یکی از شما بیمار خود را از آب می‌پرهیزاند

۵/۵ مبتلا شدن به بلای بزرگ

۵۴۴ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه خداوند بنده‌ای را دوست بدارد، او را به گرفتاری و محسیتی بزرگ، مبتلا می‌کند پس اگر آن بنده راضی گشت، بهر حالش نزد خداوند، رضایت است و اگر ناخشنود گشت، بهر حالش نزد خداوند، ناخشنودی است

۵۴۵ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه خداوند، بنده‌ای را دوست بدارد، او را مبتلا می‌کند پس اگر شکمی کرد، او را برمی‌گرداند و اگر ناخشنود گشت، او را ویژه خود می‌گرداند

۵۱۶ عَنْهُ ﷺ إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ قَبْدًا اسْتَلَّ؛ لِيَسْمَعَ صَوْتَهُ^۱

۵۲۶ پیامبر خدا ﷺ حد و بند ﷻ، هر گاه بنده ای را دوست ندارد، او را مبتلا می کند تا صدای [دعای] او را بشود

الفصل السادس. آثار محبة الله

فصل ششم. آثار خدا دوستی

۱/۶ استجابة الدعوات

۱/۶ استجابات دعاها

۵۴۷ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ اللَّهُ ﷻ مَنْ أَهَانَ لِي وَلِيًّا مَعَدَّ أَرْضَيْتُهَا بَنِي وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدٌ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَّا امْرَضْتُ عَلَيْهِ. وَإِنَّهُ لَيَقَرُّنَّ إِلَيَّ بِالنَّاهِلَةِ حَتَّى أَجِيبَهُ. فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ. وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ. وَلِسَانَهُ الَّذِي يَنْطَوِّ بِهِ وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا إِنْ دَعَايَ أَجَبْتُهُ. وَإِنْ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ^۲

۲/۶ خیر دنیا و الآخرة

۵۴۸ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْقَلْبُ ثَلَاثَةٌ أَنْوَاعٍ. قَلْبٌ مَشْغُولٌ بِالدُّنْيَا، وَقَلْبٌ مَشْغُولٌ بِالْغُفَى، وَقَلْبٌ مَشْغُولٌ بِالْمَوْتِ، وَأَمَّا الْقَلْبُ الْمَشْغُولُ بِالدُّنْيَا فَلَهُ لَشَدَّةٌ وَبِلَاءٌ. وَأَمَّا الْقَلْبُ الْمَشْغُولُ بِالْغُفَى فَلَهُ الدَّرَجَاتُ الْعُلى، وَأَمَّا الْقَلْبُ الْمَشْغُولُ بِالْمَوْتِ فَلَهُ الدُّنْيَا وَالْغُفَى وَالْمَوْتُ^۳.

۵۴۷ پیامبر خدا ﷺ حد و بند ﷻ هر کس یکی از دوستانم را حوار سارد، به پیکر من برخاسته است هیچ بنده ای با چیزی محبوب تر در نزد من از آنچه بر او واجب ساخته ام، به من نزدیک نمی شود. بنده، با کارهای مستحب به من نزدیک می شود، فان جا که او را دوست می دارم پس بخیر دوستش دانسم، گوش شنوایش، چشم بینایش، زبان گویش و دست نیرومندش می شوم اگر مرا بخواند، پاسخش می دهم و اگر از من بخواهد، به او می بخشم.

۲/۶ خیر دنیا و آخرت

۵۴۸ پیامبر خدا ﷺ قلب ها سه گونه اند قلبی مشغول به دنیا، قلبی مشغول به عقبی، و قلبی مشغول به مولا قلب مشغول به دنیا، سختی و بلا دارد قلب مشغول به عقبی، درجات والا دارد و اما قلب مشغول به مولا، دنیا و عقبی و مولا از آن اوست

۱ شعب الإيمان، ج ۷ ص ۱۶۶ ح ۹۷۸۸

۲ مشکوٰۃ، ج ۲ ص ۳۵۲ ح ۷

۳ المواظف المدنی ص ۱۴۶

الْبَلَاءُ الْخَاسِرُ

باسم

نبوت

النُّبُوَّةُ

فصل یکم: نبوت عامه

الفصل الأول: النُّبُوَّةُ الْعَامَّةُ

۱/۱ فلسفه نبوت

۱/۱. فِلْسَفَةُ النُّبُوَّةِ

الف - دعوت به سوی خدا

أ - الدَّعْوَةُ إِلَى اللَّهِ

قرآن

الكتاب

﴿ای پیامبر! ما تو را [به سبب] گواه و بشارتگر و هشدار
دهنده فرستادیم و دعوت‌کننده به سوی خدا به هر
لر و هرمنی ثلهاک﴾

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِيدًا وَنَذِيرًا
وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُبِينًا﴾^۱

حدیث

الحدیث

۵۴۹ پیامبر خدا ﷺ - در عین نام‌گذاری شدن ایشان به
داعی - و اما داعی، از آن روست که من، مردم و
به دین پروردگارم دعوت می‌کنم

۵۴۹ رسول الله ﷺ - وحیه تسمیته ﷺ بالداعی - و
الداعی، وای داعی! دعوت‌کننده انسان‌ها به سوی دین من ﷺ^۲

ب - آزاد کردن مردم

ب - تَحْرِيرُ النَّاسِ

قرآن

الكتاب

﴿همانی که از بن فرستاده، پیامبر درس بخوانده - که
[نام] او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته می‌یابند -
پیروی می‌کنند [همان پیامبری که] آنان را به کار
پسندیده فرمان می‌دهد و از کار ناپسند، یار می‌دارد و
برای آنان، چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را
بر ایشان، حرام می‌گرداند و از آنان قید و بندهایی را که
بر ایشان بوده است برمی‌دارد. پس کسانی که به او ایمان
آوردند و بزرگش داشتند و یاری‌اش کردند و از بوری که
با او نازل شده است، پیروی کردند، آنان، همان
رستگارانند﴾

﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الَّذِي يَجْدُونَ
مَعَهُمْ فِي السُّورَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ
بِالْعَزَافِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْفَكْرِ وَيَحُلُّ لَهُمْ أَنْطَبِيتَ
وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبِيثَ وَيَصْغُ عَنْهُمْ إِضْرَهُمْ
وَالْأَفْطِلَ الَّذِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالْبَيْنَ عَاسُوا بِهِ
وَعَزَّوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّقُوا الْمَوْتَ الَّذِي أُسِرَ مَعَهُ
أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^۳

۱ الأحزاب ۴۵ و ۴۶ ۲ معانی الاخبار ص ۵۲ ح ۲

۳ الأحزاب ۵۷

الحديث

۵۵۰ رسول الله ﷺ - لَمَّا جَمَعَ حَاضَةً أَهْلِيهِ فِي اسْدٍ وَالدَّعْوَةُ وَبَيَّنَ لَهُمُ آيَةَ الْبُيُوتِ - يَا نَبِيَّ عَبْدَ الْمُطَّلِبِ إِنَّ هَذِهِ بَيْتُنِي إِلَى بَيْتِي كَافَّةً وَبَيْتِي إِلَيْكُمْ حَاضَةً. فَقَالَ يَحْيَى ﴿وَأَسْرَ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾^۱، وَبِأَدْعُوكُمْ إِلَى كَلِمَتَيْنِ حَقِيقَتَيْنِ عَلَى النَّاسِ، فَعِيلَتَيْنِ فِي الْمَرْبِ تَمِيكُونَ بَيْنَهُمَا الْعَرَبَ وَالْعَجَمَ وَتَقَادُكُمْ بَيْنَهُمَا الْأُمَمُ وَتَدْخُلُونَ بَيْنَهُمَا الْجَنَّةَ، وَتَسْجُونَ بَيْنَهُمَا مِنَ النَّارِ شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَنَبِيَّ رَسُولٍ أَقْبَرُ^۲

ج- حقوقية الأخلاق وتعليم الكتاب والحكمة

الكتاب

﴿رَبُّنَا وَأَنْعَمَ فِيهِمْ رَسُولًا فَبُهِتُوا عَلَيْهِنَّ وَأَمْسَكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُؤْتِيهِمُ الْإِيمَانَ الْأَمْرَ الْأَمْرَ بِرِ الْحَكِيمِ﴾^۳

الحديث

۵۵۱ رسول الله ﷺ - أَمَّا بَعَثْتُ لَأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ^۱

د- إتمام الحجّة

الكتاب

﴿رُسُلًا مُخْتَرَيْنَ وَمُعَدِّينَ لِبَنِي يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾^۲

۱- الشعراء ۲۱۵

۲- الأَشَاد ج ۱ ص ۱۹

۳- البقرة ۱۲۹

۴- التيسر الكبير ج ۱ ص ۱۰ ح ۳۳۳ ص ۲۰۷۸۲

۵- الباء ۱۶۵

حديث

۵۵ پیامبر خدا ﷺ - هنگامی که در آغاز دعوت، خویشان نزدیک خود را جمع کرد و ایت بیوت را برایشان بیان نمود - ای پسران عبد المطلب! خداوند، مرا به سوی همه مردم، عموماً، و به سوی شما، خصوصاً، فرستاده است؛ مرا خداوند ﷻ فرموده ﴿و خویشتان مردیست را بیم ده﴾

من، شما را به دو کلمه فرا می خوانم که گفتن آنها آسان است؛ اما در ترازوی اعمال، گران اند. شما با این دو کلمه بر عرب و عجم، حاکم می شوید و ملت ها فرمان بردار شما می شوند و به واسطه این دو کلمه به بهشت می روید و از آتش می زهید. این دو کلمه عبارت اند از: شهادت دادن به این که هیچ خدایی جز الله نیست، و این که من فرستاده خدا هستم

ج- پاکسازی اخلاق و آموزش کتاب و حکمت

قرآن

﴿پرووردگارا! در میان آنان، فرستاده ای از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر آنان بخواند، و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد و پاکیزه شان کند، و بپراکند تو خود، شکست ناپذیر حکیم﴾

حديث

۵۵۱ پیامبر خدا ﷺ - من برانگیزم شده ام تا صمات عالی انسانی را کامل سازم

د- تمام کردن حجّت

قرآن

﴿پیامبرانی که بشارتگر و هشداردهنده بودند، تا برای مردم، پس از [فرستادن] پیامبران، در مقابل خدا [بهانه] و [حققت] نباشد، و خدا توانا و حکیم است﴾

الحديث

۵۵۲ رسول الله ﷺ بَعَثَ إِلَيْهِمُ الرُّسُلَ، لِيَتَكُونَ لَهُ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ عَلَى حَلْقِهِ، وَيَكُونَ رُسُلُهُ إِلَيْهِمْ شُهَدَاءَ عَنْهُمْ. وَابْتَعَثَ فِيهِمُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ؛ لِيَكُنْ لَكَ مِنْ ذَلِكَ عَمَلٌ يَنْتَهِي. وَيَحْيَا مَنْ حَيٍّ عَنْ يَتْنَةٍ، وَيَقْبَلَ الْعِبَادَةُ عَنْ رَبِّهِمْ مَا جَهِلُوا، فَيَعْرِفُوهُ بِرُبُوبِيَّتِهِ بَعْدَ مَا أَنْكَرُوا، وَيُؤْخَذُوا بِالْإِلَهِيَّةِ بَعْدَ مَا عَصَوْا^۱

۲/۱ ما روي في عدة الأنبياء ﷺ

۵۵۳ رسول الله ﷺ خَلَقَ اللَّهُ مِائَةَ أَلْفٍ نَبِيٍّ وَرَبْعَةَ وَعِشْرِينَ أَلْفَ نَبِيٍّ، نَبِيٍّ أَوْ كَرَّمَهُمْ عَلَى اللَّهِ وَلَا مَحَرَّ وَخَلَقَ اللَّهُ مِائَةَ أَلْفٍ وَصِيٍّ وَارْبَعَةَ وَعِشْرِينَ أَلْفًا وَصِيٍّ، مَعْلِيٍّ أَوْ كَرَّمَهُمْ عَلَى اللَّهِ وَأَصْلَهُمْ^۲

۵۵۱. الحاصل عن أبي قحطه دخلت على رسول الله ﷺ وهو جالس في المسجد وحده.. قلت يا رسول الله: كم النبيون؟ قال: مائة ألف وأربعة وعشرون ألفاً. نبيٍّ قلت كم المرسلون منهم؟ قال ثلاثمائة وثلاثة عشر جنّة عميراء قلت من كان أول الأنبياء؟ قال آدم^۳

۳/۱ آباء الأنبياء ﷺ

۵۵۵ رسول الله ﷺ إِنَّمَا خَرَجْتُ مِنْ بَيْتِي وَلَمْ أُخْرَجْ مِنْ بَيْتِي، وَمِنْ لَدُنْ آدَمَ لَمْ يُصِغْ بِي مِنْ بَيْتِي أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ شَيْءٌ، لَمْ أُخْرَجْ إِلَّا مِنْ طَهْرٍ^۴

۱ التوحيد ص ۱۵ ح ۱

۲ الأمالي للصدوق ص ۳۱۷ ح ۲۵۲

۳ الحاصل ص ۵۲۴ ح ۱۳

۴ الطهارة الكبرى ج ۱ ص ۶۰

حديث

۵۵۲ پیامبر خدا ﷺ [خداوند] فرستادگان را به سوی مردم فرستاد تا او را بر آفریدگانش حجّت رسد باشد و فرستادگانش به سوی آنان، گواه بر ایشان باشند، و پیامبران بشارتگر و بیم‌دهنده را در میان مردم برانگیخت تا اگر هلاک می‌شوند، از روی دلیل باشد و اگر نه حیات [و سعادت] دست می‌یابند، نیز از روی دلیل باشد، و برای این که بندگان، آنچه را درباره پروردگارشان نمی‌دانستند، بدانند و ربوبیت او را که مکرش بودند، بشناسند و الوهیتش را که برای آن شریک قائل بودند، مگانه بداند

۲/۱ ووليتني درباره شمار پیامبران ﷺ

۵۵۳ پیامبر خدا ﷺ خداوند یکصد و بیست و چهار هزار گرامی ترین آفرید که من، گرامی ترین آسان سرد خداوند هستم و فخری نمی‌فروشم، خود و صد و یکصد و بیست و چهار هزار گرامی ترین آفرید که علی، گرامی ترین آنها نزد خدا و برترین ایشان است

۵۵۳ الحاصل - به نقل از ابو در - خدمت پیامبر خدا رسیدم، در حالی که در مسجد تنها نشسته بود. از تعداد پیامبران سؤال کردم، فرمود: یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر

گفتم، از آنها چه تعداد، فرستاد بودند؟

فرمود: خیلی زیاد سیصد و سیصد و نه

گفتم - نخستین پیامبر، که بود؟

فرمود: آدم

۳/۱ پدران پیامبران ﷺ

۵۵۵ پیامبر خدا ﷺ: من از راه ازدواج مشروع، به وجود آمدم و از راه نامشروع، زاده شدم از زمان آدم، هیچ گونه ریا و مستحذی، مشروع جاهلیت، نسب مرا مخدوش نساخته است و جز از راه پاک به دنیا نیامدم

۴/۱. خصائص الأنبياء ﷺ

الكتاب

﴿أَبْلَغُكُمْ رَسُولًا وَرَبِّي وَأَنَا نَكَمٌ نَاصِحٌ أَمِينٌ﴾^۱

الحديث

۵۵۶ رسول الله ﷺ إِنَّا مَعَاشِرُ الْأَنْبِيَاءِ أُولُنَا أَنْ نَكْتُمُ

النَّاسَ عَمَّا فِي دُفْرِ عَقُولِهِمْ^۲

۵۵۷. عنه ﷺ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا شَاتَا^۳

۵۵۸. عنه ﷺ إِنَّا مَعَاشِرُ الْأَنْبِيَاءِ نَسَامُ أَعْيُنًا وَلَا تَنَامُ

قُلُوبُنَا^۴

۵۵۹. عنه ﷺ مِنْ أَحْلَاقِ النَّبِيِّ وَالصُّدِّيقِينَ الْبَشَائِةُ

إِذَا تَرَاهُمَا، وَالْمُصَافَقَةُ إِذَا تَلَقَّوْهُمَا^۵

الفصل الثاني: الأنبياء ﷺ قبل الإسلام

۱/۲ آدم ﷺ

۵۶۰ رسول الله ﷺ النَّاسُ وَنَدَا أَدَمَ ﷺ. وَأَدَمُ مِنْ رُأْبٍ^۱

۵۶۱. عنه ﷺ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ مِنْ مِصْبَةٍ مَبْكُهَا مِنْ

جَمِيعِ الْأَرْضِ، فَجَاءَ بَنُو آدَمَ عَلَى قَدَرِ الْأَرْضِ حَاءَ

مِنْهُمْ الْأَحْمَرُ وَالْأَبْيَضُ وَالْأَسْوَدُ وَبَيْنَ ذَلِكَ، وَالشَّهْلُ

وَالْحَزَنُ وَالْخَيْثُ وَالطَّيْبُ وَمِنْ ذَلِكَ^۲

۵۶۲. عنه ﷺ إِنَّ اللَّهَ لَمَّا أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْعَمَةِ رَوَّدَهُ مِنْ

۱. الأعراف ۶۸

۲. الکافی ج ۱ ص ۲۳ ح ۱۵

۳. کنز العمال ج ۱۱ ص ۴۷۵ ح ۳۲۲۳۳

۴. کنز العمال ج ۱۱ ص ۴۷۵ ح ۳۱۹۹۳

۵. تنبيه الخواطر ج ۱ ص ۲۹

۶. کنز العمال ج ۶ ص ۱۳۰ ح ۱۵۱۳۱

۷. کنز العمال ج ۶ ص ۱۲۸ ح ۵۱۲۶

۲/۱ ویژگی‌های پیامبران ﷺ

قرآن

﴿پیام‌های پروردگارم را به شما می‌رسانم و برای شما

خبرخواهی آمیسم﴾

حدیث

۵۵۶. پیامبر خدا ﷺ: ما جماعت پیامبران، فرمان داریم که

با مردم، به فرح و غم و خیر و شر و خیر و شر و خیر و شر

بگوییم

۵۵۷. پیامبر خدا ﷺ: خداوند ﷻ هیچ پیامبری را محبوب

نکرد، مگر این که جوان بود

۵۵۸. پیامبر خدا ﷺ: ما جماعت پیامبران، چشم‌هایمان

از جوانان دنیا دور است و ما را دور است

۵۵۹. پیامبر خدا ﷺ: از اخلاق پیامبران و صدیقان،

بوی خوش و زوایا به هنگام رویه‌رو شدن با هم و دست

دادن به هنگام رسیدن به یکدیگر بود

فصل دوم: پیامبران ﷺ قبل از اسلام

۱/۲ آدم ﷺ

۵۶۰. پیامبر خدا ﷺ: مردم، همه [فرزندان آدم ﷺ]

هستند و آدم، از خاک است

۵۶۱. پیامبر خدا ﷺ: خداوند، آدم ﷺ را از مَشْتی خاک

که از همه زمین برداشت، آفرید پس، فرزندان آدم،

متناسب با خاک زمین، آفریده شدند برخی سیاه، برخی

میان این رنگ‌ها، برخی نرم، برخی خشک، برخی

پاک، برخی ناپاک و برخی میان اینها

۵۶۲. پیامبر خدا ﷺ: خداوند، هنگامی که آدم ﷺ را

بِمَارِ الْجَنَّةِ، وَعَلَّمَهُ صَفَةَ كُلِّ شَيْءٍ.^۱

۲/۲ ادریس علیه السلام

الكتاب

﴿وَالَّذِي هِيَ الْجَنَّةُ اِذْ رِئِيسُ اِيْمَانٍ خَانَ حَمِيْقًا نَبِيًّا﴾

ورفعته مكاناً عظيماً^۲

الحدیث

۵۶۳ رسول الله ﷺ - لَأَيُّ ذَرْ - يَا أَبَادُرُ، أَرْبَعَةُ مِ

الْأَسْيَامِ شَرِيَّاتٍ أَدَمُ، وَشَيْثُ، وَأَخْصُوحُ - وَهُوَ

إِدْرِيسُ ﷺ، وَهُوَ أَوَّلُ مَنْ حَطَّ بِالْقَلَمِ - وَنُوحٌ ﷺ^۳

۳/۲ نُوحٌ ﷺ

الكتاب

﴿فَإِذْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَهْدُوا آلَكُمْ إِلَهَ مَا

لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنَّكُمْ أَهْلَ أَضَلِّ ضَلٰلٰتٍ عَذَابٌ بِكُمْ

عَظِيمٌ﴾^۴

الحدیث

۵۶۴ رسول الله ﷺ بَقِيَ اللَّهُ نُوحًا لَأَرْبَعِينَ سَنَةً، وَلَبِثَ

فِي قَوْمِهِ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا يَدْعُوهُمْ، وَهَاشَ

بَعْدَ الطُّوفَانِ بِسِتِّينَ سَنَةً حَتَّى كَثُرَ النَّاسُ وَفَشُوا^۵

۴/۲ ابراهیم علیه السلام

الكتاب

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ بَيْنًا بَيْنَ أَهْلِكُمْ وَخَلْقِهِ إِلَهُ وَهُوَ مُخْبِرٌ

^۱ الكوالمشور ج ۱ ص ۱۳۷

^۲ مریم ۵۶ و ۵۷ ۳ الخصال ص ۵۲۴ ج ۱۳

^۳ الأعراف ۵۹

^۴ المستدرک علی الصحیحین ج ۲ ص ۵۹۵ ج ۱۰۰

از بهشت بیرون کرد، توشه او را از میوه‌های
بهشت قرار داد و مهارت ساختن هر چیزی را به
او اموخت

۲/۲ ادریس علیه السلام

قرآن

﴿و در این کتاب، از ادریس یاد کن که او راستگویی پیامبر

بود و [او] را به مقامی بلند، ارتقا دادیم﴾

حدیث

۵۶۳ پیامبر خدا ﷺ - ای ابو ذر - ای ابو ذر! چهار تن از

پیامبران، شریانی هستند آدم، شیث، آخسوح - که

همان ادریس ﷺ است و نخستین کسی است که با

قلم نوشت - و نوح

۳/۲ نوح علیه السلام

قرآن

﴿همانا روح را به سوی قومش فرستادیم. پس گفت: ای

قوم من! خدا را بپرستید که برای شما معبودی جز او

نیست من از عذاب ردی بترسید و شما بیساکم﴾

حدیث

۵۶۴ پیامبر خدا ﷺ خداوند، نوح را در چهل سالگی

مبعوث کرد و او نهصد و پنجاه سال، قوم خود را

دعوت می‌کرد و بعد از توفان، شصت سال رنده

ماند، تا آن که تعداد مردم، بسیار و فراوان شد.

۴/۲ ابراهیم علیه السلام

قرآن

﴿و در این چه کسی بهتر است از آن کسی که خود را تسلیم

خدا کرده و نیکوکار است و از آیین ابراهیم حق‌گرا

وَأَتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا وَأَتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا^۱

الحديث

۵۶۵. رسول الله ﷺ أما إبراهيم ﷺ فانظروا إلى صاحبكم^۲
۵۶۶. همه ﷺ ما اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا إِلَّا لِإِطْعَامِهِ
الطَّعَامَ. وَصَلَاتِهِ بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ يَبْهَمُونَ^۳

۵/۲ یعقوب ﷺ

﴿وَوَسَّيْنَا بِهَا إِبْرَاهِيمَ مِثْلَهُ وَصَفَّوَتْ يَسْمَعُ إِنَّ اللَّهَ
أَصْطَفَىٰ لَكُمْ الَّذِينَ فَلَانْتَوُونَ إِلَّا وَانْتُمْ مُنْجِلُونَ﴾^۴ اَم
عَمَّتُمْ شَهْدَاءَهُ إِذْ حَصَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتَ إِذْ قَالَ نَبِيَّهُ مَا
تُفْعِدُونِ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْتَدُ لَكَ إِسْهَكَ وَإِلَهُ هَذَا بَنِي
إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَحَدًّا وَنَحْنُ نَعْبُدُ
مُنْجِلُونَ^۱

۶/۲ ایوب ﷺ

الكتاب

﴿وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ، أَسَىٰ شَيْءٍ الْفُضْرُ وَاسْتَأْذِنَ
الرَّحْمَنَ﴾ فَأَسْتَجَبْنَا لَهُ، فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ
وَمِنْ آيَاتِنَا أَنفَعُهُمْ وَمِنْهُمْ مَّنْ عَمِدْنَا
وَدَعَا إِلَى الْعَمَدِينَ^۲

الحديث

۵۶۷. رسول الله ﷺ كَانَ أَيُّوبُ ﷺ أَحْلَمَ النَّاسِ، وَأَحْسَنَ
النَّاسِ، وَأَكْظَمَ النَّاسِ لَفِيطٍ^۳

۱ النساء ۱۲۵

۲ کنز العمال ج ۱۱ ص ۱۸۴ ح ۳۲۲۸۹

۳ علل الشرائع ص ۳۵ ح ۱

۴ البرقة ۱۳۲ و ۱۳۳ ۵ الانبياء ۸۳ و ۸۴

۵ کنز العمال ج ۱۱ ص ۱۹۱ ح ۳۳۳۱۶

پیروی سوده است؟ و خدا، ابراهیم را دوست گرفت ﴿
حدیث

۵۶۵. پیامبر خدا ﷺ اَنَا إِبْرَاهِيمَ [شاهده] ابراهیم ﷺ،
به هم نشین خودمان (من) بگریید
۵۶۶. پیامبر خدا ﷺ، خداوند، ابراهیم را به حلیلی
نگرفت، مگر برای آن که اطعام می کرد و شب
هنگام که مردم خواب بودند، نماز می گزارد

۵/۲ یعقوب ﷺ

﴿و ابراهیم و یعقوب پسران خود را به همان [آیین]
سازش کردند [و هر دو در وصیتشان چنین گفتند:
«ای پسران من! خداوند برای شما این دین را برگزید.
پس، البته نباید جز مسلمان بمرید. آیا وقتی که مرگ
بمیرد فرا رسد، حاضر بودید؟ هنگامی که به پسران
خود گفته: «پس از من، چه را خواهید پرستید؟» گفتند،
«معه و خود و عبودیت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق.
عبودیت یگانه را می پرستیم و در برابر تو تسلیم هستیم﴾

۶/۲ ایوب ﷺ

قرآن

﴿و ایوب را زحمت کن، هنگامی که پروردگارش را ندا داد که:
«چه من آسیب رسیده است و تویی مهربان ترین
مهربانان»، پس، [دعای] او را اجابت نمودیم و آسیب
و درد بر تو را برطرف کردیم و کمال او و نظیرش را
صراه با آنان [مجدداً] به وی عطا کردیم [تا] رحمتی از
جانب ما و عبرتی برای عبادت کنندگان باشد﴾

حدیث

۵۶۷. پیامبر خدا ﷺ - ایوب ﷺ، بردبارترین مردم و
شکیانترین مردمان بود و بیش از همه مردم،
حشمتش را فرو می خورد

۷/۲ شُعَيْبٌ ﷺ

۷، ۲ شُعَيْبٌ ﷺ

الكتاب

قرآن

﴿تُذِيبُ كَذِبُوهَا شُعَيْبًا كَانَ لَمْ يَغْنُوا فِيهَا أَتَيْتُ كَذِبُوهَا
شُعَيْبًا قَاتِلُوهَا هُمُ الْحَسْبُ﴾^۱

الحديث

حدیث

۵۶۸ رسول الله ﷺ كَانَ شُعَيْبٌ حَطِيبَ الْأَيَّامِ^۲

۵۶۸ پیامبر خدا ﷺ شعیب، حطیب پیامبران بود

۸/۲ موسى وهارون ﷺ

۸/۲ موسى وهارون ﷺ

الكتاب

قرآن

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَبَيْنَا
لِلْخَلْقِ﴾^۳

الحديث

حدیث

۵۶۹ رسول الله ﷺ أَوَّلُ نَبِيٍّ مِنْ سِي إِسْرَائِيلَ مُوسَى ﷺ
وَأَخْرَجَهُمْ عِيسَى ﷺ، وَبَيَّنَّاهُ نَبِيٍّ^۴

۵۶۹ پیامبر خدا ﷺ نخستین پیامبری اسرائیل،

موسی ﷺ بود و آخر بنشان عیسی ﷺ آنان شنیدند

پیامبر بودند

۹/۲ موسى والخضر ﷺ

۹/۲ موسى وحضر ﷺ

۵۷۰ رسول الله ﷺ رَجِمَ اللَّهُ أَحْمَسَ مُوسَى ﷺ اسْتَحْيَا

فَعَالَ ذَلِكِ، لَوْ لَيْتَ مَعَ صَاحِبِهِ لَأَبْصُرَ أَعْجَبَ
لَأَعْجَبَ^۵

۵۷۰ پیامبر خدا ﷺ خداوند، برادرم موسی ﷺ ر

رحمت گذا حیا کرد و آن حریف رازد اگر با

هم سفر خود می ماند، بی گمان، شکست ترین

عجایب را می دید.

۱۰/۲ إيلياس ﷺ

۱۰/۲ إيلياس ﷺ

﴿وَيَا إِيلَاسَ إِمْنِ الْفَرَسَلِينَ﴾ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ
أَتَذُفُونَ فَعَلًا وَتَذُفُونَ أَحْسَنَ الْخَلْقِ﴾ اللَّهُ رَبُّكُمْ

﴿وَرَبِّ رَاسِي، إِيلَاسَ أَزْ هَرَسَتَاكَسَ [ما] بود، چون به قوم

خود گفت: «آیا پروا نمی دارید؟ آیا بعل را می پرستید و

بهترین آفرینندگان را، می گذارید؟ [یعنی: خدا را که

پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین شماست؟]»

۱ الأعراف ۹۲

۲ مجمع البیان ج ۵ ص ۲۸۷

۳ الانبیاء ۴۸

۴ التعلیل ص ۵۲۱ ح ۱۳

۵ بحار الأنوار ج ۱۳ ص ۲۸۱ ح ۱

وَرَبُّ عَابِ بَيْتِكُمُ الْأَوَّلِينَ • فَكُذِّبُوا فِيهِمْ لِمُخْصِرِينَ •
إِلَّا عَمَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ • وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ مِنَ الْآخِرِينَ
• سَلَّمَ عَلَى إِبْلِيسَ • إِنَّا كُنْكَ نَجْرَى الْمُخْصِبِينَ
• إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ^۱

۱۱/۲ داوود ﷺ

الكتاب

«أَضْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَأَنْذِرْ عِبْدَنَا دَاوُدَ يَا الْأَيُّهَا
إِسْرَءِيلُ • إِنَّا سَخَرْنَا الْجِبَالَ خَعًا يُسْمَعْنَ
مِنْ خَشْيَ الْإِنْسَانِ وَالطَّيْرِ فَخَشِرُوا عَنْ لَفِ
أُولَئِكَ • وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَءَمَّيْنَاهُ الْحِجْلَةَ وَفَعَّلْنَا
الْحَطَابَ ^۲

الحديث

۵۷۱، رسول الله ﷺ كَانَ دَاوُدُ أَعْيَدَ الْبَشَرِ ^۳

۱۲/۲ زکریا

الكتاب

«وَزَكَرِيَّا إِذْ مَادَى زَيْفَهُ رَبِّ لَا تَقْضِ فَرْجًا وَأَمْتِ حَبْرَ
الْوَرْدِينَ ^۱

الحديث

۵۷۲ رسول الله ﷺ حَرَحَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ فِي حَلَبِ
زَكَرِيَّا ﷺ لِيَقْتُلُوهُ، فَمَرَحَ هَارِبًا فِي الْبَرِّيَّةِ، فَاغْرَحَ
لَهُ شَجَرَةٌ مَدْخَلَ فِيهَا فَبَقِيََتْ هَدْيَةً مِنْ تَوْبِهِ، فَحَارَزُوا
حَتَّى قَامُوا عَلَيْهَا فَتَشَرُّوهُ بِالْمِشَارِ ^۲

۱ الصافات ۱۲۳ ۱۲۲ ۲ ح ۱۷-۲۰

۳ کنز العمال ج ۱۱ ص ۱۹۳ ح ۳۳۳۲۲

۴ الأنبياء ۸۹

۵ فتا العمل ج ۱۱ ص ۱۹۶ ح ۳۳۳۰

پس او را دروغگو شمردند، و قطعاً آنها [در آتش]
احصار خواهند شد مگر بندگان پاک‌دین خدا، و برای او
خبر [میان] آیدگان [آواره] یک بیه جای گذاشتیم، دروه
بر پیروان یاس! ما میگویند کاران را پس گونه پاداش
می‌دهیم، زیرا او از بندگان پایدار ما بود.

۱۱/۲ داوود ﷺ

قرآن

«پس آنچه می‌گویند، شکیهایی کن، و داوود، بند ما را که
دلری امکانات [متعدد] بود، به یاد آورد آری او بار
بارگشت کسده [به سوی خدا] بود ما گره‌ها را با او
مختر ساختیم [که] شایگان و پادشاهان، خداوند را
بپایش می‌کردند، و پندگان را از هر سو [بر او] گره
آوردیم [به برای دلنوازی] به سوی او بازگشت
کنند [و خدا راست‌شگرا] برده و پادشاهی‌اش را استوار
گذاشته و او را حکمت و کلام فیصله دهنده عطا کردیم»

حدیث

۵۷۱ پیامبر خدا ﷺ، داوود، عابدترین انسان‌ها بود.

۱۲/۲ زکریا

قرآن

«و زکریا را [یاد کن] هنگامی که پروردگار خود را خواند:
«پروردگارا مرا تنها مگذار، و تو بهترین لوط
برندگان»»

حدیث

۵۷۲ پیامبر خدا ﷺ بنی اسرائیل، در جستجوی زکریا

بر آمدند تا او را بکشند زکریا به صحرا گریخت
درختی برای او دهان باز کرد و زکریا داخل آن رفت؛
اما ریشه‌ای از یاس او، پیرون ماند، بنی اسرائیل
آمدند و روی درخت رفتند و او را زنده کردند

۱۳/۲. یحیی علیه السلام

الکتاب

«يَحْيَىٰ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْكِتَابَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ
وَحُفَّتِ الْمَنُ لَنَا رِيقَهُ وَكَانَ ثَقِيلًا * وَبَرًّا بِوَلَدَيْهِ
وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا * وَسَلَّمْ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ
يَمُوتُ وَيَوْمَ يُنْعَثُ حَتَّىٰ»^۱

الحديث

۵۷۳ رسول الله ﷺ رَجِمَ اللَّهُ أَحْسَى يَحْيَى حِينَ دَعَاءِ

الصَّيَّانِ إِلَى اللَّيْلِ وَهُوَ صَغِيرٌ فَقَالَ «لَلْعَبِّ حَلِفْتُ ۱۲
وَكَيْفَ بَسَّ أَدْرَكَ الْجَنَّتَ مِنْ مَقَالِهِ ۱۳»

۱۴/۲ عیسی علیه السلام

الکتاب

«إِنْ مَثَلُ عِيسَى عَمْدِ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ
قَالَ لَهُ مَرُّ لَبِثُونَ»^۲

الحديث

۵۷۴ رسول الله ﷺ - لَأُمُّ يَمْسَ - يَا أُمُّ أَيْمَنَ! أَمَا عَلِمْتَ

أَنَّ أَحْسَى عِيسَى كَانَ لَا يُحْيَى قَتْلًا لِفِدَائِهِ وَلَا غَدَاةَ
لِقَتْلِهِ ۱؟ يَا كُلُّ مَنْ وَرَقِيَ الشَّجَرِ، وَيَشْرَبُ مِنْ مَاءِ
الْمَطَرِ، يَلْبَسُ الْمُسْوَحَ، وَيَبِيتُ حَيْثُ يَمْسَى، وَيَقُولُ
يَا نِي كُلْ يَوْمَ بَرِّقَهِ ۱

۱ مريم ۱۲ ۱۵

۲ كثر المتأثر: ج ۱۱ ص ۵۲۰ ح ۳۳۴۲۵

۳ آل عمران ۵۹

۴ كثر المتأثر: ج ۱۱ ص ۵۰۴ ح ۳۳۳۵۸

۱۳/۲. یحیی علیه السلام

قرآن

«ای یحیی! کتاب [خدا] را به جد و جهد بگیر، و از کودکی
به تو نبوت دادیم و [پس] از جانب خود، مهربانی و مایه
[به او دادیم] و تقوایش بود، و با پدر و مادر خود،
بیک رفتار بود و زورگویی نافرمان نبود و درود بر او،
روزی که زاده شد و روزی که می‌میرد و روزی که زنده
برنگشته می‌شود»^۱.

حدیث

۵۷۳. پیغمبر خدا ﷺ: خدا رحمت کند برادرم یحیی را!

وقتی او کودک بود و بچه‌ها او را به باری دعوت
نکردند، گفت: «مگر برای باری، خلق شده‌ام؟»^۲
پس کسی وقتی به سن بلوغ برسد، چه خواهد

گفت؟

۱۳/۲ عیسی علیه السلام

قرآن

«در واقع، مثل عیسی مرد خدا، همچون مثلی [حلفت] آدم
است [که] او را از خاک آفریدند سپس بدو گفتند:
«بش!»، پس وجود یافت»^۳.

حدیث

۵۷۳ پیغمبر خدا ﷺ: برای ام ایمن - ای ام ایمن!

مگر نمی‌دانی که برادرم عیسی، نه شامی را برای
صبحانه نگه می‌داشت و نه صبحانه‌ای را برای
شام؟ او از برگ درختان تعذیه می‌کرد و از آب
باران می‌آشامید، پلاس می‌پوشید و هر جا که
شب می‌رسید، بیهوش می‌کرد و می‌گفت: «هر
روز، روزی خود را می‌آورد»^۴

۱۵/۲ عَزِيزٌ

الكتاب

﴿وَأَوْثَقْنَا يَدَيْهِ مِنْ عَالِي الْقُوزِ وَهُوَ مُخَوَّضٌ إِلَى الْيَمِّ وَهُوَ يُنَادِي بِمَدَدِ مَنْ يُدْعَىٰ لَهُ﴾
 قَالَ أَلَيْسَ بِمُتَعَذِّرٍ قَدْ لَبِثْتُ قَالَ لَنْبِتُ يَوْمَئِذٍ أَتَىٰ مَطْعَمَهُمْ
 يَوْمَ قَالَ مَنْ لَبِثْتُ مِائَةً عَامٍ فَاسْطَرَّ إِلَىٰ طَعَامِكَ
 وَلَمَّا رَأَىٰ لَمْ يَنْسِنَهُ وَأَسْطَرَّ إِلَىٰ جِدَارِكَ وَلَمْ تَخْلُفْ ذِمَّتَهُ
 لَنَفْسِهِ وَأَسْطَرَّ إِلَىٰ الْعِطَامِ كَيْفَ تَنْشُرُهُ ثُمَّ نَكَسُوهُمَا
 لَحْظًا فَلَمَّا تَمَثَّلَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
 قَدِيرٌ

الحديث

۵۷۵. رسول الله ﷺ أَوْحَىٰ اللَّهُ إِلَىٰ أَحْسَى الْعَزِيزِ ﷺ يَا
 عَزِيزُ، إِنْ أَصَابَكَ مُصِيبَةٌ فَلَا تُشْكِنِي إِلَىٰ جَنَّتِي، فَقَدْ
 أَصَابَنِي مِنْكَ مَصَائِبٌ كَثِيرَةٌ وَمِنْ أَشْكِكَ إِنِّي مَلَانِكِي
 يَا عَزِيزُ، اعْصِمْنِي بِقَدْرِ طَاعَتِكَ عَلَىٰ عِدَّتِي،
 وَسَلِّمْ حَوَائِجَكَ عَلَىٰ مَعْدَارِ عَمَلِكَ، وَلَا تَأْمِنْ مَكْرِي
 حَتَّىٰ تَدْحُلَ جَنَّتِي، فَاهْتَرَّ عَزِيزٌ يَمْكِي، فَأَوْحَىٰ اللَّهُ
 إِلَيْهِ لَا تَهْلِكْ يَا عَزِيزُ! فَإِنْ عَصَيْتَنِي بِهَهْلِكَ عَفَرْتُ لَكَ
 بِعَلَمِي، لَا تَنْتَ حَلِيمٌ لَا أُحَقِّلُ بِالنَّفْوَهِ عَمَلِي عِبَادِي
 وَأَنَا أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

۱۶/۲ يُؤْنَسُ

﴿وَإِنْ يُؤْنَسُ لَمِنْ الْفَرَسَيْنِ﴾ إِذْ أَسْقَىٰ إِلَىٰ نَفْسِكَ
 الْمَشْخُوبِ﴾ لِمَا هُمْ فَكَاكٍ مِنْ أَلْعَدِّ حَصِيرٍ﴾ فَانْقَضَتْ

۱ البقرة ۲۵۹

۲ کنز العمال ج ۱۱ ص ۵۰۰ ح ۳۳۴۱

۱۵/۲ عَزِيزٌ

قرآن

﴿يَا جُونُ إِنَّ كَسَّكَ بِهٖ شَهْرِي كَهٗ بِأَمِّهِ بِشِ يَكْسِرُ قُرُورِ
 رِيحَتَهُ يَوْمَ غُبُورِ كَرَدِهِ﴾ (و یا جود می) گفت: «چگونه
 خداوند [اهل] این [ویرانکده] را پس از مرگشان زنده
 می‌کند؟» پس خداوند، او را [به مدت] صد سال میراند
 آن‌گاه او را برانگیخت [و به او] فرمود: «چه قدر درنگ
 کردی؟» گفت: «یک روز یا پاره‌ای از روز را درنگ
 کردم» فرمود: «نه!» بلکه صد سال درنگ کردی به
 عوراک و نوشیدی خود بگر [که طعم و رنگ آن] را
 تغییر نکرده است، و به درازگوش خود نگاه کن [که
 چگونه سلاخی شده است. این ماحرا برای آن است که
 هم به تو پاسخ گویم] و هم تو را [در مورد معاد]
 نشانه‌ای برای مردم قرار دهیم. و به [این] استخوان‌ها
 بگر. چگونه آنها را برداشته، به هم پیوند می‌دهیم.
 سپس گوشت بر آن می‌پوشانیم؟» پس هنگامی که
 [چگونگی رنده ساختن] برای او آشکار شد، گفت:
 «[اکنون] می‌دانم که خداوند بر هر چیزی تواناست»

حدیث

۵۷۵. پیامبر خدا ﷺ خداوند به برادرم عَزِيزٌ، وحی
 فرمود: «ای عَزِيزُ! اگر گرفتاری و مصیبتی به تو
 رسید، از من مرد خشم شکایت مکن! زیرا از تو بیز
 مصایب بسیاری به من رسیده و من از تو سرد
 فرشتگانم شکایت نکرده‌ام
 ای عَزِيزُ! به اندازه تحمُّل در برابر عذاب من،
 مرا بافرمائی کن و بیارهایت را به اندازه حملت از من
 بخواه و از مکر من، آسوده خاطر مباش، تا به بهشت
 من در آیی»

عَزِيزٌ بر خود برآمد و گریست خداوند به او
 وحی فرمود: «ای عَزِيزُ! گریه مکن؛ زیرا اگر از روی
 نادانی است مرا بافرمائی کردی، من با بردباری خود،
 تو را می‌بخشم چر که من در دیارم و در کیمر بدگانم،
 شتاب نمی‌وررم و مرا، مهرمان‌ترین مهربانانم»

۱۶/۲ يُؤْنَسُ

﴿وَوَدَّ حَقِيقَتَهُ، يَوْمَئِذٍ مِنْ أَمْرِ الْفَرَسَيْنِ﴾ يَوْمَئِذٍ كَذَبَتْ
 سَوَىٰ كُتْلَىٰ يَوْمَئِذٍ، بِكَرِيحَتِهِ، يَوْمَئِذٍ يَوْمَئِذٍ سَرَّشَيْنِ

الْخُوفَ وَهُوَ غَلِيظٌ * فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ *
لَلَبِثَ فِي سُلْطَنٍ إِلَى يَوْمِ يَنْتَفُونَ * فَتَبَيَّنَ بِالْغُرُوبِ
وَهُوَ سَاقِطٌ * وَأُتْبِعْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّنْ يَّفُطِينَ *
وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَرْبُودٍ * فَادْمُؤُوا
فَمُتَّعْنَاهُمْ إِلَى جِبِیْ ۱

الفصل الثالث. نبوة محمد ﷺ

۱/۳ دلائل نبوة محمد ﷺ

أ - شهادة الله ﷻ

الكتاب

﴿لَتَكْرِ الَّلَّهُ بِشَهَادَةٍ بِمَا أُرْسِلَ إِلَيْكَ أَمْرُهُ بِطَمَهِ
وَالْمَلَكَةُ شَاهِدُونَ وَعَلَى دَالَّةٍ شَهِيدًا ۲﴾

الحديث

۵۷۶ الإمام البخاری: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى ﴿قُلْ أَعْيُنُكُمْ وَأَكْبَرُ
شَهِدَةٌ ۳﴾ - ذَلِكَ أَنَّ مُشْرِكِي أَهْلِ مَكَّةَ قَالُوا يَا
مُحَمَّدُ، مَا وَجَدَ اللَّهُ رَسُولًا يُرْسَلُهُ غَيْرُكَ؟ مَا نَرَى
حَدًّا يُصَدِّقُكَ بِأَلَدِي تَقُولُ وَدَلِيلَ مِي أَوْبٍ مَا دَعَاهُمْ
وَهُوَ يُؤْمِنُ بِمَكَّةَ، قَالُوا وَلَقَدْ سَأَلْنَا هَٰذَا الْيَهُودَ
وَالنَّصَارَى مَرَّعَمَا أَنَّهُ لَيْسَ لَكَ ذِكْرٌ عِنْدَهُمْ، فَأُتِيَ
بِمَنْ يَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ قَالُوا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ﴿أَلَمَّا
شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ﴾ الآية ۲

ب - شهادة أنبياء الله ﷺ

﴿وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَتَّبِعِي إِسْرَاعِيلَ إِنِّي رَسُولُ

کشتی] قرعه انداخت و خود از بازندگان شد [او را به
دریا افکندند] و هیرمادی او را بلعد، در حالی که او
نکو شکر خویش بود، و اگر او از زمره تسبیح کنندگان
نبود، قطعاً تا روزی که برانگیخته می‌شود، در شکم آن
[ماهی] می‌ماند. پس او را در حالی که ماحوش بود، به
زمین خشکی افکندیم و بر بالای [سُر] او درختی از
[نوع] کدو بُن رویتادیم و او را به سوی یکصد هزار
[نفر از ساکنان بیوا] یا بیشتر روانه کردیم. پس ایمان
آوردند و تا چندی بر خوردرلرشان کردیم﴾

فصل سوم. نبوت محمد ﷺ

۱/۳ دلائل نبوت محمد

الف - گواهی خداوند ﷻ

قرآن

﴿بَلِّغْ خُدا بِه [حَقَائِقِ] آنچه بر تو نازل کرده است
گواهی می‌دهد [او] آن را به علم خویش نازل کرده
است و فرشتگان [نبر] گواهی می‌دهند، و کافی است
خدا، گواه باشد﴾

حدیث

۵۷۶ امام البخاری: - دِرْبَارَةُ آيَةِ ﴿يَكُوْهُ گواهی چه کسی از
همه برتر است؟﴾ - رَعَانِيْ که پیامبر خدا در مکه ناره
دعوت خود را آغاز کرده بود، مشرکان مکه گفتند
ی محمد! آیا خدا پیامبری غیر از تو پیدا نکرد که او
را برستد؟ ما هیچ کس را نمی‌یابیم که گفته‌های تو
را تصدیق کند از یهود و نصارا درباره تو پرسیدیم؟
اما آنها گفتند که در کتاب‌های آنها بر تو یاد نشده
است بنا بر این، کسی را بیاد که گواهی دهد که تو
فرستاده خدا هستی! پیامبر خدا فرمود، ﴿خدا، گواه
من و شماست﴾ تا آخر آیه

ب - گواهی دادن پیامبران خدا ﷺ

﴿و [یاد آر] هنگامی را که عیسی پسر مریم گفتد ای

۱ الصافات ۱۳۹، ۱۴۸ ۲ النسا ۱۶۶

۳ تفسیر المصنوع ج ۱ ص ۱۹۵

أَلَمْ يَلِكُمْ مُصِيقًا لَمَّا بَدَأَ مِنَ الثَّوَرَةِ وَمُبَشِّرًا
بِرَسُولٍ يَأْتِيهِمْ فِي بَعْدِي أَهْلُهُ أَأَكْفَرُ قَوْمًا
بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ^۱

ج- شهادة عن عبده علم الكتاب

الكتاب

«وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ عَلَى اللَّهِ
شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأَمْرٌ عِنْدَ عَلِيِّ أَتَمٌّ^۲»

الحديث

۵۷۷ رسول الله ﷺ «أَمْرٌ كَارٍ عَلَى سَيِّئَةٍ مِنْ رُتَّةٍ
أَنَا، «وَيَتْلُو شَاهِدٌ مِنْهُ» عَلِيٌّ^۳

د- المباهلة

الكتاب

«لَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَلْيُنَادِ
بِذِكْرِ ابْنَاءِنا وَأَنصَارِنَا وَبِإِسَاءَاتِنَا وَإِسَاءَاتِنَا
وَأَنفُسِكُمْ ثُمَّ تَنَازَلْ فَتُنْجِلْ لَعَنَتُ اللَّهِ عَلَى
الْكَاذِبِينَ^۴»

الحديث

۵۷۸ تفسیر القضي- بعد ذکر آیه المباهله- فقال رسول
الله ﷺ فبأهلومي، فإن كُنتُ صادقاً بُرئتُ النَّصبة
عَلَيْكُمْ، وإن كُنتُ كاذباً تَرَكْتُ عَنِّي

فَقَالُوا أَصَعَبَ فَتَوَاعَدُوا لِلْمُبَاهَلَةِ، فَلَمَّا رَجَعُوا

۱- المصنف: ۶۰

۲- الزمعة: ۴۳

۳- الدر المنثور ج ۱ ص ۱۱۰

۴- آل عمران: ۶۱

فرودان اسرائیلیا من، فرستاده خدا به سوی شما هستم،
تورات را که پیش از من بوده تصدیق می‌کنم و به
فرستاده‌ای را که پس از من می‌آید و نام او احمد است
بشارت‌گرم. پس وقتی برای آنان دلایل روشن آورد،
گفتند: «ای من، بهتری آشکار است»^۱

ج- گواهی کسی که در بده علم کتاب است

قرآن

«و کسای که کافر شدند، می‌گویند: «تو فرستاده هستی»
بگو: «کافی است خدا و آن کس که بود او علم کتاب
است، میان من و شما گواه باشد»^۲

حدیث

۵۷۷ پیامبر خدا ﷺ «ایا کسی که از جانب پروردگارش بر حسی
تَلَفُظ است»، [مستطور]، [من هستم]، «و شاهدهی او
، [حساب] [او بیرو اوست]، [مستطور]، [عیی است]

د- مباهله

قرآن

«پس هر که در این [ما] پس از دانشی که تو را [حاصل]
آمده، یا تو مجاجه کند، بگو: «بیاید تا ما فرودان خود را
و شما فرودانتان را، ما زنان خود را و شما [زنان خود را،
ما جان‌های خود را و شما جان‌های خود را فرا خوانیم،
پس مباهله کنیم، و لعنت خدا را بر دروغ‌گویان، قرار
دهیم»^۳

حدیث

۵۷۸ تفسیر القضي پس از ذکر آیه مباهله...
پیامبر ﷺ فرمود: «یا من مباهله کنید اگر صادق
بودم، پس نفرین بر شما و اگر دروغ‌گو بودم، بر
من لعنت فرود آید»

إِلَى تَارِيهِمْ، قَالَ رُؤَسَاؤُهُمُ: السَّيِّدُ وَعَاقِبُ وَالْأَهْتَمُ
 بَنَ بَاهِلًا بِقَوْمِيهِ بَاهِلَاءَ، فَإِنَّهُ لَيْسَ بِتَبِيٍّ، وَبَنَ بَاهِلًا
 بِبَاهِلٍ بَيْتَهُ خَاصَّةً فَلَا بُاهِلَةَ؛ فَإِنَّهُ لَا يَقْدِرُ عَلَى أَهْلِ
 بَيْتِهِ إِلَّا وَهُوَ صَادِقٌ، فَلَمَّا أَصْبَحُوا جَاؤُوا إِلَى رَسُولِ
 اللَّهِ ﷺ وَمَعَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ
 وَنَحْسِينُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ

فَقَالَ النَّصَارَى مَنْ هَؤُلَاءِ أَقْبَلُ لَهُمْ هَذَا ابْنُ
 عَمِّهِ وَوَصِيُّهُ وَخَتَنَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، وَهَذِهِ بَنَتُهُ
 وَطِفْلَتُهُ، وَهَذَا ابْنُ ابْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ﷺ، فَمَرَمُوا
 وَقَالُوا لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ: تُعْطِيكَ الرَّحْمَاءُ قَاعِيَا مِنْ
 الْمَاهِلَةِ، فَصَالَحَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَى الْجَمْعَةِ
 وَانْصَرَفُوا.^۱

۲/۳ عَالَمَةُ نَعْوَةِ مُحَمَّدٍ ﷺ

أ- رِسَالَتُهُ ﷺ إِلَى كَافَّةِ النَّاسِ

الكتاب

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَٰكِنَّ

أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾.^۱

﴿قُلْ يَسَّأَلُهَا النَّاسُ عَنْكَ رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي

لَعَنَ مَلَكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُخَيِّرُ،

وَيُمِيتُ فَمَاتُوا بِإِلَهِ وَرَسُولِهِ قُلُوبِي الْأَنْسَى الَّذِي

يُؤْمِنُ بِإِلَهِ وَكَلِمَتِهِ وَتَشْعُورُهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾.^۲

۱- تفسیر التمر ج ۱ ص ۱۰۸

۲- سبأ ۲۸

۳- الانصاف ۱۵۸

آنان گفتند، اوصاف روا داشتی

پس یا هم قرار مباحله گذاشتند، هنگامی که آنان
 به خانه‌هایشان بازگشتند، بزرگان آنان، سید و عاقب
 و اهتَم گفتند: اگر مباحله با قوم او باشد، ما حاضر به
 مباحله هستیم؛ چرا که معلوم می‌شود او پیامبر
 است، اما اگر قرار مباحله تنها با خاندان او باشد، با او
 مباحله نمی‌کنیم؛ چر که او خاندانش را پیش
 می‌فرستد، مگر در صورتی که در ادعایش صادق
 باشد

فردا که شد، پیش پیامبر خدا آمدند، در حالی که
 امیر مؤمنان علی و فاطمه و حسن و حسین - که
 دروذهای خداوند بر آنان باد - نیز همراه پیامبر ﷺ
 بودند، نصارا پرسیدند، اینان کیان‌اند؟

به آنها گفته شد این، پسر عمو و وصی و داماد
 او، علی بن ابی طالب است و این، دختر او فاطمه
 است و این دو، پسران او، حسن و حسین هستند.

پس کسان خاندان پیامبر را شناختند و به پیامبر
 گفتند، ما رصایت دادیم از مباحله گذشت کن

پس پیامبر ﷺ با آنها بر پرداخت جریمه مصالحه
 کرد و آنان، بازگشتند

۲/۳ جهانی بودن رسالت محمد ﷺ

الف - پیام او به عموم مردم

قرآن

﴿وَمَا تَرَا جَر [به بیست] بشارتگر و هشدار دهنده برای

تمام مردم، فرستادیم؛ لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند﴾

﴿بَلْكَرَ هَای مردم من پیامبر خدا به سوی همه شما هستیم،

همان [خدایی] که فرمان‌روایی آسمان‌ها و زمین، از آن

لایسته هیچ معبودی جز او نیست؛ که رنده می‌کند و

می‌میراند، پس به خدا و فرستاده او - که پیامبر

درس‌نخواندای است که به خدا و کلمات او ایستاد دارد -

بگریزد و تَر او پیروی کنید، امید که هدایت شوید﴾

الحديث

حديث

۵۷۹ رسول الله ﷺ: أما رسول من أدركت حياً ومن يولد بعدى^۱

۵۷۹ پیامبر خدا ﷺ: من، پیامبر کسانی هستیم که یا من به سر می‌یوند و [تیر] کسانی که بعد از من به دنیا می‌آیند

۵۸۰ عنه ﷺ: أعطيت خمسا لم يعطهن نبي كان قبلي: أرسلت إلى الأبيض والأسود والأحمر^۲

۵۸۰ پیامبر خدا ﷺ پنج چیز به من داده شده که به هیچ یک از پیامبران پیش از من، داده نشده است
و یکی از آن پنج چیز، این است که [من به سوی سیاه و سفید و سرخ فرستاده شده‌ام

الفصل الرابع ختم النبوة

الكتاب

«ما كان مخرج أحد من رجالكم ولكن رسول الله وخاتم النبيين وكان الله بكل شيء علما»^۳

فصل چهارم. پایان پیامبری

قرآن

الحديث

۵۸۱ رسول الله ﷺ: «بها الناس، أنه لا نبي بعدى ولا سنة بعد سني فمن ادعى ذلك فقد عوّد ودد عنه في الدنيا»

«مخرج پدر هیچ یک از مردان شما نیست ولی فرستاده شما و خاتم پیامبران است. و خدا عمرتو بر هر چیزی داناست»

۵۸۲ صحيح مسلم عن سعيد بن المسيّب عن عامر بن سعد بن أبي وقاص عن أمية قال رسول الله ﷺ: «مالي أنت مني بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدي»^۴

حديث ۵۸۱ پیامبر خدا ﷺ: ای مردم! بعد از من، پیامبری نیست و پس از من [قانون] من، سنتی وجود ندارد. پس هر که ادعای نبوت کند، ادعا و بدعت او در آتش حواهد بود

۵۸۲، صحيح مسلم - به نقل از سعيد بن المسيّب عن عامر بن سعد بن أبي وقاص، از پدرش - پیامبر خدا به علی ﷺ فرمود: «تو برای من، به منزله هارون برای موسی هستی، چنانکه پس از من، پیامبری نیست».

۱ الطهات الكبرى ج ۱ ص ۱۹۱

۲ الأنساب للبارسي ص ۱۸۴ ح ۱۰۵۹

۳ الأحزاب ۱ - الأنساب للبيهقي ص ۵۳ ح ۱۵

۴ صحيح مسلم ج ۴ ص ۱۸۷ ح ۳۰

تحلیلی درباره حکمت ختم نبوت

سبحی درباره حکمت ختم نبوت، تفسیر است؛ ولی آنچه در این حاحه طور اجمال می توان بیان اشاره کرد، این است که فلسفه بعثت انبیا نهی، ارائه برنامه تکامل جامعه بشر است. این برنامه، باید به تدریج به مردم ابلاغ شود. دربرنامه جامعه در طول تاریخ، همانند کودکی است که در دامن تعلیم و تربیت انبیا نهی پرورش می یابد، بدین برنامه انبیا در دوران های مختلف زندگی این کودک، باید مناسب با طرح و استعداد او باشد و بر این اساس، در چهار مقطع از مقاطع تاریخ پیش از اسلام، شکل حقایق برنامه انبیا تغییر کرده و این تعبیرات، توسط چهارتن از پیامبران بزرگ الهی - که صاحب کتاب و شریعت بوده اند و آن را پیامبران تشریع می نامیم - به جامعه بشر ابلاغ گردیده است. این پیامبران عبارتند از: نوح، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم السلام.

سایر پیامبران الهی، منبع شریعت پیامبران تشریع بوده اند و رهبری الهی به وسیله آنان تداوم یافت، و هنگامی که طرح جامعه برای در مابقی آخرین پیام های الهی - مادگی پیدا کرد، و در این هنگام بود که آخرین و کامل ترین برنامه های تکامل انسان، در مجموعه ای به نام قرآن مجید، ختم انبیا به بشر ابلاغ شد و با ابلاغ این پیام، سلسله پیامبران پایان یافت.

اما پس از پایان یافتن نبوت به وسیله ختم پیامبران علیهم السلام، امامت و هدایت امت، به وسیله اهل بیت ایشان ادامه یافت، چنان که قرآن می فرماید:

﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُبَدِّرٌ وَلَكِنْ قَوْمٌ غَايِبٌ﴾

(ای پیامبر!) تو فقط هشدار دهنده ای، و برای هر قومی راهبری هست.)

در حدیث حریقین تصریح شده^۱ که مقصود از «هدای» «امیر مؤمنان علی علیه السلام» است چنان که در تاریخ دمشق آمده

لَمَّا بَرَزْتُ ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُبَدِّرٌ﴾، قَالَ النَّبِيُّ أَنَا لَمُتَدِّرٌ وَعَلِيُّ الْهَادِي^۲

چون آید آنوقت هشدار دهنده ای، نازل شد پیغمبر علیه السلام فرمود من هشدار دهنده ام و علی، راهبر

و پس از امام علی علیه السلام، امامت در خانواده آن حضرت ادامه یافت، چنان که از امام باقر علیه السلام آمده است

۱ - رعد آیه ۷

۲ - در کتب دقت نامه امیر المؤمنین ج ۷ (بخش مهم / فصل یکم / علی از زبان قرآن / ترجمه)

۳ - تاریخ دمشق ج ۲۲ ص ۳۵۹

رَسُولُ اللَّهِ الْمُنْبِرُ، وَعَلَيْهِ الْهَادِي، أَمَّا وَاقِفُو مَا دَهَبَ بَيْنَا وَ مَا زَالَتْ قِنَا إِلَى السَّاعَةِ^۱

پیامبر خدا، بیم دهنده است و علی هدایتگر بدانند که به حد وید سوگند، [ایمان] از جانداران ما بیرون برفته است و تا قیامت در میان ماست



۱ و ک حقیق نامه صبر المومنین ﷺ ج ۲ (پیش سر) اصل هشتم احادیث هلالیه

الفصل الخامس: خصائص النبي ﷺ

فصل پنجم: ویژگی‌های پیامبر ﷺ

۱/۵ خصائصه ﷺ الأنسوية

۱/۵ ویژگی‌های خانوادگی و آموزشی پیامبر ﷺ

أ- خير الناس أسرة

الف- بهترین خانواده

الكتاب

قرآن

﴿إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾^۱

﴿حَدَّثَنَا، فُطَيْمِي عَنْ عَبْدِ الرَّدَّكِ رَأً عَنْ شَيْخِ خَالِدَانَ [بِإِمَامِهِ] بَزْدَانِ وَ شَا رَا پَاك وَ پَاكِيْرَه كَرْدَانِدَ﴾

الحدیث

حدیث

۵۸۳ رسول الله ﷺ أَمَا مُحَمَّدٌ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْخَلْقَ فَجَعَلَنِي فِي حِمْرِهِمْ بَرْقَةً، ثُمَّ جَعَلَهُمْ بَرْقَتَيْنِ فَجَعَلَنِي فِي حِمْرِهِمْ بَرْقَةً، ثُمَّ جَعَلَهُمْ مُبَوَّاتًا فَجَعَلَنِي فِي حِمْرِهِمْ بَيْتًا وَحَمْرَهُمْ نَفْسًا.^۲

۵۸۳ امام علی علیه السلام: مُحَمَّدٌ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ الْمَطْلَبُ هَسْتُمْ خِدَايَ مُتَعَالٍ، أَفَرِيدُكَانَ رَا بِيَا فَرِيدُ وَ مَرَا دَر [إِيَّانَ] بَهْرِيْنِ أَمَانٍ، قَرَار دَد، اَنْ كَرِه، أَمَان رَا بِي دُو كَرُوْه تَقْسِيْم كَرْد وَ [بَار] مَرَا دَر بَهْرِيْنِ كَرُوْه أَمَان جَاي دَا د سَبِيْسِ أَمَان ر فَيِيْلَه قَبِيْلَه كَرْد وَ مَرَا دَر بَهْرِيْنِ قَبِيْلَه أَمَان قَرَار دَا د، اَنْ كَرِه، أَمَان رَا بِي خَالِدَانِ هَا تَقْسِيْم كَرْد وَ مَرَا دَر بَهْرِيْنِ خَالِدَانِ، جَاي دَا د، پَس مَن، اَز بَهْرِيْنِ خَالِدَانِ هَا وَ پَاك تَرِيْنِ شَمَا هَسْتُمْ

۵۸۴ الإمام علي عليه السلام: أُسْرَتُهُ حِمْرُ أُسْرَةٍ، وَشَجَرَتُهُ حِمْرُ شَجَرَةٍ، أَغْصَانُهَا مُتَهَدِّلَةٌ، وَثِمَارُهَا مُتَهَدِّلَةٌ، مَوْلَدُهُ بِمَكَّةَ، وَهَجْرَتُهُ بِطَبِيبَةَ، غَلَا بِهَا ذِكْرُهُ، وَامْتَدَّ مِنْهَا صَوْتُهُ^۳

۵۸۴ امام علی علیه السلام: دُو دَمَالِ او بَهْرِيْنِ دُو دَمَالِ اِسْت وَ شَجَرِ مَالِش بَهْرِيْنِ شَجَرَه، كِه شَا حَه هَا بِيْش رَا سْت اِسْت وَ مِهْرَه هَا بِيْش آوِيْحْتَه، رَا دَكَا هَش مَكَّه اِسْت وَ هَجْرَتِش بِه طَبِيْبَه، دَر اَنْ جَا آوَرِ مَالِش بِلَدِ شَد وَ صَدَاي [دَعْوَت] او بِه هَمِه جَا كَشْدِه شَد

ب- یتیم

الكتاب

﴿أَنْتَ بِحَدِّكَ يَتِيمًا فَكَاوَى﴾^۱

الحدیث

ب- یتیم

قرآن

۵۸۵ . مجمع البيان، مَاتَ بَوَةٌ [يَتِيمًا] وَهُوَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ،

﴿مگر نه تو را یتیم یافتند پس پناه داد؟﴾

حدیث

۵۸۵ مجمع البيان، زمانی که پیامبر خدا در شکم

۱ الاحزاب ۳۳

۲ سنن الترمذی ج ۵ ص ۵۸۱ ح ۳۶۰۸

۳ نهج البلاغة، المحطة ۱۶۱

۴ المص ۶

وَقِيلَ إِنَّهُ مَاتَ بَعْدَ وَلَادَتِهِ بِمُدَّةٍ قَلِيلَةٍ وَمَاتَتْ أُمُّهُ ﷺ
وَهُوَ ابْنُ سِتِينَ. وَمَاتَ حَدُّهُ وَهُوَ ابْنُ ثَمَانِي مِائِينَ

ج - اُمّی

الكتاب

﴿وَمَا كُنْتُمْ تَنَالُوا مِنْ قَتْلِهِ مِنْ كُتْبٍ وَلَا تَحْطُطُهُ بِمِثْلِهِ
إِذَا لَأَزْنَابُ الْمُنْبَطِلُونَ﴾^۲

الحديث

۵۸۶ الامام الزهراء ع من محاورانه مع أهل الادب،
هي إثبات نبوة محمد ﷺ - ومن آياته أنه كان يمساً
فقيراً راعياً جبراً، لم يتعظم كسباً ولم يتخلف من
معلم ثم جاء بالفراوان الذي فيه مفضل، لا بد من
وأخبارهم عرقاً حرقاً، وأخبار من قصي ومن بني
إلى يوم القيامة^۳

۲ / ۵ حصانته الاسمية

الكتاب

﴿مُحَمَّدٌ رُسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ
رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾^۴

الحديث

۵۸۷ رسول الله ﷺ أنا مُحَمَّدٌ، وَأَنَا أَحْمَدُ وَأَنَا سَاحِي
الَّذِي يُعْمَى بِي الْكُفْرُ، وَأَنَا الْحَاشِرُ الَّذِي يُحْشَرُ
النَّاسُ عَلَى عَقْبِي، وَأَنَا الْعَاقِبُ وَالْعَاقِبُ الَّذِي لَيْسَ

۱ مجمع الزيدان ج ۱۰ ص ۷۶۵

۲ المنكيرت ۸۸

۳ عبود اخبار الزهراء ع ج ۱ ص ۱۶۷ ح ۱

۴ الفصح ۲۹

مادر من بود و یا اندک زمانی پس از ولادت او، پدر
برگزارش در گذشت و دو ساله بود که مادرش از
دیار همت و در هشت سالگی، حد خود را از دست
داد

ج - درین ناخوانده

قرآن

﴿و تو هیچ کتابی را پیش از من نمی خواندی و با دست
خود، نمی نوشتی، و گرنه، باطل اندیشان قطعاً به شک
می افتادند﴾

حدیث

۵۸۶ امام زهرا ع - در گفتگوهای خود با پیروان ادیان،
در شب نوب محمد ﷺ از حمه شانه های
موتش را، این است که او شمع و فیر و چوپان و
جبریه به کتابی اموات و به به محصر
امورگاری، آمد و شد کرد سپس قرآسی آورد که
در ب، کلمه به کلمه داستان های پیامبران و
سرگذشت آنان و اخبار گذشتگان و آیندگان تا
روزی قیامت، آمده است

۲ / ۵ ویژگی های نام پیامبر ﷺ

قرآن

﴿مُحَمَّدٌ - پیامبر خداست و کسانی که با اویند، بر کافران،
سختگیر [و] با همدیگر مهربانند﴾

حدیث

۵۸۷ پیامبر خدا ﷺ من، مُحَمَّدٌ (ستوده) هستم من،
أَحْمَدُ (ستوده ترین) هستم - من، سَاحِي (محو
کننده) هستم که به واسطه من، کفر محو (سایرد)
میشود من حاشر هستم که مردم به دنبال من،

بَعْدَهُ نَبِيٌّ ۱

۵۸۸. عَمَهُ ﷺ - لَمَّا سَأَلَهُ يَهُودِيٌّ عَنْ تَسْمِيَّتِهِ بِمُحَمَّدٍ وَأَحْمَدَ وَأَبِي الْقَاسِمِ وَتَشْيِيرِ وَتَدْيِيرِ وَدَاعٍ؟ - لَمَّا مُحَمَّدٌ فَأَبَى مُحَمَّدٌ فِي الْأَرْضِ، وَأَمَّا أَحْمَدُ فَأَبَى مُحَمَّدٌ فِي السَّمَاءِ، وَأَمَّا أَبُو الْقَاسِمِ فَإِنَّ اللَّهَ يَقْسِمُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قِسْمَةَ النَّارِ، فَضَ كَمَرٍ بِي مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ فَبِي النَّارِ، وَيَقْسِمُ قِسْمَةَ الْجَنَّةِ، فَضَ أَمِنْ بِي وَأَقْرَبُ بَنُوْتِي فَبِي الْجَنَّةِ، وَأَمَّا الدَّاعِي فَأَبَى أَدْعُو النَّاسَ إِلَى دِينِ رَبِّي ﷻ، وَأَمَّا التَّدْيِيرُ فَأَبَى أَبْدُرُ بِالنَّارِ مَنْ عَصَانِي، وَأَمَّا التَّشْيِيرُ فَأَبَى أَبْشُرُ بِالْجَنَّةِ مَنْ أَطَاعَنِي ۲

۳/۵ خصائصه الاخلاقية

أ- على خلقٍ عظيم

الكتاب

﴿وَبِكَ لَعَلِّي خُلِقَ عَظِيمٌ﴾ ۳

الحديث

۵۸۹. الإمام الصادق ﷺ ما كَلَّ نَبِيٌّ لَهِ ﷻ وَهُوَ مُتَكَبِّرٌ مُدْبِرٌ بَعَثَهُ اللَّهُ ﷻ، وَكَانَ يَكْزَرُهُ أَنْ يَنْشَبَةَ بِالْمُلُوكِ، وَحَسْرٌ لَا نَسْتَطِيعُ أَنْ نَقْتَلَ ۴

۵۹۰. الطُّبَقَاتُ الْكُبْرَى عَنْ عَلَنَشَةَ - لَمَّا سُئِلَتْ عَنْ خُلُقِ النَّبِيِّ ﷺ فِي بَيْتِهِ - . كَانَ أَحْسَنَ النَّاسِ خُلُقًا لَمْ يَكُنْ فَاحِشًا وَلَا مُتَفَحِّشًا، وَلَا ضَخَّابًا فِي الْأَسْوَاقِ، وَلَا

محشور می‌شوند، و من، عاقب هشتم و عاقب،

کسی است که بعد از او پیامبری بیست

۵۸۸. پیامبر خدا ﷺ - در پاسخ سؤال مردی یهودی از علت نام‌گذاری شدن ایشان به محمد و احمد و ابو القاسم و بشیر و تدیر و داعی :- محمد، از آن روست که من در زمین، ستوده‌ام احمد، از آن روست که من در آسمان ستوده‌ام ابو القاسم، از آن روست که خداوند ﷻ روز قیامت، قسمت آتش را جدا می‌کند و هر که از اولین و آخرین انسان‌ها، به من کافر شده باشد، جایش در آتش است و قسمت بهشت را جدا می‌سازد و هر که به من ایمان آورده و به بیوت من اقرار کرده باشد، جایش در بهشت است داعی، از آن روست که من مردم را به دین برآوردم ﷻ دعوت می‌کنم. تدیر، از آن روست که هر کس با فرمانی‌ام کند، او را به آتش، بیم می‌دهم، و بشیر، از آن روست که هر کس اطاعت کند، او را به بهشت، بشارت می‌دهم

۳/۵ ویژگی‌های اخلاقی پیامبر ﷺ

الف - برخوردار از خویی والا

قرآن

﴿وَرَأْسِي كَتَرَا عَرِينِ وَالْأَسْوَاقِ﴾.

حدیث

۵۸۹. امام صادق ﷺ - پیامبر خدا از زمانی که خلایق را

او را برانگیخت، در حال تکیه دادن، هذا محور و خوش نداشت که مانند پادشاهان باشد اما من نمی‌توانم این کار را بکنم

۵۹۰. الطبقات الكبرى - به نقل از عایشه، در پاسخ این

سؤال که اخلاق پیامبر ﷺ در محیط خانه چگونه بود؟ :- خوش‌خوترین مردمان بود نه دشنام

۱ صحیح مسلم ج ۱ ص ۱۸۲۸ ح ۱۷۶

۲ معانی الأخبار ص ۵۲ ح ۲

۳ القلم ۴ الکافی ج ۶ ص ۳۷۲ ح ۸

يَجْزِي بِالشَّيْءِ مِثْلَهَا، وَكَفَى يَعْصِي وَنَصَحُ^۱

۵۹۱ العارفات عن ابراهيم بن محمد - من رُلد علي عليه السلام -

كَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا نَعَتَ الشَّيْءَ عَلَيْهِ قَالَ هُوَ حَسْبُ السَّيِّئِ، أَجْوَدُ النَّاسِ كَفًّا، وَأَجْزَأُ النَّاسِ صُدْرًا، وَأَصْدَقُ النَّاسِ لَهْجَةً، وَأَوْفَى النَّاسِ دِمَةً، وَأَبْنَاهُمْ غَرِيكَةً، وَأَكْرَمُهُمْ عِشْرَةً (مَنْ رَأَاهُ بَدِيهَةً هَانَتْ، وَمَنْ حَاطَلَهُ مَعْرِفَةً أَحْبَبَهُ، يَقُولُ مَاعِيَهُ لَمْ يَزَلْ قَبْلَهُ وَلَا بَعْدَهُ مِثْلُهُ)^۲

۵۹۲ الطُّبَقَاتُ الْكُبْرَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ مَا رُبْتُ

أَخَذًا أَكْثَرَ تَبَشُّرًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ^۳

ب- آمین

الکتاب

﴿مُطَاعٌ ذُو آمِينَ﴾^۴

الحدیث

۵۹۳ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَمَّا وَاللَّهِ إِنِّي لَأَمِينٌ فِي السَّمَاءِ وَأَمِينٌ

فِي الْأَرْضِ^۵

۵۹۴ . سيرة ابن هشام، کتاب فَرِيشُ نُسَی رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

قَبْلَ أَنْ يَمْرُلَ عَلَيْهِ الْوَحْيُ الْأَمِينُ^۶

ج- صادق

۵۹۵ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُبْهَى النَّاسُ، إِنْ الرَّاغِدَ لَا يَكْذِبُ

۱ الطُّبَقَاتُ الْكُبْرَى ج ۱ ص ۳۶۵

۲ العارفات ج ۱ ص ۱۶۷

۳ الطُّبَقَاتُ الْكُبْرَى ج ۱ ص ۳۷۲

۴ التَّكْوِير ۲۱

۵ كِتَابُ الْعَمَالِ ج ۱ ص ۱۵۷ ح ۳۲۱۴۷

۶ سيرة ابن هشام ج ۱ ص ۲۱۰

می داد و به بدربانی می کرد و به در کوچه و بازار،
هیاهو به راه می انداخت و نه بدی راه به بدی جبران
می کرد؛ بلکه می بخشید و گذشت می کرد.

۵۹۱ العارفات - به نقل از ابراهیم بن محمد، یکی از

مواندگان علی علیه السلام؛ علی علیه السلام هرگاه پیامبر ﷺ را
وصف می کرد، می فرمود: او حاتم پیامبران
است - بخشیده ترین مردم بود و دلیرترین و
راستگوترین و پایدارترین آنان به پیمان در همه
مومخو تر بود و رفتارش بزرگوارانه تر، هر کس
بدون سباحت قلبی وی را می دید، هیبتش او را
می گرفت و هر که با وی معاشرت می کرد و او را
می شناخت، دوستدارش می شد - هر کس
مکمل خواست او را وصف کند، می گفت: نظیر او را
این گذشته و حال ندیده ام!

۵۹۲ الطُّبَقَاتُ الْكُبْرَى - به نقل از عبد الله بن حارث -

هیچ کس را ندیدم که به اندازه پیامبر خدا، بحد
بر لب داشته باشد

ب- آمین

قرآن

﴿در آن جا [هم] نطاع [و هم] آمین است﴾

حدیث

۵۹۳ پیامبر خدا ﷺ همانا به خدا سوگند که من در

آسمان، آمین هستم و در زمین نیز آمین

۵۹۴ سيرة ابن هشام، پیش از آن که به پیامبر خدا،

وحی نازل شود، فریش به او آمین می گفتند

ج- راستگو

۵۹۵ . پیامبر خدا ﷺ، ای مردم! بلیه راه، به کسانی

خود دروغ می گوید و من، گر هم دروغگو بودم،

أَهْلُهُ، وَلَوْ كُنْتُ كَاذِبًا لَمَا كَذَبْتُكُمْ، وَافِقِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ حَقًّا حَاصَّةً، وَإِلَى النَّاسِ عَامَّةً وَاللَّهُ لَتَمُوتُنَّ كَمَا تَمُوتُونَ، وَلَسَبْعُونَ كَمَا تَسْبِقُونَ، وَلَسَحَابُونَ كَمَا تَحْمُونَ، وَلَتَجْرُونَ بِالْإِحْسَانِ إِحْسَانًا وَبِالسُّوءِ سُوءًا، وَإِنَّهَا الْجَنَّةُ أَبَدًا وَالنَّارُ أَبَدًا^۱

د- عابد

الکتاب

﴿فَقُلْ مَا عِنْتُ بِمَا أُبْرَأُ إِلَهُ مِنْ جَنْبٍ وَأَمْرٌ لَا تُفْعَلُ بِلَيْتِكُمْ﴾^۲

الحديث

۵۹۶ الإمام الصادق علیه السلام كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقْسِمُ لِحُظَايَةِ بَيْنِ أَصْحَابِهِ، يَنْظُرُ إِلَى ذَا وَيَنْظُرُ إِلَى ذَا بِالسُّبُوحِ^۳

ه- شجاع

۵۹۷ الإمام علي علیه السلام لَقَدْ رَأَيْتُنِي يَوْمَ بَدْرٍ وَسَعَى نُلُودٌ بِاللَّيْلِ صلی الله علیه و آله وَهُوَ أَقْرَبُنَا إِلَى الْعَدُوِّ، وَكَانَ مِنْ أَشَدِّ النَّاسِ يَوْمَئِذٍ بِأَسًا^۴

۵۹۸ كُنَّا لَعَمَلٍ عَنِ الْبِرَاءِ بْنِ عَارِبٍ: كُنَّا إِذْ احْتَمَرَّ الْهَامِسُ نَقِي رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله، وَإِنَّ الشُّجَاعَ لِلَّذِي يُعَادِي بِهِ^۵

و- رحیم

الکتاب

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ

۱ المناقب لابن شهر آشوب ج ۱ ص ۴۹.

۲ الثوری ۱۵ ۳ الکافی ج ۸ ص ۳۶۸ ج ۳۶۲.

۴ مکالم الأخلاق ج ۱ ص ۵۳ ج ۲۵.

۵ کتر العمل ج ۱۲ ص ۴۱۹ ج ۳۵۴۷.

[دست کم] به شما دروغ نمی‌گفتم به خداوندی که هیچ خدایی جز او نیست، من فرستاده به حق خدا به سوی شما خصوصاً و به سوی همه مردم عموماً هستم. به خدا سوگند، همان گونه که می‌خواهید، می‌میرد و همان گونه که بیدار می‌شوید، برانگیخته خواهید شد و مطلق کردار تان، حسابرسی خواهید شد و در برابر نیکی، پاداش بیک خواهد یافت و در برابر بدی، کیفر بد خواهد چشید. بهشت جاویدان در کار است و دوزخ همیشگی.

د- داناگر

قرآن

﴿يَكُونُ بِهٖ هَرَكَةٌ﴾ که خدا نازل کرده است، ایمن آوردم و مأثور شدم که میان شما داناگری کنم.

حديث

۵۹۶ امام صادق علیه السلام - پیامبر خدا، نگاه‌های خود را میان اصحابش تقسیم می‌کرد و به این و آن، یکسان می‌نگریست

ه- شجاع

۵۹۷ امام علی علیه السلام، در جنگ بدر، ما به پیامبر صلی الله علیه و آله پناه می‌بردیم و او از همه ما به دشمن، نزدیک‌تر بود و در آن روز، از همه ما شجاعت بیشتری نشان داد.

۵۹۸ کثر العمل - به نقل از براء بن عارب -، هر گاه جنگ بالا می‌گرفت، ما خود را در پناه پیامبر خدا قرار می‌دادیم و شجاع، کسی بود که جرئت می‌کرد با او همدریف شود.

و- مهربان

قرآن

﴿فَقُلْنَا، بِرَأْيِ شَا پيامبری از خودتان آمد که بر او دشوار

خَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ

الحدث

است شما در رنج بیفتید، به [هدایت] شما خریص، ر
سبت به مؤمنان، دلسور مهربان است»

حدیث

۵۹۹ مکارم الأخلاق - به نقل از آنس - احلاق پیامبر
خدا، چنین بود که هر گاه یکی از اصحاب خود را
سه روز نمی دید، حوای حالتش می شد اگر سه
مسافرت رفته بود، برایش دعا می کرد و اگر در
شهر بود، به دیدنش می رفت و اگر بیمار بود، از او
عیادت می کرد

۶۰۰ الطبقات الکبری - به نقل از ابو سعید خدری -
پیامبر خدا، از یک دختر پرنده شین، باختر بود و
هر گاه از چیری حوشش می آمد، از چهره او
می فهمیدیم

د قروص

پیامبر خدا ﷺ حدیثی منعزل به من وحی
فرمود که «قروص باشید، تا هیچ کس به دیگری
محر نروشد و کسی به کسی تعذی نکند»

۶۰۲ امام باقر ﷺ در بیان قروتنی و رهد پیامبر
خدا - جبرئیل ﷺ کندهای گچییه های رمی را
سه بار مرد پیامبر ﷺ آورد و او را در انتخاب آنها
رزد گذاشت، بدون آن که حدیثی - تبارک و
تعالی - از آنچه در روز قیامت برایش آماده کرده
است، چیری بکاهد! اما هر بار، پیامبر ﷺ قروتنی
در برابر حدیثی را برگزید

۶۰۳ مکارم الأخلاق - به نقل از ابو در - پیامبر خدا در
میان اصحاب خود، به طوری می نشست که وقتی
عربی وارد می شد، تا نمی پرسید، متوجه
می شد کدام یک از آنها پیامبر خداست از این
رو، ما از ایشان حواش کردیم در حایب بشنید
که اگر غریبه ای وارد شد، ایشان را شناسد پس،

۵۹۹ . مکارم الأخلاق عن انس . كان رسول الله ﷺ اذا قدم
الرجل من إخوانه ثلاثة أيام سأل عنه . فإن كان غائباً
دعاه له ، وإن كان شاهداً رآه . وإن كان مريضاً عاده ^۱
۶۰۰ الطبقات الكبرى عن أبي سعيد الخدري كان رسول
الله ﷺ أشد حياء من القدراء في جديدها . وكان إذا كره
شيئاً عرفناه في وجهه ^۲

ز - متواضع

۶۰۱ رسول الله ﷺ رَأَى اللَّهُ تَعَالَى . وَحَى إِلَيْهِ أَنْ تَوَاضَعُوا
حَتَّى لَا تَفْخَرُوا أَحَدٌ عَلَى أَحَدٍ . وَلَا يَبْعَثَ أَحَدٌ عَلَى
أَحَدٍ ^۳

۶۰۲ . الإمام الغزالي - في ذكر تواضع رسول الله ﷺ
ورهبه . . . وَلَقَدْ أَمَّا جَبْرِئِيلُ ﷺ بِمَعَارِجِ حِرَاسِ
الْأَرْضِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ يُخَبِّرُهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَفْضَهُ اللَّهُ
بِبَارِكٍ وَمَعَالِي مِمَّا أَعَدَّ اللَّهُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَيْئاً ، وَيَعْتَازُ
التَّوَّاضِعَ بِرَبِّهِ جَلَّ وَعَزَّ ^۴

۶۰۳ مکارم الأخلاق عن أبي در كان رسول الله ﷺ يحل
ليس ظهراني أصحابه ، فيجيء الغريب ولا يدري أنهم
هو حتى يسأل . فَنُتَبِّأُ إِلَى الشَّيْءِ ﷺ أَنْ يَحْفَلَ مَجْبِئاً

۱ التوبة ۱۲۸

۲ مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۵۵ ح ۳۱

۳ الطبقات الكبرى ج ۱ ص ۳۸

۴ كنز العمال ج ۳ ص ۱۰ ح ۵۷۲۲

۵ الکافی ج ۸ ص ۱۳۰ ح ۱۰۰

يَعْرِفُهُ الْغَرِيبُ إِذَا أَتَاهُ، فَبَيَّانَةٌ دُكَّانًا مِنْ طَبِيعٍ وَكَانَ
يَجْلِسُ عَلَيْهِ وَنَجِيسٌ بِجَانِبِيهِ^۱

۶۰۴ مکارم الأخلاق عن ابن مسعود، أَتَى النَّبِيَّ ﷺ
رَحُلٌ يُكَلِّمُهُ فَأَرْعَدَ، فَقَالَ هُوَ عَلَىكَ فَلَسْتُ
بِمَلِكٍ^۲

ح - صابرو

۶۰۵ رسول الله ﷺ ما يُودِي أَحَدٌ مِثْلَ مَا يُؤْذِيَتُ فِي نَفْسٍ^۳

۶۰۶ تاریخ دمشق عن معمر، رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فِي
الْجَاهِلِيَّةِ وَهُوَ يَقُولُ أَيُّهَا النَّاسُ، قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
تُفْلِحُوا، فَمِنْهُمْ مَنْ تَقَلَّ فِي وَجْهِهِ، وَمِنْهُمْ مَنْ خَشَا
عَنْهُ لُتْرَاتٍ، وَمِنْهُمْ مَنْ شَبَّهَ، فَأَمَلْتُ جَارِيَةً بِخُشْ
مِنْ مَاءٍ مَعْلٍ وَحَمَّةٍ وَيَذِيهِ وَهَالِ مَائِيَّةٍ، أَصْرِي وَلَا
نَحْرِي وَلَا نَعَامِي عَلَى نَبِيِّكَ غَلَّةٌ وَلَا دَلَالَةٌ

فَقُلْتُ مَنْ هَذِهِ؟ فَصَالُوا رَيْسَ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ
وَهِيَ جَارِيَةٌ وَصِيفٌ^۴

۶۰۷ صحيح البخاري عن ابن مسعود، كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى
النَّبِيِّ ﷺ يَحْكِي بَيْتًا مِنْ لَأَنْبِيَاءِ خَرِيَّةٍ قَوْمُهُ فَأَقْوَمُوا،
وَهُوَ يَمْسَحُ الدَّمَ عَنْ وَجْهِهِ وَيَقُولُ اللَّهُمَّ اغْبِرْ لِقَوْمِي
فَلَا نَهْمَ لَا يَعْلَمُونَ^۵

ط - مزاهد

۶۰۸ رسول الله ﷺ - وَقَدْ قِيلَ لَهُ، لَوْ أَتَّخَذْتَ فِرَاشًا،
وَهُوَ عَلَى حَصِيرٍ قَدْ أَتْرَفِي جَسَدِيهِ - مَا لِي

مَنگویی از گِل درست کردیم و ایشان روی آن
می نشست و ما هم در دو طرف ایشان می نشستیم
۶۰۴ مکارم الأخلاق - به نقل از ابن مسعود - مردی
برد پیامبر ﷺ آمد و با ترس و لرز، شروع به
صحبت با ایشان کرد. پیامبر ﷺ فرمود: آرام
باش. من که پادشاه بیستم^۱

ح - شکيبا

۶۰۵ پیامبر خدا ﷺ هیچ کس به اندازه ای که من در راه
خدا آزار دیده ام، آزار ندیده است.

۶۰۶ تاریخ دمشق - به نقل از ضبيب - در جاهلیت،
پیامبر خدا را دیدم که می فرمود، ای مردم! بگویند،
«هیچ خدایی جز الله نیست» تا رستگار شوید؛ اما
بعضی به صورت او، آب دهان می انداختند و بعضی
بجه گویش خاک می پاشیدند و بعضی دشنامش
می دادند در این هنگام، دخترکی قدح آبی آورد و
پیامبر ﷺ صورت و دستهای خود را شست و
فرمود: «دختر کما شکيبا باش و برای مصیبت و
حواری پدرت، اندوهگینی مباش».

من پرسیدم: این دخترک کیست؟

گفتند: ریسب، دختر پیامبر خداست و او
دخترکی بوجوان بود

۶۰۷ صحيح البخاري - به نقل از ابن مسعود - انگار
پیامبر خدا را می بینم که داستان پیامبری از پیامبران را
به نمایش می گذارد که قومش او را زدند و خویشتن
کردند و او خون از چهره اش پاک می کرد و می گفت
«ای خدا یا قوم مرا بپارز؛ چرا که آس نادانانده».

ط - بی اعتنا به دنیا

۶۰۸ پیامبر خدا ﷺ - آن گساه که روی بوریا می دراز
کشیده و آن بوریا بر پهنایش رد انداخته بود و به
ایشان گفته شد، کاش بستری تهیه کنی! - مرا چه به
دنیا؟! حکایت من و دنیا، حکایت سواره ای است که

۱ مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۱۸ ح ۸

۲ مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۱۸ ح ۷

۳ کنز العمال ج ۳ ص ۱۳۰ ح ۵۸۱۸

۴ تاریخ دمشق ج ۵ ص ۱۸۸

۵ صحيح البخاري ج ۳ ص ۱۲۸۲ ح ۳۲۹۰

وَالدُّنْيَا إِنْ مَا مُتْلِي وَمِثْلُ الدُّنْيَا إِلَّا كَرَاكِبٍ سَارٍ فِي
يَوْمٍ صَائِفٍ فَاسْتَظَلَّ تَحْتَ شَجَرَةٍ سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ ثُمَّ
رَاحَ وَتَرَكَهَا^۱

۶۰۹ الإمام الصادق علیه السلام مات رسول الله ﷺ وعليه دين^۲

۶۱۰ مكارم الأخلاق حاءه ﷺ این حوی پیام به غسل
وَلَبَنٍ، فَأَيُّ أَنْ يَشْرَبَهُ، فَقَالَ شَرِبْنَاهُ فِي شَرِبَةٍ،
وَأَنَاءٍ فِي يَدِهِ وَاجِدٌ؟ فَأَيُّ أَنْ يَشْرَبَهُ، ثُمَّ قَالَ مَا
أَحْرَمُهُ، وَلَكِنِّي أَكْرَهُ الْفَحْرَ وَالْحَبَابَ بِفُصُولِ بَدَنِ
عَدَا، وَأَحْتِ التَّوَاضُّعَ فَإِنَّ مَنْ تَوَاضَّعَ غَدَا رَفَعَهُ اللَّهُ^۳

ی - تقدیمه نفسه واهل بيته في الدلاء

۶۱۱ الإمام علي علیه السلام - من كساه ابن معاوية - كان رسول
الله ﷺ إذا احمر الناس وادخهم الناس فدم أهل بيته،
فَوَدَى بِهِمْ أَصْحَابُهُ خَزَّ السُّودَ وَالْأَيْسَهُ فَمُتِلَ عَيْدُهُ
بِئِ الْحَارِثِ يَوْمَ بَدْرٍ وَمِثْلَ حَمْرٍ يَوْمَ أُحُدٍ، وَقَبِلَ
جَعْفَرُ يَوْمَ مُؤْتَةَ^۴

ک - عدم غضبه لنفسه

۶۱۲ الإمام علي علیه السلام في وصف النبي ﷺ - ما استصر
لنفسه من مظلمة حتى تستهك محارم الله، فيكون
حيث غصبه الله ببارك وتعالى^۵

۶۱۳ صحيح مسلم عن عائشة ما ضرب رسول الله ﷺ
شيئاً قط يدي، ولا امرأة ولا حادياً إلا أن يحاذي

در یک روز گرم تابستانی به راهی می‌رود و ساعتی از
روز را زیر سایه درختی می‌آرمد و سپس حرکت
می‌کند و می‌رود

۶۰۹ امام صادق علیه السلام پیامبر خدا، در حالی از دنیا رفت
که بدهکار بود

۶۱۰ مکارم الأخلاق این حوی، ظریفی از شیر و عسل
برای پیامبر ﷺ آورد پیامبر خدا از خوردن آن امتناع
درید و فرمود: «دو نوشیدنی در یک وعده و دو
ظرف در یک ظرف؟!»

پیامبر ﷺ آن را بخورد و فرمود: «مس، [خوردن]
پس را حرام نمی‌دانم؛ اما حوش بدانم که محر
بفروشم و فرد ای قیامت! به خاطر چیزهای ریادی
دنیا، حسابرسی شوم. من، فروتنی را دوست دارم؛
بنابراین هر که برای خدا فروشی کند، خداوند او را
رفعت می‌بخشد»

ی - مسهر بلاکردن خود و خانواده‌اش

۶۱۱ امام علی علیه السلام - در نامه خود به معاویه: «هر گاه،
جنگ بالا می‌گرفت و مردم از ترس واپس می‌رفتند،
پیامبر خدا، اعضای خاندانش را پیش می‌انداخت و
به وسیله آنها، یاران خود را از سوزش شمشیرها و
بیره‌ها حفظ می‌کرد از همین رو بود که عیبه من
حارث، در جنگ بدر کشته شد و حمزه، در جنگ
أُحُد و جعفر، در جنگ مؤتة

ک - خشمگین شدن برای خویش

۶۱۲ امام علی علیه السلام - در وصف پیامبر ﷺ - برای ستمی
که بر خودش می‌رفت، انتقام نمی‌گرفت، مگر آن گاه
که حرمت‌های خداوند، هتک می‌شد در این هنگام،
برای خداوند - تبارک و تعالی - خشم می‌گرفت

۶۱۳ صحيح مسلم - به فعل از عايشه - پیامبر خدا،
هیچ گاه، نه چیزی را با دست خود رد و نه رسی را و
نه خدمتکاری را، مگر هنگامی که در راه خدا،
می‌جنگید هرگز به خاطر امور شخصی، از کسی

۱ - مستدرک حیل ج ۱ ص ۶۱۶ مع ۲۷۱۱

۲ - مشکوٰۃ ج ۵ ص ۹۲ ح ۲

۳ - مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۱۷۹ ح ۱۲۴

۴ - بیج البلاغة الكتاب ۹

۵ - مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۶۱ ح ۵۵

سَبِيلَ اللَّهِ، وَمَا يَرْبُتُ بِهِ شَيْءٌ قَطُّ فَنُتَقِمُ مِنْ حَاجِبِهِ،
إِلَّا أَنْ يُبَيِّنَ شَيْءٌ مِنْ مَحَارِمِ اللَّهِ فَنُتَقِمُ لَهُ ۚ

۴/۵ خُصَائِصُهُ فِي السِّيَاسَةِ وَالْإِجْتِمَاعِيَّةِ

أ- الاهتمام بالشباب

۶۱۴ رسول الله ﷺ أَوْصِيَكُمْ بِالشُّبَّانِ حِرَاءَ، فَإِنَّهُمْ أَوْقُ
أَفِيدَةٌ، إِنَّ اللَّهَ يَنْفُخُ بَنَسِيرًا وَتَذِيرًا فَحَالَ قَبِي الشُّبَّانِ،
وَحَالَ قَبِي الشُّيُوخِ ثُمَّ قَرَأَ: ﴿فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ
فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ﴾ ۱ ۲

ب- حمایت از مستضعفین

۶۱۵ رسول الله ﷺ: «بِعَوِي الضُّعَفَاءِ، فَإِنَّمَا تُرَرُّ مَوْنٌ
وَتُصْرُونَ ضُعَفَائِكُمْ» ۱

۶۱۶ الإمام علي عليه السلام [سأل رسول الله ﷺ]: أَلَا وَمَنْ
اسْتَحْفُ بِعَمْرِ مُسْلِمٍ فَقَدْ اسْتَحْفُ بِحَقِّ اللَّهِ، وَلَقَدْ
يَسْجَعُ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، إِلَّا أَنْ يَتُوبَ
وَقَالَ ﷺ: مَنْ أَكْرَمَ فَقِيرًا مُسْلِمًا لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ
الْقِيَامَةِ وَهُوَ غَنِيٌّ رَاضٍ ۲

ج- مكَافَآتُ الْمُسْتَكَبِرِينَ

۶۱۷ الإمام الصادق عليه السلام: جَاءَ رَجُلٌ مُوسِرٌ إِلَى رَسُولِ
اللَّهِ ﷺ يَقِي الثُّوبَ فَجَلَسَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَجَاءَ
رَجُلٌ مُعِيرٌ ذِرَى الثُّوبِ فَجَلَسَ إِلَى حَبِيبِ الْمُسَوِّبِ
فَقَبَضَ الْمُسَوِّبُ ثِيَابَهُ مِنْ تَحْتِ فَجَذَبَهُ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ: «جِئْتَ أَنْ يَسْتَكْبَرَ مِنْ فَقْرِهِ شَيْءٌ؟» قَالَ: لَا.

۱ صحیح مسلم، ج ۱ ص ۱۸۱ ح ۷۹

۲ الحدید، ۱۶ ۳ شب فرشی ص ۱

۴ سنن ابی داود، ج ۳ ص ۳۲ ح ۲۵۹۱

۵ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴ ص ۱۳ ح ۴۹۶۸

انتقامجویی نکرد، مگر در مواردی که حرمت‌های
الهی هتک می‌شدند که در این صورت، به خاطر
خداوند انتقام می‌گرفت.

۴/۵ ویژگی‌های سیاسی و اجتماعی پیامبر ﷺ

الف - توجه به جوانان

۶۱۴ پیامبر خدا ﷺ شما را به نیکی با جوانان سعادش
می‌کنم؛ زیرا نرم‌ترین دل‌ها را دارند. به راستی که
خداوند مرا شارت‌دهنده و هشداردهنده برانگیخت.
پس جوانان، با من پیمان بستند و پیران، با من به
مخالفت برخاستند. [آن گاه، این آیه را خواند] ﴿وَر
عمر آنان به نرازا کشید، و این‌ها نشان مسحت گردید﴾ ۱

ب - حمایت از مستضعفان

۶۱۵ پیامبر خدا ﷺ: مرا در میان ضعیفان بجویند؛
زیرا شما به واسطه مردمان ضعیف، روری
می‌خورید و پاری می‌شوید.

۶۱۶ امام علی عليه السلام پیامبر خدا فرمود: «بدانید که
هر کس مسلمان فقیری را ناچیز شمارد، حق خدا را
ناچیز شمرده است و خداوند در روز قیامت، او را
ناچیز می‌گرداند مگر این که توبه کند»

و نیز فرمود: «هر کس مسلمان فقیری را گرامی
بنارد، روز قیامت، در حالی خدا را دیدار می‌کند که
بر او راضی است»

ج - ستیز با مستکبران

۶۱۷ امام صادق عليه السلام: مردی ثروتمند، با لباسی فاخر،
خدمت پیامبر خدا رسید و در محضر ایشان نشست
مرد تنگ‌دستی نیز، با لباسی مندرس، وارد شد و در
کنار مرد ثروتمند نشست. مرد ثروتمند، لباسش را از
زیر پایش جمع و جور کرد پیامبر خدا فرمود:
«توسیدی که از ناداری او، چیزی به تو سرایت کند؟»
گفت: خیر

فرمود: «پس ترمیدی که از ثروتمندی تو،

قَالَ فَحَفَّتْ أَرْبَعِيَّةٌ مِنْ عِبَادِكَ شَيْءٌ؟ قَالَ لَا. قَالَ
فَحَفَّتْ أَرْبَعِيَّةٌ ثِيَابَكَ؟ قَالَ لَا. قَالَ فَمَا حَفَّتَكَ
عَلَيَّ مَا صُنِعَتْ؟ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، يَرُّ لِي قَرِيباً
يُرِينُ لِي كُلَّ قَبِيحٍ، وَيَقْبِضُ لِي كُلَّ حَسَنٍ، وَقَدْ جَعَلْتُ
لَهُ يَصِفَ مَالِي، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِمُعَصِّرٍ أُتِفِقُوا؟
قَالَ لَا. فَقَالَ لَهُ الرَّحُلُ وَلَمْ؟ قَالَ أَحَدُ أَرْبَعٍ
يَدْخُلُنِي مَا دَخَلَكَ

۵/۵. خَصَائِصُهُ ﷺ اِعْبَادِيَّةُ

۱- كثرة العبادة

الكتاب

«طه» ما أُرسلنا عليك الفُرْسانَ لِتَشْفِي»^۱

الحديث

۶۱۸ الإمام علي عليه السلام لما سُرِلَ عَلَى السَّيْرِ ﷺ «يَا أَيُّهَا
الْمُرْتَلُ» فَمِ اللَّيْلُ إِلَّا قَلِيلًا»^۲ فَمِ نَسْوِلُ كُلَّهُ حَتَّى
تَوَرَّقَتْ قَدَمَاهُ، فَعَمِلَ يَرْفَعُ دَجْلًا وَيَصْنَعُ رَجُلًا مَهْطِدَ
عَلَيْهِ جَبْرِيلُ عَمَال «طه» يَعْنِي الْأَرْضَ مَعْدِيكَ يَا
مُحَمَّدُ «مَا أُرسلنا عَلَيْكَ الْفُرْسانَ لِتَشْفِي»، وَأُرسل
«مَا قَرَأُوا مَا تَنْشُرُ مِنَ الْقُرْآنِ»^۳

۶۱۹ الإمام الباقر عليه السلام كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عِنْدَ عَائِشَةَ
لَيْلَتِهَا، فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ، لِمَ تَتَعَبُ مَعَكَ وَعَدَّ عَمْرُ
لِلَّهِ لَكَ مَا تَقْدَمُ مِنْ ذَبِكَ وَمَا تَأْخُرُ؟ فَقَالَ يَا عَائِشَةُ
أَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا؟^۴

۱ التکفیر ج ۲ ص ۲۶۲ ح ۱۱

۲ طه ۱ و ۲ المرئیل ۱ و ۲

۳ المرئیل ۲ و ۳ الدر المنثور ج ۵ ص ۵۹

۴ التکفیر ج ۲ ص ۹۵ ح ۶

چیزی عاید او شود؟»

گفت حیر

فرمود: پس فرسیدی که او لباس تو را کشید؟

گفت؟

گفت حیر

فرمود: پس چه باعث شد که تو چنین کنی؟

گفت ای پیامبر خدا! من همراهی دارم که برایم
هر کار رشتنی^۱ آید جلوه می‌دهد و هر کار حویلی را
بد می‌نمایاند من بیمی از دارایی‌ام در بری بین [مرد
نگ‌دست] در دادم

پیامبر ﷺ به سرود نگ‌دست فرمود: «آب
می‌پذیری؟»

گفت حیر

مرد ثروتمند به او گفت: چرا نمی‌پذیری؟

پاسخ داد: من ترسم بر من همان رود که بر تو
رفته است

¶ و بزرگی‌های عبادی پیامبر ﷺ

الف - عبادت بسیار

قرآن

«طه قرآن را بر تو نازل نکردیم تا به رنج بیفتی»^۱
حدیث

۶۱۸ امام علی عليه السلام وقتی آیه «ای چاه به خوشی فرو
بیجده» آمد راحه پا حیر مگر اندکی بر پیامبر ﷺ نازل
شد، بشان تمام شب را به عبادت پرداخت، تا
جایی که پاهایش ورم کرد، به طوری که [موقع نماز
خواندن] یک پایش را بلند می‌کرد و یکی را روی
زمین می‌گذاشت، پس جبرئیل بر ایشان فرود آمد و
گفت «طه» یعنی هر دو پایت را به زمین بگذار، ای
محمد! «ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که به رنج بیفتی» و
پس این آیه را نازل کرد «پس آنچه از قرآن مهتر است،
تلاوت کن»

۶۱۹ امام باقر عليه السلام پیامبر خدا، در شب مویشی‌ها شسته، برد
او بود به پیامبر ﷺ گفت ای پیامبر خدا! چرا خودت
را به رنج می‌اندازی، حال آن که خداوند گناهان
گذشته و آینده تو را آمرزیده است؟

فرمود: ای عایشه! آیا بنده‌ای سپاس‌گزار
نیاشم؟^۲

ب - شِدَّةُ مَحَبَّةِ الصَّلَاةِ

ب - شِدَّةُ علاقه به نماز

۶۲۰ رسول الله ﷺ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ، وَحَبِيبَهَا إِلَيَّ كَمَا حَبِيبَ إِلَيَّ الْحَائِجِ نَظْعَامٌ، وَإِلَى الظَّمْآنِ الْمَاءَ، فَإِنَّ الْحَائِجَ إِذَا أَكَلَ الطَّعَامَ شَبِعَ، وَإِذَا شَرِبَ الْمَاءَ زَوِيَ، وَنَا لَا أَشْبِعُ مِنَ الصَّلَاةِ^۱.

۶۲۰ پیامبر خدا ﷺ، خداوند متعال، روشنی چشم مرا در نماز نهاده است و آن را محبوب من ساخته همان گونه که خوراک برای گرسنه و آب برای تشنه گوارا گشته است. همانا گرسنه پس از خوردن غذا، سیر می‌شود و تشنه پس از نوشیدن آب، سیراب می‌گردد؛ ولی من از نماز سیر نمی‌شوم.

ج - الاهتمام بالصَّيَامِ

ج - اهتمام به روزه

۶۲۱ الإمام الصادق عليه السلام كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَوَّلَ مَا بُعِثَ بِصَوْمٍ حَتَّى يُقَالَ مَا يُفْطِرُ، وَيُفْطِرُ حَتَّى يُقَالَ مَا يَصُومُ! ثُمَّ تَرَكَ ذَلِكَ وَصَامَ يَوْمًا وَأَمْطَرَ يَوْمًا وَهُوَ صَوْمُ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، ثُمَّ تَرَكَ ذَلِكَ وَصَامَ الثَّلَاثَةَ أَيَّامَ الْعَرَاءِ، ثُمَّ تَرَكَ ذَلِكَ وَفَرَّقَهَا فِي كُلِّ عَشْرَةِ أَيَّامٍ يَوْمًا، حَتَّى سَبَّحَ سِتِّينَ أَرْبَعًا، فَبَقِيَ عَلَيْهِ وَهُوَ الْإِسْلَامُ وَهُوَ بِمَعْلُوكٍ^۲.

۶۲۱ امام صادق علیه السلام، پیامبر خدا، در ابتدای بعثت، گاه چندان ایست سر هم [روزه می‌گرفت] که گفته می‌شد: دیگر روزه را ترک نخواهد کرد! و گاه ایستادن [روزه را ترک می‌کرد] که گفته می‌شد، دیگر روزه نخواهد گرفت! سپس این روش را ترک کرد و یک روز در میان، روزه می‌گرفت و این، روزه داوود علیه السلام بود. بعد از چندی، این را نیز واگذاشت و سه روز اول هر ماه را روزه می‌گرفت، سپس از این روش نیز دست کشید و از هر ده روز، یک روز روزه می‌گرفت؛ پنج شبه اول و آخر ماه و چهار شبه میان ماه، و تا زمانی که از دنیا رفت، به این سنت ادامه داد.

الفصل السادس. هجرة النجدي

الهجرة إلى المدينة

الكتاب

﴿وَأَضْبِرْ عَلَى مَا يَنْقُضُونَ وَأَهْجُزْهُمْ هَزْرًا جَمِيلًا﴾^۳

الحديث

۶۲۲ بحار الأنوار كَانَتْ الْهَجْرَةُ سَنَةً أَرْبَعِ عَشْرَةَ مِنَ الْمَبْعُوثِ، وَهِيَ سَنَةُ أَرْبَعٍ وَثَلَاثِينَ مِنَ مُلْكِ كِسْرَى الْبَرْوِيرِ، سَنَةُ تِسْعٍ لِهَرَقْلَ^۴، وَأَوَّلُ هَذِهِ السَّنَةِ الْمُحَرَّمُ

فصل ششم. هجرت پیامبر ﷺ

۱/۶ هجرت به مدینه

قرآن

﴿وَأَضْبِرْ عَلَى مَا يَنْقُضُونَ﴾، شکبای باش و از آنان با دوری گزینم خوش، فاصله بگیرم.

حدیث

۶۲۲ بحار الأنوار هجرت پیامبر ﷺ به مدینه [در سال چهاردهم بعثت صورت گرفت و مصدق بود با سی و چهارمین سال سلطنت خسرو پرویز و بهمن سال

۱ الامالی للطوسي ص ۵۲۸ ح ۱۱۶۲

۲ التکالیف ج ۴ ص ۹۰ ح ۲ ۳ المیزان ج ۱۰

۴ هرقل من ملوک الروم، وهو أول من ضرب القسطنطين، وأول من أحدث البيعة (لسان العرب ج ۱۱ ص ۶۹۴)

وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مُقِيمًا بِكَهْ لَمْ يَخْرُجْ بِهَا، وَقَدْ
كَانَ جَمَاعَةٌ خَرَجُوا مَعَ دِي الْحِجَّةِ، وَقَالَ مُحَمَّدٌ بْنُ
كَعْبٍ الْقُرْظِيُّ اجْتَمَعَ قُرَيْشٌ عَلَى بَابِهِ وَقَالُوا إِنَّ
مُحَمَّدًا لَا يَرَعُمْ أَنْتُمْ إِنْ بَايَعْتُمُوهُ كُنْتُمْ مُدْلُوكَ الْقُرَيْبِ
وَالْمَجْمُوعِ، ثُمَّ يُعْثِمُ بَعْدَ مَوْتِكُمْ فَعِوَلُكُمْ جَانُ كِبَابِ
الْأَرْضِ، وَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا كَانَ لَكُمْ مِنَ الدِّبْحِ ثُمَّ يُعْثِمُ بَعْدَ
مَوْتِكُمْ فَعِوَلُكُمْ لَكُمْ نَارٌ تَحْرَقُونَ بِهَا خَرَجَ رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ فَأَخَذَ حَفَنَةً^۱ مِنْ تُرَابٍ، ثُمَّ قَالَ نَعَمْ أَنَا أَقُولُ
ذَلِكَ، فَشَرَّ التُّرَابِ عَلَى رُؤُوسِهِمْ وَهُوَ يَقْرَأُ «يَسْ-إِلَهِي
قُولِي-وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا
فَأَعَشَيْنَاهُمُ هُمْ لَا يُصِيرُونَ»^۲، فَلَمْ يَبْقَ مِنْهُمْ رَجُلٌ
وَصَحَّ عَلَى رَأْسِهِ التُّرَابُ إِلَّا قُلُوبُ يَوْمٍ يَدْرُجُ^۳ ثُمَّ انْصَرَفَ
إِلَى حَيْثُ أَرَادَ، فَأَمَّا هُمْ أَيْ لَمْ يَكُنْ مِنْهُمْ فَعَالَ مَا
سَيُظْهِرُونَ هَهُنَا؟ هَالُوا مُحَمَّدًا قَالَ هُوَ اللَّهُ حَرَجَ
مُحَمَّدٌ عَلَيْهِمْ ثُمَّ مَا تَرَكَ مِنْكُمْ رَجُلًا إِلَّا وَقَدْ وَصَحَّ
عَلَى رَأْسِهِ التُّرَابُ وَاسْطَلَقَ لِحَاحِيهِ، فَوَصَحَّ كُلُّ رَجُلٍ
مِنْهُمْ يَدُهُ عَلَى رَأْسِهِ فَإِذَا عَلَيْهِ تُّرَابٌ ثُمَّ خَنَعُوا
يُطْلِعُونَ وَيَتَرَوْنَ عَلِيًّا عَلَى الْبَرَاءِشِ مَشْبَعًا^۴ يُرِيدُ رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ، فَيَقُولُونَ، إِنَّ هَذَا لِمُحَمَّدٍ نَائِمٌ عَلَيْهِ بُرْدَةٌ، فَلَمْ
يَبْرَحُوا كَذَلِكَ حَتَّى أَصْبَحُوا فَقَامَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِيسٍ
فَقَالُوا وَاللَّهِ لَقَدْ حَضَرْنَا الْيَوْمَ كَأَن حَدَّثَنَا بِهِ^۵

فرمان روایی هرقل (امپراتور روم)، و اَوَّل این سال
محرم است پیامبر خدا در مکه بود و آن جا را ترک
نکرده بود؛ اما عده‌ای از مسلمانان در ماه ذی‌حجه
بیرون رفته بودند. محمد بن کعب قرظی می‌گوید
قریش بر در خانه پیامبر جمع شدند و گفتند محمد
می‌گوید که اگر شما با او بیعت کنید، بر عرب و عجم،
فرمانروا خواهید شد و بعد از مرگ هم، دوباره رفته
می‌شوید و برای شما باغ‌ها و جنت‌هایی چون
باغ‌های این جهان خواهد بود و اگر بیعت نکنید، به
دست او کشته خواهید شد و بعد از مرگ هم رفته
خواهید شد و در آتش سوزان خواهید سوخت
در این هنگام پیامبر خدا از خانه بیرون آمد و
مثنی حاک برداشت و فرمود: «آری من این سخنان
را می‌گویم»

سپس مشت خاک را روی سر آنان پاشید و این
آیه را تلاوت فرمود: «يَسْ» تا آیه «وَجَعَلْنَا مِنْ
بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا» تمام کسانی که از آن خاک
روی سرشان ریخته شد، در جنگ بدر، کشته شدند
پیامبر ﷺ سپس به راه افتاد و رفت در این
هنگام، شخصی که با آن عده بود، آمد و گفت در
این جا منتظر که هستید؟

گفت محمد

گفت به خدا سوگند که محمد، از کنار شما
عبور کرد و بر سر همه شما خاک ریخت و در پی کار
خود رفت

هریک از آن عده، دست خود را روی سرش
گذاشت، دید حاکی است چون به درون خانه
پیامبر ﷺ سرک کشیدند، دیدند علی ﷺ در بستر است
و قطعه پیامبر خدا را روی خود کشیده است. گفتند
و محمد است که خوابیده و قطعه‌اش روی او است
ایمان، همچنان بر در منزل پیامبر ﷺ بودند تا این
که صبح شد و علی ﷺ از بستر برخاست، گفتند، به
خدا سوگند، آن مرد به ما راست گفته بود.

۱ الحفة على الكف (کدامی هاشم المصلح)

۲ یس ۹۱

۳ التوشح بالرداء: آن بدخل الثوب من تحت يده اليمنى فلبقه

عنى منكبه الأيسر كما يفعل المشعرون (کسی که از لباس راست ج ۲

ص ۶۳۳)

۴ بعد الأوبار ج ۱۹ ص ۳۸ ج ۶

پایه ثانویم هجری

محاصره و مدد، یکی از ارکان اساسی زندگی انسان است. بیار زندگی اجتماعی بشر به تدریج، تاحدی است که قرآن کریم، تأمیس این نیاز به وسیله خورشید و ماه و یکی از نشانه‌های حدشاسی و دلایل حکمت آفریدگار، دانسته است.

دعایت به این ضرورت، می‌توان حدس زد که هر جامعه انسانی‌ای، به گونه‌ای، تاریخ زندگی خود را ثبت و ضبط می‌کرده است. همچنین با اندکی تأمل، می‌توان دریافت که به طور طبیعی، بهترین و به یادماندنی‌ترین مبدأ تاریخ، در حوامع و اقوام مختلف، حوادث و وقایع مهم تاریخی‌اند.

بر همین اساس در میان مسلمانان نیز پس از شکل‌گیری جامعه اسلامی در مدینه، هجرت پیامبر خدا به این شهر به عنوان مبدأ تاریخ اسلام، مورد توافق قرار گرفت. ^۱ افتاد بر این که دقیقاً از چه زمانی، هجرت به عنوان مبدأ تاریخ تعیین شد، دو نظریه وجود دارد.

۱. پیامبر اسلام، پایه گذار تاریخ هجری است

نظریه اول، این است که پیامبر ﷺ در همان آغار ورود به مدینه، شخصاً دستور تعیین تاریخ را در هجرت، صادر کرد. قرائنی، این نظریه را تأیید می‌کند، از جمله آنچه طبری نقل کرده است که پیامبر ﷺ چون به مدینه آمد، و آمدش در ماه ریح بود - دستور به تعیین تاریخ داد.^۱ محقق معاصر، سید حمزه مرتضی عاملی، این نظریه را برگزیده است.^۲

۲. خلیفه دوم، پایه گذار تاریخ هجری است

نظریه دیگر، این است که در سال هفتم هجری، خلیفه دوم تصمیم گرفت که مبدأ برای تاریخ قرار دهد. پیشنهادهاى مختلفی مطرح شد. برخی تاریخ روم، برخی تاریخ فارس، برخی تولد پیامبر ﷺ، برخی هشت، و برخی وفات ایشان را پیشنهاد کردند. اما امام علی علیه السلام هجرت را پیشنهاد کرد و همین، پذیرفته شد. سعید بن مسیب می‌گوید: عمر گفت: «یکی تاریخ بویسیم؟ و مهاجران را گرد آورد علی علیه السلام به او فرمود: «(از روری که پیامبر ﷺ به مدینه هجرت کرد)» پس همان، مبدأ تاریخ قرار داده شد.^۳

۱. در صحیح من سیره النبی الاکرم ﷺ ج ۱ ص ۱۸۶-۲۰۲.

تاریخ طبری ج ۲ ص ۲۸۸

۲. التلخیص للکثیر ج ۱ ص ۹

آقای رسول جعفریان، میان نظریه اول و دوم، به گونه‌ی جمع کرده که به نظر، درست می‌رسد، او می‌گوید

آنچه از مجموع مسائلی که در این زمینه نقل شده به دست می‌آید، این است که هجرت به عنوان یک تحول مهم در دوره حیات رسول خدا، مبدأ رخدادها به شمار می‌آید، است با وفات رسول خدا و پیدایش رجفانهای دیگر، احتمالاً از اهمیت آن کاسنه شده و به حتی به فرموشی سپرده شده بود. روایتی از ابن عباس، بر همین دلالت می‌کند. او می‌گوید: «هنگامی که بنی‌اکرم به مدینه پای گذاشت، تاریخی در آن سال وجود نداشت. مردم یکی دو ماهی پس از ورود ایشان، تاریخی را [که فاعداً باید همان هجرت باشد] به کار می‌بردند. این تاریخ تا زمان وفات رسول خدا ادامه یافت و پس از آن، قطع شد و در اتمام خلافت ابوبکر و چهار سال نخست خلافت عمر، تاریخی وجود نداشت. سپس تاریخ هجری وضع شده بدین ترتیب: می‌توان میان هر دو نظر، توافق نه وجود دارد. بدین معنا که مبدأ شدن هجرت در دوره حیات رسول خدا، به طور طبیعی و یا به دستور پیامبر خدا صورت گرفته. این به معنای همان فاعده پسین بود که رخدادی مهم، مبدأ تاریخ قرار می‌گرفت. اما بعد از رحلت رسول اکرم به فرموشی سپرده شد و چند سال بعد از آن تا بوجه به باری که به یک مبدأ احساس می‌شد، به پیشنهاد امام علی علیه السلام [که حساست خاصی بر روی پیروی از شیوه رسول اکرم داشت] احیاء شد به علاوه و شاید مشتقانه مبدأ سال - که فاعداً باید از ربیع ثانی (ماه هجرت) می‌بود - به معرّف تبدیل شد.^۱

الفصل السابع: معراج النبی ﷺ

فصل هفتم، معراج پیامبر ﷺ

۱/۷ عُرِجَ النَّبِيُّ ﷺ إِلَى مَكَانٍ مَا وَطَنُهُ بَشَرٌ

۱/۷. عروج پیامبر ﷺ به جایگاهی که هیچ بشری

قدم نگذاشت

۶۲۳. لِإِمَامِ الصَّادِقِ ﷺ لَمَّا عُرِجَ بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ نَهَى

۶۲۳. امام صادق ﷺ زمانی که پیامبر ﷺ به معراج برده

شد، جبرئیل ﷺ ایشان را به جایی رسانید و خود با

ایشان گرفت پیامبر خدا فرمود: ای جبرئیل! در

چپ و صمی مرا تها می کناری؟^۱

بِهِ جِبْرِئِيلُ ﷺ إِلَى مَكَانٍ فَخَلَّى عَنْهُ، فَقَالَ لَهُ يَا

حَبْرَنِيلُ، تُخَلِّسِي عَلَيَّ هَذِهِ الْحَالَةَ؟^۲ أَفَلَا يَجِبُ أَنْ

يُؤَاهِدَ لَقَدْ وَطِئْتُ مَكَانًا مَا وَطَنُهُ بَشَرٌ وَمَا مَشَى فِيهِ بَشَرٌ

قَبْلَكَ^۳

جبرئیل ﷺ گفت: بروا به خدا سوگند، در جایی

قدم گذاشته‌ای که پای هیچ بشری به آن جا نرسیده و

پیش از تو، هیچ بشری به آن جا نرفته است

۲/۷ صَلَاةُ الْمَلَائِكَةِ وَالْمُسْلِمِينَ ﷺ خَلْفَ

النَّبِيِّ ﷺ فِي الْمَعْرَاجِ

۲/۷. صلوات فرشتگان و پیامبران ﷺ، پشت سر

پیامبر ﷺ در معراج

۶۲۴. الْإِمَامُ الصَّادِقُ ﷺ لَمَّا أُسْرِيَ بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِلَى السَّمَاءِ

۶۲۴. امام باقر ﷺ شبی که پیامبر خدا به آسمان برده

محمّد ﷺ، نیت المعمور رسید و وقت نماز شد

جبرئیل ﷺ زان و اقامه گفت. پیامبر ﷺ به امامت

بستاد و فرشتگان و پیامبران نیز در پشت سر

محمّد ﷺ صف کشیدند

فَخَلَعَ النَّبِيُّ ﷺ الْمَعْمُورَ وَخَضَعَتِ الصَّلَاةُ فَأَذَّنَ جِبْرِئِيلُ

وَأَقَامَ، فَتَقَدَّمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، وَصَفَّ الْمَلَائِكَةُ وَالنَّبِيُّونَ

حَدَفَ مُحَمَّدٌ ﷺ^۴

الفصل الثامن: إخبار النبي ﷺ بالمعصيات

۱، ۸ شهادة عقار

فصل هشتم، غیب‌گوئی‌های پیامبر ﷺ

۱/۸ شهادت عقار

۶۲۵. كَرَّ الْعَقْلُ عَنْ حَذِيفَةَ: عَلَيْكُمْ بِالْعِتَّةِ الَّتِي فِيهَا

۶۲۵. كمر العقار - به عقل از حذیفه - به [باری]

گروهی که فرزند سمیه (عقار) در آن است، بشنایید؛

ویرا از پیامبر خدا شنیدم که می‌فرمود: «اور گروه

سرکش به قتل می‌رسانند»

ابْنُ سُمَيْيَةَ، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: تَقْتُلُهُ

الْعِتَّةُ الْبَاعِثَةُ^۱

۲/۸ شهادة الإمام علي ﷺ

۲/۸ شهادت امام علی ﷺ

۶۲۶. الْإِمَامُ عَلِيُّ ﷺ أَخْبَرَنِي الصَّادِقُ الْمَصْدُوقُ ﷺ أَنِّي

۶۲۶. امام علی ﷺ راستگوی تصدیق شده (پیامبر ﷺ)

به من خبر داده است که من نمی‌میرم، مگر آن که بر

این جایم (با اشاره به سمت چپ جنوی سرش)

۱ العقل امیر، والهاء للشك

۲ الکافی ج ۱ ص ۴۵۲ ح ۱۲

۳ الکافی ج ۳ ص ۳۰۲ ح ۱

۴ کتر العمل ج ۱ ص ۳۵۱ ح ۳۱۷۱۹

لَأَمُوتَ حَتَّى أُصْرَبَ عَلَى هَيْدٍ - وَأَشَارَ إِلَى شَقَمٍ
رَأْسِهِ الْإِيسَرَ - فَتَحَصَّبَ هَذِهِ مِثْلَ يَدَيْهِ^۱

صربت فرود آید و این، از نخون سرم رنگین شود (و)
محاصص را گرفت).

۳/۸. حَرْبُ الْحَمَلِ

۳/۸. جنگ حمل

۶۲۷ الملاحم والفتن عن عائشة وإبراهيم لتتبعني هن
رسول الله ﷺ - أَنَّهُ قَالَ لِأُرَاجِعُهُ - أَيُّكُمْ أَلَّتِي تَبْجُهَا
كِلَابُ الْخَوَاطِبِ؟ فَلَمَّا مَرَّتْ عَائِشَةُ سَحَبَتِ الْكِلَابَ،
فَسَاوَبَتْ عَمَّهُ فَبَيَّنَ لَهَا. هَذَا مَاءُ الْخَوَاطِبِ، قَالَتْ مَا
طُغِي إِلَّا رَاجِعَةً. قِيلَ لَهَا يَا أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ، إِنَّمَا
تُصْلِحِينَ بَيْنَ النَّاسِ؟^۲

۶۲۷ الملاحم والفتن - به نقل از عایشه و ابراهیم
تمیمی - . پیامبر خدا، به همسران خود فرمود: کدام
یک، از شما، همان کسی است که سگهای حوآب هر
او پارس می‌کند؟^۱

هنگامی که عایشه از این مکان عبور کرد، سگها
بر او پارس کردند. عایشه درباره نام این محل
پرسید گفتند این جا آنکه حوآب است
عایشه گفت، به گمانم باید برگردم

به او گفته شد: ای اُمّ المؤمنین! تو فقط برای
اصلاح میان مردم آمده‌ای نه چیری دیگر!

۶۲۸. كثر العمال عن ابن عباس. قَالَ لِإِمَامٍ عَلِيٍّ ﷺ لِلرَّبِيرِ
شَدْنُكَ بَاهُو. هَلْ تَعْلَمُ أَنِّي كُتْتُ أَنَا وَأُمِّي فِي صَفِيَّةَ
بَنِي فَلَانٍ تَعَالَيْتُ وَأَعَالِيكَ. فَمَرَّ بِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
فَعَالَ لِي كِتَابَكَ نُحْنُ؟ هَذَا وَمَا بِمَنْعِي؟ قَالَ أَمَا
إِنَّهُ يُقَالُ لَكَ وَهُوَ الطَّامُ وَالرَّبِيرُ الْفَهْمُ نَحْمُ
ذَكَرَ مِي مَا هَدِ نَسِيتُ، فَوَيْ رَاجِعاً^۳

۶۲۸. كثر العمال - به نقل از ابن عباس - : امام علی
به ربیر فرمود: "تو رایب خدا، آیا پادشاه هست که من و
مادر من در صفیة بنی فلان بودیم و با هم روزآرمایی
می‌کردیم و پیامبر خدا بر من گذشت و به من فرمود:
"گویا دوستش داری؟" و من گفتم چرا که نه؟ او
پیامبر خدا فرمود: "بدان که او به منم یا تو خواهد
حکد؟"^۱

ربیر گفت، آری درست است چیری را که
فراموش کرده بودم، به یادم آوردی
بس ربیر بازگشت و رفت [و از ادامه جنگ،
دست کشید]

۴/۸. پیروزی بر ایوان و روم

۶۲۹ امام صادق ﷺ، هنگامی که پیامبر خدا اخندق را
می‌گفت، مسلمانان به مانعی برخوردند. پیامبر خدا،
کندک را از دست امیرمؤمنان یا سلمان گرفت و
صربه‌ای بر آن فرود آورد که سه تکه شد در این
هنگام، پیامبر خدا فرمود (خداوند، باین صربه من،
گنج‌های کسرا و قیصر را بریم گشود)

۴/۸. الحلبة على ايران والروم

۶۲۹ الإمام الصادق ﷺ لما حضر رسول الله ﷺ الخندق مرّوا
بِكُدَيْيَةَ^۱ فَسَأَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْمَعُولَ بِسِ يَدِ امِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ ﷺ أَوْ مِنْ يَدِ سَلْمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَضْرَبَ
بِهَا صَرْبَةً فَتَفَرَّقَتْ بِثَلَاثَ فُرْقٍ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
لَقَدْ فُتِحَ عَلَيَّ فِي ضَرْبَتِي هَذِهِ كُنُوزُ كِسْرَى وَفَيْضَر
فَقَالَ أَخَذَهُمَا لِصَاحِبِهِ يَخْدُنَا بِكُنُوزِ كِسْرَى وَفَيْضَر

۱ كثر العمال ج ۱۲ ص ۱۹۲ ح ۳۱۵۷۱

۲ الملاحم والفتن ص ۶۶ ح ۱۸

۳ كثر العمال ج ۱۱ ص ۳۳۲ ح ۳۱۶۶۰

۴ الكندية - بالهم - قطعة عبيطه شبه لا تعمل فيها القناس
(النهاية ج ۴ ص ۱۵۶)

وما یقدیرُ أخذنا ان یمرحَ یتغلّی^۱

۵/۸ شهادة الإمام الحسین

۶۳۰ کمر العقال عن أم سلمة، فَحَلَّ الحسینُ علی النبی ﷺ وأنا جالسة علی الباب، فَتَطَلَّمتُ فَرَأیتُ فی کَفِّ النبی ﷺ شیئاً یُعَلِّبُهُ وَهُوَ نائمٌ علی بَطْنِهِ، فَقَدْتُ یا رسولَ الله! فَتَطَلَّمتُ فَرَأیتُکَ تُکَلِّبُ شیئاً فی کَفِّکَ وَالصَّبْیُّ نائمٌ علی بَطْنِکَ وَدُمُوعُکَ تَبِیلُ! فَقَالَ إِنَّ جِبْرِیْلَ أَنانی بِالثُرَّةِ الَّتِی یُقْتَلُ عَلَیْهَا فَأَحْزَنَی أَنْ أَمْسِ یَقْتُلُونَهُ^۲

۶/۸ الحلة علی النہود

۶۳۱ رسول الله ﷺ لَا تَقْرُمُ لِسَاعَةً حَتَّى یُقَاتِلَ الْمُسْلِمُونَ الْیَهُودَ، فِیْقَتُلُهُمُ الْمُسْلِمُونَ حَتَّى یَحْتَنِ الْیَهُودِیُّ وَراءَ الْحَجَرِ وَنَشْعِرٍ، فِیَعُولُ الْحَجَرُ وَالنَّشْعِرُ یا مُسْلِمُ یا عَبْدَ اللَّهِ! هَذَا یَهُودِیُّ خَلَفِی فُتِحَالُ فَاقْتُلْهُ^۳

۷/۸ فتحة المغول

۶۳۲ رسول الله ﷺ لَا تَقْرُمُ السَّاعَةَ حَتَّى یُقَاتِلَ الْمُسْلِمُونَ التُّرْکَ قَوْماً وَجُوهُهُمْ کَالنَّجَاجِ الْمَطْرُقَةِ یَلْبَسُونَ الشَّعْرَ وَیَمْشُونَ فی الشَّعْرِ^۴

۸/۸ الثورة الإسلامية فی الشرق

۶۳۳ رسول الله ﷺ إِنَّ أَهْلَ بَیْتِی سَیَلْقَوْنَ مِن بَعْدِی

یکی از افراد به رفیقش گفت: وعده گنج‌های کسرا و قیصر را به ما می‌دهد، در حالی که هیچ یک از ما [از بیم دشمن] قادر نیست برای قضای حاجت، بیرون بروند

۵/۸ شهادت امام حسین

۶۳۰ کمر العقال - به نقل از أم سلمه: - حسین ﷺ بر پیامبر ﷺ وارد شد، من دم در نشسته بودم سُرُک کشیدم، دیدم حسین ﷺ روی شکم پیامبر ﷺ خوابیده و در دست پیامبر خدا، چیری است و آن را زیر و رو می‌کند، گفتم: ای پیامبر خدا! من، سُرُک کشیدم و دیدم کودک روی شکم شما خوابیده و در دست چیری هست و آن را زیر و رو می‌کند و اشک می‌ریزی؟

پیامبر خدا فرمود: جبرئیل، از آن خاکی که این کودک بر آن کشته می‌شود، برایم آورد و به من خبر داد که انتم او را به قتل می‌رسانید

۶/۸ پیروزی یزیدیه

۶۳۱ پیامبر خدا ﷺ قیامت برپا نمی‌شود تا این که مسلمانان با یهود بجنگند [در این جنگ] مسلمانان، یهود را می‌کشند تا جایی که یهودی پشت سنگ و درخت، پنهان می‌شود و آن سنگ و درخت می‌گوید ای مسلمان، ای بنده خدا! من یهودی در پشت من پنهان است بیا و او را بکش.

۷/۸ فتحة مغول

۶۳۲ پیامبر خدا ﷺ قیامت برپا نمی‌شود تا آن که مسلمانان با ترک‌ها بجنگند؛ مردمی که صورت‌هایشان مانند سپرهای روکش حورده و توبره نوست، لباس‌های موئی می‌پوشند و در لک‌های [از مو] راه می‌روند

۸/۸ انقلاب اسلامی در شرق

۶۳۳. پیامبر خدا ﷺ پس از من، حاندانم ب سختی و آوارگی و تبعید رو به رو خواهند شد، تا آن که از

۱. التکلیف ج ۸ ص ۲۱۶ ح ۲۶۴

۲. کمر العقال ج ۱۳ ص ۱۵۷ ح ۲۷۶۸

۳. کمر العقال ج ۱۴ ص ۲۰۸ ح ۲۸۱۷

۴. کمر العقال ج ۱۴ ص ۲۰۵ ح ۲۸۱۰۵

بَلَاءٌ وَتَشْرِيداً وَتَطْرِيداً، حَتَّى يَأْتِيَ قَوْمٌ مِّنْ مِّشْرِيقِ مَعَهُمْ رَايَاتٌ سُودٌ يُسْأَلُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَ، فَيُهَاجِلُونَ وَيُنْصَرُونَ، فَيُعْطَوْنَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَهُ، حَتَّى يَدْفَعُوهَا إِلَى رَجُلٍ مِّنْ أَهْلِ بَنِي يُوْاطَى اسْمُهُ أَسِي. فَيَمْلِكُ الْأَرْضَ فَيَسْوِيهَا قَبْشَةً وَعَدلاً كَمَا تَلَوُّوْهَا جَوْراً وَظُلْماً، فَحِينَئِذٍ ذَرْكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ أَوْ مِنْ أَغْقَابِكُمْ فَلْيَأْتِيهِمْ وَلَوْ حَبْرٌ عَلَى الشَّلْحِ فَإِنَّهَا رَايَاتٌ هُدًى

۹/۸ اَللّٰهُمَّ عَلِّمِ الْعَبْدَ سَتَعْلَمُ اللهُ

الکتاب

«عَلَّمَ الْغَنَبَ فَلَا يَطْلُو عَلَى غَنَمِهِ أَحَدٌ إِلَّا مِنْ أَرْثَمِهِ»
من رؤوس غنایه پیشک من بطن بدنه و من خطفه
رصداء *

الحدیث

۶۳۱ الإمام الصادق علیه السلام: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ ضَلَّتْ نَاقَتُهُ، فَقَالَ النَّاسُ فِيهَا: يُحْبِرُنَا عَنِ السَّمَاءِ وَلَا يُحْبِرُنَا عَنِ نَاقَتِهِ! فَهَبْ عَلَيْهِ خَيْرُ نَبْلٍ هَالٍ: يَا مُحَمَّدُ، مَا تَكْتُمِي وَادِي كَدٍّ وَكَدًا، مَلْعُوفٌ حِطَائُهَا بِشَجَرَةٍ كَدًا وَكَدًا. قَالَ: فَصَعِدَ الْمَبِيرَ، وَحَمَدَ اللَّهَ وَأَتَتْهُ عَلَيْهِ وَمَا بَأْسُهَا النَّاسُ، أَكْثَرُكُمْ عَلَيَّ فِي نَافْسِي، إِلَّا وَمَا عَطَايَ اللَّهُ خَيْرٌ مِنَّا أَحَدٌ مِنِّي، إِلَّا وَإِنْ نَافْسِي فِي وَادِي كَدًا وَكَدًا، مَلْعُوفٌ حِطَائُهَا بِشَجَرَةٍ كَدًا وَكَدًا، فَابْتَدَرَهَا النَّاسُ فَوَجَدُوهَا كَمَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ» *

مشرق زمین، مردمی قیام می‌کنند با پرچم‌های سیاه، که حق را می‌طلبند؛ آنگاه آنان داده می‌شود و از این رو، دست به جنگ می‌رند و پیروز می‌شوند و آنچه خواسته‌اند، به آنها داده می‌شود؛ لیکن آن را نمی‌پذیرند، تا او را به مردی از خاندان من بسپارند؛ مردی که همنام من است... از فرمانروای جهان می‌شود و دیار پر از عدل و داد می‌کند، همچنان که آن را پر از عدم و بی‌داد کرده بودند. هر یک از شما با بازماندگان شما که این مردمان را درک کند، به آنان بپیوندد، اگر چه با چهار دست و پا رفتن روی پرف باشد؛ زیرا آن پرچم‌ها، پرچم‌های هدایت‌اند

۹/۸ پیامبر ﷺ ما تعلیم خداوند ﷻ از غیب، خبر

دارد

هراک

«داناتی جهان است و کسی را بر عیب خود آگاه نمی‌کند هر پیامبری را که از او حشود باشد، که [در این صورت] برای آواز پیش رو و از پشت سرش نگاهبانانی بر خواهد گشت»

حدیث

۶۳۲ امام صادق علیه السلام: «نَافَقَةُ پیامبر خدا، گم شد مردم گفتند: برایمان از آسمان خبر می‌دهد؛ اما از شترش خبرمان نمی‌دهد [و نمی‌داند کجاست]»
پس جبرئیل علیه السلام بر ایشان فرود آمد و گفت، ای محمد! نفاق در فلان دره است و مهارش به فلان درخت، پیچ خورده است
پس پیامبر خدا، سبزه رعب و خدا را حمد و ثنا گفت و فرمود: «هلا، ای مردم! شما درباره [گم شدن] نافقه من حرف‌ها ردید، بدانید که آنچه خداوند به من داد، بهر از آن چیزی است که از من گرفت. بدید که نافقه من در فلان وادی است و مهارش به فلان درخت، پیچ خورده است»

مردم به طرف نافقه شتافتند و دیدند همان گونه است که پیامبر خدا فرموده بود

۱ کز فضائل ج ۱۵ ص ۲۶۷ ح ۲۸۶۷۷

۲ الجن ۲۶ و ۲۷ ۳ الکافر ج ۸ ص ۲۲۱ ح ۲۷۸

الْبَابُ الثَّانِي

الْقُرْآنُ وَالسُّنَّةُ

الفصل الأول: القرآن

بیشتم

قرآن و سنت

فصل یکم: قرآن

۱/۱ الْحَدِيثُ عَلَى التَّمَسُّكِ بِالْقُرْآنِ

الكتاب

«وَلَقَدْ يَشْرُفُنَا الْقُرْآنُ عَلَى الْمُنْكَرِ فَبَلَّغْ مِنْ مَنَظَرِهِ»^۱

الحديث

۱/۱. تشویق به تمسک به قرآن

قرآن

«و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کرده‌ایم. پس آی

پندگیرندمان هست؟»

حدیث

۶۳۵ پیغمبر خدا ﷺ - وقتی به ایشان گفته شد به رودی

انت تو گرفتار نشه خواهند شد راه خلاص از آن

چیست؟ - کتاب گرامی خدا، همان که باطل، به ار

پیش از به از پس، بدو راه بیابد، فرود آمد از سوی

قرآن‌نمای ستوده است هر که علم را جز در قرآن

پیدا کند، بفرماند، گمراهش می‌کند

۶۳۶ پیغمبر خدا ﷺ پس، هر گاه کارها همچون پاره‌های

شب تاریک و تاریک و شبهه‌ناک شد، به قرآن

روی آورده زیرا قرآن، شفیع است که شهادتش

پذیرفته است و شاک و حصرمی است که شکایتش

قبول می‌شود. هر که قرآن را فراروی خود قرار

دهد، او را به سوی بهشت می‌کشاند و هر که آن را

پشت سر خویش بگذارد، به سوی دوزخش می‌کشاند

قرآن، راهنمای است که راه را نشان می‌دهد. قرآن،

کتاب تفصیل و روشنگری و تحصیل حقایق است

جداکننده میان حق و باطل است و شواحن بردار

نیست. ظاهری دارد و باطنی. ظاهرش، حکم و

دستور حد است و باطنش، علم خداوند متعال. پس،

ظاهر آن، محکم و استوار است و باطنش ژرفایی

درد و ژرفاهایش ژرفا دارد شگفتی‌هایش بی‌شمار

است و عجایب و عرایش، کهنه و تمام نمی‌شود

چراغ‌های هدایت و پرتوگام‌های حکمت، در قرآن

است. برای کسی که انصاف داشته باشد، راه‌نمای به

سوی معرفت و شناخت است.

۶۳۵ رسول الله ﷺ - لَمَّا قِيلَ لَهُ أَتَمُتُّكَ مَتَقَتُّ، فَمَسَّنْ

مَا الْمَخْرُجُ مِنْ ذَلِكَ؟ - كِتَابُ الْفَرَسِ، الدِّينُ لَا

يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ، تَسْرِيلُ

حَكِيمٍ حَمِيدٍ، مَنْ اتَّقَى عِلْمَ مِي عَمْرٍ أَسَلَهُ اللَّهُ.^۲

۶۳۶ عَمَهُ ﷺ إِذَا التَّبَسَّ عَلَى كُمْ الْأُمُورُ كَطَعِ النَّمْلِ

الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ، فَإِنَّهُ شَافِعٌ مُشَفِّعٌ وَمَا جِئَ

مُصَدِّقٌ، مَنْ جَعَلَهُ أَمَامَهُ قَادَةً إِلَى الْجَنَّةِ، وَمَنْ جَعَلَهُ

خَلْفَهُ سَافَةً إِلَى النَّارِ، وَهُوَ الدَّلِيلُ يَدُلُّ عَلَى الشَّيْلِ،

وَهُوَ كِتَابُ تَفْصِيلٍ وَبَيَانٍ وَتَحْصِيلٍ، هُوَ الْفَصْلُ لِمَنْ

بِالْهَرَلِ، وَلَهُ ظَهْرٌ وَبَطْنٌ مَظَاهِرُهُ حُكْمُ اللَّهِ وَبَاطِنُهُ عِلْمُ

اللَّهِ تَعَالَى، مَظَاهِرُهُ وَثِيقٌ، وَبَاطِنُهُ عَمِيقٌ لَهُ تَعْوَمٌ

وَعَلَى تَعْوَمِهِ تَعْوَمٌ، لَا تُحْصَى عَجَائِبُهُ وَلَا تُبْلَى

غَرَائِبُهُ، فِيهِ مَصَائِيحُ الْهُدَى وَمَآزٍ الْحِكْمَةِ، وَدَلِيلٌ

عَلَى الْمَعْرِفَةِ لِمَنْ عَزَفَ النَّصْفَةَ^۳

۱ القمر، ۱۷

۲ تفسیر المیزانی ج ۱ ص ۶ ح ۱۱

۳ التکوادر للرواندي ص ۱۶۳ ح ۱۹۷

۶۳۷ عنه ﷺ - للمهاجرين والأنصار - : عَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ ،
فَاتَّخِذُوهُ إِمَامًا وَقَائِدًا^۱

۶۳۷ پیامبر خدا ﷺ - خطاب به مهاجرین و انصار -
بر شما باد قرآن^۱ آن را پیشوا و راهبر خود

کبید

۲/۱ الْقُرْآنُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ

الكتاب

۱ ۲ قرآن بهترین سخن است

قرآن

﴿حدا ریباترین سخن را [به صورت] کتابی مشابه [و]
منصص وعده و وعید نازل کرده است. آنان که از
پروردگارشان می‌هراسد، پوست بدنشان از آن به لرزه
می‌افتد سپس پوستشان و دشان به یاد خدا سوم
می‌گردد این است هدایت خدا هر که را بخواهد، به آن
راه می‌سازد و هر که را خدا گمراه کند، او را راهبری
نیست﴾

حدیث

﴿اللَّهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَبِّهًا مِّثْلَ نَقْشِ جُرٍّ
مِثْلَهُ جَلُودَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ
وَالْقُلُوبُ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ فَاِنَّ اللَّهَ هُدًى لِلنَّاسِ لِيُبَيِّنَ لَهُ الْهَدًى
بِشَاءٍ وَمَنْ يَضِلَّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ﴾^۲

الحدیث

۶۳۸ رسول الله ﷺ أَصْدَقُ الْقَوْلِ وَأَبْلَغُ التَّوَعُّظِ
وَأَحْسَنُ الْفَصْحِ كِتَابَ اللَّهِ^۳

۶۳۹ عنه ﷺ فَصَلَ الْقُرْآنَ عَمَىٰ سَائِرِ الْكَلَامِ كَعَصِيٍّ^۴
عَلَىٰ خَلْقِهِ^۵

۳/۱ الْقُرْآنُ شِفَاءٌ لِلذَّاءِ

الكتاب

۶۳۸ پیامبر خدا ﷺ راست‌ترین سخن و رساترین
اندکوز و بهترین داستان [تاریخ]، کتاب
حداست

۶۳۹. پیامبر خدا ﷺ برتری قرآن بر دیگر سخنان،
همچون برتری حداد بر خلق خود است

۳/۱ قرآن، شفای بروهاست

قرآن

﴿وَمَا أَنِجْهَ رَا بَرَايَ مُؤْمِنَانِ، مَا يَهُ دَرْمَانِ وَرَحْمَتِ اسْتِ، اَز
مَرَّانِ سَارِلِ مِی‌کیم، دلی ستمگران را جر زایل
می‌افزید﴾

حدیث

﴿وَيَنْزِلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ
وَلَا يَرِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خُسْرًا﴾^۶

الحدیث

۶۴۰ رسول الله ﷺ الْقُرْآنُ هُوَ الدَّوَاءُ^۶

۱ کثر العمل ج ۲ ص ۲۹۰ ح ۴۰۲۹

۲ الزمر ۲۳

۳ کتاب من لا یحضره فقیه ج ۱ ص ۴۰۲ ح ۵۸۶۸

۴ جامع الاخیار ص ۱۱۱ ح ۱۹۸

۵ الاپسراء ۸۲

۶ کثر العمل ج ۱ ص ۵۱۷ ح ۲۳۱۰

۶۴۰. پیامبر خدا ﷺ قرآن، دواست

۴/۱. مَا فِي الْقُرْآنِ مِنَ الْعُلُومِ وَالْأَخْبَارِ

۴/۱ آنچه از علوم و اخبار در قرآن است

۶۴۱ رسول الله ﷺ مَنْ أَرَادَ عِلْمَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ فَلْيَتَوَرَّ الْقُرْآنَ^۱

۶۴۱ پیامبر خدا ﷺ هر که حواهان علم پیشین و آیندگان است، در قرآن، کند و کاو کند

۵/۱. فَاعْلَمُ الْقُرْآنَ

۵/۱ آموزش قرآن

۶۴۲ رسول الله ﷺ يَا مُعَاذُ، بِنِ أُرِدْتَ عَمِيرَ السُّعَدِ وَمِيتَةَ الشُّهَدَاءِ وَالنَّجَاةَ يَوْمَ الْحَشْرِ وَالْأَمْنَ يَوْمَ الْحَوْبِ وَالنُّورَ يَوْمَ الظُّلُمَاتِ وَالنَّظْلَ يَوْمَ الْقُرُورِ وَنَرَى يَوْمَ الْقَطَطِ وَنُورَ يَوْمَ نَجْفُو وَالْهُدَى يَوْمَ نَصْلَانِهِ فَادْرُسِ الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ يَكْفِيكَ الرَّحْمَنَ وَجِرَدًا مِنَ الشَّيْطَانِ وَرُجْحَانًا فِي الْمِيزَانِ^۲

۶۴۳ عَنْهُ ﷺ خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ^۳

۶۴۲ پیامبر خدا ﷺ ای معاذ! اگر زندگی معادن و مرگن شهیدان و نجات در روز محشر و امنیت در روز ترس و روشایی در روز تاریکی ها و سایه‌ای در روز سوزان و سیرایی در روز نشگی و سگی در روز مکی [سرازی اعمال] و هدایت در روز گمراهی و امنی حواهی، پس قرآن را بیک پیامور را بیا که آن، یاد خداوند [رحمان است و نگه دارنده از شیطان و مایه سگی تراوای اعمال] است

۶/۱. ثَوَابُ مُعَلِّمِ الْقُرْآنِ

۶۴۴ رسول الله ﷺ مَنْ عَلَّمَ رَحُلًا الْقُرْآنَ فَهُوَ مَوْلَاهُ لَا يَحْدِلُهُ وَلَا يَسَاوِيهِ عَلَيْهِ^۴

۶۴۵ عَنْهُ ﷺ مَنْ عَلَّمَ وَلَدًا الْقُرْآنَ فَلَهُ اللَّهُ قِلَادَةً يُعْجَبُ مِنْهَا الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۵

۶۴۴ پیامبر خدا ﷺ بهترین شما، کسی است که قرآن را [برده] و او [به دیگران] آموزش دهد.

۶/۱ ثواب آموختن قرآن

۶۴۴ پیامبر خدا ﷺ هر کس به مردی قرآن بیامورد، مولای اوست و آن مرد، باید او را تنها و بی‌یار بگذرد و خود را بر وی، ترجیح دهد

۷/۱. الْحَثُّ عَلَى حِفْظِ الْقُرْآنِ

۶۴۶ رسول الله ﷺ لَا تَعْرِضُكُمْ هَذِهِ الْمَصَاحِفُ الْمُتَعَلِّقَةُ بِرَأْسِ اللَّهِ تَعَالَى لَا يَتَذَبُّ قَلْبًا وَغَى الْقُرْآنِ^۶

۱ فَلْيَتَوَرَّ الْقُرْآنَ أَيِ يَنْتَرِ عَنْهُ وَيَعْتَزُّ بِهِ مَعَانِيهِ وَتَفْسِيرِهِ

وَقَرَأَهُ تَه. (التهذيب ج ۱ ص ۲۲۹)

۲ كَرِ الْعَمَلُ ج ۲ ص ۵۴۸ ح ۲۴۵۱

۳ كَرِ الْعَمَلُ ج ۱ ص ۵۴۵ ح ۲۴۳۹

۴ كَرِ الْعَمَلُ ج ۱ ص ۵۲۵ ح ۲۳۵۱

۵ كَرِ الْعَمَلُ ج ۱ ص ۵۲۲ ح ۲۳۸۲

۶ كَرِ الْعَمَلُ ج ۱ ص ۵۲۳ ح ۲۳۸۶

۷ كَرِ الْعَمَلُ ج ۱ ص ۵۲۵ ح ۲۴۰۰

۶۴۵ پیامبر خدا ﷺ هر کس به مردی قرآن بیامورد، مولای اوست و آن مرد، باید او را تنها و بی‌یار بگذرد و خود را بر وی، ترجیح دهد

۷/۱ تشویق به حفظ قرآن

۶۴۶ پیامبر خدا ﷺ این مصحف‌های آویزان، هرگز شمار گول برند خداوند متعال، [تنها] قلبی را که جایگاه قرآن باشد، عذاب نمی‌کند

۶۴۷ عنه ﷺ إِنَّ الَّذِي لَيْسَ فِي جَوْفِهِ شَيْءٌ مِنَ الْقُرْآنِ كَالْبَيْتِ الْخَرِبِ.^۱ ۶۴۷. پیامبر خدا ﷺ کسی که در اندرونش چیزی از قرآن نیست، همانند خانه‌ای ویران است.

۸/۱ جَزَاءُ حَمَلَةِ الْقُرْآنِ

۸/۱ پاداش حاملان قرآن

۶۴۸ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حَمَلَةُ الْقُرْآنِ هُمُ الْمَحْفُوقُونَ بِرَحْمَةِ اللَّهِ، الْمَلْبُوسُونَ بِنُورِ اللَّهِ ﷻ^۲ ۶۴۸. پیامبر خدا ﷺ این قرآن‌دانان هستند که در رحمت خدا قرار دارند و پوشیده در نور خداوند ﷻ هستند.

۶۴۹ عنه ﷺ حَمَلَةُ الْقُرْآنِ عُرَفَاءُ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قُوَّادُهَا، وَالرُّسُلُ سَادَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ.^۳

۶۴۹. پیامبر خدا ﷺ قرآن‌دانان، رؤسای اقبیله، بهشتیان، و مجاهدان در راه خدا، سرداران بهشت، و پیامبران، سروران اهل بهشت هستند.

۹/۱ مَا يَنْبَغِي لِحَامِلِ الْقُرْآنِ

۹/۱ آنچه شایسته حاملان قرآن است

۶۵۰ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِالتَّخَفُّعِ فِي الشَّيْءِ وَالْعَلَانِيَةِ نَحَامِلُ الْقُرْآنِ وَإِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ فِي الْمُرَّةِ وَالْعَلَانِيَةِ بِالصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ نَحَامِلُ الْقُرْآنِ.^۴

۶۵۰. پیامبر خدا ﷺ سروارترین مردم به خشوع و علانی بهتنی و آشکار در برابر خدا، قرآن‌دانان است. سروارترین مردم به نماز خواندن و روزه گرفتن در آشکار و نهان، قرآن‌دانان است.

۱۰/۱ الْحَثُّ عَلَى تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ

۱۰/۱ تشویق به تلاوت قرآن

الكتاب

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تَجْرَةً لِّدُنِّهِمْ﴾^۵

﴿در حقیقت، کسانی که کتاب خدا را می‌خوانند و نماز برپا می‌دارند و از آنچه بدیشان روزی داده‌ایم، نهان و آشکارا انفاق می‌کنند، امید به تجارتی بستانند که هرگز روال نمی‌پذیرد﴾

حدیث

الحديث

۶۵۱ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَيْكَ بِقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ، فَإِنْ قُرِئَ، نَهَ كُفَّارَةً نَّارُ مَوْجٍ، وَسَقَرَةً مِنَ النَّارِ، وَأَمَّا مَنْ بَيْنَ الْعَذَابِ^۶

۶۵۱. پیامبر خدا ﷺ بر تو باد خواندن قرآن؛ زیرا خواندن آن، کفاره گناهان است و پرده‌ای در برابر آتش و موجب ابعثی از عذاب است.

۱. تکر المکله ج ۱ ص ۵۵۲ ح ۲۴۷۸

۲. جامع الأخبار ص ۱۱۵ ح ۲۰۲

۳. المستدرکات ص ۷۶ ۴. الکافی ج ۲ ص ۶۰۴ ح ۵

۵. فاطر ۲۹

۶. جامع الأخبار ص ۱۱۳ ح ۱۹۷

۱۱/۱. قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ بِالصَّوْتِ الْحَسَنِ

۶۵۲ رسول الله ﷺ إِنَّ حُسْنَ الصَّوْتِ رِيَّةُ الْقُرْآنِ.^۱۶۵۳ عَنْهُ ﷺ رَيُّوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ.^۲

۶۵۴ عَنْهُ ﷺ - لَسْنَا سَمَلٌ مِنْ أَحْسَنِ النَّاسِ صَوْتًا

بِالْقُرْآنِ - مَنْ إِذَا سَمِعَتْ قِرَاءَتَهُ رَأَيْتُ أَنَّهُ يَحْسِنُ

اللَّهُ^۳

۱۲/۱. آدَابُ الْقِرَاءَةِ

الكتاب

﴿فَرَأَتْهُمَا طَرَءَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ لَدُنْهَا مِنَ الْمَآءِ فَمَنْعَتْهُمَا ذُكْرَ الْمَآءِ فَذُكِّرَا بِالْحَدِّثِ﴾

الزَّجِيمِ^۱﴿وَأَمَّا بَدْرٌ فَلَمْ يَأْكُلْ مِنَ الْمِثْلِ شَيْئًا وَهُوَ عَصِيَ أُفٍّ لَهَا^۲﴾

الحدیث

۶۵۵ رسول الله ﷺ إِنَّ أَمْرَهُمْ حُرْقُ الْقُرْآنِ، حَطِّبُوهَا

بِالسَّوَاكِ^۳

۶۵۶ عَنْهُ ﷺ - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى ﴿وَرَمَلْ لِلْقُرْآنِ تَرْبِيلًا﴾ -

يَكُنُّهُ بَيَانًا، وَلَا تَنْقُرُهُ نَقْرَ الْبُغْلِ، وَلَا تَهْدُهُ هَذُ الشَّعْرِ،

قِفُوا عِنْدَ عَجَائِبِهِ، حَرِّكُوا بِهِ الْقُلُوبَ، وَلَا يَكُنْ هُمْ

أَخَذَكُمْ آخِرَ السُّورَةِ^۴۶۵۷ عَنْهُ ﷺ إِنِّي لَا عَصِيَ كَيْفَ لَا أُشِيبُ بِدَاغِرَاتِ الْقُرْآنِ^۵

۱ جامع الاخبار ص ۱۳۱ ح ۲۶۲

۲ جامع الاخبار ص ۱۳۱ ح ۲۶۱

۳ مجمع الأوسط ج ۲ ص ۲۱۱

۴ المحل ۹۸ ۵ محقق ۲۴

۶ كنز العمال ج ۱ ص ۶۱۳ ح ۲۷۵۱

۷ التواتر للرواندي ص ۱۶۸ ح ۲۴۷

۸ الكافي ج ۲ ص ۱۳۲

۱۱/۱. خواندن قرآن با صدای خوش

۶۵۲ پیامبر خدا ﷺ: صوت خوش، ریور قرآن است.

۶۵۳ پیامبر خدا ﷺ: قرآن را با صداهای [خوش] خود،

ریست بحشید

۶۵۴ پیامبر خدا ﷺ: در پاسخ به این سؤال که چه کسی

قرآن را از همه خوش‌تر می‌خواند؟ - کسی که

هر گاه قرآن خواند، او را بشوی، ترس از خدا را

در او بیسی.

۱۲/۱. آداب قرائت

قرآن

﴿پس چون قرآن می‌خوانی، از شیطانی مبرود، به خدا پناه

بر﴾

﴿آیا به آیات قرآن می‌اندیشد؟ یا [مگر] بر دل‌هایشان

لقل‌هایی نهاده شده است؟﴾

حدیث

۶۵۵ پیامبر خدا ﷺ: دهان‌های شما، گذرگاه‌های قرآن

است. پس آنها را با مسواک زدن، خوش‌بو کنید.

۶۵۶ پیامبر خدا ﷺ - دربارهٔ آیه ﴿وَرَمَلْ لِلْقُرْآنِ تَرْبِيلًا﴾

بخوان. - قرآن را روشن و شمرده بخوان و آن را

مانند تحم علف، پراکنده‌اش مساز و همچون

شعر، به شتاب و تریده تریده بخوان در

شگفتی‌هایش درنگ کنید، دل‌ها را با آن به تپش

در آورید و همهٔ کوشش شما این نباشد که سوره

را به آخر برسانید

۶۵۷ پیامبر خدا ﷺ: من در شگفتم که وقتی قرآن

می‌خوانم، چگونه مویم سفید نمی‌شود؟

زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَبَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ
تَأْوِيلِهِ وَمَنْ يَقُمْ تَأْوِيلَهُ إِلَّا لَكُمْ وَالرُّسُودُ فِي
الْعِلْمِ يَقُولُونَ غَائِبًا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا
أُولُو الْأَلْبَابِ^۱

الحدیث

۶۶۳ رسول الله ﷺ إِنْ الْقُرْآنَ نَزَلَ عَلَى خَمْسَةِ أَجْزَاءٍ
حَلَالٍ، وَحَرَامٍ، وَمُحْكَمٍ، وَمُتَشَابِهٍ، وَأَمْثَالٍ، فَاَعْمَلُوا
بِالْحَلَالِ، وَدَعُوا بِالْحَرَامِ، وَاعْمَلُوا بِالمُحْكَمِ، وَدَعُوا
الْمُتَشَابِهَ، وَاعْتَبِرُوا بِالْأَمْثَالِ^۲

۱۷/۱ اعظم آیه

۶۶۱ رسول الله ﷺ اعظم آیه فی القرآن آیه بکرمی^۳.

۱۸/۱ احوف آیه

۶۶۵ رسول الله ﷺ اُحْوَفُ آيَةٍ فِي الْقُرْآنِ ﴿وَمَنْ يَعْمَلْ
مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا
يَرَهُ^۴

۱۹/۱ أرجی آیه

۶۶۶ رسول الله ﷺ: رَجَى آيَةٍ فِي الْقُرْآنِ ﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ
الَّذِينَ آمَنُوا اسْأَلُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ
رَحْمَةِ اللَّهِ﴾^{۵، ۶}

۱ آل عمران ۷

۲ الأمالی للطوسي ص ۳۵۷ ح ۷۱۲

۳ کثر المتکلم ج ۱ ص ۵۶۳ ح ۲۵۲۹

۴ المراتبه ۸ و ۷

۵ کثر المتکلم ج ۱ ص ۵۶۳ ح ۲۵۲۹

۶ المبر ۵۳

۷ کثر المتکلم ج ۱ ص ۵۶۳ ح ۲۵۲۹

تأویل بدهند [اگر کسانی که در درهایشان انحراف
است، برای فتنه‌گری و طسب تأویل آن [به دغبراه
خود] از مشابه آن پیروی می‌کنند، با آن که تأویلش را
جز خدا و ریشه‌داران در دانش، کسی نمی‌داند. [آنان
که] می‌گویند: ما بدان ایمان آوردیم، همه [چه محکم
و چه مشابه] از جانب پروردگار ماست، و جز
خردمندان، کسی متذکر نمی‌شود]

حدیث

۶۶۳ پیامبر خدا ﷺ قرآن، بر پنج وجه بارل شده
است: حلال، و حرام، و محکم، و متشابه،
و امثالها پس به حلال، عمل کنید و از حرام،
بپار بستید و محکم را به کدر بدید و با
متشابه، کاری نداشته باشید و از قش‌ها عبرت
گیرید

۱۷/۱، با عظمت‌ترین آیه

۶۶۱ پیامبر خدا ﷺ با عظمت‌ترین آیه قرآن،
آیه الکرمی است.

۱۸/۱، بیدیه‌نده‌ترین آیه

۶۶۵ پیامبر خدا ﷺ: ترس آورترین آیه قرآن، آیه:
﴿يَسْأَلُكَ رَبُّكَ عَنْ خَيْرٍ لَكَ خَيْرًا يَرَهُ﴾ و
﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾ است

۱۹/۱ امیدبخش‌ترین آیه

۶۶۶ پیامبر خدا ﷺ امیدبخش‌ترین آیه قرآن، آیه:
﴿يَسْأَلُكَ رَبُّكَ عَنْ خَيْرٍ لَكَ خَيْرًا يَرَهُ﴾ و
﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾ است

الفصل الثانی: السنّة

فصل دوم: سنّت

۱/۲ الحدّثُ علی التّمسّک بالسنّة

۱/۲ تشویق به تمسّک به سنّت

۶۶۷ رسول الله ﷺ أَلَا إِنَّ لِكُلِّ عِبَادَةٍ شِرْئًا ثُمَّ تَصِيرُ إِلَى فِتْرَةٍ، فَمَنْ صَارَتْ شِرْئُهُ عِبَادَتِي إِلَى سُتِّي فَقَدْ اهْتَدَى، وَمَنْ خَالَفَ سُتِّي فَقَدْ ضَلَّ وَكَانَ عَمَلُهُ فِي قَبَابٍ أَمَا إِنِّي أَصْنِي وَأَنَامُ وَأَصُومُ وَأُفْطِرُ وَأُصْحَدُ وَبُكِي، مَنِ رَعَى عَنِّي مِنْهَا جِي وَسُتِّي فَلَيْسَ مِنِّي

۶۶۷. پیامبر خدا ﷺ: هان! هر عبادتی جوش و خروش دارد که سرانجام فروکش می‌کند. پس هر کس جوش و خروش عبادتش به سُبّ می‌آرام گیرد، هدایت شده است و هر که با سُبّ می‌محالفت ورزد، گمراه شده و عمش بر باد رفته است بدانند که من نماز می‌خوانم، می‌خوابم، روزه می‌گیرم، نذر می‌کنم، می‌خدمت و می‌گیرم پس هر که از روش و سنّت من روی گرداند، از من نیست

۲/۲ أصنافُ السنّة

۲/۲ انقسام سنّت

۶۶۸ رسول الله ﷺ الشُّعْرُ شَرٌّ فِي فَرِيضَةِ الْأَحَدِ يُعَدِّي بِهَا هُدًى وَتَرْكُهَا ضَلَالَةٌ، وَسُنَّةٌ فِي عَمْرِ قَرِيضَةٍ الْأَحَدِ بِهَا فَصْلَةٌ وَتَرْكُهَا غَيْرُ حَطِيئَةٍ ۱

۶۶۸. پیامبر خدا ﷺ: ست، دو گونه است سنّت و اجنب که پس از من، عمل به آن موجب هدایت است و ترک آن گمراهی، و سنّت غیر واجب که عمل به آن فصاحت است و ترک آن گناه نیست

۳/۲ فصلُ الحديث والمحدث

۳/۲ فصیلت حدیث و راوی

۶۶۹ رسول الله ﷺ بَصُرْتُ لِقَاءَ عَيْنًا سَمِعَ مَعَامِي عَوَاظَهَا ثُمَّ بَلَغَهَا عَنِّي ۲

۶۶۹. پیامبر خدا ﷺ: خداوند، آن کس را شاد گرداند که سختم را بشنود، بفهمد و حفظ کند و به کسی که را شنیده پرسد

۶۷۰ عنه ﷺ تَذَاكُرُوا وَتَلَاوُوا وَتَحَدَّثُوا، فَإِنَّ الْحَدِيثَ جَلَاءٌ لِلْقُلُوبِ إِنَّ الْقُلُوبَ مَرْمُومٌ كَمَا بَرِيءُ الشَّيْءِ، جَلَاوُهَا الْحَدِيثُ ۳

۶۷۰. پیامبر خدا ﷺ: با هم مذاکره و دیدار کنید و حدیث بگویید! چرا که حدیث، جلای دلهاست دل‌ها بر ماسد شمشیر، رنگار می‌گیرد و جلای آنها حدیث است

۴/۲ برآیه الحدیث

۴/۲ فهم حدیث

۶۷۱ رسول الله ﷺ بَصُرْتُ لِقَاءَ امْرَأَةٍ سَمِعَتْ مِنِّي حَدِيثًا وَأَدَّاهُ كَمَا سَمِعَتْ، فَرُبَّ مُبَلِّغٍ أَوْعَىٰ مِن سَامِعٍ ۴

۶۷۱. پیامبر خدا ﷺ: خداوند، شاد و حُرّم گرداند مردی را که حدیث ما را بشنود و آن را همان گونه که شنیده است، به دیگران منتقل کند! زیرا آب کسی که حدیثی به او رسیده، آن را بهتر از کسی بفهمد که حدیث را زبانی واسطه شنیده است

۱. التکالیف ج ۲ ص ۸۵ ح ۱

۲. شعب التمهول ص ۵۷

۳. کنز العمال ج ۱۰ ص ۲۲۰ ح ۲۹۱۶۳

۴. التکالیف ج ۱ ص ۴۱ ح ۸

۵. بحار الأنوار ج ۲ ص ۱۶۰ ح ۱۱

۵/۲. حَدِيثُ أَهْلِ الْبَيْتِ ﷺ حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

۶۷۲ الإمام الصادق ﷺ حَدِيثِي حَدِيثُ أَبِي، وَحَدِيثُ أَبِي حَدِيثُ جَدِّي، وَحَدِيثُ جَدِّي حَدِيثُ الْحُسَيْنِ، وَحَدِيثُ الْحُسَيْنِ حَدِيثُ الْحَسَنِ، وَحَدِيثُ الْحَسَنِ حَدِيثُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ، وَحَدِيثُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، وَحَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَوْلُ اللَّهِ ﷻ

۵/۲. حَدِيثُ أَهْلِ الْبَيْتِ ﷺ، حَدِيثُ پیامبر خدا ﷺ

است

۶۷۲ امام صادق ﷺ حَدِيثُ مَنِ، حَدِيثُ پدرم و حَدِيثُ پدرم، حَدِيثُ جَدِّمَ و حَدِيثُ جَدِّمَ، حَدِيثُ امام حسین و حَدِيثُ امام حسین، حَدِيثُ امام حسن و حَدِيثُ امام حسن، حَدِيثُ امیر مؤمنان و حَدِيثُ امیر مؤمنان، حَدِيثُ پیامبر خدا ﷺ و حَدِيثُ پیامبر خدا، گفته خدا ﷻ است

۶/۲. التَّحْدِيدُ مِنَ الْكُذْبِ عَلَى الرَّسُولِ ﷺ

۶۷۳ رسول الله ﷺ مَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتْرَكْنِي مَفْعَدًا
بَيْنَ النَّارِ^۱

۶/۲. نهی از دروغ گفتن به پیامبر ﷺ

۶۷۳ پیامبر خدا ﷺ: هر کس به عمد، بر من دروغ بدد، جایگاهش آتش است.

۶۷۴ عَنْهُ ﷺ إِنَّ مِنْ أَكْبَرِ الْكُفَرِ أَنْ يَقُولَ الرَّحُّ عَلَيَّ
مَا لَمْ أَقُلْ^۲

۶۷۴ پیامبر خدا ﷺ: «بزرگ‌ترین گناهان کفر، این است که کسی سخنی را به من بگوید که من نگفتم»

۷/۲. صِحَّةُ الْحَدِيثِ وَمُوَافَقَةُ الْقُرْآنِ

۶۷۵ رسول الله ﷺ إِنْ عَمِيَ كُلُّ حَقٍّ حَقِيقَةً وَعَمِيَ كُلُّ صَوَابٍ نُورًا، مِمَّا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَحُدُّوهُ، وَمَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ^۱

۷/۲. درست‌ی حدیث و سازگاری آن با قرآن

۶۷۵ پیامبر خدا ﷺ: با هر حقیقی، حقیقتی است و با هر امری درست‌ی، نوری پس آنچه با کتاب خدا سازگار بود، آن را بپذیرید و آنچه مخالف کتاب خدا بود، رهایش کنید

۸/۲. صِحَّةُ الْحَدِيثِ وَمُوَافَقَةُ الْحَقِّ

۶۷۶ رسول الله ﷺ مَا جَاءَكُمْ عَنِّي مِنْ حَدِيثٍ مُوَافِقٍ لِمَعْنَى مَا أَنَا قَائِلُهُ، وَمَا أَتَاكُمْ عَنِّي مِنْ حَدِيثٍ لَا يُوَافِقُ الْحَقَّ فَلَمْ أَقُلْهُ، وَلَنْ أَقُولَ إِلَّا الْحَقَّ^۱

۸/۲. درست‌ی حدیث و سازگاری آن با حق

۶۷۶ پیامبر خدا ﷺ: هر حدیثی که از قول من به شما می‌رسد، اگر موافق حق بود، من آن را گفته‌ام و اگر با حق سازگار نبود، من نگفته‌ام؛ زیرا من هرگز جز حق نمی‌گویم

۱ الکافی ج ۱ ص ۵۳ ح ۱۴

۲ الامالی للطوسی ص ۲۷۷ ح ۳۹۸

۳ کتر الصالح ج ۱ ص ۲۳۷ ح ۲۹۲۵

۴ الکافی ج ۱ ص ۶۹ ح ۱

۵ معانی الأخبار ص ۳۹۰ ح ۳۰

الباب الثاني

باب پنجم

دين، شيعت و اسلام

الدين، الشريعة، الإسلام

الفصل الأول، الدين

فصل يك، دين

۱/۱. وحدة الشرائع

۱/۱ يگانگی ادیان

الكتاب

قرآن

﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ﴾

الحديث

۶۷۷ الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ أُمَّةً سَبَّارَكَ وَتَعَالَى مَخْطَايَا مُحَمَّدٍ ﷺ شَرَائِعُ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ﷺ ۲

حدیث

﴿از دین، آنچه را به نوح درباره آن سفارش کرده بود، برای شما دین قرار داد و میر آنچه را که به تو وحی کردیم و آنچه را که درباره آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم که دین را بر پا دارید و در آن تفرقه اندازی نکنید. هر مشرک آنچه ایشان را به سوی آن گمرا می خوانی، گمرا می آید. خدا هر که را بخواهد، به سبیل خود برمی گرداند، و هر که را که از در توبه در آید، بر سبیل خود راه می سپارد﴾

۶۷۷. امام صادق علیه السلام: خداوند - تبارک و تعالی - دین های نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام را به محمد ﷺ داد

داد

۲/۱. الْحَدُّ عَلَى الْخُلُقَةِ فِي الدِّينِ

الكتاب

﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا ظُهُرُ مِنْ كُلِّ قَبْلَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾ ۳

الحديث

۶۷۸ رسول الله ﷺ: أَوْ لِكُلِّ مُسْلِمٍ لَا يَجْعَلُ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ ۴

۲/۱ تقویتی به ژرفا فدیسی در دین

قرآن

﴿و شایسته نیست مؤمنان، همگی [برای جهاد] کوچ کنند پس چرا از هر قریه ای از آنان، دسته ای کوچ می کنند تا [دسته ای باشند و] در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را - وقتی به سوی آنان بازگشتند - بیم دهند، باشد که آنان [از کفر الهی] بترسند﴾

حدیث

۶۷۸ پیامبر خدا ﷺ: اَوْ بر هر مسلمانی که هفته ای

۱ البری ۱۳ ۲ الکافی ج ۲ ص ۱۷ ح

۳ التوبة ۱۲۶

۴ قال المجلسي رحمه الله عليه المراد بالجمعة الاسبوع تسمية لكل باسم الجر.

يَوْمًا يَنْفَعُهُ فِيهِ أَمْرٌ دِينِيهِ وَيَسْأَلُ عَنْ دِينِيهِ.^۱

۶۷۹ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَكُنْ شَيْءٌ عِمَادًا، وَعِمَادُ الدِّينِ الْحَقُّ.^۲

۳/۱ خَصَائِصُ الْفَقِيهِ فِي الدِّينِ

۶۸۰ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا أَزْدَادَ عَبْدٌ قَطُّ يَقْهَأُ فِي دِينِهِ، لَا

أَزْدَادَ قَصْدًا فِي عَمَلِهِ.^۳

۶۸۱ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ فَقِهَ الرَّجُلُ قَوْلَهُ كَلَامِهِ فِيمَا لَا يَتَعَمَّرُ^۴

۶۸۲ بَحَارُ الْأَنْوَارِ رَوَى أَنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ

لِيُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ، فَانْتَهَى إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى ﴿مَنْ

يَفْعَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾ وَمَنْ يَفْعَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ

شَرًّا يَرَهُ﴾ فَقَالَ نَكَمِييْ هَذَا، وَاصْرَفْ فَقَالَ

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ اصْرَفَ الرَّجُلُ وَهُوَ قَفِيٌّ^۵

۴/۱ الْحَبَشَةُ عَلَى الْحِفَاطِ عَلَى الدِّينِ

۶۸۳ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنْ عَرَضَ لَكَ بَلَاءٌ فَاجْعَلْ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ

دِينِكَ، فَإِنْ تَجَاوَزَكَ الْبَلَاءُ فَاجْعَلْ مَا بَيْنَكَ وَدِينِكَ دُونَ

دِينِكَ، فَإِنَّ الْمَسْذُوبَ مِنْ سُلَيْبٍ دِينُهُ، وَالْمَحْرُوبَ مِمَّنْ

خَرِبَ دِينُهُ^۶

۵/۱ يَسْمَارُ الدِّينِ

۶۸۴ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَا أَيُّهَا النَّاسُ، بَيْنَ دِينِ اللَّهِ يُسْرٌ^۷

۱ الثماني ج ۱ ص ۳۵۱ ح ۷۱۸

۲ عوالي اللآل ج ۴ ص ۵۹ ح ۱

۳ كنز العمال ج ۳ ص ۴۵ ح ۵۱۰۴

۴ الامالي للطوسي ص ۶۲۲ ح ۱۲۸۳

۵ الرواة ج ۷ ص ۸۷

۶ بحار الأنوار ج ۹۲ ص ۱۰۷ ح ۲

۷ كنز العمال ج ۱۵ ص ۹۲۳ ح ۳۶۰۱

۸ كنز العمال ج ۳ ص ۴۷ ح ۵۱۱۸

يَكُنْ رَوْزَ رَايَةِ كَارِ آمُو حَتَّنِ امُورِ دِينِي خُودِ وَ

پرسیدن مسائل دینی اش اختصاص ندهد!

۶۷۹. پیامبر خدا ﷺ. همانا برای هر چیزی تکیه گاهی

است و تکیه گاه این دین، آگاهی است

۳/۱ ویژگی های دین شناس

۶۸۰. پیامبر خدا ﷺ هرگز بنده ای بر شجاعت خود

از دینش نفوذ، مگر این که بر میانروی او در

عملش افزوده گشت.

۶۸۱. پیامبر خدا ﷺ: از نشانه های دین شناسی آدمی

این است که سخنان پیروده کمتر می گوید

۶۸۲. بحار الأنوار: روایت شده است که مردی خدمت

پیامبر ﷺ آمد تا ایشان به او قرآن بیاموزد، چون

پیامبر ﷺ به این به رسید ﴿مَنْ يَفْعَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ

خَيْرًا يَرَهُ﴾ او را می بیند و هر کس به اندازه ذره ای بدی کند

﴿يَرَهُ﴾ او را می بیند، گفت: مرا پس اسأ و رفت

پیامبر خدا فرمود: «این مرد، دین شناس

بارگشت»

۴/۱ تشویق به پاسداری از دین

۶۸۳. پیامبر خدا ﷺ اگر بلایی برایت پیش آمد، مال

را فدای جانت کن و اگر بلا از تو فراتر رفت [و

خواست به دینت صدمه برسد]، مال و جانت را فدای

دینت کن؛ زیرا غارت شده [ی واقعی] کسی است که

دینش به عارت رفت باشد و دزد رده [ی حقیقی]

کسی است که دینش مورد دستبرد واقع شده باشد.

۵/۱ آسانی دین

۶۸۴. پیامبر خدا ﷺ: ای مردم! همانا دین خدا آسان

است

۶۸۵. پیامبر خدا ﷺ آسان گیرید و سخت مگیرید،
و رام کنید و رام ندهید
۶۸۶. پیامبر خدا ﷺ محبوب ترین دین ها سرد جدا،
این حیف است پس هرگاه دیدی که امت من به
ستمگر می گویند «تو ستمگری»، می ترسید از
دست رفته اند
۶۸۷. پیامبر خدا ﷺ حد و بند دوست دارد در رحمت هایش
به کار بسته شود، همچنان که دوست دارد
فرایش انجام پذیرد
۶۸۸. پیامبر خدا ﷺ به رحمت های خداوند که به شما
داده است، پامند باشد
۶۸۹. پیامبر خدا ﷺ - در دعای خود ای استوار دارنده
دلها دل های ما را پر دیت استوار بدار،
۶۹۰. پیامبر خدا ﷺ تنها آن کس [می تواند] دین خدا
را بنگه دارد که از همه سو به آن، احاطه داشته
باشد
۶۹۱. پیامبر خدا ﷺ دین خداوند متعال را هرگز
یاری نمی رساند، مگر کسی که از همه سو به آن،
احاطه داشته باشد
۶۹۲. پرهیز از فتوای غیر عالمانه دادن در دین
قرآن
۶۹۳. [در مکرار] پرهیز گفته ها بر ما بسته بود، دست راستش را
سخت می گرفتیم، سپس رگ قلبش را پاره می کردیم
۶۸۵. يَسِّرُوا وَلَا تُعَسِّرُوا، وَسَكِّنُوا وَلَا تُفَرِّقُوا
۶۸۶. أَحَبُّ الْأَدْيَانِ إِلَى اللَّهِ الْحَنِيفَةُ فَإِذَا رَأَيْتَ
أُمَّتِي لَا يَقُولُونَ لِلظَّالِمِ أَنْتَ ظَالِمٌ، فَقَدْ نَوَّعَ بِهِمْ
- ۶/۱. إِيْتَابَ الرُّحَصِ وَمَا لَا تَكْلِيفَ فِيهِ
۶۸۷. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يُؤَخَّرَ بِرُحَصِهِ كَمَا
يُحِبُّ أَنْ يُؤَخَّرَ بِعَرَاتِهِ
۶۸۸. عَنْهُ ﷺ عَلَيْكُمْ بِرُحَصَةِ اللَّهِ الَّتِي رَحَصَ لَكُمْ.
- ۷/۱. الدُّعَاءُ لَتَذْيِيبِ الْغُلَبِ عَلَى الدِّينِ
۶۸۹. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْ دُعَائِهِ -: يَا مُنْتَبَّ الْغُلَبِ
ثَبِّتْ قُلُوبَنَا عَلَى دِينِكَ
- ۸/۱. صِفَةُ الْمُسْتَحْفَظِينَ لَدِينِ اللَّهِ
۶۹۰. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا يَقُومُ بِدِينِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ حَاطَهُ حِصٌّ
جَمِيعَ جَوَانِبِهِ
۶۹۱. عَنْهُ ﷺ إِنَّ دِينَ اللَّهِ عَالِي لَنْ يَبْصُرَهُ إِلَّا مَنْ حَاطَهُ
مِنْ جَمِيعِ جَوَانِبِهِ
- ۹/۱. التَّحْذِيرُ مِنَ الْإِفْتَاءِ فِي الدِّينِ بِغَيْرِ عِلْمٍ
الْكِتَابِ
- ﴿وَلَوْ سَأَلْنَا عَنْهَا بَعْضَ الْأَنْبِيَاءِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ
بِالْيَمِينِ﴾ ثُمَّ لَقَطْنَا مِنْهُ الْفَتِيرَ
۱. الدر المنثور ج ۱ ص ۶۶۵
۲. كنز العمال ج ۱ ص ۷۳ ح ۲۹۱
۳. تاريخ دمشق ج ۵۴ ص ۱۱۴
۴. كنز العمال ج ۳ ص ۳۴ ح ۵۳۸
۵. كنز العمال ج ۲ ص ۱۹۶ ح ۲۷۳۶
۶. كنز العمال ج ۳ ص ۸۱ ح ۵۶۱۲
۷. كنز العمال ج ۱ ص ۱۷۱ ح ۲۸۸۹
۸. الحلقه ۴۱-۴۶

الحديث

۶۹۲ الإمام الكاظم عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّمَا اتَّكِدُ بِهَيْبَةِ

اللَّهِ! قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَكَيْفَ ذَلِكَ؟ قَالَ يَقُولُ

أُحَدِّثُكُمْ قَالَ اللَّهُ، فَيَقُولُ أَفَّهَ كَذَبْتَ لَمْ أَقُلْهُ، أَوْ يَقُولُ:

لَمْ يَقُلِ اللَّهُ فَيَقُولُ أَفَّهَ كَذَبْتَ قَدْ قُلْتَهُ^۱

۶۹۳ رسول الله ﷺ: أَجْرُكُمْ عَلَى الْفَتَى أَجْرُكُمْ عَلَى

النَّارِ^۲

الفصل الثاني الإسلام

۱ / ۲ الإسلام صراط مستقيم

الكتاب

﴿إِنَّ اللَّهَ رَحِيمٌ وَرُئُوسُكُمْ فَانْعَمُوا هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾^۳

الحديث

۶۹۴ رسول الله ﷺ: فِي مَوْلَاهُ عَلِيٍّ ﴿أَهْدِيَا الصُّرَاطَ

الْمُسْتَقِيمَ﴾ - ﴿أَهْدِيَا﴾ أَرْشِدُنَا ﴿الصُّرَاطَ

الْمُسْتَقِيمَ﴾ يَعْنِي دِينَ الْإِسْلَامِ: لِأَنَّ كُلَّ دِينٍ غَيْرِ

الْإِسْلَامِ فَلَيْسَ بِمُسْتَقِيمٍ الَّذِي لَيْسَ فِيهِ التَّوْحِيدُ^۱

۲ / ۲ الْإِسْلَامُ يَعْلَمُ وَلَا يَعْلَى عَلَيْهِ

الكتاب

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ

عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^۲

حديث

۶۹۲ امام کاظم عليه السلام: پیامبر خدا فرمود: «از دروغ پشش

به خداوند پیر هیرید».

گفته شد: ای پیامبر خدا! دروغ پشش به خداوند

چگونه است؟

فرمود: «این که فردی از شما بگوید: «خدا

[چس و چان] فرمود». پس خداوند می‌فرماید:

«دروغ می‌گوی من نگفتم» یا بگوید: «خدا

[چان و چان] نفرمود». پس خداوند می‌فرماید:

«دروغ می‌گوی من گفتم».

۶۹۳ پیامبر خدا ﷺ: بی‌پاک‌ترین شما در فتوا دادن،

بی‌پاک‌ترین شما در برابر آتش است

فصل دوم، اسلام

۱ / ۲ اسلام، راه راست است

مرکز حکمت اسلامی

﴿در حقیقت، خداوند، پروردگار من و پروردگار شماست

پس تو را بپرستید [که] راه راست، این است﴾

حديث

۶۹۳ پیامبر خدا ﷺ: در باره آیه ﴿وَهُوَ الرَّحِيمُ﴾، مدلتان

فرماید: - ﴿مَدِيتَانِ فَرَمَا﴾، یعنی ما را ره‌نمون شو

﴿راه راست﴾، یعنی دین اسلام: زیرا هیچ دینی جز

اسلام، راست و مستقیم نیست؛ چنانچه توحید و

بگانه‌پرستی در آن نیست

۲ / ۲ اسلام، برتر است و هیچ آیینی بر آن، چیره

نمی‌شود

قرآن

﴿وَبِمَنْ كُنِيَ اسْمُهُ اسْمُ اللَّهِ بِمَا يَدْعُونَ بِهِ دَعْوَاهُمْ﴾

فرستاد تا آن را بر هر چه دین است، پیروز گرداند، هر

چند شرکان خوش نداشته باشند﴾

۱ معانی الأخبار ص ۳۹۰ ج ۳۱

۲ ميه المريد ص ۲۸۱

۳ آل عمران ۵۱

۴ الدر المنثور ج ۱ ص ۲۵

۵ التوبة ۳۳

الحديث

حديث

۶۹۵. رسول الله ﷺ الإسلام يُعلو ولا يُعلى عليه^۱

۶۹۵. پیامبر خدا ﷺ اسلام، سرور است و آییسی

بالا دست آن نیست

۳/۲ الإسلام يَحُثُّ مَا قَبْلَهُ

۳/۲ اسلام، پیش از خود را نادیده می‌گیرد

الكتاب

القرآن

﴿قُلِ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ

﴾ به کسانی که کفر ورزیدند، بگو که اگر باز ایستند، آنچه

گذشته است، برایشان آمرزیده می‌شود و اگر باز گردند،

به پیش، هست [عما در مورد] پیشین، گذشته

است﴾

۶۹۶. رسول الله ﷺ الإسلام يُحُثُّ مَا كَانَ قَبْلَهُ^۲

حديث

۶۹۷. عَنْهُ ﷺ مَنْ أَحْسَنَ فِي الْإِسْلَامِ لَمْ يُؤَاخَذْ بِمَا

۶۹۶. پیامبر خدا ﷺ اسلام آنچه [از گناهان] را که پیش

از خروج بوده، نادیده می‌گیرد [و می‌بخشد]

عَمِلَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ، وَمَنْ أَسَاءَ فِي الْإِسْلَامِ أُحْذَرُ بِالْأَوَّلِ

وَالْآخِرِ^۳

۶۹۷. پیامبر خدا ﷺ هر که اسلامش بیکو (راستین)

باشد، برای اعمالی که در جاهلیت کرده است،

بازخواست نمی‌شود و هر که در مسلمانی‌اش سیر

بدی کند، برای هر کاری که کرده و می‌کند، مؤاخذه

می‌شود

۱/۲ تَفْسِيرُ الْإِسْلَامِ وَالْمُسْلِمِ

۶۹۸. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْإِسْلَامُ أَنْ تُسَلِّمَ وَجْهَكَ لِلَّهِ

وَأَنْ تَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ^۴

۲/۲ معنای اسلام و مسلمان

۶۹۹. عَنْهُ ﷺ الْإِسْلَامُ حُسْنُ الْعُنَى^۵

۶۹۸. پیامبر خدا ﷺ اسلام، آن است که چهره‌ای

جان [خود را تسلیم خداوند ﷻ کنی و شهادت دهی

که معبودی جز الله نیست

وَتَرَبُّو^۶

۶۹۹. پیامبر خدا ﷺ اسلام، یعنی احسان بیکو

۷۰۱. عَنْهُ ﷺ الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ، لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَشْتُمُهُ^۷

۷۰۰. پیامبر خدا ﷺ مسلمان، کسی است که مسلمانان

از زبان و دست او آسوده باشند

۷۰۲. عَنْهُ ﷺ الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ، لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَكْذِبُهُ

۷۰۱. پیامبر خدا ﷺ مسلمان، برادر مسلمان است،

نه او ستم می‌کند و با سرایش نمی‌گوید

۷۰۲. پیامبر خدا ﷺ: مسلمان، برادر مسلمان است؛

به او حیثیت نمی‌کند، به او دروغ نمی‌گوید و او را

۱ کتاب من لا یحضره الفقه ج ۱ ص ۳۳۶ ح ۵۷۱۹

۲ الأنفال ۲۸

۳ کتر العمل ج ۱ ص ۶۶ ح ۲۴۳

۴ الکافی ج ۲ ص ۴۶۱ ح ۲

۵ کتر العمل ج ۱ ص ۳۲ ح ۳۹

۶ کتر العمل ج ۳ ص ۱۷ ح ۵۲۱۵

۷ کتر العمل ج ۱ ص ۱۴۹ ح ۷۳۸

۸ کتر العمل ج ۱ ص ۱۵۰ ح ۷۴۵

وَلَا يَخْذُلُهُ^۱

تنها و بی‌پایور نمی‌گذارد.

۷۰۳. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَرَى الْمُسْلِمَ^۲

۷۰۳. پیامبر خدا ﷺ مسلمان، آیه مسلمان است.

۷۰۴. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَخُو الْمُسْلِمِ. يَسْمُهُمَا الْمَاءُ وَالشَّجَرُ

۷۰۴. پیامبر خدا ﷺ. مسلمان، برادر مسلمان است.

وَيَتِمَارُونَ قُلَى الْقَتَانِ^۳

در کنار هم، از آب و درخت (امکانات) استفاده می‌کند و در برابر فتنه‌انگیز، پاور یکدیگرند

۵/۲. لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ

۵/۲. معصوم عینت زیان‌رسان به‌خود و دیگران در اسلام

۷۰۵. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ^۴۷۰۵. پیامبر خدا ﷺ: ضرر^۱ و زیان رساندن به خود و دیگری، ممنوع است

۷۰۶. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا ضَرَرَ وَلَا إِصْرَ فِي الْإِسْلَامِ. فَالْإِسْلَامُ

۷۰۶. پیامبر خدا ﷺ در اسلام، ضرر و زیان زدن به

يُرِيدُ الْمُسْلِمَ خَيْرًا وَلَا يُرِيدُهُ شَرًّا^۵

دیگران ممنوع است؛ زیرا اسلام بر خیر مسلمان می‌افزاید و شری به او نمی‌رساند

۷۰۷. الْإِمَامُ الْمُضَافِقُ ﷺ قَصَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِالشُّفْعَةِ بَيْنَ

۷۰۷. امام صادق ﷺ: پیامبر خدا برای شریکان در زمین

الشُّرَكَاءِ فِي الْأَرْضَيْنِ وَالْمَسَاكِينِ. وَقَالَ لَا ضَرَرَ وَلَا

و خانه، حکم به شفعه کرد و فرمود: «ضرر و زیان

ضِرَارَ. وَقَالَ إِذَا أُرْقِبَتِ الْأَرْفُ وَحُدَّتِ الْحُدُودُ دَخَلْنَا

ردن، ممنوع است» و فرمود: «چنانچه حدود و

شُعْمَةُ^۶

مررها [در زمین و خانه] علامت‌گذاری و مشخص

نمود، دیگر شلعه (حق) تقدّم در خرید سهم

شلیک) نمی‌خواهد شده

۶/۲. خَوْشِ اسْلَامٍ بَرِّينَ مُسْلِمَانِ

۶/۲. أَحْسَنُ الْمُسْلِمِينَ إِسْلَامًا

۶/۲. پیامبر خدا ﷺ: اسلام، سه خانه است: پایین،

۷۰۸. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْإِسْلَامُ ثَلَاثَةُ أَيْمَاتٍ: مَطْلَى وَغُلِيَا

بالا، و بالاخانه. خانه پایین، همان اسلامی است که

وَعُرْفَةُ. فَأَمَّا الْمَطْلَى فَالْإِسْلَامُ دَخَلَ لَهَا عَائِمَةُ

خانه مسلمانان وارد آن شده‌اند، که اگر از هر یک از

الْمُسْلِمِينَ فَلَا تَسْأَلُ أَحَدًا مِنْهُمْ إِلَّا قَالَ أَنَا مُسْلِمٌ.

آنها به‌رسی، می‌گوید، من مسلمانم. خانه بالا،

وَأَمَّا الْغُلِيَا فَتَقَاصُلُ أَعْمَالِهِمْ... وَأَمَّا السُّرْقَةُ الْغُلِيَا

ایستگی به [برتری] اعمال آنها بر یکدیگر دارد. و

فَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَنَالُهَا إِلَّا أَهْلُهُمْ^۷

است

۱. این منظور، ضمن نقل این حدیث، می‌گوید: «لا ضرر»

یعنی انسان نباید به برادر خود زیان بزند؛ و «لا ضرر» یعنی

باید به یکدیگر زیان رسانند پس ضرر، دو جنبه است و

ضرر، یک جنبه به عبارت دیگر، اگر کسی به دیگری زیان

رساند، آن دیگری باید به او ضرری وارد آورد؛ بلکه باید

گذشت کند (و یا خسارت بگردد) و به قولی «ضرر» به این

معناست که به کسی زیانی برسانی که از آن زیان، سودی به تو

برسد ولی «ضرر» به این معناست که به کسی زیانی برسانی بدون

آن که از آن سودی نصیب تو شود (لسان العرب مادة «ضرر»).

بعضی از محققان نیز گفته‌اند که منظور از «ضرر» این است

که در اسلام، حکم زیان‌بخش وجود ندارد و مقصود از

«ضرر» این است که از مظهر اسلام، ضرر ردن به دیگران

ممنوع است م

۱. کنز العمال ج ۱ ص ۱۵۰ ح ۷۱۷

۲. کنز العمال ج ۱ ص ۱۶۹ ح ۷۴۲

۳. کنز العمال ج ۱ ص ۱۵۰ ح ۷۴۶

۴. کنز العمال ج ۱ ص ۵۹ ح ۹۱۹۸

۵. کتاب من لا یحضره الفقه ج ۱ ص ۳۳۶ ح ۵۷۱۸

۶. تهذیب الأحکام ج ۷ ص ۱۶۶ ح ۷۷۷

۷. کنز العمال ج ۱ ص ۳۱۲ ح ۱۰۶۵۸

۷/۲. اساس اسلام

۷۰۹. رسول الله ﷺ: الإسلام غريبٌ ولباسُهُ التَّقْوَى. وشعارُهُ الْهُدَى، وَدثارُهُ الْحَيَاءُ وَمَلَاكُهُ الْوَزَعُ وَكَمَالُهُ الدِّينُ، وَشَمَرَتُهُ الْعَمَلُ الصَّالِحُ، وَلِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ، وَأَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنا أَهْلَ الْبَيْتِ ¹

۸/۲. غریبه اسلام

۷۱۰. رسول الله ﷺ: إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأُ غَرِيبًا وَسَيَقُودُ غَرِيبًا كَمَا بَدَأَ، فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ. ²

۷۱۱. كثر للعقال عن عبدالرحمن بن سنان قال رسول الله ﷺ: إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأُ غَرِيبًا وَسَيَقُودُ غَرِيبًا فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا الْغُرَبَاءُ؟ قَالَ الَّذِينَ يُضْلَعُونَ عِنْدَ فسادِ النَّاسِ ³

۷۱۲. الامام الصادق ع: - لَمَّا سُئِلَ عَمَّا قَوْلُ عَلِيٍّ ع: الْإِسْلَامُ بَدَأُ غَرِيبًا وَسَيَقُودُ غَرِيبًا كَمَا كَانَ، فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ - . يَسْتَأْنِفُ الدَّاعِي مَتَا دَعَا، أَجَدِيدًا كَمَا دَعَا إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ⁴

۹/۲. من ليس بمسلم

۷۱۳. رسول الله ﷺ: مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْمُ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِ بَنٍ فَلَيْسَ مِنْهُمْ، وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُبَادِي ⁵ بِالْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ ⁶

بالاخانه، جهاد در راه خداست و جز پرتوین مسلمانان، کسی به آن بالا خانه دست نمی یابد.

۷/۲. بنیاد اسلام

۷۰۹. پیامبر خدا ﷺ: اسلام، پرهنه است و جامه آن، تقواست، پوشش رهبریش، هدايت است، بالا پوشش حیا، اساسش، پارسایی است و کمالش، دینداری و میوه اش، کار نیک هر چیزی بنیادی دارد و بنیاد اسلام، دوستی داشتن ما خاندان است

۸/۲. غریبت اسلام

۷۱۰. پیامبر خدا ﷺ: اسلام، غریبانه آغاز شد و به رودی، همچون ابتدای خود، غریب خواهد شد پس حوشا به حال غریبان! ۷۱۱. رکنو العقال - به نقل از عبدالرحمان بن سنان - پیامبر ﷺ فرمود: «اسلام، غریبانه آغاز شد و به رودی، همچون گذشته غریب خواهد شد پس حوشا به حال غریبان!»

گفتند: ای پیامبر خدا! غریبان کیستند؟ فرمود: کسانی که وقتی مردم فاسدند، آنان صالح اند.

۷۱۲. امام صادق ع: در پاسخ به این سؤال که معنای این جمله علی ع چیست که فرمود: «اسلام، غریبانه آغاز شد و به رودی، همچون گذشته، غریب خواهد شد پس حوشا به حال غریبان!»، آن دعوتگر که از ماست، دعوت جدیدی را از سر خواهد گرفت، همچنان که پیامبر خدا به آن دعوت کرد

۹/۲. کسی که مسلمان نیست

۷۱۳. پیامبر خدا ﷺ: هر که روز خود را آغاز کند و دغدغه امور (مشکلات) مسلمانان را نداشته باشد، از آنان بیست، و هر که فریاد کمک خواهی مردی را بشود و به کمکش نشتابد، مسلمان نیست

۱. تحف العقول ص ۵۲

۲. کثر العقال ج ۱ ص ۲۳۸ ح ۱۱۹۲

۳. کثر العقال ج ۱ ص ۲۳۹ ح ۱۱۹۸

۴. تفسیر العیاشی ج ۲ ص ۳۰۳ ح ۱۱۸

۵. الذکاء ج ۲ ص ۱۶۴ ح ۵

الْإِيمَانُ بِالْآخِرَةِ

باب ششم

الْإِيمَانُ بِالْمَعَادِ

ایمان به معاد

الفصل الأول: الآخرة

فصل یکم: آخرت

۱/۱ تَسْمِيَةُ الْآخِرَةِ

۱/۱. نام گذاری آخرت

۷۱۴. عَنْ الشَّرَائِعِ عَنْ بَرِيدٍ بْنِ سَلَامٍ أَنَّهُ سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ لَهُ: أَحَبُّ إِلَيَّ لَمْ تُعْطِ الْآخِرَةُ أَجْرًا؟

۷۱۴. عَنِ الشَّرَائِعِ - بِه نَقْلُ از یزید بن سلام، در گفتگو با پیامبر خدا: [گفتم:] مرا خبر ده که چرا آخرت را آخرت نامیده‌اند؟

قَالَ ﷺ: لِأَنَّهَا مُتَأَخِّرَةٌ تَجِيءُ مِنْ بَعْدِ الدُّنْيَا، لَا تُوصَفُ بِسَيِّئِهَا، وَلَا تُحْصَنُ بِإِثْمِهَا، وَلَا يَحُوتُ سُكَّانُهَا.^۲

فرموده: «چون متأخر از دنیا است و پس از آن می‌آید. مسال‌های آن به وصف نمی‌آیند و رؤیاهایش شماره نمی‌شوند و ساکنانش نمی‌میرند»

۲/۱ الْعُقَارَنَةُ مِثْلَ الْآخِرَةِ وَالْدُّنْيَا

۷۱۵. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا أَخَذَتِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ إِلَّا كَمَا أَخَذَ بِحَيْطٍ عَرِيسٍ مِنَ الْبَحْرِ مِثْلَ مَائِهِ.^۳

۲/۱. مقایسه میان آخرت و دنیا

۷۱۵. پیامبر خدا ﷺ: آنچه دنیا از آخرت گرفته است، جز به اندازه آبی که سوزنی فرو رفته در دریا به خود می‌گیرد، نیست

۷۱۶. عَنْهُ ﷺ: مَثَلُكُمْ أَلَيْهَا أَلُمَّةٌ كَمَثَلِ عَسْكَرٍ قَدْ سَارَ أَوَّلُهُمْ وَبُودِيَ بِالرَّحِيلِ، فَمَا أَسْرَعَ مَا يَلْحَقُ آخِرُهُمْ بِأَوَّلِهِمْ! وَاللَّهُ مَا الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ إِلَّا كَنَفْحَةٍ أَرْسَبَ.

۷۱۶. پیامبر خدا ﷺ: حکایت شما - ای مردم - همانند

۱. في المصدر «سبها»، والتعريب من بحر الأثر. قال ابن الأثير: تجمع السنة على سنوات وسرات، فإذا جمعها جمع الصفة كسرت السين ففلسفون وسين، وبعضهم بعضها، ومنهم من يقول: بين على كل حال في الرفع والتصب والنجر ويجعل الإعراب على الوزن الأخيرة، فإذا أضفتها على الأول حدثت من الجمع بلا صانه وعلى الثاني لا تحدثها لتقول: بين (يدوسين) - (النهاية ج ۲ ص ۴۱۴ دسته)

۲. عَنِ الشَّرَائِعِ ص ۱۷۰ ج ۳

۳. في معجم الكبير ج ۲ ص ۳۰۸ ج ۷۳۳

۴. كذا في المصدر بالحاء المهملة، والظاهر أنها مصحفة من «نصفه» بالجيم، قال ابن الأثير: كصحة أرب أي كوئنه من محشاه، يريد تقبيل مذهبها، (النهاية ج ۵ ص ۸۸، تنقيح)

۱. در مأخذ، «نصفه» (با حاء) آمده است، ولی ظاهراً تصحیف شده «نصفه» (با جیم) باشد. ابن اثیر می‌گوید: «کشفه أرب» مانند یک جهش خرگوشی و مراد، کم بودن مدت «دوامت»

الْجِدِّ الْيَدُّ عِبَادَ اللَّهِ؛ وَاسْتَعْبُوا بِأَقْبَرِ رَبِّكُمْ^۱

حدا و از خداوند، پروردگارتان، کمک بجوید.

۳/۱ خصائصُ الآخرة

۳/۱ ویژگی‌های آخرت

أ- دارُ البقاء

الف- سرای ماندگاری

۷۱۷ رسول الله ﷺ يا أَهْلَ الْخُلُودِ، يا أَهْلَ الْبَقَاءِ انْكُمْ لَمْ تُحْلَفُوا نَعْمًا وَإِنَّمَا تُعْلَنُ مِنْ دَارٍ لِي دَرٍّ، كَمَا نُعْثَمُ مِنَ الْأَصْلَابِ إِلَى الْأَرْحَامِ، وَمِنَ الْأَرْحَامِ إِلَى الدُّنْيَا وَمِنَ الدُّنْيَا إِلَى الْقُبُورِ، وَمِنَ الْقُبُورِ إِلَى الْخُرُوفِ وَمِنَ الْمَوْتِ إِلَى الْخُلُودِ فِي الْحَبَّةِ أَوْ النَّارِ^۲

۷۱۷ پیامبر خدا ﷺ ای اهل جاودانگی، ای اهل ماندگاری! شما برای نامودی آفریده نشده‌اید؛ بلکه از سرایی به سرایی انتقال داده می‌شوید، همچنان که از پُشت‌ها به رهدان‌ها، و از رهدان‌ها به دنیا منتقل شدید و از دنیا به گورها، و از گورها به توقمگاه (قیامت)، و از توقمگاه، به جاودانگی در بهشت یا دوزخ [انتقال می‌یابید]

ب- دارُ الجزاء



۷۱۸ رسول الله ﷺ ما جعل الله في الآخرة عِزًّا زِيًّا؛ دَارَ الشُّوَبِ وَدَارَ الْعِقَابِ؛ الْعَمَّةُ وَالنَّارُ، وَهَما د حات^۳

ب- سرای سزا

۷۱۸ پیامبر خدا ﷺ خداوند عز و جلال در آخرت، جز دو سرافراز نداده است: سرای پاداش و سرای کیفر؛ (یعنی) بهشت و دوزخ و این دو، درحاتی دارند

ج- دارُ محفوفةٌ بالمعكارة

۷۱۹ رسول الله ﷺ أَلَا إِنَّ الْآخِرَةَ الْيَوْمَ مُحَفَّفَةٌ بِالْمَكْرِهِ؛ وَإِنَّ الدُّنْيَا مُحَفَّفَةٌ بِالشَّهَوَاتِ^۴

ج- سرای محصور در ناملایمات

۷۱۹ پیامبر خدا ﷺ. بدانید که آخرت، امروز با ناملایمات، در میان گرفته‌شده است و دنیا با شهوات، احاطه گشته است

۴/۱ الْحَثُّ عَلَى الْإِمْتِنَانِ بِالْآخِرَةِ

کتاب

﴿وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا﴾^۵

۱ تشویق به آخرت‌گرایی

قرآن

﴿و هر کس خواهان آخرت باشد و نهایت کوشش را برای آن بکند و مؤمن باشد آن‌اند که تلاش آنها مورد حق‌شناسی واقع خواهد شد﴾.

۱ القردوس ج ۴ ص ۱۴۸ ح ۶۴۵۶

۲ فردوس الاسرار ج ۵ ص ۳۹۲ ح ۸۲۶۱

۳ دعائم الإسلام ج ۱ ص ۲۵

۴ المعجم الكبير ج ۱۹ ص ۲۰۰ ح ۴۴۹

۵ الاسرار ۱۹

الحديث

- ۷۲۰ رسول الله ﷺ: إَجْعَلُوا هِجْرَتَكُمْ الْآخِرَةَ، لَا يَمُتُ فِيهَا ثَوَابُ الْمَرْصِيِّ عَنْهُ، وَلَا يَنْقَطِعُ فِيهَا عِقَابُ الْمَسْحُوطِ عَلَيْهِ^۱
- ۷۲۱ عَنْهُ ﷺ: إَجْعَلُوا هِجْرَتَكُمْ لِأَنْفُسِكُمْ، وَسَعْيَكُمْ يَسْتَقَرُّكُمْ^۲

حديث

- ۷۲۰ پیامبر خدا ﷺ: هَمَّتْ خُودِ رَا آخِرَتِ قَرَار دَهِيْد اْخِرَتِي كِه دَر اَن، پَنَدَاشِ كِسي كِه مَورِد رِصَايَتِ [اَلهي] اِسْت، پَيدَان نَمِي يَابَد وَ كِيفَر شَحْصِي كِه مَورِد خُشْم [خِداوند] اِسْت، قَطْع نَمِي گَرَدَد.
۷۲۱. پَيامبر خدا ﷺ: آخِرَتَان رَا وَجِهَةً هَمَّتْ حُودِ، وَ تَلَاثَتَان رَا بَرَاي مَحَلِّ اسْتَقْرَارِ [هميشگي] اَنان قَرَار دَهِيْد

۵/۱ كُوبُوا مِنْ أَسْمَاءِ الْآخِرَةِ

- ۷۲۲ رسول الله ﷺ: إِنْ لَدُنِّيَا أَسْمَاءٌ وَلِلْآخِرَةِ أَسْمَاءٌ، فَكُوبُوا مِنْ أَسْمَاءِ الْآخِرَةِ وَلَا تَكُوبُوا مِنْ أَسْمَاءِ الدُّنْيَا، فَإِنَّ كُلَّ وَلَدٍ يَنْتَبِعُ بِأُمِّهِ، وَإِنْ الدُّنْيَا قَدْ تَرَحَّلَتْ مُدْبِرَةً، وَالْآخِرَةُ قَدْ تَحَمَّلَتْ مُقْبِلَةً^۳

۵/۱ فرزند آخرت باشید

- ۷۲۲ پیامبر خدا ﷺ: دُنْيَا رَا فَرَزْدَانِي اِسْت وَ آخِرَتِ رَا بِيَر فَرَزْدَانِي شِمَانِ فَرَزْدَانِ آخِرَتِ بَاشِيْد وَ اَز فَرَزْدَانِ دُنْيَا مَباشِيْد؛ لِپَرَا هَر بِخَه ي، دَسَال مَادَر حُود حَرَكَتِ مِي كِنْد. هَمَانَا دُنْيَا بَشت كَرْدَه وَ مِي رُود، وَ آخِرَتِ، رُوي كَرْدَه وَ مِي آيَد

۶/۱ حَصَانُصُ أَسْمَاءِ الْآخِرَةِ

الكتاب

- ﴿تِلْكَ أَلُمُذَّةُ الْأَلْبَرَةِ نَجَعْتُهَا لِلَّذِينَ لَا يُزَيِّنُونَ عَمَلُوا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا وَالْعَبْدَةُ لِلْمُتَكَبِّرِينَ﴾^۱

۶/۱ ویژگی‌های آخرت‌گرایان

قرآن

- ﴿أَرِ سَرَايِ آخِرَتِ رَا بَرَايِ كِسانِي قَرَارِ مِي دَهَم كِه دَر زَمِيْنِ خُواستارِ بَرْتَرِي وَ فُسَادِ مِیْسْتَنْد. وَ فَرَجَام [خوش] اَر اَن پَرهیزگاری اِسْت﴾

الحديث

حديث

- ۷۲۳ الإمام عليّ عليه السلام: مِي دِكِرِ حَدِيثِ مِعْرَاجِ النَّبِيِّ ﷺ - قَالَ اللَّهُ ﷻ: يَا أَحْمَدُ، إِنْ أَهْلَ الْآخِرَةِ لَا يَهْتَوُهُمُ الطَّعَامُ مُدَّ عَزَلُوا زَهْمَهُمْ، وَلَا يَشْطَلُهُمْ مُصِيبَةُ مُدَّ عَزَمُوا سَيِّئَاتِهِمْ، يَبْكُونَ عَلَى حَطَايَاهُمْ، يَكْتُمُونَ مُسْأَمَهُمْ وَلَا يُرِيحُونَهَا، وَإِنْ رَاحَةَ أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْمَوْتِ، وَالْآخِرَةُ مُسْتَرَاخُ الْعَابِدِينَ، مُؤَسِّمُهُمْ دُمُوعُهُمْ الَّتِي تَقْبِضُ عَلَى

- ۷۲۳ امام علی علیه السلام: - دَر بِيَانِ حَدِيثِ مِعْرَاجِ -: خِداوند ﷻ فرمود: .. ای احمد! هَمَانَا اهلِ آخِرَتِ، اَز اَن هِنگام كِه پَروردگارشان را شناختند، غَدایی خوش از گلویشان پايین برفت و اَز اَن هِنگام كِه گناهانشان را شناختند، هیچ مصیبتی آنان را به حُودِ مشغولِ نداشت. بَر گناهانِ خویش مِي گَرَبَنَد. نَفْسِ هایشان را به رنج مِي افکنند و اَنها را اَسُودَه نَمِي گِلدارند. اَساپش اهلِ بهشت، دَر مَرْدَن اِسْت وَ آخِرَتِ، اَسَدِشگاهِ عبادت‌پیشگان اِسْت مَوسِ اَنان

۱ اعلام الدین ص ۳۴۲ ح ۳۰

۲ اعلام الدین ص ۳۴۰ ح ۲۶

۳ ارشاد القلوب ص ۲۱ ۱. لقصص ۸۳

حُدُودِهِمْ، وَجَلَّوْهُمْ مَعَ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ عَنْ أَيْمَانِهِمْ
وَعَنْ شِمَائِلِهِمْ، وَمُنَاجَاتُهُمْ مَعَ الْجَبَلِ الَّذِي فَوْقَ
عَرْشِهِ ۱

۷/۱. حَذُّ الْإِهْتِمَامِ بِالْآخِرَةِ

۷۲۴ رسول الله ﷺ: اَعْمَلْ عَمَلًا مَسْرُوعًا أَوْ يَمُوتَ
هَرِمًا، وَاحْذَرْ حَذْرَ مَنْ يَتَخَوَّفُ أَنْ يَمُوتَ عَدَا ۲

۸/۱. آثَارُ الْإِهْتِمَامِ بِالْآخِرَةِ

۷۲۵ رسول الله ﷺ: مَنْ أَصْبَحَ وَأَمْسَى وَالْآخِرَةُ أَكْبَرُ
هَمِّهِ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ الْبَقَى فِي قَلْبِهِ، وَجَمَعَ لَهُ أَمْرَهُ وَلَمْ
يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَسْتَكْمِلَ رِزْقَهُ ۳

۷۲۶ عنه ﷺ: تَمَرَّعُوا مِنَ عُمُومِ الدُّنْيَا مَا اسْتَطَعْتُمْ قَبْلَهُ
مَنْ كَاتَبَ دُنْيَا أَكْرَهَتْهُ أَمْسَى اللَّهُ صَبِيحَةً، وَجَعَلَ
عَفْرَةً بَيْنَ عَيْنَيْهِ، وَمَنْ كَاتَبَ الْآخِرَةَ أَكْبَرُ هَمِّهِ جَمَعَ اللَّهُ
لَهُ أَمْرَهُ، وَجَعَلَ لَهَا فِي قَلْبِهِ ۴

۹/۱. الْحَثُّ عَلَى ذِكْرِ الْآخِرَةِ

۷۲۷ رسول الله ﷺ: يَكْمِكُمْ مِنَ النَّفْلِ ذِكْرُ الْآخِرَةِ ۵

۷۲۸ عنه ﷺ: رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا اسْتَحْيَا مِنْ رَبِّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ
فَحَفِظَ الرَّأْسَ وَمَا حَوَى، وَانْبَطَّنَ وَمَا وَعَى، وَذَكَرَ
الْقَبْرَ وَالْبَلَى، وَذَكَرَ أَنَّ لَهُ فِي الْآخِرَةِ مَعَادًا ۶

۱ بحار الأنوار ج ۷۷ ص ۲۱-۲۵ ح ۶

۲ المكنی ج ۲ ص ۸۷ ح ۶

۳ ثواب الاعمال ص ۲۰۱ ح ۱

۴ المعجم الأوسط ج ۵ ص ۱۸۶ ح ۵۰۲۵

۵ الفردوس ج ۵ ص ۵۱۱ ح ۹۱۳۸

۶ الاختصاص ص ۲۲۹

شک‌هایشان است که بر گونه‌هایشان سرازیر می‌شود.
و همشگی آنان، با فرشتگانی است که در راست و
چپ آنان قرار گرفته‌اند، و راز و نیازشان، با خداوند
شکوهمندی است که بر فراز عرش خویش است»

۷/۱. هشدار به پرداختن به آخرت

۷۲۴ پیامبر خدا ﷺ: عمل کن، همانند عمل کردن کسی
که امید دارد در پیری بمیرد، و حذر کن، همانند حذر
کردن کسی که می‌ترسد همین فردا بمیرد

۸/۱. آثار اهمیت دادن به آخرت

۷۲۵ پیامبر خدا ﷺ: کسی که شب و روز، بزرگ‌ترین
هم و غمشی آخرت باشد، خداوند، دلش را بی‌پایز
می‌گرداند و کارش را سامان می‌بخشد و از دنیا
بهریگی که روزی‌اش را کامل دریافت کند

۷۲۶ پیغمبر خدا ﷺ: ت می‌توانید، خویش را از هم
و غم دنیا، هارغ گردانید؛ زیرا هر کس که دنیا
بزرگ‌ترین هم و غم او باشد، خداوند زندگی‌اش را
ساده‌سامان می‌سازد و فقر را پیش چشم او قرار
می‌دهد؛ و هر کس که آخرت، بزرگ‌ترین هم و غم
او باشد، خداوند آموزش را سر و سامان می‌دهد و
دلش را بی‌نیاز می‌گرداند

۹/۱. تشویق به یادآوری آخرت

۷۲۷ پیامبر خدا ﷺ: از مستحبات (غیر واجبات)،
همین شما را پس که به یاد آخرت باشید

۷۲۸ پیامبر خدا ﷺ: رحمت خدا بر آن پنده‌ای که از
پروردگارش، چنان که می‌باید، شرم‌کنند پس، سر و
آنچه را [از اندیشه و نیت] در سر است و شکم و
آنچه را [از حوراک] در شکم قرار می‌گیرد، [از ناپاکی
و حرام] بگه بلند و قبر و پوشیدن را [همواره] یاد
کند و به یاد داشته باشد که او را در آخرت، بازگشتی
خواهد بود

۱۰/۱. مَا يُذَكِّرُ الْآخِرَةَ

۱۰/۱. عوامل یادآوری آخرت

۷۲۹. رسول الله ﷺ عودوا المَرَضَى، وَاتَّبِعُوا الْجَنَائِزَ؛

۷۲۹. پیامبر خدا ﷺ: لز بیماران، عیادت کنید و در

تَذَكُّرُكُمْ الْآخِرَةَ^۱

تشییع جنازه‌ها شرکت نمایید تا اینها آخرت را به

یاد شما آورند

۷۳۰. عَنْهُ ﷺ إِذَا دُهِبَتْ إِلَى الْجَنَائِزِ فَأَسْرِعُوا، فَإِنَّهَا تُذَكِّرُ

۷۳۰. پیامبر خدا ﷺ هرگاه به تشییع جنازه دعوت

الْآخِرَةَ^۲

شدید، شتاب کنید؛ زیرا تشییع جنازه، شما را به

یاد آخرت می‌اندازد

۱۱/۱. مَا يُفَسِّسُ الْآخِرَةَ

۱۱/۱. عوامل لز یاد بردن آخرت

۷۳۱. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ [إِنْ أَحْوَفَ مَا أَخَذَ عَلَى أُمَّتِي يَهْوَى

۷۳۱. پیامبر خدا ﷺ ترسناک‌ترین چیزهایی که از بهادر

وَطُولُ الْأَمْسِ؛ أَمَّا يَهْوَى فَإِنَّهُ يَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ، وَأَمَّا

اقتنم می‌ترسم، هوای نفس و آرزوی دراز است

طُولُ الْأَمَلِ فَيُفَسِّسُ الْآخِرَةَ^۳

هوای نفس، از حق سار می‌درد و آرزوی دراز،

۱۲/۱. بَرَكَاتُ عِمَارَةِ الْآخِرَةِ

[بَرَكَاتُ] الْآخِرَةِ رَأَى يَادَ [إِنْسَانٍ] مَيِّمَةٍ

الكتاب

۱۲/۱. بَرَكَاتُ أَمَدِ كَرْدَنِ آخِرَتِ

فَمَنْ كَانَ يَمِيدُ حَزَنَ الْآخِرَةِ نَزَلَتْ فِي حَزَنِهِ وَفِي كَلَامِ

قُرْآنِ

يَمِيدُ حَزَنَ الدُّنْيَا نَزَلَتْ مِنْهَا وَمَا لَمْ يَلَمْ الْآخِرَةَ مِنْ

تُصْبِيهِ^۴

الحديث

«کسی که کشت آخرت را بخواهد، برای وی در کشته‌اش

۷۳۲. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ أَصْبَحَ أَمْرَ جَزَيْهِ صَلَحَ اللَّهُ لَهُ أَمْرُ

می‌ارایم و کسی که کشت این دنیا را بخواهد، به او از

دُنْيَاهُ^۵

حدیث

۷۳۲. پیامبر خدا ﷺ: هر کس کار آخرتش را درست

۷۳۳. عَنْهُ ﷺ أَلَا إِنَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ طَالِبَتَانِ وَمَطْلُوبَتَانِ؛

کند، خداوند ﷻ کار دنیایش را برای او درست

فَطَالِبَتِ الْآخِرَةُ تَطْلُبُهُ الدُّنْيَا حَتَّى يَسْكُمَ بِرَقَّةٍ،

می‌کند

وَطَالِبَتِ الدُّنْيَا تَطْلُبُهُ الْآخِرَةُ حَتَّى يَأْخُذَ السَّوْثُ

۷۳۳. پیامبر خدا ﷺ: آگاه باشید که دنیا و آخرت،

يُصْبِيهِ^۶

هر دو، طالب‌اند و مطلوب، دنیا طلب آخرت را

طلب می‌کند تا بن که او روری خویش را به تمام

مسند ابن حبل ج ۴ ص ۹۶ ح ۱۶۴۵

۱ قرب الإسناد ص ۴۶ ح ۲۸۱

۲ المنهاج ص ۵۱ ح ۶۲ ۱ الشوری ۲۰

۳ عدة الداعی ص ۲۱۶ ۴ اعلام الدین ص ۳۴۵ ح ۳۸

دنیاست تا این که مرگ، گردن او را بگیرد

۱۳/۱. مَا يَعْمُرُ الْآخِرَةَ

۱۳/۱. آنچه آخرت را آباد می‌کند

۷۳۱. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِكُلِّ خَرَابٍ عِمَارَةٌ، وَعِمَارَةُ الْآخِرَةِ الْقَتْلُ^۱.

۷۳۲. پیامبر خدا ﷺ هر خرابی، آباد کننده‌ای دارد و آباد کننده آخرت، قتل است

۷۳۵. عَنْهُ ﷺ مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ فَلْيَتَدَعْ رِيَّةَ الدُّنْيَا^۲

۷۳۵. پیامبر خدا ﷺ، هر کس آخرت را می‌خواهد، باید زیور زندگی دنیا را رها کند.

۱۴/۱. مَا يُخْرِتُ الْآخِرَةَ

۱۴/۱. آنچه آخرت را ویران می‌کند

الكتاب

﴿فَأَمَّا مَنْ ظَنَّنَا * وَطَارَ الْخَبْثُ الْذُّبَابُ فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى﴾^۳قرآن
«اما هر که ظنمان کرد و زندگی پست دنیا را برگزید، پس جایگاه او همان آتش است»

الحديث

حديث

۷۳۶. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - لَعْنِي * يَا عَلِيُّ، مَنْ عَرَصَ لَفَ دُنْيَاءَ، وَحَزَنَهُ فَاحْصَارُ الْآخِرَةِ وَبَرَكَ الدُّنْيَا مِلَّةُ الْحَمَةِ، وَمِنْ أَحَدِ الدُّنْيَا اسْتِحْصَاةً بَا حَرَنَهُ قَبْلَهُ الْمَارِ^۴

۷۳۶. پیامبر خدا ﷺ - لعنی * ای علی! هر کس دنیا را [آخرت] برایش بیش آید (بر سر دو راهی دنیا و آخرت قرار گیرد) و آخرت را برگزید و دنیا را وا بگذارد، بهشت از آن اوست، و هر کس، از روی سبک شمردن آخرتش، دنیا را برگزید، آتش از آن اوست

۱۵/۱. الْحَثُّ عَلَى تَحَارَةِ الْآخِرَةِ

۱۵/۱. تشویق به سودای آخرت

الكتاب

﴿إِنَّ الدِّينَ يَنْتَوِي بِكُنْزِ اللَّهِ وَالْقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَتَقُوا سَفَا رَفَعْنَاهُ سَبْرًا وَعَلَامِيَّةً يَرْجُونَ تَجَرَّةَ لِسْ ثَبُورٍ﴾^۵قرآن
«در حقیقت، کسانی که کتاب خدا را می‌خوانند و نماز برپا می‌دارند و از آنچه بدیشان روری دادیم، نهان و آشکارا انفاق می‌کنند، امید به تجلوی بسته‌اند که هرگز زوال نمی‌پذیرد»﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعَدَادِ﴾^۶

الحديث

۷۳۷. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - فِي مَوْعِظَتِهِ لِابْنِ مَسْعُودٍ - يَا بَنِي

۱. كثر التواتر ج ۱ ص ۵۶ ۲. التخصال ص ۲۹۳ ح ۵۸.

۳. التلخيص ص ۲۷-۲۹

۴. جامع الأخبار ص ۲۹۶ ح ۸۰۵

۵. فاطر ۲۹ ۶. البقرة ۲۰۷

۷۳۷. پیامبر خدا ﷺ - در اندرز به ابن مسعود - ای

مَسْعُودٍ، وَالَّذِي يَقْنُنِي بِانْحَقٍ نَّجْيًا، إِنْ مِّنْ يَدْعِ الدُّنْيَا
وَيُقْبِلُ عَنِّي تَجَارَةً لَّاجِرَةً، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُتَجَرَّلُهُ مِنْ
وَرَاءِ لِحَاجَتِهِ وَيُرِيحُ اللَّهُ تَجَارَتَهُ، يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى
﴿رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ
الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ بِهِ
الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ﴾^۱

۱۶/۱ تفسیر تجارة الاحرة

الكتاب

﴿إِنَّ الدِّينَ يَقُولُ كَتَبَ اللَّهُ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا
مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِّنْ جُودٍ فَحِرَّةٌ لِّمَن
شَاءَ﴾^۲

الحديث

۷۳۸ رسول الله ﷺ من وصاية إلهي مسعود: يا ابن
مسعود، كُلْ مَا بَصُرْتَهُ بِقَبِيلِكَ وَاسْتَحْلَاهُ^۳ قَبِيلُكَ
فَأَجْعَلْهُ لِي، فَبَلَكَ تِجَارَةً لَّاجِرَةً؛ لِأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ ﴿مَا
عِنْدَكُمْ يَبْعُدُ وَمَا عِبَدَ اللَّهُ نَاقٍ﴾^۴

۷۳۹ عنه ﷺ لَمَسَ شَيْءٌ أَطْيَبَ عِندَ اللَّهِ مِنْ رِيحِ قَسَمِ
صَائِمٍ تَرَكَ الطَّعَامَ وَالشَّرَابَ لِيَوْمِ زَمَتِ الْعَالَمِينَ، وَتَرَى اللَّهَ
عَنِّي مَا سِوَاهُ، وَابْتَاعَ حِرَّتَهُ بِدُنْيَاهُ^۵.

۱ مکارم الأخلاق ج ۲ ص ۳۵۶ ح ۱۶۶۰

۲ فاطر ۲۹

۳ فی بحار الأول، واستحلاه

۴ النحل ۹۶

۵ مکارم الأخلاق ج ۲ ص ۳۵۷ ح ۲۶۶۰

۶ التخصیص لابن قسطنطین ص ۲۰ ح ۳۹

پسر مسعود! سوگند به آن که مرا به حق، به
پيامبری برگزید، کسی که دنیا را واسطه و به
سودای آخرت روی آورد، خداوند متعال، از پس
سوداگری‌اش، برای او تجارت می‌کند و
سوداگری‌اش را سود آور می‌گرداند. خدای متعال
می‌فرماید: ﴿مَرِئَسٍ كَمَا سَوَّيْتُ شَيْئًا مِنْهُ تِجَارَتِي وَمِنْهُ
مَكَّةَ وَبَنِيَّ أَمَانَ رَأَى يَدَ اللَّهِ فِي بَيْتِهِ بِلَقَائِهِ سَمَاءَ وَبَنِيَّ
رَكَاتٍ بَارِعَةٍ لَمْ يَدْرُ وَبَنِيَّ دُرِّي مِثْلَهُمْ كَمَا كَرَّمَ أَنْ، دَسَّاهُ
بِدَعَايِهِ وَبَنِيَّ مِثْلَهُمْ﴾

۱۶/۱. معنای سوداگری آخرت

قرآن

﴿در حقیقت، کسانی که کتاب خدا را می‌خوانند و سار را
برپا می‌دارند و از آنچه بدیشان دوری داده‌ایم، بهان و
تفکیرا اتفاق می‌کنند امید به تجارتی هستند که هرگز
روال نمی‌پذیرد﴾

حدیث

۷۳۸. پیامبر خدا ﷺ - در سهارش به ابن مسعود - ای
پسر مسعود! هر آنچه را چشم‌ت دید و دلت
هوس کرد، برای خدا قرار بده که این، تجارت
(سوداگری) آخرت است؛ چرا که خداوند
می‌فرماید: ﴿آنچه نزد شماست بر من است و آنچه نزد
خداست، مانده است﴾

۷۳۹. پیامبر خدا ﷺ: نزد خداوند، چیزی خوش‌تر
از بوی دهان روزهداری نیست که به خاطر خدای
پروردگار جهاتیان، از خوردن و آشامیدن،
خودداری ورزیده، و خدا را بر مایه‌ای او برگزیده
و آخرتش را به دنیایش خریده است.

۱۷/۱. التَّحْذِيرُ مِنْ إِشْتِرَاءِ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ

الكتاب

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ
فَلَا يَحْطِفُونَ عَنْهُمْ الْعَذَابَ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾^۱

الحدیث

۷۴۰ رسول الله ﷺ بَشَّرَ هَذِهِ الْأُمَّةَ بِالشَّيْءِ وَرَفَعَهُ
وَالَّذِينَ وَالنَّصْرَ وَالشُّمُوكَ فِي الْأَرْضِ قَسَ عَمِلَ
مِنْهُمْ عَمَلٌ الْآخِرَةِ لِلدُّنْيَا لَمْ يَكُنْ لَهُ فِي الْآخِرَةِ
نَصِيبٌ^۲

۱۸، ۱ دُمُ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ

۷۴۱ رسول الله ﷺ شَرَّ النَّاسِ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا
وَشَرُّ مِنْ ذَلِكَ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ^۳

الفصل الثامن الموت

۱ / ۲ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ

الكتاب

﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِلَىٰ تَوَلَّوْنَ أَخْوَرُكُمْ يَوْمَ
الْقِيَامَةِ فَخُذْ حَزَنًا مِنْ النَّارِ وَأَنْجِلْ آلَ الْجَنَّةِ هَذَا
وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾^۴

الحدیث

۷۴۲ رسول الله ﷺ الْمَوْتُ الْمَوْتُ أَوَّلًا وَلاَ يَأْتِي الْمَوْتُ

۱ البقرة ۸۶

۲ مستدرك حبل ج ۸ ص ۱۸۸ ح ۲۱۲۷۸

۳ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۳۵۳ ح ۵۷۶۲

۴ آل عمران ۱۸۵

۱۷ ۱ هشدار درباره سودا کردن آخرت به دنیا

قرآن

﴿همین کسانی‌اند که زندگی دنیا را به [پای] جهان دیگر
خریدند پس به عذاب آتال سبک می‌گردد و نه ایشان
باری می‌شوند﴾

حدیث

۷۴۰ پیامبر خدا ﷺ بشارت داد این امت را به بلندی
و عظمت و دین و پیروزی و قدرت یافتن در
دین! پس هر کدام از آنان که کار آخرت را برای
دنیا انجام دهد، در آخرت، نصیبی نخواهد داشت

۱۸، ۱ دشواری آن که آخرتش را به دنیای دیگران

بفروشد

۷۴۱ پیامبر خدا ﷺ بدترین مردم، کسی است که آخرتش
را به سببش بفروشد، و بدتر از او، کسی است که
آخرت خویش را برای دنیای دیگری بفروشد

فصل دوم مرگ

۱ / ۲ همگان، چشیده مرگ‌اند

قرآن

﴿هر جانباری چشیده [طعم] مرگ است، و همانا روز
رستاخیز پادشایان به طور کامل به شما داده می‌شود
پس هر که را از آتش به دور دارند و در بهشت درآوردند،
قطعا کایاب شده است، و زندگی دنیا جز مایه فریب
بیست﴾

حدیث

۷۴۲ پیامبر خدا ﷺ مرگ را [در سطر آورید]: مرگ
را بدانید که از مرگ، گریزی نیست، مرگ، آنچه
دارد، با خود می‌آورد خوشی و آسایش و

جاء الموت بما فيه، جاء بالروح والراحۃ والكرۃ المباركة إلى جنة عالية لأهل دار الخلود، الذين كان لها سعيهم وفيها رعبتهم. وجاء الموت بما فيه بالشقوة والندامة والكرۃ الحاصرة إلى نار حامية لأهل دار الضرر، الذين كان لها سعيهم وفيها رعبتهم^۱

رستخیزی خجسته به سوی بهشتی پرین را برای اهل سرای جاوداتی می‌آورد؛ همانان که برای آن سرای، کار می‌کردند و بدان رغبت می‌ورزیدند، و بدبختی و پشیمانی و رستخیزی ریانبار به سوی آنشی سوزان را برای طالبان سرای فریب می‌آورد؛ همانان که برای این سرای می‌کوشیدند و بدان رغبت می‌ورزیدند.

۲/۲. أصناف للموت

۲/۲. اصناف مرگ

۷۴۳ رسول الله ﷺ الناس اثنان، واحد أراح، وآخر استراح؛ فأما الذي استراح فالمؤمن بإحسان استراح من الدنيا وبلائها، وأما الذي أراح فالكافر إذا مات أراح الشجر والدواب وكثيراً من الناس^۲

۷۴۳ پیغمبر خدا ﷺ مردم، دو دسته‌اند: یکی آسوده می‌گرداند و دیگری آسوده می‌شود. آن که آسوده می‌شود، مؤمن است که هر گاه بمیرد، از دنیا و رنج و بلاي آن راحت می‌شود، و آن که آسوده می‌گرداند، کافر است که هر گاه بمیرد، درختان و حیوانات و بسیاری از مردم را [از شر خود] آسوده می‌سازد.

۳/۲. موت المؤمن

۳/۲. مرگ مؤمن

الكتاب

﴿الَّذِينَ تَتَوَفَّيهِمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾^۳

الحدیث

۷۴۴. رسول الله ﷺ. الموت رحانة المؤمن^۴

قرآن
﴿همان کسانی که فرشتگان جانشان را - در حالی که پاک‌اند - می‌ستانند [و به آنان] می‌گویند، «درود بر شما بادا به [پادشاه] آنچه انجام می‌دادید به بهشت درآیند﴾

حدیث

۷۴۳ پیغمبر خدا ﷺ مرگ برای مؤمن، همانند یک دسته گل خوش بوست.

۴/۲. موت الكافر

﴿الَّذِينَ تَتَوَفَّيهِمُ الْمَلَائِكَةُ غَافِلِينَ أُولَٰئِكَ جَزَاءُ الْفٰسِقِ ۖ أَلَسْلَمْ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ بَلَىٰ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾^۵

۴/۲. مرگ کافر

﴿همانان که فرشتگان جانشان را می‌گیرند، در حالی که بر خود ستمکار بوده‌اند پس، از در تسلیم در می‌آیند [و می‌گیرند] «ما هیچ کار بدی نمی‌کردیم». آری، خدا به آنچه می‌کردید، داناست﴾.

۱. التکافیر ج ۳ ص ۲۵۷ ح ۲۷

۲. التمهیل ص ۳۹ ح ۲۱، ۳ التحل ۳۲.

۳. کثر التمهیل ج ۱۵ ص ۵۵۱ ح ۲۱۳۶.

۴. التحل ۲۸

﴿كَذَّبَ إِذَا تَوَلَّاهُمْ لَمْ يَخَفْ بَعْضُهُمْ وَأَخْلَفَهُمُ الْآخَرُ﴾^۱
وَأَذْنُفَهُمْ^۲

۵/۲. ذکر الموت

۷۴۵ رسول الله ﷺ - حِينَما سُئِلَ هَلْ يُحْشَرُ مَعَ الشُّهَدَاءِ أَحَدٌ؟ - نَعَمْ، مَنْ يَذْكُرُ الْمَوْتَ فِي يَوْمٍ وَتَلَّيْنَهُ عَشْرِينَ مَرَّةً^۳

۷۴۶ الإمام علي عليه السلام أَكْثَرُوا ذِكْرَ الْمَوْتِ عِنْدَمَا سَأَلَ عَنْكُمْ إِلَيْهِ أَنْفُسُكُمْ مِنَ الشُّهُوَاتِ، وَكُنِيَ بِالْمَوْتِ رَاضِئاً وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كَثِيراً مَا يُوصِي أَصْحَابَهُ بِذِكْرِ الْمَوْتِ يَقُولُ أَكْثَرُوا ذِكْرَ الْمَوْتِ، فَإِنَّهُ هَادِمٌ لِلدُّنْيَا حَاضِلٌ لَكُمْ وَبَيْنَ الشُّهُوَاتِ^۴

۶/۲. الاستعداد للموت

۷۴۷ رسول الله ﷺ - طَارِقُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَارِثِيُّ - اسْعُدْ لِلْمَوْتِ قَبْلَ مُرُورِ الْمَوْتِ^۵

۷۴۸ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ ارْتَبَعَ الْمَوْتَ سَأَرَغَ فِي الْعِزِّ^۶

۷/۲. شمر المعداده

الكتاب

﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الْمُطْعَمِينَ مَغِيرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّغْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ﴾^۱

۱. محمد ۲۷

۲. نبيه الخواطر ج ۱ ص ۲۶۸

۳. الأمل للطرسي ص ۲۸ ج ۳۱

۴. كنز العمال ج ۱۵ ص ۵۵۱ ح ۲۱۱۰

۵. كنز الفوائد ج ۲ ص ۱۶۳

۶. غابر ۵۲

﴿پس چگونه [تاب می‌آورند] وقتی که فرشتگان [عذاب] جانشان را می‌ستانند و بر چهره و پشت آنان - تازیانه می‌زنند؟﴾^۱

۵/۲. یاد مرگ

۷۴۵ پیامبر خدا ﷺ - وقتی از ایشان سؤال شد آیا کسی باشد که محسوس می‌شود؟ - آری کسی که شبانه روز، بیست مرتبه مرگ را یاد کند.

۷۴۶ امام علی عليه السلام در هنگامی که نفس هاتان شمار به سوی حواشی می‌کشید، مرگ را فراوان یاد کند که مرگ، بهترین موعظه کسیده است پیامبر خدا، اصحاب خود را به یادآوری مرگ، بسیار فرمود می‌کرد و می‌فرمود مرگ را فراوان یاد کند، چرا که مرگ رسد حوشی هاست و پرده میان شمار حواشی هاست.

۶/۲. آماده شدن برای مرگ

۷۴۷ پیامبر خدا ﷺ - به طارِق بن عبد الله محارثی -

ای طارِق! پیش از فرا رسیدن مرگ، خود را برای آماده کن

۷۴۸ پیامبر خدا ﷺ کسی که چشم به راه مرگ است، در کارهای بیک می‌کوشد

۷/۲. بهترین عدد حواشی

قرآن

﴿[هَلْ] دوری که ستمگران را پورش حلیشان سود

می‌دهد و برای آنان لعنت است، و برایشان بدفرجامی

آن سرای لعنت﴾

الحديث

۷۴۹ رسول الله ﷺ شَرُّ الْمَعِيرَةِ حِينَ يَحْضُرُ الْمَوْتُ.^۱

۸/۲ تَفَنَّى الْمَوْتُ

۷۵۰ رسول الله ﷺ لَا يَتَمَنَّيَنَّ أَحَدُكُمْ الْمَوْتَ يَهْزُرَ سَرًّا

بِهِ^۲

۷۵۱ عَنْهُ ﷺ لَا تَمُوتُوا الْمَوْتَ، فَإِنَّ هَوْلَ الْمَطْلَعِ شَدِيدٌ،

وَأَنَّ مِنَ السَّعَادَةِ أَنْ يُطَوَّلَ عُمْرُ الْعَبْدِ، وَتَرْفُقَهُ الْفَقْدُ

الْإِمَانَةُ^۳

۷۵۲ عَنْهُ ﷺ لَا يَتَمَنَّيَنَّ أَحَدُكُمْ الْمَوْتَ، فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي

مَا قَدَّمَ لِنَفْسِهِ^۴

۹/۲ شَدِيدُ الْمَوْتُ

الْكِتَاب

﴿وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ

نَجِيذًا﴾^۵

الحديث

۷۵۳ رسول الله ﷺ إِحْصَرُوا مَوْتَائِكُمْ وَلَقُّوهُمْ «لَا إِلَهَ

إِلَّا اللَّهُ» وَبَشِّرُوهُمْ بِالْجَنَّةِ، فَإِنَّ الْعَلِيمَ مِنَ الرِّجَالِ

وَالنِّسَاءِ يَتَحَيَّرُ عِنْدَ ذَلِكَ الْمَصْرَعِ، وَإِنَّ الشَّيْطَانَ

أَمَرْتُ مَا يَكُونُ مِنْ أَبِي آدَمَ عِنْدَ ذَلِكَ الْمَصْرَعِ

وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ الْجُعَائِيَةُ مَلَكَ نَفْسٍ أَشَدُّ

۱. المذاهب ص ۲۳۸ ح ۶۶۱

۲. المذاهب ص ۱۲۲ ح ۲۹۶

۳. كثر المال ج ۱۵ ص ۴۵۴ ح ۴۷۱۴۹

۴. كثر المال ج ۱۵ ص ۴۵۵ ح ۵۲۱۵۱

۵. ۱۹ و ۵

حديث

۷۴۹ پیامبر خدا ﷺ: بدترین پورش، زمانی است که مرگ

فرارسد

۸/۲ آرزوی مرگ

۷۵۰ پیامبر خدا ﷺ: هیچ یک از شما به سبب گرندی که

به او می‌رسد، هرگز آرزوی مرگ نکند.

۷۵۱ پیامبر خدا ﷺ: هرگز آرزوی مرگ نکنید؛ زیرا

هول و هراس قیامت، سخت است و پس از

خوش بختی است که عمر بنده طولانی شود و

نخاورد، توبه روزی‌اش کند

۷۵۲ پیامبر خدا ﷺ: هیچ گاه کسی از شما آرزوی مرگ

نکند؛ چرا که نمی‌داند برای خود، چه پیش

قرینده است

۹/۲ محیی‌های مرگ

القرآن

﴿وَسَكْرَتُكَ مَرَكٌ بِهٖ رَأَيْتَ لِرَبِّكَ مِنْهُ هَلْ لَكَ

كَهْلٌ أَوْ أَنْ مَرَكْتَ بِهٖ﴾

حديث

۷۵۳ پیامبر خدا ﷺ: بر بالین مردگان خود، حاضر

شوید و به آنان «لا إله إلا الله» تلقین کنید و سبب

بهشتیان دهید؛ زیرا حتی مردان و زنان مردبار هم

در این صحنه، سرگشته می‌شوید و شیطان بیش از

هر زمان دیگری در هنگام مرگ، به آدمی نزدیک

می‌گردد. سوگند به آن که جانم در دست اوست،

مشاهده ملک الموت، سخت‌تر از هزار صریحه

شمعیر است. سوگند به آن که جانم در دست

اوست، جان هیچ سده‌ای از دیا می‌رود، مگر این

مِنْ أَلْفِ حَرَّةٍ بِالسَّيْفِ، وَالَّذِي تَفْسِي يَتَدَوَّى لَا تَحْرُحُ
نَفْسٌ عَبْدٍ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَتَأْتَهُ كُلُّ عَرَقٍ بِهِ عَلَى
جِوَالِهِ ^۱

که یکایک رگ‌های او درد می‌کشند

۱۰/۲ آنچه مرگ را آسان می‌کند

۷۵۲. پیامبر خدا ﷺ دراییِ حرد را پیش از حود
مرست تا پیوستن به آن، شادمانت کند.

۷۵۵. پیامبر خدا ﷺ از گسهاں بکاه تا مرگ سر تو
آسان گردد

۱۰/۲ مَا يُهَوِّنُ الْمَوْتَ

۷۵۱. رسول الله ﷺ قَدْ تَمَّ مَانِكَ أَمَانَتُكَ يَسْرَةً نَلْحَاؤُ بِهِ ^۲

۷۵۵. عَنْهُ ﷺ قُلْتُ مِنَ الذُّنُوبِ يَسْهُلُ عَلَيْكَ الْمَوْتُ ^۳

۱۱/۲ آنچه انسان هنگام مرگ می‌بیند

۱۱/۲ مَا يَرَى الْإِنْسَانُ عِنْدَ الْمَوْتِ

۷۵۶. پیامبر خدا ﷺ بگریه که با چه کسی هم‌سخن
می‌شوید؛ زیرا هیچ کس نیست که مرگش در رسد،
مگر این که پارانیش که به سوی خدا ره‌سپارند، در
برابرش محجّم می‌شوید. اگر خوب باشند، به
عمودگنی بیک و خوشایند محجّم می‌شوید و اگر بد
باشند، به گویه‌ای بد و ناخوشایند و هیچ کس نیست
که در برابر این که من به هنگام مرگش در برابر او
نمایان می‌شوم

۷۵۶. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْظَرُوا مَنْ تُعَادَتُونَ؟ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ
أَحَدٍ يَتَرَلَّى بِهِ الْمَوْتُ إِلَّا مَثَلُ لَهُ أَصْحَابُهُ إِلَى اللَّهِ إِنْ كَانُوا
جِهَاراً فَجِهَاراً وَإِنْ كَانُوا سِرّاً فَسِرّاً، وَلَيْسَ أَحَدٌ
يَمُوتُ إِلَّا تَمَثَّلَ لَهُ عَبْدٌ مُتَوَكِّلٌ ^۴

۱۲/۲ تشییع جنازه

۱۲/۲ تَشْيِيعُ الْجَنَازَةِ

۷۵۷. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنْ أَوَّلَ مَا يُجَارَى بِهِ الْمُؤْمِنُ عِنْدَ مَوْتِهِ
أَنْ يُعَفَّرَ لِجَمِيعِ مَنْ تَبِعَ جَنَازَتَهُ ^۵

۷۵۷. پیامبر خدا ﷺ نخستین پاداشی که پس از مرگ
مؤمن به او داده می‌شود، این است که همه
تشییع‌کنندگان جنازه‌اش آمرزیده می‌شوند.

۷۵۸. عَنْهُ ﷺ يَرْسُسِينَ بَرَّ وَالِدَيْكَ، سَرْسَةً صَلَّيْكَ رَحِمَكَ
يَرْسُسُ مِثْلًا عَدَّتْ رِجَالاً، سَرْ مِثْلِي شَيْخٌ جَدَارٌ ^۶

۱۳/۲ آداب تشییع

۷۵۸. پیامبر خدا ﷺ، برای نیکی به پدر و مادر،
مسافت دوساله بیمه. برای به جا آوردن صله زخم،
مسافت یک‌ساله بیمه. برای عیادت بیمار، یک میل
راه پیمای و برای شرکت در تشییع جنازه‌ای، دو میل
راه پیمای

۷۵۹. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - لَمَّا مَرَّ بِجَنَازَةٍ تُحْفَضُ كَمَا يُحْفَضُ
الرُّقُّ - عَلَيْكُمْ بِالسَّكِينَةِ، عَلَيْكُمْ بِالْقَصْدِ فِي النِّشْيِ

۱۳/۲ آداب تشییع جنازه

۷۵۹. پیامبر خدا ﷺ - آن‌گاه که دید جنازه‌ای اندر

۱. کنز العمال ج ۱۵ ص ۵۵۶ ح ۱۲۱۵۸

۲. اعلام اللدین ص ۳۲۴ ح ۳۷

۳. اعلام اللدین ص ۳۲۴ ح ۳۷

۴. الکافی ج ۲ ص ۶۲۸ ح ۳

۵. کنز العمال ج ۱۵ ص ۵۸۸ ح ۱۲۳۱۰

۶. التلویذ للراوندی ص ۹۲ ح ۲۹

بِحُضَانِزُكُم^۱

۷۶۰ عَنْهُ عَلَيْهِ - لِأَيِّ ذُرٍّ . يَا أَبَا ذَرٍّ، إِذَا تَبِعْتَ جَسَدَهُ
فَلْيَكُنْ عَقْلُكَ فِيهَا مَشْمُولًا بِالتَّعَكُّرِ وَحُشُوعٍ، وَاعْلَمْ
تِلْكَ لِأَحَقِّ بِهِ^۲

۱۴/۲ دَقْنُ الْمَيِّتِ

۷۶۱ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذْ هُوَا مُوَاكُمُ وَسَطَ قَوْمٍ صَارِحِينَ
بِلَا مَيِّتٍ يَتَأَذَى بِجَارِ السُّورِ كَمَا يَتَأَذَى الْحَيُّ بِجَارِ
السُّورِ^۳

۷۶۲ عَنْهُ عَلَيْهِ إِنْ أَرْحَمَ مَا يَكُونُ اللَّهُ بِالصَّبْرِ إِنْ وَصَّيَ فِي
حُفْرَتِهِ^۴

الفصل الثالث القبر

۱/۳ أَوَّلُ مَنَازِلِ الْآخِرَةِ

۷۶۳ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْقَبْرُ أَوَّلُ مَنَازِلِ الْآخِرَةِ، فَإِنْ نَسَحَ
بِهِ فَمَا بَعْدَهُ أَيْسَرُ مِنْهُ، وَإِنْ لَمْ يَنْسَحْ بِهِ فَمَا بَعْدُهُ أَشَدُّ
بِهِ^۵

۷۶۴ عَنْهُ عَلَيْهِ أَوَّلُ عَدَلِ الْآخِرَةِ الْقَبُورُ لَا يُعْرَفُ [عِنْدَهَا]^۶
شَرِيفٌ مِنْ وَصَّيَ^۷

تشبیح]، بالا و پایین می‌شود، گویی حیاتی و
می‌جسبات - آرام باشید! با جندره‌ها پتان به آرامی
حرکت کنید

۷۶۰ پیامبر خدا ﷺ، ای ابو ذر! هرگاه در پی جازده‌ای
به راه افتادی، باید عقلت با تعکر و حشوع، و علم
به آن مشمول شود و بدان که تو سیر به او
می‌بینی.

۱۴/۲ به خاکسپاری

۷۶۱ پیامبر خدا ﷺ مردگان خود را در میان مردمان
یک، به خاک سپارید؛ زیرا مرده سیر همچون
زنده از همسایه بد رنج می‌برد.

۷۶۲ پیامبر خدا ﷺ شترین مهربانی خدایه شده،
و وفی است که در گورش نهاده می‌شود

فصل سوم قبر

۱/۳، أَوَّلِينَ مَنَازِلَ الْآخِرَةِ

۷۶۳ پیامبر خدا ﷺ، نخستین منزل آخرت است
اگر کسی از آن به سلامت رست، منازل بعد آن
آسان‌تر است و اگر به سلامت نرست، دشواری
منازل بعدی شدیدتر از آن است.

۷۶۴ پیامبر خدا ﷺ - سرعاز عدالت آخرت،
قبرهاست که در آن شرافتمند از غیر شرافتمند
شناخته نمی‌شود.

۱. الأمانی للطوس ص ۳۸۳ ح ۸۲۷

۲. مکرم الأخلاق ج ۲ ص ۲۷۱ ح ۲۶۶۱

۳. كنز العمال ج ۱۵ ص ۵۹۹ ح ۴۳۷۱

۴. كنز العمال ج ۱۵ ص ۶۰۱ ح ۴۳۸۶

۵. مستدرک حبل ج ۱ ص ۱۴۰ ح ۴۵۴

۶. من بين المعروف في اثباته من المصادر الاخرى

۷. التجميع ص ۲۰۵

۲/۳ سؤال القبر

۲ ۳ سؤال قبر

۷۶۵ رسول الله ﷺ - في قوله تعالى ﴿سُئِلْتُ عَنْ الْقَبْرِ﴾^۱ أمسوا بالقول الثابت في الحياة الدنيا وفي الآخرة^۲ - في القبر إذا سُئِلَ الموتى^۳

۷۶۵ - پیامبر خدا ﷺ - درباره آیه ﴿سُئِلْتُ عَنْ الْقَبْرِ﴾^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اند در زندگی دنیا و آخرت، با گفتار ثابت و درست، استوار می‌دارید^۲ - مراد، در قبر و به هنگام سؤال از مردگان است.

۷۶۶ عَنْهُ ﷺ: إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا وَصَّحَ فِي قَبْرِهِ وَتَوَسَّى عَنْهُ صَحَابُهُ وَإِنَّهُ لَيَسْمَعُ قَرْعَ عِصَاهِهِمْ إِذَا انْصَرَفُوا، أَنَا مُلْكَايَ فَيَقْبِلُونِي فَيَقُولَانِ لَهُ مَا كُنْتَ تَقُولُ فِي هَذَا الشَّيْءِ مُحَمَّدٍ؟ فَأَمَّا الْمُؤْمِنُ فَيَقُولُ أَشْهَدُ أَنَّهُ عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ فَيَقَالُ لَهُ انْظُرْ إِلَى مَقْعِدِكَ مِنَ النَّارِ أَتَبْذُلُهَا بِهِ مَقْعِدًا مِنَ الْجَنَّةِ قَالَ الشَّيْخُ ﷺ قَبْرَاهُمَا جَمِيعًا وَأَمَّا الْكَافِرُ أَوِ الْمُنَافِقُ فَيَقُولُ لَا أَدْرِي، كَيْفَ أَقُولُ مَا يَقُولُ النَّاسُ فِيهِ!^۴

۷۶۶ پیغمبر خدا ﷺ چون ادعی را در قبرش گذاشتند و همراهان او باز گشتند، در حالی که هنوز صدای کفش‌های آنها را می‌شود، دو فرشته مردش می‌آیند [و او را می‌پرسند] و می‌پرسند: [در باره] این پیامبر، محمد، چه عقیده‌ای داشتی؟^۱ اگر مؤمن باشد می‌گوید: گواهی می‌دهم که او بنده خدا و فرستاده اوست.

پس، به او گفته شود: به جایگاهت در آتش بنگر! بنگر! بنگر! به جای آن، جایگاهی در بهشت به تو داد!

۳/۳ عذاب القبر

۷۶۷ تفسیر القمی عن رسول الله ﷺ كَفَى بِالْمَوْتِ طَائِفَةً يَا جِبْرِيلُ! فَقَالَ جِبْرِيلُ: إِنَّ مَا بَعْدَ الْمَوْتِ أَظْمُ وَأَظْمُ مِنَ الْمَوْتِ^۱

نو هر دو جایگاه را می‌بیند! اما اگر کافر یا منافق باشد، می‌گوید: نمی‌دانم. همان عقیده‌ای را درباره او داشتیم که مردم داشتند!

۳/۳ عذاب قبر

۷۶۷ تفسیر القمی پیامبر خدا فرمود مصیبت بزرگی است مرگ، ای جبرئیل!

جبرئیل علیه السلام گفت: آنچه پس از مرگ است، مصیبتی به مراتب بزرگ‌تر از مرگ است.

۴/۳ ما ینفع فی القبر

۷۶۸ تَمِيبُهُ لِلْخَوَاطِرِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - لَمَّا مَرَّ بِقَبْرِ دُفَسٍ فِيهِ بِالْأَمْسِ إِنْسَانٌ وَأَهْلُهُ يَبْكُونَ - لَزِ كَعْتَابِ حَصِصِي مِمَّا تَحْتَقِرُونَ أَحَبُّ إِلَيَّ صَاحِبِ هَذَا الْقَبْرِ مِنْ دُنْيَاكُمْ كُلِّهَا^۲

۴/۳ آنچه در قبر، سودمند است

۷۶۸ تمیبه الخواطر پیامبر خدا بر قبری گذشت که روز قبل، شخصی در آن دفن شده بود و خانواده‌اش می‌گریستند، فرمود: «دو رکعت نماز عادی که شما کوچک می‌شمارید، برای صاحب این قبر، دوست داشتنی‌تر از همه دنیا و دنیای شماست»

۱ ابراهیم ۲۷

۲ الامالی للطوسي ص ۳۶۷ ح ۸۱۷

۳ الترغیب والترهیب ج ۴ ص ۳۶۲ ح ۱۲

۴ تفسیر القمی ج ۲ ص ۶ ۵ تمیبه الخواطر ج ۲ ص ۲۲۵

۷۶۹ رسول الله ﷺ سَبْعَةٌ أَسْبَابٌ يُكْتَبُ لِقَائِهِمْ قَوْلُهَا بَعْدَ وَفَاتِهِ رَحُلٌ غَرَسَ ثَعْلًا، أَوْ حَقَرَ بَشْرًا، أَوْ أَجْرَى نَهْرًا، أَوْ بَنَى مَسْجِدًا، أَوْ كَتَبَ مُصْحَفًا، أَوْ وَزَّعَ عِلْمًا، أَوْ خَلَّفَ وَلَدًا صَالِحًا يَسْتَعِيرُ لَهُ بَعْدَ وَفَاتِهِ^۱

۵/۳ زیارة القبور

۵/۳-۱ زیارة قبر النبی ﷺ

۷۷۰ رسول الله ﷺ مَنْ حَجَّ قَرَارَ قَبْرِی بَعْدَ مَوْتِی، كَانَ

كَأَنَّهُ رَافِئٌ فِی حَیَاتِی^۲

۷۷۱ عَنْهُ ﷺ مَنْ حَجَّ وَلَمْ یُرْمِ قَدَّ جَنَافِی^۳

۷۷۲ عَنْهُ ﷺ مَنْ رَافَ قَبْرِی بَعْدَ مَوْتِی، كَانَ كَأَنَّهُ جَزَّ

إِلَى فِی حَیَاتِی، فَإِنْ لَمْ تَسْطِیعُوا مَا نَشَاءُ إِلَّیَّ بِالسَّلَامِ

فَإِنَّهُ یَبْلُغُنِی^۴

۷۷۳ عَنْهُ ﷺ مَنْ أَتَانِی رَافِئًا كُنْتُ شَهِیدَةً یَوْمَ الْقِیَامَةِ^۵

۷۷۴ عَنْهُ ﷺ مَنْ رَافَ فِی حَیَاتِی وَبَعْدَ مَوْتِی، كَانَ

فِی جَوَارِی یَوْمَ الْقِیَامَةِ^۶

۵/۳-۲ زیارة قبور الأئمة من أهل البيت ﷺ

۷۷۵ رسول الله ﷺ مَنْ رَافَ فِی حَیَاتِی، أَوْ دَارَ أَحَدًا مِنْ ذُرِّیَّتِی،

رُفِّقَتْ یَوْمَ الْقِیَامَةِ، فَأَتَقَدَّتْ فِی أَهْوَالِهَا^۷

۱ نزه الخواطر ج ۲ ص ۱۱

۲ المعجم الأوسط ج ۲ ص ۳۵۱ ح ۳۳۶

۳ لم یس من حمل الأسفار ج ۱ ص ۲۰۷ دلیل ح ۸۱۸

۴ تهذیب الأحکام ج ۶ ص ۳ ح ۱

۵ الکافی ج ۱ ص ۵۱۸ ح ۲

۶ تهذیب الأحکام ج ۶ ص ۳ ح ۲

۷ کمال الزیارات ص ۴۱ ح ۴

۷۶۹ پیامبر خدا ﷺ. همت چیر است که بعد از مرگ آدمی، ثواب آن برایش نوشته می‌شود؛ مردی که درخت حرمایی بکارد، یا چاه آبی حفر کند، یا بهری جاری سازد، یا مسجدی بسازد، یا کتابی بنویسد، یا دانشی از خود به ارث گذارد، یا فرزند شایسته‌ای بر جای نهد که بعد از مرگش برای او از خدا آمرزش بخواند.

۵/۳ زیارت قبور

۵/۳-۱ زیارت قبر پیامبر ﷺ

۷۷۰. پیامبر خدا ﷺ هر کس پس از مرگ من، حج به جا

آورد و مرا زیارت کند، همچون کسی است که در

بحالِ حیات من، مرا زیارت کرده است

۷۷۱ پیامبر خدا ﷺ. هر کس حج گزارد و مرا زیارت

نکند، گویانِ جفا کرده است

۷۷۲ پیامبر خدا ﷺ: هر کس پس از مرگم، قبر مرا

زیارت کند، همچون کسی است که در حیات من،

به سوی من هجرت کرده است. پس اگر

توانستید، به من سلام برسانید، که به من می‌رسد

۷۷۳ پیامبر خدا ﷺ: هر کس به زیارت من آید، در

روز قیامت، شمع او حواهم بود.

۷۷۴ پیامبر خدا ﷺ: هر کس در حال حیات و پس از

وفات مرا زیارت کند، روز قیامت، در همسایگی

(و پناه) من خواهد بود.

۵/۳-۲ زیارت قبور امامان اهل بیت ﷺ

۷۷۵ پیامبر خدا ﷺ هر کس مرا یا یکی از فرزندان

مرا زیارت کند، روز قیامت، او را زیارت می‌کنم و

از هراس‌های آن روز، نجاتش می‌دهم

۷۷۶ عنه ﷺ ... مَنْ رَازَهُ [حَسَنٌ] فِي بَقِيْعِهِ فَسِتَتْ

قَدَمُهُ عَلَى الصُّرَاطِ، يَوْمَ تُرْفَلُ فِيهِ الْأَقْدَامُ

۷۷۷ عنه ﷺ - فِي فَصْلِ رِيَاةِ الْحُسَيْنِ ﷺ - بِأَنَّ

الْإِجَابَةَ تَحْتَ قُبَّتِهِ، وَالشَّعَاءَ فِي تُرْبَتِهِ، وَالْأَنْفَةَ بِسِ

وَلَدِهِ ۱

۷۷۸ عنه ﷺ سَتَدَفَنُ بَصَّةً مِنِّي بِأَرْضِ حُرَّاسَانَ، لَا

يُرَوُّهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا أُوجِبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ وَحَرَّمَ

جَنَدُهُ عَلَى النَّارِ ۲

۵/۳- زیارة قنور المؤمنین

۷۷۹ جامع الأخبار عن الأصمغ من مسنده كُنْتُ مَعَ عَلِيِّ بْنِ

أَبِي طَالِبٍ ﷺ عَمْرًا بِالْمَقَابِرِ فَقَالَ عَلِيُّ ﷺ السَّلَامُ عَلَى

أَهْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مِنْ أَهْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، يَا أَهْلَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

إِلَّا اللَّهُ كَيْفَ وَحَدَّثْتُمْ كَلِمَةً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؟ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

يَحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ اعْبُرْ لِمَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاحْشُرْنَا

مِنْ زُمْرَةِ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ۳

الفصل الرابع: البعث

۱/۴ اقتراب الساعة

الكتاب

«اقتربت الساعة واشتق الفجر» ۴

۱ الأمل للصلوق ص ۱۷۷ ح ۲۷۸

۲ كتابه الآخر ص ۱۷

۳ كتاب من لا يحضره الفقيه ج ۲ ص ۵۸۵ ح ۳۱۹۱

۴ جامع الأخبار ص ۱۳۳ ح ۲۷۰

۵ القمر ۱

۷۷۶ پیامبر خدا ﷺ - کسی که [حسن ﷺ] را در

بقیعتش زیارت کند، در روزی که قدم‌ها می‌لرزد،

گام او بر صراط استوار می‌ماند

۷۷۷ پیامبر خدا ﷺ - در فضیلت زیارت امام

حسین ﷺ - احابت [دعای] در زیر گنبد او، و شعاع در

تربت فوسث و امامان از سل اویند

۷۷۸. پیامبر خدا ﷺ - رود باشد که پاره‌ای از تن من،

در خاک حراسان، دفن شود، هیچ مؤمنی آن را

زیارت نمی‌کند، مگر آن که خداوند ﷻ بهشت را

بر او واجب و بدش را بر آتش دوزخ، حرام

فای‌گر داند

۵/۳- زیارت قنور مؤمنان

۷۷۹ جامع الأخبار - به نقل از اصمغ من مسنده - همراه

با علی بن ابی طالب ﷺ بودم که از کنار گورها

گذشت و چنین گفت: «سلام بر اهل لا اله الا الله

گویان، از اهل لا اله الا الله گویان، ای اهل لا اله الا

الله گویان، کلمه لا اله الا الله را چگونه دیدید؟ ای

اهل لا اله الا الله گویان، به حق لا اله الا الله، گوینده

لا اله الا الله را بیامرز و ما را در گروه لا اله الا الله

گویان محشور کن»

فصل چهارم: رستاخیز

۱/۴. مردیکی زمان قیامت

قرآن

«مردیک شد قیامت، و در هم شکافت ماه»

الحديث

۷۸۰ الحفريات عن رسول الله ﷺ يُحِثُّ أَنَا وَالسَّاعَةُ كَهَاتِهِ - وَأَشَارَ بِإِصْبَعِهِ: السَّيَّاتِ وَالْوُسْطَى ثُمَّ قَالَ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنِّي لَأَجِدُ السَّاعَةَ تَيْنَ كَيْفَي^۱

۲/۱. أَشْرَاطُ لِلسَّاعَةِ

الكتاب

﴿وَلَمَّا تَخَلَّى بِإِغْمَارِهِ إِتْمَامًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا﴾^۲

الحديث

۷۸۱ رسول الله ﷺ لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يُجْرَأَ فِيهِ

ثَلَاثًا: دَرَهْمًا مِثْلَ خَلَالٍ، وَبَعْدًا مُسْتَعَادًا وَأَحَا^۳

۷۸۲ عنه ﷺ مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ كَثْرَةُ الْقُرَى، وَفُلَّةُ الْفُقَهَاءِ، وَكَثْرَةُ الْأُمَرَاءِ وَقِلَّةُ الْأَنْبَاءِ، وَكَثْرَةُ الصُّطُرِ وَقِلَّةُ النَّبَاتِ^۴.

۷۸۳. عَنْهُ ﷺ أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ تَمِينَ يَذِي السَّاعَةِ أُمُورًا شِدَادًا، وَأَهْوَالًا عِظَامًا، وَزَمَانًا ضَعِيفًا يَشْتَمِلُ فِيهِ الظُّلْمَةُ، وَيَتَصَدَّرُ فِيهِ لَفْسَقَةٌ، وَيُصَافُّ فِيهِ الْأَمْرُ بِالسُّعْرَةِ، وَيُصْطَلْهُ فِيهِ النَّاهُونَ عَنِ الْمَكْرِ، فَأَعِدُوا لِدَلَالَةِ الْإِيمَانِ، وَغَضُّوا عَلَيْهِ بِالتَّوَّاجِدِ، وَالْجَوَّاءِ إِلَى التَّعَمُّلِ الصَّالِحِ وَأَكْرَهُوا عَلَيْهِ النُّفُوسَ تُفْصَلُ إِلَى الشَّعْرِ الدَّائِمِ^۵

حديث

۷۸۰ الحفريات: پیامبر خدا فرمود: «[فاصله زمانی میان] برانگیخته شدن من و قیامت، مانند این دو است» و انگشت مشانه و میانه خود را نشان داد سپس فرمود: «سوگند به آن‌که جانم در دست اوست، من، زمان قیامت را در میان دو شانه خود می‌یابم».

۲/۲. نشانی‌های فرا رسیدن قیامت

قرآن

﴿پس در انتظار بروی باش که آسمان، مودی سحابان برمی‌آورد که مردم را فرو می‌گیرد، این است هدایت پروردگار﴾.

حديث

۷۸۱ ﴿يَا أَيُّهَا غَدَاةُ قِيَامَتٍ﴾ برپا نمی‌شود، مگر آن‌گاه که خداوند، سه چیز را کباب گرداند. درهمی از خلال^۱، سوغند^۲ و برادری در راه خداوند^۳ را.

۷۸۲. پیامبر خدا ﷺ از نشانه‌های فرا رسیدن زمان قیامت، این است که قرآن‌خوانان، بسیاری و دین‌شاسان، اندک، فرمانروایان، فراوانند و مردمان آسائندار، اندک، پاران، بسیار می‌بارد؛ آب گی‌هان، اندک می‌روند.

۷۸۳. پیامبر خدا ﷺ، ای مردم! همانا پیشاپیش قیامت، اموری دشوار و هول و هراس‌هایی بزرگ و زمانه‌ای سخت‌است در آن زمان، ستمگران زمامدار می‌شوند و بابه‌کاران، سبب‌دار؛ امرکنندگان به معروف، مورد ستم واقع می‌شوند و سبب‌کنندگان از مکر، تحت فشار قرار می‌گیرند. پس ایمان را برای آن روز، آماده سازید و بر آن، سخت‌شکیبایی ورزید و آن راه کار بیک، پناهنده سازید و جان‌ها را بر [پذیرش] آن مجبور گردانید؛ تا به نعمت جاویدان دست یابید.

۱. الحفريات: ص ۲۱۲، ۲ الدخان ۱۱ و ۱۲

۲. کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۶۹ ح ۲۸۶۰

۳. تحف المعول، ص ۵۹، ۵ اعلام الدین ص ۳۴۳ ح ۳۳

۳/۴ تفسیر الجبال

۷۸۴ رسول الله ﷺ - لَمَّا شِئِلَ عَرِ الْجِبَالِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
كَيْفَ تَكُونُ مَعَ عِظْمِهَا؟ - إِنَّ اللَّهَ يَسُوقُهَا بِأَن
يَجْعَلُهَا كَالرَّمَالِ، ثُمَّ يُسْرِبِلُ عَلَيْهَا الرِّيحَ
فَتَفْرُطُهَا^۱

۴/۴ مَدَّ الْأَرْضَ

﴿وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ﴾^۲

﴿يَوْمَ تُدْلِ الْأَرْضُ غُثْرَ الْأَرْضِ وَاسْتَمُوتَ وَرَرُوا
بِلَهُ الْوَحْدِ الْقَهْرِ﴾^۳

۵/۴ مَفْحَةٌ لِلْقِيَامِ

الكتاب

﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي
الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ
لِجَهَنَّمَ يَخْضَوْنَ﴾^۴

الحديث

۷۸۵ رسول الله ﷺ - يَا أَيُّهَا عَمِدُ الْمُطِيبِ يُرَىٰ بَرَأْنِي
لَا يَكْذِبُ أَهْلَهُ، وَالَّذِي يَنْشِي بِالْحَقِّ بِهَا لَتَمُوتُ كَمَا
تَمُوتُونَ وَلَتُحْشَرُ كَمَا تَسْقِطُونَ، وَمَا بَعْدَ الْعَوَابِ دُرٌّ
إِلَّا حَمَّةٌ أَوْ نَارٌ، وَخَلْقُ خَمِيعِ الْعَالَمِ وَبَعَثُهُمْ عَلَىٰ أَقْدَارِهِ
كَخَلْقِ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَبَعَثَهَا، قَالَ تَعَالَى ﴿مَا خَلَقْتُكُمْ
وَلَا مَعْنُكُمْ إِلَّا كَنَفْسٍ وَاحِدَةٍ﴾^۵

۱ مجمع الزوائد ج ۷ ص ۱۸

۲ الأشواق ۳ ۳ ابراهيم ۱۸

۴ الزمر ۶۸ ۵ قصص ۷۸

۶ الاعتقادات ص ۶۱

۴/۴ به حرکت در آمدن کوه‌ها

۷۸۴ پیامبر خدا ﷺ - هنگامی که سؤال شد از روز
قیامت، کوه‌های به این بررگی چگونه خواهند
بود؟ - :خداوند آنها را به حرکت در می‌آورد و به
ریگ و شن تبدیل می‌کند و آن گاه، پادها را می‌فرستد
تا آنها را پراکنده کنند

۴/۴ گسترش یافتن زمین

﴿وَأَنَّ الْكَاهِ كَهَ رَمِي، كَشِيدَ شُود﴾

﴿روزی که زمین به غیر این زمین، و آسمان‌ها [به غیر این
آسمان‌ها] مبدل گردد، و [مردم] در برابر خدای یگانه
فشار، ظاهر شوند﴾

۴/۴ بانگ رستاخیز

قرآن

﴿وَحِشْيُور، دمیده می‌شود، پس هر که در آسمان‌ها و هر
که در زمین است، بپوشش درمی‌آیند، مگر کسی که خدا
بخواهد، سپس بار دیگر در آن دمیده می‌شود و به ناگاه،
آین بر پای ایستاده می‌گردند﴾

حدیث

۷۸۵ پیامبر خدا ﷺ ای فرزندان عبدالمطلب! راءنما
به افراد خود، دروغ نمی‌گویید، سوگند به آن که مرا
به حق برانگیخت، همچنان که می‌خواست
می‌میرید و همچنان که بیدار می‌شوید، برانگیخته
می‌شوید. بعد از مرگ، سرایی جز بهشت یا دوزخ
نیست. آفرینش همه خلایق و برانگیختن آنها
برای خداوند ﷻ همچون آفرینش و برانگیختن
یک مهر است. خداوند متعال فرموده است:
﴿آفرینش و برانگیختن شما نیست، مگر همانند [آفرینش و
برانگیختن] یک نفر﴾

۶/۱ هیفَةُ الْمُحْشَرِ

۷۸۶ رسول الله ﷺ يموتُ الرَّجُلُ عَلَى مَا عَاشَ عَلَيْهِ.

وَيُحْشَرُ عَلَى مَا مَاتَ عَلَيْهِ^۱

۷۸۷ عَنْهُ ﷺ يَبْعَثُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَاسًا فِي صُورِ الذَّرِّ

يَطْلُوهُمْ النَّاسُ بِأَقْدَامِهِمْ، فيَقَالُ مَا هَؤُلَاءِ فِي صُورِ

الذَّرِّ؟ فيَقَالُ هَؤُلَاءِ الْمُتَكَبِّرُونَ فِي الدُّنْيَا^۲

۷۸۸ التَّوْغَيْبُ وَالتَّوْهِيْبُ: فِي رَوَايَةٍ قَامَ فِيمَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

بِمَوْعِظَةٍ فَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّكُمْ مُحْشَرُونَ إِلَى اللَّهِ

خُمَاءً غُرَاءَ عَزَلًا ﴿كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ﴾^۳

۷/۱ الْمُتَّقُونَ فِي الْقِيَامَةِ

الكتاب

﴿يَوْمَ نُحْشَرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرُّحَمَى وَفَدَا﴾^۴

الحديث

۷۸۹ رسول الله ﷺ - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى ﴿يَوْمَ نُحْشَرُ

الْمُتَّقِينَ إِلَى الرُّحَمَى وَفَدَا﴾ - إِنَّ الزَّمَانَ لَا يَكُونُونَ

إِلَّا رُكْبَانًا، أَوْلَسْنَاكَ رِجَالًا أَقْرَبَ اللَّهُ بِأَحَبِّهِمْ اللَّهُ

وَاحْتَصَهُمْ وَرَحِمِي أَعْمَالَهُمْ، لَسَمَاهُمْ السُّعْمِينَ^۵

۷۹۰ عَنْهُ ﷺ مَنْ عَزَّزْتَ لَهُ فَاجِئَةً أَوْ شَهْوَةً فَجَاجَتْهَا

مِنْ مَخَافَةِ اللَّهِ فَهِيَ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ وَأَمَنَهُ مِنَ الْقَسْرِعِ

الْأَكْبَرِ، وَأَنْجَزَ لَهُ مَا وَعَدَهُ فِي كِتَابِهِ فِي قَوْلِهِ تَبَارَكَ

تَعَالَى: ﴿وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ﴾^{۶ ۷}

۱ تبيين الخواطر ج ۲ ص ۱۳۳

۲ شریب و الترهیب ج ۱ ص ۳۸۷ ح ۲۲

۳ الترهیب و الترهیب ج ۴ ص ۳۸۶ ح ۱۲

۴ مریم ۸۵ ۵ الکافر ج ۸ ص ۹۵ ح ۲۹

۶ الرحمن ۴۶

۷ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۱ ح ۱۹۶۸

۶/۲ ویژگی‌های محشر

۷۸۶ پیامبر خدا ﷺ: آدمی آن گونه که زندگی کرده

است، می‌مرد و بر همان حالی که مرده است،

برانگیخته می‌شود

۷۸۷ پیامبر خدا ﷺ: در روز قیامت، خداوند، مردمی

را به صورت مورچه بر می‌انگیزد که مردم، آنها را

لگدمال می‌کنند. پس گفته می‌شود: اینها کیستند که به

شکل مورچه‌اند؟

گفته می‌شود: اینان، متکبران در دنیا بودند

۷۸۸ الترهیب و الترهیب: در روایتی آمده است که پیامبر

خدا در میان ما برخاست و شروع به موعظه کرد و

فرمود: ای مردم! همانا شما پیرهنه و عریان و حنه

شده، در پیشگاه خداوند محشور می‌شوید. ﴿همان

گونه که در آغاز آفریدیم، او را برگردانیم﴾

۷/۲ پرهیزگاران در قیامت

قرآن

﴿روزی که پرهیزگاران را به سوی [خدای] رحمن گروه

گروه محشور می‌کنیم﴾

حدیث

۷۸۹. پیامبر خدا ﷺ - در باره آیه ﴿روزی که پرهیزگاران را

به سوی [خداوند] رحمان گروه گروه محشور کنیم﴾ - گروه

(وقد)، ۱- جر سواره نیستند، آنان، مردانی هستند که

پروای خدا در پیش گرفتند پس خداوند دوستدار

آنها شد و برگرد و از کارهایشان حشود گردید. و

پس رو، آنان را پرهیزگاران نامید

۷۹۰. پیامبر خدا ﷺ هر کس با عیسا و شهوتی روبه رو

شود و از ترس خداوند ﷻ از آن دوری کند، خداوند،

آتش را بر او حرام می‌گرداند و از آن وحشت بزرگ،

ایمنش دارد و آنچه را که در کتاب خود در آیه ﴿و

برای آن که از مقام و عظمت پروردگارش بشنود، دو بهشت

است﴾ به او وعده داده است، عملی سازد

۱ در آیه واژه دوفه آمده است. کلمه دوفه به معنای دومی

است که به منظور رپورت و دیدار و یا گرفتن حاجتی بر کسی

وارد شود. این قوم وقتی به نام دوفه نامیده می‌شوند که

سواره بیایند

۸/۴ دُورُ الْمُؤْمِنِينَ فِي الْقِيَامَةِ

الكتاب

﴿يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَىٰ نُورُهُمْ مَبِيعًا
أَتَيْنَهُمْ وَمَأْتِيهِمْ بَشْرُكُهُمُ الْيَوْمَ جَسَدًا نَّخَرَىٰ مِنْ
تَحْتِهِ الْأَشْهُارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ
الْعَظِيمُ﴾^۱

الحديث

۷۹۱ رسول الله ﷺ ثَمَّ يَقُولُ - يَسْعَى الرَّثُ تَبَارَكَ
وَبَعَالِي - (ارْقِعُوا رُؤُوسَكُمْ، مَتَرَقِعُونَ رُؤُوسَهُمْ
فَيُعْطِيهِمْ نُورَهُمْ عَلَى قَدَرِ أَعْمَالِهِمْ، فَيَبْهَمُ مَنْ يُعْطَى
نُورَةً مِثْلَ الْجَبَلِ الْعَظِيمِ يَسْعَى تَحْتِهَا، وَمِنْهُمْ مَنْ
يُعْطَى نُورَةً أَصْفَرُ مِنْ ذَلِكَ، وَمِنْهُمْ مَنْ يُعْطَى (مِثْلُ)
النَّحْلَةِ بِتَدْيِهِ، وَمِنْهُمْ مَنْ يُعْطَى أَصْفَرُ مِنْ ذَلِكَ حَتَّى
يَكُونَ أَجْرُهُمْ رَجُلًا يُعْطَى نُورَةً عَلَى إِبْهَامِ قَدَمَيْهِ
يُصْبِي مَرَّةً وَيَطْلَعُ مَرَّةً^۲

۹/۴ الْمُجْرِمُونَ فِي الْقِيَامَةِ

الكتاب

﴿يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُنْفِثُ الْمُجْرِمُونَ^۳

الحديث

۷۹۲ رسول الله ﷺ الْهَمَارُونَ، وَاللَّمَّارُونَ، وَالْمَسَاوُونَ
بِالسَّيِّئَةِ الْبَاغُونَ لِبَطْرَاءِ الصَّنَةِ، يَحْمِشُهُمُ اللَّهُ فِي
وُجُوهِ الْكِلَابِ^۴

۱ الحديث ۱۲ و ۱۳

۲ الترمذي و الترمذي ج ۱ ص ۵۰۳ ح ۱۷

۳ الروم ۱۲

۴ الترمذي و الترمذي ج ۲ ص ۵ ح ۱۰

۸/۴ نور مؤمنان در قیامت

قرآن

﴿ان نور که مردان و زنان مؤمن را می‌پوشان،
پیشاپیشان و به جانب راستشان دول است. [به آنان
می‌گویند] امروز، شما را مؤده باد به پاچهایی که از زیر
[درختان] آن بهره‌ها روی است! در آنها جاودانید این

است همان کلمه‌ای بزرگ﴾

حدیث

۷۹۱. پیامبر خدا ﷺ آن گاه [در روز قیامت] او (یعنی
خداوند متعال) می‌فرماید: سرهایشان را بالا گیرید
پس آنان، سرهایشان را بالا می‌گیرند و خداوند
به اندازه اعمالشان به آنها نور می‌دهد؛ به یکی نوری
می‌دهد به اندازه یک کوه بزرگ که پیشاپیش او
می‌خیزد و یکی نوری کوچک‌تر از آن داده می‌شود،
به یکی نوری داده می‌شود که چون درخت حرابی
به دست می‌گیرد و به دیگری نوری کوچک‌تر از آن
داده می‌شود، تا آن که به آخرین نفر آنها، نوری به
اندازه شصت پاهایش داده می‌شود که گاه
می‌درخشد و گاه خاموش می‌شود.

۹/۴ گمکاران در قیامت

قرآن

﴿و رندی که قیامت برپا شود، مجرمان، نوید می‌گردند﴾

حدیث

۷۹۲ پیامبر خدا ﷺ: بدگویان و عیبجویان و سخن‌چنان
و کسانی که افراد بی‌گناه را بدنام می‌کنند، خداوند،
آنها را به صورت سگ، محشور می‌کند.

۷۹۳ عَنْهُ عَلَيْهِ لَا يُعْصِنُ أَحَدٌ لَا يَنْفَعُ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحَدٌ.^۱ ۷۹۴ پیامبر خدا ﷺ هیچ کس ما را دشمن نمی‌دارد،

مگر این که خداوند روز قیامت، او را جدمی بر می‌انگیزد

الفصل الخامس الحساب

۱ / ۵ تأمير العمل والجزاء

الكتاب

۱ / ۵ پیوند عمل و مجازات

قرن

﴿پنداش و کفر﴾ به دعوای شما و به دعوای اهل کتاب هست، هر کس بدی کند، هر برابر آن، کفر می‌بیند، و هر خدا برای خود، پل و مددکاری می‌یابد، و کسانی که کارهای شایسته‌کنند، چه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن باشد، آن‌ها داخل بهشت می‌شوند و به قدر گدای بگشت هسته غرمایی مورد ستم قرار نمی‌گیرند﴾

حدیث

۷۹۳ بِمِثْلِ مَا كَفَرْتُمْ بِهِ هُمَا طَرَفَا لِحْمَتِهِ ۷۹۴ پیامبر خدا ﷺ همان گونه که از سوته خسار، انگور چیده نمی‌شود، پندکاران نیز در متارل نیکوکاران فرود نمی‌آیند، اینها دو راه است، هر کدام را در پیش بگیرید، به آن می‌رسید.

۲ / ۵ تأمير الاعمال

قرآن

﴿و کثرانما هر انسانی را به گردن او بستنایم و روز قیامت، برای او نهای که آن را گشاده می‌بیند، بیرون می‌آوریم، سادات را به‌خون کافری است که امور، خودت حسابرس خود باشی﴾.

حدیث

۷۹۵ پیامبر خدا ﷺ خداوند را بر هر بنده‌ای مراقبتی از همه آفریدگان او و فرشتگانی است که از پیش رو و پشت سر او به فرمان خدا، از وی

﴿لَيْسَ بِأَمَانَتِكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلُ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا يُصْبِرُ ۖ وَمَنْ مَعْلُومٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ نَعَرَ أَوْ أُسْطِيَ وَمُوْثُومٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا﴾^۱

الحدیث

۷۹۴ رسول الله ﷺ كما لا يُجَنَسُ مِنَ الشُّوْكِ الْمَيْتُ كَذَلِكَ لَا يَنْزِلُ الْفَجَّارُ مَسَازِلَ الْأَبْرَارِ، وَهُمَا طَرَفَا لِحْمَتِهِ فَأَيُّهُمَا أَحَدُكُمْ أَدْرَكْتُمْ بِهِ؟^۲

۲ / ۵ كِتَابُ الْأَعْمَالِ

الكتاب

﴿وَكُلُّ إِنْسَانٍ لَّزِمَةً طَبْرَةٌ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ فِيهِ مَشُورَتُهُ ۖ اقْرَأْ عَنَتِكَ عَلَى نَفْسِكَ ۖ أَلْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا﴾^۳

الحدیث

۷۹۵ رسول الله ﷺ عَلَيْنَا هَذَا عَلَى كُلِّ عَبْدٍ رُقْبَةٌ مِنْ كُلِّ خَلْقٍ، وَمُعْتَبَاتٌ مِنْ نَبِيِّ يَدِيهِ وَمِنْ خَلْقِهِ بِحِفْظُونَةٍ

۱ المجلس ج ۱ ص ۱۷۴ ح ۲۶۹

۲ النساء ۱۷۳ و ۱۲۱

۳ كثر الأعمال ج ۱ ص ۱۶ ح ۴، ۳۱۶.

۴ الإسراء ۱۳ و ۱۱

مِنْ أَمْرِ اللَّهِ. وَيَحْفَظُونَ عَلَيْهِ مَا يَكُونُ مِنْهُ مِنْ أَعْمَالِهِ وَأَقْوَالِهِ وَأَفْعَالِهِ وَالْعَاطِيَةِ، وَالْبِقَاعِ، الَّتِي تَشْمِلُ عَلَيْهِ شَهَادَةُ رَبِّهِ لَهُ أَوْ عَلَيْهِ، وَاللَّيَالِي وَالْأَيَّامُ وَالشُّهُورُ شَهَادَةُ عَلَيْهِ أَوْ لَهُ، وَسَائِرُ عِبَادِ اللَّهِ الْمُؤْمِنِينَ شَهَادَةُ عَلَيْهِ أَوْ لَهُ، وَحَفَظَتُهُ الْكَاتِبُونَ أَعْمَانَهُ شَهَادَةُ لَهُ أَوْ عَلَيْهِ^۱

۳/۵ مُحَاسِبَةُ الْأَعْمَالِ

الكتاب

﴿فَوَرَبُّكَ لَمُسْتَعْتِبُهُمْ أَجْمَعِينَ﴾ عَمَّا كَانُوا يَحْفَظُونَ^۲

الحدیث

۷۹۶ رسول الله ﷺ والذي نفسى بيده، إني لأستعيبهم حتى الشاس فيهما انتحلحنا^۳

۷۹۷ عنه ﷺ لا روى قدما غيب يوم القامة حتى تسأل عن أربع عن عمره فيما أفناه وعن شبابه فيما أنلاه، وعن ماله من أين اكتسبه وفيما أنفقه، وعن حبنا أهل البيت^۴

۷۹۸ عنه ﷺ إن الله تعالى سائل كل راع عما استرعاه أحفظ ذلك أم ضيعة حتى يسأل الرجل عن أهل بيته^۵

نگهداری می‌کنند و [حساب] کردارها و گفته‌ها و کنسات و نگاه‌های او را بنگه می‌دارند جاهایی که او را در خود می‌گیرند، گواهان، پروردگار، اویند که به سود یا زیان وی گواهی می‌دهند. شبها و روزها و ماه‌ها، گواهان، پروردگار، اویند که به سود یا زیان او شهادت می‌دهند. سایرندگان مؤمن حداء گواهان اویند که به سود یا زیان وی شهادت می‌دهند و فرشتگان حافظ او که اعمالش را می‌نویسند، گواهان اویند که به سود یا زیان او گواهی می‌دهند.

۳/۵ حسابررسی اعمال

قرآن

﴿پس سوگند به پروردگارت که از همه آنان خواهیم پرسید

از آنچه انجام می‌دادند﴾

حدیث

۷۹۶ پیامبر خدا ﷺ سوگند به آن که جهانم در دست اقدرت [است]، حتی به حساب دو گوشت که به یکدیگر شام زده باشد، رسیدگی خواهد شد

۷۹۷ پیامبر خدا ﷺ بده، در روز قیامت، گام از گام

برمی‌دارد، مگر آن که از چهار چیز پرسیده می‌شود از عمرش که چگونه سپری ساخته، و از جوانی‌اش که چگونه هدر داده، و از ثروتش که از کجا به دست آورده و چگونه خرج کرده است، و از دوستی ما اهل بیت.

۷۹۸ پیامبر خدا ﷺ: خداوند متعال، از هر سرپرستی،

دربارۀ آنچه سرپرستی‌اش را به او واگذار کرده است،

بازخواست می‌کند؛ خواه آن را به حریف سرپرستی

کرده باشد، خواه تپاهش کرده باشد. حتی از مرد

دربارۀ خانواده‌اش بازخواست می‌کند

۱ بحار الانوار ج ۷ ص ۳۱۵ ح ۱۱

۲ الحبر ۹۲ و ۹۳

۳ کثر الضمائم ج ۱ ص ۳۷۷ ح ۳۹۰۱۴

۴ الفضائل، ص ۲۵۳ ح ۱۲۵

۵ کثر الفضائل ج ۱ ص ۱۶ ح ۱۴۳۶

۱/۵. شَهَادَةُ الْإِيَّامِ

۲/۵. گواهی روزها

۷۹۹ رسول الله ﷺ مَا طَلَعَتْ شَمْسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فِي يَوْمٍ إِلَّا وَمَعَهَا مَلَكٌ يُنَادِي أَلَا مُتْرَدُّنَ مَنِي خَيْرٌ أَمْ لِي لَنْ أَرْجِعَ إِلَيْهِ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ فَكُلُّ يَوْمٍ شَاهِدٌ عَلَى الْقَبْرِ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ^۱

۵/۵. أَصْنَافُ النَّاسِ فِي الْحِسَابِ

۸۰۰ رسول الله ﷺ أَتَمِّي ثَلَاثَةُ أَثْلَاثٍ مَثَلْتُ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ وَلَا عَذَابٍ، وَثَلْتُ يُحَاسَبُونَ حِسَاباً يَسِيراً ثُمَّ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ، وَثَلْتُ يُمَحْصَوْنَ وَيُكْتَفَوْنَ^۲

۶/۵. مَا يُهَوَّنُ حِسَابُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

الكتاب

﴿فَمَاذَا مِنْ أَوْفَى كَتَبَةٍ يَمِينِهِمْ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا﴾^۳

التهذيب

۸۰۱ رسول الله ﷺ أَقْبَحُ بِمَا أَوْتِيَتْهُ يَحْفَ عَذَابُكَ الْحِسَابُ^۴

۸۰۲ عنه ﷺ حَسَنَ خُلُقِكَ يُخَفِّفُ اللَّهُ حِسَابَكَ^۵

۷/۵. مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ

الكتاب

﴿إِنَّمَا يُؤْمِنُ الصَّابِرُونَ لِحُزْنِهِمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾^۶

۱. المرقوم ج ۴ ص ۷۵ ح ۶۳۴

۲. كنز العمال ج ۱۲ ص ۱۶۹ ح ۳۴۵۲۲

۳. الانشاق ۸ و ۷ ۴. اعلام النبیین ص ۳۴۴ ح ۳۷

۵. بحار الأنوار ج ۷۱ ص ۳۸۳ ح ۲۰

۶. الزمر ۱۰

۷۹۹. پیامبر خدا ﷺ حضورشید، در هیچ روزی از مشرق طلوع نمی‌کند، مگر این که همراه با آن، فرشته‌ای مانگ می‌زند «آیا کسی هست که از من (امروز) نوشته‌ای بگیرد، که من تا قیام قیامت، دیگر به سوی او باز نخواهم گشت؟»

پس هر روزی، بر آنچه بنده [در آن روز] به دست آورده، گواه است.

۵/۵. گروه‌های مردم در حسابرسی

۸۰۰. پیامبر خدا ﷺ: آتَم من به سه قسمت تقسیم می‌شوند: یک سوم، بدون حساب و عذاب به بهشت می‌روند؛ یک سوم، حسابرسی آسانی دارند و سپس وارد بهشت می‌شوند؛ و یک سوم دیگر، گدازنده و حالم می‌شوند.

۶/۵. آنچه حسابرسی قیامت را آسان می‌کند

قرآن

﴿فَمَاذَا مِنْ أَوْفَى كَتَبَةٍ يَمِينِهِمْ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا﴾

حسابی آسان، حسابرسی خواهد شد.

حدیث

۸۰۱. پیامبر خدا ﷺ: به آنچه به تو داده شده است، قناعت کن تا کار حسابرسی، بر تو آسان گردد.

۸۰۲. پیامبر خدا ﷺ احیالقت را سبکو گردان، خداوند، حساب تو را سبک می‌کند.

۷/۵. کسانی که بدون حسابرسی به بهشت می‌روند

قرآن

﴿يُؤْمِنُ الصَّابِرُونَ لِحُزْنِهِمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾

«بی‌تردید شکیبایان، پاداش خود را بی‌حساب [و] به تمام خواهند یافت»

الحديث

حدیث

۸۰۳. رسول الله ﷺ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى أَيُّ عِبَادِي الَّذِينَ
مَاتُوا فِي سَبِيلِي، وَقَاتِلُوا وَأُودُوا فِي سَبِيلِي،
وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِي، ادْخُلُوا الْجَنَّةَ، هَذَا خَلْقُهَا بغيرِ
عَذَابٍ وَلَا حِسَابٍ^۱

۸/۵ من يدخل النار بغير حساب

۸۰۳. پیامبر خدا ﷺ، خداوند متعال می فرماید: «ای
مندگان من که در راه من جنگیدید و در راه من
کشته شدید و ارار دیدید و در راه من جهاد
کردید اینه بهشت در آید».

پس آنکه بی آن که عذاب بیاید و حساب
شود، به بهشت در می آید

۸۰۴. رسول الله ﷺ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحَاسِبُ كُلَّ خَلْقٍ إِلَّا مَنْ
أَشْرَكَ بِاللَّهِ، فَإِنَّهُ لَا يُحَاسِبُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَوْمَ رُبِّهِ
إِلَى النَّارِ^۲

الفصل السادس: الشفاعة

۱/۶ أصناف الشفاعة

۸۰۵. رسول الله ﷺ ثَلَاثَةٌ يَشْفَعُونَ بِنِى اللَّهِ فَتُشْفَعُونَ:
الْأَنْبِيَاءُ، ثُمَّ الْعُلَمَاءُ، ثُمَّ الشُّهَدَاءُ^۳

۸۰۶. عَنْهُ ﷺ إِنْ أَسْمَعَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَاسْمَعْ وَتَسْمَعْ عَمِّي
فَيُشْفَعُ وَيُشْفَعُ أَهْلُ بَيْتِي فَيُشْفَعُونَ^۴

۸۰۷. عَنْهُ ﷺ سَلِّمُوا الْقُرْآنَ، فَإِنَّهُ شَافِعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۵

۲/۶ شفاعَةُ النَّبِيِّ ﷺ

الكتاب

﴿وَبِالْآخِرَةِ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى﴾ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ

۱. كتر المال ج ۶ ص ۴۸۰ ح ۶۳۵

۲. عيون اخبار الرضا ﷺ ج ۲ ص ۳۲ ح ۶۶

۳. الفصول ص ۱۵۶ ح ۱۹۷

۴. مجمع البحار ج ۱ ص ۲۲۳

۵. مستدرک حبل ج ۸ ص ۳۷۳ ح ۲۲۲۱۹

۸/۵ کسانی که بدون حسابرسی به دوزخ
می روند

۸۰۴. پیامبر خدا ﷺ، خداوند متعال همه حلالین
حساب می کشد، مگر از کسی که به خدا شرک
ورزیده باشد. در روز قیامت، دستور داده می شود
که او را بدون حسابرسی، به دوزخ افکند

فصل ششم: شفاعت

۱/۶ گروه های شفاعت کننده

۸۰۵. پیامبر خدا ﷺ: سه گروه نرد خدای ﷻ شفاعت
می کند و شفاعتشان پذیرفته می شود: پیامبران،
پس عالمان، و بعد شهدا

۸۰۶. پیامبر خدا ﷺ در روز قیامت، من شفاعت
می کنم و شفاعتم پذیرفته می شود، و علی شفاعت
می کند و شفاعتش پذیرفته می شود، و اهل بیت
بیر شفاعت می کند و شفاعتشان پذیرفته می شود

۸۰۷. پیامبر خدا ﷺ قرآن را پیامورید؛ زیرا قرآن در
روز قیامت، شفاعت کننده است

۲/۶ شفاعت پیامبر ﷺ

قرآن

﴿وَبِالْآخِرَةِ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى﴾ و لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ

فَتَوَضَّعَ^۱

الحدیث

۸۰۸ رسول الله ﷺ: إِذَا قُمْتُ الْقِفَامَ الْمَحْمُودَ تَشَفَّعْتُ فِي أَصْحَابِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي، فَيُشَفَّعُنِي اللَّهُ فِيهِمْ، وَفِي لَأَتَشَفَّعُ فِيْهِمْ آدَى دُرِّتِي^۲

۸۰۹ عنه ﷺ: لِكُلِّ نَبِيٍّ دَعْوَةٌ قَدْ دَعَا بِهَا وَفَدَ سَأَلَ سُؤلاً، وَقَدْ حَبَّأَتْ دَعْوَتِي لِشَفَاعَتِي لِأُمَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۳

۸۱۰ عنه ﷺ: إِنَّمَا شَفَاعَتِي لِأَهْلِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي، فَأَمَّا الْمُحْسِنُونَ فَمَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ^۴

۳/۶ حَاجَةُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ إِلَى الشَّفَاعَةِ

۸۱۱ الإمام الباقر علیه السلام: وَقَدْ قَالَ لَهُ أَبُو إِيْمَنٍ مِمَّا أَبَاحَ عَلَيْهِ: تَمُرُّونَ النَّاسَ وَتَقُولُونَ: شَفَاعَةُ مُحَمَّدٍ، شَفَاعَةُ مُحَمَّدٍ أَفَقَصَبَ^۵ حَتَّى تَرْتَبِدَ وَجْهَهُ - وَبِحُكِّ يَدَيْهَا أَيْضًا! أَعْرَكَ إِنْ عَفَّ بَطْنُكَ وَفَرَحَكَ؟ أَمَّا لَوْ قَدْ رَأَيْتَ أَمْرَاعَ الْقِيَامَةِ لَقَدْ احْتَجَجْتَ إِلَى شَفَاعَةِ مُحَمَّدٍ ﷺ، وَيَلْكَ قَهْلٌ يَشْفَعُ إِلَّا لِيْمَنَ وَجَبَتْ لَهُ النَّارُ؟ ... مَا [مِنْ] أَخِي مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ إِلَّا وَهُوَ مُحْتَاجٌ بِنِي شَفَاعَةِ مُحَمَّدٍ ﷺ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۶

۱ المصحف ۴ و ۵

۲ الأمالي للمدوني ص ۳۷۰ ح ۱۶۲

۳ المختار ص ۲۹ ح ۱۰۳

۴ عيون أخبار الرضا عليه السلام ج ۱ ص ۱۳۶ ح ۳۵

۵ مابین المعقوفین اثباته من بحار الأنوار

۶ تفسیر قمی ج ۲ ص ۲۰۲

زودی پروردگارت تو را [آن قدر] عطا خواهد داد، تا

خسوف گردی»

حدیث

۸۰۸ پیامبر خدا ﷺ: زمانی که به مقام مستوده برسم، برای مرتکبان گناهان کبیره ائمت خود، شفاعت می‌کنم و خداوند، شفاعت من را درباره آنها می‌پذیرد. به خدا سوگند، برای کسانی که فرزندان مرا بیازارند، شفاعت خواهم کرد

۸۰۹ پیامبر خدا ﷺ: هر پیامبری، به درگاه خدا دعایی کرده و لذا او چیزی خواسته است؛ اما من خواهم خود [از خدا] را برای شفاعت ائمت در روز قیامت، بگه داشته‌ام

۸۱۰ پیامبر خدا ﷺ: در حقیقت شفاعت من، برای آن افرادی است که مرتکب گناهان کبیره شده‌اند؛ اما نیکوکاران، راهی برای مؤاحده آنها نیست (بازی به شفاعت ندارند)

۳/۶ نیاز همگان به شفاعت

۸۱۱ امام باقر علیه السلام: در پاسخ به ابو ایمن که به امام ﷺ گفت ای ابو جعفر! شما مردم را می‌فریبید و پیوسته می‌گویید: «شفاعت محمد، شفاعت محمد» و ایشان چنان ناراحت شد که رنگ چهره‌اش برگشت: «وای بر تو ای ابو ایمن! داشتن عفت شکم و شهوت، تو را عزه کرده است؟! اگر صحنه‌های هول‌انگیز قیامت را ببینی، حتماً به شفاعت محمد ﷺ پیر پیدا خواهی کرد و ای بر تو آیا شفاعت، جز برای کسی است که مستوجب آتش باشد؟! ... هیچ کس، لزومین و آخرین، نیست مگر آن که در روز قیامت، به شفاعت محمد ﷺ نیازمند خواهد بود.

۴/۶. الْمُحَرُّومُونَ مِنَ الشَّفَاعَةِ

الكتاب

﴿وَكُنَّا نَكُفُّ بِيَوْمِ الْقِيَمَةِ حَتَّى أَتَانَا الْيَقِينُ﴾ فما
تَنفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ^۱

الحديث

۸۱۲ رسول الله ﷺ أَمَّا شَفَاعَتِي فَمِنَ أَصْحَابِ الْكِبَائِرِ مَا
حَلَا أَهْلَ الشُّرْكِ وَالظُّلْمِ^۲.

۸۱۳ عَنْهُ ﷺ لَا يَتَأَلَّ شَفَاعَتِي مَنِ اسْتَحَفَّ بِصَلَاتِهِ. وَلَا
يَرُدُّ عَلَيَّ الْخَوْصَ لَا وَاهٍ^۳

۵/۶. أَحَقُّ النَّاسِ بِالشَّفَاعَةِ

۸۱۴. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنْ أَقْرَبَكُمْ مِنِّي عَدَاً وَأَوْحَيْتُكُمْ عَلَيَّ
شَفَاعَةً. أَصْدَقُكُمْ لِسَاناً وَأَدَاكُمْ لِلْأَمَانَةِ. وَأَحْسَنُكُمْ
حُلُمًا. وَأَقْرَبَكُمْ مِنَ النَّاسِ^۴

الفصل السابع الجدة

۱/۷. عِظَةُ نَعِيمِ الْجَنَّةِ

الكتاب

﴿وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا
السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ﴾^۵

الحديث

۸۱۵ رسول الله ﷺ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى أُعِدَّتْ لِعِبَادِي

۱ المذخر ۴۶، ۴۸ ۲ الفصل من ۳۵۵ ح ۳۶

۳ المجلس ج ۱ ص ۱۵۹ ح ۲۲۳.

۴ الامالي للصدوق ص ۵۹۸ ح ۸۲۶

۵ آل عمران ۱۳۳

۲/۶. مُحَرُّومَانِ لِرِ شَفَاعَتِ

قرآن

﴿وَرَوَّحًا رَّحِيمًا﴾ در روز جزا دروغ می شنویم تا مرگ ما در رسید. پس
شفاعت شفاعتگران، آنها را سود نمی بخشد

حدیث

۸۱۲ پیامبر خدا ﷺ شفاعت من، درباره مرئیکیان
گناهان کبیره است، بجز مشرکان و ستمگران

۸۱۳ پیامبر خدا ﷺ کسی که نماز را سبک بشمارد،
به شفاعت من دست نمی یابد و به خدا سوگند، در
کار خوص از کونرا، بر من وارد نخواهد شد

۵. سراواترین مردم به شفاعت

۸۱۴ پیامبر خدا ﷺ همان نزدیک ترین شما به من
در فردا ای قیامت [و سراواترین شما به
شفاعت من، راستگوترین، امثالدارترین،
خوش اخلاق ترین و نزدیک ترین شما به مردم
است

فصل هفتم. بهشت

۱/۷. عظمت نعمت های بهشت

قرآن

﴿وَبِرَّای بَیْلِ بِه آمُرُشِی اِی پَروردگار خود، و بهشتی که
بهایش [به قدر] آسمان ها و زمین است [و] برای
پرهیزگاران آماده شده است، بشتابید﴾

حدیث

۸۱۵ پیامبر خدا ﷺ خداوند متعال فرموده است

«برای بندگان میک خود، چیز هایی فراهم آورده ام

الصَّالِحِينَ مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ، وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ، وَلَا خَطَرَ
عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ^۱

که نه چشمی دیده است، نه گوشی شنیده است، و
نه به ذهن بشری خطور کرده است.

۸۱۶ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَوْضِعْ سَوْطٌ فِي الْحَبَّةِ حَبِيرٌ مِثْلَ دُنْيَا
وَمَا فِيهَا.^۲

۸۱۶ پیامبر خدا ﷺ: هر آینه جایگاهی به اندازه یک
تازیانه در بهشت، بهتر است از دنیای و هر آنچه در
دنیاست.

۲/۷ مُوجِبَاتُ دُخُولِ الْجَنَّةِ

۲/۷ موجبات رفتن به بهشت

الكتاب

قرآن

﴿وَمَنْ يَفْعَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَسْلَمَ مِنْ
مُؤْمِنٍ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ
شَيْئًا﴾^۳

﴿وَر کسانى که کارهاى شایسته کنند، چه مرد باشند چه زن،
در حالى که مؤمن باشند آنان داخل بهشت مى‌شوند و
[حتی] به قدر گودی پشت هسته خرمايى، مورد ستم
قرار مى‌گیرند﴾

الحديث

حدیث

۸۱۷ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَكْثَرُ مَا قُلِّجَ بِهِ أَهْلِي الْجَنَّةِ تَقْوَى
اللَّهِ وَخَشَنُ الْحُمَى^۴

۸۱۷ پیامبر خدا ﷺ امت من، بیشتر به سبب دو چیز
وارد بهشت مى‌شوند: خدا پروایی و خوش خویشی
۸۱۸. تمسبه الخواطر پیامبر خدا ﷺ پارانیش فرمود
«آیا همه شما دوست دارید به بهشت بروید؟»
گفتند: آری، ای پیامبر خدا!

۳/۷ الْحَنَّةُ مُحْفَوَةٌ بِالْمَكَارِهِ

الكتاب

﴿وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ ۖ فَإِنَّ
الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ﴾^۵

فرمود: «ایس [آرزو را کوتاه کنید، مرگ را در
مقابل دیدگان خود قرار دهید و از خدا چنان که
دوست دارید، شرم بدرید»

۳/۷ بهشت، پیچیده بر ناخوشایندهاست

قرآن

﴿وَأَمَّا كَسِيٌّ كَرِهُتْ أَوْ كَرِهُتْ أَوْ كَرِهُتْ أَوْ كَرِهُتْ
نَفْسِ [خود] را از هوس باز داشت. جایگاه او همان
بهشت است﴾

۱. كثر العمل ج ۱ ص ۱۷۸ ح ۴۳۰۶۹

۲. تنبيه الخواطر ج ۲ ص ۲۲۹

۳. الباء ۱۲۱

۴. الکافی ج ۲ ص ۱۰۱ ح ۶

۵. تنبيه الخواطر ج ۱ ص ۲۶۲

۶. التارخات ۴۱ ر ۴۱

الحديث

حديث

۸۱۹ رسول الله ﷺ أَلَا وَبِئْسَ عَمَلٌ الْجَنَّةُ حَرَرٌ بِرَبْوَةٍ، أَلَا وَبِئْسَ عَمَلٌ النَّارُ سَهْلٌ بِشَهْوَةٍ^۱

۸۱۹ پیامبر خدا ﷺ، بدانید که کار بهشت، به سبب داشتن فراز و شیب، دشوار است و بدانید که کار دوزخ، به سبب خرواشی‌های نفسانی، آسان [و هموار] است.

۱/۷. مَنْ تَجِبَ لَهُ الْجَنَّةُ

۲/۷. كَسَانِي كَهْ بَهْشَتِ بَرِ اِيَشْمَانِ وَاجِدِ اَسْت

۸۲۰ رسول الله ﷺ تَقَبَّلُوا لِي بَيْتٍ أَتَقَبَّلَ لَكُمْ بِالْجَنَّةِ إِذَا حَدَّثْتُمْ فَلَا تَكْذِبُوا، وَإِذَا وَعَدْتُمْ فَلَا تُخْلَعُوا. وَإِذَا اتَّخِثْتُمْ فَلَا تَغُورُوا. وَغَضُّوا أُنْصَارَكُمْ وَخُطُورَكُمْ فُرُوجَكُمْ، وَكُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَلْسِنَكُمْ^۲

۸۲۰ پیامبر خدا ﷺ: شش چیز را برای من به عهده بگیرید تا من نیز برای شما بهشت را به عهده بگیرم. هرگاه سخن گفتید، دروغ مگویید؛ هرگاه وعده دادید، خفت و عده نکشید؛ هرگاه شما را امین دانستند، حیانت موزید؛ چشمانتان را از [حکام] فرو بندید؛ شهوت خویش را حفظ کنید؛ و دلت و زبان خود را بگه دارید.

۵/۷. مَنْ تَحَرَّمَ عَلَيْهِ الْحَنَّةُ

۸۲۱. رسول الله ﷺ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ عَائٍ وَلَا مُذْمِرٌ حَمَرٍ^۳

۵/۷. كَسَانِي كَهْ بَهْشَتِ بَرِ اِيَشْمَانِ هَرَامِ اَسْت

۸۲۲ عَمَّاكَ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ شَيْخٌ رِبٍ، وَلَا يَسْكُرُ مُسْكِرٌ وَلَا مَنَانٌ عَلَيْهِ عَلَى اللَّهِ^۴

۸۲۱. پیامبر خدا ﷺ: فرزند باحلف و مرد می‌گسار، به بهشت نمی‌روند.

۸۲۲ عَمَّاكَ مَنْ اسْتَرْعَى زَعِيَّةً مَعْشَاهَا حَرَمٌ اللَّهُ عَلَيْهِ الْحَنَّةُ^۵

۸۲۲. پیامبر خدا ﷺ: پسر مرد و ساکار، تهی دست گرد نکش و کسی که به عمل [به واجبات] خود، بر خدا منت نهاد، به بهشت نمی‌روند.

۶/۷. دَرَجَاتُ الْجَنَّةِ

الكتاب

﴿وَمَنْ يَأْتِهِ تَوْبَتًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى﴾^۶

۸۲۳. پیامبر خدا ﷺ: هر کس سرپرست ملت شود و به آنها حیانت و دردد، خداوند ﷻ بهشت را بر او حرام می‌گرداند.

۶/۷. دَرَجَاتُ بَهْشَتِ

قرآن

﴿وَمَنْ يَأْتِهِ تَوْبَتًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى﴾^۶

۱. کنز العمال ج ۱۵ ص ۹۳۵ ح ۱۳۶۰۵.

۲. الاطلي للصديق، ص ۱۵۰ ح ۱۴۷.

۳. کنز العمال ج ۱۶ ص ۲۵ ح ۴۳۷۶.

۴. کنز العمال ج ۱۶ ص ۵۱ ح ۴۳۹۰۶.

۵. تنبيه الخواطر ج ۲ ص ۲۲۷.

۶. طه ۷۵.

الحديث

حدیث

۸۲۱ رسول الله ﷺ الدَّرَجَةُ فِي الْجَنَّةِ فَوْقَ الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَبَيْنَ الْعَبْدِ لَتَرْفَعَ بَصَرَهُ فَيَلْمَعَ لَهُ نَوْرٌ يَكَادُ يَحْطِفُ بَصَرَهُ فَيَخْرُجُ، فَيَقُولُ مَا هَذَا؟ فَيَقُولُ هَذَا نَوْرُ أَحْمَدَ الْمُؤْمِنِ، فَيَقُولُ هَذَا أَحْيَ فُلَانٌ كُنَّا نَعْمُنُ جَمِيعاً فِي الدُّنْيَا وَقَدْ قُضِيَ عَلَى هَكَذَا؟ فَيَقَالُ إِنَّهُ كَانَ فَضْلٌ مِنْ عَمَلٍ ثُمَّ يُجْعَلُ فِي قَلْبِهِ لِرُحْمَا حَتَّى يَرْضَى^۱

۸۲۲ پیغمبر خدا ﷺ در بهشت، درجات است و فاصله مان آنها به اندازه میان آسمان و زمین است، بنده ای خدا را نگاهش را به بالا می‌دور و بوری خیره کننده بر او می‌درخشید، چندان که نزدیک است دیدگانش را کور کند. او شادمان می‌شود و می‌پرسد این چیست؟ گفته می‌شود: «آمین»، نور برادر مؤمن توست! می‌گوید این همان برادر من فلانی است که در دنیا پا به پای هم، کار می‌کردیم و یک پس چس بر من برتری داده شده است؟! گفته می‌شود: «او را تو در عمل، برتر بوده» سپس در دلش، احساس رضایت قرار داده می‌شود تا حشود گردد [و دیگر غلظه محو گردد]

۸۲۵ عَنْهُ ﷺ إِنَّ فِي الْجَنَّةِ دَرَجَةً لَا يَسْأَلُهَا إِلَّا إِبْرَاهِيمَ هَادِلٌ، أَوْ ذُو زَيْمٍ وَصُولٌ، أَوْ ذُو عِيَالٍ صَبُورٌ^۲

۸۲۵ پیغمبر خدا ﷺ در بهشت، درجه‌ای است که کسی به آن دست نمی‌یابد، مگر پیشوای دادگر یا حریشاوندی که زیاد صله زچم به جا آورد و یا عیالوار شکوایا

۷/۷ أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ

۸۲۶ رسول الله ﷺ أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ شَهِيدٌ وَعَسَفٌ أَحْسَنَ صِيَادَةٍ رُبَّهُ^۳

۷/۷ نخستین کسی که وارد بهشت می‌شود ۸۲۶ پیغمبر خدا ﷺ نخستین کسی که داخل بهشت می‌شود شهید است و بنده‌ای که پروردگارش را بی‌گناه عبادت کرده باشد

۸۲۷ عَنْهُ ﷺ - لِمَلِي ﷺ - إِنَّ أَوَّلَ أَرْبَعَةٍ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ نَا وَأَنْتَ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ^۴

۸۲۷ پیغمبر خدا ﷺ - به علی ﷺ - : نخستین چهار نفری که وارد بهشت می‌شوند، من هستم و [سپس] تو و حسن و حسین [وارد می‌شوید]

۸/۷ صِفَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ

۸۲۸ رسول الله ﷺ أَهْلُ الْجَنَّةِ جُرْدٌ مُرْدٌ كُحْلٌ، لَا يَمَسُّ شَيْئاً لَهُمْ، وَلَا تَبْلَى ثِيَابُهُمْ^۵

۸/۷ ویژگی‌های اهل بهشت ۸۲۸ پیغمبر خدا ﷺ بهشتیان، بدنی کم مو^۱ و چهره‌ای بی‌مو^۲ و چشمانی سرمه کشیده دارند، جوئی‌شان از بین نمی‌رود و جامه‌هایشان فرسوده نمی‌شود

۸۲۹ عَنْهُ ﷺ يَدْخُلُ أَهْلُ الْجَنَّةِ جُرْدًا مُرْدًا مُكْحَلِينَ، أَبَاءٌ ثَلَاثِينَ أَوْ ثَلَاثٍ وَثَلَاثِينَ^۶

۸۲۹ پیغمبر خدا ﷺ بهشتیان، در حالی وارد بهشت می‌شوند که بدنی‌هایی کم مو و چهره‌ای بی‌مو و چشمانی سرمه کشیده دارند و منشای سی یا سی و سه سال است.

۱ الامالی للطوسي ص ۵۲۹ ح ۱۱۶۳

۲ التمهیل ص ۹۳ ح ۳۹

۳ تبه الخواطر ج ۱ ص ۵۷

۴ التمهیل الكبير ج ۱ ص ۳۱۹ ح ۹۵۰

۵ کثر التمهیل ج ۱ ص ۱۷۱ ح ۳۹۳۰۱

۶ کثر التمهیل ج ۱ ص ۱۷۷ ح ۳۹۳۲۹

۱ جُرْدٌ: در متن عربی حدیث، جمع و انچه است؛ یعنی

کسی که فقط قسمت‌هایی از بدنش همانند حط سینه تا ناف، و

ساق‌های دست و پایش) مر داشته باشد؛ مرد کم مو م

۲ مُرْدٌ: در متن عربی حدیث، جمع و انچه است؛ به معنای جوانی است که

ناله سیلش رویده و صورتش هور مر در نیورده است م

۹/۷ کُوزُ الْجَنَّةِ

۹/۷ گنج‌های بهشت

۸۳۰. رسول الله ﷺ أربع من كُوزِ الجنة كتمانُ لُفَاقَةٍ، وَكِتْمَانُ الصَّدَقَةِ، وَكِتْمَانُ الْمَصِيئَةِ، وَكِتْمَانُ الْوَحْيِ.^۱

۸۳۰. پیامبر خدا ﷺ چهار چیز، از گنج‌های بهشت است. بهان نداشتن فقر، بهان نداشتن صدقه، بهان نداشتن مصیبت، و بهان نداشتن درد.

الفصل الثامن. نار جهنم

۱، ۸ صفة جهنم

الكتاب

«ثَاوِيَهُمْ جَهَنَّمَ كُلَّمَا خَبَتْ رَدْمُهُمْ سَعِيرًا»^۲

الحديث

۸۳۱. رسول الله ﷺ: يَأْرَكُمُ هَذِهِ جُرَّةٌ مِنْ سَبْعِينَ حَرَّةً أَسْفَلَ نَارِ جَهَنَّمَ، لِكُلِّ جُرَّةٍ مِثْلُهَا حَرَّةٌ.^۳

۸۳۲. عنه ﷺ: لَوْ أَنَّ شَرَّةً مِنْ شَرِّ جَهَنَّمَ بِالْمَشْرِقِ، لَوُحِدَ حَرُّهَا مَنْ بِالْمَغْرِبِ.^۴

۲/۸ طعام أهل النار

الكتاب

«لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ» لَا يَنْشَبُونَ وَلَا يَغْسُونَ مِنْ جُوعٍ»^۵

الحديث

۸۳۳. رسول الله ﷺ: الضَّرِيعُ شَيْءٌ يَكُونُ مِنَ النَّارِ يُنْشَبُ الشُّوْلُوكَ، أَمْرٌ مِنَ الصَّبْرِ، وَأَتْنٌ مِنَ الْجَبَةِ، وَأَشَدُّ حَرًّا

۱/۸ ویژگی‌های نوزخ

قرآن

«جَدِیكَامَثَانِ دُورِح لَسْتُ كَهْ هَر بَارِ آتَشِ آن فَرَو نَشَبَد، شَرَارِهای [مازه] بَرایشان می‌فراایم»

حدیث

۸۳۶/ پیامبر خدا ﷺ: ایس آتش دنیا، یکی از هفتاد حَرَّة آتشی دُورِح است که هر یک از آن اجراء داعی حُرَّه است.

۸۳۲. پیامبر خدا ﷺ: اگر یک جرعه از جرعه‌های دُورِح، در شرق عالم بیفتد، کسانی که در غرب عالم به سر می‌برند نیز گرمای آن را در می‌یابند.

۲/۸ خوراک دوزخیان

قرآن

«خوراکی جر خابِ عَشْکِ دَارُود [که] نه دربه کند، و نه گرسنگی را باز دارد».

حدیث

۸۳۳. پیامبر خدا ﷺ: صَرِیع، چیزی است در دُورِح، همانند خار که از [گیاه] صَبِر زرد، تلخ‌تر است و از مُردار، بدبوتر و از آتش، دایع‌تر خداوند آن را

۱. الدعوات ص ۱۶۵ ح ۴۵۲

۲. الإسراء ۹۷

۳. کنز العمال ج ۱۴ ص ۵۲۱ ح ۳۹۱۷۷

۴. کنز العمال ج ۱۱ ص ۵۲۳ ح ۳۹۲۸۷

۵. المعاشی ۷ و ۶

من النار، سَاءَ اللَّهُ الصَّرِيعُ^۱

«صریح» نامیده است

۳/۸ شَرَاتُ أَهْلِ النَّارِ

۳/۸ نوشیدنی نوزخیان

الكتاب

قرآن

«وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَاتٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِهِ يَتَذَكَّرُونَ»^۲

«و کسانی که کفر ورزیدند، به [سزای] کفرشان شریقی از آب جوشان و عذابی مُر درد خواهد داشت»

الحديث

حدیث

۸۳۴ رسول الله ﷺ - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «وَيُسْقَى مِنْ مَاءٍ سَدِيدٍ»^۳ - بَقَرَتْ إِلَيْهِ فَتَكْرَهُهُ، فَإِذَا أُذِنَ بِهِ قَرِئَ وَحَمَّةٌ وَوَقَعَ فَرْزُهُ رَأْيَهُ، فَإِذَا شَرِبَ قَطَعَ أَمْعَاءَهُ حَتَّى يَخْرُجَ مِنْ دَبْرِهِ، يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى «وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعْ أَمْعَاءَهُمْ»^۴ وَيَقُولُ: «وَأَنْ يَسْتَفْعِلُوا يُهَاقُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ»^{۵، ۶}

۸۳۴ پیامبر خدا ﷺ - درباره آیه: «و او چرکابه نوشانده می‌شود» - : چون آب را نرسد او ببرند، از آن نوش می‌آید و چون به او نزدیک گردد، بریان می‌شود و پوست سرش می‌افتد. و چون آن را نوشد، معده و روده‌اش متلاشی می‌شود، به طگوری که از بشیمگاهش بیرون می‌رود خداوند ﷻ می‌فرماید: «آسان را از آبی جوشان می‌نوشانند، چنان که روده‌هایشان تگه تگه شود» و می‌فرماید: «چون به استفاک آب خواهند آید چون پس گدازه برایشان آورد که از حرارتش چهره‌ها کباب می‌شود»

۴/۸ صَفَةُ أَصْحَابِ النَّارِ

الكتاب

«فَأَمَّا مَنْ طَغَى، وَآثَرَ الْخَبِيثَ الشُّبَّاهَ فَأَنْزَلْنَاهُ فِي الْجَحِيمِ مِنْ الْمَآوَى»^۷

۴/۸ ویژگی‌های دورخیان

الحديث

قرآن

۸۳۵ رسول الله ﷺ أَهْلُ النَّارِ كُلُّ جَنْطَرِيٍّ جَوَاطِئُ مُسْتَكْبِرٍ جَنَاحِ مَنَاجٍ^۸

«اما هر که طغیان کرد و زندگی پست دنیا را برگزید پس جایگاه او همان آتش است»

حدیث

۸۳۶ عَنْهُ ﷺ ثَلَاثَةٌ مِنْ خَلَاتِقِ أَهْلِ النَّارِ الْكِبَرُ،

۸۳۵ پیامبر خدا ﷺ هر تندخوی حشری معرور گردد مراز حریص حسین بی‌خبر، اهل دورخ است

۱ مجمع‌البیان ج ۱۰ ص ۲۶۶

۲ یونس ۴ ۳ ابراهیم ۱۶

۴ محمد ۱۵ ۵ الکهف ۲۹

۶ بحار الأنوار ج ۸ ص ۲۴۱

۷ التازعات ۲۷ ۲۹

۸ کنز العمال ج ۱۶ ص ۱۰۲ ح ۴۴۰۶۱

۸۳۶ پیامبر خدا ﷺ: سه خوی از اخلاق دورخیان است:

وَالْعُشْبُ، وَسُوءُ الْحَلْقِ.^۱

تکبر خودپسندی، و بد اخلاقی

۵/۸. مَنْ يُخْلِدْ فِي جَهَنَّمَ

۸. آن‌س که در یوزخ جاویدان‌اند

۸۳۷ رسول الله ﷺ خَمْسَةٌ لَا تُطْعَمُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا تَمُوتُ أَهْلَانُهُمْ: رَجُلٌ أَشْرَكَ، وَرَجُلٌ عَقَّى وَالِدَيْهِ، وَرَجُلٌ سَمِيَ بِأَخِيهِ إِلَى السُّلْطَانِ فَقَتَلَهُ، وَرَجُلٌ قَتَلَ نَفْسَ نَعِيرٍ نَفْسٍ، وَرَجُلٌ أَذْنَبَ وَحَمَلَ رِبَاً عَلَى أَهْلِهِ.^۲

۸۳۷ پیامبر خدا ﷺ پنج نفرند که آتش آنها خاموش نمی‌شود و بدن‌هایشان نمی‌میرد، آن‌که به خدا شرک ورزد، آن‌که از پدر و مادر خود سافرمانی کند، آن‌که از برادر خود نبرد حاکم بدگویی نماید تا به قتل او انجامد، آن‌که کسی را بدون استحقاق قصاص بکشد، و آن‌که گاهی مرتکب شود و آن را به خداوند تقدیر نیست دهد

۶/۸. مَنْ يَخْرُجُ مِنَ النَّارِ

۶/۸. کسانی که از آتش بیرون می‌آیند

۸۳۸ رسول الله ﷺ يُخْرِجُ أَهْلَهُ قَوْمًا مِنَ النَّارِ لِيُحَدِّثَهُمُ الْجَنَّةَ.^۳

۸۳۸ پیامبر خدا ﷺ خواهد آمد، مردمانی را از آتش بیرون می‌آورد و به بهشت می‌برد

۸۳۹ عَنْهُ ﷺ يَخْرُجُ مِنَ النَّارِ مَنْ كَانَ فِي عِلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ إِيمَانٍ.^۴

۸۳۹/پیغمبر خدا ﷺ هر کس ذره‌ای ایمان در دلش داشته باشد (سراج‌جام، از آتش بیرون می‌آید)

۷/۸. إِذَا بَدَأَ بَعْضُ الْكَافَرِ فِي جَهَنَّمَ

۷/۸. هنگامی‌که دامن به برخی کافران در جهنم

۸۴۰ شُعْبُ الْإِيمَانِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا أَحْسَنَ مِنْ مُحَبِّبٍ كَافِرٍ أَوْ مُسْلِمٍ إِلَّا أَنَاةُ اللَّهِ ﷻ قُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا إِذَا بَدَأَ اللَّهُ الْكَافِرَ؟ قَالَ: إِنْ كَانَ وَصَلَ رَجُلًا، أَوْ صَدَّقَ بِعَدُوِّهِ، أَوْ عَمِلَ حَسَنَةً، أَلَا تَأْتِيهِ تَعَالَى وَإِذَا بَدَأَ يَمَاءُ الْمَالِ وَالْوَلَدُ وَالصُّحَّةُ وَأَشْيَاءُ ذَلِكَ قَالَ: قُلْنَا وَمَا إِيمَانُهُ فِي الْأَجْرَةِ؟ قَالَ: عَدَابُ دُونَ الْعَذَابِ، وَغَرَأٌ فَأَسْخَلُوا أَلْ هَرَعُونَ أَشَدَّ الْعَذَابِ؟^۵

۸۴۰ شعب‌الایمان - به نقل از عبد الله بن مسعود - پیامبر خدا فرمود: هیچ‌کسی بیکی نمی‌کند، جز آن‌که خدا پاداشش را می‌دهد؛ چه مسلمان باشد و چه کافر؛

کسی که ای پیامبر خدا! پاداش داد به کافر، چگونه است؟

فرمود: اگر حمله رجمی کرده باشد یا صدقه‌ای داده باشد و یا کار نیکی انجام داده باشد، خداوند متعال، به پاداش این کارها، به او ثروت و فرزند و سلامت و مانند اینها می‌دهد.

گفتم: در آخرت، چگونه پاداشش می‌دهد؟

فرمود: «علانی کمتر به او می‌چشاند»

آن‌گاه، این آیه را تلاوت فرمود: ﴿حَسَنَاتُ

فرعون را به سخت‌ترین عذاب، در آورید﴾^۶

۱ - به فخر احوط ج ۲ ص ۱۲۱

۲ - کنز الفوائد ج ۲ ص ۴۷

۳ - کنز العمال ج ۱۴ ص ۱۸۱ ح ۳۹۳۴۹

۴ - کنز العمال ج ۱ ص ۷۶ ح ۲۸۴

۵ - عنبر ۱۶

۶ - شعب‌الایمان ج ۱ ص ۲۶۱ ح ۲۸۱

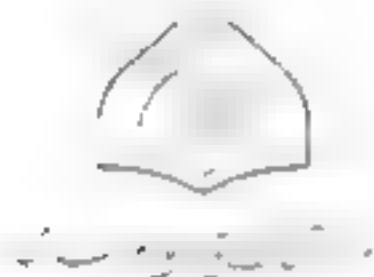
بخش سوم

حکمت های عقیدتی، اجتماعی و سیاسی



القسم الثالث

الحكم العقائدية والاجتماعية والسياسية



الْبَابُ الْأَوَّلُ

الْإِمَامَةُ

الفصل الأول: استمرار الإمامة والهداية

يَكُلُّ قَوْمٌ هَادٍ

الكتاب

﴿وَقَوْلِ الَّذِينَ ظَفَرُوا لِلَّهِ لَئِنْ أَنْزَلَ عَلَيْنَا آيَةً مِنْ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾^۱

الحديث

۸۴۱ رسول الله ﷺ مَا الْمُنْذِرُ وَعَلَى الْهَادِي^۲. وَكُلُّ إِمَامٍ هَادٍ لِلْقَوْمِ^۳ الَّذِي هُوَ فِيهِ^۴.

الفصل الثاني فصل الإمام

أَفْضَلُ النَّاسِ

۸۴۲ رسول الله ﷺ سَاعَةٌ مِنْ إِمَامٍ عَدْلٍ، أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً^۱.

۸۴۳ عَنْهُ ﷺ إِنَّ رُقَعَ النَّاسِ دَرَجَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ، لِإِمَامٍ الْعَادِلِ^۲.

۸۴۴ عَنْهُ ﷺ الْإِمَامُ الْعَادِلُ لَا تَزِدُّ دَعْوَتُهُ^۳

۱ الرعد ۷

۲ في المصدر: الهاد، والتصويب من بعض الأنوار

۳ الْقَزْنَ أَعْلَى كُلِّ رَمَابٍ (النهاية ج ۱ ص ۵۱ طرزة)

۴ تفسير البیان ج ۲ ص ۲۰۱ ح ۷

۵ الکافی ج ۷ ص ۱۷۵ ح ۸

۶ مستدرک علی ج ۱ ص ۴۶۸ ح ۹۹۹

۷ مستدرک حیل ج ۳ ص ۴۴۹ ح ۹۷۳

بِسْمِ
الْإِمَامَةِ

فصل یکم: قتلوم امامت و هدایت

هر قومی، هدایتگری دارد

قرآن

﴿وَرَأَى أَنَّ كَافِرًا فَهَدَانَدَ، مِیْ گریخت و چرا شانه‌ای آشکار از طرف پروردگارش بر او نازل شده است؟ [ای پیامبر!]

تر فقط هشدار دهنده‌ای، و برای هر قومی رهبری است﴾

حدیث

۸۴۱ پیامبر خدا ﷺ من، هشدار دهنده‌ام و علی، هدایتگر است و هر پیشوایی، هدایتگر نسل پروردگار خویش است.

فصل دوم: فضیلت امام

برترین مردم

۸۴۲ پیامبر خدا ﷺ یک ساعت پیشوای دادگر، از هفتاد سال عبادت، برتر است.

۸۴۳ پیامبر خدا ﷺ: پسندیده‌ترین مردم در روز رستاخیز، پیشوای دادگر است.

۸۴۴ پیامبر خدا ﷺ: پیشوای دادگر، دعایش رد نمی‌شود

۸۴۵ عنه ﷺ النَّظَرُ إِلَى الْإِمَامِ الْمَقْبُوطِ عِبَادَةٌ ۱

۸۴۵ پیامبر خدا ﷺ نگریستن به پیشوای دادگر، عبادت است

الفصل الثالث: حکمه الإمامه

۸۴۶ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ اسْمُهُ وَأَطِيعُوا لِأَمْرِ وَلَاؤُهُ الْإِسْلَامَ ۲

۸۴۶. پیامبر خدا ﷺ از کسی که خداوند او را ولی امر قرار داده است، حرف شوی و فرمان برداری کنی؛ زیرا که او شیرازه اسلام است

۸۴۷ الْمُعْجَمُ الْكَبِيرُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ إِمَارَةٍ بَرٍّ وَفَاجِرٍ؛ فَإِذَا الْبَرُّ تَعَدَّلَ فِي الْقَسَمِ، وَتَقَسَّمَتْ بِكُمْ مِثْلُكُمْ بِالسُّوِيَّةِ، وَأَمَّا الْفَاجِرُ، فَيَسْتَلِي فِيهَا الْمُؤْمِنُ، وَالْإِمَارَةُ لَهَا حَرٌّ حَيْرٌ مِنَ الْهَرَجِ

۸۴۷. المعجم الكبير - به نقل از عبد الله بن مسعود - از پیامبر خدا ﷺ که می فرمود: «مردم را ساگیر، فرمانروایی باشد، یک یا بد. فرمانروای نیک، در تقسیم عدالت می ورزد و عایمتان، میان شما به یکسان تقسیم می شود، و [در فرمانروایی] بد، مؤمنان را فریبده می شود فرمانروایی بد، بهتر از هرج و مرج است»

قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا الْهَرَجُ؟ قَالَ: الْقَتْلُ وَالْكَذِبُ ۳

گفتند: ای پیامبر خدا! هرج و مرج چیست؟ فرمود: «کشتار و دروغ»

۸۴۸ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنْ أُنْعِمْتُكُمْ وَأَدْنَيْتُكُمْ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى، مَنْ تَقَدَّسَ فِي دِينِكُمْ وَصَلَاتِكُمْ ۱

۸۴۸ پیامبر خدا ﷺ پیشوایان شما، رهبران شما به سوی خداوند ﷻ هستند. پس بگردید که در دین و نمازتان به چه کسی اقتدا می کنید

۸۴۹ الْإِمَامُ الْحَسَنُ ﷺ خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ نَوْمًا، فَمَنْ بَعَثَ مَا حَمِدَ اللَّهَ وَأَتَى عَلَيْهِ: مُعَاشِرَ النَّاسِ كَأَنِّي أَدْعِي فَأَحْيِي، وَإِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعَرْسِي أَهْلَ بَيْتِي، مَا إِنْ تَشَاكُمُ بِهِمَا نَسِيتُ مَا مَنَعْتُمْ مِنْهُمْ وَلَا تَعْلَمُوهُمْ، فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ، لَا تَحِلُّو الْأَرْضَ مِنْهُمْ، وَلَوْ خَلَّتْ إِذَا لَسَاخَتْ ۴ بِأَهْلِهَا ۵

۸۴۹ امام حسن ﷺ روری پیامبر خدا به ایراد خطابه پرداخت و پس از حمد و ثنای خداوند، فرمود: «ای مردم! گویا من مرا خوانده می شوم و [دعوت حق را] اجابت می کنم. من امی روم را در میان شما دو چیز گران بها بر جای می گذارم. کتاب خدا و عترتم [یعنی] اهل بیت، که تا وقتی به این دو چنگ زبید هرگز گمراه نمی شوید پس، از آنان بسامورید و به آنان پیامورید؛ زیرا آنان را شما دانانید رهبر، هیچ گاه از وجود آنان، حالی نمی شود، که اگر خالی شود، در آن صورت، ساکنان خود را فرو می بیند»

۱ الأمانی للطوسی ص ۱۵۱ ج ۱۰۱۵
۲ الأمانی للمعتمد ص ۱۴ ج ۲
۳ المعجم الكبير ج ۱ ص ۳۲ ج ۲۱
۴ کمال الدین ص ۲۲۱ ج ۷
۵ ساعدت بهم الأرض انخلت (لسان العرب ج ۳ ص ۲۷ «سبح»)
۶ کلام الأثر ص ۱۶۳

۸۵۰ رسول الله ﷺ - فِي وَصِيٍّ الْأَيُّمَةِ ﷺ - : بِهِمْ يَحْفَظُ
 اللَّهُ دِينَهُ، وَبِهِمْ يَعْمُرُ بِلَادَهُ، وَبِهِمْ يَرْزُقُ عِبَادَهُ، وَبِهِمْ
 يُبْرِئُ الْقَطْرَ مِنَ السَّمَاءِ، وَبِهِمْ يُحَرِّحُ بَرَكَاتِ
 الْأَرْضِ.^۱

الفصل الرابع معرفة الإمام

۱/۴ وجوب معرفة أئمة الهدى

الكتاب

«يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنْثَىٰ بِإِمْهَمٍ فَمَنْ أَوْتَىٰ حِشْمَةً
 بِسَبِيحِهِ فَأُولَٰئِكَ يَفْرُغُونَ حِشْمَتَهُمْ وَلَا يُعْطَلُونَ
 قَتْلًا»^۲

الحديث

۸۵۱ رسول الله ﷺ لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَدَا أَنَّهُ عَامٍ مَا بَئِيسَ
 الرُّكْسُ وَالْمَعَامُ، ثُمَّ دَبَّحَ كَمَا يُدَبِّحُ الْكَشَّاشُ مَطْبُومًا
 لَيَعْتَنِي اللَّهُ مَعَ النَّبْرِ الَّذِينَ يَقْتَدِي بِهِمْ، وَيَهْتَدِي بِهَدَاهُمْ،
 وَيَسِيرُ بِسِيرَتِهِمْ، يَنْجُو فِتْنَةً وَإِنْ بَارَأ فِتَارًا^۳

۲/۴ التحذير من ترك معرفتهم

۸۵۲ رسول الله ﷺ مَنْ مَاتَ وَلَا يَعْرِفُ مَائِمَةً، مَاتَ مَيْتَةً
 جَاهِلِيَّةً^۴

۸۵۳ عَنْهُ ﷺ مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً^۵

۸۵۰ پیامبر خدا ﷺ - در توصیف امامان ﷺ - . به واسطه
 آنان است که خداوند ﷻ دین خویش را نگاه
 می‌دارد و به واسطه آنان است که شهرهایش را
 آبادان می‌کند و به واسطه آنان است که بدگانش را
 روری می‌دهد و به واسطه آنان است که باران، از
 آسمان می‌باراند و به واسطه آنان است که
 برکت‌های زمین را می‌روانم و در.

فصل چهارم. شناخت امام

۱/۴ وجوب شناخت پیشوایان هدایت

قرآن

«روزی که هر گروهی را با پیش‌یشان فرا می‌خوانیم، پس
 هر کس کارش را به دست راستش دهند، آنان،
 کارنامه خود را می‌خوانند، و به قدر نیک هسته خرمایی
 بر آفتاب پشم می‌شود»

حدیث

۸۵۱ پیامبر خدا ﷺ اگر بسدهای هزار سال در میان
 رُکس و مقام به عبادت خدا بپردازد و سپس
 مظلومانه، مانند قوچ سرش ترمده شود، با این
 حال، خداوند او را با همان گروهی برمی‌انگیزد که
 به آنان اقتدا می‌کند و راه آنان را می‌پیماید و روش
 آنان را می‌پوید، اگر بهشتی باشد، او هم بهشتی
 است و اگر دوزخی باشد، او هم دوزخی است

۲/۴ هشدار درباره نشناختن امامان

۸۵۲ پیامبر خدا ﷺ هر کس بمیرد و امامش را
 نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است.

۸۵۳ پیامبر خدا ﷺ هر کس بدون داشتن امام بمیرد،
 به مرگ جاهلی مرده است

۱ في المصدر «بررة» والتصويب من بحار الأنوار

۲ كمال الدين ص ۱۶۰ ح ۵

۳ الاسراء ۷۱

۴ المجلس ج ۱ ص ۱۲۴ ح ۱۶۶

۵ الکافی ج ۲ ص ۲۰ ح ۶

۶ مستدرك حیل ج ۶ ص ۱۲ ح ۱۶۸۷۶

۸۵۱ کمال الدین عن سلیم بن قیس الهلالی أَنَّهُ سَمِعَ مِنْ سَلْمَانَ وَمِنْ أَبِي ذَرٍّ وَمِنْ الْبَقْدَادِ حَدِيثًا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: «مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»، ثُمَّ عَرَضَهُ عَلَى جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى مُحَمَّدٍ وَنُزَاجٍ، وَقَدْ شَهِدُوا ذَلِكَ وَتَجَمُّعُوا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، وَإِنَّ سَلْمَانَ قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّكَ قُلْتَ: مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً، مَنْ هَذَا الْإِمَامُ؟

قال: «مَنْ أَوْصِيَانِي بِسَلْمَانَ» مَنْ مَاتَ مِنْ أَقْمِي وَلَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مِنْهُمْ يَتَرَفَعُ، فَهِيَ مِيتَةُ جَاهِلِيَّةٍ فَإِنَّ حَقْلَهُ وَعَادَهُ هُوَ مُشْرِكٌ، وَإِنْ خَلَعَهُ وَلَمْ يُعَادِهِ وَبِمِ تَوَالٍ لَهُ عَدُوًّا، فَهُوَ جَاهِلٌ وَلَيْسَ مُشْرِكًا^۱

۸۵۲ کمال الدین - به نقل از سلیم بن قیس هلالی - وی (سلیم) از سلمان و ابو ذر و مقداد، حدیثی به نقل از پیامبر خدا شنید که ایشان فرموده: «هر کس بمیرد و امامی نداشته باشد، به مرگ جاهلی مرده است».

آن را با جابر و ابن عباس در میان گذاشت. هر دو گفتند: راست و درست گفته‌اند، ما خود نیز شاهد آن بودیم و آن را از پیامبر خدا شنیدیم. سلمان گفت: ای پیامبر خدا! شما فرمودی: «هر کس بمیرد و امامی نداشته باشد به مرگ جاهلی مرده است» این امام کیست؟

فرمود: «از اوصای من است، ای سلمان! هر یک از افراد امت من بمیرد و او را از اوصیای من امامی کمربو را بشناسد، باشد، این مرگ جاهلی است. اگر او را بشناسد و با او دشمنی کند، مشرک است و اگر او را بشناسد، ولی با او دشمنی هم نکند و دشمن او را به دوستی نگیرد، چنین کسی جاهل است و مشرک نیست».

سخنی درباره احادیث هشدار نسبت به مرگی که با شناخت امام، همراه نباشد

حادثی که از شناختن امام و قبول نکردن او بر حذر می نازد و مرگ بدون امام و مرگ جاهلی می داند، مورد اتفاق همه مسلمانان است و در کتاب های شیعه و اهل سنت درج شده است. برای مثال، کیسی در الکافی از پیامبر ﷺ چنین نقل می کند:

مَنْ مَاتَ وَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِثْلَ جَاهِلِيَّةٍ^۱

هر کس بمرد و امامتش را نداند، چه مرگ جاهلی مرده است

مکته اصلی در مورد این حدیث، معنای حدیث است، به اصل صدور آن از پیامبر ﷺ و یقین برای فهم این حدیث شریف، باید مقصود از «جاهلیت» روشن شود.

جاهلیت، چیست؟

در فرهنگ اسلامی، عصر رسالت پیامبر خدا، عصر عدم، و دوران پیش از بعثت ایشان، دوران جاهلیت است، مدین معنای پیش از بعثت پیامبر ﷺ به دلیل تحریمی که بر ادیان سمائی پدید آمده بود، مردم، راهی برای شناخت حقایق هستی نداشتند و آنچه به نام دین بر جوامع مختلف بشر حکومت می کرد، چیری جز خرافات و موهومات نبود. در واقع، ادیان تحریم شده و عقید موهوم، ابزارهایی برای سلطه بر و رور بر انسان شده بودند و این، واقعیتی است که تاریخ قبل از اسلام بر آن تأیید می کند.

بعثت مبارک پیامبر ﷺ آغاز عصر علم بود و مسمی ترین مسئولیت ایشان، مبارزه با خرافات و تحریمات و روشن کردن حقایق برای مردم بود.

پیداست که چنین عصری یعنی عصر عدم - که با بعثت پیامبر ﷺ آغاز شد - تنها با حضور او و پس از وفات حضرتش با حضور کسانی که «دلمه دهندگان به حق» و باشند می تواند تداوم پیدا کند یعنی پس از رسول خدا ﷺ امامت، پشتوانه و ضامن تداوم عصر علم با عصر سلام راستین است و بدون این پشتوانه جامعه اسلامی به جاهلیت پیش از اسلام، بازگشت خواهد کرد.

امامی که شناختن لازم است، کیست؟

اندکی تأمل در مصون حدیث - بویژه با توجه به شرحی که گذشت -، ما را از پاسخگویی به این سؤال که.

«امامت کدام امام، همان تدویم اسلام واقعی است و حدیث کدام امامت از جامعه اسلامی به معنای بازگشت به جاهلیت است؟»، بی سار می‌کند آیا می‌شود گفت تردید که مقصود پیامبر ﷺ این است که شایسته و پیروی هر کس که امام امور جامعه را به دست گیرد در همه مناصب واجب و ضروری است و اگر کسی چنین رهبری را شناسد، به مرگ جاهلی مرده است، بدون توبه نه پس که ممکن است چنین رهبری، ستمگر و به گفته قرآن کریم از «انمة نار» باشد؟!]

باین باب این، بدون تردید، مقصود از حدیثی که مرگ بدون امام را مرگ جاهلی می‌داند، بیم دادن از عدم تمسک به ولایت اهل بیت ﷺ است که ضرورت تمسک به آنان، در حدیث ثقیف و حدیث عدیر و صدها حدیث دیگر، برای مردم، بیان شده است.



الفصل الخامس، شروط الإمامة

فصل پنجم، شرایط امامت

۱ / ۵ البص من الله

۱ / ۵ تعیین شدن از جانب خداوند

الكتاب

قرآن

﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِنْ بُرْهَانَ رَبِّهِمْ رَبُّهُ بِكَفْتَتٍ فَأَخَذْتَهُمْ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالُوا وَمَنْ نَرِيكَ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِكَ قَالُوا لَا يَمُنُّ إِلَّا الَّذِينَ عَمِلُوا الصَّالِحِينَ﴾^۱

التحديث

حديث

۸۵۵ رسول الله ﷺ: «يُهَا النَّاسُ، لَا تَأْتُونِي غَدًى بِأَنْدِيَا تَرْفَعُونَهَا رَفَاعًا، وَيَأْتِي هَلْ بَيْتِي شَعْنًا»^۲ عُرِّقَ مَقَهُورِينَ مَظْلُومِينَ، نَسِيلُ دِمَائِهِمْ، إِيَّاكُمْ وَأَسَاغِ الصَّلَاةِ وَنَسُورِي بِجَهَنَّمَ، إِلَّا وَإِنْ هَذَا الْأَمْرُ لَهُ أَصْحَابٌ قَدْ سَمِعْتُمْ أَقْوَامًا لِي وَعَرَفْتُمِهِمْ، وَأَلَمْتُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ، وَلَكِنِّي أُرْكُمْ قَوْمًا مَعْلُومُونَ^۳

۲ / ۵ التَّقْدُمُ فِي الْعِلْمِ

۸۵۶ رسول الله ﷺ: مَا ذَلِكُ أُمَّةٌ أَمَرَهَا رَحْلًا قَطُّ وَمِنْهُمْ مَنْ هُوَ أَعْلَمُ مِنْهُ، وَلَا تَمُوتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ يَدَّهَبُ شَعْلًا، حَتَّى يَرْجِعُوا إِلَى مَا تَرَكَوْا^۴

۸۵۷ عنه ﷺ: أَلَا وَمَنْ أُمَّةٌ قَوْمًا إِمَامَةً عَمِيَاءَ، وَفِي الْأُمَّةِ

۱ البقرة: ۱۲۸

۲ رَفَعَتْ الْعُرُوسُ أَرْغَفَهَا بِأَنْدِيَا هِيَ إِلَى رُجْعِهَا إِلَيْهَا ح ۳ ص ۳۰۵ (رفعه)

۳ الْأَشْمُتُ هُوَ الْمُعْبَرُ الرَّأْسُ وَالصَّحَاحُ ج ۱ ص ۲۸۸ «شعنه»

۴ حَصَاتِي الْأَشْمُتِ ص ۷۴

۵ الْأَمَلِيُّ لِلطُّوسِيِّ ص ۵۶۶ ح ۱۱۷۴

﴿وَأَنْ گاه که ابراهیم را پروردگارش آرمود و او آنها (آرامش‌ها) را به انعام رساند، فرمود: «مس، شو را پیشوایی مردم قرار دادم» ابراهیم گفت: «و او مردمان من؟» فرمود: «عهد من به مستکاران (بزار مردمان تو) نمی‌رسد»﴾

۸۵۵ پیامبر خدا ﷺ: ای مردما فردا [ای قیامت] ب عروس دنیا مرد می‌یابید، در حالی که خانوادهم (ولیده و خاک‌الود و شکست‌خورده و ستم‌دیده و در گمراهی که خون‌هایشان جاری است، نزد من آیند. زنجارشان باد از نعمت گمراهی و شوری جهالت! بندگان من مقدم [پیشوایی و امامت] صاحب‌بسی دارد که خداوند ﷻ آنان را بر من نام برده و به من معرفی‌شان کرده است و من، پیامی را که برای ابلاغ آن به شما فرستاده شده‌ام به شما رساندم، بیا این حال، شما را مردمی بدان می‌بینم^۱

۲ / ۵ برتری در علم

۸۵۶ پیامبر خدا ﷺ: هر گاه امتی رمام مور خود را به دست مردی بسپارد و در میان آنان، دانایتر او وجود داشته باشد، امورشان پیوسته رو به سقوط می‌رود، مگر آن که به آنچه ترک کرده‌اند، بازگردند.

۸۵۷ پیامبر خدا ﷺ: ها! هر کس پیشوایی کورکورانه قومی را به دست گیرد و در میان امت، کسی دانایتر

۱ یا: «شمار مردمی می‌بینم که نادانی می‌کنند [و برای انتخاب رهبر و حقیقه، دست به اقدامی جاهلانه می‌زنند]»

مَنْ هُوَ أَعْلَمُ بِهِ فَقَدْ كَفَرَ^۱

از او وجود داشته باشد، کافر است.

الفصل السادس. مواضع الإمامة

فصل ششم. مواضع امامت

۱/۶ مَقَابِلَةُ الْهَوَى

۱/۶ پیروی از هوای نفس

۸۵۸ رسول الله ﷺ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِدَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَرَامٌ عَلَيَّ كُلُّ قَلْبٍ عَالِمٍ مُحِبٍّ يَشْهُوَابٍ، أَنْ أَجْعَلَهُ إِمَاماً يَلْمُتُنِي^۲

۸۵۸. پیغمبر خدا ﷺ: خدای متعال به داوود علیه السلام فرمود، در دل هر دانشمند هوس خواهی حرام است که او را پیشوای پر هیروگاران قرار دهم.

۲/۶ الضَّعْفُ

۲/۶ ناتوانی

۸۵۹ رسول الله ﷺ: إِمَامُ الضَّعِيفِ تَلْعَوُ^۳

۸۵۹ پیغمبر خدا ﷺ: پیشوای ناتوان، از رحمت خدا به دور است

۳/۶ الرَّدَائِلُ الْأَخْلَاقِيَّةُ

۳/۶ ردیلهای اخلاقی

۸۶۰ رسول الله ﷺ لَا يَتَّبِعُ لِحَاكِمٍ مِنْ حُكَّامِ الْمُسْلِمِينَ أَنْ يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ: الْحِدَّةُ^۴ وَالْحَمْدُ وَالْحَمْدُ^۵

۸۶۰ پیغمبر خدا ﷺ: شایسته نیست که حاکمی از میان مسلمانان، سه حسلت در او باشد: تندی، کینه نوزی، و حسادت

الفصل السابع وأجبات الإمام

فصل هفتم وظایف امام

۱/۷ الرُّقَاةُ عَلَى إِمَامَةِ الْقِيَادَةِ

۱/۷ پاسداری از امامت رهبری

الكتاب

قرآن

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذْ خَلَّيْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَبْغُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعاً نَصِيراً﴾^۱

﴿ما نازل خدایند به شما امری می دهد که امانت ها را به صاحبانش باز گردانید و هر گاه میان مردم دلدوری کردید، به داد دلدوری کنید. خدا، شما را بیکو پند می دهد، خدا، شوق و پیوسته﴾^۱

۱ منظور از امانت در این به شریف، امامت است و این مع آن گاه بیشتر خود را روشن می نمایند که مادر احدی در باره شرایط امامت، مانند تعیین شدن از جانب خداوند و احادیث دین این شرط، حذف کنیم

پس امامت از جهت این که منصب الهی برای امام است، نوعی امانت خدایند نزد امام به حساب می آید و بر او، واجب است که آن را نگهداری کند و رعایت و نگهداری شایسته آن، عمل به دستورهای خدایند و تسلیم کردن لوازم امامت، از جمله کتاب و اسلحه به امام بعدی، هنگام وفات است

۱ الصراط المستقیم ج ۲ ص ۱۳۵

۲ مشکاة الانوار ص ۱۵۸ ج ۳۹۹

۳ المردوس ج ۱ ص ۱۲۱ ج ۱۱۰

۴ الحدیث ما یعتري الإنسان من التری والغصب (الصحاح ج ۲ ص ۶۶۳ حدیث ۴۵۳)

۵ المردوس ج ۵ ص ۱۳۹ ج ۷۷۳۶

۶ الباء ۵۸

الحديث

حديث

۸۶۱ رسول الله ﷺ كَلَّمَكُمْ رَاعٍ وَكَلَّمَكُمْ مَسْوُولٌ عَنْ

۸۶۱. پیامبر خدا ﷺ همه شما سرپرست هستید و

رَعِيَّتِهِ، لِإِمَامٍ رَاعٍ وَمَسْوُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ^۱

همه‌تان دربارهٔ ریبر دست حدود، بازخواست

می‌شوید. پیشوا بر سرپرست است و دربارهٔ زیر

دستانش مسئول است

۸۶۲ عَنْهُ ﷺ مَا مِنْ أَمِيرٍ يُؤْمَرُ عَلَى عَشْرَةٍ، لَا تُحِلُّ

۸۶۲. پیامبر خدا ﷺ هیچ امیری نیست که بر ده نفر امر

شود مگر آن که روز قیامت، دربارهٔ آنان از او

بازخواست گردد

۲/۷. استعمالُ الأُفْصَلِ

۸۶۳ رسول الله ﷺ مَنْ اسْتَعْمَلَ رَجُلًا مِنْ عِبَادَتِهِ^۲

۲/۷ به کار گماشتن برترین‌ها

وَبِي بَلَدٍ الْبَصَائَةِ مِنْ هُوَ أَرْضِي قَوْمُهُ، فَقَدْ حَانَ لَقَّةُ

۸۶۳. پیامبر خدا ﷺ هر کس از میان گروهی، مردی را

به کار گمارد و در میان آن گروه، شخص حدی

پسندتر از او وجود داشته باشد، به خدا خیانت

کرده، به پیامبر او خیانت کرده و به مؤمنان، خیانت

کرده است

وَحَانَ رَسُولُهُ، وَحَانَ الْمُؤْمِنِينَ^۳

۸۶۴ عَنْهُ ﷺ مَنْ اسْتَعْمَلَ عَامِلًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، وَهُوَ

۸۶۴. پیامبر خدا ﷺ هر کس از میان مسلمانان کارگراری

برگمارد، در حالی که می‌داند در میان آنان

شایسته‌تر از او به این کار و داناتر به کتاب خدا و

سنت پیامبرش وجود دارد، بی‌گمان به خدا و

پیامبر او و همهٔ مسلمانان، خیانت ورزیده است

۳/۷. عَدَمُ اسْتِعْمَالِ الْحَرَبِيِّ عَلَى الرِّثَائَةِ

۸۶۵ صحيح البخاري عن أبي موسى، ذَكَرْتُ عَلَى

النَّبِيِّ ﷺ أَنَا وَرَجُلَانِ مِنْ قَوْمِي، فَقَالَ أَخَذَ الرَّحْلَيْنِ

أَمْرُنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَقَالَ الْآخَرُ مِثْلَهُ

فَقَالَ إِنَّا لَا نُؤْتِي هَذَا مَنْ سَأَلَهُ، وَلَا عَنْ حَرَضٍ

عَلَيْهِ^۴

۳/۷ به کار نگماشتن افراد ثقیفه ریاست

۸۶۵ صحيح البخاري- به نقل از ابو موسی - من و دو نفر

دیگر از قومم خدمت پیامبر ﷺ رسیدیم یکی از

آن دو گفت ای پیامبر خدا! مرا امیر قرار ده

آن دیگری نیز چنین درخواستی کرد

پیامبر ﷺ فرمود: اما این کار را به کسی که آن

را درخواست یا آرشد بر آن باشد، نمی‌سپاریم!

۱ صحيح البخاري ج ۱ ص ۳۰۴ ح ۸۵۲

۲ المعجم الكبير ج ۱ ص ۳۲۵ ح ۱۲۱۶۶

۳ العصابة الجماعه من الناس (الصحاح ج ۱ ص ۱۸۳

ص ۱۵۴)

۴ المستدرک علی الصحیحین ج ۴ ص ۱۰۶ ح ۷۰۲۳

۵ التلخیص ج ۱ ص ۲۰۱ ح ۲۰۳۶۴

۶ صحيح البخاري ج ۶ ص ۲۶۱۴ ح ۶۷۳۰

۱/۷ المحنة والرخصة لجميع الناس

۲/۷ محنت و مهربانی با عموم مردم

۸۶۶ رسول الله ﷺ: اللَّهُمَّ مَنْ وَلِيَ مِنْ أَمْرِ أُتِي شَيْئاً فَشَقَّ عَلَيْهِمْ فَاشْفَعْ عَلَيْهِ، وَمَنْ وَلِيَ مِنْ أَمْرِ أُتِيَ شَيْئاً فَرَفَّقَ بِهِمْ فَارْفُقْ بِهِ^۱

۸۶۶ پیامبر خدا ﷺ: بار خدا یا! هر کس رمام چیری از امت مرا به دست گیرد و بر آید سخت گیرد، تو بر او سخت گیر و هر کس رمام چیری از امت را به دست گیرد و با آید نرمش کند، تو با او به نرمی رفتار کن

۵/۷ الاتصال المباشر بالناس

۵/۷ ارتباط مستقیم با مردم

۸۶۷ رسول الله ﷺ: مَا مِنْ إِمَامٍ يَعْلُقُ بِأَنَّهُ دُونَ نَوِي الْحَاجَةِ وَالْحَلَّةِ^۲ وَالْمَسْكَنَةِ، لَا أَعْلَقُ اللَّهُ أَبْوَابَ السَّمَاءِ دُونَ حَلَّتْهُ وَحَاجَّتْهُ وَمَسْكَنَتِهِ^۳

۸۶۷ پیامبر خدا ﷺ: هیچ پیشوایی نیست که در [احنه] خود را به روی بیمارندان و درویشان و مستمندان بندد مگر آن که خداوند درهای آسمان را بر روی نیاز و درویش و مستمندی او فراموشی بندد

۸۶۸ عنه ﷺ: مَنْ وَلِيَ مِنْ أَمْرِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئاً فَاحْتَجَبَ عَنْ صَفَةِ الْمُسْلِمِينَ، احْتَجَبَ اللَّهُ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۴

۸۶۸ علیه ﷺ: کس زلی من امر المسلمین شیئاً فاحتجب عن صفته المسلمین، احتجب الله عنه يوم القيامة^۴

۶/۷ تقديم المستضعفين

۸۶۹ رسول الله ﷺ: مِنْ كَلَامٍ قَالَهُ لِبُيِّطٍ لَنَا اسْمَتُهُ عَلَى الْيَمَنِ - قَدَّمَ الْوَصِيفَ قَبْلَ الشَّرِيفِ، وَقَدَّمَ الضَّعِيفَ قَبْلَ الْقَوِيِّ^۵

۸۶۹ پیامبر خدا ﷺ: هر کس رمام کاری از کارهای مسلمانان بگوید به دست گیرد و خود را از دسترس مسلمانان مستضعف به دور دارد، خداوند در روز رستخیز، ضعیف را پیش از قوی و درویش را پیش از دسترس او دور نگه می دارد

۸۶۹ رسول الله ﷺ: مِنْ كَلَامٍ قَالَهُ لِبُيِّطٍ لَنَا اسْمَتُهُ عَلَى الْيَمَنِ - قَدَّمَ الْوَصِيفَ قَبْلَ الشَّرِيفِ، وَقَدَّمَ الضَّعِيفَ قَبْلَ الْقَوِيِّ^۵

۶/۷ مقدم داشتن مستضعفان

۷/۷ التَّقَشُّفُ فِي الْبُفْقَةِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ

۸۶۹ پیامبر خدا ﷺ: - از سخنان ایشان به علی علیه السلام هنگام که او را بر یمن گماشت - هر و دست را بر مرادست، مقدم بدار و ناتوان را بر رورمند

۸۷۰ رسول الله ﷺ: لَا يَجُزُّ لِلْحَلِيفَةِ مِنْ مَالِ اللَّهِ الْإِ قَصْعَتَانِ، قَصْعَةً بَأْكُلُهَا هُوَ وَأَهْلُهُ وَقَصْعَةً يَصْنَعُهَا يَدِي لِنَاسٍ^۶

۷/۷ صرفه جوئی در هزینه کردن از بیت المال

۸۷۰ پیامبر خدا ﷺ: برای حلیفه از مال خدا، بیش از دو کاسه روا نیست. کاسه ای که خود و خانواده اش بخورند؛ و کاسه ای که در برابر مردم بگذارد

۱ صحیح مسلم ج ۳ ص ۱۵۸ ح ۱۹
۲ المحنة - بالفتح - الحاجة والضرر (الهایه ج ۲ ص ۷۲ - حال)

۳ من الثرمذی ج ۳ ص ۶۱۹ ح ۱۲۳۲

۴ المعجم الكبير ج ۲۰ ص ۱۵۲ ح ۳۱۶

۵ النسخ لکیری ج ۱۰ ص ۲۲۷ ح ۱۵۲

۶ مستدرک حبی ج ۱ ص ۱۶۹ ح ۵۷۸

۱ یعنی برای خود حاجت و دربان بگیرد و اجازه بدهد مسلمانان به راحتی و مستقیم با او تماس بگیرند

الفصل الثامن: من حقوق الإمام

فصل هشتم: برخی حقوق امام

۱/۸ الطاعة

۱/۸ فرمان‌برداری

الكتاب

قرآن

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ
وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾^۱

﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را اطاعت کنید و پیامبر
و تولی‌ای سر خود را [نیز] اطاعت کنید﴾

حدیث

الحدیث

۸۷۱ پیامبر خدا ﷺ هر کس با هیچ چیز خداوند ﷻ را
دینار کند بهشت از آن او باشد: نماز، زکات، حج
خانه خدا، روزه ماه رمضان، و فرمان‌برداری از
مأموران؛ اما از هیچ مخلوقی نباید در آنچه با فرمانی
خداست، فرمان برد.

۸۷۱ رسول الله ﷺ لما أمر من علي الله بحمسين سنة
الجنة: الصلاة، والركاء، وحج البيت، وصيام شهر
رمضان، وطاعة ولاية الأمر ولا طاعة لمخلوق في
معصية الحالی^۲

۸۷۲ پیامبر خدا ﷺ من به فرمان‌برداری از خداوند
پروردگارم، مأمور شده‌ام و ایمان از اهل بیت من به
فرمان‌برداری از خدا و فرمان‌برداری از من، مأمور
انگاشتم و دیگر مردمان، همگی، به فرمان‌برداری از
خدا و من و فرمان‌برداری از امامان از اهل بیت من،
مأمور شده‌اند پس، هر که از ایشان پیروی کند،
نجات می‌یابد و هر که ایشان را واگذارد تباہ شود

۸۷۲ عنه ﷺ أمرت بطاعة الله ربي، وأمر، لأئمة مني
أهل نبي بطاعة الله وطاعتي، وأمر الناس جميعاً
دوهم بطاعة الله وطاعتي وطاعة الأئمة من أهل
نبي، فمن تبعهم نجا ومن تركهم هلك^۳

۸ ۲ النصيح

۲/۸ خيرخواهی

۸۷۳ رسول الله ﷺ ما نظر الله إلى ولي له يُجهد
نفسه بالطاعة لإماميه وتُصيبة، إلا كان معنا في
الرفيق الأعلى^۴

۸۷۳ پیامبر خدا ﷺ خداوند ﷻ به هیچ دوستی از
دوستان خود که در فرمان‌برداری از پیشوایش و
خیرخواهی^۱ نسبت به او جدیت نماید، نظر نمی‌کند
مگر این که در رفیق اعلیٰ^۲ با ما باشد.

۸۷۴ عنه ﷺ أمركم أن لا تُشركوا بالله شيئاً، وأن
تُعصموا بالطاعة جميعاً حتى يأبىكم أمر الله وأنتم
على ذلك، وأن تُصاحبوا ولاية الأمر من الدين

۸۷۴ پیامبر خدا ﷺ به شما توصیه می‌کنم که چیزی را
شریک خدا نگردانید و همگی به رشته فرمان‌برداری

۱ الساء ۵۹

۲ تاریخ دمشق ج ۱۶ ص ۳۲۲

۳ دهام الإسلام ج ۱ ص ۲۶

۴ الکافی ج ۱ ص ۱۰۴ ح ۳

۱ واژه «نصیح» که در اصل عربی حدیث بر این گروه از احادیث

است، لب، به معنای: خلوص، بی غل و غش بودن، صداقت و

یکپارگی، خیرخواهی و راه‌نمایی و ارشاد است

۲ درجه‌ای است در بهشت

يَأْمُرُونَكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ^۱

۳/۸ التَّعْظِيمُ

۸۷۵ رسول الله ﷺ: مِنْ حَقِّ جَلَالِ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ.

إِجْلَالُ الْإِمَامِ الْمُقْسِطِ^۲.

۸۷۶ عَنْهُ ﷺ مَثَلُ الْإِمَامِ مَثَلُ الْكَعْبَةِ، إِنْ تَوَسَّى وَلَا تَأْتَى^۳.

الفصل التاسع عدد الأنعة من أهل البيت

۱/۹ ما روي بلفظ «اثنا عشر خليفة»

۸۷۷ صحيح مسلم عن جابر بن سمرة: سَمِعْتُ رَسُولَ

اللَّهِ ﷺ يَقُولُ لَا يَزَالُ الْإِسْلَامُ عَرِيضاً إِلَى اثْنَيْ عَشَرَ

خَلِيفَةً، ثُمَّ عَانَ كَلِمَةً ثُمَّ أَهْمَهَا، فَقُلْتُ لِأَبِي: مَا هَذَا؟

فَقَالَ: كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ^۴.

۸۷۸ المستدرک علی الصحیحین عن عرو بن أنس: خَلِيفَةُ

عَنْ أَبِيهِ كُنْتُ مَعَ عَمِّي عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ، فَقَالَ لَا يَزَالُ

أَمْرُ أُمَّتِي صَالِحاً حَتَّى يَمُوتَ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً، ثُمَّ قَرَأَ

كَلِمَةً وَخَفَضَ بِهَا صَوْتَهُ

فَقُلْتُ لِعَمِّي: وَكَانَ أَمَامِي - مَا قَالَ يَا عَمُّ؟

قَالَ: قَالَ يَا بُنَيَّ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ^۵.

۸۷۹ الغيبة للنعماني عن عبد الله بن عمرو: سَمِعْتُ

رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ يَكُونُ خَلِيفَتِي اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً^۶.

۱ المعجم الكبير ج ۹ ص ۲۹ ح ۸۳۰۷

۲ التفضيل العادل (النهاية ج ۴ ص ۶۰ - قدس سره)

۳ تاريخ المعري ج ۲ ص ۹۶

۴ كنز الأثر ص ۱۹۹

۵ صحيح مسلم ج ۳ ص ۱۴۵۳ ح ۷

۶ المستدرک علی الصحیحین ج ۲ ص ۷۱۶ ح ۶۵۸۹

۷ الغيبة للنعماني ص ۱۰۵ ح ۳۴

چنگ زبید تا در این حال، فرمان خدا شما را در

رُسد، و نسبت به رعایان آنی که شما را به فرمان خدا

فرمان می دهد، حیرخواهی داشته باشید.

۳/۸ بزرگداشت

۸۷۵ پیامبر خدا ﷺ یکی از حقوق جلال خداوند بر

بندگان، برگذاشت پیشوای دادگر است

۸۷۶. پیامبر خدا ﷺ مثل امام، مثل کعبه است که سزد

آن می رود و لو نزد کسی می رود

فصل نهم شعار امامان اهل بیت

۱/۹ آنچه با عمارت «بازده جانشین» روایت

شده است

۸۷۷. صحیح مسلم - به نقل از جابر بن سمرة -

شَهِدْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ إِذَا قَالَ: «إِسْلَامٌ تَأْتِيهِ دَوَاوِدُ

جَانِشِينَ، عَمَّيْجَانُ عَرِيرٌ وَ قَدَرُ تَمْدٍ اسْت.»

سپس جمله ای فرمود که آن را به منیدم، به پدرم

گفتم، چه فرمود؟

گفت: [ایشان فرمود] «همگی آنان از قریش اند.»

۸۷۸ المستدرک علی الصحیحین - به نقل از ابو جحیفه -

بأصوبهم خدمت پیامبر ﷺ بودم که فرمود: «کار ائمت

پیوسته درست خواهد بود تا آن که دوازده جانشین

بگذرد.»

سپس با صدای آهسته جمله ای فرمود، به عموم

- که جلو من بود - گفتم، چه فرمود، عمو جان؟

گفت: پسرها فرمود «همه آنان از قریش اند.»

۸۷۹ الغيبة، نعمانی - به نقل از عبد الله بن عمرو -

از پیامبر خدا شنیدم که می فرماید: «پس از من،

دوازده جانشین خواهد بود»

۲/۹. ما رُوِيَ بِلَفْظٍ «إِثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا»

۸۸۰ صحیح البخاری عن جابر بن سمرة: سَمِعْتُ

النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ: يَكُونُ اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا

فَقَالَ كَلِمَةً لَمْ أَسْمَعْهَا.

فَقَالَ أَبِي إِنَّهُ قَالَ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ^۱

۳/۹ ما رُوِيَ بِلَفْظٍ «إِثْنَا عَشَرَ إِمَامًا»

۸۸۱ رسول الله ﷺ - لِأَعْلَى ﷺ - الْأَيْمَةُ بَعْدِي اثْنَا

عَشَرَ، أَوَّلُهُمْ أَنَسُ بْنُ عَدِيٍّ، وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ الَّذِي

يَفْتَحُ اللَّهُ ﷻ عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا^۲

۴/۹ ما رُوِيَ بِلَفْظٍ «إِثْنَا عَشَرَ وَصِيًّا»

۸۸۲ رسول الله ﷺ أَنَا سَيِّدُ النَّبِيِّينَ وَعَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ

سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ، وَبَنُ أَوْصِيَائِي بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ، أَوَّلُهُمْ

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ ﷺ^۳

۵/۹ ما رُوِيَ بِلَفْظٍ «إِثْنَا عَشَرَ عَدَدُ نَقَبَاءِ بَنِي

إِسْرَائِيلَ»

۸۸۳ «مُحَمَّدُ بْنُ قَيْسٍ بْنُ عَبْدِ كُنَّا جُلُوسًا فِي حَلْقَةٍ

فِيهَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ، فَجَاءَ أَهْرَابِيُّ فَقَالَ: أَيُّكُمْ

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ؟ فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ: أَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ

مَسْعُودٍ، قَالَ: هَلْ حَدَّثَكُمْ نَبِيُّكُمْ ﷺ كَمَا يَكُونُ يَحْدُثُ

مِنَ الْحُلَمَاءِ؟

قَالَ نَعَمْ، إِثْنَا عَشَرَ عَدَدُ نَقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ^۴

۱ صحیح البخاری ج ۶ ص ۲۶۴۰ ح ۶۷۹۶

۲ کمال الدین ص ۲۸۲ ح ۲۵

۳ کمال الدین ص ۲۸۰ ح ۲۹

۴ التخصال ص ۴۶۷ ح ۷

۲/۹ آنچه با عبارت «دوازده امیر» روایت شده

است

۸۸۰ صحیح البخاری - به نقل از جابر بن سمرة -

از پیامبر ﷺ شنیدم که می‌فرماید «دوازده امیر

خواهند آمد».

سپس کلمه‌ای گفت که من آن را نشنیدم، پدرم

گفت: ایشان فرمود: «همه آنان از قریش‌اند»

۳/۹ آنچه با عبارت «دوازده امام» روایت شده

است

۸۸۱ پیامبر خدا ﷺ به علی ﷺ - امامان پس از من،

دوازده نفرند: نخستین آنان تو هستی - ای علی - و

آخریشان قائم است که خداوند ﷻ شرق و غرب

را به دست او فتح می‌کند

۴/۹ آنچه با عبارت «دوازده وصی» روایت شده

است

۸۸۲ پیامبر خدا ﷺ من سرور پیامبرانم و علی بن

ابی طالب، سرور اوصیاست، اوصیای پس از من،

دوازده نفرند که نخستین آنها علی بن ابی طالب و

آخریشان قائم است

۵/۹ آنچه با عبارت «دوازده نفر به شمار نقبای

بنی اسرائیل» روایت شده است

۸۸۳ التخصال - به نقل از قیس بن عبد - ما در حلقه‌ای

که در آن عبد الله بن مسعود بود، بنشین بودیم، در

این هنگام، پادیه‌شبی آمد و گفت: کدام یک از شما

عبد الله بن مسعود است؟

عبد الله گفت: من عبد الله بن مسعود هستم

گفت: آیا پیامبر شما، از شمار حلقای بعد از

خودش سخن گفته است؟

گفت: آری، دوازده تن به شمار نقبای بنی

اسرائیل

۶/۹ ما رَوِيَ فِي إِمَامَةِ الْإِمَامِ عَلِيِّ ﷺ وَ أَحَدِ
عَلِيٍّ مِنْ وَلَدِهِ

۹ آنچه درباره امام علی ﷺ و پسران او از
فرزندان او روایت شده است

۸۸۱ رسول الله ﷺ - لِعَلِيٍّ ﷺ - يَا عَلِيُّ تَنَا وَأَنْتَ وَبَنَاتُ
الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَتِسْعَةُ مِنْ وَبَنَاتِ الْحُسَيْنِ، أَرْكَبُ
الدَّيْرَ، وَدَعَائِمُ الْإِسْلَامِ، مَنْ تَبِعْنَا نَجَا وَمَنْ تَحَنَّفَ
عَنَّا دَلَّى السَّارِ ۱

۸۸۲ پیامبر خدا ﷺ - به علی ﷺ - ای علی! من و نو
و دو پسر من حسن و حسین و نه تن از پسر
حسین از کربلا دین و تکیه گاه های اسلام هستیم
هر که از ما پیروی کند، رهایی می یابد و هر که از ما
روی بگرداند، به سوی آتش ره می سپارد

۸۸۵ الْحَصَالُ عَنْ سُلَيْمَانَ ذَخَلْتُ عَلَى أَبِيهِ ﷺ وَ دَا
الْحُسَيْنِ ﷺ عَلَى فَحْدِيهِ وَهُوَ يَهْتَلُ عَيْنِهِ وَيَسْتَمُ هَاءُ
وَهُوَ يَقُولُ أَنْتَ سَيِّدُ اسْمِي أَنْتَ إِمَامُ اسْمِي إِمَامُ أَبِي
الْأَيْمَنِ، أَنْتَ حُجَّةُ ابْنِ حُجَّةٍ أَسْوَ حُجَجٍ بِسْمَةِ مَسِي
صَلَبِكَ، تَأْسِفُهُمْ فَإِنْهُمْ ۲

۸۸۵ الحصال - به نقل از سلمان - بر پیامبر ﷺ وارد
شدم دیدم حسین ﷺ مرا سوی اوست و پیامبر ﷺ
بر پیشانی و دهان او بوسه می زد و می فرمود
«تو اقا و اقاراده ای تو امام و امام راده ای پدر
ایم منم». تو حجت و فرزاد حجت و پدر
حجت های نه گانه ای هستی که در پشت تو هستند
و بهمین ایشان، قائمشان است»

۱ الأمان للعبد ص ۲۱۷ ح ۴

۲ الحصال ص ۱۷۵ ح ۳۸

پژوهشی درباره احادیث مربوط به تعداد امامان

بر پایه احادیثی که در فصل بهم آمد، پیامبر خدا دوازده نفر از خاندان خود را یکی پس از دیگری به عنوان جانشینان خود و امامان و رهبران آینده جهان اسلام، به امت، معرفی کرده است. این متون را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد:

دسته اول، احادیثی که در منابع روایی پیروان اهل بیت^۱ آمده است. سده این احادیث، صحیح و معتبر است و دلالت آنها بر مبای پیروان اهل بیت، در موضوع امامت، روش و غیر قابل تردید است. دسته دوم، احادیثی که منبع اهل سنت از پیامبر خدا روایت کرده‌اند. این احادیث بر مبای اهل سنت از صحت و اعسار لازم برخوردارند؛ لیکن دلالت آنها به وضوح دلالت احادیث دسته اول نیست و از این رو، احتمالات مختلفی در تبیین مقصود از آنها ذکر شده است.

در این پژوهش، علاوه بر ارزیابی سده این دسته از احادیث، روشی خواهد شد که مقصود از آنها نیز، چیری جز مدلول روایات دسته اول نیست.

۱ ارزیابی سده احادیث

در زمینه ارزیابی سده احادیث مربوط به تعداد خلفا، چند نکته قابل ذکر است.

الف - سده این احادیث در منابع کهن و معتبر اهل سنت^۲ به جابر بن سمره و ابی جحیفه می‌رسد.

ب - گزارش جابر بن سمره نزد اهل سنت، صحیح و معتبر است. تقوی در ارزیابی این حدیث می‌گوید: بر صحت این حدیث، اتفاق وجود دارد.^۳

عزوز بر این، آلبانی برحی طریق این حدیث را صحیح می‌داند.

۲ اختلاف در متن احادیث

متن حدیث جابر بن سمره به گونه‌های مختلفی گزارش شده است. مطابق برخی از نقل‌ها، متن حدیث با عبارت

۱ صحیح مسلم ج ۶ ص ۳ و ۴، مسند ابی حنبل ج ۵ ص ۸۷ - ۸۹، مسند ابی داود ج ۲ ص ۳۰۹ ح ۲۳۸۱، صحیح ابی حنبل ج ۱ ص ۱۵

۲۲، المعجم للکبیر ج ۲ ص ۱۹۵ - ۲۳۲، تاریخ بغداد ج ۲ ص ۱۲۴

۳ شرح السنة ج ۱۵ ص ۳۱

«لَا يَزَالُ أَمْرُ النَّاسِ مَا صِياً مَا وَلِيَهُمْ اثْنَا عَشَرَ رَجُلًا» هر روز، امور مردم انجام می‌شود، مادام که دوازده مرد، سرپرست آنها باشند، گرازش شده است

همه این گرازش‌ها نشان دهنده آن است که پیامبر حدیث را بر پی معرفتی جانشینان خود و رهبران آینده جهان اسلام بوده و روی به روایان حدیث، سخن پیامبر ﷺ را نقل به معاکرده‌اند

نکته قابل توجه، این که پس از معرفتی دوازده نفر به عنوان جانشینان پس از پیامبر ﷺ توسط ایشان، همه و هیاهو، مجلس را فراگرفت، به گونه‌ای که جابر بن سمره تصریح می‌کند که سخن پایانی پیامبر ﷺ را شنیده است و از پدر یا عموی خود می‌پرسد که: «ایشان چه گفت؟ و او پاسخ می‌دهد که ایشان فرمود: «كَلَّهْم مِّن قَرِيْشٍ»^۱ همه آنها از قریش‌اند» یا «كَلَّهْم مِّن مِّنِ هَاشِمٍ»^۲ همه آنها از بی هاشم‌اند»

این، نشان می‌دهد که عصری سیاسی برای اعلان رهبران آینده جهان اسلام، مناسب بوده است، چنان که حمزة «وَاللَّهِ يَغْضَبُكَ مِنَ النَّاسِ»^۳ خداوند زود از سبب مردمان خفت می‌کند، در حریران عدیر اشاره به همین واقعیت است

۳ مقصود از دوازده حلیفه

تامل در ویژه‌های «حلیفه»، «امام»، «وصی»، «القیر» و «العظ مشه‌ن» که در گرازش‌های مختلف حدیث جابر آمده به روشی نشان می‌دهد که پیامبر ﷺ در این پیام مهم، در صد اراکه مشخصات افرادی بوده که شایستگی علمی، علمی، سیاسی و مدیریتی لازم را برای رهبری جامعه اسلامی پس از او دارند، کسانی که از هر جهت می‌توانند حلیفه خدا و حلیفه پیامبر خدا باشند. لیکن این‌ها چه کسانی هستند؟

از نگاه پیروان اهل بیت ﷺ پاسخ این سؤال روشن است. از آنجا که حنفی دوازده گانه پیامبر ﷺ دوازده تن از اهل بیت ایشان هستند که اولین آنها، امام علی ﷺ و آخرین آنها امام مهدی ﷺ است که هم اکنون، زنده است و روزی جهان را پُر از عدل و انصاف خواهد کرد

محدثان اهل سنت با این که حدیث جابر بن سمره را صحیح می‌دانند، پاسخ روشنی برای تبیین مصادیق حنفی دوازده گانه ندارند و آن‌ها که این حوی در کتاب کشف المشکل می‌گویند

اگر چه درباره این حدیث جستجوی بسیاری کردم و در مورد آن سوال نمودم بکر کسی را یافتم که مقصود [واقعی] آن را بداند ■

مطلب نیز چنین تصریح می‌نماید

کسی را یافتم که به مصای حنفی این حدیث، رسیده باشد^۴

- ۱ صحیح مسلم ج ۳ ص ۱۴۵۲ ح ۱۶ التخصیص ص ۲۷۲ ح ۲۷، بحواله الأئمة ج ۳ ص ۲۳۹ ح ۲۵
- ۲ مستدرک حبی ج ۲ ص ۲۲۹ ح ۲۱۹۹۱
- ۳ منابع المودة ج ۲ ص ۳۱۶ ح ۹۱۸
- ۴ مائده ۱۷۷
- ۵ کشف المشکل ج ۱ ص ۴۲۹ فتح الباری ج ۳ ص ۲۱۲
- ۶ ر. ک. فتح الباری ج ۱ ص ۲۱

همچنین این حجر، اجمالاً عدم فهم حدیث یاد شده را، تأیید می‌کند.^۱

البته عده‌ای (از جمله افراد یاد شده) خواسته‌اند که رُو به صورت احتمال، مقصود از حنفی دوازده گانه را بیان کند؛ لیکن با تأمل در آنچه گفته‌اند، مشخص می‌گردد که مدعای آنان، به از حیث عدد و به از حیث ویژگی‌ها با آنچه پیامبر ﷺ فرموده است، قابل انطباق نیست.



الفصل العاشر: استمرار امامت اهل البيت ع

فصل دهم: استمرار امامت اهل بیت ع

۱/۱۰ حدیث الثقلین بر وایة انواع اهل البیت

۱/۱۰ حدیث ثقلین، به روایت پیروان اهل بیت

۸۸۶ رسول الله ﷺ کَآبِي قَدْ دُعِيْتُ فَأَجِبْتُ، وَأَنَا تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ، كِتَابُ اللَّهِ، خَلِّ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، وَعِزِّي أَهْلُ بَيْتِي، فَاسْطُرُوا كَيْفَ تُخَلِّقُونِي فِيهَا.^۱

۸۸۶ پیامبر خدا ﷺ گویا من خوانده شده‌ام و باید بروم. من در میان شما دو چیز گران بها بر جای می‌گذارم که یکی از آنها بزرگ‌تر از دیگری است. کتاب خدا - که رشته پر کشیده از آسمان به زمین است - و عزت و اهل بیتم. پس مراقب باشید که پس از من، چگونه با آن دو رفتار می‌کنید.

۲/۱۰ حدیث الثقلین بر وایة اهل السنة

۲/۱۰ حدیث ثقلین، به روایت اهل سنت

۸۸۷ صحيح مسلم عن يزيد بن حنبل: انطلقت أنا وخصيئ بن شبره، وعمر بن مسلم، إلى ربيعة بن أرمم، فلما جلسا إليه، قال: قام رسول الله ﷺ يوماً في حطياً بعماء يدعى حنأ، بين مكة والمدية، فحيد الله وأمرى عليه، ووعظ وذكر، ثم قال: أما بعد! ألا أيها الناس، فإنما أنا بشر يوشك أن يأتى رسول ربي فأجيب، وأنا تارك فيكم ثقلين، أولهما كتاب الله، فيه الهدى والنور، فخذوا بكتاب الله واستمسكوا به.

۸۸۷ صحيح مسلم - به نقل از يزيد بن حنبل - من و خصیئ بن شبره و عمر بن مسلم، نزد رید بن ارمم رفتیم چون نشستیم... گفت: روزی پیامبر خدا در مکانی به نام حنأ، واقع در میان مکه و مدینه، بری ما پیاده بود و خطبه پر داحت و محبت، حمد و ثناء خدا به جای آورد و پسند و اندرز داد و آن گاه فرمود: «معاذ، ای مردما من نیز یک بشر هستم و فردا که پیک پروردگارم بیاید، اجابتش می‌کنم. من دو چیز گران بها در میان شما بر جای می‌گذارم. نخستین آنها، کتاب خداست که در آن، هدایت و نور است. پس، کتاب خدا را بگیرید و بدان چنگ ریزید»

فَحَثُّ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَرَغْبَ فِيهِ، ثُمَّ قَالَ:

وَأَهْلُ بَيْتِي، أَذْكُرْكُمْ اللَّهُ هِيَ أَهْلُ بَيْتِي أَذْكُرْكُمْ اللَّهُ هِيَ أَهْلُ بَيْتِي، أَذْكُرْكُمْ اللَّهُ هِيَ أَهْلُ بَيْتِي.^۲

آن گاه، به کتاب حد تشویق و ترغیب کرد و سپس فرمود: «و [دیگری] اهل بیتم. خدا را یادآوری می‌کنم درباره اهل بیتم؛ خدا را یادآوری می‌کنم درباره اهل بیتم؛ خدا را یادآوری می‌کنم درباره اهل بیتم»

۸۸۸ رسول الله ﷺ: إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا إِنْ تَحْسَبُكُمْ بِهِ لَنْ تَصِلُوا بَعْدِي: أَحَدُهُمَا أَعْظَمُ مِنَ الْآخَرِ، كِتَابُ اللَّهِ خَلِّ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، وَعِزِّي أَهْلُ

۸۸۸ پیامبر خدا ﷺ من در میان شما چیزی بر جای می‌گذارم که اگر به آن تمسک جویند، پس از من هرگز گمراه نخواهید شد. یکی از آن دو، یا عظمت‌تر از دیگری است. کتاب حد که رشته‌ای کشیده شده از آسمان به زمین است؛ و [دیگری] عزتم، [یعنی] اهل

۱ بیرون اخبار الزمخشري ج ۲ ص ۳۰ ح ۶۱

۲ صحيح مسلم ج ۵ ص ۱۸۷۳ ح ۳۶

يَتِي، وَلَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضَ، فَظَرُّوا
كَيْفَ نَحْلُمُونِي فِيهِمَا^۱

۸۸۹ عنه عليه السلام إِنِّي بَارِكُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، كِتَابَ اللَّهِ وَاهْلَ
بَيْتِي، وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضَ^۲

۳/۱۰ معنی العترة في حديث الثقلين

۸۹۰ الإمام الحسين عليه السلام سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ
اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ تَمِيمٍ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله «إِنِّي مُخَفَّفٌ
فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِزَّتِي» مِنَ الْعِتْرَةِ؟

قَالَ: أَنَا وَالْحُسَيْنُ وَالْحُسَيْنُ وَالْأَنْعَمَةُ السَّعْدَةُ مِنْ
وَلَدِ الْحُسَيْنِ، تَابِعُهُمْ مُهْدِيَهُمْ وَقَائِمُهُمْ، لَا يَفَارِقُونَ
كِتَابَ اللَّهِ وَلَا يَفَارِقُهُمْ، حَتَّى يَرِدُوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله
خَوْضَهُ^۳

۸۹۱ الإمام علي عليه السلام قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِنِّي مُخَفَّفٌ
فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي، فَإِنَّهُمَا لَنْ
يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضَ كَهَاتَيْنِ - وَضَمَّ بَيْنَ
سَبَابَتَيْهِ -

فَعَامَ إِلَيْهِ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ وَمَالَ
بِأَرْسُولِ اللَّهِ، مَنْ عِزَّتُكَ؟ قَالَ عَلِيٌّ: وَالْحُسَيْنُ
وَالْحُسَيْنُ، وَالْأَنْعَمَةُ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ إِلَى يَوْمِ
الْقِيَامَةِ^۴

بیتم. این دو، هیچ‌گاه از یکدیگر جدا نمی‌شوید تا در
کنار حوض [کوثر] بر من درآید. پس، بنگرید که
پس از من چگونه با آنها رفتار می‌کنید

۸۸۹ پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: من در میان شما دو چیز گران
بر جای می‌گذارم. کتاب خدا و اهل بیت. این دو هرگز
از هم جدا نمی‌شوید تا آن‌که در کنار حوض [کوثر]
بر من وارد شوند

۳/۱۰. معنای عترة در حدیث ثقلین

۸۹۰ امام حسن عليه السلام از امیر مؤمنان - که درودهای
خداوند بر او باد - درباره این سخن پیامبر صلى الله عليه وآله که «من
در میان شما دو چیز گران‌سنگ بر جای می‌گذارم.
کتاب خدا و عترتم»، سؤال شد که عترة کیان‌اند؟
فرمود: «من و حسن و حسین و نه امام از بعد
حسین که بهمین امان، مهدی و قائم ایشان است. نه
ایشان و نه کتاب خدا جدا می‌شوند و نه کتاب خدا از
ایشان، تا آن‌که بر پیامبر خدا در کنار حوضش وارد
شوند».

۸۹۱ امام علی عليه السلام: پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: «من در میان شما
دو چیز گران‌سنگ، جانشین خود می‌کنم. کتاب خدا
و عترتم [یعنی] اهل بیت. این دو هرگز از یکدیگر
جدا نمی‌شوید تا آن‌که در کنار حوض [کوثر] بر من
در آیند، همانند این دو (دو انگشت سبابه‌اش را کنار
هم گذاشت)»

جابر بن عبد الله انصاری برحمت و گفت: ای
پیامبر خدا! عترة تو کیان‌اند؟

فرمود: «علی و حسن و حسین و امامان از بعد
حسین تا روز قیامت»

۱ سی‌الترمذی ج ۵ ص ۶۶۳ ح ۲۷۸۸

۲ المستدرک علی الصحیحین: ج ۳ ص ۱۶۱ ح ۱۷۱۱

۳ کمال الدین: ص ۲۴۰ ح ۶۱

۴ کمال الدین ص ۲۴۴

بررسی اجمالی حدیث ثقلین و دلالت آن بر استمرار امامت اهل بیت علیهم السلام

حدیث ثقلین که در آن، پیامبر خدا، اهل بیت خود را «هسگ قرآن» معرفی کرده و تأکید تمام، جامعه اسلامی را به پیروی از آنان در کار قرآن فرا خوانده است، یکی از مبانی استوار و حدشمار پذیر شناخت اهل بیت علیهم السلام و اثبات مرجعیت علمی و استمرار امامت و رهبری آنان تا دامنه قیامت است.

یک متن حدیث ثقلین

متن حدیث ثقلین که در منابع معتبر حدیثی با اندکی تفاوت در لفظ، از پیامبر خدا روایت شده است، این است:

إِنِّي تَارِكٌ هَيْكَلِ الثَّقَلَيْنِ، مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا، كِتَابُ اللَّهِ وَعُرْوَةُ أَهْلِ بَيْتِي، فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرُدَّاهُ عَلَى الْخَوْصِ

من دو چیز گران بها در میان شما به حاسی کلامم، بدانید که اگر به آن دو چنگ برید، هرگز گمراه نمی‌شوید. کتاب خدا و عمره، همان خاندانم این دو هرگز در هم جدا نمی‌شوند تا در کنار خوصی بر من وارد شوند.

دو سند حدیث ثقلین

حدیث ثقلین، یکی از معدود احادیث متواتری است که در منابع حدیثی اهل سنت و پیروان اهل بیت علیهم السلام با طرق مختلف، روایت شده و صدور آن از پیامبر خدا قطعی، غیر قابل تردید و مورد اتفاق مسلمانان است. این روایت توسط چهل و چهار نفر از اصحاب پیامبر خدا علیهم السلام و هجده تن از طبقه بعد از اصحاب پیامبر خدا که اصطلاحاً تابعین نامیده می‌شوند گزارش شده است.

پس از صحابه و تابعین نیز بسیاری از علما و ائمه حدیث و بزرگان اهل سنت قرن دوم تا قرن چهاردهم هجری، این حدیث را در آثار خود آورده‌اند. در برخی روایات که بدین موضوع پرداخته‌اند، نام بیش از سیصد تن از آنان آمده است.^۱

سه صحت و صدور حدیث ثقلین

تأمل در تواتر «معوی» و بلکه «اعظمی» حدیث ثقلین و کثرت روایان آن در همه طبقات از یک سو، و ناهمگویی گروه‌های فکری و سیاسی گزارش کننده این حدیث از سوی دیگر، هرگونه تردید در صدور آن را

بر طرف می‌سازد و پژوهشگر را از دریایی سدهایی بی‌پای می‌کند. با این وصف، بررسی موردی اسناد حدیث ثقلین نیز صحت و اعتبار بسیاری از آنها را نشان می‌دهد.

چهار، مقصود از «عترت» و «اهل بیت»

پیامبر خدا، در تبیین آیه تطهیر، شخصاً مقصود از «عترت» و «اهل بیت» خود را بیان کرده است، به گونه‌ای که جای هیچ گونه ابهام و تردید و یا تفسیر و تأویلی نیست. بی‌شک، در حدیث ثقلین نیز که یشان در آن، اهل بیت خود را همتی قرآن به امت معرفی می‌نماید، مقصود از «اهل بیت»، همان جمعی است که آیه تطهیر درباره آنان نازل شده است.

پنج، پیام‌های معنای حدیث ثقلین

از میان پیام‌های حدیث شریف ثقلین به سه پیام سرنویشت‌ساز این سخن نورانی در ارتباط با امامت و رهبری اهل بیت علیهم‌السلام اشاره‌ای کوتاه می‌کنیم.

۱. عصمت اهل بیت علیهم‌السلام

خداوند متعال، خود، عصمت قرآن و مصون بودن آن از هر گونه خطا را تضمین کرده است، چنان که می‌فرماید:

﴿إِنَّا مَحْزُونُونَ الذِّكْرُ وَإِنَّا لَهُ لَحَاطُونَ﴾

ما ذکر (قرآن) را فرو در ستادیم و ما نگهبانی آیم.

پیام روش «همت‌ی اهل بیت و قرآن» در حدیث ثقلین، «عصمت اهل بیت علیهم‌السلام» است. زیرا، اولاً، فرمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره تمسک به اهل بیت در کنار قرآن، به معنای وجوب اطاعت از آنان است و اگر اهل بیت مانند قرآن، مصون از خطا باشند، وجوب فرمانبری از آنان، غیر قابل توجیه است. ثانیاً، عدم مصوبیت اهل بیت از خطا، پیوستگی آنان با قرآن را منحوش می‌سازد، در حالی که حدیث ثقلین، با صریحت، پیوستگی و جداناپذیری قرآن و اهل بیت را اعلام نموده است.

۲. مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام

دومین پیام روش حدیث ثقلین برای امت اسلام، مرجعیت علمی اهل بیت است. در واقع، پذیرش همت‌ی اهل بیت با قرآن و مصوبیت علم آنان، برای اثبات این پیام، کافی است. این، بدان معناست که هیچ کس جز اهل بیت علیهم‌السلام نمی‌تواند حقایق قرآن را برای مردم، بازگو کند و آنان را با معارف باب اسلام، آشنا سازد.

۲. تلازم مهجوریت اهل بیت (ع) و قرآن

حدیث ثقلین، در واقع، وصیت‌نامه سیاسی - الهی پیامبر خداست. پیامبر (ص) خوب می‌دانست که مرجعیت علمی اهل بیت، جدار و رهنری سیاسی آبادان عمارت‌امک‌پد در بیست و نارهبری امت بر عهده آبادان باشد، جامعه اسلامی و جوامع دیگر دنیا نمی‌توانند به طور شایسته از اقیانوس بی‌کران علم اهل بیت، بهره‌مند شوند. از این رو، حدیث ثقلین، حامل این پیام مهم سیاسی - الهی برای امت اسلامی است که سرنوشت قرآن و عترت، به هم پیوسته است. به سخن دیگر، قرآن (که پیام تکامل مادی و معنوی انسان است) نمی‌تواند از عترت (که پاسداران این پیام و تدوین‌بخش سنت نبوی هستند) جدا گردد و در یک حمله دیس، از سیاست، جدا بیست و مهجوریت هر یک از قرآن و عترت در جامعه اسلامی، به معنای مهجوریت دیگری است.

الفصل الحادي عشر: معنى أهل البيت عليه السلامفصل یازدهم: معنای «اهل بیت عليه السلام»۱/۱۱ أرواحُ النبي عليه السلام ومعنى أهل البيت عليه السلام۱/۱۱ همسران پیامبر عليه السلام و مفهوم «اهل بیت عليه السلام»

۸۹۲ المستدرک علی الصحیحین عن عطاء بن یسار عن أم سلمة فی بیتی نزلت: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ قَالَتْ فَأَرْسَلَ رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام إِلَيَّ عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالحُسَيْنُ وَالحُسَيْنُ، فَقَالَ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي.^۱

۸۹۲ المستدرک علی الصحیحین - به نقل از عطاء بن یسار، از ام سلمه -: آیه شریفه: ﴿خُذُوا زِينَتَكُمْ مِمَّا فِي بَيْتِكُمْ﴾ می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند، در خانه من نازل شد. ان گناه، پیامبر عليه السلام عی، فاطمه، حسن و حسین عليه السلام را حاضر کرد و فرمود: «اینان، اهل بیت من هستند».

۸۹۳ تاریخ دمشق عن أبي سعيد الخدري عن أم سلمة: نزلت هذه الآية في نبي: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَلَسْتُ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ؟ قَالَ إِنَّكَ إِلَى خَيْرٍ، إِنَّكَ مِنْ أَرْوَاحِ رَسُولِ اللَّهِ عليه السلام قَالَتْ: وَأَهْلُ الْبَيْتِ عليه السلام رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام وَعَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالحُسَيْنُ وَالحُسَيْنُ.^۲

۸۹۳ تاریخ دمشق - به نقل از ابو سعید خدری، از ام سلمه - آیه ﴿خُذُوا زِينَتَكُمْ مِمَّا فِي بَيْتِكُمْ﴾ می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند، در خانه من نازل شد. گفتم: ای پیامبر خدا! آیا من از اهل بیت نیستم؟

فرمود: «تو بر خیری (در راهی درستی)، تو از همسران پیامبر خدا هستی».

۸۹۴ محمد ابن هناد عن شهر بن حوشب عن أم سلمة إن النبي عليه السلام جَلَلَ عَلَى عَلِيٍّ وَحَسَنِ وَحُسَيْنٍ وَفَاطِمَةَ كَسَاءً، ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَحَاضِنِي، اللَّهُمَّ ذَهَبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ وَنَا مِنْهُمْ؟ قَالَ إِنَّكَ إِلَى خَيْرٍ.^۳

اهل بیت، پیامبر خدا و علی و فاطمه و حسن و حسین هستند

۸۹۴ محمد ابن هناد - به نقل از شهر بن حوشب، از ام سلمه - پیامبر عليه السلام عیایی بر علی، حسن، حسین و فاطمه عليه السلام انکند و سپس فرمود: «پر خدایا! اینان، اهل بیت و حواص من هستند. بار خدایا! هر گونه بلندی را از آنها دور کن و کاملاً پاکشان گردان».

گفت: [م] آیا من از ایشانم؟

پیامبر عليه السلام فرمود: «تو بر خیر هستی».

۸۹۵ الإمام زين العابدين عليه السلام عن أم سلمة: نزلت هذه الآية في بیتی وهي يومی، كان رسولُ الله عليه السلام عِنْدِي فَذَعَا عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَالحُسَيْنَ وَالحُسَيْنَ، وَجَاءَ جَبْرِئِيلُ فَصَدَّ عَنْهُمْ كَسَاءً فَذَكَّنَا ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي.

۸۹۵ امام زين العابدين - به نقل از ام سلمه - این آیه (آیه تطهیر) در خانه من و در روزی که پیامبر خدا در خانه من بود، نازل شد. پیامبر عليه السلام نزد من بود که علی، فاطمه، حسن و حسین عليه السلام را فرا خواند.

۱ المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۱۵۸ ح ۱۷۰۵

۲ تاریخ دمشق ج ۱۳ ص ۲۰۷

۳ محمد ابن هناد ج ۱ ص ۱۹۷ ح ۲۶۶۵۹

اللَّهُمَّ اذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا قال
جبرئيلُ وانا مسكم يا محمد؟ فقال النبي ﷺ وَاَنْتَ
بِئَا يا جبرئيلُ

قَالَتْ اُمُّ سَلَمَةَ، قُتِلَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَاَنَا مِنْ اَهْلِ
بَيْتِكَ، وَجِئْتُ لِادْخُلَ مَعَهُمْ، فَقَالَ كُوبِي مَكَانَكَ يَا اُمُّ
سَلَمَةَ، اِنَّكَ اِلَى خَيْرٍ، اَنْتِ مِنْ اَرْوَاحِ نَبِيِّ اللَّهِ

فَقَالَ جِبْرِئِيلُ اِقْرَأْ يَا مُحَمَّدُ ﴿يَسْمَعُ يَرْيَدُ اللَّهُ
لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾^۱
فِي النَّبِيِّ وَعَلِيِّ وَفَاطِمَةَ وَالْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ ﷺ^۲

۸۹۶ صحیح مسلم عن عائشة خَرَجَ النَّبِيُّ ﷺ عَدَاءً وَعَلِيٌّ
مُرْطٌ مُرَحَّلٌ^۱ مِنْ شَعْرِ اسْوَدَ، فَجَاءَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ
فَادْخَلَهُ، ثُمَّ جَاءَ الْحُسَيْنُ فَدَحَلَ مَعَهُ، ثُمَّ جَاءَتْ
فَاطِمَةُ فَادْخَلَهَا، ثُمَّ جَاءَ عَلِيُّ فَادْخَلَهُ، ثُمَّ قَالَ
﴿اِنَّمَا يَرِيْدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ
وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾^۲

جبرئیل ﷺ هم آمد. پیامبر ﷺ عیای حدکی را بر آنها
گستراند و سپس فرمود: «بار خدایا! ایان، اهل
بیت من هستی. بار خدایا! هر گونه پلیدی را از
بها دور کن و کاملاً پاکشان گردان.»

جبرئیل ﷺ گفت: ای محمد! آیا من هم از
شمایم؟

پیامبر ﷺ فرمود: «تو نیز از منی، ای
جبرئیل!»

من گفتم: ای پیامبر خدا! من هم از اهل بیت تو
هستم و پیش رفتم تا در کنار آنها باشم.

فرمود: «در جای خود باش، ای ام سلمه! تو بر
خبر هستی تو از همسران پیامبر حدی»

جبرئیل ﷺ گفت: ای محمد! آیه ﴿يَسْمَعُ يَرْيَدُ اللَّهُ
لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ فقط
بر حواریان بود که با او شما حدیثان پیامبر را بدیدید و شما را
پاک و پاکیزه کردند؟ را سخنان که در حق پیامبر، علی،
فاطمه، حسن و حسین ﷺ است.

۸۹۶ صحیح مسلم - به نقل از عیسه - پیامبر ﷺ بامداد
خارج شد، در حالی که پوشش پشمی نقصداری از
موی سیاه بر تن داشت. پس حسن بن علی ﷺ آمد
و پیامبر ﷺ او را در زیر آن جای داد به دیال او
حسن ﷺ آمد و پیامبر ﷺ او را بر در زیر آن، جای
داد. در پی او فاطمه ﷺ آمد که پیامبر ﷺ او را نیز در
زیر پوشش خود، جا داد. سرانجام، علی ﷺ آمد که
پیامبر ﷺ او را بر در زیر پوشش خود، جا داد
سپس فرمود: «حدیثان فقط من حواریان بودی را از شما
حدیثان پیامبر بدیدید و شما را پاک و پاکیزه کردند»

۱ الامالی للمفسر من ۳۶۸ ح ۷۸۳

۲ مرط مرحل (از خزانه عمه، و صحنی مرخله، عده من
تصاویر و مثل وما صادقه (لسان العرب ج ۱۱ ص ۲۷۸
(مرطه)

۳ صحیح مسلم ج ۱ ص ۱۸۸۳ ح ۲۱۲۶

پژوهشی دربارهٔ حدیث کسا

رویداد کسا، یکی از مهم‌ترین حوادث روشنگر تاریخ رسالت پیغمبر ﷺ در جهت معرفی پیشوایان و راه نمایان امت اسلام و یکی از نقاط روشن و برجستهٔ حبیبی و فصایل اهل بیت گرامی ایشان است

۱ سید رویداد کسا

این رویداد، از نظر سید، هیچ‌گونه حدشده‌ی نمی‌پذیرد. محدثان بزرگ شیعه و اهل سنت، آن را در کتب معتبر خود، نقل کرده‌اند. این حدیث، اصطلاحاً «متعین» است و حتی با تحقیقی گسترده، می‌توان ادعای «واتر» در آن کرد. به هر حال، قراین بسیاری بر درستی آن وجود دارد، به طوری که اگر کسی با تاریخ اسلام آشنا باشد، نمی‌تواند در وقوع این رویداد، تردید کند. این رویداد در جامعهٔ اسلامی به قدری معروف شد که رور وقوع آن، رور «کسا» نامیده شد^۱ و پنج تن پاکانی که مشمول عنايت خاص الهی در آن رور شدند، به «اصحاب ک» ملقب گردیدند.^۲

۲ چگونگی رویداد

هیچ یک از حدیثی که دربارهٔ رویداد کسا رسیده‌اند، آن را به طور کامل بیان نکرده و هر یک به بخشی از آن، اشاره دارد.

روزی پیامبر ﷺ به خانهٔ همسر گرامی خود، ام سلمه می‌آید و قرار است در این رور، پیام مهمی از سوی خداوند متعال دربارهٔ چند تن از مردیکان خود، دریافت کند. از این رور به همسرش تأکید می‌کند که به هیچ کس اجازهٔ ورود ندهد.

از سوی دیگر، درست در همین رور، فاطمه ع علی برای پدر می‌آورد

ام سلمه می‌گوید: من نتوانستم مانع ورود فاطمه ع شوم.

پیامبر ﷺ به دخترش می‌فرماید: «برو و همسر و دو فرزندت را هم بیاور» پس از ساعتی پیامبر بعد از اعی و فاطمه و دو فرزندش حسن و حسین ع کنار سفرهٔ فاطمه ع می‌نشیند. خیرین امین نازل می‌شود و این آیه را می‌خواند:

۱ ر کذا الخصال ص ۵۵۱، الفیض ج ۴ ص ۲۰

۲ ر ی. بحر الأمور ج ۲۲ ص ۳۴۵ ح ۱۵ و ص ۴۹۴ ح ۲۰ مجمع البیان ج ۱ ص ۲۴

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا^۱

خداوند، فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند»

پیامبر خدا، کسی حسری را بر داماد و دختر و فرزندانش می‌کشد و با دست راست به آسمان اشاره می‌کند و می‌گوید:

یار خدا یا ایمان، اهل بیت من اند هر گونه پلیدی را از ته دور کن و کاملاً پاکش گردان

ام ستمه گوشه عمار بسد می‌کند و بی پیامبر ﷺ مانع ورود و به فضای اهل بیت قرآنی خود می‌شود

گویا ام ستمه از این برحورد، دلگیر می‌شود می‌گوید آیا من در شمار اهل بیت بیستم؟

و پیامبر خدا می‌فرماید: «تو بر خیر هستی تو از همسران پیامبر خدایی»

۳ فضای رویداد

نام در متن واقعه کسا و حدیثی که در این زمینه وارد شده است، به روشی اثبات می‌کند که این واقعه، آن گونه که برخی از نویسندگان تصور کرده‌اند، یک رویداد معمولی که بعدها اهمیت پیدا کرده است، بلکه به دلیل فضای خاص این رویداد و ارتباط آن با روای «آیه تطهیر»، یکی از اصواتی ترین رویدادهای تاریخ زندگی پیامبر خدا در رسته معرفتی، شوانان و راهبران اندیشه جامعه اسلامی است

۲/۱۱. اصحابُ النَّبِيِّ ﷺ و معنى أهل البيت ﷺ

۸۹۷ تاریخ معداد عن ابی سعید الخدری - فی قوله تعالى ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ - جَمَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ غَيْرًا وَمَاطِمَةً وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ ﷺ ثُمَّ أَدَارَ عَلَيْهِمُ الْكِسَاءَ، فَقَالَ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي، اللَّهُمَّ أَدْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا، وَأُمُّ سَلَمَةَ عَلَى الْبَابِ، فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَلَسْتُ مِنْهُمْ؟ فَقَالَ إِنَّكَ لَعَلَى خَيْرٍ - أَوْ بِي خَيْرٍ^۱

۸۹۸ مجمع الروايات عن ابی بررة صُلِّيتْ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ سَعَةً عَشَرَ شَهْرًا، إِذَا خَرَجَ مِنْ نَتْنَةٍ تَمَّ مَابِ مَاطِمَةً فَقَالَ: الصَّلَاةُ رَحِمَكُمُ اللَّهُ ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ﴾^۲

۸۹۹ سنن الترمذی عن أنس، إِنْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَخْرُجُ بِبَابِ فَاطِمَةَ بَيْتَةَ أَشْهَرٍ إِذَا خَرَجَ إِلَى صَلَاةِ الْفَجْرِ يَقُولُ الصَّلَاةُ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾^۳

۹۰۰ المستدرک علی الصحیحین عن عامر بن سعید قَالَ سَمِعْتُ نَزَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ الْوَحْيُ فَأَدْحَلَ غَمِيًّا وَفَاطِمَةَ وَابْنَهُمَا تَحْتَ ثَوْبِهِ، ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلِي وَأَهْلُ بَيْتِي^۴

۹۰۱ تاریخ دمشق عن ابن عباس، دَعَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۲/۱۱. اصحاب پیامبر ﷺ و مفهوم اهل بیت ﷺ

۸۹۷ تاریخ بغداد - به نقل از ابو سعید خدری، در باره این سخن خداوند متعال: ﴿خداوند، فقط من خواهد بودی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند﴾ - : پیامبر خدا علی، فاطمه، حسن و حسین ﷺ را گرد آورد و سپس عبا را بر روی ایشان کشید و فرمود: اینان، اهل بیت من هستند. بار خدایا! هر گونه پلیدی را از آنها دور کن و کاملاً پاکشان گردان.

۱- آن سله که بر در خانه بود گفت: ای پیامبر خدا! آیا من از ایشان هستم؟

فرمود: تو بر خیر هستی! یا فرمود: لا تو به سوی خیری، روانی.

۸۹۸ مجمع الروايات - به نقل از ابو بررة - : همده ماه پیامبر خدا نماز خواندم، ایشان، هر گاه از خانه خارج می شد، بر در خانه فاطمه ﷺ می آمد و می فرمود: «ما را رحمت خدا، بر شما یادا» ﴿خداوند، فقط من خواهد بودی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید﴾.

۸۹۹ سنن الترمذی - به نقل از آنس - : پیامبر خدا، شش ماه، هر گاه برای نماز صبح بیرون می آمد، به در خانه فاطمه ﷺ می رفت و می فرمود: «نماز را در پایید، ای اهل بیت!» ﴿خداوند فقط من خواهد بودی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند﴾.

۹۰۰ المستدرک علی الصحیحین - به نقل از عامر بن سعید - : سجد گشت، بر پیامبر خدا و حی نازل شد و او علی و فاطمه ﷺ و دو فرزند آنها را زیر جامه خود گرفت و گفت: «ای خاندان اینان، خاندان و اهل بیت من هستند»

۹۰۱ تاریخ دمشق - به نقل از ابن عباس - : پیامبر خدا! حسن و حسین و علی و فاطمه ﷺ را فرا خواند و

۱ تاریخ معداد ج ۱ ص ۲۷۸

۲ مجمع الروايات ج ۹ ص ۲۶۷ ح ۱۱۹۸۹

۳ سنن الترمذی ج ۵ ص ۲۵۲ ح ۳۲۰۶

۴ المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۱۵۹ ح ۱۷۰۸

الْحُسَيْنَ وَالْحُسَيْنَ، وَعَلِيًّا وَفَاطِمَةَ، وَنَدَّ عَلَيْهِمْ قَوْلًا
ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَحَاشَتِي فَأَذْهَبْ
عَنْهُمْ الرُّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا^۱

۹۰۲ مسند امی یعلی عن واثله بن الأسقع فَقَدْ التَّبِيُّ ﷺ
عِيًّا عَنْ يَمِينِهِ وَفَاطِمَةَ عَنْ يَسَارِهِ وَحَسَنًا وَحُسَيْنًا
بَيْنَ يَدَيْهِ، وَعَطَى عَلَيْهِمْ يَتُوبَ وَقَالَ اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ
أَهْلُ بَيْتِي، وَأَهْلُ بَيْتِي أَتُوا إِلَيْكَ لَا إِلَى النَّارِ^۲

۹۰۳ الإمام الحسن ﷺ - فِي حُطْبَةٍ حِينَ قُتِلَ غَيْرُهُ ﷺ
فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَتَى عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ - أَنَا ابْنُ الْبَشِيرِ وَأَنَا
ابْنُ الْمَذِيرِ، وَأَنَا ابْنُ الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ بِذِيهِ، وَأَنَا ابْنُ
السَّوَاحِ الْمُسِيرِ، وَأَنَا مِنْ أَهْلِ النَّبِيِّ الَّذِي كَانَ جِبْرِيلُ
يُرْسِلُ إِلَيَّ وَنَعْدُ مِنْ عِدِّي، وَأَنَا مِنْ هَلِ الْبَيْتِ الَّذِي
أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرُّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا^۳

۹۰۴ الإمام الحسن ﷺ - فِيمَا حَرَى بَيْتَهُ وَبَيْنَ قُرُونِهِ مِنْ
الْحَكَمِ - إِلَيْكَ عَنِّي، فَإِنَّكَ بِرَحْمَتِي، وَبَيْنِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِ
الطَّهَارَةِ، فَدَأْبِرْ اللَّهُ فِيمَا «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ
عَنْكُمُ الرُّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»^۴

۹۰۵ تفسیر الطبري عن أبي الدُّيَلَمِ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ
لِرَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ أَمَا قَرَأْتَ فِي الْأَحْرَابِ «إِنَّمَا
يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرُّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ
تَطْهِيرًا»؟ قَالَ وَلَاشَكَّ هُمْ؟ قَالَ نَعَمْ^۵

جامه‌ای بر آنها گسترانند. سپس گفت «بار خدایا! اینان، اهل بیت و کسان من هستند پس هر گونه پلیدی را از آنها دور کن و کاملاً پاکشان گردان»

۹۰۲ مسند امی یعلی - به نقل از واثله بن اسقع ..
پیامبر ﷺ علی را در سمت راست و فاطمه را در سمت چپ و حسن و حسین را در برابر خود نشاند و جامه‌ای بر آنها پوشاند و گفت «بار خدایا! ایان، اهل بیت من هستند و اهل بیت من، به سوی تو آمده‌اند، نه به سوی آتش»

۹۰۳ امام حسن ﷺ - به هنگام شهادت امام علی ﷺ در حطه‌ای پس از حمد و ثنای الهی - منم فرزند یزیده دهنده و بیم دهنده و فرزند کسی که با اذن حکم به سوی او فرامی خواند. منم فرزند آن چراغ پرتو افشان. من از اهل بیتی هستم که جبرئیل ﷺ به من وحیه می‌داد و از مرد ما اوج می‌گرفت. من از اهل بیتی هستم که خداوند، هر گونه پلیدی را از آنها دور کرده و کاملاً پاکشان گردانیده است

۹۰۴ امام حسین ﷺ - در محرابی میان ایشان و مروان بن حکم - از من دور شو که تو پلیدی و من از خداوند پاکی هستم که خداوند، این آیه را در حق ما نازل کرده است. «خداوند فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند»

۹۰۵ تفسیر الطبري - به نقل از ابو ديلم - امام ريس العابدین ﷺ به مردی از شامیان فرمود: «آیا در سوره احزاب خوانده‌ای که: «خداوند فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند»؟

آن مرد گفت: آيا شما هم یشان هستید؟

فرمود: آری»

۱ تاریخ دمشق ج ۲۲ ص ۹۸ ح ۸۴۱۰

۲ مسند امی یعلی ج ۶ ص ۱۷۹ ح ۷۴۱۸

۳ المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۱۸۸ ح ۴۸۰۲

۴ مقتل الحسین للخوارزمي ج ۱ ص ۸۵

۵ تفسیر الطبري ج ۱۲ الجزء ۲۲ ص ۹

۹۰۶. تفسیر الققی عن أبي الجارود عن الإمام الباقر عليه السلام - في قوله ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ - نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عليهم السلام ^۱

۹۰۷. الإمام الصادق عليه السلام - في حديث طويل - ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾. فَكَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَفَاطِمَةُ عليهما السلام. فَأَدَخَلَهُمُ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله تَحْتَ الْكِسَاءِ فِي بَيْتِ أُمِّ سَلَمَةَ. ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ إِنَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ أَهْلًا وَتَقْلًا. وَهَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَتَقْلِي فَقَالَ أُمُّ سَلَمَةَ أَلَسْتُ مِنْ أَهْلِكَ؟ فَقَالَ إِنَّكَ إِلَى حَبِيرٍ. وَلَكِنْ هَؤُلَاءِ أَهْلِي وَتَقْلِي ^۲

۹۰۸. الأمامي للصدوق عن الزيات بن الضلت: حَضَرَ الرِّصَالَةَ عليه السلام مَجْلِسُ الْمَأْمُونِ بِسَرَّو. وَقَدْ اجْتَمَعَ فِي مَجْلِسِهِ جَمَاعَةٌ مِنْ أَهْلِ الْبِرَاقِ وَخُرَاسَانَ - إِلَى أَنْ قَالَ - فَقَالَ الْمَأْمُونُ مَنْ الْبِتْرَةُ الطَّاهِرَةُ؟ فَقَالَ الرِّصَالَةُ عليه السلام الدِّينَ وَصَفَّهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ جُلُّ وَعُرُّ: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾. وَهُمْ الَّذِينَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِنِّي مُخَلِّفٌ فِيكُمْ الْكُتُبَ كِتَابَ اللَّهِ وَعِزَّتِي أَهْلُ بَيْتِي. وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ. وَاسْطَرَا كَيْفَ تَحْلِفُونِي فِيهِمَا ^۳

۱ تفسیر الققی ج ۲ ص ۱۹۳

۲ الکافی ج ۱ ص ۲۸۷ ح ۱

۳ الامالی للصدوق ص ۶۲ ح ۱

۹۰۶. تفسیر الققی - به نقل از ابو جارود، دربارۀ آیه: ﴿حَاشَیْ لَکُمْ مِمَّنْ حَمَلَ الْبِرَّ عَلَى الْوَدَعِیِّ رَاسًا مَکْرُوهًا﴾ - امام باقر عليه السلام فرمود: این آیه در حقّ پیامبر خدا، علی بن ابی طالب، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام نازل شده است.

۹۰۷. امام صادق عليه السلام - در حدیثی طولانی - : مقصود از آیه: ﴿حَاشَیْ لَکُمْ مِمَّنْ حَمَلَ الْبِرَّ عَلَى الْوَدَعِیِّ رَاسًا مَکْرُوهًا﴾ - امام باقر عليه السلام فرمود: شما را پاک و پاکیزه گردانند، علی، حسن و حسین و فاطمه علیهم السلام بودند. پیامبر خدا، آب را در خانه ام سلمه زیر عبایی قرار داد و سپس فرمود: «ایان خدایا! هر پیامبری خاندانهای دارد و چیزی گران بها. ایان، اهل بیت و چیز گران بهای من هستند».

ام سلمه گفت: آیا من از اهل بیت تو می‌شوم؟
پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: «تو به سوی حبیرو، ولی اهل بیت و چیز گران بهای من، ایان‌اند»

۹۰۸. الامالی، الصدوق - به نقل از زیات بن الضلت - : امام رضا عليه السلام در مجلس مأمون در مرو، حاضر شد. گروهی از عراقیان و خراسانیان در مجلس او گرده آمده بودند... مأمون پرسید: عترت پاک، چه کسانی هستند؟

امام رضا عليه السلام فرمود: «کسانی که حاشا! در کتابش با» ﴿حَاشَیْ لَکُمْ مِمَّنْ حَمَلَ الْبِرَّ عَلَى الْوَدَعِیِّ رَاسًا مَکْرُوهًا﴾ - امام باقر عليه السلام فرمود: این آیه در حقّ پیامبر خدا، علی بن ابی طالب، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام نازل شده است و همان کسانی که پیامبر صلى الله عليه وآله در حقّشان فرمود: «من در میان شما دو چیز گران بها به یادگار می‌گذارم. کتاب خدا و عترتم که همان اهل بیت من‌اند. این دو، هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا کنار حوض [کوثر] بر من وارد شوند. بگریید که چگونه در این دو، جانشینی من می‌کنید...» ^۱

الفصل الثانی عشر. مکانة اهل البیت ﷺ

۱/۱۲ فَمَثَلُهُمْ مَثَلُ سَفِينَةِ نوح

۹۰۹ للمستدرک علی الصحیحین عن حدث الکافی سمعتُ أبا ذرٍّ یقولُ - وَهُوَ آجِذٌ بَابِ الْکَعْبَةِ - مَنْ عَرَفَنِي فَأَنَا مَنْ عَرَفَنِي، وَمَنْ أَنْكَرَنِي فَأَنَا أَبُو ذَرٍّ. سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ یقولُ أَلَا إِنَّ مَثَلَ أَهْلِ بَيْتِي فِیکُمْ مَثَلُ سَفِينَةِ نوحٍ مِنْ قَوْمِهِ، مَنْ رَكِبَهَا نَجَا، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِبَ ۱
۹۱۰ عَنْهُ ﷺ مَثَلَ أَهْلِ بَيْتِي فِیکُمْ کَمَثَلِ سَفِينَةِ نوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا رُحَّ مِنَ النَّارِ ۲

۲/۱۲ مَثَلُهُمْ مَثَلُ مَابِ حَطَّة

۹۱۱ رسول الله ﷺ إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِیکُمْ مَثَلُ مَابِ حَطَّةٍ ۳
۹۱۲ عَنْهُ ﷺ مَنْ دَانَ بِدِينِي وَسَلَّمَ مِمَّا حَيَّي وَابْتِغَى عَنِّي

فصل دوازدهم منزلت اهل بیت ﷺ

۱/۱۲ اهل بیت ﷺ، چونان کشتی نوح

۹۰۹ المستدرک علی الصحیحین - به نقل از حش کفانی - از ابو ذر ﷺ - در حالی که در کعبه را گریه بود - شنیدم که می‌گفت: هر که مرا می‌شناسد، که می‌شناسد و هر که مرا نمی‌شناسد، بداند که من، ابو ذر، در پیامبر ﷺ شنیدم که فرمود: «اهل اهل بیت من در میان شما، چونان کشتی نوح است در میان قومش هر که سر آن درآمد، نجات یافت و هر که از آن باز ماند، غرق شد» ۱
۹۱۰ پیامبر خدا ﷺ اهل بیت من در میان شما، همچون کشتی نوح هستند که هر که بدان در آمد، نجات یافت و هر که از آن باز ماند، به تش افکند شد

۲/۱۲ اهل بیت ﷺ، به سان ماب حطه

۹۱۱ پیامبر خدا ﷺ مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِی مِنْ دَرِیَانِ شَمَا، وَهَمَّ جَوْنِ مَابِ حَطَّةٍ ۱ است در میان بی اسرائیل که هر کس از آن درآید، مرزیده می‌شود
۹۱۲ پیامبر خدا ﷺ هر که دین مرا در پیش گرفت و

۱ - دروازه امرزش حطه، کسی‌ای بهری و به معنای خدا، یا به معنی (اللهم افقره) است و بنی اسرائیل، یکی از دروازه‌های حرم قدس را بدان نامیده بودند که مخصوص نوبه بود م

حطه مصدر است بر وزن «حطه» از «حط الشيء» به معنای «آن را مرد فرستاد» و از همین لفظ است حدیثی که درباره حطه بنی اسرائیل نقل شده و آن همان سخن خداوند است «یگوید حطه ما میر خطاهای شما را می‌بخشیم» (بقره، آیه ۵۸) پس بگوید «گناهانما را بریز» و اصطلاح شده است برای معنای «حراست ما امرزش است» یا «کار ما، امرزش خواص است»

به نظر می‌رسد که حدیث نبوی «مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِی مِنْ دَرِیَانِ شَمَا، وَهَمَّ جَوْنِ مَابِ حَطَّةٍ» در بنی اسرائیل است، اشاره به فرموده خداوند ﷻ خطاب به بنی اسرائیل است که «سجده کنان، و آرد بابت شویید و بگوید: حطه» تا خطاهای شما را می‌بخشیم» (بقره، آیه ۵۸)

در توضیح باید اشاره کرد که «مَابِ حَطَّة» همان گونه که ابو حنیان ندلسی گفته - در یکی از درهای بیت المقدس یا در شهر آنجا یا در روی مرز بین مقدس (فلسطین) - همان گونه که در تفسیر الخیرین

۱ المستدرک علی الصحیحین ج ۲ ص ۱۶۳ ح ۱۷۲۰

۲ هرون اخبار الرضا ﷺ ج ۲ ص ۲۷ ح ۱۰

۳ می حطه من حط الشيء بحطه إذ انزله وعلقه ووجه الحدیث من ذکر حطه بنی اسرائیل و هو قوله تعالى «وَقُولُوا حِطَّةٌ» معبر لکم خطایا کم» (البقره ۵۸) آی طه «وَأَقْرَبُوا حِطَّةً» و در تفسیر علی مصی «فَأَتَيْنَا حِطَّةً» نو امرضا حطه (التهذیب ج ۱ ص ۱۰۲)

أقول حطه ﷺ مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِی فِیکُمْ مَثَلُ مَابِ حَطَّةٍ فِی بَنِی إِسْرَائِیلَ اشاره الی حطه بنی اسرائیل و هو قوله تعالى «وَقُولُوا حِطَّةٌ» معبر لکم خطایا کم» (البقره ۵۸) توضیح ذلك ان «مَابِ حَطَّة» من مواضع بیت المقدس که می آبی حیوان لاندیسی، او باب دیده در یحاه از دوا لیلند که احصیه می نمایند فی تفسیر الثم ان و شبهه اهل البیت فی الامه الاسلامیه باب حطه فی بنی اسرائیل و معریعهم نامهم بواب معبر الله دلیل علی ان التمسک بهم له دور اساسی فی إزله الأنداس القریبه والأجماعه فی المجتمع الاسلامی

۴ المعجم الأوسط ج ۶ ص ۸۵ ح ۵۸۷۰

فَلْيَكُونُوا مِنَ الْآيْمَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي عَلَى خَمِيعِ أُمَّتِي.
فَإِنْ مَثَلَهُمْ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مَثَلُ بَابٍ جُطِئَ فِي بَيْتِي
إِسْرَائِيل^۱

روش مرا پیمود و نز سبت من پیروی کرد، باید به
بر قری امامان اهل بیت من بر همه امت، باور داشته
باشد. مثل آنها در میان این امت، همچون باب حطه در
میان بنی اسرائیل است.

۳/۱۲ مَثَلَهُمْ مَثَلُ بَيْتِ اللَّهِ

۹۱۳ رسول الله ﷺ - لِعَلِّي ﷺ - مَثَلَكُمْ يَا عَلِيُّ مَثَلُ بَيْتِ
اللَّهِ الْحَرَامِ، مَنْ ذَحَبَهُ كَانَ آيِسًا، وَمَنْ أَحْبَبَكُمْ وَوَالَاكُمْ
كَانَ آيِسًا مِنْ عَذَابِ النَّارِ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ أَلْفِي فِي النَّارِ^۲

۳/۱۲ اهل بیت ﷺ، مانند خانه خدا
۹۱۳ پیامبر خدا ﷺ - به علی ﷺ - ای علی! شما همانند
ست الله الحرام هستید که هر کس بر آن در آید، ایمن
می‌شود پس هر که شما را دوست بنارد و از شما
طرفداری کند، از عذاب آتش، در امان خواهد بود و
هر که به شما کینه ورزد، به آتش افکنده می‌شود.

۴/۱۲ مَثَلَهُمْ مَثَلُ النُّجُومِ

۹۱۴ رسول الله ﷺ النُّجُومُ، مَا نَ لِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنْ انْفِرَاقٍ،
وَأَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأُمَّتِي مِنَ الْإِحْبِلَابِ، فَإِذَا حَالَفَهَا
فَبَيْلَةٌ مِنَ الْقَرْبِ، احْتَلَمُوا نَصَارًا وَجَرَبَ إِيْمِسَ^۳

۴/۱۲ اهل بیت ﷺ، همچون ستارگان
۹۱۴ پیامبر خدا ﷺ ستارگان، موجب آسیب ساکنان
زمین از عرق شدن هستند و اهل بیت من، موجب
ایمنی امت من از اختلاف هستند پس هر گاه قبیله‌ای
پژکوب با آنها به محالفت برخاستند و امت، اختلاف
نگردد، دیگر حرب شطآن شده‌اند.

۹۱۵ عَنْهُ ﷺ - لَعَلِّي ﷺ - يَا عَلِيُّ مَثَلُ الْآيْمَةِ
مِنْ وَلَدِكَ نَعْدِي مَثَلُ شَعْبِهِ نُوْحٍ، مَنْ رَزَقَهَا سَجَا، وَمَنْ
تَحَلَّفَ عَنْهَا عَرِقٌ، وَمَثَلُكُمْ مَثَلُ النُّجُومِ، كُنَّا عَابَ
نَجْمٍ طَلَعَ نَجْمٌ، إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ^۴

۹۱۵ پیامبر خدا ﷺ - به علی ﷺ - ای علی! مثل تو
و امامان اهل بیت تو پس از من، همچون کشتی نوح
است که هر کس بر آن در آید، رهایی می‌یابد و هر که
از آن باز ماند، عرق می‌شود مثل شما، همچون
ستارگان است که هر گاه یکی ناپدید شود، دیگری پیدا
می‌گردد تا به روز رستاخیز.

۵/۱۲ مَكَائِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

۹۱۶ رسول الله ﷺ أَوَّلُ مَنْ يَرِدُ عَنِّي الْخَرَضُ أَهْلُ بَيْتِي
وَمَنْ أَحَبَّنِي مِنْ أُمَّتِي^۵

۵/۱۲ منزلت اهل بیت ﷺ در روز رستاخیز
۹۱۶ پیامبر خدا ﷺ، نخستین کسانی که در کنار حوض
[کوثر] بر من وارد می‌شوند، اهل بیت من و کسانی از
امت من هستند که مرا دوست دارند.

۹۱۷ عَنْهُ ﷺ أَوَّلُكُمْ وَارِدًا عَنِّي الْخَوَصُ أَوْلُكُمْ
إِسْلَامًا عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ^۶

۹۱۷ پیامبر خدا ﷺ: نخستین کسی از شما که در کنار حوض
[کوثر] بر من وارد می‌شود، نخستین کسی از شماست
که اسلام آورده‌است، یعنی علی بن ابی طالب.

۹۱۸ الْإِمَامُ عَلِيُّ ﷺ أَخْبَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَنَّ أَوَّلَ مَنْ

۹۱۸ امام علی ﷺ: پیامبر ﷺ مرا آگه‌اید که نخستین

۱ الأملی للصدوق ص ۶۹ ح ۶

۲ خصائص الأئمة ﷺ ص ۷۷

۳ المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۱۶۷ ح ۱۷۱۵

۴ الأملی للصدوق ص ۲۲۲ ح ۱۸

۵ النسخة لأبي حاتم ص ۳۲۴ ح ۷۱۸

۶ المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۱۱۷ ح ۲۶۶۲

۷ احتمال داده‌شد، پیروده‌است، تسبیح جایگاه اهل بیت در میان امت
اسلامی، به باب حطه در بنی اسرائیل و معرّی آنها به عنوان
نوع‌های آموزش خداوند، دلینی است بر این که تمسک به آنان،
نقش اساسی در پاک شدن از پلیدی‌های فردی و جمعی در جامعه
اسلامی دارد.

يَدْخُلُ الْجَنَّةَ أَنَا وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ، قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَمُحِبُّوُنَا؟ قَالَ: مَنْ وَرَّانَكُمْ^۱

۹۱۹ رسول الله ﷺ: أَنَا وَعَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي قَبْئِهِ نَحْتُ الْعَرْشِ^۲

۹۲۰ هه ﷺ: أَبُ الشَّجَرَةِ، وَفَاطِمَةُ فُرْعَهَا وَعَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ثَمَرَتُهَا وَشَيْعَتَا وَرَثَتُهَا، وَأَصْلُ الشَّجَرَةِ فِي جَنَّةِ عَدْنٍ وَسَائِرُ دِينٍ فِي سَائِرِ الْجَنَّةِ^۳

الفصل الثالث عشر خصائص اهل البيت

۱/۱۳ الطهارة

الكتاب

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»^۱

الحدث

۹۲۱ رسول الله ﷺ: إِنَّمَا أَهْلُ بَيْتِي قَدْ ذَهَبَ اللَّهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطُنَ^۲

۹۲۲ عنه ﷺ: أَنَا وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَتِسْعَةُ بَنِي وَدِّ الْحُسَيْنِ مُطَهَّرُونَ مَعْصُومُونَ^۳

۹۲۳ عنه ﷺ: نَحْنُ أَهْلُ بَيْتٍ طَهَّرَهُمُ اللَّهُ، مِنْ شَجَرَةِ النَّبُوَّةِ، وَتَوْصِيَةِ الرِّسَالَةِ، وَمُحَلِّفِ الْمَلَائِكَةِ، وَبَيْتِ الرَّحْمَةِ، وَتَحْدِثِ الْعِلْمِ^۴

۱ - المستدرک علی الصحیح ج ۳ ص ۱۶۷ ح ۷۷۳

۲ - کنز العمال ج ۱۲ ص ۱۰۰ ح ۳۷۱۷۷

۳ - المستدرک علی الصحیح ج ۳ ص ۱۷۴ ح ۱۷۵۵

۴ - الاحزاب: ۳۳، ۵ الفردوس ج ۱ ص ۵۸ ح ۱۸۴

۶ - کمال الدین ص ۲۸۰ ح ۲۸

۷ - لادار المشرق ج ۶ ص ۶۰۶

کسانی که به بهشت در می آیند، من هستم به همراه فاطمه، حسن و حسین

گفتم: ای پیامبر خدا! دوستداران ما چه؟

فرمود: بهشت سر شما به بهشت در خواهد آمد.

۹۱۹ پیامبر خدا ﷺ: من، علی، فاطمه، حسن و

حسین، رور رستاخیز در خانه ای گسیدی ریز عرش خواهد بود

۹۲۰ - پیامبر خدا ﷺ: من، درخت [نبوت] هستم و

فاطمه، شاخه آن است و علی، [مایه] باروری آن

است و حسن و حسین، میوه آن اند و پیروان ما

برگ های آن هستند. ریشه این درخت، در

بر دوس برین قرار دارد و دیگر قسمت های آن در

دیگر قسمت های بهشت است

فصل سیزدهم ویژگی های اهل بیت

۱/۱۳ طهارت

قرآن

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»

[پیامبر] بفرماید و شما را پاک و پاکیزه گرداند

حدیث

۹۲۱ - پیامبر خدا ﷺ: خداوند، هر گونه تبهکاری پنهان

و پندار از ما اهل بیت، دور کرده است.

۹۲۲ - پیامبر خدا ﷺ: من و علی و حسن و حسین و نه

نس از فرزندان حسین، پاک و معصوم هستیم.

۹۲۳ - پیامبر خدا ﷺ: ما خاندانی هستیم که خداوند،

پاکشان گردانیده است. این خاندان، از شجره

نبوت و جایگاه رسالت و محل آمد و شد

فرشتگان و حانه رحمت و معدن دانش اند

توضیحی درباره استدلال به ویژگی طهارت

باید دانست که طهارت، ویژه اهل بیت علیهم السلام و مربوط به همه عرصه های عقیده، اخلاق و عمل است و ریسر ویژگی هایی است که موجب شایستگی آنان برای هدایت و راهبری امت اسلام می گردد. از همین رو، در صدر همه ویژگی های آنهاست و در مقام اثبات حقانیت آب در برابر کسانی که حقوق ایشان را نادیده می انگاشتند، بارها بدان استدلال شده است. امام علی علیه السلام در جریان سقیفه و خودداری از بیعت با ابو بکر، ضمن بر شمردن فصایل خود، خطاب به او فرمود:

تو را به خدا سوگند می دهم آیا در روز کربلا من و خانواده ام و فرزندانم مشمول دعای پیامبر خدا شدیم، یا نه، آن جا که فرمود: «ایمان، خاندان من هستند به سوی نور و از پیر به آتش»^۱ و نبته ابو بکر در پاسخ گفت: تو و خانواده و فرزندانم!

سر در حرمان مذکور، بری اثبات حقانیت فاطمه علیها السلام، خطاب به ابو بکر، به آیه تطهیر استدلال می کند همچنین، در ماجرای شورایی که به فرمان عمر بری تعیین حصه بعد از او تشکیل شد، علی علیه السلام برای اثبات شایستگی خود، به آیه تطهیر استدلال می فرماید:

بیر در زمان خلافت عثمان، در جمع مهاجران و انصار، هنگامی که آنها در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله فصل خود را می گفتند و از علی علیه السلام می خواستند او هم چیری بگوید، ضمن تأیید خدمات آنان به اسلام، در بیان فصیلت خود، به واقعه کسا و آیه تطهیر اشاره کرد.^۲

ایشان همچنین، در جریان فتنه ماکئیس و جنگ الفروان جمل، هنگامی که آنان را به بیعت مجدد دعوت فرمود، بری اثبات حقانیت خود، ضمن بر شمردن فصایل خویش، به ویژگی طهارت، اشاره کرد. در واقعه صفین نیز، هنگامی که دو لشکر در برابر هم صف آرای گردید، امام علیه السلام ضمن خطبه ای، به رویداد کربلا اشاره می فرماید.^۳

همچنین، فروردان آن بررگوار، چه آنها که در واقعه کسا حضور داشتند (مانند امام حسن و امام حسین علیهم السلام) و چه آنها که حضور نداشتند (مانند امام زین العابدین، امام باقر و امام رضا علیهم السلام)، در مقام اثبات حقانیت اهل بیت، به رویداد کسا و آیه تطهیر استناد کرده اند.

بیر یکی از همسران بررگوار پیامبر صلی الله علیه و آله و جمعی از یاران پیامبر خدا (مانند ابن عباس، سعد بن ابی وقاص و واثله بن اسقع) در موارد گوناگون، به طهارت اهل بیت علیهم السلام استدلال نموده اند.

۱- المختار ص ۵۵۰، الاحتجاج ج ۱ ص ۳۰۸، کتاب سیمین فی ج ۲ ص ۶۶۶

۲- المختار ص ۵۵۰، الاحتجاج ج ۱ ص ۳۰۸

۳- کتاب سیمین فی ج ۲ ص ۷۶۱

۲/۱۳. هَدَى الْقُرْآنَ

۲/۱۳. هفتای قرآن

۹۲۴. صحیح مسلم عن رید بن أرقم. قَامَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَوْمَ فِينَا خَطِيبًا يَمَاءٌ يُدْعَى «حُمَا» بَيْنَ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَتَى عَلَيْهِ وَوَعظَ وَدَكَّرَ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّا بَعْدُ أَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، فَإِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَأْتِيَ رَسُولُ رَبِّي فَأُجِيبَ، وَأَنَا تَارِكٌ فِيكُمْ تَقْلِيدٍ وَلَهُمَا كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَى وَالنُّورُ، فَحَدِّثُوا بِكُتَابِ اللَّهِ وَاسْتَشِيرُوا بِهِ فَعَنْتُ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَرَغَبْتُ فِيهِ، ثُمَّ قَالَ: وَاهْلَيْتَنِي أَذْكُرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ نَبِيِّي، أَذْكُرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ نَبِيِّي، أَذْكُرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ نَبِيِّي

۹۲۴. صحیح مسلم - به نقل از رید بن ارقم - : پیامبر خدا، روزی در میان ما در آبگیری که «حُمَا» نامیده می‌شود و میان مکه و مدینه قرار دارد، به خطبه برخاست و خداوند راستود و پند داد و موعظه کرد و سپس فرمود: إِنَّا بَعْدُ هَاهُنَا، ای مردم! من هم بشری هستم که نه رودی، بلکه پروردگارم مرد من می‌بد و من میر او را پاسخ می‌گویم. من در میان شما دو چیز گردانیده‌ام به یادگار من بهمن: سحشیں آن دو، کتاب خداست که در آن، هدایت و نور، نهفته است پس کتاب خدا را بگیرد و بدان، چنگ در ریزد.

پیامبر ﷺ به کتاب خدا ترعیب کرد و تشویق نمود و سپس فرمود: دو اهل بیت من احدا را در حق اهل بیتم به شما یادآور می‌شوم؛ خدا را در حق اهل بیتم به شما یادآور می‌شوم؛ خدا را در حق اهل بیتم یادآور می‌شوم!

۳/۱۳. خُلَاةُ النَّبِيِّ ﷺ وَأَوْصِيَاؤُهُ

۳/۱۳. خلفشیںان و اوصیای پیامبر ﷺ

۹۲۵. المعجم الكبير عن سلمان. قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ لِكُلِّ نَبِيٍّ وَصِيٌّ فَصْنِيكَ؟ فَسَكَتَ عَنِّي، فَلَمَّا كَانَ بَعْدُ رَأَيْتُ فَقَالَ يَا سَلْمَانَ، فَاسْرِعْتَ إِلَيَّ قُلْتُ لَيْلِكَ قَالَ تَعْلَمُ مَنْ وَصِيُّ مُوسَى؟ قُلْتُ نَعَمْ، يُوُشَعُ بْنُ نُونٍ، قَالَ لِمَ؟ قُلْتُ لِأَنَّهُ كَانَ أَعْلَمَهُمْ، قَالَ فَابْنُ وَصِيَّتِي وَمَوْصِيغُ بَرْزِي وَخَيْرُ مَنْ أَتْرَكَ بَعْدِي وَيُسَجِّرُ عِزَّتِي وَيَقْصِي دَهِيَّ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ^۱

۹۲۵. المعجم الكبير - به نقل از سلمان - : گفتم: ای پیامبر خدا! هر پیامبری وصی‌ای دارد. وصی شما کیست؟ پیامبر ﷺ در پاسخ من، سکوت کرد. بعداً چون مرادید، فرمود: «ای سلمان!» من با سرعت گفتم: به فرمود: ای دانی وصی موسی که بود؟ گفتم: نری یوشع بن نون فرمود: چرا؟

گفتم: زیرا او داناترین نشان بود فرمود: دوصی و دارداں من و بهترین کسی که پس از خود به یادگار می‌گذارم که به وعده من تحقق می‌بخشد و قرصم را می‌پردازد، علی بن ابی طالب است.

۹۲۶. پیامبر خدا ﷺ - در حدیث معرّج - : [گفتم] بار خدا یا! اوصیای من کیانند؟

۹۲۶. رسول الله ﷺ - فِي حَدِيثِ الْمَعْرَجِ - يَا زَيْدُ، وَمَنْ أَوْصِيَايَ؟ فَتَوَدَّعْتُ يَا مُحَمَّدُ، أَوْصِيَاؤُكَ الْمَكْتُوبُونَ عَلَى سَاقِي عَرْشِي، فَتَطَرْتُ وَأَنَا بَيْنَ يَدَيِ رَبِّي جَسَدٌ جَلَالُهُ إِلَى سَاقِي الْعَرْشِ، فَزَأَيْتُ ثِنْتِي عَشْرَ نَوَاحٍ، فِي كُلِّ نَوَاحٍ سَطْرٌ أَحْصَرُ مَكْتُوبٌ عَلَيْهِ اسْمُ وَصِيِّي مِنْ

بنا در رسید که: ای محمد! نام اوصیای تو بر پایه عرش من، نوشته شده است.

۱ صحیح مسلم ج ۱ ص ۱۸۷ ح ۲۶۰۸
۲ المعجم الكبير ج ۶ ص ۲۲۱ ح ۶۰۶۳

اوصیائی، اَوْلَهُمْ عِیُّ بْنُ نُبَی طَالِبٍ، وَاَجْرُهُمْ مَهْدِیْ
اُنْتِی

قُلْتُ یَا رَبِّ. هَؤُلَاءِ اَوْصِیائی مِسْ بَعْدِی؟
قَسَمُودِیْتُ: یَا مُحَمَّدُ، هَؤُلَاءِ اُولِیائی وَاَحِبَّائِی
وَاَوْصِیائی وَحُجَّجِی بَعْدَکَ عَلَی بَرِئِی. وَهُمْ
اَوْصِیَاؤُکَ وَحُلَمَاؤُکَ وَخِیرُ خَلْقِی بَعْدَکَ^۱

۴/۱۳. اَفْضَلُ الْخَلْقِ

۹۲۷ رسول الله ﷺ یَا فَاطِمَةُ، وَنَحْنُ اَهْلُ بَیْتٍ قَدْ اَعْطَانَا
اللَّهُ سَبْعَ جِوَالٍ لَمْ یُعْطَ اَحَدٌ قَبْلَنَا وَلَا یُعْطَى اَحَدٌ
بَعْدَنَا اَنَا حَایِمٌ لِنَبِیِّیْنِ وَاَكْرَمُ النَّبِیِّیْنَ عَلَی اللَّهِ وَاَحَبُّ
الْمَحْبُودِیْنَ اِلَی اللَّهِ ﷺ. وَاَنَا اَبُوكَ وَوَحِیِّی حَمِیْرُ
الْاَوْصِیَاءِ وَاَحَبُّهُمْ اِلَی اللَّهِ وَهُوَ بَعْدُکَ، وَشَهِدْنَا خَیْرُ
الشُّهَدَاءِ وَاَحَبُّهُمْ اِلَی اللَّهِ، وَهُوَ عَمَّکَ حَمْرَةٌ حَرِّیَّةٌ
الْمُطَلَّبُ وَهُوَ عَمُّ بَیْکَ وَعَمُّ بَعْلِکَ، وَمِمَّا مَنَ لَهُ جَمَاعَةٌ
اَحْضَرُوا یَطِیْرُ فِی الْجَنَّةِ مَعَ الْمَلَائِكَةِ حَتَّى یَنْشَأَ وَهُوَ
ابْنُ عَمِّ اَبِیْکَ وَاَحْمَرُ بَعْلِکَ، وَمِمَّا سَبَطَا هَذِهِ الْاُئِمَّةُ وَهُمْ
بَیْکَ الْحَسَنُ وَالْحُسَیْنُ وَهُمْ سَیِّدَا شَبَابِ اَهْلِ لَحْنَةٍ،
وَاَبُوهُمَا - وَالَّذِی یَقْتَنِی بِالْحَقِّ - خَیْرٌ مِنْهُمَا یَا فَاطِمَةُ
- وَالَّذِی یَقْتَنِی بِالْحَقِّ - اِنْ مِنْهُمَا مَهْدِیْ هَذِهِ الْاُئِمَّةُ^۲

۵/۱۳. اَوَّلُوا الْاَمْرَ

الکتاب

«بِأَتِهَا اَلْدِّیْنُ» اَطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ
وَاُولٰٓئِی الْاَمْرِ مِنْكُمْ فَاِنْ تَنَزَعْتُمْ فِی شَیْءٍ فَرُدُّوهُ اِلَی

من، در حالی که در برابر پروردگار قنار
داشتیم، به پایه عرش نگریدیم و دوازده نور را دادم
که در هر نور، سطری سز رنگ بود که نام وصی ای ار
اوصیای من بر آن نوشته شده بود، نخستین آنها علی
بن ابی طالب و آخرین پشان، مهدی امتم بود
گفتم، بار خدایا! ایسان، اوصیای پس از من
هستند؟

بدا در رسید که ای محمدا ایسان، اوبیا، دوستان،
برگردگان و حجت‌های من بر مردم، پس از تو
هستند. ایشانند اوصیا و جانشیان تو و بهترین
حکتم پس از تو.

۴/۱۳. بوقوین مردم

۹۲۷. پیمبر خدا ﷺ ای فاطمه! ما حاندس هستیم که
خطارند، همت حصصت به ما بخشیده که به هیچ کس
پس از ما و پس از ما عطا نمروده است. من، خانم
پیشوای و گرامی‌ترین ایشان نزد خدا و محبوب‌ترین
حق پروردایو هستیم، پس، پدر تو هستیم و وصی من،
بهترین اوصیا و محبوب‌ترین ایشان نزد پروردگار
است که همان شوهر نوست. شهید مایهترین شهیدان
و محبوب‌ترین آنها نزد خداست که همان هموی شو
حمرة بن عبد المطلب است و هموی پدر تو و هموی
شوهر تو بیر هست. او ماست کسی که با دو نال سبز
در بهشت، به همراه فرشتگان به هر سو که بخواهد،
پرواز می‌کند. او همان پسر هموی پدر تو و برادر
شوهر نوست، از مایند دو نوه این امت، که دو فرزند
تو، حسن و حسین‌اند و سرور جوانان بهشتی‌اند و
پدر آن دو - سوگند به آن که مرا به حق برانگیخت - از
آن دو بهتر است. ای فاطمه! سوگند به کسی که مرا به
حق برانگیخت، مهدی این امت از همین دو تن است.

۵/۱۳. اَوَّلُوا الْاَمْرَ

قرآن

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را اطاعت کنید و پیامبر
و اولیای امر خود را [بیر] اطاعت کنید. پس هر گاه در

۱. علل الشرائع ص ۶ ج ۱

۲. المعجم الکبیر ج ۲ ص ۵۷ ح ۲۶۷۵

اللَّهُ وَالرَّسُولُ إِنَّ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِلِلَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ ثَأْوِيلًا^۱

الحديث

۹۲۸ الإمام علي عليه السلام قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ شَرَّ كَانِي الدِّينِ
قَرَبَهُمُ اللَّهُ بِنَفْسِهِ وَبِي وَرَسُولٍ فِيهِمْ «بِأَيِّهَا
الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ» هَذَا
خَفِيفٌ تَنَارُ عَا فِي أَمْرِ فَأَرْجِعُوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ وَأُوبِئِي
لَأَمْرِ قَدْ يَأْتِي اللَّهُ مَن هُمْ؟ قَالَ أَنْتَ أَوْلَهُمْ^۲

۶/۱۳ أهل الذكر

۹۲۹ رسول الله ﷺ فِي قَوْلِ اللَّهِ «فَاسْأَلُوا أَهْلَ
الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»^۳ الذِّكْرُ أَمَّا وَالْأَيْمَةُ
أَهْلُ الذِّكْرِ^۴

۷/۱۳ امان اهل الارض

۹۳۰ رسول الله ﷺ النُّجُومُ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ، إِذَا
دَهَبَتِ النُّجُومُ دَهَبَ أَهْلُ السَّمَاءِ، وَأَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ
لِأَهْلِ الْأَرْضِ، فَإِذَا دَهَبَ أَهْلُ بَيْتِي دَهَبَ أَهْلُ
الْأَرْضِ^۵

۸/۱۳ معین الرساله

۹۳۱ رسول الله ﷺ كَحَرِّ أَهْلِ بَيْتِ شَجَرَةِ نُبُوتٍ،
وَمَعِينِ الرِّسَالَةِ، لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الْعَلَائِقِ يَفْصُلُ أَهْلَ

۱ النساء ۵۹

۲ شواهد شریعی ج ۱ ص ۱۸۹ ح ۲۰۲

۳ النحل ۱۳

۴ الکافی ج ۱ ص ۲۱۰ ح ۱

۵ نهج الصالحه لابن حنبل ج ۲ ص ۱۷۱ ح ۱۱۱۵

امری [دی] اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز
بارحسین ایمان دارید، آن را به [کتاب] خدا و [سنت]
پیامبر [اد] عرصه بدانید، این بهتر و سبک فرجام بر
است.

حدیث

۹۲۸ امام علی علیه السلام پیامبر ﷺ فرمود: «شریکان من،
کسانی هستند که خداوند، آنها را به خودش و به
من، پیوند داد و این آیه را درباره آنها نازل فرمود.
«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را اطاعت کنید و پیامبر و
اولیای امر خود را [باید] اطاعت کنید» پس اگر ار
اختلاف در امری ترسیدید، آن را به خدا و
فرستاده و اولو الامر، ارجاع دهید.

گفتم: ای پیامبر خدا! ایشان کیان اند؟

فرمود: آنو محسب اینها می.

۶/۱۳ اهل ذکر

۹۲۹ پیامبر خدا ﷺ - درباره سخن خداوند ﷻ «اگر
می‌دانید از احد ذکر نبرسید» - همانا ذکر، هم و
«اهل ذکر» امانان هستند

۷/۱۳ امان زمینیان

۹۳۰ پیامبر خدا ﷺ ستارگان، موجب امان آسمانیان
هستند و هر گاه ستارگان ناپدید شوند، آسمانیان
بیر می‌روند. اهل بیت من، موجب امان زمینیان
هستند و هر گاه اهل بیت من بروند، زمینیان نیز
حواهند رفت.

۸/۱۳ معین رسالت

۹۳۱ پیامبر خدا ﷺ: «ما جانندان شجره نبوت و
معین رسالت هستیم و هیچ کس جر من بر اهل

تَبَيَّنَ غَيْرِي^۱

پیشم برتری نمی‌یابد.

۹/۱۳ سَلِمَهُمْ سَلِمَ النَّبِيُّ ﷺ وَحَرْبُهُمْ حَرْبُهُ

۹/۱۳. آشنای و جنگ با آنها، آشنای و جنگ با

پیامبر ﷺ است

۹۳۲ سنن الترمذی عن رید بن أرقم: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ لِقَلْبِي وَهَاطِئَةً وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ ﷺ: أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَنِي، وَسَلَامٌ لِمَنْ سَالَمَنِي^۲

۹۳۲. سنن الترمذی: به نقل از رید بن ارقم - پیامبر خدا به علی و فاطمه و حسن و حسین ﷺ فرمود: «من با هر که با شما سر جنگ داشته باشد، سر جنگ دارم و با هر که آشتی شما را در پیش گیرد، آشتی در پیش می‌گیرم».

۱۰/۱۳ بِهِمْ فَتُخَالَفُ الَّذِينَ وَبِهِمْ يُخْتَمُ

۱۰/۱۳ بعین با آنان آغاز می‌گردد و با آنان پایان

می‌گیرد

۹۳۳ المعجم الأوسط عن عُقْبَى بْنِ عُمَيْرٍ عَنْ أَبِيهِ الْإِمَامِ عَلِيٍّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ لِلنَّبِيِّ ﷺ: أَيُّمَا التَّهْدِي أَمْ مِنْ غَيْرِهِ؟ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ بَلْ مَا (يَا) يَحْتَمِلُ اللَّهُ كَمَا يَفْتَحُ، وَبِهَا يُسْتَفْقَدُونَ مِنَ الشُّرْكِ، وَبِهَا يُؤَلَّفُ اللَّهُ تَبِينَ قُلُوبِهِمْ بَعْدَ عِدَاوَةِ بَيْنِهِ، كَمَا يَأْتِي تَبِينَ قُلُوبِهِمْ بَعْدَ عِدَاوَةِ الشُّرْكِ^۳

۹۳۳ المعجم الأوسط - به نقل از عمر بن علی، دربارهٔ پدرش امام علی ﷺ مذکور (علی ﷺ) به پیامبر ﷺ گفت: ای پیامبر خدا! آیا مهدی از ماست، یا از غیر ما؟

فرمود: «در ماست. خداوند، ما را پادشاه می‌بخشد و با ما آغاز می‌کند و همه با ما از شرک رهایی می‌یابد و خداوند ما را دل‌ها را پس از حصول تنگی آشکارا، الفت می‌بخشد، چنان‌که پس از دشمنی شرک، دل‌ها نشان در با یکدیگر مانوس می‌ساخت».

۱۱/۱۳ لَا يُقَاسُ بِهِم أَحَدٌ

۹۳۴ رسول الله ﷺ: نَحْنُ أَهْلُ بَيْتٍ لَا يُقَاسُ بِهَا أَحَدٌ^۴

۹۳۵ عنه ﷺ: نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ لَا يُقَابَلُ بِهَا أَحَدٌ، مَرَّةً عَادَانَا فَقَدْ عَادَى اللَّهَ^۵

۱۳ ۱۱. هیچ‌کس با ایشان سنجیده نمی‌شود

۹۳۴ پیامبر خدا ﷺ: ما خاندانی هستیم که هیچ‌کس با ما سنجیده نمی‌شود

۹۳۵ پیامبر خدا ﷺ: ما خاندانی هستیم که هیچ‌کس با ما برابر نهاده نمی‌شود و هر که به دشمنی با ما برخیزد، به دشمنی با خدا برخاسته است.

الفصل الرابع عشر:

خصائص أهل البيت العلمية

۱/۱۴ خَزَنَةُ عِلْمِ اللَّهِ

۹۳۶ رسول الله ﷺ قَالَ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِسْتِكْمَالُ

فصل چهاردهم.

ویژگی‌های علمی اهل بیت ﷺ

۱/۱۴ خزانة داران علم خداوند

۹۳۶ پیامبر خدا ﷺ: خداوند - تبارک و تعالی - می‌فرماید: «کامل شدن برهان من بر خداوند است، تو،

۱ الأمان للشجري ج ۱ ص ۱۵۱

۲ سنن الترمذی ج ۵ ص ۶۹۹ ح ۳۸۷۰

۳ المعجم الأوسط ج ۱ ص ۵۷ ح ۱۵۷

۴ الترمذی ج ۴ ص ۲۸۳ ح ۶۸۳۸

۵ إرشاد القلوب ص ۱۰۱

خُجَّتِي عَلَى الْأَشْقِيَاءِ مِنْ أُمَّتِكَ مِنْ تَرْكِ وَلَايَةِ عِيسَى
وَالْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِكَ، فَإِنَّ فِيهِمْ سُبُكَ وَسُوءَ الْأَنْبِيَاءِ
مِنْ قَبْلِكَ، وَهُمْ خُرَافِي عَلَى عِلْمِي مِنْ بَعْدِكَ

۲/۱۶ وَرَثَةُ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ ﷺ

۹۳۷ رسول الله ﷺ إِنْ أَوَّلَ وَصِيٍّ كَانَ عَلَى وَحْدِهِ
الْأَرْضَ هَبَّةُ اللَّهِ مِنْ أَدَمَ، وَمِنْ بَنِي إِسْمَاعِيلَ لَا رِبَةَ
وَصِيٍّ، وَكَانَ جَمِيعُ الْأَنْبِيَاءِ مِائَةَ أَلْفٍ بَنِي وَعِشْرِينَ
أَلْفَ نَبِيٍّ، مِنْهُمْ حَمْسَةُ أَوَّلُو الْقُرْمِ نُوْحٌ، وَإِسْرَاهِمُ،
وَمُوسَى، وَعِيسَى، وَمُحَمَّدٌ ﷺ وَإِنْ غَدِيٌّ بِنِ بَنِي
طَالِبٍ كَانَ هِبَةً أَقَرَّ لِمُحَمَّدٍ، وَوَرِثَ عِلْمَهُ الْأَوْصِيَاءُ
وَعِدَمَ مَنْ كَانَ قَبْلَهُ، أَمَّا إِنْ مُعَمَّدًا وَرِثَ عِلْمَ مَنْ كُنْ
قَبْلَهُ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ ۱

۳/۱۴ أَعْلَمُ النَّاسِ

۹۳۸ رسول الله ﷺ إِنْ أَمَرَ عَمْرِي وَأَطَائِبُ أَرْوَمَتِي
أَعْلَمُ النَّاسِ صَعَارًا وَأَعْلَمُ النَّاسِ كِبَرًا، فَلَا تَعْلَمُوهُمْ
فَإِنَّهُمْ أَسْلَمُوا مِنْكُمْ لَا يُعْرِضُونَكُمْ مِنْ بَابِ هُدًى وَلَا
يُدْخِلُونَكُمْ فِي بَابِ ضَلَالَةٍ ۲

۴/۱۴ مَعْدِنُ الْعِلْمِ

۹۳۹ فَصَائِلُ لِمَصْحَابَةِ لَابِنِ حَبِيبٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ عَمْرٍو
عَنْ حُمَيْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَزِيدَ الْخُدَمِيِّ أَنَّهُ ذَكَرَ عِدَّةَ
النَّبِيِّ ﷺ قَصَصًا قَصَصَ بِهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، فَأَعَجَبَتْ
النَّبِيَّ ﷺ فَعَالَ الْخَمْدُوقِيُّ الَّذِي حَمَلَ مِثْلَ الْحِكْمَةِ أَهْلَ

۱ الکافی ج ۱ ص ۱۹۳ ح ۱

۲ الکافی ج ۱ ص ۳۳۴ ح ۲

۳ بیون اخبار الرضا ﷺ ج ۱ ص ۲۰۴ ح ۱

با فروگذاشتن ولایت علی و جانشیمان پس از تو است؛
برپا روشن تو و روشن پیامبران پیش از تو، در آفتاب
است و آفتاب پس از تو، حرانه‌داران دانش من هستند،

۲/۱۶ وَلَرِثَانُ عِلْمِ پیامبران ﷺ

۹۳۷ پیامبر خدا ﷺ، نخستین جانشینی که سرزمین
بود، هبته الله، پس از آدم بود و پیامبری رحلت نکرده
است، مگر آن که جانشینی داشته است و شمار
همه پیامبران، یکصد و بیست هزار پیامبر بوده
است که بیست تن از ایشان (یعنی، نوح، ابراهیم،
موسی، عیسی و محمد) لولو العزم اند. و همانا
علی بن ابی طالب، هدیه خداوند به محمد است
کم دانش جانشیمان و دانش کسانی را که پیش از او
بوده‌اند، به ارث برده است؛ ولی محمد، دانش
پیامبران و مرسلان پیش از به ارث برده است

۳/۱۴ آگاه‌ترین مردم

۹۳۸ پیغمبر خدا ﷺ آگاه باشید که بیکان حادان من
و پاک‌ترین‌های تبار من در کوچک، مردمندترین
مردم و در بزرگی، داناترین ایشان هستند، پس به آنها
پیامورید، که داناتر از شماست. آنها شما را از در
هدایت، بیرون می‌برند و به در گمراهی وارد
نمی‌سازند

۴/۱۴ معدن علم

۹۳۹ فصائل اصحابه، انس حسل - به نقل از صفوان بن
عمرو، از حمید بن عبد الله بن یزید مدنی نزد
پیامبر ﷺ درباره یکی از داورهای علی بن ابی
طالب ﷺ سخن به میان آمد. پیامبر ﷺ به شگفت

الْبَيْتِ^۱.

آمد و فرمود: «ستایش، خدایی را که حکمت را در
میان ما اهل بیت نهاد».

۵/۱۴. عَنْهُمْ عِلْمُ الْكِتَابِ

۵/۱۴. علم کتاب نزد آنهاست

۹۴۰. الْأَمَلِيُّ لِلصَّدُوقِ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ سَأَلْتُ
رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ جَلَّ شَأْنُهُ: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ
عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ»^۲ قَالَ ذَلِكَ وَحْيٌ أَحْمِي سَلِيمَانَ بْنِ
دَاوُدَ، فَقُلْتُ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَوْلُ اللَّهِ ﷻ «قُلْ كَفَى
بِاللَّهِ شَهِيدًا نَبِيٍّ وَنَبِيِّكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»
قَالَ ذَلِكَ أَحْمِي عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ^۳

۹۴۰. الْأَمَلِيُّ، صَدُوق - به نقل از ابو سعید خدری -،
از پیامبر خدا، درباره آیه شریفه «وَرَأَى كَسْرَ مَنْ دَاوُدَ
بِفَتْحٍ لَرِ كِتَابِ سَتِ» پرسیدم. فرمود: «مقصود،
وحی بر ادرم سلیمان بن داوود است».

گفتم: ای پیامبر خدا! مقصود از این
آیه شریفه «بِکَی حَا وَ هَرِکَی» که خود او بخش کتاب
باشد، برای شهادت پس میان من و شما کافی است؟
کیست؟

۶/۱۴. عَنْهُمْ عِلْمُ مَا فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ

فرمود: «ادرم علی بن ابی طالب»

۹۴۱. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا يَنْقَبِ جَسَاحُ طَائِرٍ مِنَ السَّمَاءِ
إِلَّا وَجَدَ فِيهِ عِلْمًا^۴

۶/۱۴. هر آنچه در زمین و آسمان است، آگاهند

۹۴۱. پیامبر خدا ﷺ مال پرندهای در آسمان به هم
نمی‌خورد، مگر این که ما از آن آگاهیم

الفصل الخامس عشر. حقوق اهل البيت ﷺ

۱/۱۵. أَهْمِيَّةُ مَعْرِفَةِ حَقُوقِهِمْ

فصل پانزدهم حقوق اهل بیت ﷺ

۹۴۲. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يَفْعَ عَبْدًا عَمَلُهُ
إِلَّا بِمَعْرِفَةِ حَقِّهِ^۵.

۱/۱۵. اهمیت شناخت حقوق اهل بیت ﷺ

۹۴۲. پیامبر خدا ﷺ سوگند به آن که جانم در دست
اوست، کردار هیچ بنده‌ای به او سود نمی‌رساند،
مگر در پرتو شناخت حق ما.

۹۴۳. عَنْهُ ﷺ جِرَاجُ الْمُؤْمِنِ مَعْرِفَةُ حَقِّهِ، وَأَشَدُّ الْعَمَى
مَنْ عَمِيَ عَنْ فَضْلِهِ^۶.

۹۴۳. پیامبر خدا ﷺ چراغ مؤمن، شناخت حق ماست و
بدترین کوری، [کوری] کسی است که برتری ما را
نبیند.

۱. فضائل الصحابة لابن حبل ج ۲ ص ۶۵۱ ح ۱۱۱۳

۲. النحل ۱۰

۳. الْأَمَلِيُّ لِلصَّدُوقِ ص ۴۵۳ ح ۳.

۴. هَيُونَ أَعْيَارُ الرِّسَالَةِ ج ۲ ص ۳۲ ح ۵۴

۵. الْمَعْجَمُ الْأَوْسَطُ ج ۲ ص ۳۶۱ ح ۲۳۰

۶. جَامِعُ الْأَخْبَارِ ص ۵۰۵ ح ۱۳۹۹

۲/۱۵. الْحَثُّ عَلَى رِغَايَةِ حُقُوقِهِمْ ﷺ

۹۴۴. رسول الله ﷺ أَوْصِيَكُمْ بِعِزَّتِي حَيْرًا^۱

۹۴۵. عَنْهُ ﷺ إِحْفَظُونِي فِي عِزَّتِي^۲

۹۴۶. عَنْهُ ﷺ إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى حُرُمَاتٍ ثَلَاثًا مِمَّنْ حَفِظَهُنَّ حَفِظَ اللَّهُ لَهُ أَمْرَ دِينِهِ وَدُنْيَاهُ، وَمَنْ لَمْ يَحْفَظْهُنَّ لَمْ يَحْفَظِ اللَّهُ لَهُ شَيْئًا حُرْمَةً لِإِسْلَامٍ، وَحُرْمَةً لِعِزَّتِي^۳

۹۴۷. عَنْهُ ﷺ إِنَّكُمْ سَيِّئُونَ فِي أَهْلِ بَيْتِي مِنْ بَعْدِي^۴

۳، ۱۵. عَمَّاوِيْنَ حُقُوقَهُمْ

أ. المودة

الكتاب

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾^۵

الحدیث

۹۴۸. صحيح البخاري عن ابن عباس - في قول الله ﷻ ﴿إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ - قال سعيد بن جبير قُرْبَى، أَلْ مُحَمَّدٌ ﷺ^۶

۹۴۹. رسول الله ﷺ - لابن عباس وقد أُرْسِلَ إِلَى حَاجَتِهِ - فَإِنْ أَرَدْتَ حَاجَتَكَ فَأَصْبِ عَلَيََّا وَدُرَيْدًا، فَإِنَّ حُبَّهُمْ فَرَحٌ مِنَ اللَّهِ ﷻ لِلْعِبَادِ^۷

۲/۱۵. تشویق به پاسداشت حقوق اهل بیت ﷺ

۹۴۴. پیامبر خدا ﷺ شما را درباره عترتم، به بیکی ستارش می‌کم

۹۴۵. پیامبر خدا ﷺ مرا در میان اهل بیتم حفظ کنید.

۹۴۶. پیامبر خدا ﷺ - حدای متعال را سه حرمت است که هر کس آنها را نگه دارد، خداوند، کار دین و دنیای او را حفظ می‌کند و هر که آنها را نگه ندارد، خداوند هیچ چیز او را حفظ نمی‌کند - حرمت اسلام، حرمت من، و حرمت عترتم.

۹۴۷. پیامبر خدا ﷺ شما پس از من درباره اهل بیتم بر موده خواهید شد.

۳/۱۵. عَمَّاوِيْنَ حُقُوقِ أَهْلِ بَيْتِ ﷺ

الف - دوستی

قرآن

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا هَذِهِ السُّبُلَ الَّتِي سَلَكَ السَّافِرُونَ﴾^۱ (سالت)، از شما مژدی می‌خواهم، مگر دوستی در حق خویشاوندان! حدیث

۹۴۸. صحيح البخاري - به نقل از ابن عباس، درباره آیه شریف ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا هَذِهِ السُّبُلَ الَّتِي سَلَكَ السَّافِرُونَ﴾ - : سعيد بن جبير گفت: [مقصود از] خویشاوندان، خاندان محمد ﷺ هستند

۹۴۹. پیامبر خدا ﷺ - به ابن عباس، در حالی که او را پی حاجتی می‌فرستاد - : اگر می‌خواهی به حاجت دست یابی، علی و سبل او را دوست بدار؛ چرا که خداوند دوست داشتن آنان را بر بندگان، واجب فرموده است.

۱. المستدرک علی الصحيح ج ۲ ص ۱۳۱ ح ۲۵۵۹

۲. مسند الشهاب ج ۱ ص ۱۱۹ ح ۴۷۴

۳. المنهاج ص ۱۴۶ ح ۱۷۳

۴. المعجم الكبير ج ۱ ص ۱۹۲ ح ۱۱۱۱

۵. الشوری ۲۳

۶. صحيح البخاري ج ۴ ص ۱۸۱۹ ح ۴۵۴۱

۷. بتایع المودة ج ۲ ص ۲۹۲ ح ۸۴۲

ب- التَّمَسُّكُ

ب- تمسک

۹۵۰. رسول الله ﷺ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى فَلْيَتَمَسَّكَ بِحَبِّ عَيْيٍ وَأَهْلِ بَيْسٍ^۱

۹۵۰. پیامبر خدا ﷺ هر کس دوست دارد که به محکم‌ترین دستاویز چنگ زند، به دوستی علی و اهل بیت من، چنگ زند.

۹۵۱. الإمام علي عليه السلام قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَا عَلِيُّ... أَنْتُمْ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، مَنْ تَمَسَّكَ بِهَا اهْتَدَى، وَمَنْ تَرَكَهَا ضَلَّ^۲

۹۵۱. امام علی علیه السلام: پیامبر ﷺ به من فرمود: ای علی...! شما حجّت خدا بر خلق او و استوارترین دستاویزی هستید که هر کس بدان چنگ زند، هدایت می‌شود و هر که رهايش کند، گم‌راه می‌گردد.

ج- الْوَلَايَةُ

ج- ولایت

۹۵۲. المستدرک علی الصحيحین عن رید من أرقم. لَمَّا رَحِمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْ حُجَّةٍ يُوَدَّاعٍ وَرَزَلَ عَدِيْزٌ حُسْمٌ أَنْزَلَ بِدَوْحَاتٍ فَمِصْنَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُوَلَايَ وَأَنَا وَبِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ ثُمَّ أَحَدٌ بِيَدِ عَلِيٍّ عليه السلام فَقَالَ مَنْ كُنْتُ وَبِيَّةً فَهَذَا وَلِيُّهُ، اللَّهُمَّ وَالِ الْإِسْلَامِ وَالْأَوَّلِ وَالْآخِرِ عَادَةً عَادَةً^۳

۹۵۲. المستدرک علی الصحيحین - به نقل از رید بن ارقم - چون پیامبر خدا از حجة الوداع بازگشت و در حدیر نعم فرود آمد، دستور داد زیر درخت‌ها را از خار و خشاک، جارو کردند... سپس فرمود: همان خداوند، مولای من است و من، ولی هر مؤمنی هستم.

۹۵۳. عنه عليه السلام وَلَا تَبَى وَلَا تَبَى وَلَا تَبَى أَهْلُ بَيْسٍ أَمَّا مِنْ النَّارِ^۴

۹۵۳. از نگاه دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود: هر کس که من ولی او هستم، این ولی اوست. بار خداها! دوستان او را دوست و دشمنش را دشمن بدانید.

د- الْاِقْتِدَاءُ

د- پیروی

۹۵۴. رسول الله ﷺ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَحْيَا حَيَاةً تُشَبِّهُ حَيَاةَ الْأَنْبِيَاءِ وَيَمُوتَ مِيتَةً تُشَبِّهُ مِيتَةَ الشُّهَدَاءِ وَيَسْكُنَ الْجَنَّةَ الَّتِي عَزَّاهَا الرَّحْمَنُ فَلْيَتَوَلَّ عَلِيًّا وَبِوَالِي رِيَّةٍ وَلْيَقْتَدِ بِالْأَيْمَةِ مِنْ بَعْدِهِ، فَإِنَّهُمْ عِزَّتِي حُلِقُوا مِنْ طَيْبَتِي اللَّهُمَّ ارْزُقْهُمْ فَهْمِي وَعِلْمِي، وَوَزِيلَ لِلْمُحَابِبِينَ لَهُمْ مِنْ أُمَّتِي، اللَّهُمَّ لَا تُبَدِّلْهُمْ شِعَاعَتِي^۵

۹۵۴. پیامبر خدا ﷺ ولایت من و ولایت اهل بیت من، عایه اعمی از آتش دوزخ است

۹۵۴. پیامبر خدا ﷺ هر که دوست دارد مانند پیامبران زندگی کند و مرگی چون مرگ شهیدان داشته باشد و در بهشتی که خدای رحمان کاشته است، ساکن شود، باید از علی پیروی کند و با دوست او دوستی کند و به امامان پس از او اقتدا نماید؛ چرا که ایشان، عزت من اند و از طیبیت من، آفریده شده‌اند. بار خداها! فهم و دانش مرا روزی ایشان فرما و ای بر آن دسته از امت من که مخالفت آنان کنایه بار خداها! شفاعت مرا شامل حال این گروه مردمان مگردان!

۱. عيون اخبار الرضا عليه السلام ج ۲ ص ۵۸ ح ۲۱۶

۲. الامالی للمفيد ص ۱۱۰ ح ۹

۳. المستدرک علی الصحيحین ج ۳ ص ۱۱۸ ح ۱۵۷۶

۴. الامالی للصدوق ص ۳۸۳ ح ۸

۵. الکافی ج ۱ ص ۲۰۸ ح ۳

۹۵۵ هـ. ﷺ: أَهْلُ بَيْتِي يُفَرِّقُونَ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ، وَهُمْ الْأَيُّمَةُ الَّذِينَ يَقْتَدِي بِهِمْ^۱

۹۵۵. پیامبر خدا ﷺ: اهل بیت من، حق را از باطل جدا می‌کند و هم ایشان‌اند آن «ایمانی» که باید به آنها اقتدا کرد

هـ- الإِكْرَامُ

هـ- گرامی‌داشت

۹۵۶ لَدُنَّ الْمَعْلُومِ مِّنْ أُنْسٍ بَيْنَ مَلِكٍ وَمُرِيدَةٍ قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ هَذِهِ الْآيَةَ ﴿فَإِنِّي يُبَوِّدُ أَمْرًا لَّهِ أَنْ تَرْفَعَ﴾ فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ أَيُّ يُبَوِّدُ عِدْوِي يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ يُبَوِّدُ الْأَنْبِيَاءَ، فَقَامَ إِلَيْهِ أَبُو بَكْرٍ، فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَذَا النَّبِيُّ مِنْهَا؟ - لَيْتَ عَلَيَّ وَمَاطِمَةٌ - فَإِنْ نَعَمْ مِنْ أَهْلِهَا^۲

۹۵۶. الْمَعْلُومُ - به نقل از آنس بین مالک و مرید - پیامبر خدا، این ﴿فَإِنِّي يُبَوِّدُ عِدْوِي﴾ که خدا رحمت داده که بعد و مرید (انها رفعت یادت) را قرانت کرد مریدی بر حاس و گفت: ای پیامبر خدا! اینها کدام خانه‌ها هستند؟

فرمود: «خانه‌های پیامبران»

ابو بکر بر حاس و گفت: ای پیامبر خدا! این خانه (حاجه علی و فاطمه) هم جزو آنهاست؟
فرمود: «آری! از بهترین آنهاست»

۹۵۷ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَرَبَعَةٌ أَنَا لَهُمْ شَمِيعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْمُكْرِمُ لِذُرِّيَّتِي مِّنْ بَعْدِي، وَالْقَاضِي لَهُمْ حَوَائِجَهُمْ وَالسَّاعِي لَهُمْ فِي أُمُورِهِمْ عِندَ اصْطِرَارِهِمُ الْبَسَدَ وَالْمُجِبُّ لَهُمْ بِقَلْبِهِ وَلِسَانِهِ^۳

۹۵۷. پیامبر خدا ﷺ: چهار مرید که روز قیامت، من شمع آنها خواهم بود. کسی که پس از من، فرزندانم را، گرامی بدارد، کسی که نیازهای آنان را بر آورده، سارده کسی که وقتی آنان به او محتاج شدند، در رفع گرفتاری‌هایشان بکوشد و کسی که با دل و زبان خویش، آنان را دوست بدارد

و- صلوات فرستادن

۹۵۸. صحیح البخاری - به نقل از عبد الرحمن بن ابی لیس - کعب بن عجره - من بر حور و گفتم: سی خواهی به تو هدیه‌ای دهم که آن را از پیامبر ﷺ شیدم؟

گفتم: چرا آن راه من بد

گفت: از پیامبر خدا پرسیدیم: ای پیامبر خدا! بر شما اهل بیت، چگونه درود بفرستیم؟ چون خداوند، بحور سلام گفتن بر خودت راه ما تعلیم داده است؟

فرمود: بگویند: خدا یا! بر محمد و اهل بیت او

۹۵۸ صحیح البخاری عن عبد الرحمن بن أبي ليلى لقيني كعب بن عجره فقال ألا أهدي لك هديته سمعتها من النبي ﷺ؟ فقلت بلى، فأداهالي، فقال سألنا رسول الله ﷺ فقلنا يا رسول الله، كيف الصلاة عليكم أهل البيت؟ قال الله قد علمنا كيف مسلم عليكم، قال: قولوا اللهم صل على محمد وعلى آل محمد كما صليت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم، إنك

۱ التمهيد ص ۱۶۴ ج ۱

۲ في المصدر «البيت» والصحيح ما أنشأه كما في شواهد التنزيل.

۳ الدر المنثور ج ۱ ص ۲۰۳

۴ كثر التمهيد ج ۱ ص ۱۰۰ ج ۲ ص ۱۸۰

حَمِيدٌ مُّجِيدٌ. اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ
كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ. إِنَّكَ حَمِيدٌ
مُّجِيدٌ.^۱

الفصل السادس عشر: حبّ اهل البيت

۱/۱۶ فضل خُطْبِهِمْ

۹۵۹ رسول الله ﷺ الإسلام غُرِيَانٌ، فُلْيَاةُ الْحَيَاةِ
وَرِيَّةُ الْوَقَارِ وَمُرْدَةُ الْعَمَلِ الصَّالِحِ وَعِمَادَةُ الْوَزْعِ
وَلِكُلِّ شَيْءٍ أَسَسٌ. وَأَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّ أَهْلِ
الْبَيْتِ.^۲

۹۶۰ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ - لَيْعَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ - أَسَا سَعْدٌ وَلَدُ آدَمَ. وَأَمْتُ بِهَا
عَبْدٌ وَالْأَنْعَمُ مِنْ بَعْدِكَ سَادَةُ أُمَمِي. مَنْ حَبَّبَكَ فَقَدْ
أَحَبَّ اللَّهَ. وَمَنْ أَحَبَّنَا فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ. وَمَنْ وَالَانَا فَقَدْ
وَالَى اللَّهَ. وَمَنْ عَادَانَا فَقَدْ عَادَى اللَّهَ. وَمَنْ طَاعَنَا فَقَدْ
طَاعَ اللَّهَ. وَمَنْ عَصَانَا فَقَدْ عَصَى اللَّهَ.^۳

۹۶۱ قَارِيجُ دِمَشْقَ عَنْ رِيْدِ بْنِ أَرْقَمَ: كُنْتُ حَسْبُ رَسُولِ
اللَّهِ ﷺ مَرَّتَ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا كَلِمَةٌ، وَهِيَ حَارِجَةٌ
مِنْ بَيْتِهَا إِلَى حُجْرَةِ نَبِيِّ اللَّهِ ﷺ، وَتَقَفَا أَمَّا هَا الْعَسْنُ
وَالْحُسَيْنُ. وَعَلَيْهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ هِيَ أَنَا بِهِمْ. فَظَرَّ إِلَيْهِمْ
النَّبِيُّ ﷺ فَقَالَ مَنْ أَحَبَّ هَؤُلَاءَ فَقَدْ أَحَبَّنِي، وَمَنْ
بَغَضَهُمْ فَقَدْ أَبْغَضَنِي.^۴

۱ صحیح البخاری ج ۲ ص ۱۲۳ ح ۳۱۹۰

۲ الکافی ج ۲ ص ۱۶ ح ۲

۳ الامالی للصدوق ص ۳۸ ح ۱۶

۴ أي ثياب مسبوحة من صوف الاعنم وأشعار الساعر

۵ تاریخ دمشق ج ۱۱ ص ۱۵۴ ح ۲۴۷۳

درود فرست، همچنان که بر ابراهیم و آل ابراهیم،
درود هرستادی، که تو، ستوده پشکوهی، خدایا! بر
محمد و اهل بیت او برکت ارزانی دار، همچنان که بر
ابراهیم و آل ابراهیم، برکت ارزانی داشتی، که تو
ستوده پشکوهی.

فصل شانزدهم دوست داشتن

اهل بیت

۱/۱۶ فضیلت دوست داشتن اهل بیت

۹۵۹ پیامبر خدا ﷺ اسلام، پسرانه است و حیاة آن،
حیاست و زیورش، وقار است و مردانگی‌اش،
کردار نیک است و ستایش، پارسایی است و هر
پیری بنیادی دارد و بیاد اسلام، دوست داشتن ما
اهل بیت است

۹۶۰ پیامبر خدا ﷺ - به علی علیه السلام - من، ضرور فرزندان
تو هستم و تو - ای علی - و امامان پس از تو،
ضروران امت من هستید هر کس ما را دوست بدارد،
خدا را دوست داشته است و هر کس ما را دشمن
بدارد، خدا را دشمن داشته است هر که با ما دوستی
ورزد، یا خدا دوستی ورزیده است و هر کس با ما
دشمنی کند، یا خدا دشمنی ورزیده است. هر کس از
ما اطاعت کند، از خدا اطاعت کرده و هر که از ما
نافرمانی کند، خدا را نافرمانی کرده است

۹۶۱ تاریخ دمشق - به نقل از رید بن ارقم - در
خدمت پیامبر خدا بودم که فاطمه علیها السلام، در حالی که
جامه‌ای پشمی به تن داشت، از کنار ما گذشت، او که
از خانه‌اش بیرون آمده بود، به سوی ائمه اطهار علیهم السلام
می‌رفت فرزندانش او حسن و حسین علیهم السلام سیر
همراهش بودند و علی علیه السلام در پی آنان حرکت می‌کرد
پیامبر ﷺ نگاهی به پشان کرد و فرمود: هر کس اینان
را دوست بدارد، مرا دوست داشته است و هر کس
پشان را دشمن بداند مرا دشمن داشته است.

۹۶۲. رسول الله ﷺ: حُبُّ آلِ مُحَمَّدٍ يَوْمًا خَيْرٌ مِنْ عِبَادَتِي سَنَةً. وَمَنْ مَاتَ عَلَيْهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ^۱

۹۶۲. پیامبر خدا ﷺ: یک روز محبت ورزیدن به خانواده محبت، بهتر از یک سال عبادت است و هر که با این محبت از دنیا برود، وارد بهشت می شود

۲/۱۶ خَصَانُصُ حُبِّهِمْ ﷺ

۹۶۳. رسول الله ﷺ - فِي حِفْظِهِ عَلَيَّ ﷺ - يَا أَيُّهَا النَّاسُ، اسْتَجِبُوا أَوْلَادَكُمْ بِحُبِّهِ، فَإِنَّ عَلَيًّا لَا يَدْعُو إِلَى صَلَاحٍ وَلَا يُبْعِدُ عَنْ هُدًى، فَصِرْ أَحِبُّهُ فَهُوَ بِكُمْ، وَمَنْ أَبْغَضَهُ قَلَّيَسُ مِنْكُمْ^۲

۲/۱۶ ویژگی های دوست داشتن اهل بیت ﷺ

۹۶۳. پیامبر خدا ﷺ - درباره علی ﷺ - ای مردم! فرزندان خود را با [محبت] محبت علی ساز مایید؛ زیرا علی هرگز به گمراهی فرا نمی خواند و از راه راست دور نمی شود. پس، هر یک از فرزندان شما صبی را دوست داشت، از شماست و هر کدام او را دشمن داشت، از شما نیست

۹۶۴. الْأَمَالِيُّ لِلطُّوسِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ جَاءَ أَعْرَبِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَلْ لِلْجَنَّةِ مِنْ قَمِيٍّ؟ قَالَ نَعَمْ، قَالَ: مَا تَشْتَهَى؟ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، يَقُولُهَا الْعَبْدُ الصَّابِعُ مُخْلِصًا بِهَا قَالَ: وَهَذَا إِحْلَاسُهَا؟ قَالَ الْمَمْلُوكُ بِمَا تُعْتَبَرُ بِهِ فِي حَقِّهِ، وَحُبُّ أَهْلِ بَيْتِي قَالَ وَحُبُّ أَهْلِ سِكَ لَيْسَ حَقًّا؟ قَالَ أَجَلٌ، إِنْ حُبُّهُمْ لَا تُعْظَمُ حَقُّهَا^۳

۹۶۴. الْأَمَالِيُّ، طُوسِي - به نقل از جابر بن عبد الله انصاری - بادیه نشینی برد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای پیامبر خدا! آیا بهشت، بهایی دارد؟ فرمود: آری. گفت: بهایش چیست؟ فرمود: «کلمة» «لا إله إلا الله» که بده صالِح، آن را از روی احلاص بگویند. گویند: احلاصی آن چیست؟ فرمود: «عمل کردن به آنچه سرای آن، فرستاده ندادم و دوست داشتن اهل بیت من» گفت: دوست داشتن اهل بیت شما، از حقوقی این کلمه است؟ فرمود: «آری دوست داشتن آنان، سرگرتن بر حق آن است»

۹۶۵. الْإِمَامُ عَنِّي ﷺ عَمِدَ النَّبِيِّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَلَا يُجِبُنِي إِلَّا مُؤْمِرٌ، وَلَا يُبَعْضِنِي إِلَّا مُسَامِقٌ^۴

۹۶۶. الْمَعْجَمُ الْأَوْسَطُ عَنْ أَبِي فَرْدٍ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا تَرَوُلْ قَدَمًا عَبْدٍ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعَةٍ، عَنْ جَسَدِهِ فِيمَا أَيْلَأَ، وَعَمَلِهِ فِيمَا أَفَاءَ، وَمَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ، وَفِيمَا أَتَقَهُ، وَعَنْ حُبِّ أَهْلِ الْبَيْتِ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَمَا عَلَامَةُ حُبِّكُمْ؟ فَصَرَبَ ﷺ يَدَيْهِ عَلَى مَنْكِبِ عَلِيٍّ^۵

۹۶۵. امام علی ﷺ، پیامبر ﷺ به من فرمود که مرا چهر مؤمن، دوست نمی دارد و حر منافق، دشمن نمی دارد

۹۶۶. الْمَعْجَمُ الْأَوْسَطُ - به نقل از ابو فرد - پیامبر خدا فرمود: «[در روز قیامت] هیچ بنده ای از جای خود قدم بر نمی دارد، تا این که درباره چهار چیز از او سؤال شود از جسدش که در چه راهی کسب کرده است؛ از عمرش که در چه راهی صرف کرده است؛ از مالش که از کجا آورده و در چه راهی خرج کرده است؛ و از محبت نسبت به ما اهل بیت»

گفته شد: ای پیامبر خدا! شاید دوست داشتن شما چیست؟

پیش، دست خود را بر شانه علی ﷺ زد

۱. القردوس ج ۲ ص ۱۴۲ ح ۲۷۲۱

۲. تاریخ دمشق ج ۱۲ ص ۲۸۸ ح ۸۸۱۸

۳. الْأَمَالِيُّ لِلطُّوسِيِّ ص ۵۸۴ ح ۱۲۰۷

۴. سنن نسائی ج ۸ ص ۱۱۷

۵. الْمَعْجَمُ الْأَوْسَطُ ج ۲ ص ۳۴۸ ح ۹۱

۳/۱۶ تَأْدِيبُ الْأَوْلَادِ بِحُبِّهِمْ

۳/۱۶ تربیت فرزندان بر دوستی اهل بیت

۹۶۷ رسول الله ﷺ أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ حِصَالٍ حُبِّ نَبِيِّكُمْ، وَحُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ، فَهَذَا حَمَلَةُ الْقُرْآنِ لِي ظِلُّ اللَّهِ يَوْمَ لَا ظِلُّ إِلَّا ظِلُّهُ مَعَ أَنْبِيَائِهِ وَأَصْفِيَائِهِ^۱

۴/۱۶ آثارُ حُبِّهِمْ

۴/۱۶ آثار دوست داشتن اهل بیت

۹۶۸ رسول الله ﷺ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يُكَفِّرُ الذُّنُوبَ وَيُصَاعِفُ الْحَسَنَاتِ^۲

۹۶۸ پیامبر خدا ﷺ دوست داشتن ما اهل بیت، گناهان را پاک می‌کند و حسنات را دو چندان می‌سازد.

۹۶۹ عَنْهُ ﷺ - لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: ﴿أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ ظُلُمَاتٍ فِي الْقُلُوبِ﴾^۳ قَالَ - ذَلِكَ مِنْ أَحَبِّ اللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَأَحَبُّ أَهْلِ بَيْتِي صَادِقًا غَيْرَ كَاذِبٍ، وَأَحَبُّ الْمُؤْمِنِينَ شَاهِدًا وَعَائِدًا لَا يَذْكُرُ اللَّهُ يَتَحَاتَبُونَ^۴

۹۶۹. پیامبر خدا ﷺ - هنگامی که آیه: «فَمَا بَالُ مَا يَذْكُرُ اللَّهُ ظُلُمَاتٍ فِي الْقُلُوبِ» نازل شد، این، درباره کسی است که خدا و فرستاده او را دوست ندارد و اهل بیت مرا صادقانه، نه به دروغ، دوست ندارد و مؤمنان را در پیش رو و پشت سر آید، دوست ندارد. هان! با یاد خداست که همدیگر را دوست می‌دارد.

۹۷۰ عَنْهُ ﷺ حُبُّ أَهْلِ بَيْتِي وَذُرِّيَّتِي اسْتِكْمَالُ الْإِيمَانِ^۵

۹۷۱ عَنْهُ ﷺ شَفَاعَتِي لِأُمَّتِي مِنْ أَحَبِّ أَهْلِ بَيْتِي، وَهُمْ شِيعَتِي^۶

۹۷۰ پیامبر خدا ﷺ دوست داشتن اهل بیت من و فرزندانم، کمال دین است.

۹۷۲ عَنْهُ ﷺ مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ حَقَّ حَقِّهِ اللَّهُ تَعَالَى آمِنًا يَوْمَ الْوِصَايَةِ^۷

۹۷۱. پیامبر خدا ﷺ شفاعت من از امتم، شامل کسانی می‌شود که اهل بیت مرا دوست داشته باشند. آنان، پیروان من هستند.

۹۷۳ عَنْهُ ﷺ أَنْتُمْ عَلَى الصَّرَاطِ أَشَدُّكُمْ حُبًّا لِي وَلِأَهْلِ بَيْتِي^۸

۹۷۲ پیامبر خدا ﷺ، هر که ما اهل بیت را دوست ندارد، خداوند متعال، روز قیامت، او را در اصل محشور می‌فرماید.

۱ کثر الصلوات ج ۱۶ ص ۱۵۶ ح ۱۵۱۰۹
۲ الامالی للطوسي ص ۱۶۴ ح ۲۷۴
۳ الفرق ۲۸

۴ کثر الصلوات ج ۲ ص ۱۱۲ ح ۱۱۱۸
۵ الامالی للمدنی ص ۱۶۱ ح ۱
۶ تاریخ بغداد ج ۲ ص ۱۴۶
۷ عیون أخبار الرضا ج ۲ ص ۵۸ ح ۲۲۰، بحار الأنوار ج ۲۷ ص ۷۹ ح ۱۵
۸ جامع الأحادیث للقمی ص ۳۳۱

۹۷۳ پیامبر خدا ﷺ استوارترین شما بر صراط، کسی است که علاقه‌اش نسبت به من و اهل بیتم بیشتر باشد.

۹۷۱ علیه السلام - وقد أخذ بيدي حسبي وحسبي - من أحبي وأحب هذين وأبائهما وأُمَّهُمَا كانَ مَعِيَ فِي ذِي حِجْيَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۱

۹۷۲ پیامبر خدا ﷺ - آن گاه که دست حس و حسین ﷺ را گرفت - هر که مرا و این دو و پدر و مادر این دو را دوست داشته باشد، روز قیامت در کنارم هم‌درجه می‌خواهد بود

۹۷۵ علیه السلام - مَنْ أَحَبَّنَا كَانَ مَعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَلَوْ أَنَّ رَجُلًا أَحَبَّ حَجْرًا أَحَبَّهُ اللَّهُ مَعَهُ^۲

۹۷۵ پیامبر خدا ﷺ - هر که ما را دوست بدارد، روز قیامت با ما خواهد بود. انسان، حتی اگر سنگی را دوست بدارد، خداوند، او را با همان سنگ، محشور می‌کند

۹۷۶ علیه السلام - مَنْ أَرَادَ التَّوَكُّلَ عَلَى اللَّهِ فَلْيُحِبِّ أَهْلَ بَيْتِي، وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَجُوزَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ فَلْيُحِبِّ أَهْلَ بَيْتِي، وَمَنْ أَرَادَ الْحِكْمَةَ فَلْيُحِبِّ أَهْلَ بَيْتِي، وَمَنْ أَرَادَ دُحُورَ الْجَنَّةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ فَلْيُحِبِّ أَهْلَ بَيْتِي، فَوَاقُوا مَا أَحَبَّهُمْ أَحَدٌ إِلَّا رَزَحَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ^۳

۹۷۶ پیامبر خدا ﷺ - هر که خواهان توکل کردن به خداست، اهل بیت مرا دوست بدارد و هر که خواهان رستن از عذاب قبر است، اهل بیت مرا دوست بدارد و هر که خواهان حکمت است، اهل بیت مرا دوست بدارد و هر که می‌خواهد بی حساب به بهشت وارد شود، اهل بیت مرا دوست بدارد و برآیه خدا سوگند، هیچ کس دوستدار آنان نباشد، مگر این که دنیا و آخرت را نبرد

الفصل السابع عشر بعض أهل البيت

۱/۱۷ التَّحْدِيثُ مِنْ تَغْضُّهِمْ

فصل هفدهم دشمنی با اهل بیت

۱/۱۷ هشدار درباره دشمنی با اهل بیت

۹۷۷ - تاریخ دمشق - به نقل از ابو امامه باهمی - . پیامبر خدا فرمود: «اگر بدهای هزار سال در میان صفا و مروه، خدا را عبادت کنی و هزار سال دیگر و هزار سال دیگر، اما محبت ما را نداشته باشد، خداوند، او را در آتش دوزخ، سرنگون می‌سازد»

۹۷۷ تاریخ دمشق - عن أبي أمامة الباهلي - قال رسول الله ﷺ: لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ تِسْعًا وَانْتَرَوَى أَلْفَ عَامٍ، ثُمَّ أَلْفَ عَامٍ، ثُمَّ أَلْفَ عَامٍ، ثُمَّ لَمْ يُدْرِكْ مَحَبَّتَنَا لأَكْبَهُ اللَّهُ عَلَى سَحَرِهِ فِي النَّارِ، ثُمَّ تَلَا: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾^۴

۱۷، ۲. انْتَارُ مُغْضُّهُمْ

سپس این آیه را تلاوت کرد. ﴿بِئْسَ مَا يَدْعَى آلَ (مَسَالَتْ) از شما مردی نمی‌خواهد، مگر دوست داشتنی و پشیمان را﴾

۹۷۸ رسول الله ﷺ لَيْلَهُ عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتُ عَنِّي بَابَ الْجَنَّةِ مَكْتُوبًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ

۱۷، ۲. انْتَارُ بَشْمِي بَا أَهْلَ بَيْتِ

۹۷۸ پیامبر خدا ﷺ: شئی که مرا به معراج بُردند، دیدم که بر در بهشت نوشته شده است: «مردی جر الله

۱ - سی قمری ج ۵ ص ۶۴۱ ح ۳۷۳۳

۲ - الأملی للصدوق ص ۱۷۴ ح ۹

۳ - مقتل الحسین للخوازمی ج ۱ ص ۵۹

۴ - الشوری، ۲۳

۵ - تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۶۵ ح ۸۴۱۲

عَلَيْهِ حَبِيبُ اللَّهِ، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صَلَوَةُ اللَّهِ، فَاطِمَةُ
جَيِّزَةُ اللَّهِ، عَلَى بِأَعْيُنِهِمْ لَمَسَهُ اللَّهُ^۱

۹۷۹. عَنْهُ عَلَيْهِ مَنْ أَبْغَضَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَهُوَ مُبَاقِقٌ.^۲

۹۸۰. عَنْهُ عَلَيْهِ أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ
كَافِرًا، أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَتَّسَمِ
رَائِحَةَ الْجَنَّةِ^۳

۹۸۱. الْمُعْجَمُ الْأَوْسَطُ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ رَسُولِ
اللَّهِ عَلَيْهِ أَهْلُهَا النَّاسُ، مَنْ أَبْغَضَا أَهْلَ الْبَيْتِ خَشَرَهُ اللَّهُ
يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَهُودِيًّا، قُتِلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَإِنْ صَامَ
وَصَلَّى؟ قَالَ: وَإِنْ صَامَ وَصَلَّى وَزَعَمَ أَنَّهُ مُسْلِمٌ^۴

۹۸۲. رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ لَا يُبْغِضُ أَهْلَ الْبَيْتِ أَحَدًا إِلَّا بَغْضَهُ
اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَجْدَمٌ^۵

۹۸۳. عَنْهُ عَلَيْهِ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَا يُبْغِضُ أَهْلَ الْبَيْتِ
أَحَدًا إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ النَّارَ^۶

الفصل الثامن عشر

للظلم على أهل البيت

۱ / ۱۸. تَحْذِيرُ النَّبِيِّ عَلَيْهِ مِنْ ظُلْمِهِمْ

۹۸۴. رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ رَشَتْهُ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى مَنْ آذَانِي
مِي عِمْرَتِي^۸

نیست. محمد، فرستاده خداست. علی، حبیب
خداست. حسن و حسین، برگزیده خداوند. فاطمه،
منتخب خداست. لعنت خدا، بر دشمن آلان باد).

۹۷۹. پیامبر خدا علیه هر که ما اهل بیت را دشمن بداند،
مباغق است.

۹۸۰. پیامبر خدا علیه بدانید که هر کس با دشمنی نسبت
به خاندان محمد ببرد، کافر مُرده است. بدانید که هر
کس با بغض و دشمنی نسبت به خاندان محمد
ببرد، بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد.

۹۸۱. المعجم الأوسط - به نقل از جابر بن عبد الله - : پیامبر
خدا فرمود: ای مردما! هر که ما اهل بیت را دشمن
بداند، خداوند در روز قیامت، او را یهودی محشور
می‌کند.

کُتِبَ: ای پیامبر خدا! هر چند روزه بگیرد و نماز
بخواند؟

فرمود: هر چند روزه بگیرد و نماز بخواند و
حود را عسماں بداند.

۹۸۲. پیامبر خدا علیه هیچ کس ما اهل بیت را دشمن
نمی‌دارد، مگر این که خداوند در روز قیامت، او را
دست‌بُریده بر می‌انگیزد.

۹۸۳. پیامبر خدا علیه: سرگنده آن که جانم در دست اوست،
هیچ کس ما اهل بیت را دشمن نمی‌دارد، مگر این که
خداوند او را به دوزخ می‌برد.

فصل هجدهم: ستم کردن به اهل بیت

۱ / ۱۸. هشدار پیامبر علیه درباره ستم کردن به

اهل بیت

۹۸۴. پیامبر خدا علیه: حشم خداوند بر کسی که مرا ب
آوردن عثرت من بیازارد، سخت است.

۱ تاریخ بغداد ج ۱ ص ۲۵۹

۲ فضائل الصحابة لابن حنبل ج ۲ ص ۶۶۱ ح ۱۱۲۶

۳ الکشاف ج ۳ ص ۴۰۳

۴ المعجم الأوسط ج ۱ ص ۲۱۲ ح ۴۱۰۲

۵ أجدم، ای، مقطوع البدن، من الجدم (التهامة ج ۱ ص ۲۵۱)

۶ ثواب الأعمال ص ۲۱۳ ح ۲

۷ المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۱۶۲ ح ۴۷۱۷

۸ کز الثمنا، ج ۱۲ ص ۹۳ ح ۳۱۱۳

۹۸۵ عنه ﷺ مَنْ آذَانِي فِي أَهْلِي فَقَدْ ذَى اللَّهَ^۱

۹۸۵ پیامبر خدا ﷺ هر که مرا با آوردن اهل بیتم
بیازارد هر آینه، خدا را آورده است.

۹۸۶ عنه ﷺ إِنَّ اللَّهَ أَشَدَّ غَضَبُهُ عَلَى الْيَهُودِ
قَالُوا غَيْرُ إِبْنِ اللَّهِ، وَأَشَدَّ غَضَبُهُ عَلَى النَّصَارَى أَنْ
قَالُوا: الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ، وَإِنَّ اللَّهَ أَشَدَّ غَضَبُهُ عَلَى مَنْ
أَرَأَى ذِمِّي وَأَذَانِي فِي عِزَّتِي^۲

۹۸۶ پیامبر خدا ﷺ خداوند ﷻ بر یهود به شدت، حشم
گرفت؛ چون گفتند: غیر، پسر خداست بر نصاری بر
به شدت حشم گرفت؛ چون گفتند: مسیح، پسر
خداست. حشم خدا بر کسی که با ریختن خون و
آوردن عترت من، [در واقع،] خون مرا بریزد و مرا
بیازارد، سخت است

۲/۱۸ الْجَنَّةُ مُحَرَّمَةٌ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُمْ ﷻ

۲/۱۸ حرام بودن بهشت بر ستم‌کننده به
اهل بیت ﷻ

۹۸۷ المعجم الكبير عن أنس بن مالك: دَخَلْتُ عَلَى
رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: قَدْ أُعْطِيَ الْكَوْثَرُ، قُلْتُ: يَا
رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا الْكَوْثَرُ؟ قَالَ: هَرَجٌ فِي الْجَنَّةِ عَرَصَةٌ
وَطُولُهُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، وَلَا يَشْرَبُ مِنْهُ أَحَدٌ
مَطْمَأً، وَلَا يَنْوَضًا مِنْهُ أَحَدٌ فَتَشَفَّتْ لَا يَشْرَبُهَا إِنْسَانٌ
حَقَرٌ ذِمَّتِي وَلَا قَتَلَ أَهْلَ بَيْتِي^۳

۹۸۷ المعجم الكبير - به نقل از آنس بن مالک -، بر
پیامبر خدا وارد شدم، ایشان فرمود: «کوثر به من داده
شده.
کسم، ای پیامبر خدا! کوثر چیست؟

فرمود: «هری است در بهشت که طول و عرض
آن به اندازه فراق تا مغرب است، هر کس از آن بپاشد،
دیگر هرگز نشه نمی‌شود و هر کس با آب آن، خود
را بشوید، دیگر هرگز حاکم آلود نمی‌شود، هر انسانی
که یمان مرا بشکند یا اهل بیت مرا به قتل برساند، از
آن نخواهد آشامد»

۳/۱۸ إِحْسَانُ الدُّمِيِّ ﷺ مَا يَفْعُ عَلَيْهِمْ ﷻ مِنَ
الظُّلْمِ

۳/۱۸ پیشگویی پیامبر ﷺ درباره ستم رفتن به
اهل بیت ﷻ

۹۸۸ پیامبر خدا ﷺ، آه و اندوه‌ها از ستم‌هایی که از
جانب حاکمانی مستط و عیاش، به جوچه‌های
(کودکان) حاندان محمد می‌رسد!

۹۸۸ رسول الله ﷺ قَبِیحُ الصَّرَاحِ لِصِرَاحِ آلِ مُحَمَّدٍ مِنْ
حَلِيقَةٍ مُسْحَلِبٍ مُرَبٍّ^۴

۹۸۹ عنه ﷺ إِنَّ أَهْلَ بَيْتِي سَيَلْفُونَ مِنْ بَعْدِي مِنْ أُمَّتِي
قَتْلًا وَتَشْرِيدًا وَإِنْ أَشَدُّ قَوْمًا لَنَا بَعْضُ نَوَآمِيَّةٍ وَبُؤْسِ
الْمُعِيرَةِ وَبُؤْسِ مَحْرُومٍ^۵

۹۸۹ پیامبر خدا ﷺ به رودی پس از من، اهل بیتم
به وسیله اتمم یا کشتار و آوارگی مواحه خواهد شد
همانا کیسه تورترین قوم ما سببت به ما، بنی امیه و بنی
معیره و بس محروم‌اند

۹۹۰ مسند ابی یعلی عن عائشة رَأَيْتُ النَّبِيَّ ﷺ التَّرَمَّ
غَلِيًّا وَقَبْلَهُ وَيَقُولُ يَا أَبِي الْوَحِيدُ الشَّهِيدُ، يَا أَبِي الْوَحِيدُ

۹۹۰ - مسند ابی یعلی - به نقل از عایشه -: پیامبر ﷺ را
دیدم که علی ﷺ را در آغوش کشید و بوسید و

۱ کثر العمل ج ۱۲ ص ۱۰۳ ح ۲۶۱۹۷

۲ کثر العمل ج ۱ ص ۲۶۷ ح ۱۳۴۳

۳ المعجم الكبير ج ۲ ص ۱۲۹ ح ۲۸۸۲

۴ الفردوس ج ۱ ص ۳۰۷ ح ۷۱۴۷

۵ المستدرک علی الصحیحین ج ۵ ص ۵۳۶ ح ۸۵۰۰

الشَّهِيدُ^۱

فرمود: «پدرم فدای تو شهید تنها! پدرم فدای تو شهید تنها!»

۹۹۱. دلائل النبوة، ابو نعیم - به نقل از شحیم - آنس بن حارث گفت که شهیدم پیامبر خدا می‌فرمود: «این فرزدم در خاک عراق کشته خواهد شد. پس هر یک از شما او را یافت، یاری اش رساند».

آنس به همراه حسین علیه السلام کشته شد

۹۹۲. مسند ابن حنبل - به نقل از عبد الله بن نجی، درباره پدرش - زمانی که هلی علیه السلام به یثرب می‌رفت، او ابروئی دار ایشان بود. هنگامی که امام علیه السلام در راه یثرب به سیوا رسید، صدا زد: «صبر کن، ابو عبد الله!» در کنار شط فرات، صبر کن، ابو عبد الله! گفتم: چه شده است؟

فرمود: «روزی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدم. دیدم بچگانش گریان است. گفتم: ای پیامبر خدا! کسی ~~بچگانش~~ را ناراحت کرده است؟ چرا دزدگان گریان است؟»

فرمود: «نه. اندکی پیش، جبرئیل علیه السلام از پیش من رفت. او به من گفت که حسین، نزدیک شط فرات به قتل خواهد رسید. جبرئیل علیه السلام به من گفت: آیا می‌خواهی از شحیم تربتش به تو بپایانم؟»

گفتم: آری. پس جبرئیل علیه السلام دستش را دراز کرد و مثنی خاک برداشت و آن را به من داد. از این رو بی‌اختیار، گریان شدم».

فصل نودهم: دولت اهل بیت علیهم السلام

۱/۱۹. بشارات ما درباره دولت اهل بیت علیهم السلام

قرآن

«و در حقیقت در زبور، پس از ثورات موشتیم که زمین را بدگان شایسته ما به لوث خواهند برد»

۹۹۱. دلائل النبوة لأبي نعیم عن شحیم عن انس بن حارث. سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله يقول: إن بي هذا يقتل بأرض العراق، فمن أدرككم قبضتكم. قال: فقتل أنس مع الحسين علیه السلام.

۹۹۲. مسند ابن حنبل عن عبد الله بن نجی عن أبيه: إنه سار مع علي علیه السلام، وكان صاحب مظهره، فلما حادى يثرب وهو مطلق إلى يثرب فادى عبي علیه السلام، رصير أبا عبد الله، إصير أبا عبد الله يسط الفرات. قلت: وماذا؟ قال: دخلت على النبي صلی الله علیه و آله ذات يوم وعماه تبصان. قلت: يا نبي الله، أعضتاك أحدًا ما شئت عنك تبصان؟ قال: بل قام من عندي جبرئيل فبلى محدثي أن الحسنين يقتل بشط الفرات. قال: فقلت: هل لك بني أن أتيك من ربه؟ قال: قلت: نعم، فمد يده فقبض قبضة من راب فأعطانيها. فلم أمسك عيني أن فاستا^۲

الفصل التاسع عشر دولة أهل البيت علیهم السلام

۱/۱۹. البشارات مدولفهم علیهم السلام

الكتاب

«وَلَقَدْ قَطَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ النُّجُومِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۳

۱. مسند ابی یعلی ج ۱ ص ۳۱۸ ح ۲۵۵۸

۲. دلائل النبوة لأبي نعیم ص ۵۵۱ ح ۴۹۳

۳. مسند ابن حنبل ج ۱ ص ۱۸۴ ح ۶۴۸

۴. الانبیاء ۱۰۵

﴿وَيُرِيدُ أَنْ يَمُرَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْنُورِينَ﴾^۱

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكُنِيَ بِالنَّبِيِّ شَهِيدًا﴾^۲

الحديث

۹۹۳ رسول الله ﷺ لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَلْقَى رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي^۳

۹۹۴ عنه ﷺ لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي^۴

۹۹۵ عنه ﷺ لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَقُومَ قَائِمٌ لِلْحَقِّ مِنَّا، وَدَلِكِ حِينَ يَأْذُنُ اللَّهُ لَهُ، وَمِنْ بَعَثَهُ نَحْنُ وَمَنْ نَحْنُفُ عَنْهُ هَلْكَ اللَّهُ اللَّهُ عِبَادَ اللَّهِ، فَأَسْوَءُ وَلَوْ عَلَى التُّجِّ، فَإِنَّهُ حَلَجَهُ اللَّهُ ﷻ وَحَدَّثَنِي^۵

۹۹۶ عنه ﷺ لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ السَّابِقَةِ وَبَيْنَهَا إِلَى بَيْتِ اللَّهِ الْمُتَنَهَّى وَمِنْ الشَّجَرَةِ إِلَى حُجُبِ السُّورِ بَادَنِي رَبِّي حُلَّ جَلَالَةٍ: يَا مُحَمَّدُ بِأَهْلَانِكَ مِنْكُمْ أَظْهَرُ الْأَرْضِ مِنْ أَعْدَانِي وَأَوْرَثَهَا أَوْلِيَانِي^۶

۲/۱۹ الْمُمَهَّدُونَ لدولتهم ﷺ

۹۹۷ رسول الله ﷺ يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ مَيُوطُنُونَ لِلْمَهْدِيِّ^۷

﴿و خولستیم بر کسانی که در آن سرزمین، فرو دست شده بودند میت دهم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [ارمن] کنیم﴾.

﴿اوست کسی که پیامبر خود را به [قصد] هدایت، با آیین درست، روانه ساخت، تا آن را بر تمام ادیان پیروز گرداند. و گواه بودن خدا کفایت می کند﴾.

حدیث

۹۹۳ پیامبر خدا ﷺ قیامت برپا می شود تا آن که مردی از اهل بیت من که هم نام من است، حکومت یابد.

۹۹۴. پیامبر خدا ﷺ، دنیا به آخر می رسد، تا آن که مردی از اهل بیت من که هم نام من است، بر عرب فرمانروایی یابد.

۹۹۵ ~~پیامبر خدا ﷺ~~ قیامت برپا می شود تا این که قائم بر حق ما قیام کند. این قیام، زمانی رخ می دهد که خداوند ﷻ به او اجازه دهد هر که از او پیروی کند، نجات می یابد و هر که از وی روی بگرداند، نابود می شود. خدا را، خدا را، ای بندگان خدا! مرد او بروید، اگر چه ناچار شوید از روی مح عور کنید! زیرا او جانشین خدای ﷻ و جانشین من است.

۹۹۶ پیامبر خدا ﷺ هنگامی که به آسمان هفتم و از آن جایه سدره المنتهی^۱ و از سدره به حجاب های نور برده شدم، پروردگارم ﷻ مرا ندا فرمود که: «ای محمد! به وسیله قائم شما... زمین را از دشمنان خود، پاک می کنم و دوستانم را وارث آن می گردانم».

۲/۱۹ رعیه سارن دولت اهل بیت ﷺ

۹۹۷ پیامبر خدا ﷺ از مشرق زمین، مردمی قیام می کنند و رعیه را برای [ظهور] مهدی آماده می سازند.

۱ القصص ۵ ۲ الفصح ۲۸

۳ مسند ابن حنبل ج ۲ ص ۱۰ ح ۳۵۷۱

۴ سنن ترمذی ج ۵ ص ۵۰۵ ح ۲۲۳۰

۵ عیون أخبار الرضا ﷺ ج ۲ ص ۵۹ ح ۲۳۰

۶ الأمالی للصدوق ص ۷۳ ح ۱۰۰۲

۷ من این مجله ج ۲ ص ۱۳۶۸ ح ۱۰۸۸

۹۹۸ سنن ابن ماجه عن عبد الله. يَسْمَا نَحْنُ عَبْدَ رَسُولِ
 اللَّهُ ﷺ إِذَا أَقْبَلَ فِتْنَةً مِنْ بَنِي هَاشِمٍ، فَلَمَّا رَأَوْهُمْ النَّبِيُّ ﷺ
 اعْرُوزَتْ عِيَاهُ وَتَغَيَّرَ لَوْنُهُ قَالَ قُلْتُ مَا تَرَى
 فِي وَجْهِكَ شَيْئًا تَكْرَهُهُ؟ فَقَالَ: إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ إِبْرَاهِيمَ
 لَنَا الْآجِرَةُ عَلَى الدُّنْيَا، وَإِنَّ أَهْلَ بَيْتِي سَيُطْلَقُونَ بَعْدِي
 بَلَاءٌ وَتَشْرِيدٌ وَنَظْرِيدٌ، حَتَّى يَأْتِيَ قَوْمٌ مِنْ قِبَلِ
 الْمَشْرِقِ مَعَهُمْ رَايَاتٌ سَوْدٌ قَيِّسُ الْوَلَدِ الْخَيْرِ فَلَا
 يُعْطَوْنَهُ، فَيَقَاتِلُونَهُمْ فَيُهْزَوْنَ، فَيُطْلَقُونَ مَا سَأَلُوا فَلَا
 يَمْتَلُونَهُ، حَتَّى يَدْفَعُوهُمَا إِلَى زُجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي
 فَيَمْلَأُهَا قِسْطًا كَمَا تَمْلَأُوهَا جَوْرًا، فَمَنْ أَدْرَكَ دِيكَ
 مِنْكُمْ فَبَيْتِهِمْ وَلَوْ حَوًّا عَلَى الثَّلَجِ^۱

الفصل العشرون، الغلو في أهل البيت

۱/۲۰ التحذير من الغلو

۹۹۹ الإمام الحسين ﷺ أَعْبَتُونِ بِحُبِّ الْإِسْلَامِ، فَإِنَّ رَسُولَ
 اللَّهِ ﷺ قَالَ لَا تُعْرَمُونِي مَوْقِ حَقِّي، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى
 اتَّخَذَنِي عَبْدًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَنِي رَسُولًا^۲

۲/۲۰ كُفْرُ الْغَالِي

۱۰۰۰ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ صَمَارٍ مِنْ أُمْنِي لَا يَصِيبُ لَهَا فِي
 الْإِسْلَامِ، النَّاصِبُ لِأَهْلِ بَيْتِي خَرَبًا، وَعَالِي فِي الذَّيْبِ
 مَارِقٌ مِنْهُ^۳

۱۰۰۱ الإمام الصادق ﷺ أَدْنَى مَا يَخْرُجُ بِهِ الرَّجُلُ مِنْ

۹۹۸ سنن ابن ماجه - به نقل از عبد الله - در حضور
 پیامبر خدا بودیم که تعدادی از جوانان بنی هاشم
 آمدند چون پیامبر ﷺ آنان را دید، آب از دیدگانش
 سرازیر شد و رنگش تغییر کرد. گفتم: «همیشه در
 چهره شما حالتی می‌بینم که ناراحت‌مان می‌کند».

پیامبر ﷺ فرمود: «اما خاندانی هستیم که خداوند
 برای ما آخرت را بر دنیا برگزید و اهل بیت من پس از
 من، بلا و آوارگی و دریه دری خواهند دید، تا این که
 از جانب مشرق زمیں، مردمی با پرچم‌های سیاه
 می‌آیند و خواهان حیر (حکومت) می‌شوند؛ اما به
 آنها داده نمی‌شود پس می‌جنگند و پیروز می‌شوند
 و آنچه خواسته‌اند، به آنها داده می‌شود؛ اما آن را
 نمی‌پذیرند تا این که حکومت را به مردی از اهل بیت
 من می‌سپارند و او آن را پس از عدل و داد می‌کند،
 همان گونه که پسر از ستم و ییاداش کرده‌اند پس هر
 یک از شما آن زمان را درک کرد، به آنها پیوندد، حتی
 اگر ناچار شود روی من، سینه حیر برود»^۱

فصل بیستم غلو درباره اهل بیت

۱/۲۰ هشدار درباره غلو

۹۹۹ امام حسین ﷺ ما را به عشق اسلام دوست بدارید؛
 زیرا پیامبر ﷺ فرمود: «مرا پیش از آنچه سزاوارم،
 معرفی نکنید؛ چرا که خداوند متعال، پیش از آن که
 مرا به رسالت برگزید، به بندگی برگزیده».

۲/۲۰ کفر بودن غلو کننده

۱۰۰۰ پیامبر خدا ﷺ، دو گروه از امت من هستند که
 بهره‌ای از اسلام ندارند کسانی که در برابر اهل بیت
 پرچم دشمنی برافرازدند و کسانی که در دین علو
 کنند و پا از مرز آن بیرون گذارند.

۱۰۰۱ امام صادق ﷺ کمترین چیزی که آدمی را از
 ایمان خارج می‌سازد، این است که مرد غالی مذهب

۱ سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۳۶۶ ح ۴۸۲

۲ المعجم الکبیر ج ۳ ص ۱۲۸ ح ۲۸۸۹

۳ کتاب من لا یحضره الفتنه ج ۳ ص ۴۰۸ ح ۴۱۲۵

الایمان أن یجلس إلى عالٍ فیستمع إلى حدیثه
و یصدقهُ علی قولِهِ. إنَّ أبی حدَّثنی عن أبیه عن
جدِّهِ ﷺ أن رسولَ اللهِ ﷺ قالَ: جَنَافٍ مَن أَمَنی لَا
نُصِيبُ لَهُمَا فِی الْإِسْلَامِ: الْعُلَاةُ، وَالْقَدَرِیَّةُ.^۱

۳/۲۰ هلاک العالی

۱۰۰۲ رسول الله ﷺ یا سَلِیُّ إِنَّ فِیكَ مَثَلًا مِّنْ عِیْسَى بْنِ
مَرْیَمَ أَحَبَّهُ قَوْمٌ فَأَمَرَ طَوَافِی حُبِّهِ فَهَلَكَ وَامِیةً،
وَأَبْغَضَهُ قَوْمٌ فَأَمَرَ طَوَافِی بُغْضِهِ فَهَلَكَ وَامِیةً وَاقْتَصَدَ
مِیةً قَوْمٌ فَصَحُوا.^۲

۴/۲۰ احبار الغلو موضوعه

۱۰۰۳ عیون اخبار الرضا ﷺ عن ابراهیم بن ابی‌محمود:
قُلْتُ لِلرَّضَا ﷺ یَا بَنَ رَسُولِ اللهِ، إِنَّ عَجْزًا أَحْبَبَ أَمِی
فَصَائِلُ امْرِئِ الْمُؤْمِسِ ﷺ وَمَصْلُكُمُ أَهْلَ الْبیتِ وَهَیْ
مِنْ رِوَايَةِ مُعَالِیهِكُمْ وَلَا تَعْرِفُ مِثْلَهَا عِندَكُمْ. أَمْتَدِیْ
بِهَا؟ فَقَالَ یَا بَنَ أُمِّی مُحَمَّدٍ لَقَدْ أَحْبَبَنِی أَبِی عَنْ
أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ ﷺ أَنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ قَالَ مَن صَعَى بِنِی
مَاطِلِی فَقَدْ عَبَدَهُ، وَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ عَنِ اللهِ فَقَدْ عَبَدَ
اللهُ، وَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ عَنْ إِبْلِیسَ فَقَدْ عَبَدَ إِبْلِیسَ.

ثُمَّ قَالَ الرَّضَا ﷺ یَا بَنَ أُمِّی مُحَمَّدٍ، إِنَّ مُخَالَفِیَا
وَضَعُوا أَحْبَابًا مِی فَصَائِلِیَا وَجَعَلُوا عَلَی ثَلَاثَةِ
أَقْسَامٍ: أَحَدُهَا الْعُلُوُّ، وَثَانِیْهَا التَّقْصِیرُ لِمِی أَمْرِی،
وَتَالِثُهَا التَّضَرُّعُ بِمِثَالِی أَعْدَائِی، فَإِذَا سَمِعَ النَّاسُ
الْعُلُوَّ فِیَا كَفَرُوا وَاشْتَبَهُوا وَنَسَبُوا إِلَی الْقَوْلِ بِرُبُوبِیَّیَا،
وَإِذَا سَمِعُوا التَّقْصِیرَ اعْتَقَدُوا فِیْنَا، وَإِذَا سَمِعُوا مِثَالِی

۱ التخصال ص ۷۲ ج ۱۰۹ ۲ الامالی للعلوی ص ۳۱۵

بشنید و به سخنانش گوش دهد و گفته‌اش را تأیید
کند. پدرم، از پدرش، از جدش ﷺ برایم روایت کرد
که پیامبر ﷺ فرمود: «دو گروه از امت من هستند که
بهرای از اسلام ندارند. عالی‌مذهب و قدریه».

۳/۲۰ هلاکت غلو کننده

۱۰۰۲ پیامبر خدا ﷺ ای علی! تو در یک مورد، همانند
عیسی بن مریم ﷺ خواهی شد. گروهی دوستدار او
شدند و در این دوستی، چندان زیاده‌روی کردند که
تباه شدند. گروهی نیز با او دشمنی کردند و در این
دشمنی، راه افراط پیمودند و در سجن، تباه شدند
گروهی هم درباره او راه اعتدال در پیش گرفتند و
رسند.

۲/۲۰ صاحبکی بودن احادیث غلو آمیز

۱۰۰۳ عیون اخبار الرضا ﷺ - به نقل از ابراهیم بن ابی
محمود: به امام رضا ﷺ گفتم: ای پسر پیامبر خدا!
بر ما اخباری در فضیل امیر مؤمنان و نصبت شما
اهل بیت هست که مخالفان شما روایت کرده‌اند و امثال
این اخبار را ما از شما شنیده‌ایم، آیا آنها را بپذیریم؟
فرمود: «ای پسر ابو محمود! پدرم، از قول پدرش،
از جدش ﷺ به من خبر داد که پیامبر ﷺ فرمود: «هر
کس به گویندای گوش سپارد، بی‌گمان، او را عبادت
کرده است. پس اگر آن گوینده، از خداوند بگوید،
شویده خدا را عبادت کرده است و اگر گوینده، از
شیطان بگوید، شویده شیطان را عبادت کرده است»
پس امام رضا ﷺ فرمود: «ای پسر ابو محمود!
مخالفان ما، اخباری در فصایل ما ساخته‌اند که به سه
دسته تقسیم می‌شوند. یکی اخبار غلو آمیز؛ دیگری
اخباری که در حق ما کوتاه آمده‌اند؛ و سوم، اخباری که
از دشمنان ما به صراحت نام می‌برند و عیب‌هایشان را
بارگو می‌کنند. چون مردم، اخباری را که درباره ما علو
کرده‌اند بشنوند، شیعیان را تکفیر می‌کنند و اعتقاد به
«حلا بودن ما» را به آنان نسبت می‌دهند و هرگاه

أَعْدَائِنَا بِأَسْمَائِهِمْ تَكُونُوا بِأَسْمَائِنَا، وَقَدْ قَالَ اللَّهُ ﷻ
﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ
عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ﴾^۱

یا بن ابی محمود، إذا أَحَدَ النَّاسِ يَمِينًا وَشِمَالًا
فَالزَّمْ طَرِيقَتَنَا، فَإِنَّ مَن لَّرِمْنَا لَرِمَاءُ وَمَن عَارَفَا
فَارْفَدَهُ إِنَّ أَدْمَى مَا يَحْرُحُ بِهِ الرَّجُلُ مِنَ الْإِيمَانِ أَنْ
يَقُولَ يُلْحِصَانِي هَذِهِ تَوَاتٌ، ثُمَّ يَدِينُ بِدَلِيلِكَ وَيُخَيَّرُ أَمَّا
حَالِقُهُ يَا بَنَ ابْنِ أَبِي مُحَمَّدٍ، إِحْفَظْ مَا حَدَّثْتُكَ بِهِ، فَقَدْ
جَمَعْتُ لَكَ فِيهِ حَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ^۲

الفصل الحادي والعشرون:

شيعه اهل البيت ع في القيامة

۱۰۰۴. رسول الله ﷺ - وَقَدْ سَأَلَهُ ابْنُ هُبَّانٍ عَسَ قَوْلِهِ
لِلَّهِ ﷻ ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ﴾ أَوْ كَلِمَةً
الْمُفْرَدُونَ. - قَالَ لِي جَبْرِئِيلُ ذَلِكَ عَلَيَّ
وَشِيعَتُهُ، هُمُ السَّابِقُونَ إِلَى الْجَنَّةِ الْمُفْرَدُونَ مِن لِقَاءِ
بِكْرَامَتِهِ لَهُمْ^۱

۱۰۰۵. عنه ﷺ شِيعَةُ عَلِيِّ هُمُ الْفَائِرُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۲

۱۰۰۶. عنه ﷺ - لِعَلِّي ﷺ - تَرَدُّ شِيعَتُكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رِوَاةُ
غَيْرِ عِطَاشٍ، وَيَرَدُّ عَذُوكَ عِطَاشًا يَسْقَوْنَ فَلَا
يُسْقَوْنَ^۳

۱. الأعمام ۱۰۸

۲. عيون أخبار الرضا ع ج ۱ ص ۲۰۱ ح ۶۳

۳. الوافعة ۱۰ و ۱۱

۴. الأمالي للعلوي ص ۲۳ ح ۱۰۶

۵. عيون أخبار الرضا ع ج ۲ ص ۵۲ ح ۲۱۱

۶. عيون أخبار الرضا ع ج ۲ ص ۶۰ ح ۲۳۸

اخباری را که در حق مکتوباتی کرده‌اند، بشنوند، آنها
را در حق ما بلور می‌کند و هر گاه اخباری را که از
دشمنان ما به صراحت اسم می‌برد و بدگویی
می‌کنند بشنوند به ما بی‌حرمتی روا می‌دارند.
حدارید ﷺ می‌فرماید: ﴿وَأَنبَاكَ جَرَّ خَدَّيْهِمَا وَجَوَانِدَهُ،
بِشْتَامٍ مَعْنِدِهِ كَمَا أَنَّهُ لَوْ رَوَى دُشْمَنِي وَبِهِ مَانَعَتِي، خَدَّيْهِمَا
دُشْتَامٌ خَوَانِدُ بَدَّ﴾

ای پسر ابو محمود! هر گاه مردم به چپ و راست
رفت تو راه ما را در پیش گیر! زیرا هر که با ما باشد، ما
با او هستیم و هر کس از ما جدا شود، از او جدا
می‌شویم. کمترین چیزی که آدمی به سبب آن از ایمان
خارج می‌شود، این است که به سنگریزه بگوید
«این، یک هسته [ی میوه] است» و بدان معتقد شود و
از هر کسی که با اوست سطر او مخالفت کند، پیرای
سجود

ای پسر ابو محمود! حدیثی را که به تو گفتم، حفظ
کن! چرا که در آن، خبر دپ و آخرت را برایت جمع
کردم.

فصل بیست و یکم شيعه اهل بيت ع

در قیامت

۱۰۰۲. پیغمبر خدا ﷺ - در جواب سؤال ابن عباس درباره
بن ابی - ﴿وَبِشْتَارَتِي بِشِيءٍ كَبِيرَةٍ، أَنَّهُ مَقْرَبَانِ لَدِي﴾ -
جبرئیل ع به من گفت، آنها علی و شیعیان او هستند
آنان پیشانازان به سری بهشت هستند و به لطف و کرم
حدارید، به او نزدیک‌اند

۱۰۰۵. پیغمبر خدا ﷺ: در روز قیامت، این شیعیان علی
هستند که رسنگارند

۱۰۰۶. پیغمبر خدا ﷺ - به علی ع - در روز قیامت،
شعآن تو سیراب و بدون تشنگی، وارد [معشر]
می‌شوند؛ ولی دشمنان تشه کام وارد می‌گردند و
آب می‌طلبند و کسی به آنان آب نمی‌دهد

الباب الثاني

الأمّة

الفصل الأول، عوامل تقدّم الأمم

۱/۱ قيادة أئمة الهدى

۱۰۰۷ رسول الله ﷺ لَنْ تَهْلكَ الْأُمّةُ وَبِى كاتِ صائِهٖ .
اِذَا كَانَتْ الْأُمّةُ هَادِيَةً مُهْدِيَةً ۱

۱۰۰۸ عنه ﷺ اِذَا ارَادَ اللهُ ﷻ بِسُقُومِ خَيْرٍ اَوْ زَلْزَلِهِمْ
عُلَمَاءَهُمْ، وَفَضَلَ بَيْنَهُمْ عُلَمَاءَهُمْ، وَجَمَلَ اَلْمَالِ مِنْ
سَخَايَاهُمْ. ۲

۲/۱ الجماعة

۱۰۰۹ رسول الله ﷺ يَدْأِقُ عِلى الْجَمَاعَةِ، وَالتَّيْطَابُ مَعَ
مَنْ حَالَفَ الْجَمَاعَةَ يَرْكُضُ ۳

۱۰۱۰ عنه ﷺ اَلَيْهَا النَّاسُ، عَلَيْهِمُ بِالْجَمَاعَةِ وَبِائِكَ
وَالْفِرْقَةِ ۱

۱۰۱۱ عنه ﷺ اَنْجَمَاعُهُ رَحْمَةٌ وَفِرْقَتُهُ عَذَابٌ ۴

۳/۱ صلاح الحاضرة

۱۰۱۲ الْاِمَامُ الْقَافِرُ ﷺ عَنْ رَسُولِ اللهِ ﷺ جِنَمًا مِّنْ اُمِّي
اِذَا صَلَاحًا صَلَحتْ اُمِّي، وَاِذَا فُسَدًا فُسَدَتْ اُمِّي

ابن دوم

امت

فصل یکم: عوامل پیشگامی امت‌ها

۱/۱ رهبری پیشوایان هدایت

۱۰۰۷ پیامبر خدا ﷺ هر گاه پیشوایان راهما و ره یافته
باشند، اُمت، هر گز تباه نمی‌شود، هر چند گمراه
باشد

۱۰۰۸ . پیامبر خدا ﷺ حد و بند ﷻ هر گاه برای مردمی
اراده خیر کند، بر دمار ایشان (/ خیر دمدانشان) وابر
انرا فرمان رو می‌کند و عالمانشان را در میانشان،
بازار قرار می‌دهد و ثروت را در دست
بحسبیلگی‌شان می‌گذارد

۲/۱ یکپارچگی

۱۰۰۹ پیامبر خدا ﷺ دست جدا بر سر جماعت امت
و شیطا، همراه کسی است که با جماعت
مسلمانان با سازگاری کند

۱۰۱۰ . پیامبر خدا ﷺ ای مردم ایه جماعت (یکپارچگی)
روی آورید و از پراکندگی پرهیزید

۱۰۱۱ پیامبر خدا ﷺ جماعت (یکپارچگی)، رحمت
است و پراکندگی، عذاب

۳/۱ درستکار بودن خواص

۱۰۱۲ . امام باقر ﷺ پیامبر ﷺ فرمود اِدْوِ دِستَه از اُمت
من هستید که اگر درست شوید، اُمتم درست
می‌شوند و اگر فاسد شوید، اُمتم فاسد می‌شوند

۱ تفریح بعد از ج ۹ ص ۱۵۹، رقم ۸۹ هـ

۲ تفریح دوس ج ۱ ص ۲۱۶ ح ۹۵۴

۳ کنز العمال ج ۱ ص ۲۰۶ ح ۱۰۳۹

۴ کنز العمال ج ۱ ص ۲۰۶ ح ۱۰۳۸

۵ کنز العمال ج ۷ ص ۵۵۸ ح ۲۰۴۲

قَسِيلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَنْ هُمَا؟ قَالَ: الْمُفْهَاءُ
وَالْأَمْرَاءُ^۱

گفته شد ای پیامبر خدا! آن دو دسته کدام‌اند؟
فرمود: «آدمیان شناسان و فرمانروایان».

۴/۱. اَلتَّمَسُّكُ بِالْقِيَمِ الْأَخْلَاقِيَّةِ وَالْعَمَلِيَّةِ

۴/۱ چنگ زدن به ارزش‌های اخلاقی و رفتاری

۱۰۱۳ رسول الله ﷺ إِنَّ صَلَاحَ أَوَّلِ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِالرُّهْبِ
وَالْيَقِي، وَهَلَاكَ آخِرُهَا بِالشُّعْ وَالْأَمْنِ^۲

۱۰۱۳. پیامبر خدا ﷺ: درستی آغاز این امت، در گرو
یقین و رهداست و ثباتی آخر آن، در آرو و بحل

۱۰۱۴ عَنْهُ ﷺ لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا تَحَابَبُوا وَتَهَادَوْا،
وَأَدُّوا الْأَمَانَةَ، وَاجْتَنَبُوا الْحَرَامَ، وَتَقَرَّبُوا الصَّيْفَ،
وَقَامُوا الصَّلَاةَ، وَآتَوْا الزَّكَاةَ، فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ
ابْتَلُوا بِالْفَحْطِ وَالسَّيْنِ^۳

۱۰۱۴ پیامبر خدا ﷺ: امت من، تا زمانی که یکدیگر
را دوست بدارند، به هم هدیه دهند، اسانت را
برگردانند، از حرام دوری کنند، میهمان را گرمی
بدارند، ممار بگرارند و رکات بپردازند، پیوسته
در حیر به سر می‌برند و هر گاه چنین نکردند، به
فحطی و حشک‌سالی مبتلا می‌شوند.

۱۰۱۵ عَنْهُ ﷺ لَا يَرَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا آمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ
وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ، وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى، فَإِذَا لَمْ
يَفْعَلُوا ذَلِكَ بُرِغَتْ بِهِمُ التَّرَكَاةُ، وَشَلَّطَ نَعَصُهُمْ عَلَى
بَعْضٍ، وَلَمْ يَنْكُسْ لَهُمْ سَاجِرٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي
السَّمَاءِ^۴

۱/۱۵ (پیامبر خدا ﷺ) مردم، تا زمانی که امر به معروف
و نهی از منکر کنند و در نیکی و پرهیزگاری
همکاری نمایند، پیوسته در خیر خواهند بود و هر
گاه چنین نکنند، پرکندها از آنها گرفته می‌شوند و
برخی، بر برخی دیگر، مسلط می‌گردند و ایشان را
در زمین و آسمان، یآوری نیست

۱۰۱۶ عَنْهُ ﷺ أَكْثَرُ مَا تَلَجُّ بِهِ أُمَّتِي الْجَنَّةَ، تَقْوَى اللَّهِ
وَحُسْنُ الْحَقِّ^۵

۱۰۱۶ پیامبر خدا ﷺ: بیشترین چیزی که امتم به سبب
آن به بهشت می‌روند، خداپر وایی و خوش‌حویی
است

الفصل الثاني عوامل هلاك الأمم

۱/۲ قِيَادَةُ الْمُضِلِّينَ وَالتَّعْيَةُ الْعَمِيَاءَ

الكتاب

فصل دوم: عوامل فساد دین امتها

﴿وَعَذَابُكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَدِ
قُتِلُوا بِهَا إِنَّا وَجَدْنَا ضَالَّةً عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ

۱/۲ رهبری گمراهان و پیروی کورکورانه

قرآن

۱ التصل ص ۳۷ ج ۱۲ ۲ التصل ص ۷۹ ج ۱۲۸

۳ عبود التصل ص ۲۹ ج ۲ ص ۲۹ ج ۲۵

۴ تهذيب الأحكام ج ۱ ص ۱۸۱ ج ۲۷۳

۵ التكملة ج ۲ ص ۱۰۰ ج ۶

﴿و بدین گونه، در هیچ شهری پیش از تو هشدار دهنده‌ای

نفرستادیم، مگر آن که خوش‌گذرانان آن گفتند: ما بدین

فَأَسْرِهِمْ مُقْتَدِرُونَ^۱

الاحديث

خود را بر آییسی [و راهی] یافته‌ایم و ما در پی ایشان

راه سپریم. ﴿

حدیث

۱۰۱۷ رسول الله ﷺ: إِنَّ أَحْوَفَ مَا أَحَافُ عَلَيْكُمْ الْأَيُّمَةُ الْمُضِلُّونَ.^۲

۱۰۱۷ پیامبر خدا ﷺ ترسناک‌ترین چیزی که از آن بر شما می‌ترسم، [و خود] پیشوایان گم‌راه کننده است

۱۰۱۸ عنه ﷺ: إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ شَرًّا، وَلَّى عَنْهُمْ سَهَاءَهُمْ وَفَضَّى بَيْنَهُمْ جَهْلَهُمْ، وَجَعَلَ الْمَالَ فِي بُحْلَتِهِمْ.^۳

۱۰۱۸ . پیامبر خدا ﷺ، حدیث بود که هرگاه ... بدی مردمی را بخواهد، بامر دانشان را بر آنان فرمان روا می‌کند و نادانان را در میانشان قاصی می‌گرداند و دلزدگی را در دست بحیلانسان قرار می‌دهد

۲/۲ تَرَكَ النَّهْيَ عَنِ الْمُسْكِرِ

۱۰۱۹ رسول الله ﷺ: بَيْنَ اللَّهِ لَا يُحَدِّثُ الْعَامَّةُ بِحَمْلِ الْعَاصِيَةِ حَتَّى يَرَوْا الشُّكْرَ بَيْنَ ظَهْرَانِهِمْ وَهُمْ يَدْرُونَ عَلَى أَنْ يُكْرِوهُ فَلَا يُكْرِوهُ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ عَذَّبَ اللَّهُ الْعَامَّةَ وَالْعَامَّةُ^۴

۲/۲ و ابهادن نهی از مسکر

۱۰۱۹ /م پیامبر خدا ﷺ حدیث بود که عموم مردم را به سبب حمل [و گناه] عده‌ای خاص، عذاب می‌کند، مسکر آن‌گاه که مسکر را در میان خویش ببیند و بتوانند آن را می‌کنند [و تعبیرش دهد، و نکنند هرگاه چنین شد، حدیث بود، همگان را عذاب می‌کند

۱۰۲۰ عنه ﷺ: إِنَّمَا أَهْلَكَ اللَّهُ الْأُمَمَ السَّامِعَةَ قَبْلَكُمْ يَرْكَبُهَا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُسْكِرِ يَقُولُ اللَّهُ ﷻ ﴿كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُسْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾^۵

۱۰۲۰ . پیامبر خدا ﷺ امت‌هسای پیشی از شما، در حقیقت، به سبب و ابهادن امر به معروف و نهی از مسکر، هلاک شدند حدیث بود که می‌فرماید ﴿[مردم را] از مسکری که مرتکب می‌شدند، باز نمی‌داشتند راجعی چه بد بود آنچه انجام می‌دادند!﴾

۳/۲ الاخلاق

الكتاب

﴿وَلَا تَكُونُوا خَالِدِينَ مُفْرَقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَيْنِ مَا حَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾^۶

۳/۲ اختلافی

قرآن

۱ الزخرف ۲۳

۲ مستدین حیل ج ۶ ص ۱۴۱

۳ التردوس ج ۱ ص ۲۴۶ ح ۹۵۱

۴ مستدین حیل ج ۶ ص ۲۱۸ ح ۱۱۷۳۶

۵ المائدة ۷۹

۶ کثر العنکال ج ۱۶ ص ۱۹۲ ح ۴۱۱۱۶

۷ آل عمران ۱۰۵

﴿و چون کسانی می‌بینید که پس از آن که دلایل آشکار برایشان آمد، پراکنده شدند و با هم اختلاف پیدا کردند، و برای آنان عذابی سزایی است﴾

الحديث

۱۰۲۱ رسول الله ﷺ لَا تَحْتَلِمُوا، فَإِنْ مَسَّكَ كَانَتْ قَبْلَكُمْ
احتَلَمُوا فَهَلَكُوا^۱

حديث

۱۰۲۱ پیامبر خدا ﷺ، اختلاف نکسید؛ زیرا پیشینیان
شما اختلاف کردند و نابود شدند

۴/۲. فسادُ الخاصةِ

۱۰۲۲ رسول الله ﷺ - إلهي ﷺ يا عليُّ، هَلَاكُ أُمِّي
عَلَيَّ يَدِّي كُلُّ مُسَاقٍ عَنِيهِمُ اللُّسَانُ^۲
۱۰۲۳ عَنْهُ ﷺ إِنِّي لَا أَحَافُ عَلَى أُمِّي مُؤِمًّا وَلَا مُشْرِكًا،
أَمَّا الْمُؤِمِّنُ فَيَسَعُهُ اللَّهُ بِإِيمَانِهِ، وَأَمَّا الْمُشْرِكُ فَهَتَمُهُ
اللَّهُ بِشِرْكِهِ وَلِكِنِّي أَحَافُ عَلَيْكُمْ كُلُّ مُسَاقٍ بَحْثِي
عَالِمِ اللُّسَانِ، يَقُولُ مَا تَعْرِفُونَ، وَيَعْمَلُ مَا تُكْثِرُونَ^۳

۴/۱. قیامی هواص

۱۰۲۲ پیامبر خدا ﷺ - به علی ﷺ - ای علی! هلاکت
تنت من به دست منافقانِ ریاپاز است
۱۰۲۳ پیامبر خدا ﷺ - من بر ائت حویش، از جانب
مؤمن یا مشرک نمی ترسم، مؤمن را خداوند به سبب
ایمانش [از صدمه ردن به ائتم] باز می دارد و مشرک
را خداوند، به سبب شرکش سوگوت می کند؛ بلکه بر
شما از کسی می ترسم که در دل، منافق و در زبان،
عالم است؛ چیزی را می گوید که شما می پسندید و
کاری را می کند که شما نمی پسندید.

۵/۲. خُبُّ الدُّنْيَا

۱۰۲۴ رسول الله ﷺ إِذَا غَطَّمْتَ أُمِّي الدُّنْيَا، بُرِعَ مِنْهَا
هَيْبَةُ الْإِسْلَامِ^۴

۵/۱. دنیایوستی

۱۰۲۴ پیامبر خدا ﷺ هر گاه ائت من، دنیا را بزرگ
شمارند، شکوه اسلام از دل های آنان، گرفته
می شود

۱۰۲۵ عَنْهُ ﷺ أَظَلَّكُمْ سَمِعُكُمْ أَنْ أَبَا عُبَيْدَةَ قَدِمَ بَشِيْرٌ
مِنَ الْبَحْرَيْنِ، فَأَبَشَرُوا وَكَلَّمُوا مَا يَشْرُكُكُمْ، فَوَلَّاهُ مَا
الْعَرَّ أَحْسَى عَلَيْكُمْ، وَبَكِي أَحْسَى عَلَيْكُمْ أَرَّ تَبَسُّطَ
عَلَيْكُمْ الدُّنْيَا كَمَا يُسَيِّطُ عَمِي مَسَّ كَانَتْ قَبْلَكُمْ
فَتَنًا يَسُوها كَمَا تَنَافَسُوها، فَهَلَكُوكُمْ كَمَا أَهْلَكْتَهُمْ^۵

۱۰۲۵ پیامبر خدا ﷺ گمان می کنم که شنیده اید ابو عبیده،
چری از بحرین آورده است، بشارت بر شما و به
آینده حوشی که در انتظار شماست! امیدوار باشید؛
بریر به حد سوگند که من از فقر، بر شما نمی ترسم؛
بنکه ترس من برای شما، از این بابت است که دنیا
همچنان که به روی پیشانی شما بار شد، به روی
شما بیر باز شود و همچون آنان، بر سر آن به رقابت
برحیرید و در نتیجه، دنیا شما را نهر همانند آنان به
نابودی بکند

۶/۲. الإِسْتِهَانَةُ بِحَقُوقِ الضُّعَفَاءِ

۱۰۲۶ الإمام علي ﷺ - فِي كِتَابِهِ لِلْأَشْتَرِ - إِبْجَلُ لِدَوِي
الْحَاجَاتِ مِنْكَ قِسْمًا تُفَرِّغُ لَهُمْ فِيهِ شَحْصَكَ، وَتَحْلُسُ

۶/۱. می توجهی به حقوق ضعیفان

۱۰۲۶ امام علی ﷺ - در نامه اش به مالک اشتر -، برای
آنان که با تو کار دارند، وقتی بگذرد تا در آن وقت،

۱ صحیح البخاری ج ۳ ص ۱۲۸۲ ح ۳۳۸۹

۲ التمهیل ص ۶۹ ح ۱۰۳ ۳ نهج البلاغه للکتاب ۲۷

۴ بواذر الاصول ج ۲ ص ۱۲

۵ کنز العمال ج ۳ ص ۱۹۹ ح ۶۱۶۱

لَهُمْ مُجْلِسًا عَامًّا، فَتَوَاضَعُ فِيهِ رُبُّ الدِّي حُلُفَكَ، وَتُعْمِدُ
هَنُومُ جُنْدَكَ وَأَعْوَانَكَ مِنْ أَحْرَابِكَ وَشُرَطِكَ، حَتَّى
يَكَلِّمَكَ مُتَكَلِّمُهُمْ غَيْرُ مُتَمَتِّعٍ، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ
اللَّهِ ﷺ يَقُولُ فِي غَيْرِ مَوْطِئٍ، «لَنْ تُقَدِّسَ أُمَّةٌ لَا يُوَحِّدُ
بِضَعِيبٍ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوِيِّ غَيْرُ مُتَمَتِّعٍ»^۱

۷/۲. الْمَغَاسِبُ الْمُتَقَالِبَةُ وَالْاِقْتِصَادِيَّةُ

الكتاب

«إِنَّ أُمَّةً لَا يَلْفِظُ مَا يَفْزَمُ حَتَّى يَغْفِرُوا مَا بَانَفْسِهِمْ»^۲

الحديث

۱۰۲۷ رسول الله ﷺ عن سَلِيمٍ بْنِ أُمْتِيٍّ مِنْ أَرْبَعِ جِصَالٍ مَلَكَةِ
الْجَنَّةِ، مِنَ الدُّخُولِ فِي الدُّنْيَا، وَاتِّبَاعِ الْهَوَى، (شَهْوَةِ
الْبَطْنِ، وَشَهْوَةِ الْفَرْحِ)^۳

۱۰۲۸ عَنْهُ ﷺ: إِنَّ أَحْوَفَ مَا أَحَافُ عَلَى أُمِّي الْهَوَى وَطَوَّلِ
الْأَمَلِ، أَمَّا الْهَوَى فَرَبَّةٌ يَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ، وَأَمَّا طَوَّلُ
الْأَمَلِ فَنُفْسِي الْآخِرَةُ^۴

۱۰۲۹ عَنْهُ ﷺ: إِنَّ أَحْوَفَ مَا أَحَافُ عَلَى أُمِّي النِّسَاءِ
وَالْخَمْرِ^۵

۱۰۳۰ عَنْهُ ﷺ: إِنَّ أَحْوَفَ مَا أَحَافُ عَلَى أُمِّي عَمَلِ قَوْمٍ بَوِطَ،
فَلْتَرْقُبْ أُمِّي الْعَذَابِ إِذَا تَكَافَى الرَّحَالُ بِالرَّحَالِ،
وَالنِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ^۶

۱. بیج علامه، الکتاب ۵۳ ۲ الرعد ۱۱

۲. المغنی ص ۲۲۳ ح ۵۱

۳. المغنی ص ۵۱ ح ۶۲ و ص ۵۲ ح ۶۲

۴. تاریخ بغداد ج ۱۵ ص ۷۹ الرقم ۷۱۳۷

۵. مستدرک الوسائل ج ۱۵ ص ۳۵۷ ح ۱۶۹۱۲

شخصاً به نیارهای آنان رسیدگی کنی و به آنان،
باری عام بده و در آن مجلس، برای خدایی که تو را
آفریده است، فروتن باش و سربازان و محافظان
خود را از آنان دور بدار، تا آن که می‌خواهد با تو
سخن بگوید، بدون اضطراب، سخنش را بگویند؛
ویران، بارها در پیامبر خدا شدم که می‌فرمود
«امتی که در آن، حق سائوان از رورسد، بدون
نرمس و لرز، ستانده نشود، هر گز حوش‌بخت
نمی‌شود»

۷/۲. مَغَاسِبُ فِرْهَنَکِی وَ اِقْتِصَادِی

قرآن

«فِرْهَنَکِی حَیْثُ حَلَوْنِی، حَالِ قَوْمِی دَا نَعِیْرِی مِی دَهْدُ تَا أَنَا
حَالِ خُودِی دَا نَعِیْرِی دَهْدُ»

حدیث

۱۰۲۷ پیامبر خدا ﷺ، هر کس از افراد ائمه در چهار چیز
در امان بماند، بهشت، از آن اوست از در آمدن به
دنیا، پیروی هوس، شهوت شکم، و شهوت جنسی
۱۰۲۸ پیامبر خدا ﷺ، بدترین چیزی که از آن بر ائمه
می‌ترسم، هوس و آرزوی دراز است؛ زیرا
هوس، از حق، باز می‌دارد و آرزوی دراز، آحرت
را از یاد می‌برد

۱۰۲۹ پیامبر خدا ﷺ، بدترین چیزی که از آنها بر ائمه
می‌ترسم، زنان و شراب

۱۰۳۰ پیامبر خدا ﷺ، خوف‌ک‌ترین چیزی که از آن بر
ائمه می‌ترسم، عمل قوم لوط است پس هر گاه
مردان به مردان و زنان به زنان روی آورند، امت
من نایب منتظر عذاب باشد

۱۰۳۱. هذِهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ، إِنَّكُمْ قَدْ وُئِيتُمْ أَمْرًا
 هَلَكْتُ فِيهِ الْأَمَمُ الشَّيْقَةُ، الْيَكْيَالُ وَبَعِيرَانِ.^۱
 چیزی شده‌اید که امت‌های گذشته بر اثر آن، به
 هلاکت افتادند، پیمانه و ترازو

۸/۲ الإملاء والإستدراج

الكتاب

۸/۲ املا و استدراج

قرآن

«وَبِیْگسان، فرستادگان پیش از تو [بیر] مسخره شدید.
 پس به کسانی که کافر شده بودند، مهلت دادم. آن گاه
 آنان را [به کفر] گرفتم. پس چگونه بود کفر س؟»
 «و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، به تدریج، از حای
 که نمی‌دانند، گریبان‌شان را خواهیم گرفت، و به آنان
 مهلت می‌دهم، که تدبیر من اسوار است.»

حدیث

۱۰۳۲. مسداین حبل عن غلته من عامر عن رسول الله ﷺ
 بِدَا رَأَيْتُ اللَّهَ يُعْطِي الْقَبْدَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَى سَمَاعِيهِ بِهَا
 يَحْتُ مَا بَاشَا هُوَ اسْتَدْرَاجٌ ثُمَّ تَلَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «قُلْنَا
 نَسُوا مَا دُكِّرُوا بِهِ فَفُتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَنْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ
 حَتَّى إِذَا مَرَحُوا بِمَا أُوتُوا أَحَدْتَهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ
 مُبْلِسُونَ»^{۱، ۲}

سپس پیامبر خدا این آیه را تلاوت فرمود. «پس
 چون آنچه را بدان پند غله شستم، فراموش کردند، برهای همه
 چیز را بر آنان گشودیم و چون بدوچه داده شدند، شانمان
 گشتند، نگاهان گرفتیمشان. پس همان دم، بومیه شدند.»

الفصل الثالث الاعتبار بالأمم

۱/۳ إملاء الأمم

فصل سوم: عبرت گرفتن از امت‌ها

۱/۳. از مایش امت‌ها

۱۰۳۳. مجمع البیان - فی قوله تعالى «قُلْ هُوَ الْعَابَرُ عَنِّي
 أَلْ يَبْغَتْ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ مَّوْظِعِكُمْ أَوْ مِّنْ تَحْتِ
 أَرْجُلِكُمْ أَوْ يُلْجِسْكُمْ شَيْعًا»^۱ الْآيَةُ - فِي تَفْسِيرِ

۱۰۳۳. مجمع البیان - درباره این سخن خداوند متعال،
 «بِگَر هُوَ تَوَلَّاسَتْ كِه لَر مَالِی سَرْتَلَن یَا لَر رِیْز پِلَه‌ایقان،
 عذاب بر شما بفرستد یا شما را گروه گروه، به هم اندازد [و]
 دچار تفرقه سازد...»^۲ - در تفسیر الکملی آمده است:
 چون این آیه فرود آمد، پیامبر ﷺ بر حاسمت و

۱ التبیان الکبری ج ۶ ص ۵۳ ح ۱۱۱۶۶

۲ الرعد ۳۲ ۳ الاعراف ۱۸۲ و ۱۸۳

۳ الأنعام: ۴۴

۴ مسداین حبل ج ۶ ص ۱۲۲ ح ۱۷۳۱۳

۵ الامام ۶۵

الْكَلْبِيِّ، لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ قَامَ النَّبِيُّ ﷺ فَتَوَضَّأَ
وَأَسْتَبَحَّ وَصَوَّعَهُ، ثُمَّ قَامَ وَصَلَّى فَأَحْسَرَ صَلَاتُهُ، ثُمَّ
سَأَلَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَلَا يَبْعَثْ عَلَيَّ أُمَّيَّةً عَذَاباً مِنْ فَوْقِهِمْ
وَلَا مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ، وَلَا يُلْسِقُهُمْ شَيْعاً، وَلَا يُدْبِقُ
بَعْضُهُمْ تَأْسَ بَعْضٍ

فَنَزَلَ جِبْرِئِيلُ ﷺ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ، إِنَّ اللَّهَ سَحَالَى
سَمِعَ مَقَالَتَكَ، وَإِنَّهُ قَدْ أَجَازَهُمْ مِنْ حَصَلَتَيْهِ وَلَمْ
يُجِرْهُمْ مِنْ حَصَلَتَيْهِ، أَجَازَهُمْ مِنْ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْهِمْ
عَذَاباً مِنْ فَوْقِهِمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ، وَنَمْ يُجِرْهُمْ مِنْ
الْحَصَلَتَيْنِ الْأُخْرَيَيْنِ

فَقَالَ ﷺ يَا خَيْرُ نَبِيٍّ، مَا بَعَاءُ أُمِّي مَعَ قَبْلِ نَعِيهِمْ
نَعِصاً؟ قَعَامٌ وَعَادَ إِلَى الدُّعَاءِ، فَنَزَلَ ﴿وَالْم * أَحْسِبُ
الْعَاسُ أَنْ يَذُرُّكُمْ أَوْ يَقُولُوا كَافِرًا وَهُمْ لَا يُفْقَهُونَ﴾^۱
الْآيَتَيْنِ، فَقَالَ لَا يَدْخُلُ مِنْ فِيْهِ شَيْءٌ يَنْسِي بِهَا الْأُمَّةَ نَعْدَ نَبِيِّهَا،
لِيَسْتَبِينَ الصَّادِقُ مِنَ الْكَادِبِ، لِأَنَّ الْوَحْيَ يَقْطَعُ وَيَقْبِي
السَّيْفَ وَاهْبِرَاقُ الْكَلِمَةِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ^۲

۳/۲. قِلَّةٌ مِنْ نَجَى مِنَ الْأُمَمِ

﴿قَالُوا قَبْلَ لَمْ تَنْتَهَ يَنْبُوحُ لَنَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ *
قَالَ رَبِّ إِنِّي قَوْمٌ ذُنُوبٌ * فَافْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتَحاً
وَنَجِّنِي وَنَحْنُ مَعِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ * فَاسْجِنَهُ وَمَنْ
مَعَهُ هِيَ الْفَلَكَ الْمَشْخُوب * ثُمَّ أَعْرَفْنَا بَعْدَ السَّافِرِ *
إِنْ هِيَ ذَلِكَ لَأَيَّةٌ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۳

و صویبی شاداب و کامل گرفت و سپس، به نماز ایستاد
و نمازی سبکو گزارد، آن گاه، از خداوند پاک،
درخواست کرد که بر اُمّی عذابی از فراز سرشان یا
از زیر پاهایشان نفرستد و آنها را گروه گروه به [جان]
هم بیدارد و خشم بعضی را به بعضی دیگر بچشاند

در این هنگام، جبرئیل ﷺ فرود آمد و گفت: ای
محمد! خداوند متعال، گفتار تو را شنید و آسان (اُمّت
تو) را از دو چیز، پناه داد و از دو چیز، پناهشان نداد؛
از این که از فراز سرشان یا از زیر پاهایشان برایشان
عذابی نفرستد، پناهشان داد؛ لذا از آن دو چیز دیگر
(تفرقه و به جان هم افتادن) پناهشان نداد

پیامبر ﷺ فرمود: ای جبرئیل! با وجود کشته
شدن اُمّت من به دست یکدیگر، از آسان چه باقی
می ماند؟^۴

برجاست و دیگر باره، دعا کرد. پس این دو آیه
نازل شد: ﴿وَالْم * أَحْسِبُ الْعَاسُ أَنْ يَذُرُّكُمْ أَوْ يَقُولُوا كَافِرًا وَهُمْ لَا يُفْقَهُونَ﴾^۵
و این دو آیه، فرمود: ای جبرئیل! این آیه‌ها را بر آن‌ها نازل کن
تا بدانند که تا کشتن
می‌گیرد؟^۶

پس فرمود: از آرمایش، گریزی نیست و اُمّت،
پس از پامارش، باید آرموده شود تا راسگو از
دروغگو معلوم گردد؛ زیرا وحی، قطع شده و
شمسیر و تفرقه، تا رور قیمت برجاست.

۳/۲ اندک بویس افت‌های نجات یافته

﴿گفتند: ای روح! اگر دست برداری، قطعاً از [جمله]
سگسار شدگی خواهی بود گفت: «پروردگارا! قوم من
را نکندید کردید میان من و آنان فیصله ده و من و هر
کس که مؤمنان را که با من است، نجات بخش. پس او و
هر که را در آن کشتی آکنده با او بود، رها کنید، آن گاه
باقی ماندگان را غرق کردیم، قطعاً در این [ماجرا، درمن]
عبرقی بود، [و] [بیشترشان ایمان آورده، نبودند]﴾

۱ مجمع البیان ج ۱ ص ۴۸۷.

۲ الشراء ۱۱۶-۱۲۱.

۳/۳ الاعتبار بفواظع التاريخ

الكتاب

﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَٰكِن تَصَدِّيقًا لِّذِي بَيِّنَةٍ وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُذَىٰ وَرَحْمَةً لِّلْقَوْمِ الْمُتَّقِينَ﴾^۱

الحديث

۱۰۳۱ رسول الله ﷺ إحتبروا، فَعَدَّ حَدِيثَ الثَّلَاثِ فِيمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ.^۲

۱۰۳۵ صحيح البخاري عن سالم بن عبد الله عن أبيه أن النبي ﷺ لَمَّا مَرَّ بِالْحِجْرِ^۳ قَالَ: لَا تَدْخُلُوا مَسَاكِينَ الدِّينِ ظَلَمُوا إِلَّا أَنْ تَكُونُوا بِأَكْسَى، أَنْ يُصِيبَكُمْ مَا صَابَهُمْ ثُمَّ تَخْرُجُوا بِرِدَائِهِمْ وَهُوَ عَلَىٰ الرَّحْلِ^۴

۱۰۳۶ رسول الله ﷺ - فِي مَوْعِظَتِهِ لِأَبْنِ مَسْعُودٍ - يَأْمُرُ مَسْعُودًا أَنْ ذَكَرَ الْقُرُونِ السَّامِيَةَ، وَالْمُلُوكَ الْجَبَّارَةَ الدِّينَ مَضَوْا، فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: «وَعَادًا وَنُفُوتًا وَأَصْحَابَ الرُّسُلِ وَقُرُوبًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا»^{۵ ۶}

الفصل الرابع: فضائل الأئمة الإسلامية

۱/۴ إجابة دعوة إبراهيم ﷺ

الكتاب

﴿رَبُّنَا وَأَجْمَلُنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا لَنُدْعُكَ شُعْبَةً لَّنْ

^۱ يوسف ۱۱۱

^۲ كنز القوائد ج ۲ ص ۳۱

^۳ الحجّز اسم لار من ثمود قوم صالح النبي ﷺ (التهذيب ج ۱ ص ۳۷۱-حجر)

^۴ صحيح البخاري ج ۳ ص ۱۳۶ ح ۳۲۰۰

^۵ الفرقان ۳۸

^۶ مكارم الأخلاق ج ۲ ص ۳۵۴ ح ۲۶۶۰

۳/۲ انبؤز گوفتن از پندهای تاریخ

قرآن

﴿به راستی، در سرگذشت آنان، برای خردمندان، عبرتی است. سعی یست که به دروغ ساخته شده باشد؛ بلکه تصدیق همان [کتاب‌هایی] است که پیش از آن بوده و روشنگر هر چیز است و برای مردمی که ایمان می‌آورند، رهنمود و رحمتی است﴾.

حدیث

۱۰۳۳ پیامبر خدا ﷺ عبرت گیرید! آنان که پیش از شما بودند، کیفرهای عبرت‌آموز دیدند.

۱۰۳۵ صحیح البخاری چه نقل از سالم بن عبد الله، از پدرش - پیامبر ﷺ بر جعفر^۱ گذشت فرمود «به خانه‌های [هر جای منده از] مستمگران در بیایید، مگر آن که گریس شوید از این که آنچه بر سر آنان آمد، بر سر شما نیز بیاید»

سپس در همان حال که سوار شتر بود، ردایش را بر صورتش کشید.

۱۰۳۶ پیامبر خدا ﷺ - در اندرزش به ابن مسعود - ای پسر مسعود! به یاد آور مسل‌هایی را که رفتند و شاهان مقتدری را که نابود شدند، خداوند می‌فرماید: ﴿وَبِهِ يَادُورُ﴾ عاد و ثمود و اصحاب زس و بسیاری از مسل‌ها را که بر این مسل‌ها رفتند^۲.

فصل چهارم: فضائل ائمت اسلامی

۱/۴ اجابت دعای ابراهیم ﷺ

قرآن

﴿پروردگارا! ما را تسلیم [فرما] خود قرار ده و از مسل ما،

^۱ جعفر نام سرزمین ثمود، قوم صالح پیامبر، بوده است (التهذيب ج ۱ ص ۳۳۱-حجر)

۳/۴. اُمَّةٌ مَرْجُومَةٌ مُنَازَكَةٌ

۱۰۳۹ رسول الله ﷺ اُمَّتِي هَذِهِ اُمَّةٌ مَرْجُومَةٌ^۱

۱۰۴۰ عَنْهُ ﷺ اِنَّ هَذِهِ الْاُمَّةَ مَرْجُومَةٌ، غَذَاهَا بِاَيْدِيهَا^۲

۱۰۴۱ عَنْهُ ﷺ مَثَلُ اُمَّتِي مَثَلُ الْمَطْرِ، لَا يُدْرِي اَوَّلُهُ خَيْرٌ

اَمْ آخِرُهُ^۳

۴/۴. الْآخِرُونَ السَّابِقُونَ

۱۰۴۲ رسول الله ﷺ نَحْنُ الْآخِرُونَ السَّابِقُونَ^۴

۱۰۴۳ عَنْهُ ﷺ نَحْنُ الْآخِرُونَ مِنْ اَهْلِ الدُّنْيَا، وَالْأَوَّلُونَ

يَوْمَ الْقِيَامَةِ، الْمُتَقَبُّونَ لَهُمْ قَبْلَ الْخَلَائِقِ^۵

الفصل الخامس: خصائص اُمَّة محمّد ﷺ

التشريعية

الكتاب

﴿لَا يَكُنْ لَكُمْ اَنْفُسًا اِلَّا وَشَعْنَهَا لَهَا مَا عَسَيْتُمْ وَعَسَلَهَا مَا

اَكُنْتُمْ رِبًّا لَا تُلَاجِدُنَا اِنْ نُسِبَتْ اَوْ اَلْحَطَانُ رِبًّا

وَلَا تُخِيلُ عَلَيْنَا اِضْرًا كَمَا حَمَلْتُمْ عَلَيَّ اَلْيَمِينَ مِنْ قَبْلِنَا

رِبًّا وَلَا تُحْفَلُنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْبُدُوا عَمَّا وَاعْبُدْنَا

وَأَرْحَمْنَا اَنْتُمْ تَوَلَّيْتُمْ فَاِمَضُّوْنَا عَلَى اَنْفُسِكُمْ

الْكُفَّارِينَ﴾^۶

الحديث

۱۰۴۴ رسول الله ﷺ اِنَّ اللَّهَ اَعْطَى كُلَّ دِي حَقٍّ حَقَّهُ.

۱ سنن أبي داود ج ۴ ص ۱۱۵ ح ۴۷۸

۲ سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۱۳ ح ۴۲۹۲

۳ سنن ترمذي ج ۵ ص ۱۵۲ ح ۲۸۶۹

۴ صحيح البخاري ج ۱ ص ۹۱ ح ۳۳۶

۵ صحيح مسلم ج ۲ ص ۵۸۶ ح ۲۲

۶ البقرة ۲۸۶

۳/۴. اَمَّتِ خُجَسْتَه

۱۰۳۹ پیامبر خدا ﷺ. این اُمّت من، اُمّتی رحمت شده

است

۱۰۴۰ پیامبر خدا ﷺ. ایسن اُمّت، رحمت شده است.

عده‌اش به دستان خود دوست.

۱۰۴۱ پیامبر خدا ﷺ حکایت اُمّت من، حکایت باران

است که معلوم نیست اول آن بهتر است یا آخرش.

۴/۴. آخِرِیْنَ اَمَّتِهَا وَبِیْشْکَامِ اَمَّهَا

۱۰۴۲ پیامبر خدا ﷺ: ما اَخِرِیْنَ [اُمّت‌هایی] هستیم که

پیشی گرفتند.

۱۰۴۳ پیامبر خدا ﷺ: ما اَخِرِیْنَ مردم دنیا و در روز

قیامت، اَوَّلِیْنَ مردم هستیم و پیش از همه خلائق،

در دنیا ما دَلَوْرِی می‌شود

- فَصْلُ بَعْضِ وَیْزِیِّیْنَ اَمَّتِ مُحَمَّدٌ ﷺ

احکام شرعی

قرآن

﴿عَلِمُوا. هِجَ کَسَ رَا جَرَّ بِهٖ قَدَرٌ ثَوْنًا یُحِلُّ تَکْلِیْفَ

می‌کند آنچه [از خودی] به دست آورده، به سود او، و

آنچه [از بدی] به دست آورده، به زیان او است.

هر روزگاری اگر فراموش کرده‌ام یا به خطا رفتم، بر ما

سکیر. هر روزگاری هیچ بار گزافی بر [دوش] ما نگذار،

آن‌چنان که بر [دوش] کسانی که پیش از ما بودند،

نهاده‌ای. هر روزگاری و آنچه تنب آن نداریم، بر ما تحصیل

مکن و از ما در گذر و ما را ببخشای و بر ما رحمت آور.

شروع ما نویس، ما را بر گروه کافران، پیروز کن﴾.

حدیث

۱۰۴۴ پیامبر خدا ﷺ: خداوند حق هر حق‌داری را

أَلَا إِنَّ اللَّهَ قَرَضَ قَرَائِضَ، وَسَرَّ سُرّاً، وَخَدَّ خُدُوداً، وَأَحْلَى حَلَالاً، وَحَرَّمَ حَرَاماً، وَشَرَعَ الذِّينَ فَجَعَلَهُ سَهْلاً سَهْلاً وَاسِعاً، وَلَمْ يَجْعَلْهُ صَرِيحاً ۱۱۴۵ هـ ﷺ إِنَّكُمْ أُمَّةٌ أُرِيدَ بِكُمْ الْيُسْرُ ۲

۱۱۴۶ هـ ﷺ وَصَحَّ عَنْ أَشْيَ تَسْعُ جِهَالِ الْعَطَاءِ، وَالنَّسِيَانِ، وَمَا لَا يَحْتَمُونَ، وَمَا لَا يُطْعَمُونَ، وَمَا اضْطُرُّوا إِلَيْهِ، وَمَا اسْتَكَرَّ هَوَا عَلَيْهِ، وَالطَّيْزَةُ ۳، وَالْوَسْوَسَةُ فِي التَّفَكُّرِ فِي الْحَلْقِ، وَالْحَتْدُ مَا لَمْ يَظْهَرَ بِلِسَانٍ أَوْ يَدٍ ۴

۱۱۴۷ هـ ﷺ أَعْطَانِي اللَّهُ عَابِدَةَ الْكِتَابِ، وَالْأَدَانِ وَالْجَمَاعَةِ فِي الْمَسْجِدِ، وَيَوْمَ الْجُمُعَةِ، وَتِلْكَ عَنِّي الْجَبَائِرُ وَالْإِحْهَارُ فِي ثَلَاثِ حُلُوبٍ، وَالزُّحَمَةُ لِأُمَّتِي عِنْدَ الْأَمْرَاضِ وَالشُّغْرِ، وَالشَّعَاعَةُ لِأَهْلِ حِيَاطِ الْكُتُبِ مِنْ أَشْيَ ۵

الفصل السادس: خصائص امة محمدي ﷺ الأخلاقية والعملية

۱ / ۶ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ

الكتاب

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ ۱

۱. التمجيد الكبير ج ۱۱ ص ۱۷۰ ح ۱۱۵۳۲

۲. مستدرک حبل ج ۷ ص ۲۹۷ ح ۲۰۳۶۸

۳. الطبري - وقد تكسر - هي المشاوم بالنهي (النهاية ج ۳ ص ۱۱۵۷ طبري)

۴. التكملي ج ۲ ص ۱۶۳ ح ۲

۵. التمهيد ص ۲۵۵ ح ۳۶ ۶ آل عمران ۱۱۰

به او داد بدانید که خداوند، و طایفی را مقرر داشت و قوانسی را بر نهاد و حدودی را تعیین نمود و چیزهایی را حلال و چیزهایی را حرام قرار داد و دین را وضع کرد و آن را نرم و آسان و گسترده، قرار داد و تنگ قرارش نداد

۱۰۲۵. پیامبر خدا ﷺ شما امتی هستید که سرباستان، آسانی خواسته شده است

۱۰۲۶. پیامبر خدا ﷺ: [مستولیت] نه چیز، از امت من، برداشته شده است. حطا، فراموشی، آنچه ندانند، آنچه نتوانند، آنچه بدان باچار باشند، آنچه به رور به آن و دار شوند، حال بد ردد، وسوسه در اندیشیدن در آمریش، و رشک بردن تا زمانی که فرمان یا دست اشکار نشود

۱۰۲۷. پیامبر خدا ﷺ حد و بند ﷻ چند چیز به من عطا فرمود: عابدة الكتاب، اذان، [تمار] جماعت در مسجد، نماز، رور جمعه، نماز خواندن در جماره، بلند خواندن سه نمار (صبح و مغرب و عشا)، رخصت یافتن امتم در هنگام بیماری و سفر، و شعاعت از آن دسته از امتم که مرتکب گناهان کبیره می شوند

فصل ششم: ویژگی های اخلاقی

و رفناری امت محمدي ﷺ

۱ / ۶ امر به معروف و نهی از منکر

قرآن

﴿شما بهترین امتی هستید که برای مردم، پدیدار شده اید، به کار پسندید، فرمان می دهید و از کار ناپسند، باز می دارید و به خدا ایمان دارید﴾

الحديث

حدیث

۱۰۱۸ رسول الله ﷺ إِذَا زَأَيْتُمْ أُمَّتِي تَهَابَ الظَّالِمُ أَنْ يَقُولَ لَكَ إِنَّكَ أَنْتَ ظَالِمٌ، فَقَدْ تَوَدَّعَ مِنْهُمْ^۱

۱۰۲۸ پیامبر خدا ﷺ هر گاه دیدید ائمتّم از این که به ستمگر بگوید: «تو ستمگری» می‌هراسد، بی‌گمان [از جانب خدا] به حل خود رها شده است^۲

۲/۶ الإعتدال

الكتاب

۲/۶ مینه روی

﴿وَكذلك جعلكم أمةً وسطاً لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيداً﴾^۳

قرآن

﴿و بدین گونه، شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم، گواه باشید و پیامبر، بر شما گواه باشد﴾

الحديث

حدیث

۱۰۱۹ رسول الله ﷺ - فِي قَوْلِهِ تَمَالَى ﴿وَكذلك جعلكم أمةً وسطاً﴾ - قَالَ: عدلاً^۴

۱۰۲۹ پیامبر خدا ﷺ - درباره این سخن خداوند متعال

﴿و این چنین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم﴾ - یعنی

معادل

الفصل السابع مستقبل أمة محمد في الدنيا

۱/۷ رُجوع طائفة على الأعقاب

فصل هفتم. آینده امت محمد در دنیا

الكتاب

۱/۷ مرگشت گروهی به آیین پیشین خود

قرآن

﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ عَذَاباً عَظِيماً﴾^۵

﴿و محمد، جز فرستاده‌ای که پیش از او [هم] پیامبرانی [آمده و] گشتند، نیست آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، تو عقیده خود بر می‌گردد؟ و هر کس از عقیده خود باز گردد، هرگز هیچ ریائی به خدا نمی‌رساند و به رددی، خداوند، سپاس‌گزارین را پاداش می‌دهد﴾.

۱ تَوَدَّعَ مِنْهُمْ أي أسبغ اليه ما استحققه من الكبر عيهم وهو من المجازة لأن المعصية بإصلاح شأن الرجع إذا يس من صلاحه تركه واسم مع من مماناة للنسب معه الأسبغ ج ۵ ص ۱۶۶ وودع

۲ مستداین حبل ج ۲ ص ۵۶۱ ح ۶۵۳۱

۳ الهمزة ۱۴۳

۴ صحيح البخاري ج ۶ ص ۶۷۵ ح ۶۹۱۷

۵ آل عمران ۱۵۵

۱ به تعبیر هاسوانه، یعنی کارش تمام و فاتحه‌اش خوانده شده است و تَوَدَّعَ که در متن عربی حدیث آمده، از تَوَدَّع است، یعنی با او خدا حافظی شده است

الحديث

حديث

۱۰۵۰ رسول الله ﷺ إني على الخوص أشطر من يرد علي منكم. فوالله أليمن من ذوي رجال. فلا قولن أي رب، مني ومن أمي. فيقول إنك لا تدري ما عملوا بعدك، ما رالوا يرجعون على أعقابهم^۱

۱۰۵۰ پیامبر خدا ﷺ. من در کنار حوض [کوثر]، منظر کسانی از شما هستم که بردن آید به خدا سوگند، مردانی از برابر من می‌گذردند و من می‌گویم، پروردگار من! ایضا از من و امت من همد

۲/۷ يأتي عندها ما كان في الأمم السالفة

۱۰۵۱ رسول الله ﷺ كل ما كان في الأمم السالفة فبأنه يكون في هديهم لأمة مثله؛ خذوا العمل، يا عمل والقدر بالقدر^۲

خداوند می‌فرماید. اتو که نمی‌دانی که پس از تو چه کردند! آنها پیوسته به عقب (آین گذشته خود) بر می‌گشتند،

۱۰۵۲ عنه ﷺ لا تترك هذه الأمة شيئا من سنن الأولين حتى تأتيه^۳

۲/۷. دچار شدن به سرنوشت امت‌های پیشین
۱۰۵۱ پیامبر خدا ﷺ هر آنچه در امت‌های گذشته بودم است. همانند آن، در این امت بر خواهد بود، قدم به قدم و مو به مو

۳/۷ تكون فيها الفرقة

۱۰۵۳ رسول الله ﷺ - وقد أشار إلى علي عليه السلام - يكون بين الناس فرقة وحنلاف، فيكون هذا وأصحابه على الحق^۴

۱۰۵۳ پیامبر خدا ﷺ - چسبیری از روش پس‌پیشیان نیست، مگر آن که این امت، آن را انجام خواهد داد

۱۰۵۴ عنه ﷺ أمسى أمسي. إذا اختلف الناس بعدى وصاروا فرقة فرقة، فاجتهدوا في طلب الدين الحق

۳/۷. برور اختلاف در امت

۱۰۵۳ پیامبر خدا ﷺ - در اشاره به علی عليه السلام -: میان مردم، جدایی و اختلاف پدید خواهد آمد و (در میان آن فرقه‌ها) ایس (علی عليه السلام) و یاران او بر حق‌اند

۱ صحیح مسلم ج ۱ ص ۱۷۹۱ ح ۲۸
۲ خذوا العمل بالعمل أي سمنون مثل أعمالهم. كما قطع إحدى المنطوق على قدر العمل الأخرى (النهاية ج ۱ ص ۳۵۷ ح ۱)

۳ خبر الفقه بالقرآن القدر ورس السهم واحد بها فداء أي كما تقدر كل واحد منها على قدر حاجتها وتقطع بصرف للشيبين يستويان ولا يتفاوتان (النهاية ج ۱ ص ۲۸۸ ح ۲۸)

۴ كمال الدين ص ۵۷۶

۵ المعجم الأوسط ج ۱ ص ۱ ح ۳۱۳

۶ المعجم الكبير ج ۱۹ ص ۱۷۷ ح ۳۷۲

۱۰۵۳. پیامبر خدا ﷺ. امت من، امت من! هر گاه پس از من، مردم اختلاف کردند و گروه گروه شدند، شما در جستجوی دین حق بکوشید تا با اهل حق باشید؛ چرا که گناه، در دین حق،

حَتَّى تَكُونُوا مَعَ أَهْلِ الْحَقِّ، فَإِنَّ سَمْعِيَّةَ فِي دِينِ
الْحَقِّ تُعَذِّبُ، وَالطَّاعَةَ فِي دِينِ الْبَاطِلِ لَا تُقْبَلُ^۱

۱/۷ طائفة منهم على الحق حتى الساعة

الكتاب

«وَمَنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَغْتَابُونَ»^۲

الحديث

۱۰۵۵ رسول الله ﷺ - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «وَمِنْ خَلْقْنَا أُمَّةً

يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَغْتَابُونَ» - إِنَّ مِنْ أُمَّتِي قَوْمًا

عَلَى الْحَقِّ حَتَّى يَرِلَّ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ، مَتَى مَا تَرَلَّ^۳

۱۰۵۶ عنه ﷺ لَا تَرَالُ عَصَانَةُ مِنْ أُمَّتِي يُعَذِّبُونَ عَلَى أَمْرِ

اللَّهِ، قَاهِرِينَ لِعَدُوِّهِمْ، لَا يُصْرُهُمْ مِنْ حَالَتِهِمْ، حَتَّى

تَأْسَهُمُ السَّاعَةُ^۴

۱۰۵۷ عنه ﷺ لَا تَرَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي قَوْمًا عَلَى أَمْرِ

اللَّهِ، لَا يُصْرُهُمْ مِنْ حَالَتِهَا^۵

۵/۷ مَا يَفْعُ فِيهَا مِنَ الْفِتَنِ

الكتاب

«أَهْبَبَ النَّاسُ أَنْ يُخْرَعُوا أَنْ يَقُولُوا عَامِنًا وَهُمْ

لَا يَفْقَهُونَ» وَبَقِيَ فَنُتَا الْكُذِبِ مِنْ قَلْبِهِمْ فَطَعَنُوا اللَّهَ

الْبَيْنَ صَدَقُوا وَلِيُخْلِفَنَّ الْكَافِرِينَ^۶

۱. جامع الأخبار ص ۵۰۵ ح ۱۳۹۶

۲. الامارات ۱۸۱

۳. تفسير ابن كثير ج ۲ ص ۵۱۸

۴. صحيح مسلم ج ۲ ص ۱۵۲۵ ح ۱۷۶

۵. مس این مائة ج ۱ ص ۵ ح ۷

۶. العنكبوت ۲ و ۷

آمرزیده می‌شود و طاعت، در دین باطل، پذیرفته
نمی‌شود

۴/۷ در حق یونس گروهی از امت تا قیام قیامت

قرآن

«و از میان کسانی که آفریدایم گروهی هستند که به حق،

هدایت می‌کنند و به حق دلوری می‌نمایند».

حدیث

۱۰۵۵ - پیامبر خدا ﷺ - دربارهٔ آیهٔ شریف: «و از میان

کسانی که آفریدایم، گروهی هستند که به حق، هدایت می‌کنند

و به حق، دلوری می‌نمایند» - گروهی از امت من، تا

زمانی که عیسی بن مریم ﷺ فرود آید - هر زمان

که فرود آید - همچنان پشتیبان حق هستند.

۱۰۵۶ پیامبر خدا ﷺ گروهی از امت من، تا قیام

قیامت، پیوسته در راه خدا می‌جنگند و بر

دشمنان چیرمانند و مخالفان محالمانشان،

گرنده‌ی به آنان نمی‌رساند.

۱۰۵۷ پیامبر خدا ﷺ گروهی از امت من، پیوسته به

فرمان خدا قیام می‌کنند و مخالفان به آنان

زیانی نمی‌رساند.

۵/۷ فتنه‌هایی که در این امت، بروز می‌کند

قرآن

«آیا مردم پنداشتند که تا گفتند «ایمان آوردیم»، رف

می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟ و به یقین،

کسانی را که پیش از ایمان بردند، آزمودیم، تا خدا

آنان را که راست گفته‌اند، و نیز دروغگوها را معلوم

نارد»

الحديث

حدیث

۱۰۵۸ رسول الله ﷺ سَيَأْتِي زَمَانٌ عَلَى أُمَّتِي لَا يَعْرِفُونَ
الْعُلَمَاءَ إِلَّا بِثَوْبٍ خَسْبٍ، وَلَا يَعْرِفُونَ الْفُرَّانَ إِلَّا
بِثَوْبٍ خَسْبٍ، وَلَا يَعْبُدُونَ اللَّهَ إِلَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ،
فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا لَا عِلْمَ لَهُ وَلَا
حِلْمَ لَهُ وَلَا رَحْمَةَ لَهُ.^۱

۱۰۵۸ پیامبر خدا ﷺ زمانی بر امت من می‌آید که
عالمان را جز به جامهٔ نیکو و قرآن را جز به صدای
نیکو نمی‌شناسند و خدا را جز در ماه رمضان،
عبادت نمی‌کنند هر گاه چنین شود، خداوند،
سستایی و بر آن مسلط می‌گردد آن‌که به علم
دارد، به بردباری و نه رحم

۱۰۵۹ عَنْهُ ﷺ سَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ تَخْبِثُ فِيهِ
سَرَائِرُهُمْ وَتَحْسُرُ فِيهِ عُلَايَتُهُمْ، طَمَعًا فِي الدُّنْيَا وَلَا
يُريدُونَ بِمَا عِنْدَ اللَّهِ زَرْعَهُمْ، يَكُونُ دِينُهُمْ رِيَاءً لَا
يُعَايِلُهُمْ خَوْفٌ، يَقْتُلُهُمُ اللَّهُ مِنْهُمْ بِعِقَابٍ، قَدْ عَوَّاهُ
الْعَرَبِيُّ فَلَا يَسْتَعِيثُ لَهُمْ.^۲

۱۰۵۹ پیامبر خدا ﷺ زمانی بر امت من فرا می‌رسد
که در آن زمان، باطن‌هایشان پلید و ظاهرشان
ریاست، از سر طمع به دنیا، نه این که به واسطه
دین، آنچه را از ثواب و پاداش [سر د پروردگارشان
است، بجویند، دیشان از سر ریاست است و هیچ
ترسی از خدا در وجودشان نیست کیفر
خداوند، آنان را می‌گیرد و چونان شخص در
حال عری شدن، او را می‌خوانند، اما دعایشان
مستجاب نمی‌شود

۱۰۶۰ عَنْهُ ﷺ سَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ لَا يَمَيُّ مِنْ ثَوْبٍ
إِلَّا رَسْمُهُ وَلَا مِنْ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ، يُسَمَّوْنَ بِهِ وَهُمْ
أَبْعَدُ النَّاسِ مِنْهُ، مَسَاجِدُهُمْ غَايِرَةٌ وَهِيَ حَرَابٌ وَمِنْ
الْهُدَى، فَسَقَاءُ ذَلِكَ الزَّمَانِ شَرُّ فُسْهَاءٍ تَحْتَ ظِلِّ
السَّمَاءِ، مِنْهُمْ خَرَجَتِ الْفِتْنَةُ وَرَأَيْتُهم نَعُودُ.^۳

۱۰۶۰ پیامبر خدا ﷺ زمانی بر امت من می‌آید که از
قرآن، جز نوشته‌اش باقی نمی‌ماند و از اسلام، جز
نامش، مسلمان نامیده می‌شوند؛ اما دورترین
مردم از اسلام اند مسجدشان [از جمعیت]،
بهد و از هدایت، حالی است دین‌شناسان آن
زمان، بدترین دین‌شناسان زیر سایهٔ آسمان اند
فته از آنان بر می‌خیزد و به آنان، باز می‌گردد.

۱۰۶۱ عَنْهُ ﷺ يَأْتِي عَلَى نَبَائِسِ زَمَانٍ إِذَا سَمِعْتَ بِاسْمِ
رَجُلٍ خَيْرٍ مِنْ أُنْثَى، فَإِذَا لَقَيْتَهُ خَيْرٌ مِنْ أُنْثَى خَيْرِيَّةٍ
وَلَوْ جَرَّبَتْهُ أَظْهَرَ لَكَ أَحْوَالًا دِينَهُمْ دَرَاهِمُهُمْ، وَهَمَّتُهُمْ
بُسْطُونُهُمْ، وَقَبْلَتُهُمْ سَاوُهُمْ، يَرْكُمُونَ لِمَرْءٍ عَيْبَ،
وَيَسْجُدُونَ بِلَدِّهِمْ، خِيَارِي سُكَارَى، لَا مُسْلِمِينَ
وَلَا نَصَارَى.^۴

۱۰۶۱ پیامبر خدا ﷺ زمانی بر مردم فرا می‌رسد که
شیدن نام مردی، بهتر از دیدن دوست و دیدن او،
بهتر از آزمودن دوست و اگر او را بیازمایند،
احوالی بر تو نمایان می‌سازد. دیشان،
درهم‌هاشان است و هم و عفتشان، شکم‌هایشان
و فتنه‌شان، ریششان برای گرفته‌بسی، سر رحم
می‌کشد و برای درهم به خاک می‌افتد، سرگردان
و مستمند به مسلمانان و نه ترسان

۱ جامع الاحیاء ص ۳۵۶ ح ۹۹۸

۲ الکافی ج ۸ ص ۳۰۶ ح ۵۷۹

۳ ثواب الاعمال ص ۳۱۱ ح ۱

۴ اعلام الدین ص ۲۹۱

۱۰۶۲ عَنْهُ عَلَيْهِ يَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ يُخَيَّرُ فِيهِ لِرَجُلٍ بَيْنَ
الْفَجْرِ وَالْفَجْوَرِ، فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الزَّمَانَ فَتَحْتَرِ الْعَجَرَ
عَلَى الْفَجْوَرِ^۱

۱۰۶۲ پیامبر خدا ﷺ، زمانی بر شما خواهد آمد که در
آن زمان، انسان، بر دو راهی مانتوانی و گناه، قرار
می‌گیرد پس هر کس آن زمان را درک کرد، مانتوانی را
بر گناه برگزید.

۶/۷ الاستِخلافُ في الأرض

الكتاب

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
نَتَخِلَفُنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ أَشْتَفَلْ الْبَيْنُ مِنْ
بَيْنِهِمْ وَلَيَبْغِضَنَّ لَهُمْ بَيْنَهُمُ الْبُذَى الْأَخْصَى لَهُمْ
وَلَيُتَذَلِّلْنَّهُمْ مِنْ شَرِّ خُلُقِهِمْ أَمَّا يُغْنِذُونَنِي
لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ تَطَوَّعَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ
الْفَاسِقُونَ﴾^۲

الحديث

۱۰۶۳ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - بِي الْمَهْدِيِّ ﷺ - فَنَمْلُؤُهَا عَدْلًا
وَبِسَطًا كَمَا مِيزَتْ جُورًا وَظُلْمًا، فَلَا يَمْنَحُ السَّعَاءُ
شَيْئًا مِنْ قَطْرِهَا، وَلَا الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ نَبَاهِهَا^۳

۱۰۶۴ عَنْهُ عَلَيْهِ بَشَّرَ هَذِهِ الْأُمَّةَ بِالسَّعَادَةِ وَالزُّفَرَةِ، وَلَدَيْهِ
وَالنَّصْرِ، وَالتَّمَكُّبُ فِي الْأَرْضِ، فَمَنْ عَمِلَ بِسَبْعِ
عَمَلٍ الْآجِرَةِ لِلدُّنْيَا، لَمْ يَكُنْ لَهُ فِي الْآجِرَةِ نَصِيبٌ^۴

الفصل الثامن: خصائص أمة محمد ﷺ

في القيامة

۱/۸ أَوَّلُ الْأُمَمِ حِسَابًا

۱۰۶۵ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ أُمَّتِي أَوَّلُ الْأُمَمِ يُحَاسِبُونَ يَوْمَ

۶/۷ جانشینی در زمین

قرآن

﴿خَلَقْتُمْ، به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای
شایسته گردانند، وعده داده است که حنبلاً، آنان را در
این زمین، جانشین [خود] قرار دهد، همان گونه که
کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین [خود] قرار
داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است، به
سودشان منتقل می‌کند و ایشان را به ایمنی سپردی
می‌گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من
شریک نگردانند، و هر کس پس از آن به کفر گراید،
نمواند که نافرمانند﴾

حدیث

۱۰۶۳ پیامبر خدا ﷺ - درباره مهدی ﷺ - او زمین را
آکنده از عدل و داد خواهد کرد، همان گونه که از
تجاوزگری و ستم، آکنده شده است، [در دوران او]
آسمان هرگز از بارش باران و زمین از رویاندن
گداهانش، خودداری نخواهد کرد

۱۰۶۴ پیامبر خدا ﷺ این امت را به ارجمندی و سربلندی
و دینداری و پیروزی و قدرت یافتن در روی زمین،
مژده بادا... پس، هر کس از ایشان که کار آخرت را
برای دنیا انجام دهد، او را در آخرت، نصیبی نخواهد
بود

فصل هشتم: ویژگی‌های امت محمد ﷺ

در قیامت

۱/۸ نخستین امتی که حسابرسی می‌شود

۱۰۶۵ پیامبر خدا ﷺ امت من، نخستین امتی است که

۱. مستدرک حبی ج ۳ ص ۱۱۵ ح ۷۷۸

۲. النور ۵۵ ۳ تاریخ دمشق ج ۴۹ ص ۲۹۶

۳. مستدرک حبی ج ۸ ص ۴۴ ح ۲۱۳۸

القیامة^۱

در روز قیامت، حسابرسی می‌شود

۲/۸ الشُّهَادَةُ عَلَى الْخَلْقِ

۲/۸ گواهان در افتخارها

۱۰۶۶ رسول الله ﷺ يَمَّا عَطَىٰ اللَّهُ أَهْلِي وَفَضْلَهُمْ بِهِ عَلَى سَائِرِ الْأُمَمِ - كَانَ إِذَا بَعَثَ نَبِيًّا جَعَلَهُ شَهِيداً عَلَى قَوْمِهِ، وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَ أَهْلِي شُهَدَاءَ عَلَى الْخَلْقِ حَيْثُ يَقُولُ «يَكُونُ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ»^۲

۱۰۶۶ پیامبر خدا ﷺ از جمله چیزهایی که خداوند به امت می عطا کرد و بدین وسیله، آنان را بر دیگر امت‌ها برتری داد، این بود که پیش‌تر، هر گاه پیامبری را مبعوث می‌کرد، او را بر قومش گواه قرار می‌داد، در حالی که خداوند - تبارک و تعالی - امت برابر خلق، گواه قرار داده است و می‌فرماید «تا این پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم، گواه باشید»

۳/۸ شَفَاعَةُ النَّبِيِّ ﷺ لَهُمْ

۳/۸ شفاعت پیامبر ﷺ در حق آنها

۱۰۶۷ رسول الله ﷺ لَمْ يَبْقَ نَبِيٌّ إِلَّا أُعْطِيَ سُوْرَةً وَأُخْرِتْ شَفَاعَتِي لِأَهْلِي^۳

۱۰۶۷ پیامبر خدا ﷺ هیچ پیامبری نمانده، مگر آن که خواسته‌اش به او داده شده است و من، شفاعتم را برای امتم به تأخیر انداخته‌ام

۴/۸ أَكْثَرُ أَهْلِ الْحَبَّةِ

۴/۸ بیشتر بهشتیان

۱۰۶۸ رسول الله ﷺ أَهْلُ حَبَّةٍ عَشْرُونَ وَمِثْلَهُ صَفٍّ، تَمْدُونَ بِهَا مِنْ هَذِهِ الْأُمَمِ، وَأَرْبَعُونَ مِنْ سَائِرِ الْأُمَمِ^۴
۱۰۶۹ عَنْهُ ﷺ أَنَا أَكْثَرُ النَّاسِ نَبْعاً يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۵

۱۰۶۸ پیامبر خدا ﷺ اهل بهشت، یکصد و بیست صف هستند که هشتاد صف آنها از این امت است و چهل (صف) دیگر، از سایر امت‌ها

۱۰۷۰ عَنْهُ ﷺ إِنَّ كُلَّ نَبِيٍّ خَاصَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّهُمْ لَنَبَاهُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَهْلَهُمْ أَكْثَرُ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ قُلْ لِيَبْلُغُوا إِلَىٰ أَبِيهِمْ مِمَّنْ يَعْرِفُ مِنْ أُمَّتِهِ، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَكْثَرَهُمْ وَإِذَا^۶

۱۰۶۹ پیامبر خدا ﷺ من پر پیروترین پیامبران در روز قیامت

۱۰۷۰، پیامبر خدا ﷺ هر پیامبری را در روز قیامت، خصوصی است، سوگند به آن که جانم در دست اوست، در روز قیامت، آنان بر سر این که کدامین آنها نوشندگان^۱ بیشتری دارند، به یکدیگر می‌بازند پس، هر پیامبری، کسانی را که از امت خویش می‌شناسد، به سوی خود می‌خواند، سوگند به آن که جانم در دست اوست، من امیدوارم که بیشتر از همه آنان، نوشنده (پیرو) داشته باشم

۱ الامالی للمصنف ص ۱۰۲ ح ۵۲۰

۲ الحج ۷۸

۳ قرب الإسناد ص ۸۴ ح ۲۷۷

۴ فی کثر الممکن ج ۱ ص ۱۳۸ ح ۳۳۰۵۹ سؤله

۵ النسخ الکبری ج ۲ ص ۶۰۸ ح ۱۲۶۶

۶ سنن الترمذی ج ۴ ص ۶۸۳ ح ۲۵۴۶

۷ الامالی للمصنف ص ۳۷۴ ح ۴۷۱

۸ ازهد لابی البیوک (المحقق) ص ۱۲۱ ح ۴

۱ واژه نوشنده که در متن عربی حدیث آمده، یعنی مشه یا کسی که برای نوشیدن آب پرمناشتن است، بر حوص یب اشجوری وارد می‌شود

الفصل التاسع: أصناف الأمة

فصل نهم: گروه‌های امت

۱/۹. خیارُ الأُمّة

۱/۹. بهترین‌های امت

۱۰۷۱. رسول الله ﷺ: خیارُ أمتي علماءُها، وخیارُ عُلَمَائِهَا رُحَمَاؤُهَا.^۱

۱۰۷۱. پیامبر خدا ﷺ: بهترین‌های امت من، عالمان آن‌ند و بهترین عالمانش، آنان‌اند که مهربان‌اند

۱۰۷۲. عنه ﷺ: أشرفُ أمتي حَمَلَةُ الْقُرْآنِ. وَأَصْحَابُ اللَّيْلِ.^۲

۱۰۷۲. پیغمبر خدا ﷺ: شریفان امت من، حاملان قرآن و شب‌خیزان‌اند.

۱۰۷۳. عنه ﷺ: خیارُ أمتي من دَعَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى، وَحُبَّتْ عِبَادَةُ إِلَيْهِ.^۳

۱۰۷۳. پیامبر خدا ﷺ: بهترین فرد امت من، کسی است که به خدا نود متعال، دعوت کند و سادگانش را محبوب او گرداند

۱۰۷۴. عنه ﷺ: خیارُ أمتي أَحَابِسُهُمْ أَحْلَاقاً.^۴

۱۰۷۴. پیامبر خدا ﷺ: بهترین کسان امت من، آنان‌اند که اخلاقشان بیکوتر است

۱۰۷۵. عنه ﷺ: خَيْرُ أمتي أَرْهَدُهُمْ فِي الدُّنْيَا، وَأَرْعَاهُمْ فِي الْآخِرَةِ.^۵

۱۰۷۵. پیامبر خدا ﷺ: بهترین فرد امت من، کسی است که به دنیا، بی‌ رغبت‌تر و به آخرت، راضی‌تر باشد

۱۰۷۶. عنه ﷺ: حَبَارُ أمتي إِذَا سَافَرُوا أَفْطَرُوا وَقَصَرُوا، وَإِذَا أَحْسَرُوا اسْتَبْشَرُوا، وَإِذَا سَأَلُوا اسْتَعْمَرُوا.^۶

۱۰۷۶. پیامبر خدا ﷺ: بهترین‌های امت من، کسانی‌اند که هر گاه سفر کنند، روزه نگیرند و [نمازشان را] شکسته بخوانند و هر گاه نیکی کنند، نادمان شوند و هر گاه بدی (گناه) کنند، آمرزش بطلبند.

۱۰۷۷. عنه ﷺ: خَيْرُكُمْ مَنْ يُرْجَى خَيْرُهُ وَيُؤْمَنُ شَرُّهُ، وَشَرُّكُمْ مَنْ لَا يُرْجَى خَيْرُهُ وَلَا يُؤْمَنُ شَرُّهُ.^۷

۱۰۷۷. پیامبر خدا ﷺ: بهترین شما، کسی است که به خیرش امید رود و از شرش ایمنی باشد. و بدترین شما، کسی است که به خیرش امید نبرد و از شرش ایمنی نباشد

۱۰۷۸. عنه ﷺ: خَيْرُ أمتي - فِيمَا تَبَيَّنَ الْمَلَأُ الْأَعْلَى - قَوْمٌ يَسْتَبْشِرُونَ جَهَنَّمَ مِنْ سَعَةِ رَحْمَةِ رَبِّهِمْ.

۱۰۷۸. پیامبر خدا ﷺ: بهترین افراد امت من - آن‌گونه که درشتگان معترف به من خیر دادمانند -، مردمانی‌اند که در آشکار، از گستردگی رحمت پروردگارشان شادند و در نهان، از [بسیم] کیفر دردناک او

۱. تاریخ بغداد ج ۱ ص ۲۳۸ الرقم ۵۶.

۲. کتاب من لا یحضره الفقه ج ۴ ص ۳۹۹ ح ۵۸۵۵.

۳. الجامع الصغير ج ۱ ص ۶۱۵ ح ۳۹۷۹.

۴. الأدب المفرد ص ۳۷۸ ح ۱۳۰۸.

۵. تنبيه الخواطر ج ۳ ص ۱۲۳.

۶. مشکوٰۃ ج ۱ ص ۱۲۷ ح ۱.

۷. سنن الترمذی ج ۴ ص ۵۳۸ ح ۲۲۶۳.

وَيَكُونُ سِرّاً مِنْ أَلِيمٍ عَقُوبَتِهِ ^۱

می‌گیرند

۱۰۷۹. عَنِ النَّبِيِّ ﷺ جِيَارُكُمْ أَلَدَيْنِ إِذَا رَأَوْا دَكِرَ اللَّهُ تَعَالَى ^۲ ۱۰۷۹. پیامبر خدا ﷺ بهترین شما، کسانی‌اند که هر گاه

دیده شوند، خداوند متعال، یاد شود

۲/۹. سِرَارُ الْأَمَّةِ

۲/۹ بدترین‌های امت

۱۰۸۰. پیامبر خدا ﷺ بدترین افراد امت من، کسانی

هستند که در بار و نعمت، راده و پرورده شده‌اند،

خوراک‌های لذیذ می‌خورند، جامه‌های نرم

می‌پوشند و هر گاه سخن می‌گویند، راست

نمی‌گویند

۱۰۸۰. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ سِرَارُ أُمِّيِّ الدِّينِ وَلَدُوا فِي السَّيِّمِ ^۳

وَعُدُّوا يَدَهُ، يَأْكُلُونَ طَيِّبَتِ الطَّعَامِ، وَنَسَسُوا لَيْسَ

الْثَّيِّبِ، وَإِذَا تَكَلَّمُوا لَمْ يَصْدُقُوا ^۴

۱۰۸۱. عَنِ النَّبِيِّ ﷺ سَمَكُونُ نَاسٍ مِنْ أُمَّتِي يُولَدُونَ فِي السَّيِّمِ

وَيُعَدُّونَ يَدَهُ، هِمَّتُهُمْ أَلْوَرُ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ،

وَيُمَدِّحُونَ بِالْقَوْلِ، أَوَّلِيكَ سِرَارُ أُمَّتِي ^۵

۱۰۸۲. عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَلَا إِنَّ سِرَارَ أُمَّتِي الَّذِينَ يُكْرَمُونَ مَحَبَّةً

شَرُّهُمْ، أَلَا وَمِنْ أَكْرَمَةِ النَّاسِ نَفَاءُ شَرِّهِمْ فَكَيْسَ مَتَى ^۶

۱۰۸۱. پیامبر خدا ﷺ به رودی، مردمانی از امت من

خواهند آمد که در بار و نعمت به دنیا می‌آیند و در

تنگی و محنت، پرورده می‌شوند، هم و همنشان

خوراک‌ها و نوشیدنی‌های رنگ‌رنگ است و از

آمال، تعریف می‌شود اما، بدترین‌های امت من

هستند

الفصل العاشر أهل فارس

۱/۱۰ الْفَرَسُ أَعْظَمُ النَّاسِ مَصِيباً فِي الْإِسْلَامِ

۱۰۸۳. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَعْظَمُ النَّاسِ مَصِيباً فِي الْإِسْلَامِ هَر

فَارِس ^۷

۱۰۸۲. پیامبر خدا ﷺ بدترین افراد امت من کسانی

هستند که از بیم گزندشان مورد احترام قرار

می‌گیرند کسی که مردم از بیم گزندش به او

احترام بگذارند، از من بیست

۱۰۸۴. كَرَّ الْعَمَّالُ عَنِ ابْنِ عَمْرِو عَنِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ رَأَيْتُ

عَمَّالاً كَثِيراً سَوْدَاً دَخَلَ فِيهَا عَمٌّ كَثِيرٌ دُبَيْصٌ، قَالَ:

فصل دهم پارسیان

۱/۱۰. پارسیان، بزرگ‌ترین سهم را در اسلام

دارند

۱۰۸۳. پیامبر خدا ﷺ بزرگ‌ترین سهم را در اسلام،

پارسیان دارند

۱. نيه الخواطر ج ۲ ص ۱۲۳

۲. مستدرک حنبل ج ۱۰ ص ۴۴۳ ح ۲۷۹۷۲

۳. في الطبعة المعتمدة من الكافي لابي النعمان، والصواب ما أنشأه كما في النسخ المعتمدة منه والمصادر الأخرى

۴. الكافي ج ۴ ص ۱۲۷ ح ۴

۵. الأمالي للطوسي ص ۵۳۸ ح ۱۱۶۲

۶. التخصال ص ۱۴ ح ۸۹

۷. كثر العمال ج ۱۲ ص ۹۰ ح ۲۴۱۲۶

۱۰۸۴. كَرَّ الْعَمَّالُ - به نقل از ابن عمر - پیامبر خدا

فرمود: «حواب دیدم که یک روزه گوشت سفید،

فَمَا وَهَلَهُ يَرْسُولُ أَهْلَهُ؟ قَالَ الْعَمَمُ يَشْرِكُكُمْ فِي دِينِكُمْ وَأَسَاسِكُمْ، لَوْ كَانَ الْإِيمَانُ مُتَعَلِّقًا بِالثَّرِيَّا لَنَالَهُ رِجَالٌ مِنَ الْعَمَمِ، وَأَسَعَدَهُمْ بِهِ الْفَارِسُ^۱

۲/۱۰. الْفَرَسُ وَالْإِيمَانُ

الکتاب

﴿وَإِنْ تَوَلَّوْا سَنَتَدِلُّ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَدْنَىٰكُمْ﴾^۲

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْفُجُورِ أَعَزَّةٌ عَلَى الْغَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَحِلُّونَ لَهُمُ الْوُكُوفُ عَلَى ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ يَفْضِلُ اللَّهُ تَوَلَّيْتُمْ مِنْ دِيْنَاءِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾^۳

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ يُلْحِقُوا بِهِمْ وَيُجَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾^۴

الحديث

۱۰۸۵ مجمع البيان، رَوَى أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ سُئِلَ عَنْ هَذِهِ الْآيَةِ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾ فَصَرَتْ يَدُهُ عَلَى عَائِقِ سَلَمَانَ، فَقَالَ هَذَا وَذَوُوهُ، ثُمَّ قَالَ لَوْ كَانَ الدِّينُ مُتَعَلِّقًا بِالثَّرِيَّا لَنَالَهُ رِجَالٌ مِنَ الْعَمَمِ الْفَارِسُ^۵

۱ کثر التعمال ج ۱۲ ص ۹۲ ح ۳۴۱۳۴

۲ معتقد ۳۸

۳ المائدة ۵۴

۴ المجمع ۳

۵ مجمع البیان ح ۳ ص ۲۲۱

وارد یک رعه گوسفند سپاه شده.

گفتند: این را چه تعبیر می‌کنی، ای پیامبر خدا؟

فرمود: «عمم» در دین و نسب شما با شما

شریک می‌شوند. اگر ایمان به ثریا آویزان باشد،

مردانی از عمم به آن دست می‌یابند و خوش‌بخت‌ترین

آنها به لحاظ ایمان، پارسیان هستند.

۲/۱۰. پارسیان و ایمان

قرآن

﴿و اگر روی برنایید [خدا] جای شما را به مردمی حیران

شما خواهد داد که مانند شما نخواهند بود﴾.

﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما از دین خود

برگردد، به زودی، خدا گروهی [دیگر] را می‌آورد که

آنان را دوست می‌دارد و آنان [بیر] او را دوست دارند.

[ایمان] بی‌مؤنه، فروتن [و] بر کافران سرفرازند. در

راه خدا جهاد می‌کنند و از سرورشی هیچ سلاستگری

می‌نرسد. این، فصل خداست، آن را به هر که بخواهد،

می‌دهد، و خدا گشاینگر داناست﴾

﴿و [بیزیر جماعت‌هایی] دیگر از ایشان که هنوز به آنها

پیوسته‌اند و اوست از جسد سنجیده‌کار﴾

حدیث

۱۰۸۵ مجمع البیان، روایت شده که پیامبر خدا در پاسخ

به سؤال از آیه ﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از

شما از دین خود برگردد، به زودی، خدا گروهی [دیگر] را

می‌آورد که آنها را دوست می‌دارد و آنان [بیر] او را دوست

می‌دارند.﴾، در حالی که به شانهٔ سلمان می‌زد،

فرمود: «آنان» این مرد و هموطنان اویند.

سپس فرمود: «اگر دین به ثریا آویخته باشد،

مردانی از فارس به آن دست می‌یابند»

۱۰۸۶. لَدَرْ الْمُنْذُورِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ: كُنَّا جُلُوساً عِنْدَ النَّبِيِّ ﷺ حِينَ أُنْزِلَتْ سُورَةُ الْجُمُعَةِ، فَقَالُوا: فَنَمَّا بَلَّغَ ﴿وَأَخْرَيْنَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ﴾ قَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهَا؟ فَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِ سَلْمَانَ الْهَارِيسِيِّ وَقَالَ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ كَانَ الْإِيمَانُ بِالثُّرَيَّا لَنَالَهُ رِجَالٌ مِنْ هَؤُلَاءِ.^۱

۱۰۸۶. الدَّرُ الْمُنْذُورُ - به نقل از ابو هریره -: زمانی که سوره جمعه نازل شد، ما خدمت پیامبر ﷺ نشستیم. ایشان، سوره را تلاوت کرد و چون به آیه ﴿وَأَخْرَيْنَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ﴾ رسید، مردی گفت: ای پیامبر خدا! بدان که هئوره به پیوسته‌اند، چه کسانی هستند؟

۱۰۸۷. سَنَنِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ: تَلَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ هَذِهِ الْآيَةَ يَوْمَاً ﴿وَإِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا﴾ ثُمَّ لَمْ يَكُنْ يَتَذَكَّرُ أَمْثَلَكُمْ قَالُوا: وَمَنْ يَسْتَبْدِلُ بِهَا؟ قَالَ فَضْرَبَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَى مَنْكِبِ سَلْمَانَ ثُمَّ قَالَ: هَذَا وَقَوْمُهُ.^۲

۱۰۸۷. سنن الترمذی - به نقل از ابو هریره - روزی پیامبر خدا ﷺ این آیه را تلاوت کرد و فرمود: «وَأِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا» پس پرسیدند: «وَمَنْ يَسْتَبْدِلُ بِهَا؟» گفت: «هَذَا وَاقْوَمُهُ»

۱۰۸۷. سنن الترمذی - به نقل از ابو هریره - روزی پیامبر خدا ﷺ این آیه را تلاوت کرد و فرمود: «وَأِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا» پس پرسیدند: «وَمَنْ يَسْتَبْدِلُ بِهَا؟» گفت: «هَذَا وَاقْوَمُهُ»

گفت: اینهایی که حای ما را خواهند گرفت،
کیان‌اند؟

ایشان، دست پرشانه‌های سلمان رد و فرمود:
«ایس مرد و قومش»

۱. الدر المنثور ج ۸ ص ۱۵۲

۲. سنن الترمذی ج ۵ ص ۳۸۳ ح ۳۲۶۰

حکمت های مربوط به جهان و انسان

باب یکم	آفرینش
باب دوم	زمین
باب سوم	دنیا
باب چهارم	اجل
باب پنجم	شیطان
باب ششم	انسان
باب هفتم	آرزو
باب هشتم	برکت
باب نهم	خیر
باب دهم	مصیبت های بلا و شرور



الْبَاءُ السَّالِوُ

الْخِلْفَةُ

بِسْمِ

آفرینش

- ۱۰۸۸ رسول الله ﷺ إِنَّ أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ لَقَلَمٌ، فَقَالَ لَهُ اكْتُبْ، قَالَ: يَا رَبِّ، وَمَاذَا أَكْتُبُ؟ قَالَ اكْتُبْ مَقَادِيرَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ.^۱
- ۱۰۸۸ پیامبر خدا ﷺ محشبین چیری که خدا آفرید، قسم بود و به آن فرمود «بویس» گفت: پروردگارا! چه بنویسم؟
- ۱۰۸۹ عنه ﷺ أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلُ^۲
- ۱۰۸۹ فرمود «مقدّرات (اندازه‌های) هر چیری را که با روز قیامت، پدید خواهد آمد، بویس»
- ۱۰۹۰ عنه ﷺ أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي^۳
- ۱۰۸۹ پیامبر خدا ﷺ نخستین چیری که خدا آفرید، عقل بود
- ۱۰۹۱ عنه ﷺ إِنَّ أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورَ حُجَا، فَأَنْطَقَهَا بِتَوْحِيدِهِ وَمُحَمَّدِهِ، ثُمَّ خَلَقَ الْمَلَائِكَةَ.^۴
- ۱۰۹۱ پیامبر خدا ﷺ نخستین چیری که خدا پیا فرید، نور من بود
- ۱۰۹۱ پیامبر خدا ﷺ نخستین موجودی که خداوند آفرید، پیا فرید، ارواح ما بود آن گاه، آنها را به توحید و تمجید خود، گویا کرد سپس فرشتگان را خلق فرمود

۱. کنز العمال ج ۶ ص ۱۲۲ ح ۱۵۱۱۶

۲. حوالی الاکبر ج ۱ ص ۹۹ ح ۱۵۱

۳. حوالی الاکبر ج ۱ ص ۹۹ ح ۱۵۰

۴. عیون اشعبد الرضا ج ۱ ص ۲۶۲ ح ۲۲

5.1.2.10

الأرض

٢ / ١. دَحُوا الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ

الكتاب

﴿إِنَّمَا أَنتُمُ خَلْقٌ أَمِ اسْمَاءُ تَحْسِبُهَا﴾ وَفَعَّ سَمْعَهَا
فَسَوَّيْنَاهَا ۖ وَالْمَعْلُوسَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا ۖ وَالْأَرْضَ
بَعْدَ ذَلِكَ نَحْبَاهَا ۖ أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا ۚ

الحدیث

١٠٩٦ رسول الله ﷺ - في الدعاء - يا حيُّ يا قيُّمُ يا ذا الجلال والإكرام

بالهواء، ودَعَا^٢ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ^٣

٢ / ٢ إستقرار الأرض بغير عقد عريضة

الکتاب

﴿وَمِنْ غَايَتِهِ أَنْ تَكُونَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرٍ إِذَا
دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخُوضُونَ﴾^٤

﴿إِنَّ اللَّهَ يُفْتِكَ السَّمُوتَ وَالْأَرْضَ أَوْ تَرَوُنَّ وَاسْهِي
رَالِقَا إِنَّ أُنْثَىٰ لَأَكْثَرُ مِن دُنَىٰكَ ۖ إِنَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ
تَفْصِيلًا ۝

الحدث

١٠٩٣ رسول الله ﷺ الحمد لله الذي لا اله الا هو

باب دوم

زمین

۱.۳. گسترش یافتن زمین بر روی آب

تقریباً

«آیا آفرینش شما دشوارتر است، یا آسمانی که [از] آن را
بر پا کرده است؟ سفش را برافراشته و آن را [به اندازه
معنی] درست کرد و شبش را نیره و روزش را آشکار
گردانید و پس از آن، زمین را با غلغله گسترده و آتش
و چراغی را بر آن پیرون آورد»

جملہ

۱۰۹۴. یا مبر خدا ﷻ - در ده - ای کسی که در آسمان -

رمیباں، سڈی ار هوا قرار داد، وزمین رابر روی
آفت گستر آندا

۲/۲ قرار گرفتن زمین بدون ستون‌های مرئی

قوله

﴿وَلَوْ لَمْ يَلْحَظْ هَؤُلَاءِ لَوْلَا مَا لَهُمْ مِنْ شِئَانِهِمْ وَرَيْبِهِمْ مِنْ فَتْنَةِ رَجُلٍ فِيهِمْ أَذَلُّ مِنْ ذَلِكَ الْقَوْمِ فَصَبْرًا﴾
 پس آن گاه که شما را با یک بار خواندن، از
 زمین قرا خوانند، به ناگاه [از گورها] خارج می شوید
 ﴿هَؤُلَاءِ آسَلُّوا رَسْمًا﴾ و زمین را نگاه می دارند تا بپسندند و اگر
 بپسندند، بعد از او هیچ کس آنها را نگاه نمی دارد. اوست
 پر دیار آموخته

همانا خدا آسایش را بر من و نگاه می‌دارد تا نیفتد، و اگر
نیفتد، بعد از او هیچ‌کس آنها را نگاه نمی‌دارد. دوست
پر دینار آمرزیده

حلہ بیٹ

۱۰۹۲ پیامبر خدا ﷺ ستایش، حمدی را که معبودی

جز او نیست...، نور آسمانها و زمینهاست و افریسه و پدید آورنده آنهاست او آسمانها و

١ في التواريخ ٢٦-٢٧

٢. الذَّقَرُ البَيْطُ، دحا الارض يعني اناك العرب ج ١٤
ص ٢٥١-دحا

3 جمل الأبرع ص ٨٥ L الروم ٢٥

٢١

نُورَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَفَاطَرَهُمَا وَثَبِّتَهُمَا بِعَصْرِ
عَمَدٍ خَلَقَهُمَا، وَفَتْقَهُمَا فَتْقًا، فَمَعَّتِ السَّمَاوَاتُ
طَائِعَاتٍ بِأَمْرِهِ، وَاسْتَقَرَّتِ الْأَرْضُونَ بِأَوْتَادِهَا فَوْقَ
الْمَاءِ.^۱

۳/۲ عَدَدُ الْأَرْضَيْنِ

الكتاب

«إِنَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ
يَتَنَزَّلُ الْأَنْزَارُ بَيْنَهُنَّ لِيُخْلَقُوا مِنْهُ عَلَىٰ خَلْقٍ خَفِيٍّ
فَعَبَّرَ وَأَنَّ اللَّهَ فَذَلِكُمْ يَكْفَىٰ هُنَّ عِلْمًا»^۲

الحديث

۱۰۹۴ رسول الله ﷺ كُلُّ أَرْضٍ بِسَمَانِهَا.^۳

۱۰۹۵ عَنْهُ ﷺ إِنَّ اللَّهَ ﷻ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ سَبْعًا،
فَاخْتَارَ السَّمَاوَاتِ سَبْعًا فَسَكَّنَهَا وَأَسْكَنَ سَمَاوَاتِهِ مَنْ شَاءَ
مِنْ خَلْقِهِ، وَخَلَقَ الْأَرْضَ سَبْعًا فَاخْتَارَ الْعَالَمِ مِنْهَا
فَأَسْكَنَهَا مَنْ شَاءَ مِنْ خَلْقِهِ.^۴

۱۰۹۶ عَنْهُ ﷺ إِنَّ فِيهِ تَعَالَىٰ أَرْضًا بَيْضَاءَ مَسِيرَةُ الشَّمْسِ
فِيهَا ثَلَاثُونَ يَوْمًا هِيَ مِثْلُ أَيَّامِ الدُّنْيَا ثَلَاثُونَ مَرَّةً،
مَشْهُوَّةٌ خَلْقًا لَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ ﷻ يُعْصِي فِي الْأَرْضِ،
وَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ ﷻ خَلَقَ آدَمَ وَابْنَهُ.^۵

۳/۲. تعداد زمین‌ها

قرآن

«خدا صابر کسی است که هفت آسمان و همانند آنها زمین
آفرید فرمود [خدا] در میان آنها فرود می‌آید تا بداند
که خدا بر هر چیزی تواناست و به راستی، دانش وی هر
چیزی را در بر گرفته است»

حدیث

۱۰۹۴. پیامبر خدا ﷺ هر زمینی برای خود، آسمانی

دارد

۱۰۹۵. پیامبر خدا ﷺ خداوند ﷻ آسمان‌ها و زمین را
هفت تا آفرید. پس، از هفت آسمان، آسمان
بالایی را برگزید و آن را آرام ساخت، و هر کس از
آفریدگانش را که خواست، در آسمان‌هایش
اسکان داد و هفت زمین را آفرید و از آن هفت تا،
زمین بالایی را برگزید و هر کس از آفریدگانش را
که خواست، در آن، سکنا بخشید

۱۰۹۶. پیامبر خدا ﷺ خداوند متعال، زمین سه‌پیدی
دارد که مسیر خورشید (طول سال) در آن، سی روز
است که هر روزش، سی برابر روزهای دنیا (زمین
ما) است؛ آکنده از مخلوقات بی‌اطلاع از این که
خداوند ﷻ در زمین، معصیت می‌شود، و بی‌اطلاع از
این که خداوند متعال، آدم و نوحی آفریده است.

۱. منہج الدعوات ۱۵۷ ۲. الطلاق ۱۲

۳. البیان والنبی ج ۲ ص ۲۷

۴. المعجم الکبیر ج ۱۲ ص ۳۴۸ ح ۱۳۶۵۱

۵. اعلام الدین ص ۲۸۰

پژوهشی درباره تعداد زمین‌ها از نگاه قرآن و حدیث

در قرآن کریم، کلمه «سماء» هم به صورت مفرد آمده و هم جمع بسته شده است و نیز به صریح، شماره آسمان‌ها هفت عدد ذکر شده است؛ اما کلمه «ارض» در تمام موارد، مفرد به کار رفته است و تپ موردی که می‌تواند اشاره به تعداد آن باشد، این آیه است

﴿إِنَّهُ الْبَدِیُّ خَلَقَ سَمَوَاتٍ وَهِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُ﴾

خدا آن کسی است که هفت آسمان و هفت زمین ایجاد کرد.

به نظر می‌رسد که در این آیه «سَمَوَاتٍ» در کلمه «الارض» اشاره به هفت زمین است که مشرب روی آب زندگی می‌کند و کلمه «مِثْلَهُ» اشاره به قطعات مختلف زمین دارد که در جغرافیای قدیم، بخش‌های هفتگانه زمین (اقالیم سبعه) خوانده می‌شدند، چنان که در پنج البلاغه نیز آمده است:

وَاللّٰهُ لَوِ اعْطٰی الْاَوَّلٰمِ الشَّعْبَ مَا بَحَثَ اَمْلَکُهُ ، عَلٰی اَنْ اَعْصٰی اِلَهَ فِیْ سُلْطٰنِهَا جُلْبَ شَعْبَةٍ ، مَا فَعَلَتْهُ ^۱

به خدا سوگند اگر هفت اقلیم را آنچه در زیر افلاک به دست به من داده بود با اگر من بوسه بدهم جویبی در مورچه‌ای، خدا را مصیبت کم، این کار را نخواهم کرد.

همچنین کلمه «أَرْضُونَ» (جمع «أَرْض») در سحر امام علی (ع) در تبیین نقش اتحاد در امت‌های پیشین، اشاره به قطعات مختلف زمین دارد، به تعداد زمین

وَنَظَرُوا کَیْفَ کَانُوا حَیْثُ کَانَتْ الْأَمَلَاءُ مُجْمَعَةً أَلَمْ یَکُونُوا أَرْبَیًّا فِی أَنْطَارِ الْأَرْضِیْنَ ، وَمَلُوکًا عَلٰی رِقَابِ الْعَالَمِیْنَ ^۲

پس بگردید که چگونه بودند آن‌گاه که تعداد داشتند آنها را با پای سراسر زمین‌ها و مالکانی بر گردن جهان‌ها بودند؟

نیز امام علی (ع) درباره آثار بعثت پیامبر خدا و الهت و اتحادی که به برکت بشان در میان امت اسلامی ایجاد شد، می‌فرماید:

...فَهُمْ حُکَمَاءُ عَلٰی الْعَالَمِیْنَ ، وَمُلُوکٌ فِیْ اطْرَافِ الْأَرْضِیْنَ یَعْمَلُونَ الْأُمُورَ عَلٰی عَنَکَانِ یَمْلِکُهَا عَلَیْهِمْ ^۳

پس آنان فرمانروای جهان‌ها و سلاطین در گوشه و کنار زمین‌ها گشتند و بر کسانی که در گذشته حاکم بودند حکومت یافتند.

و جستجو در سایر احادیث اسلامی نیز قرن‌بشنری بر این که مقصود از زمین‌های هفتگانه، اقالیم سبعه است، یافت می‌گردد.

^۱ طبری، ۱۳

^۲ پنج البلاغه، خطبه ۲۲۴

^۳ پنج البلاغه، خطبه ۱۹۲

۴/۲. اَوَّلُ بُقْعَةٍ وَضِعَتْ فِيهَا

۲ ۴ نخستین خشکی‌ای که در زمین، پدید آمد

۱۰۹۷ رسول الله ﷺ «وَلِ بُقْعَةٍ وَضِعَتْ فِي الْأَرْضِ مَوْجِعُ الْهَيْبِ ثُمَّ مَدَّتْ مِنْهُ الْأَرْضُ، وَرَأَى أَوَّلَ جَبَلٍ وَضَعَهُ اللَّهُ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ «أَبُو قُبَيْسٍ» ثُمَّ مَدَّتْ مِنْهُ الْجِبَالُ»^۱

۱۰۹۷ پیامبر خدا ﷺ «نخستین قطعه‌ای که در زمین پدید آمد، جایگاه خانه کعبه است. سپس از آن جا، زمین (خشکی) گسترش یافت. و نخستین کوهی که خداوند ﷻ در روی زمین قرار داد، «ابو قُبَیْس» بود و سپس دیگر کوه‌ها از آن امتداد یافتند

۱۰۹۸ عَنْهُ ﷺ «دُحِيتِ الْأَرْضُ مِنْ مَكَّةَ، وَكَانَتْ ثَلَاثَتِكَ تَطَوُّفَ بَابَيْتٍ، فَهِيَ أَوَّلُ مَنْ طَافَ بِهِ، وَهِيَ الْأَرْضُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ «إِنِّي خَافِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيعَةً»^۲

۱۰۹۸. پیامبر خدا ﷺ، [خشکی] زمین، از مکه گسترش یافت. فرشتگان، خانه کعبه را طواف می‌کردند و نخستین کسانی بودند که آن را طواف کردند. این، همان زمینی است که خداوند فرموده است: «إِنِّي خَافِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيعَةً» در زمین، چنانچه از آن حرام شد»

۱. شعب الإيمان ج ۳ ص ۱۳۲ ح ۳۹۸۱

۲. البقرة ۳۰

۳. تفسیر الطبري ج ۱ الجزء ۱ ص ۱۹۹

الْبَلَاءُ الثَّالِثُ

الدُّنْيَا

الفصل الأول: معرفة الدنيا

۱/۱ خصائص الدنيا

الكتاب

﴿إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾^۱

الحدیث

۱۰۹۹ رسول الله ﷺ: الدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ^۲، وَصِرُّهُ بُلْدَةٌ^۳ وَغِيَاءٌ، هِيَ مَرَعَةٌ عَلَيْهَا يُفُوسُ الشُّغْرَاءُ، وَاسْتَرْجَتْ بِالْكُرُوبِ مِنْ أَيْدِي الْأَشْقِيَاءِ^۴

۱۱۰۰ رسول الله ﷺ: الدُّنْيَا دَارُ مِحْبَةٍ^۵

۱۱۰۱ رسول الله ﷺ: فِي التَّحْدِيرِ مِنَ الدُّنْيَا - أَيُّهَا النَّاسُ! هَذِهِ دَارُ تَرْجٍ^۶ لَا دَارَ قَرَجٍ، وَدَارُ التَّوَابِ لَا دَارَ

۱ الکہف ۷

۲ البلاء: الاختبار، ویکورن بالخیر والشر (المصباح ج ۶ ص ۲۲۸۵ هـ)

۳ دَارُ تَلْعَةٍ: اِی دَارُ عَمَلٍ یَتَلْعَقُ فِیْهَا مِنَ صَالِحِ الْأَعْمَالِ وَیُتْرَدُ (مجمع البحری ج ۱ ص ۱۸۷ هـ)

۴ تَرْجٌ عَنِ الشَّيْءِ: کَفٌّ وَقَطْعٌ عَنْهُ (المصباح المصیر ص ۶۰۰ هـ)

۵ اعلام الدین ص ۳۱۲ ح ۳۲

۶ المیخنة: واحد المیخن التی یُسَحَرُّ بِهَا الْإِنْسَانُ مِنْ بَلْوَةٍ وَمِحْنَةٍ وَامْتَحَنَةٍ اِی اخْبِرَتْهُ، وَالْإِسْمُ الْمَحْجَه (المصباح ج ۶ ص ۲۲۰۱ هـ)

۷ حوثلی التلخیص ج ۱ ص ۲۸۵ ح ۱۳۰

۸ تَرْجٌ تَرْجًا مَعْرُوفٌ اِذَا خَرَجَ (المصباح المصیر ص ۷۴ هـ)

باب سوم

دُنْیَا

فصل یکم: شناخت دنیا

۱/۱ ویژگی‌های دنیا

قرآن

﴿در حقیت ما آنچه بر زمین است، ربوبی برای آن قرار دادیم تا آنان را بیازماییم که کدام یک از ایشان به‌کوکا نرود﴾

حدیث

۱۰۹۹ ﴿پیامبر خدا ﷺ: دنیا، سرای آزمایش است و منزلگاه ربوبی گدیران زندگی و رنج. جان‌های بیگ‌بختان لایزاله‌ت آن، کُده شده و از دست شوربختان به‌رور گرفته می‌شود.

۱۱۰۰ پیامبر خدا ﷺ: دنیا، سرای محبت^۱ است

۱۱۰۱ پیامبر خدا ﷺ: در بر حذر داشتن از دنیا - اِی

مردم! این‌ها سرای هم است، نه سرای شادی،

۱ مجسمه‌هایی که خدایوند، آدمی را بشان بیازماید (المصباح ج ۶ ص ۲۲۰۱ هـ)

اسْتَوُوا، فَتَى عَزَفَهَا لَمْ يَفْرَحَ لِرَجَائِهِ، وَلَمْ يَحْزَنْ
لِشَقَائِهِ^۱

۲/۱. مَثَلُ الدُّنْيَا

الكتاب

﴿وَضَرَبَ لَهُمْ مَثَلًا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا خَمَاءً لَّسَزْنًا مِّنْ
أَشْمَاءٍ فَأَخِثَطَ بِهِ نَبَاتَ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيفًا
تَذْرُوهُ الرِّيحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا﴾^۲

الحدث

۱۱۰۲ رسول الله ﷺ: مَا أَنَا وَالْدُّنْيَا، إِنَّمَا مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ
رَجُلٍ رَكِبَ مَرَّةً عَلَى شَجَرَةٍ وَلَهَا فَيءٌ فَاسْتَقْبَلَ نَحْوَهَا،
فَلَمَّا أُنْ مَالِ الظِّلِّ عَنْهَا أَرْتَعَلَ فَذَهَتْ وَتَرَكَهَا^۳

۱۱۰۳ عنه ﷺ: مَثَلُ هَذِهِ الدُّنْيَا مَثَلُ ثَوْبٍ شَوْ مِّنْ أَوَّلِهِ
إِلَى آخِرِهِ، فَمَنْ مَّسَّهَا بِحَبِطٍ مِّنْ أَحْمَرٍ، فَبُوشَكَ ذَلِكَ
الْحَبِطُ أَنْ يَنْقَطِعَ^۴

۳/۱. مَثَلُ أَهْلِ الدُّنْيَا

۱۱۰۴ روضة الواعظین: قِيلَ لِلنَّبِيِّ ﷺ: كَيْفَ يَكُونُ
الرَّجُلُ فِي الدُّنْيَا؟

قَالَ مُتَشَمِّرًا: كَطَالِبِ الْقَامِلَةِ

قِيلَ: مِمَّ الْقَرَارُ فِيهَا؟

۱ اعلام النبیین ص ۳۴۳ ۲ الکهف ۴۵

۳ الرعد للحسن بن سید ص ۵۰ ح ۱۳۴

۴ شعب الایمان ج ۷ ص ۳۶۰ ح ۱۰۲۴۱

۵ التَّشْوِيزُ فِي الْأَمْرِ السَّرْعَةِ لَهُ وَالْخَفَةِ وَشَمَرُ ثَمَرِهِ دَفْعُهُ
وَمَنْ قَبْلَ شَمَرٍ فِي الْعِبَادَةِ إِذَا اجْتَهَدَ وَبَالَغَ (المصباح الممیر

ص ۳۲۲، شمر ۱۰)

و سرای پیچ در پیچ است، به سرای سراسیمه، پس
هر که دنیا را بشناسد، به امیدی شاد نمی‌شود و از
رنجی اندوهگین نمی‌گردد

۲/۱. مثل دنیا

قرآن

﴿وَبَرَاءِ أَنَّهُ، وَتَدْنِي دُنْيَا رَا مَثَلِ بَرْنِ كِه مَانَدِ آيِي اِسْت كِه
آن را از آسان فرو فرستادیم، سپس گناه زمین با آن
در آمیخت و [چنان] خشک گردید که بادهای پر کننده‌اش
گردید و خدشت که همواره بر هر چیزی تواناست﴾

حدیث

۱۱۰۲ پیامبر خدا ﷺ: مَرَا جِهَ بَه دُنْيَا؟ حَكَایَتِ دُنْيَا، دَر
جَمْعِیَّتْ، حَكَایَتِ مَرْدِی سُولَه اِسْت كِه اَز دَر حَتِّی
مِی كُتُود و آن درخت را سایه‌ای است و در سایه
آن كُتُود آدمی آید و چون سایه‌اش می‌رود، او
مِی كُوجَد و می‌رود و درخت ر رها می‌کند.

۱۱۰۳ پیامبر خدا ﷺ: مَثَلِ اَیْنِ دُنْیَا، مَثَلِ جَامَه‌ای اِسْت
كِه اَز سَر تا بَه تَه، دَر پِلَه و دَر اِنْتِهَایِش بَه سَحِّی
اَوِیَحْتَه اِسْتَه زُود اِسْت كِه آن بَح بِیَز بَگُسلَدَا

۳/۱. مثل اهل دنیا

۱۱۰۴ - روضة الواعظین: بَه پِیَا مِیَرِ ﷺ كَگَته شد. آدمی دَر
دُنْیَا چَكُوه بَه سَر بَرَد؟

فَرَمُود: «كُوشَا، هَمچُون جَو پِیْدَه كَارَوَان»

كَگَته شد: چَند دَر آن بَمانَد؟

فَرَمُود: «بِه اِنْدَا زَه شَخْصِ عَقِبِ مَانَدَه اَر

كَارَوَان»

قَالَ: كَقَدْرِ اسْتَحْلَافِ عَنِ الْقَادِلَةِ

قِيلَ: فَكَمْ مَا تَبَيَّنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ؟

قَالَ عَمْرُؤُةُ عَسِيْرٍ: قَالَ اللهُ ﷻ: ﴿كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ﴾^۱

۱۱۰۵. رسول الله ﷺ: إِنَّ النَّاسَ فِي الدُّنْيَا ضَلَفٌ وَمَا فِي أَيْدِيهِمْ عَارِيَةٌ، وَإِنَّ الضَّيْفَ رَاجِلٌ، وَإِنَّ الْعَارِيَةَ مُرَدُّةٌ^۲

۱/۱. الدُّنْيَا الْخَمِيْذَةُ

۱۱۰۶. رسول الله ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا مَلْعُوْنَةٌ مَلْعُوْنٌ مَا فِيهَا، إِلَّا مَا ابْتِغِيَ بِهٖ وَجْهٌ آخِرٌ^۳

۱۱۰۷. عنه ﷺ: لَا بَأْسَ دَرًّا - بَأْسًا دَرًّا، لَا يَصِيْرُ مِنَ الدُّنْيَا مَا كَانَ لِلاَّخِرَةِ، إِنَّمَا يَصِيْرُ مِنَ الدُّنْيَا مَا كَانَ لِلدُّنْيَا^۴

۱۱۰۸. عنه ﷺ: الدُّنْيَا مَلْعُوْنَةٌ مَلْعُوْنٌ مَا فِيهَا، إِلَّا يَلْبَثُكَ الْمُؤْمِنُ لِسَعَادَةٍ، أَوْ دِكْرُ اللهِ، أَوْ مَا وَالَاهُ عَالِمٌ أَوْ مُتَعَلِّمٌ^۵

الفصل الثانی اہمیت دنیا و دورہا

فی بقاء الآخرة

۱/۲. الإسلام دينُ الدنيا والآخرة

الكتاب

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا فليجِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا

گفته شد. فاصله میان دنیا و آخرت، چند است؟

فرمود: چشم پستی جدای ﷻ می فرماید: ﴿روزی که آنچه را وعده داده می شوند، بنگرند گویی که آنان، جر ساعتی از دور را [در دنیا] بمانند اند﴾^۱

۱۱۰۵. پیامبر خدا ﷺ: مردم در دنیا، میهمان هستند و آنچه در اختیار دارند، عاریت است. میهمان، رهنی است و عاریت، پس دادی.

۲/۱. دنیای پستیخیزه

۱۱۰۶. پیامبر خدا ﷺ: دنیا، لعنت شده است و آنچه در آن است نیز لعنت شده، مگر آنچه با آن رصابت بعد طلب شود

۱۱۰۷. پیامبر خدا ﷺ: به اسو در - ای ابو دراز! دنیا لعنت بر آئی آخرت باشد، دنیایی به شمار نمی آید؛ بلکه آنچه برای دنیا باشد، دنیایی به حساب می آید

۱۱۰۸. پیامبر خدا ﷺ: دنیا و آنچه در آن است، لعنت شده است، مگر ره‌نوشه مؤمن برای معادش، یا ذکر خدا، یا آنچه دانشمند یا دانشجویی در پی آن باشد

فصل دوم. اهمیت دنیا و نقش آن در

ساختن آخرت

۱/۲. اسلام، بین دنیا و آخرت

قرآن

﴿هر کس پادش دی را بخواهد، پادش دنیا و آخرت نزد

۱. الإحکاف ۳۵ ۲. دوسه التولعین ص ۱۹۱

۳. إرشاد القلوب ص ۲۳

۴. الأمالی للعلوسی ص ۵۳۱ ح ۱۱۶۲

۵. الفردوس ج ۵ ص ۳۶۱ ح ۸۳۷۵

۶. الفردوس ج ۲ ص ۲۳۱ ح ۳۱۱۱

وَالْآخِرَةِ وَكَانَ اللَّهُ شَهِيدًا بِمَا تَصْنَعُونَ^۱﴿فَاتَّخَذُوا لِلَّهِ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَخَسَفَ ثَوَابُ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُجِبُ الْفَاسِقِينَ﴾^۲

خداست. و خدا شهادت می‌دهد که

﴿پس خدایند، پاداش این دنیا و پاداش نیک آخرت را به آنان عطا کرد، و خدایند، نیکوکاران را دوست دارد﴾

حدیث

الحدیث

۱۱۰۹. پیامبر خدا ﷺ - در حدیث اثمار عشره^۱ - ای

هر رشتان عبد المطلب! به خدا سوگند، من در میان عرب، جوانی را نمی‌شناسم که برای قوم خویش، بهتر از آن چیزی آورده باشد که من برای شما آورده‌ام، من، خیر دنیا و آخرت را برای شما آورده‌ام

۱۱۰۹ رسول الله ﷺ - فی حدیث اثمار الفسرة^۲ - یا

بنی عبد المطلب، ای واثق ما أعلم شاباً فی العرب جاء قومه بأفضل مما جئتكم به، ای قد جئتكم بخیر الدنیا والآخرة^۳

۱۱۱۰ عه ﷺ - إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مُؤْمِماً حَسَنَةً، يُعْطَى بِهَا فِي الدُّنْيَا وَيُجْرَى بِهَا فِي الْآخِرَةِ^۴

۱۱۱۰ پیامبر خدا ﷺ خداوند، هیچ کار نیکی از مؤمنان نگیرد، بلکه به ارای آن در دنیا عطا می‌شود و در آخرت، پاداش می‌یابد.

۲/۲. الْمُفْسَلَمُ مَنْ مَهِنٌ بِالدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

۱۱۱۱ رسول الله ﷺ - أَعْطَمَ النَّاسُ هَمّاً، الْمُؤْمِنُ الَّذِي يَهْمُ بِأَمْرِ دُنْيَاهُ وَأَمْرِ آخِرَتِهِ^۵

۲/۴. مُفْطَعَان. کسی است که به دنیا و آخرت، اهتمام ورزد

۱۱۱۲ عه ﷺ - لَيْسَ خَيْرُكُمْ مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ وَلَا آخِرَتَهُ لِدُنْيَاهُ، حَتَّى يُصِيبَ مِنْهُمَا جَمِيعاً، فَإِنَّ الدُّنْيَا بَلَاحٌ إِلَى الْآخِرَةِ، وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ غَفَى النَّاسُ^۶

۱۱۱۱. پیامبر خدا ﷺ: بهمت‌ترین مردم، مؤمنی است که به کار دنیا و آخرتش اهتمام می‌ورزد

۱۱۱۲. پیامبر خدا ﷺ بهترین شما کسی نیست که دنیايش را به خاطر آخرتش و یا آخرتش را به خاطر دنیایش واگذارد؛ بلکه آن کس است که از هر دوی اینها بهره‌اش را سرگیرد؛ چرا که دین وسیله‌ی رسیدن به آخرت است. سر برار دیگران نباشید.

۱ النساء ۱۳۴

۲ آل عمران ۱۲۸

۳ لصارت الایه الکریمة ﴿وَأَسْبَغَ فَتْحِيكَ الْأَفْزَهِي﴾ (الشعر ۱۲۲) دعا رسول الله ﷺ عشره الأفرین وهم یومضون أربعون رجلاً إلى مأذبة وأعلن لهم رسالته (بحار الأنوار - ج ۱۸ ص ۱۶۳)

۴ الأملی للعلوی ص ۵۸۳ ج ۱۲۰۶

۵ صحیح مسلم ج ۱ ص ۲۱۶۲ ج ۵۶

۶ من لیس ماجه ج ۲ ص ۷۲۵ ج ۲۱۴۳

۷ الکذل العیال والنقل (الصحاح ج ۵ ص ۱۸۱۱ د کتل)

۸ فردوس الاخبار ج ۳ ص ۴۵۵ ج ۵۲۹۰

۱ رسائل که آیه ﴿وَأَسْبَغَ فَتْحِيكَ الْأَفْزَهِي﴾ (شعر ۱۲۲) نازل شد پیامبر ﷺ، خویشان نزدیک خود را که چهل مرد بودند، به طعاسی فر خوانند و خمس اطعام آنان، رسالت خویش را به آنها اعلام فرمود (بحار الأنوار ج ۱۸ ص ۱۶۳)

۳/۲. الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ

الكتاب

﴿وَأَنْتُمْ فِيمَا عَصَيْتُمْ اللَّهَ الذَّائِرُ الْآخِرَةُ وَلَآتُمْ نَفْسَكُمْ

مِنَ الدُّنْيَا﴾^۱

الحديث

۱۱۱۳ رسول الله ﷺ الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ^۲

۱۱۱۴ عنه ﷺ لِيَتَرَوُذَ الْعَبْدُ مِمَّنْ دُنْيَاهُ لِأَجْرَتِهِ، وَمِنْ حَيَاتِهِ لِيَتَوَنَّهُ وَمِنْ شَابِهِ لِيَهْرَبَهُ، فَإِنَّ الدُّنْيَا حُمُفٌ لَكُمْ، وَأَنْتُمْ حُلُقُمُ لِلْآخِرَةِ^۳

۱۱۱۵ عنه ﷺ يَهَاجِلُ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ مِمَّنْ نَفْسِهِ يَسْعَى، وَمِنْ دُنْيَاهُ لِأَجْرَتِهِ^۴

۱۱۱۶ عنه ﷺ الْمُؤْمِنُ يَرْوُدُ، وَالْكَافِرُ تَتَمُّعُ^۵

۴/۲ الْمُهْرُ غِنَى الدُّنْيَا وَذَقَّهَا

۱۱۱۷ رسول الله ﷺ لَا تَتَشَبَّهُوا الدُّنْيَا، فَيُحْمَتِ قَطِئَةُ الْمُؤْمِنِ، فَعَلَيْهَا يُلْعُ الْحَيْرُ، وَبِهَا يَسْجُو مِنَ الشَّرِّ أَمَةٌ إِذَا قَالَ الْعَبْدُ لَعَنَ اللَّهُ الدُّنْيَا، مَا لَتَ الدُّنْيَا لَعَنَ اللَّهُ أَعْصَابَ رِزْقِهِ^۶

۱۱۱۸ عنه ﷺ يَحْمَتِ الذَّائِرُ الدُّنْيَا لَمَّا تَرَوُذَ مِنْهَا لِأَجْرِهِ حَتَّى يُرْصِيَ رِزْقَهُ، وَيَنْسَبَ الذَّائِرُ بِمَنْ حَصَدَهُ عَنِ أَجْرَتِهِ وَقَصُرَتْ بِهِ عَنِ رِصَاؤِ رِزْقِهِ، وَإِذَا قَالَ الْعَبْدُ قُبِّحَ اللَّهُ الدُّنْيَا، قَالَتْ الدُّنْيَا قُبِّحَ اللَّهُ أَعْصَابَ لِرِزْقِهِ^۷

۱ الفصل ۷۷ ۲ تبيين المعاني ج ۱ ص ۱۸۲

۳ تبيين المعاني ج ۱ ص ۱۳۱

۴ التكملة ج ۲ ص ۷۰ ح ۹ ۵ إرشاد القلوب ص ۱۸

۶ أعلام الدين ص ۳۳۵

۷ المستدرک علی الصحيحین ج ۱ ص ۳۴۸ ح ۷۸۷۰

۳/۲. دنیا، کشتزار آخرت

قرآن

﴿وَبِأَنبَهِ حَذَرَدُ بِهِ تُو دَادَ اسْتِ سِرَای آخِرَتِ رَا بِجَوِی وَ سَمِ حُودِ رَا اَز دُنْیَا فَرَامُوشِ مَکُنْ﴾

حدیث

۱۱۱۳ - پیامبر خدا ﷺ دنیا، کشتزار آخرت است.

۱۱۱۴ پیامبر خدا ﷺ بنده باید از دنیای خویش برای آخرتش، از رسیدگی‌اش برای سرگش و از جوانی‌اش برای پیری‌اش نوشه برگرد؛ چرا که دنیا برای شما امریده شده است و شما برای آخرت، امریده شده‌اید

۱۱۱۵ پیامبر خدا ﷺ بنده مؤمن، باید از حدود برای آخرت، و از دنیای خود برای آخرتش بهره‌برگیرد

۱۱۱۶ پیامبر خدا ﷺ مؤمن، نوشه فراهم می‌آورد و کافر به کامجویی می‌گذراند

۴/۲ نهی از ماسزاکویی به دنیا و نکوهش آن

۱۱۱۷ - پیامبر خدا ﷺ به دین ماسرامگوید که میگوئی مرکبی هست برای مؤمن به وسیله آن به خوبی می‌رسد و تو بدی می‌زهد، هر گاه بنده بگوید لعنت خدا بر دنیا، دنیا می‌گوید، لعنت خدا بر ماهرمان‌ترین ماهر پروردگارش

۱۱۱۸ پیامبر خدا ﷺ حوث سرایی است دنیای برای کسی که از آن برای آخرتش نوشه برگرد تا پروردگارش را حشود گرداند و بد سرایی است برای کسی که دنیا، او را از آخرتش بار دارد و نگذارد که موجبات حشودی پروردگارش را فراهم آورد؛ هر گاه بنده بگوید لعنت بر دنیا، دنیا می‌گوید، ننگ بر ماهرمان‌ترین ماهر پروردگارش

۵/۲. الْمُهَيَّي عَنْ الْقَرْهَبِ وَتَحْرِيمِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ

الكتاب

﴿يَتَأْتِيهَا الْبَيِّنَاتُ فَاْمَنُوا لَا تُحْزِنُوا ظَنَنْتُمْ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَحْزِنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُحْزِنِينَ﴾^۱

الحديث

۱۱۱۹. الإمام علي عليه السلام قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ليس في أنبياء رهبانية، ولا سياحة^۲، ولا زَمٌّ؛ يعني: سُكُوتٌ^۳.
۱۱۲۰. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِيَّاكُمْ وَلِبَاسُ الرُّهْبَانِ، فَإِنَّهُ مَنْ يَتَزَهَّبُ أَوْ يَتَشَبَّهُ بِهِمْ فَلَيْسَ مِنِّي، وَمَنْ تَرَكَ اللَّحْمَ وَحَرَمَهُ عَلَى نَفْسِهِ فَلَيْسَ مِنِّي، وَمَنْ تَرَكَ لُسَاءَ كَرَاهَتِهِ فَلَيْسَ مِنِّي^۴.

۱۱۲۱. عنه عليه السلام: تَزَوُّجُوا فَإِنِّي مُكَافِئُ بِكُمْ الْأَتَمَّ نَوْمٍ الْقِيَامَةِ، وَلَا تُكْرِمُوا كَرِهَاتِيهِ النَّصَارَى^۵.

۱۱۲۲. عنه عليه السلام: لَا إِحْصَاءَ فِي الْإِسْلَامِ وَلَا تَوَانٍ كَسِبَةٍ^۶.

۱۱۲۳. الإمام الصادق عليه السلام: جَاءَتِ امْرَأَةٌ عُثْمَانَ بْنِ مَطْعُونٍ ابْنِ النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ عُثْمَانَ يَصُومُ النَّهَارَ وَيَقُومُ اللَّيْلَ!

فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مُعْظَبًا يَحْمِلُ تَعْلِيَهُ، حَتَّى جَاءَ إِلَى عُثْمَانَ فَوَجَدَهُ يَهْجُلِي، فَاَضْرَبَ عُثْمَانُ حِينَ رَأَى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، فَقَالَ لَهُ: يَا عُثْمَانُ، أَلَمْ يُرْسِلْنِي لَكَ

۱. العادة ۸۷

۲. السَّيَاحَةُ: الذَّهَابُ فِي الْأَمْرِ لِلْعِبَادَةِ وَالْقَرْهَبِ (الْعَلَلُ) الْقَرْهَبُ ج ۲ ص ۴۹۲ (سج ۱۵)

۳. الخصال ص ۱۲۷ ح ۱۵۱

۴. الفردوس ج ۱ ص ۳۸۱ ح ۱۵۳۱

۵. النسخ للكبیری ج ۲ ص ۱۲۵ ح ۱۳۴۵۷

۶. النسخ للكبیری ج ۱ ص ۱۰ ح ۱۹۷۹۳

۵/۲. مَهِی اَر زَهَبَانِیت و حَرَام شَمردن حلال خدا

قرآن

﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید! پیروای پاکیزه‌ای را که خدا برای [استفاده] شما حلال کرده، حرام مشمرید و از حد می‌گذرید، که خدا از حدگذرندگان را دوست نمی‌دارد﴾.

حدیث

۱۱۱۹. امام علی علیه السلام فرمود: اَرهَبَانِیت^۱ و سِیَاحَت و زَم (یعنی سکوت)، در لغت من نیست.
۱۱۲۰. پیامبر خدا ﷺ از در آمدن به جماعت رهبان پرهیزید، که هر کس رهبانیت پیشه کند تا به رهبان همانندی بجوید، از من نیست و هر کس گوشت خوردن را ترک کند و آن را بر خویشی حرام سارد، از من نیست و هر کس از سرپیرایی ترک زن کند، از من نیست

۱۱۲۱. پیامبر خدا ﷺ ازدواج کنید؛ چسر که من، در روز قیامت به وجود شما بر امت‌ها مباحثات می‌کنم مانند نصارا، رهبانیت پیشه مبارکند

۱۱۲۲. پیامبر خدا ﷺ در اسلام، خواصه کردن و کدیتا ساختن، رو بهت.

۱۱۲۳. امام صادق علیه السلام: همسر عثمان بن مطعون، سرد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای پیامبر خدا! عثمان، کارش بن شده که روزها را روزه بگیرد و شب‌ها را به عبادت بگذراند

پیامبر خدا، پانی افزار به دست و خشمناک، بیرون شد تا نزد عثمان آمد او را مشغول به نماز خواندن یافت. عثمان با دیدن پیامبر خدا نمازش را سلام داد

۱. از ریشه «رهبه» است به معنای ترس و خوف. رهبان مسیحی فرکار و لذت‌های دنیا دست می‌نهند و تارک دنیا می‌شوند و از مردم کناره می‌گیرند و حتی بعضی از آنها خود را خواصه می‌کردند و زنجیر به گردن می‌آویختند و دیگر شکجه‌ها بر خویش رو می‌داشتند. پیامبر ﷺ مسلمانان را از این اعمال، مَهِی فرمود

تعالی پاره باریزه. ولیکن بختی بالخیفة السهنة
السمحة. أصوم وأصلي وألبي أهلي. فتر حب
بطرتي فليست بسني ومن سني الكاح^۱

۱۱۲۴. عنه ﷺ إن ثلاث بسوة أتت رسول الله ﷺ فقالت
إحداهن إن زوجي لا يأكل اللحم. وقالت الأخرى
إن زوجي لا يشم الطيب. وقالت الأخرى إن زوجي
لا يقرب النساء

فخرج رسول الله ﷺ بجر رداءه حتى صنع
المبر، فحمد الله وأتى عليه. ثم قال ما بال أقوام
من أصحابي لا يأكلون اللحم ولا يشمون الطيب ولا
يأتون النساء أما إنني أكل اللحم وأشم الطيب وأتي
النساء. فمن رعب عن سني فليس مني^۲

۶/۲ اصلاح المعيشة طلب الاحرة

۱۱۲۵. رسول الله ﷺ من فبه الرجل أن يصلح معيشته.
وليس من حبل الدنيا طلب ما يصعبك^۳

۷، ۲ الدعاء لرفاهة في المعيشة

الكتاب

«وهمهم من يقول ربنا فانا في الدنيا حسنة وفي
الآخرة حسنة وقلنا عذاب النار»^۴

الحدیث

۱۱۲۶ صحیح البخاری عن انس كان أكثر دعاء سبي ﷺ

۱ الكافي ج ۵ ص ۴۹۴ ح ۱

۲ الكافي ج ۵ ص ۴۹۶ ح ۵

۳ شعب الايمان ج ۵ ص ۲۵۱ ح ۶۵۶۳

۴ المبر ۲۰۱

پیامبر ﷺ به او فرمود. دای عثمان احد بود متعال، مر
ن رهاست بر ستاده؛ بلکه با این مستقیم و ساده و
آسانگیر، غرت ده است. من، هم سار می خوانم، هم
روده می گیرم و هم به هم سرم می رسم. پس، هر که
این مرا دوست دارد، باید از سنت من پیروی کند، و
از سنت من است مردکی کردن.

۱۱۲۲. امام صادق ﷺ سه زن مرد پیامبر ﷺ آمدند. یکی
از آنها گفت. شوهرم گوشت نمی خورد

دیگری گفت. شوهرم بوی خوش نمی بوید
سومی گفت. شوهرم به ران مردک نمی شود.
پیامبر خدا، رداکشان بیرون رفت و بر سر شد و
حمد و ثناء الهی به جای آورد و سپس فرمود.
«عده ای از یاران مرا چه شده است که گوشت
نمی خورد و عطر نمی بوید و به ران مردک
نمی شوند؟» بدانید که من، خود گوشت می خورم و
عطر می بوم و پیش ران می روم. پس، هر که از
سنت من روی گرداند، از من بیست.

۲ اصلاح معیشت، طلب آخرت است

۱۱۲۵ پیامبر خدا ﷺ از فهمیدگی مرد است که معیشت
را درست کند، و تلاش برای آنچه تو را سر و سامان
می بخشد، از دیادوستی ات به شمار نمی آید.

۷، ۲ دعا برای رفاه در زندگی

قرآن

«و برحق از آنان می گویند پروردگارا در این دنیا به ما
بیکی و در آخرت [بیر] نیکی عطا کن و ما را از عذاب
آتش، [دور] نگه دار»

حدیث

۱۱۲۶ صحیح البخاری - به سئل از انس - بیشترین
دعای پیامبر ﷺ این بود. «بار خدا، ای پروردگار ما!

اللَّهُمَّ رَبَّنَا، آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً،
وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ^۱

در دنیا به ما نیکی و در آخرت نیز نیکی عطا فرما، و ما
را از عذاب آتش، بگه دار.

۱۱۲۷. الأمامی، الطوسی - به نقل از ابو بردة الأسلمی،

از پدرش - پیامبر خدا، پس از خواندن نماز صبح، به
صدای بلند، طوری که یارانش بشنوند، سه بار
می‌گفت: «ای خدا یا! دین مرا که مدینه مصوبت من
فراروش داده‌ای، برایم اصلاح فرما»

سه بار می‌گفت: «ای خدا یا! دنیا مرا که معاش
مرا در آن قرار داده‌ای، برایم اصلاح فرما».

سه بار می‌گفت: «ای خدا یا! آخرت مرا که
برگشتم رابه آن قرار داده‌ای، اصلاح کن».

سه بار می‌گفت: «ای خدا یا! من از حشم توبه
حشودی تو پناه می‌برم، و از کفر توبه گذشت پناه
می‌برم».

سه بار هم می‌گفت: «ای خدا یا! من از توبه تو پناه
می‌برم، آنچه را تو عطا کنی، چیزی معاش نمی‌شود،
و آنچه را ندادی، کسی نمی‌تواند عطايش کند و
توانگري توانگر در برابر توبه کارش نمی‌آید».

۱۱۲۸. صحيح مسلم - به نقل از ابو مالک -؛ مردی نزد

پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای پیامبر خدا! وقتی از
پروردگارم درخواست می‌کنم، چگونه بگویم؟

فرمود: «گو: یا خدا یا! مرا بیاور و به من رحم
کن و عاقبتم بخش و روزی‌ام ده»، و [دعا کننده] بجز
انگشت شصت، بقیه انگشتانش را جمع کند؛ چون
ایشان، مساو آخرت را برای تو جمع می‌کند.

۸/۲ پانزدهن کسی که دنیا را از راه درست، به کار
گیرد.

۱۱۲۹. مسند ابن حنبل - به نقل از حوله دختر قیس،

همسر حمزة بن عبد المطلب -؛ پیامبر خدا بر

۱۱۲۷. الإمامی للطوسی عن أبي بردة الأسلمی عن أبيه

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا صَلَّى الصُّبْحَ رَفَعَ صَوْتَهُ حَتَّى
يَسْمَعَ أَصْحَابُهُ يَقُولُ «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي
جَعَلْتَهُ لِي عِصْمَةً» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ. «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي
دُنْيَايَ الَّتِي جَعَلْتَ فِيهَا مَعَاشِي» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ. «اللَّهُمَّ
أَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي جَعَلْتَ لَهَا مَرَجِي» ثَلَاثَ
مَرَّاتٍ. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِصَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَأَعُوذُ
بِعَفْوِكَ مِنْ تَعَسُّبِكَ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ
مِنْكَ، لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطِيَ لِمَا قَضَيْتَ، وَلَا
يَسْمَعُ دَا لِحَدِّ^۲ مِنْكَ الْحَدِّ^۳»^۴

۱۱۲۸. صحيح مسلم عن أبي مالك عن أبيه أنه سَمِعَ
النَّبِيَّ ﷺ وَأَنَّهُ رَحَّلَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَيْفَ أَقُولُ
حِينَ أَسْأَلُ رَبِّي؟

قَالَ قُلْ: «اللَّهُمَّ عَفِّرْ لِي وَارْحَمْنِي وَعَافِنِي
وَارْقُنِي» وَيَجْمَعُ أَصَابَتَهُ إِلَّا الْإِسْهَامَ؛ فَإِنَّهُ هُوَ لَا
يَجْمَعُ لَكَ دُنْيَاكَ وَآخِرَتَكَ^۱.

۸/۲ ثواب من أخذ الدنيا بحفظها

۱۱۲۹. مسند ابن حنبل عن حولة بنت قيس - إمسرة
حمزة بن عبد المطلب ﷺ -؛ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ دَخَلَ

۱ صحيح البخاري ج ۵ ص ۲۳۴۷ ح ۶۰۲۶

۲ لا ينفذ فالحد منك الحد أي لا يمنع دال على منك عنه
(لسان العرب ج ۳ ص ۱۰۷ وجمعده)

۳ الإمامی للطوسی ص ۱۵۸ ح ۳۶۵

۴ صحيح مسلم ج ۴ ص ۲۰۷۳ ح ۳۶

۱ یعنی به ابتلا؛ نیاز و از حلال.

عَلَى خَمْرَةٍ فَتَذَكَّرَ الدُّنْيَا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا خَمْرَةٌ خُلُوتٌ، فَمَنْ أَخَذَهَا بِحَقِّهَا بَوَّكَ لَهُ دِيهَا وَرَبُّهُ مُتَحَوِّضٌ فِي مَالِ اللَّهِ وَمَالِ رَسُولِهِ لَعَنَ النَّارُ يَوْمَ يَلْقَى اللَّهَ.^۱

۱۱۳۰ رسول الله ﷺ مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا حَلَالًا اسْتَمْعَفَ عَنْ الْمَسْأَلَةِ، وَسَعِيَ عَلَى هَيْبَةٍ وَتَعَطُّا عَلَى جَارِهِ، لَقِيَ اللَّهَ وَوَجْهَهُ كَالْقَمَرِ نَيْلَةَ الْبَدْرِ وَمَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا مُكَافَرًا بِهَا حَلَالًا^۲ مُرَائِيًا، لَقِيَ اللَّهَ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانُ^۳

الفصل الثالث ما ينال به

خير الدنيا والاخرة

۱/۳ إيثار الآخرة

۱۱۳۱ رسول الله ﷺ مَنْ أَثَرِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ خَرَبَتْهُمَا جَمِيعًا، وَمَنْ أَثَرِ الْآخِرَةِ عَلَى الدُّنْيَا أَصَابَتْهُمَا جَمِيعًا^۱.

۲/۳ حُسْنُ الْخُلُقِ

۱۱۳۲ رسول الله ﷺ إِنَّ حُسْنَ الْخُلُقِ ذَهَبٌ بِحَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ^۱.

۳/۳ الْمَذَكَّرُ

۱۱۳۳ رسول الله ﷺ مَنْ أُعْطِيَ لِسَانًا ذَاكِرًا فَقَدْ أُعْطِيَ

حمزه وارد شد و میان آن دو، از دنیا سخنی به میان آمد. پیامبر خدا فرمود: «دنیا، جذّاب و شیرین است. پس هر که آن را به حق بگیرد، در آن به او برکت داده می‌شود. و ای بسا تصرف کننده در مال خدا و مال پیامبر او که آن روز که خدا را دیدار می‌کند، آتش در انتظار او است»

۱۱۳۰ پیامبر خدا ﷺ هر که دنیا را از راه حلال طلب کند، برای این که دست خواهش و نیاز به سوی کسی دراز نکند و خانواده‌اش را تأمین کند و به همسایه‌اش محتنی نباشد، با چهره‌ای چون ماه شب چهارده، خدا را دیدار می‌کند و هر که دنیا را از راه حلال بطلبد، برای آن که با ثروتش بر دیگران **تکبر** و آن را به رُح بکشد، در حالی خداوند را دیدار می‌کند که خدا را او در حشم است.

فصل سوم عوامل دستیابی به خیر دنیا و آخرت

۱/۳ ترجیح دادن آخرت

۱۱۳۱ پیامبر خدا ﷺ هر کس دنیا را بر آخرت ترجیح دهد، از هر دوی آنها محروم می‌شود و هر کس آخرت را بر دنیا ترجیح دهد، به هر دوی آنها دست می‌یابد.

۲/۳ خوش‌خویی

۱۱۳۲ پیامبر خدا ﷺ خوش‌خویی، خیر دنیا و آخرت را به او معان می‌آورد.

۳/۳ یاد خدا

۱۱۳۳ پیامبر خدا ﷺ به هر کس ربانی‌ذاکر داده شود،

۱ مستداین حیل ج ۱۰ ص ۲۹۹ ح ۲۷۱۲۲

۲ اظهر أنّ الصواب في العبارة «من طلب الدنيا حلالا مكافرا بها... كما في ادب المصنف»

۳ المصنف لابن أبي شبة ج ۵ ص ۲۵۸ ح ۷

۴ التقرّوس ج ۳ ص ۵۸۶ ح ۵۸۲۵

۵ ثواب الاعمال ص ۲۱۵ ح ۱

خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ^۱

خیر دنیا و آخرت بدو داده شده است.

۱۱۳۴ عنه عليه السلام - لِلْحَسَنِ بْنِ أَبِي زَرِيٍّ - أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى مَسْلَاكِ هَذَا الْأَمْرِ الَّذِي تُصِيبُ بِهِ خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؟ عَلَيْكَ بِتَجَالِسِ أَهْلِ الذِّكْرِ، وَإِذَا خَلَوْتَ فَخَرِّكَ لِسَانُكَ مَا اسْتَطَعْتَ بِذِكْرِ اللَّهِ، وَأَجِبْ لِي اللَّهَ وَأَبِصْ فِي اللَّهِ^۲

۱۱۳۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - به حسن بن ابی زری - آیا تو را بر اساس این امر که با آن به خیر دنیا و آخرت برسی، راهنمایی کنم؟ بر تو باد مجلس‌های اهل ذکر؛ و هرگاه خلوت کردی، تا می‌توانی زبانت را به ذکر خدا حرکت بده و برای خدا دوست بدار و برای خدا دشمنی بورز

۴/۳ الرِّفْقُ

۴/۳ مدارا و ملایمت

۱۱۳۵ رسول الله صلی الله علیه و آله أَمَا إِنَّهُ مَنْ أُعْطِيَ حَقَّهُ مِنْ بَرٍّ مَنِ فَقَدْ أُعْطِيَ حَقَّهُ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. وَمَنْ حُرِمَ حَقُّهُ مِنْ لَزْمَتِي فَقَدْ حُرِمَ حَقُّهُ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ^۳

۱۱۳۵ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بدانید که به هر کس بهر هاش از مدارا داده شود، بهره‌اش از خیر دنیا و آخرت، داده شد است و هر کس از بهره‌اش از مدار محروم شود از بهره‌اش از خیر دنیا و آخرت، محروم شده است

۵/۳ الصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله وَآلِهِ علیهم السلام۵/۳ درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او علیهم السلام

۱۱۳۶ الكافي عن شريك عن الإمام الصادق عليه السلام - إِنَّ رَجُلًا مِمَّنْ خَلَا أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي جَعَلْتُ ثَلَاثَ صَلَوَاتِي لَكَ فَقَالَ لَهُ خَيْرًا، فَقَالَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي جَعَلْتُ بِصَفِّ صَلَوَاتِي لَكَ فَقَالَ لَهُ: دَاكِ أَصْلُ. فَقَالَ إِنِّي جَعَلْتُ كُلَّ صَلَوَاتِي لَكَ فَقَالَ: إِذَا يَكْفِيكَ اللَّهُ صلی الله علیه و آله مَا أَهْمُكَ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاكَ وَآخِرَتِكَ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ أَصْلَحَكَ اللَّهُ، كَيْفَ يَحَقُّ صَلَاتُهُ لَهُ؟

۱۱۳۶ الکافی - به نقل از شریک - امام صادق علیه السلام فرمود: «مردی نزد من آمد و گفت: ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، من یک سوم دعاهای خود را برای تو قرار دادم فرمود: خوب است».

دوباره گفت: ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، من، نیمی از دعاهایم را برای تو قرار دادم. فرمود: این، بهتر است».

بار گفت: من، همه دعاهایم را به تو اختصاص دادم

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «در این صورت، خداوند صلی الله علیه و آله خواسته‌های دنیا و آخرت را برآورده می‌سازد».

مردی به امام صادق علیه السلام گفت: خداوند، کارهایت را به سامان کند! چگونه می‌شود کسی دعایش را برای پیامبر خدا، قرار دهد؟

امام صادق علیه السلام فرمود: چیزی از خداوند صلی الله علیه و آله درخواست نکند، مگر بن که با درود فرستادن بر محمد و خاندان او اعدا کند»

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَا يَسْأَلُ اللَّهُ شَيْئًا إِلَّا بَدَأَ بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ^۴

۱ الکافی ج ۲ ص ۴۹۹ ح ۱

۲ حلیۃ الاولیاء ج ۱ ص ۳۱۷

۳ مستدرر علی ج ۴ ص ۲۰۴ ح ۴۵۱۳

۴ الکافی ج ۲ ص ۴۹۳ ح ۱۲

الفصل الرابع: معرفة الدنيا الذميمة

۱/۴. حصائص الدنيا

۱۱۳۷ رسول الله ﷺ عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ وَالْإِجْتِهَادِ وَبِعِبَادَةِ، وَرَهْدُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا الرَّاهِدَةِ فَبِكُمْ، فَإِنَّهَا عَرَاةٌ، دَارُ فِئَامٍ وَزَوَالٍ كَمْ مِنْ مُعْتَرٍّ بِهَا قَدْ أَهْلَكْتُهُ، وَكَمْ مِنْ وَائِقٍ بِهَا قَدْ حَاتَتْهُ، وَكَمْ مِنْ مُعْتَبِدٍ عَلَيْهَا قَدْ خَذَعَتْهُ وَأَسْلَمَتْهُ ^۱

۱۱۳۸ عَنْهُ ﷺ الدُّنْيَا دَارٌ مَنْ لَا دَارَ لَهُ، وَمَالٌ مَنْ لَا مَالَ لَهُ، وَلَهَا يَجْمَعُ مَنْ لَا عَقْلَ لَهُ، وَشَهَوَاتُهَا تَطْلُبُ مَنْ لَا قَهْمَ لَهُ، وَعَلَيْهَا يُعَادِي مَنْ لَا عِلْمَ لَهُ، وَعَلَيْهَا يَحْسِبُ مَنْ لَا بَقَّةَ لَهُ، وَبِهَا يَسْعَى مَنْ لَا يَقِينَ لَهُ ^۲

۱۱۳۹ عَنْهُ ﷺ الدُّنْيَا بَحْرُ الْمُؤْمِنِ، وَجَنَّةُ الْكَافِرِ ^۳

۱۱۴۰ عَنْهُ ﷺ - لَأَمِيٌّ دَر - بِهَا أَبَادَرُ، الدُّنْيَا بَحْرُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ، وَمَا أَصْبَحَ فِيهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا خَرِباً، فَكَيْفَ لَا يَحْزَنُ الْمُؤْمِنُ وَقَدْ أَوْعَدَهُ اللَّهُ حُلَّ ثَوْبِهِ أَنَّهُ وَارِدُ جَهَنَّمَ وَلَمْ يَعِدْهُ أَنَّهُ صَادِرُ عَمَّا وَلَيْلَقِينَ أَعْرَاضاً وَمُصِيبَاتٍ وَأُمُوراً تَعِظُهُ، وَلَيْطَلَمَنَّ فَلَا يَنْتَهَرُ، يَنْشَبِي نَوَابِئاً مِنَ اللَّهِ تَعَالَى، فَلَا يَزَالُ حَزِيناً حَتَّى يُفَارِقَهَا، فَإِذَا هَارَقَهَا أَقْضَى إِلَى الرَّاحَةِ وَالْكَرَامَةِ ^۴

۲/۴. مثل الدنيا

۱۱۴۱ رسول الله ﷺ أَوْحَى اللَّهُ ﷻ إِلَى دَاوُدَ ﷺ: مَثَلُ

فصل چهارم: شناخت دنیاى نكوهيده

۱/۴. ویژگی‌های دنیا

۱۱۳۷. پیامبر خدا ﷺ پارسایی و سخت‌کوشی و عبادت را در پیش بگیرد و به این دنیاى نكوهيده که به شما پشت می‌کند، پشت کنبد، زیرا دنیا فریبکار است و سرای بیستی و نبودى است. چه سار کسانى که فریفته دنیا شدند و دنیا نابودشان کرد و چه بسیار کسانى که به دنیا اعتماد کردند، ولى دنیا به آنان خیانت کرد. چه بسیار کسانى که به دنیا اعتماد کردند، ولى دنیا آنان را بازی داد و تنهایشان گذاشت

۱۱۳۸. پیامبر خدا ﷺ دنی، سرای کسى است که سرایى ندارد و ثاری کسى است که مالى ندارد، و کسى از بهر آن گرد مى‌آورد که حژود ندارد، و کسى در بهی چو استمعاى دبیوی مى‌رود که فهم ندارد، و کسى بر خطیبا دشمنی مى‌ورزد که شناخت ندارد، و کسى به خاطر ابر حصادات مى‌ورزد که دمایى ندارد، و کسى بوی آن تلاش مى‌کند که به آخرت [بیش] ندارد

۱۱۳۹. پیامبر خدا ﷺ دنی، زندان مؤمن و بهشت کافر است

۱۱۴۰. پیامبر خدا ﷺ - به ابو در - ای ابو در! دنیا، زندان مؤمن و بهشت کافر است و هیچ مؤمنی در دنیا نیست، مگر آن که اندوهگین است، و چگونه مؤمن، اندوهگین باشد، حال آن که خداوند ﷻ او را بیم در آمدن به دوزخ داده و بویذ بیرون شدن از آن را به او داده است؟ ای گمان، او پیشامدها و مصیبت‌ها و اموری خواهد دید که او را به حشم مى‌آورد، و ستم‌ها خواهد چشید، بی آن که انتقامش گرفته شود و [از این راه گذر]، پاداشی از خدای متعال مى‌جوید، پس او هماره اندوهگین است، تا آن گاه که از دنیا جدا شود و چون از دیار صفت به آسایش و کرامت [الهی] مى‌رسد

۲/۴. مثل دنیا

۱۱۴۱. پیامبر خدا ﷺ: خداوند ﷻ دلوود ﷻ و حی فرمود

۱ الامالی للصدوق ص ۳۵۱ ح ۳۳۲

۲ مشکاة الأنوار ص ۴۶۷ ح ۱۵۶۱

۳ کتاب من لا یحضره الفقه ج ۴ ص ۳۶۳ ح ۵۷۶۲

۴ مکرم الاخلاقی ج ۲ ص ۳۶۷ ح ۲۶۶۱

الدُّنْيَا كَمَثَلِ جُبَّةٍ اجْتَمَعَتْ عَلَيْهَا كِلَابٌ يَجْرَوْنَهَا،
أَفْتَحِبُّ أَنْ تَكُونَ كَلْبًا مِنْهُمْ فَتَجْرُ عَنْهُمْ؟^۱

۱۱۴۲ عه علیه السلام إِنَّ الدُّنْيَا ضُرِبَتْ مَثَلًا لِأَيِّ آدَمَ، فَانْظُرْ
مَا يَخْرُجُ مِنْ آدَمَ - وَإِنْ مَرَحَهُ وَنَسَلَهُ - إِنْ مَا
يَصِيرُ!²

۱۱۴۳ مسند ابن حنبل عن الحسن بن الضحاك بن شبيب
الكلابي: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ لَمَّا بَا ضَحَاكُ مَا
طَعَامُكَ؟ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، النُّعْمُ وَاللَّبَنُ قَالَ ثُمَّ
يَصِيرُ إِلَى مَا؟ قَالَ إِلَى مَا قَدْ عَلِمْتَ! قَالَ فَإِنَّ اللَّهَ
- تَبَارَكَ وَتَعَالَى - صَرَّبَ مَا يَخْرُجُ مِنْ آدَمَ مَثَلًا
لِلدُّنْيَا³

۳/۴ مثل للدنيا والآخرة

۱۱۴۱ رسول الله صلی الله علیه و آله الدنيا صخرة الآخرة⁴

۱۱۴۵ عه علیه السلام الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ صُرَّتَانِ يَقْدِرُ مَا تَقْرُبُ
مِنْ أَحَدِهِمَا تَبْعُدُ عَنِ الْآخَرِ⁵

۴/۴ فضل الدنيا

۱۱۴۶ رسول الله صلی الله علیه و آله مُثَلَّتْ لِأَخِي عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ الدُّنْيَا
فِي صُورَةِ امْرَأَةٍ، فَقَالَ لَهَا - أَلَيْكَ رُوحٌ؟ فَقَالَتْ نَعَمْ.
أَرَوَاجُ كَثِيرَةٌ لَقَالَنَّ هُمْ أَحْيَاءُ؟ قَالَتْ: لَا، وَلَكِنْ

که: «حکایت دنیا، حکایت لاشه‌ای است که
شماری سگ بر آن گرد آمده‌اند و آن را به این سو
و آن سو می‌کشانند. آیا دوست داری که سگی
چون آنان باشی و با آنها کشاکی کنی؟»

۱۱۴۲ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دپ برای فرزندان آدم، مَثَل رده
شده است پس سگر که آنچه از فرزند آدم خارج
می‌شود - هر چند [خوراک را] خوش‌مزه و
نمکینش کند - به چه تبدیل می‌شود

۱۱۴۳ مسند ابن حنبل - به نقل از حسن، از ضحاک بن
سبیان کلایی - پیامبر خدا به او (ضحاک) فرمود:
هائی ضحاک! خوراک تو چیست؟

گفت: ای پیامبر خدا! گوشت و شیر

فرمود: بعد به چه تبدیل می‌شود؟

گفت: به چیزی که خود می‌دانید.

فرمود: خداوند - تبارک و تعالی - آنچه را از
انسان دفع می‌شود، مثالی برای دنیا رده است.

۳/۲ مثل دنیا و آخرت

۱۱۴۳ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دنیا، هروی آخرت است.

۱۱۴۵ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دنیا و آخرت، هروی یک، پگرید.
هر اندازه به یکی از آنها نزدیک شوی، از دیگری
دور می‌شوی.

۲/۲ مجسم شدن دنیا

۱۱۴۴ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دنیا برای برادریم عیسی بن مریم علیه السلام
به صورت زنی مجسم شد. عیسی علیه السلام به او گفت: آیا
تو شوهر داری؟

دنیا گفت: آری؛ شوهرهای بسیار

۱. الترمذی ج ۱ ص ۱۴۱ ح ۵۰۲.

۲. تبه الخواطر ج ۱ ص ۱۴۹.

۳. مسند ابن حنبل ج ۵ ص ۳۴۱ ح ۱۵۷۴۷.

۴. صخرة المرأة: امرأة زوجها (المصباح المير ص ۳۱۰ صخرة).

۵. كشف الغطاء ج ۱ ص ۴۰۸ ح ۱۳۱۰.

۶. عوالي الاکبر ج ۱ ص ۳۷۷ ح ۱۰۶.

قُلْتُهُمْ فَعَلِمَ حَيْثُ أَتَاهَا دِيَا مُثَلَّتْ لَهُ^۱

عیسی علیه السلام گفت: «آنها رنده اند؟».

گفتند نه همه آنها را کشته‌ام.

در این هنگام، عیسی علیه السلام فهمید او دیاست که
برایش مجسم شده است.

۱۱۴۷ المستدرک علی الصحیحین - به نقل از ابو بکر -
با پیامبر خدا بودم که دیدم چیزی را از خود می‌راند.
در حالی که کسی را یا ایشان ندیدم. گفتم: ای پیامبر
خدا! چه چیزی را از خود می‌رانی؟

فرمود: این دیب پرایم مجسم شد و من به او
گفتم: از من دور شو دوباره آمد و گفتم: اگر تو از من
گریختی، کسانی که بعد از تو می‌آیند، از چنگ من
بخواهد گریخت.

۴ / از ناسی بعیا

۱۱۴۸ پیامبر خدا ﷺ دیا، گر در نزد خداوند - تبارک
و تعالی - مال پشهای برتری می‌کرد، [حتی] جرعه
اسی از آن را به کافر نمی‌پوشاند.

۱۱۴۹ امام صادق علیه السلام پیامبر خدا بر لاشه برعاله گوش
بریده‌ای گذشت که در خرابه‌ای افتاده بود به یارانش
فرمود: فاس، به چمد می‌ارزد؟

گفتند: شاید اگر رنده بود، به درهمی هم
نمی‌ارزید!

پیامبر ﷺ فرمود: سوگند به آن که جانم در دست
اوست، دیا در نزد خداوند، بی‌ارزش‌تر از این برعاله
در نزد صاحب آن است.

۱۱۵۰ پیامبر خدا ﷺ: خداوند ﷻ چون دیا را آفرید، از
آن روی گرداند و بدان سگ‌ریست، چرا که در نزد او
بی‌ارزش بود.

۱۱۵۱. پیامبر خدا ﷺ خداوند ﷻ دیا را آفرید و از زمانی
که آن را فریخته، هور به آن نظر نکرده است، مگر به

۱۱۴۷ المستدرک علی الصحیحین عن ابی بکر کُنْتُ مَعَ
رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَرَأْتُهُ يَدْفَعُ عَنْ هَبِّ شَيْئًا وَمِنْ أَرْقَعَةٍ
أَخَذَهَا، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا يُدِي تَدْفَعُ عَنْ نَفْسِكَ؟
قَالَ: هَذِهِ الدُّبَا مُثَلَّتْ بِي، فَقُلْتُ لَهَا: بِكَ عَنِّي ثُمَّ
رَجَعْتُ فَقَالَ: إِنْ أَفَلَّتْ بَنِي فَنَرِ يَسْعَبَتْ بَنِي مَسْرٍ
بَعْدَكَ^۲

۵ / تقویم الدیبا

۱۱۴۸ رسول الله ﷺ إِنَّ الدُّبَا لَوْ عَذَلَتْ عَذَّ اللَّهِ - تَبَارَكَ
وَتَعَالَى - جَنَاحَ بُعْصَةٍ، لَمَا سَقَى الْكَافِرَ بِهَا شَرْبَةً
مِنْ مَاءٍ^۳

۱۱۴۹. الإمام الصادق علیه السلام مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِحَدِيٍّ لَيْسَ
مَعَهُ عَلَى مَرِيضَةٍ مَسًّا، فَقَالَ لِأَصْحَابِهِ: كَمْ يُسَاوِي
هَذَا؟ فَعَالُوا: لَعَلَّهُ لَوْ كَانَ حَيًّا لَمْ يُسَاوِ دِرْهَمًا^۴

فَقَالَ نَبِيُّ ﷺ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَدُّبَا أَهْوَنُ
عَلَى اللَّهِ مِنْ هَذَا الْجَدَى عَلَى أَهْلِهِ^۵

۱۱۵۰ رسول الله ﷺ إِنَّ اللَّهَ لَذَمُّنَا حَتَّى الدُّبَا أَعْرَضَ
عَنْهَا، فَلَمْ يَنْظُرْ إِلَيْهَا مِنْ هَوَانِهَا عَلَيْهِ^۶

۱۱۵۱. عَنْهُ ﷺ إِنَّ اللَّهَ ﷻ خَلَقَ الدُّبَا مُدًّا خَلَقَهَا فَلَمْ يَنْظُرْ
إِلَيْهَا بَعْدَ إِلَّا مَكَانَ الْمُتَعَبِّدِينَ فِيهَا مِنْهَا، وَلَيْسَ بِأَظْهَرَ
إِلَيْهَا إِلَى يَوْمٍ يُفْتَحُ فِي الصُّورِ، وَيَأْذَنُ فِي هَلَاكِهَا مَقْتًا^۷

۱. المفردوس ج ۴ ص ۱۶۷ ح ۶۵۲۰

۲. المستدرک علی الصحیحین ج ۴ ص ۳۴۱ ح ۷۸۵۶

۳. کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۳۶۳ ح ۵۷۶۲

۴. الکافی ج ۲ ص ۱۲۹ ح ۹

۵. تاریخ دمشق ج ۲۰ ص ۲۰۰ ح ۴۶۳۳

لها، ولم يؤثرها على الآخرة^۱

۱۱۵۲ عنه عليه السلام يقول الله تعالى: وعِزَّتِي وَجَلَالِي وَعَظَمَتِي وَارْتِعَاعِي فَوْقَ عَرْشِي، إِنِّي لَأَدُودُ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ عَنِ الدُّنْيَا وَسُدُوتِهَا وَرِجَالِهَا كَمَا يَدُودُ الرَّاعِي الشَّعِيقُ إِبِلَهُ عَنْ مَرَابِصِ الْبَرَّةِ^۲ وَمَوَاقِعِ الْهَلَكَةِ^۳.

۶/۴. التَّخْذِيرُ مِنَ الْإِغْتِرَابِ مَالِ الدُّنْيَا

۱۱۵۳ رسول الله صلى الله عليه وآله حَذَّرُوا الدُّنْيَا، فَإِنَّهَا حُمُرَةٌ خُلُوعٌ^۱
۱۱۵۴ عنه عليه السلام إِنَّ الدُّنْيَا خُلُوعٌ خُضِرَةٌ، وَإِنْ أَفَقَ مُتَحَلِّفُكُمْ فِيهَا فَيُظَلُّ كَيْفَ تَهْمَلُونَ، فَاتَّقُوا لَدُنْهَا وَاتَّقُوا السَّاءَ^۲

۱۱۵۵ عنه عليه السلام قَالَ أَحْمَدُ بْنُ عِيسَى رحمته الله تَعَايَنَ الْحَوَارِيُّونَ أَحْذَرُوا الدُّنْيَا لَا تَخْرُكُم، أَلَيْسَ وَلَقَدْ أَشَدُّ سِحْرًا مِنْ هَارُوتَ وَمَارُوتَ، وَاعْمُوا أَنَّ الدُّنْيَا مُدْبِرَةٌ وَالْآخِرَةُ مُعْبِلَةٌ، وَزَنْ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا بَيْنَ، فَكُونُوا مِنْ أَهْلِ الْآخِرَةِ دُونَ بَنِي الدُّنْيَا، فَإِنَّ الْيَوْمَ غَمَلٌ وَلَا حِسَابَ، وَغَدًا الْحِسَابُ وَلَا غَمَلٌ^۳.

۱۱۵۶ الإمام عيسى عليه السلام - فِي ذِكْرِ حَدِيثٍ مَعْرُوجٍ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله - قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: يَا أَحْمَدُ، احْذَرِ أَنْ تَكُونَ مِثْلَ الصَّبِيِّ إِذَا نَظَرَ إِلَى الْأَحْضَرِ وَالْأَصْفَرِ [أَحَبَّهُ]^۴، وَدَا

۱. كنز العمال ج ۲ ص ۲۱۴ ح ۶۶۱۶

۲. عز فلاّن فلاناً غمرته للهلكة (لسان العرب ج ۵ ص ۱۷ (عبره)

۳. الفردوس ج ۵ ص ۲۳۷ ح ۸۰۴۰

۴. خصرة أي عصه ناعمة طرية (المهابة ج ۲ ص ۱۱۱ خلاصه)

۵. لزهّد لابن حبیل ص ۱۸

۶. صحیح مسلم ج ۴ ص ۲۰۹۸ ح ۹۹

۷. قدر المشور ج ۱ ص ۲۴۴

۸. مابین المعقوفین اثبتاه من بحار الأنوار

جاهایی از آن که عبادت‌پیشگان در آن جا باشند، و تا روزی هم که در صور دیده می‌شود و اجازه نابودی دنیا را می‌دهد، به خاطر معرفتش از دنیا، به آن نگاه نخواهد کرد و [هرگز] آن را بر آخرت، ترجیح نداده است.

۱۱۵۲ پیامبر خدا صلى الله عليه وآله خداوند تعالى می‌فرماید: به عزّت و جلالم و به عظمت و بلندای مقامم بر فراز عرشم سوگند، بنده مومن خود را از دنیا و دل‌مشمولی‌های آن و نزدیک شدن بدان دور می‌کنم، چنان که شبان دلسوز، شترانش را از آغل‌های خطرناک و جایگاه‌های مرگبار، دور می‌گرداند.

۶/۴ هشدار درباره فریفته شدن به دنیا

۱۱۵۳ پیامبر خدا صلى الله عليه وآله از دنیا بر حذر باشید؛ چرا که دنیای خوش و شیرین است.

۱۱۵۴ پیامبر خدا صلى الله عليه وآله دنیا، شیرین و خوش است. خداوند، شما را در آن جانشین قرار داده است تا ببیند که چگونه عمل می‌کنید. پس، از دنیا [زدگی] و زن [بارگی] پروا کنید.

۱۱۵۵ پیامبر خدا صلى الله عليه وآله برادرم عیسی عليه السلام گفت: ای گروه حواریان! به هوش باشید که دنیا شما را غفلت نکند به خدا سوگند که دنیا آهسته‌تر از هاروت و ماروت است.

۱۱۵۶ امام علی عليه السلام در یادکرد حدیث معراج پیامبر صلى الله عليه وآله: خداوند متعال فرمود: ... ای احمد! بر حذر باش از این که همانند کودکی باشی که هرگاه به سیر و رود می‌نگرد، [آن را دوست دارد] و هرگاه چیزی

أَعْطِي شَيْئاً مِنَ الْحُلُوِّ وَالْعَايِضِ اعْتَرَيْهِ^۱

ترش و شیرین به او داده شود، به آن معرور می‌شود

۷/۴ التَّحْذِيرُ مِنْ لَذَاتِ الدُّنْيَا

۷/۴ هشدار درباره لذت‌های دنیا

۱۱۵۷ رسول الله ﷺ حُلُوُّ الدُّنْيَا مُرَّةُ الْآجِرَةِ، وَمُرَّةُ الدُّنْيَا حُلُوُّ الْآجِرَةِ^۲

۱۱۵۷ پیامبر خدا ﷺ شیرینی دنیا، تلخی آخرت است و تلخی دنیا، شیرینی آخرت

۱۱۵۸ للمعجم الكبير عن سلمان عن رسول الله ﷺ ما من عَبْدٍ يُرِيدُ أَنْ يَرْتَفِعَ فِي دُنْيَا دَرَجَةً فَاَرْتَفَعَ إِلَّا وَصَّعَهُ اللَّهُ فِي الْآجِرَةِ أَكْثَرَ مِنْهَا ثُمَّ قَرَأَ «وَلِلْآجِرَةِ أَكْثَرُ دَرَجَتٍ وَأَكْثَرُ تَفْصِيلاً»^۳

۱۱۵۸ المعجم الكبير - به نقل از سلمان -، پیامبر خدا فرمود: هیچ بنده‌ای نیست که بخواهد در دنیا یک درجه بالا برود و بالا هم برود، مگر آن که حل شوند و او در آخرت، یک درجه برگزیده‌تر از حل شوند می‌آورد.

۸/۴ التَّحْذِيرُ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا

۱۱۵۹ رسول الله ﷺ حُبُّ الدُّنْيَا زَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ^۴

پیامبر ﷺ سپس ایس آیه را خواند ﴿وَقَطَعَا دَرَجَتَيْهِ دَرَجَتَيْنِ بَرَكْتَ بَرَكْتُونَ وَبَرَكْتَ بَرَكْتُونَ﴾

۱۱۶۰ عَنْهُ ﷺ حُبُّ الدُّنْيَا أَصْلُ كُلِّ مُعْصِيَةٍ، وَأَوَّلُ كُلِّ دَنْبٍ^۵

۸/۴ هشدار درباره دیادوستی

۱۱۶۱ عَنْهُ ﷺ أَكْثَرُ نَكَبَاتٍ حُبُّ الدُّنْيَا^۶

۱۱۵۹ پیامبر خدا ﷺ دنیا دوستی، ریشه هر خطایی است

۱۱۶۲ عَنْهُ ﷺ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَى أَحْمَرَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا تُحِبَّ الدُّنْيَا فَإِنِّي لَسْتُ أُحِبُّهَا، وَأَحِبُّ الْآجِرَةَ فَإِنَّمَا هِيَ دَرُ الْمَعَادِ^۷

۱۱۶۰ پیامبر خدا ﷺ دنیا دوستی، ریشه هر بافرمانی و آغاز هر گناهی است

۱۱۶۳ عَنْهُ ﷺ إِنَّ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا إِصْرَاراً بِالْآجِرَةِ، وَفِي طَلَبِ الْآجِرَةِ إِصْرَاراً بِالدُّنْيَا، فَأَضَرُّوا بِالدُّنْيَا هَائِلُهَا

۱۱۶۱ پیامبر خدا ﷺ برگزیده‌ترین گناه کبیره، دنیا دوستی است

۱۱۶۲ پیامبر خدا ﷺ خداوند متعال به برادرزاده عیسی علیه السلام وحی فرمود که: «ای عیسی! دنیا را دوست مدار؛ زیرا من در دوست ستمی دارم، و آخرت را دوست بدار؛ زیرا آن جای بازگشتگاه است»

۱۱۶۳ پیامبر خدا ﷺ دنیا طلبی به آخرت زیان می‌رساند و آخرت طلبی به دنیا نفع می‌رساند. شما به

۱ إرشاد القلوب ص ۱۹۹

۲ مستدرک حبل ج ۸ ص ۴۴۸ ح ۲۲۹۶۲

۳ الاسرار ۲۱

۴ المعجم الكبير ج ۶ ص ۲۲۹ ح ۱۱۰۱

۵ كنز القوائد ج ۱ ص ۲۱۹

۶ تنبيه الضوابط ج ۲ ص ۱۲۲

۷ الفردوس ج ۱ ص ۳۶۴ ح ۱۴۶۸

۸ الامالي للطوسي ص ۵۳۱ ح ۱۱۶۲

اولی بالاضرار^۱

دیاریان برپید که ن به زمین رخن، سرآورتر
است.

۹/۴ الْحَثُّ عَلَى تَغَضُّبِ الدُّنْيَا

۹/۴ تَضَوُّيقُ بِهِ بَعْدُتِ از دُنْیَا

۱۱۶۴ رسول الله ﷺ - لِي وَصِيَّتِي لِأَيِّ دَرْ - يَا أَبَ دَرْ،
مَا مِنْ شَيْءٍ يُبْغِضُ إِلَى اللَّهِ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى تُعْرِضَ
عَنْهَا فَلَمْ يَنْظُرْ إِلَيْهَا، وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهَا حَتَّى تَقُومَ
السَّاعَةُ^۲

۱۱۶۴. پیامبر خدا ﷺ - در ستمارش به ابو در - ای
ابو ذرا هیچ چیز در نزد خدا معورتر از دنیا نیست،
حتی‌وقت، دنیا را آفرید، سپس از آن روی گرداند و
بدان ننگریست و تا قیام قیامت هم به آن نمی‌نگرد.

۱۱۶۵ الإمام علي عليه السلام - فِي ذِكْرِ حَدِيثٍ مِعْرَاجِ النَّبِيِّ ﷺ -
قَالَ اللَّهُ - يَا أَحْمَدُ أَبْغِضِ الدُّنْيَا وَاهْلُهَا وَأَجِبْ
الْآجِرَةَ وَاهْلُهَا^۳

۱۱۶۵ امام علی علیه السلام - در یادکرد حدیث معراج پیغمبر ﷺ -
خداوند فرمود: «ای احمد! دنیا و دنیاخواهان را
دشمنی بدار و آخرت و آخرت‌گرایان را دوست
بدار».

۱۰/۴ مَضَارُ حُبِّ الدُّنْيَا

۱۰/۴ | زَمَن‌های بَعِيدَن‌وستی

الکتاب

قرآن

﴿اَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوًى وَأَصْلُهُ أَلْهَةٌ عَلَى عِلْمٍ
وَجَنَّمْ عَلَى سَمْعِهِ وَأَفْلَهُ وَجَعَلَ عَلَى مَصْرِهِ عِشْرُونَ
فَنَ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ أَلْهٍ لَهَلْ تَنْفَرُونَ﴾^۴

الحديث

﴿پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود
قرار داده و خدا او را دانسته گمراه گردانیده و بر گوش او
و دلتش شصت زده و بر دیدنش پرده نهاده است؟ آیا پس از
خدا چه کسی او را هدایت خواهد کرد؟ آیا پسند
می‌گیری؟﴾

حدیث

۱۱۶۶ رسول الله ﷺ مَنِ رَعِبَ فِي الدُّنْيَا فَطَالَ فِيهَا
أَمَلُهُ، أَعَمَى اللَّهُ قَلْبَهُ عَلَى قَدْرِ رَعِبَتِهِ فِيهَا.^۵

۱۱۶۶. پیامبر خدا ﷺ هر که به دنیا علاقه‌مند باشد و
آرزوهای دور و دراز در آن داشته باشد، خداوند
به اندازه علاقه‌اش به دنیا، دل او را کور می‌گرداند.
۱۱۶۷ مشكاة الأنوار: پیامبر خدا بر دیوانه‌های گذشت
و پرسید: «او را چه شده است؟».

۱۱۶۷ مشكاة الأنوار مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِمَجْنُونٍ، فَقَالَ
مَا لَهُ؟ فَعَمِلَ إِنَّهُ مَجْنُونٌ، فَمَالَ يَلُ هُوَ مَصَاتٌ.
إِنَّمَا الْمَجْنُونُ مَنِ آثَرَ الدُّنْيَا عَلَى الْآجِرَةِ^۶

گفتند: او دیوانه است.

۱ التكملة ج ۲ ص ۱۳۱ ح ۱۲

۲ الأمل للطنوس ص ۵۳۱ ح ۱۱۶۳

۳ إرشاد القلوب ص ۲۰۱ ۴ اللجانية ۲۳

۵ تصحيف المثل ص ۶۰

۶ مشكاة الأنوار ص ۴۶۹ ح ۱۵۷۱

فرمود: «نه، او آسیب دیده است، دیوانه واقعی،

کسی است که دنیا را بر آخرت ترجیح دهد»

۱۱۶۸ رسول الله ﷺ مَنْ أُشْرِيبَ قَلْبُهُ حُبَّ الدُّنْيَا الْبَطْ
وَمِنْهَا يَثْلَاثُ شَقَاءٌ لَا يَفْقَدُ عَسَاءً، وَجِرْصٌ لَا يَبْلُغُ
عِيسَاءً، وَأَمَلٌ لَا يَبْلُغُ مُنْتَهَاءً^۱

۱۱۶۹ عنه ﷺ مِنْ عَلَامَاتِ الشَّقَاءِ جُمُودُ الْقَلْبِ وَقَسْوَةُ
الْقَلْبِ، وَشِدَّةُ الْجِرْصِ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا، وَالْإِحْسَارُ
عَلَى الدُّنْبِ^۲

۱۱۷۰ عنه ﷺ مَنْ حَقَلَ الْهُمُومُ هَتَأً وَاجِدًا هُمٌ جِرْزِيه.
كَهَاءُ اللَّهِ هُمٌ دُنْيَاءٌ وَمَنْ تَشَعَّبَتْ بِهِ الْهُمُومُ فِي أَحْوَالِ
الدُّنْيَا لَمْ يُبَالِ اللَّهُ فِي أَيِّ أَوْدِنِهَا هَلَكَ^۳

۱۱۷۱ عنه ﷺ الرِّغْبَةُ فِي الدُّنْبِ تُكْثِرُ الْهَمَّ وَالْعُرَى^۴
۱۱۷۲ عنه ﷺ مَنْ أَصْبَحَ وَالدُّنْيَا كَثِيرَ هَمٍّ فَلَيْسَ بِمُتَّقٍ
فِي شَيْءٍ^۵

۱۱۷۳ عنه ﷺ مَا جَهْوَهُ النَّاسُ إِلَّا مِنْ كَثْرَةِ الدُّنُوبِ وَمَا
كَثُرَ الدُّنُوبُ إِلَّا مِنْ قِلَّةِ الْوَرَعِ، وَمَا قِلَّةُ الْوَرَعِ إِلَّا مِنْ
كَثْرَةِ الْجَهْوِ، وَمَا كَثُرَ الْجَهْوُ إِلَّا مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا^۶

۱۱۷۴ عنه ﷺ جَبَتْهُ أَشْيَاءُ نُحِطُ الْأَعْمَالِ الْإِسْمَاعِلِ
بِقُيُوتِ الْحَلْقِ، وَقَسْوَةُ الْقَلْبِ، وَحُبُّ الدُّنْيَا، وَهِنَّ
الْحَيَاءُ وَطُولُ الْأَمَلِ، وَظَالِمٌ لَا يَنْتَهِي^۷

۱۱۷۵ عنه ﷺ مَنْ عَرَّضَتْ لَهُ دُنْيَا وَآخِرَةٌ فَاحْتَارَ الدُّنْيَا
عَلَى الْآخِرَةِ، لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَيْسَتْ لَهُ حَسَنَةٌ

۱ التلخیص الکبیر ج ۱ ص ۱۶۳ ح ۳۲۸

۲ الکلیج ج ۲ ص ۲۹۰ ح ۶

۳ سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۹۵ ح ۲۵۷

۴ التلخیص ص ۷۳ ح ۱۴

۵ المستدرک علی الصحیحین ج ۱ ص ۳۵۲ ح ۷۸۸۹

۶ التلخیص ج ۱ ص ۱۱۵ ح ۲۳۵۹

۷ کنز العمال ج ۱۶ ص ۸۵ ح ۴۱۲۳

۱۱۶۸ پیامبر خدا ﷺ هر که دلش مالا مال از عشق به
دنيا شود، سه پچیر همواره نا اوست؛ مشقتی که
روح آن تمام نمی شود، حرصی که به بی نیاری
نمی انجامد، و آرزویی که به پایان نمی رسد.

۱۱۶۹ پیامبر خدا ﷺ از نشانه های شقاوت اند. خشکی
چشم، قساوت قلب، آرزوی شدید در طلب دنیا،
و ادامه دادن به گناه

۱۱۷۰ پیامبر خدا ﷺ هر کس همه عصه هایش را یک عصه
ایمنی عصه آخرتش قرار دهد، خداوند ﷻ
عصه های دنیای او را بر طرف می سارد، و هر کس
انواع عصه های دنیا وجودش را فرا بگیرد،
خداوند، اهلش را می دهد که در کدام وادی از
وادی های آن، نابود می شود.

۱۱۷۱ پیامبر خدا ﷺ دنیا خواهی، گرفتگی و اسدوه را
بسیار می کند

۱۱۷۲ پیامبر خدا ﷺ هر که صبح کند و دنیا، بزرگ تر پس
دلش مشغولی او باشد، مرد خداوند جایی ندارد

۱۱۷۳ پیامبر خدا ﷺ خشکی چشم ها، ناشی از فراوانی
گناهان است و فراوانی گناهان، ناشی از اندک بودن
پارسایی است و اندک بودن پارسایی، ناشی از
درشت طبعی بسیار است و درشت طبعی بسیار،
ناشی از دیادوستی

۱۱۷۴ پیامبر خدا ﷺ شش چیز، اعمال [نیکی] را بر
بلاد می دهد. پرداختن به عیب های مردم،
سنگدلی، دیادوستی، کم حیایی، درازی آرزو، و
[ظلم] ستمگری که [از ستمکاری] باز نایستد.

۱۱۷۵ پیامبر خدا ﷺ هر که به او [کاری از] دنیا و [کاری
از] آخرت عرصه شود و او دنیا را بر آخرت
برگزیند، روز قیامت، خداوند را در حالی دیدار

يَتَّقِي بِهَا النَّارَ، وَمَنْ احْتَارَ الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا وَتَرَكَ
الدُّنْيَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَغَفَرَ لَهُ مَسَاوِي عَمَلِهِ^۱

۱۱/۴ صفات اهل دنیا

۱۱۷۶. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ سَأَلَ رَبَّهُ سُبْحَانَهُ لِمَ لَمْ يَجْعَلِ

الْمِعْرَاجَ قُفَالاً يَا رَبِّ وَمَنْ أَهْلُ الدُّنْيَا وَمَنْ أَهْلُ
الْآخِرَةِ؟

قَالَ: أَهْلُ الدُّنْيَا مَنْ كَثُرَ كُلُّهُ وَضَحِكُهُ وَنَوْمُهُ
وُغَضَبُهُ، قَلِيلُ الرِّضَا، لَا يَحْتَدِرُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْهِ، وَلَا
يَقْبَلُ عُدْرَ مَنْ اعْتَذَرَ إِلَيْهِ، كَسَلَانٌ بَعْدَ الطَّاعَةِ، شُحُّ
بَعْدَ التَّعَصُّبِ، أَمَلُهُ بَعْدَ وَاجِلِهِ قَرِيبٌ، لَا يُحَاسِبُ
نَفْسَهُ قَلِيلُ الْمُنَقَّةِ، كَثِيرُ الْكَلَامِ، قَلِيلُ النُّوْمِ، كَثِيرُ
الْمَرْحِ بَعْدَ الطَّعَامِ، وَإِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا لَا يَشْكُرُونَ عَمَلَهُ
الرَّحَاءَ، وَلَا يَصْبِرُونَ^۲ عَدَّ الْبَلَاءِ، كَثِيرُ النَّاسِ بَعْدَهُمْ
قَبِيلٌ، يَحْمَدُونَ أَنْفُسَهُمْ بِمَا لَا يَحْتَمُونَ وَيَدْعُونَ بِمَا
لَيْسَ لَهُمْ، وَيَتَكَلَّمُونَ بِمَا يَنْتَمُونَ، وَيَذْكُرُونَ مَسَاوِي
النَّاسِ وَيُحْفَوْنَ خُصَمَاءَهُمْ

قال يا رَبِّ، كُلُّ هَذَا الْعَيْبِ فِي أَهْلِ الدُّنْيَا؟

[قَالَ]^۳ يَا أَحْمَدُ، إِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا كَثِيرٌ مِنْهُمْ الْخَبَلُ
وَالْحُمُقُ، لَا يَتَوَاضَعُونَ لِمَنْ يَنْتَعِمُونَ بِهِ، وَهُمْ عَدَا
أَنْفُسِهِمْ عَقْلَاءُ، وَعِدَّةُ الْعَارِفِينَ حُمَقَاءُ^۴

۱. کتب من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۱۴ ح ۱۹۶۸

۲. فی المصدر «لا یصبرون» والأصح ما أئیناه کما فی
محضر الأنوار

۳. ما بین المعرفین أئیناه من محضر الأنوار

۴. إرشاد القلوب ص ۱۹۹

می‌کند که حتی یک حسه هم ندارد تا با آن، خود
را از آتش ننگه ندارد؛ و هر کس آخرت را بر دنیا
مقدم ندارد و [کر] دنیا را واگذارد، خداوند از او
بخشود می‌گردد و کارهای بدش را می‌آمرزد.

۱۱/۳. ویژگی‌های اهل دنیا

۱۱۷۶. امام علی علیه السلام: پیامبر ﷺ در شب معراج از پروردگار
پاکش پرسیدند: ای پروردگار من! اهل دنیا چه کسی
است و اهل آخرت کیست؟

فرمود: اهل دنیا، کسی است که خوراک و خنده
و خواب و خشمش بسیار است؛ خشمودی‌اش اندک
است؛ نه از کسی که به وی بدی کرده است، پوزش
می‌طلبد و نه پوزش کسی را که از او پوزش می‌طلبد،
می‌پذیرد؛ در طاعت، تسبی است، و در معصیت،
گستاخ؛ آرزویش دور و دراز است و اجلش نزدیک؛
از نفس خویش حساب نمی‌کشد؛ کم‌حیر است و
پُرگوشت‌گفتار من [از خدا] است؛ و هنگام غذا خوردن،
بسیار شد است

اهل دنیا در هنگام آسایش، سپاس‌گزار نیستند و
هنگام بلا (سختی) شکایت می‌کنند؛ بسیار مردم، در
نظر آنان اندک است؛ خوشتن را به کارهای نا کرده
می‌ستانند و ادعای چیزهایی را می‌کند که ندارد و بر
چیزهایی سخن می‌گویند که آرزو دارد و بدی‌های
مردم را می‌گویند و خوبی‌های آنان را پوشیده
می‌دارند.

پیامبر ﷺ گفت: ای پروردگار من! همه این
عیب‌ها، در اهل دنیا است؟

[فرمود:] ای احمد! در اهل دنیا، نادانی و
کم‌بهردی‌های بسیار است. در برابر کسی که از او
دانش می‌آموزد، عرونی نمی‌کند و خوشتن را
عاقل می‌پندارند؛ در حالی که به نزد فهمیدگان،
مردمانی کم‌چردند.

الْبَابُ الرَّابِعُ

الْأَجَلُ

۱/۱. لِكُلِّ شَيْءٍ أَجَلٌ مَكْتُوبٌ

الكتاب

«وَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ أَفَ حَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَائِ رَبِّهِمْ لَخَفِرُونَ»^۱

الحديث

۱۱۷۷ رسول الله ﷺ: «لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ»^۲

۱۱۷۸ عنه ﷺ: «لِكُلِّ قَضَاءٍ قَدَرٌ، وَلِكُلِّ مَدْرٍ أَجَلٌ، وَلِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ»^۳ «يُضَحُّوا لِلَّهِ مَا يَشَاءُ وَيُنْفِقُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ»^۴

۲/۴ تصنیف الاجال

الكتاب

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فِي طَیِّبٍ ثُمَّ قَصَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تُنْفَرُونَ»^۵

العديد

۱۱۷۹ رسول الله ﷺ: «فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «يُضَحُّوا لِلَّهِ مَا يَشَاءُ وَيُنْفِقُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ»^۶ - يَسْجُو مِن الْأَجَلِ مَا يَشَاءُ، وَتَرِيدُ فِيهِ مَا يَشَاءُ»^۷

۱ الروم ۸، ۲ النحل ص ۱۱۱ ح ۹۳، ۳ كتب السنة ج ۱ ص ۳۱۹، ۴ الأنعام: ۲، ۵ الرعد ۳۹، ۶ التوروس ج ۵ ص ۲۶۱ ح ۸۱۲۶

باب چهارم

اجل

۱/۲. هر چیزی اجل رقم خورده‌ای دارد

قرآن

«آیا درباره خودشن به تفکر نپرداخته‌اند؟ خداوند، آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آن دو است، چو به حق و تا هنگامی معین، پدیدار است، و [با این همه] بسیاری از مردم دیندار با پروردگارشان را مسست می‌کنند»

حدیث

۱۱۷۷ پیامبر خدا ﷺ: «... هر اجلی، نوشته‌ای است

۱۱۷۸. پیامبر خدا ﷺ: «برای هر قضایی قدری، و برای هر قدرتی اجلی، و برای هر اجلی نوشته‌ای است»^۲ «و خدا آنچه را بخواهد، محو یا ثبت می‌کند و اصل کتاب، در نزد اوست»

۲/۲ اقسام اجل

قرآن

«ارست کسی که شما را از اجل آفرید، آن گاه مدتی را [برای شما عمر] مقدر داشت، و اجل حتمی نرود اوست. با این همه، [بعضی از] شما [در قدرت او] تردید می‌کنید»

حدیث

۱۱۷۹. پیامبر خدا ﷺ: «درباره آیه: «خدا آنچه را بخواهد، محو یا اثبات می‌کند و اصل کتاب، در نزد اوست»^۳ - [یعنی] از اجل، هر اندازه که بخواهد، می‌زداید [و کم] می‌کند و هر اندازه که بخواهد، به آن می‌افزاید.

۱۱۸۰. الإمام علیؑ - من کتاب لهُ إلی مُعارِیة - کانَ رسولُ اللهِ ﷺ إذا احمرَّ الناسُ^۱ وأحجمَ الناسُ، قَدِمَ أهلَ نَیْبِهِ فَوَقَفَ بِهَمِ أصحابِهِ حَزَّ السُّیُوفِ وَالْأَبْیَةِ، فَقُتِلَ عُبَیْدَةُ بْنُ الحَارِثِ یَوْمَ بَدْرٍ، وَقُتِلَ حَمْرَةُ یَوْمَ أُحُدٍ، وَقُتِلَ جَعْفَرُ یَوْمَ مَوْتَةٍ^۲، وَأَرَادَ مَنْ لَوْ شِئْتُ ذَکَرْتُ اسْمَهُ مِثْلَ لَدِی رَادُوهُ مِنَ الشُّهَادَةِ، وَلَکِنْ جَاءَهُمْ عُجِّلَتْ، وَمِیثَتُهُ أُجِّلَتْ^۳

۳/۴ حکمة سنن الأجل

۱۱۸۱ رسول الله ﷺ لو علم المخلوق مقدار يومه لأصاف عليه برحمتها ولم ينفعه فيها قوم ولا خفص^۱، ويكنه عني عليه الأجل، وعدته هي الأمل^۲

۱۱۸۰ امام علیؑ - در نامه‌ای به معاویه :- هر گاه جنگ، شدت می‌گرفت و مردم پ‌پس می‌بهادید، پیامبر خدا افراد خانواده‌اش را پیش می‌افکد (میر بلا می‌ساخت) و به واسطه آنان، یارانش را از سوزش شمشیرها و بیزها حفظ می‌کرد. چنین بود که عبیده بن حارث در جنگ بدر، حمزه در جنگ اُحُد، و جعفر در جنگ مونه، کشته شدند و آن کسی هم که اگر بخواهم، نامش را می‌برم،^۱ همانند آن بزرگواران، خواهان شهادت بود؛ اما اجل‌های آنها پیش افتاد و مرگ او به تأخیر افکنده شد

۳/۲ حکمت پوشیده بودن اجل

پیامبر خدا ﷺ اگر مخلوق، اندازه عمر خود را می‌دانست، [از بین] همه وسعتش، بر او تنگ می‌شد و در دنیا هیچ قومی و هیچ زندگی مرفه‌ای، او را سود نمی‌بخشید؛ ولی اجل بر او پوشیده گردید و آرزو در وجود او طولانی قرار داده شد

۱ احمرَّ الناسُ الشدَّت الحرب (التهذيب ج ۱ ص ۴۳۸ «حمر»)

۲ مَوْتَهُ قرية من قرى البلقاء، في حدود الشام (معجم البلدان ج ۵ ص ۲۲۰)

۳ نهج البلاغة الكتاب ۹

۴ الخفص، بين العيش وسعته (لسان العرب ج ۷ ص ۱۱۵ «خفص»)

۵ تاريخ المدينة ج ۲ ص ۵۵۸

۱ مراد، خرد امام علیؑ است

الباب الخامس

الشَّيْطَانُ

۱/۵ عداوة الشَّيْطَانِ لِلْإِنْسَانِ

الكتاب

﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخَذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا تَدْعُوا
حِزْبَهُ يَتَكَوَّنُونَ مِنْ أَصْحَابِ الشَّعِيرِ﴾^۱

الحديث

۱۱۸۲ رسول الله ﷺ - لا يَسْمُوحُ وَهُوَ يَحِطُّ - يَأْسُ
مَسْمُوحٌ، اتَّخَذَ الشَّيْطَانُ عَدُوًّا، فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَقُولُ
﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخَذُوهُ عَدُوًّا﴾^۲

۲/۵ التَّحْدِيرُ مِنَ قِتْرِ الشَّيْطَانِ

الكتاب

﴿وَمَنْ الْفَاسِقُ مَنْ يَجْعَلُ فِي اللَّهِ مَعْبِرَ عِلْمٍ وَيُفْضِ كُلَّ
شَيْطَانٍ مُرِيدٍ كَتَبَ عَلَيْهِ اللَّهُ مِنْ ثَوَلَةٍ فَإِنَّهُ يُصَلِّهُ
وَيَهْدِيهِ إِلَى عَذَابِ الشَّعِيرِ﴾^۳

الحديث

۱۱۸۳ رسول الله ﷺ سَتَكُونُ مِنْ بَصِيحِ الرُّحْلِ فِيهَا مُؤْمِنًا
وَيُؤْمِسِي كَأَمْرًا، إِلَّا مَنْ أَحْيَا اللَّهُ تَعَالَى بِالْعِلْمِ^۴

۳/۵ مَا يَسْلُطُ الشَّيْطَانُ

الكتاب

﴿أَسْخَوْهُ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَسْخَوْهُمْ يَكْفُرُ اللَّهُ أُولَئِكَ

۱ ظاهر ۶

۲ مكارم الأخلاق ج ۲ ص ۳۵۱ ح ۲۶۶۰

۳ الصحيح ۳ و ۱

۴ كرم المثل ج ۱ ص ۱۲۵ ح ۸۸۳

بِسْمِ

شَيْطَانِ

۵ ۱ دشمنی شیطان با انسان

قرآن

﴿در حقیقت شیطان دشمن شماست پس شما [بیر] اور
دشمن بگیرید [او] حفظ دار و دستة خود را می خواند تا
آنها در باران آتش باشند﴾

حدیث

۱۱۸۲ پیغمبر خدا ﷺ - در اندر نه این مسعود - ی پسر
مسعودا شیطان را دشمن بگیر؛ زیرا خداوند
متعال می فرماید ﴿همانا شیطان دشمن شماست پس
شما [بیر] اور دشمن بگیرید﴾

۲/۵ هشدار در مازد گمراه ساری های شیطان

قرآن

﴿در برخی از مردم، در باره خدا بدین هیچ عسی، مجادله
می کنند و از هر شیطان سرکش پیروی می کنند پس
[شیطان] مقرر شده است که هر کس او را به دوستی گرفته،
قطعاً او وی را گمراه سازد و به عذاب آتش بکشاند﴾

حدیث

۱۱۸۳ پیغمبر خدا ﷺ در آینده، فتنه هایی [گمراه کننده]
پیش خواهد آمد، که انسان صبح خود را با ایمان آغاز
می کند و شب که فرا رسیده، به کفر افتاده است، مگر
کسی که خداوند متعال او را به دانش و آگاهی، رنده
کرده باشد

۳/۵ آنچه شیطان را مسلط می کند

قرآن

﴿شیطان بر آدم پیروز شد و خدا را او یادشان برده است

الْبَابُ الثَّانِي

الْإِنْسَانُ

الفصل الأول: كرامة الإنسان

۱/۱ فصل الإنسان على سائر الخلق

الكتاب

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا بَنِي آدَمَ وَجَعَلْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ وَالْمَعْرِ
وَرَفَعْنَاهُمْ مِنَ الطُّبُغَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
خَلَقْنَا تَفْصِيلاً﴾

الحديث

۱۱۸۷ كثر العيال عن ابن عمر عن رسول الله ﷺ ما شئ به كرم
عسى الله من ابن آدم قيل يا رسول الله ولا
الملائكة قال الملائكة محبوبون، يهرله الشمس
والقمر^۱

۱۱۸۸ الإمام الصادق ﷺ لَمَّا أُسْرِيَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حَصَرَتْ
الصَّلَاةُ، فَأَذَّنَ، وَأَمَامَ جِبْرِئِيلَ، فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ، تَقَدَّمْ
فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ، تَقَدَّمْ يَا جِبْرِئِيلُ فَقَالَ لَهُ، إِنَّا لَا تَقَدَّمُ
الْأَدَمِيَّيْنَ مُنْذُ أَمَرْنَا بِالسُّجُودِ لِآدَمَ ﷺ^۲

۲/۱ ما يوجب الفلاح

الكتاب

﴿قَدْ فَتَحَ الْفَتْحَ الْفُتُوحُورُ* أَلْبَدْنَ هُمْ فِي مَسَلَتِهِمْ

۱ الإسراء ۷۰

۲ كثر العيال ج ۱۷ ص ۱۹۲ ح ۳۶۶۲۱

۳ بحار الأنوار ج ۱۸ ص ۶۰۴ ح ۱۰۸

بیشتم

انسان

فصل یکم: کرامت انسان

۱/۱ بوقری انسان بر دیگر آفریده‌ها

قرآن

﴿وَبِهِ وَاسْتَوَىٰ مَا نَرَىٰ لِبَنِي آدَمَ إِلَّا كُنُوزًا وَآلَافًا
حَشَكِي وَدَوَا [بِر موكبها] برشانندیم و از چهرهای
پاكيزه، به ایشان روری دادیم و آنها را بر بسیاری از
آفریده‌های خود، برتری آشکار دادیم﴾.

حدیث

۱۱۸۷ [كثر العيال - به نقل از ابن عمر -، پیامبر خدا
فرمود: هیچ چیز مرد خداوند، گرامی‌تر از فرزند آدم
نیست]

گفته شد: ای پیامبر خدا! حتی فرشتگان^۱
فرمود «فرشتگان، [بیر] به سان خورشید و ماه،
محبورند»

۱۱۸۸ امام صادق ﷺ شی که پیامبر ﷺ به معراج برده
شد، وقت نماز رسید جبرئیل ﷺ اذان و اقامه گفت و
سپس گفت: ای محمد! برای امامت نماز پیش برو
پیامبر خدا فرمود «تو پیش برو، ای جبرئیل!»

جبرئیل ﷺ گفت، از آن زمان که به ما دستور داده
شد بر آدم ﷺ سجده کنیم، خود را بر آدمیان مقدم
نمی‌داریم

۲/۱ عوامل رستگاری

قرآن

﴿وَبِهِ وَاسْتَوَىٰ که مژگان، رستگار شدند؛ همانان که در

هَتِيبُونَ» وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ»

﴿فَإِذَا الْفُلُجَ مِنْ تَرْكُورٍ وَتَكَرَّرَ أَنْفُ رِيَّةِ فَصَلَّى﴾^۲

﴿فَإِذَا الْفُلُجَ مِنْ زَكْنِهَا» وَقَدْ خَابَ مِنْ شَيْبِهَا»^۳

﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا وَأَطِيعُوا وَأَطِيعُوا

خَيْرَ الْأَنْفُسِ كُمْ وَمَنْ يُؤْكَلْ شَيْءٌ مِنْهُ فَأُولَئِكَ هُمْ

الْمُفْلِحُونَ»^۴

الحديث

۱۱۸۹ رسول الله ﷺ قَدْ أَفْخَحَ مَنْ أَحْلَصَ قَلْبَهُ لِلْإِسْلَامِ،

وَجَعَلَ قَلْبَهُ سَلِيمًا، وَلِسَانَهُ صَادِقًا، وَفَسَّهُ مُطْمَئِنَّةً،

وَحَلِيقَتَهُ مُسْتَقِيمَةً، وَأَدَمَهُ مُسَمِّعَةً، وَعَيْنَهُ نَاطِقَةً^۵

۳/۱ نَسَاوِي الرُّجُلِ وَالْمَرْأَةِ فِي الْفَصَائِلِ

الكتاب

﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

وَالْحَبِيبِينَ وَالْحَبِيبَاتِ وَالصَّابِقِينَ وَالصَّابِقَاتِ

وَالْمُسْتَجِرِينَ وَالْمُسْتَجِرَاتِ وَالْخُشَعِينَ وَالْخُشَعَاتِ

وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّامِعِينَ

وَالصَّامِعَاتِ وَالْحَبْلَاءِ قُرُوجَهُمُ وَالْحَبْلَاءِ

وَالذَّكِرِينَ أَلَّهُ كَثِيرًا وَالنُّكَرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ شُجْرَةً

وَأَجْرًا عَظِيمًا»^۶

الحديث

۱۱۹۰ الْقَدْزُ الْعَمُورُ أَخْرَجَ النَّبِيُّ عَنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ يَزِيدَ

۱ المومنون ۳۱ ۲ الاعشى ۱۵ و ۱۶

۳ الشمس ۹ و ۱۰

۴ النفاث ۱۶

۵ مستد این حیل ج ۸ ص ۷۱ ح ۲۱۳۶۸

۶ الاحزاب ۳۵

سازشان فروتن‌اند، و آنان که از [کار] پیموده

روی گردانند».

﴿رستگار، آن کس که خود را پاک گردانید و سم

پروردگارش را پاد کرد و ساز گزارد﴾

﴿که هر کس آن [نفس] را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد و

هر که اگر دماش ساخته، قطعاً در باخت﴾.

﴿پس تا می‌توانید، از خدا پروا بدارید و بشوید و فرمان

ببرید و مالی برای خودتان [در راه خدا] اتفاق کنید، و

کسانی که لا عنت نفس خویش مصون مانند، آنان

رستگارند﴾

حدیث

۱۱۸۹. پیامبر خدا ﷺ رستگار شد هر که دلش را برای

ایمان حالم گردانید و دلش را پاک ساخت و

رئانش را راستگو ساخت و روانش را با آرامش

کرد و اخلاقش را درست گرداند و گوشش را شنوا

و چشمش را بینا کرد.

۳/۱. بولعری زن و مرد در فصیلت‌ها

قرآن

﴿مردان و زنان مسلمان و مردن و زنان با ایمان، و مردان و

زنان عبادت‌پیشه و مردان و زنان راستگو، و مردان و

زنان شکیب و مردان و زنان فروتن، و مردان و زنان

صدقه‌دهنده و مردان و زنان رورده‌بر، و مردان و زنان

پاک‌داس، و مردان و زنانی که خدا را عراولن یاد می‌کنند،

خدا برای [همه] آنان آمرزش و پاداشی بزرگ فراهم

ساخته است﴾

حدیث

۱۱۹۰. الْقَدْزُ الْعَمُورُ، بیهقی درباره اسماء دختر یزید

اصحاری نقل می‌کند که وی نزد پیامبر ﷺ - که در

الْأَنْصَارِيَّةَ أَنهَا أَتَتْ النَّبِيَّ ﷺ وَهُوَ نِسْ أَصْحَابِهِ
 فَقَالَتْ: يَا أَيُّ أُمَّتٍ وَأُمِّي! إِنِّي وَابِدَةٌ نِسَاءٍ إِلَيْكَ،
 وَاعْلَمْ - نَفْسِي لَكَ الْفِدَاءُ - أَنَّهُ مَا مِنْ امْرَأَةٍ كَانَتْ فِي
 شَرْقٍ وَلَا غَرْبٍ سَمِعَتْ بِمَحَرِّجِي هَذَا إِلَّا وَهِيَ عَلَى
 مِثْلِي رَائِي، إِنَّ اللَّهَ يَهْتَفُّكَ بِالْحَقِّ إِلَى الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ،
 فَأَمَّا بِكَ وَبِإِلَهِكَ الَّذِي أَرْسَلَكَ، وَإِنَّا مَعَشَرُ النِّسَاءِ
 نَحْصُورَاتٌ مَقْصُورَاتٌ، قَوَائِدُ بُيُوتِكُمْ وَمُقَصِّصَاتُ
 شَهَوَاتِكُمْ وَحَامِلَاتُ أَوْلَادِكُمْ، وَإِنَّكُمْ تَعَايِزُ الرِّجَالِ
 فَصَلُّتُمْ عَلَيَا بِالْجُمُعَةِ وَالْجُمَاعَاتِ وَعِيَادَةِ الْمَرْضَى
 وَشُهُودِ الْجَنَائِزِ وَالْحَجِّ عَدَّ الْحَجَّ، وَأَفْصَلُ مِنْ ذَلِكَ
 الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَإِنَّ الرِّجَالَ مِنْكُمْ إِذَا حَرَّحَ حَاحَةً
 أَوْ مُعْتَصِرًا أَوْ مُرَابِطًا حَفَظُوا أَمْوَالَكُمْ، وَعَرَسًا نَكَمَ
 أَمْوَالَكُمْ، وَرَبِيضًا لَكُمْ أَمْوَالَكُمْ^۱ فَمَا تُشَارِكُكُمْ فِي
 الْأَجْرِ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

فَالْتَفَتَ النَّبِيُّ ﷺ إِلَى أَصْحَابِهِ بِوَجْهِهِ كُلِّهِ، ثُمَّ قَالَ
 هَلْ سَمِعْتُمْ مَقَالَةَ امْرَأَةٍ عَطَتْ حُسْنَ مِنْ نِسَاءِ دِينِهَا فِي
 أَمْرِ دِينِهَا مِنْ هَدًى؟ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا ظَنَنَّا أَنَّ
 امْرَأَةً تَهْتَدِي إِلَى مِثْلِي هَذَا،

فَالْتَفَتَ النَّبِيُّ ﷺ إِلَيْهَا، ثُمَّ قَالَ لَهَا اصْصِرِي أَيْنَهَا
 الْمَرْأَةُ، وَأَعْلِمِي مَنْ حَفَظَ مِنْ النِّسَاءِ أَنَّ حُسْنَ نَبْعٍ
 بِحَدَاكُنَّ لَزُوجِهَا وَطَلَبِهَا مَرْضَاتَهُ وَاتِّبَاعِهَا مُوَافَقَتَهُ
 يَعْدِلُ ذَلِكَ كُلُّهُ فَأَدْبَرَتِ الْمَرْأَةُ وَهِيَ تُهَلِّلُ وَتُكَبِّرُ^۲
 اسْتِشْهَارًا^۳

جمع اصحاب شسته بود - آمد و گفت: پدر و مادرم
 به فدایت! من به سایدگی از طرف زن‌ها نزد شما
 آمده‌ام. هدایت شوم! بدان که هیچ زنی در شرق و
 غرب عالم نیست که سخن مرا بشنود، مگر این که با
 من همراهی خواهد بود. خداوند، تو را به حق، به
 سوی مردان و زنان فرستاد و ما هم به تو و هدایی که
 تو را فرستاده است، ایمان آوردیم. ما طایفه زنان،
 محدود و محصور هستیم و اساس خانه‌های شمایم
 و خواهش‌های شما را بر می‌آوریم و فرزندان شما را
 حامله می‌شویم؛ انا شما مردها بر ما بنا [دفتن به] نماز
 جمعه و نماز جماعت و عیادت بیماران و تشییع
 جنازه و پیایی حج‌گزاران و بالاتر از همه اینها، جهاد
 همراه حدیث برتری داده شده‌اید. هر گاه مردی از شما
 برای حج یا عمره و یا جهاد، از خانه بیرون می‌رود، ما
 [نظارت] اموال شما را حفظ می‌کنیم و لباس‌هایتان را
 [مراقبت] می‌کنیم و فرزندان را تربیت می‌کنیم. ای پیامبر
 خدا! آیا در توانایی شریک شما هستیم؟

پیامبر ﷺ کاملاً رو به اصحاب خود کرد و فرمود:
 آیا تا به حال شنیده‌اید که زنی در پرسش از امور
 دین خود، به این خوبی سخن بگوید؟^۴

گفتند: ای پیامبر خدا! گمان نمی‌کردیم که زنی تا
 بدین پایه برسد!

سپس پیامبر ﷺ رو به اسماء کرد و فرمود: ای
 رسا! برگرد و به زنانی که تو را به نمایندگی
 فرستاده‌اند، اعلام کن که بیکو شوهرداری کردن هر
 یک از شما زنان و جذب کردن رضایت مرد خویش
 و اطاعت از خواست او، یا همه این اعمال [که برای
 مردان نام بردی] به برابری می‌کند

اسماء در حالی که از شادی، تهلیل (لا إله إلا الله)
 و تکبیر می‌گفت، باز گشت.

^۱ هكذا في المصدر، والقاهر دورينا لكم أولادكم

^۲ قدر الشهود ج ۲ ص ۵۱۸

۱۱۹۱. الترهیب والترهیب عن ابي سعيد الخدري: جاءت امرأة بنی رسول الله ﷺ فقالت: يا رسول الله، ذهبت الرجل بحديثك، فاجعل لنا من نفسك يوماً تأتينا فيه نُقَلِّمُا مِمَّا عَلَّمَكَ اللهُ قَالَ اجْتَمِعْنَ يَوْمَ كَذَا وَكَذَا فِي مَوْضِعٍ كَذَا وَكَذَا، فَاجْتَمِعْنَ، فَأَتَاهُنَّ النَّبِيُّ ﷺ فَعَلَّمَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَهُ اللهُ^۱

۱۱۹۱. الترهیب والترهیب - به نقل از ابو سعید خدری -: زنی نزد پیامبر خدا آمد و گفت: ای پیامبر خدا! مردها از سخنان شما استفاده می‌کنند و روزی هم برای ما تعیین فرما تا به محضر تان بیاییم و از آنچه خداوند به شما می‌آمورد، به ما نیز بیاموزی. فرمود: فعلا و بهمن روز، در فلان و بهمان جا گرد بیایید.

الفصل الثاني: قلب الإنسان

۱/۲ مثل القلب

۱۱۹۲. رسول الله ﷺ: إِنَّمَا سُمِّيَ الْقَلْبُ مِنْ تَقَلُّبِهِ، إِنَّمَا مَثَلُ الْقَلْبِ مَثَلُ رِيشَةٍ بِالْفَلَاةِ تَقْلُقُ مِنْ أَصْلِ شَجَرَةٍ تُقْبِهَا الرِّيحُ ظَهْرُ بَطْنٍ^۲

۱/۲ مثل دل

۱۱۹۲. پیامبر خدا ﷺ: قلب را در حقیقت، از این رو قلب نامیده‌اند که متقلب (دگرگون) می‌شود، حکایت قلب (دل) حکایت یک پر است که در دشتی به بوی درختی آویخته شده و باد، آن را بر و رو می‌کند.

۲/۲ منزلة القلب من الحسد

۱۱۹۳. رسول الله ﷺ: فِي الْإِنْسَانِ مُضْغَةٌ، إِذَا هِيَ سَلِمَتْ وَصَحَّتْ سَلِمَ بِهَا سَائِرُ الْجَسَدِ، وَإِذَا سَقَمَتْ سَقَمَ بِهَا سَائِرُ الْجَسَدِ وَحَسَدٌ، وَهِيَ الْقَلْبُ^۳

۲/۲، جایگاه دل نسبت به بدن

۱۱۹۳. پیامبر خدا ﷺ: در انسان، پاره گوشتی هست که اگر آن سالم و درست باشد، بقیه بدن هم سالم می‌شود و هرگاه آن بیمار شود، بقیه بدن بیمار و تب می‌گردد. آن پاره گوشت، دل است.

۱۱۹۴. عَنِ النَّبِيِّ ﷺ الْقَلْبُ مَلِكٌ وَلَهُ جُودٌ، فَإِذَا صَلَحَ سَلِمَ صَلَحَتْ جُودُهُ، وَإِذَا فَسَدَ فَفَسَدَتْ جُودُهُ^۴

۳/۲ سلامة القلب

۱۱۹۴. پیامبر خدا ﷺ: دل، پادشاهی است که سپاهیانی دارد. هرگاه پادشاه شایسته باشد، سپاهیان شایسته می‌شوند و هرگاه پادشاه فاسد شود، سپاهیان فاسد می‌شوند.

الكتاب

﴿وَلَا تُخْزِي يَوْمَ يُثْعَقُونَ * يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ﴾

۳/۲ سلامت دل

قرآن

﴿وَرَوَى كَه [مردم] برانگیخته می‌شوند رسوایم مکن﴾

۱. الترهیب والترهیب ج ۳ ص ۶۶ ح ۶

۲. کنز العمال ج ۱ ص ۲۴۱ ح ۱۲۱۰

۳. التمهید ص ۳۱ ح ۱۰۹

۴. کنز العمال ج ۱ ص ۲۴۰ ح ۱۲۰۵

«إِلَّا مَنْ أَتَى آلَهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ»^۱

الحديث

۱۱۹۵ رسول الله ﷺ - وَقَدْ سُئِلَ مَا الْقَلْبُ السَّلِيمُ؟ -

دینِ پلاشک و هوای، و عملِ بلا مُعْتَه و پیرایه^۲

۴/۲ انشیراج القلب

الكتاب

«أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ حَنْدَرَكًا»^۳

الحديث

۱۱۹۶ مكارم الأخلاق عن عبد الله بن مسعود، دخلتُ

عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ .. فَقَالَ: يَا بَنَ مَسْعُودَ، عَنْ شَرِّحِ
اللهَ حَنْدَرَةَ للإسلام فهو على نورٍ من ربه، فإنَّ النورَ بدا
وَقَعَ فِي الْقَلْبِ انْشَرَحَ وَاصْطَحَّ، فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ،
هَلْ لَدُنْكَ مِنْ غَلَاظَةٍ؟ فَقَالَ: نَقَمُ التَّجَافِي عَنِ دَارِ
الْمُرُورِ، وَالْإِنَابَةُ إِلَى دَارِ الْحُلُودِ، وَالِاسْتِعْدَادُ لِلْمَوْتِ
فَبَلَّ مُرُورِ الْمَوْتِ، فَمَنْ رَهَدَ فِي الدُّنْيَا فَصُرَ أَمَلُهُ فِيهَا
وَتَرَكَهَا لِأَهْلِهَا^۴

۵/۲ عمى القلب

الكتاب

«وَمَنْ كَانَ فِي هَيْبَةٍ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْأُخْرَةِ أَعْمَى وَأَصْلُ
سَبِيلًا»^۵

دردی که هیچ مال و فرزندى سود نسی بخشد مگر کسی

که دلی سالم به سوى خدا بیاورد»

حديث

۱۱۹۵ پیامبر خدا ﷺ - در پاسخ این سؤال که: قلب سلیم

چیست؟ - دیداری به دور از شک و هوای نفس

و عمل بدون شهرت طلبی و خود ستایی.

۲/۲ گشاده گلی دل

قرآن

«آیا برای تو سیئات را بگشاده ایم؟»

حديث

۱۱۹۶ مکارم الأخلاق - به نقل از عبد الله بن مسعود -

احدیت پیامبر خدا رسیدم... فرمود: «ای پسر
مسعود! هر کس که خداوند دلش را برای اسلام
نگشاید، دارای موری از پروردگار خویش است؛
زیرا نور، هر گاه در دل بیفتد، دل گشاده و فراخ
می گردد»

گفته شد ای پیامبر خدا! آیا برای آن، نشانه‌ای

هست؟

فرمود: «آری! دوری کردن از سرای فریب و

روی آوردن به سرای جاودانی و آماده شدن برای

مرگ، پیش از فرود آمدن بیستی و فوت وقت

پس، هر که از دنیا دل بر کند، آرزویش در دنیا

کوتاه می شود و دنیا را به اهلش وا می گذارد.

۵، ۲ کوری دل

قرآن

«و هر که در این [دنیا] کور [دل] باشد در آخرت،

کور [دل] و گمراه تر خواهد بود»

۱ الشراء ۸۷-۸۹

۲ مستودع الوسائل ج ۱ ص ۱۱۳ ح ۱۲۴

۳ الشرح ۱

۴ مكارم الأخلاق ج ۲ ص ۳۴۰ ح ۲۶۶۰

۵ الاسراء ۷۲

الحدیث

۱۱۹۷ رسول الله ﷺ شَرُّ التَّمَنَّى عَمَى الْقَلْبِ^۱

حدیث

۱۱۹۷. پیامبر خدا ﷺ بدترین کوری، کوری دل است.

۱۱۹۸ عَنْهُ ﷺ أَعْمَى التَّمَنَّى الصَّلَاةُ بِعَدَاةِ الْهُدَى... وَشَرُّ

۱۱۹۸. پیامبر خدا ﷺ، کورترین کوری، گمراهی بعد

التَّمَنَّى عَمَى الْقَلْبِ.^۲

از هدایت است... و بدترین کوری، کوری دل است.

۶/۲ مَا يُقَسِّي الْقَلْبَ

۶/۲ عوامل سخت‌خالی

الكتاب

القرآن

﴿فَبِمَا نَقْضِهِمْ بِيثَهُمْ لَعْنَهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَرَأَى لِقَاسٍ عَلَيْهِ خَائِبَةٌ سَتُحْمِلُهُمْ إِلَىٰ أَفْئَةٍ مِّنْهُم فَذُكِّرُوا لَعْنَهُمْ وَأَصْلَحْ يَٰٓأَنَّهُ يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾^۳

﴿پس به [سزای] پیمان شکستنشان، لعنتشان کردیم و دلهایشان را سخت گرفتیم. کلمات را از مواضع خود، تحریف می‌کند و بخشی از آنچه را بدان اندرز داده شده بودند، به فراموشی سپردند و اگر هشدار بر حیانتی از آنان آگاه می‌شوی، مگر اندکی از ایشان [که خیانتکار نیستند] پس، از آنان در گذر و چشم‌پوشی کن که خدا بیکوکاران را دوست می‌دارد﴾

الحدیث

۱۱۹۹ رسول الله ﷺ لَا تُكْثِرُوا الْكَلَامَ بِغَيْرِ ذِكْرِ شَيْءٍ مِّنْهُ

حدیث

۱۱۹۹. پیامبر خدا ﷺ در غیر از ذکر خدا، زیاده‌گویی

كَثْرَةُ الْكَلَامِ بِغَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ قَسْوَةُ الْقَلْبِ، إِنْ أَبَدَ النَّاسُ

نکند؛ زیرا زیاده‌گویی در غیر ذکر خدا، موجب

مِنْ اللَّهِ الْقَلْبَ الْقَاسِي.

۱۲۰۰ عَنْهُ ﷺ تَرُكُ الْعِبَادَةِ يَقْسِي الْقَلْبَ، تَرُكُ الدُّكْرِ

سخت‌دلی می‌شود و دورترین مردم از خدا،

يُمِيتُ النَّفْسَ.^۴

۷/۲ مَا يَشْفِي الْقَلْبَ

سخت‌دل است.

الكتاب

۱۲۰۰. پیامبر خدا ﷺ ترک عبادت، دل را سخت می‌کند.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَنُفِذْهَا

رها کردن یاد خدا، جان را می‌میراند.

فِي الصُّلُوحِ وَهَذَىٰ وَزُحْلَةٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾^۵

۷/۲. آنچه دل را برهان می‌کند

قرآن

﴿ای مردم! به یقین، برای شما اندرز از جانب

۱ الامالی للصدوق ص ۵۷۷ ح ۷۸۸

۲ الاختصاص ص ۳۱۲ ۳، المائدة ۱۳

۳ الامالی للصدوق ص ۳ ح ۱

۴ نبيه الخواطر ج ۲ ص ۱۲۰

۵ بررس ۵۷

پروردگار تان و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست و

رفتار و رحمتی برای گروندگان [به خدا]، آمده است﴾.

الحديث

۱۲۰۱ رسول الله ﷺ إن الله ﷻ يهولُ تدكُّرُ العلم بين عبادي بما تحيا عليه القلوب المنيئة إذا هم انتهوا فيه إلى أمري^۱

۱۲۰۲ عنه ﷺ عَوَّدُوا قُلُوبَكُمْ الرَّقَّةَ، وَأَكْبَرُوا، مَرَّ لَتَفَكَّرُوا وَالتَّكَاوُفَ مِنْ حَشِيَّةِ اللَّهِ^۲

۱۲۰۳ عنه ﷺ لَا يَسْتَقِيمُ إِيْمَانُ عَبْدٍ حَتَّى يَسْتَقِيمَ قَلْبُهُ، وَلَا يَسْتَقِيمَ قَلْبُهُ حَتَّى يَسْتَقِيمَ لِسَانُهُ^۳

الفصل الثالث نفس الإنسان

۱/۳ معرفة النفس

۱۲۰۴ هوای ثلاثی دخل علی رسول الله ﷺ لرجل أسأله مُحَاشِئٌ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَيْفَ الْعَلَرِيقُ الْبَلَوِيُّ مَعْرِفَةِ الْحَقِّ؟ فَعَالَ ﷺ مَعْرِفَةُ النَّفْسِ^۴

۲/۳ النفس اللوامة

الكتاب

«وَلَا تُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَامَةِ»^۵

الحديث

۱۲۰۵ رسول الله ﷺ - فی وصیته لابن مسعود - یأین مسعود، أَكْثَرُ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَالْبِرِّ، فَإِنَّ الْمُحْسِنَ وَالْمُسِيئَةَ يَدْخُمَانِ، يَقُولُ الْمُحْسِنُ، يَا لَمَسِّي أَرَدْتُ

۱ التکافیر ج ۱ ص ۴۱ ح ۶ ۲ اعلام الدین ص ۳۶ ح ۳۳

۳ مہج البلاغہ المجلد ۱ ص ۱۷۶

۴ عوای ثلاثی ج ۱ ص ۲۶۱ ح ۱

۵ القیامہ ۲

حديث

۱۲۰۱ پیامبر خدا ﷺ خداوند ﷻ می فرماید: گفتگوی علمی میان بندگان من، از چیزهایی است که دل‌های مرده با آن زنده می‌شود؛ به شرط آن که در این گفتگوهای خود، سرانجام به خواسته من برسند.

۱۲۰۲ پیامبر خدا ﷺ دل‌های خود را به رقت، خود میداد و زیاد بیدار میشد و از خوف خدا بسیار بگریید.

۱۲۰۳. پیامبر خدا ﷺ اطمینان هیچ کس را درست نمی‌کرد، مگر این که دلش درست باشد و دلش درست نمی‌گردد، مگر آن گاه که ریشش درست باشد.

فصل سوم. نفس انسان

۱/۳ خودشناسی

۱۲۰۴. عوای ثلاثی: مردی به امام مجاشع، بر پیامبر خدا وارد شد و گفت: ای پیامبر خدا! راه رسیدن به شاحت حق چیست؟

فرمود: شاحت خود.

۲/۳ نفس سرزنشگر (وجدان مبدل)

قرآن

«وَأَلْهَمَ الْوَهْدَانِ نَفْسًا سَرَّاهُ»

حديث

۱۲۰۵ پیامبر خدا ﷺ - در سفارش خود به ابن مسعود - ی پسر مسعود کارهای شایسته و نیکو بسیار به حدی آرد؛ زیرا نیکوکار و بدکار، هر دو پشیمان می‌شوند. نیکوکار می‌گوید: دکاش خوبی‌های

مِنَ الْحَسَنَاتِ ۚ يَقُولُ الْمُسِيءُ، قَصُرْتُ، وَتَصَدِّقُ
ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ﴾^۱

۳/۳. تَرْكِیةُ النَّفْسِ

الكتاب

﴿كَمَا أَرْسَلْنَا نَحْنَكُمْ رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ حَاكِمَاتٍ
وَيُرَخِّصُكُمْ وَيُعَذِّبُكُمْ الْعَذَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُمْ مَا لَمْ
تَكُونُوا تَعْلَمُونَ﴾^۲

الحدث

۱۲۰۶ رسول الله ﷺ بِتَرْكِیةِ النَّفْسِ يَحْصُلُ الصَّمَاءُ^۳

۱۲۰۷. مجمع البیان عن سعید بن اسی هلال. كَانَ رَسُولُ
الله ﷺ إِذَا قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَكَّاهَا» وَقَفَ ثُمَّ
قَالَ اللَّهُمَّ ابْنِ نَفْسِي قَوَّاهَا، أَسْتَ وَلَهَا وَضَلَّاهَا،
وَرَكَّاهَا وَأَسْتَ حَيْرٌ مَنْ رَكَّاهَا^۴

الفصل الرابع: الرؤيا

۱/۴ بِشَرِّیِ الرُّؤْيَا

الكتاب

﴿لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا يَتُبَدَّلُ
لَكُمْ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾^۵

الحدث

۱۲۰۸. رسول الله ﷺ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿لَهُمُ الْبُشْرَىٰ...﴾:-

۱. مكارم الاخلاق، ج ۲ ص ۳۵۳ ح ۲۶۶۰

۲. البقرة ۱۵۱ ۳ تبيين الخواطر ج ۲ ص ۱۱۹

۴. مجمع البیان ج ۱۰ ص ۷۵۵

۵. یوس ۶۴

بیشتری انجام می‌دادم و بدکار می‌گردید؛ و کوتاهی
کردم تأیید این مطلب، سخن خدای متعال است که
می‌فرماید: ﴿وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ﴾ می‌خورم به نفس سرزنشگر^۱.

۳/۳. تَرْكِیةُ النَّفْسِ

قرآن

﴿همای طور که در میان شما، فرستاده‌ای از خودتان روانه
کردیم، [که] آیات ما را بر شما می‌خواند و شما را پاک
می‌گرفت و به شما کتاب و حکمت می‌آموزد و آنچه را
می‌دانستید، به شما یاد می‌دهد﴾

حدیث

۱۲۰۹. پیامبر خدا ﷺ ابّا تَرْكِیةِ نَفْسِ است که صفا ای جان!

بگفت می‌آید

۱۲۰۶. مجمع البیان - به نقل از سعید بن اسی هلال :-
بِتَرْكِیةِ النَّفْسِ، هر گاه آیه: ﴿رَسَّاهَا﴾ در دست کسی که نفس را

ترک کرده را می‌خواند، درنگ می‌کرد و سپس
می‌گفت: بخدا یا نفس مرا تقوا عطا فرما، که تو
سرپرست و مولای آنی، و آن را ترک کرده (پای)
فرما، که برای ترکیه آن، تو بهترینی^۲

فصل چهارم: رؤیا

۱/۴ مَوید رؤیا

قرآن

﴿در زندگی دنیا و در آخرت، بشارت برای آنان است
و عده‌های خدا را تبدیلی نیست این، همان کامیابی بزرگ
است﴾.

حدیث

۱۲۰۸. پیامبر خدا ﷺ - دربارۀ آیه: ﴿بِشَارَتٍ لِلَّذِينَ آمَنُوا﴾

هي الرؤيا الحسنة يَرَى الْمُؤْمِنُ قَبَشْرُهَا فِي دُنْيَاهُ^۱
 ۱۲۰۹ كثر العقال عن أبي هريرة عن رسول الله ﷺ لم يبقَ
 مِنَ النُّبُوَّةِ إِلَّا الْمُبَشِّرَاتُ، قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا
 الْمُبَشِّرَاتُ؟ قَالَ الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ^۲

۲/۴ اقسام رؤیا

۱۲۱۰ رسول الله ﷺ الرؤيا ثلاثة بُشْرَى مِنْ اللَّهِ، وَتَحْرِيرٌ
 مِنَ الشَّيْطَانِ، وَالَّذِي يُحَدِّثُ بِهِ الْإِنْسَانُ نَفْسَهُ فَهُوَ
 فِي ضَلَالَةٍ^۳

است. ۱. آن بشارت، خوابِ خوبی است که
 مؤمن می بیند و به وسیله آن در دنیایش، نوید داده
 می شود
 ۱۲۰۹ کثر العقال - به نقل از ابو هریره -: پیامبر خدا،
 فرمود: از سؤات، فقط نوید دهنده ها باقی مانده
 است،

پرسیدند: نوید دهنده ها چیست؟
 فرمود: «رؤیای خوب»

۲/۲ اقسام رؤیا

۱۲۱۰. پیامبر خدا ﷺ رؤیا سه گونه است بشارتی
 اگرچاهب خدا! همی که شیطان به وجود می آورد؛
 و آخرت نفس های انسان یا خویش که آنها را در
 خوابش می بیند

۱. التکامیل ج ۸ ص ۹۰ ح ۶۰

۲. کثر العقال ج ۱۵ ص ۳۷۰ ح ۴۱۸

۳. بحار الأنوار ج ۶۱ ص ۱۹۱ ح ۵۸

الْبَابُ السَّابِعُ

باب هفتم

الْأَمَلُ

آرزو

الفصل الأول: دور الأمل في الحياة

فصل یکم: نقش آرزو در زندگی

۱/۱ رَحْمَةُ مِنَ اللَّهِ

۱/۱ رحمتی از جانب خداوند است

۱۲۱۱ رسول الله ﷺ إِنَّمَا الْأَمَلُ رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ لِأَمْنِي،
كُلُّ مَا أَرَضَعْتُ أُمًّا وَلَدًا، وَلَا غَرَسْتُ غَارِسَ
شَجَرًا^۱

۱۲۱۱ پیامبر خدا ﷺ آرزو، در حقیقت، رحمتی از
جانب خداوند برای امنت من است. اگر آرزو نبود،
هیچ مادری فرزندی را شیر نمی‌داد و هیچ
باغبانی، نهالی را نمی‌کاشت.

۲/۱ مَثَلُ الْأَجَلِ وَالْأَمَلِ

۲/۱ حکایت اجل و آرزو

۱۲۱۲ رسول الله ﷺ مَثَلُ الْإِنْسَانِ وَالْأَمَلِ وَالْأَجَلِ،
فَمَثَلُ الْأَجَلِ إِلَى جَانِبِهِ وَالْأَمَلُ مُسَامَةٌ، فَبَيْنَمَا هُوَ
يَطْلُبُ الْأَمَلَ مُسَامَةً نَآءَ الْأَجَلِ فَاسْتَلْحَقَهُ^۲

۱۲۱۲ پیغمبر خدا ﷺ حکایت انسان و آرزو و اجل، چنان
است که اجل در کنار اوست و آرزو، پیشاپیش او
در حالی که آرزو را پیش روی خود دنبال می‌کند،
ناگهان، اجل فراموشی‌اش را بر او راه می‌راند.

۱۲۱۳ التَّوَعُّبُ وَالتَّوَهُيبُ عَنِ النَّفْسِ. حَطَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
حَطًّا، وَقَالَ: هَذَا الْإِنْسَانُ، وَحَطَّ إِلَى جَنْبِهِ حَطًّا
وَقَالَ هَذَا أَجَلُهُ، وَحَطَّ آخَرَ بَعِيدًا مِمَّا قُلَّ هَذَا
الْأَمَلُ، فَبَيْنَمَا هُوَ كَذَلِكَ إِذْ جَاءَهُ الْأَقْرَبُ^۳

۱۲۱۳ التَّوَعُّبُ وَالتَّوَهُيبُ - به نقل از آنس - پیامبر خدا،
خطی کشید و فرمود: «این، انسان است» و در کنار
آن، خط دیگری کشید و فرمود: «این، اجل اوست»
و دورتر از آن، خط سومی کشید و فرمود: «پس
هم آرزوست». در حالی که انسان سرگرم است،
ناگهان، آن نزدیک‌تر، خود را به او می‌رساند.

الفصل الثاني: المأمول الحقيقي

۱۲۱۴ رسول الله ﷺ - فِي الدُّعَاءِ - يَا رَبِّاهُ يَا سَيِّدَاهُ،
وَيَا أُمَّلَاهُ وَيَا عَايَةَ رَعِيَّتَاهُ، أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَنْ

فصل دوم: آرزوی حقیقی

۱۲۱۴ - پیغمبر خدا ﷺ - در دعا - «پروردگارا، سرورِ
امیدها، و ای بهائیت آرزو! از تو درخواست می‌کنم،
ای خدا، ای خدا، ای خدا! که قیافه مرا با آتش

۱ تاریخ بغداد ج ۲ ص ۵۲ الرقم ۴۴۸

۲ يقال المحدث المبيته القوم أي اجندبتهم (لسان العرب ج ۲ ص ۲۵۸ - ملحق)

۳ الفردوس ج ۴ ص ۱۴۴ ح ۶۱۴

۴ التَّوَعُّبُ وَالتَّوَهُيبُ ج ۱ ص ۲۴۴ ح ۲۷

لَا تُشَوِّهَ خَلْقِي فِي النَّارِ^۱

[دورح]، رشت و ساری.

۱۲۱۵ عنه ﷺ - فِي ذِكْرِ قَصَبِ فَاطِمَةَ ﷺ يَوْمَ الْقِيَامَةِ -
وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، إِنَّهَا الْجَارِيَةُ الَّتِي نَحَرْتُ فِي عَرَصَةِ
الْقِيَامَةِ فَيُوحِي اللَّهُ ﷻ إِلَيْهَا، يَا فَاطِمَةُ! سَبِي
أُعْطِيكَ، وَتَمُتِي عَلَيَّ أَرْضِيكَ، فَتَقُولُ يَا أَيْهَا النَّبِيُّ
وَفَوْقَ الْمَنِيِّ^۲

۱۲۱۵. پیامبر خدا ﷺ در بیان مقام والای فاطمه ﷺ در روز
قیامت - سوگند به آن که حانم در دست لوست، او
بانویی است که در صحه قیامت ... خداوند ﷻ
به او وحی می فرماید که: دای فاطمه! از من بخواد
تابه تو عطا کنم و آرزو کن تا حشودت گردانم و
فاطمه ﷺ می گوید: معبود من! تو خود، آرزو و
بالاتر از آرزوهای

الفصل الثالث: تفصير الآمال

۱/۳. أَوْصِيكَ بِقَصْرِ الْأَمَلِ

فصل سوم: کوتاه کردن آرزو

۱۲۱۶ رسول الله ﷺ - مِنْ وَصِيَّتِهِ إِلَى مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ لَمَّا
يَقْتُلُهُ ابْنُ الْهَيْسِ أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَحَسْبِ الْقَتْلِ
وَقَصْرِ الْأَمَلِ، وَحَسْبُ الْآخِرَةِ^۳

۱/۳. سفارش به کوتاهی آرزو

۱۲۱۶م پیامبر خدا ﷺ - از سفارش های ایشان به مُعَاذِ بْنِ
جَبَلٍ، هنگامی که او را به یمن فرستاد ...، تو را به
پروا کردن از خدا ...، سبکی کردن کردار، کوتاهی
آرزو، و عشق به آخرت، سفارش می کنم
۱۲۱۷ الأمالي، طوسی - به نقل از ابو ذر - پیامبر خدا
فرمود: دای ابو ذر! دوست داری به بهشت بروی؟
گفتم آری، پدرم به هدایت!

۱۲۱۷. الْأَمَالِي لِلطُّوسِيِّ عَنْ أَبِي ذَرٍّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:
يَا أَبَا ذَرٍّ، أَتُحِبُّ أَنْ تَدْخَلَ الْجَنَّةَ؟ قُلْتُ نَعَمْ فَذَلِكَ أَبِي
قَالَ فَأَقْصِرْ مِنَ الْأَمَلِ، وَاجْتَلِ الْمَوْتَ تُصِيبَ
عَيْنُكَ، وَاسْتَجِبْ مِنَ اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاةِ^۴

۲/۳ ما يوجب قصر الأمل

فرمود: پس، آرزو کوتاه دار و مُردن را
همواره پیش چشم خود بدار و از خداوند، چنان
که باید، شرم داشته باش!

۱۲۱۸ رسول الله ﷺ - مِنْ وَصِيَّتِهِ لِأَبِي ذَرٍّ - يَا أَبَا ذَرٍّ،
كَمْ مِنْ مُسْتَقْبَلٍ يَوْمًا لَا يَسْكُنُهُ، وَاسْتَظَرَّ عَدَا لَا
يَبْلُغُهُ

۲/۳ آنچه موجب کوتاهی آرزوست

۱۲۱۸. پیامبر خدا ﷺ - در سفارش به ابو ذر - ای ابو ذر!
سا اعارکنده روزی که آن را به پایان نمی برَد و سا
چشم به راه فردایی که به آن نمی رسد!

يَا أَبَا ذَرٍّ، لَوْ نَظَرْتَ إِلَى الْأَحْلِ وَمَسِيرِهِ لَأَبْصَحْتَ

۱ مكارم الأخلاق ج ۲ ص ۱۴۳ ح ۲۳۵۴

۲ فآويل الأملات القامرة ج ۲ ص ۴۸۴-۴۸۵ ح ۱۲

۳ تعریف الممولى ص ۲۶

۴ الأمالي للطوسي ص ۵۳۴ ح ۱۱۶۷

ای ابو ذر! اگر به اخل و فرا رسیدن آن
می نگریستی، هر آینه، آرزو را و فریکاری آن را

الْأَمَلُ وَغُرُوزُهُ^۱

دشمن می‌داشتی.

۱۲۱۹ عنه عليه السلام - في مَوْعِظَتِهِ لِأَبِي مَسْعُودٍ - يَا بَنِي مَسْعُودٍ، قَصِّرْ أَمَلَكَ، فَإِذَا أَصْبَحْتَ فَقُلْ إِنِّي لَا أُمِسِّي وَإِذَا أَمْسَيْتَ فَقُلْ: إِنِّي لَا أَصْبِحُ، وَاعْرِمْ عَلَى مُعَاوِزَةِ الدُّنْيَا، وَأَحِبِّ لِقَاءَ اللَّهِ وَلَا تَكْزُرْ لِقَاءَهُ، فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ لِقَاءَ مَنْ أَحَبَّ لِقَاءَهُ وَيَكْزُرُ لِقَاءَ مَنْ كَزَرَ لِقَاءَهُ.^۲

۱۲۲۰ عنه عليه السلام - فِي دُعَاءِ الْأَسْمَاءِ الْحُسْنَى - يَا كَرِيمُ أَنتَ سَيِّدِي وَرَحَائِي وَدُحْرِي وَدُحْرَتِي وَأَمَلِي، فَصَرِّ قَبِي الدُّنْيَا أَمَالِي وَأَدِمْ رَعْبَتِي إِلَيْكَ وَأَمَالِي^۳

الفصل الرابع التحذير من الأعمال الباطلة

۱۲۲۱ رسول الله صلى الله عليه وآله - من حُطْبَتِهِ فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ - يَا أَعْمِبَاءَ لَيَوْمٍ أَلْهَيْتُمْ أَمْوَالَهُمْ، وَطَالَبَ أَسْأَلَهُمْ، وَقَصُرَتْ أَعْمَالُهُمْ وَهُمْ يَطْمَعُونَ فِي مُجَاوِزَةِ مَوَلَاهُمْ، وَلَا يَصِلُونَ إِلَى ذَلِكَ إِلَّا بِالْعَمَلِ، وَلَا يَنْتَمُ الْعَمَلُ إِلَّا بِالْعَقْلِ^۴

۱۲۲۲ عنه عليه السلام - فِي دُعَاءِ الْأَسْمَاءِ الْحُسْنَى - وَهْدُو يَدَيَّ يَا سَيِّدِي يَا مَوْلَايَا مَرْفُوعَةً إِلَيْكَ، وَمَتَوَكِّلٌ عَلَىكَ وَتَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ فِيمَا أَتَيْتُ مِنْ سُوءٍ وَعَدَيْ وَفَيْعِ أَعْمَالِي وَطَوَّلِ أَمَالِي^۵

۱ الأمل للطوسي ص ۵۲۶ ح ۱۱۶۲

۲ مكارم الأخلاق ج ۲ ص ۳۵۰ ح ۲۶۶۰

۳ البلد الأمين، ص ۱۲۳

۴ جامع الأخبار ص ۳۹۷ ح ۱۱۰۰

۵ البلد الأمين ص ۴۲۱

۱۲۱۹ - پیامبر خدا صلى الله عليه وآله - در اندرزهایش به ابن مسعود - : ای پسر مسعود! آرزویت را کوتاه ساز و چون صبح خویش را شروع کردی، بگو به شب نمی‌رسم، و چون به شب درآمدی، بگو به صبح نمی‌رسم. جدا شدن از دنیا را فطمی بدان و تقای خدا را دوست بدان و دیدار او را ناخوش بدان؛ زیرا خداوند، دیدار کسی را که دوستدار دیدار او باشد، دوست می‌دارد و دیدار کسی را که دیدار او را ناخوش داشته باشد، ناخوش می‌دارد

۱۲۲۰ پیامبر خدا صلى الله عليه وآله - در دعای فاسمای حسنه - : ای کریم! تویی آفرای من، امید من و اندوخته من، ساز و برگ من، و آرزوی من! پس، در دب آرزوی مرا کوتاه بگردان و شوق و امل مرا به حدودت، تداوم بخش.

فصل چهارم هشدار درباره آرزوهای

بیهوده

۱۲۲۱ - پیامبر خدا صلى الله عليه وآله - از سحرانی ایشان در حَجَّةِ الْوَدَاعِ - : شگفتا از آن مردمی که داریایی ایشان، سرگردشان ساخته است و آرزوهایشان، دربر است و عمرهایشان، کوتاه؛ به زیستن در جوار پروردگارشان چشم دوخته‌اند، حال آن که بدین آرزو نمی‌رسند، مگر با عمل، و عمل انسجام نمی‌گیرد، مگر با عِز.

۱۲۲۲ - پیامبر خدا صلى الله عليه وآله - در دعای فاسمای حسنه - این دو دست من - ای سرور و ای مولای من! - به سوی تو بلند شده است و تکیه‌ام به توست و از کردارهای بد و رفتارهای رشت خویش و آرزوهای دور و درازم، به درگاه تو توبه آورده‌ام.

الفصل الخامس: مضار الآمال الباطلة

فصل پنجم: زیان آرزوهای بیهوده

۱۲۲۳. رسول الله ﷺ: إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَحَافُ عَلَى أُمَّتِي الْهَوَىٰ وَطُولُ الْأَمَلِ؛ أَمَّا الْهَوَىٰ فَبِأَنَّهُ يَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ، وَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي لآخِرَةَ^۱

۱۲۲۳. پیامبر خدا ﷺ: بالاترین نگرانی من برای امت، اعتادن به دام هوای نفس و آرزوی دراز است؛ زیرا هوای نفس، از حق باز می‌دارد و آرزوی دراز، احترت را از یاد می‌برد

۱۲۲۴. عنه ﷺ: كُونُوا مِنَ اللَّهِ عَلَى حَذَرٍ، فَمَنْ كَانَ يَأْمُلُ أَنْ يَمِيشَ غَدًا يَأْمُلُ أَنْ يَمِيشَ أَبَدًا، وَمَنْ كَانَ يَأْمُلُ أَنْ يَمِيشَ غَدًا يَتَسَوَّلُ قَلْبُهُ وَتَرَعَبُ فِي الدُّنْيَا وَيَرْهَقُ فِيمَا لَدَيْ زُبَيْهِ^۲

۱۲۲۴. پیامبر خدا ﷺ: از خداوند، بر حذر باشید؛ زیرا کسی که آرزو دارد فردا رسیده بماند، آرزوی زندگی همیشگی را دارد و کسی که آرزوی زندگی همیشگی را داشته باشد، دلش سحت می‌شود و به دنیا راعب می‌گردد و به آنچه نزد پروردگارش است، بی‌رغبت می‌شود

۱۲۲۵. عنه ﷺ: سِتَّةُ أَشْيَاءَ تُحِيطُ الْأَعْمَالُ: الْإِسْتِمَالُ بِعُيُوبِ الْخَلْقِ، وَقِسْوَةُ الْقَلْبِ، وَحُبُّ الدُّنْيَا، وَقِسْمَةُ الْحَيَاةِ، وَطُولُ الْأَمَلِ، وَطُلْمٌ لَا يَنْتَهِي^۳

۱۲۲۵. / پیامبر خدا ﷺ: شش چیز، اعمال را تباه می‌سازد: پرداختن به عیوب مردم، سنگ‌دلی، دیادوستی، تقسیم‌بندی آرزوی دراز، و ستم پایان‌ناپذیر

۱۲۲۶. عنه ﷺ: إِيَّاكُمْ وَالتَّسْوِيفَ وَطُولُ الْأَمَلِ، فَإِنَّهُ كَانَ سَبَبًا لِهَلَاكِ الْأُمَمِ^۴

۱۲۲۶. پیامبر خدا ﷺ: از کار امروز را به فردا افکندن و آرزوی دراز در سر پروراندن، سبب هیریدن و پراپها سبب هلاک امت‌ها بوده‌اند.

۱. الفصل ص ۵۱ ح ۶۲

۲. الفردوس ج ۳ ص ۲۴۱ ح ۲۷۱۹

۳. كنز العمال ج ۱۶ ص ۸۵ ح ۴۵۰۲۳

۴. مروج الذهب ج ۲ ص ۲۰۳

سخنی درباره «برکت»

برکت در لغت، به معنای تنوم، رشد و گسترش «خیر» است. از این رو، ابن عباس، برکت را به «خراوشی در هر خیری» و امام صادق علیه السلام و ژة «برکت» را به «نفع (بسیار سودمند)» تفسیر کرده‌اند. با نگاه کلی به متون، به دست می‌آید که گستره کاربرد واژه «برکت» در قرآن و حدیث در ابعاد و زمینه‌های گوناگون، تاجه حد است. در مورد اسباب برکت، چند نکته قابل توجه است:

۱. پیوند عوامل مادی و معنوی

در بررسی اسباب برکت از نگاه قرآن و حدیث، محسینی نکته مهمی که جلب توجه می‌کند، این است که در متون اسلامی، اسباب معنوی برکت، در کنار سبب مادی آن، قرار دارند. از یک سو، روایات مبرور، عبادت، طهارت، دعا، نماز، حج، استعمار و مانند اینها را زمینه‌های برکت و توسعه در زندگی معرفی می‌کنند و از سوی دیگر، دانداری، کثرت‌ورری، تحدت و کار را پشتوانه و مایه برکت و توسعه می‌دانند.

آنچه از همجواری این دو دسته از اسباب برمی‌آید، این است که در جهان‌بینی اسلامی، اعتقاد به تأثیر معنویت در خیر و برکت و توسعه و شکوفایی مادی، به معنای همی اسباب مادی پاک‌رنگ کردن نقش آنها در توسعه نیست؛ بلکه بدین معامت که اسلام، علاوه بر اسباب مادی شایسته شده برای توسعه، اسباب باشاخته و مامرنی دیگری را هم مؤثر می‌داند و معتقد است که، وردهی صحیح دینی، اخلاق شایسته، و اعمال نیکو بر در شکوفایی و توسعه اقتصادی جامعه، نقش دارند.

قرآن کریم در این باره تصریح می‌کند که:

﴿وَأُولَٰئِكَ أَهْلِ الْقُرَىٰ ۖ وَأَلْقُوا لَعْنَتَنَا عَلَيْهِمْ مَرَّكَتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۚ﴾

اگر اهل آبادی‌ها ایمان آورده بریند و پورا می‌وریدیمه برکت‌هایی را از آسمان و زمین بر آنان می‌گشاییم.

۲. جوشش برکات معنوی از درون برکات مادی

مکتبه بسیار مهم دیگر، این است که از نگاه اسلام، تنها ارزش‌های معنوی، در برکات مادی و توسعه پایدار اقتصادی و تدویم آن تأثیر دارند، بلکه عکس آن نیز درست است؛ یعنی برکات مادی هم در چهارچوب رهنمودهای اسلامی، موجب تقویت و شکوفایی ارزش‌ها و برکات معنوی می‌گردند.

اصولاً در برنامه‌ریزی اسلام برای تکامل انسان و جامعه انسانی، تکامل معنوی از توسعه مادی جدا نیست. در پرتو این نگرش، اسلام، همه تلاش‌هایی را که در جهت پدید آوردن برکات مادی صورت می‌گیرند، چنانچه با انگیزه صحیح و در جهت سارندگی انسان باشد، عبادت شمرده، مقدس می‌داند و معتقد است که برکات مادی و معنوی، تنها در کنار هم پدید خواهد آمد.

۳. نقش همداروش‌ها در رفتن برکت

همان‌گونه که ارزش‌های اعتقادی، حلقه و عملی در به وجود آمدن «حیر» و «برکت» مؤثرند، صد ارزش‌ها نیز در از بین رفتن «حیر» و «برکت» نقش دارند. بیکن شماری از صد ارزش‌ها هستند که تأثیر و نقش بیشتری در از بین رفتن «حیر» و «برکت» دارند؛ مانند: سوء بیعت، حسادت، شرارت‌جویی، ظلم، با، و ترک امر به معروف و نهی از منکر، که به طور مشروح، در فصل سوم خواهد آمد.

الْبَابُ الثَّامِسُ

بِسْمِ

برکت

الْبَرَكَةُ

الفصل بكم عوامل برکت عمر

الفصل الأول: ما يوجب بركة العمر

۱۲۲۷. پیامبر خدا ﷺ: همانا گروهی که گنهکارند،

نه نیکوکار، آن گاه که به خویشاوندان خود رسیدگی می‌کند، اموالشان افزون و عمر هایشان طولانی می‌شود تا چه رسد به آن که از سبکان و نیکوکاران باشد.

۱۲۲۸. پیامبر خدا ﷺ: هنگامی که علی علیه السلام از ایشان،

دربارهٔ این آیه ﴿وَيُؤْتِيهِمْ مِنْ رِزْقِهِمْ وَمِنْ أَثَرِ الرَّحْمَةِ﴾ را می‌پرسد، می‌گوید: «این آیه را در کتاب اصلی (توح محفوظ) نزد اوست» و می‌گوید: «با تفسیر آن، چشمانت را روشن می‌کند و از تفسیر آن، چشم امت خویش را پس از خودم، فروغ می‌بخشد. صدقه دادن به پدر شایسته، نیکی به پدر و مادر، و انجام دادن کار نیک، [که] شقاوت را به سعادت تبدیل می‌کند و بر عمر می‌افزاید».

۱۲۲۹. پیامبر خدا ﷺ: به هر کس الهام شود که در سحرش

راست بگوید رفتارش با دیگران منصفانه باشد، به پدر و مادرش نیکی نماید و با بستگانش صیلة رَحم کند، آجلش به تأخیر می‌افتد، روزی‌اش گسترش می‌یابد، از عقلش بهره‌مند می‌شود و هنگام سؤال و جواب [به مأموران الهی] به او حجت (پاسخ لازم)، تلقین (یادآوری) می‌گردد.

۱۲۳۰. پیامبر خدا ﷺ: اخلاق نیکو، صیلة رَحم و نیکی

کردن به خویشاوندان، بر عمرها می‌افزاید و خانه‌ها را آباد می‌سازد، هر چند که مردم، گنهکار باشند.

۱۲۲۷ رسول الله ﷺ: إِنَّ الْقَوْمَ لَيَكُونُونَ فَجْرَةً وَلَا يَكُونُونَ

بِرَّةً، فَيَكُونُونَ أَرْحَامَهُمْ فَتَسْمِي أَمْوَالَهُمْ وَتَطْوِيلُ أَعْمَارِهِمْ، فَكَيْفَ إِذَا كَانُوا أَبْرَارًا بِرَّةً؟^۱

۱۲۲۸ عنه عليه السلام - حِينَ سَأَلَهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَنِ قَوْلِ اللَّهِ

﴿يُؤْتِيهِمْ مِنْ رِزْقِهِمْ وَمِنْ أَثَرِ الرَّحْمَةِ﴾ أَمْ

الْكَتَبِ؟^۲ - لَا يُزِيلُ عَنْكَ تَفْسِيرَهَا، وَلَا يُزِيلُ عَنْ

أَمْنِي بِنَافِذِ تَفْسِيرِهَا: الصَّدَقَةُ^۳ عَلَى وَجْهِهَا، إِيْرُ

الْوَالِدَيْنِ، وَاصْطِلَاحُ الْمَعْرُوفِ، بِمَحْوُلِ الشَّعَاءِ سَعَادَةً،

وَيَزِيدُ فِي الْعُمُرِ^۴

۱۲۲۹ عنه عليه السلام مَنْ أَلْهَمَ الصَّدَقَ فِي كَلَامِهِ، وَالْإِنْصَافَ

مِنْ نَفْسِهِ، وَبِرَّ وَالذِّينَ، وَوَصَلَ رَجِيمِهِ، أَمْسَى لَهُ أَجَلُهُ

وَوُضِعَ عَلَيْهِ فِي رِيقِهِ، وَضَعُ بَقْلَةٍ، وَلْتَمَنَ حُجَّتَهُ وَقَتَّ

مُسَاءَلَتِهِ^۵.

۱۲۳۰ عنه عليه السلام حُسْنُ الْخُلُقِ وَصِلَةُ الْأَرْحَامِ وَبِرُّ الْأَقْرَابَةِ

تَزِيدُ فِي الْأَعْمَارِ، وَتَعْمُرُ الدِّيمَارَ وَلَوْ كَانَ الْقَوْمُ

فُجَّارًا^۶.

۱. التکفیر ج ۳ ص ۱۵۵ ح ۲۱ ۲. قرع ۲۹

۳. فی المصدر بالمعنی، والصحیح ما استشهد به فی بقیه المصادر

۴. سبل الهدی والرشاد ج ۹ ص ۲۳۵

۵. اعلام الدین ص ۳۶۵ ۶. اعلام الدین ص ۲۹۴

الفصل الثانی: ما یوجب بركة الدار

۱۲۳۱. رسول الله ﷺ إن البركة أسرع إلى البيت الذي يُقَارَبُهُ المَعْرُوفُ مِنَ الشَّعْرَةِ فِي سَبَامِ البَعِيرِ أَوْ مِنَ السَّبِيلِ إِلَى مُنْتَهَاهَا.^۱

۱۲۳۲. عنه ﷺ ما من بيت فيه النباتُ لَا تُرْتَبُ كُلُّ يَوْمٍ عَلَيْهِ اثْنَا عَشْرَةَ بَرَكَةً وَرَحْمَةٌ مِنَ السَّمَاءِ وَلَا تَقْطَعُ رِيَاةُ الْمَلَائِكَةِ مِنْ دِيكَ الْبَيْتِ، يَكْتُمُونَ لِأَسْمِهِمْ كُلَّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ عِبَادَةً سِتًّا.^۲

۱۲۳۳. عنه ﷺ إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ بَيْتَهُ فَلْيُسَلِّمْ، فَإِنَّهُ يَمُرُّهُ الْبَرَكَةُ وَتَأْتِيهِ الْمَلَائِكَةُ.^۳

۱۲۳۴. عنه ﷺ مَنْ سَمِيَ بِاسْمِي يَرْجُو بَرَكَتِي وَلاَ حَنِيءَ عَدَبَ عَلَيْهِ الْبَرَكَةُ وَرَاحَتٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.^۴

الفصل الثالث: ما يوجب البركة من الأحلاق

۱۲۳۵. رسول الله ﷺ حُسْنُ الْحُلُقِ وَكَمَلُ الْأَذَى يَزِيدَانِي فِي الرُّزْقِ.^۵

۱۲۳۶. عنه ﷺ إِذَا التَّاحَرَيْنِ حَقَّقَا بِرِيكَ لَهْمَا، فَإِذَا كَذِبَا وَحَانَا لَمْ يُبَارَكْ لَهْمَا.^۶

۱۲۳۷. عنه ﷺ الرُّزْقُ إِلَى بَيْتٍ فِيهِ الشَّجَاءُ أَسْرَعُ مِنَ الشَّعْرَةِ إِلَى سَبَامِ الْبَعِيرِ.^۷

فصل دوم: عوامل برکت خانه

۱۲۳۱. پیامبر خدا ﷺ برکت، زودتر از رسیدن تیغ به کوهان شتر یا سبیل به پایین خود، به خانه‌ای می‌رسد که از آن، بیکی به مردم می‌رسد.

۱۲۳۲. پیامبر خدا ﷺ هیچ خانه‌ای نیست که در آن، دختران باشند، مگر آن که هر روز از اسمان بر آن، دوازده برکت و رحمت، فرود می‌آید و دیدن فرشتگان از آن خانه قطع نمی‌شود [ضمن آن که] برای پدر آن، هر شب و روز، عادت یک سال را می‌بوید.

۱۲۳۳. پیامبر خدا ﷺ هر گاه یکی از شما به خانه خود وارد می‌شود، سلام کند؛ چرا که برکت می‌آورد و فرشتگان با آن، مأیوس می‌شوند.

۱۲۳۴. پیامبر خدا ﷺ هر که به نام من دم گذاری کند و با این کار، برکت و حاجتگویی مرا امید داشته باشد، برکت به سوی او خواهد آمد و ثواب قیامت [باقی] خواهد بود.

فصل سوم: احلاق برکت‌آفرین

۱۲۳۵. پیامبر خدا ﷺ خوش‌حالتی و نسیزردن دیگران، روزی را افزون می‌کند.

۱۲۳۶. پیامبر خدا ﷺ اگر دو معامله‌گر راست بگویند، برای هر دو حاجت می‌شود. پس هرگاه دروغ بگویند و خیانت کنند، برای هیچ کدام، حاجت نخواهد بود.

۱۲۳۷. پیامبر خدا ﷺ [سرعت] روزی به سوی خانه‌ای که در آن، بخشنده‌گی است، تندتر از نمودن تیغ در کوهان شتر است.

۱ الکافی ج ۴ ص ۲۹ ح ۲

۲ جامع الأخبار ص ۲۸۵ ح ۷۱۵

۳ علل الشرائع ص ۵۸۳ ح ۳۳

۴ آمد ثوابه ج ۱ ص ۵۳۵ رقم ۷۱۵

۵ فقره دوس ج ۲ ص ۱۴۰ ح ۲۷۱۲

۶ الکافی ج ۵ ص ۱۷۲ ح ۲

۷ تاریخ دمشق ج ۱۳ ص ۲۴ ح ۳۰۳۱

۱۲۳۸ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَالَ الرَّقِيقُ الزَّيَادَةَ وَالْبَرَكَاتِ وَمَنْ يُحَرِّمُ
الرَّقِيقُ يُحَرِّمُ الْخَيْرَ.^۱

۱۲۳۹ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْأَمَانَةُ تَجْلِبِبُ الرَّقِيقَ^۲

۱۲۴۰ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْقَضَاةُ بَرَكَاتٌ^۳

الفصل الرابع: ما يوجب البركة

من الأدكار والعبادات

۱۲۴۱ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا قَالَ الْعَبْدُ ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ قَالَ اللَّهُ - حَقٌّ جَلَالُهُ - بَدَأَ عَبْدِي بِاسْمِي،

وَحَقٌّ عَلَيَّ أَنْ أُنْعِمَ لَهُ مُوَدَّةً، وَأُبَارِكَ لَهُ فِي أَعْوَالِهِ^۴

۱۲۴۲ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ كُلُّ أَمْرِ ذِي بَالٍ لَا يُبْدَأُ بِهِ بِحَمْدِ اللَّهِ
وَالصَّلَاةِ عَلَيْهِ نَهَى أَطْعَمَ أَبْرًا، مَمْحُوقٌ مِنْ كُلِّ بَرَكَاتٍ^۵

۱۲۴۳ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَكْثَرُوا الْأَسْبَحَارَ نَعَلْتُوا لِرُزْقِي^۶

۱۲۴۴ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الصَّلَاةُ مِنْ شَرَائِعِ الدِّينِ، وَفِيهَا مَرَصَأُ

الرُّبِّ بَلَدٌ، فِيهِ مِنْهَاجُ الْأَنْبِيَاءِ وَلِلْمُضَلِّي حُبُّ

الْمَلَائِكَةِ، وَهُدًى، وَإِيمَانٌ، وَبُورُ الصَّعْرِفَةِ، وَبَرَكَاتٌ فِي

الرَّقِيقِ^۷

۱۲۴۵ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَلَاةُ اللَّيْلِ... بَرَكَاتٌ فِي الرَّقِيقِ^۸

۱۲۴۶ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حُجَّوْا تَسْتَسُوا^۹

۱. الذکاء ج ۲ ص ۱۱۹ ح ۷

۲. الذکاء ج ۵ ص ۱۳۳ ح ۷

۳. التجمیع ص ۱۶۰

۴. بیون اخبار الرضا ج ۱ ص ۳۰۰ ح ۵۹

۵. کنز العمال ج ۱ ص ۵۵۸ ح ۲۵۱۱

۶. المحصول ص ۶۱۵ ح ۱۰ ۷. المحصول ص ۵۲۲ ح ۱۱

۸. إرشاد القلوب ص ۱۹۱

۹. کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۳۶۵ ح ۲۳۸۷

۱۲۳۸. پیامبر خدا ﷺ در مداره، فیروزی و برکت است
و هر که از مدارا محروم باشد، از خیر، محروم
گشته است.

۱۲۳۹. پیامبر خدا ﷺ امانتداری، روری می آورد.

۱۲۴۰. پیامبر خدا ﷺ قضاوت، برکت است

فصل چهارم: ذکرها و عبادت‌های

برکت‌آفرین

۱۲۴۱. پیامبر خدا ﷺ: هر گاه بنده بگوید ﴿بِسْمِ اللَّهِ

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾، خدای متعال می فرماید: «بنده

من، با نام من آغاز کرد بر من رواست که

نگرهایش را به انجام رسانم و او را در همه حال،

برکت دهم»

۱۲۴۲. پیامبر خدا ﷺ هر چیر با اطمینانی که با حمد

خداوند و درود فرستادن بر من آغاز نشود، بُریده

و ناقص و نهی از هر برکت است.

۱۲۴۳. پیامبر خدا ﷺ سحر استعمار کنید تا روری را

فراهم آورید.

۱۲۴۴. پیامبر خدا ﷺ نماز، از آیین‌های دین است و

رضای پروردگار، در آن است و آن، راه پیامبران

است. برای نمازگزار، دوستی فرشتگان، هدایت،

ایمان، فروغ معرفت و برکت در روزی است.

۱۲۴۵. پیامبر خدا ﷺ نماز شب... برکت در روزی

است

۱۲۴۶. پیامبر خدا ﷺ: حج بگذارید تا بی بار شوید.

الفصل الخامس: ما يوجب البركة من الأعمال

الكتاب

﴿قُلْ إِنْ رِبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَهَذَا أَنْتُمْ تَنْتَهِمُونَ﴾^۱
 ﴿الرِّزْقَ بَيْنَ﴾^۲

الحديث

۱۲۴۷. رسول الله ﷺ تَصَدَّقُوا، فَإِنَّ الصَّدَقَةَ تَرْبِدُ فِي الْمَالِ كَثْرَةً وَتَصَدَّقُوا زَجَمَكُمْ اللَّهُ^۳

۱۲۴۸. عَنْهُ ﷺ الرُّزْقُ إِلَى مُطْعِمِ الطَّعَامِ أَسْرَعَ مِنَ السَّكْبِ إِلَى فِرْقَةِ النِّعَمِ. وَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُبَاهِي بِمُطْعِمِ الطَّعَامِ التَّلَابِكَةَ^۴

۱۲۴۹. عَنْهُ ﷺ إِنْ صِلَتْ الرِّحْمُ تَرْبِدُ فِي الرُّزْقِ^۵

۱۲۵۰. عَنْهُ ﷺ الْبِرُّ وَحَسَنُ الْخَوَارِ بِيَادِهِ فِي الرُّزْقِ. وَجِمَارَةٌ فِي الدُّنْيَا^۶

۱۲۵۱. عَنْهُ ﷺ مَنْ اقْتَصَدَ فِي مَعِيشَتِهِ رَزَقَهُ اللَّهُ، وَمَنْ يَدَّرَ حَرَمَهُ اللَّهُ^۷

۱۲۵۲. عَنْهُ ﷺ تَرْفَعُ الْبِرُّ كَفًى مِنَ التَّيِّبِ إِذَا كَانَتْ مَعَهُ الْكَسَاسَةُ^۸

۱۲۵۳. عَنْهُ ﷺ: اتَّخِذُوا الْأَهْلَ قَابَةً أَرْزُقُوا لَكُمْ^۹

۱۲۵۴. عَنْهُ ﷺ عَائِدُ الْمَرِيضِ يَحْصُصُ فِي الْبِرِّ كَةَ. قِيَادُ

فصل پنجم، کارهای برکت آفرین

قرآن

﴿بِئْسَ مَا كَانَتْ يَوْمَئِذٍ لِمَنِ الْمَالُ﴾^۱
 ﴿كُلٌّ فِي أَفْئِدَةٍ مَسْخُورَةٍ﴾^۲
 ﴿وَمَا أَمْوَالُهُمْ فِي شِرْكٍ﴾^۳
 ﴿وَمَا أَمْوَالُهُمْ فِي شِرْكٍ﴾^۴

حدیث

۱۲۴۷. پیغمبر خدا ﷺ صدقه دهید؛ چرا که صدقه، بر مال می‌افزاید. صدقه دهید؛ خداوند، شمار را رحمت کند!

۱۲۴۸. پیغمبر خدا ﷺ [شتاب] روری به سوی اطعام کننده، سریع‌تر از [هر دو رفتن] چاقو در کوهان شتر است و خداوند متعال بر فرشتگان، به [وجود این] اطعام کننده، مباهات می‌کند.

۱۲۴۹. پیامبر خدا ﷺ به یثیب، صیلة زجیم، روزی را می‌افزاید.

۱۲۵۰. پیغمبر خدا ﷺ بیکی و رفار نیک با همسایه، مایه افزایش روری و آمانانی دنیا است.

۱۲۵۱. پیغمبر خدا ﷺ هر که در زندگانی‌اش میانمروی کند، خداوند، روری‌اش می‌دهد و هر کس ولحرحی کند، خداوند، محرومش می‌سازد.

۱۲۵۲. پیغمبر خدا ﷺ از خانه‌ای که در آن خاکسرویه باشد، برکت، برداشته می‌شود.

۱۲۵۳. پیغمبر خدا ﷺ همسر انتخاب کند؛ چرا که برایتان روری آورتر است.

۱۲۵۴. پیغمبر خدا ﷺ عیادت کنسۀ بیمار، در برکت

۱. س. ۳۹.
 ۲. تنبيه العوامل ج ۱ ص ۱۷۱
 ۳. دهائم الإسلام ج ۲ ص ۳۳۱ ح ۱۲۴۹
 ۴. الأصول الستة عشر ص ۷۷
 ۵. الکامل ج ۲ ص ۱۲۲ ح ۲
 ۶. تکرر الصلوات ج ۱ ص ۱۵ ح ۴۰۲ ح ۱۵۶۰
 ۷. الکامل ج ۵ ص ۳۲۹ ح ۶

جَلَسَ انَّمَسَّ دِيهَا^۱

و لرد می‌شود و چون نزد بیمار بشیید، در برکت

درو می‌رود.

۱۲۵۵ عَنْهُ ﷺ بَارَكَ اللَّهُ عَلَى سَهْلِ الْبَيْعِ، سَهْلِ الشُّرَايِ،

۱۲۵۵ پیامبر خدا ﷺ - برکت خدا بر کسی باد که آسان

سَهْلِ الْقَصَا، سَهْلِ الْإِقْتِصَا.^۲

می‌فروشد، آسان می‌خرد، آسان می‌پردازد و

۱۲۵۶ عَنْهُ ﷺ رَجَعْتُمْ عَلَى طَعَامِكُمْ، وَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ

آسان مطالبه می‌کند!

عَلَيْهِ، يُبَارِكْ لَكُمْ فِيهِ.^۳

۱۲۵۶ پیامبر خدا ﷺ - با هم عدا بجزورید و خدا را بر آن

الفصل السادس: ما يوجب البركة من

نام ببرید تا خداوند به آن، برکت دهد.

الأدعية

فصل ششم. دعا‌های برکت‌آفرین

الكتاب

قرآن

﴿وَأَنزَلَ رَبِّي مُرْسَلًا مُّنْزَلًا وَمَأْتٍ خَيْرٌ

﴿و بگو: پروردگارا! مرا در جایی نازل کن که تو

أَنزَلْتَنِي﴾^۱

بهترین می‌ماند و از آنجا

الحديث

حدیث

۱۲۵۷ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - بِعَلَيٍّ ؑ - بِمَا عَلَيَّ، إِذَا نَزَلَتْ

۱۲۵۷. پیامبر خدا ﷺ - خطاب به علی ؑ - ای علی!

مَنْزِلًا قُلْتُ اللَّهُمَّ أَنْزِلْنِي مُرْسَلًا مُّبَارَكًا وَمَتَّ خَيْرُ

هر گاه، در جایی فرود آمی، بگو: ا-خداها! مرا در

الْمُرْسَلِينَ^۲

مسلک‌گامی نخبسته فرود آور، که تو بهترین

۱۲۵۸ عَنْهُ ﷺ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي، وَرَمِّحْ لِي فِي

فرود آورندگان!

رِدْقِي، وَبَارِكْ لِي فِي مَا رَزَقْتَنِي^۳

۱۲۵۸. پیامبر خدا ﷺ - در دعا - بار خداها! گناهانم را

۱۲۵۹. الكافي عن أبي عبد الله البرقي رفعه: لَمَّا رَوَّجَ

پامرز و روزی‌ام را وسعت بخش و در آنچه به من

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَاطِمَةَ قَالُوا: يَا زُقَايَ وَابْنَيْ، فَقَالَ

روزی دادهای، برکت قرار بده

۱۲۵۹ الکافی - به نقل از ابو عبد الله برقی: در حدیثی

۱ کثر القوائد ج ۱ ص ۲۷۹

که سند آن را به اهل بیت ؑ - رسانده است چون

۲ تهذيب الأحكام ج ۷ ص ۱۸ ح ۷۹

پیامبر خدا، فاطمه ؑ را به همسری داد، گفت: یا

۳ سنن أبی داود ج ۳ ص ۲۴۶ ح ۲۷۶

[دعا برای] سازش و فرزندان؟

۱ المؤمنون ۲۹

۵ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۲۹۸ ح ۲۵۰۸

۶ سنن ترمذی ج ۵ ص ۵۲۷ ح ۳۵۱۰

لَا تَلْ عَلَى الْخَيْرِ وَالْبَرَكَةِ^۱

فرمود: «نه! بدکه با خیر و برکت».

۱۲۶۰. رسول الله ﷺ - كَانَ يَقُولُ عِنْدَ اسْتِيقَاضِهِ مِنْ نَوْمِهِ - اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذَا الْيَوْمِ وَبُورَهُ، وَخَيْرَ بَرَكَتِهِ، وَخَيْرَ رُوحٍ وَمُعَاوَنَةٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَهُ وَخَيْرَ مَا فِيهِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ^۲

۱۲۶۰. پیامبر خدا ﷺ - وقتی که از خواب بیدار می شد، این دعا را می خواند - بار خدایا! از تو خیر و روشنی، و هدایت و برکت، و پاکی و عافیت این روز را می طلبم بار خدایا! از تو خیر این روز و آنچه را در آن است، می خواهم و از شر آن روز و شر آنچه پس بر آن است، به تو پناه می برم

۱۲۶۱. عنه ﷺ - إِذَا دَخَلَ رَجَبٌ قَالَ - اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي رَجَبٍ وَشَعْبَانَ، وَفِي مَآرِمَ رَمَضَانَ^۳

۱۲۶۱. پیامبر خدا ﷺ - هرگاه ماه رجب وارد می شد - بار خدایا! رجب و شعبان را بر ما مبارک کن و ما را به رمضان برسان

۱۲۶۲. عنه ﷺ اللَّهُمَّ احْتَنِي أَحْشَاءَكَ حَتَّى كَأَنِّي أُرَاكَ أَبَدًا حَتَّى الْفَلَاحِ، وَأَسْعِدِي بِتَقْوَاكَ وَلَا تُنْقِبِي بِتَعْصِيَّتِكَ، وَجِرْ لِي فِي قَصَائِكَ وَبَارِكْ لِي فِي قُدْرِكَ، حَتَّى لَا أَحِبُّ تَحْصِيلَ مَا أَحْرَبَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَلْتُ^۴

۱۲۶۲. پیامبر خدا ﷺ: بار خدایا! مرا چنان کن که از تو بترسم، تا آن جا که گویا تو را می بینم! همیشه تا هنگامی که دیدارت کنم و مرا با پروای از خودت، احاطه دهند کن و با نافرمانی ات، به شقاوت من میبکشی و هر حکمی جویش، برایم حوی را برگزین و در تقدیر خود، برایم مبارکی قرار بده، تا دوست نداشته باشم که آنچه تو به تأخیر انداختی، جلو افتد و یا آنچه تو جلو انداخته ای، به تأخیر افتد

الفصل السابع: آماس ذو حرکه

۱ / ۷ الأنبياء ﷺ

الكتاب

فصل هفتم: انسان های بابرکت

۱ / ۷. پیامبر ﷺ

قرآن

«گفته شد ای روح! با درودی از ما و برکت هایی بر تو و بر گروه هایی که با تو همراه اند، فرود آی، و گروه هایی هستند که به رودی برخورد دارند می کنیم سپس از جانب ما هدایی در دنیا که به آنان می رسد»

«و به او (ابراهیم) و به اسحاق، برکت دادیم و از سل آن دو، برخی بیکوکار و [برخی] آشکارا به خود مشکور بودند»

«فَإِنَّ يَنْتَوَخُ أَهْبَطَ بِسَلَامٍ مَنَّا وَبِرَحْمَةٍ عَلَيْنَا وَعَلَى أُمَّمٍ يُدِيرُ شَعْنَكَ وَأَعْلَمَ سَتْنُفَعُهُمْ كَمْ يَحْمِلُهُمْ مَنَّا عَذَابَ أَلِيمٍ»^۵

«وَمَرْكَتُ عَلَيْنَا وَعَلَى إِبْرَاقٍ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا طُحْسِنُ وَفَالِمْ لِنُطْسِبَهُ نَعِينُ»^۶

۱. التکالی ج ۵ ص ۵۶۸ ح ۵۲

۲. مکرم الاملاق ج ۱ ص ۹۶ ح ۱۸۱

۳. شعب الإبراق ج ۳ ص ۳۷۵ ح ۳۸۱۵

۴. المعجم الأوسط ج ۶ ص ۱۲۱ ح ۵۹۸۲

۵. هود ۵۸ ۶. الصافات ۱۱۲

﴿وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْضَعَ بِي الصَّلَاةَ
وَالزُّكُوةَ مَا كُنْتُ حَيًّا﴾^۱

الحدیث

است

حدیث

۱۲۶۳ رسول الله ﷺ - فِي قَوْلِ عِيسَى ﷺ فِي الْآيَةِ
﴿وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ﴾ قَالَ - جَعَلَنِي نَقَاعًا
أَيْنَ اتَّجِهْتُ^۲

۲/۷. خاتم الانبياء ﷺ

۱۲۶۴ رسول الله ﷺ جِيلٌ فِي النُّبُوَّةِ وَالْبَرَكَةِ^۳

۲/۷. خاتم پیامبران ﷺ

۱۲۶۵ الإمام عليّ ﷺ - لِي خُطْبَةٌ ذَكَرَ فِيهَا النِّعَمَةُ
بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ - أَنْظَرُوا إِلَيَّ مَوَاقِعَ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ حِينَ
نَعَتْ إِلَيْهِمْ رَسُولًا. فَمَقَدْ بَطَلَتْ طَاعَتَهُمْ. وَجَنَحَ عَلَى
دَعْوَتِهِ أَلْسِنُهُمْ. كَيْفَ تَشْرَبُ النِّعَمَةَ عَلَيْهِمْ خَسَاحُ
كِرَامَتِهَا. وَأَسَالِبُ لَهُمْ جَدُولَ سِمِهَا. وَالنَّعْبَ السَّلَّةُ
يَوْمَ فِي غَوَائِدِ بَرَكَتِهَا. فَأَصْبَحُوا فِي نِعْمَتِهَا غَسْرَفِينَ.
وَمِنْ خُمُورِ عَيْشِهَا فَكُهُونُ^۴

﴿[عیسی در گهواره گفت: -] و هر جا که باشم، مرا با برکت
ساخته و تا زنده‌ام، به نماز و زکات، سقارش کرده

۱۲۶۳. پیامبر خدا ﷺ - دربارهٔ سخن عیسی ﷺ، در [این]
آیه که گفت ﴿در مرا، هر جا که باشم، مبارک قرار داد﴾ -
مرا به هر طرف که روی آورم، بسیار سودبخش
قرار داد.

۱۲۶۴ پیامبر خدا ﷺ در من، پیامبری و برکت، سعاد
ت است

۱۲۶۵ / امام علی ﷺ - در خطبای که نعمت وجود
پیامبر خدا را بیان می فرماید: - به جایگاه‌های
نعمت‌های خدا بر آنان، سگر بند، ان گاه که
پیامبری به سوبشان فرستاد و با آپس او، پیمان
اطاعتشان را استوار ساخت و با دعوت او، آفتشان
را فراهم آورد و این که چگونه نعمت، بال کرامت
خود را بر سر آن گشود و جویبارهای بهره‌مندی
را به سوی آنان، روان ساخت و آپس، آنان را بر
سر سفرهٔ برکتش به هم پیوند داد، تا آن که غری در
نعمت‌ها و برحوردن از طراوت زندگی شدند

۱۲۶۶ امام باقر ﷺ - در توصیف پیامبر خدا: - برکتی
بزرگ [بود] بود با کسی سخن نمی‌گفت، مگر آن که
از ایشان می‌پذیرفت.

۳/۷. اهل بیت ﷺ

۱۲۶۷ پیامبر خدا ﷺ - در وصف اهل بیتش و برکت
آنان - به سبب آنان، سرزمین‌های خدا آباد

۱۲۶۶ الإمام الباقر ﷺ - عِي وَصَفَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ - كَانَ
بَرَكَهٌ لَا يَكَادُ يَكْلُمُ أَحَدًا إِلَّا أَجَابَهُ^۵

۳/۷. اهل النبیت ﷺ

۱۲۶۷ رسول الله ﷺ فِي حِفْهِ أَهْلِ بَيْتِهِ ﷺ وَبَرَكَتِهِمْ - بِهِمْ
يَعْمُرُ بِلَادُهُ، وَبِهِمْ يَرْزُقُ عِبَادُهُ، وَبِهِمْ نَزَلَ الْقَطْرُ مِنْ

۱ مریم ۳۱

۲ سبله الأولیاء ج ۳ ص ۲۵

۳ معانی الأنبياء ص ۵۶ ح ۱

۴ نهج البلاغه الخطبة ۱۹۲

۵ الأمالی للصدوق ص ۱۸۱ ح ۶۵۰

السَّماءِ، وَبِهِمْ يُخْرِجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ.^۱

۴/۷ الجماعة

۱۲۶۸ رسول الله ﷺ الْجَمَاعَةُ بَرَكَهٌ، وَالْفَرَقَةُ عَذَابٌ.^۲

۱۲۶۹ عَنْهُ ﷺ كُنُوا جَمِيعًا وَلَا تَفْرُقُوا فَإِنَّ الْبَرَكَهَ مَعَ الْجَمَاعَةِ.^۳

۵/۷ الْمُؤْمِنِ

۱۲۷۰ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنْ لَمْ يَلِدْ إِذَا رَأَى أَهْلَ قَرْيَةٍ قَدْ

أَسْرَمُوا فِي الْمَعَاصِي وَفِيهَا ثَلَاثُ قَرَرٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ،
بَادَاهُمْ جَلُّ خَلَالَةٍ وَقَدْ تَبَّ أَسْمَاؤُهُ.

يَا أَهْلَ تَحِيَّتِي، لَوْلَا فَيْكُمُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ
الْمُسْتَغْنَيْنِ بِجَلَالِي، الْعَامِرِينَ بِصَلَاتِهِمْ فِي مَسْجِدِي
وَمَسَاجِدِي، وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْعَارِ حَبِيبِي وَنَحْيِي.
لَأَنْزَلْتُ بِكُمْ عَذَابِي ثُمَّ لَا أَبَالِي.^۴

۶/۷ الْبَيَاتُ

۱۲۷۱ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَعْنِي الْوَسْدُ الْبَيَاتُ؛ مُطَهَّاتٌ،

مُجَهَّرَاتٌ مُؤَيَّسَاتٌ، مُبَارَكَاتٌ مُعْلَيَّاتٌ.^۵

۱۲۷۲ عَنْهُ ﷺ رَحِمَ اللَّهُ أَبَا الْبَيَاتِ، الْبَيَاتُ مُبَارَكَاتٌ
مُحَبَّبَاتٌ، وَالتَّبَسُّمُ مُبَشِّرَاتٌ وَهِيَ الْبَاقِيَاتُ
الصَّالِحَاتُ.^۶

می شود و به خاطر آنان، پندگاران خدا روزی
می بزد و به سبب آنان، خداوند از آسمان، باران
می فرستد و بر کسهای زمین را می رویاند.

۴/۷ جماعت

۱۲۶۸ پیامبر خدا ﷺ جماعت، برکت است و تفرقه،
عذاب

۱۲۶۹. پیامبر خدا ﷺ با هم عدا بحورید و پراکنده
باشید، که برکت با جماعت است

۵/۷ مؤمن

۱۲۷۰. پیامبر خدا ﷺ هرگاه، خداوند ﷻ، اهل ابدی ای
را ببیند که در گناهان، ریاده روی می کند و در میان
آنکس، سه نفر با ایمان هست، به آنان خطاب می کند
ای کسانی که باقرمانی ام می کنید! اگر میان شما
هر مسلمانی بود که در پرتو جلال من،^۱ با هم دوستی
کند و با سوارشان زمین و مساجد مرا آباد سازد و
سحرگاهان، از بیم من به استغفار بپردازد، عذابم را
بر شما نازل می کردم و ماکی هم نداشم.

۶/۷ دختران

۱۲۷۱. پیامبر خدا ﷺ: دختران، خوب فرزندانی اند؛
دارای عاطفه، مهیا کننده، همدم، دارای برکت، و
پاکیزه کننده اند.

۱۲۷۲. پیامبر خدا ﷺ، رحمت خدا بر پدری که دارای
دخترانی است! دختران، دارای برکت و
دوست دشتی اند و پسران، بشارت آوردند دختران،
باقیات الصالحات (باز ماندگان شایسته) کاند

۱ اشاره است به این که دوستی و همدلی نفس ایمان جلوه
جلال الهی است

۱ کمال الدین ص ۲۶۰ ح ۵
۲ شعب الایمان ج ۱ ص ۱۰۲ ح ۱۴۱۹
۳ سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۰۹۴ ح ۳۲۸۷
۴ حلی الشرائع ص ۲۴۶ ح ۱
۵ الکافی ج ۶ ص ۵ ح ۵
۶ مستدرک الوسائل ج ۱۵ ص ۱۱۵ ح ۱۷۷۰۰

۷/۷. الْأَكَابِرُ

۷/۷. بزرگان

۱۲۷۳ رسول الله ﷺ الْبِرَّةُ مَعَ أَكَابِرِكُمْ^۱

۱۲۷۳. پیامبر خدا ﷺ: برکت، با بزرگان شماست.

۱۲۷۴ عَنْهُ ﷺ الْخَيْرُ مَعَ أَكَابِرِكُمْ^۲

۱۲۷۴. پیامبر خدا ﷺ: خیر، همراه بزرگان شماست.

۸/۷. أَهْلُ الْعُرُوفِ

۸/۷. اهل نیکی

۱۲۷۵ رسول الله ﷺ: أَحِبُّوا الْعُرُوفَ وَأَهْلَهُ فَقَوْلَا دِي نَمِي

۱۲۷۵. پیامبر خدا ﷺ: نیکی و نیکوکاران را دوست

بدارید. سوگند به آن که جانم به دست اوست،

يَبْدُو إِنْ الْبِرَّةَ وَالْعَامِيَّةَ مَتَهُمَا^۳

برکت و تن درستی، با نیکی و نیکوکاران هست.

الفصل الثامن. حيوانات ذات بركة

فصل هشتم. حیوانات با برکت

۱۲۷۶ رسول الله ﷺ: إِنْ فِي أَوَالِ الْأَيْلِ وَالْأَهْلِ شَاءَ لِيَدْرِيَةِ
بَطُونُهُمْ^۱

۱۲۷۶. پیامبر خدا ﷺ: در ادرار و شیر شتر، درمانی

برای مبتلایان به ذرب^۱ است.۱۲۷۷ عَنْهُ ﷺ: عَلَيْكُمْ بِالْقَسَمِ وَالْعَرَبِ: فَإِنَّهُمَا تَرَوَحَانِ بَخِيرٍ
وَيَمْدَوَانِ بَخِيرٍ^۲

۱۲۷۷. پیامبر خدا ﷺ: گوسفنداری و کشاورزی کنید،

که این دو با خیر، بیرون می‌روند و با خیر [و]

برکت [تر] می‌گردند.

۱۲۷۸ الْإِمَامُ الْمَافِقِيُّ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَمَنْ سَمِيَ: مَا يَمْتَلِكُ
أَنْ تُجِدِي فِي بَيْتِكَ بَرَكَةً؟

۱۲۷۸. امام باقر ﷺ: پیامبر خدا به همه‌اش فرمود، چرا

در خانه‌ات برکتی نگه نمی‌داری؟^۳

قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا الْبَرَكَةُ؟

گفت: ای پیامبر خدا! برکت چیست؟

قَالَ شَاءَ تُحَلَبُ، فَإِنَّهُ مَسْ كَانِ فِي دَارِهِ شَاءَ
تُحَلَبُ أَوْ نَعِيَّةٌ أَوْ بَقَرَةٌ تُحَلَبُ فَيَزَكَّتُ كُلُّهُمْ^۴

فرمود: اگر گوسفندی که دوشیده می‌شود، همانا

در خانه هر کس گوسفندی یا میشی و یا گاو

۱۲۷۹ رسول الله ﷺ: الْحَيْلُ تَعْقُدُ فِي نَوَاصِيهَا الْخَيْرُ إِلَى
يَوْمِ الْقِيَامَةِ^۵

باشد که دوشیده می‌شود، همه اینها برکت‌اند.

۱۲۷۹. پیامبر خدا ﷺ: در پیشانی اسب‌ها تا روز

قیامت، خیر، گیر، خورده است.

۱۲۸۰ عَنْهُ ﷺ: الشَّاءُ فِي الدَّارِ بَرَكَةٌ، وَالْدُّجَاحُ فِي

۱۲۸۰. پیامبر خدا ﷺ: گوسفند در خانه، برکت است.

۱. المستدرک علی الصحيح ج ۱ ص ۱۳۱ ح ۲۱۰

۲. كنز العمال ج ۳ ص ۱۷۲ ح ۶۰۱۶

۳. كنز العمال ج ۶ ص ۳۲۵ ح ۱۵۹۷۴

۴. مستدرک حیل ج ۱ ص ۶۲۹ ح ۲۶۷۷

۵. الفصائل ص ۱۵ ح ۱۴. ۶. الکافی ج ۶ ص ۵۴۵ ح ۷

۷. الکافی ج ۵ ص ۴۸ ح ۲

۱. ذرب، نوعی بیماری معده است که در آن، معده غذا را
مضمض می‌کند و در نتیجه، غذا در آن تلف می‌شود و
می‌ماند

الدَّارِ بَرَكَةٌ^۱

مربع در خانه، برکت است.

الفصل التاسع. أزمان ذات بركة

فصل نهم. زمان‌های مایرکت

الكتاب

قرآن

﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُذًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ لِّمَنِ أَنْهَدَى وَالْفَرْقَانِ﴾^۲

الحديث

است

﴿ماه رمضان [همان ماه] است که در آن، قرآن فرود فرستاده شده است، [کتابی] که مردم را راهبر و [مستصفا] دلایل آشکار هدایت و [میزان] تشخیص حق از باطل

حدیث

۱۲۸۱ رسول الله ﷺ شَهْرُ رَمَضَانَ شَهْرُ اقْبَهِ وَهُوَ شَهْرٌ يُصَاعِفُ فِيهِ الْحَسَنَاتِ، وَيَمْحُو فِيهِ السَّيِّئَاتِ، وَهُوَ شَهْرُ الْبَرَكَةِ^۳

۱۲۸۱ پیامبر خدا ﷺ، ماه رمضان، ماه خجاست و آن، ماهی است که خداوند در آن، حسنات را می‌آفریند و گناهان را پاک می‌کند و آن، ماه برکت است

۱۲۸۲ عَنْهُ ﷺ شُمِّيَ شَهْرُ رَجَبٍ شَهْرُ اَهْلِ الْاَمْتِ لِأَنَّ الرَّحْمَةَ عَلَى أُمِّي نُسِبُ صَبَاً فِيهِ^۴

۱۲۸۳ عَنْهُ ﷺ إِنَّمَا شُمِّيَ شَعْبَانُ لِأَنَّهُ تَشَعَّبَتْ فِيهِ أَدْرَانُ الْفُؤُصَيْنِ (الرَّمَضَانِ) وَهُوَ شَهْرُ الْعَمَلِ، فِيهِ تُصَاعَفُ الْحَسَنَةُ سَبْعِينَ، وَالسَّيِّئَةُ مَحْطُوطَةٌ وَالذُّبُّ مَعْفُورٌ، وَالْحَسَنَةُ مَقْبُولَةٌ^۵

۱۲۸۳ پیامبر خدا ﷺ: رجب، ماه خدا، را دَأَصْتُ (پر ریش ترا) نامیدم؛ چرا که در این ماه، بر ائمت (از سوی پروردگار)، رحمت فراوان، فرو می‌ریزد.

۱۲۸۴ عَنْهُ ﷺ الْجُمُعَةُ كَفَّارَةٌ لِّمَا بَيْنَهَا وَبَيْنَ الْجُمُعَةِ الَّتِي قَبْلَهَا وَرِيَادَةٌ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ؛ وَذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ ﷻ مَالٌ هَمِّنَ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَثْمَالِهَا^۶

۱۲۸۳ چون روزه‌های مردم تا رمضان، در آن تقسیم می‌شود و این ماه، ماه عمل است. در این ماه، کار بیک، هفتاد برابر می‌گردد، سیئه (بدی) ریخته می‌شود، گناه، آمرزیده می‌گردد و حسنه، پذیرفته می‌شود

۱ کنز العمال ج ۱۲ ص ۳۲۶ ح ۲۵۲۳۸

۲ البیرونی ۱۸۵

۳ فضائل الأشهر الثلاثة ص ۹۵ ح ۷۸

۴ التواتر للشمري ص ۱۸ ح ۲

۵ ثواب الأعمال ص ۸۷ ح ۱۶

۶ الأنعام ۱۶۰

۷ المعجم الكبير ج ۳ ص ۲۹۸ ح ۳۵۹

۱۲۸۳ - پیامبر خدا ﷺ جمعه، کفاره خطاهای بین جمعه

تا جمعه فیش و سه روز افرود بر آن است؛ چرا

که خداوند ﷻ فرموده است: ﴿هر کس حسنه‌ای (کار

نیکی) آورده ده برابر پاداش دارد﴾

۱۲۸۵. عَنْهُ عليه السلام اللَّهُمَّ بَارِكْ لِأُمَّتِي فِي بُكُورِهَا. ^۱

۱۲۸۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدایا! بختم را در صبح رودشان،

برکت بخش.

الفصل العاشر، أطعمة ذات بركة

۱۲۸۶. رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله نِعِمَّ السَّوَالُكُ الزُّيْتُونُ مِنَ الشَّجَرَةِ

الْمُبَارَكَةِ، يُطَيِّبُ الْقَمَّ، وَيَذْهَبُ بِالْحَمْرِ، هُوَ سَوَاكِي
وَسَوَاكُ الْأَنْبِيَاءِ قَبْلِي ^۲

۱۲۸۷. عَنْهُ عليه السلام تَكْرُمُوا الْخُبْزَ وَعَظُمُوهُ؛ فَإِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ
وَتَعَالَى - أَنْزَلَ لَهُ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ، وَأَخْرَجَ بَرَكَاتٍ
الْأَرْضِ ^۳

۱۲۸۸. عَنْهُ عليه السلام ضَرُّو رُعَمَانَكُمْ، فَإِنْ نَفَعَ كُلُّ رُعَمِيٍّ
بَرَكَهً ^۴

۱۲۸۹. عَنْهُ عليه السلام أَطْعَمُوا الْمَرْأَةَ فِي شَهْرِهَا الَّذِي تَلِدُ فِيهِ
الْثَمَرَ، فَإِنَّ وَلَدَهَا يَكُونُ حَلِيمًا نَقِيًّا ^۵

۱۲۹۰. عَنْهُ عليه السلام تَمَكَّهُوا بِالْبَطِيخِ، فَإِنَّهَا مَا كَيْهَةُ الْجَنَّةِ.
وَمِنْهَا أَلْفُ بَرَكَهٍ وَأَلْفُ رَحْمَةٍ، وَأَكْلُهَا شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ
دَوَاءٍ ^۶

۱۲۹۱. عَنْهُ عليه السلام شَكَائِي قَبِيٍّ قَبِيٍّ إِلَى اللَّهِ ضَعْفًا فِي بَذَرِهِ
فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ: يَا أَطْبَحَ اللَّحْمِ وَاللَّيْنِ، فَإِنِّي
قَدْ جَعَلْتُ الْبَرَكَهَ وَالْقُوَّةَ فِيهِ ^۷

فصل دهم، خوراکی‌های بابرکت

۱۲۸۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوب مساکی است شاخه

زیتون؛ از درخت مبارک، دهان را خوشبو

می‌سازد و پوستیدگی دندان را می‌رداید و آن،

مساکی من و مساکی پیامبران پیش از من است.

۱۲۸۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نان را گرمی مداوید و بزرگ

بشمارید؛ چرا که خداوند - تبارک و تعالی - برای

تهیه آن، برکاتی (بران) را از آسمان، فرو فرستاده

و برکاتی را از زمین، بیرون آورده است

۱۲۸۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گرده‌های نان را کوچک بگیرد،

که مآثر گیرنده‌ای، برکتی است

۱۲۸۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به زن، در ماهی که می‌خواهد

فرزند بیاورد، حرم بخوراند؛ چر که هر زنده‌ش

بر دیار و پاک می‌شود.

۱۲۹۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حریزه بخورید، که میوه بهشت

است و در آن، هزار برکت و هزار رحمت است و

خوردنش، درمان هر دردی است.

۱۲۹۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یکی از پیامبران پیش از من، از

ناتوانی جسمی خود به خدا شکایت کرد.

خداوند به او وحی فرمود که: گوشت و شیر را

بپز؛ همانا من برکت و نیرو را در این دو قرار

دادم.

۱ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۳ ص ۱۵۷ ح ۲۵۷۳

۲ المعجم الأوسط ج ۱ ص ۲۱۰ ح ۲۷۸

۳ المحاسن ج ۲ ص ۴۱۵ ح ۲۴۵۷

۴ التکلیف ج ۶ ص ۳۰۲ ح ۸

۵ مکرم الأخلاق ج ۱ ص ۳۶۵ ح ۱۲۰۲

۶ طب النبی صلی الله علیه و آله ص ۸

۷ المجلس ج ۲ ص ۲۵۷ ح ۱۸۱۲

الفصل الحادي عشر: أشربة ذات بركة

الكتاب

﴿وَنَزَّلْنَا مِنْ السَّمَاءِ مَاءً مُسْكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جِبْتًا وَخُثَّ الْخَضِيرُ﴾^۱

﴿لَمْ يَكُنْ مِنْ قَبْلِ الْفُتُوحِ فَاِسْلَمِي سُبُلَ رَحْمَةٍ فَلَا يَخْرُجُ مِنْ مَطْوِيهِ شَرَابٌ مُخْتَلَفٌ لَوْنُهُ فِيهِ شِفَاءُ لِبَدَائِسِ إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾^۲

الحديث

۱۲۹۲ رسول الله ﷺ خَيْرُ مَا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ مَاءُ زَمْرَمٍ^۳

۱۲۹۳ الإمام الباقر عليه السلام كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يَسْتَهْدِي مِنْ مَاءِ زَمْرَمٍ وَهُوَ بِالسَّيْبَةِ^۴

۱۲۹۴ رسول الله ﷺ إِنَّ آفَةَ الْجَمَلِ الْبَرِّ كَمَيِّ السَّيْلِ، وَتَمِ شَعَاءٌ مِنَ الْأَوْجَاعِ، وَقَدْ بَارَكَ عَلَيْهِ سَبْعُونَ مِائَةً^۵

۱۲۹۵ الإمام الصادق عليه السلام لَمْ يَكُنْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَأْكُلُ طَعَامًا وَلَا يَشْرَبُ شَرِبًا إِلَّا قَالَ «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ وَابْدِئْنَا بِهِ خَيْرَ أَمِيَّةٍ إِلَّا النَّسْ، فَإِنَّهُ كَانَ يَقُولُ «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ وَبِدْنَا يَمِينًا»^۶

۱۲۹۶ رسول الله ﷺ نَعِمَ لِإِدَامِ الْخَلِّ، اللَّهُمَّ بَارِكْ فِي الْخَلِّ، فَإِنَّهُ كَانَ إِدَامَ الْأَنْبِيَاءِ قَبْلِي، وَلَمْ يَسْتَقِرْ بِهِ فِيهِ خَلٌّ^۷

۱ ق ۱
۲ المجمع الكبير ج ۱۱ ص ۸۰ ح ۱۱۱۶۷
۳ نهذيب الأحكام ج ۵ ص ۲۷۱ ح ۱۶۵۷
۴ مكارم الاخلاق ج ۱ ص ۳۵۹ ح ۱۱۷۳
۵ التكملي ج ۶ ص ۳۳۶ ح ۱
۶ سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۱۰۲ ح ۳۳۱۸

فصل یازدهم: نوشیدنی‌های بابرکت

قرآن

﴿وَلِزَآئِدِ آسَمَانٍ آبِی بَابِرْکَتٍ فَسُرَدِ آوَرْدِیْمِ بِسِ بَدَانِ [وسیله]، بِاَعْدَا وَ دَانِه‌هایِ دُرُودِکَرْدَنِ رُویتِیدِیْمِ﴾

﴿سپس، لَزْهَ مِهْرَه‌ها بِخُور و رَاه‌هایِ سُرُودِگَارَتِ را فَرَمَایِ دَرْدَانَه مِهْرِی، [آن‌گاه] لَزْ دُرُودِ [شکم] آن، شَهْدِی که به رَنگ‌هایِ گوناگونِ است، بِیُرُودِ می‌آید. در آن، بِرَایِ مَرْدَمِ، فَرَمَایِ لَسْتُ، رَاسْتِی در این [رندگی] رِیُودِی [برای مردمی که تَنگَرِ می‌کند، مِشَانَه] ی فَرَمَایِ [لَسْتُ] است﴾

حدیث

۱۲۹۲ پیامبر خدا ﷺ بهترین آبی که روی زمین است، آب زمرم است

۱۲۹۳ امام باقر عليه السلام پیامبر ﷺ، آن گاه که در مدینه بود، می‌خواست که برایش از آب زمرم، هدیه بیاورند

۱۲۹۴ پیامبر خدا ﷺ، خداوند ﷻ، برکت را در غسل قرار داده است. شمای دردها در آن است و همتاد پیامبر برای برکت آن، دعا کرده‌اند

۱۲۹۵ امام باقر عليه السلام پیامبر خدا، هرگز غذایی نمی‌خورد و نوشیدنی‌ای نمی‌نوشید، مگر آن که می‌گفت: «بار خدایا! در آن برای ما برکت قرار بده و برای ما بهتر از آن را جای‌گزین گردان»، مگر شیر را، که وقتی می‌نوشید، می‌گفت: «بار خدایا! برای ما در آن، برکت قرار بده و ما را از آن بی‌فروای».

۱۲۹۶ پیامبر خدا ﷺ سرکه، حورشتِ حومی است. بار خدایا! برای ما در سرکه برکت قرار بده آن، حورشتِ پیامبر این پیش از من بوده است و خانه‌ای که در آن سرکه باشد، دچار تهی‌دستی نمی‌شود

الفصل الثانی عشر: مواضع البركة

فصل دوازدهم: مواضع برکت

۱/۱۲. الْأَعْمَالُ لِلْسَّيِّئَةِ

۱/۱۲. کارهای بد

الكتاب

قرآن

﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغْتِرًا بِخَلْقِهَا أَنْعَمَهَا عَلَى الْغُفْرِ حَتَّى يُعْذِرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾^۱

﴿پس [کفر] بدان سبب است که خداوند، نعمتی را که بر قومی برزانی داشته، تغییر نمی‌دهد مگر آن که آنان، آنچه را در دل دارند، تغییر دهند و خداوند، شنوای

الحديث

واثبات

۱۲۹۷ رسول الله ﷺ أَرْبَعَةٌ لَا تَدْخُلُ تَيْتًا وَاحِدَةً مِنْهُنَّ إِلَّا خَرِبَتْ وَلَمْ يُعْمَرْ بِالْبِرَّةِ الْجَنَّةُ، وَالشَّرِيفَةُ، وَشَرِبَ الْخَمْرَ، وَالرُّمَاءُ.^۲

حديث

۱۲۹۷ پیامبر خدا ﷺ چهار چیزند که یکی از آنها وارد هیچ خانه‌ای نمی‌شود، مگر آن که [آن خانه] خراب می‌شود و هرگز با برکت، آباد نمی‌گردد
خیانت، دردی، شرابخواری و زنا

۲/۱۲. تَرَكَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ

۲/۱۲. ترک امر به معروف و نهی از مکر

۱۲۹۸ رسول الله ﷺ لَا يَرَالِ النَّاسُ بِحَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الشُّكْرِ وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالْتَّقْوَى، فَإِذَا لَمْ يَقْتُلُوا ذَلِكَ تَرَعَبَ مِنْهُمْ الْبِرَّكَاتُ، وَسَلَطَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ سَاحِرٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ.^۳

۱۲۹۸ پیامبر خدا ﷺ. مردم، همواره در نیکی‌اند، تا وقتی که امر به معروف و نهی از مکر می‌کند و یکدیگر را در سبکی و پرهیزگاری، یاری می‌رسانند. آن گاه که چنین نکند، برکت‌ها از آنان، جدا می‌شود و برخی بر برخی دیگر، مسلط می‌گردند، و هیچ پاوری، نه در زمین و نه در آسمان، نخواهد داشت.

۱۲۹۹ عَنْهُ ﷺ إِذَا تَرَكَوْا [أَيُّ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ ﷺ] الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ حُرِمَتْ بَرَكَاتُ الْوَحْيِ^۴

۳/۱۲. الِاسْتِخْفَافُ بِالصَّلَاةِ

۱۲۹۹ پیامبر خدا ﷺ هرگاه [امت محمد ﷺ] امر به معروف و نهی از مکر را ترک کنند، از برکت وحی، محروم می‌شوند.

۱۳۰۰ رسول الله ﷺ - فَيَسِيْرُ مَا يُحْيِي الْمُسْتَهْزِئِينَ بِصَلَاتِهِ - أُمَّةً اللّٰوَاتِي نُصِيْبُهُ فِي دَارِ الدُّنْيَا قَالُوا لِي يَرْفَعُ اللَّهُ الْبَرَكَاتَ عَنْ عُمْرِهِ، وَيَرْفَعُ اللَّهُ الْبَرَكَاتَ مِنْ رَحْمَةِ.

۳/۱۲. سُبُكُ شَمْرُونِ نَمَاز

۱۳۰۰. پیامبر خدا ﷺ - در بیان آنچه به سُبُكُ شمارده نماز می‌رسد - اما پیامدهای دنیوی سُبُكُ شَمْرُونِ نماز تحسنت، آن که خداوند، برکت را از عمر او

۱. الايهال ۵۲۰. ۲. ثواب الأعمال ص ۲۸۹ ج ۱

۳. تهذيب الأحكام ج ۶ ص ۱۸۱ ج ۳۷۳

۴. تفسير جوامع الجفیع ج ۱ ص ۴۷۱

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ يُنْزَلُ. قُلْ إِنَّمَا السَّاعَةُ فِي كِتَابِ الْمُبِينِ. لَئِنْ شِئْنَا لَنَذْهَبَنَّ بِالَّذِي نَحْنُ عَلَيْهِمْ فِي السَّاعَةِ. وَلَا يَرْتَفِعُ دُعَاؤُهُ إِلَى السَّمَاءِ. وَالسَّادِثَةُ لَيْسَ لَهُ حِطٌّ فِي دُعَاءِ الصَّالِحِينَ.

١٢ / ٤. كُفْرَانُ الذَّمِّ

الكتاب

«وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَذَّبَتْ بِآيَاتِنَا فَأَلَيْنَاهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْجُودِ مِمَّا كَانُوا يَصْنَعُونَ» *

الحديث

١٣٠١ رسول الله ﷺ إِنَّ يَوْمَ أَقَامُوا تَحَنُّنَهُمْ بِأَسْمِهِمْ لِمَاعٍ
الْعِبَادِ، وَيُزَكَّرُهَا مِنْهُمْ مَا يُذَلُّوْهَا : فَادْعُوا أَرْعَاهَا عَنْهُمْ
فَعَوَّلَهَا إِلَى غَيْرِهِمْ ٢

٥١٢ / الحماية

١٣٠٦ رسول الله ﷺ يَدُ اللَّهِ لَوْ أَنَّ يَدَيَّ الْمُشْرِكِينَ مَا لَمْ
يَخُشِ أَحَدُهُمَا صَاحِبَهُ، فَبَادَا حَارًّا أَحَدُهُمَا رَفَعَ يَدَهُ
عَنِ يَدَيْهِمَا، وَدَهَسَ إِلَيْكَ مِثْلَهُمَا ١

١٢ / ٦ الزم

١٣٠٣ رسول الله ﷺ في الرِّمَانِ ثَلَاثُ حِصَالٍ ثَلَاثُ مِثْقَالٍ فِي الدُّنْيَا وَثَلَاثُ مِثْقَالٍ فِي الْآخِرَةِ. فَأَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا فَيَهْدِي بِالنَّهَارِ، وَيُعَجِّلُ الْمَاءَ، وَيَقْطَعُ الرُّوقَ وَأَمَّا الَّتِي فِي الْآخِرَةِ فَسَوْءٌ نَجَسَاتٍ، وَسَحَابٌ الرَّحِمِ

١ علاج المائل ص ٦٦ ح ١

٦ الفصل ١١٢

T. تالیخ پشاور: ج ۹، ص ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸،

٤٠ جامع الأحاديث للقمي ص ١٤٩

برمی دارد؛ بر (دوم آن که) [جله و نند، برکت را از روی او برمی دارد؛ و (سوم آن که) [خداوند، سیمای (شاه) صالحان را از چهره او می راند؛ و (چهارم آن که) هر عملی را که انجام می دهد، پادشاه می یابد؛ و (پنجم آن که) [دعایش به آسمان، بالا می رود؛ و ششم، آن که در دعای صالحان، بهر آیه بخواند داشت.

٩ / ١٢ : سياسی بحث

قوانین

خدا شهری را مثل زده است که اس و امان بود [و]
روزی نش از هر سو فراوان می رسید پس [ساکنانش]
بمنتحای خدا را ناسپاسی کردند، و خدا هم به سزای
آنچه انجام می دادند، طعم گرسنگی و عرس را به
آدمیان آن چشاند.

مفت

سود پندگان، نعمت‌هایی را ریزه‌آباد ساخته است و تا وقتی از آن نعمت‌ها بیهوشند، آنها را برایشان نگه می‌دارد. پس هر گاه از بیهوشی در بیرون کشیده شود، نعمت‌ها را از آنان گرفته، به دیگران می‌دهد.

17/05 خیانت

۱۳۰۲ پیامبر خدا ﷺ دست خدا روی دست دوشتریک
است. تا وقتی که یکی از آن دو به دیگری خیانت
نکند، پس هر گاه یکی از آن دو، خیانت کند،
خداوند، دست خود را از روی دست آنان
برمی دارد و برکت، از هر دو می رود.

4,874

۱۳۰۴. پیامبر خدا ﷺ برای رنّا، شش محصلت است؛

مه‌قادر دیو مه‌تدر آخرت آنچه در دیاست

وخلود النار.^۱

۷/۱۲ انکذب

۱۳۰۱ رسول الله ﷺ الكذب ينقص الرزق^۲

۸/۱۲ قنغ الزكاة

۷/۱۲ دروغ گفتن

۱۳۰۵ رسول الله ﷺ إذا مسوا الزكاة سكنت الأرض^۳ پیامبر خدا ﷺ دروغ، روری را کم می‌کند.بَرَكَتُهَا مِنَ الرِّزْقِ وَالْثَّامِ وَالْمَعَادِ كُلِّهَا^۴

۸/۱۲ صدای زکات

۹/۱۲ غش المسلم

۱۳۰۵ پیامبر خدا ﷺ هر گاه [مردم] رکات بدهند.

۱۳۰۶ رسول الله ﷺ من غش أحباء المسلم، سرع الله

رسمی، برکت خود را از رزاع و مبرها و معادن.

عنه بركة رزقه.^۱

از همه ایها، برمی‌گیرد.

۹/۱۲ غیب دانی مسلمان

۱۰/۱۲ الحلف عند البيع

پیامبر خدا ﷺ: هر کس برادر مسلمان را

۱۳۰۷ رسول الله ﷺ الحلف متفقاً لمسلم، مصلحته

بمیرید، خداوند، برکت روری اش را از او

للبركة^۲

می‌گیرد.

۱۱/۱۲ ترك البسمة عند الأكل

۱۰/۱۲ سوگند خوردن به هنگام فروش

۱۳۰۸ رسول الله ﷺ إذا وضعت المائدة خفتها أربعة

پیامبر خدا ﷺ سوگند خوردن، کالا را می‌کند و به

آلاتي مللي، فإذا قال العهد «بسم الله» فانت

پایان می‌رساند و برکت را از بین می‌برد

الثلاثة بآلة الله عليكم في طعامكم، ثم يقولون

۱۱/۱۲ «بسم الله» نگفتن به هنگام خوردن

يشيطاني أخرج يا داسق، لا سلطان لك عليهم^۱

۱۳۰۸ پیامبر خدا ﷺ: هر گاه سفره نهاده می‌شود، چهار

هزار فرشته در اطراف آن گرد می‌ایند، چون بنده

یگوید «بسم الله»، فرشتگان می‌گویند: خداوند،

به علایقان برکت دهد! سپس به شیطان

می‌گویند: «ای فاسق! بیرون شو تو بر آسان، راه

تسلطی نداری»

۱ کتاب من لا یضره الفقه ج ۱ ص ۳۶۷ ح ۵۷۲

۲ مسأله الأعلیٰ للعراق ص ۵۸ ح ۱۱۷

۳ الکافی ج ۲ ص ۳۷۴ ح ۲

۴ ثواب الأعمال ص ۳۳۷ ح ۱

۵ صحیح البخاری ج ۲ ص ۲۳۵ ح ۱۹۸۱

۶ الکافی ج ۶ ص ۲۹۲ ح ۱

سجده درباره «حیر (بیکی)»

معای «حیر» ، «معروف» ، «سر» ، «حسان» و «حمت» که در مقابلشان «شر» ، «مسکر» ، «اثم» ، «ایمانه» و «استینه» قرار می‌گیرد ، روش و بدیهی است

فطری بودن شناخت خیر و شر

هر کس تا هر گرایش اعتقادی و چارچوب فکری و مذهبی ، و به طور فطری ، ریاضی «حیر (بیکی)» و رشتی «شر (بدی)» را تشخیص می‌دهد به محض دیگر ، صاحب «حیر» و «شر» ، با ذات و حقیقت فطری انسان ، در آمیخته است و آفرینش همه انسان‌ها بدین گونه است که دائماً به «حیر» تمایل دارند و از «شر» بیزارند

بیزار عقل و فطرت به وحی

نکته بسیار مهم و شایان دقت ، این است که عقل و فطرت ر تشخیص تمام مصادیق خیر و شر «توان‌اند» زیرا به همه مصلحت‌ها و مقصدها احاطه ندارند . انسان ، گاه به دلیل دل‌بستگی و حساس علاقه به چیزی ، آرد «حیر» می‌پندارد ، یا به دلیل نداشتن رابطه یا علاقه به چیزی ، آن را «شر» می‌انگارد . به همین جهت ، قرآن کریم به انسان هشدار می‌دهد که

﴿وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ﴾

چه بسا چیزی را خوش می‌دارید، ولی برایتان خوب است و چه بسا چیزی را دوست دارید، ولی برایتان بد است ﴿

بدین ترتیب ، عقل و فطرت برای تشخیص «حیر» و «شر» در همه موارد ، بی‌ارمده «وَحی» اند . وحی ، به عنوان سرچشمه‌ای که به تمام مصلحت‌ها و مقصدها احاطه دارد ، می‌تواند برای تأمین سعادت ابدی انسان ، کامل‌ترین برنامه‌ریزی را ارائه کند

«حیر» و «شر» عقل

در حدیثی معروف از امام صادق (ع) در تبیین سپه‌یان عقل و جهل ، «حیر» نخستین سپه عقل ، و «شر» نخستین سپه جهل ، شمرده شده‌اند . عتس حدیث ، چنین است

ثُمَّ جَعَلَ لِلْعَقْلِ خَمْسَةً وَسَبْعِينَ جُنْدًا.. فَكَانَ مِمَّا عَطَى الْعَقْلَ مِنَ الْخَمْسَةِ وَالسَّبْعِينَ الْجُنْدِ الْخَيْرُ وَهُوَ

وَذَرِ الْعَقْلَ، وَ خَعَلَ خِيَدُ الشَّرِّ؛ وَ هُوَ يَذَرُ الْجَهْلَ.^۱

خداوند برای عقل، هفتاد و پنج سپاه قرار داد... از جمله هفتاد و پنج سپاهی که به عقل عطا فرمود، یکی «حیر» است که وریر عقل است، و صد آن را «شر» می‌راند که وریر جهل است.

معنای عقل در این جا، وجدان اخلاقی است. از این رو، انجام دادن کارهای حیر، موجب تقویت آن است و انجام دادن کارهای شر، موجب ضعف آن

همچنین «حیر»، همهٔ ارزش‌های اعتقادی، اخلاقی و علمی را در بر می‌گیرد و «شر» شامل همهٔ ضد ارزش‌هاست. از این رو، آن دو، سرآغاز سپاه عقل و جهل قرار گرفته‌اند.

آسان‌تر بودن کار حیر

از آنچه گذشت، روشن می‌شود که گرایش به «حیر (یکی)» و فراتر از «شر (بسی)»، فطری است و فطرت‌های پاک و سالم، از انجام دادن کارهای حیر، احساس آرامش می‌کند، آلودگی را بر نمی‌تابد و آرگانه روی‌گردان‌اند. بر این اساس، برای آنها انجام دادن کارهای پاک، آسان‌تر از انجام دادن کارهای نارواست، و به فرمایش امام علی علیه السلام:

الْحَيْرُ أَسْهَلُ مِنْ فِعْلِ الشَّرِّ.^۲

نیکی‌کاری، آسان‌تر از انجام دادن بدی است.

البته این مطلب، در مورد کسانی صادق است که سرشت انسانی‌شان، همچنان پاک مانده است و در مسیر فطرت رشد می‌کنند؛ ولی دربارهٔ کسانی که فطرت خود را آلوده‌اند، درست عکس این مطلب صادق است. هر چه فطرت آلوده‌تر شود، انجام دادن کارهای حیر، برایش سخت‌تر و انجام دادن کارهای شر، آسان‌تر می‌گردد.

التَّائِبُ النَّاسِحُ

بِسْمِ

الْخَيْرُ

خَيْرٌ

الفصل الأول. معرفة الخير

فصل یکم. شناخت خیر

۱/۱. مَعْرِفَةُ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ وَمِيزَانُهَا

۱/۱ زمیبه و معیار شناخت خیر و شر

الكتاب

قرآن

﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾^۱

﴿سَوَّاهُ بِنَفْسٍ. وَ بِهٖ اَنْ كَسَّ كَهٗ اَنْ يَّادِرْسَتْ كَرْد. سَهَسْ

پیداکاری و پرورگاری اش را به آن الهام کرد﴾.

الحديث

حدیث

۱۳۰۹ رسول الله ﷺ دَعَا مَا يُرِيدُكَ إِلَى مَا لَا يُرِيدُكَ:

۱۳۰۹ پیامبر خدا ﷺ هر چه تو را به تو راه نرساند،

عَنِ الْخَيْرِ طَمَاحِيَةً وَإِلَى الشَّرِّ رَهَةً^۲

اِنْ كَرَا وَاكْدَارُ وَ بِهٖ سَوَّاهُ چیرگی رو کس که در تو

۱۳۱۰ عَنْهُ ﷺ الرَّعْبُ مَا طَمَحَ بِهِ النَّفْسُ وَالطَّمَحُ إِيمَةُ

ترددند نمی انگیزد، چر، که بیکی، [مبته] اطمینان و

الْقَلْبِ، وَالْإِثْمُ مَا حَالَ فِي النَّفْسِ وَمَرَدُّ فِي الصَّمْرِ^۳

و، منن اصم و بدن، [موجب اضطراب و] ترددند

۱۳۱۱ عَنْهُ ﷺ - لَمَّا سَأَلَ عَنِ الْبِرِّ وَالْإِثْمِ - الْبِرُّ حُسْرُ

۱۳۱۰، پیامبر خدا ﷺ نیکی، آن است که جان به آن آرام

الْحُلِيِّ، وَالْإِثْمُ مَا حَاكَ فِي صَدْرِكَ وَكَرِهْتَ أَنْ يَطْعَمَ

گیرد و دل به آن اطمینان یابد و گناه آن است که در

عِنْدِهِ النَّاسُ^۴

دروغ، اضطراب پدید آورد و در سینه، تردید

۲/۱ حَقِيقَةُ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ

الكتاب

۱۳۱۱ پیامبر خدا ﷺ. چون از ایشان پرسیدند، نیکی

و گناه چیست؟ - نیکی، خوش رفتاری است و

گناه، آن است که در سیمات اضطراب پدید آورد و

خوش نداشته باشی که مردم در آن آگاه شوند

۲/۱ حَقِيقَةُ خَيْرٍ وَ شَرٍّ

قرآن

﴿وَلَا يَخْسِرُ الْبَیِّنُ كَلْفُوا أَنَّمَا نُطَلِّي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ

﴿وَالْبَیِّنَةُ مَبْدِئُ كَسَاتِي كَهٗ كَاثِرٌ شَدَّاهٖ، پَشْدَارِدُ كَهٗ یَسْ كَهٗ

ایشان مهت می دهیم، برای آنان بیگوست. ما فقط به

ایشان مهت می دهیم تا بر گناه [خود] بفرایند، و [آن

گاه [عذابی خفت آور خواهد داشت﴾

۱ الشمس ۸ و ۷

۲ المستذکر علی الصحيحین ج ۲ ص ۱۶ ح ۲۱۶۹ و ۲۱۷۰

۳ التجمیعات ص ۱۸۸

۴ صحيح مسلم ج ۲ ص ۱۹۸۰ ح ۱۲

۵ آل عمران ۱۷۸

الحديث

حديث

۱۳۱۲ رسول الله ﷺ إِنَّمَا الْحَيْرُ مَا أُرِيدَ بِهِ وَجْهٌ لِقَىٰ

۱۳۱۲ پیامبر خدا ﷺ. همانا نیکی، آن است که به خاطر خدا انجام شود و طبق آنچه خداي متعال فرمان داده است، عمل گردد.

تَعَالَى، وَفَعَلَ عَلَىٰ مَا مَرَّ اللَّهُ تَعَالَى [بِهِ] ۱

۱۳۱۳ عَنْهُ ﷺ سَلِمًا سَأَلَهُ رَجُلٌ: كَيْفَ لِي أَنْ أَعْلَمَ

۱۳۱۳. پیامبر خدا ﷺ. در پاسخ مردی که پرسید: چگونه از وضع خودم آگاه شوم؟ - هرگاه خواستی کاری را کارهای دنیا را انجام دهی و برایت دشوار شد، بدان که در نیکی هستی؛ و هرگاه خواستی کاری را از کارهای دنیا را انجام دهی و برایت آسان شد، بدانی که آن برای تو بد است.

أَمْرِي؟ - إِذَا أَرَدْتَ شَيْئًا مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا فَعَسَّرَ عَلَيْكَ

فَاعْلَمْ أَنَّكَ بِخَيْرٍ، وَإِذَا أَرَدْتَ شَيْئًا مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا فَيَسَّرَ

لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّهُ شَرٌّ لَكَ ۲

۱۳۱۱ عَنْهُ ﷺ يُؤْتَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِأَتَمِّ أَهْلِ الدُّنْيَا مِنَ

الْكَفَّارِ فَيَقَالُ: اعْمِسْوه فِي النَّارِ غَمَسَةً، فَيُعَسَّرُ

بِهَا، ثُمَّ يُقَالُ لَهُ: أَيُّ فَلَانٍ، هَلْ أَصَابَكَ تَعِيمٌ قَطُّ؟

فَيَقُولُ: لَا مَا أَصَابَنِي تَعِيمٌ قَطُّ

وَيُؤْتَى بِأَشَدِّ الْمُؤَسِّسِينَ حُرًّا وَنَلَاءً، فَيَقَالُ:

اَعْمِسْوه غَمَسَةً فِي الْحَبِّ، فَيُعَسَّرُ بِهَا غَمَسَةً، فَيَقَالُ:

لَهُ: أَيُّ فَلَانٍ أَهْلَ أَصَابَكَ حُرٌّ قَطُّ أَوْ بَلَاءٌ؟ فَيَقُولُ: مَا

أَصَابَنِي قَطُّ حُرٌّ وَلَا بَلَاءٌ ۳

۳/۱. تَفْسِيرُ الْحَبِّ

أ- الْإِيمَانُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ

الكتاب

«لَيْسَ الْعَرُ أَوْ قَوْلُوا وَجْهَكُمْ لِقَى الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ

وَلَكِنْ الْبَرُّ مَنْ غَامَسَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالطَّائِعَةُ

وَالْعِتَابُ وَالْمُسْتَبِينُ وَغَامَسَ الْعَالَمَ عَلَى خُكِّ ذَوِي

الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمُسْكِينِ وَأَنْسَ الشَّيْئِلَ

۱. التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام ص ۲۸۵ ح ۱۴۱

۲. شرح نهج البلاغة ج ۶ ص ۲۳۳

۳. من این صاغة ج ۲ ص ۱۴۴۵ ح ۴۳۶۱

۳/۱ معنای خبر

الف- ایمان و عمل صالح

قرآن

«بیکوکاری، آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و

مغرب بگردانید، بلکه بیکوکاری، آن است که کسی به

خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [و آسمان] و

پیامبران ایسان آوَرَد و مال [خود] را با وجود دوست

وَالْمُسَابِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى
الزَّكَاةَ وَالْمُؤْتُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصُّمَّامِينَ
فِي النَّبَاسِ وَالضَّرَّاءَ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ
صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ^۱

الحدیث

۱۳۱۵. رسول الله ﷺ حَصَلَتَا لَيْسَ فَرْقُهُمَا مِنَ الْبِرِّ
شَيْءٌ إِلَّا إِيْمَانُ بِاللهِ، وَالْعَمَلُ لِعِبَادِهِ^۲.

ب- مکارم الأخلاق

۱۳۱۶. صحيح مسلم عن موسى بن سميان سَأَلَتْ رَسُولُ
الله ﷺ عَنِ الْبِرِّ وَالْإِيْمِ، فَقَالَ: الْبِرُّ حُسْنُ الْعُلُقِ^۳.

۱۳۱۷. رسول الله ﷺ لَيْسَ الْبِرُّ فِي حُسْنِ الرَّئْيِ، وَلَكِنَّ
الْبِرَّ فِي التَّكْسِبِ وَالْوَفَاءِ^۴

۴/۱. تفسير الإحسان

۱۳۱۸. صحيح البخاري عن أبي هريرة. كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يَأْرُرُ
يَوْمًا لِلنَّاسِ قَاتَاءً جَبْرِيْلُ فَقَالَ: ... مَا الْإِحْسَانُ؟
قَالَ: أَنْ تَعْبُدَ اللهَ كَمَا بَكَ تَرَاهُ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ
فَأِنَّهُ يَرَاكَ^۵

الفصل الثاني الترغيب في الخير

۱/۲ التأكيد على فعل الخير

الكتاب

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ

۱ البقرة ۱۷۷

۲ تحت المبرور ص ۳۵

۳ صحيح مسلم ج ۴ ص ۱۹۸ ح ۲۵۵۳

۴ جامع الأحادیث للنسفي ص ۲۸۸

۵ صحيح البخاري ج ۱ ص ۲۷ ح ۵۰

دستش، به خویشاوندی و پشیمان و پشیمانی و در
رسمندگان و گدایان و در [راه آزاد کردن] بندگان بدهد
و ساز را بر پای دارد و زکات را بدهد، و آنانی که چون
عهد می‌بندد، به عهد خود وفادارند و در سختی و
ریان و به هنگام جنگ، شکست‌پایان‌اند آنان‌اند کسانی که
راست گفتند و آنان همان پرهیزکاران‌اند

حدیث

۱۳۱۵ پیامبر خدا ﷺ، دو حصلت است که هیچ کار
یکی، بالاتر از آن دو، نیست. ایمان به خدا و
سودسانی به بندگان خدا

ب- اخلاق شایسته

۱۳۱۶ صحیح مسلم - به نقل از موسی بن سمعان - او
پیامبر خدا دربارۀ یکی و گناه پرسیدم، فرمود:
«یکی، اخلاق نیکوست»

۱۳۱۷ پیامبر خدا ﷺ: یکی، در راستگی ظاهر می‌ست؛
بنده در آرامش و وقار است

۲/۱ معنای احسان

۱۳۱۸ صحیح البخاری - به نقل از ابو هریره -: دوری،
پیامبر خدا مرد مردم بود که جبرئیل علیه السلام آمد و
گفت: ... احسان چیست؟

فرمود: «احسان، آن است که خدا را آن گونه
عبادت کنی که گویا او را می‌بینی؛ زیرا اگر چه تو
او را نمی‌بینی، او حتماً تو را می‌بیند»

فصل دوم تشویق به خیر

۱/۲، تأکید بر انجام دادن کار خیر

قرآن

طوبی کسانی که ایمان آورده‌اند رکوع و سجود کنید و

وَالْعَمَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْحَمُونَ^۱

الحدث

که دست‌نکار شوید.

حدیث

۱۳۱۹. رسول الله ﷺ، الخیر کثیر، وما عِلُّهُ قلیل^۲

پروردگارتان را بپرستید و کار خوب انجام دهید، باشد

۱۳۲۰. عَنْهُ ﷺ تَكْلَمُوا فَعَلَ الْخَيْرَ وَجَاهِدُوا أَنْفُسَكُمْ

۱۳۱۹. پیامبر خدا ﷺ: نیکی، بسیار است اما نیکوکار،

عَلَيْهِ فَإِنَّ الشَّرَّ مَطْبُوعٌ عَلَيْهِ الْإِنْسَانُ^۳

بدی.

۱۳۲۱. الإمام علي عليه السلام، إِذَا زَيْمٌ حَصْرًا فَأَعْبُوا عَلَيْهِ، وَإِنْ

۱۳۲۰. پیامبر خدا ﷺ، در نیکوکاری، تلاش کنید و خود

رَأَيْتُمْ شَرًّا فَأَذْهَبُوا، عَنْهُ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَقُولُ

را به انجام دادن کار نیک وافرید، که بدی، با طبع

بَيْنَ آدَمَ، وَعَمَلِي الْخَيْرِ وَدَعِ الشَّرَّ، فَإِنَا أَنْتَ جَوَادُ

انسان، سازگار است.

قاصِدٌ^۴

۲/۲ الْحَدَّثُ عَلَى اصْطِلَاحِ الْمَعْرُوفِ

الكتاب

﴿أَخْبَسَ عَمَّا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَمْنَعْ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ

۱۳۲۱. امام علی علیه السلام، هرگاه کار نیکی دیدید، باور آن

باشید و چون کار بدی دیدید، از آن ماصله

نگیرید؛ چرا که پیامبر خدا می‌فرمود: دای فرود

آنها نیکی کن و بدی را واگذار تا بهشتندای

مبصر و باشی.

بُنِ اللَّهُ لَا يَحِبُّ الْمُفْسِدِينَ^۵

۲/۲. تقویمی به انجام دادن کار شایسته

الحدث

قرآن

۱۳۲۲. رسول الله ﷺ، بِنِ الْيُثُوثِ الَّتِي يَمْتَنَزُ فِيهَا الْمَعْرُوفُ

﴿وَرَهْطَانِ كَذِبًا﴾ خدا به تو نیکی کرده، نیکی کن و در زمین

تُصَيِّءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُصَيِّءُ الْكُفَّاءُ لِأَهْلِ

فناء مجوی، که خدا فسادگران را دوست نمی‌دارد.

الْأَرْضِ^۶

حدیث

۱۳۲۳. اعلام الدین، قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: اسْتَكْثِرُوا مِنْ نَشْيِ

۱۳۲۲. پیامبر خدا ﷺ، خانه‌هایی که در آنها کار نیک

الَّذِي لَا تَمْنَعُ النَّارَ، قَالُوا: وَمَا هُوَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ؟

انجام می‌شود، برای آسمانیان می‌درخشند،

قَالَ الْمَعْرُوفُ^۷.

آن گونه که ستارگان برای زمینیان می‌درخشند.

۱۳۲۴. اعلام الدین پیامبر خدا فرمود: «آنچه را آتش به

آن نمی‌رسد، زیاد انجام دهید.

گفتند، آن چیست، ای پیامبر خدا؟

فرمود، «کار نیک».

۱. الحج ۷۷ ۲. الفصائل ص ۳۰ ح ۱۰۵

۳. تنبيه الخواطر ج ۲ ص ۱۲۰

۴. موج البلاغة، الخطبة ۱۷۶

۵. الفصص، ۷۷

۶. عوالي اللئالي، ج ۱ ص ۳۶۹ ح ۷۱

۷. اعلام الدین، ص ۱۸۳

۳/۲ التَّائِيْدُ عَلَى الْبِرِّ وَالتَّعَاوُنُ عَلَيْهِ

الكتاب

﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ
وَالْعَدْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾^۱

الحديث

۱۳۲۴ رسول الله ﷺ لَا يَرَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا
بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ
وَالْتَّقْوَىٰ^۲

۱۳۲۵ . عنه ﷺ - فِي وَصِيَّتِهِ لِأَبِي ذَرٍّ - يَا أَبَا ذَرٍّ، يَكْفِي
مِنَ الدُّعَاءِ مَعَ الْبِرِّ مَا يَكْفِي الطَّعَامَ مِنَ الْبَلَحِ^۳

۴/۲ الْإِهْتِمَامُ بِالْحَيْرِ

۱۳۲۶ رسول الله ﷺ هُمُ سَحِيرٌ وَاعْتَلَهُ قَبْلَ الْحَسْرِ
وَالْإِدَامَةِ^۴

۱۳۲۷ . عنه ﷺ - فِي وَصِيَّتِهِ لِأَبِي ذَرٍّ - يَا أَبَا ذَرٍّ، هُمُ
بِالْحَسَنِ وَإِنْ لَمْ تَعْمَلْهَا، لِكَيْلَا تُكْتَبَ مِنَ الْعَادِمِينَ^۵

۱۳۲۸ عَذَّةُ الدَّاعِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنْ كَانَ الْقَبْدُ
عَلَى طَرِيقَةِ مِنَ الْحَمْرِ فَمَرِّضْ أَوْ سَامِرْ أَوْ عَجَرْ عَسَى
الْعَمَلُ بِكَ بَرٍّ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِثْلَ مَا كَانَ يَعْمَلُهُ
ثُمَّ فَرَّ^۶ ﴿عَلَيْهِمْ أَحْزَرُ عَجَرٌ مَضْنُوبٌ﴾^۷

۱ المائدة ۲

۲ تهذيب الاحكام ج ۶ ص ۱۸ ح ۳۷۳

۳ الأمالي للطوسي ص ۵۳۴ ح ۱۱۶۲

۴ المجمرات ص ۱۷۵

۵ الأمالي للطوسي ص ۵۳۶ ح ۱۱۶۲

۶ اللّٰهين ۶

۷ عذّة الداعي ص ۱۱۶

۳ ۲ تائید بر کار خیر و مشارکت بر آن

قرآن

﴿وَدَّرَ بِبُكُورِي وَبِرَّهْرْگَارِي، يَا يَكْدِیْگَرِ هَسْكَارِي كُنْیْد،
وَدَرْگَنَه وَتَعْدِي، دَسْتِیَارْ هَمْ شَوِیْد وَازْ خُدا پُروا كُنْیْد
كه خُدا سَخْتْ كِیْفَرِ اسْت﴾

حديث

۱۳۲۲ . پیامبر خدا ﷺ مردم تا وقتی که امر به معروف
و نهی از منکر کنند [و] یکدیگر را بر نیکی و تقوا،
باور داشتند، پیوسته در اسایش به سر می‌برد.

۱۳۲۵ پیامبر خدا ﷺ - در وصیتش به ابوذر - ای
ابوذر! ده همراه با بیکوکاری، به اندازه نمک
برای عداکافی است

۳ ۲ اهمیت دادن به کار خیر

۱۳۲۶ پیامبر خدا ﷺ به نیکی اهمیت بده و پیش از
حسرت و پشیمانی، نیکی کن

۱۳۲۷ پیامبر خدا ﷺ - در وصیت خود به ابوذر - ای
ابوذر! به نیکی تصمیم داشت باشی، هر چند آن را
انجام ندهی، تا تو را از غافلان نویسند

۱۳۲۸ عذّة الداعي: پیامبر خدا فرمود هرگاه بنده‌ای
در مسیر نیکی بود، ولی بیمار شد یا به سفر رفت
و یا به سبب سان‌حوردگی، از انجام دادن آن کار
نیگ ناتوان شد، حلاوت برای او مثل آنچه انجام
می‌داد، می‌نویسد

پیامبر ﷺ، سپس این آیه را خواند ﴿وَبِرَّایِ آنَّایِ
بِالْمُشَى بِدَوَى مَثَّ اسْت﴾

۵/۲. الْمُسَارَعَةُ فِي الْخَيْرِ

الكتاب

«يُؤْمِنُونَ بِآلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْتُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيُكْفُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرِ وَأُولَئِكَ مِنَ الْمُتَمَلِّحِينَ»^۱

الحديث

۱۳۲۹ رسول الله ﷺ يَأْتِرُوا بِالْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ قَبْلَ أَنْ تُشْفَلُوا^۲

۱۳۳۰ عَنْهُ ﷺ إِنَّ لِقَةَ يُحِبُّ مِنَ الْخَيْرِ مَا يُعْمَلُ^۳

۶/۲. أَهْلُ الْخَيْرِ

۱۳۳۱ رسول الله ﷺ خَيْرٌ مِنَ الْخَيْرِ مُعْطِيهِ^۴

۱۳۳۲ عَنْهُ ﷺ خَرَاتِمُ الْخَيْرِ وَالشَّرُّ مَا يَصْحَبُهَا الرِّجَالُ^۵

۱۳۳۳ عَنْهُ ﷺ إِنْ مِنْ النَّاسِ مَنَاصِيحَ لِلْخَيْرِ مُعَالِيَهُ لِلشَّرِّ

وَأِنْ مِنْ النَّاسِ مَنَاصِيحَ لِلشَّرِّ مُعَالِيَهُ لِلْخَيْرِ فَطَوَّسَ

لَيْسَ جَعَلَ اللَّهُ مَنَاصِيحَ الْخَيْرِ عَلَى يَدَيْهِ! وَوَيْلٌ لِمَنْ

جَعَلَ اللَّهُ مَنَاصِيحَ الشَّرِّ عَلَى يَدَيْهِ!^۶

۷/۲. الدَّلَالَةُ عَلَى الْخَيْرِ

۱۳۳۴ رسول الله ﷺ مَنْ يَشْفَعُ بِشَفَاعَةِ حَسَنَةٍ أَوْ أَمَرٍ

يَعْرُوفُ أَوْ نَهَى عَنْ مُكْرٍ أَوْ دَلَّ عَلَى خَيْرٍ أَوْ أَشَارَ بِهِ^۱

فَهُوَ شَرِيكٌ^۲

۵/۲. شتاب در کار خیر

قرآن

«به خدا و روز قیامت ایسان دارید و به کار پسندیده فرمان می‌دهند و از کار ناپسند پارسا دارید و در کارهای نیکه شتاب می‌کنند و آنان از شایسته‌گان اند».

حدیث

۱۳۲۹ پیامبر خدا ﷺ پیش از آن که گرفتار شوید، به انجام دادن کارهای نیک بشتابید.

۱۳۳۰ پیامبر خدا ﷺ. خداوند از کار خیر، آنچه را رود انجام شود، دوست می‌دارد.

۶/۲. اهل خیر

۱۳۳۱ پیامبر خدا ﷺ بهتر از نیکی، پیکوکار است

۱۳۳۲ پیامبر خدا ﷺ کلیدهای گنجینه‌های نیکی و بدی، مردان‌اند.

۱۳۳۳ پیامبر خدا ﷺ برخی مردم، کلیدهای نیکی و فعل‌های بدی‌اند. برخی هم کلیدهای بدی و

فعل‌های نیکی‌اند. خوشا به حال کسی که

خداوند، کلیدهای نیکی را به دست او سپرده

است، و وای بر آن کسی که خداوند، کلیدهای

بدی را به دستش سپرده است!

۷/۲. راهنمایی به سوی خیر

۱۳۳۴ پیامبر خدا ﷺ هر کس در کار نیک واسطه شود،

یا امر به معروف و نهی از منکر کند و یا به کار

نیکی راهنمایی یا اشاره کند، او هم در آن کار نیک،

شریک است.

۱ آل عمران ۱۱۴

۲ سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۲۴۳ ح ۱۰۸۱

۳ الکافی ج ۲ ص ۱۴۲ ح ۴

۴ تحف الموعود ص ۵۷ ۵ ربيع الأول ج ۱ ص ۳۹۶

۶ سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۸۶ ح ۴۳۷

۷ التواتر للروندی ص ۱۴۳ ح ۱۹۶

۱۳۳۵. عنه ﷺ الدَّالُّ عَلَى الْحَبْرِ كَفَاعِلِهِ^۱

۱۳۳۵. پیامبر خدا ﷺ، نشان‌دهنده راه بیکی، مثل کسی

است که آن را انجام می‌دهد.

۱۳۳۶. عنه ﷺ لَوْ مَرَّتِ الصَّدَقَةُ عَلَى يَدَي مِائَةِ لَكَانَ

۱۳۳۶. پیامبر خدا ﷺ: اگر صدقه بر دست‌های صد نفر

هم بگذرد (تا به مستحق برسد) همه آنان پاداشی

مثل پاداشی اعمارکننده دارند؛ بی آن که از اجر او

چیزی کاسته شود.

لَهُمْ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ الْمُتَبَدِّلِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ

أَجْرِ شَيْءٍ^۲.

۱۳۳۷. عنه ﷺ مَنْ مَشَى بِصَدَقَةٍ إِلَى مُحْتَاجٍ كَانَ لَهُ

كَأَجْرِ صَاحِبِهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَجْرِ شَيْءٍ^۳

۱۳۳۷. پیامبر خدا ﷺ: کسی که صدقه‌ای را برای نیازمندی

برد، پاداشی مثل پاداش صدقه‌دهنده دارد؛ بی آن

که از پاداش او چیزی کم شود.

المحصل الثالث: مبادئ الخير

۱/۳ المبادئ العلمية

الكتاب

«وَمِمَّا كَتَبْتُ أَرْبَعَةَ فَنَائِكَ فَائِضَةٌ وَتُفَوُّوا لِمَنْعِهِ

تَرْحُورٍ»^۱

۱/۳. خاستگاه‌های علمی

قرآن

الحديث

«وَأَمِنْ خِصَّةِ كِتَابِي أَسْتَ كَمَا أَنْ رَا نَازِلَ كَرِيمٍ»^۲

از آن پیروی کنید و پرهیزگاری پیشه کنید، باشد که

مورد رحمت قرار گیرید»^۳

۱۳۳۸. رسول الله ﷺ - لعنَ ﷻ - يَا عَلِيُّ عَلَيْكَ بِعَرَاءِ

آيَةِ الْكُرْسِيِّ فَإِنَّ فِي كُلِّ حَرْفٍ مِنْهَا أَلْفَ بَرَكَةٍ

وَأَلْفَ رَحْمَةٍ^۴.

حديث

۱۳۳۹. عنه ﷺ إِنَّمَا يُدْرِكُ الْخَيْرَ كُلُّهُ بِالْعَمَلِ، وَلَا دِينَ

لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ^۵.

۱۳۳۸. پیامبر خدا ﷺ - به علی ﷺ - ای علی!... آیه

الکرسی را [همواره] بخوان؛ چرا که در هر حرف

آن، هزار برکت و هزار رحمت است.

۱۳۴۰. عنه ﷺ حَيْرٌ أَنْدَبٌ وَالْأَجْرَةُ مَعَ الْعِلْمِ، وَشَرُّ

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْغَهْلِ^۶

۱۳۳۹. پیامبر خدا ﷺ: می‌توان با عقل، به همه بیکی

رسید و کسی که عقل ندارد، دین ندارد

۱۳۴۰. پیامبر خدا ﷺ: خیر دنیا و آخرت، با دانش است

و شر دنیا و آخرت، با نادانی است.

^۱ الکافی ج ۴ ص ۲۷ ح ۱

^۲ تاریخ بغداد ج ۷ ص ۱۳۱ الرقم ۳۵۶۸

^۳ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۱۷ ح ۱۹۶۸

^۴ الأنعام ۱۵۵ ۵ الدعوات ص ۸۴ ح ۱۱۴

^۵ تحف العقول ص ۵۱

^۶ مشكاة الأنوار ص ۲۳۹ ح ۶۹۱

۱۳۴۱ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّمَا الْعِلْمُ بِالتَّحَلُّمِ، وَإِنَّمَا الْعِلْمُ بِالسَّاتِحِ عِلْمٌ؛

مَنْ يَتَحَرَّ الحَيْرَ يُعْطَى، وَمَنْ يَتَّقِ الشَّرَّ يَوْقَهُ ^۲

۱۳۴۲ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ أَشْتَقَّ إِلَى الْجَنَّةِ سَارَعَ إِلَى

الْغَيْرَاتِ ^۳

۱۳۴۳ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الزَّوَالَةِ الْمَدَاوِمَةِ عَلَى الْحَيْرِ، وَمِنَ

الْمَدَاوِمَةِ عَلَى الْخَيْرِ كَرَاهِيَةُ الشَّرِّ، وَمِنْ كَرَاهِيَةِ الشَّرِّ

طَاعَةُ النَّاصِحِ ^۴

۱۳۴۴ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ - مِنْ دُعَائِهِ إِذَا أَصْبَحَ وَإِذَا أَمْسَى - اللَّهُمَّ

إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فُجَاءَةِ الْخَيْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فُجَاءَةِ

الشَّرِّ، فَإِنَّ التَّبَدُّلَ لَا يَدْرِي مَا يَعْجُزُهُ إِذَا أَصْبَحَ وَإِذَا

أَمْسَى ^۵

۲، ۳ مَا يُنَالُ بِهِ خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

۱۳۴۵ الإمام زين العابدين عليه السلام قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَلَا

أُحِبُّكُمْ بِمَا تَكُونُونَ فِي خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؟ وَإِذَا كُفِرْتُمْ

وَأُعِيبْتُمْ دَعَوْتُمْ اللَّهَ بِهَ فَفَرَّجَ عَنْكُمْ؟ سَالُوا بَنِي إِسْرَءِيلَ

رَسُولَ اللَّهِ قَالَ - قُولُوا: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا لَا نُشْرِكُ بِهِ

شَيْئاً»، ثُمَّ ادْعُوا بِمَا بَدَأَ لَكُمْ ^۶

۱۳۴۶ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أُعْطِيَ لِسَانًا ذَاكِرًا فَقَدْ أُعْطِيَ

۱۳۴۱ پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: دانش، با دانش آموختن به دست

می‌آید و حلم، با بردباری نشان دادن، هر کس

جویای نیکی باشد، به او داده می‌شود و هر که

گریزان از بدی باشد، از آن مصون می‌ماند.

۱۳۴۲ . پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هر کس مشتاق آخرت باشد، به

سوی یکی‌ها می‌شتابد.

۱۳۴۳ پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از نشانه‌های وقار، مداومت بر

نیکی است؛ و از [نمونه‌های] مداومت بر نیکی،

بیزاری از بدی است؛ و از [نمونه‌های] بیزاری از

بدی، اطاعت از خیرخواه است.

۱۳۴۴ پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - در دعای صبح و شام خود -:

پروردگارا! از تو، نیکی ناگهانی می‌خواهم و از

بدی ناگهانی، به تو پناه می‌برم؛ چرا که بنده، وقتی

صبح و شام می‌کند، نمی‌داند ناچه چیری رو به رو

خواهد شد.

۲/۳ آنچه با آن، خیر دنیا و آخرت به دست می‌آید

۱۳۴۵ امام زین العابدین عليه السلام: پیامبر خدا فرمود: «ایا شما

را بیاگاهانم از چیری که خیر دنیا و آخرت، به آن

خواهد بود و هرگاه گرفتار و اندوهگیر، شدید،

اگر خدا را به آن بخوانید غمتان را بزداید؟»

گفتند آری، ای پیامبر خدا!

فرمود بگویید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا لَا نُشْرِكُ بِهِ

شَيْئاً» معبودی جز پروردگار ما، الله نیست، چیزی

را شریک او قرار نمی‌دهیم. آن‌گاه هر چه

خواستید، بخوانید»

۱۳۴۶ پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: هر که زبانی ذکر گوید و داده شود، به

۱ الشَّحْرَی - القصد والاجتهاد في الطلب - والمصرع على تخصيص الشيء بالفعل والقول (التهذيب ج ۱ ص ۳۷۶)

۲ المعجم الأوسط ج ۳ ص ۱۱۸ ح ۲۶۶۳

۳ شعب الإيمان ج ۷ ص ۳۷۰ ح ۱۱۶۱۸

۴ شعب المعقول، ص ۱۵

۵ مستدرک علی بن ابی طالب ج ۲ ص ۳۶۱ ح ۳۳۵۸

۶ المجلس ج ۱ ص ۱۰۰ ح ۷۱

خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ^۱

۱۳۴۷ عنه ﷺ قَالَ لَللَّهِ إِذَا أَرَدْتُ أَنْ أَجْمَعَ لِي الدُّنْيَا وَخَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ حَقَّقْتُ لَهَا قَلْبًا حَاشِعًا، وَسَاءَ دَاكِرًا، وَجَسَدًا عَلَى الْبَلَاءِ صَابِرًا، وَرَوْحَةً مُؤْمِنَةً تَسْرُهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا، وَتَحْفَظُهُ إِذَا عَابَتْ عَنْهَا فِي نَهْيِهَا وَمَالِهِ^۲.

۱۳۴۸ عنه ﷺ مَنْ أُعْطِيَ أَرْبَعَ جِصَالٍ فِي الدُّنْيَا فَقَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَفَارَ بِحِفْظِهِ مَسْهُمَا وَرَعٌ يَعْصِمُهُ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ، وَخَسْ حَقِيقٌ يَعِيشُ بِهِ فِي النَّاسِ، وَحِلْمٌ يَدْفَعُ بِهِ جَهْلُ الْجَاهِلِ، وَرَوْحَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ^۳.

الفصل الرابع ما ينشئ عن الخير

۱ / ۴ علامات الأحياء

۱۳۴۹ الإمام عقیلیؑ - می دگر حدیث معراج النبی ﷺ -

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى يَا أَحْمَدُ إِنَّ أَهْلَ الْخَيْرِ وَأَهْلَ الْآخِرَةِ زَمِيغَةٌ وَجَوْهَةٌ، كَثِيرٌ حَيَاؤُهُمْ، قَلِيلٌ حُمُومُهُمْ، كَثِيرٌ مَقْتُهُمْ، قَلِيلٌ فَكْرُهُمْ، النَّاسُ مِنْهُمْ فِي رَاحَةٍ، أَنْفُسُهُمْ مِنْهُمْ فِي تَعَبٍ، كَلَامُهُمْ مُرُورٌ، مُحَاسِنِينَ لِأَنْفُسِهِمْ مُتَعَبِينَ لَهَا^۱.

۱۳۵۰ رسول الله ﷺ سِتُّ جِصَالٍ مِنَ الْخَيْرِ جِهَادٌ

او نیکی دنیا و آخرت داده شده است.

۱۳۴۷ پیامبر خدا ﷺ خداوندی فرموده است: هر گاه بخواهم نیکی دنیا و آخرت را برای مسلمانی فراهم آورم، برای او دلی خجاشع و ریائی دگرگو و بدنی شکیب بر بلا فرار می دهم و همسری با ایمان، که چون به او بگردد، شادمانش کند و آن گاه که عابت باشد نگهدار [عَفْتُ] خویش و مال او باشد.

۱۳۴۸ پیامبر خدا ﷺ هر کس که چهار جِصَلت را در دست به او داده باشد، خیر دنیا و آخرت را به او داده اند و مهره اش از هر دو سرا، به او رسیده است. پرهیزگاری ای که او را از حرام های خدا باز دارد؛ اخلاق نیکی که با آن در میان مردم زندگی کند؛ چنگی که با آن نادانی جاهل را دفع کند؛ و همسر شایسته ای که در کار دنیا و آخرت، او را پاری رساند.

فصل چهارم آنچه از خیر، خیر می دهد

۱ / ۴ نشانه های اهل خیر

۱۳۴۹ امام عقیلیؑ - در حدیث معراج پیامبر ﷺ - خداوند متعال فرمود: ای احمد! اهل نیکی و اهل آخرت، چهره هایی لطیف دارند؛ بسیار ماحبت پند؛ تابردی شان اندک، سودشان بسیار، بیرنگشان کم است؛ مردم از دست آنان آسوده اند و جان آنان از مردم، در ریح است؛ سحرشان متین و بر معیار است؛ و به حساب خود می رسد و خود را [از این جهت] به رحمت می اندازد.

۱۳۵۰ پیامبر خدا ﷺ شش جِصَلت از نیکی است.

۱ الکافی ج ۲ ص ۴۹۹ ح ۱

۲ الکافی ج ۵ ص ۳۲۷ ح ۲

۳ الأمالی للطوسی ص ۵۷۷ ح ۱۱۹۰

۴ إرشاد القلوب ص ۱۹۹ و ص ۲۰۱

۱ - ترجمه این کلمه بر اساس متن بحث الأموال که صحیح تر

است - انجام گرفته است

أَهْدَاؤِ اللَّهِ بِالشَّيْبِ، وَالصُّومُ فِي يَوْمِ الصَّيْبِ، وَحَسَنُ الصَّيْرِ عِندَ الْمُصِيبَةِ، وَتَرْكُ الْمِرَاوِ، وَالْإِسْفَاقُ فِي الْخَمَاءِ، وَالْمُحَابَاةُ فِي اللَّهِ^۱

جهاد مسلحانه با دشمنان خدا، روزه گرفتن در روز تابستان، شکیبایی شایسته بر مصیبت، ترک میراوی، ایستادن می خفا، و المحاباة بی الله^۱

۱۳۵۱ عَمَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَتَنَّهُ قَلْبَهُ، فَيُشَاهِدُ بِهَا مَا كَانَ غَائِبًا عَنْهُ^۲

۱۳۵۱. پیامبر خدا ﷺ: خداوند، هر گاه نیکی بنده‌ای را بخواهد، دو چشم دلش را می‌گشاید تا با آن، آنچه را از تو پنهان بوده، ببیند

۱۳۵۲ عَمَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى التَّعَرُوفُ هَدِيَّةٌ بَنِي إِلَى عِبْدِي الْمُؤْمِنِ، فَإِنْ قَبِلَهَا بَنِي فَبِرَحْمَتِي وَبَنِي، وَإِنْ رَدَّهَا عَلَيَّ فَبَدِيهِ حُرْمَتِهَا، وَبِهِ لَا بَنِي

۱۳۵۲. پیامبر خدا ﷺ: خداوند متعال می‌فرماید، دنیکی (به دیگران، در واقع) هدیه من است به بنده مؤمن اگر آن را بپذیرد، به سبب رحمت من و از سوی من است؛ و اگر آن را به من برگرداند (انجام ندهد)، به خاطر گناه خودش است که از آن محروم شده است و از خود اوست، نه از من.

وَأَيُّمَا عَبْدٍ حَلَفْتُ فَهَدِيَّتُهُ إِلَى الْإِيمَانِ، وَحَسَنُ حُنَّةً، وَلَمْ أَتْلِهِ بِالْحَمَلِ، فَإِنِّي أُرِيدُ بِهِ خَيْرًا^۳

و هر بنده‌ای را که آفریدم و او را به ایمان رهنمون شدم و اخلاص را بپیکر ساختم و به تحمل خنک از من ذکر کنم، حیر او را می‌خواسته‌ام.

۱۳۵۳ عَمَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ - فِي وَصِيَّتِهِ لِأَبِي ذَرٍّ - يَا أَبَا ذَرٍّ، إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَفُتِنَ فِي الدُّنْيَا، وَرَفَعُوا فِي الدُّنْيَا، وَبَصْرَةَ يَسُوبُ عَلَيْهِ^۴

۱۳۵۳. پیامبر خدا ﷺ: در سخنان به ابو ذر - ای ابو ذر! هرگاه، خداوند حیر بنده‌ای را بخواهد، او را دین‌شاس می‌سازد و در دنیا پارسش می‌کند و او را به عیب‌های خویش بین می‌سازد.

۱۳۵۴ عَمَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِأَهْلِ بَيْتٍ خَيْرًا فَفُتِنَهُمْ فِي دِينٍ، وَرَفَعَهُمُ الرِّمَقَ فِي مَعَايِشِهِمْ، وَالْقَصْدَ فِي شَأْنِهِمْ، وَوَقَّرَ ضَعِيرَهُمْ كَعِيرِهِمْ، وَبَدَا أَرَادَ بِهِمْ خَيْرٌ ذَلِكَ تَرَكَّهُمْ هَمَلًا^۵

۱۳۵۴. پیامبر خدا ﷺ: خداوند، هر گاه برای خاندانی قصد خیر داشته باشد، آنان را در دین، دانا می‌سازد، ملارا در زندگی‌شان و میانه‌روی در کارشان را روزی آنان می‌کند و کوچکشان به بزرگشان احترام می‌گذارد، و گر چیز این را برایشان بخواهد، به حال خود رهایشان می‌سازد.

۲/۴ خصائص الأبرار

۱۳۵۵ رسول الله ﷺ ... أَنَا عَلَامَةُ الْبَارِّ فَتَشْرَعُ بِحِبِّ فِي اللَّهِ، وَيُبْعِضُ فِي اللَّهِ، وَيُصَاحِبُ فِي اللَّهِ، وَيُفَارِقُ

۲/۲ ویژگی‌های اهل خیر

۱ هیچ قصاصه من ۳۶۸ ح ۱۳۲۵

۲ حوالی الاخری ج ۱ ص ۱۱۶ ح ۱۸۳

۳ الاثری للطبیب، ص ۲۵۹ ح ۱

۴ مکالم الأخلاق ج ۲ ص ۳۶۸ ح ۲۶۶

۵ التجمعیات ص ۱۴۹

۱۳۵۵. پیامبر خدا ﷺ ... بشانه نیکوکار، ده ناست، برای

خدا دوست می‌نارد برای خدا دشمن می‌دارد،

يُيَاقِلُ، وَيَتَصَبُّ فِي اللَّهِ، وَتَرَى فِي اللَّهِ، وَيَعْمَلُ فِيهِ
وَيُطَلِّبُ إِلَيْهِ، وَيَتَخَشَّعُ لِيْهِ خَائِفًا مَخَوْفًا ظَاهِرًا مُخْلِصًا
مُسْتَحْيَا مُرَاقِبًا، وَيُحْسِنُ فِي اللَّهِ ¹

۱۳۵۶ عنه ﷺ يَقُولُ اللَّهُ ﷻ طَالَ شَوْقُ الْأَمْرِ إِلَى
لِقَائِي، وَأَنَا إِلَيْهِمْ أَشَدُّ شَوْقًا ²

۱۳۵۷ عنه ﷺ لِعَلِّي ﷻ - يَا عَلِيُّ، أَمَّا قَسِيمُ الْحَنَةِ وَالنَّارِ
بِمَحَبَّتِكَ يَعْرِفُ الْأَبْرَارَ مِنَ الْعَجَابِ، وَيُمَيِّزُ بَيْنَ الْأَشْرَارِ
وَالْأَحْبَارِ وَبَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْكَافِرِينَ ³

۳/۴ خَيْرُ النَّاسِ

۱۳۵۸ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ خَيْرُ النَّاسِ مَنِ انْتَفَعَ بِهِ النَّاسُ ¹
۱۳۵۹ عنه ﷺ خَيْرُ النَّاسِ مَرْنَةٌ رَحُلٌ عَلَى مَنْ قَرَسَهُ
بُحَيْفُ الْعَدُوِّ وَنُصْبُوه ²

۱۳۶۰ عنه ﷺ - فِي حُطْبَةٍ نَهَ يَوْمَ صَبْحِ مَكَّةَ - أَتَيْهَا النَّاسُ
إِنْكُمْ مِنْ آدَمَ وَدَمٍ مِنْ طَيْبٍ، أَلَا وَإِنَّ خَيْرَكُمْ عَبْدُ اللَّهِ
وَأَكْرَمَكُمْ عَلَيْهِ الْيَوْمَ أَنْفَاكُمُ وَأَطْوَعُكُمْ لَهُ ³
۱۳۶۱ عنه ﷺ خَيْرُكُمْ مَنْ أَطَابَ الْكَلَامَ، وَأَطْعَمَ الطَّعَامَ.
وَصَلَّى بِاللَّيْلِ وَالنَّاسِ بَيَّامًا ⁴

۱۳۶۲ عنه ﷺ - فِي النَّسَاءِ - خَيْرُ مَنْ أَيْسَرُ هُوَ صَدَاقًا ⁵

¹ بحف العقول ص ۲۱

² القواعد ص ۵ ج ۲۴۰ ح ۸۰۶۷

³ الامالي للعذوق ص ۱۰۱ ح ۷۷

⁴ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۳۹۶ ح ۵۸۱

⁵ کتر الامتثال ج ۴ ص ۳۱۲ ح ۱۰۶۵۷

⁶ الزهد للحسين بن سعيد ص ۵۶ ح ۱۵۰

⁷ بیرون اخبار الرضا ﷺ ج ۲ ص ۶۵ ح ۲۹۱

⁸ صحيح ابن حبان ج ۹ ص ۳۱۲ ح ۱۰۳۱

برای خدا همشیمی می‌کند، برای خدا جدایی
می‌گیرند، برای خدا حشمت می‌گیرد، برای خدا
راضی می‌شود، برای خدا کار می‌کند، به سوی
خدا طلب می‌کند، برای خدا - در حالی که ترسان و
بی‌مک و پاک و مخلص و با شرم و مراقب است -
حشوع می‌کند، و در راه خدا یکی می‌کند

۱۳۵۶ پیامبر خدا ﷺ خداوند ﷻ می‌فرماید: شوق
بیکان به دیدار من، دیرپای است و من به دیدار
«آن مشتاق» نرم»

۱۳۵۷ پیامبر خدا ﷺ - خطاب به علی ﷻ - ای علی! تو
تقسیم‌کننده بهشت و دوزخی، بامحنت تو، بیکان
از بدان بار شاخته می‌شوند و بادوستی تو، بیکان
لو بیکان و مؤمنان از کافران، متمایز می‌گردند

۳/۴ بهترین مردم

۱۳۵۸ پیامبر خدا ﷺ بهترین مردم، کسی است که مردم
از او بهره‌مند شوند

۱۳۵۹ . پیامبر خدا ﷺ و الامر به ترین مردم، کسی است که
در صحبه جهاد، بر پشت امش نشسته، دشمن
را می‌ترساند و دشمنان بر او را می‌ترسانند

۱۳۶۰ . پیامبر خدا ﷺ - در حطبه خویش در روز فتح
مکه - ای مردم! شما از آدمید و آدم از خاک است.
آگاه باشید! امروز، بهترین شما سرد خدا و
گرمای ترین شما پیش او، پرهیزگارترین و
مطیع ترین شما در برابر اوست

۱۳۶۱ پیامبر خدا ﷺ بهترین شما، کسی است که
گفتارش را بیکو سارد، به دیگران طعام دهد، و آن گاه
که مردم در خواب‌اند، در دل شب به نماز ایستد

۱۳۶۲ پیامبر خدا ﷺ - دربارهٔ رسان - بهترین آنان

۴/۴. خَیْرُ الْمُؤْمِنِیْنَ

کسی است که مهری‌اش سبک‌تر باشد.

۱۳۶۳ رسول الله ﷺ خَیْرُ الْمُسْلِمِیْنَ مَنْ كَثُرَتْ قُدَّتُهُ.

۴/۴. بهترین مؤمنان

وَحَسُنَتْ عِبَادَتُهُ، وَكَانَ هَمُّهُ لَا جَزِيَّةَ^۱

۱۳۶۴. پیامبر خدا ﷺ: بهترین مسلمانان، کسی است که

قاعنش بسیار و عبادتش بیکو باشد و تلاشش،

برای آخرتش باشد

۱۳۶۵ عَنْهُ ﷺ خَیْرُ النَّاسِ أُحْدَاؤُهُمُ الَّذِينَ إِذَا عَصَبُوا

۱۳۶۶. پیامبر خدا ﷺ: بهترین‌های اقوام، سدا حویاتی

هستند که چون خشمگین شوند، از خشم خود،

زود باز گردند.

۱۳۶۵ عَنْهُ ﷺ خَیْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ^۲

۱۳۶۵. پیامبر خدا ﷺ: بهترین شما، کسانی هستند که

قرآن بیاموزند و آن را بیاموزانند

۱۳۶۶ عَنْهُ ﷺ خَیْرُكُمْ خَیْرُكُمْ لِأَهْلِیْهِ مِنْ بَعْدِیَ^۳۱۳۶۷ عَنْهُ ﷺ خَیْرُكُمْ خَیْرُكُمْ لِأَهْلِیْهِ، وَأَخَیْرُكُمْ لِأَهْلِیْهِ^۴

۱۳۶۶. پیامبر خدا ﷺ: بهترین شما، کسی است که پس

از من، نسبت به اهل بتم بیکو تر باشد.

۱۳۶۸ الْإِمَامُ الْبَاقِرُ ع: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَنْ خَیْرِ الْعِبَادِ

۱۳۶۷. پیامبر خدا ﷺ: بهترین شما، بهترینتان برای

خانواده‌اش است و من، بهترین شما نسبت به

خانواده‌ام هستم

فَقَالَ: الَّذِينَ إِذَا أَحْسَبُوا اسْتَبْشَرُوا، وَإِذَا أَسَؤُوا

اسْتَحْزَرُوا، وَإِذَا أُعْطُوا شَكَرُوا، وَإِذَا أُمِرُوا بِعَمَلٍ

عَصَبُوا عَفَرُوا^۵

۱۳۶۹ الْكَافِي عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَلَا

أَحَبُّكُمْ بِخَيْرِ رِجَالِكُمْ؟

قُلْنَا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ

۱۳۶۸ امام باقر ع: از پیامبر خدا دربارۀ بهترین

مندگان پرسیدند فرمود: «آنانی که چون سبکی

کنند، خوش حال شوند و چون بدی کند، آمرزش

خواهند و چون عطا یابند، سپاس گویند و چون

مبتلا شوند، صبر کنند و چون خشمگین شوند،

ترگمردند»

قَالَ إِنَّ مِنْ خَيْرِ رِجَالِكُمُ اتَّقِي السَّيْفَ، السُّمْحَ

الْكُفْيَ، النَّفْيَ الطَّرْفَیْ، الْبِرَّ بِالذِّیْهِ، وَلَا يُدْجِیْ عِبَادَهُ

إِلَى غَيْرِهِ^۶

۱۳۶۹ الكافی - نه نقل از جابر بن عبد الله - پیامبر خدا

فرمود: «آیا شما را به بهترین مردان خیر دهم؟»

گفتیم: آری، ای پیامبر خدا!

۱ تنبیه الخواطر ج ۲ ص ۱۲۳

فرمود: «از بهترین مردان شما، کسی است که

پرهیزگار و پاک باشد، دستانی بخشیده و دامن

پاک داشته باشد و به پدر و مادر خود، نیکوکار

باشد و خانواده خود را به دیگران وانگدارد»

۲ المصباح الأوسط ج ۶ ص ۶۰ ح ۵۷۹۳

۳ صحیح البخاری ج ۴ ص ۱۹۱۹ ح ۱۷۳۹

۴ المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۳۵۲ ح ۵۳۵۹

۵ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۳ ص ۵۵۵ ح ۴۹۰۸

۶ الکافی ج ۲ ص ۲۴۰ ح ۳۱

۷ الکافی ج ۲ ص ۵۷ ح ۷

الفصل الخامس. آثار الخير

فصل پنجم: آثار خیر

۱/۵. آثارُ الحَسَنَاتِ

۱/۵. آثار کارهای خیر

الكتاب

قرآن

﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيْ النُّهَارِ وَرَافِعًا مِنَ اللَّيْلِ بِإِنْ

﴿وَرُدِّدْهُ هُوَ طَرَفُ رُوزٍ (نَوَل و آخر آن) و نخستین ساعات

الْحَسَنَاتِ يَذْهَبُ الشَّيْءُ ذَلِكَ تَكْرَى مَذْكَورِينَ﴾^۱

شبیه نماز را برپا دارد و نیز خوبی‌ها پدید می‌آید از میان

﴿هَذَا جَزَاءُ الْإِحْسَنِ إِلَّا الْإِحْسَانَ﴾^۲

می‌برد. این برای پندگیرندگان. پدید است﴾

﴿إِنْ الْأَنْبَاءُ لَبِى نَعِيمٍ﴾^۳

﴿مگر پاداش نیکی کردن. هر نیکی کردن است﴾^۴

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظِلُ مِنْ سُلَّالٍ ذُرَّةٍ وَإِنْ تَكُنْ خَسَنَةً تُحْمَلُ

﴿به راستی، نیکوکاران در نعم [الهی] خواهند بود﴾

وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا﴾^۵

﴿در حقیقت، خدا هم‌وزن ذره‌ای، ستم نمی‌کند و اگر [آن

الحدیث

نزد، کار] نیکی باشد، دو پندارش می‌کند و از نزد

حدیث

۱۳۷۰ رسول الله ﷺ - لِمَنْ سَأَلَهُ هَلْ يَمْنَعُ الْمَرْءَ نَعْمَ

الْفُجُورَ؟ - نَعَمْ؛ إِنْ التَّوْبَةُ تَغَيَّلُ الْعَوِيَّةَ. وَإِنْ

۱۳۷۰. پیامبر خدا ﷺ - خطاب به کسی که پرسید: آیا پس از

الْحَسَنَاتِ يَذْهَبُ الشَّيْءُ؟^۶

گناه، نیکی کردن سود می‌بخشد؟ .. آری! توبه،

۱۳۷۱. عَنْهُ ﷺ مَنْ أَحْسَنَ فِي مَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِهِ غُفِرَ اللَّهُ

گناه را می‌شوید و نیکی‌ها، پیدی‌ها را از پس

لِمَا مَضَى وَمَا بَقِيَ، وَمَنْ أَسَاءَ فِي مَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِهِ أُحْدِثَ

می‌برد

فِي مَا مَضَى وَفِي مَا بَقِيَ^۷

۱۳۷۱. پیامبر خدا ﷺ، هر که در باقی ماندۀ عمرش کار

۱۳۷۲. عَنْهُ ﷺ - فِي وَصِيَّتِهِ لِأَبِي ذَرٍّ - يَا أَبَا ذَرٍّ مَنْ

بیکار کند، خداوند گناهان گذشته و باقی ماندۀ عمر

يَزْرَعُ حَبْرًا يَوْشِكُ أَنْ يَعْصِدَ حَبْرًا^۸

او را می‌بخشاید و هر که در باقی ماندۀ عمرش گناه

۱۳۷۳. عَنْهُ ﷺ وَجَدْتُ الْحَسَنَةَ مَوْراً فِي الْقَلْبِ، وَرِيساً

کند دست به گذشته و آینده عمرش مؤاحذه

فِي الْوَحْدِ، وَفُؤَةً فِي الْعَمَلِ؛ وَوَجَدْتُ الْخَطِيئَةَ سُوداً

می‌شود.

۱۳۷۲. پیامبر خدا ﷺ - در وصیتش به ابو ذر .. ای ابو

ذر! هر که نیکی بکاره، امید است که نیکی

۱. عدد ۱۱۴

۲. المرحوم ۶

۳. المطففين ۲۲

۴. النساء ۱۰

۵. تاریخ دمشق ج ۳ ص ۱۷۲

۶. کنایة الآثار ص ۱۹۱

۷. مکالم الأخلاق ج ۲ ص ۳۶۵ ح ۳۶۱۱

پس‌رود

۱۳۷۳. پیامبر خدا ﷺ: حسنه (کار نیک) را فروغی در

فِي الْقَلْبِ. وَشِينًا فِي الْوَجْهِ، وَهَذَا فِي الْقَتْلِ^۱

۱۳۷۴ عَنِ اللَّهِ - لِقَائِي - يَا عَلِيُّ. ثَلَاثُ ثَوَابُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ الْحَجُّ يَنْفِي الْفَقْرَ، وَالصَّدَقَةُ تَدْفَعُ الْبَلِيَّةَ، وَصَلَّةُ الرَّحِمِ تَزِيدُ فِي الْعُمْرِ^۲

۲/۵ آثارُ الإحسانِ إِلَى النَّفْسِ

۱۳۷۵ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ جُسِيتِ الْقُلُوبُ عَلَى حُبِّ مَنْ أَحْسَنَ إِلَيْهَا، وَبُعِصَ مَنْ أَسَاءَ إِلَيْهَا^۳

۱۳۷۶ عَنِ اللَّهِ - لِرَجُلٍ سَأَلَهُ عَمَلًا يُحِبُّهُ إِلَى اللَّهِ وَالنَّاسِ الْمَحْلُوقِينَ - إِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُحِبَّكَ الْمَخْلُوقُونَ فَأَحْسِنِ إِلَيْهِمْ، وَارْقُصْ مَا فِي بَدَنِهِمْ^۴

۱۳۷۷ عَنِ اللَّهِ غَضِبْتُ لِمَنْ يَشْرِي لِمَالِكَ بِمَالِهِ ثُمَّ يُسْتَعْمَلُ كَيْفَ لَا يَشْرِي الْأَحْرَارَ بِعَمْرُوهِ^۵ هَذِهِ أَعْظَمُ ثَوَابًا^۶

۱۳۷۸ عَنِ اللَّهِ إِنَّ الْعُرُوفَ يَمْنَعُ نَصَارِعَ السُّوءِ^۷

۱۳۷۹ عَنِ اللَّهِ إِنْ امْرَأَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَحَدٌ وَلَدَهَا الذَّنْبُ، فَأَتَيْتُهُ وَمَنْعَهَا رَعِيفٌ نَأْكُلُ مِنْهُ، فَتَعْبَهَا سَائِلٌ فَنَأْوِلُهُ الرِّغِيفَ، فَأَلْقَى الذَّنْبُ وَلَدَهَا، وَسَمِعْتُ قَائِلًا يَقُولُ وَهِيَ لَا تَرَاهُ، خُدِي اللَّقْمَةَ بِالْقَنَةِ^۸

۱۳۸۰ عَنِ اللَّهِ إِنْ أَهْلٌ يَمِتَ لَيْكُورُونَ نِزْوَةً فَتَقْسَمُوا أَمْوَالَهُمْ

دل، آرایشی در چهره، و بیرویی در کار یافتن

۱۳۷۲. پیامبر خدا ﷺ - به علی علیه السلام - ای علی! سه چیز است که پاداش آنها، هم در دنیا است و هم در آخرت: حج، فقر را می‌زداید؛ صدقه، بلا را دفع می‌کند؛ و صلته رحم، عمر را می‌افزاید.

۲/۵ آثار میکی کردن به مردم

۱۳۷۵. پیامبر خدا ﷺ دل‌ها بر این اساس سرشته شده‌اند که هر که به آنها بیکی کند، دوستش بداند و هر که به آنها بدی کند، دشمنش بداند

۱۳۷۶. پیامبر خدا ﷺ - به مردی که از ایشان درباره کاری که او را نزد خدا و آفریده‌ها محبوب دارد، پرسید - : اگر خواستی آفریده‌ها (مردم)، تو را دوست بداند، به آنان خوبی کن و آنچه را در دستشان است، رها کن (به آن، طمع نداشته باش)

۱۳۷۷. پیامبر خدا ﷺ از کسی که با مال خود، بردگان را می‌خرد و سپس آزادشان می‌کند، در شگفتی که چگونه ما بیکی خویش، آزادگان را نمی‌خرد؟^۳ این، پاداشش بزرگ‌تر است

۱۳۷۸. پیامبر خدا ﷺ بیکی، جلوی مرگ‌های بد را می‌گیرد

۱۳۷۹. پیامبر خدا ﷺ گرگی فرزند یکی از زنان بنی اسرائیل را ربود زن، در پی او به راه افتاد، در حالی که گرده بانی همراه داشت و از آن می‌خورد، تا این که به نیازمندی رسید و نان را به او داد. گرگ هم فرزند او را رها کرد. زن، از کسی که نمی‌دیدش، ندایی شنید که: «این لقمه را بگیر در مقابل آن لقمه‌ه».

۱۳۸۰. پیامبر خدا ﷺ: همانا خانواده‌ای که اهل بی‌کوکاری

۱ حلیه الأولیاء ج ۲ ص ۱۶۱

۲ صحیح العقول ص ۲

۳ کتاب ص لا یحصیه ج ۱ ص ۳۸۱ ح ۵۸۳۶

۴ اعلام اللذین ص ۳۶۸

۵ ثواب قصاص حوایج الإخوان ص ۵۴ ح ۱۳

۶ قرب الإسناد ص ۷۶ ح ۲۴۴

۷ البحریات، ص ۵۶

وَلَوْ أَنَّهُمْ فُجَّارٌ^۱

باشند، موالشان اهرایش می‌یابد؛ هر چند پرهکار باشد

۱۳۸۱ عَنْهُ ﷺ مَوْتُ الْإِنْسَانِ بِالدُّنُوبِ أَكْثَرُ مِنْ مَوْتِهِ بِالْأَجَلِ، وَحَيَاتُهُ بِالْبِرِّ أَكْثَرُ مِنْ حَيَاتِهِ بِالْعَمَلِ^۲

۱۳۸۱ پیامبر خدا ﷺ مرگ انسان به سبب گناهان،

بیش از مرگ او به سبب اجل (سرامدن عمر) است، و زندگی او به سبب نیکوکاری، بیش از زندگی او به عمر است

۱۳۸۲ عَنْهُ ﷺ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ جُمِعَ أَهْلُ الْجَنَّةِ ضَعُوفًا وَأَهْلُ النَّارِ ضَعُوفًا، فَيَنْظُرُ الرَّجُلُ مِنْ ضَعُوفِ أَهْلِ النَّارِ إِلَى الرَّجُلِ مِنْ ضَعُوفِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، فَيَقُولُ يَا فُلَانُ، أَمَا تَذْكُرُ يَوْمَ اصْطَبَعْتُ إِلَيْكَ فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا؟ فَيَأْخُذُ بِيَدِهِ فَيَقُولُ اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا صَطَحَ إِلَيَّ فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا، فَيُقَالُ لَهُ خُذْ بِيَدِهِ أَدْحَقَهُ الْحَبَّ بِرَحْمَةِ اللَّهِ^۳

۱۳۸۲ پیامبر خدا ﷺ چون روز قیامت شود، بهشتیان در صف‌هایی، و دوزخیان نیز در صف‌هایی فراهم می‌آیند. فردی از صف‌های دوزخیان، به شخصی از صف‌های بهشتیان می‌نگرد و می‌گوید: فلانی! آیا آن روز را که در دنیا به تو سبکی کردم، نه یاد می‌وری؟

۱۳۸۳ عَنْهُ ﷺ إِنْ الْبِرَّ يَهْدِي إِلَى الْحَبَّةِ^۴

پس آن بهشتی، دست او را می‌گیرد و می‌گوید: ای فلانی! این شخص، در دنیا به من سبکی کرده است

پس به او گفته می‌شود: دست او را بگیر و به سبب رحمت الهی، او را وارد بهشت کن!

۱۳۸۴ پیامبر خدا ﷺ سبکی، به بهشت، راه‌حالی می‌کند

۱ التَّوَهُّدُ لِلْحَسَنِ بْنِ سَعْدٍ ص ۳۴ ج ۹۰

۲ مِكَارِمُ الْأَعْلَانِ ج ۲ ص ۱۷۹ ح ۲۶۱

۳ تاریخ بغداد ج ۴ ص ۳۲۲ اثر رقم ۲۱۵۲

۴ صحیح البخاری ج ۵ ص ۲۲۶ ح ۵۷۱۳

الباب العاشر

باب دهم

المصائب والبلايا والشرور

مصیبت‌ها، بلاها و شرور

الفصل الأول: المصائب

فصل یکم: مصیبت‌ها

۱ ۱ ما يُهَوِّنُ الْمَصَائِبُ

۱ / ۱ آنچه مصیبت‌ها را آسان می‌کند

۱۳۸۴. رسول الله ﷺ. مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا هَانَ عَلَيْهِ الْمَصَائِبُ ۱

۱۳۸۴ پیامبر خدا ﷺ کسی که از دنیا دل بر کند، مصیبت‌ها بر او آسان می‌شوند

۱۳۸۵. الإمام الصادق ﷺ إِذَا أَصَبَتْ بِمُصِيبَةٍ مَا دُكِّرَ نَصَائِكَ بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَإِنَّ النَّاسَ لَمْ يُصَابُوا بِمِثْلِهِ أَبَدًا. وَلَنْ يُصَابُوا بِمِثْلِهِ أَبَدًا ۲

۱۳۸۵ امام صادق ﷺ هرگز، مصیبتی به تو رسید، مصیبت [رحلت] پیامبر خدا را به یاد بیاور؛ زیرا مردم هرگز مصیبتی چون مصیبت [رحلت] پیامبر خدا ﷺ به خود ندیده‌اند و هیچ گاه هم، چنان مصیبتی نخواهند دید

۱ ۲ القرآن للفسر والغسر

۲ / ۲. سختی و آسانی، قرین هم‌اند

الكتاب

﴿لَنْ يَنْفَعَكَ الْغُسْرُ يَنْفَعُكَ﴾ ۲

قرآن

﴿پس [بدان که] یا دشواری، آسانی‌ای است، آری، یا دشواری، آسانی [دیگر] است﴾

الحديث

حدیث

۱۳۸۶ رسول الله ﷺ. فِي قَوْلِهِ تَعَالَى ﴿لَمْ تَشْرَحْ﴾ -

لَنْ يَنْفَعَكَ غُسْرٌ يُسْرِي، ﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ ۱

۱۳۸۶. پیامبر خدا ﷺ. در باره آیه ﴿آیا برای تو سبب‌ها را نگشاده‌ایم﴾ - هرگز یک سختی بر دو آسانی چیره نمی‌گردد ﴿[بدان که] یا دشواری، آسانی‌ای است، آری، یا دشواری، آسانی [دیگر] است﴾

۱۳۸۷ عَنْهُ ﷺ لَوْ جَاءَ الْعُسْرُ فَدَخَلَ هَذَا الْبَحْرُ، لَجَاءَ الْيُسْرُ فَدَخَلَ عَلَيْهِ فَأَخْرَجَهُ ۲

۱۳۸۷ پیامبر خدا ﷺ. در باره آیه ﴿آیا برای تو سبب‌ها را نگشاده‌ایم﴾ - اگر دشواری در لایه‌ای باشد، آسانی نزدیک او می‌رود تا بپرویش آوزد... ﴿آری، یا به همراه سختی، آسانی است﴾

۱ کثر القوائد ج ۲ ص ۱۶۳

۲ الامالی للطوسي ص ۱۸۱ الح ۱۴۸

۳ التشرح ص ۵

۴ کثر العمل ج ۲ ص ۱۴ ح ۲۹۴۶

۵ کثر العمل ج ۲ ص ۱۴ ح ۲۹۴۷

۱۳۸۸ عه ﷺ أَصْبَحَ الْأَقْرَبُ أَذْنَاهُ مِنَ الْمَرْجِ

۳/۱ الْبُكَاءُ لِمَوْتِ الْوَلَدِ وَالْأَقْرَبَاءِ

۱۳۸۸ پیامبر خدا ﷺ، پر ننگ‌اترین کار، نزدیک‌ترین کار به گشایش است

۳/۱ گریه برای مرگ فرزند و خویشان

۱۳۸۹ الْأَمَلِيُّ لِلطُّوسِيِّ عَنْ عَائِشَةَ لَمَّا مَاتَ إِبْرَاهِيمُ
بَكَى النَّبِيُّ ﷺ حَتَّى جَزَتْ دُمُوعُهُ عَنِ لَحْيَيْهِ فَقِيلَ
لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ تَهَيَّ عَنِ الْبُكَاءِ وَنُتِ تَبْكِي ؟
فَقَالَ بَيْسَ هَذَا بُكَاءٌ وَإِنَّمَا هَذِهِ حَنَنٌ وَمَنْ لَا يَرْحَمُ
لَا يُرْحَمُ ۲

۱۳۸۹. الامالی، طوسی - به نقل از عایشه - : هنگامی
که ابراهیم (پسر پیامبر خدا) درگذشت، پیامبر ﷺ
چندان گریست که اشک‌هایش بر محاسنش
جاری گشت. عرض شد ای پیامبر خدا! شما از
گریستن بهی می‌کید و خود می‌گریید؟
فرمود: آری، گریه بیست بلکه رحم است، و
هر که رحم نکند، به او رحم نمی‌شود.

۱۳۹۰ سنن النسائي عن أبي هريرة ماتت بنت من آل
رسول الله ﷺ فاجتمع النساء يبكين عليه فقام عمر
بنهاش ويطردهن، فقال رسول الله ﷺ دَعِهْنِ يَا
عمر، فَإِنَّ الصَّبْرَ دَامِعَةٌ وَالْقَلْبَ مُصَابٌ وَالْعَهْدَ فَرِيضٌ ۳

۱۳۹۰ سنن النسائی - به نقل از ابو هریره - : یکی از
افراد خاندان پیامبر خدا درگذشت. زن‌ها جمع
شده بودند و بر او می‌گریستند، که عمر برخاست
و آنان را از گریستن بهی کرد و شروع به منغری
کردن آنها نمود. پیامبر خدا فرمود: «ای عمر! این
و هایشان کی! چرا که چشم، اشکبار است و دل،
مصیبت دیده و دامنش تیره است»

۱ ۴ ثَوَابُ الْفُصْصَةِ بِالْوَلَدِ

۱۳۹۱. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ تَبَكَى ثَلَاثَةَ يَوْمٍ عَلَى أَحْسَنِهِمْ
عَلَى اللَّهِ ﷻ وَجَبَتْ لَهُ الْخَمَةُ ۴

۴/۱ مصیبت مرگ فرزند

۱۳۹۲. مَسْكَنُ الْفَوَازِ عَنْ قَبِيصَةَ مِنْ قَوْمَةِ كَسْتٍ عَذَرَ
رَسُولَ اللَّهِ ﷺ جَاسِئاً، إِذْ أَتَتْهُ امْرَأَةٌ فَضَالَتْ يَا رَسُولَ
اللَّهِ ادْعُ اللَّهَ لِي فَإِنَّهُ لَيْسَ يَعِيشُ لِي وَلَدٌ. قَالَ ﷺ وَكَمْ
مَاتَ لَكَ [وَلَدٌ]؟ قَالَتْ ثَلَاثَةٌ. قَالَ لَقَدْ احْتَظَرْتَ مِنَ
الْمَارِ بِحِظَارٍ شَدِيدٍ. ۵

۱۳۹۲ پیامبر خدا ﷺ هر که در داغ سه فرزند خود
سوگواری نمود و اجر، مرگ آنها را به حساب
خداوند ﷻ بگذارد، بهشت بر او واجب می‌گردد.
۱۳۹۲ مَسْكَنُ الْفَوَازِ - به نقل از قبیصة بن بُرمه - : مرد
پیامبر ﷺ شسته بودم که زنی آمد و از مرگ
فرزندانش شکوه کرد و گفت: ای پیامبر خدا! از
خدا برای من طلب فرزند کن.

پیامبر خدا ﷺ به او فرمود: «چند فرزند از تو
مرده است؟»

عرض کرد سه تا

فرمود: «تو در برابر آتش، حصار محکمی بر
گرد خود کشیده‌ای!»

۱ عرونی الاکبری ج ۱ ص ۲۹۱ ح ۱۶۱
۲ الامالی للطوسی ص ۳۸۸ ح ۸۵۰
۳ سنن النسائی ج ۴ ص ۱۹
۴ الخصال ص ۱۸۰ ح ۲۴۵
۵ ما بین المعرفین اثباته من بحار الاکثر
۶ مَسْكَنُ الْفَوَازِ ص ۳۹

۵/۱. آذِبُ الْمُصَابِ

الكتاب

«وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِلَيْهِ رَجَعُونَ»^۱

التحديث

۱۳۹۳ رسول الله ﷺ إِنَّ أَهْلَ الْمُصِيبَةِ لَنُزِلَ بِهِمُ الْمُصِيبَةُ فَيَحْزَنُونَ فَيَمُرُّ بِهِمْ مَاءٌ مِنَ الدِّينِ فَيَسْتَرْجِعُ يَكُونُ أَعْظَمَ أَحْرَأَ مِنْ أَهْلِهَا^۲

۱۳۹۴ عنه ﷺ مَنْ كُتِبَ الْبِرُّ كَتَبَتْ لَهُ الْمَصَائِبُ وَالْأَمْرَاضُ وَالصَّدَقَةُ^۳

۱۳۹۵ عنه ﷺ صَوْتَانِ يُجْعِلُهُمَا اللَّهُ إِنْغُولَ عِنْدَ مُصِيبَةٍ وَبِرْمَازَ عِنْدَ نَعْتَةٍ^۴

۶/۱. قَعْرِيَّةُ الْمُصَابِ

۱۳۹۶ رسول الله ﷺ مَنْ عَرَى مُصَاباً كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ^۵

۱۳۹۷ عنه ﷺ مَنْ عَرَى أَحَدَ الْمُؤْمِنِينَ فِي مُصِيبَةٍ كَسَاءَ لَبَدَةٍ حَنَّةٍ خَصْرَاءَ يُحْتَرَبُ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۶

۷/۱. الدُّعَاءُ عِنْدَ رُؤْيَا الْمُبْتَلى

۱۳۹۸ رسول الله ﷺ إِذَا رَأَيْتُمْ أَهْلَ الْبَلَاءِ فَأَحْسِنُوا لَهُمْ وَلَا تُسْمِعُوهُمْ، فَإِنَّ ذَلِكَ يَحْزَنُهُمْ^۷

۵/۱. آذَابِ مُصِيبَتِ بَدِيدِ

القرآن

«وَمَزِدْهُ سَهْ شَكِيَّائِينَ رَأَى [هَذَا] كَسَانِي كَهَ چُونِ مُصِيبَتِي بِهِ أَتَانِ بَرَسَدِ مِي كَوِيَنْد: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»»

الحديث

۱۳۹۳ پیامبر خدا ﷺ [گاه] مصیبتی بر خسروادمای وارد می‌شود و می‌بای می‌کشد و همان گاه، ره‌گذاری بر آن می‌گردد و استرجاع (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) می‌گوید. حواریس ره‌گذر، بیشتر از احمر آن مصیبت‌دیدگان است

۱۳۹۴ پیامبر خدا ﷺ پوشیده داشتن مصیبت‌ها و

بیماری‌ها و صدقه، از گنج‌های مکی است

۱۳۹۵ پیامبر خدا ﷺ دو صدایند که نعرین شده‌اند

و جملاتی از آنها نعرت دارد. فعال کردن به هنگام

مصیبت، و صداهای هنگام خوشی و شادی؛ یعنی

نوحه‌گری و آواره‌خوانی.

۶/۱. تسلیت دادن سوگواری

۱۳۹۶. پیامبر خدا ﷺ هر که سوگواری و تسلیت دهد،

اجری همانند اجر او دارد.

۱۳۹۷ پیامبر خدا ﷺ هر که برادر مؤمن خود را در

سوگی سلا دهد، خداوند در روز عسامت

تن پوشی سبز رنگ و شادی آور، بر او می‌پوشاند.

۷/۱. دعا، هنگام دیدن بلادید

۱۳۹۸ پیامبر خدا ﷺ هرگاه ملاردگانی را دیدید، خدا

و شکر کنید؛ اما نه چنان که آنها بشنوند؛ زیرا

بلا راحت می‌شود

۱ البقرة ۱۵۵ و ۱۵۶ ۲ الدعوات من ۲۸۶ ح ۱۳

۳ الدعوات من ۱۶۷ ح ۲۶۲

۴ تحف الموعود من ۴۰

۵ الکافی ج ۳ ص ۲۰۵ ح ۲

۶ مسکن الموائد من ۱۰۶

۷ الکافی ج ۲ ص ۶۸ ح ۳

الفصل الثانی، حکمة المصائب

فصل دوم، حکمت مصیبت‌ها

۱/۲ الإمتحانُ

۱/۲. آرمایش

الكتاب

قرآن

﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنُفُوذُكَ بِالْشَّرِّ وَالْخَيْرِ فَتَنَةٌ وَإِنَّا نَرْجِعُهُمْ^۱﴾

﴿هر نفسی، چشیده مرگ است، و شما را از راه آرمایش به بد و نیک خواهیم آزمود و به سوی ما باز گردانید، می‌شوید﴾

الحديث

حديث

۱۳۹۹ رسول الله ﷺ: إِنَّ التَّلَاةَ بِسَطَائِمِ أَدَبٍ، وَبِسُؤْمِيْنِ إِمْتِحَانٍ، وَبِالْأَنْبِيَاءِ دَرَجَةٌ، وَبِالْوَبَاءِ كَرَامَةٌ^۲

۱۳۹۹ پیامبر خدا ﷺ: تلا برای ستمگر، [وسیله] ادب، و برای مؤمن، آزمون، و برای پیامبران، درجه، و برای اولیا کرامت است

۲/۲ تَكْرِيمُ الْمُؤْمِنِ

۲/۲. ارج نهادن به مؤمن

۱۴۰۰ رسول الله ﷺ: إِنَّ أَقْرَبَ لِعُصْدِيَّ عَبْدُ الْمُؤْمِنِ مَالِيًّا، كَمَا تُعْدِي الْوَالِدَةُ وَلَدَهَا بِاللَّبْسِ^۳.

پیامبر خدا ﷺ: خداوند، بنده مؤمن خود را با بلا (گرفتاری)، تعدیه می‌کند، همچنان که مادر، فرزند خود را با شیر

۱۴۰۱ عنه ﷺ: مَا كَرُمَ عَبْدُ عَمِيٍّ إِلَّا إِذَا دَاغَ عَلَيْهِ الْبَلَاءُ^۴

۱۴۰۱. پیامبر خدا ﷺ: بنده‌ای بر خدا گرامی‌تر نیست، مگر آن که بلا (گرفتاری) او فرو می‌یافت

۱۴۰۲ عنه ﷺ: إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ خَيْرًا اتَّلَاهُمْ^۵

۳، ۲ تَدَكِّيْرُ الْكَافِرِ

الكتاب

﴿وَيَذَلُّ الْأَعْمَاءُ الْفِرْعَوْنَ بِالسَّيِّئِينَ وَنَقَصَ مِنَ الْأَمْرِ لِعُلَاهُمْ يَذْكُرُونَ^۶﴾

۱۴۰۲ پیامبر خدا ﷺ: هرگاه خداوند خیر مردمی را بخواهد، آنان را گرفتار می‌کند

الحديث

قرآن

۱۴۰۳ رسول الله ﷺ: لَوْلَا ثَلَاثَةٌ لَفِي أَبِي آدَمَ مَا طَاطَا^۷

﴿و در حقیقت، ما فرعون را به خشک‌سالی و کمبود محصولات دچار کردیم، باشد که عبرت گیرند﴾

حديث

۱ الانبياء ۳۵

۲ جامع الأخبار ص ۳۱۰ ح ۸۵۲

۳ اعلام القديس ص ۲۷۷ ۱ دعوت الإسلام ج ۱ ص ۲۵۱

۵ جامع الأخبار ص ۳۱۰ ح ۸۵۵

۶ الأعراف ۱۳۰

۱۴۰۴ پیامبر خدا ﷺ: اگر سه چیز در آدمیزاد نبود، هیچ

چیزی سر او را فرو نمی‌آورد بیماری، تهی‌دستی

رَأْسُهُ شَيْءٌ الْمَرَضُ، وَ الْمَوْتُ، وَالْفَقْرُ، وَكُلُّهُنَّ فِيهِ،
وَإِنَّهُنَّ لَوَثَاقٌ^۱

۴/۲. جزاء السَّيِّئَاتِ

الكتاب

﴿وَمَ أَمْسِكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ لِمَا كُنْتُمْ تُدْبِكُمْ وَتُغْفَوُا
عَنْ كَثِيرٍ﴾^۲

الحديث

۱۴۰۴ رسول الله ﷺ لَا يَخْشَى عَلَى لَفْرِهِ إِلَّا نَدُهُ^۳

۱۴۰۵ عَنْهُ ﷺ الْعَصَائِثُ وَالْأَمْرَاضُ وَالْأَحْرُسُ فِي
الدُّنْيَا حَرَاءٌ^۴

۱۴۰۶ عَنْهُ ﷺ مَا حَتَّحَ عَرَقٌ وَلَا عَثْرَ مَدَمَ إِلَّا سَمَا
فَدُمْتُ أَيْدِيكُمْ، وَمَا يَغْفُو اللَّهُ عَنْهُ أَكْثَرُ^۵

۵/۲. تَطْهِيرُ الْمُؤْمِنِ مِنَ الدَّمَوِ

۱۴۰۷ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِبَلَاءٍ فِي جَسَدِهِ فَهُوَ
لَهُ حَطَّةٌ^۶

۱۴۰۸ عَنْهُ ﷺ إِنْ اللَّهُ ﷻ يَقُولُ بَنِي إِذَا ابْتَلَيْتُ عَبْدًا مِنْ
عِبَادِي مُؤْمِنًا فَحَمِدْتَنِي عَلَى مَا ابْتَلَيْتُهُ، فَإِنَّهُ يَقُومُ مِنْ
مَصْجِعِهِ ذَلِكَ يَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ مِنَ الْخَطَايَا. وَيَقُولُ

۱ الذمومات ص ۱۷۱ ح ۴۷۹

۲ الشوری ۳۰

۳ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۳۷۸ ح ۵۷۸۶

۴ حلیه الأیام ج ۸ ص ۱۱۹

۵ الأمالی للعلی بن ابی طالب ص ۵۷۰ ح ۱۱۸۰

۶ جملته أي تحط عنه خطایاه وذنوبه، خط الشيء إذا تفرقه
وانفصل (النهاية ج ۱ ص ۱۰۲ حططه)

۷ مستدرک حبی ج ۱ ص ۱۱۴ ح ۱۶۹۰

و مرگ آنها همه در انسان هست و با این حال،
انسان همچنان گستاخ است!

۴/۲ مجازات گناهان

قرآن

﴿وهر [گونه] مصیبتی به شما برسد، به سبب عملکرد خود
شماست. و [خدا] از بسیاری در می‌گذرد﴾

حدیث

۱۴۰۴ پیامبر خدا ﷺ بر آدمی، جز خود او جنایت

نمی‌کند

۱۴۰۵ پیامبر خدا ﷺ گرفتاری‌ها و بیماری‌ها و

انگیزه‌های دنیا، کیمیرند

پیامبر خدا ﷺ رگی نمی‌لرزد و گمی نمی‌نمورد،

چون بی‌خاطر آنچه خودتان از پیش فرستاده‌اید و

الله آنچه خداوند ﷻ از آن در می‌گذرد، بیشتر

است

۵/۲ پاک‌سازی مؤمن از گناهان

۱۴۰۷ پیامبر خدا ﷺ خداوند، هر کسی را به بلائی

در جسمش گرفتار سازد، همان، گناهان او را

می‌ریزد

۱۴۰۸ پیامبر خدا ﷺ - خداوند ﷻ می‌فرماید: هرگاه

من یکی از بندگان مؤمنم را گرفتار ساختم و به

خاطر آن گرفتاری، ستایشم نمود، همانا او از

رحمت‌خواش همانند روزی که از مادر متولد شده،

بدون گناهان پیر می‌جیزد و پروردگار ﷻ

می‌فرماید: «من بنده‌ام را گرفتار نمودم و مبتلا

الرَّبُّ ﷻ أَنَا قَيَّدْتُ عَبْدِي وَابْتَلَيْتُهُ، وَأَجْرُوا لَهُ كَمَا كُنْتُمْ تُجْرُونَ لَهُ وَهُوَ صَحِيحٌ^۱

ساحتم. شما، اجر او را همانند زمان سلامتش به او بدهید!

۱۴۰۹ عنه ﷺ مَا يُصِيبُ الْمُسْلِمَ، مِنْ تَصَبٍّ وَلَا وَصَبٍ، وَلَا هَمٍّ وَلَا حَزَنٍ وَلَا أَذًى وَلَا غَمٍّ، حَتَّى اسْتَوَكَا يُشَاكُّهَا، إِلَّا كَفَّرَ اللَّهُ بِهَا مِنْ خَطَايَاهُ.^۲

۱۴۰۹. پیامبر خدا ﷺ، به مسلمان، رنج و درد طولانی و هم و اندوه و آزار و عصبه، حتی جاری که به تنش فرو می رود، نمی رسد، جز این که خداوند به خاطر آنها، گناهان او را پاک می کند

۱۴۱۰ الْمُطَوَّلُ عَنْ يَحْيَى بْنِ سَعِيدٍ أَنَّ رَجُلًا جَاءَهُ الْمَوْتُ فِي زَمَانِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، فَقَالَ رَجُلٌ هَيْتَا لَهُ مَاتَ وَلَمْ يُبْتَلِ بِمَرَضٍ

۱۴۱۰. الطوطا - به نقل از یحیی بن سعید - مردی در زمان پیامبر خدا ﷺ، کسی درباره او گفت: گوارایش باد! او مرد، در حالی که به مرض مبتلا نشد.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: وَيْحَكَ، وَمَا يَدْرِيكَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ ابْتَلَاهُ بِمَرَضٍ يُكْفِّرُ بِهِ مِنْ سَيِّئَاتِهِ^۳

ان گاه پیامبر خدا فرمود: اوای بر تو تو چه می دانی؟ چنانچه خداوند ﷻ او را به مرض مبتلا می کرد، با آن، گناهانش را پاک می نمود.

۱۴۱۱ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا كَثُرَتْ ذُنُوبُ الْقَبْدِ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ مَا يُكْفِّرُهَا مِنَ الْعَمَلِ، ابْتَلَاهُ اللَّهُ ﷻ بِالْحَرْبِ لِشُكْرِهَا عَنْهُ^۴

۱۴۱۱. پیامبر خدا ﷺ هر گاه گناهان بنده بسیار شدید و بختیاری عظمی نبود که آنها را پاک کند، خداوند ﷻ او را به اندوه، گرفتار می سازد تا گناهان او را پاک گرداند.

۶، ۲ التَّكَامُلُ لِلْأَعْيَاءِ وَالْأَوْلِيَاءِ

۱۴۱۲ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: بِنُ الْبَلَاءِ بِالْأَسْيَاءِ ذَرْجَةً، وَبِالْأَوْلِيَاءِ كَرَمَةً^۵

۶/۲ تکامل برای اعیان و اولیا

۱۴۱۲ پیامبر خدا ﷺ: همانا بلا... برای پیامبران، درجه، و برای دوستان خدا، کرامت است

۱۴۱۳ الْإِمَامُ الصَّادِقُ ﷺ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَسَّ شِدَّةَ النَّاسِ بَلَاءَ فِي الدُّنْيَا فَقَالَ: النَّاسُ قَسَمُ الْأَمَلِ قَالًا مَثَلٌ، وَيُسْتَنَّى الْمُؤْمِنُ بَعْدَ عَلَى قَدْرِ إِيْمَانِهِ وَخَسْ أَعْمَالِهِ، فَتَسْ صَحَّ إِيْمَانُهُ وَخَسْ عَمَلُهُ أَشَدُّ بَلَاءُ وَتَسْ شَحَفَ إِيْمَانُهُ وَصَحَفَ عَمَلُهُ قَلَّ بَلَاءُ^۶

۱۴۱۳ امام صادق ﷺ: در پیامبر ﷺ پرسیدند: گرفتارترین مردم در دنیا، کیان اند؟

فرمود: «پیامبران، سپس برترین های پس از آنان و سپس ا برترین های پس از آنان مؤمن به اندازه ایمان و نیکی عمل هایش، مبتلا می گردد پس هر کس ایمانش کامل و عملش بیگناه باشد، گرفتاری اش بیشتر، و هر کس ایمانش ناقص و عملش اندک باشد، گرفتاری اش اندک خواهد بود»

۱ مستدرر حیل ج ۶ ص ۷۷ ح ۱۷۱۱۸

۲ صحیح البخاری ج ۵ ص ۲۱۳۷ ح ۵۳۱۸

۳ الطوطا ج ۲ ص ۹۱۲ ح ۸

۴ مستدرر حیل ج ۹ ص ۵۰۰ ح ۲۵۲۹۶

۵ جامع الأخبار ص ۳۱۰ ح ۸۵۲

۶ الکافی ج ۲ ص ۲۵۲ ح ۲

۱۴۱۴ رسول الله ﷺ. إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَيَكْتُبُ لِلْقَبْرِ الدَّرَجَةَ
الْعُلْيَا مِنَ الْجَنَّةِ، فَلَا يَبْلُغُهَا عَمَلُهُ، فَلَا يَزَالُ يُتَعَدُّ
بِالْبَلَاءِ حَتَّى يَبْلُغَهَا^۱

۱۴۱۵. الکافی عن علی بن رباب: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ
قَوْلِ اللَّهِ ﷻ: ﴿وَمَا أَصْحَابُكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كُنْتُمْ
أَيُّدِيكُمْ﴾ رَأَيْتَ مَا أَصَابَ عَلِيًّا وَهَلْ نَبِيَّهُ ﷺ مِنْ بَعْدِهِ
هُوَ بِمَا كُنَسَتْ أَيْدِيهِمْ، وَهُمْ أَهْلُ بَيْتِ طَهَارَةٍ
مَعْصُومُونَ؟

قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَتَوَبُّ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُهُ
مِنْ كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ مِثْلَ تَرْتِيبِ مَنْ ظَهَرَ ذَنْبٌ، إِنَّ اللَّهَ يَحْصُرُ
أَوْلِيَاءَهُ بِالنَّصَائِبِ لِيَأْجِرَهُمْ عَلَيْهَا مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ^۲

۱۴۱۶ الإمام الحسن ع: سَجَّحْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ:
إِنَّ فِي الْحَبَّةِ شَحْرَةً يُعَالُ لَهَا شَحْرَةُ الْبَلَوَى، يُؤْتَى
بِأَهْلِ الْبَلَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَلَا يَرْفَعُ لَهُمْ دِهْوَانٌ^۳ وَلَا
يُصَبُّ لَهُمْ مِزَانٌ، يُصَبُّ عَلَيْهِمْ لِأَجْرِ ضَبَا، وَقُرْأَ
﴿إِنَّمَا يُؤَقِّي الصَّابِرُونَ آخِرَهُمْ بِفَيْزِ حِسَابٍ﴾^۴

۷/۲ مَنْ لَمْ يَغْتَلِ فَهُوَ مَبْغُوضٌ عِنْدَ اللَّهِ ﷻ

الكتاب

﴿وَلَوْلَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِكُلِّ مَكْرُوفٍ
بِالرُّضَا لِيَتَّبِعُوهُمْ سَفَلًا مِنَ فِتْنَةٍ وَمَخَاجِرَ عَلَيْهَا

۱ روضة الموعظین ص ۲۶۳

۲ الکافی ج ۲ ص ۱۵۰ ح ۲

۳ الدهرانی هو اللقیر الذي یکتب له اسماء الجنین واصل
للعطاء (النهاية ج ۲ ص ۱۵۱ «دهرانی»)

۴ الزمر ۱۰

۵ المعجم الكبير ج ۳ ص ۹۳ ح ۲۷۶۰

۱۴۱۴. پیامبر خدا ﷺ، خدای متعال برای پسنده در
بهشت، درجه‌ای پسند مقرر کرده که عمل او به آن
می‌رسد، پس پیوسته گرفتار بلا می‌شود تا پستان
برسد

۱۴۱۵. الکافی - به نقل از علی بن رباب - از امام
صادق ع درباره این سخن خداوند ع: ﴿وَمَنْ
مُصِيبَتِي بِهِ مَا يَرْسُدُ بِهِ سَبَبٌ عَمَلُهُ حُرُودِ شَعَائِصِ﴾
پرسیدم که درباره آنچه به علی و اهل بیت او ع پس
از او رسید، چه نظری دارید؟ آیا آن هم به خاطر
عملکرد خودشان بود، در حالی که آنان، اهل بیت
طهارت و معصوم بودند؟

فرمود: احمانا پیامبر خدا بدون انجام دادن
گناهی، هر روز و شب، صد مرتبه به درگاه خداوند،
توبه‌امی‌کرد و آمرزش می‌طلبید. خداوند، برای
اولیایان، بدون هیچ گناهی [از جانب ایشان]،
مصیبت‌هایی اختصاص داده تا بر پایه آنها پاداششان
دهد.

۱۴۱۶ امام حسن ع، از جدم، پیامبر خدا، شنیدم که
می‌فرمود در بهشت، درختی است که به آن، درخت
بلا گفته می‌شود. روز رستاخیز، گرفتاران را می‌آورند
و برای آنان حساب و کتاب و محکمه‌ای دایر
می‌شود [و] بر آنان، پاداش، فراوان ریخته می‌شود
و این آیه را قرائت فرمود: ﴿مَنْ تَوَلَّى شَيْئًا مِنْهَا
خَوَّلَهُهُ خَوَّلَهُ خَوَّلَهُهُ خَوَّلَهُهُ﴾.

۷/۲ انسان بی‌بلا، مَبْغُوضُ خدا

قرآن

﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْهُ لِيَكُونُوا لَكُمْ دُرَاهِمًا
وَاحِدَةً كُفِّرَتْ عَنْكُمْ أَمَّا الْأُمَمُ الْكَاذِبَةُ﴾
رحمتان کفر می‌ورزیدند سَفَلًا و نردبان‌هایی از نقره

يُظْهَرُونَ* وَلَيُؤْتِيَهُمْ آيَاتُكَ وَسُرُرًا عَلَيْهَا يُتْكَلُونَ ﴿

الحدیث

۱۴۱۷ رسول الله ﷺ إِنَّ اللَّهَ يُعْصُ الْعُقْرَةَ الْقَرْيَةَ الَّتِي
لَمْ يُزْرَأَ فِي جَسَدِهِ وَلَا مَالِهِ.^۱

الفصل الثالث - أسباب العصافب والسلايا
والشُرور

۱/۳ غَضِبَ اللَّهُ^۲

۱۴۱۸ رسول الله ﷺ إِنَّ اللَّهَ إِذَا غَضِبَ عَلَى أَقْصَى لَمْ يَمُرَلْ
بِهَا عَذَابٌ خَسِيفٌ وَلَا مَسْحٌ^۳ غَلَّتْ أَسْمَارُهَا
وَيُحَمِّسُ سَهَاءَ مَطَارِهَا. وَيَلِي غَلْيَهَا أَشْرَارُهَا^۴

۲/۳ الدُّخَانُ الْأَمَارَةُ بِالسَّوَاءِ

۱۴۱۹ رسول الله ﷺ تَكَلَّمُوا بِمِلِّ الْخَيْرِ وَجَاهِدُوا
نُفُوسَكُمْ عَلَيْهِ، فَإِنَّ الشَّرَّ مَطْبُوعٌ عَلَيْهِ الْإِنْسَانُ.^۵

۳/۳ الْعُضْبُ

۱۴۲۰ رسول الله ﷺ خَيْرُ الرِّجَالِ مَنْ كَانَ بَطْنِي.

قرار می‌دادیم که بر آنها بالا روند و برای خانه‌هایشان بیر
درها و نعت‌هایی که بر آنها تکیه روند ﴿

حدیث

۱۴۱۷ پیامبر خدا ﷺ خداوند، انسان خبیث شیطان
صفت را که بلای جسمی و مالی نمی‌بیند، دشمن
می‌دارد

فصل سوم. عوامل مصیبت‌ها و مالاها
و شرور

۱/۳ خشم خدا

۱۴۱۸ پیامبر خدا ﷺ هر گاه خداوند بخیر امتی
حکم گیرد، ولی بر آنان عذاب فرو بردن در زمین
و تسخ شدن بارن نکند، نوح‌هاشان گران می‌شود
و سواران آنان باز داشته می‌شود و بدترین آنها بر
یشان ریاست می‌کند

۲/۳ دُخَانٌ بَدْفَرْمَان

۱۴۱۹ پیامبر خدا ﷺ در کار حیر، خود را به رحمت
اندازد و خویشش را بر اسبابش به رنج افکند
چرا که بدی، با جان آدمی سرشته است

۳/۳ خشم

۱۴۲۰ پیامبر خدا ﷺ بهترین مردان، کسانی‌اند که دیر

۱. التورف ۳۳ و ۳۴ ۲. الدعوت من ۱۷۲ ح ۸۲

۳. الجدید ذكره هو ان الداب الالهة المقدسة مزعة عن
الحوادث، والحبيب احد صفات الافعال ومن مصاديق لرادته
سبحانه ويحقق هذا العمل منه سبحانه في صورة حصول
سببه من الانسان وذلك بانياته لا افعال القبيحة

۴. المصحح هو قلب الجعفة من شيء إلى شيء (التهذيب ج ۱
ص ۳۲۹ مبحث ۱)

۵. في المصدر «أسرارها»، وما في المتن أنشاء من نسخة ۱۴
والمطبوعة

۶. تاريخ دمشق ج ۶۷ ص ۳۹۱ ح ۵۸۳۹

۷. نبيه الخواطر ج ۲ ص ۱۲۰

الْعَصَبِ سَرِيعِ الرِّصَا، وَشَرُّ الرِّجَالِ مَنْ كَانَ سَرِيعَ
الْعَصَبِ بَطْلَى الرِّضَا.^۱

۴/۳. ثَبُوتُ الْخَمْرِ

۱۴۲۱. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: جُمِعَ الشُّرُكُ كُلُّهُ فِي بَيْتٍ، وَجُعِلَ
مِفْتَاحُهُ شُرْبُ الْخَمْرِ.^۲

۱۴۲۲. عَنْهُ ﷺ: الْخَمْرُ جَمَاعُ الْإِثْمِ، وَتُمُ الْغِبَابِثُ،
وَيَفْتَحُ الشُّرَّ.^۳

۵/۳. إِحْلَاقُ اللِّسَانِ

۱۴۲۳. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: رَجِمَ اللَّهُ مُؤْمِنًا أَمْسَكَ لِسَانَهُ مِنْ
كُلِّ شَرٍّ، فَإِنْ ذَلِكَ حَدَفَتْهُ عَنْهُ عَلَى نَفْسِهِ.^۴

۱۴۲۴. عَنْهُ ﷺ: إِنْ كَانَ فِي شَيْءٍ شَوْمٌ، فَفِي اللِّسَانِ.^۵

۶/۳. شِبَاطِينُ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ

۱۴۲۵. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنْ لِلشَّيْطَانِ لَعْنَةٌ^۶ يَأْبِسُ أَدَمَ وَلَيَمْنَكَ
لَعْنَةٌ، فَأَمَّا لَعْنَةُ الشَّيْطَانِ فَأَيَّادُ بَلْشُرٍّ وَتَكْذِيبٍ بِالْحَقِّ.

وَأَمَّا لَعْنَةُ الْمَلِكِ فَأَيَّادُ بِالْحَمْرِ وَتَصْدِيقُ بِالْحَقِّ، مَنْ
وَجَدَ ذَلِكَ فَلْيَعْلَمْ أَنَّهُ مِنَ اللَّهِ وَلْيَحْمَدِ اللَّهَ، وَمَنْ رَجَعَهُ

الْأُخْرَى فَلْيَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّحِيمِ.^۷

۱۴۲۶. عَنْهُ ﷺ: إِنْ إِبْلِيسَ يَحْطُبُ شِبَاطِينَهُ وَيَعْمَلُ

به چشم می‌آید و رود خشک شود می‌گردد، و
بدترین مردان، کسانی هستند که زود به چشم
می‌آید و دیر خشک شود می‌گردد.

۴/۳. میخوارگی

۱۴۲۱. پیامبر خدا ﷺ: همهٔ بدی‌ها در خانه‌ای گرد

آمده و کید آن [خانه]، میخواری قرار داده شد

۱۴۲۲. پیامبر خدا ﷺ: شراب، گرد آورندهٔ گناه‌ها،

مادر پیدی‌ها و کلید هر شری است

۵/۳. رها کردن زبان

۱۴۲۳. پیامبر خدا ﷺ: خدا رحمت کند مؤمنی را که

زبانش را از هر بدی باز بدارد؛ چرا که آن، صدقه

دادن بر خودش است.

۱۴۲۴. پیامبر خدا ﷺ: اگر در چیزی نجوشت (بد

نمی‌باشد)، باشد، در زبان است

۶/۳. شیطان‌های جن و انس

۱۴۲۵. پیامبر خدا ﷺ: همانا شیطان القاتلی به فرورد

آدم دارد و مرشته بیر القاتلی دارد القای شیطان،

به بدی وعده دادن و حق را تکذیب نمودن؛ و

القای مرشته، به بیکی وعده دادن و حق را تصدیق

کردن. پس هر کس این را یافت، باید بداند که در

جانب خداوند است و بدی حاصر باید خدا را

ستایش نماید، و هر کس آن دیگری را یافت، باید

از شیطان رانده شده به خدا پناه ببرد

۱۴۲۶. پیامبر خدا ﷺ: همانا ابلیس به شیطان‌هایش

خطاب می‌کند و می‌گوید، در پی گوشت و [ماده]

۱. سند این حدیث ج ۴ ص ۳۹ ح ۱۱۴۳

۲. جامع الأخبار ص ۴۲۳ ح ۱۱۷۶

۳. جامع الأخبار ص ۴۲۵ ح ۱۱۸۶

۴. صحیح الترمذی ص ۲۹۸ ۵. الکافی ج ۲ ص ۱۱۶ ح ۱۷

۶. اللعنة، اللهم تع في القلب، فما كان من خطرات الحميم فهو

من الملك، وما كان من خطرات الشر فهو من الشيطان (مجمع

البحرین ج ۳ ص ۱۶۸ ملهمه)

۷. سنن الترمذی ج ۵ ص ۲۱۹ ح ۲۹۸۸

عَلَيْكُمْ بِاللَّحْمِ وَالْمُسْكِرِ وَالنَّسَاءِ، فَإِنِّي لَا أُحَدِّثُ جَمَاعَ
الشَّرِّ إِلَّا مِثْلَهَا.^۱

مست کنده و زبان باشید؛ چهره که من مجموعه
شر را جر در آنها نمی‌یابم

الفصل الرابع. موانع المصائب والعلایا والشُّرور

فصل چهارم. موانع مصیبت‌ها و بلاها و شُرور

۱/۴ الإیمان

۱/۴ ایمان

﴿كَذَلِكَ يُجْعَلُ اللَّهُ لِمَنْ يُرِيدُ عَلَى الدِّينِ لَا يُؤْمِنُونَ﴾^۱

﴿پس گویند، خدا، پلیدی را بر کسانی که ایمان نمی‌آورند،
قرار می‌دهد﴾

﴿وَمِنْ غَيْرِهِ مِنَ الْخَلْقِ لَنُجْعِلَنَّ مِنْهُمْ عَلَى بَعْضِ الْأَدْبَانِ عَمَلُوا وَعَمِلُوا الْمُسْلِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَا هُمْ﴾^۲

﴿و در حقیقت، بسیاری از شریکان به همدیگر شتم روا
می‌دهند، به استثنای کسانی که ایمان آورده و کارهای
نایسته کرده‌اند و اینها بی‌اندک‌اند﴾

۲/۴ العقل

۲/۴ عقل

۱۱۲۷ رسول الله ﷺ ما عَيْدَ اللَّهُ لِمَنْ لَمْ يَسْعَلْ وَمَا تَسْعَلْ
عَمَلٌ أَمْرِي حَتَّى يَكُونَ مِثْلَ عَشْرِ حَصَالٍ، حَبِيرٌ وَمِثْلُ
مَأْمُولٍ، وَالشَّرُّ مِثْلُ مَأْمُولٍ...^۳

۱۱۲۷ [پیامبر خدا ﷺ] خداوند، هرگز به مانند [پرستش]
ح. رد، پرستش نشده است. هر چه مردی، که عمل
نمی‌کند، مگر در آن، ده ویژگی باشد از او امید خیر
برود، از شورش احساس امنیت شود

۱۱۲۸ هه ﷺ - فِي خَيْرٍ طَوِيلٍ وَمَسَائِلَ كَثِيرَةٍ تَدُنُ
عَنْهَا شَمْعُونَ بَنِي لَاقِي فَأَجَابَهُ ﷺ - وَأَمَّا الصِّيَانَةُ
فَيَتَشَقَّبُ مِنْهَا الصَّلَاحُ وَالنَّوَاضِعُ وَالْوَرَعُ، وَالْإِيَابَةُ،
وَالْفَهْمُ، وَالْأَدَبُ، وَالْإِحْسَانُ، وَالْحَبِيبُ، وَالْحَيُّ،
وَالْجَنَابُ الشَّرُّ، فَهَذَا مَا أَصَابَ الْعَاقِلَ بِالنَّصِيحَةِ^۴

۱۱۲۸. پیامبر خدا ﷺ - در حدیثی طولانی و در میان
مسائل بسیاری که شمعون بن لاقی (یکی از
حواریان عیسی) دربارهٔ بها پرستش نمود و ایشان
باسح گفت - و در صواب [که از عفاف، حاصل
می‌شود]، اموری جوانه می‌زند در ستکاری، فروتنی،
پرهیزگاری، توبه، فهم، ادب، بیکی، دوستی کردن،
حیر، و اجتناب از شر اینها چیره‌ایی هستند که به
وسیلهٔ صیانت [حاصل از عفاف]، نصیب حردمند
می‌گردند

۳/۴ محاسن الأخلاق والأعمال

۱۱۲۹ رسول الله ﷺ إِنَّ طَاعَةَ اللَّهِ تَجَاحُ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ
يُتَقَى، وَنَجَاةٌ مِنْ كُلِّ شَرٍّ يُتَقَى^۵

۳/۴ اخلاق و اعمال نیک

۱۱۲۹ پیامبر خدا ﷺ همانا فرمانبرداری از خدا،
دستیابی به هر خوبی‌ای است که طلب می‌شود، و
محافظ از هر بدی‌ای است که از آن پرهیز می‌گردد

^۱ طب النبی ﷺ ص ۵ ۲ الانعام ۱۲۵

^۲ سورة ص ۲۴، ۴ علل الشرائع ص ۱۱۶ ح ۱۱

^۳ بحار الاموار ج ۱ ص ۱۹۸ ح ۱۱

^۴ الکافی ج ۸ ص ۸۲ ح ۳۹

۱۴۳۰. عَنْهُ عَلَيْهِ - فِي حَبْرٍ طَوِيلٍ وَمَسَائِلَ كَثِيرَةٍ سَأَلَ عَنْهَا شُعْمُونَ بْنُ لَأَوِيٍّ فَأَجَابَهُ عَلَيْهِ... «مَّا الْعِيَاءُ فَيَشْغَبُ مِنْهُ اللَّيْنُ، وَالرَّفَاقَةُ، وَالْمُرَاقَبَةُ فِيهِ فِي السَّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَالسَّلَامَةِ، وَاجْتِنَابِ الشَّرِّ، وَالنَّشَاطَةِ، وَالسَّمَاعَةِ، وَالظَّفَرِ»^۱

۱۴۳۱. عَنْهُ عَلَيْهِ الصَّدَقَةُ تُسَدُّ سَبْعِينَ بَاباً مِنْ الشَّرِّ^۲

۱۴۳۲. عَنْهُ عَلَيْهِ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مَرَّةً، فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَاباً مِنَ الْعَافِيَةِ^۳

۱۴۳۳. عَنْهُ عَلَيْهِ «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» كَرَّرَ مِنْ كُتُوبِ الْجَنَّةِ، مَنْ قَالَهَا أَدْنَبَ اللَّهُ عَنْهُ سَبْعِينَ بَاباً مِنَ الشَّرِّ أَدْنَاهَا اللَّهُمَّ^۴

۱۴۳۴. عَنْهُ عَلَيْهِ - لَنَا سَمِيعٌ رَجُلًا يَسْأَلُ اللَّهَ الضَّرَّ - سَأَلَتْ اللَّهَ لِبَلَاءٍ، فَاَسْأَلُكَ الْمُعَافَاةَ^۵

۱۴۳۵. عَنْهُ عَلَيْهِ بِرٌّ حَذَفَ الشَّرَّ نَطْعِي عَصَبِ الرَّبِّ، وَإِنْ صُنَّاعِ الْمَعْرُوفِ نَقِي مَصَارِعِ السُّوءِ، وَبِرٌّ جَلَّةَ رُحِمِ تَزِيدُ فِي الْعَمْرِ وَتَقِي الْعَمَرَ وَأَكْثِرُوا مِنْ قَوْلِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، فَإِنَّهَا كُنْزٌ مِنْ كُتُوبِ الْجَنَّةِ، وَبِرٌّ مِثْلُهَا شَاءَ مِنْ تِسْعَةِ وَتِسْعِينَ دَاءً، أَدْنَاهَا اللَّهُمَّ^۶

۱۴۳۰. پیامبر خدا ﷺ - در حدیثی طولانی و در میان مسائل بسیاری که شعمون بن لایوی (یکی از حواریان عیسی) درباره آنها پرسش نمود و ایشان پاسخ فرمود - ... از حیا، ایمنی سرچشمه می‌گیرند؛ فرمی، مهربانی، در نهان و آشکارا متوجه خدا بودن، سلامت، اجتناب از شر، خوش رویی، آسانگیری، و پیروزی

۱۴۳۱. پیامبر خدا ﷺ، صدقه، هفتاد در شر را می‌بندد.

۱۴۳۲. پیامبر خدا ﷺ هر کس یک بار بر من صموات بمرست، خداوند دری از عافیت را به رویش می‌گشاید

۱۴۳۳. پیامبر خدا ﷺ [ذکر] «لا حول ولا قوة الا بالله»، کسانی از گنج‌های بهشت است. هر کس آن را بگوید، خداوند، هفتاد نوع بدی را از او دور می‌کند که کمترین آنها، اندوه است

۱۴۳۴. پیامبر خدا ﷺ - چون شید مردی از خداوند، حسب صبر می‌کند - از خدا بلا خواستی، [اولی] عافیت بحراً

۱۴۳۵. پیامبر خدا ﷺ صدقه پنهانی، خشم پروردگار را فرو می‌نشاند و کارهای نیک، از حوادث بد، نکه می‌دارند و صله رحم، عمر را زیاد می‌کند و از گرفتاری به فقر، حفظ می‌نماید این سخن را بسیار بگویند: «لا حول ولا قوة الا بالله» هیچ نیرو و توانی، جز از خدا نیست؛ چرا که این سخن، گنجی از گنج‌های بهشت است و در آن، شغای بود و نه درد است که کمترین آنها سردگی است.

۱. نخب العول ص ۶۷ ۲. الدعوات ص ۱۰۷ ح ۲۳۷

۳. جامع الأخبار - ص ۱۵۳ ح ۳۴۱

۴. تاریخ دمشق ج ۱۵ ص ۱۶۳ ح ۳۷۱۵

۵. كنز العمال ج ۲ ص ۶۲۷ ح ۴۹۳۵

۶. المعجم الأوسط ج ۱ ص ۲۸۹ ح ۹۴۳

سخن درباره حکمت مصائب و شرور

یک حکمت گرفتاری‌های انسان‌های آگاه

با تأمل در آیات و حادثاتی که به حکمت شرور و مصیبت‌ها و بکامی‌ها اشاره دارند، می‌توان به این جمع‌بندی رسید که از دیدگاه قرآن و حدیث، مصائب (گرفتاری‌ها) انسان‌های آگاه، بآثار کردار ناشایست آنهاست و یا وسیله‌ای برای تکامل آنها

توصیح این اجمال، بدین شرح است

۱ مصیبت‌های خودکرده

از دیدگاه قرآن کریم همه مصائب‌های رسیده به آن دسته از افراد آگاهی که مرتکب گناه می‌شوند، دستاورد خود آنان و نتیجه گناه آنان است

﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَمَا تُسَبِّحُونَ بِهَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ﴾

و هر [گرنه] مصیبتی به شما برسد به سبب دستاورد خود شماست و [احدا] از بسیاری از آن می‌گذرد.

این سخن، بدین معناست که مصائب و باملایماتی که متوجه جامعه می‌شوند (مانند قحطی، گرانی، توفان و برهه)، همه به خاطر گناهی هستند که مردم مرتکب می‌شوند، هر چند که هر همه گناهان آنان نیستند؛ چرا که خداوند متعال، بسیاری از گناهان را بر امتناح حکمت خود، مورد عفو قرار می‌دهد، و گرنه جبهه‌ای در زمین، باقی نمی‌ماند

﴿وَلَوْ يَأْذَنُ اللَّهُ لِلنَّاسِ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظُهُورِهِمْ ذِئْبَةً^۲

و اگر خدا مردم را به [سزای] آنچه انجام دادند، مواخذه می‌کرد هیچ جبهه‌ای در بر پشت زمین، باقی نمی‌گذاشت.

قرآن با صراحت، علام می‌کند که اگر انسان مرتکب کارهای ناشایست شود و در مسیر زندگی، راه صحیح را انتخاب کند، برکات الهی از آسمان و زمین، او را فرا خواهد گرفت

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَاتَّزَمُوا وَبِئْسَ كُفْرًا فَعَفَيْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ^۳

۱ شورا آیه ۳۰

۲ فاطر آیه ۴۵، بقره آیه ۶۱

۳ اعراف آیه ۹۶، بقره آیه ۶۴

به سبب آنچه دست‌های مردم فراهم آورده‌اند، فساد در خشکی و دریا مودار شده است، تا [سزای] بعضی از آنها را کرده‌اند، به آنان بهشانند»

ج - تطهیر

حکمت بخشی دیگر از مصائب و مشکلات زندگی، تطهیر (تحمیص) انسان از گناهان است، کردار ناشایست، جان انسان را آلوده می‌کند و آینه روان را تیره می‌مازد

بلاها و گرفتاری‌های زندگی، یکی از عوامل پاک‌سازی و رنگارها و آلودگی‌های جان هستند، چراکه روح انسان در آتش مصائب، پاک و خالص می‌شود. در پیامبر خدا در این باره روایت شده است که

مَا أَصَابَ الْمُؤْمِنَ مِنْ نَصَبٍ وَلَا وَصَبٍ، وَلَا حَرْبٍ حَتَّىٰ يَهْمُ بِهَا، إِلَّا كَفَّرَ اللَّهُ بِهِ عَنْهُ مِنْ سَيِّئَاتِهِ^۱

ربیع و درد و اندوه و حتی نگرانی به مؤمن می‌رسد، مگر این که حنود به آن گناهش را می‌زداید

در این اساس، سختی‌های زندگی برای اهل ایمان، از جمله نعمت‌های بزرگ خداوند محسوب می‌شوند، چنان که از امام کاظم ع روایت شده است

فِي الشَّرِّاءِ نِعْمَةُ الْفَضْلِ، وَ فِي الْمُرَّةِ نِعْمَةُ الشُّكْرِ^۲

خداوند در آسایش، نعمت احسان و در سختی‌ها نعمت پاکی بخشد

۲. سختی‌های ساریده

حکمت بخشی از شرور و سختی‌ها و گرفتاری‌های زندگی، آرمودن انسان و سازندگی اوست. قرآن کریم، تصریح می‌کند که انسان به وسیله «شر» و «حیر»، آرمایش می‌شود

﴿وَنَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْحَيْرِ جُنَّةً^۳﴾

و شمار در راه آرمایش به بد و نیک، می‌آرماییم»

شر، شامل انواع سختی‌ها، بیماری‌ها و مشکلات زندگی، و حیر، شامل انواع نعمت‌ها و خوشی‌هاست

در حدیثی از امام صادق ع نقل شده است که: «میر مؤمنان، بیمار شد و جمعی به عیادت رفتند. ایشان در جواب احوالپرسی، در خلاف متعارف فرمود: «أصحت بشر» عادت‌کنندگان که انتظار این گونه پاسخ را در

امیر مؤمنان نداشتند، با تعجب پرسیدند: «سبحان الله! این، کلام مثل توست؟» و ایشان در پاسخ فرمود

يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: ﴿وَنَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْحَيْرِ بَشَّةً وَبَشَّةً تَزْجِفُونَ﴾، فَاَلْخَيْرُ الصُّحَّةُ وَالْجَنَى، وَالشَّرُّ

الْمَرَضُ وَالْفَقْرُ اِيْتِلَاءٌ وَ اِخْتِيَارًا^۴

۲. نصب المفعول ص ۳۶۱

۱. نصب المفعول ص ۳۸

۳. انبیا آیه ۳۵

۴. التجميع ص ۲۳۳

خدای متعال می‌فرماید: ﴿وَشُمَّا زَادَ اِرْمَیْشَ بَہْ دَ وَ بَکَ مِی اَرْمَیْشَ﴾، خبر، صحت و غیبت و شر، بیماری و فقر است به خاطر ارمایش و انتخاب

آیه‌ای که در کلام امیر مؤمنان آمده، دلیل روشنی هست بر این که حکمت بخشی از مصائب، «آرمایش» است تا انسان، در نتیجه شکیبایی و موفقیت در امتحان، به کمال برسد. این معاد را آیه‌ای دیگر، چنین آمده است

﴿وَلَسْتُؤْنُکُمْ بِشَیْءٍ مِّنَ الْحُومِ وَالْجُرْمِ وَنَقِصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَخَبْرَ الْأَشْعَرِیْنَ^۱

و قطعاً شما را با چیزی از ترس و گرسنگی و کاهش در عمر و جانها و محصولات می‌آرمایم، و شکیبایی را مزه‌ده ده. بر این اساس، شرور و سختی‌هایی که برای آرمود و سازندگی انسانند، نه تنها مافات یا عدالت و حکمت خداوند ندارند، بلکه عین حکمت‌اند.

آری در نظام حکیمانه جهان، سختی‌ها و مشکلاتی که به اهل ایمان می‌رسد، به منظور پرورش استعدادها و تکامل آنهاست. در واقع، خداوند متعال، جان دوستان خود را در این جهان، با بلا تعدیه می‌بخشد و به تعبیر زیبای پیامبر خدا:

إِنَّ اللَّهَ لَيُعْذِرُ عِبْدَهُ الْمُؤْمِنَ بِالْبَلَاءِ، کَمَا تُعْذِرُ الْوَالِدَةُ وَلَدَهَا بِاللَّبَنِ^۲

خداوند عذر مؤمن را با بلا تعدیه می‌کند، همان‌گونه که مادر، مرردش را با شیر تعدیه می‌کند.

دو، عوامل ناکامی‌های مستضعفان

آنچه تاکنون درباره حکمت شرور و مصائب گفته شد، در خصوص افراد آگاهانی است که پیام خداوند به آنان رسیده و حجت بر آنان تمام شده است. کنون باید دید شرور و ناکامی‌هایی که گریبانگیر افراد مستضعف (ناتوان یا ناآگاه) می‌شوند، چه حکمتی دارند.

به سخن دیگر، در طول تاریخ، بسیاری بوده‌اند و هستند که به دلایل گوناگون، پیام خداوند به آنها نرسیده و یا به اقتضای خلقتشان نتوانسته‌اند مسئولیت‌پذیر باشند تا به عمل کردن به وظیفه خود، هدف مورد نظر از آفرینش را بری خود، رقم بزنند. کودکان بی‌پناه، عقب‌مانده‌های ذهنی و دیوانگان، مصادیق بارز این‌گونه انسان‌ها هستند. ناکامی‌های این‌گونه افراد، که در اصطلاح، «مستضعف» نامیده می‌شوند، در چگونه می‌توان توجیه کرد؟

پاسخ اجمالی این پرسش، این است که

مسئولیت ناکامی‌های انسان‌های مستضعف، به امشای مواردی که حکمت‌های خاصی دارند، بر عهده انسان‌های آگاه است. جهت روشن شدن مطلب، توجه به مطالب زیر ضروری است

۱. سوء استفاده از آزادی

سوء استفاده انسان‌های آگاه از آزادی است که پدید آمدن دو طبقه ضامن و مظلوم، و استثمارگر و استثمار شده را موجب گردیده است، نه خواست آفرندگان هستی، نه عدل و انصاف، مورد سؤال قرار گیرد و به فرموده امام علی (ع):

ما جاع فقیر إلا بما شئع به غبی

هیچ ماداری گرسنه شد، مگر به خاطر خوش گذرانی ثروتمندی

بیاوریم، گرسنگی گرسنگان قریب‌تر نتیجه ریزه خوئی‌های مستکبران جهانی است که دید با آگاهی و اتحاد ملت‌های تحت ستم و برپایی نهضت‌های آزادی بخش چپس سربوشتی تعبیر باید

۲ آثار تکوینی گناه

در جهان اسباب، کردار و شاید انسان‌های گناه به صور طبیعی و تکوینی، در سربوشت جامعه مؤثر است شخص گنهگار، نه تنها زندگی خود را به باد می‌کشد بلکه جامعه را در سرانجیب انحطاط و سقوط قرار می‌دهد

﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ لَا تُصِيبُوا الْبِرَّ ظَنًّا أَنَّكُمْ مُنَاجِزُونَ﴾

و از عتای که تنها به ستمگران شما نمی‌رسد، متورسید

بر اساس نظام حکمت‌آمیز آفرینش، نتیجه ظلم، فراگیر است، مثل گه گرفت، خشک و تر می‌سوزد کردار ناشایست انسان، به سهام‌داران فساد جامعه می‌شود، بلکه محیط ریست را بر تپه می‌سازد

﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْفَحْشَاءُ كَثُرَتْ أَیْدِی الْإِنَامِ﴾

و به سبب آنچه دست‌های مردم فراهم آورده‌اند فساد در خشکی و فحاشی در برابری شده است

در جهان اسباب، هنگامی که توده مردم در برابر زور و وحشی‌ها سکوت می‌کند، همه آنها و حتی مستضعفان، به انواع بلاها - که آثار تکوینی گناه‌اند - دچار می‌شوند و دعای بیگانان بر برای تعبیر سربوشت جامعه، ثمر بخش نخواهد بود، چنان‌که امام علی (ع) فرمود

لَا تَتْرَكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، فَيُؤَيِّسَ غَيْبُكُمْ شَرَّكُمْ، ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ.

اگر به معروف و نهی بر منکر، اگر که بکشد که مبادا بدین بر شما مسلط شود و اگر گناه دعایید و دعایان مستجاب نشود

۳ رعایت نکردن مسائل بهداشتی

در جهان اسباب، تنها گناه نیست که در سربوشت جامعه و از جمله اسباب‌های مستضعف (آگاه و باتوان)، مؤثر است بلکه شاه پدران و مادران و رعایت نکردن مسائل بهداشتی به وسیله آنان نیز در پیدایش افراد معلول و

عقب‌مانده ذهنی، مؤثر است.

در این گونه موارد، مسئولیت ناکامی این گونه افراد، مستقیماً متوجه انسان‌های آگاه است و بر خداوند متعال، ایراد نیست.

۲ حکمت‌های ناشناخته

افزون بر عواملی که درباره ناکامی‌های مستضعفان دیده شد، شرت رفت، چه سا حکمت‌های بهت‌های وجود دارند که بر ما مجهول‌اند و اگر رار آنها گشوده شود، مشخص می‌گردد که آنچه به وقوع پیوسته، عین عدل و حکمت است، چنان که در جریان همراهی موسی علیه السلام با خضر علیه السلام، هنگامی که خضر علیه السلام پسر بچنه به ظاهر بی‌گناهی ر کشت، موسی علیه السلام به شدت به وی اعتراض کرد که

﴿أَفَنُتَلَّ بِنَفْسِكَ لَفْتًا حَتَّىٰ شَبَّانُكَ ۚ﴾^۱

آیا شخص بی‌گناهی را بدون این که کسی ر به قتل رسانده باشد کشتی؟ واقعاً کار مایه‌سندی مرتکب شدی!

آن‌گه خضر علیه السلام برای بیان این که کارش صحیح و حکیمانه بوده است، می‌گوید:

﴿وَأَمَّا الْفُلُ فَمَا لَمْ يَكُنْ أَمْرًا مِّنْ أَمْرِ مَّوَدَّةٍ بَيْنَنا وَبَيْنَهُمَا طَغْيَانًا وَكُلًّا ۚ فَآرَنَّا أَنْ يَتْلُوهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِّنْ رَّحْمَةٍ وَأَقْرَبَ وَجْهًا ۚ﴾

و اما در جوانی، پدر و مادرش، [هر دو] مؤمن بودند پس مرسدیم و ما را [آن مؤمن به طغیان و کفر مکشاند پس هر اسسم که پروردگارشان، آن دو را به پاکتر و مهربان‌تر از او عوس دهد]

بنا بر این با توجه به محدودیت علم انسان درباره رر هستی، با نگره سطحی نمی‌توان ناکامی‌های مستضعفان ر بر خلاف عدل و حکمت دانست. این، در حسی است که خداوند متعال، ناکامی‌های مستضعفان را - که خود، هیچ نقشی در آنها ندارند - در جهان دیگر، جبران خواهد نمود.



حکمت های تربیتی



بسم الله الرحمن الرحیم

باب سوم : تربیت جوان

باب چهارم : عوامل خودسازی

باب پنجم : آفات خودسازی

القسم الخامس

الحكمة الثبوتية



مكتبة الشريعة

الْبَائِجُ الْأَوَّلُ

التَّبْلِغُ

بِسْمِ

تَبْلِغُ

فصل یکم جایگاه تبلیغ

الفصل الأول. مكانة التبلیغ

۱/۱ وجوب تبلیغ

۱/۱ وَجُوبُ التَّبْلِغِ

قرآن

الكتاب

﴿وَرَبِّهِمْ هُوَ الَّذِي يَهْدِي الْغَافِلِينَ﴾

﴿وَذَكَرَ فَإِنْ أَدَّخَرَى تَبْلِغَ الْمُؤْمِنِينَ﴾^۱

حدیث

الحدیث

۱۳۳۶ پیامبر خدا ﷺ آگاه باشید! من، ایس سخن را

۱۳۳۶ رسول الله ﷺ أَلَا وَإِنِّي أَخَذْتُ لِقَوْلٍ لَا أَقِيمُوا

تکذیب می‌کنم. هانا نماز را به پای دارید و رکات را

الصَّلَاةَ، وَأَتُوا الرُّكُوعَ، وَأَمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَوُوا عَنِ

بی‌ادباید و امر به معروف و نهی از مکر کنید

الْمُنْكَرِ أَلَا وَإِنِّي رَأَيْتُ لَأَمْرًا بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ

بدانید که اساس امر به معروف و نهی از مکر، آن

الْمُنْكَرِ أَنْ تَنْهَوْا إِلَى قَوْمِي وَيُتْلَعُوا مِنْ لَمْ يَحْضُرَ،

است که به سخن من بی‌احمد و آن سخن را به

وَتَأْمُرُوهُ بِقَوْلِهِ، وَتَنْهَوُهُ عَنِ مُحَالَاتِهِ فَإِنَّهُ أَمْرٌ بِسِ

کسی که حاضر نیست، برسانید و او را به پذیرش

اللَّهِ وَمِثْلِي^۲

آن، فرمان دهید و از مخالفتش باز دارید که آن،

فرمانی از جانب خداوند ﷻ و من است

۲/۱ اهْمِيَّةُ التَّبْلِغِ

۲/۱ اهْمِيَّةُ تَبْلِغِ

۱۳۳۷ رسول الله ﷺ - لَعَلِّي عَيْدًا مَا بَعَثَ إِلَى النَّبِيِّ - بَا

۱۳۳۷ پیامبر خدا ﷺ - به علی علیه السلام، آن هنگام که او را به

عَلَيَّ إِلَّا تَقَاتَلْنَا أَحَدًا حَتَّى تَدْعُوهُ، وَإِنَّمَا اللَّهُ لَأَنْ يَهْدِي

سوی من فرستاد - ای علی! اگر خداوند به

اللَّهُ عَنِ يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرَ لَكَ مِنَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ شَمْسُ

دستان تو انسانی را هدایت کند، از آنچه خورشید

وَعَرَبَتْ، وَلَكَ وَلَاؤُهُ يَا عَلِيُّ^۳

بر آن تابیده و غروب کرده، برای تو بهتر است، و

۱۳۳۸ عنه ﷺ - كَانَ إِذَا بَقِيَ بَشًا قَالَ تَأَلَّفُوا النَّاسَ،

برای توست ولایت او، ای علی!

۱۳۳۸ پیامبر خدا ﷺ - زمانی که دسته‌ای را گسیل

می‌داشت [به آنان] می‌فرمود: ب مردم، اَلَمْتُ

بگیرید و به آنان فرصت دهید و تا آنان را [به

۱ الدرایات ۵۵

۲ الاستحاج ج ۱ ص ۱۵۷ ح ۳۲

۳ التکفیر ج ۵ ص ۲۸ ح ۱

وَتَأْتُوا بِهِمْ، وَلَا تُفِرُوا عَلَيْهِمْ حَتَّى تَدْعُوهُمْ؛ فَمَا عَلَى
الْأَرْضِ مِنْ أَهْلِ يَتٍ مَذْرُوبٍ وَلَا وَبَرٍ، لَا وَإِنْ تَأْتَوْسِي بِهِمْ
[مُسْلِمِينَ] أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ تَقْتُلُوا رِحَالَهُمْ وَتَأْتَوْسِي
بِنِسَائِهِمْ^۱

الفصل الثاني: معاذة المبتلع

۱ / ۲. فَصْلُ الْمُبْتَلَعِ

الكتاب

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ مُسْلِحًا
وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾^۱

الحدیث

۱۱۳۹. رسول الله ﷺ نَهَرَ اللَّهُ عَبْدًا سَمِعَ مَعَالِي قَوْلِهَا
وَحَبِطَهَا، وَلَمَّا مَن لَمْ يَسْمَعْهَا^۲

۱۱۴۰. عَنِ اللَّهِ خِيَارُ أَمْسِي مَنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى، وَحَبِطَ
عِبَادَةُ إِلَهٍ^۳

۲ / ۲. مَسْئُولَةُ الْمُبْتَلَعِ

الكتاب

﴿فَاعْلَمْ أَنْزِلَ رَسُولٌ إِلَّا الْبَلْعُ وَاسْتَعِظْ مَا تُنذَرُونَ وَمَا
تَكْتُمُونَ﴾^۴

الحدیث

۱۱۴۱. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَا مَعْاشِرَ قُرَاءِ الْقُرْآنِ، اتَّقُوا اللَّهَ

اسلام] فرآنخوانده‌ید، بر آنان هجوم نیاورید که
بر روی زمین، هیچ حیوانه‌ی روستائین یا
چادرنشینی نیست، مگر آن که اگر آنان را مسلمان
پیش من آورید، برایم دوست‌داشتنی‌تر از آن است
که مردانشان را بکشید و زنانشان را نزد من
آورید.

فصل دوم: حایگاه مبلع

۱ / ۲. فصیلات مبلع

قرآن

﴿رَکِیْتَ غُرُوشَ کَفَّارٍ تَرِ از آن کس که به سری خدا دعوت
ساید و کار بیک کند و بگوید: من [در برابر خدا] از
سبیم‌تدکیم؟﴾

حدیث

۱۱۳۹. پیامبر خدا ﷺ: خداوند، شاد گرداند آن کسی را
که سهم را بشود و آن را بفهمد و جمع کند و به
کسی که آن را بشیده، برساند!

۱۱۴۰. پیامبر خدا ﷺ بهترین امت من، کسی است که
به سری خداوند متعال فراخواند و زندگانش را با
او دوست سازد

۲ / ۲. مسئولیت مبلع

قرآن

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ
عَلِيمٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾^۱

حدیث

۱۱۴۱. پیامبر خدا ﷺ ای گروه قاریان قرآن! در آنچه

۱ المطالب العالی ج ۲ ص ۱۶۶ ح ۱۹۹۲

۲ فصلت ۳۳ ۳ المکھی ج ۱ ص ۴۱۳ ح ۱

۳ کثر المصالح ج ۱ ص ۱۵۲ ح ۲۸۷۷۹

۴ المائدة ۹۹

خداوند در قرآن به شما آموخته، تقوای الهی پیشه کنید که من و شما، مسئولیم از من از تبیین رسالت سؤال خواهد شد! اما از شما از آنچه از قرآن و سنت من که به شما یاد داده شده، سؤال خواهد شد.

۱۳۳۲ پیامبر خدا ﷺ سرورار بیست عالم با داشتن علم، خاموشی گرسد و سزاوار نیست جاهل بر جاهل خود، سکوت کند. خداوند متعال می‌فرماید ﴿پس نگویم آنچه از اهل نکر، جويا شوید﴾.

۳/۲. حقوق مبلغ

۱۳۳۳. پیامبر خدا ﷺ، از هر کس یک حرف پیاموری، ندانش شده‌ای.

۱۳۳۴. پیامبر خدا ﷺ، آموزگاران، بهترین مردم‌اند که هر کلمه‌ای خدا گفته شود، احیایش می‌کند، به آنها [مال] عطا کند و اجیرشان نگیرد، که مبادی خرج او [سخنی] آنان خواهد شد، وقتی معلم به کودک بگوید: «بگو، بسم الله الرحمن الرحيم» و او [ن] بر زبان جاری کند، خداوند، برای کودک و معلم و پدر و مادر معلم، برائت از آتش می‌برد.

۴.۲. پاداش مبلغ

۱۳۳۵. پیامبر خدا ﷺ، خدا را برای مردم، محبوب سازد تا خداوند، شما را دوست داشته باشد.

۱۳۳۶. مشكاة الأنوار: پیامبر خدا فرمود: «آیا برای شما از اقوامی بگویم که با آن که پیامبر و پ شهید بودند، اما در روز قیامت، پیامبر و شهیدان، به خاطر مقامی که آنان برد خداوند دلرب و بر روی صبرهایی از نورند، به آنان غبطه می‌خورند؟» گفته شد ای پیامبر خدا! آری کیان‌اند؟

في ما حطَّلكم يس كتابه: فإني مسؤولٌ و بكم مسؤولون: إني مسؤولٌ عن تبليغ الرسالة، وأما أنتم فتسألون عما حطَّلكم من كتاب الله وسُنَّتي.^۱

۱۴۴۲. عهده ﷺ لا ينبغي للعالم أن يسكت على عليه، ولا ينبغي للجاهل أن يسكت على جهله: قال الله جل ذكره ﴿فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾.^۲

۳/۲ حقوق المبلغ

۱۴۴۳ رسول الله ﷺ من تعلَّم مني حرفاً صِرْتُ لَهُ عَبْدًا^۳

۱۴۴۴ عهده ﷺ الْمُتَعَلِّمُونَ خَيْرُ النَّاسِ كُلَّمَا أُعْلِقَ الذِّكْرُ خَدَّوهُ أَعْطَوْهُم، وَلَا تَسْأَجِرْهُمْ فَتُخْرِجُوهُمْ: فَإِنَّ السُّنْمَ إِذَا مَالَ لِلنَّصِيِّ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، فَعَالَ، كَتَبَ اللَّهُ بَرَاءَةً لِلنَّصِيِّ، وَبَرَاءَةً لِلْمُتَعَلِّمِ، وَبَرَاءَةً لِلْبُؤَيُودِ مِنَ النَّارِ^۴

۴/۲ ثواب المبلغ

۱۴۴۵ رسول الله ﷺ حَبَّبُوا اللَّهَ إِلَى عِبَادِهِ يُجَبِّكُمُ اللَّهُ^۵

۱۴۴۶ مشكاة الأنوار قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَلَا أَخَذْتُكُمْ عَنْ أَقْوَامٍ كَسُوا بِأَنْبِيَاءَ وَلَا شُهَدَاءَ، يَعْطُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْأَنْبِيَاءَ وَالشُّهَدَاءُ بِمَا رَلَهُمْ مِنَ اللَّهِ، غَمِي خَسِيرٌ يَسْ

۱ التكملي ج ۲ ص ۶۰۶ ح ۹

۲ المحل ۲۳

۳ مجمع الأوسط ج ۵ ص ۲۹۸ ح ۵۳۶۵

۴ عوالي اللآلئ ج ۱ ص ۲۹۲ ح ۱۶۳

۵ في الطبعة المصحفة «كما»، والمصحح ما أثبتناه

۶ الفردوس ج ۴ ص ۱۹۳ ح ۶۵۹۷

۷ مجمع الكبير ج ۸ ص ۹۱ ح ۷۱۶۱

مور؟ قيل من هم يا رسول الله؟ قال هم الذين يُحِبُّونَ عِبَادَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ، وَيُحِبُّونَ اللَّهَ إِلَى عِبَادِهِ قُلْنَا هَذَا حُبُّ اللَّهِ إِلَى عِبَادِهِ فَكَيْفَ يُحِبُّونَ عِبَادَهُ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ يَأْمُرُونَهُمْ بِمَا يُحِبُّ اللَّهُ، وَيَنْهَوْنَهُمْ عَمَّا يُكْرَهُ اللَّهُ، فَإِذَا أَطَاعُوهُمْ أُحِبَّهُمُ اللَّهُ^۱

۱۴۴۷ رسول الله ﷺ يحيي الرجل يوم القيامة وله من الحساب كالسحاب الركام أو كالجبال الزوасы، فيقول يا رب، نسألك الله، ولم أعتلها؟ فيقول هدا علمك الذي علمته الناس بعمله من بعدك^۲

۱۴۴۸ عنه ﷺ الدال على الخير كفاعله^۳

۵/۲ المبلغ المثالي

الكتاب

«بعد از سزا نوح، اى الزمه، فقال يقوم اعتدوا لله ما لكم من اية غير هذه ائمت افاض عليكم عذاب مؤم عظيم» قال الملائكة فؤبه انما لفرقتك فى ضلبي مبينه قال يقوم ليس من صلوة والكنى رسول من رب العالمين « ابلغكم برسالت ربي واصبح نعم واقلم من الله ما لا تحلفون»^۱

الحديث

۱۴۴۹ مسند ابن حنبل عن سمرة بن جندب قال رسول الله ﷺ ايها الناس، ائيدكم باقوا ان كنتم تعلمون اني قصرت عن شيء من تسليح رسالات ربي فاعلموا

۱ مشكاة الانوار ص ۲۴۰ ج ۲۹۲

۲ بصائر الدرجات ص ۵۰ ج ۱۶

۳ الكافي ج ۴ ص ۳۷ ج ۱

۴ الأعراف ۵۹-۶۲

فرمود: ایان، کسانی هستند که خدا را در نظر مردم و مردم را در نظر خداوند، محبوب می سازند، گوییم این که خداوند را در نظرندگان، محبوب می سازند، روشن است: اما چگونه سالکان خدا را در نظر خداوند، محبوب می سازند؟

فرمود: ایان را بدانچه خداوند دوست می دارد، فرمان می دهد و از آنچه خداوند ناپسند می شمارد، نهی شان می کند. وقتی مردم از این اطاعت کنند، خداوند، ایشان را دوست خواهد داشت.

۱۳۲۷ پیامبر خدا ﷺ شخصی روز قیامت می آید، در حالی که حساب او به سان ابر عراکم یا همچون کومه ای استوار است، می گوید: پروردگارا! چگونه اینجا از من است، در حالی که بدانها عمل نکرده ام؟! [خداوند] می فرماید: ایان، دانش توست که به مردم، موافقتی و پس از تو بدان، عمل شده است.

۱۳۲۸ پیامبر خدا ﷺ راهمایی کسده به حیر، به سان اینکام از سزا آن است

۵/۲ مبلغ معونه

قرآن

«هانا روح را به سوی قوش فرستادیم پس گفت: ای قوم مرا خدا را پرستید که برای شما معبودی جز او نیست مرا از عذاب روزی سترگ بر شما بیدارم. سران قوش گفتند: واقعاً ما تو را در گمراهی آشکاری می بینیم گفت: ای قوم مرا هیچ گونه گمراهی ای در من نیست بلکه مرا، فرستادمی از جانب پروردگار جهانیانم. پیام های پروردگارم را به شما می رسانم و اندر زبان می دهم و چیزی را از خدا می دانم که [شما] نمی دانید»

حدیث

۱۳۲۹ مسند ابن حنبل - به نقل از سمرة بن جندب -

پیامبر خدا فرمود: ای مردم! شما را به خدا سوگوید می دهم، اگر می دانید که من در رساندن چیزی از

أَخْبَرْتُمُونِي ذَلِكَ، فَبَلَّغْتُ رِسَالَاتِ رَبِّي كَمَا يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُبَلَّغَ، وَإِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ أَنِّي بَلَّغْتُ رِسَالَاتِ رَبِّي لَمَّا أَخْبَرْتُمُونِي ذَلِكَ قَالَ فَقَامَ رِجَالٌ فَقَالُوا شَهِدْ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ وَنَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَقَصِصْتَ الَّذِي عَلَيْكَ^۱

۱۴۵۰ المستدرک علی الصحیحین عن انس: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ آخِرَ مَا تَكَلَّمَ بِهِ «جَلَّالَ رَبِّي الرَّبِّيعُ فَقَدْ بَلَّغْتُ»، ثُمَّ قَصَى ﷺ^۲.

الفصل الثالث: رساله للمبلغ

۱/۳ الدعوة إلى فصال الدين والدنيا

۱۴۵۱ الإرشاد: إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ جَنَّحَ خَاصَّةً أَهْلِيهِ وَعَشِيرَتِهِ لَيْسَ ابْتِدَاءُ الدَّعْوَةِ إِلَى الْإِسْلَامِ فَرَضَ عَلَيْهِمْ لِإِيمَانٍ ثُمَّ قَالَ يَا بَنِي عَبْدِ مُطَّلِبٍ، إِنَّ اللَّهَ يَقْتَضِي إِلَيَّ الْحُلِيَّ كَافَّةً، وَيَقْتَضِي إِلَيْكُمْ خَاصَّةً، فَقَالَ ﷺ «وَأَمَّا بَشِيرُكَ الْأَقْرَبِينَ»، وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى كَلِمَتَيْنِ حَقِيقَتَيْنِ عَلَى اللَّسَانِ، ثَقِيلَتَيْنِ فِي الْمِيزَانِ، تَمْلِكُونِ بَيْنَهُمَا الْقَرَبَ وَالْعِزَّ، وَتَنقِذُ لَكُمْ بَيْنَهُمَا الْأَمَمَ، وَتَدْخُلُونَ بَيْنَهُمَا الْجَنَّةَ، وَتَحَوُّنِ بَيْنَهُمَا مِنَ النَّارِ شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنِّي رَسُولُ اللَّهِ^۳

۲/۳ الدعوة إلى الإيمان بالمعاد

۱۴۵۲ رسول الله ﷺ يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، إِنَّ الزَّيْنَةَ لَا

رسالت‌های پروردگارم کوتاهی کرده‌ام، مرا از آن، باخبر سازید تا رسالت‌های پروردگارم را چنان که شایسته رساندن است، ابلاغ کنم و اگر می‌دانید که من، رسالت‌های پروردگارم را رسانده‌ام، مرا از آن، باخبر کنید.

اشخاصی برخواستند و گفتند: گواهی می‌دهیم که تو، رسالت‌های پروردگارت را ابلاغ کرده‌ای و برای امت، خبرخواهی کرده‌ای و آنچه بر عهده داشته‌ای، ادا کرده‌ای.

۱۴۵۰ المستدرک علی الصحیحین: به نقل از انس: آخرین سخن که پیامبر خدا فرمود، این جمله بود: ای پروردگار باجلالت و بلندمرتبه! ابلاغ کردم، و آن که، جان به جان‌آورین، تسلیم کرد.

فصل سوم: رسالت مبلّغ

۱/۳ دعوت به فصال دین و دنیا

۱۴۵۱ الإرشاد: پیامبر ﷺ در آمار دعوت به اسلام، گروهی برگزیده‌مار خانواده و تبار خود را گرد آورد و ایمان را بر آنان، عرضه کرد، آن گاه فرمود: «ای فرزندان عبدالمطلب! خداوند، مرا برای تمام مردم و مخصوص شما برانگیخته است و فرموده است: «و حافظان تربیت و هدایت» من شما را به دو کلمه که بر زبان می‌کنم، اما در میزان [حاصل] گایان‌مارد، دعوت می‌کنم. شما به کمک این دو کلمه، عرب و عجم را مالک خواهید شد و امت‌ها به کمک این دو، فرمان‌بردار شما خواهند شد و با این دو، وارد بهشت شده، از آتش، نجات خواهید یافت. [آن دو کلمه این است.] شهادت به این که خدایی جز الله نیست، و شهادت به رسالت من»

۲/۳ دعوت به ایمان آوردن به معاد

۱۴۵۲ پیامبر خدا ﷺ ای فرزندان عبدالمطلب! هیچ

۱. مستدرک ابن حنبل ج ۷ ص ۲۶۵ ح ۲۰۱۹۸

۲. المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۵۹ ح ۱۳۸۷

۳. الإرشاد ج ۱ ص ۴۹

يَكْذِبُ أَهْلَهُ، وَالَّذِي يَعْشَى بِالْحَقِّ لَتَمُوتَنَّ كَمَا
تَمُوتُنَّ، وَلَتُبْعَثَنَّ كَمَا تَسْتَبْقِطُونَ. وَمَا بَعْدَ الْمَوْتِ دَرُ
إِلَّا جَهَنَّمُ أَوْ نَارٌ، وَحُلِقَ جَمِيعُ الْخَلْقِ وَتَعْتَهُمْ عِيسَى ابْنُ
كَحَلْقٍ نَفْسٍ وَاجِدَةٍ وَتَعْتَهُمَا؛ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿وَمَا
خَلَقَكُمْ وَلَا تَعْلَمُكُمْ إِلَّا كَفْهَرٌ وَاجِدَةٌ﴾^۱

۳/۳. الدَّعْوَةُ إِلَى الْحُرِّيَّةِ الْهَادِفَةِ

الكتاب

﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الَّذِي يَدْعُوهُمْ
فَعَلُوا عِندَهُمْ نَسْوَءَ مَثُورَةٍ وَإِنْ يَأْمُرُهُمْ
بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَجْلِبُ لَهُمُ الْمُنْتَفِعَاتُ
وَيَحْزَنُ عَلَيْهِمُ الْخَبِيرُ وَيَصْغُ عَنْهُمْ بَشْرُهُمْ
وَالْأَنْفُلُ الَّتِي فَاتَتْ عَلَيْهِمْ﴾^۲

الحديث

۱۵۳ رسول الله ﷺ - من كتابه إلى أهالي نجران -
إلى إبراهيم وإسحاق ويعقوب من محمد رسول الله
إلى أسقف نجران وأهل نجران، إن أسلمتم فأني أحسد
إليكم الله إله إبراهيم وإسحاق ويعقوب أما بعد، فأني
أدعوكم إلى عبادة الله من عبادة العباد، وأدعوكم إلى
ولاية الله من ولاية العباد^۳

۴/۳. الدَّعْوَةُ إِلَى التَّقْوَى

الكتاب

﴿إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ * إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ
أَمِينٌ﴾^۴

۱. الامتداد من ج ۶۱ ص ۱۹

۲. الأعراف ۱۵۷ ۳. دلائل النبوة ج ۵ ص ۳۸۵

۴. الشعراء ۱۰۶ و ۱۰۷

بلدی [و راهمایی] به خانواده اش دروغ نمی گوید.
می گوید به آن که مرا به حق برانگیخته است، همان
گونه که می خواهید، خواهید مرد و همان گونه که از
خواب بر می خیزید، برانگیخته خواهید شد پس در
مرگ، خانه ای جبر بهشت یا آتش بیست و آفریش و
برانگیختن تمام آفریده ها برای خداوند ﷻ، به سبب
آفریش و برانگیختن یک آفریده است خداوند
متعال می فرماید ﴿آفریش و برانگیختن شما [در مردن ما]
جبر مانند [آفریش] یک فن نیست﴾

۳/۳. دعوت به آزادی هدفمند

قرآن

﴿هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ نَسْوَءَ مَثُورٍ
مِمَّا كَسَبَ وَجَاءَ الْإِنْسَانُ بِأَفْئُتٍ
كَثِيرٍ لَّهُمْ أَجْرٌ يُسْفَرُونَ﴾^۱ این فرستاده پیامبر درس بخوانده - که
[مرد] [و] [زن] خود، در تورات و انجیل نوشته می باشد -
پس روی می کنند، همان پیامبری که [آسان را به کار
پسندیده، فراموش می دهد و از کار ناپسند، باز می دارد و
برای ایشان چهره های پاکیزه را حلال و چهره های ناپاک را
حرام می گرداند و از [دوش] آنان، عهد و پندهایی را که
بر ایشان بوده است، بر می دارد﴾

حدیث

۱۵۳ پیامبر خدا ﷺ - در نامه ایشان به اهالی نجران -
به نام خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب، از محمد،
پیامبر خدا، به اسقف نجران و مردم نجران اگر
اسلام بیاورید، من با شما، الله خدای ابراهیم و
اسحاق و یعقوب رستایش خواهم کرد اما بعد،
من، شما را از عبادت بتگان به عبادت خداوند، و از
ولایت بتگان به ولایت خداوند، فرا می خوانم

۴/۳. دعوت به پرهیزکاری

قرآن

﴿يٰۤاَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ ۚ فَمَا لَهُمْ
بِإِذْنِهِ يَكْفُرُوا﴾^۱ این گفتار آنها پروا ندارند؟ من
برای شما، فرستاده ای در خبر اعتمادم﴾

الحديث

حدیث

۱۴۵۱ المراسیل عن هشام عن أبيه أكثر ما كان رسول الله ﷺ إذا قعد على المنبر يقول ﴿اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾^۱

۱۳۵۲ المراسیل به نقل از هشام، از پدرش - پیامبر خدا، در بیشتر مواقع می‌فرمود: «ای پسران من! بترسید از خدا و بگویید»

۵/۳. الدُّعْوَةُ إِلَى مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ

۱۴۵۵ رسول الله ﷺ بُشِّتْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ وَمَحَاسِنِهَا.^۲
۱۱۵۶ الإمام زين العابدين عليه السلام كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ فِي آخِرِ حُطْبَتِهِ طَوْبٌ لِمَنْ طَابَتْ خُلُقُهُ، وَطَهَّرَتْ شَجِيئَتُهُ، وَصَلَحَتْ سَرِيرَتُهُ، وَخَسَنَتْ عِلَاقَتُهُ، وَأُتِفِقَ الْفَصْلُ مِنْ مَالِهِ، وَأَمْسَكَ الْفَصْلُ مِنْ قَوْلِهِ، وَأَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ.^۳

۵/۳. دعوت به بزرگواری‌های اخلاقی

۱۳۵۵ پیامبر خدا ﷺ من به بزرگواری‌های اخلاقی و مکی‌های آن، برانگیخته شدم.

۱۳۵۶ امام زین العابدین عليه السلام پیامبر ﷺ در پایان خطابه‌اش می‌فرمود: «حوش به حال آن کسی که خویشتن بیکور، رفتارش پاک، بهانش شایسته و ظه‌رش نیکو باشد و مازاد مالش را انفاق کند و از زنگنه‌گویی اجتناب کند و به مردم از جانب خود، انصاف دهد»

۶. ۳. الدُّعْوَةُ إِلَى عِبَادَةِ اللَّهِ

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^۴
﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾^۵

۶/۳. دعوت به پرستش خداوند ﷻ

﴿وَجَنَّ وَاِنْسٍ رَا بَا فَرِيدُمْ، جَزَ بَرَايَ اَنِّ كَهَ مَرَا بَهِرِستند﴾
﴿بِي مَرْدَمَا پَروردگارِ تان را - كه شما و كسانى را كه پيش از شما پَروردند، آفریده است -، پَرستش كنيد، باشد كه به تقوا بگراييد﴾

۷/۳. الدُّعْوَةُ إِلَى مَحَبَّةِ اللَّهِ

۱۴۵۷ رسول الله ﷺ: أَوْحَى اللَّهُ إِلَى نَبِيِّهِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عليه السلام يَا مُوسَى، أَحِبِّي، وَخَبِّي إِلَى خَلْقِي قَالَ يَا رَبِّ، إِنِّي أُحِبُّكَ، فَكَيْفَ أُحِبُّكَ إِلَى خَلْقِكَ؟ قَالَ: أَدْكُرْ لَهُمْ نِعْمَاتِي فَتُبَيِّنَ لَهُمْ وَيُلَاحِظَ عَيْدَهُمْ؛ فَإِنَّهُمْ لَا

۷/۳. دعوت به محبت خداوند ﷻ

۱۳۵۷ پیامبر خدا ﷺ: خداوند به همراهش موسی بن عمران عليه السلام وحی کرد: «ای موسی! مرا دوست بدار و مرا بر دندگانم محبوب گردان».

[موسی] گفتم: پروردگارا! من تو را دوست دارم؛ اما چگونه تو را نزد بندگانم محبوب گردانم؟ [خداوند] فرمود: «نعمت‌ها و آزمایش‌هایم را

۱ الاحزاب ۷۰، ۲ المراسیل ص ۹۲ ح ۹

۳ الامالی للطوسی ص ۵۹۶ ح ۱۳۴

۴ التکوین ج ۲ ص ۱۴۴ ح ۱

۵ الدلائل ۵۶، ۶ البقره ۲۱

يَذْكُرُونَ: اِدْ لَا يَعْرِفُونَ مِثِّيَ إِلَّا كُلُّ خَيْرٍ^۱

۱۱۵۸ عنه ﷺ حَبَّبُوا اللَّهَ إِلَى عِبَادِهِ يُحِبُّكُمْ اللَّهُ^۲

۸/۳ التَّعْلِيمُ وَالتَّزْكِيَةُ

الكتاب

«رَبَّنَا وَاتَّعِزْ بِهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ نَتَّقُوا عَلَيْهِمْ عَلَيْهِ

وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُرْكِبِهِمْ إِلَهُ أَمْتِ الْعَزِيزِ

الْحَكِيمِ»^۳

الحدیث

۱۱۵۹ سنن ابن ماجه عن عبد الله بن عمرو: خَرَجَ

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بَاتَ يَوْمٌ مِنْ بَعْضِ حُجَّجِهِ فَجَاءَهُ

الْمَسْجِدَ فَإِذَا هُوَ بِحَلَقَتَيْنِ: إِحْدَاهُمَا يَقْرَءُونَ الْقُرْآنَ

وَيَدْعُونَ اللَّهَ، وَالْأُخْرَى يَسْتَعْلِمُونَ وَيُعَلِّمُونَ حَقَّ

النَّبِيِّ ﷺ كُلُّ عَلَى خَيْرٍ هَؤُلَاءِ يَقْرَءُونَ الْقُرْآنَ

وَيَدْعُونَ اللَّهَ، فَإِنْ شَاءَ أَعْطَاهُمْ وَإِنْ شَاءَ مَنَعَهُمْ،

وهَؤُلَاءِ يَسْتَعْلِمُونَ وَيُعَلِّمُونَ، وَإِنَّمَا بُعِثْتُ مُعَلِّمًا

فَجَلَسَ مَعَهُمْ^۴

۹/۳ مَكَاافَةُ الْبِدْعِ

۱۱۶۰ رسول الله ﷺ إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي قَدْ ظَهَرَ

الْعَالِيَةُ عَلَيْهِ، فَمَنْ لَمْ يَعْمَلْ فَقَلْبُهُ لَعَنَةُ اللَّهِ^۵

به یادشان آور! زیرا آنان به یاد نمی آورند، که از

من، جز خوبی نمی شناسند!

۱۲۵۸ پیامبر خدا ﷺ، خدا را سزد یندگانش محبوب

گردانید تا خداوند، شما را دوست داشته

باشد

۸. ۳ تعلیم و تزکیه

قرآن

«پروردگارا! در میان آنان، فرستاده‌ای از خودشان برانگیز

تا امانت تو را بر آنان بخواند و کتاب و حکمت به آنان

بیاموزد و پاکیزه‌شان کند؛ زیرا تو خود، شکست‌ناپذیر

هستی»

حدیث

۱۲۵۹ سنن ابن ماجه - به نقل از عبد الله بن عمرو -:

رَجَعَنِي بِبَعْضِ حِذَاءِ از یکی از اتاق‌های خود بیرون

آمد و وارد مسجد شد. در مسجد، دو حلقه جمعیت

دید. یک دسته قرآن می‌خواندند و به مناجات با خدا

مشغول بودند و حلقه دوم، مشغول آموختن و

آموزش دادن بودند. پیامبر ﷺ فرمود: «همگی، کار

حریمی انجام می‌دهید. این دسته، مشغول تلاوت

قرآن و مناجات با خداوند اگر خداوند بخواهد، به

آنان می‌بخشد یا دریغ می‌کند، و این دسته،

می‌آموزند و آموزش می‌دهند و به راستی، من، معلم

برانگیخته شدم. آن گاه با آنان (حلقه دوم) نشست.

۹/۳. مبارزه با بدعت‌ها

۱۲۶۰ پیامبر خدا ﷺ وقتی بدعت‌ها در میان امت

آشکار گردد، عالم باید علمش را آشکار سازد هر

کس چنین نکند، لعنت خدا بر او باد!

۱ الأملی للعلوی ص ۱۸۵ ج ۱۰۵۸

۲ المعجم الکبیر ج ۸ ص ۹۱ ج ۷۶۶

۳ البقره ۱۲۹

۴ سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۸۳ ج ۲۲۹

۵ الکافر ج ۱ ص ۵۴ ج ۲

۱۴۶۱ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ فِي كُلِّ حَلَبٍ مِنْ أُمَّتِي عِدْلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَنْهَى عَنِ هَذَا الدِّينِ تَحْرِيفَ الْعَالِيَيْنِ، وَاتِّعَالَ الْمُبْطِلِينَ، وَتَأْوِيلَ الْجَاهِلِينَ^۱

۱۴۶۱ پیامبر خدا ﷺ در هر پشته‌ای از ائمتّم، عادلانی از اهل بیتّم هست که تحریف دین و تأویل نادانان را از ائس دین، دور سارد.

۱۰/۳ التَّشْهِيرُ وَالْإِنْذَارُ

الكتاب

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا خَافَةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۲

۱۰/۳. نوید و هشدار دادن

قرآن

﴿وَمَا تَوْ رَا جَرُ [به بستی] بشارتگر و هشداردهنده برای تمام مردم، نفرستادیم، لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند﴾.

حدیث

الحدیث

۱۴۶۲ الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - بَلَغَ عَنْ رَبِّهِ مُعْذِرًا، وَنَصَحَ لِأُمَّتِهِ مُدِيرًا، وَدَعَا إِلَى الْحَقِّ مُبَشِّرًا، وَخَوْفَ مِنَ النَّارِ مُنْذِرًا^۳

۱۴۶۲ امام علی بن ابی طالب - در یادکردن از پیامبر ﷺ - رسالت پروردگار خود را ابلاغ کرد تا بهانه‌ای نماند و به هشدار داد، برای ائمتّم خود، خبرخواهی نمود و به بشارت داد، به بهشت فراخواند و به هشدار داد، از آتش ترساند

۱۱/۳ إِقَامَةُ الْحُجَّةِ

الكتاب

﴿رِسَالًا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ ظُلْمٌ إِنَّهُ خُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾^۴

۱۱/۳. برپا داشتن حجّت

قرآن

﴿پیامبرانی که بشارتگر و هشدار دهنده بودند، تا برای مردم پس از [فرستادن] پیامبران، در مقابل خدا [بهانه و] حجتی نباشد، و عدولند، توانا و حکیم است﴾

الحدیث

حدیث

۱۴۶۳ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - فِي حُطْبَتِهِ لَهُ - بَقِيَ إِلَيْهِمُ الرُّسُلُ لِيَكُونَ لَهُ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ عَلَى خَلْقِهِ، وَيَكُونَ رُسُلُهُ إِلَيْهِمْ شُهَدَاءَ عَلَيْهِمْ، وَابْتَقَتْ فِيهِمُ الشَّيْئَاتُ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ، وَيَحْيَا مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ^۵

۱۴۶۳. پیامبر خدا ﷺ - در خطبه‌ای از ایشان - [خداوند] فرستادگان را به سوی مردم برانگیخت تا حجّت رسای او بر مردم، بر آن او باشد و فرستادگانش بر مردم، شاهد باشند و در میان آنان، پیامبران را برای نوید و هشدار دادن مبعوث کرد، تا آن که هلاک می‌شود، از روی دلیل آشکار باشد و آن که حیات می‌یابد، از روی دلیل آشکار باشد.

۱ کمال قدس ص ۲۲۱ ح ۷

۲ سبأ ۲۸ ۳. هیچ تبلیغ الخطبة ۱۰۹

۳ الف ۱۶۵ ۵. توحید ص ۱۵ ح ۵

سخن‌های درباره مهم‌ترین وظایف مبلغ

وظایف مبلغ، در واقع، همان وظایف انبیای الهی است که هر آن، آن را «تلیع رسالت‌های خدا» می‌نامد، به این تفاوت که انبیا، پیام خدا را از طریق وحی دریافت می‌کردند؛ اما مبلغ، پیام خدا را از طریق انبیا و اوصیای آنان دریافت می‌نماید.

سیر منطقی مباحث تبلیغی

مبلغ، برای انجام دادن این رسالت سنگین، علاوه بر تلاش در احراز شرایط تلیع و زمینه‌سازی برای تحقق ارکان اصلی، اخلاقی و عمومی آن در کار خویش، باید با شیوه تبلیغ از جهت نقی پیام‌های تبلیغی، به ترتیب اهمیت آنها آشنا باشد.

مبلغ، در نخستین گام برای شاگردان مخاطب خود با مکتب انبیا، باید مری سرمداری عظمت و وحدان او برآمده مری نماید و کاری کند که او به هدیشه و تفکر وادار شود.

پس از آماده شدن مخاطب برای دریافت پیام خداوند متعال، نخستین پیامی که باید به او منتقل شود، این است که برنامه تکاملی‌ای که خداوند از طریق پیامبران برای انسان فرستاده، تنها شامل مصالح معنوی و اُخروی و نیست؛ بلکه مصالح مادی و دنیوی وی را نیز تأمین خواهد کرد.

انسان، موجودی است ماضی‌حس. علم با همه پیشرفت‌هایی که داشته، هنوز نتوانسته در راهی این موجود پیچیده راه درستی کشف کند. در این راه، هدیشه بشر را رآته راه تکامل مادی و معنوی او ناتوان است و باید برای آشنایی با این راه، با جهان غیب ارتباط پیدا کند و آن جهان را بشناسد و باور کند. چنین ارتباطی، جز از طریق انبیای الهی امکان‌پذیر نیست.

نخستین پیام تکامل آفرین انبیا که خلاصه همه برنامه‌های آنهاست، توحید است.

نخستین پیام اجتماعی توحید، قیام برای تحقق عدالت اجتماعی است.

عدالت اجتماعی در مکتب انبیای الهی، مقدمه شکوفایی شدن استعدادهای انسانی و رسیدن انسان به مقصد اعلای انسانیت است. آنچه آدمی را به این هدف نزدیک می‌کند، پرهیز از اخلاق و رفتار نکوینده و انصاف به مکارم اخلاق و محاسن اعمال است.

مهم‌ترین رسالت مبلغ

آنچه بیش از هر چیز دیگر برای تأثیرگذاری تبلیغات بر سرنوشت انسان‌ها اهمیت دارد، هدف‌گیری و سمت و سوی تبلیغات است. مبلغ، باید نقطه‌ای را هدف‌گیری کند که بیشترین آثار و برکات را برای سرنوشت انسان و نزدیک کردن او به کمال مطلق داشته باشد و آن نقطه، محبت به خداست.

محبت خدا، کیمیای خود ساری و سارندگی است. عشق به حق تعالی، همه زشتی‌های اخلاقی و عملی را یک‌جا درمان می‌کند و همه صفات نیکو را یک‌جا به عاشق، هدیه می‌کند.

بنا بر این، مهم‌ترین رسالت مبلغ، این است که هدف نهایی وی، عشق ساری باشد و نه مقدس‌سازی، و برای رسیدن به این هدف، همه برنامه‌های تبلیغی او باید چاشنی محبت داشته باشد.

الفصل الرابع خصائص المبلغ

۱/۴ الخصائص العلمية

أ- التفقه في الدين

الكتاب

﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيُعْذَرُوا كَافَّةً وَلَا ظُلُمَ مِنْ خَلٍّ
بِرِزْقِهِمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَهُمْ يُؤْمِنُونَ
فَإِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ يَخْذَرُونَ﴾^۱

الحديث

۱۱۶۱. رسول الله ﷺ لَا تَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَلَا تَنْهَى عَنِ
الْمُنْكَرِ حَتَّى تَكُونَ عَالِمًا، وَتَعْلَمَ مَا تَأْمُرُ^۲

ب- الإحاطة بالدين من جميع جوانبه

۱۱۶۵. رسول الله ﷺ إِنْ دِيسَ لَكَ شَيْءٌ مِنْ دِينٍ
مِنْ حَاطَةِ مِنْ جَمِيعِ جَوَانِبِهِ^۳

۱۱۶۶. عَنْهُ ﷺ لَا يَقُومُ بِدِينِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ حَاطَهُ مِنْ جَمِيعِ
جَوَانِبِهِ^۴

ج- معرفة الناس

۱۱۶۷. رسول الله ﷺ يَجِدُونَ النَّاسَ مَعَادِينَ، فَيُجَارُهُمْ
فِي الْجَاهِلِيَّةِ، فَيُجَارُهُمْ فِي الْإِسْلَامِ إِذَا قَبِلُوا،
وَيَجِدُونَ مِنَ خَيْرِ النَّاسِ فِي هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرَهُمْ لُئِي

۱. التوبة ۱۲۲

۲. الفردوس ج ۵ ص ۶۹ ح ۷۸۹۶

۳. الفردوس ج ۱ ص ۳۳۶ ح ۸۹۷

۴. كنز العمال ج ۲ ص ۸۱ ح ۵۶۱۲

فصل چهارم ویژگی‌های مبلغ

۱/۴ ویژگی‌های علمی

الف- دین سیاسی

قرآن

﴿و شایسته بیست مؤمنان، همگی [برای جهاد] کوچ کنند
پس چرا در هر طرفی از آنان، دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا
[دسته‌ای باشند و] در دین، آگاهی پیدا کنند و قوم خود
را - وقتی به سوی آنان باز گشتند - بیم دهند باشند که

آنان [از کبر الهی] بترسند﴾

حدیث

۱۱۶۴. پیامبر خدا ﷺ امر به معروف و نهی از منکر
مکمل، مگر آن که عالم باشی و بدانی که به چه امر
شی کنی

ب- آگاهی فراگیر نسبت به دین

۱۱۶۵. پیامبر خدا ﷺ دین خداوند معال را تنها کسی
یاری می‌رساند که به تمام جوانب آن، احاطه
داشته باشد

۱۱۶۶. پیامبر خدا ﷺ. دین خداوند را تنها کسی به پا
می‌دارد که به تمام جوانب آن، احاطه داشته باشد.

ج- شناخت مردم

۱۱۶۷. پیامبر خدا ﷺ مردم را مساعدنی می‌یابید پس
نیکیان آنان در دوران جاهلیت، در صورت
دین شاس شدن، بیکیان در دوران اسلام هستند و
در میان بهتری مردم در اسلام، کسانی را می‌یابید

قَبْلَ أَنْ يَقَعَ فِيهِ، وَتَجِدُونَ فِي شَرَارِ النَّاسِ ذَا
الْوَجْهِينِ^۱

۲/۴ الْخَصَائِصُ الْأَخْلَاقِيَّةُ

أ- الإخلاص

۱۴۶۸ رسول الله ﷺ ما من عبدٍ يخطُبُ حُطْبَةً إِلَّا اللهُ
سَائِلُهُ عَنْهَا مَا أَرَادَ بِهَا^۲

۱۴۶۹ عَنْهُ ﷺ - لَا بِي ذَرْ - يَا أَيُّهَا ذَرْ، مَا مِنْ حُطْبٍ
إِلَّا عُرِضَتْ عَلَيْهِ حُطْبَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. وَمَا أَرَادَ
بِهَا^۳.

ب- الشَّجَاعَةُ

الكتاب

﴿الَّذِينَ يُدْفَعُونَ رِجْلَهُمْ عَنْهُ وَيَحْشَوْنَ اللَّهَ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَطْغَوْنَ
أَهَذَا إِلَّا بِاللَّهِ وَقَدْ بَلَغَ حَمِيَّتَنَا﴾^۱

الحدیث

۱۴۷۰ رسول الله ﷺ لَا أَعْرِفُ زَجَلًا بَيْنَكُمْ عَلِيماً
فَكَفَّمْتُمْ لِرَقَابَتِي مِنَ النَّاسِ^۲.

۱۴۷۱ سَمِعْتُ ابْنَ مَاجَةَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
لَا يُحَقِّرُ أَحَدُكُمْ نَفْسَهُ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَيْفَ
يُحَقِّرُ أَحَدُنَا نَفْسَهُ؟ قَالَ يَرَى مُرَأًى عَلَيْهِ فِيهِ مَقَالٌ

که پیش از پذیرش اسلام، ساحتشودترین مردم
نسبت به اسلام بودند و او در میان بندگان، دو
چهره‌ها را می‌بینید.

۲/۲ ویژگی‌های اخلاقی

الف- اخلاص

۱۴۶۸. پیامبر خدا ﷺ هر بنده‌ای خطبه‌ای برادکند،
خدایوند از او می‌پرسد که هدف او از آن خطبه،
چه بوده است.

۱۴۶۹. پیامبر خدا ﷺ - لا بی ذر - یا ایها ذر، ما من خطب
الا عرضت علیه خطبته يوم القيامة. وما اراد
بها^۳.

ب- شجاعت

قرآن

﴿هَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ أَغْلَظَ اللَّهُ نَارَهُمْ
وَأَعْلَفَ لَهُمُ الْآسَافُ﴾^۱

حدیث

۱۴۷۰. پیامبر خدا ﷺ هرگز از میان شما کسی را ندیدم که
دانشی را بداند؛ اما او ترس مردم، کتمان‌ش کند
۱۴۷۱. سَمِعْتُ ابْنَ مَاجَةَ - يَهْ بَقْلُ ارْ اَبُو سَعِيد - بِبِامْبِرِ خِدا
فَرَمُود: «هَبِجْ يَكْ لَزْ شَمَا حُودَ رَا كُوچَكْ
شمارد»

گفتند: ای پیامبر خدا! ما چگونه خود را
کوچک می‌شماریم؟

فرمود: «کسی در کاری در می‌یابد که از ناحیه

۱ صحیح مسلم ج ۴ ص ۱۹۵۸ ح ۲۵۲۶

۲ ترمذی لابن حبل ص ۲۹۱

۳ الأماقی للنفوس ص ۵۳۰ ح ۱۱۶۲

۴ الأحزاب ۳۹

۵ کتوالمسک ج ۱۰ ص ۲۱۷ ح ۲۹۱۵۲

ثُمَّ لَا يَقُولُ فِيهِ . فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا مَعَكَ
أَنْ تَقُولَ فِيَّ كَذَا وَكَذَا ؟ فَيَقُولُ حَشِيَّةُ النَّاسِ فَيَقُولُ
فَأَيُّ كُتُبٍ أَتَى أَنْ نَحْشِيَ !

ج - تفسیر الصدور

« قَالَ رَتِ افْتَرَحَ لِي صَدْرِي » وَيَعْنِي لَنْ أَشْرِي « وَافْظَلَّ
غَفْدَةً مِنْ لَسَانِي » يُلْقِيهَا قَوْلِي «^۱
« أَلَمْ تَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ »^۲

د - الصدر

الكتاب

« فَاغْنِنِي لِحْتَمِ رَتِكَ وَلَا تَكُنْ كَصَلَابِ الْخُوبِ لَا تُغْنِي
وَمَوْ مَكْشُوفَةً »^۳

الحديث

۱۱۷۲ رسول الله صلی الله علیه و آله رَجِمَ اللَّهُ مُوسَى اِدُّوْدِي بِأَكْثَرِ مِنْ
هَذَا قَصِيرٍ^۴

۱۱۷۳ الإمام علی علیه السلام تَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

فَتَلْعَقُ رِسَالَتِي رَبِّي كَمَا أَمَرَهُ . وَنَصَحَ لِي فِي عِبَادَةِ
صَاحِبِ الْمُحْتَسِبِ^۵

۱۱۷۴ رسول الله صلی الله علیه و آله لَقَدْ أَحْبَبْتُ فِي اللَّهِ وَمَا يُعَافَى أَحَدٌ
وَلَقَدْ أُوْدِيْتُ فِي اللَّهِ وَمَا يُؤْدَى أَحَدٌ وَلَقَدْ أَتَيْتُ عَنِّي

۱ سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۳۲۸ ح ۱۰۰۸

۲ طه ۲۵-۲۸

۳ الشرح ۱

۴ الملحم ۴۸

۵ السيرة النبوية لابن كثير ج ۲ ص ۶۸۶

۶ كتاب من لا يحضره الفقيه ج ۱ ص ۱۲۸ ح ۱۳۳

خداوند ، عهده دار سخن گفتن است ؛ اما خاموش
می ماند . خداوند صلی الله علیه و آله در روز قیامت به او
می فرماید : چه مانع شد که درباره ام چپس و چنان
بگویی ؟ می گوید : از ترس مردم [خاموش
ماندم] . خداوند می فرماید : سرولوتر بود که از
من می ترسیدی ؟

ج - سعه صدر

« گفت : پروردگارا ! سهام را گشاده گردان و کارم را برای
من ، آسان ساز و از زبانم بگوشی [تا] سختم را
ببهد »

« آيا برای تو سخبات را گشاده‌ام ؟ »

۴ - بردباری

قرآن

« پس در [استتال] حکم پروردگار شکستایی ورز و ماند
عدم ماضی (یوس) میانی ، آن گاه که اندوه زده ، ندا در
داد »

حدیث

۱۳۷۲ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خداوند ، رحمت کند موسی را که
بیشتر از این ، زار دید ؛ اما بردباری پیشه کرد !

۱۳۷۳ امام علی علیه السلام گواهی می دهم که محمد ، سده و
فرستاده خداوند است ... پیام‌های پروردگارش را
همان گونه که به او فرمان داده بود ، ابلاغ کرد و
بردبار و شکستیا برای خداوند ، درباره بندگان
حیر خواهی نمود

۱۳۷۴ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، من ، به قدری در راه خدا ترسانده
شدم که هیچ کس ، چنان ترسانده نشده بود و در

ثَلَاثُونَ مِنْ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ وَمَا لِي وَلِبَلَالٍ طَعَامٌ يَأْكُلُهُ دُو
كَبِيرُ الْأَشْيَاءِ يُوَارِيهِ بِطُ بِلَالٍ^۱

۱۴۷۵. صحيح البخاري عن عبد الله كَأْسِي أَنْظَرُ إِلَى
النَّبِيِّ ﷺ يَحْكِي نَبِيًّا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ صَرَفَهُ قَوْمُهُ فَأَدْفَوْهُ،
وَهُوَ يَمْسَحُ الدَّمَّ عَنْ وَجْهِهِ وَيَقُولُ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِقَوْمِي
فَلَا يَنْهَمُ لَا يَعْلَمُونَ^۲

هـ - النصيح

الكتاب

﴿أَنْتُمْ رُسُلَاتِي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ﴾^۳

الحديث

۱۴۷۶. الإمام علي عليه السلام - في ذكر فضيلة الرسول الكريم -

نَعْتُهُ وَالنَّاسَ حُلَّالٌ فِي حَبْرَةٍ، وَحَاطِطُونَ فِي بَيْتَةٍ...

فَنَالَعُ ﷺ فِي الصُّبْحَةِ، وَمَضَى عَلَى الطَّرِيقَةِ، وَدَعَا

إِلَى الْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ^۴

و - الأدب

۱۴۷۷. رسول الله ﷺ مَنْ كَانَ أَمْرًا بِمَعْرُوفٍ، فَلَيْكُ أَمْرٌ

ذَلِكَ بِمَعْرُوفٍ^۵

۱۴۷۸. عَمَهُ ﷺ إِيَّاكَ ن... تَكَلَّمُ فِي غَيْرِ أَدَبٍ^۶

راه خدا آراری دیدم که هیچ کس ندیده بود و
گاهی بر من، سی شب و روز می گذشت، در حالی
که من و بلال، خوراکی که یک نفر بخورد، جز آن
مقدار انسک که بلال زیر بغل خود پنهان
می ساخت (و می آورد)، نداشتیم.

۱۳۷۵. صحيح البخاري - به نقل از عبد الله - گویی پیامبر ﷺ

را می بینم که چون دیگر پیامبران، از طرف قومش

مصرف و خونریزی می شود و در حالی که خون را

از چهره اش پاک می کند، می گوید «ما حذایا»

قوم مرا ببخش که نمی دانم!

ه - خیرخواهی

تران

﴿پیام‌های پروردگارم را به شما می‌رسانم و برای شما

خیرخواهی آمیتم﴾

حدیث

۱۳۷۶. امام علی عليه السلام - در بیان فضیلت پیامبر خدا -

[خداوند] رسانی او را به رسالت برانگیخت که

مردم، در سرگردانی، گمراه و در فتنه، عرق

بودند... خیرخواهی را به نهایت رساند و در

مسیر راست، ره پیمود و [مردم را] به حکمت و

اندر بر نیکی، فراخواند

و - ادب

۱۳۷۷. پیامبر خدا ﷺ کسی که امر کننده به معروف است،

باید امرش همراه با نیکی باشد.

۱۳۷۸. پیامبر خدا ﷺ: هر حذر باش که - بدون رعایت

ادب، سخن نگوید

۱. سنن الترمذی: ج ۱، ص ۶۵۵، ح ۲۱۷۲

۲. صحيح البخاري ج ۳، ص ۱۲۸۲، ح ۳۲۹۰

۳. الأعراف ۶۸

۴. نهج البلاغة، الخطبة ۹۵

۵. مستدشهاب ج ۱، ص ۲۸۵، ح ۱۶۵

۶. أعلام الذين ص ۲۷۳

۳/۴. الْخَصَائِصُ الْعَقْلِيَّةُ

۴/۲. ویژگی‌های عقلی

اَسْتَطَابِقُ لِلْقَلْبِ وَاللِّسَانِ

الف - هماهنگی دل و زبان

۱۱۷۹ رسول الله ﷺ: أَوْحَى اللَّهُ إِلَى بَعْضِ أَنْبِيَائِهِ قُلْ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ لِيَمِيرَ الدِّينَ، وَيَتِمُّوا لِحُبِّرِ الْقَمَلِ، وَيَطْلُبُونَ الدُّنْيَا لِيَمِيرَ الْآخِرَةُ؛ يَلْبَسُونَ لِبَاسَ مُسَوِّدَ الْكِبَاشِ وَقُلُوبُهُمْ كَقُلُوبِ الدُّنَابِ، أَلَيْسَتْهُمْ أَهْلَى مِنَ الْقَسَلِ، وَأَعْمَالُهُمْ أَمْرٌ مِنَ الصُّبْرِ إِنِّي يُعَادِعُونَ؟ وَلَا تَحْزَنُ لَكُمْ فِتْنَةٌ تَذَرُ الْحَكِيمَ خَيْرَانِ^۱

۱۳۷۹ پیامبر خدا ﷺ: خداوند به برخی از پیامبران خود وحی کرد: «به کسانی که برای عیو دین، دنبال دین آموری هستند و برای غیر عمل، دانش می‌آموزند و دنیا را برای غیر آخرت، طلب می‌کنند و برای مردم، لباس گوسفندان به تن می‌کنند، در حالی که دل‌هایشان به سان دل گرگان است و [تیر] زبان آنان، شیرین تر از عسل، اما کارهایشان تسخیر تر از شیر است، بگو: «آیا نه من بی‌برگ می‌روم؟ قطعاً شما را در فتنه‌ای در آغوشم که حکم را سرگردان، و گذارد»

ب - الدَّعْوَةُ بِالْعَمَلِ قَبْلَ اللِّسَانِ

ب - دعوت عملی، پیش از دعوت و بانی

۱۱۸۰ رسول الله ﷺ: قَالَ الْخَوَارِجُونَ لِمُحَمَّدٍ يَا رُوحَ اللَّهِ، مَنْ نَجَالِسُ؟ قَالَ مَنْ يُذَكِّرُكُمْ اللَّهَ رُؤُوسَهُ، وَيُرِيدُ فِي عِلْبِكُمْ مَنَظْمَةً، وَيُرِيدُكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَقْلَةً^۲

۱۳۸۰ پیامبر خدا ﷺ: خواریان به هبمی ﷺ گفتند ای روح خدا! با چه کسی هم‌نشینی کنیم؟ فرمود: «آن کس که دیدارش شما را به یاد خدا می‌آورد و گفتارش به دانش شما میرساند و عمل او، میل شما را به آخرت، بیشتر کند»

الفصل الخامس: وسائل التبليغ

۱/۵ الكلام

مصل پنجم: ابزارهای تبلیغ

۱۱۸۱ رسول الله ﷺ: إِنَّ مِنَ الْبَيِّنَاتِ سِحْرًا، وَمِنْ الْبَلَمِ جَهْلًا، وَمِنْ الشَّرِّ حِكْمًا، وَمِنْ الْقَوْلِ عِنًا^۳

۲/۵ الشعر

۱/۵ گفتار

۱۳۸۱ پیامبر خدا ﷺ: برخی از گفتارها سحرند و برخی از علم‌ها نادانی‌اند و برخی از اشعار، حکمت‌اند و برخی از سخنان، درماندگی‌اند.

۲/۵ شعر

۱۳۸۲ پیامبر خدا ﷺ: برخی از گفتارها سحرند و برخی از اشعار، حکمت‌اند.

۱۱۸۲ رسول الله ﷺ: إِنَّ مِنَ الْبَيِّنَاتِ لِسِحْرًا، وَإِنَّ مِنَ الشَّرِّ لِحِكْمًا^۴

۱۱۸۳ المصنف لعبد الرزاق عن كعب بن مالك: أَنَّهُ قَالَ

۱۳۸۳ المصنف، عبد الرزاق - به نقل از کعب بن مالک -، او به پیامبر ﷺ گفت: «خداوند ﷻ درباره شعر، چیزی را فرو فرستاده که فرو فرستاده است

۱ حذیقه الناصی ص ۷۰ ۲ الکافی ج ۱ ص ۳۹

۳ الجفریات، ص ۲۳۰

۴ سنن ترمذی ج ۲ ص ۲۰۳ ح ۵۰۱۱

لِلنَّبِيِّ ﷺ - إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَنْزَلَ فِي الشَّعْرِ مَا أَمَرَ، قَالَ
إِنَّ الْمُؤْمِنَ يُجَاهِدُ بِنَفْسِهِ وَلِسَانِهِ، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ
لَكَأَنَّ مَا يُرْمَوْنَ بِهِ نَصْحُ النَّبِيِّ^۱

۳/۵ القلم

الكتاب

«أَتَى عَلِمَ بِالْقَلَمِ»^۲

«وَالْقَلَمُ وَمَا يَسْطُرُونَ»^۳

الحديث

۱۴۸۸ رسول الله ﷺ يُؤْتِي بِصَاحِبِ الْقَلَمِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي
تَابُوتٍ مِنْ نَارٍ مُقْفَلٍ عَلَيْهِ بِأَعْيَالٍ مِنْ نَارٍ، فَيَنْظُرُ قَنْعُهُ
فِيمَ أَحْرَاءٍ، فَإِنْ كَانَ أَحْرَاءً فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَرِصَالِهِ فَلَهُ
عَمَةُ التَّابُوتِ، وَإِنْ كَانَ أَحْرَاءً فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ هَوَى بِهِ
التَّابُوتُ سَبْعِينَ حَرْبًا^۴

الفصل السادس: الاستفادة من الأمثال

في التبليغ

۱/۶ مثل الطريق إلى الله

۱۴۸۵ رسول الله ﷺ إِنَّ اللَّهَ ضَرَبَ مَثَلًا صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا،
عَلَى كَنْفِي الصِّرَاطِ دَرَابٍ لَهَا أَبْوَابٌ مُفْتَحَةٌ، عَلَى
الْأَبْوَابِ سُتُورٌ وَدَاعٍ يَدْعُو عَلَى رَأْسِ الصِّرَاطِ، وَدَاعٍ
يَدْعُو قَوْقُهُ، وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ
يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، وَالأَبْوَابُ الَّتِي عَلَى كَنْفِي

۱ المصنف لميد الزقاق ج ۱۱ ص ۳۶۳ ح ۲۰۵۰۱

۲ للمعلق ۴ ۳ القلم ۱

۳ المعجم الكبير ج ۱۱ ص ۱۵۰ ح ۱۱۴۵۱

فرمود: «مؤمن با جان و زبانش جهاد می‌کند،
سرگند به آن که جانم به دست اوست، گویا که با
شعر، تیری با شدت می‌افکند»

۵.۴.۴ قلم

قرآن

«همان کس که به وسیله قلم آموح».

«بر سرگند به قلم و آنچه می‌بوسد»

حدیث

۱۳۸۲ بهاصبر خدا ﷺ صاحب قلم (موبسده) را روبرو
قبضت، دو میان تابوتی از آتش که نافعل‌هایی از
آتش سر بسته است، می‌آورد و به قسم او
نگریخته می‌شود که آن را در چه راهی به کار
گیرايم است پس اگر آن را در راه اطاعت و
خسودی بخداوند به کار گرفته باشد، سر تابوت
برایش گشوده می‌شود و اگر قلمش را در راه
ناحرمانی حد، به کار بسته باشد، همداد پاییز در
تابوت می‌ماند

فصل ششم: بهره گرفتن از مثل‌ها در تبلیغ

۶.۱ مثل راه رسیدن به خدا

۱۳۸۵ بهاصبر خدا ﷺ خداوند، راه راستی را قتل رده
که در دو کناره آن راه، دو حایه است که درهای
گشوده دارند و جلوی درها پرده‌هایی آویزان
است بر سر آن راه، فراخواننده‌ای فرا می‌خواند و
در بالای آن راه، فراخواننده دیگری فرا می‌خواند
و خداوند به حایه سلامت دعوت می‌کند و هر
کس را بخواهد، به راه راست هدایت می‌کند.
درهایی که در دو کناره آن راه است، حدود خداوند
که هر کس در [قرن‌گاه] حدود خداوند وارد شود،

الصَّراطِ مُدَوِّدُ اللَّهِ، فَلَا يَقَعُ أَحَدٌ فِي حُدُودِ اللَّهِ حَتَّى يُكْشَفَ السُّتْرُ، وَالَّذِي يَدْعُو مِنْ فَوْقِهِ وَاعْظُرْ رُيَّةً

پرده برداشته می‌شود، و آن دعوتگری که از بالای راه دعوت می‌کند، واعظ پروردگار اوست.

۲/۶ مثل النَّمِيّ ﷺ وَأَمْتِهِ وَرِسالَتِهِ

۲/۶ مثل پیامبر ﷺ، اَمّت او و رسالت او

۱۴۸۶ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَثَلِي وَمَثَلُكُمْ كَمَثَلِ رَجُلٍ أَرَقَدَ نَاراً فَجَعَلَ الْقَرَّاشُ وَالْجَنَادِبُ يَقَعْنَ فِيهَا وَهُوَ يَدْبُثُهُنَّ عَنْهَا، وَأَمَّا أَجَدُ بِحُجْرَتِكُمْ عَنِ النَّارِ وَأَنْتُمْ تَقْلُوبُونَ مِنْ يَدَيَّ ۲

۱۴۸۶ پیامبر خدا ﷺ: حکایت من و شما، حکایت مردی است که آتش افروخته است و پروانه‌ها و ملخ‌ها خود را به درون آن می‌اندازند و او آنها را از آتش دور می‌کند. من هم کمریبه‌های شما را گرفته‌ام و از آتش دورتان می‌کنم و شما از دستان من می‌گریزید [و به سوی آتش می‌روید].

۱۴۸۷ عَنْهُ ﷺ مَثَلِي وَمَثَلُ مَا يَقْتَسِي اللَّهُ بِهِ كَمَثَلِ رَجُلٍ أَنَى قَوْمًا فَقَالَ: يَا قَوْمُ، إِنِّي رَأَيْتُ الْجَيْشَ بَعْثِي، وَإِنِّي أَنَا الْبُدَيْرُ الْقُرْبَانُ، فَالْجُجَاءُ النُّجَاءُ مَا طَاعَتُهُ طَائِفَةٌ مِنْ قَوْمٍ، فَأَدْلَجُوا وَانْطَلَقُوا عَلَى مَهْلِكِهِمْ فَجَاحُوا، وَكَذَّبَتْهُ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ فَأَصْبَحُوا مَكَاهِلَهُمْ. فَصَنَعَهُمُ الْحَبِيشُ فَأَهْلَكَهُمْ وَاجْتَاخَهُمْ. فَذَلِكَ مَثَلُ مَنْ أَطَاعَنِي وَاتَّبَعَ مَا جِئْتُ بِهِ، وَمَثَلُ مَنْ عَصَانِي وَكَذَّبَ مَا جِئْتُ بِهِ مِنَ الْحَقِّ ۲

۱۴۸۷ پیامبر خدا ﷺ: حکایت من و آنچه خداوند مرا به آن معوت کرده، حکایت مردی است که مرد مردی می‌رود و می‌گوید: «ای مردم! من با چشم خود، لشکر [دشمن] را دیدم و همانا من هشدار دهنده آشکارا و پی برده‌ام. خود را برهانید! خود را برهانید! پس، اگر دمی از آن مردم اطاعتش می‌کند و شب هنگام رهسپار می‌شوند و به آرامی پیش می‌روند و سعادت می‌یابند و گروهی از ایشان، سخن او را دروغ می‌شمارند و شب را در جای خود می‌گذرانند و آن لشکر، سپیده‌دم بر آنها می‌تازد و همه را قتل و جمع می‌کند.

این است حکایت کسی که از من اطاعت کند و از آنچه آورده‌ام، پیروی نماید و حکایت کسی که از من نافرمانی کند و آنچه را از حق آورده‌ام، دروغ شمارد.

۳/۶ مَثَلُ النَّبِيِّ ﷺ وَالسَّاعَةِ

۳/۶ مثل پیامبر ﷺ و قیامت

۱۴۸۸ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَثَلِي وَمَثَلُ السَّاعَةِ كَمَثَلِ رَجُلٍ رَهَابٍ، مَثَلِي وَمَثَلُ السَّاعَةِ كَمَثَلِ رَجُلٍ يَبْعَثُهُ قَوْمُهُ طَلِيقَةً، فَلَمَّا خَشِيَ أَنْ يُسَبِّقَ أَلَاخَ بَشِيرِهِ أَتَيْتُمْ أَتَيْتُمْ. ۱
ثُمَّ ذَاكَ أَنَا ذَاكَ ۱

۱۴۸۸ پیامبر خدا ﷺ: حکایت من و قیامت، مانند دو اسب مسابقه است. حکایت من و قیامت، حکایت مردی است که عده‌ای او را برای خبر یافتن از وضعیتی دشمن، پیشاپیش، روانه کرده‌اند و او از بیم این که دشمن، رودر از او، خود را به مردمش برساند، حامدش را در می‌آورد و با آن، علامت می‌دهد که: «به شما حمله شده به شما حمله شده! من هستم! من هستم!».

۱ سنن ترمذی ج ۵ ص ۱۱۲ ح ۲۸۵۹

۲ کنز العمال ج ۱۱ ص ۱۱۰ ح ۳۱۹۲۰

۳ کنز العمال ج ۱ ص ۱۸۰ ح ۹۱۴

۴ کنز العمال ج ۱۴ ص ۱۹۱ ح ۳۸۳۲۷

۴/۶. مَثَلُ الْمُؤْمِنِ

۱۴۸۹ رسول الله ﷺ: مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ الْخَطَّارِ: بِنِ جَالِسَتُهُ نَفْعَكَ، وَإِنْ مَاشَيْتُهُ نَفْعَكَ. وَبِنِ شَارَكَتُهُ نَفْعَكَ^۱

۱۴۹۰ عنه ﷺ: مَثَلُ الْمُؤْمِنِ مَثَلُ السُّبُلَةِ، تَمِيلُ أَحْيَاناً وَتَقُومُ أَحْيَاناً^۲

۱۴۹۱ عنه ﷺ: مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ الرُّيْحِ، لَا تَرَالُ الرِّيحُ تَقِيوُهُ، وَلَا يَرَالُ الْمُؤْمِنُ يَحِييُهُ بَلَاءٌ، وَمَثَلُ الصَّافِقِ مَثَلُ الشَّجَرَةِ الْأَزْبِ، لَا تَهْتَرُ حَتَّى تُسْتَحْصَدَ^۳

۵/۶. مَثَلُ الْمُؤْمِنِ وَأَخِيهِ

۱۴۹۲ رسول الله ﷺ: مَثَلُ الْمُؤْمِنِ وَأَخِيهِ كَمَثَلِ الْكَفْمِ نَعْيٍ حَنْدُخْمَا الْأُخْرَى^۴

۱۴۹۳ عنه ﷺ: مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي مَوَادِّهِمْ وَنَرَاخِمْهُمْ وَتَعَاظِمِهِمْ مَثَلُ الْحَسَدِ: إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عَصُوٌّ تَدْعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسُّهْرِ وَالْحَمْنِ^۵

۶/۶. مَثَلُ الصَّلَوَاتِ الْحَمَسِ

۱۴۹۴ رسول الله ﷺ: مَثَلُ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ كَمَثَلِ نَهْرٍ جَارٍ عَذِبٍ عَلَى بَابٍ أَحَدِكُمْ يَخْتَبِلُ فِيهِ كُلُّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ، فَمَا يَبْقَى ذَلِكَ مِنَ الدُّنْيَا^۶

۴/۶. مَثَلُ مُؤْمِن

۱۴۸۹ پیامبر خدا ﷺ: مؤمن به مانند عطر فروش است که اگر با او بنشین، به تو سود می‌رساند، اگر با او راه بروی، به تو سود می‌رساند و اگر با او شریک شوی، به تو سود می‌رساند.

۱۴۹۰ پیامبر خدا ﷺ: مثل مؤمن، مثل حوشه ای ارگدم یا جوی است که گاه کج می‌شود و گاه راست^۱

۱۴۹۱ پیامبر خدا ﷺ: حکایت مؤمن، حکایت زراعتی است که ورس پادشاه همواره آن را به هر سو حمید می‌کند. مؤمن، پیوسته در معرض بلاست. حکایت منافق، حکایت درخت صنوبر است که تکان می‌خورد، تا آن که وقت بریدنش فرا می‌رسد.

۵/۶. مَثَلُ مُؤْمِنٍ وَبِرَّادِش

۱۴۹۲ پیامبر خدا ﷺ: حکایت مؤمن و برادرش، حکایت دو کف دست است که یکی از آنها دیگری را نمیر می‌کند

۱۴۹۳ پیامبر خدا ﷺ: حکایت مؤمنان در دوستی و مهربانی با یکدیگر و فلسوری برای یکدیگر، حکایت پیکر [آدمی] است که هر گاه عصبی از آن به درد آید، سایر اعصاب بدن با شب نخواستن و تپلار شدن، با آن هم‌دردی می‌کنند.

۶/۶. مَثَلُ نَمَازِهَايِ پَنجگانه

۱۴۹۴ پیامبر خدا ﷺ: مثل نمازهای پنجگانه، مثل نهر آب شیرینی است که از مقابل خانه هر یک از شما می‌گذرد و او روری پنج بار، خود را در آن شستشو می‌دهد. دیگر، چرکی در بدن او باقی نمی‌ماند

۱. مقصود، ایسی است که مؤمن، در معرض حوادث و بلاهاست.

۱. كنز العمال ج ۱ ص ۱۲۷ ح ۷۳۶

۲. كنز العمال ج ۱ ص ۱۲۷ ح ۷۳۰

۳. سنن الترمذی ج ۵ ص ۱۵۰ ح ۲۸۶۶

۴. كذا في المصدر، والصحيح «أحدهما»

۵. كنز العمال ج ۱ ص ۱۵۴ ح ۷۶۵

۶. كنز العمال ج ۱ ص ۱۴۹ ح ۷۳۷

۷. كنز العمال ج ۷ ص ۲۹۱ ح ۱۸۹۳۶

۷/۶ مثل المُنْفِقِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

الكتاب

﴿مَثَلُ الْيَرَسِ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْ تَبُثَّ سِتْعَ مِثَالٍ فِي كُلِّ مِئَةِ حَبَّةٍ حَبَّةٌ وَنُفَّةٌ يَضَعُكَ لِمْ يَشَاءَ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَظِيمٌ﴾^۱

الحدث

۱۱۹۵ صحیح مسلم عن أبي هريرة عن رسول الله ﷺ: مَثَلُ الْيَحِيلِ وَالْمُنْفِقِ مَثَلُ رَجُلَيْنِ عَلَيْهِمَا جَسَارٌ مِنْ حَدِيدٍ، إِذَا هُمُ الْمُتَصَدَّقُ بِصَدَقَةٍ اتَّعَتَ عَلَيْهِ حَتَّى تُفْقِيَ أَثَرَهُ، وَإِذَا هُمُ الْيَحِيلُ بِصَدَقَةٍ تَعَلَّصَتْ عَنْهُ وَانصَحَتْ بِدَأْءِ إِلَى تَرَاثِيهِ، وَانْقَبَضَتْ كُلُّ حَلْفَةٍ إِلَى صَاحِبَتِهَا قَالَ فَصَبَّحَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «يَجْهَدُونَ بُرُئِيهَا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ»^۲

۸/۶ مثل الذي يعود في عطيته

۱۱۹۶ رسول الله ﷺ: «إِنَّ مَثَلَ الَّذِي يَعُودُ فِي عَطِيَّتِهِ كَمَثَلِ نَكَالٍ أَكُلَ حَتَّى إِذَا شَبِعَ قَاءَ، ثُمَّ عَادَ فِي قَيْئِهِ وَأَكَلَهُ»^۳

۱۱۹۷ عنه ﷺ: «لَيْسَ لَنَا مَثَلُ السُّوءِ، الْعَائِدُ فِي حَبِيَّتِهِ كَالنَّكَالِ يَعُودُ فِي قَيْئِهِ»^۴

الفصل السابع - آداب التبليغ

۱/۷ الافتتاح بالبسملة

۱۱۹۸ محمد ابن حنبل عن أبي هريرة قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

۱ البراء ۲/۱

۲ صحیح مسلم ج ۲ ص ۷۰۹ ح ۷۷

۳ کنز العمال ج ۱۶ ص ۶۳۸ ح ۶۳ ۱۶

۴ کنز العمال ج ۱۶ ص ۶۳۹ ح ۲۶۱۶۷

۷/۶ مثل کسی که در راه خدا فقر اتفاق می کند

قرآن

﴿مَثَلُ [صَدَقَاتِ] كَمَانِي كِهْ اِسْوَالِ حُودِ رَا دُو رَاهِ خَدَا انْفَاقِ مِي كُنْدِ مِي كُنْدِ، هِمَانِدِ دَانِهَائِي اِسْتِ كِهْ هَعْتِ حُوشِهْ بَرُو پَانَدِ كِهْ دُو هِرِ خُوشِهَائِي صَدِ دَانِهْ اِسْتِ وَ خَدَارِدِ پِرَایِ هِرِ كَمَانِي كِهْ بِحَوَالِدِ [آن رَا] چَندِ بَرَابَرِ مِي كُنْدِ، وَ خَدَارِدِ گَشَايشِ كَرِ دَانَاست﴾

حدیث

۱۳۹۵ صحیح مسلم - به نقل از ابو هریره - : پیامبر خدا فرمود: مثل یحیل و صدقه دهنده، مثل دو مرد است که روی آهس بر تن دارند هر گاه صدقه دهند، خواهند صدقه ای بدهد، آن روه بر تن او گشاد می شود تا آن که [سرانجام] اثری از آن سخی ماند [و] روه به کنی از سش بیرون می رود و هر گاه یحیل بخواهد صدقه ای بدهد، روه بر او سنگ می شود و دست هایش به چسب هایش بسته می شود و همه حنجره های روه در هم جمع می شوند.

شیدم که پیامبر خدا می فرمود: پس، [یحیل] سخی می کند آن روه را از هم بار کند (گشاد کند)، اما سخی تو اند.

۸/۶ مثل کسی که بخشش خود را پس می گیرد

۱۳۹۶ پیامبر خدا ﷺ: مثل کسی که عطای خود را پس می گیرد، مثل سگی است که آن قدر می خورد تا سیر شود و استفراغ کند و سپس استفراغ خود را بخورد.

۱۳۹۷ پیامبر خدا ﷺ: مثال بد رفتن، شایسته ما نیست؛ [اولی] کسی که بخشش خود را پس بگیرد، مایه سگی است که استفراغ خود را بخورد.

فصل هفتم: آداب تبلیغ

۱/۷ آغازگری با «بسم الله الرحمن الرحيم»

۱۳۹۸ محمد ابن حنبل - به نقل از ابو هریره - : پیامبر

كُلُّ كَلَامٍ أَوْ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَا يَفْتَحُ بِذِكْرِ اللَّهِ فَهُوَ أَهْتَرُ
- أَوْ قَالَ أَطْلَعُ -^۱

۲/۷ التَّحْمِيدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

۱۴۹۹ رسول الله ﷺ كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَا يُدْأَى بِهِ بِحَمْدِ اللَّهِ
وَالصَّلَاةِ عَلَيْهِ فَهُوَ أَطْلَعُ أَهْتَرُ، مَسْحُوقٌ مِنْ كُلِّ بَرَكَةٍ^۲

۳/۷ الوُضُوحُ فِي الْكَلَامِ

الكتاب

﴿وَإِظْلِلْ غُفَّةً مِنْ نَسَائِكَ بِفَقْهٍ وَفُزْنٍ﴾^۳

الحدیث

۱۵۰۱ . سنن ابی داود عن عائشة كانَ كَلَامُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ
كَلَامًا فَصْلًا، يَفْهَمُهُ كُلُّ مَنْ سَمِعَهُ^۴

۱۵۰۱ الإمام الحسن ﷺ عن هند بنت أبي هانئ التميمي
- وكانَ وَصَافًا لِجَلِيلِ النَّبِيِّ ﷺ - كانَ
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ . يَتَكَلَّمُ بِجَوَامِعِ الْكَلِمِ فَصْلًا، لَا
فُصُولَ فِيهِ وَلَا تَقْصِيرَ^۵

۱/۷ التَّلْوِيحُ فِي مَا لَا يَنْبَغِي التَّصْرِيحُ بِهِ

۱۵۰۲ . سنن ابی داود عن عائشة: كانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا بَلَغَهُ
عَنِ الرَّجُلِ الشَّيْءَ لَمْ يَقُلْ: «مَا بَالُ فُلَانٍ يَقُولُ؟»^۶
وَلَكِنْ يَقُولُ: «مَا بَالُ أَقْوَامٍ يَقُولُونَ كَذَا وَكَذَا؟»^۷

۱ . مستدرک حنبل، ج ۳، ص ۲۸۱ ح ۸۷۲۰

۲ . کنز العمال، ج ۱، ص ۵۵۸ ح ۲۵۱۰

۳ . طه ۲۷ و ۲۸

۴ . سنن ابی داود، ج ۶، ص ۲۶۱ ح ۴۸۳۹

۵ . معانی الأخبار، ص ۸۱ ح ۱

۶ . سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۵۰ ح ۴۷۸۸

خدا فرمود: «هر گفتار یا کاری که ارزشمند باشد و
یا یاد خدای ﷻ آغاز نشود، ناتمام است» یا آن که
فرمود: «قطع شده است».

۲/۷ . حمد خدا گفتن و درود فرستادن بر پیامبر
ﷺ

۱۴۹۹ . پیامبر خدا ﷺ: هر کار ارزشمندی که با ستایش
خدایوند و درود فرستادن بر من آغاز نشود،
گفتاری ناتمام و ناقص است، و از هر برکتی
محروم است

۳/۷ . آشکار سخن گفتن

قرآن

﴿وَلَا رِبَاسَ كَرِهَ الْبُكْنَى﴾ [۵] سخن را بلند».

حدیث

۱۵۰۱ . سنن ابی داود - به نقل از عایشه - گفتار پیامبر
ﷺ، گفتاری با فاصله (و آشکار) بود، که هر کس
آن را می‌شنید، می‌فهمید.

۱۵۰۱ امام حسن ﷺ - به نقل از هند بن ابی هانئ تمیمی،
که توصیف کننده زیبایی پیامبر ﷺ بود - : پیامبر
ﷺ - به تمام جوامع کلم (گفتارهای جامع)،
آشکارا سخن می‌گفت، بی آن که در آن، فزون‌ی یا
کاستی باشد.

۱/۷ . اشاره بر آن چاکه صراحت، روا نباشد

۱۵۰۲ . سنن ابی داود - به نقل از عایشه - هر گاه
چیزی (سخن یا روایی) از فردی به پیامبر ﷺ
می‌رسید، نمی‌فرمود «فلانی را چه شده که
[چنین] می‌گوید؟!؟ بلکه می‌فرمود: «مردم را چه
شده که چنین و چنان می‌گویند؟!»

۵/۷ مُرَاعَاةُ أَهْلِیَّةِ الْمُخَاطَبِ

۱۵۰۳ رسول الله ﷺ: إِنَّ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ ۖ قَامَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ، فَقَالَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ، لَا تُخَدُّثُوا بِالْحِكْمَةِ الْجَهْلَانَ فَتُظْلِمُوهُمْ، وَلَا تَمْنَعُوهُمْ أَهْلَهَا فَتُظْلِمُوهُمْ

۱۵۰۴ عنه ﷺ: وَاضْبَحُ الْعِلْمِ عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهِ كَقَتْلِ الْحَارِيرِ الْحَوَهِرِ وَاللُّؤْلُؤِ وَالذَّهَبِ^۱

۶/۷ مُرَاعَاةُ طَائِفَةِ الْمُخَاطَبِ

۱۵۰۵ رسول الله ﷺ: لَا تُخَدِّثُوا النَّاسَ بِمَا لَا يَعْرِفُونَ، أَتُحِبُّونَ أَنْ يُكَذَّبَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ؟^۲

۷/۷ مُرَاعَاةُ مَشَاغِلِ الْمُخَاطَبِ

۱۵۰۶ رسول الله ﷺ: إِنِّي لَا أُخَوِّدُكُمْ بِالْمَوْعِظَةِ تَحْوِيلًا؛ فَخَافَهُ النَّاسُ مِنْهُ عَلَيْهِمُ^۳

۱۵۰۷ مسند ابن حنبل عن قیس بن ابی حارم عن ابیه زَآبِي النَّسْرِ ۖ وَهُوَ يَحْطُبُ وَأَنَا فِي الشَّمْسِ فَأَمَرَنِي فَحَوَّلْتُ إِلَيَّ الظِّلَّ^۴

۵/۷ مراعات شایستگی مخاطب

۱۵۰۳ پیامبر خدا ﷺ: عیسی بن مریم ۖ در میان بنی اسرائیل ایستاد و گفت: «ای بنی اسرائیل! حکمت را برای نادانان بازگو نکنید که در این صورت، به حکمت، ستم کرده‌اید، و آن را از اهلش دریغ نکنید که در این صورت، به آنان ستم کرده‌اید».

۱۵۰۴ پیامبر خدا ﷺ: آن که علم را نزد نااهل می‌سپارد، به سان کسی است که جواهر، لؤلؤ و طلا را به گردن حوک‌ها او بخته است.

۶/۷ مراعات کمحاشیش مخاطب

۱۵۰۵ پیامبر خدا ﷺ: برای مردم آنچه را نمی‌دانند [و نمی‌شناسند]، بازگو نکنید. آیا دوست دارید که خدا و فرستاده‌اش مورد تکذیب قرار گیرند؟

۷/۷ مراعات شایستگی مخاطب

۱۵۰۶ پیامبر خدا ﷺ: من از بیم حشّه شدن شما، برای موعظه کردن، به دنبال فرصت مناسب می‌گردم.

۱۵۰۷ مسند ابن حنبل - به نقل از قیس بن ابی حارم، از پدرش - پیامبر ﷺ در حالی که سحرانی می‌کرد، مرادید که میان آفتابم فرمان داد تا جایم را به سایه، تغییر دادم.

۱ کتاب من لا یحضره الفقه ج ۴ ص ۱۰۰ ح ۵۸۵۸

۲ من لیل ما ج۲ ج ۱ ص ۸۱ ح ۲۲۴

۳ ثانیة للعسکری، ص ۳۶ ح ۲

۴ الأمالی للطرسی ص ۱۹۱ ح ۱۰۷۷

۵ مسند ابن حنبل ج ۶ ص ۳۶۲ ح ۱۸۳۳۳

مخاطب‌شناسی در تبلیغ

نخستین پیش‌نیاز هر گونه برنامه‌ریزی برای تبلیغات، مخاطب‌شناسی است. منع، توفتی که ظرفیت فکری و روحی مخاطب خود را مانند، و از زمینه‌های ذهنی و روانی و میزان تأثیر پذیری مخاطب، اطلاعات کافی نداشته باشد، و موانع تأثیر پذیری مخاطب را تشخیص ندهد، نمی‌تواند برنامه‌ریزی صحیحی برای تبلیغات داشته باشد.

میزان تأثیر پذیری مخاطب

یکی از نکات مهمی که در قرآن و احادیث اسلامی در ارتباط با مخاطب‌شناسی مورد توجه قرار دارد، تفاوت مردم از نظر ظرفیت‌ها و استعداد های طبیعی و اجتماعی، و میزان تأثیر پذیری آنان از تبلیغات مفید و سازنده است. ما در نظر گرفتن این تفاوت‌ها، هر محلی برای هر کسی مفید و سازنده نیست، چه بسا نوعی از تبلیغات برای فرد یا جمعی مفید باشد، اما برای فرد یا جمعی دیگر، غیر مفید و حتی زیانبار باشد. لذا انبیای الهی موظف بوده‌اند که در تبلیغات خود، ظرفیت فکری و روحی مردم را در نظر داشته باشند.

درگیر شدن با خواست‌های فطری مردم

یکی از آفات تبلیغات، به طور عام، تبدیل شدن آن به ضد خود، توسط مبلغ است. مکرر اتفاق افتاده است که تبلیغات در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، اثر معکوس بر حای می‌گذارد. یکی از دلایل آن این است که روانشناسی مخاطب، مورد توجه قرار نگرفته است و تبلیغات، در برابر نیازهای طبیعی و فطری مخاطب قرار گرفته است.

از این رو، مبلغ، اگر به واقع اسلام‌شناس باشد و نیازهای فطری مخاطب را بداند، هرگز به نام دین و برای تبلیغ اسلام، با خواست فطری مردم و حقوق طبیعی آنها درگیر نمی‌شود.

۸/۷ مُرَاعَاةُ الْأَهَمِّ خَالَاهُمْ

۱۵۰۸ صحیح البخاری عن ابن عباس. لَمَّا بَعَثَ نَبِيُّ ﷺ مُعَاذَ بْنَ جَبَلٍ إِلَى تَحْوِ أَهْلِ الْيَمَنِ، قَالَ لَهُ إِنَّكَ قَدْ دُعِيَ عَلَى قَوْمٍ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ، فَلْيَكُنْ وَفَّيًّا مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ أَنْ يُؤْخَذُوا بِاللَّهِ تَعَالَى، فَإِذَا عَزَمُوا ذَلِكَ فَأَحْبِرْهُمْ أَنَّ اللَّهَ قَرَضَ عَلَيْهِمْ خَمْسَ صَلَوَاتٍ مِنْ تَوْمِهِمْ وَلِيْنِهِمْ، فَإِذَا صَلُّوا فَأَحْبِرْهُمْ أَنَّ اللَّهَ امْتَرَضَ عَلَيْهِمْ رَكْعَةً مِنْ أَمْوَالِهِمْ تُوْخَذُ مِنْ غَيْرِهِمْ فَتَرَدُّ عَلَى فَقِيرِهِمْ، فَإِذَا تَقَرَّوْا بِدِينِكَ لَمَحَدٌ مِنْهُمْ، وَنَبِيُّكَ كَرَاهَهُمْ أَمْوَالِ آبَائِهِمْ

۱۵۰۹ التَّوْحِيدُ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ. حَاءُ أَعْرَابِيٍّ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، عَلَّمَنِي مِنْ غَرَائِبِ الْعِلْمِ قَالَ مَا صُعِقَ فِي رَأْسِ الْعِلْمِ حَتَّى نَسْأَلَ عَنْ غَرَائِبِهِ؟ أَمَّا الرَّحْلُ مَا رَأْسُ الْعِلْمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ مَعْرِفَةُ اللَّهِ حَقُّ مَعْرِفَتِهِ قَالَ الْأَعْرَابِيُّ: وَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ حَقُّ مَعْرِفَتِهِ؟ قَالَ مَعْرِفَةُ بِلَا مِثْلِ وَلَا شَيْءٍ وَلَا يَدِّ، وَأَنْتَ وَاحِدٌ أَحَدٌ ظَاهِرٌ بَاطِنٌ أَوَّلٌ آخِرٌ، لَا كُفُوفَةٌ وَلَا مَطْيَرٌ، فَذَلِكَ حَقُّ مَعْرِفَتِهِ

۹/۷ مُرَاعَاةُ الْإِحْتِصَارِ

۱۵۱۰ سنن ابی داود عن عمار بن یاسر أمْرًا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِإِقْصَارِ الْخُطْبِ

۱۵۱۱ سنن ابی داود عن جابر بن سمرة الصَّوَانِيُّ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا يُطِيلُ التَّوْعِظَةَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، إِنَّمَا هُنَّ كَلِمَاتٌ يَسِيرَاتٌ

۸/۷ مراعات ترقیب اہمیت

۱۵۰۸ صحیح البخاری - به نقل از ابن عباس - هنگامی که پیامبر ﷺ معاذ بن جبل را به سوی مردم یمن فرستاد، به او فرمود: «تو بر دو گروهی از اهل کتاب می‌روی. از این رو، می‌باید محسنی دعوت تو از آنان، دعوت به یکتا شمردن خداوند متعال باشد. اگر توحید را ششاعت، به آنان بازگو که خداوند، در شبانه و روزشان، پنج نماز بر آنان واجب کرده است و هر گاه نماز را به پای نداشتند، به آنان بگو که خداوند، در احوالشان رکعت قرآن داده تا از بی‌نارشان بیستانده شود و به نهی دستشان داده شود پس هر گاه بدان اعلان کردند، از آنان رکعت بگیر و از گریده اموال مردم، احتساب کن»

۱۵۰۹ التَّوْحِيدُ - به نقل از ابن عباس - : مردی پادیه‌شین نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای پیامبر خدا! از نهگفتی‌های دانش به من بیاموز فرمود: «تو با اساس علم چه کرده‌ای که حلال، خوبه و نهگفتی‌های از هستی؟»

آن مرد گفت: اساس عدم چیست، ای پیامبر خدا؟ فرمود: «ششاعت خداوند، چنان که بایسته اوست»

پادیه‌شین گفت: ششاعت بایسته خداوند چیست؟

فرمود: «او را این گونه بشناسی که نظیر، شبیه و آبلز بلند و او یگانه، یکتا، ظاهر، باطن، اول و آخر است و همگ و همسان ندارد. این است حق شاحت خداوند»

۹/۷ رعایت اختصار

۱۵۱۰ سنن ابی داود - به نقل از عمار بن یاسر - : پیامبر خدا، موعظه کوتاه کردن خطابه‌ها فرمان داد.

۱۵۱۱ سنن ابی داود - به نقل از جابر بن سمرة - : پیامبر خدا، موعظه روز جمعه را طولانی نمی‌کرد و حصانه بشال تنها چند کلمه کوتاه بود.

۱ صحیح البخاری ج ۶ ص ۲۶۸۵ ح ۶۹۳۷

۲ التَّوْحِيدُ ص ۲۸۵ ح ۵

۳ سنن ابی داود ج ۱ ص ۲۸۹ ح ۱۰۶

۴ سنن ابی داود ج ۱ ص ۲۸۹ ح ۱۱۷

سخنی درباره عوامل موفقیت مبلغ

موفقیت یا شکست مبلغ و برنامه‌سازان تبلیغاتی در رسیدن به اهداف خود، نه به پش عامل بازمی‌گردد

انگیزه مبلغ

بدون تردید، انگیزه، قبل از هر چیز دیگر، صام موفقیت مبلغ و برنامه‌های تبلیغی اوست. هرچه انگیزه قوی‌تر باشد، امید موفقیت بیشتر است. تأمل در متون دینی که درباره جایگاه تبلیغ و مبلغ در اسلام سخن می‌گویند، می‌تواند زمینه‌ساز تقویت انگیزه مبلغ و برنامه‌سازان تبلیغی باشد.

در این متون، ضرورت تبعیع به عنوان یک تکلیف الهی و وظیفه دینی، اهمیت و آثار و برکات آن برای مبلغ از یک سو و برای مردم از سوی دیگر، مورد تأکید قرار گرفته و تبلیغ، نه عنوان پایگاه احبای معمولی مردم و پاری رساندن به خدا معرفی شده است.

همچنین مبلغ، نماینده خدا، نماینده رسول خدا (ص) است، و حجت خدا بر مردم معرفی شده است.

مبلغ، ترجمان حق، معبر خالق و فراخواننده مردم به سوی خداست.

افزون بر این، آنچه درباره حقوق مبلغ و ثواب تبعیع در روایات اسلامی آمده است، در جهت تقویت انگیزه مبلغ و برنامه‌سازان تبلیغی است.

رسالت مبلغ

محتوای تبعیع، یکی دیگر از ارکان موفقیت آن است. هرچه محتوای تبعیع، مؤثرتر و سازگارتر و پیام مبلغ در عبادی فرهنگی بیشتری برخوردار باشد، میزان موفقیت و تأثیرگذاری تبعیع در مردم، افزایش خواهد یافت.

ویژگی‌های مبلغ

سومین رکن موفقیت مبلغ، ویژگی‌های شخصی و سه‌مبلغ، در صورتی می‌تواند در جایگاه واقعی خود، تداوم بخش راه انبیای الهی باشد و ارزش‌های دینی خود را به مردم، اخلاقی و علمی، و جد ویژگی‌هایی باشد که اسلام برای دعوت‌کنندگان مردم به حب و ارزش‌های انسانی و اسلامی ضروری می‌داند.

ابزارهای تبلیغ

سخن، مهم‌ترین ابزار تبلیغ و به مفهوم عام آن، تنها بر مبلّغ در طوب تاریخ است که در قالب‌های، موعظه، خطابه، مناظره، و نشر و نظم، پیام مبلّغ را به اندیشه و دل مردم منتقل می‌کند.

جالب توجه است که در روایات اسلامی، نوشتن بر ر مصداق «سخن» شمرده شده و خط را «ربانی دست» خوانده‌اند. بر این اساس، وسایل اطلاع‌رسانی جدید، مانند سینما و تئاتر نیز از اشکال گوناگون سخن محسوب می‌شوند.

شیوه تبلیغ

پنجمین رکن موفقیت مبلّغ، شیوه تبیین است. تبلیغ یک هنر بزرگ است و مبلّغ کامل، یک هنرمند بزرگه مبلّغ باید علاوه بر توجه به عوامل چهارگانه‌ای که شرح آنها گذشت، در هر تبیع بر برخورداری باشد، وگرنه شایسته این عنوان نیست.

هر تبیع، به کارگرفتن شیوه‌های مؤثر و احسان‌بخش شیوه‌های نادرست در انتقال پیام‌های تبیینی است.

الفصل الثامن: آفات التبلیغ

فصل هشتم: آفات تبلیغ

۱/۸ مَخَالَفَةُ الْفِعْلِ لِلْقَوْلِ

۱/۸. ناهمگویی رفتار با گفتار

أ- التَّحْذِيرُ مِنْ مُخَالَفَةِ الْفِعْلِ لِلْقَوْلِ

الف- هر حذر داشتن از ناهمگویی رفتار با گفتار

الكتاب

قرآن

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَلَمْ تَقُولُوا أَنَّا لَنَنْفَعَنَّهُمْ كَثِيرًا مِّنْ عِندِ رَبِّهِمْ أَن يَقُولُوا عَا لَنَنْفَعَنَّهُمْ﴾^۱
 ﴿وَأَنذَرُوهُمُ النَّاسَ بِمَا فِيهِمْ وَنَنسَوْنَ لِنَفْسِهِمْ وَأَنذَرُوهُمُ النَّاسَ لِيُجْتَنَبَ أَهْلَهُمُ عَقْلًا﴾^۲

﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا چیری می‌گویید که انجام می‌دهید؟ نزد خدا سخت ناپسند است که چیری را بگویید و انجام ندهید﴾
 ﴿آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید، یا این که خدا، کتاب [حدا] را می‌خواند؟ یا [هیچ آسمانی‌اندیشید؟]﴾

الحدیث

حدیث

۱۵۱۲ رسول الله ﷺ لأبي ذر الغفاري - يا أبا ذر من وافق قوله فعلة فذلك الذي أصاب خطئه، ومن خالف قوله فعلة فذلك المراء إنما يوجب نفسه.^۳

ب- خَطَرُ الْمُتَّبِعِ الَّذِي يَقُولُ مَا لَا يَفْعَلُ

۱۵۱۲ ابواسمیر خداوند ﷺ - به ابو ذر عماري - ای ابو ذر! آن که گفتارش با کردارش هماهنگ باشد، کسی است که به بهر ماش رسیده است؛ اما آن که سخنش با کردارش ناهمگون است، کسی است که حویشتن را توییح می‌کند.

۱۵۱۳ رسول الله ﷺ إني لا أخاف عليّ أنني مؤمناً ولا مشركاً؛ أما المؤمن فَيَمْنَعُهُ اللهُ بِإِسْمِهِ، وأما المشرك فَيَمْنَعُهُ اللهُ بِشِرْكِهِ. ولكني أخاف عليكم كُنْ مُتَافِقٍ نَجْتَانِ، عَالِمِ اللَّسَانِ، يَقُولُ مَا تَعْمَلُونَ، وَيَفْعَلُ مَا تُنْكِرُونَ.^۴

ب- خطر متبلی که بدالجه می‌گوید، عمل نمی‌کند
 ۱۵۱۳ ابواسمیر خداوند ﷺ من هر اهتم از مؤمن یا مشرک نمی‌ترسم؛ زیرا خداوند، به خاطر ایمان، مؤمن را باز می‌دارد و به خاطر شرک، مشرک را ریشه‌کن می‌کند؛ اما هر شما از کسی بیم دارم که منافق دل و زبان آور است، آنچه را معروف می‌دانید، می‌گویید؛ اما بدالجه مکر می‌شمارید، عمل می‌کند

ج- جَزَاءُ الْمُتَّبِعِ الَّذِي يَقُولُ مَا لَا يَفْعَلُ

۱۵۱۴ رسول الله ﷺ - في وصيَّته لأبي ذر - يا أبا ذر،

ج- مجرم متبلیج بی عمل

۱۵۱۴ ابواسمیر خداوند ﷺ - در سفارش به ابو ذر: ای ابو ذر!

۱ الصف ۲ و ۳ ۲ البقرة ۱۱

۳ الأملی للعلوی ص ۵۲۸ ح ۱۱۶۲

۴ نهج البلاغة الكتاب ۲۷

يُطَّلَعُ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ إِلَى قَوْمٍ مِنْ أَهْلِ السَّارِ
فَيَقُولُونَ مَا أَدْخَلَكُمُ النَّارَ، وَإِنَّمَا دَخَلْنَا الْجَنَّةَ بِفَضْلِ
تَأْدِيبِكُمْ وَتَعْلِيمِكُمْ؟ فَيَقُولُونَ إِنَّا كُنَّا نَأْمُرُكُمْ بِالْخَيْرِ
وَلَا نَعْتَلُهُ ¹

۱۵۱۵ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ دَعَا النَّاسَ إِلَى قَوْلٍ أَوْ عَمَلٍ وَلَمْ يَعْمَلْ
هُوَ بِهِ لَمْ يَزَلْ فِي سَخَطِ اللَّهِ حَتَّى يَكْفُ، أَوْ يَعْمَلَ بِمَا
قَالَ أَوْ دَعَا إِلَيْهِ ²

۲/۸ للكذب

الكتاب

«وَلَا تَقُولُوا إِنَّمَا أَصَبْتُ الْكُذِبَ هَذَا خَسَلٌ وَمِثْلُ
حَرَامٍ لَتَنْفُتُوا عَلَى أَنَّهُ الْكُذِبُ إِنَّ الدُّسَّ مَطْمُورٌ عَلَى
أَنَّهُ الْكُذِبُ لَا تَنْفُخُونَ» ³

الحديث

۱۵۱۶ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ هَمَّ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ قَعَدَ امْرِئِي
عَلَى شَوْءٍ الْكَبِيرِ ⁴

۳/۸ القول بغير علم

۱۵۱۷ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - لَا بِي مَسْعُودٍ - يَا سَنَ مَسْعُودٍ،
لَا تَمْكُلُم بِالْعِلْمِ إِلَّا بِشَيْءٍ سَمِعْتَهُ مِنْ رَأْسِهِ، فَإِنَّ اللَّهَ
تَعَالَى يَقُولُ «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ
السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عِنْدَ
مُسْتَوْلاً» ⁵

۱ الأمازي لفظي ص ۵۲۷ ح ۱۱۶۲

۲ عليه الأديان ج ۲ ص ۷ ۳ النحل ۱۱۶

۴ کمال الدین ص ۲۵۷ ح ۱

۵ الإسراء ۳۶

۶ مکالم الأخلاقی ج ۲ ص ۳۵۵ ح ۲۶۶۰

گسروهی از بهشتیان، گسروهی از جهنمیان را
می‌بشد. به آنان می‌گویند: چه چیزی شما را در
آتش افکند است، در حالی که ما به یمن ادب و
علم آموزی از شما به بهشت وارد شده‌ایم؟

در پاسخ می‌گویند: «ما شما را به نیکی فرمان
می‌دادیم! اما خود به آن، عمل نمی‌کردیم»

۱۵۱۵ پیامبر خدا ﷺ هر کس مردم را به گفتار یا کرداری
دعوت کند و خود بدان عمل نکند، همواره،
مشمول حشم خداست تا آن که از این کار بایستد،
یا بداند چه می‌گوید یا بداند چه فرامی‌خواند، عمل
کند

۲/۸ بی‌سوختگی

قرآن

«وَبَرِّئَ آيَةُ رِيَالِ شَمَا بَهِ دَرُوحِ مِی پَر تَا زِد، مَکَر بیداد این،
حلال است و آن، حرام» تا بر خدا دروغ ننهد، و بر
کسانی که بر خدا دروغ می‌نهند، رستگار نمی‌شوند»

حدیث

۱۵۱۶ پیامبر خدا ﷺ هر کس قرآن را طبق رأی خود
تفسیر کند، بر خداوند، دروغ بسته است

۳/۸، سخن گفتن بدون علم

۱۵۱۷ پیامبر خدا ﷺ - به ابن مسعود - ای ابن مسعود!
در باره چیزی، با عدم [و یقین] سخن نگو، مگر آن
را شنیده و دیده باشی؛ زیرا خداوند متعال
می‌فرماید: «چیزی را که بدون علم نداری، دنبال مکن،
[برای] که گوش و چشم و قلب، همه، مورد پرسش واقع
شوند»

۴/۸. الإطالة

۴/۸. برارگوویی

۱۵۱۸ رسول الله ﷺ إن موسى عليه السلام قال: فقال أوصني فقال الغيصر. ما طالب العلم. إن الفائل أقل ملاءة من المستعج. فلا تمل جلاءك إذا خدتهم.^۱

۱۵۱۸ پیامبر خدا ﷺ: موسی علیه السلام را ملاقات کرد و به او گفت مرا اندرز ده

حصره گفت: «ای حواهان! علم! حسنگی گریده، کمتر از شویده است پس هنگام سخن گفتن، همشیانت را حسته مکن»

۱۵۱۹ عنه ﷺ ليس البيان كثرة الكلام، ولكن فصل في ما يجب الله ﷻ.^۲

۱۵۱۹ پیامبر خدا ﷺ بیان، فزونگی گفتار نیست؛ بلکه گفتاری است فاصله‌دهنده، در موردی که حلاوت دوست دارد.

۵/۸. سؤال الأجور

۵/۸. درخواست مزد

الكتاب

«قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مِنْ شَاءِ أَنْ يَتَّخِذَ بِلِي رَهَةً سَعِيًّا»^۳

قرآن

«بگو: در برابر این [رسالت]، اجری از شما طلب نمی‌کنم. جز این که هر کس بخواهد، راهی به سوی پروردگارش [بخشد]»

الحديث

۱۵۲۰ رسول الله ﷺ إن الله يحب السيد يشهد المهمة ليستعني بها عب الناس، ويخص القيد يتعلم العلم يتجده مهة^۴

حدیث

۱۵۲۰ پیامبر خدا ﷺ: خداوند دوست دارد که پسندای کاری را پیشه خود سازد تا با آن، از مردم، بی‌نیاز شود؛ اما پندای را که دانش را برای پیشه قرار دادن می‌آموزد، دشمن می‌دارد.

۱۵۲۱ عنه ﷺ علم الله آدم ألف جرة من الحزب، فقال له قل لولدك وذكرك. إن لم تصبروا فاطلوا الدنيا بهدو الحزب، ولا تظلموها بدين؛ فإن الدين لي وحدي حليصاً، ويل لمن طلب الدين الدنيا ويل له^۵

۱۵۲۱ پیامبر خدا ﷺ: خداوند ﷻ به آدم هزار حرفه از میان حرفه‌ها آموخت و به او فرمود که به فرزندان و مسلت بگو: «اگر صبر نمی‌کنید، از ره گدایان این حرفه‌ها دنیا را طلب کنید و از راه دین، در جستجوی دنیا باشید؛ زیرا دین، تنها برای من است و ای هر کسی که از راه دین، دنیا را طلب کند»

۱ مية المريد ص ۱۱۰

۲ الفردوس ج ۳ ص ۳۹۹ ح ۵۲۱۵

۳ الفرقان ۵۷۰

۴ ربيع الأثر ج ۲ ص ۵۴۳

۵ الفردوس ج ۳ ص ۴۲ ح ۴۱۰۵

محتوی سوره نازد تبلیغ

سیره قطعی پیامبران خدا عدم درخواست مردم در برابر تبلیغ بوده است. آنان به طور مکرر و مؤکد، اعلام می‌کردند که در برابر تلاش‌هایی که برای ابلاغ پیام‌های الهی می‌کند، از مردم چیزی نمی‌خواهد.

الف- آثار زیانبار درخواست مردم برای تبلیغ

۱. از میان رفتن اخلاص

مختصترین رکن اخلاقی تبلیغ دین، اخلاص است که درخواست مردم برای تبلیغ، پس رکن اساسی صدمه خواهد دید و مبلغ، مصداق کسانی خواهد شد که امام علی علیه السلام درباره آنان فرموده است:

يَطْلُبُ الدُّنْيَا مَعْلِلُ الْآخِرَةِ، وَلَا يَطْلُبُ الْآخِرَةُ مَعْلِلُ الدُّنْيَا^۱

دنیارامایی طلب می‌کند که در آخرت مبتلا و آخور به عملی که در این دنیا طلب می‌کند.

۲. کاهش اثر تبلیغ

با صدمه دیدن رکن اخلاقی اخلاص، اثر تبلیغ در صمیمیت دیگران، کاهش می‌یابد و گاه به صفر می‌رسد؛ بلکه نتیجه عکس می‌دهد؛ زیرا مردم حق دارند به کسانی که رین حد و وسيله تأمین دنیای خود کرده‌اند، یا دیده اتهام بنگرند.

۳. تحریف ارزش‌های دینی

زیانبارترین اثر «تبلیغ در برابر پادشاه»، تحریف ارزش‌های دینی است. هنگامی که تبس به صورت کلا در آید، مبلغ به جای آن که بار مخاطب و در نظر بگیرد، خواست و ر مورد توجه قرار می‌دهد و این رو، معی می‌کند کالای خود را مطابق میل وی تنظیم کند و بدین سان، چه بسا دگر شود که ارزش‌های دینی را تحریف کند تا دنیای خود را تأمین صارد.

ب- گرفتاری مردم تبلیغ، بدون درخواست

آثار زیانباری که بدانها اشارت رفت، هنگامی پدید می‌آید که مبلغ، درست به عکس انبیای الهی عمل کند؛

یعنی آنها می‌گفتند ما مزد تبلیغ نمی‌خواهیم؛ لذا او نگویید که مُرد تبلیغ می‌خواهد و بایدین خدا مانند یک کالا معامله کند. اما اگر مبلغ، درخواست مُرد نداشته باشد، لیکن مردم برای تأمین زندگی‌اش چیری به وی اهدا کنند، پذیرش آن معنی ندارد. در این باره، ابراهیم صادق علیه السلام روایت شده است:

الْمُعْلَمُ لَا يَتَلَمَّ بِالْأَجْرِ، وَ يَقْبَلُ الْهَدِيَّةَ إِذَا أُهْدِيَ إِلَيْهِ^۱

معلم، برای مُرد تعلیم ندهد، لذا اگر هدیه‌ای به او داده شود، آن را قبول کند.

ج- راه‌های تأمین نیازهای مبلغ

۱. تأمین نیاز اقتصادی مبلغ توسط حکومت

در شرع‌بنی که نظام اسلامی، موفق به اجرای احکام نورانی اسلام به طور کامل شده باشد و بیت‌المال مسلمانان، به طور متمرکز در اختیار دولت اسلامی باشد و از سوی دیگر، باری به نظارت حوزه‌های علمیه و پیشوایان دینی بر دستگاه‌های اجرایی و قضایی و قضایی باشد، شاید بهترین راه تأمین نیازهای اقتصادی روحانیان و مبلغان، دولت اسلامی باشد. اما چنین شرایطی، شاید تنها در عصر حکومت امام مهدی - عجّل الله فرجه - تحقق یابد. در شرایط کنونی استقلال اقتصادی روحانیان، ضروری به نظر می‌رسد و عدم استقلال روحانیان، به معنای تبعیت و دساله‌روی از سیاست‌های حکومت خواهد بود. در صورتی که روحانیان به دست راه‌سما و مرشد رانان قرار داشته باشند.

۲. خودگردانی اقتصادی

دیگر راه تأمین نیازهای اقتصادی مبلغان، خودگردانی اقتصادی طبقه روحانی است؛ بدین معنا که مدیران حوزه‌های علمیه، بودجه‌های ویژه تحصیل و تبلیغ علوم دینی را به گونه‌ای سامان دهد که بتواند زندگی متوسط و شرافتمندانه‌ای را برای همهٔ محصلان، محققان و مبلّغان فراهم سازد. تردیدی نیست که با مدیریت صحیح بودجه‌هایی که در حال حاضر در اختیار روحانیان است (مانند خمس، زکات، هدایای مردمی و...)، تأمین نیازهای اقتصادی طبقه روحانی و نظام روحانیت، به سادگی امکان پذیر است.

۳. تقویت پیوند معنوی و ایمان به تضمین الهی

در احادیث متعددی تصریح شده است که حدود متعین، علاوه بر پس که صامس روزی همهٔ مردم و همهٔ حبیب‌نگان است،^۲ ضمانت ویژه‌ای برای اهل علم و کسانی که خود را وقف ارشاد و هدایت مردم کرده‌اند، دارد.

۱. تهذیب الأحکام ج ۶ ص ۳۶۵ ح ۱۰۲۷

۲. وَ تَمَامُ دَائِيَةِ الْإِزْهِارِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ بِرُفْقَائِهِ وَ هِجْ جِهَتِي دَر رَمِيں بِيست، مگر آن که روزی‌اش بر [عهد] خداوند است» (هرد)

پیامبر خدا در این باره می‌فرماید

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ تَكَفَّلَ لِطَالِبِ الْعِلْمِ بِرِزْقِهِ حَاضَةً هَمَّا صَمْتُهُ بِغَيْرِهِ^۱

خداوند متعال، رزق‌ری‌ای را که برای دیگران صامت کرده، برای طالب علم به‌خصوص تکفل شده است.

مَنْ تَقَفَّهَ فِي دِينِ اللَّهِ، كَمَا هُوَ اللَّهُ هُمُهُ وَرِزْقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ^۲

هر کس در دین خداوند به ژرف‌اندیشی بپردازد، خداوند گذار او را کهیت می‌کند و از آن جا که گمان نمی‌برد، رزق‌اش را می‌رساند.

این احادیث، در حقیقت، شرح این آیه است که تصریح می‌کند

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾^۳

و هر کس، از خدا پروا کند [خدا] برای او راه می‌روند، خس قرار می‌دهد و از جایی که حسابش را نمی‌کند، به او رزق می‌رساند. و هر کس بر خدا اعتماد کند، او برای وی بس است.

بی‌تردید، یکی از مصادیق بار تقوا و توکل، تعقه (ژرف‌اندیشی) در دین برای خدا و خدمت به خلق است. خداوند متعال، صمانت کرده که رنگی کسی را که نیمه معنوی خود را تقویت کند و با سرمایه تقوا و توکل، به فراگیری دانش و تحقیق و ارشاد مردم بپردازد، «مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» و از راهی که تنها خدا می‌داند، تأمین کند. تجربه قطعی اهل علم سر مؤید علمی شدن این وعده قرآن کریم و احادیث اسلامی است.

۱ سیه المیزد ص ۱۶، الآثار الحمیه ج ۳ ص ۳۴۱

۲ جامع بیان العلم ج ۱ ص ۲۵

۳ طلاق آیه ۲ و ۳

الباب الثاني

بسم

الطُّفْلُ

کودک

الفصل الأول: الأسرة

فصل یکم: خانواده

۱/۱. بناء الأسرة

۱/۱. تشکیل خانواده

۱۵۲۲ رسول الله ﷺ ما يَمْنَعُ الْمُؤْمِنَ أَنْ يَتَّخِذَ أَهْلًا،
لَقَدْ لَهِ أَهْلٌ يَرْزُقُهُ نَسَمَةً^۱ تُحْمِلُ الْأَرْضَ بِهَا إِلَهُ
إِلَّا اللَّهُ^۲

۱۵۲۲ پیامبر خدا ﷺ شخصی با ایمان، نباید از
تشکیل خانواده امتناع ورزد؛ زیرا ما ایس
اقلام [نمید می‌رود که جداوند، فرزندانی
روزی او گردانند که زمین را با «لا إله إلا الله»،
گریه‌ها سازند

۱۵۲۳ عنه ﷺ ما بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَيَّ لِلَّهِ
تَعَالَى مِنَ التَّوْبَةِ^۳

۱۵۲۳ پیغمبر خدا ﷺ در اسلام، هیچ بنایی مرد خداوند
متعالی، دوست‌داشتنی‌تر از اردواج است

۱۵۲۴ عنه ﷺ تُحَدِّثُوا أَهْلَ بَيْتِكُمْ أَرْضَكُمْ لَكُمْ^۴

۱۵۲۴ پیغمبر خدا ﷺ خانواده تشکیل دهد، که مایه
فروزی روزی شماست

۲/۱. طلب الولد

۱۵۲۵ رسول الله ﷺ: أَطْلُبُوا الْوَلَدَ وَالتَّيْسَ، فَإِنَّهُ قُرْبُ
الْعَيْنِ، وَزِيحَانَةُ الْقَدَبِ^۵

۲/۱. فرزندخواهی

۱۵۲۶ عنه ﷺ بَيْتٌ لَا صِبْيَانَ فِيهِ لَا بَرَكَةَ فِيهِ^۶

۱۵۲۵ پیغمبر خدا ﷺ فرزند نخواهد و آن را طلب
کنید؛ چرا که مایه روشنی چشم و شادی قلب
است

۱۵۲۷ عنه ﷺ: رِيحُ الْوَلَدِ مِنْ رِيحِ الْجَنَّةِ^۷

۱۵۲۸ عنه ﷺ: الْوَلَدُ قَمَرُ الْقَلْبِ، وَإِنَّهُ مَحَبَّةٌ مَبْحَنَةٌ
مَحَرَّتُهُ^۸

۱۵۲۶ پیغمبر خدا ﷺ خانم‌ای که کودک در آن باشد،
برکت در آن نیست

۱. الأئمة: الإنسان (المصالح ج ۵ ص ۲۰۴۰ قسم ۴).

۲. کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۳ ص ۳۸۲ ح ۴۳۱.

۳. کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۳ ص ۳۸۳ ح ۴۳۳.

۴. الکافی ج ۵ ص ۳۲۹ ح ۶.

۵. مکالم الأخلاق ج ۱ ص ۱۸۰ ح ۱۶۶۵.

۶. التقریب ج ۵ ص ۲۵۹ ح ۸۱۳۵.

۷. المعجم الاوسط ج ۶ ص ۸۲ ح ۵۸۶۰.

۸. مستدرک علی بیاض ج ۲ ص ۱۰ ح ۱۰۲۸.

۱۵۲۷ پیغمبر خدا ﷺ بوی فرزند، [سیمی] از سوی
بهشت است

۱۵۲۸ پیغمبر خدا ﷺ: فرزند، میوه دل است و همو،
مایه قوس و محل و اندوه است

۳/۱. فَضْلُ الْوَلَدِ الصَّالِحِ

۳/۱ فضیلت فرزند شایسته

۱۵۲۹. رسول الله ﷺ مِنْ سَعَادَةِ الرَّحْلِ الْوَلَدُ الصَّالِحُ.^۱

۱۵۲۹. پیامبر خدا ﷺ از سعادت مرد، داشتن فرزند

شایسته است

۱۵۳۰ عَنْهُ ﷺ إِنَّ الْوَلَدَ الصَّالِحَ رِيحَانَةٌ مِثْرَ رِيحِ الْجَنَّةِ.^۲

۱۵۳۰ پیامبر خدا ﷺ، همانا فرزند شایسته، گلی از

گل‌های بهشت است

۴/۱. فَضْلُ الْفَضَاتِ

۴/۱. فضیلت دختران

۱۵۳۱. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْ يُسْرِ التَّرَاوُحِ يَكُونُ بِكُرْهٍ جَارِيَةٍ.^۳

۱۵۳۱. پیامبر خدا ﷺ، از مبارکی زن، این است که

فرزند محبت او، دختر باشد

۱۵۳۲. عَنْهُ ﷺ رِيحُ الْوَلَدِ مِنْ رِيحِ الْجَنَّةِ، وَلَا يُجِبُ الْبَيَاتُ إِلَّا مُؤْمِنٌ.^۴

۱۵۳۲. پیامبر خدا ﷺ بوی فرزند، از بوی بهشت است

و دختران را جز مؤمن، کسی دوست ندارد

۵/۱. رِعَايَةُ الْإِنَاثِ مِنَ الْأَوْلَادِ

۵/۱. نواحه ویژه به دختران

۱۵۳۳. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ دَخَلَ السُّوقَ فَاشْتَرَى كَعْفَةً،

۱۵۳۳. پیامبر خدا ﷺ هر کس وارد بازار شود و

چسپری ببرد و آن را برای خانواده‌اش ببرد،

مانند کسی است که صدقه‌ای را برای گروهی

بیارسد می‌برد، و باید پیش از پسران، از دختران

اعلای کند؛ چرا که هر کس دختری را شاد کند، گویا

برده‌ای از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده است

و هر کس چشم پسری را روشن کند، گویا از

برس حد اوید، گریسته است و هر کس از ترس

حد اوید بگریزد، حد اوید او را وارد بهشت‌های

پُر نعمت می‌سازد

فَحَمَلَهَا إِلَى عَمَالِه، كَأَنَّ كَعْفَةً صَدَقَهُ إِلَى قَوْمٍ مُتَعَارِفِينَ، وَلَيْسَ بِأَلَايَاتِ قَبْلِ الذُّكُورِ، فَإِنَّهُ مِنْ مَرْحِ أَشَى فَكَأَنَّمَا عَتَقَ زَنْبَةً مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ، وَمَنْ أَقْرَأَ بِمَنْ أَيْبٍ فَكَأَنَّمَا بَكَى مِنْ حَشِيَّةِ اللَّهِ وَمَنْ بَكَى مِنْ حَشِيَّةِ اللَّهِ أَدْخَلَهُ اللَّهُ جَنَّاتِ النَّعِيمِ.^۵

۶/۱. ذَمُّ كَرَاهَةِ الْبَيَاتِ

۱۵۳۴. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا تَكْزُرْهُوَ الْبَيَاتُ، فَأَنْهَى الْمُؤَسَّاتِ الْعَالِيَاتِ.^۶

۶/۱. نکوهش مانع‌افش داشتن دختران

۱۵۳۴. پیامبر خدا ﷺ دختران را مانع‌افش ندارند؛ چرا

که آنان، همدمانی گران‌بها هستند

۱. الکافی ج ۶ ص ۳ ح ۱۱

۲. الکافی ج ۶ ص ۳ ح ۱۰

۳. المعرفت ص ۹۹

۴. القردوس ج ۲ ص ۲۷۲ ح ۲۷۲

۵. ثواب الأعمال ص ۲۳۹ ح ۱

۶. مستدین حبل ج ۶ ص ۱۳۴ ح ۱۷۷۸

۱۵۳۵. کتاب من لا یحضره الفقیه: بِشْرِ الشَّيْءِ عَلَيْهِ سَابِقٌ
فَنَظَرُ فِي وُجُوهِ أَصْحَابِهِ، فَرَأَى الْكَرَاهَةَ فِيهِمْ، فَقَالَ
مَا لَكُمْ؟ زِيحَانَةٌ أَشْبَهَا، وَرِدَّتْهَا عَلَى اللَّهِ ۚ^۱

۱۵۳۵. کتاب من لا یحضره الفقیه: به پیامبر ﷺ [تولد]
دحتری را بشارت دادند، به چهرهٔ اصحاب
خود نگاه کرد و باحشودی را در [چهره]
آنان دید. فرمود: شما را چه شده است؟! گلی
نست که آن را می‌بریم و روزی آن بر خدایوند
است.

الفصل الثاني: الورثة

العرق دَسَاسٌ

۱۵۳۶. رسول الله ﷺ أَنْظَرَ فِي أَيِّ صَاحِبٍ تَصَحَّ وَلَدُكَ
فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَاسٌ ۚ^{۱، ۲}

فصل دوم: وراثت

تأثیر عکسری ریشه

۱۵۳۶. رسول الله ﷺ أَنْظَرَ فِي أَيِّ صَاحِبٍ تَصَحَّ وَلَدُكَ
فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَاسٌ ۚ^{۱، ۲}

۱۵۳۶. پیامبر خدا ﷺ نگاه کس فرزندت را در کدام
زخم قرار می‌دهی؛ چرا که [اصل و] ریشه،

تأثیر گذار است

۱۵۳۸. رسول الله ﷺ تَحْمِلُوا لِبَطْنِكُمْ، فَإِنَّ السَّاءَ يَبْدُو
أَشْبَهُ إِخْوَانِهِمْ وَأَحْوَانِهِمْ ۚ^۳

۱۵۳۷. پیامبر خدا ﷺ با خانواده‌های شایسته اردواح
کنید؛ چرا که ریشه، تأثیر گذار است

الفصل الثالث: طعام للوالدين

۱/۳. نَوْرُ طَعَامِ الْحَرَامِ فِي الْقَوْلِ

۱۵۳۹. رسول الله ﷺ يَلْعَبُ اللَّهُ بِنِ مَسْعُودٍ - يَأْتِيَنَّ مَسْعُودٍ: لَا
تَأْكُلِ الْحَرَامَ، وَلَا تَلْبَسِ الْحَرَامَ، وَلَا تَأْخُذْ مِنَ
الْحَرَامِ، وَلَا تَعِصِ اللَّهَ، لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ لِإِبْلِيسَ
﴿وَأَسْتَفْرِزُّ مَنْ أَسْتَطَعْتُ مِنْهُمْ بِصُرُوكَ وَأَجَلِبِ

۱۵۳۸. پیامبر خدا ﷺ: برای مسطحه‌های محمود،

بهترین [زخم‌ها] را برگزینید؛ چرا که زبان،
فرزندانی همانند برادران و خواهران خود به دنیا
می‌آورند

فصل سوم: خوراک پدر و مادر

۱/۳ تأثیر خوراک حرام در بوزاد

۱۵۳۹. پیامبر خدا ﷺ - به عبد الله بن مسعود -: ای

پسر مسعود! حرام نخور، حرام نپوش، از
[راه] حرام [زن] نگیر و نپوشانی حرام نکن؛
چرا که خداوند متعال به ابلیس می‌فرماید: ﴿وَبَا
يَاكُ خَوْدَ هَرَكَةَ رَأْسِي ثَلَاثِي، بَرَّ جَايَ بَرَّخِي وَبَا سَوْرَكَتِي وَ
يَدِيكَتِي، بَرَّ أَثْلَ بَتَارٍ وَبَرَّ أَمَوَالٍ وَبَرَّ بَنَانِ أَثْنِ شَرِيكَ شَوْرٍ

۱ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۳ ص ۴۸۱ ح ۴۹۳

۲ بصاب کل شیء أصله یقاله فلان یرجع إلى بصاب مدق
و أصله مئة ومجئته (لک العرب ج ۱ ص ۷۶۱ مصب).

۳ قسه بدته دسا، اد، أدخله فی الشیء (الهایة ج ۲ ص ۱۱۷
دس)

۴ عند الشیخ: ج ۱ ص ۳۷۱ ح ۳۸

۵ القردوس ج ۲ ص ۵۱ ح ۲۹۱

۶ تاریخ دمشق ج ۵۲ ص ۳۶۲ ح ۱۱۰۶۸

عَلَيْهِمْ سَخِيكٌ وَرَجُلٌ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ
وَالْأَوْلَادِ وَعَدْتُهُمْ وَمَا يَجِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا
عُرُوزًا^۱ ۲

به آنل وعده بده. و البته [شیطان، جز فریب، وعده شان
نمی دهد]

۲/۳ تأثیر خدای زن باردار در جنین

۲/۳. نَوْرُ خِدَامِ الْحَامِلِ فِي الْجَنِينِ

۱۵۲۰. پیامبر خدا ﷺ به زنان باردارتان گذار بدهید:

۱۵۴۰. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَطْعَمُوا إِسَاءَكُمْ الْحَوَامِلُ الْأَبَاءَ:

چرا که هر جزو دزدک می افزاید

قَائِلُهُ يَرِيدُ فِي عَقْلِ الصَّبِيِّ^۳

۱۵۲۱. پیامبر خدا ﷺ هیچ زن بارداری نیست که خبره

۱۵۴۱. عَنْهُ ﷺ: مَا مِنْ امْرَأَةٍ حَامِلَةٍ أَكَلَتْ الْبَطِيحَ بِالْجَبِي

با پیر بخورد، مگر پس که خوردش خوش چهره و

إِلَّا يَكُونُ مَوْبُودَهَا حَسَّ الْوَحْهَ وَالْعَلَقَى^۴

خوش خو می گردد

۱۵۴۲. عَنْهُ ﷺ أَطْعَمُوا خَبَالَكُمْ الثَّرَمَ: قَائِلُهُ يُعَمَّرُ

۱۵۲۲. پیامبر خدا ﷺ به زنان باردارتان بدهید: چرا

أَخْلَاقُ أَوْلَادِكُمْ^۵

که اخلاق فرزندان را نیکو می گرداند

۱۵۴۳. عَنْهُ ﷺ: مَا يُلْقِيَنَّ عَمْدِي شِعَاءً مِثْلَ الْإِطْمَا:

۱۵۲۳. پیامبر خدا ﷺ من برای درمان رانو، چیزی را

وَمَا لِلْمَرِيضِ مِثْلَ الْعَسَلِ^۶

مانند رطب (خرمای تازه) سراع ندارم و

هر آنی که زمان بیمار، چیزی مانند عسل سراع

ندارم.

الفصل الرابع اعطاء المصطفاه

۱/۴ آذَرُ طَيْبِ الْوَلَادَةِ

فصل چهارم. چگونه بستره شدن مصافه

۱/۴. پیامدهای پاکي ولادت

۱۵۴۱. معاني الأخبار عن الحسن بن زيد، عن الإمام الصادق

عن أبيه عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَحْبَبَنَا أَهْلَ

الْبَيْتِ، فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ تَعَالَى عَلَى أَوَّلِ النِّعَمِ قَبْلَ وَمَا

أَوَّلُ النِّعَمِ؟

قَالَ طَيْبُ الْوَلَادَةِ، وَلَا يُحِبُّنَا إِلَّا مَنْ هَابَتْ

۱۵۲۲. معاني الأخبار - به نقل از حسن بن زيد، از

امام صادق، از پدرش ﷺ. پیامبر ﷺ فرمود: هر

کس ما اهل بیت را دوست دارد - باید خداوند را بر

حسن بن نعمت، ستایش کند:

گفته شد: بحسین نعمت چیست؟

فرمود: پاکي ولادت (حلال رادگی) دوست

نمی دارد ما را، مگر کسی که ولادتش پاک باشد و

نفس نمی دارد ما را، مگر کسی که ولادتش آلوده

۱. الاسم، ۶۵

۲. مکرم الاخلاق ج ۲ ص ۳۵۵ ح ۶۶

۳. مکرم الاخلاق ج ۱ ص ۲۳ ح ۱۳۹

۴. طب النبی ﷺ ص ۲۸

۵. الدعوات ص ۱۵۱ ح ۵۰

۶. القنودوس ج ۱ ص ۸۵ ح ۶۶۶

وَلَا ذَنَّةٌ، وَلَا يُجِزُّ إِلَّا مَنْ حَبَّتْ وَلَادَتُهُ^۱

باشد

۲/۴ آثار خُصِّ الْوِلَادَةِ

۲/۴ پیام‌های مله‌ای ولادت

الكتاب

قرآن

﴿وَأَسْتَفْهِرُ مِنْ أَسْتَفْهَتِ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبُ عَلَيْهِمْ مَخْبِتَكَ وَرَجْلَكَ وَشَارِكْتَهُمْ فِي الْأَقْوَالِ وَالْأَفْعَالِ وَعَنْهُمْ وَقَدْ يَعْدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا﴾^۲

﴿[ای شیطان] از ایشان، هر که را توانستی، با آوازی خود تحریک کن و با سواران و پیادگانند بر آنها پستاز و شریک آنان در اقوال و افعال شو و به ایشان وعده بده و [البته] شیطان جز فریب، به آنها وعده نمی‌دهد﴾.

الحدیث

حدیث

۱۵۴۵ رسول الله ﷺ الْعُلُقُ الْعَسْرُ لَا يُتْرَعُ إِلَّا مَنْ وَلَدَ خَيْصَةً، أَوْ وَلَدَ رَيْتَةً^۳

۱۵۴۵ پیامبر خدا ﷺ حوش اخلاقی، جز از فرزندی حیص و یا مرزید رتا، ستانده نمی‌شود.

۱۵۴۶ عنه ﷺ - لَتَمِيَّ عَ - لَا يُبَيْعُكُمْ إِلَّا ثَلَاثَةٌ وَلَدُ رِبَا، وَمُصَافِقٌ، وَمَنْ خَمَلَتْ بِهَ امْرَأَةٌ مِنْ حَائِضٍ^۴

۱۵۴۶ پیامبر خدا ﷺ - به علی ع - : جز این سه بگردد، کسی شما را دشمن نمی‌درد: زبازده، مصافق، و کسی که مادرش در حال حیص، باردار شده باشد.

۳/۴ مَصَارُ وَطَاءِ الْحَائِضِ

الكتاب

قرآن

﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَدْنَىٰ لِمَا فَعَضَرُوا النَّبَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوا حَتَّى يَبْلُغُوا فَاِنَّ تَطْهَرُونَ فَأَنْتُمْ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾^۵

﴿[از تو درباره حیص می‌پرسند - بگو: [برای آنان] دمی است. پس هنگام حیص، از آنان کناره بگیرد و با آنان نزدیکی نکند، تا پاک شوند و چون [خود را] پاک کردند، آن گونه که خداوند به شما فرموده، به آنان در آید بی‌بریدند خداوند، توبه کنندگان را دوست دارد و پاکیزگان را [بدر] دوست دارد﴾

الحدیث

۱۵۴۷ رسول الله ﷺ مَنْ حَامَعَ امْرَأَةً وَهِيَ حَائِضٌ فَمَحَرَجَ الْوَلَدُ مُجَذَّوْمًا أَوْ أَمْرًا فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ^۶

حدیث

۱۵۴۷ پیامبر خدا ﷺ هر کس با همسرش در حال حیص، آمیزش کند و سپس فرزندش با جذام یا پستی متولد شود کسی جز خود را نباید سرزنش کند

۱ معانی الأعيان ص ۱۶۱، ج ۱

۲ الاسراء ۶۴

۳ الترمذی ص ۲۰۰، ج ۲۹۹۲

۴ عقیل الشریع ص ۱۲۱، ج ۶، البدیع ۲۲۲

۵ کتاب ص ۱، حصص، صفحہ ۱، ص ۹۶، ج ۱

الفصل الخامس: حقوق الوليد

۱/۵ الأذان والإقامة في أذن الوليد

۱۵۴۸ رسول الله ﷺ مَنْ وَلِدَ لَهُ مَوْلُودٌ فَلْيُؤَسِّسْ فِي أُذُنِهِ الْيَمْنَى بِأَدَانِ الصَّلَاةِ، وَيَقِمْ فِي الْيُسْرَى؛ فَإِنَّهَا عَصَمَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ^۱

۱۵۴۹ سنن أبي داوود عن أبي رافع رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَذَّنَ فِي أُذُنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ حِينَ وَلَدَتْهُ فَطِمَةُ بِالصَّلَاةِ^۲

۲/۵ التَّحْنِيطُ

۱۵۵۰ رسول الله ﷺ يُحْنِطُ^۳ الْمَوْلُودَ بِالْمَاءِ الْتَحْنِ^۴

۱۵۵۱ صحيح مسلم عن عائشة ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ كَانَ يُؤْتَى بِالصَّبِيِّ فَيُزَكَّى عَلَيْهِمْ وَيُحْنِطُهُمْ^۵

۳/۵ التَّسْمِيَةُ

أ- اخْتِيَارُ الْأَسْمَاءِ الْحَسَنَةِ

۱۵۵۲ رسول الله ﷺ اسْتَحْسِنُوا أَسْمَاءَكُمْ، فَإِنَّكُمْ تَدْعُونَ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ قُمْ يَا فَلَانُ ابْنَ فَلَانٍ إِلَى مَوْرِكٍ وَقُمْ يَا

فصل پنجم: حقوق نوزاد

۱/۵ گفتن ادان و اقامه در گوش نوزاد

۱۵۴۸ پیامبر خدا ﷺ برای هر کس فرزندی زاده شد، باید در گوش راست او ادان مبارک و در گوش چپ او اقامه بگوید؛ چرا که مایه امانی از شیطان رانده شده است

۱۵۴۹ سنن ابی داوود - به نقل از ابو رافع - پیامبر خدا را دیدم که وقتی فاطمه علیها السلام حسن بن علی را برادر، در گوش او ادان مبارک خواند

۲/۵ کام برداشتن

۱۵۵۰ پیامبر خدا ﷺ کام بردارد، یا آب گرم برداشته می خورد

۱۵۵۱ صحیح مسلم - به نقل از عائشه - هنگامی که کودکان را نزد پیامبر خدا می آوردند، ایشان آنان را متبرک می کرد و کام آنان را بر می داشت

۳/۵ نامگذاری

الف - انتخاب نام های نیکو

۱۵۵۲ پیامبر خدا ﷺ نام های نیکو بر خود نهید؛ زیرا در روز قیامت، شما را به نام خدا می رسد

۱ التکافی ج ۶ ص ۲۱ ح ۶

۲ سنن ابی داوود ج ۴ ص ۳۶۸ ح ۵۱۰۵

۳ الحنک ما تحت اللسان من اللسان وهو لا علی من القم، والأصل فی طرف مقدم النحی [والنحی هو منب النحی] من أسننهما وأسموا علی منب النحی المولود عند ولادته بشعر، فان تعدد فب فی معناه من النحی فیمضح حی بصیر مانعاً فیوضع فی فیه یصل شیء الی حویه، یسحب بحیکه بالثریه الحسیینه والماء کار ید حر ذلك المی حنک وهو أعلى داخل القم (مجمع البحرین ج ۱ ص ۱۶۷ ح ۱ حنک)

۴ جامع الأحادیث للقمی ص ۱۱۱

۵ صحیح مسلم ج ۳ ص ۱۶۹۱ ح ۲۷

فُلَانُ ابْنُ فُلَانٍ لَا تُورَثُكَ^۱

[او می‌گویند: «فلان پسر فلان! پرحیز و به سوی مور خود برو»] فلان پسر فلان! پرحیز که موری نداری!

ب- أَفْضَلُ الْأَسْمَاءِ وَحَقُّ تَعْضِیْهَا

ب- بهترین نام‌ها و حق برخی از نام‌ها

۱۵۵۳ رسول الله ﷺ مَا مِنْ نَبِیٍّ حَمِلَ اسْمَ مُحَمَّدٍ إِلَّا أَوْسَعَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الرِّزْقَ، فَإِذَا تَشَبَّهْتُمْهُمْ فَلَا تَحْزَنُوا لَهُمْ، وَلَا تَشْتَبَهُوهُمْ.^۲

۱۵۵۳. پیامبر خدا ﷺ، هیچ خاندانی نیست که نام [محمد] در آن باشد، مگر آن که خداوند، روزی را بر آنها می‌گسترده پس هر گاه آنان را [محمد] نامیدید، آنان را مزید و دشنام ندهید

۱۵۵۴ عَنْهُ ﷺ مَنْ وَلِدَ لَهُ أَرْبَعَةَ أَوْلَادٍ لَمْ يُسَمَّ أَحَدُهُمْ بِاسْمِي، فَقَدْ جَفَانِي^۳

۱۵۵۴. پیامبر خدا ﷺ، هر کس صاحب چهار فرزند شود و یکی را به نام من نامد، بر من جفا کرده است

۱۵۵۵ عَنْهُ ﷺ سَمُّوا أَوْلَادَكُمْ أَسْمَاءَ الْأَنْبِيَاءِ^۴

۱۵۵۵. پیامبر خدا ﷺ فرزندان خود را به نام پیامبران، نام‌گذاری کنید.

ج- تَغْيِيرُ الْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ

ج- برتغییر نام‌های زشت

۱۵۵۶ الْإِمَامُ الْبَاقِرُ ع كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُحَوِّرُ الْأَسْمَاءَ الْقَبِيحَةَ فِي لُرْجَالٍ وَالْبُكَدَابِ^۵

۱۵۵۶ [اسم باقر ع: پیامبر ﷺ نام‌های زشت مردمان و شهرها را تغییر می‌داد

۱۵۵۷ أَسَدُ الْعَامَةِ - فِي تَرْحِمَةِ حَبِيبِ بْنِ مَرْوَانَ - وَنَزَلَ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ مَا اسْمُكَ؟ فَقَالَ تَسْعُزُ، فَقَالَ: أَمْتُ حَبِيبٌ فَسَمَّاهُ حَبِيبًا^۶

۱۵۵۷. «اسد العاۃ» - در شرح حال حبیب بن مروان - و آمد علی‌النبی ﷺ فقال ما اسمك؟ فقال تسعز، فقال: أمْتُ حَبِيبٌ فَسَمَّاهُ حَبِيبًا^۶

۴/۵ العاقبة

۱۵۵۸ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كُلُّ غُلَامٍ زُهَيْتٌ بِحَقِيقَتِهِ، يَدْنَحُ عَنْهُ يَوْمَ سَابِغِهِ^۷

کمت بعضی
پیامبر خدا فرمود: «تو حبیب هستی» و بدین ترتیب، او را حبیب نام نهاد

۵/۵ الختان

۱۵۵۹ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ طَهَّرُوا أَوْلَادَكُمْ يَوْمَ السَّابِغِ، فَنَاءُهُ أَطْهَبُ وَأَطْهَرُ وَأَسْرَعُ لِسَابِ اللَّحْمِ، وَإِنْ الْأَرْضُ

۴/۵ عقیقه کردن
۱۵۵۸. پیامبر خدا ﷺ هر پسری (فرزندی) در گرو عقیقه‌اش است که روز هفتم، برای او دهن می‌شود.

۵/۵ ختنه کردن

۱۵۵۹. پیامبر خدا ﷺ روز هفتم [تولد]، فرزندان را

۱. الکافی ج ۶ ص ۱۹ ح ۱۰

۲. تنبیه الخواطر ج ۱ ص ۳۳

۳. الکافی ج ۶ ص ۱۹ ح ۱

۴. مکالم الأخلاص ج ۱ ص ۴۷۴ ح ۱۶۲۶

۵. قرب الإسناد ص ۹۳ ح ۳۱۰

۶. أسد الغابة ج ۱ ص ۱۶۱ الرقم ۱۰۶۷

۷. صی الدارمی ج ۱ ص ۵۱۱ ح ۱۹۰۳

۱. حبیبی، یعنی کینه‌نور، و «حبیب» یعنی دوست و

تَنْجُسُ مِنْ بَوْلِ الْأَغْلَفِ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً^۱

[با حته] پاک کید؛ چرا که مایهٔ تمیزی و پاکیزگی
بشتر و رویش شتاده‌تر گوشت است و همان رمین
ب چهل روز، از بول شخص حبه شده، الرده
می‌شود^۱

الفصل السادس: حقوق الرضيع

۱/۶. الرُّضَاعُ مِنَ الْأُمِّ إِنْ أُمِنَ

أ- فضل إرضاع الولد

فصل ششم: حقوق کودک شیرخوار

۱/۶. شیر خوردن از مادر، بر صورت امکان

الف- فصلت شیر دادن به کودک

۱۵۶۰ پیامبر خدا ﷺ هنگامی که زن باردار شود،
به سان روزه‌دار شیرده‌دار و محاذی است که با
جذب و مالش، در راه خدا جهاد می‌کند و هنگامی که
باز بگردد، پاداشی دارد که می‌دانی عظمت آن، چه
فهر است و هنگامی که شیر بدهد، در هر بار یک
رطل [کودک]، پاداش اراد کردن یکی از فرمندان
اسماعیل^۲ برای دوست و آن گاه که شیر دادن تمام
شهر^۳ استغای بر پهلوی او می‌زند و می‌گوید
«عمل را از تو آغاز کن که بی‌تو دیدم، آمرزیده شدی»

ب- برکت شیر مادر

۱۵۶۱ پیامبر خدا ﷺ برای کودک، هیچ شیری بهتر از

شیر مادرش نیست

ج- (بی‌گناه) شیر دادن نیست

۱۵۶۲ پیامبر خدا ﷺ کودکان خود را از شیر رسان

بیکاره و دیوانه، دور نگه دارید؛ چرا که شیر،

[بزرگی‌های نایه را] سرایت می‌دهد

۲/۶ احترام به بزرگ شیرخوار

۱۵۶۳ امام صادق^۴ پیامبر ﷺ، نماز طهر و عصر را

۱۵۶۰ رسول الله ﷺ إِذَا خَلَّتْ امْرَأَةٌ كَانَتْ بِسِرِّهِ
الصَّائِمِ الْقَائِمِ، الْمُجَاهِدِ بِعِيهِ وَمَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ،
فَإِذَا وَصَّتَ كَنْ لَهَا مِنْ الْأَحْرِ مَا لَا تَدْرِي مَا هُوَ
يُعْطِيهِ، فَإِذَا أَرْضَعَتْ كَنْ لَهَا بِكُلِّ مَضْغَةٍ كَعْدِلِ عَتَقِ
مُعْتَرٍ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ. فَإِذَا فَرَعَتْ مِنْ رَضَاعِهِ
صَرَبَتْ مَلَكَ عَلَى حَبِّهَا. وَقَالَ اسْتَأْذِنِ الْقَتْلَ، فَقَدْ
عَمِرَ لَكَ^۲

د- مرکه نفس الأم

۱۵۶۱ رسول الله ﷺ لَيْسَ لِلصَّبِيِّ لَبَنٌ حَيْرٌ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ^۳

ج- من لا يدعي استرضاعه

۱۵۶۲ رسول الله ﷺ تَوَفَّوْا عَلَي أَوْلَادِكُمْ لَبَنَ النَّحْلِ^۴

مِنْ النَّمَسَاءِ وَالْمَجْنُونَةِ، فَإِنَّ اللَّبَنَ يُعْدِي^۵

۲/۶. الإحترام بشعور الرضيع

۱۵۶۳ الإمام الصادق^۴ صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الطَّهْرَ وَالْعَصْرَ

۱. الکافی ج ۶ ص ۳۵ ح ۲

۲. الأمالی للصدوق ص ۴۹۶ ح ۶۷۸

۳. بیون اخبار الرضا ج ۲ ص ۳۱ ح ۶۹

۴. التلمیذ المرأة الفاحرة (مجمع البحار ج ۱ ص ۱۷۲ ابی ۱)

۵. الخصال ص ۶۱۵ ح ۱۰

۱. منظور از آلودگی مخالفت با ست است، نه آلودگی و
بجاست ظاهری در مانع، به خاطر مخالفت پدر و مادرش
[با ست]، و در مانع، به خاطر مخالفت خودش

فَخَفَّتِ الصَّلَاةُ فِي الرُّكْعَتَيْنِ، فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ لَهُ
النَّاسُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخَذْتَ فِي الصَّلَاةِ شَيْءًا؟ قَالَ
وَمَا ذَلِكَ قَالُوا خَفَّتْ فِي الرُّكْعَتَيْنِ الْأَحِيرَتَيْنِ أَفَقَالَ
لَهُمْ: أَمَا سَمِعْتُمْ صُرَاحَ الصَّبِيِّ؟^۱

۱۵۶۴. مسند ابن حنبل عن عائشة: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُؤْتِي
بِالصَّبِيَّاءِ فَيَدْعُو لَهُنَّ، وَإِنَّهُ أَتَى بِصَبِيٍّ فَبَالَ عَلَيْهِ،
فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: صَبُّوا عَلَيْهِ الْمَاءَ حَتَّى^۲

الفصل السابع: تعلیم الطفل و تربیته

۱/۷. قِيمَةُ طَلَبِ الْعِلْمِ فِي الصَّغَرِ

۱۵۶۵. رسول الله ﷺ: مَثَلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ فِي صِغَرِهِ كَالنَّقْشِ
فِي الْحَجَرِ، وَمَثَلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ فِي كِبَرِهِ كَالَّذِي يَكْتُبُ
عَلَى الْمَاءِ.^۳

۲/۷. قِيمَةُ الْقَرْمَةِ

۱۵۶۶. رسول الله ﷺ: حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى وَدِّهِ أَنْ يُحَبِّزَ
اسْمَهُ، وَيُخَبِّرَ بِنِ شُرَاطِعِهِ، وَيُخَبِّرَ أَدَبَهُ.^۴
۱۵۶۷. عنه ﷺ: أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ، وَأَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ، يُخَفَّرَ
لَكُمْ^۵

۳/۷. أَهْمُ مَا يَجِبُ تَعْلِيمُهُ

۱۵۶۸. رسول الله ﷺ: إِذَا أَصْبَحَ أَوْلَادُكُمْ فَقُلِّمُوهُمْ لَا إِلَهَ

خواتد و دو رکعت [آخر] را سریع به جا آورد بعد
از نماز، [مردم به ایشان گفتند: ای پیامبر خدا! مگر
در باره نماز، چیز تازه‌ای آمده است؟

فرمود: «ایں [سؤال] برای چیست؟»

گفتند: دو رکعت آخر را سریع خواندی.

فرمود: «مگر صدای گریه کودک را میشنیدید؟»

۱۵۶۴. مسند ابن حنبل - به نقل از هایشه - [معمولاً]

کودکان را نرد پیامبر خدا می‌آوردند و ایشان،

بر ایشان دعا می‌کرد [یک بار] کودکی را برد پشان

آورده بودند، که به ایشان بول کرد پیامبر خدا،

[فقط] فرمود: «آبی بر آن بریزید»

فصل هفتم: آموزش و پرورش

۱/۷. ارزش دانش آموختن در کودکی

۱۵۶۵. پیامبر خدا ﷺ: حکایت کسی که در کودکی
می‌آموزد، همانند نقشی کشدن بر سنگ است و
حکایت کسی که در بزرگسالی می‌آموزد،
همانند کسی است که بر آب می‌نویسد

۲/۷. ارزش تربیت

۱۵۶۶. پیامبر خدا ﷺ: حق فرزند بر پدرش، این است
که نام نیک بر او بگذارد و دایه نیک برایش بگیرد و
او را به نیکی تربیت کند

۱۵۶۷. پیامبر خدا ﷺ: فرزندانان را تکریم کنید و آنان
را به نیکی تربیت کنید تا آمرزیده شوید

۳/۷. مهم‌ترین آموختنی‌های واجب

۱۵۶۸. پیامبر خدا ﷺ. هر گاه کودکانان زبان گشودند،

۱. تهذیب الأحکام ج ۳ ص ۳۷۱

۲. مسند ابن حنبل ج ۹ ص ۲۹۹ ح ۲۴۲۴۷

۳. کنز العمال ج ۱۰ ص ۲۴۹ ح ۲۹۳۳۶

۴. شعب الإیمان ج ۶ ص ۴۱۱ ح ۸۶۶۷

۵. مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۴۷۸ ح ۱۶۵۱

إِلَّا اللَّهَ... وَإِذَا اتَّعَزَّوْا فَمَرُّوهُمْ بِالصَّلَاةِ ۚ

۱۵۶۹. عنه ﷺ - لَمَّا سُئِلَ عَنِ الصَّبِيِّ مَتَى يُصَلِّي؟ - بِإِذَا

عَرَفَ يَمِينَهُ مِنْ شِمَالِهِ فَمَرُّوهُ بِالصَّلَاةِ ۚ

۱۵۷۰. عنه ﷺ - عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ الصَّبَاحَةَ وَالرَّمَايَةَ ۚ

۱۵۷۱. عنه ﷺ - عَلِّمُوا بَنِيكُمْ الرَّمِيَّ، فَإِنَّهُ بِكَايَةِ الْقُدُورِ ۚ

«لا إله إلا الله» را به آنان پیامورید... و هر گاه دندان

اشیری [آنها افتاد، آنان را به نماز، امر کنید.

۱۵۶۹. پیامبر خدا ﷺ - هنگامی که از ایشان پرسیده شد

کودک، چه هنگام نماز بخواند؟ - هر گاه دست

راستش را از دست چپش شناخت، او را به نماز،

وا دارید

۱۵۷۰. پیامبر خدا ﷺ به فرزندان، شب و تیراندازی

یاد دهید

۱۵۷۱. پیامبر خدا ﷺ به پسران، تیراندازی یاد دهید؛

چرا که مایه پیروزی بر دشمن است

۱. الإعتاز سقوط من الضيق وسببها السهانة ج ۱ ص ۲۳
(نمرة).

۲. عمل اليوم والليلة للذهبي ص ۱۵۰ ح ۴۳.

۳. سنن أبي داود ج ۱ ص ۱۳۴ ح ۴۹۷.

۴. المعاني ج ۶ ص ۴۷ ح ۱.

۵. المفردوس ج ۳ ص ۱۱ ح ۱۰۰۸.

تحلیلی درباره روش‌های تربیت کودک

برخی از دانشمندان بری تربیت کودک، چهار لگوی تربیتی ارائه کرده‌اند. با مطالعه منابع اسلامی، می‌توان الگوی پنجم را نیز افزود. در ادامه، این پنج الگو را بررسی می‌کنیم.

۱. الگوی تربیتی مبتنی بر سختگیری

این الگوی تربیتی که بیشتر در میان سبب گذشته حریک داشت، کودکانی تربیت می‌کرد که چون محبت نمی‌دیدند، از نظر عاطفی و روانی، دچار اضطراب، نش، افسردگی و گاهی خودکشی می‌شدند، اما بر اثر سختگیری، پرتلاش و مسئولیت‌پذیر بودند.

۲. الگوی تربیتی مبتنی بر محبت و عدم قاطعیت

در این الگو، که در واکنش به الگوی اول شکل گرفت، فرد سانی کوس، ضعیف‌الفس، وابسته، پرتوقع و از لحاظ عاطفی، کودک صفت، تربیت می‌شوند، در برابر مشکلات، مقاوم و صبور نیستند و در زندگی خانوادگی و اجتماعی شان، به شدت دچار مشکل می‌شوند، هر چند از لحاظ عاطفی، کمتر احساس کمبود می‌کنند.

۳. الگوی تربیتی مبتنی بر عدم محبت و عدم قاطعیت

بن الگوی تربیتی، کودکانی تربیت می‌کند که چون محبت نمی‌بینند، از نظر عاطفی، دچار اختلال هستند و چون قاطعیت درباره آنان وجود ندارد، مبتلا به بزهکاری و حلافکاری می‌شوند.

۴. الگوی تربیتی مبتنی بر محبت و قاطعیت

در این الگوی تربیتی، کودکان، هم از لحاظ عاطفی ارض می‌شوند. و هم سختکوش، صبور و مسئولیت‌پذیر تربیت می‌شوند. دانشمندان، این الگو را بهترین لگوی تربیت کودک می‌دانند.^۱

اما نظر اسلام در این باره چیست؟

۱. مؤلف در تربیت فرزندی می‌آید.

۵. الگوی تربیتی مبتنی بر محبت، قاطعیت و کرامت

از دیدگاه اسلام، محبت، یکی از اصول تربیت کودک است که به شدت مورد تأکید قرار گرفته و محبت نکردن، به شدت نکوهش شده است؛ اما در عین حال، از افراد در محبت بپیر نهی شده است. لذا در کنار محبت، صلابت و دقت در تربیت کودک نیز مورد توجه بسیار قرار گرفته است.

و اما الگوی تربیتی اسلام، بُعد سومی میرد رد که عبارت است از «تکریم»

تکریم، احترام گذاشتن به کودک و ارزش قائل شدن برای ویست. از دیدگاه اسلام، کودک، چون کودک است، نباید تحقیر شود و احساس بی‌ارزشی و یا کم‌رزشی کند. هرچند کودک، بیشتر محتاج محبت است و بزرگسال محتاج احترام،^۱ وی این بدان معنا نیست که شخصیت کودک، نباید محترم شمرده شود، همان‌گونه که مهر و عطوفت نسبت به بزرگسال میر، نباید فراموش شود.

^۱ پیامبر خدا فرمود: «و عروا کبارکم و آرحمو صغارکم بروگای خود را احترام بگذارید و با کودکان خود مهربانی کنید» (الامالی، صلوات علیهم و آله و صحبه اجمعین) ص ۱۵۴

۴/۷. وَقْتُ تَرْبِيَةِ الْعَلْفِ

۴/۷ زمان تربیت کودک

۱۵۷۲ رسول الله ﷺ الْوَلَدُ سُيِّدُ سَبْعِ سِنِينَ، وَعَبْدُ سَبْعِ سِنِينَ، وَوَرِيثُ سَبْعِ سِنِينَ، فَإِنْ رَضِيتُ مُكَافَأَتَهُ لِأَحَدِي وَعِشْرِينَ إِلَّا فَاضْرِبْ عَلَى جَسَدِهِ نَقْدًا اعْتَذَرْتُ إِلَى اللَّهِ ۱.

۱۵۷۲. پیامبر خدا ﷺ: فرزند تا هفت سال، آفاست، هفت سال خدمتکار و هفت سال وریر است. اگر در بیست و یک سالگی از تربیت او راضی بودی، که خوب، وگرنه، به پهلویش بزنی [تا دنبال کار خودش برود] که نزد خداوند، معذوری

۵/۷. الصَّنْعُ التَّرْبَوِيُّ الْإِسْلَامِيُّ

۵/۷ شیوه تربیت اسلامی

أ- التَّكْرِيمُ وَالرَّفَقُ وَالرَّحْمَةُ وَالْمُضَبَّةُ

الف - تکریم و مدارا و ملسوری و مضبت

۱۵۷۳ رسول الله ﷺ أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ، وَأَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ ۲.

۱۵۷۳ پیامبر خدا ﷺ: کودکانان را تکریم کنید و آسان را اخوت تربیت کنید

۱۵۷۱ مسدد ابن حنبل عن عم أبي رافع بن عمرو الغفاري

۱۵۷۲ مسدد ابن حنبل - به نقل از عموی ابو رافع بن

كُتُّ وَأَنَا عَلَامٌ أُرْمِي تَحْتَ الْأَنْصَارِ، فَأَتَى النَّبِيَّ ﷺ

عمر بن عماري: من کودک بودم که به درخت

فَصِيلَ إِنْ هَاهُنَا عَلَامًا يَرْمِي سَحَابًا فَأَتَى بِي إِلَى

الأنصاري انصار، سنگ پرتاب می کردم، پیامبر ﷺ

النَّبِيِّ ﷺ، فَقَالَ يَا عَلَامُ أَلَمْ تَرْمِ الشَّجْلَ؟ قَالَ: قُلْتُ،

که آمد، به ایشان گفته شد این جا کودکی هست که

أَكُلُ قَالَ فَلَا تَرْمِ الشَّجْلَ وَكُلْ مَا يَسْقُطُ مِنْ أَسْفَلِهَا

به درخت حرمانی ما سنگ می ریزد

ثُمَّ مَسَحَ رَأْسِي وَقَالَ اللَّهُمَّ اشْبِعْ بَطْنَهُ ۳

مرا نزد پیامبر ﷺ بردید و ایشان فرمود ای

پسر! چرا به درخت حرمانی سنگ می اندازی؟

ب- الصَّلَابَةُ وَعَدَمُ الْمُدَاهَنَةِ

گفتم [از آن] می خورم

۱۵۷۵ الدَّرُ الْمَنْثُورُ عَنْ زَيْدِ بْنِ أَسْلَمَ تَلَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

فرمود: به درخت، سنگ نینداز و هر چه

هَذِهِ الْآيَةُ «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا»، فَقَالُوا يَا

پایین آن ریخت، بخور،

رَسُولَ اللَّهِ، كَيْفَ نَقِي أَهْلًا نَارًا؟

سپس دست بر سر من کشید، [بر من دعا کرد]

قَالَ: تَأْمُرُونَهُمْ بِمَا يُحِبُّهُ اللَّهُ، وَتَنْهَوْنَهُمْ عَمَّا يَكْرَهُ

و فرمود: «خداوند! شکم او را سیر گردان»

ب- الصَّلَابَةُ وَعَدَمُ السَّارِشْكَلِي

۱۵۷۵، الدَّرُ الْمَنْثُورُ - به نقل از زید بن اسلم -: پیامبر

خدا، ایس ایبه را تلاوت فرمود «حوریتان و

خانواده متان را از آتش، نکه درید».

گفتند ای پیامبر خدا! چگونه خانواده مان را از

۱. التلمیح الأوسط ج ۶ ص ۱۷۰ ح ۶۱۰۴

۲. سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۲۱ ح ۳۶۷۱

۳. مسدد ابن حنبل ج ۷ ص ۲۹۶ ح ۲۰۳۶۴

۴. الدَّرُ الْمَنْثُورُ ج ۸ ص ۲۲۵

۶/۷ التَّزْيِينَةُ الْجَنَسِيَّةُ

اتش، بگه داریم؟

فرمود: «آیا در به آنچه خداوند دوست دارد، امر کنید و از آنچه خداوند ماحوش می‌دارد، پشی کنید»

۱۷ تزینت جنسی

۱۵۷۶ پیامبر خدا ﷺ بسترهای پسر و پسر، پسر و دختر و دختر و دختر از ده سالگی، از هم جدا شوند

۱۵۷۷ پیامبر خدا ﷺ برای پدر و مادر، روانیست که به شرمگه فرزند نگاه کند و برای فرزند روانیست که به شرمگه پدر (و مادر)، نگاه کند

۱۵۷۸ پیامبر خدا ﷺ چون دختر شش ساله شد، او را بوس و پسر بزر چون از هفت سالگی گذشت، زن را بوسد

۱۵۷۹ انس الکبری - به نقل از عطاء بن یسار - کسی از پیامبر خدا پرسید ای پیامبر خدا! آیا برای وارد شدن به مادر، اجازه بگیرم؟

فرمود: «اری»

گفت: من در خانه با او زندگی می‌کنم

فرمود: «برای وارد شدن بر او، اجازه بگیر»

مرد گفت: من، خدمت‌گزار او هستم

فرمود: «آیا دوست داری او را برهنه ببینی؟»

گفت: نه

فرمود: «پس برای وارد شدن بر او، اجازه بگیر»

۱۵۸۰ پیامبر خدا ﷺ، سوگند به کسی که چنان به دست

اوست، اگر کسی با همسرش فرامزد و در اتاق،

کوئکی بیدار باشد که نان را ببیند و سخن گفتن و

صدای پسر آمدن بشنود، هرگز رستگار

نمی‌شود، اگر پسر باشد، مردی رن‌کار، و اگر

دختر باشد، رمی را کار می‌گردد

۱۵۷۶ رسول الله ﷺ الصَّبِيُّ وَالصَّبِيَّةُ وَالصَّبِيُّ وَالصَّبِيَّةُ وَالصَّبِيَّةُ وَالصَّبِيَّةُ يَفْرُقُ بَيْنَهُمْ فِي الْمَصَاجِعِ

لِقَشْرِ بَيْنِهِمَا^۱

۱۵۷۷ عَنْهُ ﷺ لَيْسَ لِلْوَالِدَيْنِ أَنْ يَنْظُرَا إِلَى عَوْرَةِ ابْنِهِمْ وَلَيْسَ لِلْوَلَدِ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى عَوْرَةِ وَالِدِهِ^۲

۱۵۷۸ هَهُ ﷺ إِذَا بَلَغَتِ الْجَارِيَةُ بَيْتَ مِسٍّ فَلَا تُقْبَلُهَا وَالْعَلَامُ لَا يَقْبَلُ الْمَرْأَةَ إِذَا جَاوَزَ سَعَ بَيْتِ^۳

۱۵۷۹ انس الکبری عن عطاء بن یسار أن رسول الله ﷺ سَأَلَهُ رَجُلٌ فَقَالَ: أَتَأْذِنُ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَيَّ امْرَأَتِي؟

فَقَالَ: نَعَمْ، فَقَالَ: إِنِّي مَعَهَا فِي الْبَيْتِ!

فَقَالَ: أَتَأْذِنُ لَهَا؟ فَقَالَ الرَّجُلُ: إِنِّي خَائِفٌ!

فَقَالَ: أَتَحِبُّ أَنْ تَرَاهَا عُرْيَانَةً؟ قَالَ: لَا

قَالَ: فَاسْأَلِ عَنْهَا^۴

۱۵۸۰ رسول الله ﷺ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَوْ أَنَّ رَجُلًا

عَشَى امْرَأَتَهُ فِي الْبَيْتِ صَبِيٌّ مُسْتَقِظٌ يَرَاهُمَا وَيَسْمَعُ

كَلَامَهُمَا وَنَفْسَهُمَا مَا أَفْلَحَ أَبَدًا، إِذَا كَانَ عَلَامًا كَانَ

زَانِيًا، أَوْ جَارِيَةً كَانَتْ زَانِيَةً^۵

۱ کتاب من لا یحضره الفقه ج ۳ ص ۴۳۶ ح ۴۵۰۹

۲ الکافی ج ۶ ص ۵۰۳ ح ۳۶

۳ مکرم الأخلاق ج ۱ ص ۴۷۹ ح ۱۶۵۹

۴ انس الکبری ج ۷ ص ۱۵۷ ح ۳۵۵۸

۵ الکافی ج ۵ ص ۵۰۰ ح ۲

سخنی درباره تربیت جنسی

عریزه جنسی، همانند دیگر ابعاد انسان، پیرمند «تربیت» است و هر فرهنگ و اندیشه‌ای، نوع خاصی از تربیت را در پیش می‌گیرد. از دیدگاه اسلام، تربیت جنسی، یکی از مهم‌سازی زمینه‌های رشد و پرورش عریزه جنسی، به گونه‌ای که هم «عفت جنسی» حاصل شود و هم «سلامت جنسی»

مذاهب لازم برای عفت جنسی

برخی از خانواده‌ها، به دلیل نابالغ بودن کودکان، دقت کمی در امور جنسی کودک ندارند. این، در حقیقت است که بسیاری از آنچه کودک می‌بیند یا می‌شود، نقش تعیین‌کننده‌ای در آینده جنسی او دارد. از این رو اسلام به این بحث از زندگی کودک، نوظهور و ویژه‌ای داشته و آموزه‌های کاربردی مفیدی را عرضه نموده است که در ادامه، به آنها اشاره می‌گردد!

الف - پوشاندن عورت

نگاه به عورت کودک، و نگاه کودک به عورت بزرگسال، دو جنبه فقهی و تربیتی دارد. نگاه کردن برای کودک، حرمت فقهی ندارد و برای بزرگسال نیز به شرط عدم ریه، حرام نیست. اما می‌توان آثار تربیتی پوشیدگی و عریانی را نادیده گرفت. چه کودک، عورت دیگران را ببیند و چه دیگران، عورت وی را ببیند، قبیح این کار را از میان می‌برد و موجب بی‌مبالاتی و بی‌پروایی می‌گردد و هر دو را به هدیه می‌کند.

ب - پوشیده نشدن کودک توسط نامحرم

پوشیده شدن کودک توسط نامحرم، هر چند در صورت عدم ریه، حرمت فقهی ندارد، اما اثر منفی آن بر کودک معیّر، پوشیده نیست. ارتباط بوسه‌ای نامحرم با کودک، در روح او نقش می‌پندد و در آینده، رابطه با نامحرم را تسهیل می‌کند و حفظ عفاف را با مشکل روبه‌رو می‌سازد. از این رو، نامحرمان به بوسیدن کودکان توصیه شده‌اند.

ج - بازی نکردن با اعضای جنسی کودک

بازی با اعضای جنسی کودک، می‌تواند موجب تحریک جنسی و بلوغ زودرس او گردد، بهنجاری جنسی را به کودک یاد دهد و موجب انحراف وی شود، در برخی احادیث، از این گونه بازی‌ها به عنوان شاخه‌ای از زنا

یاد شده است .

د- جداسازی بستر کودکان

یکی بودن بستر کودکانی که به سن تمیز می‌رسند، ممکن است به تماس‌های بدنی نادرست ، تحریک جنسی زودهنگام و حتی روابط نامشروع منجر شود . یکی از تدبیرهای دین برای جلوگیری از این آسیب ، جداسازی بستر کودکان از یکدیگر است

هـ- پنهان بودن روابط زناشویی والدین

آگاهی فرزندان از روابط زناشویی والدین از عوامل بسیار تأثیرگذار در انحراف جنسی است . از دیدگاه احادیث ، این عامل ، تأثیر تقریباً حتمی و غیرقابل انکاری دارد و برای جلوگیری از آن، دو تدبیر اندیشیده شده است . یکی اجاره حواصی کودک برای ورود به خلوت و پری و دیگری ، انجام گرفتن روابط زناشویی در خارج از محل حضور کودک .

الفصل الثامن. أخلاق التَّربية

فصل هشتم. اخلاق تربیت

۱/۸ الْحَدُّ عَلَى حُبِّ الْأَوْلَادِ وَالشَّفَقَةِ بِهِمْ

۱/۸. تَضَوُّيقُ بِهِ دُوسْتِ دِلَشْتَنِ فَرَوْدَانِ وَ دِلْسُوزِی

ما آمنن

۱۵۸۱. پیامبر خدا ﷺ: هر کس سرزندش را ببوسد، خداوند ﷻ برای او حسه‌ای می‌بوسد و کسی که او را شاد کند، خداوند در روز قیامت، او را شاد می‌سازد و کسی که قرآن به او بیاموزد، پدر و مادرش فراخوانده می‌شوند و دو لباس بر آنان پوشیده می‌شود که از نور آن، چهره‌های بهشتیان، نورانی می‌گردد

۱۵۸۲. پیامبر خدا ﷺ: اگر کسی کودک گریانش را بخشود کند تا آرام گیرد، خداوند ﷻ آن قدر از بعضی‌های بهشت به او عطا می‌کند تا خشنود شود

۳۳۸ سیرة پیامبر ﷺ در مهرمانی سه کویکان و

تکرویم طمان

۱۵۸۳. مصداق حبیب - به سفل از ولید بن عمه - : وقتی پیامبر خدا، مکه را فتح کرد، اهل مکه با کودکانشان نزد ایشان می‌آمدند و ایشان بر سر آنان، دست می‌کشید و برایشان دعا می‌کرد

۱۵۸۴. صحیح مسلم - به نقل از عمرو بن سعید، از انس بن مالک - : هیچ کس را ندیدم که نسبت به خانواده‌اش مهری‌ان تر از پیامبر خدا باشد

ابراهیم [پسر پیامبر خدا] دایه‌ای در عوالی^۱ مدینه داشت. پیامبر ﷺ پیوسته به آن جا می‌رفت و ما میر همراه ایشان بودیم. ایشان، وارد خانه می‌شد و دایه که برده بود، [خانه را] با بخور، خوشبو می‌کرد، پیامبر ﷺ ابراهیم را می‌گرفت و می‌بوسید و سپس باز می‌گشت

۱. منطقه بالای مدینه، «عوالی» نامیده می‌شده و هم‌اکنون نیز به همین نام شناخته می‌شود. بسیاری از باغ‌ها و بوستان‌های مدینه، در این محل قرار گرفته‌اند.

۱۵۸۱ رسول الله ﷺ من قَبَّلَ وَلَدَهُ كَتَبَ اللهُ لَهُ حَسَةً. وَمَنْ فَرَّحَهُ فَرَّحَهُ اللهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ عَلَّمَهُ الْقُرْآنَ دُعِيَ بِالْأَيُّوبِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حُلِيِّ بَصِيٍّ مِنْ سَوْرِهِمَا وَجِوْهُ أَهْلِ الْجَنَّةِ^۱

۱۵۸۲ عنه ﷺ مَنْ بَكَى صَبِيًّا لَهُ فَارْصَاهُ حَتَّى يُسْكِنَهُ، أَعْطَاهُ اللهُ مِنَ الْجَنَّةِ حَتَّى يَرَى^۲

۲/۸ سِيرَةُ النَّبِيِّ ﷺ فِي الشَّفَقَةِ بِالْأَطْفَالِ

و تَكَرُّمِهِمْ

۱۵۸۳. مصداق حبیب عن الوليد بن علفة لَمَّا فَتَحَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَكَّةَ، جَمَعَ أَهْلَ مَكَّةَ يَا بَوْنَةَ بِحَبْسَاتِهِمْ فَمَسَحَ عَلَى رُؤُوسِهِمْ وَدَعَا لَهُمْ^۳

۱۵۸۴. صحيح مسلم عن عمرو بن سعيد عن انس. مَا رَأَيْتُ أَحَدًا كَانَ أَرْحَمَ بِالْعِيَالِ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، قَالَ كَانَ إِبْرَاهِيمُ مُسْتَرْصِمًا لَهُ فِي عَوَالِي مَدِينَةٍ، فَكَانَ يَطْبِقُ وَتَحْنُ مَعَهُ فَيَدْخُلُ الْبَيْتَ وَإِنَّهُ لَيُدْحَسُ، وَكَانَ ظَنَرَهُ قِيًّا^۴، فَمَّا حُدَّ فَيَقْبَلُهُ، ثُمَّ يَرْجِعُ^۵

۱. تالکالی ج ۶ ص ۱۹ ح ۱

۲. الفردوس ج ۳ ص ۵۹۹ ح ۵۷۱۵

۳. مصداق حبیب ج ۵ ص ۵۱۷ ح ۱۶۳۷۹

۴. الظَّنُّ الشَّرِيفَةُ خَيْرٌ وَدَّهَا وَيَقَعُ عَلَى الذِّكْرِ وَالْإِمْنِ (النهاية: ج ۳ ص ۱۵۶ اظار)

۵. القِيَانُ الْأَمَةُ وَالْعِيْدُ (النهاية ج ۴ ص ۱۳۵ دیر)

۶. صحيح مسلم ج ۴ ص ۱۸۰۸ ح ۶۳

۱۵۸۵. صحیح مسلم عن عبد الله بن جعفر: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا قَدِمَ مِنْ سَفَرٍ تَلَقَّى بِصَبِيانِ أَهْلِ نِسَبِهِ^۱

۱۵۸۵. صحیح مسلم به نقل از عبد الله بن جعفر: هر گاه پیامبر خدا از سفر بر می‌گشت، [نحست] با

کودکان خانواده‌اش دیدار می‌کرد

۳/۸. التَّسْلِيمُ عَلَى الصَّبِيَّانِ

۳/۸. سلام کردن به کودکان

۱۵۸۶. رسول الله ﷺ: خُمُسٌ لَا أَدْعُهُنَّ حَتَّى يَأْتِيَ النَّسْلُ عَلَى الصَّبِيَّانِ: لَنَكُونََنَّ مِنْ بَعْدِي^۲

۱۵۸۶. پیامبر خدا ﷺ: پنج چیز است که تا هنگام مرگ،

آنها را ترک نمی‌کنم... سلام کردن به کودکان، تا پس از من، سنت شود.

۱۵۸۷. صحیح ابن حبان - به نقل از آنس: پیامبر ﷺ به دیدار انصار می‌رفت، به کودکانشان سلام می‌کرد و بر سر آنان دست می‌کشید.

۴/۸. دَمٌ عَذَمَ لِلْمَحَنَّةِ لِلْأَطْفَالِ

۴/۸. نگوشتن محنت نکردن به کودکان

۱۵۸۸. الأدب المفرد عن أبي هريرة: قَتَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَعِدَّةَ الْأَمْرِغُ بْنُ حَابِسَ التَّمِيمِيِّ جَالِسَ

۱۵۸۸. الأدب المفرد - به نقل از ابو هریره: پیامبر خدا، در حالی که اقزع بن حابس تمیمی خدمت

یشان نشسته بود، حسن بن علی را بوسید.

فَقَالَ الْأَمْرِغُ بْنُ لِي عَشْرَةَ مِنَ الْوَدِّ مَا قَبِلْتُ مِنْهُمْ أَحَدًا

اقزع گفت: من، ده فرزند دارم که هیچ کدام از آنان را بوسه ندادم

فَنَظَرُ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ثُمَّ قَالَ: مَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يَرْحَمُهُ^۳

پیامبر خدا به او نگاه کرد و سپس فرمود: کسی که مهر نوزد، مهر نمی‌بیند!

۱۵۸۹. الإمام الصادق ﷺ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: مَا قَبِلْتُ صَبِيًّا قطُّ فَلَمَّا وَلَّى قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: هَذَا رَجُلٌ عِنْدِي أَنَّهُ مِنْ أَهْلِ النَّارِ^۴

۱۵۸۹. امام صادق ﷺ: مردی خدمت پیامبر ﷺ رسید و گفت: هرگز کودکی را نبوسیده‌ام.

وقتی باز گشت، پیامبر خدا فرمود: بن، کسی است که در نظر من، از اهل آتش است!

۱. صحیح مسلم ج ۱ ص ۱۸۸۵ ح ۶۶

۲. النصاب ص ۲۷۱ ح ۱۲

۳. صحیح ابن حبان ج ۲ ص ۲۰۶ ح ۱۵۹

۴. الأدب المفرد ص ۴۱ ح ۹۱

۵. الکافی ج ۶ ص ۵۰ ح ۷

۵/۸. بِطَاقٍ مَّحَبَّةِ الْأَوْلَادِ

الکتاب

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَهْجُوهُمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا أَوْلَادَهُمْ عَمَّا ذُكِّرُوا بِهِمْ يَفْعَلُ ذَلِكَ قُلُوبُهُمْ وَالْغَيْبُونَ﴾^۱

الحديث

۱۵۹۰ رسول الله ﷺ - فِي مَوْعِظَتِهِ لِأَبِي مَسْعُودٍ - يَا بَنِي مَسْعُودٍ، لَا تُحِبُّوا أَمْوَالَكُمْ الشُّعْقَةَ عَلَى أَهْلِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَلَى الدُّخُولِ فِي التَّعَامِي وَالْحَرَامِ. فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ ﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا سُلُوكٌ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾^{۲، ۳}

۶/۸. الْعَدْلُ مِمَّنِ الْأَوْلَادِ

۱۵۹۱. رسول الله ﷺ سَوَّاهِينَ أَوْلَادَكُمْ فِي الطَّيِّبَةِ، قُلُوا كُنْتُ مُفَصِّلاً أَحَدًا لِقَضَاءِ السَّاءِ^۱

۱۵۹۲. عَنْهُ ﷺ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ أَنْ تُعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ حَتَّى فِي الْقَبْلِ^۲

۱۵۹۳. الْإِمَامُ عَلِيُّ ع. رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَبْصَرَ رَجُلًا لَهُ وَتَدَارٍ^۱ فَقَبِلَ أَحَدَهُمَا وَتَرَكَ الْآخَرَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَهَلَا وَاسَيْتَ بَيْنَهُمَا.^۲

۱ المناقون ۹

۲ الشراء ۸۸۰ و ۸۹.

۳ مکالم الأخلاق ج ۲ ص ۲۵۹ ح ۳۶۰

۴ السنن الكبرى ج ۶ ص ۲۹۱ ح ۱۳۰۰۱

۵ کتبات الصلح ج ۱۶ ص ۱۴۵ ح ۴۵۳۵۰

۶ فی المصدر: «ولید»، وما أقتناه من التوفیر للرفیعی

ص ۹۶ ح ۲۳

۷ التجمیع ص ۵۵

۵. اندازة محبت به فرزندان

قرآن

﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید [درمبار] اموال شما و فرزندانتان شما را از یاد خدا عاقل نگردانید و هر کس چنین کند، آتشی خود زیانکارش گردد﴾.

حدیث

۱۵۹۰. پیامبر خدا ﷺ - در مصیبت‌هایش به عبد الله بن مسعود - ای پسر مسعود! دل‌سوزی مسیت به خانواده و فرزندان، نباید تو را به مافروانی‌ها [از خدا] و حرام، و اتان سازد؛ چرا که خداوند مستعال می‌فرماید، ﴿[بیعت] روری [است] که به مال، سود می‌دهد و به فرزندان، مگر کسی که با علی سالم، مرد خدا باشد﴾

۶/۸. عدالت میان فرزندان

۱۵۹۱. پیامبر خدا ﷺ: در هدیه دادن، میان فرزندان، به مساوات عمل کنید، اگر می‌خواستم کسی را برتری دهم، هر آینه، زنان را برتری می‌دادم.

۱۵۹۲. پیامبر خدا ﷺ خداوند متعال، دوست دارد که میان فرزندان عدالت ورزید، حتی در بریدن

۱۵۹۳. امام علی ع. پیامبر خدا ﷺ کسی را دید که دو فرزند داشت، یکی را بوسید و دیگری را رها کرد [در این هنگام پیامبر خدا [به وی] فرمود: «چرا میان آنان، یکسان عمل نکردی؟»

سخنی دربارهٔ عدالت‌ورزی در رفتار با فرزندان

یکی از مباحث مهم تربیتی، عدالت‌ورزی و ندین در ظاهر محبت به فرزندان و و گذاری امکانات مادی به آنهاست. این مسئله از دو نگاه، قبل بحث و بررسی است: فقهی - حقوقی و تربیتی. آنچه در این جا مورد نظر است، عدالت‌ورزی نسبت به فرزندان، از نگاه دوم است.

عدالت‌ورزی نسبت به فرزندان، می‌تواند آثار تربیتی مهمی را بدین شرح به دنبال داشته باشد:

۱. فرزندان نیز متقابلاً به و ندین، لطف و مکی می‌کند و حقوق آنان را رعایت خواهد کرد.
۲. آنان نیز نسبت به فرزندان خود، از در عدالت، تجاوز نخواهند کرد.
۳. عدالت‌ورزی میان فرزندان، مانع از حسدیت و کینه‌ورزی آنان نسبت به هم خواهد شد.
۴. مهم‌تر، این که کودک از اعدا رندگی تا روح عدالت‌ورزی پرورش خواهد یافت و رفتار عادلانه خانواده، زمینه را برای تأمین عدالت اجتماعی فراهم خواهد ساخت.

بر عکس، بی‌عدالتی و رفتار تبعیض‌آمیز نسبت به فرزندان، به سه و ندین را در آینده، از محبت آب محروم می‌کند، بلکه آینده فرزندان را نیز با خطر مواجه می‌نماید. از این رو، دانشندان تعلیم و تربیت در عصر حاضر، رعایت عدالت در برخورد با فرزندان را برای پرورش انسان‌های شایسته، ضرور می‌دانند، اما اسلام از چهارده قرن پیش، در این امر تأکید کرده است و پیامبر خدا به مسلمانان توصیه می‌فرمود که به تنه در و گذاری امکانات مادی، بلکه در بوسیدن فرزندان نیز عدالت را رعایت کنند.

بدیهی است که رفتار عادلانه، به معنی برخورد مساوی و یکسان نیست. چه بسا رعایت عدالت، ایجاب کند که پدر برای رحی از فرزندان خود، به دل استعداد بیشتر و یا کمتر، یا به دلیل بیماری و یا جهات دیگر، هزینه بیشتری را متحمل گردد. این، به معنی بی‌عدسی نیست. البته در این گونه موارد نیز باید سایر فرزندان را نسبت به اقدام خود، توجه کند.

۷/۸. الْوَفَاءُ بِالنَّوْعِ

۷/۸. وفای به وعده

۱۵۹۱ رسول الله ﷺ أَحِبُّوا الصَّيَانَ وَارْحَمُوهُمْ.

۱۵۹۲ پیامبر خدا ﷺ: کودکان را دوست بدارید و با

واد وَعَدْتُمُوهُمْ شَيْئاً فَعُوا لَهُمْ؛ فَإِنَّهُمْ لَا يَدْرُونَ إِلَّا

آنان، مهربان باشید و هرگاه چیزی را به آنان وعده

أَنْتُمْ تَرْزُقُونَهُمْ^۱

دادید، بدان وفا کنید؛ زیرا آنان، باوری جز این

۱۵۹۵ عنه ﷺ إِذَا وَاعَدَ أَحَدَكُمْ شَيْئاً فَلْيَتَّبِعْ^۲

ندارند که شما روزی آنها را می‌دهید.

۱۵۹۵ پیامبر خدا ﷺ: هرگاه یکی از شما به کودکش وعده

۸/۸. إِدْخَالُ السُّرُورِ

داد، باید بدان عمل کند.

۱۵۹۶ رسول الله ﷺ إِنَّ فِي الْجَنَّةِ دَاراً يُقَالُ لَهَا دَارُ

۸/۸. شاد کردن

الْفَرَحِ. لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا مَنْ قَرَّحَ الصَّيَانَ^۳

۱۵۹۶ پیامبر خدا ﷺ، خانه‌ای در بهشت است که به

۱۵۹۷ عنه ﷺ مَنْ عَالَ يَتِيماً حَتَّى يَسْتَعِينِي، أَوْ حَبَّ

آن، خانه‌شادی گفته می‌شود، جز کسی که کودکان

لِللَّهِ لَهُ بِذَلِكَ الْجَنَّةُ. كَمَا أَوْحَى لِأَكْبَلِ مَالِ يَتِيمٍ

را شاد کرده باشد، وارد آن نمی‌گردد.

الْيَتَامَى^۴

۱۵۹۷ / پیامبر خدا ﷺ کسی که یتیمی را سرپرستی کند تا

می‌نیاز گردد، حلالوند ﷺ در برابر این کار، بهشت

را بر او واجب کرده است، همان گونه که حلالوند

برای خورنده مال یتیم، آتش [در رح] را واجب

کرده است

۱ التکافی ج ۶ ص ۱۹ ج ۲

۲ الجعفری ص ۱۶۶

۳ کنز العمال ج ۳ ص ۱۷۰ ج ۱۰۰۹

۴ التکافی ج ۷ ص ۵۱ ج ۲

نقش وفای به وعده، بر تربیت کودک

از هنگامی که کودک به مرحله درک می‌رسد، در تمام خود و والدین، با وعده‌هایی برخورد می‌کند. پس وعده‌ها گاه عملی می‌شوند و گاه نمی‌شوند. در آموزه‌های اسلام، این مسئله مورد توجه قرار گرفته و نسبت به وفای به عهد، توصیه‌ای اکید شده است. دلیل بر توصیه ر به چند وجه می‌توان تحلیل و تبیین کرد.

یکی حبه اخلاقی مسئله است. حُف وعده کردن، از اخلاق ناپسند است. این اصل، در همه جا و نسبت به هر کس، صادق است و یکی از مصادیق آن هم کودک است.

دیگری، حسه انداموری آن برای کودک است. هر چند حُف وعده، بهی عام دارد، ولی درباره کودک به جهت شرایط سنی و تربیتی خاصی که دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. کودک از رفتار دیگران، بخصوص والدین، الگو می‌گیرد و بر نگرش‌گیری، چون در مسی کودک است، تأثیر بی‌پایدار و عمیق بر شخصیت وی می‌گذارد، به گونه‌ای که اصلاح و، عمر ممکن یا بسیار دشوار خواهد بود.

و اما حسه سوم، تأثیر عملی آن بر رابطه کودک با خدا در آینده است. برخی پژوهش‌ها نشان داده که نوع ارتباط کودک با خداوند، تحت تأثیر نحوه ارتباط والدین با کودک بوده است. پیش از آن که کودک با مفهوم خدا آشنا شود، والدین بخصوص پدر و مادر و صاحب اختیار خود می‌دانند و به تعبیری، نقش خداوندی برای وی قائل است و به همین دلیل، والدین خود را بی‌عیب و نقص و دارای همه کمالات و صفات می‌دانند و حتی تصور هم نمی‌کنند که آنان، دارای عیب و نقصی باشند. حال اگر والدین به وعده‌هایی که به کودک خود داده‌اند، عمل نکنند، او این حُف وعده را به مفهوم خداوندی تفسیر می‌دهد و با خود آگاه، در آینده، رابطه او با خداوند را تحت تأثیر عملی قرار می‌دهد. ثباتاً در حدیث شریف نیز تعبیری آمده که به این حقیقت، اشاره دارد: «آنان تصور می‌کنند شما به آنها روزی می‌دهید».

۹/۸ فدحُ عَرَامَةِ الصَّبِيِّ

۹/۸ سَنَابِلُش بَازِیْکُوشِ کُودِک

۱۵۹۸ رسول الله ﷺ عَرَامَةُ الصَّبِيِّ مِی صَغَرِهِ زِيَادَةُ
کودکی، مایه فروسی بخرد او در بزرگسالی است
فِي عَقْلِهِ نِی کَثِيرٌ.^۱

۱۰/۸ رُخْصَةُ اللَّعِبِ لِلصَّبِيِّ

۱۰/۸ دَایِن اِجَارَةُ بَازِی بَه کُودِک

۱۵۹۹ الإمام زين العابدين عليه السلام قَالَ النَّبِيُّ ﷺ لَهَا [لِلْحَسَنِ
وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ] قُومَا الْآنَ فَاصْطَرَعَا، فَقَامَا لِيَصْطَرَعَا.
وَقَدْ حَرَجْتَ مَاطِمَتَهُ ﷺ فِي بَعْضِ حَاجَتِهَا، فَدَخَلْتَ
فَسَمِعْتَ النَّبِيَّ ﷺ وَهُوَ يَقُولُ: يَا حَسَنُ! شُدُّ عَلَى
الْحُسَيْنِ فَاصْرَعَهُ
فَقَالَتْ لَهُ: يَا أَبَتِي، وَاعْتَجَبْتُ أَنْ شَجَعَ هَذَا عَلَى هَذَا،
أَنْ شَجَعَ الْكَبِيرُ عَلَى الصَّغِيرِ!؟^۲

فَقَالَ لَهَا: يَا بِنْتِي، أَمَا تَرْضَيْنَ أَنْ أَقُولَ: أَكْبَدُ عَلَيْكَ
حَسَنُ، شُدُّ عَلَى الْحُسَيْنِ فَاصْرَعَهُ، وَهَذَا حُسَيْنُ
جَبْرِئِيلُ يَقُولُ: يَا حُسَيْنُ، شُدُّ عَلَى الْحَسَنِ

۱ الثُّمَامُ الشَّدُّ وَالْقُوَّةُ وَالشَّرَافَةُ (النهاية ج ۳ ص ۱۲۳
مهرم).

۲ كبر المفضل ج ۱۱ ص ۹۱ ح ۳۰۷۱۷ مقلداً عن الحكيم عن
صرو بن معد يكرب وأبي موسى المدائني في أماليه عن أبي
۳ ذكرها بعض المصادر بعبارة «عرامة الصبي» أو «عرامة
العلام» ويبدو أنه خطأ والتعبير بـ «عرامة الصبي» تعبير معروف
في كتب اللغة مثل الصحاح للجوهري خلافاً لعرامة الصبي
ثم إن معنى عرامة الصبي يجب أن يبرز من خلال التوضيح
والتدرج عبر الوسائط بأن يقال: إِنَّ الْفَطْلَ بِصِغَرِ حَلِيمَةٍ فِي
الْكِبَرِ إِنْ مَا كَانَ يَسَبِّ الْقُرَرِ وَيَحْمِلُ وَالِدَهُ أَصْرَهُ أَوْعَالَهُ
وَلَكِنَّا سَنَاجِبُهَا إِلَى التَّهْيِيزِ فِي حَالِهِ كَوْنِ الْعَبْدَةِ «عرامة
الصبي» لأنها ترتبط بشكل مباشر بالطفل نفسه، لا ولته،
ويبدو أن تصحيحاً قد طرأ على العبارة

۳ أي: هذه كلمة يراد بها الاستزادة (النهاية ج ۱ ص ۸۷) (ب)»

از این رو، به پدر گفتم: شکستای پدر این
را بر آن دیگری تحریک می‌کنی؟ آیا بزرگ‌تر را بر
کوچک‌تر تحریک می‌کنی؟

پیامبر ﷺ به او فرمود: «حسَنَ عَرِيزَمُ! آری
خشود بستی از این که من بگویم: «ای حسن!
حسین را محکم بگیر و به زمین بزن»، در حالی که
دوست من جبرئیل علیه السلام می‌گوید: «ای حسین!

فاصله ۱۲

حس را محکم بگیر و بر زمین برن ۱۲.

۱۶۰۰ المعجم الكبير - نه نقل از ابو سعید - در حالی که پیامبر خدا نماز می خواند، حسین رضی الله عنه آمد و گردن پیامبر صلی الله علیه و آله را گرفت، ایشان با او برخاست و او را با دست خود گرفت و همچنان او را بگه داشت تا نه رکوع رفت

۱۶۰۱ - من السانی - نه نقل از عبد الله بن شداد، از پدرش - هنگام یکی از دو نماز (مغرب و) عشا، پیامبر خدا به سوی ما بیرون آمد، در حالی که حسن یا حسین رضی الله عنه را حمل می کرد پیامبر خدا، آمد و او را زمین گذاشت پس، تکبیر سحر را گفت و نماز را شروع کرد در میان نماز، سجده ای طولانی کرد سوم را برداشتم، کودک را سر پشت پیامبر خدا دیدم، در حالی که ایشان در سجده بود پس به سجده باز گشتم

وثنی پیامبر خدا، نماز را به پایان برد، مردم گفتند ای پیامبر خدا در میان نماز سجده ای طولانی داشتی، به گونه ای که گمان کردیم اتفاقی افتاده و یا به شما وحی شده است

فرمود: هیچ کدام بود؛ لیکن پسر من دوش من سوار شد و حوش برداشتم که او را به شتاب، پیش آورم، تا این که نیازش را برآورده

۱۱/۸ کوکی کردن با کودک و بازی با او

۱۶۰۲ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مرد هر کس کودکی هست، باید با او کودکی کند.

۱۶۰۳ صحیح ابن حنبل - نه نقل از ابو هریره - پیامبر خدا، ربایش را بری حسین رضی الله عنه بیرون می آورد و

۱ - چون که با کودک هر روز کارت بخند

پس زبان کودکی باید گشاد

(موبوی)

۱۶۰۰ المعجم الكبير عن أبي سعيد. جاء الحسن بن رسول الله صلی الله علیه و آله یضلی، فالتزم عنق النبي صلی الله علیه و آله، فقام به وأخذ يكرهه، فلم يزل مسيكها حتى ركن

۱۶۰۱ من السانی عن عبد الله بن شداد عن أبيه خرج عليا رسول الله صلی الله علیه و آله في إحدى صلاتي العشاء وهو حامل حسناً أو حسينا، فتقدم رسول الله صلی الله علیه و آله فوضعه، ثم كثر لبصلاة فصلن، فجد بين ظهرائي ضلتي سجدة، طالها، قال لي زعمت رأسي وإد الضبي عن ظهر رسول الله صلی الله علیه و آله وهو ساجد، فرجعت بي سجودي فلما قضى رسول الله صلی الله علیه و آله الصلاة، قال الناس يا رسول الله إنك سجدت بين ظهرائي ضلتي سجدة أطلتها حتى طسأ فحدث أمر أو أنه نوحى إلي

قال كل ذلك لم يكن، ولكن أبي ارتحلني فكرهت أن أعجله حتى يقضي حاجته

۸ ۱۱ القصص للصبى واللعب معه

۱۶۰۲ رسول الله صلی الله علیه و آله من كان عبده صبياً فليصحب له

۱۶۰۳ صحيح ابن حنبل عن أبي هريرة كان النبي صلی الله علیه و آله يذبح لسانه للحسين، ويرى الصبي حمره سابه، فيبش إليه فقال له عبيدة بن رندب ألا أراه يصنع

الامالي للصدوق ص ۵۳۰ ج ۷۱۷

۲ المعجم الكبير ج ۳ ص ۵۱ ج ۲۶۵۷

۳ من السانی ج ۲ ص ۲۲۹

۴ كتاب من لا يحضره الفقيه ج ۳ ص ۱۸۳ ج ۴۷۰۷

۵ يذبح لسانه أى يخرجه (النهاية ج ۲ ص ۱۳۰ ج ۵)

۶ هـ قيسم وارتاح (المصباح المير ص ۶۳۸ ج ۵)

هَذَا يَهْدَا، مَوَاقِفُهُ إِنَّهُ لَيَكُونُ لِيَّ الْوَيْدُ قَدْ خَرَجَ وَجْهُهُ وَمَا قَبْلَهُ قَطُّ!

فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ مَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يُرْحَمُ.^۱

۱۶۰۴ المناقب لابن شهر آشوب عن ابن مهدي عن أبيه. [أ]

النَّبِيُّ ﷺ بَرَكٌ لِلْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ فَحَمَلَهُمَا وَحَالَفَ بَيْنَ أَيْدِيهِمَا وَأَرْجُلَيْهِمَا، وَقَالَ نَعَمْ نَجْمَلُ جَنَلُكُمْ.^۲

۱۶/۸ زِيغُ الصَّيَّانِ

۱۶۰۵ رسول الله ﷺ بَرَّ الثُّرَاثَ زِيغُ الصَّيَّانِ.^۳

۱۶۰۶ عنه ﷺ أُجِبَ الصَّيَّانُ لِحَمْسٍ، الْأَوَّلُ أَنَّهُمْ هُمُ

الْبُكَاءُونَ، وَالثَّانِي يَتَمَرَّعُونَ بِالثُّرَاثِ، وَالثَّلَاثُ،

مُحْتَصِمُونَ مِنْ غَيْرِ جَمْدٍ، وَالرَّابِعُ لَا يَتَحَرَّوْنَ لِحَدِّ

شَيْءٍ، وَالْحَامِسُ، يُعْتَرُونَ ثُمَّ يُعْرَبُونَ.^۴

کودک، سرحدی زبان ر می‌دید و می‌خندید عیناً
بن پدر به ایشان گفت: چه می‌بینم؟ او با این
[کودک] چنین می‌کند؟ من سرریزی دارم که
صورتمش ریش در آورده؛ ولی هیچ گاه او را
بوسه‌نهم

پیامبر ﷺ فرمود: کسی که مهربانی نکند،
مورد مهربانی قرار نمی‌گیرد!

۱۶۰۴ المناقب، ابن شهر آشوب - به نقل از ابن مهدي،

از پدرش: پیامبر ﷺ برای حسن و حسین
نیم حیر نشست و آنان را سوار کرد و دست‌ها و
پاهایشان را محالفت یکدیگر قرار داد^۱ و فرمود
دشمن شما دشمن خودی است!

۱۶/۸ تقریبگاه کودکان

۱۶۰۵ پیامبر خدا ﷺ همانا جای، تقریبگاه کودکان

است

۱۶۰۶ پیامبر خدا ﷺ کودکان را به خاطر پنج چیز

دوست می‌دارم: اول آن که بسیار می‌گیرند؛ دوم
آن که با خاک، بازی می‌کنند؛ سوم آن که بدون کینه
دشمنی می‌کنند؛ چهارم آن که چیزی برای فرد،
دخیره نمی‌کنند؛ پنجم آن که می‌سازند و سپس
حراش می‌کنند

این حالت، به دو صورت ممکن است: یکی این که آن دو،
پشت به هم یا روی‌روی هم نشسته باشند و دیگری این که هر
کدام، یک سمت نشسته باشند؛ یکی از سمت راست و
دیگری از سمت چپ

۱ صحیح ابن حبان ج ۱۵ ص ۴۳۶ ح ۶۹۷۵

۲ المناقب لابن شهر آشوب ج ۲ ص ۲۸۷

۳ المعجم الکبیر ج ۶ ص ۱۲۰ ح ۵۷۷۵

۴ المواظف الممدیة ص ۳۵۹

نقش بازی در رشد کودک

بازی برای کودک، حقی‌ترین موضوع حیات است. ویژه بازی برای بزرگسالان، مسوی با وقت‌گذرانی، بطلالت، عملت و است که مانع تکامل و تعالی می‌گردد؛ اما در مورد کودک، ستر رشد و تکامل اوست. دوران بازی کودک، دوران تعطیلی تکامل نیست؛ بلکه دوران شکوفایی استعدادهای او از طریق بازی است. از پس رو، توصیه شده که به کودکان خود، اجازه بازی بدهید و کودکی که بازی‌گوش باشد، در بزرگسالی، خوش‌فهم و بردبار می‌شود.

ارزش بازی از نظر روان‌شناسی

هر بازی سالم و ضروری که کودک به آن مشغول می‌شود، دارای ارزش‌های بسیار مهمی است که باکمی تأمل، می‌توان به درسی به نفس و اهمیت آن در رشد روانی و شخصیتی کودک، پی برد.

۱. ارزش جسمانی

بازی‌های توأم با فعالیت در جهت تکامل رشد عضلاتی کودک و ورزش دادن قسمت‌های مختلف بدن، در اهمیت و ارزش بسیاری برخوردار هستند. این نوع بازی‌ها، برای صرف انرژی اضافی کودک نیز می‌تواند مفید واقع شود. انرژی اضافی، اگر از طریق صحیح مصرف نشود و به حالت سرکوب در جسم کودک دخیره گردد، او را با آرام، عصبی و بدخلق می‌کند.

۲. ارزش درمانی

بازی، به کودک فرصت می‌دهد که احساسات خود را تخلیه کند. او می‌تواند از طریق بازی، انرژی تحت فشار خود را بیرون ببرد. کودک می‌تواند احساسات خود، رقیب ترس، رنجش، مگرانی، شادی و ر آن طور که دوست دارد، در قالب شخصیت‌های دخیواش بیاورد و کدورت درونی خویش را نیز از بین ببرد.

۳. ارزش تربیتی

شخصیت واقعی کودکان، صسر بازی شکل می‌گیرد و دگرگونی‌های قابل توجهی در روحیات آنان روی می‌دهد که همه اینها، گذر به مرحله عالی‌تر رشد است و پیشرفت را برای کودکان، تدارک می‌یابد. از این جاست که امکانات تربیتی بازی، آشکار و مسلم می‌شود.

۴ ارزش اجتماعی

کودک، در بازی یاد می‌گیرد که چه طور با سایرین روابط اجتماعی برقرار سازد و چگونه مشکلات و مسائل ناشی از این نوع روابط را حل کند و تطابق اجتماعی را فراگیرد

۵ ارزش آموزشی

کودک، در طریق بازی با انواع مختلف اسباب بازی، موفق به آموزش و شناخت رنگ‌ها، شکل‌ها، اندازه‌ها، احساس و اشیاء و اهمیت آنها می‌شود. بازی، به کودک کمک می‌کند تا دنیایی را که در آن زندگی می‌کند، بشناسد، بفهمد، لمس کند، احساس نماید و سرانجام، آن را کنترل کند و میان واقعیت و خیال، تفاوت قائل شود.

۶ ارزش اخلاقی (معنوی)

در جریان بازی، کودک یاد می‌گیرد که چه چیز خوب و چه چیز بد است. کودک در می‌یابد که اگر نخواهد در بازی، فرد قابل قبولی به حساب آید، باید صادق، بی‌سبب، عادل، منصف، حقیقت‌طلب، درستکار، مسلط به خود و... باشد.

بازی والدین با کودک

گفته‌اند که بازی دادن، بازی والدین با کودک، خود موضوع مهم دیگری است. از طرفی بازی، رکن مهم حیات کودک است و از طرف دیگر، والدین، جزئی از زندگی کودک هستند که برای وی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. به همین جهت، برای کودک خیلی مهم است که پدر و مادرش در دنیای او وارد شوند. این جاست که بازی با کودک، اهمیت می‌یابد. چون والدین، مهم‌ترین افراد بازی کودک هستند، بازی کردن آنها با کودک، موجب تکریم کودک و بالا رفتن عزت نفس او می‌گردد و احساس خود ارزشمندی و کرامت نفس را برای وی به وجود می‌آورد.

نکته مهم، این است که بازی کردن بزرگان با کودکان، لهر و لعب نیست؛ بلکه کاری خردمندانه، بزرگ‌سالانه و حکیمانه است و موجب کسر شأن نمی‌گردد.

الفصل التاسع الدعاء للأولاد

فصل نهم دعا برای فرزندان

الحث عَلَى الدُّعَاءِ لِلأَوْلَادِ

تشویق به دعا کردن برای فرزندان

الكتاب

قرآن

﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَرْوَاحِنَا وَنَزِّلْنَا

﴿و کسانی اند که می گویند: پروردگارا! به ما از هوسران و

قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِمَنْتَقِبِينَ إِيْمَانًا﴾

فرزندان آن ده که مایه روشنی چشمان [ما] باشد و

﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مِثْلَ الصُّلَّةِ وَمَنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَلِّ

ما را پیشوای پرهیزگاران گردان﴾

دُعَاءُ^۱

﴿پروردگارا! مرا برپا دارند نماز قرار ده، و از فرزندان من

بیر - پروردگارا! ما - و دعای مرا بپذیر﴾

الحديث

حدیث

۱۶۰۷. رسول الله ﷺ دُعَاءُ الْوَالِدِ لِلْوَلَدِ كَالْمَاءِ لِلرَّزَعِ

۱۶۰۷. پیامبر خدا ﷺ دعای پدر برای فرزند، همانند آب

بِضَلَايِهِ^۲

مکید برای و راحت است

الفصل العاشر واجبات الصبي

فصل دهم وظایف کودک

۱/۱۰ واجبات الصبي تجاه والده

۱۰ ۱ وظایف کودک در برابر پدر و مادر

الكتاب

قرآن

﴿وَوَضَّيْنَا الْإِنْسَانَ جُودَةً خَلَقْنَاهُ أَمْثًا وَهَبْنَا عَلَىٰ وَهَبٍ

﴿و انسان را درباره پدر و مادرش سفارش [به نیکوکاری]

وَفَصَّلْنَاهُ فِي عَافِيَةٍ أَنِ اشْكُرْ لِي وَمِثْلِكَ لِي

کردیم! مادرش به او باردار شد، مستی ای هر روی

الصَّبِيِّ^۳

صفتی، و از شیر بار گرفتش، در دو سال است [آری،

به او سفارش کردیم که] شکرگزار من و پدر و مادرت

الحديث

حدیث

۱۶۰۸ رسول الله ﷺ - لَمَّا سُئِلَ عَنْ حَقِّ الْوَالِدَيْنِ عَلَىٰ

یاش که بارگشت [همه]، به سوی من است﴾

وَأَلَدِهِمَا - هُمَا جَنَّتُكَ وَبَارَكَ^۴

۱۶۰۸. پیامبر خدا ﷺ - هنگامی که از ایشان درباره حق

۱۶۰۹ عنه ﷺ من حَقُّ الْوَالِدِ عَلَىٰ وَلَدِهِ أَنِ يَحْصَعَ لَهُ

پدر و مادر بر فرزندان پرسیده شد - آبان

بهشت و دوزخ تو هستند

۱ الفرقان ۷۴ ۲ پیرامین ۴۰

۱۶۰۹. پیامبر خدا ﷺ از جسمه حقوق پدر بر

۲ المائدة ج ۲ ص ۲۱۳ ح ۲۰۳۸

۳ لقمان ۱۴

فرزندش، این است که هنگام حشم و ناراحتی،

۵ سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۲۰۸ ح ۳۶۶۲

فِي الْمَضْبِ وَالْتَقَبِ^۱

در برابر او فروتن [و آرام] باشد

۱۶۱۰ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ أَحْزَنَ وَالِدَيْهِ فَقَدْ عَفَّيَهُمَا^۲

۱۶۱۰. پیامبر خدا ﷺ، کسی که پدر و مادرش را ناراحت

سازد، بی‌تو دید، نسبت به آنان، سرکشی کرده است

۱۶۱۱ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ - لَمَّا سُئِلَ عَنْ حَقِّ الْوَالِدِ عَلَى وَلَدِهِ -

۱۶۱۱. پیامبر خدا ﷺ هنگامی که از ایشان، درباره حق پدر

بر فرزند، پرسیده شد - او را به نام، صدا نبرد،

لَا يُسَمِّيهِ بِاسْمِهِ، وَلَا يَمْشِي بَيْنَ يَدَيْهِ، وَلَا يَجْلِسُ

جسری او راه سرود، پیش از او نشیند و برای او

قَبْلَهُ، وَلَا يَتَسَبَّأُ لَهُ^۳

دشنام حواهی نکند^۱

۲/۱۰ وَاجِبَاتُ الصَّبِيِّ تَجَاهُ مُعَلِّمِهِ

۲/۱۰. وظایف کودک در برابر آموزگار

۱۶۱۲ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ تَعَلَّمَتْ مِنْهُ حَرْفًا، حِثُّ لَهُ

۱۶۱۲. پیامبر خدا ﷺ کسی که حرفی از او بیاموزی، پنداش

شده‌ای

عَبْدًا^۴

۱۶۱۳. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَكْرِمُوا الْعُلَمَاءَ وَوَفِّرُوهُمْ^۵

۱۶۱۳. پیامبر خدا ﷺ: دانشمندان را اکرام کنید و آنان

را گرامی بدارید

۱۶۱۴ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَوَاضَعُوا لِلْعَالِمِ وَارْقُمُوهُ فَإِنَّ السَّلَامَةَ

۱۶۱۴. پیامبر خدا ﷺ در برابر دانشمند، فروتنی کنید

وَلِإِذَا رَافَحَ بِهِدٍ؛ چرا که فرشتگان، دانشمند را بر

رَفْعِ الْعَالِمِ وَبَعْضُ أَحْسَنِهَا وَتَسْتَعْرِ لَهُ^۶

می‌کشند و ناله‌های خود را پدیس می‌آورند (فروتنی

۱۶۱۵ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ احْتَقَرَ صَاحِبَ الْعِلْمِ فَقَدْ احْتَقَرَ

می‌کنند) و بزریش آمرزش می‌طلبد

وَمَنْ احْتَقَرَ نِيَّ قَبُولِ كَابِرٍ^۷

۱۶۱۵. پیامبر خدا ﷺ کسی که صاحب دانش را کوچک

شمارد، بی‌شک، مرا کوچک شمرده است و کسی که

۳/۱۰ وَاجِبَاتُ الصَّبِيِّ تَجَاهُ الْكَبِيرِ وَنَجَافِ

مرا کوچک شمارد، کافر است

الصَّدِيقِ

۳/۱۰ وظایف کودک در برابر بزرگ‌تر و دوست^۱

۱۶۱۶ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُسَلِّمُ الصَّغِيرَ عَلَى الْكَبِيرِ، وَالضَّارَّ

۱۶۱۶. پیامبر خدا ﷺ [آرام است] کوچک به بزرگ

عَلَى الْقَاعِدِ، وَالْقَدِيلَ، عَلَى الْكَثِيرِ^۸

سلام کند و عبور کننده به نشسته، و [جمعیت] کم

۱۶۱۷ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَ غَوِي الْقَبِيلِ مَا كَانَ الْقَدُّ فِي غَوِي

به [جمعیت] بسیار

۱۶۱۷. پیامبر خدا ﷺ: خداوند، در کار کمک به بنده

۱. تارخ المذبه المنورة ج ۲ ص ۵۶۸

۲. کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۱ ص ۲۷۲ ح ۵۷۶۲

۳. الذکوی ج ۲ ص ۱۵۸ ح ۵

۴. عوالی الاکلی ج ۱ ص ۲۹۲ ح ۱۶۳

۵. فردوس الاختیار ج ۱ ص ۱۰۹ ح ۲۳

۶. الفردوس ج ۲ ص ۴۵ ح ۲۲۶۳

۷. إرشاد القلوب ص ۱۶۵

۸. صحیح البخاری ج ۵ ص ۲۳۰ ح ۵۸۷۷

۱. دشنام حواهی نکند، یعنی فرزند، کاری نکند که پدر و مادرش میان مردم، بدنام شود و موجب نفرت و بدگویی از آنان گردد.

۲. گشتی است که این وظایف، غالباً احصا می‌شود به کودک مدرسه. لیکن مرتبی دیده به تدریج، کودک و بزرگ‌ترین وظایف آشنا کند

أخيه^۱.

است تا وقتی که بنده، در کار کمک به برادرش

باشد

۱۶۱۸ عنه ﷺ إِنْ أَمَّاكَ بِوَجْهِ مُسَبِّطٍ^۲

۱۶۱۸ پیامبر خدا ﷺ، سرادرت را با روی گشوده

ملاقات کن

۱۶۱۹ عنه ﷺ الْمُؤْمِنُ مِرَاةٌ لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ^۳ يَصْحَبُهُ

إِذَا عَابَ عَنْهُ، وَيُعِيطُ^۴ عَنْهُ مَا يَكْرَهُ إِذَا شَهِدَ، وَيُؤَسِّعُ لَهُ

فِي الْمَجْلِسِ^۵

۱۶۱۹. پیامبر خدا ﷺ مؤمن، آینه برادر مؤمن خود

است؛ وقتی حاضر باشد، حیر خواه دوست و ان

گاه که هست، آنچه را باحوشاید است، از او

می‌رنجاند و در مجلس برای او جانا می‌کند.

۱۶۲۰ عنه ﷺ خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ غُيُوبَكُمْ^۶

۱۶۲۰. پیامبر خدا ﷺ بهترین برادران شما، کسی

است که عیب‌ها را به شما هدیه دهد.

۱ صحیح مسلم ج ۱ ص ۲۰۷۱ ح ۳۸

۲ الکافی ج ۲ ص ۱۰۲ ح ۳

۳ إمّاطة الأذى أي تنجيته (النهاية ج ۱ ص ۳۸۰ مطبوعه)

۴ التواتر للروندی، ص ۹۹ ح ۵۶

۵ نبيه الخواطر ج ۲ ص ۱۲۳

الْبَابُ الثَّالِثُ

باب سوم

تَرْبِيَةُ الشَّبَابِ

تربیت جوان

الفصل الأول: ربيع الحياة

فصل یکم: بهار زندگی

۱/۱. اغتنامُ فُرْصَةِ الشَّبَابِ

۱/۱. غنیمت بااستفادن جوانی

۱۶۲۱ رسول الله ﷺ - مِنْ وَصِيَّتِهِ لِإِمَامٍ عَلِيٍّ ع - يَا عَلِيُّ، بَادِرْ بِأَرْبَعٍ قَبْلَ أَرْبَعٍ شَبَابِكَ قَبْلَ عَمَلِكَ، وَصِحَّتِكَ قَبْلَ سُعْيِكَ، وَعِيَاكَ قَبْلَ فَقْرِكَ، وَحَيَاتَكَ قَبْلَ مَوْتِكَ^۱

۱۶۲۱ پیامبر خدا ﷺ - در ستایش به امام علی ع - ای علی! چهار چیز را پیش از چهار چیز دریاب، جوانی‌ات را پیش از پیری، تن درستی‌ات را پیش از بیماری، بی‌نیازی‌ات را پیش از نیازمندی، و زندگی‌ات را پیش از مرگ

۱۶۲۲ عنه ﷺ لِيَتَرَوُا الْعَبْدَ مِنْ دُنيَا لَآجِرِيهِ، وَمِنْ حَيَاتِهِ لِمَوْتِهِ، وَمِنْ شَبَابِهِ لَهَرَمِهِ، فَإِنَّ الدُّنْيَا حُلَيْقَتُكُمْ وَأَنْتُمْ حُلَيْقَتُمْ لِلْآخِرَةِ^۲

۱۶۲۲ پیامبر خدا ﷺ: بنده باید برای سرای آخرتش از دنیا، و برای مرگش از زندگی، و برای پیری‌اش از جوانی، توشه بگیرد؛ زیرا دنیا برای شما الهی‌آفریده شده و شما برای آخرت آفریده شده‌اید

۲/۱. مُحَاسَنَةُ أَمَامِ الشَّبَابِ

۲/۱. حسناوبررسی و ورگزار جوانی

۱۶۲۳ رسول الله ﷺ لَا تَرَوُلْ قَدَمَا غَدِيرِ يَوْمِ الْيَمَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ عَنْ عُمْرِهِ فِيمَا أَلَسَّ، وَعَنْ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ، وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْسٍ أِكْتَسَبَتْهُ وَفِيمَا أُنْفَقَهُ، وَعَنْ حُبِّهَا أَهْلَ الْبَيْتِ^۳

۱۶۲۳ پیامبر خدا ﷺ بنده، در روز قیامت، گام در گام بر نمی‌داری، مگر آن که از چهار چیز پرسیده می‌شود: از عمرش که چگونه سپری ساخته، و از جوانی‌اش که چگونه هلاک داده، و از ثروتش که از کجا به دست آورده و چگونه خرج کرده است؛ و از دوستی ما اهل بیت

الفصل الثاني: ربيع بقاء الذات

۱/۲. استبعادُ الشَّبَابِ لِبِنَاءِ ذَاتِهِ

الكتاب

فصل دوم: بهار خودسازی

﴿فَمَا نَافِعُ لِمَنْ يُفَوِّسُ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِمَّنْ قَوْمِهِ﴾^۱

۱/۲. آمانگی جوان برای خودسازی

قرآن

﴿مُرَاجَعَامُ، كَمَنْ يَبْنِي بَيْتًا فَيَأْتِيهِ مَكْرُورٌ مِمَّنْ قَوْمِهِ﴾^۲
توبه وی^۳

۱ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۳۵۷ ح ۵۷۱۲

۲ تبه الخواطر ج ۱ ص ۱۳۱

۳ التخصیص ص ۲۵۳ ح ۱۲۵

۴ بوس ۸۳

الحديث

۱۶۲۴. شباب فريش قال رسول الله ﷺ: أَوْصِيَكُمْ بِالشُّبَّانِ خَيْراً فَإِنَّهُمْ أَرْزُقُ أَفْقِدَةً، إِنَّ اللَّهَ يَبْغِي بَشِيراً وَتَدِيراً فَحَالِقِي الشُّبَّانَ وَحَالِقِي الشُّيُوحَ، ثُمَّ قَرَأَ ﴿مَطَانٍ عَلَيْهِمُ الْأَمْدُ فَلَنْسِتَ قُلُوبُهُمْ﴾^۱

۲/۲. الثَّرْبِيَّةُ الْمَعْبُوءَةُ

۱۶۲۵. الإمام زين العابدين ع: مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ بِقَوْمٍ يَرْفَعُونَ حَبِيراً فَقَالَ مَا هَذَا؟

قَالُوا نَعْرِفُ بِدَالِدٍ أَشَدُّنَا وَأَقْوَانَا

فَقَالَ ﷺ: أَلَا أَحْبَبُّكُمْ بِأَشَدُّكُمْ وَأَقْوَانُكُمْ؟

قَالُوا بَلَى، يَا رَسُولَ اللَّهِ

قَالَ: أَشَدُّكُمْ وَأَقْوَانُكُمْ الَّذِي إِذَا رَضِيَ لَمْ يُدِخِلْهُ

رِضَاءُ لِي إِيَّاهُمْ وَلَا بَاطِلٍ، وَإِذَا سَخَطَ لَمْ يُعْرِجْهُ سَخَطَةً

مِنْ قَوْلِي الْحَقِّ، وَإِذَا قَدَّرَ لَمْ يَتَعَاطَ مَا لَيْسَ بِحَقٍّ^۲

الفصل الثالث. ربيع العُمر

۱/۳. بَعَثَ الْأَنْبِيَاءُ ﷺ شُعَبَاناً

الكتاب

﴿قَالُوا سَمِعْنَا فَتَى نَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهْزٍ إِبْرَاهِيمَ﴾^۱

الحديث

۱۶۲۶. رسول الله ﷺ: مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيّاً إِلَّا شَاهِباً^۲

حديث

۱۶۲۲. شباب فريش پیامبر خدا فرمود: «شما را به یکی یا جوانان سوارش می‌کم؛ رسا سرم‌ترین دل‌ها را دارند به راستی که خداوند، مرا بشارت دهنده و هشدار دهنده برانگیخت، پس جوانان، با من پیمان بستند و پیران، با من به مخالفت برخاستند» و آن گاه، این ایه را خواند: ﴿وَعمر آدم به درازا کشید و دل‌هایشان سخت گردید﴾^۱

۲/۲ پرورش معنوی

۱۶۲۵. امام زین العابدین ع: پیامبر ﷺ بر گروهی گذشت که سگی را بلند می‌کردند فرمود: «ای، چه کاری است؟»

گفتند، با این کار، بیرومندترین و استوارترین خود را می‌نامیم

فرمود: «آیا به شما خبر دهم که استوارترین و بیرومندترین شما کس است؟»

گفتند، بلی، ای پیامبر خدا!

فرمود: «استوارترین و بیرومندترین شما، کسی است که هر گاه حشود شود، حشودی‌اش او را به گناه و باطل نکشاند، و هر گاه حشمگین شود، حشمش او را از سخن حق، بیرون نراند، و هر گاه به قدرت رسید، به کار غیر حق، دست نزند»

فصل سوم: بهار سازندگی

۱/۳ بعثت پیامبران ﷺ بر جوانی

قرآن

﴿[مردم باین] گفتند: شیدیم جوانی، از آن [بت‌ها] به [بدی] یاد می‌کرد که به او ابراهیم گفته می‌شود﴾

حديث

۱۶۲۶. پیامبر خدا ﷺ خداوند، هیچ پیامبری را جز در جوانی، مبعوث نکرد

۱. العديد ۱۶

۲. معانی الأخبار ص ۳۶ ۲. الأنبياء ۶۱

۳. كنز العمال ج ۱۱ ص ۴۷۵ ح ۳۲۳۲

۱۶۲۷ علیه‌السلام یا بنی عبدالمطلب، اِنِّی وَاقِعٌ مَا اَعْلَمُ شَابًا
مِی الْمَرْبِ جَاءَ قَوْمُهُ بِأَفْضَلِ مِمَّا جِئْتُمْ بِهِ اَنِّی قَدْ
جِئْتُكُمْ بِخَيْرِ الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ^۱

۱۶۲۷ پیامبر خدا ﷺ ای فرزندان عبدالمطلب! به
راستی، به خداوند سوگند، جوایزی را در میان
عرب می‌شمارم که بهتر از آنچه من برای شما
آورده‌ام، [برای جمعه حویش] آورده باشد. من
راستی که برای شما جوایزی های دنیا و آخرت را
آورده‌ام

۲/۳ الإمام المهدی عليه السلام يظفر شابًا

۱۶۲۸ رسول الله ﷺ يَقُومُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ رَجُلٌ مِّنْ
عِزَّتِي شَابٌ حَسَنُ الْوَجْهِ أَقْنَى الْأَنْبِ بِمَلَأُ الْأَرْضَ
قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا كُنْتُ ظَلَمًا وَجَوْرًا.^۲

۲/۲ ظهور امام مهدی علیه السلام به صورت جوان

۱۶۲۸ پیامبر خدا ﷺ در آخر زمان، مردی از خاندانم
که جوانی است زیباروی و بسی کشیده، قیام
می‌کند و زمین را پُر از عدل و انصاف می‌نماید،
همان گونه که پُر از ظلم و ستم شده است

الفصل الرابع أهم ما ينبغي للشباب

۱/۴ التَّعَرُّفُ عَلَى الْقُرْآنِ

۱۶۲۹ رسول الله ﷺ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ مِی شَبَابِهِ احْتَلَطَ
بِلَحْمِهِ وَدَمِهِ^۳

فصل چهارم، مهم‌ترین چیزهایی که
برای جوان شایسته است

۱ ۲ آشنایی با قرآن

۲/۴ التَّوْبَةُ

۱۶۲۹ رسول الله ﷺ التَّوْبَةُ حَسَنٌ وَلَكِنَّ لِشَبَابٍ
أَحْسَنَ^۴

۱۶۲۹ پیامبر خدا ﷺ هر که قرآن را در جوانی اش فرا
گیرد، با گوشت و خورش عجیب می‌گردد

۱۶۳۱ علیه‌السلام اِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ الشَّابَّ التَّائِبَ.^۵

۲/۲ توبه

۳، ۴ الاهتمام بالعبادة

۱۶۳۲ رسول الله ﷺ فَصَّلُ الشَّابِّ الْعَابِدِ الَّذِي تَعَبَّدَ فِي
صِبَاهٍ عَلَى الشَّيْخِ الَّذِي تَعَبَّدَ نَحْدَ مَا كَثُرَ سَنُهُ كَفَصْلِ
الْمُرْتَلِينَ عَلَى سَائِرِ النَّاسِ.^۶

۱۶۳۰ پیامبر خدا ﷺ توبه زیباست؛ ولی در هنگام
جوانی، زیباتر است.

۱۶۳۱ پیامبر خدا ﷺ به راستی که خداوند، جوانی
توبه‌کننده را دوست می‌دارد.

۳/۲ اهتمام به عبادت

۱۶۳۲ پیامبر خدا ﷺ برتری جوان عبادت‌پیشه‌ای
که در روزی به عبادت رو آورده، بر پیری که در
بررگی به عبادت رو آورده، مانند برتری پیامبران
بر دیگر مردمان است

۱ الامالی للطوسي ص ۵۸۳ ح ۱۲۰۶

۲ عمدة الدرر ص ۳۹

۳ كنز العمال ج ۱ ص ۵۳۲ ح ۲۳۸۱

۴ كنز العمال ج ۱۵ ص ۸۹۶ ح ۱۳۵۴۱

۵ كنز العمال ج ۴ ص ۲۰۹ ح ۱۰۱۸۵

۶ كنز العمال ج ۱۵ ص ۷۷۶ ح ۴۳۰۵۹

۱۶۳۳ عنه ﷺ إِنْ لَقِيَ تَعَالَى يُبَاهِي بِالشَّابِّ الْعَابِدِ
الْمَلَائِكَةَ، يَقُولُ أَنْظِرُوا إِلَى عَبْدِي! تَزَكَّ شَهْوَتُهُ مِنْ
أَجَلِي^۱

۱۶۳۴ عنه ﷺ - لَا يَبِي ذَرٌّ - يَا أَبَا ذَرٍّ، مَا مِنْ شَابٍّ يَذْغُ
إِلَهُ الدُّنْيَا وَلَهُوَهَا وَأَهْزَمَ شَبَابُهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ إِلَّا أَعَدَّ
لَهُ أَجْرًا ثَنِيٍّ وَسَبْعِينَ صَدِيقًا^۲

۱/۴. الإِهْتِمَامُ بِطَرَحِ الْأَسْئَلَةِ

الكتاب

﴿فَسْئَلُوا أَهْلَ الذَّخْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾^۳

الحدیث

۱۶۳۵ رسول الله ﷺ العلمُ حَرَامٌ وَمِصَاحُهَا السُّؤَالُ،
فَاسْأَلُوا رَجُلَكُمْ اللَّهُ، فَإِنَّهُ يُؤَحِّزُ رُبْعَهُ السَّائِلُ،
وَيَمْتَكِلُهُ، وَالصُّتْمُ وَالْمُجِبُّ لَهُمْ^۴

۱۶۳۶ الإمام الصادق ﷺ إِنْ النَّبِيَّ ﷺ ذَكَرَ لَكَ أَنْ رَحَلَ
أَصَابَتُهُ جَنَابَةٌ عَلَى جُرْحٍ كَانَ بِهِ، فَأَمِرَ بِالسَّلِ
فَاعْتَسَلَ فَكَرَّهُ فَمَاتَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَتَلُوهُ
فَتَلَّهُمُ اللَّهُ، إِنْما كَانَ دَوَاءَ الرِّيِّ السُّؤَالُ^۵

۱۶۳۳ پیامبر خدا ﷺ خداوند مستعال، به جوان
عادت پیشه، مرد فرشتگان امتحان می‌کند، در
حالی که می‌فرماید: «بنده‌ام را سگریذ، برای من،
خواست‌های نفس خود را کنار نهاده است»

۱۶۳۴. پیامبر خدا ﷺ - به ابو ذر - ای ابو ذر! هیچ
حوائی نیست که دنیا و حوشی‌اش را به خاطر
خداوند، کنار نهی و جوانی‌اش را در راه بندگی
خدا سپری کند، مگر آن که خداوند، به وی پاداش
همناد و دو صدیق می‌بخشد

۲/۲ اهتمام به پرسشگری

قرآن

﴿إِنِّي أَكْرَمُ دَنِيَّةٍ مِنْ دَنِيَّةِ الْكَتَابِ﴾^۶

شریف

حدیث

۱۶۳۵ پیامبر خدا ﷺ: دانش، گنجینه‌هایی است که
کلید آنها، پرسش است. پرسید - خداوند، شما را
رحمت کند - چرا که چهار گروه، پاداش
می‌بزند: پرسش‌کننده، پاسخ‌دهنده، شنونده، و
دوستدار آن.

۱۶۳۶ امام صادق ﷺ، به پیامبر ﷺ گزارش داده شد که
مردی مجروح و آسیب‌دیده، جُنُب شد و به وی
گفته شد غسل کند، او هم غسل کرد و سپس سرما
خورد و لرزید و از دنیا رفت

پیامبر خدا فرمود: «او را گشتند خداوند آنان
را یگشتد! همانا داری در مانده [از پاسخ]،
پرسید [از دانا] است»

۱ كثر الصلح ج ۱ ص ۱۷۶ ح ۱۳۰۵۷

۲ الأمل للعلوی ص ۵۲۵ ح ۱۱۶۲

۳ للمعل ۲۲ ۴ تصحیح العلول ص ۱۱

۵ كثر الرجل فهو مكرور إذا تقطع من البرد (الصلح ج ۳ ص ۱۹۳)

۶ التكملة ج ۳ ص ۶۸ ح ۱

الْبَلَّاجُ لِلزَّالِمِ

عَوَامِلُ بِنَاءِ النَّفْسِ

الفصل الأول، التأسی بالاسمی الحسنة

باب چهارم

عوامل خودسازی

فصل یکم، الگوگیری از الگوهای خوب

۱/۱ الانبیاء

۱/۱ پیامبران

الكتاب

قرآن

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَّتْهُمْ أَفْئِدَةٌ﴾^۱

﴿اینان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده است پس به هدایت آنان اقتدا کن﴾

﴿رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أُرْسِلْتَ وَأَنَّا نَمُوتُ وَنَحْيَا مَعَ

﴿پروردگارا به آنچه مژول کردی، گرویدیم و فرستاده (ات) را پیروی کردیم، پس ما را در مرگ گواهان بپوش﴾

الشَّهِيدِينَ﴾^۲

﴿لحمنا برای خدا در (پیروی از) ابراهیم و کسانی که با او﴾

﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَلِئَمَّنْ مَعَهُ﴾^۳

﴿ما از خدا و از آنچه به جای خدا می‌پرستید، بپاازم﴾

﴿قَالُوا لَقَوْمٌ إِذَا تَزَعَّوْا مِنْكُمْ وَمَعَ تَغَتَّبُونَ مِنْ تَحْتِ

﴿فقط برای خدا در (اقتدا به) رسول خدا سرشقی﴾

﴿اللَّهُ﴾^۴

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ

﴿برگشته برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید

﴿يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ عَظِيمًا﴾^۵

﴿داده و خدا را فراوان یاد می‌کند﴾

حدیث

الحدیث

۱۶۳۷. پیامبر خدا ﷺ هر که به پیامبران اقتدا کند،

۱۶۳۷. رسول الله ﷺ می‌اقتدای پالشیاء، دَحَلْ مَحْتَمُ

همراه آنان به بهشت می‌رود.

الجنة^۱

۲/۱ اهل بیت

۲/۱ اهل النبیت

۱۶۳۸. صحیح مسلم - به نقل از زید بن ارقم - زوری،

۱۶۳۸ صحیح مسلم عن زید بن ارقم، قام رسول الله ﷺ

پیامبر خدا در آبگاهی به نام «حَم» در راه میان مکه و

يَوْمًا مِمَّا خَطَبِيًّا بِمَاءٍ يُدْعَى حُمًا، تَيْنَ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ،

مدینه، برای ما به خطبه ایستاد و حمد و ثنای خداوند

فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ وَوَعظَ وَذَكَرَ، ثُمَّ قَالَ

را به جای آورد و پند و اندرز داد و آن گاه فرمود: و

ایک ساي مردم - بدانید که من هم یک بشرم و رود

است که پیکي [مرگ، از سوی] پروردگارم بیاید و

دعوتش را اجابت کنم، من در میان شما، دو چیز

۱ الأنعام ۹۰، ۲ آل عمران ۵۳

۳ الممتحنة ۴، ۴ الأحزاب ۲۱

۵ جامع الأخبار ص ۱۵۱ ح ۳۶۰

أَمَّا بَعْدُ، أَلَا أَيُّهَا النَّاسُ فَإِنَّمَا مَا بَشَرٌ يُوْثِقُ أَنْ
يَأْتِي رَسُولُ رَبِّي فَأَحْيَيْتُ وَأَنَا بَارِكٌ فِيكُمْ تَقِيينَ
وَأَلَهُمَا كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَى وَالتَّوْرُ، فَخُذُوا كِتَابَ اللَّهِ
وَاسْتَمْسِكُوا بِهِ

فَخُذْ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَرَغَبْ فِيهِ ثُمَّ قَارِ
وَأَهْلُ بَيْتِي، أَدْكُرْكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي، أَدْكُرْكُمْ اللَّهُ
فِي أَهْلِ بَيْتِي، أَدْكُرْكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي

۳/۱ العلماء

۳/۱ دانشمندان

۱۶۳۹. رسول الله ﷺ: اتَّبِعُوا الْعُلَمَاءَ، فَإِنَّهُمْ سُرُجٌ لِّلدُّنْيَا
وَمَصَابِيحُ الْآخِرَةِ^۱

۱۶۴۰. علیه السلام: - فِي التَّرَعُّبِ إِلَى طَلَبِ الْعِلْمِ تَرْفَعُ لَكَ
بِهِ أَعْوَامٌ يَحْمِلُهُمْ فِي الْحَبْرِ نَفْثَةُ يُقْدِى بِهِمْ سُرُوحُ
أَعْمَالِهِمْ، وَنَفْسُ النَّارِ هُمْ، وَسُرْعَتُ الْمَلَائِكَةِ فِي
حُلِيِّهِمْ، يَمَسُّوهُمْ فِي صَلَاتِهِمْ بِأَحْسَنِ

الفصل الثاني المجاهدة

۲ ۱ جهاد النفس

۱۶۴۱. رسول الله ﷺ: مُحَاجَبَةٌ أَصْحَابَهُ لَمَّا قَدِمُوا مِنْ بَعْضِ

۱ قَالَ ابْنُ الْأَثِيرِ: سَمِعْتُهَا مِنْ نَفْسٍ، لَأَنَّ أَحَدَهُمَا وَالْعَمَلُ بِهِمَا
تَقْبِيلٌ، وَيَعَالِ كُلُّ حَظِيرٍ نَفْسٍ تَقِلُّ فَمِنْهَا تَقْلِيلُ أَهْطَامَا
لَهُمَا وَتَضَعُهُمَا لِسَانَهُمَا (النهاية ج ۱ ص ۲۱۶، نقل)

۲ صحيح مسلم ج ۴ ص ۱۸۷۳ ج ۳۶

۳ الفردوس ج ۱ ص ۷۱ ج ۲۰۹

۴ رَفَعَتْهُ بِصُرَى وَرَفَعَتْهُ إِذَا تَبِعَهُ بِصُرَى تَعْلِفُهُ، وَتَنْظَرُ إِلَيْهِ
وَتَرْقُبُهُ وَتَرْقُبُ فَرِيحاً، أَدَامَ لِلنَّظَرِ (تاج الفردوس ج ۱۳ ص ۱۷۷
«ورق») وَالظَّاهِرُ أَنَّ الْمُرَادَ مِنَ التَّرْمِيقِ أَهْمَالَهُمْ، أَيْ يَنْظُرُ
إِلَيْهَا وَيُكْتَسِبُ مِنْهَا هِيَجَعُ النَّاسُ أَعْمَالَهُمْ عَلَى طَرَفَتِهِمْ

۵ التحصيل ص ۵۲۲ ج ۱۲

گران‌بها^۱ بر جای می‌گذارم. نخستین آن دو، کتاب
حدیث است که در آن، حدیث و تورات است. پس کتاب
حدیث را بگیرید و بدان چنگ ریزید

پیامبر ﷺ به کتاب حد، ترغیب و تشویق کرد
سپس فرمود: «و [دوم]، اهل بیت من، حد را درباره
اهل بسم به شما یادآوری می‌کنم. حد را درباره اهل
بیتم به شما یادآوری می‌کنم، حد را درباره اهل بیتم
به شما یادآوری می‌کنم»

۱۶۳۹. پیامبر خدا ﷺ از عالمان اصالح ا پیروی کنید،
چرا که چراغ‌های دنیا و روشنایی‌های آخرت‌اند

۱۶۴۰. پیامبر خدا ﷺ: - در تشویق به طلب علم -
حکم‌آورد به سبب آن (دانش)، اقوامی را بلندمرتبه
می‌گرداند و آنان را در حوایی‌ها پیشوایانی قرار
می‌دهد که سرمشق دیگران می‌شوند، و کارهایشان
مورد توجه دیگران قرار می‌گیرد و از رفتارهایشان
اقتباس می‌شود. فرشتگان سیر به دوستی با آنان
علاقه‌مند می‌شوند و در هنگام نمازشان، یال‌های
خود را بر سر آنها می‌کشند

فصل دوم مجاهدت

۱/۲ جهاد ما نفس

۱۶۴۱. پیامبر خدا ﷺ: به اصحابش هنگامی که از یکی از

۱ بن ابی‌هریره: «میدیدم که کتاب حد و هرت به تعقیب»،
گفته است: «دیش این است که گریزی آن دو و عمل به آنها،
سنگین است. و به هر چیز حطیر و اورو سندن» «نقل و گفته
می‌شود: پس پیامبر ﷺ آن دو را برای بزرگداشت منزلت آنها
و سبک و عالی‌دانش جایگاهشان، نقلین نامیده است
(النهاية ج ۱ ص ۲۱۶)

الْعُرُوبَ - : قَدِمْتُمْ خَيْرَ مَقْدَمٍ ، وَقَدِمْتُمْ مِنَ الْجِهَادِ
الْأَضْعَفِ إِلَى الْجِهَادِ الْأَكْثَرِ مُجَاهِدَةَ الْعَبْدِ هَوَاهُ

۱۶۱۲ عنه علیه السلام أَفْضَلُ الْجِهَادِ مَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ الَّتِي بَيْنَ
جَنْبَيْهِ ۲

۱۶۱۳ عنه علیه السلام أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي تَبْنَ جَنْبَيْكَ ۲

۲/۲ افضل الجهاد

۱۶۱۴ رسول الله صلی الله علیه و آله أَشَدُّ النَّاسِ اجْتِهَاداً مَنْ تَرَكَ
الذُّبُوبَ ۱

۱۶۱۵ عنه علیه السلام أَفْضَلُ الْجِهَادِ مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهُمُّ بِظُلْمِ
أَحَدٍ ۹

۳، ۲ ثمره للمجاهدة

الكتاب

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ
الْفُطُوفِينَ﴾ ۶

الحديث

۱۶۱۶ رسول الله صلی الله علیه و آله جَاهِدُوا أَنْفُسَكُمْ عَلَى شَهَوَاتِكُمْ تَجْرُ
قُلُوبُكُمْ الْحِكْمَةَ ۷

۱۶۱۷ عنه علیه السلام جَاهِدُوا أَنْفُسَكُمْ بِقِلَّةِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ ،
تُظْلِمُكُمُ الْمَلَائِكَةُ وَيَعْرِضُ عَنْكُمْ الشَّيْطَانُ ۸

۱ كنز العمال ج ۴ ص ۴۰ ح ۱۱۲۶۰

۲ المعمرات ص ۷۸ ۳ نيه الخواطر ج ۱ ص ۲۵۹

۴ الأمالي للصدوق، ص ۷۳ ح ۴۱

۵ المحاسن ج ۱ ص ۴۵۶ ح ۱۰۵۳

۶ المعكروت ۶۹

۷ نيه الخواطر ج ۲ ص ۱۲۲

۸ نيه الخواطر ج ۲ ص ۱۲۲

جنگ‌ها برگشتند :- خودش آمدید و از جهاد
اصغر، پای به میدان جهاد اکبر گذاشتید ؛ جهاد
بنده یا هوای نفسش

۱۶۲۲ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برترین جهاد، جهاد کسی است
که با نفس بهمت در میان دو پهلوی خود مبارزه
کند

۱۶۲۳ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دشمن‌ترین دشمن تو، نفسی
است که میان دو پهلویت قرار دارد

۲/۲ برترین جهاد

۱۶۲۴ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سخت‌کوش‌ترین مردم، کسی
است که گناهان را فرو گذارد.

۱۶۲۵ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برترین جهاد، جهاد کسی است
که صبح خود را با این نیت آغاز کند که به هیچ
کسی ستم روا ندارد

۴/۲ ثمره مجاهدت

قرآن

﴿وَكُلُّ مَنْ حَسَرَ سَبِيلَهُ بِمَا كَسَبَتْ يَدَايَاهُ
خُودَ رَا بَرِ آتَانِ مِي سَابِيهِمْ وَ بِه رَاسَتِي ، خُودَا بِا تَهَكُوكَارَانِ
اَسْت﴾.

حدیث

۱۶۲۶ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : با حواشی‌های نفس خود
بستیرید تا دل‌هایتان را حکمت فرا بگیرد.

۱۶۲۷ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تا کم حورددن و کم آشنامیدن ،
به جنگ نفس‌های خود بروید تا فرشتگان
بر سر شما سایه افکنند و شیطان از شما
یگریزد

الفصل الثالث. مخافة الله

فصل سوم: ترس از خدا

۱/۳ فصل مخافة الله

۱/۳. عصبيت ترس از خدا

الكتاب

قرآن

﴿تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ وَلَهُمْ خُوفًا
وَطَمَعًا وَمِمَّا رَرْتَنَّهُمْ يَقُولُونَ^۱﴾

﴿[مؤمنان حقیقی، کسانی هستند که] پهلوهایشان از
جوابگاه‌ها جدا می‌گردد [و] پروردگارشان را از روی بیم
و طمع می‌خوانند و از آنچه دوری‌شان داده‌ایم، اتفاق
می‌کند﴾.

الحدیث

حدیث

۱۶۱۸ رسول الله ﷺ رَسٌ لِّحِكْمَةِ مَخَافَةِ اللَّهِ^۲

۱۶۲۸ پیامبر خدا ﷺ سرآمد حکمت، ترس از خدا است
۱۶۲۹ پیامبر خدا ﷺ هر که خداشناس‌تر باشد،
خدا ترس‌تر است

۱۶۱۹ عَنْهُ ﷺ مَنْ كَرِهَ بِاللَّهِ أَغْرَفَ كَنْ مِنْ أَقْبَى أَوْفٍ^۳
۱۶۵۰ عَنْهُ ﷺ ثَلَاثٌ مُنْجِيَاتٌ. خَوْفُ اللَّهِ فِي سُرُوكِ نَكَدٍ
مَرَأَةٍ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ نَرَأَتْ فَإِنَّهُ يَرَاكَ^۴

۱۶۵۱ پیامبر خدا ﷺ سه چیز نجات‌بخش است

۲ ترس از خدا در بهان، چنان که گویی او را
می‌بینی؛ چرا که هر چند تو او را نمی‌بینی، او تو را
می‌بیند

۳ ۲ فصلُ الْبُكَاءِ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ

الكتاب

﴿إِنَّ الدِّينَ أَوْفُوا أَلْعَلَّ مِنْ قَلْبِهِ لَا يَخْلَى غُلْبِهِمْ.
وَيَحْزُونُ لِلْأَذْقَانِ يَنْكُونُ وَيَرِيدُهُمْ خُشُوعًا﴾^۵

الحدیث

قرآن

﴿به‌گمان کسانی که پیش از آن [سرود موعظ] دانش
پاافتانند، چون [این کتاب] بر آنان خوانده شود... و بر
روی زمین می‌افتند و می‌گریند و بر فردوسی آنها افزوده
می‌شود﴾

۱۶۵۱ رسول الله ﷺ طُوبَى لِمَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا سَكَنِي
عَلَى ذَنْبٍ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ هَذَا، ثُمَّ يَطْلُعُ إِلَى ذَلِكَ الذَّنْبِ
غَيْرَهُ^۶

حدیث

۱۶۵۲ عَنْهُ ﷺ مَنْ حَزَّحَ مِنْ عَمِيهِ مِثْلُ الذُّبَابِ مِنَ الدَّمَغِ
مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ آمَنَهُ اللَّهُ بِوَيْتِهِ الْعَرِ الْأَكْبَرِ^۷

۱۶۵۱. پیامبر خدا ﷺ. خوش چهره‌ای که خداوند به
آن می‌نگرد، در حالی که از ترس خدا بر گناهی که
کرده و جر او کسی از آن آگاه نیست، می‌گریزد!

۱۶۵۲ پیامبر خدا ﷺ هر کس از ترس خدا به اندازه
مگس اشک از چشمش خارج شود، خداوند، او
را در آن روز ترس بزرگ، ایمن می‌گرداند

۱ السجده ۱۶ ۲ الاختصاص ص ۳۴۳

۳ جامع الأخبار ص ۲۵۸ ح ۶۸۲

۴ المجلس ج ۱ ص ۶۲ ح ۳

۵ الإبرهه ۱۰۷-۱۰۹

۶ ثواب الأعمال ص ۲۰۰ ح ۲

۷ مکالم الاخلاق ج ۲ ص ۹۵ ح ۲۲۶۸

۱۶۵۳. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مِنْ عَلَامَاتِ الشَّقَاءِ جُمُودُ الْعَبْدِ^۱

۱۶۵۳. پیامبر خدا ﷺ از [جمده] نشانه‌های شقاوت، خشکی چشم است.

۲/۳ الْمُؤْمِنُ بَيْنَ الْخَوْفِ وَالرَّجَاءِ

الكتاب

﴿أَمْرٌ هُوَ قَبِيضٌ فَإِذَا فَتِلَ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَتَذَوَّرُ الْآخِرَةَ وَيُزَخُّوهُ رَحْمَةً رَبِّهِ، كُلُّ هَلٍ يَشْتَوِيهِ الْبَيْنُ يَتَلَمَّوْنَ وَالَّذِينَ لَا يَتَلَمَّوْنَ إِنَّمَا يَتَذَوَّرُ أَوْلُوا الْأَلْبَابِ﴾^۲

الحدیث

۱۶۵۴. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَوْ تَلَمَّعُونَ قَدَّرَ رَحْمَةً اللَّهُ لَا تُكَلِّمُ عَلَيْهَا وَمَا عَلِمْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا، وَلَوْ تَخَنَّمُونَ قَدَّرَ عَصَبٌ اللَّهُ لَفَلَسْتُمْ بِأَنْ لَا تُتَحَوَّأَ^۳.

۴/۳ خَوْفُ الْمُؤْمِنِ مِنْ سُوءِ الْحَاقَةِ

۱۶۵۵. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا يَزَالُ الْمُؤْمِنُ حَافِئًا مِنْ سُوءِ الْعَاقِبَةِ، لَا يَتَّقِي الْوُصُولَ إِلَى رِضْوَانِ اللَّهِ حَتَّى يَكُونَ وَهْتَ نُرْعُ رُوحِهِ وَظُهُورِ ظَلَمَةِ الْمَوْتِ لَهُ^۴.

۱۶۵۶. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَيْرُ الْأُمُورِ خَيْرُهَا عَاقِبَةُ^۵

۵/۳ مَنْ خَافَ اللَّهَ خَافَ مَعَهُ كُلَّ شَيْءٍ

۱۶۵۷. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ خَافَ اللَّهَ خَافَ مَعَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَمَنْ لَمْ يَخَفِ اللَّهَ خَافَهُ اللَّهُ فَهُوَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ^۶.

۱۶۵۸. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ أَهَابَ اللَّهُ مَعَهُ كُلَّ شَيْءٍ، وَمَنْ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ أَهَابَهُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ^۷.

۱. التخصال ص ۲۴۲ ح ۹۶ ۲. الزمر ۹

۳. كتر العمل ج ۲ ص ۱۴۴ ح ۵۸۹۱

۴. تنوير المصوب إلى الإمام العسكري ﷺ ص ۳۳۹ ح ۱۱۷

۵. الأمل للصدوق ص ۵۷۶ ح ۷۸۸

۶. كتاب من لا يضره الفقه ج ۱ ص ۳۵۷ ح ۵۷۶۲

۷. كتر العمل ج ۲ ص ۱۴۲ ح ۵۸۸۳

قرآن

﴿إِنَّمَا جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ فِتْنَةٍ حَسْبًا﴾ [یا آن کسی که او در طوفان شب، در حال سجده و قیام، اطاعت [خدا] می‌کند، او آخرت می‌برد و رحمت پروردگارش را امید دارد؟ بگو، آری کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند، یکسانند!] تنها خردمندانند که پند می‌پذیرند.

حدیث

۱۶۵۲. پیامبر خدا ﷺ اگر اندازه رحمت خدا را بدانید، بر آن تکیه خواهید کرد و جز اندکی، عمل نخواهید کرد و اگر اندازه حشم خدا را بدانید، نخواهید پنداشت که هرگز نجات نمی‌یابید.

۴/۳. مکرانی مؤمن از بدفرجامی

۱۶۵۵. پیامبر خدا ﷺ مؤمن، پیوسته از بدفرجامی، هراسان است و تا زمان جان کندن و ظاهر شدن فرشته مرگ بر او، یقین ندارد که به رضوان الهی خواهد رسید.

۱۶۵۶. پیامبر خدا ﷺ: بهترین کارها، خوش‌فرجام‌ترین آنهاست.

۵/۳ هر که از خدا پروا کند، همه چیز از او پروا می‌کند.

۱۶۵۷. پیامبر خدا ﷺ هر که از خداوند بترسد، همه‌اش از او می‌ترسند و هر که از خدا بترسد، خداوند بترسد.

۱۶۵۸. پیامبر خدا ﷺ: هر که از خدا بترسد، خداوند همه چیز را از او هراسان می‌کند و هر که از خدا بترسد، خداوند او را از همه چیز هراسان می‌سازد.

۶/۳ مَا لَا يَنْبَغِي مِنَ الْخَوْفِ

الكتاب

﴿إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُمْ فَلَا تَخَافُوهُمْ
وَخَافُوا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۱

الحديث

۱۶۵۹ رسول الله ﷺ طوبى لمن شغلته خوف الله عس
خوف الناس.^۲۱۶۶۰ عنه ﷺ لَا تَخَفْ فِى اللَّهِ لَوْمَةً لَّا تَمُوتُ^۳

الفصل الرابع التَّوْبَةُ

۲ مَا أَجَلَكَ تَرَسَ، سَازَوَار نَیَسْت

تَرَأَی

﴿وَدَعْ دَافِعَ، اِیْنِ شَیْطَانِ اِسْتِ کِه دُوسْتَانِش رَا مِی تَرَسَاتَد
پَس اِگَر مُؤْمِنِید، اَز اَنَّا نِی تَرَسِید، و اَز مَن نِی تَرَسِید﴾.

حدیث

۱۶۵۹ پیامبر خدا ﷺ حوشا آن که ترس از خدا ﷻ، او
را از ترس از مردم باز داشته باشد۱۶۶۰ پیامبر خدا ﷺ در راه خدا، در سرورش هیچ
سرورش کند مای، پروانه در راه مده

فصل چهارم. توبه

۱/۱ الْحَثُّ عَلَى التَّوْبَةِ

الكتاب

﴿وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ
تُفْلِحُونَ﴾^۱

الحديث

۱۶۶۱ رسول الله ﷺ التَّوْبَةُ حُبٌّ مَا قُلَّهَا^۲۱۶۶۲ عنه ﷺ اَلتَّائِبُ مِنْ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ^۳۱۶۶۳ عنه ﷺ لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ مُؤْمِنٍ تَائِبٍ وَ
مُؤْمِنَةٍ تَائِبَةٍ^۴

۱/۲ تَتَوَبُّوْنَ مَهْ يَوْمَهُ

تَرَأَی

﴿اِی مَؤْمِنَا اِی هَسِی | چِه مَرْد و چِه رَن | بَه دَرگَاهِ خِدا تَوْبَه
کَنِید اِسْید کِه رَسْگَار شَوِید﴾

حدیث

۱۶۶۱ - پیامبر خدا ﷺ توبه، گذشته‌ها را از پس می‌برد

۱۶۶۲ - پیامبر خدا ﷺ کسی که از گناه توبه کند، مانند
کسی است که گناهی نکرده باشد.۱۶۶۳ پیامبر خدا ﷺ مرد خدا، چیرى محبوب‌تر از مرد
یارى مؤمن توبه‌گر نیست

۱ آل عمران ۱۷۵

۲ الکافی ج ۸ ص ۱۶۹ ح ۱۹۰

۳ التمهید ص ۵۲۶ ح ۱۳ ۴ اللور ۳۱

۵ عوالي اللئمی ج ۱ ص ۳۳۶ ح ۱۵۰

۶ کذا المتل ج ۱ ص ۲۰۷ ح ۱۰۱۷۱

۷ حیون أخبار الرضا ج ۲ ص ۲۹ ح ۳۳

۲/۴. قَبُولُ التَّوْبَةِ

الكتاب

﴿وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيُعَلِّمُ مَا تَفْعَلُونَ﴾^۱

الحديث

۱۶۶۴ رسول الله ﷺ إِنَّ اللَّهَ عَافٍ إِلَّا مَنْ شَرَّدَ عَلَى اللَّهِ شِرَارًا
الْبَعِيرِ عَلَى أَهْلِهِ^۲

۳/۴. مَتَى تُقْبَلُ التَّوْبَةُ؟

الكتاب

﴿وَلَيْسَتْ التَّوْبَةُ بِلَبِيزٍ يَفْعَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّى يَأْتِيَ
حُضْرَ أَحَدِهِمُ الْمَوْتُ قَالَ بَنِي مُثَنَّى النَّسَبِ وَلَا إِلَيْنِ
يَمُوتُونَ وَهُمْ ظَنَّا أَنْ لَنَلْبَسَنَّهُمْ عَذَابَ آثَمٍ﴾^۳

الحديث

۱۶۶۵ رسول الله ﷺ مَنْ تَابَ قَبْلَ أَنْ يُعَايِنَ قَبِيلَ اللَّهِ تَوْبَتَهُ^۴
۱۶۶۶ عَنْهُ ﷺ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقْبَلُ تَوْبَةَ الْعَبْدِ مَا لَمْ يَمُرَّ بِهِ^۵

۴/۴. التَّوْبَةُ الْمَصْرُوحُ

الكتاب

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ إِنَّهُ تَوْبَةٌ مَصْرُوحٌ
عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَجْلِبَ جَنَّةً
تُخْرَجُ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾^۶

۱ الشوری ۲۵

۲ کثر المسائل ج ۱۶ ص ۱۲ ح ۱۳۷۱۷

۳ النساء ۱۸ ۴ الکافی ج ۲ ص ۱۴۱ ح ۲

۵ کثر المسائل ج ۴ ص ۲۱۰ ح ۱۰۱۸۷

۶ التحريم ۸

۲/۲. پذیرش توبه

قرآن

﴿وَلَوْ تَوَسَّلَ كَسِيٌّ إِلَىٰ تَوْبَةٍ رَأَىٰ بُدْغُلَانَهُ خَدُّهُ بِذِي قَبْلِهَا لَمَاسَ ذَنْبُهُ أَوْ دُونَ ذَلِكَ لَمَّا نَسَىٰ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾^۱

حدیث

۱۶۶۳ پیامبر خدا ﷺ خداوند، آمرزیده است، مگر
کسی را که از طاعت او بگریزد، همچنان که شتر از
صاحب خود می‌رود و می‌گریزد

۳/۲. تا چه زمانی توبه پذیرفته می‌شود؟

قرآن

﴿وَتَوْبَةُ الْكَافِرِ أَسْوَءُ مِنْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾^۲
﴿وَلَوْ تَوَسَّلَ كَسِيٌّ إِلَىٰ تَوْبَةٍ رَأَىٰ بُدْغُلَانَهُ خَدُّهُ بِذِي قَبْلِهَا لَمَاسَ ذَنْبُهُ أَوْ دُونَ ذَلِكَ لَمَّا نَسَىٰ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾^۳
﴿وَلَوْ تَوَسَّلَ كَسِيٌّ إِلَىٰ تَوْبَةٍ رَأَىٰ بُدْغُلَانَهُ خَدُّهُ بِذِي قَبْلِهَا لَمَاسَ ذَنْبُهُ أَوْ دُونَ ذَلِكَ لَمَّا نَسَىٰ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾^۴
﴿وَلَوْ تَوَسَّلَ كَسِيٌّ إِلَىٰ تَوْبَةٍ رَأَىٰ بُدْغُلَانَهُ خَدُّهُ بِذِي قَبْلِهَا لَمَاسَ ذَنْبُهُ أَوْ دُونَ ذَلِكَ لَمَّا نَسَىٰ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾^۵

حدیث

۱۶۶۵ پیامبر خدا ﷺ هر کس پیش از مشاهده [ی
مرگ] توبه کند، خداوند، توبه‌اش را می‌پذیرد.

۱۶۶۶ پیامبر خدا ﷺ: خداوند متعال، توبه بنده را،
پیش از آن که به جان کندن افتد، می‌پذیرد.

۴/۲. توبه مصروح (راستین)

قرآن

﴿وَيَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ إِنَّهُ تَوْبَةٌ مَصْرُوحٌ
عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَجْلِبَ جَنَّةً
تُخْرَجُ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾^۶

الحدیث

حدیث

۱۶۶۷ رسول الله ﷺ - وقد سُئِلَ عَنِ التَّوْبَةِ الصَّوْحِ -
هُوَ التَّدْبُّ عَلَى الذَّنْبِ حِينَ يَفْرُطُ مِنْكَ، فَاسْتَغْفِرُ اللَّهَ
بِنَدَامَتِكَ عَبْدَ الْحَافِرِ، ثُمَّ لَا تَعُودُ إِلَيْهِ أَبَدًا^۱

۵/۴. تأخیر التَّوْبَةِ

۱۶۶۸ رسول الله ﷺ - لَا بِنَ مَسْعُودٍ - يَا بِنَ مَسْعُودٍ،
لَا تُقَدِّمُ الذَّنْبَ وَلَا تُؤَخِّرُ التَّوْبَةَ، وَبَيْنَ قَدَمِ التَّوْبَةِ
وَأُخْرَ الذَّنْبِ مَا لَيْلُ اللَّهِ عَالِي يَهْوِي فِي كِتَابِهِ ﴿مَلْ يُرِيدُ
الْإِنْسَانُ لِيَفْخُرَ أَمَامَهُ﴾^۲

الفصل الخامس التَّقْوَى

۱/۵ الْحَدِيثُ عَلَى التَّقْوَى

الكتاب

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَأَقْبَلُوا لَفُتَحْنَا عَلَيْهِم
بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَئِن كَانُوا لَافْخُسًا
بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾^۳

الحدیث

۱۶۶۹ رسول الله ﷺ مَن رَزَقَ تَقَىٰ قَدَّمَ رُزْقَ حَيْرِ الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ^۴

۱۶۷۰ عنه ﷺ - فِي وَجْهِ لَأَيِّ دَرْ - أَوْصِيكَ بِتَقْوَىٰ

حدیث

۱۶۶۷ پیامبر خدا ﷺ - در پاسخ سؤالی از توبه بصوح -
توبه بصوح، پشیمانی از گاهی است که از توبه
سر می‌زدی، پس فوراً با پشیمانی خود،
از حلقه‌های آموزش به‌خواهی و دیگر هرگز به آن بر
نگردی

۵/۲ به تأخیر التَّوْبَةِ

۱۶۶۸. پیامبر خدا ﷺ - به ابن مسعود - ای پسر مسعود!
گاه، رایش میان و توبه را به تأخیر می‌کشی؛ بلکه
توبه را پیش افکشی و گاه را به تأخیر اندازی؛ زیرا
نخواهد منعمال در کتاب خود می‌فرماید: ﴿مَا كَ
لَإِنْسَانٍ مَّحَلَّدٍ يَلْوِشُ بَارَ مَا شَدَّ [تأخیر تمام نمود، فسق و
مجرم کند]﴾

فصل پنجم تقوا

۵ ۱ تشویق به تقوا

قرآن

﴿وَإِذَا مَرَدُّ شَهْرٍ أَهْلَانِ أَوْدَدَ بَرَدَدَ وَبِهِ تَقْوَا كَرَامِيدَ
بِسُودَدَ، قَطْعًا بِرَكَاتِي أَرِ أَسْمَانِ وَرَسْمِ بِرَائِشَانِ
مَسِيْ كَشُودِيدِهِ وَلِي تَكْدِيدَ كَرَدَدَ بِسَ بِهِ [کیمر]
عَلِكُودِشَانِ [گریبان] آنانِ وَا كُودِشَانِ﴾.

حدیث

۱۶۶۹ پیامبر خدا ﷺ هر که تقوا روری‌اش شود، حیر
دنیا و آخرت روری‌اش شده است.
۱۶۷۰ پیامبر خدا ﷺ - در سمدارش خود به ابوذر -

۱. کنز العمال ج ۴ ص ۳۶۰ ح ۱۰۴۲۷

۲. التَّوْبَةُ ۵

۳. مکتبم الاخلاق ج ۲ ص ۳۵۳ ح ۲۶۶۰

۴. الأعراف ۴۶

۵. کنز العمال ج ۳ ص ۹۱ ح ۵۶۱۱

اللَّهُ فَإِنَّهُ رَأْسُ الْأَمْرِ كُلِّهِ^۱

۱۶۷۱. عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَكْبَرُ الْكَثِيرِ الْتَّغَى، وَأَحْمَقُ الْخَمَقِ
الْفُجُورُ^۲

تقوای خدا را پیشه کن؛ زیرا رأس همه کارهاست.

۱۶۷۱. پیامبر خدا ﷺ: زیرک‌ترین و بزرگوار
است و احمقانه‌ترین حماقت، گناه کردن.

۲/۵. تَقْوَى كَلِيدُ كَرَامَةِ اسْت

۲/۵ التَّقْوَى مِفْتَاحُ الْكَرَامَةِ

قرآن

الكتاب

﴿بِئْسَ مَوْدِعًا مَا شَاءَ الرَّبُّ وَرَبِّ آفَرِيدِيمَ، وَ شِمَارِ
قَبِيلِهِ هَآیْ كَرَنَافُونَ قَرَارِ دَادِيمَ تَا يَكْدَهْكَرَ وَ بَشَنَسِيدَ مَر
حَقِيقَتِهِ اِرْجَمْدَلَنَ بِنِ شِمَا مَزْدَ عَدَا، پَرَهِرْگَزَنَرِ
شِمَاسْتَه بِنِ نَرْدَهْدَ، خَدَلَوِدَ، دَلَنَایِ آگَا، سَآ﴾

﴿بِئْسَ إِلَهًا الْبَاشَرُ إِنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُّكْرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاهُ
مُسْخُوْبًا وَقَبَائِلَ يَتَخَفَتُونَ إِنْ أَطْرَقَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْتُمْ
إِنْ أَنْتَ لَهُ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾^۳

حدیث

الحدیث

۱۶۷۲. پیامبر خدا ﷺ: همانا پروردگار شما یکی است
و بآل شما یکی و دین شما یکی و پیامبران یکی
هیچ عربی بر هیچ عجمی برتری ندارد و نیز هیچ
عجمی بر هیچ عربی، و هیچ سیدی بر هیچ
سیاهی، و هیچ سیاهی بر هیچ سفیدی، مگر به
نفرا.

۱۶۷۲. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ، وَإِنْ أَبَاكُمْ وَاجِدٌ،
وَدِينُكُمْ وَاحِدٌ، وَنَبِيُّكُمْ وَاحِدٌ، وَلَا فُصْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى
عَجَمِيٍّ، وَلَا عَجَمِيٍّ عَلَى عَرَبِيٍّ، وَلَا أَحْمَرَ عَلَى
أَسْوَدَ، وَلَا أَسْوَدَ عَلَى أَحْمَرَ، إِلَّا بِالتَّقْوَى^۴

۱۶۷۳. پیامبر خدا ﷺ: هنگامی که در سال فتح مکه،
همراه فصل بن عباس و أسامة بن زید، داخل خانه
خدا شد و سپس بیرون آمد و دستگیره در را
گرفت -: متایش، خداوندی را که بندگان را
تصدیق کرد و بندگان را به انجام رساند و به
نهایی، بر همه احزاب پیروز گشت، خداوند،
محرور عرب و نازیدن آنها به پلدرانشان را از بین
برد. همه شما از آدم هستید و آدم از خاک و
ارجمندترین شما نرد خداوند، به تقواترین
شماست.

۱۶۷۳. عَنِ النَّبِيِّ ﷺ - لَمَّا دَخَلَ الْبَيْتَ حَامَ الْفَتْحِ وَفَعَلَ الْفَصْلُ
بْنَ عَبَّاسٍ وَأَسَامَةَ بْنَ زَيْدٍ، ثُمَّ خَرَجَ فَأَحَدَ بِحَلْفِهِ
الْبَابَ - الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَّقَ هَذِهِ، وَأَجْرَ وَعْدَهُ،
وَعَلَّيْتِ الْأَحْرَابَ وَحَدَهُ، إِنَّ اللَّهَ أَذْهَبَ نَخْوَةَ الْقَرْبِ
وَتَكَبَّرَهَا بِآبَائِهَا، وَكُلُّكُمْ مِنْ آدَمَ وَآدَمُ مِنْ تَرَابٍ، وَإِنْ
أَكْرَمُكُمْ صَدَّ اللَّهُ أَنْفُسَكُمْ^۵.

۱. معنی الأخبار ص ۳۳۴ ح ۱

۲. الأملی للصدوق ص ۵۷۶ ح ۷۸۸

۳. المعجرات: ۱۳

۴. كنز العمال ج ۳ ص ۹۳ ح ۵۶۵۵

۵. مشکاة المصابیح ص ۱۲۰ ح ۲۸۳

۳/۵. مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً

الكتاب

«مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً» وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ مَنَّانٌ فَجَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْراً»

الحديث

۱۶۷۶ رسول الله ﷺ: «مَنْ كَانَ يَتَّقِ اللَّهَ عَلَى عِبْدِهِ الْمُؤْمِنِ ثُمَّ اتَّقَى اللَّهَ، لَجَعَلَ اللَّهُ لَهُ مَخْرَجاً وَمَخْرَجاً»^۱

۱۶۷۵ عنه ﷺ: «لَمَّا قَرَأَ «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً» - مِنْ شِبْهَاتِ الدُّنْيَا، وَمِنْ غِلَاتِ الْمَوْتِ، وَتَدَانِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۲

۴/۵. مَا يُورِثُ التَّقْوَى

۱۶۷۸ رسول الله ﷺ: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَتَّقُونَ اللَّهَ مِنَ الشَّيْءِ الَّذِي لَا يَنْفَعُهُمْ حَوْماً مِنَ الدُّحُولِ فِي الشُّبْهَةِ»^۳

۱۶۷۷ عنه ﷺ: «فِي وَجْهِهِ لَا بَيِّ ذُرٌّ - يَا أَيُّهَا ذُرٌّ، لَا يَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يُحَاطَبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ مُحَاسَبَةِ الشَّرِيكِ لِشَرِيكِهِ، فَيَعْلَمُ مِنْ أَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمِنْ أَيْنَ مَشْرَبُهُ، وَمِنْ أَيْنَ مَلْبَسُهُ؟ أَيْنَ حُلُّ ذَلِكَ، أَمْ مِنْ حَرَامٍ؟»^۴

۱ الطلاق ۲/۳

۲ عدد الداعی ص ۲۸۶

۳ مجمع الزیاد ج ۱۰ ص ۱۶۰

۴ مکرم الاخلاق ج ۲ ص ۳۷۶ ح ۲۶۶۱

۵ کز العمال ج ۲ ص ۶۹۹ ح ۸۵۰۱

۴/۵. گشایش الهی برای تقواپیشگان

قرآن

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً» [حدید] برای او راه بیرون شدنی قرار می‌دهد و از جایی که حسابش را نمی‌کند، به او دوری می‌رساند، و هر کس بر خدا اعتماد کند، او برای وی بس است. خدا فرمایش را به انجام رسانده است. به راستی، خدا برای هر چیزی، انداره‌ای مقرر کرده است.»

حدیث

۱۶۷۴ پیامبر خدا ﷺ: اگر آسمان‌ها و زمین در برابر تنهای سر به هم آورند و آن بنده تقوای خدا پیشه نکند، حتماً خداوند از میان آن دو، گشایش و راه خروجی برایش قرار خواهد داد.

۱۶۷۵ [پیامبر خدا ﷺ] - چون آیه «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً» را خواند - [یعنی راه خروج] از شبهات دنیا و از سختی‌های مرگ و دشواری‌های روز قیامت.

۴/۵ آنچه تقوا می‌آورد

۱۶۷۶ پیامبر خدا ﷺ: پرهیزگاران، کسانی هستند که از ترس افتادن در شبهه، درباره آنچه جای پرهیز ندارد، از خدا پروا می‌کنند.

۱۶۷۷ پیامبر خدا ﷺ: در سفارش خود به ابو ذر - ای ابو ذر! آدمی از پرهیزگاران نیست، مگر آن گاه که حسابرسی او از نفسش، سخت‌تر از حساب کشیدن شریک از شریکش باشد و بداند که از کجا می‌خورد، از کجا می‌آشامد و از کجا می‌پوشد، و آبا و اجداد او را حلال‌اند یا از حرام.

۵/۵. حَقُّ النَّفْوِ

الكتاب

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ، وَلَا تَمُوتُوا إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ﴾^۱

الحديث

۱۶۷۸ رسول الله ﷺ ﴿اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ﴾: أَنْ يُطَاعَ فَلَا يُعَصَى، وَأَنْ يَذْكَرَ فَلَا يُنْسَى^۲

الفصل السادس، الورع

۵/۵. حَقُّ تَقْوَا

لِلرَّان

﴿هی کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا آن گونه پروا کنید که حق پروا کردی از ارست، و مباد که نامسلان بپیرید﴾.

حدیث

۱۶۷۸ پیامبر خدا ﷺ ﴿از خدا چنان پروا کنید که سزاوار پروا کردن او بود﴾، بدین گونه که اطاعت شود و نافرمانی نشود و پیوسته یاد شود و هیچ گاه فراموش نگردد

فصل ششم، پارسایی

۱/۶. فَصْلُ لِلْوَرَعِ

۱۶۷۹ رسول الله ﷺ لِكُلِّ شَيْءٍ رُسٌّ، وَأُسُّ الْإِسْلَامِ

۱۶۷۹ پیغمبر خدا ﷺ هر چیزی بنیادی دارد و بنیاد

ایمان پارسایی است

۱۶۸۰ عنه ﷺ الْوَرَعُ سِدُّ الْعَمَلِ^۳

۱۶۸۰. پیغمبر خدا ﷺ پارسایی، سرور اعمال است

۱۶۸۱ عنه ﷺ أَصْلُ دِينِكُمْ وَرَعٌ^۴

۱۶۸۱ پیغمبر خدا ﷺ برترین [جمله] دین شما، پارسایی

است

۲/۶. تَفْسِيرُ الْوَرَعِ

۱۶۸۲ رسول الله ﷺ الْوَرَعُ سِدُّ الْعَمَلِ، مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَرَعٌ يَزِدُّهُ عَنِ مَعْصِيَةِ اللَّهِ تَعَالَى إِذَا حَلَّ بِهَا لَمْ يَعْزِزْهُ بِسَائِرِ عَمَلِهِ، فَذَلِكَ مَخَافَةُ اللَّهِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَالْإِقْبَادُ فِي الْفَقْرِ وَالْيَسَنِ، وَالضَّلُّ عَمَّا الرِّصَالِ وَالشُّعْبِ^۵.

۲/۶. معنای پارسایی

۱۶۸۲. پیامبر خدا ﷺ پارسایی، سرور اعمال است. هر کس پارسایی‌ای نداشته باشد که هر گاه در خلوت با نافرمانی خدا روبه رو شد، او را از ارتکاب آن باز دارد، خداوند به دیگر اعمال او توجّهی نمی‌کند؛ زیرا پارسایی، ترس از خداست در بهان و اشکار، و میانه‌روی است در تهی‌دستی و توانگری، و مراعات عدالت است در بخشودی و بخشم.

۱ آل عمران ۱۰۲ ۲ التذکره ج ۲ ص ۲۸۲

۳ کنز العمال ج ۳ ص ۴۲۷ ح ۷۲۸۱

۴ کنز العمال ج ۳ ص ۴۳۰ ح ۷۲۹۹

۵ النصاب، ص ۱ ح ۹

۶ کنز العمال ج ۳ ص ۴۳۰ ح ۷۲۹۹

۱۶۸۳. عنه ﷺ الزرع الذي ينف عذ الشبهة^۱

۱۶۸۴. عنه ﷺ دَع ما يُرِيكَ إلى ما لا يُرِيكَ، وإِنَّكَ نَسِجِد فَقَدْ شَيْء تَرَكْتَهُ^۲

۱۶۸۵. عنه ﷺ اسْتَمْت قَلْبِكَ، اسْتَمْت نَفْسِكَ، الْإِثْمُ مَا اطْمَأَنَّ إِلَيْهِ الْقَلْبُ وَاطْمَأَنَّتَ إِلَيْهِ النَّفْسُ، وَالْإِثْمُ مَا حَالَكَ فِي النَّفْسِ وَنَزَدَ فِي نَفْسِكَ، وَإِنَّ أَمَّاكَ النَّفْسُ وَأَمْرُكَ^۳

الفصل السامع حسن الخلق

۱/۷ الحديث على حسن الخلق

۱۶۸۶. رسول الله ﷺ الإسلام حسن العلى^۱

۱۶۸۷. عنه ﷺ حسن العلى نصف الدين^۲

۱۶۸۸. عنه ﷺ حسن العلى ذهب بحير الدنيا والآخرة^۳

۱۶۸۹. بحار الأنوار عن حرر من عند الله قال من رسول الله ﷺ إِنَّكَ أَمَرْتُ قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ خَلْقَكَ وَأَحْسَنَ خَلْقَكَ^۴

۲/۷ مركات حسن الخلق

۱۶۹۰. رسول الله ﷺ مَنْ حَسَّنَ خُلُقَهُ بَلَعَهُ اللَّهُ ذَرْخَةً الصَّائِمِ الْقَائِمِ^۵

۱. كثر العمل ج ۲ ص ۷۲۸ ح ۷۲۸۹

۲. كثر العمل ج ۳ ص ۷۲۹ ح ۷۲۹۷

۳. كثر العمل ج ۳ ص ۷۳۲ ح ۷۳۱۲

۴. كثر العمل ج ۳ ص ۷۱۷ ح ۵۲۲۵

۵. النخلة ص ۳۰ ج ۶

۶. الأمل للصدوق ص ۸۸ ح ۸۱۱

۷. بحار الأنوار ج ۷ ص ۳۹۱ ح ۶۳

۸. هيون أخبار الرضا ج ۲ ص ۷۱ ح ۳۶۸

۱۶۸۳. پیامبر خدا ﷺ، پارسا کسی است که به هنگام پیش آمدن شبهه، دریغ کند.

۱۶۸۴. پیامبر خدا ﷺ آنچه را در آن شک داری، رها کن و به آنچه شک نداری، چنگ زن؛ زیرا پیرا فقدان چیزی را که برای خداوند رهاپش کرده‌ای، هرگز احساس نخواستی کرد

۱۶۸۵. پیامبر خدا ﷺ از دلت فتوا بخواه، از [وجدان] خود فتوا بخواه. طاعت، آن چیزی است که دل به آرام گیرد و جان، بدان آتش و سرور یابد و گناه، آن چیزی است که در جان، آرام نگیرد و در سینه می‌تابی کند، هر چند مردم [جواز آن را به تو] محکم کنند و فتوا دهند.

الفصل هفتم خوش‌حویی

۱/۷ تشویق به خوش‌خویی

۱۶۸۶. پیامبر خدا ﷺ اسلام، خوش‌حویی است

۱۶۸۷. پیامبر خدا ﷺ، نیک‌حویی، نصف دین است

۱۶۸۸. پیامبر خدا ﷺ نیک‌حویی، خبر دنیا و آخرت را از آب خود کرده است

۱۶۸۹. بحار الأنوار - به نقل از حرر من عند الله - پیامبر خدا به من هر مورد، دین کسی هستی که خداوند ربانیت آفریده است پس اخلاقت را بر ربا گردان

۲/۷ پیامدهای خوش‌خویی

۱۶۹۰. پیامبر خدا ﷺ آن که اخلاق خویش را می‌کند گرداند، خداوند او را به مقام روزه‌گیر شمرده‌تر می‌رساند

۱۶۹۱ عنه علیه السلام: حُسْنُ الْخُلُقِ يُثَبِّتُ الْمَوَدَّةَ ^۱

۱۶۹۱ - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله حُسنِ خُلق، رشتۀ دوستی را استوار می‌کند.

۱۶۹۲ عنه علیه السلام: حُسْنُ لِبْسٍ يَنْهَبُ بِالشَّحِيمَةِ ^۲

۱۶۹۲ - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خوش‌رویی، کینه را می‌برد

۱۶۹۳ عنه علیه السلام: أَكْمَلَ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَخْسَهُمْ خُلُقًا ^۳

۱۶۹۳ - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آن مؤمنی ایمانش کامل‌تر است که اخلاقش بیک‌تر باشد

۳/۷ تفسیر حُسنِ الخُلق

۱۶۹۴ رسول الله صلی الله علیه و آله: إِنَّمَا تَفْسِيرُ حُسْنِ الْخُلُقِ مَا أَصَابَ

۳/۷ معنای خوش‌خویی

الدُّنْيَا يَرْصِي، وَإِنْ لَمْ يُصْنَفْ لَمْ يَنْحَطْ ^۴

۱۶۹۴ - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله معنای حُسنِ حُلق، این است که اگر دنیا به انسان رو کرد، خشود باشد و گرو نگردد، خشمگین نشود

۱۶۹۵ تَفْصِيهِ الْخَوَاطِرُ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَس

۱۶۹۵ - تسبیہ الخواطر مردی از روبروی پیامبر خدا، سرد ایشان آمد و پرسید: ای پیامبر خدا! دین چیست؟

يَسْأَلُ يَدِيهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا الدِّينُ؟ أَمْ قَالَ

حُسْنُ الْخُلُقِ ثُمَّ أَتَاهُ عَنْ يَمِينِهِ فَقَالَ: مَا دِينُ؟

فَقَالَ: حُسْنُ الْخُلُقِ ثُمَّ أَتَاهُ مِنْ قِبَلِ شِمَالِهِ فَقَالَ

مَا الدِّينُ؟ فَقَالَ: حُسْنُ الْخُلُقِ ثُمَّ أَتَاهُ مِنْ وَرَائِهِ

فَمَنْ مَا الدِّينُ؟ فَانْتَفَتَ إِلَيْهِ وَمَالَ أَمَا تَفْقَهُ؟!

الدِّينُ هُوَ أَنْ لَا تَغْصِبَ ^۵

فرمود: «خوش‌خویی»

سپس از طرف راست آمد و پرسید: دین چیست؟

باز فرمود: «خوش‌خویی»

از نگاه، از طرف چپ ایشان آمد و پرسید: دین چیست؟

باز فرمود: «خوش‌خویی»

سپس از پشت سر ایشان آمد و پرسید: دین چیست؟

پیامبر صلی الله علیه و آله به طرف او برگشت و فرمود: «مگر نمی‌فهمی؟» دین، آن است که خشم نگیری.

۴/۷ مصارف سوء الخُلق

الكتاب

﴿فَمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لِمَ اسْتَأْذَنُوا وَلَوْ حَتَّ عَلَافُ غَلِيظِ النَّفْلِ

لَا تَأْخُذُوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ ^۱

الحديث

۱۶۹۶ رسول الله صلی الله علیه و آله: الْخُلُقُ النَّسَمُ يُعْسِدُ الْقَسَلَ كَمَا

يُعْسِدُ الْحُلَّ الْقَسَلَ ^۲

۱ تعبیر الدعوى ص ۵۵

۲ الکافی ج ۲ ص ۱۰۳ ح ۶

۳ الأمالی للعلوی ص ۱۵۰ ح ۲۳۷

۴ کثر العمل ج ۳ ص ۱۷ ح ۵۲۲۹

۵ تنبيه الخواطر ج ۱ ص ۸۹

۶ آل عمران ۱۵۹

۷ عیون اخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۳۷ ح ۹۶

۴/۷ پیامدهای بدخویی

قرآن

﴿يَسْأَلُ بِهِ [بِرَكَّتْ] رَحْمَتُ خَدَائِدٍ، يَا أَلَنَّا نَرْمُوهُ [وَهُوَ]

مَهْرًا] شَدَى، وَ إِنْ تَدْعُوهُ وَ سَخَطَ دَلَّ بِرَدَى، قَطْعًا لَوْ

پیرامون تو پراکنده می‌شدند﴾

حدیث

۱۶۹۶ - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، حوی بد، کار را تباه می‌کند،

همان گونه که سرکه غسل را

۱۶۹۷. عنه ﷺ - وقد قيل له: إن ثلاثة نصوص النهار وتقوم الليل، وهي شئنة الحلق تؤدي جيرانها بلسانها - لا خير فيها، هي من أهل النار^۱
۱۶۹۸. عنه ﷺ - وقد سُئِلَ عَنْ سَبَبِ قَوْلِهِ حِينَ دَفِنَ سَعْدَ بْنَ مُعَاذٍ: «إِنْ سَعْدًا قَدْ أَصَابَتْهُ حَمَّةٌ»، فَقَالَ - نَعَمْ، إِنَّهُ كَانَ فِي حَلْقِهِ نَجَسٌ أَهْلِيهِ سُوءٌ^۲

الفصل الثامن: الأدب

۱/۸. للحديث على الأدب

۱۶۹۹. رسول الله ﷺ لا يقولنَّ أحدُكمُ للتَّسْبِيحِ مُسَبِّحُهُ، فَإِنَّهُ بَيْتُ اللَّهِ، يُدَكَّرُ اللَّهُ فِيهِ، وَلَا يَقُولُنَّ أَحَدُكُمْ مُصْبِحُهُ، فَإِنَّ كِتَابَ اللَّهِ أَعْظَمُ مِنْ أَنْ يُصَغَّرَ [وَلَا يَقُولُنَّ أَحَدُكُمْ عَنَدِي وَأَمْسِي؛ كُلُّكُمْ عِبَادٌ وَمُسْلِمُونَ، وَلَا يَقُولُنَّ لِلرَّحْلِ رَوْحِلَ، وَلَا لِلْمَرْأَةِ مَرْيَةُ]^۳
۱۷۰۰. عنه ﷺ - فِي صِفَةِ الْمُؤْمِنِ - كَثِيرُ الْخَدَرِ، فَسِيلُ الرُّزْلِ، حَرَكَاتُهُ أَدَبٌ^۴

۲/۸. التحذير من سوء الأدب

۱۷۰۱. رسول الله ﷺ يَاكَ وَمَا يُسَوُّهُ الْأَدَبُ^۵
۱۷۰۲. عنه ﷺ يَاكَ أَنْ تَصْحَكَ مِنْ غَيْرِ غَمٍّ، أَوْ تَمْشِي وَتَتَكَلَّمُ فِي غَيْرِ أَدَبٍ^۶

۱۶۹۷. پیامبر خدا ﷺ - هنگامی که به ایشان گفته شد، فلان زن، رورها را روزه می‌گیرد و شب‌ها را به عادت می‌گذراند؛ اما بدخلق است و همسایگانش را با زبان خود، می‌آزارد - چیزی در او نیست، او دورحی است

۱۶۹۸. پیامبر خدا ﷺ - در پاسخ این که چرا در هنگام دفن سعد بن معاذ فرمود: «اگر سعاد را ضربه‌ای رسد، فقال - آری، او با خانواده‌اش [کمی] بدخلق بود،

فصل هشتم: ادب

۱/۸. تشویق به ادب

۱۶۹۹. پیامبر خدا ﷺ هیچ یک از شما نباید به مسجد، تسبیح‌دک بگوید؛ زیرا مسجد، خانه خداست و در آن ذکر خدا می‌شود. هیچ یک از شما نباید به مصحح (مصحف) بگوید، «مصحف کوچک (کتابچه)» بگوید؛ زیرا کتاب خدا، با عظمت‌تر از آن است که [حتی نام آن] مُصَغَّر (کوچک) شود. هیچ یک از شما نباید بگوید: بنده من و کبر من؛ [زیرا] همه شما (مردان و زنان) بنده و کبر [خدا] هستید و هیچ یک از شما نباید به مرد بگوید: «مَرْدُکَ»، و بایه زن بگوید: «رَنک».

۱۷۰۰. پیامبر خدا ﷺ - در وصف مؤمن - بسیار محتاط است، کم لرزش است، حرکاتش مؤدبانه است.

۲/۸. هشدار درباره بی ادبی

۱۷۰۱. پیامبر خدا ﷺ از آنچه مایه بی ادبی می‌شود، پرهیز

۱۷۰۲. پیامبر خدا ﷺ، از خندیدن بی تعجب [و بی جا]، یا راه رفتن و سخن گفتن بی ادبانه پرهیز

۱. تنبيه الخواطر ج ۱ ص ۹۱

۲. الامالي للصدوق ص ۴۹۹ ح ۶۲۳

۳. سير اعلام النبلاء ج ۱۴ ص ۵۴۶

۴. التمشيح ص ۷۴ ح ۱۷۱

۵. إرشاد القلوب ص ۱۲

۶. اعلام النبیین ص ۲۷۳

۱۷۰۳. هه ۱۱ ما استردك الله عبداً إلا حظَر عَه العلم والأدب^۱ ۱۷۰۳ پیامبر خدا ۱۱ خداوند، هیچ بنده‌ای را پست

شمرد، مگر آن که او را از دانش و ادب، محروم ساخت.

۳/۸ آثار الأدب

۴/۸ آثار ادب

۱۷۰۴. پیامبر خدا ۱۱ ادب بیکو، ریور جزا است.

۱۷۰۵. پیامبر خدا ۱۱ کسی که حبشش او را نشان

[و فرودست کند]، ادبش او را برمی‌چیراند [و بلندپایه می‌گرداند]

۴/۸ مسئولان تربیت

الف - پیامبر خدا ۱۱

۱۷۰۶. پیامبر خدا ۱۱ مرا پروردگارم تربیت کرد و بیکو تربیت کرد

۱۷۰۷. پیامبر خدا ۱۱ بیماری، ناریانه خدا در روی زمین است و با آن، بدگانش را نادید (و نسیه) می‌کند

ب - پیامبران

۱۷۰۸. پیامبر خدا ۱۱ خداوند ۱۱ به من دستور داد که آنچه را به من آموخته است، به شما تعلیم دهم، و دینان امورم

ج - دانایان و فرمانروایان

۱۷۰۹. پیامبر خدا ۱۱ به سعد بن جبیل، در هنگام فرستادنش به یمن - ای معاذ کتاب خدا را به مردم یمن بیاموز و آنان را بر پایه اخلاق شایسته، به خوبی تربیت کن

۱۷۱۰. امام زین العابدین ۱۱: پیامبر خدا در فرمانی که به موجب آن، عتاب بن اسید را بر مردم مکه

۱۷۰۴ رسول الله ۱۱ حُسْنُ الْأَدَبِ رِسْمُ الْعَقْلِ^۲

۱۷۰۵ عه ۱۱ من فَقَدْ بِهِ حَسْبُهُ، نَهَضَ بِهِ أَدَبُهُ^۳

۴/۸ أولياء القاديب

أ - الله ۱۱

۱۷۰۶ رسول الله ۱۱ ادبى رَبِّى فَأَحْسَنُ تَأْدِيبِى^۱

۱۷۰۷ عه ۱۱ التَّزَكُّى سَوْطُ الْفَوْهِ الْأَرْضِ يُؤَدِّبُ بِهِ عِبَادَهُ^۲

ب - الانبياء ۱۱

۱۷۰۸ رسول الله ۱۱ إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي أَنْ أُعَلِّفَكُمْ مَا عَلَّمَنِي، وَأَنْ أُؤَدِّبَكُمْ^۳

ج - العلماء والحكام

۱۷۰۹ رسول الله ۱۱ - لِعُمَاذِ بْنِ جَبَلٍ لَمَّا بَعَثَهُ إِلَى الْيَمَنِ - يَا مُعَاذُ، عَلَّمَهُمْ كِتَابَ اللَّهِ، وَأَحْيَسَ أَدَبَهُمْ عَلَى الْأَعْلَاقِ الصَّالِحَةِ^۴

۱۷۱۰ الإمام زين العابدين ۱۱ كَتَبَ رَسُولُ اللَّهِ ۱۱ لِعَتَابِ بْنِ

۱ - مستدرك الباب ج ۲ ص ۱۲ ح ۷۹۵

۲ - جامع الاخبار ص ۳۳۷ ۳ - ربيع الاخر ج ۳ ص ۲۶۱

۳ - مجمع البحار ج ۱ ص ۵۱۰

۴ - كنز العمال ج ۳ ص ۳۰۶ ح ۲۶۱۰

۵ - نولدر الاصول ج ۱ ص ۲۵۵

۶ - تحف الموعود ص ۲۵

أُسَيْدٌ عَهْدًا عَلَى أَهْلِ مَكَّةَ .. «وَقَدْ قَلَّدَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ
اِقْوِ عَتَاتِ بْنِ أُسَيْدٍ أَحْكَامَكُمْ وَمَصَاحِكَكُمْ، قَدْ فَوَّضَ
إِلَيْهِ نَسِيبَ غَاوِيَلِكُمْ، وَتَعْلِيمَ حَاهِلِكُمْ، وَتَعْوِيمَ وَدِ
مُصْطَرِّهَكُمْ، وَتَأْدِيبَ مَنْ رَالِ عَنْ أَدَبِ اِقْوِ مَيْكُم»^۱

د- الانماء والأُمهات

۱۷۱۱ رسول الله ﷺ مِنْ حَقِّ الْوَلَدِ عَلَى وَالِدَيْهِ أَنْ يُحْمِلَ
أَدَبَهُ، وَأَنْ لَا يَجْعَلَ نَسَبَهُ^۲

۱۷۱۲ عَنْهُ ﷺ أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ، وَأَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ، يُحْفَرِ
لَكُمْ^۳

۱۷۱۳ عَنْهُ ﷺ لَأَنْ يُؤَدَّبَ الرَّجُلُ وَلَدَهُ حَيْرٌ مِنْ أَنْ
يَتَصَدَّقَ بِصَاعٍ^۴

الفصل التاسع العدل

۱ / ۹. الْحَدُّ عَلَى الْعَدْلِ

الكتاب

«بِأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوْمًا بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ
وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ مَنْ يَفْعَلْ غِيبًا
أَوْ سِيئًا فَإِنَّهُ أَوْلىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَضِلُّوا
وَإِنْ تَلَوْا أَوْ نَحَرْتُمْ فَرِيقٌ إِلَهُ فَأَنْ بَعَثَ تَطْلُوعُ
خَبِيرًا»^۵

۱ الأثر الجوج (النهاية ج ۱ ص ۷۹ طود)

۲ التفسير المصوب إلى الإمام العسكري ﷺ ص ۵۵۶ ح ۲۲۹

۳ تاريخ المدينة ج ۲ ص ۵۶۸

۴ مكارم الأخلاق ج ۱ ص ۱۷۸ ح ۱۶۵۱

۵ سنن الترمذي ج ۱ ص ۳۳۷ ح ۱۹۵۱

۶ الفاء ۱۳۵

گماشت، چسب نوشت «...محمد پیامبر خدا،
احکام و مصالح شمار به عتات بن اسید سپرد و به
او اختیار [و وظیفه] داد که عیلت ردگان شمارا
هشیار کند، و مادیاتان را آموزش دهد، و
ناستورتنان را استوار گرداند، و مشعر ف شدگان
از ادب خدا را ادب آموزد.

د- پدران و مادران

۱۷۱۱ پیامبر خدا ﷺ، از جمله حقوق فرزند بر پدرش،
آن است که او را خوب تربیت کند، و نسب او را
انکار نکند

۱۷۱۲ پیامبر خدا ﷺ فرزندانتان را گرامی بدارید و
بیکو تربیشان کنید تا آموخته شوید.

۱۷۱۳ [پیامبر خدا ﷺ] این که مرد فرزندش را ادب کند،
به از این است که یک صاع صدقه دهد

فصل نهم عدل

۱ / ۹. تشویق به عدالت

قرآن

«ای کسانی که ایمان آورده اید! پیوسته به عدالت قیام کنید
و برای خدا گواهی دهید هر چند به زیان خودتان یا [به
زبان] پدر و مادر و خویش و دین [شما] باشد. اگر [یکی
از دو طرف دعوا] توانگر یا بیارزد باشد، باز خدا به آن
دو [از شما] سرافرازتر است. پس، از پی هوس مروید که
[در نتیجه از حق] عدول کنید، و اگر به انحراف گرایید یا
اعراض نمایید، قطعاً خدا به آنچه انجام می دهید، آگاه
است»

۱ صاع، پیمانه ای است برای اندازه گیری خلقات؛ معادل
چهار مثقال

الحديث

حديث

۱۷۱۱ رسول الله ﷺ القَدْلُ حُفَّةٌ وَاقِيَةٌ، وَجَنَّةٌ بَاقِيَةٌ^۱

۱۷۱۲. پیامبر خدا ﷺ: عدل، سپر نگه‌دارنده و بهشت جاودانی است.

۱۷۱۵ عنه ﷺ: عَدْلٌ سَاعَةٌ حَرِيرٌ مِنْ عِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً قِيَامُ لَيْلِهَا وَصِيَامُ نَهَارِهَا، وَجَوْزُ سَاعَةٍ فِي حُكْمِ أَشَدِّ وَأَعْظَمَ عَبْدُ اللَّهِ مِنْ مَعَاصِي سِتِّينَ سَنَةً^۲

۱۷۱۵. پیامبر خدا ﷺ: یک ساعت عدالت، بهتر از شصت سال عبادت است که شبش به عبادت و روزش به روزهداری بگذرد، و یک ساعت بی‌عدالتی در حکومت (داوری)، مرد خدا، بدتر از شصت سال گناه است

۲/۹ صفات العادل

۱۷۱۶. رسول الله ﷺ: مَنْ عَامَلَ النَّاسَ فَلَمْ يَظْلِمْنِهِمْ، وَحَدَّثَهُمْ فَلَمْ يَكْذِبْنِهِمْ، وَوَعَدَهُمْ فَلَمْ يُخَيِّفْنِهِمْ، فَهُوَ مِنْ كَمَلَتْ مَرْوَتُهُ، وَظَهَرَتْ عَدَالَتُهُ، وَجَبَّتْ أَحْوَاثُهُ، وَحَرُمَتْ عَيْبَتُهُ^۳

۲/۹ ویژگی‌های عادل

۱۷۱۶. پیامبر خدا ﷺ: هر که با مردم معاشرت کند و ستم روا ندارد، و برای مردم سخن بگوید و به آنان دروغ نگوید، و به مردم وعده دهد و تخلف و صده تعامد، جزو کسانی است که جوان‌مردی‌اش کامل، دادگری‌اش آشکار، برادری‌اش واجب، و عیبش حرام است

۱۷۱۷. عنه ﷺ: مَنْ صَاحَبَ النَّاسَ بِأَلَدِي يُجِبُّ أَنْ يُصَاحِبُوهُ كَأَنَّهُ عَدْلًا^۴

۱۷۱۷. پیغمبر خدا ﷺ: کسی که با مردم به آن صورتی مصاحبت کند که دوست دارد با او مصاحبت کند، [این] عدل است.

۱۷۱۸. عنه ﷺ: مَا كَرِهْتَ لِنَفْسِكَ فَكَرِهْ لِسَائِرِ النَّاسِ، وَمَا أَحَبَبْتَ لِنَفْسِكَ فَأَحَبِّبْهُ لِأَحِبِّكَ، تَكُنْ عَادِلًا فِي حُكْمِكَ، مُقْسِطًا فِي عَدْلِكَ، مُحَيًّا فِي أَهْلِ السَّمَاءِ، مُودِدًا فِي أَهْلِ الْأَرْضِ^۵

۱۷۱۸. پیامبر خدا ﷺ: آنچه برای خود نمی‌پسندی، برای دیگری نیز مه‌پسند و آنچه برای خود دوست می‌داری، برای برادرت نیز دوست بدار تا در داوری‌ات، دادگر و در به پا داشتن برادری، عدالت‌پیشه و در میان آسمانیان، محبوب و در سینه‌های زمینیان، دوست‌دشمنی باشی

۳/۹ أَعَدَّلَ النَّاسَ

۱۷۱۹ رسول الله ﷺ: أَعَدَّلَ النَّاسَ مَنْ رَضِيَ لِلنَّاسِ مَا يَرْضَى لِنَفْسِهِ، وَكَرِهَ لَهُمْ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ^۶

۱۷۲۰. عنه ﷺ: وَقَدْ قِيلَ لَهُ: أَيْبُ أَنْ أَكُونَ أَعَدَّلَ

۳/۹ عادل‌ترین مردم

۱۷۱۹. پیامبر خدا ﷺ: عادل‌ترین مردم، کسی است که برای مردم، آن چیزی را می‌پسند که برای خود می‌پسندد، و برای آنها خوش ندارد، آنچه را برای خود خوش ندارد.

۱۷۲۰. پیامبر خدا ﷺ: وقتی کسی به او گفت: دوست

۱ حوالی الاذکار ج ۱ ص ۲۹۳ ح ۱۷۷

۲ جامع الأخبار ص ۴۳۵ ح ۱۲۱۶

۳ التمهيد ص ۲۰۸ ح ۲۸ ۴ کفر القواد ج ۲ ص ۱۶۲

۵ تحف المقلوب ص ۱۱

۶ کتاب من لا يحضره الفقيه ج ۱ ص ۳۹۵ ح ۵۸۴۱

النَّاسِ - أَحِبُّ النَّاسَ مَا تُحِبُّ بِنَفْسِكَ تَكُنْ عَدُوَّ النَّاسِ^۱

دارم عادل‌ترین مردم باشم :- آنچه را برای خود دوست داری، برای مردم (تیر) دوست داشته باش که (در این صورت)، عادل‌ترین مردم خواهی بود

۴/۹. الإِتِّصَافُ مِنَ النَّفْسِ

۴/۹. اتصوافی از خود

۱۷۲۱ رسول الله ﷺ - فِي وَحْيِهِ لَا بِي مَسْعُودٍ - يَا بِي مَسْعُودٍ أَصْعَبُ النَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ وَاصْبَحِ الْأُمَّةَ وَارْحَمُوهُمْ، فَإِذَا كُنْتَ كَذَلِكَ وَغَضِبَ اللَّهُ عَمِّي أَهْلُ بَنِي نَدِيعَةَ نَسَتْ مَعَهَا وَأَرَادَ أَنْ يُنَزِّلَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ نَظَرَ إِلَيْكَ فَرَحَّمَهُمْ بِكَ، يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى ﴿وَمَا كَانَ لَكَ لِيُنْهَكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ﴾^۲

۱۷۲۱. پیامبر خدا ﷺ - در سفارش به این مسعود - ای این مسعود با مردم به انصاف رفتار کن و حیر خواه افت باش و با آنان، مهربانی کن، که اگر چنین بودی و خداوند بر اهل شهری که تو در آنی، خشم گرفت و خواست عذاب بر ایشان نازل کند، به نومی نگردد و به واسطه تو، بر آنان زخم می‌آورد خداوند متعال می‌فرماید ﴿وپیروندگان تو هرگز بر آن سوره که شهرهایی را که مریضش اصلاح کردند بکستم هلاک کند﴾

۱۷۲۲. عَنْهُ ﷺ مِنْ وَاسِي الْقَمِيرِ، وَأَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ، فِذَلِكَ الْمُؤْمِنُ حَقًّا^۳

۱۷۲۲ پیغمبر خدا ﷺ هر کس فقیر را در مال خود شریک نگرداند و با مردم به انصاف رفتار کند، او مؤمن حقیقی است

۵/۹. عِقَابٌ مَنْ لَمْ يَعْمَلْ مِنَ الْأَمْرَاءِ

۱۷۲۳ رسول الله ﷺ أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ النَّارَ أَمِيرٌ مُتَسَلِّطٌ لَمْ يَعْمَلْ، وَدُو قُرُوءٍ مِنَ الْمَالِ لَمْ يُعْطِ الْمَالَ حَقَّهُ، وَفَقِيرٌ فَحُورٌ^۴

۵/۹. کثیر زمامداران بیدادگر

۱۷۲۳ پیامبر خدا ﷺ اولین کسانی که در آتش داخل می‌شوند، حاکم مسلطی است که عدالت نرورد، و نرو نصدی که حق مالش را نپردازد، و فقیر متکبر

۱۷۲۴ پیامبر خدا ﷺ شهادت من به فرمان‌روای متمگر بی‌انصاف نمی‌رسد

۱۷۲۴ عَنْهُ ﷺ لَا تَمَالُ شُعَاعَتِي دَ سُلْطَانٍ جَانِبِ غَنَمٍ^۵

۱۷۲۵ عَنْهُ ﷺ - فِي آخِرِ خُطْبَتِهِ بِالْمَدِينَةِ وَقَدْ شَأَنُهُ عَلِيٌّ عَنِ مَرْثِيَةِ الْأَمِيرِ الْجَائِرِ - هُوَ رَابِعُ أَرْبَعَةٍ مِنْ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِبِلِيسَ، وَفِرْعَوْنَ، وَقَاتِلَ النَّفْسِ، وَرَابِعُهُمْ سُلْطَانُ جَائِرٌ^۶

۱۷۲۵. پیامبر خدا ﷺ - در آخرین خطبه‌اش در مدینه، آن گاه که امام علی ع از جایگاه پیشوای ستمگر از ایشان مزال نمود - او چهارمین آن چهار تنی است که عذابشان در روز قیامت، از همگان سخت‌تر است [یعنی] ابلیس و فرعون و کسی که خودکشی کند و چهارمین آنها فرمان‌روای ستمگر است

۱ کثر العمال ج ۱۶ ص ۱۲۸ ح ۴۱۵۱

۲ مکرم الاخلاق ج ۲ ص ۳۶۰ ح ۲۶۶

۳ الفصال ص ۴۷ ح ۱۸

۴ عیون اخبار الرضا ج ۲ ص ۲۸ ح ۲۰

۵ مستدرک الوسائل ج ۱۲ ص ۹۹ ح ۱۳۶۲۷

۶ نواب الاصل ص ۳۳۸ ح ۱

الفصل العاشر، المواساة

فصل دهم، مؤاسات^۱

۱/۱۰. الْحَثُّ عَلَى الْمَوَاسَاةِ

۱/۱۰ تشویق به مواسات

۱۷۲۶. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ شَهِدَ الْأَعْمَالِ ثَلَاثَ خِصَالٍ
إِنصَافُكَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ، وَمَوَاسَاةُ الْأَخِ فِي اللَّهِ،
وَذِكْرُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى كُلِّ حَالٍ^۱

۱۷۲۶ پیامبر خدا ﷺ، سرآمد کارها، سه چیز است
دادخواهی مردم از خود، مؤاسات در راه
خداوند ﷻ نسبت به برادر [دینی]، و هماره به یاد
خداوند متعال بودن

۱۷۲۷. عَنْهُ ﷺ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ تَبِعَةٌ حَقَوِي وَاجِبَةٌ
مِنْ اللَّهِ عَلَيْهِ الْإِجْلَالُ لَهُ فِي عِيَّهِ، وَالْوُدُّ لَهُ فِي
صَدْرِهِ، وَالْمَوَاسَاةُ لَهُ فِي مَالِهِ^۲

۱۷۲۷. پیامبر خدا ﷺ: مؤمن را بر مؤمن، همت حق است
که از جانب خداوند ﷻ بر او واجب گشته‌اند؛ او را در
چشم خویش بزرگ بنارد؛ در سینه خود، دوستش
بنارد؛ در مال خود، شریکش بگرداند...

۱۷۲۸. عَنْهُ ﷺ مَنْ كَانَ لَهُ قَمِيصَانِ فَلْيَتْلَسْ أَحَدَهُمَا،
وَلْيَتَكِ الْآخَرَ لِأَحِبِّهِ^۳

۱۷۲۸. پیامبر خدا ﷺ: هر که دو پیراهن دارد، یکی از
آن دو را بپوشد و دیگری را به برادرش بدهد.

۱۷۲۹. عَنْهُ ﷺ مَنْ وَاسَى الْفَقِيرَ مِنْ مَالِهِ، وَأَصْفَتْ [ثَانِي] ^۴
مِنْ نَفْسِهِ، فَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ حَقًّا^۵

۱۷۲۹. پیامبر خدا ﷺ: هر کس فقیری را در مال خود
شریک گرداند و با مردم به انصاف رفتار کند، او
مؤمن حقیقی است

۲/۱۰. أَنْوَاعُ الْمَوَاسَاةِ

۲/۱۱ انواع مواسات

۱۷۳۰. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَبْعَدَ الْخَلْقِ مِنْ اللَّهِ رَجُلَانِ رَجُلٌ
يُحَالِسُ الْأَمْرَاءَ فَمَا قَالُوا مِنْ جَوْرِ صَدَقْتُمْ عَلَيْهِ،
وَمُعَلِّمُ الصَّبْيَانِ لَا يُوَاسِي بَيْنَهُمْ وَلَا يُرَاقِبُ اللَّهَ فِي
الْيَتِيمِ^۶

۱۷۳۰. پیامبر خدا ﷺ دورترین مردم از خداوند، دو
مردند: مردی که با حکمرانان همنشینی کند و در
هر روز و ستمی که می‌گویند، تصدیق و تأییدشان
نماید؛ و آموزگار کودکان که میان آنان، یکسان
رفتار نکند و خدا را دربارهٔ یتیم در نظر نگیرد

۱۷۳۱. الْإِمَامُ عَلِيُّ ﷺ: أَبْصَرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ رَجُلًا لَهُ
وَلَدَانِ، فَقَبِلَ أَحَدَهُمَا وَتَرَكَ الْآخَرَ، فَعَالَ رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ: فَهَلَا وَاسَيْتَ بَيْنَهُمَا^۷

۱۷۳۱. امام علی ﷺ: پیامبر خدا ﷺ مردی را دید که دو پسر
داشت؛ ولی یکی از آنها را بوسید و دیگری را
نبوسید. پیامبر خدا به او فرمود: چه رамیان آنها
یکسان رفتار نکردی؟^۸

۱. الحصال ص ۱۲۵ ح ۱۲۱

۲. کتب من لا یحضره الفقه ج ۲ ص ۳۹۸ ح ۵۸۵۰

۳. الأمالی للعلوی ص ۵۳۸ ح ۱۱۶۲

۴. الکافی ج ۲ ص ۱۴۷ ح ۱۷

۵. تاریخ دمشق ج ۲۸ ص ۱۸ ح ۵۸۶۱

۶. التواریخ للروندی ص ۹۶ ح ۱۳

۱. مؤاسات: مشارکت دادن دیگری در دارایی خویش،
سهیم‌سازی، از خورد گشتنگی، همدردی، غیر خوالهی، به
یک چشم دیدن، حمایت، رعایت

مبحثی دربارهٔ مواسات

مواسات^۱ مانند «أُموه»، از مادهٔ «أمو» است. این ماده بر درمان و نمدار و اصلاح کردن، دلالت دارد.

ارهری یا افزودن معایب دیگر برای «مواسات» می‌نویسد

يَقَالُ هُوَ يُؤَاسِي فِى مَالِهِ، أَيْ يُسَاوِي^۲

گفته می‌شود هُوَ یُوَاسِی فِی مَالِهِ، یعنی مال خود را به طور مساوی تقسیم می‌کند (می‌بخشد).

بنابر این همدردی با دیگران و شریک‌م‌حش آمدن در بهره‌گیری از مواهب زندگی، از آن جهت که نوعی درمان و اصلاح اجتماعی است، «مواسات» نامیده می‌شود.

مکتبهٔ قابل توجه در «مواسات مالی»، این است که شرط تحقق آن، بیمارمند بودن شخص به چیزی است که در اختیار دیگران می‌گذارد.

به بیان روشن‌تر کمک کردن به دیگران، سه درجه دارد که هر یک، عنوانی خاص و ارزش متفاوت با دیگری دارد:

درجهٔ اول کمک کردن به بیمارندان از اصفه بر پر خود، این نوع از کمک کردن، با توجه به چگونگی آن، «انفاق»، «اهداء»، «صدقه» و «سخاء» و امثال آن نامیده می‌شود.

درجهٔ دوم شریک کردن بیمارندان با خویش و سهم کردن آنها در آنچه خود بدان بیمارمد و علاقه‌مند است. این نوع کمک‌رسانی، «مواسات» نامیده می‌شود.

درجهٔ سوم واگذار کردن همهٔ آنچه خود بدان بیمار دارد، به دیگران. این نوع از کمک‌رسانی، از بالاترین ارزش‌های اخلاقی شمرده می‌شود و «ایثار» نام دارد.

۱. انواع مواسات

«مواسات» در احادیث اسلامی، دو معنی دارد.

۱. مواسات، همچنان که در عربی به معانی متعدد و متفاوت به کار رفته است در فارسی نیز معادل‌های مختلف گرفته است، که عبارت‌اند از: فداکاری، از خود گذشتگی، بیک‌خواهی، غیردیشی، بی‌برمسی، حساب رهایی، به یک چشم دیدن، همخواری، همدردی، شریک‌ساختن، و... (از کتاب نامه دهخدا، فرهنگ جلف کاپودیفری، فرهنگ معاصر عربی فارسی).

۲. معجم تهذیب اللغة ج ۱ ص ۱۶۳

الف - همدردی با دیگران در نیازها و مشکلاتشان و سهم ساختن آنان در بهره‌گیری از امکانات زندگی خویش.

شاید ذکر است که این معنی از مؤسسات، دو نوع دارد: یکی مؤسسات با مال و امکانات مادی و دیگری مؤسسات با جان به هنگام خطر.

ب - رعایت حقوق دیگران به طور یکسان. این معنی از مؤسسات نیز انواع فراوانی دارد، مانند: مؤسسات در حکومت (به معنای عدالت اجتماعی و برخورد یکسان با یک‌یک افراد جامعه)، مؤسسات در قصاصات (به معنای عدالت قصاصی و برخورد یکسان با طرفین دعوا)، مؤسسات در تعلیم (به معنای عدالت آموزشی و برخورد مساوی با همه دانش‌آموزان) و مؤسسات در خانواده (به معنای رعایت مساوات در ابراز محبت به فرزندان).

۲. دلیل تأکید بر مؤسسات مالی

بررسی احادیث این بخش، نشان می‌دهد که بیشتر احادیث «مؤسسات»، دربارهٔ مؤسسات مالی است. از این رو، این سؤال، قابل طرح است که دلیل این همه تأکید بر مؤسسات مالی چیست؟ آیا اهمیت و ارزش این نوع از مؤسسات، بیش از سایر انواع آن است؟

پاسخ، این است که برخی از انواع مؤسسات غیر مالی (مانند مؤسسات به جان)، به تنها ارزششان از مؤسسات مالی کمتر نیست، بلکه بی‌مردید، از ارزش بیشتری برخوردارند. با این دلیل تأکید احادیث اسلامی بر مؤسسات مالی، به دلیل نیاز بیشتر جامعه به فرهنگ شدن این نوع مؤسسات است.

از سوی دیگر، مؤسسات مالی، مقدمهٔ مؤسسات جدی است و کسی که نمی‌تواند دیگری را در مال خود سهمین کند، بی‌تردید، برای حفظ جان او، خود را به خطر نمی‌افکند.

الفصل الحادي عشر، الإيثار

فصل یازدهم، ایثار

۱/۱۱ قيمة الإيثار

۱/۱۱ ارزش ایثار

الكتاب

قرآن

﴿وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَن

﴿و هر چند در خودشان احتیاجی [مبصر] باشد، آنها

ثَوَقَ لَنَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾^۱

[بازمندان] را بر خودشان مقدم می‌دارند. و هر کس او

﴿وَيُطْعَمُونَ اَلطَّعَامَ عَلَىٰ حَتِّهِ، مِمَّنْ حَبَّبْنَا وَيَتَّقُوا لُاسِبُوا

ارمادی نفس خود مصون مانند ایشانند که

• إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُكْرِمُكُمْ بِمَنْعِكُمْ جَزَاءَ وَلَا

رنگارایانند﴾

شُكْرًا﴾^۲

﴿و به [پس] دوستی او (خدا) بیرو و یتیم و اسیر را

خوراک می‌فادند [و می‌گفتند] ما برای خوشودی

الحديث

جملت که به شما می‌خورانیم و پاداش و سپاسی از شما

۱۷۳۲ رسول الله ﷺ الإيثار زينة الرُّهْدِ. وَيَدُلُّ التَّوْحُودَ

می‌خواهیم﴾

رِيَّةُ الْيَقِينِ^۳.

حديث

۱۷۳۳ عَنْهُ ﷺ أَيُّمَا امْرَأَةٍ اسْتَهِيَ شَهْوً مُرْدٌ شَهْوَتُهُ وَتَرَى

۱۷۳۲ پیامبر خدا ﷺ ایثار، ریور رهد است و بحشیدن

عَلَى مَهْ عَمَرُ اللَّهِ لَهُ^۴

داشته‌ها، ریور یقیس

۱۷۳۳ پیامبر خدا ﷺ هر کس هوسی کند و دست رد به

سینه هوس خویش برسد و [دیگری را] بر خود

مقدم ندارد، خداوند ﷻ او را می‌آمرزد.

۱ العشر ۹ ۲ الانسان ۸ و ۹

۳ جامع الأخبار ص ۳۳۷ ح ۹۱۷

۴ تاریخ دمشق ج ۳ ص ۱۴۲ ح ۷۴۹۵

سخنی دربارهٔ ایثار

ایثار، مصدر است از ریشهٔ «اثر» و در لغت، به معنی «تقديم الشيء» (مقدم داشتن چیزی) R است

ایثار، در قرآن و حدیث

ایثار و مشتقات آن، در متون اسلامی در دو معنی متعدد به کار رفته است. نگاه در مقدم داشتن مَثَل که یکی از بزرگ‌ترین ارزش‌های اخلاقی است، استعمال می‌شود؛ مانند این آیه شریف

﴿وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلِذَٰلِكَ بِهِمْ حُضْمَةٌ^۱

و [دیگران را] بر خودیشتن مقدم می‌دارند، هر چند حرمشان سوارمند باشند﴾

و نگاه در مقدم داشتن منفی به کار می‌رود؛ مانند

﴿مَنْ تَزَادُوا الدُّنْيَا ۖ وَالْآجِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى^۲

بلکه رستگاری دمار مرجع می‌دهید، در حالی که آخرت، بهتر و پایدار است﴾

مکنهٔ قابل توجه این که این بحث، برای تبیین ایثار مثبت از نگاه قرآن و حدیث است

ارزش ایثار

ایثار، یکی از برجسته‌ترین مضامین و ارزش‌های انسانی است که در سخنان نورانی پیشوایان اسلام، از آن با عناوینی مانند، بالاترین مکارم اخلاقی، بالاترین مراتب احسان، بالاترین درجات ایمان و بهترین عبادت، ارزش‌گذاری گردیده است.^۳ و در فرهنگ اسلام، کسانی که شایستهٔ نام‌برداری به فصیلت، مروت و عفت هستند که از این حصیلت ارجمند، برخوردار باشند.^۴

اثار ایثار

اسلام، در مقابل مکاتب مادی که فرهنگ خودخواهی و خودپرستی را تبلیغ و ترویج می‌کند، خودخواهی را ریشهٔ مفاسد فردی و اجتماعی می‌داند و با ترویج فرهنگ یثار و نثار خودگذشتگی می‌خواهد این ریشهٔ خطرناک

۱ حشر آیه ۹ ۲ اعلیٰ آیه ۱۶-۱۷

۳ ر ک دانش نامهٔ میزان الحکمه ج ۱ ص ۱۲۹ (فصل دوم ارزش ایثار)

۴ ر ک دانش نامهٔ میزان الحکمه ج ۱ ص ۱۲۲ ح ۵ ص ۱۲۴ ح ۹ ص ۱۲۶ ح ۱۲

را بخشکانند.

البته با یک نگاه دقیق و عمیق، در می‌یابیم که اسلام، «این اقدام، خودخواهی فطری انسان را، هدایت، و مافع واقعی و درازمدت، او را تأمین کرده است. انسان‌های، بی‌تارگر، در واقع، خود را می‌سازند و مافع حقیقی و همیشگی خود را تأمین می‌کنند و به تعبیر قرآن کریم

﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ﴾

اگر یکی کنید، به خودتان یکی کرده‌اید﴾



۲/۱۱. الأمثال العليا في الإيثار

۲/۱۱. نمونه‌های والای ایثار

الكتاب

کتاب

«وَمِنْ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ أَتَقَاتُ مِزَاجَاتِ اللَّهِ
وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ»^۱

الحدیث

حدیث

۱۷۳۴ تنبيه الخواطر عن عائشة ما شَهِدَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مَتَوَالِيَةً حَتَّى فَارَقَ الدُّنْيَا، وَلَوْ شَاءَ لَشَهِدَ،
وَلَكِنَّهُ كَانَ يُؤَيِّرُ عَلَى نَفْسِهِ^۲

۱۷۳۴. تنبيه الخواطر - به نقل از عایشه -: پیامبر خدا،
تا زمانی که از دنیا رفت، هرگز سه روز پیاپی، خدای
سیر نخورد. البته اگر می‌خواست، می‌توانست سیر
بخورد؛ اما او دیگران را بر خود، مقدم می‌داشت.

۱۷۳۵ الإمام علي عليه السلام كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا احْمَرَّتِ النَّاسُ
وَأَحْبَبَتِ النَّاسَ قَدَّمَ أَهْلَ بَيْتِهِ، فَوَقَفَ بِهِمْ أَصْحَابُهُ حَزْرَ
السُّيُوفِ وَالْأَسْبَةِ، فَقَتَلَ عُبَيْدَةَ بْنَ الْحَارِثِ يَوْمَ بَكْرِ،
وَقَتَلَ حَمْرَةَ يَوْمَ أُحُدٍ، وَقَتَلَ جَعْفَرَ يَوْمَ مُؤَتَةَ^۳

۱۷۳۵ امام علی علیه السلام هرگاه جنگ شدت می‌گرفت و مردم
(مسلمانان) و پس می‌رفتند، پیامبر خدا، افراد
خانوادگی را پیش می‌انداخت و به واسطه آنان،
یارانش را از سوار شمشیرها و بیراهه‌ها نجات می‌دادند.
در جنگ بدر کشته
شد، و حمزه، در جنگ احد، و جعفر، در جنگ
موت.

۱۷۳۶ مجمع النبیان عن أبي الطوفان إسماعيل بن علي عليه السلام قَوْلُهُ
فَأَعِجِبْهُ تَتَضَدَّقُ بِهِ، وَمَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ
يَقُولُ مَنْ آثَرَ عَلَى نَفْسِهِ أَثَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِالْجَنَّةِ^۴

۱۷۳۶ مجمع النبیان - به نقل از ابو الطوفان -: علی علیه السلام
حامه می‌خرید و از آن، خوشش آمد و آن را صدقه
داد و فرمود: «از پیامبر خدا شنیدم که می‌فرماید هر
کس دیگران را بر خود مقدم بدارد، خداوند در روز
قیامت، در ورود به بهشت، او را مقدم می‌دارد»

۱۷۳۷ الأمامي للطوسي عن أبي هريرة: جَاءَ رَحُلٌ أَلْسَ
النَّبِيِّ ﷺ فَشَكَا إِلَيْهِ الْجُوعَ، فَبَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِلَى
يُوثَ أَرَوَاجِهِ، فَقُلْنَ: مَا عِندَنَا إِلَّا الْمَاءُ

۱۷۳۷ الامامی، طوسی - به نقل از ابو هریره -: مردی
برد پیامبر ﷺ آمد و از گرسنگی شکوه کرد. پیامبر
خدا، به خدمه‌های همسرانش پیام فرستاد که خدایی
برای آن مرد نفرستند؛ اما آنها گفتند: جز آب، چیزی
در خانه نداریم.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ لِهَذَا الرَّحُلِ اللَّيْلَةُ؟

فَقَالَ عِيْثُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ أَنَا نَدُّ يَا رَسُولَ اللَّهِ
وَأَتَى فَاطِمَةَ ﷺ، فَقَالَ: مَا عِندَكَ يَا بَنَةَ رَسُولِ اللَّهِ؟
فَقَالَتْ: مَا عِندَنَا إِلَّا قَوْتُ الصُّبْحَةِ، لَكِنَّا نُوَيِّرُ
صَيْفَنَا.

پیامبر خدا فرمود: «چه کسی امشب، از این مرد
پذیرایی می‌کند؟»

۱ البقرة ۲۰۷
۲ تنبيه الخواطر ج ۱ ص ۱۷۲
۳ مجمع النبیان ج ۲ ص ۷۹۲
۴

۱ عبده و جعفر، پسر عمرهای پیامبر خدا بودند

فَقَالَ عَلِيُّ ﷺ: يَا بَنَةَ مُحَمَّدٍ، تَوَيْمِي الصَّبِيَّةَ وَأَطِيعِي
الْبَصِيحَ

علی بن ابی طالب ﷺ گفت: من از او پندیرایی
می کنم. ای پیامبر خدا!

قَلْنَا أَصْبَحَ عَلِيُّ ﷺ عِدَا عَلِيٍّ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ
فَأَحْبَبَّزَهُ الْحَبَرُ، فَلَمْ يَبْرَحْ حَتَّى أَسْرَلَ اللَّهُ ﷻ
﴿وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ
وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^۱

و نزد فاطمه ﷺ آمد و گفت در خانه چه داری.
ای دختر پیامبر خدا؟

فاطمه ﷺ گفت: جر عداای بچه ها، چیزی
نداریم: اما میهمان خود را معذّم می داریم.

علی ﷺ گفت ای دختر محمد! بچه ها را بخوابان
و چراغ را خاموش کن

صبح که شد، علی ﷺ نرد پیامبر خدا رفت و
ماجرای آنرا به ایشان گفت. هنوز از نرد پیامبر خدا،
خارج نشده بود که خداوند، پس آیه را فرو
فرستاد ﴿و [دیگران را] بر خویشش معذّم می دارند، هر چند
خویشان بهارمند باشند و کسی که بر آزمندی نفس خویش،
مجبور است معذّم می دارند که و مستکاران اند﴾

پژوهشی درباره‌ی شأن نزول آیه ایثار

در قرآن کریم می‌خوانیم:

﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا أَمْثَارًا مِنَ الْإِيمَانِ فَإِنَّهُمْ يَحِبُّونَ مَنْ قَالَهُمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ خَافَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَتُذَكَّرُ بِهِمْ تُحَصِّنُ صَدْرَهُمْ أَنْ يَرْتَدُّوا عَلَيْنَهُمْ فَيُكْفِّرُوا ۚ﴾^۱

و کسانی که پیش از آنان (مهاجران) در سر (ای مدینه) جای گرفته‌اند و ایمان آورده‌اند، هر کس را که به سوی آنان مهاجرت کرده، دوست دارند و نسبت به آنچه به ایشان داده شده حسد در دل‌هایشان حسدی نمی‌یابند و [بیکران را] بر خویشانشان مقدم می‌دارند، هر چند خودشان بسیار مجرم داشته باشند و آنها که از آزمندی نفس خویش، مصون میمانند، آنان اند که دستکارانند.

درباره‌ی شأن نزول این آیه، پنج وجه به شرح زیر، روایت شده است:

یک. ایثار انصار

صدر آیه، به روشنی شأن می‌دهد که سخن، درباره‌ی ایثار انصار است و بر این مقصود از عبارت ﴿و کسانی که پیش از آنان (مهاجران) در سر (ای مدینه) جای گرفته‌اند و ایمان آورده‌اند﴾ - که عطف بر آیه قبلی ﴿برای مهاجران نفیر...﴾ است - ، مسلمانان مدینه‌اند که «انصار» نامیده می‌شدند؛ همان‌ها که در جریان تقسیم عاریمی که از یهود سی نصیر به دست مسلمانان افتاده بود، مهاجران را بر خود مقدم داشتند و آیه یاد شده، در شأن پیش آنان وارد گردید.

دو. ایثار امام علی (ع)

چند روایت تصریح می‌کند که عبارت ﴿و [بیکران را] بر خویش مقدم می‌دارند هر چند خودشان بسیار مجرم داشته باشند﴾، درباره‌ی ایثار امام علی (ع) است.^۲

سه. ایثار مرد انصاری

در صحیح البخاری روایت شده که این آیه، درباره‌ی مردی در انصار است که پیامبر خدا، میهمانی برای او فرستاد و او میهمان خود را بر خود و همسر و فرزندان مقدم داشت.^۳

۲. در تفسیر خود التلخیص ج ۵ ص ۲۸۵ ح ۵۳ و ۵۴

۱. حشر آیه ۹

۳. در صحیح البخاری ج ۳ ص ۱۳۸۲ ح ۲۵۸۷

چهار ایشار یکی از یاران پیامبر خدا ﷺ

حاکم نیشابوری در المستدرک، از ابن عمر، چنین روایت کرده است.

به یکی از یاران پیامبر خدا، یک گوسفند هدیه داده شد، اما او گفت: «برندرم فلاخی و خانواده او پیش از ما به این [عدا] بیار دارند» لذا من را برای او فرستاد همی طور که سر گوسفند را یکی برای دیگری می فرستاد تا آن که هفت خانه را گشت و به جای اولش باز گشت در این هنگام این آیه نازل شد ﴿وَلْيَكْفُرُوا﴾ بر خود، مقدم می دارند، هر چند خودشان بیار میم داشت باشند^۱

پنج، ایشار جمعی از شهدای احد

نویسنده تفسیر مجمع البیان، در تبیین شان نزول آیه ایشار می نویسد:

گفته شده که این آیه درباره هفت نفری نازل شد که در روز احد، شش سعه و معدنی آب به اندازه ای که یک نفر در کفایت کند، آوردند یکی از آنها گفت «آب را به فلاخی بفرست» تا آن که پس هفت نفر گشت و همگی شاهد شدند و هیچ یک از آنها آب ننوشید پس خداوند سبحان، ایشار را [در این آیه] فرستاد.^۲

بررسی وجوه یاد شده

حاصل بررسی و سوهی که درباره اسباب نزول، آیه یشار ملاحظه شد، در مطابقت با ظاهر هر آن و توجه به روایاتی که دلالت بر هر یک از این وجوه می نماید پس است که شان نزول اصلی این آیه، اشارت به جریان تقسیم عایمی است که از یهود پس بهیر به دست مسلمانان افتاده بود و آب آن، مهاجران را در بهره برداری از آن بر خود مقدم داشتند روایاتی که دلالت بر این وجه دارند، ظاهر آیه ایشار، هماهنگ اند و از این رو، کثر قریب به اتفاق مصنفان، آن را پذیرفته اند

بنابر این، باید گفت روایاتی که دلالت بر سایر وجوه پیش گفته دارند، بر صورت صحت سند، دلیل آیه ایشار را از باب تجزی، بر موارد یاد شده، تطبیق کرده اند و اگر بخواهیم جمعه ﴿وَلْيَكْفُرُوا﴾ بر خود مقدم می دارند هر چند خود، بیار میم داشته باشند را بر فرد خاصی تطبیق کنیم - همان طور که در برخی از روایات گذشته ملاحظه شد - بی تردید، امام علی علیه السلام «سَيُذْ لُفُؤُ ثَرِيْنٍ» (تفای شادگران) است و معنی ندارد که بگوییم دلیل آیه ایشار، توسط جبرئیل علیه السلام بر همه موارد، ایشار امام علی علیه السلام و سایر یشارهای بزرگ، تطبیق شده است و مقصود از نزول آیه یاد شده در این موارد، تجزی و تطبیق آن، توسط جبرئیل علیه السلام است.

۱ المستدرک علی الصحیحین ج ۲ ص ۵۲۶ ح ۳۷۹۹ بر کتب الاکوسی ج ۲۸ ص ۵۳، تفسیر القرطبی ج ۱۸ ص ۲۵، الدر المنثور ج ۸ ص ۱۰۷، مشکاة الأثر ج ۳۰ ص ۱۰۵۰، تیسر الخوهر ج ۱ ص ۱۷۳

۲ مجمع البیان ج ۹ ص ۳۹۱

الفصل الثاني عشر: الأمانة

فصل دوازدهم: امانتداری

۱/۱۲. أهمية الأمانة

۱/۱۲. اهمیت امانتداری

الكتاب

قرآن

﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمْتِنَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ زَعُونَ﴾^۱

الحديث

حدیث

۱۷۳۸. رسول الله ﷺ لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصُومِهِمْ، وَكَثْرَةِ الْحَجِّ. وَانْصَرُفُوا. وَطَنُطِئِهِمْ بِاللَّيْلِ! وَلَكِنْ أَنْظُرُوا إِلَى حَبْدِي الْحَدِيثِ وَأَدَاؤِ لَأَمَانَةٍ^۲

﴿وَأَلَانِ [مُؤْمِنَانِ كَسَانِي هَمْتِنْد] كِه امانت‌ها و پیمان خود را رعایت می‌کنند﴾

۱۷۳۸. پیامبر خدا ﷺ به بسیاری نمازِ افراد و روزه و حج و بخشش و ناله‌های شبانه آنها نگاه نکنید؛ بلکه به راستگویی و امانتداری‌شان بگردید

۲/۱۲. بر گرداندن امانت، در هر حال، واجب است

۲/۱۲. إطلاق وجوب أدائها

۱۷۳۹. پیامبر خدا ﷺ - پس از تلاوت آیه ﴿وَبَعْضِي أَرَاهُ﴾

۱۷۳۹. رسول الله ﷺ - لَمَّا قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ: ﴿وَبَيْنَ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ إِبْرَاقَةِ﴾^۳ كَذَبَتْ أَعْدَاءُ اللَّهِ. مَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ إِلَّا وَهُوَ مَحْتٌ قَدَمِي إِلَّا الْأَمَانَةُ، فَإِنَّهَا مُؤَدَّاةٌ إِلَى النَّبِيِّ وَالْعَاجِرِ^۴

گفته‌اند که اگر او را امین شمری. ﴿- دشمنان خدا، دروغ گفته‌اند [که می‌توان امانت را به غیر همکیشان باز نگرداند] هر چه را در جاهلیت رسم بوده، زبرد می‌گذارم، مگر امانتداری و امانت را به پند نه بیکوکار و بدکار برگرداند.

۳/۱۲. لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ

۳/۱۲. کسی که امانتدار نیست، ایمان ندارد

۱۷۴۰. رسول الله ﷺ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ^۵

۱۷۴۰. پیامبر خدا ﷺ کسی که امانتدار نیست، ایمان ندارد

۱۷۴۱. عَنْهُ ﷺ مَنْ خَانَ أَمَانَةً فِي الدُّنْيَا وَلَمْ يَرْدُهَا إِلَى أَهْلِهَا ثُمَّ أُدْرِكَهُ الْمَوْتُ مَاتَ عَلَى عَيْرٍ يَلْتَمِ، وَيَلْقَى اللَّهَ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانُ^۶

۱۷۴۱. پیامبر خدا ﷺ: کسی که در دنیا به امانتی خیانت کند و آن را به صاحبش برنگرداند و مرگش در رسد، بر عیبر دین می‌میرد است و در حالی با خدا دیدار می‌کند که خدا بر او خشمگین است

۱ المومنون ۸

۲. عبود اخبار قرصه ج ۲ ص ۵۱ ح ۱۹۷

۳. آل عمران ۷۵۰ ۴. مجمع البیان ج ۲ ص ۷۷۸

۵. التوادد للروندی ص ۹۱ ح ۲۷

۶. الامانی للصدوق ص ۵۱۶ ح ۷۰۷

سخنی درباره امانت

واژه «امانت» ، صد «حیانت» ، مصدر و بر ریشه «أمن» به معنی آرامش فتن است و «امین» ، به کسی گفته می‌شود که دل ، در سپردن چیزی به او احساس آرامش کند . همچنین به چیزی که سپرده شده بپر «امانت» اطلاق می‌گردد .

امانت ، در قرآن و حدیث

واژه «امانت» در قرآن و احادیث اسلامی ، در همان معنی لغوی آن به کار رفته است ، اما در تفسیر عرصه‌های «امانت» و اقسام امینان ، نوآوری‌های صاحب توحید و یگانگی تئو آفرینی در متون اسلامی دیده می‌شود

گستره عرصه امانت

از منظر اسلام ، عرصه امانت بسیار گسترده است و هر معنی که خداوند متعال به انسان داده ، هر کاری که به او واگذار می‌شود و هر مسئولیتی که به او سپرده شود ، در حقیقت ، امانتی است که به او سپرده شده است . بنا بر این ، آیاتی که مردم را به رعایت امانت ، ترغیب می‌کند ، شامل همه عرصه‌های امانت می‌گردد . عرصه‌های امانت ، عبارتند از

۱. عرصه سیاسی در نظام اسلامی ، هر کس از قدرت سیاسی برخوردار است ، امانتدار خداوند متعال و مردم است ، و هر که جایگاه سیاسی بالاتر و قدرت افروزی دارد ، باز امانت او سنگین‌تر است . بر این اساس ، بار امانت رهبران جامعه ، از همه سنگین‌تر است

۲. عرصه فرهنگی پس از مسئولان سیاسی ، در امانت عمدتاً و رهبران فرهنگی جامعه از دیگران سنگین‌تر است . دانش و معرفت ، امانت خداوند است که مسئولان فرهنگی ، هم خود باید بدان عمل کنند ، و هم زمینه را برای عمل کردن دیگران ، فراهم سازند

۳. عرصه اقتصادی روشن‌ترین عرصه امانت نزد عموم مردم ، عرصه اقتصادی است . نکته قابل توجه در امانتداری اقتصادی از نگاه اسلام ، این است که شخص مسلمان ، به بها حق ندارد به حقوق دیگران تجاوز کند ، بلکه ثروت شخصی خودش بپر امانتی در برد اوست و نمی‌تواند آن را در هر راهی که می‌خواهد ، مصرف کند . از این رو ، در اسلام ، اسرافکاری در مال خود بپر حیانت محسوب می‌گردد

۴. عرصه اخلاقی گستره امانتداری در عرصه اخلاقی بسیار وسیع است . در واقع ، امانتداری انصاف به

انواع صفات یکو و جتنا از همهٔ صفات شایسته است، «امانتداری و جدان اخلاقی است که خداوند متعال به انسان ارثانی داشته است. در بن رو، در روایات اسلامی، سوری ماسد صداقت، و رَع، عفت، وفا، همکاری برای اقامهٔ حق، پاداش، یکی با یکی، و حفظ اسرار مردم، در مصادیق امانتداری شمرده شده‌اند.

۵. عرصهٔ عملی، در اسلام، هرکاری که به انسان سپرده شود، امانت محسوب می‌گردد. از این رو است که اجیر (پیمانکار) یکی از امانتداران محسوب می‌شود.

۶. عرصهٔ واحببت الهی، در معنای که خداوند متعال برای زندگی انسان برانگیزده، در حقیقت، بزرگ‌ترین نعمت و امانت الهی برای تکامل مادی و معنوی و سعادت دنیوی و اُخروی است، و همهٔ انبیای الهی به هدف انتقال این امانت به جامعهٔ بشر، مبعوث شده‌اند. بدین سان، بهره‌گیری از این برنامه، امانتداری است و مخالفت با آن، حانت محسوب می‌گردد.

الفصل الثالث عشر: المحاسبة

فصل سیزدهم حسابرسی

۱/۱۳ الْحِثُّ عَلَى مُحَاسِبَةِ النَّفْسِ

۱/۱۳. تشویق به محاسبه نفس

الكتاب

قرآن

﴿يَتَذَكَّرُهَا الْأُنْثَىٰ ذَاتُ الْوَلَدِ فَأَنذَرْتُهَا اللَّهَ وَلَنَحْنُزُ نَفْسُ مَا قُضِيَ
بِغَيْرِ وَأَنذَرْتُهَا إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾^۱

«ای کسانی که ایمان آوردند! ای خدا پروا کنید و هر کسی
باید بگردد که برای فردا [ای خود] از پیش، چه فرستاده
است و [باز] بر خدا بترسید. در حقیقت، خدا به آنچه
می‌کند، آگاه است»

الحديث

حدیث

۱۷۱۲ رسول الله ﷺ أَكْثَرُ الْكَاذِبِينَ مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ
وَعَمِلَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ، وَاحْتَقَقَ الْحَقِيقَ مَنْ أَتَى نَفْسَهُ
هَوَاهُ، وَتَمَنَّى عَلَى اللَّهِ الْأَمَانِيَّ^۲

۱۷۱۲ پیامبر خدا ﷺ. زیاده‌ترین دروغ‌گاران، کسی است
که از نفس خویش حساب نکشد و برای بعد از
موت کار کند، و احق‌ترین با حقیقت، کسی است
که نفس خود را دنبال هوا و هوس خویش کند و از
خدا آرزوهای بطلد

۱۷۴۳ عَنْهُ ﷺ حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا،
وَرِسْوَاهَا قَبْلَ أَنْ تُرْسَوَا، وَتَحْهَرُوا لِلْفَرْصِ الْأَكْبَرِ^۳

۲/۱۳ التَّشْطِيدُ فِي مُحَاسَبَةِ النَّفْسِ

۱۷۳۳. پیامبر خدا ﷺ پیش از آن که مورد حسابرسی
قرار گیرید، خود به حساب بستان برسید و پیش
از آن که سنجیده شوید، خود، بستان را در
ترازوی سنجش بگذارید و برای آن حسابرسی
بزرگ، آماده شوید

۱۷۴۴ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا يَكُونُ الْعَبْدُ مُؤْمِلاً حَتَّى يُحَاسِبَ
نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ مُحَاسَبَةِ الشَّرِيكِ شَرِيكُهُ وَالسَّيِّدُ
عَبْدَهُ^۴

۲/۱۳ سختگیری در محاسبه نفس

۱۷۴۵ عَنْهُ ﷺ لَا يَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَمِّينَ حَتَّى يُحَاسِبَ
نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ مُحَاسَبَةِ الشَّرِيكِ شَرِيكُهُ، فَيُظْلَمَ مِنْ
أَيْنَ مَطْلَعَةٍ، وَمِنْ أَيْنَ مَشْرِئَةٍ، وَمِنْ أَيْنَ مَلْبَسَةٍ، أَمِنْ
جِلٍّ أَمْ مِنْ حَرَامٍ^۵

۱۷۴۴. پیامبر خدا ﷺ بنده، مؤمن نیست، مگر آن گاه
که سخت‌تر از حسابرسی شریک از شریکش و
خواجه از علامش، از نفس خود، حساب بکشد.
۱۷۴۵ پیامبر خدا ﷺ آدمی در (مرا) تقواییستگان
نخواهد بود مگر آن گاه که سخت‌تر از حسابرسی
شریک از شریکش، از خود حساب بکشد تا بداند
که از کجا حورده است و در کجا آشامیده است و از
کجا پوشیده است؛ از حلال یا از حرام

۱. العشر ۸.

۲. بحواله الأئوار ج ۷۰ ص ۶۹ ح ۱۶

۳. بحواله الأئوار ج ۷۰ ص ۷۲ ح ۲۶

۴. بحواله الأئوار ج ۷۰ ص ۷۲ ح ۲۲

۵. مکالم الأخلاق ج ۲ ص ۱۷۵ ح ۳۶۶۱

الفصل الرابع عشر: الحسنة والإحسان

فصل چهاردهم: نیکی و نیکوکاری

۱/۱۴. أَفْضَلُ الْحَسَنَاتِ

۱/۱۴. بهترین کارهای نیک

۱۷۴۶. كُنْ الْعَمَلُ عَنْ خَالِدِ بْنِ الْوَلِيدِ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، قَالَ أَيُّ حَسَنَةٍ أَفْضَلُ عَبْدُ اللَّهِ؟ قَالَ: حَسَنُ الْعَلَقِ وَالْتِوَاضُعُ وَالصَّبْرُ عَلَى الْبَلَاءِ وَالرِّضَاءُ بِالْقَضَاءِ^۱

۱۷۴۶. کز العمل عن خالد بن الوليد جاء رجل إلى رسول الله ﷺ، قال أي حسنة أفضل عبد الله؟ قال: حسن العلق والتواضع والصبر على البلاء والرضا بالقضاء

پیامبر ﷺ هر بود، خوش خویش، فروزی، شکیبایی بر بلا (گرفتاری)، و خرسندی به قضا.

۲/۱۴. بِالْإِحْسَانِ تَمْلِكُ الْقُلُوبَ

۲/۱۴. با احسان، دل‌ها به دست می‌آیند

۱۷۱۷. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ جُبِلَتْ الْقُلُوبُ عَلَى حُبِّ مَنْ أَحْسَنَ إِلَيْهَا، وَبُعِضَ مَنْ أَسَاءَ إِلَيْهَا^۲

۱۷۳۷. پیامبر خدا ﷺ دل‌ها بر محبت کسی که به آنها خوبی کند و بر نفرت از کسی که به آنها بدی روا دارد، قرار گرفته شده‌اند.

۳/۱۴. الْإِحْسَانُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ

۳/۱۴. نیکی کردن به کسی که بدی کرده است

۱۷۴۸. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَحْسَنُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ^۳

۱۷۴۸. پیامبر خدا ﷺ به کسی که در حق تو بدی کرده است، خوبی کن

۱۷۴۹. الْإِمَامُ عَلِيُّ ﷺ لَقَدْ صَحَّحَ إِلَيَّ سِلَاحَ رَسُولِهِ ﷺ فَوَجَدْتُ فِي قَائِمِ سَمِيحِهِ مُطْلَقَةً فِيهَا ثَلَاثَةُ أَحْرَفٍ، حِلٌّ مَنْ قَطَعَكَ، وَأَحْسَنُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ، وَقُلْ الْحَقُّ وَلَوْ عَلَى نَفْسِكَ^۴

۱۷۴۹. امام علی ﷺ اسلحه پیامبر خدا را برداشتم دیدم به قبضه شمشیر وی، سه جمله آویخته است همه کسی که از تو بُریده است، پیوندد و به کسی که به تو بدی کرده است، خوبی کن و حق را بگو، هر چند به زبان خودت باشد.

الفصل الخامس عشر: الحياء

۱/۱۵. فَضْلُ الْحَيَاءِ

فصل پانزدهم: شرم

الكتاب

۱/۱۵. فَضِيلَتُ الشَّرَمِ

﴿لَجَاءَهُ إِخْدَانُهَا فَنَدَسَّ عَلَى أَسْتِخْبَاءٍ فَلَثَّ بِذِي أَبِي يَدْعُوكَ لِيُخْرِجَكَ أَجْرَ مَا سَفَيْتَ لَنَا﴾^۵

قرآن

﴿پس یکی از آن دو زن - در حالی که به آرام، گام بر می‌داشت - نزد وی (موسی) آمد [و] گفت: پدرم تو را می‌طلبد تا تو را به پانزیر آب دادن [به گوسفندان] برای مد مزد دهد

۱. کز العمل ج ۱۶ ص ۱۲۹ ح ۴۱۵۴

۲. تحف العقول ص ۳۷ ۳. کز التواتر ج ۲ ص ۳۱

۳. کز العمل ج ۱۶ ص ۲۳۸ ح ۴۴۹۸

۴. القصص، ۲۵

الحديث

۱۷۵۱. رسول الله ﷺ الحياء خير كله ^۱

۱۷۵۱. عنه ﷺ ما كان الفحش في شيء إلا شانه. ولا

كان الحياء في شيء قط إلا رانه ^۲

۱۷۵۲. عنه ﷺ إن لله يحب الحيي المتعفف. ويُبغض

البدي السائل الملحف ^۳

۲/۱۵. الحياء والإيمان

۱۷۵۳. رسول الله ﷺ إن لكسل ديس خلقاً. وإن حنو

الإسلام الحياء ^۴

۱۷۵۴. عنه ﷺ الحياء هو الدين كله ^۵

۳/۱۵. إذا لم تستحي فاعمل ما شئت ^۶

۱۷۵۵. رسول الله ﷺ لم ينق من أمثال الأنبياء ﷺ إلا قول

أنا من إذا لم تستحي فاصنع ما شئت ^۷

۱۷۵۶. عنه ﷺ آخر ما أذكرك الناس من كلام النبوة

الأولى: إذا لم تستحي فاصنع ما شئت ^۸

الفصل السادس عشر الحلم

۱/۱۶. فصل للحلم

الكتاب

﴿إِنْ إِبْرَاهِيمَ لَخَلِيفَةٌ أَزْوَءٌ مُّبِينَةٌ﴾ ^۹

۱ معاني الأخبار ص ۱۰۹ ح ۹۲

۲ الأمالي للطوسي ص ۱۹۰ ح ۳۲۰

۳ الأمالي للطوسي ص ۳۹ ح ۱۳

۴ كثر العتال ج ۳ ص ۱۱۹ ح ۵۷۵۷

۵ كثر العتال ج ۳ ص ۱۱۹ ح ۵۷۶۱

۶ حيون أخبار الرضا ﷺ ج ۲ ص ۵۶ ح ۲۰۷

۷ كثر العتال ج ۳ ص ۱۲۲ ح ۵۷۸۰

۸ هود ۷۵

حديث

۱۷۵۰. پیامبر خدا ﷺ شرم، سراسر خوبی است

۱۷۵۱. پیامبر خدا ﷺ بی شرمی، با چیزی همراه شد،

مگر این که آن را رشت گردانید و حیا، با چیزی

همراه نگشت، مگر این که آن را از است

۱۷۵۲. پیامبر خدا ﷺ خداوند، با حیا پاک دامن ر

دوست دارد و از گدای هیچ بی شرم و عزت

دارد

۲/۱۵. شرم و ایمان

۱۷۵۳. پیامبر خدا ﷺ هر دیس، خوبی دارد و حوی

اسلام، شرم است

۱۷۵۴. پیامبر خدا ﷺ شرم، همه دین است

۳/۱۵. بی شرم، از هیچ کاری امتناع ندارد

۱۷۵۵. پیامبر خدا ﷺ از مثل های پیامبران ﷺ، جز

بی سخی مردم بر جای نمانده است؛ وقتی حیا

نداشتی، هر کاری که می خواهی، بکن

۱۷۵۶. پیامبر خدا ﷺ احقرین سخی که از پیامبران

بحسب به مردم رسیده، این است؛ چون سخی

نداشتی، هر کاری که خواستی، بکن

فصل شانزدهم بُردباری

۱/۱۶. فضیلت بردباری

قرآن

﴿هَٰذَا بُرْدَابُكَ بِرْدَابُكَ وَبِرْدَابُكَ وَبِرْدَابُكَ﴾ (به سوی

خدا) بود

الحديث

حديث

وَلْيَصْبِرْ مُتَنَكِّبًا^۱

دانش و خانه شکیبایی، بر انگیزته شدم.

۲/۱۶ الْجِلْمُ وَالْعِلْمُ

۲/۱۶. بردباری و دانش

۱۷۵۷ رسول الله ﷺ يُعِشْتُ لِلْجِلْمِ مَزَكَّرًا، وَلِلْعِلْمِ مُقَدِّمًا.

۱۷۵۷. پیامبر خدا ﷺ: من کهنون بردباری و کان [معدل]

إِلَى شَيْءٍ فَفَضَّلَ مِنْ جِلْمٍ إِلَى عِلْمٍ^۲

لومست، چیری یا چیری جمع شد که بهتر از جمع

شدن علم و بردباری باشد

۳/۱۶ صِفَةُ مَنْ لَيْسَ بِحَلِيمٍ

۳/۱۶ ویژگی کسی که بردبار نیست

۱۷۵۸ رسول الله ﷺ أَيْسَى بِحَلِيمٍ مَنْ لَمْ يُعَاشِرْ بِالْمَرْوَبِ

۱۷۵۸ پیامبر خدا ﷺ مردبار نیست آن که با کسی که

مَنْ لَا يَدُّ لَهُ مِنْ مُعَاشَرَتِهِ حَتَّى يُجَمِّلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ دَلِكِ

چهره‌ای از معاشرت با او ندارد، به نیکی معاشرت

مَعْرَجًا^۳

نمی‌کند، تا این که خداوند برای او راه گریزی از

معاشرت با وی فراهم آورد

الفصل السابع عشر: الرَّحِمُ

فصل هفدهم: مهربانی

۱/۱۷ لِحَدِّثٍ عَلَى التَّرَاحُمِ

۱/۱۷ تشویق به مهربانی با یکدیگر

الكتاب

قرآن

﴿ ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَوَلَّوْا بِالْمُنْفَرِ

﴿ ... علاوه بر این، از امری کسانی باشد که گردیده و

وَتَوَلَّوْا بِالْمَرْحَةِ ۚ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْغَلْبَةِ ۚ ۱

یکدیگر را به شکیبایی و مهربانی سفارش کرده‌اند

الحديث

اینهاند مجستگان﴾

۱۷۶۰ رسول الله ﷺ مَنْ رَحِمَ وَلَوْ ذِيخَةً عَصْفُورٍ رَحِمَهُ

۱۷۶۰ پیامبر خدا ﷺ: هر که حتی به لاشه گنجشکی

لِلَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۴

حديث

۱۷۶۱ عَنْهُ ﷺ مَنْ لَمْ يَرْحَمْ لَا يُرَحَمْ^۵

رحم کند، خداوند در روز قیامت بر او رحم

می‌آورد

۱ معارج الأنوار ج ۷۱ ص ۱۲۳ ح ۶۱

۲ التمهیل ص ۵ ح ۱۱

۳ کثر المتکامل ج ۳ ص ۱۳۰ ح ۵۸۱۵

۴ البلد ۱۷ ر ۱۸

۵ کثر المتکامل ج ۶ ص ۲۶۳ ح ۱۵۶۱۱

۶ کثر المتکامل ج ۳ ص ۱۶۳ ح ۵۹۷۱

۱۷۶۱ پیامبر خدا ﷺ: کسی که رحم نکند، به او رحم

نمی‌شود

۱۷۶۲. عنه ﷺ. حَاتِبٌ عَبْدٌ وَخَيْرٌ لَمْ يَحْمِلْ أَقْبَهُ تَعَالَى فِي قَلْبِهِ رَحْمَةً لِلْبَشَرِ^۱

۱۷۶۱. پیامبر خدا ﷺ. بریده و ریانکار است آن پندمای که خداوند متعال در دل او، رحم نسبت به انسان‌ها را نگذاشته باشد

۲/۱۷ أَحَقُّ النَّاسِ بِالرَّحْمِ

۱۷۶۳. رسول الله ﷺ إِرْحَمُوا غَيْرَكُمْ ذَلَّ، وَعَبِيًّا اسْتَفْرَ، وَعَالِيًّا ضَاعَ فِي رَمَابِ خُفَالِ^۲

۱۷۶۲. ۲. سر او از خورین مردم به مهربانی

۱۷۶۳. پیامبر خدا ﷺ به عزیزی که حواش شده و توانگری که نهی دست شده و دانشمندی که در روزگار نادانان تباه گردیده است، رحم کنید

۱۷۶۴. عنه ﷺ إِرْحَمِ الْمَسَاكِينَ^۳

۱۷۶۴. پیامبر خدا ﷺ و مسکینان مهربانی کن

الفصل الثامن عشر الرفق

فصل هجدهم، نرم‌خویی

۱/۱۸ فَضْلُ الرَّفْقِ

الكتاب

۱/۱۸ فضیلت نرم‌خویی

قرآن

﴿وَعِنْدَ أَرْحَمِ الْمَدِينِ يَغْشَوْنَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَرِثًا﴾

﴿وَرَبِّدْكَانَ [احدای] رحمان گمانی‌اند که روی زمین به

حاضرتهم الحهلون قالوا سلفاً﴾^۱

کرمی گام بر می‌دارند و چون نادانان ایشان را طرف

الحدث

خطاب فرود دهد، به ملایمت پاسخ می‌دهد﴾

۱۷۶۵. رسول الله ﷺ الرَّفْقُ يُمْنُ وَالْعَرَقُ شَوْمٌ^۲

حدیث

۱۷۶۶. عنه ﷺ إِنْ الرَّفْقُ لَمْ يُوصَفْ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا رَأْسُهُ،

۱۷۶۵. پیامبر خدا ﷺ ملایمت (نرم‌خویی)، میمون است

وَلَا تُبْعَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا شَانَهُ^۳

و خشونت (دشمنت‌خویی)، شوم

۲/۱۸. إِنْ اللَّهَ رَفِيقٌ يُعِبُّ الرَّفْقِ

۱۷۶۶. پیامبر خدا ﷺ ملایمت، با هیچ چیز همراه نشد،

۱۷۶۷. رسول الله ﷺ - لَعَانَتْهُ - يَا عَائِشَةُ. إِنْ اللَّهَ رَفِيقٌ

حر این که آن را راست و از هیچ چیز برداشته

يُجِبُّ الرَّفْقُ، وَيُعْطِي عَلَى الرَّفْقِ مَا لَا يُعْطِي عَلَى

شد، مگر این که آن را رشت کرد

۲/۱۸. خداوند، نرم‌خوی است و نرم‌خویی را

دوست دارد

۱. کنز العمال ج ۳ ص ۱۶۲ ح ۵۹۶۸

۲. قرب الإسناد ص ۶۶ ح ۲۱۰

۳. کنز العمال ج ۳ ص ۱۶۶ ح ۵۹۸۳

۴. الفرقان ۲۳

۵. الکافی ج ۲ ص ۱۱۹ ح ۴

۶. الکافی ج ۲ ص ۱۱۹ ح ۶

۱۷۶۷. پیامبر خدا ﷺ - به عایشه - ای عایشه! همانا

خداوند، نرم‌خوی است و نرم‌خویی را دوست

دارد و به سبب ملایمت چیزهایی عطا می‌کند که

الْمُذِيبِ، وَمَا لَا يُعْطِي عَلَى سِوَاهُ^۱

با خشونت و چیرهای دیگر عطا نمی‌کند

۱۷۶۸ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ اللَّهَ رَفِيقٌ يُحِبُّ الرُّفُقَ فِي الْأَمْرِ كُلِّهِ^۲

۱۷۶۸ پیامبر خدا ﷺ خداوند نرم‌خوی است و نرم‌خویی را در هر کاری دوست دارد

۱۸/۳، برمی‌آید

۱۸/۳ الرُّفُقُ فِي الْعِبَادَةِ

۱۷۶۹ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَيْسٌ قَدْ وُعِلُوا بِهِ بِرَفِيقٍ، وَلَا تُكْرَهُوا عِبَادَةَ اللَّهِ إِلَى عِبَادِ اللَّهِ فَتُكُونُوا كَالرَّاكِبِ الْمُتَبَتِّ الَّذِي لَا سَفَرًا قَطَعَ وَلَا ظَهْرًا أَهَى^۳

۱۷۶۹ پیامبر خدا ﷺ: همانا این دین، آسوار است. پس با ملایمت در آن وارد شوید و عبادت خدا را بر بندگان خدا تحمیل نکنید که در آن صورت، به سوار درمانده‌ای می‌مانید که به راهی را پیموده و به مرکزی [با نشاط] به جا گذاشته است

الفصل التاسع عشر الزَّهْدُ

فصل نوزدهم، زهد

۱/۱۹ فصلُ الزُّهْدِ

الكتاب (۱/۱۹) زهدی زهد

الكتاب

«لَا تَمْتَرَنَّ عَيْتَكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَخْزِنَ عَلَيْهِمْ وَاحْفَظْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ»^۴

بر آن

چهره به آنچه ما دستم‌هایی از آنان (کافران) را بدان بر خوردار ساختیم، چشم مدوز و بر ایشان اندوه مخور، و بال خویش را برای مؤمنان، فرو گستر»

الحديث

۱۷۷۰ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ أَخَذَ مِنَ الدُّنْيَا مِنَ الْحَلَالِ حَاشَتَهُ اللَّهُ، وَمَنْ أَخَذَ مِنَ الدُّنْيَا مِنَ الْحَرَامِ عَذَّبَهُ اللَّهُ، أَفْ لِلدُّنْيَا وَمَا فِيهَا مِنَ الْبَلِيَّاتِ، حَلَالُهَا حِسَابٌ وَحَرَامُهَا عِقَابٌ^۵

حدیث

۱۷۷۰ پیامبر خدا ﷺ: هر که از حلال دنیا برگیرد، خداوند از او حساب می‌کشد و هر که از حرام دنیا برگیرد، خداوند او را عذاب می‌کند. آف به دنیا و رنج و مصیبت‌های آن، که حلالش حساب دارد و حرامش کیفر»

۱۷۷۱ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ - فِي مَوْعِظَتِهِ لِابْنِ مَسْعُودٍ - يَا بَنَ مَسْعُودٍ، قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: «لِيَبْتَلُوَكُمْ أَيْكُمُ أَحْسَنُ عَمَلًا»^۶ يَعْنِي أَيْكُمُ أَرَاهُ فِي الدُّنْيَا...

۱۷۷۱، پیامبر خدا ﷺ - در اندرز به ابن مسعود - ای پسر

۱ کثر التماس ج ۳ ص ۳۸ ح ۵۲۶۳

۲ کثر التماس ج ۳ ص ۳۹ ح ۵۳۷۱

۳ الکافی ج ۲ ص ۸۶ ح ۱، ۲، الحجر ۸۸

۴ الترمذی ج ۳ ص ۵۸۵ ح ۵۸۳۰

۵ الحديث ۲

مسعود این سخن خدای تعالی که «لِيَبْتَلُوَكُمْ أَيْكُمُ أَحْسَنُ عَمَلًا» به معنای آن است که کدام یک از شما بیشترین تلاش را می‌کند (بهی رعبت ترید)...

يَا بَنَ مَسْعُودٍ، النَّارُ لِمَن رَّكِبَ مُعَرِّمًا، وَالْجَنَّةُ
لِمَن تَزَكَ الْحَلَالَ، فَقَلِّبْ بِالرُّهْدِ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَّا يُبَاهِي
اللَّهُ بِهِ الْعَالَمِينَ، وَيَبْقَى اللَّهُ عَلَيْكَ بِوَجْهِهِ وَيُصَلِّي
عَلَيْكَ الْجَبَّارُ^۱

۱۷۷۲ عنه ﷺ - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى ﴿وَأَشْيَيْنَا أَسْحٰكُم
صَبِيًا﴾^۲ - يَعْنِي الرُّهْدَ فِي الدُّنْيَا وَقَالَ تَعَالَى
لِمُوسَى ﷺ يَا مُوسَى، إِنَّهُ لَنْ يَتَزَيَّنَ السَّرَّامُونَ بِرَبِّهِ
رُبَّ مِ غَيْبِي مِنَ الرُّهْدِ^۳

۲/۱۹ مَرَكَاتُ الرُّهْدِ

۱- کمال المعرفة

۱۷۷۳ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَن رَهْدَ فِي دُنْيَا عَلَّمَهُ اللَّهُ تَعَالَى
بِلَا عِلْمٍ، وَهَدَاهُ بِلَا هِدَايَةٍ، وَجَعَلَهُ بَصِيرًا وَكَشَفَ عَنْهُ
الْعَمَى^۴

۱۷۷۴ عَنْهُ ﷺ إِذَا زَأَيْتُمُ الرَّحْلَ قَدْ أُعْطِيَ زُهْدًا فِي الدُّنْيَا
وَقَلَّةَ مَسْطَقٍ، فَأَقْبِرُوا مَعَهُ فَإِنَّهُ لَكُمْ فِي الْحِكْمَةِ^۵

ب- خلاوة الإيمان

۱۷۷۵ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حَرَامٌ عَلَيَّ قُلُوبُكُمْ أَنْ تَعْرِقَ
خِلَاوَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى تَرَهْدَ فِي الدُّنْيَا^۶

ای پسر مسعود! آتش، برای کسی است که
مرتکب حرام شود و بهشت، از آن کسی است که
حلال را واگذارد. پس بر تو باد رهد؛ زیرا رهد، از
چیزهایی است که خداوند با آن پسر فرشتگان
مباهات می‌کند و بازهد است که خداوند، به تو
رو می‌کند و حقایق جنار بر تو درود می‌فرستد

۱۷۷۲ پیامبر خدا ﷺ - درباره این سخن خداوند متعال
که: ﴿وَمَنْ كَفَرْنَا بِهِ أَلَسْنَا بِهَدِيمٍ﴾ - یعنی
روی گردانی از دنیا حقایق متعال به موسی ﷺ
فرمود: ای موسی! خودآرایان، هرگز نمی‌توانند
حقیقتی را به زیور بیارند که در چشم من،
زیاتر از روی گردانی [از دنیا] باشد!

۲/۱۹ مَرَكَاتُ هَدَى رَهْد

الف- کمال یافتن شناخت

۱۷۷۳ پیامبر خدا ﷺ هر که دل از دنیا برکند، خداوند
متعال او را دانش می‌آموزد، بی آن که از کسی
بیامورد، و هدایتش می‌کند، بی آن که کسی به
هدایت او بپردازد، و او را بصیرت می‌بخشد و
کور دلی را از او می‌رداید

۱۷۷۴ پیامبر خدا ﷺ هر گاه مردی را دیدید که رهد
در دنیا و «کم‌گویی» به او عطا شده است، به وی
بردیک شوید؛ چرا که چنین شخصی، حکمت
می‌افشاند

ب- چشیدن شیرینی ایمان

۱۷۷۵ پیامبر خدا ﷺ چشیدن شیرینی ایمان، بر
دل‌های شما حرام است، مگر آن گاه که دل‌هایتان
نسبت به دنیا رهد و ورید

۱ مکالم الأخلاقی ج ۲ ص ۳۶۰ ح ۲۶۶۰

۲ مریم ۱۲

۳ مکالم الأخلاقی ج ۲ ص ۳۶۰ ح ۲۶۶۰

۴ حلیه الأولیاء ج ۱ ص ۷۲

۵ سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۳۷ ح ۴۱۰۱

۶ الکافی ج ۲ ص ۱۶۸ ح ۲

ج- تَهْوِينُ الْقَصَائِبِ

١٧٦ رسول الله ﷺ مَرَّ رَجُلٌ فِي الدُّنْيَا هَائِتٌ عَلَيْهِ
الْمُصَابَاتُ ١

ج۔ آسان شدہ مشکلات

۱۷۷۶. پیغمبر خدا ﷺ هر که به دین می رعیت شود،
سختی های او آسان می گردند

وَالْمُتَّقِينَ إِلَى اللَّهِ

١٧٧٧ رسول الله ﷺ جلساء الله عداً أهل الرُّهْدِ مي
الدُّنيا ٢

د- فرد یک شش به خدا

۱۷۷۷. پیامبر خدا ﷺ همنشینانِ خداوند در هر دای
قیامت، آنان‌اند که در دنیا زاهدند.

١٧٧٨ هـ - في موعظته إرجس - إرهذ في الدنيا
يُصَلِّقُ أَقْدَمَهُ، وَارْهَذَ فِيمَا فِي أَيْدِي النَّاسِ يُحِبُّكَ
النَّاسُ. ٢.

۱۷۷۸ پیغمبر خدا ﷺ در اندرز به مردی:- نسبت به دنیا
ره دور تا حلاوت الله تو را دوست ندارد و
نسبت به آنچه مردم دارند، ره دور با مردم
دوستت ندارد

٥- عِزَّةُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

١٧٧٩. رسول الله ﷺ ما من عبد يدع الدنيا إلا لم يزل
عرباً في الدنيا والآخرة، معافاة الناس مدام في
حاله ٤

۱۰- تجمعات جنب و آخرت

۱۳۶۹. پیاسه خداوند. هیچ پندمائی نیست که دنیا را
و آنکه میگوید که پیوسته در دنیا و آخرت،
عزت مند است و تارمائی که بر آن حال است،
هیبت او در دل مردم حواله دهد بود

١٧٨١ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ اللَّهَ - تَهَارَكَ وَتَعَالَى - نَاحَى مُوسَى عَلَيْهِ
فَكَانَ فِيهِمَا بَاجَاهُ أَنْ قَالَ يَا مُوسَى أَتُمَا الزَّاهِدُونَ
يَا لُدُّيَا، فَإِنِّي أَمْسَعُهُمْ جُشَى يَتَبَوَّؤْنَ بِهَا حَشً
شَاوَةً ٥

۱۷۸۰ پیامبر خدا ﷺ خداوند - تبارک و تعالی - ب
موسی ﷺ به دعوی پر داحت و از جمله دعوی هایش
این بود که گفت: «ای موسی! ... من بهشت خویش
را تقدیم کسانی می‌کنم که در دنیا زهد ورزیده‌اند،
تا در هر کجای آن که می‌خواهند، ساکن شوند».

١٩ / ٣ مَعَادِي الزُّهْد

أ- معرفة الدنيا

١٧٨١ الخُسْتَدَرْ عَلِي الصُّنْبُجِي عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ، كَلَامًا

3/19. خاستگاههای زهد

الف - شعاخت ديا

١ مكارم الأخلاق ج ٢ ص ٢٤١ ح ٢٦٦

۲. فہرست درجہ ۲ ص ۱۰۹ تا ۲۵۷۲

٣ المستأجر على الصنفين، ص ٤٨٨-٢٨٧

7. The \mathcal{A} -module \mathcal{M} is \mathcal{A} -flat.

٥ شعب الإيمان ج ٧ ص ٢٤٥ ح ١٠٥٢٧

١٧٨١ المستدرك من الصحيحين - به نقل ابن

مسعود :- پیامبر خدا این آیه را تلاوت فرمود

♦ خداوند هر کس را که بخواهد هدایت می‌کند [و] سینه

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ. «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ وَ
يُشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ»^۱. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ
النُّورَ إِذَا دَخَلَ الصَّدْرَ انْفَتَحَ. فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَلْ
بِدَلِّكَ مِنْ عِلْمٍ يُعْرِفُ؟

قَالَ نَعَمْ، التَّجَافِي^۲ عَنْ دَارِ الْغُرُورِ، وَالْإِيَابَةُ^۳ إِلَى
دَارِ الْحُلُودِ، وَالِاسْتِعْدَادُ لِلْمَوْتِ قَبْلَ نُزُولِهِ^۴.

۱۷۸۲ رسول الله ﷺ أَوْ تَعْلَمُونَ مِنْ الدُّنْيَا مَا أَعْلَمُ
لَا سِتْرَاحَتَ أَنْفُسِكُمْ بِهَا.^۵

ب- ذِكْرُ الْمَوْتِ

۱۷۸۳ رسول الله ﷺ كُنْ بِالْمَوْتِ مُرَهَّدًا فِي الدُّنْيَا
وَمُرْتَبًا فِي الْآخِرَةِ^۶.

۱۷۸۴ عَنْهُ ﷺ أَلَا قُرُورُوا الْقُبُورَ، فَإِنَّهَا تَرَهَّدُ فِي الدُّنْيَا
وَتَذَكِّرُ الْآخِرَةَ^۷.

۴/۱۹ غَلَامَاتُ الرَّهْدِ

أ- اجْتِنَابُ الْحَرَامِ

۱۷۸۵ رسول الله ﷺ اجْتَنِبِ الْمَعَاصِيَ تَكُنْ رَاهِدًا^۸.

۱۷۸۶ عَنْهُ ﷺ أَرَهْدُ النَّاسِ مَنْ اجْتَنَبَ الْحَرَامَ^۹.

۱- الأمام ۱۲۵

۲- التَّجَافِي هو من الجفاء: البعد عن الشيء (التهذيب ج ۱
ص ۲۸۰-۲۸۱)

۳- الإِيَابَةُ الرجوع (المصباح المنير ص ۶۲۹-۶۳۰)

۴- الْمُسْتَدْرَكُ عَلَى الصَّحِيحِ ج ۴ ص ۲۴۶ ح ۷۸۶۳

۵- شعب الإِسْلَام ج ۷ ص ۲۸۹ ح ۱۰۳۲

۶- الْمَعْلَقَاتُ لِابْنِ أَبِي شَيْبَةَ ج ۹ ص ۱۶۹ ح ۲۸

۷- الْمُسْتَدْرَكُ عَلَى الصَّحِيحِ ج ۱ ص ۵۳۱ ح ۱۳۸۷

۸- مُسْتَدْرَكُ بَعْضِ ج ۵ ص ۳۳۱ ح ۵۸۳۹

۹- كِتَابُ مَنْ لَا يَحْصُرُهُ الْقَبْرُ ج ۴ ص ۳۹۵ ح ۵۸۱۰

او را برای اسلام می‌کشاید». سپس فرمود: «بور، هر
کس که به سب در آید، سب گشاده می‌گردد»
گفته شد ای پیامبر خدا! آیا علامتی برای
شاحت این امر، وجود دارد؟

فرمود: «آری! دوری گرفتن از سرای غریب و
بازن، روی آوردن به سرای جاودانگی، و آماده
شدن برای مرگ پیش از فرارسیدن آن».

۱۷۸۲ پیامبر خدا ﷺ اگر آنچه را من از دنیا می‌دانم،
شما هم می‌دانستید، جان‌هایتان از [هم و عم‌های]
آن می‌آسود

ب- یاد مرگ

۱۷۸۳ پیامبر خدا ﷺ مرگ، بهترین عامل زهدوری
در دنیا و ترغیب به آخرت است

۱۷۸۴ پیامبر خدا ﷺ هانا به زیارت قبور بروید که
موجب زهدوری در دنیا و پداوری آخرت
می‌شود

۳/۱۹ نشانه‌های زهد

الف- دوری کردن از حرام

۱۷۸۵ پیامبر خدا ﷺ از حرم‌ها دوری کن تا زاهد
باشی

۱۷۸۶ پیامبر خدا ﷺ زاهدترین مردم، کسی است که از
حرام دوری کند.

ب- قَصْرُ الْأَمَلِ

ب- کوتاه شدن آرزو

۱۷۸۷ رسول الله ﷺ الرُّهْدُ فِي الدُّنْيَا قَصْرٌ، لَا أَمَلٍ، وَشُكْرُ
كُلِّ نِعْمَةٍ، وَالْوَرَعُ عَنْ كُلِّ مَا حَرَّمَ اللَّهُ.^۱
۱۷۸۷ پیامبر خدا ﷺ رهد به دُنْب، عبارت است از
کونه کردن رزو، گزاردن شکر هر نعمتی، و
پرهیز از هر آنچه حلالوند، حرام کرده است.

ج- الرُّضَا بِالْقَصَاءِ

ج- راضی بودن به قضای الهی

۱۷۸۸ رسول الله ﷺ إِرْحَمَ بِحِسْمِ اللَّهِ تَكُنْ زَاهِدًا^۲
۱۷۸۸ پیامبر خدا ﷺ: به قسمت خدا راضی باش تا راهد
باشی
۱۷۸۹ پیامبر خدا ﷺ برترین رهد، آن است که دلت به
آنچه روزی تو شده است، ارام گیرد

زُرِقَتْ^۳

۱. تحف العقول ص ۵۸.

۲. مست الشهاب ج ۱ ص ۳۷۲ ح ۶۴۲

۳. كنز العمال ج ۱ ص ۳۷ ح ۶۵

سخنی درباره رهد

کلمه «رهد» در اصل به معنای «اندک بودن» و «کم‌ارزش بودن» چیری است و از آن حاکی این معنایاً ملازم با بی‌رغبتی به آن چیز است، این کلمه در بی‌رغبتی میر به کار می‌رود

رهد، در قرآن و حدیث

ماده «رهد» در قرآن، تنها یک بار، در داستان یوسف علیه السلام به کار رفته است

در احادیث اسلامی عموماً ماده «رهد» در «بی‌رغبتی» به کار رفته و به ندرت در معنی «فُلت» استعمال شده است

تعریف رهد

بی‌رغبتی، دو گونه است:

الف - بی‌رغبتی طبیعی

بی‌رغبتی طبیعی، آن است که طبع انسان نسبت به چیزی میل نداشته باشد، چنان که بیمار، تمایلی به خوردن و نوشیدن ندارد

ب - بی‌رغبتی قلبی

بی‌رغبتی قلبی، آن است که روح انسان نسبت به چیزی تمایل نداشته باشد، هر چند طبع او مایل به آن باشد، مانند بیماری که عداوتی را دوست دارد ولی به دلیل این که می‌داند خوردن آن برای او خطرناک است، به تنها در خود میلی نسبت به آن احساس نمی‌کند، بلکه قلباً از آن بهرت دارد

با عنایت به این مقدمه می‌توان دریافت که رهد اسلامی، به معنی بی‌رغبتی طبیعی به ذنب نیست (زیرا بی‌رغبتی طبیعی نسبت به لذایذ مادی، ارزش نیست و روقع، نوعی بیماری است)؛ بلکه رهد اسلامی، عبارت است از بی‌رغبتی قلبی نسبت به لذایذی که برای انسان، زیانبار است

توضیح مطلب، این که: گاه انسان طبعاً مایل به کاری است؛ اما حرد، او را به دلیل زیانبار بودن آن کار منع می‌کند و انسان نیز با وجود علاقه قلبی به آن، از انجام دادن آن خودداری می‌ورزد. این اقدام، «صبر» نامیده می‌شود و کسی که حویشتنداری می‌کند، «صابر» نامیده می‌شود

رهد - که یک درجه بالاتر از صبر است - آن است که بی میلی قبی نسبت به لذت و ریاضات، چنان بر انسان چیره شود که رعیت طبیعی او تحت سیطره آن قرار گیرد، به گونه‌ای که خودداری از لذت و ریاضات، بیازی به صبر و مقاومت نداشته باشد؛ بلکه انسان، دیگر میلی نسبت به آنها در وجود خود، احساس نکند. امام علی علیه السلام در اشاره به این حالت زیب می‌فرماید:

مَا أَحَنَّ بِالْإِنْسَانِ إِلَّا يَشْتَهِي مَا لَا يَجِبُ.^۱

برای انسان، چه ریاضات که بچه را شایسته نیست، متولد

هنگامی که انسان به این مرتبه والا دست یابد و راهد شد، نسبت به اقبال و اِدبار دنیایی تفاوت می‌گردد؛ یعنی نه اقبال دنیا او را شادمان می‌کند و نه اِدبار دنیا او را اندوهناک می‌سازد، چنان که امام علی علیه السلام در تبیین خصیصه «رهد» می‌فرماید:

الرَّهْدُ كُلُّهُ نِينَ كَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ، قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ ﴿تَكْبَلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا مَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾^۲

رهد، در دو جمله از قرآن جمع شده است. حدیثی صحیح می‌فرماید: ﴿ما برای آنچه از دست شما می‌رود، افسوس نخورید و برای آنچه به شما می‌دهد، شادمان نشوید﴾.

و آنچه در تبیین رهد و تفاوت آن با صبر گفتیم، در این سخن نورانی «میر مؤمنان» خلاصه شده است: إِنَّمَا النَّاسُ ثَلَاثٌ: زَاهِدٌ، وَ رَاجٍ، وَ طَائِفٌ. فَأَمَّا الزَّاهِدُ فَلَا يَفْرَحُ بِالدُّنْيَا إِذَا آتَتْهُ، وَ لَا يَحْزَنُ عَلَيْهَا إِذَا هَارَتْهُ، وَ تَمَّا الصَّابِرُ فَيَتَمَتَّعُ بِهَا بَقَلْبِهِ، فَإِنْ أَهْرَكَ فِيهَا شَيْئاً صَرَفَ عَنْهَا بَعْدَهُ لِعَلَّيْهِ يَسُوءُ الْعَايَةَ، وَ إِنَّمَا الْمُرَاضِي فَلَا يُبَالِي مِنْ حِلِّ أَصَابِهَا أَمْ مِنْ حَرَامِ؟^۳

مردم، سه دسته‌اند: دین‌گرا و دنیاخواه و شکیه. دین‌گرا، هر گاه دنیا به او برسد، شاد نمی‌شود و هر گاه از دستش برود، برایش غم نمی‌خورد. شکیه دنیا را طلباً آرزو می‌کند؛ افتاد چون به چیری از آن برسد، جانش از آن روی بر می‌گرداند؛ برادر فرجام به آن، نگاه است و دنیاخواه، افسوس می‌دهد که از طریق حلال به دنیا نرسد یا از حرام

تفاوت رهد اسلامی و رهبانیت مسیحی

چه تفاوتی میان رهد اسلامی و رهبانیت مسیحیت وجود دارد؟ و چرا احادیث، به شدت از رهبانیت مسیحی کرده‌اند؟^۴

پاسخ، این است که رهد اسلامی و رهبانیت مسیحیت، دو مفهومان و ماهم تفاوت‌های فراوانی دارند. رهد اسلامی، چشم‌پوشی از مطلق لذت‌مندی نیست و - همان‌طور که توضیح دادیم - تنها چشم‌پوشی از

۱. عور الحکم ج ۹۶۴۹ عور الحکم و المرافع ص ۲۷۹ ج ۸۸۰۶

۲. نهج البلاغه حکمت ۴۳۹

۳. الاحتجاج ج ۱ ص ۶۱۱ ج ۱۳۸

۴. در کتاب دین و آخرت از نگاه قرآن و حدیث بخش یکم، فصل دوم، یکی از جهات و از حرام شمردن آنچه خدا، حلال کرده است

لذا ید زینبار است؛ اما رهبانیت مسیحیت، مردم را به چشم پوشی از مطلق لذایذ مادی دعوت می‌کند. به سخن دیگر، اسلام، لذایذ مادی را به دو بخش تقسیم کرده است: لذایذ سودمند و لذایذ زیانبار. رهد اسلامی، شامل لذت سودمند می‌شود و این همان چیزی است که حرد و منطق، انسان را بدان دعوت می‌کند. همه احادیثی که درباره تحریف رهد، هشدار داده و یا از رهبانیت و حرم شمردن آنچه حلال کرده، بهی کرده‌اند، در واقع، برای تبیین تدوین رهد اسلامی با رهبانیت مسیحی‌اند.



الفصل العشرون، السَّخَاءُ

فصل بیستم بخشندگی

۱/۲۰ الْحَدَّثُ عَلَى السَّخَاءِ

۱/۲۰ تشویق به بخشندگی

۱۷۹۰ رسول الله ﷺ مَا جَبَلَ اللَّهُ وَبَيَّنَّا لَهُ إِلَّا عَلَى السَّخَاوِ ۱

۱۷۹۰ پیامبر خدا ﷺ خداوند، همه اولیای خود را بر

جمهره بخشندگی سرشته است.

۱۷۹۱. عَنْهُ ﷺ السَّخَاءُ خُلِقَ اللَّهُ الْأَعْظَمُ ۲

۱۷۹۱ پیامبر خدا ﷺ بخشندگی، سرگرتن حوی

خداوند است

۱۷۹۲ عَنْهُ ﷺ السَّخِيُّ قَرِيبٌ مِنَ اللَّهِ، قَرِيبٌ مِنَ الْجَنَّةِ،

۱۷۹۲ پیامبر خدا ﷺ بخشنده، به خدا و مردم و

بهشت، نزدیک است

قَرِيبٌ مِنَ النَّاسِ ۳

۱۷۹۳ عَنْهُ ﷺ - لِقَدِيرِي بِرِ حَاتِمٍ - دَفَعَ عَنِ أَيْكَ الْقَدَابَ

۱۷۹۳ پیامبر خدا ﷺ به علی بن حاتم طایی - عذاب

سخت، به خاطر سخاوت پدرت، از او دفع شد

۲/۲۰ حَدُّ السَّخَاءِ

۲/۲۰ حد بخشندگی

الكتاب

قرآن

﴿وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَمْسُجْهَا كَدًّا

﴿و دستت را به گردنت و محیر مکن. و پستار [هم]

گشاده دسی مساترا ملامت شده و حیران شده بر جای

الْمُسْتَطَفَّ مَلُومًا فَحَسْرَةً﴾ ۴

الحدیث

مانی

۱۷۹۱ رسول الله ﷺ السَّخِيُّ بِمَا مَلَكَ وَأَرَادَ بِهِ رَجْعَةً لِّلَّهِ،

۱۷۹۲ پیامبر خدا ﷺ بخشنده، کسی است که در

سوال خود و برای رضای خدا، بخشندگی داشته

باشد کسی که در راه معصیت خدا دست و دل بار

باشد، حشم و نابخشودنی خدا را برای خود آورده

است، چنین کسی، بحین تریس مردمان بسبب به

خود است ۱ چه رسد به دیگران!

وَأَمَّا السَّخِيُّ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ فَخَقَّالُ سَخِيٍّ اللَّهُ وَغَضِبِهِ،

وَهُوَ أَبْخَلُ النَّاسِ عَلَىٰ نَفْسِهِ مَكِيفَ بَخِيرٍ ۵

الفصل الحادي والعشرون، الشُّكْرُ

۱/۲۱ فَضْلُ الشَّاكِرِ

۱۷۹۰. رسول الله ﷺ: الطَّاعِمُ الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ

فصل بیست و یکم سپاس‌گزاری

۱/۲۱ فضیلت سپاس‌گزار

۱ کبر الصالح ج ۶ ص ۳۹۱ ح ۱۶۲۰۴

۲ کثر العمل ج ۶ ص ۳۳۷ ح ۱۵۹۲۶

۳ مشکوٰۃ الاثر ج ۴ ص ۴۰۹ ۴ الإحصاء ص ۲۵۳

۵ الأسرء ۲۹

۶ بهار الاثر ج ۷ ص ۳۵۵ ح ۱۷

۱۷۹۵ پیامبر خدا ﷺ، سپر سپاس‌گزار، اجرش همانند

الصَّائِمِ الْمُحْتَسِبِ، وَالْمُعَامِلِ الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ
كَأَجْرِ الْمُبْتَلَى الصَّابِرِ، وَالْمُعْطَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ
كَأَجْرِ الْمَحْرُومِ الْقَانِعِ^۱

۲/۲۱. قَوْلُ الشُّكْرِ فِي الزِّيَادَةِ

الكتاب

﴿وَأَذِّنْ لِلْعَذَابِ، وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾^۲

الحديث

۱۷۹۶ رسول الله ﷺ ما دَخَلَ اَقْرَبَ عَسَى غِيْرَ بَابِ شُكْرِ فَخَرَنَ
عَنْهُ بَابُ الزِّيَادَةِ^۳

۳/۲۱. سَجْدَةُ الشُّكْرِ

۱۷۹۷ الْإِمَامُ الضَّاهِقِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ كَانَ فِي سَفَرٍ
يَسِيرُ عَلَى نَاقَةٍ لَهُ، إِذْ بَرَكَ فَتَوَضَّعَ خَضَعًا مَسْجُودًا
فَلَمَّا أَنْ رَكِبَ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّا زَايِنَاكَ خَضَعًا
شَيْئًا لَمْ تَصْنَعْهُ فَقَالَ نَعَمْ، اسْتَقْبَلَنِي جِبْرِيلُ رَحِمَهُ
فَبَشَّرَنِي بِبَشَارَاتٍ مِنْ اللَّهِ ﷻ، فَسَجَدْتُ فَوَ شُكْرًا بِكُلِّ
بَشْرِي سَجْدَةً^۴

الفصل الثاني والعشرون. الصبر

۱/۲۲. قَطْعُ الصَّبْرِ

الكتاب

﴿وَعَاثِبِينَ مِنْ مُجِبِّ قَتْلٍ مَعَهُ يَرْجَبُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَلُوا لَهَا

روبره‌داری نیست که برای خدا، گرسنگی می‌کشد،
تن در سبب سپاس‌گزار، همانند آن اجری را دارد که
بیمار شکمیا دارد و متعّم سپاس‌گزار، همان اجری
را دارد که تنگ‌دست قانع دارد

۲/۲۱. مَقَالَةُ سَبَاسِ كَوَارِي بِرِ الْفَرَايِشِ نَعْمَت

قرآن

﴿وَأَنْ كَادَ أَنْ يَنْزِلَ﴾^۱ خداوند که پروردگارتان اعلام کرد که: اگر واقعاً
سپاس‌گزری کنید، [نعمت] شما را افزون فراهم کرد، و
اگر ناسپاسی کنید قطعاً عذاب می، سخت خواهد بود^۲

حدیث

۱۷۹۴ پیامبر خدا ﷺ خداوند در سپاس‌گزاری را بر
زودگی بنده‌ای می‌گشود که در هر روزی [نعمت] را بر
روی او بسدد

۳/۲۱. سَجْدَةُ الشُّكْرِ

۱۷۹۷. امام صادق رَحِمَهُ اللَّهُ پیامبر ﷺ در سفری بر ناقه خود سوار
بود، که ناگاه فرود آمد و پنج بار سجده کرد و دوباره
سوار ناقه شد همسفران گفتند ای پیامبر خدا! ما را
شما رفتاری دیدیم که قبلاً ندیده بودیم!

پیامبر خدا فرمود: ای جبرئیل رَحِمَهُ اللَّهُ بر من
آمد و مرا از جانب خداوند ﷻ بشارت‌هایی داد از
این رو، برای هر بشارتی، سجده شکر می‌برای خدا
به جای آوردم!

فصل بیست و دوم شکیبایی

۱/۲۲. فَصِيحَةُ شَكِيبَايَ

قرآن

﴿وَوَجْهًا بِنَا بِبَابِ كَرِيٍّ كَرِيٍّ﴾^۱ خداوند که همراه او توده‌های انبوه، گذرزار

۱. الکافی ج ۲ ص ۹۸ ح ۱. ۲. ابراهیم ۲

۳. الکافی ج ۲ ص ۹۸ ح ۲. ۴. الکافی ج ۲ ص ۹۸ ح ۲۸

أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا أَسْكَتَهُمُ اللَّهُ
وَأَلَّهُ يُجِبُّ الصَّابِرِينَ^۱

الحديث

کردند و در برابر آنچه در راه خدا بدیشان رسید، سستی
نبردند و ماتم نشدند و تسلیم [دشمن] نگردیدند و
خداوند شکیبایان را دوست دارد^۲

حدیث

۱۷۹۸. رسول الله ﷺ في الصبر على ما يُكْرَهُ خَيْرٌ كَثِيرٌ^۲

۱۷۹۸ پیامبر خدا ﷺ در شکیبایی بر مایملایمات، خیر
بسیاری بهفته است

۱۷۹۹. عَنْهُ ﷺ الصَّبْرُ خَيْرٌ مَرَكَبٍ، مَا رَزَقَ اللَّهُ عَبْدًا خَيْرًا

۱۷۹۹ پیامبر خدا ﷺ: شکیبایی، بهترین مرکب است

لَهُ وَلَا أَوْسَعَ مِنَ الصَّبْرِ^۳

خداوند به هیچ بددای، روری‌ای بهتر و فراخ‌تر از
شکیبایی نداده است

۲/۲۲ الصَّبْرُ وَالْفَصْرُ

الكتاب

۲/۲۲ شکیبایی و پیروزی

﴿يَتَأْتِيهَا النَّبِيُّ حَرَمٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ

قرآن

فَعَنْكُمْ عَشْرُونَ صَبْرُونَ يَفْلِتُونَ مَا تَلْتَبُونَ وَإِنْ يَكُنْ

﴿لَا يَكْفُرُونَ﴾^۴

صفت تن شکبایا باشد. هر دویست تن پیرو می‌شوند، و
اگر از شمار یکصد تن باشند، هر هزار تن از کافران پیرو
می‌گردند؛ چرا که آنان قومی‌اند که سی‌هصد^۵

حدیث

۱۸۰۰. رسول الله ﷺ إِنْ الصَّبْرُ مَعَ الصَّبْرِ، وَالْفَرْجُ مَعَ

۱۸۰۰. پیامبر خدا ﷺ: همانا پیروزی، با شکیبایی همراه

الكَرْبِ، وَإِنْ مَعَ الصَّبْرِ يُسْرًا^۶

است و گشایش، با گرفتاری و بی‌گمانی، با هر

۲/۲۲ لِلصَّبْرِ وَالْفَرْجِ

نشواری، آسانی‌ای هست

۱۸۰۱. رسول الله ﷺ بِالصَّبْرِ يُتَوَقَّعُ الْفَرْجُ، وَمَنْ يُدِمِّنْ

۲/۲۲ شکیبایی و گشایش

فَرْجَ لِبَابٍ يَلِجُ^۷

۱۸۰۱. پیامبر خدا ﷺ با شکیبایی، انتظار گشایش

۲/۲۲ تَفْسِيرُ الصَّبْرِ

می‌رود و کسی که پیوسته دری را بکوبد، [عاقبت]

۱۸۰۲. رسول الله ﷺ - فِيمَا سَأَلَ جِبْرِئِيلُ - يَا جِبْرِئِيلُ

آن در به رویش باز می‌شود.

۲/۲۲. معنای شکیبایی

۱ آل عمران ۱۴۶

۱۸۰۲. پیامبر خدا ﷺ: [از جبرئیل ﷺ پرسیدم:] ای جبرئیل!

۲ مسکنی القواد ص ۱۸

معنای شکیبایی چیست؟

۳ مسکنی القواد ص ۵۰ L الأندال ۶۵

جبرئیل ﷺ گفت: «این که در سختی، همان‌گونه

۵ مکارم الأخلاق ج ۲ ص ۳۷۷ ح ۲۶۶

۶ کز القواد ج ۱ ص ۱۳۹

لَمَّا تَصْبِرُ الصَّبْرَ؟ قَالَ تَصْبِرُ فِي الشَّرِّ كَمَا تَصْبِرُ فِي الشَّرِّ، وَفِي الْعَاقِبَةِ كَمَا تَصْبِرُ فِي الْعَاقِبَةِ، وَفِي الْبَلَاءِ كَمَا تَصْبِرُ فِي الْعَاقِبَةِ فَلَا يَتَّكِبُ حَالُهُ عِنْدَ الْخَلْقِ بِمَا يُصِيبُهُ مِنَ الْبَلَاءِ^۱

۲۲/۵. اقسام الصبر

۱۸۰۳ رسول الله ﷺ الصبر ثلاثة صبر عند المعصية، وصبر على الطاعة، وصبر عن المعصية^۲

۲۲/۶ ما يُورث الصبر

۱۸۰۴ رسول الله ﷺ مَنْ يَتَصَبَّرْ يُصْبِرْهُ اللَّهُ، وَمَنْ يَسْتَعِثْ يَعْثُ اللَّهُ، وَمَنْ يَسْتَمْسِكْ يُصَبِّهْ اللَّهُ، وَمَا أَصْلَحَ عِبْدَ عَطَاءٍ هُوَ خَيْرٌ وَأَوْشَقُ مِنَ الصَّبْرِ^۳

الفصل الثالث والعشرون الصدق

۲۳/۱. الحث على الصدق

الكتاب

﴿مَنْ أَتَاهَا الذِّبْنَ غَضَبُوا أَنْفُسُوا اللَّهَ وَكَرِهُوا نَحْ الصُّبُلِينَ﴾^۴

الحديث

۱۸۰۵ رسول الله ﷺ عَلَيْكُمْ بِالصُّدْقِ؛ فَإِنَّهُ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ^۵

۱۸۰۶ عَنْهُ ﷺ لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ

۱. معاني الأخبار ص ۲۶۱ ح ۱

۲. الكافي ج ۲ ص ۹۱ ح ۱۵

۳. كنز العمال ج ۳ ص ۲۷۵ ح ۲۵۲۲

۴. التوبة ۱۱۹ ۵. تاريخ بغداد ج ۱۱ ص ۸۲

شکب وری که در [روزگار] آسایش، شکبایی می‌کنی، و در نهمی‌دستی، چنان شکبایی کنی که در نونگاری، شکبایی می‌کنی، و در بیماری و گرفتاری بیر همان گونه شکبایی کنی که در زمان عافیت، شکبایی می‌کنی، [آدم شکبیا] از بلایی که به او می‌رسد، نزد محبوق، شکوه نمی‌کند^۱

۲۲/۵. اقسام شکبایی

۱۸۰۲ پیامبر خدا ﷺ شکبایی سه نوع است شکبایی در مصیبت، شکبایی در انجام دادن طاعت، و شکبایی در ترک معصیت

۲۲/۶ خاصیت شکبایی

۱۸۰۳ پیامبر خدا ﷺ هر که خود را به شکبایی و پندارد، خداوند، او را شکب می‌گرداند و هر که طالب حجت باشد، خداوند، او را عیب می‌کند و هر که بی‌یاری جوید، خداوند، بی‌بارش می‌سازد. به هیچ سدهای، عطایی بهتر و گسترده‌تر از شکبایی داده شده است

فصل بیست و سوم راستی

۲۳/۱ تشویق به راستی

قرآن

﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا کنید و با راستان باشید﴾

حدیث

۱۸۰۵ پیامبر خدا ﷺ بر شما باد راستی، که آن، دری از درهای بهشت است

۱۸۰۶ پیامبر خدا ﷺ: به فراوانی نماز و روزه و حج و احسان و ورود و ذکر شبانه مردم می‌گیرید؛ بلکه به

وَكثْرَةُ الْحَجِّ وَالْمَعْرُوفِ وَطَنَطَّتِهِمْ بِاللَّيْلِ، وَلَكِنْ
انْظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ^۱.

۲/۲۳. الصَّدِيقُ^۲

۱۸۰۷ رسول الله ﷺ: عَلَيْكُمْ بِالصَّدْقِ^۱ فَإِنَّ الصَّدْقَ يَهْدِي
إِلَى الْبِرِّ، وَإِنَّ الْبِرَّ يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ، وَمَا يَرَأَى الرَّجُلُ
يَصْدُقُ وَيَتَحَرَّى الصَّدْقَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ
صِدْقًا^۲.

۳/۲۳. مَا لَا يَبْغِي الصَّدْقُ لِبِهِ

۱۸۰۸ رسول الله ﷺ: ثَلَاثٌ يَقْبَحُ لِبِهِنَّ الصَّدْقُ: التَّسَمُّةُ،
وإِعْبَارُكَ الرَّجُلَ عَنْ أَهْلِهِ بِمَا يَكْرَهُهُ، وَتَكْذِيبُكَ
الرَّجُلَ عَنِ الْحَبَرِ^۳.

راستگویی و امانتداری آنها توجه کنید

۲/۲۳. صَدِيق

۱۸۰۷. پیامبر خدا ﷺ: بر شما باد راستی (صدق)^۱ زیرا
راستی به بیکی (بر) ^۲ راهمون می‌شود، و بیکی به
بهشت. آدمی چندان راست می‌گوید و راستی
می‌جوید، تا آن که مرد خداوند از صدیقان قلمداد
می‌شود

۳/۲۳. آن جا که راستگویی، شایسته نیست

۱۸۰۸. پیامبر خدا ﷺ: در سه جا راستگویی، زشت
است. سخن چینی، دادن خبر مایوس‌شانه به مرد
در بارهٔ خانواده‌اش، و تکذیب کردن خبر کسی که به
تو خبر می‌دهد^۳

فصل بیست و چهارم: صدقه

۱/۲۴. فضیلت صدقه

۱۸۰۹. پیامبر خدا ﷺ: رَمِيں قَامَتْ، [یک پارچه] تَش
است، بهر سایه مؤمن؛ زیرا صدقه‌اش بر او سایه
می‌انگد

۱۸۱۰. پیامبر خدا ﷺ: صدقه، خشم پروردگار را فرو
می‌شاند

الفصل الرابع والعشرون: الصدقة

۱/۲۴. فضل للصدقة

۱۸۰۹ رسول الله ﷺ: أَرْضُ الْقِيَامَةِ سَارٌّ، مَا حَلَا ظِلُّ
الْمُؤْمِنِ فَإِنَّ صَدَقَتَهُ تُظِلُّهُ^۱.

۱۸۱۰. عَنِ النَّبِيِّ ﷺ: إِنَّ الصَّدَقَةَ تُطْلِقُ غَضَبَ الرَّبِّ^۲.

۱. ابو حامد غزالی می‌گوید: بدان که کلمهٔ راستی (صدق)، در
شش معنا به کار می‌رود: راستی در گفتار، راستی در تشنه و اراده،
راستی در تصمیم، راستی در به کار بستن تصمیم، راستی در کردار
و راستی در عشق بخشیدن به همهٔ افراد دین، بنا بر این، هر کس
راستی در همهٔ این موارد را تقوا باشد، صدیق است (ویرا: صدیق به
صفت مباله از «صدق» است)

۲. در لسان العرب، ذیل همین حدیث، دربارهٔ معنای «بر»
می‌نویسد: علم، در معنای «بر» اختلاف کرده‌اند. بعضی آن را
به معنای «صلاح» دانسته‌اند و بعضی به معنای «خیر»؛ لذا این
کلمه، همهٔ این معانی را در بر دارد. بر، به معنای «صدق» و
طاعت و تقوا و خیر دین و آخرت نیز آمده است

۳. در تحف الموعود، به جای «خیر»، «خیر» آمده است. و تکذیب
الرجل عن الخبر: مردی را در دعوی بگوشتاری، تکذیب کرده

۱. حیون أعمار الرسل ﷺ ج ۲ ص ۵۱ ح ۱۹۷

۲. قال أبو حامد: «علم أن لفظ الصدق يستعمل في ستة معانٍ
صدق في القول، وصدق في البينة والإرادة، وصدق في العزم
وصدق في الوفاء بالعزم، وصدق في العمل، وصدق في
تحقيق مقامات الدين كلها، فمن اتصف بالصدق في جميع
ذلك فهو صدیق، لأنه مبالغة من المطلق (الصحيحة للبهجة،
ج ۸ ص ۱۱۱)

۳. كنز العمال ج ۱ ص ۳۱۶ ح ۶۸۶۱

۴. الفصول ص ۸۷ ح ۲۱ ۵. لکهنی ج ۴ ص ۳ ح ۶

۶. كنز العمال ج ۶ ص ۳۷۱ ح ۱۶۱۱۴

۲/۲۴ تَقْبَلِ اللَّهُ لِلصَّدَقَاتِ

الكتاب

﴿أَنْتُمْ يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبْدِهِ وَيَأْخُذُ
الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾^۱

الحدیث

۲۲ ۲ خدایوند، گیرنده صدقات است

قرآن

﴿ای دانست‌اند که تنها خداست که از بندگان توبه را
می‌پذیرد و صدقات را می‌گیرد و خداست که خود
توبه‌پذیر مهربان است﴾^۲

۱۸۱۱ رسول الله ﷺ حَلَّتَابِ لَا أَحَبُّ إِلَيَّ يَشَارِكُنِي فِيهَا

حدیث

۱۸۱۱ پیامبر خدا ﷺ دو چیز است که دوست ندارم
کسی در آنها با من شریک شود و صومیم! زیرا
چرو نماز می‌است، و صدقه‌ام، که باید از دست
من به دست یارحوا برسد! زیرا صدقه، در دست
حکمای رحمان قرار می‌گیرد

۳/۲۴ الصَّدَقَةُ وَدَفْعُ الدَّاءِ

۱۸۱۲ رسول الله ﷺ الصَّدَقَةُ تَكْذِبُ سَبْعِينَ مِائَةً مِنَ الشَّرِّ^۳

۱۸۱۳ عَنْهُ ﷺ الصَّدَقَةُ تَدْفِعُ مِائَةَ سُوءٍ^۴

۳/۲۴ صدقه و دفع ملاء

۴/۲۴ كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ

۱۸۱۴ رسول الله ﷺ كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ إِلَى غَيْرِي أَوْ

فَقِيرٍ^۵

۱۸۱۲ . پیامبر خدا ﷺ صدقه، هفتاد و نه چیز را می‌برد

۱۸۱۳ . پیامبر خدا ﷺ صدقه، مردی بد را دفع می‌کند

۴/۲۴ هر کار نیک، صدقه است

۱۸۱۴ پیامبر خدا ﷺ هر احسانی، چه به توانگر

و چه به نهی دست، صدقه است

۱۸۱۵ پیامبر خدا ﷺ هر کار نیک، صدقه است و هر

کاری که انسان به وسیله آن آبرویش را حفظ کند،

برای او صدقه نوشته می‌شود.

۱۸۱۵ عَنْهُ ﷺ كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ، وَمَا وَقَفَ بِهِ الْمَرْءُ

عِرْصَهُ كَتَبَ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ^۶

۱۸۱۶ عَنْهُ ﷺ الْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ، وَكُلُّ حُطُوءٍ نَحَطُوهَا

إِلَى الصَّلَاةِ صَدَقَةٌ^۷

۱ التوبة ۱۰۴

۲ الخصال ص ۳۳ ح ۲

۳ الدعوات ص ۱۰۷ ح ۲۲۷

۴ التکالیف ج ۱ ص ۲ ح ۱

۵ الأمالی للطوسي ص ۱۵۸ ح ۱۰۲۳

۶ الدعوات ص ۱۰۷ ح ۲۳۹

۷ مکالم الأخلاص ج ۲ ص ۲۷۱ ح ۲۶۶

۱۸۱۶ پیامبر خدا ﷺ سخن نیک و پاکیزه، صدقه است

و هر گامی که به سوی نماز بر می‌داری، صدقه

است

۲۴/۵. اُولَیُّیْهِ ذَوِی الرِّجْمِ بِالصَّدَقَةِ

۱۸۱۷. رسول الله ﷺ لَا صَدَقَةَ وَذُو رَجْمٍ مُحْتَاجٌ^۱۱۸۱۸. عَنْهُ ﷺ إِنَّ الصَّدَقَةَ عَلَى ذِي الْقَرَابَةِ يُصَنَّفُ أَجْرُهَا مَرَّتَيْنِ.^۲۱۸۱۹. الإمام الحسین علیه السلام سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: إِذَا بَشَرٌ تَمَوَّلَ، أُنْكَ وَأَبَاكَ وَأُحَاكَ وَأُحَاكَ، ثُمَّ أَدْنَاكَ فَأَدْنَاكَ^۳

۲۴/۶. فَصْلُ صَدَقَةِ السَّرِّ وَآثَارِهَا

الكتاب

﴿إِنْ تُدْنُوا أَنْصَدَقْتُمْ فَمَعَا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوا وَتُؤْتُوا الْفُرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَيَقْبَلُ عَنْكُمْ مِنْ سَمَائِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾^۱

الحدیث

۱۸۲۰. رسول الله ﷺ صَدَقَةُ السَّرِّ تُطَيِّرُ غَضَبَ الرَّبِّ^۲۱۸۲۱. عَنْهُ ﷺ أَكْثَرُ مِنْ صَدَقَةِ السَّرِّ فَإِنَّهَا تُطَيِّرُ غَضَبَ الرَّبِّ ﷻ^۳

۲۴/۷. جَدُّ الصَّدَقَةِ

الكتاب

﴿وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَمْسُجْهَا كُلَّ الْيَسَمِ فَإِنَّكُ مَتَوَلًا مَصْنُوعًا﴾^۱

۱ الاختصاص ص ۲۱۹

۲ کبر الصلح ج ۶ ص ۳۹۵ ح ۱۶۲۳۶

۳ الاختصاص ص ۲۱۹ ۱ البقرة ۲۷۱

۴ مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۲۹۶ ح ۹۲۵

۵ الفضائل ص ۱۸۰ ح ۲۱۶

۶ الاسراء ۲۹

۲۴/۵. اُولَیُّیْهِ ذَوِی الرِّجْمِ بِالصَّدَقَةِ

۱۸۱۷. پیامبر خدا ﷺ تا زمانی که حویشاوندی نیازمند هست، صدقه دادن به کسی دیگر، روا نیست.

۱۸۱۸. پیامبر خدا ﷺ صدقه دادن به خویشاوند، اجزش دو چندان است

۱۸۱۹. امام حسین علیه السلام از پیامبر ﷺ شنیدم که می فرمود: اگر خانوادۀ شریع کس، مادرت، پدرت، خواهرت و برادرت، و سپس به کسانی که در مرتبه بعد و بعد قرار دارند

۲۴/۶. فضیلت و آثار صدقه نهانی

قرآن

﴿اِذَا مَدَّ إِلَيْكُمْ لِتُخْفُوا بِالْمُنَافِقِينَ فَلْيَنصَرُوا لِلْحَقِّ وَلْيُكَلِّمُوا بِهِ سُخْرًا وَأَنبَسُوا لَهُ كَتَمًا هُوَ أَدْنَىٰ مِمَّا يَكْتُمُونَ﴾^۱
را پنهان دارید و به مستحقان بدهید این برای شما بهتر است و پنهانی از گناهتان را می زداید، و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است.

حدیث

۱۸۲۰. پیامبر خدا ﷺ صدقه پنهانی، حشم پروردگار را فرو می شانند.

۱۸۲۱. پیامبر خدا ﷺ صدقه پنهانی، زیاده شده را بر سر صدقه پنهانی، حشم خداوند را فرو می شانند

۲۴/۷. موز صدقه

قرآن

﴿وَرَدَّ يَدَهُ إِلَىٰ بَهِيمٍ مُّكْسٍ وَبَسَّطَ يَدَهُ إِلَىٰ الْغَنِيِّ﴾^۱
گشاده دستی منبأ تا بایست شده و جبرستزده بر جای مانی.

الحدیث

حدیث

۱۸۲۲ رسول الله ﷺ الْمُعْتَدِي فِي الصَّدَقَةِ كَمَا يَحِبُّهَا

۱۸۲۲ پیامبر خدا ﷺ کسی که در صدقه داندل از حد

۱۸۲۳ عَنْهُ ﷺ - فِي وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ ﷺ : أَمَّا الصَّدَقَةُ

نگذراند، مباد کسی است که صدقه نمی دهد

فَجَهْدَكَ حَتَّى تَقُولَ قَدْ أَسْرَفْتُ وَلَمْ تُسْرِفْ^۱

۱۸۲۳ پیامبر خدا ﷺ - در سوارش به علی ﷺ : صدقه آن

است که تا توان داری، ببخشی، چندان که بگویی

اسراف کردم^۲ ولی اسراف نکرده باشی.

۸/۲۴ مِنْ لَا تَحُلُّ الصَّدَقَةَ لَهُ

۸/۲۴ کسانی که مستحق صدقه نیستند

۱۸۲۴ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ الصَّدَقَةَ لَا تَحُلُّ لِغَيْرِي وَلَا لِإِدْرِي

۱۸۲۴ پیامبر خدا ﷺ صدقه به برای بی نیاز و توانگر

بِرَّؤْ تَتَوَيَّ، إِلَّا لِإِدْرِي فَقَرِّ مُدْفِعٍ أَوْ عَرْمٍ مُعْطِجٍ، وَمَنْ سَأَلَ

حلال است و به برای کسی که بدنی سالم و

الْبَاسَ يَتَبَرَّيْ بِهِ مَالَهُ كَأَنْ حَمَوْشًا فِي وَجْهِهِ يَوْمَ

بیرومند دارد، مگر برای کسی که مبتلا به فقر

الْيَوْمَةِ وَرَضْعًا يَأْكُلُهُ مِنْ حَتْمٍ، فَمَنْ شَاءَ فَنَحِيلُ وَمَنْ

حوارکنده، یا قرصی کمرشکن باشد هر که برای

شَاءَ فَلْيَكُنْ^۳

افروندن بر دارایی خویش، دست نیاز به سوی

الفصل الخامس والعشرون، الصُّمْتُ

هر دم دراز کند، در روز قیامت، ن مال، خراشی بر

چهاره او خواهد بود و سنگ تعنیده‌ای از آتش

مورج که این را می بلند پس ایک، هر که خواهد،

با اندک مال خویش بسازد و هر که خواهد، لب

گذاری، ابر دارایی خویش بفراید!

۱/۲۵ فصل الصُّمْتُ

۱۸۲۵ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - لَأَنْبِي دَرَّوهُو نَعْطَه - أَرْبَعٌ لَا يُصْبِحُ

فصل بیست و پنجم، خاموشی

إِلَّا مُؤْمِنٌ الصُّمْتُ وَهُوَ أَوَّلُ الْعِبَادَةِ^۱

۱/۲۵ فصلت خاموشی

۱۸۲۶ الْإِمَامُ عَلِيُّ ﷺ - فِي صَعَةِ النَّبِيِّ ﷺ - كَلَامُهُ بَيَانٌ،

۱۸۲۵ پیامبر خدا ﷺ - در اندرز به ابو ذر - چهار چیز

وَضَمُّهُ لِسَانٌ^۲

است که جر مؤمن، کسی به آنها دست نمی یابد

۲/۲۵ ثَمَرَاتُ الصُّمْتِ

۱۸۲۷ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَيْنَا بِطَوْلِ الصُّمْتِ فَإِنَّهُ مَطْرُودٌ

خاموشی، که گم رحمت عبادت است.

لِلشَّيْطَانِ، وَعَوْنُكَ عَلَى أَمْرِ دِينِكَ^۳

۱۸۲۶ امام علی ﷺ - در توصیف پیامبر ﷺ - سخنی،

بیان (روشنگر) بود و سکوتش، بیان (بامعنا)

۲/۲۵ ثمرات خاموشی

۱ کثر العمل ج ۶ ص ۲۹۹ ح ۱۶۲۱۶

۱۸۲۷ پیامبر خدا ﷺ، بر تو باد خاموشی بسیار! چهر

۲ الکافی ج ۸ ص ۷۹ ح ۳۳

که آن، موجب طرد شیطان است و در کار دینت،

۳ کثر العمل ج ۶ ص ۱۶۱ ح ۶۵۱۸

یاور تو

۴ مکرم الأخلاق ج ۲ ص ۳۶۷ ح ۲۶۶۱

۵ نهج البلاغه الخطبة ۹۶ ۶ الحصال ص ۵۲۶ ح ۱۳

۱۸۲۸ عنه علیه السلام، إِنْ رَأَيْتُمْ لِمُؤْمِنٍ صَمُوتًا عَادَتْوَاهُ فَابْتَئُوا مِنْهُ الْوَيْلَ ۖ إِنْ رَأَيْتُمْ لِمُؤْمِنٍ كَلَامًا عَادَتْوَاهُ فَابْتَئُوا مِنْهُ الْحِكْمَةَ ۚ^۱

۱۸۲۸ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه مؤمن را خاموش دیدید، به او نزدیک شوید؛ چرا که به او حکمت الهی می‌شود

الفصل السادس والعشرون: العفة

فصل بیست و ششم: عفت

۱/۲۶ الْحَثُّ عَلَى الْعَفَافِ

۱/۲۶ تشویق به عفت

الكتاب

قرآن

﴿وَلْيَسْتَلْظِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ بَقَاً حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَعْلِهِمْ﴾^۲

«و کسانی که [وسیله] زناشویی نمی‌یابند، باید عفت ورزند تا خدا آنان را از فعل خویش بی‌نیاز گرداند»

الحديث

حدیث

۱۸۲۹ رسول الله صلی الله علیه و آله إِنْ لَمْ يَجِبْ الْخَيْرُ الْمَتَّعُفَ، وَبَعْضُ التَّبَدُّي السَّنَالِ التَّلَحُّفِ^۳

۱۸۲۹، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله جداوند، شخص بی‌حیای با متاعست طمع را دوست دارد و از گدای بی‌شرم و مرکز تحقیق تکوین و توحید می‌گوید دارد.

۱۸۳۰ عنه صلی الله علیه و آله إِنْ لَمْ يَجِبْ عَبْدُهُ الْمُؤْمِنُ الْفَقِيرُ الْمُتَّعِفُ أَمَّا الْعَالِ^۴

۱۸۳۰، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله جداوند، سده مؤمن بهی دست همیپ عیالوار خود را دوست دارد.

۲/۲۶ الْحَثُّ عَلَى عِفَّةِ الْبَطْنِ وَالْفَرْجِ

الكتاب

حدیث

﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَفَظُونَ ۖ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ﴾^۵

۲/۲۶، ترغیب به عفت از شکم‌بارگی و شهوت‌رانی

«و [مؤمنان] کسانی [هستند] که دامن خود را حفظ می‌کنند مگر بر همان خود یا کنیرانشان، پس [در این صورت] مورد نکوهش نیستند»

الحديث

۱۸۳۱ رسول الله صلی الله علیه و آله أَكْثَرُ مَا تَلَجُّ بِهِ أُنْثَى النَّارِ الْأَجْوَابِ الْبَطْنُ وَالْفَرْجُ^۶

۱۸۳۲ عنه صلی الله علیه و آله ثَلَاثُ أَحْقَاقٍ عَلَى أُنْثَى مِمَّنْ بَعْدِي

۱۸۳۱، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بیشتر اَمْت من، به سبب دو میان‌نهی به آتش می‌روند. شکم و شرمگاه.

۱۸۳۲، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بعد از مرگم، از سه چیز بر اَمْت بیم دارم گمراهی بعد از شاحت، فتنه‌های گم‌راه

۱ تحف المول من ۳۹۷ ۲ النور ۳۳

۳ الأمل للفرس من ۳۹ ج ۳

۴ من ابن ماجه ج ۲ من ۱۲۸۱ ج ۱۲۱

۵ المعارج ۲۹ و ۳۰ ۶ الکلی ج ۲ ص ۶۹ و ۵

الصَّلَاةُ بَعْدَ انْتِعَافِهِ، وَمُصَلَّاتُ الْفَتْرِ، وَشَهْوَةُ الْبَطْرِ
وَالْفَرْجِ^۱

کننده، و شهوت شکم و شرمگاه،
فصل بیست و هفتم گذشت

الفصل السابع والعشرون العفو

۱/ ۲۷ ارزش گذشت

۱/ ۲۷ فضیلة للعفو

قرآن

الكتاب

«وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْحَحَ فَأَجْرُهُ
عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ»^۱
حدیث

لحدیث

۱۸۳۳ پیامبر خدا ﷺ ابا شما را از بهترین حوی‌های
دنیا و آخرت خبر بدهم؟ گذشت از کسی که به تو
ستم کرده است، بی‌ومستی به کسی که از تو پریده
است، نیکی به کسی که به تو بدی کرده است، و
عفو کردن به کسی که از تو دریغ داشته است

۱۸۳۳ رسول الله ﷺ أَلَا أُحِبُّكُمْ بِحَبْرِ حِلَاتِي الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ؟ التَّوْبَةُ عَشْرُ ظُلُمَاتٍ، وَتَحِيلُ مَنْ قَطَعَتْهُ
وَالْإِحْسَانُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ وَيُعْطَاءُ مَنْ خَرَفَتْ.^۲
۱۸۳۴ عَنْهُ ﷺ عَلَيْكُمْ بِالْعَفْوِ فَإِنَّ الْعَفْوَ لَا يَرْيُضُ الصَّدْقَ
إِلَّا عِزًّا، فَعَاذُوا بِرُكْمِ اللَّهِ^۳

۱۸۳۵ عَنْهُ ﷺ مَنْ كَثُرَ عَفْوُهُ مُدِّمِي عُمُرِهِ^۴

۱۸۳۶ عَنْهُ ﷺ عَفْوُ الْمَلِكِ أَبْقَى لِلْمَلِكِ^۵

۱۸۳۴ پیامبر خدا ﷺ بر شما باد گذشت؛ زیرا گذشت،
حر بر عزت بنده نمی‌افزاید. پس، از یکدیگر
گذشت کنید تا جدا شوید، شما را عزت بخشد
۱۸۳۵ - پیامبر خدا ﷺ هر که برگذشت باشد، عمرش
دراز می‌شود

۲/ ۲۷ العفو عند القدرة

۱۸۳۶ - پیامبر خدا ﷺ گذشت پادشاه، پادشاهی را
پاینده‌تر می‌کند.

۱۸۳۷ - رسول الله ﷺ أَوْلَى النَّاسِ بِالْعَفْوِ أَنْذَرُهُمْ عَلَى
الْعَفْوَةِ^۶

۲/ ۲۷ گذشت به هنگام قدرت

۱۸۳۸ تنبيه الحواظر قال عرابي يا رسول الله، من

۱۸۳۷ - پیامبر خدا ﷺ سزاوارترین مردم به گذشت
کردن، تواناترین آنها را کیفر رساندن است.

۱۸۳۸ تنبيه الحواظر عربي بادية شيبين به پیامبر خدا
گفت ای پیامبر خدا! در روز قیامت، چه کسی به
حساب حقایق می‌رسد؟

۱ التکافى ج ۲ ص ۷۹ ح ۶ ۲ الشورى ۱۰

۳ التکافى ج ۲ ص ۱۰۷ ح ۱

۴ التکافى ج ۲ ص ۱۰۸ ح ۵

۵ اعلام الدين ص ۳۱۵

۶ کتاب من لا یحضره الفقه ج ۱ ص ۳۸۱ ح ۵۸۳۰

۷ معاني الأخبار ص ۱۹۶ ح ۱

يُحَاسِبُ الْخَلْقَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؟ قَالَ اللَّهُ هَلْ تَجُوبُ
وَرَبُّ الْكُتُبِ! قَالَ: وَكَيْفَ ذَلِكَ يَا عَرَابِيُّ؟ قَالَ: لِأَنَّ
الْكَرِيمَ إِذَا قَدَّرَ عَمَلًا^۱

الفصل الثامن والعشرون: الغيرة

۱/ ۲۸ فصل الغيرة

۱۸۳۹ رسول الله ﷺ: إِنَّ الْغَيْرَةَ مِنَ الْإِيمَانِ^۲

۱۸۴۰ عَنْهُ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ مِنْ عِبَادِهِ الْقَيُّومَ^۳

۲/ ۲۸. الْغَيْرَةُ مِنْ صِفَاتِ اللَّهِ

۱۸۴۱. رسول الله ﷺ: أَلَا إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا الْحَرَامَ، وَحَدًّا

الْحُدُودَ، وَمَا أَحَدٌ أَعْيَزَ مِنَ اللَّهِ، وَمِنْ غَيْرَتِهِ حَرَمٌ

الْفَرَاخِشُ^۴.

۳/ ۲۸. ذُمُّ الْمُنَافِقِ فِي غَيْرِ مَوْضِعِ الْغَيْرَةِ

۱۸۴۲. رسول الله ﷺ: مِنَ الْغَيْرَةِ مَا يُحِبُّ اللَّهُ، وَمِنْهَا مَا

يَكْرَهُهُ اللَّهُ، فَأَمَّا مَا يُحِبُّ فَالْغَيْرَةُ فِي الرِّيَّةِ، وَأَمَّا مَا

يَكْرَهُهُ فَالْغَيْرَةُ فِي غَيْرِ الرِّيَّةِ^۵.

الفصل التاسع والعشرون: القرض

۱/ ۲۹. فصل الإقراض

الكتاب

﴿مَنْ لَا أَلَدَى يُقْرِضَ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيُصَغِّفَهُ لَهُ﴾

فرمود: «خداوند عزوجل:

باید به ششین گفت: به خداوندگار کعبه سوگند که

سجده یافتن، بم!

فرمود: «چگونه، ای اعرابی؟»

گفت: زیرا که کریم، هرگاه قدرت یابد، می بخشد

فصل بیست و هشتم: غیرت

۱/ ۲۸ ستایش غیرت

۱۸۳۹ پیامبر خدا ﷺ: به راستی غیرت، از ایمان است.

۱۸۴۰. پیامبر خدا ﷺ: خداوند متعال، بندگان غیرتمند

خویش را دوست می دارد

۲/ ۲۸. غیرت، از صفات خداست

۱۸۴۱. پیامبر خدا ﷺ: بدانید که خداوند، حرام را

میسوزد فرموده و حدود را مشخص کرده است

کسی غیرتمندتر از خدا نیست و از غیرت اوست

که زشت کاری‌ها را حرام فرموده است.

۳/ ۲۸. نکوهش غیرت‌ورزی بی‌جا

۱۸۴۲. پیامبر خدا ﷺ: غیرتی هست که خدا آن را

دوست دارد و غیرتی هست که آن را دوست ندارد.

غیرتی که آن را دوست دارد، غیرت‌ورزی هنگام

شک است و غیرتی که دوست ندارد، غیرت شدن

دادن در جایی است که شکای در پس نباشد

فصل بیست و نهم: قرض دادن

۱/ ۲۹. فصیلت قرض دادن

قرآن

﴿کَيْسَ أَنْ كَسَرَ بِهِ خُذًا وَأَمْسَى نِيكَوْ دَهْدًا﴾ [تَبَارَكَ]

۱. به شصت و پنج ج ۱ ص ۹

۲. کتاب من لا یحضره الفقه ج ۳ ص ۴۱۴ ح ۱۵۲۱

۳. کنز العمال ج ۳ ص ۲۸۹ ح ۷۰۷

۴. الأمالی للصدوق ص ۵۱۳ ح ۷۰۷

۵. کنز العمال ج ۳ ص ۲۸۵ ح ۷۰۷

وَلَمْ يَأْتِ خَرِيْمٌ^۱

الحديث

باشد؟

حديث

۱۸۱۳ رسول الله ﷺ دَخَلَ رَحُلُ الْجَنَّةِ مَرَّيْ مَكْشُوباً عَلَى يَافِئِهَا الصَّدَقَةُ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا، وَالْقَرَضُ بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ^۲

۱۸۱۳. پیامبر خدا ﷺ مردی وارد بهشت شد. دید که بر درِ آن، نوشته است: «[ثواب] صدقه، ده برابر آن است و [ثواب] قرض دادن، هجده برابر»

۱۸۱۴ عنه ﷺ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَرَأَيْتُ عَلَى يَافِئِهَا الصَّدَقَةَ بِعَشْرَةٍ، وَالْقَرَضُ بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ، فَقُلْتُ يَا جِبْرِئِيلُ، كَيْفَ صَارَتْ الصَّدَقَةُ بِعَشْرَةٍ وَالْقَرَضُ بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ؟ قَالَ: لِأَنَّ الصَّدَقَةَ تَقَعُ عَلَى يَدِ الْغَنِيِّ وَالْفَقِيرِ، وَالْقَرَضُ لَا يَقَعُ إِلَّا فِي يَدِ مَنْ يَحْتَاجُ إِلَيْهِ^۳

۱۸۱۴. پیامبر خدا ﷺ وارد بهشت شدم دیدم بر درِ آن، نوشته است: «[ثواب] صدقه، ده برابر است و [ثواب] قرض دادن، هجده برابر»

گفتم: ای جبرئیل! چرا صدقه ده برابر و قرض، هجده برابر است؟

۲/۲۹ إِنْطَارُ الْمُعْسِرِ

الكتاب

گفت: «دری را صدقه به دست بازسد و بی بار می رهد؛ اما قرض، حربه دست کسی که به آن نیاز دارد، نمی رسد»

«وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فلي سِتْرَةً وَأَنْ تُصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»^۴

۲/۲۹. مهلت دانی به بدهکار ننگدست

قرآن

الحديث

«و اگر [بدهکاران] ننگدست باشد، پس تا [هنگام] گشایش مهلتی به او دهید و [اگر به راستی قدرت پرداخت ندارد] بهشتیدن آن، برای شما بهتر است، اگر بدیدید»

۱۸۱۵ رسول الله ﷺ مَنْ أَطَّرَ مُعْسِراً أَظَلَّهُ اللَّهُ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ^۵

۱۸۱۶ عنه ﷺ كَمَا لَا يَحِلُّ لِغَرِيمِكَ أَنْ يَسْطُلَكَ وَهُوَ مُوسِرٌ، فَكَذَلِكَ لَا يَحِلُّ لَكَ أَنْ تُعْسِرَ إِذَا عَمِلْتَ أَنَّهُ مُعْسِرٌ^۶

۱۸۱۵. پیامبر خدا ﷺ هر که به ننگدستی مهلت دهد، جلوتد در روزی که هیچ سایه ای جز سایه او نیست، وی را در سایه خود در می آورد

حديث

۱۸۱۶. پیامبر خدا ﷺ همچنان که بدهکار تو، اگر تو نگر باشد، روا نیست در پرداخت بدهی اش به تو عمل ورزد، بر تو نیز روا نیست که اگر بدانی سگدست است، او را تحت فشار قرار دهی

۱ الحديث

۲ الترغيب والترهيب ج ۲ ص ۴۰ ح ۳

۳ كنز العمال ج ۶ ص ۲۱۰ ح ۱۵۳۷۳

۴ المهر۲۸۰

۵ الكافي ج ۸ ص ۹ ح ۱

۶ ثواب الأعمال ص ۱۶۷ ح ۵

۲/۲۹ النَّهْيُ عَنِ الْمَاعِظَةِ فِي الدِّينِ

۲/۲۹ نهی از تعلل در پرداخت بدهی

۱۸۴۷ رسول الله ﷺ مَنْ يَمُتُّ عَلَى دَيْنٍ حَقٌّ حَقُّهُ وَهُوَ

۱۸۳۷ پیامبر خدا ﷺ اگر کسی بتواند حق کسی را

يَقْدِرُ عَلَى أَدَاؤِ حَقِّهِ فَعَلَيْهِ كُلُّ يَوْمٍ خَطِيئَةٌ عَشَارٍ^۱

پردازد و تعلل ورزد، هر روز که بگذرد، گناه

۱۸۴۸ عنه ﷺ مَطْلُ الْفَيِّ ظُلْمٌ^۲

باجگیر برایش نوشته می‌شود

۱۸۴۸ پیامبر خدا ﷺ تَعْلُلُ وَرَزِيدُنْ نَوَانِكِرْ [در

الفصل الثلاثون، للكرامة

پرداخت بدهی] ظلم است

۱/۳۰ فَضْلُ الْكَرَمِ وَالْكَرِيمِ

فصل سی: بزرگواری

۱۸۴۹ رسول الله ﷺ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَرِيمٌ يُجِبُّ الْكَرَمَ^۳

۱/۳۰ فضیلت بزرگواری و بزرگواری

۱۸۵۰ مسند ابن حنبل، كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ خَيِّئًا كَرِيمًا^۴

۱۸۴۹ پیامبر خدا ﷺ همانا خداوند متعال، بزرگوار

است و بزرگواری را دوست می‌دارد

۲/۳۰ مَنْ يَنْبَغِي إِكْرَامُهُ

۱۸۵۰ مسند ابن حنبل پیامبر خدا ﷺ با حیا و بزرگواری بود

۱۸۵۱ رسول الله ﷺ - لَمَّا دَخَلَ عَلَيْهِ سُلَيْمَانُ وَهُوَ يُسْكِي

۲/۳۰ کسانی که گرامی‌باشش آنها شایسته است

عَلَى وَسَادَةٍ مَأْتَاهَا إِلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ - يَا سُلَيْمَانُ، مَا مِنْ

۱۸۵۱ پیامبر خدا ﷺ - آن‌گاه که بر بالشی تکیه رده بود

مُسْلِمٍ دَخَلَ عَلَى أَحِيهِ الْمُسْلِمِ يُلْقِي لَهُ الْوَسَادَةَ

که سلمان وارد شد و پس از آن که پشی را به او

إِكْرَامًا لَهُ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ^۵

داد - ای سلمان! هیچ مسلمانی نیست که برادر

۱۸۵۲ عنه ﷺ مَنْ أَكْرَمَ أَحَدًا مِمَّا يُكْرِمُ اللَّهُ^۶

مسلمانش بر او وارد شود و به احترام او برایش

۱۸۵۳ عنه ﷺ بِالْأَجَلِ دَهْشَةً فَتَلْقَوْهُ بِمَرْحَبٍ^۷

پشتی بگنارد، مگر این که خداوند او را می‌آمرزد

۱۸۵۴ عنه ﷺ أَكْرَمَ النَّبِيِّ، وَأَحْسِنُ إِلَى جَارِكَ^۸

۱۸۵۲ پیامبر خدا ﷺ کسی که برادر خود را گرامی

۱۸۵۵ عنه ﷺ إِنْ مِنْ تَعْظِيمِ جَلَالِ اللَّهِ كَرَامَةً ذِي

بدارد، در حقیقت، خدا را گرامی داشته است

۱ کتاب من لا یحضره الفقه ج ۴ ص ۱۶ ح ۴۹۶۸

۲ الموطأ ج ۲ ص ۶۷۴ ح ۸۱

۳ کنز العمال ج ۶ ص ۳۴۷ ح ۱۵۹۹۱

۴ مسند ابن حنبل ج ۱۰ ص ۲۱۲ ح ۲۶۷۳۱

۵ مکرم الأخلاق ج ۱ ص ۵۷ ح ۴۱

۶ کنز العمال ج ۹ ص ۱۵۴ ح ۲۵۱۸۸

۷ کنز العمال ج ۹ ص ۱۵۶ ح ۲۵۱۹۹

۸ مسند ابن حنبل ج ۵ ص ۲۸۱ ح ۱۵۵۱۰

۱۸۵۳ پیامبر خدا ﷺ کسی که وارد مجلسی می‌شود،

دچار نوعی گنجی و سردرگمی است. پس ب

خوشامدگویی از او استقبال کنید.

۱۸۵۴ پیامبر خدا ﷺ: یتیم را گرامی بدار و به همسایه‌ات

خوشی کن

۱۸۵۵ پیامبر خدا ﷺ احترام نهادن به ریش سفید و

نَشِيبَةً، وَحَابِلِ الْقُرْآنِ، وَالْإِمَامِ الْعَادِلِ^۱

۳/۳۰ رَدُّ الْكِرَامَةِ

حافظ قرآن و پیشوای دادگر، گونه‌ای برگزیده
حلال و شکر، حد و حدود است

۳/۳۰ پدیدرفتن دروغواری

۱۸۵۶ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا يَأْتِي الْكِرَامَةَ إِلَّا جَمَارٌ^۲

۱۸۵۷ عَنْهُ ﷺ إِذَا غَرَضَ عَلَى أَحَدِكُمْ الْكِرَامَةَ فَلَا يَرُدُّهَا،

وَأَيُّهَا يَرُدُّ الْكِرَامَةَ الْجَمَارُ^۳

۱۸۵۶ پیامبر خدا ﷺ از پس‌دیرفتن احترام خودداری
نمی‌کند، مگر الی

۱۸۵۷ پیامبر خدا ﷺ هر گاه به یکی از شما احترامی
شد، آن را رد نکند؛ زیرا، الی است که احترام را رد
می‌کند!

۱۸۵۸ عَنْهُ ﷺ مِنْ تَكْرِمَةِ الرَّجُلِ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَقْبَلَ
تُحَفَّهُ، أَوْ يَتَحَفَّهُ مِمَّا عِبْدَةٌ وَلَا يَتَكَلَّفُ شَيْئاً^۴

الفصل الواحد والثلاثون النصيحة

۱/۳۱ فصل النصيحة

الكتاب

فصل سی و یکم خبرخواهی

﴿أَتَلْعَنُكُمْ رَسُولُ رَتِي وَأَنْصَحَ لَكُمْ وَأَغْلَمَ مِنْ اللَّهِ مَا

لَا تَعْلَمُونَ﴾^۵

۳۱ ۱ فصلیت خبرخواهی

الحديث

قرآن

﴿پیام‌های پروردگارم را به شما می‌رسانم و اندرزتان

می‌دهم و چیزهایی را حد، می‌دانم که [شما] می‌دانید﴾

حدیث

۱۸۵۹ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنْ أَعْظَمَ النَّاسَ مَرَلَهُ عِدَّةَ أَيَّامٍ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ أَمْشَاهُمْ فِي أَرْجِهِ بِالنَّصِيحَةِ بِخَلْفِهِ^۶

۱۸۶۰ عَنْهُ ﷺ لِيَنْصَحَ الرَّجُلُ بِنَفْسِهِ أَحَدًا كَنَصِيحَتِهِ

لنفسه^۷

۱۸۵۹ پیامبر خدا ﷺ تا صراط‌ترین مردم مرد حد و حد

در روز قیامت، کسی است که در راه خبرخواهی

برای خلق او، بیش از دیگران قدم بر دارد

۱۸۶۰ پیامبر خدا ﷺ هر یک از شما همان گونه که

خبرخواه خویش است، باید خبرخواه برادرش

نیر باشد

۱ كنز العمال ج ۹ ص ۱۵۷ ح ۲۵۵۰۷

۲ كنز العمال ج ۹ ص ۱۵۵ ح ۲۵۴۹۲

۳ قرب الاسناد ص ۹۲ ح ۳۰۷

۴ النوادر للروملي ص ۱۰۷ ح ۸۷

۵ الأعراف ۶۲

۶ للكناني ج ۲ ص ۲۰۸ ح ۵

۷ للكناني ج ۲ ص ۲۰۸ ح ۶

۲/۳۱. علامه النَّاصِح

۱۸۶۱ رسول الله ﷺ أَمَّا عَلَامَةُ النَّاصِحِ فَأَرْبَعَةٌ يَتَّقِي بِالْحَقِّ، وَيُعْطِي الْحَقَّ مِنْ نَفْسِهِ، وَيُرْصِنُ لِلنَّاسِ مَا يَرْصَأُ لِنَفْسِهِ، وَلَا يَعْتَدِي عَلَى أَحَدٍ.^۱

۲/۳۱. نشانه خیرخواه

۱۸۶۱ پیامبر خدا ﷺ نشانه خیرخواه، چهار چیز است. به حق فصاحت می‌کند؛ بر جانب خود، حق دیگران را رعایت می‌کند؛ برای مردم همان چیزی را می‌پسندد که برای خود می‌پسندد؛ و به [حق] هیچ کس دست‌درازی نمی‌کند.

الفصل الثاني والخلاصون. الفراغ

فصل سی و دوم، فراغت

۱/۳۲. تقسیم الساعات

۱۸۶۲ رسول الله ﷺ كَانَ فِيهَا [أَيُّ شُحْبٍ إِبْرَاهِيمَ] ... : عَلَى الْعَاقِلِ مَا لَمْ يَكُنْ مَعْلُوباً عَلَى عَقْلِهِ أَنْ يَكُونَ لَهُ سَاعَاتٌ؛ سَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ ﷻ، وَسَاعَةٌ يُحَاسِبُ بِنَفْسِهِ وَسَاعَةٌ يَتَفَكَّرُ فِيهَا صَاحِبُ اللَّهِ ﷻ إِلَيْهِ، وَسَاعَةٌ يَحْلُو فِيهَا بِحِفْظِ نَفْسِهِ مِنَ الْخَلَالِ؛ فَإِنَّ هَذِهِ السَّاعَةَ عَوْنٌ لِنَفْسِكَ السَّاعَاتِ وَاسْتِجْمَامٌ لِقُلُوبٍ وَتَوْجِيحٌ لِهَلَاكِ

۱/۳۲ عرفانه ریوی وورانه

۱۸۶۲. پیامبر خدا ﷺ در صحبت ابراهیم ﷺ آمده است : خردمند، مادام که جودش از او گرفته نشده، باید زمان‌هایی را برای خود در نظر بگیرد. زمانی را برای مناجات با پروردگارش ﷻ و زمانی را برای محاسبه نفسی و زمانی را برای اندیشیدن در آنچه خداوند ﷻ به وی ارزانی داشته است؛ و زمانی را برای کامجویی خود از ربه جلالت؛ زیرا این زمان، کمکی به آن سه زمان دیگر در نیامایه آسودگی و رفع حسنگی دل‌هاست.

۲/۳۲. المعامل في سيرة النبي ﷺ

۱۸۶۳. الإمام الحسين ﷺ سَأَلَتْ أَبِي ﷺ عَنْ مَدْخَلِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ. فَقَالَ كَانَ دُخُولُهُ لِنَفْسِهِ مَأْذُوناً لَهُ فِي ذَلِكَ. فَأَدَّى إِلَى مَبْرِئِهِ خُرّاً دُخُولُهُ ثَلَاثَةَ أَجْزَاءٍ: جُزْءٌ لِلَّهِ، وَجُزْءٌ لِأَهْلِيهِ، وَجُزْءٌ لِنَفْسِهِ. ثُمَّ جُزْءٌ جُزْءٌ بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ فَيُرَدُّ ذَلِكَ بِالْحَاصِصَةِ عَلَى الْعَامَّةِ وَلَا يَدْخِرُ عَنْهُمْ مِنْهُ شَيْئاً، وَكَانَ مِنْ سِيرَتِهِ فِي جُزْءِ الْأُمَّةِ، إِشَارَةُ أَهْلِ الْفَصْلِ بِإِذْنِهِ، وَكَسْمَةٌ عَلَى قَسْرِ قَبْضِهِمْ فِي نَدْبِهِمْ، فَهُمْ ذُو الْحَاجَةِ، وَمِنْهُمْ ذُو الْحَاجَةِ فِي، وَمِنْهُمْ ذُو الْعَوَاجِ^۲

۲/۳۲. نظم در سیرة پیامبر ﷺ

۱۸۶۳ امام حسین ﷺ باز پدرم درباره زندگی داخلی پیامبر ﷺ، سؤال کردم. [پدرم] فرمود. ورود ایشان به هر خانه‌ای، به خاطر اجارهای که از همسران و کسان خود داشت، در اختیار خودش بود هرگاه به خانه می‌رفت، وقت خود را سه قسمت می‌کرد؛ یک قسمت برای خداوند - تبارک و تعالی -؛ یک قسمت برای خانواده، و یک قسمت برای خود سپس، قسمت خود را بین خود و مردم، تقسیم می‌کرد و اول، خواص وارد می‌شدند و پس از آن، سایر مردم، و چیری از وقت خود را از مردم، دریغ نمی‌نمود و در مورد قسمت امت، روش او این گونه بود که اهل فصل را با اجازه دادن به آنها به اندازه نصبتان در دین، بر دیگران ترجیح می‌داد بعضی از آنان (مردم)، یک حاجت داشتند، بعضی دو حاجت و بعضی بیشتر^۳

۱. تحف العقول ص ۲۰ ۲. الغصن ص ۵۷۵ ح ۱۳

۳. بحار الأنوار ج ۱۶ ص ۱۵۰ ح ۴

الفصل الثالث والثلاثون. الإنفاق

فصل سی و سوم. انفاق

۱/۳۳ فَضِّلِ الْإِنْفَاقَ

۱/۳۳ انفاق کریں^۱

الكتاب

قرآن

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِمَّنْ فَتَرَىٰ
تَأْتِي يَوْمَ لَا يَنْفَعُ عِيَهُ وَلَا خَلَّةٌ وَلَا شَفِيعَةٌ وَالْكَافِرُونَ
هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾^۱

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از آنچه به شما روزی
دادیم، انفاق کنید، پیش از آن که روزی فرا رسد که در
آن، نه داد و ستدی هست و نه دوستی و نه شفاعتی و
کافران، خود ستمکارانند».

الحديث

حدیث

۱۸۶۴ رسول الله ﷺ من أعطى درهماً في سبيل الله كتب
الله له بهيمة حسنة^۲

۱۸۶۴. پیامبر خدا ﷺ هر که یک درهم در راه خدا بدهد،
خداوند برایش همتصد ثواب می‌نویسد

۲/۳۳ وَعَدَّ اللَّهُ بِالْخَلْفِ فِي الْإِنْفَاقِ

۲/۳۳ وعده خداوند به جبران انفاق

الكتاب

قرآن

﴿قُلْ إِنْ رِئْسِي يَنْفُسُ الزَّرَقِ لَعَنَ يَشَاءُ مِنْ عَمَلِي
وَيُفْزِلُهُ، وَمَا أَنْفَقْتُ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يَخْبِتُهُ، وَهُوَ خَيْرُ
الزَّالِمِينَ﴾^۳

«بگو: اگر رئیس من سر زرق لعن می‌شاید یا برای هر
کس از بدگاش که بخواهد، گشاده می‌سازد و یا برای او
نگ می‌گرداند و هر چه را انفاق کرده‌ام، عوفیل را او
می‌دهد و او بهترین زوردهندگان است»

الحديث

حدیث

۱۸۶۵ رسول الله ﷺ مَا تَقَصَّ مَالٌ مِنْ حَقِّقَةٍ فَطُ^۴

۱۸۶۵. پیامبر خدا ﷺ هیچ گاه مالی بر اثر صدقه دادن
کم شد

۳/۳۳ بَقَاءُ مَا أُنفِقَ وَلِقَاءُ مَا لَمْ يُنْفَقْ

۳/۳۳ ماندگاری انفاق‌شده و ملائقی انفاق‌نشده

الكتاب

قرآن

﴿مَا هُنَّكُمْ يَبْلُغُ وَمَا عِندَ اللَّهِ بَاقٍ﴾^۵

«آنچه پیش شماست، تمام می‌شود ولی آنچه پیش
خداست، ماندنی است»

۱ البقرة ۲۵۱

۲ الأمانی للعلوی ص ۱۸۳ ح ۳۰۶

۳ سبأ ۳۹

۴ التوادد للراوندي ص ۸۱

۵ البقره ۹۶

انفاق از اقسام صدقه است صدقه بر دو نوع است صدقه
واجب (مثل زکات و خمس) و صدقه غیر واجب (مسح)
که داغوا نامیده می‌شود و پرداخت آن، تکلیف شرعی
نیست بلکه بشار و مواسات محسوب می‌شود م

الحديث

حديث

۱۸۶۶ كبر العتال عن عائشة أَنَّهُمْ دُبِحُوا شَاءً، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ مَا بَقِيَ؟ فَقَالَتْ مَا بَقِيَ بِهَا إِلَّا كَتِيبُهَا. قَالَ ﷺ [بَقِيَ كُلُّهَا غَيْرَ كَتِيبِهَا] ۱

۱۸۶۶ کبر العتال - نه نقل از عایشه - گوشتی را سر بریدند [و گوشت آن را اتفاق کردند]. پیامبر ﷺ فرمود: چیزی مانده است؟

عایشه گفت، بجز دستش، چیزی باقی مانده

است

۴/۲۳ فَصْلُ انْفَاقِ الْمُقْتَرِ

۱۸۶۷ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ثَلَاثٌ مِنْ حَقَائِقِ الْإِيمَانِ الْإِيمَانُ فِي الْإِقْتَارِ، وَإِصَافُ النَّاسِ مِنْ تَفْسِيكَ، وَتَذُلُّ الْعِلْمِ لِلْمُتَعَلِّمِ ۲

پیامبر ﷺ فرمود و بجز دستش، همه آن باقی مانده است

۴/۲۳ فضیلت انفاق کردن تنگدست

الفصل الرابع والثلاثون الوفاء

۱/۳۴ الْحَثُّ عَلَى الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ

الكتاب

فصل سیم و چهارم وفای به عهد

﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ ۳

۱/۳۴ تشویق به وفای به عهد

الحديث

قرآن

۱۸۶۸ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بَاقِيَ الْيَوْمِ وَالْآخِرِ فَلَيْبٌ إِذَا وَعَدَ ۴

﴿و به پس از [خود] وفا کنید، زیرا از پس از پرستی خواهد شد﴾

حديث

۲/۳۴ النُّعْدَةُ دَيْنٌ

۱۸۶۹ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْعِدَّةُ دَيْنٌ ۵

۱۸۶۸ پیامبر خدا ﷺ هر که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید هر گاه وعده می‌دهد، وفا کند

۲/۳۴ وعده، دین است

۱۸۷۰ عَنْهُ ﷺ الْعِدَّةُ دَيْنٌ، وَيَلُ لِمَنْ وَعَدَ ثُمَّ أَحْلَفَ، وَيَلُ لِمَنْ وَعَدَ ثُمَّ أَحْلَفَ ۶

۱۸۶۹ پیامبر خدا ﷺ وعده، دین (پایه) است.

۱ کبر العتال ج ۶ ص ۳۸۱ ح ۱۶۱۵۰

۲ التحصیل ص ۱۲۵ ح ۱۲۱

۳ الإسراء ۳۴ ۴ تحف المقلوب ص ۱۵

۵ کبر العتال ج ۳ ص ۳۴۷ ح ۲۸۶۶

۶ کبر العتال ج ۳ ص ۳۴۷ ح ۲۸۶۵

۱۸۷۰ پیامبر خدا ﷺ وعده، دین است؛ وای بر کسی که وعده دهد و حلف وعده کند؛ وای بر کسی که وعده دهد و تحلف وعده کند؛ وای بر کسی که وعده دهد و حلف وعده کند؛

الفصل الخامس والثلاثون: التواضع

۱/۳۵ الحدُّ عَلَى التَّوَاضُّعِ

۱۸۷۱ رسول الله ﷺ لَا حَسَبَ إِلَّا بِتَوَاضُّعٍ ۱

۱۸۷۲ . عَنْهُ ﷺ إِنَّ أَفْضَلَ سُلَاسٍ عَبْدٌ مِّنْ تَوَاضَعَ عَنِ رِفْعَةٍ ۲

۲/۳۵ التَّوَاضُّعُ وَالرَّفْعَةُ

۱۸۷۳ رسول الله ﷺ إِنَّ التَّوَاضُّعَ يَزِيدُ صَاحِبَهُ رِفْعَةً .
تَتَوَاضَعُوا يَرْفَعُكُمْ اللَّهُ ۳

۱۸۷۴ عَنْهُ ﷺ مَن تَوَاضَعَ شَوَّ دَرَجَتَهُ يَرْفَعُهُ اللَّهُ دَرَجَةً حَتَّى يَجْعَلَهُ فِي عِلَاسٍ ۱

۱۸۷۵ عَنْهُ ﷺ - يُعَلِّي ﷺ - يَا عَلِيٌّ وَلِلَّهِ أَنْ السَّوَامِجَ
مِن قَعْرِ بئرِ نَمَثِ اللَّهُ إِلَيْهِ رِبْعاً يَرْفَعُهُ قَوْى الْأَعْمَارِ
فِي ذَوَلَةِ الْأَشْرَارِ ۲

الفصل السادس والثلاثون: التَّوَكُّلُ

۱/۳۶ تَفْسِيرُ التَّوَكُّلِ

الكتاب

﴿إِنْ يَعْصِرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذَلْكُمْ فَمَنْ مَّا
الَّذِي يَعْصِرْكُمْ مِّنْ أَعْدَائِكُمْ وَعَلَى اللَّهِ فَلَيتَوَكَّلِ
الْمُؤْمِنُونَ﴾ ۱

۱ کثر القوائد من ۵۵ ۲ اعلام الدین من ۳۳۷ ح ۱۵

۲ الکفر ج ۲ ص ۱۲۱ ح ۱

۳ کثر العمل ج ۳ ص ۱۱۰ ح ۵۷۲۱

۵ مکرم الأخلاق ج ۲ ص ۳۳۶ ح ۳۵۶

۶ آل عمران ۱۶۰

فصل سی و پنجم فروتنی

۱/۳۵ تشویق به فروتنی

۱۸۷۱ پیامبر خدا ﷺ شرافت خانوادگی، جز به فروتنی
نیست

۱۸۷۲ . پیامبر خدا ﷺ بر تربیت مردم در بسدگی [حدا] کسی است که در عین بررگی، فروتنی کند

۲/۳۵ فروتنی و سبدمرئیگی

۱۸۷۳ پیامبر خدا ﷺ همانا فروسی، بر بلندمرئیگی
(رفعی) صاحب حدود می افراید، پس فروتن
پیشید تا حد او بد، شمار مرتبه بلند بخشد

۱۸۷۴ / پیامبر خدا ﷺ هر که برای خدا یک درجه پایین
بیاید، خداوند، او را یک درجه بالا می برد، تا
جایی که او را در «علس» حای دهد

۱۸۷۵ . پیامبر خدا ﷺ - به علی ﷺ - ای علی! به خدا
سوگند که گر شخص فروتن، در قعر چاهی باشد،
خداوند ﷻ سادی را می فرستد تا او را در دولت
بدکاران، در رأس بیکان قرار دهد

فصل سی و ششم توکل

۱/۳۶ معنای توکل

قرآن

﴿گر خدا شما را یاری کند، هیچ کس بر شما غالب نخواهد
شد و اگر دست او یاری شما بر ندارد چه کسی بعد از او
شما را یاری خواهد کرد؟ و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل
کنند﴾

الحديث

حديث

۱۸۷۶ معاصي الأخيار - عن جبرئيل عليه السلام لما سأله النبي ﷺ عن التوكل على الله - الجواب بأن نَحْلُوقَ لَا يَصُرُّ وَلَا يَنْفَعُ، وَلَا يُعْطَى وَلَا يَمْنَعُ، وَاسْتِعْمَالُ الْيَأْسِ مِنَ الْخَلْقِ، هَذَا كَانَ الْقَبْدَ كَذَلِكَ لَمْ يَمْعَلْ لِأَخِي سِوَى اللَّهِ، وَلَمْ يَزُجْ وَلَمْ يَخَفْ سِوَى اللَّهِ، وَلَمْ يَطْمَعْ فِي أَحَدٍ سِوَى اللَّهِ، هَذَا هُوَ التَّوَكُّلُ.^۱

۱۸۷۶. معاصي الأخيار - به نقل از جبرئیل علیه السلام، هنگامی که پیامبر ﷺ از او درباره توکل بر خداوند پرسید: «توکل، یعنی دانستن این مطلب که مخلوق، به زبانی می‌زند و به سودی می‌رساند، به می‌دهد و به جلوگیری می‌کند، و [بیر] برکندن چشم امید از خلق. هر گاه بنده چنین باشد، دیگر برای هیچ کس حر خداوند، کار نمی‌کند و امید و بیمش از کسی جز خداوند نیست و چشم طمع به هیچ کس جز خدا ندارد این است توکل»

۲/۳۶ التَّوَكُّلُ وَكَفَايَةُ الْأُمُورِ

الكتاب

«وَيُزَوِّدُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَخْتَفِسُّ وَمَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» إِنَّ اللَّهَ يَلْعَنُ أُمَّرَأَةً قَدْ جَعَلَ اللَّهَ لَهَا غُتْلًا شَرْعًا قَدْرًا^۲

۲/۳۶ توکل و کارسازی امور

مرآة

«در آن جایی که حبش را می‌کند، به او روری می‌رساند، و هر کس ^۱خدا بخشد، او برای وی بس است، خدا فرماتش را به انجام رسانده است، به راستی، خدا برای هر چیزی اندازه‌ای مقرر کرده است»

الحديث

۱۸۷۷ رسول الله ﷺ مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ كَفَاهُ مُزْنَتَهُ وَرَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ^۳

حديث

۱۸۷۸ عنه ﷺ مَنْ تَوَكَّلَ وَفَعَّ وَرَجَى كُفِيَ الْمَطْلَبُ^۴

۱۸۷۷ پیامبر خدا ﷺ هر که به خدا، توکل کند، خداوند هر بنده او را کارسازی می‌کند و آن جایی که گمان نمی‌برد، به او روری می‌رساند

۳/۳۶ أدب التَّوَكُّلِ

۱۸۷۹ رسول الله ﷺ - لِرَجُلٍ قَالَ لَهُ: أَعْقِبْهَا - أَمِي الدَّائِبَةُ - وَأَتَوَكَّلُ، أَوْ أَطْلِقْهَا وَأَتَوَكَّلُ؟ - إِعْقِبْهَا وَتَوَكَّلْ^۵

۱۸۸۰ عنه ﷺ - لِرَجُلٍ قَالَ لَهُ: أَرْسِلْ وَأَتَوَكَّلُ - فَكَيْدَهَا

۱۸۷۸ پیامبر خدا ﷺ هر که توکل کند و قانع و راضی باشد، خواسته‌هایش کارسازی می‌شود

۳/۳۶ أدب التَّوَكُّلِ

۱۸۷۹. پیامبر خدا ﷺ - به مردی که پرسید: زانوی اشترم را ببندم و به خدا، توکل کنم، یا رهاش بگذارم و توکل کنم؟ - ب. توکل، زانوی اشترم را ببند.

۱۸۸۰. پیامبر خدا ﷺ - به مردی که گفت: اشترم را رها

۱ معاصي الاخيار ص ۲۶۱ ح ۱

۲ الطلای ۳

۳ كنز العمال ج ۳ ص ۱۰۳ ح ۵۶۹۳

۴ التوکل للروندی ص ۱۲۵

۵ سنن الترمذی ج ۴ ص ۶۶۸ ح ۲۵۱۷

وَتَوَكَّلْ^۱

۱۸۸۱. مستدرك الوسائل. رأى رسول الله ﷺ قوماً لا يَرَزَعُونَ. قَالَ مَا أَنْتُمْ؟ قَالُوا نَحْنُ الْمُتَوَكِّلُونَ وَالْأَنْبِيَاءُ لَا يَرَزَعُونَ^۲

می گذارم و توکل می کنم - او را ببند و توکل کن.

۱۸۸۱. مستدرك الوسائل. پیامبر خدا، عذای را دید که کشاورزی نمی کنند به بها فرمود: شما چه کار دارید؟

گفتند: ما توکل کردیم.

فرمود: ای، شما سربار [دیگران] هستید.

الفصل السابع والثلاثون: الهدية

۱/ ۳۷. ذَوْرُ الْهَدِيَّةِ فِي الْمَحَنَةِ

۱۸۸۲. رسول الله ﷺ تَهَادَوْا تَحَابُّوا، تَهَادَوْا هَابَهَا تَهَبُ بِالصَّعَانِ^۲

فصل سی و هفتم: هدیه

۱/ ۳۷ بخش هدیه در ایحاد محبت

۱۸۸۲. پیامبر خدا ﷺ به یکدیگر هدیه دهید تا سبب به همدیگر، با محبت شوید. به یکدیگر هم به دهید؛ زیرا هدیه، کینه ها را می برد

۱۸۸۳. عَنْهُ ﷺ تَهَادَوْا فَإِنَّ الْهَدِيَّةَ تَسِيلُ بُحَائِنَ، وَتُعْلِي حِمَاسَ الْقَدَاوَةِ وَالْأَحْقَادِ^۱

۱۸۸۴. عَنْهُ ﷺ الْهَدِيَّةُ تُدْفِتُ الصَّعَانِ مِنَ الصُّدُورِ^۲

۱۸۸۳. پیامبر خدا ﷺ برای یکدیگر هدیه بپسندید؛ زیرا هدیه، بدخواهی ها را [از دل ها] بیرون می کشد و کینه های دشمنی و نفرت ها را برطرف می کند

۲/ ۳۷. الْحَدُّ عَلَى قَبُولِ الْهَدِيَّةِ

۱۸۸۵. رسول الله ﷺ مِنْ تَكْرِمَةِ الرَّجُلِ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَقْبَلَ نَحْفَةً، وَيُجِيعَهُ بِمَا عِدَهُ، وَلَا يَسْكَتُ لَهُ شَيْئاً^۱

۱۸۸۴. پیامبر خدا ﷺ هدیه دادن، کینه ها را از سینه ها می برد

۲/ ۳۷ تشویق به پذیرفتن هدیه

۱۸۸۶. عَنْهُ ﷺ - لِمَانَسَةِ لَمَّا أَهَدَتْ إِلَيْهَا امْرَأَةً مِنْكِ هَدِيَّةً لَمْ يَقْبَلْهَا زَحَمَةً لَهَا - : لَا قَبْلَتَهَا بِهَا وَكَافَيْتَهَا بِهَا؟! فَلَا تَرَى أَنَّكَ حَقَرْتَهَا! يَا عَائِشَةُ، تَسْوَاطُنِي فَإِنَّ اللَّهَ يُجِبُّ الْمُتَوَاضِعِينَ وَيُجِيزُ

۱۸۸۵. پیامبر خدا ﷺ از [موارد] احترام مرد به برادرش، این است که پیشکش او را بپذیرد و از همان چیزی که مرد خود دلوری به او پیشکش دهد و برای پیشکش دادن چیزی به او، خود را به زحمت نهد

۱۸۸۶. پیامبر خدا ﷺ هنگامی که زن مستمنی هدیه ای برای عایشه آورد؛ اما عایشه از روی دلسوری، آن را قبول نکرد -؛ چرا آن را قبول نکردی و متقابلاً هدیه ای به او ندادی که فکر نکند او را تحقیر

۱. كنز العمال ج ۳ ص ۱۰۴ ح ۵۶۹۸

۲. مستدرك الوسائل ج ۱۱ ص ۲۱۷ ح ۱۲۷۸۹

۳. الكافي ج ۵ ص ۱۴۱ ح ۱۱

۴. الكافي ج ۵ ص ۱۴۳ ح ۷

۵. حيون أخبار الزملاء ج ۲ ص ۷۴ ح ۳۴۳

۶. الكافي ج ۵ ص ۱۴۳ ح ۸

المُسْتَكْبِرِينَ^۱

کرده‌ای؟ ای عایشه! فروتن باش؛ زیر خدایود،
فروتنان را دوست می‌دارد و از افراد متکبر، نفرت
دارد.

۳/۳۷ حُرْمَةُ هَدَايَا الْغُفَالِ

۱۸۸۷. رسول الله ﷺ: هَدَايَا الْغُفَالِ حَرَامٌ كُلُّهَا.^۲

۳/۳۷. حرام بودن هدیه دادن به کارگزاران
حکومتی

۱۸۸۸. عَنْهُ ﷺ: مَنْ شَفَعَ لَأَخِيهِ شَفَاعَةً فَأَهْدَى لَهُ هَدِيَّةً

عَلَيْهَا فَقَبِلَهَا مِنْهُ، فَقَدْ أَتَى بِأَبَا عَظِيمٍ مِنْ أَبْوَابِ

الرَّيْبِ.^۳

۱۸۸۷. پیامبر خدا ﷺ: هدایایی که به کارگزاران داده
می‌شود، همگی حرام است.

۴/۳۷. النَّبِيُّ عَنْ هَدِيَّةِ الْمُشْرِكِ

۱۸۸۸. پیامبر خدا ﷺ: هر کس برای برادر خود و ساطنی

۱۸۸۹. رسول الله ﷺ: إِنَّا لَا نَقْبَلُ هَدِيَّةَ مُشْرِكٍ^۴

بکند و او به خاطر آن وساطت، برایش هدیه‌ای
ببرد و او آن هدیه را بپذیرد، هر آینه به نفعی بزرگی از
فرهنگی ربا وارد شده است.

۱۸۹۰. عَنْهُ ﷺ: - لَزَجَلٍ أَهْدَى لَهُ قُرْسًا قَبْلَ أَنْ يُسِيمَ -

إِنِّي أَكْرَهُ زَهْدَ الْمُشْرِكِينَ.^۵

۳/۳۷. نهی از پذیرفتن هدیه مشرکی

۱۸۹۱. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ تَهَنَّ عَسَى وَتُؤَدَّ

۱۸۸۹. پیامبر خدا ﷺ: ما هدیه هیچ مشرکی را نمی‌پذیریم

المُشْرِكِينَ؛ بَرِيدُهُ هَدَايَا أَهْلِ الْحَرْبِ.^۶

۱۸۹۰. پیامبر خدا ﷺ: به مرده‌ای که پیش از مسلمان

۵/۳۷. الْفَضْلُ لِلْهَدِيَّةِ

شدن، اسبی را برای ایشان هدیه آورد: من عطای
مشرکان را خوش نمی‌دارم

۱۸۹۲. رسول الله ﷺ: مَا أَهْدَى الْقُرْءُ الْمُسْلِمَ إِلَى أَخِيهِ هَدِيَّةً

أَفْضَلَ مِنْ كَلِمَةٍ جَکَمَةٍ؛ بَرِيدُهُ أَهْلُهَا هُدًى، وَبَرْدُهُ

۱۸۹۱. امام علی علیه السلام: پیامبر ﷺ از پذیرفتن عطای

عَنْ زَيْدٍ^۷

مشرکان، نهی فرمود. منظور از هدایای حریبان
بود.

۱۸۹۳. عَنْهُ ﷺ: نِعَمَ الْعَطِيَّةُ وَنِعَمَ الْهَدِيَّةُ كَلِمَةُ جَکَمَةٍ

تَسْتَمْتَحُهَا.^۸

۵/۳۷. بهترین هدیه

۱۸۹۲. پیامبر خدا ﷺ: بهترین هدیه‌ای که انسان مسلمان

به برادر خود می‌دهد، سخن حکیمانه‌ای است که

حلاوت به سبب آن، بر هدایت او بیفزاید و از

هلاکت بازش ندارد.

۱. کنز العمال ج ۵ ص ۸۲۱ ح ۱۴۸۲

۲. کنز العمال ج ۶ ص ۱۱۲ ح ۱۵۰۶۸

۳. کنز العمال ج ۶ ص ۱۱۲ ح ۱۵۰۷۰

۴. کنز العمال ج ۵ ص ۸۲۰ ح ۱۴۱۷۵

۵. کنز العمال ج ۵ ص ۸۲۳ ح ۱۴۴۸۷

۶. لم یجعم ربک ص ۸۲ ۷. منة القریب ص ۱۰۵

۸. تیس الخواصر ج ۲ ص ۲۱۲

۱۸۹۳. پیامبر خدا ﷺ: خوب عطیه و نیکو هدیه‌ای

است سخن حکیمانه‌ای که آن را می‌شوی!

۶/۳۷. ذمّ العود فی الهبة

۱۸۹۴ رسول الله ﷺ العائدُ می هبتیه کالعائدِ می قینه

۱۸۹۵ علیه ﷺ - لَعُمَرَ بْنِ الْحَطَّابِ لَمَّا رَأَى بَشْرَى

فَرَسًا كَانَ قَدْ تَصَدَّقَ بِهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ طَمَنًا مِمَّا أَنَّهُ

سَوْفَ يَحْصُلُ عَلَيْهِ بِأَدَى مِنْ قِيَمَتِهِ الْوَاقِعَةِ - ۱

نَشَرَهُ وَلَا تَعُدُّ فِي صَدَقَتِكَ وَإِنْ أَعْطَاكَ بَدْرَهُمْ فَإِنَّ

الْعَائِدَ فِي صَدَقَتِيهِ كَالْعَائِدِ فِي قِيَمِهِ ۲

۶/۳۷ مگوشت پس گرفتن بخشش

۱۸۹۲ پیامبر خدا ﷺ کسی که بخشش خود را پس

نگیرد، مانند کسی است که استمراعتش را بخورد

۱۸۹۵ پیامبر خدا ﷺ - به عمر بن خطاب که اسبی را

به یکی از جنگجویان مسلمان بخشیده بود تا با

به در راه خدا جهاد کند و می خواست دوباره آن

را از او بخرد؛ چون فکر می کرد با قیمت ارزانی به

او خواهد فروخت - آن را بخرد و به صدقه ای که

دادم ای، برنگرد، اگر چه آن را به یک درهم به تو

بدهد؛ زیرا کسی که صدقه خود را پس بگیرد،

مانند کسی است که استمراعتش را بخورد

۱ کتالعمال ج ۱۶ ص ۶۳۹ ح ۱۶۱۶۱

۲ صحیح البخاری ج ۲ ص ۵۱۲ ح ۱۴۱۹

الْكَتَابُ الْخَامِسُ

آفاتِ بِنَاءِ النَّفْسِ

الفصل الأول: الهوى

۱/۱. حَطَرُ الْهَوَى

الكتاب

﴿بَلِ انْشَمَعَ الْيَدَيْنِ طَفَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَسْ يَهْدِي
مَنْ أَضَلُّ أَثَمَةً وَمَا لَهُمْ مِنْ مُصْرِينَ﴾^۱

الحديث

۱۸۹۶ رسول الله ﷺ رُبَّ شَهْوَةٍ سَاعَةٍ تُورِثُ حُرْبًا

طبرانی^۲۱۸۹۷ عنه ﷺ اسْتَعِيدُوا بِاللهِ مِنَ الرَّعَبِ^۳

۲/۱ الهوى إلهٌ مُعْبُودٌ

الكتاب

﴿أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ
وَكِيلًا﴾^۴

الحديث

۱۸۹۸ رسول الله ﷺ مَا تَحْتَ ظِلِّ السَّمَاءِ مِنْ إِلَهٍ يُعْبَدُ

مِنْ دُونِ اللَّهِ أَكْثَرُ عِبَادَةِ اللَّهِ مِنْ هَوَى مُتَّبَعٍ^۵

۱ الروم ۲۹

۲ الأمل للطوسي ص ۵۳ ح ۱۱۶۲

۳ كنز العمال ج ۳ ص ۱۹۹ ح ۶۱۶۰

۴ الفرقان ۲۳

۵ المعجم الكبير ج ۸ ص ۱۰۳

پنجم

آفات خودسازی

فصل یکم: هوس

۱/۱ حطر هوس

قرآن

﴿ایه! این چنین نیست!﴾ بلکه کسانی که شتم کرده‌اند بدین
هیچ گونه دلش، هوس‌های خود را پیروی کرده‌اند پس
آن کس را که خدا گمراه کرده، چه کسی هدایت می‌کند؟

و برای آنان پاداشی خواهد بود ﴿

حدیث

۱۸۹۶ پیامبر خدا ﷺ چه سار شهوتی که ساهتی پیش

بیاند! اما اندوهی طولانی در پی آرد

۱۸۹۷. پیامبر خدا ﷺ از هوا و هوس، به خدا پناه برید

۲/۱ هوس، معبودی است پرستیده

قرآن

﴿آیا آن کس را که هوس خود را معبود خویش گرفته است،
دیدی؟ آیا [می‌توانی] ضمن او باشی؟﴾.

حدیث

۱۸۹۸ پیامبر خدا ﷺ در زیر این آسمان، هیچ معبودی که

به جای خداوند پرستیده شود، نزد خدا منظورتر

از هوس پیروی شده نیست.

۳/۱ مُخَالَفَةُ الْهَوَىٰ

الكتاب

﴿وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ ۖ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ﴾^۱

الحدیث

۱۸۹۹ رسول الله ﷺ طوبی لمن ترك شهوة حاصرة لموعود ثم يتركه^۲

۴/۱ اقوى للناس من غلبت هواه

۱۹۰۰ رسول الله ﷺ أشجع الناس من غلبت هواه^۳

۱۹۰۱ تنبيه الحواطر قبل مرر رسول الله ﷺ بقوم من رجل يرفع حجراً يقال له: حَجَرُ الْأَيْدَاءِ. وَيُسَبِّحُ بِعَجَبٍ مِمَّا... فقال: أَفَلَا أُحِبُّكُمْ بِمَا هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ؟ رَجُلٌ سَبَّهَ رَجُلٌ مَعْلُومٌ عَمَهُ مَعْلَبٌ مَعْنَهُ، وَغَلَبَ شَهْوَتَهُ وَشَيْطَانُ صَاحِبِهِ^۴

۵/۱ من غلب هواه أقتة للدنيا راغمة

۱۹۰۲ رسول الله ﷺ يقول الله ﷻ وعمرني وجلالي لا يؤثِّرُ عِبْدُ هَوَايَ عَلَيَّ هَوَاهُ إِلَّا اسْتَحْفَظْتُهِ مَلَائِكَتِي، وَكَفَّلْتُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ (الأرض) رِزْقَهُ، وَكُتِبَ لَهُ مِنْ وَرَائِهِ بِحَازِهِ كُلُّ تَاجِرٍ، وَتَتَهُ الدُّنْيَا وَهِيَ رَاغِمَةٌ.^۵

۱ التازعاب ۱۰ و ۱۱

۲ تحف العقول ص ۴۹

۳ معاني الأخبار ص ۱۹۵ ح ۱

۴ تنبيه الحواطر ج ۲ ص ۱۰

۵ التكملة ج ۲ ص ۳۳۵ ح ۲

۳/۱ مخالفت با هوس

قرآن

﴿وَمَا كُنْصِي كَهَ لَزِ اِيْستادن در برابر پروردگارش هراسيد و نفس [خود] را از هوس باز داشتيد، پس بپاگاه او همان بهشت است﴾

حدیث

۱۸۹۹. پیامبر خدا ﷺ خوشایه حائل کسی که شهوت دهد رایه خاطر و عده‌ای بهشتی] که آن را ندیده است، رها کند!

۴/۱ اقوی ترین مردم، کسی است که بر هوس

خود، پیروز شود

۱۹۰۰ پیامبر خدا ﷺ شجاع ترین مردم، کسی است که بر هوس خود پیروز شود

۱۹۰۱ تنبيه الحواطر گفته شده است که پیامبر ﷺ به عثمای بر خورد که در میان آنان، مردی در حال بلند کردن سنگی به نام سنگ پهلوانان بود و مردم از [سپروی] او تعجب می کردند. پیامبر خدا فرمود: «ایا به شما نگویم که پهلوان تر از این مرد، کیست؟ مردی که دیگری او را دشنام دهد و او بر دمازی ورزد و بر نفس خود چیره آید و بر شیطان خود و شیطان او غلبه کند».

۵/۱ خضوع بعد از مراسم چیره شونده بر هوس

۱۹۰۲. پیامبر خدا ﷺ خداوند تقدیمی فرماید «سوگند به عزت و جلالم... که هیچ بنده‌ای دلخواه مرا بر دلخواه خودش ترجیح نمی دهد، مگر این که مرشکاتم رایه نگهانی از او می گمارم و آسمان ها و زمین ها را صامس روری او می گردانم و در پس تجارت هر تاجری، به فکر اویم و دنیا به رعم میل خود (دیلاته)، سری او می آید»

الفصل الثانی: الشُّرک

فصل دوم، شرک

۱/۲ التَّحْدِیْرُ مِنَ الشُّرْكِ

۱/۲ هشدار درباره شرک

الکتاب

قرآن

﴿وَإِذْ قَالَ لِقَمْنُ لِأَتْبِعْهُ وَهُوَ يَجْعَلُ يَدَيْهِ لِأَشْرِكُ بِأَلَّهِ إِنَّ أَشْرَكَ لَعَلَّكُمْ عَظِيمٌ﴾^۱

الحديث

حدیث

۱۹۰۳ رسول الله ﷺ - لِقَيْدَ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ - يَابْنَ مَسْعُودٍ، يَبَاكَ أَنْ تُشْرِكَ بِأَلَّهِ طَرَفَةَ عَيْنٍ وَإِنْ تُشْرِكَ بِأَنْبِشَارٍ أَوْ قُطْمَتْ، أَوْ حُلَيْثٍ، أَوْ أُحْرِفَتْ بِالنَّارِ^۲

۱۹۰۳ پیامبر خدا ﷺ - به عبد الله بن مسعود - ای پسر مسعود! مبادا آنی به خدا شرک وردی، حتی گر ازه شوی یا تکه تکه‌ات کنند یا به دارت ویزند و یا به آتش سوزانند

۲/۲ الاستِغَاثَةُ بِالْمُشْرِكِينَ

۲/۲ کمک گرفتن از مشرکان

۱۹۰۴ رسول الله ﷺ إِنَّا لَا نَسْتَعِيزُ بِمُشْرِكٍ^۳

۱۹۰۴ پیامبر خدا ﷺ ما از مشرک، کمک نمی‌گیریم

۱۹۰۵ عَنِ النَّبِيِّ إِنَّا لَا نَسْتَعِيزُ بِالْمُشْرِكِينَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ^۴

۱۹۰۵ پیامبر خدا ﷺ ما در برابر مشرکان، از مشرکان [و]

دگر [یاری نمی‌جویم]

۱۹۰۶ شرح نهج البلاغة - عن الواقدي هي دِكْرُ عُرْوَةَ

۱۹۰۶ شرح نهج البلاغة - به سهل از واقدي، درباره

أَحْمَدٍ - فَلَمَّا أَتَاهُ إِلَى رَأْسِ الشَّيْخَةِ، التَفَتَ فَنَظَرَ إِلَى

عُرْوَةَ أَخْبَدٍ - هِگامی که پیامبر ﷺ به رأس الشَّيْخَةِ

كَيْبِئَةَ حَسَاءَ لَهَا رَجُلٌ حَلْفَةٌ، فَقَالَ مَا هَذَا؟ قَالَ

عُرْوَةَ أَخْبَدٍ، سرگشت و پشت سرش را نگاه کرد

هَذَا حَلْفَاءُ أَبِي أَبِي مِنَ الْيَهُودِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا

چشمش به یک گردان مسلح بیرودار افتاد پرسید

نَسْتَعِيزُ بِأَهْلِ الشُّرْكِ عَلَى أَهْلِ الشُّرْكِ^۵

«اینها کیستند؟»

۳/۲ الشُّرْكَ الْخَطِيئُ

الکتاب

هستند

﴿وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ﴾^۶

پیامبر خدا فرمود، «ما در برابر مشرکان، از

مشرکان یاری نمی‌گیریم»

۳/۲ شرک پنهانی

قرآن

۱ لقمان ۱۳

۲ مکارم الأخلاق ج ۲ ص ۳۵۷ ح ۳۶۶۰

۳ کنز العمال ج ۴ ص ۳۵۸ ح ۱۰۸۸۷

۴ کنز العمال ج ۴ ص ۳۵۸ ح ۱۰۸۸۸

۵ شرح نهج البلاغة ج ۱ ص ۲۲۷

۶ بقره ۱۰۶

﴿و بیشتران به خدا ایمن نمی‌آوردند، جز این که [با او]

چیزی را [شریک می‌گیرند]﴾

الحديث

حديث

۱۹۰۷ رسول الله ﷺ إِيَّاكَ وَمَا يُعْتَدِرُ مَعَهُ. فَإِنَّ فِيهِ ۱۹۰۷ پیامبر خدا ﷺ از کاری که موجب عذرخواهی می‌شود، پیرهیز، زیره در آن، شرک پنهان هست الشُّرْكُ الْخَفِيُّ. ۱

الفصل الثالث - الذَّنْبُ

فصل سوم گناه

۱/۳ التَّحْذِيرُ مِنَ الذَّنْبِ

۱ ۳ هشدار درباره گناه

الكتاب

الكتاب

﴿وَذَرُوا ظَهْرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ إِنَّ الْإِثْمَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ سَيُخْرَجُونَ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾ ۲
 ﴿وَرُكَّاهُ أَشْكَارٍ وَبَاطِنٍ رَوَّاهُ كَيْدٍ دِرْأَ كَمَالٍ كَهْ مَرْنَكِبِ گناه می‌شوند، به رودی در برابر آنچه به دست می‌آوردند کبر خواهند شد.﴾

الحديث

حديث

۱۹۰۸ رسول الله ﷺ مَنْ حَاوَلَ أَمْرًا بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ، كَانَ بِقَدَرِ كَارِي نَاشِدٍ، أَوْ مَطْلُوبٍ حُودٍ، دَوْرَنَرٍ وَبِهْ نَچِهْ، بَرِ ۱۹۰۸ پیامبر خدا ﷺ کسی که «معصیت خدا به دنبال آن می‌فرسوده است، مردیکبر می‌گردد»

۲/۳ الظَّاهِرَةُ مِنَ الذَّنْبِ

۲ ۳ ظاهره به گناه

۱۹۰۹ رسول الله ﷺ كُلُّ أُمَّتِي مُعَامِي، لَا الْمَحَاهِرِينَ الدِّينَ يَعْمَلُونَ الْعَمَلَ بِالْبَيْلِ فَتَسْتَرْهُ زَيْنَةً، ثُمَّ يُصْبِحُ فَيَقُولُ يَا فَلَانُ إِنِّي عَمِلْتُ الْبَارِحَةَ كَذَا وَكَذَا ۱

۳/۳ أعظم الذنوب

۱۹۱۰ رسول الله ﷺ أَعْظَمُ الذَّنْبِ عِندَ اللَّهِ أَنْ تَجْعَلَ فِيهِ يَدًا وَهُوَ حَلْفُكَ، ثُمَّ أَنْ تَقْتُلَ وَبِكَ مَحَاةً أَنْ يَطْعَمَ مَعَكَ، ثُمَّ أَنْ تُرَائِي حَلِيلَةً جَارِكَ ۲

۱۹۰۹ پیامبر خدا ﷺ همه اُمت من بخشوده می‌شوند مگر پرده‌داران! معنی کسانی که در شب، کاری [حلال] انجام می‌دهند و پروردگارشان آن را پرده‌پوشی می‌کند، اما صبح که می‌شود، می‌گیرند فلاهی! من دیشب، چیس و چنان کردم

۳/۳ بزرگ‌ترین گناهان

۱۹۱۰ پیامبر خدا ﷺ. بزرگ‌ترین گناه در نزد خدا، این است که برای خدایی که تو را آفریده است، شریک قرار دهی سپس این که سررقت را از نرس محارجهش بکشی، و بعد این که با او همسافهات را با کسی

۱ بحار الأنوار ج ۷۸ ص ۲۰۱ ح ۲۸

۲ الأنعام ۱۲۰

۳ وفي المصدر «ابن» و ما اشتهاه من بحار الأنوار

۴ اعلام النبیین ص ۳۴۴ ح ۸

۵ كنز العمال ج ۱ ص ۲۳۹ ح ۱۰۳۳۸

۶ كنز العمال ج ۱۶ ص ۴۶ ح ۴۳۸۶۹

۴/۳. الاستخفاف بالذنوب واستصغارها

۱۹۱۱ رسول الله ﷺ: يَا أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ، لَا تُحَقِّقُوا دَسِيماً وَلَا تُصَعِّرُنَّ، وَاجْتَنِبِ الْكِبَارَ، فَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا نَظَرَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَى ذُنُوبِهِ دَقَّقَتْ عَلَيْهِ قِيحاً وَدَمَماً، يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ...﴾ الآية^۱.

۱۹۱۲ عنه ﷺ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَرَى ذَنْبَهُ كَأَنَّهُ تَحْتَ حَصْرَةٍ يَخَافُ أَنْ تَقَعَ عَلَيْهِ، وَالْكَافِرُ يَرَى ذَنْبَهُ كَأَنَّهُ ذُهَابٌ مَرُّ عَلَى أَنْفِهِ^۲.

۳. ۵. التحذير من مُحَقَّرَاتِ الذُّنُوبِ

۱۹۱۳ رسول الله ﷺ: إِنَّ إِبْلِيسَ زَمِيَّكُمْ بِالْمُحَقَّرَاتِ^۳.

۱۹۱۴ عنه ﷺ: إِنَّ الرَّجُلَ لَيَعْمَلُ الْحَسَنَةَ فَيَبْكُلُ عَلَيْهَا وَيَمْتَلُ السُّحُقَرَابُ حَتَّى تَأْتِيَ اللَّهَ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَارٌ، وَرِ الْرَّجُلُ لَيَعْمَلُ السَّيِّئَةَ فَهَرُؤُهَا تَأْتِي أَيَّامَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ^۴.

۳/۶. كَسَائِرُ الذُّنُوبِ

الكتاب

﴿إِنْ تُحِبُّوا كِتَابَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نَخُفِّضْ عَنْكُمْ مِيزَانَكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا﴾^۵

الحديث

۱۹۱۵ رسول الله ﷺ: الْكِبَارُ يَسْعُ أَصْطَلَمُهُنَّ الْإِشْرَاقُ

۱ آل عمران ۳۰

۲ مکرم الأخلاق ج ۲ ص ۲۵۰ ح ۲۶۶

۳ الامالی للعلوی، ص ۵۲۷ ح ۱۱۶۲

۴ التواتر للروندی ص ۱۲۹

۵ مکرم الأخلاق ج ۲ ص ۳۶۷ ح ۲۶۶

۶ التيسیر ۳۱

۲/۲. سبک و کوچک شمردن گناه

۱۹۱۱ پیامبر خدا ﷺ: ای پسر مسعود! هیچ گناهی را خرد و کوچک شمار و از گناهان بزرگ، دوری کن؛ زیرا در روز قیامت، چون بنده به گناهان خود بگردد، چشمانش چرک و خور خواهد گریست، خداوند متعال می فرماید: ﴿دوری که هر کس، هر کار یکی انجام دهد، پیش رو می یابد و هر کار رشی کرده، اورو دارد کفش میان او و آن [کار زشت]، فاصله ای دور می بود﴾.

۱۹۱۲ پیامبر خدا ﷺ: مؤمن، گناه خود را چونان نحتسک بزرگی بر بالای سرش می بند که می ترسد به روی او بیفتد و کافر، گناه خویش را مانند مگسی می بیند که از جلوی پایش رد می شود.

۲/۲ که هشتاد و نه گناهان خرد انگاشته

۱۹۱۳ پیامبر خدا ﷺ: همانا ایلیس، به گناهان خرد نگاشته، گناهان بزرگ را حشود است.

۱۹۱۴ پیامبر خدا ﷺ: آدمی هست که کار نیک انجام می دهد و بر همان تکیه می کند و گناهانی نیز انجام می دهد که آنها را حقیر می پندارد. این شخص، هنگامی که با خداوند دیدار می کند، خدا سر او حشمگین است، و آدمی هست که کار بد می کند و سپس از آن دست می شوید. چنین کسی در روز قیامت [از حشم جدا] در امان است.

۲/۶ گناهان کبیره

قرآن

﴿اگر از گناهان بزرگی که از آنها نهی شده اید دوری گریزد، بدی های شما را از شما می زداییم و شما را در جایگاهی نرجمند در می آوریم﴾.

حدیث

۱۹۱۵ پیامبر خدا ﷺ: گناهان کبیره، نه تا هستند.

بِاللهِ، وَقَتْلُ النَّفْسِ الْمُؤْمِنَةِ، وَأَكْلُ الرِّبَا، وَأَكْلُ مَالِ
الْيَتِيمِ، وَقَذْفُ الْمُحْصَنَةِ، وَالْفِرَارُ مِنَ الرَّحْبِ، وَعُقُوقُ
الْوَالِدَيْنِ، وَاسْتِحْلَالُ الْبَيْتِ الْحَرَامِ، وَالسَّحَرُ فَمَنْ
لَقِيَ اللَّهَ وَهُوَ بِرِيَّةٍ مِنْهُمْ كَانَ مَعِيَ فِي جَنَّةٍ
مُتَصَرِّفًا مِنْ دَهَبٍ^۱

۷/۳ الإصرارُ عَلَى الذَّنْبِ

الكتاب

﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَحْشَةً أَوْ مُنْكَرًا سَأَلُوا لِأَنفُسِهِمْ ذِكْرًا
أَلَّهُ فَاشْتَفَعُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ فَرَحًا
وَلَمْ يُحِبُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾^۲

الحديث

۱۹۱۶ رسول الله ﷺ من علامات الشَّعَاءِ حُمُودُ النَّفْسِ
وَفُسُوءُ الْقَلْبِ، وَشِدَّةُ الْجِرْمِ لِي طَلَبِ الرِّزْقِ.
وَالِإِصْرَارِ عَلَى الذَّنْبِ.^۳

۱۹۱۷ عَنْهُ ﷺ لَا كَبِيرَ مَعَ الْإِسْتِعَارِ، وَلَا صَغِيرَ مَعَ
لِإِصْرَارٍ^۴

۸/۳ نَوْرُ الذُّنُوبِ فِي زَوَالِ النِّعْمَةِ

۱۹۱۸ رسول الله ﷺ إِشْقَاؤُ الذُّنُوبِ نَارُهَا مَنُفْعَةٌ
لِتَخْفِيرَاتِهِ، إِنَّ الْعَبْدَ لَيُتَرَبِّى الذَّنْبَ فَيَسِي بِهِ الْجَنَمَ الَّذِي
كَانَ قَدْ عَيْمَهُ^۵

بررگ‌ترین آنها شرک ورزیدن به خداوند ﷻ است و
[بقیه ایها هستند] کشتن مؤمن، رب‌خواری، خوردن
مال یتیم، تهمت زدن به زن پاک‌دامن، فرار از میدان
جهاد، و بجاندن پدر و مادر، در هم شکستن حرمت
بیت‌الحرام و جادوگری. هر کس پاک از این نه گناه
خداوند ﷻ را دلداز کند، با من در بهشتی خواهد بود
که لنگه‌های در آن، از طلاست

۷/۳ پافشاری بر گناه

قرآن

﴿وَأَنَّا إِنَّمَا كُنَّا نَسْتَدِينُ﴾ که چون کار رشتی کند، یا
بر خود شتم روا دارند، خدا را به یاد می‌آورند و برای
گناهانشان آمرزش می‌خواهند، و چه کسی جز خدا،
گاهش را می‌آمرزد؟ و بر آنچه مرتکب شده‌اند، با آن که
می‌دانند [که گناه است] پافشاری می‌کند﴾

حدیث

۱۹۱۶ پیامبر خدا ﷺ خشکیدگی چشم (گریان بی‌دول از
خوف خدا) و سنگ‌دلی و حرص فراوان در طلب
روزی و اصرار بر گناه، از نشانه‌های شقاوت‌اند

۱۹۱۷ - پیامبر خدا ﷺ با استععار، کبیره‌ای نخواهد بود
و با اصرار، صغیره معنا ندارد^۱

۸/۳ نقش گناهان در زوال نعمت‌ها

۱۹۱۸ پیامبر خدا ﷺ از گناهان دوری کنید! ریسر،
گناهان، حوس‌ها را محو می‌کنند، همانا بنده [گاه]
گناه می‌کند و به سبب آن، دانشی را که آموخته،
فراموش می‌کند

۱ گناه کبیره در صورت استغفار از آن، آمرزیده می‌شود و گناه
صغیره در صورت اصرار بر آن، کبیره محسوب می‌شود م

۱ کنز الفوائد ج ۲ ص ۹۹

۲ ابن عمر ص ۱۳۵

۳ التخصیص ص ۲۴۳ ج ۹۶

۴ الأمالی للصدوق ص ۵۱۸ ج ۷۰۷

۵ بحار الأنوار ج ۷۳ ص ۳۷۷ ج ۱۴

۹/۳. الذُّنُوبُ الَّتِي تُعْجَلُ عُقُوبَتُهَا

۳-۹ گناهان زود کیفر

۱۹۱۹ رسول الله ﷺ ثَلَاثَةٌ مِنَ الذُّنُوبِ تُعْجَلُ عُقُوبَتُهَا وَلَا تُؤَخَّرُ إِلَى الْآخِرَةِ - عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ وَالْيَمِينِ عَلَى النَّاسِ، وَكُفْرُ الْإِحْسَابِ^۱

۱۹۱۹. پیامبر خدا ﷺ سه گناه است که کیفرشان در همین دنیا می‌رسد و به حرمت نمی‌افتد: آرردن پدر و مادر، ستم به مردم، و ناسپاسی نسبت به خویشاوندان [دیگران].

۱۰/۳. مُكَفَّرَاتُ الذُّنُوبِ

۳-۱۰ پاک کننده گناه

أ-العُقُوبَةُ فِي الدُّنْيَا

الف-کیفر دنیوی

۱۹۲۰ رسول الله ﷺ إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا قَارَفَ الذُّنُوبَ ابْتَلِيَ بِهَا بِالْفَقْرِ، فَإِنْ كَانَ فِي ذَلِكَ كَفَّارَةٌ لِدُؤْبِهِ وَلَا ابْتَلِيَ بِالْمَرَضِ، فَإِنْ كَانَ ذَلِكَ كَفَّارَةً لِدُؤْبِهِ وَلَا ابْتَلِيَ بِالْعُوقِ مِنَ الشُّطَارِ يَطْلُبُهُ، فَإِنْ كَانَ ذَلِكَ كَفَّارَةً لِدُؤْبِهِ وَلَا صَبَقَ عَلَيْهِ عَذَابٌ حَرُوجَ صَبِهِ، حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ جِبِينَ يُلْقَاهُ وَمَا لَهُ مِنْ دَسٍّ يَدْعِيهِ عَلَيْهِ فَيَأْمُرُ بِهِ إِلَى الْحَبَّةِ^۲

۱۹۲۰. پیامبر خدا ﷺ هر گاه مؤمن گناهانی انجام دهد، به سبب آنها گرفتار فقر می‌شود. اگر آن فقر، گناهش را پاک نکرد، به بیماری مبتلا می‌شود و اگر آن هم گناهش را نبردود، به ترس از تعقیب دشمنان، حاکم، گرفتار می‌آید و اگر این نیز گناهش را پاک نکرد، هنگام مُردن، به سحنی جان می‌دهد تا آن که سرانجام، خدا را بدون گناهی که به سبب آن بازخواست شود، دیدار کند و دستور رسد که او را به بهشت ببرد.

ب-الأمراض

ب-بیماری‌ها

۱۹۲۱ رسول الله ﷺ السَّقَمُ يَمْحُو الذُّنُوبَ^۳

۱۹۲۲ عنه ﷺ سَاعَاتُ الْوَجَعِ يُدْهِشُ سَاعَاتِ الْخَطَايَا^۴

۱۹۲۱. پیامبر خدا ﷺ: بیماری، گناهان را پاک می‌کند

۱۹۲۲. پیامبر خدا ﷺ: لحظات درد کشیدن، لحظه‌های

ج-الأحزان

[ترتکات] گناهان را می‌برد

۱۹۲۳ رسول الله ﷺ إِذَا كَثُرَتْ ذُنُوبُ الْمُؤْمِنِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ مِنَ الْعَمَلِ مَا يَكْفُرُهَا ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِالْحَرْبِ يَكْفُرُهَا بِهِ قِتْلُهُ^۵

۱۹۲۳. پیامبر خدا ﷺ هر گاه گناهان مؤمن، بسیار شود و او عملی نداشته باشد که آن گناهان را پاک گرداند، خداوند او را به اندوه مبتلا می‌سازد تا بدین، گناهش را برداید

۱۹۲۴. عنه ﷺ مَا أَصَابَ الْمُؤْمِنَ مِنْ نَصَبٍ وَلَا وَصَبٍ

۱ الأمانی للمفيد ص ۲۳۷ ح ۱

۲ بحار الأنوار ج ۸۱ ص ۱۹۹ ح ۵۶

۳ جامع الأحادیث للقمي ص ۸۵

۴ التجميعات ص ۲۴۵ ۵ الدعوات ص ۱۲۰ ح ۲۸۸

۱۹۲۴. پیامبر خدا ﷺ هیچ رنج و درد و اندوه و حتی

وَلَا حَرْنَ حَتَّى الْقَهْمِ يُهْمُهُ إِلَّا كَفَرُ أَفْهَ بِهِ عَهْ مِنْ
سِتَارِهِ

نگرانی حاضری به مؤمن نمی‌رسد، جز این که
خلوت بداند، گاهانش را می‌رداید

د-الصَّنَاتُ

د-کارهای نیک

الکتاب

قرآن

﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَى النَّهَارِ وَزُلْفَى اللَّيْلِ مِنْ
الْحَسَنَاتِ يَذْهَبَنَّ الشَّيْطَانُ فَكَبَّرْ لِلْعُكْبَرِينَ﴾^۱

﴿و در دو طرف روز [اول و آخر آن] و نخستین ساعات
شب نماز را برپا دار زیرا شیطان بدینها را از میان می‌برد
این برای پندگیرندگان، پندی است﴾

الحديث

حدیث

۱۹۲۵ رسول الله ﷺ إِذَا غَلِطَ سَبْعَةٌ فَأَعْتَلُ حَسَنَةً
تَمْحُوهَا^۲

۱۹۲۵ پیامبر خدا ﷺ هرگاه کار بدی کردی، کار خوبی
انجام بده، که آن، بدی را پاک می‌کند

ه-الحجُّ والعُمْرة



۱۹۲۶ رسول الله ﷺ الْعُمْرَةُ إِلَى الْعُمْرَةِ كَفَّارَةٌ مَا سَلَّهَا
وَالْحَجَّةُ الْمُنْفِلَةُ ثَوَابُهَا الْحَجَّةُ، وَمِنَ الذُّنُوبِ ذُنُوبٌ لَا
تُغْفَرُ إِلَّا بِغُرَفَاتٍ^۳

پیامبر خدا ﷺ هرگاه عمره با آن عمره، کفاره گناهانی
است که در فاصله آن دو، صورت می‌گیرد. ثواب
حج پذیرفته، بهشت است، و گناهانی هستند که
حج در عرفات، آمرزیده نمی‌شوند

و-خدمة العيال

و-خدمت‌گزاری به خانواده

۱۹۲۷ رسول الله ﷺ خِدْمَةُ الْعِيَالِ كَفَّارَةٌ يَذْكِبُ عَنْهُ
وَتُغْفَرُ غُصْبُ الرَّبِّ^۴

۱۹۲۷ پیامبر خدا ﷺ خدمت کردن به خانواده، کفاره
گناهان بزرگ است و چشم پروردگار را فرو
می‌ماند

الفصل الرابع: الاستئذان

فصل چهارم: انحصار طلبی

۱/۱ اِحْتِنَابُ النَّبِيِّ ﷺ عَنِ الْاِسْتِئْذَانِ

۱/۲ نوری کردن پیامبر ﷺ از انحصار طلبی
(استئذان)

۱۹۲۸ للمعجم الأوسط عن عامر بن ربيعة نبياً رسولاً

۱۹۲۸ المعجم لأوسط به نقل از عامر بن ربيعة -
پیامبر خدا مشغول طواف خانه خدا بود که صد
کفش پاره شد. مردی بد کفش خود را باز کرد و

سحب المعول ص ۳۸ ۲ هود ۱۴

۳ الأمل للطوسي ص ۱۸۶ ح ۳۱۲

۴ دهائم الإسلام ج ۱ ص ۲۹۴

۵ جامع الأخبار ص ۲۷۶ ح ۷۵۱

الله ﷻ يَطْلُوفُ بِالنَّيْتِ، إِذْ تَقَطَّعَ شِمَّةُ^۱، فَحَلَّ رَجُلٌ
شِمَاماً مِنْ نَعْلِهِ ثُمَّ نَاولَهُ إِيَّاهُ، فَأَيُّ أَنْ يَأْخُذَهُ، وَقَالَ:
هَذِهِ نَفَرَةٌ وَلَا أَقْبِلُ نَفَرَةً^۲

به ایشان داد پیامبر ﷺ از پذیرفتن آن امتناع ورزید
و فرمود: «این، موعی امتیاز است و من امتیاز را
معی پذیرم»^۳

۲/۴ التَّنْبِيْهُ بِظُهُورِ الاسْتَفْثَانِ بَيْنَ الْمُسْلِمِيْنَ

۱۹۲۹ رسول الله ﷺ: إِنَّكُمْ سَتَلْقَوْنَ بَعْدِي نَفَرَةً^۲

اسلامی

۱۹۲۹. پیامبر خدا ﷺ، رود است که پس از من، شما با

انحصار طلبی (امتیاز خواهی) روبه‌رو شوید

۱۹۳۰. پیامبر خدا ﷺ گویا سواری را می‌بینم که برد شما

آمده و بر شما فرود آمده است و می‌گوید: «رمین»

رمین ماست و شهر، شهر ماست و شما علامان و

هر دوران ما هستید

او/پیرو زبان و یتیمان را از اموالی که جداوند به

بکرانشان داده است، محروم می‌سازد

۱۹۳۱. پیامبر خدا ﷺ هر گاه فرزندان ابو العاص به

سی تن برسند، دین خدا را وسیله فریب مردم

قرار می‌دهند، پندگاران خدا را خدمتکاران و

علامان خود می‌شمارند و مال خدا را به انحصار

حویث در می‌آورند.

۱۹۳۰. عَنْهُ ﷺ: كَأَنَّكُمْ يَرَاكِبُ قَدْ أَتَاكُمْ فَرَلٌ بِكُمْ،
فَيَقُولُ: الْأَرْضُ أَرْضُنَا وَالْيَصْرُ يَمْرُنَا، وَإِنَّمَا أَنْتُمْ
عَبِيدُنَا وَأَجْرَاؤُنَا، فَعَالَ نَيْنَ الْأَرَامِلِ وَالْيَتَامَى وَمَا
أَعَاءَ اللَّهُ عَلَى آبَائِهِمْ^۱

۱۹۳۱. عَنْهُ ﷺ: إِذَا بَلَغَ أَبُو أَبِي الْعَاصِ ثَلَاثِينَ رَحُلًا
اتَّخَذُوا دِينَ اللَّهِ دَعْلًا^۲، وَبِعَادَ اللَّهُ حَوْلًا^۳، وَمَا لَ لِقَوْمِ
دَوْلًا^۴، ۸

۱. شَيْخُ الْإِسْلَامِ قِبَالُهَا الَّذِي يُنْشِدُ إِلَى زَمَانِهَا وَالزَّمَانُ الْفَرَسُ

الَّذِي يُقَدِّمُهُ الشَّيْخُ (لِلدَّاعِي) ج ۸ ص ۱۸۰ «شع».

۲. الْمُعْجَمُ الْأَوْسَطُ ج ۳ ص ۱۷۱ ح ۲۸۱

۳. صَحِيحُ الْبُخَارِيِّ ج ۳ ص ۱۳۸۱ ح ۲۵۸۲

۴. الْمُعْجَمُ الْأَوْسَطُ ج ۴ ص ۱۳۴ ح ۳۷۹۸

۵. تُحَدِّثُ: دِينُ اللَّهِ دَعْلًا أَيُّ يَخْدَعُونَ بِهِ النَّاسَ وَالْحُلُّ قَدْ حُلَّ

الشَّعْرُ الْمُتَعَفَّفُ الَّذِي يَكْمُرُ أَهْلَ الْفَسَادِ فِيهِ (الْجَاهِلِيَّةُ) ج ۲

ص ۱۲۳ «رغل»

۶. حَسْبُكَ أَيُّ حِدَّةً وَعَيْلًا يَعْنِي أَنَّهُمْ يَسْتَعْدُونَ بِهِمْ

وَيَسْتَعْدُونَ بِهِمْ (الْجَاهِلِيَّةُ) ج ۲ ص ۸۸ «حو».

۷. دَوْلًا جَمْعُ دَوْلَةٍ بِالضَّمِّ - وَهُوَ مَا يُدَاوَلُ مِنَ الْمَالِ - فَيَكُونُ

لِقَوْمٍ دُونَ قَوْمٍ (الْجَاهِلِيَّةُ) ج ۲ ص ۱۴۰ «دور»

۸. الْمُسْتَدْرَكُ عَلَى الصَّحِيحَيْنِ ج ۴ ص ۵۲۷ ح ۸۴۷۹

سجده در باره انحصار طلبی

استثنا، مصدر است از ریشه «أثر» در معانی «یثار» و به معنی «مقدم داشتن خود یا وابستگی و هواداران خود بر دیگران در تأمین نیازها و خواست‌ها»

حظر استثنا

استثنا، یکی از خطرناک‌ترین عوارض‌هاست که به نفع موجب انحطاط اخلاقی است، بلکه فساد اجتماعی و سیاسی و سقوط دولت‌ها را نیز به دنبال دارد. در حکمت‌های مسطور به امام علی (ع) می‌خوانیم

الاستِثْناءُ يوجبُ الحَسَدَ، و الحَسَدُ يوجبُ البَغْضَةَ، و البَغْضَةُ يوجبُ الاختلافَ، و الاختلافُ يوجبُ الفرقة، و الفرقةُ توجبُ الضعفَ و الضعفُ يوجبُ الدُّلَّ، و الدُّلُّ يوجبُ زوال الدولة و هاب التَّمِيَّةُ^۱ انحصار طلبی حادث می‌آورد و عداوت دشمنی و دشمنی اختلاف و اختلاف، پراکندگی و پراکندگی، ضعف و ضعف رویی و رویی زوال دولت و از میان رفتن بهجت

مطالعه دقیق تاریخ اسلام و بررسی عمل انحطاط امت اسلامی، نشان می‌دهد که استثنا (انحصار طلبی) شماری از سر دمداران است، بیشتر من صبره رامة دعود و گسارش من من آسمانی وارد صاحب.

مبارزه با استثنا

پیامبر ﷺ در عصر نبوتش و امام علی (ع) در دوران خلافتش، همه توان کوشیدند که از بروز آفت خطرناک انحصار طلبی در میان دولت‌مردان نظام نوپای اسلامی پیشگیری کنند. پیامبر خدا آن‌ها مرافق آفت انحصار طلبی بود که در هر گونه رنگ و بوی بر حسب رشت ویر حساب می‌کرد و حاره نمی‌داد کسی حتی ایشان را بر خود مقدم بدارد. از این رو، هنگامی که صد کفش و در طواف، پاره می‌شود و شخصی به احترام ایشان صد کفش خود را بار می‌کند و به نشان می‌دهد، نمی‌پذیرد و می‌فرماید:

هذه اثرة، ولا أقبل اثرة^۲

این، نوعی امتیاز است و من امتیاز را نمی‌پذیرم

اهل بیت پیامبر خدا نیز به تنهایی انحصار طلبی اجتناب می‌کردند، بلکه حقوق خود را نیز یتار می‌مودند. مطالعه سیره عممی آنان در هر دو زمینه، ویژه برای دولت‌مردان، بسیار آموزنده است؛ آن‌ها افسوس که رمامداران امت اسلامی از آنان پیروی نکردند و همان‌گونه که پیامبر خدا پیشگویی کرده بود، گرفتار آفت استثنا شدند و بدین سان، بر اسلام و اسلامیات، گذشت آنچه گذشت.

الفصل الخامس: الإيذاء

فصل پنجم: آزاررسانی

۱/۵ الْحَدَّثُ عَلَى كَفِّ الْأَذَى

۱/۵ ترغیب به خودداری از آزار

۱۹۳۲. رسول الله ﷺ طَوَّبَ مَنْ لَمْ يَسْلُحْ سِرِّيرَةً.

۱۹۳۲. پیامبر خدا ﷺ. خوشا به حال کسی که باطش

وَحَشَّتْ عَلَانِيَتَهُ، وَقَرَّلَ عَنِ النَّاسِ شُرَّةً^۱صانع و طاهرش بیکو باشد و شر خود را از مردم
بر کنار دارد!

۱۹۳۳. عَنْهُ ﷺ مَنْ بَدَّلَ مَعْرُوفَهُ وَكَفَّ أَدَاءَ قَدِّكَ

۱۹۳۳. پیامبر خدا ﷺ هر کس بی‌دریغ، نیکی کند و از

السَّيِّئِ^۲

آزاررسانی باز ایستد، آفت است

۲/۵ ذُمُّ أَمْوَاعِ الْإِيْذَاءِ

۲/۵ نکوهش همه انواع آزاررسانی

أ- الإِخَافَةُ

الف- ترساندن

۱۹۳۴. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حَبَّ أَمْرِي مُسْلِمٍ مِنَ الشُّرَّةِ

۱۹۳۴. پیامبر خدا ﷺ برای مرد مسلمان، همین بدی

يُحِبُّ أَحَاءَ الْمُسْلِمِ^۳

نکیر که برادر مسلمانش را بترساند

۱۹۳۵. عَنْهُ ﷺ لَا تُرَوِّعُوا الْمُسْلِمَ، فَإِنَّ رَوْعَةَ الْمُسْلِمِ

۱۹۳۵. پیامبر خدا ﷺ: مسلمان را دچار وحشت نکنید

ظُلْمٌ عَظِيمٌ.^۴

که ترساندن مسلمان، ستمی بزرگ است

ب- النَّظَرَةُ الْمُؤْذِيَّةُ

ب- نگاه آزار دهنده

۱۹۳۶. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا يَجِلُّ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يُشِيرَ إِلَى أَحَدٍ

۱۹۳۶. پیامبر خدا ﷺ برای مؤمن روا نیست که به

بِنَظَرَةٍ تُوْذِيهِ.^۵

برادرش با نگاهی اشاره کند که او را می‌آزارد

۱۹۳۷. عَنْهُ ﷺ مَنْ نَظَرَ إِلَى مُؤْمِنٍ نَظْرَةً لِحَيْوَتِهِ بِهَا،

۱۹۳۷. پیامبر خدا ﷺ هر کس به مؤمنی نگاهی کند،

حَاقَهُ اللَّهُ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ^۶

به قصد این که با آن محوه نگاه، او را بترساند،

حداوند ﷻ آن شخص را در آن روزی که سایه‌ای

چرا سایه او نیست، می‌ترساند

۱. الأمانى للطوسي ص ۵۳۹ ح ۱۱۶۲

۲. ترمذی ج ۱ ص ۱۷۶

۳. تبيين الخواطر ج ۱ ص ۳۹

۴. كنز العمال ج ۱۶ ص ۱۱ ح ۳۲۷۰۹

۵. تبيين الخواطر ج ۱ ص ۹۶

۶. الكافي ج ۲ ص ۳۸ ح ۱

ج - المیزاج المؤدی

ج - شوخی آزار دهنده

۱۹۳۸ مسند ابن حنبل عن عبد الرحمن بن ابی لیلی
حدثنا أصحاب رسول الله ﷺ أنهم كانوا يسرون مع
رسول الله ﷺ في سرير، فقام رجل منهم، فاستنق
بعضهم إلى نبل فآخذها، فلما استيفى الرجل
مرغ، فضحك القوم، فقال ما يصححكم؟ فقالوا
لا، إلا أننا أخذنا نبل هذا فمرغ، فقال رسول الله ﷺ لا
يحل لمسلم أن يزوغ مسلماً^۱

۱۹۳۸ مسند ابن حنبل - به نقل از عبد الرحمن بن
ابی لیلی - اصحاب پیامبر خدا بر ایمان نقل کردند
که با پیامبر خدا در راهی می‌رفتند. یکی از آنان
حموا سید و دیگری رفت و تیر او را برداشت.
هنگامی که مرد بیدار شد، هراسان گشت. جمعیت
خندیدند. پیامبر خدا پرسید: «چرا می‌خندید؟»
گفتند: چیزی نیست، ما تیر این شخص را
برداشتیم و او هراسان شده است

د - العبادة المؤدية

۱۹۳۹ رسول الله ﷺ لا يجهز بعضكم غنى بعض، فليأ
ذلك يؤدى المصلی^۲

و محضات آزار دهنده

۱۹۴۰ سنن ابی داوود عن عبدالله بن مسر عاه رجل
يتخطى رباب الناس يوم الجمعة والشئ لا يحط،
فقال له النبي ﷺ: رجل من قعد ديت^۳

۱۹۳۹ پیامبر خدا ﷺ [در هنگام خواندن نماز،]
صلواتی را از یکدیگر بلندتر نکند؛ زیرا این
کار، شمارگزاران دیگر را آزار می‌دهد.

۱۹۴۱ رسول الله ﷺ من ترك الصف الأول محافة أن
يؤدى أحداً، أصحف الله له أجر الصف الأول.^۴

۱۹۴۰ سنن ابی داوود - به نقل از عبید الله بن بشر - در
روز جمعه، مردی [به مسجد] آمد و از روی
شانه‌های مردم رد شد، در حالی که پیامبر ﷺ خطبه
می‌خواند. به او فرمود: «بشیش، باعث آزار شدی»

۱۹۴۲ عنه ﷺ - لعمر بن الخطاب - يا عمر إنك رجل
قوي، لا تراحم على أحد من مؤدى الضعيف،
إن وجدت خلوة فاستقم، وإلا فاستقم فتهل
وكبر^۵

۱۹۴۱ پیامبر خدا ﷺ هر کس، از ترس من که باعث
زار کسی شود، صف اول اجتماع را ترک
کند، خداوند دو برابر ثواب صف اول را به او عطا
می‌فرماید

۱۹۴۲ پیامبر خدا ﷺ - به عمر بن خطاب ای عمر! تو
ادم توانمادی هستی نه طرف حنجر [الأسود]
فترا نیار بر این باعث زار افراد ضعیف می‌شوی.
اگر خلوت بود، بر آن دست بکش، وگرنه به طرف
آن رو کن و «لا اله الا الله» و «الله أكبر» بگو

۱ - مسند ابن حنبل ج ۹ ص ۳۵ ح ۲۳۱۲۶
۲ - المعجم الأوسط ج ۳ ص ۲۷ ح ۲۳۶۲
۳ - سنن ابی داوود ج ۱ ص ۲۹۲ ح ۱۱۱۸
۴ - المعجم الأوسط ج ۱ ص ۲۷۱ ح ۵۳۷
۵ - مسند ابن حنبل ج ۱ ص ۶۹ ح ۱۹۰

۲/۵ اخطر انواع الإیذاء

۳/۵ بدترین نوع آزار و ساسی

أ- إِيذَاءُ أَهْلِ الْبَيْتِ علیه السلامالف- آزار دادن اهل بیت علیهم السلام۱۹۴۳. رسول الله صلی الله علیه و آله إِذَا قُمْتُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ تَشَقَّقْتُ۱۹۴۳ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آن گاه که در آن مقام مستوده^۱

فِي أَصْحَابِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي، فَيُشَفِّقُنِي اللَّهُ فِيهِمْ.

بر حیزم، برای آن دسته از ائمت که به گناهان کبیره

وَاللَّهُ لَا تَشْفَعْتُ فِيمَنْ آدَى ذُرِّيَّتِي^۲

آلوده‌اند، شفاعت می‌کنم و خداوند، شفاعت مرا

در بره آنها می‌پذیرد؛ انا به خدا سوگند، برای کسی

که هر رذیلان مرا آورده باشد، شفاعت نخواهم کرد

۱۹۴۴ عَنْهُ صلی الله علیه و آله مَنْ آدَى عَلِيًّا فَقَدْ آدَانِي^۳۱۹۴۴ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر کس علی را بیارزد، مرا زرده

است

۱۹۴۵ عَنْهُ صلی الله علیه و آله - فِي حَقِّ طَائِفَةٍ مِنْهُمْ - أَنْتَ ابْنَتِي بَضْعَةٌ۱۹۴۵ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - درباره طائفه علیهم السلام - دحترم، پاره

من من است مگر منی او، مگر منی من است و آوردن

مَنِّي، مَرِيئِي مَا رَأَيْتُهَا، وَيُؤَدِّبُنِي مَا آدَاهَا.^۴

او، آوردن من است

ب- إِيذَاءُ الْمُجَاهِدِ

ب- آزار دادن مجاهد

۱۹۴۶ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله اتَّقُوا أَدَى الْمُجَاهِدِينَ، فَإِنَّ اللَّهَ۱۹۴۶ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از آوردن مجاهدان بترسید؛

يُعْصِبُ لَهُمْ كَمَا يُعْصِبُ لِلرُّسُلِ، وَتَسْجِيحُ دُعَاءِهِمْ

دیده خداوند به خاطر آنان به حشم می‌آید، همچنان

كَمَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ الرُّسُلِ^۵

که برای پیامبران به حشم می‌آید، و دعاهاشان سیر

مستجاب می‌شود، همچنان که دعای پیامبران،

مستجاب می‌شود

۱۹۴۷ عَنْهُ صلی الله علیه و آله مَنْ آدَى عَارِيًّا فَقَدْ آدَانِي، وَمَنْ آدَانِي۱۹۴۷ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر کس رومده‌ای را بیارزد، مرافَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ، وَمَأْوَاهُ النَّارُ^۶

زده است و هر کس مرا بیارزد، خداوند، بهشت را

بر او حرام می‌گرداند و سرپناهش آتش است

ج- إِيذَاءُ الْمُسْلِمِ

ج- آزار دادن مسلمان

۱۹۴۸ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ آدَى مُؤْمِياً وَلَوْ بِشَطْرِ كَلِمَةٍ،۱۹۴۸ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر کس مؤمنی را هر چند با نیم

جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَكْتُوبُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ «أَيْسَأُ مِنْ رَحْمَةِ

کلمه بیارزد، روز قیامت در حالی می‌آید که بر

اللَّهِ»، وَكَانَ كَمَنْ هَذَمَ الْكَعْبَةَ وَبَيْتَ الْمُقَدَّسِ، وَقَتَلَ

پیشانی او نوشته شده «ایسأ من رحمت خدا»، و

عَشْرَةَ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ^۷

چونان کسی است که کعبه و بیت المقدس را خراب

کرده و ده هزار فرشته را کشته است

واژه مقام، یا محضر است - که در این صورت، به معنای برانگیخته شدن به صورتی مصنوعی است - و یا اسم مکان است و معنای آن، چسبیدن می‌شود - خداوند، تو را در جایی که می‌خواهی قرار می‌دهد که هنگامی تو می‌توانی - این مقام - چنان که در احادیث آمده - مقام شهادت است - در کمال - المیزان فی تفسیر القرآن ج ۱۳ ص ۱۷۶

۱ الأئمة الصلوة ص ۳۷۰ ج ۲۶۲
 ۲ حدیثی صحیح ج ۵ ص ۶۰۵ ج ۱۰۹۶۰
 ۳ صحیح مسلم ج ۱ ص ۱۹۰۲ ج ۹۳
 ۴ الحدائق ج ۱ ص ۵۵۱ الرقم ۷۷
 ۵ کثر العمل ج ۴ ص ۳۱۳ ج ۱۰۶۶۳
 ۶ إرشاد القلوب ص ۷۶

۱۹۴۹ عهده ﷺ من آدی مُسْلِماً فَقَدْ آدِی، و من آدِی
فَقَدْ آدَى اللّٰهُ ۱

د- پیداء الوالدین

الکتاب

﴿فَلَا تَقْرَأُ لَهُمَا آفٌ وَلَا تَنْهَضُ عَنْهُمَا قَوْلًا غَرِيبًا﴾ ۲

الحديث

۱۹۵۰ رسول الله ﷺ يَقَالُ لِلْعَائِقِ (عَمَلٌ مَا شِئْتَ مِنَ
الطَّاعَةِ فَإِنِّي لَا أَعْمُرُكَ ۳

۱۹۵۱ عهده ﷺ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَن صَرَبَ الْبِدَّةَ أَوْ
وَالِدَتَهُ ۱

ه- پیداء الزوج

۱۹۵۲ رسول الله ﷺ إِنَّمَا أَمْرُ آدِی زَوْجِهَا بِبَسَائِنِهَا لَمْ
يَقْتُلِ اللّٰهُ مِنْهَا ضَرْبًا وَلَا غَدَلًا وَلَا خُسْفَةً مَن
عَمَلَهَا حَتَّى تُرَضِيَهُ، وَإِنْ صَامَتْ نَهَارَهَا وَقَامَتْ لَيْلَهَا
وَأَعْتَقَتْ الرُّقَابَ وَحَمَلَتْ عَلَى جِيَادِ الْخَيْلِ فِي سَبِيلِ
اللّٰهِ، وَكَانَتْ فِي أَوَّلِ مَن يَرِدُ النَّارَ، وَكَذَلِكَ الرَّجُلُ إِذَا
كَانَ لَهَا ظَالِمًا ۶

و- پیداء الزوجة

۱۹۵۳ رسول الله ﷺ أَلَا وَرَبُّ اللّٰهِ وَرَسُولُهُ يُرِيتَانِ مَن

۱ المعجم الاوسط ج ۱ ص ۶۱ ح ۳۶۰۷

۲ الإسراء ۲۳ ۳ حلیه الاولیاء ج ۱ ص ۲۱۶

۴ کنز الفوائد ج ۱ ص ۱۵۰

۵ الصّور للترغیة والفتل القذبة (المصباح السیر ص ۳۳۸
ص ۱۵۰)

۶ کتب من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۱۴ ح ۴۹۶۸

۱۹۴۹ پیامبر خدا ﷺ هر کس مسلمانان را ناراحت کند،
مرا ناراحت کرده است و هر کس مرا ناراحت کند،
خدا را ناراحت کرده است

ه- آزار دادن پدر و مادر

قرآن

﴿به آنها [حتی] «آف» مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها

سخنی ناپسند بگری﴾

حدیث

۱۹۵۰ پیامبر خدا ﷺ به ارابنده پدر و مادر گفته
می شود. هر اطاعتی می خواهی، انجام بده! اما
من تو را نمی آمرزم!

۱۹۵۱ پیامبر خدا ﷺ ملعون است ملعون، کسی که
پدر یا مادرش را بزند

ه- آزار دادن شوهر

۱۹۵۲ پیامبر خدا ﷺ هر زنی که ب زبان خود،
شوهرش را آزار دهد، خداوند ﷻ از او هیچ توبه
و بذیه ای و هیچ عمل نیکی را نمی پذیرد تا آن گاه
که شوهرش را راضی کند، گرچه روزها را روزه
نگیرد و شبها را عبادت کند و بنده ها آزاد کند و
اسبان نیر نک [برای جهاد]، در راه خدا تحهیر
کند، او جزو نخستین کسانی است که به آتش در
می آیند. همچنین است مرد، اگر به ریش شتم کند

و- آزار دادن زن

۱۹۵۳ پیامبر خدا ﷺ بدانید که خداوند ﷻ و پیامبر
او، میرانند از مردی که به زش ریان وارد می آورد

أَصْرًا بِأَمْرٍ أَوْ حَتَّى تَخْتَلِعَ مِنْهُ^۱

[و او را آزار می‌رساند] تا جایی که رن حاضر شود

۱۹۵۱ عنه عليه السلام إِنْ تَعَجَّبَ مِنْ يَضْرِبُ امْرَأَتَهُ وَهُوَ

چیزی به او بدهد و طلاقش را بگیرد

بِالصُّرْبِ أَوْ بِنِهَا^۲۱۹۵۲ . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله من تعجب می‌کند از کسی که

زنش را می‌زند، در حالی که خودش به کتک

۱/۵ جَزَاءُ الْمُؤْذِي

خوردن، سزاوارتر از او است!

الكتاب

۲/۵ صِرَای مَرِیمَ آزار

﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغْيًا

قرآن

أَعْدَتُوا لَكُمْ لَعْنُوا لَكُمْ وَلَئِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ

﴿در کسانی که مریض و زنان مؤمن را بی آن که سزاوار

الحديث

[عمل رشتی] شده باشند آزار می‌رسانند قطعاً نهد و

۱۹۵۵ رسول الله صلی الله علیه و آله مَنْ لَقِيَ أَحَدًا بِمَا تَسُوُّهُ لِيَسُوَّهُ.

کسانی آشکارا به گردن گرفته‌اند﴾

سَاءَ اللَّهُ يَوْمَ يُلْقَاهُ.^۳

حدیث

۱۹۵۶ عنه عليه السلام كُلُّ مُؤْذٍ فِي النَّارِ^۱۱۹۵۵ . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر که به قصد آزار دادن۱۹۵۷ عنه عليه السلام مَنْ حَافَ النَّاسَ لِسَانَهُ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ

بر درش، تا او بر خورده‌ی کمد که او از آن سارحت

شود. خنلایند، او را در آن روری که دسدارش

النَّارِ^۲

می‌کند، ناراحت می‌کند

۱۹۵۶ . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر آزار دهنده‌ای، در آتش است.۱۹۵۷ . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر کس مردم از زبانش بترسد،

اهل آتش است.

۱ الخلع أن يطلق الرجل راحته عن يمين يده ۵ مجمع

البحرین ج ۱ ص ۵۵۱ (خلع)

۲ ثواب الأعمال ص ۳۳۸ ج ۱

۳ جامع الاحیاء ص ۴۴۷ ج ۱۲۵۹

۴ الاحزاب ۵۸

۵ ثواب الأعمال ص ۱۸۲ ج ۱

۶ تاریخ بغداد ج ۱۱ ص ۳۹۹

۷ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۳۵۳ ج ۵۷۶۲

سجفی دربارہ آزاررسانی

ایداء، از ریشہ «ادی» به معنای آرد و رساندن به دیگری است

رعایت حقوق دیگران و حساب بر آزار رساندن به آن، بارزترین نشانه پیروی از اسلام است. اهمیت
 این ویژگی تا آن حد است که رسول آن، پس نوان کسی را مسلمان نامید؛ زیرا پیامبر اسلام ﷺ تصریح می کند که:
 الْمُسْلِمُ مَنْ قَدِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ يَدِهِ وَإِسَانِهِ^۱

مسلمان، کسی است که مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند

این تفسیر از مسلمانی، نشان می دهد که از نظر سب و گداز دین اسلام، رعایت حقوق مردم و حساب بر
 آردن آنان، نخستین شرط گرایش به آس اسلام است و انتخاب نام «مسلمان» برای پیروان این آیین، به
 همین مناسبت است.

از منظر احادیث اسلامی، آردن دیگران، در خصوصات اسان های پست و شرور است و مسلمان، کسی
 است که آزار او به هیچ کس، حتی به مورچه ای هم نرسد^۲

الفصل السادس: البخل

فصل ششم: بخل

۱/۶ ذم البخیل

۱/۶ نکوهش بخیل

۱۹۵۸ رسول الله ﷺ أبعذكم بي شئها البخل البديع
الماجش^۱

۱۹۵۸ - پیامبر خدا ﷺ: بیگانه‌ترین شما از من، بخیل
بلزبان زشت‌کردار است.

۱۹۵۹ عنه ﷺ تَكَلَّمُ النَّارُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَلَاثَةً يَقُولُ
لِلْمَسْكِينِ يَا مَنْ وَهَبَ اللَّهُ دُنْيَا كَثِيرَةً وَاسِعَةً فَيَصْأُ، وَسَأَلَهُ
الْفَقِيرُ الْيَسِيرَ قَرْضًا فَأَبَى إِلَّا يُعْلَأَ فَنَزَّ دَرْدُهُ.^۲

۱۹۵۹ پیامبر خدا ﷺ در روز رستاخیز، آتش ناسه نفر
سحق می‌گوید: به ثروتمند می‌گوید: «ای کسی
که خداوند، دنیا بی‌پای مروان، فراخ و سرشار به تو
داد و فقیر، اندکی قرص از تو خواست و تو ندادی
و محل ورزیدی» پس [آتش]، او را می‌بلعد.

۲/۶ خصائص البخل

۲/۶ خصایص بخیل

۱۹۶۰ رسول الله ﷺ إِنَّمَا الْبَحِيلُ حَقُّ الْبَحِيلِ الَّذِي
يَسْمَعُ الرِّكَاتِ الْمَعْرُوضَةِ فِي مَالِهِ، وَيَسْمَعُ الْبَائِسَةَ فِي
قَوْمِهِ، وَهُوَ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ يُنْذَرُ^۳

۱۹۶۰ پیامبر خدا ﷺ بخیل واقعی، کسی است که از
پرداخت رکات واجب مال خود، خودداری کند و
از بخشش به خویشان خود، دریغ ورزد و در غیر
این موارد، اسراف [و ولخرجی] کند

۱۹۶۱ عنه ﷺ الْبَحِيلُ حَقًّا مَنْ ذُكِرَتْ عِنْدَهُ فَلَمْ يُعْطَلْ
عَلَيْ^۴

۱۹۶۱ - پیامبر خدا ﷺ: بخیل حقیقی، کسی است که نام
من نزد او برده شود و بر من، درود فرستد.

۳/۶ قلة راحة البخیل

۳/۶ کم بودن آسایش بخیل

۱۹۶۲ رسول الله ﷺ أَقَلُّ النَّاسِ رَاحَةً الْبَحِيلُ.^۵

۱۹۶۲ پیامبر خدا ﷺ: کم‌آسایش‌ترین مردم، بخیل
است

الفصل السابع: البدعة

فصل هفتم: بدعت

۱/۷ التحذير من البدعة

۱/۷ هشدار درباره بدعت‌گذاری

۱۹۶۳ رسول الله ﷺ إِنَّا كُنَّا نَسْنُ سُنَّةَ بَدْعَةٍ فَإِنَّ الْعَبْدَ
إِذَا تَمَّنَّ سُنَّةَ سَيِّئَةٍ لِحَقِّهِ وَرُزُّهَا وَوَزَّرَ مَنْ غَمَّ بِهَا^۱

۱۹۶۳ پیامبر خدا ﷺ: ماذا سَنَى ر بدعت بگداری؛
ریرا اگر بنده سَنَت بدی را به وجود آورد، گناه آن
و گناه کسی که به آن عمل کند، به گردن اوست.

۱ صحیح البقره ص ۴۱ ۲ الجمال ص ۱۱۱ ح ۴
۳ معانی الأخبار ص ۲۴۵ ح ۴
۴ معانی الأخبار ص ۲۴۶ ح ۹
۵ معانی الأخبار ص ۱۹۵ ح ۱
۶ مکرم الأخلاق ج ۲ ص ۳۵۳ ح ۲۶۱

۱۹۶۴. عنه ﷺ. شَرُّ الْأُمُورِ مُخَذَّنَاتُهَا، أَلَا وَكُلُّ بَدْعَةٍ صَلَاةٌ، أَلَا وَكُلُّ ضَلَالَةٍ فِي النَّارِ.^۱

۱۹۶۴ پیامبر خدا ﷺ بدترین امور، آن است که بدعت باشد. بدانید که هر بدعتی، گمراهی است. بدانند

۱۹۶۵. عنه ﷺ. أَهْلُ الْبِدْعِ شَرُّ الْخَلْقِ وَالْحَلِيفَةُ^۲

که هر گمراهی ای، از جامش آتش است

۱۹۶۵ پیامبر خدا ﷺ. بدعت‌گذاران، بدترین مردم و موجودات هستند

۲/۷ يُطْلَانُ عَمَلُ الْمُتَدَبِّعِ

۱۹۶۶. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ اللَّهَ عَالِي لَا يَقْبَلُ لِمَا حَبِبَ بَدْعِهِ صَوْمًا وَلَا صَلَاةً وَلَا صَدَقَةً وَلَا حَجًّا وَلَا عُمْرَةً وَلَا جِهَادًا وَلَا صَرْفًا وَلَا عَدْلًا^۳

۱۹۶۶ رسول الله ﷺ این الله عالی لا یقبل لصاحب بدعه صوما ولا صلاة ولا صدقة ولا حجا ولا عمرة ولا جهادا ولا صرفا ولا عدلا^۳

۲/۷ پذیرفته شدن اعمال صالح بدعت‌گذار

۱۹۶۶. پیامبر خدا ﷺ. حِلَاوَسْدٌ، أَرِ بَدْعَتِ الْكَذَّارِ، بَعَثَ رُوحَهُ أَيْ مَسِيءٍ يَدِيرُ، بَعَثَ نَمَازِي، بَعَثَ صَدَقَاتِ (رَكَاتِي)، نَهَ حَجَّيْ، بَعَثَ عُمْرَتَيْ، بَعَثَ جِهَادِي، بَعَثَ تَوْبَتِي وَبَعَثَ قُدِي

۱۹۶۶. پیامبر خدا ﷺ. حیلادوسد، ار بدعت‌گذار، به روره‌ای می‌پذیرد، به نمازی، به صدقه‌ای (رکاتی)، نه حجی، به عمره‌ای، به جهادی، به توبه‌ای و به قدی

۱۹۶۷. پیامبر خدا ﷺ. عَمَلُ الْبِدْعِ مَطْلُوقٌ بِاسْتِ، بَعَثَ

۳/۷ مَا يَحْبُ عَلَى الْعَالَمِ عِنْدَ ظُهُورِ الْبِدْعِ

۱۹۶۸. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ حَلْفَهُ، فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ^۴

۱۹۶۸ رسول الله ﷺ ادا ظهرت البدع في امتي فليظهر العالم حلفه، فمن لم يفعل فعليه لعنة الله^۴

۱۹۶۹. عنه ﷺ. إِذَا ظَهَرَ الْبِدْعُ وَلَمْ يَجْرُ هَدْيُ الْأُمَّةِ أَوَّلُهَا، فَمَنْ كَانَ عِنْدَهُ عِلْمٌ فَلْيَشْرُهُ، فَإِنْ كَانَتْ الْعِلْمُ يَوْمَئِذٍ كُنَّا تَمَ مَا أُنْزِلَ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ^۵

۱۹۶۹ عنه ﷺ. ادا ظهر البدع ولم يجر هدي الأمة اولها، فمن كان عنده علم فليشره، فان كانت العلم يومئذ كننا تم ما انزل الله على محمد^۵

۱۹۶۹. پیامبر خدا ﷺ. هر گاه بدعت‌ها پذیرد شوید و پشیمان این امت، پشیمان آن را نفرین کنند، هر کس دانش دارد، باید آن را منتشر سازد، که هر کس در آن روز، دانش خود را پنهان‌دارد، همچون کسی است که آنچه را خدا بر محمد نازل کرده، گمان کرده است

الفصل الخامس. البطالة

۱/۸ دُمُ الْخَطَالَةِ

۱۹۷۰. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ الصَّحِيحَ الْمَارِعَ^۶

فصل هشتم. بیکاری

۱/۸. دُمُ الْخَطَالَةِ

۱۹۷۰. پیامبر خدا ﷺ. خداوند از شخص تن‌درست

۱. الأملی للمعید ص ۱۸۸ ح ۱۱

۲. کتر العمل ج ۱ ص ۲۱۸ ح ۹۵

۳. کتر العمل ج ۱ ص ۲۲۱ ح ۱۱۵

۴. الأملی للطلوس ص ۳۸۵ ح ۸۳۸

۵. الکافی ج ۱ ص ۵۵ ح ۲

۶. کتر العمل ج ۱ ص ۱۷۸ ح ۹۰۳

لَا فِي شُعْلِ الدُّنْيَا وَلَا فِي شُعْلِ الْآخِرَةِ^۱

۱۹۷۱ عهده علیه السلام خَلَّتَانِ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ فِيهِمَا مَمْنُونُ
الصُّحَّةُ وَالْفَرَاغُ^۲

بیکاره که نه سرگرم کار دنیا است و نه سرگرم کار
آخرت، بهرت دارد

۱۹۷۱ پیامبر خدا علیه السلام دو چیز است که مایه فتنه بسیاری
از مردم است: تن درستی و فراغت (بیکاری).

۲/۸ خَطَرُ الْبَطَالَةِ

۱۹۷۲ جامع الأخبار عن ابن عباس كان رسول الله صلى الله عليه وآله إذا
نَظَرَ إِلَى الرَّجُلِ فَأَعْيَبَهُ، قَالَ: هَلْ لَهُ حِرْفَةٌ؟
فَلِنْ قَالُوا: لَا.

۲/۸. خطر بیکاری

۱۹۷۲. جامع الأخبار - به نقل از ابن عباس - پیامبر
خدا، هرگاه به کسی می‌نگریست و او در چشمش
خوش می‌افتاد، می‌فرمود: آیا کار و پیشه‌ای
دارد؟

قَالَ سَمِعْتُ مِنْ غَمِي

قِيلَ وَكَيْفَ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قَالَ لِأَنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ حِرْفَةٌ يَعْيشُ
بِدِينِهِ^۳

گر می‌گفتند: «آه»، می‌فرمود: «از چشمم
افتاد»

گفته شد ای پیامبر خدا چگونه چنین است؟
فرمود: هریرا مؤمن، اگر کار و پیشه‌ای نداشته
باشد، یا دینش زندگی می‌گذراند

الفصل التاسع تَتَبِعَ الْعُيُوبَ وَالتَّعْيِيرُ

۱/۹ التَّحْذِيرُ مِنَ تَتَبِعَ الْعُيُوبَ

۱۹۷۳ رسول الله صلى الله عليه وآله حَسِبَ ابْنُ آدَمَ مِنَ الْإِثْمِ أَنْ يَتَرَعَ
فِي عَرَصِ أَحَدِهِ الْمُسْلِمِ^۱

۱/۹ هشدار درباره عیبجویی

۱۹۷۳ پیامبر خدا صلى الله عليه وآله آدمی زاده را همین گناه است که
با آبروی برادر مسلمانش بازی کند.

۱۹۷۴ عهده علیه السلام يَا مَعْشَرَ مَنْ أَسْلَمَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يُسَيِّمِ بقلبه،
لَا تَتَّبِعُوا عَثَرَاتِ الْمُسْلِمِينَ؛ فَإِنَّهُ مَنِ تَتَّبَعَ عَثَرَتِ
الْمُسْلِمِينَ تَتَّبَعَ أَثَرَ عَثَرَتِهِ، وَمَنْ تَتَّبَعَ أَثَرَ عَثَرَتِهِ
يُفْضَحُهُ.^۲

۱۹۷۴ پیامبر خدا صلى الله عليه وآله ای جماعتی که به زبان اسلام
آورده‌اید و به دل، اسلام نیاورده‌اید! در جستجوی
لعرش‌های مسلمانان نجاشید، که هر کس
لعرش‌های مسلمانان را پی‌جویی کند، خداوند
لعرش او را پی می‌گیرد و هر کس که خداوند
عیبجویی او کند، رسوایش می‌سازد.

۱ شرح مبع البلاء ج ۱۷ ص ۱۲۶

۲ الکافی ج ۸ ص ۱۵۲ ح ۱۳۶

۳ جامع الأخبار ص ۳۹۰ ح ۱۰۸۴

۴ تبيين الخواطر ج ۲ ص ۱۲۲

۵ الکافی ج ۳ ص ۳۵۵ ح ۴

۲/۹. التَّحْذِيرُ مِنَ التَّعْيِيرِ عَلَى الْعُيُوبِ

۱۹۷۵ رسول الله ﷺ مَنْ عَيَّرَ أَحَدًا يَذَنْبٌ قَدْ تَابَ بِهِ
لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَحْتَمِلَهُ^۱

۱۹۷۶ همه ﷺ مَنْ أَدَاعَ فَاجِشَةً كَانَ كَمُثَنِّيَّهَا. وَمَنْ
عَيَّرَ مُؤْمَأً بَشِيٍّ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرْكَبَهُ^۲

۱۹۷۷ عنه ﷺ إِنْ أَلَّفَ اللَّهُ خَلْقَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ عَظَمَةِ جَلَالِهِ
وَقُدْرَتِهِ، فَضْ طَعَنَ عَلَيْهِ أَوْ رَدَّ عَلَيْهِ قَوْلَهُ فَقَدْ رَدَّ عَلَى
اللَّهِ ﷻ^۳

۳/۹. الْحَثُّ عَلَى سِتْرِ الْعُيُوبِ

۱۹۷۸ رسول الله ﷺ مَنْ سَرَّ عَلَى مُؤْمِنٍ فَاِجِشَةً وَكَأَنَّمَا
أَحْيَا مَوْزُودَةً^۴

۱۹۷۹ عنه ﷺ كَانِ بِالْمَدِينَةِ أَهْوَامٌ لَهُمْ عُيُوبٌ فَسَكَنُوا
عَنِ عُيُوبِ النَّاسِ، فَاسْكَبَ اللَّهُ عَنْ عُيُوبِهِمْ لِنَاسٍ،
فَمَاتُوا وَلَا عُيُوبَ لَهُمْ عِنْدَ النَّاسِ، وَكَانَ بِالْمَدِينَةِ
أَهْوَامٌ لَا عُيُوبَ لَهُمْ فَتَكَلَّمُوا فِي عُيُوبِ النَّاسِ فَأُظْهِرَ
لَهُمْ عُيُوبُهُمْ لَمْ يَرَوْا يُعْرِضُونَ بِهَا إِلَى أَنْ مَاتُوا^۵

۱/۹. مَدْحُ مَنْ شَغَلَهُ عَيْنُهُ عَنْ عُيُوبِ النَّاسِ

۱۹۸۰ رسول الله ﷺ طُوبَى لِمَنْ مَنَعَهُ عَيْنُهُ عَنْ عُيُوبِ
الْمُؤْمِنِينَ مِنْ إِحْوَانِهِ^۶

۲/۹. هشدار درباره سرزنش کردن دیگری به

خاطر عیب‌هایش

۱۹۷۵. پیامبر خدا ﷺ هر کس برادر خود را برای گناهی
که از آن توبه کرده است، سرزنش کند، نمی‌میرد تا
خود، آن گناه را مرتکب شود

۱۹۷۶. پیامبر خدا ﷺ هر کس زشتکاری و گناهی را
فاش کند، مانند کسی است که آن را انجام داده است
و هر که مؤمنی را به چیزی سرزنش کند، نمی‌میرد تا
خود، مرتکب آن شود.

۱۹۷۷ پیامبر خدا ﷺ خداوند ﷻ مؤمن را از عظمت
جلال و قدرت خویش آفرید، پس هر که بر او طعنه
بزند، یا سخش را رد کند و بپذیرد، سخن
خداوند ﷻ را رد کرده است.

۳/۹. تشویق به عیب‌پوشی

۱۹۷۸. پیامبر خدا ﷺ هر کس زشتکاری مؤمنی را
پوشاند، چنان است که دحتر رنده به گوشت شده‌ای ر
سجده داده باشد

۱۹۷۹. پیامبر خدا ﷺ: در مدینه مردمانی بودند که
عیب‌هایی داشتند؛ اما چون ریان از عیبجویی مردم
مرو بستند، خداوند بر ریان مردم را از عیبجویی
آنان، مرو بست. در نتیجه، آن عده مُردند و مردم از
عیب‌های آنان، آگاه نشدند. در همین شهر، مردمانی
هم بودند که عیبی نداشتند؛ اما درباره عیب‌های
مردم، سخن می‌گفتند. پس خداوند در آنان
عیب‌هایی آشکار ساخت که تا وقتی مُردند، به آن
عیب‌ها معروف بودند.

۲/۹. ستایش کسی که عیوبش را از پرداختن

به عیوب دیگران باز داشته

۱۹۸۰. پیامبر خدا ﷺ حُرثا به حال آن که عیب
خودش، او را از پرداختن به عیب‌های برادران
مؤمنش باز دارد

۱ نسیه الخواطر ج ۱ ص ۱۱۳

۲ الکافی ج ۲ ص ۲۵۶ ح ۲

۳ الأنظر للعنوس ص ۳۰۶ ح ۶۱۴

۴ کثر العنکاذ ج ۲ ص ۲۴۹ ح ۲۴۸۸

۵ الأنظر للعنوس ص ۱۴ ح ۴۹

۶ بحار الأنوار ج ۷ ص ۱۳۶ ح ۳۲

۱۹۸۱ عنه عليه السلام مَنْ نَفَسَتْ نَفْسُهُ دُونَ تَقِيٍّ سَأَسَّيَ أَهْلَهُ ۱ ۱۹۸۱ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر کس به جای حشم گرفتن بر مردم، بر نفس خویش حشم گیرد، خداوند او را از وحشت روز قیامت در امان می‌درد.

الفصل العاشر الحرس

فصل نهم آزمندی

۱/۱۰. نَمُ الْجَرِيسُ وَالْخَرِيسُ

۱/۱۰. نکوهش آزمندی و آزمند

۱۹۸۲ رسول الله صلی الله علیه و آله الْخَرِيسُ مَحْرُومٌ. وَهُوَ مَعَ جِرْمَانِهِ مَذْمُومٌ فِي شَيْءٍ كَانَ، وَكَيْفَ لَا يَكُونُ مَعْرُومًا وَ قَدْ لَرَّسَ وَثَاقِي اللَّهِ؟ ۲

۱۹۸۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خریص (آزمند)، [همیشه] محروم است و افروید بر محروم بودن، در هر کاری که می‌کند، نکوهنده است. چگونه محروم باشد، در حالی که از بند خداوند متعال گریخته است؟ ۲

۲/۱۰. الْحَرَصُ لَا يَرِيذُ فِي الرِّزْقِ

است ۳

۱۹۸۳ رسول الله صلی الله علیه و آله لَا يُسْبِقُ بَطِيءٌ بِحَقِّهِ وَلَا يُدْرِكُ حَرِيسٌ مَا لَمْ يَقْدُرْ لَهُ ۴

۲/۲۰. آزمندی، روزی را زیاده نمی‌کند

۱۹۸۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آن که حرص نورزد، روزی خود را از دست نمی‌دهد و آن که حرص ورزد، به آنچه روزی‌اش نیست، نمی‌رسد.

الفصل الحادی عشر الحرام

۱/۱۱. التَّحْذِيرُ مِنْ أَكْلِ الْحَرَامِ

فصل یازدهم حرام‌خواری

۱۹۸۴ رسول الله صلی الله علیه و آله مَنْ أَكَلَ لُقْمَةً مِنْ حَرَامٍ لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةُ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ۱

۱/۱۱. هشدار درباره حرام‌خواری

۱۹۸۴ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر کس یک لقمه حرام بخورد، نماز چهل شب، نمازی از او پذیرفته نمی‌شود

۱۹۸۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کسی که گوشتش از حوراک حرام بیرونند، به بهشت نمی‌رود. آتش به او سرازیرتر است.

۱۹۸۶ عنه صلی الله علیه و آله نَزَلَ لُقْمَةٌ حَرَامٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ صَلَاةِ أَلْفِي زَكَاةٍ تَلَوَّعًا ۲

۱۹۸۶ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرو گذاشتن یک لقمه حرام، نزد خدا محبوب‌تر از خواندن دو هزار رکعت نماز مستحبی است.

۱. توبه الاعمال - ص ۲۱۶ ح ۱

۲. بحار الأنوار ج ۷۳ ص ۱۶۵ ح ۲۶

۳. الأمالی للعلوی ص ۵۲۷ ح ۱۱۶۲

۴. كنز العمال ج ۱ ص ۱۵ ح ۹۲۶۶

۵. تنبيه الخواطر ج ۱ ص ۶۱.

۶. تنبيه الخواطر ج ۲ ص ۱۲۰.

۲/۱۱. ثَوَابُ مَنْ قَدَرَ عَلَى حَرَامٍ فَتَرَكَهُ

۲/۱۱ ثواب ترک حرام هنگام توانایی

۱۹۸۷ رسول الله ﷺ مَنْ قَدَرَ عَلَى امْرَأَةٍ أَوْ جَارِيَةٍ حَرَامًا فَتَرَكَهَا مَخَافَةَ اللَّهِ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ السَّارَ، وَمَنْعَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ الْفَرْجِ الْأَكْثَرِ، وَأَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ.^۱

۱۹۸۷. پیامبر خدا ﷺ هر کس این امکان برایش پیش آید که با زن یا کنیزی، به حرام نزدیک کند، اما از ترس خدا دست به این کار نبرد، خداوند ﷻ آتش را بر او حرام می‌گرداند و او را از آن هراس بزرگ (پرویز) متحیراً ایمن می‌دارد و به بهشتش می‌برد

الفصل الثاني عشر الحسد

فصل دوازدهم حسد

۱/۱۲. ذَمُّ الْحَسَدِ وَالْحَاسِدِ

۱/۱۲ نکوهش حسد و حسود

۱۹۸۸ رسول الله ﷺ قَالَ اللَّهُ لِلْمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ يَا بَنِي عِمْرَانَ، لَا تَحْسُدَنَّ النَّاسَ عَلَى مَا آتَيْتَهُمْ مِنْ فَضْلِي، وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى دَلِّكَ، وَلَا تُشِيقْهُ نَفْسُكَ، فَإِنَّ الْحَاسِدَ سَاحِقٌ لِيَقْمِي، حَادٌّ لِقَمِي الْأَذَى قَسَمْتُ بَيْنَ عِبَادِي^۲

۱۹۸۸ پیامبر خدا ﷺ خداوند ﷻ به موسی بن عمران ﷺ فرمود: ای پسر عمران! به نعمتی که به مردم عطا کرده‌ام، حسد مبر و چشم به آن نعمت مدور و دل در نی آن نداشته باش! زیرا حسود، از نعمت‌های من ناراحت است و از نعمتی که برای بندگانش مقرر هست، آرم، زوی گردان!

۱۹۸۹ شرح نهج البلاغة عن ابن مسعود عن النبي ﷺ أَلَا لَأُعَادُوا نِعَمَ اللَّهِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَنْ الْأَذَى يُعَادِي بِعَمِّ اللَّهِ؟ قَالَ الَّذِينَ يَحْسُدُونَ النَّاسَ^۳

۱۹۸۹ شرح نهج البلاغة. به نقل از ابن مسعود.، پیامبر خدا فرمود: همان ابا نعمت‌های خدا دشمنی میکند، گفته شد: ای پیامبر خدا! چه کسی یا نعمت‌های خدا دشمنی می‌کند؟

۲/۱۲ الحسد آفة الإيمان

۱۹۹۰ رسول الله ﷺ. أَلَا إِنَّهُ قَدْ دَبَّ إِلَيْكُمْ دَاءُ الْأَمَمِ مِنْ قَبْلِكُمْ وَهُوَ الْحَسَدُ، لَيْسَ بِعَالِقِ الشَّرِّ، لَكِنَّهُ حَالِقُ الدِّينِ^۴

فرمود: آهان که به مردم حسادت می‌ورزید.

۲/۱۲. حسد، آفت ایمان است

۱۹۹۱ عنه ﷺ إِيَّاكُمْ وَالْحَسَدُ، فَإِنَّهُ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ^۵

۱۹۹۰ پیامبر خدا ﷺ هان! بیماری امت‌های پیشین، به شما سرایت کرده و آن، حسادت است این بیماری، به موی سر را، که دین را می‌تراشد و از بین می‌برد

۱۹۹۱. پیامبر خدا ﷺ از حسادت پرهیزید؛ زیرا حسنات و نیکی‌ها را فرو می‌خورد، همچنان که آتش، هیزم

۱ ثواب الأعمال ص ۳۳۴ ح ۱

۲ الکافی ج ۲ ص ۲۰۷ ح ۶

۳ شرح نهج البلاغة ج ۱ ص ۳۱۵

۴ الاطقی للموسى ص ۱۱۷ ح ۱۸۲

۵ جامع الأخبار ص ۴۵۱ ح ۱۲۶۶

الفصل الثالث عشر: الحلف

۱/۱۳ النَّهْيُ عَنِ الْحَلْفِ بِاللَّهِ مِنْ غَيْرِ ضَرُورَةٍ

الكتاب

«وَلَا تُجْعَلُوا آلَهُ عُرْصَةً لِأَيْدِيكُمْ أَنْ تَبْزُورُوا وَتُنْفِقُوا
وَتُضْلِكُوا بَنِي النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَنِمْ»^۱

الحديث

۱۹۹۲ رسول الله ﷺ - فِي وَصِيَّتِهِ بِمَلِيٍّ - : يَا عَلِيُّ،
لَا تُخْلِفُ بِاللَّهِ كَاذِباً وَلَا صَادِقاً مِنْ غَيْرِ ضَرُورَةٍ، وَلَا
تَجْعَلَ لِلَّهِ عُرْصَةً بِمِثْلِكَ، فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْحَمُ وَلَا يَرْضَى
مَنْ حَلَفَ بِاسْمِهِ كَاذِباً.^۲

۲/۱۳ أَثَارُ اللَّيْمِ لِلْفَاخِرِ

۱۹۹۳ رسول الله ﷺ إِيَّاكُمْ وَالْيَمِينَ الْفَاجِرَةَ، هِيَ أَيْهَا
تَذَعُ الدَّيْرَ بِلَاغٍ مِنْ أَهْلِهَا^۳

۱۹۹۴ عَنْهُ ﷺ الْيَمِينُ الْعُسْبُورُ الْفَاجِرَةُ تَذَعُ الدَّيْرَ
بِلَاغٍ^۴

الفصل الرابع عشر المختار

۱۹۹۵ مَسْأَلَةُ أَبِي دَاوُدَ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنْ
كُلِّ مُسْكِرٍ وَمُسْقَرٍ^۵

۱۹۹۶ عَنْهُ ﷺ سَيِّئَاتِي زَمَانٌ عَلَى أُمَّتِي يَكُونُ شَيْئاً
اسْمُهُ التَّبُحُّ، أَمَا بَرِيءٌ مِنْهُمْ، وَهُمْ يَرْتَوُونَ مِنِّي^۶

۱ البقرة ۲۷۱ ۲ بحار العمول ص ۱۴

۳ ثواب الأفعال ص ۲۷۰ ح ۳

۴ ثواب الأفعال ص ۲۷۰ ح ۴

۵ سنن أبي داود ج ۳ ص ۳۲۹ ح ۳۶۸۶

۶ مستدرک الوسائل ج ۱۷ ص ۸۵ ح ۲۰۸۱۵

فصل سیزدهم: سوگند خوردن

۱/۱۳ نهی از سوگند خوردن غیر ضروری به

حیوان

انسان

«وَر [نام] خدا را دستاویز سوگندهای خود قرار مدهید، برای
[اثبات] این که نیکوکاری و پرهیزکاری می‌کنید و میان
مردم ساری می‌دهید و [بدانید که] خدا شنای
دلالت»

حدیث

۱۹۹۲ پیامبر خدا ﷺ - در سفارش‌هایش به علی -
ای علی! هرگز به دروغ، به خدا سوگند مخور و
تجملی که ضرورتی در میان بوده، به راست بگو [سوگند
مختار] و خدا را دستاویز سوگند خود قرار مده؛ زیرا،
خداوند هر کس که سوگند دروغ به نام او پاد کند،
رحم نمی‌کند و از او مراقبت نمی‌فرماید

۲/۱۳ پیامدهای سوگند دروغ

۱۹۹۳ - پیامبر خدا ﷺ - از سوگند دروغ پرهیزید؛ چرا
که خانه‌ها را از ساکنانش حالی می‌کند،

۱۹۹۴ - پیامبر خدا ﷺ - سوگند اجباری دروغ، خانه‌ها
را نهی [از سکنه] می‌سازد

فصل چهاردهم: مولد مختار

۱۹۹۵ - مسأله ابی داود - به نقل از أم سلمه - : پیامبر خدا
از هر مست‌کننده و مست‌کننده‌ای، منع کرد،

۱۹۹۶ - پیامبر خدا ﷺ - زمانی فرا می‌رسد که اقتت من،

چیزی به نام بنگ مصرف می‌کند، من از این

افراد، [بیزار و] به دورم و آنان نیز از من دورند

الفصل الخامس عشر شرب الحمر

فصل پانزدهم، نوشیدن شراب

۱/۱۵. حُرْمَةُ شُرْبِ الْخَمْرِ

۱/۱۵. حرام یوس نوشیدن شراب

الكتاب

قرآن

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنصَابُ
وَالْأَزْلَامُ رَجَسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوا لَعَنَكُمْ
تَفْخَحُونَ﴾^۱

﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شراب و قمار و بت‌ها و
میرهای فرعه پلیدند [و] از عمل شیطان‌اند پس، از
آنها دوری گزینید، نا شاید رستگار شوید﴾

الحدیث

حدیث

۱۹۹۷ رسول الله ﷺ لَا يُجْمَعُ الْخَمْرُ وَالْإِيمَانُ فِي حَوْثٍ
أَوْ قَلْبٍ رَّجُلٍ أَبَدًا^۲

۱۹۹۷ پیامبر خدا ﷺ شراب [حواری] و ایمان، هرگز در
درون یا دل کسی با هم جمع نمی‌شوند

۲/۱۵ نَوْرُ الْخَمْرِ فِي الْفَوَاحِشِ

۲/۱۵. نفث شراب در رشفکاری‌ها

۱۹۹۸ رسول الله ﷺ الْعَمْرُ جَمَاعُ الْإِثْمِ، وَتَمُّ الْحَيَاةِ،
وَمَقَاعُ الشَّرِّ^۳

۱۹۹۸ کپاسر خدا ﷺ شراب، مجمع انواع گناهان است
و ریشه پلیدی‌ها و کلید بدی‌هاست

۱۹۹۹ عنه ﷺ جَمِيعُ الشَّرِّ كُلُّهُ فِي بَيْبٍ، وَجِيلٍ مِّفْصَحَةٍ
شُرْبِ الْخَمْرِ^۴

۱۹۹۹ بیهوشی خدا ﷺ بدی‌ها همه در یک خانه جمع
شده‌اند و کبذ آن خانه، شراب‌حواری است

۳/۱۵. نَهَى لِرِشْمِ الْخَمْرِ عَلَى مَوَازِدِ الْخَمْرِ

۳/۱۵. النَّهْيُ عَنِ الْخُلُوسِ عَلَى مَوَازِدِ الْخَمْرِ

۲۰۰۰ پیامبر خدا ﷺ کسی که به خدا و روز و پسین
ایمان داشته باشد، باید بر سر سفره‌ای بنشیند که
در آن، شراب نوشیده می‌شود

۲۰۰۰ رسول الله ﷺ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
فَلَا يَخْلُسُ عَلَى مَائِدَةٍ يُشْرَبُ عَلَيْهَا الْخَمْرُ^۵

۲۰۰۱ پیامبر خدا ﷺ مذکور است کسی که تا میل خود،
بر سر سفره‌ای بنشیند که در آن، شراب نوشیده
می‌شود

۲۰۰۱ عنه ﷺ مَلْعُونٌ مَنْ جَلَسَ طَائِعاً عَلَى مَائِدَةٍ
يُشْرَبُ عَلَيْهَا الْخَمْرُ^۶

۱ المائدة ۹

۲ جامع الأخبار ص ۲۲۹ ح ۱۱۹۹

۳ جامع الأخبار ص ۲۲۵ ح ۱۱۸۶

۴ جامع الأخبار ص ۲۳۳ ح ۱۱۷۹

۵ الفصائل ص ۱۶۴ ح ۲۱۵

۶ المنحصر ج ۲ ص ۲۱۴ ح ۲۱۵۳

۴/۱۵. صِفَةُ حَشْرِ شَرَابِ الْخَمْرِ

۲۰۰۲ رسول الله ﷺ يَحْيِي مُدْبِنُ الْحَمْرِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُرَرَّةً عَيْنُهُ، مُسَوِّدًا وَجْهَهُ، مَائِلًا شَفَةً، يَسِيلُ لُعَابُهُ^۱

۴/۱۵ چگونگی محضور شدن شرابخوار

۲۰۰۱ پیامبر خدا ﷺ: دائم الحمر، در روز قیامت در حالی آورده می‌شود که چشمانش کبود، چهره‌اش سیاه، لب‌هایش آویخته و آب دهانش سرازیر است

۵/۱۵. الْحَثُّ عَلَى تَرْكِ الْخَمْرِ وَلَوْ لَغَيْرِ اللَّهِ

۲۰۰۳ الإمام زين العابدين عن الإمام علي عليه السلام... يا علي من ترك الحمر لعير الله سقاء الله من الرحيق المختوم، فقال علي عليه السلام لعير الله؟ قال نعم والله، صيانة لعير^۲

۵/۱۵ تشویق به ترک شرابخواری، هرچند به خاطر غیر خدا

۲۰۰۳ امام زین العابدین علیه السلام - به نقل از امام علی علیه السلام - پیامبر ﷺ به علی علیه السلام فرمود: ... هر که برای غیر خدا بهم که شده، [شرابخواری را] راه کند، خداوند او را از شراب پنهانی [آب] و مهر شده می‌بوشاند، علی علیه السلام گفت برای غیر خدا؟^۳ فرمود: آری، به خدا سوگند! برای حفظ [سلامت] حوش^۴

الفصل السادس عشر. للخيانة

۱/۱۶. نَمُّ الْخِيَانَةِ

الكتاب

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمْنَكُمْ وَأُنْفُسَكُمْ﴾^۱

الحدث

۲۰۰۱ رسول الله ﷺ لَيْسَ بِمَا مَنَ حَانَ بِالْأَمَانَةِ^۲
۲۰۰۵ عنه ﷺ لَيْسَ بِمَا مَنَ حَانَ مُسْلِمًا فِي أَهْلِهِ وَمَالِهِ^۳

فصل شانزدهم: خیانت

۱/۱۶ نکوهش خیانت

قرآن

﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و پیامبر او خیانت مکنید و [بیر] در امانت‌های خود خیانت نورزید در حالی که خود می‌دانید [که نباید خیانت کرد]﴾.

حدیث

۲۰۰۲ پیامبر خدا ﷺ: [ماست کسی که در امانت، خیانت کند]
۲۰۰۵ پیامبر خدا ﷺ: از ما نیست کسی که نسبت به زن و مال مسلمانی، خیانت ورزد.

۲/۱۶. الدَّهْيُ غِنِ الْخِيَانَةِ وَلَوْ بِالْحَافِظِ

۲۰۱۶ رسول الله ﷺ لَا تَحُنْ مَنْ حَدَّثَكَ فَتَكُونَ مِثْلَهُ^۴

۲/۱۶. نهی از خیانت کردن، حتی به خیانتکار

۲۰۰۶ پیامبر خدا ﷺ: به کسی که به تو خیانت کرد، است، خانت مکن که تو نیز چون او خواهی بود

۱ ثواب الأعمال ص ۲۹۰ ح ۴

۲ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۳۵۳ ح ۵۷۶۲

۳ الأفعال ۲۷، ۱ مشکاة الأنوار، ص ۱۰۸

۴ الاختصاص ص ۲۴۸

۶ التوکل فی التوکل ص ۹۵

الفصل السابع عشر. الرِّياء

فصل هفدهم. ریاکاری

۱/۱۷ ذُمُ الرِّياءِ والنَّحْذِيرُ منه

۱/۱۷ نکوهش ریاکاری و هشدار درباره آن

الكتاب

قرآن

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَعْثًا وَرِثَاءَ
النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا سَعَتُونَ
شَهِيدٌ﴾^۱

«و مانند کسانی می‌باشید که از خانه‌هایشان با حالت
سرمستی و ریاکارانه خارج شدند و [مردم را] از راه خدا
باز می‌داشتند و خدا به آنچه می‌کنند، احاطه دارد».

الحديث

حدیث

۲۰۰۷ رسول الله ﷺ يا آبا ذرُّ اِنَّ اللهَ ولا يُسرُّ الناسَ
اِنَّكَ تَعْمَلُ اللهَ فَيَكْرَهُكَ وَقَلْبُكَ هَاجِرٌ.^۲

۲۰۰۷ پیامبر خدا ﷺ - به ابو ذر - ای ابو ذر! از خدا
بترس و در حالی که دلی تهکار داری، برای جلب
احترام مردم، مرد آن خود را خدا ترس وانمود
مکن

۲۰۰۸ عنه ﷺ ومن الذين يجعلون الدنيا بالناس
يلبسون لباس خلوة الصَّار من لیس أسبغهم
كلامهم أحلى من العسلِ وقلوبهم قلوب النِّسائِمِ
يقول الله تعالى أهي يمترون؟^۳

پیامبر خدا ﷺ. وای بر کسانی که دین را وسیله
یکسب دنیا می‌کند و بدینان مردم خود در برابر مردم
به لباس میش در می‌آید، گفتارشان از عسل،
شیرین تر است و دل‌هایشان، دل گرگ است.
خداوند معال می‌فرماید: «ایا به [رحمت] من
عزّه می‌شوید؟»^۴

۲/۱۷ عَمَلُ الْمُرَائِي غَيْرُ مَقْبُولٍ

۲۰۰۹ رسول الله ﷺ إِنَّ اللهَ لا يَقْبَلُ عَمَلًا فِيهِ مَقْبَلُ
ذَرُّوْا رِيَاءَ^۵

۲/۱۷. عمل ریاکار پذیرفته نمی‌شود

۲۰۱۰ عنه ﷺ يقول الله سبحانه اِنِّي اُغْنِي الشُّرَكَاءَ
فَمَنْ عَمِلَ عَمَلًا ثُمَّ اَشْرَاَ فِيهِ غَيْرِي فَاَمَّا مَ بَرِيءٌ
وَهُوَ الَّذِي اَشْرَكَ بِوَدُوِّي^۶

۲۰۰۹ پیامبر خدا ﷺ خداوند، عملی را که در آن به
ورن دزدای ریا باشد، نمی‌پذیرد

۲۰۱۰. پیامبر خدا ﷺ. خدای سبحان می‌فرماید

«همانا من، بی نیازترین شریکم، پس، هر که کاری
بکند و کسی جز مرا در آن شریک گرداند، من از
آن کار بی‌ارم و آن برای کسی باشد که او را شریک
من قرار داده است»

۱. الامال ۴۷

۲. مکالم الأخلاق ج ۲ ص ۳۷۰ ح ۲۶۶۱

۳. اعلام الدین ص ۲۹۵

۴. تنبيه الضوابط ج ۱ ص ۱۸۷

۵. حذرة الغامی ص ۲۰۲

۳/۱۷. الرِّيَاءُ وَالشُّرْكَ

۳/۱۷. ربا و شرک

۲۰۱۱ عَذَّةُ الدَّاعِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ إِنَّ أَحْوَفَ مَا أُحَافُ عَلَيْكُمْ الشُّرْكَ الْأَصْفَرُ قَالُوا وَمَا الشُّرْكَ الْأَصْفَرُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ الرِّيَاءُ^۱

۲۰۱۱. عَذَّةُ الدَّاعِي پیامبر خدا فرمود: «بیشترین نگرانی من برای شما شرک کوچک است» گفتند: ای پیامبر خدا! شرک کوچک چیست؟ فرمود: «ربا»

۴/۱۷. مُحَاسَبَةُ الْقُرْآنِ

۴/۱۷. حسابرسی ریاکار

۲۰۱۲ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يُدْعَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ جَمَعَ الْقُرْآنَ وَزَجَلَ قَبْلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَرَجُلٌ كَثِيرُ الْمَارِ، فَيَقُولُ اللَّهُ لِلْقَارِي لَمْ أُعْلَمَنَّ مَا أَمَرْتُ عَلَى رَسُولِي؟ فَيَقُولُ بَلَى يَا رَبِّ، فَيَقُولُ مَا عَمِدْتَ فِيمَ عَمِدْتَ؟ فَيَقُولُ يَا رَبِّ قَسَمْتُ بِهِ مِائَةَ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ فَيَقُولُ اللَّهُ كَذَبْتَ وَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ كَذَبْتَ، وَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى إِنَّمَا أَرَدْتُ أَنْ يَقَالَ: فَلَا قَارِي، فَدَقَّ قَبْلَ ذَلِكَ^۲

۲۰۱۲. پیامبر خدا ﷺ. محسنین کسی که در روز قیامت فراخوانده می‌شود، مردی است که [آیات] قرآن را در سینه خود گرد آورده و مردی که در راه خدا کشته شده است و مرد ثروتمند پس خداوند ﷻ به قاری قرآن می‌فرماید: آیا آنچه را هر فرستاده خود بازل کردم، به تو پیامو حتم؟

می‌گوید: چو، ای پروردگار من! می‌فرماید: «یا آنچه آموختی، چه عملی کردی؟» می‌گوید: پروردگار! در نیمه‌های شب و اوقات روز، آن را تلاوت می‌کردم پس خداوند می‌فرماید: «دروغ می‌گویی»

فرشتگان نیز [به او] می‌گویند: دروغ می‌گویی خداوند متعال می‌فرماید: «هدف تو این بود که گفته شود: «فلانی، قاری قرآن است» و این هم گفته شد»

الفصل الثامن عشر. الرِّبَا

۱/۱۸. التَّحْذِيرُ مِنَ الرِّبَا

۲۰۱۳ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ شَرُّ الْكَسْبِ، كَسْبُ الرِّبَا^۳

۲۰۱۴ عَنْهُ ﷺ إِنَّ اللَّهَ ﷻ يَنْهَى أَكْلَ رِبَا وَمُؤْكَلُهُ وَكَابِتُهُ وَشَاهِدِيهِ^۴

فصل هجدهم: ربا

۱/۱۸ هشتمین درمات ربا

۲/۱۸ صِفَةُ حَشِي أَكْلِ الرِّبَا

۲۰۱۳ پیامبر خدا ﷺ بدترین کسب، کسب ربا است

۲۰۱۳ پیامبر خدا ﷺ، خداوند ﷻ رباخوار و ربا دهنده و کاتب و گواهان بر آن را لعنت کرده است.

الكتاب

﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقْوَمُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي

۲/۱۸ چگونگی محسور شدن رباخوار

قرآن

﴿کسانی که ربا می‌خورند [از قبر] بر نمی‌خیزند، مگر

۱ عَذَّةُ الدَّاعِي ص ۲۱۴

۲ بحار الأنوار ج ۷۲ ص ۳۰۵ ح ۵۲

۳ الْأَمَلِيُّ لِلصَّدُوقِ ص ۵۷۷ ح ۷۸۸

۴ الْأَمَلِيُّ لِلصَّدُوقِ ص ۵۱۱ ح ۲۰۷

يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ۱

الحديث

مانند برحمتی کسی که شیطان بر او تماس،
آشفته‌سروش کرده است ۱

حدیث

۲۰۱۵ رسول الله ﷺ من أكل الربا ملأ الله بطنه
من نار جهنم بقدر ما أكل، وإن كُتِبَ به
مالاً لا يقبل الله تعالى به شيئاً من عبده ولم
يرز في أمية الله والملائكة ما كان عبده فيه فيراط
واحد. ۲

۲۰۱۵. پیامبر خدا ﷺ هر که ربا بخورد، خداوند
به اندازه ربایی که خورده، شکمش را از آتش دوزخ،
پر می‌کند و اگر از طریق ربا، مالی را به دست آورد،
خداوند متعال، هیچ عمل او را نمی‌پذیرد و تا زمانی
که قهراطی از مال ربا نرشد باشد، پیوسته خداوند و
فرشتگان، او را مغرین می‌کند

۲۰۱۶ عنه ﷺ أتت ليده نمری من على صوم سطوهم
كاليوت فيها الحيات نمری من حارج بطوهم
فقلت من هؤلاء يا جبرئيل؟ قال هؤلاء الكفرة
الربا ۳

۲۰۱۶. پیامبر خدا ﷺ شئی که به معراج رفتن، بر
مردمی گذشتم که شکم‌هایشان چون حانه‌ای بود
و کرم‌ها، مارهایی و حود داشتند که از بیرون،
شکم‌هاشان دیده می‌شدند پرسیدم: ای جبرئیل!
یمن کیست؟

الفصل الخامس عشر: الرشوة

گفت: «ایمان، رباخواران اند»

۱/۱۹ الرشوة كفر

فصل نوزدهم رشوه

۲۰۱۷ رسول الله ﷺ إياكم والرشوة فإنها تحصد
الكفر، ولا يثم صاحب الرشوة ربح الحنة ۱

۱/۱۹. رشوه گرفتن، کفر است

۲۰۱۸. ثم الرأشي والفرثشي والعاشي بينهما

۲۰۱۷. پیامبر خدا ﷺ از رشوه گرفتن، دوری کنید،
که آن، کفر محض است و رشوه‌گیر، بوی بهشت
را استشمام نمی‌کند

۲۰۱۸ رسول الله ﷺ لعمرة الله على الراشي والفرثشي ۱

۲۰۱۹ عنه ﷺ لعمرة الله الراشي والفرثشي والرائش
الذي يمشي بينهما ۲

۲/۱۹ نکوهش رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده و
واسطه

۲۰۱۸. پیامبر خدا ﷺ لعنت خدا بر رشوه‌دهنده و
رشوه‌گیرنده ۱

۱ المیزه ۲۷۵ ۲ بوعب الأعمدة ص ۳۶ ح

۳ كنز العمال ج ۱۱ ص ۳۹۹ ح ۳۱۸۵۷

۴ بحار الانوار ج ۱۰۵ ص ۲۷۲ ح ۱۲

۵ كنز العمال ج ۶ ص ۱۱۳ ح ۱۵۰۷۸

۶ كنز العمال ج ۶ ص ۱۱۴ ح ۱۵۰۸۱

۲۰۱۹. پیامبر خدا ﷺ حلال لعنت کند رشوه‌دهنده و
رشوه‌گیرنده و واسطه بین آن دو را ۱

الفصل العشرون الزنا

فصل بیستم زنا

۱/۲۰ النهی عن الزنا

۱/۲۰ نهی لزنا

الكتاب

قرآن

﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ إِثْمَ كَانَ فَحْشًا وَسَاءَ سَبِيلًا﴾^۱

﴿و به زنا نزدیک مشوید همانا آن، همواره زشت و بد

راهی است﴾

الحديث

حدیث

۲۰۲۰ رسول الله ﷺ مَنْ يَعْمَلْ ابْنَ آدَمَ عَمَلًا أَكْبَرَ عِندَ

۲۰۲۰. پیامبر خدا ﷺ آدمیزاد، هیچ کاری (گناهی)

الله تَبَارَكَ وَتَعَالَى مِنْ زَجَلٍ قَتَلَ نَفْسًا أَوْ إِمَامًا، أَوْ هَذَمَ

نکرد که نزد خداوند - تبارک و تعالی - سگین تر

الْكُفَّةَ الَّتِي حَقَّقَهَا اللهُ قَبْلَهُ لِعِبَادِهِ، أَوْ فَرَّغَ مَاءَهُ فِي

از این باشد که پیامبری یا امامی را بکشد، یا

إِمْرَأَةٍ حَرَامًا.^۲

کعبه را که خداوند ﷻ قبله بسدگان خود قرار

۲. ۲۰ أَكْبَرُ الزَّوْجِ

داده‌است، ویران کند، یا به حرام، یا رسی

برای یکی کند

۲۰۲۱ رسول الله ﷺ اشْتَدَّ غَضَبُ اللهِ عَلَى امْرِئٍ ذَاتِ

﴿اگر چه بزرگ ترین زنا

بَعْلٍ مَلَئَتْ عَمَلُهَا مِنْ غَيْرِ زَوْجِهَا أَوْ غَيْرِ دِي مُحَرَّمٍ

۲۰۲۱. پیامبر خدا ﷺ زن شوهر داری که مرد بیگانه‌ای

مِنْهَا، فَإِنَّهَا إِنْ فَعَلَتْ ذَلِكَ أَحْبَطَ اللهُ كُلَّ عَمَلٍ عَمِلَتْهُ،

یا نامحرمی چشمش را پر کرده باشد، مورد

فَإِنْ أَوْطَأَتْ فَرَشَ غَيْرِهِ كَانَ حَقًّا عَلَى اللهِ تَعَالَى أَنْ

حشم شدید خداوند ﷻ است اگر چنین

يَحْرِقَهَا بِالنَّارِ بَعْدَ أَنْ يُعَذِّبَهَا فِي قَبْرِهَا.^۳

باشد، خداوند همه اعمال او را باطل می‌گرداند،

۳/۲۰ أَثَارُ الزَّوْجِ

و اگر به شوهر خود خیانت ورزد، بر خداست که

۲۰۲۲ رسول الله ﷺ - لِعَلِّي ﷺ - يَا عَلِيُّ قَبِي الرِّبَا

او را پس از عذاب دادن در قمر، به آتش دوزخ

سِتًّا حِصَالٍ: ثَلَاثٌ مِنْهَا فِي الدُّنْيَا وَثَلَاثٌ فِي الْآخِرَةِ

سوراند

فَأَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا فَتَهْدَبُ بِالْبَهَائِ، وَيُجْعَلُ نَفْسُهُ،

۳/۲۰ پیامدهای زنا

وَيَقْطَعُ الرُّزْقَ، وَأَمَّا الَّتِي فِي الْآخِرَةِ فَسَوْءُ الْحِسَابِ.

۲۰۲۲. پیامبر خدا ﷺ - به علی ﷺ - ای علی! زنا شش

پیامد دارد - سه پیامد در دنیا و سه دیگر در آخرت

پیامدهای دنیایی اش، این است که تیر و رومی برد،

مرگ را شتاب می‌بخشد و روزی را عسی بُرد؛ و

۱. الاسراء ۳۲

۲. بحار الأنوار ج ۷۹ ص ۲۰ - ج ۹

۳. بر دعاء ص ۳۳۸

وَسَقَطَ الرَّحْمَنُ، وَالْحُلُودُ فِي النَّارِ^۱

پیامدهای آحترش حسابرسی سخت (دقیق)،

۲۰۲۳. عَنْهُ ﷺ أَرْبَعٌ لَا تَدْخُلُ بَيْتاً وَاحِدَةً بِهِمْ، لَا

خشم خدای رحمان، و جاودانگی در آتش است

حَرْبٌ وَبِمِ يَمْزُ بِالْبَرْكََةِ الْحَيَاةُ، وَالشَّرَقَةُ وَشَرْبُ

۲۰۲۴. پیامبر خدا ﷺ، چهار چیز است که اگر یکی از

الْخَمْرِ، وَالزُّنَا^۲

آنها به هر حاله‌ای وارد شود، آن را ویران می‌کند و

آباد و باسركت نمی‌شود حیانت، دردی،

الفصل الحادي والعشرون: الفحش والسب

شراحواری، و زنا.

۱/ ۲۱. التَّحْذِيرُ مِنَ الْفَحْشِ

فصل بیست و یکم دشنام و ناسزاگویی

۲۰۲۱. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّا كُمْ وَالْفَحْشُ، فَإِنَّ أَفْعَهُ لَا يُجِبُ

۱/ ۲۱ هشدار درباره دشنام

الْفَاحِشِ الْمُتَعَفِّ^۳

۲۰۲۲. پیامبر خدا ﷺ از دشنام‌گویی بپرهیزید؛ زیرا

۲۰۲۵. عَنْهُ ﷺ إِنْ لَمْ يَجِبِ الْعَفْوَ الْمُتَعَفِّ، وَيُجِبُ

مخلوبندۀ خدا ناسزاگویی بدو پس رادوست ندارد.

الَّذِي السَّائِلُ التَّلَحُّفَ^۴

۲۰۲۵. پیامبر خدا ﷺ خداوند، شخص یا حیای با عَرَبِ

۲۰۲۶. عَنْهُ ﷺ إِنْ مَرَّ شَرٌّ عِبَادِ اللَّهِ مَرَّ يَكْفُرُهُ

عَفْوَكَ وَكَفَرْتُ دَارِدَ وَبِأَدْرِيَانِ كَلْدَى سَمِيعَ،

مُحَالَسَةُ الْفَحْشِيَةِ^۵

دشمن است

۲/ ۲۱. التَّحْذِيرُ عَنْ سَبِّ الْمُؤْمِنِ

۲۰۲۶. پیامبر خدا ﷺ یکی از بدترین بندگان خدا،

۲۰۲۷. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ سَابُّ الْمُؤْمِنِ كَالْمُشْرِكِ عَلَى

کسی است که به سب بدترین و دشنام‌گویی‌اش،

الْفَهْلَكَةِ^۶

همیشی با او باخوشداید باشد

۲۰۲۸. عَنْهُ ﷺ سَبَابُ الْمُؤْمِنِ فُسُوقٌ، وَقِتَالُهُ كُفْرٌ،

۲/ ۲۱ هشدار درباره ناسزاگویی به مؤمن

وَكُلُّ لَحْمٍ مِنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ^۷

۲۰۲۷. پیامبر خدا ﷺ ناسزاگویی به مؤمن، همچون

کسی است که در آستانه هلاکت باشد

۲۰۲۸. پیامبر خدا ﷺ ناسزاگفتن به مؤمن، فسق

است، و جنگیدن با او کفر، و خوردن گوشت او

(عیت کردن از وی) معصیت خداست

۱. التَّحْذِيرُ، ص ۳۳۰ ح ۳.

۲. الْأَمَلِيُّ لِلصَّدُوقِ ص ۱۸۲ ح ۶۵۲.

۳. التَّحْذِيرُ، ص ۱۷۶ ح ۳۳۵.

۴. الْأَمَلِيُّ لِلطُّوسِي ص ۳۹ ح ۴۳.

۵. التَّحْذِيرُ ج ۲ ص ۳۲۵ ح ۸.

۶. كَرِّ الصَّلَاتِ ج ۳ ص ۵۹۸ ح ۸۱۹۳.

۷. ثَوَابُ الْأَعْمَالِ ص ۲۸۷ ح ۲.

الفصل الثانی والعشرون: السَّخَرِیَّة

فصل بیست و دوم: مسخره کردن

۱/ ۲۲ الذَّهَبُ عَنِ السَّخَرِیَّةِ

۱/ ۲۲ بهی از مسخره کردن

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَسْخَرُونَ قَوْمًا مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا يَسْتَأْذِنُ بَشَاءٌ مِّنْ بَشَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا تَقْلِبُوا أَلْسِنَتَكُمْ لَيُكَلِّبَنَّ بِأَلْسِنَتِكُمُ الْإِسْمَ الْفُسُوقَ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَفْعَلْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾^۱

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کنید، شاید آنها از اینها بهتر باشند. و نباید رفتی زنان [دیگر] را [ریشخند کنید]. شاید آنها از اینها بهتر باشد و از یکدیگر عیب مگیرید و به همدیگر لقب‌های زشت مدهید، [چرا که] ناپسندیده است نام رشت، پس از ایمان و هر که توبه نکرد، آنان خود، متکبرانند»

۲/ ۲۲. جَزَاءُ الْمُسْتَهْزِئِينَ فِي الْآخِرَةِ

۲/ ۲۲ کیفر مسخره‌کنندگان در آخرت

۲۰۲۹ رسول الله ﷺ إِنَّ الْمُسْتَهْزِئِينَ يَمُوتُ لِأَخِيهِمْ بَابُ الْجَنَّةِ، فَيُتَالُ هَلُمَّ فَيَجِيءُ بِكَرْبِهِ وَعَمِّهِ، مَبَادٍ حَاءُ أُعْلِقُ دُونَهُ، ثُمَّ يَمُوتُ لَهُ بَابٌ آخَرٌ. مَعَا يَرَىٰ كَذَلِكَ حَتَّىٰ أَنَّ الرَّجُلَ لَيَمُوتَ لَهُ الْبَابُ مِثْلَ لَهْ هَلُمَّ هَلُمَّ، مَعَا يَأْتِيهِ^۲

۲۰۳۰ پیامبر خدا ﷺ، در بهشت، به روی یکی از مسخره‌کنندگان باز می‌گردد و به او گفته می‌شود: «ای پسر! او با عم و اندوه، جلو می‌رود و چون مردی یک چشم در رویش بسته می‌شود. سپس در دیگری به رویش گشوده می‌گردد... این کار مرتباً تکرار می‌شود تا جایی که در به رویش باز می‌گردد و گفته می‌شود: «بیا، بیا»، اما او دیگر جلو نمی‌رود»

الفصل الثالث والعشرون الإسراف

فصل بیست و سوم: اسراف

۱/ ۲۳ التَّحذِيرُ مِنَ الْإِسْرَافِ

۱/ ۲۳ هشدار درباره اسراف

﴿فَقَالَ آمَنَ ابْنُ مَرْيَمَ بِاللَّيْلِ بَيْنَ قَوْمِهِ عَلَىٰ خُلُوفٍ مِّنْ لِّزَعُونَ وَغُلَابِهِمْ أَن يَخْنَكَهُمْ وَإِن يَزْعُوزَ لَنَعْلَمَنَّ مِنَ الْأَرْضِ وَإِنَّهُمْ لَلْمُفْسِدِينَ﴾^۳

«سرتعجبم، کسی به موسی ایمان می‌آورد، مگر فرزندان از قوم وی، در حالی که بیم داشتند از آن که مبادا فرعون و سران آنها ایشان را آزار رسانند و در حقیقت، فرعون در آن سرزمین، برتری جو و از اسرافکاران بود».

۲/ ۲۳. حَدُّ الْإِسْرَافِ

۲/ ۲۳. حُرُوفُ الْإِسْرَافِ

الكتاب

﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنفَقُوا لَمْ يُعْتَرَفُوا وَلَمْ يَقُولُوا وَكَانَ بَيْنَ

قرآن

۱ التَّحْذِيرَاتُ ۱۱

۲ كِتَابُ التَّحْذِيرَاتِ ج ۳ ص ۶۵۰ ح ۸۳۲۸

۳ یوس ۸۳

«[بندگان خدای رحمان] کسانی هستند که چون اطلاق

ذلك قواماً^۱.

الحديث

کند، نه و نخرجی می‌کند و نه تنگ می‌گیرند و میان این دو [روش] حد وسط را بر می‌گزیند^۲.

حدیث

۲۰۳۰. پیامبر خدا ﷺ - در پاسخ به سؤال درباره تفسیر آیه «وَالْبَيْنَ إِذَا أُلْفُوا لَمْ يُضِرُّوْا وَلَمْ يَنْفَرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَاماً» - می‌آورد: «مَنْ أَعْطَى فِي عَمْرٍ حَقَّ فَقَدْ أَسْرَفَ، وَمَنْ مَنَعَ عَنِ حَقِّ فَقَدْ قَتَرَ»^۳.
کند و نخرجی می‌کند و نه تنگ می‌گیرد و میان این دو [روش] حد وسط را بر می‌گزیند^۴ - هر که به ناحق (بی‌حق) عطا کند، اسراف کرده است و هر که به‌حق و به‌حق حرج نکند، سختگیری و حب ورزیده است

۲۰۳۰ رسول الله ﷺ - لَمَّا سُئِلَ عَنْ تَفْسِيرِ قَوْلِهِ سَعَالَى «وَالْبَيْنَ إِذَا أُلْفُوا لَمْ يُضِرُّوْا وَلَمْ يَنْفَرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَاماً» - مَنْ أَعْطَى فِي عَمْرٍ حَقَّ فَقَدْ أَسْرَفَ، وَمَنْ مَنَعَ عَنِ حَقِّ فَقَدْ قَتَرَ^۱

الفصل الرابع والعشرون. الطَّمَع

۱/۲۴ دُمُ الطَّمَعِ وَالتَّعَوُّدُ بِهِ

۲۰۳۱. رسول الله ﷺ يَنْتَسِ الْعَبْدُ عَبْدَهُ لَمْ يَطْمَعْ يَفْقَدُ بَنِي طَمِع^۲

فصل بیست و چهارم: طمع

۱/۲۴ نکوهش طمع و پناه بردن از آن به خدا

۲۰۳۱. پیامبر خدا ﷺ چه بد سدهای است آن بنده‌ای که طمعش او را به سگ و پستی کشاند

۲۰۳۱ عَنْهُ ﷺ اسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنْ طَمَعٍ يَهْدِي إِلَى طَمَعٍ وَمِنْ طَمَعٍ يَهْدِي إِلَى غَيْرِ طَمَعٍ، وَمَنْ طَمَعٌ عَصِيَ^۳ طَمِع^۴

۲۰۳۲. پیامبر خدا ﷺ به خدا پناه ببرد از طمعی که به سگ و پستی می‌کشاند و از طمعی که به سنجه نمی‌رسد و از طمعی که بی‌حاست

۲/۲۴ مَضَارُّ الطَّمَعِ
۲۰۳۳ رسول الله ﷺ الطَّمَعُ يَهْدِي إِلَى طَمَعٍ يَهْدِي إِلَى غَيْرِ طَمَعٍ، وَمَنْ طَمَعٌ عَصِيَ^۵ طَمِع^۶

۲/۲۴ ضررهای طمع

۲۰۳۳. پیامبر خدا ﷺ طمع، حکمت را از دل‌های دانشمندان می‌برد

۲۰۳۴ عَنْهُ ﷺ إِنَّكَ وَاسْتِشْهَارُ الطَّمَعِ قِيَابَةُ يَشُوبُ الْقَلْبَ شِدَّةُ الْجِرْصِ، وَيَعْتَمِدُ عَلَى الْقُلُوبِ بِطَبَاعِ حَبِّ الدُّنْيَا، وَهُوَ يَمْتَنِعُ كُلَّ سَيِّئَةٍ، وَزَانِسُ كُلِّ حَاطِيَةٍ، وَسَبَبُ إِحْبَابِ كُلِّ خَسِيئَةٍ^۷

۲۰۳۴. پیامبر خدا ﷺ، زنده‌ها را از پوشیدن جامه طمع و زینت طمع، دل‌ها را به آرمیدن تسلیم در می‌آورد و مهر دنیا دوستی را بر دل‌ها می‌ریزد آن، کلید هر بدی‌ای است، و منشأ هر گناهی، و موجب هر باد رفتن هر کار بیکی

۱ المرقاۃ ۶۷
۲ مجمع البیان ج ۲ ص ۱۸۰
۳ التواتر للروندی ص ۱۵۰
۴ کثر العمل ج ۲ ص ۱۹ ح ۷۵۷۷
۵ کثر العمل ج ۲ ص ۱۹۵ ح ۷۵۷۹
۶ اعلام الدین ص ۳۴۰ ح ۲۱

الفصل الخامس والعشرون، الظلم

فصل بیست و پنجم ستمگری

۱/ ۲۵، التَّحْذِيرُ مِنَ الظُّلْمِ

۱/ ۲۵ هشدار درباره ستمگری

الكتاب

قرآن

﴿وَأَمَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَعَمَلُوا أَتُسَلِّحُونَ فِيْهِمْ
أَحْزَابَهُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾^۱﴿و اما کسانی که اهلان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند.
[خداوند] مردشان را به تسلی به آنان می‌دهد و
خداوند، پیادگرا را دوست نمی‌دارد﴾

الحديث

حدیث

۲۰۳۵ رسول الله ﷺ إِنَّهُ لَنَأْتِي الْقِيَامَ وَقَدْ
سَرَتْهُ حَسَاتُهُ، فَيَجِيءُ الرَّجُلُ فيَقُولُ: يَا رَبِّ
ظَلَمْتَنِي هَذَا، فَيُؤَخِّدُ مِنْ حَسَاتِيهِ فَيُجْعَلُ فِي
حَسَاتِي الَّذِي سَأَلَهُ، فَمَا يَرَأَى كَدَالَهُ حَتَّى مَا يَجِيءَ
لَهُ حَسَنَةٌ، فَبِذَا جَاءَ مِنْ سَأَلَهُ نَظَرَ إِلَى سَلْطَانِهِ
فَجُعِلَتْ مَعَهُ سَيِّئَاتِ الرَّجُلِ، فَلَا يَرَأَى يُسْتَوْفَى مِنْهُ
حَتَّى يَدْخُلَ النَّارَ^۲۲۰۳۵ پیامبر خدا ﷺ روز قیامت، پسند حسوس حال
از حسات خود، وارد محشر می‌شود. مردی می‌آید
و می‌گوید: دهروردگارا! این مرد به من ظلم کرده
است.پس، از حسات او پرسدشته می‌شود و در
حسات آن مرد دادخواه، گذاشته می‌شود. به همین
ترتیب، افرادی که وی در حق آنها ستم کرده است،
می‌آیند او از حسات او بر می‌دارند تا جایی که
حتی یک حسه هم برای او باقی نمی‌ماند. از آن
پس، اگر کسی پدید و حق خود را از او بخواهد، از
گناهان آن مرد پرسدشته می‌شود و به گناهان او افزوده
می‌شود. تا آن که وارد آتش شود۲۰۳۶. امام صادق ﷺ پیامبر خدا، از خوردن چیزی که مور
با دهان و پاهای خود حمل می‌کند، نهی فرمود۲۰۳۶ الإمام الصادق عليه السلام نهى رسول الله ﷺ أَنْ يُؤْكَلَ
مَا حَمَلَتْ النَّمْلَةُ بِعُيُوبِهَا وَقَوَائِمِهَا^۳

۲/ ۲۵ نَوْرُ الظُّلْمِ فِي ظُلُمَاتِ الْقِيَامَةِ

۲۰۳۷ رسول الله ﷺ اسْقُوا الظُّلْمَ؛ فَإِنَّهُ ظُلُمَاتٌ يَوْمَ
الْقِيَامَةِ^۴۲۰۳۸. عَنِ اللَّهِ إِيَّاكُمْ وَالظُّلْمَ؛ فَإِنَّ الظُّلْمَ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ
الظُّلُمَاتُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۵

۲/ ۲۵ بخش ظلم در ظلمات‌های قیامت

۲۰۳۷ پیامبر خدا ﷺ از ظلم کردن بپرهیزد، که آن،
ظلمت‌های روز قیامت است۲۰۳۸. پیامبر خدا ﷺ: زنده‌ار از ظلم؛ زیرا ظلم نزد
خداوند، همان ظلمات روز قیامت است.

۱ ال عمران ۵۷

۲ نهاية البداية والنهاية ج ۲ ص ۵۵

۳ الکافی، ج ۵ ص ۳۰۷ ح ۱۱

۴ الکافی، ج ۲ ص ۱۳۲ ح ۱۱

۵ التمهيد ص ۱۷۶ ح ۳۵

۳/۲۵ انواع الظُّلُم

۲۰۳۹ رسول الله ﷺ الدَّيُّونُ عِنْدَ اللَّهِ ثَلَاثَةٌ دَيُّوَانٌ لَا يَمْنَأُ اللَّهُ بِهِ شَيْئاً، وَدَيُّوَانٌ لَا يَتْرُكُ اللَّهُ مَعَهُ شَيْئاً، وَدَيُّوَانٌ لَا يَمُورُهُ اللَّهُ، فَأَمَّا الدَّيُّوَانُ الَّذِي لَا يَمُورُهُ اللَّهُ فَالشِّرْكُ بِاللَّهِ قَالَ اللَّهُ ﷻ: ﴿وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ﴾^۱

وَأَمَّا الدَّيُّوَانُ الَّذِي لَا يَمْنَأُ اللَّهُ بِهِ شَيْئاً فَظُلْمُ الْقَبِيلِ نَفْسُهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ رَبِّهِ، مِنْ صَوْمٍ يَوْمٍ نَرَكُهُ، أَوْ صَلَاةٍ مَرَكَهَا، فَإِنَّ اللَّهَ ﷻ يَمُورُهُ ذَلِكَ وَيَتَحَارَّرُ مِنْ شَأْنٍ وَأَمَّا الدَّيُّوَانُ الَّذِي لَا يَتْرُكُ اللَّهُ مَعَهُ شَيْئاً فَظُلْمُ الْعِبَادِ بَعْضَهُمْ بَعْضاً، الْفَصَاحُ لَا مَحَانَةَ.^۲

۴/۲۵ أَشَدُّ الظُّلُمِ

۲۰۴۰ رسول الله ﷺ أَشَدُّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى مَنْ ظَلَمَ مَنْ لَا يَجِدُ بَاصِراً عِزَّ اللَّهِ^۳

۲۰۴۱ عَنْهُ ﷺ يَقُولُ اللَّهُ ﷻ: أَشَدُّ غَضَبِي عَلَى مَنْ ظَلَمَ مَنْ لَا يَجِدُ بَاصِراً غَيْرِي^۴

۵/۲۵ دُمَامَةُ الظُّلَمِ

الكتاب

﴿وَيُؤْمِ بِعَفْوَ الظُّلَمِ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَنْتِظُنِي أَخْلُتُ
بِغِ الْرُّسُولِ سَبِيلاً﴾^۵

۱ المائدة ۷۲

۲ مستدرک حبل ج ۱ ص ۸۲ ح ۲۶۰۹۰

۳ کنز العمال ج ۳ ص ۵۰۰ ح ۷۶۰۵

۴ الامالی للطوسي ص ۱۰۵ ح ۹۰۸

۵ القرآن ۲۷

۳/۲۵ انواع ستم

۲۰۳۹ پیامبر خدا ﷺ دیوان‌های اعمال مرد خداوند ﷻ سه گونه‌اند: دیوانی که خداوند به آن هیچ اعتنایی نمی‌کند، دیوانی که خداوند از آن چیزی را فرو نمی‌گذارد، و دیوانی که خداوند آن را نمی‌بخشد. دیوانی که خداوند آن را هرگز نمی‌بخشد، شرک به خداوند است. خداوند ﷻ فرموده است: ﴿مَنْ كَانَ بِهِ شِرْكٌ دَرَزَ، هَمَانَا خَدَاوَدَ مَهْتٌ رَابِعاً وَحَرَامٌ مِي كُنْدَ﴾

اما دیوانی که خداوند به آن هیچ اعتنایی نمی‌کند، ظلم بنده به خود است در کارهایی که به رابطه او و خدا مربوط می‌شود؛ مانند نگرش روزه‌ای، یا نمازیدن نمازی خداوند ﷻ. گر بخواهد، اینها را نمی‌بخشد و گذشت می‌کند و اما دیوانی که خداوند بکسی بخشد چیزی از آن را فرو نمی‌گذارد، ستم‌بندگان به یکدیگر است که چاره‌ای جز قصاص ندارد

۴/۲۵ سخت‌ترین ستمکاری‌ها

۲۰۴۰ پیامبر خدا ﷺ، حشم خداوند بر آن که به کسی ستم می‌کند که یاوری جر خدا ندارد، سخت است

۲۰۴۱ پیامبر خدا ﷺ خداوند ﷻ می‌فرماید: حشم من بر آن که به کسی ستم کند که یاوری جر من ندارد، سخت است

۵/۲۵ پشیمانی ستمگر

قرآن

﴿و [رستاهیز] روزی است که ستمکار، دست‌های خود را می‌گردد [و] می‌گوید: ای کاش بنا پیامبر، راهی بر می‌گرفتم﴾

الحدیث

حدیث

۲۰۴۲ رسول الله ﷺ الظُّلُمُ ثَلَاثَةٌ^۱

۲۰۴۲ پیامبر خدا ﷺ ستم کردن، پشیمانی دارد

۶/۲۵ علاماتُ الظُّلُمِ

۶/۲۵ نشانه‌های ستمگر

۲۰۴۳ رسول الله ﷺ لِلظَّالِمِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ يَظْهَرُ مِنْ دُونِهِ بِالْحَلِیَّةِ، وَمِنْ قُوَّةٍ بِالْمَعْصِيَةِ، وَيُظَاهِرُ الظُّلْمَةَ^۲

۲۰۴۳ پیامبر خدا ﷺ ستمگر، سه‌شانه دارد. ریزدست خود را از طریق زور مظهر می‌کند، فرادست خود را از طریق مافرومانی به ستوه می‌آورد، و پشیمان ستمگران است

۷/۲۵ التَّحْذِيرُ مِنْ إِعَامَةِ الظَّالِمِ

۷/۲۵ هشدار درباره یاری دادن ستمگر

الكتاب

قرآن

﴿قَالَ رَبِّ بِمَا أَتَعَذَّبُ عَلَىٰ فُلَانٍ أَتَمُورُ بِهِ؟﴾

﴿پرسی [گفت: دهروردگار! به [پاس] معنی که هر من

تَلْمِذِهِمْ؟﴾^۳

لورتنی دشمنی، هرگز پشیمان مجرمان نخواهم بوده﴾



الحدیث

۲۰۴۴ رسول الله ﷺ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ سَادَىٰ مُسَادٍ

۲۰۴۴ پیامبر خدا ﷺ چگون روز قیامت شود، ندا

أَيُّ الظُّلْمَةِ وَأَعْوَانُهُمْ؟ مَنْ لَا لَهُمْ دَوَاءٌ، أَوْ رِبَطٌ لَهُمْ

دهدای ندا می‌دهد: «کجایند ستمگران و یاران

كَيْسًا، أَوْ مَدُّ لَهُمْ مِدَّةٌ فَلَمْ، فَأَحْشَرُوهُمْ مَعَهُمْ^۴

آنها؟ هر کسی که دوانی برای آنان لایقه کرده، یا سر

۲۰۴۵ عنه ﷺ مَنْ أَعَانَ ظَالِمًا سَلَّطَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ^۵

کیسه‌ای را برای آنان بسته، یا قلمی برای آنان در

مرکب فرو برده است، اینان را نیز با ستمگران

محشور کیداء.

۸/۲۵ الحثُّ على إعانة المظلوم

۲۰۴۶ رسول الله ﷺ مَنْ أَخَذَ لِلْمَظْلُومِ مِنْ ظَالِمٍ كَارًا

۲۰۴۶ پیامبر خدا ﷺ هر که به ستمگری کمک کند،

تَمَيَّنَ فِي الْجَنَّةِ مُصَاجِبًا^۶

جلالتند همو را بر روی مسلط می‌گرداند

۲۰۴۷ عنه ﷺ - فَيَذَكِّرُ مَا حَاطَبَ اللَّهُ تَعَالَىٰ بِهِ

۸/۲۵ تشویق به یاری ستم‌دیده

۲۰۴۸ پیامبر خدا ﷺ هر که داد ستم‌دیده را از ستمگر

نگیرد، در بهشت، یار و همنشین من خواهد بود.

۲۰۴۹ پیامبر خدا ﷺ خلدوا لله ﷻ به داود ﷺ وحنی

فرمود که: «ای داود! هیچ بنده‌ای نیست

^۱ بهار الأنوار ج ۷۵ ص ۳۲۲ ح ۵۲^۲ کتاب من لا یحضره الفیه ج ۴ ص ۳۶۱ ح ۵۷۱۲^۳ القصص ۱۷^۴ لوب الأعمال ص ۳۰۹ ح ۱^۵ کنز العمال ج ۳ ص ۴۹۹ ح ۷۵۹۳^۶ کنز العمال ج ۱ ص ۱۳۵

دَوْدُودٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ - يَا دَاوُدَ، إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عِبِدِي يُعْرَى
مَظْلُوماً أَوْ يَمْشِي مَعَهُ فِي مَظْلِمَتِهِ إِلَّا أَتَيْتُ قَدْتِيهِ
يَوْمَ نَزَلُ الْأَقْدَامُ^۱

الفصل السادس والعشرون. سوء الظن

۱ / ۲۶، تَحْرِيمُ سُوءِ الظَّنِّ بِالْمُؤْمِنِ

الكتاب

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ
الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَئِنْ جَسَّوْا^۲

الحديث

۲۰۱۸ رسول الله ﷺ إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ، فَإِنَّ الظَّنَّ كَذِبٌ
الْكَذِيبُ^۳

۲۰۱۹ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنَ أَسَاءَ بِأَخِيهِ الظَّنَّ فَقَدْ أَسَاءَ سِرَّهُ. إِنَّ
اللَّهَ سَالِي يَمُولُ ﴿اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ﴾^۴

۲ / ۲۶، التَّحْذِيرُ مِنْ سُوءِ الظَّنِّ بِإِثْمِهِ

الكتاب

﴿وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرَأَيْتُمْ فَأَخَذْنَاهُمُ
مِّنَ الْخُسُوفِ﴾^۵

الحديث

۲۰۲۰ رسول الله ﷺ رَأَيْتُ رَجُلًا مِّنْ أُمَّتِي عَلَى الصُّرَاطِ
يَرْتَعِدُ كَمَا تَرْتَعِدُ السَّعْفَةُ فِي يَوْمٍ رِيحٍ عَاصِفٍ، فَجَاءَهُ

۱ التذكرة ج ۳ ص ۱۲ ۲ الحجرات ۱۲

۳ قرب الإسلا ص ۲۹ ح ۹۱

۴ التذكرة ج ۳ ص ۱۹۷ ح ۷۵۸۷

۵ فصل ۲۳

که ستم‌دیده‌ای را پیری رساند یا در ستمی که
بر او رفته، هملردی کند، مگر این که گام‌های او را
در آن روزی که گام‌ها می‌لرزد، استوار نگه
دارم

فصل بیست و ششم. بدگمانی

۱ / ۲۶، ممنوعیت بدگمانی به مؤمن

قرآن

﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها
پرهیزید﴾ [پرا] که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است، و [در
زندگی و احوال دیگران] توجس نکنید﴾

حدیث

۲۰۲۸ پیامبر خدا ﷺ از گمان پرهیزید^۱ زیرا گمان،
توجس قریب دروغ است

۲۰۲۹ پیامبر خدا ﷺ هر که به برادر خود گمان‌بد ببرد،
به پروردگارش گمان‌بد برده است؛ زیرا خداوند
متعال می‌فرماید ﴿از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید﴾

۲ / ۲۶، هشدار درباره بدگمانی به خداوند

قرآن

﴿و هبیب بود گمانتان که درباره پروردگارتان برده‌ید، شما را
هلاک کرد و از رستگارتان شدید﴾

حدیث

۲۰۲۰ پیامبر خدا ﷺ، یکی از مردان امت خود را دیدم
که بر صراط، مانند شاحه خشکیده درخت
حرمه در یک روز توفانی، می‌لرزد. در این
هنگام، خوش‌گمانی او به خداوند، لرزش او را

حَسُنَ ظَنُّوْا بِاللّٰهِ فَسَكَنَ رَعْدَتَهُ ۱

آرامش بخشید

الفصل السابع والعشرون العجب

فصل بیست و هفتم خود پسندی

۱ / ۲۷ الْعُجْبُ يُوجِبُ الْهَلَاكَ

۱ / ۲۷ خود پسندی، سبب هلاکت می‌شود

۲۰۵۱. رسول الله ﷺ أَوْحَىٰ اللَّهُ تَعَالَىٰ إِلَىٰ دَاوُدَ: يَا

۲۰۵۱ پیامبر خدا ﷺ خداوند متعال به داوود علیه السلام وحی

فرمود: ای داوود! گنهکاران را بشارت بده و راست‌کرداران را هشدار.

دَاوُدُ بَشَّرَ الْمُنْذِرِينَ، وَأَنذَرَ الصُّدِّيقِينَ، قَالَ: كَيْفَ

أُبَشِّرُ الْمُنْذِرِينَ وَأَنذِرُ الصُّدِّيقِينَ؟ قَالَ: يَا دَاوُدُ بَشِّرِ

گفت: چگونه گنهکاران را بشارت دهم و راست‌کرداران را هشدار؟

الْمُنْذِرِينَ بِأَنِّي أَقْبِلُ النَّوْثَةَ وَأَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ، وَأَنذِرِ

الصُّدِّيقِينَ أَنَّهُ لَا يَقْبَحُوا بِأَعْمَالِهِمْ، فَإِنَّهُ لَيْسَ عَبْدٌ

خداوند فرمود: ای داوود! گنهکاران را به این بشارت بده که من، توبه را می‌پذیرم و گناه را

می‌بخشایم. راست‌کرداران را باین هشدار بده که به کردار خود حشود نگردد؛ زیرا هیچ بنده‌ای

يَتَعَبَّبُ بِالْحَسَنَاتِ إِلَّا هَلَكَ. ۲

۲۰۵۲. عَنْهُ ﷺ إِنَّمَا السُّهْلُكَاتُ مَشْعُ مُطَاعٌ وَهُوَ

بسیست که از کارهای خوشی دچار خود پسندی شود، مگر آن که هلاک می‌گردد.

مُشْعٌ، وَإِعْجَابٌ نَفَرٌ بِهِ ۲

۲ / ۲۷ دَمُ تَرْكِيَةِ النَّفْسِ

۲۰۵۲ پیامبر خدا ﷺ اما عوامل نابود کننده، عاربانند

از سرمایی از بخل، پیروی از هوس، و خود پسندی

وَأَنْتُمْ تَرَىٰ إِلَىٰ الْغَيْرِ يُرْكُونَ أَنْفُسَهُمْ بِئِذَا لَمْ يَرْجُوا

بِنَاءً وَلَا يُبْتَغُونَ فِتْلَةً ۱

۲ / ۲۷. مگوشتن خودستایی

الحدیث

قرآن

﴿آیا به کسانی که خیرش را پاک می‌شمارند،

مگریستنی؟ [چنین نیست!] بلکه خداست که هر که را

بخواهد پاک می‌گرداند و به قدر بخ روی هسته خرمایی

۲۰۵۳ رسول الله ﷺ مِنْ قَالَ إِنِّي خَيْرُ النَّاسِ هُوَ

مِنْ شَرِّ النَّاسِ، وَمَنْ قَالَ إِنِّي فِي نَجْوَىٰ هُوَ فِي

النَّارِ ۱

ستم می‌پسند

حدیث

۲۰۵۳ پیامبر خدا ﷺ هر که بگوید: من از همه مردم،

بهترم، بدترین مردم است و هر که بگوید: من

بهشتی هستم، دور حق است.

۱ الأملی للصدوق ص ۳۰۲ ح ۳۴۲

۲ عده الداعی ص ۲۲۲

۳ المصمم الأوسط ج ۶ ص ۱۷

۴ الفاء ۴۹

۵ النوادر للرازی ص ۱۰۷ ح ۸۶

الفصل الثامن والعشرون: العجلة

۱/۲۸ دَمُّ الْعَجَلَةِ

الكتاب

﴿وَيَذُغُ الْإِنْسَانُ مَلَشَرَهُ نُهَاءً دُرَّ بِالْفَخْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا﴾^۱

الحديث

۲۰۵۴ رسول الله ﷺ إِنَّمَا أَهْلَكَ النَّاسَ الْعَجَلَةُ، وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ تَوَكَّلُوا لَمْ يَهْلِكْ أَحَدٌ^۲

۲/۲۸ مَدْحُ الْإِسْتِعْجَالِ فِي فُرْجِ الْحَبْرِ

الكتاب

﴿وَمَا أَغْنَىٰ عَنْ قَوْمِكَ مَنُوسِي * قَالَ هُمُ أَوْلَا لِحَطِي

الحديث

۲۰۵۵ رسول الله ﷺ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مِنَ الْخَيْرِ مَا يُعْجَلُ^۱
۲۰۵۶ عَنِ النَّوْذَةِ فِي كُلِّ شَيْءٍ حَسْرٌ إِلَّا فِي عَمَلِ الْآخِرَةِ^۲

الفصل التاسع والعشرون: التعذيب

۱/۲۹ الْمُنْهَى عَنْ تَعْدِيْبِ النَّاسِ

۲۰۵۷ رسول الله ﷺ يُقَالُ لِلرَّحَالِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

۱ الإسراء ۱۱

۲ المجلس ج ۱ ص ۲۶۰ ح ۶۹۷

۳ طه ۸۱ و ۸۲ ۴ التكملة ج ۲ ص ۱۴۲ ح ۱

۵ كنز العمال ج ۳ ص ۹۸ ح ۵۶۷۳

فصل بیست و هشتم: شتابکاری

۱/۲۸ مَكْوَهَشِ شَتَابَكَارِي

قرآن

﴿وَأَنسِلْ | هَٰئِن مَّوْنَهُ | خَيْرٌ رَّا فَرَا مِي خَوَانِدْ | بِشَامِدْ |
بَد رَا مِي خَوَانِدْ | وَ أَنسِلْ | هَمَوَارَه شَتَاب رَوده است﴾

حدیث

۲۰۵۴ پیامبر خدا ﷺ مردم را، در حقیقت، شتاب‌زدگی
به هلاکت افکنده است. اگر مردم آرام و از
شتابکاری به‌دور بودند، هیچ کس هلاک نمی‌شد.

۲/۲۸ مَسَائِشِ شَتَابِ دَرِ اسْتِفَادَه از فرصت‌های

خوب

قرآن

﴿مَسَائِشِ﴾ چه چیز تو را به عمله واداشت که بر قوت
[در آمدن به وعده‌گاه] پیشی بگیری. گفت: و آنرا
هم پنگ در پی من هستند و من، خود تعجیل کردم [و بر
آنرا پیشی جستم] تا تو عسوف شوی؛﴾

حدیث

۲۰۵۵ پیامبر خدا ﷺ حدالود، کار حیرتی را که یا
شاب صورت بگیرد، دوست دارد

۲۰۵۶ پیامبر خدا ﷺ درنگ کردن، در هر کاری خوب
است، مگر در کار آخرت.

فصل بیست و نهم: شکنجه

۱/۲۹ مَهِي از شکنجه دانی مردم

۲۰۵۷ پیامبر خدا ﷺ در روز قیامت، به پیدگان (مثل زمان

إِطْرَحُوا مِصَاهُكُمْ وَأَدْخِلُوا جَهَنَّمَ^۱.

۲۰۵۸ عَنْهُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُعَذِّبُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الَّذِينَ

يُعَذِّبُونَ النَّاسَ فِي الدُّنْيَا^۲.

۲/۲۹ النَّهْيُ عَنِ الصُّرْبِ وَالْفَقْلِ بِغَيْرِ حَقٍّ

۲۰۵۹ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنْ أَعْنَى النَّاسِ عَلَى اللَّهِ فَتَلَّ

غَيْرَ قَاتِلِيهِ، وَمَنْ صَرَبَ مَنْ لَمْ يَصْرِبْهُ^۳

۲۰۶۰ عَنْهُ عَلَيْهِ مَنْ لَطَمَ خَدَّ امْرِئٍ مُسْلِمٍ أَوْ وَجْهَهُ بَدَّدَ

اللَّهُ عَظَامَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَخُشِرَ مَطْلُوعًا حَتَّى يَدْخُلَ

جَهَنَّمَ، إِلَّا أَنْ يَكُوبَ^۴.

الفصل الثلاثون: الغدر

۱/۳۰ دَمُ الْغَدْرِ

۲۰۶۱ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - لِعَلِّيْ فِيمَا عَهْدَ إِلَيْهِ - وَإِيَّاكَ

وَالْعَدْرَ يَهْدِي اللَّهُ وَالْإِحْصَارَ لِدُعِيَّتِهِ^۱، فَإِنْ لَمْ يَجْعَلْ عَهْدَهُ

وَدُمَّتْهُ أَمَانًا أَمْصَاءُ بَيْنَ الْعِبَادِ بِرَحْمَتِهِ، وَالصُّبْرُ عَمَى

خَيْبِي تَرْجُو أَنْفِرَ جَهَنَّمَ خَيْرٌ مِنْ عَذْرِ ثَعَابٍ نَبِيَّةٍ بِرَحْمَتِهِ

وَسُوءَ عَاقِبَتِهِ^۲.

۲/۳۰ صِبْغَةُ حَشْرِ الْغَادِرِ

۲۰۶۲ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنْ يَكُلُّ عَادِرٌ لِّوَاءَهُ يُعْرِفُ بِهِ يَوْمَ

۱ کثر الصلح ج ۶ ص ۸۶ ح ۱۴۹۵۸

۲ کثر الصلح ج ۵ ص ۳۹۱ ح ۱۳۳۷۷

۳ الکافی ج ۷ ص ۲۷۱ ح ۲

۴ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۱۵ ح ۵۹۶۸

۵ دهانم الاسلام ج ۱ ص ۳۸

رکب سلاطین) گفته می‌شود: «تاریانه‌هایتان را
بیدار کنید و وارد دوزخ شوید».

۲۰۵۸. پیامبر خدا ﷺ خداوند کسی را که در دپ

مردم را شکجه می‌دهد، در روز قیامت، عذاب
می‌کند.

۲/۲۹ نهی از کتک زدن و کشتن به ناحق

۲۰۵۹. پیامبر خدا ﷺ: سرکش ترین مردم در برابر

خداوند ﷻ کسی است که غیر قاتل خود را بکشد
و کسی که غیر صارب خود را بزند

۲۰۶۰. پیامبر خدا ﷺ، هر که به گونه یا چهره شخص

مسلمانی میلی بزند، خداوند، استخوان‌های او

را که روز قیامت، خرد می‌کند و دست بسته

محلطور می‌شود تا آن که به جهنم برده شود، مگر

این که توبه کند

فصل سی: پیمان شکنی

۱/۳۰ نکوهش پیمان شکنی

۲۰۶۱. پیامبر خدا ﷺ - در سفارش به علی ﷺ - «زهار

که در پیمان خدا حیثیت کسی و امان او را بشکند،

ریا خداوند، پیمان و زهار خود را امانی قرار

داده که از روی رحمت و مهر خود، آن را در میان

بندگان به اجرا نهاده است. شکستنی در برابر

دشواری و تنگدستی که امید به برطرف شدن آن

دارد، بهتر از پیمان شکنی‌ای است که از پیامد

شوم و بد فرجام آن می‌ترسد

۲/۳۰ چگونگی محشور شدن پیمان شکن

۲۰۶۲. پیامبر خدا ﷺ: در روز رستاخیز، هر پیمان شکنی

الْقِيَامَةِ^۱

پرچمی دارد که با آن، شایسته می‌شود.

۲۰۶۳ عَمَهُ ﷺ أَلَا إِنَّهُ يُصَبِّحُ لِكُلِّ غَادِرٍ لَوَاءٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِقَدْرِ غَدْرِهِ^۲ ۲۰۶۴ پیامبر خدا ﷺ ملانید که روز قیامت، برای هر پیمان‌شکنی پرچمی به اندازه حیثیتی که کرده

است، برافراشته می‌شود

الفصل الحادي والثلاثون: العَشْر

فصل سی و یکم: دغلکاری

۱/۳۱ دُمُ الْعَشْرِ

۱/۳۱ مَكُوهَشْن دغلکاری

۲۰۶۲. پیامبر خدا ﷺ مسلمان، برادر مسلمان است و بر هیچ مسلمانی روا نیست کالای معیوبی را به برادرش بفروشد، مگر آن که او را از آن عیب، که دارد

۲۰۶۵ م پیامبر خدا ﷺ مؤمنان، با یکدیگر یک‌رنگ و پنهان‌اند، هر چند خانه‌ها و پیکرهایشان از هم دور باشند و با یکدیگر دغلکاری و حیانتکاری، هر چند خانه‌ها و پیکرهایشان نزدیک به هم باشد

۲۰۶۶ پیامبر خدا ﷺ از ما نیست کسی که با مسلمانی دغلکاری کند

۲/۳۱ پیامدهای دغلکاری

۲۰۶۷ پیامبر خدا ﷺ، هر که به برادر مسلمان خود عش روا دارد، خداوند برکت را از روزی او می‌گیرد و زندگی‌اش را بر وی تباه می‌گرداند و او را به خودش وامی‌گذارد

۲۰۶۸ پیامبر خدا ﷺ هر که در معامله با مسلمانان دغلکاری کند، روز قیامت با یهود محشور می‌شود زیرا آنان، دغلکارترین مردم نسبت به مسلمانان هستند

۲۰۶۱ رسول الله ﷺ الْمَسْمُومُ أَخُو الْمُسْلِمِ. وَلَا يَجِلُّ لِمُسْلِمٍ بَاعَ مِنْ أَخِيهِ تَبَاعاً فِيهِ عَيْبٌ إِلَّا يَشْتَهُ لَهُ^۳

۲۰۶۵ عَمَهُ ﷺ التَّوْمُونَ تَعْصُهُمْ لِبَعْضِ مَصَحَفِهِمْ وَأَثَرُونَ وَإِنْ تَعَدَّتْ مَسَارِلُهُمْ وَسَدَائِهِمْ. وَالْعَجْرَةُ بِمَعْصِهِمْ لِبَعْضِ عَشْرَةِ مَشَاعِدُونَ وَإِنْ أَفْرَبَتْ مَسَارِلُهُمْ وَأَبْدَانُهُمْ^۴

۲۰۶۶ عَمَهُ ﷺ لَيْسَ مِمَّا مِنْ عَشْرِ مُسْلِمًا^۵

۲/۳۱ آثَارُ الْعَشْرِ

۲۰۶۷ رسول الله ﷺ مَنْ عَشَّ أَحَاءَ الْمُسْلِمِينَ تَرَخَّ اللَّهُ عَنْهُ بَرَكَهَ رَحْمَةً، وَأَمْسَدَ عَلَيْهِ مَعِيشَتَهُ وَوَكَّنَهُ إِلَى هَبِيدٍ^۶

۲۰۶۸ عَمَهُ ﷺ مَنْ عَشَّ الْمُسْلِمِينَ حُسْرًا مَعَ الْيَهُودِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، لِأَنَّهُمْ أَعَشَّ النَّاسَ لِلْمُسْلِمِينَ^۷

۱ کثر العمل ج ۲ ص ۵۱۷ ح ۷۸۱

۲ کثر العمل ج ۳ ص ۵۱۷ ح ۷۸۲

۳ کثر العمل ج ۱ ص ۵۹ ح ۹۵

۴ الشریب والترهیب ج ۲ ص ۵۷۵ ح ۱۲

۵ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۳۷۳ ح ۳۹۸۶

۶ ثواب الأعمال ص ۳۳۷ ح ۱

۷ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۳۷۳ ح ۳۹۸۷

الفصل الثاني والثلاثون: الغضب

فصل سی و دوم، خشم

۱/ ۳۲. الغَضَبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ

۱/ ۳۲. خشم، کلید هر بدی است

۲۰۶۹. التَّوْغِيبُ وَالتَّوْهِيْبُ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِي قَالَ: لَا تَغْضَبْ قَالَ فَفَكَّرْتُ حِينَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا قَالَ، فَإِذَا الْغَضَبُ يَجْمَعُ الشَّرَّ كُلَّهُ.^۱

۲۰۶۹. التَّوْغِيبُ وَالتَّوْهِيْبُ - به نقل از مردی از اصحاب پیامبر ﷺ -، شخصی به پیامبر خدا گفت، به من سرفروشی بیا

پیامبر ﷺ فرمود، «حشمتگین شو»

ان مرد می‌گوید: من در سخن پیامبر خدا اندیشه کردم. دیدم که خشم، فراهم آورنده همه بدی‌هاست.

۲۰۷۰. رسول الله ﷺ: الْغَضَبُ يَقِيدُ الْإِيمَانَ كَمَا يُقِيدُ الْحَمْلُ الْقَسْلَ.^۲

۲۰۷۰. پیامبر خدا ﷺ: خشم، ایمان را تپه‌آویز می‌کند، همان‌گونه که سرکه، عمل را

۲/ ۳۲. الْحَثُّ عَلَى كَفِّهِ الْعَبِيْطِ

الكتاب

۳/ ۳۲. التَّوْبِيْقُ بِهٖ فَرُوْا خُوْرِدُنْ حَضَمِ

﴿وَالَّذِينَ يَجْتَمِعُونَ كَذِبَ الْإِثْمِ وَظُفُوحِشٍ وَرَبَا مَا يَحْمِلُونَ هُمْ يَنْفَرُونَ﴾^۳

قرآن

«و کسانی [مژسانی] که از گناهان بزرگ و زشتکاری‌ها خود را به دور می‌دارند و چون به خشم در می‌آیند، در می‌گذرند»

الحديث

۲۰۷۱. رسول الله ﷺ: مَنْ كَظَمَ غَيْظًا مَلَأَ اللَّهُ جَوْفَهُ إِيْمَانًا^۴
 ۲۰۷۲. عنه ﷺ: مَا تَجَرَّعَ عَبْدٌ جُرْعَةً أَفْضَلَ عِنْدَ أَقْوَمٍ جُرْعَةً غَيْظٍ كَظَمَهَا لِلَّهِ ابْتِمَاءً وَجْهَ اللَّهِ^۵

۲۰۷۱. پیامبر خدا ﷺ: هر که خشمی را فرو بخورد، خداوند، درون او را از ایمان، پر می‌کند.

حدیث

۲۰۷۲. پیامبر خدا ﷺ: بنده، هیچ جرعه‌ای را سر نکشد که مرد خدا برتر از جرعه خشمی باشد که به خاطر رضای خدا، آن را فرو بخورد

۳/ ۳۲. ذَوَاءُ الْغَضَبِ

۲۰۷۳. رسول الله ﷺ: - إِيْلِيَّ - يَا عَلِيُّ، لَا تَغْضَبْ، فَإِذَا غَضِبْتَ فَاقْعُدْ وَتَفَكَّرْ فِي قُدْرَةِ الرَّبِّ عَلَى الْعِبَادِ وَجَلَمِهِ عَنْهُمْ، وَإِذَا قِيلَ لَكَ: اتَّقِ اللَّهَ فَأَبِذْ غَضَبَكَ.

۳/ ۳۲. داروی خشم

۲۰۷۳. پیامبر خدا ﷺ: - به علی - ای علی! حشمتگین

شو و هرگاه به خشم آمدی، بشین و دربارۀ قدرتی که پروردگار بر بندگانش دارد و گذشتی که از آنها می‌کند، ببندیش و هرگاه به تو گفته شد: «از

۱ التَّوْغِيبُ وَالتَّوْهِيْبُ ج ۲ ص ۴۱۵ ح ۲

۲ التَّكَلُّفُ ج ۲ ص ۳۰۲ ح ۱ - ۳. الشُّرَى ۳۷

۴ الامالی للطوسی ص ۱۸۲ ح ۳۱۶

۵ کز العمال ج ۳ ص ۱۳۰ ح ۵۸۱۹

وراجع جملتك^۱.

حدّا بترس، حشمت را دور افکن و به گذشت و
بردباری خویش، مراجعه کن.

۴/۳۲ الغضبُ الممدوح

۴/۳۲ خشم ستوده

۲۰۷۴ الإمام علي عليه السلام كان [السي] لا يعصِبُ للديا
إِذَا أُعْصِيَهُ الْحَقُّ لَمْ يَعْرِفْهُ أَحَدٌ وَلَمْ يَقُمْ بِعَصِيَةِ شَيْءٍ
حَتَّى يَنْتَصِرَ لَهُ^۲

۲۰۷۴. امام علی علیه السلام: پیامبر حدّا برای دنیا به خشم
نمی آمد؛ اما هر گاه حق او را به خشم می آورد،
هیچ کس او را نمی شناخت و هیچ چیزی
نمی توانست جلوی خشم او را بگیرد تا آن گاه که
انتقام [حق را] می گرفت

الفصل الثالث والثلاثون الغفلة

۱/۳۳ التحذير من الغفلة

فصل سی و سوم غفلت

الكتاب

۱/۳۳ هشدار دوباره غفلت

«إِنَّمَا غَفِلْتُ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَخَشَفْنَا عَنْكَ غَطَاءَهُ
فَصَمَرَكَ الْيَوْمَ حَدِيدًا»^۳

قرآن

«[ا]ه او می گوید: [«واقعاً که از این [حال] سحت در
معصیت پدید می آید ولی ما پرده ها را از جلوی چشمات
برداشتیم و دهنات را بر روی تو بستیم»]

الحديث

۲۰۷۵ الإمام علي عليه السلام - في ذكر حديث معراج النبي ﷺ

قال الله تعالى: يا أحمد، أحفلَ هَمُّكَ هَمّاً واحداً
وأحفلَ سَأَلُكَ لِسَاناً واحداً، وأحفلَ بَدَنُكَ حَيّاً
لأنّك عني من يعمل عني لا أبالي بأبي وأبوك^۴

حدیث

۲۰۷۵ امام علی علیه السلام - در بیان حدیث معراج پیامبر ﷺ -
خداوند متعال فرمود: ای احمد! اهتمامت را یکی
کن و زبان را یک زبان ساز و بدنت را رنده دلار و
از من عاقل باش هر که از من عاقل باشد، اهمیتی
نمی دهم که در کدام وادی هلاک شود.

۲/۳۳ الغافلُ غَيْرُ مَعْفُولٍ غَمَةً

۲۰۷۶ رسول الله ﷺ غَضِبَ لِغَافِلٍ وَلَيْسَ بِمَعْفُولٍ غَمَةً،
وَعَجِبَ لَطَالِبِ الدُّنْيَا وَالْمَوْتُ يَطْلُبُهُ، وَعَجِبَ
لصَاحِبِ مِلَّةٍ فِيهِ وَهُوَ لَا يَدْرِي أَرْضَى اللَّهَ [غَمَةً] أَمْ
سَجِطَ لَهُ^۵

۲/۳۳ از غافل، عقلت نمی شود

۲۰۷۶ پیامبر خدا ﷺ در شگفتی از کسی که او غافل
است و از او عاقل بیشتند و در شگفتی از کسی که
در پی دنیا است، در صورتی که مرگ، در پی او است،
و در شگفتی از کسی که دهانش را به خنده
می گشاید، در حالی که نمی داند آیا خند [از او]
خمود است یا ناحشود!

۱ بحف الممدوح ص ۱۴ ۲ المسجد النبوي، ج ۵ ص ۳۰۳

۳ فی ۲۲

۴ إرشاد القلوب، ص ۱۹۹، ۲۰۵

۵ الامالي للمفيد ص ۷۵ ج ۹

۳/۳۳. أَغْفَلُ النَّاسِ

۳/۳۳. غافل‌ترین مردم

۲۰۷۷ رسول الله ﷺ أَغْفَلُ النَّاسِ مَنْ لَمْ يَتَغَيَّرْ
الدُّنْيَا مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ^۱

۲۰۷۷. پیامبر خدا ﷺ. غافل‌ترین مردم، کسی است که از
دگرگونی احوال دنیا پند نگیرد.

الفصل الرابع والثلاثون، الغيبة

فصل سی و چهارم: غیبت

۱/۳۴. السَّهْيُ عَنِ الْغَيْبَةِ

۱/۳۴. سهی از غیبت

الكتاب

قرآن

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اخْتَصِمُوا كَثِيرًا مِنْ أَلْطَفِ إِنْ بَعْضُ
الطُّفِ أَنْتُمْ وَلَا تَجَسَّسُوا﴾^۲.

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گناهان
بپرهیزید، [چرا] که پاره‌ای از گناهان گناه است و [در
زندگی و احوال دیگران] نجسس نکنید، و بعضی از شما
میبت بعضی را نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که
گوشت برادر مُرده‌اش را بخورد؟^۳ از آن گناهت دارید
[بله] از خدا بترسید که خدا توبه‌پذیر مهربان است»^۴

الحديث

حدیث

۲۰۷۸ رسول الله ﷺ قَرَرْتُ لَيْسَ أَسْرِي بِي عَمَلِي
قَوْمٌ يَخْمِثُونَ وَجُوهَهُمْ بِأَطْعَامِهِمْ، فَقَدْ كَلِمَةً
جبرئيل، مَنْ هَؤُلَاءِ؟ قَالَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَخْمِثُونَ
النَّاسَ وَيَقْعُونَ فِي أَعْرَاسِهِمْ^۵

۲۰۷۸. پیامبر خدا ﷺ در شبِ مصرع، مردمی را دیدم
که چهره‌های خود را با ناخن‌هایشان می‌خراشند.
پرسیدم «ای جبرئیل! اینها کیستند؟»^۶
گفت: اینها کسانی هستند که هیبت مردم را
می‌کند و آبرویشان را می‌برد.

۲۰۷۹ عَنْهُ عَلَيْهِ تَرَكُ بِصِيَّتِهِ أَحَدًا إِلَى اللَّهِ فَمِنْ عَشْرَةِ
آلاف رَكْعَةٍ تَطْلُوْعًا^۷

۲/۳۴. الْغَيْبَةُ وَالذَّيْنُ

۲۰۸۰ رسول الله ﷺ الْغَيْبَةُ أَسْرَعُ لِي دَيْسِ الرَّجُلِ
الْمُسْلِمِ مِنْ لَاكَلَةٍ فِي جُودِهِ^۸

۲۰۷۹. پیامبر خدا ﷺ غیبت نکردن نزد خداوند ﷻ،
محبوب‌تر از ده هزار رکعت نماز مستحبی است.

۲۰۸۱ عَنْهُ عَلَيْهِ مَنِ اغْتَابَ مُسْلِمًا أَوْ مُسْلِمَةً لَمْ يَقْبَلْ
اللَّهُ صَلَاتَهُ وَلَا صِيَامَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَلَيْتَهُ، إِلَّا أَنْ يَعْمُرَهُ

۲/۳۴. غیبت و دین
۲۰۸۰. پیامبر خدا ﷺ، غیبت کردن، در [نابودی] دین
مرد مسلمان، رودتر کارگر می‌افتد تا بیماری
حوره در اندرون او.

۱ الامالی للصدوق ص ۷۲ ح ۴۱

۲ الحجرات، ۱۲، ۳ تنبيه الخواطر ج ۱ ص ۱۶۵

۳ الدعوات ص ۲۹۳ ح ۱۴

۴ الکافی ج ۲ ص ۳۵۷ ح ۱

۲۰۸۱. پیامبر خدا ﷺ هر کسی از مرد یا زن مسلمانی

عیب کند، خداوند آن چهل شبانه روز، نماز و

صاحبه^۱.

روره او را نمی‌پذیرد، مگر این که غیبت شونده او را ببخشد.

۳/۳۱ تفسیر الغیبه

۳/۳۲ معنای غیبت

۲۰۸۲ رسول الله ﷺ العیبه أن تذكّر الرجل بما فيه من خلایه.^۲

۲۰۸۲ پیامبر خدا ﷺ: عیبت، آن است که آنچه [از عیب]

در کسی هست، پشت سر او بگویی

۲۰۸۳ عنه ﷺ من ذکر رجلاً بما فيه فقد اعابته^۳

۲۰۸۳ - پیامبر خدا ﷺ هر کس از کسی چیزی بگوید

که در او هست، عیبتش را کرده است.

۴/۳۴ من يجوز اغتیابه

الكتاب

۴/۳۳ کسی که غیبتش رواست

قرآن

﴿لَا يَجِثُ اللَّهُ الْجَبْرُ بِالشُّوْءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ

اللَّهُ شَهِيدًا عَلَيْهِ﴾^۴

الحدیث

﴿خلفورد. پانگ برداشش به پندرانی را دوست ندارد، مگر

[او] کسی که بر او ستم رفته باشد، و خدا شرای

دست﴾

۲۰۸۱ رسول الله ﷺ ثلثه ليس عليهم عیبه: من

جهر بفسقه، ومن جار فی حکمه، ومن حالفه فقولکم^۵ حدیث

قبله^۶

۲۰۸۲ پیامبر خدا ﷺ سه مورد که بدگویی از آنها

عیبت نیست کسی که گناه خود را آشکارا انجام

دهد؛ کسی که در داوری (حکومت) بی‌عدالتی

وردد؛ و کسی که گفتارش خلاف کردارش باشد

۲۰۸۵ عنه ﷺ ليس للماسي عیبه^۷

۲۰۸۶ عنه ﷺ ليس للماخر عیبه^۸

۲۰۸۵. پیامبر خدا ﷺ ماسق، عیبت ندارد

۲۰۸۶ پیامبر خدا ﷺ ماخر، عیبت ندارد.

۱ جامع الأخبار ص ۴۱۲ ح ۱۱۶۱

۲ كنز العمال ج ۳ ص ۵۸۴ ح ۸۰۱۲

۳ كنز العمال ج ۳ ص ۵۸۷ ح ۸۰۲۳

۴ النساء ۱۱۸

۵ تنبيه الخواطر ج ۲ ص ۲۵۲

۶ كنز العمال ج ۳ ص ۵۹۵ ح ۸۰۷۱

۷ كنز العمال ج ۳ ص ۵۹۶ ح ۸۰۷۵

توضیحی درباره انواع عیبت

فقیه بزرگوار شیخ رین الدین عایینی معروف به شهید ثانی^۱ در بیان اقسام عیبت می‌گوید: چون دانسی که مراد از عیبت، این است که درباره برادرت چیزی بگویی که اگر به گوش او برسد، یا به خودش بگویی، یا به او گوشورد کنی، ناراحت می‌شود، اینک بدان که این عیبت شامل ذکر عیب و نقص جسمی، خانوادگی، اخلاقی، رفتاری، گفتاری، دینی و دنیایی او و حتی معایب لباس و خانه‌اش می‌شود.

ذکر معایب نژادی و خانوادگی، مانند این که بگویی: پندوش فاسق یا پلید یا حسیس یا پیه‌دور یا بهانه‌دار است، و هر چیز دیگری از این دست که خوشش نیاید.

ذکر معایب اخلاقی مانند این که بگویی: بداخلاق است، دغیب است، و امثال اینها.

معایب رفتاری که به مسائل دینی مربوط می‌شود، مثل این که بگویی: درد است، دروغ‌گوست، شرابخوار است، حیاسکار است، مسمگر و حق‌گش است، به معنی نمی‌دهد.

معایب رفتاری مربوط به مسائل دنیوی، مانند این که بگویی: بی‌ادب است، مردم را تحقیر می‌کند، برای هیچ کس بر خود، حق قائل نیست، پُر حرف است، پُر حور است، پُر خوب است، جدی نشستنش را در مجلس بلد نیست و امثال اینها.

و اما عیب‌گویی از لباس او عبارت از این است که مثلاً بگویی: آستین‌هایش گشاد است، درازدامن است، لباس‌هایش کثیف و چرکین است و حراینها.

بدان که عیبت کردن به زبان منحصر نمی‌شود؛ بلکه عیبت ربانی از پس رو حرم شده که سبب فهماندن عیب و نقص برادرت به دیگران و معرفی کردن او به صفتی است که خوشش نمی‌آید.

باینکه این، گوشه و کایه ردن بر مانند آشکارا گفتن است و با عمل این کار را کردن، مانند گفتن و اشاره و ایم و چشم و برو جنباندن و کایه زدن و حرکات دست است و خلاصه، هر عمل و حرکتی که رساننده مقصود باشد، داخل در عیبت است و با عیبت زبانی فرق می‌کند.

تصید و ادای رفتار دیگران را در آوردن، مانند این که در راه رفتن ادای افراد لنگ را در آوری، این بر عیبت و بلکه بدتر از عیبت است.

۱. وی از بزرگان معنوی امامیه است که در سال ۹۶۶ ق، در راه وطنیه در ساحل دور به شهادت رسید.

یکی از رشت‌ترین و پلیده‌ترین انواع عیبت آن است که افراد متصف به فهم و دانش، اما ریاکار، عیبت کنند؛ زیرا این اشخاص در ریر نقاب پاک‌دامنی و پرهیزگری، مقصود خود را می‌فهمانند تا هم دامن خود را از غیبت، پاک‌شان دهد و هم مقصودشان را برسانند. پس در این نوع عیبت که با این عمل خود، هم‌زمان دو کار رشت انجام داده‌اند؛ ریا و عیبت. برای مثال، در حضور چنین شخصی ر کسی سخن به میان می‌آید و او می‌گوید: «خدا را شکر که ما را به ریاست طلبی یا دنیا دوستی یا فلاں خصوصیت مبتلا نکرد» یا می‌گوید: «پناه به خدا از بی‌شرمی و بی‌توفیقی»

یکی دیگر از موارد عیبت، این است که گاهی وقت، فرد از کسی که می‌خواهد عیبتش را بکند، در ابتدا تعریف و تمجید می‌نماید مثلاً می‌گوید: «خوش به حال فلانی! در عبادات کوتاهی نمی‌کند، اما گاه دست‌خوش سستی در عبادت می‌شود و مثل همه ما کم صبر و حوصله می‌شود»

یکی دیگر از انواع عیبت، این است که شخصی ر کسی عیب‌جویی کند و بعضی حاضران به او توجه نکنند و او برای حسب توجه آنها و این که به سخنان او گوش ندهند، می‌گوید: «سبحان الله!» عیبت است! خداوند سبحان را یاد می‌کند و نام او را ابراری برای تحقق بخشیدن به نیت، حاصل و پدید خود می‌کند و از روی جهل و غفلت، بر حد سب می‌نهد که ذکر او را گفته است

سر از حمة عیبت است، این که بگوید: «از فلانی چنین تعذیبی سر د و نه فلاں ملا مشلا شد» یا بگوید: «از رفیق دوست ما، فلاں کار نادرست، سر زد در خلایع و او را بهشت شد»، او اظهار دع و همدردی و دوستی و رفاقت می‌کند؛ اما خدا از نیت پلید و باطن نادرست او آگاه است

یکی از اقسام عیبت با پیدا، گوش دادن به عیبت است، با اظهار تعجب و شگفتی، و شخص، هدوش از اظهار تعجب، این است که شخص عیبت‌کننده را به شایط آورد تا بیشتر عیبت کند گویی با پس‌روشن، اردهاں او عیبت می‌کشد مثلاً می‌گوید: «از حرف‌هایی که ردی بخت می‌کم! تا به حال خبر نداشته‌ام نمی‌دانسم فلانی چنین آدمی است». او با این کار می‌خواهد سخنان عیبت‌کننده را تصدیق کند و با چرب‌زبانی کاری کند که بیشتر عیبت کند. در حالی که تصدیق عیبت، خود عیبت است. حتی گوش کردن به عیبت و بلکه سکوت کردن هنگام شنیدن عیبت نیز عیبت است^۱

۵/۳۴. الْحَثُّ عَلَى زَدِّ الْغَيْبَةِ

۵/۳۲. تَضْوِيقُ بِهِ وَانْكَشَافُ فِي بَرَاهِرِ غَيْبَتِ

۲۰۸۷ رسول الله ﷺ: مَنْ تَطَوَّلَ عَلَى أُخِيهِ فِي غَيْبَةِ شَيْئٍ مِنْهَا فِيهِ فِي مَجْلِسٍ فَرَدَّهَا عَنْهُ، زَدَّ اللَّهُ عَنْهُ أَنْفَ بَابِ مِنَ السُّوءِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ^۱

۲۰۸۷. پیامبر خدا ﷺ: هر کس در مجلسی بشتود که از برادرش عیت می‌شود و آن را از او دفع کند، خداوند، هزار باب بدی را در دنیا و آخرت، از او دفع می‌کند.

۲۰۸۸ عَنْهُ ﷺ مَنْ أَعْتَبَتْ عِدَّةَ أَخُوهُ الْمُسْلِمِ، فَاسْتَطَاعَ نَصْرَهُ فَلَمْ يَنْصُرْهُ، حَادَلَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ^۲

۲۰۸۸. پیامبر خدا ﷺ: هرگاه در حضور کسی از برادر مسلمانش عیت شود و او بتواند یاری‌اش دهد؛ اما به یاری (دفاع) از او بپرهیزد، خداوند در دنیا و آخرت، تنه‌ایش می‌گذارد.

۶/۳۴. كَفَّارَةُ الْاِغْتِيَابِ

۶/۳۲. كَفَّارَةُ غَيْبَتِ

۲۰۸۹ رسول الله ﷺ: كَفَّارَةُ مَنْ اِعْتَبَتْ أَنْ تَنْصُرَ لَهُ^۳

۲۰۹۰ عَنْهُ ﷺ إِذَا عَاتَبَ أَحَدُكُمْ أَحَدًا فَلَيْسَ تَعْبِيرُ اللَّهِ، فَإِنَّهَا كَفَّارَةٌ لَهُ^۴

۲۰۸۹. پیامبر خدا ﷺ: کفاره [گناه] کسی که غیبتش را کرده‌ای، این است که برایش آمرزش بطلی.
۲۰۹۰. پیغمبر خدا ﷺ: هر گاه یکی از شما عیت برادرش را بگذارد، خداوند آمرزش بطلد؛ زیرا این، کفاره گناه اوست.

الفصل الخامس والثلاثون. القتل

۱/۳۵. حُرْمَةُ قَتْلِ النَّفْسِ

فصل سی و پنجم کشتن

الكتاب

﴿وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءُ لَهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا﴾^۵

۱/۳۵. حرام بودن آدم‌کشی

قرآن

الحديث

۲۰۹۱ رسول الله ﷺ: أَوَّلُ مَا يَحْكُمُ اللَّهُ فِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الدِّمَاءُ، فَيُؤَقِّفُ ابْنِي آدَمَ فَيُفَصِّلُ بَيْنَهُمَا، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمَا مِنْ أَصْحَابِ الدِّمَاءِ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْهُمْ أَحَدٌ.

﴿و هر کس عداً مؤمنی را بکشد، کهلش دورخ است که در آن، مانند گاو خرامد برود و خدا بر او خشم می‌گیرد و لعنتش می‌کند و حدایی بزرگ برپیش آمده ساخته است﴾

حدیث

۲۰۹۱. پیامبر خدا ﷺ: نخستین چیزی که خداوند در روز قیامت درباره آن به داوری می‌پردازد، [رحمت] خون است. خدا، دو فرزند آدم ﷺ (هابیل و قابیل) را نگاه می‌دارد و بین آنها داوری می‌کند، سپس، میان کسانی که بعد از آنها آمده‌اند و دعوای خونی دارند،

۱. الأملی للصدوق ص ۵۱۶ ح ۷۰۷

۲. کتاب من لا یحضره الفقه ج ۱ ص ۳۷۲ ح ۵۷۶۲

۳. کفر العمال ج ۲ ص ۵۸۸ ح ۸۱۳۶

۴. کفر العمال ج ۳ ص ۵۸۸ ح ۸۱۳۷

۵. النساء ۹۳

فَمَ الْإِنْسَانُ بِعَدِّ ذَلِكَ حَسْبَى يَأْتِيهِ مَقْتُولٌ بِعَاقِبِهِ،
فَيَنْشَقُّ فِي ذِمَّةِ وَجْهَهُ بِمَوْلٍ هَذَا قَتَلَنِي، فَيَقُولُ
أَنْتَ فُلَانَةٌ؟ فَلَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَكُفُّهُ اللَّهُ حَدِيثاً

۲۰۹۲ عنه ﷺ لَرَوَّالِ الدِّبَا حَمِيعاً أَهْوَى عَنِ اللَّهِ بِسَدِّ
سُفْلِكَ بِغَيْرِ حَقٍّ ۱

۲۰۹۳ الإِسْمَ رَيْنَ الْعَابِدِينَ ﷺ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
لَا يَمُرُّكُمْ رَحْبُ الدَّرَاعِي بِالْأَمِّ، فَإِنْ لَدَّ عِنْدَ
اللَّهِ قَاتِلٌ لَا يَمُوتُ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا عَنِ
لَا يَمُوتُ؟ فَقَالَ الْبَازُ ۲

۲/۳۵ مَا يَحِلُّ مِنَ الْقَتْلِ

۲۰۹۴ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا يَحِلُّ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ تَشْهَدُ لَهُ لَا إِلَهَ
إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّى رَسُولُ اللَّهِ إِلَّا بِأَحَدٍ ثَلَاثٍ رَحْلٌ دَمِي
بَعْدَ إِحْصَائِ مَائَةِ بَرٍّ حَسَنٍ، وَرَحْلٌ حَرْجٌ مُعَارَاةً فِي
رَسُولِهِ فَإِنَّهُ يُقْتَلُ، أَوْ بَهْلَتٌ، أَوْ بُعِي مِنْ الْأَرْضِ،
أَوْ يَقْتُلُ بَعْضُ بَعْضٍ بَهَا ۳

۲۰۹۵ عنه ﷺ لَا يَحِلُّ دَمُ إِلَّا مِثْلِ ثَلَاثٍ نَهْبٍ بِالْبَسِ،
وَالثَّيْبُ الرَّامِي، وَانْفِرَتْ عَنِ الْإِيمَانِ ۴

۳/۳۵ تَحْرِيمُ قَتْلِ الْإِنْسَانِ بِنَفْسِهِ

الکتاب

﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيماً﴾ ۵

حکم می‌شود، تا جایی که از آنها کسی باقی نمی‌ماند
و حساب دیگر مردمان، پس از آنهاست، تا جایی که
مقتول با چهره‌ای خون‌آلود، قاتل خود را می‌آورد و
می‌گوید ای من، مرا کشت

حد او را می‌فرماید: «تو را ر کشتی؟» و او
نمی‌تواند سحی را از خدا کتمان کند.

۲۰۹۶ پیامبر خدا ﷺ اگر همة دپ نابود شوند، مرد خدا
همیش کمتر از حومی است که به ناحق ریخته شود
۲۰۹۷ امام زین العابدین ﷺ: پیامبر ﷺ فرمود: «کسی
که در ریختن خون، گناه و بی پرواست، شما را
بفرید؛ زیرا برای او مزد خداوند، فائز است که
مرگ ندارد»

گفتند ای پیامبر خدا! ان، چه فائز است که
می‌میرد؟
فرمود «آتش»

۲/۳۵ آلهایی که کشتن، رواست

۲۰۹۸ پیامبر خدا ﷺ ریختن خون مسلمانی که به
یگگی خدا و پیامبری من گواهی می‌دهد، روا
نیست، مگر در سه جا: مردی که راهی محصه کند که
چنین کسی باید سگسار شود، مردی که به جنگ
حد و مرز داده او بر حیرد که چنین کسی یا کشته
می‌شود یا به دار آویخته می‌گردد و یا تپید می‌شود؛
و مردی که کسی را بکشد که باید او را کشت

۲۰۹۹ پیامبر خدا ﷺ ریختن هیچ خونی روا نیست
مگر در سه جا: قتل در برابر قتل؛ مردی که زن داشته
باشد و زنا کند؛ و کسی که از ایمان برگردد (مرتد)

۲/۳۵ حرام بودن خودکشی

قرآن

﴿وَرَحْمَتَنَا رِیرَا حَدِیْدَ، هَوْلَہُ بِا شَمَا مَہْرِیَانِ
است﴾

۱ التکفیر ج ۷ ص ۲۷۱ ح ۲

۲ الترمذی و الترمذی ج ۳ ص ۲۹۳ ح ۶

۳ التکفیر ج ۷ ص ۲۷۲ ح ۱

۴ کنز العمال ج ۱ ص ۸۷ ح ۳۶۷

۵ کنز العمال ج ۱ ص ۹۰ ح ۳۸۲

۶ النساء ۲۹

الحدیث

حدیث

۲۰۹۶ رسول الله ﷺ نَذِي يَحْتَقُ نَفْسَهُ يَحْتَقُهَا فِي النَّارِ.

۲۰۹۶ پیامبر خدا ﷺ: کسی که خودش را خیمه کند

وَالَّذِي يَطْعَمُهَا يَطْعَمُهَا فِي النَّارِ^۱

خویش را در آتش، خمه کرده است و کسی که به

۲۰۹۷ عنه ﷺ مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ بِشَيْءٍ فِي الدُّنْيَا عَذَّبَ بِهِ

خودش نیره ربه، خویشتن را در آتش سیزه زده

يَوْمَ الْقِيَامَةِ.^۲

۲۰۹۷ پیامبر خدا ﷺ: هر کسی خودش را در دنیا ب

هر وسیله‌ای بکشد، روز قیامت، با همان وسیله

عذاب می‌شود

الفصل السادس والثلاثون للقنوط

۱ / ۳۶ ذُمُّ الْقُنُوطِ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ

فصل سی و ششم: نومیدی

الكتاب

﴿قَالَ وَمَنْ يَلُغُ مِنْ رُحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ﴾^۳

۱ / ۳۶ نگوشت مومیدی از رحمت خدا

الحدیث

۲۰۹۸ رسول الله ﷺ الْعَاجِزُ الرَّاحِي لِرَحْمَةِ اللَّهِ سَمَاءِي

﴿كَمَنْ دَجَّهَ كَسِي جَرِّمٍ رَاهِلَانِ، أَوْ رَحِمَتْ بِمُرُودِ كَارِشِ

نومید می‌شود؟﴾

حدیث

۲ / ۳۶ كَلِّحْذِيرُ مِنَ التَّقْصِيطِ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ

۲۰۹۸ پیامبر خدا ﷺ گهکار امیدوار به رحمت خداوند

۲۰۹۹ رسول الله ﷺ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَا بَنَ آدَمَ

متعال، به رحمت، نزدیک‌تر است تا عابد نومید

لَا تَقْصُطِ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ

۲ / ۳۶ هشدار درباره نومید کردن مردم از رحمت

تَرْجُوها لِنَفْسِكَ^۴

خدا

الفصل السابع والثلاثون الكبر

۱ / ۳۷ ذُمُّ الْكِبَرِ

الكتاب

﴿قَالَ فَاقْبِطْ مِنْهَا لَمَّا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ

فصل سی و هفتم: تکبر

۱ / ۳۷ نگوشت تکبر

قرآن

﴿مَرْمُودٌ وَبَرَّ آئِنِ [مقام] فَرُوشِ تُو را مرمود که در آن

۱ صحیح البخاری ج ۱ ص ۴۵۹ ح ۱۲۹۹

۲ کثر الضعاف ج ۱ ص ۳۶ ح ۳۹۹۶۵

۳ الحبر ۵۶

۴ کثر الضعاف ج ۳ ص ۱۴۰ ح ۵۸۶۹

۵ صحیح الإمام الرضا ﷺ ص ۸۷ ح ۱۵

الْمُتَكَبِّرِينَ^۱

و حَقُّ که چه بد است جا پگاه متکبرین!.

الحديث

حديث

۲۱۰۵ رسول الله ﷺ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَهْلِ النَّارِ؟ كُلُّ عَتَلٍ

۲۱۰۵ پیامبر خدا ﷺ: آیا شما را از اهل دوزخ آگاه

جَوَاطِئُ مُسْتَكْبِرِينَ^۲

بکنم؟ هر درشتخواری حشن متکبری.

۲۱۰۶ عَنْهُ ﷺ إِنْ فِي النَّارِ قَصْرًا يُحْتَلُّ فِيهِ الْمُتَكَبِّرُونَ

۲۱۰۶ پیامبر خدا ﷺ: در آتش، کاحی است که متکبران

وَيُطَبَّقُ عَلَيْهِمْ^۳

در آن قرار داده می‌شوند و دره‌پیش به رویشان

بسته می‌شود.

الفصل الثامن والثلاثون: الكذب

فصل سی و هشتم: دروغ

۱/۳۸ ذُمُ الْكَذِبِ

۱/۳۸. مذوم کذب دروغ

۲۱۰۷ رسول الله ﷺ إِنَّمَا كُفُّوا أَلْسِنَهُمْ مِنَ الْفُجُورِ،

۲۱۰۷ هر پیامبر خدا ﷺ: از دروغ بپرهیزید؛ زیرا توأم با

وَهُمَا فِي النَّارِ^۴

(انحراف از حق) است و هر دو، در آتش‌اند.

۲۱۰۸ عَنْهُ ﷺ إِذَا كَذَبَ الْبَدُ تَبَاعَدَ السَّلَكُ عَنْهُ سِيلًا

۲۱۰۸ پیامبر خدا ﷺ: هر گاه بنده دروغ بگوید، از

مِنْ تَبَيُّ مَا جَاءَ بِهِ^۵

توکی گسلی که پدید آورده است، هر شده از او یک

میل دور می‌شود.

۲۱۰۹ عَنْهُ ﷺ كَثُرَتْ حَيَاتُهُ أَنْ تُحَدِّثَ أَحَاكَ حَدِيثًا

۲۱۰۹ پیامبر خدا ﷺ: خیانت بزرگی است که به

هُوَ لَكَ مُصَدِّقٌ وَأَنْتَ بِهِ كَاذِبٌ^۶

برادرت سحی بگویی که او سخن تو را راست

۲/۳۸ الْكَذِبُ وَالْإِيمَانُ

میلند، در حالی که تو دروغ گفته باشی

الكتاب

۲/۳۸. دروغ و ایمان

﴿إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِمَا يَدْعُوا لِلَّهِ

قرآن

وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾^۷

﴿تنها کسانی دروغ پردازی می‌کنند که به آیات خدا ایمان

ندارند و آنان، خود دروغ‌گویان‌اند﴾.

۱ النحل ۲۹

۲ التَّوْبَةِ وَالتَّوْبَةِ ج ۳ ص ۵۶۳ ح ۱۶

۳ الْمَحْجَةِ الْبَيْضَاءِ ج ۶ ص ۲۱۵

۴ تَبَيُّهُ الْخَوَاطِرُ ج ۱ ص ۱۱۳

۵ التَّوْبَةِ وَالتَّوْبَةِ ج ۲ ص ۵۹۷ ح ۳۰

۶ تَبَيُّهُ الْخَوَاطِرُ ج ۱ ص ۱۱۴

۷ النحل ۱۰۵

الحديث

حديث

۲۱۱۰ رسول الله ﷺ: إِيَّاكُمْ وَالْكَذِبَ؛ فَإِنْ كَذَبْتَ مُجَانِبٌ لِلْإِيمَانِ^۱.

۲۱۱۰ پیامبر خدا ﷺ: دروغ‌گویی بپرهیزد؛ رسوا دروغ، از ایمان برکار است.

۲۱۱۱ التَّوْغِيبُ وَالتَّهْذِيبُ عَنْ صِفْوَانَ بْنِ سَلِيمٍ قَسِيلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيْكُونُ الْمُؤْمِنُ جَبَانًا؟ قَالَ نَعَمْ، قَبِيلٌ لَهُ أَيْكُونُ الْمُؤْمِنُ بَحِيلًا؟ قَالَ نَعَمْ، قَبِيلٌ لَهُ أَيْكُونُ الْمُؤْمِنُ كَذَّابًا؟ قَالَ لَا^۲.

۲۱۱۱. التَّوْغِيبُ وَالتَّهْذِيبُ - به نقل از صفوان بن سلیم -؛ از پیامبر خدا سؤال شد: آیا مؤمن، ترسو می‌شود؟ فرمود «آری».

گفتم: آیا مؤمن، بخیل می‌شود؟ فرمود «آری».

۳/۳۸ الْأَمْرُ بِتَرْكِ حَدِّ الْكَذِبِ وَهَرَبِهِ

گفته شد: یا مؤمن، دروغ‌گو می‌شود؟

فرمود «نه».

۲۱۱۲ رسول الله ﷺ: أَنَا زَعِيمٌ بِبَيْتٍ فِي زَيْعِي الْحَبَّةِ. وَبَيْتٍ فِي وَسْطِ الْحَبَّةِ. وَبَيْتٍ فِي أَعْلَى الْحَبَّةِ، نَحْنُ بَرَكُ الْمَرْءِ وَإِنْ كَانَ مُحَقًّا. وَنَحْنُ بَرَكُ الْكَذِبِ وَإِنْ كَانَ هَارِبًا. وَلَسْ خَشِيَ خُفَّةً^۳.

۳/۳۸ دستور به ترک دروغ‌گویی و شوخی

پیامبر خدا ﷺ: من برای کسی که مجادله را راه پنهان هر چند حق با او باشد و کسی که دروغ را هر چند به شوحی، واگذار و کسی که اخلاقش را بیکو گرداند، خانه‌ای در حومه بهشت و خانه‌ای در مرکز بهشت و خانه‌ای در بالای بهشت، ضمانت می‌کنم.

۲۱۱۳ عَنْهُ ﷺ: وَبَيْتٌ لِلَّذِي يُحَدِّثُ فَيُكْذِبُ بِصُحُفِكَ فِي الْقَوْمِ. وَبَيْتٌ لَهُ وَبَيْتٌ لَهُ^۴.

۴/۳۸ الْكَذِيبَةُ

۲۱۱۳. پیامبر خدا ﷺ: وای بر کسی که برای حسداندن مردم، دروغ بگوید! وای بر او! وای بر او!

۲۱۱۴ بَعَارُ الْأَنْوَالِ عَنْ مُجَاهِدٍ عَنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَيْسٍ كَتَبَتْ صَاحِبَةَ عَائِشَةَ الَّتِي هَمَّائُهَا وَأَدْحَلَتْهَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَمَعِيَ سَوْءٌ، فَوَلَّاهُ مَا وَحَدَنَا عِيْدُهُ قَوْلًا إِلَّا قَدْحًا مِنْ لَبِيٍّ، فَشَرِبَتْ ثُمَّ بَاوَلَتْهُ عَائِشَةُ - قَالَتْ -

۲/۳۸. دروغ کوچک

۲۱۱۴. بَعَارُ الْأَنْوَالِ - به نقل از مجاهد، از اسماء بنت عُمیس - من، ساقط‌دوش عایشه بودم که او را آماده کردم و بر پیامبر خدا وارد شدیم عده‌ای از زنان میرنا من بودند به حداسوگند برد پیامبر خدا، خوراکی جر یک کاسه شیر بود. پیامبر خدا، مقداری شیر نوشید و سپس کاسه را به دست عایشه داد.

۱ کر الممال ج ۳ ص ۶۲۰ ح ۶۲

۲ التَّوْغِيبُ وَالتَّهْذِيبُ ج ۳ ص ۵۹۵ ح ۲۴

۳ المصنوع ص ۱۴۴ ح ۱۷۰

۴ کز الممال ج ۳ ص ۶۲۱ ح ۶۲۵

فَاسْتَحْيَيْتَ لَجَارِيَتَهُ، فَقُلْتُ لَا تُزْدِينَ يَدَ رَسُولِ اللَّهِ،
خُدِي مِثْلَهُ، قَالَتْ - فَأَخَذَتْهُ عَلَى خِيَاءِ فَشَرِبَتْ مِنْهُ،
ثُمَّ قَالَ: نَارِي صَوَاحِبِكَ، هَلْ لَكَ لَا تَشْتَهِيهِ، فَقَالَ لَا
تَجْمَعَنَّ جُوعاً وَكَيْدًا، - قَالَتْ: - فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ،
إِنْ قَالَتْ إِحْدَانَا لِمِثْلِهِ تَشْتَهِيهِ لَا تَشْتَهِيهِ، أَيْمَنُ ذَلِكَ
كَيْدًا؟ قَالَ: - إِنَّ الْكِذْبَ لَيُكْتَبُ حَتَّى يُكْتَبَ الْكُذْبِيَّةُ
كُذْبِيَّةً^۱

۵/۳۸. ثَمَرَةُ الْكِذْبِ

الكتاب

﴿مَا لَغْنَهُمْ مَخَافًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا
اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾^۲

الحديث

۲۱۱۵ رسول الله ﷺ: أَلَا إِنَّ الْكِذْبَ يُنْزِلُ لُجَّةً^۳.۲۱۱۶ عنه ﷺ: الْكِذْبُ يَنْقُصُ الرُّزْقَ^۴

۶/۳۸ موارد جواز الكذب

۲۱۱۷ رسول الله ﷺ: إِنْ أَفْتَقَ أَحَبُّ الْكِذْبِ فِي

الصَّلَاحِ، وَأَبْغَضُ الصَّدْقِ فِي الْفَسَادِ^۵

۲۱۱۸ عنه ﷺ: لَيْسَ بِالْكَاذِبِ مَنْ أَصْلَحَ بَيْنَ النَّاسِ

فَقَالَ خَيْرًا أَوْ نَمَى خَيْرًا^۶

۱ بحار الأنوار ج ۷۷ ص ۲۵۸ ح ۷۰

۲ التره ۷۷

۳ صحيح ابن حبان ج ۱۳ ص ۱۴ ح ۵۷۳۵

۴ فتره و التره ج ۳ ص ۶۹۶ ح ۲۹

۵ مكارم الأخلاق ج ۲ ص ۲۲۰ ح ۲۶۵۶

۶ سنن أبي داود ج ۴ ص ۲۸۱ ح ۵۹۲۰

دختر از گرفتار کاسه شیرا شرم کرد، من گفتم:
دست پیامبر خدا وارد نکن، ظرف را بگیر
عایشه، با حالت شرم، کاسه را گرفت و مقداری
شیر نوشید

پیامبر ﷺ فرمود: به بقیه زنان هم بده.

توها گفتند: ما میل نداریم.

فرمود: اگر سگی و دروغ را با هم جمع نکنید.

گفتم: ای پیامبر خدا! اگر کسی از ما میل به چربی

دست داشته و بگوید میل ندارم، آیا این، دروغ به

شمار می‌آید؟

فرمود: دروغ، نوشته می‌شود. حتی دروغ

کوچک هم نوشته می‌شود: دروغ کوچک.

۵/۳۸. منفعة مروءة عیسی

قرآن

﴿در نتیجه به سزای آن که با خدا خلیف وعده کردند و از

آن روی که دروغ می‌گفتند، در دل‌هایشان - قاروری که

او را دینار می‌کنند - پیمانهای نفاق و پالی گذارد﴾

حدیث

۲۱۱۵ پیامبر خدا ﷺ: دروغ، روسپاهی می‌آورد.

۲۱۱۶ پیامبر خدا ﷺ: دروغ، روزی را کم می‌کند.

۶/۳۸ موارد حایز بودن دروغ

۲۱۱۷ پیامبر خدا ﷺ: خداوند ﷻ دروغ گفتن برای

ایجاد آشنی را دوست دارد و راستگویی به قصد

سادانگیری را دشمن می‌دارد.

۲۱۱۸ پیامبر خدا ﷺ: کسی که برای اصلاح میان مردم،

سخن خوبی (که دروغ است) بگوید، یا به خوبی

خبر کسی کند، دروغگو به شمار نمی‌آید.

الفصل التاسع والثلاثون اللغو

فصل سی و نهم بیهودگی

۱/۳۹ الحثُّ عَلَى تَرْكِ اللُّغْوِ وَالْإِعْرَاضِ عَنْهُ

۱/۳۹ تشویق به ترک بیهودگی و دوری از آن

الكتاب

قرآن

﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ اللُّغْوِ مَعْزُومُونَ﴾^۱

﴿و آنان که از [کار] بیهوده روی گردانند﴾

الحديث

حدیث

۲۱۱۹ رسول الله ﷺ أَعْظَمُ النَّاسِ قَدْرًا مَنْ تَرَكَ مَا لَا يَنْفَعُهُ^۲

۲۱۱۹ پیامبر خدا ﷺ بزرگ‌ترین مردم، کسی است که آنچه را بیهوده است، فرو گذارد

۲۱۲۰ عَنْهُ ﷺ مِنْ حُسْبِ إِسْلَامِ الْفَرِّ تَرْكُهُ الْكَلَامَ فِيمَا لَا يَنْفَعُهُ^۳

۲۱۲۰ پیامبر خدا ﷺ از شایسته‌های سبک‌روی اسلام آدمی، فرو گذاشتن سخن در بیهوده‌هاست.

۲/۳۹ التَّحْدِثُ مِنَ الْحَوْصِ فِيمَا لَا يَنْفَعُ

۲/۳۹ هشدار دربارهٔ فرو رفتن در امور بیهوده

۲۱۲۱ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا يَسْهَوُوا وَهَيْجَ النَّارِ عَلَى وَجْهِكُمْ بِالْحَوْصِ فِيمَا لَا يَنْفَعُكُمْ^۴

۲۱۲۱ - پیامبر خدا ﷺ ما فرو رفتن در کارهای بیهوده، ریزنه آتش را بر صورت‌های خود، شعله‌ور نکنید.

۲۱۲۲ عَنْهُ ﷺ - لَيْسَ الدُّعَاءُ - اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِتَرْكِ الْمَعَاصِي أَوَّلًا مَا أَبْقَيْتَنِي، وَارْحَمْنِي مِنْ أَنْ تُكَلِّفَ مَا لَا يَنْفَعُنِي^۵

۲۱۲۲ - پیامبر خدا ﷺ - در دعا: - بار خدایا! به من رحم کن که نازنده هستم، گاهان را فرو گذارم و به من رحم کن تا در راه آنچه بیهوده است، به رحمت نیستم.

الفصل الأربعون اللواط

فصل چهلم لواط

۱/۴۰ التَّحْدِثُ مِنَ اللَّوْاطِ

۱/۴۰ هشدار دربارهٔ لواط

الكتاب

قرآن

﴿وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفُجُوءَ مَا مِيقَاتُكُمْ

۱ المؤمنون ۳

۲ الأمالو للصدوق ص ۷۳ ح ۴۱.

۳ الأمالو للعبد ص ۳۴ ح ۹

۴ شبه اللواط ج ۲ ص ۱۱۶

۵ جمال الأسبوع ص ۸۶

﴿و لوط را [یاد کن]، هنگامی که به قوم خود گفت: و آیا آن

کار زشت را مرتکب می‌شوید، [که] هیچ‌کس از جهانیان

در آن بر شما پیشی نگرفته است؟ شما در روی شهوت،

بها مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ» إِنَّكُمْ لَتَذَاتُونَ الرِّجَالِ
شَهْوَةً مِّنْ دُونِ الْبَسَامِ ذَلَّ أَمْتُمْ قَوْمٌ مُّضْرِبُونَ»^۱

الحديث

حدیث

۲۱۲۳. رسول الله ﷺ: «إِنَّ أَحْوَفَ مَا أَحَادُ عَلَى أُمْتِي مِ
عَمَلِ قَوْمِ لُوطٍ»^۲

به جای زنان، با مردن در می‌آمیزد. شما گروهی
تجاوزکاریده‌اید.

۲۱۲۳. پیامبر خدا ﷺ: بیشترین چیزی که برای امتم از
آن می‌ترسم، کار قوم لوط است.

۲۱۲۳. پیامبر خدا ﷺ: ها! لعنت خدا و فرشتگان
و مردم، همگی... بر کسی از جهانیان که با دستش
شهوت خود را ارضا کند و هر کسی که به
علامبارگی روی آورد.

۲۱۲۴. عَنْهُ ﷺ: «أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ...
عَمَى مَا كَبَّ يَدَيْهِ، وَعَلَى مَنِ أَتَى الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ»^۳
۲/۴۰ حَدُّ اللُّوَاطِ

۲۱۲۵. رسول الله ﷺ: «مَنْ وَجَدْتُمُوهُ يَحْتَلُّ عَمَلُ قَوْمِ
لُوطٍ، فَانْتَبِهُوا النَّاعِلَ وَالْمَعْمُولَ بِهِ»^۴

۲/۳۰. حَدُّ اللُّوَاطِ

۲۱۲۵. پیامبر خدا ﷺ: اگر دیدید کسی کار قوم لوط را
می‌کند، لواط کننده و لواط دهنده را بکشید.

الفصل الحادى والأربعون. الحقائق

فصل چهل و یکم. مفاق

۱/۴۱. بَدَةُ الْمَفَاقِ

۱/۴۱. اَغار مَفاق

۲۱۲۶. رسول الله ﷺ: «إِنَّ الْمَفَاقَ يَبْدُو لِعَظْمَةٍ شُودَةٍ...
فَكُلَّمَا ارْتَدَّ الْمَفَاقُ عِظْمًا ازْدَادَ ذَلِكَ السُّوَادُ، فَإِذَا
اسْتَكْمَلَ الْمَفَاقُ سَوَادَ الْقَلْبِ»^۵

۲۱۲۶. پیامبر خدا ﷺ: مفاق (دورویی)، ابتدا به صورت
نقطه‌ای سیاه [بر دل] ظاهر می‌شود و هرچه بیشتر
شود، آن نقطه بزرگ‌تر می‌گردد و چون به مرحله
کمال رسد، دل به کلی سیاه می‌شود.

۲/۴۱. غَلَاظِمُ الْمَفَاقِ

۲/۴۱. مَشَاهِدَةُ هَای مَفاق

۲۱۲۷. رسول الله ﷺ: «أَرْبَعٌ مِّنْ كُنَّ فِيهِ مَهْوٌ مَّفَاقٌ، وَإِنْ
كَانَتْ فِيهِ وَاحِدَةٌ مِّنْهُنَّ كَانَتْ فِيهِ خَصْلَةٌ مِّنَ الْمَفَاقِ
حَتَّى يَدْعُوهَا، مَنِ إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ، وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ،

۲۱۲۷. پیامبر خدا ﷺ: چهار خصیلت است که در هر که
باشند، مفاق است و اگر یکی از آنها در او باشد،
یک خصیلت مفاق در او وجود دارد تا این که آن را
رها کند. این که هر گاه سخن گوید، دروغ گوید؛
و هر گاه وعده دهد، تخلف و عله کند؛ و هر گاه
پیمان بندد، پیمان‌شکسی کند؛ و هر گاه ستیزه کند.

۱ الاعراف ۸۰ و ۸۱ ۲ تعبیر القومین ج ۲ ص ۲۵

۳ کنز العمال: ج ۱۶ ص ۹۹ ح ۴۵۰۵۷

۴ مس ابن ماجة ج ۲ ص ۸۵۶ ح ۲۵۶۱

۵ کنز العمال ج ۱ ص ۱۰۶ ح ۱۷۳۴

وإذا عاهد غدر، وإذا حاصم فجر.^۱

ار حق، تجاوز نماید

۲۱۲۸. عنه ﷺ يَلْتَمِظِينَ عِلَامَاتٍ يُعْرَفُونَ بِهَا تَجَبُّهُمْ
لَعْنَهُ، وَطَعَانُهُمْ بُهْمَةً، وَعَيْبَتُهُمْ عُلوًّا، لَا يَصْرَبُونَ
الْمَسَاجِدَ إِلَّا هَجْرًا، وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا دُبْرًا،
مُسْتَكْبِرِينَ لَا يَأْتُونَ وَلَا يُؤْتُونَ، حُشِبَ بِالْفِيلِ
سُحِبَ بِالنَّهَارِ^۲

۲۱۲۸. پیامبر خدا ﷺ برای منافقان، نشانه‌هایی است
که با آنها شناخته می‌شوند. درودشان لعنت است،
پرخور و شکم‌باره‌اند به غنایم، دستبرد می‌زنند
به مساجد، نزدیک نمی‌شوند، مگر با اکراه و
رباکاری. نماز را آخر وقت می‌خوانند خود برتر
بین‌اند، به طوری که با کسی انس و الفت
نمی‌گیرند و کسی هم با آنان الفت نمی‌گیرد شب،
مانند چوب خشک می‌افتد (شب رسیده‌داری
نمی‌کشد) و روز، صدای خود را به جز و بحث،
بلند می‌کشد

۲۱۲۹. عنه ﷺ مَا رَأَى خُشُوعَ الْبَشَرِ عَلَى مَا فِي الْقَلْبِ يَوْمَ
عِنْدَ مَا يَفَاقُ^۳

۲۱۲۹. چه‌امور خدا ﷺ چنانچه خُشوع بدن بر خُشوع
دل، خبر بد، این در نظر ما معاق است.

۱. الاصحاح ص ۲۵۴ ج ۱۲۹

۲. كنز العمال ج ۱ ص ۱۷۰ ج ۸۶۲

۳. الكافي ج ۲ ص ۳۹۶ ج ۶

حکمت های عبادی

باب یکم	اطاعت و عبادت خدا و کارهای شایسته
باب دوم	نماز و مقدمات آن
باب سوم	دعا و ذکر
باب چهارم	روزه
باب پنجم	حج و عمره
باب ششم	امر معروف و نهی از منکر
باب هفتم	جهاد
باب هشتم	بهترین مکان های عبادت



مرکز تحقیقات کتابخانه و اسناد ملی

الْبَابُ الْأَوَّلُ

طَاعَةُ اللَّهِ وَعِبَادَتُهُ وَالْإِعْمَالُ الصَّالِحَةُ

الفصل الأول العبادَة

۱/۱ الْحُثُّ عَلَى عِبَادَةِ اللَّهِ

الكتاب

﴿يَا أَيُّهَا أَهْلَ الْبَيْتِ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾^۱

الحديث

حدیث

۲۱۳۰ رسول الله ﷺ: «فَعَلَ النَّاسُ مِنْ عِبَادَةِ اللَّهِ مَا لَا يَحِلُّ لَهُمْ، وَأَحْبَبُهَا إِلَيْهِ، وَبِأَشْرَافِهَا يَحْتَسِبُونَ، وَتَمَرُّغُ لَهَا، فَهُوَ لَا يَبَالِي عَلَى مَا أَصْحَحَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَى غَيْرِهَا، عَلَى نَفْسِهِ»^۲

پیامبر خدا ﷺ

۲۱۳۰ پیامبر خدا ﷺ: سرسری مردم، کسی است که عاشق عبادت شود پس، دست در گردن آن او برد و بر عصم دل، دوشن بدارد و به بیکر خود، آن در آمرد و خویشی ر وقف آن گرداند. چنین کسی باکی ندارد که دنیایش به سختی می‌گذرد یا به آسانی

۲/۱ التَّفَرُّغُ لِلْعِبَادَةِ

۲۱۳۱ رسول الله ﷺ: يَقُولُ رَبُّكُمْ: يَا بَنِي آدَمَ، تَفَرَّغْ لِعِبَادَتِي أَمْلَأُ قَلْبَكَ عِشًّا وَأَمْلَأُ يَدَيْكَ رِزْقًا يَا بَنِي آدَمَ، لَا تَبَاعِدْ بَيْنِي وَأَمْلَأُ قَلْبَكَ فَقْرًا وَأَمْلَأُ يَدَيْكَ شَعْلًا»^۳

۲/۱ خود را وقف عبادت کردن

۲۱۳۱ پیامبر خدا ﷺ: پروردگارتان می‌فرماید: «ای فرزندان آدم! خود را وقف عبادت من گردان، تا دلت را پر از بی‌نیازی کنم و دستانت را بکنده از دوری سارم ای فرزندان آدم! از من دوری مکن، که دلت را از فقر انباشته می‌کنم و دستانت را از گرفتاری می‌آکنم»^۴

۳/۱ أدبُ العبادَةِ

۲۱۳۲ رسول الله ﷺ: أَعْبُدِ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ، فَإِنَّهُ يَرَاكَ»^۵

۳/۱ ادب عبادت

۲۱۳۲ پیامبر خدا ﷺ: خدا را چنان عبادت کن که گویی او را می‌بینی؛ زیرا هر چند تو او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند.

۱. البقرة ۲۱
 ۲. التکویم ج ۲ ص ۸۷ ح ۲
 ۳. کنز العمال ج ۱۵ ص ۹۳۹ ح ۱۳۶۱۱
 ۴. کنز العمال ج ۳ ص ۳۱ ح ۵۲۵۰

۲۱۳۳. عنه ﷺ السُّكِينَةُ رَمَّةُ الْعِبَادَةِ^۱

۲۱۳۳ پیامبر خدا ﷺ آرامش، ریزور عبادت است.

۴/۱. أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ

۴/۱ برترین عبادت

۲۱۳۴ الإمام عليّ عليه السلام - في ذكر حديث معراج النبي ﷺ -

۲۱۳۴ امام علی علیه السلام - در بیان حدیث معراج پیامبر ﷺ -

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ... يَا أَحْمَدُ، لَيْسَ شَيْءٌ مِنْ الْعِبَادَةِ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ الصُّمْتِ وَالصُّومِ^۲

خداوند متعال فرمود: ای احمد! هیچ عبادتی نزد من، محبوب‌تر از خاموشی و روزه نیست.

۲۱۳۵ الإمام عليّ عليه السلام عن رسول الله ﷺ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ قَوْلُ

۲۱۳۵ امام علی علیه السلام پیامبر ﷺ فرمود: برترین عبادت،

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، وَخَيْرُ دُعَاءٍ الْاسْتِعْثَارُ، ثُمَّ تَلَا النَّبِيُّ ﷺ ﴿وَعَاظَمْنَا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرُ لِدُنْيِكَ﴾^۳

گفتن ذکر «لا اله الا الله و لا حول و لا قوة الا بالله» است و بهترین دعا، استعصار^۴

پیامبر ﷺ سپس این آیه را تلاوت فرمود

۲۱۳۶ رسول الله ﷺ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْيَمَةُ^۵

«بدای که خدایی جز او نیست و ارگناهت، آمرزش

۲۱۳۷ عنه ﷺ أَعْظَمُ الْعِبَادَةِ أَجْرُ أَحْفَاها^۶



۲۱۳۷ / پیامبر خدا ﷺ برترین عبادت، فهم دین است.

۵/۱. الْعِبَادَةُ غَيْرُ الْمَقْذُولَةِ

۲۱۳۸ رسول الله ﷺ الْعِبَادَةُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالسَّاءِ عَلَى الرُّمْلِ، وَفِيهِ، عَلَى الْمَاءِ^۷

۲۱۳۸. پیامبر خدا ﷺ بزرگ‌ترین ثواب را آن عبادتی طلوع که پنهانی تر انجام گیرد

۵/۱ عبادت با پذیرفتن

۲۱۳۹. عنه ﷺ إِنْ لَمْ يَلِكْ أَشْيَاءُ يُبَادِي عَلَى يَمِينِ الْمَعْدِنِ كُرُ لَيْلَةٍ مَنْ أَكَلَ حَرَاماً لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ صَرْفاً وَلَا عَدْلًا وَالصَّرْفُ النَّافِلَةُ، وَالْعَدْلُ الْفَرِيضَةُ^۸

۲۱۳۹. پیامبر خدا ﷺ، عبادت توأم با حرام‌خواری، چون ساحتمانی است بر روی شش (و به قولی بر روی آب)

۶/۱. النُّشَاطُ فِي الْعِبَادَةِ

۲۱۴۰ رسول الله ﷺ أَفْعَى الْعِبَادَةِ الْعَتَرَةُ^۹

۲۱۴۰ پیامبر خدا ﷺ خدا، فرشته‌ای دارد که هر شب، بر هزار بیت المقدس ناگ می‌زند و هر کس مال حرامی بخورد، خداوند، بر او نه صرف می‌پذیرد و نه عدل، صرف، عمل مستحیی است و عدل، عمل واجب^{۱۰}

۱ جامع الأخبار ص ۳۳۷ ح ۹۷

۲ إرشاد القلوب: ص ۱۹۹-۲۰۵

۳ محمد ۱۹

۴ المحسن ج ۱ ص ۱۵۲ ح ۱۰۴۵

۵ النخلة ص ۳۰ ح ۱۰۴ ۶ قرب الإسناد ص ۱۳۵ ح ۴۷۵

۷ عدة الداعی ص ۱۴۱

۸ عدة الداعی ص ۱۴۰

۹ النخلة ص ۱۱۶ ح ۷

۶/۱ نشاط بر عبادت

۲۱۴۰. پیامبر خدا ﷺ: آفت عبادت، مستی است

۲۱۴۱. عَنْهُ عَلَيْهِ خُذُوا مِنَ الْعِبَادَةِ مَا تُطِيقُونَ، فَبِرَّ أَفَّةً لَا يَسْأَمُ حَتَّى تَسْأَمُوا^۱

۲۱۴۱. پیامبر خدا ﷺ از عبادت به اندازه‌ای که توان دارید، برگزید؛ زیرا خداوند خسته نمی‌شود، تا این که شما خسته شوید.

۷/۱. جَوَاءُ الْإِخْلَاصِ فِي الْعِبَادَةِ

۲۱۴۲. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذْ قَالَ [أَيُّ الْعَبْدِ] «إِيَّاكَ نَعْبُدُ»^۲، قَالَ اللَّهُ ﷻ: صَدَقَ عَبْدِي يَتَابِي يَعْبُدُ، أَشْهَدُكُمْ لَا تَيْبَسُهُ عَلَى عِبَادَتِهِ قَوَابِأَ يَعْطَلُهُ كُلُّ مَنْ خَالَعَهُ فِي عِبَادَتِهِ لِي^۳

۷/۱ پاداش اخلاص در عبادت

۲۱۴۲. پیامبر خدا ﷺ هر گاه [پسند] می‌گوید: «تنها تو را می‌پرستیم»، خداوند ﷻ [به هرشتگانش] می‌فرماید: پسندم راست می‌گوید، او فقط مرا می‌پرستد. شما را گواه می‌گیرم که به او، برای عبادتش، چنان پاداشی خواهم داد که هر کس بر خلاف عبادت او برای من، دیگری را برگزیده باشد، بر وی رشک سرده.

الفصل الثَّانِي: طاعة الله

فصل دوم. فرمانبری از خداوند

بِسْمِ اللَّهِ تَشْوِيقٌ مِمَّنْ فَرَمَانِبِرِي از خداوند و پیامبر و اولی الامر^۴

قرآن

«أَيُّ كَسَانِي كِه اِيْمَانِ آورده‌اند خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولی الامر خود را [بیز] اطاعت کنید، پس هر گاه در امری [دو] اختلاف نظر یابید، اگر به خدا و دور یار پسین ایمن دارید آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بنارید. این، بهتر و سبک‌تر جرم‌تر است»

حدیث

۲۱۴۳. پیامبر خدا ﷺ طاعت خدا، مدینه روشنی چشم است

اسب

۲۱۴۴. پیامبر خدا ﷺ: به آنچه مرد خداست، جز با اطاعت از او، نمی‌توان رسید.

۲/۲. مَخْطُوكُوشِي در فرمانبری از خدا

۲۱۴۵. پیامبر خدا ﷺ در عمل مكوشتيد و اگر از

مقصود از «اولی الامر»، جانشینان راستین پیامبر ﷺ است
عنان امامان اهل بیت ﷺ اند. م

۱/۲. الْحَدَّثُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَالرُّسُولِ وَأُولَى الْأَمْرِ

الكتاب

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا، اطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَفَرَّغْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا»^۱

الحديث

۲۱۴۳. رسول الله ﷺ: الطَّاعَةُ قَرَّةُ الْعَيْنِ^۲

۲۱۴۴. عَنْهُ عَلَيْهِ إِنَّهُ لَا يُدْرِكُ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِطَاعَتِهِ^۳

۲/۲. الْإِحْتِهَادُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ

۲۱۴۵. رسول الله ﷺ اجْتَهِدُوا فِي الْعَمَلِ، فَإِنْ قَصُرَ

۱. تکر الممال ح ۳ ص ۲۹ ح ۵۳۰۱

۲. الفاتحه ۵

۳. الأمالي للصدوق ص ۲۴۰ ح ۲۵۳

۴. النام ۵۹

۵. بحار الأنوار ج ۷ ص ۱۰۵ ح ۸

۶. التکفیر ج ۲ ص ۷۴ ح ۲

يَكُمُ ضَعْفٌ فَكُفُّوا عَنِ الْمَعَاصِي ^۱

سختکوشی در عمل ناتوانید، از گناهان خودداری کنید

۲۱۴۶ عنه ﷺ يا معشر المسلمين، شَرُّوا هَإِنْ الْأَمْرُ جِدُّ، وَتَاهَبُوا هَإِنْ الرَّحِيلُ قَرِيبٌ، وَتَزَوَّدُوا هَإِنْ السَّعْرُ نَهِيْدٌ، وَخَفُّوا أَنْفَالَكُمْ، هَإِنْ وَرَاءَكُمْ عَقَبَةٌ كَزُودًا لَا يَقْطَعُهَا إِلَّا الْمُجْعُونَ ^۲

۲۱۴۶ پیامبر خدا ﷺ ای مسلمانان! استیلا بالا برید، که کار جدی است آماده شوید، که رفتن نزدیک است توشه بردارید، که سمر طولانی است و نارهائیان را سبک کنید، که گردهای دشوار، روی خود دارید که جبر سبک‌باران، کسی می‌تواند از آن بگذرد.

الفصل الثالث، العمل

۱/۳ للْحَثُّ عَلَى أَدَاءِ الْفَرَائِضِ

فصل سوم، عمل

۲۱۴۷ رسول الله ﷺ اِعْمَلْ بِفَرَائِضِ اللَّهِ تَكُنْ أَتْقَى النَّاسِ ^۳

۱/۳ تشویق به انجام دادن واجبات

۲/۳ الْحَثُّ عَلَى مُدَاوَمَةِ الْعَمَلِ الصَّالِحِ

۲۱۴۷ رسول الله ﷺ اِعْمَلْ بِفَرَائِضِ اللَّهِ تَكُنْ أَتْقَى النَّاسِ ^۳

۲۱۴۸ رسول الله ﷺ الْمُدَاوَمَةُ عَلَى الْعَمَلِ فِي أَتْبَاعِ الْأَثَارِ وَالسَّيِّ وَنَ قُلْ، أَرْضَى اللَّهِ وَأَسْمَعُ عِيْدَهُ فِي الْعَاقِبَةِ مِنَ الْجَهَادِ فِي الْبَدْعِ وَأَتْبَاعِ الْأَهْوَاءِ ^۴

۲۱۴۸ پیامبر خدا ﷺ مداومت بر عمل بر اساس آثار و سنت، هر چند اندک، نرد جدا پسندیده‌تر و خوش فرجام‌تر است از سختکوشی در عبادت بر اساس بدعت و پیروی هوس

۲۱۴۹ عنه ﷺ إِنْ النُّفْسُ مَلُونَةٌ، وَنْ أَخَذَكُمْ لَا يَدْرِي مَا قَدَرُ نُدُوهِ، فَلْيَنْظُرْ مِنَ الْعِبَادَةِ مَا يُطَبِّقُ، ثُمَّ لِيُدَاوِمَ عَلَيْهِ، هَإِنْ أَخَذَ الْأَعْمَالُ لَيْسَ اللَّهُ مَدِينٌ عَلَيْهِ وَإِنْ قُلْ ^۵

۲۱۴۹ پیامبر خدا ﷺ، همانا نفس، خسته [و دلگیر] می‌شود و هیچ یک از شما نمی‌داند که چه قدر عمر می‌کند، پس بگرد که از عبادت، چه در توان اوست و سپس بر همان، مداومت ورزد؛ زیرا محبوب‌ترین کارها مرد خداوند، کاری است که بر آن مداومت شود، هر چند اندک باشد.

۳/۳ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ

۲۱۵۰ رسول الله ﷺ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَحْمَرُهَا ^۶

۲۱۵۱ عنه ﷺ أَفْضَلُ الْقَتْلِ أَدْوَمُهُ وَإِنْ قُلْ ^۷

۳/۳ موثرترین عمل

۲۱۵۰ پیامبر خدا ﷺ برترین عمل، استوارترین آنهاست.

۲۱۵۱ پیامبر خدا ﷺ برترین عمل، با دوام‌ترین آنهاست، هر چند اندک باشد

۱ اعلام الدین ص ۱۵۳ ۲ اعلام الدین ص ۲۴۴

۳ الکافی ج ۲ ص ۸۲ ح ۱، ۴ الکافی ج ۸ ص ۸ ح ۱

۵ کنز العمال ج ۳ ص ۳۰ ح ۵۳۱۲

۶ بحواله الاثر ج ۷ ص ۱۹۱

۷ تنبيه الخواطر ج ۱ ص ۲۳

۱/۳ مَنْ يُتَّقِلْ عَمَلَهُ

۲/۳ کسی که عملش پذیرفته می‌شود

۲۱۵۲ رسول الله ﷺ - فِي وَصِيَّتِهِ لِأَبِي ذَرٍّ يَا أَبَا ذَرٍّ، كُنْ بِالْعَمَلِ بِالتَّقْوَى أَشَدَّ اهْتِمَاماً بِكَ بِالْعَمَلِ، فَإِنَّهُ لَا يَقْبَلُ عَمَلٌ بِالتَّقْوَى، وَكَيْفَ يَقْبَلُ عَمَلٌ يُتَّقِلُ ۱

يَقُولُ اللَّهُ ﷻ ﴿إِنَّمَا يُتَقَبَّلُ لِلَّهِ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾ ۲

۲۱۵۲ پیامبر خدا ﷺ - در سفارشش به ابو ذر - ای ابو ذر! در به کار بستن پرهیزگاری اهتمام بیشتری به خرج ده تا در خود عمل را زیرا هیچ عملی با وجود پرهیزگاری اندک نیست، چگونه اندک باشد عملی که پذیرفته می‌شود؟ خداوند ﷻ می‌فرماید «چرا این نیست که خداوند از پرهیزکاران می‌پذیرد»

۵/۳. أَدَبُ الْعَمَلِ

۲۱۵۳ رسول الله ﷺ - هِيَ وَصِيَّتُهُ لِأَبِي مَسْعُودٍ - يَا أَبَا مَسْعُودٍ، إِذَا عَمِلْتَ عَمَلًا فَأَعْمَلْ بِعِلْمٍ وَعَقْلٍ، وَإِيَّاكَ وَأَنْ تَعْمَلَ عَمَلًا يَخِرُّ تَدْبِيرٌ وَعِلْمٌ، فَإِنَّهُ جَلُّ خَلَالِهِ يَقُولُ «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقَصَتْ غُرْلُهُمْ مِنْ نَفْسِ قُوَّةِ أُنْكَارِهِ» ۳

۵/۳ ادب عمل

۲۱۵۳ پیامبر خدا ﷺ - در سفارشش به ابن مسعود - ای پسر مسعود! هر گاه عملی انجام دادی، از روی آگاهی و خردمندی انجامش ده، و از این که عملی را بدون تدبیر و آگاهی انجام دهی، پرهیز! زیرا خداوند ﷻ می‌فرماید «و مانند آن‌ری می‌باشد که رشتگی را که محکم تلفت بود پاره کرد»

۶/۳ شِدَّةُ الْحَاجَةِ إِلَى الْعَمَلِ فِي الْقِيَامَةِ

۲۱۵۴ رسول الله ﷺ لَوْ كَانَ لِزَجَلٍ عَمَلٌ سَجِينٍ سِيبًا لَا سَتَقُلُ عَمَلُهُ، مِنْ شِدَّةِ مَا يَرَى يَوْمَئِذٍ [يَعْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ] ۴

۶/۳ نیاز شدید به عمل در قیامت

۲۱۵۴ پیامبر خدا ﷺ اگر انسان، عمل معاد پیامبر را بنا خود داشته باشد، از سختی آنچه در آن روز (روز رستاخیز) می‌بیند، باز اعمال خود را اندک می‌شمارد.

۲۱۵۵ عَنْهُ ﷺ لَوْ أَنَّ رَجُلًا جُرَّ عَلَى وَجْهِهِ مِنْ يَوْمٍ وَلِدَ إِلَى يَوْمٍ يَمُوتُ هَرِمًا فِي طَاعَةِ اللَّهِ ﷻ لَحَقَّ ذَلِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَلَوْ أَنَّ يَزِيدُ إِلَى الدُّنْيَا كَيْمَا يَرْدَادَ مِنَ الْأَجْرِ وَالثَّوَابِ ۵

۲۱۵۵ پیامبر خدا ﷺ اگر شخصی از روزی که به دنیا می‌آید تا روزی که پیر می‌شود و می‌میرد، در طاعت خداوند ﷻ با صورتش بر زمین کشیده شود، این همه سختی را در روز قیامت، ناچیز خواهد شمرد و دوست خواهد داشت که به دنیا باز گردانده شود تا بر اجر و پاداش خود، بیفزاید.

۱ المائدة ۲۷

۲ مکارم الأخلاق ج ۲ ص ۳۷۵ ح ۳۶۶۱

۳ الحل ۹۲

۴ مکارم الأخلاق ج ۲ ص ۳۶۱ ح ۳۶۶۱

۵ مکارم الأخلاق ج ۲ ص ۳۷۰ ح ۳۶۶۱

۶ کنز العمال ج ۱۵ ص ۷۸۸ ح ۴۳۱۲۰

۷/۳. إتقان للعمل

۷۲. محکم کاری

۲۱۵۶ رسول الله ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ مَنِ الْعَامِلُ بِدَعْوَى أَنْ يُحْسِنَ^۱

۲۱۵۶ پیامبر خدا ﷺ: خداوند متعال، دوست می‌دارد که کسده کار، وقتی کاری انجام می‌دهد، آن را به خوبی انجام دهد.

۲۱۵۷ الإمام الصادق عليه السلام: لَمَّا عَاتَى إِبْرَاهِيمُ ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ رَأَى الشَّيْءَ ﷺ فِي قَبْرِهِ حَذَلًا مَتَوَّاهًا سَدَّهُ ثُمَّ قَالَ إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا فَلْيَتَمَنَّ^۲

۲۱۵۷ امام صادق علیه السلام: هنگامی که ابراهیم فرزند پیامبر خدا در گذشت، پیامبر ﷺ در قبر او شکافی دید آن را ماسدست، پُر و هموار کرد و سپس فرمود: «هرگاه کسی از شما کاری کرد، محکم کاری کند»

الفصل الرابع العیة

فصل چهارم. نیت

۱/۴. دَوْرُ النِّيَّةِ فِي الْعَمَلِ

۱/۲. نقش نیت در عمل

الكتاب

قرآن

﴿يَكُنْ لَهُ مِثْلُ مَا أَفْعَلُ﴾^۱ هر کس بر حسب احتیاج [روانی و بدنی] خود عمل می‌کند، و پروردگار شباهت به هر که را داشته باشد ﴿فَلْيَتَمَنَّ﴾^۲

﴿قُلْ عَلَى مِثْلِ مَا أَفْعَلُ﴾ هر کس بر حسب احتیاج [روانی و بدنی] خود عمل می‌کند، و پروردگار شباهت به هر که را داشته باشد ﴿فَلْيَتَمَنَّ﴾^۲

الحديث

حدیث

۲۱۵۸ پیامبر خدا ﷺ: هنگامی که پیامبر ﷺ علی علیه السلام را به فرماندهی سپاهی، روانه جنگ کرد، مردی به برادر خود گفت: یا مادر سپاه علی به جنگ بیا، شاید علامی ۷ چاروبی یا چیزی که به دردمان بخورد، به دست بیاوریم. فرمود: جز این نیست که عمال به پنهانست و برای هر کس، همان چیزی است که بیش را دارد پس هر که برای تحصیل آنچه سرد خدمت، بچنگد، بی گمان، اجرش یا خدمت و هر کس برای رسیدن به متاع دنیا یا به نیت یک عقال (راننده شتر) بچنگد، انصیب و پاداشی [حر همانچه بر سر حسیکده است، نخواهد داشت]

۲۱۵۸ رسول الله ﷺ: لَمَّا أُعْرِيَ عَلِيًّا ﷺ فِي سَرِيَّةٍ، فَقَالَ: رَجُلٌ لَأَحْ لَدَّ أَغْرَبًا فِي سَرِيَّةٍ عَلِيٍّ سَعْدًا نَصِيحًا حَادِمًا وَ دَائِبَةً أَوْ غَيْبًا مَتَّبِعًا بِهِ - بِمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ، وَلِكُلِّ أَمْرٍ مَا نَوَى فَضْعًا عَرَا ابْتِغَاءَ مَا يَحِبُّ اللَّهُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ، وَمَنْ غَرَّ يُرِيدُ عَرَضَ الدُّنْيَا أَوْ نَوَى عِقَالًا لَمْ يَكُنْ لَهُ إِلَّا مَا نَوَى^۳

۲/۴. دَوْرُ النِّيَّةِ فِي الْحَشْرِ

الكتاب

﴿يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ﴾^۴

۲۴. نقش نیت در حشر

قرآن

﴿يَوْمَ تَبْلَوْنَ دُونَ مَا كُنْتُمْ تُبْلَوْنَ﴾

۱ کثر العمل ج ۳ ص ۹۰۷ ح ۹۱۲۹

۲ الکافی ج ۳ ص ۲۶۳ ح ۴۵ ۳ الإسراء ۸۱

۴ الأنعام للنسبی ص ۶۱۸ ح ۱۲۷۴

۵ الطارق ۹

الحديث

حديث

۲۱۵۹ رسول الله ﷺ يُحَسِّرُ النَّاسَ عَلَى نِيَّاتِهِمْ^۱

۲۱۵۹. پیامبر خدا ﷺ مردم، مطابق نیت‌های خود، محسوس می‌شوند.

۲۱۶۰ عَنْهُ ﷺ إِنَّمَا يَهْتَفُ اللَّهُ الْمُتَّقِينَ عَلَى الْبَرَّاتِ^۲.

۲۱۶۰. پیامبر خدا ﷺ چر این نیست که خداوند، جنگجویان را بر اساس نیت‌هایشان بر می‌انگیزد.

۳/۴ ثَوَابُ نِيَّةِ الْخَيْرِ

۲۱۶۱ التَّوَّعُّبُ وَالتَّوَهُيبُ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ: أَنَّ رَسُولَ

۳/۴. پنداشن نیت خوب

اللَّهِ ﷺ قَالَ لَقَدْ تَزَكَّيْتُ بِالْمَدِينَةِ أَقْوَاماً مَا يَسِرُّهُمْ مَكْبَرٌ

۲۱۶۱. التَّوَّعُّبُ وَالتَّوَهُيبُ - به سفل از انس بن مالک -

وَلَا أُفْقَشُ مِنْ نَفَقَةٍ وَلَا قَطْعُكُمْ مِنْ وَادٍ إِلَّا وَهُمْ مَعَكُمْ

پیامبر خدا فرمود: شما در مدینه افرادی را به جا گذاشتید که هیچ راهی را برنفتید و هیچ انفاقی نکردید و هیچ وادی‌ای را نیمودید، مگر آن که آنان نیز با شما بودند.

قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ. وَكَيْفَ يَكُونُونَ مَعَنَا وَهُمْ

بِالْمَدِينَةِ؟ قَالَ: حَبَسَهُمُ الْمَدْرُ^۳.

۲۱۶۲ كَمَرُ الْعَمَلِ عَنِ الرَّمِيزِ مِنَ الْعَوَامِ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

گفتند ای پیامبر خدا! چگونه با ما بودند، در حالی که در مدینه هستند؟

تَزَكَّى فِي الْمَدِينَةِ أَقْوَاماً لَا تَقْطَعُ وَادِياً وَلَا تَصْعَدُ

فرمود: عمل، آنها را نگه داشت (مانع آمدن آنها مانشا شد).

ضَعُوداً وَلَا تَهْبِطُ هُبوطاً إِلَّا كَانُوا مَعَنَا قَالُوا: كَيْفَ

۲۱۶۲. كَمَرُ الْعَمَلِ - به سفل از رمیز بن عوام -: [در راه

يَكُونُونَ مَعَنَا وَلَمْ يَشْهَدُوا؟] قَالَ: نِيَّاتُهُمْ^۴

بارگشت از تبوک] پیامبر خدا فرمود: افرادی را در مدینه باقی گذاشتیم که هیچ وادی‌ای را نیمودیم و بر هیچ تنه‌ای بالا برفتیم و در هیچ سرانمایی قدم نگذاشتیم، مگر این که آنان نیز با ما بودند.

۴/۴ نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ

۲۱۶۳ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ، وَنِيَّةُ

اصحاب گفتند: چگونه با ما هستند در حالی که حضور پیدا نکردند؟

الْكَافِرِ شَرُّ مِنْ عَمَلِهِ، وَكُلُّ عَامِلٍ يَحْتَمِلُ عَلَى

نِيَّتِهِ^۵.

۲۱۶۴ عَنْهُ ﷺ نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ أَمْلَحُ مِنْ عَمَلِهِ، وَكَدْبُكَ

فرمود: نیت‌هایشان [یا ماست].

الْفَاجِرُ^۶

۴/۴ نِيَّةُ مُؤْمِنٍ، بَهْتَرُ از عمل اوست

۲۱۶۳. پیامبر خدا ﷺ نیت مؤمن، بهتر از عمل اوست

و نیت کافر، بدتر از عمل اوست و هر عمل کننده‌ای، مطابق نیت خود عمل می‌کند.

۲۱۶۴. پیامبر خدا ﷺ نیت مؤمن، رساننده‌تر از عمل

اوست و همین طور فاجر (کافر)

۱ کتر العمل ج ۲ ص ۴۳۰ ح ۷۲۴۵

۲ کتر العمل ج ۴ ص ۳۳۶ ح ۱۰۷۷۸

۳ التَّوَّعُّبُ وَالتَّوَهُيبُ ج ۱ ص ۵۷ ح ۱۸

۴ کتر العمل ج ۳ ص ۱۲۲ ح ۷۳۶۱

۵ التَّكَاثُرُ ج ۲ ص ۸۱ ح ۲

۶ الْأَمَلِيُّ لِلْعَلَوِيِّ ص ۱۵۴ ح ۱۰۱۳

۵، ۴. الْحَثُّ عَلَى النَّيَةِ الصَّالِحَةِ فِي كُلِّ شَيْءٍ

۲۱۶۵ رسول الله ﷺ يَا أَبَا ذَرٍّ، لَيْتَكَ لَكَ فِي كُلِّ شَيْءٍ رِيَّةٌ صَالِحَةٌ، حَتَّى فِي سُومٍ وَلَا كَلٍ^۱

۲، ۵. تشویق به داشتن نیت پاک در هر کار

۲۱۶۵ پیامبر خدا ﷺ به ابو ذر - ای ابو ذر! باید در هر کاری نیتی پاک داشته باشی، حتی در حوالیدن و خوردن.

الفصل الخامس: الإخلاص

فصل پنجم: اخلاص

۱/۵ قُضِلَ الْإِخْلَاصُ

الكتاب

﴿قَالَ لِبَعْرَتِكَ لَأَعُوذَنَّهُمْ أَجْزَعِينَ • إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ لَأَفْخُلَصِينَ﴾^۱

الحديث

۲۱۶۶ رسول الله ﷺ لَا إِخْلَاصَ لِمُرَاتِلِ الْمُؤْمِنِينَ^۲

۲۱۶۷ عَنْهُ ﷺ أَعْمَلُ يَوْضِيٍّ وَاحِدٍ بِكَفِّكَ الْوُجُوهَ كَفِّهَا^۳

حديث

۲۱۶۶ پیامبر خدا ﷺ برتری درجات مؤمنان بر یکدیگر، به اخلاص است

۲۱۶۷ پیامبر خدا ﷺ برای خدا کار کن، تو را از همگان کفایت می‌کند

۲/۵ كِفَايَةُ الْقَلِيلِ مِنَ الْعَمَلِ مَعَ الْإِخْلَاصِ

۲۱۶۸ رسول الله ﷺ أَخْلَصَ قَلْبَكَ يَكْمَلُ الْقَلِيلُ مِنَ الْعَمَلِ^۴

۲۱۶۹ عَنْهُ ﷺ أَخْلَصَ دِينَكَ يَكْمَلُ الْقَلِيلُ مِنَ الْعَمَلِ^۵

۲/۵ کافی بودن کار اندک محضانه

۲۱۶۸ پیامبر خدا ﷺ دلت را خالص گردان، تا کار اندک، تو را بس باشد

۲۱۶۹ پیامبر خدا ﷺ نیت را خالص گردان، تا کار اندک، برای تو بس باشد

۳/۵ نَوْرُ الْإِخْلَاصِ فِي قُبُولِ الْأَعْمَالِ

۲۱۷۰ رسول الله ﷺ إِذَا عَمِلْتَ عَمَلًا فَاغْتَنَهُ قَبْرُ خَالِصًا، لَا أَنَّهُ لَا يَقْبَلُ مِنْ عِبَادِهِ لِأَعْمَالٍ إِلَّا مَا كَانَ خَالِصًا^۶

۳/۵ نقش اخلاص در پذیرش اعمال

۲۱۷۰ پیامبر خدا ﷺ هر گاه کاری کردی، آن کار را تنها برای خدا انجام ده؛ زیرا او تنها اعمال خالص ننگارش را می‌پذیرد

۱. مکارم الأخلاق ج ۲ ص ۳۷۰ ح ۲۶۶۱

۲. ص ۸۲ و ۸۳ ۳. نبيه الخواطر ج ۲ ص ۱۱۹

۴. کثر العمل ج ۲ ص ۲۳ ح ۵۲۶۰

۵. بحار الأنوار ج ۷۳ ص ۱۷۵ ح ۱۵

۶. کثر العمل ج ۲ ص ۲۳ ح ۵۲۵۷

۷. مکارم الأخلاق ج ۲ ص ۳۵۲ ح ۳۶۶۰

۲۱۷۱. عَنْهُ عَلَيْهِ أَخْلَصُوا أَعْمَالَكُمْ لَهُ؛ فَإِنَّ أَقْلَهُ لَا يَقْبَلُ إِلَّا مَا خَلَصَ لَهُ.^۱

۲۱۷۱. پیامبر خدا ﷺ اعمال خود را برای خدا خالص گردانید؛ زیرا خداوند نمی‌پذیرد مگر آنچه را که خالص برای او باشد.

۴/۵ علامَةُ الْمُخْلِصِ

۴/۵ علامت مُخلص

۲۱۷۲. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنْ جِبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ - لَمَّا سَأَلَهُ النَّبِيُّ ﷺ عَنْ تَفْسِيرِ الْإِخْلَاصِ - الْمَخْلُصُ الَّذِي لَا يَسْأَلُ النَّاسَ شَيْئاً حَتَّى يَجِدَ، وَإِذَا وَجَدَ رَحِمِي، وَإِذَا بَقِيَ عِنْدَهُ شَيْءٌ أُعْطَاهُ فِي اللَّهِ، فَإِنْ مَنَ لَمْ يَسْأَلِ الْمَخْلُوقُ فَقَدْ أَقْرَبَهُ شَيْئاً بِالْعُبُودِيَّةِ، وَإِذَا وَجَدَ لِرَحِمِي مَهْوٍ عَنِ اللَّهِ رَاضٍ، وَاللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَمَّ رَحِي، وَإِذَا أُعْطِيَ اللَّهُ ﷻ فَهُوَ عَلَى حَذِّ النِّعَةِ بِرَبِّهِ ﷻ.^۲

۲۱۷۲. پیامبر خدا ﷺ - به نقل از جبرئیل علیه السلام در پاسخ به سؤال ایشان درباره تفسیر اخلاص - : مُخلص، کسی است که از مردم هیچ نخواهد، تا خود بدان دست یابد و هرگاه بدان دست یافت، خوشنود شود و هرگاه چیزی نزدش باقی ماند، آن را [به دیگران] ببخشد؛ زیرا کسی که از محن و چربی بخورده به عبودیت برای خداوند ﷻ اقرار کرده است و چون به نیاز خود رسید و خوشود گشت، از خدا خوشود شده و خداوند - تبارک و تعالی - نیز از او خوشود است و هرگاه [آنچه برایش باقی مانده] به خاطر خداوند ﷻ ببخشد، مرتبه اعتماد بر پروردگارش رسیده است.

۵/۵ آثَارُ الْإِخْلَاصِ

۲۱۷۳. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا أَخْلَصَ عَبْدٌ شَيْئاً أَرَمَ صَبَاحاً إِلَّا جَرَتْ بِنَاصِيَةِ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ.^۳

۵/۵ آثار اخلاص

۲۱۷۴. عَنْهُ عَلَيْهِ مَا لَ اللَّهِ ﷻ لَا أَعْلَمُ عَلَى قَلْبِ عَبْدٍ فَأَعْلَمُ مِنْهُ حُبَّ الْإِخْلَاصِ لِطَاعَتِي لَوْ جُهِدَ وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي إِلَّا تَوَلَّيْتُ تَقْوِيَةً وَسَيَاسَةً.^۴

۲۱۷۳. پیامبر خدا ﷺ هیچ بدمای چهل روز برای خدا اخلاص نمی‌وردد، مگر آن که چشمه‌های حکمت، از دلش به ریانش جاری می‌شود.

۲۱۷۴. پیامبر خدا ﷺ خداوند ﷻ می‌فرماید: هرگاه دل بنده را بگرم و در پام که از روی اخلاص و برای خوشودی من، طاعت را به جا می‌آورد، اصلاح و قریبت او را خود به عهده می‌گیرم!

الفصل السادس. الخشوع

۱/۶ فَضْلُ الْخُشُوعِ

الكتاب

فصل ششم: خُشوع

۱/۶ فضیلت خُشوع

قرآن

﴿كَانَ الَّذِي يَتْلُو الْقُرْآنَ فِي مَجْلِسٍ ذُو الْحِكْمَةِ يَلْتَمِسُ الْخُشُوعَ﴾^۱
 ﴿وَيَذَرُونَ الْأَلْفَانَ بِتُكُوفٍ وَيَرْبَعُونَ خُشُوعًا﴾.^۲

۱. کنز العمال ج ۳ ص ۲۳ ح ۵۲۵۸

۲. معانی الاخبار ص ۳۶۱ ح ۱

۳. بیون أخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۶۹ ح ۳۲۱

۴. بحار الأنوار ج ۸۵ ص ۱۳۶ ح ۱۶

۵. الإسراء ۱۰۹

الحدیث

حدیث

۲۱۷۵ رسول الله ﷺ: إِنْ أَوَّلَ شَيْءٍ يُرْفَعُ مِنْ هَدْيٍ لَأَمَّةٍ الْأَمَانَةُ وَالْخُشُوعُ حَتَّى لَا تَكُنْ تُرَى حَاشِعاً

۲۱۷۵ پیامبر خدا ﷺ نخستین چیزی که از میان آیین امت زحمت بر می‌سد، امانداری و خشوع (حاکم‌ساری) است، چندان که تقریباً مسلمان حاشعی نمی‌بینی

۲. ۶. تَحَشُّعُ النَّفَاقِ

۲۱۷۶ رسول الله ﷺ: إِيَّاكُمْ وَتَحَشُّعُ النَّفَاقِ. وَهُوَ مَنْ يُرَى الْجَسَدُ حَاشِعاً وَالْقَلْبُ لَا يَسْ بِخَاشِعٍ ۲

۲/۶ خاشع‌نمایی منافقانه
۲۱۷۶ پیامبر خدا ﷺ از خاشع‌نمایی منافقانه بهره‌بردار و آن چسب است که بدن، خاشع نشان نماند شود، در حالی که دل، خاشع نیست

۲۱۷۷ عنه ﷺ: مَا رَأَى خُشُوعَ الْجَسَدِ عَلَى مَا فِي الْقَلْبِ فَهُوَ عَدُوٌّ بَاقٍ ۳

۲۱۷۷ پیامبر خدا ﷺ: این که جسم، بیش از دل خاشع باشد، اس، نزد منافق است

الفصل السابع: خدمة الناس

۱/۷ الحديث على قضاء الحوائج

۲۱۷۸ رسول الله ﷺ: مَنْ سَمِيَ فِي حَاجَةٍ أَحِبَّ النَّاسَ مَكَانَمَا عَبْدَ اللَّهِ تِسْعَةَ آلَافِ سَنَةٍ. صَانِئاً نَهَاراً لَيْلَةً ۴

۲/۷ تشویق به بر آوردن حاجت مردم
۲۱۷۸ پیامبر خدا ﷺ: کسی که در راه بر آوردن نیاز برادر مؤمن خود بکوشد، چنان است که نه هزار سال سالار و نه گرفتار و نه شست و نه دندانی، خدا را عبادت کرده باشد

۲۱۷۹ عنه ﷺ: مَنْ قَصَى لِمُؤْمِنٍ حَاجَةً قَصَى اللَّهُ لَهُ حَوَائِجَ كَثِيرَةً ذَاهِرَةً الْبَحْثَ ۵

۲۱۷۹ پیامبر خدا ﷺ: هر کس یک نیاز مؤمنی را روا سازد، خداوند، نیازهای فراوان او را روا می‌سازد، که کمترین آنها بهشت است

۲/۷ ثَوَابُ خِدْمَةِ الْمُؤْمِنِ

۲۱۸۰ رسول الله ﷺ: أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَدَّمَ قَرَمًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ مِثْلَ عَدَدِهِمْ خَدَاماً فِي الْجَنَّةِ ۶

۲/۷ پاداش خدمت کردن به مؤمن
۲۱۸۰ پیامبر خدا ﷺ: هر مسلمانی که به گروهی از مسلمانان خدمت کند، خداوند به تعداد آنان، در بهشت به او خدمتکار می‌دهد

۱ مکتوب الأخلاق ج ۲ ص ۳۶۱ ح ۲۶۶۱

۲ تحف العقول ص ۶۰

۳ الکافی ج ۲ ص ۲۹۶ ح ۶

۴ بحار الأنوار ج ۷ ص ۳۱۵ ح ۷۲

۵ قرب الإسناد ص ۱۱۹ ح ۴۱۸

۶ الکافی ج ۲ ص ۲۰۷ ح ۱

۲۱۸۱. عَنْهُ عَلَيْهِ خِدْمَةُ الْمُؤْمِنِ لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ دَرَجَةٌ ۲۱۸۱. پیامبر خدا ﷺ خدمت کردن مؤمن به برادر مؤمنش، مقامی است که فصیلت و ثواب آن، جز با

همانند آن (خدمت) به دست نمی‌آید

۳/۷. إِنْ لَمْ يَنْ أَمْتَنَ عَنْ قَضَاءِ حَاجَةِ أَخِيهِ

۳/۷. کینه خودداری از بر آوردن نیاز برادر

۲۱۸۲. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ مَنَعَ طَالِباً حَاجَتَهُ وَهُوَ قَادِرٌ

۲۱۸۲. پیامبر خدا ﷺ: کسی که بتواند حاجت نیازمندی

عنی قصانها فعليه مثل حَطِيئَةِ عَشَارٍ ۲

را بر آورد، ولی دست رد به سینه او بزند، گناهش

چون گناه جگر است

۱. مستدرک الوسائل ج ۱۲ ص ۱۷۹ ح ۱۴۵۲۱

۲. ثواب الأعمال ص ۳۲۱ ح ۱

الباب الثاني

بسم

نماز و مقدمات آن

فصل بكم وضو

الصلاة ومقدماتها

الفصل الأول الوضوء

۱/۱ فصل الوضوء

۱/۱. فصیلت وضو

۲۱۸۳ پیامبر خدا ﷺ وضو، نصف ایمان است.

۲۱۸۳ رسول الله ﷺ الوضوء نصف الإيمان

۲۱۸۴ پیامبر خدا ﷺ هرگاه بده وضو بگیرد، گناهانش

۲۱۸۴ عنه ﷺ إذا توضأ التبت نحاط عنه دسوته كما

همچون برگ‌های این درخت، فرو می‌ریزد

تحات و زق هذه شجرة ۲

۲/۱ فصیلت ریاء وضو گرفتن و همپله با وضو

۲/۱ فصل كثرة الوضوء ودوام الطهارة

۲۱۸۵ پیامبر خدا ﷺ هر اوان وضو بگیرد تا حدود

۲۱۸۵ رسول الله ﷺ كثر من الطهور يرد لفة في عملك

صبر نهی از توبه کردید. اگر توانستی شب و روز

وإب استغسل أن يكون سائيل والتهار على

با طهارت باشی، این کار را بکن، زیرا اگر در حال

طهاره ماضل، ما بکون اداست على الطهاره

طهارت همیری، شهید خواهی بود

شهيداً ۲

۳/۱ آثار وضو بر قیامت

۳/۱ آثار الوضوء في القيامة

۲۱۸۶ پیامبر خدا ﷺ خداوند قیامت مرا در روز

۲۱۸۶ رسول الله ﷺ يحشر الله أمتي يوم القيامة بين

قیامت، بر اثر وضو، با چهره‌های ریا و دست و

الأمم قرأ محطلين من آثار الوضوء ۱

پای سفید، محشور می‌کند

۲۱۸۷ عنه ﷺ ترون علي عراً محطلين من آثار

۲۱۸۷ پیامبر خدا ﷺ [روز قیامت] بر اثر وضو، با

الوضوء، أمت لا أحد غيركم ۲

پیشانی و دست و پای سفید بر من وارد می‌شود و

هیچ کس جز شما، بن خصوصیت را نخواهد

داشت

۱ التواتر للراوندي ص ۱۹۲

۲ كثر العمل ج ۹ ص ۲۸۶ ح ۲۶۰۳۰

۳ الأمالي للمفيد، ص ۶۰ ح ۵

۴ دلائل الإسلام ج ۱ ص ۱۰۱

۵ صحيح مسلم ج ۱ ص ۲۱۸ ح ۳۸

الفصل الثانی. الأذان

فصل دوم: اذان

۱/۲. بَدْءُ تَشْرِيعِ الْأَذَانِ

۱/۲. آغاز تشریع اذان

۲۱۸۸ رسول الله ﷺ أَوَّلُ مَنْ أَذَّنَ فِي السَّمَاءِ جِبْرِيلُ ۱.

۲۱۸۸ پیامبر خدا ﷺ نخستین کسی که در سماء
آذان گفت، جبرئیل علیه السلام بود

۲۱۸۹ الإمام علي عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَلَّمَهُ لِأَذَانِ لَيْلَةٍ أُسْرِيَ بِهِ، وَفَرَضَتْ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ ۲

۲۱۸۹ امام علی علیه السلام: در شبی که پیامبر خدا به معراج
برده شد، اذان به او آموخته شد و نماز بر او واجب
گردید.

۲۱۹۰ تهذيب الأحكام عن رواية عن الإمام الباقر عليه السلام: لَمَّا

۲۱۹۰ تهذيب الأحكام - به نقل از زراره - امام باقر علیه السلام
فرمود: پیامبر خدا، در شبی که به معراج برده
شد، چون به بیت المعمور رسید، وقت نماز شد
پس جبرئیل علیه السلام اذان و اقامه گفت سپس پیامبر
حکما جلو ایستاد و فرشتگان و پیامبران، پشت سر
پیغمبر خدا صف کشیدند.أُسْرِيَ بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَبَلَغَ الْبَيْتَ الْمَعْمُورَ، خَضَعَتْ
الصَّلَاةُ، فَأَذَّنَ جِبْرِيلُ ﷺ وَأَقَامَ، فَتَقَدَّمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ،
وَصَفَّ الْمَلَائِكَةُ وَالنَّبِيُّونَ حَتَّى رَسَّاهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ.

قَالَ فَقُلْنَا لَهُ كَيْفَ أَذَّنَ؟

فَعَالَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَشْهَدُ
أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّ
مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ، حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ،
حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ حَيَّ عَلَى نَفْلٍ، حَيَّ عَلَى خَيْرِ
الْعَمَلِ حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ، اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا
اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُوَالْإِقَامَةُ مِثْلُهَا، إِلَّا أَنَّ فِيهَا «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ قَدْ
قَامَتِ الصَّلَاةُ» بَيْنَ «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ حَيَّ عَلَى
خَيْرِ الْعَمَلِ» وَبَيْنَ «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ»فَأَمَرَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِبَلَالٍ، فَلَمْ يَزَلْ يُؤَدِّنُ بِهَا
حَتَّى قَبِضَ اللَّهُ رَسُولَهُ ﷺ ۳به امام باقر علیه السلام گفتیم: چگونه اذان گفت؟
فرمود: این گونه: [الله أكبر، الله أكبر، الله أكبر، أشهد أن
لا إله إلا الله، أشهد أن لا إله إلا الله، أشهد أن محمداً
رسول الله، أشهد أن محمداً رسول الله، حي على
الصلاة، حي على الصلاة، حي على الفلاح، حي
على الفلاح، حي على خير العمل، حي على خير
العمل، الله أكبر، الله أكبر، لا إله إلا الله، لا إله إلا الله.
اقامه نیز به همین سنن، با این تفاوت که در
اقامه، بین «حي على خير العمل، حي على
العمل» و «الله أكبر، الله أكبر، جملة» قد قامت
الصلاة، قد قامت الصلاة» هست.پس پیامبر خدا، بلال را مأمور گفتن اذان کرد
و از آن پس، بلال تا زمانی که پیامبر خدا رحلت
کرد، این اذان را می گفت.

۱. المطالب العالی ج ۱ ص ۶۳ ح ۲۶۶

۲. کنز العمال ج ۱۲ ص ۳۵۰ ح ۳۵۳۵۱

۳. تهذيب الأحكام ج ۲ ص ۶۰ ح ۲۱۰

پژوهشی درباره چگونگی تشریع اذان

بأمل در احادیثی که درباره چگونگی تشریع اذان وارد شده است، نشان می‌دهد که در دوران رسامداری معنویه، چگونگی تشریع اذان، در حاکم اسلامی مورد اختلاف قرار گرفت، بدین معاکه در مقابل خاندان رسالت - که اتفاق نظر داشتند که تشریع اذان، بر پایه وحی الهی بوده است و پیامبر اسلام، همه سدهای آن را در حرثین امس و او از حدود متعال احد کرده است - جمعی از مسلمانان، بر پایه شماری از روایات، بر این باور بودند که اذان، ریشه در وحی نداشته، بلکه مشأ آن، جواب و پیشهاد سرحی از مسلمانان به پیامبر اسلام بوده است.

یک، روایاتی که مشأ اذان را وحی نمی‌دانند

در مهم ترین کتاب سدهای روای اهل سنت در این زمینه احادیثی وارد شده، از آن جمله در مس ابی داود چنین آمده است: پیامبر ﷺ در این اندیشه بود که چگونه مردم را برای نماز، جمع کند بعضی گفتند در موقع فرا رسیدن نماز، پرچمی نصب کن و مردم وقتی آن را دیدند، به یکدیگر خبر می‌دهند [که وقت نماز شده است]! اما پیامبر ﷺ این پیشهاد را پسندید.

عده‌ای گفتند: شیور برید. پیامبر ﷺ بر این هم پسندید و فرمود: «س، روش ینهور است» بو حثس باقوس را پیشهاد کردند فرمود: «این، کار بهار است» عید الله بن رید بس عهد ربه، در حالی رفت که دل مشعولی پیامبر خدا، دهس او را بر مشعول کرده بود. در عالم خواب، اذان به او نشان داده شد صبح، وی نزد پیامبر خدا رفت و به ایشان خبر داد و گفت: ای پیامبر خدا من بس خواب و بیداری بودم که کسی مردم را آمد و اذان را به من نشان داد.

عمر بن خطاب، پیش از او، اذان را در خواب دیده بود. مابیس رور، آن را پنهان نگه داشت و سپس پیامبر ﷺ را آگاه ساخت. پیامبر ﷺ فرمود: «چه به من خبر می‌دی؟» گفت: فلان از من، عهد الله بن رید، خبرش را داد و من دیگر شرم کردم. پیامبر خدا فرمود: «ای دلارابر حیر و بین که عهد الله بن رید به تو چه فرمان می‌دهد؟ همان کار را بکن». پس، بلال، اذان گفت.

ابو بشر می‌گوید: ابو عمیر به من خبر داد که انصار می‌گویند که اگر در آن رور، عهد الله بن رید بیمار بود،

حتماً پیامبر خدا او را مؤذن قرار می‌داد.^۱

دو نقد و تحلیل

بررسی اسناد، روایات و تأمل در متن و معنی آنها و نیز عرصهٔ آنها بر احادیث اهل بیت علیهم‌السلام، برای پژوهشگر، تردیدی در مجبوری بودن آنها باقی نخواهد گذاشت، آنچه بر نادرستی این روایات دلالت می‌کند، عبارت است از:

۱. ناسازگاری با مقام نبوت

این باور که تشریع اذان، بر اساس رؤیای عبد الله بن رید بوده، بدین معناست که خاتم پیامبران الهی - که برای کوچک‌ترین رفتارهای فردی جامعهٔ اسلامی، از جانب خداوند متعال، رهنمود آورده است - در مورد یکی از بزرگ‌ترین عبادات سیاسی - اجتماعی، سعی داشته که چه باید کرد و حتی طبق برخی از این روایات، برای آن، بیست و نوبت سرگردان بوده است، تا این که رؤیای شخصی به شخصی، مشکوک می‌شود و موجب تصمیم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و تشریع اذان می‌گردد.



بی‌تردید، این پندار، با اعتماد به نوبت پیامبر اسلام، قابل جمع نیست و در این روایات، امام صادق علیه‌السلام صریحاً تعیین کردن کسانی که از چنین پنداری جانبداری می‌کنند، مجرد و وحیدان آنان را به دوری می‌خواند و با شکستی از آنان می‌پرسد که چگونه این پندار را به عقیده به نبوت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و سرول وحی برایشان جمع می‌کنند:

«بر پیامبر شما وحی نازل می‌شود و شما می‌گویید که بر زبان ران عبد الله بن رید گرفته است؟»^۲

۲. مغالطات داشتن با حکمت اذان

تأمل در احادیث فراوانی که در منابع حدیثی شیعه و اهل سنت دربارهٔ حکمت اذان و فضایل و برکات آن وجود دارند، نشان می‌دهد که فلسفهٔ این عمل عبادی، تنها اعلام وقت نماز نیست؛ بلکه آثار فردی، اجتماعی، دیوبی و اخروی فراوانی بر آن مترتب است. بدین ترتیب، آیا می‌توان باور کرد که همهٔ این حکمت‌ها و برکات، به دنبال رؤیای عبد الله بن رید پدید آمده است و یا این که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فلسفهٔ اذان را می‌دانسته و ولی از خود اذان، بی‌اطلاع بوده است؟!؟

۱. سنن ابی داود ج ۱ ص ۱۳۴ ح ۲۹۸، میرزا یحیی خاکی ج ۱ ص ۵۷۴ ح ۱۸۳۳

۲. دکر الشیعة ص ۱۶۸

۲. تکذيب شدن به وسيله اهل بيت ﷺ

احاديث رسالت ﷺ علاوه بر اين که تأکيد مي کنند که مشأ اذان، وحی است، به صراحت و ب شدت، روایاتی را که آغاز تشريع آن را مستند به رؤيا کرده اند، تکذيب نموده و آن را با ايمان به نبوت پيامبر ﷺ، ساسارگار دانسته اند. اين، در حانی است که گر هيچ ديبی حر تکذيب اهل بيت ﷺ در بين باره وجود نداشت، برای اثبات نادرستی و معمول بودن اين روایات، کافی بود، چر که «اهل البيت اذري بما فی البيت» اهل خانه، بهتر می دانند که در خانه چیست»

سید انگیزه جعل حديث عبد الله بن زيد

در باره انگیزه جعل این حدیث نمی توان به صورت قطع، اظهار نظر کرد، برخی از محققان، اس احتمال ر تقویت کرده اند که عمودی عبد الله بن زيد، این رؤیا ساخته اند.

اما به نظر می رسد که جعل این حدیث، همسند بسیاری از احادیث معمول دیگر، انگیزه سیاسی داشته است، زیرا همان طور که پیش از این سر توضیح دادیم، اذان علاوه بر یادآوری وظیفه فردی و علام وقت نماز، یک شعار مهم سیاسی- اجتماعی بر حسب و بن شعار، به بهار میثه مدوم حاکمیت اسلام و در حوامع اسلامی فراهم می کند، بلکه در کار استقرار عروش های دینی، می تواند موجب انتقال فرهنگ اسلامی به سایر حوامع گردد. بدین جهت، حریای های سیاسی ای که حاکمیت اسلام اصل را با مضع خود در نهاد می پسند این شعار سیاسی را بر می تابند.

به نظر می رسد که جعل حدیث عبد الله بن زيد، به وسيله حرب اموی (در عصر حاکمیت مطلق معاویه) و با هدف حذف و یا تحریف شعار سیاسی- اجتماعی اذان انجام گرفته است، زیرا اگر حاکمیت تشريع اذان «رؤیا» شد، کسی که مدعی خلافت پيامبر ﷺ و بلکه خداوند متعال است، می تواند با رؤیایی دیگر، آن را به صورت دلخواه تعبیر دهد و یا حذف نماید!

آنچه می تواند این تحلیل را تأیید کند، این است که موضعگیری اهل بيت ﷺ در برابر روایاتی که مشأ تشريع اذان را رؤیای عبد الله بن زيد می داند، پس ر استقرار حکومت معاویه است، زیرا اگر چنین شایعه اهانت آمیزی درباره پيامبر اسلام، در دوران حیات مامعین ﷺ بر وجود داشت، بی تردید، آن امام در برابرش موضعگیری می نمود، در حالی که در تاریخ، نخستین برخورد اهل بيت ﷺ با این شایعه به وسيله امام مجتبی ﷺ پس از جریان صلح او با معاویه ثبت شده است.

۲/۲. فُصُولُ الْأَذَانِ

۲/۲. بندهای اذان

۲۱۹۱ الإمام المأثور عليه السلام - في حديث الإسراء - ثُمَّ أَمَرَ [اللَّهُ سُبْحَانَهُ] جِبْرِئِيلَ عليه السلام فَأَذَّنَ شَعْباً وَأَذَانَ شَعْباً، وَ قَالَ فِي أَذَانِهِ: «حَيَّ عَلَى حَبِيرِ الْعَمَلِ» ثُمَّ تَقَدَّمَ مُحَمَّدٌ عليه السلام فَصَلَّى بِالْقَوْمِ^۱

۲۱۹۱ امام باقر عليه السلام - در حدیث اسراء - سپس [احدای سبحان] به جبرئیل عليه السلام دستور داد و جبرئیل، دو بند دو بند، اذان و دو صد دو صد، اقامه گفت و در ادانش جمله «حی علی حبیر العمل» را گفت آن گاه محمد صلی الله علیه و آله جلو قرار گرفت و برای جمعیت، نماز خواند

۲۱۹۲ عنه عليه السلام كُنْ الْأَذَانُ «حَيَّ عَلَى حَبِيرِ الْعَمَلِ» عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله، وَهُوَ يُرَوِّى أَيْمَانُ بْنُ بَكْرٍ وَضَدُّهُ مِنْ أَيْمَانِ عُمَرَ، ثُمَّ أَمَرَ عُمَرَ بِقَطْعِهِ وَحَدِيثِهِ مِنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ، فَقِيلَ لَهُ فِي ذَلِكَ، لَقَالَ إِذَا سَمِعَ النَّاسُ أَنَّ الصَّلَاةَ حَبِيرُ الْعَمَلِ، تَهَاوَوْا بِالْجِهَادِ وَتَحَلَّفُوا عَهُ^۲

۲۱۹۲ امام باقر عليه السلام در زمان پیامبر خدا، اذان ب «حی علی حبیر العمل» همراه بود و در زمان ابوبکر و اوایل دوره عمر، همین دستور را اجرا می کردند؛ اما بعداً عمر، دستور برداشتن و حذف آن را از اذان و اقامه داد و وقتی در این باره از او سوال (بیه او اعتراض) شد، گفت وقتی مردم بشنوند که نماز، به کربس کار است، در جهاد، مستی می ورزند و از آن، سر باز می زنند

۳/۲. فَصْلُ الْأَذَانِ

۳/۲. فصلیت اذان

۲۱۹۳ رسول الله صلی الله علیه و آله الْأَذَانُ مَوْزٌ^۳

۳/۲. فصیلت اذان

۲۱۹۴ عنه عليه السلام - كَانَ يَمْعُولُ لِإِبِلٍ إِذَا دَخَلَ لَوْحٌ - يَا بِلَالُ اْعْلُ فَوْقَ الْحِدَارِ وَارْفَعْ صَوْتَكَ بِالْأَذَانِ، فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ وَكَّلَ بِالْأَذَانِ رِيحاً سَرْفَةً إِلَى السَّمَاءِ، وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ إِذَا سَمِعُوا، الْأَذَانَ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ قَالُوا هَذِهِ صَوَاتُ أُمَّةٍ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله بِتَوْحِيدِ اللَّهِ تعالى وَتَسْتَعِيرُونَ لِأُمَّةٍ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله حَتَّى يَرْغَبُوا مِنْ تِلْكَ الصَّلَاةِ^۴

۲۱۹۳ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله اذان، مور (مابه روشایی) است. ۲۱۹۴ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - به بلال، هر گاه که وقت نماز می شد: ای بلال! بالای دیوار برو و صدایت را به اذان، بلند کن؛ زیرا خداوند، بادی را برای اذان گماشته است که آن را به آسمان فرستاده و فرشتگان هر گاه بهنگ اذان اهل زمین را بشنوند، می گویند: این [صدای]، صدای امت محمد است که به توحید خداوند تعالى بلند است و برای امت محمد صلی الله علیه و آله، تا زمانی که آن نماز را تمام کند، پیوسته آمرزش می طلبند

۲۱۹۵ عنه عليه السلام - فِي وَصِيَّتِهِ لِأَبِي ذَرٍّ - يَا أَبَا ذَرٍّ، إِذَا كَانَ الْعَبْدُ فِي أَرْضٍ قَفِرٍ فَتَوَضَّأَ أَوْ تَيَمَّمَ ثُمَّ أَدَّنَ وَاقَامَ وَصَلَّى، أَمَرَ اللَّهُ الْمَلَائِكَةَ فَضَفُّوا خَمْعَهُ صَفًّا لَا يَرَى

۲۱۹۵ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در وصیته به ابو ذر - ای ابو ذر! بده، هر گاه در بیابانی بی آب و علف باشد و وضو بگیرد یا تیمم کند و سپس اذان و اقامه بگوید و نماز بخواند، خداوند تعالى به فرشتگان

۱ الکافی ج ۸ ص ۱۳۱ ح ۹۳

۲ دعائم الإسلام ج ۱ ص ۱۶۲

۳ جامع الأخبار ص ۱۷۲ ح ۲۰۵

۴ الکافی ج ۳ ص ۳۰۲ ح ۳۱

طَرَفَاهُ، يَرْكَعُونَ بِرُكُوعِهِ وَيَسْجُدُونَ بِسُجُودِهِ
وَيُؤْمِنُونَ عَلَى دُعَائِهِ.

يَا أَيُّهَا ذُرِّيَّتِي، مَنْ أَمَامَ وَلَمْ يُؤْذَنْ لَمْ يُصَلِّ مَعَهُ إِلَّا
الْمَلَكَانِ اللَّذَانِ مَعَهُ.^۱

۴/۲. فَضْلُ الْمُؤَذِّنِ

۲۱۹۶ رسول الله ﷺ الْمُؤَذِّنُونَ أَصْنَاءُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى
صَلَوَاتِهِمْ وَصُورِهِمْ وَلَسَعْوِيهِمْ وَدِمَائِهِمْ لَا يَسْأَلُونَ
اللَّهَ شَيْئاً إِلَّا أَعْطَاهُمْ، وَلَا يَسْمَعُونَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا
شُعْمُوا.^۲

۲۱۹۷ عَنْهُ ﷺ يَدُ الرَّحْمَنِ قَوْفُ رَأْسِ الْمُؤَذِّنِ، وَإِنَّهُ لَيَمْرُقُ
لَهُ مَدَى صَوْتِهِ أَيْنَ يَلُغُ.^۳

۲۱۹۸ عَنْهُ ﷺ - وَقَدْ سَمِعَ مُؤَذِّناً يَقُولُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ
إِلَّا اللَّهُ - حَذَقَكَ كُلَّ رَطْبٍ وَيَأْسٍ.^۴

۲۱۹۹ عَنْهُ ﷺ مَنْ أَذَّنَ فِي بَصْرِ مِنْ أَمْصَارِ الْمُسْلِمِينَ
سَنَةً وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ.^۵

۲۲۰۰ عَنْهُ ﷺ يُحَشِّرُ الْمُؤَذِّنُونَ مِنَ أُمَمِي مَعَ النَّبِيِّينَ
وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ.^۶

۲۲۰۱ - عَنْهُ ﷺ مَنْ أَذَّنَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ صَلَاةً وَاحِدَةً إِيْمَاناً
وَاحْتِسَاباً وَتَقَرُّباً إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، غُفِرَ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ
ذُنُوبِهِ، وَمَنْ عَلَيْهِ بِالصَّغِيرَةِ فِيمَا بَيْنَ يَدَيْهِ عُمْرُهُ، وَخَفَعَ

دستور می دهد که پشت سر او صف کشند، چندان
که ابتدا و انتهای آن صف، ناپیداست، و بارکوع او
رکوع کند و با سجود او به سجده روید و برای
دعایش «آمین» بگوید.

ای ابو ذر! هر کس اقامه بگوید و اذان بگوید،
نهایت آن دو فرشته‌ای که همراهش هستید، با او
نمار می‌گرارند.

۴/۲ فضیلت مؤذن

۲۱۹۶ پیامبر خدا ﷺ مؤذنان، امانتداران اهل ایمان
بر نمازها و روزه و گوشت و حوشان هستند هر
چه از حقایق حق بخواهد، به آنان عطا می‌کند و
برائی‌ها را چه شفاعت کند، شفاعتشان پذیرفته
می‌شود.

۲۱۹۷ پیامبر خدا ﷺ دست خدای مهربان، بالای سر
مؤذن است^۱ و به اندازه صد آرس او، نه هر کجا
صدایش برسد، گناهانش را می‌آمرزد.

۲۱۹۸ - پیامبر خدا ﷺ - به مؤذنی که بانگ «أشهد أن لا إله
إلا الله» را از او شنید، هر تر و خشکی، تورا
تصدیق کرد.

۲۱۹۹ - پیامبر خدا ﷺ هر کس در شهری از شهرهای
مسلمانان به مدت یک سال اذان بگوید، بهشت بر
او واجب می‌گردد.

۲۲۰۰ - پیامبر خدا ﷺ مؤذنان امت من، با پیامبران و
صدیقان و شهیدان و صالحان، محشور می‌شوند.

۲۲۰۱ - پیامبر خدا ﷺ هر کس در راه خدا و از سر ایمان
و برای طلب خشودی خدا و تقرب به خداوند ﷻ،
برای یک نماز، اذان بگوید، خداوند، گناهان گذشته

۱ الأمان للطلوسي ص ۵۳۵ ح ۱۱۶۲

۲ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۲۹۲ ح ۹۵

۳ المعجم الأوسط ج ۲ ص ۱۸۱ ح ۱۹۸۷

۴ المعجازات النبویة ص ۲۲۱ ح ۱۷۸

۵ تهذیب الأحکام ج ۲ ص ۲۸۳ ح ۱۱۲۶

۶ الفضل ص ۲۵۵ ح ۳۶

تَمِثُهُ وَيَبَيِّنُ الشَّهَادَاتِ فِي الْجَنَّةِ ۱

او را می‌آورد و او را در باقی‌مانده عمرش، از گناه محفوظ می‌دارد و وی را در بهشت، با شهیدان گرد می‌آورد

۵/۲. بركات الأذان

۲۲۰۲ رسول الله ﷺ إِذَا أَدَّنَ الْمُؤَذِّنُ أَدْبَرَ الشَّيْطَانَ وَلَهُ حُصَاصٌ ۲ ۲

۵/۲ بركات الأذان

۲۲۰۲ پیامبر خدا ﷺ هرگاه مؤذن اذان بگوید، شیطان به سرعت پا به فرار می‌گذارد

۲۲۰۳ عَنْهُ ﷺ - فِي وَصِيَّتِهِ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع - يَا غِيّ، إِذَا وَلَدَ لَكَ عَلَامٌ أَوْ جَارِيَةٌ فَأَدِّنْ فِي أُذُنِهِ الْهَمْسَ، وَاقِمِ فِي الْيَسَرِ، فَإِنَّهُ لَا يَضُرُّهُ الشَّيْطَانُ أَبَدًا ۱

۲۲۰۳ پیامبر خدا ﷺ - در سفارش به امیر مؤمنان ع - ای غی، اگر برای تو علامه یا جاریده (دختر) زاده شود، در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه بگو؛ در یسار (چپ) او اذان بگو، شیطان هرگز به او نرسد

۲۲۰۴ عَنْهُ ﷺ إِذَا أَدَّنَ فِي فَرِيَةٍ، أَمَّنَهَا اللَّهُ بِسَ عِدَابِهِ ذَلِكَ الْيَوْمَ [يَوْمَ الْقِيَامَةِ] ۵

۶/۲ من يَصْلِحُ لِلْعَادِينَ

۲۲۰۴ پیامبر خدا ﷺ هرگاه در یک آبادی اذان گفته شود، خداوند در آن روز [روز قیامت]، آن آبادی را از عذابش ایمن می‌دارد

۲۲۰۵ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَسُودُكُمْ أَفْرُوكُمْ، وَتُؤَدِّنُكُمْ جِيَارُكُمْ ۶

۶/۲ افراد شایسته برای اذان گفتن

۲۲۰۵ پیامبر خدا ﷺ: آن کس که قرائتش از همه شما بهتر است، امام جماعت شما بشود و بهنرستان، برای شما اذان بگوید.

۲۲۰۶ عَنْهُ ﷺ يَسِي خُطْمَةً مِنَ الْأَنْصَارِ بِبَنِي خُطْمَةَ، اجْعَلُوا مُؤَذِّنَكُمْ أَفْضَلَكُمْ فِي أَنْصَابِكُمْ ۷

۷/۲ أَهْمُ مَا يَنْتَفِي رِعَايَتُهُ لِلْمُؤَدِّنِ

۲۲۰۶ پیامبر خدا ﷺ - به بنی خُطْمَه (از انصار) - ای بنی خُطْمَه! مؤذنتان را بهترین مرد در میان خود قرار دهید

۲۲۰۷ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا يُؤَدِّنُ إِلَّا مُتَوَضِّئٌ ۸

۲۲۰۸ سنن ابن ماجه عن أبي سعيد الخدري: إِنْ أَكُنْتُ فِي

۷/۲ مهم‌ترین وظایف مؤذن

۲۲۰۷ پیامبر خدا ﷺ اذان نباید بگوید، مگر کسی که وضو دارد

۱ کتاب من لا يحضره الفقيه ج ۱ ص ۲۹۱ ح ۵
۲ الخصائص لبدة العذو وجدنه وقبل هو بن يصح بدبه [أي بحر كة]، ريسر بأذنيه [أي يصحبها] ريسر وقبل هو القراط والتهابه ج ۱ ص ۳۹۶ ح ۵

۳ صحيح مسلم ج ۱ ص ۲۹۱ ح ۱۷

۴ تحف الموعول ص ۱۳

۵ المعجم الأوسط ج ۴ ص ۸۲ ح ۳۶۷۱

۶ کتاب من لا يحضره الفقيه ج ۱ ص ۲۸۵ ح ۸۸۱

۷ التيسر للکبری ج ۱ ص ۶۲۷ ح ۲۱۰۱

۸ سنن ترمذی ج ۱ ص ۳۸۹ ح ۲۰۰

۲۲۰۸ سنن ابن ماجه - به نقل از ابو سعيد خُدَری - هرگاه در میان بودی، صدايت را به اذان بساز کن؛

زیرا از پیامبر خدا شنیدم که می فرمود: هیچ چمن و انیس و درخت و مسگی نیست که سانگ اذان را بشود، مگر این که نه آن، شهادت می دهد.

۲۲۰۹. الشرح الكبير، عبد الرحمن بن قدامة - به نقل از ابو هریره - : پیامبر خدا فرمود: کسی که «هائ» را اعلام می کند، نباید بر نشان اذان بگوید.

گفتیم یعنی چگونه می گوید؟
فرمود: «می گوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»

۸/۲ مهم ترین وظایف شنونده اذان

۲۲۱۰ پیامبر خدا ﷺ: هر گاه سانگ [اذان] را شنیدید، باید آنچه را که مؤذن می گوید، بگویید.

۲۲۱۱ امام باقر ع: پیامبر خدا، هر گاه سانگ مؤذن را می شنید، آنچه را که او می گفت، تماماً تکرار می کرد.

۲۲۱۲ پیامبر خدا ﷺ: هر گاه صدای اذان مؤذن را شنیدید، بگویید: بار خدایا! فضل را از دل های ما، به برکت مادت، بردار و نعمت و فضل خود را بر ما کامل گردان و ما را در شمار بندگان شایسته ات قرار ده.

۲۲۱۳ پیامبر خدا ﷺ: هر کس که وقتی صدای مؤذن را می شنود، بگوید: اگر ای می دهم که معبودی حق خدای یگانه نیست و بی نیاز است، و محمد سده و فرستاده او است - حشودم که خداوند یکتا، پروردگار من است و محمد، فرستاده او و اسلام، دینم است -، گناهش آمرزیده می شود.

۲۲۱۴ پیامبر خدا ﷺ: هر کس که وقتی سانگ [اذان] را

البوادى قارَعَ صَوْتَكَ بِالْأَدْبِ، فَأَنَّى سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ: لَا يَسْمَعُهُ جَنْ وَلَا بَسٌّ وَلَا شَجَرٌ وَلَا خَجَرٌ إِلَّا شَهِدَ لَهُ^۱

۲۲۰۹. الشرح الكبير لعبد الرحمن بن قدامة عن أبي هريرة: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا يُؤْذَنُ لَكُمْ مَنْ يُدْعِي الْهَاءَ فَمَا وَكَيْفَ يَقُولُ؟ قَالَ يَقُولُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ^۲

۸/۲ أَهْمُ مَا يَنْتَفِي بِعَابَتِهِ السَّمَاعِ

۲۲۱۰. رسول الله ﷺ إِذَا سَمِعْتُمُ النِّدَاءَ فَقُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ الْمُؤْذَنُ^۳.

۲۲۱۱ الإمام الباقر ع كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا سَمِعَ مُؤْذَنًا يُؤْذَنُ قَالَ مِثْلَ مَا يَقُولُهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ^۴

۲۲۱۲ رسول الله ﷺ إِذَا سَمِعْتُمُ الْمُؤْذَنَ ادْعُوا اللَّهَ افْتَحْ أَقْصَالَ قُلُوبِنَا لِذِكْرِكَ، وَأَتِمِّمْ عَلَيْنَا بِعَمَلِكَ وَفِعْلِكَ وَاجْتِلْنَا فِي عِبَادِكَ الصَّاحِبِينَ^۵

۲۲۱۳ عنه ﷺ مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ الْمُؤْذَنَ «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، رَضِيتُ بِاللهِ رَبًّا، وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا» غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ^۶

۲۲۱۴ عنه ﷺ مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ النِّدَاءَ «الْحَمْدُ

۱. سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۳۳۹ ح ۷۳۳

۲. الشرح الكبير لعبد الرحمن بن قدامة ج ۱ ص ۲۱۵

۳. صحيح البخاري ج ۱ ص ۲۲۱ ح ۵۸۹

۴. الكافي ج ۲ ص ۳۰۷ ح ۲۹

۵. الثقات ج ۵ ص ۱۵۳

۶. صحيح مسلم ج ۱ ص ۲۹۰ ح ۱۳

رَبِّ هِدِيهِ الدُّعْوَةَ التَّامَّةَ، وَالصَّلَاةَ الْقَائِمَةَ.
 آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ، وَابْتِئْتُهُ مَقَامًا
 محموداً أُلْهِدِي وَعْدَتَهُ» خَلَّتْ لَهُ شَفَاعَتِي يَوْمَ
 الْقِيَامَةِ^۱

۲۲۱۵ عنه عليه السلام إِذَا سَمِعْتَ النِّدَاءَ فَأَجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ عليه السلام

۲۲۱۶ عنه عليه السلام إجابة المؤذن كفارة الذنوب^۲.

۲۲۱۷ عنه عليه السلام مَنْ سَمِعَ النِّدَاءَ فِي التَّحِيّدِ فَخَرَجَ
 مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ فَهُوَ مُتَالِقٌ، إِلَّا أَنْ يُرِيدَ الرُّجُوعَ
 إِلَيْهِ^۱

۹/۲ سُبُّ الْمُؤَذِّنِ

۲۲۱۸ رسول الله صلى الله عليه وآله سَمِ الثَّرَةُ بِلَالٌ. هُوَ سَيِّدُ الْمُؤَذِّنِينَ

وَلَا يَتَّبِعُهُ إِلَّا مُؤَذِّنٌ^۵

۲۲۱۹ کتاب من لا يحضره الفقيه رَوَى أَنَّهُ لَمَّا كُنِيَ

النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله امْتَنَعَ بِلَالٌ مِنَ الْأَذَانِ وَقَالَ لَا أُوذِّنُ إِلَّا خِدْمٌ

بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله

وَأَنَّ فاطمة عليها السلام قَانَتْ نَائِلَ يَوْمٍ بِأَنِّي أَشْتَهِي

أَنْ أَسْمَعَ صَوْتَ مُؤَذِّنٍ أُمِّي صلى الله عليه وآله بِالأَذَانِ فَتَلَقَّ ذَلِكَ

بِلَالاً فَأَحَدَ فِي الْأَذَانِ، فَلَمَّا قَالَ، «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ

أَكْبَرُ» دَكَّرَتْ أَبَاهَا صلى الله عليه وآله وَأَيَّامُهُ فَلَمْ تَتَمَّالكِ مِنْ

الْهَيْكَا، فَلَمَّا بَلَغَ إِلَى قَوْلِهِ «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا

می‌شنود، بگوید: «بار خدایا! ای پروردگار! ایس
 دعوت کامل و نماز برپا شده! به محمد، وسیله و
 فصلت عطا فرما و او را به آن مقام پسندیده‌ای که
 و علّش دادی، برسان» در روز قیامت، شعاعت
 من برایش روا می‌گردد.

۲۲۱۵ پیامبر خدا صلى الله عليه وآله هر گاه سانگ [اذان] را شنیدی،

دعوتگر خدای صلى الله عليه وآله را اجابت کن.

۲۲۱۶ . پیامبر خدا صلى الله عليه وآله . پاسخ گفتن [به ندای] مؤذن،

کفاره گناهان است.

۲۲۱۷ پیامبر خدا صلى الله عليه وآله هر کس در مسجد باشد و اذان را

بشنود، ولی بدون هیچ ضرری خارج شود، ساقی

است که مگر آن که بخواهد به مسجد برگردد

۴۷۵: بطور اذان گویان

۲۲۱۸: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله نیکو مردی است بلال! او سرور

مؤذن است و مساله روانش [در قیامت]، همه،

مؤذن‌اند

۲۲۱۹ کتاب من لا يحضره الفقيه روایت شده است که

چون پیامبر صلى الله عليه وآله از دنیا رفت، بلال از اذان گفتن

خودداری کرد و گفت، بعد از پیامبر خدا، دیگر

برای هیچ کس اذان نمی‌گویم.

روزی، فاطمه عليها السلام فرمود: دوست دارم که

صدای اذان مؤذن پدرم را بشنوم!

این سخن به بلال رسید. شروع به اذان گفتن

کرد. همی که گفت: «الله أكبر، الله أكبر»، فاطمه عليها السلام

به یاد پدرش و ایام او افتاد و گریه‌اش گرفت.

و فتی بلال به جمیع «أشهد أن محمداً رسول الله»

۱ صحیح البخاری ج ۱ ص ۲۲۲ ح ۵۸۹

۲ سنن الدارقطنی ج ۲ ص ۸۷ ح ۹

۳ جامع الأخبار ص ۱۷۲ ح ۴۰۷

۴ تهذیب الأحکام ج ۳ ص ۲۶۲ ح ۷۴۰

۵ المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۳۲۲ ح ۵۲۴۱.

رَسُولُ أَقْبَرِهِ شَهَقَتْ دَاطِمَةُ ۖ شَهَقَتْ وَتَقَطَّبَ لِوَجْهِهَا
وَعُشِيَّتِي عَلَيْهَا.

فَعَالَ النَّاسُ لِبِلَالٍ أَمْسَكَ يَا بِلَالُ، فَقَدْ مَارَقَ
أَبْنُ رَسُولِ اللَّهِ الدُّنْيَا وَظَنُوا أَنَّهَا قَدْ مَانَتْ، فَتَقَطَّبَ
أُذُنُهُ وَلَمْ يَسْمَعْ

فَأَقْبَضَتْ فَاطِمَةُ ۖ وَسَأَلَهُ مَنْ يَتِمُّ الْأَدَانَ، هَلْ
يَمُوتُ، وَفَالَ لَهَا يَا سَيِّدَةَ الرَّسُولِ، بَنِي أَحَشَى عَصِيْبٍ
مِمَّا تُرْلِيْنَةُ بِفَسْكَ إِذَا سَمِعَتْ صَوْتِي بِالْأَدَانِ،
فَأَعْتَدْتُ عَنِ ذَلِكَ ۱

رسید، فاطمه ۖ فریادی زد و به رو، بر زمین افتاد
و از هوش رفت. مردم به بلال گفتند: پس کی ای
بلال! دختر پیامبر خدا را در دنیا رقت.

و گمان کردند که فاطمه ۖ جان داده است
بر این رو، بلال ادانش را قطع کرد و تا آخر
ادامه داد. فاطمه ۖ به هوش آمد و از بلال
خواست که ادان را تمام کند. آلف بلال این کار
را نکرد و گفت: ای بانوی بانوان! می ترسم که اگر
صدای ادانم را بشنوی، دوباره این بلا را به سر
خود بیاوری

پس فاطمه ۖ او را از ادامه دادن ادان، معاف
داشت.

الفصل الثالث الحثُّ على الصَّلَاةِ

۱/۳ وجوبُ الصَّلَاةِ

الكتاب

﴿وَاتَّقُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ
لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ ۲

لحديث

۲۲۲۰ رسول الله ﷺ - لِمَنْ قَالَ لَهُ أَحَبُّ شَيْءٍ مَا قَرَضَ اللَّهُ
عَلَيَّ - قَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكَ سَبْعَ عَشْرَةَ رَكْعَةً فِي الْيَوْمِ
وَاللَّيْلَةِ ۲

فصل سوم. تشویق به نماز

۱/۳ وجوب نماز

قرآن

﴿و نماز را بر پا کنید و زکات را بدهید و پیامبر [خدا] را
فرمان یزید تا مورد رحمت قرار گیرید﴾

حدیث

۲۲۲۰ پیامبر خدا ﷺ - در پاسخ سؤال کسی که درباره
آنچه خدا واجب کرده، پرسیده بود - خداوند، بر
تو هفده رکعت [نماز] را در هر شبانه روز، واجب
کرده است

۲ ۳ حکمت نماز

قرآن

﴿هَلْ أَتَاكُمْ مِنْ عِبَادِي هَاجِرٌ مِنْ نَحْبِي﴾

﴿وَمَنْ آتَا اللَّهَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْتَنِبْ وَلَقَدْ الصَّلَاةُ

۱ کتاب من لا یحضره الفقه ج ۱ ص ۲۹۷ ح ۹۰۷

۲ النور ۵۶

۳ الکافی ج ۸ ص ۳۳۶ ح ۵۳۱

لِبِقَرَتِهِ^۱

مرا پرسش کن و نماز را برای یاد کردن از من بر پا

بنا

الحدیث

حدیث

۲۲۲۱ رسول الله ﷺ: إِنَّمَا فُرِضَتِ الصَّلَاةُ لِإِقَامَةِ ذِكْرِ اللَّهِ^۲

۲۲۲۱ پیامبر خدا ﷺ: نماز، واجب شده است ... برای

بر پا داشتن یاد خدا.

۳/۳ خصائص الصلاة

أدبُ القلب

۳/۳ ویژگی‌های نماز

۲۲۲۲ رسول الله ﷺ: الصَّلَاةُ نُورٌ^۳

الف - نور دل

۲۲۲۳ عنه ﷺ: الصَّلَاةُ نُورٌ الْمُؤْمِنِ، وَالصَّلَاةُ نُورٌ مِنَ اللَّهِ^۴

۲۲۲۳ پیامبر خدا ﷺ: نماز، نور است.

۲۲۲۴ عنه ﷺ: صَلَاةُ الرَّجُلِ نُورٌ فِي قَلْبِهِ، فَخُشَّ شَاءَ مِنْكُمْ

۲۲۲۴ پیامبر خدا ﷺ: نماز، نور مؤمن است. نماز،

نوری از خداوند است.

فَلْيُؤَرِّ قَلْبُهُ^۵

مبغوث‌الدین

۲۲۲۴/۱ پیامبر خدا ﷺ: نماز انسان، نوری در دل اوست

پس هر کس می‌خواهد، دلش را نورانی کند.

۲۲۲۵ رسول الله ﷺ: الصَّلَاةُ عَمُودُ دِينِكُمْ^۶

ب - استواری دین

۲۲۲۶ عنه ﷺ: قِيمُ الدِّينِ الصَّلَاةُ^۷

۲۲۲۵ پیامبر خدا ﷺ: نماز، ستون دین شماست.

۲۲۲۶ پیامبر خدا ﷺ: بر پا دارنده دین، نماز است.

ج - خیر موضوع

۲۲۲۷ للحصول عن أبي ذرٍّ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّكَ

أَمَرْتَنِي بِالصَّلَاةِ فَمَا الصَّلَاةُ؟ قَالَ خَيْرُ مَوْضِعٍ، فَخُشَّ

شَاءَ أَقَلُّ وَشَاءَ أَكْثَرُ^۸

۲۲۲۷. الحصول - به نقل از ابو ذر - به پیامبر ﷺ گفتم:

شما مرا به نماز، امر کردی، نماز چیست؟

مرمود بهترین [تکلیف] وضع شده است؛ هر

که می‌خواهد، کم و هر که می‌خواهد، زیاد

بخواند.

۲۲۲۸. پیامبر خدا ﷺ: خود را بجات دهید، عمل کنید

۱ طه ۱۴

۲ عوالي المأثور ج ۱ ص ۳۲۳ ح ۶۰

۳ صحيح مسلم ج ۱ ص ۲۰۴ ح ۱

۴ مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۹۲ ح ۳۰۹۸

۵ كنز العمال ج ۷ ص ۳۰۰ ح ۱۸۹۷۳

۶ الكافي ج ۲ ص ۱۹ ح ۵

۷ الزهد لابن المبارك ص ۲۸۸ ح ۸۳۹

۸ الحصول ص ۵۲۳ ح ۱۳

أَعْمَالُكُمْ الصَّلَاةُ^۱

و بهرین عمل هایتان، نماز است.

د- قُرْءُ عَيْنِ النَّبِيِّ ﷺ

د- روشنی چشم پیامبر ﷺ

۲۲۲۹ رسول الله ﷺ جَعَلَ قُرْءُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ^۲

۲۲۲۹ پیامبر خدا ﷺ روشنی چشم من، در نماز بهاده

۲۲۳۰ عَنْهُ ﷺ قَالَ لِي جِبْرِيلُ ﷺ إِنَّهُ قَدْ حُبَّتْ إِلَيْكَ

شده است

الصَّلَاةُ فَخُذْ بِهَا مَا شِئْتَ^۳

۲۲۳۰ پیامبر خدا ﷺ جبرئیل ﷺ به من گفت: «نماز

ه- أَوَّلُ مَا يُحَاسِبُ بِهِ

را محسوب تو ساخته‌اند. پس هر اندازه

می‌خواهی، از آن بگیری»

۲۲۳۱ رسول الله ﷺ بَنَى عَمُودَ الدِّينِ الصَّلَاةَ، وَهِيَ أَوَّلُ

ه- نخستین مورد بازخواست

مَا يُنْظَرُ فِيهِ مِنْ عَمَلٍ ابْنِ دَنَمٍ، فَإِنْ صَحَبَ نَظَرَ فِي

۲۲۳۱. پیامبر خدا ﷺ، نماز، ستون دین و نخستین

عَمَلِهِ، وَإِنْ لَمْ يَصِبْ لَمْ يُنْظَرْ فِي نِعْمَةِ عَمَلِهِ^۴

عمل انسان است که در آن می‌نگرند. پس

۲۲۳۲ عَنْهُ ﷺ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يُدْعَى بِالصَّعْدِ قَدْ رُفِئَ

گرم صحیح بود. دیگر اهم‌الشی را می‌برد

شَيْءٌ يُسْأَلُ عَنْهُ الصَّلَاةُ فَإِنْ حَمَلَ بِهَا ثَمَّةً وَلَا رُجُوبَ

را اگر صحیح نبود، بعیه کارهایش داده

فِي النَّارِ^۵

می‌شود

و- أَحْرَمًا أَوْصَى بِهِ النَّبِيُّ ﷺ

۲۲۳۳ پیامبر خدا ﷺ روز قیامت که رسید، بنده

۲۲۳۳ مسند ابن حنبل عن أم سلمة كان من أحرر وصية

را می‌خواند و نخستین چیزی که از او

رسول الله ﷺ «الصَّلَاةُ الصَّلَاةُ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ»

می‌خواست، نماز است. اگر آن را درست ببورد،

حَتَّى جَعَلَ نَبِيُّ اللَّهِ ﷺ يُدْخِلُهَا فِي صَدْرِهِ، وَمَا

زکه دستگیر شده است؛] و گرنه، در آتش انداخته

يَهْبِشُ بِهَا لِسَانَهُ^۶

می‌شود

۱- التجمعريات ص ۲۴

۲- التکالی ج ۵ ص ۳۶۱ ح ۷

۳- مسند ابن حنبل ج ۱ ص ۵۲۸ ح ۲۲۰۵

۴- تهذيب الاحكام ج ۲ ص ۳۳۷ ح ۴۳۹

۵- عيون اخبار الرضا ﷺ ج ۲ ص ۳۱ ح ۱۵

۶- المنجى بقل اللسان وبعض الكلام وان لا يخرج بعضه في

أثر بعض (لسان العرب ج ۲ ص ۳۵۵) وما يهيب ما بين

بها كلامه، أي انه لم يعدر على ان ينكم بها لسان (كما في

هائش المصدر)

۷- مسند ابن حنبل ج ۱۰ ص ۱۷۷ ح ۳۵۱۵

و- آخرین وصیت پیامبر ﷺ

۲۲۳۳ مسند ابن حنبل - به نقل از أم سلمه - پایان بخش

وصیت پیامبر خدا، این بود: «نماز را، نماز

را و کبراستان را [مراعات کنید]! آن را تکرار

کردن آن جا که زبان‌های سنگین و مسحش بُریده

بُریده شد.

۴/۳. الْمُحَافَظَةُ عَلَى الصَّلَاةِ

الكتاب

﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾ أُولَئِكَ هُمُ السَّادِقُونَ * الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغُرَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ^۱.

الحديث

۲۲۳۱ رسول الله ﷺ يَتَكَيَّ أَكْثَرَ حَقِّكَ الصَّلَاةَ، فَأَيُّهَا رَأْسُ الْإِسْلَامِ بَعْدَ الْإِقْرَارِ بِالذِّنِّ^۲.

۲۲۳۵ عَنْهُ ﷺ حَسْبُ الرَّحُلِ مِنْ دِينِهِ كَثَرَةُ مُحَافَظَتِهِ عَلَى بِقَاةِ الصَّلَاةِ^۳.

۲۲۳۶ عَنْهُ ﷺ الصَّلَاةُ مِرَّةٌ، مَنْ رَفَى اسْتَوَى^۴.

۵/۳. الْمُحَافَظَةُ عَلَى أَوْقَاتِ الصَّلَاةِ

۲۲۳۷ الْحَسَنُ الْكِبَرِيُّ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ سَأَلْتُ النَّبِيَّ ﷺ عَنْ قَوْلِهِ «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»^۵ قَالَ هُمُ الَّذِينَ يُؤَخَّرُونَ الصَّلَاةَ عَنْ وَقْتِهَا^۶.

۲۲۳۸ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا يَسْأَلُ شِفَاعَتِي عَبْدًا مِمَّنْ أَخَّرَ الصَّلَاةَ الْمَرْغُوبَةَ بَعْدَ وَقْتِهَا^۷.

۲۲۳۹ عَنْهُ ﷺ كَمَا مَرَّةٌ رُعَاةُ الْإِبِلِ قَصَرًا الْيَوْمَ رَعَاهُ الشَّمْسُ^۸.

۴/۳. مواظبت بر نماز

قرآن

﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾ که بر سرهایشان مواظبت کند آن‌اند که خود، وارثان‌اند، همانان که بهشت را به ارث می‌برند و در آن جا جاودان می‌مانند.

حدیث

۲۲۳۱ پیامبر خدا ﷺ بیشتر هم و عمت، نماز باشد که آن‌ها سر اسلام پس از پذیرش دین است.

۲۲۳۵ پیامبر خدا ﷺ مواظبت بسیار شخص بر انجام دادن نمازها، بر دیندار بودنش کفایت می‌کند.

۲۲۳۶/پیامبر خدا ﷺ: نماز نرا روست؛ هر کس کامل

نیاورد، کامل می‌نبرد.

۵/۳. مواظبت بر وقت‌های نماز

۲۲۳۷ الحسن الکبری - به نقل از سعد بن ابی وقاص - از پیامبر ﷺ درباره آیه «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» پرسیدم. فرمود: «آنان، کسانی هستند که نماز را از وقتش به تأخیر می‌اندازند».

۲۲۳۸ پیامبر خدا ﷺ شفاعت من فردا ای قیامت! به کسی که نماز واجب را از وقتش به تأخیر اندازد، نمی‌رسد.

۲۲۳۹. پیامبر خدا ﷺ: ما رو رگاری نگهبان شتران بودیم و اکنون، نگهبان حورشید گشته‌ایم.

۱ المؤمنون ۱۷۹ ۲ نصف المقول ص ۳۶

۳ نبيه الخواصر ج ۲ ص ۱۲۲

۴ الکافی ج ۳ ص ۳۶۷ ح ۱۳

۵ الماعون ۵

۶ الحسن الکبری ج ۲ ص ۳۰۴ ح ۳۱۶۳

۷ الامالی للمتوفى ص ۳۲۶ ح ۱۵

۸ الامالی للمید ص ۱۳۶ ح ۵

۶/۳. أَمَرَ الْأَهْلَ بِالصَّلَاةِ

الكتاب

﴿وَأَمَرَ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَأَضْطَبِرَ عَلَيْهَا لَاسْتَكْرَامًا وَرَفَافًا
تُحْزَنُ لَهَا الْغَنَاءُ وَيُنْفَقُ فِيهَا﴾^۱

الحديث

۲۲۱۰. الإمام علي عليه السلام - مِنْ وَصِيَّتِهِ لِأَصْحَابِهِ - كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ نَهِيًّا بِالصَّلَاةِ بَعْدَ التَّشْمِيرِ لَنُفْسٍ بِالْجَنَّةِ يَقُولُ اللَّهُ سُبحَانَهُ - ﴿وَأَمَرَ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَأَضْطَبِرَ عَلَيْهَا﴾ فَكَانَ يَأْمُرُ بِهَا أَهْلَهُ، وَيُصَبِّرُ عَلَيْهَا نَفْسَهُ.^۲

۷/۳. فَضَّلَ الْمُصَلِّي

الكتاب

﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُسَلِّمُونَ أَكْثَرَ الْأَشْيَاءِ وَهُمْ
وَرَفَهُمْ يُدْفَنُونَ﴾^۳

الحديث

۲۲۱۱. رسول الله ﷺ إِذَا صَلَّى إِذَا صَلَّى مُسَاجِي رُبُّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى^۴

۲۲۱۲. عنه عليه السلام يَعْجَبُ رَبُّكُمْ مِنْ رَاعِي غَسَمٍ فِي رَأْسٍ شَطِئَةٍ يَحْتَلِ يُوَدِّنُ بِالصَّلَاةِ وَيُصَلِّي فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى أَنْظِرُوا إِلَيَّ عَبْدِي هَذَا يُؤَدِّنُ وَيُكِمُّ الصَّلَاةَ يَحَافُ بَنِي فَقَدْ غَفَرْتُ لِعَبْدِي وَأَدْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ^۵

۱ طه ۱۳۷

۲ موج البلاغة الخطبة ۱۹۹

۳ البقرة ۳

۴ مستدرک حبل ج ۲ ص ۱۸۱ ح ۲۱۳۵

۵ من لای یزید ج ۲ ص ۱۸ ح ۱۲۰۳

۳. فرموده‌اش خانواده به نماز

قرآن

﴿وَحَافِظًا خُودَ رَاهِ سَارِ قَرْمَانِ دِه وَخُودِ بَرِ بَرِ آن شَكِيَا
بَاش. مَا لَزِ تُو جَوِيَايِ رُوزِي نِيستِيم! [بلکه] ما به تو
روزی می‌دهیم و هرجام [نیک]، برای بهره‌گزینی
است﴾

حدیث

۲۲۲۰. امام علی علیه السلام - در سفارش به یاران خویش -:
پیامبر خدا، با آن که نوید بهشت به او داده شده
بود، باز برای نماز، خود را به رنج می‌افکند؛ زیرا
خداوند سبحان هر مومنی بود، ﴿کسان خود را به نماز
فرمان ده و خود نیز بر آن پای بگذار﴾. از این رو، پیامبر
خدا، خانواده‌اش را به نماز خواندن فرمان می‌داد و
خود نیز بر آن، پافشاری می‌کرد.

۷/۳. فضیلت نمازگزار

قرآن

﴿وَبَرِّمِزْكَارَانِ [کسانی هستند که به فیض، ایمان می‌آورند و
سار را بر پا می‌دارند و از آنچه به ایشان روری داده‌ایم،
ایمان می‌کنند].﴾

حدیث

۲۲۳۱. پیامبر خدا ﷺ نمازگزار هنگام نماز، با
پروردگارش - تبارک و تعالی - مناجات می‌کند.
۲۲۳۲. پیامبر خدا ﷺ، پروردگارتان از چوپانی که بر
پارمستگی در قفسه کوه برای نماز اذان می‌گوید و
نماز می‌خواند، خوشش می‌آید. سپس خداوند
فرماند: «ایه یمن بندگان بنگرید که از ترس من،
اذان می‌گویند و نماز می‌خوانند. بندگان را بحشیدم
و او را به بهشت بردم».

۸/۳. فَضْلُ انْتِظَارِ الصَّلَاةِ

۸/۳. فضیلت انتظار نماز

۲۲۴۲ رسول الله ﷺ: **إِنْتَظِرْ لَصَلَاةٍ بَعْدَ صَلَاةٍ كَرُمَ مِسْكُورُ الْخَنَةِ**^۱

۲۲۴۲. پیامبر خدا ﷺ: انتظار کشیدن برای نماز پس از نماز، گنجی از گنج‌های بهشت است

۲۲۴۴ الإمام الصادق عليه السلام قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: **الْجُلُوسُ فِي الْمَسْجِدِ انْتِظَارَ الصَّلَاةِ عِبَادَةٌ مَا لَمْ يُحَدِّثْ، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا يُحَدِّثُ؟ قَالَ الْاِعْتِيَابُ**^۲

۲۲۴۴. امام صادق علیه السلام، پیامبر خدا فرمود: «به انتظار نماز نشستن در مسجد، عبادت است، تا آن گاه که حدثنی از او سر برند»

گفته شد. ای پیامبر خدا! چگونه حدثنی؟

فرمود: «عبت کردن»^۱

الفصل الرابع آداب الصلوة

فصل چهارم. آداب نماز

۱/۴. آداب الظاهرية

أ- السُّوَاكُ

۱/۴. آداب ظاهری

۲۲۴۵ رسول الله ﷺ: **رُكْعَتَايَ بِسَوَاكٍ أَصْلُ مِنْ سَبْعِينَ رُكْعَةً بِحِرِّ سَوَاكٍ**^۳

الحق بمسواک و در

۲۲۴۵. پیامبر خدا ﷺ: دو رکعت [کسی که] مسواک برده، بهتر از هفتاد رکعت مسواک برده است.

ب- الزَّيْنَةُ

ب- زینت کردن

الكتاب

«يَسْنِي» أَدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عَمَدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»^۴

قرآن

«ای فرزندان آدم! زینت خود را در هر مساجدی بپوشید و بخورید و بنوشید و اسراف نکنید؛ زیرا که خداوند اسراف‌کنندگان را دوست نمی‌دارد»^۵

الحديث

۲۲۴۶ رسول الله ﷺ: **مِنْ أَحَبِّ ثِيَابِكُمْ إِلَى اللَّهِ الْبَيَاضُ فَصَلُّوا فِيهَا**^۶

حدیث

۲۲۴۶. پیامبر خدا ﷺ: «محبوب‌ترین لباس‌ها نزد خدا، سفید است پس با آن، نماز بخوانید»

۱. تهذیب الأحکام ج ۲ ص ۳۳۷ ح ۹۳۷

۲. مشکوٰۃ ج ۲ ص ۳۵۷ ح ۱

۳. المحاسن ج ۲ ص ۳۸۲ ح ۲۳۴۴

۴. الاعراف ۳۱

۵. الطیفات الکبری ج ۱ ص ۴۵۰

۱. در صحیح البخاری چنین آمده است: «بندای که در مسجد، انتظار نماز را می‌کشد، تا آن گاه که حدثنی از او سر برند»
یروسته در نماز آمده.

ج - مُرَاعَاةُ أَوَّلِ الْوَقْتِ

ج - رعایت اول وقت

۲۲۴۷ الإمام الصادق ع: أَنَّى جَبَرَيْلُ عَزَّ زَسُوهُ أَفَرَجَ
فَأَعْلَمَهُ مَوَاقِيتَ الصَّلَاةِ فَقَالَ: «أَفْضَلُ الْوَقْتِ أَوَّلُهُ»^۱
۲۲۴۸ رسول الله ﷺ: أَوَّلُ الْوَقْتِ رِصْوَانُ الْفَرَسِ، وَوَسْطُ
الْوَقْتِ رَحْمَةُ اللَّهِ، وَآخِرُ الْوَقْتِ عَفْوُ اللَّهِ^۲

۲۲۴۷ امام صادق ع: جبرئیل عَزَّ زَسُوهُ أَفَرَجَ
و نه ایشان، وقت‌های نماز را تعلیم داد سپس
گفت: «... بهترین وقت، اول آن است».

۲۲۴۸ پیامبر خدا ﷺ: اول وقت، رِصْوَانِ خدایند
است و میان وقت، رحمت خداوند و پایان وقت،
عفو خداوند

د - أَدَاءُ الْفَرِيضَةِ فِي الْمَسْجِدِ

د - نماز واجب را در مسجد خواندن

۲۲۴۹ سَنَنِ الدَّارِ قُطَيْبٍ عَنْ جَابِرٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ: فَقَدْ السَّيِّئُ عَنِ
قَوْمًا فِي الصَّلَاةِ فَقَالَ مَا خَلَعَكُمْ عَنِ الصَّلَاةِ؟
قَالُوا بَعْدَ كَرَارٍ يَسَا، فَقَالَ لَا صَلَاةَ لِجَارِ الْمَسْجِدِ
إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ^۳

د - نماز واجب را در مسجد خواندن

۲۲۴۹ سنن الدار قُطَيْبٍ - به نقل از جابر بن عبد الله -
پیامبر ﷺ گروهی را در نماز نیافت. پس گفت: «چه
چیزی شما را از حضور در نماز، باز داشته است؟»

گفتند: اختلافی که در میان ما بوده است.

هـ - النَّاسِي

پیامبر خدا فرمود: «برای همسایه مسجد،
نماز [کامی] نیست، جر در مسجد»

۲۲۵۰ الکافی عن علي بن عيسى رفعه، قَالَ: إِنَّ مُوسَى عَزَّ
مَاجَاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَسَالَى لِمَا لَمْ يَفْعَلْ لِي مُسَاجِدِهِ
يَا مُوسَى، فَحُلِّ التَّوْبَةُ وَأَخْرِ الدُّسْبَ، وَتَأَنَّ فِي الْمَكْتُبِ
بَيْنَ نَدَى فِي الصَّلَاةِ^۴

هـ - درنگ کردن

۲۲۵۰ الکافی - به نقل از علی بن عیسی، که مسجد
حدیث را به پیامبر ﷺ رسانده است... همان
موسی عَزَّ با خداوند ﷻ به راز و نیاز پرداخت و در
محاحات خداوند به او چنین فرمود: «ای موسی!
توبه را مقدم کن و گناه را نه تأخیر انداز و هنگام به
نماز ایستادن در پیشگاه من، درنگ کن».

۲ / ۴ الْآدَابُ الْبَاطِنِيَّةُ

أ - حُضُورُ الْقَلْبِ

۲۲۵۱ ومَنَوَّلَ اللَّهُ ﷻ إِذَا قَامَ الْمَبْدُ إِلَى صَلَاتِهِ وَكَانَ هَوَاءُ

۲ / ۲ آداب باطنی

الف - حضور قلب

۲۲۵۱ - پیامبر خدا ﷺ هر گاه بخواهد به نماز بایستد

۱ نه‌دیب الاحکام ج ۲ ص ۲۵۳ ح ۶۰۰۴

۲ سنن الدار قُطَيْبٍ ج ۱ ص ۲۴۹ ح ۲۲

۳ لاحتی الرجل ملاحاة و لجهاء إذا نازعه (لسان العرب ج ۵ ص ۱۴۲)

۴ سنن الدار قُطَيْبٍ ج ۱ ص ۴۳۰ ح ۱

۵ الکافی ج ۸ ص ۴۶-۴۷ ح ۸

وَقَدْ بُدِّئَ إِلَى اللَّهِ أَنْصَرَفَ كَيَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ^۱

۲۲۵۲ عه ﷺ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ عَبْدٍ لَا يُحَصِّرُ قَلْبَهُ مَعَ
بَدَنِهِ^۲

ب- الْخُشُوعُ

الكتاب

﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ
خُشِعُونَ^۳

الحديث

۲۲۵۳ رسول الله ﷺ لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَا يَسْتَحْشِعُ فِي
صَلَاتِهِ^۴

۲۲۵۴ عه ﷺ صَحَّ بِعُزْرِكَ مُوجِبُ سُجُودِكَ^۵

ج- آدَاءُ الصَّلَاةِ بِخُصَالَةٍ مُوَدَّعٍ

۲۲۵۵ رسول الله ﷺ حُلَّ صَلَاةٍ مُوَدَّعٍ كَأَنَّكَ نَرَاهُ، مَا لَمْ
كُنْتَ لَا تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ^۶

۲۲۵۶ سنن ابن ماجه عن ابي ايوب: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى
النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، عَلَّمَنِي وَأَوْجِزْ، قَالَ: إِذَا
قُمْتَ فِي صَلَاتِكَ فَصَلِّ صَلَاةَ مُوَدَّعٍ^۷

۳/۴ التَّكْبِيرُ وَآدَابُهُ

۲۲۵۷ رسول الله ﷺ يَحْتَاجُ الصَّلَاةَ الطُّهُورُ، وَتَحْرِيمُهَا

و گرایش و دلش به سوی خدا باشد، به حالت
همان روزی که از مادر زاده شده، بار می‌گردد
[گناهانش آمرزیده می‌شود]

۲۲۵۲ پیامبر خدا ﷺ خداوند، نماز بسنده‌ای را که
دلش همراه تنش نیست، نمی‌پذیرد.

ب- خاکساری

قرآن

﴿به راستی که مؤمنان، رستگار شدند؛ همانان که در
نمازشان خاکسارند﴾

حدیث

۲۲۵۳ پیامبر خدا ﷺ: کسی که در نمازش خاکساری
نکند، ساری ندارد

۲۲۵۴ پیامبر خدا ﷺ نگاهت را به سجده گاهت بدلور

ج- نماز خواندن، مانند نماز خدا حافظی کند

۲۲۵۵ پیامبر خدا ﷺ مانند کسی نماز بگردد که آخرین
نمازش را می‌خواند؛ گویی او (خدا) را می‌بینی
پس اگر تو او را می‌بینی، او تو را می‌بیند.

۲۲۵۶ سنن ابن ماجه - به نقل از ابو ایوب -: مردی
نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای پیامبر خدا! به من
بیاموز و مختصر کن.

پیامبر خدا فرمود: «هنگامی که به نماز
ایستادی، همچون کسی نماز بگردد که آخرین
نمازش را می‌خواند».

۳/۴ تکبیر و آداب آن

۲۲۵۷ پیامبر خدا ﷺ: نماز، با طهارت گشوده می‌شود،
با تکبیر گفتن آغاز می‌گردد و با سلام دادن، پایان

۱ بخاری الأئوار ج ۸ ص ۲۶۱ ح ۵۹

۲ للمحبس ج ۱ ص ۴۰۶ ح ۹۲۱

۳ للموسو ۱ ص ۲

۴ للمردوس ج ۵ ص ۱۹۵ ح ۷۹۳۵

۵ للمردوس ج ۲ ص ۱۲۵ ح ۲۸۷۴

۶ عوالي اللآلی ج ۱ ص ۱۱۰ ح ۱۵

۷ سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۳۹۶ ح ۴۱۷۱

التَّكْبِيرُ، وَتَحْلِيلُهَا التَّسْلِيمُ^۱

می‌پذیرد

۲۲۵۸ الأمامي للطوسي عن علقمة بن وائل عن لسه
صَلَّيْتُ حَلْفَ النَّبِيِّ ﷺ فَكَثُرَ حِينَ أَحْسَحَ الصَّلَاةَ وَرَدَّ
يَسِيرَهُ وَحِينَ أَرَادَ الرُّكُوعَ وَبَعْدَ الرُّكُوعِ^۲

۲۲۵۸ الأمامي، طوسي - به نقل از علقمة بن وائل.
او پذیرش - پشت سر پیامبر ﷺ نماز خواندم. هم
هنگام اعمار نماز، تکبیر گشت و دست‌هایش را بالا
برد، و هم هنگامی که خواست به رکوع برود، و
هم پس از رکوع.

۴/۴. آداب الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ

۴/۲ آداب رکوع و سجود

۲۲۵۹ رسول الله ﷺ إني قد نهيتُ عن المرأة، في
الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ، فَأَمَّا الرُّكُوعُ فَعَظُمُوا اللَّهَ فِيهِ
وَأَمَّا السُّجُودُ فَأَكْثِرُوا فِيهِ مِنَ الدُّعَاءِ قَبْلَهُ قَمَرٌ^۳
أَنْ يُسْتَجَابَ لَكُمْ^۴

۲۲۵۹ پیامبر خدا ﷺ همانا من از قرائت (-قرآن)
در رکوع و سجود، نهی شده‌ام. پس در رکوع،
خداوند را بزرگ بشمارید و در سجود، بسیار دعا
کنید؛ چرا که سر او را برآورده شدن است برای شما.

۵/۴. مَا لَا يَنْبَغِي لِلْمُفْصَلِي

۴/۴ آنچه برای نمازگزار، شایسته نیست

أ- حَسُّ النُّوْلِ وَالْعَانِطِ

الف - نگهداری نول و عانط

۲۲۶۰ رسول الله ﷺ لَا يُصَلِّيَنَّ أَحَدُكُمْ وَفِيهِ عَيْنُهُ
الْعَفْزِينَ - يَعْنِي النُّوْلَ وَالْعَانِطَ -^۵

۲۲۶۰ پیامبر خدا ﷺ هیچ یک از شما در آن حال که نول
یا عانطش انبوه شده است، نماز نخواند

ب- الْعَبَثُ

ب - بازی کردن

۲۲۶۱ رسول الله ﷺ - لِعَلِّي بَعْثٌ - يَا عَلِيُّ، كَرِهَ لَكَ بَعْثٌ
لِأَمْسِي الْعَبَثِ فِي الصَّلَاةِ^۶

۲۲۶۱ پیامبر خدا ﷺ - به امام علی (ع) - ای علی!
خداوند، بازی کردن در نماز را برای امت من،
پسندیده است^۱

۲۲۶۲ عَنْهُ ﷺ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كَرِهَ لِي بَعْثٌ
جِصَالٍ وَكَرِهْتُمْ لِلْأَوْصِيَاءِ مِنْ وَلَدِي وَأَبَاعِهِمْ مَنْ
يَعْدِي الْقَبْتَ فِي الصَّلَاةِ^۷

۲۲۶۲ پیامبر خدا ﷺ همانا خداوند - تبارک و تعالی -
شخصی حصلت را برای من پسندیده و من نیز آنها
را برای جنبشیان از نَسْلَم و پیروانشان
پسندیده‌ام بازی کردن در نماز

۱ سنن الترمذی ج ۱ ص ۹ ح ۳

۲ الأمامي للطوسي ص ۳۸۵ ح ۸۳۵

۳ عین حذیر و حقیق (المصباح المیزان ص ۵۱۷)

۴ معانی الأخبار ص ۲۷۹

۵ معانی الأخبار ص ۱۶۴ ح ۱

۶ کتاب من لا یحضره الفقه ج ۴ ص ۳۵۷ ح ۵۷۶۲

۷ الأمامي للصدوق ص ۶۰ ح ۳

من روایت در کافی چنین است: ای امت من! خداوند،

بیست و چهار حصلت را برای شما پسندیده و شما را از آنها

نار دهنده بازی کردن در نماز. ۱- الکافی ج ۲ ص ۳۰۰

ح ۲

ج-الإلتفات

ج-روی گرداندن به این سو و آن سو

۲۲۶۳ رسول الله ﷺ لا تَلْتَفِتُوا فِي صَلَاتِكُمْ فَإِنَّهُ لَا صَلَاةَ لِلْمُتَلَفِّتِ^۱

۲۲۶۳. پیامبر خدا ﷺ: در نمازتان، به این سو و آن سو روی نگردانید؛ چرا که چنین کسی نماز [کاملی] ندارد.

۲۲۶۴ عنه ﷺ: مَنْ عَرَفَ مَنْ عَلَى يَمِينِهِ وَشِمَالِهِ سَعَمًا فِي الصَّلَاةِ فَلَا صَلَاةَ لَهُ^۲

۲۲۶۴. پیامبر خدا ﷺ: هر کس در نماز از روی عمد، به آن که در چپ و راستش هست، آگاه شود، نمازش درست نیست.

د-الكَمَل

د-کاملی کردن

الكتاب

قرآن

﴿إِنَّ الْمُتَطَهِّرِينَ يُخَدِّعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَدِيعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا خُصَالًا يَرَاءُونَ لِبَاسًا وَلَا يَدْعُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا﴾^۳

﴿مُتَطَهِّرِينَ﴾: با حد، پیرنگ می‌کنند، حال آن که او با آن پیرنگ خواهد کرد و چون به نماز ایستند، با کسالت بر می‌چرند. با مردم، ربا می‌کند و خدا را هر اندکی یاد نمی‌کنند.

حدیث

الحديث

۲۲۶۵ صحيح البخاري عن أنس بن مالك: دَخَلَ النَّبِيُّ ﷺ فَإِذَا حَبْلٌ مَعْدُودٌ بَيْنَ الشَّارِئَيْنِ^۴، فَقَالَ: مَا هَذَا الْحَبْلُ؟ قَالُوا: هَذَا حَبْلُ لِرَيْبٍ، فَإِذَا فَتَرْتَ تَعَلَّقْتَ، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: لَا، حُلُّوهُ يَحُلُّ أَحَدُكُمْ شَاطِئَهُ، فَإِذَا فَتَرَ فَلْيَتَّقِ^۵

۲۲۶۵. صحيح البخاري: -به نقل از آنس بن مالک- پیامبر ﷺ داخل شد و با طنابی رو به رو شد که میان دو ستون کشیده بودند. فرمود: «ایں طناب برای چیست؟»

گفتند: این، طناب ریب است که هر گاه بی‌حال می‌شود، نشان می‌آورد.

ه-التَّائِبُ

۲۲۶۶ رسول الله ﷺ يَتَأْتِكُمْ وَشِدَّةُ التَّائِبِ فِي الصَّلَاةِ.

پس پیامبر خدا فرمود: «به آن را بار کنید. هر یک از شما تنها تا هنگامی نماز بخواند که نشاط دارد، و هنگامی که بی‌حال شده، بنشیند».

ه-توبه گشتن

۱. المعجم الأوسط ج ۲ ص ۲۹۱ ح ۲۰۲۱

۲. عوالي اللئالي ج ۱ ص ۳۲۴ ح ۶۴

۳. البناء ۱۴۲

۴. المدارية الاسطوانة (النهاية ج ۲ ص ۳۶۵)

۵. صحيح البخاري ج ۱ ص ۳۸۶ ح ۱۰۹۹

۶. التَّائِبُ: فترة ثمرة الشخص فيفتح عندها (مجمع

البحرین ج ۱ ص ۳۰۵)

۲۲۶۶ پیامبر خدا ﷺ: مبادا در هنگام نماز، ریاضت

حمیازه بکشید، که صدای شیطان است. همانا

فَإِنَّهَا عَوَةٌ^۱ شَيْطَانِي، وَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْقُدُسَ وَيَكْرَهُ
الشَّائِئَ فِي الصَّلَاةِ^۲

حدوید، عطسه را دوست دارد؛ ولی حمیازه را در
نماز، ناپسند می‌درد

الفصل الخامس ترك الصلاة والاستخفاف بها

فصل پنجم. نحوایند نماز و سبک شمردن آن

۱/۵. آثار ترك الصلاة

۱/۵. آثار نماز بخواندن

۲۲۶۷. رسول الله ﷺ مَنْ تَرَكَ صَلَاةَ لَيْلِيٍّ وَهُوَ عَلَيْهِ
غَضَبٌ^۳

۲۲۶۷ پیامبر خدا ﷺ هر کس نمازی را بخواند،
حدوید را ملاقات می‌کند در حالی که بر او
حنماک است.

۲۲۶۸. عَنْهُ ﷺ مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا أَحْبَطَ اللَّهُ عَمَلَهُ^۴

۲۲۶۸ پیامبر خدا ﷺ هر کس نماز را از روی قصد
ترک کند، حدوید، عملش را تباه می‌کند.

۲۲۶۹. عَنْهُ ﷺ مَا بَيْنَ الْكُفْرِ وَالْإِيمَانِ إِلَّا تَرْكُ الصَّلَاةِ^۵

۲۲۶۹ پیامبر خدا ﷺ: (مرو) میان کفر و ایمان، حجر
ترک نماز نیست

۲۲۷۰. عَنْهُ ﷺ مَا مَسَّ السُّلَمَ وَبَيْنَ الْكُفْرِ إِلَّا أَنْ يَتْرَكَ
الصَّلَاةَ الْفَرِيضَةَ مُتَعَمِّدًا أَوْ يَنْهَازَ بِهَا فَلَا يَصْنَعُ^۶

۲۲۷۰ پیامبر خدا ﷺ میان مسلمان و کفر، حجر اس
بیست که نماز واجب را از روی قصد ترک کند و
یا به جهت سبک شمردن، آن را بخواند

۲/۵. عقاب تارك الصلاة

الكتاب

﴿مَنْ جُنْتُ بِشَاءَ لَوْ﴾ عَنْ الْمُجْرِمِينَ ﴿مَا سَلَكَكُمْ فِي
سَقَرٍ﴾ قَالُوا بَعْذُكَ مِنَ الْمُنْصَلِينَ^۷

۲/۵. کفر ترک کننده نماز

قرآن

الحدیث

۲۲۷۱. رسول الله ﷺ مَنْ تَرَكَ صَلَاةً مُتَعَمِّدًا كُتِبَ سَعْتُهُ

﴿در میان باغ‌ها از یکدیگر می‌پرستند و باران مجرمان﴾ چه
چیز شما را به سقر درآورد؟ می‌گویند: دار نمازگزاران
نبودیم﴾

حدیث

۱. العَوَّةُ: التصرف، وأصلها عربة بالهاء فأعجم (کما فی حاشی
المصدر)

۲۲۷۱ پیامبر خدا ﷺ هر کس نماز را از روی قصد

۲. دعائم الإسلام ج ۱ ص ۱۷۱

۳. المعجم الكبير ج ۱ ص ۳۳۶ ح ۱۱۷۸۲

۴. الترهيب والترهيب ج ۱ ص ۳۸۵ ح ۱۸

۵. تواب الاعمال ص ۲۷۵ ح ۲

۶. تواب الاعمال ص ۲۷۵ ح ۱

۷. المدر ج ۲ ص ۱۳

عَلَى بَابِ النَّارِ فَمَنْ يَدْخُلُهَا^۱

ترک کند، نامش را بر سر درِ دوزخ، چرو و وارد شوندگان به آن، می‌نویسند.

۳/۵ حَزَاءُ مَنْ اسْتَحَفَّ بِالصَّلَاةِ

۳/۵ سزای کسی که نماز را سبک بشمارد

الكتاب

قرآن

«وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخُذُوا مَرْوًا وَلَعِنَا ذَلِكَ

«و در هنگامی که [به وسیله افان، مردم را] به نماز می‌خوانید،

آن را به مسخره و بازی می‌گیرید و پیرا آنان، مردمی‌اند

بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَنْظُرُونَ»^۲

که نمی‌اندیشند».

الحديث

حدیث

۲۲۷۲ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا يَسْأَلُ شُعَاعَتِي مَنْ اسْتَحَفَّ

بِصَلَاتِهِ، وَلَا يَرُدُّ عَلَى الْخَوْصِ لَا وَاللَّهِ.^۳

۲۲۷۲ پیغمبر خدا ﷺ کسی که نماز را سبک بشمارد،

به شعاعت من دست نمی‌یابد، و به خدا، سوگند،

۲۲۷۳ عَنْهُ ﷺ عَشْرُونَ حَمَلَةً نُورِثُ الْفَقْرَ

در کنار حوص [یکوثر]، بر من وارد بخواهد شد

، لَا اسْتِغْفَافَ بِالصَّلَاةِ^۴

۲۲۷۳ | پیغمبر خدا ﷺ بیست حصلت، فقر می‌آورد.

۲۲۷۴ عَنْهُ ﷺ لَا تَرَأَى الشَّيْطَانَ ذَمَرًا مِنَ الْمُؤْمِنِ مَا

و سبک بشمارد دل نماز

حَافِظٌ عَلَى الصَّلَاةِ الْحَمِيرِ، وَإِذَا ضَعُفَتْ شَجَرَةٌ

۲۲۷۴ . پیغمبر خدا ﷺ همواره، شیطان در انسان با ایمان،

هراسان است تا هنگامی که بر نمازهای پس‌جنگانه

عَلَيْهِ فَأَدْخَلَهُ فِي النَّظَائِمِ^۵

مواظبت ورود، پس هرگاه آنها ر تپاه کند، بر او

الفصل السادس. آثار الصلاة

جبرئت می‌یابد و او را در گناهان بزرگ وارد

۱/۶ ذَهَابُ الشَّيْئَاتِ

می‌کند

الكتاب

فصل ششم: آثار نماز

«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَرُبَّمَا عَسَ أَنْ يَكُونَ

۱/۶ از میان رفتن بدی‌ها

أَلْحَسَنُ يَذْهَبُ الشَّيْئَاتِ ذَلِكَ بَغَيْرِ التَّكْبِيرِ»^۱.

قرآن

«و در دو طرف روز [اول و آخر آن] و بعضی‌ن ساعت

سب نماز را برپا دیر، در آن خوبی‌ها بدی‌ها را از میان

می‌برد این برای پندگیرندگان پندی است».

۱ حلیه الاولیاء ج ۷ ص ۲۵۴

۲ المائدة ۵۸

۳ الکافی ج ۶ ص ۴۰۰ ح ۱۹

۴ جامع الاخبار ص ۳۱۳ ح ۹۵۱

۵ الکافی ج ۳ ص ۲۶۹ ح ۸

۶ هود ۱۱۴

الحديث

حديث

۲۲۷۵ رسول الله ﷺ الصَّلَاةُ كَفَّارَاتُ لِمَا نَسِهُنَّ، إِلَّا زُكْرَ اللَّهِ قَالَ: «إِنَّ الْخَسَنَاتِ يَذْهَبُ السَّيِّئَاتِ»^۱

۲۲۷۵. پیامبر خدا ﷺ: نمازها، پوشاننده آنچه در میان آنهاست، هستند؛ چون خداوند ﷻ گفته است: «خسناات حویلی مدیدی ما را از بدی می‌برد»^۱

۲۲۷۶. عنه ﷺ ما مِنْ صَلَاةٍ يَحْضُرُ وَقْتُهَا لَا بَادِيَ مَدَنَ بَيْنَ يَدَيَّ لِلَّهِ - أَيُّهَا النَّاسُ، قُومُوا إِلَى سِرَائِكُمْ الَّتِي أَوْقَدْتُمُوهَا عَلَى ظُهُورِكُمْ فَأَطِيعُوهَا بِصَلَاتِكُمْ^۲

۲۲۷۶. پیامبر خدا ﷺ: وقت هیچ نمازی در نمی‌رسد، حری این که مرسته ای در پیشگاه خداوند فریاد بر می‌آورد ای مردم! بر حیرید و به سوی تشنه‌هایی که بر پشت خود افروخته، بروید و با نماز هایتان آنها را خاموش سازید

۲۲۷۷. عنه ﷺ - فِي ذِكْرِ ثَوَابِ الصَّلَاةِ - فَإِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ وَتَوَجَّهْتَ وَقَرَأْتَ أَمَّ الْكِتَابِ وَمَا تَسْتَرْزُكَ مِنْ السُّورِ ثُمَّ رَكَعْتَ فَأَتَمَمْتَ رُكُوعَهَا وَسُجُودَهَا وَتَشَهُدْتَ وَسَلَّمْتَ غَيْرَ لَكَ كُلُّ ذَنْبٍ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الصَّلَاةِ الَّتِي قَدَّمْتَهَا إِلَى الصَّلَاةِ اسْتَوْخَرَهُ، فَهَذَا لَكَ فِي صَلَاتِكَ^۳

۲۲۷۷. پیامبر خدا ﷺ: در بیان پاداش نماز: هنگامی که به نماز می‌آیسی و رو به قبله می‌کنی و [سوره] حمد را و هر سوره‌ای که می‌خوانی، می‌خوانی پس خم می‌شوی و رکوع و سجود را تمام به جا می‌آوری و تشهد و سلام می‌گویی، همه گناهات از نماز که آوردی تا نماز پس از آن، آمرزیده می‌شود. اس است آنچه در نماز به دست

۲/۶. طهارة النفس

۲۲۷۸ رسول الله ﷺ إِنَّمَا مَثَلُ الصَّلَاةِ مِثْلَكُمْ كَمَثَلِ الشَّرِيِّ - وَهُوَ النَّهْرُ - عَلَى بَابٍ أَحَدَكُمْ يَخْرُجُ إِلَيْهِ فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ، يَغْتَسِلُ مَعَهُ خَمْسَ مَرَّاتٍ، فَلَمْ يَبْسُ الدَّرَنُ مَعَ الْعَسَلِ خَمْسَ مَرَّاتٍ، وَلَمْ يَبْسُ الدُّمُوتُ مَعَ الصَّلَاةِ خَمْسَ مَرَّاتٍ^۴

۲۲۷۸. پیامبر خدا ﷺ: مثل نماز در میان شما، مثل جوی آبی است که بر حانه یکی از شما روز و شب روان باشد و او پنج بار خود را در آن بشوید، پس همان گونه که هیچ چرکی با پنج بار شستن باقی نمی‌ماند، گناهان نیز با پنج بار نماز حواندن، باقی نمی‌مانند

۳/۶. الْفَنَعُ مِنَ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ

الكتاب

﴿أَنْتَ مَا أَوْحَى إِلَيْكَ مِنَ الْكُتُبِ وَأَنْتَ لَتُصَوِّرَنَّ﴾

۴/۶. منع شستن از کارهای زشت و ناپسند

قرآن

﴿أَيُّهَا لَوْ كُنْتُ بِه سَوِي تَوْحِي شَدَّ اسْت، بَعُولَن وَنَمَارَ رَا بَرِيَا دَلَر، كِه نَمَار، لَزْ كَار رَشْت وَ نَپَسْد، بَار مِي دَلَرَد،

در دعائه اسلام، چنین آمده است: پوشاننده آنچه در میان آنهاست... تا آن گاه که از گناهان بزرگ، دوری گزینی...»

۱. المعجم الكبير ج ۳ ص ۲۹۸ ح ۲۱۶۰

۲. تهذيب الأحكام ج ۲ ص ۲۲۸ ح ۹۱۴

۳. کتاب من لا يحضره الفقيه ج ۲ ص ۲۰۲ ح ۲۱۳۸

۴. کتاب من لا يحضره الفقيه ج ۱ ص ۲۱۱ ح ۶۵۰

الصَّلَاةُ تُنْهِى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلِيَكُنَّ اللَّهُ لَكُمْ
وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ^۱

الحديث

۲۲۷۹ رسول الله ﷺ مَنْ لَمْ تَهَيَّ صَلَاتُهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ
وَالْمُنْكَرِ لَمْ يَرُدَّ مِنَ اللَّهِ إِلَّا بُعْدًا^۲

۲۲۸۰ عنه ﷺ لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَمْ يُطِيعِ الصَّلَاةَ، وَطَاعَةَ
الصَّلَاةِ أَنْ تَنْتَهِيَ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ^۳

۴/۶ مَرْوِلُ لِلرَّحْمَةِ

۲۲۸۱ الكافي عن أبي حمزة عن الإمام العارضة قال
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا قَامَ الْعَبْدُ مُتَوِّسًا فِي صَلَاتِهِ نَظَرَ اللَّهُ
إِلَيْهِ. أَوْ قَالَ أَفْضَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ - حَتَّى يَنْصَرِفَ، وَأَطْلَعَ
الرَّحْمَةَ مِنْ فَوْقِ رَأْسِهِ إِلَى أَعْيِ السَّمَاءِ - وَالصَّلَاةُ
تُحْفَظُ مِنْ حَوْلِهِ إِلَى أَعْيِ السَّمَاءِ، وَكُلُّ بِهِ مُلْكًا فَائِئِمًا
عَلَى رَأْسِهِ يَقُولُ لَهُ أَيُّهَا الْمُصَلِّي لَوْ تَعَلَّمُ مَنْ يَحْطَرُّ
إِلَيْكَ وَمَنْ يُسَاحِي مَا النَّفَقَةُ وَلَا رَأَتْ مِنْ مَوْجِعِكَ
أَبَدًا^۴

۵/۶ الْوُصُولُ إِلَى كُلِّ حَبِيرٍ

۲۲۸۲ رسول الله ﷺ الصَّلَاةُ مِفْتَاحُ كُلِّ حَبِيرٍ^۵

۲۲۸۳ عنه ﷺ لَا تَرَأَى أُمَّتِي يَحْبِرُ مَا تَحَابَبُوا، وَقَامُوا
الصَّلَاةَ... فَإِنْ لَمْ يَفْعَلُوا، بَتَلُوا بِأَسْمِيرٍ وَالْجَدَبِ^۶

۱ العنکبوت ۴۵.

۲ المجموع الكبير ج ۱۱ ص ۱۶ ح ۱۱۰۲۵

۳ تفسير الطبري ج ۱۱ الجزء ۲۱ ص ۱۵۵

۴ الكافي ج ۳ ص ۳۶۵ ح ۵

۵ الفردوس ج ۲ ص ۱۰۴ ح ۲۷۹۶

۶ الأمالي للعنکبوت ص ۶۸۷ ح ۱۳۶۰

و قطعاً یاد خدا بالاتر است، و خدا می‌داند چه می‌کنید.

حدیث

۲۲۷۹. پیامبر خدا ﷺ: هر کس نمازش او را از کبر

زشت و ناپسند بار ندارد، جز بر دوری‌اش از خدا
افزوده نمی‌شود.

۲۲۸۰. پیامبر خدا ﷺ: کسی که از نماز فرمان برد

نمازی ندارد و فرمان بردن از نماز، خودداری از
کار زشت و ناپسند است.

۴/۶ هرود آمدن رحمت

۲۲۸۱. الکافی - به نقل از ابو حمزه، از امام باقر ع -

پیامبر خدا فرمود: هنگامی که بنده مؤمن در نمازش
می‌ایستد، خداوند به او می‌نگرد (یا فرمود خدا به او
روی می‌آورد) تا آن گاه که باز گردد و سایه رحمت
فرشته بالایی سرش تا کرانه آسمان بر او می‌گشرد و
فرشتگان، اطرافش را تا کرانه آسمان می‌گیرند و
فرشته‌ی بر بالای سرش گمارده می‌شود که به او
می‌گوید: ای نمازگزار! اگر می‌دستی چه کسی به تو
می‌نگرد و با چه کسی مناجات می‌کند، روی
می‌گرداندی و هرگز از این جا نمی‌رفتی.^۱

۵/۶ رسیدن به هر خوبی

۲۲۸۲. پیامبر خدا ﷺ: نماز، کلید هر خوبی است

۲۲۸۳. پیامبر خدا ﷺ: همواره ائمت در خیر [و خوبی] هستند،

تا آن گاه که با یکدیگر، دوست باشند و

نماز را بر پا دارند... پس اگر چنین نکنند، به

قحطی و خشکسالی گرفتار می‌شوند.

الفصل السابع: قبول الصلاة

فصل هفتم: پذیرش نماز

۱/۷ ما يوجبُ قبول الصلاة

۱/۷ عوامل پذیرش نماز

۲۲۸۶ رسول الله ﷺ لو ضلَّيْتُمْ حَتَّى تَكُونُوا كَأَنْتُمْ
(/كأولاء) وَضَعْتُمْ حَتَّى تَكُونُوا كَالْعَيَّاءِ لَمْ يَقْتُلْ اللهُ
مِنْكُمْ إِلَّا يَرْجِعْ حَاجِرٌ ۲

۲۲۸۶ پیامبر خدا ﷺ اگر نماز می خواندید تا چون
میج (/به کمان) می شدید و روزه می گرفتید تا
چون کمان می شدید، خداوند از شما
نمی پذیرفت، جز با پروا کردن از گناه

۲۲۸۵ عَنْهُ ﷺ الصَّلَاةُ حَلْفٌ رَجُلٍ وَرَجٍ مَقْبُولَةٌ ۲

۲۲۸۵ پیامبر خدا ﷺ نماز، پشت سرِ مردِ پارسا،
پذیرفته است

۲/۷ ما يمتنعُ قبولُ الصلاة

۲/۷ موانع پذیرش نماز

۲۲۸۶ رسول الله ﷺ مَنْ شَرِبَ حَمْرًا حَتَّى يَسْكُرَ لَمْ
يَقْبَلِ اللهُ مِنْهُ صَلَاةً أَوْ بَعْضَ صَلَاةٍ ۱

۲۲۸۶ پیامبر خدا ﷺ خداوند تا چهل روز، نماز
آنکه را که شراب می نوشد تا مست شود،
نمی پذیرد

۲۲۸۷ عَنْهُ ﷺ مَنْ اعْتَابَ مُسْلِمًا أَوْ مُسْلِمَةً لَمْ يَلْزَمْهُ
تَعَالَى صَلَاةٌ وَلَا صِيَامَةٌ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَلِلَّهِ لَا أَنْ يَحْبِرَ
نَهٌ صَاحِبُهُ ۲

۲۲۸۷ پیامبر خدا ﷺ حدی متعال، تا چهل شبانه
روز، نماز و روزه عیبست کسده از مرد یا زن
مسلمان را نمی پذیرد، مگر این که غیبت شوند، در
او در گذرد

۲۲۸۸ عَنْهُ ﷺ مَنْ اشْتَرَى ثَوْبًا بِخَشْرَةٍ ذَرَاهِمَ وَمِنْهُ
دِرْهَمٌ حَرَامٌ لَمْ يَقْبَلِ اللهُ لَهُ صَلَاةً مَا دَامَ عَلَيْهِ ۳

۲۲۸۸ پیامبر خدا ﷺ هر کس جامه ای به ده دینار
بخرد و یک درهمش حرام باشد، خداوند تا
هنگامی که در بر اوست، نمازش را نمی پذیرد

۲۲۸۹ عَنْهُ ﷺ ثَلَاثَةٌ لَا تَرْفَعُ صَلَاتَهُمْ فَوْقَ رُزُوحِهِمْ
شِرًّا: رَجُلٌ أَمْ قَوْمًا وَهُمْ لَهُ كَارِهُونَ، وَامْرَأَةٌ بِأَنْتَ
وَزَوْجُهَا عَلَيْهَا سَاحِطٌ، وَأَخَوَانِ مُتَصَارِمَانِ ۲

۲۲۸۹ پیامبر خدا ﷺ نماز سه نفر، از بالای سرشان،

یک و جب هم بالا نمی رود مردی که امام
جماعت گروهی شده است، حال آن که از او
ناخشودند؛ زنی که شب را به روز می برد، حال
آنکه شوهرش بر او چشمگیر است؛ و دو برادر از
هم جدا شده

۱ جمع عینه از عیب و هه القوس، فعلی مضمی معلول، لأنها
تحتیة أي معطوفة (النهاية ج ۱ ص ۵۵۵)

۲ حذو اللعبي ص ۱۴۰

۳ القردوس ج ۲ ص ۵ ل ۵ ح ۳۸۰۲

۴ الکافه ج ۶ ص ۴۰۱ ح ۱۰

۵ جامع الاستبصار ص ۱۱۲ ل ۱۱۴۱

۶ مستدرک حبل ج ۲ ص ۴۱۷ ح ۵۷۳۶

۷ سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۳۱۱ ح ۹۷۱

الفصل الثامن: تعقیب الصلوة

فصل هشتم: تعقیب نماز

۱/۸. فضل الذکر والدعاء بعد الصلوة

۱/۸. فضیلت ذکر و دعا پس از نماز

۲۲۹۰. رسول الله ﷺ مَنْ جَلَسَ فِي مُصَلَاةٍ مِنْ صَلَاةِ

۲۲۹۰. پیامبر خدا ﷺ هر کس از نماز صبح تا طلوع

الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ شَتْرَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ.^۱

خورشید در نمازگاهش بنشیند، خداوند او را از

آتش، حفظ می‌کند.

۲۲۹۱. صحيح مسلم عن جابر بن سفيان عن النسيء ﷺ

۲۲۹۱. صحيح مسلم - به نقل از جابر بن سفيان -

كَانَ إِذَا صَلَّى الْفَجْرَ جَلَسَ فِي مُصَلَاةٍ حَتَّى تَطْلُعَ

پیامبر ﷺ هرگاه نماز صبح می‌گزارد، در

الشَّمْسِ حَتَّى^۲

نمازگاهش می‌نشست تا خورشید آشکار شود.

۲/۸. قِرَاءَةُ آيَةِ الْكُرْسِيِّ

۲/۸. آیه الکرسی خواندن

۲۲۹۲. رسول الله ﷺ يَا عَلِيُّ، عَلَيْكَ بِتِلَاوَةِ آيَةِ الْكُرْسِيِّ

۲۲۹۲. پیامبر خدا ﷺ ای علی، پیوسته در پی نماز

فِي دُبُرِ الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ، فَإِنَّهُ لَا يُحَافِظُ عَلَيْهَا إِلَّا نَبِيٌّ،

واجب آیه الکرسی را بخواند که جز پیامبر،

أَوْ صِدِّيقٌ، أَوْ شَهِيدٌ^۳

صدیق (راست‌گفتار) و شهید بر آن مواظبت

نمی‌ورود.

۳/۸. قِرَاءَةُ التَّوْحِيدِ

۳/۸. سوره توحید خواندن

۲۲۹۳. رسول الله ﷺ مَنْ قَرَأَ التَّوْحِيدَ دُبُرَ كُلِّ صَلَاةٍ

۲۲۹۳. پیامبر خدا ﷺ هر کس سوره توحید را ده مرتبه

عَشْرًا رَوَّجَهُ اللَّهُ مِنَ الْحَوْرِ الْعَيْنِ.^۴

در پی هر نماز واجب بخواند، خداوند،

حوریه‌های بهشتی را به همسری‌اش در

می‌آورد.

۴/۸. الإِسْتِغْثَارُ

۴/۸. طلب آمرزش

۲۲۹۴. صحيح مسلم عن قتيبان: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا

۲۲۹۴. صحيح مسلم - به نقل از قتيبان -: پیامبر خدا،

انْصَرَفَ مِنْ صَلَاتِهِ اسْتَعْفَرَ ثَلَاثًا وَقَالَ: «اللَّهُمَّ

هرگاه نمازش را به پایان می‌برد، سه بار طلب

أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ تُبَارَكْتَ يَا الْعَلِيُّ

آمرزش می‌کرد و می‌گفت: «خدایا! تو سلام هستی

وَالْإِكْرَامُ».^۵

و سلام، از تو هست، مبارکی، ای شکوه‌مند

گرامی‌ا!

۱. تهذيب الأحكام ج ۲ ص ۱۳۹ ح ۵۱۲

۲. صحيح مسلم ج ۱ ص ۱۶۶ ح ۲۸۷

۳. قرب الإسناد، ص ۱۱۸ ح ۴۱۵

۴. مستدرک الوسائل ج ۵ ص ۱۰۵ ح ۵۱۴۱

۵. صحيح مسلم ج ۱ ص ۱۶۱ ح ۵۹۱

الفصل التاسع: سيرة النبي ﷺ في الصلاة

۲۲۹۵ الإمام علي عليه السلام كان رسول الله ﷺ لا يؤزِرُ عَلَى الصَّلَاةِ عِشَاءً وَلَا غَيْرَهُ، وَكَانَ إِذَا دَخَلَ وَفَتْهَا كُنَّ لَا يَعْرِفُ أَهْلًا وَلَا حَمِيًّا.^۱

۲۲۹۶ عَذَّةُ الدَّاعِي عَنْ عَائِشَةَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُحَدِّثُنَا وَنُحَدِّثُهُ، فَبِإِذَا حَضَرَ صَلَاةً فَكَأَنَّهُ لَمْ يَعْرِفْنَا وَلَمْ يَعْرِفْ.^۲

۲۲۹۷ الإمام الملقب ﷺ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَبْدَ عَائِشَةَ لَيْلَتَهَا فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، لِمَ تَتَعَبُ بِكَ وَقَدْ عَمَرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقْدُمُ بِهِ ذَيْبَكَ وَمَا تَأْخُزُ؟ فَقَالَ: يَا عَائِشَةُ، لَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا.^۳

وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقُومُ عَلَى أَطْرَافِ أَصَابِعِ رِجْلَيْهِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى ﷻ مَا أُنْزِلَ مَا عَلَيْكَ الْقُرْآنُ لِقِشْقِي.^۴

۲۲۹۸ الإمام الصادق عليه السلام كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُصَلِّي مِنَ التَّطَوُّعِ مِثْلِي الْفَرِيضَةِ.^۵

الفصل العاشر: صلاة الليل

۱/۱۰ فصل صلاة الليل

الكتاب

﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَسُجِّدْ لَهُ ذُلًّا لَكَ عِسىٰ أَنْ يَسْتَعِذَّ مِنْكَ﴾

۱ تبيين المعاني ج ۲ ص ۷۸

۲ عذبة الداعي ص ۱۳۹ طه ۱ و ۲

۳ التكملي ج ۲ ص ۹۵ ح ۶

۴ التكملي ج ۳ ص ۱۴۳ ح ۳

فصل نهم: روش پیامبر ﷺ در نماز

۲۲۹۵ امام علی علیه السلام پیامبر خدا، شام و یا چیر دیگری را بر نماز، مقدم نمی‌داشت و هنگامی که وقت نماز فرا می‌رسید، از شدت اشتیاق به آن، به گونه‌ای رفتار می‌کرد که اگر یا خانواده و دوست را نمی‌شناسد.

۲۲۹۶ عذبة الداعي - به نقل از عایشه -: پیامبر خدا با ما گفتگو می‌کرد و ما با او گفتگو می‌کردیم [اما] هنگام نماز که می‌شد، گوی به او ما را می‌شناخت و به ما او را می‌شناختیم.

۲۲۹۷ امام الملقب عایشه، در شی که سوت مابین پیامبر خدا و خودش بود، به ایشان گفت ای پیامبر خدا! چرا خود را به رحمت می‌اندازی با آن که خداوند آگاه گذشته و آینده تو را آمرزیده است؟ فرمود ای عایشه! آیا بنده‌ای سپاس‌گزار باشم؟ و پیامبر خدا، بر سر انگشتان پایش می‌ایستاد تا این که خداوند سبحان و متعال، فرو فرستاد ﴿طه﴾ ما قرآن را بر تو فرو فرستادیم تا بر خود سمع کنی ﴿

۲۲۹۸ امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، دو برابر نماز واجب، نماز مستحب می‌خواند.

فصل دهم: نماز شب

۱/۱۰ فصیلت نماز شب

قرآن

﴿وَبِالنَّاسِ لَوْ كُنْتَ تَعْلَمُ﴾ تا برای تو [به منزله] ناله‌ای باشد، امید که پروردگارت تو را به مقامی

خَلَامًا شُحُودًا^۱.

شوده برساند.

الحديث

حدیث

۲۲۹۹ رسول الله ﷺ - فِي وَصِيَّتِهِ لِخَلِيٍّ ﷺ -: عَلَيَّ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ - يُكْرَرُهَا أَرْبَعًا^۲.

۲۲۹۹ پیامبر خدا ﷺ - در سبارش به امام علی ﷺ -: بر تو باد نماز شب! (این جمله را چهار بار تکرار فرمود)

۲۳۰۰ عَنْهُ ﷺ مَا اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا إِلَّا لِإِطَاعَةِ الْعُلَمَاءِ، وَصَلَاتِهِ بِاللَّيْلِ وَالنَّاسِ يَهَامُّ^۳.

۲۳۰۰ پیامبر خدا ﷺ خداوند، اسراریم ﷺ را خلیل خود نکرد، مگر از آن رو که مردم را اطعام می‌کرد و شب هنگام که مردم خفته بودند، او به نماز می‌ایستاد

۲/۱۰ مُبَاهَاةُ اللَّهِ بِغَزْ يُصَلِّي فِي جَوْفِ اللَّيْلِ

۲۳۰۱ رسول الله ﷺ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا تَحَلَّى بِسَيِّدِهِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ وَبَاجَاهُ، أَتَيْتَ اللَّهُ الْوَزَّ فِي قَلْبِهِ . ثُمَّ يَقُولُ جَلَّ جَلَالُهُ لِمَلَاتِكْتِهِ يَا مَلَاتِكْتِي، أَمْطُرُوا إِلَيَّ عَبْدِي، فَقَدْ سَحَلَنِي سَيِّ مِ جَوْفِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ وَالطَّانُونَ لَا هُونَ، وَالْعَاقِلُونَ يَهَامُّ، أَشْهَدُوا أَنِّي قَدْ عَقَرْتُ لَهُ^۴.

۲/۱۰ پانیدن خدا به کسی که در دلِ شب، نماز می‌خواند

۲۳۰۱ پیامبر خدا ﷺ هر گاه بنده در دلِ شب نماز، یا سجد کند خود خلوت کند و پالتو به راز و نیاز بپردازد، خداوند دلش را نورانی می‌گرداند... سپس به فرشتگانش می‌فرماید: ای فرشتگان من! به بنده‌ام بگردید که در دلِ شب نماز - که هرزه‌گراں به لهو سرگرم‌اند و حافلان حفته‌اند - یا من خلوت کرده است گواه باشید که من، او را آمرزیدم^۵.

۲۳۰۲ عَنْهُ ﷺ إِنَّ رَبَّكَ يَهَامِي الْمَلَائِكَةَ بِثَلَاثَةِ تَفَرُّقٍ: وَرَجُلٌ قَامَ مِنَ اللَّيْلِ يُصَلِّي وَحْدَهُ فَسَجَدَ وَبَامَ وَهُوَ سَاجِدٌ، يَقُولُ: أَمْطُرُوا إِلَيَّ عَبْدِي رُوحَهُ عِنْدِي وَجَسَدَهُ سَاجِدًا لِي^۶.

۲۳۰۲ پیامبر خدا ﷺ پروردگارت به وجود سه امر، بر فرشتگان می‌بالد... و مردی که شب هنگام برخیزد و در تنهایی، نماز بخواند و سجده کند و در حال سجده، حوایش ببرد. پس خداوند می‌فرماید: به بنده‌ام بگردید که روحش نزد من است و پیکرش در حالی سجده برای من^۷.

۳/۱۰ ثَمَرَاتُ قِيَامِ اللَّيْلِ

۲۳۰۳ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَيْكُمْ بِقِيَامِ اللَّيْلِ، فَإِنَّهُ ذَاتُ الصَّالِحِينَ قَبْلَكُمْ، وَإِنْ قِيَامَ اللَّيْلِ قُرْبَةٌ إِلَى اللَّهِ، وَنَهَاءٌ عَنِ الْإِسْمِ^۸.

۳/۱۰ ثمره‌های شب زنده‌داری

۲۳۰۳ پیامبر خدا ﷺ: بر شما باد شب زنده داری؛ چرا که شیوة صالحان پیش از شماست! شب زنده داری، مایة تقرب به خدا و باز داشتن از گناه است

۱ الإِسْرَاءُ ۷۹. ۲ المحطس ج ۱ ص ۸۲ ح ۱۸

۳ حلل الشریع ص ۳۵ ح ۱.

۴ الأُمَلِي لِلصَّدُوقِ ص ۳۵۱ ح ۴۳

۵ عدة القدي ص ۱۴۳

۶ كثر المثل ج ۷ ص ۷۹۰ ح ۲۱۲۸

۲۳۰۴. هـ. هـ. هـ. مَن كَثُرَ صَلَاتُهُ بِاللَّيْلِ حَسُنَ وَجْهُهُ ۲۳۰۵. پیامبر خدا ﷺ هر که بسیار نماز شب بخواند،
پالتهار^۱ رور هگام، خوش سيما خواهد بود

الفصل الحادي عشر: صلاة الجماعة

فصل یازدهم نماز جماعت

۱/۱۱ أوَّلُ جَمَاعَةٍ

۱/۱۱ اولین نماز جماعت

۲۳۰۵ الإمام الصادق عليه السلام: أوَّلُ جَمَاعَةٍ كَانَتْ أَرْسُولَ
الله ﷺ كَانَ يُصَلِّي وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي
طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. إِذْ مَرَّ أَبُو طَالِبٍ بِهِ وَجَعَفَرُ مَعَهُ، فَقَالَ يَا
يُنَيَّ صَلِّ جَسَّاعَ ابْنِ عَمَّكَ. فَلَمَّا أَحَسَّهُ رَسُولُ اللهِ ﷺ
تَقَدَّمَهُمَا وَاصْتَرَفَ أَبُو طَالِبٍ مَسْرُوراً ... فَكَانَتْ أَوَّلُ
جَمَاعَةٍ جُمِعَتْ ذَلِكَ الْيَوْمَ^۲

۲۳۰۵ امام صادق عليه السلام: اولین نماز جماعتی که خوانده
شد، به این صورت بود که پیامبر خدا با امیر
مؤمنان علی بن ابی طالب، در حال نماز بود که ابو
طالب و جعفر، بر او گذشتند پس ابو طالب به
جعفر گفت: پسر! کار پسر عمویت، نماز
بخوان

۲/۱۱ حَسُنَ الظَّنُّ بِمَنْ يُصَلِّي فِي الْجَمَاعَةِ

بخون پیامبر ﷺ وجود جعفر را در کنار خود
حسن کردو برای امامت مبار، جلوتر رفت و ابو
طالب با خوش حالی برگشت ... پس اولین نمازی
که به جماعت خوانده شد، در آن رور بود

۲۳۰۶ رسول الله ﷺ مَن صَلَّى الْخَمْسَ فِي جَمَاعَةٍ كَظَرًا
بِهِ خَيْرٌ^۳

۲/۱۱ خوش گمانی به نماز جماعت خوان

۲۳۰۶ پیامبر خدا ﷺ هر که نمازهای پنجگانه را با
جماعت بخواند، به او گمان نیک برسد.

الفصل الثاني عشر: صلاة الجمعة

۱/۱۲ اللَّحْتُ عَلَى صَلَاةِ الْجُمُعَةِ

فصل دوازدهم نماز جمعه

۱/۱۲ تشویق به نماز جمعه

قرآن

﴿ي كَسَانِي كِه اِيْمَان آوَرْدِه اِيْدَا چَرِي بَرَايِ نِمَازِ جُمُعَه

بَدَا فَر دَنْدَه شَد بِه سَوِي ذِكْرِ خُدَا بَهْتَايِيْد ر دَلَا

ر سَتَد رَا وَاگَدَارِيْد اَكْر بَهْتَايِيْد بِيْن بَرَايِ شَمَا بَهْتَر

﴿

﴿مَتَاتُهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا سُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ مَوْمٍ
الْجُمُعَةِ فَاذْعَبُوا إِلَى دَعْوِ اللَّهِ وَتَزَوُّوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ
لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾^۱

۱ کتاب من لا يحضره الفقيه ج ۱ ص ۱۷۷ ح ۱۳۷۰

۲. الأمل للصدوق ص ۵۹۷ ح ۸۷۵

۳ الکافی ج ۳ ص ۳۷۱ ح ۳

۴ الجمعة ۹

الحديث

حديث

۲۳۰۷. رسول الله ﷺ مَنْ أَتَى الْجُمُعَةَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا

۲۳۰۷. پیامبر خدا ﷺ هر که از روی ایمان و به

استأنف العمل^۱

حساب حجت، در نماز جمعه شرکت کند، اعمالش

را از نو آغازیده است (حداوند به پاداش آن،

گناهان گذشته‌اش را می‌آمرزد و نامه عمل

جدیدی برایش باز می‌کند)

۲۳۰۸. عنه ﷺ الْجُمُعَةُ حَجُّ الْمَسَاكِينِ^۲

۲۳۰۸. پیامبر خدا ﷺ نماز جمعه، حج مستمندان است.

۲/۱۲ ترك صلاة الجمعة

۲۳۰۹. رسول الله ﷺ مَنْ تَرَكَ ثَلَاثَ جُمُعٍ تَهَاوَنًا بِهَا طَبَعَ

اللهُ عَلَى قَلْبِهِ^۳

۲۳۰۹. پیامبر خدا ﷺ هر که سه نماز جمعه [سایه]

را از روی اهمیت ندادن به آن، ترک کند، خداوند

بر دل او مهر می‌زند.

۲۳۱۰. عنه ﷺ مَنْ تَرَكَ ثَلَاثَ جُمُعٍ مُتَعَدِّيًا مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ

طَبَعَ اللهُ عَلَى قَلْبِهِ بِخَانِمِ الْهَقَايِ^۴

۲۳۱۰. پیامبر خدا ﷺ هر کس، از روی عمد و بدون

علت، سه نماز جمعه [سایه] را ترک کند، خداوند

مهر صاف بر دل او می‌زند

۲۳۱۱. عنه ﷺ أَيْمَنُهُمْ أَقْوَمُ عَنْ وَدْعِهِمْ نَجْمَاتٍ، أَوْ

يُحْتَمَرُّ عَلَى قُلُوبِهِمْ ثُمَّ لَيَكُونَنَّ مِنَ الْعَاثِلِينَ^۵

۲۳۱۱. بکسب نجما ﷺ عذاب‌های هستند که در نمازهای

جمعه شرکت نمی‌کنند از این کار خود، دست بر

دارند و گرنه، بر دل‌هایشان مهر زده می‌شود و آن

گاه، از عافان خواهند بود

۳/۱۲ أدب سماع الخطبة

۲۳۱۲. الإمام الصادق ﷺ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كُلُّ وَدِيعٍ

قِيلَةٌ يَعْصِي إِذَا خَطَبَ الْإِمَامُ النَّاسَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ يَنْتَبِئُ

لِلنَّاسِ أَنْ يَسْتَقْبِلُوهُ^۶

۲/۱۲، آداب گوش دادن به خطبه

۲۳۱۲. امام صادق ﷺ، پیامبر خدا فرمود: هر وای

قبله است. یعنی وقتی امام در روز جمعه برای

مردم خطبه می‌خواند، مردم باید رو به سوی او

داشته باشند

۲۳۱۳. الإمام علي ﷺ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنِ الْكَلَامِ يَوْمَ

الْجُمُعَةِ وَالْإِمَامُ يَخْطُبُ، فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَقَدْ لَعَا وَمَنْ لَعَا

فَلَا جُمُعَةَ لَهُ^۷

۲۳۱۳. امام علی ﷺ، پیامبر خدا از صحبت کردن در

زمانی که امام، خطبه نماز جمعه را می‌خواند، نهی

فرمود؛ زیرا هر که در حین خطبه صحبت کند،

مرتکب عمل لغو شده و هر که دچار کار لغو شود،

نماز جمعه‌اش باطل است.

۱ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۵۲۲ ح ۱۲۶۰

۲ الذخائر ص ۳۷ ح ۹۱

۳ بحار الأنوار ج ۸۹ ص ۱۶۵ ح ۵

۴ بحار الأنوار ج ۸۹ ص ۱۶۶ ح ۵

۵ بحار الأنوار ج ۸۹ ص ۱۶۶ ح ۵

۶ الکافی ج ۳ ص ۱۲۶ ح ۹

۷ الآمال للصدوق ص ۵۱۲ ح ۷۰۷

برآمد

سخنی در باره دعا

واژه «دعا» ، به معنای فرا خواندن چیزی است به سوی خود یا آوردن و یا سخن

کلمه «دعا» اعم از «دعا» است ؛ زیرا «دعا» احتیاج به باب الف و اصوات دارد ؛ ولی «دعا» می تواند با لفظ باشد و می تواند با اشاره و امثال آن ؛ و «دعا» در معنای حقیقی اش حتماً باید به صدای بلند باشد ؛ ولی «دعا» مفید به صدای بلند نیست ^۱

با بر این ، «دعا» و «دعوت» ، به معنای توجه دادن مدعو به سوی داعی برای جلب منفعت یا دفع ضرر است ؛ و این رو ، درخواست از مدعو ، در واقع ، هدف دعوت ، به خود آن

حقیقت دعا

و نام در کاربرد کلمه «دعا» در قرآن و حدیث ، معنوم می گردد که دعای انسان در برابر خداوند معال ، در حقیقت به معنای خود را شده و نیازمند مطلق به خدا دهد و یا پرستش او در صدد جلب عیانت و رحمت و برآمدن است

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ^۲

و پروردگارتان فرمود مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم در حقیقت کسانی که از پرستش من کبر می ورزند به رودی حور در دوزخ نر می آیند﴾

این آیه شریف ، به روشی نشان می دهد که حقیقت دعا ، از نگاه قرآن ، احساس عبودیت انسان در برابر آفریدگار خود و طلب قرب و رحمت آفریدگار از طریق پرستش او است و لذا از این حقیقت ، ابتدا با واژه «دعا» و سپس با واژه «عبادت» ، تعبیر می نماید .

همچنین همه احادیثی که دعا را امر عبادت توصیف می کند یا عین عبادت می دانند ، اشاره به حقیقت مفهوم دعا دارند .

^۱ لذا ، کشیدن صد و یا لا بردن آن است ؛ بنا ، شیء دعاست ؛ و دعا گاهی به علامی غیر از صد و کلام است و با اشارهای است که خبر می دهد ؛ و یا با صدا فقط یا صد و صورت می گیرد ^۲ عاقل آیه ۹۰

اهمیت دعا و نقش آن در زندگی

در اهمیت دعا همین بس که روح و معر عبادت است و به همین دلیل، سودمندتر از قرائت قرآن و بلکه با فصیلت‌تر از همه عبادات، شمرده شده است.

دعا، کلید رحمت نهی، مایه تقرب به خدا و موجب تأمین خواسته‌ها، دور ماندن از شیطان و حیات جان است.

دعا، به تنها در رهایی از گرفتاری‌ها و دردها و رنج‌های زندگی به انسان کمک می‌کند، بلکه می‌تواند سربوشت قطعی زندگی را تعبیر دهد و از پلای‌های گوناگون، پیشگیری نماید و از این رو، پیشوایان اسلام، پیش‌دستی و تقدّم در دعا (یعنی دعا کردن در روزگار آسایش و قبل از هر رسیدن مصیبت و بلا) را توصیه کرده‌اند.

اصلی‌ترین مفهّمات اجابت دعا

حداوند متعال، وعده داده است که دعای پیاپی‌گران را اجابت کند؛ لیکن تحقق این وعده، مسوط به تحقق حقیقت دعا از سوی خدا کسیده است.

پیش از این، توضیح داده شد که حقیقت دعا، عبارت است از این که «انسان، خود را در برابر خداوند متعال، بازمد مطلق بسد و با پرستش او، در صدد طلب عیّت و رحمت و برآید».

کسی که خود را بازمد مطلق به بی‌ساز مطلق می‌پسند، از عبور او منقطع می‌گردد و به او می‌پیوندد به سخن دیگر، خواندن خداوند متعال با خواندن غیر او تفاوت جوهری دارد و تا حال انقطاع به انسان دست ندهد، در واقع، خدا را نمی‌خواند. حال انقطاع، همان حالی است که از آن، تعبیر به حالی کردن دل از غیر خدا شده است.

موانع اجابت دعا

احادیثی را که تحت عنوان «موانع اجابت دعا» آمده، می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

۱ آنچه بر اساس حکمت نهی، مانع اجابت دعا است، مانند این که پیاپی‌گر در خداوند متعال، چیزی را می‌خواهد که نه زبان او است.

۲ مطلق گناهان البته برخی از کارهای ناشایسته مانند دهرمانی والدین و قطع رحم، نقش بیشتری در جلوگیری از اجابت دعا دارند.

گفتنی است که تأثیر توجه دعا کسیده به آداب دعا و عوامل اجابت آن در تحقق خواست وی و نیز نقش موانع اجابت دعا در عدم تحقق آن، به صورت اقتضاست، به علّیت تامه؛ یعنی غالباً و معمولاً این طور است که با رعایت آداب دعا و فراهم شدن عوامل استجاب، دعا مستجاب می‌شود و با ظهور موانع استجابت بر تأثیر دعا از بین می‌رود؛ اما مطلقاً و همیشه چنین نیست و ممکن است با وجود برخی از موانع، باز هم دعا مستجاب گردد و در واقع، برخی از مقتضیات، بر برخی از موانع، غلبه نمایند.

الباب الثالث

باب سوم

الدُّعَاءُ وَالذِّكْرُ

وَعَاوِزُكَ

الفصل الأول: الحث على الدعاء

فصل یکم: تشویق کردن به دعا

۱/۱ الاهتمام بالدعاء

۱/۱ اهتمام ورزیدن به دعا

الكتاب

قرآن

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾^۱

﴿و هرگاه بندگان من، از تو در باره من بپرسند، [بگو که] من نزدیکم و دعای دعاکننده را به هنگامی که سر بخواند - اجابت می‌کنم پس [آن] باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند، باشد که راه یابند﴾

الحديث

حدیث

۲۳۱۴ رسول الله ﷺ أَرَبُّهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ أَمْسَ سَوْمُ الْفَرَسِ الْأَكْبَرِ وَإِذَا كَانَتْ لَهُ حَاجَةٌ سَأَلَ رَبَّهُ^۲

۲۳۱۴ پیامبر خدا ﷺ چهار حصیل است که هر یک داشته باشد، در آن روز وحش که برگ (قیام)، آسوده است و هر گاه حاجتی داشته باشد، از پروردگارش بخواهد

۲۳۱۵ عَنْهُ ﷺ مَا مِنْ عَجَبٍ مِنْكَ وَادِيًا فَسَطَطَ كَعْبُهُ لِيَذْكُرَ اللَّهَ وَيَدْعُو إِلَّا مَلَأَ اللَّهُ ذَلِكَ الْوَادِيَّ حَتَّى تَمَلَأَ عَلَيْهِمْ ذَلِكَ الْوَادِي أَوْ لِيَصْرُ^۳

۲۳۱۵ پیامبر خدا ﷺ هیچ بنده‌ای نیست که در وادی‌ای برود و دو دستش را بگشاید و ذکر خدا بگوید و دعا کند، مگر این که خداوند، آن وادی را پُر از ثواب می‌کند؛ خواه آن وادی، بزرگ باشد یا کوچک

۲۳۱۶ عَنْهُ ﷺ مَنْ أَكْثَرَ الدُّعَاءَ مَالِ الْمَلَائِكَةِ صَوْتٌ مَعْرُوفٌ، وَدُعَاءٌ مُسْتَجَابٌ، وَحَاجَةٌ مُقْبَبَةٌ^۴

۲۳۱۶ پیامبر خدا ﷺ هر که بسیار دعا کند، فرشتگان می‌گویند ایس، صدایس آشنا و دهایی است که پذیرفته می‌شود و حاجتی است که برآورده می‌گردد

۲/۱ اهتمام اولیای الله بالدعاء

الكتاب

﴿وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأُمِّهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهَا أَنَّهُ غَدَاؤُ اللَّهِ تَعَرَّأَ مِنْهُ إِنْ إِبْرَاهِيمَ

۲/۱ اهتمام اولیای خدا به دعا

قرآن

﴿و طلب آمرزش ابراهیم برای پدرش، جز برای وعده‌ای که به او داده بود، نبود و [او] هنگامی که برای او روشن شد که وی دشمن خداست، از او بی‌براری جست، راستی

۱ البقرة ۱۸۶

۲ تنبيه الخواطر ج ۲ ص ۲۳۷

۳ ثواب الأعمال ص ۱۸۳ ح ۱

۴ كنز العمال ج ۱۵ ص ۸۶۶ ح ۱۳۱۵۵

لَاؤَةُ حَلِيمٍ^۱

﴿وَرَفَعْنَا لِكُلِّ شَيْءٍ رَّحْمَةً رَبِّ لَا تَذَرُنِي غَرَضًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ، وَوَعَدْنَا لَهُ بِخَيْرٍ وَأَضَلُّنَا لَهُ زَوْجَةً إِنْهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرِ وَيَذْفُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَفِيعِينَ^۲

الحديث

۲۳۱۷. الرهد لابن المبارك عن عبد الله بن شاذان قال: رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ شَاقَّ لَأُؤَاهُ؟ قَالَ: الْأُؤَاهُ الْحَاشِيعُ الدُّعَاءَ الْمُنْصَرِّعُ، ثُمَّ قَرَأَ ﴿إِنْ إِنْزَاهِيمَ لَاؤَةُ حَلِيمٍ﴾^۳

۳/۱ التَّقْدِيمُ فِي الدُّعَاءِ

۲۳۱۸. رسول الله ﷺ احفظ الله يحفظك، واحفظ الله تحبب أمامك، معرف إلى الله في الرِّحَاءِ يحرفك في الشَّدْمِ، إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ، وَإِذَا اسْتَعِظْتَ فاستعِظْ بِاللَّهِ^۴

۲۳۱۹. عَنْهُ ﷺ ثَلَاثٌ مَنْ رُقِيَ هُنَّ فَقَدْ رُقِيَ خَيْرَ التَّذَكُّرِ الرِّمَاءُ بِالْقَصَاءِ، وَالصَّبْرُ عَلَى الْمَلَامِ، وَالِدُّعَاءُ فِي الرِّحَاءِ^۵

الفصل الثاني: فضل الدعاء

۱/۲ مَخُ الْعِبَادَةِ

۲۳۲۰. رسول الله ﷺ الدُّعَاءُ مَخُ الْعِبَادَةِ، وَلَا يَهْدِيكَ مَخُ

که ابراهیم، خدا ترس بردبار بود.

﴿وَرَفَعْنَا لِكُلِّ شَيْءٍ رَّحْمَةً رَبِّ لَا تَذَرُنِي غَرَضًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ﴾ هر دو دگر را مرا تنها نگهدار و تو بهترین ارث بردگانی پس [دعای] او را اجابت کردیم و یحیی را بدو بخشیدیم و همسرش را برای او شایسته [ر آماده حمل] کردیم، زیرا آنان در کارهای نیک، شتاب می‌کردند و ما را از روی رحمت و بیم می‌خواندند و در برابر ما فروتنی بودند.

حدیث

۲۳۱۷. الرهد، ابن مبارک - به نقل از عبد الله بن شاذان - مردی گفت: ای پیامبر خدا! آیا او را؟ به چه می‌بایست؟ فرمود: آؤاه، یعنی کسی که خدا کسار و بسیار اهل دعا و زاری است.

پس این آیه را خواند. [راستی که ابراهیم، آؤاه و برادر بود]

۳/۳ پیش‌بختی کردن بر دعا

۲۳۱۸. پیامبر خدا ﷺ خدا را پاس بدار تا تو را پاس بدارد و خدا را پاس بدار تا او را در برابر خود ببایی در هنگام آسایش، خدا را بشناس تا در هنگام سختی، و تو را شناسد هر گاه چیزی خواهی، از خداوند ﷻ بخواه و هر گاه کمکی جستی، از خداوند ﷻ بجوی.

۲۳۱۹. پیامبر خدا ﷺ سه چیز است که روزی هر کس شود، خبر هر دو سراوری او شده است: حرمندی به قصای الهی، شکیبی بر بلا، و دعا کردن در هنگام آسایش

فصل دوم: ارزش دعا

۱/۲. مغر عبادت

۲۳۲۰. پیامبر خدا ﷺ دعا، مغر عبادت است و اگر دعا

۱ التوبة، ۱۱۴، ۲ الانبياء، ۸۹ و ۹۰

۳ الرهد لابن المبارك: ص ۴۰۵ ح ۱۱۵۳

۴ کتاب من لا يحضره الفقيه ج ۴ ص ۱۱۲ ح ۵۹۰۰

۵ مکتی المفرد ص ۱۹

الدُّعَاءُ أَحَدٌ^۱

باشد، هیچ کس هلاک نمی شود.

۲۳۲۱ عَنْهُ ﷺ إِمْرَعُوا إِلَى اللَّهِ فِي خَوَائِجِكُمْ، وَانْحَثُوا

۲۳۲۱ پیامبر خدا ﷺ در نیازها تن، دست به دامن

إِلَيْهِ فِي مُلْتَمَاتِكُمْ^۲، وَتَضَرَّعُوا إِلَيْهِ وَادْعُوهُ^۳، فَإِنَّ الدُّعَاءَ

خدا شوید و در گرفتاری هایتان به او پناه ببرید و

مُخُّ الْعِبَادَةِ^۴

به درگاهش رازی کنید؛ زیرا دعا، محر عبادت

است

۲/۲ أَفْصَلُ الْعِبَادَةِ

۲/۲ بوترین عبادت

۲۳۲۲ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَفْصَلُ الْعِبَادَةِ الدُّعَاءُ^۵

۲۳۲۲ پیامبر خدا ﷺ برترین عبادت، دعا کردن است

۲۳۲۳ عَنْهُ ﷺ لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَنْ يُسْأَلَ^۶

۲۳۲۳ پیامبر خدا ﷺ هیچ چیز سرد خداوند ﷻ،

محبوب تر از آن نیست که از او درخواست شود

۳/۲ سَبِّاحُ الْمُؤْمِنِ

۳/۲ سلاج مؤمن

۲۳۲۴ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنْ سَبَّاحُ الْمُؤْمِنِ الدُّعَاءُ^۷

۲۳۲۴ پیامبر خدا ﷺ سلاج مؤمن، دعا است

۲۳۲۵ عَنْهُ ﷺ الدُّعَاءُ سَبِّاحُ الْمُؤْمِنِ وَعَسْوَدُ الدُّنْيَا

۲۳۲۵ پیامبر خدا ﷺ دعا، سلاج مؤمن، ستون دین

وَبُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ^۸

و محور آسمان ها و زمین است

۴/۲ مِنْ الْقَدَرِ

۴/۲ دعا، خود، هر نفسی از تقدیر است

۲۳۲۶ سَمِعَ الثُّرَمَذِي عَنْ أَبِي خُرَامَةَ عَنْ أَبِيهِ سَأَلْتُ

۲۳۲۶ سمع الثرمذی - به نقل از ابو خرامه، از پدرش -

رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَرَأَيْتَ رُمِّيَ

از پیامبر خدا پرسیدم ای پیامبر خدا! آیا ای

بِسَرِّهَا وَدَوَاءُ سَدَوَى بِهِ وَنَقَاءُ نَقْفِهَا هَلْ رُدُّوا

دعاها که به خود می بندیم و دارویی که با آن،

قَدَرُ اللَّهِ شَيْئاً؟ قَالَ هِيَ مِنْ قَدَرِ اللَّهِ^۹

درمان می کنیم و پرهیزهایی که برای پیشگیری به

کار می بریم، جدوی تقدیر خدا را می گیرند؟

۱ الدعوات ص ۱۸ ح ۸

۲ الْمُفْلَتَةُ النَّاظِلَةُ مِنَ سَوَارِ الدُّنْيَا وَالصَّحاح ج ۵ ص ۲۰۴۲ والمم

هستند

۳ عده الدعای ص ۳۴

۴ عده الدعای ص ۳۵

۵ الکافی ج ۱ ص ۲۱ ح ۴

۶ ثواب الأعمال ص ۴۵ ح ۱

۷ الکافی ج ۲ ص ۶۸ ح ۱

۸ سنن الثرمذی ج ۴ ص ۲۹۹ ح ۲۰۶۵

الفصل الثالث: برکات الدعاء

الفصل سوم: برکات‌های دعا

۱/۳ نَجَاحُ الْخَوَائِجِ

۱/۳. برآورده شدن حاجت‌ها

الكتاب

قرآن

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾^۱

﴿و پروردگارتان مرا بخواهند تا شما را [اجابت کنم].﴾

الحديث

حدیث

۲۳۲۷. رسول الله ﷺ مَنْ تَسَى شَيْئاً وَهُوَ يَدْعُوهُ رِصَى.

۲۳۲۷ پیامبر خدا ﷺ هر کس چیزی را آرزو کند

لَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يُعْطَاهُ^۲

و آن چیز، مورد رصایت خداوند ﷻ باشد، از دنیا

نمی‌رود تا آن که بدو داده شود.

۲/۳ مِفْتَاحُ الرَّحْمَةِ

۲/۳. کلید رحمت

الكتاب

قرآن

﴿قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ شَيْءٍ لَوْلَا نِعْمَةُ اللَّهِ عَلَيَّ لَكُنْتُ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾

﴿بگو: اگر دعای شما باشد پروردگارم هیچ امتیازی به شما

يَكُونُ لِي أَمَّا﴾^۳

نمی‌کند در صحبت، شما به نکتیپ پرداخته‌اید پس به

﴿و منی. [عذاب بر شما] لازم خواهد شد﴾.

الحديث

حدیث

۲۳۲۸ رسول الله ﷺ الدعاء مفتاح الرحمة^۴

۲۳۲۸ پیامبر خدا ﷺ دعا، کلید [در] رحمت است.

۳/۳ رَدُّ الْقَضَاءِ

۳/۳. برگرداندن قضای الهی

۲۳۲۹ رسول الله ﷺ - لَأَنْسِيَنَّ بِكَ مَالِكٍ - يَا أَسَى. أَكْبَرُ

۲۳۲۹ پیامبر خدا ﷺ - به آنس بی مالک - ای آنس!

مِنْ الدُّعَاءِ، فَإِنَّ الدُّعَاءَ يَرُدُّ الْقَضَاءَ الْمُبْرَمَ.^۵

بسیار دعا کن؛ زیرا دعا [حتی] قضای حتمی را

۲۳۳۰ عنه ﷺ الدعاء جُنْدٌ مِنْ أَجْدَادِ اللَّهِ مُجَنَّدٌ، يَرُدُّ

برمی‌گرداند

الْقَضَاءَ بَعْدَ أَنْ يُبْرَمَ^۶

۲۳۳۰ پیامبر خدا ﷺ دعا، لشکری از لشکریان مجتهد

۲۳۳۱. عنه ﷺ لَا يَرُدُّ الْقَضَاءَ إِلَّا الدُّعَاءُ.^۷

خداوند است و حتی قضای محتوم (تقدیر قطعی

خداوند) را برمی‌گرداند.

۱ عامر ۶۰ ۲ الحاصل ص ۴ ج ۷

۳ القرآن ۷۷

۴ التردوس ج ۲ ص ۲۲۴ ح ۳۰۸۶

۵ التردوس ج ۵ ص ۳۶۸ ح ۸۴۱۸

۶ تلخیص دمشق ج ۶ ص ۳۲۴ ح ۱۳۷۹۸

۷ مکرم الأعلی ج ۲ ص ۷ ح ۱۹۷۸

۲۳۳۱ پیامبر خدا ﷺ قضا را چیزی جز دعا، پس

نمی‌راند.

۴/۳. دَفْعُ الْخَلَاءِ

۴/۳. دفع بلا

۲۳۳۱. رسول الله ﷺ اِدْفَعُوا الْبَلَاءَ بِالْأَدْعَاءِ^۱

۲۳۳۱. پیامبر خدا ﷺ بلا را با دعا، پس بزد.

۲۳۳۲. عَنْهُ ﷺ اِدْفَعُوا أَبْوَابَ الْبَلَاءِ بِالْأَدْعَاءِ^۲

۲۳۳۲. پیغمبر خدا ﷺ درهای بلا را با دعا ببندید.

۵/۳. الشُّفَاءُ مِنْ كُلِّ دَاءٍ

۵/۳. شفای هر دردی

۲۳۳۱. فَلَاحُ السَّائِلِ عَنْ مُحَمَّدٍ مِنْ مُسْلِمٍ قُلْتُ لِأَبِي

۲۳۳۱. فلاح السائل - به نقل از محمد بن مسلم - نه

جَعْفَرٍ ﷺ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ هِيَ الْحَبَّةُ السَّوْدَاءُ

امام باقر ﷺ گفت: آیا [درست است که] پیغمبر خدا

«فِيهَا شِفَاءُ مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِلَّا السَّامَ»؟ فَقَالَ نَعَمْ

در باره سیاه دانه فرموده است: «در آن، شفای هر

ثُمَّ قَالَ أَلَا أُحِبُّكُمْ بِمَا فِيهِ شِفَاءُ مِنْ كُلِّ دَاءٍ

دردی است، بجز مرگ؟»

وَسَامٌ؟ قُلْتُ بَلَى قَالَ الدُّعَاءُ^۳

فرمود: «آری»

الفصل الرابع. الاستعكاف عن الدعاء

والتَّوَأُّمُ فِيهِ

۱/۴. التَّحْدِيدُ مِنْ تَرْكِ الدُّعَاءِ

فصل چهارم. سر باز زدن از دعا

الكتاب

وَسُسْتَىٰ فِيهِ

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ

عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ نَاحِرِينَ﴾^۱

۱/۴. هشدار درباره ترک دعا

الحديث

قرآن

۲۳۳۵. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ تَرَكَ الدُّعَاءَ مَعْصِيَةً^۲

﴿و پروردگارتان فرمود: مرا بخوانید تا شمار اجابت

کم در حققت، کسانی که خود را برتر از آن می‌دانند

۲۳۳۶. عَنْهُ ﷺ مَنْ لَمْ يَدْعُ اللَّهَ عَصَبَ اللَّهِ عَلَيْهِ^۳

که مرا پرستش کند، به رودی، با خوارگی، وارد دوزخ

می‌شود﴾.

حدیث

۱ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۳۸۱ ح ۵۸۳۵

۲ قرب الاستیلا ص ۱۹۷ ح ۴۱۰

۳ فلاح السائل ص ۷۶ ح ۱۱

۴ عاقل ۶۱

۵ ثبیه الخرافات ج ۲ ص ۱۲۰

۶ مستدرک حبل ج ۳ ص ۴۲۸ ح ۹۷۲۵

۲۳۳۵. پیامبر خدا ﷺ ترک دعا، گناه است.

۲۳۳۶. پیغمبر خدا ﷺ: هر که خدا را بخواند، خدا بر او

حشمت می‌گیرد

۲/۴. دَمُ الْعَجْرِ عَنِ الدُّعَاءِ

۲۳۳۷ رسول الله ﷺ إِنَّ أَعْجَرَ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ الدُّعَاءِ^۱

۲/۴. نکوهش درماندگی در دعا

۲۳۳۷ پیامبر خدا ﷺ: درمانده‌ترین مردم، کسی است که از دعا کردن، درمانده شود.

۲۳۳۸ عَنْهُ ﷺ لَا تَعِجْزُوا فِي الدُّعَاءِ؛ فَإِنَّهُ لَا يَهْلِكُ مَعَ الدُّعَاءِ أَحَدٌ^۲

۲۳۳۸ پیامبر خدا ﷺ: در دعا کردن، درمانده نشوید؛ زیرا اگر دعا باشد، هیچ کس هلاک نمی‌شود.

الفصل الخامس، ما ينبغي قبل الدعاء

فصل پنجم: بایسته‌های پیش از دعا

۲۳۳۹ الْمُعْجَمُ الْأَوْسَطُ - بِسْمِ نَفْلٍ أَوْ يَزِيدُ بْنُ عَامِرٍ -
اللَّهُ ﷻ أَفْئَلْ وَنَفْعُهُ نَفَرٌ حَتَّى وَقَفَ عَلَى الْقَرْيَةِ دُونَ الْمَرْيَطَاءِ، رَافِعاً يَدَيْهِ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ يَدْعُو^۳

۲۳۳۹ المعجم الأوسط - به نفل از یزید بن عامر -
پیامبر خدا، با عذای آمد تا آن که بالای قرن،^۱ بر سیده به مریطاء، توقف کرد و رو به قبله، دستش را بلند کرد و به دعا پرداخت.

۲۳۴۰ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءِ ثُمَّ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ، فَنَدَا رَنَّهُ كِتَابَ دَعْوَتِهِ مُسْتَعَانَةً، مُعْتَلَةً وَمَوْحَرَةً^۴

۲۳۴۰ پیامبر خدا ﷺ: هر کس وضو بگیرد و درست هم وضو بگیرد و سپس دو رکعت نماز بگردد و آن گاه، به درگاه پروردگارش دعا کند، دعایش، دیر یا رود، مستجاب می‌شود.

۲۳۴۱ عَنْهُ ﷺ إِذَا رَدَّتْ أُنْ سَدَعُوا اللَّهَ فَقَدْ مَضَى صَلَاتُهُ أَوْ صَدَقَتِ، وَخَيْرٌ أَوْ ذِكْرٌ^۵

۲۳۴۱ پیامبر خدا ﷺ: هر گاه خواستی دعا کنی، پیش از آن، نمازی بخوان یا صدقه‌ای بده یا کار خیری کن یا دگری نگو.

الفصل السادس ما يسنفتح به الدعاء

فصل ششم: آداب آغاز کردن دعا

۱/۶. التَّبَسُّطُ

۲۳۴۲ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ حَرَنَهُ أَمْرٌ تَعَاظَاهُ قَالَا هَيْسَمِ اللَّهُ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَهُوَ مُحْلِصٌ قَبْلَ يَقْبَلُ بَقْلِيهِ بِهِ.

۱/۶. آغاز کردن به نام خدا

۲۳۴۲ پیامبر خدا ﷺ: هر کس آن دو هوی مدو برسد و از روی خلاص و یا توحه قبلی به خدا، بگوید، «بسم الله الرحمن الرحيم»، از دو حال خارج

۱. الأماشي للمعجم ص ۳۱۷ ج ۲

۲. المستدرک علی الصحيحین ج ۱ ص ۶۷۱ ح ۱۸۱۸

۳. القزويني جیل مطلق عرفات، وأصنه الجبل الصعير المستطيل

المستطوع عن الجبل الكبير (معجم البلدان ج ۱ ص ۳۳۲)

۴. المعجم الأوسط ج ۸ ص ۳۷۶ ح ۸۹۲۳

۵. مجمع الزوائد ج ۲ ص ۲۳۳ ح ۲۴۳۱

۶. عوالي اللؤلؤ ج ۱ ص ۱۱۰ ح ۱۶

۱. قرن، گاهی است مشرف به عرفات قرن، در اصل، به

معنی کوه، کوچک مستطیل شکلی است که از کوهی بزرگ،

جدا باشد (معجم البلدان ج ۴ ص ۳۳۲).

لَمْ يَنْعَكْ مِنْ أَحَدٍ اِشْتَبَهِ بِمَا يُلَوِّحُ حَاجَتَهُ فِي الدُّنْيَا
وَأَمَّا يُعَدُّ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَيُدَّخَرُ لَدَيْهِ، وَمَا عِدَّ اللَّهُ خَيْرٌ
وَأَهْلَى لِلْمُؤْمِنِينَ^۱

۲/۶. الصُّمُّ وَالْأَنفَاءُ

۲۳۴۳. مکارم الأخلاق عن رسول الله ﷺ: إِنَّ كُلَّ دُعَاءٍ
لَا يَكُونُ قَبْلَهُ تَعْمِيدٌ فَهُوَ أَبْتَرُ إِنَّمَا التَّعْمِيدُ
فِي الدُّعَاءِ.

قُلْتُ^۱: مَا أَدْنَى مَا يُجْرَى مِنَ التَّعْمِيدِ؟

قَالَ ﷺ: قُلِ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ
شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ
فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ.
وَأَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ^۲

۳/۶. الإِقْرَارُ بِالذَّنْبِ

۲۳۴۴. رسول الله ﷺ: مِنْ دُعَائِهِ فِي حُجَّةِ الزَّوَادِجِ -

أَنَا الْبَائِسُ الْفَقِيرُ، الْمُسْتَعِثُّ الْمُسْتَحِيرُ، الْوَجَلُ
الْمُسْبِقُ، الْمُقِرُّ الْمُعْتَرِفُ بِذَنْبِهِ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ
الْمُسْتَكَبِ، وَأَسْتَهْلُ إِلَيْكَ اسْتِهَالِ الْمُدْبِيبِ الدُّكُلِ،
وَأَدْعُوكَ دُعَاءَ الْخَائِبِ الصَّرِيرِ^۱

۴/۶. الصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ

۲۳۴۵. رسول الله ﷺ: مَا مِنْ دُعَاءٍ إِلَّا تَبْنُوهُ وَبَيْنَ السَّمَاءِ

وَالْأَرْضِ، حَتَّى يُصَلِّيَ عَلَى النَّبِيِّ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ

۱ التوحيد ص ۳۳

۲ کتاب‌المصدر، ص ۲۰۸ ذکر لفظائل

۳ مکارم الأخلاق ج ۲ ص ۸۱ ح ۲۲۰۶

۴ المعجم الكبير ج ۱۱ ص ۱۴۰ ح ۱۱۴۰۵

نمی‌شود. یا در همین دنیا به حاجتش می‌رسد و یا
نزد پروردگارش به حساب می‌آید و در نزد او
دخیره می‌گردد و البته آنچه مرد خداست، برای
اهل ایمان، بهتر و ماندگارتر است

۲/۶. سفارش و ثنای خدا گفتن

۲۳۴۳. مکارم الأخلاق. پیامبر خدا فرمود: هر دعایی که
پیش از آن تمجیدی نباشد، [درخواستی] ناقص
است. محبت تمجید [خداوند] و سپس دعا.

[راوی می‌گوید:] گفتم: کمترین حد تمجید که
کفایت می‌کند، چیست؟

فرمود: بگو: پروردگارا! تو آهاری و پیش از
تو چیزی نیست. تو واپسینی و پس از تو چیزی
نیست. تو پیدایی و پیداتر از تو چیزی نیست. تو
نهانی و پنهان‌تر از تو چیزی نیست. تو عزیز و
حکیمی.

۳/۶. اعتراف به گناه

۲۳۴۴. پیامبر خدا ﷺ: در دعایش در آخرین سفر
حج -- [خداوند!] من نهی دست‌یازم، دادخواه
پناهجو، بیم‌گیران! کسی که به گناه خود، اقرار
دلرد و اعتراف می‌کند، از تو می‌خواهم، چنان که
رمیگری درخواست کند و به سوی تو رازی
می‌کند، چنان که خطاکاری خداکسار زاری کند، و
تو را می‌خوانم، چنان که ترسانی گرفتار بخواند

۴/۶. درود فرستادن بر پیامبر و خاندان او

۲۳۴۵. پیامبر خدا ﷺ هیچ دعایی نیست، مگر این که
میان آن و آسمان، پرده‌ای هست، تا آن گاه که بر

فَإِذَا قِيلَ ذَلِكَ خَرِقَ ذَلِكَ الْحِجَابُ وَدَخَلَ الدُّعَاءُ، فَإِذَا
لَمْ يُفْعَلْ ذَلِكَ رَجَعَ الدُّعَاءُ^۱

۲۳۴۶. عَنِ النَّبِيِّ ﷺ لَا يَرَالُ الدُّعَاءُ مَحْجُوباً حَتَّى يُصَلِّيَ
عَلَيَّ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِي^۲

۲۳۴۷. عَنِ النَّبِيِّ ﷺ إِذَا صَلَّيْتَ أَحَدَكُمْ فَلْيَبْدَأْ بِتَحْمِيدِ رَبِّهِ
جَلَّ وَعَزَّ وَالشَّاءَ عَلَيْهِ. ثُمَّ يُصَلِّيْ عَلَى نَبِيِّ ﷺ، ثُمَّ
يَدْعُو بِمَا شَاءَ^۳

۵/۶. الإِسْتِغْفَارُ بِأَهْلِ الْبَيْتِ ﷺ

۲۳۴۸. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - لِقَلْبِي ﷺ - يَا عَلِيُّ، إِذَا هَانَكَ أَمْرٌ أَوْ
مَرَّتْ بِكَ شِدَّةٌ فَقُلْ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَبِأَهْلِ مُحَمَّدٍ
تُصَلِّيْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُحْفَنِي مِنْ هَذِهِ
الْعَمَّةِ^۴

۲۳۴۹. سَمِعْتُ التِّرْمِذِيَّ عَنْ عِثْمَانَ بْنِ حَنِيفٍ، أَنَّ رَجُلًا صَرِيحًا
ابْتَصَرَ أَسَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ أَدْعُ اللَّهَ أَنْ يُعَافِيَنِي
قَالَ إِنْ شِئْتَ دَعَوْتُ، وَإِنْ شِئْتَ صَبِرْتَ فَهُوَ خَيْرٌ
لَكَ قَالَ فَأَدَعُهُ.

قَالَ: فَأَمَرَهُ أَنْ يَتَوَضَّأَ فَيُحْسِنَ وُضُوئَهُ، وَيَدْعُو
بِهَذَا الدُّعَاءِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِسَيِّدِكَ
مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ، [يَا مُحَمَّدُ] إِنِّي تَوَجَّهْتُ بِكَ إِلَى

پیامبر و بر جانان محمد، درود فرستاده شود
چون درود فرستاده شود، آن پرده می‌درزد و دعا
و نذر می‌شود، و هر گاه درود فرستاده شود، دعا
بر می‌گردد

۲۳۴۶. پیغمبر خدا ﷺ دعا، پیوسته در حجاب است
پس به درگاه خدا ناله می‌رود، تا آن گاه که بر من و
بر خانواده من، درود فرستاده شود.

۲۳۴۷. پیامبر خدا ﷺ هر گاه یکی از شما نماز خواند،
پس ابتدا پروردگارش را حمد و ثنا گوید و سپس
بر پیامبر، درود فرستد و آن گاه، هر دعایی
خواست، بگوید

۵/۶. توسل جستن به اهل بیت ﷺ

۲۳۴۸. پیامبر خدا ﷺ - به علی ﷺ - ای علی! هر گاه
کاری سختی بر آید یا دچار سختی شوی، بگو
«بار خدایا! به حق محمد و جانان محمد، از تو
درخواست می‌کنم که بر محمد و جانان محمد،
درود فرستی و مرا از این عَمَّة، بزرهائی»

۲۳۴۹. سَمِعْتُ التِّرْمِذِيَّ - بِه نقل از عثمان بن حنیف -
مرد نابینایی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت دعا کن که
خدا، مرا شفا بخشد

فرمود «اگر خواهی، دعا می‌کنم، اما اگر صبر
بیشه کنی، بریت بهتر است»
گفت دعا کن.

به او فرمود که وضویی بگیرد و این دعا را
بخواند «بار خدایا! از تو درخواست می‌کنم و به
واسطه پیامبرت محمد، پیامبر رحمت، به درگاهت
روی می‌آورم ای محمد! من به واسطه تو، به درگاه

۱. بشاره المصطفی ص ۳۶

۲. کنزیه الاثر ص ۳۹

۳. سنن ابی داود ج ۲ ص ۷۷ ح ۱۴۸۱

۴. منبع الدعوات ص ۱۵

۵. ما بین المعقوفین لا یوجد فی المصدر، وابتداء من المصادر
الاعتری

رَبِّي فِي حَاجَتِي هِدِي لِقَصِي لِي، اللَّهُمَّ شَفِّعْ فِيَّ

پروردگرم روی آوردم تا این حاجتم برآورده شود.
بار خدایا! شفاعت او را در باره من بپذیر.

الفصل السَّابِعُ مَا يَنْبَغِي حِينَ الدَّعَاءِ

فصل هفتم: بایسته‌های هنگام دعا

۱/۷. الْإِسْتِكَانَةُ وَالتَّصَرُّعُ وَالتَّخَضُّعُ وَالتَّخَضُّعُ

۱/۷. خاکساری و خورشی و فروتنی و افتادگی

الكتاب

قرآن

﴿فَاسْتَجِبْنَا لَهُ، وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَسْلَخْنَا لَهُ رُوحَهُ

﴿پس [دعای] او (زکریا) را اجابت کردیم، و یحیی را به او

إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْـَٔرُونَ فِي الْخُبُرِ وَبَدَعُونَا رَحْمَةً

بخشیدیم و حشرش را برای او شایسته [و آماده] حمل [

وَرَحْمَةً وَكَانُوا لَنَا خُشْعِينَ﴾^۱

کردیم، زیرا آنان در کارهای نیک شتاب می‌کردند و ما

و از روی رعب و بیم می‌خواندند و در برابر ما فروتنی

الحدیث

بودند﴾

۲۳۵۰ رسول الله ﷺ رَفَعَ الْأَيْدِي مِنَ الْإِسْكَانَةِ، ثُمَّ قَالَ

حدیث

لِللَّهِ ﴿مِمَّا اسْتَكَاؤُوا إِلَيْهِمْ وَمَا تَصَرَّعُونَ﴾^۲

۲۳۵۰ [پیامبر خدا ﷺ بلند کردن دست‌ها [به دعا] از

۲۳۵۱. عَنْهُ ﷺ - فِي الدَّعَاءِ - أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُسْكِينِ

همان چاکساری‌ای است که خداوند ﷻ فرموده

وَأَتَهَّلُ إِلَيْكَ ابْتِهَالًا مُتَرَبِّبِ الدَّلِيلِ، وَأَدْعُوهُ دُعَاءَ

است ﴿اولی بسبت به پروردگارشان خاکساری می‌کردند و به

الْحَائِبِ الصَّرِيرِ، مَنْ حَصَبَ بَكَ رَقَبَتُهُ، وَمَا صَنَعَ لَكَ

رذری در میانند﴾

عِيَاةً، وَذَلَّ جَسَدُهُ، وَرَعِمَ أَمَةُ بَكَ^۳

۲۳۵۱. پیامبر خدا ﷺ - در دعا - خاکسارانه از تو

۲/۷. الْفُكَاةُ أَوْ التَّبَاكِي

می‌خواستیم و چونان گنهگار حواری، به درگاهت

۲۳۵۲. رسول الله ﷺ الْفُكَاةُ مِنْ خُشْيَةِ اللَّهِ وَفَتْحِ

التعاس می‌کم و همچون نادبای هراسان - که در

الرَّحْمَةِ، وَعَلَامَةُ الْقَبُولِ، وَبَابُ الْإِجَابَةِ^۴

برابر تو گردن نهاده و چشمش از اشک

۲۳۵۳. عَنْهُ ﷺ إِعْتَمُوا الدَّعَاءَ عِنْدَ الرَّقَّةِ فَإِنَّهَا رَحْمَةٌ^۵

می‌جوشد و فروتنی می‌کند و در پیشگاهت حواری

[و رام] است - تو را می‌خوانم

۲/۷ گریستن یا حالت گریه به خود گرفتن

۲۳۵۱. پیامبر خدا ﷺ گریستن از ترس خدا، کند

رحمت و نشانه پدیرش و تر اجابت [دعا] است.

۲۳۵۲. پیامبر خدا ﷺ: دعا کردن در هنگام رقت قلب را

عیمت شمارید^۶ زیرا رقت قلب، رحمت است.

۱. سنن ترمذی ج ۵ ص ۵۶۹ ح ۳۵۷۸

۲. الأنبياء ۹۰

۳. المستدرک علی الصحیحین ج ۲ ص ۵۸۶ ح ۳۹۸۱

۴. المعجم الکبیر ج ۱۱ ص ۱۵۰ ح ۱۱۱۰۵

۵. إرشاد القلوب ص ۹۸

۶. مستدشهاب ج ۱ ص ۴۰۲ ح ۶۹۲

۳/۷. الإسراء

الكتاب

﴿ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يَجِبُ الْمُفْتَدِينَ﴾^۱
 ﴿ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدُكَ زَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ يَدَّاءُ
 خَلِيًّا﴾^۲

الحديث

۲۳۵۱ رسول الله ﷺ. خَيْرُ الدُّعَاءِ الْخَفِيُّ، قَالَ تَعَالَى:

﴿ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً﴾^۳

۲۳۵۵ عنه ﷺ دُعَاءُ الرَّبِّ يَرِدُ عَلَى الْجَهْرِ سَبْعِينَ
 مِصْبًا، وَأَتَى اللَّهُ شُجْرَانَهُ عَلَى زَكَرِيَّا ﷺ بِقَوْلِهِ
 ﴿إِذْ نَادَى رَبَّهُ يَدَّاءُ خَلِيًّا﴾^۴

۴/۷. حَفْصُ الصُّوْبِ

۲۳۵۶ رسول الله ﷺ - هِيَ قَوْلُهُ تَعَالَى - ﴿وَلَا تَجْهَرُ
 بِحُكْمَاتِكَ وَلَا تُخَافِتُ بِهَا﴾^۵ - ذَلِكَ فِي الدُّعَاءِ
 لَا تَرْفَعُ صَوْتَكَ فِي الدُّعَاءِ، فَتَذْكُرُ دُئُوتَكَ، فَيَسْمَعُ
 مِنْكَ، فَتُغَيِّرُ بِهَا^۶

۲۳۵۷. إِرْشَادُ الْقُلُوبِ: سَمِعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَقْوَامًا يُجَاهِرُونَ
 بِالدُّعَاءِ، فَقَالَ، لَا تَرْفَعُوا بِأَصْوَاتِكُمْ، لِإِنَّ رَبَّكُمْ لَيْسَ
 بِأَصَمٍّ^۷

۳/۷. مهان داشتنن

قرآن

﴿پروردگار خود را به زاری و بهانی بخوانید که او از حد
 گنومدگان را دوست نمی‌دارد﴾

﴿[این] بادی از رحمت پروردگار تو [در باره] پنداش
 زکریاست. آن گاه که [زکریا] پروردگارش را آهسته ندا

کرد﴾

حدیث

۲۳۵۲ پیامبر خدا ﷺ بهترین دعا، دعای بهانی است

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿پروردگارت را به زاری و
 بهانی بخوان﴾

۲۳۵۵ / ۴/۷. یُکَسِّرُ عِبَادَ اللَّهِ دُعَاءَ بَهَانِي، هَعَتَادُ بَرَابَرِ دُعَاءِ
 أَتْكَارٍ، لِرُزْشِ دَارِدٍ. خَدَاوِدُ مَتَعَالٍ، رَكْرَبًا ﷺ رَا
 چَئِنْ سَلَوَهُ اسْتَفْهَامَ گاه که پروردگارش را بهانی ندا
 داد﴾

۴/۷. آهستگی صدا

۲۳۵۶ پیامبر خدا ﷺ - دربارهٔ این سخن خداوند متعال
 که ﴿وَمَخَارِجُ رَأْيَا صَدَائِ بَلَدٍ وَ يَا بَا صَدَائِ يَسْبَارُ آهَسْتَه
 مَخَوَانِ﴾ - این، در دعاست. در هنگام دعا کردن،
 صدایت را بلند مکن که چون گناهانت را یاد کنی،
 دیگران بشنوند و بدانها سررشت کند.

۲۳۵۷ إِرْشَادُ الْقُلُوبِ: پِیَامِبِرِ خَدَا شَنِیدَ کِه عَدَّه‌ای بَا
 صَدَائِ بَلَدٍ، دَه‌ا می‌کند. فَرَمُودَ «صَدَاهَايَتَانِ ر
 بَلَدَن‌کَنید پِروردگار شعاکَر نِیست».

۱. الأعراف ۵۵ ۲. صريم ۳ و ۳

۳. إِرْشَادُ الْقُلُوبِ، ص ۱۵۴ ۴. إِرْشَادُ الْقُلُوبِ، ص ۱۵۴

۵. الإسراء: ۱۱۰

۶. التاریخ الکبیر ج ۳ ص ۲۵۶ الرقم ۸۸۲

۷. إِرْشَادُ الْقُلُوبِ، ص ۱۵۴

توضیحی درباره بلند کردن صدا در دعا

دعا، سخن گفتن با کسی است که هیچ کس به اندازه و به سبب نزدیک نیست و بلکه از رنگ گردن پیر به انسان نزدیک‌تر است و درین جهت، بلند کردن صدا در دعا، خلاف ادب شمرده می‌شود، چنان‌که پیامبر خدا به این نکته اشاره می‌فرماید:

اربعوا علی انفسکم انکم لا تدعون اَصَمًّا ولا عِبًّا انکم تدعون سَمِیعاً قَرِیباً وَهُوَ مَعَكُمْ^۱

صداپند را بپایین بیاورید چرا که شما با سویی با دعا پیر صد می‌رید بلکه سوای بریکی ر صد می‌ید که همواره با شماست

بر بن اساس، بلند دعا کردن، بخصوص اگر موجب آزار دیگران باشد، عقلاً و نقلاً مذموم و بلکه ممنوع است

در این حد این سؤال بشر می‌ید که، اگر بلند دعا کردن مذموم است، چرا گاهی در سوره پشوبات اسلام، مواردی دیده می‌شود که بلند دعا می‌کرده‌اند؟

پاسخ، این است که بگوئید بودن صدی صد در دعا، یک موضوع عرفی است و لذا دوری عرف، در کیفیت و کمیت صدی صد در حالت دارد بی‌تردید، لری است می‌ب کسی که مانند طلکار با فرید و بی ادبانه چیزی از خدا می‌خواهد و کسی که مانند امام حسین (ع) در عرفات، در شای دعا، حالی به او دست می‌دهد که با بهایت حساری و فتادگی و با ناله و تصرع و اشکریرت و دلسوران، امان صدی صد، «یا أَسْمِعِ السَّمْعِینَ ای شواترین شومدگان»^۲ می‌گوید و یا مانند امام صادق (ع) در پایان شب، هنگام قیام بری شب‌رنده داری، ندای «اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى هَوْلِ الْمَطْلَعِ وَوَشْعِ غُلَّى ضِيقِ الْمَصْحَبِ» خداوند مرا به هنگام هرلیدم در جایگاه ولرسی یاری کن و بریم بنگای فر را وسیع نماه^۳ می‌دهد که به تنها موجب آزار دیگران بوده است، بلکه بی‌تردید، اهل بیت ایشان، علاقه‌مند به شیدن حاجات روح‌بخش آن بررگولر در دل شب بوده‌ند

به عبارت دیگر، پایی بودن صد، در هنگام دعا، هم مقتضای تعظیم و تواضع در محضر خداوند است و هم موجب جلب حشودی او و پیدایش حال توجه و انس بشر در دعاکنده این، نکته‌ای است که عقل و فطرت انسان، به خوبی آن ر درک و تصدیق می‌کند

۲. التذلل لیس ص ۲۵۸

۱. صحیح البخاری ج ۴ ص ۵۴۱ ح ۳۹۶۸

۳. الکافی ج ۲ ص ۵۳۹ ح ۱۳

بایر پس، اقتضای حالات و مقامات مختلف، متفاوت است و عقل و فطرت، در هر حال و مقام، میزان مقبول پنهان و پ آشکار بودن صدرا را به خوبی درک می‌کنند و با حفظ اصل آهستگی و پرهیز از شیون و فریاد، هر یک از حالات و مقامات (درخواست، سرور و گداز، دانش از غم هجران، حال حوش و اُتس، دعای جمعی و فردی، صمیمه شدن مسئله تعلیم و تربیت به اصل دعا) را در دیگر مقامات و حالات، تمیز می‌دهند.

۵/۷. رَفَعَ الْيَدَيْنِ

۵/۷. بلند کردن دست ها

۲۳۵۸ رسول الله ﷺ - بِحَلْيٍ ﷺ - غَلَبَكَ سَرْعُ يَدَيْكَ إِلَى رَبِّكَ، وَكَثَّرَهُ نَقْلُهَا ^۱

۲۳۵۸. پيامبر خدا ﷺ - به عی ﷺ - 'بر تو داد بلند کردن دست ها، به سوی پروردگارت، و بسیار پشت

ورو کردن بها

۲۳۵۹. الإمام الحسين ﷺ. كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَرْفَعُ يَدَيْهِ إِذَا ابْتَهَلَ وَدَعَا، كَمَا يَسْتَطِيعُ الْمُسْكِينُ ^۲

۲۳۵۹. امام حسین ﷺ پيامبر خدا، هر گاه درخواست و دعایی می کرد، دستاش را همچون مسکینی که عدا می طلبد، دراز می کرد.

۲۳۶۰. كُنْزُ الْعَمَالِ عَنْ الْبَرَاءِ بْنِ عَزَبٍ قَالَ [نَبِيُّ ﷺ] إِذَا أَصَابَتْهُ شِدَّةٌ فَدَعَا، رَفَعَ يَدَيْهِ حَتَّى يُعْرِىَ بَصَاصَ إِبْطِيهِ ^۳

۲۳۶۰. کنز العمال - به نقل از براء بن عازب - 'پيامبر ﷺ هر گاه مشکلی برایش پیش می آمد و دعا می کرد، دستاش را بالا می برد، چنان که سپیدی ریز بعل هایش دیده می شد

۱ المحاسن ج ۱ ص ۸۲ ح ۴۸

۲ مكارم الاخلاق ج ۳ ص ۸ ح ۱۹۸۱

۳ كنز العمال ج ۷ ص ۷۱ ح ۱۸۰۰۸

تحلیلی درباره بلند کردن دست به سوی آسمان در هنگام دعا

یکی از آداب دعا، بلند کردن دست به سوی آسمان است. سیره پیامبر خدا چنین بود که گاه به هنگام دعا، دست‌های خود را آن قدر بلند می‌کرد که می‌پسیدی زیر بغل ایشان دیده می‌شد^۱ و مانند بیچاره‌ای که ببلند کردن و حرکت دادن دست، از کسی چیزی می‌خواهد، درخواست خود را با خداوند متعال در میان می‌گذاشت. در این جا، این سؤال پیش می‌آید که «توجه به این که خداوند متعال همه جا هست، چرا باید پیش‌گرم باید به هنگام دعا، دست خود را به سوی آسمان، بالا ببرد؟»

برخی تصور کرده‌اند که بلند کردن دست به سوی آسمان، نشانه اعتقاد به تجسیم و مکان داشتن حضرت حق است، در صورتی که جسم و مکان، از اوصاف صلیبه حیوانیت متعال است. او جسم نیست و در همه جا هست. پس برای دعا، تدوینی میان بلند کردن دست یا بلند نکردن آن، وجود ندارد. ایسان بدین سان، مکراد است بودن این رفتار شده‌اند. در حالی که باید بدانیم

۱. بلند کردن دست به هنگام دعا، خود، نوعی عبادت است که خداوند متعال، مردم را مکلف به آن نموده است، چنان که توجه کردن در نماز به سوی کعبه، رکوع و سجود و امثال اینها عبادت است.

۲. بلند کردن دست به هنگام دعا، سنت نبوی است و پیامبر خدا را پیروان خود، خواسته است که چنین عمل کنند.

۳. حکمت بلند کردن دست به سوی آسمان در هنگام دعا، این است که آسمان، جایگاه انواع روری‌هایی است که مورد نیاز و درخواست انسان‌اند. بدین جهت، خداوند به اولیای خود دستور داده که هنگام دعا، دست‌های خود را به سوی آسمان و عرش الهی دراز کنند.

۴. علامه سید محمد حسین طباطبائی در پاسخ این سؤال، اشاره می‌کند که حقیقت همه عبادت بدنی (از جمله دعا)، تزیین و تمثیل معانی و معاهیم و حقایق متعالی در قالب جسمانی است و بلند کردن دست در دعای هم

۱. از آنس نقل شده که پیامبر ﷺ تنها در اشراق (باران حرامی) دست خود را در دعا بالا می‌برد (صحیح البخاری ج ۳ ص ۱۳۰۷ ح ۳۳۷۲) و از مسلمانان سزاوارتر روایت شده است که از پیامبر ﷺ، بالا بردن کف دست را جز در سه جایه یاد نکرد. هنگام درخواست باران، درخواست کمک بر ضد کافران و سامگاه عرقه در غیر اینها هم دست را بالا می‌برد. اتفاقاً پس از اینها (قرائین ص ۱۲۴ ح ۱۳) یا تعایت به احادیثی که در این باب گذاشت، باید گفت پیامبر ﷺ در موارد مهم دست‌ها را خیلی بالا می‌برد و در غیر این موارد، کمتر بالا می‌برد و گاه هم بالا نمی‌برد. اما از مور. در روایت انس، ما عیب به صابر است. باید گفت آنچه وی گفته است، مشاهدات شخص پوست و منافاتی با روایت دیگران ندارد.

از این باب است: «من شخص ایشان چنین است»

معالفت برخی با بالا بردن دست به سوی آسمان به هنگام دعا، با اسناد به این که این کار، نوعی جسم‌دانش خداوند و اشاره به لوس، یهود و ناصریست است؛ چرا که حقیقت همه عبادت‌های بدی، فرو کاستن معنای قلبی و توجه درونی، به صورت و شکل ظاهر و بیرون‌ظاهر حقایق فراتر از ماده، در قالب جسم است. همان گونه که در نماز و روزه و حج و... و اجراء شرایطشان هست و اگر چسب بود، اصلاً عبادت‌های بدی تحقق نمی‌یافتند و از جمله عبادت‌ها، دعا است که توجه قلبی و درخوست درونی موجود در دعا را - که در میان ما مدول و معهود است - می‌توان شبیه کرد به درخواست مادر بی‌وای فروست، از توانگر فرستد و لا آنجا که دشمنش را باز می‌کند و بهارش را با سبکسگی و داری طلب می‌نماید.^۱

دکته قابل توجه، این است که بلند کردن دست به سوی آسمان، در صورتی ادب و ارزش شمرده می‌شود که بدیشگر، با معرفت، دست خود را بالا برد و نداند که حد همه حد است. بهادرین صورت است که دست به آسمان بلند کردن، دلب شمرده می‌شود، و گرنه، کسی که می‌پسندد خدا در آسمان است و دست به سوی او دراز می‌کند، دست بلند کردن، و ارزش ندارد. همچنین دست چشم دوحتن به آسمان در هنگام دعا، و بلند اسم صادق ﷺ از پدران پررگوار خود، نقل کرده است.

مَرْءُ النَّبِيِّ ﷺ عَلَى رَحْلِ وَهُوَ رَافِعٌ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ يَدْعُو، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «خُصَّ بِصِرْكٍ، فَإِنَّكَ لِي مَرَأَةٌ»

و مَرْءُ النَّبِيِّ ﷺ عَلَى رَحْلِ رَافِعٍ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ يَدْعُو، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «أُفْصِرُ مِنْ يَدَيْكَ، فَإِنَّكَ لِنِ قَتْلَةٍ»^۲

گذر پیامبر ﷺ بر مردی افتاد که هنگام دعا چشمش را به سوی آسمان دوخته بود. پیامبر خدا به وی فرمود: «چشمه را فرو بند که تو هرگز او را نمی‌بینی».

و گذر پیامبر ﷺ بر مردی افتاد که در حال دعا، دستش را به سوی آسمان بلند کرده بود. پیامبر خدا فرمود: «دشمنان را در باین بیاور که تو هرگز به او نمی‌رسی».

البته ممکن است این دو حدیث، ناظر به خروج شخص از حال اعتدال در چشم دوحتن به آسمان (رفع البصر) یا بلند کردن دست‌ها (رفع الیدین) باشد.

۱ المیزان فی تفسیر القرآن: ج ۲ ص ۲۸

۲ الشرح ص ۱۰۷ ج ۱، المجموع باب ص ۲۸ در تمام کتب اربعه اش را تمام علی ﷺ بعد از آنکه ج ۹۳ ص ۲۰۷ ج ۴

۶/۷. عُلُوُّ الْهَيْئَةِ وَعِظَمُ الْمَسْأَلَةِ

۶/۷ بلند هفتی و بزرگی درخواست

۲۳۶۱ رسول الله ﷺ إِسْأَلُوا اللَّهَ وَأَجْزِلُوا؛ فَإِنَّهُ لَا

۲۳۶۱. پیامبر خدا ﷺ از شما دعا بخواهید و فزاون

بخواهید؛ زیرا هیچ چیز برای او سبک نیست.

يَتَعَاطَمُهُ شَيْءٌ^۱۲۳۶۲ عَنْهُ ﷺ إِنَّ اللَّهَ يَعْجَبُ مِنْ سَائِلٍ يَسْأَلُ غَيْرَ الْجَنَّةِ^۲.

۲۳۶۲. پیامبر خدا ﷺ، خداوند ﷻ از درخواست کننده‌ای

که چیزی جز بهشت درخواست کند، تعجب می‌کند.

۲۳۶۳ صَحِيح مُسْلِم عَنْ رَبِيعَةَ بِنِ كَعْبِ الْأَسْلَمِيِّ كُنْتُ

۲۳۶۳ صحیح مسلم - به نقل از ربیعه بن کعب اسلمی :-

من شب را با پیامبر خدا، می‌گذراندم، یک شب که

أَبِيتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، فَأَتَيْتُهُ بِوُصُوءِهِ وَحَاحِيهِ

برایش آب وضو و حاجتش را آوردم، به من فرمود

فَقَالَ لِي سَلْ فَقُلْتُ سَأَلْتُكَ مُرَافَقَتَكَ فِي الْحَيَةِ

«چیزی بخواه»

قَالَ أَوْ غَيْرَ ذَلِكَ؟ قُلْتُ هُوَ ذَلِكَ

گفتم از تو می‌خواهم که در بهشت با تو باشم.

قَالَ فَأَعْنِي عَلَى نَعْيِكَ بِكَرَّةِ السُّجُودِ^۳

فرمود «عبر از این می‌خواهی؟»

گفتم: فقط همین!

۷/۷ السُّؤَالُ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ

فرمود «پس شما سجده فرمائید، مرا در این

اعتراف است کمک کن»

الکتاب

۷/۷ حواستین از فضل خداوند

وَلَا تَقْنَمُوا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ مَخْصَصَكُمْ عَلَى بَعْضِ

الْأَحْجَالِ مَصِيفَتْ مِمَّا أَقْنَسْتُمْ وَاللِّسَاءُ مَصِيفَتْ مِمَّا

أَقْنَسْتُمْ وَتَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ؛ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ

«در آنچه را خداوند به [سبب] آن، بعضی از شما را بر

بعضی [دیگر] برتری داده، آردو میکند، برای مردان در

آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند، بهرهای اسد و برای

رندان [نیز] از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند بهرهای

استد و از فضل خدا درخواست کنید، که خدا به هر

شئیم علیها»^۱

چیزی داناست»

الحديث

۲۳۶۴ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ سَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يُجِبُ

۲۳۶۴ پیامبر خدا ﷺ از خداوند، فضلش را درخواست

کنید؛ زیرا خدای ﷻ دوست می‌دارد که از او

درخواست شود.

۸/۷ العزم

۲۳۶۵ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا دَعَا أَحَدُكُمْ فَلَا يَقُلْ اللَّهُمَّ اعْزِمْ

۱ حذاه الداهي ص ۳۶

۲ تاریخ بغداد ج ۹ ص ۲۶۷ الرقم ۴۸۳۲

۳ صحیح مسلم ج ۱ ص ۳۵۳ ج ۲۳۶

۴ النساء ۳۲

۵ من الشریعی ج ۵ ص ۵۶۵ ج ۳۵۷۱

۷ ۸ قاطعیت

۲۳۶۵ پیامبر خدا ﷺ. هر گاه فردی از شما دعا می‌کند،

لي اِنْ شِئْتَ . وَلَكِنْ لِيَعْرِمَ الْمَسْأَلَةُ ، وَيَتَعَظَّمَ الرَّعْبُ .
قَالَ اللَّهُ لَا يَتَعَظَّمُ شَيْءٌ أُعْطِيَ .^۱

۲۳۶۶ عنه ﷺ لَا يَقُولَنَّ أَحَدُكُمْ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي إِنْ
شِئْتَ ، اللَّهُمَّ ارْحَمِي إِنْ شِئْتَ ، لِيَعْرِمَ الْمَسْأَلَةُ ، فَإِنَّهُ لَا
مُكْرَمَةَ لَهُ .^۲

۹/۷ التَّهْمِيمُ

۲۳۶۷ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا دَعَا أَحَدُكُمْ فَلْيَقُمْ ، فَإِنَّهُ
أَوْحَبُ لِلدُّعَاءِ .^۳

۲۳۶۸ عَنْهُ ﷺ مَا مِنْ دُعَاءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَنْ يَقُولَ
الْعَبْدُ اللَّهُمَّ ارْحَمْ أُمَّةَ مُحَمَّدٍ رَحْمَةً عَاقِبَةً .^۴

۲۳۶۹ عَنْهُ ﷺ مَنْ صَلَّى يَوْمَ فَاخَصَّتْ بَعَثَهُ بِالدُّعَاءِ
فَقَدْ حَانَهُمْ .^۵

۱۰/۷ الْإِكْتَارُ

۲۳۷۰ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا سَأَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيُكْثِرْ ، فَإِنَّهُ
يَسْأَلُ رَبَّهُ .^۱

۲۳۷۱ عَنْهُ ﷺ لَقَدْ بَارَكَ اللَّهُ لِرَجُلٍ لَمَّا حَاجَهُ أَكْثَرَ
الدُّعَاءِ عَلَيْهَا ، أُعْطِيَهَا أَوْ مِثْلَهَا .^۲

۱ صحیح مسلم ج ۱ ص ۲۰۶ ح ۸

۲ صحیح البخاری ج ۵ ص ۱۳۳ ح ۵۹۸۰

۳ التکالیف ج ۲ ص ۱۸۷ ح ۱

۴ تاریخ بغداد ج ۶ ص ۱۵۷ المرقم ۳۲۰۲

۵ تهذیب الأحکام ج ۳ ص ۲۸۱ ح ۸۳۱

۶ صحیح ابن حبان ج ۳ ص ۱۷۲ ح ۸۸۹

۷ شعب الإيمان ج ۲ ص ۵۱ ح ۱۱۳۵

بگوید بار خدا یا! اگر خواستی، مرا بیمارز؛ بلکه
در خواهش کردن، قاطع باشد و درخواست بزرگ
کند؛ زیرا عطای هیچ چیز برای خداوند، گران
نیست.

۲۳۶۶ پیامبر خدا ﷺ هرگز کسی از شما نگویید
خدا یا! اگر خواستی، مرا بیمار خدا یا! اگر
خواستی، به من رحم کن؛ بلکه قاطعانه بخواهد؛
زیرا خداوند، وادار گنده‌ای ندارد

۹/۷ دعا کردن برای همگان

۲۳۶۷ پیامبر خدا ﷺ هر گاه یکی از شما دعای کرد،
برای همه دعای کند و بر این، دعا را به اجابت
نزدیک تر می‌سازد

۲۳۶۸ پیامبر خدا ﷺ هیچ دعایی نبرد خداوند،
محبوب تر از این نیست که بنده بگوید بار خدا یا!
اَمَّا مُحَمَّدٌ رَا مَشْمُولٍ رَحْمَتِ عَامٍ حُوْدُودُهَا

۲۳۶۹ پیامبر خدا ﷺ هر کس پیش رمار عده‌ای شود
و همه برای خودش دعا کند، به این حیانت کرده
است

۱۰/۷ بسیار خواستن

۲۳۷۰ پیامبر خدا ﷺ هر گاه یکی از شما می‌خواهد،
بسیار بخواهد؛ چرا که از پروردگار حویش
درخواست می‌کند.

۲۳۷۱ پیامبر خدا ﷺ خداوند به کسی که برای
حاجتی بسیار دعا کند، سرگت می‌دهد؛ خواه
حاجتش داده شود یا داده نشود

۱۱/۷. الإلحاح

۱۱/۷. پافشاری

۲۳۷۷ رسول الله ﷺ إِنَّ اللَّهَ يُجِيبُ السَّائِلَ الْخَوَّحَ^۱

۲۳۷۷ پیامبر خدا ﷺ خداوند، درخواست کننده مُصیر

را دوست دارد.

۲۳۷۸ عَنْهُ ﷺ إِنَّ اللَّهَ يُجِيبُ الْمُتَلِحِّينَ فِي الدُّعَاءِ^۲

۲۳۷۸ پیامبر خدا ﷺ خداوند، سماجت‌کنندگان در دعا

را دوست می‌دارد.

الفصل الثامن: ما يَخْتَم به الدعاء

فصل هشتم: پایان بخش دعا

۱/۸. آمین

۲۳۷۹ رسول الله ﷺ إِذَا دَعَا أَحَدُكُمْ فَلْيُؤْمِنْ عَمَلِي

۱/۸. آمین گفتن

دُعَائِهِ^۳

۲۳۷۹ پیامبر خدا ﷺ هرگاه یکی از شما دعا کرد، آن

را به «آمین» ختم کند

۲۳۷۵ عَنْهُ ﷺ الدَّاعِي وَالْمُؤْمِنُ فِي الْأَحْرِ شَرِيكَا^۴

۲۳۷۵ پیامبر خدا ﷺ دعا کننده و آمین‌گزینه، در

هر یک، شریک یکدیگرند

۲۳۷۶ عَنْهُ ﷺ دَعَا مُوسَى وَأَتَى هَارُونَ ﷺ وَأَتَى

۲۳۷۶ پیامبر خدا ﷺ موسی دعا کرد و هارون ﷺ و

هر کشتگان، آمین گفتند پس خداوند - تبارک و

الْمَلَائِكَةُ، فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى «قَدْ أُجِيبَتْ

تعالی - فرمود «دعای شما در تن اجابت شد پس

دُعَاؤُكُمْ فَأَسْتَجِبْ»^۵

استقامت کنید»

۱. عدد الداعی ص ۱۴۳

۲. حوادیر الأصول ج ۲ ص ۱۹

۳. القردوس ج ۱ ص ۳۱۶ ح ۱۲۵۱

۴. المجتربات ص ۳۱ ۵. بوس ۸۹

۶. الکافی ج ۲ ص ۵۱۰ ح ۸

توضیحی درباره گفتن «آمین» در پایان دعا

کلمه «آمین» ، چنان‌که در حدیثی از پیامبر ﷺ نیز نقل شده است ، به معنای «پروردگار! برآورده‌ساز» است و از این رو ، گفتن این کلمه در پایان دعای خود و دیگران ، در روایات اسلامی توصیه شده است . گفتنی است که در سیره پیشوایان دینی ، مکرر گزارش شده است که آن بزرگواران ، پس از دعای خود و یا دیگران ، آمین گفته‌اند و گاه ، سه بار این کلمه را تکرار کرده‌اند .

البته باید توجه داشت که حکم حال نماز با سایر حالات ، متفاوت است ، چنان‌که از نظر فقه امامیه ، گفتن «آمین» بعد از فاتحه الکتاب ، در نماز ، جایز نیست .



۲/۸ مَسَحُ الْوُجْهِ بِالْيَدَيْنِ

۲۳۷۷ رسول الله ﷺ إِذَا سَأَلْتُمُ اللَّهَ، فَاسْأَلُوهُ بِطُحُونِ أَكْفُكُمْ، ثُمَّ لَا تَرْذُوهَا حَتَّى تَمْسَحُوا بِهَا وَجُوهَكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ جَاعِلٌ فِيهَا بَرَكَتَةً.^۱

۲۳۷۸ عَنْهُ ﷺ سَلُوا اللَّهَ بِطُحُونِ أَكْفُكُمْ وَلَا تَسْأَلُوهُ يَظْهَرُهَا، فَإِذَا قَرَعْتُمْ فَاَمْسَحُوا بِهَا وَجُوهَكُمْ^۲

الفصل التاسع: ما لا ينبغي للداعي

۱/۹ طَلَبُ مَا لَا يَعْلَمُ أَنَّهُ خَيْرٌ لَهُ

الكتاب

﴿وَيَذِخُّ الْإِنْسَانَ بِالْشَّرِّ نَعَاذُهُ بِالعَنَرِ وَغَارِ الْإِنْسَانِ عَذُولاً﴾^۳

الحدیث

۲۳۷۹ رسول الله ﷺ لَا تَسْعَطُوا سَعَمَ افْتُو، وَلَا تَقْرَحُوا عَلَى اللَّهِ، وَبَدَأَ ابْنُ لَهْيٍ أَخَذَكُمْ فِي رِيقِهِ وَمَعِيشَتِهِ مَلَا يُحَدِّثُ شَيْئاً يَسْأَلُهُ، لَأَتِلُ مِنْ دَبْكِ حَتَفَةٍ وَهَلَاكَةٍ، وَلَكِنْ لِيَقُلَ اللَّهُمَّ بِحَاجَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ إِنْ كَانَ مَا كَرِهْتُهُ مِنْ أَمْرِ هَذَا خَيْرٌ لِي وَأَوْصَلَ فِي دِينِي فَصَبِّرْنِي عَلَيْهِ، وَقَوِّنِي عَلَى احْتِمَالِهِ، وَشُطْطِي بِتَقِيهِ، وَإِنْ كَانَ خِلَافُ ذَلِكَ خَيْرٌ لِي فَجِدْ عَلَيَّ بِهِ، وَرَضِي بِقَصَائِكَ عَلَى كُلِّ حَالٍ، فَلَكَ الْعَمْدُ^۴

۲/۹ الإِعْتِدَاءُ

﴿ادْعُوا رَبَّكُمْ تَسْرِعًا وَخَفِيَةً إِنَّهُ لَا يَجِبُ الْمُتَعَتِّبِينَ﴾^۵

۱ کثر المتكلم ج ۲ ص ۸۴ ح ۳۷۵۴

۲ سنن أبي حنبله ج ۲ ص ۷۸ ح ۱۸۵

۳ الإسراء ۱۱ ۱ عذبة الداعي ص ۳۰

۵ الاعراف ۵۵

۲/۸ کشیدن دست‌ها به صورت

۲۳۷۷ پیامبر خدا ﷺ هر گاه از خداوند درخواست می‌کند، یا کعب دست‌ها را بر او بخواهد و پیش از آن که دست‌ها را بر او بپندارد، آنها را به صورت‌ها بکشد؛ زیرا خداوند در کعب دست‌ها برکت نهاده است.

۲۳۷۸ پیامبر خدا ﷺ از خداوند بکعب دست‌ها بخواهد و یا پشت آنها از او درخواست نکند، و چون درخواست تمام شد، دست‌ها را بر او به صورت خود بکشد.

فصل نهم: آنچه برای دعا کننده،

شایسته نیست

۱/۹ درخواست چیزی که معنی ندارد به صلاح نیست

قرآن

﴿وَبَشِّرِ [بِالْإِنْسَانِ] الْكَاثِرَ [بِالْخَيْرِ] رَأَى مَا عَمِلَ مِنْ خَيْرٍ﴾^۱

حدیث

۲۳۷۹ پیامبر خدا ﷺ: نعمت‌های خدا را باحوش مدارید و برای خدا نیکی تکلیف نکند. هر گاه یکی از شما در روزی و معیشتی تنگی افتاد، مداخله‌گری نکند که خود می‌خواهد، که شاید مرگ و نابودی او در آن باشد؛ بلکه بگوید: «ای خدا! به آبروی محمد و حامدانش پاک او، اگر این وضع من - که آن را باحوش می‌دارم -، برای من بهتر و بیشتر به صلاح دین من است، مرا بر آن، شکیا گردان و قدرت تحتل آن را به من عطا فرما و در به دوش کشیدن بار آن، بهتر توانم سازد و اگر خلاف آن برایم بهتر است، آن را به من بخش و مرا در هر حال، به نصایت راهی گردان، و تو را سپاس».

۲/۹ لَوْ حَذَّ كَشَفْتَنِي

﴿بِرُؤُوسِ الْكَافِرِ خُودَ رَأَى زَارِي وَبَهْتِي بِهَوْنٍ كَلَّمَ لَوْ حَذَّ

کمرنگان را دوست می‌دارد﴾

توضیحي دوباره از حد گذشتن در دعا

یکی از کارهایی که انجام دادن آن، برای پیشگرم، شسته نیست، «عتد» (یعنی تجاوز از حد) در دعاست قرآن، تصریح می کند که

﴿ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُتَكَبِّرِينَ﴾^۱

پروردگارتان را مازاری و در حال پنهانی بخوانید [چون] که او را تکبرندگان را دوست ندارد ﴿

این آیه به مؤمنان توصیه می کند که پروردگار خود را بخواند و خواسته های خود را از او بخواهد؛ اما در دعا و خواستن از خداوند متعال، از حد، تجاوز نکند. در این حد، پرسش مطرح می شود که حد دعا چیست که تجاوز از آن، بکوهیده است و متجاوز از آن، **مُتَكَبِّرِينَ** متکبر است ؟

اكتسابه خواسته های مطعی و مشروع و رعایت ادب در بیان آنها، در محصر خداوند متعال، حد دعاست. از این رو، طرح خواسته های ناممقول، نامشروع و بی ادبی در گفتار و هر عملی که از بیانشگر بکوهیده است، تجاوز از حد دعا شمرده می شود. **مُتَكَبِّرِينَ**

با بر این، کسی که گستاخانه در محصر خداوند متعال، فریاد چیری را می خواند، یا کسی را نفرین می کند که مستحق نفرین نیست یا بیش از استحقاق نفرین می کند، یا انجام شدن کاری نامشروع (مانند قطع رحم) را از حد، می خواند، یا درخواستی غیرمطقی دارد. مانند این که از خدا، نابودی خود و یا بیستی آسمان و زمین را می طلبد. و در واقع، از حدود دعا تجاوز کرده است.

با این حال، باید توجه داشت که تجاوز از حد دعا، به معنای نفی بلند همتی در دعا و داشتن خواسته های بزرگ و معقول نیست. بلند همتی در دعا، به تنهایی بکوهیده نیست، بلکه مدح و بیراهست.

۳/۹ الاستعجال

۳۳۸۰ رسول الله ﷺ يُسْتَجَابُ لِأَعْدِيكُمْ مَا لَمْ يَحْجَلْ، يَقُولُ، دَعَوْتُ فَلَمْ يُسْتَجَبْ لِي.^۱

۳۳۸۱. سنن الترمذی عن أبي هريرة عن رسول الله ﷺ ما من عبد يرفع يديه حتى يسدو بطنه، يَأْلُ لَهَ مَأْلَهُ إِلَّا أَتَاهَا يَأَهُ مَا لَمْ يَحْجَلْ
قالوا، يا رسول الله، وكيف جعلته؟
قال يقول، قَدْ سَأَلْتُ وَسَأَلْتُ وَلَمْ أُعْطَ شَيْئاً^۲

۴/۹ استكثار المطلوب

۳۳۸۲ رسول الله ﷺ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ وَلَوْ أَنَّ قُلُوبَ عَادَى احْتَمَفَتْ عَلَى قَلْبِ أَسْعَدَ عَبْدٍ لِي، مَا رَأَى ذَلِكَ [مَنْ سَطَطَنِي حَنَاحَ بَعُوضَةٍ، وَتَوَاسَى سَطَطَتُ كُرْسِيَّ عَبْدٍ مَا سَأَلَنِي مَا كَانَ ذَلِكَ]، لَا مِثْلَ لِبَرَةٍ جَاءَ بِهَا عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي فَعَمَسَهَا فِي بَحْرِ، وَذَلِكَ أَنَّ عَطَانِي كَلَامٌ، وَعِدِّي كَلَامٌ، وَإِنَّمَا أَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ^۳

۳۳۸۳ عنه ﷺ أَوْحَى اللَّهُ إِلَى بَعْضِ أَنْبِيَائِهِ: ... لَوْ أَنَّ أَهْلَ سَمْعِ سَمَاوَاتٍ وَأَرْضِينَ سَأَلُونِي جَمِيعاً فَأَعْطَيْتُ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ مَسْأَلَتَهُ، مَا نَفَعَنِي ذَلِكَ مِنْ مُدْكِي مِثْلَ حَنَاحِ بَعُوضَةٍ، وَكَيْفَ يَقْضُ مُلْكُ نَبَا قَبِيحَةٍ؟^۴

۳/۹ شتاب کردن

۳۳۸۰ پیامبر خدا ﷺ: دعای هر یک از شما، مدام که عجله نکند و نگوید، «دعا کردم؛ ولی مستجاب نشده»، به اجابت می‌رسد

۳۳۸۱. سنن الترمذی - به نقل از ابو هریره - پیامبر خدا فرمود: هیچ بنده‌ای نیست که دو دستش را به دعا بلند کند، چندان که زیر بغلش پیدا شود و از خدا درخواستش کند، مگر آن که خداوند، خواسته‌اش را به او می‌دهد، به شرط آن که شتاب نکند.

گفتند: ای پیامبر خدا! شتاب کردنش چگونه است؟

فرمود: «بگویند: بارها خواستم؛ ولی چیزی به من داده نشد»

۳/۹ حواسنه‌های فراوان داشتن

۳۳۸۲ پیامبر خدا ﷺ: خداوند می‌فرماید: «اگر دل‌های بندگانم، همه در دلِ حوشِ بخت‌ترین بنده‌ام جمع شوند (همه خلاق در توحید و تقوا یک‌دل شوند)، به اندازهٔ پالِ پشه‌ای هم بر سمیت من نمی‌افزاید و اگر به هر بنده‌ای آنچه بخواهد، عطا کنم، این نباشد، مگر به مانند سوری که بنده‌ای از بندگانم بردارد و در دریایی فرو بریزد؛ زیرا دهش من، به گفتاری است و وعده‌ام به گفتاری به شیء می‌گویم»^۱

۳۳۸۳ پیامبر خدا ﷺ: خداوند به یکی از پیامبرانش وحی فرمود: «... گر اهل هفت آسمان و زمین، همگی از من درخواست کنند و خواستهٔ یکایک آنان را برآورم، این، به اندازهٔ پالِ پشه‌ای از مشک من نمی‌کاهد، چگونه ملکی که من مُلکدار آنم، کاهش یابد؟!»^۲

۱ صحیح البخاری ج ۵ ص ۳۳۵ ح ۵۹۸۱.

۲ سنن الترمذی ج ۵ ص ۳۴۸ ح ۳۶۱۹.

۳ ما بین المعرفین انشاء من بحار الأنوار، والظاهر أنه سقط من طبعة الأمالي المعتمدة لدينا

۴ الأمالي للطوسي ص ۶۷۵ ح ۱۴۲۴.

۵ الأمالي للطوسي ص ۵۸۱ ح ۱۲۰۸.

۵/۹. استبصار الحاجة

۵/۹. کوچک شمردن حاجت

۲۳۸۱ رسول الله ﷺ سَلُوا اللَّهَ مَا بَدَا لَكُمْ مِنْ خَوَائِجِكُمْ، حَتَّى شَيْعَ نَعْلُ أَخَذَكُمْ، فَإِنَّهُ إِنْ لَمْ يَشْرَهُ لَمْ يُقْبَلْ.^۱

۲۳۸۲ پیامبر خدا ﷺ هر حاجتی دارید، از خداوند ﷻ بخواهید؛ حتی بند کفش خود را؛ چرا که اگر خداوند برایش فراهم نکند، فراهم نمی‌شود.

۲۳۸۵ عَنْهُ ﷺ: إِنْ لَمْ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَحَبُّ شَيْئاً لِنَفْسِهِ وَأَهْوَى لِحَلْقِهِ؛ أَمَضَ لِحَلْقِهِ الْمَسْأَلَةُ، وَأَحَبُّ لِنَفْسِهِ أَنْ يُسْأَلَ وَلَيْسَ شَيْءٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَنْ يُسْأَلَ، فَلَا يَسْتَعْيِ أَخَذَكُمْ أَنْ يُسْأَلَ لَكَ وَلَوْ بِشَيْعِ نَعْلٍ.^۲

۲۳۸۵ پیامبر خدا ﷺ خداوند - تبارک و تعالی - یک چیز را برای خودش دوست دارد و همان را برای خودش دشمن می‌دارد. درخواست شدن از خودش را دشمن می‌دارد و درخواست شدن از خودش را دوست می‌دارد. هیچ چیز نزد خداوند ﷻ محبوب‌تر از آن نیست که از او درخواست شود. پس هیچ یک از شما شرم نکند فرایمی که از خداوند ﷻ درخواست کند؛ حتی بند کفش را.

۶/۹. مَطْلَبُ الْمَوْتِ

۲۳۸۶ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا يَمْتَنِي أَخَذَكُمْ الْمَوْتَ إِذَا تَرَأَى نَزَلَ بِهِ، فَإِنْ كَانَ لَا بُدَّ مُتَمَتِّعاً لِمَوْتٍ فَلْيَقُلْ اللَّهُمَّ أَحْبِبِّي مَا كَانَتْ الْحَيَاءُ خَيْراً لِي، وَتَوَقَّي إِذَا كُنْتُ مِنَ الْوَلَاءِ خَيْراً لِي.^۳

۶/۹. درخواست مری

۲۳۸۶ پیامبر خدا ﷺ مبادا کسی از شما به خاطر گرفتاری‌ای که به او رسیده است، تمنای مرگ کند، و اگر مآچار شد تمنای مرگ کند، بگوید: «ای خدا! انا رمانی که زندگی برای من خیر است، مرا زنده بدار و هر گاه خیر من در مرگ بود، مرا بگیران».

۲۳۸۷ عَنْهُ ﷺ: لَا يَتَمَتَّنُ أَخَذَكُمْ الْمَوْتَ، إِذَا مُحِبّاً فَلَعَلَّهُ أَنْ يَمْرَدَ حَرّاً، وَإِذَا مُسِيناً فَلَعَلَّهُ أَنْ يَسْتَعْتَبَ.^۴

۲۳۸۷ پیامبر خدا ﷺ هیچ یک از شما نباید تمنای مرگ کند، زیرا اگر سکوکار است، شاید که بشیر نیکی کند و اگر بدکار است، شاید که از بدی دست بشوید.

۲۳۸۸ عَنْهُ ﷺ: لَا تَحْتَوُوا الْمَوْتَ، فَإِنَّهُ يَقْطَعُ الْقَتْلَ، وَلَا يُزِدُ الرَّجُلَ فَيَسْتَعْتَبَ.^۵

۲۳۸۸ پیامبر خدا ﷺ آرزوی مرگ نکشید؛ زیرا ما مُردن، عمل به پایان می‌رسد و انسان [به دنیا] بازگردانده نمی‌شود تا توبه کند و رضایت خداوند را به دست آورد.

۱. التلوه دس، ج ۲ ص ۳۱۵ ح ۳۳۷۸
 ۲. الکافی ج ۴ ص ۲۱ ح ۱
 ۳. صحیح البخاری ج ۵ ص ۲۳۳۷ ح ۵۹۹
 ۴. ای بوجه من الایماء و یطلب الرضا و استعجب مطلب ان بر صی عنه (الطیبه ج ۳ ص ۱۷۵) ح ۵۹۹
 ۵. صحیح الطیبه ج ۵ ص ۲۱۴۷ ح ۵۳۱۹
 ۶. المعجم الکبیر ج ۱۸ ص ۳۱ ح ۵۷

۷/۹. الدُّعَاءُ عَلَى النَّفْسِ

۷/۹. نفرین به خود

۲۳۸۹ رسول الله ﷺ لَا تَدْعُوا عَلَى سُبُكِّكُمْ إِلَّا بِحَيْرٍ، فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ يُؤْمِنُونَ عَلَى مَا تَقُولُونَ^۱

۲۳۸۹ پیامبر خدا ﷺ برای خود، حر دعای حیر نکید؛ چر که فرشتگان، بر آنچه بگویند، «آمین» می‌گویند.

الفصل العاشر: أَفْضَلُ الْأَوْقَاتِ لِلدُّعَاءِ

فصل دهم: بهترین اوقات برای دعا

۱/۱۰. لَيْلَةُ الْقَدْرِ

۱/۱۰. شب قدر

۲۳۹۰ رسول الله ﷺ يَفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاوَاتِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ^۲

۲۳۹۰ پیامبر خدا ﷺ در شب قدر، درهای آسمان‌ها گشوده می‌شوند.

۲/۱۰. لَيْلَةُ النُّصُفِ مِنْ شَعْبَانَ

۲/۱۰. شب نیمه شعبان

۲۳۹۱ رسول الله ﷺ كُنْتُ سَائِماً لَيْلَةَ النُّصُفِ مِنْ شَعْبَانَ، فَأَنَابَنِي حَبْرَنُ بْنُ عَدَالٍ يَا مُحَمَّدُ أَتَنَامُ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ؟ فَقُلْتُ يَا حَبْرَنُ بْنُ عَدَالٍ وَمَا هَذِهِ اللَّيْلَةُ؟ قَالَ: هِيَ لَيْلَةُ النُّصُفِ مِنْ شَعْبَانَ، قُمْ يَا مُحَمَّدُ

۲۳۹۱ پیامبر خدا ﷺ شب نیمه شعبان، خواب بودم که حبرنیل بن عدال نزد من آمد و گفت: ای محمدا! در بختی آنی می‌خوابی؟^۳

گفتم: ای حبرنیل! مگر این شب، چه شبی است؟ گفتم: شب نیمه شعبان است، برخیز، ای محمدا!

فَأَمَّا نِي ثُمَّ ذَهَبَ بِي إِلَى الْبَيْتِ، ثُمَّ قَالَ لِي ارْفَعْ رَأْسَكَ؛ فَإِنَّ هَذِهِ لَيْلَةُ تَفْتَحُ فِيهَا أَبْوَابُ السَّمَاوَاتِ، يَفْتَحُ فِيهَا أَبْوَابُ الرَّحْمَةِ، وَبَابُ الرِّضْوَانِ، وَبَابُ الْمُعِزَّةِ، وَبَابُ الْفَضْلِ، وَبَابُ الثَّوْبَةِ، وَبَابُ النُّعْمَةِ، وَبَابُ الْجُودِ، وَبَابُ الْإِحْسَانِ، يُعْتَقُ اللَّهُ فِيهَا بِعَدَدِ شُعُورِ النَّعَمِ وَأَصْوَابِهَا، وَيُنَبِّئُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَالَ، وَيَقْسِمُ فِيهَا الْأَرْزَاقَ مِنَ الشَّنَةِ إِلَى الشَّنَةِ، وَيُرَى مَا يَحْدُثُ فِي الشَّنَةِ كُلِّهَا.

مرا برخیزاند و به بقیع برد سپس به من گفت: سرت را به سوی آسمان بالا بگیر؛ زیرا امشب، شبی است که در آن، درهای آسمان باز می‌شوند. در این شب، درهای رحمت و درِ رضوان و درِ آمرزش و درِ فضل و درِ توبه و درِ نعمت و درِ بخشش و درِ احسان، گشوده می‌گردند. در این شب، خداوند به شمار قارهای مو و پشم چارپایان و آتش دوزخ، آمد می‌کند و در همین شب، خداوند، اجل‌ها را رقم می‌زند و بار در همین شب، روزی‌ها را از سال ت سال، تقسیم می‌کند و آنچه را در سرتاسر سال رخ خواهد نمود، بازل می‌نماید.

يَا مُحَمَّدُ، مِنْ أَحْيَاهَا يَسْبِيحُ وَتَهْلِيلُ وَتَكْبِيرُ وَدُعَاءُ وَحَلَاءُ وَقِرَاءَةٌ وَتَطَوُّعٌ وَاسْتِعَارٌ كَانَتْ الْجَنَّةُ لَهُ

ای محمدا! هرکس این شب را با تسبیح و تهلیل و تکبیر و نماز و تلاوت قرآن و نافه و استعمار،

۱ صحیح مسلم ج ۲ ص ۶۳۶ ح ۷

۲ الإقبال ج ۱ ص ۲۵۵

مَنْزِلًا وَمَقِيلًا، وَعَقَرَتْهُ لَهْمًا تَغْدَمُ مِنْ دُونِهِ وَمَا
تَأْخُرُ^۱

رنده بندارد، بهشت، منزلگاه و سرای او خواهد بود و
خداوند، گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌آمرزد

۳/۱۰. لَيْلَةُ الْجُمُعَةِ

۳/۱۰. شب جمعه

۲۳۹۲ رسول الله ﷺ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُسْرِلُ مَلَكَاً
إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا كُلَّ لَيْلَةٍ فِي الثُّلُثِ الْأَخِيرِ، وَلَيْسَمَةُ
الْجُمُعَةِ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ فَيَأْمُرُهُ فَيَأْذِي هَلْ مِنْ سَائِلٍ
فَأُعْطِيَهُ؟ هَلْ مِنْ تَائِبٍ فَأُتَوِّبَ عَلَيْهِ؟ هَلْ مِنْ مُسْتَغِيرٍ
فَأُعْفَرَ لَهُ؟ يَا طَالَتِ الْخَيْرُ أَقْبِلْ، وَيَا طَالِبَ الشَّرِّ
أَقْصِرْ فَلَا يَزَالُ يُنَادِي بِهَذَا حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ، بَدَأَ
طَلَعَ الْفَجْرُ عَادَ إِلَى مَحَلِّهِ مِنْ مَلَكَوَتِ السَّمَاءِ^۲

۲۳۹۲ پیامبر خدا ﷺ خداوند - تبارک و تعالی - هر
شب در ثلث آخر آن و شب جمعه در همان آغاز
شب، فرشته‌ای را به آسمان پایین می‌فرستد و به او
دستور می‌دهد تا ندا دهد که: «آیا درخواست
کنندای هست که عطايش کنم؟ آیا توبه‌کننده‌ای
هست تا توبه‌اش را ببپذیرم؟ آیا آمرزش خواهی
هست تا او را ببامروم؟ ی طالب خوبی‌ها بیا، ای
طالب بدی‌ها [از بدی] دست بردار و آن فرشته، تا
سپیده‌دم، پیوسته چنین ندا می‌دهد و چون سپیده
دیده، به جایگاه خود در ملکوت آسمان، باز
می‌گردد

۴/۱۰. يَوْمُ الْجُمُعَةِ

۴/۱۰. روز جمعه

۲۳۹۳ رسول الله ﷺ إِنَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ سَيِّدُ الْأَيَّامِ،
يُصَاعِفُ اللَّهُ فِيهِ الْحَسَابَ وَيَمْحُو فِيهِ الشَّيْئَاتِ،
وَيَرْفَعُ فِيهِ الدَّرَجَاتِ، وَيَسْتَجِيبُ فِيهِ الدَّعَوَاتِ،
وَيَكْتِثُ فِيهِ الْكَرْبَاتِ، وَيَقْصِي فِيهِ الْعَوَائِجَ الْعِظَامَ،
وَهُوَ يَوْمُ الْقَرِيدِ بَلَّغَ فِيهِ عُنَاءٌ وَطَلَمَاءٌ مِنْ سَارٍ، مَا
دَعَا بِهِ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ - وَقَدْ حَرَفَ حَقُّهُ وَحُرِّمَتْهُ - لَا
كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَجْعَلَهُ مِنْ عِقَابِهِ وَطَلَقَانِهِ مِنَ
النَّارِ^۳

۲۳۹۳ پیامبر خدا ﷺ: روز جمعه، سرور روزهاست
در این روز، خداوند خوبی‌ها را دو چندان می‌کند و
بدی‌ها و گناهان را می‌زداید و درجات را بالا می‌برد
و دعاها را مستجاب می‌کند و رنج و اندوه‌ها را
برطرف می‌سازد و حاجت‌های بزرگ را برآورده
می‌سازد. این روز، روز هرومی و هراوانی است. در
این روز، خداوند بسیاری را از آتش می‌رهاند و آزاد
می‌کند. احدی از مردم در این روز دعا نمی‌کند - به
شرط آن که حق و حرمت آن را بشناسد -، مگر آن
که بر عهده خداوند ﷻ است که او را از رهیدگان و
آزاد شدگان از آتش قرار دهد

۲۳۹۴ الإمام البخاری رحمه الله: سَاعَةُ تَرَوْهُ
الشَّمْسُ إِلَى أَنْ تُعْصِيَ سَاعَةً فَحَافِظُ عَلَيْهَا: فَإِنْ
رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: لَا يَسْأَلُ اللَّهُ عَبْدٌ فِيهَا خَيْرًا إِلَّا

۱ الإقبال ج ۳ ص ۳۲۰

۲ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۴۲۱ ح ۱۲۴۰

۳ الکافی ج ۳ ص ۴۱۵ ح ۵

۲۳۹۴ امام البخاری رحمه الله: آغاز وقت جمعه، لحظه‌ای است
که خورشید، روال می‌کند تا آن که ساعتی بگذرد
پس این زمان را پاس یدار: زیرا پیامبر خدا فرمود:

أَعْطَاهُ^۱

۲۳۹۵ رسول الله ﷺ يَوْمَ الْجُمُعَةِ اثْنَتَا عَشْرَةَ سَاعَةً، لَا يُوْجَدُ فِيهَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللَّهَ شَيْئاً إِلَّا آتَاهُ إِيَّاهُ، فَالْتَمِسُوهَا آخِرَ سَاعَةٍ بَعْدَ نَعَصِرٍ^۲.

۵/۱۰. جَوْفُ اللَّيْلِ

۲۳۹۶ رسول الله ﷺ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا تَخَلَّى بِسُكُونٍ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ وَبَاجَاءُ اثْنَتِ اللَّهِ الْوَرَى فِي قَلْبِهِ، فَإِذَا قَالَ: يَا رَبِّ يَا رَبِّ، مَادَاهُ الْجَمَلُ جَلُّ جَلَالُهُ لِيَكُ عَبْدِي، سَلَنِي أَعْطَاكَ، وَتَوَكَّلْ عَلَيَّ أَكْفِكَ^۳.

۲۳۹۷ عنه ﷺ كَانَ لِدَاوُودَ نَبِيٌّ الْهُدَى مِنْ أَسْهَلِ سَاعَةٍ يُوَفَّقُ بِهَا أَهْلَهُ فَهَوَّلُ: يَا آلَ دَاوُودَ، قَرُمُوا فَصَلُّوا، فَإِنَّ هَذِهِ سَاعَةٌ يَسْتَجِيبُ اللَّهُ فِيهَا الدُّعَاءَ، إِلَّا لَسَاجِرٍ أَوْ عَشَارٍ^۴.

۶/۱۰. الْأَسْحَارُ

الكتاب

﴿عَاثُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ﴾ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ^۵.

﴿الضَّالِّينَ وَالضَّالِّبِينَ وَالْقَائِلِينَ وَالْخَائِبِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ﴾^۶

الحديث

۲۳۹۸ الإمام الصادق عليه السلام قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ خَيْرَ وَقْتٍ

۱ کتاب من لا یضره الله ج ۱ ص ۴۱۴ ح ۱۲۲۵

۲ سر التسلو ج ۳ ص ۹۹

۳ الأمالی للصدوق ص ۳۵۴ ح ۳۳

۴ من لای یضره الله ج ۵ ص ۴۹۲ ح ۱۶۷۸

۵ الدرایات ۱۷ و ۱۸ ۶ آل عمران ۱۷

بهیج بنده‌ای در این ساعت، از خداوند ﷻ چیزی نمی‌خواهد، مگر آن که به او عطا می‌فرماید.

۲۳۹۵. پیامبر خدا ﷺ روز جمعه، دوازده ساعت است، در این دوازده ساعت، هر بنده مسلمانی از خداوند ﷻ چیزی بخواهد، حتماً خداوند ﷻ آن را به او عطا می‌کند. پس آن [الحظّة استجابت دعا] را در آخرین ساعت بعد از عصر بجویید.

۵/۱۰. دل شب

۲۳۹۶. پیامبر خدا ﷺ بنده هر گاه در دل شب تار، با سرورش خلوت کند و به راز و نیاز با او بپردازد، خداوند ﷻ نور را در دلش استوار می‌گرداند و هر گاه بگوید: «خدای من، خدای من»، خداوند جلیل می‌فرماید: «ایله، بنده من از من بخواه که هدایت کنم؛ به من توکل کن تا کارساری کنم»

۲۳۹۷. پیامبر خدا ﷺ پیامبر خدا داوود ﷺ را پاسی از شب بود که در آن، حیواناتش را بیدار می‌کرد و می‌فرمود: «ای خانواده داوود! برخیزید و نماز بخوانید؛ زیرا این، پاسی است که خداوند در آن، دعا را مستجاب می‌کند، مگر دعای حادوکر یا باجگیر را».

۶/۱۰. سحرگاهان

قرآن

﴿و[پرهیزگاران] از شب، اندکی را می‌نهند و در سحرگاهان، [از خدا] طلب آمرزش می‌کردند﴾.
﴿[اینانند] شکیبان و راستگویان و فرمان‌برداران و اتفاق‌کنندگان و آمرزش‌خواهان در سحرگاهان﴾

حدیث

۲۳۹۸. امام صادق علیه السلام پیامبر خدا فرمود: «بهترین وقتی

دَعَوْتُمْ إِلَهُكُمْ فِيهِ الْأَسْحَارُ، وَتَلَا هَدِيدُ: لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا، يَوْمَ يُنْفَخُ الْكَوْكَبُ ﴿يَسْأَلُ عَنْهُ السَّاعِرُونَ وَالْأَسْوَاقُ﴾^۱ وَدَعَا
أَحْرَهُمْ إِلَى السَّخَرِ^۲

۷/۱۰ بَيْنَ الطُّلُوعَيْنِ

۲۳۹۹ رسول الله ﷺ إِذَا صَلَّيْتُمُ الصُّبْحَ فَافْرَعُوا إِلَى
الدُّعَاءِ، وَبَاكِرُوا فِي طَلَبِ الْحَوَائِجِ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لِأُمَّتِي
فِي بُكُورِهَا^۳

۲۴۰۰ عَنْهُ ﷺ وَبَدَى رَسُولٌ مُحَمَّدٌ يَتَدَوَّى، لِدُعَاءِ الرَّحْسِ
بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ، أَسْجَحُ فِي
الْحَاحَاتِ مِنَ الصَّارِبِ بِمَالِهِ مِثْلُ الْأَرْضِ^۴

۸/۱۰ عِنْدَ رَوَالِ الشَّمْسِ

۲۴۰۱ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا رَأَى الشَّمْسُ، قُبِحَتْ أَسْوَدُ
السَّمَاءِ وَأَبْوَابُ الْجَنَّةِ وَاسْتَجِيبَ دُعَاءُ، فَطَوَّيْ
لَمْ رُفِعَ لَهُ عَمَدُ ذَلِكَ عَمَلٌ صَالِحٌ^۵

۲۴۰۲ عَنْ التِّرْمِذِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَمَامِ أَنَّ رَسُولَ
اللَّهِ ﷺ كَانَ يُصَلِّي أَرْبَعًا بَعْدَ أَنْ تَرَوْنَ الشَّمْسُ قَبْلَ
الطُّهْرِ، وَقَالَ إِنَّهَا سَاعَةٌ تُفْتَحُ فِيهَا أَبْوَابُ السَّمَاءِ،
وَأَجِبَ أَنْ يَهْتَدِيَ فِيهَا عَمَلٌ صَالِحٌ^۶

که در آن به درگاه خداوند ﷻ دعا می‌کنید،
سحرهاست،

سپس، این آیه را که سحر یعقوب ﷻ است،
تلاوت کرد ﴿به رودی، در پروردگام برای شما طلب
امرزش خواهم کرد﴾ و فرمود: «[یعقوب ﷻ دعا را] به
وقت سحر، مکرول کرد»

۷/۱۰ از سپیده دم تا دمیدن خورشید

۲۳۹۹ پیامبر خدا ﷺ چون نماز صبح را خواندید،
به دعا خواندن بپردازید و صبح رود، در پی کسب
و کار بروید. بار خدا یا! برای ائمه در صبح‌های رود
ایان، برکت قرار ده

۲۴۰۰ / پیامبر خدا ﷺ سوگند به آن که جان محمد
در دست او است، هر چه، دعای مرد بعد از طلوع
لحظه تا طلوع خورشید، برای رفع حوائج او تأمین
معاش و مؤثرتر از تجارت کردن با مال است.

۸/۱۰ هنگام بیدار

۲۴۰۱ پیامبر خدا ﷺ هنگام روال خورشید، درهای
آسمان و دروازه‌های بهشت‌ها باز می‌شوند و دعا،
مستجاب می‌گردد پس حوش به حال کسی که در
بن هنگام، کردار نیکی از او فراز برده شود!

۲۴۰۲ - سنن الترمذی - به نقل از عبد الله بن سائب -

پیامبر خدا، پس از روال خورشید و پیش از [تماز]
طهر، چهار رکعت می‌خواند و می‌فرمود: «ایس،
ساعتی است که در آن، درهای آسمان گشوده
می‌شوند، و من دوست دارم که در این ساعت،
کردار نیکی از من به سوی آسمان، بالا رود».

۱ یوسف ۶۸

۲ الکافی ج ۲ ص ۴۷۷ ح ۶

۳ تاریخ بغداد ج ۱۲ ص ۱۵۵ الرقم ۶۶۲۸

۴ دعائم الإسلام ج ۱ ص ۱۶۷

۵ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۲۰۹ ح ۶۳۳

۶ سنن الترمذی ج ۲ ص ۴۱۳ ح ۴۷۸

۹/۱۰ لَيْلَةُ عَرَفَةَ وَيَوْمُهَا

۹/۱۰ شب عرفه و روز آن

۲۱۰۳ رسول الله ﷺ إِنْ لَيْلَةَ عَرَفَةَ يُسْتَجَابُ فِيهَا مَا دَعَا مِنْ خَيْرٍ، وَلِلْعَامِلِ فِيهَا بِطَاعَةِ اللَّهِ تَعَالَى أَجْرُ سَبْعِينَ مِائَةِ سَنَةٍ. وَهِيَ لَيْلَةُ الْمُتَاجِرَةِ، وَفِيهَا يَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَنْ تَابَ^۱

۲۱۰۴ عَنْهُ ﷺ أَفْضَلُ الدُّعَاءِ: دُعَاءُ يَوْمِ عَرَفَةَ^۲

۱۰/۱۰ شَهْرُ رَمَضَانَ

۱۰/۱۰ ماه رمضان

۲۱۰۵ رسول الله ﷺ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَأُعْطِيَهُ سُؤْلَهُ؟ هَلْ مِنْ تَائِبٍ فَأَتُوبَ عَلَيْهِ؟ هَلْ مِنْ مُسْتَعْمِرٍ فَأَعْمِرَ لَهُ؟^۳

۲۱۰۶ عَنْهُ ﷺ أَنَا كُمْ رَمَضَانَ، شَهْرٌ مُبَارَكٌ، خَفَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ حَيَاتَهُ، فَتُخَفَّعُ فِيهِ أَبْوَابُ السَّمَاءِ^۴

۲۱۰۷ هُمَ ﷺ ذَاكِرُ اللَّهِ فِي رَمَضَانَ مُعْوَزُ لَهُ، وَسَائِلُ اللَّهِ فِيهِ لَا يُجَبُّ^۵

۱۱/۱۰ عِنْدَ الْأَذَانِ

۱۱/۱۰ هنگام اذان

۲۱۰۸ رسول الله ﷺ إِذَا أُذِّنَ بِالْأَذَانِ، فَتُحْتِ أَبْوَابُ السَّمَاءِ، وَاسْتَجِيبَ الدُّعَاءُ^۶

۲۱۰۹ عَنْهُ ﷺ لَا يَزِيدُ الدُّعَاءُ بَيْنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ^۷

۲۲۰۳ پیامبر خدا ﷺ در شب عرفه، هر دعای خیری که شود، مستجاب می‌گردد و کسی که در این شب به طاعت خداوند متعال بپردازد، پاداش یکصد و هفتاد سال [عبادت] دارد. این شب، شب مناجات است و در این شب، خداوند توبه توبه کننده را می‌پذیرد.

۲۲۰۴ پیامبر خدا ﷺ برترین دعا، دعا در روز عرفه است.

۲۲۰۵ پیامبر خدا ﷺ خداوند - تبارک و تعالی - در هر شب ماه رمضان، سه بار می‌فرماید: «آیا درخواست کننده‌ای هست تا درخواستش را برآورم؟ آیا توبه کننده‌ای هست تا توبه‌اش را بپذیرم؟ آیا آمرزش خواهی هست تا او را بپارمزم؟»

۲۲۰۶ پیامبر خدا ﷺ رمضان بر شما در آمد، که ماه پر برکتی است. خداوند در روز این ماه را بر شما واجب ساخته است. در این ماه، درهای آسمان باز می‌شوند.

۲۲۰۷ پیامبر خدا ﷺ یاد کنید خدا در این ماه، آمرزیده است و درخواست کننده از خدا در این ماه، محروم نمی‌شود.

۱۱/۱۰ هنگام اذان

۲۲۰۸ پیامبر خدا ﷺ هر گاه اذان گفته شود، درهای آسمان گشوده می‌شوند و دعا، مستجاب می‌گردد.

۲۲۰۹ پیامبر خدا ﷺ، در فاصله میان اذان و اقامه، دعا رد نمی‌شود.

۱ الإقبال ج ۲ ص ۱۹

۲ الموطأ ج ۱ ص ۲۱۵ ح ۳۲

۳ الامالی للمعتمد ص ۲۳۰ ح ۳

۴ سنن النسائي ج ۱ ص ۱۲۹

۵ المعجم الأوسط ج ۲ ص ۲۲۶ ح ۳۶۱

۶ حلیة الأولیاء ج ۶ ص ۲۰۸

۷ سنن أبی داود: ج ۱ ص ۱۴۱ ح ۵۲۶

۱۲/۱۰ عِنْدَ الصَّلَاةِ

۲۴۱۰ رسول الله ﷺ إِرْقَمُوا إِلَيْهِ أَيْدِيَكُمْ بِالدُّعَاءِ فِي أَوْقَاتِ صَلَاتِكُمْ، فَإِنَّهَا أَفْضَلُ السَّاعَاتِ، يَنْتَظِرُ اللَّهُ فِيهَا بِالرَّحْمَةِ إِلَى عِبَادِهِ، يُجِيبُهُمْ إِذَا نَادَوْهُ، وَيُلْهِمُهُمْ إِذَا نَادَوْهُ، وَيَسْتَجِيبُ لَهُمْ إِذَا دَعَوْهُ^۱

۲۴۱۱ عنه ﷺ مَنْ أَذَى قَرِيضَةٍ فَلَهُ عِندَ اللَّهِ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ^۲

۲۴۱۲ سنن الترمذی عن اسی امامه قیل برسول الله ﷺ أَيُّ الدُّعَاءِ أَسْمَحُ؟ قَالَ جَوَابُ الْمُسْلِمِ الْآخِرِ، وَدُخْرُ الصَّلَوَاتِ الْمَكْتُوبَاتِ^۳

۱۳/۱۰ عِنْدَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَحْتَمِهِ

۲۴۱۳ رسول الله ﷺ إِنَّ لِصَاحِبِ الْقُرْآنِ عِندَ كُلِّ حَسْبَةٍ دَعْوَةً مُسْتَجَابَةً^۱

۲۴۱۴ عنه ﷺ مَنْ حَسَمَ الْقُرْآنَ فَلَهُ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ^۲

الفصل الحادي عشر أفضل الأمكنة للدعاء

۱/۱۱ مَكَّةُ وَالْمَسْجِدُ الْحَرَامُ

۲۴۱۵ رسول الله ﷺ مَنْ أَرَادَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ فَلْيُؤَمِّمْ هَذَا الْبَيْتَ، فَمَا أَتَاهُ عَبْدٌ يَسْأَلُ اللَّهَ دُنْيَا، إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ مِنْهَا، وَلَا يَسْأَلُهُ آخِرَةً إِلَّا أَدَّحَرَّ لَهُ مِنْهَا^۱

۱ عیون اخبار الرضا ﷺ ج ۱ ص ۲۹۵ ح ۵۳

۲ الامالی للشیخ ص ۱۱۸ ح ۱

۳ سنن الترمذی ج ۵ ص ۵۲۶ ح ۳۴۹۹

۱ تاریخ بغداد ج ۹ ص ۳۹ الرقم ۴۹۸۴

۵ المعجم الکبیر ج ۱۸ ص ۲۵۹ ح ۶۴۷

۶ الله یؤتیه اذا فصدہ (لسان العرب ج ۱۲ ص ۲۲ وسم)

۷ مستدرک ص ۲۲۰

۱۲/۱۰ هنگام نماز

۲۴۱۰ پیامبر خدا ﷺ در اوقات نمازتان، دست دعا به سوی خدا بید کنید؛ زیرا این اوقات، بهترین لحظات است. در این اوقات، خداوند ﷻ با نظر لطف و رحمت، به بندگانش می‌نگرد، هر گاه او را اهسته بخواند، پاسخشان را می‌دهد و اگر با صدای بلند او را بخواند نیز، پاسخ می‌گوید و هر گاه دعا کند، دعایشان را مستجاب می‌کند.

۲۴۱۱ پیامبر خدا ﷺ هر کس یک فریضه به جا آورد، برایش مرد خداوند، یک دعای اجابت شونده باشد
۲۴۱۲ سنن الترمذی - به نقل از ابو امامه - به پیامبر خدا گفته شد کدام دعا، رو در اجابت می‌شود؟ فرمود: «دعای پاسبان آخر شب و دعای پس از نمازهای واجب»

۱۳/۱۰ هنگام قرائت و حتم قرآن

۲۴۱۳ پیامبر خدا ﷺ بری کسی که قرآن تلاوت می‌کند، در هنگام هر حتمی، یک دعای مستجاب شونده است

۲۴۱۴ پیامبر خدا ﷺ هر کس قرآن را حتم کند، یک دعای اجابت شدنی دارد

فصل یازدهم بافصیلت‌ترین

مکان‌های دعا

۱/۱۱ مکه و مسجد الحرام

۲۴۱۵ پیامبر خدا ﷺ هر که دنیا و آخرت را می‌خواهد، رهسپار این خانه (کعبه) شود؛ زیرا هیچ پندگی به آن جا ورود و حاجتی دنیوی از خدا نخواهد، مگر آن که خداوند، آن را به او می‌دهد و هیچ امری از حیرت نخواهد، مگر آن که برایش دخیره می‌سازد

۲۴۱۶ عنه علیه السلام إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ يَتَوَضَّأُ، ثُمَّ يَسْتَلِمُ الْحَقَرَ، ثُمَّ يُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ عِندَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ، ثُمَّ يَرْجِعُ فَيَصُحُّ يَدُهُ عَلَى بَابِ الْكَعْبَةِ، فَيَحْمَدُ اللَّهَ ثُمَّ لَا يَسْأَلُ اللَّهَ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ^۱

۲۴۱۶ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر بنده‌ای وضو سازد و سپس، حجر [الأسود] را استلام کند و بعد، دو رکعت نماز در مقام ابراهیم بخواند، آن گاه، برگردد و دستش را بر در کعبه بگذارد و حمد خدا، را بگوید، هر چه از خدا بخواهد، به او عطا می‌کند، إِنْ شَاءَ اللَّهُ

۲/۱۱ عِرْقَاتُ فِي يَوْمِ عِرْقَةٍ

۲۴۱۷ الإمام علي عليه السلام لَمَّا كَانَ عَشِيَّةَ عِرْقَةٍ وَرَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَقَفَ أَتَقَبَّلُ عَلَى النَّاسِ بِوَجْهِهِ فَقَالَ: مَرْحَبًا بِوَدِّ اللَّهِ - ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - الَّذِينَ إِذَا سَأَلُوا اللَّهَ أَعْطَاهُمْ^۲

۲/۱۱ عِرْقَاتُ فِي يَوْمِ عِرْقَةٍ

۲۴۱۷ امام علی علیه السلام: شامگاه عرقه که شد، پیامبر خدا ایستاد و روزه مردم کرد و فرمود: «درود بر میهمانان خدا (این جمله را سه مرتبه فرمود)؛ آنان که هر گاه بر خدا درخواست کنند، خداوند، عطاایشان می‌فرماید».

الفصل الثانی عشر إجابة الدعاء

۱/۱۲ الدَّعَاءُ بِابِ الْإِحَانَةِ

الكتاب

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي أَجِيبُ بِغَوْثٍ لَكُمْ إِذَا دَعَا فَلَيْسَ تَجِيبُونَا لِي وَلِيُؤْمِنُوا بِسِعْطِهِمْ يَزِيدُون﴾^۳
﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاجِرِينَ﴾^۴

۱/۱۲ دعا، بر وادارۀ نجابت

قرآن

﴿و هر گاه مدگان من، از تو در بارۀ من بپرسند، [بگو که] من، نزدیکم و دعای دعا کننده را - به هنگامی که مرا بخواند - اجابت می‌کنم. پس [آنان] باید فرمان مرا گردن بند و به من ایمان آورند، باشد که راه پابند]﴾
﴿و پروردگارتان فرمود: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. در حقیقت، کسانی که از پرستش من کبر می‌ورزند، به رودی، خوار وارد دوزخ می‌شوند﴾

الحديث

۲۴۱۸ رسول الله صلی الله علیه و آله مَا كَانَ اللَّهُ لِيُجِيبَ بَابَ الدَّعَاءِ وَيَعْلَقَ بَابَ الْإِجَابَةِ، لِأَنَّهُ يَقُولُ ﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾^۵

حديث

۲۴۱۸ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ...چنین نیست که خداوند، در دعا را بگشاید و در اجابت ر بسند؛ چرا که خود می‌فرماید: ﴿مرا بخوانید تا پاسخ‌تان بدهم﴾

۲۴۱۹ عنه صلی الله علیه و آله إِذَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ الدَّعَاءَ فَيَدْعُ، فَإِنَّ

۲۴۱۹ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه خداوند در دعا را بر

۱ التواضع للشمس ص ۱۶۰ ح ۳۶۰

۲ مستدرک ص ۲۲۱ ۳ البقره ۱۸۶

۴ عافره ۶۰ ۵ تبه الخواصر ج ۲ ص ۲۳۷

اللّٰهُ يَسْتَجِيبُ لَهُ ۱.

بندهای گشوده ۱ دعا کند چرا که خداوند دعايش را مستجاب می کند.

۲۴۲۰. عَنْهُ ﷺ أَفْضَلُ الْعِبَادَاتِ الدُّعَاءُ، وَإِذَا أَدْرَكَ اللَّهُ لِبَعْدِي الدُّعَاءُ فَتَحَ لَهُ بَابَ الرَّحْمَةِ، إِنَّهُ لَنْ يَهْتَمَّ مَعَ الدُّعَاءِ أَحَدٌ ۲.

۲۴۲۰. پيامبر خدا ﷺ. برترين عبادت ها دعاست و هر گاه خداوند به بندهای اجازه (توفيق) دعا کردن دهد، در رحمت ر به رويش می گشايد. با وجود دعا، هرگز کسی به هلاکت نمی رسد

۱۲/۲ شروط الإجابة

أ- المعرفة

۱۲/۲ شروط اجابت

الف- شناخت

۲۴۲۱. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ اللَّهُ ﷻ مَنْ سَأَلَنِي وَهُوَ يَعْلَمُ أَنِّي أَصْرُ وَأَنْفَعُ، اسْجَبْتُ لَهُ ۲

۲۴۲۱. پيامبر خدا ﷺ. خداوند ﷻ فرمود هر که از من درخواست کند، در حالی که بداند من سود و زیان می رسانم، درخواستش را می پذیرم ۲

۲۴۲۲. عَنْهُ ﷺ لَوْ قَرَرْتُمْ أَقَّةَ حَقِّ مَعْرِفَةِ رَبِّكُم بِدُعَائِكُمُ الْجِبَالَ ۱

۲۴۲۲. پيامبر خدا ﷺ. اگر خدا را چنان که بايد و شايد، می شناختيد، هر ايه با دعای شما، کوه ها جابه جا می شدند

ب- الإخلاص

ب- اخلاص ۲

۲۴۲۳. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الدُّعَاءُ سِلَاحُ الْمُؤْمَرِ، وَعِمَادُ الدِّينِ، وَنُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، تَقْلِبُكُمْ بِالدُّعَاءِ وَأُخْلِصُوا النِّيَّةَ ۵

۲۴۲۳. پيامبر خدا ﷺ. دعا، سلاح مؤمن، ستون دين و نور آسمان ها و زمين است پس دعا کنید و نيت را خالص گردانید

ج- العمل

ج- عمل

۲۴۲۴. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الدَّاعِي بِلَا عَمَلٍ كَالرَّاسِي بِلَا وَتَرٍ ۱

۲۴۲۴. پيامبر خدا ﷺ. دعا کننده بدون عمل، همانند کسی است که با کمان بی ريه تیر اندازی می کند.

۲۴۲۵. عَنْهُ ﷺ أَوْحَى اللَّهُ إِلَى دَاوُدَ ﷺ مَا مِنْ عَبْدٍ يُطِيعُنِي، إِلَّا وَأَنَا مُطِيعُهُ قَبْلَ أَنْ يَسْأَلَنِي،

۲۴۲۵. پيامبر خدا ﷺ. خداوند به داود ﷺ وحی فرمود.

۱. یعنی رقيه برای دعا کردن فراهم شد و حال دعا برای دعا کننده پديد آمد

۲. اخلاص، یعنی خالص و ناب گردانيدن، یعنی اعتقاد به خدای يک و يگانه و عمل برای خدای يگانه و پرستيدن خدای يگانه و چيزی را در عرصه اعتقاد و يا عرصه عمل و پرستش، شريک او قرار ندادن

۱. نوادر الأصول ج ۱ ص ۴۱۹

۲. حذیقه القمي ص ۳۵ ۳. ثواب الاعمال ص ۱۸۴ ج ۱

۴. نوادر الأصول ج ۱ ص ۱۸۸

۵. جامع الاحاديث للقمي ص ۷۶

۶. الجعفریاب ص ۲۲۴

وَسُتَجِيبُ لَهُ قَبْلَ أَنْ يَسْأَلَ، وَعَافِرٌ لَهُ قَبْلَ أَنْ
يَسْتَغْفِرَ بِي^۱

د- طیبُ الْمَكْسَبِ وَالْمُطْعَمِ

۲۴۲۶ رسول الله ﷺ - لِمَنْ قَالَ لَهُ: أَجِبْ أَنْ يُسْتَجَابَ
دُعَائِي - طَهَّرْ مَا كَلَّكَ، وَلَا تُدْجِلْ بِطَلَبِكَ الْحَرَامَ.^۲

۲۴۲۷ عَنْهُ ﷺ الدُّعَاءُ مِفْتَاحُ الْحَاجَةِ، وَلَقَدْ خَلَّلَ
سُنَّاهُ^۳

۲۴۲۸ عَنْهُ ﷺ إِنَّ الْقَبِيلَ لَيَرْفَعُ يَدَهُ إِلَى اللَّهِ وَمَطْلَعُهُ
حَرَامٌ، فَكَيْفَ يُسْتَجَابُ لَهُ وَهَذَا حَالُهُ؟^۴

ه- حُضُورُ الْقَلْبِ

۲۴۲۹ رسول الله ﷺ الدُّعَاءُ مَعَ حُضُورِ الْقَلْبِ لَا يُلْغِي^۵

۲۴۳۰ عَنْهُ ﷺ - فِيمَا أَوْصَى بِهِ عَلِيًّا ﷺ - يَا عَلِيُّ، لَا
يَعْبُلُ اللَّهُ دُعَاءَ قَلْبٍ سَاهٍ^۶

۲۴۳۱ عَنْهُ ﷺ أَدْعُوا اللَّهَ وَأَنْتُمْ مُوقِفُونَ بِالإِجَابَةِ،
وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ مَنْ قَلْبٌ عَافِلٌ لَا^۷

۳/۱۲ مَوَاقِعُ الإِجَابَةِ

أ- الْمَعْصِيَةُ

۲۴۳۲ رسول الله ﷺ سَمَّاتِي عَلَى النَّاسِ رَمَانٌ نَحْبَتُ
فِيهِ سَرَائِرُهُمْ، وَتَحَسُنُ فِيهِ عِلَالِيَتُهُمْ طَمَعاً فِي الدُّنْيَا.

ج- هیچ بنده‌ای نیست که از من فرمان ببرد، مگر
این که پیش از آن که از من بخواهد، به او عطا
می‌کنم و پیش از آن که از من درخواست کند،
اجابتش می‌کنم و پیش از آن که از من آمرزش
بطلبد، او را می‌آمرزم.

د- پاک بودن درآمد و خوراک

۲۴۲۶ پیامبر خدا ﷺ - به کسی که به ایشان گفت:
دوست دارم دعایم مستجاب شود - حوراکش را
پاک گردان و حرام وارد شکمت مکن

۲۴۲۷ پیامبر خدا ﷺ دعا، کلید حاجت است و
لقمه‌های حلال، دندانه‌های آن کلیدند.

۲۴۲۸ پیامبر خدا ﷺ بنده، دستش را به سوی خدا
برآمی‌دند، در حالی که حوراکش حرام است، یا
جبین و صمی، چگونه دعایش پذیرفته شود؟

ه- حضور قلب

۲۴۲۹ پیامبر خدا ﷺ: دعای همراه با حضور قلب،
رد نمی‌شود

۲۴۳۰ پیامبر خدا ﷺ - در سهارش‌های خود به
علی ﷺ - ای علی! خداوند، دعای دل عافیل را
نمی‌پذیرد

۲۴۳۱ پیامبر خدا ﷺ: خدا را بخوانید و به اجابت،
یقین داشته باشید؛ آن بدانید که خداوند، دعای
برخاسته از دل غافل بی‌توجه را نمی‌پذیرد.

۳/۱۲ مَوَاقِعُ اجَابَتِ دَعَا

الف - گناه

۲۴۳۲ پیامبر خدا ﷺ، به رودی، زمانی حواهد رسید

۱. الفردوس ج ۱ ص ۱۴۰ ح ۱۹۶

۲. هذه الدعاء ص ۱۲۸ ۳. الدعاء المأثور وادله ص ۵۷

۴. إرشاد القلوب: ص ۱۴۹ ۵. تبيين الخواص ج ۲ ص ۱۱۸

۶. كتاب من لا يحضره الفقيه ج ۴ ص ۳۶۷ ح ۵۷۶۲

۷. من شرمدي ج ۵ ص ۵۱۷ ح ۳۴۷۹

لَا يُرِيدُونَ بِهِ مَا عِندَ رَبِّهِمْ، يَكُونُ دِيْنُهُمْ رِيَاءً لَا يُحَالِطُهُمْ خَوْفٌ، يَغْمُثُهُمُ اللَّهُ بِعِقَابٍ قَبْلَ دَعْوَةِ دُعَاءِ الْحَرِيِّ فَلَا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ^۱

ب- قَطِيعَةُ الرَّجْمِ

۲۴۳۳ رسول الله ﷺ قَطِيعَةُ الرَّجْمِ تُحْجَبُ الدُّعَاءُ^۲

ج- شُرْبُ الْخَمْرِ

۲۴۳۴ الْمُعْجَمُ الْكَبِيرُ عَنِ الْقَاسِمِ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ، سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ فِي الْخَمْرِ مَنْ وَضَعَهَا عَلَى كَفِّهِ لَمْ تُعْبَلْ لَهُ دَعْوَةٌ^۳

د- تَرْكُ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ

۲۴۳۵ الْإِمَامُ الْبَاقِرُ ﷺ وَجَدَنَا فِي كِتَابِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِذَا لَمْ يَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ، وَلَمْ يَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ، وَلَمْ يَنْهَوْا الْأَهْلَازِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ شِرَارَهُمْ، قَبْلَ دَعْوِ جِبَارَتِهِمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ^۴

ه- التَّهَاقُوتُ بِالصَّلَاةِ

۲۴۳۶ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - لِمَا طَمِعَهُ ﷺ -: يَا صَاحِبَةَ، مَنْ تَهَاوَنَ بِصَلَاتِهِ مِنْ نَرَجَاهِ وَالنِّسَاءِ ابْتِلَاءُ اللَّهِ بِعَمَسِ عَشْرَةِ حَصَلَةٍ يَسُوءُ بِهَا فِي دَارِ الدُّنْيَا فَأَمَّا اللَّوَامِي تَصْوِيئُهُ فِي دَارِ الدُّنْيَا وَلَا يَرْفَعُ دُعَاؤُهُ إِلَى السَّمَاءِ وَالسَّادِسَةُ لَيْسَ لَهُ حَقٌّ فِي دُعَاءِ الصَّالِحِينَ^۵

۱ الکافی ج ۲ ص ۲۹۶ ح ۱۴

۲ برهۃ المناظر ص ۲۷ ح ۱۱۵

۳ المعجم الکبیر: ج ۱۹ ص ۳۷۱ ح ۸۷۹

۴ الکافی ج ۲ ص ۳۷۱ ح ۲

۵ فلاح السائل ص ۶۱ ح ۱

که مردم، به سبب دنیاخواهی، باطنی پلید و طاهری نیک دارند آنچه را مورد سرور و دگارشان است، نمی‌خواهند. ایشان ریاکارانه است و در دل‌هایشان ترسی [از خدا] نیست عذاب خدا، آنان را فرامی‌گیرد و مردم، همچون شخص در حال عرق شدن، به درگاه او دعای می‌کند؛ اما دعایشان را نمی‌پذیرد.

ب- بُریدن از خویشاوندان

۲۴۳۳ پیامبر خدا ﷺ: بُریدن پیوند خویشاوندی، مانع اجابت دعا می‌شود

ج- شرابخواری

۲۴۳۴ المعجم الکبیر - به نقل از ابو عبد الرحمن قاسم -
اگر پیامبر خدا شپیدم که در باره شراب می‌فرماید
هر که آن را در کف بگیرد، هیچ دعایی از او
نپذیرفته نمی‌شود

د- ترک امر به معروف و نهی از منکر

۲۴۳۵ امام باقر ﷺ: در کتاب پیامبر خدا دیدیم که:
۱- هرگاه امر به معروف و نهی از منکر نکند و از
حوائل اهل بیت پیروی ننماید، خداوند، ندان
انها را بر ایشان مسلط می‌گرداند پس، حواییشان
دعا می‌کند؛ اما دعایشان مستجاب نمی‌شود.

ه- متنگ شمردن نماز

۲۴۳۶ پیامبر خدا ﷺ - به فاطمه ﷺ - ای فاطمه! هر
کس، از مرد و زن، نمازش را متنگ بشمارد،
خداوند او را به پانزده چیز مبتلا می‌کند شش
نای آنها در سرای دنیا است... و آن شش چیزی که
در سرای دنیا به او می‌رسد، اینهاست... و [پنجم]
دعایش به آسمان بالا نمی‌رود و ششم، برای او در
دعای بیکال، بهره‌ای نیست.

و- الإعتصامُ بِغَيْرِ اللَّهِ

و محتوئل شدن به غیر خدا

۲۴۳۷ رسول الله ﷺ يَقُولُ اللَّهُ: مَا مِنْ مَخْلُوقٍ يُعْتَصِمُ [بِمَخْلُوقٍ] دُوسِي، إِلَّا قَطَعْتُ أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ وَأَسْبَابَ الْأَرْضِ مِنْ دُونِهِ؛ فَإِنْ سَأَلَنِي لَمْ أُعْطِهِ، وَإِنْ دَعَانِي لَمْ أُجِبْهُ، وَمَا مِنْ مَخْلُوقٍ يُعْتَصِمُ بِي دُونَ حَتْفِي إِلَّا صَنَنْتُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِرَقَّةٍ؛ هَذَا دَعَانِي أَجِبْتُهُ، وَمَنْ سَأَلَنِي أُعْطِيْتُهُ، وَإِنْ اسْتَعْظَرَنِي غَفَرْتُ لَهُ ²

ز- الحِكْمَةُ

۲۴۳۸ رسول الله ﷺ: إِنَّ الْقَبْدَ لَيُشْرِفُ عَلَى حَاجَةٍ مِنْ خَوَانِجِ الدُّنْيَا، فَيَذْكُرُهُ اللَّهُ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ أَلْفَ مَرَّةٍ، فَلَا يَكُنِي إِلَّا عَبْدٌ هَدَا قَدْ أَشْرَفَ عَلَى حَاجَةٍ مِنْ خَوَانِجِ الدُّنْيَا، فَإِنْ فَتَحْتُهَا لَهُ فَتَحْتُ بَاباً لِقَى النَّارِ، وَلَكِنْ أَرَوْهَا غَمَةً

فَيُصْبِحُ الْقَبْدُ عَاصِئاً عَلَى أَسَامِيهِ، يَقُولُ مَنْ سَبَقَنِي؟ مَنْ دَهَانِي؟ وَمَا هِيَ إِلَّا رَحْمَةٌ رَجَعَتْهُ اللَّهُ بِهَا ³

۴/۱۲ تَفْصِيْرُ الْإِحَانَةِ

۲۴۳۹ رسول الله ﷺ: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَدْعُو بِدَعْوَةٍ إِلَّا اسْتَجَبَ لَهُ؛ فَإِنْ لَمْ يُحْطَ بِهَا فِي الدُّنْيَا أُعْطِيَهَا فِي الْآخِرَةِ ¹

۱ ما مِنْ الْمُعْقُوفِينَ سَعْدٌ مِنَ الْمَعْدَرِ، وَآيَاتُهُ مِنْ بَحْرِ الْإِيمَانِ وَالْمَصَائِرِ الْآخِرَى

۲ الْأَمَامُ لِلطُّوسِي مِنْ ۵۸۵ ح ۱۲۱۰

۳ حَلِيقَةُ الْأَوَّلِيَّةِ ج ۷ ص ۲۰۸

۴ مستدرک ص ۱۵۶

۲۴۳۷ پیامبر خدا ﷺ: خداي ﷻ می فرماید، هیچ مخلوقی نیست که به غیر من چسبک زند، مگر آن که اسباب آسمان‌ها و اسباب زمین را از او قطع می‌کند. پس اگر از من خواست، به او نمی‌دهم و اگر مرا خواند، پاسخش را نمی‌دهم. هیچ مخلوقی نیست که به من، و به خلق من، چسبک زند، مگر آن که آسمان‌ها و زمین را همان روزی او می‌گردانم. پس اگر مرا خواند، پاسخش را می‌دهم و اگر از من خواست، به او نمی‌دهم و اگر از من آمرزش طلبید، او را می‌آمرزم.

ز- حکمت خداوند

۲۴۳۸ پیامبر خدا ﷺ: همانا بنده در آستانه رسیدن به حاجت از حاجت‌های دنیا فرار می‌گیرد؛ اما خداوند از فراز هفت آسمان، یاد او می‌کند و می‌فرماید: «فرشتگان من! این بنده‌ام به حاجتی او حاجت‌های دنیا سردی کرده است. اگر آن را برایش بگشایم، دری به سوی آتش گشوده‌ام. پس، آن را از او دور کنید».

بنده، انگشت حسرت می‌گردد و می‌گوید: چه کسی بر من [در رسیدن به آن حاجت] پیشی گرفت؟ چه کسی به من بیرنگ زد؟ در صورتی که این، جر لطفی نیست که خداوند در حق او نموده است.

۴/۱۲ معنای لحاظ دعا

۲۴۳۹ پیامبر خدا ﷺ: هیچ مؤمنی نیست که دعایی کند، مگر آن که برایش مستجاب می‌شود. اگر در دنیا به او داده شد، در آخرت به او داده می‌شود.

۲۴۴۰ عنه ﷺ إِذْ دَعَا أَخَذَكُمْ بِدَعْوَةٍ فَلَمْ يُسْتَجَبْ لَهُ،
كُنْتُ لَهُ حَسَنَةً ۱

۲۴۴۱ عنه ﷺ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَدْعُو اللَّهَ إِلَّا اسْتَجَابَ لَهُ،
فَإِمَّا أَنْ يُعْجَلَ لَهُ فِي الدُّنْيَا، أَوْ يُؤْخَلَ بِهِ فِي الْآخِرَةِ
وَإِمَّا أَنْ يُكَفِّرَ عَنْهُ مِنْ ذُنُوبِهِ بِقَدْرِ مَا دَعَا، مَا لَمْ يَدْعُ
بِمَا أَنْتُمْ ۲

۵/۱۲. ذَوْرُ الْأَسْمَاءِ الْحُسْنَى فِي الْإِجَابَةِ

الكتاب

﴿وَاللَّهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا وَذُرُّوا الْفُجُورَ
يُجْتَنِبُونَ فَمَنْ أَسْفَهَ مِنْهُمْ سَمِعُوا مِنْهُ مَا كَانُوا
يَعْمَلُونَ﴾ ۳

الحديث

۲۴۴۲ رسول الله ﷺ من رفع يديه إلى الله تعالى
ويقول مُتَضَرِّعاً يَا رَبِّ - ثلاث مراتب - ملائكة تعالي
يَدْعُوهُ مِنَ الرَّحْمَةِ ۱

۲۴۴۳ عنه ﷺ رَفَعَ إِلَهُ مُوَكَّلًا مَوْكَلًا سَ يَقُولُ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ، فَسَ قَالَهَا ثَلَاثًا، قَالَ الْمَلَكُ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ قَدْ أَقْبَلَ عَلَيْكَ، فَاسْأَلْ ۲

۲۴۴۴ المعجم الكبير عن ابن عباس إِنْ رَخِلَ قَالَ يَا
رَسُولَ اللَّهِ، هَلْ مِنْ الدُّعَاءِ شَيْءٌ لَا يُرَدُّ؟ قَالَ سَمِعْتُ
تَقُولُ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْلَى الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ ۳

۱ تاریخ بغداد ج ۱۷ ص ۲۰۵ الرقم ۶۶۶۶

۲ عدة القامح ص ۲۴

۳ اعراف ۱۰ به ۱۸۰

۱ مستدرک الوسائل ج ۵ ص ۲۲۰ ح ۵۷۳۷

۵ المستدرک علی الصحیحین ج ۱ ص ۷۲۸ ح ۱۹۹۶

۶ المعجم الكبير ج ۱۱ ص ۲۸۵ ح ۱۲۰۱۵

۲۴۴۰. پیامبر خدا ﷺ هر گاه یکی از شما دعایی کرد
و مستجاب شد، به ازای آن، یک ثواب برایش
نوشته می شود.

۲۴۴۱ پیامبر خدا ﷺ هر مؤمنی دعا کند، قطعاً
حصولش، دعایش را مستجاب می کند؛ یا در همین
دنیا به او می دهد، یا برای آخرتش می گذارد، و با
به انظارهای که دعا کرده، از گناهانش می بخشد، به
شرط آن که برای گناهی دعا نکرده باشد.

۵/۱۲ نقش نام های منکوی خداوند در احادیث دعا
قرآن

﴿و نام های منکوی به خدا اختصاص دارد، پس او را با آنها
بخوانید، و کسانی را که در مورد نام های او به کژی
بی گرایند دعا کنید، رودا که به [سرای] آنچه انجام
می دادند کفر خواهد یافت﴾

حدیث

۲۴۴۲ پیامبر خدا ﷺ هر کس دست به سوی خدای
متعال بر دارد و سه مرتبه یا راری و التماس بگوید
«یا ارحم الراحمین»، خدای متعال، دستش را از
رحمت، پُر می کند.

۲۴۴۳. پیامبر خدا ﷺ خداوند را فرشته ای است
گماشته بر کسی که بگوید «یا ارحم الراحمین»
ی مهربان ترین مهربانان؛ پس هر که سه بار این
را بگوید، فرشته می گوید «مهربان ترین مهربانان»،
به تو رو کرده است پس درخواست کن.

۲۴۴۴ المعجم الكبير - به نقل از ابن عباس - مردی
گفت: ای پیامبر خدا! آیا دعایی هست که رد نشود؟
فرمود «آری، می گویی» به نام برتر و
عزیزتر و شکوهرتر و ارجمندتر، از تو
درخواست می کنم»

۲۴۱۵ معانی الأحياء عن معاد بن جبل مَرْجُلًا بِرَجُلٍ

وَهُوَ يَدْعُو وَيَقُولُ: يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

فَقَالَ لَهُ: قَدْ اسْتَجِيبَ لَكَ، فَسَلْ^۱

۱۲/۶. مَا يَنْبَغِي بَعْدَ الْإِجَابَةِ

الكتاب

﴿أَلَا تَتَذَكَّرُ أَلَيْسَ عَلَى الْكَبِيرِ إِشْفَاعٌ

وَإِشْفَاقٌ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعٌ الدُّعَاءِ﴾^۲

الحدیث

۲۴۱۶ رسول الله ﷺ مَا يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ إِذَا عَزَفَ الْإِجَابَةُ مِنْ

نَفْسِهِ، فَشَهِىَ مِنْ مَرْصٍ أَوْ قَدِيمٍ مِنْ مَسْفَرٍ، يَقُولُ^۳

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَنِي وَجَلَّالَهُ تَبَسُّمُ الصَّالِحَاتِ^۴

۱۲/۷. مَنْ تَسْتَجَابُ دَعْوَتُهُ

۱- الْأَنْبِيَاءُ

الكتاب

﴿وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مُسْتَغْنٍ وَأُنْتِ أَزْهِمُ

الرُّحَمَاءَ﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَكَّشْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ

وَأَنبِئْنَاهُ أَنَّهُ رُفِعَ رُحْمَتُهُمْ عَلَيْهِمْ فَجَاءَهُ مِنْ رَبِّهِ

وَبُخْرَى لِلْعَبْدِينَ^۵

﴿رَبِّ نَجَسٍ وَأَفْلَسٍ مِمَّا يَفْتَنُونَ﴾ فَتَجَنَّبْنَاهُ وَأَهْلَهُ

أَجْفَقِينَ^۶

۱. معانی الأحياء ص ۲۳۰ ح ۱

۲. ابراهیم ۴۹

۳. فی کثر العمل ج ۶ ص ۲۱۹ ح ۱۷۵۶۰ فان يقول

۴. المستدرک علی الصحيح ج ۱ ص ۷۳۰ ح ۱۹۹۹

۵. الأنبياء ۸۳ و ۸۴ ۶. المستدرک ۱۶۹ و ۱۷۰

۲۴۲۵. معانی الأحياء - به نقل از معاد بن جبل - پیامبر ﷺ

بر مردی گذشت که دعا می‌کرد و می‌گفت: «یا

ذاالجلال والإکرام! ای صاحب شکوه و ارج!»

به او فرمود: پاسخ داده شدی پس درخواست

کن!

۱۲/۶ آنچه پس از اجابت، شنایسته است

قرآن

﴿سپاس خدای را که با وجود سال‌خوردگی، اسماعیل و

اسحق را به من بخشید به راستی، پروردگار من شونده

دعاست﴾

حدیث

۲۴۲۶. پیغمبر خدا ﷺ چهره هر گاه مردی از شما جواب

می‌گیرد، مثلاً در بیماری‌ای شما می‌یابد یا از سفری

بازمی‌گردد، بگویید: «سپاس خداوندی را که با

حرّت و جلال او، کارهای بیک انجام می‌گیرد»؟

۱۲/۷ کسانی که دعایشان مستجاب می‌شود

الف - پیامبران

قرآن

﴿وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مُسْتَغْنٍ﴾ که پروردگارش را ندا داد که:

«ای من، آسب رسیده است و تویی مهربان‌ترین

مهربانان» پس [دعای] او را اجابت نمودیم و آسب

و لود شده بر او را برطرف کردیم و کسان او و نظیرشان

را همراه با آنان [مجدداً] به وی عطا کردیم؛ [به عنوان] [

رحمتی از جانب ما و عبرتی برای عبادت‌کنندگان﴾

﴿[لوط گفت:] پروردگارا مرا و کسانی مرا از آنچه انجام

می‌دهند رهایی بخش». پس او و کسانی را همگی،

رهانیدیم﴾

﴿وَكُنَّا إِذْ نَادَى رَبُّهُ رَبِّ لَئِنْ دُرِّي لَفُزْتُ وَأَنْتَ خَيْرُ
الْوَرِثِينَ﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ، وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْحَبَ
لَهُ رُوحَهُ، إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ مِنَ الْحَيَاتِ
وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَشَعِينَ ﴿٢٤٤٧﴾
﴿وَلَقَدْ نَادَيْنَا نُوْحًا فَلَمَّعَ الْفَحِينُوْنَ﴾^۱

الحديث

۲۴۴۷. الإمام علي عليه السلام: دَعَايِي النَّبِيَّ ﷺ وَأَنَا أَرْسَدُ، فَظَلَّ
فِي عَيْيِي، وَشَدَّ الْعِمَامَةَ عَلَيَّ زَاسِي، وَقَالَ «اللَّهُمَّ،
أَذِيبْ عَنْهُ الْحَرَّ وَالْبَرْدَ»، فَمَا وَجَدْتُ بَعْدَهَا حَرًّا وَلَا
بَرْدًا^۲

ب- الإمام العادل

۲۴۴۸. رسول الله ﷺ: الإمام العادل لَا تُرَدُّ دَعْوَتُهُ^۳

ج- اولیاء الله

۲۴۴۹. رسول الله ﷺ قَالَ اللَّهُ ﷻ مَنْ أَهَانَ لِي وَلِيًّا فَقَدْ
أَرْسَدَ بِمُحَارَسِي، وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدٌ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ
مِمَّا أَفْرَصْتُ عَلَيْهِ، وَإِنَّ لِي تَهْرُبَ بَنِي إِسْرَافِيلَ حَسَى
أُحْبَبُهُ، فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ، كُنْتُ سَمْعَهُ لَدِي يَسْتَعِي بِهِ، وَبَصَرَهُ
لَدِي يُبْصِرُ بِهِ، وَلِسَانَهُ لَدِي يَنْطَلِقُ بِهِ، وَبَذَّةَ النَّفْسِ
يَبْطِشُ بِهَا، إِنْ دَعَانِي أَحْبَبْتُهُ، وَإِنْ ضَالَّتْ عَنِّي اعْطَيْتُهُ، وَمَا
تَرَدَّدْتُ عَنْ شَيْءٍ أَنَا سَاعِلُهُ، كَثُرْتُ لَدِي مِنَ مَوْتِ
الْمُؤْمِنِينَ، يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَكَرَهُ مَسَاءَتَهُ^۴

۱- الايه ۸۹، ۹۰، ۲- الصافات ۷۵

۳- الأمل للعلامة ص ۳۱۸ ح ۳

۴- مستدرك حبل ج ۳ ص ۱۴۹ ح ۹۷۳۱

۵- الكافي ج ۲ ص ۲۵۲ ح ۷

﴿وَزَكْرِيَّا رَا [بَادَ كُنْ] هَكَامِي كَه پَروردگار خود را خوانند؛
«پَروردگارا! مرا تنها مگذار و تو بهترین اوست پروردگانی»
پس [دعای] او را اجابت نمودیم و یحیی را بدو بخشیدیم
و هیرش و برای او شایسته [و آماده حمل] کردیم،
و برآ آنان در کارهای نیکه، شتاب می نمودند و ما را از
روی رحمت و ایمن می خواندند و در برابر ما سرودن
بودند﴾

﴿وَسُوح، مَا رَا بَدَا دَادَ وَ چِه بیک اجابت کننده بودیم﴾

حدیث

۲۴۴۷. امام علی علیه السلام: پیامبر ﷺ مرا که دچار چشم درد
بودم، صد بار در آب دهانش را به چشم کشید و بر
سرم دستار بست و گفت: «بار خدا یا اگر ما و سرما را
از او دور گردان»، از آن پس، هرگز گرما و سرمای
حساس نکردم.

ب- پیشوای عادل

۲۴۴۸. پیامبر خدا ﷺ: پیشوای عادل، دعایش رد نمی شود

ج- اولیای خدا

۲۴۴۹. پیامبر خدا ﷺ: خداوند ﷻ فرمود: هر کس به
ولی ای از اولیای من بی حرمتی کند، هر آینه برای
جنگ نامش آماده شده است در مرد من، محبوب ترین
وسيلة تقرب بنده به من، آن چیزی است که بر او
راحت گردانیدم. البته او به وسیله موافق، خود را به
من نزدیک می سازد، آن چیزی که دوستش ندارم و چون
او را دوست ندارم، من، گوش شنوای او و چشم بسای
او و زبان گویای او و دست توانای او می شوم، اگر مرا
بخواند، پاسخش می گویم و اگر از من بخواهد، به او
عطا می کنم. من از کاری که می کنم، بر نمی گردم، آن
سان که از مرگ مؤمن بر می گردم، او مرگ را خوش
بمی دارد و من، ناراحتی او را خوش نمی دارم^۱.

۱- یعنی چون ناراحتی مؤمن را نمی توانم بیسم و تحمل کنم،

مرگ او، از موعد مقرر به تأخیر می افکنم.

د- الْمُؤْمِنُونَ إِذَا دَعَا فِي أَمْرٍ وَاحِدٍ

۲۴۵۰ رسول الله ﷺ مَا اجْتَمَعَ ثَلَاثَةٌ قَطُّ بِدَعْوَةٍ، إِلَّا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا تُرَدَّ أَدْبَهُمْ^۱

۲۴۵۱ عَمَهُ ﷺ لَا يَجْتَمِعُ أَرْبَعُونَ رَجُلًا يَدْعُونَ اللَّهَ فِي أَمْرٍ وَاحِدٍ، إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُمْ، حَتَّىٰ لَوْ دَعَا عَلَىٰ جَبَلٍ لَأَرَالْوَدَّ^۲

هـ- الْمُؤْمِنُونَ

۲۴۵۲ رسول الله ﷺ يُلْمِئُونَ فِي كُلِّ يَوْمٍ دَعْوَةَ مُسْتَجَابَةٍ^۳

۲۴۵۳ عَمَهُ ﷺ إِحْذَرُوا دَعْوَةَ الْمُؤْمِنِ وَمِرَاسَتَهُ، فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِتَوْبَةِ اللَّهِ، وَيَنْظُرُ بِالتَّوْبَةِ^۴

و- الْعَالِمُ

۲۴۵۴ رسول الله ﷺ أَلَا قَاعَتُنِمْرَا دُعَاءِ الْعَالِمِ الْفَرُّ لِلَّهِ يَسْتَجِيبُ دُعَاءَهُ فَيَمُتُ دُعَاءَهُ^۵

ز- الْمُجَاهِدُ

۲۴۵۵ رسول الله ﷺ اِتَّقُوا أَدَى الْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْصِبُ لَهُمْ، كَمَا يَعْصِبُ لِلرُّسُلِ، وَيَسْتَجِيبُ لَهُمْ، كَمَا يَسْتَجِيبُ لِلرُّسُلِ^۶

د- مؤمنان، آن گاه که همگی درباره یک چیز دعا کنند

۲۴۵۰ پیامبر خدا ﷺ هر گرسه نفر برای دعا کردن گرد نیامدند، مگر آن که بر خداست که دست آنان را پس نرند.

۲۴۵۱ پیامبر خدا ﷺ هر گاه چهل مرد گرد هم بیایند و برای حاجتی واحد به درگاه خدا دعا کنند، حتماً خداوند، دعایشان را اجابت می‌کند. حتی اگر کوهی را نفرین کند، خداوند آن کوه را از جا برمی‌کند.

هـ- مؤمن

۲۴۵۲ پیامبر خدا ﷺ برای مؤمن در هر روز، یک دعا مستجاب می‌شود

۲۴۵۳ پیامبر خدا ﷺ از دعای مؤمن و روشن بینی او بر حذر باشید؛ چرا که او با نور خدا می‌بیند و با توفیق الهی می‌نگرد

و- عالم

۲۴۵۴ پیامبر خدا ﷺ ها! دعای عالم ر عبست شمارید؛ زیرا خداوند از میان کسانی که او را می‌خوانند، دعای عالم را می‌پذیرد

ز- مجاهد

۲۴۵۵ پیامبر خدا ﷺ از آزار دادن مجاهدان راه خدا بپرهیزد؛ زیرا خداوند برای آنان به حشم می‌آید، چنان که برای پیامبران به حشم می‌آید و دعایشان ر مستجاب می‌کند، چنان که دعای پیامبران را مستجاب می‌کند.

۱ حلیة الأولیاء ج ۳ ص ۲۳۱

۲ القردوس ج ۵ ص ۱۵۴ ح ۷۷۹۵

۳ کثر الصلوات ج ۱ ص ۱۶۵ ح ۸۲۵

۴ حلیة الأولیاء ج ۴ ص ۸۱

۵ جامع الأخبار ص ۱۱۱ ح ۱۹۵

۶ القردوس ج ۱ ص ۹۵ ح ۳۰۹

ح - الْمُؤَذِّنُ

ح - مؤذن

۲۴۵۶ رسول الله ﷺ الْمُؤَذِّنُونَ أَصَاءَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ، وَلَعُوبِهِمْ وَذِمَائِهِمْ، لَا يَسْأَلُونَ اللَّهَ شَيْئاً إِلَّا أَعْطَاهُمْ، وَلَا يَشْفَعُونَ فِي شَيْءٍ إِلَّا شَفَعُوا^۱

۲۴۵۶. پیامبر خدا ﷺ مؤذنان، امین (مورد اعتماد) مردم در ساراها و روره‌هایشان و گوشت‌ها و خون‌هایشان هستند. هر چه از خداوند ﷻ بخواهند، به آنان می‌دهد و در هر کاری شفاعت (وساطت) کند، شفاعتشان پذیرفته می‌شود.

ط - الصَّائِمُ

ط - روزه‌دار

۲۴۵۷ رسول الله ﷺ: الصَّائِمُ لَا تُرَدُّ دَعْوَتُهُ^۲

۲۴۵۷. پیغمبر خدا ﷺ روزه‌دار، دعایش رد نمی‌شود.

۲۴۵۸ عَنْهُ ﷺ دَعْوَةُ الصَّائِمِ تُسْتَجَابُ عِنْدَ بِطَارٍ^۳

۲۴۵۸. پیامبر خدا ﷺ دعای روزه‌دار، در هنگام انصرافش مستجاب می‌شود.

ی - الْمَظْلُومُ

۲۴۵۹ رسول الله ﷺ: إِنْ دَعَا الْمَظْلُومُ، فَإِنَّهَا لَيْسَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ اللَّهِ حِجَابٌ^۴

ی - ستم‌دیده

۲۴۵۹. پیغمبر خدا ﷺ از نعرین ستم‌دیده بترس؛ زیرا میان او و خدا هیچ حجابی نیست.

۲۴۶۰ عَنْهُ ﷺ إِيَّاكُمْ وَدَعْوَةُ الْمَظْلُومِ، فَإِنَّهَا تَرْفَعُ مَوْقِ السَّعَابِ حَتَّى يَنْظُرَ اللَّهُ ﷻ إِلَيْهَا، فَيَقُولَ إِرْعَوْهَا حَتَّى اسْتَجِيبَ لَهُ^۵.

۲۴۶۰. پیامبر خدا ﷺ از نعرین ستم‌دیده بهره‌بردار؛ چرا که هر فراز ابرها می‌رود تا خدای ﷻ بدان بنگرد و بفرماید «فرازش آورید تا بپذیرمش»

ک - الْمُضْطَرُّ

الكتاب

«أَنْ يَجِيبَ الْمُضْطَرُّ إِذَا دَعَا وَيُخَشِفَ أَسْوَهُ وَيُجْعَلَكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَمَلَهُ شَعْنُ اللَّهِ قَبِيلاً مَا تَلَاؤُونَ»^۶.

قوان

«یا [کیست] آن کس که درمانده را - چون وی را بخواند - احاطت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌گرداند و شما را جانشینان من زمین قرار می‌دهد؟ آیه معبودی با خدایت؟ چه کم بند می‌پذیرید؟»

۱ کتاب من لا یحضره الفیه ج ۱ ص ۲۹۲ ح ۹۰۵

۲ مسند ابن حبل ج ۲ ص ۵۱۹ ح ۱۰۱۸۷

۳ مکالم الأخلاق ج ۱ ص ۶۹ ح ۸۴

۴ صحیح البخاری ج ۲ ص ۸۶۱ ح ۳۳۱۶

۵ الکامل ج ۲ ص ۵۱۹ ح ۳

۶ النعم ۶۲

الحديث

حديث

۲۴۶۱ الإمام الباقر عليه السلام كَانَ دُعَاءُ النَّبِيِّ عليه السلام لَيْلَةَ الْأَحْرَابِ بِأَصْرِيحِ النِّكَرِ وَبَيْنَ، وَبِأُجْبِيَتْ دَعْوَةُ الْمُصْطَرِّينَ، وَبِأَكْثَفَ عَمِّي، أَكْثَفَ عَمِّي وَهَمِّي وَكَرْهِي، فَإِنَّكَ تَعْلَمُ حَالِي وَحَالَ أَصْحَابِي، وَكَأَكْبَرِي فَقَوْلْ عَدُوِّي^۱

۲۴۶۱. امام باقر عليه السلام: دعای پیامبر عليه السلام در شب حراب، این بود ای فریادرس عصه‌داران، و ای اجابت‌کننده دعای درماندگان، و ای غم‌گسار مرا غم و اندوه و عصه‌ام را از من بردای، که تو خود، حال من و حال یاران مرا می‌دانی، و مرا از هر اسیدی از دشمنم بگه دار.

۲۴۶۲ رسول الله عليه السلام أَوْحَى اللَّهُ إِلَى نَبِيِّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ مَا بَالُ عِبَادِي يَدْخُلُونَ بُيُوتِي بِقُلُوبٍ غَيْرِ طَاهِرَةٍ، وَأَبْدَانٍ غَيْرِ نَقِيَّةٍ؟ أَيْيَ يَمْنُزُونَ؟ وَإِنِّي أَيْيَ يُحَادِعُونَ؟ وَغَيْرَتِي وَخَلَالِي، وَغُلُوَّ مَكَامِي، لَا تَقْلِبُهُمْ بِهَيْلَةٍ أَنْزَلَ الْخَلْقَ مِنْهَا خَيْرَانَ، لَا يَنْجُو مَنْ عَا مِنْهُمْ إِلَّا مَذْهَبُهُ كَدُّعَا، الْعَرَبِي^۲

۲۴۶۲. پیامبر خدا عليه السلام: خداوند به پیامبری از پیامبران، وحی فرمود: «چه شده است که بندگان با دل‌های ناپاک و بدن‌های آلوده به خانه‌های من در می‌آیند؟ آیا به من عزه می‌نهند؟ یا مرا می‌فریبند؟ به عزت و شکوه و بلندی مقامم سوگند که آنان را به چنان بلایی گرفتار می‌سازم که شخصی بر دیار (خوردمند) را در آن سرگشته کند و از ایشان، تنها آن کس نجات می‌یابد که چهره‌اش شعله‌ور در حال عرق شدن، دعا کند»

ل-انوالد

ن-ن

۲۴۶۳ رسول الله عليه السلام يَأْتِكُمْ وَدَعْوَةُ نَوَالِدٍ، فَإِنَّهَا أَخَذُ مِنَ السَّيِّئِ^۳

۲۴۶۳. پیامبر خدا عليه السلام: ربهارتان سارا از نهرین پدر که تیر تر از شمشیر است!

۲۴۶۴ عَنْهُ عليه السلام كُلُّ شَيْءٍ نَبِيَّةٌ وَبَيْنَ اللَّهُ تَعَالَى جَبَاحَاتٍ إِلَّا شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَدُعَاءُ الْوَالِدِ لَوْلَدِهِ^۴

۲۴۶۴. پیامبر خدا عليه السلام: هر چیزی، میان آن و خداوند متعال مانعی است، بجز شهادت به «لا اله الا الله» و دعای پدر برای فرزندش

۸/۱۲ مَنْ تَقْضَى حَاجَتُهُ بِالسُّؤَالِ

۲۴۶۵ رسول الله عليه السلام قَالَ اللَّهُ عليه السلام مَنْ شَعْنُهُ ذِكْرِي عَسَ مَسْأَلَتِي، أُعْطِيَتْهُ قَبْلَ أَنْ يَسْأَلَنِي^۵

۸/۱۲ کسی که حاجتش بی درخواست، برآورده می‌شود.

۲۴۶۵. پیامبر خدا عليه السلام: خداوند عليه السلام می‌فرماید: «هر کس چنان دو یاد من غرقه شود که درخواست کردن از من را فراموش کند، پیش از آن که از من درخواست کند، به او عطا می‌کنم».

۱ الکافی ج ۲ ص ۵۶۱ ح ۱۷

۲ القردوس ج ۱ ص ۱۴۵ ح ۵۱۷

۳ الکافی ج ۲ ص ۵۰۹ ح ۲

۴ المجمع الصغير ج ۲ ص ۲۸۲ ح ۶۳۲۴

۵ القردوس ج ۳ ص ۱۶۸ ح ۱۴۴۶

۲۴۶۶ عنه ﷺ مَنْ شَعَلَتْهُ عِبَادَةُ اللَّهِ عَنْ مَسَائِهِ، أَعْطَاهُ

اللَّهُ أَحْضَلَ مَا يُعْطِي السَّائِلِينَ^۱

۹/۱۲ مَنْ لَا تُسْتَجَابُ دَعْوَتُهُ

لِکتاب

﴿وَقَالَ الْبَرُّ لِمَنِ النَّارُ نَحْنُكَ جَهَنَّمَ أَذْعُوا رَنُكُمُ يُحْفَلُ

عَنْ يَوْمًا مِنَ الْعَذَابِ﴾ قَالُوا أَوْلَمْ تَكُنْ تَأْتِيَنَا وَنُذِرْنَا

بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا نَتْلُو فَاذْعُوا وَمَا نُهُنَا الْعَجْرِينَ

إِلَّا هِيَ صَبْرٌ^۲

الحديث

۲۴۶۷ رسول الله ﷺ مَنْ لَمْ يَطْلُبْ طَعْمَةَ قَلْبِهِ لَمْ

لَا يُكْتَبِرِ الدُّعَاءَ^۳

۲۴۶۸ عنه ﷺ إِنْ لَمْ يَدْعُ يَسْتَجِبْ لِمَنْ يَطْلُبُ مِنْهُ مِمَّا لَمْ

يَكُونُوا أَكْثَرَ مِنَ الظَّالِمِينَ، فَإِذَا كَانُوا أَكْثَرَ مِنَ الظَّالِمِينَ

فَلَا يَسْتَجِبُ لَهُمْ^۴

۲۴۶۹ عنه ﷺ يَقُولُ اللَّهُ مَنْ لَمْ يَقْبَلْ مِنْ عِبَادِي

الْمَيُوسِرَ، وَلَمْ يَدْعِ الْمَيُوسِرَ، لَمْ أَنْصُرْ كَرِمَتَهُ، وَلَمْ

أَسْمَعْ دُعَاءَهُ، وَلَمْ أَسْتَجِبْ لَهُ^۵

۱۰/۱۲ حِكْمَةُ تَأْخِيرِ الْإِجَابَةِ

۲۴۷۰ رسول الله ﷺ إِنْ الْكَافِرَ لَمْ يَدْعُ اللَّهَ فَيُحَاجِّهِ

فَتَقْصِي لَهُ، وَإِنْ الْمُؤْمِنَ لَمْ يَدْعُ اللَّهَ تَعَالَى فَتُجِبْهُ

۱. هذه الدعوى ص ۲۳۳

۲. عاشر ۱۹ و ۵۰

۳. كثر المبال ج ۴ ص ۱۲ ح ۹۲۴۹

۴. القردوس ج ۱ ص ۱۴۹ ح ۵۳۸

۵. القردوس ج ۵ ص ۲۴۱ ح ۸۰۷۲

۲۴۶۶ پیامبر خدا ﷺ هر کس عبادت خدا او را از

درخواست کردد از وی باز دارد، خداوند، بهترین

چیزی را که به درخواست کنندگان می‌دهد، به او

عص می‌کند

۹/۱۲ کسی که دعایش مستجاب نمی‌شود

قرآن

﴿وَكَيْفَ كُنْتُمْ فِي آيَاتِهِ أَهْلًا﴾ به نگهبانان جهنم می‌گویند

پروردگاران را بخوانید تا یک روز از این عذاب را به ما

نخفست دهد می‌گویند مگر پیامبرانتان دلایل روشن به

سوی شما می‌آوردید؟ می‌گویند چهره می‌گویند پس

بخوانید و [از] دعای کافران، چهره در پیراهه نیست﴾

حدیث

۲۴۶۷ پیامبر خدا ﷺ کسی که دنبال روری‌اش

نمی‌برد، بر او گاهی نیست که بسیار دعا نکند^۱

۲۴۶۸ پیامبر خدا ﷺ خداوند ﷻ دعای ستم‌دیدگان را

می‌پذیرد، مادام که از ستمکاران بیشتر باشد هر

گاه شمارشان از ستمکاران بیشتر باشد، دیگر

دعایشان را نمی‌پذیرد

۲۴۶۹ پیامبر خدا ﷺ خداوند ﷻ می‌فرماید هر که

آسان را از بدگان می‌پذیرد و از دشوار نگذرد،

بدوه او را نمی‌ردایم و دعایش را نمی‌شنوم و

احاطش نمی‌کنم^۲

۱۰/۱۲ حکمت تأخیر اجابت

۲۴۷۰ پیامبر خدا ﷺ کافر برای حاجتش به درگاه

خداوند ﷻ دعا می‌کند و حاجتش برآورده

چون دعا کردن در این جایی مورد توبه و هر چه دعا کنند،

میر می‌دیده است؛ بلکه باید کار و تلاش کند

عَلَيْهِ الْإِجَابَةُ، فَتُجِيبُ الْمَلَائِكَةُ لِدَيْكَ، فَيَقُولُ
اللَّهُ تَعَالَى إِنَّمَا أَجَبْتُ الْكَافِرَ لِنَلَا يَدْعُوَنِي
وَلَا يَذْكُرُنِي، فَإِنِّي أُبْعِضُ وَأُبْعِضُ صَوْتَهُ، وَأُبْطِئُ
لِلْمُؤْمِنِ نَلَا يَسْقِطُ عَنِّي وَيَذْكُرُنِي، فَإِنِّي أُجِيبُهُ
وَأُجِيبُ تَصْرَعَةً^۱.

۲۱۷۱ عنه علیه إِنَّهُ شَبَّاحُهُ يَبْتَلِي الْعَبْدَ، حَتَّى يَسْمَعَ
دُعَاءَهُ وَتَصْرَعَةً^۲.

الفصل الثالث عشر: الدعاء للآخرین

۱/ ۱۳. الْحَثُّ عَلَى طَلَبِ الدُّعَاءِ مِنَ الْآخِرِينَ

۲۱۷۲ رسول الله صلی الله علیه و آله يَسْتَكْثِرُ مِنَ النَّاسِ مِنْ دُعَاءِ الْحَيْرِ
لَكَ، فَإِنَّ الْعَبْدَ لَا يَدْرِي عَلَى لِسَانِ مَنْ يُسْتَجَابُ لَهُ
أَوْ يُرْحَمُ^۳.

۲۱۷۳ عنه صلی الله علیه و آله إِصْبِرُوا دُعَاءَ صَاحِبَةِ امْتَنِي؛ فَإِنَّهُ يُسْتَجَابُ
لَهُمْ فِيكُمْ^۴.

۲/ ۱۳. مَنْ يَنْتَهِي الدُّعَاءَ لَهُ

أ- الْوَالِدَانِ

الكتاب

﴿رَبَّنَا أَخْرِجْ لِي وَلَوْدَيْنِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ
الْمَوْتُ﴾^۵.

می‌شود، و [ولی] مؤمن به درگاه خداوند متعال دعا
می‌کند و در اجابتش کندی می‌شود، از این کار،
داد و فریاد فرشتگان بلند می‌شود، خداوند متعال
می‌فرماید: «کافر را اجابت کردم تا دیگر مرا
نخواند و یاد من نکند؛ چرا که ار او و صدایش
ببرارم؛ ولی در اجابت دعای مؤمن، کندی می‌کم
تا از من تیرد و مرا یاد کند؛ چرا که خودش و زاری
کردنش را دوست دارم».

۲۳۷۱ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خداوند سبحان، بنده را گرفتار
می‌کند تا دعا و زاری او را بشنود.

فصل سیزدهم: دعا کردن برای دیگران

۱/ ۱۳. تَرْغِيبٌ بِمَنْحِ الْوَحْشَةِ دُعَاءِ الْآخَرِينَ

۲۲۷۲ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از مردم، بسیار درخواست
دعای حیر برای خود کنید؛ چرا که انسان نمی‌داند
از زبان چه کسی درخواستش مستجاب می‌شود یا
مورد رحمت قرار می‌گیرد.

۲۲۷۳ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دعای ضعیفان امت مرا صیحت
شمارید؛ زیرا دعای آنها در حق شما مستجاب
می‌شود.

۲/ ۱۳. آمَنَ كَمَا سَمِعُوا دُعَاءَهُ

الف - پدر و مادر

قرآن

﴿پروندگان را روزی که حسب پر یا می‌شود بر من و پدر و
مادر و بر مؤمنان بیخشی﴾.

۱. کنز العمال ج ۲ ص ۸۶ ح ۳۳۶۲.

۲. إرشاد القلوب ص ۱۴۸.

۳. کنز العمال ج ۲ ص ۷۳ ح ۳۱۸۸.

۴. الفهرست ج ۱ ص ۸۹ ح ۲۸۶.

۵. إبراهيم ۶۱.

الحديث

۲۱۷۴ رسول الله ﷺ دُعَاءُ الْوَلَدِ لِلْوَالِدِ كَالْأَحَدِ بِالنَّدِ^۱

۲۴۷۵ عَنْهُ ﷺ إِنَّ الرَّحْلَ لَيَمُوتُ وَالِدَاءُ وَهُوَ عَائِقُ سَهْمِ

فَيَدْعُو لِهَما مِنْ بَعْدِهِما فَيَكْتُبُهُ اللهُ مِنَ الْبَارِئِينَ^۲

ب- الْأَهْلُ وَالْأَوْلَادُ وَالْأَخُ

الكتاب

﴿قَالَ رَبِّ الْغُزْنِيِّ وَالْأَخِي وَلِأَجَلِنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ

أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾^۳

﴿رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا

لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾^۴

الحديث

۲۱۷۶ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ دُعَاءُ الْوَالِدِ بَوَلَدِهِ، مِنْ دُعَاءِ النَّبِيِّ

لَأُمِّهِ^۵

۲۱۷۷ عَنْهُ ﷺ رَحِمَ اللَّهُ مَنْ دَعَا وَنَدَّ عَلَى يَرُوءٍ وَهُوَ أَوْ

يَعْقُو عَنْ سَيِّئَةٍ وَيَدْعُو لَهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ^۶

ج- الْأَخُ الْمُؤْمِنُ بظَهْرِ الْعَيْبِ

۲۱۷۸ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَيْسَ شَيْءٌ أَسْرَعَ إِجَابَةً مِنْ دَعْوَةِ

عَائِبٍ لِعَائِبٍ^۷

۲۴۷۹ عَنْهُ ﷺ دُعَاءُ الْمُؤْمِنِ لِأَخِيهِ بظَهْرِ الصِّبِّ

حديث

۲۴۷۲ پیامبر خدا ﷺ دعای سرزند سرنی پلور، مسند

گرفتن دست است^۱

۲۴۷۵ پیامبر خدا ﷺ گاه پدر و مادر کسی در حالی

می میرند که آن دو را نافرمانی کرده است؛ ولی بعد از

مرگشان برای آنها دعا می کند پس خداوند، او را

حرو و نیکو کاران و فرمانبرداران انساب به پدر و مادر،

می نویسد.

ب- خانواده، فرزندان و برادر

قرآن

﴿اِیُّسَى﴾ گفته پروردگاران من و برادر من را بیاورد و ما را

در پناه، رحمت خود درآور، و تو مهربان ترین

مهربانانی﴾

﴿پروردگارا به ما از عسرا و فرزندمان آن ده که ما به

روقی چنان امان باشد، و ما را پیشوای پرهیزگاران

گردان﴾

حديث

۲۴۷۶ پیامبر خدا ﷺ دعای پدر برای فرزندش،

به سان دعای پیامبر بری افش است

۲۴۷۷ پیامبر خدا ﷺ خداوند، رحمت کند آن کسی

را که فرزندش را بر سبکی کردن به خویش کمک

می کند، بدین گونه که از خطای او درمی گذرد و به

درگاه خدا برایش دعا می کند!

ج- برادر مؤمن، وقتی که حضور ندارد

۲۴۷۸ پیامبر خدا ﷺ؛ هیچ دهایی سریع تر از دعای

شخص غایب برای عیب، به اجابت نمی رسد

۲۴۷۹ پیامبر خدا ﷺ دعای مؤمن برای برادرش در

۱ - ممکن است مقصود گرفتن دست پدر به هنگام ماتوانی؛

باشد و یا سار باشد به سرعت اجابت

۱ الفردوس ج ۷ ص ۲۱۲ ح ۳۸

۲ الدر المنثور ج ۵ ص ۲۶۷

۳ الاعراف ۱۵۱ ۴ الفرقان ۷۱

۵ تاریخ المسیح ج ۱ ص ۲۲۶ الرقم ۳۱۴

۶ بحار المنور ج ۱۰۱ ص ۹۸ ح ۷۰

۷ الکافی ج ۲ ص ۵۱۰ ح ۷

مُسْتَجَابٌ^۱

عیاب او، مستجاب می‌شود.

۲۴۸۰ عَنْهُ عَلَيْهِ مَا مِنْ عَبْدٍ يَقُومُ مِنَ اللَّيْلِ فَيُحَلِّي زَكَتَيْهِ، فَيَدْعُو فِي سُجُودِهِ لِأَرْبَعِينَ مِنْ أَصْحَابِهِ يُسَمِّي بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ، إِلَّا وَلَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ تَعَالَى شَيْئاً إِلَّا أَعْطَاهُ.^۲

۲۴۸۱ عَنْهُ عَلَيْهِ أَطْلُبُ الْعَاقِبَةَ لِعَمْرِكَ، تُرَرَّتْهَا فِي نَفْسِكَ^۳

۳/۱۲ من لا ينبغي الدعاء له

۲۴۸۲ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ دَعَا لِطَائِفٍ بِالْبَقَاءِ، فَقَدْ أَحَبَّ أَنْ يُعْصَى اللَّهُ فِي أَرْضِهِ.^۴

۲۴۸۳ عَنْهُ عَلَيْهِ إِذَا دَعَوْتُمْ لِأَخِي مِنَ الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى فَقُولُوا أَكْثَرَ اللَّهُ مَالَكُمْ وَوَلَدَكُمْ^۵

۱ الحنفیة ص ۱۹۵

۲ مصباح المنجد ص ۱۳۳ ح ۲۱۷

۳ كنز العمال ج ۲ ص ۷۵ ح ۳۱۹۸

۴ بحیة علوم الدین ج ۲ ص ۲۰۸

۵ ينبغي الاكتفات إلى أن طلب الكفاف للاخیرین بخیر دعاً مرغوباً فیہ می‌باشد معاییر ثقاتنا قدیمیة فی قبال الدعاء بزيادة الأموال والأولاد لهم الذي يعبر عنه عليهم ومن الطبعي فإن المقصود بالزيادة هنا هي ما رادت عن مصدر الكفاف والحاجة.

۶ تاریخ دمشق ج ۵۵ ص ۲۰۸ ح ۱۱۶۷۹

۲۴۸۰ پیامبر خدا ﷺ هیچ نذۀ مؤمنی نیست که پاسی از شب برخیزد و دو رکعت نماز بخواند و در سجده‌اش برای چهل تن از یارانش دعا کند و نام آنها و نام پدرانشان را ببرد، مگر آن که هر چه از خداوند متعال درخواست کند، به او عطا می‌فرماید

۲۴۸۱ پیامبر خدا ﷺ هابیت را برای دیگران طلب کن یا روری خودت بر بشود

۳/۱۳ کسانی که نباید برایشان دعا کرد

۲۴۸۲ پیامبر خدا ﷺ هر کس برای بقای ستمگری دعا کند، در واقع، دوست داشته است که خداوند در رمیش بافرمائی شود.

۲۴۸۳ پیامبر خدا ﷺ هر گاه برای یکی از یهود و نصارا دعا کردید، بگویید: خداوند، مال و فرزندانت را افزون گردانند.^۱

۱ قابل توجه این که در فرهنگ دینی درخواست کفاف برای دیگران، دعا در حق انسان محسوب می‌شود و درخواست برای مال و فرزند که طبعاً فراتر از کفاف و نیاز باشد مؤمنی تقصیر در حق آنها قلمداد می‌گردد

تحلیلی دربارهٔ ممنوعیت دعا کردن بر حقّ مشرکان و کافران و ستمگران

مشرکان و کافران و ستمگران ، نه عوان کسانی که دعا کردند در حقّ آنان شایسته نیست، معرفی شده‌اند . پرسشی که در این باره قابل طرح است، این است که دعا در حقیقت، خیرخواستن از خدا برای دیگران است یا برای چه مانعی دارد که مسلمان، حتی برای کسانی که با او هم عقیده هستند، و نیز برای انسان‌های کافر و ستمگر، خیرخواهی کند ؟

پاسخ این پرسش ، این است که به طور کلی کسانی که گرفتار انحرافات اعتقادی و عملی هستند، به دو دسته تقسیم می‌شوند

دستهٔ اول ، مستضعفان اند ؛ یعنی کسانی که به دلیل ناآگاهی و سود ابرار و امکانات لازم جهت شناسایی حق و پیروی از آن، دچار انحراف شده‌اند

دستهٔ دوم ، معاندان اند ؛ یعنی کسانی که حق را می‌شناسند و آگاهانه، به دلیل هوسرانی و برتری‌جویی ، با آن مخالفت می‌کنند و یا به ابرار و مومنان شایسته حق، دست‌رنج می‌دهند ؛ یکی بدان می‌توانی می‌کنند و بر ناظر می‌مانند

در مورد دستهٔ اول ، نه تنها دعا برای هدایت آنها ممنوع است ؛ بلکه هرگونه تلاش برای آگاه‌سازی و تعلیم و تربیت آنها ضروری است لذا پیامبر خدا ، با آن همه آرا‌هایی که از قوم خود دید، بری هدایت آنها دعا می‌کرد و می‌گفت

اللَّهُمَّ اهْدِ قَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ^۱

خداوندا قوم مرا راهنمایی کن ؛ زیرا آنان نادانند

و اما معاندان ، نه تنها دعا برای آنان ممنوع نیست ؛ بلکه ممدوح است ؛ بلکه بهترین فرستادن بر آنان، لازم و ضروری است ؛ زیرا دعا کردن در حق معاندان ، حق و عدل ، گمراهی دینی آنها (مانند سلامت و طول عمرشان) باشد ، در واقع ، بری گسترش کفر و شرک و ظلم و فساد در زمین است و اگر دعا ، بری هدایت آنها باشد ، بی‌فایده است ؛ زیرا آنها قابلیت هدایت ندارند و چنین دعایی ، چه با توفیق سیاسی - اجتماعی ریاکاری بی‌داشت باشد

بر این اساس ، اوپایی خواهند ، نه تنها بری حامیان ظلم و دشمنان حق و عدالت دعا نمی‌کردند ؛ بلکه گاه آنان را نفرین می‌کردند .

^۱ التخریج و التخریج ج ۱ ص ۱۶۴ ح ۲۵۲ تاریخ دمشق ج ۶ ص ۲۴۷

الفصل الرابع عشر: من دعاه النبي ﷺ

فصل چهاردهم: کسانی که پیامبر ﷺ

برایشان دعا کرد

۱/ ۱۴. الإمام علي بن أبي طالب ﷺ

۱/ ۱۲. امام علی بن ابی طالب ﷺ

۲۴۸۱ الإمام علي ﷺ: دَخَبْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي الْمَسْجِدِ - وَهُوَ فِي مَعْصَلِي لَهُ فِي بَعْضِ حُجَرِهِ - فَقَالَ يَا عَلِيُّ، بَيْتٌ لَيْلَتِي هِدِيهِ خَيْثُ تَرَى أَصْلِي وَأَسْأَلُ رَبِّي تَعَالَى، فَمَا سَأَلْتُ رَبِّي شَيْئاً إِلَّا سَأَلْتُ لَكَ مِثْلَهُ، وَمَا سَأَلْتُ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا أَطْعَمَنِي، إِلَّا أَنَّهُ قِيلَ لِي: لَا تُبَيِّعْ بَعْدِي^۱

۲۴۸۲ امام علی ﷺ: بسر پیامبر خدا در مسجد وارد شدم، در حالتی که در یکی از اتاق‌هایش در محل نمازش نشسته بود فرمود: ای علی! دیشب، در همین جا که می‌بسی، شب را به نماز گذراندم و از پروردگار بلند موتهام درخواست می‌کردم، هر چه از پروردگارم خواستم، مانند آن را برای تو میر درخواست نمودم، و هیچ چیز از او نخواستم، مگر آن که عظیم فرمود، جز آن که به من گفته شد که بعد از من، پیامبری نیست.

۲۴۸۵ رسول الله ﷺ: هِيَ عَلِيٌّ ﷺ: - اللَّهُمَّ وَالِّ مَن وَلاَهُ، وَعَادِ مَن عَادَاهُ، وَانصُر مَن نَصَرَهُ، وَأَجِب مَن أَسْأَلَهُ. ۲۴۸۶ عَنْهُ ﷺ: مَن كُنْتُ مَوْلَاً فَقُلِّي مَوْلَاً، اللَّهُمَّ (وَالِّ مَن وَلاَهُ، وَعَادِ مَن عَادَاهُ).^۲

۲۴۸۵ (پیامبر خدا ﷺ) - در حق علی ﷺ: - بار خدا یا! دوست باش با هر کسی که دوست او باشد و دشمن باش با کسی که دشمن او باشد و یاری کن کسی را که یاری‌اش کند و دوست بدار هر که را دوستش بدارد. ۲۴۸۶ پیامبر خدا ﷺ: هر که من مولای اویم، پس علی مولای اوست، بار خدایا! دوست باش با کسی که دوست او باشد و دشمن باش با کسی که دشمن او باشد.

۲/ ۱۴. علي وفاطمة ﷺ

۲/ ۱۲. علی و فاطمه ﷺ

۲۴۸۷ المعجم الكبير عن ابن عباس - فِي حَدِيثٍ رَوَاهُ فَاطِمَةُ ﷺ - ثُمَّ دَعَا ﷺ فَاطِمَةَ ﷺ فَأَخَذَ كَفًّا مِنْ مَاءٍ فَصَرَبَ بِهِ عَلَى رَأْسِهَا وَكَفًّا مِنْ قَدَمَيْهَا، ثُمَّ رَشَّ جِلْدَهُ وَجِلْدَهَا، ثُمَّ التَّرَمَّهَا فَقَالَ:

۲۴۸۷ المعجم الكبير - به نقل از ابن عباس (در بیان ازدواج فاطمه ﷺ) - سپس، پیامبر ﷺ فاطمه ﷺ را صدا زد و مثنی آب برگرفت و بر سر او و مثنی هم میان دست‌اش ریخت سپس، مقداری آب به پوست علی و فاطمه پاشد آب گاه، فاطمه را در آغوش گرفت و گفت: «بار خدایا! او، از من است و من، از اویم - بار خدایا! همچنان که پلیدی را از من زدودی و پاک نمودی، او را نیز پاک گردان.»

اللَّهُمَّ إِنِّهَا مِنِّي وَأَنَا مِنْهَا، اللَّهُمَّ كَمَا أَذْهَبَتْ عَنِّي الرَّجَسَ وَطَهَّرْتَنِي فَطَهِّرْهَا
ثُمَّ دَعَا بِبِحَصْبٍ آخَرَ، ثُمَّ دَعَا عَلِيّاً فَصَنَعَ بِهِ كَمَا صَنَعَ بِهَا، ثُمَّ دَعَا لَهُ كَمَا دَعَا لَهَا

۱ تاریخ دمشق ج ۱۲ ص ۲۱۱ ح ۸۸۶۱

۲ مسائل الصحابة لابن حبل ج ۲ ص ۵۹۹ ح ۱۰۲۲

۳ مستدررین حبل ج ۶ ص ۱۰۱ ح ۱۸۵۰۶

ثُمَّ قَالَ لَهُمَا قُومَا إِلَى نِيَّتِكُمَا، جَمَعَ اللَّهُ نِيَّتَكُمَا
وَبَارَكَ فِي سِرِّكُمَا وَأَصْلَحَ بِالْكُمَا ثُمَّ قَامَ فَأَعْنَى
عَلَيْهِمَا بَاهُ يَدَيْهِ^۱

۲۴۸۸ السنن الکبریٰ للبخاری عن ثریدة لما کان نیتاً
الباء، قال ﷺ یا علی، لا تُحدث شیئاً حتی تلدسی
فدعا النبی ﷺ بماء فتوضأ به ثُمَّ أَمْرَعَهُ عَلَن
عَلِیَّ ﷺ، فَقَالَ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لهما، وبارک علیهما
وَبَارِكْ لَهُمَا فِي شَيْلِهِمَا^۲

۳/۱۱ الحسنین ﷺ

۲۴۸۹ للمصنف لابن المغازلی عن البراء بن عازبه رَأَى
رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَاحِداً الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ ﷺ عَلَنَ عَائِشَةَ
يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أُحِبُّهُمَا فَأَحِبَّهُمَا^۳

۲۴۹۰ المستدرک علی الصحیحین عن ابن عباس، کانَ
النَّبِيُّ ﷺ يُعَوِّذُ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ ﷺ يَقُولُ

أُعِیدُکُمَا بِکَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ، مِنْ کُلِّ شَیْطَانٍ
وَهَائِمَةٍ^۴، وَمِنْ کُلِّ عَمٍ لَائِمَةٍ^۵

ثُمَّ يَقُولُ هَكَذَا کَانَ یُعَوِّذُ إِبْرَاهیمَ إِبْنَهُ إِسْمَاعیلَ
وِإِسْحَاقَ^۶

۲۴۹۱ تاریخ دمشق عن ابی اسحاق السبئی - فی حَیْرِ

بعد، طرف آب دیگری خواست و علی را
صدارد و با او نیز چنین کرد

سپس، همچنان که برای فاطمه دعا کرده بود،
برای او سیر دعا کرد آن گاه به آن دو فرمود
برحیرید و به خدای خود بروید خداوند، شما را با
هم بخیرد و به زندگی تان برکت دهد و مخاطران را
آسوده بخرد

سپس، برخواست و با دست خود، در راه روی
آنها بست

۲۴۸۸ السنن الکبریٰ، نسائی - به نقل از ثریدة -

چون شب رفات شد، پیامبر ﷺ فرمود «ای علی! ا
کاری انجام ده تا مرا ملاقات کنی»

پس پیامبر ﷺ مقداری آب طیب و با آن وضو
گرفت سپس بقیه آب را روی علی ﷺ خالی کرد و
بکت. مبارک خدایا! در این دو، برکت قرار ده و به آنها
خیر و برکت عطا فرما و در فرزندانشان سیر برای این
دو برکت قرار ده

۳/۱۲ حسن و حسین ﷺ

۲۴۸۹ المصنف، ابن مغازلی - به نقل از براء بن
عازب - پیامبر خدا را دیدم که حسن و حسین ﷺ را
بر دوش خود گذاشته است و می‌گوید «بار خدایا!
من، این دو را دوست دارم، تو هم آنها را دوست
بدار»

۲۴۹۰ المستدرک علی الصحیحین - به نقل از ابن
عباس - پیامبر ﷺ برای محافظت حسن و حسین ﷺ
این دعا را می‌خواند، شما را از گزند هر شیطان و
حریفه و هراکسی و از هر چشم بدی، در پناه کلمات
نام خداوند ﷻ درمی‌آورم.

سپس می‌فرمود «ایبراهیم، پسرانش اسماعیل و
اسحاق را این گونه تعویذ می‌کرد»

۲۴۹۱ - تاریخ دمشق - به نقل از ابی اسحاق سبئی -

۱ المجمع الکبیر ج ۲۲ ص ۴۱۲ ح ۱۰۲۲

۲ السنن الکبریٰ للبخاری ج ۶ ص ۷۳ ح ۱۰۰۸۸

۳ المصنف لابن المغازلی ص ۳۷۵ ح ۴۲۱

۴ الهافه کُلُّ ذَاتِ سَمٍ یَعْلَ (النهایه ج ۵ ص ۳۷۵ «همه»)

۵ لائمه أي ذات لسم، وهي التي نصیب بسم، (مصحح الصحیح ج ۳ ص ۱۶۱۹ «همه»)

۶ المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۱۸۳ ح ۱۷۸۱

ابن زیاد و بکبره ثایا نحسین علیه السلام - بن زید بن ارقم
خارج من عبده - یعنی ابن زیاد - یومئذ و هو یقول
أما والله لقد سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله یقول «اللهم انی
أستودعک وصالح المؤمنین»، فکیف حفظکم
یودیعہ رسول الله صلی الله علیه و آله ۱۶

۴/۱۴ اهل البیت علیهم السلام

۲۴۹۲ تاریخ دمشق عن أم سلمة - یما رسول الله صلی الله علیه و آله عیدی
فأرسل إلى حسن و حسین و علی و فاطمة علیهم السلام .
فأشرف کساء عی فآلفه علیهم . وقان
اللهم هؤلاء اهل نبی ، فأذهب عنهم الرجس
وطهرهم تطهیر ۱۷

۲۴۹۳ المعجم الكبير عن ابن لهيعة عن عمرو بن شعيب أنه
دخل على ربيب أبي سلمة ، فحدثتهم أن رسول
الله صلی الله علیه و آله كان عيدا أم سلمة فدخل عليها بالحسن
و الحسين و فاطمة علیهم السلام ، فحفل الحسن من شوق
و الحسين من شوق و فاطمة فبى ججرة . ثم قال
«رحمت الله و بركته عليكم أهل البيت إني حبيب
محبب» ۱۸

۵/۱۴ ابو مريم الغسانی

۲۴۹۴ المعجم الكبير عن أبي مريم الغساني غررت مع
رسول الله صلی الله علیه و آله فدفع إلي اللواء ، و زميت بين يديه

۱ تاریخ دمشق ج ۱۴ ص ۳۳۶ ح ۳۵۸۶ .

۲ تاریخ دمشق ج ۱۳ ص ۲۰۳ ح ۳۱۸۱

۳ هود ۷۳

۴ المعجم الكبير ج ۲۶ ص ۲۸۱ ح ۷۱۳

هنگامی که امام حسین علیه السلام شهید شد و سر ایشان را
مرد ابن زیاد آوردند و او با چوب به سر ایشان
می‌زد، آن روز، زید بن ارقم از مرد ابن زیاد خارج
شد و می‌گفت به خدا، سرگند، از پیامبر خدا،
شنیدم که می‌گوید «بار خدایا! من، او را و مؤمنان
شدیسته را به تو می‌سپارم»، و شما چگونه سپرده
پیامبر خدا را حفظ کردید؟

۴/۱۴ اهل بیت علیهم السلام

۲۴۹۲ تاریخ دمشق - به نقل از ام سلمه - پیامبر خدا،
مرد من بود پس، در پی حسن و حسین و علی و
فاطمه علیهم السلام فرستاد آن گاه، ردای مرا درآورد و
روی آنها انداخت و فرمود «بار خدایا! اینان، اهل
بیت من اند پس، پمیدی را از آمان بستر و پاکي
پاکشان گردان»

۲۴۹۳ المعجم الكبير - به نقل از ابن لهيعة - عمرو بن
شعيب، به دیدار ربيب، دختر ابو سلمه (و ام
سلمه)، رفت و او برای حاضران، نقل کرد که
پیامبر خدا با حسن و حسین و فاطمه علیهم السلام سر ام
سلمه وارد شد و حسن علیه السلام را در یک طرفش قرار
داد و حسین علیه السلام را طرف دیگرش و فاطمه علیه السلام را در
کنارش سپس فرمود «رحمت و بركات خدا بر شما اهل
بیت که او ستواي و بزرگوار است»

۵/۱۴ ابو مريم غسانی

۲۴۹۴ المعجم الكبير - به نقل از ابو مريم غسانی -
همراه پیامبر خدا به جنگ رفتم و ایشان پرچم را
به من داد و من پیشاپیش ایشان بیه طرف دشمن
سنگ پرتاب می‌کردم، ایشان از این کار من

بِالْجَنْدَلِ^۱، فَأَعْجَبَهُ ذَلِكَ وَدَعَا بِي^۲

خوشش آمد و برایم دعا کرد.

۶/۱۴ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ حَجَفَرٍ

۶/۱۴ عبد الله بن حعفر

۲۱۹۵ المصنف لابن شهر آشوب مَرَّ النَّبِيُّ ﷺ بِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ

۲۱۹۵ المصنف، ابن شهر آشوب: پیامبر ﷺ بر عبد الله بن

حَجَفَرٍ وَهُوَ يَصْنَعُ شَيْئاً مِنْ طَبِيبٍ مِنْ لَعَبِ الصَّيِّبِ

جعفر گذشت که مشغول ساختن وسایل بازی

فَقَالَ مَا تَصْنَعُ بِهِ؟ قَالَ أَيْعُهُ قَالَ مَا تَصْنَعُ

کودکان از گِل بود. فرمود: «با اینها چه می‌کنی؟»

بِشَيْءٍ؟ قَالَ أَشْتَرِي رُطْباً فَمَا كُلُّهُ

گفت: اینها را می‌فروشم

فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ﷺ اللَّهُمَّ بَارِكْ لَهُ فِي صَفْقَةِ يَمِينِهِ

فرمود: «نا بولستان چه می‌کنی؟»

فَكَانَ يُقَالُ مَا اشْتَرَى شَيْئاً قَطُّ إِلَّا رَجَحَ بِهِ^۳

گفت: هر مویی می‌حرم و می‌حورم

پیامبر ﷺ گفت: «بار خدایا! به او در کسب و

کارش برکت ده»

۷/۱۴ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبَّاسٍ

۲۱۹۶ حسن الترمذی عن ابن عباس: دَعَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

گفته می‌شد: از آن پس، او هرگز چیزی

نخورد، مگر آن که در آن سود کرد.

يُؤْتِيهِ الْحِكْمَةَ مَرَّتَيْنِ^۴

۲۱۹۶ عبد الله بن عباس

۸/۱۴ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ

۲۱۹۷ المعجم الكبير عن عبد الله بن مسعود مَرَّ بِي

۲۱۹۶ حسن الترمذی - به نقل از ابن عباس - پیامبر خدا

برایم دو بار دعا کرد که به من حکمت داده شود

النَّبِيُّ ﷺ وَأَنَا فِي قَتَمٍ لِقَيْتَةٍ، فَصَنَعَ رَأْسِي وَقَالَ

۱۴ عبد الله بن مسعود

يَرْحَمُكَ اللَّهُ، إِنَّكَ عَلِيمٌ مُعَلِّمٌ^۵

۲۱۹۷ المعجم الكبير - به نقل از عبد الله بن مسعود -

۹/۱۴ عمرو بن الحمق

۲۱۹۸ المصنف لابن أبي شيبة عن يونس بن سمان عن

مسعود چراندن گوسفندان عقبه بودم که پیامبر ﷺ بر

من گذشت و دسی به سرم کشید و فرمود: «حدیث

رحمت کندها تو پسری دانش‌آموخته هستی»

«اللَّهُمَّ أَمْتَعْ شَيْبَاهُ»، فَلَقَدْ آتَتْ عَلَيْهِ ثَمَانُونَ سَنَةً لَا

۹/۱۴ عمرو بن حمق

يَرَى شَعْرَةَ بَيَاضٍ^۶

۲۱۹۸ المصنف، ابن ابی شیبہ - به نقل از یونس بن

سلمان، از حدیث - عمرو بن حمق به پیامبر ﷺ

شیر نوشید پیامبر ﷺ گفت: «بار خدایا! او را از

خوانی‌اش برحوردار بدر»

۱ الجندل الحجاره (سک‌الغرب ج ۱ ص ۲۸ - حدیث)

۲ المعجم الکبیر ج ۲ ص ۳۳۲ ح ۸۳۳

۳ المصنف لابن شهر آشوب ج ۱ ص ۸۴

۴ حسن الترمذی ج ۵ ص ۶۷۹ ح ۳۸۲۳

۵ المعجم الکبیر ج ۹ ص ۷۹ ح ۸۴۵۷

۶ المصنف لابن ابی شیبہ ج ۲ ص ۴۳۷ ح ۱۲۱

پس، هشتاد ساله شد و یک موی سپید در خود

ندید

۱۰/۱۴ فاطمة بنت أسد

۲۴۹۹ الخراج والخراج إن علياً نكي يوماً، وقال

مائت أمي، فنهض النبي ﷺ فقال

هي والله أمي حقاً، ما رأيت من عمتي شيئاً، لا وقد
رأيت منها أكثر منه

ثم صاح يا أم سلمة اهدو بردتي فأررها بها،
وهذو قميصي فذرعها بها، وهذا ردائي فأدرجها
فيه، فإذا فرغت من عسيها فأعلميني

فأعلمته أم سلمة، فحفظها على سريرها ثم صلى
عليها، ثم نزل بعدها فلبث ما شاء الله لا يسبح له إلا
همنة

ثم صاح يا فاطمة!

قال ليك يا رسول الله

قال هل رأيت ما ضمنت لك؟

قالت نعم، فجزاك الله عسى بي نعمها والمعات
أفضل الجراء

فلما سوي عليها وحرج، سئل عنها، فقال
فراأت عليها يوماً «ولقد جئتكمونا فزدي كما
خلقكم أول مرة»^۱ فقالت يا رسول الله وما
فرادي؟ قلت غراءة قالت: وأسألناه^۲ فسألت الله ألا
يبدئي^۳ عورتها

ثم سألتني عن مكبر ونكبر، فأخبرتها بحالهما،

۱ الأندلس ۹۵

۲ في المصدر «قبي» والصواب ما التناه كما في مورد

التقليد ج ۱ ص ۷۴۷ ح ۱۸۸

۱۰/۱۲ فاطمة بنت اسد

۲۴۹۹ الخراج والخراج. روری، علی ﷺ گریست
وگفت. مادرم درگذشت.

پیامبر ﷺ برحاست و فرمود، «به خدا سوگند که
او، به راستی، مادر من نیز هست. هیچ محبتی از
عمویم ندیدم، مگر آن که بیشتر از آن را از او دیدم»
سپس صدا زد «ای ام سلمه! این سر را به
کمرش ببند و این پیراهن را به بالائنه‌اش بپوشان
و این رانم را بر او بپوشان و چون عیش دادی،
مرا خبر کن»

ام سلمه پیامبر ﷺ را خبر کرد. ایشان، جنازه را
در نگوشت نهاد و سپس بر او نماز گزارد و آن گاه
وارد قبر شد. مدتی گذشت و جر زمزمه‌ای از
اینکه شنیده می‌شد، سپس پیامبر ﷺ رو به
جنازه [صداد فاطمه]

وگفت بله، ای پیامبر خدا!

فرمود «آیا آنچه را برایت ضمانت کرده
بودم، دیدی؟»

گفت آری خداوند از جانب من، به تو، در
حیات و ممات، برترین پاداش را بدهد!

چون پیامبر ﷺ بعد را پوشاند و بیرون شد، در
وی درباره آنچه فرمود، سؤال کردند. فرمود
«روری برای او این آیه را قرائت کردم «و همان
گونه که شما را حسین بار آفریدیم، [کنون میر] شما به سوی
ما آمیداید» گفت «ای پیامبر خدا! تنها یعنی چه؟
گفتم یعنی عریان گشت؛ چه شرم‌آور! و من از

بِأَنَّهُمَا كَيْفَ يَجِيئَانِ، قَانَتْ وَأَعُوْثَاءُ بِأَلْفٍ مِّمَّهُمَا^۱
فَسَأَتْ اللَّهَ أَنْ لَا يُرِيَهُمَا إِنَاهَا، وَأَنْ يَفْتَحَ لَهَا فِي
قَبْرِهَا، وَأَنْ يَحْشُرَهَا فِي أَكْفَانِهَا^۲

۱۱/۱۴ النَّحَّاشِيُّ

۲۵۰۰ تهذیب الأحکام عن محمد بن مسلم او زرارة قال
[الإمام عليه السلام] الصَّلَاةُ عَلَى الْمَيِّتِ بَعْدَ مَا يُدْفَنُ بِمَا هُوَ
الدُّعَاءُ

قَالَ قُلْتُ فَالنَّحَّاشِيُّ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ النَّبِيُّ عليه السلام ؟
فَقَالَ لَا إِنَّمَا دُعَاءُهُ^۳

۱۲/۱۴ خَلْفَ شُهَدَاءِ أَحَدٍ

۲۵۰۱ رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام فِي دُعَائِهِ لِحَلْفِ شُهَدَاءِ أَحَدٍ - النَّهْيُ
أَدَّيْبُ خَيْرٍ فُلُوبِهِمْ، وَاحِرُ مُصِيبَتِهِمْ، وَاحِشٍ
الْحَلْفِ عَلَى مَنْ حَلَفُوا^۴

۱۳/۱۴ غُلَامٌ مِنَ الْأَنْصَارِ

۲۵۰۲ الْمُعْجَمُ الصَّغِيرُ عَنِ ابْنِ النَّبِيِّ عليه السلام قَالَ دَاثَ يَوْمٍ
لِغُلَامٍ مِنَ الْأَنْصَارِ نَاوِلِي نَعْلِي

فَقَالَ الْغُلَامُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ نَأْسَى أَنْتَ وَنُحْسِي
حَتَّى أَحْضَرَهُمَا أَنَا فِي رَجَبِكَ

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام، اللَّهُمَّ إِنَّ عَبْدَكَ هَذَا يَرْصَاكَ
فَارْضُ عَنْهُ^۵

حدا خواستم که عورت او را آشکار نسازد

پس از من درباره نکیر و مُکیر پرسید و من
را نحوه آمدن آن دو برایش گفتم گفت حدایه
ندم برسد از آن دو! و من از حدای خواستم که آن دو
را به و نشان دهد و قبرش را برای او فراح گرداند
و او را در همان گمشی محسوس فرماید

۱۱/۱۴، نحاشی

۲۵۰۰ - تهذیب الأحکام - به نقل از محمد بن مسلم یا
زراره - [امام عليه السلام] فرمود «بما گزاردن بر مُرده»،
پس از به خاک سپاری اش، همان دعا کردن است
گفتم پیامبر عليه السلام بر نجاشی نماز بخواند ؟

فرمود «نه! فقط برایش دعا کرده»

۱۲/۱۴، خلف مانندگان شهدای احد

۲۵۰۱ پیامبر خدا عليه السلام - در دعا برای یارماندگان شهیدان
أحد - بار خدا را عم و سدوه را از دل هایشان ببرد
و به مصیبت آنان مرد عطا کن و به یارماندگانشان
عوض بیکو ده

۱۳/۱۴، پسری از انصار

۲۵۰۲ المعجم الصغير - به نقل از انس - روزی،
پیامبر عليه السلام به پسری از انصار فرمود «کعشم را
به من بده»

پسرک گفت: ای پیامبر خدا! پدر و مادرم
هدایت! اجازه دهید من آن را به پایت کم

پیامبر خدا گفت: «یار خدا یا! این بنده ات در صد
جلب خشودی تو ست پس، از او خشود باش»

۱ الخرائج والجرانج ج ۱ ص ۹۰ ح ۱۵۰

۲ تهذیب الأحکام ج ۳ ص ۲۰۲ ح ۴۷۳

۳ شرح معجم الاثر ج ۱ ص ۱۵ ح ۴۲

۴ المعجم الصغير ج ۲ ص ۱۴۲

۱۴/۱۴. الأُمَّةُ الْإِسْلَامِيَّةُ

۱۴/۱۴. اُمَّتِ اِسْلامی

۲۵۰۳ الإمام علیؑ: إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: سَأَلْتُ رَبِّي تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثَلَاثَ حِصَالٍ فَأَعْطَانِي اثْنَيْ وَ مِئْتَيْنِ وَجَدَةً

۲۵۰۳. امام علیؑ: پیامبر ﷺ فرمود: «ار خداوند -تبارک و تعالی- سه چیز خواسته‌ام دو تایی آنها را به من داده و یکی را نداده است گفتم پروردگارا! ائت مرا اگر سه بمیران.

قُلْتُ يَا رَبِّ لَا تُهْلِكَ أُمَّتِي جَوْعًا، قَالَ لَنْكَ هَبِو. قُلْتُ يَا رَبِّ لَا تُسَلِّطْ عَلَيْهِمْ عَدُوًّا مِنْ غَيْرِهِمْ -بَعِي مِنَ الشُّرَكِيِّينَ- فَتُجْتَاحُوهُمْ^۱، قَالَ لَنْكَ ذَلِكَ قُلْتُ يَا رَبِّ لَا تُجْعِلْ بَأْسَهُمْ بِسَهُمْ فَتَقْتَلِي هَبِو^۲

فرمود: «خواسته‌ات را اجابت کردم» گفتم پروردگارا! بر آنها دشمنی از غیر خودشان -یعنی مشرکان- را مسلط مکن که ریشه کشان کند

۲۵۰۴ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ وَعَدِي فِي أُمَّتِي وَأَجَارَهُمْ مِنْ ثَلَاثٍ لَا يَفْعَلُهُمْ بِشَيْءٍ^۳، وَلَا يَسْتَأْجِلُهُمْ عَدُوٌّ، وَلَا يَحْمَتُهُمْ عَلَى ضَلَالَةٍ^۴

فرمود: «خواسته‌ات اجابت شد» گفتم پروردگارا! سحّی (گرفتاری) در پیشان قرار نده

۱- محمد [اس] را بی‌پاسخ گذاشت؛

۱۵/۱۴. دُعَاءُ النَّبِيِّ ﷺ لِقَوْمِهِ

۲۵۰۵ پیامبر خداﷺ خداوند در سوره اَنعَم به من وعده داد و از سه چیز در امانتان داشت گرفتار فحطی هر گیر شدن نکند، هیچ دشمنی، آنها را نبود ساردا^۱ و همه آنان [با هم] راه گم‌راهی را در پیش نگیرند

۲۵۰۵ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: اللَّهُمَّ اَعْرِضْ قَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ^۵ ۲۵۰۶ الشَّيْخُ بِتَعْرِيفِ حَقِّقِ الْمَصْطَفَى رَوَى أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ لَمَّا كُسِرَتْ رِجْلَيْتُهُ وَشُجَّ وَجْهُهُ يَوْمَ أُحُدٍ، شَقَّ ذَلِكَ عَلَى أَصْحَابِهِ شَقًّا شَدِيدًا، وَقَالُوا لَوْ دَعَوْتَ عَلَيْهِمْ، فَقَالَ: إِنِّي لَمْ أَبْعَثْ لَعْنًا وَلَكِنِّي بُعِثْتُ دَاعِيًا وَرَحْمَةً، اللَّهُمَّ اهْدِ قَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ^۶

۱۴ ۱۵ دعای پیامبر ﷺ برای قومش

۲۵۰۵. پیامبر خداﷺ: خداوند! قوم را بپامرد، که آنان نادان‌اند

۲۵۰۶ الشَّيْخُ بِتَعْرِيفِ حَقِّقِ الْمَصْطَفَى، رَوَايَتٌ شَدِيدَةُ اسْبَ که چون در جنگ أُحُد، دندان‌های میانی پیامبر ﷺ شکست و صورتش شکافته شد، این حادثه بر بارانش سحّت گران آمد و گفتند: کاش برایشان کسی! فرمود: «من برای لعن [و نفرین] مبعوث نشده‌ام، بلکه برای دعوت [به حق] و ر سیر مهر، بر می‌گنجته شده‌ام. باز خدا یا! قوم مرا هدایت فرما، که آنان نادان‌اند»

۱ یُجَنِّحُ بِمِثْلِهِ وَيُشْفِي عَلَيْهِ (التهذيب ج ۱ ص ۳۱) (مروج)

۲ التَّحْصِيلُ ص ۸۲ ج ۹

۳ الشَّيْخُ الْحَدِيثُ فِي الْإِسْلَامِ ج ۲ ص ۴۱۳ (مروج)

۴ سنن الدارمی ج ۱ ص ۳۳ ج ۵۴

۵ صحيح ابن حبان ج ۳ ص ۲۵۱ ج ۹۷۳

۶ الشَّيْخُ بِتَعْرِيفِ حَقِّقِ الْمَصْطَفَى ج ۱ ص ۱۰۵

۲۵۰۷. صحیح البخاری عن ابي هريرة: قَدِمَ الطُّفَيْلُ بْنُ عَمْرِو
عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ دَوْسًا قَدْ
عَصَبَ وَأَبَتْ فَأَدْعُ اللَّهَ عَلَيْهَا فَظَرَّ النَّاسُ نَدْوًا يَدْعُو
عَلَيْهِمْ فَقَالَ: اللَّهُمَّ اهْدِ دَوْسًا وَابْتِ بِهِمْ.^۱

۲۵۰۸. صحیح البخاری عن عبد الله بن مسعود: كَأَنِّي أَنْظُرُ
إِلَى النَّبِيِّ ﷺ يَحْكِي نَبِيًّا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ ضَرْبُهُ دَوْمَةٌ
فَأَدَمَوْهُ وَهُوَ يَمْسَحُ الدَّمَ عَنْ وَجْهِهِ وَيَقُولُ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ
لِقَوْمٍ فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ.^۲

۲۵۰۷ صحیح البخاری - بہ نقل از ابو ہریرہ -۔ طفیل بن عمرو، خدمت پیامبر خدا رسید و گفت ای پیامبر خدا! قبیلہ دوس، باہر ماسی و سرپیچی کردند پس دریشان کن

مردم گمان بردید کہ پیامبر ﷺ آنان را سرخس می کند؛ اما ایشان گفت: «اے خدا یا! دوس را ہدایت فرما و آنان را [بہ دیں اسلام] بیاور»

۲۵۰۸ صحیح البخاری - بہ نقل از عبد اللہ بن مسعود -، گویی پیامبر ﷺ را می بینم کہ پیامبری از پیامبران را مجسم می سازد کہ قوسش او را زدند و خون آلودش کردند و او خون از چہرہ اش پاک نمی کند و می گوید: «اے خدا یا! قوم مرا ببامرز، کہ باطل نادان اند»

۱ صحیح البخاری ج ۵ ص ۳۲۹ ح ۶۰۲۴

۲ صحیح البخاری ج ۳ ص ۱۲۸۲ ح ۳۲۹۰

نکاتی درباره دعای پیامبر ﷺ برای دیگران

پیامبر ﷺ و اهل بیت بر رگوارش ﷺ مظهر صفات و اسمای حسای الهی (و از جمله، مظهر رحمت و حکمت خداوند متعال) هستند و از این رو، به مقتضای حکمت، دیگران را از ادعیه راکیه و مستجاب خود، بهره‌مند می‌کردند و مشمول عدیت و رحمت الهی قرار می‌دادند.

در این رابطه چند نکته قابل توجه است

۱. دعاهای پیامبر ﷺ را به چند دسته می‌توان تقسیم کرد

دسته اول: دعاهایی که حامل پیامی برای جامعه اهل‌بیت است.

دسته دوم: دعاهایی که برای تأمین سیرهای کسانی است که از پیامبر خدا، تقاضای دعا کرده‌اند.

دسته سوم: دعاهای پیامبر خدا در مورد کسانی است که به ایشان خدمتی کرده‌اند.

۲. دعاهای پیامبر خدا برای اهل بیت خود، حامل پیام‌های عنفودی و سیاسی برای امت اسلامی و حاکی بر شخصیت والای آنان و جایگاه بلندشان در اسلام است مانند آنچه از پیامبر ﷺ در حدیث کساء درباره اهل بیت ﷺ آمده که می‌فرماید:

اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَحَاضِنِي، اللَّهُمَّ أَذْهَبْ عَنْهُمْ الرُّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً^۱

خدایا! ایان اهل بیت من و مقربان من! خدایا! هر گونه بلندی را از آنان دور بدار و با پاک‌ساختن ویژه پاکشان

گردان

همچنین دعاهایی که از پیامبر ﷺ درباره فردی مانند ابودر و امثال وی صادر شده، حکایت از جلالت و عظمت و جایگاه رفیع معنوی آنها دارد. پس گونه دعاهای سیرگاه دارای پیام سیاسی و اجتماعی هستند.

۳. دعاهای پیامبر خدا برای تأمین سیرهای دیگران یا برای کسانی که خدمتی به ایشان داشته‌اند نیز دارای پیام اعتقادی است؛ زیرا حاکمیت این دعاهای حاکی بر جایگاه رفیع پیامبر ﷺ نزد خداوند متعال است؛ اما باید توجه داشت که این گونه از دعاهای بسیار که دلالتی بر جایگاه معنوی اشخاصی که مورد دعا قرار گرفته‌اند، نداشته باشد از این رو، دانشمندان علم رجال هر دعایی را از سوی پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ، دلیل شایستگی و

۱. ر. ک. بیح القنده یا ترجمه فارسی ج ۲ ص ۹۴ ح ۱۹۳

عدالت و مورد وثوق بودن شخصی که درباره او دعا شده، نمی‌داند، چنان‌که در حدیثی، پیامبر ﷺ برای شخص یهودی که خدمتی به آن حضرت کرده بود، فرمود:

اللَّهُمَّ جَمِّلْهُ ...^۱

خدایا! او را زیبا گردان.

و در ثرائین دعا، موی سپید او سیاه شد



۱۶/۱۴ دُعَاءُ الْغَمِّ ﷺ فِي الْإِسْتِسْقَاءِ

۲۵۰۹ صحیح البخاری عن انس. يَمِنَا النَّبِيُّ ﷺ يَخْطُبُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، إِذْ قَامَ رَجُلٌ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَلَكْتُ الْكَرَاعُ^۱، وَهَلَكَ الشَّاءُ، فَأَدْعُ اللَّهُ أَنْ يَسْقِيَنَا فَمَدَّ يَدَيْهِ وَدَعَا^۲

۲۵۱۰ صحیح البخاری عن انس. يَمِنَا النَّبِيُّ ﷺ يَخْطُبُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَقَامَ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ادْعُ اللَّهُ أَنْ يَسْقِيَنَا

فَتَعَيَّنَتِ السَّمَاءُ وَمُطَرًا، حَتَّى مَا كَادَ الرَّجُلُ يَصِلُ إِلَى مَرْلِيهِ، فَلَمْ تَرَلْ تُمَطَّرُ إِلَى الْجُمُعَةِ الْمُتَعَيَّنَةِ، فَقَامَ ذَلِكَ الرَّجُلُ أَوْ غَيْرُهُ فَقَالَ أَدْعُ اللَّهُ أَنْ يَصْرِفَهُ عَنَّا صَدَّ عَرَفَا

همان: اللَّهُمَّ خَوَالِيَا وَلَا عَلَيَا فَبَجَعَلَ السَّمَاءَ يَمُطَّرُ حَوْلَ الْمَدِينَةِ، وَلَا يُمَطَّرُ أَهْلُ الْمَدِينَةِ^۳

الفصل الخامس عشر: الدُّعَاءُ عَلَى الْآخِرِينَ

من لا يبسعي الدُّعَاءُ عَلَيْهِ

أ- الْأَوْلَادُ وَالْأَجْنَاءُ وَالْخُدَمُ

۲۵۱۱ رسول الله ﷺ لَا تَدْعُوا عَلَى أَوْلَادِكُمْ فَيُؤْتَقَ دَلِيلُ إِبَاجَةِ^۴

۲۵۱۲ عنه ﷺ لَا تَدْعُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ، وَلَا تَدْعُوا عَلَى أَوْلَادِكُمْ، وَلَا تَدْعُوا عَلَى خَدَمِكُمْ، وَلَا تَدْعُوا عَلَى

۱. الْكَرَاعُ اسم لجميع الخيل (النهاية ج ۴ ص ۱۶۵ ذكره)

۲. صحیح البخاری ج ۱ ص ۳۱۵ ح ۸۹۱

۳. صحیح البخاری ج ۵ ص ۲۳۵ ح ۵۹۸۲

۴. المفردوس ج ۵ ص ۵۱ ح ۷۱۳۲

۱۶/۱۴ دُعَايِ پَنَاسِ ﷺ مَرَايِ نَارِشِ بَارَانَ

۲۵۰۹ صحیح البخاری - به نقل از انس - پیامبر ﷺ، روز جمعه مشغول خواندن خطبه بود که مردی برخواست و گفت ای پیامبر خدا! چارپایان هلاک شدند و گوسفندان تلف گشتند دعا کن که خدا به ما باران بدهد

پس پیامبر ﷺ دست به آسمان برداشت و دعا کرد

۲۵۱۰ صحیح البخاری - به نقل از انس -، پیامبر ﷺ، روز جمعه خطبه می‌خواند که مردی برخواست و گفت ای پیامبر خدا! دعا کن که خداوند بر ما باران ببارد

ماگهان، آسمان ابری شد و باران فرو بارید، چنان‌که مردم خود را به رحمت به منارشان رساندند، باران تا جمعه آینده ادامه داشت، پس همان مردی که دیگر برخواست و گفت دعا کن که خداوند، باران را برای ما بند آورد، که اب، همه جا را برد

پیامبر ﷺ گفت: «بار خدایا! در اطراف ما بباران، به بر ما»

ماگهان ابرها در پیرامون مدینه پراکنده شدند و در خود مدینه، باران بند آمد

فصل پانزدهم: نُهَرین کردن به دیگران

کسانی که نباید نُهَریشان کرد

الف - فرزندان، دوستان و خدمتکاران

۲۵۱۱ پیامبر خدا ﷺ فرزندان خود را نُهَرین نکنید، مبدا یک وقت به اجابت برسد

۲۵۱۲ پیامبر خدا ﷺ به خردتان نُهَرین نکنید، به فرزندانان نُهَرین نکنید، به خدمتکارانتان نُهَرین

أَمْوَالِكُمْ، لَا تَوَافِقُوا مِنْ أَفْوِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَعَاةً سِلَ
فِيهَا عَطَاءٌ، فَيَسْتَجِيبَ لَكُمْ^۱

نکبید و به اموال خود، نفرین نکید [و پراممکن است
ایں نفرین، در لحظه‌ای باشد که در آن [از جانب
خداوند] دهش می‌شود و نفرینتان در مستجاب کند

ب - الْمُذْنِبُ

ب - گناهکار

۲۵۱۳ السنن الکبری عن أمي هريرة بن النسيب رضي
بشارب فأمر النبي ﷺ أصحابه أن يصربوه فيهم من
صربة ينعليه، ومنهم يذره، ومنهم يشويه، ثم صار
يرجعوا، ثم أمرهم فبكثوة^۲، فقالوا: ألا تستعفي، مع
رسول الله ﷺ تصع هذا؟ ثم رسله، فلما دبر وقع
القوم يدعون عنده ويمسونه، يقول القائل منهم
أخبره، اللهم العنه، فقال رسول الله ﷺ

۲۵۱۳ السنن الکبری - به من از ابو هریره - شریحوارى
را برد پیامبر ﷺ آوردند پیامبر ﷺ به پارانیش فرمود که
او را برسد یکی با کفش خویش بر آورد، دیگری به
دستش و یکی با جامه‌اش سپس، پیامبر خدا فرمود
«برگردند»

د گاه، دستور داد تا او را سرریش کند
اصحاب گفتند شرم نمی‌کشی که با بودن پیامبر
خدا، چنین می‌کنی؟

سپس پیامبر ﷺ او را رها کرد چون رفت،
جامعیت به نفرین و دشنام‌گویی وی پرداختند
گویند ای گم‌گشته یار خدایا! خوارش کن یار خدایا!

لَا تَقُولُوا هَكَذَا وَلَكِنْ قُولُوا اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ، اللَّهُمَّ
ارحمه^۳

ج - من لا يستحق

مرتبیت شکوای رسول

۲۵۱۴ رسول الله ﷺ إذا خرجت الفضة من ي صاحبها
نظرت، فإن وجدت مسلماً في الدى وجهت إليه،
وإلا عادت إلى الدى فخرجت منه^۴

پیامبر خدا فرمود: «چسب می‌گویند» سکه بگویند
یار خدایا! او را بیاورد یار خدایا! بر او رحم او را
ج - کسی که مستحق نفرین نیست

الفصل السادس عشر من دعا عليهم

۲۵۱۲ پیامبر خدا ﷺ هرگاه لعنت از دهان لعنت‌کننده
خارج شود، می‌نگردد اگر راهی [و وجه استحقاقی] [
در آن کسی که نه او لعنت فرستاده شده است، نیافت
به سوی کسی که از او صادر شده است، بر می‌گردد]
فلان لعنت‌کننده را می‌گیرد

رسول الله ﷺ

۱/۱۶ أبو موسى الأشعري

فصل شانزدهم کسانی که پیامبر خدا ﷺ

نفرینشان کرد

۱/۱۶ أبو موسى اشعري

۲۵۰۵ الأمالی، طوسی - نه نقل از ابو محیی - شیدم

۲۵۱۵، الأمالی للطوسي عن أبي بصير سمعتُ عمار بن

۱ - سنن ابی طوود ج ۲ ص ۸۸ ح ۱۵۳۲

۲ - التبیات التمریح والترویج یقال له با فاسق لما استخیت
لما اتفقت الله (التهامة ج ۱ ص ۱۶۸ «یکس»)

۳ - السنن الکبری ج ۸ ص ۵۴۲ ح ۱۷۴۹۵

۴ - کز المعانی ج ۳ ص ۶۱۶ ح ۸۱۶۹

يَا سِرُّ مُعَاتِبٍ أَمَا مُوسَى الْأَشْفَرِيُّ وَيُؤَيِّدُهُ عَلَى ثَأْخَرِهِ
عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام، وَقَعُودِهِ عَنِ الدُّحُولِ لِي
يَبْعَثَهُ، وَيَقُولُ لَهُ:

يَا أَمَا مُوسَى مَا الَّذِي أَخْرَجَكَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ؟
فَوَافِرُ لَيْسَ شَكَّكَتَ فِيهِ لَتَحْرُجَنَّ عَنِ الْإِسْلَامِ، وَأَبُو
مُوسَى يَقُولُ لَهُ لَا تَقْعَلْ، وَدَعْ عِتَابَكَ لِي، فَإِنَّمَا أَنَا
أَخُوكَ.

فَقَالَ لَهُ غَمَّازٌ مَا أَنَا لَكَ بِأَجٍ، سَمِعْتُ رَسُولَ
اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَلْعَنُكَ لِهَذِهِ الْعَقَبَةِ، وَقَدْ هَمَمْتُ مَعَ الْقَوْمِ بِمَا
هَمَمْتُ، فَقَالَ لَهُ أَبُو مُوسَى أَفَلَيْسَ قَبُولُ اسْتَعْرَافِي؟

سَالِ غَمَّازٌ قَدْ سَمِعْتُ الْأَمْرَ وَلَمْ أَسْمَعْ
الْإِسْجَاعَ.^۱

۲/۱۶ الْأَشْعَثُ بْنُ قَيْسٍ وَدُرَيْقَةُ

۲۵۱۶ الکافی عن سدید قال لی أبو جعفر عليه السلام یا سدید،
بَلَّغْنِي عَنْ يَسَاءِ أَهْلِ الْكُوفَةِ جَمَالًا وَخُسْرًا تَسْتَعْلِي،
فَاتَّبَعْتُ لِي امْرَأَةً دَابَّ جَمَالٍ فِي مَوْجِحٍ فَقُلْتُ قَدْ
أَصْبَحْتُهَا جُودًا فَبَدَأَ، فَلَأَنَّهُ بَشَّ فُلَانٍ ابْنَ مُحَمَّدٍ بِنِ
الْأَشْعَثِ بْنِ قَيْسٍ

فَقَالَ لِي يَا سَدِيدُ، إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَعَنَ
قَوْمًا، فَجَزَّتِ اللَّعْنَةُ فِي عِقَابِهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ،
وَأَنَا أَكْزَرُهُ أَنْ يُصِيبَ جَسَدِي جَسَدَ أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ
النَّارِ.^۲

که عمار بن یاسر، ابو موسی اشعری را به سبب
درنگش در پیوستن به علی بن ابی طالب عليه السلام و
خودداری از بیعت با او، سررش می‌کند و به او
می‌گوید ای ابو موسی! چه چیز باعث شد که از
امیر مؤمنان، کناره‌گیری؟ نه خدا سوگند که اگر
در [حقانیت] او شک داشته باشی، قطعاً از اسلام
خارج شدی.

ابو موسی به او گفت: نکوهشم مکن و از
سررش من، دست بردار، که من برادر توام
عمار به او گفت من، برادر تو بیستم شبنم
که یاسر خدا، در شب هفت، تو را که با آن مردم
هم‌داستان شده بودی، لعنت می‌کند
ابو موسی گفت: ناخر این است که برای من،
طلب امرش کرد؟

عمار گفت من، لعنت را شنیدم و طلب
مرزش را شنیدم

۲/۱۶ الْأَشْعَثُ بْنُ قَيْسٍ وَنَسْلُ لَوْ

۲۵۱۶ الکافی - به نقل از سدید - امام باقر عليه السلام به من
فرمود: ای سدید! شنیده‌ام که زنان کوفه ریبند و
بیکو شوهرداری می‌کنند، پس برو و از حایم، دبی
ریا بپایم بیاب.

من گفتم سراغ دارم، فدایت شوم! فلانی،
دختر فلان بن محمد بن اشعث بن قیس
فرمود: ای سدید! پیامبر خدا، عذای را
لعنت کرد و این لعنت، به نازمندگان آنان میر تا
رور قیامت، سرایت یافت و من، حوش ندارم که
پنجم به بدن یکی از دورخیان بهورده

۱ الکافی للطوسی، ص ۱۸۱ ح ۳۰۱

۲ الکافی، ج ۵ ص ۵۶۹ ح ۵۶

۳/۱۶ الحکم بن ابی العاص

۳/۱۶ حکم بن ابی العاص

۲۵۱۷ الخرائج والخراج عن جابر إن الحکم بن أبی
عاص عم عثمان بن عفان کان یسهری من رسول
الله ﷺ یحطوئیه فی مشیئیه . ویسحر منه ، وکان رسول
الله ﷺ یشی یوماً وانحکم حلقه یخترک کفیه ویکسر
بیده خدع رسول الله استهزاء منه بمشیئیه ﷺ

۲۵۱۷ الخرائج والخراج - به نقل از جابر - حکم بن
ابی العاص، عموی عثمان بن عفان، ادای راه رفتن
پیامبر خدا را در می آورد و ایشان را مسخره
می کرد. روزی پیامبر خدا می رفت و حکم، در
پشت سر او شلله های خود را می حاند و
دستانش را پیچ و خم می داد و راه رفتن ایشان را
مسخره می نمود

فأشار رسول الله ﷺ بیده وقال، هكذا فکس!
فتبني الحکم علی تلك الحال من تحريك أكتافه
وتكبير يديه ثم نهأ عن المدينة ولعمري، فکان
مطروداً إلى انمام عثمان، فردءه إلى المدينة وأكرمه^۱

۴/۱۶ غنیمة بن ابی لهب

پیامبر خدا، با دستش اشاره کرد و فرمود
«همین سان نما!»

پس، حکم بر آن حال حبیبیدن شانها و
حمیدگی دست هایش، باقی ماند

۲۵۱۸ دلائل النبوة عن ابن طاووس عن أمه لَمَّا تَلَا
رسول الله ﷺ «وَالنَّحْمُ لِرَاهَوِي»^۲ قَالَ غَنِيمَةُ بْنُ
أَبِي لَهَبٍ كَفَرْتُ بِرَبِّ النُّجُمِ!

پیامبر ﷺ بعدها او را از مدینه تبعید کرد و لعنتش
نمود ﷺ تا دورگار عثمان، همچنان در تبعید بود
عثمان، او را برگرداند و گرامی اش داشت

فقال رسول الله ﷺ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْكَ كَلْباً مِنْ

۴/۱۶ غنیمة بن ابی لهب

۲۵۱۸ دلائل النبوة - به نقل از ابن طاووس، از پدرش -
چون پیامبر خدا آیه «وَالنَّحْمُ لِرَاهَوِي» (سوگند به اختر چون برود آید)
را تلاوت کرد، غنیمه بن ابی لهب گفت: به خداوند
حشر، کافر!

پیامبر خدا فرمود: «خداوند، درنده ای را
در تنگدانش رابر تو مسلط گرداند»

كَلَابَةٍ
قَالَ فَخَذَّقَنِي مُوسَى بْنُ مَخْلَبٍ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ
أَبِيهِ، قَالَ: خَرَجَ غَنِيمَةُ مَعَ أَصْحَابِهِ فِي عَجَرٍ إِلَى الشَّامِ
حَتَّى إِذَا كَانُوا بِالشَّامِ فَرَأَوْا الْأَسَدَ، فَحَمَلَتْ قَرَانِصُهُ^۳
تُرْعَدُ، فَقِيلَ لَهُ: مِنْ أَيِّ شَيْءٍ تُرْعَدُ؟ فَوَلَّوْهُ مَا نَحَرُوا
وَأُنْثِيَ إِلَّا سَوَاءُ

موسی بن مخملد بن ابراهیم، از پدرش برایم
نقل کرد که غنیمه با یارانش در کاروانی رهسپار شام
شدند چون به شام رسیدند، شیری عزیمت بلند
عنبه به لرزه افتاد، به او گفتند از چه به لرزه
افتادی؟ به خدا سوگند که ما و تو یکسانیم.

۱ الخرائج والخراج ج ۱ ص ۱۶۸ ح ۲۵۸

۲ النجم ۱

۳ القریصة اللحم الذي بين الكتف والمعدة، وترعد فرائصه

أي ترعب (لسان العرب ج ۷ ص ۶۱ ودر ص ۴)

فَقَالَ: إِنَّ مُحَمَّدًا دَعَا عَلَيَّ، لَا وَاللَّهِ مَا أَظَلُّتُ
السَّمَاءَ عَنِّي دِي لَهَجَةٍ أَصَدَّقَ مِنَّ مُحَمَّدٍ، ثُمَّ وَضَعُوا
الْعِشَاءَ فَلَمْ يُدْجِلْ يَدَهُ مِيهَ، ثُمَّ جَاءَ النَّوْمُ فَحَاطُوا
بِمَتَاعِهِمْ وَوَسَطُوا بِمَنَّهُمْ وَبَامُوا، فَجَاءَهُمُ الْأَسَدُ
يَهْمِسُ يَسْتَنَشِقُ رُؤُوسَهُمْ رَجُلًا رَجُلًا، حَتَّى اسْتَهَى
إِلَيْهِ فَضَغَمَهُ أَضْعَفَةً كَانَتْ إِنْيَاهَا، فَفَرَّغَ وَهُوَ بِأَجْرِ رَمَقٍ
وَهُوَ يَقُولُ: أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنَّ مُحَمَّدًا أَصَدَّقُ نَاسٍ؟
وَمَاتَ^۱

۲۵۱۹. المستدرک علی الصحیحین عن أبي عفریہ کان
لهب بن أبي لهب^۲ يسب النبي ﷺ، فقال النبي ﷺ
اللهم سلط عليه كلبك

مخرج می قابله برید الشام، فرز من لا فقال:
إني أحاف دعوة محمد قالوا له كلاً، فحطوا متاعهم
حولة وعدوا بحر سونة، فجاء الأسد فاترعه فذهب
به^۱

۵/۱۶. خسروی آبرویز

۲۵۲۰. صحيح البخاري عن أبي عباس. إن رسول الله ﷺ
بعث بكتابه إلى خسري مع عبد الله بن خدافة السهمي،
فأمره أن يدقعه إلى عظيم البحرين، فدقعه عظيم
البحرين إلى خسري، فلما قرأه مرققه، فحسب أن بن

۱. القسم العنق الشديد، وبه سمي الأسد ضيعة، بزياده الواو
(النهاية ج ۳ ص ۵۹۱ ص ۵۹۲)

۲. دلائل النبوة لأبي يعقوب ص ۱۵۷ ح ۲۸۳

۳. قال في أسد ظفایة: قلت كذا قال لهب بن أبي لهب وعنه
القصة بعینه بن أبي لهب

۱. المستدرک علی الصحیحین ج ۲ ص ۵۸۸ ح ۳۹۸۴

عتیبه گفت: محمد، مرا نفرین کرده است. به
خدا سوگند که در زیر این آسمان، راستگوتر از
محمد، کسی نیست.

آن گاه، شام آوردند اما عتیبه دست به عدا نبرد.
وقت خواب شد و همفرانش کالاهای خود را
گرداگرد عتیبه نهادند و او را در میان خود گرفتند و
خوابیدند. شیرو، نفس ریان آمد و سر یکایک آنان را
بویید تا به او رسید و چنان او را به دندان گزید که
کارش را ساخت او در حالی که وحشت زده بود و
آخرین نفس هایش را می کشید، می گفت: نگفتم که
محمد، راستگوترین مردمان است؟ و مُرد

۲۵۱۹. المستدرک علی الصحیحین - به نقل از ابو عفریہ -
لهب بن أبي لهب^۱ به پیامبر ﷺ سب می گفت،
پیامبر ﷺ گفت: «بار خدا یا! در سده خود را بر او
سلط گردان»

باری آلهب با کاروانی رهسپار شام شد و چون در
سرلی فرود آمد، گفت: من از نفرین محمد، بیسناکم
کاروانیان به او گفتند، بیم مدار، و یار و بنده خود را
پیراموش قرار دادند و به نگهبانی از او نشستند در
بن هنگام، شیر آمد و او را زبود و بُرد.

۵/۱۶ خسروی پرویز

۲۵۲۰. صحيح البخاري - به نقل از ابن عباس - پیامبر
خدا، نامش را توسط عبد الله بن خدافة سهمی،
برای خسرو [پرویز] فرستاد و به او دستور داد که
نامه را به حاکم بحرین بدهد. حاکم بحرین هم آن
نامه را به خسرو داد. چون خسرو، نامه را خواند، آن را

۱. ابن النیر در أسد ظفایة آورده است: لهب بن أبي لهب،
چنین گفته، در حالی که این داستان، [طبق مشهور]،
مربوط به عتیبه بن أبي لهب است

الْمُسْتَهْبِ قَالَ قَدْ عَا عَلِيَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ يُمَرَّقُوا كُنْ
مُتَرَّقِي^۱

پاره کرد به گمانم این مستهیب گفت: پس، پیامبر
حدا برایشان کرد که نه کُلی، پاره پاره شوند

۶/۱۶ مَرَوَانُ بْنُ الْحَكَمِ

۶/۱۶ مروان بن حکم

۲۵۲۱ مَسْنَدُ أَبِي يَعْلَى عَنْ أَبِي يَحْيَى الصَّحْبِيِّ إِنَّ الْحَسَنَ
وَالْحُسَيْنَ ﷺ مَرَّ بِهِمَا مَرَوَانُ، فَقَالَ لَهُمَا قَوْلًا فَبِيحًا
فَقَالَ الْحَسَنُ أَوْ الْحُسَيْنُ ﷺ وَاللَّهِ ثُمَّ وَافَقَا، فَقَدْ
لَعَنَكَ اللَّهُ وَأَسَتْ مَيَّ صُلْبِ الْحَكَمِ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّهِ ﷺ
قَالَ فَتَكَبَّ مَرَوَانُ^۲

۲۵۲۱ مسند ابی یعلی - به نقل از ابو یحیی صحبی -

مروان به حسن و حسین ﷺ برخورد و به آن دو
رستگویی کرد

حسن ﷺ یا حسین ﷺ فرمود: «به خدا سوگند،
نه حد سوگند که خداوند، تو را آن گاه که در پشت
حکم مودی، مارمان پیامبرش لعنت کرده است»
مروان، خاموش شد

۲۵۲۲ الْمُسْتَدْرَكُ عَلَى الصَّحِيحِينَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ
عَوْفٍ كَانَ لَا يُولَدُ لِأَخِيهِ مَوْلُودٌ إِلَّا أَتَى بِهِ الشَّيْءُ ﷺ
قَدْ عَاَهُ فَادْخَلَ عَلَيْهِ مَرَوَانُ بْنُ الْحَكَمِ فَمَقَالَ: هُوَ
الْوَرَعُ أَيْنَ الْوَرَعِ، الْمَلْعُونُ مِنَ الْمَلْعُونِ^۳

۲۵۲۲ المستدرک علی الصحیحین - به نقل از عبد الرحمن بن

عوف - مروان هیچ کس فرزندی راده نمی شد،
مگر آن که او را برد پیامبر ﷺ می آوردند و ایشان،
برش دعا می کردند مروان بن حکم را که سر
ایشان از او افتاد، فرمود: «وَرَع، پسر وَرَع، ملعون،
پسر ملعون»

۷/۱۶ مُعَاوِيَةُ وَعَمْرُو بْنُ عَاصٍ

۷/۱۶ معاویه و عمرو بن عاص

۲۵۲۳ الْمَعْجَمُ الْكَبِيرُ عَنْ أَبِي عَنَاسٍ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ
صَوْتَ زَجَلِينَ يُعَيَّيَانِ وَهُمَا يَقُولَانِ
يَسْرَالُ^۱ حَوَارِي يَلُوحُ عِظَامُهُ
زَوَى الْخَرِبَ عَنْهُ أَنْ يَجُزَّ فَيَقْتَرَا
فَسَأَلَ عَنْهُمَا فَمَثَلَ مُعَاوِيَةُ وَعَمْرُو بْنُ عَاصٍ
فَقَالَ اللَّهُمَّ ارْكُسْهُمَا فِي النَّبَةِ رَكْسًا، وَدَعْهُمَا
إِلَى النَّارِ دَعَاً^۲

۲۵۲۳ المعجم الكبير - به نقل از انس عئاس - پیامبر

حدا، صدای دو مرد را شنید که آواز می خوانند و
می گریند
همه سحر خوانهای آن پسر نزدیک،
هویذاست
و جنگ، او را باز می دزدش که کفش گرد و نه
گور سپرده شود

ایشان پرسید آن دو کیستند؟

گفته شد: معاویه و عمرو بن عاص

پیامبر ﷺ گفت: «نار خدا را آن دو را در فتنه،
نه سختی سرنگون ساز و با خشونت، به سوی
آتش برانسان»

۱ صحیح البخاری ج ۴ ص ۱۶۱۰ ح ۱۶۶۲

۲ مسند ابی یعلی ج ۶ ص ۱۷۳ ح ۶۷۳

۳ المستدرک علی الصحیحین ج ۴ ص ۵۲۶ ح ۸۱۷۷

۴ می المصدر ۲ ولا يزال، والمصحح ما أثبتته من دفعه مصر
ص ۲۱۹

۵ المعجم الكبير ج ۱۱ ص ۲۲ ح ۱۰۹۷۰

۸/۱۶ الْمُغِيرَةُ بْنُ الْعَاصِ

۲۵۲۱ تفسیر القمی، رَوَى أَنَّ مُغِيرَةَ بْنَ الْعَاصِ كَانَ رَجُلًا أَعْسَرَ، فَحَمَلَ فِي طَرِيقِهِ إِلَى أَحَدِ ثَلَاثَةِ أَحْجَارٍ، فَقَالَ يَهْدُونِي أَقْتُلُ مُحَمَّدًا، فَلَمَّا حَضَرَ الْقِتَالُ نَظَرَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَبِهِ السَّيْفُ، فَرَمَاهُ بِخَجَرٍ فَأَصَابَ بِهِ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَسَقَطَ السَّيْفُ مِنْ يَدِهِ، فَقَالَ قَتَلْتُهُ وَاللَّابِ وَالْمَرِي!

فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: كَذَبَ لَعَنَهُ اللَّهُ! فَرَمَاهُ بِخَجَرٍ آخَرَ، فَأَصَابَ جَبْهَتَهُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ اللَّهُمَّ حَيِّرْهُ فَلَمَّا انْكَشَفَ النَّاسُ تَحَيَّرَ فَلَجَفَّهُ عُمَارُ بْنُ يَاسِرٍ فَقَتَلَهُ^۱

۹/۱۶ الْوَلِيدُ بْنُ عُقْبَةَ

۲۵۲۵ الإمام ع: إِنَّ امْرَأَةَ الْوَلِيدِ بِنْتِ عُقْبَةَ حَامَتْ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، تَشْتَكِي الْوَلِيدَ أَنَّهُ يَصْرِفُهَا، فَقَالَ لَهَا إِرْجِعِي قَوْلِي لَهُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَدْ أَجَازَنِي فَأَطَاعْتُ، فَمَكَّنْتُ سَاعَةً ثُمَّ جَاءَتْ، فَهَاتَتْ بِهَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مَا أَتْلَعَ عَنِّي، فَقَطَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ هُدْبَةً مِنْ ثَوْبٍ فَأَعْطَاهَا، فَقَالَ قَوْلِي إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَدْ أَجَازَنِي، هَذِهِ هُدْبَةٌ مِنْ ثَوْبِهِ

فَمَكَّنْتُ سَاعَةً، ثُمَّ إِنِّي رَجَعْتُ، فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا رَأَيْتَنِي إِلَّا ضَرْبًا، فَرَفَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَدَيْهِ، فَقَالَ «اللَّهُمَّ عَلَيْكَ بِالْوَلِيدِ» مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا^۲

۱ تفسیر القمی ج ۱ ص ۱۱۸

۲ فی تاریخ دمشق ج ۶۳ ص ۳۶ ح ۱۲۹۷۱ «نوبه» وصر الأنسب بالسياق

۳ مستدرک علی ج ۱ ص ۱۸۱ ح ۲۸۹

۸/۱۶ مُغِيرَةُ بْنُ عَاصٍ

۱۵۲۲ تفسیر القمی روایت شده است که مُغیرَةُ بن عاص، مردی چپ دست بود و در راهش به اُحُد، سه پاره سنگ برداشت و گفت یا ایها محمد را می‌کشم چون در جنگ حاضر شد، چشمش به پیامبر خدا افتاد که شمیر در دستش بود سگی به سوی ایشان انداخت که به ایشان اصابت کرد و شمیر از دستش افتاد گفت: به لات و عرا سوگند که او را کُشتم! امیر مؤمنان فرمود: «دروغ می‌گویند، لعنت خدا بر او باد»

معبره، سگ دیگری به طرف پیامبر ﷺ پرتاب کرد که به پشانی ایشان خورد پیامبر خدا گفت: «بار خدایا! او را سرگردان نما»

پس، چون مردم پراکنده شدند، معبره، سرگردان مانده بود عمار بن یاسر، خود را به او رساند و وی را کُشت.

۹/۱۶ وَلِيدُ بْنُ عُقْبَةَ

۲۵۲۵ امام علی ع: همسر ولید بن عقبه، مرد پیامبر خدا آمد و از ولید، شکایت کرد که او را کتک می‌زند پیامبر ﷺ به او فرمود: برگرد و به او بگو پیامبر خدا، مرا پناه داده است»

در وقت ساعتی گذشت و باز آمد و گفت: ای پیامبر خدا از من، دست بردار نیست

پیامبر خدا، ریشه‌ای از جامه خود کند و به او داد و فرمود: «بگو پیامبر خدا، مرا پناه داده است و این هم، ریشه‌ای از جامه او است»

ساعتی گذشت دوباره برگشت و گفت: ای پیامبر خدا! بیش از پیش، مرا کتک زد

پیامبر خدا، دستانش را بلند کرد و دو یا سه بار گفت: «بار خدایا! به حساب ولید بر من»

۱۰/۱۶. طَوَائِفُ دَعَا عَلَيْهِمُ النَّبِيُّ ﷺ

۱۰/۱۶ گروه‌هایی که پیامبر ﷺ نفرینشان کرد

أَقْرَبُش

اقرب قریش

۲۵۲۶. صحيح البخاري عن عبد الله بن مسعود: سَمِعْنَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَائِمًا يُصَلِّي عِندَ الْكَعْبَةِ. وَجَمَعَ قُرَيْشٌ فِي مَحَالِسِهِمْ، إِذْ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ أَلَا نَنْظُرُونَ إِلَى هَذَا الْمُرَاتِي! أَيُّكُمْ يَقُومُ إِلَى جَرُورٍ أَلِ فُلَانٍ فَيَعْبُدُ إِلَهَ قُرَيْشٍا وَدِيهَا وَسَلَاهَا^۱. فَنَجِيءُ بِهِ، ثُمَّ نُمِئِلُهُ حَتَّى يَدْ سَجْدًا وَصَعَهُ بَيْنَ كَتِفَيْهِ^۲؟ فَاسْتَأْذَنَّا مِنْهُمْ، فَلَمَّا سَجَدَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَصَعَهُ بَيْنَ كَتِفَيْهِ، وَثَبَ لِسِي ﷺ سَاجِدًا، فَصَحَّجُوا حَتَّى مَالَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ مِنَ الصَّحْح

۲۵۲۶. صحيح البخاري، عبد الله بن مسعود گفت، پیامبر خدا، در کنار کعبه به نماز ایستاده بود و گروه قریش، در انجمن‌های خویش بودند که یکی از ایشان گفت: بنگرید این ریاکار را! کدام یک از شما حاضر است به کشتارگاه خاندان فلانی برود و سرگین و نخون و بچه‌دان کشته‌های آنها را ببرد و صبر کند تا چون به سجده رفت، آنها را بر پشت و گردن او بپندازد؟

بلندترین فرد آنان، برحاست و چون پیامبر خدا به سجده رفت، آن کثافات را بر پشت و گردن ایشان ریخت و پیامبر ﷺ همچنان در سجده ماند. قریش، شروع به خندیدن کردند، چنان که در شدت خنده به یکدیگر می‌خوردند

شخصی مرد فاطمه علیها السلام - که دختر بچه‌ای بود - رفت [و خبر بُرد] فاطمه علیها السلام دوان دوان آمد و آن کثافات را از پشت پیامبر صلی الله علیه و آله - که همچنان در حال سجده بود - کنار زد و به باسراگویی به آن جماعت پرداخت پیامبر خدا، چون نمازش را به پایان بُرد، گفت: «مار حدایا» قریش را گوشمالی ده، بار خدایا! قریش را گوشمالی ده مار حدایا قریش را گوشمالی ده»

سپس نام بُرد، «هار حدایا» عمرو بن هشام و عتبه بن ربیع و شیبۀ بن ربیع و ولید بن عتبه و امیة بن حلف و عتبه بن اسی معیط و عمارة بن ولید را گوشمالی ده»

عبد الله گفت، به خدا سوگند که دیدم این عتبه، در روز بدر، کشته شدند و اجسادشان را در چاه^۱

فاطمة مَطلو إلى فاطمة علیها السلام، وهى حَوَيرَة. فَأَمَلَتْ سَمَى وَثَبَ النَّبِيُّ ﷺ سَاجِدًا، حَتَّى أَقْبَضَتْهُ عَنْهُ وَأَمَلَتْ عَلَيْهِمْ سُنَّتَهُمْ، فَلَمَّا فَصَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الصَّلَاةَ، قَالَ

اللَّهُمَّ عَلَيْكَ قُرَيْشٌ، اللَّهُمَّ عَلَيْكَ قُرَيْشٌ النَّهْمُ عَلَيْكَ قُرَيْشٌ ثُمَّ سَمَى اللَّهُمَّ عَلَيْكَ بِحَمْرٍ وَبِ هِشَامٍ، وَغُتَيْبَةَ بْنِ رَبِيعَةَ، وَشَيْبَةَ بْنِ رَبِيعَةَ وَالْوَلِيدَ بْنَ عُتْبَةَ، وَأُمَيَّةَ بْنَ حُلَافٍ، وَغُتَيْبَةَ بْنَ أَبِي مُعَيْطٍ، وَعُمَارَةَ بْنَ الْوَلِيدِ

قَالَ عَبْدُ اللَّهِ ﷺ: قَوَّاهُ. لَقَدْ رَأَيْتَهُمْ صَرَعِي يَوْمَ بَدْرٍ، ثُمَّ سَجَّوْا إِلَى الْقَلِيبِ^۲ - قَلِيبٌ بَدْرٍ - ثُمَّ قَالَ رَسُولُ

لقیب گرنال ظالمراً قلیب، به پدای هم گفته می‌شود که گردبرداری شده، و می‌غزور سنگ‌چین و آهاده نشده است در این حدیث، گفته مراد، چاه‌های آب موجود در بدر است

۱ السی الجند الرقیق الذي يهرج فيه الولد من بطن أمه مطلقاً فيه (النهاية ج ۲ ص ۳۹۶) -

۲ القليب البئر (القاموس المحيط ج ۱ ص ۱۱۹) -

الله ﷻ: وَأَتَّبِعْ أَصْحَابَ الْقَبْرِ لَعَنَ^۱.

ریختند. سپس پیامبر خدا، فرمود: اَلْعَبْتُ بِبُيُوتِهِمْ
اَصْحَابِ جَهَنَّمَ يَادَا

۲۵۲۷ صحیح البخاری عن عبد الله بن مسعود: اسْتَقْبَلَ

۲۵۲۷ صحیح البخاری - به نقل از عبد الله بن مسعود -

النَّبِيُّ ﷺ الْكَعْبَةَ فَدَعَا عَلَى قُرَيْشٍ عَلَى شَيْبَةَ
بْنِ رَبِيعَةَ، وَعُتْبَةَ بِنِ رَبِيعَةَ، وَأَبُو لَيْدٍ بِنِ عُتْبَةَ، وَأَبِي
جَهْلٍ بِنِ هِشَامٍ، فَأَشْهَدُ بِأَنَّهُمْ لَقَدْ رَأَيْتُهُمْ صَرَخُوا قَدْ
عُتِّرَتْهُمْ الشَّمْسُ، وَكَانَ يَوْمًا حَارًّا^۲

پیامبر ﷺ رویه کعبه کرد و چند تن از قریش را بدویس
نمود: شیبۀ بن ربیعہ و عتبہ بن ربیعہ و ولید بن عتبہ و
ابو جهل بن هشام را. خدا را گواه می‌گیرم که لاشۀ
همه اینها را دیدم که بر زمین افتاده و آفتاب،
دگرگوشان ساخته است، و آن روز، یک روز داغ
بود

ب - الْأَحْرَابُ

۲۵۲۸ الإمام علي عليه السلام: رَسُوْلُ اللهِ ﷺ دَعَا يَوْمَ

ب - احزاب

الْأَحْرَابِ: اللَّهُمَّ مُرِّرْ الْكِتَابَ، مُنْشِرَ السَّحَابِ،
وَاصْبِحَ الْمِيرَانَ، سَرِيعَ الْحِسَابِ، اهْزِمِ الْأَحْرَابَ عَنَّا
وَذَلِّلْهُمْ^۳

۲۵۲۸ امام علی علیه السلام. پیامبر خدا در جنگ احزاب،
چین دعا کرد: «بار خدایا، ای فرو فرستنده کتاب، ای
گشاینده ابرها، ای گشتارنده ترلزو، ای حسابگر
سریع! این احزاب (طوایف و قبیله‌ها) را هم پیروسته بر
مذما) را در هم شکن و حواریشان گردان!»

۲۵۲۹ صحیح البخاری عن عبد الله بن أبي اوفى: رَسُوْلُ

۲۵۲۹ صحیح البخاری - به نقل از عبد الله بن ابی

رَسُوْلُ اللهِ ﷺ يَوْمَ الْأَحْرَابِ عَلَى الشَّرِكِيِّ فَقَالَ:
اللَّهُمَّ مُرِّرْ الْكِتَابَ، سَرِيعَ الْحِسَابِ، اللَّهُمَّ اهْزِمِ
لِلْأَحْرَابِ، اللَّهُمَّ اهْزِمْهُمْ وَزَلِّزْلِهِمْ^۴

اوفی: پیامبر خدا، در روز احزاب، به مشرکان
عربین فرستاد و گفت: «بار خدایا! ای فرو فرستنده
کتاب، ای سریع در حساب (رسی به اعمال خلق) بار
خدایا! احزاب را در هم شکن. بار خدایا! آنان را در
هم شکن و ترلریشان گردان!»

ج - مَنْ عَادَى عَلِيًّا

۲۵۳۰ رسول الله ﷺ: عَادَى اللهُ مَنْ عَادَى عَلِيًّا^۱

ج - هر که با علی علیه السلام دشمنی کند

۲۵۳۱ عنه ﷺ: يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ -: اللَّهُمَّ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاَهُ

۲۵۳۱ پیغمبر خدا ﷺ: خداوند، دشمنی کند با آن کس

فَقُلْتُ مَوْلَاَهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ،
وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَأَعِزْ مَنْ أَعَانَهُ^۲

که با علی دشمنی کند

۲۵۳۱. پیامبر خدا ﷺ - در روز غدیر خم -: بار خدایا!

هر که من مولای اویم، پس علی مولای اوست. بار
خدایا! دوستی کن با هر آن کس که با او دوستی کند و
دشمنی کن با هر آن کس که با او دشمنی کند و یاری
کن هر آن کس را که او را یاری کند و کمک کن به
کسی که او را کمک کند

۱ صحیح البخاری ج ۱ ص ۱۹۴ ح ۱۹۸

۲ صحیح البخاری ج ۱ ص ۱۴۵۷ ح ۲۷۱۳

۳ المعجمات ص ۲۱۸

۴ صحیح البخاری ج ۲ ص ۱۰۷۲ ح ۲۷۷۵

۵ الإصابة ج ۲ ص ۳۷۳ الرقم ۲۵۶۰

۶ المعجم الكبير ج ۱ ص ۱۷ ح ۳۵۱۴

۲۵۳۷. عنه ﷺ - فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ وَهُوَ عَلَى سَاقَتِهِ . ۲۵۳۲ پیامبر خدا ﷺ - در حجۃ الوداع، در حالی که بر بافه حویث سوار و دستش بر شانه عقی ﷺ بود -
وَبَدَأَ عَلَى مَكِيبٍ عَلَيَّ ﷺ - اللَّهُمَّ هَلْ بَلَغْتُ؟ اللَّهُمَّ هَلْ بَلَغْتُ؟ هَذَا ابْنُ عَمِّي وَأَبُو وَلَدِي . اللَّهُمَّ كُتِّبَ لِي عَادَةُ فِي النَّارِ!

د - قَتْلَةُ الْحُسَيْنِ ﷺ

۲۵۳۳ الإمام الصادق ﷺ كَانَ الْحُسَيْنُ ﷺ مَعَ أُمِّهِ تَحْمِلُهُ ، فَأَحْذَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ لَقَدْ لَقِيَ اللَّهُ قَاتِلِيكَ ، وَلَعَنَّ اللَّهَ سَالِيكَ ، وَأَهْلَكَ اللَّهُ الْمُتَوَارِثِينَ عَلَيْكَ وَحَكَمَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَ مَنْ أَعَانَ عَلَيْكَ ۲

د - قاتلان حسین ﷺ

۲۵۳۳ امام صادق ﷺ حسین ﷺ را مادرش [فاطمه ﷺ] در اعوش گرفته بود پیامبر خدا، او را گرفت و فرمود: خداوند، قاتلان تو را لعنت کند! خداوند، هارت کسبگان تو را لعنت کند! خداوند، هم‌دستانِ بر صَدِّ تو را نابود کند! خداوند، خود، میان من و کسانی که بر ضد تو می‌یازند، بگردد، داور می‌گردد، داور می‌گردد!

۱ المعجم الأوسط ج ۶ ص ۳۰۱ ح ۶۴۶۸

۲ کمال الزیارات ص ۱۴۱ ح ۱۷۰

تحلیلی درباره حکمت تفرین‌های انبیاء و اولیا

با ملاحظه دعاهای پیامبران و پیشوایان برگ اسلام علیه مجرمان، ممکن است این پرسش مطرح شود که چرا اوبی الهی که مظهر صفات و اسمای حسای نهی و تحییگاه رأفت و رحمت خداوند متعال هستند، بر صفت افرادی هر چند مجرم، دعا کرده‌اند؟ آیا بهتر نبود که بری هدایت و سعادت آنها دعا می‌کردید؟ آیا مجازات الهی برای آنها کافی بود که اولیای خدا می‌خواستند با تفرین، کیمر آنها را سنگین‌تر نمایند؟

پاسخ، این است که صفت و اسمای حسای نهی منحصر به صفات جمال نیست خداوند متعال، صفات جلال هم دارد

انبیاء و اوبی خدا، تنها مظهر صفات جمال نیستند؛ بلکه نماد صفات جلال خداوند متعال نیز هستند. خدای سبحان، در عین حال که ارحم الراحمین است، جمعی از مجرمان را تفرین می‌کند و دیگران را سیر به تفرین کردن آنها ترغیب می‌نماید و می‌فرماید:

فَإِنْ أَدْرَبْتَ بِكُفْرِهِمْ مَا أَزِلَنَّهُمْ مِنْ النُّصْبَةِ إِذْ أَلْهَوْا مِنْ يَقِيْنَةٍ بَشْتَةً لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ
الْمَلْعُونُونَ^۱

کسانی که بشانه‌های روش و رمعودی را که فرو فرستادیم، بعد از آن که آن را برای مردم در کتاب توصیح دادیم، پخته می‌دارند، آنان را خدا تفرین می‌کند و هر یک کنندگان [نیر] را لعن می‌کند ﴿﴾

بردی نیست که انبیاء و وبیای خدا سیر، ید به او ناسی نمایند و کسانی را که مورد خشم و لعنت خدا هستند، تفرین کنند. طبعاً چنین تفرین‌هایی آثار تربیتی دارند؛ ای سیر برای مؤمنان به همراه دارد که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد

الف- تقویت عقیده به انبیای الهی و اوصیای آنان

ب- نمایاندن جایگاه معنوی اوبیای الهی

ج- رسوا کردن شخصیت‌های سیاسی فاسد

د- پیشگیری از انحرافات اخلاقی و اجتماعی

الْمَسَائِلُ

الصَّوْمُ

الفصل الأول: فضائل شهر الصَّيام

۱/۱ عظمة شهر رمضان و حرمة

۲۵۳۱. رسول الله ﷺ: «لَوْ يَعْلَمُ الْعِبَادُ مَا فِي رَمَضَانَ لَتَمَنَّتْ أَنْ يَكُونَ رَمَضَانَ سَنَةً ۱»

۲۵۳۵. عنه ﷺ: «لَوْ عَلِمْتُمْ مَا لَكُمْ فِي رَمَضَانَ لَرَدْتُمْ بِهِ شُكْرًا ۲»

۲۵۳۶. عنه ﷺ: «لَا يَكُونُ شَهْرُ رَمَضَانَ عَسَدُكُمْ كَقَبْرِهِ مِنْ الشُّهُورِ، فَإِنَّهُ عَسَدُ اللَّهِ حُرْمَةً وَفَصْلًا عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ، وَلَا يَكُونُ شَهْرُ رَمَضَانَ يَوْمٌ حَسْبُكُمْ كَيَوْمِ بَطْرِكُمْ ۳»

۲/۱ خصال شهر الصَّيام

۲۵۳۷. رسول الله ﷺ: شعبان شهر ی، و شهر رمضان شهر الله ۴

۲۵۳۸. عنه ﷺ: شهر رمضان سَيِّدُ الشُّهُورِ ۵

۲۵۳۹. حسن ابی داوود عن عبدالله بن عمر رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا: «رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - وَنَا أَسْمَعُ - عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ، قَالَ

۱ فضائل الأشهر الثلاثة ص ۱۴ ح ۵۱

۲ نواب الاعمال ص ۹۲ ح ۱۲

۳ فضائل الأشهر الثلاثة ص ۹۵ ح ۷۸

۴ فضائل الأشهر الثلاثة ص ۱۴ ح ۲۰

۵ شرح الاخبار ج ۱ ص ۲۲۲ ح ۲۰۷

باب چهارم

روزه

فصل یکم. فصیلت‌های ماه روزه داری

۱/۱ عظمت و احترام ماه رمضان

۲۵۳۲. پیامبر خدا ﷺ: اگر سادگان می‌دانستند که در رمضان چه [برکاتی] هست، از رو می‌کردند که رمضان، یک سال باشد

۲۵۳۵. پیامبر خدا ﷺ: گر می‌دانستید که در رمضان برای شما چه انعمت‌ها و برکاتی [هست]، از سجده یا نذر بیشتر می‌پاس‌گراری می‌کردید

۲۵۳۶. پیامبر خدا ﷺ: هر ایه ماه رمضان پیش شما مثل ماه‌های دیگر باشد؛ چرا که سر حد اوید، احترام و بر سایر ماه‌ها برتری دارد حتماً در ماه رمضان، روز روزه‌داری شما مثل روز حور دستان باشد (ادب و حرمت این ماه را بنگه دلرید)

۲/۱ ویژگی‌های ماه رمضان

۲۵۳۷. پیامبر خدا ﷺ: شعبان، میانه من است و ماه رمضان، ماه خداست

۲۵۳۸. پیامبر خدا ﷺ: ماه رمضان، سرور ماه‌هاست.

۲۵۳۹. حسن ابی داوود - به نقل از عبد الله بن عمر - از

پیامبر خدا در باره شب قدر پرسیدند و من هم می‌شنم فرمود: «آن، در هر ماه رمضانی

«هِيَ فِي كُلِّ رَمَضَانَ»^۱

هست

۲۵۴۰ عَنْهُ عليه السلام تَرَكْتُ صُحُفَ إِبْرَاهِيمَ فِي أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَأُنِزِلَتِ التَّوْرَةُ لَيْسَتْ مَقْصِي مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَأُنِزِلَ الْإِنْجِيلُ ثَلَاثَ عَشْرَةَ لَيْلَةً حَتَّى مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَأُنِزِلَ الزَّبُورُ لِثَمَانِي عَشْرَةَ حَلَوْنَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَأُنِزِلَ الْقُرْآنُ فِي ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ^۲

۲۵۴۰ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله صُحُفَ إِبْرَاهِيمَ، در شب اول ماه رمضان منزل شد. تورات، شش [شب] از ماه رمضان گذشته، نازل شد. انجیل، سیزده شب از ماه رمضان گذشته، نازل شد. زبور، هجده [شب] از ماه رمضان گذشته، نازل شد و قرآن، در بیست و سوم ماه رمضان، نازل گشت

۳/۱. مَرَكَاتُ مَاہِ رَمَضَانَ

۳/۱ مَرَكَاتُ شَهْرِ رَمَضَانَ

الف- آموزش خداوند

أ- غُفْرَانُ اللَّهِ

۲۵۴۱ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنَّمَا سُمِّيَ رَمَضَانُ لِأَنَّهُ يُرْمَضُ الدُّنُوبُ^۳

۲۵۴۱ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رمضان را به این جهت رمضان نامیده‌اند که گناهان را می‌سوزانند

۲۵۴۲ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ماه رمضان، ماهی است که خداوند بروره آن را بر شما و جیب ساحت، پس هر کس آن را از روی ایمان و به امید پاداش (اللهی) روزه بدارد، از گناهانش بیرون می‌آید، همچون روزی که مادرش او را زاده است

۲۵۴۲ عَنْهُ عليه السلام شَهْرُ رَمَضَانَ شَهْرُ فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ صِيَامَهُ، فَمَنْ صَامَهُ إِيْمَانًا وَاحْتِسَابًا حَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ^۴

۲۵۴۳ عَنْهُ عليه السلام مَنْ صَامَ رَمَضَانَ وَعَرَفَ حُدُودَهُ، وَتَحَفَّظَ مِمَّا كَانَ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَتَحَفَّظَ مِنْهُ، كَفَّرَ مَا قَبْلَهُ^۵

۲۵۴۳ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر کس رمضان را روزه بدارد و حدود آن را بشناسد و خود را از آنچه سراوار خوشتناری در این ماه است، نگه بدارد، گناهان پیشین آن را پاک کرده است

ب- الْعَتَقُ مِنَ الْخَارِ

ب- رهایی از آتش

۲۵۴۴ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله سُمِّيَ شَهْرُ رَمَضَانَ شَهْرَ الْإِسْتِقَاةِ۲۵۴۴ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ماه رمضان را ماه آزادسازی

۱ من ابی داود ج ۲ ص ۵۴ ح ۱۳۸۷

۲ التکلیف ج ۲ ص ۶۲۹ ح ۶

۳ الفردوس ج ۲ ص ۶۰ ح ۲۳۳۹

۴ نهج‌الاحکام ج ۴ ص ۱۵۲ ح ۴۶۱

۵ مستدرک حیل ج ۴ ص ۱۱۰ ح ۱۱۵۲۴

لَا إِلَهَ إِلَّا فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ سِتْمِئَةِ عَتَقٍ، وَفِي آخِرِهِ مِثْلُ
مَا أُعْتِقَ يَمَامُصَى^۱

۲۵۱۵. عَنْهُ ﷺ إِنْ فِيهِ عَدَّ كُلَّ فِطْرَةٍ^۲ عَتَقَ^۳ مِنَ النَّارِ^۴

ج - تَصْفِيدُ الشَّيَاطِينِ

۲۵۱۶ رسول الله ﷺ إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ فَتَحَتْ أَبْوَابُ
الرَّحْمَةِ، وَعُلِقَتْ أَبْوَابُ جَهَنَّمَ، وَشَلَّيَ
الشَّيَاطِينُ^۵

۲۵۱۷ عَنْهُ ﷺ - مِنْ حُطَّتِ فِي آخِرِ جُمُعَةٍ مِنْ شَعْبَانَ -
يَا مَعْشَرَ النَّاسِ، إِذَا طَلَعَ هِلَالُ شَهْرِ رَمَضَانَ عَدَّتْ مَرَدَةُ
الشَّيَاطِينِ، وَفُتِحَتْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَأَبْوَابُ الرَّحْمَةِ
وَأَبْوَابُ الرَّحْمَةِ. وَعُلِقَتْ أَبْوَابُ النَّارِ^۶

۲۵۱۸. عَنْهُ ﷺ إِذَا كَانَ أَوَّلُ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ مَرَسَى
الْحَبْلُ بَارِكْ وَتَعَالَى « مَا حَسْرَتُ أَنْزَلَ
عَلَى الْأَرْضِ مَلَكًا فِيهَا مَرَدَةُ الشَّيَاطِينِ حَتَّى لَا يَهْبِدُوا
عَلَى عِبَادِي صَوْنَهُمْ »^۷

نامیده است: چون خداوند در هر روز و شب،
شصت و نهماد شده دارد و نیز در آخر ماه، به اندازه
آنچه در [روزها و شب‌های] گذشته آزاد کرده
است

۲۵۲۵ پیامبر خدا ﷺ خدا را به هنگام هر نوبت

افطار رازشدگانی از آتش است

ج - به بد کشیده شدن شیطان‌ها

۲۵۲۶ پیامبر خدا ﷺ چون ماه رمضان وارد شود،
درهای رحمت، گشوده، و درهای دوزخ بسته
می‌شوند و شیاطین به بد کشیده می‌شوند

۲۵۲۷ پیامبر خدا ﷺ - در سحرایی حویش در آخر
جمعه ماه شعبان ای گروه مردم! هرگاه هلال ماه
رمضان بر بد شیطانی سرکشی به بد کشیده
می‌شوند، درهای آسمان و درهای بهشت و
درهای رحمت، گشوده و درهای آتش، بسته
می‌شوند

۲۵۲۸ پیامبر خدا ﷺ چون شب اول ماه رمضان

شود، حادی با عظمت - تبارک و تعالی - ندا
می‌دهد: ای جبرئیل! به زمین، فرود آی و
شیاطین سرکشی را به بد کش تا روزه بدگانم را بر
آنان تیره سازد

۱. فتاوی الاثری ص ۱۸ ج ۲

۲. الفطرة المزة من الاقطار

۳. مسائل الأوقات للبيهقي ص ۴۱ ج ۶۷

۴. مسائل الأشهر الثلاثة ص ۱۱۲ ج ۱۵۳

۵. الکافی ج ۲ ص ۶۷ ج ۶

۶. بحار الأموال ج ۹۶ ص ۳۱۸ ج ۵۱

سخنی دربارهٔ به بد کشیده شدن شیطان‌ها در ماه رمضان

در چند حدیث پیشین، به این نکته اشاره شده بود که در ماه رمضان، شیاطین به بد کشیده می‌شوند. در این زمینه پرسش‌های زیر قابل طرح است.

شیطان کیست؟ در نظام حکیمانه خلقت، چرا به شیطان، اجازه داده شده که انسان را گمراه سازد؟ مرور تسلط شیطان بر انسان تا کیست؟ چرا خداوند در ماه رمضان، شیاطین را به بد می‌کشد و از تأثیر گمراه‌گرانه آنان جلوگیری می‌کند؛ و بی در ماه‌های دیگر، آنان را آزاد می‌گذرد؟ و سرانجام، اگر این گونه حدیث درست‌اند، چگونه شماری از روزه‌داران، در این ماه مرتکب گناه می‌شوند؟

پاسخ تفصیلی و کاملی به این پرسش‌ها، محالی می‌باشد؛ اما آنچه به طور اجمال می‌توان گفت، این است که در دیدگاه اسلامی، شیاطین، موجوداتی نامرئی، لواطت‌خیزند که از شعور، آگاهی، آزادی و قدرت انتخاب برخوردارند. لیکن، سوء استفاده از آزادی خود، باریکه جلوه دادن رشتی‌ها و تحریک هوس‌های نامشروع انسان، به گمراه ساختن و فریب دادن او می‌پردازند.

حکمت نقش‌آفرینی که شیاطین در نظام آفرینش داری می‌کند، شکوهایی استعداددهی پنهانی انسان، تربیت شدن در حد انسان کامل، و مقاوم شدن او در برابر مشکلات در سایه مقاومت در برابر این لاف‌شگاه‌ها و فریب‌هاست. این، در حالی است که مرور تسلط شیاطین بر انسان، از حد تحریک و وسوسه فراتر نمی‌رود. از این رو، آنان، انسان را به رشتی‌ها دعوت می‌کنند، بیکی نمی‌تواند و ر به ارتکاب رشتی‌ها و دارند.

علت به بد کشیده شدن شیاطین در ماه رمضان

بررسی حدیث دینی در موضوع به بد کشیده شدن شیاطین و جلوگیری از آفرینی آنها در ماه رمضان، دو علت را نشان می‌دهد، با این توضیح که علت دوم در طوبی علت اول است.

علت اول، طبیعت پیشگیرانهٔ روزه

روزه به طور طبیعی، رسته‌ای را که شیطان بر اساس آن، انسان را به گمراهی می‌کشد، از بین می‌برد. به تعبیر دقیق‌تر، رنجیری که در ماه رمضان، شیطان را به بد می‌کشد، چهری جز حور روزه نیست. از این رو، در حدیث پیامبر خدا آمده است:

يَا الشَّيْطَانَ لَيْجَرِي فِي ابْنِ آدَمَ مَجْرَى الدَّمِ فَضَيِّقُوا صَجَارَتَهُ بِالْجُوعِ^۱

شیطان در انسان، همچون جریان خون، جاری می‌شود پس با گرسنگی، گذرگاه‌های او را تنگ کنید

علت دوم، عیادت ویژه خداوند

افزون بر پشتوانه‌ای که روره به طور طبیعی برای روره در ب در خبرگیری از سلطه شیطان و عوگری‌های او پدید می‌آورد، این برنامه عبادی، خود به خود، رمه‌سار شئون عیادت‌های حد بر آنان می‌گردد آنچه در حادثیت با عنوان «به بند کشیدن شیاطین در این ماه» آمده است به همین نکته اشاره دارد

به عبارت دیگر، عیادت الهی گراف بیست تا مؤثر شود چرخ جدی میعان، مانع سلطه شیطان می‌شود و در بقیه ماه‌ها بین انسان و سلطه، او فاصله می‌دارد؟ هرگز! بلکه رشتۀ این توفیق و عیادت بهی، در انتخاب خود انسان و ورود او به میهمان‌نمایی رمضان، نهفته است

علت سود بردن برخی انسان‌ها از به بند کشیده شدن شیاطین

اگر در این ماه، شیاطین بر انسان و دست کم، در روره نارات، سلطه ندارند چراگاهی روره دارند هم در این ماه، دچار عفت و گاه می‌شوند؟

در بند بودن شیطان‌ها، نسبی است

ربحیری که شطان را به بند می‌کشد، از خود روره ماه رمضان پدید می‌آید و نه در چیز دیگر. بنا بر این، هر چه روره درست‌تر و کامل‌تر باشد، ربحیری که شیطان را به بند می‌کشد و جلوی نفس اماره را می‌گیرد، محکم‌تر خواهد بود و در میزان عفت و انحراف‌های ناشی ران خواهد گامست بر این پایه، می‌توان گفت روره آنان که در ماه رمضان، گاهانی مرتکب می‌شوند، روره کمی بیست

۱. تحفہ علوم الدین ج ۱ ص ۳۴۶ بحر الأنوار ج ۲ ص ۲۱ و در بدین جمله «فَضَيِّقُوا صَجَارَتَهُ بِالْجُوعِ» در صحیح البخاری ج ۶ ص ۲۶۲۲ ح ۶۷۵۰، صی این ماحه ج ۱ ص ۵۶۶ ح ۱۷۷۹

۱/۴ تأکید استثمار بر کاتبه

۱ ۲ تأکید بر بهره‌وری از برکات ماه رمضان

۲۵۴۹ رسول الله ﷺ إِنَّ الشَّيْءَ مِنْ حُرْمِ عُمْرَانَ اللَّهِ فِي

۲۵۴۹ پیغمبر خدا ﷺ، بدست، کسی است که در

هَذَا الشَّهْرِ الْعَظِيمِ^۱

این ماه بزرگ، از امرش جداوند، محروم

بماند

۲۵۵۰ عَنْهُ ﷺ مَنِ اسْتَلَخَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَلَمْ يُعْمَرْ

۲۵۵۰ پیغمبر خدا ﷺ هر کس از ماه رمضان بیرون

لَهُ فَلَا عَمْرَ لِلَّهِ لَهُ^۲

آید، ولی آمرزیده شود، خدا او را بیامرزند

۲۵۵۱ عَنْهُ ﷺ رَغِمَ أَنْفُ رَجُلٍ دَخَلَ عَلَيْهِ رَمَضَانَ ثُمَّ

۲۵۵۱ پیغمبر خدا ﷺ، بتوان و حواله باد کسی که ماه

اسْتَلَخَ قَبْلَ أَنْ يُعْمَرَ لَهُ^۳

رمضان فرارند و پیش از آن که آمرزیده شود،

۲۵۵۲ عَنْهُ ﷺ مَنْ أَدْرَكَ شَهْرَ رَمَضَانَ فَلَمْ يُعْمَرْ لَهُ فَأَبْعَدَهُ

سپری گردد!

اللَّهُ، وَمَنْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فَلَمْ يُعْمَرْ لَهُ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ^۴

۲۵۵۲ پیغمبر خدا ﷺ هر کس ماه رمضان را دریابد،

الفصل الثانی صیافة الله

ولی آمرزیده شود، از رحمت خدا دور باد او هر

کس شب قدر را دریابد، ولی مرزیده شود، بر

۱/۲ معرفة صیافة الله

مرکز تحقیقات کلامی و معارف اسلامی

أ- فصل الصيام

فصل دوم، میهمانی خدا

الكتاب

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى

۱، ۲ شجاعت میهمانی خدا

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَكُمْ لَعْنَةٌ لِقَوْمٍ﴾^۵

نعم - فضیلت روزه گرفتن

الحديث

قرآن

۲۵۵۳ رسول الله ﷺ جَعَلَ اللَّهُ قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ

﴿وَيِى كَسَانِي كَهَ يَمَانِ آوَرْدَعَانِدَا دَوْرَهَ بِر شَا مَقْرَر شَدَه

وَالصَّوْمِ^۶

است، همین گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند،

مقرر شده بود، باشد که پرهیزگاری کنید﴾.

حدیث

۱ فضائل الأشهر الثلاثة من ۳۷ ح ۶۱

۲ الإقبال ج ۱ ص ۴۵۱

۳ سنن الترمذی ج ۵ ص ۵۵۰ ح ۳۵۱۵

۴ فضائل الأشهر الثلاثة من ۱۱۵ ح ۱۰۹

۵ البقرة ۱۸۳

۶ مکارم الاخلاق ج ۱ ص ۸۳ ح ۱۴۱

۲۵۵۳ پیغمبر خدا ﷺ خداوند فروغ دیدگانم را در

بهار و روزه قرار داده است.

۲۵۵۱ عنه ﷺ قَالَ خَبِيبِي خَيْرُنِي لِي إِنْ مَثَلَ هَذَا الدَّيْسِ كَمَثَلِ شَجَرَةٍ ثَابِتَةٍ؛ الْإِيمَانُ أَصْلُهَا، وَالصَّلَاةُ عَرْوَتُهَا، وَالزَّكَاةُ مَأْوَاهَا، وَالصَّوْمُ سَعْفُهَا^۱

ب - الصَّوْمُ ﷻ

۲۵۵۵ رسول الله ﷺ قَالَ أَقْبَلُ إِلَيَّ «الصَّوْمُ» بِي، وَأَنَا أُجْرِي بِهِ^۲

۲۵۵۶ عنه ﷺ قَالَ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - «كُلُّ عَمَلٍ ابْنِ آدَمَ هُوَ لَهُ خَيْرُ الصَّيَامِ هُوَ بِي وَأَنَا أُجْرِي بِهِ» وَالصَّيَامُ جُنَّةُ الْعَبْدِ الْمُؤْمِنِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَمَا بَغِي أَخَذَكُمْ سِلَاحُهُ فِي الدُّنْيَا، وَلَعَلَّوْا قَمَ الصَّائِمِ أَهْبَبَ عَبْدُ اللَّهِ ﷺ مِنْ رِيحِ الْمَسْكِ وَالصَّائِمُ يَمْزُجُ مَرَحَتَيْنِ: حِينَ يُعْطَرُ بِطَعْمِهِ وَشَرِبَتْ، وَحِينَ يُلْقَاهُ خَادِحَةُ الْحَبَّةِ^۳

۲۵۵۲ پیامبر خدا ﷺ حبیب من خیر نیل من گفتم: «مثل ایمن دیس، مثل درختی استوار است، ریشه اش ایمان، رگ‌هایش نماز، ب آن، رکات، و شاخ و برگش روزه است»

ب - روزه برای خداست

۲۵۵۵ پیامبر خدا ﷺ خداوند ﷻ فرموده است «روزه، برای من است و خودم پاداش آن را می‌دهم»

۲۵۵۶ پیامبر خدا ﷺ خداوند - تبارک و تعالی - فرموده است، «هر کار آدمی رانده برای خود نوبت، مگر روزه‌داری، که برای من است و من خودم پاداش آن را می‌دهم» روزه، سپر بنده مؤمن در روز قیامت است، همان گونه که در دنیا هر یک از شمار، سلاحش حفاظت می‌کند بوی ناحوش دهان روزه‌دار در سرد خدا از سوی مشک، حوشش بوتر است روزه‌دار، دویار حوش حال می‌شود هنگامی که افطار می‌کند و می‌خورد و می‌نوشد، و آن گاه که مرادندار می‌کند پس، او را وارد بهشت می‌کنم»

۱. علل الفرائع من ۲۴۹ ح ۵.

۲. تهذیب الأحکام ج ۱ ص ۱۵۲ ح ۱۲۰.

۳. الفصائل من ۴۵ ح ۱۲.

سخنی در شرح حدیث

«روزه» برای من است»

ابو حامد حرّالی در شرح این سخن خداوند متعال که «روزه» برای من است، گفته است:

این که روزه برای خداست و این شرافت را یافته که به خداوند «صیت داده شود» هر چند همه عبادات، برای اوست، همچنان که کعبه این شرف را یافته که خانه او باشد در حالی که همه زمین برای اوست، «دو مع» دارد نخست، این که روزه، پرهیز و ترک است و عمی پهل است و در آن، کاری نیست که دیده شود به خلاف همه عبادت‌ها که در معرض دید مردم انعام می‌شوند، روزه، عبادتی است که جز خدا، آن را نمی‌داند؛ چنانچه که کاری است ماضی، که همان شکیبی است

دوم این که روزه، سرکوبی دشمن حسنت، چون برادر شیطان ملعون، شهوت‌ها هستند و شهوات را خوردن و آشامیدن بیرومی باشد از این رو، پیامبر ﷺ فرموده است:

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَجُرِّي مِّنْ آبْنِ آدَمَ صَحْرَى الدَّمِّ أَقْبَضُوا مَخَارِجَهُ بِالْحَوْصِ

شیطان همچون خون، در وجود آدمی، جاری می‌شود پس گذرگاه‌های او را با کمرسگی، تنگ کند

از آن جا که روزه، خصوصاً موجب سرکوبی شیطان و بستن و تنگ ساختن گذرگاه‌های او می‌شود، شایستگی دارد که ویژه خدا گردد؛

این اثر بزر در این باره می‌گوید

بهترین چیزی که در تأویل این حدیث شبیه‌ام، این است که همه عبادت‌هایی که بندگان با انجام آن آنها به خداوند، تقرب می‌جویند (مانند نماز، حج، صدقه، عکاف، دعا، بی‌پیش، قربانی و انواع عبادت‌های دیگر)، مشرکان با همانها حناهای خویش و آنچه را شریک خدا قرار داده بودند، پرستیده‌اند؛ اما هرگز شایسته نشده است که گروهی از مشرکان و پیروان مذاهب در دوران‌های پیشین، معبودهای خود را با «روزه» پرستیده باشند و بدین وسیله به آنها تقرب جسته باشد

روزه، تنها از سوی ادیان آسمانی، «عبادت» شایسته شده است از این رو، خداوند فرموده است: «روزه» برای من است و خودم پاداش آن را می‌دهم؛ ای منی در آن، کسی شریک من نگشته است و با آن، حرم من، پرستش نشده است به خاطر همین، من خودم پاداش آن را بر عهده می‌گیرم و آن را به کسی دیگر،

چه فرشتگان مقرب و چه غیر آنان، وادعی گدارم، نذر می‌کنم که نه من اختصاص یابم^۱
 «تا آنچه حیراً در تفسیر این حدیث ریح شده که حدیث مذکور چنین قرائت می‌شود: «الصَّوْمُ لِي وَأَنَا أُجْرِي
 به: روزه برای من است و من - یعنی خدا - حرام‌ده می‌شوم به او» تا آن‌جا که ما محتاجو کردیم، هیچ یک از
 حدیث‌شامیان گذشته، آب را چنین قرائت نکرده و بر آب، چنین معنایی نهمیده‌اند.



۲۵۶۲. رسول الله ﷺ ما من صائم يحضر قوماً يطعمون إلا سبحت له أعضاؤه، وكانت صلاة الملائكة عليه، وكانت صلاتهم استغفاراً^۱

۲/۲ بركات ضیافه الله

الكتاب

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾^۲

الحدیث

۲۵۶۳ رسول الله ﷺ الصَّيَامُ جَنَّةٌ^۳

۲۵۶۴. عنه ﷺ الصَّوْمُ جَنَّةٌ مِنَ النَّارِ^۴

۲۵۶۵ عنه ﷺ الصَّوْمُ جَنَّةٌ مَا لَمْ يَحْرَمِهَا^۵

۲۵۶۶ الکافی عن محمد بن یحیی رفعه جاء إلى النبي ﷺ رَجُلٌ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ نَيْسَ عَمْدِي طَوَّلَ فَسَحُحُ النِّسَاءِ، فَأَلْهَمَهُ أَشْكُو نَفْرُوتِي^۶

فقال وفر شعر جسدك وأدم الصيام

فصل، فذهب ما به من الشقي^۷

۲۵۶۷ الإمام الصادق عن أبيه عليه السلام إِنَّ النَّسِيَّ ﷺ قَالَ لِأَصْحَابِهِ، أَلَا أَحْبَبُكُمْ بَشِيءٌ إِنْ أَنتُمْ فَعَسْتُمُوهُ سَاعِدَ الشَّيْطَانِ مِنْكُمْ كَمَا تَبَاعِذُ الْمَشْرِقُ مِنَ الْمَغْرِبِ؟

۱ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۸۷ ح ۸۰۵

۲ للمرة ۱۸۳

۳ صحیح البخاری ج ۲ ص ۶۷۰ ح ۱۷۹۵

۴ الکافی ج ۲ ص ۱۹ ح ۵

۵ سنن النسائي ج ۱ ص ۱۶۷ و ۱۶۸

۶ الکافی ج ۵ ص ۵۶۴ ح ۳۶

۲۵۶۲. پیامبر خدا ﷺ هیچ روزه داری در میان گروهی که عذامی جویند، حنا صرم نمی شود، مگر آن که اعضایش بسج می گویند و درود فرشتگان بر او حواله شود درود فرشتگان، همان استعمار (آمزش خواهی) است

۲/۲. بركات میهمانی خدا

مرآی

«ای کسانی که ایمان آوردند ایها روزه بر شما مفروض شده است، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند، مفروض شده بود باشد که پرهیزگاری کنید»

حدیث

۲۵۶۳ پیامبر خدا ﷺ روزه، سیر است

۲۵۶۴ [پیامبر خدا ﷺ روزه، سپری نگه دارنده از آتش

۲۵۶۵ [پیامبر خدا ﷺ روزه، سپری نگه دارنده است، تا وقتی که بنده آن را پاره نکند

۲۵۶۶ الکافی - به نقل از محمد بن یحیی - مردی خدمت پیامبر ﷺ آمد و گفت ای پیامبر خدا! ثروت و امکانش ندارم که روزه بگیرم از بی همسری، شکایت به نزد تو آورده‌ام

فرمود: «موی بدنت را بلند بگذار و پیوسته روزه بگیر»

رفت و چنان کرد و بی روی شهوش کاسته شد

۲۵۶۷. امام صادق علیه السلام - به نقل از پدرانش علیهما السلام - «پیامبر ﷺ

به اصحاب خویش فرمود: آیا به شما خبر ندهم جبری را که اگر انجام دهد شیطان از شما دور می شود، آن گونه که مشرق از مغرب دور است؟»

گفتند: آری

فرمود: «روژه، شیطان را صبر و می کند»

قالوا، بلی.

۲۵۶۸. پیامبر خدا ﷺ را روزه بگیرید، که تن درست

می‌شوید

قَالَ الصَّوْمُ يَسَوِّدُ وَجْهَهُ^۱

۲۵۶۹. پیامبر خدا ﷺ هر کس شکمش را گرم

۲۵۶۸ رسول الله ﷺ صوموا تصحوا.^۲

بداند، فکرش بزرگ و قییش هوشمند می‌شود

۲۵۶۹ عنه ﷺ من أجاج بطنه، عظمَتْ فِكَرَتُهُ، وَفُطِنَ

۲۵۷۰. پیامبر خدا ﷺ با منزلت‌ترین شعبا نزد خداوند،

قَلْبُهُ.^۳

کسی است که گرسنگی و اندیشه‌اش طولانی‌تر

۲۵۷۰ عنه ﷺ أَصْدُكُمْ مَرَّةً عِندَ اللَّهِ تَعَالَى أَطْوَلُكُمْ

باشد، و منورترین شما نزد خدا، هر پُر جواب و

جَوَاباً وَتَفَكُّراً، وَأَبْغَضُكُمْ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى كُلُّ نَسُومٍ

پُر حور و پرموشی است.

وَأَكُولٍ وَشَرِبٍ^۴

۲۵۷۱. پیامبر خدا ﷺ، دعای روزه‌دار، رد نمی‌شود

۲۵۷۱ عنه ﷺ الصَّائِمُ لَا تُرَدُّ دَعْوَتُهُ.^۵

۲۵۷۲. پیامبر خدا ﷺ، هر کس در راه خدا یک روز را

۲۵۷۲ عنه ﷺ مَنْ صَامَ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ حُفَّتْ عَنْهُ

روزه بداند، به اندازه بیست سال از ثوقش در

مِنْ وَقُوفٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِشْرِينَ سَنَةً^۶

روزی قیامت، تحفیف داده می‌شود

۲۵۷۳. پیامبر خدا ﷺ هر کس یک روز را در راه خدا

۲۵۷۳ عنه ﷺ مَنْ صَامَ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ جَعَلَ اللَّهُ بَيْنَهُ

وَرَكَّتَيْنِ مَفْصُورَتَيْنِ، حِدَاوَيْدَ، مِیَانِ او وِ انْشِ، فَاصله‌ای به

وَبَيْنَ النَّارِ حِدَاوَا كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ^۷

اندازه فاصله آسمان تا زمین، قرار می‌دهد

۲۵۷۴ عنه ﷺ مَنْ صَامَ يَوْمًا نَطْرَعًا أَدْخَلَهُ اللَّهُ

۲۵۷۳. پیامبر خدا ﷺ هر کس یک روز را روزه مستحب

الْجَنَّةَ^۸

بگیرد، خداوند، او را وارد بهشت می‌کند.

۱ الکافی ج ۱ ص ۶۲ ح ۲

۲ الدعوات ص ۷۶ ح ۱۷۹

۳ احیاء علوم الدین ج ۳ ص ۱۲۹

۴ تنبیه الخواطر ج ۱ ص ۱۰۱

۵ مستدرک حیل ج ۳ ص ۵۱۹ ح ۱۰۱۸۷

۶ تاریخ بغداد ج ۱۲ ص ۲۴۲ الرقم ۶۶۹۴

۷ سنن الترمذی ج ۴ ص ۱۶۷ ح ۱۶۲۱

۸ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۸۶ ح ۱۸۰۱

سختی نرسد به مراتب روزهداری

عمای اخلاق و سیر و سلوک، روزه را به روزه عوام، روزه خواص و روزه خواص خواص، تقسیم کرده‌اند و یک، توضیح مفصلی از آنها

دسته اول روزه عوام

این مرتبه روزه، با پرهیز از معطرات روزه، صورت می‌پذیرد، شرحی که در کتاب‌های فقهی آمده است این مرتبه، آسان‌ترین و پایین‌ترین مرتبه روزه است. این سخن پیامبر ﷺ به همین مرتبه روزه اشاره دارد

«أيسر ما افترض الله تعالى على العباد في صيامه، ترك الطعام والشراب»^۱

آسان‌ترین چیزی که خدای تعالی بر روزه‌داران رواز کرده است، ترک خوردن و آشامیدن است

دسته دوم روزه خواص

در این مرتبه روزه، روزه‌دار، تنها به پرهیز از معطرات روزه، بسنده نمی‌کند؛ بلکه از همه حرام‌های الهی پرهیز می‌نماید. از این رو، احتیاب از معطرات، شرط درستی روزه است و اجتناب از حرام‌ها، شرط قبولی آن

دسته سوم روزه خواص خواص

این مرتبه روزه، با بار داشتن دل و نگهداری آن ر هر چیزی (چه حلال و چه حرام) که اشغال کننده دل است، بجز خدا، به دست می‌آید. ابو حامد عزالی (م ۵۰۵ ق)، در توصیف این مرتبه روزه می‌گوید

«أما روزه خواص خواص روزه دل از هفت‌های دور و مدینه‌های بی‌بوی و بار داشتن کلی آن را غیر حلالند است. شکستن این مرتبه از روزه، با اندیشه درباره عسر و حلا و قیامت، و فکر درباره دنیا تحقق می‌یابد. مگر دنیایی که به خاطر دین خواسته شود، که همین دنیایی، توشه آخرت است و دنیا نیست. تا آن‌جا که فعل در گفته‌اند «هر کس در روزش به تدبیر آنچه با آن اظهار می‌کند اهتمام ورزد گناه بر او نوشته می‌شود» چر که این از کم‌اصیابی به فعل خدا و یس اندک به روزی وعده داده شده خویش است»

این مرتبه، ربه پیامبران صدیقان و مقربان است. در تحصیل موی ر، نباید درنگ طولانی داشت؛ ولی در تحقق عملی آن،

تَأْتِلُ بِجَاسْتٍ؛ چرا که آن، رویکرد به خداوند و روی‌گردن از غیر خدا با همهٔ هست است.

هر یک از این دو مرتبهٔ حیر، به سبب تلاش روزه‌داران و آمادگی آنان، مراتب بسیاری دارد، علاوه بر این که خود روزه هم از رویهٔ انگیزه‌های روزه‌دار، گوناگون است. نقطهٔ روح این مرتب، حال روزه‌داری است که انگیزهٔ روزه‌داری‌اش، نه بیم از کیفر و نه شوق به ثواب، بلکه تنها فرمان‌برداری از فرمان خداوند، علاقه‌مندی به بردیگی به خدای سبحان و کسب رعب و تقدی اوست.^۱



۱. إحياء علوم الدين ج ۱ ص ۲۵۰ المنحة البيضاء ج ۲ ص ۱۳۱

الفصل الثالث تأهيل الناس لضیافة الله

فصل سوم آماده کردن مردم برای

میهمانی خدا

خطابات النبی ﷺ عند حضور شهر رمضان

خطبه‌های پیامبر ﷺ هنگام فرارسیدن ماه رمضان

۲۵۷۵ امام باقر ﷺ چون ماه رمضان در حال قمر رسیدن بود و سه روز از شعبان مانده بود، پیامبر خدا به ملال فرمود: «مردم را خبر کن»

مردم گرد آمدند [پیامبر ﷺ] بر سر رفت و خدا را حمد و ثنا گفت سپس فرمود: «ای مردم! خداوند، شمارا به این ماه، ویژه ساخته است و اینک، فرا می‌رسد آن، سرور ماه‌هاست و در آن، شبی بهتر از هزار ماه است درهای آتش در آن، بسته می‌شوند و درهای بهشت در آن، گشوده می‌گردند پس دور باد از رحمت حق، کسی که این ماه را دریابد و آمرزیده نشود! دور باد از رحمت حق، کسی که پدر و مادرش باطل یابد و [نیکی به آنان] آمرزیده نشود! دور باد از رحمت حق، کسی که مرا مرد او یاد کند و او بر من درود نبرد»

۲۵۷۶ الکافی: به نقل از جابر - امام باقر ﷺ فرمود: «پیامبر خدا، رو به مردم می‌کرد و می‌فرمود: «ای گروه مردم! هر گاه هلال ماه رمضان طلوع کند، شیاطین سرکش به بند کشیده می‌شوند، درهای آسمان و درهای بهشت و درهای رحمت، گشوده می‌گردند، درهای آتش بسته می‌شوند و دعا احابت می‌شود»

خدا را در هر اقطار، آزادندگانی است که آنان را از آتش می‌رهاند و هر شب، مادی ندا می‌دهد: «ایا حواهیندای هست؟ آیا استعمار کنندای هست؟ خدایا! به هر اتفاق کنندای چه یگری عطا کن و هر امساک کنند [از اتفاق] را دچار تلف ساز، تا آن که هنگامی که هلال شوال بر می‌آید، مؤمنان را مد می‌دهد که به سوی جایزه‌ها بتان بشنایید، که امروز روز جایزه است!»

سپس امام باقر ﷺ فرمود: «به خدایی که جانم در دست اوست، آن جایزه، دینار و درهم نیست»

۲۵۷۵ الإمام الباقر ﷺ قال رسول الله ﷺ لَنَا حَضَرُ شَهْرُ رَمَضَانَ وَذَلِكَ فِي ثَلَاثِ بَقِيَّينَ مِنْ شَعْبَانَ. قَالَ لِبِلَالٍ مَادِي النَّاسِ فَجَمَعَ النَّاسَ، ثُمَّ صَبَدَ الْمَسْبَرُ فَحَمِدَ اللَّهَ وَأُثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ هَذَا الشَّهْرَ قَدْ حَضَرَ اللَّهُ بِهِ وَحَضَرَكُمْ، وَهُوَ سُبُّ الشُّهُورِ، بَيْلَةٌ فِيهِ حَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ، تُعْتَقُ فِيهِ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَتُفْتَحُ فِيهِ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ؛ فَمَنْ أَدْرَكَهُ وَلَمْ يُعْمَرْ لَهُ فَأَعَدَّ اللَّهُ، وَمَنْ أَدْرَكَهُ وَالْبَدِيهِ وَلَمْ يُعْمَرْ لَهُ فَأَعَدَّ اللَّهُ، وَمَنْ ذَكِرَتْ عِيْدُهُ فَلَمْ يُعَلِّ عَلَى فَلَمْ يُحْمَرْ اللَّهُ لَهُ فَأَعَدَّ اللَّهُ^۱

۲۵۷۶ الکافی عن جابر عن الإمام الباقر ﷺ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقْبَلُ بِوَجْهِهِ إِلَى النَّاسِ فَيَقُولُ: يَا مَعْشَرَ النَّاسِ، إِذَا طَلَعَ هَلَالُ شَهْرِ رَمَضَانَ غُلِبَ مَرْدَةُ الشَّيَاطِينِ، وَفُتِّحَتْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَأَبْوَابُ الْجَنَّةِ وَأَبْوَابُ الرَّحْمَةِ، وَغُلِبَ أَسْوَابُ النَّارِ، وَاسْتُحْيِيَتِ الدُّعَاءُ، وَكَانَ يَوْمَ عِيْدِكُمْ يَطِيرُ عُنُقَاءُ يُعِيْمُهُمُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ، وَيُنَادِي مُبَادِي كُلِّ لَيْلَةٍ: هَلْ مِنْ سَائِلٍ؟ هَلْ مِنْ مُسْتَعِيرٍ؟ اللَّهُمَّ أَعْطِ كُلَّ شُعْبٍ حَلَاءً، وَأَعْطِ كُلَّ مُسْبِكٍ تَلْعًا حَتَّى إِذَا طَلَعَ هَلَالُ شَوَّالٍ بُوْدِي الْمُؤْمِنُونَ أَنْ يَأْخُذُوا إِلَى جَوَائِزِكُمْ فَهُوَ يَوْمُ الْجَائِزَةِ

ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ﷺ: أَمَا وَاللَّهِ نَعْسِي بَيْدَهُ مَا هِيَ بِجَائِزَةِ الدُّنْيَا وَلَا الدَّرَاهِمِ!^۲

۱ الکافی ج ۲ ص ۶۷ ح ۵

۲ الکافی ج ۱ ص ۶۷ ح ۶

۲۵۷۷. رسول الله ﷺ شَهْرُ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ هُوَ شَهْرٌ يُصَافَتْ فِيهِ الْحَسَنَاتُ وَيَمْحَرُ فِيهِ الشَّيْئَاتُ ، وَهُوَ شَهْرُ الْبِرَّةِ ، وَهُوَ شَهْرُ الْإِنَابَةِ ، وَهُوَ شَهْرُ التَّوْبَةِ ، وَهُوَ شَهْرُ التَّعْمِيرَةِ ، وَهُوَ شَهْرُ الْعِتْقِ مِنَ النَّارِ وَالْقُدْرِ بِالنَّجَةِ أَلَا فَاحْتَبِرُوا فِيهِ كُلَّ حَرَامٍ . وَأَكْثَرُوا فِيهِ مِنْ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ ، وَسَلَوْا فِيهِ حَوَائِجَكُمْ ، وَشَتَّلُوا فِيهِ بِذِكْرِ رَبِّكُمْ وَلَا يَكُونَنَّ شَهْرُ رَمَضَانَ عِدَّتْكُمْ كَحَيْرَةٍ مِنَ الشُّهُورِ ، فَإِنَّ لَهُ عِدَّةَ اللَّهِ حُرْمَةً وَقَصْلًا عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ . وَلَا يَكُونَنَّ شَهْرُ رَمَضَانَ يَوْمٌ صَوْمِكُمْ كَيَوْمِ بَطْرِكُمْ^۱

۲۵۷۷ پیامبر خدا ﷺ: ماه رمضان، ماه خداست ماهی که خداوند، حسنات را در آن، دو برابر می‌کند و مستات را محو می‌کند؛ ماه برکت، ماه سازگشت به سوی خدا، ماه توبه، ماه آمرزش، ماه آرد شدن از آتش و دست یافتن به بهشت

پس، در این ماه در هر حرامی پرهیزید و در آن، بسیار قرآن تلاوت کنید و در آن، حاجت‌های خویش را بخواهید و در آن، به ذکر پروردگارتان بپردازید؛ مبادا ماه رمضان مرد شعا، مانند ماه‌های دیگر باشد؛ چرا که آن مرد خداوند، بسبب سه ماه‌های دیگر، حرمت و برتری ندارد و مبادا در ماه رمضان، روز روزهای تان مثل روز خوردرت‌تان باشد!

الفصل الرابع - أدعية التهنيء لصيافة الله

فصل چهارم: دعا‌های آماندگی برای

مدهماتی خدا

۱/۴ أدعية رؤية هلال شهر رمضان

۲۵۷۸ الإمام الطبري: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَهَلَ هِلَالُ

شَهْرِ رَمَضَانَ اسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ وَرَفَعَ يَدَيْهِ فَقَالَ:

اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيَا بِالْأَمَنِ وَالْإِيمَانِ، وَالْإِسْلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ، وَالْمَافِيَةِ الْمُجَلَّلَةِ، وَالرُّزْقِ الْوَاسِعِ، وَدَمِجِ الْأَسْقَامِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا صِيَامَهُ وَتِلَاوَةَ الْقُرْآنِ فِيهِ اللَّهُمَّ سَلِّمْ لَنَا وَتَسَلِّمْ بِنَا وَسَلِّمْ فِيهِ^۲

۱/۴. دعا‌های دیدن هلال ماه رمضان

۲۵۷۸ امام باقر علیه السلام هرگز، هلال ماه رمضان دیده، می‌شد، پیامبر خدا، دستانش را رو به قبله بلند می‌کرد و می‌گفت: «خداوند! آن را با ایمانی و ایمان، با سلامت و اسلام، با عافیت فراگیر، با روری گسترده و با دفع بیماری‌ها، بر ما بستان» خداوند! تو معین روزمداری و عبادت و تلاوت قرآن را در آن به ما روری کن

۲۵۷۹ الدعاء للطبراني عن انس. كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا

رَأَى هِلَالَ رَمَضَانَ قَالَ: «هِلَالُ خَيْرٍ وَرَشِدٍ - ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - آمَنْتُ بِأَنْدِي خَلْقَكَ»^۳

خداوند! آن را برای ما سالم بنار و آن را از ما سالم دریافت کن و ما را در آن، سلامت بدار»

۲۵۷۹ الدعاء، طبرانی - نه نقل از انس - هرگاه پیامبر خدا هلال رمضان را می‌دید، می‌فرمود: «هلال خیر و رشد (سه بار)، به آن که تو را آمرید، ایمن آوردم»

۱ فضائل الأشهر الثلاثة ص ۹۵ ح ۷۸

۲ الکافی ج ۴ ص ۷۰ ح ۱

۳ الدعاء للطبراني ص ۲۸۳ ح ۹۰۶

۲/۴. ادعیه نَحْوِ شَهْرِ رَمَضَانَ

۲/۴. دعا‌های زمان فرارسیدن ماه رمضان

۲۵۸۰ الإمام الصادق علیه السلام کان رسول الله ﷺ إِذَا دَخَلَ شَهْرَ رَمَضَانَ يَقُولُ:

۲۵۸۰ امام صادق علیه السلام چون ماه رمضان فرا می‌رسید، پیامبر خدا می‌فرمود: «خداوند! ماه رمضان وارد شد، خداوند! ای پروردگار ماه رمضان؛ ماهی که در آن، قرآن و اقوال فرستادی و آن را شانه‌هایی روشن در هدایت و فرمان (جدا کننده حق و باطل) قرار دادی! خداوند! در ماه رمضان برای ما برکت قرار بده و ما را بر روزه‌داری و نماز آن، باری کن و آن را از ما بپذیر!»

اللَّهُمَّ إِنَّهُ قَدْ دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ، اللَّهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَتْ فِيهِ الْقُرْآنَ وَجَعَلْتَهُ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْعُرْقَابِ، اللَّهُمَّ قَبِّلْ لَنَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، وَأَعِزَّنَا عَلَى صِيَامِهِ وَصَلَاتِهِ، وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا. ۱

۲۵۸۱ الدعاء، طبرانی - به نقل از عایشه - چون ماه رمضان فرا رسید، گفتیم: ای پیامبر خدا! ماه رمضان رسید چه می‌گوییم؟

۲۵۸۱ للدعاء للطبرانی عن عائشة لما حَضَرَ رَمَضَانَ، قُبِّلَ بِرَسُولِ اللَّهِ، فَدَحَضَ رَمَضَانَ فَمَا أَقُولُ؟ قَالَ قُولِي:

فرمود: «گو! خداوند! تو بحشایشگری و گفتنت را دوست می‌داری، پس، از من در گذر!»

اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَمْرٌ مُجِبُّ الْعَمْرِ، فَاعْفُ عَنِّي ۲

فصل پنجم چگونه آمادگی شدن برای

الفصل الخامس كيفية التَّهَيُّؤِ لِحَمِيَّةِ اللَّهِ

میهمانی خدا

۱/۵ صِيَامُ شَعْبَانَ

۱/۵. روزه گرفتن در ماه شعبان

۲۵۸۲ السنن الكبرى عن انس قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَيُّ الصَّوْمِ أَفْضَلُ؟ قَالَ - صَوْمُ شَعْبَانَ تَطْهِمًا لِرَمَضَانَ ۳

۲۵۸۲ السنن الكبرى - به نقل از انس -، به پیامبر خدا گفتند کدام روزه برتر است؟

۲/۵ أَكْلُ الْحَلَالِ

فرمود: «روژه شعبان برای بررگداشتن رمضان»

۲۵۸۳ رسول الله ﷺ كُلُوا الْحَلَالَ يَبْرَأْ لَكُمْ صَوْمُكُمْ ۱

۲/۵ حلال خوری

۲۵۸۳ پیامبر خدا ﷺ غذای حلال بخورید تا روزه برای شما کامل گردد

۲۵۸۴ عِدَّةُ الدَّاعِي عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ الْعِبَادَةُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالْإِنَاءِ عَلَى الرَّمْلِ، وَقِيلَ: عَلَى السَّاءِ. ۲

۲۵۸۴ عِدَّةُ الدَّاعِي پیامبر خدا فرمود: «عبادت با حرام‌خواری، همچون ساختن بی بر تیراز است» و بر نقل شده است [که فرمود]: «همچون ساختن بی بر آب است»

۱ الإقبال ج ۱ ص ۱۳۷

۲ الدعاء للطبرانی ص ۲۸۵ ح ۹۱۵

۳ السنن الكبرى ج ۱ ص ۵۱۳ ح ۸۵۱۷

۴ كنز العمال ج ۱۵ ص ۸۱۴ ح ۱۳۳۵۶

۵ عِدَّةُ الدَّاعِي ص ۱۴۱ و ۲۸۱

سخن درباره نقش خوراک در بهره‌گیری از آثار روزه

خوردن و نوشیدن به هنگام افطار و سحر، حائز اهمیت روزه‌داری است از این رو، در دیدگاه اسلام، حلال یا حرم بودن خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها، اندازه و نوع آنها و همچنین انگیزه روزه‌داری از خوردن و آشامیدن، در میزان بهره‌وری از روزه، نقشی اساسی دارند و در دستاوردهای روزه‌دار از برکات این میهمانی، بسیار مؤثرند. نخستین شرط بهره‌وری از روزه، آن است که تأمین کسبه نیرو و قوت انسان برای روزه گرفتن، حلال باشد. عداای حرم، به تنها در بهره‌مندی انسان از آثار و برکات روزه، نقش محربی دارد، بلکه آفتی است که همه عبادت‌ها را تهدید می‌کند.

پرهیز از غذاهای شبه‌ماک

اگر روزه‌دار بخواهد روزه‌اش بهره‌مند، سزاوار است که به تنها از عداای که حرمتشان قطعی است، بلکه از غذاهای شبه‌ماک هم پرهیز کند.

انگیزه‌های خوردن و آشامیدن

انگیزه‌ای که روزه‌دار برای خوردن و آشامیدن در وقت افطار و سحر دارد، تأثیر مهمی در بهره‌وری کامل از برکات روزه دارد. در یکی از توصیه‌های پیامبر ﷺ به ابودر عمار، چنین آمده است:

يَا أَبَا ذَرٍّ أَلَيْسَ لَكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ نِيَّةٌ صَالِحَةٌ خَشِيَ الْأَكْلُ وَالشُّومُ^۱

ای ابو ذر! برای هر چیزی نیت خوب داشته باش، حتی برای خوردن و خوابیدن.

میان روزه‌داری که سحری و افطاری را تنها برای رفع گرسنگی و تشنگی می‌خورد، با کسی که آنها را به قصد قربت و کسب رخصی خداوند می‌خورد، فرق بسیار است. برانیت روزه‌ای که روزه‌دار به قصد قربت عدا می‌خورد، هرگز با روزه‌ای که روزه‌دار با انگیزه حیوانی و خواسته نفس عدا می‌خورد و بیرو می‌گیرد، برابر نیست.

روشن است که داشتن انگیزه حنبی و قصد قربت در عدا خوردن، پادامه مقتضای هماهنگ با آن است که از جمله آنها، تناسب نوع و مقدار غذا با نیاز بدن است.

الفصل السادس: آداب الصَّيام

فصل ششم: آداب روزه‌داری

۱/۶. أهمُّ الآداب

۱/۶. مهم‌ترین آداب

أ- الوَرَعُ عَنْ مُحَارِمِ اللَّهِ

الف- پرهیز از حرام‌های خدا

۲۵۸۵ الإمام علي عليه السلام قُلْتُ [لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ] يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ؟ فَقَالَ، يَا أَيُّهَا الْحَسَنُ، أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْوَرَعُ عَنْ مُحَارِمِ اللَّهِ^۱

۲۵۸۵ امام علی علیه السلام [به پیامبر ﷺ] گفتم ای پیامبر خدا! برترین کارها در این ماه (رمضان) چیست؟ فرمود: ای ابو الحسن! برترین کارها در این ماه، پرهیز از حرام‌های خداست.

۲۵۸۶ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى لَمْ نَصُمْ جَوَارِحَهُ عَنْ مُحَارِمِي، فَلَا حَاجَةَ فِي أَنْ يَدَعَ طَعَامَهُ وَشَرَابَهُ مِنْ أَجَلِي^۲.

۲۵۸۶ پیامبر خدا ﷺ حدادند می‌فرماید: هر کس اعضایش از حرام‌های من، روزه‌دار باشد، باری نیست که به خاطر من، خوراک و نوشیدنی‌اش را ترک کند.

۲۵۸۷ عَنْهُ ﷺ مَنْ تَأَمَّلَ خَفَ امْرَأَةً حَتَّى يَشْتُرَ نَفْسَهُ بِحِمِّ عَظَامِهَا مِنْ وَرَاءِ تَابِهَا وَهُوَ صَائِمٌ. فَقَدْ أَفْطَرَ^۳

۲۵۸۷ پیامبر خدا ﷺ هر روزه‌داری که در پشت سر ریزی بیا رفت سگردد، تا حدی که حجم استخوان‌هایش را از پشت لباسش برای او اشکار شود، روزه‌اش را افطار کرده است.

ب- الإحتِنَاتُ غِي الْغِيْبَةِ

ب- پرهیز از غیبت‌کردن

۲۵۸۸ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الصَّائِمُ فِي عِبَادَةِ وَانْكَارِ سَائِمًا عَلَى فِرَاشِهِ، مَا لَمْ يَغْتَبِ مُسْلِمًا^۴

۲۵۸۸ پیامبر خدا ﷺ روزه‌دار، تا وقتی که از مسلمانان غیبت نکند، در حال صیادت است، هر چند در بسترش حفته باشد.

۲۵۸۹ عَنْهُ ﷺ مَنْ أَعْسَا امْرَأَةً مُسْلِمًا نَظَلَ صَوْمُهُ، وَنَقِصَ صَوْمُهُ^۵

۲۵۸۹ پیامبر خدا ﷺ هر کس از فرد مسلمانان عست کند، روزه‌اش می‌شکند و وصویش باطل می‌شود.

۲۵۹۰ عَنْهُ ﷺ - لِعَلِّي ﷺ - يَا عَلِيُّ، إِحْذَرِ الْعِيَةَ وَالْمِيَةَ، فَإِنَّ الْعِيَةَ تُفْطِرُ، وَالْمِيَةَ تُوجِبُ عَذَابَ الْقَبْرِ^۶

۲۵۹۰ پیامبر خدا ﷺ - به علی علیه السلام - ای علی! از عیبت و میشت پرهیز! چرا که عیبت، روزه را می‌شکند و میشت قبر می‌آورد.

۱. فضائل الأشهر الثلاثة ص ۷۸ ح ۶۱
۲. تاریخ أصحاب ج ۲ ص ۱۲۴ الرقم ۱۲۸۰
۳. معاني الأخبار ص ۴۱۰ ح ۹۵
۴. کتاب من لا يحضره الفقيه ج ۲ ص ۷۶ ح ۱۷۷۲
۵. کتاب من لا يحضره الفقيه ج ۴ ص ۱۵ ح ۴۹۶۸
۶. تحف المومنون ص ۱۴

۱. مقصود، آن است که عیبت، موجب عدم قبولی روزه و از میان رفتن طهارت باطنی می‌گردد.

ج - الإحتسابُ عَنِ السُّبِّ

ج - پرهیز از دشنام دادن

۲۵۹۱ رسول الله ﷺ ما مِنْ عَبْدٍ صَالِحٍ يُسْتَمُّ فَيَقُولُ: إِنِّي صَائِمٌ سَلَامٌ عَلَيْكَ لَا تُسَيِّمُكَ كَمَا تُسَيِّمُنِي، إِلَّا قَالَ الرَّبُّ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى -: رَجَعْتُ عَبْدِي بِالصُّومِ مِنْ شَرِّ عَبْدِي، فَقَدْ أَجَرْتُهُ مِنَ النَّارِ^۱

۲۵۹۱ پیغمبر خدا ﷺ هیچ بنده شایسته‌ای نیست که دشنامش دهند و بگویند: «من، روژه دارم. سلام بر تو!» به تو دشنام نمی‌دهم، آن گویه که دشنامم ددی، مگر آن که پروردگار متعال می‌گوید: «بنده من، از شر بنده من، به روژه پناه برد من هم او را از آتش، پناه دادم».

۲۵۹۲ عنه ﷺ لَا تُثَابُ وَأَنْتَ صَائِمٌ، فَإِنْ سَبَّكَ أَخَذَ قَوْلُ: إِنِّي صَائِمٌ وَبِئْسَ قَاتِمًا فَاجِلِسْ^۲

۲۵۹۲ پیغمبر خدا ﷺ، وقتی روژه‌داری، دشنام مده و اگر کسی دشنامت داد، بگو: «من، روژه‌ام» و اگر ایستاده بودی، بنشین (تا دشنامت فرو نشاند)

د - الإحتسابُ عَنِ الرِّبَاءِ

۲۵۹۳ رسول الله ﷺ مَنْ صَامَ يُرَاتِي فَقَدْ أَشْرَكَ^۳

د - پرهیز از ربا

هـ - الإحتسابُ عَنِ كُلِّ مَا يَكْرَهُهُ اللَّهُ

۲۵۹۴ رسول الله ﷺ إِنْ الصُّيَامَ سَمَّيْتُ بِسِ الْأَكْلِ وَالشُّرْبِ فَعَلَّ، إِنَّمَا الصَّيَامُ مِنَ اللَّحْمِ وَالزَّوْءِ فَإِنْ سَأَلْتُ أَحَدًا أَوْ حَهْلَ غَلَمِكَ فَقُلْ: إِنِّي صَائِمٌ^۴

۲۵۹۴ پیغمبر خدا ﷺ هر کس ربا کارانه روژه بگیرد، شرک ورزیده است.

ه - پرهیز از هر چه خدا خوش نمی‌دارد

۶ / ۲ ما يَدْبَغِي قَبْلَ الصَّيَامِ

۲۵۹۵ رسول الله ﷺ السُّحُورُ بَرَكَةٌ^۵

۲۵۹۴ پیغمبر خدا ﷺ روژه، تنها پرهیز از خوردن و آشامیدن نیست. همانا روژه، پرهیز از بهره‌گری و دشنام دادن است. پس اگر کسی دشنامت داد، یا با تو باخوردی کرد، بگو: «من، روژه‌ام».

۶ / ۲ آنچه پیش از روزه گرفتن، شایسته است

۲۵۹۵ پیغمبر خدا ﷺ خوردن سُحُورِی، برکت است

۱ الکافی ج ۴ ص ۸۸ ح ۵.

۲ النسخ الکبری للشیخ ج ۲ ص ۲۴۱ ح ۳۲۵۹

۳ مستدرک حبل ج ۶ ص ۸۲ ح ۱۷۱۱

۴ صحیح ابن حبان ج ۸ ص ۲۵۶ ح ۲۴۷۹

۵ قال ابن الأثیر فی التَّهَذُّبِ وَفیه (أبی المحدث) ذکر السُّحُورِ: مَكْرُوفٌ فِی عِبَرِ مَوْضِعٍ، وَهُوَ بِالْفَتْحِ اسْمٌ مَّا يُسَحَّرُ بِهِ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ، وَبِالضَّمِّ الْمَعْدَرُ وَالْفِعْلُ نَفَعَهُ وَأَكْثَرُ مَا يَرْدَى بِالْفَتْحِ، وَقِيلَ: إِنَّ الصَّوَابَ بِالضَّمِّ، لِأَنَّهُ بِالْفَتْحِ طَعَامٌ، وَالْبَرَكَةُ وَالْأَجْرُ وَالشَّرَابُ فِی الْفِعْلِ لَا فِی الطَّعَامِ (التَّهَذُّبُ ج ۲ ص ۳۱۷)

۶ الکافی ج ۴ ص ۹۵ ح ۳

۲۵۹۶. عنه ﷺ: تَسَحَّرُوا فَإِنَّ فِي السَّحُورِ بَرَكَهً ¹
 ۲۵۹۷. عنه ﷺ: لَا تَدْعُ أَكْثِي السَّحُورَ وَلَوْ عَلَى حَشْفَةٍ ²
 ۲۵۹۸. عنه ﷺ: تَعَاوَنُوا بِأَكْلِ السَّحُورِ عَلَى صِيَامِ النَّهَارِ،
 وَبِالنُّومِ عِنْدَ الْقِيَامَةِ عَلَى قِيَامِ اللَّيْلِ. ³
 ۲۵۹۹. عنه ﷺ: نِعَمَ سَحُورُ الْمُؤْمِنِ التَّحَرُّ ⁴

۳/۶ ما ينبغي للصائم

- ۲۶۰۰ رسول الله ﷺ: إِذَا صُمْتُمْ فَمَا تَأْكُلُوا بِأَعْدَاءَ
 وَلَا تَسْتَاكُوا بِأَنْفُسِي، فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنِّي صَائِمٌ تَبَسُّ
 شَفَاةً بِأَنْفُسِي، وَلَا كَانَ يُورَأْتِي عَيْشُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ⁵
 ۲۶۰۱ المعجم الكبير عن عبدالله بن مسعود: أَوْصَانِي
 رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ أَصْبِحَ يَوْمَ صُومِي ذَهِيماً مُرَحَّلاً،
 وَلَا تُصْبِحَ يَوْمَ صَوْمِكَ غَيُوساً ⁶
 ۲۶۰۲ رسول الله ﷺ: أَرْبَعٌ مِنْ فَلَهَرٍ مَوِي عَلَى صِيَامِهِ
 أَنْ يَكُونَ أَوَّلُ فِطْرِهِ عَلَى مَاءٍ... وَلَا يَدْعُ الْهَائِبَةَ ⁸

۴/۶ ما لا ينبغي للصائم

- ۲۶۰۳ رسول الله ﷺ: ثَلَاثٌ لَا يَتَرَصَّ أَحَدُكُمْ نَفْسَهُ نَهْنُ
 وَهُوَ صَائِمٌ الْجِمَامَةُ، وَالْحَقَامُ، وَنَرَأَةُ الْحَسَاءِ ⁹

- ۲۶۰۴ پیامبر خدا ﷺ: چهار کار است که هر کس آنها را انجام
 دهد، هر روزه‌داری، بیرو می‌گیرد، آغار افطارش با
 آب باشد... و خواب قیلوله (نیم‌روزی) را ترک نکند

۴/۶. آنچه برای روزه‌دار، شایسته نیست

- ۲۶۰۵ پیامبر خدا ﷺ: سه چیز است که هر یک از شما
 روزه‌دار بود، خود را در معرض آنها قرار ندهد:
 حیامت، حمام، و زنی را

۱ صحیح البخاری ج ۲ ص ۶۷۹ ح ۱۸۲۳
 ۲ التلخیص ج ۴ ص ۹۵ ح ۳
 ۳ تهذیب الأحکام ج ۱ ص ۱۹۹ ح ۵۷۱
 ۴ مسأله فی فروع ج ۱ ص ۳۰۲ ح ۲۳۱۵
 ۵ المعجم الكبير ج ۴ ص ۷۸ ح ۳۶۹۶
 ۶ مسأله فی فروع ج ۱ ص ۸۶۹ ح ۴۳۱۵۹ و أصبح يوم صومك وهو الانسب
 ۷ المعجم الكبير ج ۱ ص ۸۱ ح ۱۰۱۲۸
 ۸ التلخیص ج ۱ ص ۳۷۱ ح ۱۴۹۶
 ۹ التلخیص للزبدی ص ۲۶۹ ح ۴۶۷

۲۶۰۱. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ اللَّهَ كَرِهَ لِي بَيْتٌ جِصَالٍ، ثُمَّ كَرِهَتْهُنَّ لِلْأَوْصِيَاءِ مِنْ وَدِيِّ وَأَتْبَاعِهِمْ مِنْ بَعْدِي^۱ الرَّفَثُ^۲ فِي الصَّوْمِ^۳

۲۶۰۵. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا تَوَضَّأْتَ فَأَبْلِعِ الْإِسْتِشَاءَ مَا لَمْ تَكُ صَائِمًا^۴

۵/۶. مَا يَنْفِي عَنِ الْإِفْطَارِ

أ-الدُّعَاءُ

۲۶۰۶. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنْ لَمْ تَأْكُلْ عِنْدَ بَطْنٍ وَلَدَعَوْهُ مَا تَزِدُ^۵

۲۶۰۷. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَرْبَعَةٌ لَا تَزِدُ لَهُمْ دَعْوَةً حَتَّى تُفْتَحَ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَتُصِيرَ إِلَى الْقَرَشِ: .. وَالصَّائِمُ لِحَسَنِ بَطْنٍ^۶

ب-الدُّعَاءُ بِالْعَاشُورِ قَبْلَ الْإِفْطَارِ

۲۶۰۸. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ -كَانَ يَقُولُ إِذَا أَطْعَرَ: بِاسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ لَكَ حُصْبٌ وَعَلَى يَرْفِكَ أَطْعَرْتُ، كَحَبْلِ مِثِّي بِكَ أَمْتُ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ^۷.

۲۶۰۹. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا مِنْ عَبْدٍ يَصُومُ فَيَقُولُ عِنْدَ إِفْطَارِهِ

۱. فی کتب من لا یحضره الفقه ج ۲ ص ۱۰۸ ح ۱۸۵۶ ولاحداً الرث ...

۲. الرث کلمة جماعة لكل ما یرید المرء من المرأة (التهذیب ج ۲ ص ۲۴۱)

۳. الکافی ج ۴ ص ۸۹ ح ۱۱

۴. مستدرک حبی ج ۵ ص ۵۱۸ ح ۱۶۳۸۳

۵. سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۵۵۷ ح ۱۷۵۳

۶. الکافی ج ۲ ص ۵۱۰ ح ۶

۷. الدعاء للطبرانی ص ۲۸۶ ح ۹۱۸

۲۶۰۲. پیامبر خدا ﷺ خداوند، شش کار را برای من خوش نداشت. من هم آنها را برای اوصیای خود - که هر رند نام هستند - و پیر و انشان پس از خویش، خوش ندارم، از جمله: [مقدمات] آمیزش جنسی در هنگام روزه را

۲۶۰۵. پیامبر خدا ﷺ وقتی وضو می‌گیری، استنشاق (آب در بینی کردن) را کامل انجام بده، [البته] وقتی که روزه نیستی

۵/۶. آنچه هنگام افطار، شایسته است

الف - دعا

۲۶۰۶. پیامبر خدا ﷺ -روزه دار، هنگام افطارش، یک دعای مستجاب دارد

۲۶۰۷. پیامبر خدا ﷺ چهار نفرند که دعایی از آسمان رد نمی‌شود، تا آن که درهای آسمان برای آنان گشوده شود و دعایشان به عرش برسد ... و روزه‌دار، تا آن که افطار کند

ب - خواندن دعای روایت شده پیش از افطار

۲۶۰۸. پیامبر خدا ﷺ - در دعایش به هنگام افطار - به نام خدا، حدایا! برای تو روزه گرفتم و بر رویت تو افطار کردم. از من بپذیر همانا نوشوای دانایی.

۲۶۰۹. پیامبر خدا ﷺ هیچ پندهای نیست که روزه

۱. کلمه رث، که در اصل عربی حدیث به کار رفته است، به اتراف بهره‌گیری‌های جسی از زن، اطلاق می‌شود. آن با توجه به مایر مراد است که در این حدیث آمده‌اند و با عنایت به تعبیر «کره» (خوش نداشت)، ظاهراً مقصود از «رث»، مقدمات آمیزش جسی است که به دلیل حتمال سحر شدن آن به آمیزش، حکم به کراهت آن شده است

«يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ؛ أَنْتَ إِلَهِي لَا إِلَهَ لِي غَيْرُكَ بِعَمْرِ لِي
الدَّيْبِ الْعَظِيمِ؛ إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ» إِلَّا
خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ^۱

ج - الإفطارُ بالتمر، أو الزبيب، أو الشيءِ الخلو
أو الماءِ القاتِر

۲۶۱۰ رسول الله ﷺ أَصْلَ مَا يَبْدَأُ بِهِ الصَّائِمُ بِزَيْبٍ
أَوْ شَيْءٍ خَلَوِ^۲

۲۶۱۱ الإمام الصادق ﷺ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَوَّلَ مَا
يُفْطِرُ عَلَيْهِ فِي رَمَضَانَ الرُّطْبُ الرُّطْبُ، وَفِي رَمَضَانَ التَّمْرُ
التَّمْرُ^۳.

۲۶۱۲ الإمام الباقر ﷺ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا صَامَ قَلَّمَ
بِحَبْدِ الْخَلْوَةِ أَفْطَرَ عَلَى الْمَاءِ^۴.

۲۶۱۳ الإمام الصادق ﷺ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا مَطَرَ
بَدَأَ بِخَلْوَةِ يُفْطِرُ عَلَيْهَا فَإِنْ لَمْ يَجِدْ فَسُكَّرَةً أَوْ
تَمْرَاتٍ فَإِذَا أَعْوَرَ ذَلِكَ كُلَّهُ مَاءٌ قَاتِرٌ^۵

د - التَّشْكُرُ إِذَا أَفْطَرَ عِنْدَ قَوْمٍ

۲۶۱۴ الإمام الصادق ﷺ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا طَعِمَ
عِنْدَ أَهْلِ بَيْتٍ قَالَ لَهُمْ طَعِمَ عِنْدَكُمْ الصَّائِمُونَ،
وَأَكَلَ عِنْدَكُمْ الْأَمْوَارُ، وَصَلَّبَ عَلَيْكُمْ الْمَلَائِكَةُ
الْأَحْيَاءُ^۶

بگیرد و هنگام افطارش بگوید: «ای بزرگ، ای
بررگ! تو معبود می هیچ معبودی جز تو نیست
گاه بررگ مرا پیامبر همانا گاه بزرگ را جز
بررگ نمی امرده»، مگر آن که از گناهانش بیرون
می آید، همچون روزی که مادرش او را زاده
است

ج - افطار کردن با خرما یا کنمش یا شیرینی یا آب ولرم

۲۶۱۰ پیامبر خدا ﷺ سرتریس چیری که روزه دار،
افطارش را با آن آغاز می کند، کنمش یا چیری
شیرین است.

۲۶۱۱ امام صادق ﷺ اولین چیری که پیامبر خدا برودارش
را با آن افطار می کرد، در رمضان رطوب، رطب بود و
در زمایر حرما، حرما^۱

۲۶۱۲ امام باقر ﷺ پیامبر خدا، هرگاه روزه بود و خلوا
(شیرینی) نمی یافت، با آب افطار می کرد

۲۶۱۳ امام صادق ﷺ پیامبر خدا، هرگاه افطار می کرد،
با خلوا (شیرینی) آغاز می کرد و اگر نمی یافت، با
شکر یا چند حرما و اگر اینها هم نبودند، با آب
ولرم افطار می کرد

د - سپاس گواری، هنگام افطار کردن برود دیگران

۲۶۱۴ امام صادق ﷺ پیامبر خدا، هرگاه برود خانواده ای
عذا می خورد، به آنان می فرمود «روزه داران، برود
شما افطاری بخورید و بیکان، پیش شما عدا بخورید
و فرشتگان بیکو، بر شما درود بفرستند».

۱ الإقبال ج ۱ ص ۲۴۰

۲ الدرر دوس ج ۱ ص ۳۵۸ ح ۱۴۴۵

۳ الکافی ج ۱ ص ۱۵۲ ح ۶

۴ الکافی ج ۱ ص ۱۵۲ ح ۱

۵ الکافی ج ۱ ص ۱۵۳ ح ۴

۶ الکافی ج ۶ ص ۲۹۴ ح ۱۰

۲۶۱۵ الدعاء للطیرانی عن أنس بن رسول الله ﷺ كَانَ إِذَا أَفْطَرَ عِدَّ أَهْلَ بَيْتٍ قَالَ لَهُمْ: أَفْطَرْتُ عَلَيْكُمْ الصَّائِمِينَ، وَعَشَيْتُكُمْ الرُّحِمَةَ، وَأَكَلْتُ طَعَامَكُمْ الْأَبْرَارَ. وَتَزَلَّتْ عَلَيْكُمْ الْمَلَائِكَةُ ۱

الفصل السابع. مایوکتد استحبابه من الأعمال

۱/۷ التَّطَوُّعُ بِخَصْلَةٍ مِنْ حَصَالِ الْخَيْرِ

۲۶۱۶ رسول الله ﷺ مَنْ تَطَوَّعَ بِخَصْلَةٍ مِنْ حَصَالِ الْخَيْرِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ كَانَ كَمَنْ أَدَّى سَبْعِينَ فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِصِ اللَّهِ، وَمَنْ أَدَّى فِيهِ فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِصِ اللَّهِ كَانَ كَمَنْ أَدَّى سَبْعِينَ فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِصِ اللَّهِ تَعَالَى عَمَّا سِوَاهُ مِنَ الشُّهُورِ ۲

۲/۷ تَطْعِيمُ الصَّائِمِينَ

۲۶۱۷ رسول الله ﷺ مَنْ فَطَرَ صَائِمًا كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْهُ شَيْءٌ، وَمَا عَمِلَ بِقُوَّةِ ذَلِكَ الطَّعَامِ مِنْ بَرٍّ ۳

۲۶۱۸ عنه ﷺ - عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - يَا عَلِيُّ، ثَلَاثُ فَرَاحَاتٍ لِمُؤْمِنٍ فِي الدُّنْيَا، إِقَاءُ الْإِخْوَانِ، وَتَطْعِيمُ الصَّائِمِ، وَتَهَجُّدُ مَنْ أَحْرَبَ اللَّيْلَ ۴

۲۶۱۹ عنه ﷺ مَنْ فَطَرَ مُؤْمِنًا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ كَانَ لَهُ بِذَلِكَ عِتْقُ رَقَبَةٍ وَمَغْفِرَةٌ لِذُنُوبِهِ عَمَّا مَضَى، فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ إِلَّا عَلَى مَدَقَةٍ لَبَنٍ فَفَطَرَ بِهَا صَائِمًا أَوْ شَرِبَهُ مِنْ

۲۶۱۵ الدعاء، طیرانی - به نقل از آنس -: پیامبر خدا، هرگاه پیش خاندانهای افطار می‌کرد، به آنها می‌فرمود: «روژه‌داران، پیش شما افطار کردید و رحمت، شما را مرا گرفت. نیکان، غذای شما را خوردند و فرشتگان، بر شما فرود آمدند».

فصل هفتم. کارهایی که بر استحباب آنها

تأکید شده است

۱/۷ انجام دادن یکی از کارهای نیک

۲۶۱۶ پیامبر خدا ﷺ. کسی که در ماه رمضان، یکی از کارهای نیک را انجام دهد، همچون کسی است که هفتاد واجب از واجبات خدا را انجام داده است و هر کس در این ماه، واجبی از واجبات خدا را انجام دهد، همچون کسی است که هفتاد واجب از واجبات خدای متعال را در ماه‌های دیگر انجام داده است.

۲/۷ اطاری دادن به روزه‌داران

۲۶۱۷. پیامبر خدا ﷺ. هر کس روزه‌داری را اطاری دهد، مثل پاداش و هر عمل خوبی که روزه‌دار با بیروی آن خدا انجام می‌دهد، بدون آن که از پاداشش چیزی کم شود، برای اطاری دهنده است.

۲۶۱۸ پیامبر خدا ﷺ - به علی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - ای علی! مؤمن در دنیا سه خوش حالی دارد. دیدار برادران، اطاری دادن به روزه‌دار، و تهجد در آخر شب.

۲۶۱۹. پیامبر خدا ﷺ. هر کس مؤمنی را در ماه رمضان اطاری دهد، پاداش کارش [پاداشی برابر با پاداش] آزاد کردن بنده و [تیر] آمرزش گناهان گذشته اوست. پس اگر بجز جرعه‌ای شیر یا

۱ الدعاء للطیرانی من ۲۸۷ ح ۹۲۲ و ۹۲۳

۲ الممتعة من ۳۶۱

۳ تهذيب الأحكام ج ۴ ص ۲۰۲ ح ۵۸۲

۴ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۳۶۰ ح ۵۷۶۲

ماءٍ عَذْبٍ وَتَعْرِ لَا يَتَذَرُّ عَلَى أَكْثَرِ مِمَّنْ دَلِدَ، عَطَاءُ أَفَّةٍ
هَذَا الثَّوَابُ ۱

۳/۷ كَثْرَةُ الْإِمْطَاقِ

۲۶۲۰. سنن الترمذی عن انس، سُئِلَ النَّبِيُّ ﷺ ... أَيُّ
الصَّدَقَةِ أَصْلٌ؟ قَالَ صَدَقَةٌ فِي رَمَضَانَ ۲

۲۶۲۱. رسول الله ﷺ مَا مِنْ نَفَقَةٍ إِلَّا وَيُسَالَى الْمَدُّ عَنْهَا،
إِلَّا النَّفَقَةُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ حِلَّةٌ لِلْعِبَادِ، وَكَانَ كِفَارَةً
لذُنُوبِهِمْ، وَمَنْ تَصَدَّقَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِصَدَقَةٍ مَعَالِ
دَرَّةٍ فَمَا قَوْفُهَا، إِذَا كَانَ نَفْلٌ عَبْدَ اللَّهِ ﷺ مِنْ جِبَالِ
الْأَرْضِ ذَهَبًا تَصَدَّقَ بِهَا فِي غَيْرِ رَمَضَانَ ۳

۲۶۲۲. ثَوَابُ الْأَعْمَالِ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ أَطْلَقَ كُلَّ أَسِيرٍ، وَأَعْطَى كُلَّ
سَائِلٍ ۴

۴ ۷ كَثْرَةُ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ

فَضْلُ التَّلَاوَةِ وَالْحَدِّثِ عَلَيْهَا

۲۶۲۳. رسول الله ﷺ - فِي آدَابِ شَهْرِ رَمَضَانَ - أَكْثَرُوا
مِنْ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ ۵

۲۶۲۴. عَنْهُ ﷺ مَنْ قَرَأَ آيَةً فِي رَمَضَانَ أَوْ سَبَّحَ كَانَ لَهُ
مِنَ الْفَصْلِ عَلَى غَيْرِهِ كَفَصْلِي عَلَى أَنَسِي، فَطَوْبُ لِمَنْ
أَدْرَكَ رَمَضَانَ أَتَمَّ طَوْبِي لَهُ ۶

۱. المحاسن ج ۲ ص ۱۵۸ ح ۱۱۳۰

۲. سنن الترمذی ج ۲ ص ۵۱ ح ۱۶۳

۳. بحواله الأئمة ج ۹۶ ص ۳۶۵ ح ۹

۴. ثواب الأعمال ص ۹۷ ح ۱۳

۵. مسائل الأشهر الثلاثة ص ۹۵ ح ۷۸

۶. بحواله الأئمة ج ۶ ص ۳۶۵ ح ۹

جرعه‌ای آب گوار و همراه به روزه‌داری اطاری
دهد و بیش از این هم نتواند، خداوند همان
پاداش را به او می‌دهد.

۳/۷ بسیار لفاف کردن

۲۶۲۰. سنن الترمذی - به نقل از انس - از پیامبر ﷺ
پرسیدند: کدام صدقه برتر است؟

فرمود: صدقه در [ماه] رمضان.

۲۶۲۱. پیامبر خدا ﷺ هیچ حرج کردنی نیست، مگر
آن که بدهد، درباره آن باوخواست می‌شود، جر حرج
کردن در ماه رمضان در راه احسان به بندگان و این،
کثرت گناهان می‌شود. هر کس در ماه رمضان به اندازه
یک گنجی، زره‌ای یا بالاتر از آن صدقه دهد، نزد
خداوند، سبکی‌تر از کوه‌های رمین از طلاست که
هر غیر ماه رمضان صدقه می‌دهد.

۲۶۲۲. ثواب الأعمال - به نقل از ابن عباس - وقتی

ماه رمضان می‌شد، پیامبر خدا، همه اسیران را
آزاد می‌کرد و به هر یازمندی، بخشش می‌نمود.

۴ ۷ بسیار قرآن خواندن

تصیف تلاوت قرآن و تشویق به آن

۲۶۲۳. پیامبر خدا ﷺ - در بیان آداب ماه رمضان - در
این ماه، بسیار قرآن بخوانید.

۲۶۲۴. پیامبر خدا ﷺ هر کس در ماه رمضان، آیه‌ای
بخواند و یا تسبیحی بگوید، برتری آن بر غیر ماه
رمضان، همچون برتری من بر امت من است. پس
خوشا به حال آن که رمضان را دریابد، خوشا به
حال او ۱

۵/۷. کَثْرَةُ الْإِسْتِغْفَارِ

۷. بسیار استغفار کردن

۲۶۲۵ رسول الله ﷺ: إِنَّ فِي رَمَضَانَ مُسَادِي مُسَادٍ بَعْدَ ثَلَاثِ اللَّيْلِ الْأُولَى، أَوْ ثَلَاثِ اللَّيْلِ الْآخِرِ إِلَّا سَائِلٌ يَسْأَلُ فَيُعْطَى؟ أَلَا مُتَمَرِّزٌ يَسْتَمَرُّ فَيَمُزَّ لَهُ؟ أَلَا تَائِبٌ يَتُوبُ فَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِ؟^۱

۲۶۲۵ پیامبر خدا ﷺ: در رمضان، پس از گذشتن یک سوم از شب و یا یک سوم آخر آن، مسادی ندا می‌دهد: آیا حواهده‌ای هست تا بخواهد و به تو بدهد؟ آیا استغفار کننده‌ای هست که آمرزش بخواهد و آمرزیده شود؟ آیا توبه کننده‌ای هست که توبه کند و خداوند هم توبه‌اش را بپذیرد؟^۲

۶/۷. كَثْرَةُ الدُّعَاءِ وَالذِّكْرِ

الكتاب

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الْمُتَدَاعِبِ إِذَا دَعَا فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾^۳

۶/۷. بسیار دعا خواندن و ذکر گفتن

قرآن

﴿و هر گاه بندگان من از تو درباره من می‌پرسند، [بگو]:] بگو: یقیناً من نزدیکم. دعای دعاکننده را، آن گاه که مرا بخواهد، اجابت می‌کنم. پس [آنان] باید فرمان مرا گردن بدارند و به من ایمان آورند، باشد که راه یابند﴾

الحدث

۲۶۲۶ رسول الله ﷺ: - هِيَ دُعَاءُ اللَّيْلَةِ الْتَامَةِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ -: اللَّهُمَّ هَذَا شَهْرُكَ الَّذِي أَمَرْتَ فِيهِ عِبَادَكَ بِالدُّعَاءِ وَصَيَّيْتَ لَهُمُ الْإِحَابَةَ، وَقُلْتَ: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَا﴾^۴

حدیث

۲۶۲۶. پیامبر خدا ﷺ: در دهای شب هشتم ماه رمضان... خداوند! این، ماه توست؛ ماهی که بندگان را فرمان دادهای در آن تو را بخواهند و اجابت دعایشان را بر عهده گرفته‌ای و گفته‌ای، ﴿و چون بندگان من از تو درباره من می‌پرسند، [بگو]:] بگو: یقیناً من نزدیکم. دعای دعاکننده را آن گاه که مرا بخواهد، اجابت می‌کنم﴾

۲۶۲۷ فضائل الأولات للبيهقي عن عائشة كان رسول الله ﷺ إذا دخل رمضان تغير لونه، وكثرت صلاته، وابتهل في الدعاء وأشفق منه^۵

۲۶۲۷ فضائل الأولات، بیهقی - به نقل از عایشه - هر گاه ماه رمضان وارد می‌شد، رنگ چهره پیامبر خدا، دگرگون می‌گشت و نمازش افزون می‌شد و در دعا به درگاه خدا می‌بالید و نذر و بیساک بود

۲۶۲۸ رسول الله ﷺ: دَاكِرُ اللَّهِ فِي رَمَضَانَ مَحْجُورٌ لَهُ، وَسَائِلُ اللَّهِ عِيْدٌ لَا يُخَيَّبُ^۶

۲۶۲۸ پیامبر خدا ﷺ: یادگسسته خدا در [ماه] رمضان، آمرزیده نیست و خواهنده از او در این ماه، محروم نمی‌شود.

۱. شعب الإيماء ج ۲ ص ۳۱۱ ح ۳۶۲۸

۲. البقرة ۱۸۶

۳. الإقبال: ج ۱ ص ۲۶۹

۴. فضائل الأولات للبيهقي ص ۴۹ ح ۸۱.

۵. المعجم الأوسط ج ۷ ص ۲۲۶ ح ۷۳۵۱

۷/۷ کثرة الصلاة

۷/۷. بسیار نماز خواندن

۲۶۲۹ الإمام الصادق ﷺ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا حَاءَ

شَهْرُ رَمَضَانَ رَافِي الصَّلَاةِ، وَأَنَا أُرِيدُ فَرِيدُوا

۲۶۳۰ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ صَلَّى مِنْكُمْ فِي هَذَا شَهْرٍ يَهْدِيهِ

زَكَتَيْنِ يَنْتَظِعُ بِهِمَا، عَفَرَ اللَّهُ عَنْهُ ^۱

۸/۷ الغمرة

۲۶۳۱ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ غَمْرَةٌ فِي رَمَضَانَ تَعْدِلُ حَجَّةً ^۲

۲۶۳۲ الكافي عن الوليد بن صبيح قَالَ لِأُمِّ عَبْدِ اللَّهِ ﷺ

بِعَصَا أَنْ غَمْرَةً فِي شَهْرِ رَمَضَانَ تَعْدِلُ حَجَّةً

فَقَالَ إِنَّمَا كَانَ ذَلِكَ فِي إِسْرَائِيلَ وَعَنْهُ رَسُولُ

اللَّهِ ﷺ فَقَالَ لَهَا اسْمُرِي فِي شَهْرِ

رَمَضَانَ مِثْلَ لَكَ حَجَّةً ^۳

۹/۷ الاعتكاف

۲۶۳۳ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ اعْتِكَافٌ عَشْرٌ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ

يَعْدِلُ حَجَّتَيْنِ وَعُمْرَتَيْنِ ^۴

۲۶۳۴ الإمام الصادق ﷺ كَانَتْ يَدْرُسُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ قَلَمٌ

يَعْتَكِفُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، فَلَمَّا أَنْ كَانَ مِنْ قَابِلِ اصْكَفَ

عَشْرِينَ عَشْرًا بَعَايَهُ وَعَشْرًا أَقْصَا، لَمَّا دَانَهُ ^۵

۲۶۳۵ عَنْهُ ﷺ اعْتَكَفَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ

۲۶۲۹ امام صادق ﷺ چون ماه رمضان می آمد، پیامبر

حدا بر نماز تن می افزود. من نیز می افراهم پس

شما هم پیروی کنید.

۲۶۳۰ پیامبر خدا ﷺ هر کس از شما در این ماه،

دو رکعت نماز مستحب برای خدا بخواند،

خداوند او را می امرزد

۸/۷ غمره

۲۶۳۱ پیامبر خدا ﷺ غمره در [ماه] رمضان، برابر

حج است

۲۶۳۲ [کافی] - به نقل از ولید بن صبیح - به امام

صادق ﷺ گفتم به ما چنین رسیده که غمره در

رمضان، با حج برابر است

فرمود: این در موردی بود که پیامبر خدا به

او وعده داد و فرمود: در ماه رمضان، غمره به حج

و، که برابر یک حج است ^۱

۹/۷ اعتکاف

۲۶۳۳ پیامبر خدا ﷺ اعتکاف ده روز ماه رمضان،

برابر دو حج و دو عمره است.

۲۶۳۴ امام صادق ﷺ: جنگ بدر، در ماه رمضان بود.

پس پیامبر خدا، معتکف شد سال بعد، بیست

روز معتکف شد ده روز برای هجده سال، و ده

روز برای قصای آنچه از او فوت شده بود

۲۶۳۵ امام صادق ﷺ پیامبر خدا در ماه رمضان، در ده

۱ مهذب الأحكام ج ۳ ص ۶۰ ح ۴

۲ عو، اصل الرسالة ح ص ۲۹۳ ح ۱۶

۳ مس الثرمذی ج ۳ ص ۲۷۶ ح ۹۳۹

۴ الکافی ج ۱ ص ۵۳۵ ح ۱

۵ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۸۸ ح ۱

۶ الکافی ج ۱ ص ۱۷۵ ح ۲

فِي الْعَشْرِ الْأَوَّلِ، ثُمَّ اعْتَكَفَ فِي الثَّانِيَةِ فِي الْعَشْرِ
الْوُسْطَى، ثُمَّ اعْتَكَفَ فِي الثَّالِثَةِ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّجِرِ، ثُمَّ
لَمْ يَزَلْ يَحْتَكِفُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّجِرِ^۱

رور نزل، معتکف شد سال بعد، در ده رور وسط،
و در سال سوم، در ده رور آخر معتکف شد، سپس
پوسته در ده رور آخر، اعتکاف می نمود

الفصل الثامن: الأعمال المختصة

بالعشر الأواخر

۱/۸ غفر

۱/۸ الغفر

۲۶۳۶ الإمام الصادق عليه السلام كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَحْتَبِلُ

فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّجِرِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ^۲

هر شت غسل می کرد.

۲/۸ اعتکاف

۲/۸ الاعتكاف

۲۶۳۷ الكافي عن الحلبي عن الإمام الصادق عليه السلام كَانَ

رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِذَا كَانَ الْعَشْرُ الْأَوَّجِرَ اعْتَكَفَ فِي
الْمَسْجِدِ، وَصَرِيحٌ لَهُ قُبَّةٌ مِنْ شَعِيرٍ، وَشَعْرُ الصُّنْبُرِ،
وَطَوَى فِرَاشَهُ^۳

۲۶۳۷ الكافي - به نقل از حنی - امام صادق عليه السلام فرمود:

دهه آخر ماه رمضان که می شد، پیامبر خدا، در
مسجد، معتکف می شد و برای او چادری
نارنگه شده از مو [ی چهار پایان] برافراشته می گشت
کنار آن [نخات] می بست و بستر خود را جمع
می کرد.^۱

وَقَالَ بَعْضُهُمْ وَاعْتَرَلَ النِّسَاءَ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ

اللَّهِ عليه السلام أَمَا اعْتَزَلَ النِّسَاءَ فَلَا^۴

برخی گفته اند: از زنان نیز کناره می گرفت.

امام صادق عليه السلام فرمود: «از زنان، کناره
نمی گرفت»

۱ الكافي ج ۴ ص ۱۷۵ ح ۳

۲ الإقبال ج ۱ ص ۳۵۸

۳ قال العلامة المجلسي عليه السلام قوله صلى الله عليه وآله طوَى فِرَاشَهُ كناية
عن ترك الاجتماع والمصاحبة أو عن قلعة النوم والاول أظهر،
ولا ينافيه قوله صلى الله عليه وآله «أَمَا اعْتَزَلَ النِّسَاءَ فَلَا» فإن المراد به
الاعتزال بالكيفية بحيث يسمح عن الجمعة والمكالمه
والجلوس معه (مراد القول: ج ۱ ص ۱۶ ص ۱۲۶).

۴ قال الشيخ الطوسي عليه السلام في الاستبصار إن قوله صلى الله عليه وآله «لَا
اعْتَزَلَ النِّسَاءَ فَلَا» المحمى فيه مخالفتهم ومجالستهم دون أن
يكون المراد به وطأهن في حال الاعتكاف، لأن الذي يحرم
في حال الاعتكاف الجماع دون ما سواه مما ذكره
(الاستبصار ج ۲ ص ۱۲۱).

۱ الكافي ج ۴ ص ۱۷۵ ح ۱

علامه مجلسی گفته است جمع کردن بستر، کنایه از تری
امیزش و همجواری یا کاستن از حواب است. البته احتمال
ازل، قوی بر اینست و باید این سخن امام صلى الله عليه وآله که «از زنان، کناره
نمی گرفته» نیز مخالفت ندارد چون مقصود از این کلام،
[نهی] کناره گیری کلی از زنان است، به نحوی که نتوانند به
ایشان خدمت کنند و یا او گفتگو و همیشی کنند. شیخ
طوسی در الاستبصار گفته است: این سخن امام صادق عليه السلام که
«از زنان، کناره نمی گرفت»، معنایش [نهی نکردن] گفتگو و
همیشی با زنان است، نه امیزش یا آنها در حال اعتکاف؛
براین آنچه در حال اعتکاف حرام است، هم بستر شدن است،
به چیزهایی که یاد کردیم

۳/۸ الاجتهاد في العبادة

۳/۸ تلاش بیشتر برای عبادت

۲۶۳۸ السنن الكبرى عن عائشة كان رسول الله ﷺ يَجْتَهِدُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّلِ مِنْ رَمَضَانَ مَا لَا يَجْتَهِدُ فِي غَيْرِهَا^۱

۲۶۳۸ السنن الكبرى - نه نقل از عائشه - پیامبر خدا، تلاشی را که [برای عبادت] در دهه آخر رمضان داشت، در غیر آن نداشت.

۲۶۳۹ الإمام علي عليه السلام: إن النبي ﷺ كان يوقظ أهله في العشر الأوَّلِ مِنْ رَمَضَانَ^۲

۲۶۳۹ امام علی علیه السلام: پیامبر ﷺ خانواده خود را برای دهه آخر [ماه] رمضان، بیدار می کرد.

۲۶۴۰ الإمام الصادق عليه السلام: كان رسول الله إذا دخل العشر الأوَّلُ شَدَّ الْمَرْزَ، وَاجْتَنَبَ النَّسَاءَ، وَأَحْمَا اللَّيْلَ وَتَقَرَّحَ لِلْعِبَادَةِ^۳

۲۶۴۰ امام صادق علیه السلام: چون دهه آخر [رمضان] فرا می رسید، پیامبر خدا، کمر [به عبادت] می بست و از [همستر شدن با] زنان، کدوره می گرفت و شب را احیا می داشت و تنها به عبادت می پرداخت.

الفصل التاسع نوافل شهر رمضان

فصل نهم نوافل ماه رمضان

۲۶۴۱ الإمام الصادق عليه السلام: مِمَّا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَصْنَعُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، كَانَ سَقَّلَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ. وَبَرِيذَ عَمِي صَلَاحِ النَّبِيِّ كَانَ يُصَلِّيُهَا قَبْلَ ذَلِكَ مُدَّ أَوْ لَيْلَةٍ أَوْ ثَمَانِي عَشْرِينَ لَيْلَةً - فِي كُلِّ لَيْلَةٍ عَشْرِينَ رَكْعَةً أَوْ ثَمَانِي رَكْعَاتٍ مِنْهَا بَعْدَ الْمَغْرَبِ وَاثْنَتَا عَشْرَةَ بَعْدَ الْعِشَاءِ الْآجِرَةِ وَيُصَلِّيُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّلِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ ثَلَاثِينَ رَكْعَةً أَوْ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ مِنْهَا بَعْدَ الْمَغْرَبِ وَثَمَانِينَ عَشْرَةَ بَعْدَ الْعِشَاءِ الْآجِرَةِ. وَيَدْعُو وَيَجْتَهِدُ اجْتِهَادًا شَدِيدًا، وَكَانَ يُصَلِّيُ فِي لَيْلَةِ إِحْدَى وَعَشْرِينَ مِنْهُ رَكْعَةً، وَيُصَلِّيُ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَعَشْرِينَ مِنْهُ رَكْعَةً وَيَجْتَهِدُ فِيهِمَا^۴

۲۶۴۱ امام صادق علیه السلام: از جمله کارهایی که پیامبر خدا در ماه رمضان انجام می داد، این بود که هر شب، نافله می خواند و بر نمازهایی که پیش تر، از شب اول تا پایان بیست شب می خواند، هر شب، بیست رکعت می افزود هشت رکعت پس از مغرب و دوازده رکعت پس از عت

و در دهه آخر، در هر شب، سی رکعت [نماز] می خواند دوازده رکعت پس از مغرب و هجده رکعت پس از عت، و دعا می کرد و بسیار در عبادت می کوشید، و در شب بیست و یکم، صد رکعت نماز می خواند، و در شب بیست و سوم نیز صد رکعت؛ و در این دو شب، کوشا بود

۱ السنن الكبرى ج ۱ ص ۵۱۶ ح ۸۵۶۱

۲ مسنن لخمدي ج ۳ ص ۱۶۱ ح ۷۹۵

۳ الکافي ج ۴ ص ۱۵۵ ح ۳

۴ تهذيب الأحكام ج ۳ ص ۶۲ ح ۲۱۳

سخنی در فضیلت موافق ماه رمضان و تشویق به آنها

شیخ مفید^۱ می‌گوید

بدان که خداوند بزرگ ماه رمضان را بر ماههای دیگر برتری داده، چون مصلحت آن را برای بدگذاشتن می‌دانست پس حکم دوره را در قرآن بیان کرد و دوره ماه رمضان را الهامی ساخت و بر موانعت از وجبات در ماه رمضان تأکید کرد و به کارهای حیرت‌برانگیز ماه فرج حوائط و مریه‌ن را بزرگ داشت و شرافتش بخشید و شأن آن را بالا ساخت و میانش را استوار نمود و حیرت‌ناک که در آن عظیم را در این ماه، وارد کرده و در این ماه، غیبی است که بهتر از هزار ماه برای جهانیان است. از حجتی آنچه خداوند به آن فرج حوائط و تشویق نموده هر رکعت نماز است که بدهد، آنها را به قصد تقرب به خدا انجام می‌دهد و افزون بر این چهره‌گاشی‌هایی است که در نمازهای واجب پیش می‌آید پس آنها را در رکعتی - خداوند هدایت کند - و نفس آنها را به دست آور و مصمم بگردد که آنها را بجهاد و می‌نالد محصلش باشد^۲

و نیز در جایی دیگر می‌گوید

و بدان که این هزار رکعت عمر در نعلبه‌هایی است که بر سایر ماهها به صورت موافق شبانه‌روزی به جا می‌آوردی و چرا که این هزار رکعت، به خاطر عظمت احرام ماه رمضان، افزون بر نهایت به آنها راه خاطر این هزار رکعت و انگار و به این هزار رکعت را به خاطر آنها ترک کن هر دو راه جدا و ر خداوند، پاری و توفیق بر انجام دادن آنها بطلب. و این است که امام صادق^{علیه السلام} چون از شرح این نماز بری مفضل بن عمر جعفری فرغ یافت، فرمود: ای مفضل! این، فصل حدیث است که به هر کس بخواند، می‌دهد و خداوند، صاحب فضل بزرگ است^۳

الفصل العاشر ليلة القدر

فصل دهم: شب قدر

۱/۱۰ فضائل ليلة القدر

۱/۱۰ فضایل شب قدر

الكتاب

قرآن

﴿إِنَّمَا أُنْزِلَتْ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ وما أدرىكَ غَابِئَةُ الْقَدْرِ
لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ﴿تَنْزِيلُ الْكِتَابِ﴾
وَالرُّوحُ فِيهَا يَأْتِرُ وَتَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ سَلَامٌ فِي حَتَّى
مَطْلَعِ الْفَجْرِ ¹

﴿مَا أَنْ (قرآن) رَا در شب قدر، فرو فرستادیم، و تو چه
می دانی که شب قدر، چیست؟ شب قدر، بهتر از هزار
ماه است در آن [شب]، فرشتگان، با «روح»، به فرمان
پروردگارتان، برای هر کاری [که مقرر شده است]،
فرو فرستاده می آیند [آن شب] تا دم صبح، سلام (صلح)
است﴾

الحدث

حدیث

۲۶۴۲ رسول الله ﷺ شهر رمضان سيد الشهور وليلة
القدر سيده الليالي ²

۲۶۴۲، پیامبر خدا ﷺ ماه رمضان، سرور ماه‌هاست

و شب قدر، سرور شب‌ها

۲۶۴۳ عنه ﷺ ان الله قد اختار من الالام جمعة،

۲۶۴۳ پیامبر خدا ﷺ خداوند، از میان روزها، جمعه
را از میان ماه‌ها، ماه رمضان را از میان شب‌ها،
شب قدر را برگزید

ومن الشهور شهر رمضان، ومن الليالي ليلة القدر ³

۲۶۴۴ عنه ﷺ يفتح أبواب السموات في ليلة القدر، فما
من عبد يصلي فيها إلا كتب الله تعالى له بكل سنة شجرة في الجنة لو سیر الزاكن في ظلها سنة عام
لا يقطعها، وبكل ركعة يتأ في الجنة من دُرّ وياقوت
وزبرجد ولؤلؤ، وبكل آية تاجاً من بهجار الجنة ⁴

۲۶۴۴ پیامبر خدا ﷺ در شب قدر، درهای آسمان،
گشوده می شوند پس هیچ بنده‌ای نیست که در آن
شب، نماز بخواند، مگر آن که خداوند برای هر
سجده‌اش، درختی در بهشت برای او قرار می دهد،
که اگر سواره صد سال در سایه آن راه بپیماید، به
پایانش نمی رسد، و برای هر رکعت، خانه‌ای از دُر و
یاقوت و زبرجد و لؤلؤ قرار می دهد و برای هر آیه،
تاجی از تاج‌های بهشتی قرار می دهد

۲/۱۰ خصائص ليلة القدر

أ- اختصاصها بولاية الأمر

۲۶۴۵ رسول الله ﷺ اسموا بليّة القدر، يسميها تكون

۲/۱۰ ویژگی‌های شب قدر

الف- اختصاص آن به پیشوایان

۱- القدر ۵-۱

۲- بحواله الأنوار ج ۱ ص ۱۰ ح ۵۴ ص ۸۹

۳- کمال الدین ص ۲۸۱ ح ۳۷

۴- الإقبال ج ۱ ص ۳۴۵

۲۶۴۵، پیامبر خدا ﷺ به شب قدر، ایمان بیاورید.

آن شب، پس از من، از آن علی بن ابی طالب و

إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَيُؤَلِّفُ الْأَخَذَ عَشْرَ مِثْرٍ بَعْدِي^۱

فرزندان یازده گانه اوست.

۲۶۱۶ الإمام الجواد علیه السلام إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قَالَ لِأَبِي عَبَّاسٍ إِنَّ لَهْلَهَ الْقَدْرِ فِي كُلِّ سَنَةٍ، وَأَنَّهُ يَبْرُلُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ أَمْرَ السَّنَةِ، وَلِذَلِكَ الْأَمْرُ وَلَا بُدَّ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ مَنْ هُمْ؟

۲۶۲۶ امام جواد علیه السلام، امیر مؤمنان، به ابن عباس فرمود: شب قدر، در هر سال هست. در آن شب، برنامه سال، فرود می آید و پس از پیامبر خدا، آن برنامه را عهده دارانی است.

قَالَ علیه السلام أَنَا وَأَخَذَ عَشْرَ مِثْرٍ صَلَّيْ أَيْمَنَهُ

ابن عباس گفت: انا، کیان اند؟

مُحَمَّدُونَ^۲

فرمود: ائمن و یارده سحر از پشت من،

۲۶۱۷ الإمام علی علیه السلام قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَا عَلِيُّ، أَتَدْرِي مَا مَعَى لَيْلَةِ الْقَدْرِ؟

پشویانی محدث [که از عظم هیبت با انا، سخن گفته می شود].

قُلْتُ لَا، يَا رَسُولَ اللَّهِ

۲۶۲۷ امام علی علیه السلام پیامبر خدا به من فرمود ای علی!

آیا می دسی معنای شب قدر چیست؟

قَالَ علیه السلام إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدَّرَ فِيهَا مَا يَهْوَى كَاتِبُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، مَكَانَ مِمَّا مَدَّرَ علیه السلام وَلَا يَسْتَكُ وَوَلَا يَهْ الْأَنْتَهُ مِثْرٍ وَلِذَلِكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ^۳

گفتم: نه، ای پیامبر خدا!

فرمود: خداوند متعال، در آن شب، آنچه را تا روز قیامت خواهد شد، مقدر کرده است و در جمله آنچه مقدر کرده، ولایت تو و ولایت ائمه از فرزندان تو تا روز قیامت است.

ب- هـ خیر من ألف شهر

«وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ • لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»^۴

ب- آن شب، بهتر از هزار ماه است

ج- سلام هـی حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ

«وَرَوْاهُ مِنْ دَانِي كَهْ شَبْ قَدْرِ جَيْسْت؟ شَبْ قَدْرِ،

۲۶۱۸ - رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَخْرُجُ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ حَتَّى يُمِيتَ، فَجَرَّهَا وَلَا يَسْتَطِيعُ فِيهَا عَمَلٌ يُحْتَسِبُ أَوْ دَاوٍ، أَوْ ضَرْبٍ مِنْ ضُرُوبِ الْقَسَادِ، وَلَا يُغْفَرُ فِيهِ

بهر از هزار ماه است».

ج- آن شب، تا دمین سپیده، ایمن است

۲۶۲۸ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، شیطان، در این شب (شب قدر)،

بیرون نمی آید، تا آن که سپیده اش تابان شود و در آن شب، او نمی تواند کسی را فلج یا دردمند سازد، یا فساد بر کسی وارد آورد در آن [شب].

۱ - الکافی ج ۱ ص ۵۳۳ ح ۱۲

۲ - الکافی ج ۱ ص ۵۳۳ ح ۱۱

۳ - معانی الأخبار ص ۳۱۵ ح ۱

۴ - القدر ۲ و ۳

بِسَحَرٍ سَاحِرٍ^۱

جادوی هیچ جادوگری کارگر نمی‌شود.

۳/۱۰ اِسْتَعْمَرُوا لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي كُلِّ عَامٍ

۳/۱۰ وجود شب قدر در هر سال

۲۶۴۹ الْمُسْتَدْرَكُ عَلَى الصَّحِيحِينَ عَنْ أَبِي ذَرٍّ قُلْتُ يَا

۲۶۴۹ الْمُسْتَدْرَكُ عَلَى الصَّحِيحِينَ عَنْ أَبِي ذَرٍّ قُلْتُ يَا

رَسُولَ اللَّهِ، تَكُونُ [لَيْلَةُ الْقَدْرِ] مَعَ الْأَنْبِيَاءِ مَا كَانُوا عَادًا

گفتم ای پیامبر خدا! آن پیامبران هستند، شب قدر

قُبَضَ الْأَنْبِيَاءُ رُفِعَتْ أَمْ هِيَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؟

تا امان است وقتی پیامبران می‌میرند، آیا شب

قَالَ بَلْ هِيَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ^۲

قدر، برداشته می‌شود، یا تا روز قیامت هست؟

۲۶۵۰ الْمُصَنَّفُ لِابْنِ أَبِي شَيْبَةَ عَنْ مَرْثَدِ بْنِ أَبِي مَرْثَدٍ

فرمود: آن شب، تا روز قیامت هست.

عَنْ أَبِيهِ كُنْتُ مَعَ نَبِيِّ ذَرٍّ عَبْدِ الْخَمْرَةِ الْوَسْطَى فَسَأَلْتُهُ

۲۶۵۰ الْمُصَنَّفُ لِابْنِ أَبِي شَيْبَةَ عَنْ مَرْثَدِ بْنِ أَبِي مَرْثَدٍ

عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ

ای مرثد، از پدرش - یا ابو در [در مینا] کنار

فَقَالَ: كَانَ أَسْأَلَ النَّاسَ عَنْهَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ [أَنَا،

خَمْرَةَ مِثْلِي يَوْمَ] از او درباره شب قدر

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ [لَيْلَةُ الْقَدْرِ] كَانَتْ تَكُونُ عَلَى عِلَاقِ

پرسیدم

الْأَنْبِيَاءِ فَإِذَا ذَهَبُوا رُفِعَتْ؟ قَالَ لَا، وَكَيْ تَكُونُ إِلَى

گفت: شی از همه، من درباره آن را

يَوْمِ الْقِيَامَةِ^۳

پیامبر خدا می‌پرسیدم. [یک بار گفتم ای

الفصل الحادي عشر: أي ليلة هي؟

پیامبر خدا! آیا شب قدر، در دوران پیامبران

۱/۱۱، في العشر الأواخر

است و آن گاه که در گذرید، آن شب هم برداشته

۲۶۵۱ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ تَسَحَّرُوا لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي الْعَشْرِ

فرمود: «ه» بلکه تا روز قیامت، حواحد

الْأَوَاخِرِ مِنْ رَمَضَانَ^۴

بود

۲۶۵۲ عَنْهُ ﷺ تَحَرَّوْا لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي الْوَتْرِ مِنْ عَشْرِ

فصل باردهم شب قدر، چه شمی است؟

الْأَوَاخِرِ مِنْ رَمَضَانَ^۵

۱/۱۱، نوبه آخر است

۱ مجمع للبیان ج ۱ ص ۷۸۹

۲۶۵۱ پیامبر خدا ﷺ شب قدر را در دهه آخر ماه

۲ الْمُسْتَدْرَكُ عَلَى الصَّحِيحِينَ ج ۱ ص ۶۰۳ ح ۱۵۹۶

رمضان بخوید

۳ سَعْدُ مَا بَيْنَ الْمُعَقَّدِ مِنَ الْمَصَدَرِ هُنَا، وَالْبَنَاءُ عَنْ مَعْنَى

۲۶۵۲ پیامبر خدا ﷺ، شب قدر را در شبی طاق (فرد)

المصدر ص ۱۸۷ ح ۵

از شب‌های دهه آخر ماه رمضان بخوید

۴ الْمُصَنَّفُ لِابْنِ أَبِي شَيْبَةَ ج ۲ ص ۳۹۶ ح ۵

۲۶۵۲ صحیح البخاری ج ۲ ص ۷۱۰ ح ۱۹۱۶

۵ صحیح البخاری ج ۲ ص ۷۱۰ ح ۱۹۱۶

۶ صحیح البخاری ج ۲ ص ۷۱۰ ح ۱۹۱۶

۲۶۵۳. عنه عليه السلام - في إحياءه عن ليلة القدر - هي في شهر رمضان، فالتمسوها في العشر الأوَّليِّ، فإنها وتوَّ ليلة إحدى وعشرين، أو ثلاث وعشرين، أو خمس وعشرين، أو سبع وعشرين، أو أجر ليلة من رمضان، من قامها احتساباً، غير له ما تقدَّم من دينه^۱

۲۶۵۳ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در حشر دادن از شب قدر - آن، در ماه رمضان است. پس آن را در دههٔ آخر بجوید، که شب طاق است. شب بیست و یکم، یا بیست و سوم، یا بیست و پنجم، یا بیست و هفتم و یا شب آخر ماه رمضان. هر که به خاطر خدا آن را به عبادت رفته ندارد، گناهان گذشته‌اش امری به می‌شود

۲/۱۱ لَبَنَةُ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ

۲۶۵۴ رسول الله صلی الله علیه و آله ليلة القدر ليلة ثلاث وعشرين^۲
۲۶۵۵ المصنف لعبد الرزاق عن عبد الله بن أنيس، أن النبي صلی الله علیه و آله أن أنزل المدينة ليلة ثلاث وعشرين من رمضان^۳

۲/۱۱ شب بیست و سوم
۲۶۵۴ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شب قدر، شب بیست و سوم [ماه رمضان] است.
۲۶۵۵ المصنف، عبد الرزاق - به نقل از عبد الله بن أنیس -، پیامبر صلی الله علیه و آله به من دستور داد که شب بیست و سوم ماه رمضان، به مدینه وارد شوم.

۲۶۵۶ المصنف لعبد الرزاق عن أبي النضر، إنَّ عبد الله بن أبي جهل قال: يا رسول الله، إني زجِّلُ شائع الدَّارِ فأمرني بليلة أنزل فيها فقال النبي صلی الله علیه و آله إنزل ليلة ثلاث وعشرين^۴

۲۶۵۶ المصنف لعبد الرزاق - به نقل از ابو نصر - عبد الله بن أبي جهل گفت: ای پیامبر خدا! من مردی هستم که خانه‌ام دور است، یک شب را تعیین کن که بیایم و در مدینه بمانم.

۲۶۵۷ الحسن الكبری عن عبد الله بن أنيس، كنا بالبادية قلنا: إن قديماً بأهلينا شقَّ علينا، وإن خلصناهم أصابتهم صيقة فبعثوني - وكُنتُ أصعرهم -، ي رسول الله صلی الله علیه و آله، فذكرتُ له قولهم، فأمرنا بليلة ثلاث وعشرين^۵

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: شب بیست و سوم بیا.
۲۶۵۷ الحسن الکبری - به نقل از عبد الله بن أنیس - در صحرا بودیم. گفتیم که اگر ما خانواده خود [به مدینه برای احیای شب قدر] بیاوریم، بر ما سخت خواهد بود و اگر آنان را وایهیم و خود بیاوریم، بر آنان تنگنا خواهد شد. مرا که کوچک‌ترین آنان بودم، نزد پیامبر خدا فرستادم. سخن آنان را به ایشان، باز گفتم. به ما دستور داد که شب بیست و سوم بیاوریم.

۱ مسند ابن حنبل ج ۸ ص ۴۱۱ ح ۲۲۸۲۷

۲ الإقبال ج ۱ ص ۲۷۵

۳ المصنف لعبد الرزاق ج ۱ ص ۲۵۱ ح ۷۹۹۱

۴ المصنف لعبد الرزاق ج ۱ ص ۲۵۱ ح ۷۹۹۱

۵ الحسن الکبری ج ۱ ص ۵۰۹ ح ۸۵۳۷

۳/۱۱. سَتَرَهَا مَطَرًا لِلنَّاسِ

۳/۱۱ پوشیده بودن آن، نه سود مردم است

۲۶۵۸. مجمع الروائد عن عبدالله بن أنس. يا رسول الله.

۲۶۵۸. مجمع الروائد - به نقل از عبدالله بن أنس -

أخبرني أي ليلة يُسعى فيها ليلة القدر؟

ای پیامبر ﷺ گفتم [ای پیامبر خدا] مرا خبر بده که

فقال لولا أن تترك الناس الصلاة إلا ذلك ليلة

کدام شب است که در آن، شب قدر را باید جست

لأخبرتك^۱

فرمود: «اگر بودیم آن که مردم جز در آن

شب، نماز ترک کند، به تو خبر می‌دادم».

۴/۱۱. من يُدرك ليلة القدر

۴/۱۱ آن که شب قدر را در می‌یابد

۲۶۵۹. الإمام البخاري: إن النبي ﷺ أتانا مصرفا من

۲۶۵۹. امام باقر ﷺ: پیامبر ﷺ، چون از عرفات برگشت

عرفات و صار إلى منى، دخل المسجد فاجتمع إليه

و به مبارکت، وارد مسجد شد. مردم، گرد او جمع

الناس يسألونه عن ليلة القدر، فقام خطيبا فقال:

شدید و از شب قدر می‌پرسیدند. پیامبر ﷺ به

بعد الشيء على أفق^۲ -

سحر ایستاد و پس از نای خداوند، چنین فرمود:

أما بعد، فإنكم سألوني عن ليلة القدر ولم

و اما بعد، شما درباره شب قدر از من پرسیدید

أطوها عنكم لأنني لم أكن بها عالما، إعلموا أنيها

بیان نکردم آن برای این بود که سبب به آن عالم

الناس أنه من وُرد عليه شهر رمضان وهو صبيح

نیوزم، بفرمود - ای مردم - هر کس ماه رمضان بر او

نوي فصام تهارة، وفام وردا من ليله، وواطب على

وارد شود و او سالم باشد، پس، روز آن را روزه

حلاته وحرز إلى جمعيه، وعداني عيد، فقد أدرك

بدارد و بخشی از شب آن را به عبادت بر حیرد و

ليلة القدر، واد بحاتره الرث^۳

مواظب نمازش باشد و در گرمای آن، به نماز

۲۶۶۰. رسول الله ﷺ من صلى من أول شهر رمضان

۲۶۶۰. پیامبر خدا ﷺ هر کس از آغاز تا پایان ماه

إلى آخره في جماعة فقد أخذ يحظ من ليلة القدر^۴

یعنی، شب قدر را دریافته و به جایزه پروردگار،

دست یافته است.

۲۶۶۰. پیامبر خدا ﷺ هر کس از آغاز تا پایان ماه

رمضان، نماز را به جماعت بخواند، بهره‌ای از

شب قدر برده است

۱. مجمع الروائد ج ۳ ص ۲۱۴ ح ۵۰۶۲

۲. کتاب من لا يحضره الفقيه ج ۲ ص ۹۷ ح ۱۸۳۱

۳. كنز العمال ج ۸ ص ۵۱۵ ح ۲۱۰۹۰

سخنی درباره شب قدر

سبح دربارۀ شب قدر است؛ شب شکوهمند به سب برون قرآن

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾^۱

ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم

شبی بزرگ که پیامبر خدا، آن را چپس منوده است

شَهْرُ رَمَضَانَ نَيْدُ الشُّهُورِ، وَلَيْلَةُ الْقَدْرِ نَيْدُ لَيْلَالِي^۲

ماه رمضان، سرور ماه‌ها و شب قدر، سرور شب‌هاست.

و اعم صادق علیه السلام آن را «قلب»^۳ این ماه نامیده است

قُبْتُ شَهْرَ رَمَضَانَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ^۴

شب ماه رمضان، شب قدر است

یک معنای شب قدر

آیه شریف «وَمَا أَزِيكَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ؛ و تر چه می‌دانی که شب قدر چیست؟»، به روشی بر این نکته دلالت دارد که دست یافتن به معنای حقیقی شب قدر، بسیار دشوار و فراتر از سطح دراک توده‌های مردم است. پرمشاور پیامبر صلی الله علیه و آله در این آیه، نشان‌دهندۀ عظمت و ارح شب قدر است، هر چند مفهوم شب قدر، هرگز بر شخصیت بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله که قرآن بر دل پاک او فرود آمده و جان و جایگاه شب قدر است و فرشتگان در آن شب، بری سامان بخشی به امور جهان و تقدیر هستی مرد او می‌آید، ناشیخته نیست.

دو ویژگی‌های شب قدر

الف - برنامه‌ریزی سال

در بسیاری از احادیث، به عنوان نخستین ویژگی شب قدر، بر این تأکید شده است که تقدیر امور مردم و سامان بخشی اوصاف و احوال آنان در طول سال، در این شب رقم رده می‌شود؛ شبی که سر نوشت و فیصله یافتن

^۱ بطر الاثور ج ۴۰ ص ۵۲ ح ۸۹

^۲ قدر ایه ۱

^۳ الکافی ج ۴ ص ۶۶ ح ۱ بهدیب الاحکام ج ۴ ص ۱۹۲ ح ۵۲۹ ص ۵۲۹ الاشرع لثلاث ص ۸۷ ح ۶۶، الآملی، صدوق ص ۱۱۸

ح ۱۰۵، کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۹۹ ح ۱۸۴۳، بطر الاثور ج ۵۸ ص ۳۷۶ ح ۹

همه کارهایی که تا سال آینده پیش خواهد آمد، در این شب فرود می‌آید. شاید برول قرآن - که کتبی است که برنامه زندگی انسان را ارائه می‌کند - در این شب، نه همیش جهت داده است
در این جا دو مطلب مهم است

مطلب اول: رقم خوردن سربوشت انسان در شب قدر، در چارچوب مقدرات او در علم ازلی خداوند است به دیگر سخن، بر اساس احادیث اهل بیت علیهم السلام، آنچه در غم حضرت حق، در طول سال برای مردم مقدر است، به صورت برنامه‌ای نوشته شده، آشکار می‌شود که فرشتگان، آن را می‌نویسند و به امام عصر علیه السلام تحویل می‌دهند، و این، به تناسب کاری است که انسان در شب قدر انجام می‌دهد.

مطلب دوم: بر اساس شماری از حدیث، بعضی سربوشت انسان در شب قدر و رقم خوردن آنچه در یک سال آینده بر او خواهد گذشت، به معای آن بست که و به طور کامل در برابر این سربوشت، بی اختیار باشد، بدان سان که برای تغییر آن، هیچ کاری از او بر نیاید، سکه و می تواند در سایه دعا و توسل و با انعام دادن کارهای شایسته، مقدرات حتمی خود را که در شب قدر، رقم خورده‌اند، تغییر دهد از این رو، امام باقر علیه السلام فرموده است:

مَا قُدِّرَ مِنْ تِلْكَ الْبَلَاءِ وَقُضِيَ فَهُوَ مِنَ الْمُتَحَنَّنِ وَفَوْقَهُ لَيْسَ لَهُ التَّخَيُّلُ.^۱

آنچه در آن شب مقدر (مقرر) شده حتمی است و کسی نمی تواند در آنجا، گونه که بخواهد عمل کند.

ما نوحه به ستختار و مصموم این گونه، احادیث و اقوال، به ادله قطعی آنی که بر «حاجت دعا در طول سال، مخصوص در عرفات و حرم های مطهر» دلالت دارند، نمی توان ظاهر برخی حدیث را که مقدرات شب قدر را تغییر ناپذیر می دانند، پذیرفت.

ب- اختصاص داشتن به امام زمان علیه السلام

دیگر ویژگی شب قدر، این است که حدی صحیح کامل ترین و شبیه ترین و برترین انسان را از برنامهریزی و حکم خود، آگاه می سازد.

در تفسیر القمی، در ذیل آیه ﴿تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَرُوحُ رَبِّهِمْ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ﴾، بر آن شب فرشتگان و روح، به فرمان پروردگارشان در پی هر کاری فرود می آید، چنین آمده است:

فرشتگان و روح القدس، بر امام هر زمانی فرود می آمد و از این امور، آنچه را نوشته اند، به او تقدیم می کرد.^۲

ج- بهتر بودن از هزار ماه

به تصریح قرآن کریم، ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ حَيَّرَ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ شد در بهتر از هزار ماه است و این، شاید استثنایی بودن این زمان خاص و مرکابی است که در بر دارد، چنان که کارش بسته در آن، با کار شایسته در عمری طولانی (پیش از هشتاد سال) برابر است.

سه. تداوم شب قدر

بررسی آیات سوره قدر و تأمل در احادیث، نشان می‌دهد که شب قدر، ویژهٔ زمان سرول قرآن و دوران پیامبر ﷺ نیست؛ بلکه همیشگی است و زعمار آفرینش نشان داده و تپان جهان و وجود انسان در آن، تداوم خواهد داشت.

چهار. تعیین شب قدر

قرآن کریم، سروب قرآن را در ماه رمضان می‌داند. ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ؛ ماه رمضان، ماهی است که قرآن در آن نازل شده است﴾ و از سوی دیگر، با صراحت، سرول آن را در شب قدر می‌داند. ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ؛ ما آن را در شب قدر، نازل کردیم﴾. مقتضای جمع میان این دو آیه، آن است که شب قدر، حتماً در ماه رمضان باشد. این، در حالی است که در احادیث اهل سنت، در باب این که شب قدر، کدام شب از شب‌های ماه رمضان است، اختلافات فراوانی است. به گونه‌ای که جمع میان آنها ممکن نیست.

احادیثی که از اهل بیت ﷺ در تعیین شب قدر نقل شده‌اند، به پنج دسته قابل تقسیم‌اند.

دسته اول احادیثی که شب قدر را در دهه آخر ماه رمضان تعیین می‌کند

دسته دوم احادیثی که شب قدر را یکی از سه شب: نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم می‌داند.^۱

دسته سوم احادیثی که می‌گویند شب قدر، در یکی از دو شب بیست و یکم و بیست و سوم است.^۲

دسته چهارم احادیثی که شب بیست و سوم را به طور معین، شب قدر می‌دانند.

دسته پنجم احادیثی که دلالت می‌کند بر این که شب‌های نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم، هر کدام

به گونه‌ی در تعیین سر نوشت انسان و امور آبان، نقش دارد؛ ولی نقش اساسی و نهایی، مربوط به شب بیست و سوم است.

تأمل در این پنج دسته از احادیث، نشان می‌دهد که به تنهایی میان آنها تعارضی نیست، بلکه آنها مویزند یکدیگرند.

توضیح این که، از دید احادیث اهل بیت ﷺ و شمار قابل توجهی از احادیث اهل سنت، شب قدر، شب بیست و سوم است. از این رو، ابن بابویه صدوق (م ۳۸۱ ق) می‌گوید:

بررگان شیعه، دربارهٔ شب قدر همه یکسانند که آن شب بیست و سوم ماه رمضان است.^۳

۱. ر ک: المصنف عبد الرزاق ج ۴ ص ۲۵۱ ح ۷۶۹۶، کنز العمال ج ۸ ص ۵۳۹ ح ۲۴۰۵۷، مجمع البیان ج ۱۰ ص ۷۸۷.

۲. ر ک: الکافی ج ۴ ص ۱۵۶ ح ۱ و ۲، تهذیب الاحکام ج ۳ ص ۵۸ ح ۲۰ و ۲۰۱، کتب من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۱۵۹ ح ۲۰۲۹، الأمالی طوسی: ص ۶۸۹ ح ۱۶۶۶ و ص ۶۹۰ ح ۱۶۶۷، بحار الأنوار ج ۹ ص ۹۷ ح ۴.

۳. التخصال ص ۵۱۹ ح ۲، بحار الأنوار ج ۹ ص ۹۷ ح ۱۶ ح ۳۱.

الفصل الثانی عشر: آداب لیلة القدر

فصل دوازدهم: آداب شب قدر

۱/۱۲ الاحیاء

۱/۱۲ شحریه‌داری

۲۶۶۱ رسول الله ﷺ من أحيأ ليلة القدر حوّل عنه القدر إلى السنة القابلة^۱

۲۶۶۱ - پیامبر خدا ﷺ هر کس شب قدر را زنده بدارد تا سال آینده، عذاب از او برگردانده می‌شود.

۲۶۶۲ مستدرك الوسائل عن رسول الله ﷺ من أحيأ ليلة القدر فهو أكرم على الله ومن أحيأ شهر رمضان ولم يحي تلك الليلة، وألدي بعثني بالحق، إن أهله وولده يشفعون في سجيته ألف، بكل واحد في سبعين ألف، إلى آخر ثلاث مرات

۲۶۶۲ مستدرك الوسائل - پیامبر خدا فرمود کسی که شب قدر را زنده بدارد، نزد خداوند، گرامی‌تر از کسی است که همه ماه رمضان را شب زنده‌داری کرده، ولی آن شب را زنده نداشته است.

وعال لله إن ليلة القدر نكرمة الأحياء، وعنده الأموات^۲

سوگند به آن که مرا به حق برانگیخت، خداوند و فرزندانش، درباره هفتصد هزار نفر شفاعت می‌کند، که هر کدام در آن شب دربارۀ هفتصد هزار نفر، ناسه بار، حق شفاعت دارند.

۲۶۶۳ الإمام الباقر عن ابيه عليه السلام إن رسول الله ﷺ نهى أن يعقل عن ليلة إحدى وعشرين، وعن ليلة ثلاث وعشرين، ونهى أن يتأخر أحد تلك الليلة^۳

و فرمود شب قدر، گرامی‌داشت بر مذگان و عیبت [برای] مردگان است.

۲/۱۲ إيقاظ الأهل

۲۶۶۴ الإمام علي عليه السلام إن رسول الله ﷺ كان يطوي فراشه، ويُسَدُّ مشرّفه في العشر الأواخر من شهر رمضان، وكان يوقظ أهله ليلة ثلاث وعشرين، وكان يَرُشُّ وجوه النيام بالماء في تلك الليلة^۴

۲۶۶۳ امام باقر علیه السلام - به نقل از پدرانش ﷺ - پیامبر خدا، نهی کرد که از شب بیست و یکم و شب بیست و سوم، هفت شود و نهی کرد که کسی در آن شب بخوابد.

۲/۱۲ سفارش کمک به شب زنده‌داری خانواده

۲۶۶۴ امام علی علیه السلام - پیامبر خدا، در دهه آخر ماه رمضان، پتو خود را جمع می‌کرد و کمر به عبادت می‌بست و شب بیست و سوم، خداوند خود را بیدار می‌کرد و در آن شب، به صورت محنتگان، آب می‌پاشید.

۱ الإقبال ج ۱ ص ۳۴۵

۲ مستدرك الوسائل ج ۷ ص ۴۵۸ ح ۸۶۵۲

۳ دعائم الإسلام ج ۱ ص ۲۸۱

۴ دعائم الإسلام ج ۱ ص ۲۸۲

۱۲/۳. الدُّعَاءُ

۱۲/۳. دعا

۲۶۶۵ المعجم الأوسط - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يُرَيْدٍ عَنْ عَائِشَةَ
أَنَّهَا قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنْ وَافَقْتُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ مَا
أَسْأَلُ اللَّهَ؟

قَالَ [عَلَيْهِ السَّلَامُ] سَلِيهِ الْعَائِشَةُ^۱

۲۶۶۶ سنن الترمذی عن عائشة قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ
أَرَأَيْتَ إِنْ عِثْتُ أَيَّ لَيْلَةٍ لَيْلَةَ الْقَدْرِ مَا أَقُولُ فِيهَا؟
قَالَ مَوْلِي اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفْوٌ كَرِيمٌ تُحِبُّ الْعَفْوَ،
فَاعْفُ عَنِّي.^۲

۱۲/۴. الصَّلَاةُ

۲۶۶۷ رسول الله ﷺ مَنْ صَلَّى لَيْلَةَ الْقَدْرِ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا
عَفَرُ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ^۳

۲۶۶۸. عنه ﷺ مَنْ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ، يُقْرَأَ
فِي كُلِّ رَكْعَةٍ - «فَاتِحَةُ الْكِتَابِ» مَرَّةً وَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ
أَحَدٌ» سَبْعَ مَرَّاتٍ، فَإِذَا قَرَأَ يَسْتَعْمُرُ سَبْعِينَ مَرَّةً. لَا
يَقُومُ مِنْ مَقَامِهِ حَتَّى يَعِيزَ اللَّهُ لَهُ وَيُجِيبَهُ، وَيَسْتَلِ اللَّهَ
تَلَايِكَةَ يَكْتُبُونَ لَهُ الْحَسَنَاتِ إِلَى سَنَةِ أُخْرَى، وَيَبْتَغِي
اللَّهُ مَلَائِكَةً إِلَى الْحَبَابِ يَحْسِبُونَ لَهُ الْأَشْجَارَ، وَيَسْوَرُونَ
لَهُ الْقُصُورَ، وَيَجْرُونَ لَهُ الْأَنْهَارَ، وَلَا يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا
حَتَّى يَرَى ذَلِكَ كُلَّهُ^۴

۲۶۶۵ المعجم الأوسط - به نقل از عبد الله بن یزید -
عایشه گفت: ای پیامبر خدا! اگر شب قدر را درک
کردم، از خدا چه بخواهم؟

پیامبر ﷺ فرمود: «از او عافیت بخواه»

۲۶۶۶ سنن الترمذی - به نقل از عایشه -، گفتم: ای
پیامبر خدا! به نظر شما، اگر دانستم که شب قدر،
کدام شب است، در آن شب، چه بگویم؟
فرمود: «گو "خداوند! تو بخشایده و
بررگولوی و گذشت را دوست می‌داری، پس، از
من در گمراهی».

۱۲/۴. نماز

۲۶۶۷ پیامبر خدا ﷺ هر که در شب قدر، از روی
ایمان و برای پاداش [اللهی] نماز بخواند، خداوند
گاه گذشته او را می‌آمرزد

۲۶۶۸. پیامبر خدا ﷺ هر کس در شب قدر، دو رکعت
نماز بخواند (در هر رکعت، یک بار «فاتحة
الكتاب» و هفت بار سورة «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را
بخواند) و چون فارغ شد، هفتاد بار استغفار کند،
و جای خود بر نمی‌خیزد تا آن که خداوند، او و
پدر و مادرش را می‌آمرزد، و خداوند، فرشتگانی
را بر می‌انگیزد که تا سال دیگر برای او حسنات
می‌نویسند، و خداوند، فرشتگانی را به سوی
بهشت می‌فرستد که برای او درختانی بکارند و
کج‌هایی بسازند و بهرهایی جاری کند، و در دنیا
بیرون نمی‌رود تا آن که همه اینها را ببیند

۱ المعجم الأوسط ج ۳ ص ۶۶ ح ۲۵۰۱

۲ سنن ترمذی ج ۵ ص ۵۳ ح ۳۵۱۳

۳ الأملی للعلی ص ۱۵۰ ح ۲۲۷

۴ الإقبال ج ۱ ص ۲۴۴

الفصل الثالث عشر. وداع شهر رمضان

فصل سیزدهم وداع با ماه رمضان

۲۶۶۹ فصل الثامن الأشهر الثلاثة عن جابر بن عبد الله الأنصري. دَخْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي أَحْرِ حُمَقَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، فَلَمَّا بَصُرَنِي قَالَ لِي «يَا جَابِرُ هَذَا أَحْرُ حُمَقَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، فَوَدَّعُهُ وَقُلِ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلَهُ أَجْرَ الْعَهْدِ مِنْ صِيَامِ إِيَّاهُ، فَإِنْ جَعَلْتُهُ فَاجْعَلْنِي مُرَحِّمًا، وَلَا تَجْعَلْنِي مُحْرَمًا»^۱ فَأَبْنَاهُ مِنْ قَالَ ذَلِكَ طَعَرَ بِأَحَدِي الْحُسَيْنِي. إِنَّمَا يَبْلُغُ شَهْرَ رَمَضَانَ [مِنْ قَابِلٍ]،^۲ وَإِنَّمَا يَخْرُجُ لِقَائِهِ وَرَحْمَتِهِ»^۳

۲۶۶۹ فصل الأشهر الثلاثة - به نقل از جابر بن عبد الله الأنصري - در آخرین جمعه ماه رمضان، خدمت پیامبر خدا رسیدم. چون مرا دید، به من فرمود: «ای جابر! این، آخرین جمعه ماه رمضان است. تا آن حد حافطی کن و بگو "خداوند! آن را آخرین روز داری مادر من ماه، قرار مده، و اگر چنین قرار دادی، مرا مرده قرار بده و محروم مگردان!"

الفصل الرابع عشر عيد الفطر

فصل چهاردهم عيد فطر

۱/۱۴ فصيلة شب عيد

۲۶۷۰ پیامبر خدا ﷺ خداوند، در چهار شب پیوسته حیرت فرور می‌برد شب عيد قربان و عيد فطر ۲۶۷۱. الکافی - به نقل از جابر - امام باقر ﷺ فرمود: پیامبر خدا، به مردم رو می‌کرد و می‌فرمود: «ای مردم! چون هلال ماه رمضان بر آید، شیطان‌های سرکش به بند کشیده می‌شوند و... تا آن گاه که هلال ماه شوال بر آید، به مؤمنان بد داده می‌شود. صبحگاهان به سوی جایزه‌های خوش بشناید که امروز، روز جایزه است»^۱

مس امام باقر ﷺ فرمود: «سوگند به آن که

۱/۱۴ فصل ليلة العيد

۲۶۷۰ رسول الله ﷺ يَسُحُّ أَفْعَهُ مِنْ الْخَيْرِ فِي أَرْبَعِ نَيَالٍ سَحًّا لَيْلَةَ الْأَصْحَى، وَالْفِطْرِ»^۲

۲۶۷۱ الکافی عن جابر عن الإمام الباقر ﷺ كان رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقْبَلُ بِوَجْهِهِ إِلَى النَّاسِ فَيَقُولُ يَا مَعْشَرَ النَّاسِ، إِذَا طَلَعَ هِلَالُ شَهْرِ رَمَضَانَ عُلْتُ مُرَدَّةُ الشَّيَاطِينِ وَ حَتَّى إِذَا طَلَعَ هِلَالُ شَوَّالٍ يُودِي الْمُؤْمِنُونَ إِلَى أَعْدَاءِ إِلَى جَوَائِزِكُمْ فَهَؤُاءَ يَوْمِ الْجَائِزَةِ

ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ﷺ أَمَا وَاللَّيْلِ نَفْسِي بِيَدِهِ، مَا

۱ ماهین المعرفین اثنا عشر من الإنزال ج ۱ ص ۱۲۲

۲ فصل الثامن الأشهر الثلاثة ص ۱۳۹ ح ۱۴۹

۳ کتاب العتبات ج ۱ ص ۳۲۲ ح ۳۵۱۵

هِيَ بِجَائِزَةِ الدُّنَايَا وَلَا الدَّرَاهِمِ^۱

جایزه به دست اوست، آن جایزه، دینار و درهم نیست.

۲/۱۴ آدابِ نَیْلِ الْعید

۲/۱۴ آدابِ شبِ عید

۲۶۷۲. پیامبر خدا ﷺ: هر کس در شب عید فطر، دو رکعت نماز بخواند (در رکعت اول، «حمد» و هزار بار سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و در رکعت دوم، «حمد» و یک بار سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»)، از خدای متعال چیزی درخواست نمی‌کند، مگر آن که خداوند به او عطا می‌کند.

۲۶۷۳. پیامبر خدا ﷺ: هر که شب عید را روزه بدارد، در آن روز که دل‌ها می‌میرند، دل او نمی‌میرد.

۲۶۷۴. پیامبر خدا ﷺ: هر کس دو شب عید (فطر و قربان) را به خاطر پاداش حد به عبادت بپردازد، قرآن بخواند که دل‌ها می‌میرند، دل او نمی‌میرد.

۳/۱۴ فضیلت روز عید

۲۶۷۵. پیامبر خدا ﷺ: من وارد مدینه شدم، در حالی که اهالی این شهر از زمان جاهلیت، دو روز داشتند که در آن به بازی [و تفریح] می‌پرداختند، ولی خداوند به جای آن دو روز، دو روز بهتر به شما داد: روز فطر و روز قربان.

۲۶۷۶. کللی - به نقل از جابر - امام باقر ﷺ فرمود: «پیامبر ﷺ فرمود: چون روز اول ماه شوال شود، صدای ندا می‌دهد: ای مؤمنان! صبحگاهان، به سوی جابر مهیتان بنشیند».

[امام باقر ﷺ] سپس فرمود: «ای جابر! جایزه‌های خدا، جوایز این پادشاهان نیستند. آن روز، روز جابره‌هاست».

۲۶۷۲. رسول الله ﷺ: مَنْ صَلَّى لَيْلَةَ الْفِطْرِ رَكَعَتَيْنِ يَتَقَرُّ فِي أُولَى رَكَعَتَيْهِمَا «الْحَمْدُ»، وَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» أَلْفَ تَرْتِيلَةٍ، وَ فِي الرُّكَعَةِ الثَّانِيَةِ «الْحَمْدُ»، وَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» مَرَّةً وَاحِدَةً، لَمْ يَسْأَلِ اللَّهُ تَعَالَى شَيْئاً إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ إِيَّاهُ.^۲

۲۶۷۳. عنه ﷺ: مَنْ أَحْيَا لَيْلَةَ الْعِيدِ لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ^۳

۲۶۷۴. عنه ﷺ: مَنْ قَامَ لَيْلَتِي الْعِيدَيْنِ مُحْتَسِباً يَوْمَ لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ^۴

۳/۱۴ فَضْلُ يَوْمِ الْعِيدِ

۲۶۷۵. رسول الله ﷺ: قَدِمْتُ الْمَدِينَةَ وَلِأَهْلِ الْمَدِينَةِ يَوْمَانِ يَلْعَبُونَ فِيهِمَا فِي الْجَاهِلِيَّةِ، وَرَأَى اللَّهُ قَدْ أَبْدَلَكُمْ بِهِمَا خَيْراً مِنْهُمَا يَوْمَ الْفِطْرِ، وَيَوْمَ الْقُرْبَانِ.^۵

۲۶۷۶. الكلّی عن جابر عن الإمام الباقر ﷺ: قَالَ سُبْحَةَ اللَّهِ «إِذَا كَانَ أَوَّلُ يَوْمٍ مِنْ سُؤَالِ مَادِي مُنَادٍ أُنْمَتْهُ الْمُؤْمِنُونَ، أُعْذِرُوا إِلَى جَوَائِزِكُمْ»

ثُمَّ قَالَ يَا جَابِرُ جَوَائِزُ اللَّهِ أَيْسَرُ جَوَائِزِ هَؤُلَاءِ الْخُلُوكِ، ثُمَّ قَالَ هُوَ يَوْمُ الْجَوَائِزِ^۶

۱. الكلّی ج ۴ ص ۶۷ ح ۶

۲. تهذیب الأحکام ج ۳ ص ۷۶ ح ۲۳۸

۳. توحید الأعمال ص ۱۰۱ ح ۱

۴. سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۵۶۷ ح ۱۷۸۲

۵. كنز العمال ج ۸ ص ۵۴۷ ح ۲۴۱۰۲

۶. الكلّی ج ۴ ص ۱۶۸ ح ۳

۲۶۷۷- رسول الله ﷺ إِنَّ السَّلاَئِكَةَ يَقُومُونَ يَوْمَ الْعِيدِ عَلَى أَلْوَاِ السُّكَّةِ، وَيَقُولُونَ

أَعْدُوا إِلَى رَبِّ كَرِيمٍ يُعْطِي الْجَرِيلَ وَيَعْمُرُ الْعُظْمَى^۱

۱۱/ ۴ ما يخطى قعد الخروج إلى الصلاة

۲۶۷۸- سعد بن ابی ساجه عن لفاكه بن سعد إن رسول الله ﷺ كَانَ يَخْسِلُ يَوْمَ الْفِطْرِ، وَيَوْمَ النُّحْرِ، وَيَوْمَ عَزَّةَ^۲

۲۶۷۹- الإمام علي عليه السلام كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَخْرُجَ إِلَى الْمُصَنَّى يَوْمَ الْفِطْرِ، كَانَ يُعْطِرُ عَلَى ثَرَاتِهِ أَوْ زِيَّيَاتٍ^۳

۲۶۸۰- الحسن الكبير عن عمرو بن عوف المرسل إنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ سُئِلَ عَنْ قَوْلِهِ «قَدْ أَطْلَعَ مِنْ شَيْئٍ» وَذَكَرَ اسْمَ زَيْعَى فَصَلَّى^۴

قال «هِيَ رَكَاةُ الْفِطْرِ»^۵

۲۶۸۱- رسول الله ﷺ لَا يَرَالُ حَيْثُ الْقَبْدُ مُخْلَعاً بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ حَتَّى تُؤَدِّيَ رَكَاةَ فِطْرِهِ^۶

۱۱/ ۵ ما ينبغي في الخروج إلى الصلاة

۲۶۸۲- الإمام الصادق عليه السلام كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَخْرُجُ بِحَدِّ طُلُوعِ الشَّمْسِ^۷

۲۶۷۷- پیامبر خدا ﷺ فرشتگان، روز عید، بر سر کوچه ها و گذرها می ایستاد و می گوید: ایشتاند نه سوی پروردگار کریم که عطای سیار می دهد و [گاه] بزرگ را می آورد!

۱۱/ ۴ آنچه پیش از رفتن به سوی نماز، شایسته است

۲۶۷۸- من ابن ساجه - به نقل از فکه بن سعد - پیامبر خدا، روز عید فطر، روز عید قربان و روز عروه، غسل می کرد

۲۶۷۹- امام علی علیه السلام پیامبر خدا، هر گاه می خواست در روز عید فطر به مصلای برود، چند حرما یا کشمش می خورد

۲۶۸۰- الحسن الکبری - به نقل از عمرو بن عوف مرزی - از پیامبر خدا، درباره این آیه «وَرَسَّكَارُهَا» کسی که رکات نماز و نام پروردگارش را یاد کرد، پس نماز خواند» پرسیدند

فرمود: «آن، رکات فطره است».

۲۶۸۱- پیامبر خدا ﷺ روزه نده، همواره بین آسمان و زمین، آویخته است، تا آن که رکات فطره اش را ببرد

۱۱/ ۵ آنچه هنگام رفتن به سوی نماز، شایسته است

۲۶۸۲- امام صادق علیه السلام پیامبر خدا، پس از طلوع خورشید، بیرون می رفت

۱- مستدرک الوسائل ج ۶ ص ۱۵۱ ح ۶۶۷۸

۲- من ابن ساجه ج ۱ ص ۴۱۷ ح ۱۳۱۶ و ۱۳۱۵

۳- النوادر للزمخدری ص ۱۸۷ ح ۲۳۲

۴- الاعلی ۱۵ و ۱۶

۵- الحسن الکبری ج ۱ ص ۲۶۸ ح ۷۶۶۸

۶- تاریخ بغداد ج ۹ ص ۱۲۱ الرقم ۴۷۳۵

۷- الإقبال ج ۱ ص ۴۷۸

۲۶۸۳. شعب الإيمان عن ابن عمر كان ﷺ يخرج في العيد رايحاً ضوئاً بالتهليل والتكبير^۱

۲۶۸۴. سنن ابن ماجه عن ابن عمر كان رسول الله ﷺ يخرج إلى العيد ماشياً، ويرجع ماشياً^۲

۲۶۸۵. الإمام علي عليه السلام كان رسول الله ﷺ إذا خرج إلى المصنئ لم يرجع في الطريق الذي ابتدأ به^۳

۶/۱۴. صلاة العيد

أ- فصلها

۲۶۸۶. تاريخ دمشق عن جابر. كان رسول الله ﷺ لا يكاد يدع أحداً من أهله يوم عيد إلا أخرجته^۴

۲۶۸۷. مسند ابن حنبل عن ابن عباس. كان رسول الله ﷺ يأمر سائيه ويساءه أن يخرجن في العيد^۵

ب- الصلاة في الصحراء أو مكان بارز

۲۶۸۸. الإمام الصادق عليه السلام قيل لرسول الله ﷺ يوم يطر أو يوم أصحى لو صلّيت في مسجدك

فقال إني لأجيب أي أبرر إلى آفاق السماء^۶

۲۶۸۹. الإقبال عن محمد بن الحسن بن الوليد بإسناد

إلى الإمام الصادق عليه السلام إن رسول الله ﷺ كان يخرج حتى يطر إلى آفاق السماء، وقال لا تصلين يومئذ

۱ شعب الإيمان ج ۳ ص ۳۴۲ ح ۳۷۱۴

۲ سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۴۱۱ ح ۱۲۹۵ و ۱۲۹۶

۳ الشجرية ص ۱۷

۴ تلخیص دمشق ج ۴ ص ۱۸ ح ۹۰۶۸

۵ مستدرک حبل ج ۱ ص ۱۹۸ ح ۲۰۵۴

۶ الکافي ج ۳ ص ۴۶۰ ح ۵

۲۶۸۲. شعب الإيمان - به نقل از ابن عمر - پیامبر خدا ﷺ در روز عید فطر و عید قربان بیرون می‌آمد، در حالی که صدایش را به تهلیل و تکبیر، بلند می‌کرد.

۲۶۸۴. سنن ابن ماجه - به نقل از ابن عمر - پیامبر خدا، برای نماز عید، پیاده بیرون می‌رفت و پیاده بر می‌گشت

۲۶۸۵. امام علی علیه السلام پیامبر خدا، چون به مصلاً می‌رفت، از همان راهی که رفته بود، بر نمی‌گشت

۶/۱۴ نماز عید

الف - فصلت نماز عید

۲۶۸۶. تاریخ دمشق - به نقل از جابر - پیامبر خدا، روز عید، هیچ یک از خانواده‌اش را وانمی‌بهاد، مگر آن‌ها که او را بیرون می‌برد.

۲۶۸۷. مسند ابن حنبل - به نقل از ابن عباس - : پیامبر خدا به دختران و همسرانش دستور می‌داد که روز عید فطر با عید قربان [برای نماز] بیرون بروند

ب - نماز گزاردن در صحرا یا جای بدون سقف^۱

۲۶۸۸. امام صادق علیه السلام یک روز عید فطر با عید قربان، به پیامبر خدا گفتند: خوب بود در مسجد خود، نماز می‌خواندی.

فرمود: دوست دارم که به طرف آفاق آسمان، بیرون بیایم.

۲۶۸۹. الإقبال - به نقل از محمد بن حسن بن ولید،

۱ شعب عید گفته است. فایس نماز، برای هر که نماز جمعه بر او لازم است، واجب است، به شرط حضور امام علیه السلام، و در هنگام عدم حضور امام علیه السلام، انفرادی خواندن آن، مستحب است. پس چون روز عید شد، پس از طلوع صبح، غسل می‌کند، پاکیزه‌ترین جامه‌ها را می‌پوشد، عطر می‌زد و برای نماز عید به محل تجمع مردم در شهر می‌رود. پس چون خورشید نیمه، کمی صبر کند، سپس زیر آسمان به نماز پردازد و سجودت او بر خود زمین باشد. پس چون ایستادی، یک تکبیر بگوید (در ک المقتضی ص ۱۹۴)

عَلَى سَائِلٍ وَلَا بَارِيَّةٍ، يَعْنِي هِيَ الْعِيدَيْنِ

ج- الصَّلَاةُ بِغَيْرِ آدَانٍ وَلَا إِقَامَةٍ

۲۶۹۰ المعجم الكبير عن أبي رافعٍ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ

يَخْرُجُ إِلَى الْعِيدَيْنِ مَشِيًّا، وَيُعَلِّي بِغَيْرِ آدَانٍ وَلَا

إِقَامَةٍ، ثُمَّ يَرْجِعُ مَشِيًّا فِي طَرَفٍ آخَرَ^۱

به اسماش به امام صادق علیه السلام - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در
عیدهای فطر و قربان بیرون می‌رفت تا به آفاق
سمان بگردد و فرمود: «در چنین روزی، هرگز،
روی ریزاندار یا حصیر، نمار نخواند».

مقصود ایشان، عید فطر و عید قربان بود

ج- نمار گزاردن بدون آدان و اقامه

۲۶۹۰ المعجم الكبير - به نقل از ابو رافع - پیامبر صلی الله علیه و آله

برای [خواندن] نمار عید فطر و عید قربان، پیاده

بیرون می‌رفت و بدون آدان و اقامه، نمار

می‌خواند و پیاده از راهی دیگر باز می‌گشت

۱ الاقبال ج ۱ ص ۴۸۷

۲ المعجم الكبير ج ۱ ص ۳۱۹ ح ۹۴۳

الْبَابُ الْخَامِسُ

باب پنجم

الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ

حج و عمره

الفصل الأول: حكمة الحج وفضله وبركاته

فصل یکم: فلسفه حج و فضیلت و برکاتش

۱/۱. حكمة الحج

۱/۱ فلسفه حج

الكتاب

قرآن

﴿خَلَقُوا لَكُمْ أَلْكَفَتَةَ الثَّمَنِ الْحَرَامِ فَيَسَا لِنَاسٍ وَالظُّلْمِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ وَالْقَبْلِ ذَلِكَ لَتَخْلَتُوا أَنَّ اللَّهَ يَنْقُضُ مَا فِي السَّمْعِ وَمَا فِي الْأَرْهَابِ وَأَنَّ اللَّهَ يَكْفُلُ شَيْئًا عَظِيمًا﴾^۱

الحديث

۲۶۹۱. رسول الله ﷺ: إِنَّمَا جُعِلَ الطَّوَافُ بِالنَّاسِ، وَيَسَى الصُّمَامِ وَالْقَرْوَةِ، وَرَمَى الْجِمَارِ لِإِقَامَةِ ذِكْرِ اللَّهِ.^۲

۲/۱. فصل الحج

حديث

۲۶۹۱ پیامبر خدا ﷺ: فرمان طواف پیرامون خانه خدا و بین صفا و مروه و رمی جمرات داده شد، فقط برای برپایی یاد خدا

۲/۱. فصل الحج

الكتاب

۲/۱. فضیلت حج

قرآن

﴿وَأَكْبَرُ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾^۳

الحديث

۲۶۹۲ رسول الله ﷺ: الْحَجُّ جِهَادُ الضَّعِيفِ^۴

﴿وَرَفَعْنَا فِيهِ ذِكْرَكَ لِلْعَالَمِينَ﴾^۵

۲۶۹۲ پیامبر خدا ﷺ: حج، جهاد هر د توان است

۲۶۹۳ الکافی عن عبد الله بن يحيى الكاهلي سمعت

أبا عبد الله ﷺ يقول: وَتَذَكُّرُ الْحَجِّ، فَقَالَ: قَالَ

۲۶۹۳ الکافی - به نقل از عبد الله بن يحيى کاهلی - از

امام صادق ﷺ شنیدم که سخن می‌گفت و از حج

۱ المائدة ۹۷

۲ سنن ابی داود ج ۲ ص ۱۷۹ ح ۱۸۸

۳ الحج ۲۷ ۴ الکافی ج ۴ ص ۷۵۹ ح ۲۸

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ هُوَ أَحَدُ الْجِهَادَيْنِ، هُوَ جِهَادُ الصُّغَاءِ وَتَحْنُ الصُّغَاءِ^۱

۲۶۹۴ رسول الله ﷺ لِحُجَّتِهِ مَقْبُولَةٌ خَيْرٌ مِنْ عَشْرِينَ صَلَاةً نَائِلَةً، وَمَنْ طَافَ بِهَذَا الْبَيْتِ طَوْفًا حَصَى مِنْهُ أُسْبُوعَةً، وَأَحْسَنَ رِكَعَتَيْهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ^۲

۲۶۹۵ عَنْهُ ﷺ النُّقَّةُ بِي الْخَمِّ كَالنُّقَّةِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِسَبْعِينَ أَلْفَ حَجٍّ^۳

۳/۱ ثَوَابُ الْحَجِّ

۲۶۹۶ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَيْسَ لِذَخَّةِ الْفَرُوزَةِ ثَوَابٌ إِلَّا الْجَنَّةُ^۴

۲۶۹۷ عَنْهُ ﷺ الْفُعْرَةُ إِلَى الْفُعْرَةِ كَفَّارَةٌ مَا بَيْنَهُمَا، وَنَحْنَةُ الْمُتَقَبِّلَةِ ثَوَابُهَا الْعَمَّةُ^۵

۲۶۹۸ عَنْهُ ﷺ - عِنْدَمَا يَنْظُرُ إِلَى مَطَارِ جَمَالِ الصَّاحِبِ لَا تَرْفَعُ حُفًّا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ حَسَنَةٌ، وَلَا تَضَعُ إِلَّا مُجِيبٌ عَنْهُمْ سَيِّئَةً، وَإِنْ فَضُّوا مَا سَكَّهُمْ قَبِلَ لَهُمْ بَيْتُ بَاءٍ فَلَا تَهْدِمُوهُ، كُفَيْتُمْ مَا مَضَى فَأَحْبِسُوا مِمَّا تَسْتَعْمِلُونَ^۶

۲۶۹۹ عَنْهُ ﷺ الْحَاجُّ ثَلَاثَةٌ فَأَصْلُهُمْ نَهْيًا رَحَلَ عَفْرَ لَهُ ذَنْبُهُ مَا تَعَدَّمُ مِنْهُ وَمَا تَأَخَّرَ، وَوَقَّاهُ اللَّهُ عَذَابَ الْفِيرِ، وَأَمَّا الَّذِي يَلِيهِ فَرَجُلٌ غَيْرَ لَهُ ذَنْبُهُ مَا تَعَدَّمُ مِنْهُ،

۱. التکالیف ج ۱ ص ۲۵۳ ح ۷

۲. التکالیف ج ۲ ص ۱۹ ح ۵

۳. مستدرک حیل ج ۹ ص ۲۱ ح ۳۰۶۱

۴. سنن الترمذی ج ۲ ص ۱۷۵ ح ۸۱۰

۵. دهانم الاسلام ج ۱ ص ۲۹۴

۶. دهانم الاسلام ج ۱ ص ۲۹۴

یاد می‌کرد، پس فرمود: «پیامبر خدا فرموده است: آن (حج)، یکی از دو جهاد است؛ جهاد ضعیفان است و ما ضعیفانیم»

۲۶۹۲ پیامبر خدا ﷺ یک حج پذیرفته، بهتر از بیست نماز مستحبه است. هر کس این حدنه را طواف کند و هفت بار آن را بشمارد و دو رکعت [نماز] آن را بیکو به جا آورد، خداوند او را می‌آمرزد

۲۶۹۵ پیامبر خدا ﷺ: اعناق در حج، معتصد برابر اعناق در ره حد، پاداش دارد

۳/۱ پاداش حج

۲۶۹۶ پیامبر خدا ﷺ پاداش حج بیکو، جز بهشت نیست. ۲۶۹۷ پیغمبر خدا ﷺ هر عمره تا عمره دیگر، کفار [گناهان] میان ۱- دو است و پاداش حج مقبول بهشت است

۲۶۹۸ - هنگامی که به کاروان شترهای حاجیان می‌نگریست - هیچ گامی بر نمی‌دارد، مگر آن که برایشان حسنه موثقه می‌شود و هیچ گامی نمی‌گذارد، مگر آن که گناهی از آنان، محو می‌شود و هر گاه اعمال حج خود را به پایان برند، به آدان گفته می‌شود: «بایی ساحتید پس ویرانش نکنید گناهان گذشته شما بخشوده شد پس برای آینده حویش، کار بیک انجام دهید»

۲۶۹۹ پیامبر خدا ﷺ حاجیان، سه گونه‌اند: بیشترین بهره، از آن کسی است که گناهان گذشته و آینده‌اش بخشوده شود و خداوند، او را از عذاب قبر، نگاه

وَيَسْتَأْذِنُ الْفَتْلَ هَيْمًا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنْ عُمْرِهِ، وَمَا أَلَدِي يَلِيهِ
لِرَجُلٍ حَفِظَ فِي أَهْلِهِ وَمَالِهِ^۱

۱/۱. فَضَّلْ إِدْمَائِهِ

۲۷۰۰. رسول الله ﷺ مَنْ أَرَادَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ فَلْيُؤْمَرْ هَذَا
النِّبْتَ، وَمَنْ رَحَعَ مِنْ مَكَّةَ وَهُوَ بَنُو الْحَجِّ مِنْ قَابِلٍ
رَيْدَ فِي عُمْرِهِ^۲

۲۷۰۱. عَنْهُ ﷺ لَا يُحَالِفُ الْفَقْرُ وَالْعُتَى مُدْمِنَ الْحَجِّ
وَالْعُمْرَةِ^۳

۲۷۰۲. عَنْهُ ﷺ مَنْ رَجَعَ مِنْ مَكَّةَ وَهُوَ لَا يَسُوِي الْقَوْدَ
إِلَيْهَا فَقَدْ قَرَّبَ أَجَلَهُ، وَدَنَا عَذَابَهُ^۴

۵/۱. فَصَلِّ لِلْحَاجِّ

۲۷۰۳. رسول الله ﷺ الْحَاجُّ فِي صَمَارٍ لَقِيَهُ مُتَقِيًا
وَمُتَدِيرًا، فَإِنْ أَصَابَهُ فِي عُمْرِهِ نَكَتٌ أَوْ نَضَبٌ عُمِرَ لَهُ
بِذَلِكَ شَهَادَةً، وَكَانَ لَهُ بِكُلِّ قَدَمٍ يَرْفَعُهُ أَلْفُ دَرَجَةٍ فِي
الْجَنَّةِ، وَبِكُلِّ قَطْرَةٍ تُصَيِّئُهُ مِنْ مَطَرٍ أُجِرَ شَهِيدٌ^۵

۲۷۰۴. عَنْهُ ﷺ الْحَاجُّ وَالْعُمَرَاءُ وَفَدَاؤُهُ، دَعَاهُمْ
فَأَجَابُوهُ، وَسَأَلُوهُ فَأَعْطَاهُمْ^۶

۶/۱. يَزَكَاةُ الْحَجِّ

۲۷۰۵. رسول الله ﷺ تَابِعُوا بَيْنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ، فَدِيَّتُهُمَا

دارد. پس از او، کسی است که گناهان گذشته‌اش
آمریده شود و باید برای باقی مانده عمرش، عمل از
سر بگیرد. اما پس از او، کسی است که سها خانواده و
مالش حفظ شود

۲/۱. فَنَافِجِ بِيُوسْتَه حَجِّ كَرُولِن

۲۷۰۰. بِبَابِ خَدَا ﷻ هَر كَس دُنْيَا وَ آخِرَت مِي خَوَاهَد،
أَهْنَك زِيَارَتِ اِيْن حُدَه كَد هَر كَس از مَكَّة
باز گردد، در حالی که تصمیم دارد سال آینده هم به
حج برود، عمرش امرونی خواهد شد

۲۷۰۱. بِبَابِ خَدَا ﷻ هَر كَس بِيُوسْتَه به حَجِّ و عُمَرَه برود،
مُفَر و تَب، گريبانگير او نمی‌شود.

۲۷۰۲. بِبَابِ خَدَا ﷻ كَسِي كِه از مَكَّة باز گردد، در
جَدَل كِه تَصْمِيم به حَجِّ دوباره ندارد، بِقِيَا جَل و
عَدَابِش نَرَدِيك شده است

۵/۱. بِرَفَرِي حَجِّ كَرَار

۲۷۰۳. بِبَابِ خَدَا ﷻ حَجِّ كَرَار، چَه در رَفَس و چَه در
بازگشتن، در صَمَانَت خَدَاست پس اگر در سَمَرش
به او رَنج و عَنَسْگِي اِي برسد، به حَاطَر آن، گناهانش
آمریده می‌شود و در برابر هر گامی که بر می‌دلود،
هرلر درجه در بهشت بالا می‌رود، و مُقَابِل هر قَطْرَه
يارانی که به او ييارد پاداش يَك شَهِيد دارد

۲۷۰۴. بِبَابِ خَدَا ﷻ: حَاجِيَان و عُمَرَه گَرَارَان، مِيهَمَانَان
خَدَايند. خَدَاويد، دَعَوْتِشان كرده است و آنان، پَاسَح
گفته‌اند. آنان نيز از خَدَا دَر حَوَاسْت كرده‌اند و
خَدَاويد، عَطَايشان كرده است

۶/۱. اَنَار حَجِّ

۲۷۰۵. بِبَابِ خَدَا ﷻ بِيُوسْتَه حَجِّ و عُمَرَه بَگَرَارِيْد؛ زِيَرَا

۱. الكافي ج ۱ ص ۲۶۲ ح ۲۹

۲. كتاب من لا يحضره الفقيه ج ۲ ص ۲۶۹ ح ۲۲۲۲ وح ۲۲۲۳

۳. الكافي ج ۱ ص ۲۵۶ ح ۸

۴. كتاب من لا يحضره الفقيه ج ۲ ص ۲۲۰ ح ۲۲۲۵

۵. الفردوس ج ۲ ص ۱۴۹ ح ۲۷۶۱

۶. الجامع الصغير ج ۱ ص ۵۸۵ ح ۳۷۸۹

يَسْتَبِيرُ الْقَمَرَ وَالْشُّوَبَ كَمَا يَسْبِي نَكِيرُ حَبَثِ
التَّحْدِيدِ^۱

بی دور، فقر و گناهان را از بیس می‌برد، همان گونه که
کوره آهن‌گری، رنگار آهن را می‌زداید

۲۷۰۶ عَنْهُ ﷺ مَنْ حَجَّ قَبِيَّةً، فَلَمْ يَرْقُثْ وَلَمْ يَهْشَوْ، رَجَعَ
كَيَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ^۲

۲۷۰۶ پیامبر خدا ﷺ کسی که برای حجاج برگردد و
[در حالت احرام] آمیزش و گناه نکند، [گناهان
گذشته‌اش بخشوده می‌شود و] مانند روزی که
مادرش او را زاده بوده، از حج باز می‌گردد

۲۷۰۷ عَنْهُ ﷺ مَعَاشِرَ النَّاسِ، حُجُّوا الْبَيْتَ؛ فَمَا وَرَدَهُ
أَهْلُ بَيْتٍ إِلَّا اسْتَعْنَوْا، وَلَا تَحَلُّوا عَنْهُ إِلَّا
اسْتَقْرَوْا^۳

۲۷۰۷ پیامبر خدا ﷺ ای مردم! حج خانه خدا کنید پس
هیچ خانواده‌ای وارد خانه خدا نمی‌شوند، مگر آن که
بی نیاز گردند و [هیچ خانواده‌ای] از حج گزاردن
تخلّف نمی‌کند، مگر آن که تگ‌دست می‌شوند

الفصل الثانی تسویف الحج وترکه

فصل دوم تأخیر در حج و ترک آن

۱، ۲ التَّحْدِيرُ مِنْ تَرْكِهِ

۱/۲ هشدار درباره ترک حج

۲۷۰۸ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا مِنْ عَبْدٍ يَدْعُ الْحَجَّ لِإِبْرَاهِيمَ
خَوَاتِمِ الدُّنْيَا، إِلَّا رَأَى الْمُحَلِّصَ قَبْلَ أَنْ يَعْصِيَ تِلْكَ
الْحَاجَةَ^۴

۲۷۰۸ پیامبر خدا ﷺ هیچ بنده‌ای نیست که حج را به
خاطر کاری از کارهای دپ ترک کند، مگر آن که
مجاذبات سر تراشیده را خواهد دید [که از حج
برگشته‌اند] پیش از آن که آن کارش را انجام داده
باشد

۲/۲ تَارِكُ الْحَجِّ

الكتاب

۲/۲ ترک کننده حج^۱

قرآن

﴿فَإِنَّهُ غَائِبٌ نَشِئْتُ مُقَامَ إِبْرَاهِيمَ وَمِنْ بَحَلَّةِ خَارٍ عَامِدٍ
وَبَلَّهِ عَلَى النَّاسِ حَجُّ الْبَيْتِ مِنْ اسْتِغْلَاحِ إِلَهٍ سَبِيلًا
وَمَنْ كَفَرَ فَأَنَّ اللَّهَ غَبِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾^۵

﴿در آن نشانه‌هایی روشن است [از جمله] مقام ابراهیم
سب و هر که ولود آن شود، در امان است و برای خدا،
حج آن خانه، بر عهد مردم است [البته بر] کسی که
بتواند به سوی آن راه یابد و هر که کفر ورزد، یقیناً
خداوند از جهانیان، بی‌پار است﴾.

الحديث

۲۷۰۹ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - مِمَّا أَوْصَى بِهِ عَلِيًّا ؑ - يَا عَلِيُّ

حديث

۲۷۰۹ پیامبر خدا ﷺ - در سفارش به علی ؑ - ای

۱ التکالیف ج ۱ ص ۲۵۵ ح ۱۲

۲ مسیح بخاری ج ۲ ص ۵۵۳ ح ۱۴۹

۳ الاحتجاج ج ۱ ص ۱۵۶ ح ۳۲

۴ الذر المذکور ج ۱ ص ۵۰۹

۵ آل عمران ۹۷

۱ منظور، خجته الإسلام است، که هر شخص مستطیع، یک

۱ وجه است

تَارِكُ الْحَجِّ وَهُوَ مُسْتَطِيعٌ كَأَيِّ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ
وَتَعَالَى: ﴿وَرَبِّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ
سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾. يَا
عَلِيُّ، مَنْ سَوَّفَ الْحَجَّ حَتَّى يَمُوتَ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا^۱

۲۷۱۰. ع.ه. ۱۱۱۱ م. لَمْ يَمْنَعَهُ عَنِ الْحَجِّ حَاحَةٌ ظَاهِرَةٌ،
أَوْ سُلْطَانٌ جَائِرٌ، أَوْ مَرَضٌ حَاسِبٌ، فَمَاتَ وَلَمْ يَحُجَّ
فَلَيَمُتَ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا وَإِنْ شَاءَ نَصْرَانِيًّا^۲.

۳/۲ التَّحْدِيدُ مِنْ تَعْطِيلِ حَجِّ الْبَيْتِ

۲۷۱۱. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَوْ تَرَكَ النَّاسُ الْحَجَّ عَامًا وَاحِدًا
مَا نُوْظِرُوا^۳.

۲۷۱۲. ع.ه. ۱۱۱۱ م. إِذَا تَرَكَتُ أَتَمَّنِي هَذَا السَّبَّ أَنْ تَوْفُّهُ لَمْ
تُظَاهَرْ^۴.

الفصل الثالث: مناسك الحج

۱/۲. مَوَاقِيتُ الْإِحْرَامِ

۲۷۱۳. صَحِيحُ الْبُخَارِيِّ عَنْ أَبِي عِيَّاسٍ: إِنَّ السَّبِيَّ ﷺ
وَقَّتَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ ذَا الْحُلَيْفَةِ، وَلِأَهْلِ الشَّامِ الْجُحْفَةَ،
وَلِأَهْلِ نَجْدٍ قَرْنَ الْمَنَازِلِ، وَلِأَهْلِ الْيَمَنِ يَمْلَمَةَ، هُنَّ
لَهُنَّ وَلَمْ يَأْتِ عَلَيْهِنَّ مِنْ غَيْرِ هُنَّ يَمُنُّ أَرْضَ الْحَجِّ
وَالْعُمْرَةِ، وَمَنْ كَانَ دُونَ ذَلِكَ مِنْ حَيْثُ أُنْشِئَ حَتَّى
أَهْلُ مَكَّةَ مِنْ مَكَّةَ^۵.

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۳۸ ح ۵۷۶۲

۲. سنن الترمذی ج ۱ ص ۱۵۵ ح ۱۷۳۳

۳. جامع الأحادیث للقمی ص ۱۱۳

۴. دعائم الإسلام ج ۱ ص ۲۸۹

۵. صحیح البخاری ج ۲ ص ۵۵۴ ح ۱۵۷

علی! آن که در حان استطاعت حج را ترک کند، کافر
است. خدای - تبارک و تعالی - می فرماید: ﴿برای
حاصلت حج آن حالت، بر عهده مردم است﴾ [بیر] کسی که بتواند
به سوی آن راه یابد، و هر کس کفر ورزد، یقیناً خداوند او
جهنمیان، بی‌نیاز است﴾

ای علی! هر کس، حج را آن قدر به تأخیر بیندازد
تا مرگش فر رسد، خداوند در روز قیامت، او را
یهودی یا نصرانی بر می انگیزد.

۲۷۱۰. پیامبر خدا ﷺ کسی که حاجتی آشکار یا پنهانی
ستمگر یا بیماری دارد دمای او را از حج باز ندارد،
و لی بی آن که حج انجام دهد، او را دیابروند، می خواهد
یهودی بسیرد و می خواهد نصرانی بسیرد (مسلمان
می میرد)

۳/۲ هشدار دوباره تعطیل شدن حج حایه خدا
ﷺ پیامبر خدا ﷺ اگر یک سال، همه مردم، حج
و حتی سبک ترک کنند، به آنان مهلت داده نخواهد شد
(کبیر می شود)

۲۷۱۲. پیامبر خدا ﷺ: هر گناه اختم، فصد آمدن به
زیارت خانه خدا را ترک کند، به آنان، مهلت داده
نخواهد شد

فصل سوم. اعمال حج

۱/۳. مِیْقَاتُهَاي احرام

۲۷۱۳. صحیح البخاری - به سخن از بنی عتاس - پیامبر
خدا، برای اهل مدینه، «ذو الحلیفه» را میقات قرار داد
و برای شامیان، «جحفه» را و برای اهل نجد، «قرن
المنازل» را و برای اهل یمن، «یملمه» را این
میدانها بری مان و کسی است که بر آن مکان‌ها
ولرد می‌شوند و آنجا حج و عمره می‌کنند، و هر
کس که از اینها به مکه نزدیک‌تر باشد - از هر جا که
حرکت کند حتی اهل مکه - [میقاتشان] از مکه است

۲/۳. تَلْبِيَةُ الْإِحْرَامِ

۲/۲. تَبِيكُ كَعْتَنَ دَرِ احْرَامِ

ا- مَعْنَى التَّلْبِيَةِ

الف- معنای تبیک^۱

۲۷۱۴ رسول الله ﷺ - فِي ذِكْرِ كَلَامِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَعَ
مُوسَى ﷺ فِي فَصْلِ أُمِّهِ مُحَمَّدٍ ﷺ - قَبَادَى رُبْنَاكَ يَا
أُمَّةَ مُحَمَّدٍ، فَأَجَابَهُ كُلُّهُمْ وَهُمْ فِي أَصْلَابِ آبَائِهِمْ
وَأَرْحَامِ أُمَّهَاتِهِمْ «لَيْتَكَ اللَّهُمَّ لَيْتَكَ، لَيْتَكَ لَا شَرِيكَ
لَكَ لَيْتَكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُنَّةَ، لَا شَرِيكَ لَكَ
لَيْتَكَ»

۲۷۱۴ پیامبر خدا ﷺ - در نقل گفتگوی خداوند با
موسی ﷺ در فصلی از امم محمد ﷺ - قبادی رُبْنَاكَ یا
پروردگار من دادا داد ای امت محمد ﷺ.

پس همه آنان، در حالی که در پشت پدران، و
رجم مادرانشان بودند، پاسخ دادند: «لتیک ای
خدا، لتیک لتیک! تو شریکی نداری لتیک! همانا
ستایش و نعمت و فرمانروایی، در آن توست. تو
شریکی نداری. لتیک!»

قال فَجَعَلَ اللَّهُ تِلْكَ الْإِجَابَةَ شِعَارَ الْعَمَلِ^۲

ب- كَيْفِيَّةُ التَّلْبِيَةِ

۲۷۱۵ الإمام الصادق ﷺ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ نَما انتَهَى إِلَى
الْبَيْدَاءِ^۳ - حَيْثُ الْمَيْلُ - قُرِئَتْ لَهُ مِائَةٌ فَرَكَةً قَلَمًا
أَدْعَبَتْ بِهِ لَتْنِي بِالْأَرْبَعِ... فَقَالَ لَيْتَكَ اللَّهُمَّ لَيْتَكَ
لَا شَرِيكَ لَكَ لَيْتَكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا
شَرِيكَ لَكَ

خداوند متعال نیز همین پاسخ را شعاعِ مح
تَرَارِ داد
ب- چگونه لبتیک گفت

۲۷۱۵ امام صادق ﷺ پیامبر ﷺ چون به البیداء^۴
(در یک میلی مکه)^۵ رسید، شتری سردی کش
آوردند سوار آن شد و چون ایشان را حرکت داد
لبیک‌های چهارگانه را چنین گفت: «لتیک،
پروردگرا لتیک، لتیک! تو را شریکی نیست
ستایش و نعمت و فرمانروایی، در آن توست
شریکی برای تو نیست».

۲۷۱۶ عنه ﷺ لَمَّا لَتَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ لَيْتَكَ اللَّهُمَّ لَيْتَكَ،

۱. «لتیک» من التلبیه، وهي إجابة المُنَادِي لَمَّا لَتَى بِجَهَنِي لَكَ يَا
رَبِّ - وهو مأخوذ من لب بالمكان ولَبَّ إذا أقام به، ولَبَّ
على كذا إذا لم يفارقه، ولم يحسن إلا على لفظ التلبية في
معنى التكرير أي إجابته بعد اجابته، وهو منصوب على
المصدر بعامل لا يظهر، كأنك قد لبَّ أيان بعد السار
والتلبية من لبت، كالتهديل من لا اله إلا الله (النهاية ج ۴
ص ۲۲۲)

۲. كتاب من لا يحضره الفقيه ج ۲ ص ۳۶۷ ح ۲۵۸۶

۳. البیداء اسم لادى من بلاد بين مكة والمدية، وهي الى مكة
أقرب، تعد من الشرف، امام دي الخديعة (معجم البلدان ج ۱
ص ۵۲۳)

۴. قرب الإسناد ص ۱۲۵ ح ۴۳۸

۲۷۱۶ امام صادق ﷺ پیامبر ﷺ چون لتیک گفت،

لتیک، دو لغت، یعنی به بخشها فرمان بردیم! ای آدم!
گوشت به فرمانم!
۲. نام سردیسی به خاک بر، میان مکه و مدینه، که به مکه
بردیک در اسب

لَيْسَ لَكَ شَرِيكَ لَكَ لَيْسَ لَكَ إِنَّ الْخَصَدَ وَالسَّعَةَ لَكَ
وَالْمُلْكُ لَا شَرِيكَ لَكَ لَيْسَ لَكَ لَيْسَ لَكَ فَالْمَعَاجِرُ لَيْسَ
وَكَانَ يُكَيِّدُ مِنْ دِي الْمَعَاجِرِ وَكَانَ يُلْغِي كُلَّ
لَقِي رَاكِبًا أَوْ عَلَا أَمْنَةً^۱ أَوْ قَبَطَ وَادِيًا وَمِنْ آجِرِ
الَّيْلِ وَلِي أَدْبَارِ الصَّلَوَاتِ^۲

ج- ثَوَابُ التَّائِبِيَةِ

۲۷۱۷ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا مِنْ حَاجٍ يُصْحِي مُلَبًّا حَتَّى
تُرَوَّى الشَّمْسُ إِلَّا غَابَتْ ذُنُوبُهُ مَعَهَا^۳

د- تَلْبِيَةُ الْأَشْيَاءِ فَعَ التَّلْبِيَةِ

۲۷۱۸ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا مِنْ مُلَبٍّ يُتْبِي إِلَّا لَتَى مَا عَسَى
يَمِيزُهُ وَشِمَالَهُ مِنْ حَجَرٍ أَوْ شَعَرٍ أَوْ مَذْرٍ حَتَّى تَقْطَعَ
الْأَرْضُ مِنْ هَاهُنَا وَهَاهُنَا^۴

هـ- آدابُ التَّلْبِيَةِ

۲۷۱۹ الذَّرَّ الْمَثُورَ عَنْ مُحَمَّدٍ مِنَ الْمُفَكِّدِ إِنَّ الْبُيُوتَ
كَانَ يُكَيِّدُ مِنَ التَّلْبِيَةِ^۵
۲۷۲۰ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنَا نِي خَيْرُ نَوَلٍ ﷺ فَقَالَ بِنُ اللَّهِ
يَأْمُرُكَ أَنْ تَأْمُرَ أَصْحَابَكَ أَنْ يَرْفَعُوا أَصْوَاتَهُمْ بِالتَّلْبِيَةِ
بِأَنَّهُا شِعَارُ الْحَجِّ^۶

۱ الأكمة التل أو الموضع الذي يكون كثير ارتفاعا مضافا نحوه
(لسان العرب ج ۱۲ ص ۲۱)

۲ كتاب من لا يحضره الفقه ج ۲ ص ۲۲۵ ح ۲۵۷۸

۳ كتاب من لا يحضره الفقيه ج ۲ ص ۲۲۲ ح ۲۳۳۸

۴ من لیس مناجاة ج ۲ ص ۹۷۵ ح ۳۹۲۱

۵ الذر المثار ج ۱ ص ۵۲۷

۶ شتاريج الكبير ج ۱ ص ۱۵۰ الرقم ۲۷۸۵

فرمود: «لَيْسَ لَكَ شَرِيكَ! ای خدا، لَيْسَ لَكَ شَرِيكَ! تو شریکی
نداری لَيْسَ لَكَ شَرِيكَ! همانا ستایش و نعمت و
فرمان‌روایی، از آن توست. تو شریکی نداری.
لَيْسَ لَكَ شَرِيكَ! ای صاحب والایی‌ها، لَيْسَ لَكَ شَرِيكَ!

ایشان، «دی المذرح» را بسیار می‌فرمود و هر
گاه به سواره‌ای بر می‌خورد، یا به بالای تنه‌ای
می‌رسید، یا به دشتی سرازیر می‌شد، و بیر آخر
شب و پس از نمازها، لَيْسَ لَكَ شَرِيكَ! می‌گفت

ج- ثواب التائبة گویی

۲۷۱۷. پیامبر خدا ﷺ هیچ حج‌گراری نیست که دور
پایه لبیک گفتن به سر آورد، مگر آن که همراه
اصحاب حورشید، گاهانش پنهان می‌شود

دسته چرخ، هم صدا با لبیک گو

۲۷۱۸. پیامبر خدا ﷺ هیچ لبیک‌گویی نیست، مگر آن
که تا آن جا که چشم کار می‌کند، آنچه از سنگ و
درخت و کنوح در چپ و راست اوست، (هم صدا
با) لبیک می‌گوید

هـ- آداب لبیک گفتن

۲۷۱۹ الذر المثار - به نقل از محمد بن مسکدر -

پیامبر خدا، لبیک را بسیار تکرار می‌کرد

۲۷۲۰. پیامبر خدا ﷺ، جبرئیل ﷺ نزد من آمد و گفت

خداوند ﷻ به من دستور می‌دهد که به باران

فرمان دهم صداهایشان را به لبیک گفتن بلند

سازند، چرخ که آن، شعار حج است

۳/۳ فصل الطَّوَّافُ^۱۲۷۲۱ رسول الله ﷺ زَيْنُ الْكَمَةِ الطَّوَّافُ^۲۲۷۲۲ عَنْهُ ﷺ إِنَّ اللَّهَ يُبَاهِي بِالطَّائِفِينَ^۳

۲۷۲۳ عَنْهُ ﷺ يُرِي اللَّهَ كُلَّ يَوْمٍ عِشْرِينَ وَبِسْتَةٍ رَحْمَةً
يَسْتَوْنَ مِنْهَا لِلطَّوَّافِينَ، وَأَرْبَعُونَ لِمَا كَفَى حَقْلَ النَّبِيِّ
وَعِشْرُونَ مِنْهَا لِلنَّاطِرِينَ إِلَى النَّبِيِّ^۴

۱- آدَبُ الطَّوَّافِ

۲۷۲۴ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّمَا الطَّوَّافُ صَلَاةٌ، فَإِذَا طَعِمَ
فَأَبْلَوْا الْكَلَامَ^۵

۲۷۲۵ عَنْهُ ﷺ الطَّوَّافُ بِسَالِبِ صَلَاةٍ، لَوْ أَنَّ اللَّهَ
أَحَلَّ لَكُمْ فِيهِ الْكَلَامَ، لَقَدْ يَنْكَلُمُ فَلَاحُ يَنْكَلُمُ
إِلَّا بَعِيرٌ^۶

ب- الاستكثار من الطَّوَّافِ^۷

۲۷۲۶ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ اسْتَكَثَرُوا مِنَ الطَّوَّافِ، فَإِنَّهُ أَقْرَبُ

۱ الطَّوَّافُ هو من واجبات الحج، ويجب أن يكون لسهمة
أشواط، والابتداء فيه بالحجر الأسود، والحجم به، وكونه على
الهدى بأن تكون الكعبة المعظمة حال الطواف على يساره،
وإدخال حجر إسماعيل عليه السلام فيه، وهدم الخروج عن معن
المحدد ويشترط فيه السيرة والموااة والجنان للرجال
والنساء من الحدث والنسب وسر العم، الجمع سحره
الوسيلة ج ۱ ص ۴۳۰ وجاب الطواف

۲ جامع الأحاديث للقمي ص ۱۵

۳ تاریخ بغداد ج ۴ ص ۳۶۹

۴ المعجم الكبير ج ۱۱ ص ۲، ح ۱۱۷۴۸

۵ مستدرک حلی ج ۵ ص ۲۵۶، ح ۱۵۴۲۳

۶ المستدرک علی الصحيح ج ۱ ص ۶۳۰، ح ۱۶۸۶

۷ لا شك في أن الاستكثار من الطواف مشروط بأن لا يترجم
ذلك مع للطواف الواجب وهذا هو المعنى المعنى
الأحاديث الواردة عن أهل البيت عليه السلام

۳/۳ فصیلت طواف^۱

۲۷۲۱ پیامبر خدا ﷺ طواف، زیست کعبه است.

۲۷۲۲ پیامبر خدا ﷺ خداوند، به طواف کنندگان،
افتخار می‌کند

۲۷۲۳. پیامبر خدا ﷺ خداوند، در هر روز، یکصد
و بیست رحمت، فرو می‌فرستد شصت رحمت
برای طواف کنندگان است، چهل رحمت، برای
معیبان اطراف خانه خداست، و بیست رحمت
برای نماشاگران خانه خدا

الف- آدب طواف

۲۷۲۴ پیامبر خدا ﷺ طواف کعبه، چون نماز است
پس هنگام طواف، کم حرف برید

۲۷۲۵ پیامبر خدا ﷺ طواف خانه خدا، همچون،
نماز است، هر این که خداوند، سخن گفتن در
طواف را امری حلال کرده است، پس اگر کسی
سخن می‌گوید، هر به خبر، سخن نگوید

ب- طواف کردن بسیار^۲

۲۷۲۶ پیامبر خدا ﷺ بسیار طواف کنید؛ چرا که
طواف، کمترین چیزی است که در قیامت، در

طواف را وجبات حج است و واجب است که هفت بار
انجام شود طواف، از حجر الاسود آغاز می‌شود و به آن
باید می‌باید و باید هفت چپ طواف کنند به سمت کعبه
معظم باشد و حجر اسماعیل هم در داخل طواف قرار بگیرد و
در معنای تعیین شده بیرون باشد در طواف پنج شرط
است: سیر، پی در پی بودن، معنویت بودن مردان، طهارت
از حدث و خبیث، و سر عورت

۲ برپندی است که استحباب بسیار طواف کردن مشروط به
عدم برحمت طواف واجب است، چنان که این معنا در
برخی از احادیث این بیت بیان شده است

شَيْءٌ يَوْجَدُ فِي صَحَائِكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۱

نامه‌های اعمال‌تان دیده می‌شود

ج. ادعیه الطواف

ج. دعاهای طواف

۲۷۲۷ مسند ابن حنبل عن عبد الله بن مسعود: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقْرَأُ بَيْنَ الرُّكْبَيْنِ الْيَمَانِيِّ وَالْحَجَرِ «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»^۲

۲۷۲۷ مسند ابن حنبل - به نقل از عبد الله بن مسعود - پیامبر ﷺ را بین رُکنِ یمنی و حجرِ الأسود دیدم که می‌گفت: «خدایا! دنیا را به ما نیکوای عطا کن، و در آخرت هم به ما نیکوای عطا کن و ما را از [عذاب] دوزخ نجات بده»

۲۷۲۸ كِتَابُ الْمَنَاقِبِ عَنْ ابْنِ سَعْدٍ: إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ طَافَ بِالْبَيْتِ ثُمَّ وَصَّحَ يَدَهُ عَلَيْهِ وَدَعَا: اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْنَكَ وَنَحْنُ عِبِيدُكَ، وَبِرَاصِبِ يَدَيْكَ، وَتَقَلُّبًا فِي قَبْضَتِكَ، فَإِنْ تُعَذِّبْنَا فِعْذُوبُنَا، وَإِنْ تُغْفِرْ لَنَا فَمَغْفِرَتُكَ فَغُفِرَتْ حَتَّى لَمْ يَسْتَطَاعَ إِلَيْهِ شَيْئًا، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ جَعَلْتَ لَكَ مِنَ الْبَيْتِ، اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ^۳

۲۷۲۹ شُعَبُ الْإِيمَانِ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى الْقُشَيْرِيِّ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ حَدِيثَهُ ﷺ يَا رَسُولَ اللَّهِ: مَا أَقُولُ وَأَنَا طَافُ بِالْبَيْتِ؟ قَالَ: قُوبِي - اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَخَطَايَايَ وَعَمْدِي وَإِسْرَافِي فِي أَمْرِي، إِنَّكَ إِنْ لَا تَغْفِرْ لِي تُهْلِكْنِي^۴

۲۷۲۸ کتب المغانب عن ابن سعد: إن النبي ﷺ طاف بالبيت ثم وصح يده عليه ودعا: اللهم البيت بينك ونحن عبيدك، وبراصب يديك، وتقلباً في قبضتك، فإن تعذبنا فعذابنا، وإن تغفر لنا فمغفرتك فغفرت حتى لم استطاع إليه شياً، فلك الحمد على كل جعلت لك من البيت، اللهم ارزقنا ثواب الشاكرين

۲۷۲۹ شعب الإيمان عن عبد الأعلى القشيري: سمعت النبي ﷺ حديثه ﷺ يا رسول الله: ما أقول وأنا طاف بالبيت؟ قال: قوبي - اللهم اغفر لي ذنوبي وخطاياي وعمدي وإسرافي في أمري، إنك إن لا تغفر لي تهلكني

۴/۳. استلام الحجر وادابُهُ

۲۷۳۰ الإمام الصادق ﷺ - لَمَّا قِيلَ لَهُ: كَيْفَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَصْنَعُ بِالْحَجَرِ إِذَا انْتَهَى إِلَيْهِ؟ - كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَسْتِثِمُّ فِي كُلِّ طَوَافٍ قَرِيبَةً وَمَابِلَةً^۵

۲۷۲۹ شعب الإيمان - به نقل از عبد الأعلى ثیمی - حدیجه ﷺ گفت ای پیامبر خدا! در حالی که خانه خدا را طواف می‌کنم، چه بگویم؟ فرمود: بگو: «خدایا! گناهان و خطاهایم را، و عمد و اسرافم را در کارم، بخشا، و مرا اگر نوازد بیمار می‌کنی، هلاکم می‌کنی»

۴/۳ دست کشیدن به حجر (استلام) و آداب آن

۲۷۳۰ امام صادق ﷺ - هنگامی که به ایشان گفته شد پیامبر خدا، چگونه استلام حجر می‌کرد، وقتی به آن می‌رسید؟ - پیامبر خدا، در هر طواف واجب و مستحب، بر حجرِ الأسود، دست می‌کشید.

۱ عوالي اللآلی ج ۳ ص ۱۶۵ ح ۵۹

۲ مسند ابن حنبل ج ۵ ص ۲۵۱ ح ۱۵۳۹۹

۳ کتب المغانب ج ۵ ص ۱۷۲ ح ۱۲۵۰۴

۴ شعب الإيمان ج ۳ ص ۴۵۳ ح ۴۱۴۴

۵ الکافی ج ۴ ص ۴۰۴ ح ۲

٢٧٣١. مسند أبي يعلى عن ابن عمر وأبي ربيعة وسوق بن عمار
يَسْتَلِمُ الْحَجَرَ، لَمَّا مَرَرْتُ بِهِ مُدَّ رَأْيَتُهُ لَا سَلَمَتُهُ^١

٢٧٣٢ رسول الله ﷺ - يُعْزَبُ مِنَ الْحَطَابِ - يَا عُمَرُ
إِنَّكَ رَجُلٌ قَوِيٌّ، لَا تُرَاجِمُ عَلَى الْحَجَرِ فَتُؤْدِي
الصَّيْفَ إِيَّيْ وَجَدْتَ حَلَوَةً فَاسْتَلَيْعَهُ، وَإِلَّا فَاسْتَقْبَهُ
فَهْلُ وَكَثِيرٌ ٢

٢٧٣٣ صحيح مسلم عن أمي الطفيل. رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ
يُطَوُّ بِالْبَيْتِ. وَيَسْتَلِمُ الرُّكْنَ بِمَحْجِي مَعَهُ وَيُقْبِلُ
الْمَحْجِي ٣

٣ / ٥. الشعير

٢٧٣: الموطأ عن حابر من عبد الله بن رز — روى عنه
كان إذا وقع على الصفا مكث ثلاثاً، ويقول

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ
الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَتَصَبَّحُ بِذَلِكَ ثَلَاثَ
مَرَّاتٍ، وَيَدْعُو وَيَتَصَبَّحُ عَلَى الصَّوَةِ مِثْلَ ذَلِكَ^١

ثواب السُّعَى

٢٧٣٥ رسول الله ﷺ الحاجُّ
والمُروءةُ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ ٥

٦ / ٣ الوقوف في عرفات

٢٧٣٦- رسول الله ﷺ الحجَّ عَرَفَاتٍ، اَلْحَجَّ عَرَفَاتٍ،

OVAR-FIT, 1980, Jan, 1, Time 1

٢ - من غير حيل ج ١ ص ٦٩ ج ١٩٠

T. ١٢٧٥ هـ ١٢٧٦ هـ

١٢٧٢-١٢٧٧

٥. نهديب الاحكام. ج ٥ ص ١٩ ح ٥٦.

۲۷۳۱ مسدابی یعنی - به نقل از ابن عمر - : پیامبر خدا را دیدم که بر حجر الأسود دست می کشید. از وی که این را دیدم، بر حجر الأسود نگذاشته ام، مگر آن که بر آن دست کشیده ام.

۲۷۲ پیامبر خدا ﷺ - خطبات به عمر - ای عمر! تو
مردی بیروملی [از این رو]، سرای رسیدن به
حجر الأسود، فشار یاور، که ناتوان را می‌ازاری.
اگر خلوتی یافتی، آن را لمس کن؛ و گرنه، رو به
آن مایست و لا اله الا الله و تکبیر بگو

۷۷۳ صحیح مسلم - به نقل از ابو طقیل - پیامبر ﷺ را دیدم که کعب را طواف می‌کرد و [به جای دست کشیدن به حجر الأسود] عصی را که در دستش بودم به حجر الأسود می‌مالید و آن عصا را می‌پوسید.

١٢٩

هرگاه بر شما می‌ایستاد، سه بار تکبیر می‌گفت و می‌گفت: «جر خدای یکتا، معبودی نیست، اِهمو که» شریکی ندارد فرمانروایی و ستایش، از آب اوست و او بر هر چیز، تواناست»

و این کار را سه بار انجام می‌داد و دعا می‌خواند
و مانند همین بر ترغروه نیز انجام می‌داد.

پیشکش

۲۷۲۵ پیامبر خدا ﷺ حج گران... وقتی بین صفا و
مروه سعی کنند، از گناهانش بیرون می آید

۳/ وقف و وقف بر عرفات

۲۷۲۶ پیامبر خدا ﷺ حج، عرفات است حج،
عرفات است حج، عرفات است روزهای منا.

الْحَجُّ عَرَفَاتٌ، أَيَّامٌ مِنْ ثَلَاثٍ، «فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ»^۱، وَمَنْ أَدْرَكَ عَرَفَةَ قَبْلَ أَنْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ فَقَدْ أَدْرَكَ الْحَجَّ^۲

ا- آداب الوقوف بی عرفات

۲۷۳۷ رسول الله ﷺ عَرَفَةَ كُلُّهَا مَوْقِفٌ وَرَتَّبِعُوا عَسَى يَطْلِي عُرَّةٌ^{۳ ۴}

۲۷۳۸ الإمام الصادق علیه السلام إِذَا رَسَوْتُ اللَّهَ ﷻ وَقَفْتُ بِعَرَفَاتٍ فَلَمَّا هَمَّ الشَّمْسُ أَنْ تَغِيبَ قَبْلَ أَنْ تَنْدَبِعَ قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، وَمِنْ تَشْتِثِ الْأُمْرِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، أَمْسِي مُسْلِمِي مُسْتَجِيرًا بِفِرْعَوْنَ، وَأَمْسِي خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمْسَانِكَ، وَأَمْسِي دَلِّي مُسْتَجِيرًا بِعُرَّةٍ، وَأَمْسِي وَجْهِي لِقَائِي مُسْتَجِيرًا بِرَحْمَتِكَ الْبَاقِي يَا خَيْرَ مَنْ سَبَّحَ، وَيَا أَحَدَ مَنْ أَعْطَى، جَلَلَنِي بِرَحْمَتِكَ، وَأَلْبَسَنِي عَافِيَتِكَ، وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ^۵

ب- ثواب الوقوف بی عرفات

۲۷۳۹ رسول الله ﷺ مِنْ الذُّنُوبِ ذُنُوبٌ لَا تُحْمَرُ إِلَّا بِعَرَفَاتٍ^۶

۲۷۴۰ الجعفریات عن الإمام الكاظم عن أبيه عن الإمام عقی ﷺ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ أَهْلِ عَرَفَاتٍ أَعْظَمُ

۱ البقرة ۲۰۳

۲ سنن ترمذی ج ۵ ص ۲۱۶ ح ۲۹۷۵

۳ عمره و ابوبهذه عرفات (معجم البلدان ج ۱ ص ۱۰۱)

۴ الموطأ ج ۱ ص ۲۸۸ ح ۱۶۶

۵ الشکافی ج ۱ ص ۴۶۱ ح ۵

۶ الجعفریات ص ۶۵

سه روز است «هر که عجله کند در دو روز پس گناهی بر او نیست و [نیز] هر که تأخیر کند گناهی بر او نیست». هر کس پیش از طلوع فجر، عرفه را دریابد، حج را درک کرده است

الف- آداب و اوقاف بی عرفات

۲۷۳۷ پیامبر خدا ﷺ همه جای عرفات، موقوف است پس، از دلی عزنه^۱ بالاتر روید.

۲۷۳۸ امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، در عرفات وقوف کرد همی که خورشید حواست عروب کید، فل ر عروب، چنین دعا کرد: «خدایا! از فقر، از پراکندگی کار و از شر آنچه در شب و روز پیش آید، به تو پناه می‌برم. ظلم را به پناه حق تو آوردم و بی‌بیم را به پناه امان تو بخوارم را بپاهند به عزت تو ساجد نام و چهره فانی ام را در پناه ذات باقی تو قرار دادم، ای بهترین کسی که از او می‌خواهد ای بهترین کسی که می‌بخشد! حاکم رحمت و عافیت را بر من بپوشان و شر همه آفریده‌هایت را از من بگردان»

ب- پاداش و اوقاف بی عرفات

۲۷۳۹ پیامبر خدا ﷺ برخی از گناهان، جز در عرفات، بخشوده نمی‌شوند.

۲۷۴۰ الجعفریات - به نقل از امام کاظم علیه السلام: ایشان (امام کاظم علیه السلام) از پدرانش، از امام علی علیه السلام نقل کرده است که در پیامبر خدا پرمسیده شد. چه کسی از اهل عرفات، جرئت بر برگ‌تر است؟

۱ - نام محلی بی عرفات است

جُرْمًا؟ قَالَ الَّذِي يَنْصَرِفُ مِنْ عَرَافَاتٍ وَهُوَ يَنْظُرُ ثُمَّ
لَمْ يُنْقَرْ لَهُ

قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ رحمته الله يَعْنِي الَّذِي يَقْطَعُ مِنْ
رَحْمَةِ اللَّهِ رحمته الله ۱

ج - عِبَادَةُ اللَّهِ بِأَهْلِ عَرَافَاتٍ

۲۷۱۱ رسول الله ﷺ إِنَّ اللَّهَ يُبَاهِي مَلَائِكَتَهُ عِيبَةَ
عَرَفَةَ بِأَهْلِ عَرَفَةَ فَيَقُولُ: أَنْظِرُوا إِلَى عِبَادِي أَتَوْنِي
شُعْنًا عُبْرًا ۲

۲۷۱۲ عنه رحمته الله مَا مِنْ يَوْمٍ أَكْثَرَ أَنْ يُعْبِقَ اللَّهُ بِهِ عَبْدًا
مِنَ النَّارِ مِنْ يَوْمِ عَرَفَةَ. وَإِنَّهُ لَيَدْعُو ثُمَّ يُبَاهِي مَلَائِكَتَهُ
فَيَقُولُ مَا أَرَادَ هَؤُلَاءِ ۳

د - الْإِفَاضَةُ مِنْ عَرَافَاتٍ

الكتاب

﴿لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ
الْفَضْلِ مِنْ عَرَفَاتٍ لِذِكْرِ اللَّهِ عِنْدَ الْمُضْعَرِّ الْحَرَامِ
وَالْأَكْزَرَةِ كَمَا هَدَيْتُمْ وَإِنْ خُشِنَ مِنْ قَبْلِهِ لَكُمْ
الضَّالِّينَ﴾ ۴

الحديث

۲۷۱۳ الكافي عن معاوية بن عمار قال قال أبو عبد الله رحمته الله إِنَّ
الشُّرَكَيْنَ كَانُوا يُفَيِّصُونَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَعِيبَ الشَّمْسُ
فَحَالَفَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَأَقَاصَ بَعْدَ غُرُوبِ الشَّمْسِ

۱ - الجعفریات ص ۶۱

۲ - مسند ابن حنبل ج ۲ ص ۶۹۲ ح ۷۱۱۱

۳ - تفسیر الطبری ج ۵ ص ۱۹۲ ح ۹۸۰

۴ - انعمه ۱۹۸

فرمود: «اگر کسی که از عرفات برمی گردد و
می پندارد که آمرزیده نشده است»

ابن عمر، امام صادق رحمته الله فرمود: «مقصود ایشان،
کسی است که از رحمت خداوند، مأیوس باشد»

ج - گفتار خداوند به اهل عرفات

۲۷۱۱ پیامبر خدا رحمته الله غروب عرفة، خداوند به وسیله
اهل عرفة، بر فرشتگان، افتخار می کند و
می فرماید: «به سگنم بگریید که زوایده و
عیارالود، برد من آمده اند» ۱

۲۷۱۲ پیامبر خدا رحمته الله در هیچ روزی به اندازه روز
عرفة، خداوند بندگان را از آتش دورتر، آزاد می کند
و بندگان خداوند نزدیک می شود و بر فرشتگان، مبهات
می کند و می فرماید: «ایها چه می خواهید؟»

د - کوچ از عرفات

قرآن

﴿بِرَّ شِمَا كُنَاهِي بَسِطَ كِه [در سفر حج] فصل
بروردگاران (یعنی روزی حویش) را بجوید پس
چون از عرفات کوچ کردید، خدا را در مشعر الحرام یاد
کنید و یادش کنید که شما را هدایت فرمود، هر چند که
پیش تر، از گمراهان بودید﴾

حدیث

۲۷۱۳. الکافی - به نقل از معاویه بن عمار: امام
صادق رحمته الله فرمود: «مشرکان، پیش از غروب آفتاب
کوچ می کردند» ولی پیامبر خدا با آسان مخالفت
کرد و پس از غروب، کوچ کرد»

۱ - هر نقل دیگری، اضافه دارد: «عیارالود، از هر راه دور

شماره کوچ می گیرم که امان را امر بدم»

وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذَا غَرَبَتِ الشَّمْسُ فَأَبِصْ مَعَ النَّاسِ، وَعَلَيْكَ الشَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ، وَأَبِصْ بِالِاسْتِعْمَارِ، فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ ﴿تُمْ أَمِيسُوا مِنْ حَيْثُ أَمَامِ النَّاسِ وَاسْتَفْعِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾. فَإِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى الْكُتُبِ الْأَحْمَرِ^۱ عَنْ بَعْضِ الطَّرِيقِ فَعَلِ اللَّهُمَّ لِرَحْمِ مَرْقِيٍّ، وَزِدْ فِي عِلْمِي، وَسَلِّمْ لِي دِينِي، وَتَقَبَّلْ ضَائِكِي.

وَأَمَّاكَ وَالْوَجِيفَ الَّذِي يَصْنَعُهُ النَّاسُ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ الْحَقَّ لَيْسَ بِوَجِيفِ الْحَمَلِ وَلَا بِصَاعِ الْإِبِلِ وَلَكِنْ تَقُوا اللَّهَ وَسِيرُوا سَبِيلًا جَمِيلًا، لَا تُؤْطِنُوا ضَعِيفًا وَلَا تُؤْطِنُوا مُبْلَغًا وَتَوَادُّوا وَاتَّقِبِدُوا فِي السَّبِيلِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ عليه السلام كَانَ بِالْحَقِّ بَاقِنَةً حَتَّى يُصِيبَ رَأْسُهَا مُقَدَّمُ الرَّجُلِ، وَيَقُولُ أَيُّهَا النَّاسُ، عَلَيْكُمْ بِالذُّعْبِ، فَسِنَّةُ رَسُولِ اللَّهِ عليه السلام تَنْتَعِ^۲

۷/۳ الوقوف فی المزدلفة

۲۷۴۱ رسول الله عليه السلام - وَهُوَ بِبَنِي - لَوْ يَعْنَمُ أَهْلَ الْجَمْعِ يَمَسُّ حَلًّا أَوْ يَمَسُّ نَزْلًا لَا سَبِيحُوا بِالْفَصْلِ مِنْ رُفْهِ بَعْدَ الْمَعْرِزِ^۳

۲۷۴۵ سنن ابن ماجه عن بلال بن رباح أَنَّ السَّيْبِيَّ عليه السلام قَالَ لهُ: غَدَاةَ جَمْعٍ يَا بِلَالُ! أَسَكَبْتَ النَّاسَ، أَوْ نَصَبْتَ النَّاسَ. ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَطَوَّلَ عَلَيْكُمْ لِي جَمْعِهِ هَذَا، فَوَهَبَ مُسَيِّئَكُمْ لِمُحْسِبِكُمْ وَأَعْطَى مُحْسِبَكُمْ مَا

۱ هر الجبل الذي محمد فيه المشركون يوم نحر مكة، يظفرون إلى النبي عليه السلام وأصحابه

۲ التكملة ج ۴ ص ۴۶۷ ح ۲

۳ المعجم الكبير ج ۱۱ ص ۱۵ ح ۱۱۰۲۱

[سپس] امام صادق عليه السلام فرمود: «خوشید که غروب کرد، یا آرامش و وقار، همراه مردم کوچ کن و در هنگام کوچ، از خداوند آمرزش بخواه؛ پس که خداوند عليه السلام می فرماید: «آن گاه، در آن جا که مردم کوچ می کنند، کوچ کنید و از خدا آمرزش بخواهید که خدا، آمرزنده و مهربان است» چون به [کوه] کتب احمر^۱ در سمت راست جاده رسیدی، بگو: «خدایا! بر موقم رحمت آورد و علم را بزرگ کن و نعم را به سلامت بدار و عبادانم را بده»

و مبادا تند بناری، آن گونه که بسیاری از مردم می کنند؛ چرا که پیامبر خدا فرموده است: «ای مردم! هیچ، اسب ناحتی و شتر دواندن نیست»

از خدا پروا کنید و نیکو بپیر کنید تا ضعیف و مستماری را بر پر پا قرار ندهید، و در رفتن، میانه رو باشید؛ زیرا پیامبر خدا، ناقة خویش را متوقف می کرد، تا آن جا که سر ساقه، به جلوی کجاوه می خورد، و می فرمود: «ای مردم! آرامش داشته باشید». پس سنت پیامبر عليه السلام باید پیروی شود.

۷/۳ وقوف در مضعر الحرام

۲۷۴۲ پیامبر خدا عليه السلام - هنگامی که در بیت بود: - اگر

اهل مشعر بدانند که در آستانه چه کسی فرود آمده اند و بر چه کسی وارد شده اند، پس از معرفت، یکدیگر را به فصل پروردگارشان مژده می دهند.

۲۷۴۵ - سنن ابن ماجه - به نقل از بلال بن رباح - صحکاه مَرْدَلِیْهِ (مشعر)، پیامبر عليه السلام به من فرمود:

۱ نام کوهی است که مشرکان، برای تعاضای لشکر پیامبر عليه السلام در فتح مکه، بالای آن رفته بودند

سَأَلَ إِذْ قَامَ بِاسْمِ اللَّهِ^۱

«ای بلال! مردم را صداکت کن، یا بگو گوش دهند».

الإِقَاضَةُ مِنَ الْمُشْعَرِ الْحَرَامِ^۲

سپس فرمود: «حدانید، در این مشعرش، سر شما بسمت بحشید و گنجه‌کاران را به خاطر بیکوکاران بحشود و به بیکوکاران، هر چه خواست، بحشید. با دم حدان حرکت کنید».

کوچ از مشعر الحرام^۳

۸/۳. أَدَبُ الرُّمِيِّ وَثَوَانُهُ^۴

۲۷۴۶ امام صادق ﷺ پیامبر خدا، چون از مُردَلَه کوچ کرد، آرام می‌رفت و می‌فرمود: «ای مردم! آرام، آرام!»، تا آن که در وادی مُخَسَّر ایستاده

۲۷۴۶ الإمام الصادق عليه السلام إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ لَمَّا أَهَضَ مِنْ مُرْدَلَهَ جَعَلَ يَسِيرُ الْعَتَقَ^۵، وَهُوَ يَقُولُ أَيُّهَا النَّاسُ، السَّكِينَةُ السَّكِينَةُ حَتَّى وَقَفَ عَلَى بَطْنٍ مُحَسَّرٍ^۶

۲۷۴۷ الإمام الصادق عليه السلام مَتَا أَقْبَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْ مُرْدَلَهَ مَرَّ عَلَى جَمْرَةِ الْعَقَبَةِ يَوْمَ النَّحْرِ، فَرَمَاهَا بِسَبْعِ خَصِيَابٍ، ثُمَّ أَتَى إِلَى بَيْتِ، وَدَلَّكَ مِنَ الشَّيْءِ^۷

۲۷۴۸ عنه ﷺ دَخَلْنَا عَلَى جَاهِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ فَعَلَّشَ أَخْبِرْنِي عَنْ خُفَّةِ النَّبِيِّ ﷺ، فَقَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ رَمَى الْجَمْرَةَ الَّتِي عِنْدَ الشَّحْرَةِ بِسَبْعِ خَصِيَابٍ، يَكْتُمُ

۸/۴ چگونگی رمی (سنگ زدن) و پاداش آن

۲۷۴۷ امام صادق ﷺ پیامبر خدا، چون از مُردَلَه آمد، روز عید قربان بر جَمْرَة عَقَبَة گذشت و هفت سنگ آن زد، سپس به میا آمد و این از سنت است

۱ من ابی ماجه ج ۲ ص ۱۰۰۶ ح ۳۰۲۱

۲ ینھض الحجاج من المشعر الحرام قبل طلوع الشمس یسودو وعبیات منی وومی رمی الحمرة، والھدی والتحصیر لوالحنو (راجع سفر التوسیة ج ۱ ص ۱۱۱ واجبات من)

۳ العتق خبرت من سیر الثانیہ والایمل وهو سیر تصبیر (سک الدرر ج ۱ ص ۲۷۱)

۴ دعائم الإسلام ج ۱ ص ۳۴۲

۵ بشرط فی رمی الجمار الیہ الخالصہ له وان یکون سبع حصیات، وامور أخر فلیطلب من کت الفه

والمستحب فی سنہ الطہارة، والدعاء عند ذیادہ الرمی، وأن یکون بیه وبین الجمرۃ عشرة أذرع إلى خمسة عشر ذراعاً وأن یرمها خدفاً والدعاء مع کل حصاة، وأن یخوض مسباً ولو رمی راکباً جارو می جمرۃ العقبۃ یتصلبها وسفر القبلہ ولی غیرها یصلبها ویستعمل القبلة (راجع جواهر الکلام ج ۱۹ ص ۱۰۷-۱۱۳، وسائل الشیعة ج ۱۴ ص ۵۳ اسواب الرمی)

۶ دعائم الإسلام ج ۱ ص ۳۳۳

۲۷۴۸ امام صادق ﷺ نزد جابر بن عبد الله رفتیم، از او خواستیم تا از حج پیامبر ﷺ ما را خبر دهد گفت: پیامبر خدا، به خَمْرَه‌ای که نزدیک درخت است، هفت سنگ می‌زد با هر سنگی، تکبیر می‌گفت

۱ ششگی پیش از طلوع خورشید، حاجیان از مشعر الحرام، کرج می‌کند تا واجبات را به جای آورند یعنی رمی جمرات، قربانی و چیدن یا تاشیدن موی سر

فَمَنْ كُلَّ حَصَاةٍ مِنْهَا حَصَى الْحَذَفُ، رَمَى وَسِ بَطْنِ
الرَّوْدِي. ثُمَّ انْصَرَفَ إِلَى الْمَسْحَرِ فَخَرَّ^۱

۲۷۴۹ رسول الله ﷺ رَمَى الْجِمَارِ دُحْرُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ^۲

۲۷۵۰ عَنْهُ ﷺ إِذَا زَمَيْتَ الْجِمَارَ كَانَ لَكَ نُورًا يَوْمَ
الْقِيَامَةِ^۳

۲۷۵۱ عَنْهُ ﷺ الْحَاجُّ إِذَا رَمَى الْجِمَارَ خَرَجَ وَسِ
دُوبِهِ^۴

۹/۳ الْأَصْحَةُ

۲۷۵۲ رسول الله ﷺ إِنَّمَا جُعِلَ هَذَا الْأَصْحَى لِشَبَعِ
مَسَاكِينِكُمْ مِنَ اللَّحْمِ، فَأُطِيعُوهُمْ^۵

۲۷۵۳ لِمُحَاسِنٍ عَنْ بَشِيرٍ بْنِ رَافِعٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
لِعَامِلَتِهِ إِشْهَدِي ذَبْحَ ذَبِيحَتِكَ، فَإِنَّ أَوَّلَ قَطْرَةٍ مِنْهَا
يُكَفِّرُ اللَّهُ بِهَا كُلَّ ذَنْبٍ عَلَيْكَ وَكُلَّ حَاطِئَةٍ عَلَيْكَ
فَتَمِيقَةُ بَعْضِ الْمُسْلِمِينَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا
لَأَهْلِ بَيْتِكَ حَاطِئَةٌ أَمْ لِلْمُسْلِمِينَ عَامَّةٌ؟ قَالَ إِنَّ اللَّهَ
وَعَدَنِي فِي عَتْرَتِي أَنْ لَا يَطْلُبَ النَّارَ أَحَدًا مِنْهُمْ وَهَذَا
لِلنَّاسِ عَامَّةٌ^۶

۱۰/۳ الْخَلْقُ

۲۷۵۴ صَحِيحُ الْمُحَلِّي عَنْ لَمْرٍ عَمْرٍ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ
اللَّهُمَّ ارْحَمْ الْمُخَلْقِينَ، قَالُوا: وَالْمَقْصُرِينَ يَا

و سنگ‌ها را با انگشت، پرتاب می‌کرد. سنگ را از
دل آن وند می‌زد آن گاه، به قربانگاه بر می‌گشت
و قربانی می‌کرد.

۲۷۴۹ پیامبر خدا ﷺ سنگ ردن به جمره‌ها، دحیره
روز قیامت است

۲۷۵۰. پیامبر خدا ﷺ هر گاه رَمَى جَمَرَاتِ کَرْدی،
برای تو بوری در قیامت خواهد بود

۲۷۵۱ پیامبر خدا ﷺ. حج گران، و قتل بر جمره‌ها
سنگ بریدن، از گناهانش بیرون می‌آید.

۹/۳ قربانی

۲۷۵۲ پیامبر خدا ﷺ: قربانی، برای آن واجب شده
است که بینوایان، ارگشت به وسعت و بوا برسد
(ارگشت، سیر شوند) پس به بان بخورایید

۲۷۵۳ - الْمُحَاسِن - به نقل از بشیر بن رافع - : پیامبر ﷺ
به عامه ﷺ فرمود: «در صحنه ذبح قربانیات حاضر
باش همانا با اولین قطره خون آن، خداوند همه
گناهان تو را می‌آورد و از خطاهایت درمی‌گذرد»

بعضی از مسلمانان پرسیدند، ای پیامبر خدا! آیا
این، مخصوص خاندان نوست، یا برای همه
مسلمانان است؟

فرمود: «خداوند، مرا وعده داده که به هیچ یک
از عترت و خاندان من، آتش را نچشاند این، برای
همه مردم است»

۱۰/۳ تراشیدن سر

۲۷۵۴ صحیح البخاری - به نقل از ابی صمر - : پیامبر
خدا گفت «خدا یا ابی صمر تراشیدگان، ترحم کن»

۱. سنن نسائی ج ۵ ص ۲۷۵

۲. کتاب من لا یحضره الفقه ج ۲ ص ۲۱۴ ح ۲۱۹۵

۳. الترهیب والترغیب ج ۲ ص ۲۰۷ ح ۳

۴. کتاب من لا یحضره الفقه ج ۲ ص ۲۱۴ ح ۲۱۹۶

۵. حلی الشرائع ص ۴۳۷ ح ۱

۶. المحاسن ج ۱ ص ۱۴۲ ح ۱۹۱

رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: اللَّهُمَّ ارْحَمِ الْمُخْلَقِينَ، قَالُوا
وَالْمَقْصُرِينَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: وَالْمَقْصُرِينَ^۱

۲۷۵۵. الإمام الصادق علیه السلام: استعمر رسول الله ﷺ بلحُصْنَيْنِ
ثَلَاثَ مَرَّاتٍ^۲

الفصل الرابع آداب الحج

۱/۱ الإخلاص

۲۷۵۶ رسول الله ﷺ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَكُونُ
فِيهِ حَجُّ الْمَلُوكِ مُرَهُ، وَحَجُّ الْأَعْيَانِ تَجَارَةً، وَحَجُّ
الْمَسَاكِينِ مَسَاءَةً^۳

۲۷۵۷ الإمام الباقر علیه السلام: إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ حَقَلَ جِهَارَةً عَلَى
رَاعِلَتِهِ، قَالَ: هَذِهِ حَجَّةٌ لَا رِيَاءَ فِيهَا وَلَا تُسْمَعُ^۴

۲/۱ تَعْلُمُ الْمَسَاكِينِ

الكتاب

﴿وَمِنَّا وَاجِعُنَا مُسْتَمِئِينَ لَكَ وَمَنْ دُرَيْتُنَا أَفْءُ مُسْلِمَةً لَكَ
وَأَرْسَا مَسَاكِينَا وَنُفْتُ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَمَدُ الثَّوَابِ
الْزَّجِيمِ﴾^۵

الحدیث

۲۷۵۸ رسول الله ﷺ تَسْعَمُوا مَسَاكِينَكُمْ، فَإِنَّهَا مِنْ
دِينِكُمْ^۶

۱ صحیح البخاری ج ۲ ص ۶۱۶ ح ۱۶۱۰

۲ تهذیب الأحکام ج ۵ ص ۲۴۳ ح ۸۱۳

۳ تهذیب الأحکام ج ۵ ص ۴۶۲ ح ۱۶۱۳

۴ المحاسن ج ۱ ص ۱۷۰ ح ۲۵۹

۵ البیرونی ۱۲۸

۶ تاریخ دمشق ج ۲۶ ص ۲۱۱

گفتند ای پیامبر خدا! کوتاه کنندگان موی
سر، چه؟

[بار هم گفت: «حدایا! سر سز تراشیدگان،
ترحم کن!»]

گفتند ای پیامبر خدا! کوتاه کنندگان موی
سر، چه؟

گفت: «و بر کوتاه کنندگان موی سر بر [ترحم
کن]»

۲۷۵۵ امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، برای سز تراشیدگان،
سه بار، از حد اوید آمرزش طلبید

فصل چهارم آداب حج

۱/۲ إخلاص

۲۷۵۶ پیامبر خدا ﷺ زمانی بر مردم خواهد آمد که
حج رماصلان تجارت، حج ثروتمندان تجارت و
حج فقیران، درخواست است

۲۷۵۷ امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا، بار و وسایل خود
را بر روی مرکب نهاد و فرمود: «ای، حجتی است
که در آن، ریا و خودنمایی نیست»

۲/۲ یاد گرفتن مساکین حج

فقران

﴿پروردگارا! ما را تسلیم کن - فرمان [خود قرار ده و از من
ما، امتی فرمان بردار خود [پدید آور] و آداب دینی ما را
به ما بشن ده و بر ما بیخشای، که تویی توبه پذیر
مهربان﴾

حدیث

۲۷۵۸ پیامبر خدا ﷺ مساکین خود را بیاموزید، که
خود برین شماس.

۲۷۵۹ المستدرك على الصحيحين عن ابن عمر كان رسول الله ﷺ إذا كان قبل التَّوْبَةِ يَتَوَمَّ حَطَبَ نَاسٍ فَأَحْبَبَهُمْ بِمَنَاسِكِهِمْ^۱

۲۷۵۹. المستدرك على الصحيحين - به نقل از ابن عمر - پیامبر خدا، یک روز قبل از ترویه، برای مردم، سحرآبی می‌کرد و آنان را از مناسکشان آگاه می‌کرد

۲۷۶۰ الإمام الصادق عليه السلام إنما نهي النبي ﷺ عن التَّوْبَةِ لِأَنَّ النَّاسَ لَمْ يَكُونُوا يَعْرِفُونَ التَّوْبَةَ، فَأَحَبُّ نَ يُعَلِّمُهُمْ كَيْفَ التَّوْبَةِ^۲

۲۷۶۰. امام صادق علیه السلام پیامبر ﷺ از این رو در تبهاده لایک گفت که مردم، لایک گویی را نمی‌دانستند و تو دوست داشت که چگونه لایک گویی از اعمال مربوط به آن را به آنان بیامورد.

۲۷۶۱ رسول الله ﷺ - فِي حُطْبَتِهِ يَوْمَ الْمَدِينَةِ - مَعَاشِرَ النَّاسِ، خُشُّوا التَّوْبَةَ بِكَمَالِ الدَّيْسِ وَالنَّفَقَةِ، وَلَا تَضُرُّوا غَيْرَ الشَّاهِدِ إِلَّا بِتَوْبَةٍ وَاقْلَاعِ^۳

۲۷۶۱ پیامبر خدا ﷺ - در حطه روز مدینه - ای مردم! بادین و دین شناسی کامل، به حج خانه خدا بروید و از جایگاه‌ها ای مربوط به حج باز نگردید، مگر (توبه و دست برداشتن از گناهان)

۴ / ۳ تطهیر المال

۲۷۶۲ رسول الله ﷺ مَنْ تَجَهَّرَ فِي جِهَارِهِ غُلْمٌ حَرَامٌ لَمْ يَمْلِكِ اللَّهُ مِنْهُ الْحَجَّ^۴

۳۳۳ های کردن مال از حرام

۲۷۶۳ عنه عليه السلام إذا حجَّ الرَّحْلُ بِمَالٍ مِنْ غَيْرِ حِلٍّ فَحَقَّ لَهُ «لَيْتِكَ اللَّهُمَّ لَيْتَ» قَالَ اللَّهُ لَا لَيْتَكَ وَلَا سَعْدَيْكَ، هَذَا مُرَدُّهُ عَلَيْكَ^۵

۲۷۶۳. پیامبر خدا ﷺ هر کس خود را برای سفر از خانه خدا [آماده سازد و در وسایلی [حتی] پرچم حرامی باشد، خداوند حجتش را نمی‌پذیرد.

۴ / ۴ التَّوْبَةُ مِنَ أَطْيَبِ الرَّوَادِ

۲۷۶۴ رسول الله ﷺ مَا مِنْ نَفَقَةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ لِلَّهِ مِنْ نَفَقَةِ صَدَقَةٍ، وَبَعْضُ الْإِسْرَافِ إِلَّا فِي الْحَجِّ وَبَعْضُهُ، فَرَحِمَ اللَّهُ مُؤْمِنًا كَسَبَ طَيِّبًا وَأَسْفَقَ مِنْ قَصْدٍ وَ قَدَّمَ قَصْلًا^۶

۲۷۶۴ پیامبر خدا ﷺ: هر گاه کسی با مال غیر حلال به حج رود، چون لایک اللهم لایک بگوید، خداوند می‌فرماید: «لا لایک و لا سَعْدَيْکَ» [چه لایک! چه! ای، به خودت بر می‌گردد]

۴ / ۴ نهیه رهنوشه از پاکیزه‌ترین‌ها

۲۷۶۴. پیامبر خدا ﷺ هیچ خرجی ای مرد خداوند را محبوب‌تر از میانه‌خرجی نیست. خداوند، از اسراف معرفت دارد، مگر در حج و عمره پس رحمت خدا بر مؤمنی که مال پاکیزه به دست آورد و به میانه‌روی خرج کند، یا احسانی را پیش فرستد!

۱ المستدرك على الصحيحين ج ۱ ص ۶۳۲ ح ۱۶۹۳

۲ الکافی ج ۱ ص ۳۳۴ ح ۱۲

۳ الاحتجاج ج ۱ ص ۱۵۶ ح ۳۲

۴ المحاسن ج ۱ ص ۱۷۱ ح ۲۵۹

۵ الفردوس ج ۱ ص ۲۹۵ ح ۱۱۶۶

۶ کتاب من لا یحضره الفقه ج ۳ ص ۱۷ ح ۳۶۲۱

۵/۴. تَرَكْ مَا كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الذُّنُوبِ

۴. ۵. واپسان گناهان

۲۷۶۵ رسول الله ﷺ: آيَةُ قَبُولِ الْحَجِّ تَرَكُ مَا كَانَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ مُقِيمًا مِنَ الذُّنُوبِ ^۱

۲۷۶۵ پیامبر خدا ﷺ: نشانه قبولی حج، آن است که بنده، گناهانی را که مرتکب می‌شده است، ترک کند

۲۷۶۶ عنه ﷺ: مِنْ عَلَامَةِ قَبُولِ الْحَجِّ إِذَا رَجَعَ الرَّحُلُ عَمَّا كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الْمَعَاصِي. هَذَا عَلَامَةُ قَبُولِ الْحَجِّ وَإِنْ رَجَعَ مِنَ الْحَجِّ ثُمَّ نَهَمَكَ فِيمَا كَانَ مِنْ رِسَاوِ أَوْ حِيَانَةٍ أَوْ مَعْصِيَةٍ فَقَدْ رُدَّ عَلَيْهِ حَجُّهُ ^۲

۲۷۶۶ پیامبر خدا ﷺ: از نشانه‌های قبولی حج، آن است که فرد، از گناهانی که انجام می‌داده است، برگردد. این، نشانه قبولی حج است و اگر از حج باز گردد، ولی همچنان در لغزش‌ها و یا حیانت یا معصیت فرو رود، حج او به خودش برگردانده می‌شود

۶/۴. رِيَاةُ الْحَاجِّ

۲۷۶۷ رسول الله ﷺ: إِذَا لَقِيتَ الْحَاجَّ فَسَلِّمْ عَلَيْهِ وَصَاحِبَهُ وَامْرَأَهُ أَنْ يَسْتَعْمِرَ لَكَ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بَيْتَهُ، فَإِنَّهُ مَعْفُورٌ لَكَ ^۳

۴. ۶. دیدار با حج‌گزار

۲۷۶۷ پیامبر خدا ﷺ: هر گاه حج‌گزاری را دیدار کردی، به او سلام بده و با او مصافحه کن و بخواه که پیش از آن که وارد حبابه‌اش شود، برای تو آمرزش بخواهد از پرا حود او آمرزیده است.

الفصل الخامس الحج الأصغر

۱/۵. فَصْلُ الْعُمْرَةِ

۲۷۶۸ رسول الله ﷺ: أَعْلَمُ أَنَّ الْعُمْرَةَ هِيَ نَحْجُ الْأَصْغَرِ، وَأَنَّ عُمْرَةً حَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا، وَحَجَّةٌ حَيْرٌ مِنَ عُمْرَةٍ ^۱

فصل پنجم حج اصغر (عمره)

۱/۵. فصيلة عمره

۲۷۶۸ - پیامبر خدا ﷺ: بدان که عمره، همان حج اصغر است و یک عمره، بهتر است از دنیا و آنچه در آن است و یک حج، بهتر از عمره است.

۲۷۶۹ عنه ﷺ: الْحَجَّةُ ثَوَائِهَا الْجَنَّةُ وَالْعُمْرَةُ كَفَّارَةٌ لِكُلِّ ذَنْبٍ ^۲

۲۷۷۰ عنه ﷺ: الْعُمْرَةُ إِلَى الْعُمْرَةِ كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهُمَا ^۳

۲۷۶۹ پیامبر خدا ﷺ: پاداش حج، بهشت است و عمره، کفاره همه گناهان است

۲۷۷۰ پیامبر خدا ﷺ: عمره تا عمره دیگر، کفاره [گناهان] میان آن دو عمره است.

۱. صحیح مسلم ج ۲ ص ۹۸۵ ح ۱۴۵۲

۲. التجمیع ص ۶۶

۳. مستدرک حیل ج ۲ ص ۳۵۱ ح ۵۳۷۱

۴. التجمیع للتکبیر ج ۹ ص ۴۴ ح ۸۳۳۶

۵. الکافی ج ۴ ص ۲۵۳ ح ۱

۶. صحیح البخاری ج ۲ ص ۶۲۹ ح ۱۶۱۴

۲۷۷۱. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَرْبَعَةٌ لَا تُرَدُّ لَهُمْ دَعْوَةٌ حَتَّى تُمْتَحَ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَتُصِيرَ إِلَى الْقُرْشِ الْوَالِدُ لَوْلِيٍّ، وَالْمُظْلُومُ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ، وَالْمُعْتَبِرُ حَتَّى يَرْجِعَ، وَالصَّائِمُ حَتَّى يُفْطِرَ^۱

۲۷۷۲. سنن الترمذی عن جابرٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سُئِلَ عَنِ الْعُمْرَةِ، أَوَاجِبَةٌ هِيَ؟ قَالَ لَا، وَنَ تَحْتَجِرُوا هُوَ أَفْضَلُ^۲

۲/۵ فَضْلُ الْعُمْرَةِ فِي رَجَبٍ

۲۷۷۳. رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَفْضَلُ الْعُمْرَةِ عُمْرَةُ رَجَبٍ^۳

۳/۵ فَضْلُ الْعُمْرَةِ فِي رَمَضَانَ

۲۷۷۴. سنن أبي داود عن يوسف بن عبد الله بن مهران عن جده أَنَّمَا مَعْقِلٌ لَنَا حَجَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَجَّهُ الْوَدْعَ، وَكَانَ لَنَا جَمَلٌ، فَحَقَّقَهُ أَبُو مَعْقِلٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَأَصَابَهَا مَرَضٌ وَهَلَكَ أَبُو مَعْقِلٍ، وَخَرَجَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَمَّا فَرَغَ مِنْ حَجِّهِ جِئْتُهُ فَقَالَ: يَا أُمَّ مَعْقِلٍ، مَا مَنَعَكَ أَنْ تَحْرَجِي مَعَنَا؟ قَالَتْ: لَقَدْ تَهَيَّأْتُ فَهَلَكَ أَبُو مَعْقِلٍ، وَكَانَ لَنَا جَمَلٌ هُوَ الَّذِي نَحْنُ عَلَيْهِ، فَأَوْصَنِي بِهِ أَبُو مَعْقِلٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ: فَهَلَّا حَرَجْتِ عَلَيْهِ أَفَرُّ الْحَجَّ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنَّمَا إِذْ فَاتَتْكَ هَذِهِ الْحَجَّةُ مَعَنَا فَاعْتَجِرِي فِي رَمَضَانَ فَإِنَّهَا كَحَجَّةٍ، فَكَأَنَّكَ تَعْمَلُ الْحَجَّ حَجَّةً، وَالْعُمْرَةَ عُمْرَةً، وَتَقْدَّ قَالَ هَذَا لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا أَذْرِي أَلِي حَاصَّةً؟^۴

۱. لکائی ج ۲ ص ۵۱۰ ح ۶

۲. سنن الترمذی ج ۳ ص ۲۷۰ ح ۹۳۱

۳. کتب من لا یحضره الفقه ج ۲ ص ۲۲۰ ح ۲۳۳۰

۴. سنن أبي داود ج ۲ ص ۲۰۴ ح ۱۹۸۹

۲۷۷۱. پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، چهار سفری که دعایشان رد نمی شود، تا آن که درهای آسمان برایشان گشوده شود و دعایشان به عرش برسد پدر برای فرزندی، ستم دیده برای ستمگر، عمره گزار تا آن که باز گردد، و روزه دار تا آن که افطار کند

۲۷۷۲. منن الترمذی - به نقل از جابر - از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره عمره پرسیدند که آیا واجب است؟ فرمود: نه؛ ولی بهتر است عمره بگزارید.

۲/۵ فضیلت عمره در ماه رجب

۲۷۷۳. پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برترین عمره، عمره رجب است

۳/۵ فضیلت عمره در ماه رمضان

۲۷۷۴. شنن ابی داوود - به نقل از یوسف بن عبد الله بن مهران - از مادر برگش امّ معقل - ان زمان که پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به شهر مکه آمد، ما شتری داشتیم که ابو معقل، آن را در راه حد قرار داده بود، ما دچار بیماری شدیم و ابو معقل از دیار رفت پیامبر خدا، برای حج بیرون آمد، چون از حد خود فارغ شد، خدمتش رسیدیم، فرمود: ای امّ معقل! چه شد که ما ما به حج نیامدی؟

گفتیم: آماده شده بودیم که ابو معقل از دنیا رفت. شتری داشتیم که با آن به حج می رفتیم؛ ولی ابو معقل وصیت کرد که در راه حد، مصرف شود فرمود: اجرا با آن شتر به حج نیامدی؟ حج هم راه حد است. حال که حج با ما را از کف دادی، در ماه رمضان به عمره برو که همچون حج است.

امّ معقل می گفت حج، حج است و عمره، عمره است؛ اما من را پیامبر خدا، به من فرمود، نمی دانم که آیا تنها برای من چنین است؟

الفصل السادس: الحَوَادِثُ

۱/۶ المراءاة من المشركين في الحج

الكتاب

﴿بِزَاةٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ فَسَدَّخُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْتَلَفُوا لَكُمْ غَيْرَ مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ لِلَّهِ الْخَبْرَ الْخَبِيرَ ﴿وَأَذِّنْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُنْتُمْ فَلَهُو خَيْرٌ لَكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَفُوا أَنْتُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَمَنْ بَدَّلَ الْبَيْتَ فَقَدْ بَدَّلَ أَلِيمٌ﴾^۱

الحدث

۲۷۷۵ مسند ابن حنبل عن رید بن یثیع عن ابی بکر انَّ النَّبِيَّ ﷺ سَرَّاهُ لِأَهْلِ مَكَّةَ لَا يَدْخُلُ بَعْدَ الْعَمَةِ مُشْرِكٌ، وَلَا يَطُوفُ بِالْبَيْتِ غُرَبَاءُ، وَلَا يَدْخُلُ الْعَمَةُ إِلَّا نَفْسٌ مُسْلِمَةٌ، مَنْ كَانَ نِيَمَةً وَبَيْنَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مَدَنٌ فَأَجَلُهُ إِلَى مَدَنِهِ وَاللَّهُ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ قَالَ فَسَارِبُهَا تَلَاءًا ثُمَّ قَالَ عَلِيُّ ﷺ ائْتِجِعُوا فَرْدٌ عَنِّي أَبَا بَكْرٍ وَبَلَّعَهَا أَنْتَ قَالَ فَفَعَلَ، قَالَ، فَلَمَّا قَدِمَ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ أَبُو بَكْرٍ يَكْنَى، قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، حَدَّثَ مِنِّي شَيْءٌ؟ قَالَ مَا حَدَّثَ فَهَكَذَا إِلَّا خَيْرٌ، وَلَكِنْ أُمِرْتُ أَنْ لَا يَبْلُغَهُ إِلَّا أَنَا أَوْ رَجُلٌ مِنِّي.^۲

فصل ششم: گوناگون

۱/۶ درایت از مشرکان در حج

قرآن

﴿[این آیات،] اعلام پیرای (و عدم تعهد) است از طرف خدا و پیغمبرش، نسبت به آن مشرکانی که با ایشان، پیمان بسته‌اید پس [ای مشرکان] چهار ماه [دیگر با] نسبت کامل،] در زمین بگردید و بدانید که شما نمی‌توانید خدا را به شتوه آورید، و این حدایت که رسول، کسبه کافران است، و [این آیات،] اعلامی است از جانب خدا و فرستاده‌اش به مردم در روز حج اکبر که: «خدا و فرستاده‌اش، در برابر مشرکان تعهدی ندارند» [با این حال،] اگر [از کفر] توبه کنید، آن برای شما بهتر است، و اگر روی بگردانید پس بدانید که شما، خدا را در مانده نخواهید کرد، و به کسانی که کفر ورزیدند، بشارت عاقبتی دردناک بدهد﴾

حدیث

۲۷۷۵، مسند ابن حنبل - نه نقل از رید بن یثیع - دربارهٔ ابوبکر - رَیْدُ بْنُ يَثْيَيعٍ (ابو بکر) را با [۱-۲]، مراتب، و سوی مردم مکه فرستاد [تا بگوید] که هیچ مشرکی پس از این سال، حج نگیرد بر همه‌ای سه دور کعبه طواف نکند. حرانسان مسلمان، کسی وارد بهشت نمی‌شود هر کس با پیامبر خدا پیمانی دارد، و بعد از آن مدتش مهلت دارد؛ و خداوند و فرستاده‌اش از مشرکان بیزارند.

سه دور پس از حرکت ابو بکر، پیامبر ﷺ به علی ﷺ فرمود: «به او بر من و ابو بکر را نه سوی من، باز گردان و خود، «بایات» [مراتب] را، ابلاغ کن» پس علی ﷺ همان کار را کرد چون ابو بکر بر پیامبر ﷺ وارد شد، گریست و گفت ای پیامبر خدا! در باره من چیزی روح داده است؟

فرمود: «حر حیر در باره تو روح داده است، ولی فرمان یافتم که آن را کسی جر من ب مودی از احبابان پس، ابلاغ نکند»

۱ النوبة ۳-۱

۲ مسند ابن حنبل ج ۱ ص ۱۸ ح ۱

تحقیقی درباره مراسم برائت از مشرکان

یکی از واجبات سیاسی حج، از دیدگاه امام خمینی علیه السلام اعلان برائت از مشرکان است. برای آشنا شدن با مبانی این نظریه و نقش ادبی این فریضه مهم در پیشبرد اهداف و آرمان‌های اسلام در جهان امروز، باید چند مسئله بررسی شود:

۱. معنای شرک و مشرک

شرک، ضد توحید و به معنای اعتقاد به قدرت‌های موهوم است. موخذ، حقیقت پرست و یکتا پرست است و مشرک، موهوم پرست و مطیع قدرت‌های خیالی و پنداری است. قدرت‌های موهومی که مورد پرستش مشرکان قرار می‌گیرند، به سه دسته تقسیم می‌شوند و به تمیز دیگر، در جهان‌بینی شرک و مشرکان، سه نوع بُت و حدود دارد. بُت نفس، بُت جماد، و بُت قدرت‌های طاغوتی.

خطر بزرگی که امروز، حوامع توحیدی را تهدید می‌کند، شرک صعلی به معنای موم، یعنی پرستش و فرمانبری از بت‌های نو و قدرت‌های استکباری است و نفی برائت از مشرکان در جهان امروز، عصاره ب سلطه‌جویی قدرت‌های طاغوتی، و استغلال، عورت و اقتدار مسلمانان در جهان است.

۲. ادیان الهی و برائت از مشرکان

ابراهیم حلیل علیه السلام نخستین پیامبری بود که به صراحت، مسئله برائت از شرک و مشرکان را اعلام کرد. از این رو، قرآن، مسلمانان را به تأسی از آن برگزوار می‌خواند:

﴿فَذَكَاتُ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِيْزَاهِمٍ وَالْذِّبِ مَقَرُّ الْقَدْرِ يُقْضِيهِمْ بِأُيُوعَا مَنُكُمُ وَمَعَاتِفُؤُنْ مِنْ دُؤِي اللّٰهِ ...﴾^۱

همانا برای شما، در [پیروی از] ابراهیم و همرهانی او سر مشقی منکوست. آن گاه که به قوم خود گفتند: «ما از شما و از آنچه به جای خدا می‌پرستید، بیزایم.»

و امت اسلام، در اعلان برائت از مشرکان، به آن اسوه تاریخی پیامبران، اقتدا کرده است. افرون بر این، به نگرشی دقیق در قرآن کریم، به روشی در می‌یابیم که برائت از مشرکان، یکی از دو رکن اصلی توحید است و همه پیامبران نهی، موظف بودند که در کنار دعوت مرده به پرستش خداوند، آنها را به دوری از قدرت‌های طاغوتی و پیروی از مطلق شرک و مشرک، دعوت نمایند.

﴿وَنَقُذُ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رُسُلًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الصُّفُوتَ^۱

و به تحقیق در هر امتی پیام آوری بر انگیزیم که [به آنها بگوید] «عبادت کنید و از طاعتات دوری گزینید» طاعتات، تہمت‌های ساخته و پرداخته عصر جاهلیت است- بلکه روشی ترین مصادیق آن، همة قدرت‌های شرک آمیزی هستند که جامعه را به سوی مقصدی حرام پامبران الهی، دعوت می‌کنند. امام صادق علیه السلام در این باره و در توضیح کلمه «طاعتات» در آیه ۱۷ از سوره زمر، می‌فرماید:

من أطاع جباراً فقد عبده^۲

هر که در چناری فرمان برد، او را پرستیده است

نکته مهم تر، شایسته نوظئه‌ای پیچیده است که در دایره اسلام، برای پنهان کردن روشی ترین مصادیق طاعتات و شرک و مشرک، رُخ داد تا حوامع عوام، از این ناحیه احساس خطر نکند و بر ثبات از مشرکان، به برائت از بت‌های عصر جاهلیت اولی محصر گردد. امام صادق علیه السلام در عصر خود، از این نوظئه خطرناک، پرده برداشته و با صراحت اعلام فرموده است:

إِنَّ بَنِي أُمَيَّةَ أَطْلَقُوا تَعْلِيمَ الْإِسْلَامِ لَمْ يُفْقَهُوا تَعْلِيمَ لُتْرِكٍ لِكُنْ بِأَحْلُوهُمْ عَلَيْهِ لَمْ يَعْرِفُوهُ^۳

آنها بنی امیه را آزاد گذاشتند و تعلیم ~~لترک~~ را آموختند، تا اگر آنان را به شرک گذاشتند، آن را نشاند

۳ رمان و مکان برائت از مشرکان

بی تردید، بر ثبات از مشرکان، هیچ محدودیتی بر نظر رمان و مکان ندارد و بر همه مسلمانان، واجب است که در هر زمان و در هر مکان که ضرورت داشته باشد، به صورت انفرادی و اجتماعی، برائت خود را از مشرکان، اعلام نمایند البته در صورتی که وقتی امر مسلمانان، زمان و مکان و شکل خاصی را برای انجام دادن این فریضه تعیین کند، اطاعت ولی امر نیز واجب می‌گردد

ولی مسئله مهم این است که کدام مکان و کدام زمان، برای اظهار برائت عمومی مسلمانان چهار از مشرکان، مناسب در و ثمر بخش تر است؟ بی تأمل می‌توان گفت که خانه توحید، شایسته ترین مکان و موسم حج، بهترین زمان برای اظهار برائت مسلمانان چهار از شرک و مشرکان است. امام خمینی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

اعلان برائت در حج، تجدید میثاق مبرره و تمرین تشنگی معاهدان برای ادامه سیرد با کفر و شرک و بت پرستی‌هاست و به شعاع هم خلاصه نمی‌شود که سرآغاز عینی مباحث مشهور مبرره و سازماندهی جنود خدا در برابر جنود ابلیس و ابلیس صفتان است و از اصول و یه توحید به شمار می‌رود و اگر مسلمانان، در خانه باس و خانه خدا، از دشمنان خدا اظهار برائت نکنند پس در کجا می‌توانند اظهار نمایند؟! و اگر حرم و کعبه و مسجد و محراب، سگر و پشتیبان سربازان خدا و مدافع حرم و حرمت امینا نیست، پس مأمور و پناهگاه آنان در کجاست؟!^۴

۱. محل آیه ۳۶ نیز در کد، در آیه ۱۷، ساء آیه ۳۶

۲. مجمع فیانج ۸ ص ۷۷۰، تأویق الاشیاء الطاهره ج ۲ ص ۵۵ ح ۵

۳. الکافی ج ۲ ص ۴۱۵ ح ۱

۲/۶. حج الأنبياء ﷺ

۲/۶ حج کراری پیامبر ﷺ

۲۷۷۶ مسند ابن حنبل عن ابن عباس. لَمَّا مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۲۷۷۶. مسند ابن حنبل - به نقل از ابن عباس - : چون

پیامبر خدا هنگام حج، از سرزمین عسفان عبور

کرد، فرمود: ای ابو بکر! این، چه سرزمینی

است؟

هَذَا؟ قَالَ: وادي عسفان

قَالَ لَقَدْ مَرَّ بِهِ هودٌ وصالحٌ عَمِي يَكْرَانِ حُمْرِ

گفته سرزمین عسفان.

فرمود: «هود و صالح بر، سوار بر شترانی

صرح - که دام آنها لیف خرمای بود و پوشش آنان،

عبا و ردیشان، راه را بود - از این سرزمین

گذشته‌اند، در حالی که «لثیک» می‌گفتند و برای

حج خانه آراد (کعبه) می‌رفتند»

خَطْمُهَا اللَّيْفُ، أَرَزُهُمُ الْقِيَاءُ، وَأَرَدِيَّتُهُمُ التَّمَارُ، يُتَبَوَّنَ

يَحْجُونَ الْبَيْتَ الْعَتِيقَ^۱

۲۷۷۷ مسند ابن ماجه عن ابن عباس كَمَا مَعَ رَسُولِ لَقَدْ

۲۷۷۷. مسند ابن ماجه - به نقل از ابن عباس - با پیامبر

جلوس میان مکه و مدینه بودیم، از سرزمینی

گذشتیم فرمود: این، چه سرزمینی است؟

بَيْنَ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ فَمَرَّرْنَا بِوَادٍ، فَقَالَ أَيُّ وَادٍ هَذَا؟

قَالُوا وادي الأَرزِ قَالَ كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى مَوْحِي

وَاصْتًا بِصَمْبِهِ فِي أَدْبِهِ، لَهُ حَوَازٌ إِلَى اللَّهِ بِالنَّسْبَةِ.

مَاءً بِهَذَا الْوَادِي

گفتند: سرزمین کبود

فرمود: «گویا موسی ﷺ را می‌نگرم که دو

انگشت خود را بر گوش‌های خود نهاده و با ناله و

فریاد به [درگاه] خدا ناله می‌کند، از این سرزمین

می‌گذرد».

ثُمَّ سِرَّ مَا حَتَّى أَنْبَأَ عَلَى نَبِيِّهِ^۲ فَقَالَ أَيُّ نَبِيِّهِ

هَذِهِ؟ قَالُوا نَبِيُّهُ هَرَشِي^۳ لَيْفٌ^۴ قَالَ كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى

يُونُسَ عَلَى نَاقَةٍ خَمْرَاءَ، عَلَيْهِ حَبَّةٌ صَوْبٍ، وَحَطَامٌ

بِأَفْئِدِهِ حَبَّةٌ^۵، مَاءً بِهَذَا الْوَادِي مُلْتَبَا^۶

سپس رفتم تا به تپه‌ای رسیدیم. پرسید: این،

کدام تپه است؟

گفتند: تپه «هرشی» یا «لثیم»

فرمود: «گویا به یونس ﷺ می‌نگرم که سوار بر

شتری صرح، با جنه‌ای پشمین - که دام شترش از

لیف خرمای است -، لثیک‌گویان، از این سرزمین

می‌گذرد»

۱ مسند ابن حنبل ج ۱ ص ۱ ح ۲۰۶۷

۲ الجوار رفع الصوت والاستعاذه (التهجد ج ۱ ص ۱۲۲)

۳ النَّبِيُّ الْعَمِيَّةُ، أو طريقها، أو هي الجبل منه، أو الطريقه منه

كالثَّلب، أو إليه (تاج للعروس ج ۱ ص ۱۹ ص ۲۵۷)

۴ هَرَشِي هي تبة في طريق مكة قريبة من الجحفة (معجم

البلدان ج ۵ ص ۳۹۷، لسان العرب ج ۶ ص ۳۶۳)

۵ لَيْفٌ هي تبة بين مكة والمدينة (معجم البلدان ج ۵

ص ۲۰، لسان العرب ج ۲ ص ۸۶)

۶ الثَّلْبُ اللَّيْفُ، وقد يمتلئ الحبل منه تحلة (لسان العرب

ج ۱ ص ۳۶۵)

۷ مسند ابن ماجه ج ۲ ص ۹۶۵ ح ۲۸۹۱

۳/۶ فضل الحج نیانه

۳/۶ فضیلت حج نیافتی

۲۷۷۸ رسول الله ﷺ إن الله ﷻ يُدْجِلُ بِالحَجَّةِ الْوَاحِدَةِ

ثَلَاثَةَ قَرَارِ الْجَنَّةِ الْمُنِيِّ، وَالْحَاجُّ عَنْهُ، وَالْمُعْتَذِرُ دَلِيلٌ^۱

۲۷۷۹ عَنْهُ ﷺ حَجَّةٌ لِلْمَنِيِّ ثَلَاثَةٌ حَجَّةٌ لِمَنْ حَجَّ

عَنْهُ، وَحَجَّةٌ لِلْحَاجِّ، وَحَجَّةٌ لِلْمَوْصِي^۲

۲۷۸۰ عَنْهُ ﷺ مَنْ حَجَّ عَنْ مَنِيٍّ كُتِبَتْ عَنْهُ الْغُيُوبُ،

وَكُتِبَ لِلْحَاجِّ ثَوَابُهُ مِنْ النَّارِ^۳

۲۷۷۸ پیامبر خدا ﷺ: خداوند ﷻ، با یک حج، سه گروه را

ولود بهشت می‌کند. مُرده، کسی که به نیابت از او

حج کرده، و کسی که برای او نیابت گرفته است.

۲۷۷۹ پیامبر خدا ﷺ: یک حج به نیابت از مُرده، سه حج

ست. حجتی برای مُرده، حجتی برای سائیش، و

حجتی برای عمل کننده به وصیت مُرده

۲۷۸۰ - پیامبر خدا ﷺ: کسی که از طرف مُرده‌ای حج انجام

دهد، هم برای آن مُرده؛ و هم برای حج گران،

رهایی از آتش نوشته می‌شود

۱ المس الکبری ج ۵ ص ۲۹۳ ح ۹۸۵۵

۲ الفردوس ج ۲ ص ۱۳۶ ح ۲۶۹۹

۳ کنز العمال ج ۵ ص ۱۲۵ ح ۱۳۴۱۲

الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ

هشتم

امر به معروف و نهی از منکر

فصل یکم. تشویق به امر به معروف
و نهی از منکر

الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ

الفصل الأول: الحث على الأمر بالمعروف
والنهي عن المنكر

۱/۱ فصیلت امر به معروف و نهی از منکر

۱/۱ فَضْلُ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ

قرآن

الكتاب

«و باید از میان شما گروهی [مردم را] به یکی دعوت
کند و به کار شایسته وا دارند و از رشتی باز دارند، و
آنان، همان رستگاران اند»

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ
بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ
الْمُفْلِحُونَ»^۱

حدیث

الحدیث

۲۷۸۱ پیامبر خدا ﷺ هر که امر به معروف و نهی از
منکر کند، او حاشیای خدا در زمین و حاشیای
پیامبر اوست

۲۷۸۱ رسول الله ﷺ من أمر بالمعروف ونهى عن المنكر
فهو حبيبه الله في الارض، وحليته رسوله^۲

۲۷۸۲ پیامبر خدا ﷺ همانا امر به معروف و نهی از
منکر، به از زوری و زری جلوگیری می‌کند، و به
خالی و اندر دیک می‌گرداند.

۲۷۸۲ عنه ﷺ إن الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر
لا تدفع رزقا، ولا تقرب أجلا^۳

۲/۱ فَضْلُ كَلِمَةِ عَدْلِ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ

۲/۱ فصیلت حرفگویی بر برابر پیشوای ستمگر

۲۷۸۳ رسول الله ﷺ أَفْضَلُ الْجِهَادِ كَلِمَةُ عَدْلِ عِنْدَ
إِمَامٍ جَائِرٍ، أَفْضَلُ الْجِهَادِ كَلِمَةُ حُكْمٍ عِنْدَ إِمَامٍ
جَائِرٍ^۴

۲۷۸۳ پیامبر خدا ﷺ برترین جهاد، سخن عادلانه در
برابر پیشوایی ستمگر است. برترین جهاد، سخن
حق در برابر پیشوای ستمگر است

۲۷۸۴ عنه ﷺ أَحَبُّ الْجِهَادِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ كَلِمَةُ حَقٍّ

۲۷۸۴ پیامبر خدا ﷺ محبوب‌ترین جهاد در خداوند ﷻ

۱ آل عمران ۱۰۴

۲ مستدرک الوسائل ج ۱۲ ص ۱۷۹ ح ۱۳۸۱۷

۳ الشریب و الترهیب ج ۳ ص ۲۳۱ ح ۲۲

۴ کنز العمال ج ۲ ص ۷۸ ح ۵۴۷۶

تَقَالَ لِإِمَامٍ جَائِرٍ^۱

سحر حقی است که به پیشوای مستمگر گفته شود.

الفصل الثانی ترک الأمر بالمعروف

والنهي عن المنکر

فصل دوم ترک امر به معروف و نهی از منکر

۱/۲. سرزنش کسی که نهی از منکر نمی‌کند

۱/۲ ذُمْ مَنْ لَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ

قرآن

الكتاب

﴿فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ بِهِمْ عَنِ
الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ آمَنْنَا مِنْهُمْ وَأَلَمَّ
أَلَيْبٍ عَلَيْهِمْ مَا أَتَوْا بِهِ وَكَانُوا تَخَرِّمِينَ^۲﴾

«پس چرا از سلسله‌های پیش از شما، خردمندانی نبودند که

در مردم را از فساد در زمین باز دارند؟ جز اندکی از

کسانی که از میان آنان به ما ایمان دادیم و کسانی که ستم

کردند به دنبال بار و عسی رفتند که در آن به سر

می‌بردند و آنان، برهنگار بودند»

الحديث

۲۷۸۵ الإمام الصادق عليه السلام قال النبي ﷺ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ

حديث

۲۷۸۵ | امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند جل و بالا از

مؤمن صعبی که دین ندارد، عبرت دارد»

گفته شد مؤمنی که دین ندارد، کیست؟

فرمود: کسی که نهی از منکر نمی‌کند.

يَتَّبِعُ نَمُوسَ الضَّعِيفِ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ، مَعْلُومٌ وَمَا
الْمُؤْمِنُ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ؟ قَالَ الَّذِي لَا يَنْهَى عَنِ
الْمُنْكَرِ.^۳

۲۷۸۶ رسول الله ﷺ لَا يَسْعَى لِنَفْسِ مُؤْمِنَةٍ تَرَى مَنْ

يَعْصِي اللَّهَ وَلَا تُكْرَ عَلَيْهِ^۴

۲۷۸۶ پیامبر خدا ﷺ هیچ انسان مؤمنی را نباید که

بباید کسی حد را در مانی می‌کند و بر او خرده

بگیرد

۲/۲. خطر ترك الأمر والنهي

۲۷۸۷ رسول الله ﷺ إِذَا لَمْ يَأْمُرُوا بِمَعْرُوفٍ وَلَمْ يَنْهَوْا

عَنِ الْمُنْكَرِ وَلَمْ يَتَّبِعُوا الْأَخْيَارَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، سَطَّ اللَّهُ

عَلَيْهِمْ شِرَارَهُمْ، فَيَدْعُوا عِمْدَ ذَلِكَ جِيرَتَهُمْ فَلَا

يُسْتَجَابُ لَهُمْ.^۵

۲/۲ خطر ترك امر به معروف و نهی از منکر

۲۷۸۷ پیامبر خدا ﷺ هر گاه [مردم] امر به معروف و

نهی از منکر نکند و از بیکان حائزان من، پیروی

نمابند، خداوند، بدای آنها را بر ایشان مسلط

می‌گرداند و در این هنگام، بیکانشان دعا می‌کند؛

ولی دعایشان مستجاب نمی‌شود

۱ کز العمال ج ۳ ص ۶۴ ح ۵۵۱

۲ هود ۱۶۶

۳ الکافی ج ۵ ص ۵۹ ح ۱۵

۴ کز العمال ج ۳ ص ۸۵ ح ۵۶۱۴

۵ الامار للصدوق ص ۲۸۵ ح ۴۹۳

۲۷۸۸ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَرَالِ النَّاسُ يَخْوِفُ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ، فَإِذَا لَمْ يَمُتْلُوا ذَلِكَ بُرِعَتْ مِنْهُمْ التَّزَكَّاتُ، وَسُلْطَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ بَصِيرَةٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ.^۱

۲۷۸۹ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ الْأَحْبَارَ مِنَ الْيَهُودِ وَالرُّهْبَانَ مِنَ النَّصَارَى لَمَّا تَزَكَّوْا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَفَنَهُمُ اللَّهُ عَلَى لِسَانِ أَنْبِيَائِهِمْ، ثُمَّ غَشَاهُمْ بِالْبَلَاءِ.^۲

۳/۲ مَا يُوجِبُ تَرْكُ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ

۲۷۹۰ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ غَشِيَتْكُمْ الشُّكْرَتَانِ، شُكْرَةُ حُبِّ الْقَمِيصِ، وَحُبِّ الْجَهْلِ، فَعِدْ ذَلِكَ لَا تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَلَا تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ.^۳

۴/۲ لَا يَجْعَلِي تَرْكُ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ لِحُشْيَةِ النَّاسِ الْكِتَاب

﴿الَّذِينَ قَالُوا لَهُمْ الْإِنْسَانُ لَشَيْءٌ فَجَعَلُوا لَكَ مِنْ أَفْئِدَتِهِمْ عُقَابًا قَالُوا أَتَشْتَكِي إِنْ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عِلْمٌ بِمَا يُخْفِي صُلُبًا فَاصْبِرْ لَا تَتَحَنَّ وَلَا تَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدًا﴾^۴

التَّحْدِيث

۲۷۹۱ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا يُخَفَّرُ أَحَدُكُمْ مَعْنَهُ أَنْ يَرَى أَمْرًا يَنْهَى عَنْهُ نَهْيًا، فَلَا يَقُولُ: يَا رَبِّ، حَشِيَّةُ النَّاسِ أَفْهَقُولُ فَلْيَأْتِي كُنْتُ أَحَقُّ أَنْ تُخَفَّنِي.^۵

۲۷۸۸ پیغمبر خدا ﷺ: مردم ت رمانی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و در کارهای نیک، یکدیگر را یاری کنند در حیر [و خوبی] خواهند بود؛ اما هرگاه چنین نکنند، برکت‌ها از آنان، باز گرفته می‌شود و عذای از آنان بر عده دیگر، سلطه پیدا می‌کند و دیگر نه در زمین برایشان یابوری خواهد بوده نه در آسمان.

۲۷۸۹ پیغمبر خدا ﷺ: چون عالمان یهود و راهبان نصارا، کار امر به معروف و نهی از منکر را رها کردند، خداوند به زبان انبیایان، آن‌ها را لعنت کرد سپس بلا، همه آن‌ها را فراگرفت.

۳/۲ آنچه موجب ترک نهی از منکر می‌شود

۲۷۹۰ پیغمبر خدا ﷺ: دو مستی شما را فرا گرفته است، محبت قمیص و محبت جاهل، پس عذر آن را نپذیرید؛ امر به معروف و نهی از منکر را انجام ندهید.

۴/۲ ترک نهی از منکر به خاطر شرم از مردم، شایسته نیست

قرآن

﴿مَنْ كَانَ مِنَ الْمَدِينَةِ يَمْنَعُ الْيَهُودَ فَأُولَٰئِكَ شَرٌّ لَّكُمْ وَأَضْيَعُ لَكُمْ﴾^۱ [هر کس از مدینه، یهود را نگاه دارد، آن‌ها بدتر و ضایع‌تر برای شماست]

حدیث

۲۷۹۱ پیغمبر خدا ﷺ: مبادا کسی از شما در جایی که پناهی امری از خدا در میان است و باید سخن بگوید، یا سکوت کرد، خود را کوچک کند؛ زیرا [مردای قیامت] نمی‌تواند بگوید: «خدایا! از مردم نرسیدم» چون حساب‌ها را حساب می‌دهند؛ و سزاوارتر آن بود که از من بترسی.^۲

۱ مشکاة المصابر ص ۱۰۵ ج ۳۳۹

۲ المجموع الأوسط ج ۲ ص ۹۶

۳ کنز العمال ج ۳ ص ۶۶ ج ۵۵۱۹

۴ آل عمران ۱۷۳

۵ کنز العمال ج ۳ ص ۷۰ ج ۵۵۳۴

۲۷۹۲. عنه ﷺ لا أَعْرِضَنَّ رَجُلًا بِكُمْ عَلِيمًا عَمَّنْهُ
مَرْقًا مِنَ النَّاسِ.^۱

الفصل الثالث: آداب الأمر والنهي وشروطه

۱/۳ شروط الأمر والنهي

۲۷۹۳ رسول الله ﷺ لا يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَلَا يَنْهَى عَنِ
الْمُنْكَرِ إِلَّا مَنْ كَانَ فِيهِ ثَلَاثُ حِصَالٍ رَمِيقٌ بِمَا يَأْمُرُ بِهِ
رَمِيقٌ لِمَا يَنْهَى عَنْهُ، عَدْلٌ فِيمَا يَأْمُرُ بِهِ عَدْلٌ فِيمَا
يَنْهَى عَنْهُ، عَالِمٌ بِمَا يَأْمُرُ بِهِ عَالِمٌ بِمَا يَنْهَى عَنْهُ.^۲

۲/۳ أدب الأمر

۲۷۹۴ رسول الله ﷺ مَنْ أَمَرَ بِمَعْرُوفٍ فَتَكُنْ مِيزَةً
دَلِيلُ الْمَعْرُوفِ.^۳

۳/۳ دَمُ مَنْ يَأْمُرُ بِمَا لَا بَاتِي

الكتاب

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْتٌ
عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾^۴

الحديث

۲۷۹۵ رسول الله ﷺ - لعبد الله بن مسعود - يَأْمُرُ
مُسْعُودٌ، لَا تَكُنْ مِمَّنْ يُشَدُّ عَلَى النَّاسِ وَيُخَفِّفُ عَنِ
نَفْسِهِ، يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى ﴿إِنْ تَقُولُونَ مَا لَا
تَفْعَلُونَ﴾^۵

^۱ كنز العمال ج ۱۰ ص ۲۱۷ ح ۲۹۱۵۲

^۲ التواتر للزاوي ص ۱۴۲ ح ۱۹۵

^۳ كنز العمال ج ۳ ص ۶۶ ح ۵۵۲۳

^۴ المصنف ۲، ۳

^۵ معارج الاعلا ج ۲ ص ۳۶۱ ح ۲۶۶۰

۲۷۹۶ پیامبر خدا ﷺ مبادا بفهمم که فردی از شما
دانشی (اطلاعاتی) داشته باشد و از ترس مردم، آن
را کتمان کند!

فصل سوم: آداب و شرایط امر به معروف

و نهی از منکر

۱/۳ شرایط امر کننده و نهی کننده

۲۷۹۷ پیامبر خدا ﷺ امر به معروف و نهی از منکر
نکست مگر کسی که سه حصلت در او باشد در امر
و نهی خود، طریق مدار بیش گیرد؛ در امر و نهی
خود، به عدالت رفتار کند؛ و به آنچه امر و نهی
می‌کند، دانا باشد

۲/۳ ادب امر کردن

۲۷۹۸ پیامبر خدا ﷺ کسی که به کار خوبی فرمان
می‌دهد، باید این فرمان دادن را با شیوه خوبی
انجام دهد

۳/۳ بکوش امر کننده‌ای که خود انجام نمی‌دهد

قرآن

﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا چیزی را می‌گویید که
انجام نمی‌دهید؟ بود خدا سبحانه و تعالی است که چیزی
را بگوید و انجام ندهد﴾

حدیث

۲۷۹۵ پیامبر خدا ﷺ - به عبد الله بن مسعود - ای پسر
مسعود! از آن مباش که بر مردم سبب می‌گیرد
و بر خود، آسان خداوند متعال می‌فرماید. ﴿چرا
چیزی را می‌گویید که خود عمل نمی‌کنید؟﴾

الفصل الرابع: مراتب النهی عن المنکر

فصل چهارم: مراتب نهی از منکر

۱/۴. وجوب عدم الرضا بالمنکر

۱/۴ وجوب راضی نمودن به منکر

الكتاب

قرآن

﴿قَالَ إِنِّي بِبَعْضِكُمْ مِنَ الْفَاقِينَ﴾^۱

﴿[لوط] گفته به راستی من، دشمن کردار شمایم﴾

الحديث

حدیث

۲۷۹۶ رسول الله ﷺ إِذَا عُمِلَتِ الْخَطِيئَةُ فِي الْأَرْضِ،

۲۷۹۶ پیغمبر خدا ﷺ هر گاه در روی زمین، گاهی

كَانَ مِنْ شَهِدِهَا فَأَنْكَرَهَا كَتَمَتْ غَابَ عَنْهَا، وَمَنْ غَابَ

صورت گیرد، کسی که شاهد آن باشد و بر آن کار

عَنْهَا فَرَصَتْهَا كَانَ كَمَنْ شَهِدَهَا^۲

خود نگردد، مانند کسی است که شاهد آن بوده

۲/۴ وجوب الإعراض عن أهل المعاصي

راضی باشد، مانند کسی است که شاهد آن بوده

الكتاب

است

﴿وَإِذَا رَأَيْتَ الظَّالِمِينَ يَخُونُونَ مِنْ دُونِنَا فَأَنْصِرْهُمْ

۳/۳ وجوب كفار و کفیری از گناهکاران

قرآن

حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِمْ وَإِنَّمَا كُنْتُمْ مَشْفَعَةً

﴿در چرخ اینی کسانی [به قصد نجات] در آيات ما فرو

الشَّيْطَانُ فَلَا تَخْضَعُوا لَهُمْ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾

می‌روند از ایشان روی برتاب، تا به سخنی غیر از آن

الظَّالِمِينَ﴾^۳

پیردازد و اگر شیطان، تو را [در این باره] به فراموشی

الحديث

حدیث

۲۷۹۷ رسول الله ﷺ تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِبَعْضِ أَهْلِ

۲۷۹۷ پیغمبر خدا ﷺ با نبرد از گناهکاران، به خداوند

الْمَعَاصِي، وَالْقَوْمُ يُوجِئُ مُكْفَرَةً، وَلْتَجَسُوا رِصَا

متعال نزدیک شوید و با این افراد، با نرسش روی

اللَّهِ بِسَخَطِهِمْ، وَتَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ بِالتَّائِبِينَ مِنْهُمْ^۴

برحورد کنید و با حشم گرفتن بر آنان، خشودی

۳/۴ أدنى مراتب النهي وأعلامها

حق را بخواهید و با دوری کردن از آنها، به حد

۲۷۹۸ رسول الله ﷺ مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُكْرًا فَعِزُّهُ بِبَدْوِ

بردیک شوید

۱. اسماء ۱۶۸

۲. کثر المال ج ۳ ص ۷۰ ح ۵۵۳۷

۳. الانعام ۶۸

۴. کثر المال ج ۳ ص ۷۹ ح ۵۵۸۵

۳/۴ کمترین مرتبه نهی از منکر و بالاترین مرتبه آن

۲۷۹۸. پیغمبر خدا ﷺ هر یک از شما منکری را ببیند

فَقَدْ بَرَّئْتُ، وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يُعَيِّرَهُ يَتَذَوَّعَ عَنْهُ بِسَايَةِ
فَقَدْ بَرَّئْتُ، وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يُعَيِّرَهُ بِسَايَةِ فَعَيَّرَهُ بَعْدَهُ
فَقَدْ بَرَّئْتُ، وَذَلِكَ أَصَعَفُ الْإِيمَانِ^۱

۲۷۹۹ عهده ﷺ - لِأَعْلَىٰ ﷺ لِيَمَّا عَهْدَ إِلَيْهِ -: يَا عَلِيُّ،
مُرَّ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْتَ عَنِ الْمَكْرِبِ بَيْنَكَ، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ
فِي سَائِلِكَ، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فِيقَابِكَ، وَالْأَفْلَاقُ تَلَوْنُ الْأَفْ
نَفْسِكَ^۲

و با دست خود، آن را تعبیر دهد، وظیفه‌اش را
انجام داده است و کسی که نتواند با دستش آن را
تعبیر دهد، ولی با ریاضت تعبیر دهد، وظیفه‌اش را
انجام داده است و کسی که نتواند با دست و ریاضت
آن را تعبیر دهد، ولی در قلش آن را انکار کند،
وظیفه‌اش را انجام داده است. پس، صعب‌ترین
مرحله ایمان است

۲۷۹۹، پیامبر خدا ﷺ - در سخنانش به امام علی ﷺ - ای
علی! با دست خود، امر به معروف و نهی از منکر
کن. اگر نتوانستی، پس با ریاضت این کار را کن و
بار اگر نتوانستی، با قیامت چنین کن. در غیر این
صورت، باید کسی جز خودت را سرزنش کنی

الْتَّائِبُ الْمَتَّاعُ

باب نهم

جهاد

الْجِهَادُ

الفصل الأول. الحدّ على الجهاد

فصل یکم. تشویق به جهاد

۱/۱ فضل الجهاد والمُجاهِد

۱/۱ فضیلت جهاد و مجاهد

الكتاب

قرآن

﴿لَا يَسْتَوِي الْقَاعِزُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولَى الضَّرِبِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَأُولَئِكَ مَاؤُولُوهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ فَضْلَ اللَّهِ الْأَمْجَهُدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْكُفَّارِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحَسَنَى وَفَضْلَ اللَّهِ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾^۱

﴿مؤمنان خائمشین که زیان‌دهنده نیستند، با آن مجاهدانی که با مال و جان خود در راه خدا جهاد می‌کنند، یکسان نیستند. خداوند، کسانی را که با مال و جان خود جهاد می‌کنند، به درجه‌ای، بر خائمشان سرّایت بخشیده است و همه را خدا وعده [پاداش] می‌کند، و او مجاهدان را بر خائمشان، به پاداشی بزرگ، برتری بخشیده است﴾

الحديث

حدیث

۲۸۰۰ رسول الله ﷺ مَا مِنْ حُطْوَةٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ حُطْوَتَيْنِ: حُطْوَةٌ يَسُدُّ بِهَا مُؤْمِنٌ صَفًّا فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَحُطْوَةٌ يَخْطُوهَا مُؤْمِنٌ إِلَى ذِي رَجَمٍ قَاتِلٍ بِحِلِّهَا.^۲
 ۲۸۰۱ عنه ﷺ لَا يَجْتَمِعُ عِبَارٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَدُخَانٌ فِي جَهَنَّمَ.^۳

۲۸۰۰ پیامبر خدا ﷺ هر دو خدا، هیچ گامی دوست‌داشتنی‌تر از دو گام نیست گامی که مؤمن با آن، صفی را که در راه خدا بسته می‌شود، پُر می‌کند؛ و گامی که مؤمن برای رابطه برقرار کردن با حویشاوندی که از او بُریده، بر می‌دارد

۲۸۰۲ عنه ﷺ أَجُودُ النَّاسِ مَنْ جَادَ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.^۴

مسلمان، یک روز در میدانی از میدان‌های جهاد با بدلی بزرگ، برایش از چهل سال عادت کردن بهتر است

۲/۱. إِعَانَةُ الْمُجَاهِدِينَ

۲۸۰۳ رسول الله ﷺ مَنْ جَهَّزَ عَارِيًّا بِسِلَاحٍ أَوْ إِيْرَ عَمَزَ

۲۸۰۱ پیامبر خدا ﷺ گردد و عیار در راه خدا، با دود جهنم، جمع نمی‌شود.

۲۸۰۲ پیامبر خدا ﷺ بخشنده‌ترین مردم، کسی است که جان و مال خود را در راه خدا ببخشد

۲/۱. یاری مجاهدان

۱ التاء: ۹۵؛ ۲ الألفي للمجد ص ۸ ج ۸

۳ مستدرک الوسائل ج ۱۱ ص ۱۳ ج ۱۲۹۳

۴ التوابع للروندی ص ۱۳۸ ج ۱۸۳

۲۸۰۳ پیامبر خدا ﷺ هر کس رزمندگای را به یک نج

لَهُ مَا تَقْدَمُ مِنْ دِينِهِ وَمَا تَأَخَّرُ

۲۸۰۱ عهده ﷺ مَنْ جَنَّتْ عَلَى الْجِهَادِ وَلَمْ يَجْهَرْ بِعَائِدِ

رَجُلًا يُجَاهِدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُجَاهِدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

وَأَنْ جَهْرَهُ بِمَالِهِ غَيْرُهُ وَلَهُ فَضْلُ الْجِهَادِ وَبَيْنَ جَهْرٍ

فَضْلٌ بَقِيَّةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَبَيْنَهُمَا فَضْلٌ، وَخُودٌ

بِالنَّفْسِ أَفْضَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مِنَ الْخُودِ بِالْمَالِ فِيهِ ۲

۲۸۰۵ عهده ﷺ مَنْ بَلَغَ رَسُولًا عَارٍ كَانَ كَنْزًا أَعْتَقَ رَقَبَةً،

وَهُوَ شَرِيكُهُ فِي ثَوَابِ عَزْوَتِهِ ۳

۳/۱ فصل الجهاد في البحر

۲۸۰۶ رسول الله ﷺ مَنْ جَنَّتْ عَلَى الْبَحْرِ اخْتِيَابًا

وَبَيْتًا اخْتِيَابًا لِمُسْلِمِينَ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ فِطْرَةٍ مِائَةِ

الْبَحْرِ حَسَنَةً ۴

۲۸۰۷ عهده ﷺ إِنْ شَهِدَ الْبَحْرُ أَفْضَلَ حَبَّةِ التُّرْكِيِّ

شَهِدَاؤُ النَّارِ ۵

۱/۱ تَرْكُ الْجِهَادِ

الْكِتَابِ

قَوْلُ إِنْ كَانَ «لِأَوَّلِكُمْ وَأَسْبَاطُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَرْوَاحُكُمْ

وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَهْلُؤَلْ الْفِرْقَانِ» وَبَجَرَةٌ تَحْتَمِلُ

كِسَادَهَا وَمُسْكِنٌ تَرْضُونَهَا أَحَبُّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ

وَرَسُولِهِ، وَجِهَادٌ فِي سَبِيلِهِ، فَتَرَضُّوا حَتَّى يَأْسَى

اللَّهُ بِأَقْرَبِهِ، وَأَنْتُمْ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ۶

۱ مستدرک الوسائل ج ۱۱ ص ۳۴ ح ۱۲۳۳

۲ شرح الأخبار ج ۲ ص ۲۱۹

۳ تهذيب الأحكام ج ۶ ص ۱۳۳ ح ۲۱۴

۴ كنز العمال ج ۴ ص ۳۳۴ ح ۱۰۷۶۷

۵ كنز العمال ج ۴ ص ۳۹۹ ح ۱۱۱۰۸

۶ التوبة ۲۴

یا سوره مجهر کند، خداوند، گناهان گذشته و

آینده او را، می بخشاید

۲۸۰۲ پیامبر خدا ﷺ هر کس از جهاد بترسد، باید به

مردی که در راه خدا جهاد می کند، کمک مالی

برساند. اگر مجاهد در راه خدا، با مال شخص

دیگری تجهیز شود، نصیب جهاد، از آن رزمنده

است و نصیبت و ثواب حرج کردن در راه خدا، از آن

تجهیز کننده، هر دو کار، نصیبت [و ثواب] دلزدۀ ائمه

جانشین در راه خدا، از صرف پول، برتر است.

۲۸۰۵ پیامبر خدا ﷺ هر کس تسامۀ رزمندگانی را

برساند، همچون کسی است که بندهای را آزاد کند

هم در ثواب جنگ بر یا وی، شریک خواهد بود

۳/۱ فصلات جهاد بر دریا

۲۸۰۶ پیامبر خدا ﷺ هر کس برای خدا و به خاطر

دعای از مسلمانان، قدم به دریا بگذارد، خداوند به

تعداد هر فطره‌ای از دریا، برایش حَسَنه می نویسد.

۲۸۰۷ پیامبر خدا ﷺ شهدای جنگ دریایی، مرد

خداوند، برتر از شهدای جنگ زمینی هستند.

۴/۱ ترک کردن جهاد

قرآن

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْجِعُوا الْوُدَّ إِلَى الْوُدِّ وَلَا تَتَّبِعُوا

الْوُدَّ وَلَا تَتَّبِعُوا الْوُدَّ وَلَا تَتَّبِعُوا الْوُدَّ وَلَا تَتَّبِعُوا

الْوُدَّ وَلَا تَتَّبِعُوا الْوُدَّ وَلَا تَتَّبِعُوا الْوُدَّ وَلَا تَتَّبِعُوا

الْوُدَّ وَلَا تَتَّبِعُوا الْوُدَّ وَلَا تَتَّبِعُوا الْوُدَّ وَلَا تَتَّبِعُوا

الْوُدَّ وَلَا تَتَّبِعُوا الْوُدَّ وَلَا تَتَّبِعُوا الْوُدَّ وَلَا تَتَّبِعُوا

الْوُدَّ وَلَا تَتَّبِعُوا الْوُدَّ وَلَا تَتَّبِعُوا الْوُدَّ وَلَا تَتَّبِعُوا

الْوُدَّ وَلَا تَتَّبِعُوا الْوُدَّ وَلَا تَتَّبِعُوا الْوُدَّ وَلَا تَتَّبِعُوا

الحدیث

۲۸۰۸ رسول الله ﷺ من لقی الله بعیر أثر من جهاد لنی الله و فیہ ثلعة

۲۸۰۹. عنه ﷺ من ترك الجهاد لله ذلًا في نفسه، و فقرًا في معيشته. و متحقًا في دينه. إن الله تبارك و تعالی عَزَّ اُمَّتِي بِسَنَدِيك خِيْبَهَا و مَرَّ كَرِّ رِمَاجِهَا.

الفصل الثاني: الاستعداد للجهاد

۱/۲. صُنْعُ الْأَسْلِحَةِ

۲۸۱۰ رسول الله ﷺ: إن الله عز وجل يدخل بالسهم الواحد ثلاثة مقر الجنة: صانعُه، حنَّابُه، و من حنَّابِه الحيز، و الرامي به، و مُسِيلُه.

۲/۲. الذهب عن بيع السلاح لأعداء للدين

۲۸۱۱. رسول الله ﷺ: في وصيته لعلي عليه السلام: يا علي، كفر بالله لعظيم من هديه الأئمة عشرة... و باع السلاح من أهل الحرب^۱

۳/۲. فضل الفرائطة

الكتاب

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَحِمُوا
وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۲

حدیث

۲۸۰۸ پیامبر خدا ﷺ: هر کس بدون آن که نشانی از جهاد در خود داشته باشد، خدا را دیدار کند، هنگام ملاقات با او، در خود حذلی می‌یابد

۲۸۰۹. پیامبر خدا ﷺ: هر کس جهاد را واگذارد، خداوند، حامه حواری بر جان او می‌پوشد و زندگی‌اش را دست حوش فقر می‌سارد و دیش را از بین می‌برد. خداوند - تبارک و تعالی - عزت و اقتدار امت مرا در شمشیرهای اسان [جنگی]‌شان و نوک پیرمه‌دیشان قرار داده است

فصل دوم. آمادگی برای جهاد

۱/۲. ساختن اسلحه

۲۸۱۰. پیامبر خدا ﷺ: خداوند ﷻ به سبب [ساختن] یک تیر، سه نفر را به بهشت می‌برد. سازنده آن، که از ساختن نیت حیر داشته باشد؛ پرتاب کننده آن؛ و کسی که آن تیر را به دست او بدهد

۲/۲. مہی از فروش سلاح به دشمنان دین

۲۸۱۱. پیامبر خدا ﷺ: در سخنش به امام علی علیه السلام: ای علی! از این امت، ده تن به خداوند بزرگ کافرند. و کسی که به اهل حرب (دشمنان در حال جنگ با مسلمانان)، سلاح بفروشد

۳/۲. لزوم مریضی

قرآن

﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شکیبایی کنید و استقامتی ورزید و مریض را بنگهبانی کنید و از خدا پروا سباید، امید است که رستگار شوید﴾

۱. کثر القمات ج ۴ ص ۲۸۱ ح ۱۰۴۹۵

۲. الامالی للصدوق ص ۶۷۳ ح ۹۰۶

۳. مس ابی داود ج ۳ ص ۱۲ ح ۲۵۱۳

۴. کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۲۵۶ ح ۵۷۶۲

۵. آل عمران ۲۰۰

الحديث

حدیث

۲۸۱۲. رسول الله ﷺ رِبَاطٌ يَوْمٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا ^۱

۲۸۱۲ پیامبر خدا ﷺ یک روز مرزبانی در راه خدا، بهتر است از دین و هر چه در آن است.

۲۸۱۳ عَنْهُ ﷺ إِنَّ صَلَاةَ الرِّبَاطِ تَعْدِلُ حَمْسَةَ صَلَاةٍ ^۲

۲۸۱۳ پیامبر خدا ﷺ: نماز مرزبان، با پانصد نماز، برابری می‌کند.

۴/۲ فَضْلُ الْحِرَاسَةِ

۲۸۱۴ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حَرَمُ لَيْلَةٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ لَيْلَةٍ يُقَامُ لَيْلُهَا وَيَصَامُ نَهَارُهَا ^۳

۲۸۱۴ پیامبر خدا ﷺ یک شب نگهبانی دادن در راه خدا، برتر است از هزار شبانه روز که شب‌هایش به عبادت و روزهایش به روزه‌داری سپری شود.

۲۸۱۵ عَنْهُ ﷺ عَيْنَانِ لَا يَتَّبِعُهُمَا النَّارُ عَيْنَ بَكْتٍ مِمَّنْ حَشَى اللَّهَ، وَعَيْنَ يَأْتِيَتْ تَحْرُسُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ^۴

۲۸۱۵ پیامبر خدا ﷺ: دو چشم‌اند که آتش به آنها نمی‌رسد؛ چشمی که از ترس خدا، بگریزد، و چشمی که شب‌ها در راه خدا نگهبانی دهد.

۵/۲ فَضْلُ حَمْلِ السَّلَاحِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

۲۸۱۶ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ اللَّهَ يُسَاهِي بِالْمُعَلَّدِ سَلَحَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَا تَكُنْهُ، وَهُمْ يُصَلُّونَ عَلَيْهِمْ يَوْمَ يُقْلَدُ ^۵

۲۸۱۶ پیامبر خدا ﷺ خداوند ﷻ به وجود کسی که شمشیرش را در راه خدا حمایل کند، بر فرشتگان خود، صاهات می‌کند و تارمانی که او شمشیر حمایل دارد، فرشتگانش بر او درود می‌فرستند.

۲۸۱۷ عَنْهُ ﷺ صَلَاةُ الرَّجُلِ مُتَقَلِّدًا بِسَهْوِهِ تَفْضُلُ حَمْلِ صَلَاتِهِ عَمَّا مِمَّنْ يُسَبِّحُهُ بِسَهْوِهِ ^۶

۲۸۱۷ پیامبر خدا ﷺ: نمازی که مرد با شمشیر حمایل شده بخواند، هم‌معاد بار برتر از نمازی است که بدون حمایل کردن شمشیر بخواند.

الفصل الثالث. آداب الحرب

۱/۳ الحربُ حُدْعَةٌ

۲۸۱۸ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْحَرْبُ حُدْعَةٌ ^۷

۲۸۱۷ پیامبر خدا ﷺ: نزاری که مرد با شمشیر حمایل شده بخواند، هم‌معاد بار برتر از نمازی است که بدون حمایل کردن شمشیر بخواند.

فصل سوم. آداب جنگ

۱/۳ جنگ، دیرنگ است

۲۸۱۸ پیامبر خدا ﷺ جنگ، دیرنگ است

۱. کثر المال ج ۱ ص ۲۸۳ ح ۱۰۵۰۸
۲. کثر المال ج ۱ ص ۳۲۳ ح ۱۰۷۱۴
۳. کثر المال ج ۱ ص ۳۲۶ ح ۱۰۷۳۰
۴. سنن الترمذی ج ۱ ص ۱۷۵ ح ۱۶۳۹
۵. کثر المال ج ۱ ص ۳۳۸ ح ۱۰۷۸۷
۶. کثر المال ج ۱ ص ۳۳۸ ح ۱۰۷۹۱
۷. کثر المال ج ۱ ص ۲۵۸ ح ۱۰۸۹۱

۲۸۱۹. عَنْهُ عَلَيْهِ قَتْلُ مَا بَدَا لَكَ، فَإِنَّ الْحَرْبَ خُذَعَةٌ.^۱

۲۸۱۹. پیامبر خدا ﷺ هر چه به نظرت می‌رسد، بگو؛ زیرا جنگ، بیرنگ است.

۲/۳ الدَّعْوَةُ إِلَى الْإِسْلَام

۲۸۲۰. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ تَأَلَّمُوا النَّاسَ، وَتَأَتَوْهُمْ، وَلَا تُعَيِّرُوا عَلَيْهِمْ حَتَّى تَدْعُوهُمْ، فَمَا عَلَى الْأَرْضِ مِنْ أَهْلِ نَيْبٍ مَذْرٍ وَلَا ذُبُرٍ إِلَّا تَأْتُوهُمْ بِهُمْ مُسْلِمِينَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ تَأْتُوهُمْ بِبِسَانِهِمْ وَأَوْلَادِهِمْ وَتَقْتُلُوا رِجَالَهُمْ^۲

۲/۳. دعوت به اسلام

۲۸۲۰. پیامبر خدا ﷺ با مردم، مدار کنید و به آنها فرصت دهید و پیش از آن که به حق دعوت‌شان کنید، بر ایشان مزایم؛ زیرا اگر مردمان روی رومی را، از شهرش و چادرش، مسلحان برد من آورید، خوش‌تر دارم تا این که زبان و قهرندانشان را [به اسارت] برد من آورید و مردشان را بکشید

۳/۳ التَّجَمُّعُ عَنِ الْغُرَايِ

الکتاب

۲ ۳ پرهیز از غرایی

قرآن

﴿وَمَنْ يُؤْمَرْ بِزَعْمٍ يُدْعَىٰ إِلَيْهِ فَاصْطَبِرْ﴾^۱ و ﴿وَمَنْ يُؤْمَرْ بِزَعْمٍ يُدْعَىٰ إِلَيْهِ فَاصْطَبِرْ﴾^۲ هر که در آن هنگام به آنان پشت کند - مگر کسی که [هدفش] کناره‌گیری برای برتری [مجدد] یا پیوستن به [حقیقی] [دیگر از سرزمانش] باشد -، قطعاً به خشم خدا گرفتار خواهد شد و جایگاهش دورج است؛ و چه بد سرتاجمی است! ﴿

﴿وَمَنْ يُؤْمَرْ بِزَعْمٍ يُدْعَىٰ إِلَيْهِ فَاصْطَبِرْ﴾^۱ و ﴿وَمَنْ يُؤْمَرْ بِزَعْمٍ يُدْعَىٰ إِلَيْهِ فَاصْطَبِرْ﴾^۲

الحديث

۲۸۲۱. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَا بَا دَرَّ، إِنَّ رَيْكَ عَرَّوَجْلٌ يُبَاهِي الْمَلَائِكَةَ بِثَلَاثَةِ نَفَرٍ

وَرَجُلٌ مِنْ رَحْبٍ فَرَّ أَصْحَابُهُ وَتَبَتَ وَهُوَ يُقَاتِلُ حَتَّى يُقْتَلَ^۱

۲۸۲۱. پیامبر خدا ﷺ - سه ایسو در - ای ایسو در؛ پروردگارت ﷻ به وجود سه نفر، بر سرشتگاش می‌بالد. - [سوم]، مردی که در میدان جهاد باشد و هم‌زمانش بگیرند، ولی او همچنان پایداری ورزد و بجنگد، تا کشته شود

۴/۳ الشُّعَارُ

۲۸۲۲. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - لَيْتَ أَمَرَ بِالشُّعَارِ قَبْلَ الْحَرْبِ - لَيْتَ كُنْ فِي شِعَارِكُمْ اسْمٌ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ^۲

۲۸۲۳. الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ كَانَ شِعَارُ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

۲۸۲۲. پیامبر خدا ﷺ - هنگامی که به شعار دادن پیش از اعاز جنگ، فرمان داد - باید در شعارتان، نامی از نام‌های خدای متعال باشد.

۲۸۲۳. امام علی بن ابی‌طالب ﷺ شعار یاران پیامبر خدا در روز بدر،

۱. کتر الضعفاء ج ۴ ص ۳۵۸ ح ۱۰۸۹۲

۲. کتر الضعفاء ج ۴ ص ۴۲۷ ح ۱۱۳۰۰

۳. الأعمال ۱۶

۴. الأئمة الطوسیه ص ۵۳۱ ح ۱۱۶۷

۵. دعائم الإسلام ج ۱ ص ۳۷۰

یومَ یَدْرُ: یا مَصورُ اَمِثْ^۱

چیر بود ای [جدا] طهرمدا! بچیران!

الفصل الرابع الشهادة في سبيل الله

فصل چهارم. شهادت در راه خدا

۱ / ۴. فَضْلُ الشَّهَادَةِ

۱ / ۴. فضیلت شهادت

۲۸۷۱ رسول الله ﷺ: فَوْقَ كُلِّ دِيْرٍ بِرٌّ حَتَّى يُقْبَلَ
الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ: فَيَدْفَنُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَيْسَ
فَوْقَهُ بِرٌّ^۲

۲۸۷۲. پیامبر خدا ﷺ: بالاتر از هر سبکوکاری،
بیکوکاری [دیگر] هست، تا آن گاه که مرد در راه
خدا کشته شود پس چون در راه خدا کشته شد،
بالاتر از آن، یکی ای (ارزشی) وجود ندارد

۲۸۷۵ عنه ﷺ: أَشْرَفُ الْمَوْتِ قَتْلُ الشَّهَادَةِ^۳

۲۸۷۵ پیامبر خدا ﷺ: شرافتمندانه ترین مرگ،

۲ / ۴. الشُّوقُ لِلشَّهَادَةِ

شهادت است

۲۸۷۶ الإمام علي عليه السلام: فَلَئِنْ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوَّلَيْتَ قَدْ
قُلْتُ لِي يَوْمَ أُحُدٍ حَبْتُ اسْتَشْهَدَ مِنْ حَشْدِهِمْ
الْمُسْلِمِينَ، وَحَبِزْتُ حَتَّى الشَّهَادَةِ، فَتَوَدَّكَ عَمِّي
فَقُلْتُ لِي: أَشَرُّ عَابِثٍ الشَّهَادَةُ مِنْ وَرَائِكَ؟ فَقَالَ لِي: إِنَّ
ذَلِكَ لَكَذَلِكَ، فَكَيْفَ صَبْرُكَ بِذَا؟ فَقَبْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ،
لَيْسَ هَذَا مِنْ مَوَاطِنِ الْعُسْرِ، وَلَكِنْ مِنْ مَوَاطِنِ
الْبُشْرِ وَالشُّكْرِ!^۴

۲ / ۴. شوق شهادت

۲۸۷۶ امام علی علیه السلام: گفتم من پیامبر خدا! مگر در
روز احد - که تعدادی از مسلمانان شهید شدند و
من از شهادت محروم ماندم و این امر بر من، گران
آمد - به من فرمودی: «مژده باد تو را که
شهادت، پیش روی توست؟»

پیامبر خدا به من فرمود: نه راستی که همین
طور است. حال در آن صورت، شکمابی تو
چگونه خواهد بود؟^۵

۳ / ۴. الشَّهَادَةُ وَتَكْفِيرُ الذُّنُوبِ

۲۸۷۷ رسول الله ﷺ: الشَّهَادَةُ تَكْفِرُ كُلَّ شَيْءٍ إِلَّا الدَّيْنَ^۶
۲۸۷۸ عنه ﷺ: أَوَّلُ مَا يُهْرَأُ مِنْ دَمِ الشَّهِيدِ يُعْفَرُ بِهِ دَبَّةُ
كُلِّهِ إِلَّا الدَّيْنَ^۱

گفتم ای پیامبر خدا! اس جا، جای شکمبی
بست: بلکه جای شادی و شکر است

۳ / ۴. شهادت و پاک شدن گناهان

۲۸۷۷. پیامبر خدا ﷺ: شهادت، هر چیزی (گاهی) را
پاک می کند، مگر قرض ر

۲۸۷۸. پیامبر خدا ﷺ: [تا] نخستین قطره خون که از
شهید ریخته می شود، همه گناهان او به حشود
می شود، مگر قرض

۱ الجعفریات ص ۸۱
۲ الکافی ج ۲ ص ۳۴۸ ح ۲
۳ الدعوات ص ۲۴۲ ح ۶۸۰
۴ نهج البلاغه الخطبة ۱۵۶
۵ کنز العمال ج ۴ ص ۳۹۷ ح ۹۸
۶ کنز العمال ج ۴ ص ۳۹۹ ح ۱۱۱۰۹

۲۸۲۹. عَنْهُ عليه السلام : يُفْتَرُ لِلشَّهِيدِ كُلِّ ذَنْبٍ إِلَّا الدِّينَ.^۱

۲۸۲۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : همه گناهان شهید بخشوده

می‌شود، مگر فرض

۱/۴ ثَمَنُ الشَّهِيد

۲۸۳۰. رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله : مَا مِنْ نَفْسٍ تَمُوتُ لَهَا عِدَّةُ اللَّهِ

۴/۴. آرزوی شهید

خَيْرٌ بِسُوءِهَا أَنْهَا تَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا ، وَلَا أَنْ لَهَا الدُّنْيَا وَمَا

۲۸۳۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ کس نیست که پس از مرگ،

نزد خداوند از خیر بهره‌مند باشد و بد این حال،

حوش داشته باشد که به دنیا برگردد. گرچه همه

دنیا به او داده شود.، مگر شهید که چون فصلت

شهادت را می‌داند، آرزو می‌کند برگردد تا [بار

دیگر] در دبا کشته شود

فِيهَا ، إِلَّا الشَّهِيدَ ؛ فَإِنَّهُ يَمُوتُ أَنْ يَرْجِعَ فَيَحْتَلَّ فِي الدُّنْيَا ،

لِمَا يَرَى مِنْ فَضْلِ الشَّهَادَةِ^۲

۲۸۳۱. عَنْهُ عليه السلام : مَا مِنْ أَحَدٍ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ يُجِبُّ أَنْ

۲۸۳۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ کس نیست که به بهشت

برود و [در عین حال] دوست داشته باشد به دنیا برگردد

گرچه از آنچه بر روی زمین است، برخوردار شود،

مگر [شهید] که بر اثر مشاهده کرامت [و شهادت]،

آرزو می‌کند برگردد تا ده بار دیگر، کشته شود

يَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا ، وَأَنْ لَهُ مَا عَلَى الْأَرْضِ مِنْ شَيْءٍ ،

عَمَرَ الشَّهِيدَ ؛ فَإِنَّهُ يَمُوتُ أَنْ يَرْجِعَ فَيَقْتُلَ عَشْرَ مَرَّاتٍ

لِمَا يَرَى مِنَ الْكَرَامَةِ^۳

۵/۱ ثَوَابُ طَلَبِ الشَّهَادَةِ

۲۸۳۲. رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله : مَنْ طَلَبَ الشَّهَادَةَ صَادِقًا لِحَقِّهَا ،

۵/۲. ثواب شهادت طلبی

وَلَوْ لَمْ يُصَبِّهْ^۱

۲۸۳۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که به راستی حواهن شهادت

باشد، [ثواب آن] به او داده می‌شود، هر چند به

شهادت نرسد

۲۸۳۳. عَنْهُ عليه السلام : مَنْ سَأَلَ اللَّهَ الشَّهَادَةَ بِصِدْقٍ بَلَّمَهُ اللَّهُ

تَمَارِثَ الشُّهَدَاءِ وَإِنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ^۲

۶/۴ دَوْرُ الدِّيَةِ فِي الشَّهَادَةِ

۲۸۳۴. رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله : كُمْ مِنْ أَصَابَةِ السَّلَاحِ لِمَنْ

۲۸۳۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که صادقانه از خداوند،

شهادت را مسئلت کند، خداوند او را به

حایگاه‌های شهیدان می‌رساند، هر چند در بستر

خود بمیرد

بشَّهِيدٍ وَلَا حَمِيدٍ ، وَكَمْ مِنْ قَدْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ

خَتَفَ أَنْفَهُ عِنْدَ اللَّهِ صِدِّيقٌ شَهِيدٌ^۳

۶/۴ نقش میت در شهادت

۲۸۳۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بسا کسانی که با جنگ اصرار

کنند، اما نه شهید باشند و نه قابل ستایش و

بسا کسانی که در بستر خود به مرگ طبیعی بمیرند،

اما نزد خداوند، صدیق و شهید به شمار آیند

۱. کتوالمعال ج ۴ ص ۳۹۹ ح ۱۱۱۱۰

۲. صحیح مسلم ج ۳ ص ۱۴۹۸ ح ۱۰۸

۳. صحیح مسلم ج ۳ ص ۱۴۹۸ ح ۱۰۹

۴. صحیح مسلم ج ۳ ص ۱۵۱۷ ح ۱۵۶

۵. صحیح مسلم ج ۳ ص ۱۵۱۷ ح ۱۵۷

۶. کتوالمعال ج ۴ ص ۴۱۹ ح ۱۱۲۱۰

۷/۴. مَنْ يُحْسِبُ مِنَ الشُّهَدَاءِ

۷/۴ کسانی که شهید محسوب می‌شوند

۲۸۳۵ رسول الله ﷺ مَنْ قُتِلَ دُونَ هَبْه ظُلماً هُوَ شهید، وَمَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ ظُلماً هُوَ شهید، وَمَنْ قُتِلَ دُونَ جَارِهِ ظُلماً هُوَ شهید، وَمَنْ قُتِلَ فِي دَارِ غُرُوجٍ هُوَ شهید^۱

۲۸۳۶ عنه ﷺ مَنْ قَاتَلَ دُونَ مَسِيهِ حَتَّى يَمُوتَ هُوَ شهید^۲

۲۸۳۷ عنه ﷺ مَنْ عَشِقَ لَكُمْ وَعَفَّ فَمَاتَ هُوَ شهید^۳

۲۸۳۸ عنه ﷺ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شهید^۴

۸/۴. أَفْصَلُ الشُّهَدَاءِ

۲۸۳۹ رسول الله ﷺ أَفْصَلُ الشُّهَدَاءِ الَّذِينَ لِحَاكُونَ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ، فَلَا يَلْمُتُونَ وَجُوهَهُمْ حَتَّى يَسْتَلُوا أُولَئِكَ يَنْتَلِفُونَ^۵ فِي الرُّبْعِ الْعُلَى مِنَ الْحَبَّةِ، يَصْحَكُ إِلَيْهِمْ رَبُّكَ، فَإِذَا صَحِبَكَ زُلْزَلٌ إِلَى عَهْدٍ فِي تَرْجِيهِ فَلَا حِسَابَ عَلَيْهِ^۶

۹/۴. ثَوَابُ الْجَرِيحِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

۲۸۴۰ رسول الله ﷺ مَنْ جَرِحَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رِيحُهُ كَرِيحِ الْمِسْكِ وَلَوْنُهُ لَوْنُ الرَّعْفَرَانِ عَلَيْهِ طَائِعُ الشُّهَدَاءِ، وَمَنْ سَأَلَ لِقَاءَ الشَّهَادَةِ مُحِيصاً أُعْطِيَ

- ۱ کتر العمل ج ۱ ص ۴۲۵ ح ۱۱۲۳۷
- ۲ کتر العمل ج ۱ ص ۴۲۵ ح ۱۱۲۳۶
- ۳ کتر العمل ج ۱ ص ۴۲۰ ح ۱۱۲۰۳
- ۴ العمل ص ۵۴ ح ۵۲
- ۵ يَنْتَلِفُونَ يَصْنَعُ الْيَاءَ وَالنَّاءَ وَاللَّامَ وَتَشْدِيدُ الْيَاءِ صَعْدَ يَتَمَرَّغُونَ (التهذيب ج ۱ ص ۲۲۶)
- ۶ کتر العمل ج ۱ ص ۴۰۱ ح ۱۱۱۲۰

۲۸۳۵ پیامبر خدا ﷺ هر که در راه دفاع از خانواده خود، به ستم کشته شود، شهید است. هر که در راه دفاع از مال خود، مظلومانه کشته شود، شهید است. هر که در راه دفاع از همسایه خود، به ستم کشته شود، شهید است. هر که به خاطر حدود خدا کشته شود، شهید است

۲۸۳۶. پیامبر خدا ﷺ هر که در راه دفاع از جان خود، بجنگد و کشته شود، شهید است

۲۸۳۷. پیامبر خدا ﷺ هر که عاشق شود و عشق خود را بپوشاند و پاکدامنی ورزد و از اسبوه آن ببرد، شهید است

۲۸۳۹ پیامبر خدا ﷺ هر که بر دوستی آل محمد ﷺ یمنی باشد شهید مرده است
۸/۴ مهربان شهیدان

۲۸۳۹. پیامبر خدا ﷺ برترین شهدا، کسانی هستند که در صحنه مقدم می‌جنگد و باز دشمن را روی بر نمی‌گرداند، تا آن که کشته شوند. اینان، در بالا حدهای بهشت می‌آیند، پروردگارشان به روی آنان می‌خندد پس هر گاه پروردگارت در جایی به بدنامی لحد ببرد، حسابرسی ندارد

۹/۴ ثواب جبار راه خدا

۲۸۴۰ پیامبر خدا ﷺ هر کس در راه خدا مجروح شود، در روز قیامت، بویش همچون بوی مشک و رنگش مانند رنگ زعفران است و نشانی شهیدان بر او خواهد بود. و هر کس شهادت را حالصانه از

الله أَجْرَ شَهِيدٍ وَإِنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ^۱

حداوند بخواند، خداوند، اجر شهید به وی می‌دهد! هر چند در بسترش بمیرد

الفصل الخامس. غزوات النبی ﷺ

فصل پنجم. جنگ‌های پیامبر ﷺ

۱/۵. غزوة بدر الكبرى

۱/۵ جنگ بدر بزرگ

الكتاب

قرآن

﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَبَلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُشْكُرُونَ﴾ إِذْ يَقُولُ ثُلُومُ الْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَخْصِبَكُمْ أَنْ يُمَنَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمُطَنكِةِ مُزَلِّينَ^۲

«و یقیناً خداوند شما را در [جنگ] بدر - با آن که ناتوان بودید - یاری کرد، پس، از خدا پروا کنید، باشد که سپاس‌گزاری نمایید آن گاه که به مؤمنان می‌گفتی: «آیا شما را پس نیست که پروردگارتان - شما را با سه هزار

الحديث

فرسته فرود آمده، یاری کند؟»

۲۸۴۱ الامالی للطوسی عن ابن عباس وقف رسول الله ﷺ

على نفسٍ بدرٍ فقال: جِزَاكُمْ اللَّهُ مِنْ عَصَابَةِ شَرٍّ، لَقَدْ كَدُّتُمْ مَوِيَّ صَادِقًا، وَحُوسُمْ^۳ أَمَّا تُمْ التَّمَتُّ إِلَى أَبِي جَهْلٍ بْنِ هِشَامٍ فَعَالَ، إِنَّ هَذَا أَعْنَى عَلِيٍّ لَفَرَسٍ مَرَعُونٌ، بَنَ مَرَعُونَ مَكَائِشَ بِأَهْلِكَ وَحُدُفَةً، وَإِنَّ هَذَا لَمَّا أَيْقَنَ بِالْهَلَاكِ دَعَا بِالْأَلَاتِ وَالْقُرَى^۴

حدیث

۲۸۴۱ الامالی، طوسی - به نقل از ابن عباس - پیامبر صلوات الله علیه، در بدر ایستاد و فرمود: خداوند، بالای سر کشندگان بدر ایستاد و فرمود: خداوند، با گروهای اندک، کیمران داد شما، می‌راشید و رانگور را دروغون شماردید و می‌آمین را خفاش پنداشید.

آن گاه، رو به [جهنم] ابو جهل بن هشام کرد و فرمود: «ای مرد در برابر خدا، در فرعون سرکش‌تر بودی و برادر فرعون، وقتی یقین کرد که در جنگال مرگ گرفتار آمده است، به یگانگی خدا ایمان آورد، اما این مرد، هنگامی هم که یقین کرد که به هلاکت می‌رسد بار هم لات و عزارا خواند.»

۲۸۴۲ كمر العقال عن عمر بن الخطاب لَمَّا كَانَ يَوْمُ بَدْرِ

نَظَرَ النَّبِيُّ ﷺ إِلَى أَصْحَابِهِ وَهُمْ ثَلَاثُمِائَةٍ وَبَيْفٌ، وَنَظَرَ إِلَى الْمُشْرِكِينَ فَإِذَا هُمْ أَلْفٌ وَرِبْعَةٌ، فَاسْتَقْبَلَ نَبِيَّ الْفِيلَةِ وَمَدَّ يَدَيْهِ وَعَلَيْهِ رِدْنَةٌ وَرِزَّةٌ، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ أَجِرْ مَا وَعَدْتَنِي، اللَّهُمَّ أَجِرْ مَا وَعَدْتَنِي، اللَّهُمَّ إِنَّكَ إِنْ تَهْلِكْ هَذِهِ الْعَصَابَةَ مِنَ الْإِسْلَامِ فَلَا تُعْبَذُ

۲۸۴۲ كمر العقال - به نقل از عمر بن خطاب - در

روز بدر، پیامبر ﷺ به یاران خود نگرست که سپید و چند تن بودند و به مشرکان نگاه کرد و دید که بیش از هزار نفرند پس در حالی که ردا و زاری بر سر داشت، رو به قبله ایستاد و دست‌هایش را به جانب آن کشید و گفت: «ای خدا یا! وعده‌ای را که به من داده‌ای، عملی گردان بار خدا یا! وعده‌ای را که به من

۱ كمر العقال ج ۴ ص ۴۰۸ ح ۱۱۱۱۴

۲ آل عمران ۱۶۳ و ۱۶۴

۳ فی كمر العقال ج ۱ ص ۳۶ ح ۲۹۸۷۳ و جزا که الله عز و جل عصابه شری لَقَدْ حُوسُمُوهُ أَبْنَاءُ، وَكَدُّتُمْ مَوِيَّ صَادِقًا

۴ الامالی للطوسی ص ۳۱۰ ح ۶۳۶

فِي الْأَرْضِ أَيْدٍ... وَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى عَسَدَ ذَلِكَ إِذْ تَسْتَفِيضُونَ زِمَكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْغَدَاةِ مِنَ الْمَلِكَةِ مُزْبِينَ^۱

داده‌ای، عملی گردان. بار خداها! اگر این گروه را از اسلام بگیری، دیگر هرگز بر روی زمین، پرستش خواهی شد.

۲۸۱۳ الإمام علي عليه السلام: لَقَدْ رَأَيْنَا يَوْمَ بَدْرٍ وَحَنُ سُلُوكِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَهُوَ أَقْرَبُنَا إِلَى الْعَدُوِّ. وَكَانَ مِنْ أَشَدِّ النَّاسِ يَوْمَئِذٍ بَأْسًا^۲

در این هنگام، خداوند متعال، آیه ﴿أَنْ كَاهَكَ لِرَبِّدِّكَ﴾ را می‌خواستید. پس دعای شما را اجابت کرد. که: «من شما را با هزار فرشته پیاپی، پیری خواهم کرد» را بارل فرمود

۲۸۱۴ عنه عليه السلام: لَقَدْ حَصَرْنَا بَدْرًا وَمَا فِيهَا قَارِشٌ عِزِّ الْبَقْدَدِ بْنِ الْأَسْوَدِ. وَلَقَدْ رَأَيْنَا لَيْلَةَ بَدْرٍ وَمَا فِيهَا بَأْسٌ مِمَّنْ عِزَّ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ. فَإِنَّهُ كَانَ مُتَّصِبًا فِي أَصْلِ شَجَرَةٍ يُضَلِّي وَيَدْعُو حَتَّى الصُّبْحِ^۳

۲۸۱۳ امام علی علیه السلام در جنگ بدر، ما خود را در پناه پیامبر خدا قرار می‌دادیم و ایشان از همه ما به دشمن نزدیک‌تر بود و در آن روز، از همه شجاعت بیشتری نشان می‌داد

۲/۵ غزوة أحد و حمراء الأسد

الكتاب

﴿وَإِنْ خُذْتُ مِنْ لَعْنَةِ الْمُؤْمِنِينَ مَعَهُ ثَلَاثُونَ﴾^۱ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ^۲

۲/۵ جنگ‌های أحد و حمراء الأسد

قرآن

الحديث

۲۸۱۵ صحيح مسلم عن أنس بن رسول الله ﷺ كُيَسِّرَ رِبَاعِيَّتُهُ يَوْمَ أُحُدٍ، وَشَحَّ فِي رَأْسِهِ فَجَعَلَ يَسْلُبُ الدَّمَ عَنْهُ وَيَقُولُ: كَيْفَ يُفْلِحُ قَوْمٌ شَجَّوْا سَيْبَهُمْ وَكَسَرُوا رِبَاعِيَّتَهُ، وَهُوَ يَدْعُوهُمْ إِلَى اللَّهِ؟! مَا أَرَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ ﴿لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبَهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ﴾^۳

﴿و [باد کن] رمانی را که [در جنگ أحد] با ممدادان، از پیش کثرت بیرون آمدی تا [مؤمنان را برای جنگیدن، در مواضع خود حای دهی] و خداوند شسوی داناست﴾^۴

حدیث

۲۸۱۵ صحيح مسلم - به نقل از آنس - در جنگ أحد، دندان پیشش پیامبر خدا شکست و سر ایشان، شکاف برداشت. در حالی که از فرقهش خون جاری بود، می‌فرمود: چگونه رستگار می‌شوند مردمی که فرق پیامبر خود را که آنان را به خدا دعوت می‌کند، شکافتند و دندان پیشش را شکستند؟^۵

پس خداوند ﷻ این‌آیه را فرو فرستاد ﴿تَوَدَّ أَنْ يَنْقُصَهُمُ اللَّهُ يَدَيْهِمْ وَأَنْ يَكُونَ لَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُنْزِلَ عَلَيْهِمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾^۶

۱ کتر التمثال ج ۱۰ ص ۳۹۲ ح ۲۹۹۳۹

۲ کتر التمثال ج ۱۰ ص ۳۹۷ ح ۲۹۹۴۳

۳ الإرشاد ج ۱ ص ۷۳، ۸ آل عمران ۱۷۱

۴ آل عمران ۱۷۸

۵ صحيح مسلم ج ۳ ص ۱۶۱۷ ح ۱۰۴

۲۸۱۶ تفسیر القمی - می‌دکمر ما جری بعد وَفَعَهُ أَحَدٌ -

لَمَّا دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْمَدِينَةَ نَزَلَ عَلَيْهِ جِبْرِيلُ ﷺ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ، إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكَ أَنْ تَخْرُجَ فِي أَثَرِ الْقَوْمِ وَلَا يَخْرُجَ مَعَكَ إِلَّا مَنْ يَهْجُرُكَ أَقَامَرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مُبَادِيًا يُنَادِي يَا مَعْشَرَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ مَنْ كَانَتْ يَدُ جِرَاحَةٍ فَلْيَخْرُجْ، وَمَنْ نَمَّ يَكُنْ بِهْ جِرَاحَةً فَلْيَتَيْمُمْ، فَأَقْبِلُوا يُضْمَدُونَ جِرَاحَتِهِمْ وَيُدَاوُونَهَا، فَأَنزَلَ اللَّهُ عَلَى نَبِيِّهِ ﴿وَلَا تَهَيَّؤُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ كُنْتُمْ تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْحَمُونَ مِنْ اللَّهِ مَا لَا يَرْحَمُونَ﴾ ۱ قَالَ غَرَّوْهُ ۲ ﴿إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ﴾ ۳ فَخَرَجُوا عَلَى مَا بِهِمْ مِنَ الْأَلَمِ وَالْجِرَاحِ ۴

۳/۵ غَرَّوَهُ دَاتُ الرِّقَاعِ

۲۸۱۷، الإمام الصادق ﷺ نَزَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي غَرَّوَةٍ

دَاتُ الرِّقَاعِ نَحْتِ شَعْرَةٍ عَلَى شَعِيرِ زَادٍ فَأَقْبَلَ سَيْلٌ فَحَالَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَصْحَابِهِ، عَرَأَهُ رَجُلٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، وَالْمُسْلِمُونَ قِيَامٌ عَلَى شَعِيرِ الْوَادِي يُسْتَظَرُّونَ مِنْهُ يَنْقَطِعُ السَّيْلُ، فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ لِقَوْمِهِ أَسَا أَقْتُلُ مُحَمَّدًا أَفْجَاءَ وَشَدَّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِالسَّيْفِ، ثُمَّ قَالَ مَنْ يُجِيبُكَ مَنِيَّ بِمَا مُحَمَّدٌ؟ ۱ قَالَ رَبِّي وَرَبُّكَ، فَتَسَعَهُ جِبْرِيلُ ﷺ عَنْ قَرْبِهِ مَسْقُطٌ عَلَى ظَهْرِهِ، فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَاحِدًا شَيْفَ وَجَلَّتْ عَنِ صَدْرِهِ، وَقَالَ: مَنْ يُجِيبُكَ مَنِيَّ يَا غَوْرَثُ؟ ۲ فَقَالَ جُودُكَ وَكَرَمُكَ يَا مُحَمَّدُ، فَتَرَكَهُ، فَقَامَ وَهُوَ يَعْمَلُ

۲۸۴۶ تفسیر القمی - در بیان ماحرایی بعد از جنگ احد -

چون پیامبر ﷺ از جنگ احد برگشت و وارد مدینه شد، جبرئیل ﷺ بر ایشان فرود آمد و گفت ای محمد! حدیثی به تو قرمان می‌دهد که این قوم (مشرکان) را تعقیب کنی و کسی جر افراد مجروح، همراه تو بیاید پس پیامبر خدا به سادی فرمود تا سدا دهد ای گروه مهاجران و انصار! هر کس جراحتی دارد، بیرون بآید و هر کس مجروح است، بیاید.

انسان شروع به مرهم نهادن بر رخم‌های خود و مداوای آنها کردند و خداوند، این آیه را بر پیامبرش نازل فرمود ﴿وَبَرَسْتُ بِالْفَنِّ بِهٖ اَنْ قَوْمٌ مَسْتَنِي مَكْمِدٍ لَّكَر شَمَادِرٍ مِی كَشِیْدَ، اِنْهَا مِیْر چَوْن شَمَا دَرِد مِی كَشِیْدَ وَی شَمَا اَر حِدَّ؟ چِیْرِی د مِیْد داریْد كِه اَسَا، اَمِیْد مِدَارِدَ﴾ ۱ و فرمود خداوند ﷻ ﴿اَلَا كَر (در میدان آمد) بِه شَمَا جِرَاحَتِی وَیَمِیْد (در صرب‌های وارد شد)، بِه اَنْ جَمِیْعَتِ مِیْر (در میدان بدر)، حَرْكُومِی كِه مَانِد اَنْ دَارِد كَرِیْد﴾ ۲ پس، مسلمانان با وجود دیدن جراحتی که داشتند، برای تعقیب مشرکان بیرون رفتند.

۳/۵ جنگ دات الرقاع

۲۸۴۷، امام صادق ﷺ در جنگ دات الرقاع، پیامبر خدا

ربر درختی در کنار درمای پیاده شد. در این هنگام، سبلی آمد و میان ایشان و یارانش حدایی انداخت مردی از مشرکان، پیامبر ﷺ را در آن حال دید و مسلمانان نیز در آن طرف تیره، ایستاده و منتظر بودند تا جریان سبل، قطع شود. آن مرد مشرک به همراهان خود گفت من، محمد را می‌کشم

آن گاه مرد پیامبر خدا آمد و مبروی ایشان شمشیر کشید و گفت ای محمد! بیک چه کسی تو را از جنگ من می‌رهاند؟

فرمود: پروردگار من و تو.

در آن هنگام، جبرئیل ﷺ آن مرد را از [روی] آسایش پرت کرد و او به پشت افتاد پیامبر خدا بر حاست و شمشیر کشید و روی سیه او شست و فرمود: ای غورث! چه کسی تو را از جنگ من می‌رهاند؟

۱ ال عمران ۱۶۰

۲ الباء ۱۰۴

۳ تفسیر القمی ج ۱ ص ۱۲۴، بحواله الثوبی ج ۲ ص ۲۰

۲۸۵۰ كُنْزُ الْعَمَالِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي أَوْفَى كُنَّا يَوْمَ الشُّعْرَةِ أَلْفًا وَأَرْبَعِينَ أَوْ أَلْفًا وَثَلَاثِينَ، وَكَانَتْ أَسْلَمُ يَوْمَئِذٍ ثَمَنُ الْمُهَاجِرِينَ^۱

۶/۵. غُرُوةٌ خَيْبَرَ

الكتاب

«سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انْطَلَقْتُمْ إِلَى مَغَائِمٍ لِنَأْخُذْهَا دُونَنَا نَنْبَغْتُمْ يَرْيَدُونَ أَلَمْ يَجْعَلْ اللَّهُ فَرْسَ لِرَبِّهِمْ كُنْزَكُمْ قَالَ اللَّهُ بَلْ لَقَدْ فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَشْتَدُونَ بَلْ تَأْكُلُوا أَمْطَلْفُونَ إِلَّا قَلِيلًا»^۲

الحدیث

۲۸۵۱ كُنْزُ الْعَمَالِ عَنْ خُرَيْدَةَ لَمَّا كَانَ يَوْمُ حَسْبَرِ أَحَدِ النَّوَاءِ بَوَّكِرٌ فَرَجَعَ وَلَمْ يَفْتَحْ لَهُ، فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْقَبْرِ أَحَدَ عُمَرَ وَسَمِ يَفْتَحْ لَهُ، وَقَتْلَ ابْنِ مُسْلِمَةَ وَرَجَعَ النَّاسُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا دَفْنَ لِيَوْمِي هَذَا إِلَى رَجُلٍ يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، لَنْ يَرْجِعَ حَتَّى يَفْتَحَ عَلَيْهِ فَبِتْنَا طَبِيبَةً أَنْفَسَا أَنْ الْفَتْحَ عَدَا، فَصَلَّى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْعَدَا ثُمَّ دَعَا بِالنَّوَاءِ وَهَامَ فَانْمَا، فَمَا بِنَا مِنْ رَجُلٍ لَهُ مِرْلَةٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِلَّا وَهُوَ يَرْجُو أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ الرَّجُلُ، حَتَّى تَطَارَلَتْ أَسَاحُهَا وَرَفَعَتْ رَأْسِي لِمِرْلَةٍ كَانَتْ لِي مِنْهُ، فَدَعَا عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَهُوَ يَشْتَكِي عَيْنَيْهِ فَمَسَحَهَا ثُمَّ دَفَعَ إِلَيْهِ النَّوَاءَ فَمُتَّحَ لَهُ^۳

۲۸۵۲ كُنْزُ الْعَمَالِ عَنْ أَبِي طَالِحَةَ لَمَّا أَصْبَحَ النَّبِيُّ ﷺ

۲۸۵۰ كُنْزُ الْعَمَالِ - به نقل از عبد الله بن ابی اوفی :- در روز یست رصوان، تعداد ما هزار و چهل و چهار صد یا هزار و سیصد نفر بود و قبیله اسلم در آن روز، یک هشتم مهاجران بودند

۶/۵ جنگ خیبر

قرآن

«چون به [قصد] گرفتن عنایم روانه شدید، به زودی برخی ماندگان خواهند گفت: بگذرید ما [هم] به دنبال شما بیاییم. [این گونه] می‌خواهند دستور خدا را دگرگون کنند بگو، هرگز باین ما نخواهید آمد. آری، خدا از پیش درباره شما چنین فرموده. پس به زودی خواهد گفته [به،] بلکه بر ما رشک می‌پزند [به،] چنین نیست» [بلکه جز اندکی در نمی‌یابند].

حدیث

۲۸۵۱ كُنْزُ الْعَمَالِ - به نقل از خریده - در روز حسبر، ابو بکر، پرچم را گرفته افتادون آن که مرفوف، فتح شد، برگشت. روز بعد، عمر پرچم را گرفت و او هم ساکام برگشت و این سلمه کشته شد و مردم (مسلمانان) برگشتند.

پیامبر خدا، فرمود: هر آیه، این پرچم را به کسی حواهم داد که خدا و پیامبرش را دوست دارد و خدا و پیامبرش نیز او را دوست دارند و هرگز بر نمی‌گردد تا پیروزی نصیبش شود. ما آن شب را خوش حال از این که فردا روز پیروزی است، به صبح رساندیم. پیامبر خدا، نماز صبح را خواند و آن گاه، پرچم را خواست و از جا بلند شد. هر یک از ما که نزد پیامبر خدا منزلتی داشت، امیدوار بود که آن مرد لو باشد. حتی من به جهت منزلتی که نزد پیامبر ﷺ داشتم، گردن کشیدم و سرم را بالا گرفتم؛ اما پیامبر خدا، علی بن ابی طالب را صدا زد. علی ﷺ مبتلا به چشم درد بود. پیامبر خدا، دستی بر چشم او کشید و آن گاه پرچم را به وی سپرد و پیروزی نصیب او شد.

۲۸۵۲ كُنْزُ الْعَمَالِ - به نقل از ابو طالحه :- وقتی پیامبر ﷺ

۱ كُنْزُ الْعَمَالِ ج ۱ ص ۴۸۰ ص ۳۱۵۰

۲ الفتح ۱۵

۳ كُنْزُ الْعَمَالِ ج ۱ ص ۴۶۳ ج ۳۱۲۰

خَبِيرٌ وَقَدْ أَحَدُوا فُسَاجِيَهُمْ^۱ وَمَكَاتِلَهُمْ وَغَدَاوَا عَلَى حُرُوبِهِمْ، فَلَمَّا رَأَوْا النَّبِيَّ ﷺ مَعَ الْخَمِيسِ نَكَصُوا مُدْبِرِينَ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، حَرَبٌ خَبِيرٌ، إِنَّا إِذْ تَرَلْنَا بِسَاحَةِ قَوْمٍ قَسَاءَ صَبَاحِ الْمُدَّةِ^۲ يَنْ

۷/۵ غزوة مؤتة

۲۸۵۳ الأمانی بطوسی عن محمد بن شهاب الزهري ثنا قديم جعفر بن أبي طائب عن أبيه عن بلال الحبشي عن رسول الله ﷺ إلى مؤتة، واستعمل على الجيش معه زيد بن حارثة وعبد الله بن رواحة فمضى الناس معهم حتى كانوا بأحوم البقاء، فلحقهم حشوع هرام من الروم والعرب فاجار المسلمون إلى قرية يقال لها مؤتة فالتقى الناس عسدها، واستموا فتالاً شد يد^۳

۸/۵ غزوة الفتح

الكتاب

﴿وَقُلْ حَاءَ الْحَقُّ وَرَهَقَ الْعَظْلُ ابْنُ الْعَظْلِ كَرِ رَهَقًا﴾^۱

الحديث

۲۸۵۴ الإمام الرضا عليه السلام عن أمانه عليه السلام دخل رسول الله ﷺ يوم فتح مكة والأصنام حول الكعبة، وكانت ثلاثمائة

۱ السحري جمع مسحاء، وهي المجرفة من الحديد والحديد
الثقة، لأنه من السحر الكسب والإزالة (الطهارة ج ۱ ص ۳۲۸)

۲ كنز العمال ج ۱۰ ص ۱۶۵ ح ۲۰۱۲۵

۳ الأمانی بطوسی ص ۱۶۱ ح ۲۲۰

۴ الإسماء ۸۱

به خیبر رسید، اهالی خیبر با بیل و رسیل های خود برای رقت به هزار عشاں بیرون آمدند و چون پیامبر ﷺ و سپاه او را دیدند، برگشتند و فرار کردند پیامبر خدا هرمود: «الله اکبر، الله اکبر» خیبر ویران شد (سقوط کرد) ما هرگاه در میدان قومی فرود آییم، بیم داده شدگان، صبح بدی خواهند داشت»

۷/۵ جنگ مؤتة

۲۸۵۳ الأمانی، طوسی - به نقل از محمد بن شهاب زهري - هنگامی که جعفر بن ابی طالب از سرزمین حشیه برگشت، پیامبر خدا، او را به سوی مؤتة گسیل داشت و در کار او زيد بن حارثه و عبد الله بن رواحه را نیز به فرماندهی سپاه گذاشت ﴿چنانچه جعفر کشته شود، زيد، فرماندهی رانۀ عهدۀ بگیرد و اگر زيد هم کشته شد، عبد الله فرمانده شود﴾ مسلمانان به راه افتادند تا به سرزمین تلقا رسیدند و در آن جا با لشکریان رومی و عرب هزقل، روبرو شدند. مسلمانان، خود را به نادانی ای به نام مؤتة کشیدند و در آن جا میان دو سپاه، جنگ در گرفت و مسلمانان به سختی جنگیدند

۸/۵ جنگ فتح مکة

قرآن

﴿وَبِكُوْنِ الْحَقِّ آمَدٌ وَبِاطِلٌ نَابِرٌ شَدَّ أَرَى، بَاطِلٌ، هَوَارِءٌ

نابودشدنی است﴾

حدیث

۲۸۵۴ امام رضا علیه السلام - به نقل از پدرانش علیهما السلام - روزی که پیامبر خدا، مکۀ را فتح کرد، بتها که تعدادشان

وَيَسْتَنِينَ ضَمْعًا، فَجَعَلَ يَطْفَعُهَا بِمِخْضَةٍ فِي يَدِهِ
وَيَقُولُ ﴿حَاقَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ
رَهُوقًا﴾، جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُدِئُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ
فَجَعَلَتْ تُكَبُّ لَوَجْهَهَا^۱

سپید و شصت عدد بود، پیرامون کعبه نصب
شده بودند. ایشان با چوبی که در دستش بود، به
آنها می‌زد و می‌فرمود ﴿حق آمد و باطل نابود شد، به
راستی که باطل نابود شدی استحقاق آمد و باطل، دیگر آغاز
نمی‌شود و بر نمی‌گردد﴾

در این هنگام، بت‌ها یکی یکی به رو در
می‌افتادند.

۲۸۵۵ کمر العقال - به نقل از زُهری، از یکی از خاندان
عمر، از عمر بن خطاب: چون روز فتح شد و
پیامبر خدا به مکه در آمد، در پی صفوان بن امیه و
ابو سحیان بن حرب و حارث بن هشام فرستاد، من
بر خودم گفتم: خدا، آنها را به جنگ ما انداخت
میرای اعمالشان را به آنها حواهم چشاند. اما
پیامبر خدا، به امان فرمود، «من، امروز به شما
همانی را می‌گویم که یوسف به برادرانش گفت،
﴿امروز، ملائقی بر شما نیست، خدا را ببخشاید که او
مهربان‌ترین مهربانان است﴾

من از این که چنان فکری در فکرم گذشت و
پیامبر خدا به آنها چنان گفت، از پیامبر خدا
شرمند شدم.

۲۸۵۶ کمر العقال - به نقل از ابی مریم سلولی - در
روز فتح مکه که جلوس قربانی‌ها را گرفته بودند، به
حضور پیامبر خدا رسیدم، حارث بن هشام نزد
ایشان آمد و گفت: ای محمد! مثنی فرومایه و
لومش آوردی که به کعبه، آنها با ما بیچگی؟

پیامبر خدا به او فرمود: «خاموش! اینها بهتر از
تو و هم‌مسلکان تو هستند، ایشان به خدا و فرستاده
او ایمان دارند».

۲۸۵۵ کمر العقال عن الزهري عن بعض آل عمر عن
عمر بن الخطاب لما كان يوم الفتح ورسول
الله ﷺ بمكة، أرسل إلى صفوان بن أمية وإلى أبي
سحيان بن حرب وإلى الحارث بن هشام، قال عمر
فقلت قد أمكن الله بينهم لأعرفتهم بما صنعوا، حتى
قال رسول الله ﷺ عثلي وتثلكم كما قال يوسف
لإخوته ﴿لا تثريب عليكم اليوم يغفر الله لكم وهو
أرحم الراحمين﴾^۲، قال عمر: فاصصحت حياء من
رسول الله ﷺ كراهية أن يكون يذربني وقد قال لهم
رسول الله ﷺ ما قال^۱.

۲۸۵۶ كمر العقال عن أبي مریم السلولى شهد
رسول الله ﷺ يوم فتح مكة والهدى معكوما، فجاءه
الحارث بن هشام فقال يا محمد، چشتا یا وياش من
أوباش الناس نحائلكم بهم؟ فقال له رسول الله ﷺ
أسكت، هؤلاء خير منك ومن أحد بأحدك، هؤلاء
يؤمنون بالله ورسوله^۳.

۱. من المصدر، تكتيب لوجهاء والصحيح ما أئتمناه في
بحار الأنوار

۲. الأماشي للطوسي، ص ۳۲۷ ج ۶۸۳

۳. بوسلف ۹۲

۴. كمر العقال ج ۱۰ ص ۴۹۸ ج ۳۰۱۵۸

۵. كمر العقال ج ۱۰ ص ۵۰۳ ج ۳۰۱۶۹

۹/۵. غَزْوَةُ حُصَيْن

الكتاب

﴿لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي فَوَاطِرٍ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُصَيْنٍ إِذْ أَعَجَبْتُمْ كَثْرَتَكُمْ فَلَمْ تُغْفِرْ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَافَتْ عَنْكُمْ الْأَرْضُ بِمَا رَحِمَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ ثُمَّ أَمَرَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَسَى الْمُؤْمِنِينَ أَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ثُمَّ يَلُوثُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^۱

الحدث

۲۸۵۷ م کبر العتال عن أبي إسحاق قال رجل للبراء بن عازب: كُنْمْ وَلَيْسَ يَوْمَ حُصَيْنٍ يَا أَبَا مَرْثَدَةَ؟ قَالَ أَشْهَدُ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ مَا وَلِيَ، وَلَكِنْ انْطَلَقَ أَحِبَاءُ مِنْ الْأَنْبِيَاءِ وَخَشِرَ إِلَى هَذَا النَّعْتِ مِنْ حِوَارٍ وَهُمْ قَوْمٌ رُمَاةٌ قَرَّبُوهُمْ بِرَشْقٍ مِنْ سَبِيلِ كَاتِبِهَا رَجُلٌ مِنْ جَرَادٍ فَانْكَشَفُوا، فَأَقْبَلَ الْقَوْمُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَأَبُو سَعْيَانَ بْنِ الْحَارِثِ يَمُودُ بَعْلَتَهُ، فَزَلَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَاسْتَحْزَرَ وَدَعَا وَهُوَ يَقُولُ

أَبَا النَّبِيِّ لَا كَذِبْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ عَبْدَ الْمُطَّلِبِ

اللَّهُمَّ أَمِرْ بِنَصْرِكَ. قَالَ: وَاللَّهِ إِذَا احْمَرَّتِ النَّفْسُ تَنْفِي

بِهِ، وَبِهِ الشُّجَاعُ الَّذِي يُحَادِي بِهِ^۲

۱ النور ۲۵-۲۷

۲ هكذا في المصدر، والصحيح لي كتيبه وأبو عمدة، (مجمع

تدقيقه ج ۱ ص ۳۶۲ والاستيعاب ج ۱ ص ۳۳۹

۳ كبر العتال ج ۱ ص ۵۳۹ ح ۲۰۲۰۶

۹/۵. جنگ حُصَيْن

مرآن

﴿قطعاً خداوند شما را در مواضع بسیاری یاری کرده است، و [بر] در روز حُصَيْن، آن هنگام که شمارِ فِرَوَاحِثِ شما را به شکست آورده بود ولی به هیچ وجه از شما دفع [خطر] نکرد، و زمین با همه فراخی بر شما سنگ گردید. سپس در حالی که پشت به دشمن کرده بودید، برگشتید. آن گاه خدا آرامش خود را بر فرستاده خود و بر مؤمنان فرود آورد و سپاهانی فرو فرستاد که آنها را می‌دیدید، و کسانی را که کفر ورزیدند عذاب کرد و سزای کافران، همین بود. سپس خدا بعد از این [واقعه]، توبه هر کس را بخواهد می‌پذیرد و خدا آمرزنده مهربان است﴾

حدث

۲۸۵۷ م کبر العتال - به سقر از ابو اسحاق - مردی به یونس گفت ای ابو مازنه! آیا در جنگ حُصَيْن گریختید؟ او گفت: گواهی می‌دهم که پیامبر ﷺ نگریخت؛ بلکه مسلمانان، شان و سوره به سون اس جره هوارن، که مردمانی تیرانداز بودند، رهسپار شدند. بان، مسلمانان را تیرباران کردند، به طوری که اسب‌ها پیرهای آنان، همچون هجوم دسته‌های منح بود. لذا مسلمانان پراکنده شدند و گریختند. دشمن به طرف پیامبر حمله هجوم آوردند، در حالی که ابو سعید بن حارث، لگام اسبش را گرفته بود. پیامبر خدا، ر اسبش فرود آمد و از خداوند، طلب نصرت کرد و دعا نمود و می‌گفت:

«یا پیامبر هتم و این، دروغ نیست

من پور عبد المطلبم

خدا یا! نصرت و یاریات را فرو فرست!

براه می‌گردد. نه حمله سوگند، هر گاه جنگ شدت

می‌گرفته، ما خود را در پناه پیامبر ﷺ قرار می‌دادیم و

کسی که به موارد او می‌پیوست، به راستی شجاع بود.

در مصادر پیش آمده، لیکن کتبه صحیح او چنان که در آمد

العبیه (معه)، ابو عمدة، است

الْبَابُ الثَّانِي

أَفْضَلُ الْمَكَانَةِ لِلْعِبَادَةِ

الفصل الأول: مكة

۱/۱ فضل مكة

الكتاب

«رُفِعَتْ أَيْتِي أَسْكَنْتُ مِنْ دُرِّيْنِ بَوْلٍ غَيْرِ ذِي رُجْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْحَرَامِ رِثًا لِيَتَّبِعُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْعَدًا مِنْ النَّاسِ يَهْوَى إِلَهُهُمْ وَارْزُقْهُمْ مِنْ فَائِزَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ»^۱

الحديث

۲۸۵۸ رسول الله ﷺ إِنَّ فِيهِ غُرُوحًا جِبَارًا مِنْ كُلِّ مَا جَلَعَهُ مَا مَا جِبَارَةً مِنَ الْبَاعِ فَمَكَّةُ وَالْمَدِينَةُ وَبَيْتُ الْمُقَدَّسِ^۲

۲۸۵۹ عنه ﷺ - مُخَاطَبًا مَكَّةَ -: مَا أَطْيَبُكَ مِنْ بَلَدٍ أَحَبَّكَ إِلَيَّ أَوْ لَوْلَا أَنَّ قَوْمِي "حَرَجَوِي" يَمْلِكُ مَا مَسَكْتُ حَقِيرًا^۳.

۲/۱ أَمِنْ كُلِّ خَائِفٍ دَخَلَ الْحَرَمَ

الكتاب

«وَالْقِيَّ وَالزُّيْتُونَ * وَطُورِ سَيْبِينَ * وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ»^۴

۱ إِبْرَاهِيمَ ۲۷

۲ التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام ص ۲۶۱ ح ۳۷۶

۳ سنن الترمذي ج ۵ ص ۷۲۳ ح ۳۹۲۶

۴ النبی ۱-۳

باب ششم

بهترین مکان برای عبادت

فصل یکم: مكة

۱/۱، توحش مكة

قرآن

«پروردگارا من [یکی از] فرزندانم را در دژهای بی‌بکشت، برد خانه محترم تو، سکونت دادم - پروردگارا - با ساز را به پا دارم پس، دل‌های برخی از مردم را به سوی آمدن گریزش ده و آن‌را رانز محصورات [مورد نیازش] راوری ده، باشد که سپاس‌گرایی کنند»

حديث

۲۸۵۸. پیامبر خدا ﷺ خداوند ﷻ از هر چه آمریده است، بسرگرفته‌ای دارد... و بسرگرفته او از سرزمین‌ها مكة، مدینه و بیت المقدس اند.

۲۸۵۹. پیامبر خدا ﷺ - خطاب به مكة -: چه شهر پاکی هستی و چه قدر نزد من محبوبی اگر بود که قوم من، مرا از تو بیرون کردند، در جایی جز تو ساکن نمی‌شدم

۲/۱ در آملان مودنی هر فرستانی که وارد آن شود

قرآن

«سروگند به [کوه] تیس و زیتون و طور سینا و این شهر

اس»

الحديث

۲۸۶۰ رسول الله ﷺ: لَا لَحْمَ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ عَنِ مَنْ حَدَّثَتْ فِي الْإِسْلَامِ حَدَّثًا، يَمْسِي يُحْدِثُ فِي الْجِلِّ فَيَنْجَأُ إِلَى الْحَرَمِ فَلَا يُؤْوِيهِ أَحَدٌ، وَلَا يَنْصُرُهُ، وَلَا يُصَفِّهُ، حَتَّى يَحْرُحَ إِلَى الْجِلِّ فَيَقَامَ عَلَيْهِ الْحَدُّ ۱

۳/۱. حُرْمَةُ نَقْضِ أَمْرِ الْحَرَمِ

الكتاب

﴿وَأَقْبَلُوا فِي حَيْثُ شِئْتُمْ مِنْهُمُ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجْتُمْ وَالْفَتْنَةُ أَمْدٌ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تَقْبَلُوا مِنْهُمُ الْمُعْجِدَ الْحَرَامَ حَتَّى يُهْجَلُوا عَلَيْهِ فَإِنْ قَبِلْتُمْ فَلَا تَقْبَلُوا مِنْكُمْ كَذَلِكَ حَرَّمَ الْكَافِرِينَ ۲﴾

الحديث

۲۸۶۱ رسول الله ﷺ: يَوْمَ فَتَحَ مَكَّةَ - يَوْمَ فَتَحَ حَرَمَ مَكَّةَ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ، وَهِيَ حَرَمٌ إِلَى أَنْ تَعْمُ السَّاعَةُ، لَمْ تَجَلْ لِأَحَدٍ عِلاَّيَ وَلَا تَجَلْ لِأَحَدٍ بَعْدِي، وَلَمْ تَجَلْ لِي إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ ۳

۴/۱. حُرْمَةُ الصَّيْدِ وَنَزْعِ شَجَرِ الْحَرَمِ

۲۸۶۲ رسول الله ﷺ: الْحَرَمُ لَا يُحْتَلَى خِلَاءً، وَلَا يُعَصَدُ شَجَرُهُ وَلَا شَوْكُهُ، وَلَا يُفَرَّ صَيْدُهُ فَمَنْ أَصْبَحَ أَوْ لَيْلَى أَوْ عَصَدَ الشَّجَرَ أَوْ فَرَّ الصَّيْدَ فَقَدْ حَلَّ لَكُمْ مِنْهُ وَأَنْ تَوْجِعُوهُ طَهْرُهُ بِمَا اسْتَحَلَّ فِي الْحَرَمِ ۴

۱. المصنوعات ص ۷۱ ۲. البيرة، ۱۹۱

۳. المصنوعات ج ۴ ص ۲۲۶ ح ۴

۴. المصنوعات ص ۷۱

حديث

۲۸۶۰ پیامبر خدا ﷺ: آگه باشید! لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر کسی که در اسلام، چیرگی پدید آورد (جایی کند)، یعنی در محدوده حل، جرمی مرتکب شود و آن گاه به حرم پهنده شود پس کسی او را پنهان نهد و ناری نکند و مهمان نکند تا آن که از حرم به حل بیرون آید آن گاه بر او حد جاری می شود.

۳/۱. ممنوعیت از بین بردن ایمنی حرم

قرآن

«و هر کجا بر ایشان دست یافتید، آنان را بکشید و همان گویه که شما را بیرون رانند، آنان را بیرون برانید، [چرا که] [فتنه (شُرک) از قتل بدتر است] [با این همه] در کنار مسجد الحرام با آنان جنگ نکنید مگر آن که با شما در آن جا به جنگ در آید، پس اگر با شما جنگید، آنان را بکشید، که کفر کافران، چنین است»

حديث

۲۸۶۱. پیامبر خدا ﷺ: در روز فتح مکه -: خداوند، روری که آسمانها و زمین را آفرید، مکه را حرام ساخت و تا برپایی قیامت سیر حرام است و آن برای هیچ کس پیش از من، حلال نشده و برای هیچ کس پس از من نیز حلال نخواهد شد و برای من، جر ساعتی از یک روز، حلال شده است.

۴/۱. ممنوعیت شکار و کندن درخت در حرم

۲۸۶۲ پیامبر خدا ﷺ: گیاه حرم، چیده نمی شود و درخت حرام آن، قطع نمی شود و شکارش زمانده نمی شود. پس، هر که را دیدید که گیاه حرام را چیده یا درختش را قطع کرده یا شکارش را رسانده است، برای شما رواست که با سرایش بگویید، یا پشت او را در حلقی که در حرم، حلال است. به درد آورید.

۵/۱. أَذْبُ دُخُولِ مَكَّةَ

۵/۱. آداب ورود به مکه

۲۸۶۳ سنن الترمذی عن ابن عمر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: إِغْتَسَلَ النَّبِيُّ ﷺ لِدُخُولِهِ مَكَّةَ بِحُجٍّ^۱

۲۸۶۳ سنن الترمذی - به نقل از ابن عمر - . پیامبر ﷺ برای ورود به مکه، در فتح، غسل کرد.

الفصل الثاني. بيت الله وما يتعلق به

فصل دوم: خانه خدا و متعلقات آن

۱/۲ فَضْلُ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ

۱/۲ فضیلت مسجد الحرام

۲۸۶۴ رسول الله ﷺ أَعْظَمُ الْمَسَاجِدِ حُرْمَةً وَأَحَبُّهَا إِلَيَّ اللَّهُ وَأَكْرَمُهَا عَلَى اللَّهِ تَعَالَى، الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ.^۲

۲۸۶۴ پیامبر خدا ﷺ: محترم‌ترین، محبوب‌ترین و گرامی‌ترین مساجد نزد خداوند، مسجد الحرام است.

۲۸۶۵ عَنْهُ ﷺ قَوْلُ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ عَلَى مَسْجِدِي كَقَوْلِ مَسْجِدِي عَلَى الْمَسَاجِدِ^۳

۲۸۶۵ . پیامبر خدا ﷺ: برتری مسجد الحرام بر مسجد من، همچون برتری مسجد من بر مساجد دیگر است.

۲/۲ فَضْلُ الصَّلَاةِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ

۲/۲. کُضِبَتْ نَمَازٌ فِي مَسْجِدِ الْحَرَامِ

۲۸۶۶ رسول الله ﷺ فَضْلُ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ عَلَى مَسْجِدِي هَدِ مِنْهُ صَلَاةٌ^۴

۲۸۶۶ . پیامبر خدا ﷺ: برتری مسجد الحرام بر این مسجد من، هدی نماز است.

۲۸۶۷ عَنْهُ ﷺ صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا أَفْضَلُ مِنِ الْبَيْتِ صَلَاةٍ فِيمَا بَنُوهُ مِنَ الْمَسَاجِدِ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ، وَصَلَاةٌ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَهْلٌ مِنْ مِثْلِهِ صَلَاةٌ فِي هَذَا^۵

۲۸۶۷ . پیامبر خدا ﷺ: یک نماز در مسجد من، برتر از هزار نماز در مساجد دیگر است، مگر مسجد الحرام. یک نماز در مسجد الحرام، از صد نماز در این (مسجد من) برتر است.

۳/۲ فَضْلُ الْبَيْتِ

الكتاب

۳/۲ فضیلت کعبه

﴿إِنْ أُولَ نَيْتٍ وَضَعِ لِلنَّاسِ لَئَلْ يَظُنُّوا غَيْرَ مَا وَهَدَى

قرآن

﴿در حقیقت، نهستی خانه‌ای که برای [عبادت] مردم،

۱ سنن الترمذی ج ۳ ص ۲۰۸ ح ۸۵۲

۲ المستدرک علی الصحیحین ج ۴ ص ۵۳۰ ح ۸۴۹۰

۳ انصار مکه للأزرقی ج ۲ ص ۶۱

۴ انصار مکه للأزرقی ج ۲ ص ۶۱

۵ سنن ابی حنبل ج ۵ ص ۱۵۲ ح ۱۶۱۱۷

تَمَیِّزُ^۱.

الحدیث

پهنه شده. همان نیست که در سگه است و مبارک و برای

جهانیان، [بایه | هدایت است].

حدیث

۲۸۶۸. پیامبر خدا ﷺ: گسرامی ترین خانه ها بر روی زمین، چهار خانه است. کعبه، بیت المقدس،

خانه ای که در آن قرآن بخوانند، و مساجد.

۲۸۶۹. پیامبر خدا ﷺ: وقتی کعبه را طواف کرد و به رُکْنِ یَمَاسِی رسید، پس از آن که سرش راه سوی کعبه بلند کرد... ستایش، هدای را که تو را شرافت و عظمت بخشید و مرا به پیامبری برانگیخت و منی را امام قرار داد. هدایا بهترین بدگانت را به سبزی آن ره سبزه باش و آن را از بدگنان بد خویش دور بدار.

۲/۲. خلی کدانشتر مطاف برای طواف واحد

۲۸۷۰. پیامبر خدا ﷺ: به اهل مکه و محاوران برسانید که طواف و حجر الأسود و مقام ابراهیم و صعب اول را از روز بیستم دی قعد، تا روز خروج، برای خججاج، واگذارند.

۵/۲. جلوگیری نکردن از طواف و نماز در هیچ حال

۲۸۷۱. پیامبر خدا ﷺ: ای هر مردمان عبد منافع! از هیچ کس که می خواهد برگردد این خانه طواف کند و نماز بخواند، در هر ساعتی از شب و روز که می خواهد، جلوگیری نکنید.

۲۸۶۸ رسول الله ﷺ أَكْرَمُ الْبُيُوتِ عَلَيَّ وَحْدَهُ لِأَرْضِ أَرْبَعَةِ الْكَعْبَةِ، وَبَيْتِ الْمَقْدِسِ، وَبَيْتُ يَمْعُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَالْمَسَاجِدُ^۲

۲۸۶۹ عنه ﷺ - عَسَدَمَا طَافَ بِالْكَعْبَةِ حَتَّى يَدْخُلَ الرُّكْنَ الْيَمَامِيَّ رَفَعَ رَأْسَهُ بَنَى الْكَعْبَةَ - الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَعَظَّمَكَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَقِيَ نَبِيًّا وَجَفَلَ عَيْتُ إِمَامًا، أَنَلَهُمْ هِدْيَةً حَيَارَ خَلْقِكَ وَجَبَّ شَرَارَ خَلْقِكَ^۳

۱/۲ فَحَلِيَّةٌ لِلْمَطَافِ لَطَوَافِ الْغُرَبَةِ

۲۸۷۰ رسول الله ﷺ أَلْبَحُوا أَهْلَ مَكَّةَ وَالْمُحَافِرِينَ أَنْ يُحَلُّوا بَيْنَ الْحُجَّاجِ وَبَيْنَ الطَّوَّافِ وَالْحَجَرِ الْأَسْوَدِ وَمَقَامِ إِبْرَاهِيمَ وَالصَّفِّ الْأَوَّلِ، مِنْ عَشْرِ ثَلَاثِي مِنْ دِي الْقَعْدَةِ إِلَى يَوْمِ الصُّبْرِ^۴

۵/۲. النَّهْيُ عَنْ مَنَعَ الطَّوَّافِ وَالصَّلَاةِ مُطْلَقًا

۲۸۷۱ رسول الله ﷺ يَا بَنِي عَبْدِ مَنَافٍ، لَا تَمْنَعُوا أَحَدًا طَافَ بِهَذَا الْبَيْتِ وَصَلَّى أَيْمَةَ سَاعَةٍ شَاءَ مِنْ النَّهْلِ وَالنَّهَارِ^۵

۱ آل عمران ۹۶

۲ الاثنا عشرية في المواعظ للعبدية ص ۱۵۸

۳ التكاثر ج ۱ ص ۱۰۱ ح ۱۹

۴ الظفر و ص ج ۱ ص ۹۹ ح ۳۲۵

۵ سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۳۹۸ ح ۱۲۵۱

۶/۲. الْحَجَرُ الْأَسْوَدُ

۲۸۷۲. رسول الله ﷺ الْحَجَرُ يَمِينُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، فَمَنْ مَسَحَ مَسْحَهُ مَسَحَ يَدَهُ^۱

۲۸۷۳. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ. الْحَجَرُ يَمِينُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ، فَمَنْ مَسَحَ يَدَهُ عَلَى الْحَجَرِ فَقَدْ بَايَعَ اللَّهَ أَنْ لَا يَعْبُدَ^۲

۲۸۷۴. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْحَجَرُ الْأَسْوَدُ مِنْ حِجَابِ الْحَيَّةِ^۳

۷/۲. الْمُلتَزِمُ

۲۸۷۵. رسول الله ﷺ مَا دَعَا أَحَدٌ بِشَيْءٍ فِي هَذَا الْمُلتَزِمِ إِلَّا اسْتُجِيبَ لَهُ^۴

۲۸۷۶. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمُلتَزِمُ مَوْجِعٌ يُسْتَجَابُ فِيهِ الدُّعَاءُ، وَمَا دَعَا عَبْدُ اللَّهِ دَعْوَةً إِلَّا اسْتَجَابَهَا^۵

۲۸۷۷. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ نِصْنُ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ الْمُلتَزِمِ. مَا يَدْعُو بِهِ صَاحِبُ عَاهِدِهِ إِلَّا يَرَى^۶

۸/۲. الرُّكْنُ الْيَمَانِيُّ

۲۸۷۸. أَخْبَارُ مَكَّةَ يُلْقُونَ عَنْ غُطَاءِ قَيْلٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ، زَأْمُكَ تَكْثِيرُ اسْتِغْلَامِ الرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ؛ فَقَالَ مَا أَتَيْتُ عَلَيْهِ قَطُّ إِلَّا وَجَبْرُئِيلُ قَائِمٌ عِنْدَهُ يَسْتَغْفِرُ لِمَنْ اسْتَلَمَهُ^۷

۲۸۷۹. الْإِمَامُ الْمَافِرُكَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا يَسْتَقْدِمُ إِلَّا

۶/۲. حَجَرُ الْأَسْوَدِ

۲۸۷۲. پیامبر خدا ﷺ حَجَرُ الْأَسْوَدِ، دَسْتِ حِلْدَا در زمیں است. هر که آن را لمس کند، دَسْتِ حِلْدَا را لمس کرده است.

۲۸۷۳. پیامبر خدا ﷺ حَجَرِ، دَسْتِ حِلْدَا در زمیں است. هر که دَسْتِ حِلْدَا را بر آن نکشد، با حِلْدَا بیعت کرده که او را باقر مانی نکند.

۲۸۷۴. پیامبر خدا ﷺ: حَجَرُ الْأَسْوَدِ، از سنگ‌های بهشت است.

۷/۲. مُلتَزِم

۲۸۷۵. پیامبر خدا ﷺ هیچ کس در این مُلتَزِمِ چیری از خدا نخواست، مگر آن که اجابت شد

۲۸۷۶. پیامبر خدا ﷺ: مُلتَزِم، جایی است که دعا در آن پذیرفته است و هیچ بدمای چیری از خدا نخواست، مگر آن که آن را پذیرفت.

۲۸۷۷. پیامبر خدا ﷺ: میان رُکْن و مقام، مُلتَزِم است. هیچ دردمندی آن جا دعا نمی‌کند، مگر آن که بهبودی می‌یابد.

۸/۲. رُکْنُ الْيَمَانِيِّ

۲۸۷۸. اخبار مکه، از روی غطاء قیل: یا رسول الله، زَأْمُكَ تَكْثِيرُ اسْتِغْلَامِ الرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ؛ فَقَالَ مَا أَتَيْتُ عَلَيْهِ قَطُّ إِلَّا وَجَبْرُئِيلُ قَائِمٌ عِنْدَهُ يَسْتَغْفِرُ لِمَنْ اسْتَلَمَهُ

۲۸۷۹. امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا ﷺ، حجر رُکْنِ حَجَرِ الْأَسْوَدِ بسیار بر رُکْنِ یَمَانِی دست می‌گشتی، فرمود: هرگز بر رُکْنِ یَمَانِی نیامدم، مگر آن که خبر نیل کنار آن پستانه بود و برای هر که آن را لمس می‌نمود طلب آمرزش می‌کرد.

۲۸۷۹. امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا ﷺ، حجر رُکْنِ حَجَرِ الْأَسْوَدِ

۱. جامع الأحادیث للفتی ص ۷۱

۲. الفردوس ج ۲ ص ۱۵۹ ح ۲۸۰۷

۳. المسالك الكبرى ج ۵ ص ۱۲۲ ح ۹۳۱

۴. الفردوس ج ۴ ص ۹۱ ح ۶۹۲

۵. إتحاف السادة ج ۱ ص ۲۵۱

۶. المعجم الكبير ج ۱۱ ص ۲۵۱ ح ۱۱۸۷۲

۷. أخبار مكة للاردق ج ۱ ص ۳۳۸

الرَّكْنَ الْأَسْوَدَ وَالْوَمَائِيَّ، ثُمَّ يُسْقِلُهُمَا وَيَصْغُ حِدَّةً عَلَيْهِمَا، وَرَأَيْتُ أَبِي يَعْمَلُهُ ١

۹/۲ زمزم

۲۸۸۰. رسول الله ﷺ ماء زمزم دواء لما شرب له. ٢

۲۸۸۱ الإمام الجافریؑ كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يَسْتَهْدِي بِسَ مَاءِ زَمْرَمَ وَهُوَ بِالْمَدِينَةِ ٣

۱۰/۲ فَصْلُ النَّظَرِ إِلَى السَّيِّئِ

۲۸۸۲ رسول الله ﷺ انْظُرْ إِلَى الْكَعْبَةِ عِبَادَةً ٤

۲۸۸۳ عَنْهُ ﷺ انْظُرْ إِلَى الْكَعْبَةِ حُبًّا لَهَا عِبَادَةً، وَيَهْدُمُ الْخَطَايَا هَدْمًا ٥

۲۸۸۴ عَنْهُ ﷺ تَنْفَعُ أَسْوَدُ السَّمَاءِ وَيُسْحَتُ الدُّعَاءُ فِي أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ وَعَدَّ زَوْجَهُ الْكَعْبَةَ ٦

۱۱/۲ تَحْوِيلُ الْقَبْلَةِ

الكتاب

«سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّيْنَاهُمْ عَنْ قِبْلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لَّيْلَةُ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ يَهْدِي مِنَ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» ٧

الحديث

۲۸۸۵. مجمع البیان عن علی بن ابراهیم باسناده عن

١ الکافی ج ۱ ص ۱۰۸ ح ۸

٢ المحاسن ج ۲ ص ۲۹۹ ح ۲۳۹۵

٣ تهذیب الأحکام ج ۵ ص ۴۷۱ ح ۱۶۵۷

٤ کنز العمال ج ۱۲ ص ۱۹۷ ح ۳۱۴۴۷

٥ جامع الأحادیث للقمی ص ۱۲۶

٦ المعجم الکبیر ج ۸ ص ۱۶۹ ح ۷۷۱۳

٧ البقرة ۱۴۲

و رُكْنَ يَمَانِيٍّ ر لِمَسَّ يَمِيٍّ كَرَد. سپس این دو رُكْنَ ر می نوسید و صورت بر آنها می گذاشت. پلرم را ببر دیدم که چنین می کرد

۹/۱ زمزم

۲۸۸۰ پیامبر خدا ﷺ: آب زمزم، شعای هر دردی است که به خاطر آن نوشیده شود

۲۸۸۱ امام جافریؑ پیامبر خدا، وقتی در مدینه بود، درخواست می نمود که از آب زمزم بریش هدیه بیاورند.

۱۰/۲ فصیل نگاه کردن به کعبه

۲۸۸۲ پیامبر خدا ﷺ نگاه کردن به کعبه، عبادت است

۲۸۸۳ ﷺ نگاه کردن به کعبه از روی محبت به آن، عبادت است و خطاها را کاملاً از بین می برد

۲۸۸۴ پیامبر خدا ﷺ در چهار مورد، درهای آسمان، گشوده می شوند و دعا مستجاب می گردد؛ و هنگام دیدن کعبه

۱۱/۲ تغییر قبله

قرآن

«به رودی، مردم کم جرد خواهند گفت: چه چیز آنان را از قبله ای که بر آن بودند، روی گردان کرد؟»، بگو «مشرق و مغرب، از آن خداست، هر که را بخواهد، به راه راست، هدایت می کند»

حدیث

۲۸۸۵ مجمع البیان - از علی بن ابراهیم، به اسنادش از امام صادقؑ - تغییر قبله به سوی کعبه، پس از

المَدِينَةُ طَيِّبَةٌ^۱

مَدِينَةُ رَا طَيِّبَةُ (پاک) پیامبر.

۲/۳ خَصَائِصُ الْمَدِينَةِ

۲/۳ ویژگی‌های مدینه

- ۲۸۸۸ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِكُلِّ نَبِيٍّ حَرَمٌ، وَحَرَمِي الْمَدِينَةُ^۲
 ۲۸۸۹ عَنْهُ ﷺ الْمَدِينَةُ مُهَاجِرِي وَمَصْجَعِي فِي الْأَرْضِ
 حَقُّ عَسَى أُنْسِي أَنْ يُكْرِمُوا حِرَاسِي مَا أَجَبُوا
 الْكَبَائِرُ^۳
 ۲۸۹۰ عَنْهُ ﷺ الْمَدِينَةُ فُتَّةٌ لِإِسْلَامٍ، وَدَارُ الْإِيمَانِ
 وَأَرْضُ الْهَجْرَةِ، وَتَوْأُ الْغُلَّابِ وَالْحَرَامِ^۴
 ۲۸۹۱ عَنْهُ ﷺ إِنَّ الْإِيمَانَ لَيَأْتِرُ إِلَى الْمَدِينَةِ كَمَا تَأْتِرُ
 الْحَيَّةُ إِلَى حُجْرِهَا^۵
- ۲۸۸۸ پیامبر خدا ﷺ هر پیامبری را حرمی است
 و حرم من، مدینه است
 ۲۸۸۹ پیامبر خدا ﷺ مدینه، هجرت‌گاه و آرامگاه
 من در زمین است. بر ائمت من است که همسایگانم
 را تا وقتی که از گناهان کبیره پرهیز می‌کنند،
 احترام کند
 ۲۸۹۰ پیامبر خدا ﷺ مدینه، گنبد اسلام و خانه ایمان
 و سرزمین هجرت و حدیگاه حلال و حرام است.
 ۲۸۹۱ پیامبر خدا ﷺ ایمان به مدینه باز می‌گردد،
 آن گونه که مار به لانه خود باز می‌گردد

۳/۳ فَصْلُ الْمَقَامِ فِي الْمَدِينَةِ

۳/۳ فصلت‌القامت بر مدینه

- ۲۸۹۲ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْمَدِينَةُ خَيْرٌ مِنْ مَكَّةَ^۶
 ۲۸۹۳ عَنْهُ ﷺ مَنْ اسْتَطَاعَ أَنْ يَمُوتَ بِالْمَدِينَةِ فَلَيْسَ
 بِأَنْفِي شَفَعَ بِمَنْ مَاتَ بِهَا^۷
 ۴/۳ فَسَجْدَةُ النَّبِيِّ ﷺ
 ۲۸۹۴ صَحِيحُ الْبُخَارِيِّ عَنْ أَنَسٍ قَدِيمٍ نَسِيْتُ ﷺ مَدِينَةَ
 وَأَمَرَ بِسَاءِ الْمَسْجِدِ، فَقَالَ يَا بَنِي النَّخَعِ، ثَابِتُونِي،
 فَلَقَاوَا لَا تَطْلُبُ ثَمَةً إِلَّا إِلَى اللَّهِ فَأَمَرَ بِقُبُورِ
- ۲۸۹۲ پیامبر خدا ﷺ مدینه، بهتر از مکه است.
 ۲۸۹۳ پیامبر خدا ﷺ. کسی که می‌تواند در مدینه
 بمیرد، حسن کند من برای کسی که در مدینه
 بمیرد، شفاعت می‌کنم.

۴/۳ مسجد پیامبر ﷺ

- ۲۸۹۴ صَحِيحُ الْبُخَارِيِّ - بِهِ يَفْعَلُ الرَّأْسُ - پیامبر ﷺ به
 مدینه آمد و دستور ساختن مسجد داد و
 فرموده‌ای بسی بخار قیمت آن را برای من
 حساب کنید.

گفتند بهای آن را جر از حد امنی خواهیم.

پس [پیامبر ﷺ] دستور داد گور مشرکان را

۱. المعجم الكبير ج ۲ ص ۲۳۶ ح ۱۹۸۷
 ۲. سنن ابن حبل ج ۱ ص ۶۸۲ ح ۲۹۲۳
 ۳. المعجم الكبير ج ۲ ص ۲۰۵ ح ۷۰
 ۴. المعجم الاوسط ج ۵ ص ۳۸۰ ح ۵۶۱۸
 ۵. صحيح البخاري ج ۲ ص ۶۶۳ ح ۱۷۷۶
 ۶. المعجم الكبير ج ۱ ص ۲۸۸ ح ۱۱۵۰
 ۷. سنن ابن حبل ج ۲ ص ۳۶۳ ح ۵۴۳۸

الْمُشْرِكِينَ قَتَيْتَ، ثُمَّ بِالْحَرْبِ قُسُوتَ، وَبِالْحِلِّ
تَقَطَّعَ، تَصَفُّوا النَّحْلَ قِبْلَةَ الْمَسْجِدِ

۲۸۹۵ رسول الله ﷺ تَوَيَّيْتُ مَسْجِدِي هَذَا إِلَى صَمْعَاءَ
كَانَ مَسْجِدِي ^۱

۲۸۹۶ عَنْهُ ﷺ صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ
صَلَاةٍ فِيمَا سِوَاهُ، إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ ^۲

۲۸۹۷ عَنْهُ ﷺ صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي تَعْدِلُ جِئْدَ ائِثْمِ عَشْرَةِ
آلَافٍ صَلَاةٍ فِي غَيْرِهِ مِنَ الْمَسَاجِدِ، إِلَّا الْمَسْجِدَ
الْحَرَامَ؛ فَإِنَّ الصَّلَاةَ فِيهِ تَعْدِلُ مِثْلَ أَلْفِ صَلَاةٍ ^۳

کشد، ویرانها و ناهمواری‌ها را هموار کردند،
نحل‌ها را بُریدند و آنها را در سمت قبله مسجد
چیدند

۲۸۹۵ پیامبر خدا ﷺ، اگر این مسجد من تا صمعا
ساخته می‌شد، بار مسجد من بود.

۲۸۹۶، پیامبر خدا ﷺ یک نماز در این مسجد من،
بیشتر از هزار نماز در غیر آن است، مگر مسجد
الحرام.

۲۸۹۷، پیامبر خدا ﷺ نماز در مسجد من، برابر با
ده هزار نماز در مساجد دیگر است، مگر مسجد
الحرام که نماز در آن، با صد هزار نماز، برابری
می‌کند.

۱ صحیح البخاری ج ۲ ص ۶۶۱ ح ۱۷۶۹

۲ کثر الضمک ج ۱۲ ص ۳۳۷ ح ۳۱۸۳۲

۳ صحیح البخاری ج ۱ ص ۳۹۸ ح ۱۱۳۳

۴ ثواب الأعمال ص ۵۰ ح ۱

توضیحی درباره توسعه مسجد پیامبر ﷺ

مسجد پیامبر ﷺ مانند مسجد الحرام، توسعه‌های مکرری را شاهد بوده است. نخستین توسعه به دست مبارک سازنده آن،^۱ پیامبر اکرم، در سال هفتم هجری قمری صورت گرفت. سپس عمر، به سال ۱۶ ق، و عثمان به سال ۲۹ ق، هر یک اندکی از سمت غرب و شمال، به مسجد افزودند.^۲ عثمان از سمت قبه (جنوب مسجد) نیز چند ستون به مسجد افزود و برای مسجد، محراب ساخت.

در سال ۸۸ ق، عمر بن عبد نضیر به هنگام ولایتش بر مدینه از سوی وید بن عبد الملک، شش ستون در شرق و غرب و چهارده ستون در شمال مسجد افزود. سپس مهدی عباسی در سال ۱۶۱ ق، ناحیه شمالی مسجد توسعه داد.^۳

در زمان سلاطین عثمانی نیز ترمیم و تعمیر می انجام گرفت و مسعود عبد المعتمد عثمانی، بیشترین توسعه و تعمیر و ترمیم را انجام داد. اقدامات او از سال ۱۲۶۵ ق، تا آخر دوره سلطنتی (۱۲۷۷ ق) استمرار داشت.^۴ در زمان محاصر و در سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ ق، توسعه‌های چهاروی را از همه سوی مسجد بحر سمت قبله شاهد بودهایم که مساحت مسجد را چند برابر کرده است و علاوه بر این، مساحتی هم در بیرون مسجد برای نماز،^۵ مسطح و سنگ فرش شده است. یادآور می‌شویم که حریس حکام فقهی ویژه مسجد پیامبر ﷺ، در این ریادتها، مورد تردید فقهاست.^۶

گفتنی است که مسجد سنی، دو بار طعمه حریق شده است. نخست در سال ۶۵۴ ق، در زمان خلافت المستعصم بالله عباسی که به تدریج تعمیر شد، و دوم، در سال ۸۸۶ ق، که تمام مسجد بحر حُجْرَة شریف پیامبر ﷺ و گنبد، سوخت و به دستور سلطان ممبوکی مصر، ملک فیتسی، آن را باز ساختند. این تجدید بنا در سال ۸۸۸ ق، پایان یافت و در حوض آن، مسجد از جهت مشرق، اندکی توسعه یافت.^۷

۱ اخبار مدینه الرسول، ابن النجار ص ۷۰ ۲ دواء الوقت ج ۲ ص ۲۸۱

۳ دواء الوقت ج ۲ ص ۵۰۱ و ۵۰۲ و ۵۲۵ و ۵۲۶ و ۵۲۱ تاریخ الطبری ج ۵ ص ۲۳۵

۴ مرآة المعری ص ۱ ص ۲۶۵-۲۶۸ ۵ عمارة و توسعه المسجد النبوی عبر التاريخ ص ۱۶۵ و ۲۰۲

۶ الممرد، الوثائق ج ۱ ص ۷۶۷-۷۶۸ ۷ ر ک دواء الوقت ج ۲ ص ۵۹۸-۵۹۹ و ۶۳۳ و ۶۴۴

الفصل الرابع: المسجد

فصل چهارم: مسجد

۱/۴ فضل المسجد

۱/۴ فضیلت مسجد

۲۸۹۸ رسول الله ﷺ في الثَّوَابِ مَكْتُوبٌ: إِنَّ بُمُوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسْجِدِ، فَطُوبَى بَعْدِي تَهْلُزُ فِي يَتِيهِ ثُمَّ رَازِي مِي يَتِي. أَلَا إِنَّ عَلَى الْمَرْوَةِ كَرَامَةَ الرَّائِسِ، أَلَا يَشْرِ الْمَشَائِينَ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى الْمَسْجِدِ بِالْأُورِ السَّاطِعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۱

۲۸۹۸. پیامبر خدا ﷺ در ثورات، نوشته شده است که: «خانه‌های من در روی زمین، مسجدهایند. پس خوشا به حال بنده‌ای که در خانه‌اش خود را پاکیزه کند و سپس در خانه‌ی من، به دیدارم بیدد! بدانید بر میران است که میهمان را گرمی بخارد. هان! آنان را که در تاریکی‌های شب به مساجد می‌روند، بشارت باد به نور درخشان در روز رستاخیز!»

۲/۴ ثَوَابُ بِنَاءِ الْمَسْجِدِ

۲/۴ ثواب ساختن مسجد

۲۸۹۹ رسول الله ﷺ مَنْ بَنَى مَسْجِدًا وَلَوْ كَتَمْتُمْ خَصْرَ قَطَاةٍ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ^۲

۲۸۹۹. پیامبر خدا ﷺ - به ابو در - : هر که مسجدی، هر چه باشد به اندازه لایه‌ی یک کسوکو (مربع سنگ‌خواره) بسازد، خداوند در بهشت برایش خانه‌ی سامی کند.

۳/۴ عِمَارَةُ الْمَسَاجِدِ

الكتاب

۳/۴ آمادگی برای مساجد

قرآن

﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسْجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ مَالَهُ وَأَلْيَمُ الْأَحْمَرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَبِينَ﴾^۳

الحديث

«مساجد خدا را تنها کسانی آباد می‌کنند که به خدا و روز بارش، ایمن آورده‌اند و سار برپا داشته‌اند و زکات داده‌اند و جز از خدا تقوی ندارند پس امید است که ایمن، از راه یافتگان باشند»

حدیث

۲۹۰۰ رسول الله ﷺ - وَقَدْ سَأَلَهُ أَبُو ذَرٍّ عَنْ كَيْفَةِ عِمَارَةِ الْمَسَاجِدِ - لَا تُرْفَعُ فِيهَا الْأَصْوَاتُ، وَلَا يُحَاصُّ فِيهَا بِالْبَاطِلِ، وَلَا يُتَسَرَّى فِيهَا وَلَا يُجَاعُ وَاتْرَكَ اللَّعْمُ مَا دُمْتَ فِيهَا، فَإِنْ لَمْ تَقْعَلْ فَلَا تَلُومَنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا تَعْمَلُكَ^۴

۲۹۰۰. پیامبر خدا ﷺ - در پاسخ به سؤال ابو در دربارهٔ چگونگی آباد کردن مساجد - : [به این گونه که] در آنها صداها بلند نشود، به سخنان و کارهای نادرست [و بیهوده] پرداخته نشود، در آنها خرید و فروش صورت نگیرد و نافرمانی که در مسجد هستی از کارهای لغو و بیهوده دست بکش اگر چنین نکنی، در روز قیامت نباید کسی جر خودت را ملامت کنی.

۱ بحواله ابود ج ۸۳ ص ۳۷۳ ح ۳۷

۲ حواله ابود ج ۲ ص ۳۰ ح ۷۵

۳ التره ۱۸

۴ مکالمه الاخلاق ج ۲ ص ۳۷۶ ح ۲۶۶۱

۴ / ۴. المشي إلى المساجد

۲۹۰۱. رسول الله ﷺ مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ يَطْلُبُ فِيهِ الْجَمَاعَةَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ حَسَنَةٍ، وَيُرْفَعُ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مِثْلُ ذَنْبٍ، وَإِنْ مَاتَ وَهُوَ عَلَى ذَلِكَ وَكُلَّ اللَّهُ بِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ تَلَكُّ يُغُودُونَ فِي قَبْرِهِ، وَيُؤْتِي سُنَّةَهُ فِي وَحْدَتِهِ، وَيُسْتَعْمَرُونَ لَهُ حَتَّى يَبْعَثَ

۵ / ۴. الجلوس في المساجد

۲۹۰۲ رسول الله ﷺ - لَا يَمْسِي دُرٌّ بِأَبَا ذَرٍّ، إِنْ شَاءَ تَعَالَى يُعْطِيكَ مَا دُمْتَ جَالِسًا فِي الْمَسْجِدِ بِكُلِّ نَفْسٍ تَنْقُصَتْ فِيهِ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ، وَتُصَلِّي عَلَيْكَ الْمَلَائِكَةُ، وَهُكُنْتُ لَكَ بِكُلِّ نَفْسٍ تَنْقُصَتْ مِنْ عَشْرِ حَسَنَاتٍ، وَيُمْحَى عَنْكَ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ ۱

۲۹۰۳ الإمام الضائقي رحمه الله ﷺ قَالَ رَوَيْتُ عَنْهُ: أَنْ جُلُوسٌ فِي الْمَسْجِدِ لَا يَنْتَظِرُ الصَّلَاةَ عِبَادَةً، مَا لَمْ يُعَدِّثْ، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا الْعَدِّثُ؟ قَالَ الْإِعْتِيَابُ ۲.

۶ / ۴. ثمره الاجتهاد إلى المساجد

۲۹۰۴ رسول الله ﷺ لَا يَرْجِعُ صَاحِبُ الْمَسْجِدِ بِأَنْفٍ مِنْ إِحْدَى ثَلَاثٍ إِلَّا دُعَاءٌ يَدْعُو بِهِ يُدْخِلُهُ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ، وَمَا دُعَاءٌ يَدْعُو بِهِ لِيَصْرِفَ اللَّهُ بِهِ عَمَهُ بَلَاءَ الدُّنْيَا، وَمَا أَنْعَى تَسْتَفِيدُهُ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ۳

۱ الأمل للصدوق ص ۵۱۷ ح ۷۰۷

۲ مكارم الأخلاق ج ۲ ص ۳۷۴ ح ۳۶۱

۳ الأمل للصدوق ص ۵۰۶ ح ۶۸۸

۴ الأمل للصدوق ص ۴۷ ح ۵۷

۴ / ۲. رفتن به مساجد

۲۹۰۱. پیامبر خدا ﷺ هر که برای شرکت در نماز جماعت به مسجدی برود، برای هر قدمی که بر دارد، هفتاد هزار حسنه منظور می‌شود و به همان اندازه، درجاتش بالا می‌رود و اگر در آن حال بمیرد، خداوند، هفتاد هزار درشته را می‌گمارد که در قبرش به عادت او روند و انیس تنهایی او باشند و تا زمانی که بر انگیزنده شود، برایش آموزش بپایند

۵ / ۲. بنشستن در مساجد

۲۹۰۲ پیامبر خدا ﷺ - به ابو ذر - ای ابو ذر! تا زمانی که در مسجد بنشسته‌ای، خداوند متعال به تعداد هر نفسی که می‌کشی، یک درجه در بهشت به تو می‌دهد و فرشتگان بر تو درود می‌فرستند و برای هر نفسی که در مسجد می‌کشی، ده حسنه برایت نوشته می‌شود و ده گناه از تو پاک می‌گردد

۲۹۰۳ امام صادق ﷺ - به نقل از پدرانش ﷺ - 'پیامبر خدا فرمود: در مسجد به انتظار نماز بنشین، عادت است، تا زمانی که خدایتی سر نرند'

گفته شد ای پیامبر خدا! اخذت چیست؟

فرمود: «عبت کردن»

۶ / ۲. ثمره آمد و شد به مساجد

۲۹۰۴ پیامبر خدا ﷺ: شخص مسجدرو، دمسب کم یکی از این سه چیز نصیبش می‌شود یا دعایی که به درگاه خدا می‌کند و خداوند با آن او را به بهشت می‌برد، یا دعایی که به سبب آن خداوند بلائی دنیا را از او بر می‌گرداند، و یا برادری که به خاطر خداوند ﷻ به دست می‌آورد (و نه بر اساس انگیزه‌های دنیوی و مادی).

حکمت های اخلاقی و اجتماعی

- | | |
|-----------|-----------------------------|
| باب یکم | مهم ترین عوامل سازنده جامعه |
| باب دوم | : آسیب های جامعه |
| باب سوم | : حکمت های خانوادگی |
| باب چهارم | : حکمت های حقوقی |



مرکز تحقیقات کتابخانه و اسناد ملی

الْبَابُ الْأَوَّلُ

أَهَمُّ عَوَامِلِ بِنَاءِ الْمُجْتَمَعِ

الفصل الأول: الحث على المحبة

۱/۱ الإيمان والألفة

الكتاب

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾^۱

الحديث

۲۹۰۵ رسول الله ﷺ لا تفرق أمتي بخير ما شعثوا وتهاذوا وأدروا الأمانة^۲

۲۹۰۶ عنه ﷺ ما شعثنا الرجال إلا كان أفضلهما أئدهما حباً لصاحبه^۳

۲/۱ قيمة المؤدّة

۲۹۰۷ رسول الله ﷺ رأس الفعل بعد الإيمان بأمره التّحبيب إلى الناس^۴

۲۹۰۸ عنه ﷺ ما ضاق مجلسٌ بمنّائي^۵

۳/۱ فضل الصديق والإستكثار منه

۲۹۰۹ رسول الله ﷺ إستكثروا من الإخوان فإن بكل

بِسْمِ

مهم‌ترین عوامل سازنده جامعه

فصل یکم: تشویق به دوستی

۱/۱ ایمان و الفت

قرآن

﴿در حقیت، مؤمنان با هم برادرند پس میان برادران را سازش دهید و از خدا پروا بدارید، امید که مورد رحمت قرار بکشید﴾

حدیث

۲۹۰۵ پیامبر خدا ﷺ ائت من، تا هنگامی که یکدیگر را دوست ندارید و به یکدیگر هدیه دهند و اماستاری کند، سعادتمند نخواهند بود

۲۹۰۶ پیامبر خدا ﷺ هرگاه در تن یکدیگر را دوست بدارند، آن که دیگری را بیشتر دوست می‌دارد، از دوستش برتر است.

۲/۱. لزوم دوستی

۲۹۰۷ پیامبر خدا ﷺ اساس عقل، پس از ایمان به خداوند ﷻ، اظهار دوستی با مردم است

۲۹۰۸ پیامبر خدا ﷺ هیچ مجلسی بر دو دوستانار، تنگ نمی‌شود

۳/۱ فضیلت دوست و اقربان دوستان

۲۹۰۹ پیامبر خدا ﷺ: بر [شمار] برادران خود بپزایید؛ زیرا هر مؤمنی در روز قیامت، شفاعتی

۱ الحجر: ۱۰

۲ هیون أخبار الرضا ﷺ ج ۲ ص ۲۹ ح ۲۵

۳ الأدب المفرد ص ۱۶۶ ح ۵۱۴

۴ التمهیل ص ۱۵ ح ۵۵

۵ تاریخ بغداد ج ۲ ص ۲۲۶

مُؤْمِنٍ شَاعَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۱

در د

۲۹۱۰ عَنْهُ ﷺ الْمَرْءُ كَثِيرٌ بِأَخِيهِ^۲

۲۹۱۰ پیامبر خدا ﷺ [تیری انسان، به وسیله

بر برش افروان است

الفصل الثاني. التأكيد على المحبة في الله

فصل دوم. تأکید بر دوستی در راه خدا

۱/۲ وَحُبُّ الْحُبِّ فِي اللَّهِ

۱/۲ واجب بودن دوستی در راه خدا

۲۹۱۱ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْحُبُّ بِي اللَّهِ فَرِيضَةٌ، وَالْبُعْضُ

۲۹۱۱ پیامبر خدا ﷺ دوستی در راه خدا واجب

بِي اللَّهِ فَرِيضَةٌ^۳

ست، و دشمنی در راه خدا نیز واجب است

۲/۲ الْإِيمَانُ حُبٌّ وَبُغْضٌ

۲/۲ ایمان، دوستی و دشمنی است

۲۹۱۲ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ هِيَ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ وَالْبُغْضُ ؟

۲۹۱۲ پیامبر خدا ﷺ. آیا دین، حُر دوستی و دشمنی

قَالَ اللَّهُ ﷻ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ

است؟ خداوند ﷻ می فرماید: «اگر خدا را دوست

اللَّهُ ﷻ»^۴

در د من پیروی کنید تا خداوند دوستان بخشد»

۳/۲ أَوْثَقُ عُرَى الْإِيمَانِ

۳/۲ استوارترین دستاویز ایمان

۲۹۱۳ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَوْثَقُ عُرَى الْإِيمَانِ الْحُبُّ بِي اللَّهِ

۲۹۱۳ پیامبر خدا ﷺ استوارترین دستاویز ایمان،

وَالْبُغْضُ بِي اللَّهِ^۵

دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خداست

۲۹۱۴ عَنْهُ ﷺ وَدُّ الْمُؤْمِنِ لِلْمُؤْمِنِ فِي اللَّهِ مِنْ أَعْظَمِ

۲۹۱۴ پیامبر خدا ﷺ دوستی مؤمن با مؤمن [دیگر]

شُعَبِ الْإِيمَانِ إِلَّا وَمَنْ أَحَبَّ بِي اللَّهِ وَأَبْغَضَ

در راه خدا، از سررگ‌ترین شاخه‌های ایمان

فِي اللَّهِ وَأَعْطَى فِي اللَّهِ وَمَنْعَ مَنِ اللَّهِ فَهُوَ مِنْ

است. همان‌ها هر که در راه خدا دوست بخشد و در

أَصْعَبِاءِ اللَّهِ^۶

راه خدا دشمن بخشد و در راه خدا بیخشد و در راه

خدا از سخت‌ترین باز ایستد، از برگزیده‌گان

خداست

۱. الجامع الصغير ج ۱ ص ۱۵۲ ح ۱۰۰۱

۲. تاریخ بغداد ج ۷ ص ۵۷

۳. جامع الأخبار ص ۳۵۲ ح ۹۸۰

۴. آل عمران ۳۱

۵. المستدرک علی الصحیحین ج ۲ ص ۳۶۹ ح ۳۱۴۱

۶. کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۲۶۲ ح ۵۷۶۲

۷. الکافی ج ۲ ص ۱۲۵ ح ۳

۴/۲. سَبَبُ قَبُولِ الْأَعْمَالِ

۲۹۱۵ رسول الله ﷺ - فِي حِسَابِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ -

يُؤْتَى بِعَبْدٍ مُحْبِسٍ فِي نَفْسِهِ لَا يَرَى نَفْسَهُ ذَنْبًا.

فَيَقُولُ لَهُ: هَلْ كُنْتَ تُؤَالِي أَوْلِيَانِي؟

قَالَ: كُنْتُ مِنْ لُئَالِي سِلْمًا

قَالَ: فَهَلْ كُنْتَ تُعَادِي أَعْدَائِي؟

قَالَ: يَا رَبِّ، لَمْ يَكُنْ بَيِّنَ أَحَدٍ شَيْءٌ

فَيَقُولُ اللَّهُ ﷻ لَا تَنَالُ رَحْمَتِي مَنْ لَا يُؤَالِي

أَوْلِيَانِي وَيُعَادِي أَعْدَائِي^۱

۵/۲. الْإِسْتِعَانَةُ بِاللَّهِ فِي حُبِّ مَنْ يُحِبُّهُ

۲۹۱۶ رسول الله ﷺ: اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا هَادِينَ مُهْتَدِينَ،

عِزَّ صَالِحِينَ وَلَا تُصَلِّبْ، سَلَامًا لِأَوْلِيَائِكَ، وَعَذَابًا

لِأَعْدَائِكَ، نَحْنُ بِحَقِّكَ مِنْ أَحَبِّكَ، وَتُعَادِي بِقُدْرَتِكَ

مَنْ حَالَكَ^۲

الفصل الثالث أسباب المحبة

۱/۳. تَقَاتُيبُ الْأَرْوَاحِ

۲۹۱۷ رسول الله ﷺ: الْأَرْوَاحُ جُودٌ مُجَدَّدٌ، فَمَا تَعَارَفَ

مِنْهَا ائْتَلَفَ، وَمَا تَنَازَرَ مِنْهَا ائْتَلَفَ^۳

۲/۳. الْإِيمَانُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ

الكتاب

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ

۴/۲. عامل پذیرش اعمال

۲۹۱۵ پیامبر خدا ﷺ - درباره حسابرسی روز قیامت -

بندهای را [برای حسابرسی] می‌آوردند که خود را

بیکوکار و بی‌گناه می‌دانند. آن گاه، خداوند به او

می‌فرماید: آیا با دوستانم دوستی می‌کردی؟

پاسخ می‌دهد: کاری به کسی نداشتم

خداوند می‌فرماید: «آیا با دشمنانم، دشمنی

می‌کردی؟»

پاسخ می‌دهد: میان من و کسی، هیچ دشمنی‌ای

بود

پس خداوند ﷻ می‌فرماید: «کسی که با دوستانم

دوستی و با دشمنانم دشمنی نکند، به رحمت من

رسی یابد»

۵/۲. یاری خواستن از خدا برای دوستی یا

دوستی‌اش

۲۹۱۶ پیامبر خدا ﷺ - در بابش: «بار الهام! ما را

هدایت‌گر و هدایت‌شده، به گمراه و گمراه‌کننده، و

دوستِ دوستان و دشمنِ دشمنان قرار ده تا با

دوستی تو، کسانی را که تو را دوست می‌دارند،

دوست بداریم و با دشمنی تو، با کسی که با تو

مخالفت می‌کند، دشمنی کنیم

فصل سوم. عوامل دوستی

۱/۳. سازگاری جان‌ها

۲۹۱۷ پیامبر خدا ﷺ: جان‌ها (روح‌ها)، [همچون،

سپاهانی فراهم آمده‌اند. هستند که هر کدام که یکدیگر را

شناختند، با یکدیگر اُلفت می‌گیرند و هر یک که

دیگری را شناختند، با یکدیگر اختلاف خواهند

یافت

۲/۳. ایمان و کار شایسته

قرآن

﴿کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، به

۱. التمجید الکبیر ج ۲۲ ص ۵۹ ح ۱۴۰

۲. سنن الترمذی ج ۵ ص ۴۸۲ ح ۳۱۱۹

۳. کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۳۸۰ ح ۵۸۱۸

الرَّحْمَنُ وَذَا

الحديث

۲۹۱۸ رسول الله ﷺ إذا حبَّ الله عبداً مدي حبرين
إني قد أحببت فلاناً فأحبته - قال - فيتأدي بي
السما، ثم يرل له التحة في أهل لأرض، فمد
قول الله ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وِزَاراً﴾

وإذا أبغض الله عبداً مدي حبرين إني أبغضت
فلاناً ويتأدي بي السما، ثم يرل له النعما، في
الأرض

۲۹۱۹ من ابن ماجة عن أبي نر عن رسول الله ﷺ قال:
فُتِلَ لَهُ الرَّجُلُ يَحْتَلُ الْقَمَلَ فَوَسَّجَتْهُ الْهَارِي
عليه

قال، ذَلِكَ عَاجِلٌ يُشْرَى الْمُؤْمِنُ

۳، ۳ حُسْنُ الْخُلُقِ

۲۹۲۰ رسول الله ﷺ حُسْنُ الْخُلُقِ يُكَبِّرُ الْمَوَدَّةَ

۱ / ۳ الإِحْسَانُ إِلَى النَّاسِ

الكتاب

﴿وَلَا تَتَّبِعُوا الْحَسَنَةَ وَلَا السَّيِّئَةَ انْفَعُ بَالِي هِي
أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ
حَمِيمٌ﴾

۱ مريم ۹۶

۲ سنن الترمذي ج ۵ ص ۳۱۷ ح ۳۱۶۱

۳ سنن ابن ماجة ج ۱ ص ۱۴۱۲ ح ۴۲۵

۴ تحف العزول ص ۱۵ ۵ فمليت ۳۴

رودی [خدای] ارحمان برای آنان محبتی قرار می دهد.

حديث

۲۹۱۸ پیامبر خدا ﷺ هرگاه خداوند، بدهای را
دوست بدارد، به جبرئیل ﷺ بدهای کند. من فلانی را
دوست دارم، پس او را دوست بدار.

پس [جبرئیل ﷺ این مطلب را] در آسمان، مد
می کند. سپس محبت او در [دل] رمیسان فرود
می آید، و این است [معنای] سخن خداوند. (آنار که
ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند. به رودی [خدای]
رحمان در آسمان محبتی قرار خواهد داد.)

هرگاه بر خداوند با بدهای دشمنی کند، به
جبرئیل ﷺ بدهای کند. من با فلانی دشمنی می کنم.
پس [جبرئیل ﷺ نیز این را] در آسمان ندا
می کند. سپس دشمنی او، [در دل] اهل زمین فرود
می آید.

۲۹۱۹ من ابن ماجة - به نقل از ابو در - به پیامبر
خدا گفتم [چگونه است که] انسان کاری را برای
خدا می کند [و چشمی به مردم ندارد] ولی مردم بر
اثر آن، او را دوست می دارند؟
فرمود: «ایں، مزدگانی دیبا می مؤمن است».

۳، ۳ خوش هویی

۲۹۲۰ پیامبر خدا ﷺ خوش خوئی، دوستی را، استوار
می کند.

۲ / ۳ فیکری کردن به مردم

قرآن

﴿وَرَبِّكَ﴾ یا بدی یکدل نیست، [بدی را] به آنچه خود
بفکر است، دفع کن آن گاه کسی که میان تو و میان او
دشمنی است، گوئی دوستی یکدل می گردد.

الحديث

حديث

۲۹۲۱ رسول الله ﷺ إذا أردت أن يُحببك المخلوقون

۲۹۲۱ پیامبر خدا ﷺ: هرگاه خواهی که آفریدگان

فأحبس إليهم، وأرض ما في أيديهم.^۱

دوست بدارد، به آنان بیکی کن و آنچه را در

۲۹۲۲ عنه ﷺ جُبِلَتْ الْقُلُوبُ عَلَى حُبِّ مَنْ أَحْسَنَ

دست دارد، رها کن (در اموال آنان، طمع مدار)

إليها. ويُعصِ من أساء إليها^۲

۲۹۲۲ . پیامبر خدا ﷺ: دل‌ها بر دوستی کسی که به آنها

بیکی کند و دشمنی کسی که بداند آنها سدی کند،

سرشته شده‌اند

۵/۳. صِلَةُ الرَّجْمِ

۲۹۲۳ رسول الله ﷺ صِلَةُ الْقَرَابَةِ مَحَبَّةٌ فِي الْأَهْلِ.

۵/۳ صله رحم

وَمَثَرَةٌ فِي الْمَالِ. وَمَسَاءَةٌ فِي الْأَجَلِ.^۳

۲۹۲۳ پیامبر خدا ﷺ دیدار خویشان، [ماده] دوستی

در خاندان و افزایش دارایی و به تأخیر افتادن مرگ

است

۶/۳. الْهَدِيَّةُ

۲۹۲۴ رسول الله ﷺ الْهَدِيَّةُ تَوَرِّثُ لِمَوَدَّةٍ. وَمُجَدِّدُ

۶/۳ هدیه دادن

الْأَحْوَةِ. وَتُذْهِبُ الْعُصْبَةَ^۴

۲۹۲۴ پیامبر خدا ﷺ هدیه دادن، دوستی به بار

می‌آورد، برادری را تازه می‌سازد و کینه را

می‌زداید

۲۹۲۵ عنه ﷺ سَهَادُوا بِحَاتُوا. سَهَادُوا. قَبْلُهَا تَهْدِي

بِالنَّصَبَانِي^۵

۲۹۲۵ پیامبر خدا ﷺ به یکدیگر هدیه دهید، تا

محبوب یکدیگر شوید به یکدیگر هدیه بدهد.

زیرا کینه‌ها را می‌زداید

الفصل الرابع آثار المحبة في الله

۱/۴ كَمَالُ الْإِيمَانِ

۲۹۲۶ رسول الله ﷺ ثَلَاثٌ مَنْ كُرِّ فِيهِ وَجَدَ طَمَعُ

فصل چهارم آثار دوستی برای خدا

۱/۴ کمال ایمان

الْإِيمَانِ مَنْ كَانَ يُحِبُّ الْمَرْءَ لَا يُحِبُّهُ إِلَّا لِقِيَا

۲۹۲۶ پیامبر خدا ﷺ هر که دارای سه صفت باشد،

طعم ایمان را دریافته است^۱ آن که دیگری را دوست

دارد، ولی تنها برای خدا دوست می‌دارد آن که خدا

و پیامبرش، نزد او محبوب‌تر از هر چیز دیگری

باشد^۲ و آن که اگر او را در آتش اندازند، برایش

۱ اعلام‌القدس ص ۲۶۸

۲ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۳۸۱ ح ۵۸۲۶

۳ حوالی القلوب ج ۱ ص ۲۵۵ ح ۱۹

۴ حوالی القلوب ج ۱ ص ۲۹۱ ح ۱۸۳

۵ الکافی ج ۵ ص ۱۴۴ ح ۱۴

الله منه.^۱

۲۹۲۷. عنه ﷺ. مَنْ شَرُّهُ أَنْ يَجِدَ حَلَاوَةً لَا يَمَارُ فَلْيُحِبَّ

الْمَرْءَ لَا يُحِبُّهُ إِلَّا اللَّهُ ﷻ^۲

۲/۴ بَقَاءُ الْمَحَبَّةِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

الكتاب

﴿الْأَحْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بِمَنْحَصِهِمْ لِمَنْحَصٍ عَنْهُمْ إِلَّا الْمُتَكَلِّفُونَ﴾^۳

التحديث

۲۹۲۸. رسول الله ﷺ إِذَا كَانَ نَوْمُ الْقِيَامَةِ انْفَطَحَتِ

الْأَرْحَامُ. وَقُلَّتِ الْأَسَابُ وَدَفَعَتِ الْأُخُوَّةُ إِلَّا الْأُخُوَّةَ

فِي اللَّهِ. وَذَلِكَ قَوْلُهُ ﴿الْأَحْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بِمَنْحَصِهِمْ لِمَنْحَصٍ

عَنْهُمْ إِلَّا الْمُتَكَلِّفُونَ﴾^۴

۳/۴ الْحَبَشَةُ مَعَ الْمَحْبُوبِ

۲۹۲۹. رسول الله ﷺ مَنْ أَحَبَّ قَوْمًا حَبَشَ مَعَهُمْ^۵

۲۹۳۰. عنه ﷺ. يَأْتِيَنَّ مَسْعُودٌ، أَحَبُّ الصَّالِحِينَ، عَابُ

الْمَرْءِ مَعَ مَنْ أَحَبَّ فَإِنَّ لَمْ تَكُنْ عَلَى أَعْمَالِ الْبِرِّ

فَأَحَبُّ الْعُلَمَاءِ، فَإِنَّهُ يَقُولُ ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ

وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ

الْقَبِيلَةِ وَالصَّابِرِينَ وَالشُّهَدَاءَ وَالصَّالِحِينَ

وَحَسَنَ أَوْلَادِكَ وَفِيكَ﴾^{۶ ۷}

۱ صحیح مسلم ج ۱ ص ۶۶ ح ۶۸

۲ شعب الإیمان ج ۶ ص ۱۹۱ ح ۹۰

۳ الزحرف ۶۷

۴ الدر المنثور ج ۷ ص ۳۸۸

۵ المستدرک علی الصحیحین ج ۲ ص ۲۰ ح ۱۲۹۱

۶ النساء ۶۹

۷ مکارم الأخلاق ج ۲ ص ۳۵۷ ح ۲۶۶۰

حرفش بدتر از آن باشد که پس از آن که خداوند او را

از کفر نجات داده است، به کفر باز گردد

۲۹۲۷. پیامبر خدا ﷺ کسی که دوست دارد شیرینی

ایمان را بیاید، باید چو برای خدا کسی را دوست

نفاشته باشد

۲/۴ مفاتیح دوسنی فادرور قیامت

قرآن

﴿دوستان در آن روز، دشمن بکند یگرند، چو پرمهر گارن﴾

حدیث

۲۹۲۸. پیامبر خدا ﷺ چوون رور قیامت شود،

پیوندهای خویشی بُریده می شود، تبار و نسبت

خویشی کاسته می گردد و برادر ی ها، چو برادر ی

تخلایی از میان می روند، و این است مقصود گفته

مفسرین کمال ﴿دوستان در آن روز، دشمن بکند یگرند،

چو پرمهر گارن﴾

۳/۴ مرا نگین خنده شنس ما محبوب

۲۹۲۹. پیامبر خدا ﷺ هر کس مردمی را دوست ندارد

بدر رور قیامت با امان برانگیخته خواهد شد

۲۹۳۰. پیامبر خدا ﷺ - به ابس مسعود - ای پسر

مسعود! صالحان را دوست بدار که امان، همراه

کسی است که دوستش می دارد. اگر توان

بیکوکاری نداری، پس هانمان را دوست بدار که

خداوند [می فرماید] ﴿هر که از حد، و پیامبرش اطاعت

کند، همراه کسانی خواهد بود که خدا بمقتضای نده است؛ یعنی

پیامبر و حبیبان و شهیدان و صالحان و بندگان، چه بیکوکاری

مستند﴾

۲۹۳۱. بِشَارَةِ الْمُصْطَفَى عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ
 - لِعَطِيَّةِ الْقَوِيِّ - يَا عَطِيَّةُ، سَمِعْتُ حَبِيبِي
 رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ «مَنْ أَحَبَّ قَوْمًا خُشِرَ مَحَبَّتُهُمْ،
 وَمَنْ أَحَبَّ عَمَلًا قَوْمَ أَشْرِكٍ فِي عَمَلِهِمْ»، ... يَا
 عَطِيَّةُ .. أَحَبِّبْ مُجِبَّ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ مَا أَحَبَّ لَهُمْ،
 وَأَبْغِضْ مُبْغِضَ آلِ مُحَمَّدٍ مَا أَبْغَضَهُمْ وَإِنْ كَانَ
 صَوَامًا قَوَامًا، وَارْتَقِ بِشَجَبٍ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،
 فَإِنَّهُ إِنْ تَرَبَّلَ لَهُ قَدَمٌ بِكَثْرَةِ دُيُوبِهِ ثَبَّتَتْ لَهُ
 أُخْرَى بِمَحَبَّتِهِمْ، فَإِنْ مُجِبُّهُمْ يَعُودُ بِنِي الْجَمَّةِ
 وَمُجِبَّتُهُمْ يَعُودُ إِلَى النَّارِ^۱

۱/۴ شفاعت رسول الله ﷺ

۲۹۳۲ رسول الله ﷺ أَنَا شَهِيدٌ لِكُلِّ رَحُلَيْنِ أَتَحَيَّا فِي
 اللَّهِ مِنْ مَبْنِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ^۲

۵/۴ اَمِنْ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

۲۹۳۳ رسول الله ﷺ الْمَسْحُوتُونَ فِي اللَّهِ فِي ظِلِّ عَرْشِ
 اللَّهِ يَوْمَ لَا ظِلُّ إِلَّا ظِلُّهُ، يَتَرَعَّ النَّاسُ وَلَا يَحْزَعُونَ،
 وَيَحَافُ النَّاسُ وَلَا يَحَالُونَ^۳.

۲۹۳۴ عَنْهُ ﷺ سَبْعَةٌ يُظِلُّهُمُ اللَّهُ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلُّ إِلَّا
 ظِلُّهُ .. وَرَجُلَانِ تَعَاهَا فِي اللَّهِ، جَمَعَا عَلَيْهِ، وَتَفَرَّقَا
 عَلَيْهِ^۴

۲۹۳۱. بشارة‌المصطفی - به نقل از جابر بن عبد الله
 انصاری، خطاب به عطیه عوفی -، ای عطیه! از
 محبوبم، پیامبر خدا، شنیدم که می‌گفت، «هر که
 مردمی را دوست داشته باشد، با آنان محشور خواهد
 شد و هر که کردار مردمی را دوست داشته باشد،
 شریک کردارشان خواهد بود ..

ای عطیه! .. دوستدار خاندان محمد را تا هنگامی
 که دوستشان می‌دارد، دوست پدر و دشمن خاندان
 محمد را تا هنگامی که دشمنشان می‌دارد، دشمن
 بنار؛ گرچه بسیار روزه‌گیر و شب‌زنده‌دار باشد. با
 دوستدار محمد و خاندان محمد، برمی‌گردد؛ زیرا اگر
 بر اثر گناهان بسیارش یک گام او پل‌مرد، بر اثر
 محبتشان گام دیگرش استوار می‌ماند. در حقیقت،
 یارگشت دوستدارشان، به بهشت است و یارگشت
 دشمنشان، به دوزخ^۱

۴/۴ شفاعت پیامبر خدا ﷺ

۲۹۳۲ پیامبر خدا ﷺ: اَر هَسْكَامْ بَعَثْتُمْ تَا رَوْر قِيَامَتْ،
 هَر آن دو تنی که در راه خدا با یکدیگر دوستی و
 برادری کنند من شفاعتشان هستم

۵/۲ ایمنی بر روز قیامت

۲۹۳۳ پیامبر خدا ﷺ، دوستان خدایی، در آن روزی
 که سایه‌ای جز سایه خدا نیست، در سایه عرش خدا
 هستند. مردم وحشت می‌کنند؛ اما آنان، وحشت
 نمی‌کنند و مردم می‌هراسند؛ اما آنان نمی‌هراسند.

۲۹۳۴. پیامبر خدا ﷺ: خداوند، در روزی که سایه‌ای جز
 سایه او نیست، بر هفت تن سایه می‌افکند... و دو تن
 که در راه خدا با یکدیگر دوستی می‌کنند و بر اساس
 آن، مرد یکدیگر می‌آیند و از یکدیگر جدا می‌شوند.

۱. بشارة‌المصطفی ص ۷۵

۲. حلیة الأولیاء ج ۱ ص ۳۸

۳. المعجم الکبیر ج ۲ ص ۸۱ ح ۱۵۱

۴. صحیح البخاری ج ۱ ص ۳۴۱ ح ۲۲۹

۶/۴ الدَّرَجَاتُ فِي الْجَنَّةِ

۲۹۳۵ رسول الله ﷺ مَسَّ أَحَدٌ أَحَا فِي اللَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ

دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ لَا يَنْأَلُهَا شَيْءٌ مِنْ عَمَلِهِ^۱

۲۹۳۶ عَنْهُ ﷺ مَنْ جَدَّدَ أَحَا فِي الْإِسْلَامِ بَسِيَ اللَّهُ

بُرْجًا فِي الْجَنَّةِ مِنْ جَوْهَرَةٍ^۲

۲۹۳۷ عَنْهُ ﷺ إِنَّ الْمُتَحَابِّينَ لَسُرِّي عَسْرُهُمْ فِي الْجَنَّةِ

كَالْكَوْكَبِ الطَّالِعِ الشَّرْقِيِّ أَوْ الْعَرَبِيِّ، فَيَقَالُ مَسَّ

هَؤُلَاءِ؟ فَيَقَالُ هَؤُلَاءِ الْمُتَحَابُّونَ فِي اللَّهِ هَؤُلَاءِ^۳

الفصل الخامس آفات المحبة

۲۹۳۸ رسول الله ﷺ إِنَّا نَحْمُ وَنُظَرُّ؛ فَإِذَا انْظَرُّ أَكْذَبَ

الْكَبِيبَ، وَكَوَبُوا إِحْوَانًا بِي اللَّهِ كَمَا أَمَرَ اللَّهُ، ۷

تَسَامَرُوا، وَلَا تَحْسَبُوا، وَلَا تَتَحَاسَبُوا، وَلَا يَحْتَلِبَ

بَعْضُكُمْ بَعْضًا، وَلَا تَتَسَارَعُوا، وَلَا تَتَبَاغَضُوا وَلَا

تَتَدَابَرُوا، وَلَا تَتَحَاسَدُوا، فَإِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْإِيمَانَ

كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْخَطْبَ الْيَابِسَ^۱

الفصل السادس احتیاج الحبيب

۱/۶ أَمِيَّةُ لِنْتَخَابِ الْخَلِيلِ

۲۹۳۹ رسول الله ﷺ الْقَرَّةُ عَلَى دِينِ حَلِيلِهِ وَ قَرِيْبِهِ^۲

۲۹۴۰ عَنْهُ ﷺ احْتَبِرُوا النَّاسَ؛ فَإِنَّ الرَّجُلَ يُعَادِبُ مَنْ

يُحِبُّهُ^۳

۴/۴ ممرلت یافتن بن بهشت

۲۹۳۵ پیامبر خدا ﷺ هر که در راه خدا با کسی برادری

کند، خداوند، او را در بهشت به چنان مرتبت والا می

برمی‌کشد که با دیگر اعمالش بدان دست نمی‌یابد

۲۹۳۶ پیامبر خدا ﷺ هر کس در راه اسلام، برادری

کند، به دوستی بگیرد، خداوند در بهشت، برایش

ترجیح از گوهر می‌سازد

۲۹۳۷ پیامبر خدا ﷺ دوستی دوستان خدا می در بهشت،

همچون ستاره درخشان شرقی یا غربی دیده می‌شود

پس گفته می‌شود ایسان کبند؟

پاسخ داده می‌شود: ایسان، دوستی کنندگان در راه

خداوند ﷻ هستند

فصل پنجم آفات دوستی

۲۹۳۸ پیامبر خدا ﷺ اگر گمان بپرهیزد، که گمان،

دروع ترین ذروع است و همان گویه که حد به شما

در سخن داده است، برادران حد بی باک از یکدیگر

دوری مجوید (در کار دیگران) بحسن مکید به

همدیگر بدی مکید از یکدیگر عیت مکید ب

یکدیگر مراع مکید ب یکدیگر دشمنی مکید از

یکدیگر مترید و به یکدیگر حسادت مورید که

حسادت - همان گویه که: تش، چوب خشک را

می‌سوزاند - ایمان را می‌سوزاند

فصل ششم گزینش دوست

۱/۶ اهمیت گزینش دوست

۲۹۳۹ پیامبر خدا ﷺ انسان، به دین دوست و همش

حوش است

۲۹۴۰ پیامبر خدا ﷺ مردم را بیمار مایند؛ زیرا انسان

[از نظر اخلاقی و عملی]، مجدوب کسی می‌شود که

از او خوش می‌آید

۱ إحياء علوم الدين ج ۲ ص ۳۲۱

۲ الاختصاص ص ۲۲۸

۳ مستدرک حبل ج ۱ ص ۱۷۴ ح ۱۱۸۲۹

۴ قرب الإسناد ص ۲۹ ح ۹۴

۵ التکالیف ج ۲ ص ۳۷۵ ح ۳

۶ الاختصاص ص ۳۶۶

۲/۶. قِلَّةُ الصَّدِيقِ الصَّدُوقِ

۲۹۴۱ رسول الله ﷺ قُلْ مَا يَكُونُ مِنِّي آجِرُ الرَّسَائِ أَوْ يَوْتَقِي بِهِ، أَوْ يَرْهَمُ مِن حِلَالٍ^۱

۲۹۴۲ عَمَّا ﷺ سَيَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ لَا يَكُونُ فِيهِ شَيْءٌ أَغْرُ مِنْ ثَلَاثٍ يَرْهَمُ حِلَالٍ، أَوْ أَحْ يُسَنَّاكُنْ بِهِ، أَوْ سُيَّةٌ يُعْمَلُ بِهَا.^۲

۳/۶. التَّحْذِيرُ مِنَ قَرِينِ السُّوءِ

الکتاب

«وَيَوْمَ يَعْصِي الْأَمْرُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ بَلِّغْنِي أَخَذْتُ
مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا» بَلِّغْنِي لِيُنْفِىَ لَمْ أَتَّخِذْ لَنَا
خَلِيلًا لَقَدْ أَصْلَبُ عَنِّي الْفَخْرُ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَأَنَّ
الْشُّعْطَرُ لِلْإِنْسَانِ حَذُولًا^۳

الحديث

۲۹۴۳ رسول الله ﷺ أَوْحَشُ الْوَحْشَةِ قَرِينُ السُّوءِ^۴

۲۹۴۴ عَمَّا ﷺ إِنَّا لَكَ وَقَرِينُ السُّوءِ، فَإِنَّكَ بِهِ تُعْرِفُ^۵

الفصل السابع آداب للمحبة

۱/۷. مَا يَنْبَغِي فِي مُعَاشَرَةِ الْإِخْوَانِ

أ- معرفة المواصفات

۲۹۴۵ رسول الله ﷺ إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ أَهْلَاءَ الْمُسْلِمِ

۲/۶. کم بودی دوست راستین

۲۹۴۱. پیامبر خدا ﷺ کم‌ترین چیزی که در آجر زمان
بافت می‌شود، برادر قاس اعتماد است، یا جرهمی
از حلال

۲۹۴۲. پیامبر خدا ﷺ، روزگاری به شما روی خواهد
ورد که در آن، چیزی کمیاب‌تر از این سه است
درهمی از حلال، یا برادری که ناو انس گیرد، یا
سستی که بدان عمل کند

۳/۶. هشدار دربارهٔ همشیر بد

قرآن

«و روزه است که شکار، هست‌های خود را می‌گذرد [و]
می‌گوید: ای کاش با پیامبر. داهی بر می‌گرفتم! ای وای!
کاش فلانی را دوست [خود] نگرفته بودم! او [بهره‌] که]
مرا که گمراهی کشاید پس از آن که قرآن به من رسید»
بر ۲۵۰ و شهبان، همواره فرو گذارند انسان است»

حدیث

۲۹۴۳ پیامبر خدا ﷺ تسهاترین تسهایی، همشیر

بد است

۲۹۴۴ پیامبر خدا ﷺ، از همشیر بد پرهیز! چرا که
تو را با او می‌شناسد [و می‌سجد]

فصل هفتم. آداب دوستی

۱/۷ آنچه در معاشرت با برادران، شایسته است

الف- شناخت ویژگی‌ها

۲۹۴۵. پیامبر خدا ﷺ: هرگاه کسی از شما با برادر

۱. مصنف القول ص ۵۱

۲. المعجم الأوسط ج ۱ ص ۳۵ ح ۸۸

۳. الفرقان ۲۷-۲۹

۴. جامع الاحادیث للقمی ص ۸۳

۵. تاریخ دمشق ج ۱۴ ص ۵۶

فَلْيَسْأَلْهُ عَنِ اسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ وَاسْمِ قَبِيلَتِهِ وَعَشِيرَتِهِ^۱
فَإِنَّ مِنْ حَقِّهِ الْوَاجِبُ وَصِدِّي الْإِحَاءُ أَنْ يَسْأَلَهُ عَنِ
دَنِّكَ، وَلَا قَائِلًا مَعْرِفَةَ حُمِّي

ب - اِعلامُ المخَبَّةِ

۲۹۴۶ رسول الله ﷺ إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ صَاحِبَةً أَوْ أَحَاءَ
فَلْيُعَلِّمَهُ^۲

۲۹۴۷ عَنْهُ ﷺ إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ أَحَاءَ فَلْيُعَلِّمَهُ فَإِنَّهُ
أَصْلَحُ لِدَانِ النَّبِيِّ^۳

۲۹۴۸ عَنْهُ ﷺ أَهْدِ الْمَوَدَّةَ بَيْنَ وَادِّكَ تَكُنْ أَمْنًا^۴

۲۹۴۹ عَنْهُ ﷺ إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ أَحَاءَ فَسِ اللَّهِ فَلْيُحْسِنَهُ،
فَإِنَّهُ بُعِثَ فِي الْأَلْفَةِ، وَأُثْبِتَ فِي الْمَوَدَّةِ^۵

ج - الْأَعْسَاطُ فِي الْمُلَاقَاةِ

۲۹۵۰ الْإِمَامُ الْبَاقِرُ ﷺ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ رَجُلٌ فَقَالَ
يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَوْحِصِي فَكَانَ فِيمَا أَوْحَاهُ أَنْ قَالَ أَلَى
أَحَاكَ بَوَاحٍ مُبَسِّطٍ^۶

۲۹۵۱ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا تُحَقِّرَنَّ مِنَ الْمَعْرُوفِ شَيْئًا وَلَوْ
أَنْ تَلْقَى أَحَاكَ بَوَاحٍ طَنَقِي^۷

مسلمانان دوست شد، نامش، نام پدرش و نام
قبیله و تیره‌اش را بپرسد؛ زیرا پرسش از این
چیزها، از حقوق واجب دوستی و نشانه برادری
راستین است، وگرنه، آن [آشنایی]، شباهتی
احتمال‌آمیزی است.

ب - اِعلام دوسی

۲۹۴۶ پیامبر خدا ﷺ هرگاه یکی از شما یار یا
برادرش را دوست داشت، او را [از این دوستی]
با خبر کند

۲۹۴۷ پیامبر خدا ﷺ هرگاه یکی از شما برادرش را
دوست داشت، او را [از این دوستی] با خبر کند؛
بجرا که این کار، افراد را بیشتر به هم می‌پیوندد

۲۹۴۸ پیامبر خدا ﷺ دوستی حدود را نسبت به
کسی بگشاید تو را دوست دارد، آشکار کن تا [در
دوستی‌ات] استوارتر شوی

۲۹۴۹ پیامبر خدا ﷺ هرگاه یکی از شما برادرش را
در راه خدا دوست داشت، او را [از این دوستی]
با خبر کند، که این کار، الفت را پابدارتر می‌سازد و
دوستی را استوارتر می‌کند

ج - گشاده‌رویی به هنگام دیدار

۲۹۵۰ امام باقر ﷺ مردی نزد پیامبر خدا آمد و گفت:
ای پیامبر خدا! مرا سعادتی کن

او حمله سعادش‌های پیامبر ﷺ به او، این بود
که «باروی گشاده، با برادرت دیدار کن».

۲۹۵۱ پیامبر خدا ﷺ هیچ‌یک از کارهای سبک را
حقیر بشمار؛ گرچه [آن کار سبک]، در این حد
باشد که [برادرت را باروی گشاده دیدار کنی]

۱ الکافی ج ۲ ص ۶۷۱ ح ۲

۲ المناسک ج ۱ ص ۱۱۵ ح ۹۵۳

۳ التواب والقرآن ص ۱۲

۴ الإعراب ص ۱۳۶ ح ۶۶

۵ الإعراب ص ۱۳۸ ح ۶۹

۶ الکافی ج ۲ ص ۱۰۳ ح ۳

۷ صحیح مسلم ج ۱ ص ۲۰۲۶ ح ۲۶۳۶

۲/۷. مَا لَا يَنْبَغِي فِي مُعَاشَرَةِ الْإِخْوَانِ

۲/۷ آنچه در معاشرت با برادران، شایسته نیست

أ- التَّصْنُوعُ

الف- ظاهر سازی

۲۹۵۲ رسول الله ﷺ ثَلَاثَةٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ الْمُرْخِي دَيْلَةً مِنَ الْقَطْمَةِ، وَالْمُرْكِي سِلْعَةً بِالْكَذِبِ، وَرَجُلٌ يَسْتَقْبِلُكَ بِوُدِّ صَدْرِهِ قِيُورِي وَقَمِيَّةٌ مُسِيءَةٌ عِشًّا^۱

۲۹۵۲. پیامبر خدا ﷺ: خداوند، در روز قیامت، به سه کس نمی‌نگرد و آنان را پاک نمی‌سازد و برایشان عذابی دردناک خواهد بود. کسی که از سر تکبر، دسالة جامه‌اش را بلند می‌کند [تا بر زمین کشیده شود]؛ کسی که به دروغ، کالای خود را پاک [و بی‌عیب] معرفی می‌کند؛ و کسی که دوستانه با تو رویارو می‌شود، حال آن‌که قلبش لیریز در فریب است.

ب- العَشْ

ب- فریفتن

۲۹۵۳ رسول الله ﷺ الْمُسْلِمُ أَحْوَرُ السُّلَمِ، وَلَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ بَاغٍ مِنْ أَخِيهِ نِيحاً مِمَّنْ عَوَّبَ إِلَّا بَيْنَهُ لَهُ^۲

۲۹۵۳. پیامبر خدا ﷺ: مسلمان، برادر مسلمان است و برای هیچ مسلمان روا نیست که بچیز معیوبی به برادرش ضرر دهد؛ مگر آن‌که او را از آن [عیب]، پنهان سازد.

ج- النُّحْلُ

ج- نهل

۲۹۵۴ رسول الله ﷺ يَتَاكُمُ وَ يَنْحَلُ: فَإِنَّ النُّحْلَ دَعَا أَقْوَاماً فَتَعَوَّا زَكَاتَهُمْ، وَدَعَاهُمْ فَفَطَعُوا أَرْحَامَهُمْ، وَدَعَاهُمْ فَتَفَكَّرُوا دِمَاءَهُمْ^۳

۲۹۵۴. پیامبر خدا ﷺ: از نحل بهره‌بردار که همین نحل، مردمی را بر انگیخت تا زکات خود را پرداختند و آنان را بر انگیخت تا از خویشان خود ثریا بدند و آنان را بر انگیخت تا خون‌های یکدیگر را ریختند.

د- الإِيْدَاءُ

د- آردن

۲۹۵۵ كَذَرُ الْعَمَلِ مَنْ أَسَسَ: كَانَ السَّيِّئُ عَمَلًا إِذَا قَامَ مِنَ اللَّيْلِ يَقْرَأُ، وَ مَرَمٌ فِي فَرَاغِهِ

۲۹۵۵. کثر العمل به نقل از آنس - پیامبر ﷺ هرگاه شبانه برای قرائت [قرآن] بر می‌خاست، آیات را بسیار آهسته تلاوت می‌کرد، از وی پرسیدند: ای پیامبر خدا! صدایت را به قرآن حواسلند، بلند نمی‌کشی؟

قَمِيلٌ. يَا رَسُولَ اللَّهِ، يَمْ لَا تَرْفَعُ صَوْتَكَ بِالْقُرْآنِ؟ قَالَ أَكْرَهُ أَنْ أُوْدِيَ زَمِيْقِي وَأَهْلَ بَيْتِي^۴

فرمود، وحوش سدارم رفیقم و خانواده‌ام را بیزارم؟

۱. تفسیر العیاشی، ج ۱ ص ۱۷۹ ح ۶۹

۲. سنن ابن ماجه، ج ۲ ص ۷۵۵ ح ۲۲۴۶

۳. کثر العمل، ج ۳ ص ۴۵۲ ح ۷۱۰۶

۴. کثر العمل، ج ۲ ص ۲۱۹ ح ۴۱۲۳

هـ- الإفراط في المحبة

هـ- زیاده‌روی در دوستی

۲۹۵۶ رسول الله ﷺ أحسب - وقال بعضهم جب -

۲۹۵۶ پیامبر خدا ﷺ با دوستت به گونه‌ای ملایم

حبيبك هوأ ما عسى أن يكون يبعثك يوماً

دوستی کن، که شاید روزی دشمنت گردد، و ما

ما، وأبغض يبعثك هوأ ما عسى أن يكون

دشمنست به گونه‌ای ملایم دشمنی کن، که شاید

حبيبك يوماً ما. ۱

روزی دوست گردد

۲۹۵۷ عنه ﷺ إن قوماً أحبوا قوماً حتى هلكوا في

۲۹۵۷ پیامبر خدا ﷺ مردمی، مردمی دیگر را چنان

محببتهم، فلا تكونوا كهم وإن قوماً أبغضوا قوماً حتى

دوست داشتند که بر اثر دوستی‌شان هلاک شدند

هلكوا في محبتهم، فلا تكونوا كهم ۲

پس شما چون آنان مباشید و مردمی، چنان با

مردمی دیگر دشمنی ورزیدند که بر اثر این

دشمنی‌شان هلاک شدند پس مانند آنان نیز مباشید

الفصل الثامن. أحكام المحبة

فصل هشتم. احکام دوستی

۱ / ۸ من دبت محبة

۳۳۸ آنان که دوستی‌شان واجب است

الكتاب

قرآن

«ذلك الذي يشترط ألفة عبادة الدين «اصموا وسموا»

«این صلی (پاداشی) است که خدا، بندگان خود را که

الصليحت قل لا أشرككم عليه أجزاء إلا المودة في

ایمان آورد، مانند و کارهای شایسته کرده‌اند، [بدان] موده

الغريب ومن يفتقر حسنة نرد لها فيها حسنة إن

نداده استند بگو، «در برابر آن (رسالت)، پاداشی از شما

اللله غفور شكور» ۳

خواستار هستم مگر دوستی درباره حریشاوردان» و هر

الحديث

کس یکی به جای آورد (و طاعتی اندوخت)، برای او در

۲۹۵۸ رسول الله ﷺ لا يؤمن عبد حتى أكون أحب إليه

ثواب آن خواهند افزود، قطعاً خدا آموزد، و قدرشاس

من نفسه، وتكون عترتي إليه أعز من عترته، ويكون

نسب

أهلي أحب إليه من أهله، وتكون داني أحب إليه من

۲۹۵۸، پیامبر خدا ﷺ هیچ بنده‌ای ایمان نمی آورد،

دائمه. ۴

مگر هنگامی که من برایش دوست‌داشتنی‌تر از

خودش باشم و خانواده‌ام برایش ارجمندتر از

خانواده خودش باشد و خانواده‌ام برایش دوست

داشتنی‌تر از خانواده خودش باشند و هستی‌ام

برایش دوست‌داشتنی‌تر از هستی خودش باشد

۱ الأمل للطوسي ص ۲۲۲ ح ۱۲۸۵

۲ فردوس الأعلی ج ۱ ص ۲۹۶ ح ۹۱۹

۳ المنوری ۲۳۰

۴ علی الشرائع ص ۱۴۰ ح ۳

۲۹۵۹. عَنِ النَّبِيِّ ﷺ مَا احْتَلَطَ حُبِّي بِقَلْبٍ غَيْرِ إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ^۱
۲۹۶۰. عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبِّي وَحُبُّ أَهْلِ بَيْتِي^۲
- ۲/۸. مَنْ تَسَخَّفَ مَخَفَتُهُ
۲۹۶۱. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ رَدَّ الْمُؤْمِنَ لِلْمُؤْمِنِ بِبَيِّ اللَّهِ بِسِ
- أَعْظَمِ شُعْبِ الْإِيمَانِ^۳
۲۹۶۲. عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَعْدُ عَالِمًا، أَوْ مُتَعَلِّمًا، أَوْ مُسْتَعِيماً، أَوْ مُحِبًّا لَهُمْ، وَلَا تَكُنِ الْعَاقِسَ فَتَهْلِكَ^۴
۲۹۶۳. عَنِ النَّبِيِّ ﷺ - يَا بَنِي ذَرٍّ -: عَلَيْكَ ... بِحُبِّ النَّكَاسِينَ وَمُجَالَسَتِهِمْ^۵
۲۹۶۴. عَنْهُ ﷺ كَلَّمَا ارْدَدَ الْعَبْدُ إِيْمَانًا، لَرْدَادٍ حَتَّى لِلَّاءِ^۶
۲۹۶۵. عَنِ النَّبِيِّ ﷺ - فِي قِصَّةِ الْخَوَلَاءِ -: يَا خَوَلَاءُ، لِمُرجِلٍ عَلَى الْمَرْأَةِ أَنْ تَلْزِمَ بَيْتَهُ، وَتُوَدِّدَهُ وَتُحِبَّهُ وَتُسَقِّفَهُ^۷
۲۹۶۶. عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَرْجُوا الصُّبْحَانَ وَارْحَمُوهُمْ، وَادَا وَعَدُّهُمْ شَيْئًا فَقُوا لَهُمْ، فَإِنَّهُمْ لَا يَدْرُونَ إِلَّا أَنَّكُمْ تَرَرُّ قَوْلَهُمْ^۸
۲۹۵۹. پیامبر خدا ﷺ دوستی من، با قبیله بندهای آمیخته نمی‌شود، مگر آن که خداوند پیکرش را بر آتش، حرام خواهد کرد
۲۹۶۰. پیامبر خدا ﷺ بیاد اسلام، دوستی من و دوستی اهل بیت است
- ۲/۸ آمان که دوستی‌شان پسندیده است
۲۹۶۱. پیامبر خدا ﷺ صحبت مؤمن به مؤمن در راه حقا، از مرگ‌ترین شایعه‌های ایمان است
۲۹۶۲. پیامبر خدا ﷺ یا عالم باش، یا آموزنده، یا دوستدار (ای علم)، و یا دوستدار آمان، پس همین باشد که هلاک می‌شوی
۲۹۶۳. پیامبر خدا ﷺ - به ابو ذر -، تو را... به دوستی با مسکین و همیشگی با آمان، سفارش می‌کنم
۲۹۶۴. پیامبر خدا ﷺ هر چه بر ایمان سده افروخته می‌شود، زن دوستی او افرایش می‌یابد
۲۹۶۵. پیامبر خدا ﷺ - در ماحرای خولاء - ای خولاء! حق مرد بر زن است که پایید خانه‌اش باشد، یا او مهربانی کند و دوستش بخارد و دلشورش باشد

۲۹۶۶. پیامبر خدا ﷺ کودکان را دوست بدارید و به آنان رحم کنید و هرگاه به آنان وعده‌ای دادید، به آن وفا کنید؛ چرا که آنان، تنها این را می‌دانند که شما روزی رسان آنان هستید

۱. کنز العمال ج ۱ ص ۱۸۴ ح ۹۳۹
 ۲. کنز العمال ج ۱۲ ص ۱۰۵ ح ۳۴۲۰۶
 ۳. الکافی ج ۲ ص ۱۲۵ ح ۳
 ۴. عوالي اللئالی ج ۴ ص ۷۵ ح ۵۸
 ۵. معانی الأخبار ص ۳۵ ح ۱
 ۶. المجموعات، ص ۹۰
 ۷. مستدرک الوسائل ج ۱۴ ص ۲۴۴ ح ۱۶۶۰۴
 ۸. الکافی ج ۶ ص ۴۹ ح ۳

۲۹۶۷. صحیح البخاری عن أمی هريرة قُتِلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَعِنْدَهُ الْأَقْرَعُ بْنُ حَابِسٍ لَشُعَيْمٍ جَالِساً، فَقَالَ: «لَا أَقْرَعُ إِلَّا لِي عَشْرَةٌ مِنَ الْوَلَدِ مَا قُتِبْتُ مِنْهُمْ أَحَدًا أَفْطَرُ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ثُمَّ قَاتِلَ مَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يَرْحَمُ»^۱

۸ / ۳ من تحرم محبته

الكتاب

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا غَدَوَىٰ وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْفُونَ لَهُمْ بِالْمُؤَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَيَنَادُونَ أَنِ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَبِّكُمْ بِهِمْ كَذَّبُوا وَخَسِفُوا فِي سَمِيِّهِ وَاتَّخَفُوا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ فَسَأَلُوكَ النَّبِيَّ أَن يُبْعَثَ عَلَيْهِمْ نَارٌ مِّنَ السَّمَاءِ فَكَفُّوا عَنْهَا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ وَإِنِّي أَخْلَقُكُمْ وَأَنَا غَالِمٌ فِي أَعْيُنِكُمْ وَأَنَا فَاطِمٌ لَّكُمْ مِنَ الْغُلَامِ وَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ فَإِذَا حَمَلَ إِلَهُ الْمُنَادِي قَالُوا قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ عَلِيمٌ﴾^۲

الحدیث

۲۹۶۸ رسول الله ﷺ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يُوَاجِهُنَّ كَافِرًا، وَلَا يُحَالِظُنَّ فَاجِرًا وَمَنْ أَحْسَى كَابِرًا أَوْ حَالِظًا فَاجِرًا كَانَ كَابِرًا مَاجِرًا^۳

۸ / ۴ من تكروه محبته

۲۹۶۹ رسول الله ﷺ تَوَقَّوْا مُصَاحِبَةَ كُلِّ صَاحِبِ الْخَمْرِ قَوِيَّ الشَّرِّ خَبِيثُ النَّفْسِ، إِذَا حَافَ حَمَسَ، وَإِذَا مَيَّنَ بَطَشَ^۴

۱ صحیح البخاری ج ۵ ص ۲۲۲۵ ح ۵۶۵۱

۲ الممتحنة ۱

۳ صفات الشیعة ص ۸۵ ح ۹

۴ نبيه الخواصر ج ۲ ص ۱۷۱

۲۹۶۷ صحیح البخاری - به نقل از ابو هریره -، پیامبر خدا، در حالی که اقربع بن حبیب شعیبی نزد ایشان نشسته بوده، حبیب بن علی ﷺ را بوسید، اقربع گفت: من، ده سرزند دارم و تاکنون هیچ یک از آنان را بوسیده‌ام!

پیامبر خدا به او مگهی کرد و فرمود: «هر که مهربانی نکند، مورد مهربانی قرار نخواهد گرفت»!

۸ / ۳ آنان که دوستی‌شان حرام است

قرآن

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا دُشْمَانَكُمْ وَدُشْمَانُكُمْ أَكْثَرٌ يُغْتَابُوكُمُ فِي الْغُدُورِ إِذَا هُمْ بِالْمُنَافِقِينَ إِذَا جَاءَهُمْ مِنَ اللَّهِ غَاشِيَةٌ فَفَتَنَوكُمْ فِي الْأَمْوَالِ الَّتِي حَرَمَ اللَّهُ وَالْأَنفُسِ الَّتِي عَلَّمَ اللَّهُ وَيَا خَائِفِينَ لَهُ لَا تَهِنُوا فِي الْقِتَالِ وَاللَّهُ سَامِعٌ عَلِيمٌ﴾^۱

حدیث

۲۹۶۸ پیامبر خدا ﷺ هر کس به خدا و روز قیامت ایمان ندارد، با هیچ کافری، برادری نکند و با هیچ فاجری (بدکاری)، مصاحبت نکند. هر کس با کافری، برادری کند یا با فاجری مصاحبت کند، خود، کافری فاجر است.

۸ / ۴ آنان که دوستی‌شان مکروه است

۲۹۶۹ پیامبر خدا ﷺ از مصاحبت با هر آن که حیرش ضعیف، شرش بیرومند و جانش پلید است، خود را بگه دارد! [یعنی] آن که هر گاه بشناسد، بهان می‌شود و چو در محض گردد، یورش می‌برد.

الفصل التاسع: دور المحبة في تأسيس الحكومة الإسلامية وتجديدها

۱/۹. نزول آية الإخاء

۲۹۷۰. الأماشي للطوسي عن ابن عباس. لَمَّا تَرَأَتْ ﴿إِنَّمَا
الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾^۱ أَحَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بَيْنَ
الْمُسْلِمِينَ، فَأَخَى بَيْنَ أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ، وَبَيْنَ عُثْمَانَ وَ
عَبْدِ الرَّحْمَنِ، وَبَيْنَ فُلَانٍ وَفُلَانٍ، حَتَّى أَحَى بَيْنَ
أَصْحَابِهِ أَجْمَعِهِمْ عَلَى قَدَرِ خَارِلِهِمْ، ثُمَّ قَالَ لِعَلِيِّ بْنِ
أَبِي طَالِبٍ ﷺ أَنْتَ حَيٌّ وَأَنَا أَمُوتُ^۲

۲/۹. مؤاخاة أصحاب النبي ﷺ قبل الهجرة

۲۹۷۱. الاستيعاب. أَحَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بَيْنَ الْمُهَاجِرِينَ
بِمَكَّةَ، ثُمَّ أَحَى بَيْنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ بِالتَّيْنَةِ،
وَقَالَ فِي كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا لِعَلِيِّ ﷺ «أَنْتَ أَحْيَ بَيْنِي
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ»، وَأَحَى بَيْنَهُ وَبَيْنَ نَفْسِهِ^۳

۳/۹. مؤاخاة أصحاب النبي ﷺ بعد الهجرة

۲۹۷۲. الإمام عليّ ﷺ. إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ لَمَّا هَاجَرَ إِلَى
التَّيْنَةِ أَخَى بَيْنَ أَصْحَابِهِ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ،
يَقَعُ الْمَوَارِيثَ عَلَى الْأَخُوَّةِ فِي الدِّينِ لَا فِي مِيرَاثِ
الْأَرْحَامِ، وَدَلَّكَ قَوْلُهُ تَعَالَى ﴿إِنَّ الْأَخْيَارَ أَقْرَبُ
وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ
اللَّهِ وَالَّذِينَ قَاتَلُوا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ نَفْسُهُمْ أَوْلِيَاءُ

فصل نهم نقش مهرورزی در تأسیس حکومت اسلامی و تجدید آن

۱/۹. نزول آیه برادری

۲۹۷۰. الأماشي، طوسی - به نقل از ابن عباس - چون
آیه ﴿مُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ نازل شد، پیامبر خدا
میان مسلمانان، برادری برقرار کرد؛ ابو بکر و
عمر را با هم قرار داد، عثمان و عبد الرحمن را با
هم، و فلانی و فلانی را با هم، تا آن که میان همه
یارانش، بر ختست برادریشان، پیوند برادری
برقرار ساخت. آن گاه به علی بن ابی طالب ﷺ
فرمود: «من و تو بر با هم برادریم»

۲/۹. برادر شدن یاران پیامبر ﷺ، پیش از هجرت

۲۹۷۱. الاستیعاب: پیامبر خدا، در مکه، میان مهاجران
برادری افکند و سپس در مدینه، میان مهاجران و
انصار پیوند برادری برقرار ساخت و در هر دو
مورد، به علی ﷺ فرمود، «تو در دنیا و آخرت،
برادر منی» و میان او و خود، برادری افکند

۳/۹. برادر شدن یاران پیامبر ﷺ، پس از هجرت

۲۹۷۲. امام علی ﷺ: پیامبر خدا، چون به مدینه
هجرت کرد، میان یاران مهاجر و انصار
برادری افکند و ارثی را بر پایه برادری دینی
قرار داد، نه بر پایه پیوند خویشاوندی. این است
سخن خدای متعال که: ﴿كَسَانِي كِهَ اِيْمَانِ اَوْرَدَمَنْدِ وَ
هَجَرَتِ كَرْدَمَنْدِ وَ دَر رَاهِ خُدَا، بِا مَالِ وَ جَانِ حَوْصِ بِه جِهَادِ
بَرِيْمَنْدَمَنْدِ وَ كَسَانِي كِهَ [مهاجران را] پناه داده‌اند و یاری
کرده‌اند، آنرا یاران یکتاگردند» تا این سخن خدای

۱. الحجرات ۱۰

۲. الأماشي للطوسي ص ۵۸۷ ح ۱۷۱۴

۳. الاستيعاب ج ۳ ص ۲۰۲

نَقَضَ إِلَى قُوِيهِ سُبْحَانَهُ ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ
يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِّنْ وَلِيَّتِهِم مِّن شَيْءٍ حَتَّى
يُهَاجِرُوا﴾^۱ فَأَخْرَجَ الْأَوَّابَ مِّنَ الْمِيرَاثِ وَاسْتَأْذَنَ
لِأَهْلِ الْهَجْرَةِ وَأَهْلِ الذَّيْهِ حَاضَةً، ثُمَّ عَطَفَ بِالْقَوْلِ
فَقَالَ تَعَالَى ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا نَعَصُوهُمْ أَزْوَاجًا نَّعَصِ
الْأَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِى الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ﴾^۲،
فَكَانَ مَن مَاتَ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ يَصِيرُ مِيرَاثُهُ وَتَرِكَتُهُ
لِأَحْيِهِ فِى نَدْيٍ دُونَ الْفَرَاثَةِ وَالزَّجِيمِ الْوَشِيحَةِ^۳

مِمَّا هُوَ فِي الْإِسْلَامِ أَسْرَلَهُ اللَّهُ ﴿أَسْبَى أَوْلَى
بِالْمُؤْمِنِينَ مِّنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُمْ وَأُمَّهُتُهُمْ وَأَوَّلَادُ
الْأَزْوَاجِ نَعَصُوهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِى كِتَابِ اللَّهِ مِمَّنْ
الْمُؤْمِنِينَ وَاللَّهُ خَبِيرٌ إِلَّا أَنْ تَقْعَلُوا إِلَى أَوْلِيَائِكُمْ
مُعْزَوْهَا كَانَ دَٰلِكَ فِى الْكِتَابِ مَسْطُورًا﴾^۴ - يَكُونُ
مَعْنَى نَسْخِ آيَةِ الْمِيرَاثِ^۵

۲۹۷۳ مسند ابی یعلیٰ عن انس کسان رسول الله ﷺ
بواحي بين الاثنين من اصحابه فيقول على
أحدهما نليل حتى يلقاه أحاه فيلقاه بود ويطلب
فيقول كيف كنت بعدى؟
وأما النائمة فلم يكن تأتي على أحدهما ثلاث لا
يعلم علم أحيه^۶

۱ الأنفال ۷۲ ۲ الانفال ۷۳

۳ رجم واشجه وورسيحه مشتكة منصلة ولسان العرب ج ۲
ص ۳۹۹ (وشج)

۴ الأحزاب ۶

۵ بحار الأنوار ج ۱۹ ص ۹۱ ح ۵۸

۶ مسند ابی یعلیٰ ج ۳ ص ۲۴۹ ح ۲۳۲۵

سبحان که ﴿و کسانى که ايمان آورده‌اند، ولى هجرت
نکردند هیچ گونه حريش وندى [ديسى] اى با شما ندارند، مگر
آن که هجرت کنند﴾ ندیى ترتيب، حویش وندان را از
ميراث خارج ساخت و آن را ویژه اهل هجرت و
اهل دين، قرار داد سپس خداوند متعال، در ادامه
سبحن فرمود ﴿و کسانى که كفر ورزیدند، نارای نكند مگرند
لكر لى [مستور] را به كار ميديد در زمین، مکه و هسادى
بررگ، پديد خواهد آمد﴾ پس هر يك از مسلمانان که
در مى گذشت، ميراث و اموال به جا ماند، اش به
برادر دى اش مى رسید، به به حویشان و بستگان
برديکش

اما چون اسلام يرومند شد، خداوند، این آیه
بر لرو فرستاد ﴿پيامبر به مؤمنان ابرودشان سزاوارتر
برویم که﴾ است و همسرانش ماورای ایشان اند، و
حريشان وندان، طبق کتاب خدا، بعضى سجت به بعضى نبودت
نبرد او [بر ملغان و مهاجران] مقدم اند، مگر آن که سواديد
به دوستان [مؤمن] خود [وصيت يا] بيكى کيد و این بر کتاب
[خدا] نگاشته شده است﴾ این است معای مروج
شدن آیه ميراث

۲۹۷۳ مسند ابی یعلیٰ - به نقل از انس - پيامبر خدا
مان پراش، دو به دو، برادرى مى افکند پس هر
يك از آن دو، [بر اثر شوق ديدار برادرش] شب
درارى را سپرى مى کرد تا برادرش را ديدار کند و
[صباحگاه] او را با دوستى و لطف، ديدار مى کرد و
مى گفت بعد از من چگونه بودى؟

اما عموم [مسلمانان]، بر هر يك از آنها سه
شب معى گذشت که از حال برادر [ديسى] خود،
حر مناشه باشد.

۱/۹. تجدید مشروع الإخاء الذی فی لی آخر

الزمان

۲۹۷۴ رسول الله ﷺ رَبُّ مُؤْمِنٍ یَّیْ وَلَمْ یَزِیْ . وَمُصَدِّقٍ

بِیْ وَمَا شَهِدَنِي ، أَوْلَیْكَ إِخْوَانِي حَقًّا^۱

۲۹۷۵ الْأَمَلِيُّ لِلْمُعِیدِ عَنْ عَوْفِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ رَسُولُ

الله ﷺ دَسْتُ یَوْمَ : یَا لَیْسَی قَدْ لَقِیْتُ إِخْوَانِي ! فَعَالَ لَهُ

أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ أَوْلَا إِخْوَانُكَ ؟ أَمَّا یَاكَ وَهَاجِرًا

مَعَكَ ؟!

قَالَ ﷺ قَدْ آمَنُكُمْ وَهَاجَرْتُمْ . وَیَا لَیْسَی قَدْ لَقِیْتُ

إِخْوَانِي فَأَعَادَا الْقَوْلَ

فَعَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ . أَنْتُمْ أَصْحَابِي ، وَلَکِنْ إِخْوَانِي

الَّذِينَ یَأْتُونَ بِسَیِّئَاتِکُمْ : یُؤْمِنُونَ بِیْ وَیُحِبُّونَنِي

وِیَنْصُرُونَنِي وَیُصَدِّقُونَنِي وَمَا زَاوَوِي ، قَالَا لَیْسَی قَدْ لَقِیْتُ

إِخْوَانِي !^۲

۲۹۷۶ رَسُولُ اللهِ ﷺ - فِي وَصْفِ إِخْوَانِيهِ الَّذِينَ یَأْتُونَ بِسَیِّئَاتِکُمْ

بَعْدَهُ - لَوْ أَنَّ أَحَدًا مِنْهُمْ یُسَبِّحُ تَسْبِیْحَةَ حَبْرَةٍ مِنْ أَنْ

یَصْبِرَ لَهُ جِبَالُ الدُّنْیَا دَهْبًا ، وَنَظَرَةٌ إِلَى وَاحِدٍ مِنْهُمْ أَحَبُّ

إِلَیَّ مِنْ نَظَرَةٍ إِلَى بَيْتِ اللهِ الْحَرَامِ . وَلَوْ أَنَّ أَحَدًا مِنْهُمْ

یَمُوتُ فِي شِدَّةٍ بَيْنَ أَصْحَابِهِ لَهُ أَجْرٌ مَقْتُولٍ بَيْنَ الرُّكُوسِ

وَالْمَقَامِ . وَلَهُ أَجْرٌ مِنْ یَمُوتُ فِي حَرَمِ اللهِ وَمِنْ مَاتَ

فِي حَرَمِ اللهِ آمَنَهُ اللهُ مِنَ الْقَرْعِ الْأَكْبَرِ ، وَأَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ^۳

۲/۹. تجدید حیات برادری دیمی در آخر زمان

۲۹۷۲ پیامبر خدا ﷺ ، با ایمان آوردندای به من که

مرا ندیده است؛ او با تصدیق کننده [حمایت و بیوت]

من که مرا مشاهده نکرده است؛ ایمان، به راستی

برادران من اند

۲۹۷۵ الْأَمَلِيُّ ، مُعِیدٌ - بِه یَقُلُ از عَوْفِ بْنِ مَالِكٍ -

رَوَى بِیْامِیرِ خُدا فرمود : ای کاش برادرانم را

می دیدم!

«او بکر و عمر گفتند: مگر ما برادران تو هستیم؟»

به تو ایمان آوردیم و با تو هجرت کردیم

فرمود : دالسته شما ایمان آوردید و هجرت

کردید؛ [ولی] ای کاش برادرانم را ملاقات

می کردم!

آن دو ، سخن خود را تکرار کردند

پیامبر خدا فرمود : شما یارانمید؛ اما برادران

من ، آن کسانی هستند که بعد از شما می آیند ، به من

ایمان می آورند و توستم می دارند و یاری ام

می رسانند و تصدیق می کنند ، در حالی که مرا

ندیده اند . پس ای کاش برادرانم را ملاقات می کردم!

۲۹۷۶ پیامبر خدا ﷺ - در وصف برادرانش که پس از او

می آیند - اگر هر یک از آنان ، یک تسبیح بگوید ،

برایش بهتر از آن است که کوه های دنیا برای او طلا

شود . یک نگاه به یکی از آنان ، مرد من محبوب تر از

نگاه کردن به بیت الله الحرام است ، اگر فردی از آنان

در بین یارانش در سختی بمیرد ، پاداش کسی را دارد

که در میان رُکس و مقام ، به قتل رسیده باشد ، و مرد

کسی را دارد که در حرم خدا بمیرد کسی که در حرم

خدا بمیرد ، خداوند ، او را از آن وحشت بزرگ [در

روز قیامت] در امان می دارد و به بهشتش می بزد .

۱ تاریخ دمشق ج ۳۵ ص ۲۵۲

۲ الْأَمَلِيُّ لِلْمُعِیدِ ص ۶۳ ج ۹

۳ التَّحْفِی لَابْنِ فَهْدٍ ص ۲۵ ح ۴۰

مبحثی درباره برادری در اسلام

یک شریع قانون برادری در اسلام

تشریع (وصح) قانون برادری یکی از برجسته ترین اقدامات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی پیامبر اسلام است و به روشی، حاکی از ارتباط وی با مبدء وحی، و بهائیت درایت، حکمت و مدیریت ایشان در هدایت و رهبری امت اسلامی است.

قرآن کریم «بِحَبْلِ حَمِيمٍ» (بِهَبْلِ مُشْتَرِكٍ) در حقیقت مؤسس برادری است ﴿وَلَا يَجْعَلُ الْوَقْفُ حَبْلًا بَيْنَ يَدَيَّكُمْ﴾، قانونی را تشریع کرده که بر اساس آن، نسبت و پیوندی میان اتحاد مسلمانان ایجاد می شود که پیش از آن، وجود نداشت. این پیوند، «برادری دینی» نامیده می شود.

دو اتحادی ترین پیوندهای اجتماعی

اسلام، با تشریع قانون برادری دینی از یک سو و تعصباتی ناروای مژادی، قبیله ای و حزبی به مبارزه برخاست و از سوی دیگر، قوی ترین و کارآمدترین پیوندهای اجتماعی و سیاسی را در امت اسلامی به وجود آورد.

ادبانی که احادیث اسلامی برای تبیین پیوند دینی به کار گرفته اند، فوق العاده نافذ و برانگیز و حالت توجیه است. احادیث اسلامی، به سه دسته مسلمانان را برادر یکدیگر می داند، بلکه تأکید می کند که آنان، برادر یکدیگر، یک پدر و مادر هستند و این برادری، ریشه در طبیعت و فطرت و مورانیت جهان آنان دارد.

سه اسلام، دین دوستی و برادری

اسلام، دین دوستی و برادری است. از این رو، برای هر چه مرد یک تر شدن مسلمانان به یکدیگر، این آیین، تنها به تشریع قانون برادری دینی و تأکید بر آثار و برکات فردی و اجتماعی، و دنیوی و اخروی آن، بسنده نکرده بلکه محبت مسلمانان را نسبت به یکدیگر، به عنوان یک فریضه دینی، واجب کرده است.

چهار. حکمت قانون برادری دینی

حکمت تشریع قانون برادری دینی در اسلام و تأکید بر وجوب محبت مسلمانان نسبت به یکدیگر، در واقع، ساختن جامعه‌ای است که پیوند دوستی و برادری در آن، به حدی قوی و استوار باشد که مردم، احساس کند همگی اعضای یک پیکرند تا اگر عصبی حساسی رنج و درد کرد، سایر اعضا احساس مسئولیت و همدردی نمایند و در خدمت درمان آن باشد، چنان که از پیامبر خدا روایت شده است

بَسَّخَى لِلْمُؤْمِنِينَ أَنْ يَكُونُوا فِيمَا بَيْنَهُمْ كَمَنْزِلَةِ رَحْلِ وَجَدٍ، إِذَا أَثْنَى كُفْرًا مِنْ خَشْيَةِ نَدَاسَى سَائِرٍ
جَسَدِهِ

شایسته است که مؤمنان، در میان خود، همانند یک تن باشد. به گویای که هرگاه عصبی از آن تن به درد آید، سایر اعضا، همدردی کند

پنج. تجدید حیات برادری دینی در آخر زمان

احادیثی وارد شده که در آنها پیامبر اسلام، از مردمی یاد می‌کند که در آخر زمان به یاری اسلام خواهند شتافت، و پیامبر خدا، آنان را به دلیل قوت ایمان و سرافرازی در مسئولیت‌پذیری، برادر خود می‌نامد.

تأمل در این حدیث و ملاحظه آنها در کنار احادیثی که در ذیل آیهی آمده که از یاوران اسلام در آینده تاریخ پیشگویی کرده‌اند، ماست. ﴿هَسُوْفَ يَأْتِي الْكُفْرُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّوْنَهُ^۱﴾ به رومی حاکمی، [بنگرا] نامی آورد که آن را دوست دارد و آنان بر او را دوست دارند^۲ و ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ قَطًّا عَنَّا كُفْرًا^۳﴾ و لکن روی برنمایید [عما] جای شمار به مردمی غیر از شما خواهد داد^۴، پژوهشگر را به این نتیجه و جمع‌بندی می‌رساند که طرح برادری دینی که در سپیده دم اسلام، یکی از مقدمات اصلی پیروزی مسلمانان و تأسیس حکومت اسلامی به رهبری پیامبر ﷺ بود، در آخر زمان با قوت بیشتری تجدید خواهد شد و به خواست خداوند متعال، زمینه را برای تشکیل حکومت جهانی اسلام به رهبری مهدی آل محمد - عجل الله تعالی فرجه - و تحقق وعده الهی ﴿لَيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ^۵﴾ تا آن را بر هر چه دین است، پیروز کند^۶ را فراهم خواهد ساخت

۱ کتوالمصالح ج ۱ ص ۱۵۲ ح ۷۶۶

۲ مائمه آیه ۵۲

۳ توبه آیه ۲۴ میزور ک فتح آیه ۲۸، ص ۹

۴ محمد آیه ۲۸

الْبَابُ الثَّانِي

باب دوم

آفَاتُ بِنَاءِ الْمُجْتَمَعِ

آسیب های جامعه

الفصل الأول: البعضاء

فصل یکم: دشمنی

۱/۱ التَّحْدِیْرُ مِنَ التَّنَافُصِ

۱/۱. هشدار درباره دشمنی با یکدیگر

۲۹۷۷ رسول الله ﷺ مَا عَهْدَ إِلَيَّ جَزَائِلٌ فِي شَيْءٍ

۲۹۷۷ پیامبر خدا ﷺ چیزی نیست که دربارۀ هیچ چیز به

مَا عَهْدَ إِلَيَّ فِي مُعَادَاةِ الرَّحَالِ^۱

امدارۀ دوری کردن از دشمنی با مردم، نه من
سوارش نکردم

۲۹۷۸ عَنْهُ ﷺ مَا يُهَيْتُ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ

۲۹۷۸ پیامبر خدا ﷺ من بعد از بهی شدن از بت پرستی،

مَا يُهَيْتُ سِوَ مُلَاحَاةِ الرَّحَالِ^۲

از چیزی به اندازۀ کشمکش کردن با مردمان، بهی
نشده ام

۲۹۷۹ عَنْهُ ﷺ أَلَا إِنَّ فِي تَسَاغُصِ الْعَافَةِ لَا أَعْنِي

۲۹۷۹ پیامبر خدا ﷺ هان' دشمنی با یکدیگر،

حَالِفَةَ الشَّعْرِ وَلَكِنْ حَالِفَةَ الدِّينِ^۳

دائمه' سب مقصودم ردایده مو نیست، که

۲۹۸۰ عَنْهُ ﷺ كُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِحْوَاءًا، لَا تَعَادُوا، وَلَا

تباغضوا، تَدَدُّوا، وَقَارِبُوا وَأَبْشِرُوا^۴

۲/۱ النَّهْيُ عَنِ الْهَجْرَانِ فَوْقَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ

۲۹۸۰. پیامبر خدا ﷺ ای بستندگان خدا! برادر باشید

و با یکدیگر، دشمنی و کینه توری مکنید در پی

درسی و استواری باشید و در کارها مانه روی

کنید و (در این صورت)، بر شما مژده باد!

۲۹۸۱ رسول الله ﷺ لَا هَجْرَةَ فَوْقَ ثَلَاثٍ^۵

۲۹۸۲ عَنْهُ ﷺ لَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَهْجُرَ أَحَدًا فَوْقَ

ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ، وَالسَّابِقُ يَسْبِقُ إِلَى الْجَنَّةِ^۶

۲/۱. بهی از جدایی بیش از سه روز

۲۹۸۱ پیامبر خدا ﷺ. هیچ جدایی ای نباید بیش از

سه (روز یا شب) پدید

۲۹۸۳ عَنْهُ ﷺ أَيْمًا مُسْلِمِينَ تَهَاجَرَا فَمَكَثَا ثَلَاثًا

لَا يَصْطَلِحَانِ إِلَّا كَانَا حَارِجِينَ مِنَ الْإِسْلَامِ، وَهُمْ يَكْفُرُ

۲۹۸۲ پیامبر خدا ﷺ برای هیچ مسلمانان روا نیست

که بیش از سه روز، برادرش را ترک گوید و هر

کس [برای] اشتی [پیش دستی] کند، به سوی

بهشت، پیش دستی کرده است.

بَيْنَهُمَا وَلَا يَتَهُ، فَأَتَاهُمَا سَبَقٌ إِلَى كَلَامِ أَحَبِّهِ كَانَ السَّابِقُ

۱ الکافی ج ۲ ص ۳۰۲ ح ۱

۲ نخب الفصول ص ۴۲ ۳ الکافی ج ۲ ص ۴۱۶ ح ۱

۴ مستدای حبل ج ۳ ص ۴۵۵ ح ۹۷۰

۵ الکافی ج ۲ ص ۴۴۴ ح ۲

۶ الامالی للطوسی ص ۳۹۱ ح ۸۶۰

۲۹۸۳. پیامبر خدا ﷺ هرگاه دو مسلمان از یکدیگر

برند و تا سه روز با یکدیگر آشتی نکنند، از [دین]

إِلَى الْجَنَّةِ يَوْمَ الْحِسَابِ^۱

۳/۱. مَصَارُفُ الْقَطِيعَةِ

۲۹۸۴. رسول الله ﷺ - فِي وَصِيِّهِ لِأَبِي ذَرٍّ - يَا أَبَا ذَرٍّ،
يَا ذَاكَ وَالْهَجْرَانِ لِأَخِيكَ الْمُؤْمِنِ: فَإِنَّ الْعَمَلَ لَا يُتَقَبَّلُ
مَعَ الْهَجْرَانِ^۲

۲۹۸۵. عنه ﷺ يَا أَبَا ذَرٍّ، تُعْرَضُ أَعْمَالُ أَهْلِ الدُّنْيَا عَلَى
اللَّهِ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ فِي يَوْمِ الْإِقْتِسَابِ وَالْخَمِيسِ
فَيُعَفَّرُ بِكُلِّ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ إِلَّا عَبْدًا كَانَتْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَحِبِّهِ
شَحَاءَةٌ، فَيَقَالُ أَتْرَكُوا عَمَلَ هَذَيْنِ حَتَّى يَصْطَلِحَا^۳

۲۹۸۶. عنه ﷺ فِي أَوَّلِ بَيْتِهِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ تُعَلِّمُ الْمَرْدَّةَ
مِنَ الشَّيَاطِينِ، وَيُعَفَّرُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ سَبْعِينَ أَلْفًا، فَإِذَا
كَانَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ عَفَّرَ اللَّهُ بِمِثْلِ مَا عَفَّرَ فِي رَجَبٍ
وَشَعْبَانَ وَشَهْرِ رَمَضَانَ إِلَى ذَلِكَ الْيَوْمِ بِمَا رَجُلٌ مَسَّهَ
وَبَيْنَ أَحِبِّهِ شَحَاءَةٌ، فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى نَظَرُوا هَؤُلَاءِ حَتَّى
يَصْطَلِحُوا^۴

۴/۱. عَوَامِلُ الْبُغْضَاءِ

الكتاب

﴿يَتَأْتِيهَا أَنْبِيَاءٌ مُنَادُوا لَهُمْ أَلْحَذُوا الْحِفْظَ وَالْمَيْسِرَ وَالْأَمْصَابَ
وَالْأَرْزَاقَ رَجَسٌ مِمَّنْ عَمِلَ الشَّيْطَانُ فَاجْتَنِبُوا لَعْنَتَكُمْ
تُطْفَخُونَ﴾^۱ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوَلِّقَ بَيْنَكُمْ
الْعَدُوَّةَ وَالْبُغْضَاءَ فِي الْخَفَرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصْنَعَكُمْ
ذُرِّيَّةَ اللَّهِ وَعَنِ اتِّخَاذِ قَوْلِ أَنْتُمْ كُنْتُمْ^۲

۱. الکافی ج ۲ ص ۳۴۵ ح ۵.

۲. الأنفال للطوسی ص ۵۲۸ ح ۱۱۶۲.

۳. مکرم الأنفال ج ۲ ص ۳۷۹ ح ۳۶۶۱.

۴. عيون أخبار الرضا ﷺ ج ۲ ص ۷۱ ح ۳۳۱.

۵. المائدة ۹۱ و ۹۲.

اسلام پیرو باند و میان آنان، ولایتی^۱ نخواهد بود.
پس هر یک از آن دو به سخن گفتن یا دوستی
پیش دستی کند، در روز حسابرسی، به سوی بهشت،
پیش دستی خواهد کرد.

۳/۱. زیان‌های جدایی

۲۹۸۴. پیامبر خدا ﷺ - در سفارش به ابو ذر - ای
ابو ذر! از ترک کردن برادر مؤمن بپرهیز که با هجران
و دوری، عمن [اصالح] پذیرفته نمی‌شود.

۲۹۸۵. پیامبر خدا ﷺ، ای ابو ذر! اعمال هر هفته اهل
دنیا در روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه بر خداوند عرضه
می‌شود، پس هر مؤمنی آمرزیده می‌شود، مگر آن که
میان او و برادرش کینه‌ای باشد که در این صورت،
گفته می‌شود: «عمل این دو را رد کنید، تا آب یکدیگر
آشنی کند».

۲۹۸۶. پیامبر خدا ﷺ شب ازل ماه رمضان، شیطان‌های
پلرکش به بند کشیده می‌شوند و هر شب، هفتاد هزار
تن آمرزیده می‌گردند و چون شب قدر فرا برسد،
حلائق تا به اندازه آنچه در ماه رجب و شعبان و رمضان
تا آن روز آمرزیده است، [بندگان را] می‌آمرزد، مگر
آن که میان کسی و برادرش کینه‌ای باشد که در این
صورت، خداوند ﷻ می‌فرماید: «[آمرزش] ایشان را
عقب بیندازید، تا آشنی کنند».

۴/۱. عوامل دشمنی

قرآن

﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شراب و قمار و بت‌ها و
بیرهای قرعه، تولید و از عمل شیطان‌اند پس، از آنها
دوری گزینید، باشد که دست‌گزار شوید همانا شیطان
می‌خواهد با شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه
ایجاد کند و شما را بر یاد خدا و از نماز، باز دارد، پس آیا
شما دست بر می‌دارید؟﴾^۱

۱. اشاره است به آیه ۷۱ از سوره توبه، ﴿وَاللَّغْوُ مَثْوًى
وَالْقُلُوبُ يَفْشَهُمْ أَوْثَانُ بَعْضُ مَرْدَانٍ وَرِثَانُ بَالِيسَانَ، بَر
یکدیگر ولایت دارند﴾.

الحديث

حديث

۲۹۸۷ رسول الله ﷺ إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ آيَسَ أَنْ يَعْجِدَهُ الْمُصَلُّونَ فِي جَرِيرَةِ الْقَرَبِ، وَلَكِنْ فِي التَّحْرِيشِ بَيْنَهُمْ^۱

۲۹۸۸ عَنْهُ ﷺ لَا تَفْتَحُ الدُّنْيَا عَلَى أَحَدٍ إِلَّا أَلْقَى اللَّهُ فِي نَفْسِهِمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ^۲

۲۹۸۷. پیامبر خدا ﷺ: شیطان از ایس که سمارگران در حریره العرب، او را بپرستند، موید شده است؛ لیکن به دشمنی افکندن میانشان [همچنان امید دارد]^۱

۲۹۸۸. پیامبر خدا ﷺ: در دنیا [خواستاهی] بر مردم گشوده نمی‌شود، مگر آن که خدای عز و جل در نور قیامت، میانشان کینه و دشمنی می‌افکند.

الفصل الثاني. الجدل والمراء

فصل دوم جدال و مگو مگو

۱/۲ الْحَثُّ عَلَى تَرْكِ الْمِرَاءِ

۱/۲ تنبیه بر ترک جدال

۲۹۸۹ رسول الله ﷺ أَوْزَعُ النَّاسِ مَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَإِنْ كَانَ مُحَقًّا^۳

۲۹۹۰ عَنْهُ ﷺ إِنَّ مِنْ التَّوَّاصِعِ أَنْ يَرْضَى الرَّجُلُ بِالنَّجَلِيسِ دُونَ شَرَفِ الْمَجَلِيسِ، وَأَنْ يُسَلِّمَ عَلَى مَنْ لَقِيَ، وَأَنْ يَتَرَكَ الْمِرَاءَ وَإِنْ كَانَ مُحَقًّا^۴

۲۹۸۹. پیامبر خدا ﷺ: ساهروا ترس مردم، کسی است که جدالگری را گرچه او بر حق باشد، رها کند.

۲۹۹۰. پیامبر خدا ﷺ از [شانه‌های] فروتنی است که وی انسان به شش در پایین ترین مکان [جستجو] می‌کند و شرف مجلس را بر کسی که با وی روبه‌رو می‌شود رها کرد. جدال، گرچه بر حق باشد.

۲/۲ ثَوَابُ تَرْكِ الْمِرَاءِ

۲/۲ ثواب ترک جدال

۲۹۹۱ رسول الله ﷺ مَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَهُوَ مُحِقٌّ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي أَعْلَى الْجَنَّةِ، وَمَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَهُوَ مُبْطِلٌ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي رِبْعِ الْجَنَّةِ^۵

۲۹۹۲ عَنْهُ ﷺ أَنَا رَعِيمٌ بِبَيْتٍ فِي رِبْعِ الْجَنَّةِ لِمَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَهُوَ مُحِقٌّ، وَبَيْتٍ فِي وَسْطِ الْجَنَّةِ لِمَنْ تَرَكَ الْكَذِبَ وَهُوَ مَارِحٌ، وَبَيْتٍ فِي أَعْلَى الْجَنَّةِ لِمَنْ

۲۹۹۱. پیامبر خدا ﷺ اگر کسی جدالگری را در صورتی که او بر حق است، ترک کند، خداوند، خانه‌ای برای وی در بالاترین نقطه بهشت خواهد ساخت، و اگر کسی جدالگری را در صورتی که بر باطل است، ترک کند، خداوند، خانه‌ای در بیرون بهشت برای وی خواهد ساخت.

۲۹۹۲. پیامبر خدا ﷺ: من، صامس خانه‌ای در اطراف بهشت هستم، برای کسی که جدال را در حالی که بر حق است، ترک کند، و [صامس] خانه‌ای در وسط

۱ صحیح مسلم ج ۱ ص ۲۱۶۶ ح ۲۸۱۲

۲ مستدرک حنبلی ج ۱ ص ۴۵ ح ۹۳

۳ معانی الأخبار ص ۱۹۶ ح ۱

۴ التجمیع ص ۴۹ ۵ تبه الخواطر ج ۱ ص ۱۰۸

۱ یعنی با افکندن دشمنی‌ها و کینه‌ها و درگیری‌ها و لکنه‌ها در میان دینداران، سعی در به جان هم انداختن آنان دارد

حَسَنَتٌ تَرِيْرَةٌ^۱.

۳/۲ التَّحْبِيْرُ مِنَ الْجِدَالِ لِإِحْضَائِ الْحَقِّ

۲۹۹۳ الإمام الصادق عن أبيه عليه السلام إِنَّ السَّيِّئَ عليه السلام قَالَ
لَنْ تَنَالَهُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِيْنَهُمْ شَحَاً يَمْعِي الْجِدَالَ
لِيُدْحِضُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ^۲.

الفصل الثالث: التحقير

۱/۳ النَّهْيُ عَنْ تَحْقِيْرِ النَّاسِ

۲۹۹۴ رسول الله صلى الله عليه وآله لَا يَزِرُ أَنْ أَحَدُكُمْ بِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِ
اَلْقَوَائِمِ لَا يَدْرِي أَيْهُمْ وَلِيُّ اَللّٰهِ^۳.

۲/۳ التَّحْدِيْرُ مِنْ تَحْقِيْرِ الْمُؤْمِنِ

۲۹۹۵ رسول الله صلى الله عليه وآله فِي اسْتِدْلَؤِ مُؤَسَّدٍ أَوْ مُؤَسَّهٍ، أَوْ
حَقَرَةٍ أَوْ قَفَرَةٍ أَوْ قَلْبَةٍ دَابٍ يَدِي، شَهْرَةُ اَللّٰهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ،
ثُمَّ يَفْضَحُهُ^۴.

۲۹۹۶ عنه عليه السلام لَا تُحَقِّرَنَّ أَحَدًا مِنْ لِمَسْمِيْنَ، فَإِنْ
صَمِرَ هُمْ عِنْدَ اَللّٰهِ كَبِيْرٌ^۵.

الفصل الرابع: الاختلاف

۱/۴ مَضَامِرُ الْاِخْتِلَافِ

۲۹۹۷ رسول الله صلى الله عليه وآله مَا اخْتَلَفْتُمْ اَمَّةٌ بَعْدَ نَبِيِّهَا اِلَّا ظَهَرَ
اَهْلُ بَاطِلِهَا عَلَى اَهْلِ حَقِّهَا^۶.

بهشت، برای کسی که دروغ [حتی به] شوخی را ترک
کند، و [صانع] جانهای در بالای بهشت، برای کسی
که رفتارش سکو باشد

۳/۲ هشدار درباره جدال برای لزوم بردن حق
۲۹۹۳ امام صادق عليه السلام - به نقل از پدرش عليه السلام - همان
پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: خداوند، انانی را که دین خود
را وسیله جدال قرار می‌دهند، لعنت کرده است؛
یعنی [آنان که] جدالگری می‌کنند تا به وسیله
باطل، حق را از بین ببرند

فصل سوم: کوچک شمردن دیگران

۱/۳ نهی از کوچک شمردن مردم

۲۹۹۴ پیامبر خدا صلى الله عليه وآله هیچ یک از شما نباید احدی از
بدگن خدا را خوار بشمرد؛ زیرا نمی‌داند که کدام
یک از آنها دوست خداست

۲/۳ هشدار درباره تحقیر مؤمن

۲۹۹۵ پیامبر خدا صلى الله عليه وآله هر کس مرد یا زن مؤمنی را،
به سب نهی دستی یا کم بصاعتی، خوار و حقیر
بشمارد، خداوند متعال در روز رستاخیز، او را
انگشت نما می‌سازد و سپس رسوایش می‌کند
۲۹۹۶ پیامبر خدا صلى الله عليه وآله هیچ مسلمانی را حقیر
نشمرد؛ زیرا کوچک آنان هم نزد خداوند، بزرگ است

فصل چهارم: تفرقه

۱/۴ پیامدهای اختلاف

۲۹۹۷ پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هیچ کشتی پس از پیامبر خود،
گرفتار اختلاف نشد، مگر آن که باطل‌گرایان آن،
بر حق خواهانش پیروز گشتند

۱ المصنم الأوسط ج ۱ ص ۲۶۹ ح ۸۷۸

۲ التوحید ص ۱۶۱ ح ۳۳

۳ بحار الأنوار ج ۷۵ ص ۱۴۷ ح ۲۱

۴ مستدرک، ص ۱۷۱، ۵ تبه الخواطر ج ۱ ص ۳۱

۶ کز العمال ج ۱ ص ۱۸۳ ح ۹۲۹

۲۹۹۸ عنه ﷺ لا تَحْتَفُوا، فَإِنْ مَنِ كَانَ قَبْلَكُمْ حُسْبُوا
فَهَلَكُوا^۱

۲۹۹۸. پیامبر خدا ﷺ ب هم اختلاف نکنید، که پیشیان
شما دچار اختلاف شدید و نابود گشتند.

۲۹۹۹ عنه ﷺ لا تَحْتَفُوا فَخَلَفَ قُلُوبُكُمْ^۲

۲۹۹۹. پیامبر خدا ﷺ سایکدیگر ساسرگری مکید،
نه دُهاستان ساسارگار و پراکده می شود

۲/۴ الاختلاف عقوبة إلهية

الكتاب

۲/۴. اختلاف، کفری الهی

قرآن

﴿قُلْ هُوَ الْقَابِضُ عَلَىٰ أَمْرٍ بَيْنَ يَدَيْهِ عَنَيْتُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقَكُم
أَوْ مِّنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ سُيُفًا وَيُزِيلُ
مِنْكُمْ بَاسًا بَعْضُ أَمْثَلِ كَمَثَلِ نُصْرَةٍ لِّلْمُتَّ
لِعْتِهِمْ يَفْهَمُونَ﴾^۳

﴿بگو! هر تواناست که از بالای سرتان یا از زیر پاهایتان،
عذبی بر شما بفرستد یا شما را گرویده گزوه، به هم اندازد
[و دچار بهره سارد] و عذاب بعضی از شما را به بعضی
[دیگر] بپاشاند، بگر که چگونه آیات [خود] را
گوناگون بیان می کنیم تا شاید آنان بفهمند﴾

الحدیث

حدیث

۳۰۰۰ رسول الله ﷺ أَنِّي صَلَّيْتُ صَلَاةَ رَغَبٍ وَرَهْبَةٍ
وَسَأَلْتُ رَبِّي ثَلَاثًا، فَأَعْطَانِي الثَّانِيَّ وَمَنْعَنِي الْوَاحِدَ
سَأَلْتُهُ أَنْ لَا يَمْنَحَنِي أَكْثَرَ مِنَ السَّنَنِ فَعَلَّ، وَسَأَلْتُهُ أَنْ لَا
يُظْهِرَ عَلَيَّ عَدُوَّهُمْ فَعَلَّ، وَسَأَلْتُهُ أَنْ لَا يُلْقِيَهُمْ شَيْئًا
مَّا يَمُوتُ عَلَيْهِ^۴

پیامبر خدا ﷺ من سار بیم و امید گزاردم و
سه چار از پروردگارم طلبیدم که دو تای آنها را به
من داد و یکی دیگر را نداد از حدیث خود خواستم
امت مرا به فحطی گرفتار نکند، بدیرفت
خواستم دشمنان را سر من چیره نگردانند،
بدیرفت، خواستم که جامه پراکندگی بر من
پوشاند، بدیرفت.

الفصل الخامس الفتنه

۱/۵ أنواع الفتن

الكتاب

فصل پنجم فتنه

۱/۵ انواع آزمائش

قرآن

﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ أَتَمًّا أَتَمُّنَا أَمْثَلَكُمْ وَأَزْلَجَكُمْ فِتْنَةً وَأَنَّ اللَّهَ عَمْدَةٌ
أَجْزَ عَظِيمٍ﴾^۵

﴿و بدینید که امول و فرزدان شما، [وسیله] آزمائش
[شما] هستند و عداست که نزد او پاداشی بزرگ
است﴾

۱ کثر العمل ج ۱ ص ۱۷۷ ح ۸۹۱

۲ کثر العمل ج ۱ ص ۱۷۷ ح ۸۹۵

۳ الانعام ۶۵

۴ کثر العمل ج ۱ ص ۱۷۱ ح ۲۱۰۹۸

۵ الامال ۲۸

الحديث

حديث

۳۰۰۱ رسول الله ﷺ إِنَّ فِي مَالِ الرَّجُلِ فِتْنَةً، وَفِي رَوْحِهِ فِتْنَةٌ وَلَوْلَا^۱

۳۰۰۱ پیامبر خدا ﷺ همانا در ثروت انسان، آزمودنی است و در روح و سرزندگی او نیز [وسیله] امتحان هستند

۳۰۰۲ عنه ﷺ لَا مَالَ لِبَيْتَةِ السَّرَّاءِ تُحَوِّفُ عَلَيْكُمْ مِنْ فِتْنَةِ السَّرَّاءِ، إِنَّكُمْ ابْتُلِيتُمْ بِفِتْنَةِ السَّرَّاءِ فَصَبِّرْتُمْ، وَإِنَّ الدِّينَ حُلُوءٌ حَصِيرَةٌ^۲

۳۰۰۲. پیامبر خدا ﷺ راستی که من از آزمودنی خوش برای شما بیمناک‌ترم تا آزمودنی سخت شما به آزمودنی سختی در افتادید و شکیبایی کردید؛ اما دنیا، شیرین و هریبناست

۲/۵. اَلْاِتِّتَانُ النَّاسِ بَعْضُهُمْ بِبَعْضٍ

الكتاب

۲/۵ آزموده شدن مردم به وسیله یکدیگر

قرآن

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَبَاغِلُونَ الطَّعَامَ وَيَطْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ وَجَعَلْنَا مَخَفَتَهُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَنْتُمْ بَرُّونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا﴾^۳

الحديث

﴿وَرَبِّهِمْ أَزْوَاجٌ﴾ پیامبران [خود] را فرستادیم، چو این که آنان [بر] غذا می‌خورده‌اند و در بازارها راه می‌رفتند، و برخی از شما را برای برخی دیگر [وسیله] آزمودنی قرار دادیم. آیا شکبایی می‌کنید؟ و پروردگار تو همواره بیناست ﴿

۳۰۰۳ رسول الله ﷺ الْفَعِيرُ عَدُوُّ فِتْنَةٍ. وَالصَّحِيفُ عَدُوُّ الْقَوِيِّ فِتْنَةٌ...^۴

حديث

۳/۵ مَنْ تَذَلَّجِي عَنْهُمْ الْفِتْنُ

۳۰۰۴ پیامبر خدا ﷺ تنهی دست برای توانگر، [مایه] آزمودنی است و ناتوان برای توانمند

۳۰۰۴ رسول الله ﷺ طَوْبُ الْمَحْلُصِينَ، أُولَئِكَ مَصَابِيحُ الْهُدَى تَنْجِلِي عَنْهُمْ كُلَّ فِتْنَةٍ ظُلُمَاءٍ^۵

۳/۵. کسانی که از فتنه‌ها به سلامت می‌روند
۳۰۰۴ پیامبر خدا ﷺ؛ خوشایند به حال محصلان! آنان، چراغ‌های هدایت‌اند و هر فتنه تاری از آنها برطرف می‌شود

۳۰۰۵ عنه ﷺ سَتَكُونُ فِتْنٌ يُصِغُ لِرَجُلٍ مِنْهَا مُؤِمًّا وَيُؤْمِسِي كَافِرًا، لَا مِنْ حَيَاةِ اللَّهِ تَعَالَى بِالْعَدَمِ^۶

۳۰۰۵ پیامبر خدا ﷺ به رودی فتنه‌هایی پدیدخواهد آمد که انسان بر اثر آنها، شب خود را تا ایمان به صبح می‌رساند و روزش را در حالی به شب می‌رساند که کافر است، مگر کسی که خداوند متعال، او را به دانش، رنده کرده باشد.

۱ کتر العتال ج ۱۶ ص ۲۸۱ ح ۴۱۴۹۰

۲ الترمذی و الترمذی ج ۱ ص ۱۸۴ ح ۷۱

۳ الفرقان ۲۰

۴ کتر العتال ج ۹ ص ۸۱ ح ۲۵۰۶۳

۵ الترمذی و الترمذی ج ۱ ص ۵۴ ح ۵

۶ کتر العتال ج ۱۱ ص ۱۲۵ ح ۳۰۸۸۳

الفصل السّادس، الفساد

فصل ششم، فساد

۱/۶. مَا يُوحِبُ الْفُسَادَ

۱/۶ آنچه موجب فساد می‌شود

الكتاب

قرآن

﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ نَعَضَ اللَّيِّ عَمَلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾^۱
 ﴿وَيَنْقُومِ الزُّلْفُ الْخِيَالِ وَالْعِزَّانِ بِالْقَسْطِ وَلَا تَنْحَسِبُوا
 النَّاسَ أَشْيَاءَ هُمْ وَلَا تَنْظُرُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾^۲

﴿به ظاهر کارهایی که مردم انجام داده‌اند، فساد در خشکی
 و دریا سودار شده است، تا [سزای] بعضی از آنچه را که
 کردند، به آنان بچشاند، باشد که باز گردند﴾
 ﴿وای قوم من! بی‌مانه و ترازو را به داد، تمام دهید و حقوق
 مردم را کم مدهید و در زمین به فساد سر بپردازید﴾

الحديث

حدیث

۳۰۰۶. قال رسول الله ﷺ: جِنْدَانِ مِنْ أُمَّتِي إِذَا
 صَلَّحَا صَلَّحَتِ أُمَّتِي، وَإِذَا فَسَدَا فَسَدَتِ أُمَّس، قِيلَ:
 يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَنْ هُمَا؟ قَالَ: الْفُقَهَاءُ وَالْأُمَرَاءُ^۱

۳۰۰۶. الحاصل پیامبر خدا فرمود: «دو گروه را امت
 می‌هستند که اگر آنها درست شوند، امت درست
 شود و اگر آنها فاسد گردند، امت فاسد می‌گردد».
 گفته شد: ای پیامبر خدا! آن دو گروه کدام‌اند؟
 فرمود: «دین شناسان و فرمانداران»

۳۰۰۷. رسول الله ﷺ: إِنْ انْتَهَبْتُمْ إِذَا عَمِلَ بِهَا بَعْدُ بَرًّا
 بِمَنْ نَصَرْتُمْ، لَا عَابِلَ لَهَا، وَإِذَا عَمِلَ بِهَا غِلَابَةً وَلَمْ يُعَيِّرْ سَلْبَهُ
 أَصْرَتْ بِالْعَامَّةِ^۲

۳۰۰۷. پیامبر خدا ﷺ: گناه را هرگاه ببرد، پنهانی مرتکب
 شود، به کسی جز صاحب آن، زیانی نمی‌رساند و
 هرگاه آشکارا انجامش دهد و مردم او را مع نکند،
 آن گناه به عموم مردم، آسیب خواهد رساند

۳۰۰۸. عَنْهُ ﷺ: كَيْفَ يَقْدُسُ اللَّهُ قَوْمًا لَا يُؤْخَذُ لَصَمِيمِهِمْ
 مِنْ شَدِيدِهِمْ؟^۳

۳۰۰۸. پیامبر خدا ﷺ: چگونه خداوند بخدایند، پاک گردانند
 مردمی را که حق ناتوان آنها از زورمندشان گرفته
 نمی‌شود؟^۴

۲/۶. مَا يَدْفَعُ الْفُسَادَ

۲/۶ آنچه فساد را از بین می‌برد

﴿فَقَهَرْنَاهُمْ بِإِلَازِ اللَّهِ وَقَتْلِ دَاوُدَ جَالُوتَ وَآتَيْنَهُ اللَّهُ
 الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مَا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ
 النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ
 ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾^۵

﴿پس آنان را به این خدا شکست داد و داوود جالوت را
 کشت و دوا داد و به او پادشاهی و حکمت، ارزانی داشت
 و از آنچه می‌خواست، به او آموخت، و اگر خداوند
 برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد،
 قطعاً زمین، تباہ می‌گردید و ولی خداوند نسبت به
 جهانیان، تفضل دارد﴾

۱. الروم ۴۱

۲. هود ۸۵

۳. الحاصل ص ۳۷ ج ۱۲ ۴. قرب الإسلا ص ۵۵ ج ۱۶۹

۵. هوالی التاکی ج ۱ ص ۳۷۱ ج ۸

۶. البقره ۲۵۱

الْبَيْتُ الثَّالِثُ

باب سوم

الْحِكْمُ الْأَسْرِيَّةُ

حکمت‌های خانوادگی

الفصل الأول: الزواج

فصل یکم ازدواج

۱/۱ الْحَدُّ عَلَى الزَّوَّاجِ

۱/۱ تشویق به ازدواج

الكتاب

قرآن

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا
إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ
لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾

«و از نشانه‌های او، این است که از [سرخ] خودتان،
همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گهزید، و ميانتان
دوستی و رحمت نهاد آری در این [سنت]، برای
مردمی که می‌اندیشند، قطعاً نشانه‌هایی هست.»

الحديث

حدیث

۳۰۰۹ رسول الله ﷺ: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَسْلَمَ أَفَقَ طَاهِرًا
مُطَهَّرًا فَلْيَنْمُزْهُ بِزَوْجِهِ^۱

پیامبر خدا ﷺ: هر کس دوست دارد که پاک
و پاکیزه جدا را دیدار کند، با داشتن همسر، به
دیدارش برود

۳۰۱۰ عنه ﷺ: مَا يَبْنِي فِي الْإِسْلَامِ بِمَاءٍ أَحَبُّ إِلَى نَفْسٍ
عَزَّوَجَلَّ، وَأَعَزُّ مِنْ سُورِجٍ^۲

پیامبر خدا ﷺ: در اسلام، هیچ بسایی ساخته
شده که بر د خداوند ﷻ محبوب‌تر و ارجمندتر از
ازدواج باشد

۲/۱ الْمَكَاحُ سَعَةً

۳۰۱۱ رسول الله ﷺ: مَنْ أَحَبَّ بَيْتَ نَفْسِهِ فَلْيَسْتَنْ بِسُنَّتِي
وَمِنْ سُنَّتِي الْمَكَاحُ^۳

۲/۱ ازدواج، سنت پیامبر ﷺ است
پیامبر خدا ﷺ: هر که آیین مرا دوست دارد،
باید به سنت من عمل کند و ازدواج، از سنت‌های
من است

۳۰۱۲ الإمام علي ﷺ: تَزَوَّجُوا فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَثُرَ
مَا كَانَ يَقُولُ: مَنْ كَانَ يُحِبُّ أَنْ يَتَّبِعَ سُنَّتِي فَلْيَتَزَوَّجْ
فإِنَّ مِنْ سُنَّتِي التَّزْوِيجَ^۴

۳۰۱۲ امام علی ﷺ: ازدواج کنید؛ زیرا پیامبر خدا
فرمود: هر که دوست دارد از سنت من
پیروی کند، ازدواج کند؛ چرا که ازدواج، از سنت
من است^۵

۱ الروم ۲۱ ۲ دوحه الوصل ص ۴۰۹

۳ بحار الانوار ج ۱۰۳ ص ۲۲۲ ح ۴۰

۴ الکافی ج ۵ ص ۱۹۴ ح ۱

۵ الفصل ص ۶۱۴ ح ۱۰

۳/۱. مَنْ تَزَوَّجَ فِي حَدَاثَةٍ سَبَّحَهُ

۳/۱ کسی که بر جوانی ازدواج کند

۳۰۱۳. رسول الله ﷺ مَا مِنْ شَابٍّ تَزَوَّجَ فِي حَدَاثَةٍ سَبَّحَهُ إِلَّا عَجَّ شَيْطَانُهُ يَا وَيْلَةَ، يَا وَيْلَةَ! عَصَمَ مَنِ ثَلَاثِي دِينِهِ، فَلَيْسَ فِي اللَّهِ الْعَبْدُ فِي الثَّلَاثِ الْبَاقِي

۳۰۱۳. پیامبر خدا ﷺ هیچ جوانی نیست که در فوراً جوانی‌اش ازدواج کند، مگر آن که شیطان او هر یک از [گردد] من، حفظ کرد بنا بر این، بنده باید برای حفظ یک سوم دیگر، پروا از حد را در پیش گیرد

۴/۱. مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ

۴/۱ کسی که ازدواج کند، نصف دینش را به دست آورده است

۳۰۱۴. رسول الله ﷺ مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أُعْطِيَ نِصْفَ الْعِبَادَةِ ۲
۳۰۱۵. عَنْهُ ﷺ: مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ، فَلَيْسَ فِي اللَّهِ فِي النِّصْفِ الْبَاقِي ۳

۳۰۱۴. پیامبر خدا ﷺ هر که ازدواج کند، نصف عبادت به او داده شده است

۵/۱. زِيَادَةُ الرِّزْقِ بِالْعُكَاكِ

۵/۱. پیامبر خدا ﷺ کسی که ازدواج کند، نیمی از کهن خود را حفظ کرده است و برای نیمه دوم، عبادت پروا از حد را در پیش گیرد

«وَاتَّخَذُوا الْأَيْمُنَ مِنْكُمْ وَالْمُطَلِّقِينَ مِنْ عَهْدِكُمْ وَإِنْ بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونُوا قَرَاءَ نَفْسِهِمْ إِلَهُ مِنْ فَخْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» ۱

۵/۱. اگر روزه شدن روزی ما از بواج

قرآن

الحديث

«يُحِبُّ عَمَلُ خُودِ رَا وَ عَلَامَان وَ كَمِيزَان دُوسْت‌كَارَتَان رَا هَر دَعِيدَ اِگَر تَنگ‌دَسْت‌نَند، حَلَاوَد، آيَان رَا بَا فَصَل خُوش، بِي بِيَار خُوَاصِد كَرْد، وَ خُذَا، كُنْشَايَشْكَر دِهَسَد»

۳۰۱۶. رسول الله ﷺ اتَّخَذُوا الْأَهْلَ فَإِنَّهُ أَرْزَى لَكُمْ ۴
۳۰۱۷. عَنْهُ ﷺ: مَنْ تَرَكَ التَّرْوِيعَ مَحَافِةَ الْقَبِيلَةِ فَلَيْسَ مِنَّا ۵

حديث

۶/۱. ثَوَابُ تَزْوِيجِ الْإِخْوَانِ

۳۰۱۶. پیامبر خدا ﷺ زن بگیرد، که ازدواج کردن، روزی شمارا بیشتر می‌کند
۳۰۱۷. پیامبر خدا ﷺ هر که از ترس تنگ‌دستی ازدواج نکند، از ما نیست

۳۰۱۸. رسول الله ﷺ مَنْ رَزَّجَ أَحَدَهُ الْمُؤْمِنِ امْرَأَةً

۶/۱ ثواب زن گرفتن برای برادران دینی

۳۰۱۸. پیامبر خدا ﷺ هر که برادر مؤمن خود را زن

۱ التواتر للرويدي ص ۱۱۳

۲ روضة الواعظین ص ۴۱

۳ الأمالی للطورسي ص ۵۶۸ ح ۱۱۳۷

۴ الترمذی ص ۳۲

۵ الکافی ج ۵ ص ۳۲۹ ح ۶

۶ كنز العمال ج ۱۶ ص ۲۷۹ ح ۴۴۶۰

يَأْسُ بِهَا وَتَشُدُّ عُضُدَهُ وَيَسْتَرْجِعُ بِهَا، رَوَّجَهُ اللَّهُ مِنَ
الْحُورِ الْعِينِ وَأَنَّهُ يَمْسُ أَحَبُّهُ مِنَ الصَّدِيقِينَ مِنْ أَهْلِ
بَيْتِهِ وَأَحَبُّهُ وَأَسْنَهُمْ بِهِ^۱

۷/۱. الاهتمام بدين المرأة في الزواج

۳۰۱۹ رسول الله ﷺ مَنْ نَكَحَ امْرَأَةً يَمَالٍ حَلَالٍ غَيْرَ أَنَّهُ
أَرَادَ بِهَا فُحْرًا وَرِبَاءً لَمْ يَرُدَّهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِذَلِكَ إِلَّا دُلًّا
وَهَوَانًا^۲

۳۰۲۰ عنه ﷺ مَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً لَا يَتَرَوَّحُهَا إِلَّا بِعَمَالٍ
لَمْ يَزَمْهَا مَا يُحِبُّ، وَمَنْ تَزَوَّجَهَا لِمَالِهَا لَا يَتَرَوَّحُهَا
إِلَّا لَهُ وَكَفَّلَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ، فَعَلَيْكُمْ بِذَاتِ الدِّينِ^۳

۸/۱. الاهتمام بدين الرجل في الزواج

۳۰۲۱ رسول الله ﷺ إِذَا حَاءَ كُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ دِيْنَهُ وَأَمَانَةً
تَعَلَّقُوا بِإِيْكُمْ فَرَوْحُوْهُ، إِنْ لَا تَعْمَلُوا تَكُنْ بَيْنَهُ قَسِي
الْأَرْضِ وَفَسَادُ كَبِيرًا^۴

۹/۱. دَمُ غُلَاءِ الْمَهْرِ

۳۰۲۲ رسول الله ﷺ أَمَّا مَنْ نَسَاءٍ أُمِّيٍّ أَصْبَحَتْهُنَّ
وَجْهًا وَأَقْلَهُنَّ مَهْرًا^۵

۳۰۲۳ عنه ﷺ خَيْرُ الصَّدَاقِ أَيْسَرُهُ^۶

دهد تا آن زن، همدم و مایه پشت گرمی و آسایش
او باشد، حناوند، او را از حوریان بهشتی همسر
خواهد داد و با هر راست کرداری از میان خانواده
و برادران [دینی] خود که دوست داشته باشد،
همدمش خواهد کرد و آنان را با وی انس [و الفت]
خواهد داد

۷/۱. اهمیت دادن به دینداری زن، در ازدواج

۳۰۱۹ پیامبر خدا ﷺ هر که با مال حلال، ب رسی
ازدواج کند، اما هدفش از گرفتن او، فحرمروشی
و خودنمایی باشد، خداوند ﷻ جر بر خواری و
سرشکستگی او بفراید

۳۰۲۰ پیامبر خدا ﷺ هر که با رسی به خاطر زیبایی اش
ازدواج کند، دلخواه خود را در او نمی بیند، و هر
که بوسیله خاطر مال [و ثروت] او ازدواج کند،
خداوند او را به همان مال [و ثروت] او می گذارد
پس بر شما باد [ازدواج ب] ربان متدین^۱

۸/۱. اهمیت دادن به دینداری مرد، در ازدواج

۳۰۲۱ پیامبر خدا ﷺ هر که کسی به خواستگاری مرد
شما آمد و دینداری و امانتداری او را پسندیدید،
به او زن دهید؛ که اگر چنین نکنید، در روی زمین،
تبهکاری و فساد بسیار پدید خواهد آمد

۹/۱. نکوهش مهریه سنگین

۳۰۲۲ پیامبر خدا ﷺ بهترین ربان امت من، آن است
که خوب‌زوترین و کم‌مهریه‌ترین آنها باشد
۳۰۲۳ پیامبر خدا ﷺ، بهترین مهریه، سبک‌ترین آن
است

۱ بحار الأنوار ج ۷۷ ص ۱۹۲ ح ۱۱

۲ بحار الأنوار ج ۷۶ ص ۳۶۲ ح ۳۰

۳ تهذیب الأحکام ج ۷ ص ۳۹۹ ح ۵۹۲

۴ ولعی المصنوع «عریض» وما أثبتناه من بحار الأنوار

۵ الأمالی للطوسی ص ۵۱۹ ح ۱۱۱۵

۶ الکافی ج ۵ ص ۳۲۴ ح ۱

۷ کتر العتال ج ۱۶ ص ۳۲۰ ح ۴۴۷۰۷

۱۰/۱. مَنْ لَا يَتَّبِعُنِي تَزَوِّجُهُمْ

۱۰/۱ به چه کسانی نباید زن داد

۳۰۲۴ رسول الله ﷺ إِنَّمَا نِكَاحُ رِقٍّ، فَإِذَا أُنْكَحَ أَحَدُكُمْ وَلَيْدَةً فَقَدْ أَرْقَاهَا، فَلْيَنْظُرُوا أَحَدُكُمْ لِمَنْ يُرِقُّ كَرِيْمَةً ۱

۳۰۲۴ پیغمبر خدا ﷺ ازدواج، طرق بدگی است. یا بر این، هر کس از شما که دحیر خود را شوهر دهد، او را به بدگی داده است پس، هر یک از شما باید بنگرد که دختر عرب را به بدگی چه کسی در می آورد

۱۱/۱. مَنْ لَا يَتَّبِعُنِي تَزَوِّجُهُمْ

۱۱/۱. با چه کسانی نباید ازدواج کرد

۳۰۲۵ رسول الله ﷺ إِنَّمَاكُمْ وَتَزَوِّجُ الْحَقَّاءِ فَلَا تُصَحِّبُهَا صَبَاغٌ وَوُلْدُهَا صَبَاغٌ ۲

۳۰۲۵ پیغمبر خدا ﷺ از ازدواج با زن احمق پرهیزید! و بر احمقی مداو، تنهایی است و فرزندان او کفتار [صفت] هستند

۳۰۲۶ الإمام الحسين عليه السلام أَن رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ لَنَا بَيْنَ إِيَّاكُمْ وَخَصْرَاءِ الدِّمِيِّ، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا خَصْرَاءُ الدِّمِيِّ؟ قَالَ الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَبِيتِ الشُّوْبِ ۳

۳۰۲۶ امام حسین علیه السلام پیامبر خدا به مردم فرمود از خَصْرَاءِ الدِّمِيِّ (سبزه روییده در مُرداب)

۱۲/۱. حُفُوقُ الزُّوْجِ

پرهیزید!

۳۰۲۷ رسول الله ﷺ أَعْظَمُ النَّاسِ حَقًّا عَلَى الْمَرْأَةِ زَوْجُهَا، وَأَعْظَمُ النَّاسِ حَقًّا عَلَى الرَّجُلِ أُمُّهُ ۴

گفته شد ای پیامبر خدا! خَصْرَاءِ الدِّمِيِّ چیست؟

۳۰۲۸ عنه ﷺ وَيَلْ لِمَرْأَةٍ أَعْصَتْ زَوْجَهَا، وَطَوَّيْ لِمَرْأَةٍ زَوَّجِي عَنْهَا زَوْجَهَا ۵

فرمود از زن ریاکاری که در خانواده ای فاسد، رشد کرده باشد.

۱۳/۱. حُفُوقُ الزُّوْجَةِ

۱۲/۱ حقوق شوهر

۳۰۲۹ رسول الله ﷺ مَا رَلْ جَبْرَيْلُ مُوصِي بِالْمَرْأَةِ حَتَّى طَلَّقْتُ أَنْ لَا يَسْبِي طَلَّاقُهَا إِلَّا بِمِصْرَةٍ مُبَيَّنَةٍ ۶

۳۰۲۷ پیامبر خدا ﷺ بزرگ‌ترین حق را بر زن، شوهر او دارد و بزرگ‌ترین حق را بر مرد، مادر او دارد. ۳۰۲۸ پیامبر خدا ﷺ وای سر زنی که شوهرش را ناراحت کند و خوشانه حال رنی که شوهرش را اواراضی باشد!

۳۰۳۰ عنه ﷺ حَقُّ لِمَرْأَةٍ عَلَى زَوْجِهَا أَنْ يَسُدَّ جَوْعَهَا.

۱۳/۱. حقوق زن

۳۰۲۹ پیامبر خدا ﷺ - جبرئیل علیه السلام پیوسته درباره زن سفارش می‌کرد، تا جایی که گمان مردم طلاق او جابر نیست، مگر در صورت رشتکاری آشکار. ۳۰۳۰ پیامبر خدا ﷺ حَقُّ رَلْ بِرِ شَوْهَرِش، اِمِنْ اِسْتِ

۱ الأملی للعلوی ص ۵۱۹ ح ۱۴۴

۲ معاد الامور ج ۱ ص ۱۰۳ ح ۳۷ ص ۳۵

۳ معانی الاخبار ص ۳۱۶ ح ۱

۴ کتالغتل ج ۱ ص ۳۳۱ ح ۱۴۷۱

۵ هیون انبار الوصای ج ۲ ص ۱۱ ح ۲۴

۶ حقه النامی ص ۸۱

وَأَنْ يَسْتَرْ عَوْرَتَهَا، وَلَا يَتَّبِعَ لَهَا وَجْهًا^۱.

۳۰۳۱. عَنْهُ عَلَيْهِ قَالَ الرَّجُلُ لِلْعَرَاءِ «إِنِّي أُحِبُّكَ» لَا يَدْفَعُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا^۲.

۱۴/۱. خِدْمَةُ الزَّوْجِ

۳۰۳۲. الْإِمَامُ الصَّدُوقُ عَلَيْهِ سَأَلَتْ أُمُّ سَلَمَةَ رَسُولَ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ فَصْلِ النِّسَاءِ فِي خِدْمَةِ أَزْوَاجِهِنَّ، فَقَالَ: مَا مِنْ أَمْرٍ وَرَفَعَتْ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا شَيْئًا مِنْ مَوْصِعٍ إِلَى مَوْصِعٍ تُرِيدُ بِهِ صَلَاحًا إِلَّا نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا، وَمَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا لَمْ يُعَذِّبْهُ^۳.

۱۵/۱. خِدْمَةُ الزَّوْجَةِ

۳۰۳۳. رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ لَا يَسْعَدُ الْمِسَالُ إِلَّا جَدِيْقٌ أَوْ شَهِيدٌ أَوْ رَجُلٌ يُرِيدُ اللَّهُ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ^۴.
۳۰۳۴. عَنْهُ عَلَيْهِ جُلُوسُ النِّسَاءِ عِنْدَ عِمَالِهِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ اعْتِكَافٍ فِي مَسْجِدِي هَذَا^۵.

۱۶/۱. إِذَا زَوَّجَ

۳۰۳۵. رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ مَنْ كَانَ لَهُ امْرَأَةٌ تُؤَدِّيهِ لَمْ يَحْتَلِ اللَّهُ صَلَاتَهَا وَلَا حَسَنَةً مِنْ عَمَلِهَا حَتَّى تُعِيْمَهُ وَتُرْجِيَهُ وَبِنِ صَامَتِ الدَّهْرَ. وَعَلَى الرَّجُلِ مِثْلُ ذَلِكَ الْوَرَرِ وَالْعَدَابُ إِذَا كَانَ لَهَا مُؤَدِيًا ظَالِمًا^۶.

۱. عده‌اندازی من ۸۱

۲. الکافی ج ۵ ص ۵۶۹ ح ۵۹

۳. الأملی للطوسی ص ۶۱۸ ح ۱۲۷۳

۴. جامع الأخبار ص ۲۶۶ ح ۷۵۱

۵. تبه‌الموطأ ج ۲ ص ۱۲۲

۶. نواب الاعمال ص ۳۳۵ ح ۱

که شکمش را سیر کند و بدش را ببوشاند و برای او، روی در هم نکشد

۳۰۳۱. پیامبر خدا ﷺ این سخن مرد به زن که دوستت دارم، هرگز از دل زن بیرون نمی‌رود

۱۴/۱ خدمت به شوهر

۳۰۳۲. امام صادق علیه اُمُّ سَلَمَةَ از پیامبر خدا دربارهٔ نصیبت خدمت کردن زنان به شوهرانشان پرسید. پیامبر ﷺ فرمود: هر زنی که در خانه شوهر خود به قصد مرتب کردن آن، چیزی را جابه‌جا کند، خداوند به او نظر می‌افکند و هر که خداوند به او نظر افکند، هدایتش بخواهد کرده.

۱۵/۱ خدمت به زن

۳۰۳۳. پیامبر خدا ﷺ کسی به زن خود خدمت نمی‌کند، مگر راست‌گزار، یا شهید، یا مردی که خداوند خیر دنیا و آخرت او را بخواهد

۳۰۳۴. پیامبر خدا ﷺ نشستن مرد نزد زن و هر رفتن، مرد حلالی متعال، محبوب‌تر است از اعتکاف او در این مسجد من

۱۶/۱ آزرین شوهر

۳۰۳۵. پیامبر خدا ﷺ هر کس رسی داشته باشد که شوهرش را ببارد، خداوند، نه نماز آن زن را قبول می‌کند و نه کار نیکش را. هر چند همه عمر را روزه بگیرد، مگر زمانی که به شوهرش کمک کند و او را بخشنود سازد. مرد نیز اگر زن خود را ببارد و به او ستم کند، همین گناه و عذاب را دارد

۱۷/۱. إِذَا زُوِّجَ

۱۷/۱. آردن زن

۳۰۳۶ رسول الله ﷺ أَلَا وَرَبُّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَرُسُوهُ
بِرَيْثَانٍ مِمَّنْ أَصَرَ بِامْرَأَةٍ حَتَّى يَخْلَعَ مِنْهُ

۳۰۳۶ پیامبر خدا ﷺ بدانید که خداوند عز و جل و پیامبرش،
بر مردی که به زنی را از می رساند تا طلاق
جمع نگردد

۱۸/۱. الصَّبْرُ عَلَى سُوءِ خُلُقِ الزَّوْجَةِ

۱۸/۱. شکیبایی بر کج خلقی زن

۳۰۳۷ رسول الله ﷺ مَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خُلُقِ امْرَأَةٍ
وَاحْسَنَتْهُ. أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى بِكُلِّ يَوْمٍ وَبِلَيْلٍ يَصْبِرُ عَلَيْهَا
مِنَ الثَّوَابِ مَا أُعْطِيَ أَيُّوبُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثَلَاثَةً. وَكَانَ عَلَيْهَا
مِنَ الْوَرْدِ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ مِثْلُ زَمْزَمٍ عَالِجٍ ۲

۳۰۳۷ پیامبر خدا ﷺ هر مردی که به خاطر خدا و به
امید پاداش او، در برابر بد اخلاقی همسرش صبر
کند، خداوند متعال برای هر روز و شبی که او
شکیبایی می ورزد، همان ثوابی را به وی دهد که به
ایوب علیه السلام در برابر گرفتاری اش، عطا کرد و گناه آن
زن نیز در هر روز و شب، به اندازه رنگهای
رنگان است

۱۹/۱. الصَّبْرُ عَلَى سُوءِ خُلُقِ الزَّوْجِ

۱۹/۱. شکیبایی بر کج خلقی مرد

۳۰۳۸ رسول الله ﷺ مَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خُلُقِ
رَوْحِهَا أَعْطَاهَا اللَّهُ مِثْلَ ثَوَابِ آسِيَّةَ بِنْتِ مَرَامٍ ۲

۳۰۳۸ پیامبر خدا ﷺ هر مردی که در برابر بد اخلاقی
همسرش شکیبایی ورزد، خداوند، ثوابی همانند
ثواب آسیه بنت مرادم (همسر فرعون) به او عطا
می فرماید

۲۰/۱. طَاعَةُ الزَّوْجَةِ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ

۲۰/۱. اطاعت از زن بر معصیت خدا

۳۰۳۹ الإمام الصادق ع قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
مَنْ أَطَاعَ امْرَأَتَهُ أَكْبَهُ اللَّهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي السَّارِ
قِيلَ: وَمَا ذَلِكَ الطَّاعَةُ؟ قَالَ: تَطَلُّبُ مَنْهُ ۳. الثَّوَابِ
الرَّهَقِ فِيْهِمَا ۱

۳۰۳۹ امام صادق ع - به نقل از پدرانش ع - پیامبر
خدا فرمود: هر که از زن خود فرمان ببرد، خداوند،
او را به رو تراش می افکند

کسی پرسید: منظور از فرمان بردن چیست؟
فرمود: ... لباس های بازگ او در خواست کند
و مرد پذیرد

۲۱/۱. أدبُ استجابة الدعوة إلى العرس

۲۱/۱. آداب پذیرفتن دعوت عروسی

۳۰۴۰ رسول الله ﷺ إِذَا دُعِيتُمْ إِلَى الْعُرْسَاتِ فَأَبْطِنُوا
فَإِنَّهَا تُدَكَّرُ الدِّمَا، وَإِذَا دُعِيتُمْ إِلَى الْحَنَائِرِ فَاسْرِعُوا
فَإِنَّهَا تُدَكَّرُ الْآجِرَةَ ۵

۳۰۴۰ پیامبر خدا ﷺ هر گاه به مراسم عروسی دعوت
شدید، در رفتن، گندی کنید؛ زیرا این مراسم، انسان
را به یاد دنیا می اندازد؛ اما هر گاه به مراسم تشییع
حنازه فراخوانده شدید، شتاب ورزید؛ زیرا این
مراسم، یادآور آخرت است

۱ هنگامی که زن و بنسیدن مهریه نمود، یا حتی بیشتر، از
سهرش طلا بگیرد آن «طلاقی جمع» می نامند

۱ ثواب الاعمال ص ۳۳۸ ج ۱

۲ ثواب الاعمال ص ۳۳۹ ج ۱

۳ مکرم الاخلاق ج ۱ ص ۱۹۲ ح ۱۵۷۰

۴ مکرم الاخلاق ج ۱ ص ۴۹۵ ح ۱۷۱۳

۵ قرب الاسناد ص ۸۶ ج ۲۸۱

۳۰۱۱. هیه عليه السلام إِذَا دُعِيَ أَحَدُكُمْ إِلَى زَلِيمَةٍ عَرَبِيٍّ فَلْيُجِبْ^۱ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه یکی از شما به ولیمه عروسی دعوت شد، بپذیرد

الفصل الثانی، بر الوالدین

فصل دوم، نیکی به پدر و مادر

۱ / ۲ الْحَدُّ عَلَى الْإِحْسَانِ إِلَى الْوَالِدَيْنِ

۱ / ۲ تقصیر به نیکی کردن به پدر و مادر

الكتاب

قرآن

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِنَّهُ يَنْتَقِلُ عَنْكَ الْعِزَّ أَحْنَفًا أَوْ كَلَاهُنَا فَلَا تَكُنْ لَهَا أَلْبٌ وَلَا تُلْهِنْهَا وَقُلْ لَهَا قَوْلًا خَيْرًا ۖ وَأَخْضِ لَهَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرُّخْصَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا﴾^۲

«و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را مهرستید و به پدر و مادر [خود] احسان کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دو، در کنار تو به سال خوردگی رسیدند، به آنها [حتی] «ألف» مگو و با آنان پرخلی مکن و با آنها سختی شایسته بگو و از سر مهریانی، مال فروشی بر آنان بگستر و بگو، «پروردگارا آن دو را رحمت کن، چنان که مرا در خردی»

الحديث

پروردگار

۳۰۱۲. رسول الله صلی الله علیه و آله مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُعَدَّ لَهُ قَبْرٌ يُعْرَىٰ وَيُرَادَّ فِي رِزْقِهِ وَلِيَّتُهُ وَالذِّبُّ، وَلْيَصِلْ رَحْمَةً^۳

۳۰۲۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر که خوش دارد عمرش دراز و روری اش فراوان شود، به پدر و مادرش نیکی کند و صله رحمت به جا آورد

۳۰۱۳. الإمام الصادق عليه السلام إِنْ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَتَتْهُ أَحْتَلَةٌ مِنَ الرِّصَاعَةِ، فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيْهَا سُرَّ بِهَا، وَبَسَطَ مِدْحَتَهُ لَهَا فَأَجْلَسَهَا عَلَيْهَا، ثُمَّ أَقْبَلَ يُحَدِّثُهَا وَيَصْحَلُكُ مِي وَجْهَهَا، ثُمَّ قَامَتْ وَذَهَبَتْ وَحَاءَ أَحْوَعَا، فَلَمْ يَخُصَّ بِهَا مَا صَحَّ بِهَا، فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، صَنَعْتَ بِأُحْتِي مَا لَمْ تَصْنَعْ بِهِ وَهُوَ رَجُلٌ أَقْبَالَ. لَأَنْتَ كَانَتْ أَبْرَ بَوَالِدَيْهَا مِمَّنْ^۴

۳۰۳۳. امام صادق عليه السلام : همانا حواهر رصاعی پیامبر خدا نزد ایشان آمد زمانی که ایشان نگاهش به او افتاد، خوش حال شد و مدح خود را برای او پهن نمود و او را بر روی آن نشاند و زود در رو با او شروع به گفتن و حدیث کرد، تا این که برحالت و رفت، سپس برادر ایشان آمد؛ اما پیامبر خدا، رفتاری را که با حواهرش کرده بود، با او نکرد. به او گفته شد ای پیامبر خدا چرا رفتاری را که با حواهرش کردی، با او که یک مرد است، نکردی؟ فرمود: چون خواهرش بیشتر از او، به پدر و مادرش نیکی می کرد.

۱. کنز العمال ج ۱۶ ص ۳۰۵ ح ۴۱۶۱۷

۲. الاسواء، ۳۳ و ۲۴

۳. التلخیص والترغیب ج ۳ ص ۳۱۷ ح ۱۶

۴. الکافی ج ۲ ص ۱۶۱ ح ۱۲

۲/۲. الْحَثُّ عَلَىٰ بِرِّ الْوَالِدَيْنِ بَعْدَ مَوْتِهِمَا

۳۰۴۴. رسول الله ﷺ: لَا بَرَّ إِلَّا يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَحُلٌ نَزَّ وَالِدَيْهِ بَعْدَ مَوْتِهِمَا.^۱

۳۰۴۵. عنه ﷺ - لَمَّا سُئِلَ عَنْ بِرِّ الْوَالِدَيْنِ بَعْدَ مَوْتِهِمَا -

نَسِمَ الصَّلَاةَ عَلَيْهِمَا، وَالِاسْتِغَاثَةَ لَهُمَا، وَإِعَاذَ عَهْدِهِمَا مِنْ بَعْدِهِمَا، وَصِلَةَ الرَّحِمِ الَّتِي لَا تُوَضَّلُ إِلَّا بِهِمَا، وَإِكْرَامَ صَدِيقِهِمَا^۲

۳/۲. الْحَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ

۳۰۴۶. رسول الله ﷺ: الْحَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ^۳

۳۰۴۷. الإمام الضَّاهِدِيُّ رحمه الله: حَاءٌ رَحُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ أُمُّ؟ قَالَ: أُمُّكَ، قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: أُمُّكَ، قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: أُمُّكَ، قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: أَبَاكَ^۴

۴/۲. إِبْدَاءُ الْوَالِدَيْنِ وَعُقُوبَتُهُمَا

الكتاب

﴿وَقَصَىٰ رَبُّكَ الْأَشْقَابَ: الْإِبْدَاءَ وَالْعُقُوبَةَ لِإِخْسَاءِ إِمَّا يَبْتَغِيَنَّ عِبْدَكَ الْكِرَاءَ أَوْ عُلَاقًا فَلَا تَقْرَبُوا هَٰؤُلَاءِ وَلَا تَقْرَبُوا وَلَا تَنْهَازُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا^۵﴾

الحديث

۳۰۴۸. رسول الله ﷺ: إِنْ سَتَرَ يَمَعَهُمَا اللَّهُ فِي الدُّنْيَا الْبَقِيَّ وَعُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ^۶

۲/۲ تشویق به نیکی کردن به پدر و مادر، بعد از

مرگ آنان

۳۰۴۴. پیامبر خدا ﷺ: سرور بیکوکاران در روز قیامت، مردی است که بعد از درگذشت پدر و مادر خود، به آنان نیکی کند

۳۰۴۵. پیامبر خدا ﷺ: خود پاسخ به سؤال از نیکی کردن به پدر و مادر بعد از درگذشت آنان - آری دعا کردن برای آنها، آمورش خواستن برایشان، احرا کردن رصبایشان بعد از مرگ آنها، صله رجم کردن ب حویشان آنها و احترام گذاشتن به دوستان آنان است

۳/۲ بهشت، زیر پای مادران است

۳۰۴۶. پیامبر خدا ﷺ: بهشت، زیر پای مادران است.

۳۰۴۷. امام صادق رحمه الله: سروری خدمت پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای پیامبر خدا! به چه کسی نیکی کنم؟

فرمود: «به مادرت»

گفت: سپس به چه کسی؟

فرمود: «به مادرت»

گفت: بعد از او به چه کسی؟

فرمود: «به مادرت»

گفت: سپس به چه کسی؟

فرمود: «به پدرت»

۴/۲ آرزوی پدر و مادر و ماهرسانی آنها

قرآن

﴿وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ ۚ لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ۚ يَخْتَارُ ۚ لَئِنْ شِئْنَا لَنَذْهَبَنَّهُمْٓ عَنْهَا ۚ وَخَلْقُكُمْ يَكْتُمُ ۚ لَكُمْ فِيهَا حَقٌّ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ۚ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ﴾

مگر

حدیث

۳۰۴۸. پیامبر خدا ﷺ: دو گناه است که خداوند، در همین دنیا کیفرش را می‌دهد، دست‌داری به حقوق دیگران، و ماهرسانی از پدر و مادر

۱. بحواله الأنوار ج ۷ ص ۸۶ ح ۱۰۰

۲. الترمذی و الترمذی ج ۲ ص ۳۲۳ ح ۲۲

۳. کنز العمال ج ۱۶ ص ۴۶۱ ح ۵۵۲۹

۴. الکافی ج ۲ ص ۱۵۹ ح ۹

۵. الإسراء ۲۳

۶. کنز العمال ج ۱۶ ص ۴۶۴ ح ۵۵۵۸

۳۰۴۹. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ أَحْرَزَ وَالِدَيْهِ فَقَدْ عَقَّبَهُمَا^۱

۳۰۴۹ پیغمبر خدا ﷺ هر که پدر و مادر خود را

انگوه‌گین کند آنان را عاق کرده است.

۳۰۵۰. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ فَوْقَ كُلِّ عُقُوقٍ عُقُوقًا حَتَّى يَمُوتَ

۳۰۵۰ پیغمبر خدا ﷺ: بالاتر از هر بی‌احترامی‌ای به

پدر و مادر، بی‌احترامی‌ای هست، تا این که

شخص، یکی از والدین خود را بکشد، و چون

چنین کرد دیگر بی‌احترامی‌ای بالاتر از آن نیست

الرَّجُلُ أُخَذَ وَالِدَيْهِ فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ فَلَيْسَ فَوْقَهُ
عُقُوقٌ^۲

الفصل الثالث: صلة للرحم

۱/۳ فَضْلُ صِلَةِ الرَّجِمِ

الكتاب

فصل سوم: صلة رحم

۱/۳ فضیلت صلة رحم

قرآن

﴿أَقْرَبُ بِعِلْمِ الْإِلَهِ الْمَوَالِدُ لِلْأَبِّ وَأُمٌّ لِلْأُمِّ وَالْحَقُّ لِلْغَنِيِّ عَفْرٌ هُوَ
أَعْمَى لَمَّا يَنْتَحِزْ أَوْلَاؤُهُ الْأَنْسَبُ وَالَّذِينَ يُؤَلِّفُونَ بَيْنَهُ
اللَّهُ وَلَا يَنْفَضُونَ الْمَيْتَةَ وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَلَمَرِ
اللَّهُ بِهِمْ أَنْ يَوْصَلَ وَيُخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيُخْلِفُونَ سَوَاءَ
الْحِسَابِ﴾^۳

«پس آنها کسی که می‌داند آنچه از جانب پروردگار به تو
نازل شده، حقیقت دارد، مانند کسی است که کور دل
است؟ تنها خردمندانند که هیرت می‌گیرند؛ همان که
به بیان خدا وفادارند و عهد [او] را می‌شکنند، و آنان
بنتجه خدا به پیوستن فریبند داده، می‌پیوندند و از
پروردگارشان می‌ترسند و از سختی حساب، بیم
دارند»

حدیث

الحديث

۳۰۵۱ رسول الله ﷺ: «أَعْجَلَ الْعَمْرِ ثَوَاباً صِلَةُ
الرَّجِمِ»^۴

۳۰۵۱ پیغمبر خدا ﷺ ثواب صِلَةُ رَجِم، رودر از

ثواب هر کار خیر دیگری می‌رسد

۲/۳ آثار صِلَة رَحِم کردن

۳۰۵۲ پیغمبر خدا ﷺ صِلَةُ رَجِم، عمر را افزون

می‌کند و فقر را از میان می‌برد.

۳۰۵۲ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ الْقَوْمَ لَيَكُونُونَ فَبَجَرَةً، وَلَا يَكُونُونَ
بِرَزَّةٍ فَيَكْبَلُونَ أَرْحَامَهُمْ فَتُثْمِي أَمْوَالُهُمْ، وَتَطُولُ

۳۰۵۳ پیغمبر خدا ﷺ: مردمان بد کرداری که نیکوکار

هم نیستند، صِلَة رَحِم به جای می‌آورند و در

نستجه، دارای‌هایشان افزون و عمرهایشان

طولانی می‌شود، چه رسد به این که نیکوکار و

۱ کتاب العمال ج ۱۶ ص ۴۷۸ ح ۴۵۵۲۷

۲ الکافی ج ۲ ص ۳۱۸ ح ۴

۳ الرعد ۲۱-۱۹

۴ الکافی ج ۲ ص ۱۵۲ ح ۱۵

۵ قرب الإسناد ص ۷۵ ح ۲۴۱

أَعْمَارُهُمْ، لَكَيْفَ إِذَا كَانُوا، أَمِيرًا بَرَزَةً؟^۱

بيک باشد

۳/۳. صُنَّةُ الْقَاطِعِ

۴/۳. پیوند با خویشاوندی که قطع رحم کرده

است

۳۰۵۴ رسول الله ﷺ لَا تَقْطَعْ رَحِمَتَكَ وَإِنْ قَطَعْتَكَ^۱

۳۰۵۵ الْحَصَالُ عَنْ أَبِي ذَرٍّ أَوْصَانِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۳۰۵۴. پیامبر خدا ﷺ از خویشاوند خود میبرد، گرچه

او از تو میبرد

أَنْ أَمِلَ رَجَمِي وَإِنْ أَدْبَرْتَ^۲

۳۰۵۵. الحصال - به نقل از ابو ذر - پیامبر خدا به من

سپارش فرمود که .. یا افراد خویشاوندم پیوند

داشته باشم، هر چند او به من پشت کرده باشد

۴/۳. التَّحْدِيدُ عَنِ قَطِيعَةِ الرَّحِمِ

الکتاب

﴿وَالَّذِينَ يَسْقُطُونَ عِلْدَ اللَّهِ مِنْ صَغَرٍ مُبْتَلًى،

۴/۳. هشدار دوماره قطع رحم

لِلرَّأْسِ

وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي

﴿مِ كَمَلَّتِي كَمَا يَمَانُ خُذَا رَأْسِي أَزْ يَسْتَنِي أَنْ مِ شَكَنْتُ وَ

تَجَارَا خُذَا بِهَ يَسْتَنِي أَنْ فَرَمَانِ دَاوِدَ، مِ تَلَمَّذَ وَ دَر

بِجَهْدِ يَسْتَنِي كَسَدَ، بِرَ إِشَانِ لَمَتَ اسْتَدَا وَ هَدَ فَرَجَمِي

آن سرای برای ایشان است﴾

الْأَرْضِ أَوْلَيْكَ لَهُمُ الثَّغْنَةُ وَهُمْ سُوءُ الدَّارِ﴾^۱

الحديث

۳۰۵۶ رسول الله ﷺ ثَلَاثَةٌ لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ عِلْمِي

حَمْرٍ، وَخَدِيرٌ سَحَرٍ، وَغَاطِطٌ رَحِمٍ^۲

حدیث

۳۰۵۷ هَبْ لَكَ مَا مِنْ ذَنْبٍ أَحَدَرُ أَنْ يُعْمَلَ اللَّهُ تَعَالَى

۳۰۵۶. پیامبر خدا ﷺ سه گروه به بهشت نمیروند؛

دائم الحمر، خادوگر، و کسی که پیوند خویشاوندی

را میبرد

لِصَاحِبِهِ الضَّعِيفَةِ فِي الدُّنْيَا مَعَ مَا يَدْجِرُ لَهُ فِي الْآخِرَةِ

مِنْ قَطِيعَةِ الرَّحِمِ وَالْجَبَانَةِ وَالْكَذِبِ^۱

۳۰۵۷. پیامبر خدا ﷺ هیچ گاهی به اندازه قطع رحم

و حیاست و دوع، مرامند آن بیست که خداوند

علاوه بر کمر آخروی، مرتکب آن را در همین جهان

بیر به رودی کیم دهد.

الفصل الرابع الطلاق

۱/۴. مَقْصُودُ الطَّلَاقِ عِنْدَ اللَّهِ

۳۰۵۸ الكافي عن صفوان بن مهران عن الإمام الصادق ﷺ

فصل چهارم طلاق

۱/۴. مقصود بوسی طلاق در پیشگاه خداوند

۳۰۵۸ الكافي - به نقل از صفوان بن مهران، از امام

صادق ﷺ - پیامبر خدا فرمود «در اسلام، هیچ

۱. الکافی ج ۲ ص ۱۵۵ ح ۲۱

۲. الکافی ج ۲ ص ۳۴۷ ح ۶

۳. الحصال، ص ۳۴۵ ح ۱۲ ۴. الرعد ۲۵

۵. الحصال، ص ۱۷۹ ح ۲۴۳

۶. کبر الحصال ج ۳ ص ۳۸۸ ح ۶۹۸۶

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا مِنْ شَيْءٍ أَوْعَضَ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ
مِنْ نَيْتٍ يَخْرُبُ فِي الْإِسْلَامِ بِالْفُرْقَةِ ثُمَّ قَالَ أَبُو
عَبْدِ اللَّهِ ﷺ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ إِنَّمَا وَكَذَمِيَ الطَّلَاقَ وَكَرَّرَ
لِيهِ الْقَوْلَ مِنْ بَعْضِ الْفُرْقَةِ^۱

۲/۴ ذَمُّ الدَّوَاقِينِ وَلِلذُّوqَاتِ

۳۰۵۹ رسول الله ﷺ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الدَّوَاقِينَ وَلَا
الدُّوَاقَاتِ^۲.

چیز مرد خداوند ﷻ مورتر از خانم‌ای نیست که به
جدایی ویران شود...»

سپس امام صادق ﷻ فرمود: «خداوند ﷻ در آن
در نسبت به طلاق [ندادن] تأکید فرموده و بارها از
آن سخن گفته‌است که از جدایی و تفرقه، نهرت
دارد»

۲/۴. سوره‌ش مردان و زنان نعل طلاق

۳۰۵۹ پیغمبر خدا ﷺ خداوند، مردان و زنانی را که
مراقباً تغییر همسر می‌دهند دوست ندارد

۱ الکافی ج ۵ ص ۳۲۸ ح ۱

۲ کنز العمال ج ۹ ص ۶۶۲ ح ۲۷۸۷۶

الْاِنْجِلَازِ

باب چهارم

الْحِكْمُ الْحَقُوقِيَّةُ

حکمت های حقوقی

الفصل الأول. الحقوق

فصل یکم: حقوق

۱/۱ حُقوقُ اللَّهِ ﷻ

۱/۱ حقوق خداوند ﷻ

۳۰۶۰ رسول الله ﷺ إِنَّ حُقُوقَ اللَّهِ جُلُّ نَسَائِهِ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعِبَادُ، وَكَفَى أَمْسُوا وَأَصْبَحُوا تَانِيْسَ ۱

۳۰۶۰ پیامبر خدا ﷺ: حقوق خداوند ﷻ بزرگتر از آن است که بندگان بتوانند آنها را به جای آورند و سمعت های خدا بیشتر از آن است که بندگان، بتوانند شماره کنند؛ انشاء و رور، توبه کنید

۲/۱ حُقوقُ الْإِنْسَانِ

۲/۱ حقوق مردم

۳۰۶۱ رسول الله ﷺ النَّاسُ سَوَاءٌ كَأَسَابِ الْمَثَلِ ۲

۳۰۶۱ پیامبر خدا ﷺ مردم، در حقوق انسانی شان، همانند دندانهای شانه برابرند

۳/۱ حُقوقُ الْمُسْلِمِ

۳/۱ حقوق مسلمان

۳۰۶۲ رسول الله ﷺ أَلَا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ الْمُسْلِمَ أَخُو الْمُسْلِمِ حَقًّا، لَا يَجُوزُ لِأَمْرٍ مُسْلِمٍ دَمَ أَمْرٍ مُسْلِمٍ وَمَالَهُ إِلَّا مَا أُعْطِيَ بِطَبِئَةِ نَفْسٍ مَسْ ۳

۳۰۶۲ پیامبر خدا ﷺ هان، ای مردم! مسلمان، حقیقتاً برادر مسلمان است. حیوان و مال هیچ فرد مسلمانی، بر هیچ فرد مسلمانی روا نیست، مگر آنچه او خود با رضایت قلبی عطا کند.

۳۰۶۳ عَمَهُ ﷺ إِنَّ الْمُسْلِمَ أَخُو الْمُسْلِمِ، إِذَا لَفِيَهُ رَدُّ عَلَيْهِ مِنَ السَّلَامِ بِعِشْرِ مَا حَيَّاهُ بِهِ أَوْ أَحْسَنَ مِنْ ذَلِكَ ۴

۳۰۶۳ پیامبر خدا ﷺ مسلمان، برادر مسلمان است؛ هر گاه به تو بر بخورد، پاسخ سلامش را به همان گونه بدهد که نه او سلام کرده، یا به گونه ای بهتر

۳۰۶۴ عَمَهُ ﷺ الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ، لَا يَدْعُ نَصِيحَتَهُ عَلَى كُلِّ حَالٍ ۵

۳۰۶۴ پیامبر خدا ﷺ مؤمن، برادر مؤمن است. هیچ گاه از خیر خواهی (راهمایی) او فروگذار نمی کند.

۱ مکالم الأعداء ج ۲ ص ۳۶۵ ح ۲۶۶۱

۲ کنز العمال ج ۹ ص ۳۸ ح ۲۸۱۲۲

۳ تفسیر التمهید ج ۱ ص ۱۷۲

۴ شعب الإيمان ج ۱ ص ۱۱۶ ح ۲۶۵۱

۵ مجمع الصمیر ج ۲ ص ۶۶۲ ح ۹۱۵۶

۳۰۶۵. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ نَصَرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ وَهُوَ يَسْتَطِيعُ ذَلِكَ نَصَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ^۱

۳۰۶۶. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ اللَّهُ فِي غُيُوبِ الْغَيْبِ مَا كَانَ الْقَبْدُ فِي غُيُوبِ أَحْيِهِ^۲

۳۰۶۷. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُونَ إِحْوَاءٌ، يَقْصِي بَعْضُهُمْ غَوَائِجَ بَعْضٍ، فَيَقْصَاءُ بَعْضُهُمْ غَوَائِجَ بَعْضٍ يَعْصِي اللَّهُ غَوَائِجَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۳

۳۰۶۸. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ أَكْرَمَ أَحِبَاءَ الْمُسْلِمِ بِكَلِمَةٍ يُسَلِّطُهُ بِهَا وَفَرَحَ عَنْهُ كُرْبَتُهُ، نَمَّ يَزَلُ فِي ظِلِّ اللَّهِ الْمَمْدُودِ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ مَا كَانَ فِي ذَلِكَ^۴

۳۰۶۹. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَرَأَةُ أَحْيِهِ، يُسَلِّطُ عَنْهُ لِأَدَى^۵

۳۰۷۰. مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ عَنِ ابْنِ كَسَانَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَعَدَ الرَّجُلُ بَيْنَ حَوَائِجِهِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ سَأَلَ عَنْهُ، فَإِنْ كَانَ عَائِيًّا دَعَا لَهُ، وَإِنْ كَانَ شَاهِدًا رَازَهُ، وَإِنْ كَانَ مَرِيضًا عَادَهُ^۶

۴/۱ حقوق حیوانات

۳۰۷۱. رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - لَمَّا أَبْصَرَ سَاقَةَ مَغْفُولَةً وَعَلَيْهَا جِهَارُهَا - أَيْنَ صَاحِبِهَا أَسْرَوْهُ فَلَوْنَتْهُ عَدَاً لِلْحَصُونَةِ^۷

۳۰۶۵. پیامبر خدا ﷺ، هر کس بتواند برادر مسلمانش را یاری برساند و این کار را بکند، خداوند در دنیا و آخرت، او را یاری می‌رساند.

۳۰۶۶. پیامبر خدا ﷺ، مانام که بنده به برادرش کمک کند، خداوند نیز به آن بنده کمک می‌رساند.

۳۰۶۷. پیامبر خدا ﷺ مؤمنان، برادرند، سازه‌ای یکدیگر را برآورده می‌سازند، و به سبب برآوردن بهارهای یکدیگر است که خداوند در روز قیامت، بره‌های آنان را برآورده می‌کند.

۳۰۶۸. پیامبر خدا ﷺ، هر کس برادر مسلمانش را با کلمه‌ای لطیف بنوازد و گرفتاری و اندوه را از او بردارد، تارمانی که چنین کند، پیوسته، در سینه گسترده رحمت خداوند است.

۳۰۶۹. پیامبر خدا ﷺ مؤمن، آینه برادرش است، از او و آینه را از او دور می‌کند.

۳۰۷۰. مکارم الأخلاق - به نقل از آنس -، (عادت) پیامبر خدا، چنان بود که هر گاه مردی از برادرانش سه روز دیده نمی‌شد، از حال او جویا می‌شد. اگر به سفری رفته بود، برایش دها می‌کرد و اگر در شهر بود، به دیدارش می‌رفت و اگر بیمار بود، عیادش می‌کرد.

۴/۱. حقوق حیوانات

۳۰۷۱. پیامبر خدا ﷺ - وقتی ساقه شتری را دید که ربوبش بسته شده و بارش همچنان بر پشت اوست - [پرسید] صاحب او کجاست؟ به او نگویید که خودش را برای شکایت [براین شتر در روز قیامت] آماده کند.

۱. طایفه الأولیاء ج ۳ ص ۲۵

۲. صحیح مسلم ج ۱ ص ۲۰۷۴ ح ۲۸

۳. الأمالی للعلیه ص ۱۵۰ ح ۸

۴. الکافی ج ۲ ص ۲۰۶ ح ۵

۵. مصادقه الإخوان ص ۱۴۱ ح ۱

۶. مکارم الاخلاق ج ۱ ص ۵۵ ح ۳۱

۷. کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۲۹۲ ح ۲۴۹۰

۳۰۷۲ عهده ﷺ اَرْكَبُوا هَدْيَ الدَّوَابِّ سَالِمَةً وَأَسْرِعُوا سَالِمَةً، وَلَا تَتَّخِذُوا كُرَامِيَّ لِأَعَادِيكُمْ فِي الطَّرِيقِ وَالْأَسْوَاقِ، قَرِيبٌ مَرْكُوبُهُ حَيْرٍ مِنْ رَاكِبِهَا وَكَثْرُ دُرِّهَا قُو تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِهِ.^۱

۳۰۷۳ عهده ﷺ لِلدَّائِيَةِ عَلَى صَاحِبِهَا سِتٌّ جِصَالٌ، يَغْنِيهَا إِذَا تَرَلَّ، وَيَنْفِرُ عَنْهَا الْمَاءُ إِذَا مَرَّ بِهِ، وَلَا يَقْصُرُ بِهَا عَلَى حَقٍّ، وَلَا يَحْمِلُهَا مَا لَا تُطِيقُ^۲، وَلَا يَكْنُفُهَا بِسِ السَّيْرِ إِلَّا طَاقَتَهَا، وَلَا يَقِفُ عَلَيْهَا فَوَاقًا^۳

۳۰۷۴ عهده ﷺ لَا تَضْرِبُوا الدَّوَابَّ عَلَى وَجْهِهَا عَاشَهَا نَسَبُكُمْ بِحَمْدِ اللَّهِ^۴

۳۰۷۵ عهده ﷺ مَنْ قَتَلَ عُضْعُورًا غَبْتًا عَجَّ بَنِي لَقَ بَنُو الْعَصَامَةِ يَقُولُ يَا رُبَّ، إِنْ فَلَانًا قَتَلْتَنِي عَتًّا وَلَمْ يَمْلِكْ لِمَعْبُودٍ^۵

۳۰۷۶ سعد بن ابی داوود عن ابن عباس بنی رسول الله ﷺ عَنِ الشَّعْرِيشِ بَيْنَ نَهَانِهِمْ^۶

الفصل الثاني. الحدود

۱ / ۲ فَرْءُ الْخُدُودِ

۳۰۷۷ رسول الله ﷺ اَذْرَوْا الْخُدُودَ عَنِ الْمُسْلِمِينَ مَا اسْتَطَعْتُمْ، فَإِنْ وَجَدْتُمْ بِلَمْسِهِمْ مَجْرَحًا فَخُتُو

۱ کو العمال ج ۹ ص ۶۳ ح ۲۱۹۵۷

۲ فی المعسر ۱ طبقاً والتصويب من مسند ذ الوستاق ج ۸ ص ۲۵۸ ح ۹۲۹۳

۳ الجعفریات ص ۸۵ ۴ الکافی ج ۶ ص ۵۳۸ ح ۴

۵ کتالعمال ج ۱۵ ص ۳۷ ح ۳۹۹۷۱

۶ سنن ابی داوود ج ۳ ص ۲۶ ح ۲۵۶۲

۳۰۷۲ پیامبر خدا ﷺ، چارپایان سالم را سوار شوید و آنها را سالم نگه دارید و آنها را کمرسی حقدنه و صحبت‌های خود در کوچه‌ها و برارها نکسید؛ و سوار است مرکوبی که از سوارش بهتر باشد و بیشتر از او محابود - تبارک و تعالی - را ناد کد

۳۰۷۳ پیامبر خدا ﷺ حیوان، شش حق به گردد صاحب خود دارد هر گاه از آن پیاده شد، عدش دهد، هر گاه از آبی گذشت، اش دهد، به ناحق آن را برند؛ بیشتر از قدرتش، بر آن بار نکند؛ بیشتر نر توانش، آن را راه نبرد؛ و مدت ریدای روی آن درنگ نکند

۳۰۷۴ پیامبر خدا ﷺ به صورت حیوانات برید؛ زیرا بها خدا ﷻ حمد و تسبیح می‌گوید

۳۰۷۵ پیامبر خدا ﷺ هر کس گجشکی را بی مسب نکشد، یا گجشک در روز قیامت، از او به درگاه خدا می‌مالد و می‌گوید: پروردگار من! ولاتی، مرا به برای اسعاده، که بی مسب کسب!

۳۰۷۶ سنن ابی داوود - به نقل از ابن عباس - پیامبر ﷺ را به جان هم انماحتس حیوانات، نهی فرمود فصل دوم حدود

۱ / ۲ دور کوبن حدود (مجازات‌های شرعی)

۳۰۷۷ پیامبر خدا ﷺ تا جایی که می‌تواند حدود (مجازات‌های شرعی) را از مسلمانان دور کنید گر بری مسلمان [ایگناهکار] محمل و مهری یافتید، او را آزاد کنید؛ زیرا اگر امام در محشودن

سَبِيلَهُ، عَنِ الْإِمَامِ لِأَنَّهُ يُخْطِئُ فِي الْقَوْرِ حَيْرٌ مِّنْ أَنْ يُخْطِئَ فِي الْقَوْرِ^۱.

خطا کند، بهتر است تا این که در کبیر دادن گرفتار خطا شود.

۳۰۷۸ عَنْهُ عَلَيْهِ أَذْفَمُ الْخُدُودِ عَنْ عِبَادِ اللَّهِ مَا رَجَدْتُمْ لَهُ مَدْنَمًا^۲

۳۰۷۸ پیامبر خدا ﷺ نارمایی که می‌تواند گریزگاهی پیدا کند، از جاری ساختن حدود بر مدگان خدا، خودداری ورزید.

۳۰۷۹ عَنْهُ عَلَيْهِ أَذْرَوْا الْخُدُودَ بِالشُّهَاتِ^۳

۳۰۷۹ پیامبر خدا ﷺ - کبیرها را با شهادت، دور کنید.^۱

۲/۲ اِقَامَةُ الْخُدُودِ

۳۰۸۰ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حَدُّ يَمَامٌ فِي الْأَرْضِ أَرْضِي أَرْضِي عِبَادَةَ يَسْتَمِينَ سَمَةً^۴

۳۰۸۰ پیامبر خدا ﷺ بر پا شدن یک حد [ای الهی] در روی زمین، پاکیزه‌تر از عبادت شصت سال است.

۳۰۸۱ عَنْهُ عَلَيْهِ أُولُوا الْكِرَامَ عَثَرَاتِهِمْ، إِلَّا فِي حَبٍ مِّنْ خُدُودِ اللَّهِ^۵

۳۰۸۱ پیامبر خدا ﷺ از لعش‌های کریمان در گذرید، مگر آن جا که پای حدی از حدود خدا در میان باشد.

۳/۲ لَا يَدْخُلُ الشُّفَاعَةُ فِي الْخُدُودِ

۳۰۸۲ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - لَأَسَامَةَ - لَأَسَامَةَ، لَا تَشْفَعُ فِي حَدٍّ^۶

۳۰۸۲ پیامبر خدا ﷺ - خطاب به أسامه - ای أسامه! در کار حد، وساطت مکن.

۳۰۸۳ عَنْهُ عَلَيْهِ أَيُّهَا رَجُلٌ حَالَتْ شَفَاعَتُهُ دُونَ حَدٍّ مِّنْ خُدُودِ اللَّهِ، لَمْ يَزَلْ فِي سَحَطِ اللَّهِ حَتَّى يَنْتَرَعَ^۷

۳۰۸۳ پیامبر خدا ﷺ: هر کس با وساطت خود، مانع جاری شدن حدی از حدود الهی شود، پیوسته در حشم الهی به سر می‌برد تا آن که وساطتش را پس بگیرد.

۴، ۲. أَلْهَمِي عَنْ تَعْدِي الْخُدُودِ

الكتاب

وَمِنْ يَغْضُ أَلْفٌ وَرَسُولُهُ وَيَنْقُذُ خُدُودَهُ دَيْنَ حَلَّةٍ نَّارًا

۲/۲ مہی از تجاوز کردن از حدود

قرآن

﴿وَمَنْ يَغْضُ أَلْفٌ وَرَسُولُهُ وَيَنْقُذُ خُدُودَهُ دَيْنَ حَلَّةٍ نَّارًا﴾^۱ هر کس، از خدا و فرستاده او سافرمانی کند و از حدود مقرر او تجاوز نماید، وی را درون آتشی می‌برد که هزاره در آن خواهد بود و عذابی حقیقی‌آور.

۱ یعنی با پیش آمدن شبهه و تردید در استحقاق حد، از اجرای آن، خودداری کنید.

۱ کتر العمل ج ۵ ص ۳۰۹ ح ۱۲۹۷۱

۲ کتر العمل ج ۵ ص ۳۰۹ ح ۱۲۹۷۲

۳ کتاب من لا یحضره الفقه ج ۱ ص ۷۴ ح ۵۱۴۶

۴ مستدرک الوسائل ج ۱ ص ۹ ح ۲۱۸۱۳

۵ دعائم الاسلام ج ۲ ص ۶۵ ح ۱۶۱۹

۶ کتر العمل ج ۳ ص ۳۷۱ ح ۷۴۹۷

۷ کتر العمل ج ۱۶ ص ۳۸ ح ۴۳۸۳۷

حُذِّذُوا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ^۱

الحدیث

۳۰۸۴. رسول الله ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَذَّ لَكُمْ حُدُوداً
وَلَا تَعْتَدُوهَا.^۲

۵/۲. لِلَّهِ عَنِ إِهَانَةِ الْمُحْدُودِ

۳۰۸۵. كُنْزُ الْعَمَلِ عَنْ خَالِدِ بْنِ الْجَلَّاحِ عَنْ أَبِيهِ. أَمَرَ
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِرَجْمِ رَجُلٍ، فَقَالُوا: إِنَّهُ الْخَبِيثُ، قَالَ:
لَا تَقُولُوا الْخَبِيثُ، فَوَلَّاهُ لَهْرَ أَطْنِثَ عَبْدَ قَوْمٍ رِيحِ
الْمَيْتِ.^۳

۳۰۸۶. تَنْبِيهِ الصَّوْاطِرِ: لَمَّا رَجِمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الرَّجُلَ
فِي الرِّمَاءِ قَالَ رَجُلٌ لِّصَاحِبِهِ: هَذَا قَتَمٌ كَمَا يَقْتَمِلُ
الْكَلْبُ، فَمَرَّ النَّبِيُّ ﷺ مَعَهُمَا بِجِيعَةٍ فَقَالَ: أَنْهَاهُمَا.
قَالَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ نَهَشَتْ جِيعَةٌ^۴ قَالَ:
مَا أَنْهَاهُمَا مِنْ أَحَبِّكُمْ أَسْرَ مِنْ هَذِهِ^۵

الفصل الثالث القصاء

۱/۳ قُضَاءُ الْحَقِّ

الكتاب

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا
كُنْتُمْ بَيْنَ يَدَيْ نَاسٍ أَنْ تَكُونُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ بِعَمَلِكُمْ
لَٰعْلَمٌ﴾^۱

۱ النساء ۶۴

۲ الامالي للمفيد ص ۱۵۹ ح ۱

۳ كنز العمال ج ۵ ص ۳۹۷ ح ۱۳۱۰۹

۴ تنبيه الصواطر ج ۱ ص ۱۱۶

۵ النساء ۵۸

خواهد داشت.

حدیث

۳۰۸۴. پيامبر خدا ﷺ: خداوند، برای شما حدودی
معین کرده است از آنها تجاوز نکید

۵/۲. بهی از اهانت کردن به شخص حد خورده

۳۰۸۵. كنز العمال - به نقل از خاند بن الجلاح، از
پس - پيامبر خدا دستور داد مردی را سنگسار
کردند، پس از احضار حد، مردم گفتند: او آدم
پبیدی است

پيامبر فرمود: نگویید پبداست؛ در سرامه حد
سنگند که او را یک [مرد خداوند، از رایحه تشنگی،
خوش بو تر است.

۳۰۸۶. تنبيه الصواطر: پيامبر خدا، مرد رساکاری را
سنگسار کرد، مردی به رفیق خود گفت: او مثل سگ،
گند

پيامبر ﷺ تا آن دو، بر لاشه مرداری گذشتند به
انان فرمود: بیا دیدان خود، تکه ای از این لاشه را بر
کند

گفتند ای پيامبر خدا! درود خدا بر تو بادا
مرداری را اگر برسم!

فرمود: آنچه از برادران برگرفتید، گنده تر از
این لاشه است!

فصل سوم دلاوری

۱/۳. دلاوری کنندگان به حق

قرآن

﴿خدا به شما فرمان می دهد که سپرده ها را به صاحبان آنها
رد کنید و چون میان مردم دلاوری می کنید، به عدالت
دلاوری کنید، در حقیقت، بیکو چهری است که خداوند،
شما را به آن پند می دهد خدا شوالی بیناست﴾

الحديث

۳۰۸۷ رسول الله ﷺ لَمُقْسِطُونَ عِنْدَ لِقَائِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى مَا بَيْنَ مِنْ نُورٍ عَنْ يَمِينِ الرَّحْمَنِ، وَكِلْتَا يَدَيْهِ يَمِينٌ، الَّذِينَ يَعْدِلُونَ فِي حُكْمِهِمْ وَأَهْلِيهِمْ وَمَاؤُلُوا.^۱

۲/۳. مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ

الكتاب

﴿وَلْيَحْكُمْ أَهْلُ الْإِنجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾.^۲

الحديث

۳۰۸۸ تفسیر العنقاشی عن عبدالله بن مسکان عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام قال رسول الله ﷺ «لَمْ يَحْكَمْ فِي دَرْهَمٍ بِحُكْمِ خَوَرٍ ثُمَّ خَرَّ (كَبِيرٌ) عَنْهُوَ كَانَ مِنْ أَهْلِ هَذِهِ الْآيَةِ ﴿وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾» فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَيْفَ يَحْجُزُ عَلَيْهِ؟ قَالَ: يَكُونُ لَهُ سَوَاطُ وَبِجْنٌ فَيَحْكُمُ عَلَيْهِ، فَإِنْ رَضِيَ بِحُكْمِهِ وَإِلَّا خَرَبَهُ بِسَوَاطِهِ وَحَبَسَهُ فِي سِجْنِهِ.^۳

۳/۳. ثَبُوتُ حِسَابِ الْقَاضِي

۳۰۸۹ رسول الله ﷺ إِنَّ الْقَاضِيَ الْقَدْلَ لَيُجَاءُ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُلْقَى فِي شِدْقٍ نَحْسَابٍ مَا يَتَمَسَّى إِلَّا يَكُونُ قَلْبِي بَيْنَ تَمْنَيْنٍ فِي تَمَرَةٍ قَطْ.^۴

۳۰۹۰ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ لَيَأْتِيَنَّ عَلَى الْقَاضِي الْقَدْلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

۱ التلخیص لکبری ج ۱۰ ص ۱۵۰ ح ۲۰۱۶۷

۲ المائدة ۱۷

۳ تفسیر العنقاشی ج ۱ ص ۳۳۳ ح ۱۲۰

۴ کنز العمال ج ۶ ص ۹۳ ح ۱۱۴۸۸

حديث

۳۰۸۷ پیامبر خدا ﷺ: دادگران، از سطر خداوند، در رو و قیامت، بر فرزند میرهای نورانی در سمت راست (خداوند) رحمان‌اند - و البته هر دو دست خدا راست است - همان دادگرانی که در داوری خود و در میان خانواده خویش و نسبت به هر کسی که سرپرست او هستند، به عدالت رفتار می‌کنند

۲/۳. هر که بر اساس آنچه خدا نازل کرده، داوری نکند

قرآن

﴿وَأَهْلُ تَجِيلٍ بَايِدَ بِأَنَّهُ خَدَا فِي أَنْ نَارِلَ كَرْدَه، دَاوَرِي كُنْدَه، وَ كَسَلَنِي كَه بِه أَنَّهُ خَدَا نَارِلَ كَرْدَه، حَكَم نَكُنْدَه، أَنَاي خُود نَارِلَمَانْدَه﴾

حديث

۳۰۸۸ تفسیر العنقاشی - به نقل از عبدالله بن مسکان -: امام صادق علیه السلام از پدرانش، از پیامبر خدا ﷺ نقل کرده که ایشان فرمود: هر کسی درباره دو درهم (امور اختلاف میان دو کس) به ناحق داوری کند و سپس نسبت به او اعمال (ور کند، از مصادیق این آیه است: ﴿وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾»

گفتم: ای پسر پیامبر خدا! نسبت به او اعمال زور کند، یعنی چه؟

فرمود: آتالیانه و رندان داشته باشد و بر خدا او حکمی صادر کند، به طوری که اگر حکم او را بپذیرد، با آتالیانه، وی را ببرد و به رندانش افکند

۳/۳. سختی حسابرسی قاضی در قیامت

۳۰۸۹ پیامبر خدا ﷺ در روز قیامت، قاضی دادگر را می‌آورد و چنان حساب سختی از او می‌کشد که آرزو می‌کند کاش هرگز حتی درباره یک خرما میان دو نفر، داوری نکرده بود

۳۰۹۰. پیامبر خدا ﷺ: روز قیامت، لحظه‌ای بر قاضی

سَاعَةً يَتَمَتَّنِي أَنَّهُ لَمْ يَنْقُصْ بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي تَمَرَةٍ
نُطٌّ^۱

دلگرمی می گذرد که از روی می کشد ای کاش هرگز حتی
دریازه یک دانه حرم میان دو نفر، داوری نکرده بود

۴/۳ آداب القضاء

۴/۳ آداب قصاوت

۳۰۹۱ رسول الله ﷺ مَنِ ابْتَلِيَ بِالْقَضَاءِ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ
فَلْيُعِدِلْ بَيْنَهُمْ فِي لِحْظِهِ وَإِشَارَتِهِ وَمَقْعَدِهِ
وَمَجْلِسِهِ^۲

۳۰۹۱ پیامبر خدا ﷺ هر که به داوری کردن میان
مسلمانان مبتلا شود، باید در نگاه ها و اشارت
کردن ها و جای نشستن و نحوه نشستن خود
نسبت به آنها، یکسان رفتار کند

۳۰۹۲ عَنْهُ ﷺ مَنْ ابْتَلِيَ بِالْقَضَاءِ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ فَلَا يَرْفَعُ
صَوْتَهُ عَلَى أَحَدٍ الْحَصْبِ مَا لَمْ يَرْفَعْ عَلَى الْآخَرِ^۳

۳۰۹۲ پیامبر خدا ﷺ هر که به قصاوت کردن میان
مسلمانان مبتلا شود، تا زمانی که صدایش را بر
روی یکی از متخاصمان بلند نکرده، نباید به روی
دیگری صدای بلند کند

۳۰۹۳ كِتَابٌ مَنْ لَا يَحْصُرُهُ الْفَقِيرُ رُوِيَ عَنْ عَلِيٍّ
أَنَّهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا تَقَاصَى إِلَيْكَ زَعْلَانٌ
فَلَا تَقْصِ لِلأَوَّلِ حَتَّى تَسْمَعَ مِنَ الْآخِرِ فَإِنَّكَ إِذَا فَعَلْتَ
دَلَّكَ تَبَيَّنَ لَكَ الْقَضَاءُ^۴

۳۰۹۳ کتاب من لا یحصره الفقیر از امام علی علیه السلام روایت
شده که پیامبر خدا فرمود: هرگاه دو تن برای
قصاوت پیش تو آمدند، تا زمانی که اظهارات هر
یک از طرفین شنیده ای، به نفع اولی حکم نده. پس
هرگاه چنین کردی بگو سخنان هر دو طرف را
شنیدی! کار قصاوت و صدور حکم برای تو
روشن می شود!

۳۰۹۴ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنِ ابْتَلِيَ بِالْقَضَاءِ فَلَا يَنْقُصُ
وَهُوَ عَصَانٌ^۵

۵/۳ مَنْ يُسَدِّدُ اللَّهُ مِنَ الْقَضَاءِ

۳۰۹۲ پیامبر خدا ﷺ کسی که گرفتار قصاوت شود،
سایه در حال حشم، قصاوت کند

۳۰۹۵ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنْ لَمْ يَنْقُصْ مَعَ الْقَاصِي مَا لَمْ
يَجِفْ عَمْدًا^۶

۵/۳ قاصصیانی که خداوند، آنها را کمک و راهنمایی
می کند

۳۰۹۶ عَنْهُ ﷺ إِنْ لَمْ يَنْقُصْ مَعَ الْقَاصِي مَا لَمْ يَجَزْ وَإِذَا جَارَ
تَحَلَّى عَمَةً وَلَرَّمَةً الشَّيْطَانِ^۷

۳۰۹۵ پیامبر خدا ﷺ خداوند متعال با قاصصی است،
تا زمانی که عمداً ستم (حق کشی) نکند

۳۰۹۶ پیامبر خدا ﷺ تا زمانی که قاصصی گرفتار انحراف
را حق نشود، خداوند با او است پس هرگاه دچار
انحراف از حق شد، خداوند، از او دست می کشد
و شیطان، همراه او می شود.

۱ کنز العمال ج ۶ ص ۹۳ ح ۱۴۹۸۹

۲ کنز العمال ج ۶ ص ۱۰۲ ح ۱۵۰۳۲

۳ کنز العمال ج ۶ ص ۱۰۲ ح ۱۵۰۳۳

۴ کتاب من لا یحصره الفقیر ج ۳ ص ۱۲ ح ۳۷۳۸

۵ کتاب من لا یحصره الفقیر ج ۳ ص ۱۱ ح ۳۷۲۱

۶ کنز العمال ج ۶ ص ۹۲ ح ۱۴۹۸۶

۷ کنز العمال ج ۶ ص ۹۲ ح ۱۴۹۸۵

۶/۳. أَصْنَافُ الْقَضَاةِ

۶/۳ انواع قاضیان

۳۰۹۷ رسول الله ﷺ الْقَضَاءُ ثَلَاثَةٌ قَاضِيَابِ فِي النَّارِ وَقَاضِي فِي الْجَنَّةِ، قَاضٍ قَصَى بِالْقَوِي فَهُوَ فِي النَّارِ، وَقَاضٍ قَصَى بِالْحَقِّ فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ.^۱

۳۰۹۷. پیامبر خدا ﷺ: قاضیان، سه دسته‌اند. دو دسته از آنها در آتش‌اند و یک دسته در بهشت. قاضی‌ای که به دلخواه داوری کند، این قاضی در آتش است؛ قاضی‌ای که ندانسته حکم دهد، او نیز در آتش است؛ و قاضی‌ای که حکم حق (و درست) صادر کند، این قاضی در بهشت است.

الفصل الرابع: الشهادة للقضاء

فصل چهارم، شهادت در داوری

۱/۴ الحثُّ على أداء الشهادة

۱/۴ تشویق به شهادت دادن

الكتاب

﴿وَأَشْهَدُوا ذُوْىَ عَدْلٍ مِّنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ﴾^۱

قرآن

﴿و هو تن [مرد] عدل را در میان خود گزیده بگیرید، و گواهی ران برای خدا به پا دارید﴾.

الحديث

۳۰۹۸ رسول الله ﷺ مَنْ شَهِدَ شَهَادَةً حَقًّا لِحَقٍّ سَهَا حَقُّ امْرِئٍ مُّسْلِمٍ أَمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَبَوَّحَ بِهِ سُورَةَ مَدِّ الْبَصَرِ، يَعْرِفُهُ الْحَلَائِقُ بِاسْمِهِ وَنَسَبِهِ.^۲

حدیث

۳۰۹۸. پیامبر خدا ﷺ: کسی که برای حقه کرده حق یک نفر مسلمان، شهادت حق بدهد، روز قیامت در حالی آورده می‌شود که نور چهره‌اش تا جایی که چشم کار می‌کند، دیده می‌شود و حلائق او را به نام و نسب می‌شناسند.

۲/۴ النَّهْيُ عَنْ كِتْمَانِ الشَّهَادَةِ

الكتاب

﴿وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آتَاهُ اللَّهُ عَذَابًا مُّهِينًا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾^۳

۲، ۴ نهی از کتمان شهادت

قرآن

﴿و شهادت را کتمان نکنید، و هر که آن را کتمان کند، لعنش گناهکار است. و خداوند به آنچه انجام می‌دهید، داناست﴾.

الحديث

۳۰۹۹ رسول الله ﷺ مَنْ كَتَمَ شَهَادَةً إِذَا دُعِيَ إِلَيْهَا كَانَ كَمَنْ شَهِدَ بِالزُّورِ.^۴

حدیث

۳۰۹۹. پیامبر خدا ﷺ: کسی که چون برای شهادت دادن فرا خوانده شود، آن را کتمان کند، همانند کسی است که شهادت به دروغ دهد.

۱. كنز العمال ج ۶ ص ۹۱ ح ۱۴۹۱

۲. الطلاق ۲ ۳. الكافي ج ۷ ص ۱۳۸ ح ۱

۴. البقرة ۲۸۳

۵. كنز العمال ج ۷ ص ۱۴ ح ۷۷۱۳

۳/۴. وَجُوبُ رَعَايَةِ الْقَسَطِ فِي الشَّهَادَةِ

۳۱۰۰ رسول الله ﷺ: إِنِّي عَدَلُ لَا أَشْهَدُ إِلَّا عَلَى عَدَلٍ^۱

۳۱۰۱ عنه ﷺ: إِنِّي لَا أَشْهَدُ عَلَى جَوْرٍ^۲

۳/۴ لزوم رعایت انصاف در شهادت دادن

۳۱۰۰. پیامبر خدا ﷺ: من عادل هستم و جز شهادت

عادلانه نمی دهم

۳۱۰۱. پیامبر خدا ﷺ: من به ناحق شهادت نمی دهم.

۴/۴. مَا يَجِبُ فِي الشَّهَادَةِ

۳۱۰۲ رسول الله ﷺ: لَا بَيْنَ عَنَاسٍ - أَمَا أَنْتَ يَا بَيْنَ

عَنَاسٍ فَلَا تَشْهَدُ إِلَّا عَلَى أَمْرِ يُحِبُّ لَكَ كَصِيَاءِ هَدِيَةِ الشَّمْسِ^۳.

۳۱۰۳ عنه ﷺ: وَمَنْ سُئِلَ عَنِ الشَّهَادَةِ - هَلْ تَرَى

الشَّمْسَ؟ عَلَى مِثْلِهَا فَاشْهَدْ أَوْ دَعْ^۴

۴/۴ آنچه در شهادت باین لازم است

۳۱۰۲. پیامبر خدا ﷺ: به این عناس - تو ای باین

عناس! فقط موقفی شهادت بده، که موضوع

برایت مانند نور این خورشید، روشن باشد

۳۱۰۳. پیغمبر خدا ﷺ: در پاسخ به پرسشی درباره

شهادت: - آفتاب را می بینی؟ هرگاه موضوع به

همان روشنی بوده شهادت بده؛ و گرنه،

خودداری کن

الفصل الخامس: القصاص

۱/۵. إحياء القصاص

الكتاب

﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ

تَتَّقُونَ﴾^۱

الحدیث

۳۱۰۴ رسول الله ﷺ: أَيُّهَا النَّاسُ، أَحْيُوا الْقِصَاصَ

وَأَحْيُوا الْحَقَّ وَلَا تَقْرُقُوا، وَأَسْلِمُوا وَسَلَّمُوا تَسْلَمُوا^۲.

۲/۵. الْعَفْوُ عَنِ الْقِصَاصِ

۳۱۰۵ رسول الله ﷺ: مَنْ عَفَا عَنْ دَمٍ لَمْ يَكُنْ لَهُ ثَوَابٌ

فصل پنجم: قصاص

۱/۵. برپا داشتن قصاص

قرآن

﴿در ای خردمندان! شما را در قصاص، زندگی است، باند

که به برپاگاری گرایید﴾

حدیث

۳۱۰۴. پیامبر خدا ﷺ: ای مردم! قصاص را رنده نگ

دارید و حق را رنده کنید و پراکنده نشوید و

مسلمانان و تسلیم [حق] باشند تا سالم بمانند

۲/۵. گذشت کردن از قصاص

۳۱۰۵. پیامبر خدا ﷺ: هر که از [قصاص] جوئی گذشت

۱. کنز العمال ج ۷ ص ۱۳ ح ۱۷۷۲۵

۲. کنز العمال ج ۷ ص ۱۳ ح ۱۷۷۲۶

۳. کنز العمال ج ۷ ص ۱۶ ح ۱۷۷۶۸

۴. عوالی الاکبری ج ۳ ص ۵۲۸ ح ۱

۵. البقرة - ۱۷۹. ۶. الأمالی للمقدسی: ص ۵۳ ح ۱۵

إِلَّا الْبَيْتُ ۱

کند، او را پاداشی جز بهشت نیست

۳۱۰۶ عَنْهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أُصِيبَ فِي جَنْبِهِ بِشَيْءٍ فَتَرَكَهُ فِي تَعَالَى كَانَ كَفَّارَةً لَهُ ۲

۳۱۰۶ پیامبر خدا ﷺ: هر کس که آسیبی به بدنش [از سوی کسی] برسد و به خاطر خداوند متعال، صرف نظر کند، آن [گذشت] کفاره‌ای برای [گناهان] اوست.

الفصل السادس: الزكاة

فصل ششم: زکات

۱/۶ فصل أداء الزكاة

الكتاب

۱/۶ فضیلت پرداخت زکات

القرآن

﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَضَلَّ عَلَيْهِمْ إِذْ صَلَّوْكَ سَكَرٌ لَهُمْ وَفَلَّةٌ نَمِيعٌ عَلَيْهِمْ﴾ ۳

﴿از اموال آنان، صدقه‌ای بگیر تا به وسیله آن، پاک و پاکرشان سازی، و برایشان دعا کن، هلال و ماهی تو، برای آنان آرامش است، و حنا، شوی دلناس﴾

حدیث

الحدیث

۳۱۰۷ الإمام الصادق عليه السلام: لَمَّا أُنْزِلَتْ آيَةُ الزَّكَاةِ ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا﴾ وَأُنْزِلَتْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَادِيَةَ فَتَادِي فِيهِ النَّاسَ إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَيْكُمُ الزَّكَاةَ كَمَا فَرَضَ عَلَيْكُمُ الصَّلَاةَ ۴

۳۱۰۷ امام صادق علیه السلام: چون آیه زکات ﴿از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکرشان سازی﴾ در ماه رمضان نازل شد، پیامبر خدا ﷺ به جاری کردن فرمود تا در میان مردم جاری شد که، خداوند، زکات را بر، همچون نماز، بر شما واجب فرموده

۲/۶ زَوْرُ الزَّكَاةِ فِي نَعَامٍ لِلْمَالِ

۳۱۰۸ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أُرِدْتُ أَنْ يُعْرِيَ اللَّهُ مَالَكَ فَرَكِّهِ ۵

۲/۶ نقش پرداخت زکات در رشد ثروت

۳/۶ كَفَرُ مَا نَبَعَ لِلزَّكَاةِ

۳۱۰۸ پیامبر خدا ﷺ: اگر می‌خواهی که خداوند،

الكتاب

دارایی تو را افزون کند، زکات آن را بپرداز

﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَجِدْتُ نَاسًا يَتَّبِعُونَ آلِهَةً وَاسْتَفْزِزُوا بَيْنَهُمْ وَابْتَغُوا فَرَارًا﴾

۳/۶ کافر بودن کسی که زکات ندهد

القرآن

﴿يَكُونُ: مَنْ، بَشَرِي مِثْلِي شَاهِدٌ، جَزَءٌ مِنْهُ مِنْ وَحْيِي مِثْلِي﴾

۱ کثر المال ج ۱۵ ص ۱۲ ح ۳۸۵۴

۲ کثر المال ج ۱۵ ص ۱۳ ح ۳۸۵۳

۳ التوبة ۱۰۳ ۴ الکافر ج ۳ ص ۱۹۷ ح ۲

۵ اعلام اللدین ص ۳۸

لِّلْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزُّكُوةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ
هُم كَفَرُونَ^۱

الحدیث

مستقیماً به سوی او بشتابید و از او آمرزش بخواهید و
رای بر مشرکان، همان کسانی که زکات می‌دهند و آنان
که به آخرت، بارور ندارند! ﴿

حدیث

۳۱۰۹ رسول الله ﷺ مَنْ مَنَعَ قِبْرَاطاً مِنْ رُكْعَةٍ مَالِيهِ
فَنَيْسٌ هُوَ بِمُؤْمِنٍ وَلَا مُسْلِمٍ وَلَا كَرَامَةٍ لَهُ^۲

۳۱۰۹ پیامبر خدا ﷺ هر کس قیراطی از رکعات مال
خود را بپردارد، نه مؤمن است، نه مسلمان، و نه
حرمی دارد

۴/۶ عَقَابُ مَانِعِ الرُّكَاةِ

۳۱۱۰ الإمام الرضا عن أمانه عن الإمام عليّ عليه السلام قَالَ
رَسُولُ أَقْبَرِ اللَّهِ مَانِعِ الرُّكْعَةِ يُعْرَضُ قَصَبُهُ فِي الْإِثْمِ - يَمْسُ
أَمْعَاءُهُ فِي النَّارِ - وَيُمَثَّلُ لَهُ مَانِعُهُ فِي حُورَةِ شَحَابٍ
أَقْرَعَ لَهُ رَبِّيبَانِ^۳ - أَوْ رَجَبَتَانِ - يَمِيرُ الْإِنْسَانُ بِهِ، وَهُوَ
يَسْبُحُهُ حَتَّى يَقْصِمَهُ كَمَا يَقْصِمُ الْمُخَلُّ وَيَقُولُ أَنَا مَالِكُ
الَّذِي يَحْلُبُ بِهِ^۴

۴/۶ کبیر کسی که رکعات بپردارد

۳۱۱۰ امام رضا علیه السلام - از پدرش، از امام علی علیه السلام -
پیامبر خدا فرمود، کسی که رکعات بپردارد،
روده‌هایش در آتش کشیده می‌شوند و دارایی او
به ظهورات اعمی اقرع^۱ دو بیشه (دارای دو حال
تنباه بر بالای چشمانش)، در می‌آید و او از آن
می‌نگربرد و افعی، او را دمال می‌کند تا آن که وی را
ماند تزیجه خرد می‌کند و می‌گوید من، همان
نروت تو هستم که به آن، بحل می‌ورزیدی

^۱ ص ۷۶

^۲ مکارم الاخلاق ج ۲ ص ۳۳۱ ح ۲۶۵۶

^۳ فی المصدر قزینان، وما البتاه من محال الاثوب

^۴ الامالی للطوسی ص ۵۱۹ ح ۱۱۴۳

اقرع حلوی که بر اثر مدت رهش گری‌های سرش ریخته

حکمت های اقتصادی



باب یکم. - پیشرفت اقتصادی

باب دوم. پایه های توسعه

باب سوم. خاستگاه های توسعه

باب چهارم. موانع توسعه

باب پنجم. آفات توسعه



مکتبہ اسلامیہ

الْتَفَاتُ الْأُولَى

التَّفَهُمُ الْأَقْصَادِي

الفصل الأول: أهمية التفاهم الاقتصادي

۱/۱ سَعَادَةُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

الكتاب

﴿وَقُلْ لِلدِّينِ أَمْلَاقًا كَثِيرًا وَبَيْنَهُمْ خَيْرٌ لِلدِّينِ
أَخْسَرُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسْبَهُ وَلَنَنزِلَ الْأَجْرَ خَيْرٌ
وَلَنُحْمِلَ دَارَ الْمُتَّقِينَ﴾^۱

الحديث

۳۱۱۱ رسول الله ﷺ أَصْلَحُوا دُنْيَاكُمْ، عَمِلُوا لِآخِرَتِكُمْ،
وَابْتَغُوا تَمَوُّتُونَ عَدَا.^۲

۳۱۱۲ عَنْهُ ﷺ بِمَنْزِلَةِ الدَّارِ الدُّنْيَا لَيْسَ تَزُودُ مِنْهَا لِآخِرَتِهِ
حَتَّى يَرْجُو رِزْقَهُ هَهُنَا وَبِمَنْزِلَةِ الدَّارِ لَيْسَ صُدَّتْهُ عَنْ
آخِرَتِهِ، وَقَصُرَتْ بِهِ عَنْ رِجَالِ رِزْقِهِ وَإِدْقَالَ الْعَبْدِ
فَتَبَّحَّ اللَّهُ الدُّنْيَا، قَالَ نَدْبِيَا - فَتَبَّحَّ اللَّهُ أَعْمَالًا لِرِزْقِهِ^۳

۲/۱ عَلَى الْمُجْتَمَعِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ

۳۱۱۳ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ طَوَّبَ لِكُلِّ عَيٍّْ حَيٍّ^۴

۳۱۱۴ سَمِعَ ابْنُ مَاجَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ عَنْ أَنَسٍ
عَنْ عَمِّهِ كُنَّا فِي مَجْلِسٍ، فَجَاءَ النَّبِيُّ ﷺ وَعَلَى رَأْسِهِ

۱ المجلد ۳۰

۲ الفردوس ج ۱ ص ۱۰۱ ح ۳۳

۳ المستدرک علی الصحیح ج ۴ ص ۳۱۸ ح ۷۸۷۰

۴ کنز العمال ج ۳ ص ۱۵۶ ح ۵۹۱۶

پیشرفت اقتصادی

فصل یکم. اهمیت پیشرفت اقتصادی

۱/۱ خوش بختی دنیا و آخرت

تقرآن

﴿وَرَبِّهِمْ كَيْسًا بِمَنْزِلَةِ الدَّارِ الدُّنْيَا لَيْسَ تَزُودُ مِنْهَا لِآخِرَتِهِ
حَتَّى يَرْجُو رِزْقَهُ هَهُنَا وَبِمَنْزِلَةِ الدَّارِ لَيْسَ صُدَّتْهُ عَنْ
آخِرَتِهِ، وَقَصُرَتْ بِهِ عَنْ رِجَالِ رِزْقِهِ وَإِدْقَالَ الْعَبْدِ
فَتَبَّحَّ اللَّهُ الدُّنْيَا، قَالَ نَدْبِيَا - فَتَبَّحَّ اللَّهُ أَعْمَالًا لِرِزْقِهِ﴾^۱

الحديث

۳۱۱۱ بِمَنْزِلَةِ الدَّارِ الدُّنْيَا لَيْسَ تَزُودُ مِنْهَا لِآخِرَتِهِ
حَتَّى يَرْجُو رِزْقَهُ هَهُنَا وَبِمَنْزِلَةِ الدَّارِ لَيْسَ صُدَّتْهُ عَنْ
آخِرَتِهِ، وَقَصُرَتْ بِهِ عَنْ رِجَالِ رِزْقِهِ وَإِدْقَالَ الْعَبْدِ
فَتَبَّحَّ اللَّهُ الدُّنْيَا، قَالَ نَدْبِيَا - فَتَبَّحَّ اللَّهُ أَعْمَالًا لِرِزْقِهِ

۳۱۱۲ بِمَنْزِلَةِ الدَّارِ الدُّنْيَا لَيْسَ تَزُودُ مِنْهَا لِآخِرَتِهِ
حَتَّى يَرْجُو رِزْقَهُ هَهُنَا وَبِمَنْزِلَةِ الدَّارِ لَيْسَ صُدَّتْهُ عَنْ
آخِرَتِهِ، وَقَصُرَتْ بِهِ عَنْ رِجَالِ رِزْقِهِ وَإِدْقَالَ الْعَبْدِ
فَتَبَّحَّ اللَّهُ الدُّنْيَا، قَالَ نَدْبِيَا - فَتَبَّحَّ اللَّهُ أَعْمَالًا لِرِزْقِهِ

۲/۱ ثَرَوَاتُ الْعَمَلِ حَامِلَةٌ، لَزِمَتْ مَعْمَلَاتِهَا خِدَاسٌ

۳۱۱۳ بِمَنْزِلَةِ الدَّارِ الدُّنْيَا لَيْسَ تَزُودُ مِنْهَا لِآخِرَتِهِ

۳۱۱۴ سَمِعَ ابْنُ مَاجَةَ - بِه نَقْلَ ابْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ،
لَزِمَ بَدْوُشٍ، لَزِمَ بَدْوُشٍ - فِي مَجْلِسٍ بَدْوُشٍ

پیامبر ﷺ آمد، در حالی که رطوبت آب بر سرش باقی بود. یکی از مابه وی گفت: امروز، تو را نیکو حال می بینم

فرمود «آری سپاس، خدای را»

سپس افراد در وصف ثروتندی فراوان سخن گفتند پیامبر ﷺ فرمود: «ان را که پرهیزگاری پیشه کند، باکی از توانگری نیست و برای چنین کسی، تن درستی بهتر از توانگری است و نیکو حالی از نعمت های خداوند است»

فصل دوم برکتهای پیشرفت اقتصادی

۱/۲. سامان یافتن دین و دنیا

۳۱۱۵ پیامبر خدا ﷺ دینارها و درهم ها، انگشتری های^۱ جلیلخوا ر میس وی هستند هر کس انگشتری مولای خویش را بپای آورد، خواستش برآورده می شود

۳۱۱۶. پیامبر خدا ﷺ چون اجزای رمان فرار رسید، مردم را چاره ای جز دانش درهم ها و دینارها نیست تا هر مرد، دین و دنیای خود را با آن برپا دارد

۲/۲ کمک به پرهیزگاری

۳۱۱۷ پیامبر خدا ﷺ: چه یاور خوبی است بی بیاری برای پروای از خدا

۳۱۱۸ پیامبر خدا ﷺ اگر مان بود، روزه نمی گرفتیم، نماز نمی خواندیم و واجب های پروردگار خویش را به جای نمی آوردیم

۳/۲ چند مرتبه شدن پاداش

۳۱۱۹ امام صادق ﷺ نهی دستار، سرد پیامبر خدا

۱ چون انگشتری تو گذشته به عنوان شهر نیز استفاده می شده است از این رو به آن، حاتم (شهر) می گویند

أَثَرُ مَاءٍ، فَقَالَ لَهُ بَعْضُهَا: تَرَأَى الْيَوْمَ طَيِّبَ النَّعْسِ فَقَالَ: أَجَلٌ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ ثُمَّ أَهَاضَ الْقَوْمُ فِي ذِكْرِ الْمَسِيِّ، فَقَالَ: لَا تَأْسَ بِالْغَيْبِ لِمَنْ أَتَى، وَانْصَحْهُ لِمَنْ أَتَى مِنْهُ مِنَ الْغَيْبِ، وَطَيَّبَ النَّعْسَ مِنَ النَّعْمِ

الفصل الثاني، بركات التقدم الاقتصادي

۱/۲ قِوَامُ الدِّينِ وَالْدُّنْيَا

۳۱۱۵ رسول الله ﷺ الدِّينَانِ وَالْذَّرَاهِمُ حَوَاتِمُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، مَنْ جَاءَ بِحَاسِمٍ مَوْلَاةٍ فَصَيَّبَ حَاسِمَهُ^۱

۳۱۱۶. عَنْهُ ﷺ إِذَا كَانَ فِي أَحْسَرِ الرُّمَاهِ، لَا يَدُ لِنَاسٍ فِيهَا^۲ مِنَ الدَّرَاهِمِ وَالذَّنَابِيرِ يُقِيمُ الرَّجُلُ بِهَا دَبْكَةً وَدَسَاءً^۳

۲/۲ لِلْعَوْنِ عَلَى الْبُقَايَا

۳۱۱۷ رسول الله ﷺ يَعْمُ الْعَوْنُ عَلَى تَقْوَى اللَّهِ الْعَيْنِ^۴

۳۱۱۸ عَنْهُ ﷺ لَوْلَا الْحَبْرُ مَا صُمَا وَلَا ضَلُّيَا، وَلَا أَدْيَا مَرَاتِصَ رُبَانَا^۵

۳/۲ مُصَاعَفَةُ الْأَجْرِ

۳۱۱۹ الْإِمَامُ الصَّادِقُ ﷺ جَاءَ الْفُقَرَاءُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ الْأَعْيَاءَ لَهُمْ مَا يُعْبَقُونَ وَلَيْسَ

۱ سب این ماجرا ج ۲ ص ۱۷۴ ح ۲۱۴۱

۲ المعجم الأوسط ج ۶ ص ۳۱۶ ح ۶۵۰۷

۳ که وردت فی کتاب المعطرين والسباغ بمصفي النعير ولهم، وإن كان يحتمل ورود الصغير عن محذوف معذور

۴ المعجم الكبير ج ۲۱ ص ۳۶۹ ح ۶۶۰

۵ الکافي ج ۵ ص ۷۱ ح ۱ ۶ الکافي ج ۶ ص ۲۸۷ ح ۶

لَنَا، وَلَهُمْ مَا يَخْتَرُونَ وَلَيْسَ لَنَا، وَلَهُمْ مَا يُجَاهِدُونَ وَلَيْسَ لَنَا؟

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ كَثَرَ اللَّهُ مِثْلَهُ مَرَّةً كَانَ أَفْضَلَ مِنْ عِتْقِ مِثْلِهِ رَقَبَةٍ، وَمَنْ سَبَّحَ اللَّهَ مِثْلَهُ مَرَّةً كَانَ أَفْضَلَ مِنْ سِيَاقِ مِثْلِهِ بَدَنَةٍ، وَمَنْ حَمَدَ اللَّهَ مِثْلَهُ مَرَّةً كَانَ أَفْضَلَ مِنْ حُمَلَانِ مِثْلِهِ فَرَسٍ هِيَ سَبِيلُ اللَّهِ بِسُرُوحِهَا وَلُجْبِهَا وَرُكْبِهَا، وَمَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِثْلَهُ مَرَّةً كَانَ أَفْضَلَ النَّاسِ عَمَلًا ذَلِكَ يَوْمَ، إِلَّا مَنْ زَادَ

مَا قَدْ بَلَغَ ذَلِكَ الْأَعْيَاءَ مَصْنَعُهُ قَالَ فَقَادَ الْفُقَرَاءُ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَدْ بَلَغَ الْأَعْيَاءَ مَا قُلْتَ، مَصْنَعُهُ؟ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ذَلِكَ مَصْنَعُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ^۱

۴/۲ راحه النفس

۳۱۲۰ رسول الله ﷺ إِنْ النَّفْسُ إِذَا أَحْزَرَتْ قُوَّتَهَا اسْتَقْرَبَ^۲
 ۳۱۲۱ عَنْهُ ﷺ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ مَنْ لَمْ يَكُنْ مَعَهُ أَصْفَرُ^۳
 وَلَا بُيُضٌ نَمَّ يَتَهَرَّ بِالْعَيْشِ^۴

۵/۲ شرف الدنيا

۳۱۲۲ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ شَرَفُ الدُّنْيَا الْعَنَى، وَشَرَفُ الْآخِرَةِ^۵
 التَّوْبَى^۶
 ۳۱۲۳ عَنْهُ ﷺ حَسَبُ الْقَرَى مَالَهُ^۷

آمده، گفتند ای پیامبر خدا! مالداران با ثروت خویش، بنده آزاد می‌کنند و حج می‌گرازند و صدقه می‌دهند و جهاد می‌کنند، و ما مالی نداریم [که چنین کنیم]

پیامبر خدا فرمود: هر کس صد بار "الله اکبر" بگوید، برتر از آزاد کردن صد بنده است و هر کس صد بار "سبحان الله" بگوید، بهتر از آن است که صد شتر، پیشکش کند و هر که صد بار "الحمد لله" بگوید، بیکوتر از آن است که صد اسب را با ریس و لگام و سوار [برای جهاد] در راه خدا روانه سازد و هر که صد بار "لا اله الا الله" بگوید، در آن روز (مساحیر)، بیکوثر از ترس افراد است؛ مگر آن که کسی (بر این ذکرها) بپردازد

بن خبر به توانگران رسید آنها نیز چنین کردند
 نهی دستان مرد پیامبر ﷺ سازگشتند و گفتند ای پیامبر خدا! آنچه گفتی، به کوشش توانگران رسید و
 تَبَانُ عَمَّ هَمَّانُ گویه کردند

پیامبر خدا فرمود: آئین، بحشش ثرون خداوند است که به هر که بخواهد، عطا می‌فرماید

۴/۲ آسایش روانی

۳۱۲۰ پیامبر خدا ﷺ آدمی، هرگاه وسایل زندگی‌اش به قدر نیاز فراهم باشد، روانش آسایش می‌یابد
 ۳۱۲۱ پیامبر خدا ﷺ مردم را زمانی فرا می‌رسد که هر کس طلا و نقره (مال و مال) نداشته باشد، در بدگانی گوارایی نخواهد داشت

۵/۲ عزت در دنیا

۳۱۲۲ پیامبر خدا ﷺ مایه بررگوارای دنیا، بی‌بازی است و مایه بررگوارای آخرت، پرهیزگاری
 ۳۱۲۳ پیامبر خدا ﷺ، شرف و گورهر مرد، درایی اوست

۱ الکافی ج ۲ ص ۵۵ ح ۱

۲ الکافی ج ۵ ص ۸۹ ح ۲

۳ المعجم الکبیر ج ۲ ص ۲۰ ح ۲۶۹ ج ۲ ص ۲۵۹

۴ الفردوس ج ۲ ص ۳۵۸ ح ۳۱۰

۵ الامالی للطوسی ص ۵۹۰ ح ۱۲۳

الفصل الثالث: التخلّف الاقتصادي

۱/۳. الْفَقْرُ مِنْ نَقَمِ اللَّهِ

الكتاب

﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَوْمًا كَانَتُمْ غَافِلِينَ مُظْمِجِينَ يَأْتِيهِمْ رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرُوا بِآلِهِمْ اللَّهُ فَاَنْتَهُمْ
اللَّهُ لَبِئْسَ الْخَوْفُ بِمَا كَانُوا يَفْضَحُونَ﴾^۱

الحدیث

۳۱۲۱ رسول الله ﷺ عَلَامَةُ رِصَالَةِ تَعَالَى فِي خَلْقِهِ
عَدْلُ سُلْطَانِهِمْ، وَرَحْمَةُ أَسْمَارِهِمْ وَعَلَامَةُ غَضَبِ اللَّهِ
تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى حَلِيهِ جَوْرُ سُلْطَانِهِمْ وَعِلَاءُ
أَسْمَارِهِمْ^۲

۲ ۳ ثَبُّهُ الْفَقْرُ وَهَرَارَةُ

۳۱۲۵ رسول الله ﷺ الْعَرُّ أَشَدُّ مِنَ الْفَقْرِ^۳

۳۱۲۶ عَنْهُ ﷺ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ
وَبَنِيهِمْ بَارِ مُرُودَ، قَلْبُ بَنِيهِمْ بِالْفَقْرِ وَرَفَعَتْ عَنْ
الصَّبْرِ فَمَا تَصَبَّرَ؟ قَالَ إِبْرَاهِيمُ ﷺ يَا رَبِّ، الْفَقْرُ إِلَيَّ
أَشَدُّ مِنْ بَارِ مُرُودَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فَبِعَرِّي وَجَلَالِي،
مَا خَلَقْتُ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَشَدُّ مِنَ الْفَقْرِ^۴

الفصل الرابع: مصار التخلّف الاقتصادي

۱/۴ الْكَفْرُ

۳۱۲۷ رسول الله ﷺ كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا^۵

۱ النحل ۱۱۷

۲ التكاثر ج ۵ ص ۱۶۲ ح ۱

۳ جامع الأخبار ص ۲۹۹ ح ۸۱۶

۴ جامع الأخبار ص ۲۹۹ ح ۸۱۷

۵ التكاثر ج ۲ ص ۳۰۷ ح ۱

فصل سوم، عقب ماندگی اقتصادی

۱/۳ فقر جامعه از محازات های خداوند است

قرآن

﴿وَرَحَدًا شَهْرِي رَا مَثَل رَدَدَ اسْت كِه اس و امان بود [و]
روری ش از هر سو فراوان می رسید پس [ساکنانش]
بصفت های خدا را ناپاسی کردند، و خدا هم به سرای
آنچه انجام می دادید، طعم گرسنگی و هراس [از مرگ] را
به [مردم] آن چشاند﴾

حدیث

۳۱۲۱ پیامبر خدا ﷺ نشانه خشودی خداوند در میان
آفریدگانش چنین است، نادگری حکمرانشان و
کاهش قیمت هدیشان و نشانه خشم خداوند - تبارک
و تعالی - بر آفریدگانش این است، پیدادگری
قرمحوایان و افزایش قیمت هدیشان

۲/۳ سختی و تلخی فقر

۳۱۲۵ پیامبر خدا ﷺ ماداری، سخت تر از کشتار است.

۳۱۲۶ پیامبر خدا ﷺ خدای متعال به ابراهیم علیه
السلام فرمود، «تو را آفریدم و به آتش نمرود آزمودم اگر تو
را به ماداری بیازمیدم و به تو شکیبایی مدهم، چه
می کنی؟»

ابراهیم علیه السلام گفت، «بروردگارم ابرود من، ماداری
سخت تر از آتش نمرود است»

خدای متعال گفت «پس به سراقرازی و شکوهم
سوگد، در آسمان و زمین، سخت تر از ماداری
پیامبریدم»

فصل چهارم، زیان های عقب ماندگی

اقتصادی

۱/۴ کفر

۳۱۲۷. پیامبر خدا ﷺ ماداری، انسان را در آستانه کفر

قرار می دهد

۳۱۲۸. عَمَّالٌ لَوْلَا رَحْمَةُ رَبِّي عَلَىٰ مُقْرَأِ أُمَّتِي، كَادَ الْفَقْرُ يَكُونُ كُفْرًا^۱

۳۱۲۸ پیامبر خدا ﷺ: اگر پروردگار من به نهی دستان ائتم مهر نمی‌ورزید، ناداری، آمان را در آستانه

کفر قرار می‌داد

۲/۴ کشف العیوب

۲/۴. آشکار شدن عیب‌ها

۳۱۲۹ رسول الله ﷺ الْفَقْرُ وَالْعَهْلُ يَكْشِفَانِ كُلَّ عَيْبٍ^۲

۳۱۲۹. پیامبر خدا ﷺ: ناداری و نادانی، هر عیبی را

شکار می‌کند

المحصل الخامس: التَّخَمُّمُ الْمَوْعُودَةُ

فی الإسلام

المحصل پنجم، توسعه‌نویس داده‌شده در اسلام

الكتاب

قرآن

﴿خدا به کسانی از شما که ایمن آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در ایمن سرزمین، جانشین [خود] قرار دهد - همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین [خود] قرار داد - و آن دینی را که برایشان پسندیده است، به سوشنک بستاند و ایشان را به ایمنی تبدیل گرداند [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند، و هر کس پس از آن به کفر گراید، آنان اند که با فرمان‌اند﴾

حدیث

۳۱۳۰ پیامبر خدا ﷺ رستخیز سر پاهای خود، مگر آن که پیش از آن مال در میان شما فراوان گردد و مرا گیر شود، چندان که صاحب مال، نگران یافتن کسی باشد که صدقه‌اش را بپذیرد و به هر که مالش را عرضه کند، بگوید «مرا سازی یا نه»

۳۱۳۱ مسلم این حدیث - به نقل از ابو سعید خدری -، پیامبر خدا فرمود: «آیا شما را به مهدی بريد دهم؟ آن گاه که مردم، دچار اختلاف و لرزش‌های شدید باشند، وی در میان ائمه من برانگیخته خواهد شد و زمین را همان گونه که از صتم و زور انباشته شده، بر عدل و داد، سرشار می‌کند. هم آن که در آسمان سکونت دارد، و هم آن که در زمین ساکن است، از او

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ حَتَّىٰ أَسْخَلَفَ الْبَیِّنَ مِنْهُمْ وَلَيَبْغِزَنَّ لَهُمْ مِنَ الْأَذَى الَّذِي أَرَادُوا بِهِمْ وَلَيُجَنِّبَنَّهُمْ مِنْ مُّسْخَدٍ خَوْفِهِمْ أَفَمَا يَتَنَوَّبُونَ لَا تَتَشَكَّرُونَ فِي دِينِكُمْ وَمِنْ ظَنَرْتُمْ أَنَّكُمْ لَأُثْبِتَنَّكُمْ﴾^۳

الحدیث

۳۱۳۰ رسول الله ﷺ لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّىٰ يَكْفُرَ مِنْكُمْ الْمَالُ، فَيَمِصُّ حَتَّىٰ يُوْثَمَ رَبُّ الْمَالِ مَنْ يَقْبَلُ صَدَقَتَهُ، وَحَتَّىٰ يَمْرُضَهُ فَيَقُولَ الَّذِي يَمْرُضُهُ عَلَيْهِ لَا أَرَبَ لِي^۱

۳۱۳۱ مسلم این حدیث عن ابی سعید الخدری: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَتَشْرِكُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ؟ يَبْثُ فِي أُمَّتِي عَلَىٰ احْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَزَلَّيْلٍ، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا

۱ جامع الأخبار ص ۳۰۰ ح ۸۱۷

۲ الفوائد ص ۳ ص ۶۱ ح ۴۰۰

۳ المنیر ۵۵

۴ صحیح بخاری ج ۲ ص ۵۱۲ ح ۱۳۴۶

وَعَدَلًا كَمَا تُلَبِّبُ خَوْرًا وَظُلُمًا يَرِى عَن سَائِرِ
السَّمَاءِ وَسَائِرِ الْأَرْضِ يَقِيمُ الْمَالَ صَاحِبًا
فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مَا صَاحِبًا؟ قَالَ بِسَوِيَّةِ بَسِ
النَّاسِ

قَالَ وَيَسْأَلُ اللَّهُ فَعَمَلَتْ أُمِّي مُحَمَّدٍ ﷺ عَنِي
وَيَسْأَلُهُمْ عَدْلُهُ، حَتَّى يَأْمُرَ مُدَابِّاً فَيُبَارِي يَقُولُ مَنْ
لَهُ فِي مَالٍ حَاجَةٌ؟ فَمَا يَقُومُ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَجُلٌ
فَيَقُولُ يَمُتُ السُّدَّانِ يَمُتُ الْحَارِثَ فَقُلْ لَهُ إِنَّ
الْمَهْدِيَّ يَأْمُرُكَ أَنْ تُعْطِيَ مَالاً، يَقُولُ مَنُ أَحَدُ
حَتَّى إِذَا حَقَّقَهُ فِي جَبْرِهِ وَأَبْرَرَهُ دَمَهُ، فَعَمَلَتْ كَعَمَلِ
أَجَشَّعَ أُمِّي مُحَمَّدٍ بَعْساً أَوْ عَجَرَ عَنِّي مَا وَسَعَهُ؟
قَالَ فَبَرَدَتْهُ فَلَا يَقْبَلُ مِنْهُ فَعَدْلُهُ أَنَا لَا مَا خَدَّ قَسْنَأُ
أَسْطِئَاءُ

۳۱۳۲ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ سَمِعْتُ أُمِّي هِيَ رَمِي الْمَهْدِيَّ بِسَعَةِ لَهُ
يَنْعَمُوا بِثَلَاثِهَا قَطْرًا: تُرْسِلُ السَّمَاءُ عَلَيْهِمْ مَدْرَارًا، وَلَا
تُرَزَّعُ الْأَرْضُ شَيْئاً مِنْ سَيَابِ الْأَحْزَانِ وَلَمَّا
كُدِّرَتْ يَقُومُ الرَّجُلُ فَيَقُولُ يَا مَهْدِيَّ أَعْطِنِي
فَيَقُولُ خَدَّ

الفصل السادس: مدح الفقر وذمه

۱/۶. ما روي في مدح الفقر

۳۱۳۳ رسول الله ﷺ الْفَقْرُ مَحْرُوفٌ عِندَ اللَّهِ، لَا يَسْتَبِي
بِهِ إِلَّا مَنْ أَحَبَّ مِنْ مُؤْمِنِينَ *

۱. مستدرک حبل ج ۱ ص ۷۵ ح ۱۱۳۲۶
۲. الفتن لابن حنبل ج ۱ ص ۳۶۱ ح ۱۰۸
۳. الفردوس ج ۳ ص ۱۵۶ ح ۴۴۳۴

حسود است او مال را به درستی تقسیم می کند.
مردی به وی گفت: به درستی یعنی چه؟
فرمود: «یعنی مال را به مساوات میان مردم
تقسیم می کند»

و فرمود: او خداوند، دل های ائمت محمد را از
بی بیاری سرشار می کند و عدل مهدی، همه آنها را فرا
می گیرد، چندان که به دهنده های سنگ بر می آورد " آیا
کسی هست که به مالی نیاز داشته باشد؟

او مردم، جر یک نفر، کسی بر نمی خیزد مهدی
به وی می فرماید: "نزد خزانة دار سرو و به وی بگو
مهدی به تو فرمان می دهد که به من، مال عطا کنی"
پس به وی می گوید: "تقسیم کن" تا آن گاه که
خرامدار، دلمش را از مال پر و برجسته می کند در
من حال آن گردد، پشیمان می شود و می گوید: "من
از کجاست؟ کس در ائمت محمد بودم آیا آنچه ایشان را
بر می داشتند، نمی تواند مرا هم فرا پوشانند؟" آن گاه،
آن مال ها را باز می گردانند، اما دیگر از وی پذیرفته
نمی شود و وی گفته می شود: "ما آنچه را که
بخشیده ایم، باز پس نمی گیریم"

۳۱۳۲ پیامبر خدا ﷺ در روزگار مهدی ﷺ، ائمت من ار
چنان نعمتی بر خوردار می شود که تا پیش از آن،
هرگز بر خوردار بوده است آسمان، باران فراوان و
پروسته بر ایشان می بارد و در زمین، هیچ یک از
رویدنی ها کینت نمی شود، مگر آن که ثمر می دهد،
و مال، حرم من است، چندان که هر کس
بر خیزد و بگوید ای مهدی! مرا مالی بجز
می فرماند هرگز!

فصل ششم: فقر ستوده و فقر نکوهیده

۱/۶ احادیثی بر ستایش فقر

۳۱۳۳ پیامبر خدا ﷺ ناداری، گنجینه ای است مرد
خدا که به آن گرفتار نمی شود، مگر مؤمنی که
خداوند، دوستش می دارد

۳۱۳۴. هـ. عَلَيْهِ السَّلَامُ الْفَقْرُ فَحَرِي، وَبِهِ أَفْتَحِرُ عَلَى سَائِرِ الْأَمْيَالِ.^۱
۳۱۳۵. هـ. عَلَيْهِ السَّلَامُ تَحَفُّةُ الْمُؤْمِنِ فِي الدُّنْيَا الْفَقْرُ.^۲
۳۱۳۶. هـ. عَلَيْهِ السَّلَامُ الْفَقْرُ أَرْسُنُ عَلَى الْمُؤْمِنِ مِنَ الْعِزَارِ الْحَسَنِ عَلَى حَدِّ الْفَرَسِ.^۳
- ۲/۶ مَا يَذُلُّ عَلَى أَنْ الْفَقْرُ خَيْرٌ مِنَ الْعَسَى
۳۱۳۷. رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْفَقْرُ خَيْرٌ لِمُؤْمِنٍ مِنَ الْيَسَنِ.^۴
۳۱۳۸. هـ. عَلَيْهِ السَّلَامُ الْفَقْرُ رَاحَةٌ، وَالْعَسَى عُقُوبَةٌ.^۵
۳۱۳۹. هـ. عَلَيْهِ السَّلَامُ شَيْنَانِ يَكْرَهُهُمَا ابْنُ آدَمَ يَكْرَهُهُ الْمَوْتُ، وَالْمَوْتُ رَاحَةٌ لِمُؤْمِنٍ مِنَ الْفِتْنَةِ. وَيَكْرَهُ قِلَّةَ الْمَالِ، وَقِلَّةُ الْمَالِ أَقْلُ لِلْحِسَابِ.^۶
- ۳/۶ مَا يُبْخِرُ الْفَقْرَ الْمَعْدُوحُ
۳۱۴۰. رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْفَقْرُ خَيْرٌ لِمُؤْمِنٍ مِنَ الْيَسَنِ، لَا مَنْ حَمَلَ كَلًّا، وَأَعْطَى فِي مَائَتَةٍ.^۷
۳۱۴۱. هـ. عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلَا يَا رَبُّ نَفْسٍ طَاعِنَةٍ نَاعِمَةٍ فِي الدُّنْيَا جَانَتِهِ عَارِيَّةٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ! أَلَا يَا رَبُّ نَفْسٍ جَانَتِهِ عَارِيَّةٍ فِي الدُّنْيَا طَاعِنَةٍ نَاعِمَةٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ!^۸
- ۴/۶ آنچه بر باره فقر مستودنی آمده است
۳۱۴۲. پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای مؤمن، ناداری بهتر از توانگری است، حز کسی که عیال بسیار داشته و به مصیبت گران، تن داده باشد
۳۱۴۳. پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بسا آدمیان که در دنیا بیکو خوراک و لطیف پوشاک‌اند و در روز قیامت، گرسه و بره‌اند و بسا آدمیان در دنیا گرسه و بره‌اند و در روز قیامت، بیکو خوراک و لطیف پوش

۱. هوائله ثلاثی ج ۱ ص ۳۹ ح ۲۸

۲. فقر دوس ج ۲ ص ۷۰ ح ۳۳۹۹

۳. المعجم الکبیر ج ۷ ص ۲۹۵ ح ۷۱۸۱

۴. المعاریف ص ۱۵۵

۵. شعب الإيمان ج ۵ ص ۳۸۸ ح ۷۰۴۱

۶. العمل ص ۷۴ ح ۱۱۵ ۷. التصحیح ص ۴۹ ح ۸۵

۸. شعب الإيمان ج ۲ ص ۱۷۰ ح ۱۴۶۱

یكانی دربارهٔ احادیث ستائنده فقر

در نگاه نخست به نظر می‌رسد که میان روایات دسه‌های ول و دوم این فصل با آیات و روایات فصل‌های گذشته، تعارض وجود دارد. این روایات، فقر (داری) را فرودستی اقتصادی را می‌ستایند و آن را بر توانگری و رفاه، ترجیح می‌دهد، در حالی که آیات و احادیث فصل‌های پیشین، توسعه اقتصادی را بر حمد می‌شمرند و شکوفایی معیشتی را گران‌بایه، ببرکت و ارتقاء برنامه و عده داده شده توسعه اقتصادی در اسلام می‌نامند و خطرهای فقر و پیامدهای فاجعه‌بار واپس ماندگی اقتصادی را گوشزد می‌کند. اکنون باید دید که مراد از روایات ستائنده فقر چیست و آیا می‌توان به معاد آنها، مصرم شد و معای برآمده از آنها را پذیرفت؟

۱. در اصول پنجگانه نخست این بحث، آیات و احادیث دربارهٔ اهمیت توسعه اقتصادی و رفاه‌های ناشی از فقر، آمده است. دیگر فصل‌های این بحث نیز مختصراً مباحثی در باب اصول و معانی توسعه و پیامدها و افات آن هستند. با ملاحظهٔ مجموع این مباحث، حکمی هیچ تردیدی در این نکته باقی نمی‌ماند که اسلام، هرگز به فقر، گرایش ندارد و به سوی آن، جهشگری نمی‌کند؛ بلکه توسعه اقتصادی، به شکلی برجسته، از اهداف مهم این دین به شمار می‌رود.

به بیان دیگر، جهشگری و مبارزهٔ اسلام در رویارویی با فقر و برنامه‌ریزی‌هایش در مسیر توسعه اقتصادی، از اصول مسلم اسلامی است. بر این پایه، هرگاه احادیث به چشم بخورند که ظاهراً مردم را به سوی فقر دعوت می‌کند، پس از قطعی شدن انساب آنها به پشویان دین، چاره‌ای جز آن نیست که معصود از این احادیث را در ظاهر آنها بجویم.

۲. توانگری و فقر، از هر جهت، همانند دانش و نادانی است و می‌توان آنها را از دو زاویه ارزیابی کرد. از یک زاویه، داری به طور مطلق و همانند دانش، ارزش تمقی می‌شود؛ زیرا از مظاهر نظام آفرینش است که در خدمت انسان و نیازمندی‌های وی قرار دارد، در برابر فقر که به رای حواست‌های انساب، همچون نادانی، دارای بار منفی ارزیابی می‌شود. اما از زاویهٔ دیگر، داری با توجه به نقشی که در زندگی انسان به‌یها می‌کند، ارزیابی می‌شود.

این نکته را می‌توان با چسب تعبیری بیان کرد. در نگاه اول، آنچه ارزیابی می‌شود، ثروت و علم است؛ اما در نگاه دوم، ثروتمند و عالم، ارزیابی می‌گردد.

آن‌گاه که ثروت از زاویهٔ نگاه آفرینی ارزیابی شود، بی‌شک در برابر فقر، دارای ارزش و نوعی نعمت

شمرده می‌شود، همانند دانش در برابر نادانی؛ لذا آن‌گاه که ثروت از زاویه ارتباطش با انسان ثروتمند ارزیابی گردد، این معادله شکلی دیگر می‌پذیرد. همان‌گونه که دانش برای هر دانشمندی سودمند و نادانی برای هر جاهلی زیانمند نیست، ثروت هم چنین است. هر توانگری بر ثروت سود نمی‌برد، همان‌گونه که هر فقیری از فقر، زیان نمی‌برد؛ بلکه به تعبیر امیر مؤمنان «بما توانگری که فقر جاویدان بر حای نهی»^۱ و «بما فقری که به توانگری همیشه بینجامد»^۲ و «بما کاسته که سودمند است و بسا افزوده که زیان‌بخش»^۳.

بر این پایه، آن‌گاه که ثروت از جهت نوع ارتباطش با ثروتمند، و فقر از ناحیه چگونگی پیوندش با فقیر ارزیابی گردد، نمی‌توانیم با قطعیت بگوییم که ثروت، مصفاً ارزش یا صده ارزش است. در این حال، سراوار است که ارزیابی را از ره‌گذر نتایج به دست آوریم. اگر ثروتمند بر ثروتش به شکل مطلوب بهره‌برده باشد، ثروت، ارزش است؛ وگرنه، حیر! درباره فقر نیز چنین است. اگر فقر به خواری و ویرانی بینجامد، عاملی منفی است؛ اما اگر موضوع‌گیری‌های صحیح فقیر، و راه فقر به حای حقیقی برساند و راه کمال او را هموار کند، چنین فقری ارزشمند است.

به طور کلی، اصول پنجگانه نخست، موضوع توسعه اقتصادی را از دریچه نگاه نخست، بررسی کرده و آیات و احادیث فصل ششم، آن را از منظرگاه دوم بنگرسته است. پس تعارضی میان این دو دسته نیست.

۲ غرر الحکم ج ۵۳۲۷

۱ غرر الحکم ج ۵۳۲۸

۳ غرر الحکم ج ۶۹۶۰

الباب الثاني

أصول التَّهْيِئَةِ

الفصل الأول: العلم

۱/۱ دور العلم في التَّقْدِيمِ

۳۱۴۲ رسول الله ﷺ: خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْعِلْمِ.^۱

۳۱۴۳ عنه ﷺ: مَنْ عَمِلَ عَلَى غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يُصِيبُ أَكْثَرُ مِمَّا يَصْلِحُ.^۲

۲/۱ دور الجهل في التَّخْلُفِ

۳۱۴۴ رسول الله ﷺ: شَرُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْجَهْلِ.^۳

۳۱۴۵ عنه ﷺ: الْجَهْلُ رَأْسُ الشَّرِّ كُلِّهِ.^۴

الفصل الثاني: التَّحْمِيلُ

۱/۲ حُسْنُ التَّحْمِيلِ وَالتَّحْمِيَةُ

۳۱۴۶ رسول الله ﷺ: مَنْ أَحْسَنَ تَحْمِيلَ صَعِيْبِهِ رَزَقَهُ

اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى.^۵

۳۱۴۷ عنه ﷺ: مَنْ عَقَلَ رَجُلٍ اسْتَصْلَحَ صَعِيْبَتِهِ.^۶

۱. مشكلة الأنوار ص ۲۳۹ ح ۶۹۱

۲. الكافي ج ۱ ص ۴۴ ح ۳

۳. مشكلة الأنوار ص ۲۳۹ ح ۶۹۱

۴. جامع الأحاديث للقمي، ص ۱۰۲

۵. كند الغابة ج ۵ ص ۳۳۶ الرقم ۵۲۹۱

۶. مفردوس ج ۱ ص ۲۱۴ ح ۸۱۵

باب دوم

پایه های توسع

فصل یکم: دانش

۱/۱ نقش دانش در پیشرفت

۳۱۴۲ پیامبر خدا ﷺ: خَيْرُ دُنْيَا وَآخِرَتٍ، هِمَّةٌ دَانِسٍ
است

۳۱۴۳. پیامبر خدا ﷺ: هَر كَسٍ بَر پايه‌ای حِر دَنش رفتار
كند، بِنِ اَز اَر كِه اَصْلَاح كند، فساد به بار
مِي آورد

۲/۱ نقش نادانی در عقب ماندگی

۳۱۴۴. پیامبر خدا ﷺ: شَرُّ دُنْيَا وَآخِرَتٍ، هِمَّةٌ دَانِسٍ
نست

۳۱۴۵. پیامبر خدا ﷺ: نادانی، سرآمدِ همهٔ بدی‌هاست

فصل دوم: برنامه ریزی

۱/۲ برنامه ریزی صحیح و توسعه

۳۱۴۶. پیامبر خدا ﷺ: هَر كَسٍ بَرای گذرانِ رِندگانی
حَوِش به درستی برنامه ریزی كند، حِدای
- تَبَارَكَ وَتَعَالَى - رَوری اش مِي بَحشد

۳۱۴۷. پیامبر خدا ﷺ: هِمَا نَا شَانَةُ عَاقِلٍ بُوْدَن اِنْسَانٍ،
اَن اَسْت كِه كُذْرَا نِ رِندگي اش رَا سَامَان بَحشد

۲/۲. سوء التدبیر والتخلف

۲/۲. برنامه‌ریزی نادرست و عقب‌ماندگی

۳۱۴۸ رسول الله ﷺ ما أحافَ على أمي نقر ولكن

۳۱۴۸. پیامبر خدا ﷺ بر امت خویش، نه از مهر، که از

أحافَ عليهم سوء التدبیر^۱

برنامه‌ریزی نادرست، بیم دارم

الفصل الثالث: العمل

فصل سوم. کار

۱/۳. الحثُّ على العمل

۱/۳. تشویق به کار

أ- طلبُ الرِّزقِ

الف. سروری جستن

قرآن

الكتاب

﴿وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ

﴿و از رحمتش برایتان شب و روز را قرار داد تا در این

وَلِتُذْكُرُوا مِنْ فَضْلِهِ﴾ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ^۲

[یک] بپیرامید و [در آن یک] از فروز بخشی او

[روزی خود] بجوید باشد که سپاس بدارید^۳

الحديث

حدیث

۳۱۴۹ رسول الله ﷺ طَلَبُ نَكَبٍ فَرِيضَةٍ بِسَعْدِ

۳۱۴۹. پیامبر خدا ﷺ پس از ادای نماز واجب، روری

جَنَنِ، واجب است

نَفَرِيضَةٍ^۴

۳۱۵۰ عنه ﷺ مَنْ سَعَى عَلَى نَفْسِهِ لِيُزِيلَهَا وَيُصْبِحَ فِي

۳۱۵۰. پیامبر خدا ﷺ هر کس بکوشد تا خود را، عزیز

و از مردم بی‌یار بدارد، [هم‌رتبه] شهید است

سَاسٍ فَهُوَ شَهِيدٌ^۵

۳۱۵۱. پیامبر خدا ﷺ جهاد، [مقط] آن نیست که

۳۱۵۱ عنه ﷺ لَيْسَ الْجِهَادُ أَنْ يَصْرَبَ بِشَيْءٍ فِي سَبِيلِ

[کس] در راه حنا شمشیر رند هر آینه، جهاد،

الله، إِنْ الْجِهَادُ مَنْ عَالٍ، الَّذِي وَعَالَ وَلَدَهُ، فَهُوَ فِي

آن است که فرد، پدر و مادر و فرزندانش و

جِهَادٍ وَمَنْ عَالٍ نَفْسُهُ يَكْفُفُهَا عَنِ النَّاسِ فَهُوَ فِي

[تیر] سرپرستی کند پس چسب کسی در

جِهَادٍ^۶

حال جهاد است و آن کس که خود را تأمین

می‌سازد تا از مردم بی‌یار باشد، او هم در حال

جهاد است

۱ عوالم الاکبر ج ۴ ص ۳۹ ح ۱۳۱

۲ الفصص ۷۳

۳ جامع الاحادیث للنقی ص ۴۸

۴ کرم‌المصابل ج ۴ ص ۶۰۷ ح ۱۱۷۹۰

۵ حلیه الاولیاء ج ۶ ص ۳۰۰

ب- التَّخَبُّ فِي طَلَبِ الْمَعِيشَةِ

ب- رنج بردن در طلب روزی

۳۱۵۲ رسول الله ﷺ مَنْ بَاتَ كَالْأَمْسِ طَلَبَ الْخَلَالِ،
بَاتَ مُغْفَرًا لَهُ.^۱

۳۱۵۲ پیامبر خدا ﷺ هر کس، حسته از جستجوی مال
خلال، روز را به شب آورد، روز را آمرزیده به
شب آورده است.

ج- الْعَمَلُ بِالْيَدِ

ج- کار با دست (کار جسمانی)

۳۱۵۳ رسول الله ﷺ مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ، نَظَرَ أَفْقَ الْبَرِّ
بِالرَّحْمَةِ، ثُمَّ لَا يُعَذِّبُهُ أَبَدًا.^۲

۳۱۵۳ پیامبر خدا ﷺ هر کس از دست و رنج خویش
بحورد، خداوند به رحمت در او می‌نگرد و هرگز
عذابش نمی‌کند.

۳۱۵۴ عَنْهُ ﷺ مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ خَلَالَ، فَتَحَ لَهُ
أَبْوَابَ الرَّحْمَةِ يَدْخُلُ مِنْ أَيْنَا شَاءَ.^۳

۳۱۵۴ پیامبر خدا ﷺ هر کس به خلال، از دست و رنج
خود بخورد، دروازه‌های بهشت به رویش گشوده
می‌گردند و او از هر یک که بخواهد، وارد می‌شود.
۳۱۵۵ پیامبر خدا ﷺ همانا بهترین درآمد، از آن
چیزی است که کاری است که کوشش بی‌آلایش باشد.

۳۱۵۵ عَنْهُ ﷺ إِنْ حَمَرَ الْكَسْبُ كَسْبُ يَدَيِ عِمْلِيلَ بْنِ
نَضْحَ.^۴

د- سَبْرَةُ الْأَمْثِيَاءِ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ

د- صبر و پایداری در طلب روزی

۳۱۵۶ الرَّهْدُ لابْنِ الْمَيَّارَةِ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ كَانَ يُحْكِمُ
أَصْحَابَ الْإِبِلِ وَالنَّمَمِ نَزَاعًا، فَاسْتَطَاعَ أَصْحَابُ
الْإِبِلِ عَلَى أَصْحَابِ النَّمَمِ، فَبَلَّغُوا أَنَّ دَلَّكَ دَكْرَ
إِلْسَبِيِّ ﷺ، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ، بُعِثَ مُوسَى وَهُوَ رَاعِي
عَنَمٍ، وَبُعِثَ دَاوُودُ وَهُوَ رَاعِي عَنَمٍ، وَبُعِثْتُ أَنَا وَأَنَا
أَرْمَى عَنَمًا لِأَهْلِي بِأَجِيَادٍ.^۵

۳۱۵۶ الرهد، ابن مبارک - به نقل از ابو اسحاق - میان
شترداران و گوسفندداران، گفتگو در گرفت و
شترداران در برابر گوسفندداران، گردن افرازی
کردند. حبردار شدیم که این رویداد برای
پیامبر ﷺ نقل شد، ایشان فرمود: موسی ﷺ در
حالی [به پیمبری] برانگیخته شد که گوسفند
می‌چرانید؛ و داوود [هم] در حالی [به
پیمبری] برانگیخته شد که گوسفند می‌چرانید؛ و
من [تیر] در حالی برانگیخته شدم که در [منطقه]
اجیاد، برای طاعتهم گوسفند می‌چرانیدم!

۳۱۵۷ تَارِيخُ الطَّبْرِيِّ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ لَمَّا بَلَغَهَا [أَيِ
خَدِيجَةَ سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهَا] عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مَا بَلَغَهَا
مِنْ صِدْقِ حَدِيثِهِ وَعِظَمِ أَمَانَتِهِ وَكَرَمِ أَعْلَاقِهِ

۳۱۵۷ تَارِيخُ الطَّبْرِيِّ - به نقل از ابن اسحاق - آن گاه که
راست گفتاری، امانت‌داری و والا منشایی پیامبر خدا

۱. الأُمِّيُّ الْمَدْرُوقُ ص ۳۶۴ ح ۴۵۲

۲. جامع الأخبار ص ۳۹۰ ح ۱۰۸۷

۳. جامع الأخبار ص ۳۹۰ ح ۱۱۸۶

۴. مستدرك حنبلي ج ۳ ص ۲۷۸ ح ۸۶۹۹

۵. الرهد لابن الميوار ص ۴۱۵ ح ۱۱۷۷

هَمَّتْ إِلَيْهِ، فَعَرَضَتْ عَلَيْهِ أَنْ يَحْرَجَ فِي مَالِهَا إِلَى
الشَّامِ تاجِرًا.. فَقَبِلَهُ مِنْهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، وَحَرَجَ فِي
مَالِهَا ذَلِكَ.^۱

۲/۳ التَّحْذِيرُ مِنَ التَّوَانِي فِي الْعَمَلِ

۳۱۵۸ رسول خدا ﷺ: خَلَقَ اللَّهُ ﷻ التَّوَانِيَّ وَلَكُنْ.

فَرَوْجُهُمَا قَوْلُهُ يَنْهَمَا الْفَاقَةَ^۲

۳۱۵۹ عنه ﷺ لَا تَصْجِرْ فَيَمْتَكِكَ الصُّجْرُ مِنَ الْآجِرَةِ

وَالدُّنْيَا^۳

۳۱۶۰ عنه ﷺ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَلْقَى كَلِمَةً عَلَى النَّاسِ!

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ صَمِعَ مَنْ يَحُولُ^۴

۳۱۶۱ عنه ﷺ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ يُصَيِّعُ مَنْ يَحُولُ^۵

۳/۳ اجاره‌افزار

الكتاب

﴿قَالَ ابْنُ أَبِي دُرَيْدٍ لَنْ أَتُكَبِّكَ إِذْ دَى أَبْنَتِي هُنْكَ عَنْكَ أَنْ

تَأْخُزَنِي نَفْسِي حَتَّى فَإِنْ أَلْمَعْتَ عَشْرًا لَمْ يَنْجِبْكَ

وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ

الْمُضْلِجِينَ﴾^۶

الحديث

۳۱۶۲ رسول خدا ﷺ: إِنْ مُوسَى ﷺ اجْتَرَتْ نَفْسُهُ تَعَامِي

برای خدیجه ﷺ مسلم گشت، فرستاده‌ای مزدوی
گسیل داشت و به وی پیشنهاد کرد که دارایی‌اش را
برای باررگانی به شام ببرد. پیامبر خدا پذیرفت
و با دارایی او بدان مقصد، روان شد

۲/۳. هشدار درباره سستی در کار

۳۱۵۸ پیامبر خدا ﷺ: خداوند ﷻ سستی و تسلی را

آفرید و میان آن دو را پیوند داد. پس از آن دو، فقر
را ده شد

۳۱۵۹ پیامبر خدا ﷺ: بی‌حوصلگی مکن، که تو را از

آخرت و دنیا باز می‌دارد.

۳۱۶۰ پیامبر خدا ﷺ: آن کس که سر باز دیگران شود،

ملعون است، ملعون؛ و آن کس که با حقورانی خود

را تأمیی نکند، ملعون است، ملعون!

۳۱۶۱ پیامبر خدا ﷺ: ملعون است، ملعون، آن که

حانواده خود را واگذارد (تأمین نکند)!

۳/۳. اجاره دادن خود

قرآن

﴿[شعیب به موسی] گفت: من می‌خواهم یکی از این دو

دختر خود را [که مشاهده می‌کنی،] به نکاح تو در آورم.

به این [شرط] که هشت سال برای من کار کنی، و اگر ده

سال را تمام گردانی، اختیار با توست، و نمی‌خواهم بر تو

سخت گیرم، و مرا - این شاه الله - از دو مشکاران خوارمی

یافت﴾

حدیث

۳۱۶۲ پیامبر خدا ﷺ: موسی ﷺ هشت یا ده سال،

۱ تاریخ الطبری ج ۲ ص ۲۸۰

۲ فقره دوم ج ۲ ص ۱۸۸ ح ۲۹۴۰

۳ تحف الموعود ص ۱۲

۴ التکافیر ج ۴ ص ۱۲ ح ۹

۵ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۱۶۸ ح ۳۳۱

۶ القمص ص ۲۷

سین او عشراً، علی عقیة فرجه و طعام بطیه^۱

۳۱۶۳ عنه ﷺ آخرت نفسی من حدیجة شمرنی
بقدر ص ۲۲

۱/۳ اَهُمُّ آدَابِ انْتِخَابِ الْأَجِيرِ

أَسْتَعِينُ الْأَحْرَةَ

۳۱۶۴ رسول الله ﷺ می استأجر اجیراً ولیعلمه أجره^۱

۳۱۶۵ الإمام علی عقیة نهی [رسول الله ﷺ] أَنْ يُسَمِّنَ
أَجِيرَ حَتَّى يُعْطِيَ مَا أُحْرَتْهُ^۵

ب- التَّحْنِيطُ عَنْ ظُلْمِ الْأَحِيرِ

۳۱۶۶ رسول الله ﷺ ظَلَمَ الْأَحِيرَ أَمْرُهُ مِنَ الْكَامِرِ^۶

۳۱۶۷ عنه ﷺ می وجبته لعلی عقیة ما علی من
مع أحره فعلیه لعنه الله^۷

ج- عَدَمُ التَّأْخِيرِ فِي دَفْعِ الْأَحْرَةِ

۳۱۶۸ رسول الله ﷺ أَعْطُوا الْأَحِيرَ أَمْرُهُ قَبْلَ أَنْ يَحِثَّ
عَرَفُهُ^۸

۳۱۶۹ عنه ﷺ أَعْطُوا الْأَجِيرَ أَمْرُهُ قَبْلَ أَنْ يَحِثَّ

۱ سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۸۱۷ ح ۲۴۴۴

۲ القلوص من الايل بمصر له الجارية من النساء وهي اسائه
(النصائح المنبر ص ۵۱۳، تلخیص)

۳ السنن الكبرى ج ۶ ص ۱۹۵ ح ۱۱۶۴۲

۴ السنن الكبرى ج ۶ ص ۱۹۸ ح ۱۱۶۵۱

۵ کتاب من لا یحضره الفقه ج ۴ ص ۱۱ ح ۴۹۶۸

۶ جامع الأحادیث للقصیر ص ۹۸

۷ کتاب من لا یحضره الفقه ج ۴ ص ۱۳۶۲ ح ۵۷۶۲

۸ سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۸۱۷ ح ۲۴۴۳

خود را اجیر کرد، برای پاکدامنی (از دواج با

دختر شعیب) و سیر کردن شکمش

۳۱۶۳ پیامبر خدا ﷺ من در دو سفر، خود را در

مقابل دریافت یک ماده شتر جنرال، اجیر حدیجه

کردم (و برای او به سفر تجارت رفتم)

۳/۳، اهم ترین آداب انتخاب اجیر

الف- تمییز مرد

۳۱۶۴ پیامبر خدا ﷺ هر کس حیرتی می گیرد، باید

ابتدا [مرد او را به اطلاعش برساند

۳۱۶۵ امام علی عقیة [پیامبر ﷺ] از به کار گرفتن اجیر،

پیش از آن که معلوم شود مردش چیست نهی

فرمود

ب- پرهیز از ستم کردن به اجیر

۳۱۶۶ پیامبر خدا ﷺ ستم روا داشتن بر کارگر در

دادن مرد او، از گناهان کبیره است

۳۱۶۷ پیامبر خدا ﷺ - در ستمارش به علی عقیة - ای

علی! هر کس مرد اجیری را ببرد، لعنت خدا بر

او باد

ج- تأخیر نکردن در پرداخت مرد

۳۱۶۸ پیامبر خدا ﷺ مرد اجیر را پیش از آن که عرفش

حسب شود بپردازد

۳۱۶۹ پیامبر خدا ﷺ مرد اجیر را پیش از آن که ستم

رَشْحُهُ^۱

عرقش خشک شود، پرداخت کنید.

۵/۳. الْحَثُّ عَلَى الْإِنْتَاكِ

۵/۳ تشویق به تولید

أ-الزَّرْعُ وَالْغَرْسُ

الف-کشاورزی و درختکاری

۳۱۷۰ رسول الله ﷺ: إِنْ قَامَتِ السَّاعَةُ وَفِي يَدِي أَعْدِيكُمْ فَيَسِيلُهُ، مَا بِي اسْتَطَاعَ أَنْ لَا يَغُومَ حَتَّى يَحْرِثَهَا فَلْيَحْرِثْهَا^۲

۳۱۷۰ پیامبر خدا ﷺ: اگر قیامت فرا رسد و در دست یکی از شما بهالی باشد، چنانچه بتواند برنجیرد تا آن بهال را بکارد، این کار را نکند

۳۱۷۱ عنه ﷺ: مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَحْرِثُ غَرْساً أَوْ يَزْرَعُ زَرْعاً، يَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ أَوْ إِنْسَانٌ أَوْ بَيْهَمَةٌ، إِلَّا كَانَ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ^۳

۳۱۷۱. پیامبر خدا ﷺ: هیچ مسلمانی نیست که بهالی بکارد یا درراعتی کشت کند و پرندمای یا انسانی یا چهارپایی از آن بخورد، جز این که آن برایش بحدقه به شمار می‌رود

۳۱۷۲. مسندك الوسائل. رَأَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَوْمًا لَا يَزْرَعُونَ. قَالَ: مَا أَنْتُمْ؟ قَالُوا: نَحْنُ الْمُتَوَكِّلُونَ. قَالَ: لَا، بَلْ أَنْتُمْ الْمُتَكِلُونَ^۴

۳۱۷۲. مسندك الوسائل: پیامبر خدا، مردمی را دید که به کشت و کار نمی‌پرداختند. فرمود: شما کیستید؟

ب-تربیه الفواشی والأعنام

۳۱۷۳ رسول الله ﷺ: الشَّاءُ الْمُنْتَبِجَةُ بَرَكَةٌ^۵

گفتند: ما توکل پیشگانیم

۳۱۷۱ عنه ﷺ: يَحْمُ الْمَالُ الشَّاءَ^۶

فرمود: او بلکه سربارانید.

۳۱۷۵ عنه ﷺ: الْبَرَكَةُ فِي تَوَاصِي الْحَيْلِ^۷

ب-نام پروری

۳۱۷۶ عنه ﷺ: الْحَيْلُ مَقْقُودٌ فِي تَوَاصِيهَا الْحَمَرُ إِلَى

۳۱۷۳ پیامبر خدا ﷺ: گوسفند را بنده، برکت است

۱ الزَّئْبُجُ: بَدِي الْقَرْمِي عَلَى الْجَسَدِ (سد القرب ج ۲ ص ۴۴۹ «رَشْح»)

۳۱۷۳ پیامبر خدا ﷺ: خوب مالی است گوسفند

۲ مسند ابی یعلی ج ۶ ص ۱۳۶ ح ۶۶۵۲

۳۱۷۵ پیامبر خدا ﷺ: برکت در موهای پیشانی اسبان

۳ كِتَابُ الْمَالِ ج ۳ ص ۸۹۲ ح ۹۰۵۶

است

۴ صحيح البخاري ج ۲ ص ۸۱۷ ح ۲۱۹۵

۵ مسندك الوسائل ج ۱۱ ص ۲۱۷ ح ۱۷۷۸۹

۶ المعمریات ص ۱۶۰

۳۱۷۶ پیامبر خدا ﷺ: نا رور قیامت، حیر در موهای

۷ الكافي ج ۶ ص ۵۴۴ ح ۲

۸ صحيح البخاري ج ۳ ص ۱۰۴۸ ح ۳۶۹۶

یوم القيامة^۱

پیشانی سپان، گره خورده است

ج - الصُّنَاعَة

ج - صنعتگری

الكتاب

قرآن

﴿وَعَلَّكُمُ الصَّنْعَةَ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ سُخْرِيَكُمْ مِنْ أَسْلَحِكُمْ
فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ﴾^۲

﴿و به [دارود] قُلْ زِدْ [ساری] را آموختیم، تا شما را از
عظمت‌های [جنگتان] عیبزد کند پس آیا شما
سپاس‌گزارید؟﴾

الحديث

حدیث

۳۱۷۷ رسول الله ﷺ عَمِلَ لِأَرْبَارٍ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي عَمِلَ^۳

۳۱۷۷ پیامبر خدا ﷺ پش‌رمان نیک، ریسدگی است

۶/۳ مَا يَدْبَعِي لِلْمُكْتَسِبِ

۶/۳ آنچه برای پیشه‌ور، سراو‌لو است

أ - طَلَّتِ الْحَلَالُ

الف - جستجوی حلال

۳۱۷۸ رسول الله ﷺ الْعِبَادَةُ سَعُونَ جُرْماً، أَمَلَتْهَا
طَلِبُ الْحَلَالِ^۴

۳۱۷۸ پیامبر خدا ﷺ عبادت را هفتاد بخش است
برترین آن، جستجوی حلال است

۳۱۷۹ عَنْهُ ﷺ طَوْبٌ لِمَنْ دَلَّ مِي نَفْسِهِ، وَطَابَ كَبُّهُ^۵

۳۱۷۹ پیامبر خدا ﷺ خوش باد حال کسی که در
دروغ، رام، [پروردگار] و پیشه‌اش پاکیزه است

۳۱۸۰ عَنْهُ ﷺ الْكَادُ عَلَى عِيَالِهِ مِنْ حَلَالٍ كَالْمُجَاهِدِ
فِي سَبِيلِ اللَّهِ^۶

۳۱۸۰ پیامبر خدا ﷺ آن‌که حیوانه خویش را از
حلال روری می‌دهد، مانند مجاهد در راه

۳۱۸۱ عَنْهُ ﷺ إِنَّ أَحْوَفَ مَا أَحَافَةُ عَلَى أَمْتِي مِنْ
بَعْدِي هَدْمِ الْمَكَاسِبِ الْحَرَامِ، وَالشَّهْوَةِ الْحَفِيَّةِ،
وَالرِّبَا^۷

۳۱۸۱ پیامبر خدا ﷺ بیش از همه، بر امت خویش
پس از خودم، از ایها می‌ترسم ایس پیشه‌های
حرام، شهوت پنهان، و ربا

۱. التکالی ج ۵ ص ۴۸ ح ۲

۲. الایاء ۸

۳. تاریخ بغداد ج ۹ ص ۱۵ الرقم ۱۹۱۳

۴. التکالی ج ۵ ص ۷۸ ح ۶

۵. المعجم الکبیر ج ۵ ص ۷۱ ح ۱۶۱۵

۶. کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۱۶۸ ح ۳۳۱

۷. التکالی ج ۵ ص ۱۲۴ ح ۱

ب- البُکور

ب- سحر خیری

۳۱۸۲ الامام الصادق علیه السلام إِنْ سَأَلَ الرَّجُلُ
مُتَحَرِّمًا فِي طَلَبِ الرِّزْقِ: إِنْ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ: اللَّهُمَّ
بَارِكْ لِمُتَمِّيهِ بِكُورِهَا^۱

۳۱۸۲. امام صادق علیه السلام هر آینه، من دوست می‌دارم که
مرد در پی روزی، به من سو و آن سواران شود
همانا پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: «بار خدایا! برای امت من
در سحر خیری اش برکت قرار ده»

الفصل الزامع السوق

فصل چهارم بازار

۱/۱ الحدُّ عَلَى التُّجَّارَةِ

۳۱۸۳ رسول الله صلى الله عليه وآله الْبَرَكَةُ عَشْرَةُ أَجْرَاءٍ: جَسَدُهُ
أَعْمَارُهَا فِي التُّجَّارَةِ، وَالْعَشْرُ الْبَاقِي فِي
الْجُلُودِ^۲

۱/۲ تشویق به بازرگانی

۳۱۸۳ پیامبر خدا صلى الله عليه وآله برکت، ده بخش دارد نه دهم
آن، در بازرگانی است و یک دهم باقی مانده، در
دامداری

۳۱۸۴ عَنْهُ صلى الله عليه وآله إِنْ الْبَرَكَةُ فِي التُّجَّارَةِ... وَلَا يُحْبِرُ اللَّهُ
صَاحِبَهَا إِلَّا تَاجِرًا حَالِيًا^۳

۳۱۸۴ پیامبر خدا صلى الله عليه وآله همانا برکت در بازرگانی است
و خداوند، بازرگان را به فقر دچار نمی‌کند، مگر
آن که (به دروغ) سوگند یاد کند

۲/۱ النِّهْيُ عَنِ الْإِحْتِكَارِ

۳۱۸۵ رسول الله صلى الله عليه وآله لَا يُحْتَكِرُ إِلَّا الْغَوَاوُنُ^۴

۲/۲ نهی از احتکار

۳۱۸۵ پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: کسی جز غواتکاران، احتکار
نمی‌کند

۳۱۸۶ عَنْهُ صلى الله عليه وآله الْمُحْتَكِرُ مَلْعُونٌ^۵

۳۱۸۶ پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: محتکر، ملعون (به دور از
رحمت خدا) است

۳۱۸۷ عَنْهُ صلى الله عليه وآله مَنْ جَمَعَ طَعَامًا يَتَرَبَّصُّ بِهِ الْعَلَاءُ أَرْبَعِينَ
يَوْمًا فَقَدْ تَرَى مِنَ اللَّهِ وَبَرَى اللَّهُ مِنْهُ^۶

۳۱۸۷ پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر کس خوراکی را به امید
گران شدن، چهل روز انبار کند، از خداوند
بی‌واری جسته و خدا نیز از او بی‌واری است

۳۱۸۸ عَنْهُ صلى الله عليه وآله الْجَالِبُ مَرُورِقٍ، وَالْمُحْتَكِرُ مَلْعُونٌ^۷

۳۱۸۸ پیامبر خدا صلى الله عليه وآله طلب‌کننده روری، ررق می‌یابد
و احتکار کننده، ملعون است.

۱ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۱۵۷ ح ۳۵۷۲

۲ التخصیص ص ۱۱۵ ح ۲۱

۳ مستدرک الوسائل ج ۱ ص ۱۳ ح ۱۴۵۷۱

۴ کز العمال ج ۱ ص ۱۰۱ ح ۹۷۳۸

۵ بحار الأنوار ج ۶ ص ۲۹۲

۶ بحار الأنوار ج ۶ ص ۲۹۲

۷ الکافی ج ۵ ص ۱۶۵ ح ۶

۳/۴ ما ورد في التفسير

۳/۴ آنچه درباره قیمت‌گذاری بیان شده است

أ- الْمُصْعَرُ هُوَ اللَّهُ

الف - قیمت‌گذار، خداست

۳۱۸۹ رسول الله ﷺ أَنَا لَا أُتْعَرُ، فَإِنَّ اللَّهَ سَعَى هُوَ الْمُتْعَرُ^۱

۳۱۸۹ پیامبر خدا ﷺ من، قیمت تعیین نمی‌کنم، که همانا قیمت‌گذار، خداست

۳۱۹۰ عَنْهُ ﷺ الْعَلَاءُ وَالرَّحْصُ جُدَايَ مِمَّنْ جُودَ اللَّهُ تَعَالَى، يُسَمَّى أَحَدُهُمَا رَغْبَةً وَالْآخَرُ الرَّهْبَةَ فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يُغْلِبَهُ قَدَفَ الرَّغْبَةَ فِي صُدُورِ التُّخَّارِ فَرَعِبُوا بِهِ فَحَبَسُوهُ وَإِذَا أَرَادَ أَنْ يُرْجِضَهُ قَدَفَ الرَّهْبَةَ فِي صُدُورِ التُّخَّارِ فَأَحْرَجُوهُ مِمَّنْ أَيْدِيهِمْ^۲

۳۱۹۰ پیغمبر خدا ﷺ گرانسی و ارزانسی، دو صیاء از سپاهیان خدای متعال هستند یکی از آنها «خواستاری» نامیده می‌شود و دیگری «بیمناکی» پس هر گاه خدای متعال بخواهد کالایی را گران کند، خواستاری آن را در دل‌های بازرگانان می‌اندازد و ایشان در آن، رعت می‌ورزند و در بندش می‌کشند؛ و هر گاه بخواهد آن را ارزان سازد، بیمناکی از آن را در دل‌های بازرگانان می‌اندازد و ایشان، آن را از کف بخاری بیرون می‌کنند

ب- اَمْتِنَاعُ النَّدَى ﷺ عَنِ التَّسْعِيرِ

ب - خودداری پیامبر ﷺ از قیمت‌گذاری

۳۱۹۱ أَسَدُ الْعَابَةِ عَنْ أَبِي بَكْرَةَ إِبْنِهِمْ قَالُوا لِنَبِيِّ ﷺ فِي عَامِ سَنَةِ سَعَرْنَا بِمَا رَسُولُ اللَّهِ، فَعَالَ لَا يَسْأَلُنِي اللَّهُ عَنْ شَيْءٍ أَحَدَتْهَا فِيكُمْ لَمْ يَأْمُرْ بِهَا، وَلَكِنْ سَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ^۳

۳۱۹۱ اسد العابة - به نقل از ابی بکره - در مسال محطی، ایشان به پیامبر ﷺ گفتند ای پیامبر خدا! برای ما قیمت تعیین کن

۳۱۹۲ كِتَابُ مَنْ لَا يَحْضَرُهُ الْعَقِيه هَبْلَ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ لَوْ سَعَرْتَ لَمَّا سِعْرًا قَبْلَ الْأَسْعَارِ تَزِيدُ وَتَنْقُصُ فَقَالَ ﷺ مَا كُنْتُ لِأُلْقَى اللَّهُ تَعَالَى بِدَعَةٍ لَمْ يُحْدِثْ إِلَيَّ فِيهَا شَيْئًا، فَذَعُوا عِبَادَ اللَّهِ بِأَكْلِ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ، وَإِذَا اسْتَصْحَبْتُمْ فَانْصَحُوا^۴

فرمود: خداوند، مرا به سبب بر نهادن سستی در میان شما که مرا به آن امر فرموده، برخواست بخواهد کرد؛ لیکن فصل خدا را طلب کنید؛ اما فقط سالی از شما بگذرد!

۳۱۹۲ کتاب من لا یحضره العقیه به پیامبر خدا گفته شد خوب است برای ما قیمت بگذاری؛ زیرا قیمت‌ها بالا می‌روند و پائین می‌آیند

فرمود: «من» چنان نیستم که خدا را دیدار کنم، در حالی که بدعتی نهاده باشم که او مرا در آن مجاز فرموده است پس اجازه دهید که بندگان خدا از [داد و ستد با] یکدیگر روزی بخورند، و هر گاه از شما اندرز خواستم، اندرزم دهید!

۱ تیه الثناطین ص ۱۹۲ ح ۲۴۶

۲ تاریخ بغداد ج ۸ ص ۵۰ الرقم ۱۱۰۹

۳ أسد الغابة ج ۶ ص ۲۱۴ الرقم ۶۱۰۱

۴ کتاب من لا یحضره العقیه ج ۳ ص ۲۶۸ ح ۲۹۶۹

ج - الأمرُ بإقامةِ الأسعارِ العادلةِ

ج - فرمانی جاری کردن قیمت‌های عادلانه

۳۱۹۳ الإمام عبيد الله بن كتابه للأشتر نَحْمِي حِينَ
وَلَاةٍ بِمِصْرَ - فَأَمَّنَّ مِنَ الْإِحْتِكَارِ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ
مَنَّعَ مِنْهُ وَلَهُكَ بِالتَّبَعِ نِيحاً مَمْحُوراً بِمَوَارِسِ عَدْلٍ،
وَأَسْعَارٍ لَا تُحْفَفُ بِالْفَرِيقَيْنِ^۱

۳۱۹۳ امام علی علیه السلام - در نامه ایشان به اشتر سجعی،
آن گاه که او را به کارگزاری مصر گماشت - از
احتکار بر دار؛ چرا که پیامبر خدا، آن را منع
فرمود و باید خرید و فروش، آسان و بر موازین
عدل باشد، با قیمت‌هایی که نه به فروشنده زیان
رساند و نه به خریدار

د - استحبابُ البيعِ بسعرٍ أرخصٍ هيناً واحتساباً

د - استعجاب فروختن به قیمتی پایین‌تر از قیمت بازار با
الگیری الهی

۳۱۹۴ المستدرک علی الصحيحین عن البيعِ من المعيرة
مرَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِرَجُلٍ بِالشُّوقِ يَبِيعُ طَعَاماً بِسِعْرِ هُوَ
أَرْخَصُ مِنْ سِعْرِ الشُّوقِ، فَقَالَ نَحْنُ فِي سَوْتِنا بِسِعْرِ
هُوَ أَرْخَصُ مِنْ سِعْرِنا؟ قَالَ نَعَمْ قَالَ - حَسْبُ
وَاحْتِسَاباً؟ قَالَ نَعَمْ قَالَ أَتَشِيرُ أَفَانِ الْجَاهِلِ إِلَى
سَوْتِنا كَأَمْحَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَالْمُحْكَمِ فِي سَوْتِنا
كَأَسْلَجِدِ فِي كِتَابِ اللَّهِ^۲

۳۱۹۴ المستدرک علی الصحيحین - به نقل از یسع بن
ضمیره -، پیامبر خدا، در بازار به مردی برگدشت
که لجن‌راکی را با قیمتی پایین‌تر از قیمت بازار
می‌فروخت فرمود: آیا در بازار ما، ... قیمتی
کم‌تر از قیمت ما می‌فروشی؟

گفت: آری

فرمود: به انگیزه شکوایی و از خدا پاداش

گرفتی؟

گفت: آری

فرمود: تو را بشارت بادا همانا آورنده جنس

به بازار ما، همانند جهاد کننده در راه خداست؛ و

احتکار کننده در بازار ما، همانند کسی است که در

کتاب خدا، کافر شمرده شده است؛

^۱ نهج البلاغة الكتاب ۵۳^۲ المستدرک علی الصحيحین ج ۲ ص ۱۵ ح ۲۱۶۷

نگاهی به احادیث قیمت گذاری

همان گونه که پیش تر در متن اشاره شد، احادیث قیمت گذاری را می توان به این سه دسته تقسیم کرد
دسته یکم، احادیثی که تصریح می کند حدود سحاح، قیمت گذار و تمییز کدهای کالاهاست
دسته دوم، احادیثی از پیامبر ﷺ که مصامح احادیث دسته یکم را تأیید می کند و به موجب آنها، ایشان،
پیشهاد قیمت گذاری را که مردم مطرح کردند، سخت رد کرده، آن را مستم و بدعت می شمارد
دسته سوم، حدیثی که بر استحباب فروختن به قیمتی ارزان تر از قیمت بازار - هنگامی که با انگیزه های خدایی
باشد - دلالت دارد.

احادیث دسته های یکم و دوم، دلالت دارند که در نظام اسلامی، نمی توان بری کالاها قیمت گذاری کرد و
این، خلاف فرمانی است که امیر مؤمنان به مالک اشتر داد تا قیمت ها را به صورتی عادلانه و دور از حجاب،
تنظیم نماید
برای روشن شدن مراد از این احادیث و دریافتن مصافی استوار از آنها، پاسخگویی به سه سؤالات،
ضرورت دارد

۱ مراد از این که «حدود سحاح، قیمت گذار است»، چیست؟

۲ چرا در زمان هشک سالی، پیامبر ﷺ قیمت گذاری را مردود دانست و آن را به سختی رد کرد؟

۳ اگر نظام قیمت گذاری در اسلام مجاز است، چرا امام علی علیه السلام فرمان داد که قیمت ها عادلانه و دور از
اجحاف، تنظیم شوند؟

قیمت گذار بودن حداد و حداد

می توان قیمت را به دو گونه تقسیم کرد طبیعی و غیر طبیعی. قیمت طبیعی، در چرچوب وضعیت و زمینه های
واقعی کالا و بازار قرار دارد. مانند نوع، تعداد، سختی تولید، توزیع، نگهداری، تقاضا، و آنچه در تمییز
قیمت حقیقی کالا تأثیر دارد اما قیمت غیر طبیعی ناشی از وضعیت های غیر طبیعی است که فروشنده پدید
می آورد؛ مانند احتکار، تبانی بر قیمتی معین، و ایجاد بازار سیاه

در پرتو این تقسیم بندی، قیمت خدایی، همان قیمت طبیعی است. ظاهراً روایتی که قیمت گذاری را به
حداد و سحاح نسبت می دهد، از این مفهوم حکایت دردد که هر کالایی، دارای قیمتی برآمده از زمینه های

واقعی ایجاد و تولید آن کالا در حالت طبیعی بازار است پس آنچه حاصل میزان سختی تولید و وضع طبیعی بازار است، در قیمت طبیعی جلوه می‌یابد که به موجب این احادیث، از جانب خدای سبحان است و چنانچه عوامل غیر طبیعی به میان نیایند، همین قیمت در بازار رواج می‌یابد.

مخالفت پیامبر ﷺ با قیمت‌گذاری

دسته‌بندی دوگانه قیمت که به آن اشاره شد، جایگاه و وضعیت دولت در مسئله قیمت‌گذاری را تبیین می‌کند. یعنی اگر قیمت‌گذاری دولتی به معنای پایین آوردن قیمت طبیعی کالا باشد، در حقیقت، مستم به تولید کننده و آسیب‌رسانی به حرکت تولید است.

شک نیست که پایین آوردن تولید، موجب و پس‌ماندگی اقتصادی است و از این رو، دولت حق ندارد قیمت کالاها را پایین‌تر از قیمت طبیعی - که نامحتمل تولید و وضع طبیعی برابر هماهنگ است - تعیین کند، حتی اگر بحران یا کمبود کالا پیش آمده باشد، بلکه وظیفه در رد عوامل غیر طبیعی که قیمت‌ها را از حد طبیعی بالاتر می‌برد، رویارویی کند.

در این اساس، روشن می‌شود که چرا پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام با قیمت‌گذاری مخالفت کرده و عموماً با احتکار هم مشیرند مانند این موضع‌گیری، از سویی، در بیان و ظلم به تولیدکننده پیشگیری می‌کند که این ظلم، خود، به پایین آمدن سطح تولید می‌انجامد - و از دیگر سو، عوام را بیش‌تر بی‌صابطه قیمت‌ها را از میان می‌برد بدین ترتیب، فقیهانی که قیمت‌گذاری را به صورت مطلق غیر مجاز شمرده‌اند، ظاهراً به این معنا نظر داشته‌اند.^۱

عادلان بودن قیمت‌ها در روزگار امیر مؤمنان علی علیه السلام

با ملاحظه آنچه گذشت، روشن می‌شود که فرمان امیر مؤمنان علی علیه السلام به مالک برای آسان‌سازی خرید و فروش با مواریس عادلانه و قیمت‌های متناسب با حق فروشنده و مشتری، به نهضت موضوع پیامبر ﷺ در مخالفت با قیمت‌گذاری مبادات ندارد، بلکه در همان سمت و سواً یکسان در رویه رویارویی با عوامل مؤثر در افزایش بی‌صابطه قیمت‌هاست.

۱ گروهی از فقیهان، قیمت‌گذاری را غیر مجاز دانسته‌اند، از جمله شیخ طوسی در النهایة (ص ۳۷۴) و المصنوع (ج ۲ ص ۱۹۵)، ابن ربه در النبی (المواضع الفقهية ص ۵۲۸) محقق حلی در الشرائع (ج ۲ ص ۲۱) علامه حلی در القواعد (ج ۱ ص ۱۲۲) والمختصر (ص ۱۲۰) حلی در مفتاح الکرامه (ج ۴ ص ۱۰۹) بنظر اجماعی دانسته شده و چنین آمده به دلیل اجماع و خبرهای موثر، آن گونه که در الشرائع آمده، و بودن اختلاف میان مسلمانان در این مسئله چنان که در المصنوع آمده و بودن اختلاف میان شیعیان در این مسئله، آن‌سان که در تذکره آمده است. مرحوم خویی پس از نقل روایتی به جابر بودن قیمت‌گذاری، گفته است: داری اگر فروشنده در قیمت‌گذاری اجحاف کند، چندان که گویندی از احتکار شمرده شود، حاکم اسلامی از آن جلوگیری می‌کند تا مالک کالا به قیمت بازار یا قدری بیشتر که در حد توان خرید مردم باشد، آن کالا را بفروشد مثلاً اگر بهای یک کیسه گندم، صد فلس باشد و احتکار کننده آن را به دو دینار بفروشد، این کار غیر دومی احتکار است، چنان که پوشیده نیست (مفتاح القضاة ج ۵ ص ۱۵۰).

بر همین پایه است که شماری از فقیهان، فتوای داده‌اند که در صورت اجحاف فروشنده، حاکم می‌تواند به قیمت‌گذاری بپردازد.^۱

اگر با دقت به این تحلیل بپردازیم، می‌توان گفت که فتوای جایز بودن قیمت‌گذاری، به قیمت‌گذاری در مقابل قیمت طبیعی نظر دارد؛ اما فتوای حوافر، مربوط به قیمت‌گذاری و تعیین قیمت خاص در مقابل قیمت غیر طبیعی، به‌انگیزه رویارویی با عوامل سخت‌گویی و دوری فروش قیمت‌ها به صورت وهمی و غیر واقعی است. بر این اساس، همان فتوای فقهاء دربارهٔ قیمت‌گذاری، با گاری دفع نمی‌شود.



^۱ فتوای حوافر قیمت‌گذاری، به بی فقیهان سبب داده شده است. شیخ محمد قز الوصیة (ص ۹۶) از حصره در الوصیة الجوامع الفقهیة (ص ۷۴۵) سبب دو الدروس (ص ۳۳۶) در مفتاح الفکر ج ۲ ص ۹، آمده است. از کتاب الوصیة، المختلف الإیضاح الدروس، الوصیة، المفصّل، والتبصیر، آمده که حاکم شرع، به قیمت‌گذاری می‌پردازد. اگر فروشنده قیمت را ظالمانه تعیین کند، زیرا این کارش موجب ضرر رسانی به دیگران است که شرع آن می‌داند. (دلائل الفقیه ج ۲ ص ۶۶۰) امام خمینی رحمه الله گفته است: «و اما قیمت‌گذاری، در ابتدا جایز نیست، لکن اگر فروشنده اجازت دهد، و در جای باید قیمت را کاهش دهد و اگر نه حاکم شرع او را اجازت می‌دهد که کالا را به قیمت آن سرزمین یا به صلاح دید حاکم شرع، فروخته و پس و باب دلائل کتبیه بر جایز بودن قیمت‌گذاری شامل این قبیل نمونه‌ها نمی‌شوند؛ زیرا در این حالت قیمت یکسان به حکم صیغری می‌شود همان گونه که اگر فروشنده برای امرار از فروش کالا، قیمت را چنان تعیین کند که هیچ کس نتواند آن را بخرد، بدو شکال حاکم شرع، حق تصمیم‌گیری ندارد و آن رویات، شامل این حالت نمی‌شود» (کتاب البیع ج ۳ ص ۴۱۶)

۴/۴. ما ینبیغی للبائع

۴/۴. آنچه برای فروشنده سزاوار است

أ- اللبیع ببيع النیوم

الف- فروش کالا به قیمت روز

۳۱۹۵ رسول الله ﷺ مَنْ جَلَبَ طَعَاماً قَبَاعَهُ يَوْمَهُ
فَكَأَنَّمَا تَصَدَّقَ بِهِ.^۱

۳۱۹۵ پیامبر خدا ﷺ هر کس حوراک‌ی را به بازار
آورده، به قیمت روز بفروشد، گویی آن را صدقه
داده است

ب- الإرجاح فی الوزن

ب- مایل گرفتنی کفه ترازو

۳۱۹۶ رسول الله ﷺ إِذَا وَزَنَ قَدْ رَجَحَ^۲

۳۱۹۶ پیامبر خدا ﷺ هر گاه وزن می‌کشد، کفه ترازو
را [به سود مشتری] مایل بگیرد

۳۱۹۷ سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ عَنْ مَخَارِبٍ: سَجِئٌ جَابِرٌ أَنْ
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَزَنَ لَهُ دِرْهَمَ قَارِ حَنْجَاهَا^۳

۳۱۹۷ منی النبی ﷺ - به نقل از مخارب - از جابر
شنیدم که پیامبر خدا برای وی، چند درهم را وزن
کرد و کفه را [به سود مشتری] مایل گرفت

۵/۴. ما لا یبغی للبائع

۵/۴. آنچه برای فروشنده سزاوار نیست

۳۱۹۸ رسول الله ﷺ لَيْسَ مِنَ الْفُرُوءَةِ الرِّبْحُ عَلَى
الْإِحْوَانِ^۴

۳۱۹۸ پیامبر خدا ﷺ سود گرفتن بر دوستان،
چونان مردانه نیست

۳۱۹۹ عَنْهُ ﷺ لَا يَبِيعُ نَزْلٌ عَلَى بَيْعِ أَحْيَا، وَلَا يَمُوتُ
عَلَى مَوْتِ أَحْيَا.^۵

۳۱۹۹ پیامبر خدا ﷺ انسان بر معامله برادر [مؤمن]
حیو، معامله نمی‌کند و بر پیش معامله وی،
پیش معامله نمی‌نماید

۳۲۰۰ عَنْهُ ﷺ الْيَمِينُ سَقْوُ السُّعَةِ، وَتَمَحُّقُ الْبَرْكَاتِ
وَإِنَّ الْيَمِينَ الْفَاجِرَةَ لَتَسْعَ الدِّيَارَ مِنْ أَهْلِهَا تَلَاقِ^۶

۶/۴. ما یحرّم فی المعاملة

۳۲۰۰ پیامبر خدا ﷺ سوگند، کالا را رواج می‌دهد؛
ولی برکت را محو می‌کند. همانا سوگند باروا،
سبب می‌شود که سرزمین، حالتی از ساکنان و
حشک و بی‌آب و گیاه شود

أ- الرّبا

الکتاب

﴿يَتَأْتِيهِ الْذَّبِّبُ ؕ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً

۶/۴ آنچه در معامله حرام است

الف- الربا

قرآن

﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا را [با سود] چندین برابر

۱. احیاء علوم الدین ج ۲ ص ۳۱

۲. منی ابن ماجه ج ۲ ص ۷۱۸ ح ۲۲۲۲

۳. منی النبی ج ۲ ص ۷۱۱ ح ۲۱۸۶

۴. الفردوس ج ۳ ص ۳۸۱ ح ۵۱۵۷

۵. منی ابن ماجه ج ۲ ص ۷۳۴ ح ۲۱۷۲

۶. مستدرک ص ۲۵۶

وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْحَمُونَ^۱

الحدیث

حدیث

۳۲۰۱ رسول الله ﷺ عَنْ أَكْلِ الرِّبَا مَلَأَ اللَّهُ بَطْنَهُ مِنْ سَارِ جَهَنَّمَ يَقْدِرُ مَا أَكَلَ، وَإِنْ اكْتَسَبَ مِنْهُ مَالًا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِهِ وَلَمْ يَزَلْ فِي لَعْنَةِ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ مَا كَانَ عَمَلُهُ مِنْهُ فِرَاطٌ^۲

ب- الکذب

۳۲۰۲ رسول الله ﷺ إِذَا التَّاجِرَانِ حَسَدَا بَوْرِكَ نَهْمَا، فَإِذَا كَذَبَا وَحَانَا لَمْ يُبَارَكَ نَهْمَا^۳

ج- الغش

۳۲۰۳ رسول الله ﷺ مَنْ عَشَرَ أَحَاءَ الْمُسْلِمِ نَزَعَ اللَّهُ مِلَّةً بَرَكَةً رِزْقِهِ، وَأَمْسَدَ عَلَيْهِ مَعِيشَتَهُ، وَوَكَّيْلُهُ إِلَى صِيهِ^۴

۳۲۰۴ سنن ابی داوود عن ابی هریره بن رسول الله ﷺ مَرَّ بِرَحْلٍ يَبِيعُ طَعَامًا، فَسَأَلَهُ كَيْفَ تَبِيعُ؟ فَأَحْسَرَهُ فَأَوْجَنِي إِلَيْهِ أَنْ أَدْخَلَ يَدِي فِيهِ، فَأَدْخَلَ يَدَهُ فِيهِ، وَبَدَأَ هُوَ مَبْلُولٌ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَيْسَ مِنَّا مَنْ عَشَرَ^۵

د- التطفيف

الكتاب

«وَبِئْسَ لِلظَّالِمِينَ أَكْدِبِينَ إِذَا اتَّخَذُوا عَلَى النَّاسِ

مغورید و از خدا پروا کنید باشد که رستگار شوید».

۳۲۰۱ پیامبر خدا ﷺ هر کس رب باخورد، خداوند به همان اندازه که ربا خورده، درویش را از آتش جهنم پُر می‌کند؛ و اگر از ربا مالی به دست آورد و با آن مال، کاری انجام دهد، خداوند متعال آن را نمی‌پذیرد؛ و او همواره تا وقتی که دره‌ای از مال ربا بردش باشد، از لعنت خدا و فرشتگان مصیبت دارد

ب- دروغ

۳۲۰۲ پیامبر خدا ﷺ هر گاه دو بازرگان راستی پیشه کنند، برای آنان، برکت به بار می‌آید؛ و هر گاه در راستی ورزند و حیانت کنند، از برکت، بی‌بهره خواهند شد

ج- فریبکاری

۳۲۰۳ پیامبر خدا ﷺ هر کس با برادر مسلمانش فریبکاری کند، خداوند، برکتی روی اش را از او می‌گیرد و گذران زندگی اش را تنه می‌سازد و او را به خود و او می‌گذارد

۳۲۰۴ سنن ابی داوود - به نقل از ابو هریره - پیامبر خدا هر مردی گذشت که گندم می‌فروخت از وی پرسید: «چگونه می‌فروشی؟»

آن مرد، چگونگی ر بار گفت به پیامبر ﷺ وحی شد که دستش را در آن گندم فرو برد دستش را در آن فرو برد و دید که گندم، حیسن است فرمود «هر که فریبکاری کند، از ما بیست»

د- کم‌فروشی

قرآن

«رای بر کم‌فروشان که چون از مردم پسانه ستانند، تمام

۱ آل عمران ۱۳۰ ۲ ثواب الأعمال ص ۲۳۶ ج ۱

۳ التکلی ج ۵ ص ۱۷۱ ج ۲

۴ ثواب الأعمال ص ۳۳۲ ج ۱

۵ سنن ابی داوود ج ۳ ص ۲۷۲ ج ۲ ص ۲۴۵۲

يَسْتَوْفُونَ» وَإِنَّا خَالُوهُمْ أَوْ وَرَثُوهُمْ يُخْسِرُونَ^۱

الحدیث

دهند.

حدیث

۳۲۰۵ رسول الله ﷺ إِذَا طَفَّفَ الْمِكْيَالُ وَالْمِيزَانُ أَخَذَهُمُ

اللَّهُ بِالسَّيْنِ وَالنَّقْصِ^۲

هـ- غَبْنُ الْمُشْتَرِي

۳۲۰۶ رسول الله ﷺ غَبْنُ الْمُشْتَرِي حَرَامٌ^۳

الفصل الخامس الاستهلاك

۱، ۵ ما يبيغي في استهلاك الأموال الحاصلة

أ- التوازن بين الدخل والإفاق

الكتاب

«سَقَى ذُو شَعَةٍ بَيْنَ شَفْعَتِهِ وَعَسَ قَدْرٌ عَلَيْهِ رِزْقُهُ»

فَلْيَبْقَ مَعَ أَمْسِهِ أَلَّةٌ لَا يَكْلِفُ أَلَّةٌ نَفْسًا إِلَّا مَا

أَتَاهَا سَيُحْمَلُ أَلَّةٌ بَعْدَ غُسْفٍ يُنْتَزَا^۴

الحدیث

۳۲۰۷ رسول الله ﷺ إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَحَدٌ نَبِيٌّ - سُبْحَانَهُ

وَتَعَالَى - أَذْهَابًا حَسَنًا إِذَا وَشَّعَ عَلَيْهِ وَشَّعَ عَلَى نَفْسِهِ،

وَرِثًا أَمْنًا عَلَيْهِ مُسْكٍ^۵

ب- عَايَةُ الْأُولَوِيَّاتِ

۳۲۰۸ رسول الله ﷺ إِذَا كَانَ أَحَدُكُمْ فَقِيرًا فَلْيَبْدَأْ بِنَفْسِهِ،

۱- المطلقين ۱-۳ ۲- الكافي ج ۲ ص ۳۷۴ ح ۲

۳- المعجم الكبير ج ۸ ص ۱۲۷ ح ۷۵۷۶

۴- الطلاق ۷

۵- شعب الإِسْنَاد ج ۵ ص ۲۵۹ ح ۳۵۹۱

سنند و چون برای آنان پیمانه یا وزن کسد، به ایشان کم

دهند.

حدیث

۳۲۰۵ پیامبر خدا ﷺ هر گاه در پیمانه و ترازو کم

بهاده شود، خداوند، آنان را به قحطی و کمبود

دچار می‌کند

هـ- فریفتن کسی که به نسیان، اعتماد کرده است

۳۲۰۶ پیامبر خدا ﷺ، فریفتن کسی که به انسان

اعتماد کرده، حرام است

فصل پنجم: مصرف

۱/۵ آنچه بر مصرف دارایی‌های خصوصی

تعلیقه نیست

القدر و تعادل میان درآمد و هزینه

قرآن

«وَرِثَانُكَ» است که از دارایی خود هزینه کند، و هر که

روزی تو تنگ باشد، باید از آنچه خدا به او داده خرج

کند خداوند، هر هیچ کس، چر به [قدر] آنچه به او داده

است، تکلیف می‌کند خدا به رودی پس از دشواری،

آسانی فراهم می‌کند»

حدیث

۳۲۰۷ پیامبر خدا ﷺ هر آینه مؤمن از خداوند سبحانه

و متعال، آدبی نیکو برگرفته است. چون بر او فراح

گیرد، او هم بر خویش گشاه‌دستی می‌کند؛ و چون بر

او تنگ گیرد، او هم [بر خود] تنگ‌گیرانه رفتار

می‌کند

ب- در نظر گرفتن اولویات

۳۲۰۸ پیامبر خدا ﷺ هر یک از شما که فقیر است،

فَإِنْ كَانَ فَصْلًا فَعَلَىٰ عِيَالِهِ، فَإِنْ كَانَ فَصْلًا فَعَلَىٰ قَرَبَتِهِ
 أَوْ عَلَىٰ دِيَرَجِيهِ، فَإِنْ كَانَ فَصْلًا فَهَاهُنَا وَهَاهُنَا^۱
 ۳۲۰۹. عَنْهُ ﷺ أَصْلُ دِيَارٍ يُنْفِقُهُ الرَّجُلُ: دِيَارُ يُنْفِقُهُ
 عَلَىٰ عِيَالِهِ، وَدِيَارُ يُنْفِقُهُ الرَّجُلُ عَلَىٰ ذَاتِهِ فِي سَبِيلِ
 اللَّهِ، وَدِيَارُ يُنْفِقُهُ عَلَىٰ أَصْحَابِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.^۲

ج-الإمفاق في سبيل الله

الكتاب

﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَنَبِ وَيُخْفُونَ أَنْصُوتَ وَمَد
 رْزَقَهُمْ يَنْفِقُونَ﴾^۳

الحدیث

۳۲۱۰ رسول الله ﷺ لَمْ يَبْعَثْ لِحِمِّ الْعَدْلِ وَلَكِنْ هُمَا
 لِإِنْفَاقِهِ^۴

۳۲۱۱ عَنْهُ ﷺ يَقُولُ الْعَبْدُ: مَالِي مَالِي، وَإِنَّمَا كَيْسٌ
 مَالِهِ ثَلَاثٌ: مَا أَكَلَ مَأْمُوسٍ، أَوْ لَيْسَ فَمَا لِي، أَوْ أُعْطِيَ
 مَأْمُوسٍ، وَمَا سِوَىٰ ذَلِكَ فَهُوَ دَاهِبٌ وَمَارُكُهُ بِلَاسٍ^۵

۳۲۱۲ الْإِمَامُ رِبِّ الْعَالَمِينَ ﷺ كَانَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ
 فِي حَرْبِ حُطَيْبِيَّةٍ طُوبَىٰ لِمَنْ طَابَ حُلُقُهُ، وَطَهَّرَ
 سَجِيئَتَهُ، وَصَلَحَتْ سَرِيرَتُهُ، وَحَسُنَتْ غَلَابَتُهُ، وَأَهْوَىٰ
 الْفَصْلُ مِنْ مَالِهِ، وَأَمْسَكَ الْفَصْلُ مِنْ قَوْلِهِ، وَأَصْفَ
 النَّاسُ مِنْ نَفْسِهِ^۶

بحسب به خود بپردازد، اگر مالی افرون آمد، به
 خانواده اش بدهد، اگر پیشه ای مانند، به
 خو باوندان یا پیوستگانش بپردازد، و اگر مار هم
 مانند، این سو و آن سو هزینه کند

۳۲۰۹. پیامبر خدا ﷺ: بر تریس مالی که مرد هزینه می کند،
 چنین است: مالی که به مصرف خانواده خود
 می رساند؛ آنچه هزینه چارپای خویش می کند؛
 یا آن در راه خدا تلاش کند؛ و مالی که در مسیر
 خداوند، برای دوستانش هزینه می کند

ج- انفاق در راه خدا

قرآن

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا هَذِهِ السُّبُلَ
 الَّتِي تَتَّبِعُونَ، بَلِ اتَّبِعُوا أَمْرَ اللَّهِ وَاتَّبِعُوا
 أَمْرَ الرَّسُولِ، وَأَطِيعُوا أَمْرَ الْوَلِيِّ الْأَمِينِ﴾

حدیث

۳۲۱۰. پیامبر خدا ﷺ: ما به برای گرد آوردن مال، که
 برای انفاق آن، برانگیخته شده ایم

۳۲۱۱. پیامبر خدا ﷺ: بپسند می گوید: مال، از آن من
 است، حال آن که از آن مال، سه چیز از آن اوست:
 آنچه می خورد و لانی می کند؛ آنچه می پوشد و
 می بپوشاند؛ و آنچه می بخشد و دحیره می سازد و
 جز این [سومی] همه رفتی است و آنچه از آن
 می ماند، به دیگران می رسد

۳۲۱۲. امام رب العالمین ﷺ: پیامبر ﷺ در پایان خطبه اش
 می فرمود: خوشا بر آن که احلاقتش خوش،
 سرشتش پاک، باطنش به سامان، و اشکارش سبک
 باشد، افروزی مالش را انفاق کند، از سحر ریاده در
 گذرد، و از درون خویش با مردم انصاف ورزد.

۱. سنن ترمذی ج ۷ ص ۳۰۴

۲. صحیح مسلم ج ۲ ص ۶۹۲ ح ۳۸

۳. البقره ۳

۴. مشکاة الأنوار ص ۳۲۱ ح ۱۰۱۸

۵. صحیح مسلم ج ۴ ص ۲۹۷ ح ۴

۶. الکافی ج ۲ ص ۱۴۴ ح ۱

د- القصد

الكتاب

﴿وَلَا تُجْعَلْ يَدُكَ مَخْلُوفَةً إِلَىٰ غُنَّكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُوفًا مَّخْمُورًا﴾^۱

الحديث

۳۲۱۳ رسول الله ﷺ مَنْ اقْتَصَدَ فِي مَعِيشَتِهِ رَزَقَهُ اللَّهُ. وَمَنْ يَذَّرْ حَرْقَهُ اللَّهُ^۲

۳۲۱۴ عَنْهُ ﷺ لَا تَمَحْ وَلَا إِسْرَافٌ، وَلَا تَعْمَلْ وَلَا إِنْثَافٌ.^۳

هـ- إظهار العسر

۳۲۱۵ رسول الله ﷺ إِنْ أَتَاكَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْعَمَالَ وَيُحِبُّ أَنْ يَرَىٰ بَعَثَهُ عَلَىٰ عَبْدِهِ^۴

۳۲۱۶ عَنْهُ ﷺ كُلُوا وَاشْرَبُوا وَتَصَدَّقُوا وَالتَّقْوَىٰ كَفَىٰ غَيْرَ مَحْبِلَةٍ وَلَا سَرْفٍ، إِنْ أَتَاكَ يُحِبُّ أَنْ تَرَىٰ بَعَثَهُ عَلَىٰ عَبْدِهِ^۵

۲/۵ مَا لَا يَنْفَعُ فِي اسْتِهْلَاكِ الْأَمْوَالِ

أ- الإسراف والتبذير

الكتاب

﴿ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمِنْ نَصَائِهِمْ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ﴾^۶

۱ الاسراء ۲۹
 ۲ عوالم الاقوام ج ۱ ص ۲۹۶ ح ۱۹۸
 ۳ مستدرك ح ۲ ص ۱۸ ح ۱۰۵۰
 ۴ مستدرك ح ۲ ص ۶۰۲ ح ۶۷۲۰
 ۵ الانبياء ۹

د- مینه روی

قرآن

﴿وَرَمَتْ رَايَةً غَرِيبًا رَجِيرًا مَكْرًا وَبَسِيرًا﴾ [هم]
 گشاده دستی مسا تا ملاطفت و عبرت‌ده بر جای
 مانی

حدیث

۳۲۱۳ پیامبر خدا ﷺ آن کس که در گذران زندگی‌اش مینه روی پیشه کند، خداوند، روری‌اش می‌دهد و هر که ریخت و پاش کند، خداوند، پاک‌اش می‌گرداند

۳۲۱۴ پیامبر خدا ﷺ نه تگ گرفتاری، پسندیده است و نه ریخت و پاش، نه تگ چشمی و نه تباہ کردن اموال

هـ- اسراف و تبذیر

۳۲۱۵ پیامبر خدا ﷺ هر آینه خداوند، زیانست و ریبایی را دوست می‌دارد و دوستدار آن است که نعمت خویش را در بنده‌اش بگذرد

۳۲۱۶ پیامبر خدا ﷺ سحورید و سیاشامد و صدقه دهید و بدون محرفروشی و اسرافکاری جامه بپوشید، که هر آینه، خداوند، دوست می‌دارد که به نعمتش بر بنده‌اش نگریسته شود

۲/۵ آنچه بر مصرف اموال، روا نیست

الف- اسراف و ریخت و پاش

قرآن

﴿سَيَسْأَلُ عَنِ ذُنُوبِهِمْ﴾ [ی‌حود] به آنان را راست گردانیدیم و آنها و هر که را خواستیم، بجات دادیم و الظالمین را به هلاکت رسانیدیم

الحدیث

حدیث

۳۲۱۷ رسول الله ﷺ کُلُّ فِرَاشٍ لَا يَمَامُ عَلَيْهِ إِنْسَانٌ يَمَامُ عَلَيْهِ شَيْطَانٌ^۱

۳۲۱۷. پیامبر خدا ﷺ هر بستری که [پیش از اندازۀ نیاز باشد و] انسانی بر آن خوابد، شیطانی بر آن می خوابد

۳۲۱۸ هُنَّ ﷺ مَسْ بَدْرُ فَقْرُهُ اللَّهُ^۲

۳۲۱۸. پیامبر خدا ﷺ هر که ربهت و پاش کند، خداوند به فقر دچارش می گرداند

ب- إِنْغَاقُ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ

ب- اتعاق ناهجای مال

۳۲۱۹ رسول الله ﷺ يَا عَلِيُّ، أَرْبَعَةٌ يَدْفَنُ صَبَاغًا

۳۲۱۹. پیامبر خدا ﷺ - به علی - ای علی! چهار

الْأَكْلُ عَلَى الشَّيْبِ، وَالسَّرَاجُ فِي الْقَفْرِ، وَالرُّعُ بِي الشَّيْبَةِ، وَالصَّيْفَةُ عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهَا^۳

چیز، هنر می رود خوردن از پی سیری؛ چراغ برافروختن در نور ماه؛ کشت کردن در شوره رار؛ و نیکی نه کسی که شایسته آن نیست

ج- إِنْغَاقُ الْمَالِ فِي النَّعَاءِ فَوْقَ الْكَفَافِ

۳۲۲۰ رسول الله ﷺ لَا تَبْشُرُوا مَا لَا تَكُونُونَ^۴

ج- بشارت نداشتن در ساعت و سار پیش از نیاز

۳۲۲۱ عنه ﷺ مَنْ بَيَّأَ أَكْثَرَ مِمَّا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ، كَانَتْ عَلَيْهِ رِبَا لَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۵

۳۲۲۱. پیامبر خدا ﷺ بانی که در آن سکونت نمی کند، سارید

۳۲۲۲ عنه ﷺ إِنَّ كُلَّ بَيَاءٍ بَيَّيَ رَبَّالْ عَلَى صَاحِبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا مَا لَا يَدُّ مَسَّةُ^۶

۳۲۲۲. پیامبر خدا ﷺ هر کس ساحتمانی بیش از اندازه نیازش سارد، روز قیامت بر او سنگینی خواهد کرد

د- التَّشْبِيهُ بِالْأَجْنَبِيِّ فِي الْإِسْمِ هَذَا

۳۲۲۳ رسول الله ﷺ لَا يُشَبِّهُ الرَّيُّ بِالرَّيِّ حَتَّى يُشَبِّهَ الْخَلْقَ بِالْخَلْقِ؛ وَمَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ^۷

۳۲۲۳. پیامبر خدا ﷺ هر ساحتمانی که بتا شود، روز قیامت بر دارنده اش سنگینی خواهد کرد، مگر آنچه [به آن تبارمند است و] از آن گریزی نیست

د- بهی از شباهت جستن به بیگانه در شیوة مصروف

۱ جامع الاحادیث للقمی ص ۱۰۹

۲ تنبیه الخواطر ج ۱ ص ۱۶۷

۳ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۳۷۳ ح ۵۷۶۲

۴ الکافر ج ۲ ص ۴۸ ح ۴

۵ شعب الإيمان ج ۷ ص ۳۹۱ ح ۱۰۷۱۰

۶ مستدبر بیعی ج ۱ ص ۲۳۱ ح ۱۳۳۱

۷ المرقوس ج ۵ ص ۱۶۲ ح ۷۸۲۴

۳۲۲۳. پیامبر خدا ﷺ. ظواهر افراد با هم یکسان

می شود، مگر آن گاه که خُلق و خویشان با

یکدیگر برابر گردد؛ و هر کس به گروهی شباهت

جوید، در شمار آنان محسوب می شود

هـ- التفریط فی الاستهلاك

هـ- کوتاهی ناهنجار در مصرف

۳۲۲۱ رسول الله ﷺ: إِيَّاكُمْ وَلِبَاسُ الرُّهْبَانِ فَإِنَّهُ مِمَّنْ يَنْزَعُ أَوْ يَنْشَبُ بِهِمْ فَلَيْسَ مِنِّي، وَمَنْ تَرَكَ اللَّحْمَ وَحَرَّمَهُ عَلَى نَفْسِهِ فَلَيْسَ مِنِّي، وَمَنْ تَرَكَ النِّسَاءَ كَرَاهَةً فَلَيْسَ مِنِّي^۱

۳۲۲۲ پیامبر خدا ﷺ: از پوشیدن جامهٔ راهبان بپرهیزید! هر دینه هر کس رهبانیت پشه کند یا خود را به راهبان شبه سازد، از من نیست؛ و هر که [حور را] گوشت را ترک گوید و آن را بر خویش حرام سازد، از من نیست؛ و هر کس از روی کراهت، [همخواهی با] زنان را ترک کند، از من نیست

الفصل السادس: الدولة

فصل ششم: دولت

۱/۶ الحُكُومَةُ الصَّالِحَةُ وَالنُّعْمَةُ

۱/۶ حکومت شایسته و توسعه

۳۲۲۵ رسول الله ﷺ: سَاعَةٌ مِنْ إِمَامٍ عَدِلٍ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةٍ سَبْعِينَ سَنَةً، وَحَدٌّ يُقَامُ فِيهِ الْأَرْضُ أَفْضَلُ مِنْ تَطَرُّقِ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً^۲

۳۲۲۵ پیامبر خدا ﷺ: یک ساعت حکمرانی پيشروى عدالت‌پیشه، از عبادت هفتاد سال، برتر است، و حدی که برای خدا در زمین جاری می‌گردد، [برکنش] از بارندگی چهل روز، افزون‌تر است.

۲/۶ الاسْتِثْنَاءُ بِالْفِيءِ وَالتَّخْلُفُ

۲/۶ بهره‌وری شخصی از اموال عمومی و

علیه‌اندکی اقتصادی

۳۲۲۶ الإمام الصادق ع: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنْ لَمْ يَكُنْ سَبْعَةُ لَسْتُمْ لِلَّهِ وَكُلُّ نَبِيٍّ مُجَابٍ قَبْلِي فَقِيلَ وَمَنْ هُمْ؟ فَقَالَ: ... الْمُسْتَأْثِرُ عَلَى الْمُسْلِمِينَ بِمَقْتَنِهِمْ مُسْتَحْلَاةٌ^۳

۳۲۲۶ امام صادق ع: پیامبر ﷺ فرمود: «مس، هفت تن را بفرست که تمام که خدا و هر پیامبر پندرفته‌دعاى پیش از من، آن هفت تن را بفرست کرده‌اند» گفته شد: آنها کیان‌اند؟

فرمود: «... و کسی که اموال عمومی مسلمانان را برای خود حلال شمرده، از آن بهره‌وری شخصی کند»

۳/۶ مُرَاقِبَةُ السُّوقِ

۳/۶ نظارت بر بازار

۳۲۲۷ الإمام الباقر ع: مَرَّ النَّبِيُّ ﷺ فِي سُوقِ الصَّدِيقَةِ بِطَعَامٍ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ: مَا أَرَى طَعَامَكَ إِلَّا طَيِّباً، وَسَأَلَهُ عَنْ يَمِينِهِ، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنْ يَدُسَّ يَدَيْهِ فِي الطَّعَامِ فَفَعَلَ، فَأُخْرِجَ طَعَاماً زَيْتاً، فَقَالَ لِصَاحِبِهِ: مَا أَرَاكَ إِلَّا وَقَدْ جَمَعْتَ حَيَاتَهُ وَغَشَا لِلْمُسْلِمِينَ^۴

۳۲۲۷ امام باقر ع: در بازار مدینه، پیامبر ﷺ بر بساط خوراکی برگذاشت و به صاحب آن گفت: «خوراکت، بکسره خوب است»

سپس از وی دربارهٔ قیمتش سؤال کرد آن‌گاه حناوند ﷺ به وی وحی فرمود که دستاش را در آن خوراک فرو نبرد و او چنین کرد و خوراکی پست بیرون کشید، پس به صاحب خوراک فرمود: «جز حیانت و فریب برای مسلمانان، چیزی فراهم نیارزد»

۱ الترمذی ج ۱ ص ۳۸۱ ح ۱۵۳۱

۲ التکالیف ج ۷ ص ۱۷۵ ح ۸

۳ التخصال ص ۳۴۹ ح ۲۴ ۴ التکالیف ج ۵ ص ۱۶۱ ح ۷

الثَّالِثُ الذَّالِثُ

مَبَادِئُ التَّنْبِيْهِ

الفصل الأول المبادئ الاعتقادية

۱/۱ الله هو الرزاق

الكتاب

﴿إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِّينَ﴾

﴿قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِلَّا
أَوْ يَتَّخِذُ لَخْلِي هُدًى أَوْ غَيْرِ هَاسِلٍ مُّتَّبِعٍ ۚ

الحديث

۳۲۲۸ رسول الله ﷺ النَّاسُ عَلَى خَمْسِ مَرَاتِبٍ مِنْهُمْ مَنْ
يَرَى أَنَّ الرُّزْقَ مِنَ الْكَسْبِ لَا مِنْ اللَّهِ فَهُوَ كَافِرٌ وَمِنْهُمْ
مَنْ يَرَى أَنَّ الرُّزْقَ مِنَ اللَّهِ وَمِنَ الْكَسْبِ فَهُوَ مُشْرِكٌ
وَمِنْهُمْ مَنْ يَرَى أَنَّ الرُّزْقَ مِنَ اللَّهِ رَأَى الْكَسْبَ سَبَبٌ
وَلَا تَدْرِي يُعْطِيهِ أَمْ لَا . فَهُوَ ضَالٌّ وَمِنْهُمْ مَنْ
يَرَى أَنَّ الرُّزْقَ مِنَ اللَّهِ وَأَنَّ الْكَسْبَ سَبَبٌ . فَلَا يُؤَدِّي
حَقَّهُ وَيَعْصِي اللَّهَ مِنْ أَجْلِ الْكَسْبِ . فَهُوَ ضَالٌّ وَمِنْهُمْ
مَنْ يَرَى أَنَّ الرُّزْقَ مِنَ اللَّهِ وَيَرَى الْكَسْبَ سَبَباً
وَيُؤَدِّي حَقَّهُ وَلَا يَعْصِي اللَّهَ لِأَجْلِ الْكَسْبِ . فَهُوَ مُؤْمِنٌ
مُخْلَصٌ طَمَعُهُ ۲

۳۲۲۹ سنن ابن ماجه عن حبة وسواء ابني خالد دخلنا على
النبي ﷺ وهو يُعَالِجُ شَيْئاً فَأَعْنَاهُ عَلَيْهِ ، فقال لا يَبْأَسَا

باب سوم

خاستگاه های توحید

فصل یکم خاستگاه های اعتقادی

۱/۱ خداوند، روری بخش است

قرآن

﴿خَدَّاسَتْ كِهْ خُود ، رُورِ بَخْشِ بَیْرُومِنْدِ اسْتَوَارِ اسْت﴾
﴿بگو کیسه که خود را از آسمان ها و زمین روری
می دهد؟ بگو خداست﴾ و هر حقیقت یا ما، یا شما بر
هدایت یا گمراهی آشکاریم﴾

حدیث

۳۱۲۸ پیامبر خدا ﷺ مردم در پنج مرتبه جدی دارند
یکی آن است که می پندارد روری از کسب فراهم
می آید و از جانب خدا، که او کافر است؛ دیگری آن
که گمان دلد روری، هم از کسب است و هم از
جانب خدا، که وی مشرک است؛ و دیگری آن که
می داند روری از جانب خداست و کسب وسیله
است، اما نمی داند که خداوند روری ش را عطا
می کند یا نه، و او ماضی شکیده است؛ و دیگری
آن که می داند روری از جانب خداست و کسب
وسیه است، اما حق ین اعتقاد را به جای نمی آورد و
برای کسب، خدای را مفرمانی می کند، و او ضال
است؛ و دیگری آن کس است که می داند روری از
جانب خداوند است و کسب وسیله است و حق ین
عتقاد را بیر به جای می آورد و برای کسب، خدای را
مفرمانی می کند، و او مؤمنی است که راه های کسب
درآمدش را پاک ساخته است

۳۲۲۹ سنن ابن ماجه - به نقل از حبه و سواء، پسران

خالد - مرد پیامبر ﷺ درآمدیم که مشغول کاری بود

۱ الذاریات ۵۸ ۲ مآ ۲۵

۳ الائمة عشرة ص ۲۰۶

مِنْ الرِّزْقِ مَا تَهَرَّزَتْ رُؤُوسُكُمْ، فَإِنَّ الْإِنْسَانَ ضَلِيلٌ
أَكْثُهُ، أَعْمَرَ لَيْسَ عَلَيْهِ قِشْرٌ ثُمَّ يَرْفَعُهُ اللَّهُ تَعَالَى^۱

۲/۱ خصائص الرزق

أ- مُقَدَّرٌ مَقْسُومٌ

الكتاب

﴿إِنَّمَا يَفْطَنُ الَّذِينَ رَزَقْتَ مِنْكَ ثَمَرًا فَهُمْ يَنْسَوْنَ
فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ
بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ سُدُورًا وَرَحْمَةً
مِّنكَ خَبِيرٌ فَهُمْ يَخْمَعُونَ﴾^۲

الحدیث

۳۲۳۰ رسول الله ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَتَبَ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ رِزْقَهَا
وَمُعْصِيَهَا وَأَخْلَاهَا^۳

۳۲۳۱ عنه ﷺ: إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ، وَإِذَا اسْتَعِثْتَ فَاسْتَعِثْ
بِاللَّهِ تَعَالَى، فَقَدْ تَصَدَّقَ النَّفْسُ بِمَا هُوَ كَائِنٌ [إِلَى يَوْمِ
الْقِيَامَةِ]، فَلَوْ جَهَدَ النَّاسُ أَنْ يَفْعَوْكَ بِأَمْرِ لَمْ يَكْتُبَهُ اللَّهُ
لَكَ لَمْ يَقْدِرُوا عَلَيْهِ، وَلَوْ جَهَدُوا أَنْ يَضْرُوكَ بِأَمْرِ لَمْ
يَكْتُبَهُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ لَمْ يَقْدِرُوا عَلَيْهِ^۴

۳۲۳۲ عنه ﷺ: إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - قَسَمَ الْأَرْزَاقَ بَيْنَ
خَلْقِهِ حَلَالًا وَلَمْ يَقْسَمْهَا حَرَامًا، فَمَنْ أَتَمَّقَى اللَّهَ تَعَالَى
وَصَبَرَ أَنَا اللَّهُ يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ يَشَاءُ، وَمَنْ هَتَكَ حِجَابَ
السُّتْرِ وَعَجَّلَ فَأَخَذَهُ مِنْ غَيْرِ حِلٍّ، فَصُيِّدَ مِنْ رِزْقِهِ
الْحَلَالِ، وَحَوِصَتْ عَلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۵

۱ سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۳۹۱ ح ۴۱۶۵

۲ الترغوف ۳۲ ۳ التجميعات ص ۲۵۱

۴ كتاب من لا يضره التقية ج ۴ ص ۱۱۳ ح ۵۹۰۰

۵ التكاوي ج ۵ ص ۸۰ ح ۱

وی را در انجام دادن آن کار، یاری دادیم. فرمود:
«مادام که سرهای شما در اهتزاز است (تا آن گاه که
رنده‌اید)، لای زوری ناامید شوید، که آدمی آن گاه که
مادرش او را می‌داند، سرح است و بر وی پوستی
بیست، آن گاه خداوند، روزی اش می‌دهد»

۲/۱ ویژگی‌های روزی

الف- روزی، تقدیر و تقسیم شده است

قرآن

﴿أَيَا أَنَا تَدْرِكُكَ رَحْمَتُ پروردگار را تقسیم می‌کند؟ ما
[وسایل] معاش آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم
کرده‌ایم، و برخی از آنان را از نظر درجات، بالاتر از
بعضی [دیگر] قرار داده‌ایم تا بعضی از آنها بعضی
[دیگر] را در خدمت گیرند، و رحمت پروردگار تو از
بجای آنان می‌اندوزد، بهتر است﴾

حدیث

۳۲۳۰ پیامبر خدا ﷺ: همانا خداوند ﷻ برای هر کس،
روزی و مصیبت و مرگش را بر نوشته است

۳۲۳۱ پیامبر خدا ﷺ: هر گاه چیزی می‌خواهی، از
خدا بخواه؛ و هر گاه باری‌ای می‌جویی، (از او بجوی
همانا قدم تقدیر خداوند، همه چیز را تا روز قیامت،
رقم رده است. پس اگر همه مردم بکوشند تا تو را به
بهرمای برسانند که خدا برایت نوشته است،
نمی‌توانند که چنین کنند؛ و اگر بکوشند تا به توریانی
رسانند که خدا برایت نوشته است، نمی‌توانند

۳۲۳۲ پیامبر خدا ﷺ: همانا خداوند - تبارک و تعالی -
روزی‌ها را میان آفریدگش به حلال تقسیم فرموده
است و نه به حرام، پس هر کس که پروا از خدا را
پیشه کند و شکیبانشد، خدا از روزی حلالش به وی
عطا می‌فرماید، و آن کس که پرده پوشیده بر درد و
شتاب ورزد، خدا وی را به غیر حلالش گرفتار
می‌سازد، روزی حلالش از او بریده می‌شود و روز
قیامت به همان محاسبه می‌گردد

۲۲۳۳ عه ﷺ لا سَرَقَ سَارِقٌ شَيْئاً إِلَّا حُبِبَ مِثْرَ رَرِقَةٍ^۱

۲۲۳۳. پیامبر خدا ﷺ: هیچ سارقى چى از آنچه به حساب رورى اش نوشته شده، دردى مى‌کند^۱

ب- لا تَرِيْدُهُ جَوْضُ الْحَرِيصِ

ب- حرص ورزیدن رورى را بخرايش نمى‌دهد

۲۲۳۴ رسول الله ﷺ - لِأَبَى دَرٍّ - يَا أَبَا دَرٍّ، لَا يُسَوِّ بِطِيءٍ يَخْطِئُ، وَلَا يُدْرِكُ حَرَمَهُ مَا لَمْ يَقْدِرْ لَهُ وَمَنْ أُعْطِيَ حَيْرًا فَإِنَّهُ قَدْ أُعْطِيَ، وَمَنْ وُقِيَ شَرًّا فَإِنَّهُ وَقَاهُ.^۲

۲۲۳۴. پیامبر خدا ﷺ: ای اَبَسُو ذَرَا آن‌که [در طلب رورى] ا کلى مى‌کند، از رورى معيى خود، باز نمى‌ماند و آن‌که حرص مى‌ورزد، به آنچه برايش مقدر نشده، دست نمى‌یابد، هر که حيرى ييابد، خدا نه او عطا فرموده و هر کس از شَرِّ باز داشته شود، خداوند، او را باز داشته است.

ج- مَصْمُونٌ لِبَطَالِهِ

ج- دورى براى جوینده آن، ضلالت شده است

۲۲۳۵ رسول الله ﷺ: إِنْ بَابَ الرِّزْقِ مَفْتُوحٌ مِنْ لَدُنِ الْقَرِيشِ إِلَى قَرْيَةِ بَطْنِ الْأَرْضِ، يَرْزُقُ اللَّهُ كُلَّ غَنَمٍ عَنْ قَدْرِ هَيْئَةٍ وَبِهِجَةٍ^۳

۲۲۳۵. پیامبر خدا ﷺ: همانا در رورى از پیشگاه هر گنای نا همواز گنای درون زمین، گشوده شده است و هر گنای به قدر هئیت و بهجت و بيارش رورى مى‌بخشد

۳/۱ أَصْنَافُ الرِّزْقِ

۲۲۳۶ رسول الله ﷺ: إِعْلَمُوا أَنَّ الرِّزْقَ بِرَقَابٍ فَرِزْقٌ تَطْلُبُونَهُ، وَرِزْقٌ يَطْلُبُكُمْ فَاطْلُبُوا أَرْزَاقَكُمْ مِنْ حَلَالٍ، فَإِنَّكُمْ أَكَلْتُمُوهَا خِلَالًا إِنْ تَطْلَبْتُمُوهَا مِنْ وَجُوهٍ، وَإِنْ تَمْ تَطْلُبُوهَا مِنْ وَجُوهٍ أَكَلْتُمُوهَا خِرَامًا، وَهِيَ أَرْزَاقُكُمْ لَا يَدُلُّ لَكُمْ مِنْ أَكْلِهَا^۴

۲۲۳۶. پیامبر خدا ﷺ: بدانید که روزی، دو گونه است آنچه شما در پی آید و آنچه او در پی شماست پس رورى‌هاى خویش را از حلال جستجو کنید؛ چرا که اگر آن را از طریق مناسب به دست آورده باشد، به حلال مصرفش مى‌کند و اگر آن را از طریق مناسب به کسب ياورده باشید، آن را به حرام مى‌خورید، اينها روزی‌هاى شمايبد که ناچار از مصرف آنهاييد.

۱ المراد هو أن انتهاج الطرق المحترمة في استحصاال الاموال من قبيل السرقة، لا يمكن أن يربط في الرزق، بل إن كل انسان يحصل على الممدر المقدر له من الرزق ومن الطيعي على الحصول على المال عن طريق السرقة بمعنى حصول الانسان على مال - مقدر له - عن طريق الحرام بدلاً من الحصول عليه عن طريق الحلال

۲ دعائم الإسلام ج ۱ ص ۲۴۱

۳ الأمانى للطنوسى ص ۵۲۷ ج ۱۱۶۲

۴ حلية الأولياء ج ۱ ص ۷۳

۵ الأمانى للصدوق ص ۳۶۹ ج ۱۶۰

۱ مقصود این حدیث آن است که تلاش نامشروعی همچون سرقت نمى‌تواند رورى کسى را بپرايبد و سارق در هر صورت بهایه قدر رورى مقدر خود بهره برده است البته تنها با ارتکاب به سرقت به جای روى حلال خود را گرفتار حال حرام کرده است

۱/۱. حكمة القَبْضِ وَالْبَسْطِ

الكتاب

﴿وَلَوْ نَسِطَ اللَّهُ لَبِزَقَ لِعِبَادِهِ لِيَأْكُلُوا مِنِ الْأَرْضِ وَلَئِنْ يُنْزِلْ بِقُدْرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ﴾^۱

الحديث

۳۲۳۷ رسول الله ﷺ يَقُولُ اللَّهُ ﷻ إِنِّي لَمْ أُعْصِ النَّبِيَّ لِكِرَامَةٍ بِي عَلَيَّ، وَلَكِنَّهُ بَمَا ابْتَلَيْتُ بِهِ الْأَعْيَاءَ^۲

۳۲۳۸ عَنْهُ ﷺ قَالَ اللَّهُ ﷻ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا أُخْرِجُ عَبْدًا مِنَ الدُّنْيَا وَأَنَا أُرِيدُ أَنْ أَرْحَمَهُ حَتَّى أَسْقُوهُ مِنْ كُلِّ حَظِيئَةٍ عَمَلَهَا، إِنَّمَا يَسْقَمُ فِي جَسَدِهِ، وَمَا يَضِيقُ فِي بَرَقِهِ، وَإِنَّمَا يَخُوفُ فِي دُنْيَاهُ، فَإِنْ تَقَبَّحَ عَلَيْهِ بَقِيَّةُ شَدَدَتْ عَلَيْهِ عِنْدَ الْمَوْتِ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا أُخْرِجُ عَبْدًا مِنَ الدُّنْيَا وَأَنَا أُرِيدُ أَنْ أَعِدَّهُ حَتَّى أَوْفِقَهُ كُلَّ حَسَنَةٍ عَمَلَهَا، إِنَّمَا يَسْقَمُ فِي بَرَقِهِ، وَإِنَّمَا يَضِيقُ فِي جَسَدِهِ، وَإِنَّمَا يَأْمُرُ فِي دُنْيَاهُ، فَإِنْ تَقَبَّحَتْ عَلَيْهِ بَقِيَّةُ هَوْنَتْ عَلَيْهِ بِهَا الْمَوْتُ^۳

۳۲۳۹ عَنْهُ ﷺ قَالَ اللَّهُ ﷻ: إِنْ مَسَّ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لِبَادًا لَا يَصْلَحُ لَهُمْ أَمْرٌ دِينُهُمْ إِلَّا بِالْعَاقَةِ وَالْمَسْكَنَةِ وَالسَّقَمِ فِي أَعْيَانِهِمْ، فَأَبْسُوهُمْ بِالْعَاقَةِ وَالْمَسْكَنَةِ وَالسَّقَمِ فَتَصْلَحْ عَلَيْهِمْ أَمْرٌ دِينُهُمْ. وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا يَصْلَحُ عَلَيْهِ أَمْرٌ دِينِ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ^۴

۱ الشوری ۲۷

۲ تاج المومنین ج ۲ ص ۹۱

۳ الکافی ج ۲ ص ۱۱۱ ح ۲

۴ الکافی ج ۲ ص ۶۰ ح ۴

۲/۱. حکمت تمکینایی و کشایش روزی

قرآن

﴿وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْجًا مَدَّ يَدَهُمْ فَوَقَادُوا لَهَا بُرْهَانَ، فَهُوَ رَعَىٰ ذُنُوبَهُمْ وَإِلَىٰ أَعْيُنِهِمْ إِلَهَ الْبَرِّ﴾^۱

حدیث

۳۲۳۷ پیامبر خدا ﷺ: خداوند ﷻ می فرماید: هر آینه من، توانگر را بدان جهت که نردم گرامتی دارد، توانگری نخبشدهام؛ بلکه برای مبتلا ساختن توانگران است!

۳۲۳۸ پیامبر خدا ﷺ: خداوند ﷻ فرموده است: ای سرفرازی و شکوهم سوگند، بندهای را که بحواهم بر وی رحمت آورم، از دنیا بیرون نمی آورم، مگر آن که هر گاهی را که مرتکب شده، از وی می ژدایم، و آن، چنین است که یا نش را بیمار می کنم و یا روزی اش را بیگ می دارم و یا در دنیا به هراس دچارش می کنم اگر باز هم گاهی بر او باقی ماند، هنگام مرگ بر وی سخت می گیرم

به سرفرازی و شکوهم سوگند، بندهای را که بحواهم به عذاب دچار سازم، از دنیا بیرون نمی آورم، مگر آن که هر کار بیکی را که مرتکب شده، از وی می گیرم، و آن، چنین است که یا روزی اش را کشایش می بخشم و یا تنش را سلامت می دارم و یا در دنیا برایش اسبیت فراهم می آورم، و اگر باز هم باقی ماند، به سبب آن، مرگ را بر وی آسان می سازم!

۳۲۳۹ پیامبر خدا ﷺ: خداوند ﷻ فرموده است: ... هر آینه از بندگان مؤمن من، کسانی هستند که کار ایشان برایشان به سامان نمی آید، جر به پس که در فقر و سگ دمستی و بیماری به سر برند پس ایشان را به فقر و تنگ دمستی و بیماری مبتلا می کنم تا بدین سان، کار ایشان بریشان سامان یابد؛ و من آگاهترم که کار دین بندگان مؤمنم، به چه چیز سامان می یابد!

۵/۱. الْمَرْزُوقُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ

الكتاب

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ لَمَنَّانٌ فَذَرُوا^۱

الحديث

۳۲۴۰ المعجم الكبير عن معاذ بن جبل سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ، اتَّعَدُوا نَفْوَ اللَّهِ نَحَارَةً يَأْتِيَكُمْ الرِّزْقُ بِلَا بَصَاعٍ وَلَا نَحْدَرٍ ثُمَّ قَرَأَ «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»^۲

۳۲۴۱ رسول الله ﷺ من أراد أن يرزقه الله من حيث لا يحسب فليوكل على الله^۳

۳۲۴۲ عَنْهُ ﷺ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ تَكَمَّلَ لِطَالِبِ الْعِلْمِ بِرِزْقِهِ خَاصَّةً عَمَّا صَمِيحَةٍ يَحْمِلُهَا^۴

الفصل الخامس المبادئ الحقوقية

۱/۲. الْمَالُ مَالُ اللَّهِ

۳۲۴۳ رسول الله ﷺ يَا أَيُّهَا النَّاسُ، «بِإِعَاوَةِ أَمْوَالِكُمْ مِنْ اللَّهِ مَالِ اللَّهِ، لَيْسَ لِأَمْرِئٍ شَيْءٌ»^۵

۱. الطلاق ۳ و ۲

۲. في المصدر وكذا في حلية الأولياء ج ۶ ص ۸۹۶ ب ۸۸۸ وهو نصيب

۳. المعجم الكبير ج ۲ ص ۹۷ ح ۱۹۰

۴. إرشاد القلوب ص ۱۲۰ ۵. مبدع المعريد ص ۱۶۰

۶. كنز العمال ج ۱ ص ۳۸۶ ح ۱۶۸۰

۵/۱. کسانی که از جایی که گمان نمی‌رود، روزی

می‌یابند

قرآن

«و هر کس از خدا پروا کند، [خدا] برای او راه پیرون شدی قرار می‌دهد و از جایی که حسابش را نمی‌کند، به او روزی می‌رساند، و هر کس بر خدا اعتقاد کند، او برای وی پس است خدا فرمانش را به انجام رساننده است. به راستی، خدا برای هر چیزی، اندازه‌ای مقدر کرده است.»

حدیث

۳۲۴۰ المعجم الكبير - به نقل از معاذ بن جبل -، از پیامبر خدا ﷺ که فرمود: «ای مردم! پروا از خدا را دست‌نخورید تا روزی‌تان بدون سرمایه و کسب و کار، فراهم آید»

«پس این آیه را تلاوت کرد: «و هر که از خدا پروا کند، برای او راه پیرون شدی پدید می‌آورد، و او را از جایی که گمان ندارد، روزی می‌دهد.»

۳۲۴۱ پیامبر خدا ﷺ هر که می‌خواهد خداوند، از جایی که گمان ندارد، روزی‌اش بدهد، باید بر خدا توکل کند.

۳۲۴۲ پیامبر خدا ﷺ همانا خداوند متعال، روزی جویده علم را به طور خاص، تصمیم کرده، افروان بر آنچه برای دیگران ضمانت کرده است.

فصل دوم خاستگاه‌های حقوقی

۱/۲. دارایی، امر آن خداست

۳۲۴۳ پیامبر خدا ﷺ «ای مردم! یا مال خدا، جان‌های خود را از خدا بخرید، که هیچ کس را چیزی نیست

۳۲۴۱ عنه عليه السلام إِنَّ مَالَ اللَّهِ تَعَالَى لَمَسْزُولٌ وَمَطْلُوقٌ.^۱

۲/۲ حُرْمَةُ مَالِ الْمُسْلِمِ

۳۲۴۵ رسول الله صلى الله عليه وآله - حِينَ نَظَرَ إِلَى الْكُمَيْتِ - مَرْحَباً بِالْيَتِيمِ مَا أَعْظَمَ مَا وَمَا أَعْظَمَ حُرْمَتَكَ عَلَى اللَّهِ وَفِيهِ لِلْمُؤْمِنِ أَكْثَرُ حُرْمَةٍ مِنْكَ لِأَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ مِنْكَ وَاحِدَةً وَمِنَ الْمُؤْمِنِ ثَلَاثَةً مَالَهُ، وَدَمَهُ، وَأَنْ يُنْظَرَ بِهِ ظَنُّ الشُّوْءِ^۲

۳۲۴۶ عنه عليه السلام الْمُؤْمِنُ حَرَامٌ كُلُّهُ، عِرْصَتُهُ، وَمَالُهُ، وَدَمُهُ^۳

۳۲۴۷ عنه عليه السلام لَا يَأْخُذَنَّ أَحَدُكُمْ مَتَاعَ أَخِيهِ لِأَعْيَابٍ وَلَا حَادِثًا، وَمَنْ أَحَدٌ غَضَا أَخِيهِ فَلْيَزِدْهَا^۴

۳/۲ حُرْمَةُ مَالِ الْمُعَاهِدِ

۳۲۴۸ رسول الله صلى الله عليه وآله أَلَا مَنْ ظَلَمَ مُعَاهِدًا، أَوْ انْتَهَصَهُ، أَوْ كَلَّمَهُ فَوْقَ طَائِفِهِ، أَوْ أَخَذَ مِنْهُ شَيْئًا بِعَمْرِ طَيْبِ نَفْسٍ، فَأَنَا حَاجِبُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۵

۴، ۲ حُقُوقُ الْمَالِ

الْكَفَّابُ

﴿الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ﴾ وَالَّذِينَ مِنْ أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ^۶

۳۲۴۴ پیامبر خدا صلى الله عليه وآله همان مال حیدای متعال است که از آن، بازخواست می‌گردد و اعطا می‌شود.

۲/۲ احترام داشتن مال مسلمان

۳۲۴۵. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله - هنگام نگریستن به کعبه - : ره‌ی این خانه و بزرگی آن را آنچه سترگ است حرمت تو برد خداوند! به خدا سوگند که احترام مؤمن، بیش از ثوست؛ زیرا خدا از تو یک چیز را دارای حریم ساخته و از مؤمن، سه چیز را مالش، خویش، و این که نه وی گمان بد رود

۳۲۴۶ پیامبر خدا صلى الله عليه وآله، مؤمن، یکسره احترام دارد: نیرویش، مالش، و خویش

۳۲۴۷ پیغمبر خدا صلى الله عليه وآله هرگز هیچ یک از شما نباید کلاهی بر در [مؤمن] خود را، خواه به شوخی و خواه به جد، برگردد؛ و هر که [حق] عصبای برادر [مؤمن] خود را بگیرد، مانند آن را در پس دهد

۴/۲ احترام داشتن مال مسلمانانی که با مسلمانان پیمان دارد

۳۲۴۸ پیامبر خدا صلى الله عليه وآله هلا که هر کس به مسلمانان پیمان دارند، مای ستم کند یا حقش را ضایع سازد یا فراموش آن توانش بر وی بار بگذارد یا بدو رسالتش چیزی از او بستاند، در روز قیامت، من خود با وی در می‌افتم

۴/۲ حقوق برایی

قرآن

﴿همان کسانی که بر سازشان پایداری می‌کنند و همانان که در اموالشان حق معلوم است﴾

۱. المستدرک علی الصحیحین ج ۴ ص ۳۶۳ ح ۵۹۳۰

۲. مشکاة الأنوار ص ۱۴۹ ح ۲۵۷

۳. المؤمن ص ۷۲ ح ۱۹۹

۴. من بی دلوود ج ۱ ص ۳۰۱ ح ۱۲، ۵

۵. من بی دلوود ج ۲ ص ۱۷۱ ح ۳۰۵۲

۶. المعارف ۲۳ و ۲۴

الحديث

حدیث

۳۲۴۹. مسند ابن حنبل عن انس أني رَجُلٌ مِن بَنِي تَمِيمٍ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي دُو مَالٍ كَثِيرٍ وَدُو أَهْلٍ وَوَلَدٍ وَحَاصِرَةٍ، فَأَحْبِرُنِي كَيْفَ أَهَقُّ، وَكَيْفَ أَصْنَعُ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: تُحْرِجُ الزُّكَاةَ مِن مَالِكَ، فَإِنَّهَا طَهْرَةٌ تَطْهَرُكَ، وَتَقِلُّ أَسْرِبَاءَكَ، وَتَعْرِفُ حَقَّ السَّائِلِ وَالْجَارِ وَالْمَسْكِينِ^۱

۳۲۴۹. مسند ابن حنبل - بنه سقل، انس - : مردی از بنی تمیم مرد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای پیامبر خدا! من مالی بسیار دارم و صاحب حاصره و فرزندان و حایرانم مرا آگاه فرما که چگونه انفاق کنم و چه کار رفتار بکنم؟

پیامبر خدا فرمود: زکات را از مالت بیرون ساز که زکات، [مایه] پاکی دوست، نیز با خویشاوند است پیوند داشته باش و حق نیاز خواه و همسایه و بیو را بده،

۵/۲. حَسَنُ الْحَقُوقِ

۵/۲. پرداخت نکردن حقوق

۳۲۵۰. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَن حَسَنَ عَنِ أَحَبِّهِ الْمُسْلِمِ شَيْئًا مِنْ حَقِّهِ، حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَرَكَةَ الرَّزْقِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ^۲

۳۲۵۱. عَنْهُ ﷺ لَمْ يَسْمَعُوا الزُّكَاةَ إِلَّا مُبْعُوا الْقَطْرَ مِنَ السَّمَاءِ^۳

۳۲۵۰. پیامبر خدا ﷺ هر که از برادر مسلمانش چیزی از حق وی را دریغ کند، خداوند، برکت رزق را از او دریغ می فرماید تا آن گاه که توبه نماید

۳۲۵۱. پیامبر خدا ﷺ مردم از پرداخت زکات خودداری نمی کنند، مگر آن که بارش آسمان از ایشان دریغ می گردد

الفصل الثالث: المعادئ الأخلاقية

فصل سوم: خاستگاه های اخلاقی

۱/۳. الرِّفْقُ

۱/۳. مدارا

۳۲۵۲. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنْ فِي الرِّفْقِ الرِّيَاضَةُ وَالْبَرَكَهَةُ، وَمَنْ يُحَرِّمِ الرِّفْقَ يُحَرِّمِ الْحَيَرَ^۴

۳۲۵۲. پیامبر خدا ﷺ در مدارا، افزایش رزق و برکت، بهفته است و هر که از مدارایی بهره باشد، از حیر، بهره ای ندارد

۲/۳. التَّقْوَى

۲/۳. پرهیزکاری

۳۲۵۳. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَن زُرُقِيَ تَقَى فَقَدْ زُرِقَ حَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ^۵

۳۲۵۳. پیامبر خدا ﷺ هر کس پرهیزکاری رزقش شله باشد، حیر دنیا و آخرت نصیبش می گردد

۱. مستدرک حنبل ج ۴ ص ۲۷۳ ح ۱۳۹۷

۲. کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۱۵ ح ۱۶۸

۳. الکافی ج ۲ ص ۱۷۳ ح ۱

۴. الکافی ج ۲ ص ۱۱۹ ح ۷

۵. کز العمال ج ۳ ص ۹۱ ح ۵۶۱

۳/۳ الشُّكْرُ

الكتاب

﴿وَإِذْ نَادَىٰ رَبُّكُمْ لَبِئْسَ شَكْرًا لَّابَيْدُكُمْ وَلَبِئْسَ كَفْرًا
إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾^۱

الحدیث

۳۲۵۴ رسول الله ﷺ لَا يَرْزُقُ اللَّهُ عَبْدَ الشُّكْرِ فَيَحْرِمَهُ
الزَّيَادَةَ؛ لِأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ: «لَبِئْسَ شَكْرًا
لَّابَيْدُكُمْ»^۲

۴/۳ الْقَصْدُ

۳۲۵۵ رسول الله ﷺ عَلَيْكُمْ بِالْإِقْتِصَادِ؛ فَمَا اسْتَقَرَّ
قَوْمٌ نَطَقُوا قَصْدًا^۳

۵/۳ الْقِسَاعَةُ

۳۲۵۶ رسول الله ﷺ الْقِسَاعَةُ بَرَكَةٌ^۴

۳۲۵۷ عَنْهُ ﷺ عَلَيْكُمْ بِالْقِسَاعَةِ، فَإِنَّ الْقِسَاعَةَ مَالٌ لَا يَفْقَدُ^۵

۶/۳ إِثَارُ الْآخِرَةِ

۳۲۵۸ رسول الله ﷺ مَنْ آتَرَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ
خَرِبَتْهُمَا جَمِيعًا، وَمَنْ تَرَ الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا أَصَابَتْهُمَا
جَمِيعًا^۶

۱ ابراهیم ۷

۲ الشکر لاین ابر دنیا ص ۱۶ ج ۳

۳ مجمع البیان ج ۸ ص ۶۱۶

۴ التجمیع ص ۱۶۱

۵ للمعجم الأوسط ج ۲ ص ۸۴ ج ۶۹۲

۶ الفردوس ج ۳ ص ۵۸۶ ج ۵۸۳۵

۳/۳ شکرگزاری

قرآن

﴿وَأَلْهَمْنَا سَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّكَ قَدْرًا
مَّا كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾^۱

حدیث

۳۲۵۲ پیامبر خدا ﷺ هیچ بدمای نیست که خداوند،
شکر را روزی‌اش فرموده باشد و از
افزایش نعمت محروم نشود؛ زیرا
خود می‌فرماید: ﴿اگر شکر گزایید [نعمت] شما را افزون
خواهم کرد﴾

۴/۳ میانه‌روی

۳۲۵۳ پیامبر خدا ﷺ بر شما باد میانه‌روی؛ که هیچ
بگرومندان روی فقیر نشد!

۵/۳ قناعت

۳۲۵۴ پیامبر خدا ﷺ قناعت، برکت است

۳۲۵۷ پیامبر خدا ﷺ بر شما باد قناعت، که هر آینه
قناعت، مالی است که تمام نمی‌شود

۶/۳ ترجیح دادن آخرت

۳۲۵۸ پیامبر خدا ﷺ هر کس دنیا را بر آخرت
ترجیح دهد، از هر دو محروم می‌گردد، و هر کس
آخرت را بر دنیا ترجیح دهد، به هر دو دست
می‌یابد

۳۲۵۹ عهده ﷺ مَن عَمِلَ لِإِجْرَتِهِ كَمَا هُوَ أَمْرٌ دُبٌّ

۳۲۵۹ پیامبر خدا ﷺ هر که برای آخرتش کار کند،

خداوند، گدازان دیبايش را کفایت می‌فرماید.

۷/۳. الْمُنْظَرُ إِلَى الْأَدْنَى مَعِيشَةً

۷/۳. مگر یستقز به آن که زندگی فروتری دارد

۳۲۶۰ رسول الله ﷺ إِذَا نَظَرَ أَحَدُكُمْ بَنِي مَن فُضِّلَ

۳۲۶۰ پیامبر خدا ﷺ هر گاه یکی از شما به فردی

عَلَيْهِ فِي الْمَالِ وَالْعَلَقِ، فَلْيَنْظُرْ بَنِي مَن هُوَ أَسْمَلُ

فرا تر از خود در مال و خلقت نگر یست. باید

مَنْ ۲

۳۲۶۱ الْحَصَالُ عَنْ أَبِي دَرٍّ أَوْصَانِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

[آخر کار آن] به کسی نظر کند که از او فرو تر

أَنْ نَظَرَ إِلَى مَن هُوَ دُونِي وَلَا نَظَرَ إِلَى مَن هُوَ

۳۲۶۱ الحصال - به نقل از ابو در - پیامبر خدا به من

فَوْقِي ۳

سمازش کرد که به آن که فرو تر از من است.

الفصل الرابع المبادئ العبادية

بگرم، به به آن که برتر از من است

۱. ۱ الاستغفار

فصل چهارم حاسنکاهای عبادی

الکتاب

۴۴ امرزش حواسن

«وَبَقُولُوا اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُنَوَّلُوا إِلَيْهِ تَرْسَلُ إِلَيْكُمْ

قرآن

مَنْ يَكُنْ مَدْرَازًا وَيَرْدُكُمْ فَوْهًا إِلَى قُلُوبِكُمْ وَلَا تَنْتَوَلُوا

«وای قوم من! از پروردگارتان امرزش بخواهید، سپس به

درگاه او توبه کنید [نا] در آسمان پر شد بارش فراوان

مُخْرِمِينَ» ۱

الحديث

فرستد و بیرویی بر بیروی شما بیفرازد، و تبهکارانه روی

۳۲۶۲ رسول الله ﷺ أَكْثَرُوا الْإِسْتِغْفَارَ، فَإِنَّهُ يَجْلِبُ

بر مگردانید»

الزُّرْقَى ۵

حديث

۳۲۶۳ عهده ﷺ مَن أَتَمَّ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ بِعَمَّةٍ فَلْيَحْتَدِرْ

۳۲۶۲ پیامبر خدا ﷺ فراوان امرزش بخواهید؛ چرا

که [مایه] جذب روری است

اللَّهُ، وَمَنْ اسْتَبَطَّ الزُّرْقَى فَلْيَسْتَعْمِرِ اللَّهَ ۶

۳۲۶۳ پیامبر خدا ﷺ هر که خدای متعال به او سمعت

دهد، باید خدا را شکر کند؛ و هر که روری‌اش

کند رسد، باید از خدا امرزش بخواهد

۱ اعلام الدین ص ۳۲۴

۲ صحیح البخاری، ج ۵ ص ۲۳۸۰ ح ۶۱۲۵

۳ الحصال، ص ۳۲۵ ح ۱۲ ۱ هر ۵۲

۵ کثر القوائد ج ۲ ص ۱۹۷

۶ عیون أخبار الرسول ﷺ ج ۲ ص ۴۶ ح ۱۷۱

۲/۴ الصَّلَاةُ

۲/۴. نماز

۳۲۶۱ تنبيه الحواطر يُروى عن رسول الله ﷺ أنه كان إذا أصاب أهله خصاصة قال قوموا إلى الصلاة. ويقول بهذا أمرني ربي قال الله تعالى ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا تَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ مَزْرُوقُونَ وَالْعِزَّةُ لِلتَّقْوَى﴾^۱

۳۲۶۲ رسول الله ﷺ لم يصلي حب الملائكة... ويزكته في الرزق^۲

۳۲۶۳ عنه ﷺ إذا زأيت في معاشك صيقاً وهي أمرك التيساراً، فأمرل حاجتك بأقرب، ولا تدع صلاة الاسعاب... وهي زكيات تفتح الصلاة وتقرأ الحمد وإنا أرسلنا مرة واحدة هي كل زكوة. ثم تقول بعد القراءة «أستعبر الله خمس عشرة مرة، ثم ترفع فتقرأها عشرًا على هيئة صلاة جعفر - يصلح الله لك شأنك كله، إن شاء الله»^۳

۳/۴ صلاة الليل

۳۲۶۴ رسول الله ﷺ صلاة الليل مرصاة للرب ويزكته في الرزق^۴

۳۲۶۵ عنه ﷺ صلاة الليل تبييض الوجوه. وتطيب الريح، وتجليب الرزق.^۵

۳۲۶۶ تنبيه الحواطر: از پیامبر خدا روایت شده که هر گاه خانواده او بیارمد می‌گشتند، وی می‌فرمود، «به نماز برخیزید» و می‌فرمود، «پروردگارم به من چنین امر کرده است. خدای متعال می‌فرماید ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا تَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ مَزْرُوقُونَ وَالْعِزَّةُ لِلتَّقْوَى﴾». از تو دوری می‌خواهم، ما خود به تو دوری می‌دهیم؛ و سرانجام، از آن پرهیزکاران است»^۱

۳۲۶۷. پیامبر خدا ﷺ: نمازگزار را مرشتگان دوست می‌دارند و... روزی‌اش برکت‌مند است

۳۲۶۸ پیامبر خدا ﷺ: هر گاه در زندگانی‌ات تنگنا و در کارت پیچشی ناشی، ساری را مرد خداوند عرصه کن و نماز آمرزش را وامگذار، و آن، دو رکعت است در هر رکعت، سوره‌های «حمد» و «قدر» را یک در قرأت کن و سپس پانزده بار «استعبر الله» بگو و آن‌گاه در رکوع، ده بار «استعبر الله» بگو، به گونه نماز جعفر (طیار) خداوند، همه کارهایت را به سامان می‌آورد، اگر خدا حره

۳/۴ نماز شب

۳۲۶۹ پیامبر خدا ﷺ: نماز شب، [مايه] حشودی پروردگار... و برکت در روزی است.

۳۲۷۰ پیامبر خدا ﷺ: نماز شب، روی‌ها را سپید می‌گرداند، عطر خوش می‌بخشد و روزی را جلب می‌کند

۱ تنبيه الحواطر ج ۱ ص ۲۲۲

۲ الاصل ص ۵۲۲ ح ۱۱

۳ مكارم الأخلاق ج ۲ ص ۱۱۵ ح ۲۳۲۰

۴ إرشاد القلوب ص ۱۹۱

۵ حوالمی الملاک ج ۱ ص ۲۵۲ ح ۱۴

۴/۴. قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ

۳۲۶۹. رسول الله ﷺ: تَسْرُوا بِأَيْوَتِكُمْ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ، وَلَا تَتَّخِذُوهَا قُبُورًا كَمَا فَعَلَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى ضَلُّوا فِي الْكُتَابِ وَالْبَيْعِ وَعَظَلُوا بِبُيُوتِهِمْ؛ فَإِنَّ نَيْتَ إِذَا كُنْتُ فِيهِ تِلَاوَةَ الْقُرْآنِ كُنْتُ خَيْرُهُ، وَأَتَسَّحَّ أَهْلُهُ، وَنُصَاةٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا نُصِيَءُ نُجُومُ السَّمَاءِ لِأَهْلِ الدُّنْيَا^۱

۳۲۷۰. عَنْهُ ﷺ: مَنْ قَرَأَ: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» حِينَ يَدْخُلُ مَبْرَأَةً، نَقَتْ الْفَقْرَ عَنْ أَهْلِ ذَلِكَ الْمَبْرَأَةِ وَالْحِمَارِ^۲

۵/۴. الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ

۳۲۷۱. رسول الله ﷺ: حُجُّوا تَسْتَفْنُوا^۳

۳۲۷۲. عَنْهُ ﷺ: حُجُّوا لَنْ تَفْقَرُوا^۴

۳۲۷۳. عَنْهُ ﷺ: لَا يُحَابِطُ الْفَقْرُ وَالْحُسَى مُدِمِّنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ^۵

۶/۴. الدَّوَامُ عَلَى الطَّهَارَةِ

۳۲۷۴. عَوَالِي اللَّكْثِيِّ فِي الْحَدِيثِ أَنَّهُ ﷺ: شَكَا إِلَيْهِ رَجُلٌ فَلَهُ الرَّزْقُ، فَصَالَ ﷺ: أَدِمِ الطَّهَارَةَ يَدْمُ عَمَلُكَ الرَّزْقُ فَعَمَلْ لِرَجُلٍ ذَلِكَ فَوُشِعَ عَلَيْهِ الرَّزْقُ^۶

۷/۴. الدُّعَاءُ

۳۲۷۵. الْإِمَامُ الصَّادِقُ ﷺ: قَالَ السُّبِّيُّ ﷺ: أَلَا أَدُلُّكُمْ

۴/۴. خواندن قرآن

۳۲۶۹. پیامبر خدا ﷺ: خانه هاتان را به تلاوت قرآن، نور بخشید و آنها را مقبره نکنید، همانند یهودیان و مسیحیان که در کیسه ها و دبرها تماز می گرانند و خانه هاشان را وای می نهند؛ زیرا هر گاه در خانه ای سیار قرآن تلاوت شود، حیرش فراوان می گردد و ساکنانش از گشایش بهره می یابند و برای آسمانیان، نور می پراکند، همان گونه که ستارگان آسمان به ساکنان دنیا نور می بخشد

۳۲۷۰. پیامبر خدا ﷺ: هر کس هنگام ورود به خانه اش سوره توحید را بخواند، فقر از ساکنان آن و سیر همسایگانش رخت بر می بندد

۴/۴. حج و عمره

۳۲۷۱. پیامبر خدا ﷺ: حج به جای آورید تا توانگر گردید.

۳۲۷۲. پیامبر خدا ﷺ: حج بگرارید تا هیچ گاه فقیر نشوید

۳۲۷۳. پیامبر خدا ﷺ: فقر و تب، با کسی که پیوسته حج و عمره بگرارد، همراه نمی گردد

۶/۴. همواره با طهارت بودن

۳۲۷۴. عوالی اللآثی، در حدیث است که مردی نزد پیامبر خدا از اندکی روزی شکوه آورد فرمود: «همواره با طهارت باش تا روزی ات پیوسته باشد» آن مرد، چنین کرد و روزی اش گشایش یافت

۴ ۷ دعا

۳۲۷۵. امام صادق ﷺ: پیامبر ﷺ فرموده است: آیا راه نمودن دشمنان به سلاحی که شما را از دشمنان

۱. الکافی ج ۲ ص ۶۱۰ ح ۱

۲. المعجم الکبیر ج ۲ ص ۳۴۰ ح ۲۷۱۹

۳. کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۲۶۵ ح ۲۳۸۷

۴. الجعفریات ص ۶۵

۵. الکافی ج ۴ ص ۲۵۱ ح ۸

۶. عوالی اللآثی ج ۱ ص ۲۶۸ ح ۷۲

عَلَى سِلَاحٍ يُجِيعُكُمْ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَيُهَيِّئُ أَرْزَاقَكُمْ؟
قَالُوا بَلَى قَالَ تَدْعُونَ رَبَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، فَمَا مِنْ
سِلَاحٍ التَّوَسَّلَ بِهِ دُعَاءُ^۱

رهایی بخشید و روری هاتان را فراوان سازد؟

گفتند: چرا

فرمود: «هر روز گارتان را شب و روز بخوانید،

که سلاح مؤمن، دعا است»

۸/۴ الْأَذْكَارُ الْمَأْثُورَةُ لِذَلِجِ الْفَقْرِ

۳۲۷۶ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ قَالَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِثَّةَ مَرْثَةٍ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ» كَانَ لَهُ أَمْسًا مِنَ الْفَقْرِ،
وَبَيْنَ مِنْ وَحْشَةِ قَبْرِ، وَاسْتَجَلَّتْ الْعِصَى^۲
۳۲۷۷ عَنْهُ ﷺ مَنْ أَلْبَسَ عَلَيْهِ الْفَقْرَ فَلْيَكْثِرْ مِنْ قَوْلِ
«لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» يُسْفِى عَنْهُ
الْفَقْرُ.^۳

۸/۴ ذکرهای روایت شده برای برطرف شدن فقر

۳۲۷۶ پیامبر خدا ﷺ هر کس روزانه صد بار این ذکر

را بگوید: «لا اله الا الله الملك الحق المبين» (چرا

خدای حکمران راستین روشنگر، معبودی

نیست)، از فقر در امان است و از وحشت قبر،

رهایی گردد

الفصل الخامس العبادى الاجتماعى

۱/۵ النكاح

۳۲۷۸ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ اِتِمِسُوا الزُّرُقَ بِالنِّكَاحِ^۱

۳۲۷۹ عَنْهُ ﷺ اِتَّحِدُوا الْأَهْلَ، فَإِنَّهُ أَرْضٌ لَكُمْ^۲

۳۲۸۰ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَ حَاءَ رَحُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَشَكَ

إِلَيْهِ الْحَاجَةَ، فَقَالَ تَزَوَّجْ، فَتَزَوَّجَ فَوُضِعَ عَلَيْهِ^۳

فصل پنجم خاستگاه‌های اجتماعی

۱/۵ ازدواج

۳۲۷۸ پیامبر خدا ﷺ با ازدواج، روری را بطلید

۳۲۷۹ پیامبر خدا ﷺ: خانواده‌دار شوید که بدین سان،

روری‌تان بیشتر می‌گردد

۳۲۸۰ امام صادق ع: مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و به

پیشان‌آلودگی شکایت آورد فرمود: «ازدواج

کن»

او ازدواج کرد و [زندگی] او گشایش یافت

۲/۵ پیوند با خویشان

۳۲۸۱ پیامبر خدا ﷺ همانا پیوند با خویشان، روری

۱ الکافی ج ۲ ص ۱۶۸ ح ۳

۲ کتب العمه ج ۲ ص ۳۶

۳ الکافی ج ۱ ص ۹۳ ح ۶۵

۴ مکرم الاخلاق ج ۱ ص ۴۳۰ ح ۱۴۵۹

۵ الکافی ج ۵ ص ۳۲۹ ح ۶

۶ الکافی ج ۵ ص ۳۳۰ ح ۲

الرُّزْقُ^۱

را می‌افزاید

۳۲۸۲ هـ. ۱: حِلَّةُ الرَّجُلِ تَزِيدُ فِي الشُّعْرِ، وَتُنْفِي الْقَمَرَ.^۲

۳۲۸۲ پیامبر خدا ﷺ پیوند بسا حویثان، بر عمر می‌افزاید و قمر را می‌زداید.

۳۲۸۳. عَنْهُ ۱: إِنَّ حِلَّةَ الرَّجُلِ مَثَرَةٌ فِي الصَّالِي، وَمَحَبَّةٌ فِي لَأَهْلِ، وَمَسَاءَةٌ فِي الْأَجَلِ.^۳

۳۲۸۳ پیامبر خدا ﷺ، هر آینه پیوند بسا حویثان، بر مال می‌افزاید و محبت حیوانه را افزون می‌کند و مرگ را به تأخیر می‌اندازد.

۳/۵. الْأَمَانَةُ

۳/۵. امانتداری

۳۲۸۴ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْأَمَانَةُ تُجَلِّبُ الْغِنَى^۴

۳۲۸۴ پیامبر خدا ﷺ امانتداری، توانگری می‌آورد

۳۲۸۵ عَنْهُ ۱: الْأَمَانَةُ تُجَلِّبُ الرُّزْقَ^۵

۳۲۸۵ پیامبر خدا ﷺ - امانتداری، روزی می‌آورد

۴/۵. التَّعَاوُنُ

۴/۵ همکاری

۳۲۸۶ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا يَمُرُّ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى، فَإِذَا لَمْ يَعْمَلُوا ذَلِكَ تَرَعَبَ مِنْهُمْ التَّرَكَاتُ، وَسُلْطَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ مَصْرُوعٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ^۶

۳۲۸۶ پیامبر خدا ﷺ مادام که مردمی امر به معروف و نهی از منکر کنند و در نیکی و پرهیزگاری همکاری ورزید، همواره در خیرند و هرگاه چنین نکنند، برکنند از ایشان سلب می‌گردد و برحق‌شان بر برخی دیگر مسلط می‌گردند و در زمین و آسمان، یابوری نمی‌یابند.

۵/۵. الْإِيفَاقُ

۵/۵ ایفاق

الكتاب

قرآن

﴿يَذِيقُ اللَّهُ الْكَافِرِينَ وَيُزَيِّدُ الصُّلَحَةَ وَأَمْلَهُ لَا يَحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ﴾^۷

﴿خدا از [برکت] رها می‌کند و بر صدقات می‌افزاید، و خداوند، هیچ ناسپاس گناهکاری را دوست نمی‌دارد﴾

۱ دعائم الإسلام ج ۲ ص ۳۳۱ ح ۱۲۶۹

۲ عرب الإسلام ص ۶۶ ح ۲۴۱

۳ ترمذ للحسين بن سعيد ص ۱۱ ح ۱۱۰

۴ قرب الإسلام ص ۱۱۶ ح ۴۰۸

۵ الکافی ج ۵ ص ۱۳۳ ح ۷

۶ تهذيب الأحكام ج ۶ ص ۱۸۱ ح ۳۷۲

۷ البقرة ۲۶۶

الحدیث

حدیث

۳۲۸۷ رسول الله ﷺ يَسْتَرِ لَوْ زُرِقَ بِالصَّدَقَةِ^۱

۳۲۸۷ پیامبر خدا ﷺ: روزی را با صدقه بر خود فرود

آورید

۳۲۸۸ عَنْهُ ﷺ الزُّرْقُ إِلَى الشَّجِيِّ أَسْرَعُ مِنَ التَّكْسِبِ

۳۲۸۸ پیامبر خدا ﷺ آن که سخاوت ورزد، روزی

إِلَى دِرْوَةِ الْبَحْرِ^۲

به وی روی می‌آورد، رودتر از آن که کارد بر

کوهان شتر فرو رود

۶/۵ الزُّكَاةُ

کتاب

۶/۵ رکعات

قرآن

﴿وَمَا آتَيْنَاكَ مِنْ زَنْبًا لَنُزَيِّنُوا فِيهِ أَهْلًا النَّاسِ فَلَا يَزِنُوا

﴿و آنچه [به قصد] ربا می‌دهید تا در اموال مردم، سود و

افزایش یابد، نزد خدا فروبی نمی‌گیرد و آنچه را در

رکات می‌دهد [و با دادن آن،] عشرودی خدا را

خواستارید، پس آنرا (رکات و هدیگ)، همان

فروبی یا ننگاناند [و مالشان مضاعف می‌شود]﴾

عَمَدُ اللَّهِ وَمَا آتَيْنَاكَ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ

فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُضْطَرُونَ^۳

الحدیث

۳۲۸۹ رسول الله ﷺ خَصُّوا أَمْوَالَكُمْ بِالزُّكَاةِ^۴

الفصل السادس. العبادي الصَّحِيَّة

حدیث

۱/۶. الطَّافَةُ

۳۲۸۹ پیامبر خدا ﷺ اموال خود را با رکات، در پناه

نگاه دارید

۳۲۹۰ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ غَسَلَ الْإِنَاءَ وَطَهَّرَهُ الْعِيَاءَ يَوْمَ نَابِ

الْعَاءِ^۵

فصل ششم. خاستگاه‌های بهداشتی

۲/۶ التَّخْلُّلُ وَالسَّوَاكُ

۱/۶. پاکیزگی

۳۲۹۰ پیامبر خدا ﷺ شستن طرف‌ها و پاکیزه نگاه

داشتن صحیح خدایه، سبب توانگری است

۳۲۹۱ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْ أَسَاكَ كُلِّ يَوْمٍ مَرَّتَيْنِ فَقَدْ أَدَامَهُ

لِلْأَنْبِيَاءِ ﷺ وَاسْتَعَى عَلَى الْفَقْرِ^۶

۲/۶ خلل کردن و مسواک زدن

۳۲۹۲ الْإِمَامُ الصَّادِقُ ع نَازِلُ النَّبِيِّ ﷺ جَعَفَرُ بْنُ أَبِي

۳۲۹۱ پیامبر خدا ﷺ هر که روزی دو بار مسواک

کند، شیوة پیامبران را رنده داشته . و از فقر،

رهایی یافته است

۳۲۹۲ امام صادق ع پیامبر ﷺ به جعفر بن ابی

۱ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۳۸۱ ح ۵۸۲۴

۲ إرشاد القلوب ص ۱۳۷ ۳ الروم ۳۹

۴ المعجم الکبیر ج ۱ ص ۱۲۸ ح ۱۰۱۹۶

۵ تاریخ بغداد ج ۱ ص ۹۲ رقم ۶۵۰۹

۶ جامع الاخبار ص ۱۵۱ ح ۲۴۱

طالب ﷺ جلالتاً، فقال له: تَخَلَّلْ؛ فَإِنَّهُ مَصْلَحَةٌ لِلْعَمَلِ -
 أَوْ قَالَ لِنَتِّهِ - وَمَجْلِبَةٌ لِلرُّزْقِ^۱
 طالب ﷺ حلالی داد و به وی فرمود: حلال کن، کہ
 میں کار، دھان (لٹہ) را سالم می دارد و روزی را
 فراهم می آورد

۳/۶ تَقْلِيمُ الْأَطْفَالِ

۳۲۹۳. رسول اللہ ﷺ تَقْلِيمُ الْأَطْفَالِ يَمْسَحُ الدَّمَ الْأَعْظَمَ،
 وَيُدْرِئُ الرُّزْقَ^۲
 ۳/۶ چیدن باقرها
 ۳۲۹۳. پیغمبر خدا ﷺ چیدن باقرها، بیماری بزرگ
 را دور می کند و روزی را فراوان می سازد



۱ التکالیف ج ۶ ص ۲۷۶ ح ۱

۲ التکالیف ج ۶ ص ۲۹۰ ح ۱

الْبَائِجَاتُ لِلزَّالِمِ

باب چهارم

موانع التَّحْمِيَّةِ

موانع توسعه

الفصل الأول: الموانع الأخلاقية

فصل یکم: موانع اخلاقی

۱/۱. الجِرْضُ

۱/۱. آرمندی

۳۲۹۴. رسول الله ﷺ: إِنْ صَلَاحَ أَوَّلُ هَيْوَةِ الْإِنْسَانِ بِالرَّهْرِ
وَالْتَّيْبِ، وَخَلَّكَ آجِرَهَا بِالشَّعْ وَالْأَمَلِ.^۱

۳۲۹۵. عنه ﷺ: لَوْ كَانَ لِإِبْنِ آدَمَ وَادِيَانِ مِنْ مَالٍ لَا يَسْكُنُ
ثَالِثًا، وَلَا يَمْلَأُ جَوْفَ ابْنِ آدَمَ إِلَّا التُّرَابُ، وَيَتَوَبُّ اللَّهُ
عَلَى مَنْ تَابَ.^۲

۲/۱. الكَذِبُ

۳۲۹۶. رسول الله ﷺ: الْكَذِبُ يَمْنَعُ الرِّزْقَ.^۳

الفصل الثاني: الموانع الاجتماعية

۲/۱. دروغگوئی

۳۲۹۶. پیغمبر خدا ﷺ: دروغگوئی، روزی را می‌کاهد

۱/۲. الطَّلْمُ

فصل دوم: موانع اجتماعی

الكتاب

«وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَلِيمَةٌ أَنْ أَخْذَهُ
أَلِيمٌ ظَنِيذٌ»^۴

الحديث

۳۲۹۷. رسول الله ﷺ: يَأْكُمُ وَالطَّلْمُ! فَإِنَّهُ يُحَرِّبُ

۱/۲. ستمگری

قرآن

«وَأَمِنْ جَنْبِهَا» [به شهر] گرفتن پروردگار تو، آن گاه که
شهرها را که ستمکار بودند، [به شهر] می‌گرفت. همانا
[به شهر] گرفتن او، دردناک و سخت است.^۵

حدیث

۳۲۹۷. پیغمبر خدا ﷺ: از ستم کردن پیر هیزید، چرا که
دل‌ها را ویران می‌کند، همچنان که خانه‌ها را نابود

۱. الفصائل ص ۷۹ ح ۱۲۸

۲. صحیح البخاری ج ۵ ص ۳۳۶ ح ۶۰۷۲

۳. بحواله علوم الدین ج ۳ ص ۱۹۸

۴. مراد ۱۰۲

قُدُوتُكُمْ، كَمَا يُحَرِّبُ الدَّوْرَ^۱

می‌سازد

۲/۲ الخبائنة

۲/۲ حیانت

۳۲۹۸ رسول الله ﷺ الحَيَّائَةُ تُجْلِبُ الْفَقْرَ^۲

۳۲۹۸ پیامبر خدا ﷺ حیانت، فقر را فراپیش می‌کشد

۳۲۹۹ عَنْهُ ﷺ: تُرْفَعُ الْبِرْكَةُ مِنَ الْبَيْتِ إِذَا كَانَتْ فِيهِ

۳۲۹۹ پیامبر خدا ﷺ: خانه‌ای که حیانت در آن باشد،

الحَيَّائَةُ^۳

برکت از آن رخت بر می‌بتدد

۳/۲ قَطِيعَةُ الرُّحِمِ

۳/۱ گسستن پیوند از خویشان

۳۳۰۰ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنْ قُطِعَتْ رُحِمٌ وَالْتَمِيتِ الْكَادِبَةُ

۳۳۰۰ پیامبر خدا ﷺ: همانا پیوند گستن از

لَتَذُرَّ ابْنُ الدِّيَارِ بِلَاغٍ مِنْ أَهْلِهَا^۱

خویشان و سوگند خوردن دروغ، سرزمین‌ها را

از ساکنانشان حالی می‌کند

۴/۲. مَعَ الْفُحْجَانِ

۳۳۰۱ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا عَظُمَتْ رِعْنَةُ اللَّهِ عَلَى عَبْدٍ إِلَّا

بِمَا عَمِلَ مِنْ رِجْسٍ وَارْتَدَى بِيَارِسٍ

عَظُمَتْ مَزُونَةُ النَّاسِ عَلَيْهِ، فَتَرَى لَمْ يَحْتَجِلْ بِمَدْحِ

پیامبر خدا ﷺ: هیچ بنده‌ای نیست که نعمت

الْمُؤَدَّهِ هَذَا عَرُضَ نِلَاءِ النُّعْمَةِ لِلرُّوَالِ^۲

بزرگواران گردد، مگر آن که بار مردم بر

عَنْهُ ﷺ: لَا تُعَابِرُوا قَرَصَ الْحَمِيرِ فَإِنَّ نَعْمَةَ

دوش وی مسکین می‌شود و هر که پس بار را

يُورِثُ الْفَقْرَ^۳

محمل نکند، آن نعمت را در معرض نابودی قرار

داده است

الفصل الثالث العوابع العملية

۱/۳ السُّبُتَاتُ

۳۳۰۲ پیامبر خدا ﷺ: لَوْ قَرَصَ دَانُ حَمِيرٍ مَادَةَ دَانٍ،

خودداری موررید که یں کار، فقر می‌زاید

الكتاب

فصل سوم. موابع عملی

﴿يُظْهِرُ الْفُسَادَ فِي النَّبِ وَالْخَبَرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ﴾

۳ ۱ گناهان

قرآن

جامع الأحادیث للقمي ص ۶۰

۲ الکافی ج ۵ ص ۱۳۳ ح ۷

۳ التفرّدوس ج ۲ ص ۷۳ ح ۲۱۴

۴ معانی الأخبار ص ۲۶۵ ح ۱

۵ الأمالی للعلّوسی ص ۳۰۶ ح ۶۱۵

۶ التجمعریک ص ۱۶۱

﴿به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند، فساد در

عشکی و دنیا سودبر شده است، ب [خدا سزای]

يُذِيقُهُمْ بَعْضُ الْبَرَى عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ^۱

الحديث

که باز گردند

بعضی از آنچه را که کرده‌اند، به آنان بپخشاند، باشد

۳۳۰۳ رسول الله ﷺ إِنَّ اللَّهَ لَمْ يُعْطِ لِنَاخُذٍ، وَلَوْ أُنْعِمَ عَلَى قَوْمٍ مَا أُنْعِمَ وَبَقُوا مَا بَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ مَا سَلَّيَهُمْ يَبْلُغُ النُّعْمَ وَهُمْ لَهُ شَاكِرُونَ، بَلَّا أَنْ يَسْتَحْمِلُوا مِنْ شُكْرِ إِلَى كُفْرٍ وَمِنْ طَاعَةٍ إِلَى مَعْصِيَةٍ، وَدَيْكَ قَوْلُهُ تَعَالَى ﴿إِنْ أَلَّهَ لَا يُفْقِرُ مَا يَفْقِرُ حَتَّى يُفْقِرُوا مَا بَأْسُ بِهِمْ﴾^۲

حدیث

۳۳۰۳. پیامبر خدا ﷺ همانا خداوند، آنچه را عطا فرماید، باز نمی‌ستاند؛ و اگر به قومی نعمتی دهد و آنان، جاودانه زندگی کنند، شکرگزار [نسیر] باشند، آن را از ایشان نمی‌ستاند، مگر این که از شکر به ناسپاسی و از اطاعت به معصیت بگردانند این است سخن جدای متعال ﴿بر حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر

۲/۳ الزما

الكتاب

﴿يَسْحَقُ آلَهُ الْزُّبَا وَيَزِيهِ فَعَشِيَتِ وَاللَّهُ لَا تُحَدُّ عَلَى عَذَابٍ أَلِيمٍ﴾^۱

وحدود

۳/۳ زما

قوان

﴿خدا از [برکت] زبا می‌کاهد و بر صدقات می‌افزاید، و حدونید، هیچ ناسپاسی گناهکاری را دوست نمی‌دارد﴾

۳۳۰۴ رسول الله ﷺ الزبا وإن كثر فإن عاقبتة نصير إلى قُل.^۲

الحديث

حدیث

۳۳۰۵ عنه ﷺ شَرُّ الْكَسْبِ كَسْبُ الزُّبَا^۱

۳۳۰۴ پیامبر خدا ﷺ زبا، هر چند فراوان باشد،

۳/۳ الزما

سرانجام به تنگدستی می‌انجامد.

۳۳۰۶ رسول الله ﷺ فِي الزُّبَا سِتُّ حِصَالٍ ثَلَاثٌ مِنْهَا فِي الدُّنْيَا وَثَلَاثٌ مِنْهَا فِي الْآخِرَةِ: فَأَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا: فَتَهْتَبُ بِالنَّهَارِ، وَيُجْعَلُ الْقَسَاءُ، وَيَقْطَعُ

۳۳۰۵ پیامبر خدا ﷺ بدترین درآمد، درآمد از راه

رباست

۳/۳ زما

۳۳۰۶ پیامبر خدا ﷺ زبا را شش ویژگی است سه در

دنیا و سه در آخرت. سه ویژگی دنیایی اش چنین

استد شکسوه را مسی برد، سستی را شتاب

۱ الروم ۲۱ ۲ الرعد ۱۱

۳ ارشاد القلوب ص ۳۱

۴ المیزان ۲۷۶

۵ مستدلی حبل ج ۲ ص ۵۰ ح ۳۷۵۱

۶ الکافی ج ۸ ص ۸۱ ح ۳۹

الرُّزْقُ.^۱

۳۳۰۷ عنه ﷺ الزَّيْنُ يورِثُ الْفَقْرَ^۲

می‌بخشد، روزی را قطع می‌کند

۳۳۰۷ پیامبر خدا ﷺ ربا، فقر می‌آورد

۳ / ۱. النَّوْمُ قَدْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ

۳۳۰۸ رسول الله ﷺ الصُّبْحَةُ تَمْنَعُ الرُّزْقَ^۳

۳ / ۲. خواب پیش از طلوع خورشید

۳۳۰۸ پیامبر خدا ﷺ: خواب در اول روز، از روزی

ناز می‌دارد



۱ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۳۶۷ ح ۵۷۶۲

۲ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۲۰ ح ۱۹۷۸

۳ مستدرک حبل ج ۱ ص ۱۵۸ ح ۵۳۰

الْبَاسُ لِلْفَاسِقِ

آفات التَّيْبَةِ

الفصل الأول: التَّكَاثُرُ

۱/۱ التَّحْدِيدُ مِنَ التَّكَاثُرِ

الكتاب

«اغْلَبُوا أَلْفَا الْحَيَوةِ الدُّنْيَا لَعَنَ وَلَهُوَ وَزِينَةُ وَلَدُخْرُ
مِنْكُمْ وَتَكَثَّرَ فِي الْأُمُولِ وَالْأَوْلَادِ غَنِيٌّ أَغْجَبَ
الْكَثْرُ نَبَاتَهُ ثُمَّ يَهِيْجُ فَتَرْتَهُ مُضْطَرًّا ثُمَّ يَكُونُ خُطْفًا
وَهِيَ الْأَجْرَةُ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَلْفُورَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَهْنٌ
وَمَا الْحَيَوةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْفُزُورِ»^۱

الحديث

۳۳۰۹ رسول الله ﷺ ما سبيل الله إلا من قتل من سبي
على والديه ففي سبيل الله، ومن سعى على عياله في
سبيل الله، ومن سعى على نفسه يبعثها في سبيل الله،
ومن سعى على التكاثر فهو في سبيل الشيطان^۲

۳۳۱۰ عنه ﷺ يُجَاءُ يَايِ آذَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَأْسُهُ بُدَجٌ،
فَيُوقَفُ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ، فَيَقُولُ اللَّهُ لَهُ: أُعْطَيْتَكَ وَحَوَّلْتُكَ
وَأَنْعَمْتُ عَلَيْكَ فَمَاذَا صَعَمْتَ؟ فَيَقُولُ يَا رَبِّ، جَمَعْتُهُ
وَتَرْتُهُ فَتَرَكْتُهُ أَكْثَرَ مَا كَانَ، فَأَرْجِعْ بِي إِلَيْكَ بِهِ، فَيَقُولُ
لَهُ أَرَبِي مَا قَدِمْتُ، فَيَقُولُ يَا رَبِّ، جَمَعْتُهُ وَتَرْتُهُ
فَتَرَكْتُهُ أَكْثَرَ مَا كَانَ، فَأَرْجِعْ بِي إِلَيْكَ بِهِ، فَيُدَاغِبُهُ سَمٌ

۱ التحديد ۲۱

۲ المسالك الكبرى ج ۹ ص ۴۳ ح ۱۷۸۲۵

بِسْمِ

آفات توسعه

فصل یکم: ثروت‌اندوزی

۱/۱ هشدار درباره ثروت‌اندوزی

قرآن

«بنابند که زندگی دنیا، در حقیقت بازی و سرگرمی و
آرایش و تفرروشی شما به یکدیگر و غرور جویی در
اموال و فرزندان است. [مثل آنها] چون مثل بازی است
که کشاورزان را رستی آن [هزاران] به شگفتی اندازد،
سپس [آن گشت] خشک شود و آن را [دره بیسی] و آن
که خاشاک شود و در آخرت، [دشمنان را] عداوتی
سخت است و [مؤمنان را] از جانب خدا آمرزش و
عسودی است و زندگی دنیا، چرخه‌ای فریبده

بست»

حدیث

۳۳۰۹ پیغمبر خدا ﷺ آیا جهاد در راه خدا، منحصر
به کشته شدن است؟ آن که برای پدر و مادرش
بکوشد و نیز آن که برای خانواده‌اش تلاش کند و هم
آن که برای پای نگاه داشتن خود همت ورزد، همه
جهاد در راه خدا به شمار می‌آیند و آن که برای دهر
مروشی [یا ثروت] تلاش کند، در راه شیطان است
۳۳۱۰ پیغمبر خدا ﷺ: زور قسیامت، فرورد آدم،
همچون بره آورده می‌شود و مرد خداوند می‌ایستد،
خدا به او می‌فرماید: «به تو عطا کردم و نعمت
بخشیدم پس چه کردی؟»

می‌گیرند. پروردگارا! آن را بگرد آوردم و به آن
عبرودم و بیش از آنچه بود، باقی نهادم. پس مرا باز
گردان تا آن راه تو باز گردانم.

يَقْدُمُ خَيْرًا فَيُصْصِي بِهِ إِلَى النَّارِ^۱

حداولد می فرماید: دشنام ده که چه پیش
فرستاده ای؟

۲/۱ التَّحْذِيرُ مِنَ الْكُذْرِ

می گوید: پروردگار! آن را گیرد آوردم و به آن
افرودم و بش از آنچه بود، باقی نهادم پس مرا باز
گردان تا آن را به تو باز گردانم.
آن گاه، بنده ای که خیری پیش نفرستاده باشد، به
سوی آتش رانده می شود

۳۳۱۱ رسول الله ﷺ لَا يَوْصَعُ الدَّيْسَارُ عَلَى مَدْيَسٍ
وَلَا الدَّرْهَمُ عَلَى الدَّرْهَمِ وَلَكِنْ يُوسِّعُ اللَّهُ جِلْدَهُ
﴿مَنْ كَوَىٰ بِهَا حَسَاهُمْ وَجَنُوبَهُمْ وَظُهُورَهُمْ هَذَا مَا
كَرَّمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ هَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْتَبُونَ﴾^۲

۳۳۱۲ عَنْهُ ﷺ مَنْ أَوْكَىٰ عَمَىٰ ذَهَبٍ أَوْ بَصِيٍّ وَمِنْ يُسْقِفُهُ
فِي سَبِيلِ اللَّهِ، كَانَ خَيْرًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُكْوَىٰ بِهِ^۳

۳۳۱۳ عَنْهُ ﷺ مَا مِنْ غَيْدٍ يَمُوتُ يَوْمَ يَمُوتُ فَيَرْكُ
أَصْفَرُ وَأَبْيَضُ إِلَّا كُوِيَ بِهِ^۴

۳۳۱۴ مسند ابن حنبل عن امی امامه تَوْفَىٰ رَحُلٌ مِنْ
أَهْلِ الصُّفَّةِ، فَوُجِدَ فِي مِرْرَةٍ دِيَّارٌ فَقَالَ
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كَيْفَ، ثُمَّ تَوَفَّىٰ آخَرُ، فَوُجِدَ فِي مِرْرَةٍ
دِيَّارَانِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كَيْفَانِ^۵

۲-۱ هشدار درباره مال اندوزی
۳۳۱۱ پیامبر خدا ﷺ دینار بر دینار و درهم بر درهم
نهاده نمی شود؛ بلکه خداوند [دین گوی] پوست
بدن آن [مال اندوزان] را گسترش می دهد ﴿در پوست﴾
پیشانی و پشت نان را یا آنها داغ می نهند [و به آنان
می گوید] این نیست آنچه برای خود اندوختید پس [کنفر]
آنچه را هم اندوختید، بهشتید

۳۳۱۲ پیامبر خدا ﷺ هر که زر و سیم بپسورد و آن
را در جیب خود انفاق نکند، همان در روز قیامت،
سگی می گردد و با آن، بروی داغ نهاده می شود

۳۳۱۳ پیامبر خدا ﷺ هیچ بنده ای نیست که به هنگام
مرگ، از خود زر و سیم باقی بگذارد، مگر این که با
آن، بروی داغ نهاده می شود

۳/۱ شُرُوطُ صَدَقِ الْكُذْبِ

أ- عَدَمُ كَوْنِ الْعَالِ بَقَّةً

۳۳۱۴ مسند ابن حنبل - به نقل از ابو امامه - مردی از
اهل صُفَّة در گذشت در جامه اش دیناری یافتند
پیامبر خدا فرمود: این بر او داغ خواهد نهاد

سپس مردی دیگر در گذشت و در جامه اش دو
دینار یافت پیامبر خدا فرمود: دو داغ بر وی نهاده
خواهد شد

۳۳۱۵ رسول الله ﷺ فِي لِإِسْلِي صَدَقَتُهَا، وَفِي الْعَمِ
صَدَقَتُهَا، وَفِي الْبَقَرِ صَدَقَتُهَا، وَفِي النَّرِ صَدَقَتُ
وَمَنْ رَفَعَ دَنَانِيرَ أَوْ دَرَاهِمَ أَوْ تَبْرًا وَعَصَهُ لَا يُعْجِزُهَا
لِغَرِيمٍ وَلَا يُنْفَعُهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَهُوَ كَسْرٍ يُكْوَىٰ بِهِ

۳/۱. شُرُوطُ تَحْقُوقِ مَالِ ابْنِ دُورِي

الف- هر چه بشن مال

۳۳۱۵. پیامبر خدا ﷺ شتر و گوسفند و گاو و گندم،
رکات دارند هر که دینار یا درهم یا شمش و سقره

۱- سنن الترمذی ج ۱ ص ۶۱۸ ح ۲۴۲۷

۲- التوبة ۳۵ ۳- الدر المنثور ج ۲ ص ۱۷۹

۴- المعجم الکبیر ج ۲ ص ۱۵۳ ح ۱۶۱

۵- المعجم الکبیر ج ۸ ص ۱۴۳ ح ۷۳۶

۶- مسند ابن حنبل ج ۸ ص ۲۷۷ ح ۲۲۳۳۹

يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۱

ببندورد و آن را برای پرداخت بدهی کنار نگذاشته
باشد و در راه خدا نیز اتفاق نکند، مال‌اندوز به شمار
می‌آید و زور قیامت، با همان سر روی داع سعاد
می‌شود

ب - عَدَمُ آدَاءِ زَكَاةِ الْمَالِ

۳۳۱۶ رسول الله ﷺ أَيْسَأُ مَالٍ أَذْيَبَ زَكَاةَهُ فَلَيْسَ
بِكَبِيرٍ^۲

ب - پرداخت نکردن زکات مال

۳۳۱۶ پیامبر خدا ﷺ هر مالی که زکات آن پرداخت
شده باشد، زراوندوخته محسوب نمی‌گردد.

۳۳۱۷ امام علی علیه السلام این آیه نازل شد: ﴿وَأَذَانٌ مِّنَ
رَّبِّكَ مَآءُودٌ وَّأَن رَّاهُ هَذَا لَفِ تَفَقُّمٍ مِّنْكَ مَنَ عَلِيٍّ
بِرَدِّكَ مَآءُودٌ مِّنْكَ، يَا مَعْزُومٌ، پس از سرول آن
فرمود: هر مالی که زکات آن ادا شده باشد،
زراوندوخته به شمار نمی‌آید، هر چند زهر هفت
رزمی باشد؛ و هر مالی که زکات آن ادا نگردد،
زراوندوخته است، هر چند روی زمین باشد.

۳۳۱۷ الإمام علي عليه السلام لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ ﴿وَالَّذِينَ
يَكْبُرُونَ الذَّهَبَ وَالنَّعْصَةَ وَلَا يُحِقُّونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
فَنَسَبْنَاهُم بِغَضَابِ إِلِيمٍ﴾ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ [كُلُّ] مَالٍ
تُؤَدِّي زَكَاةَهُ فَلَيْسَ بِكَبِيرٍ وَإِنْ كَانَ تَحْتَ شَجَرٍ أَوْ حِمِينَ،
وَكُلُّ مَالٍ لَا تُؤَدِّي زَكَاةَهُ فَهُوَ كَسْرٌ وَإِنْ كَانَ فَوْقَ
الْأَرْضِ^۳.

۳۳۱۸ مس این داوود بن اُم سلمه كُنْتُ أَلَيْسَ أَصَابِعاً
مِنَ ذَهَبٍ، فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَكْثَرُ هُوَ؟ فَقَالَ مَا
يَلْمُكَ أَنْ تُؤَدِّي زَكَاةَهُ فَرُكْنِي فَلَيْسَ بِكَبِيرٍ^۴

۳۳۱۸. مس این داوود - به نقل از اُم سلمه -، حالایی
از طلا را رست خود می‌کردم گفتم، ای پیامبر
خدا! آیا این، زراوندوری به شمار می‌آید؟
فرمود: هر چه به نصاب زکات رسیده و
زکانش پرداخت شده باشد، زراوندوری به شمار
نمی‌آید.

۱ المستدرک علی الصحيحین، ج ۱ ص ۵۱۵ ح ۱۳۱

۲ تاریخ بغداد، ج ۸ ص ۱۲ ح ۱۰۱۸

۳ بین المعرفین سقط من الطبعة المعتمدة، واثباته من
بحار الأنوار

۴ الأمالی للطوسي ص ۵۱۹ ح ۱۱۱۲

۵ مس این داوود ج ۲ ص ۹۵ ح ۱۵۶۴

معنای زراعت و زوری، در قرآن و حدیث

حرام شمردن زراعت و زوری، از دیرترین و سر بوشت سار ترین احکام اسلام شمرده می شود

پیشینه تاریخی

از لحاظ تاریخی، زراعت و زوری به رورگر تحول در عرصه فعالیت های اقتصادی بار می گردد؛ از این قرار که تولید خانواری از مرز بیابان های سالاته خانوده گذشت و بدین ترتیب اقتصاد از حالت بدوی معیشتی به شکل مبادله ای درآمد همراه با چسب تحول و تکاملی در عرصه اقتصاد، پدیده زراعت و زوری چهره نمود با ظهور عصر مبادله، هر خانواده توانست کالاهای بیش از نیاز خود را تولید و با دیگران تبادل نماید و گاه پس از این مبادله، در مجموع تولید خانواده و درآمد آن، تا کسر هزینه مصرف، افزایش دهنده می شد

برای پس انداز این مقدار اضافه تولید بر مصرف در خانوده، تنها دو راه متصور بود، یک راه، آن بود که این اضافه به شکل ثروت در تولید جدید به کار گرفته می شد. در این حال، افزایش دائم ثروت صاحبان افزوده اقتصادی، به اختلاف طبقاتی منجر می شد و آن در عین حال، به فعالیت های اقتصادی دامن می زد و به طور عام، شکوفایی تولید را در پی داشت.

اتراره دوم، آن بود که افزوده ها به کالایی با حجم کمتر، لیکن با ارزش بیشتر، تبدیل گردید تا نگهداری و ذخیره سازی آنها مستر باشد. مانی که بدین سان، ذخیره گشت و از مدار حرکت اقتصادی و دسترس و استفاده مردم خارج شد، در اندوخته نام گرفت. بدین ترتیب، این عنوان بر مان متراکمی اطلاق شد که در چرخه تولید، نقشی نداشته باشد و به بروز اختلاف طبقاتی در جامعه منجر گردد

زراعت و زوری، از این جهت که موجب تراکم و ذخیره سازی اموال می شود، همانند احتکار است؛ اما از لحاظ معنومی با آن تفاوت دارد. مراد از ذخیره سازی در احتکار، فروش آن پس از گران شدن کالا است و از این رو، خود کالا برای محتکر، بسیار اهمیت دارد؛ اما در زراعت و زوری، هدف از تراکم ثروت، صرفاً افزایش مالی است و لذا خود کالا خصوصیتی ندارد و توجه عمده به عصر هدایت معمر می شود. به همین دلیل، طلا و نقره در این زمینه دارای جایگاهی خاص هستند؛ چرا که می توان هر زمان آنها را مبدله کرد، و بر دارای حجم کم هستند. در نتیجه، این دو، عمده ترین مواد زراعت و زوری در گذشته به شمار می رفته اند.

زرااندوری، در قرآن

در قرآن کریم آمده است .

﴿وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالنَّعْشَةَ...﴾

و آنان که زر و سیم را می‌اندورند .

در این آیه ، مال اندوخته شده به طور مطلق در نظر است و علت ذکر زر و سیم در آیه ، آن است که عباد از این دو برای مال‌اندوری استفاده می‌شده است . مشاهدات تاریخی میر این را تأیید می‌کند

زرااندوری، در حدیث

ب دقت در متون روایی می‌توان احادیث مربوط به تفسیر زرااندوری را در سه دسته جای داد.

دسته اول احادیث دال بر این که زر ، یعنی مطلق مال‌اندوری و حتی شامل اندوختن یک قیراط میر می‌شود

دسته دوم احادیثی که به روشی دلالت می‌کند که زر اندوخته ، شامل مالی است که زکات آن پرداخت شده باشد و آنچه زکاتش داده شده باشد ، کمتر به شمار نمی‌آید

دسته سوم روایاتی که مقدار معینی از مال را که اندوختنی ، زرااندوری محسوب می‌شود ، نشان داده‌اند برای تبیین روایات باید نکاتی را ذکر کنیم:

۱ بیشتر این روایات ، از نظر سند ، صحیف‌اند و از این رو ، نمی‌توان بدون تأیید معاد آنها ، یا عرض قطعی ، بدیه استناد کرد

۲ هرگاه این روایات را در کنار احادیث ترسیم‌کننده حدود انفاق واجب و مستحب در اسلام قرار دهیم ، می‌توانیم معنای زرااندوری را که در آیه مورد بحث آمده ، در بایم و این ، خود ، در پرهیز از این پدیده خطرناک اقتصادی - اجتماعی نقشی بسزا دارد .

برای توضیح این دیدگاه باید توجه کرد که قرآن کریم ، انفاق در راه خدا را منبع تراکم ثروت و معاصد ناشی از آن می‌داند . نیز باید حمایت داشت که بنا به ادله قطعی ، انفاق دارای دو قسم واجب و مستحب است . با نظر به این فربه که در آیه یاد شده ، سربار رسیدگان بر انفاق به حدیث بیم داده شده‌اند ، می‌توان گفت که مراد ، انفاق واجب است

از همین جا می‌توان دریافت که هرگاه مردم ، حقوق مالی خود را ادا کنند ، مشکلات اقتصادی جامعه حل می‌شود و پدیده‌های خطرناکی همچون تراکم ثروت ، از میان می‌رود و زمینه برور اختلافات طبقاتی فحش برچیده می‌شود و بدین سان ، همه مردم بر سطح طبیعی زندگی مرقه و کریمانه برخوردار می‌گردند . برخی از احادیث رسیده در این باب ، به شماری از این دستاوردها اشاره دارند

۲ در پرتو دو نکته گذشته، می‌توان احادیث مربوط به براندازی را بدین شکل تفسیر کرد.

الف - احادیثی که مال دحبیره شده را به طور مطلق، در سوجیه می‌شمارند، در حقیقت، ناظر به حقوق مالی واجب هستند بدین ترتیب سر باز زدن از دای بی حقوق حتی به اندازه یک قیراط، براندازی محسوب می‌شود و فردی که این حقوق را نادانگد، مشمول آیه یاد شده می‌گردد.

ب - احادیثی که براندازی را درباره اموالی که رک تش پرداخت نکرده، صادق می‌دانند، ناظر به حقوق مالی واجب هستند و بر هر گاه این حقوق را گردند، مشکلات اقتصادی جامعه حل خواهد شد. سایرین، دحبیره ساری ثروت برای کسی که حقوق مالی واجب را نکند، حدیر است + البته مادام که به بیان جامعه ریان برساند و به اختلافات ژرف طبقاتی بی‌حامد و ین، عبرت مصیبتی است که کعب لأخبار در پاسخ به عثمان در نظر داشت، آنگاه که عثمان پرسد «نظر تو چیست درباره کسی که رکات واجب مالش را پرداخته است؟ آیا بار هم وظیفه‌ای بر عهده او است؟» و او پاسخ داد نه! حتی اگر حششی از طلا و حششی از نقره داشته باشد، چپیری بر او واجب نیست.

شک نیست که اسلام، چس ثروت اندوزی فاحش و مال آباشنگی عظیمی را حدیر نمی‌داند، بویژه اگر از بیت المال، گردد آمده باشد.

مراد عثمان، این بود که زندگی فوق العاده اشرافی خود را با اسبده قوی کعب لأخبار، موخه حلوه دهد، همان گونه که می‌خواست بر دمسنداری های خوش به بیت المال به سود خویشاوندش و بخشش های بی حساب و کنتش سرپوش بگذارد و خود را از سرورش و بنفدهی یاران پیامبر جدا، بویژه او در، بر کبر دارد، تحصیل این بحث، محتاج فرصتی مستقل است.

ج - احادیث تعیین کننده مقدار معین برای براندازی، ناظر به اوضاع اقتصادی و اجتماعی گوناگون است چرا که بیهای مالی انسان، به تناسب اوضاع گوناگون و حجم توزیع، متفاوت است بدین ترتیب، افرون بر آن بیارند، در قلمرو اندوخته های می‌گیرد که باید رکات آن را داکرد و حقوق مالی و حب آن را پرداخت.

د - برخی روایات، انسان را از دحبیره ساری بیش از مقداری معین منع می‌کند، خواه رکات آن پرداخت نکرده و خواه نکرده. بر برخی احادیث، حدی معین را ثروت را برای انسان مسلمان ذکر می‌کند که شایسته است فرد از آن تخطی نماید. این دو دسته را روایات، احتمالاً به دو حقیقت مهم اقتصادی در اسلام اشاره دارند.

نکته اول، ین که دحبیره ساری ثروت حلال، تا زمانی مشروع است که به اقتصاد جامعه ریان برساند.

دوم، آن که ثروت اندوزی حلال هم، اگر از حد معینی، فراتر رود و صاع اقتصادی گوناگون، فراتر برود، ممکن است برای شخص ثروتمند خطر داشته باشد، حتی اگر برای اقتصاد جامعه ریانی نداشته باشد. ین خطر که ثروتمند را تهدید می‌کند، آن است که وی به بیماری «ثرف (خوش گدیزی و عیاشی)» دچار گردد و ثروتش او را به طعیان و فساد بکشانند.

۱/۱ الخصائص السلبية للثروة

۴/۱ ویژگی‌های منفی ثروت

أ- مادة الشهوات

الف - مایه شهوت‌ها

۳۳۱۹ رسول الله ﷺ: تَحْيِيءُ الْأَرْضِ أَوْلَادَ كَيْدِهَا أَمْثَانُ الْأَسْطُوَانِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْبَيْضَةِ، فَيَجِيءُ الْقَائِلُ فَيَقُولُ: فِي هَذَا قَتْلٌ، وَيَجِيءُ الْقَاطِعُ فَيَقُولُ: فِي هَذَا قَطْعٌ رَجِيمٌ، وَيَجِيءُ السَّارِقُ فَيَقُولُ: فِي هَذَا قُطِفَتْ يَدِي ثُمَّ يَدْعُوهُ فَلَا يَأْخُذُونَ بِهِ شَيْئاً^۱

۳۳۱۹ پیامبر خدا ﷺ: زمین، پاره‌های جگرش را همچون ستون طلا و نقره فبی می‌کند. قاتل می‌آید و می‌گوید: «برای این، مرتکب قتل شدم» پیوند بریده از حویشان می‌آید و می‌گوید: «برای این، از حویشان پیوند بریدم».

درد می‌آید و می‌گوید: «برای این، دستم بریده شده» سپس آن را در می‌خواستند و از آن، هیچ چیز بر نمی‌گیرند.

ب - مصيدة إبليس

ب - دام ابلیس

۳۳۲۰ رسول الله ﷺ: قَالَ الشَّيْطَانُ - لَعَنَهُ اللَّهُ - لَنْ يَسْلَمَ مِنِّي صَاحِبُ الْمَالِ مِمَّنْ أَحَدِي ثَلَاثَ أَعْدُو عَلَيْهِ يَهْرُ وَأَرْوَحُ يَهْرُ أَحَدُهُ الْعَالِ مِمَّنْ عَمِرَ حِلْيَةٍ، وَإِنْعَافَةٌ فِي عَمِرِ حَقٍّ، وَخَبِيئَةٌ لِيهِ مِمَّصَةٌ مِمَّنْ حَقُّ^۲

۳۳۲۰ - پیغمبر خدا ﷺ: شیطان - که لعنت خدا بر او باد - گفت: کارنده مال در یکی از این سه، از چنگ من رهایی نمی‌یابد و نامدادن و شامگاهان از آنها بر او در می‌آید: کسب مال از راه غیر حلال، صرف کردن مال در مورد باروا؛ و نیز این که مال را چندان برایش دوست داشتی می‌گم که حق آن را انداخته‌اند.

ج - فتنة النفس

ج - فتنه جان

۳۳۲۱ رسول الله ﷺ: عَنْ جَبْرِيلَ أَنَّهُ قَالَ: - لِيْ حُبُّ الدُّنْيَا وَالْأَمْوَالِ فِتْنَةٌ، وَمُتَعَلِّقَةٌ عَنِ الْآخِرَةِ^۳

۳۳۲۱ پیغمبر خدا ﷺ: به نقل از جبرئیل: - همانا دوستی دنیا و اموال، فتنه و باز داشته شدن از آخرت است.

۵/۱ التحذير من عمادة المال

۵/۱ هشدار درباره مالچرستی

۳۳۲۲ رسول الله ﷺ: تَعَسَّ عَمْدُ الدَّيَّارِ! تَعَسَّ عَمْدُ الدَّرْهِمِ! تَعَسَّ وَلَا تَتَعَسَّ!^۴

۳۳۲۲ پیامبر خدا ﷺ: بنده دینار، هلاک می‌گردد بنده درهم، هلاک می‌گردد، نابود می‌شود و پس از هرو افتادن بر نمی‌خیزد.

۱ صحیح مسلم ج ۲ ص ۷۰۱ ح ۶۲
۲ المعجم الکبیر ج ۱ ص ۱۳۶ ح ۲۸۱
۳ الکافی ج ۵ ص ۳۱۳ ح ۳۸
۴ تبه الخواطر ج ۱ ص ۱۵۹

۳۳۲۳ عنه ﷺ ملعون ملعون من عبَدَ الدِّينَارَ وَالدَّرْهَمَ! ملعون ملعون من كَتَبَ أَعْسَى! ملعون ملعون من نَكَحَ بَهِيمَةً! ۱

۳۳۲۴ پیامبر خدا ﷺ ملعون است ملعون، آن کس که دینار و درهم را سزدگی کند ملعون ست ملعون، آن که بر نابینایی، به سبب نابینایی اش طعن رند ملعون است ملعون، آن کس که با چارپایی در آمیزد

۶/۱ ذمُّ إِيثَارِ الْمَالِ

الكتاب

﴿وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا﴾^۱

﴿إِنْ هَتُولَايَ يُجِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاعَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا﴾^۲

الحديث

۳۳۲۴ رسول الله ﷺ مَا دِنَارٍ جَائِعًا فِي عَنَمٍ قَدْ مَرَّتْهَا رَاعِيهَا، أَحَدُهُمَا فِي أَوَّلِهَا وَآخِرُهَا أَجْرِيهَا، بِأَسَدَ فِيهَا مِنْ حُبِّ الْمَالِ وَالشَّرِّ فِي دِينِ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ^۱

۳۳۲۵ هه ﷺ إِنَّا كُنْمْ وَأَوْلَادَ الْأَعْيَاءِ وَالْمُعْوَكِ الْمُرْدَا فَإِنْ وَتَنَّتْهُمْ أَشَدُّ مِنْ فَتَنَةِ الْعَدَارِي فِي حُدُورِهِنَّ^۲

۷/۱ مَصَارُ النَّكَاتِ أَكْثَرُ أَعْظَمُ مِنْ مَصَارِ الْفَقْرِ

۳۳۲۶ رسول الله ﷺ إِنَّمَا أَتَخَوَّفُ عَلَى أُنْسِي مِنْ بَعْدِي ثَلَاثَ حِصَالٍ أَنْ يَتَأَوَّلُوا الْقُرْآنَ عَنِّي غَيْرَ تَأْوِيلِهِ، أَوْ يَتَّبِعُوا رَأْيَ الْعَالَمِ، أَوْ يَظْهَرُ مِنْهُمْ الْمَالُ حَتَّى يَطْفُرُوا وَيَهْطُرُوا^۳

۱ الکافی ج ۲ ص ۲۷۰ ح ۹

۲ العجری ۲۰ ۳ الدرر ۲۷

۴ ترمذی للتحفین بن سعید ص ۵۸ ح ۱۵۵

۵ الکافی ج ۵ ص ۵۱۸ ح ۸

۶ النخائل ص ۱۶۴ ح ۲۱۶

۶/۱ منکوهش ترجیح دادن مال

قرآن

﴿و مال را دوست می‌دارید دوست داشتنی بسیار﴾

﴿بیشتر، دینی رودگرد را دوست دارید و دوری گرانباز را

[به عفت] پشت سر می‌افکنند﴾

حدیث

۳۳۲۴ پیامبر خدا ﷺ صدای که دوستی مال و راست، سحرآمیز دین انسان مسلمان دارد، پیش از آن است که دو گمرگ گرسنه در گنجه کوه سمدی بدون چوپان در نشاند و یکی به اول گنه و دیگری به آخر آن پورش برزد

۳۳۲۵ پیامبر خدا ﷺ هر حذر باشید از فروردان موحط تو بگران و شاهان، که فتنة ایشان، اعتبار از فتنه دوشیزگان پرده‌شبن است

۷/۱ ریس‌های ثروت‌اندوزی، بیش از زیان‌های فقر است

۳۳۲۶ پیامبر خدا ﷺ جز این نیست که بر امت خود، پس از خویش، از سه چیز می‌ترسم قرآن را نازوا تاویل کند به دسال لعرش عالم روست، و یب ان قدر [کس] مال در میانشان رواج یابد که به سرکشی و طعنان در افتند

۳۳۲۷ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَأَنَا فِي فِتْنَةِ الشَّرَاءِ أَحَوْثُ عَلَيْكُمْ بِسِ
يَتَةِ الصَّرَاءِ؛ إِنَّكُمْ قَدْ ابْتَلَيْتُمْ بَعِثَتِي الصَّرَاءَ فَصَبِرْتُمْ،
وَإِنَّ الدُّنْيَا حَصِيرَةٌ حُلُوءَةٌ.^۱

۳۳۲۸ السَّيِّدُ الْكُبْرَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَوَالَةَ كُنَّا عِنْدَ
رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَشَكَّوْنَا إِلَيْهِ الثَّرِيَّ وَالْفَقْرَ وَقِيلَ الشُّيْءُ،
فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَبْشِرُوا؛ فَوَلَّاهُ لَأَنَا بِكَثْرَةِ الشُّيْءِ
أَحَوْثِي عَلَيْكُمْ مِنْ قَلْبِي.^۲

۸/۱ فضائل التكاثر

۱- تيسیان الله

الكتاب

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُوا أَمْوَالَكُمْ وَلَا أَوْلِيَّكُمْ عَنْ
دَعْوِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾^۳

الحدث

۳۳۲۹ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِحْذَرُوا الْمَالَ فَإِنَّهُ كَانَ فِي مَا
مَعْنَى زَجَلٍ قَدْ جُمِعَ مَالًا وَوَدَّأَ وَأَقْبَلَ عَلَى نَفْسِهِ
وَعِيَالِهِ وَجَمَعَ لَهُمْ فَأَوْعَى، فَأَتَاهُ مَلَكُ الْمَوْتِ فَفَرَعَ
بَابَهُ وَهُوَ فِي زِيٍّ مَسْكِينٍ، فَخَرَجَ إِلَيْهِ الْعُجْبَابُ، فَقَالَ
لَهُمْ أَدْعُوا إِلَيَّ سَيِّدُكُمْ قَالُوا أَوْ يَخْرُجْ سَيِّدُنَا إِلَى
مِثْلِكَ؟! وَدَعَاؤُهُ حَتَّى نَعُوَ غَيْرِ الْبَابِ

ثُمَّ عَادَ إِلَيْهِمْ فِي مِثْلِ تِلْكَ الْهَيْئَةِ وَقَالَ: أَدْعُوا إِلَيَّ
سَيِّدُكُمْ وَأَحْبِرُوهُ أَنِّي مَلَكُ الْمَوْتِ فَلَمَّا سَمِعَ سَيِّدُهُمْ

۳۳۲۷ پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هر آینه من از فتنه گشاده دستی،
بیش از فتنه تنگ دستی، بر شما بیمناکم شما به
فتنه تنگ دستی آرموده شده اید پس شکیا ناشید
که دنیا، حوش نقش و شیرین است

۳۳۲۸ السَّيِّدُ الْكُبْرَى - به نقل از عبد الله بن حواله - نبرد
پیامبر خدا بودیم و از بی جا مگی و فقر و
کم مایی، به ایشان شکایت بردیم فرمود: «مژده
یاد شما را! به خدا سوگند که از پرمایی، بیش از
کم مایی، بر شما بیم کم»

۸/۱ زیان‌های ثروت اندوزی

الف - فراموشی کردن خدا

قرآن

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُوا أَمْوَالَكُمْ وَلَا أَوْلِيَّكُمْ عَنْ
دَعْوِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾^۳
چنین کند، آنان خود، زیانکاران اند

حدیث

۳۳۲۹ پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از مال، بر حذر باشید، که در
روزگار گذشته، مردی بود که مال و ورزید گردد
می آورد و به خود و خانواده اش می پرداخت و برای
ایشان، مال جمع می کرد پس فرشته مرگ، نزد وی
آمد و در جامه یسویی، در [حانه] او را گرفت. دربانان
به سوی وی رفتند. به آنان گفت: «سرور خود را نزد
من فراخواند»

گفتند: آیا سرور ما به دیدار کسی چون تو آمده؟
پس وی را رانند تا از آستانه حانه دورش
کردند. دیگر بار، آن فرشته با همان شکل آمد و
گفت: «سرور خود را برد من، فراخواند و آگاهش
کند که من، فرشته مرگم».

سرور آنان، چون این کلام را شنید، بیمناک و
بسی هراسان بر نشست و به یارانش گفت: «با وی به

۱ - مستدرک علی ج ۱ ص ۳۶ ح ۲۷۶

۲ - السَّيِّدُ الْكُبْرَى ج ۹ ص ۲۰۲ ح ۱۸۶۰۹

۳ - المتافرون ۹

هَذَا الْكَلَامَ فَقَدْ خَائِفًا قَرَأَ، وَقَالَ لِأَصْحَابِهِ لَيْسَ لَكُمْ فِي الْقِتَالِ وَقُولُوا لَهُ لَعَلَّكَ تَطْلُبُ غَيْرَ سَيِّدِنَا يَا زَكَةَ هَكَذَا قَالَ لَهُمْ لَا وَدَخَلَ عَلَيْهِ وَعَالَ لَهُ قُمْ فَأَوْصِ مَا كُنْتُ مَوْصِيًا، فَأَنَّى قَائِلُ رَوْحِكَ قَبْلَ أَنْ أُخْرِجَ نَصَاحَ أَهْلِهِ وَيَكُونُوا، فَقَالَ افْتَحُوا الصَّدَاقَ وَكُتُبُوا (اَكْتُبُوا) مَا فِيهِ مِنَ الذَّهَبِ وَالنِّصْفَةِ

ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى امْعَالِ بَيْتِهِ وَيَقُولُ لَهُ لَعَلَّكَ هَكَذَا مَالُ السُّبْحِيِّ دَكَرَ بَنِي، وَأَعْلَشِي عَنْ أَمْرِ اجْزَنِي، حَتَّى يَنْتَشِي مِنْ أَمْرِ اللَّهِ مَا قَدْ بَقِيَ

فَأَمَّا طَقَّ اللَّهُ تَعَالَى الْمَالَ فَقَالَ لِمَ تَسْبِي وَأَنْتَ الْأُمُّ بَنِي؟ أَلَمْ تَكُنْ فِي أَعْيُنِ النَّاسِ حَقِيرًا مَرْفُوعًا لَمَّا رَأَوْا عَلَيْكَ مِنْ أَثَرِي؟ أَلَمْ نَحْصُرْ أَسْوَابَ الْمُلُوكِ وَالنَّسَادَةِ وَنَحْصُرُهَا الصَّالِحُونَ فَتَدْخُلَ قَبْلَهُمْ وَيُؤْخَرُونَ؟ أَلَمْ تَحْطَبْ بَنَاتِ الْمُلُوكِ وَالنَّسَادَاتِ وَتَحْطَبُهُنَّ الصَّالِحُونَ فَتَشْكُحْنَ وَيُرَدُّونَ؟ أَلَمْ تَكُنْ تُعْقِي فِي سَبِيلِ الْحَيَاتِ لَمْ أَمْتِجْ عَلَيْكَ، وَلَوْ كُنْتُ تُعْقِي فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَمْ أَتَقَصَّ عَلَيْكَ فَلِمَ تَسْبِي وَأَنْتَ الْأُمُّ بَنِي؟ وَإِنَّمَا خَلَقْتُ نَا وَأَنْتَ مِنْ تَرَابٍ، فَأُطْلِقُ تَرَابًا بَرِيئًا وَمُنْطَلِقُ أَنْتَ بَائِسِي

هَكَذَا يَقُولُ الْمَالُ لِصَاحِبِهِ^۱

ب - اِلَا سُبْحَرَا ج

الكتاب

﴿أَيُخْسِنُونَ أَنَّمَا ذُكِّرُوا بِهِ مِنْ ثَالِ وَبَعِيرٍ﴾ تُسَارِغُ

برخی سخن برانید و به وی بگویید: خدایت پرکت دهد! شاید به دیال کسی جز سرور ماهستی! گفت: نه!

سپس بر وی وارد شد و به او گفت: «بحیر و هر چه خواهی، وصیت کن، که من پیش از بیرون شدن، حالت را می‌ستانم»

حیوانه‌اش بانگ برآورده، گریستند مرد گفت صندوق‌ها را بگشایید و هر چه زر و سیم در آن است، مهرست کنید.

آن گاه، آن مرد به مال خود روی کرد و آن را دشنام داده، گفت: خدایت لعنت کن! یاد پروردگارم را از خاطرم بزدی و از کار احقرت، عاقلم کردی، چندان که مرا در کار خدا به سرکشی واداشتی

سپس خدای متعال، آن مال را به سخن در آورد، ملامت گفت: چرا مرا دشنام می‌دهی، حال آن که تو از من بگریه‌ای، نه هستی؟ آیا تو در چشم مردم، کوچک بودی و چون اثر مرا در تو دیدند، گریه‌های ندانند؟ آیا در محضر شاهان و بزرگان، همراه شایستگان، حضور نیافتی و پیش از ایشان وارد شدی؟ آیا دختران شاهان و بزرگان را به همسری نگرفتی، حال آن که شایستگان هم خواستگار آنان بودند، اما تو پذیرفته شدی و ایشان پذیرفته نگشتند؟ اگر مرا در راه حیرها صرف می‌کردی، تو را باز می‌داشتم و اگر در راه خدا مصرف می‌نمودی، تو را نکوهش نمی‌کردم. پس چرا به من دشنام می‌دهی، حال آن که تو از من نکوهیده‌تری؟ من و تو از خاک آفریده شدیم، و ایستیم، همان خاک پاکم و توبه گناه من آلوده‌ای

مال به صاحب خویش، چنین می‌گوید

ب - بینه فرو افتادن

قرآن

﴿أَيَا مَعْذُورُونَ أَنَّمَا يُبَدِّلُكُمْ مِنْ مَالٍ وَبَسْرٍ﴾ که بدیشان مدد

لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ^۱

الحديث

می‌دهیم [از آن دوست که] می‌خواهیم به سودشان در

غیرت، شتاب ورزیم؟ [نه] بلکه نمی‌فهمند^۲

حدیث

۳۳۳۰. پیامبر خدا ﷺ، همان‌جا خداوند به ظالم مهلت می‌دهد تا بگوید: خدا مرا رها نهاده است، سپس وی را سخت گرفتار می‌کند. خداوند، خود را به گناه هلاکت ظالمان متوجه و فرموده است: «پس بیخ و بن گروهی که مستم کردند، پُریده شد و ستایش، خدای راست، پروردگار جهان‌ها»^۳

ج - بنده فراوان

۳۳۳۱. پیامبر خدا ﷺ، همانا هر چه مال دنیا افروخته و بسگی‌تر گردد، بلای صاحب آن بیشتر می‌شود. پس نه حال ثروتمندان عبطه محو شود، مگر به حال آن کس که مالش را در راه خدا می‌بخشد.

د - حساب می‌بخت

۳۳۳۲. پیامبر خدا ﷺ، هیچ بنده‌ای به حاکم نزدیک نمی‌گردد، مگر آن که از خدا دور می‌شود؛ و مالش افروخته نمی‌گردد، مگر آن که حساب می‌بازد. محبت می‌شود.

ه - دشواری بجا یافتن

۳۳۳۳. پیامبر خدا ﷺ، همانا پیش روی شما گرده‌ای پس سخت قرار دارد که گران‌باران نمی‌توانند از آن گذر کنند.

۳۳۳۴. التوحید - به نقل از رید بن وهب، از ابو ذر -

شبی از شب‌های بیرون رنم و پیامبر خدا را دیدم که سه قدم می‌راند و هیچ کس با وی نیست. گمان کردم که دوست نمی‌دارد کسی با ایشان همراه باشد. پس در سانه مده به گام ردن پرداختم. مر دیدم و فرمود:

۳۳۳۰. رسول الله ﷺ: إِنَّ اللَّهَ يُمَوِّلُ الظَّالِمَ حَتَّى يَقُولَ قَدْ أَهْمَنَنِي، ثُمَّ يَأْخُذُهُ أَخَذَةً رَابِعَةً. إِنَّ اللَّهَ حَبِيبُ نَفْسِهِ عَبْدٌ هَلَكَ الظَّالِمِينَ فَقَالَ: «مَقْطَعُ ذَابِرِ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَنَّمُوا وَأَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»^۴

ج - كَثْرَةُ الْهُمُومِ

۳۳۳۱. رسول الله ﷺ: إِنَّ مَالَ الدُّنْيَا كُلَّمَا ارْتَدَّ كَثْرَتْ وَعِظْمًا ارْتَدَّ صَاحِبُهُ بَلَاءً، فَلَا تَمِطُوا أَصْحَابَ الْأَمْوَالِ إِلَّا هَمَّ جَادَ بِمَالِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ^۵

د - تَلَبُّدُ الْحِسَابِ

۳۳۳۲. رسول الله ﷺ: مَا أَضْرَبَ عَبْدٌ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا تَبَاعَدَ مِنْ أَثَرِهِ، وَلَا كَثُرَ مَالُهُ إِلَّا أَشَدَّ حِسَابَهُ^۶

ه - صُعُوبَةُ النُّجَاةِ

۳۳۳۳. رسول الله ﷺ: إِنَّ مِمَّا يَكُمُ عَقَبَهُ كُفُورًا، لَا يَتَحَوَّرُهَا الْمُتَهَيِّلُونَ^۷

۳۳۳۴. التَّوْحِيدُ عَنْ رَيْدِ بْنِ وَهَبٍ عَنْ أَبِي ذَرٍّ حَرَّجْتُ لَيْلَةً مِنَ اللَّيَالِي فَإِذَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَمْشِي وَحْدَهُ لَيْسَ مَعَهُ إِنْسَانٌ، فَطَلَسْتُ أَنَّهُ يَكْرَهُ أَنْ يَمْشِيَ مَعَهُ أَحَدٌ، قَالَ فَجَعَلْتُ يَمْشِي فِي ظِلِّ الْقَمَرِ، فَالْتَفَتَ فَرَأَى، فَقَالَ:

۱ البرهون ۵۵ و ۵۶ ۲ الانعام ۱۵

۳ اعلام الدین ص ۳۱۵

۴ الامالی للصدوق ص ۴۴۳ ح ۵۹۱

۵ ثواب الاعمال ص ۳۱۰ ح ۱

۶ المستدرک علی الصحیح ج ۱ ص ۶۱۸ ح ۸۷۱۳

مَنْ هَذَا؟ قُلْتُ: أَبُو ذَرٍّ جَعَلَنِي اللَّهُ بِدَاكَ. قَالَ: يَا أَبَا ذَرٍّ تَمَالَ فَمَشَيْتُ مَعَهُ سَاعَةً، فَقَالَ: إِنَّ الْمُكْثِرِينَ هُمُ الْأَقْلَوْنَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، إِلَّا مَنْ أَعْطَاهُ اللَّهُ خَيْرًا، فَفَتَحَ يَدَهُ يَمِينُهُ وَشِمَالُهُ وَبَيْنَ يَدَيْهِ وَوَرَاءَهُ، وَعَمِلَ فِيهِ خَيْرًا.^۱

و-الهِلَاكُ

الكتاب

﴿لَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَفَجَحْنَا عَلَيْهِمْ آتُوبَ كَرَّ شَرٍّ حَتَّىٰ يَبْذُلُوا بِمَوَاقِفِهِمْ أُوتُوا أَخْنَسَهُمْ بَغْثَةً فَبِمَا هُمْ مُبْتَلُونَ﴾^۲

﴿أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مَذْمُومًا قَوْمًا وَعَذَابًا فِي الْأَرْضِ فَاحْصُهُمُ اللَّهُ يَذْكُوبَهُمْ وَمَا كُنْى لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِن وَاوٍ﴾^۳

الحديث

۲۳۳۵ رسول الله ﷺ هَلَكَ رَجُلٌ أُمِّيٌّ فِي تَرْكِ الْعِلْمِ وَجَمْعِ الْمَالِ^۴

۲۳۳۶ عَنْهُ ﷺ: إِنَّ الدَّيْسَارَ وَالذَّرْهَمَ أَهْلَكَ عَسْكَانَ قَبْلَكُمْ، وَهُمَا مُهْلِكُكُمْ.^۵

الفصل الثانی التَّوَرُّفِ

۱/۲ التَّحْذِيرُ مِنَ التَّوَرُّفِ

الكتاب

﴿وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ

«کیست؟»

گفتم: خدا مرا فدای تو سازد! ابو ذر

فرمود: ای ابو ذر! پیش بیا»

پس چندی با ایشان قدم ردم فرمود. «در روز قیامت، آن‌ان که [از مال دنیا] بیشتر دارند، کم‌مایه‌ترند، مگر آن‌کس که خدا به وی خیر عطا فرموده باشد و او را آن، به راست و چپ و پیش رو و پشت سر بخشد و با آن، کار بیک‌کند»

و-بابودی

قرآن

﴿پس چون آنچه را که بدان پند داده شده بودند فراموش کردند، درهای هر چیزی [از نعمت‌ها] را بر آن‌ان گشودیم تا هنگامی که به آنچه داده شده بودند، شاد گردیدند. ناگهان [گریبان] آنان را گرفتیم و یکباره برپید شد»﴾

﴿آنها در زمین بگردیدند تا ببینند چراغ کسانی که پیش از آنها بوده‌اند، چگونه بوده است؟ آنها از ایشان بیرون‌شدند و آثار پایدارتری در روی زمین داشتند، ولی [با این همه] خدا آنان را به کیفر گناهانشان گرفتار کرد و در برابر خدا حسابگری نداشتند﴾

حدیث

۲۳۳۵ پیامبر خدا ﷺ هَلَكَ امْرَأَتٌ مِّنْ، دَر تَرْكِ دَنَش و گردآوری مال است

۲۳۳۶ - پیامبر خدا ﷺ دَیْسَار و دَرهَم، پِیشِیَانِ شَمَا را هَلَک کرد و شَمَا را بیز هَلَک می‌کند.

فصل دوم، تَازِیروزی

۱/۲. هشدار درباره تَازِیروزی

قرآن

﴿و بدين گونه در هیچ شهری، پیش از تو هشدار دهنده‌ای

۱ التوحید: ص ۲۰۹ ج ۱ ۲ الأنعام ۱۴

۳ قاف ۲۱ ۴ تَبِیْهُ الشَّوَاهِر ج ۱ ص ۳

۵ التکوی ج ۲ ص ۳۱۶ ج ۶

مُتْرَفُوهُنَا إِنَّا وَجَدْنَا غَايَةً عَلَى أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَى
خَاشِعِهِمْ مُقْتَدِرُونَ^۱

الحدیث

نفرستادیم، مگر آن که خوشگذرانان آن گفتند: ما پدران
خود را بر آئین [و دینی] یافتیم و ما از پی ایشان راه
پاییم^۲.

حدیث

۳۳۳۷ رسول الله ﷺ: إِنَّا لَوَالِدٌ عِبَادَ اللَّهِ لِمَسَا
بِالْمُتَّقِينَ^۳

۳۳۳۷ پیامبر خدا ﷺ از بازپروردگی دور باش؛ چرا
که بدگان خدا بازپرورده نیستند.

۳۳۳۸ عنه ﷺ: شِرَارُ أُمَّتِي: الَّذِينَ عُدُوا بِالسَّعِيمِ وَنَبَتَ
عَلَيْهِمْ أَجْسَامُهُمْ^۴.

۳۳۳۸ پیامبر خدا ﷺ: تدبیر ائمت مس، آسانند که در
باز و نعمت، بار می‌آیند و پیکرهاشان در آن،
پروریده می‌شود.

۳۳۳۹ عنه ﷺ: مَنْ قَصَى نَهْمَةً فِي الدُّنْيَا حَوَّلَ نَهْمَةً
وَبَيْنَ شَهْوَتِهِ فِي الْآخِرَةِ، وَمَنْ سَدَّ غَيْبَهُ إِلَى رِسْمِ
الْمُتَرَفِّينَ كَانَ تَهْبِأُ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاءِ^۵

۳۳۳۹. پیامبر خدا ﷺ: هر کس همه نیازهای خود را
از دنیا برآورد، روز آخرت به خواسته‌اش
نمی‌رسد؛ و هر که به ریور بازپروردگان چشم
بندارد، در ملکوت آسمان، حوار است.

۳۳۴۰ شُعْبَةُ الْإِيمَانِ عَنْ وَائِلَةَ بْنِ الْأَسْفَعِ كُنْتُ بَيْنَ
مَقَرَّامِ الْمُضَلَّلِينَ مِنْ أَهْلِ الصُّفَّةِ، فَأَتَانَا السَّيِّئُ ﷺ
دَائِلٌ يَوْمَ فَقَالَ: كَيْفَ أَنتُمْ بَعْدِي إِذَا شِيعَتُكُمْ مِنْ حَبْرِ
الْبُرِّ وَالزَّيْتِ، وَأَكَلْتُمُ الْوَأْنَ الطَّعَامِ وَلَبِستُمُ أَسْرَاعَ
الْثِّيَابِ، فَأَنْتُمْ الْيَوْمَ خَمَرٌ أَمْ دَاكٌ؟ قُلْنَا: دَاكٌ. قَالَ: هَلْ
نُتِمَ الْيَوْمَ حَيْرٌ^۶.

۳۳۴۰ شُعْبَةُ الْإِيمَانِ - به نقل از وائله بن اسفغ - من
از فقیهان بازارگزار اهل صفه بودم. روزی
پیامبر خدا نزد ما آمد و فرمود: «چه سان خواهید
بود آن گاه که پس از من، از نان گندم و روغن، سیر
گردید و غذاهای رنگین می‌خورید و جامه‌های
گوناگون می‌پوشید؟ وضع شما امروز، بهتر است
یا آن روز؟»

۲/۲ مُعَاشِرَةُ الْمُتَرَفِّينَ

أ- التَّجَالُفِي عَنْ مُجَالَسَةِ الْمُتَرَفِّينَ

۳۳۴۱. رسول الله ﷺ: تَجَانَّوْا مُحِبَّةَ الْأَعْيَاءِ وَارْحَمُوهُمْ.

گفتیم، آن روز

فرمود: «بلکه وضع امروز شما، بهتر است»

۲/۲. هَمْنَشِينِي بِأَنَازِ بَرُورِدْگَان

الف - دوری جستن از همشینی با بازپروردگان

۳۳۴۱ پیامبر خدا ﷺ: از همنشینی با توانگران دوری

۱ الزخرف ۲۳

۲ مستدرک حبل ج ۸ ص ۳۵۸ ح ۲۲۱۶۶

۳ تنبيه الخواطر ج ۱ ص ۱۷۸

۴ المعجم الصغير ج ۲ ص ۱۰۸

۵ شعب الإيمان ج ۷ ص ۲۸۳ ح ۱۱۳۲۲

وَعَفَّوْا عَنْ أَمْوَالِهِمْ^۱

گریبید و بر آنان، دل بسورامید و از اسوال آنان،
دامن بشوید

۳۳۱۲ عَنْهُ ﷺ ثَلَاثَةٌ مُجَالَسَتُهُمْ تُمِيتُ الْقُلُوبَ

۳۳۱۲ پیامبر خدا ﷺ همشینی با سه تن، دل را
می میراند... و همشینی با توانگران

وَالْجُلُوسُ مَعَ الْأَعْيَامِ^۲

ب- التَّحْذِيرُ مِنْ إِكْرَامِ الْفَقِيرِ لِغِنَاهُ

ب- هشدار درباره گرامیداشت توانگر برای توانگری اش

۳۳۱۳ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّا كُمْ وَالنَّوَاصِعُ لِعَبِيٍّ إِمَّا تَضَحَّعَ

۳۳۱۳ پیامبر خدا ﷺ منادانه توانگر نواصع کبیدا
هیچ کس برای توانگری فروتنی نمی کند، جر آن
که مهره بهشتی اش نابود می شود

أَحَدُ لِقَبِيٍّ إِلَّا ذَهَبَ نَصِيئُهُ مِنَ الْحَيَّةِ^۳

الفصل الثالث ما يهتدى الأَرْضِيَّةَ لظهور

آفات النَّمِيَّةِ

فصل سوم: زمينه های آفات توسعه

۱/۳ الْفُطْلَةُ عَنِ الْآخِرَةِ

۱/۳ الفطلة از آخرت

۳۳۱۴ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - رَحُلٌ يَوْصِيهِ - لَا تَسَاعِلْ عَمَّا

۳۳۱۴ پیامبر خدا ﷺ - در سمارش به مردی - به
بیچاره (از روری) سرایت نصیب شده، از
وطیفة واجبیت عملت مکن، که آنچه روری
مقسوم نوست، از دست نخواهد رفت و آنچه
ورفت باشد، نصیبیت نخواهد گشت، پس در
طلب آنچه فنا شدنی است، بکوش و برای آن
ثروتی بکوش که در سرای جاودان، فناناپذیر
ست

فَرَضَ عَلَيْكَ بِمَا مَدَّ صَبْرُكَ لَكَ، فَإِنَّهُ لَيْسَ بِهَدِيَّةٍ مَا مَدَّ
قُسِمَ لَكَ، وَلَيْسَتْ بِإِلَاقَةٍ مَا قَدْ رُؤِيَ عَلَيْكَ، فَلَا تَكُ
جَاهِدًا فِي مَا يَصْحَقُ نَافِدًا، وَاسْعَ لِمُلْكِكَ لَا زَوَالَ لَهُ فِي
مَرٍ لَا انْتِفَالُ عَنْهُ^۴

۲/۳ اسْتِقْطَاءُ الرِّزْقِ

۲/۳ کفد شمردن جریان روری

۳۳۱۵ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى لِيُحَدِّثَ

عَبْدِي الَّذِي يَسْتَبَلُّ رِزْقِي أَلْأَعْيَابُ قَامِحَ عَمِيهِ
بَاباً مِنَ الدُّنْيَا^۵

۳۳۱۵ پیامبر خدا ﷺ خدای سرّ و والا می فرماید.
آن بنده من که روری ام را آهسته می یابد، باید
حذر کند از این که بروی چشم گیرم و دری از دنیا
ر به رویش بگشایم

۱- تبيين الخواطر ج ۲ ص ۱۷۰

۲- الكافي ج ۲ ص ۶۱ ح ۸

۳- جامع الأخبار ص ۴۴۰ ح ۱۲۳۸

۴- اعلام اللذين ص ۳۴۱ ح ۳۷

۵- اعلام اللذين ص ۲۱۷ و ۱۶۱

۳/۳. طَلَبُ الْحَرَامِ

۳/۳. حرام طلبی

۳۳۱۶. رسول الله ﷺ مَنْ جَنَعَ مَالاً حَرَاماً ثُمَّ تَصَدَّقَ بِهِ، لَمْ يَكُنْ لَهُ فِيهِ أَجْرٌ وَكَانَ إِصْرُهُ عَلَيْهِ^۱

۳۳۱۶. پیامبر خدا ﷺ هر که مال حرامی گیرد آورد و سپس آن را صدقه دهد، هیچ پاداشی ندارد و وبال آن نیز بر گردن اوست.

۳۳۱۷. عنه ﷺ تَرَكْتُ دَانِي حَرَامٍ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ مِئَةِ حَبَّةٍ مِنْ مَالٍ حَلَالٍ.^۲

۳۳۱۷. پیامبر خدا ﷺ: ترک یک ششم درهم از مال حرام، مرد خداوند، دوست‌داشتنی‌تر از گزاردن صد حج با مال حلال است.

الفصل الرابع. ما يعصم من آفات التعمية

فصل چهارم موجدات مصونیت

۱/۴. إِيثَارُ الْآخِرَةِ

از آفات توسعه

۳۳۱۸. رسول الله ﷺ أَتَيْهَا النَّاسُ، أَقْبَلُوا إِلَيَّ مَا كُفِّرْتُمُوهُ مِنْ إِصْلَاحِ أَجْرَتِكُمْ، وَأَعْرِضُوا عَنَّا ضَيِّقَ لَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ^۳

۱/۴. ترجیح دادن آخرت

۳۳۱۸. پیامبر خدا ﷺ ای مردم! نه وظیفه خویش برای اصلاح آخرتتان روی آورید و از دیانتان که برای شما نقصین گشته، روی برگردانید.

۲/۴. الإِجْمَالُ فِي الطَّلَبِ

۲/۴. اعتدال در طلب

۳۳۱۹. رسول الله ﷺ إِنْ أَفْعَدَ يَوْمِي عِدَّةً مَا كَفَتْ لِي مِنَ الزُّرِّي، فَأَجْمِلُوا فِي الطَّلَبِ، خُذُوا مَا خَلَّ وَذَعُوا مَا حَرَّمَ^۴

۳۳۱۹. پیامبر خدا ﷺ: همان خداوند، آن روزی مقدّر برای بنده خویش را کامل به وی عطا می‌کند. پس در طلب، اعتدال را رعایت کنید، حلال را بر گیرید و حرام را واگذارید.

۳۳۲۰. عنه ﷺ أَلَا وَإِنَّ رُوحَ الْقُدُّسِ (مَد) نَعَثَ فِي رُوحِي، وَأَحْبَرَنِي أَنْ لَا تَمُوتَ نَفْسٌ حَتَّى تَسْتَكْمَلَ رِزْقَهَا، فَاتَّقُوا اللَّهَ، وَأَجْمِلُوا فِي الطَّلَبِ، وَلَا يَحْمِلَنَّكُمْ اسْتِطْءَاءُ شَيْءٍ مِنَ الزُّرْقِ أَنْ تَطْلُبُوهُ بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ، فَإِنَّهُ لَا يُسَالُ مَا عِندَ اللَّهِ - جَلَّ اسْمُهُ - إِلَّا بِطَاعَتِهِ^۵

۳۳۲۰. پیامبر خدا ﷺ: هلا فرشته وحی بر من فرود آمد و آگاهم کرد که هیچ‌کس نمی‌میرد، مگر آن‌که همه روزی خود را در می‌یابد. پس، از خداوند بپروا دارید و در طلب، میانروی کنید. میباید آهسته رسیدن روزی سبب شود که آن را با نافرمانی خداوند طلب نمایید؛ زیرا آنچه نزد خدای و الامر به است، جز با اطاعت او به دست نمی‌آید.

۱ المستدرک علی الصحيح ج ۱ ص ۵۱۸ ح ۱۴۴۱

۲ تبيين الخواطر ج ۲ ص ۱۲۱

۳ اعلام الدین ص ۳۳۹ ح ۲۳

۴ مستدرك علی ج ۶ ص ۱۰۰ ح ۶۵۵۲

۵ الکافی ج ۵ ص ۸۲ ح ۱۱

۳/۴. الإقتصارُ على الكفاف

۳۳۵۱ رسول الله ﷺ: خَيْرُ الرِّزْقِ مَا يَكْفِي^۱

۳۳۵۲ عنه ﷺ: لَا يَلُومُ اللَّهَ عَلَى الْكَفَافِ^۲

۳۳۵۳ عنه ﷺ: قَدْ أَفْلَحَ مَنْ أَسْلَمَ، وَزَيَّقَ كَفَاماً، وَقَسَّعَهُ
اللَّهُ يَمَا آتَاهُ^۳

۴/۴. عَدَمُ الإِعْتِمَادِ لِرِزْقِ الْعَدُوِّ

۳۳۵۴ رسول الله ﷺ: - لِيَعْلَمِي ﷺ -: يَا عَلِيُّ، لَا تَهْتَمُّ

لِرُزْقِ عَدُوٍّ، فَإِنَّ كُلَّ عَدُوٍّ يَأْتِي بِرِزْقِهِ^۴

۳۳۵۵ مسند ابن حنبل عن أنس بن مالك: أَهْدَيْتَ لِرَسُولِ

لِللَّهِ ﷺ ثَلَاثَ طَوَائِرَ، فَأَطَعَمَ خَادِمَتُهُ طَائِرًا، فَلَمَّا كَانَ

مِنَ الْعَدُوِّ أَتَتْهُ بِهِ، فَقَالَتْ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَلَمْ أَهْلِكِ أَنْ

تَرْعَى شَيْئًا؟ فَإِنَّ اللَّهَ ﷻ يَأْتِي بِرِزْقِ كُلِّ عَدُوٍّ^۵

۴/۲. اكتفا کردن به مقدار نیاز

۳۳۵۱ پیامبر خدا ﷺ: بهترین رزق، آن است که
کفایت کند

۳۳۵۲ پیامبر خدا ﷺ: خداوند، ناراضی به قدر نیاز
را ملامت نمی‌فرماید

۳۳۵۳ پیامبر خدا ﷺ: هر که اسلام آورد و به قدر
کفاف، رزق یابد و آنچه خداوند به او دهد،
قانعش سازد، رستگار می‌گردد

۲/۲. غم بخورس برای رزق فردا

۳۳۵۴. پیامبر خدا ﷺ: - به علی ﷺ -: ای علی! اندوه
رزق فردا را محور، که هر فردایی رزقش فرا
می‌رساند

۳۳۵۵ مسند ابن حنبل - به نقل از آنس بن مالک -: سه
پرنده برای پیامبر ﷺ هدیه آورده شد. یکی را
صدای خدمتکارش ساخت. روز بعد، خدمتکار،
آن را نزد پیامبر خدا آورد. ایشان فرمود: آیا تو را
سهی نکردم که چیزی ذخیره نکنی؟ همانا
خداوند، رزق هر فردایی را می‌رساند

۱ مسند ابن حنبل ج ۱ ص ۳۶۶ ح ۱۷۷

۲ الکافی ج ۴ ص ۶۶ ح ۱

۳ صحیح مسلم ج ۲ ص ۱۳۱ ح ۲۵

۴ تحف العقول ص ۱۴

۵ مستدرک حنبل ج ۴ ص ۳۹۸ ح ۴۲ ۱۳

حکمت های پزشکی و بهداشتی



بسمکیم پزشکی و درمان

باب دوم : درمان با سوره ها و غذاها و گیاهان دارویی

باب سوم : بیماری



مرکز تحقیقات کتابخانه و اسناد ملی

درآمد

اهمیت پزشکی

در حوزه علوم بشری، پزشکی، سرآمد همه دانش‌هاست؛ چراکه فلسفه سایر علوم، بهره‌وری انسان از مواهب زندگی است و این هدف، جز در پرتو سلامت جسم و جان، میسر نیست.

طبابت، کار خداوند است.

قرآن کریم، از ابراهیم خلیل علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

﴿وَلَدَا فَرَضْتُ فِهْوَ يَنْشِئُ﴾^۱

و چون بیمار شوم، او (خداوند) شفا می‌بخشد.

این سخن، بدین معناست که طاعت، کار خداوند متعال است و طبیب واقعی، اوست. حدود است که حواس درمسی در داروها نهاد و در نظام آفرینش، برای هر دردی دارویی آفرید و به انسان، استعداد شفاخت دردها و داروها و چگونگی درمان آنها را عایت کرد و مدبّر جان، او را مظهر نام‌های «طیب» و «شافی» خود، قرار داد.

جایگاه طب و بهداشت در قوانین اسلام

فلسفه احکام و قوانین اسلامی، تکامل مادی و معنوی جامعه انسانی است. از نگاه اسلام، بزرگ‌ترین نعمت الهی، سلامت جسم و ارزشمندتر از آن، سلامت جان است. همچنین، خطرناک‌ترین بلاها، بیماری جسم و زیانبارتر از آن، بیماری جان است.

حال مشته این است که اگر بیماری، خطرناک‌ترین بلا، و سلامت، بزرگ‌ترین نعمت است، اسلام که تکامل و سعادت انسان را هدف خود قرار داده، برای مبارزه با بیماری‌ها و تأمین سلامت جامعه چه برنامه‌ای دارد؟ و به دیگر سخن، طب در احکام و قوانین اسلامی چه جایگاهی دارد؟

جایگاه طب پیشگیری در اسلام

بررسی متون اسلامی به روشی نشان می‌دهد که یکی از اهداف اصلی و حکمت‌های مهم احکام و مقررات اسلامی، طب پیشگیرانه، از طریق پیشگیری از بیماری‌ها و تأمین سلامت انسان است.

بر این پایه، در اسلام، آنچه برای سلامت جسم و یا حد، خطرناک و زیانبار است، حرام یا مکروه است و آنچه برای سلامت انسان، لازم و مفید است، واجب یا مستحب است و آنچه سود و زیانی برای جسم و یا جان ندارد، مباح شناخته شده است. این بدان معناست که طبع پیشگیری، در متون مقررات و احکام پنجگانه اسلام، تنیده شده و احضار کامل و دقیق قوانین الهی در زندگی، سلامت جسم و جان انسان را به همراه دارد.

ارزیابی کلی احادیث طب و بهداشت

پیش از ارزشیابی احادیث طب، پاسخ دادن به سه سوال اساسی در این باره، ضروری است.

سوال اول، آیا علم پزشکی، مبدا الهی دارد و متکی به وحی است، یا سرآغاز آن، تجربه انسان‌هاست؟

سوال دوم، آیا پیشوایان دین، یعنی پیامبر اسلام و هنرست آن بزرگوار، در دانش پزشکی بر خوردار بوده‌اند یا نه؟

سوال سوم، بر فرض اطلاع آنان از دانش پزشکی، آیا اصولاً بنای دین، ورود به مسائل پزشکی و درمان انواع بیماری‌های جسمی بوده یا نه؟

۱. منشأ علم طب

برخی از دانشمندان در این باب آورده‌اند که علم طب منشأ الهی نهی دارد و متکی به وحی است. اندیشمند و محقق بزرگوار، شیخ مفید^۱، در این باره چنین می‌گوید:

طب [دانشی] است درست که آگاهی از آن امری ثابت است و در دسترس باطنی بدن و وحی است. آگاهان به این دانش آن را تنها از پیامبران بهره گرفته‌اند؛ چرا که نه برای گاهی باطن در حقیقت بیماری، جرعه کمک سمع (ادله عقلی) راهی هست، نه برای آگاه شدن به درمان راهی جز بوفیق بدین سال ثابت می‌شود که یگانه راه این گاهی، شنیدن از همان خدایی است که به همه بهت‌ها آگاه است.^۲

به نظر می‌رسد ببار انسان‌های نخستین، ایجاب می‌کرد که «وحی»^۳، برخی از دانش‌های تجربی ضروری برای زندگی را در اختیار آنان قرار دهد. مؤید این نظریه، مطلبی است که سید بن طاووس نقل کرده است:

إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - أَمَطَ آدَمَ مِنَ الْحَنَةِ، وَ عَرَفَهُ جِدْمَ كُلِّ شَيْءٍ، فَكَانَ بِمَا عَرَفَهُ الشُّجُومَ وَالطُّبَّ^۴

خداوند، آدم را از بهشت عرو آورد و او را از آگاهی به همه چیز، برخوردار ساخت. بحوم و پزشکی، از همه چیزهایی بود که خداوند، وی را از آنها آگاه کرد.

بنابراین، می‌توان گفت که سرآغاز علم طب، آموزه‌های وحی بوده، اما تجربه دانشمندان نیز بدان افزوده شده و تمریناً این دانش، گسترده‌تر شده و می‌شود، بیکسین دعا که وحی، تنها راه رسیدن به این دانش است، علاوه بر این که متکی بر برهان عقلی و شرعی نیست. بهلان آن به وسيله تجربه ثابت شده است و آنچه از شیخ

۱- تصحیح الاعتقاد ص ۱۶۴، بحوالا نور ج ۶۲ ص ۴۵ ۲- در- مفهوم ص ۳۲

میباید نقل شده که راه رسیدن به دانش طب، «شاید از خداوند آگاه به نهفته‌ها» است، اگر مقصود، یکی از راه‌های رسیدن به این دانش باشد، صحیح است؛ و گرنه نمی‌تواند صحیح باشد.

۲ اهل بیت علیهم‌السلام و دانش پزشکی

بررسی دقیق احادیثی که دربارهٔ ویژگی‌های علمی، سرچشمه‌ها و بیزانواع دانش‌های اهل بیت علیهم‌السلام به ما رسیده، نشان می‌دهد که پیامبر اسلام و اهل بیت آن بزرگوار، به تنها از دانش پزشکی، بلکه از همهٔ علوم، به از راه تحصیل، بلکه از طریق الهی برخوردار بوده‌اند، به گونه‌ای که هرگاه اراده می‌کردید چیزی را بدانید، می‌دانستند، چنان‌که امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

إِنَّ الْإِمَامَ إِذَا شَاءَ أَنْ يَعْلَمَ عِلْمًا^۱

امام، آن‌گاه که بخواهد بداند، می‌داند.

به دلیل این دانش گسترده و علم حارق‌الماده بود که امام علی علیه‌السلام، مکرر به مردم می‌فرمود:

سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقَدُونِي، فَإِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ كَثِيرَةٌ كَالْبَحَارِ الزَّوَالِجِ^۲

از من پرسید، پیش از آن که مرا از کف بدهید؛ چرا که در صفت من، به سان دریاهای بی‌کران، دانش‌های فراوان بهمن است.

همهٔ امامان علیهم‌السلام از چس دانشی برخوردار بوده‌اند و در پاسخ دادن به هیچ مسئلهٔ علمی‌ای در نمی‌ماندند.

بزرگواران می‌تردید، پیامبر اسلام و اهل بیت گرامی او، از دانش پزشکی برخوردار بوده‌اند و اگر ثابت شود که در هر مسئله‌ای از مسائل مربوط به این دانش، چیزی فرموده باشد، قطعاً کلام آنان، مطابق با واقع است.

۳ دین و حرفهٔ پزشکی

هر چند طب پیشگیری چنان‌که توضیح دادیم، در متن مقررات دینی، مورد توجه بوده و پیشوایان دینی، از دانش پزشکی برخوردار بوده‌اند، اما مسئلهٔ دین، ورود در حرفهٔ پزشکی نبوده است و از این رو، در روایات اسلامی، علم دین، تقسیم علم طب است.

همچنین اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان یک حرفه، و نه مسائل پزشکی نشده‌اند. جدا کردن فقه (دین‌شناسی) از طب (پزشکی) و حرفهٔ قضیه‌ها را کار طبیبان بر شاهد دیگری برای جدا بودن حوزهٔ دین و حوزهٔ علم طب است.

ارزیابی احادیث طبّی

احادیث طبّی را به سه دسته می‌توان تقسیم کرد:

۱. التکلیف ج ۱ ص ۲۵۸ ح ۱

۲. منافع الموده ج ۳ ص ۲۰۸

دسته اول: احادیثی که اعجاز پیشوایان دین در درمان بیماری‌ها هستند، مانند آنچه قرآن کریم در بیان معجزه عیسی علیه السلام نقل کرده که می‌فرمود:

﴿وَأَنزِلُ إِلَيْكُمُ الْفُلْكَانَ وَالْأَنْعَامَ وَأَلْزَمَهُمْ بَنَاهُ الْغُوتِ وَأَنزِلُ السَّمَاءَ مِثْرًا﴾

به این خدا نابینایان را بینا و پیس را بهبود می‌بخشم و به این خدا، موگن را زنده می‌گردانم.

دسته دوم: احادیثی که در مورد پیشگیری از بیماری‌ها وارد شده‌اند

دسته سوم: احادیثی که در مورد درمان بیماری‌ها نقل شده‌اند. پس احادیث سیر به دو بخش، تقسیم می‌شوند.

یک: درمان از طریق شفا خواندن به وسیله قرآن و دعا

دو: درمان از طریق دارو

احادیثی که مربوط به اعجاز در مسائل پزشکی اند، در واقع، خارج از محدوده احادیث طبّی مورد بحث قرار دارند.

بکته قابل توجه، این که طرح احادیث طبّی پیشگیری، برای عموم، با توجه به این که این احادیث، غالباً منطبق با موازین علمی‌اند و با این توضیح که عوامی که برای پیشگیری در این احادیث مطرح شده، طب نامۀ پیشگیری نیستند، مشکلی ایجاد نمی‌کند.

همچنین، بحث اول در احادیث طبّی بر آنکه به وسیله آیات قرآنی و دعا به درمان می‌پردازند، سرنا توجه به شرایط احایب دعا و محارب بودن دعا در درمان بسیاری از بیماری‌ها، برای عموم می‌توان مطرح کرد.

بنابر این، تنها احادیثی که مبنای عمل قرار گرفتند آنها بدون ارزیابی کامل، صحیح نیست و پیش از ارزیابی دقیق، نمی‌توان آنها، به عنوان راه نمودهای پیشوایان دین به آنان بست داد، احادیثی هستند که درمان بیماری‌ها را از طریق داروهای ویژه‌ای توصیه کرده‌اند. سرن ارزیابی دقیق این گونه احادیث و بهره‌گیری کامل از آنها، بهترین راه، آزمایش است. در واقع، آزمایش و آزمایشگاه، بهترین قریبۀ عقلی برای اثبات صحت و سقم این احادیث، شمرده می‌شود و خوش بختیم، در عصر حاضر، امکان بهره‌برداری از این روش، بیش از هر وقت دیگر، فراهم است.

الْبَابُ الْأَوَّلُ

الطَّبِّ الطَّبَابَةُ

الفصل الأول: الطبابة من منظور الإسلام

۱/۱. أُمِّيَّةُ عِلْمِ الطَّبِّ

۳۳۵۶ رسول الله ﷺ: عِلْمُ الْعِلْمَانِ: عِلْمُ الْأَدْيَانِ وَعِلْمُ الْأَبْدَانِ^۱.

۱/۱. اُمِّيَّةٔ دانش پزشکی

۳۳۵۶. پیامبر خدا ﷺ: دانش سر دو گونه است: دانش دین‌ها و دانش بدن‌ها

۲/۱. لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءٌ

۳۳۵۷ رسول الله ﷺ: إِنَّ الَّذِي خَلَقَ الْأَدْوَاءَ خَلَقَ لَهَا دَوَاءً^۲.

۲/۱. هر دردی درمانی دارد

۳۳۵۷. پیامبر خدا ﷺ: آن که دردها را آفریده، برای آنها درمان نیز آفریده است

۳۳۵۸ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ: إِذَا دَوَّاهُ فَبِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى لَمْ يُرَبِّ دَاءً إِلَّا وَأَمَرَ لَهُ شِفَاءً^۳.

۳۳۵۸. پیامبر خدا ﷺ: حَتَّىٰ رَامُوا الْكَمِيدَ زَيْرَ خَدَّيْهِ دَوَّاهُ هَيْجَ دَرْدِي رَا هُوَ مَرَسْتَاهُ، مَكْرَ إِيْنِ كَهْ بَرَايِ أَنْ، شَفَايِيْنِ هَمْ نَاوَلْ كَرْدَهْ اسْت

۳/۱. الدَّوَاءُ مِنَ التَّقْدِيرِ

۳۳۵۹ مِمَّنْ إِيْنِ مَاجَةِ عَنْ أَبِي خُرَامَةَ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ: أَرَأَيْتَ أَدْوِيَّةً تَدْوِي بِهَا، وَرَقَى تَسْتَرْقِي بِهَا، وَتُشْفَى نَفْسُهَا، هَلْ تَرُدُّ مِنْ قَدَرِ اللَّهِ شَيْئًا؟ قَالَ هِيَ مِنْ قَدَرِ اللَّهِ^۴.

۳/۱. درمان، از تقدیر است

۳۳۵۹. من این ماجه - به نقل از ابو خرامه -: از پیامبر خدا پرسیدند: ایا این که با دارویی درمان کنیم یا دعا یا چیری را بر خود ببندیم یا پرهیزی بکنیم، این کار چیزی از تقدیر خداوند را باز می‌دارد؟ فرمود: «این، خود از تقدیر خداوند است».

الفصل الثاني: آداب الطبابة وأحكامها

۱/۲. الْإِهْتِمَامُ بِمَعْرِفَةِ الدَّاءِ

۳۳۶۰ رسول الله ﷺ: لَيْسَ شَرُّ دَلِّ الْمُتَطَبِّبِ - لَا تُدَاوِ

فصل دوم: آداب و احکام طبابت

۱/۲. تلاصق برای شناخت بیماری

۳۳۶۰. پیامبر خدا ﷺ: به شَرُّ دَلِّ پزشک -: هیچ کس را درمان مکن، مگر آن گاه که بیماری او را

۱. کثر الفوائد، ج ۲ ص ۱۰۷

۲. دهالم الإسلام، ج ۲ ص ۱۴۴ ح ۵۰۰

۳. مکرم الأخلاق، ج ۲ ص ۱۷۹ ح ۳۴۶۰

۴. من این ماجه، ج ۲ ص ۱۰۳۷ ح ۳۴۳۷

أَحَدًا حَتَّى تَعْرِفَ دَاءَهُ.^۱

بشامی

۲/۲ ضَمَانُ الطَّبِيبِ إِذَا أَسْنَدَ

۲/۲ مسئول بوس پرشکدر صورت ایجاد خسارت

۳۳۶۱ رسول الله ﷺ مَنْ تَطَبَّبَ وَلَمْ يُعْمَمْ بِهِ طِبُّ قَبْلِ ذَلِكَ، فَهُوَ ضَامِنٌ^۲

۳۳۶۱ پیامبر خدا ﷺ هر کس [بدون تخصص لازم] به کار ضابط دست یارد، [شرعاً] ضامن است.

۳/۲ التَّدَاوِي بِالْمُحَرَّمَاتِ

۳/۲ درمان با آنچه حرام است

۳۳۶۲ رسول الله ﷺ مَنْ تَدَاوَى بِحَرَامٍ، لَمْ يَحْفَظِ اللَّهُ فِيهِ شِفَاءً^۳

۳۳۶۲ پیامبر خدا ﷺ، هر کس به حرام درمان جوید، خداوند در آن، شفایی قرار نمی دهد

۳۳۶۳ صحيح مسلم عن وائل الحصري إن طارق بن شهاب الجعفی سأل النبی ﷺ عَنِ الْعَمْرِ، فَتَهَاؤُ أَوْ كَثْرَةِ أَنْ يَصْنَعَهَا فَقَالَ إِنَّمَا أَصْنَعُهَا لِلدُّوَاوِ.

۳۳۶۳ صحيح مسلم به نقل از وائل الحصري - طارق بن سويد جعفی از پیامبر خدا در باره شراب پرسید پیامبر ﷺ او را از این کار، بهی کرد، یا ساختن آن را یا خوشایند داشت

فَعَالَ بِهِ لَيْسَ مَذْرُومٌ وَلَكِنَّهُ دَاءٌ^۴

وی گفتم من در راتنها به عنوان دارو

می سازم.

پیامبر خدا فرمود: این، داروییست؛ بلکه

خود، بیماری است!

۱. الاصله ج ۳ ص ۲۸۹

۲. من ابن ماجه ج ۲ ص ۱۱۴۸ ح ۳۱۶۶

۳. المجموع الصغیر ج ۲ ص ۵۸۸ ح ۸۵۸۱

۴. صحيح مسلم ج ۳ ص ۱۵۷۳ ح ۱۶

سخن درباره آداب و احکام طبابت

حرفه پزشکی، از آن رو که با جان، ناموس و امرار زندگی مردم سروکار دارد، علاوه بر مقررات اسلامی در همه حرفه‌ها، دارای آداب و احکام ویژه‌ای است که رعایت آن برای پزشک مسلمان، لازم و ضروری است. در این جا اشاره‌ای کوتاه به مهم‌ترین آداب آن خواهیم کرد.

۱ احساس مسئولیت

احساس مسئولیت، از مهم‌ترین و اصیل‌ترین آداب پزشکی است؛ زیرا این احساس است که پزشک را به رعایت وظایف اخلاقی، قانونی و شرعی خود در مورد درمان بیمار، وادار می‌سازد.

امام صادق علیه السلام، سخن سخت‌نکان دهنده درباره مسئولیت پزشک از مسیح علیه السلام نقل فرموده است:

كَانَ الْمَسِيحُ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ الْفَارِكَ شَعَاءَ الْمَجْرُوحِ مِنْ جُرْحِهِ شَرِيكَ لِجَارِحِهِ لَا مَحَالَةَ ^۱

مسیح علیه السلام می‌گفت: آن که درمان‌کردن زخم زخم‌دهنده‌ی ر و گذارد، ناگزیر، شریک کسی است که زخم را بر بدن وی بسته.

است

۲ تقوای پزشکی

تقوا در هر حرفه‌ای به معنای رعایت قوانین الهی در انجام دادن آن است. بیاور این، تقوای پزشکی، شامل همه آداب و احکام اسلامی در مورد این حرفه است؛ لیکن در تقوای پزشکی، دو نکته از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. یکی حیرخواهی برای بیمار، و دیگری تلاش برای درمان او.

۳ پاک‌دامنی

یکی از مصادیق مهم تقوای پزشکی، عفت جنسی و پاک‌دامنی است. پزشک با تقوا، به خود اجازه نمی‌دهد در بیمار، سوءاستفاده جنسی کند و حتی در نگاه کردن برای معاینه، حدود اسلامی را رعایت می‌نماید، بدین معنا که اگر بتواند بیماری را از طریق بصر نگاه کردن به مواضعی که نگاه کردن به آنها در اسلام ممنوع است، تشخیص دهد، مبادرت به نگاه به مشروح نمی‌وردد و در صورت نیاز به این کار نیر، به اندازه ضرورت، اکتفا می‌کند.

۴. اهتمام به تشخیص بیماری

یکی از نکات آداب پزشکی که در حدیث اسلامی بر آن تأکید شده، اهمیت دادن به تشخیص بیماری است.

پیامبر اسلام به یکی از پزشکان معاصر خود، چنین توصیه می‌فرماید:

لَا تُدَاوِ أَحَدًا حَتَّى تُعْرِفَ دَاءَهُ^۱

هیچ کس را درمان مکن، مگر آن‌گاه که بیماری او را بشناسی

مکرم‌ز شنبه می‌شود که به دلس تشخیصی مادرست طبیب و داروی ناماست، بیماری تشدید شده و گاه بیمار، هلاک شده است. رعایت این ادب، اقتضا می‌کند که پزشک، همه توان خود را بری تشخیص بیماری به کار گیرد و پیش از تشخیص آن، اقدام به تجویز دارو نکند.

۵. تلاش برای شناخت داروهای طبیعی

احادیث تأکید دارند که همه بیماری‌ها به امشای مرگ در نظام آفرینش، درو درید و عاقل درمان‌اند. برخی تصریح می‌کنند که حدودی بری همه بیماری‌ها درو آفریده و برخی می‌گویند خداوند، برای همه بیماری‌ها دارو مادل کرده است.

ظاهر این دو معبر، این است که درو همه بیماری‌ها در طبیعت وجود دارد. سی تردید، دروهای طبیعی، ریان کم‌ر و سود بیشتری برای درمان دارند. ماع‌ت‌به‌ین واقعیت است که گیاه‌درمانی، به تدریج در کشورهای پیشرفته رایج می‌گردد.

بنابر این، یکی از مسئولیت‌های مهم مراکز علمی پزشکی، تلاش برای کشف داروهای طبیعی و آشنا کردن جامعه پزشکی با این دروهاست.

۶. رعایت ضرورت در تجویز دارو

در روایات فراوانی از اهل بیت (ع) تأکید شده است که تا آن‌جا که بدن، قدرت تحمل بیماری را دارد، بیمار ساند به پزشک مراجعه کند؛ ریر مصرف دارو بدون ضرورت بری سلامت انسان، زیانبار است.

طبق دلالت الترامی این حدیث، بر فرص، اگر بیماری بر ره موده‌ها را دیده گرفت و به پزشک مراجعه کرد، پزشک متعهد و داتقو، کسی است که پس از معاینه، اگر تشخیص داد بیماری او جزئی است و بیاری به دارو ندارد، اقدام به نوشتن نسخه و تجویز دارو نکند.

۷ حفظ اسرار بیمار

یکی از آداب مهم پزشکی، رازداری است. برخی از بیماری‌ها، راز بیمار محسوب می‌شوند و او مایل نیست دیگران بر آن مطلع شوند. روایات اسلامی از یک سو به بیمار توصیه می‌کند که بیماری پنهان خود را از پزشک، کتمان نکند

و از سوی دیگر، نه پزشک تأکید می‌کند که «ما شفا شد و با افشای راز بیمار، نه او خیانت نماید

۸ ایجاد امیدواری در دل بیمار

پاس و نومی‌دی، موجب تشدید بیماری است و بیش‌ر بیماری برای بیمار، رنج آور است

به عکس، امید به درمان، از رنج بیماری می‌کاهد و به بیمار، قدرت علیه بیماری می‌دهد و درمان را تسریع می‌نماید. از این رو، یکی از وظایف مهم پزشکی، ویژه در مورد بیماری‌های خطرناک، تقویت روحیه بیمار و ایجاد امید در اوست

گفتی است که بهترین راه امیدوار کردن بیمار، تقویت حس مدهی، توکل به خدا و اعتقاد به یقین حقیقت است که طبیب واقعی، خداست و درمان هیچ دردی برای خداوند معال، دشوار نیست و چه بسا دردهای بی‌درمان که با دعا شفا یافته است و نه هر حال، خداوند معال، چسری حر حیر و صلاح و سود انسان! نمی‌خواهد.

الفصل الثالث: إرشادات طبيّة

۱/۳ دَفْعُ مُعَالَجَةِ الْأَطِبَّاءِ مَهْمَا أَمَكْنَ

۳۳۶۴ رسول الله ﷺ تَجَسَّبَ الدَّوَاءَ مَا احْتَمَلَ بِذَلِكَ الدَّاءَ فَإِذَا لَمْ يَحْتَمِلِ الدَّاءَ فَالدَّوَاءُ^۱

۳۳۶۵ عَنْهُ ﷺ مَنْ عَلِمَتْ صِحَّتُهُ مَرَضَهُ فَلَا يَدَاوِي^۲

۲/۳ حِيلَةُ الصُّحَّةِ

۳۳۶۶ رسول الله ﷺ لِكُلِّ شَيْءٍ حِيلَةٌ، وَحِيلَةُ الصُّحَّةِ فِي الدُّنْيَا أَرْبَعُ حِصَالٍ: وَلَقَّةُ الْكَلَامِ، وَلَقَّةُ النَّسَامِ، وَقِلَّةُ الْمَنِيِّ، وَقِلَّةُ الطَّعَامِ^۳

۳۳۶۷ عَنْهُ ﷺ صُومُوا تَصِحُّوا^۴

۳/۳ أَسْبَابُ طَوْلِ الْعُمْرِ

۳۳۶۸ كِتَابٌ مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقْرُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مَنْ أَرَادَ الْبَقَاءَ - وَلَا يَفَاءَ - فَلْيَبْكَرِ الْعَدَاءَ، وَيُخَوِّدِ الْحَدَاءَ، وَيُحَقِّقِ الرَّدَاءَ، وَلْيَقْتُلْ مُجَامَعَةَ النَّسَاءِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا حَقُّ الرَّدَاءِ؟ قَالَ فَلَّةُ الدَّبْرِ^۵

۴/۳ مَا يُوْرِثُ الشَّيْبَ الْمُبَكَّرُ

۳۳۶۹ رسول الله ﷺ لَا تَدْعُوا الْعِشَاءَ وَلَوْ عَلَى حَشَعَةٍ إِنِّي أَحْشَى عَلَى أُمَّتِي مِنْ تَرْكِ الْعِشَاءِ الْهَرَمَ؛ فَإِنَّ الْعِشَاءَ قُوَّةُ الشَّيْبِ وَالشَّابِ^۶

۱ مکرم الاخلاق ج ۲ ص ۱۷۹ ح ۲۱۶۴

۲ أسد الغابة ج ۶ ص ۱۷۶ ۳ المسائل ص ۱۲۹

۴ دعائم الإسلام ج ۱ ص ۳۱۲

۵ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۳ ص ۵۵۵ ح ۱۹۰۲

۶ المجلس ج ۲ ص ۱۹۶ ح ۱۵۷۱

فصل سوم. توصیه‌های پزشکی

۱/۳ پرهیز از مراجعه به پزشک تا سر حد امکان

۳۳۶۴ پیامبر خدا ﷺ تا هنگامی که بدست درد ر تحمل می‌کند، از دارو پرهیز و آن گاه که درد ر تحمل نکرد، موبت دارو می‌رسد

۳۳۶۵. پیامبر خدا ﷺ هر کس سلامتش بر بیماری‌اش چیرگی دارد، مداوا نکند

۲/۳ راه ندرستی

۳۳۶۶ پیامبر خدا ﷺ هر کاری، چهاره‌ای دارد و راه تن‌درستی دو دنیا، چهار چیز است کم سخن گفتن، کم خفتن، کم راه رفتن و کم خوردن

۳۳۶۷ پیامبر خدا ﷺ روزه بگیرد تا تن درست بماند

۴ عوامل طول عمر

۳۳۶۸ کتاب من لا یحضره الفقیه پیامبر خدا فرمود هر که جاودانگی را می‌خواهد موالینت جاودانگی‌ای [برای غیر خدا] نیست - باید که چاشت را رود تر بخورد،^۱ کفش خوب [و مناسب] بپوشد، زدای سبک برگردد، و کمتر با زبان پیامبر ده

پرسیدند ای پیامبر خدا زدای سبک چیست؟

فرمود: کم بودن پدھی^۲

۴/۳ آنچه موجب پیری و زوال می‌شود

۳۳۶۹ پیامبر خدا ﷺ شام را وامگذارید، هر چند به خوردن دانه حرامی حشکیده باشد، من بر امت خویش از این بیم دارم که از واگذاردن شام، پیری و در هم شکستگی به سراغشان آید؛ چرا که شام، مایه میرومندی پیر و جوان است

۱. ظاهراً پس توصیه ناظر به نظام نو و عدمای در تنظیم روزه‌های حدیث که در دیگر متون، به نوعی بیان سفاکش شده است

۵/۳. رَأْسُ الدَّوَاءِ

۵/۳ سرآمد درمان

۳۳۷۰. رسول الله ﷺ السَّيِّدَةُ بَيْتُ كُلِّ دَاءٍ، وَالْجَحِيَّةُ رَأْسُ كُلِّ دَوَاءٍ^۱

۳۳۷۰. پیامبر خدا ﷺ معده، حائنه همه دردهاست و پرهیز، سرآمد همه درمان‌ها.

۶/۳. اللَّحْزَنُ وَالْمَرَضُ

۶/۳ لنزه و بیماری

۳۳۷۱. رسول الله ﷺ مَنْ كَثُرَ هَمُّهُ، شَقِمَ بَدَنُهُ^۲

۳۳۷۱. پیامبر خدا ﷺ هر کس اندوه [و دغدغه‌اش] فراوان شود، بدنش بیمار می‌گردد.

۳۳۷۲. عَنْهُ ﷺ اللَّهُ يُصِفُ الْهَرَمَ^۳

۳۳۷۲. پیامبر خدا ﷺ - اندوه [و دغدغه]، سیمی از پیری است

۷/۳. الْحَثُّ عَلَى النُّظَافَةِ

۷/۳ تشویق به پاکیزگی

۳۳۷۳. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ يُحِبُّ الطُّيْبَ، نَظِيفٌ يُحِبُّ النُّظَامَةَ^۴

۳۳۷۳. پیامبر خدا ﷺ خداوند، پاک است و شستنی پاک‌پرا دوست دارد؛ پاکیزه است و پاکیزگی را دوست دارد

۳۳۷۴. عَنْهُ ﷺ يَسِّرُ الْقَبْضَ الْقَادُورَ^۵

۳۳۷۵. عَنْهُ ﷺ لَا تُبَيِّسُوا الْقِمَامَةَ مِنْ يُؤَيِّكُمْ وَأَحْرَجُوهَا نَهَاراً، فَإِنَّهَا تَقَعُدُ الشَّيْطَانَ^۶

۳۳۷۴. پیامبر خدا ﷺ چه بد است بنده کثیف و بی‌قیدا
۳۳۷۵. پیامبر خدا ﷺ. زباله را شب در خانه‌های خود، نگه ندارید و آن را در روز به بیرون از خانه منتقل کنید؛ رهرا زباله جایگاه شیطان است.

۳۳۷۶. عَنْهُ ﷺ هَيْبَةُ الشَّيَاطِينِ مِنْ يُؤَيِّكُمْ هَيْبَةُ الْمُتَكَبِّرِينَ^۷

۳۳۷۶. پیامبر خدا ﷺ: خانه‌های متکبروتی که در اتاق‌های شمسیت، لانه شیاطین‌اند

۳۳۷۷. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ أَخَذَ قَوْماً، فَلَهُ ظُفْرُهُ^۸
۳۳۷۸. عَنْهُ ﷺ لَا تُؤْوُوا بِتَدْيِلِ الْقَمَرِ فِي الْبَيْتِ؛ فَإِنَّهُ

۸/۳. النُّظَافَةُ وَالصُّحَّةُ

۸/۳ پاکیزگی و بهداشت

۱. حُبِّ النَّبِيِّ ﷺ ص ۲

۲. الْأَمَلِيُّ لِلطَّرِيقِ، ص ۵۱۲ ح ۱۱۱۹

۳. مَدَنِيَّةُ الْجَنَابِ، ج ۱ ص ۵۱ ح ۳۲

۴. سنن ترمذی، ج ۵ ص ۱۱۲ ح ۲۷۹۹

۵. الکافی، ج ۶ ص ۱۲۹ ح ۶

۶. کتاب من لا یحضره الفقه، ج ۱ ص ۵ ح ۱۹۶۸

۷. الکافی، ج ۶ ص ۵۳۲ ح ۱۱

۸. الکافی، ج ۶ ص ۴۴۱ ح ۲

۳۳۷۷. پیامبر خدا ﷺ. هر کس جمعه‌ای بر می‌گیرد، باید آن را تعمیر کند

۳۳۷۸. پیامبر خدا ﷺ: دستمال آلوده به چربی و بوی گوشت را در خانه نگذارید، که آن، حفتگاه

مَرِيضٌ لِشَيْطَانٍ^۱.

شیطان هاست

۳۳۷۹ عَنْهُ ﷺ غَلَّقُوا أَبْوَابَكُمْ وَأَوْكِنُوا سِقَابَكُمْ.

۳۳۷۹ پیامبر خدا ﷺ بر درهائیان قفل بزمید، دهانه

وَحُمْرُوا رِيشَتَكُمْ^۲

مشک هایتان را ببیدید و بر ظرف هایتان درپوش

بگذارید

۳۳۸۰ مَسْنَدُ ابْنِ حَبِيلٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ: أَمَرَنَا رَسُولُ

۳۳۸۰، مسند ابن حیل - به نقل از ابو هریره - پیامبر

لِلَّهِ ﷺ بِتَعْطِیَةِ الْوُضُوءِ، وَإِيكَاءِ السُّقَاءِ، وَإِیکَاءِ

حدا به مافرمود که آب وضو را پوشانیم، دهانه

الْإِنَاءِ^۳

مشک را سیم و ظرف را از رویه بگذاریم

۳۳۸۱ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ تَقْلِيمُ الْأَطْفَارِ بِمَحِّ الدَّاءِ

۳۳۸۱ پیامبر خدا ﷺ، کوتاه کردن ناخن ها، مانع (بروز)

الْأَعْظَمِ، وَيَذَرُ الزُّرْقَ^۴

درد مرگ می شود و زوری را سرشار می سازد

۹، ۳ السُّوَاكُ

۹/۳ مسواک

أ- الْحَثُّ عَلَى السُّوَاكِ

الف تشویق به مسواک زدن

۳۳۸۲ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَوْلَا أَنِ اشْتُقَّ عَنِّي أَمْتِي لَأَمَلْتُكُمْ

۳۳۸۲ پیامبر خدا ﷺ اگر ترس از سختگیری بر ائمت

بِالسُّوَاكِ لَمَنْعَ كُلِّ صَلَاةٍ^۱

بهره دیمتور می دادم که با هر سماری مسواک

۳۳۸۳ عَنْهُ ﷺ عَارِلَ حَبْرَيْلَ ﷺ يُوحِيصِي بِالسُّوَاكِ

برسد

۳۳۸۳، پیامبر خدا ﷺ حبرئیل ﷺ پیوسته مرا به مسواک

حَتَّى خَشِيتُ أَنْ أُدْرِكَ أَوْ أَحْصَى^۲

زدن صغارش می کرد تا حایی که ترسیدم

ب- آداب السُّوَاكِ

دندان هیم از ریشه در آید یا ساییده شود

۳۳۸۴ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِسْتَاكُوا عَرَصاً وَلَا تَسْتَاكُوا

ب- آداب مسواک زدن

طُولاً^۳

۳۳۸۴ پیامبر خدا ﷺ دندان هایتان را از عرص

۳۳۸۵ عَنْهُ ﷺ اكْحَلُوا وَتَرَأْوَ اسْتَاكُوا عَرَصاً^۴

(همودی) مسواک برید، نه از طول (افعی)

۳۳۸۵ پیامبر خدا ﷺ تعداد سمره کشیدنتان فرد باشد

(سه بار، پنج بار و...) و دندان هایتان را از عرص،

مسواک برید

۱ الکافی ج ۶ ص ۲۹۹ ح ۱۸

۲ صحیح ابن حبان ج ۴ ص ۹۱ ح ۱۲۷۵

۳ مسند ابن حیل ج ۳ ص ۲۹۶ ح ۸۸۰۸

۴ الکافی ج ۶ ص ۴۹۰ ح ۱

۵ الکافی ج ۳ ص ۲۲ ح ۱، ۶ الکافی ج ۶ ص ۴۹۵ ح ۳

۶ الدعوات ص ۱۶۱ ح ۱۴۵

۸ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۵۲ ح ۱۲

الْبَابُ الثَّلَاثِي

بِسْمِ

الدَّوَاءُ بِالْفَوَاسِكِ وَالْعَفَافِيرِ وَالْأَغْنِيَةِ

۱/۲ الْأُرْزُ

۱/۲ برنج

۳۳۸۶ رسول الله ﷺ سَيِّدُ طَعَامِ أَهْلِ الدُّنْيَا وَلَا جَزَاءَ
اللَّحْمِ، ثُمَّ الْأُرْزُ^۱

۳۳۸۶ پیامبر خدا ﷺ مهتر همه حوراک‌های ساکنان
بین سرای و آن سرای، گوشت و سپس برنج
است

۳۳۸۷ عنه ﷺ نَعِمَ الدَّوَاءُ الْأُرْزُ، بَارِدٌ صَحِيحٌ سَلِيمٌ
مِنْ كُلِّ دَاءٍ^۲

۳۳۸۷ پیامبر خدا ﷺ برنج، سبکو دارویی است؛
سرد است و سالم و برکنار از هر بیماری.

۲/۲ الْبَصَلُ

۲/۲ پیاز

۳۳۸۸ رسول الله ﷺ إِذَا دَخَلْتُمْ بِلَادًا فَكُلُوا مِنْ تَحْلِيلِهَا؛
يَطْرُدُ عَنْكُمْ رِيَاءَهَا^۳

۳۳۸۸ پیامبر خدا ﷺ چون به سرزمینی در آمدید، از
پتان آن بخورید تا وای آن را از شما دور کند

۳/۲ الْبَطِيخُ

۳/۲ خربره

۳۳۸۹ رسول الله ﷺ مَا مِنْ امْرَأَةٍ حَامِلَةٍ أَكَلَتْ الْبَطِيخَ،
لَا يَكُونُ مَوْلُودُهَا حَسَنَ الْوَجْهِ وَالْخُلُقِ^۴

۳۳۸۹ پیامبر خدا ﷺ هیچ زن بارداری نیست که
خربره بخورد، مگر این که نورانش خوش چهره
و خوش خوی خواهد شد

۳۳۹۰ عنه ﷺ الْبَطِيخُ قَبْلَ الطَّعَامِ يَحْسِلُ الْبَطْنُ
غَسْلًا، وَيَذْهَبُ بِالذَّاءِ أَصْلًا^۵

۳۳۹۰ پیامبر خدا ﷺ خربره پیش از غذا، شکم را
کاملاً می‌شوید و بیماری را از ریشه می‌کند

۴/۲ الْبَيْضُ

۴/۲ تخم مرغ

۳۳۹۱ رسول الله ﷺ إِنْ شِئَا مِنْ الْأَشْيَاءِ شَكَأَ إِلَى اللَّهِ
الضَّعْفَ، فَأَمْرَةٌ بِأَكْلِ الْبَيْضِ^۶

۳۳۹۱ پیامبر خدا ﷺ یکی از پیامبران، از «سستی»،
به درگاه خداوند ﷻ مالید. خداوند، او را به
خوردن تخم مرغ، درمان داد

۱ هیون اخبار الرضا ﷺ ج ۲ ص ۳۵ ح ۷۹

۲ القردوس ج ۱ ص ۲۶۷ ح ۷۸۵

۳ الکافی ج ۶ ص ۳۷۴ ح ۵

۴ طب النبی ﷺ ص ۱۰ ۵ تاریخ حسن ج ۶ ص ۱۰۲

۶ شعب الإيمان ج ۵ ص ۱۰۲ ح ۵۹۵۰

۵/۲. التُّفَاحُ

۲. ۵. سیب

۳۳۹۲ رسول الله ﷺ كُلُوا التُّفَاحَ عَلَى الرِّيقِ؛ فَإِنَّهُ نَصُوحُ الْمَعِدَةِ^۱ ۳۳۹۲ پیامبر خدا ﷺ سیب را ناشتا بخورید؛ چرا که تمیر کسله معده است

۶/۲. التَّمْرُ

۲/۶ خرما

۳۳۹۳ رسول الله ﷺ عَلَيْكُمْ بِالتَّمْرِ؛ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِالْإِغْيَامِ، وَيُدْفِئُ مِنَ الْقُرِّ، وَيُشْبِعُ مِنَ الْجُوعِ، وَفِيهِ اثْنَانِ وَسَبْعُونَ بَاباً مِنَ الشَّعَامِ^۲ ۳۳۹۳ پیغمبر خدا ﷺ بر شما باد (خرمای) برنی؛ چرا که حسنگی را از میان می برد، در برابر سوز سرما گرمی می دهد، در برابر گرسنگی سیر می کند و در آن هفتاد و دو باب شفاست

۳۳۹۴ رسول الله ﷺ عَنْهُ ﷺ أَطْعِمُوا نِعْرَةً فِي شَهْرِهَا الَّذِي تَلَدَتْ فِيهِ، التَّمْرَ؛ فَإِنَّ وَلَدَهَا يَكُونُ حَلِيمًا نَقِيًّا^۳ ۳۳۹۴ پیامبر خدا ﷺ به زن، در ماهی که ضررت به دنیا می آورد، خرمای تازه بدهید؛ چرا که در این صورت، کودک وی بردار و پاک خواهد بود

۷/۲. اللَّحْنِ

۲/۷ انجیر

۳۳۹۵ رسول الله ﷺ كُلُوا اللَّحْنَ الرُّطْبَ وَالْيَابِسَ؛ فَإِنَّهُ يَرِيهِ فِي الْحِمَامِ، وَيَقْطَعُ الْبُؤْسَ، وَيَنْفَعُ مِنَ الْفَرَسِ وَالْإِبْرَةِ^۴ ۳۳۹۵ پیامبر خدا ﷺ انجیر، چه تازه و چه خشک، بخورید؛ چرا که بر قدرت هم بستری می اهراید، بواسیر را ریشه کن می کند، و برای درمان قورس و سردی مزاج، سودمند است

۸/۲. التُّومُ

۲/۸ پیبر

۳۳۹۶ رسول الله ﷺ كُلُوا التُّومَ وَتَدَاوُوا بِهِ؛ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ سَبْعِينَ دَاءً^۵ ۳۳۹۶ پیامبر خدا ﷺ پیبر بخورید و بدان درمان کنید؛ چرا که درمان هفتاد درد، در آن هست

۹/۲. الْحَنْزُ

۲/۹ پندیر

۳۳۹۷ رسول الله ﷺ كُلُوا الْحَنْزُ؛ فَإِنَّهُ يورثُ الشَّعَالَ، وَيَهْصِمُ الطُّعْمَ^۶ ۳۳۹۷ پیامبر خدا ﷺ پیبر بخورید؛ چرا که خواب می آورد و غذا را هضم می کند

۳۳۹۸ پیامبر خدا ﷺ پیبر، درد است؛ اما چون با

۱. مکارم الاخلاق ج ۱ ص ۳۷۵ ح ۱۲۱۸
 ۲. مکارم الاخلاق ج ۱ ص ۳۶۵ ح ۱۲۰۳
 ۳. مکارم الاخلاق ج ۱ ص ۳۶۵ ح ۱۲۰۲
 ۴. مکارم الاخلاق ج ۱ ص ۳۷۷ ح ۱۲۵۴
 ۵. مکارم الاخلاق ج ۱ ص ۳۹۴ ح ۱۳۳۵
 ۶. طب النبوی ﷺ ص ۱

شفا^۱

گرفتو خورده شود، درمان است.

۱۰/۲ الحَبَّةُ

۱۰/۲. شنبلیله

۳۳۹۹ رسول الله ﷺ تَدَاوَوُ بِالْحَبَّةِ؛ فَلَوْ تَعَلَّمُ امْتِي مَا لَهُمْ فِي الْحَبَّةِ، لَتَدَاوَوُ بِهَا وَلَوْ بَوْرِنَهَا ذَهَبًا.^۲

۳۳۹۹ پیامبر خدا ﷺ به شنبلیله درمان بخورید اگر لقب من می‌دانستند که شنبلیله برایشان چه سودهایی دارد، با آن درمان می‌کردند، هر چند همسنگ آن، طلا می‌دانند!

۱۱/۲ الخَسُّ

۱۱/۲ کاهو

۳۴۰۰ رسول الله ﷺ كُلِ الْخَسَّ فَإِنَّهُ يَوْرِثُ السَّعَاسَ، وَيَهْضُمُ الطَّعَامَ.^۳

۳۴۰۰ پیامبر خدا ﷺ کاهو بخور؛ چرا که خواب می‌آورد و غذا را هضم می‌کند.

۱۲/۲ الرُّمَانُ

۱۲/۲ انار

۳۴۰۱ رسول الله ﷺ كُلُوا الرُّمَانَ يَفْشِرُهُ؛ فَإِنَّهُ دِهَاقٌ اسْتَطْرِي.^۴

۳۴۰۱ پیامبر خدا ﷺ انار را با پیله^۱ آن بخورید؛ چرا که شستوشو دهنده معده است.

۱۳/۲ الرَّمْبُ

۱۳/۲ رومین

۳۴۰۲ رسول الله ﷺ عَلَيْكُمْ بِالرَّمْبِ؛ فَإِنَّهُ يَكْشِفُ الْمِرَّةَ، وَيَذْهَبُ بِالْبَلْعِ، وَيَشُدُّ الصَّغْبَ، وَيَذْهَبُ بِالْإِعْيَاءِ، وَيُخَفِّسُ الْمَلْقُ، وَيُطَيِّبُ لِسَانَ، وَيَذْهَبُ بِالْعَمِّ.^۵

۳۴۰۲ پیامبر خدا ﷺ بر شما باد رومین^۲؛ چرا که تلخه را طعمی رداید، بلغم را می‌برد، پس را استحکم می‌بخشد، رنجیدگی و خستگی را از میان بر می‌دارد، جوی را جوش می‌سازد، دل را پاک (پیراسته) می‌دارد و اندوه (پریشانی) را می‌برد.

۱۴/۲ الرِّيْقُونُ

۱۴/۲ ریتون

۳۴۰۳ رسول الله ﷺ كُلُوا الزَّيْتِ وَأَذْهَبُوا بِارْبَيْتِ؛ فَإِنَّهُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ.^۶

۳۴۰۳ پیامبر خدا ﷺ روغن ریتون بخورید و خود را با روغن ریتون، چرب کنید؛ چرا که آن، از درختی حجت است.

۳۴۰۴ عَلَيْهِ ﷺ عَلَيْكُمْ بِرَيْبِ الرِّيْتُونِ، فَكُلُوهُ وَأَذْهَبُوا.

۳۴۰۴ پیامبر خدا ﷺ بر شما باد روغن ریتون آن

۱ تاریخ بغداد ج ۷ ص ۴۰۳ الرقم ۳۹۴۷

۲ التجمیرات ص ۲۴۵

۳ مکالم الأخلاق ج ۱ ص ۳۹۶ ح ۱۳۴۴

۴ المحاسن ج ۲ ص ۳۵۶ ح ۲۲۳۶

۵ المعال ص ۳۴۳ ح ۹ ۶ الکافی ج ۶ ص ۳۳۱ ح ۱

۱ - به انار، سبزی‌ای است که در درون انار است و دانعا بر آن تعبیه شده است (نصف‌خانه دهنده).

۲ این حدیث، در هیون اخبار الرضا ﷺ (ج ۲ ص ۲۵ ح ۸۱)، صحیفه الامام الرضا ﷺ (ص ۱۰۷ ح ۵۸)، مکالم الأخلاق (ج ۱ ص ۳۱۵ ح ۱۴۰۵) و الذخائر (ص ۱۲۷ ح ۴۸۶) هم وجود دارد؛ لیکن در آنها به جای رزیب (میرزا)، واژه رومین (روغن ریتون) آمده که با ترجمه به ردپا بودن نگارش این دو کلمه به هم پیگر در زبان عربی، احتمال تصحیف در یکی از آن دو، وجود دارد و چون خواص و آثار ذکر شده در این حدیث، کم و بیش در احادیث دیگر دربارهٔ رومین هم وارد شده، ما نسخه ریب را ترجیح داده، حدیث را در این فصل آورديم و دو فصل ریتون بی‌افزودیم.

يَدُ فَإِنَّهُ يَنْفَعُ مِنَ الْبَاسِورِ^۱

را بخورید و بدن را با آن، چرب کنید؛ چرا که برای
برمان باسور، سودمند است

۱۵/۲ السُّفْرَجَلُ

۱۵،۲ م

۳۴۰۵ رسول الله ﷺ كُلُوا السُّفْرَجَلَ فَإِنَّهُ يَحُلُّو الْفُؤَادَ
وَمَا يَمُتُ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا أَطْعَمَهُ مِنْ سَفْرَجِلِ الْجَنَّةِ، فَمُرِّدْ
فِي قُوَّةِ أَرْبَعِينَ رَحْلًا^۲

۳۴۰۵ پیامبر خدا ﷺ پی بخورید که دل را جلا
می دهد خداوند، هیچ پیامبری را بر نگزیده، مگر
این که از پی بهب به او حورانده و نیروی چهل
مرد را به او افزوده است

۳۴۰۶ عَنْهُ ﷺ إِذَا وَجَدَ أَحَدُكُمْ طَحَاءَ عَلَى تَلْبِهِ
فَلْيَأْكُلِ السُّفْرَجَلَ^۳

۳۴۰۶ پیامبر خدا ﷺ، هر گاه کسی از شما در قلب
خود، مگس ای احساس می کند، پی بخورد

۳۴۰۷ الْإِمَامُ الْكَاطِمُ ﷺ كَرَّرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ سَفْرَجَةَ
وَأَطْعَمَ جَعْفَرَ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، وَقَالَ

۳۴۰۷ امام کاظم ﷺ، پیامبر ﷺ، یک پی را شکست و
[پارهای از آن را] به جعفر بن ابی طالب داد و
فرمود: بخور؛ چرا که رنگ را صفا می دهد و
بازی را مکر می سازد

كُلْ فَإِنَّهُ يُصْفِي اللَّوْنُ، وَيُحَسِّنُ الْوَلَدَ^۴

۱۶/۲ الْعَدَسُ

۱۶،۲ عدس

۳۴۰۸ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَيْكُمْ بِالْعَدَسِ، فَإِنَّهُ مُبَارَكٌ
مُعَدُّسٌ، يُرَقِّقُ الْقَلْبَ، وَيُكَثِّرُ الدَّمَعةَ، وَقَدْ بَارَكَ فِيهِ
سَبْعُونَ نَبِيًّا أَحْرَهُمُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ ﷺ^۵

۳۴۰۸ پیامبر خدا ﷺ بر شما باد عدس؛ چرا که مبارک و
پاک است، دل را نازک می کند و اشک را افزون
می سازد هفتاد پیامبر - که آخریشان عیسی بن
مریم ﷺ است - دوام سودمندی آن را از خداوند
متعال خواسته اند

۱۷/۲ الْعَسَلُ

الكتاب

۱۷،۲ عسل

قرآن

﴿وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا
وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَرْتَفِعُونَ﴾ ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ
فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلًا يَخْرُجُ مِنْ بَطْنِهَا شَرَابٌ
لَحِيظٌ لَّكَ لَوْنُهُ رَاحِيهِ شِفَاءٌ لِّلْعَاسِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ

﴿و پروردگار تو به زبهر عسل، وحی کرد که از پاره های
کوه ها و از برخی درختان و از آنچه درازست [و
چفته ساری] می کشد خانه هایی برای خود درست کن.
سپس از همه میوه ها بخور، و راه های پروردگارت را
فرمان بردارنده پیروی، [آن گاه] از درون [شکم] آن،
شهدی که به رنگ های گوناگون است، بیرون می آید در

۱ کتر العسل ج ۱۰ ص ۴۷ ح ۲۸۲۹۵

۲ مکالم الأخلاق ج ۱ ص ۳۷۳ ح ۱۲۱۲

۳ تکر الدج ج ۱ ص ۲۱۱

۴ المحاسن ج ۲ ص ۳۶۵ ح ۲۲۱۲

۵ عيون اخبار الرضا ج ۲ ص ۴۱ ح ۱۳۶

يَنْفَعُونَ^۱.

الحديث

۳۴۰۹ رسول الله ﷺ الْعَسَلُ شِفَاءٌ^۲

حديث

۳۴۰۹. پیامبر خدا ﷺ، عسل، درمان است

۳۴۱۰ عَنْهُ ﷺ يَسْعَمُ الشَّرَابُ الْقَتْلُ، يَرْغَى الْقَلْبُ.

وَيَذْهَبُ بُرْدُ الصَّدْرِ^۳

۳۴۱۱ عَنْهُ ﷺ إِنْ يَكُنْ فِي شَيْءٍ شِفَاءٌ، فَفِي شَرْطَةِ

حَجَامٍ أَوْ شَرْطَةِ عَسَلٍ^۱.

۱۸/۲ الْعَنْتُ

۳۴۱۲ رسول الله ﷺ كُلُوا اللَّبَّ حَبَّةً حَبَّةً، فَإِنَّهُ أَمْنٌ

وَأَمْرٌ^۵

۱۸/۲. انگور

۳۴۱۲. پیامبر خدا ﷺ انگور را دانه دانه بخورید؛ چرا

که گولراتر و خوش تر است^۲

۱۹/۲ الْعَنْابُ

۳۴۱۳ رسول الله ﷺ الْعَنْابُ يَذْهَبُ بِالْحَمَى^۶

۱۹/۲. عَنَاب

۳۴۱۳. پیامبر خدا ﷺ عَنَاب، تب را می‌برد

۲۰/۲ الْعَنْبِرَاءُ

۳۴۱۴ الإمام الحسين عليه السلام دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ

۲۰/۲. صندل

أَبِي طَالِبٍ وَهُوَ مَحْمُومٌ، فَأَمَرَهُ بِأَكْلِ الْعَنْبِرَاءِ^۷

۳۴۱۴. امام حسین علیه السلام پیامبر خدا ﷺ بر علی بن ابی طالب علیه السلام

وارد شد، در حالی که وی تب داشت پیامبر خدا ﷺ او را

به خوردن صندل، سفارش کرد

۲۱/۲ الْقَرْعُ

۳۴۱۵ رسول الله ﷺ عَلَيْكُمْ بِالْقَرْعِ، فَإِنَّهُ يَرِيدُ فِي

۲۱/۲. کدو

الدَّمَاغِ^۸

۳۴۱۵. پیامبر خدا ﷺ بر شما باد کدو؛ چرا که معز را

افزون می‌سازد

۱. البجل، ۶۸ و ۶۹

۲. دعائم الإسلام ج ۲ ص ۱۴۸ ح ۵۲۶

۳. مکالم الأخلاق ج ۱ ص ۳۵۸ ح ۱۱۶۸

۴. عيون أخبار الرضا عليه السلام ج ۲ ص ۳۵ ح ۸۳

۵. عيون أخبار الرضا عليه السلام ج ۲ ص ۳۵ ح ۸۲

۶. طب النبوة ﷺ ص ۹

۷. عيون أخبار الرضا عليه السلام ج ۲ ص ۴۳ ح ۱۵۲

۸. عيون أخبار الرضا عليه السلام ج ۲ ص ۳۶ ح ۸۶

۱. در القردوس به جای سردی سینه را از میان می‌برد؛ چسب

آمده است؛ و کینه و حالت دل‌چرکی را از میان می‌برد

۲. این حدیث در المعجمی از امام صادق علیه السلام نقل شده ۲۰۰۰

تفاوت که در آغاز آن آمده است؛ اما اگر خواستید انگور

بخورید...

۳۴۱۶. الإمام الکاظم ﷺ كَانَ فِيمَا أَوْصَى بِهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
عَبِيًّا أَنَّهُ قَالَ لَهُ يَا عَلِيُّ، عَلَيْكَ بِالدُّبَابِ فَكُلْهُ،
فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الدَّمَاعِ وَالْعَقْلِ^۱

۳۴۱۷. امام کاظم ﷺ بار جملہ سفارش ہدی کہ پیامبر ﷺ بہ
علیؑ کرد، اس بود کہ بہ وی فرمود «ای علی!»،
بر مود کدو آن را بخور؛ چرا کہ معرو و عقل ر

۲۲/۲. الْكُمَاةُ

افرون می سارده

۲۲/۲ قاری

۳۴۱۷ پیامبر خدا ﷺ قاری، از گیاهان بهشت است و آب
آن برای درد چشم، سودمند است.

۲۳/۲ گلابی

۳۴۱۸ پیامبر خدا ﷺ گلابی، قلب را ریزد، می سازد

۲۴/۲ گندُر

۳۴۱۹ پیامبر خدا ﷺ - بہ علیؑ - ای علی! اسہ چیر بر
عاققہ می افراید و بلغم را از میان می برد؛ گندُر،

مرحمت رسول خدا ﷺ و قرانت قرآن^۱

۳۴۲۰ پیامبر خدا ﷺ بہ زنان باردار خورد، گندُر بدهید؛
چرا کہ عقل کودک را افزون می کند

۲۵/۲ شیر

۳۴۲۱ امام باقر ﷺ - بہ نقل از جابر بن عبد الله - [بہ
پیامبر ﷺ] گفته شد ای پیامبر خدا! آیا درمان
کیم؟

فرمود «آری، درمان کنید؛ زیرا خداوند -
بارک و تعالی - هیچ دردی فرو نرستاده، مگر
پس کہ برایش درمانی نیز فرستاده است بر شما
باد شیر گاو؛ چرا کہ آن، از هر گیاهی می خورد»

۱ در الفصاح، بہ جدی بیمہ، واژه منقہ بہ معنای بیماری
آمده است

۳۴۱۷ رسول الله ﷺ الْكُمَاةُ مِنْ نَسَبِ الْحَبَّةِ، وَمَا رُهَا
مَنْعَ مَنْ وَجَعَ الْعَيْنَ^۲

۲۳/۲ الْكُمَثَرِيُّ

۳۴۱۸ رسول الله ﷺ الْكُمَثَرِيُّ يُحْيِي الْقَلْبَ^۳

۲۴/۲ اللَّبَانُ

۳۴۱۹ رسول الله ﷺ - لِمَنْ لَمْ يَكُنْ - يَا عَلِيُّ، ثَلَاثَةٌ يَنْفَعُونَ
فِي الْجَمِطِ وَيُدْهِسُ اللَّيْلَمَ: اللَّبَانُ، وَالسَّوَاكُ، وَفَرَاةُ
الْقُرْآنِ^۴

۳۴۲۰ عَنْهُ ﷺ أَطْعَمُوا بِسَاءَ كُمُ الْخَوَالِ اللَّبَانُ، فَإِنَّهُ
يَزِيدُ فِي عَقْلِ الصَّبِيِّ^۵

۲۵/۲ اللَّبَنُ

۳۴۲۱. الإمام الباقر ﷺ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ: مِيلَ [الرَّسُولِ
ﷺ] يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَتَكْدَأُونِي؟

فَقَالَ نَعَمْ، تَدَاوَوْا، فَإِنَّ اللَّهَ - بَارِكُ وَتَعَالَى -
لَمْ يُرَلْ دَاءٌ إِلَّا وَقَدْ أُرْسِلَ لَهُ دَوَاءٌ عَلَيْكُمْ بِأَلْبَانِ
الْبَقَرِ، فَإِنَّهَا تَزُومُ مِنْ كُلِّ الشَّجَرِ^۶

۱ الکافی ج ۶ ص ۳۷۱ ح ۷

۲ المحسن ج ۲ ص ۳۳۵ ح ۲۱۴۹

۳ مستدرک الوسائل ج ۱۶ ص ۴۱۵ ح ۲۰۳۴۵

۴ کتاب من لا یحضرہ الفقیہ ج ۱ ص ۳۶۵ ح ۵۷۶۲

۵ مکرم الأخلاق ج ۱ ص ۴۳۳ ح ۱۴۳۹

۶ قرب الإسناد ص ۱۱۰ ح ۲۸۰

۳۴۲۲. رسول الله ﷺ في ألهاى الإبل... دواء لذر بكم^۱

۳۴۲۲. پیامبر خدا ﷺ، در شیر شتر... داروی بیماری
ذرب^۱ هست.

۲۶/۲ اللحم

۳۴۲۳. رسول الله ﷺ اللحم سيّد الطعام في الدنيا والآخرة^۲

۲۶/۲ گوشت

۳۴۲۳. پیامبر خدا ﷺ، گوشت، مهتر غذاها در دنیا و آخرت است

۳۴۲۴. عنه ﷺ أكل اللحم يحسن الوجه، ويحسن الخلق^۳

۳۴۲۴. پیامبر خدا ﷺ، خوردن گوشت، روی را نیکو می‌سازد و حوی را هم نیکو می‌سازد

۳۴۲۵. عنه ﷺ اللحم واللبن، يسيان اللحم، ويُسدي العظام، واللحم يزيد في السمح والبصر، واللحم بالبهي يزيد في البائة^۴

۳۴۲۵. پیامبر خدا ﷺ گوشت و شیر، گوشت را می‌رویانَد و استخوان‌ها را استحکام می‌بخشد [افزون بر این]، گوشت، شوری و بینایی را می‌افزاید و اگر همراه تخم مرغ باشد، توان جسمی را بهر افزون می‌کند.

۳۴۲۶. عنه ﷺ لحم البقر داء، ولبنها دواء، ولحم السمك دواء، ولبنها داء^۵

۳۴۲۶. پیامبر خدا ﷺ گوشت گاو، [مایه] درد است و شکرش، درمان؛ اما گوشت گوسفند، درمان است و شیرش، درد

۳۴۲۷. عنه ﷺ إدمان أكل السمك الطري، يذهب اللحم^۶

۳۴۲۷. پیامبر خدا ﷺ پیوسته خوردن ماهی تازه، گوشت را خوب می‌کند.

۲۷/۲ الملح

۳۴۲۸. الكافي عن محمد بن مسلم [عن الإمام علي بن أبي طالب] ^۱ إن القرب لسمت رسول الله ﷺ، فقال: لعنت الله! أما ثبائين مؤمناً أذيت أم كافراً ثم دعا بالمِلح فذلكه فهدأت^۲ ثم قال أبو جعفر ﷺ لو يعلم الناس ما في الملح ما هموا قلة يرياقاً^۳

۲۷/۲ نمک

۳۴۲۸. الکافی: امام باقر ﷺ فرمود: کژدمی، پیامبر ﷺ را بیش‌تر [پیامبر ﷺ] فرمود: حدایت لعنت کند که هیچ برایت تفاوتی نمی‌کند که مؤمنی را بگری یا کافری را! سپس قدری نمک خواست و بر حای گرش مالید و در نتیجه، درد فرو نشست

۱. المصنف لعن الركن ج ۹ ص ۲۵۹ ح ۱۷۱۳۵

۲. الکافی ج ۶ ص ۳۰۸ ح ۲

۳. تلخیص دمشق ج ۴۹ ص ۳۲۳ ح ۱۰۵۵۶

۴. دعائم الإسلام ج ۲ ص ۱۵۵ ح ۵۱۱

۵. طب فی سنی ﷺ ص ۷

۶. دعائم الإسلام ج ۲ ص ۱۵۱ ح ۵۳۹

۷. ما بین العقولین اثنتان من المحاسن ج ۲ ص ۵۳۲ ح ۲۱۷۷

۸. فی المصنوع «بهذه»، والتصويب من بحواله الأثر

۹. الکافی ج ۶ ص ۳۲۷ ح ۹

سپس امام باقر فرمود اگر مردم از آنچه در نمک هست، آگاهی داشتند، با وجود آن، دیگر هیچ پادهری نمی‌جستند

۱. ذرب، بیماری است که مانع هضم و جذب غذا می‌شود و در نتیجه، موجب شکم‌روشی می‌گردد

الباب الثالث

المرض

الفصل الأول. منافع المرض

۱/۱ القاديب

۳۴۲۹ رسول الله ﷺ المَرَضُ سَوَاطِئُ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ يُؤَدِّبُ بِهِ عِبَادَهُ ۱

۳۴۳۰ عَنْهُ ﷺ لَوْلَا ثَلَاثٌ فِي ابْنِ آدَمَ مَا طَاطَا رَأْسُهُ شَيْءٌ الْمَرَضُ، وَالْفَقْرُ، وَالْمَوْتُ، كُنْهُمْ هَبْ، وَإِنَّ مَعَهُنَّ لَوَنَاتٍ ۲

۲/۱ الكفارة

۳۴۳۱ رسول الله ﷺ سَاعَاتُ الْوَجَعِ، زُدهیں ساعاتِ الحُطَايَا ۳

۳۴۳۲ عَنْهُ ﷺ إِنْ أَعْيِذَ لَيْسِيئُهُ مِنَ الْفَضَائِبِ حَتَّى يَمْشِيَ عَلَى الْأَرْضِ وَمَا عَلَيْهِ حَطِيئَةٌ ۴

۳۴۳۳ عَنْهُ ﷺ إِنَّمَا مَثَلُ الْفَرَسِ إِذَا بَرَأَ وَضَعُ كَانِبِرْدَةٍ تَقَعُ مِنَ السَّمَاءِ فِي صَفَائِهَا وَلَوْهَا ۵

۳/۱ الكرامة

۳۴۳۴ رسول الله ﷺ إِنْ الرَّجُلُ لَيْكُونُ لَهُ نَذْرَةٌ عِندَ اللَّهِ لَا يَلْعُوقُهَا يَمْتَلِئُ، حَتَّى يُبْتَلَى بِتِلَاوَةِ حَمْدِهِ،

۱ كنز العمال ج ۳ ص ۳۰۶ ح ۶۸۱

۲ الفصل من ۱۱۳ ح ۸۹ ۳ التجميع من ۲۶۵

۴ مكارم الأخلاق ج ۲ ص ۷۳ ح ۲۴۳۴

۵ سنن الترمذي ج ۴ ص ۲۱۱ ح ۲۰۸۶

باب سوم

بیماری

فصل یکم. منافع بیماری

۱/۱ قادیب

۳۴۲۹ پیامبر خدا ﷺ، بیماری، تازیانه خدا در زمین است که با آن، بدگان خویش را ادب می کند

۳۴۳۰ پیامبر خدا ﷺ گرسنه چیر در آدمیراد نبود، هیچ چیری سر او را فرو نمی آورد بیماری، بهی دستی و مرگ اینها همه در انسان هست و با نکی بحال، انسان، همچنان گستاخ است!

۲/۱. کفاره

۳۴۳۱ پیامبر خدا ﷺ لحظه های درد، [اثر] لحظه های گناه را از میان می برد

۳۴۳۲ پیامبر خدا ﷺ گاه به سده خدا بر حی از مصائب می رسد تا در حالی بر زمین گم بر دارد که هیچ گاهی برای وی باشد

۳۴۳۳ پیامبر خدا ﷺ، عَنَلِ [حای] بیمار، آن گاه که بهبود می یابد، همانند شفافیت و رنگ از لایا بگورگ است، هنگامی که از آسمان فرو می ریزد.

۳/۱ کرامیداشت

۳۴۳۴ پیامبر خدا ﷺ گاهی انسان، مرتبه ای در پیشگاه خداوند دارد که ب عمل خویش، بدان نمی رسد، مگر آن که به بلایی در جسم خود،

قَبِّلُهَا بِذَلِكَ^۱.

آرموده شود و بدین واسطه، به آن مرتبه برسد.

۳۱۳۵ هـ: **الْأَمْرُ حَقٌّ دَايَا** وَمِنْ أَهْلِ الْإِسْلَامِ، فَأَحَبُّ ۳۳۳۵ بیمار خدا **عَلَيْهِ**، بیماری‌ها، هدیه‌هایی از جانب

خداوند **عَلَيْهِ** به پنده‌اند. بنا بر این محبوب‌ترین

الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ أَكْثَرُهُمْ هَدِيَّةً^۲.

بندگان نزد خداوند، کسی است که بیشترین هدیه

به وی رسیده باشد.



۱ الدعوات ص ۱۷۲ ح ۱۸۳

۲ الفردوس ج ۱ ص ۱۲۳ ح ۴۲۲

سخن درباره حکمت بیماری‌ها

در احادیث اسلامی، بیماری به عنوان ریدان بدن و یکی از سخت‌ترین بلاها تعریف شده است، از دیگر سو، همه مردم در طول زندگی خویش، کم و بیش گرفتار این ریدان می‌شوند و طعم تلخ بلای بیماری را می‌چشند. در همین جااست که پژوهشگر با پرسش‌هایی از این دست، رویارو می‌شود

- حکمت موجود در قراردادن ریدانی به نام «بیماری» در نظام هستی چیست؟

- آیا بهتر نیست که حدود، انسان را به گونه‌ای بفرستد که در طول زندگی به بلای بیماری گرفتار نشود؟

- اصولاً چرا انسان، بیمار می‌شود؟ آیا می‌توان کاری کرد که انسان، هیچ‌گاه به ریدان بیماری گرفتار نیفتد؟

پاسخ این پرسش‌ها را با نگاهی به علت بیماری انسان، آعداد می‌گیریم چرا انسان بیمار می‌شود؟

پاسخ دانش پزشکی به این پرسش، بیان عوامل مادی نوع بیماری‌هاست، بدین معنا که علت یک بیماری ممکن است وراثت، یا انتقال میکروب، یا سببه‌ها، یا عوامل دیگر از این دست باشد اما مسئله اصلی این است آیا آنچه در جهان طبیعت، عوامل بیماری‌زا شایع می‌شوند، علل ناممکنند یا آن که ممکن است عوامل شایع دیگری نیز در کنار این عوامل وجود داشته باشند؟

بی‌گمان عقل انسان نمی‌تواند احتمال وجود عوامل شایع بیماری را انکار کند، هر چند اثبات این عوامل هم نیازمند دلیل است

روایات اسلامی، ضمن تأیید علل مادی بیماری‌ها و تاکید بر این که برخی از بیماری‌ها را می‌توان از طریق مبارزه با علل آنها، پیشگیری کرد، در کنار علل مادی، علل شایع‌تری را برای بیماری‌ها اثبات می‌کنند این علل، در واقع، حکمت بیماری‌ها در نظام آفرینش است. علل مورد اشاره عبارتند از

۱ تربیت

مهم‌ترین حکمت بیماری، نقش سازنده تربیتی آن در زندگی انسان است. از پیامبر خدا، روایت شده که در این زمینه فرمود

الْمَرْضُ سَوْطٌ لِّلَّهِ فِي الْأَرْضِ يُؤَدِّبُ بِهِ عِبَادَهُ^۱

بیماری، تازیانه خدا در زمین است که با آن، بندگان خویش را آداب می‌کند

اصولاً یکی از مهم‌ترین حاستگاه‌های بیماری، امتحان آنها از سوی خداوند است و از سوی دیگر، فلسفه همه امتحان‌های الهی نیز تربیت انسان و رشد و شکوفایی استعدادهای نهفته در درونوست البته، به فقط حکمت بیماری‌ها تحقق امتحان الهی است؛ بلکه فلسفه تن‌درستی و سلامت نیز همین است به دیگر سخن، هر یک از دو حالت تن‌درستی و فائز درستی، آثار تربیتی مثبتی دارند و برای تکامل انسان نیز ضروری‌اند.

۱/۱. پاکسازی جان: در مورد خطاکاران، نقش تربیتی بیماری در پاره کردن پرده‌های غفلت، بیدار کردن آنها و ترکیه حاشان از ناپاکی‌ها و آلودگی‌ها تجلی می‌یابد، چوین که امیر مؤمنان فرموده است

إِذَا ابْتَلَى اللَّهُ عَبْدًا اسْقَطَ عَنْهُ مِنَ الذُّنُوبِ بِقَدْرِ جَلْبَتِهِ^۱

چون خداوند، بندهای را مبتلا به بیماری کند، به اندازه بیماری‌اش از گناهان او فرو می‌کاهد

۲۱. تکامل انسان: اما بیماری نیکوکاران و پرهیزگاران، مرتبه آنان در پیشگاه خداوند را بالاتر می‌برد و به تکاملشان می‌انجامد، چنان که از پیامبر خدا نقل شده است که فرمود:

إِنَّ الرَّجُلَ لَيَكُونُ لَهُ الدَّرَجَةُ عِنْدَ اللَّهِ، لَا يَسْتَعْمِلُ بِفَعْلِهِ حَتَّى يُبْتَلى فِي جَسَدِهِ، فَيُلْقَى بِذَلِكَ^۲

مرد، گاه دارای مرتبه‌ای در پیشگاه خداوند است که به عمل خویش بدان نمی‌رسد تا آن هنگام که به ابتلایی در جسم خود درموده شود و بدین واسطه به آن مرتبت برسد

۲. کسب

در نظام حکیمانه هستی مشاهده می‌کنیم که بیماری برای کسانی که زمینه تربیتی را در نفس و روان خویش ساه ساخته‌اند، چنان که توصیح داده شد، به کنار دادن پرده‌های غفلت و آگاهی افروتن و سازندگی می‌انجامد، اما برای کسانی که بدان پایه از آلودگی روحی دچار شده‌اند که جانشان اصلاح و تربیت را بر نمی‌تابد، همین بیماری، نوعی کیفر الهی به شمار می‌رود

امام رضا علیه السلام نیز درباره نقش بیماری برای آنان که استعداد بهره‌گیری مثبت از آن را دارند و آنان که چنین قابلیت را ندارند، فرموده است

لَتَرَضُ لِلْمُؤْمِنِ تَطْهِيرٌ وَ رَحْمَةٌ، وَلِلْكَافِرِ تَعْذِيبٌ وَ نِقْمَةٌ^۳

بیماری برای مؤمن، تطهیر و رحمت، و برای کافر، عذاب و نیت است

۳. عامل مرگ

گاه در بیماری، به حکمتی تربیتی نهفته است، و نه فلسفه‌ای کیمری، بلکه مرگ را در پی می‌آورد، اما در نظام آفرینش، مرگ هم بدون حکمت نیست؛ چه، همه باید بمیرند از دیدگاه احادیث اسلامی، هر بیماری‌ای درمانی ندارد و یگانه دردی که هیچ درمانی ندارد، مرگ است

۴/۱. ثَوَابُ مَا كَانَ يَعْمَلُ فِي الصُّحَّةِ

۳۴۳۶ رسول الله ﷺ مَا مِنْ مُسْلِمٍ يُتْلَى فِي جَسَدِهِ إِلَّا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ أَكْتُبُوا لِقَبْدِي أَفْضَلَ مَا كَانَ يَعْمَلُ فِي صِحَّتِهِ^۱

۳۴۳۷ عَنْهُ ﷺ لِلْمَرِيضِ أَرْبَعُ جِصَالٍ يُرْفَعُ عَنْهُ الْقَلَمُ، وَيَأْمُرُ اللَّهُ الْمَلَكَ يَكْتُبُ لَهُ كُلَّ فَضْلٍ كَانَ يَحْتَمِلُهُ فِي صِحَّتِهِ، وَيَسْتَبْعُ مَرَضُهُ كُلَّ عُصْفٍ فِي جَسَدِهِ وَيَسْتَحْرِحُ ذُنُوبَهُ بِهِ، فَإِنْ مَاتَ مَاتَ مَعْمُورًا لَهُ، وَإِنْ عَاشَ عَاشَ مَعْمُورًا لَهُ^۲

الفصل الثاني. واجبات المريض

۱/۲. كتمان المريض

۳۴۳۸ رسول الله ﷺ مِنْ كُتِبَ الْبِرُّ كِتْمَانُ الْمَرِيضِ، وَالْأَمْرَاضِ، وَالصَّدَقَةِ^۳

۳۴۳۹ عَنْهُ ﷺ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى إِذَا اسْتَكْبَى قَبْدِي فَأُظْهِرَ الْمَرَضَ مِنْ قَبْلِ ثَلَاثٍ، فَقَدْ شَكَانِي^۴

۲/۲. الصُّعْبُ

۳۴۴۰ رسول الله ﷺ يُكْتُبُ أَمِينُ الْمَرِيضِ، فَإِنْ كَانَ صَابِرًا كُتِبَ حَسَنَاتٌ، وَإِنْ كَانَ خَزَعًا كُتِبَ قُلُوبًا لَا أَجْرَ لَهُ^۵

۳۴۴۱ عَنْهُ ﷺ مَنْ مَرِضَ يَوْمًا وَلَيْلَةً فَلَمْ يَشْكُ إِلَى

۱ الأمل للفرس ص ۲۸۱ ح ۸۳۲

۲ ثواب الأعمال ص ۲۳۰ ح ۱

۳ الدعوات ص ۱۶۷ ح ۴۶۲

۴ المعجم الأوسط ج ۱ ص ۲۶۹ ح ۸۷۵

۵ الصحاح ص ۲۱۱

۱/۲. پاداش آنچه در دوران تن‌درستی انجام

می‌داده است

۳۴۳۶ پیامبر خدا ﷺ هیچ مسدمانی نیست که به گرفتاری‌ای جسمی مبتلا شود، مگر آن که خداوند ﷻ به فرشتگان خویش می‌فرماید: ابرای او پاداش بهترین کارهایی را که در دوران تن‌درستی انجام می‌داده است، بنویسید.

۳۴۳۷ پیامبر خدا ﷺ برای بیمار، چهار ویژگی است. علم تکلیف از او برداشته می‌شود؛ خداوند به فرشته فرمان می‌دهد که همه پاداش آنچه را در دوران تن‌درستی خویش انجام می‌داده است، بسرایش می‌نویسد؛ بیماری وی بر همه لغو می‌گردد؛ اگر بمیرد، امر رده می‌گیرد و اگر رده می‌ماند، آمرزیده زندگی می‌کند

فصل دوم. وطایف بیمار

۱/۲. پنهان داشتن بیماری

۳۴۳۸ پیامبر خدا ﷺ یکی از گنج‌های یکی، پوشیده داشتنی محبت‌ها، بیماری‌ها و صدقه است

۳۴۳۹. پیامبر خدا ﷺ خداوند ﷻ فرموده است: وقتی بندهام به دردی گرفتار شود و بیماری را پیش از سه [روز] آشکار سازد، از من گلایه کرده است.

۲/۲. شکیبایی

۳۴۴۰. پیامبر خدا ﷺ سألَ بیمار، نوشته می‌شود پس اگر شکیباً باشد، [سأله‌اش] حسنه نوشته می‌شود و اگر می‌تاب باشد، ناشکیبا و بی‌پاداش نوشته می‌شود

۳۴۴۱. پیامبر خدا ﷺ هر کس یک شبانه‌روز بیمار

عَوَادِهِ، بَعَثَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ خَلِيلِهِ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ
الرَّحْمَنِ عَلَيْهِ، حَتَّى يَجُوزَ الصَّرَاطَ كَالْبَرَقِ الْأَمِيعِ^۱.

۲/ ۳. الصَّدَقَةُ

۳۴۴۲ رسول الله ﷺ مَا عَوِجَ مَرِيضٌ بِأَفْضَلِ مِنَ
الصَّدَقَةِ^۲.

۳۴۴۳ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ دَاوُدَ مَرَّصَكُمْ بِالصَّدَقَةِ، فَإِنَّهَا تَدْفِعُ
عَنكُمْ لَأَمْرًا وَالْأَعْرَاضَ^۳.

۲/ ۴. الدُّعَاءُ

۳۴۴۴ الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَعَادَنِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ.
فَقَالَ قُلِ «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَجَمُّعَ عَائِيَّتِكَ،
وَصِرَ أَعْلَى بَلَدِيكَ، وَخُرُوجًا إِلَى رَحْمَتِكَ»

فَقُلْتُ، فَقَسَبْتُ كَأَنَّمَا شَطَلْتُ مِنَ عَقَالٍ^۴.

الفصل الثالث: التمريض

۱/ ۳. ذَوَابُّ التَّمْرِیضِ

۳۴۴۵ الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مَنْ سَمِعَ لِمَرِيضٍ
فِي حَاجَةٍ قَصَاها أَوْ لَمْ يَقْصِها، خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ
وَلَدَتْهُ أُمُّهُ

فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَمَّا يَا رَسُولَ
اللَّهِ، فَإِنْ كَانَ الْمَرِيضُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، أَوْ لَيْسَ مِنْ
أَعْظَمَ أَجْرًا إِذَا سَمِعَ فِي حَاجَةِ أَهْلِ بَيْتِهِ؟

۱ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۱۶ ح ۴۹۶۸

۲ التقریر ص ج ۱ ص ۱۱۸ ح ۶۳۶۸

۳ کتالعمال ج ۱ ص ۱۰ ح ۲۳ ح ۲۸۱۸۲

۴ مستدرک ص ۱۸۱

شود و سرد عیادت کسنگش شکوه نکند،
حدود او را در روز قیامت، با خلیل حویش،
ابراهیم خلیل الرحمان، برمی انگیزد تا به سان
برقی پُر درخشش، از صراط بگذرد

۲/ ۳ صدقه دادن

۳۴۴۲ پیامبر خدا ﷺ هیچ بیماری‌ای به چیری برتر
از صدقه، درمان شده است
۳۴۴۳ پیامبر خدا ﷺ بیمارستان را با صدقه درمان کنید،
چرا که بیماری‌ها و آفت‌ها را از شما دور می‌کند

۲/ ۴ دعا کردن

۳۴۴۴ امام علی علیه السلام بیمار شدم و پیامبر خدا ﷺ به عیادت
آمد و فرمود: «گو خداوند! از تو می‌خواهم
عائلی را که می‌دهی، پیش انصاری و بر امتحان
حویش، بردباری‌ام بحشی و مرا به سوی رحمت
خودت بگردانی»

من، این دعا را خواندم و پس از آن [دعا]، در
بستر بیماری برخاستم، گویا که از بندی رسته باشم

فصل سوم: پرستاری

۱/ ۳. پادش پرستاری

۳۴۴۵ امام علی علیه السلام، پیامبر خدا ﷺ فرمود: «هر کس در بر
آوردن بیمار یا پرستاری بکوشد، خواه آن را بر آورد و
خواه بر بیاورد، از ریز بار گند حویش بیرون می‌رود،
به سان آن روز که از مادر، زاده شده است».

در این هنگام، مردی از انصار گفت ای پیامبر
خدا، پدر و مادرم به عدیت! اگر بیمار از خانواده
شخص باشد، آیا در صورتی که در بر آوردن بیمار
خانواده حویش بکوشد این کار، پادش بیشتری
بخشد؟

قال: نعم.^۱

فرمود: چرا!

۲/۳. أَذِيبُ الْقُمْرِيضُ

۲/۳. آذیب پورستاری

۳۴۴۶ رسول الله ﷺ لَا تُكْرِهُوا مَرْضَاكُمْ عَلَى الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ إِنْ أَرَادَ اللَّهُ يُطْعِمَهُمْ وَيَسْقِيَهُمْ^۲

۳۴۴۶ پیامبر خدا ﷺ: بیمارانتان را به خوردنی و نوشیدنی وادار مکنید؛ چرا که خداوند، به آنان می‌خوراند و می‌نوشاند.

۳/۳. لِلْقُمْرِضَاتِ فِي غُرَوَاتِ النَّسِيِّ ﷺ

۳/۳. زنان پورستان در سردهای پیامبر ﷺ

۳۴۴۷ صحيح البخاري عن سهل بن سعد الساعدي لَمَّا كُفِّرَتْ عَلَى زَيْنِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ التَّيْبَةُ، وَأُذِمَّتْ وَحُمَةُ وَكُسِرَتْ رَبَاعِيَّتُهُ^۳. وَكَانَ عَيْبِيُّ ﷺ يَحْتَمِلُ بِالْمَاءِ فِي الْجَحْرِ، وَحَامَاتُ فَاطِمَةَ ﷺ تَعْمِلُ عَلَى وَجْهِ الدَّمِّ، فَلَمَّا رَأَتْ فَاطِمَةَ ﷺ الدَّمَ يَرِيدُ عَلَى الْمَاءِ كَثْرَةً، غَمَدَتْ إِلَى خَصِيرٍ فَأَحْرَقَتْهَا، وَلَمَفَتْهَا غَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، مَرَّاً بِالدَّمِّ^۴

۳۴۴۷ صحيح البخاري - به نقل از سهل بن سعد ساعدي - هنگامی که کلاه خود بر سر پیامبر خدا شکست، چهره وی به خون نشست و دندان رباعی^۱ ایشان نیز شکست. عیبی^۲ با سپر، آب می‌آورد و فاطمه^۳ - که دندان جا آمد - خون را از چهره ایشان می‌شست. فاطمه^۴ چون مشاهده کرد که خون بر آب عنه دارد، حصیری را برداشت و سوزاند و این سوزانده را به رحم پیامبر خدا چسباند و پس از آن، خون، فرو نشست.

۳۴۴۸ صحيح مسلم عن أنس، كان رسول الله ﷺ يعمر بأُمِّ سُلَيْمٍ وَسَوْتَهُ مِنَ الْأَنْصَارِ مَعَهُ إِذَا غَرَا، فَيَسْقِيهِ الْمَاءَ، وَيُدْوِينَ نَحْرَهُ^۵

۳۴۴۸ صحيح مسلم - به نقل از آنس -؛ پیامبر خدا، اُمّ سلیم و زنانی از انصار را با خود به پیکار می‌برد و آنان، آب می‌رساندند و مجروحان را درمان می‌کردند.

۳۴۴۹ الطبقات الكبرى: أَسْلَمْتُ أُمُّ سُلَيْمٍ، وَبِإِيعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، وَشَهِدَتْ يَوْمَ حُنَيْنٍ وَهِيَ حَامِلٌ بِبَيْتِ اللَّهِ بْنِ أَبِي طَلْحَةَ، وَشَهِدَتْ قَبْلَ ذَلِكَ يَوْمَ أُحُدٍ تَسْقِي الْقَطْشَ، وَتُدَاوِي الْجَرْحَى^۶

۳۴۴۹ الطبقات الكبرى: اُمّ سلیم، اسلام آورد و با پیامبر خدا، بیعت کرد و دربرد حنین، در حالی که به عبدالله بن ابی طلحه آهستی بود، حضور یافت. او پیش‌تر دربرد اُحُد به تشنگان، آب می‌رساند و مجروحان را درمان می‌کرد.

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۱۶ ح ۴۹۶۸

۲. من ابن ماجه ج ۲ ص ۱۱۴۰ ح ۴۴۴۱

۳. الزیاحیه لحدی الامان الاربع النبی تلی الثانی، بن النسخه والکتاب (لسان العرب ج ۸ ص ۱۰۸)

۴. صحيح البخاري ج ۵ ص ۲۱۶۲ ح ۵۳۹۰

۵. صحيح مسلم ج ۳ ص ۱۵۱۳ ح ۱۳۵

۶. الطبقات الكبرى ج ۸ ص ۴۲۵

۱. چهار دندان واقع میان دندان‌های پیشین (ثنايا) و دندان‌های پس از نوک بالا و پایین «فویاض» می‌باشد.

۳۴۵۰. الطبقات الكبرى - به نقل از محمد بن عمر - حَضَرَتْ أُمُّ أَيْمَنَ أَخْذًا، وَكَانَتْ تُسْقِي الْمَاءَ وَتُدَاوِي الْجَمْرَ حَسْبًا، وَشَهِدَتْ حَمِيمًا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ.^۱

۳۴۵۰. الطبقات الكبرى - به نقل از محمد بن عمر - اُمّ ایمن در آخذ حضور یافت. او آب می‌رساند و مجروحان را درمان می‌کرد. وی در سرد خنجر نیز همراه با پیامبر خدا، حضور یافت.

الفصل الرابع: عيادة المريض

فصل چهارم: عیادت بیمار

۱/۴ الْحَثُّ عَلَى الْعِيَادَةِ

۱/۴ تشویق به عیادت

۳۴۵۱. رسول الله ﷺ الْبَيَادَةُ سُنَّةٌ.^۲

۳۴۵۱. پیامبر خدا ﷺ: عیادت، سنت است.

۳۴۵۲. عنه ﷺ - بِي وَصَايَاهُ بِعَلِيِّ ﷺ -: يَا عَلِيُّ

۳۴۵۲. پیامبر خدا ﷺ - از سفارش‌های ایشان به امام

علی ﷺ -: ای علی! - [حتی اگر شده] یک فرسخ

برو و بیماری را عیادت کن.

۳۴۵۳. الامام علي ﷺ إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ عَادَ يَهُودِيًّا فِي

۳۴۵۳. امام علی ﷺ: پیامبر ﷺ، یهودی‌ای را به هنگام

بیماری‌اش عیادت کرد

مَرْجِيهً.^۳

۲/۴ ثَوَابُ الْعِيَادَةِ

۲/۴ پاداش عیادت

۳۴۵۴. رسول الله ﷺ مَنْ عَادَ مَرِيضًا نَادَاهُ مُنَادٍ مِّنَ

۳۴۵۴. پیامبر خدا ﷺ: هر کس بیماری را عیادت کند،

منادی‌ای از آسمان او را می‌خواند که: دای فلانی!

خوش باش و گام برداشتمت به پاداش بهشت،

گورایت باد!

السَّمَاءِ بِاسْمِهِ يَا فُلَانُ، طِبْتَ وَطَابَ لَكَ مِمَّا شَاكَ

بِثَوَابٍ مِنَ الْجَنَّةِ.^۴

۳/۴ آدابُ الْعِيَادَةِ

۳/۴ آداب عیادت

۳۴۵۵. رسول الله ﷺ لَا يُعَادُ الْمَرِيضُ إِلَّا بَعْدَ ثَلَاثٍ.^۵

۳۴۵۵. پیامبر خدا ﷺ: سمار عیادت نمی‌شود، مگر

پس از سه روز.

۳۴۵۶. عنه ﷺ إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ عَلَى مَرِيضٍ فَلْيَصَاحِبْهُ،

وَلْيَضَعْ يَدَهُ عَلَى خَبْثَتِهِ، وَلْيَسْأَلْهُ كَيْفَ هُوَ، وَلْيَنْسِ لَهُ

لِي الْأَجَلِ وَيَسْأَلْهُ أَنْ يَدْعُوَ لَهُمْ، فَإِنَّ دُعَاءَ الْمَرِيضِ

۳۴۵۶. پیامبر خدا ﷺ: چون کسی از شما بر بیماری

وُلُود می‌شود، با او دست بدهد، دست خویش بر

پیشانی وی بگذارد، احوال‌پرسی کند، آرزوی درآرت

شدن عمر وی نماید و از او بخواهد برایش دعا

کند؛ چرا که دعای بیمار، به سان دعای فرشتگان

۱. الطبقات الكبرى ج ۸ ص ۲۲۵

۲. الفقهوس ج ۳ ص ۸۱ ح ۱۲۳۶.

۳. کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۳۶۱ ح ۵۷۶۲

۴. الفقهوس ج ۳ ص ۱۲۱ ح ۱۰

۵. التمهید الأوسط ج ۴ ص ۱۸ ح ۲۵۰۳

کَدَعَاوِ الْمَلَائِكَةِ ۱

است.

- ۳۴۵۷ عنه ﷺ إِذَا دَخَلْتَ عَلَى مَرِيضٍ فَمَرَّةٌ أَنْ يَدْعُوكَ لَكَ؛ فَإِنْ دَعَاكَ كَدَعَا الْمَلَائِكَةِ ۱
- ۳۴۵۸ الإمام عليّ عليه السلام نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ يَأْكُلَ الْعَبْدُ عِنْدَ الْعَبْدِ، فَيَحْبِطَ اللَّهُ أَجْرَ عِبَادَتِهِ ۲
- ۳۴۵۹ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَعْظَمُ الْبَيَادَةِ أَجْرًا أَحَقُّهَا ۱
- ۳۴۶۰ عنه ﷺ أَعْبَسُوا فِي الْعِبَادَةِ وَأَرْبَعُوهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَعْلُوبًا ۴
- ۳۴۵۷ پیامبر خدا ﷺ: چون بر بیماری وارد شدی، از او بخواه برایت دعا کند؛ چرا که دعای او، به سه سال دعای فرشتگان است
- ۳۴۵۸ امام علی علیه السلام: پیامبر ﷺ از این که عبادت کننده برد بیمار چبری بخورد، نهی فرمود، که مباد حفاوند، پاداش عبادت او را از میان ببرد
- ۳۴۵۹ پیامبر خدا ﷺ: پسر پاداش تسمیرین عبادت، کوتاه‌ترین آن است

۱ / ۴ عَا لَا يَخْضَعِي فِي مَوْجِهَةِ الْمَرِيضِ

- ۳۴۶۱ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا رَأَى أَحَدَكُمْ بِأَحْيَةٍ بَلَاءٍ، فَلْيَحْتَدِثْ اللَّهُ وَلَا يُسْمِعْ ذَلِكَ ۱
- ۳۴۶۲ عنه ﷺ قُلُوا مِنَ النَّظَرِ إِلَى أَهْلِ الْبَلَاءِ وَلَا يَدْخُرُوا عَلَيْهِمْ وَإِذَا مَرَرْتُمْ بِهِمْ فَأَسْرِعُوا الْمَشْيَ لَا يَهْضُمَكُمَا أَصَاتُهُمْ ۷
- ۳۴۶۳ عنه ﷺ لَا تُدِيمُوا النَّظَرَ إِلَى الْمَجْدُومِينَ ۸
- ۳۴۶۴ عنه ﷺ لَا تُدِيمُوا النَّظَرَ إِلَى أَهْلِ الْبَلَاءِ وَالْمَجْدُومِينَ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ يَحَرِّقُهُمْ ۹
- ۳۴۶۰ پیامبر خدا ﷺ یک روز در میان و دو روز نیز میان، عبادت کنید، مگر آن که بیمار، حاش و حشم باشد

۲ / ۲ آنچه روئاری بیمار، نباید انجام داد

- ۳۴۶۱ پیامبر خدا ﷺ: اگر کسی از شما، برادر خویش را گرفتار بلایی دید، خداوند ﷻ را ابر سلامت خویش استاید، و البته این ستایش گفتن را به گوش بیمار برساند
- ۳۴۶۲ پیامبر خدا ﷺ گرفتار شدگان به بلا را کمتر تماشا کنید و بر آنان، وارد شوید و چون با آنان برخورد کردید، راه رفتن خویش را تعدیل کنید تا آنچه بدانان رسیده است، به شما برسد
- ۳۴۶۳ پیامبر خدا ﷺ به جذامیان، نگاه پیوسته مینماید
- ۳۴۶۴ پیامبر خدا ﷺ به گرفتار شدگان بلا و جذامیان، نگاه پیوسته مینماید؛ زیرا پس کار، آنان را اندوهگین می‌کند

۱ شعب الإيماء ج ۶ ص ۵۴۱ ح ۲۲۱۴

۲ سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۴۶۳ ح ۱۴۴۱

۳ معجم الإسلام ج ۱ ص ۲۱۸

۴ مستدرک ج ۲ ص ۲۵۵ ح ۶۶۳

۵ الامالي للعسري ص ۳۳۹ ح ۱۳۱۸

۶ ديل تاريخ بغداد لابن القطر ج ۱۸ ص ۲۲۲ ح ۷۹۵

۷ طب الأئمة لابي بظام ص ۱۰۶

۸ سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۱۷۲ ح ۳۵۴۳

۹ طب الأئمة لابي بظام ص ۱۰۶

بخش دهم

حکمت های گوناگون



چاپخانه



مرکز تحقیقات کتابخانه و اسناد ملی

الفصل الأول: المنجيات

الكتاب

﴿وَنُجِّدُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَنَقَّوْا بِنُفُوسٍ﴾^۱

الحديث

۳۴۶۵ رسول الله ﷺ - هِي وَصِيَّتِي لِأَعْلَى ﷺ - يَا عَلِيُّ ثَلَاثٌ دَرَجَاتٌ وَثَلَاثٌ كَفَّارَاتٌ، وَثَلَاثٌ مُهْلِكَاتٌ. وَثَلَاثٌ مُسَبِّحَاتٌ. أَمَّا الثُّنَجِيَّاتُ فَخُفُوفُ اللَّهِ فِي السَّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَالْقَصْدُ فِي الْعَمَى وَالْفَقْرُ، وَكُفَيْتُهُ الْعَدْلُ فِي الرِّحَا وَالشُّحْلِ^۲

۳۴۶۶ عَنْهُ ﷺ نَحَا الْمُجْبُورُونَ، وَهَذَاكَ الْمُتَعَلِّقُونَ^۳

۳۴۶۷ عَنْهُ ﷺ ثَلَاثٌ مُسَبِّحَاتٌ تَكْفِي لِسَانَكَ، وَتُجْبَى عَلَى خَطِيئَتِكَ، وَتُكْرَمُ نَبَتُكَ^۴

۳۴۶۸ الْإِمَامُ الْحُسَيْنُ ﷺ دَخَلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَعَبْدَهُ أَبِي بَنْ كَعْبٍ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَرَحَبًا بِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا زَيْنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، فَقَالَ لَهُ أَبِي وَكَيْفَ يَكُونُ يَا رَسُولَ اللَّهِ زَيْنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَحَدٌ غَيْرُكَ؟ فَقَالَ لَهُ يَا أَبِي، وَالَّذِي بَقَشِي بِسَافِقٍ نَبِيًّا إِذْ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ فِي السَّمَاءِ كَبِيرُ مَسْأَلَةٍ فِي

۱ - مُصَلَّب ۱۸

۲ - مَكْرَمُ الْأَخْلَاقِ ج ۲ ص ۳۲۵ ح ۲۶۵۶

۳ - مَكْرَمُ الْأَخْلَاقِ ج ۲ ص ۳۲۸ ح ۲۶۵۶

۴ - الْفَتْحُ ص ۸۵ ح ۱۳

فصل یکم: عوامل رستگاری

قرآن

﴿وَرِكَاسِي وَكَهْ اِيْلَانْ آوَرْدَه يُوْدِدْ وَ پُروا مِي دَاشْتَنْد، رَهَانِيْدِيْم﴾.

حدیث

۳۴۶۵ پیامبر خدا ﷺ - در سفارش به امام علی ﷺ - ای علی! سه چیز، درجه است و سه چیز، کفاره و سه چیز، هلاکت‌آور و سه چیز، درجات بخش‌آور... و آن درجات بخش‌ها، عبارت‌اند از: توسل از خدا در اشکبار و سهل، مبادنه روی در توانگری و نهی دستی، و حق‌گویی در خشم و خشمودی.

۳۴۶۶ پیامبر خدا ﷺ - مسکباران، نجات یابند و گران‌باران، به هلاکت افتادند

۳۴۶۷ پیامبر خدا ﷺ - سه چیز، درجات بخش‌آور است: زیارت را ننگه ناری، برگزاهت پگری، و در جانمات بشیعی

۳۴۶۸ امام حسین ﷺ بر پیامبر خدا، وارد شدم ابی بن کعب هم آن جا بود. پیامبر خدا فرمود: «خوش آمدی، ای ابا عبد الله، ای زیور آسمان‌ها و زمین‌ها». ابی به ایشان گفت: ای پیامبر خدا! چگونه ممکن است کسی جر شمع، زیور آسمان‌ها و زمین باشد؟

پیامبر ﷺ به او فرمود: «ای! سوگند به آن که مرا به حق به پیامبری برانگیخت، حسین بن علی،

در سحاب، بزرگ‌تر و با عظمت‌تر از زمین است؛
ویرا در سمت راست عرش، موشه شده است.
[حسین] چراغ هدایت و کشتی نجات است»

فصل دوم، نعمت

۱/۲ نعمت‌های آشکار و نهان

قرآن

«آیا بدقتی‌اید که خدا، آنچه را که در آسمان‌ها و آنچه را
که در زمین است، مسخر شما ساخته و نعمت‌های آشکار
و نهان خود را بر شما به‌تمام کرده است؟ و برخی از مردم
در باره خدا، بی [آن که] دانش و به سود و کثای روش
[ناشته باشند]، به مجادله برمی‌خیزند»

حدیث

۳۶۹ مجمع البیان - به نقل از ابن عباس - از پیامبر ﷺ
ابو سحیح حدادید متعال را که فرمود: «نعمت‌های
آشکار و نهان» پرسیدم فرمود: «ای پسر عباس! نعمت‌های آشکار، اسلام است و آفرینش بیکو و
کاملی که برای تو قرار داده و روزی سرشاری که
به تو بخشیده است و نعمت‌های نهان، پوشاندن
اعمال بد تو و رسوایی‌ساختن تو به وسیله آنهاست
ای پسر عباس! خدای متعال می‌فرماید: "سه
چیز است که من برای مؤمن، قرار دادم، در حالی
که او را در آنها احتیاری نیست. اول، دعای مؤمنان
برای او بعد از تمام شدن دوران عملش (پس از
مرگ) دوم، اختیار یک سوم مالش را به دست او
ندام نام و وسیله آن، گناهان او را پاک کنم و سوم،
کردارهای رشت او را پوشاندم و به وسیله آنها
رسوایش بساختم، در صورتی که اگر اعمال
رشت او را آشکار می‌کردم، خانواده‌اش او را دور
می‌انداختند، چه رسد به دیگران..."»

الأرض؛ فَإِنَّهُ مَكْتُوبٌ عَنِ يَمِينِ الْعَرْشِ بِصَاحٍ هَدِيٍّ
وَسَعِيَةٍ نَجَاةٍ^۱

الفصل الثاني النعمة

۱ / ۲ النعم الظاهرة والباطنة

الكتاب

«أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي
الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَهْرَهُ وَبَاطِنَهُ وَمَنْ
النَّاسُ مَنْ يُجْعَلُ فِي اللَّهِ بِعَيْزٍ عِلْمٌ وَلَا هُدًى وَلَا
كُتُبٌ مُبِينٌ»^۲

الحديث

۳۶۹ مجمع البیان عن ابن عباس. سَأَلْتُ النَّبِيَّ ﷺ
قَوْلَهُ تَعَالَى: «ظَاهِرُهُ وَبَاطِنُهُ» فَقَالَ يَا ابْنَ عَبَّاسٍ
أَمَّا مَا ظَهَرَ عَلَى الْإِسْلَامِ، وَمَا سَوَّى اللَّهُ مِنْ حَلِيمٍ وَمَا
أَفْضَلَ عَلَيْكَ مِنَ الرَّزْقِ. وَأَمَّا مَا بَطَنَ فَسِرِّ مَسَاوِي
عَمَلِكَ وَلَمْ يَفْضَحْكَ بِهِ، يَا ابْنَ عَبَّاسٍ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى
يَقُولُ: ثَلَاثَةٌ جَعَلْتُهُنَّ لِلْمُؤْمِنِ وَلَمْ تُكْسَلْهُ، صَلَاةُ
الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ مِنْ بَعْدِ انْقِطَاعِ عَمَلِهِ، وَحَقْلُ لَهُ ثَلَاثُ
مَالِهِ أَكْثَرُ بِهِ عَمَهُ حَطَابَةٌ، وَالثَّالِثُ سِرُّ مَسَاوِي
عَمَلِهِ وَلَمْ أَصْخَهُ بَشِيءٌ مِنْهُ وَلَوْ أَيْدَتْهَا عَلَيْهِ لَسَبَدَهُ
أَهْلُهُ فَمَنْ سَوَاهُمْ^۳

۱ کمال الدین ص ۳۶۵ ح ۱۱

۲ لقمان ۲۱

۳ مجمع البیان ج ۸ ص ۵۱۱

۲/۲. اَلْحَمْدُ عَلَى ذِكْرِ نِعَمِ اللَّهِ

۲/۲. ترغیب به یادآوری نعمت‌های خدا

الکتاب

قرآن

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَلْقٍ
غَيْرِ اللَّهِ يُزَوِّجُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
فَإِنِّي لَأَوَدُّكُمْ^۱﴾

﴿ای مردم! نعمت خدا را بر خود، یاد کنید، آیا غیر از خدا،
آفرینگری هست که شما را از آسمان و زمین، زوی
دهد؟ خدایی جرار نیست. پس چگونه [از حق] انحراف
می‌پسند؟﴾

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا
نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ
فَاصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ
النَّارِ فَأَنْقَضَكُمْ مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ
تَهْتَدُونَ^۲﴾

﴿و همگی به ريسان خدا، چنگ ربيد و پراکنده نشويد و
نعمت خدا را بر خود، ياد کنيد آن گاه که دشمنان
[يکديگر] بوديد، پس ميان دل‌هاي شما اَلَّفَت انداخت،
تا به لطف او، برادران هم شديده و بر کنار پرتگاه آتش
بوديد که شما را از آن دهانيد، اين گونه، خداوند،
شانه‌هاي خود را براي شما روشني مي‌کند، باشد که شما
راه پاييد﴾

الحديث

حديث

۳۴۷۰ رسول الله ﷺ - مي موله عالي ﴿وَذِكْرُهُمْ أُنَامٌ

الله﴾^۳ نعم الله والانه^۴

۳۴۷۰ پيامبر خدا ﷺ - در باره امانه ﴿و اتمام حدي را به آمان

پيروي آوري كن﴾ :- يعنى نعمت‌ها و الطاف او را

۳/۲ من أجمع الله عليهم

الکتاب

قرآن

﴿وَمَنْ قَطَعَ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ
عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ
وَالصَّالِحِينَ وَهُمْ أَوْلَىٰ عَلَيْكَ رِيقًا^۵﴾

﴿و کسي که از خدا و فرستاده [اش] اطاعت کسید، در مورد
کسانی خواهد بود که خدا به ایشان نعمت داده است،
[بعضی] با پیامبران و صديقان و شهيدان و صالحان اند، و
آنلى، چه بيو خدايان اند﴾

الحديث

حديث

۳۴۷۱ الإمام علي عليه السلام - جاء رجل من الأنصار إلى

النبي ﷺ فقال: يا رسول الله، ما أستطيع هراقك،
وإنني لأدخل مبرلي فأذكرك فأتركك صبيحتي

۳۴۷۱ امام علي عليه السلام: مردی از انصار، خدمت پيامبر ﷺ
آمد و گفت ای پيامبر خدا! من، تحمل دوری شما
را ندارم هر گاه به خانه ام می‌روم، به یاد شما
می‌افتم و خانه ام را ترک می‌کنم و می‌آیم تا شما را
ببینم؛ چون شما را دوست دارم؛ اما به ایس فکر

۱ آن عمران ۱۰۳

۲ فاطر ۳

۳ اَلَّذِينَ آمَنُوا ج ۵ ص ۶

۴ ابراهيم ۵۱

۵ النساء ۶۹

وَأَقْبَلَ حَتَّى أَنْظَرَ إِلَيْكَ حَبْنًا لَكَ. مَذَكَّرْتُ إِذْ كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ وَأُدْجِلْتُ الْجَنَّةَ فَرُبِعَتْ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ. فَكَيْفَ لِي بِكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ؟ فَتَرَكْتُ ﴿وَمَنْ يُطْعِمِ اللَّهَ وَالرُّسُولَ...﴾ مَذْعَا النَّبِيِّ ﷺ الرَّجُلَ فَقَرَأَ عَنْ عَبْدِ وَبَشَّرَهُ بِدَلَالَةٍ ۱

۴/۲. الْعَفْلَةُ عَنِ النَّعْمِ

۳۱۷۲. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُعْمَتَانِ مَعْتُونٌ فِيهِمَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ: الْفَرَاغُ وَالصَّحَّةُ ۲

۳۱۷۳. عَنْهُ ﷺ الصَّحَّةُ وَالْفَرَاغُ يُعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ ۳

۳۱۷۴. عَنْهُ ﷺ يُعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ: الْأَمْنُ وَالْعَاقِبَةُ ۱

۵/۲. مَا يُوَحِّدُ بَقَاءَ النَّعْمِ

۳۱۷۵. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنْ قَرَّبَ عِبَادٌ حَصْنَهُمُ بِالنَّعْمِ، يَبْقُرْهَا فِيهِمْ مَا يَدُلُّوهُا لِلنَّاسِ فَإِذَا مَعَهَا حَوْلُهَا يَسْهُمُ إِلَى غَيْرِهِمْ ۵

۶/۲. الْمَقْدُودُ بِدَعْمَةِ اللَّهِ

الكتاب

﴿وَأَنَا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾ ۶

الحديث

۳۱۷۶. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ سَعْيِهِ

هستم که چون روز قیامت شود و شما به بهشت بروی و به عالی تریس درجه بهشت نرده شوی، من چگونه به شما دسترسی پیدا کنم، ای پیامبر خدا؟ در این هنگام، آیه: ﴿وَكَيْفَ لِي بِكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ؟ فَتَرَكْتُ﴾ نازل شد. پیامبر ﷺ آن مرد را صدا زد و به عنوان خبر خوش، آن آیه را برای او خواند.

۴/۲. غفلت از نعمت‌ها

۳۱۷۲. پیامبر خدا ﷺ دو نعمت است که بسیاری از مردم، در آنها آرموده می‌شوند [به سبب آنها به گمراهی و ضلالت می‌افتند]، فراغت و تسهیل ۲

۳۱۷۳. پیامبر خدا ﷺ تسهیل و تسهیل دو نعمتی هستند که بسیاری می‌شوند (کسی قدر آنها را نمی‌داند)

۳۱۷۴. پیامبر خدا ﷺ دو نعمت است که یادیده گرفته می‌شوند امنیت و سلامت.

۵/۲. عوامل پایداری نعمت‌ها

۳۱۷۵. پیامبر خدا ﷺ: حصار و حصار، سادگی دارد که نعمت‌ها را در اختیار آنان، نهاده است تا زمانی که بین نعمت‌ها را به مردم بدل و بخشش کنند، آنها را در میان‌شان نگه می‌دارد و هرگاه در رخ و ورید، نعمت‌ها را از آنان، به دیگران منتقل می‌کند

۶/۲. بارگذاشتن نعمت‌های خدا

قرآن

﴿وَأَنَا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾ [یا مردم]، سخن بگوی

حدیث

۳۱۷۶. پیامبر خدا ﷺ: خداوند، دوست دلد که اثر نعمت

۱. الأملی للطوسی ص ۲۲۱ ج ۱۲۸۰

۲. الاصل ص ۳۵ ج ۷

۳. کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۳۸۱ ج ۵۸۲۹

۴. الاصل ص ۳۱ ج ۵

۵. عوالم الاثر ج ۱ ص ۳۷۲ ج ۸۲

۶. الصبی ۱۱

علی عیدیه^۱

۳۴۷۷ سنن ابی داوود عن ابی الأحوص عن ابیه
 أَنَبِیْتُ النَّبِیَّ ﷺ فِی قُبُورِ دُوبٍ، فَقَالَ: أَلَاکَ مَالٌ؟ قَالَ
 نَعَمْ. قَالَ مِمَّ أُمِّی الْمَالِ؟ قَالَ: قَدْ آتَانِیَ اللَّهُ مِنْ الْأَرْبَلِ
 وَالنَّعَمِ وَالْعَقِیلِ وَالرَّقِیقِ. قَالَ: فَإِنَّ آتَاكَ اللَّهُ مَالًا مَدِیْرَ
 تَرَحُّمَةِ اللَّهِ عَلَیْكَ وَكَرَامَتُهُ^۲.

۷/۲. تَمَامُ النُّعْمَةِ

۳۴۷۸ رسول الله ﷺ مَن أَمْسَنَ وَأَصْبَحَ وَعِندَهُ ثَلَاثٌ
 فَقَدْ تَمَّتْ عَلَيْهِ النُّعْمَةُ فِی الدُّنْیَا، مَن أَصْبَحَ وَأَمْسَى
 مُعَامًى فِی بَدَنِهِ، أَمْسًا فِی سَرِّهِ، عِندَهُ قُوَّةٌ یَوْمُهُ، فَبِنِ
 کَانَتِ عِندَهُ الرَّبِّیَّةُ فَقَدْ تَمَّتْ عَلَيْهِ النُّعْمَةُ فِی الدُّنْیَا
 وَالْآخِرَةِ، وَهُوَ الْإِیْمَانُ^۳.

۳۴۷۹ سنن الترمذی عن معاذ بن جبل عن رسول الله ﷺ
 - لِرَحُلٍ یَدْعُو وَیَسْأَلُ اللَّهَ تَمَامَ النُّعْمَةِ - أُمِّی
 شَیْءٍ تَمَامَ النُّعْمَةِ؟ قَالَ: دَعْوَةُ دَعَاؤُهَا أَرْجُو
 بِهَا الْخَیْرَ قَالَ: فَإِنَّ مَن تَمَامَ النُّعْمَةِ دُحُولَ الْجَنَّةِ
 وَالْفَوْزَ مِنَ النَّارِ^۴.

الفصل الثالث: الرَّحْمَةُ

۱/۳. تَعَهُدُ اللَّهِ بِالرَّحْمَةِ

الکتاب

﴿وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ

خود را در بنده‌اش ببیند

۳۴۷۷. سنن ابی داوود - به نقل از ابی الأحوص، از
 پدرش - یا جامه‌ای هست [و ارزان قیمت]، خدمت
 پیامبر خدا رسیدم. فرمود: آیا ثروتی داری؟^۱
 گفت [م]: آری.
 فرمود: آنچه مالی داری؟^۲
 گفت [م]: خداوند، شتر و گوسفند و گاو و برده
 به من داده است.

فرمود: پس اگر خداوند به تو ثروتی داده است،
 باید نشانه نعمت و کرامتی که ارزانی‌ات داشته است،
 در تو دیده شود.

۷/۲. نعمت تمام

۳۴۷۸. پیامبر خدا ﷺ: هر که شب و روز خود را سپری
 کند و از سه چیز برخوردار باشد، نعمت دنیا بر او
 تمام شده است: کسی که بامداد و شامگاهش را در
 نی‌درستی و آسودگی خاطر گذراند و خوراک روز
 حرد را داشته باشد، و اگر چهارمین نعمت را هم
 داشته باشد، نعمت دنیا و آخرت را به تمامی دارد و
 آن نعمت، ایمان است.

۳۴۷۹. سنن الترمذی - به نقل از معاذ بن جبل - پیامبر
 خدا، به مردی که دعا می‌کرد و از خداوند، نعمت
 تمام را می‌طلبید، فرمود: «نعمت تمام چیست؟»^۱
 گفت: دهایی که بدان، خدا را بخوانم و امید خیر
 از آن داشته باشم.

فرمود: «تمامیت نعمت، رفتن به بهشت و رستن
 از آتش است»^۲.

فصل سوم: رحمت

۱/۳. خداوند، رحمت را تعهد کرده است

قرآن

﴿و چون کسانی که به آیات ما ایمان دارند، نزد تو می‌ایند،

۱. سنن الترمذی ج ۵ ص ۱۲۴ ح ۲۸۱۹

۲. سنن ابی داوود ج ۴ ص ۵۱ ح ۵۰۳۳

۳. مصنف المصنوع ص ۳۶

۴. سنن الترمذی ج ۵ ص ۵۴۱ ح ۲۵۲۷

كُتِبَ رُحْمُكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرِّحْمَةُ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ
شَوْءًا يَجْهَلُهُ ثُمَّ تَابَ مِنْهُ فَغُفِرَ وَأَصْلَحَ فَإِنَّهُ
غُلُوفٌ رَحِيمٌ^۱

التحدیث

۳۴۸۰ رسول الله ﷺ ما حَلَقَ اللهُ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَقَدْ حَسَنَ
لَهُ مَا يَعْلَمُهُ، وَحَلَقَ رَحْمَةً تَعْلُبُ غَضَبَهُ^۲

۲/۳. سَعَةِ رَحْمَةِ اللهِ

الکتاب

﴿لَئِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوا رَحْمَتَهُ وَسِعَتْ الْإِبْرَءُ بِأَسْفَرِ
عَنِ الْقُلُوبِ الْخَفِيِّينَ﴾^۳

التحدیث

۳۴۸۱. رسول الله ﷺ أَوْ تَعْلَمُونَ قَدَرُ رَحْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى
لَا تُكَلِّمُ عَلَيْهَا^۴

۳۴۸۲ عَنْهُ ﷺ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَلَقَ مِنْهُ رَحْمَةً مَرَحْمَةً مِنْ
حَلَقِهِ يَتَرَحَّمُونَ بِهَا، وَأَخْزَرَ لِأَوْلِيَانِهِ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ^۵

۳/۳. مُوَحَّدَاتُ رَحْمَةِ اللهِ

الکتاب

﴿وَهَذَا كُتِبَ أَمْرُنَا مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوا وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ
تَرْحَمُونَ﴾^۶

۱. الأعمام ۵۴

۲. كثر الأعمال ج ۴ ص ۲۵۰ ح ۱۰۳۹۰

۳. الأعمام ۱۴۷

۴. كثر الأعمال ج ۱ ص ۲۵۰ ح ۱۰۳۸۷

۵. كثر الأعمال ج ۲ ص ۹۷ ح ۵۶۶۸

۶. الأعمام ۱۵۵

بگو «درود بر شما! پروردگارتان، رحمت را بر عود
معرز کرده که هر کس از شما به نادانی کار بدی کند و آن
گاه به توبه و صلاح آید، پس وی آمرزنده مهربان
است»^۱

حدیث

۳۴۸۰ پیامبر خدا ﷺ خداوند، هیچ پدیده‌ای بیافریند،
مگر آن که پدیده‌ای چیره شونده بر آن سیر حلق
کرد رحمت خویش را بر آفرید که بر غصص
چیره شود

۲/۳. کسفر رنگی رحمت خدا

قرآن

﴿(ای پیامبر!) پس اگر تو را نکندیب کردند، بگو
«پروردگار شما، دارای رحمتی گسترده است» و [با این
جمله] خطاب او از گروه مجرمین، بازگردانده نخواهد
شد»^۲

حدیث

۳۴۸۱. پیامبر خدا ﷺ اگر اندازه رحمت خداوند
معال را می‌دانستید، حتماً به آن نکه می‌کردید

۳۴۸۲ پیامبر خدا ﷺ خداوند، متعال، صد رحمت
افزوده است و تنها یکی از آنها در میان آمرزندگان
اوست که به سبب آن، به یکدیگر رحم می‌کند، و بود
و نه رحمت دیگر را برای دوستش اندوخته است

۳/۳. موجبات رحمت خدا

قرآن

﴿و این، خجسته کتابی است که ما آن را نازل کردیم پس
از آن پیروی کنید و پرهیزگاری نمایید، باشد که مرده
رحمت، فرار گیرید﴾^۳

الحدیث

حدیث

۳۴۸۳ رسول الله ﷺ - لَمَّا قَالَ لَهُ رَجُلٌ أَجِبْ أُرِيحَ حَتَّى زَيْبِي - (وَرَحْمَتِكَ) وَارْحَمْ خَلْقَ اللَّهِ يَرْحَمَكَ اللَّهُ^۱

۳۴۸۴ عنه ﷺ تَعَرَّضُوا لِرَحْمَةِ اللَّهِ بِمَا أَمَرَكُمْ بِهِ مِنْ طَاعَتِهِ^۲

۳۴۸۳ پیامبر خدا ﷺ - در پاسخ به مردی که گفت، دوست دارم پروردگارم به من، رحم آورد - به خودت و به خلق خدا رحم کن، تا خداوند بر تو رحم آورد

۳۴۸۴ پیامبر خدا ﷺ با فرمان بردن از او امر خداوند خود را در معرض رحمت او قرار دهید

الفصل الرابع العدة

فصل چهارم ستایش

۱/۱ ذم المدح

۳۴۸۵ حسن ابن ماجة عن العلاء بن عمرو أمرنا رسول الله ﷺ أَنْ نَحْشُوَ فِي وَجْهِهِ الْمَدَاحَ مِنَ الثَّرَابِ^۳

۳۴۸۶ حسن ابن داوود عن أبي بكرة: أَنَّ رَجُلًا أَتَى عَلَى رَجُلٍ عَبْدِ السَّيِّ ﷺ، فَعَالَ لَهُ فَطَمَسَتْ شَقِي صَاحِبَكَ، ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ قَالَ إِذَا مَدَحَ أَخَذَكُمْ صَاحِبُهُ لَا مَحَالَةَ فَلْيَحْشُوا إِنِّي أَحْسِبُهُ كَمَا يُرِيدُ أَنْ يَقُولَ، وَلَا أَرْكُبُهُ عَلَى اللَّهِ^۴

۲ نکوهش ستودن

۳۴۸۵ حسن ابن ماجة - به نقل از معناد پس عمرو - پیامبر خدا به ما فرمود که به صورت مدحگویان، جداگانه بپاشیم

۳۴۸۶ حسن ابن داوود - به نقل از ابو بکره - مردی نزد رسول خدا ﷺ آمد و مردی را ستود. پیامبر ﷺ سه بار به او فرمود اگر در رفعت را بپوشیدی! آن گاه فرمود اگر گاه فردی از شما، دچار به ستودن دوست خود شد، نظرش را بگردانید و بگویید "خیال می‌کنم این گویه است! اما از باطن و عافیت کار او، خدا آگاه است"

۲/۱ ذم خب المدح

۳۴۸۷ رسول الله ﷺ حُبُّ الْإِطْرَاءِ وَالنِّسَاءِ يُعْمِي وَيُغْمِغِمُ عَنِ الدِّينِ، وَيَذْخُ الدُّيَارَ بِلَاغٍ^۵

۲/۲ نکوهش دوست داشتن ستایش

۳۴۸۷ پیامبر خدا ﷺ دوست داشتن مدح و ستای مبالغه‌آمیز، [مدح شده را] نسبت به دین، کور و کَر می‌سازد و خانه‌ها را [از اهلش] خالی می‌کند

۳/۱ مدح الرجل بما ليس فيه

الكتاب

﴿لَا تُحْسِنُوا الصَّالَاتِ بِالْغَيْبِ وَأَنْتُمْ لَا تَذَكَّرُونَ﴾

۳/۲ ستودن کسی به آنچه در او نیست

قرآن

﴿بِقَهِّ كَمَا نَبَرَّ كَمَا نَبَرَّ كَمَا نَبَرَّ كَمَا نَبَرَّ﴾

۱ کر الضمالات ج ۱۶ ص ۱۲۸ ح ۱۴۱۵۱

۲ تبيين الخواطر ج ۲ ص ۱۲۰

۳ حسن ابن ماجة ج ۲ ص ۱۲۳۲ ح ۳۷۱۲

۴ حسن ابن داوود ج ۱ ص ۲۵۱ ح ۱۸۰۵

۵ تبيين الخواطر ج ۲ ص ۱۳۷

يُخْذَمُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسِبْنَهُمْ بِمُفَارَةٍ مِّنَ
الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ^۱

الحديث

۳۴۸۸. رسول الله ﷺ - لعبد الله بن مسعود - يَابْنَ مَعْرُودٍ
إِذَا مَذَحَكَ النَّاسُ فَقَالُوا إِنَّكَ تَصُومُ سَهَازَ وَتَقُومُ
الَلَّيْلَ وَأَسْ عَلَى عَمِيرٍ دَبَكَ فَلَا تَفْرَحْ بِدَلِكِ فَإِنَّ آفَةَ
تَعَالَى يَقُولُ ، «لَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ يَهْرُسُونَ بِمَا أَتَوْا
وَيُجْبُونَ أَنْ يُحَفِّدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسِبْنَهُمْ
مُفَارَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»^۲

۴ / ۴. التَّحْذِيرُ مِنْ مَذْحِ الْفَاجِرِ

۳۴۸۹. رسول الله ﷺ إِذَا مَذَحَ الْمَاجِرُ أَهْرَ الْمَرْحِ
وَعَصَبَ الرَّبِّ^۳

۳۴۹۰. عَنْهُ ﷺ مَنِ مَذَحَ سُلْطَانًا جَارَ أَمْرَتِهِ يَحْضَرُ
وَتَضْمَعُ لَهُ طَمَعًا مِثْلَ قَرْنِ بَنِي النَّارِ^۴

۵ / ۴. دُمُ تَرْكِيَةِ النَّفْسِ

الكتاب

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَرْعَوْنَ أَنفُسَهُمْ إِلَى اللَّهِ يَرْعَى مَن
يُشَاءُ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا»^۵

الحديث

۳۴۹۱. رسول الله ﷺ مَن قَالَ: إِنِّي خَيْرُ النَّاسِ فَهُوَ مَن

می‌کشد و دوست دارد به آنچه نکرده‌اند، مورد ستایش
قرار گیرد قطعاً گمان میر که برای آنان، نجاتی از
عذاب است، [که] مدعی دردناک خواهند داشت»

حدیث

۳۴۸۸. پیامبر خدا ﷺ - بنامه عبد الله بن مسعود - ای
پسر مسعود! هر گاه مردم تو را ستودند و گفتند:
در روزها رویره می‌گیری و شب‌ها عبادت می‌کنی! و
تو چنان بودی، شادمان مشو! زیرا خداوند متعال
می‌فرماید: «البته گمان میر که کسی که بد آنچه کرده‌اند،
ستماس می‌کند و دوست دارد به آنچه نکرده‌اند، ستایش
شود قطعاً گمان میر که برای آنان، نجاتی از عذاب نیست، [که]
آنان را عذابی دردناک است»

۴ / ۴. هشدار درباره ستوس مدکار

۳۴۸۹. پیامبر خدا ﷺ هر گاه مدکار سوده شود، عرش
سوی او برود و پروردگار به چشم می‌آید

۳۴۹۰. پیامبر خدا ﷺ هر کس حکمران ستمگری را

مدح گوید و در صبر چشمداشت به او، خود را در
برائش کوچک و خوار گرداند، هم سفر او به
سوی آتش خواهد بود

۵ / ۴. بهی از خود ستایی

قرآن

«آیا به کسانی که خویشان را پاک می‌شمارند،
بگریسته‌ای؟ [چنین نیست!] بلکه خداست که هر که را
بخواهد، پاک می‌گرداند و به قدر نیک میان هسته خرمایی
ستم نمی‌بیند»

حدیث

۳۴۹۱. پیامبر خدا ﷺ هر که بگوید: «من از همه مردم،

۱ آل عمران ۱۸۸

۲ مکرم الاخلاق ج ۲ ص ۳۵۳ ح ۲۶۶۰

۳ تحف العقول ص ۱۶

۴ الاثمی للصدوق ص ۵۱۳ ح ۷۰۷

۵ البقره ۱۹

شَرُّ النَّاسِ، وَمَنْ قَالَ: إِنِّي مِنَ الْجَنَّةِ فَهُوَ مِنَ النَّارِ^۱
 ۳۴۹۲ الإمام الصادق عليه السلام: أَنَّى يَهُودِيَّ النَّبِيُّ ﷺ، مَقَامَ
 نَيْنَ يَدِيهِ وَهُوَ يُجِدُّ النَّظَرَ إِلَيْهِ فَقَالَ: يَا يَهُودِيَّ، مَا
 حَاجَتُكَ؟ قَالَ: أَتَيْتُ أَصْلَ أُمِّ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ النَّبِيِّ
 الَّذِي كَلَّمَهُ اللَّهُ، وَأَنْزَلَ عَلَيْهِ التَّوْرَةَ وَالْقَصَا، وَفَلَّقَ لَهُ
 الْبَحْرَ، وَأَطْلَعَهُ بِالْعِمَامِ؟ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ﷺ: إِنَّهُ يُكَرِّهُ
 لِلْعَبْدِ أَنْ يُرْكَبَ نَفْسُهُ، وَلَكِنِّي أَقُولُ: إِنَّ أَدَمَ ﷺ لَمَّا
 أَصَابَ الْخَطِيئَةَ كَانَتْ ثَوْبَتُهُ أَنْ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
 بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا عَقَرْتَ لِي، فَفَرَّهَا اللَّهُ لَهُ^۲

الفصل الخامس العزّة

۱/۵ موحّدات العزّة

۳۴۹۳ رسول الله ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى تَهْوِلُ كُلُّ مَوْجٍ دُفَا
 رُئُوكُمُ الْعَرِيرَ مِمَّنْ أَرَادَ عِزَّ الدَّائِرِينَ فَلْيَطْلِعِ الْعَرِيرُ^۳
 ۳۴۹۴ عنه عليه السلام: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَغْرُ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ
 عَزَّ وَجَلَّ^۴
 ۳۴۹۵ عنه عليه السلام: مَنْ عَفَا مِنْ مَظْلَمَةٍ أَذْنَبَهُ اللَّهُ بِهَا عِزًّا فِي
 الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ^۵

۲/۵ أَذْلُ النَّاسِ

۳۴۹۶ رسول الله ﷺ: أَذْلُ النَّاسِ مَنْ أَهَانَ النَّاسَ^۶

۱ التوفيق للزوائد ص ۱۰۷ ح ۸۶

۲ الأمالي للصادق ص ۲۸۷ ح ۳۲۰

۳ كنز العمال ج ۱۵ ص ۷۸۱ ح ۳۱۰۱

۴ كنز الفوائد ج ۱ ص ۳۵۱

۵ الأمالي للصادق ص ۱۸۲ ح ۳۰۶

۶ معاني الأخبار ص ۱۹۹ ح ۱

بهترم، بدترین مردم است و هر که بگوید، «من
 بهشتی هستم»، دورخی است.
 ۳۴۹۲ امام صادق عليه السلام: مردی یهودی نزد پیامبر ﷺ
 آمد و در برابر ایشان ایستاد و به ایشان، حیره شد.
 پیامبر فرمود: ای یهودی! چه می‌خواهی؟
 گفت: تو برتری یا موسی بن عمران؟
 همو که خدای او سخن گفت و تورات و عصا به او
 داد و دریا را برایش شکافت و با ابر بر سرش سایه
 انداخت؟

پیامبر ﷺ به او فرمود: «برای بنده، خوب نیست
 که خود را بستاند؛ انا [همین قدر] می‌گویم که وقتی
 آدم گناه کرد، توبه‌اش این بود که گفت: «خدایا! به
 حقّ محمد و خاندان محمد، از تویی حراهم که مرا
 سگداری و خداوند، او را آمرید»

فصل پنجم. عزّت

۱/۵. موحّدات عزّت

۳۴۹۳. پیامبر خدا ﷺ: خداوند متعال، هر روز
 می‌فرماید: «من، پروردگار عزّت‌مند شما هستم
 پس هر که خواهان عزّت دو جهان است، باید که از
 عزّت‌مند، فرمان ببرد».

۳۴۹۴ پیامبر خدا ﷺ. هر که می‌خواهد عزیزترین
 مردم باشد، باید از خداوند ﷻ پروا داشته باشد.
 ۳۴۹۵ پیامبر خدا ﷺ هر کس از ظلمی که به او شده
 است، درگذرد، خداوند به جای آن، در دنیا و
 آخرت، او را عزیز می‌گرداند.

۲/۵. زیویزترین مردم

۳۴۹۶ پیامبر خدا ﷺ زیویزترین مردم، کسی است که
 مردم را حواله کند.

الفصل السادس: الجمال

فصل ششم: زیبایی

۱/۶ الزِّيُّ والتَّحْمُلُ

۱/۶ پوشش و آرایش

الكتاب

قرآن

﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ، وَالتَّحْنُوتَ مِنَ الزُّرْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةٌ يَوْمَ الْقِيَمَةِ كَذَلِكَ تَفْضِلُ الْأَسْبَاطُ عَلَى الْبُطُونِ﴾^۱

﴿[ای پیامبر!] بگو، [دربودهای را که خدا برای بندگانش پدید آورد و] [بیر] [روی های پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده؟] بگو [این] [اعتها] [در زندگی دنیا، برای کثی است که ایمان آورده اند و روز قیامت (تبر)]، و بزا آنان است. این گونه، آیات [خود] را برای گروهی که می دانند، به روشی بیاد می کنیم﴾

الحديث

حدیث

۳۱۹۷ رسول الله ﷺ: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِذَا حَرَّحَ عَبْدُهُ نَفْسَهُ إِلَى حَيْثُ أَنْ يَتَهَيَّأَ لَهُ وَأَنْ يَتَّحَمَّلَ^۲

۳۱۹۷ پیامبر خدا ﷺ: خداوند دوست دارد وقتی شخصی خودش را برادرش می رود، خودش را برای او آماده کند و بپاراید

۳۱۹۸ عنه ﷺ: لِيَأْخُذَ أَحَدُكُمْ مِنْ شَارِبِهِ وَشَفَرِ أَدَى فِي أَثَرِهِ، وَلِيَتَعَاهَدَ نَفْسَهُ، فَإِنْ دَلَّكَ بَرْدُ مِي جَمَالِهِ^۳

۳۱۹۸ پیامبر خدا ﷺ: هر کس باید سبیل و موهای بیسی خود را کوتاه کند و به خودش برسد از پراپن کارها بر زیبایی او می افراید

۲/۶ مَا يَحْرُمُ مِنَ التَّحْمُلِ

۳۱۹۹ رسول الله ﷺ: الدُّهَبُ وَالْحَرِيرُ حُلٌّ لِإِبْرَاهِيمَ أُمِّي وَحَرَّمَ عَلَى دُكُورِهَا^۴

۲/۶. رپورهای حرام

۳۵۰۰ عنه ﷺ: الدُّهَبُ جِلْبَتُهُ مُشْرِكِينَ، وَالْفِصَّةُ جِلْبَتُ الْمُشْرِكِينَ^۵

۳۴۹۹. پیامبر خدا ﷺ: [پوشیدن] طلا و ابریشم، برای رمان امت من، حلال است و برای مردان آنها، حرام

۳/۶ إِكْرَامُ الشَّعْرِ

۳۵۰۱ رسول الله ﷺ: الشَّعْرُ الْحَسَنُ مِنْ كِشْوَةِ اللَّهِ

۳۵۰۱ پیامبر خدا ﷺ: طلا، زیور مشرکان است و بقره، زیور مسلمانان

۱. الأعراف ۴۲

۲. مكارم الأعلای ج ۱ ص ۲۱۸ ح ۶۵۰

۳. قرب الإسناد ص ۶۷ ح ۲۱۵

۴. كنز العمال ج ۶ ص ۶۷۵ ح ۱۷۲۵۷

۵. كنز العمال ج ۶ ص ۶۷۵ ح ۱۷۲۵۸

۳/۶. زیبایی به مو

۳۵۰۱ پیامبر خدا ﷺ: موی زیبا، پوششی خدایی

فَأَكْرِمُوهُ^۱

است. پس به آن، رسیدگی کنید

۳۵۰۲ عَنْهُ ﷺ مَنِ اتَّخَذَ شَعْرًا مِثْلَ خَسَنٍ وَلَايَتَهُ، أَوْ لِيُخْرِتَهُ^۲

۳۵۰۲. پیامبر خدا ﷺ هر کس مو بگذارد، مانند خوب به آن برسد؛ و گرنه، کوتاهش کند

۴/۶ إِعْفَاءُ النَّحْبَةِ

۴/۶ گذشتن ریش

۳۵۰۳ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَحَقُّوا الشَّوَارِبَ، وَأَعْمُوا النَّحْيَ، وَلَا تَتَّشِبُوهَا بِالْيَهُودِ^۳

۳۵۰۳. پیامبر خدا ﷺ سبیل‌ها را، کوتاه کنید و ریش بگذارید و خود را شبیه یهود سازید^۱

۳۵۰۴ عَنْهُ ﷺ إِنَّ الْمَجُوسَ جَرُّوا لِحَاهِمَ وَوَقَرُوا شَوَارِبَهُمْ، وَإِنَّا نَحْنُ نَجْرُ الشَّوَارِبَ وَنُعْمِي النَّحْيَ، وَهِيَ الْفَطْرَةُ^۴

۳۵۰۴. پیامبر خدا ﷺ، مجوسیان، ریش‌های خود را می‌تراشیدند و سبیل‌هایشان را انبوه می‌گذاشتند؛ ولی ما سبیل‌ها را می‌ریم و ریش می‌گذاریم و این، مطابق سرشت آدمی است.

الفصل السابع الهجرة

فصل هفتم هجرت

۱۷ عَدَمُ انْقِطَاعِ الْهَجْرَةِ مَا دَامَ الْجِهَادُ

۱۷ ما جهاد هست، هجرت هم هست

۳۵۰۵ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَتَاهَا النَّاسَ، هَاجِرُوا وَتَخَشَّكُوا بِالْإِسْلَامِ، فَإِنَّ الْهَجْرَةَ لَا تَنْقُطُ مَا دَامَ الْجِهَادُ^۱

۳۵۰۵. پیامبر خدا ﷺ ای مردم! مهاجرت کنید و به اسلام، چنگ درزید؛ زیرا تا زمانی که جهاد باشد، هجرت قطع نمی‌شود

۳۵۰۶ عَنْهُ ﷺ لَنْ تَنْقُطَ الْهَجْرَةُ مَا قُوتِلَ الْكُفَّارُ^۲

۳۵۰۷ عَنْهُ ﷺ لَا تَنْقُطُ الْهَجْرَةُ مَا دَامَ الْعَدُوُّ يُقَابِلُ^۳

۳۵۰۶. پیامبر خدا ﷺ تا زمانی که با کافران، جنگ می‌شود، هجرت، هرگز قطع نمی‌گردد

۲/۷ أَفْضَلُ مِنَ الْهَجْرَةِ مَعَ النَّبِيِّ ﷺ

۳۵۰۷. پیامبر خدا ﷺ تا زمانی که جنگ با دشمن وجود دارد، هجرت، قطع نمی‌شود

۳۵۰۸ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَمَقَامٌ أَحَدُكُمْ فِي الدُّنْيَا يَتَكَلَّمُ بِحَقِّ نَزْدٍ بِهِ بِاطِّلًا، أَوْ يَنْصُرُ بِهِ حَقًّا، أَفْضَلُ مِنْ

۲/۷ برتر از هجرت با پیامبر ﷺ

۳۵۰۸. پیامبر خدا ﷺ مانند هر یک از شما در دین برای این که سخن حقی را بگوید تا بدان، باطلی

۱. مکالم الاخلاق ج ۱ ص ۱۶۴ ح ۱۶۰.

۲. کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۱۲۹ ح ۳۲۶.

۳. مکالم الاخلاق ج ۱ ص ۱۵۶ ح ۴۲۱.

۴. مکالم الاخلاق ج ۱ ص ۱۵۷ ح ۴۲۲.

۵. کترالصال ج ۱ ص ۶۵۶ ح ۱۶۲۶.

۶. کترالصال ج ۱ ص ۶۵۱ ح ۱۶۲۴۸.

۷. کترالصال ج ۱ ص ۶۵۹ ح ۱۶۳۷۴.

۱. ظاهراً مقصود، بهبود روزگار پیامبر ﷺ است، چر که ست غالب در یهودیان امروز، دقیقاً مطابق ترمیمی این حدیث است م

هجره و معی^۱

را دفع کند یا حق را پاری رساند، ارزشش برتر از هجرت با من است.

الفصل الثامن: المصيبة

فصل هشتم: مصیبت

۱/۸ الاسترجاع عند المصيبة

۱/۸ استرجاع در هنگام مصیبت^۱

الكتاب

قرآن

«و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] قریس و مکرسی، و کاهشی در اموال و جانها و محصولات می آریم. و مزده ده شکیبایان را [همنان] کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد، می گویند: انا لله وانا اليه راجعون، ما از خداييم و به سوی او برمی گردیم»

﴿وَلْيَتْلُوْكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخُوفِ وَالْجُوعِ وَمَقْعٍ مِّنَ الْأَنْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُّصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾^۲

الحدث

حدث

۳۵۰۹ رسول الله ﷺ: «إِنَّ أَهْلَ الْمُصِيبَةِ لَيُتْرَكُ لَهُمُ الْمُصِيبَةُ فَيَحْرَمُونَ فَيَمُتُّهُمْ بِهَا مِنْ أَلْيَسِ مِمَّا يَسْتَرْجِعُ فَيَكُونُ أَكْثَرُ أَجْرًا مِنْ أَهْلِهَا»^۳

۳۵۰۹ پیامبر خدا ﷺ [گفت]: «[مصیبتی بر خانواده ای وارد می شود و بی تاب می کند و همان گاه، ره گذری بر آنان می گذرد و استرجاع می گوید. اجر این ره گذر، بیشتر از اجر آن مصیبت پذیرگان است.»

۲/۸ المصيبة بالولد

۲/۸ مصیبت مرگ فرزند

۳۵۱۰ رسول الله ﷺ: «مَنْ تَوَلَّى ثَلَاثَةً مِنْ صُلْبِهِ فَاحْتَسَبَهُمْ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ»^۴

۳۵۱۰ پیامبر خدا ﷺ هر که در دایره سه فرزند خود، سوگوار شود و [اجر] مرگ آنها را به حساب خداوند ﷻ بگذارد، بهشت بر او واجب می گردد.

۳/۸ أدب المصاب

۳/۸ ادب مصیبت دیده

۳۵۱۱ بطار الأنوار عن جابر بن عبد الله: «أَحَدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَتَذَرُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْفٍ فَأَتَى إِبْرَاهِيمَ وَهُوَ يَجُودُ بِنَفْسِهِ، فَوَضَعَهُ فِي جِحْرِ فَقَالَ يَا بَنِيَّ إِنِّي لَا أُمِدُّكَ لَكَ مِنْ اللَّهِ شَيْئاً، وَذَرَفَتْ عِيَاهُ، فَقَالَ لَهُ عَبْدُ الرَّحْمَنِ

۳۵۱۱ بطار الأنوار - به نقل از جابر بن عبد الله: «پیامبر خدا، دست عبد الرحمن بن عوف را گرفت و مرد ابراهیم آمد که در حال جان دادن بود پس او را در دامن خود گذاشت و فرمود: «فرزند عزیزم! در

۱ کتر اتصال ج ۳ ص ۸۰ ح ۵۵۸۹

۲ البقرة ۱۵۵ و ۱۵۶

۳ الدعوات، ص ۲۸۶ ح ۱۳

۴ الاتصال ص ۱۸۰ ح ۳۴۵

۱ به زبان آوردن انا لله و انا اليه راجعون، ما از خداييم و به سوی او باز می گردیم.

یا رسول الله، تبکي؟ أَوَلَمْ تَنْهَ عَنِ الْبُكَاءِ؟

قال: إِنَّمَا نَهَيْتُ عَنِ النَّوحِ، عَنِ صَوْتِ أَحْمَقٍ
فَاجِرٍ صَوْتُ عِنْدِيهِمْ: نَعِبٌ وَلَهُوَ وَمَرَامِيرُ شَيْطَانٍ
وَصَوْتُ عِنْدَ مُصِيبَةٍ، حُمْشٌ وَحُصُوفٌ وَشَقٌّ جُيُوبٍ
وَزَنَةُ شَيْطَانٍ

إِنَّمَا هَدَوْا رَحْمَةً، مَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يَرْحَمُ، لَوْلَا أَنَّهُ
أَمْرٌ حَقٌّ، وَوَعْدٌ حَقٌّ، وَسَبِيلٌ بِاللَّهِ وَإِنْ أَجْرًا سَبَّلَ حَقٌّ
أَوْلَانَا لَنَحْرَنَّا عَلَيْكَ حُرًّا أَشَدُّ مِنَّا هَدَا، وَإِنَّا بِكَ
لَمَعْرُوفُونَ، تَبْكِي الْغَيْنُ، وَيَدْمَعُ الْقَلْبُ، وَلَا تَقُولُ مَا
يُخْطِئُ الرُّؤْيَا عَزَّوَجَلَّ^۱

۴/۸. لِلْبُكَاءِ عَلَى مَوْتِ الْمُؤْمِنِ

۳۵۱۲ سنن النسائي عن أبي هريرة: مَاتَ خَبِثٌ مِن
أَلِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَاحْتَمَعَ النِّسَاءُ يَبْكِينَ عَلَيْهِ هَامٌ عَمْرُ
يَنْهَاهُنَّ وَيَنْظُرُ دُعُورٌ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «ذَهَبُنَّ يَا
عَمْرُ، فَإِنَّ الْغَيْنَ دَابَّةٌ وَالْقَلْبُ مُصَابٌ وَالنَّهْدُ قَرِيبٌ»^۲

۵/۸. النَّيَاحَةُ عَلَى الْمَيِّتِ

۳۵۱۳. رسول الله ﷺ النَّيَاحَةُ عَمَلُ الْجَاهِلِيَّةِ^۳.
۳۵۱۴ عنه ﷺ: لَمَّا بَكَى عِنْدَ مَوْتِ بَعْضِ وَلَدِهِ، فَقِيلَ
لَهُ: تَبْكِي وَأَنْتَ تَنْهَانَا عَنْهُ؟!.. لَمْ أَنْهَكُمُ عَنِ الْبُكَاءِ،
وَإِنَّمَا نَهَيْتُكُمْ عَنِ النَّوحِ وَالْمَوِيلِ^۴.

برابر خواست خدا، کاری از من ساخته نیست! و از
چشمانش، اشک سرازیر شد.

عبد الرحمان گفت: ای پیامبر خدا! گریه می‌کنی؟
مگر شما خود از گریستن بهی برمودی؟
پیامبر خدا فرمود: «ای، از نوحه کردن نهی
کردم! از دو صدای احقانه و رشت، صدایی به
هنگام خوشی - یعنی لهو و لعب و ساز و آواز
شیطانی - و صدایی به هنگام مصیبت - یعنی
خراشیدن چهره و دریدن گریبان و فریاد شیطانی -!
اما، این گریه من، از سر رحم و دلسوزی است و کسی
که رحم نکند، به او رحم نمی‌شود. اگر نبود که مرگ،
حق است و وعده‌ای است تحلف‌ناپذیر و راه
حیاست که باید رفت و پیه ناچار! بار ماندگن ما به
رنگانمان می‌پیوندد، هر آینه، بیش از این، برای تو
اندوهگین می‌شدم ما برای تو همگم چشم
می‌گرید و دل اشک می‌ریزد! اما سعی که
خداوند را ناخشنود سازد، بر زبان نمی‌آورم»

۴/۸. گریستن بر مرگ مؤمن

۳۵۱۲. سنن النسائي - به نقل از ابو هریره - «مات خبيث من
أهل رسول الله ﷺ فاحتتم النساء يبكين عليه هام عمر
ينهاهن وينظر دعوور، فقال رسول الله ﷺ: «ذهبن يا
عمر، فإن الغين دابة والقلب مصاب والنهد قريب»^۲

۵/۸. نوحه کردن بر ای فرود

۳۵۱۳. پیامبر خدا ﷺ. شبن کردن، کار جاهلیت است.
۳۵۱۴. پیامبر خدا ﷺ - وقتی که در مرگ یکی از
فرزندانش گریست و به ایشان گفته شد: شما، ما را
از گریستن، بهی می‌کنی و خود می‌گریی؟! - «من،
شما را از گریستن نهی نکردم! بلکه از نوحه کردن،
مع کردم

۱ بحار الأنوار ج ۸۲ ص ۹۰ ح ۴۲

۲ سنن النسائي ج ۴ ص ۱۹

۳ بحار الأنوار ج ۸۷ ص ۱۰۳ ح ۵۰

۴ دعائم الإسلام ج ۱ ص ۲۲۵

۶/۸ ما يُهَوِّنُ الْمَصَائِبَ

۸، ۶ آنچه مصیبت‌ها را آسان می‌کند

۳۵۱۵ رسول الله ﷺ مَنْ رَهِدَ فِي الدُّنْيَا هَاتَتْ عَمِلَهُ الْمُصِيبَاتُ.^۱

۳۵۱۵ پیامبر خدا ﷺ کسی که از دنیا دور کند، مصیبت‌ها بر او آسان می‌شوند.

۳۵۱۶. الإمام الصادق ﷺ إِذَا أُصِيبَتْ بِمُصِيبَةٍ مَّا ذَكَرُ مُصَائِبِكَ بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ، فَإِنَّ النَّاسَ لَمْ يُصَابُوا بِمِثْلِهِ أَبَدًا، وَلَنْ يُصَابُوا بِمِثْلِهِ أَبَدًا.^۲

۳۵۱۶ امام صادق ﷺ هر گاه مصیبتی به تو رسید، مصیبت [رحمت] پیامبر خدا را به یاد بیاور! زیرا مردم، هرگز مصیبتی چون مصیبت [رحمت] پیامبر خدا به خود ندیده‌اند و هیچ گاه هم چنان مصیبتی نخواهند دید.

۷/۸ تَعَزِيَةُ الْمُصَابِ

۳۵۱۷ رسول الله ﷺ مَنْ عَزَى مُصَابًا كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ.^۳

۷/۸ تسلیت دادن به سوگوار

۳۵۱۷ پیامبر خدا ﷺ هر که سوگواری را تسلیت دهد، اجری همانند اجر او دارد.

۳۵۱۸ عَنْهُ ﷺ مَنْ عَزَى أَحَدًا الْمُؤْمِنِ فِي (مِنْ) مُصِيبَةٍ كَسَاءَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ حُلَّةَ حَصْرٍ، يُحْبِرُ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.^۴

۳۵۱۸ از سوی پیامبر خدا ﷺ هر که برادر مؤمن خود را تسلیت کند، خداوند عز و جل، حُلَّة حصر را بر او حیرت‌آور می‌پوشاند.

الفصل التاسع الوصية

فصل بهم وصیت

۱/۹ الْحَثُّ عَلَى الْوَصِيَّةِ

۱/۹ تشویق به وصیت کردن

الكتاب

﴿كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمْ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَلَدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ﴾^۵

قرآن
﴿بر شما مقرر شده است که چون یکی از شما را مرگ فرا رسد، اگر مالی بر جای می‌گذارد، برای پدر و مادر و خویشاوندین [خود] به طور پسندیده وصیت کند [این کار] حقی است بر [عهد] پرهیزگاران﴾

الحديث

۳۵۱۹ رسول الله ﷺ مَا حَقُّ امْرِئٍ مُسْلِمٍ لَهُ شَيْءٌ يُرِيدُ

حدیث

۳۵۱۹ پیامبر خدا ﷺ مسلمانانی که مالی دارد و می‌خواهد در آن وصیت کند، حق ندارد دو شب سیری کند مگر این که وصیتش، نوشته شده

۱. كنز الخواص ج ۲ ص ۱۲۴

۲. الامام الطوسي ص ۶۸ ج ۱۴۸

۳. التکافی ج ۳ ص ۲۰۵ ح ۲

۴. مکی المود ص ۱۰۶ ج ۵ الجزء ۱۸

أَنْ يُوصِيَهُ فَوْقَ يَسْتِ لَيْلَتَيْنِ إِلَّا وَصِيَّتُهُ مَكْتُوبَةٌ عِنْدَهُ^۱

نرد لو باشد.

۳۵۲۰ عنه عليه السلام مَا يَنْتَهِي لِامْرِئٍ مُّسْلِمٍ أَنْ يَهْبِثَ لَيْلَةً إِلَّا وَوَصِيَّتُهُ تَحْتَ رَأْسِهِ^۲

۳۵۲۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر هیچ مسلمانی سزاوار نیست که شبی را سپری کند، مگر این که وصیتش زیر سرش باشد.

۳۵۲۱ عنه عليه السلام مَنْ مَاتَ عَلَى وَصِيَّةٍ مَاتَ عَلَى سَبِيلِ وَشْيَةٍ، وَمَاتَ عَلَى تَحْيٍ وَشَهِادَةٍ، وَمَاتَ مَعْمُوراً لَهُ^۳.

۳۵۲۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر کس با وصیتی بمیرد، بر راه و سنت [پیامبر صلی الله علیه و آله] و سر پر هیرگاری و شهادت، مُرده و آمرزیده گشته است.

۳۵۲۲ عنه عليه السلام إِنْ لَمْ يَلْقَ عَرُوجُكُمْ ثَلَاثَ أَمْوَالِكُمْ عِنْدَ وَلَدَاتِكُمْ رِيَادَةً فِي أَعْمَالِكُمْ^۴

۳۵۲۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خداوند تعالی برای افرونی [ثواب] اعمال شما، [اجاره انفاق و تصرف در] یک سوم اموالتان را هنگام وفات، به شما عهده فرموده است.

۳۵۲۳ عنه عليه السلام إِنْ لَمْ يَلْقَ تَعَالَى تَصَدَّقْ عَلَيْكُمْ عِدَّةً وَلَدَاتِكُمْ بِثَلَاثِ أَمْوَالِكُمْ رِيَادَةً نَكَمُ فِي أَعْمَالِكُمْ^۵

۳۵۲۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خداوند متعال، یک سوم اموال شما را هنگام وفاتتان به شما تفصّل کرده است تا بنگین و سیله، بر [ثواب] اعمال شما بپردازد.

۲/۹ آدب الوصیّة

الكتاب

۲/۹. روض وصیّت کریم

قرآن

«و ابراهیم و یعقوب پسران خود را به همان [آیین] سفارش کردند [و هر دو در وصیتشان چنین گفتند: «ای پسران من! خداوند، برای شما این دین را برگزید. پس، آیه باید هر مسلمان بپذیرد. آیا وقتی که مرگ یعقوب فرا رسید، حاضر بودید؟ هنگامی که به پسران خود گفت: «پس از من، چه را خواهید پرستید؟ گفتند: «عبود تو، و عبود پدرانت، ابراهیم و اسماعیل و اسماعیل، عبودی یگانه را می‌پرستیم و در برابر او تسلیم هستیم»».

حدیث

۳۵۲۲ فلاح السائل - به نقل از حسن بن ابراهیم بن عبد الله از امام صادق، از پدرانش علیهم السلام - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس هنگام فوت خود، نیکی و وصیت نکند، این کار، نقصی در عقل و مروّت اوست».

«ووصی بها ابراهیم علیه و یعقوب یسویان ان الله اضطررنا لکم الذین فلاخوئنا الا وامنتم تسلمون» أم كنتم شهداء ان حضر یعقوب الموت ان قال لینیة ما تعبدون من عبدي قالوا نعبد الله وانه علینا ابراهیم و اسمعیل و اسحق انما وجدنا ونحوه تسلمون»^۶

الحدیث

۳۵۲۱ فلاح السائل عن الحسن بن ابراهیم بن عبد الله عن الإمام الصادق عليه السلام عن أبيه عليه السلام قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ

۱ کتالعمال ج ۱۶ ص ۶۱۳ ح ۱۶۰۵۲

۲ روضة الواعظین ص ۵۲۹

۳ کتالعمال ج ۱۶ ص ۶۱۳ ح ۱۶۰۵۱

۴ کتالعمال ج ۱۶ ص ۶۱۳ ح ۱۶۰۵۵

۵ کتالعمال ج ۱۶ ص ۶۱۵ ح ۱۶۰۶۱

۶ لایحه ۱۳۳/۱۳۳

لَمْ يُحِبِّ الْوَصِيَّةَ عِنْدَ مَوْتِهِ كَانَ نَقْصًا فِي عَمَلِهِ
وَمُرُوتِهِ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَكَيْفَ الْوَصِيَّةُ؟ هَلْ إِذَا
حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ واجتمع الناس إليه قال اللَّهُ مَا طَبِزَ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ
الرَّحِيمُ، إِنِّي أَعْهَدُ إِلَيْكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا
إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَأَنَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ
وَرَسُولُكَ، وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا، وَأَنَّكَ تَبْعَتْ
مَنْ فِي الْقُبُورِ، وَأَنَّ الْجَنَابَ حَقٌّ، وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ،
وَمَا وَعَدَ اللَّهُ فِيهَا مِنَ النِّعَمِ مِنَ التَّكْوِيلِ وَالنَّشْرِ
وَالنَّكَاحِ حَقٌّ، وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ، وَأَنَّ الْإِيمَانَ حَقٌّ، وَأَنَّ
الدِّينَ كَمَا وَصَّيْتُ، وَأَنَّ الْإِسْلَامَ كَمَا شَرَعْتُ وَأَنَّ
الْقَوْلَ كَمَا قُلْتُ، وَأَنَّ الْقُرْآنَ كَمَا أُنزِلَ، وَأَنَّكَ أَنْتَ بِنْتُ
الْحَقِّ الْمُبِينِ

وَأَنِّي أَعْهَدُ إِلَيْكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا أَنِّي رَحِمْتُ بِكَ رَبَّنَا
وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، وَبِمُحَمَّدٍ ﷺ نَبِيًّا، وَبِعَلِّي بِمَا مَأْمُورٌ،
وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا، وَأَنَّ أَهْلَ بَيْتِ سَيِّدِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ
السَّلَامُ أُنْتَبِى اللَّهُمَّ أَنْتَ يَقْنِي عِنْدَ شِدَّتِي، وَرَحَانِي
عِنْدَ كُرْبَتِي، وَعُدَّتِي عِنْدَ الْأُمُورِ الَّتِي تَقْرُبُ بِي، وَأَنْتَ
وَلِيِّي فِي بَعْثِي، وَالْهَيَّ وَالْهَ أَبَائِي، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَأَلِهِ، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا، وَنَفْسِي
فِي قَبْرِی وَحَشَتِي، وَاجْعَلْ لِي عِنْدَكَ عَهْدًا يَوْمَ أَمَّاكَ
مَشُورًا

فَهَذَا عَهْدُ الْعَمَلِ يَوْمَ يُوجِبِي بِحَاجَتِي، وَنُوصِيَّةُ
حَقِّ عَلِيٍّ كُلِّ مُسْلِمٍ

گفتند ای پیامبر خدا! وصیت، چگونه است؟
فرمود: «چون کسی زمان مرگش فرا رسد و مردم
(کسان و خویشان او) پیراموش جمع شدند، بگوید:
ای خدای آفریننده آسمانها و زمین، دانای بهان و
اشکار، بخشنده مهربان! من در این سرای دنیا، در
پیشگاه تو پیمان می‌بندم و گواهی می‌دهم که هیچ
خدایی جز تو نیست که بگانه و بی‌شریکی
محمد ﷺ بده و فرستاده بوسه و قیامت، آمدنی
است و شکنی در آن نیست و تو، حشنگان گورها را بر
می‌انگیزی. حجاب، راست است و بهشت، راست
است و نعمت‌های بهشتی، از حورردنی و نوشیدنی و
ریشوبی که خداوند به آنها وعده داده، همگی
درست‌اند و دورج، راست است و ایمان، راست
است و دین، چنان است که تو وصف کرده‌ای و
اسلامها همان گونه است که تو بشریع فرموده‌ای و
سجن، همان است که تو گفته‌ای و قرآن، چنان است
که تو نازل کرده‌ای و تو، همان خداوند حقیقی و
اشکار هستی

من در این سرای دنیا، نزد تو پیمان می‌بندم که
تو را به پروردگاری پذیرفته‌ام و اسلام را دین خود و
محمد ﷺ را به پیامبری و علی ﷺ را به امامت و قرآن
را به عنوان کتاب آسمانی خود، پذیرفته‌ام که اهل
بیت پیامبر تو - که بر او و آنان، سلام باد - امامان من
هستند

بارخدا! در هنگام سحر، ام، تو تکیه گاه من
هستی و به هنگام غم و اندوهم، تویی امید من و
به گاه گرفتاری‌هایی که به من هجوم می‌آورند، تویی
بر روی ذخیره من و تویی وئی نعمت من و خدای من
و خلای پدران من بر محمد و خاندان او درود
فرست و هرگز، چشم بر هم ردم، مرا به خودم وا
مگذار و هنگام تنهایی‌ام در قبر، تو مونس من باش و

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، وَتَصَدِّقُ هَذَا فِي سُورَةِ مَرْيَمَ
 قَوْلَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ﴿لَا يُمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ
 اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا﴾^۱ وَهَذَا هُوَ الْعَهْدُ
 وَقَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله لِمَلِي عليه السلام : تَعَلَّمْهَا أَنْتَ وَعَلِّمْهَا
 أَهْلَ بَيْتِكَ وَبَشِيرَتَكَ قَالَ وَقَالَ صلى الله عليه وآله عَلَّمْتُهَا
 جِبْرِئِيلُ^۲

۳/۹. النَّهْيُ عَنِ الْإِصْرَارِ فِي الْوَصِيَّةِ

۳۵۷۵ رسول الله صلى الله عليه وآله الإصرار في الوصية من الكبائر^۳.

الفصل العاشر، السؤال

۱/۱۰. النَّهْيُ عَنِ سُؤَالِ النَّاسِ

الكتاب

﴿لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْضَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَنْفَضِعُونَ
 شَيْئًا فِي الْأَرْهَابِ بِخُسْفَانِهِمْ فَالْجَاهِلُ الْغِيَاةُ مِنَ
 الْتَعْطِبِ تُعْرِفُهُمْ بِسِيمَانِهِمْ لَا يَنْفَعُونَ النَّاسَ إِلَّا خَلْفًا
 وَمَا تَنْفَعُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ مَعَهُ عَلِيمٌ﴾^۴

الحديث

۳۵۷۶ رسول الله صلى الله عليه وآله - لأبي ذر - يَا أَبَا ذَرٍّ، إِنَّكَ
 وَالسُّؤَالُ فَإِنَّهُ دُلَّ حَاضِرًا، وَقَفَرَتْ تَعَجُّلُهُ، وَفِيهِ جَسَابَةٌ
 طَوِيلٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۵

۱ مريم ۸۷

۲ دلائل القتل ص ۱۸۱ ح ۱

۳ كنز العمال ج ۱۶ ص ۶۱۶ ح ۴۶۰۶۹

۴ البقرة ۲۷۳

۵ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۳۷۵ ح ۵۷۶۳

در آن روز که با تو دیدار می‌کنم، از خودت به من
 پیمانی ده^۱

و این پیمان مثبت است در روزی که وصیت
 می‌کند. وصیت، حقی است بر دمه هر مسلمانی.

مؤید این وصیت، این سخن خداوند - تبارک و
 تعالی - در سوره مریم است که می‌فرماید: ﴿احْتَسِرْ
 شَعْلَتَ مَنْعَرِفٍ مَكْرُكٍ كَسَىٰ لَوَاجِبَ [حِدَائٍ] رَحْمَانَ، يَبْعَثُ
 مَكْرَفَةً لَّسْتَ﴾ و این، همان پیمان است.

و پیامبر صلى الله عليه وآله به علی عليه السلام فرمود: «ایس وصیت ر
 بیاموز و آن را به خاندان و پیروانت نیز تعلیم ده» و
 فرمود: «ایس را جبرئیل عليه السلام به من تعلیم داده»

۳/۹. النَّهْيُ لِمَنْ خَرَّ رَدَّنَ بِرِ وَصِيَّتَ

۳۵۷۵. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله ضرر رَدَن [به وارث] در وصیت،
 از گناهان کبیره است.

فصل دهم، نیازخواهی

۱/۱۰. النَّهْيُ اَزْ بِيَارِخَوَاهِي اَزْ مَرْدَم

قرآن

﴿[این صدقات] برای آن [دسته از] بیارمدانی است که
 در راه خدا، فرو مانده‌اند و نمی‌توانند [برای تأمین هزینه
 زندگی،] در زمین سفر کنند، از شدت خروشتنداری،
 مرد بی‌اطلاع، آنان را توانگر می‌پندارد. آنها را از
 سیمایشان می‌شناسی. یا اصرار، [چیزی] از مردم
 نمی‌خواهند. و هر مانی [به آنان] لفاق کنی، قطعاً خدا از
 آن، آگاه است﴾.

حدیث

۳۵۷۶. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله - به ابو ذر - : ای ابو ذر! رسهار از
 سؤال (/ گدایی)، که در دنیا، مایه حواری و فقر
 است و در روز قیامت، حسابش طولانی است

۲/۱۰. النَّهْيُ عَنْ سُؤَالٍ غَيْرِ اللَّهِ

۲/۱۰ نهی از میارخواهی از غیر خدا

۳۵۲۷ رسول الله ﷺ - إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ - يَا عُمَرُ، لَا تُسْأَلُ
يَدِي فِي فَمِ النَّسِيِّ الْإِنَّمَا تَرْفَعُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ
مَنْ لَمْ يَكُنْ تُمْ كَانُ ۱

۳۵۲۷. پیامبر خدا ﷺ - به امام علی علیه السلام - ای علی! اگر
دست خود را تا آریج، در دهان افعی کم، برایم
خوش‌تر از آن است که از تازه به دوران رسیده،
چیزی بخواهم

۳۵۲۸ عهده ﷺ - لِأَبِي ذَرٍّ - يَا أَبَا ذَرٍّ، إِذَا سَأَلْتَ
فَاسْأَلِ اللَّهَ، وَإِذَا اسْتَعْتَفْتَ فَاسْتَغْفِرْ بَاقِي ۲

۳۵۲۸. پیامبر خدا ﷺ - به ابو ذر - ای ابو ذر! هر
گاه چیزی طلبیدی، از خداوند بطلب و هرگاه
کمک خواستی، از خدا، کمک بخواه

۳/۱۰. الْحَثُّ عَلَى الْإِسْتِغْفَامِ عَنِ النَّاسِ

۳۵۲۹ رسول الله ﷺ مَنْ سَأَلَنَا أَعْطَيْنَاهُ، وَمَنْ اسْتَعْسَى
أَعْنَاهُ اللَّهُ ۳

۳/۱۰. ترغیب به بی‌نیازی از مردم

۳۵۳۰ عهده ﷺ لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ تَأَخَّدَ حَبْلًا فَيَأْتِي بِحُرْمَةٍ
حَطَبٍ عَلَى ظَهْرِ فَنِيْمُهَا فَيَكُفُّ بِهَا وَجْهَهُ خَيْرٌ لَّكَ مِنْ
أَنْ يَسْأَلَ ۴

۳۵۲۹. پیامبر خدا ﷺ هر که از ما چیزی بخواهد،
ببخشیم و هر که بی‌نیازی جوید، خداوند،
نیازش را برآورده می‌گرداند

۴/۱۰. التَّحْدِيدُ عَنِ رَدِّ السَّائِلِ

الكتاب

﴿وَأَمَّا السَّائِلُ فَلَا تَنْهَ﴾ ۵

الحديث

۳۵۳۱ رسول الله ﷺ لَا تَرُدُّوا السَّائِلَ وَلَوْ بِظِلِّ
مُخَرَّقٍ ۶

۴/۱۰ هشدار درباره رد کردن نیازخواه

قرآن

﴿وَبَارِئُ حَوَاهٍ﴾

حدیث

۳۵۳۲ عهده ﷺ لَا تَقْطَعُوا عَلَى السَّائِلِ مَسَاسَةً وَلَا
أَنْ السَّائِلِينَ يَكْذِبُونَ مَا أَطْلَحَ مِنْ رَدِّهِمْ ۷

۳۵۳۱. پیامبر خدا ﷺ. نیازخواه را نوبید بر نگر دانید،

حتی اگر با پاچه سوخته [ی گوسفندی] باشد

۱ کتاب من لا یضره الفی ج ۱ ص ۳۷۳ ح ۵۷۶

۲ مکالم الاخیار ج ۲ ص ۳۷۷ ح ۲۶۶۱

۳ الکافی ج ۲ ص ۱۲۸ ح ۲

۴ عدۃ الدامی ص ۹۰ ۵ الصحر ۱۰

۶ جامع الأخبار ص ۲۸۵ ح ۱۰۷۱

۷ الکافی ج ۴ ص ۱۵ ح ۱

۳۵۳۲. پیامبر خدا ﷺ. خواهش نیازخواه را رد نکسید.

گر فرو عکویی مستمندان نبود، دست رد زنده به

سینه آنان، هرگز رستگار نمی‌شد

الفصل الحادي عشر: الأكل

فصل یازدهم خورند

۱/۱۱ واجبات الأكل

۱/۱۱ بایسته‌های غذا خوردن

أ- جُنْبُ الطَّعَامِ

الف- حلال بودن غذا

الكتاب

قرآن

﴿فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالاً طَيِّباً وَاشْكُرُوا بَعْدَ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾^۱

﴿پس، از آنچه خدا شما را روزی کرده است، حلال و پاکیزه بخورید و بعد از خدا را - اگر تنها تو را می‌پرسید - شکر بگوئید﴾

الحديث

حدیث

۲۵۳۳ رسول الله ﷺ مَنْ كَلَّ الْحَلَالَ، قَامَ عَلَى رَأْسِهِ مَلَكٌ يَسْتَمِيرُ لَهُ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْ أَكْلِهِ.^۲

۲۵۳۴ هه ﷺ مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ النُّحْلَةِ، أَكَلَتْ طَيِّباً، وَوَضَعَتْ طَيِّباً.^۳

۲۵۳۳ پیامبر خدا ﷺ هر که عداً حلال بخورد، مرشته‌ای بالای سرش می‌ایستد و تا آن گاه که از خوردن فراغت یابد، برای او طیب امرش می‌گردد

ب- اجتناب الحرام

۲۵۳۴ هه ﷺ مؤمن، مانند روبر عسل است که پاک می‌خورد و پاک تولید می‌کند

۲۵۳۵ رسول الله ﷺ وَالَّذِي تَمْسِي يَدِيهِ، لَأَنْ يَأْخُذَ أَحَدُكُمْ رُبّاً يَجْعَلُهُ فِي فِيهِ، خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَجْعَلَ فِي فِيهِ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ.^۴

۲۵۳۵ پیامبر خدا ﷺ - سوگند به آن که جانم در دست اوست، اگر یکی از شما... فشتی خاک بردارد و در دهان خویش نهد، بهتر از آن است که آنچه را خداوند حرام کرده است، در دهانش نهد

۲۵۳۶ هه ﷺ إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْجَسَدَ أَنْ يَدْخُلَهَا جَسَدٌ غُدِّي بِحَرَامٍ.^۵

۲۵۳۶ پیامبر خدا ﷺ خداوند، وارد شدن به بهشت را بر جسمی که با حرام تعدیه شده، حرام (ممنوع) کرده است

۲۵۳۷ عذة الداعي عن رسول الله ﷺ الصَّادَةُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالْبَاءِ عَلَى الرَّمْلِ وَقِيلَ: عَنِ الْمَاءِ.^۶

۲۵۳۷ عذة الداعي - به نقل از پیامبر خدا - عادت کردن با حرام‌خواری، چون ساحتن به بر روی ماسه (و به نقی: بر آب) است

۱ النحل ۱۶۴

۲ مکالم الأخلاق ج ۱ ص ۳۲۰ ح ۱۰۲۸

۳ المستدرک علی الصحيحین ج ۱ ص ۱۷ ح ۲۵۲

۴ مسند ابن حبل ج ۳ ص ۶۸ ح ۷۶۹۳

۵ تبه الخواطر ج ۱ ص ۶۱

۶ عذة الداعي ص ۱۴۱

ج - اجتنابُ التَّناوُلِ مِنْ آخِيَةِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ

ج - اجتناب از غذا خوردن در ظرف های زرین و سیمین

۳۵۳۸ رسول الله ﷺ آيَةُ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ مَنَاحُ الدِّينِ

۳۵۳۸ پیامبر خدا ﷺ ظرف های طلا و نقره، کالای

لا يوقنون^۱

کسانی است که یقین ندارند

د - اجتنابُ التَّناوُلِ مِنْ مَائِدَةٍ يُشْرَبُ عَلَيْهَا الْخَمْرُ

د - اجتناب از غذا خوردن بر سفره ای که در آن، شراب نوشیده می شود

۳۵۳۹ رسول الله ﷺ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بَاقِيَ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ،

۳۵۳۹ پیامبر خدا ﷺ: کسی که به خدا و روز آخرت

فَلَا يَأْكُلُ عَلَى مَائِدَةٍ يُشْرَبُ عَلَيْهَا الْخَمْرُ^۲

ایمان دارد، از سفره ای که بر سر آن شراب نوشیده

می شود، غذا نمی خورد

۳۵۴۰ عَنْهُ ﷺ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بَاقِيَ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، فَلَا

۳۵۴۰ پیامبر خدا ﷺ هر که به خدا و روز قیامت ایمان

يَقْعُدُ عَلَى مَائِدَةٍ يُشْرَبُ عَلَيْهَا الْخَمْرُ^۳

دارد، بر سر سفره ای که در آن شراب نوشیده

می شود، نمی نشیند

۲/۱۱ وَجَبَاتُ الْأَكْلِ

أ - التَّأَكُّيدُ عَلَى تَبَكُّرِ الْعِدَاءِ وَالنَّهْيُ عَنْ تَرْكِهِ

۳۳۶۹ وعده های غذا

۳۵۱۱ رسول الله ﷺ مَنْ أَرَادَ النِّقَاءَ - وَلَا بَقَاءَ - فليُجَاهِدْ

الف - تأکید بر صبحانه خوردن در صبح رود و نهی از ترک آن

الْعِدَاءَ، وَلْيَجُودِ الْجِدَّةَ، وَلْيَحْقِقِ الرِّدَاءَ، وَلْيَهْلِلْ

۳۵۲۱. پیامبر خدا ﷺ هر که خواهان ماندن است - و

مُجَامَعَةَ النِّسَاءِ^۴

السنه ماندنی تر کنار بیست -، باید صبح

ب - التَّأَكُّيدُ عَلَى الْعِشَاءِ وَالنَّهْيُ عَنْ تَرْكِهِ

رود صبحانه بخورد، کفش خوب (و مناسب)

۳۵۲۲ رسول الله ﷺ لَا تَدْعُوا الْعِشَاءَ وَلَوْ يَكْفُ مِنْ تَمْرٍ

بهوشد، و دای سبک برگیرد، و از همبستری با

فَإِنْ تَرَكَهُ يَهْرُمُ^۵

ریان بکاهد

۳۵۲۳ عَنْهُ ﷺ تَعَشُّوا وَلَوْ يَكْفُ مِنْ حَشَفٍ، فَإِنَّ تَرَكَ

ب - تأکید بر خوردن شام و نهی از ترک آن

الْعِشَاءَ يَهْرُمُ^۶

۳۵۲۲ پیامبر خدا ﷺ: خوردن شام را ترک نکنید و

حتی اگر شله، مُششی خرما تناول کنید، زیرا ترک

شام، پیری می آورد

۱ کتاب من لا یحضره الفقه ج ۳ ص ۳۵۳ ح ۱۲۳۹

۲ الکافی ج ۶ ص ۳۶۸ ح ۲

۳ مسند ابن حبیل ج ۵ ص ۱۰۱ ح ۱۱۶۵۷

۴ کتاب من لا یحضره الفقه ج ۳ ص ۵۵۵ ح ۱۹۱۲

۵ سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۱۱۳ ح ۳۵۵

۶ سنن الترمذی ج ۴ ص ۲۸۷ ح ۱۸۵۶

۳۵۲۳. پیامبر خدا ﷺ: شام بخورید، ولو مُششی خرما

خشکه باشد؛ چرا که نخوردن شام، مایه پیری

است

ج - وَجِبَةُ فِي الْيَوْمِ

ج - یک وعده در روز

۳۵۴۴ رسول الله ﷺ مَنْ أَكَلَ فِي الْيَوْمِ مَرَّةً لَمْ يَكُنْ جَانِعًا.

۳۵۴۴ پیغمبر خدا ﷺ هر کس در روز، یک وعده

وَمَنْ أَكَلَ مَرَّتَيْنِ لَمْ يَكُنْ عَائِدًا، وَمَنْ أَكَلَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ

بحورد، گرسنه نیست، و هر کس دو وعده

رُبُعُوهُ مَعَ الدَّوَابِّ ۱

بحورد، عاید نیست، و هر کس سه وعده بحورد،

او را با چارپایان ببندید.

۳۵۴۵ شُعْبَةُ الْإِيمَانِ عَنْ عَائِشَةَ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَأَنَا أَكُلُ

۳۵۴۵ شعب‌الایمان - به نقل از عایشه - پیامبر خدا

فِي يَوْمٍ مَرَّتَيْنِ، فَقَالَ

مشاهده کرد که من، روزی دو وعده می‌خورم

يَا عَائِشَةُ، اتَّعَدْتُ الدُّنْيَا تَطْلُكَ أَكْثَرَ مِنِّي، كُنْتُ كُنْتُ

فرمود، ای عایشه! دنیا را شکم خود کرده‌ای بیش

يَوْمٍ سَرَفٌ، وَاللَّهِ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ۲

در یک وعده در روز خوردن، اسراف است و

حداوند، اسرافکاران را دوست ندارد»



۱ التواضع الممدية ص ۱۲۲

۲ شعب الإيمان ج ۵ ص ۳۲ ح ۵۶۶۵

سخنی درباره احادیث وعده‌های غذا

حدیث رسیده از پیشوایان درباره «او وعده‌های غذا» به پنج دسته تقسیم می‌شود

۱. آنچه با الهام گرفتن از قرآن در مورد چگونگی غذا خوردن بهشیان، به دو وعده غذا در صبح و شام، توصیه نموده است؛

۲. آنچه بر خوردن صبحانه و نهی از ترک آن، تأکید دارد؛

۳. آنچه بر خوردن شام و نهی از ترک آن، تأکید دارد، به ویژه در افراد مسن، تأکید نموده است؛

۴. آنچه بر یک بار غذا خوردن در روز، تأکید دارد؛

۵. آنچه به سه وعده غذا در دو روز، توصیه نموده است؛

احادیث دسته اول دوم و سوم، به تنها نعارضی با یکدیگر ندارند، بلکه موید همدیگرند، زیرا دسته اول، به دو وعده غذا خوردن در صبح و شام، توصیه می‌کند و دسته دوم و سوم، تأکید دارند که صبحانه و شام نباید ترک شود

دسته چهارم هم با دسته‌های قس‌اش معارض نیست، زیرا تصریح می‌کند که در روز، یک وعده غذا کافی است و دسته‌های اول تا سوم به دو وعده در صبح و شام توصیه دارند

اما تنها حدیث قرار گرفته در دسته پنجم که به سه وعده غذا در دو روز توصیه می‌کند، اهم از نظر سند ضعیف است (ویرا منقول از کتاب *طب الإمام الصادق* است و اسناد این کتاب به امام رضا علیه السلام ثابت نیست)، و هم از نظر دلالت (زیرا مخاطب آن، مأمون عباسی است و ممکن است توصیه یاد شده برای شخص او باشد).

سایرین، جمع‌بندی احادیث گذشته این می‌شود که دو بار غذا خوردن در روز (صبح و شام) برای تداوم سلامت بدن، سودمند است، چنان‌که بهشیان بزرگ در حد سلامت، زندگی خوبی دارند، در همین دو وقت، غذا تناول می‌نمایند ﴿وَلَهُمْ بِرِزْقِهِمْ حَبَابٌ مُّكْرَرٌ وَعَبَسْنَا رِزْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ [احمد] است

۱. آن حدیث، این است: امام رضا علیه السلام فرمود: «فصلی یبایسته دو نخوراک، آن است که جو، هشت ساعت از روز می‌گذرد، یک بار غذا بخوری، یا در دو روز سه وعده غذا میل کنی، بدین ترتیب که: در یگانه نخستین روز، ناشایی بخوری پس در همان روز، شام بخوری و پس چون دیگر روز می‌رسید، پس در گذشت ساعت ساعت از روز، یک وعده دیگر بخوری و در آن روز، توده شام، بیازی نیست. حد من محدث علیه السلام به علی علیه السلام چنین فرمود که: [اگر در روز] یک روزش، یک وعده و در روز دیگرش دو وعده باشد. (طب الإمام الصادق ص ۱۵، بحار الانوار ج ۶۲ ص ۳۶۱)

۳/۱۱. قِلَّةُ الْأَكْلِ

۳/۱۱. کم خوری

أَسَاحِدُ عَلَى قِلَّةِ الْأَكْلِ

الف - تشویق به کم خوری

۳۵۱۶ رسول الله ﷺ: إِنَّ أَهْلَ الْبَيْتِ لَا يَكُلُ طَعْمُهُمْ، فَتَسْتَبْرِئُوا نَفْسَهُمْ^۱

۳۵۱۶ پیامبر خدا ﷺ: اهل بیت، حور کشان اندک است و از این رو، خانه‌هایشان نورانی است

۳۵۱۷ عنه ﷺ: مَنْ كَثُرَ نَسِيجُهُ وَنَمَجِيدُهُ، وَقَلَّ طَعَامُهُ وَشَرَابُهُ وَمَسَامَةُ، اشْتَاقَتْهُ الْمَلَائِكَةُ^۲

۳۵۱۷ پیامبر خدا ﷺ: هر که نسیج و تمجیدش از حدیوث متعال[ی‌تر]، و خور و حوایش اندک باشد، فرشتگان مشتاق او می‌شوند

۳۵۱۸ عنه ﷺ: خَفَعُوا بَطُونَكُمْ وَظَهَرَكُمْ لِقِيَامِ الصَّلَاةِ^۳

۳۵۱۸. پیامبر خدا ﷺ: شکم‌هایتان و پشت‌هایتان را برای خواندن نماز، سبک کنید^۴

ب - قَوَائِدُ قِلَّةِ الْأَكْلِ الظَّاهِرِيَّةُ

ب - قواعد جسمانی کم خوردن

۳۵۱۹ رسول الله ﷺ: أُمِّ حَمِيمٍ الْأَدْوِيَّةُ قِلَّةُ الْأَكْلِ^۵

۳۵۱۹. پیامبر خدا ﷺ: مادر همهٔ دواها، کم خوری است

۳۵۲۰ عنه ﷺ: مَنْ دَلَّ طَعْمُهُ صَحَّ بَدَنُهُ، وَصَحَّ قَلْبُهُ، وَمَنْ كَثُرَ طَعْمُهُ سَقَمَ بَدَنُهُ، وَفَسَدَ قَلْبُهُ^۶

۳۵۲۰. پیامبر خدا ﷺ: کسی که کم بخورد، بدنش سالم می‌ماند و صفای دل می‌یابد، و کسی که زیاد بخورد، بدنش بیمار می‌شود و دلش سحت می‌گردد

۳۵۲۱ عنه ﷺ: إِذَا أَقْبَلَ الرَّجُلُ الطَّعْمَ، مَلَأَ جَوْفَهُ نَوْرًا^۷

۳۵۲۱. پیامبر خدا ﷺ: هر گاه ادبی کم خورد، درویش بُر از نور می‌شود

۳۵۲۲ عنه ﷺ: حَاجِدُوا أَنْفُسَكُمْ بِقِلَّةِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ، تُطْلَقُكُمُ الْمَلَائِكَةُ، وَيَمُرُّ عَنْكُمْ الشَّيْطَانُ^۸

۳۵۲۲. پیامبر خدا ﷺ: با کم خوردن و کم نوشیدن، به جهاد با نفس‌های خویش بپردازید تا فرشتگان بر شما سایه افکند و شیطان از شما بگریزد

۳۵۲۳ عنه ﷺ: لَا يَدْخُلُ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَنْ مَلَأَ بَطْنَهُ^۹

۳۵۲۳. پیامبر خدا ﷺ: کسی که شکمش را پُر کند، به ملکوت آسمان‌ها و زمین، وارد نمی‌شود

۱ المصباح الأوسط ج ۵ ص ۲۲۹ ح ۵۱۶۵

۲ تنبيه الخواطر ج ۲ ص ۱۱۶

۳ حلیه الأولیاء ج ۷ ص ۲۵۵

۴ المواعظ المندوبة ص ۲۱۳

۵ تنبيه الخواطر ج ۲ ص ۲۲۹

۶ الفردوس ج ۱ ص ۲۹۰ ح ۱۱۳۸

۷ تنبيه الخواطر ج ۲ ص ۱۲۲

۸ تنبيه الخواطر ج ۱ ص ۱۰۰

۱. یعنی کم بخورید و کم بنوشید و برای نماز شب و عبادت

برخیزید ۲

۱۱/۱. کثرة الأكل

أ- دَمُ الشَّهْمِ

۳۵۵۱ رسول الله ﷺ ما مَلَأَ آدَمِيَّ وِعَاءَ شَرَّأَمَسٍ يُطْبِ
حَسْبُ الْآدَمِيَّ لُقْمَاتٌ يُقِمْنَ صُلْبَهُ؛ قَبْرٌ عَلَيَّتِ
الْآدَمِيَّ نَفْسُهُ، قَتَلْتُ لِبَطْعَامٍ، وَتَلْتُ لِبَشْرَابٍ،
وَتَلْتُ لِنَفْسٍ

۳۵۵۵ عَنْهُ ﷺ شَيَكُونٌ بَيْنَ بَعْدِي شَيْءٌ، يَأْكُلُ الْمُؤْمِنُ
مَعِيَ مَعَامٍ وَاحِدٍ، وَيَأْكُلُ الْكَافِرُ مَعِيَ سَبْعَةَ أَعْمَامٍ^۱

۳۵۵۶ الإمام علي عليه السلام - في ذكر حديث معراج النبي ﷺ -
قَالَ اللهُ تَعَالَى يَا أَحْمَدُ، أَبْصِرِ الدُّنْيَا وَهَنَهَا،
وَأَحِبِّ الْآخِرَةَ وَأَهْلِهَا

قال بارت، ومن أهل الدنيا، ومن أهل الآخرة؟
قال أهل الدنيا من كثرة أكله وصحبته وسومه
وعصبته^۲

ج- مضار الشَّهْمِ

۳۵۵۷ رسول الله ﷺ لَا تُحْمِتُوا الْقُلُوبَ بِكَثْرَةِ الطَّعَامِ
وَالشَّرَابِ، فَإِنَّ الْقُلُوبَ تَمُوتُ كَالزُّرُوعِ إِذَا كَثَرَ عَلَيْهَا
الْمَاءُ^۳

۳۵۵۸ عَنْهُ ﷺ لَا تَشْبَعُوا مِطْطَا سَوْرَ الْمَعْرِفَةِ مِنْ
قُلُوبِكُمْ^۴

۱۱/۲. پرخوری

الف - نگوشت پرخوری و شکمبارگی

۳۵۵۲ پیامبر خدا ﷺ آدمی، ظروعی مدتر از شکم را
پُر نکرده است انسان را چند لقمه ای که او را سر پا
نگه دارد، مس است، و اگر نفس انسان بر او علیه
کرد او حویشندار نبود، پس یک سوم [معدة اش]
برای غذا باشد و یک سومش برای آب و یک سوم
دیگرش برای نفس

۳۵۵۵ پیامبر خدا ﷺ پس از مس، ایس رسم پدید
خواهد آمد که مؤمن، در یک روزه بخورد و کافر،
بر هفت روزه

۳۵۵۶ امام علی عليه السلام - در بیان حدیث معراج پیامبر ﷺ -
حدیثی متعال فرمود: ای احمد! از دنیا و اهل
دنیا، سیر از نیش و آخرت و اهل آن را دوست بدار،
گفت ای پروردگار من! اهل دب کیست و اهل
آخرت، چه کسی است؟

فرمود: اهل دب، کسی است که پرخور و
پُر حنده و پُر حواب و پُر خشم باشد

ج- ضررهای پرخوری

۳۵۵۷ پیامبر خدا ﷺ با خورند و نوشیدند زیاد،
دل ها را سیرانید؛ چرا که دل ها سیر می میرند،
همچنان که رراعت هر گاه زیاد آب بخورد، از بین
می رود

۳۵۵۸ پیامبر خدا ﷺ معده های پستان را از غذا سیر نکند،
که نور معرفت در دل های پستان خاموش می شود.

۱. مس این مایه ج ۲ ص ۱۱۱ ح ۳۲۱۹

۲. الکافی ج ۶ ص ۳۶۸ ح ۱

۳. إرشاد القلوب، ص ۱۹۹-۲۰۱

۴. مکرم الأخلاق ج ۱ ص ۳۲۰ ح ۱۰۲۵

۵. مکرم الأخلاق ج ۱ ص ۳۲۰ ح ۱۰۲۶

۳۵۵۹. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَوَّرَ الْحِكْمَةَ الْجَوْعُ. وَالتَّبَاعُ مِنْ اللَّهِ الشَّيْخُ^۱ ۳۵۵۹ پیامبر خدا عَلَيْهِ السَّلَامُ نور حکمت، در گرسنگی است،^۱ و دوری از خدا، در سیری.
۳۵۶۰. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنْ أَكْثَرَ النَّاسُ شَبَعًا فِي الدُّنْيَا، اطْوَأَهُمْ جَوْعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۲ ۳۵۶۰ پیامبر خدا عَلَيْهِ السَّلَامُ، سرتر ترين مردم در دنيا، گرسنه ترين آنان در روز قيامت است.
۳۵۶۱. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِيَّاكُمْ وَالْبِطْلَةَ، فَإِنَّهَا مَعْدَةٌ لِلْبُذْنِ، وَمَوْرَثَةٌ لِمَقْعَمٍ، وَمَكْسَلَةٌ لِلْعِبَادَةِ^۳ ۳۵۶۱ پیامبر خدا عَلَيْهِ السَّلَامُ از پُرحوری بهره‌بردار؛ چرا که مایه تباهی بدن و باعث بیماری‌ها و موجب سستی در عبادت می‌شود
- ۵/۱۱. الْفَضْلُ الْأَطْعَمَةُ ۵/۱۱ بهترین غذاها
- أ- مَا كَانَ مِنْ كَدِّ الْعَيْدِ ۳۵۶۲ رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ما کُلَّ أَحَدٍ بِكُمْ طَعَامًا فِي الدُّنْيَا حَبْرًا لَهُ مِنْ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ عَمَلٍ يَدِّهِ^۴ الف- غذایی که از دست‌برنج باشد ۳۵۶۲ پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هیچ یک از شما، در دنیا غذایی بهتر از دست‌برنج خویش نخورده است
- ب- مَا يَشْتَقِيهِ الْأَهْلُ ۳۵۶۳ رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَأْكُلُ شَهْرًا أَهْلِيهِ، وَلَمُتَافِقُ يَأْكُلُ أَهْلَهُ شَهْرِيَّةً^۵ ب- غذایی که مطبوق میل خانواده باشد ۳۵۶۳ پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مؤمن با میل خانواده‌اش می‌خورد؛ ولی صافق، خانواده‌اش طبق میل او می‌خورد
- ج- مَا لَمْ يَكُنْ مُؤْبِيًا ۳۵۶۴ الإمام الصادق عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَكَلَ مِنْ هَذَا الطَّعَامِ فَلَا يَدْخُلُ مَسْجِدَنَا - يَعْنِي لَشَوْمَ - وَلَمْ يَقُلْ إِنَّهُ حَرَامٌ^۶ ج- غذایی که آثار دهنده نباشد ۳۵۶۴ امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ : پیامبر خدا فرمود: «هر کس از این غذا (یعنی سیر) بخورد، وارد مسجد ما نشده و فرمود حرام است
۳۵۶۵. سَمِعَ ابْنُ مَاجَةَ عَنْ جَابِرٍ إِنْ تَفَرَّأْتُوْا النَّسِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ۳۵۶۵ سَمِعَ ابْنُ مَاجَةَ - بِه سَقْلَ ار جَابِر - : هَذِهِ أَيْ سَزِدَ يِيَامِبِر حَتَا اَمَدِيدَ كِه دَهَانَشَان بِسَوِي ثَرَه مِي دَادَ

۱. مکالم الأخلاق ج ۱ ص ۳۲۰ ح ۱۰۲۴

۲. سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۱۱۲ ح ۳۳۵۱

۳. الدعوات ص ۷۴ ح ۱۷۲

۴. مستدرك حنبل ج ۶ ص ۹۴ ح ۱۷۱۹۱

۵. الکافی ج ۱ ص ۱۲ ح ۶

۶. تهذيب الأحکام ج ۹ ص ۹۶ ح ۴۱۸

۱. شيخ اجل، سعدی در گلشن آورده است:

اندرون از طعام، خالی دل تا در او نور معرفت بیسی

فَوَجَدَ مِنْهُمْ رِيحَ الْكَرَّاتِ، فَقَالَ أَلَمْ أَكُنْ نَهَيْكُمْ عَنْ
أَكْلِ هَذِهِ الشَّجَرَةِ! إِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَتَأَذَى مِنْهَا بِتَأْذَى مِنْهُ
الْإِنْسَانُ.^۱

فرمود: «مگر من شما را از خوردن این سبزی نهی
نکردم؟! آنچه انسان را بیازارد، فرشتگان را نیز
زار می دهد»

۶/۱۱. آدابُ تناولِ الطعام

۶/۱۱. آداب غذا خوردن

ا. وَضْعُ الْيَدَيْنِ عَلَى الْمائدةِ

الف. گذاشتن سبزی در سفره

۳۵۶۶ رسول الله صلی الله علیه و آله زَيَّنُوا مَوَائِدَكُمْ بِالْبَصْرِ فَإِنَّهَا مَطْرَدَةٌ
لِلشَّيْطَانِ مَعَ الشَّيْطَانَةِ^۲

۳۵۶۶ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سفره هایتان را با سبزی، زیست
بحشید ازیرا وجود سبزی به همراه ذکر نام خدا،
شیطان را می راند

ب. غَسْلُ الْيَدَيْنِ

ب. شستن دستها

۳۵۶۷ رسول الله صلی الله علیه و آله مَنْ غَسَلَ يَدَهُ قَبْلَ نَهْضِهِ لَطْعَامٍ وَبَعْدَهُ
عَاشَ فِي سَعَةٍ، وَعَوْنٌ مِنْ تَلَوَى فِي جَدِّهِ^۳

۳۵۶۷ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر کس قبل از غذا و بعد از
آن دست هایش را بشوید، پیوسته در
کشیش زندگی خواهد کرد و شش سالم خواهد
ماند

ج. خَلْعُ الْمَعَالِ

ج. خور آوردن کفش از پا

۳۵۶۸ رسول الله صلی الله علیه و آله إِذَا وَضَعَ الطَّعَامَ مَا حَلَمُوا يَعَالِكُمْ،
فَإِنَّهُ أَرْوَحُ لِأَعْدَائِكُمْ.^۴

۳۵۶۸ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه غذا را بپاشد، کفش هایتان
را در ورید ریختن، با این کار پاهایتان راحت تر
می شوند.

د. التَّوَضُّعُ فِي الْخُلُوسِ عَلَى الْمائدةِ

د. متواضعانه نشستن بر سر سفره

۳۵۶۹ رسول الله صلی الله علیه و آله إِنَّمَا أَنْ عَيْدٌ أَكُلَ كَمَا يَأْكُلُ الْعَبْدُ،
وَأَجْلِسْ كَمَا يَجْلِسُ الْقَبْدُ^۵

۳۵۶۹ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله من، در حقیقت، یک بنده ام
و مثل بنده خدا می خورم و مثل بنده می نشیمن

هـ. مُوَاسَاةُ الْمَافِلِ

هـ. شریک کردن نگاه کننده

۳۵۷۰ رسول الله صلی الله علیه و آله مَنْ أَكَلَ وَدُو عَيْنَيْنِ يَسْطُرُ إِلَيْهِ

۳۵۷۰ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر کس در حال خوردن باشد
و کسی به او نگاه کند و چیری از آن را به او ندهد،

۱. سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۱۱۶ ح ۳۳۶۵

۲. طب الیهی صلی الله علیه و آله ۱۱

۳. کتاب من لا یحضره الفقه ج ۳ ص ۳۵۸ ح ۱۲۶۵

۴. سنن ترمذی ج ۱ ص ۵۶۲ ح ۲۰۱۷

۵. الزهد لابن حبیل ص ۱۱

وَلَمْ يُؤَسِّدْهُ ابْتِلَاءِي بِدَاوٍ لَا دَوَاءَ لَهُ^۱

به دردی بی درمان، مبتلا می‌گردد

و- ذکر الله

و- یاد کردن از خدا

۳۵۷۱ مکارم الأخلاق: کَانَ ﷺ إِذَا وَضَعَ يَدَهُ فِي الطَّعَامِ قَالَ: بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيمَا رَزَقْتَنَا وَعَلَيْكَ حُلُقُهُ^۲

۳۵۷۱ مکارم الأخلاق پیامبر خدا، هر گاه دست به غذا می‌برد، می‌گفت، اے نام خدا بار خدا! در آنچه به ما روزی کردی، برکت ده، و ای سرخوشی‌گرین فرما!

۳۵۷۲ رسول الله ﷺ - أَنَّهُ كَانَ إِذَا وَضَعَتِ الصَّائِدَةُ يَمِينَ يَدَيْهِ قَالَ - سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ مَا أَحْسَنَ مَا تُبْقِيَانَا، سُبْحَانَكَ مَا أَكْثَرَ مَا تُعْطِيَانَا، سُبْحَانَكَ مَا أَكْثَرَ مَا تُعَافِيَانَا، اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيْنَا وَعَلَى فُقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ^۳

۳۵۷۲ پیامبر خدا ﷺ - هر گاه خدا در برابرش گذاشته می‌شد، می‌فرمود - پاک‌ی تو ای خداوند!، چه نیکو ما را می‌آزمایی! پاک‌ی تو، چه بسیار به ما عطا می‌کنی! پاک‌ی تو، چه بسیار ما را عافیت می‌بخشی! بار خدا! روزی‌ات را بر ما و بر همه مؤمنان و مسلمانان ببارد، از مرد و زن، فراح گردان

ر- الافتتاح والملاح

۳۵۷۳ رسول الله ﷺ - لَعْنَةُ اللَّهِ - يَا عَلِيٍّ، افْتَتَحَ طَعَامَكَ بِالْمَلَحِ، وَاحْمِمْ بِالْمَلَحِ؛ فَإِنَّ مِنْ افْتَتَحَ طَعَامَهُ بِالنَّوْلِ وَخَتَمَ بِالْمَلَحِ عَوْبِي مِنْ آتَمِ وَشَبِيهِ تَرَعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ مِنْهُ الْعُدَامُ وَالْجُورُ وَالْبَرَصُ^۴

۳۵۷۳ پیامبر خدا ﷺ - به علی (ع) - ای علی! عذایت را با نمک آغاز کن و با نمک پایان ده؛ زیرا کسی که عذایش را با نمک آغاز کند و با نمک پایان دهد، از هفتاد و دو نوع مرض، سالم می‌ماند؛ از جمله جذام و دیوانگی و پستی

ح- اجتناب الطعام الحار

۳۵۷۴ الإمام علي (ع) أَقْرُوا^۵ الْحَارَّ حَتَّى يَبْرُدَ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قُرِبَ إِلَيْهِ طَعَامٌ حَارٌّ فَقَالَ أَقْرُوهُ حَتَّى يَبْرُدَ، مَا كَانَ اللَّهُ ﷻ لِيُطْعِمَنَا النَّارَ، وَالْبَرَكَةُ فِي الْبَارِدِ^۶

ح- برهیز از خوردن غذای داغ

۳۵۷۴ امام علی (ع) : بگدازید غذای داغ، سرد شود؛ زیرا هنگامی که برای پیامبر خدا عذای داغ آوردند، فرمود بگدازیدش تا سرد شود خداوند ﷻ به ما آتش نمی‌خوراند؛ برکت، در غذای سرد است!

۱- بیح الاول ج ۲ ص ۶۷۹

۲- مکارم الأخلاق ج ۶ ص ۶۹ ج ۸۱

۳- الکافی ج ۶ ص ۲۹۳ ج ۸

۴- الکافی ج ۶ ص ۳۳۶ ج ۲

۵- أقْرَوْهُ أي انزعوه (مجمع البحرين ج ۳ ص ۱۶۶ افره)

۶- الکافی ج ۶ ص ۲۲۱ ج ۱

ط - الْأَكْلُ بِالْيَمِينِ

ط - غذا خوردن با دست راست

۳۵۷۵ رسول الله ﷺ - لِرَجُلٍ - كُلْ بِيَمِينِكَ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَأْكُلُ بِشِمَالِهِ^۱ ۳۵۷۵ پیامبر خدا ﷺ - به مردی - با دست راست بخور؛ چون شیطان با دست چپش می خورد

ي - تَصْغِيرُ اللَّفْمَةِ

ی - لقمه کوچک برداشتن

۳۵۷۶ رسول الله ﷺ - فِي نِسَائٍ آدَابِ الْمَائِدَةِ - وَأَمَّا الْأَدَبُ فَتَصْغِيرُ اللَّفْمَةِ^۲ ۳۵۷۶ پیامبر خدا ﷺ - در میان آداب سفره - از آداب آن، لقمه کوچک برداشتن است

ك - تَجْوِيزُ الْمَصْفُوعِ

ک - خوب جویدن غذا

۳۵۷۷ رسول الله ﷺ - فِي نِسَائٍ آدَابِ الْمَائِدَةِ - وَأَمَّا الْأَدَبُ فَتَصْغِيرُ اللَّفْمَةِ، وَالنَّضْعُ الشَّدِيدُ^۳ ۳۵۷۷ پیامبر خدا ﷺ - در میان آداب سفره - آداب آن، لقمه کوچک گرفتن و خوب جویدن است

ل - أَكُلْ مَا سَقَطَ مِنَ الْحَوَانِ

ل - خوردن ریزه های افتاده از سفره

۳۵۷۸ رسول الله ﷺ - مَنْ تَسَعَّ مَا سَقَطَ مِنَ الشَّرْءِ غُفِرَ لَهُ^۴

۳۵۷۸ پیامبر خدا ﷺ - هر کس ریزه های افتاده از سفره را برچیند، آمرزیده می شود

م - الْإِمْسَاكُ قَبْلَ الشَّعْبِ

م - دست کشیدن از غذا پیش از سیر شدن

۳۵۷۹ رسول الله ﷺ - كُلْ وَأَنْتَ تَشْتَهِي، وَأَمْسِكْ وَأَنْتَ تَشْتَهِي^۵

۳۵۷۹ پیامبر خدا ﷺ - زمانی که اشتها داری، غذا بخور و هنگامی که هنوز اشتها داری، دست از خوردن بکش

۷/۱۱ مَا لَا يَنْبَغِي لِفَعْلِهِ عِنْدَ التَّأَوُّلِ

أ - الْإِسْرَافُ

الكتاب

۷/۱۱ کارهایی که هنگام خوردن نباید انجام داد

﴿يَتَنَبَّهْنَ لَهُمْ خَلَاؤُا رَبِّنَّكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَغُلَاوُا

الغ - اسراف

قَدْ رَأَى

❖ بی درودنی آدمها جلالت خود را در هر تسبیحی برگیرند، و بخورند و بیاشامند، پس زیاده روی نکنند که او

۱ - عوالي الملاکي ج ۱ ص ۷۴ ح ۱۴۲

۲ - کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۳۵۵ ح ۵۷۶۲

۳ - کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۳۵۵ ح ۵۷۶۲

۴ - مجمع الزوائد ج ۵ ص ۱۱ ح ۷۹۷۷

۵ - طب النبی ﷺ ص ۲

وَأَشْرَبُوا وَلَا تُشْرَبُوا إِنَّهُ لَيَشْرَبُ الْفُضْرَابِينَ».

اسرافکاران را دوست نمی‌دارد.

الحديث

حدیث

۳۵۸۰ رسول الله ﷺ إِنَّ مِنَ الشَّرْبِ أَنْ تَأْكُلَ كُلُّ مَا اشْتَهَيْتَ^۱

۳۵۸۰ پیامبر خدا ﷺ: از مصداق اسراف، آن است که هر چه می‌خواهی، بخوری.

ب- النَّفْعُ فِي الطَّعَامِ

ب- فوٲ کردن در غذا

۳۵۸۱ رسول الله ﷺ النَّفْعُ فِي الطَّعَامِ يَدْفَعُ بِالْبَرَكَهَةِ^۲
۳۵۸۲ الإمام عليّ عليه السلام - فِي ذِكْرِ مَا هِيَ النَّفْعُ - نَهْنُ أَنْ يُنْفَعُ فِي طَعَامٍ أَوْ شَرَابٍ^۳

۳۵۸۱. پیامبر خدا ﷺ فوٲ کردن (دعیدن) در غذا، برکت را (از آن) می‌برد.
۳۵۸۲ امام علی علیه السلام - در بیان سبب‌های پیامبر ﷺ - ایشان، از فوٲ کردن در غذا یا نوشیدنی، سبب فرمود.

ج- رَفْعُ الصُّوْتِ بِالْجُشَاءِ

ج- آروغ زدن با صدای بلند

۳۵۸۳ رسول الله ﷺ إِذَا تَحَشَّاتُمْ^۴ فَلَا تَرْفَعُوا جُشَاءَكُمْ^۵
۳۵۸۴ الإمام الصادق عليه السلام سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ زَحَلًا يَتَحَشَّأُ، فَقَالَ يَا عَبْدَ اللَّهِ، فَهَرَمَ مِنْ جُشَائِكَ^۶

۳۵۸۳. پیامبر خدا ﷺ: هر گاه آروغ می‌زید، صدا پستان را (به آروغ) بلند نکند

د- تَجْرِيدُ الْعِظَامِ مِنَ اللَّحْمِ

۳۵۸۵ امام صادق عليه السلام. پیامبر خدا، صدای آروغ زدن مردی را شنید. فرمود: «ای بنده خدا! آهسته‌تر آروغ بزن»

۳۵۸۵ رسول الله ﷺ لَا تَمْشِشُوا مَشَاشَ^۸ الطَّيْرِ أَقْبِيَهُ يُوْرِثُ نَسْلُ^۹

د- زیاد پاک کردن استخوان

۳۵۸۵ پیامبر خدا ﷺ: نرجه‌های سر استخوان پرندگان را محو کنید؛ چون باعث سماری سل می‌شود.

۱ الأعراف ۳۱

۲ سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۱۱۲ ح ۳۳۵۲

۳ مکالم الأهلآق ج ۱ ص ۳۱۳ ح ۹۹۸

۴ کتاب من لا یحضره الفقه ج ۴ ص ۹ ح ۱۹۶۸

۵ تَجَشَّأَ الْإِنْسَانُ تَجَشَّأً، وَالْأَسْمُ الْجُشَاءُ (وهو صوت مع ریح يحصل من اللحم عند حصول النّسج) (المصباح المنیر ص ۱۰۲ «جشاء»)

۶ الکافی ج ۶ ص ۲۶۹ ح ۶

۷ المعانی ج ۲ ص ۱۳۴ ح ۱۷۱۶

۸ المَشَاشُ: رُؤُوسُ الْعِظَامِ اللَّيْثَةِ الَّتِي يُمْكِنُ مَضَعُهَا. وَمَشَشُهُ مَضَعُهُ مَبْعُورَةً (لِلسَانِ الْعَرَبِ ج ۶ ص ۳۵۷ «مشش»)

۹ کنز العمال ج ۱۵ ص ۲۶۴ ح ۱۰۸۸۹

هـ- شَرِبَ الْمَاءَ عَلَى اللَّحْمِ

هـ- نوشیدن آب پس از خوردن گوشت

۲۵۸۶ الإمام عقیقه کان رسول الله ﷺ إذا أَكَلَ النَّسِجَ لَا يَعْجَلُ بِشَرْبِ الْمَاءِ، فَقَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ: يَا أَهْلَ يَمِينِهِ يَا رَسُولَ اللهِ، مَا أَقْبَلَ شَرِبَتَكَ لِمَاءٍ عَلَى اللَّحْمِ!

۲۵۸۶ امام علی علیه السلام پیامبر خدا، هر گاه گوشت می خورد، بلافاصله آب نمی نوشید. یکی از اصحابش که از اهل بیتش بود، به او گفت ای پیامبر خدا! شما چه قدر کم، روی گوشت آب می خوری؟!

فَقَالَ لَيْسَ أَحَدٌ يَأْكُلُ هَذَا نَوْدَكَ ثُمَّ يَكْفُ عَنِ شَرْبِ الْمَاءِ إِلَى آخِرِ الطَّعَامِ إِلَّا اسْتَمْرَأَ^۱

فرمود: «هر یک از شما این چربی را بخورد و تا آخر غذا نوشیدن آب خودداری ورزد، آن غذا [برایش] گوارا می شود»

و- الْأَكْلُ عَلَى الشَّعِيعِ

و- خوردن از روی سبزی

۲۵۸۷ رسول الله ﷺ - فِي وَصَايَاهُ بِعَلِيٍّ ع - يَا عَلِيُّ، أَرْبَعَةٌ يَدْهِنُ جِيعاً: الْأَكْلُ عَلَى الشَّعِيعِ، وَالسَّرَاجُ فِي الْفَقْرِ، وَالزَّرْعُ فِي السَّيْبَةِ، وَالصَّيْفَةُ لِمَنْ غَشِيَ أَهْلُهَا^۲

۲۵۸۷ پیامبر خدا علیه السلام - در سفارش به امام علی علیه السلام - ای علی! چهار چیز جوع را هدر است: خوردن از روی سبزی، چراغ برای فقیر، کاشت در سبزه، و شمشیر برای کسی که شایستگی اش را ندارد

۲۵۸۸ عنه ﷺ الْأَكْلُ عَلَى الشَّعِيعِ يورِثُ الْبَرَصَ^۳

۲۵۸۸ پیامبر خدا ﷺ خوردن از روی سبزی، موجب پستی می شود

۸/۱۱ الاجتماع حين تناول

أ- الاجتماع على تناول الطعام

۸/۱۱ غذا خوردن با دیگران

۲۵۸۹ وسور الله ﷻ كُلُوا جَمِيعاً وَلَا تَمَرَّقُوا^۴ الْبَرَكَةُ مَعَ الْجَمَاعَةِ^۵

۲۵۸۹ - غذا خوردن گروهی

۲۵۹۰ عنه ﷺ طَعَامُ الْوَاحِدِ يَكْمِي الْإِثْنَيْنِ، وَطَعَامُ الْإِثْنَيْنِ يَكْمِي الثَّلَاثَةَ، وَطَعَامُ الثَّلَاثَةِ يَكْمِي الْأَرْبَعَةَ^۶

۲۵۸۹ پیامبر خدا ﷺ دسته جمعی [غذا] بخورید و پراکنده نشوید! زیرا برکت، با جماعت است

۱ الزدك الذسم (القنوس المحيط ج ۳ ص ۳۲۲ والرداء)

۲ الجعربان ص ۱۶۱

۳ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۳۷۳ ح ۵۷۱۲

۴ الأمالی للصدوق ص ۶۳۶ ح ۸۵۴

۵ من ابن ماجة ج ۲ ص ۱۰۹۴ ح ۳۲۸۷

۶ الکافی ج ۶ ص ۲۷۳ ح ۱

۲۵۹۰ پیامبر خدا ﷺ عدهای یک نفر، برای دو نفر بس است و عدهای دو نفر، برای سه نفر و عدهای سه نفر، برای چهار نفر

ب- الْأَكْلُ مَعَ الْأَهْلِ

ب- غذا خوردن به همراه خانواده

۳۵۹۱. رسول الله ﷺ إِذَا أَكَلَ الْمُؤْمِنُ مَعَ أَوْلَادِهِ كُتِبَ لَهُ بِكُلِّ لُقْمَةٍ ثَوَابُ عِتِي رَقَبَةٍ، وَرُفِعَ لَهُ مَدِينَةٌ، وَأَعْطَاهُ اللَّهُ كِتَابَهُ بِتَمِيمَةٍ.^۱

۳۵۹۱. پیامبر خدا ﷺ: هر گاه مؤمن همراه فرزندانش غذا بخورد، به ازای هر لقمه‌ای، ثواب آزاد کردن یک بنده برایش نوشته می‌شود، و برایش [بهشت] شهری بنا می‌گردد و خداوند، نامه اعمالش را به دست راستش می‌دهد.

۳۵۹۲. عَنْهُ ﷺ أَيُّمَا مُؤْمِنٍ يُحِبُّ الْأَكْلَ مَعَ الْأَوْلَادِ، مَادَاهُ مَلَكٌ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ، يَا عَبْدَ اللَّهِ اسْتَأْذِنِ الْقَتْلَ، فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ الذُّيُوبَ كُلَّهَا.^۲

۳۵۹۲. پیامبر خدا ﷺ: هر مؤمنی که غذا خوردن به فرزندانش را دوست داشته باشد، فرشته‌ای از پایین عرش، بدای می‌دهد، ای بنده خدا! عمل را از سر بگیر؛ زیرا خداوند، همه گناهان تو را آمرزیده.

ج- الْأَكْلُ مَعَ الْيَتِيمِ

ج- غذا خوردن با یتیم

۳۵۹۳. رسول الله ﷺ مَا مِنْ مَائِدَةٍ أُعْظِمَ بَرَكَتُهُ مِنْ مَائِدَةٍ جَلَسَ عَلَيْهَا يَتِيمٌ.^۳

۳۵۹۳. پیامبر خدا ﷺ: هیچ سفره‌ای بابرکت‌تر از سفره‌ای نیست که یتیمی بر سر آن نشسته باشد.

د- الْأَكْلُ مَعَ الْخَادِمِ

د- غذا خوردن با خدمتکار

۳۵۹۴. رسول الله ﷺ الْأَكْلُ مَعَ الْخِدَامِ مِنَ التَّوَاضُّعِ، فَمَنْ أَكَلَ مِنْهُمْ اسْتَأْذَنَ إِلَيْهِ الْجَنَّةُ.^۴

۳۵۹۴. پیامبر خدا ﷺ: غذا خوردن با خدمتکاران، از فروتنی است و هر کس با آنها غذا بخورد، بهشت، مشتاق او می‌گردد.

هـ- الْأَجْتِنَابُ عَنِ الْأَكْلِ مُفْرَدًا

هـ- اجتناب از تنها خوردن

۳۵۹۵. الْكَلْبِيُّ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشَرِّ أَرْجَاءِكُمْ؟ قُلْنَا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ: إِنْ مِنْ شَرِّ أَرْجَاءِكُمْ الْبَهَاتُ الْجَبْرِيَّةُ الْفَحَاشُ، الْأَكْلُ وَحْدَهُ، وَالْمَايِخُ رِصْدَهُ،^۵ وَالصَّارِبُ عَبْدُهُ، وَالْمُلْجِئُ عِيَالُهُ إِلَى غَيْرِهِ.^۶

۳۵۹۵. الکلبی - به نقل از جابر بن عبد الله -: پیامبر خدا مرمود: «آب به شما از بدترین مردانان حیر دهم؟»

گفتیم بگو، ای پیامبر خدا!

مرمود: «از جمله بدترین مردان شما، کسی است که تهمت‌رن و گستاخ و فحاش و تنهاخور و خسیس باشد، بدماش را کتک بزنند و خانواده‌اش را سرزنش دیگری بکنند»

۱. تبيين المفاتيح ص ۳۱۴ ح ۵۰۰

۲. تبيين المفاتيح ص ۳۱۴ ح ۴۹۹

۳. الفردوس ج ۴ ص ۱۶ ح ۶۱۱۴

۴. طب النبي ﷺ ص ۳

۵. الزوائد العطاء والصلة (لسان العرب ج ۳ ص ۱۸۱ در فقه)

۶. الکلبی ج ۲ ص ۲۹۲ ح ۱۳

۹/۱۱. أَدَبُ الْأَكْلِ مَعَ الْفَقِيرِ

۹/۱۱. آداب غذا خوردن با دیگران

أ- الْأَكْلُ مَعَ الْفَقِيرِ

الف- غذا خوردن از حیوی خود

۳۵۹۶ رسول الله ﷺ إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَأْكُلْ مَعَ الْفَقِيرِ^۱

۳۵۹۶ پیامبر خدا ﷺ هر گاه یکی از شما غذا

۳۵۹۷ هه ﷺ سَمَّ اللَّهَ وَكُلَّ مَعَ الْفَقِيرِ^۲

می خورد، از حیوی خود بخورد

ب- تَرَكَ الْخَطَرَ إِلَى لُقْمَةٍ الْآخِرِينَ

۳۵۹۷ پیامبر خدا ﷺ سَمَّ اللَّهَ نَكْوٍ وَارَافِئِ

خودت بخور

۳۵۹۸ رسول الله ﷺ لَا يُبَيِّنُ أَحَدُكُمْ بَصْرَةَ لُقْمَةٍ حَبِيبٍ^۳

ب- نگاه نکردن به لقمه دیگران

ج- رِعَايَةُ حَقِّ الْآخِرِينَ

۳۵۹۸ پیامبر خدا ﷺ هِجْ كَاهُ يَكْسِيهِ مِنْ شِمَا نَكْهَشِ

را به لقمه برادرش ندورد

۳۵۹۹ رسول الله ﷺ مَنْ أَكَلَ مَعَ قَوْمٍ مِنْ تَمَرٍ فَلَا

ج رعایت حق دیگران

يَقْرَأُ^۱، فَإِنْ أَرَادَ أَنْ يَقْتَلَ فَلْيَسْأَلْهُمْ، فَإِنْ أَسْأَلَلَهُ وَلِيَهُمْ^۲

۳۵۹۹ پیامبر خدا ﷺ هَرَّكَسَ بِأَعْدَائِهِ خَرَمًا

می خورد و نگوید تا دو تا بخورد، و اگر خواست

۳۶۰۰ دعائم الإسلام، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ سَهْنٌ عَسَى

چنین کند، باید از آنها اجاره بگیرد اگر اجاره

الْقِرَاءِ بَيْنَ الثَّمَرَتَيْنِ فِي نَهْمٍ، وَيَسْأَلُ الْعَاكِفَةَ

دادند، آن گاه این کار را بکند

وَكَذَلِكَ قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ﷺ إِنَّمَا دِيكَ إِذَا كَانَ مَعَ

۳۶۰۰ دعائم الإسلام - درباره پیامبر خدا - نقل است

النَّاسِ فِي طَعَامٍ مُشْتَرَكٍ، فَأَمَّا مَنْ أَكَلَ وَحْدَهُ فَلْيَأْكُلْ

که ایشان از گذاشتن در عدد حرما یا هر صیوة

كَهْفٍ أَحَبُّ^۳

دیگر در دهان، نهی فرمود، امام صادق ﷺ چنین

د- بَدَأَ رَبُّ الطَّعَامِ بِالْأَكْلِ أَوْ خَيْرٍ مِنْ حَصَرٍ

فرمود «ایس» در صورتی است که شخص با

۳۶۰۱ رسول الله ﷺ، دَاوُصِيعُ الطَّعَامِ فَلْيَبْدَأْ أَمِيرُ الْقَوْمِ

دیگران هم غذا باشد؛ اما کسی که به تنهایی

می خورد، می تواند هر طور که دوست داشت،

بخورد

۱ مشکافی ج ۶ ص ۲۹۷ ح ۳

۲ صحیح البخاری ج ۵ ص ۲۰۵۶ ح ۵۰۶۳

۳ اسد الغابة ج ۶ ص ۲۲۰ الروم ۶۱۳۶

۴ لا تهرعن بين تمرين تأكلها صاعداً (في ضرب ج ۱۲ ص ۳۳۶ لاقرن)

۵ صحیح ابن حبان ج ۱۲ ص ۳۷ ح ۵۲۳۲

۶ دعائم الإسلام، ج ۲ ص ۱۲۰ ح ۷

۳۶۰۱ پیامبر خدا ﷺ هر گاه غذا نهاده شد، باید امیر

قوم یا صاحب غذا و یا بهرین فرد از حاضران،

أَوْ صَاحِبِ الطَّعَامِ، أَوْ خَيْرُ الْقَوْمِ.^۱

آغاز به خوردن کند

۳۶۰۲ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الرَّجُلُ أَحَقُّ بِصَدْرِ دَارِهِ وَفَرْجِهِ، وَأَنْ يَتَوَضَّعَ فِي يَمِينِهِ، وَأَنْ يَهْدَأَ فِي صَحْفِهِ.^۲

۳۶۰۲ پیامبر خدا ﷺ، انسان، در نشستن در صدر خانه‌اش، سوار شدن بر اسبش، امامت جماعت [در خانه‌اش] و آغاز کردن در سفره‌اش، سزاوارتر [از دیگران] است

هـ- التَّطَوُّبُ فِي الْأَكْلِ حَتَّى يَفْرُغَ الْقَوْمُ

هـ- طول دادن غذا، تا وقتی که همه دست بکشند

۳۶۰۳ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا وَصَفَتْ الْمَائِدَةُ فَلَا يَقْرَأُ رَجُلٌ حَتَّى تُرْفَعَ الْمَائِدَةُ، وَلَا يَرْفَعُ يَدَهُ وَإِنْ شَبِعَ حَتَّى يَفْرُغَ الْقَوْمُ، وَلْيُعْذِرْ^۳ فَإِنَّ الرَّجُلَ يُحْجِلُ جَلِيسَتَهُ فَيَقْصُرُ يَدَهُ، وَعَسَى أَنْ يَكُونَ لَهُ فِي الطَّعَامِ حَاجَةٌ.^۴

۳۶۰۳ پیامبر خدا ﷺ، هر گاه سفره انداخته شد، انسان (صاحب‌خانه) نباید برخیزد تا آن گاه که سفره جمع شود، و باید دست از خوردن بکشد، تا وقتی که همگان دست از خوردن بکشند، و باید خود را به خوردن مشغول کند؛ چرا که در غیر این صورت، مهمانش حرجالت می‌کشد و دست از خوردن برمی‌دارد، در حالی که ممکن است هنوز نیاز داشته باشد

۱۰/۱۱ مَا يَنْبَغِي بَعْدَ الْأَكْلِ

ا- شَكَرُ اللَّهِ

۳۶۰۴ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الطَّاعِمُ الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الصَّائِمِ الْمُحْسِبِ.^۵

۱۰/۱۱ آنچه بعد از خوردن، شایسته است

۳۶۰۵ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا زُيِّنَتِ الْمَائِدَةُ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا رِيعَةً مَشْكُورَةً.^۶

الف- گزاردن شکر خداوند

۳۶۰۶ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا مِنْ رَجُلٍ يَجْمَعُ عِيَالَهُ وَيَصْغُ مَائِدَتَهُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَيُسَمِّي وَيُسَقِّي وَيُسَقُونَ فِي أَوَّلِ الطَّعَامِ وَيَحْتَمِدُونَ اللَّهَ فِي آخِرِهِ فَتَرْفَعُ الْمَائِدَةُ، حَتَّى

۳۶۰۴ پیامبر خدا ﷺ سیر سپاس‌گزار، مردش همانند مرد روزه‌داری است که برای خدا روزه گرفته باشد

۳۶۰۵ پیامبر خدا ﷺ هر گاه سفره جمع شد، بگو: سپاس، خداوند را که پروردگار جهانیان است، بار خدا یا این غذا را نعمتی قرار ده که شکرش به جای آورده شده باشد

۳۶۰۶ پیامبر خدا ﷺ هیچ مردی نیست که خانواده‌اش را جمع کند و سفره‌اش را بپزند و همگی

۱ تاریخ دمشق ج ۱۱ ص ۱۱۰ ح ۳۷۳۸

۲ فتاویٰ الزوائد ص ۲۷۵ ح ۵۵۱

۳ الإِعْذَارُ، المبالغة في الأمر، أي ليبلغ في الأكل، وقيل أنه هو الذي يُعْذَرُ من التَّعْذِيرِ التَّعْصِيرِ أي ليقصر في الأكل ليوفر على الباقي، ولْيُذَرَّ أَنْ يَبَالِغَ (النهاية ج ۳ ص ۱۹۸ «علو»)

۴ سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۰۹۶ ح ۳۲۹۵

۵ التَّكَاثُرُ ج ۲ ص ۹۱ ح ۱

۶ معاليم الأخلاق ج ۱ ص ۳۱۰ ح ۹۹۱

يُنْعَزَ لَهُمْ^۱

۳۶۰۷ عنه ﷺ - فِي وَصِيَّتِهِ لِغُلَامٍ ﷺ - يَا عَلِيُّ، إِذَا
أَكَلْتَ فَقُلْ «بِسْمِ اللَّهِ»، وَإِذَا قَرَعْتَ فَعَلْ «الْحَمْدُ لِلَّهِ»
فَرَأَى حَافِظِيكَ لَا يَهْرُجُ بِكَ يَكْتُبُ لَكَ الْخَيْرَ حَتَّى
تُجِدهُ عِنْدَكَ^۲

ب-الدُّعَاءُ بِالْبِرَكَةِ

۳۶۰۸ الإمام الصادق ﷺ لَمْ يَكُنْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَأْكُلُ
طَعَامًا وَلَا يَشْرَبُ شَرَابًا إِلَّا قَالَ «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ،
وَأَبْدِلْنَا بِهِ حَرًّا مَبْدُودًا»، إِلَّا اللَّيْلَ فَإِنَّهُ كَانَ يَقُولُ «اللَّهُمَّ
بَارِكْ لَنَا فِيهِ وَرَدْنَاهُ»^۳

ج-الدُّعَاءُ عِنْدَ رَهْعِ الْمَائِدَةِ

۳۶۰۹ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا وَصَفَ الْمَائِدَةَ حَقَّقَهَا أَرْبَعَةً
الْأَمْرِ مَلَكًا، فَإِذَا قَالَ الْعَمْدُ «بِسْمِ اللَّهِ» قَالَتْ
الْمَلَائِكَةُ بَارَكَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فِي طَعَامِكُمْ، ثُمَّ يَقُولُونَ
لِلشَّيْطَانِ أَمْرِجْ يَا فَاسِقُ لَا سَطْرَانَ لَكَ عَنْهُمْ

فَإِذَا قَرَعُوا فَقَالُوا «الْحَمْدُ لِلَّهِ» قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ
قَوْمٌ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فَأَذُوا شُكْرَ رَبِّهِمْ

وَإِذَا لَمْ يُسَمِّرُوا، قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ لِلشَّيْطَانِ أَدْنُ يَا
فَاسِقُ مَكُلْ مِنْهُمْ

فَإِذَا رُجِعَتِ الْمَائِدَةُ وَلَمْ يَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا
قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ قَوْمٌ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فَتَسَوَّاهُمْ جُلُ

۱ التکالیف ج ۶ ص ۲۹۶ ح ۲۵

۲ المجلس ج ۲ ص ۲۱۰ ح ۱۶۳۶

۳ التکالیف ج ۶ ص ۳۳۶ ح ۱

عدایشان را با «بسم الله» شروع کنند و در پایان،
سپاس خداوند ﷻ را به جای آورند و سفره جمع
شود، مگر آن که امر رده شود

۳۶۰۷. پیامبر خدا ﷺ - در سفارش به امام علی ﷺ -
ای علی! وقتی عنای حوری، «بسم الله» بگو و در
پایان آن، «الحمد لله» بگو؛ زیرا دو فرشته نگهبان
تو، تا زمانی که عدا را از حدود دور کسی (از
خوردن، دست نکشی)، پیوسته برایت ثواب
می نویسد

ب- خواندن دعای برکت

۳۶۰۸. امام باقر ﷺ. پیامبر خدا، هر گاه عدا می خورد
یا بنشیند نی ای می نشامید، می گفت، «بار خداها! در
این، به ما برکت ده و به حای اب، بهارش را عطا بمان
فرموده آخر در مورد شیر که می فرمود: «بار خداها! در
این، به ما برکت ده و آن را بر ایمان بیشتر کن»

ج- دعا کردن، هنگام برچیدن سفره

۳۶۰۹. پیامبر خدا ﷺ هر گاه سفره نهاده می شود،
چهار هزار فرشته آن را در میان می گیرند، و چون
بند بگویند «بسم الله»، فرشتگان می گویند «خدا به
عدای شما برکت ده» سپس به شطان می گویند
«بیرون شو - ای نابکار - که تو را بر آنان، تسلطی
نیست»

و چون پس از عدا بگویند «الحمد لله»،
فرشتگان می گویند: «خداوند، به این عده، نعمت داد
و آنها، شکر پروردگارشان را به جای آوردند»

اما اگر [در آغاز سفره] «بسم الله» نگویند،

وَعَرَّ^۱

فرشتگان به شیطان می‌گویند: «نزدیک آی - ای نابکار - و با آنان، بجز».

د-غَسْلُ الْأَيْدِي

و هر گاه سوره جمع شود و نام حلا را بگوید، فرشتگان می‌گویند: «حداوند، به این عده، سعادت داد؛ اما آنها پروردگار خویش را فراموش کردند».

د-شستن دست‌ها

۳۶۱۰ پیامبر خدا ﷺ: شستن دست‌ها قبل از عدا، فقر

را می‌برد و بعد از عدا، انبوه را می‌زداید و چشم را

سالم می‌دارد

۳۶۱۱ پیامبر خدا ﷺ: آگه باشید که هر کس شب را

با دست آلوده به یو و چربی عدا به سر ببرد [باگر

تلاشی بر سرش آمد]، بید کسی جز خویشتن را

نکوهش کند.

ه-خلل کردن دندان‌ها

۳۶۱۲ پیامبر خدا ﷺ: رحمت خدا بر آن‌ها که در هنگام

وصو و [بعد از] عدا، خلل می‌کند

۳۶۱۳ پیامبر خدا ﷺ: بعد از عدا، [دندان‌هایتان را]

خلل کنید؛ زیرا این کار، مایه بهداشت دندان‌های

بیش و آسیب (یا پیشین) می‌شود و برای یسده،

روزی می‌آورد.

و-مسواک زدن^۱

۳۶۱۴ پیامبر خدا ﷺ: مسواک برنید؛ زیرا مسواک زدن،

۳۶۱۰ رسول الله ﷺ: الْوُضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ يَسْمِي الْفَقْرَ^۲.

وَبَعْدَهُ يَنْفِي الْهَمَّ، وَيُصِحُّ النَّبْضَ^۳.

۳۶۱۱ عنه ﷺ: أَلَا لَا يَلُومَنَّ امْرَأٌ إِلَّا نَفْسَهُ أَيُّتٌ وَفِي يَدِهِ

رَبْعٌ غَيْرٌ^۴

هـ-الْمُخْلِيلُ

۳۶۱۲ رسول الله ﷺ: رَحِمَ اللَّهُ الْمُتَحَلِّلِينَ فِي الْوُضُوءِ

وَالطَّعَامِ^۵

۳۶۱۳ عنه ﷺ: تَحَلَّلُوا عَلَى أَثَرِ الطَّعَامِ، فَإِنَّهُ يَخْتَلُّ

لِلنَّاسِ وَالنَّوَاجِذُ^۶، وَيَحِلُّبُ عَلَى الْعَبْدِ الرُّقَى^۷.

و-السُّوَاكُ^۸

۳۶۱۴ رسول الله ﷺ: تَسَوَّكُوا فَإِنَّ السُّوَاكَ مَطَهْرَةٌ

۱ التكاثر ج ۶ ص ۲۹۲ ح ۱

۲ الوضوء قبل الطعام ينفي الفقر المراد من اليدین معط

(المصباح المنیر ص ۶۶۳ ووضوء)

۳ مکرم الأخلاق ج ۱ ص ۳۰۱ ح ۹۵۰

۴ سنن نسائی ج ۲ ص ۹۶ ح ۳۲۹۶

۵ مستدرک شهاب ج ۱ ص ۲۴۰ ح ۵۸۳

۶ النواجذ من الأسنان المرواحف وهي التي يبدو عند

الفحك، والأكثر الأشهر أنها أقصى الأسنان (شهابیة ج ۵

ص ۲۰ مجده)

۷ الجمعریات ص ۲۸

۸ روایات عبد العزیز - وکما سلاحظ - حرم حکمة السواک

وهي النظافة وصحة الفم والأسنان، وهذا الأدب لا یحصیر

بتعمقه للطعام وعليه نذكره هنا من باب تطبیق السواک على

بعض مصادیقه

۱ حکمت سواک، نظافت و بهداشت دهان و دندان است و

از نگاه احادیث اصحاب مسوکی اختصاصی به بعد از

خوردن غذا ندارند ولی از آنجا که بیشترین موارد نیاز به

مسوکی پس از صرف غذا است، این احادیث فایده انطباق با

اداب غذا خوردن نیز هستند

إِلْفَم^۱

دعان را پاکیزه می کند

۳۶۱۵. عَنْهُ ﷺ إِسْتَاكُوا وَتَنَطَّوْا^۲

۳۶۱۵. پیامبر خدا ﷺ، مسواک بزیید و مضافت کنید

ز. تَرَكُ الثَّوْمُ بَعْدَهُ مُبَاشَرَةً

و. بخوابیدن، بلافاصله بعد از غذا

۳۶۱۶. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَدْبَوِ، طَعَامَكُمْ بِدَكْرِ اللَّهِ وَالصَّلَاةِ،

۳۶۱۶. پیامبر خدا ﷺ عدايتان را با نام خدا و نماز،

وَلَا نَامُوا عَلَيْهِ فَتَقْسُو قُلُوبَكُمْ^۳

همصم کنید^۱ و بلافاصله بعد از غذا نخوابید، که

دل هایتان سخت می شود

۱۱/۱۱. آدَابُ أَكْلِ اللَّحْمِ

۱۱/۱۱. آداب خوردن گوشت

ا. اِخْتِيَارُ لَحْمٍ الْمَقَانِيمِ وَخَاصَّةً الدَّرَاعِ

الف. خوردن گوشت پیش سینه بویژه سوز دست

۳۶۱۷. مَسَدُ ابْنِ حَبِلٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي اسْحَاقَ عَنْ رَجُلٍ مِنْ

۳۶۱۷. مسد ابن حبل - به نقل از یحیی بن ابی اسحاق،

عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حَفْصَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَيْسَى بِطَعَامٍ

نرم کردی از بنی عمار - فلانی برایم نقل کرد

مِنْ خَيْرٍ وَلَحْمٍ، فَقَالَ «مَا وَلَيْتِي الدَّرَاعَ»، فَسَوَّيْتُ

کیسه های ساد و گوشت برای پیامبر ﷺ

دِرَاعاً فَأَكَلَهَا^۴

نورجیبی فرمود «از سوز دست به من بده»

۳۶۱۸. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِيهَسُوا لَلَّحْمِ نَهْأً^۵، فَإِنَّهُ أَهْأُ

و سوز دستی به ایشان دادند و ایشان، از آن

وَأَمْرًا^۶

ناول کرد

ب. اِجْتِنَابُ أَكْلِ اللَّحْمِ النَّفْسِ

۳۶۱۸. پیامبر خدا ﷺ گوشت رانه دندان بکشید؛ چرا که

۳۶۱۹. الْإِمَامُ الْجَلِيلُ ﷺ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ نَهَى أَنْ يُؤْكَلَ لِلَّحْمِ

این، لذیدن و گواراثر است

غَرِباً^۷، وَمَالَ، إِنَّمَا تَأْكُلُهُ السَّبَاعُ، وَلَكِنْ حَتَّى تُفَيِّرَ

ب. اجتناب از خوردن گوشت خام

الشَّمْسُ أَوْ النَّارَ^۸

۳۶۱۹. امام باقر ﷺ پیامبر خدا، از خوردن گوشت

تازه (که هنوز پخته نشده است)، نهی کرد

و فرمود «درندگان، گوشت خام می خورند؛ بلکه

باید با آفتاب یا آتش، پخته شود»

۱. من ابن ماجه ج ۱ ص ۱۰۶ ح ۲۸۹

۲. المصنف لابن أبي شيبة ج ۱ ص ۱۹۷ ح ۲۵

۳. المعجم الأوسط ج ۵ ص ۱۶۳ ح ۱۹۵۲

۴. مسند ابن حبل ج ۲ ص ۳۰۵ ح ۵۰۸۹

۵. التمهيد لأحد اللحوم بأطراف الأستار، والتمهيد لأحد

بجميعها (التهذيب ج ۵ ص ۱۳۶ نهی)

۶. مني شرملي ج ۱ ص ۲۷۶ ح ۱۸۳۵

۷. عروضا أي طريفاً (التهذيب ج ۳ ص ۳۱۰ عروضا)

۸. الكافي ج ۶ ص ۳۱۳ ح ۱

۱. یعنی بعد از غذا به دگر و سبز بپردازید و بلافاصله

هموید، ناغذا همصم شود و نگاه، استراحت کنید م

ج - اجتناب از دمانِ اکلِ اللحم

ج - اجتناب از مداومت در خوردن گوشت

۳۶۲۰ رسول الله ﷺ من أكلَ اللحمَ أربعينَ صباحاً قسا قلبه^۱

۳۶۲۰ پیامبر خدا ﷺ هر کس چهل روز گوشت بخورد، سنگ دل می شود.

د - عَذْمُ تَرْكِ أَكْلِ اللَّحْمِ أَرْبَعِينَ يَوْماً

د - اجتناب از چهل روز گوشت نخوردن

۳۶۲۱ عنه ﷺ عَلَيْكُمْ بِاللَّحْمِ فَإِنَّ اللَّحْمَ يُجِى اللَّحْمَ وَمَنْ تَصْنَى لَهُ أَرْبَعُونَ صَبَاحاً لَمْ يَأْكُلْ لَحْماً سَاءَ خُلُقُهُ. وَمَنْ سَاءَ خُلُقُهُ فَأَطِيعُوهُ اللَّحْمَ. وَمَنْ أَكَلَ شَحْمَهُ أُرْلَتْ مِنْهَا مِنَ الدَّاءِ^۲

۳۶۲۱ پیامبر خدا ﷺ گوشت بخورید از سر گوشت، گوشت می رویند و هر کس چهل روز سبزی کند و هیچ گوشت نخورد، اخلاقش بد می شود و به هر کس اخلاقش بد شده، گوشت بخورانید هر کس چربی بخورد، به همان اندازه که خورده است، درد (بیماری) بر او مار می کند

۱۲/۱۱ آدابُ أَكْلِ الْفَاحِشَةِ

۱۲/۱۳ آدابِ خوردن میوه

ا - التَّسْمِيَةُ عِنْدَ أَكْلِهَا

۳۶۲۲ رسول الله ﷺ مَنْ أَكَلَ الْفَاحِشَةَ وَتَدَأَ بِسْمِ اللَّهِ، لَمْ تَحْزَرْهُ^۳

الف - بسم الله گفتن به هنگام خوردن میوه

ب - الدُّعَاءُ عِنْدَ أَكْلِ الْفَاحِشَةِ الْجَدِيدَةِ

ب - دعا کردن به او زیاده نمی رسد

۳۶۲۳ الإمام علي عليه السلام كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا رَأَى فَاكِهَةً الْحَدِيدَةَ قَبْلِهَا وَوَضَعَهَا عَلَى عَظْمِهِ وَقَبِهِ، ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ كَمَا أَرَيْتَنَا أَوْلَهَا فِي هَابِئَةٍ، فَأَرِنَا أَجْرَهَا فِي عَافِيَةٍ^۴

۳۶۲۳ امام علی علیه السلام پیامبر خدا، هر گاه میوه سبزی می دید، آن را می بوسید و بر چشمان و دهانش می نهاد و سپس می گفت: ابار خدا یا! همچنان که تویر آن را با عافیت به ما نمایانندی، پایانی آن را نیز با عافیت به ما بنمایان!

ج - الْأَكْلُ فِي إِصَالِهَا وَالتَّرُكُ فِي إِدْبَارِهَا

۳۶۲۴ رسول الله ﷺ عَلَيْكُمْ بِالْفَوَاكِهِ فِي إِقْبَالِهَا، فَابْنُهَا مَصْنَعَةً لِإِلْبَادِ، مَطْرَدَةً لِلْأَحْرَانِ، وَأَلْقَوْهَا فِي

ج - خوردن میوه در آغاز به بازار آمدن و نخوردن در اواخر آن

۱ طب السیر: ص ۵

۲ المحاسن ج ۲ ص ۲۵۶ ح ۱۸۱۷

۳ مستدرک الوسائل ج ۱۶ ص ۴۶۱ ح ۲۰۵۴۷

۴ الامالی للصدوق ص ۳۳۸ ح ۳۹۶

۳۶۲۴ پیامبر خدا ﷺ: بر شما باد خوردن میوه ها در آغاز آمدنشان؛ زیرا این میوه ها، مایه سلامت تن

إدبارها^۱؛ فإنها داء الأبداني^۲

و از پس بُردن عم و اندوه‌اند، و در او احشاش آنها
را بخورند؛ چون مایهٔ درد (بیماری) اند.

د- أَكُلُ الْفَاكِهِ وَتَرَأُ وَتَرْكُ الْفِرَانِ نِينَ الْعَوَاكِهِ

د- دانه دانه خوردن میوه‌ها و پرهریز از خوردن چند میوه‌ها هم

۳۶۲۵ رسول الله ﷺ مَنْ أَكَلَ الْفَاكِهِ وَتَرَأُ مَن تَصُرُّهُ^۳

۳۶۲۵ پیامبر خدا ﷺ: هر کس میوه را دانه دانه بخورد،
نه او آسیب نمی‌رساند.

۳۶۲۶ عَنْهُ ﷺ كُلُوا الثَّمَارَ وَتَرَأُ لَا يَصُرُّ^۴

۳۶۲۶ پیامبر خدا ﷺ میوه‌ها را، یک دانه، یک دانه
بخورید تا ریان نرسند



۱ فی المصدر «الإدبارها» والنصوبه من بحار الأنوار

۲ طب النبی ﷺ ص ۷ ۳ طب النبی ﷺ ص ۶

۴ جامع الأحادیث للنعمی ص ۱۰۸

چکیده آداب «خوردن» از نگاه احادیث

رعایت موارد بهداشتی در خوردن و آشامیدن یکی از مهم‌ترین عوامل سلامت، شادایی و طول عمر است. اگر مردم بدانند که چه باید بخورند، چه انداز به بخورند و چگونه غذا میل کنند و دانسته خود را به کار بندند، بی‌تردید، بیشتر بیماری‌ها از جامعه بشر رحمت بر خواهد بست و آداب، لذت و شیرینی زندگی را خواهد چشید.

ره نموده‌ی اسلام در این زمینه، فوق‌العاده مهم و ارزشمند که ن‌عبایت به عصر صدور آنها، منجره علمی پیشوایان دین محسوب می‌شود. در این باره، توحه به دو نکته حائز اهمیت است.

۱. ره نموده‌های اسلام درباره خوردن، تنها سلامت جسم را تعیین نمی‌کند؛ بلکه متضمن بهداشت جسم و

جان انسان است.

۲. از آن‌جا که علم و علم، بر همه رازهای آفرینش حیطه بندید، ممکن است حکمت سرحی در ره نموده‌های اسلام برای دانش امروز، مجهول باشد؛ ولی بی‌تردید، این به معای بی‌دلیل بودن آن ره نموده نیست، چنان‌که حکمت شماری از حکام اسلام در گذشته مجهول بود و امروز، علم به راز آنها پی برده است و اینک اشاره‌ای کوتاه به آن ره نموده.

یک حلال بودن غذا

آنچه انسان مصرف می‌کند، باید از ره مشروع تهیه شده باشد. عبادی که از راه نامشروع و تجاوز به حقوق دیگران تهیه گردد، گرچه ممکن است برای سلامت جسم ضرر نداشته باشد، انجایی تردید برای سلامت روان، ریانبار است. علاوه باید برای شخص مصرف‌کننده ریانبار باشد و یا برای جامعه مفسده‌ای را در پی آورد همانند عدا خوردن در ظروف طلا و نقره یا عدا خوردن بر سر سفره‌ای که مشروبات الکلی در آن قرار دارد.

دو توصیه به کم‌خوری

پیشوایان دین، صمن تأکید بر کم‌خوری، مانع فراوانی را برای آن ذکر کرده‌اند؛ مانند: تداوم سلامت بدن، صفای اندیشه، نورانیت دل، رهایی از دام شیطان، بهره‌گیری بر ملکوت هستی، نزدیکی به خداوند متعال و استفاده بهتر از عادات او.

سه، خطر پرخوری

پرخوری در احادیث، به شدت مکتوب شده است چرکه از سلامت می‌کاهد و شهوت را می‌افزاید، بدن را بدبو می‌کند و رمیه را برای انواع بیماری‌های جسمی و روحی فراهم می‌سازد. پرخوری، جوهر نفس را تباه می‌کند، به نیروی تقوی و وزع صویه می‌زند، بر نیروی هوشی، حجاب می‌افکند و دل را سخت و تاریک می‌سازد. شخص پرخور، خواب‌های آشفته می‌بیند، هنگام عبادت، احساس کسالت می‌نماید و از یس رو، عبادتش اندک است و از مساط قرب محروم حق، دور و بهت می‌رسد که سیری در دین، موجب گرسنگی در آخرت خواهد شد.

پنج میزان مفید خوراک

برای پیشگیری از ریان‌های پرخوری و بهره‌گیری از منافع کم‌خوری، پیشوایان اسلام توصیه کرده‌اند که انسان پیش از آن که اشتها داشته باشد، چیزی میل نکند و قبل از آن که اشتهاش کاملاً از بین برود، از خوردن دست بکشد:

كُلْ وَاشْبَعْ ثَمَّ شَبْعًا وَامْسِكْ وَاتَمْتِ نَفْسًا^۱

رمانی که اشتها نداری، غذا بخور و تا هور اشتها نداری، دست بردار.

شش آداب غذا خوردن

آداب غذا خوردن، به چند بخش تقسیم می‌شود

بخش یکم، نکاتی که سزاوار امت قبل از خوردن غذا رعایت شود

نکاتی که پیشوایان اسلام بر روی حضور بر سر سفره غذا توصیه کرده‌اند، عبارت‌اند از: گذاشتن سر بر سجده در سفره، شستن دست‌ها و خشک نکردن آنها با هوا، در آوردن کفش‌ها، شستن بر سر سفره با فروتنی، سهم کردن بیسوده (اعم از انسان یا حیوان) در غذا، و در آخر، صدقه دادن از آن غذا و یا همانند آن

بخش دوم، نکاتی که باید هنگام خوردن غذا رعایت شود

این نکات، عبارت‌اند از:

الف- تذکر در این که آنچه از انواع خوراکی‌ها مورد بریدن انسان است، چگونه در نظام آفرینش پدید آمده است؛

ب- آغاز کردن خوردن با نام و یاد آفریدگار؛

ج - آعار کردن عدا با نمک (در صورتی که خوردن نمک برای فرد، ضرر نداشته باشد) ^۱

د - آعار کردن از نمک تریب غذاها ؛

هـ - بخوردن عدای ذاع و خوردن عدای بیم‌گرم ، پیش از آن که سرد شود ؛

و - استفاده کردن از دست راست ؛

ز - کوچک گرفتن لقمه ؛

ح - خوب جویدن عدا ؛

ط - طولانی کردن بشستن سر سفره ؛

ی - گرمی داشتن نان و نگذاشتن آن زیر ظرف غذا ؛

ک - امساک از خوردن عدا پیش از سیر شدن کامل و در حالی که قدری از اشتها باقی است

بخش سوم: کارهایی که هنگام غذا خوردن، شایسته بیستند

این موارد ، عبارت‌اند از :

الف - اسراف (ریادهروی) در کیفی و کمیتی خوردن ؛

ب - خوردن غذایی که نسبت به آن بی‌میل نیست

ج - دمیدن در عدا ؛

د - خوردن با دست چپ ؛

هـ - خوردن با یک انگشت و دو انگشت ؛

و - بلند آروغ زدن ؛

ز - پاک کردن زیاد استخوان‌ها ؛

ح - آب خوردن میان عدا ؛

ط - آب خوردن پس از خوردن گوشت ؛

ی - خوردن در حال سیری .

^۱ ممکن است توصیه به خوردن نمک در آغاز و پایان غذا در احادیث اسلامی ، برای مناطقی باشد که به دلیل تعریض غرلوان ، نمک بدن آنها کاسته می‌شود ، یا برای ضد عفونی کردن دهان باشد . البته ظاهر احادیث غرلوانی که به ین معنا توصیه کرده‌اند ، این است که خوردن اندکی نمک قبل از غذا و بعد از آن ، برای همگان ، بجز کسانی که به دلیل بیماری نباید از نمک استفاده کنند ، مفید است .

الفصل الثاني عشر: اللباس

فصل دوازدهم لباس

۱/۱۲ معمة اللباس

۱/۱۲ نعمت لباس

«يَسْتَعَانِمُ قَدْ أَمَرْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سُوءَ بَيْتِكُمْ
وَرِيثًا وَلِبَاسُ اتَّقَوِي ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ حَاجِبِ اللَّهِ
بَعْلُهُمْ يَنْكُرُونَ»^۱

«ای فردی که آدمی در حقیقت، ما برای شما لباسی فرو
فرستادیم که عورت‌های شما را پوشیده می‌دارد و [برای
شما] ریشی است، و بهترین جامه [لباس] پرواست،
این، از مشابه‌های [قدرت] خداست. باشد که متذکر
شوند».

۲/۱۲ الألبسة الممبوعة في الدنيا

۲/۱۲ لباس‌هایی که در دنیا ممبوع است

الكتاب

«جُنْتُ عَنِّي يَدْخُلُونَهَا يُحَلُّونَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرٍ مِنْ ذَهَبٍ
وَيُؤْتَوْنَ وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا خَيْرٌ»^۲
«يَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَرْقٍ مُتَقَمِّينَ»^۳

قرآن
«[در] بهشت‌های همیشه [که] به آنها در خواهد آمد.
در آن جا با مستبدهایی از زر و مروارید، زیور می‌یابد
و کم آن جا جامه‌شان پربار خواهد بود»
«پیرایی نازک و دیبای سفید می‌پوشند [و] برابر هم
نشسته».

الحدث

۳۶۲۷ رسول الله ﷺ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ جَلِيلَةَ الْجَنَّةِ

حدیث

وَحَرِيرَهَا فَلَا تَلْبَسُوهَا فِي الدُّنْيَا^۱

۳۶۲۷ پیامبر خدا ﷺ اگر زیور و حریر بهشت را
دوست دارید، آنها را در دنیا نپوشید

۳۶۲۸ عَنْهُ ﷺ مَنْ لَبَسَ الْحَرِيرَ فِي الدُّنْيَا لَمْ يَلْبَسْهُ
فِي لَاحِزَةٍ^۲

۳۶۲۸ پیامبر خدا ﷺ هر که در دنیا حریر بپوشد،
در آخرت، آن را نخواهد پوشید

۳۶۲۹ عَنْهُ ﷺ لَا يَسْتَمْتِعُ بِالْحَرِيرِ مَنْ يَرَحُو أَيَّامَ اللَّهِ^۱

۳۶۲۹ پیامبر خدا ﷺ کسی که به پیام الله (نعمت‌های
خداوند در بهشت) امید بسته است، از [لباس] حریر
استعاده نمی‌کند.

۳۶۳۰ عَنْهُ ﷺ مَنْ أَحَدٌ يَلْبَسُ ثَوْبًا لِيُبَاهِيَ بِهِ لِيَنْظُرَ
النَّاسَ إِلَيْهِ لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ إِلَيْهِ حَتَّى يَتَرَعَّ^۲

۳۶۳۰ پیامبر خدا ﷺ هر کس لباس فاخری بپوشد تا
مردم به او نگاه کنند، خداوند به او نمی‌نگرد تا زمانی
که آن را از تن بیرون آورد

۳۶۳۱ تَفْسِيرُ الْقُرْطُبِيِّ عَنْ عَائِشَةَ إِنْ أَصَابَتْ أَيْ بَكَرٍ

۳۶۳۱ تفسیر القرطبی - به نقل از عایشه -: آسماء دختر
ابو بکر، در حالی که لباس‌های نازکی به تن داشت،

۱ الأعراف ۲۶ ۲ فاطر ۳۳

۳ المؤمن ۵۳

۴ کثر المال ج ۱۵ ص ۲۱۹ ح ۲۰۹ ۱

۵ من فی حاجة ج ۲ ص ۱۱۸۷ ح ۳۵۸۸

۶ المعجم الکبیر ج ۸ ص ۱۰۶

۷ کثر المال ج ۱۵ ص ۳۱۷ ح ۱۲۰۰ ۱

دَخَلْتُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَعَلَيْهَا ثِيَابُ رِقَاقٍ
فَأَعْرَضَ عَنْهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَقَالَ لَهَا: يَا أَسْمَاءُ، إِنَّ
الْمَرْأَةَ إِذَا بَلَغَتْ لَمْحِصَ لَمْ يَصْلَحْ أَنْ يُرَى مِنْهَا إِلَّا
هَذَا - وَأَشَارَ إِلَى وَجْهِهِ وَكَفِّهِ -^۱

برد پیامبر خدا رفت پیامبر خدا، از او روی گرداند و
با اشاره به صورت و دست‌های خود فرمود: «ای
اسماء! زن وقتی به سن قاعدگی رسید، دیگر درست
نیست که از او جز این قسمت‌ها دیده شود».

۳۶۳۲ عِلَلُ الشَّرَائِعِ عَنْ رِيْدِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْإِمَامِ
عَلِيِّ ﷺ - أَنَّهُ رَأَى رَجُلًا بِهِ ثَأْنِيَّةٌ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ
اللَّهِ ﷺ - فُخِرْخُ مِنْ مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَا مَنْ لَقِنَهُ
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، ثُمَّ قَالَ عَلِيُّ ﷺ: سَجَعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ
يَهْوُلُ لِمَنْ اللَّهُ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِأَسْمَاءٍ،
وَالْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ.^۲

۳۶۳۲ عِلَلُ الشَّرَائِعِ - به نقل از رید بن عیسی، از
پدرانش علی ﷺ - امام علی ﷺ به مردی که در مسجد
پیامبر خدا، خود را به شکل زن آورده بود،
فرمود: «او مسجد پیامبر خدا، بیرون شو، ای کسی
که پیامبر خدا، لعنتش کرده است»
سپس فرمود: «شدم که پیامبر خدا می‌فرماید»
«لنت خدا بر مردی که خود را شبه زن می‌کند، و
بر زنی که خود را شبه مردان می‌کند»

فصل سیزدهم سخن



الفصل الثالث عشر الكلام

۱/۱۳ لَعْنَتُكَ سَخْنُ

۱/۱۳ اَهْمِيَّةُ الْكَلَامِ

۳۶۳۳. پیامبر خدا ﷺ گاهی انسان، سخی حشود
کنده خدا می‌گوید که گمان نمی‌کند آن سخن،
پدان جا برسد که می‌رسد و خداوند متعال، به
سبب آن سخن، حشودی خود را تا روزی که
دیدارش کند، برای او می‌نویسد، و گاهی انسان،
سخنی با حشود کسده خداوند می‌گوید که گمان
نمی‌کند آن سخن، پدان جا برسد که می‌رسد و
خداوند، به سبب آن سخن، با حشودی [و حشم]
خود را تا روزی که دیدارش کند، برای او
می‌نویسد.

۳۶۳۳ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَسْكَكُ بِالْكَلِمَةِ مِنْ
رِصَافِ اللَّهِ مَا كَانَ يَظُنُّ أَنْ تَبْلُغَ مَا بَلَغَتْ يَكْتَسِبُ اللَّهُ
تَعَالَى لَهُ بِهَا رِصَافَةً إِلَى يَوْمِ يَلْقَاهُ، وَرِ الرَّجُلَ لَيَسْكَكُ
بِالْكَلِمَةِ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ مَا كَانَ يَظُنُّ أَنْ تَبْلُغَ مَا بَلَغَتْ
يَكْتَسِبُ اللَّهُ لَهُ بِهَا سَخَطَةً إِلَى يَوْمِ يَلْقَاهُ.^۳

۲/۱۳ الْحَدَّثُ عَلَى تَرْكِ مَا لَا يَعْنِي مِنَ الْكَلَامِ

۳۶۳۴ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْ فِقْهِ الرَّجُلِ قِبْلَةُ كَلَامِهِ فِيمَا
لَا يَعْنِيهِ^۴

۱۳ ۲ ترغیب به ترک بیهوده‌گویی

۱ تفسیر القرطبی ج ۱۲ ص ۲۲۹

۲ عِلَلُ الشَّرَائِعِ ص ۶۰۲ ح ۶۳

۳ الترغیب والترهیب ج ۲ ص ۵۳۲ ح ۱۵

۴ الامالی للعلوی ص ۶۲۲ ح ۱۲۸۳

۳۶۳۴ پیامبر خدا ﷺ از فهمیدگی مرد، ایس است که
کمتر سخن بیهوده می‌گوید

۳۶۳۵. عنه ﷺ: من حسن إسلام المرء تركه الكلام فيما لا يعنيه^۱ ۳۶۳۵. پیامبر خدا ﷺ از نشانه‌های نیکویی اسلام شخص، ذم فرو بستن از بیهوده گویی است.

۳/۱۳ ذم فصول الكلام

۳/۱۳ نکوهش ریاده‌گویی

۳۶۳۶ رسول الله ﷺ كلام ابي آدم عليه لا آله، إلا الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، وذكر الله عز وجل^۲ ۳۶۳۶. پیامبر خدا ﷺ، سخن هر رند آدم، جز امر به معروف و نهی از منکر و یاد خداوند ﷻ نه ریاضت، نه به سودش.

۳۶۳۷ عنه ﷺ: إن الرجل ليتحدث بالعديث ما يريد به شوة إلا يضحك به لقوم يهوي به أبدا من السماء^۳ ۳۶۳۷. پیامبر خدا ﷺ آدمی، گاه سخنی می‌گوید و قصد ندی ندارد، جر این که مردم را سحباتند اما ما این کارش [به اندازه‌ای دورتر از] فاصله زمین تا آسمان، سقوط می‌کند.

۴/۱۳ كثرة الكلام تهيئ القلب

۴/۱۳ بزرگوئی، دل را می‌میواند

۳۶۳۸ الإمام علي عليه السلام - في ذكر حديث يعرج النبي ﷺ - قال الله تعالى يا أحمد، عليك بالصمت، فإن أعمز مجلس قلوب الصالحين والفاضلين، وإن أضرر مجلس قلوب المتكلمين بما لا يعنيه^۴ ۳۶۳۸. امام علی علیه السلام - در بیان حدیث معراج پیامبر ﷺ - .

۳۶۳۹. امام علی علیه السلام - في بيان حديث معراج پیامبر ﷺ - . خداوند تعالی فرمود: ای احمد! بر تو باد خاموشی؛ زیرا آبادترین مجلس، دل‌های پاکان و خاموشان است و ویران‌ترین مجلس، دل‌های بیهوده‌گویان؛

۳۶۳۹ رسول الله ﷺ لا تكثروا الكلام بغير ذكر الله فإن كثرة الكلام بغير ذكر الله قسوة القلب، إن أبدا الناس من الله القلب القاسي^۵

۳۶۳۹. پیامبر خدا ﷺ در حیر از یاد خدا، بسیار سخن مگویید؛ زیرا بسیار گویی، جر در یاد خدا، موجب سخت‌دلی می‌شود و دورترین مردم از خدا، سخت‌دل است

۵/۱۳ اعتبار الكلام من العمل

۵/۱۳ گفتار، جرئی از کردار است

۳۶۴۰ پیامبر خدا ﷺ کسی که گفتارش را جرئی از کردارش به شمار آورد، گفتاری بی‌فایده او کاستی می‌پذیرد.

۳۶۴۰ رسول الله ﷺ إن من حسن كلامه من عمله قل كلامه إلا فيما يعنيه^۶

۱ الأملی للمعتمد ص ۳۱ ح ۹

۲ ص ابن ماجه ح ۲ ص ۱۳۱۵ ح ۲۹۷۴

۳ الترمذی والترمذی ح ۳ ص ۵۳۷ ح ۴۳

۴ إرشاد القلوب ص ۱۹۹-۲۰۳

۵ الأملی للطوسي ص ۲ ح ۱

۶ النخعي ص ۵۲۵ ح ۱۳

۳۶۱۱. عَنْهُ عليه السلام مَنْ رَأَى مُوْجِعَ كَلَامِهِ مِنْ عَمَلِهِ قُلْ كَلَامُهُ إِلَّا مِمَّا يَشِيءُ^۱

۳۶۱۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بداند که گفتارش چه جایگاهی نسبت به کردارش دارد، سخن گفتش کاستی می‌پذیرد، مگر در آنچه مفید است.

۶/۱۳ السُّكُوتُ الْمَمْدُوحُ

۶/۱۳ خاموشی ستوده

۳۶۱۲. رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله الْمُحْتَمَةُ عِبَادَةُ لِمَنْ ذَكَرَ اللَّهَ.^۲

۳۶۱۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خاموشی برای کسی که به یاد خداسته عبادت است.

۳۶۱۳. عَنْهُ عليه السلام لَا يَنْبَغِي لِلْعَالِمِ أَنْ يَسْكُتَ عَلَى عِلْمِيهِ، وَلَا يَنْبَغِي لِلْجَاهِلِ أَنْ يَسْكُتَ عَلَى جَهْلِيهِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾^۳

۳۶۱۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سزاوار نیست شخص دانشمند، از بیان دانش خود، دم فرو بندد و سزاوار نیست نادان بر نادانی خود، سکوت کند. خداوند متعال فرموده است: ﴿پس اگر نمی‌دانید، از کسانی که می‌دانند، بپرسید﴾

۷/۱۳ اقسام الكلام

۷/۱۳ اقسام سخن

۳۶۱۴. رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله الْكَلَامُ ثَلَاثَةٌ: فَرَابِغٌ، وَسَالِمٌ وَشَاجِبٌ فَأَمَّا الرَّابِغُ فَالَّذِي يَذْكُرُ اللَّهَ، وَأَمَّا السَّالِمُ فَالَّذِي يَقُولُ مَا أَحَبُّهُ اللَّهُ، وَأَمَّا الشَّاجِبُ فَالَّذِي يَخْرُجُ فِي النَّاسِ.^۴

۳۶۱۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سخن، سه گونه است: سرآورد، سالم و زیانبار. سرآورد، [سخن] کسی است که خدا را یاد می‌کند، سالم، [سخن] کسی است که چیزی را می‌گوید که خدا دوست دارد، و زیانبار، [سخن] کسی است که به طعن و تمسخر مردم می‌پردازد.

الفصل الرابع عشر: للمجالس

۱/۱۴ أَشْرَفُ الْمَجَالِسِ

۳۶۱۵. رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ شَرَفًا وَإِنْ أَشْرَفَ الْمَجَالِسِ مَا اسْتَقْبَلَ بِهِ الْقِبْلَةَ^۵

فصل چهاردهم: مجالس

۱/۱۴ شریفترین مجالس

۳۶۱۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر چیزی، شرافتی دارد و شریف‌ترین مجالس (نحوه نشستن)، آن است که [شخص] رو به قبله باشد.

۲/۱۴ مَا يَكُونُ مِرَاعَاتُهُ فِي الْمَجَالِسِ

الكتاب

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَخَسَّعُوا فِي

۲/۱۴ نکاتی که باید در مجالس، رعایت شود

قرآن

﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چون به شما گفته شود: در مجالس، جای باز کنید، پس جای باز کنید تا خدا برای

۱ الکافی ج ۲ ص ۱۱۶ ح ۱۹

۲ بحار الأنوار ج ۲۱ ص ۲۹۱ ح ۶۴

۳ الانبیاء ۷

۴ کتبه الصلح ج ۱ ص ۳۳۸ ح ۲۹۲۶۴

۵ ترواح للخصی ص ۷ ح ۱۱

۶ بحار الأنوار ج ۲ ص ۲۹۱ ح ۴

الْمَجْلِسِ فَالْمُسَوِّا يَفْصَحُ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ اسْكُرُوا
فَاسْكُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا
الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١٤﴾

الحديث

۳۶۴۶ رسول الله ﷺ إِذَا أَتَى أَحَدُكُمْ مَجْلِسًا فَلْيَجْلِسْ
حَيْثُ مَا انْتَهَى مَجْلِسُهُ ٢

۳۶۴۷ عَنْهُ ﷺ إِذَا أَحَدُ الْقَوْمِ مَجَالِسُهُمْ فَإِنْ دَعَا رَجُلٌ
أَحَدَهُ وَأَوْسَعَ لَهُ فِي مَجْلِسِهِ فَلْيَأْنِهِ عِزًّا هِيَ كَرَمَةٌ
أَكْرَمُهُ بِهَا حَوْهٌ، وَإِنْ لَمْ يُوسَّعْ لَهُ أَحَدٌ فَلْيَنْظُرْ أَوْسَعَ
مَكَانٍ يَجِدُهُ فَلْيَجْلِسْ فِيهِ ٣

۳/۱۴ الْمَحَالِسُ الَّتِي نَهَى عَنْهَا

الكتاب

﴿أَبَيْتُكُمْ لِمَأْمُونٍ أَلْزَجَالِ وَتَقَطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي
مَنْبِئِكُمْ الْمُنْكَرَ لَمَّا كَانَ جَوَابَ قَوْلِهِمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا
أَلَمْ نَأْتِ بِعَذَابٍ أَلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ مِنَ الْمُذْذِقِينَ﴾ ٤

الحديث

۳۶۴۸ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
فَلَا يَجْلِسُ فِي مَجْلِسٍ يُسَبَّ فِيهِ إِمَامٌ أَوْ يُعَاتَى فِيهِ
مُسْلِمٌ، إِنْ أَقْبَلَ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ ﴿وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ
يَعْرُضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا
فِي خَبِيثٍ غَيْرِهِ وَيَأْتِ بِكُفْرِكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ

۱ المجادلة ۱۱

۲ مكارم الأخلاق ج ۱ ص ۶۶ ح ۷۳

۳ الأمثل للعربي ص ۳۹۳ ح ۸۶۷

۴ المکيوت ۲۹

شما گشایش حاصل کند، و چون گفته شود: «برخیزید»
پس برخیزید تا حدّا [رتبه] کسانی از شما را که ایمان
ورودند و کسانی را که دانشمندند، [بر حسب]
درجات، بلند گردانند، و حدّا به آنچه می‌کنید، آگاه

سب

حدیث

۳۶۴۶ پیامبر خدا ﷺ هرگاه یکی از شما به مجلسی
رفت، در کنار آخرین نفری که نشسته است، بنشیند.

۳۶۴۷ پیامبر خدا ﷺ هرگاه افراد مجلسی در جای
خود نشستند [و کسی وارد شد]، اگر در آن میان،
هردی بر در تار و تار خود را فرا خواند و برای او در
کار خود، جایار کند، [این تازه وارد] باید دعوتش را
پدیدبرد و به‌خوبی او پرود؛ زیرا وی با این کار، به او
[احکام گذاشته است] ولی اگر کسی بر پیش جایی بر
نکشد، نگاه کند تا هر کجا بیشتر جا بود، همان جا
بنشیند

۳/۱۴ محالسی که از آنها نهی شده است

قرآن

﴿الوَطْ كُنْتُ﴾ ه‌آب شما با مردم در می‌آیید و راه [تواند
و تناسل] را قطع می‌کنید و در محافل [انس] خود،
بلندکاری می‌کنید؛ ولی هیچ قومش جرّ این نبوده که
گنبد. اگر راست می‌گوی، عذاب حدّا را برای ما
بیاور» ﴿

حدیث

۳۶۴۸ پیامبر خدا ﷺ هر که به حد و روز واپسین،
ایمان دارد، بیدید در مجلسی بنشیند که در آن،
فر پشواپی بدگویی یا از مسلمانان عیب می‌شود
حد او بد، در کتاب خود می‌فرماید ﴿و هرگاه بیدی
کسانی [به قصد تحقیر] در آیات ما گفتگو می‌کنند، از ایشان،

بَعْدَ الذِّكْرِ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ^۱

روی برتلب تا در سحی غیر از آن در آیند، و اگر شیطان، تو را
[در این باره] به فراموشی انداخت، چون به یادت آمده با آن
مردم ستفکار، مشی.

۱۱/۴. المجالس بالأمانة

۳۶۴۹ رسول الله ﷺ المجالس بالأمانة. إلا ثلاثة
مجالس: مجلس شوك فيه دم حرام، ومجلس
استحل فيه نزع حرام، ومجلس استحل فيه مال
حرام بغير حق^۲

۱۲/۲. مجالس‌ها، امانت‌اند

۳۶۴۹ پیامبر خدا ﷺ، مجلس‌ها، امانت هستند، مگر
سه مجلس مجلسی که در آن، حرمی به ناروا
ریخته شود، و مجلسی که در آن، رتا شود؛ و
مجلسی که در آن، مال حرام به ناروا حلال گردد.
۳۶۵۰ پیامبر خدا ﷺ مجلس‌ها، امانت‌اند و هاش
کردن راز سرادرت، خیانت است از پس کر،
دوری کن و از نشست‌های عشرهای، پرهیز!

۳۶۵۰ عیه ﷺ المجالس بالأمانة. وإنشاء بئر أحمك
حياته. فاجتنب ذلك. واجتنب مجلس العشرة^۳

۱۱/۵. الحديث على ذكر الله تعالى عند القيام

۳۶۵۱ رسول الله ﷺ ما قعد عدة من أهل الأرض
بذكرون الله إلا قعد معهم عدة من الملائكة^۴

۱۲/۵. تشویق به حضور در مجالس ذکر خدا

۳۶۵۱ پیامبر خدا ﷺ هیچ گاه تعدادی از زمینیان نجس
ذکر خدا بر پا نمی‌کنند، مگر آن که تعدادی از
فرشتگان نیز در آن انجمن، می‌نشینند

۱۱/۶. في ختام المجلس

۳۶۵۲ رسول الله ﷺ إذا تلاقستم فلتلقوا بالتسليم
والتصالح، وإذا تفرقتم فتفرقوا بالاشتصاص^۵

۱۲/۶. در پایان مجلس

۳۶۵۲ پیامبر خدا ﷺ هر گاه به هم رسیدید، سلام
کید و دست بدهید، و چون از هم جدا شدید، با
آمرزش خواهی، یکدیگر را ترک کنید.

الفصل الخامس عشر النّوم والسهر

۱۱/۱۵. النّوم أخو الموت

الكتاب

فصل پانزدهم - خواب و بیداری

﴿أَلَمْ يَنْزِلْ إِلَى الْبُيُوتِ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي
مَنَامِهَا فَنُفِخَ فِي نَفْسِهَا عَلَيَّهَا الْفُتُوتُ وَيُرْسَلُ

۱۱/۱۵. خواب، برادر مرگ است

قرآن

﴿خدا، روح مردم را هنگام مرگشان، به تناسی بار می‌ستاند،
و [بیز] روحی را که در [بوق] خوابش نمرده است [.

۱. تفسیر القصص ج ۱ ص ۲۰۱

۲. الامالی للعلوس ص ۵۳ ح ۷۱

۳. مكارم الأخلاق ج ۲ ص ۳۷۹ ح ۲۶۹۱

۴. عباد القاهر ص ۲۳۸

۵. الامالی للعلوس ص ۲۱۵ ح ۳۷۴

الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنْ فِيكَ لِذَلِكَ لَقُومٌ
يَتَفَكَّرُونَ^۱

الحديث

۳۶۵۳. رسول الله ﷺ النَّوْمُ أَحْوَىٰ الصَّوْبِ، وَلَا يَمُوتُ
أَهْلُ الْجَنَّةِ^۲

قبض می‌کند. پس آن [نفسی] را که مرگ را بر او
و واجب کرده نگاه می‌دارد و آن دیگر [نفس‌ها] را تا
هنگامی معین، [به سوی زندگی دنیا] باز پس می‌فرستد.
قطعاً در این [امر] برای مردمی که می‌اندیشند
نشانه‌هایی [از قدرت خدا] هست.

حدیث

۳۶۵۴. پیامبر خدا ﷺ خواب، برادر مرگ است و
بهشتیان، نمی‌میرند (بهشتیان، در بهشت
نمی‌خوابند)

۲/۱۵ لِلنَّهْيِ عَنِ الشَّهْرِ بِغَيْرِ عَادَةٍ أَوْ صَرُورَةٍ
۳۶۵۴. رسول الله ﷺ لَا شَهْرَ إِلَّا فِي ثَلَاثٍ مُّتَحَدِّ
بِالْفَرَأَنِ، أَوْ فِي طَلَبِ الْمَدَمِ، أَوْ غَرُوبِ مُهْدَىٰ بَنِي
رَوْحٍ^۳

۲/۱۵ نهی از شرف روزه‌داری برای غیر عبادت و

ضرورت

۳۶۵۴. یکمیر خدا ﷺ شب روزه‌داری، جر برای سه
چیز است: تلاوت قرآن یا برای تحصیل
همه دنیا و بهشت و عروس به خانه شوهرش

۳۶۵۵. عَنْهُ ﷺ لَا شَهْرَ بِمَعْدِ الْمَشَاءِ إِلَّا جَزْءٌ أَوْ الْخَبَرِ
رَجُلَيْنِ، مُصَلٍّ أَوْ مُسَافِرٍ^۴

۳۶۵۵. پیامبر خدا ﷺ بیدار ماندن بعد از نماز جماعت، روا
باشد، مگر برای دو کس: نماز گزار یا مسافر

۳/۱۵. التَّحْذِيرُ مِنْ كَثْرَةِ النَّوْمِ
۳۶۵۶. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّا كُنْزُ النَّوْمِ فَإِنْ كَثُرَ النَّوْمُ
يَذْغُ صَاحِبَهُ فَقَبْرًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۵

۳/۱۵ هشدار درباره پرخوابی

۳۶۵۶. پیامبر خدا ﷺ اگر پرخوابی بپرهیزد؛ زیرا
پرخوابی، صاحب خود را در روز قیامت،
نهی دست می‌گذارد

۳۶۵۷. عَالَتْ أُمُّ سُلَيْمَانَ بِنْتُ دَاوُدَ لِسُلَيْمَانَ
إِنَّا كُنْزُ النَّوْمِ بِاللَّيْلِ، فَإِنْ كَثُرَ النَّوْمُ بِاللَّيْلِ
يَذْغُ الرَّجُلَ فَقَبْرًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۶

۴/۱۵ آداب النوم

۳۶۵۷. پیامبر خدا ﷺ مادر سلیمان بن داود ﷺ به
سلیمان گفت: از روزه‌داری در شب، بپرهیز؛
زیرا پرخوابی شب، انسان را در روز قیامت،
نهی دست می‌گذارد

۳۶۵۸. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا يَمُوتَنَّ أَحَدُكُمْ وَبَدَأَ عَمْرَهُ، فَإِنْ

۱ الزمر ۴۲

۲ کنز العمال ج ۱۴ ص ۱۷۵ ح ۳۹۳۲۱

۳ المختار ص ۱۱۲ ح ۸۸

۴ وفي المصدر «صبره»، وما ألباء من بعد الآثار

۵ المختار ص ۷۸ ح ۱۲۵ ۶ الاختصاص ص ۲۰۸

۷ المختار ص ۲۸ ح ۹۹

۲/۱۵ آداب خوابیدن

۳۶۵۸. پیامبر خدا ﷺ هیچ یک از شما با دست‌های
چرب [از غذا] نخوابد پس اگر چسب کرد و

فَعَلَ فَأَصَابَهُ لَمَمٌ لِشَيْطَانٍ فَلَا يَلُومَنَّ لَا نَفْسَهُ^۱

۳۶۵۹ عنه علیه السلام مَنْ مَاتَ عَلَى الْوُصُوءِ إِنْ أَدْرَكَهُ الْمَوْتُ فِي لَيْلِهِ فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ شَهِيدٌ^۲

۳۶۶۰ عنه علیه السلام مَنْ قَرَأَ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ حِينَ يَأْخُذُ مَصْبَعَهُ، غُفِرَ اللَّهُ عَنْهُ وَجَلَّ لَهُ ذُنُوبٌ خَمْسِينَ سَنَةً^۳

۳۶۶۱ عوالي اللآلی عن حذیفة: إِنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله كَانَ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ قَالَ: «بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ أَمُوتُ وَأَحْيَا، وَإِذَا اسْتَيْقَظَ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا وَإِنَّهُ الْشَّوْرُ»^۴

الفصل السادس عشر المزاح

۱/۱۶ مدخ المزاح

۳۶۶۲ رسول الله صلی الله علیه و آله ابْنِي أَمْرًا وَلَا أَقُولُ إِلَّا حَقًّا^۵

۳۶۶۳ عنه علیه السلام الْمُؤْمِنُ ذَعِيبٌ لُجْبٌ، وَالْمُضَاهِقُ قَطِيبٌ غَضِيبٌ^۶

۳۶۶۴ تنبيه الخواطر أَنْتِ امْرَأَةٌ عَجُورٌ بَنَى النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله فَقَالَ صلی الله علیه و آله لَا تَدْخُلِي الْجَنَّةَ عَجُورًا؛ فَبَكَتْ، فَقَالَ إِنَّكِ لَسْتَ يَوْمئِذٍ بِعَجُورٍ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِبْشَاءً * فَخَلَقْنَاهُنَّ نُكْرًا﴾^۷

۱ الأُمَلِيُّ لِلْمَدُونِ ص ۵۱۰ ح ۷۰۷

۲ الدعوات ص ۲۱۱ ح ۵۷۷

۳ الأُمَلِيُّ لِلْمَدُونِ ص ۱۶ ح ۲۷

۴ عوالي اللآلی ج ۱ ص ۱۰۴ ح ۴۰

۵ شرح نهج البلاغة ج ۶ ص ۳۰

۶ تحف العقول ص ۱۹ ۷ الواقعة ۳۵ و ۳۶

۸ تنبيه الخواطر ج ۱ ص ۱۲

گريدي از شيطان به او رسيد، کسی را جز خود، سرزنش نکند.

۳۶۵۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر که با وضو بخوابد، اگر در آن شب مرگش در رسد، نزد خداوند، شهید به شمر می آید.

۳۶۶۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر کسی وقتی که به بستر خود می رود، سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ را بخواند، خداوند صلی الله علیه و آله گناهان پنجاه سال او را می آمرزد.

۳۶۶۱ عوالي اللآلی - به نقل از حذیفه - : پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه به بستر خود می رفت، می گفت: «یا الهایا به نام تو می میرم و رنده می شوم!» و هر گاه بیدار می شد، می گفت: «ستایش، خدایی راست که ما را پس از آن که میرانند، زنده کرد، و به سوی اوست برساند».

فصل شانزدهم شوخی

۱/۱۶ مستوفین شوخی

۳۶۶۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله من مزاح می کنم؛ اما جر حق نمی گویم.

۳۶۶۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مزاح، شوح و شوک است و ضائق، احمق و عصبانی.

۳۶۶۴. تنبيه الخواطر: پسر زنی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد. پشان فرمود: «پیر به بهشت نمی رود».

پسر در گریست. [پیامبر صلی الله علیه و آله] فرمود: «در آن روز، تو پیر خواهی بود. خداوند متعال می فرماید: ﴿مَا أَنَا بِأَعْدٍ أَوْدِيٍّ، بَعِيدٍ أَوْ دِيٍّ﴾ را بشنید».

۳۶۶۵. الکافی عن شعبر بن خلاص سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام فَقُلْتُ حُجِلْتُ فَبَدَاكَ الرَّجُلُ يَكُونُ مَعَ الْقَوْمِ فَيَجْرِي بَيْنَهُمْ كَلَامٌ يَمْرَحُونَ وَيَصْحَكُونَ أَفَبَالٍ لَهَا بَأْسٌ مَا لَمْ يَكُنْ، فَطَسْتُ أَنَّهُ عَلَى الْفُحْشِ ثُمَّ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَأْتِيهِ الْأَعْرَابِيُّ فَيَهْدِي لَهُ الْهَدِيَّةَ، ثُمَّ يَقُولُ مَكَانَهُ أَغْطِ نَفْسَ هَدِيَّةٍ مِنْكَ فَكَفَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَكَانَ إِذَا اعْتَمَّ يَقُولُ مَا فَعَسَ الْأَعْرَابِيُّ؟ أَلَيْسَ أُنَا أَنَا؟

۲/۱۶. دُمُ كَثْرَةِ الْمَزَاحِ وَمَا لَيْسَ مِنْهُ بِحَقِّ

۳۶۶۶. رسول الله ﷺ كَثْرَةُ الْمَزَاحِ يَدْفَعُ بِهَا الْوَجْهَ؟

۳۶۶۷. عَنْهُ ﷺ - لِأَقْلِي ﷺ - يَا عَلِيُّ، لَا تَمْرَحْ فِي حَضْرَتِهِ نَهَازُكَ، وَلَا تُكْذِبْ فَيَدْفَعُ بَوْرُكَ؟

۳۶۶۸. التَّزْهِيْبُ وَالتَّوْهِيْبُ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ - وَكَانَ عَقِيْبًا بَذْرِيًّا - كَمَا جُلُوسًا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، مَقَامَ رَجُلٍ وَنَسِيَ عَلَيْهِ، فَأَخَذَهُمَا رَجُلٌ فَوَضَعَهُمَا بَعْدَهُ، فَرَجَعَ الرَّجُلُ فَقَالَ نَعْلِي، فَعَالَ الْقَوْمُ: مَا رَأَيْتُهُمَا، فَقَالَ هُوَ ذَاكَ، فَقَالَ [رَسُولُ اللَّهِ ﷺ] فَكَيْفَ بَرُوعَةُ الْمُؤْمِنِ؟ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّمَا حَصَمُهُ لَا عِيًّا، فَقَالَ فَكَيْفَ بَرُوعَةُ الْمُؤْمِنِ؟! - مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا -

۱. الکافی ج ۲ ص ۶۶۳ ح ۱

۲. الأمالی للصدوق ص ۳۴۴ ح ۱۱۲

۳. مکتوب الأخلاقی ج ۲ ص ۳۲۱ ح ۲۵۶

۴. التَّزْهِيْبُ وَالتَّوْهِيْبُ ج ۳ ص ۱۸۱ ح ۵

۳۶۶۵. الکافی - به نقل از معمر بن حلاله - از امام کاظم عليه السلام پرسیدم و گفتم: کسی با عده‌ای می‌شید و با هم می‌گوبند و شوخی می‌کند و می‌خندند. فرمود: «اگر چیزی [در آن] باشد، اشکالی ندارد» و نه گمانم، مقصود ایشان، باسراگویی بود. پس فرمود: «بادیه‌نشی بود که برد پیامبر خدا می‌آمد و برای ایشان، هدیه می‌آورد و همان جا می‌گفت: بوی هدیه ما را بده! و پیامبر خدا می‌خندید [پیامبر ﷺ] هر گاه اندوهگین می‌شد، می‌فرمود: «آن بادیه‌نشین چه می‌کند؟ کاش نزد ما می‌آمد».

۲/۱۶. مَكْوَهْشْ شُوخِي رِيَادْ وَ شُوخِي بَه چيزِي

که حق نیست

۳۶۶۶. پیامبر خدا ﷺ شوخی زیاد، آبرو را می‌برد

۳۶۶۷. پیامبر خدا ﷺ - به امام علی عليه السلام - ای علی! شوخی مکن، که احترام از بین می‌رود و دروغ می‌گویی که نظر را تبیست از میان می‌رود

۳۶۶۸. التَّزْهِيْبُ وَ التَّوْهِيْبُ - به نقل از ابو الحسن که از شرکت کنندگان در پیمان عقبه و جنگ بدر بود: «ما پیامبر خدا نشسته بودیم که مردی [از جمع ما] برخاست و رفت و کفش هایش را فراموش کرد [ببرد] یک نفر، آنها را برداشت و زیر خود گذاشت آن مرد برگشت و گفت: کفش هابم کجاست؟

کسانی که آن جا نشسته بودند، گفتند: ما آنها را ندیدیم

مردی که کفش‌ها را زیر خود پنهان کرده بود گفت: این جاست.

پیامبر خدا فرمود: «ترساندن مؤمن، چه معنا دارد؟»

مرد گفت: ای پیامبر خدا! به شوخی، این کار را کردم.

[پیامبر ﷺ] دو یا سه بار فرمود: «ترساندن مؤمن، چه معنا دارد؟».

الفصل السابع عشر السُّرُور

۱/۱۷. جَزَاءُ مَنْ فَرَّحَ الْيَقَامَى وَالصَّبِيانَ

۳۶۶۹ رسول الله ﷺ إِنَّ فِي الْجَنَّةِ دَارًا يُقَالُ لَهَا دَارُ

الْفَرَحِ لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا مَنْ فَرَّحَ يَتَامَى الْمُؤْمِنِينَ^۱

۳۶۷۰ عَنْهُ ﷺ إِنَّ فِي الْجَنَّةِ دَارًا يُقَالُ لَهَا دَارُ الْفَرَحِ،

لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا مَنْ فَرَّحَ الصَّبِيانَ.^۲

۲/۱۷ ثَوَابُ التَّفْرِيجِ عَنِ الْمُؤْمِنِ

۳۶۷۱ رسول الله ﷺ مَنْ نَفَسَ عَنْ أَحَدٍ الْمُؤْمِنِ كُرْبَةً

مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا، نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ سَبْعِينَ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ

الْآخِرَةِ^۳

الفصل الثامن عشر الصَّحْكُ

۱/۱۸ الصَّحْكُ وَالتَّسْمُ

۳۶۷۲ الْإِمَامُ عَلِيُّ ع كَانَ ضَحَكَ النَّبِيُّ ﷺ التَّسْمُ،

فَاجْزَأَ دَابَّ يَوْمٍ بِفِتْنَةٍ مِنَ الْأَنْصَارِ وَدَا هُمْ

يَتَحَدَّثُونَ وَيَصْعَكُونَ بِإِلَاءِ أَمْوَالِهِمْ، فَقَالَ

بَاهُؤُلَاءِ، مِنْ عَرَّةٍ بِكُمْ أَمَلَةٌ وَقَصْرٌ بِمِ فِي الْحَمِيرِ

عَمَلُهُ، فَسَلَّطَ فِي الْقُبُورِ وَلِيْعَتْرَ بِأَسْثُورٍ،

وَادْكُرُوا الْمَوْتَ فَإِنَّهُ هَادِمُ الدَّابَّ^۴

۱ کثر الضحک ج ۳ ص ۱۷۰ ح ۶۰۰۸

۲ کثر الضحک ج ۳ ص ۱۷۰ ح ۶۰۰۹

۳ بحار الأنوار ج ۷۴ ص ۳۱۲ ح ۶۹

۴ الأمالی للطوسی ص ۵۲۲ ح ۱۱۵۶

فصل هفدهم، شادمانی

۱/۱۷. پاداش کسی که یقیمان و کودکان را شاد

کند

۳۶۶۹. پیامبر خدا ﷺ: در بهشت، سرایی به نام

«شادی‌سرا» (دار الفرح) هست که تنها کسانی وارد

آن می‌شوند که یتیمان مؤمنان را شاد کند

۳۶۷۰. پیامبر خدا ﷺ: همانا در بهشت، سرایی به نام

«شادی‌سرا» هست که تنها کسانی به آن در می‌آیند که

کودکان را شاد کند

۲/۱۷ ثواب زودن هم از دل مؤمن

۳۶۷۱. پیامبر خدا ﷺ هر که اندوهی از اندوهای دنیا

را از برادر مؤمن خود برداید، خداوند، هفتاد اندوه از

اندوهای آخرت را از او می‌زداید

فصل هجدهم، خنده

۱/۱۸ خنده و لبخند

۳۶۷۲ امام علی ع، خنده پیامبر ﷺ لبخند بود روری

بر گروهی از انصار گذشت که با هم صحبت

می‌کردند و با صدای بلند و دهانی دریده،

می‌خندیدند پیامبر خدا فرمود «ای جماعت! هر

یک از شما که آرزو فریض داده و در کار خیر،

کوتاهی کرده است، باید سری به گورستان برسد و

از بر انگیزخته شدنِ مردگان، عبرت بگیرد به یاد

مرگ باشید، که یاد مرگ، لذت‌ها را در هم

می‌شکند»

۱۸/۲. دُمُ كَثْرَةِ الضُّحُكِ

الكتاب

﴿فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلاً وَلْيَبْكُوا كَثِيراً جَرَاءَ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾^۱

الحدیث

۳۶۷۳ رسول الله ﷺ يَاكَ وَكَثْرَةُ الضُّحُكِ، فَإِنَّهُ يُجِيبُ الْقَلْبَ^۲

۳۶۷۴ عَنْهُ ﷺ كَثْرَةُ الضُّحُكِ تَمَحُّو الْإِنْسَانَ^۳

۳۶۷۵ عَنْهُ ﷺ لَوْ سَعَلْتُمْ مَا أَعْلَمَ لَصَجَّحْتُمْ قَلْباً وَلَتَكُونُمْ كَثِيراً^۴

۱۸/۳. الْكَلَامُ الْمُضْحَكُ الْمَدْمُومُ

الكتاب

﴿فَلَمَّا جَاءَهُمْ بَنَاتُهُمْ إِذَا هُمْ مِنْهَا بِضَحْكُونَ﴾^۵

الحدیث

۳۶۷۶ رسول الله ﷺ - لَأَمِي ذَرٌّ وَهُوَ يَبْطُ - يَرِ الرَّجُلُ لِيَتَكَلَّمَ بِالْكَلِمَةِ فِي الْمَحَلِّسِ لِيَصْجَحَهُمْ بِهَا، مَكْهُوِي فِي جَهَنَّمَ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ^۶

۳۶۷۷ عَنْهُ ﷺ - أَيْضاً - وَيَلَّ لِلَّذِي يُحَدِّثُ مِكْرِبَ لِيَصْحَكَ الْقَوْمَ، وَيَلَّ لَهُ، وَيَلَّ لَهُ، وَيَلَّ لَهُ^۷

۱ التوبة ۸۲

۲ معاني الأخبار ص ۱۲۵ ح ۱

۳ الأمالي للصدوق ص ۳۴۴ ح ۴۱۲

۴ صحيح البخاري ج ۱ ص ۱۶۸۹ ح ۱۳۱۵

۵ الزحرف ۴۷

۶ الأمالي للطوسي ص ۵۳۶ ح ۱۱۶۷

۷ الأمالي للطوسي ص ۵۳۷ ح ۱۱۶۷

۱۸/۲. مَكُوْهَشْ زِيَاذُ خُفْدِيْدِيْنِ

قرآن

﴿وَارِثِينَ هَٰؤُلَاءِ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ وَمَنْ كُنْتُمْ مِنْكُمْ فَبَشِّرُوا بِمَا كُنْتُمْ حَقْدُونَ﴾^۱

حدیث

۳۶۷۳ پیامبر خدا ﷺ، ربهار از جمله ریاد، که آن، دل را می میراند!

۳۶۷۴ پیامبر خدا ﷺ جمله ریاد، ایمان را محو می کند

۳۶۷۵ پیامبر خدا ﷺ اگر آنچه را من می دانم، شما نیز می دانستید، قطعاً کم می حدیثید و بسیار نمی گزینید

۱۸/۳. مَخْرَجُ حَمْدِهِ أَوْ مَكُوْهَدِهِ

قرآن

﴿وَمَنْ جَاءَكَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ أَوْ مِنْ بَنَاتِهِ فَلَا يَدْرِكْ بِمَنَاجِلِ الْحَقِّ﴾^۱

حدیث

۳۶۷۶ پیامبر خدا ﷺ - در اندرز به ابو ذر - آدمی [گاه] در جمعی برای حمداندن آنان، سعی می گوید و نه همین سبب، به فاصله آسمان تا زمین، در دورج، فرو می رود.

۳۶۷۷ پیامبر خدا ﷺ - در اندرز به ابو ذر - وای بر

کسی که برای حمداندن مردم، سعی دروغ بگوید!

وای بر او، وای بر او، وای بر او!

الفصل التاسع عشر: الطَّيِّب

۱/۱۹ الْحَدُّ عَلَى اسْتِعْمَالِ الطَّيِّبِ

۳۶۷۸ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الطَّيِّبُ يَشُدُّ الْقَلْبَ.^۱۳۶۷۹ الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ: إِنْ السَّيِّءُ كَانَ لَا يَمُرُّ الطَّيِّبُ وَالْخُلُوءَةُ^۲۳۶۸۰ عَنْهُ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَتَمَقَّقُ فِي الطَّيِّبِ أَكْثَرَ مِمَّا يَتَمَقَّقُ فِي الطَّعَامِ^۳

۲/۱۹ التَّطَيُّبُ بِهِ وَلِغَيْرِ اللَّهِ

۳۶۸۱ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ تَطَيَّبَ فِي جَاءَةِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَرِيحُهُ طَيِّبٌ مِنَ الْمَسَلِكِ، وَمَنْ تَطَيَّبَ لِغَيْرِ جَاءَةِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَرِيحُهُ أَسْوَأُ مِنَ الْجَفْرِ^۴

۳/۱۹ طَيِّبُ الْمَسَاءِ

۳۶۸۲ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَلَيْسَ امْرَأَةٌ اسْتَعْطَرَتْ فَمَرَّتْ عَلَى قَوْمٍ لَتَجِدُوا مِنْ رِيحِهَا نَهْيَ زَانِيَةٍ^۵ ۳۶۸۳ عَنْهُ إِذَا شَهِدْتَ إِحْدَاكُنَّ الصَّلَاةَ وَلَا تَمَسَّ طَيِّبًا^۶

الفصل العشرون: النَّظَرُ

۱/۲۰ فُضُولُ الْعَطَرِ

۳۶۸۴ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِيَّاكُمْ وَفُضُولَ النَّظَرِ: فَإِنَّهُ يَبْدُرُ

فصل یوزدهم: عطر

۱/۱۹ تشویق به استعمال عطر

۳۶۷۸ پیامبر خدا ﷺ: بوی خوش، قلب را تقویت می‌کند.

۳۶۷۹ امام علی علیه السلام: پیامبر خدا ﷺ عطر و شیرینی را [که به نشان تعارف می‌شد] رد نمی‌کرد

۳۶۸۰ امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، برای عطر، بیشتر از غذا حرج می‌کرد

۲/۱۹ استعمال بوی خوش برای خدا و غیر خدا

۳۶۸۱ پیامبر خدا ﷺ: هر که برای خدا، حود را محو می‌کند، در روز قیامت، بوی خوش‌تر از مشک خواهد بود و هر که برای جز خدا حود را محو می‌کند، در روز قیامت، بوی گندتر از مردار است

۳/۱۹ عطر زنان

۳۶۸۲ پیامبر خدا ﷺ: هر زنی که به حود عطر بریزد و از کنار حذای [مرد] بگذرد تا بویش به مشام آنها برسد، زناکار است

۳۶۸۳ پیامبر خدا ﷺ: هر گاه یکی از شما زنان، در نماز [جماعت] حاضر شد، بوی خوش به کار نبرد

فصل بیستم: نگاه

۱/۲۰ نگاه‌های زیادی

۳۶۸۴ پیامبر خدا ﷺ: از نگاه‌های زیادی پرهیزید!

۱ الکافی ج ۶ ص ۵۱۰ ح ۶، ۲ الکافی ج ۶ ص ۵۱۳ ح ۴

۳ الکافی ج ۶ ص ۵۱۲ ح ۱۸

۴ المصنف بعد الزکاة، ج ۱ ص ۳۱۹ ح ۷۹۳۳

۵ سنن الترمذی ج ۸ ص ۱۵۳ ۶ سنن الترمذی ج ۸ ص ۱۵۵

الهوى، وَيُؤَلِّدُ الْعَمَلَهُ ۱

چرا که تحم هوس می‌پراکند و عفت می‌زاید.

۲/۲۰ مَنِ غَضَّ طَرَفَهُ

۲/۲۰ کسی که چشم خود را فرو می‌بندد

۳۶۸۵ رسول الله ﷺ عَصُوا أَبْصَارَكُمْ تَزُونَ بَعْضُكُمْ

۳۶۸۵ پیامبر خدا ﷺ چشمان خود را [از حرام] فرو
بندید تا شگفتی‌ها را ببینید.

۳/۲۰ مَنْ يَكُونُ النَّظَرُ إِلَيْهِ عِبَادَةً

۳/۲۰ کسی که نگاه کردن به او عبادت است

۳۶۸۶ رسول الله ﷺ النَّظَرُ إِلَى الْعَالِمِ عِبَادَةٌ وَالنَّظَرُ
إِلَى الْإِمَامِ الْمُقْسِطِ عِبَادَةٌ، وَالنَّظَرُ إِلَى الْوَالِدَيْنِ بِرٌّ وَرَحْمَةٌ
وَرَحْمَةٌ عِبَادَةٌ، وَالنَّظَرُ إِلَى الْأَخِ تَوَدُّهُ فِي نَفْسِهِ غَرُوحٌ
عِبَادَةٌ. ۲

۳۶۸۶ پیامبر خدا ﷺ نگاه کردن به عالم، عبادت
است نگاه کردن به پیشوای دادگر، عبادت است
نگاه کردن به مهرآمیز به پدر و مادر، عبادت است
نگاه کردن به برادری که به خاطر خدا دوستش
داری، عبادت است.

۳۶۸۷. عَنْهُ ﷺ النَّظَرُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ عِبَادَةٌ: النَّظَرُ
فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ، وَفِي الْمُصْحَفِ وَفِي الْبَحْرِ ۱

۳۶۸۷ پیامبر خدا ﷺ نگریستن در سه چیز، عبادت
است: نگاه کردن در روی پدر و مادر، در قرآن، و
در دریا ۱

۴، ۲۰ الْحَدَّثُ عَلَى عَصِ الْعَصْرِ

الكتاب

۴/۲۰ تشویق به فرو بستن چشم

قرآن

﴿قُلْ لِّغُلَامِيْنَ يَتَّبِعُوا مِنْ أَنْصَرِهِمْ وَيَحْفَظُوا
فُزُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾
وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَنْصَرِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ
فُزُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ رِبْعَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ ۲

﴿به مردان بایمان بگو، «دیده، فرو بند و پاک‌دامنی
ورزیده، که این برای آنان، پاکیزه‌تر است؛ زیرا خدا به
آنچه می‌کنند، آگاه است و به زنان بایمان بگو «دیدگان
خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاک‌دامنی ورزند
و زیاده‌های خود را آشکار نگردانند، مگر آنچه از آن
پیدا است»﴾

الحدیث

۳۶۸۸ رسول الله ﷺ نَكَلَ عَصْرٌ مِنْ ابْنِ آدَمَ حَظٌّ مِنْ

الزَّيْنِ الْقَيْنِ رِيَاها النَّظَرُ ۱

حدیث

۳۶۸۸ پیامبر خدا ﷺ برای هر عضوی از اعضای

تمیزاد، بهره‌ای از ریاست رنای چشم هم،
چشم‌چرانی است.

عنه الداعی ص ۲۹۴

۲ بعل الأتوار ج ۱۰۴ ص ۴۱ ح ۵۲

۳ الامالی للعوسی ص ۴۵۴ ح ۱۰۱۵

۴ صحیح الإمام الرضا علیه ص ۹۰ ح ۱۹

۵ النور، ۳۱ و ۳۹

۶ جامع الأخبار ص ۴۰۸ ح ۱۰۲۹

۱ واژه عصره در معنی هریس، به معنای دانشمند پر علم و مرد
بخشنه و مسجود به بر آمده است

۳۶۸۹. الإمام الباقر علیه السلام لَنْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ رَجُلًا يَنْظُرُ إِلَى
فَرْجِ امْرَأَةٍ لَا تَجِلُّ لَهُ.^۱

۳۶۸۹. امام باقر علیه السلام، پیامبر خدا، مردی را که به عبورت
زنی جز همسر خویش نگاه کند، نفرین فرمود

۵/۲۰. موارد جواز النظر إلى النساء

۵/۲۰. موارد جواز نگاه کردن به زنان

۳۶۹۰. رسول الله ﷺ لَا حُرْمَةَ لِنِسَاءِ أَهْلِ الذِّمَّةِ أَنْ يَنْظُرَ
إِلَى شُعُورِهِنَّ وَأَيْدِيَهُنَّ^۲

۳۶۹۰. پیامبر خدا ﷺ نگاه کردن به موها و دست‌های
زنان اهل دمه، حرام نیست.

۶/۲۰. مَنْ مَلَأَ عَيْنَهُ مِنْ حَرَامٍ

۶/۲۰. کسی که چشمش را از حرام، پُر کند

۳۶۹۱. رسول الله ﷺ مَنْ مَلَأَ عَيْنَهُ مِنْ حَرَامٍ مَلَأَ اللَّهُ
عَيْنَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ النَّارِ. إِلَّا أَنْ تَتُوبَ وَتَرْجِعَ^۳

۳۶۹۱. پیامبر خدا ﷺ هر که چشم خود را از حرام
پُر کند، خداوند در روز قیامت، چشم او را از آتش
پُر می‌کند، مگر این که توبه کند و از عمل خود،
دست بردارد

۳۶۹۲. عَنْهُ ﷺ إِشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى امْرَأَةٍ
دَابَّ بَعْلٌ مَلَأَتْ عَيْنَهَا مِنْ غَيْرِ رُوحِهَا أَوْ غَيْرِ فِي
مَحْرَمٍ مِنْهَا.^۴

۳۶۹۲. پیامبر خدا ﷺ چشم خداوند ﷻ شدت است بر
نحوه برداری که چشم خود را از غیر شوهر خود، یا
از کسی که محرم او نیست، پُر کند

۷/۲۰. غَضُّ النَّصْرِ وَخَلَاوَةُ الْعِبَادَةِ

۷/۲۰. فرو بستن چشم و شیرینی عبادت

۳۶۹۳. رسول الله ﷺ مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَنْظُرُ امْرَأَةً أَوْ لَ
رَمَقَةٍ ثُمَّ يَغْضُ بَصَرَهُ إِلَّا أَعَدَّتْ لَهُ تَعَالَى لَهُ عِبَادَةٌ
يَجِدُ خَلَاوَتَهَا فِي قَلْبِهِ^۵

۳۶۹۳. پیامبر خدا ﷺ هیچ مرد مسلمان نیست که نگاهش
به رنی بیفتد و چشم خود را پایین بیندازد، مگر
این که خدای متعال به او نوعی عبادتی می‌دهد که
شیرینی آن را در دل خویش بیابد.

۳۶۹۴. عَنْهُ ﷺ النَّظَرُ سَهْمٌ مِمَّنْ يَسْهَمُ ابْلِيسُ،
مَنْ تَرَكَهَا حَوْماً مِنْ اللَّهِ أُعْطَاهُ اللَّهُ إِيْمَاناً يَجِدُ خَلَاوَةَ
مِي قَلْبِهِ^۶

۳۶۹۴. پیامبر خدا ﷺ نگاه کردن، یکی از تیرهای رهر آلود
ابلیس است پس هر که از ترس خدا، چشم خود
را از نامحرم (فرو بستد، خداوند به او ایمانی عطا
می‌کند که شیرینی آن را در دلتش بیابد

۱. الکافی ج ۵ ص ۵۵۹ ح ۱۴

۲. الکافی ج ۵ ص ۵۲۴ ح ۱

۳. الأمالی للصدوق ص ۵۱۵ ح ۷۰۷

۴. ثواب الأعمال ص ۳۸ ح ۱

۵. کز العمال ج ۵ ص ۳۲۷ ح ۱۳۰۵۹

۶. جامع الأخبار ص ۱۰۷ ح ۱۱۲۵

۸/۲۰ المَغْطَرَةُ الْأُولَى حَطًا وَالثَّانِيَةُ غَمَدُ

۳۶۹۵. رسول الله ﷺ - لَقَلِّي ﷺ - يَا عَلِيُّ، ذَكَ أَوَّلُ
نَظْرَةٍ، وَالثَّانِيَةُ عَلَيْكَ وَلَا لَكَ ۱

۳۶۹۶. كَمَالُ الْعَمَالِ عَنْ جَرِيرٍ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَنْ
نَظْرَةِ الْمُجَاهِدَةِ، فَأَمَرَنِي أَنْ أَصْرِفَ بَصَرِي ۲

۹/۲۰ عَنْ رَأْيِ امْرَأَةٍ تُحِبُّهُ

۳۶۹۷. رسول الله ﷺ يَا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّمَا النُّظْرَةُ مِنَ
الشَّيْطَانِ، فَتَسْ وَجَدَ مِنْ ذَلِكَ شَيْئاً فَسَأَلْتُ أَهْلَهُ ۳

الفصل الحادي والعشرون السلام

۱/۲۱ نَحْنُ الْمُسْلِمِينَ

الكتاب

﴿وَأَذِلَّةَ الْأَدْيُنَ قَامُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ حَبِيبًا﴾
تُخْرِى مِنْ نَظْمِهَا الْأَنْهَارُ خَلِيدِينَ بِهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ
تَجِدْتُهُمْ فِيهَا سَلَامًا ۴

الحديث

۳۶۹۸. رسول الله ﷺ إِذَا تَلَقَّيْتُمْ فَتَلَقُّوا بِالسَّلَامِ
وَالْتَصَافِعِ، وَدَا تَقَرَّبْتُمْ فَتَقَرَّبُوا بِالِاسْتِعَارِ ۵
۳۶۹۹. عَنْهُ ﷺ إِنَّ مِنْ مَوْجِبَاتِ الْمَغْفِرَةِ بَدَلُ السَّلَامِ
وَحُسْنُ الْكَلَامِ ۶

۱ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۱۹ ح ۱۹۷۱

۲ کمال العمال: ج ۵ ص ۱۶۸ ح ۱۳۶۱

۳ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۱۹ ح ۱۹۷۵

۴ ابراهیم ۲۲

۵ الامالی للعلوی، ص ۲۶۵ ح ۳۷۱

۶ جامع الاحیاء ص ۲۳۰ ح ۵۹۱

۸/۲۰ نگاه نول، تاخوفاسته است و نگاه دوم،

عمدی

۳۶۹۵. پیامبر خدا ﷺ - به امام علی ﷺ - ای علی! نگاه
اول [به نامحرم]، برای (به نفی) توست و نگاه دوم،
به زیان توست به به سود تو

۳۶۹۶. کمال العمال - به نقل از جریر - از پیامبر خدا،
در باره نگاه باگهانی [به نامحرم] سؤال کردم. به من
امر کرد که [در چنین موردی، رود] چشمم را
برگردانم

۹/۲۰ کسی که از نگاه کردن به زن، تحریک شود

۳۶۹۷. پیامبر خدا ﷺ ای مردم! بدانید که نگاه [به
نامحرم]، از شیطان است. هر که بر اثر نگاه،
تحریک شد، با همسرش هم‌بستر شود

فصل بیست و یکم سلام کردن

۱/۲۱. ورود مسلمانان

قرآن

﴿وَكُنْتُمْ أَكْثَرُ الْأُمَّةِ الْغَافِلِينَ﴾
بِهْتِغَابِي در آورده می‌شود که از ریر [در غفلت] آن،
حوریه‌ها روان است که به ادن پروردگارشان. در آن
جا، جاودانه به سر می‌برند و درودشان بر آن جا، سلام
است

حدیث

۳۶۹۸. پیامبر خدا ﷺ هر گاه به هم بر حوریدید، با
سلام کردن و دست دادن بر حور دکید و چون جلد
شدید، با آموزش خواهی [برای یکدیگر]، از هم
جلو شوید

۳۶۹۹. پیامبر خدا ﷺ یکی از موجبات آمرزش، سلام
کردن و سخن نیکو گفتن است

۲/۲۱. السَّلَامُ قَبْلَ الْكَلَامِ

۲/۲۱. سلام کردن، پیش از کلام

۳۷۰۰. الإمام الصادق علیه السلام عن آبائه علیهم السلام قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ بَدَأَ بِالْكَلامِ قَبْلَ السَّلَامِ فَلَا تُحِبُّوهُ وَمَنْ قَالَ لَا قَدْغُ إِلَى طَعَامِكَ أَخْذًا حَتَّى يَسَلِّمَ^۱

۳۷۰۰. امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانش علیهم السلام :- پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که پیش از سلام گفتن، آغاز به سخن کرد، پاسخش را ندهید و فرمود هیچ کس را به عداوت تعارف مکن، تا وقتی که سلام کند.

۳/۲۱. إِنْ شَاءَ السَّلَام

۳/۲۱. رواج دادن سلام

۳۷۰۱. رسول الله صلی الله علیه و آله أَفْضَلَ السَّلَامَ يَكْثُرُ خَيْرُ نَيْتِكَ^۲
 ۳۷۰۲. عنه علیه السلام إِنَّ السَّلَامَ اسْمٌ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ تَعَالَى، فَأَشْوَهُ نَيْتَكُمْ^۳

۳۷۰۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به همه سلام ده، تا حیر او [برکت] حانهات ابرون شود

۳۷۰۲. پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله سلام، یکی از نام‌های خداوند متعال است پس آن را در میان خود، رواج دهید

۴/۲۱. الْإِبْتِدَاءُ بِالسَّلَامِ

۴/۲۱. پیش‌بستی کردن در سلام

۳۷۰۳. رسول الله صلی الله علیه و آله أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ مَنْ بَدَأَ بِالسَّلَامِ^۴

۳۷۰۳. [پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مزدیگ‌ترین مردم به خدا و فرستاده او، کسی است که آغازگر سلام باشد
 ۳۷۰۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هرگز سلام، از تکبیر به در است

۵/۲۱. وَحُبُّ رَدِّ السَّلَامِ

۵/۲۱. واجب بودن پاسخ سلام

الكتاب

﴿وَإِذَا حُيِّنْتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنِ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها بِإِذْنِ اللَّهِ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا﴾^۵

در چو به شما درود گفته شد شما به [صورتی] بهتر از آن، درود بگویید یا همان را [در پاسخ] برگردانید
 همانا خدا به هر چیزی، حاکم است

الحديث

۳۷۰۵. رسول الله صلی الله علیه و آله السَّلَامُ تَطَوُّعٌ وَالرَّدُّ فَرِيضَةٌ^۶

حديث

۳۷۰۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سلام کردن، مستحب است و

پاسخ سلام، واجب

۱ التخصیص ص ۱۹ ح ۶۷

۲ التخصیص ص ۱۸۱ ح ۲۴۶

۳ روضة الواعظین ص ۱۵۹

۴ الکافی ج ۲ ص ۱۱۴ ح ۳

۵ کتالک ص ۹ ص ۱۱۷ ح ۲۵۲۶۵

۶ النساء ۸۶

۷ کتالک ص ۹ ص ۱۲۲ ح ۲۵۲۹۱

۶/۲۱. آداب السلام

۳۷۰۶ رسول الله ﷺ يُسَلِّمُ الصَّغِيرَ عَلَى الْكَبِيرِ، وَيُسَلِّمُ الْوَاحِدَ عَلَى الْآثِمِ، وَيُسَلِّمُ الْقَلِيلَ عَلَى الْكَثِيرِ، وَيُسَلِّمُ الرَّايِبَ عَلَى الْمَاشِي، وَيُسَلِّمُ نَمازَ عَمِي الْقَائِمِ، وَيُسَلِّمُ الْقَائِمَ عَلَى الْقَاعِدِ.^۱

۳۷۰۷ عَنْهُ ﷺ حَمْسٌ لَا أَدْعُهُنَّ خِصَى التَّعَاتِ وَالنَّسْلِيمُ عَلَى الصَّبِيَّانِ لِتَكُونَ سُنَّةٌ مِنْ بَعْدِي^۲

۳۷۰۸ عَنْهُ ﷺ يُسَلِّمُ الرَّايِبَ عَلَى الْمَاشِي^۳

۷/۲۱ سلام الوداع

۳۷۰۹ رسول الله ﷺ - كَانَ إِذَا ودَّعَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ - رَوَّدَكُمْ اللَّهُ النَّعْوَى - وَوَجَّهَكُمْ إِلَى كُلِّ حَبِيرٍ، وَخَصَمِي لَكُمْ كُلِّ حَاحِيٍّ، وَسَلِّمَ بَكُمْ دَسَكُمْ وَدُسَاكُمْ وَرَدَّكُمْ إِلَيَّ سَالِمِينَ^۴

الفصل الثاني والعشرون المصافحة

۱/۲۲ الحثُّ عَلَى الْمُصَافَاةِ

۳۷۱۰ رسول الله ﷺ إِذَا التَّقِيْتُمْ فَتَلَفُوا بِالنَّسْلِيمِ وَالنَّصَافِحِ، وَإِذَا تَفَرَّقْتُمْ فَتَفَرَّقُوا بِالْأَسْتَعْدَادِ^۵

۳۷۱۱ عَنْهُ ﷺ تَصَافَحُوا فَإِنَّ النَّصَافِحَ يُدْهِنُ السَّحِيحَةَ^۶

- ۱ کتوالمسال ج ۹ ص ۱۳۶ ح ۲۵۳۲۱
- ۲ المخصال ص ۱۷۱ ح ۱۲
- ۳ الاثافي للنفوس ص ۳۹۵ ح ۷۱۸
- ۴ بیه الخواطر ج ۲ ص ۶
- ۵ الکلاهی ج ۲ ص ۱۸۱ ح ۱۱
- ۶ محب العیون ص ۵۵

۶/۲۱ آداب سلام کردن

۳۷۰۶ پیامبر خدا ﷺ کوچک‌تر به بزرگ‌تر، سلام کند و یک نفر، به دو نفر و عدّه کمتر، به عدّه بیشتر و سواره، به پیاده و راه‌گذر، به ایستاده و ایستاده، به نشسته

۳۷۰۷. پیامبر خدا ﷺ پنج چیز است که تارم‌دهم، ره‌بشان نمی‌کم. و سلام کردن به کودکان، تا بعد از من، سنت شود

۳۷۰۸ پیامبر خدا ﷺ سواره، باید به پیاده، سلام کند.

۷/۲۱ سلام جداحافظی

۳۷۰۹ پیامبر خدا ﷺ - هر گاه با مؤمنان جداحافظی می‌کرد، می‌فرمود - جداوند، ره‌توشه پرهیزگار را بدهد و به هر آنچه حیر است، ره‌بمونان شود و همه نیازها [و مشکلات] شما را بر طرف سازد و دین و دنیاتان را سالم بگه دورد و شما را سالم و تن‌درست، به سری من، برگرداند!

فصل بیست و دوم دست دادن

۱/۲۲ تشویق به دست دادن

۳۷۱۰ پیامبر خدا ﷺ هر گاه با هم روبه‌رو شدید، با سلام گفتی و دست دادن، روبه‌رو شوید و چون از یکدیگر جدا شدید، با آمرزش خواهی [برای یکدیگر] جدا شوید

۳۷۱۱ پیامبر خدا ﷺ با یکدیگر دست دهید! زیرا دست دادن، کنه و کدورت را از بین می‌برد

۲/۲۲. أَذَبُ الْمُصَافِحَةِ

۲/۲۲. آداب دست دادن

۳۷۱۲ الإمام للصادق عليه السلام ما صافح رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم رجلاً
فقط فترع يده حتى يكون هو الذي يترع يده منه^۱

۳۷۱۲. امام صادق علیه السلام پیامبر خدا، هرگز با هیچ مردی
دست نداد، مگر این که [به مصافحه ادامه داد و]
دستش را نکشید تا آن شخص، دست خود را
عقب کشد

۳/۲۲. لِلنَّبِيِّ عَنْ مُصَافِحَةِ الْمَرَأَةِ

۳۷۱۳ رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم إني لست أصافح النساء^۲

۳/۲۲. نبی لر دست دادن بآردن

الفصل الثالث والعشرون. الضيافة

۳۷۱۳ پیامبر خدا علیه السلام، با زنان دست نمی‌دهم

۱/۲۳. فَصْلُ الضِّيَافَةِ

فصل بیست و سوم. میهمانی

الكتاب

۱/۲۳. فصولت میهمان‌داری

القرآن

﴿هل أتيتك حديثاً صيف إبراهيم الملقم﴾ إذ دخلوا
عليه فقالوا سلماً قال سلم فلو لم نكفركم فراغ من
أهلنا فحاء معذر شمس ﴿فقروا، إنهم قال
الإنكفرون﴾^۳

﴿آیا خبر میهمانی از عند ابراهیم به تو رسید؟﴾ آن هنگام
که مرد از رفتن پس سلام گفتند گفت: «سلام مردمی
ناشناسید، پس آهسته به سوی ریش رفت و گویا نه‌ای
فره [د بریان] آورد، آن راه مردی‌کشان برد [و] گفت:
«مگر نمی‌خورید؟»^۴

الحديث

حديث

۳۷۱۴ رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم من كان يؤمن بالله واليوم الآخر
فليكرم صيفه^۵

۳۷۱۴ پیامبر خدا علیه السلام هر که به خدا و روز واپسین،
ایمان دارد، باید میهمانش را گرامی بدارد

۳۷۱۵ عنه عليه السلام الصيف يبرل ببرقيه، ويترجل بدنوب
أهل البيت^۶

۳۷۱۵ پیامبر خدا علیه السلام میهمان، روزی خود را می‌آورد و
گاهان اهل خانه را می‌بزد

۲۳ ۲. دُمُ الدِّيبِ الَّذِي لَا يَدْخُلُهُ صَيْفٌ

۳۷۱۶ رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم كَلِّ بَيْتٍ لَا يَدْخُلُ فِيهِ نَصِيفٌ

۲/۲۳. مگوشت خانه‌ای که میهمان، وارد آن
نمی‌شود

۳۷۱۶ پیامبر خدا علیه السلام هر خانه‌ای که میهمان وارد

۱ التکلیف ج ۲ ص ۱۸۲ ح ۱۵
۲ کنز العمال ج ۱ ص ۱۰۵ ح ۴۷۵
۳ الذریات ۲۴-۲۷
۴ التکلیف ج ۲ ص ۶۶۷ ح ۶
۵ جامع الاخبار ص ۲۶۸ ح ۱۰۵۷

لَا تَدْخُلُهُ الْمَلَائِكَةُ^۱.

آن نشود، فرشتگان نیز وارد آن نمی شوند.

۳/ ۲۳ الْحَثُّ عَلَى إِجَابَةِ دَعْوَةِ الْمُؤْمِنِ

۲۲ ۲. تشویق به پذیرفتن دعوت مؤمن

۳۷۱۷ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَوْحَى الشَّاهِدَ مِنْ أَمْسَى وَالْعَائِبِ أَنْ يُجِيبَ دَعْوَةَ الْمُسْلِمِ وَأَوْ عَلَى خَمْسَةِ أَمْيَالٍ، بَدَنَ ذَلِكَ مِنَ الدُّنْيَى^۲

۳۷۱۷. پیامبر خدا ﷺ به حاضران و غایبان امت خود، سوارش می کند که دعوت مسلمان را - گرچه از فاصله پنج میل باشد - بپذیرد؛ زیرا این کار، جزو دین است

۳۷۱۸ عَنْهُ ﷺ مِنَ الْجَمَاءِ أَنْ يُدْعَى الرَّحْلُ إِلَى طَعَامٍ فَلَا يُجِيبُ أَوْ يُجِيبُ فَلَا يَأْكُلُ^۳.

۳۷۱۸. پیامبر خدا ﷺ از ادب هسته دور است... کسی مردی به میهمانی دعوت شود و بپذیرد یا بپذیرد و از غذای آن بخورد

۴/ ۲۳ لِلْفَهْيِ عَنْ إِجَابَةِ دَعْوَةِ الْفَاسِقِ

۲۳ ۴. نهی از پذیرفتن دعوت فاسق

۳۷۱۹ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَمَى اللَّهُ لِي رَأَى الْمُشْرِكِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَطَعَانَهُمْ^۴

۳۷۱۹. پیامبر خدا ﷺ جدا شد، باخوش دارد که من، از توشه و غذای مشرکان و منافقان، استعاده کنم

۳۷۲۰ عَنْهُ ﷺ - لَا يَمِي دَرَّ وَهُوَ سَبْطَةٌ - لَا يَأْكُلُ طَعَامَ الْفَاسِقِينَ^۵

۳۷۲۰. پیامبر خدا ﷺ - در اندر به او در - از غذای فاسقان، تناول نکند

۵/ ۲۳ الْفَهْيُ عَنْ تَقْلِيلِ مَا يُقَدَّمُ إِلَى الضَّعِيفِ

۲۳ ۵. نهی از کم شمردن آنچه جلوی میهمان گذاشته می شود

۳۷۲۱ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كَفَى بِالْمَرْءِ إِثْمًا أَنْ يَسْتَقِيلَ مَا يُقَرَّبُ إِلَى إِحْوَايِهِ، وَكُنَى بِالْقَوْمِ إِثْمًا أَنْ يَسْتَقْبِلُوهُ مَا يُقَرَّبُ إِلَيْهِمْ أَحْوَهُمْ^۶

۳۷۲۱. پیامبر خدا ﷺ: مرد [میربان] را همین گناه بس که غذایی را که پیش برادران خود می گذارد، کم شمارد، و میهمانان را نیز همین گناه بس که آنچه را برادرشان در برابرشان می گذارد، کم شمارد

۶/ ۲۳ التَّكَلُّفُ لِلضَّعِيفِ

۲۷۲۲ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا تَكْتَفُوا لِلضَّعِيفِ^۷

۲۳ ۶. به مشقت انداختن خود برای میهمان

۳۷۲۲. پیامبر خدا ﷺ: برای میهمان، خود را به مشقت نیندازید

۱ جامع الأخبار ص ۳۷۸ ح ۱۰۵۸

۲ الکافی ج ۶ ص ۳۷۴ ح ۴

۳ قرب الإسناد ص ۱۶۰ ح ۵۸۳

۴ المعانی ج ۲ ص ۱۸۰ ح ۱۵۱۱

۵ الامالی للعلوی ص ۵۳۵ ح ۱۱۶۲

۶ المعانی ج ۲ ص ۱۸۶ ح ۱۵۳۳

۷ کنز العمال ج ۹ ص ۲۶۸ ح ۲۵۸۷۵

۳۷۲۳. عنه علیه السلام من تَكَرَّمَ الرَّجُلُ لِأَخِيهِ ن... لَا يَتَكَلَّفُ لَهُ شَيْئاً^۱ ۳۷۲۳ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله؛ از اِکرامِ مرد به برادرش، این است که ... خود را برای او به مشقّت نیندازد.

۷/۲۳ أدب الضَّيْفَانَةِ

۷/۲۳ ادب میهمان‌نوازی

۳۷۲۴. رسول الله صلی الله علیه و آله مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُجِئَهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ فَلْيَأْكُلْ مَعَ ضَيْفِهِ^۲ ۳۷۲۴ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر کس دوست دارد که خدا و فرستاده‌اش او را دوست داشته باشند، ب

۳۷۲۵. عنه علیه السلام مَنْ أَكَلَ طَعَامَهُ مَعَ ضَيْفِهِ فَلَيْسَ لَهُ حِجَابٌ دُونَ الرَّبِّ^۳ ۳۷۲۵ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر کس غذای خود را با میهمانش بخورد، میان او و پروردگار، هیچ پرده‌ای (حجابی) نباشد.

۸/۲۳ مَا يَنْتَبِغِي فِيهِ الْوَلِيْمَةُ

۸/۲۳ آن جا که ولیمه دادن، شایسته است

۳۷۲۶. رسول الله صلی الله علیه و آله - فِي وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ عليه السلام - يَا عَلِيُّ، لَا وَلِيْمَةَ إِلَّا فِي خَمْسٍ: فِي عُرْسٍ، أَوْ خُرْسٍ، أَوْ عِدَارٍ، أَوْ وَكَارٍ، أَوْ رِكَازٍ، هَالِغُ الرُّوحِ، وَطَرَسُ النَّعَاسِ، مَالِ الْوَلَدِ، وَنَعْدَاؤُ الْعَنَانِ، وَالْوِكَازُ فِي بَنَاءِ الدَّارِ وَشَرَايَاهَا، وَالرَّكَازُ الرَّجُلُ يَتَقَدَّمُ مِنْ مَكَّةَ^۴ ۳۷۲۶ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در سفارش به امام علی علیه السلام - ای علی! ولیمه، جز در پنج مورد نباشد: عروای ازدواج، برای تولّد فرزند، برای حشّه کردن، برای ساختن یا خرید خانه، و برای سارگشت از مکه

الفصل الرابع والعشرون، الاعتذار

فصل بیست و چهارم، پوزش‌خواهی

۱/۲۴ الْحَدُّ عَلَى قَبُولِ الْعِذْرِ

۱/۲۴ تشویق بر قبول پوزش

۳۷۲۷. رسول الله صلی الله علیه و آله - فِي وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ عليه السلام - مَنْ لَمْ يَقْبَلِ الْعُذْرَ مِنْ مُتَعَصِّلٍ، صَادِقاً كَانَ أَوْ كَاذِباً، لَمْ يَتَلَّ شِعَاعَتِي^۵ ۳۷۲۷ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در سفارش به امام علی علیه السلام - هر که پوزش را بپذیرد، چه پوزش‌خواهنده، راست بگوید و چه دروغ، به شفاعت من، دست نمی‌یابد

۳۷۲۸. عنه علیه السلام مَنْ عَذَرَ إِلَيْهِ أَحَدُ الْمُسْلِمِ مِنْ ذَنْبٍ

۱ تکالیف ج ۶ ص ۲۷۶ ح ۱

۲ تبه الخواطر ج ۲ ص ۱۱۶

۳ تبه الخواطر ج ۲ ص ۱۱۶

۴ کتاب من لا یحضره الفقه ج ۴ ص ۳۵۶ ح ۵۷۶۲

۵ کتاب من لا یحضره الفقه ج ۴ ص ۳۵۳ ح ۵۷۶۲

۳۷۲۸ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر کس برادر مسلمانش از

گاهی که نسبت به او کرده، عذر بخواهد و او

قَدْ أَتَاهُ فَلَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ لَمْ يَرِدْ عَلَى الْخَوْضِ عَدَاً ۱

عذرش را پذیرد، فردا [ای قیامت] کنار خوض

[اکثر] بر من وارد نمی‌شود.

۲/۲۱ شَرُّ الْمَعْدَرَةِ

الکتاب

۲/۲۳ بدترین پورش

عَرَنَ

﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الطَّالِعِينَ مَعْدَرَتُهُمْ وَهُمْ أَلْعَنَةُ وَمِنْهُمْ

﴿عَرَنَ﴾ یعنی که مستگران را پورش طلبی‌شان سود

سَوْءُ الدَّارِ﴾ ۲

سعی دهد و برای آنان، لعنت ثبت و برایشان

الحديث

بدترجایی آن سرائی است ﴿

۳۷۲۹ رسول الله ﷺ شَرُّ الْمَعْدَرَةِ حِينَ يَحْضُرُ التَّوْتُ ۳

حديث

۳۷۲۹ پیامبر خدا ﷺ بدترین پورش، زمانی است که

الفصل الخامس والعشرون الحوار

مرگ، فرارسد

۱/۲۵ حُسْنُ الْحَوَارِ

الکتاب

فصل بیست و پنجم همسایگی

۱/۲۵ همسایگی شایسته

﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ

قرآن

بِحَسَنٍ وَمِمَّا يَرْضَى الْقَرْمَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسْكِينِ وَالْحَارِ

﴿وَرِغَدَارًا بِرِسْتِهِ وَجِيرَى رَا بَا نُو شَرِيكٍ مَكْرَدَانِد، وَ بَه

بِي الْقَرْمَى وَالْحَارِ الْجَنْبِ وَالضَّاجِبِ بِالْجَنْبِ

پدر و مادر بیکی کنید، و درباره خویشاوندان و یتیمان و

وَأَنْتَ أَسْئِبِلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَنُكُمْ إِنْ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ

مستندان و همایه خویشاوند و همسایه بیگانه و

كَانَ مُخْتَلَا فَخُوراً﴾ ۴

همسین و در را بمانده و پردگانی خود بیرون بیکی کنید،

الحديث

که خدا کسی را که متکبر و مغرور شود، دوست

۳۷۳۰ رسول الله ﷺ أَحْسَنُ مُجَاوِرَةٍ مَنْ جَاوَرَكَ

سعی دارد ﴿

تَكُنْ مُؤْمِلاً ۵

حديث

۳۷۳۱ عنه ﷺ مَا رَأَى جِبْرِئِيلَ ﷺ يُوجِبِي بِالْحَارِ

۳۷۳۰ پیامبر خدا ﷺ با همسایه‌ات بیکی همسایه‌داری

حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُؤَزَّرُهُ ۶

کس، تا مؤمن ناشی

۳۷۳۱ پیامبر خدا ﷺ جِبْرِئِيلَ ﷺ پیوسته مرا درباره

۱ کر العسل ج ۳ ص ۳۷۱ ح ۳۱ ۷

همسایه سفارش می‌کرد تا جایی که گمان کردم به

۲ عابر ۵۲ ۳ الدعوات ص ۲۳۸ ح ۶۶۶

رودی او را از اثر [از همسایه‌اش] خواهد کرد

۴ النساء ۳۶

۵ الأملی للصدوق ص ۲۶۹ ح ۲۹۵

۶ الأملی للطوسی ص ۵۲۰ ح ۱۱۲۵

۲/۲۵. إِيذَاءُ الْجَارِ

۳۷۳۲ رسول الله ﷺ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
فَلَا يُؤْذِي جَارَهُ^۱

۲/۲۵. آزار رساندن به همسایه

۳۷۳۲ پیامبر خدا ﷺ هر که به خدا و روز واپسین ایمان
داشته باشد، نباید همسایه خود را آزار دهد

۳/۲۵. حَقُّ الْجَارِ

۳۷۳۳ رسول الله ﷺ - فِي حُقُوقِ الْجَارِ - إِنْ اشْتَعَاكَ
أَغْنَتْهُ، وَإِنْ اشْتَقَرَّكَ أَقْرَضَتْهُ، وَإِنْ افْتَقَرَ عُدَّتْ
عَلَيْهِ، وَإِنْ أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ عَرَبَتْهُ، وَإِنْ أَصَابَهُ خَمْرٌ
هَتَأَتْهُ، وَإِنْ مَرَضَ عُدَّتْهُ، وَإِنْ مَاتَ أَجَبَتْ جَسَارَتَهُ،
وَلَا تَسْخُلُ عَلَيْهِ بِالْبَاءِ فَتَخْجُبَ عَنْهُ الرِّيحُ لَا يَدِيهِ،
وَلَا اشْتَرَيْتَ فَاكِبَةً فَأَهْدَيْتَهُ، إِنْ لَمْ تَقْعُلْ مَا ذُنِبَ لَهَا
بِزَّرًا، وَلَا تَخْرِجَ بِهَا وَلَدَكَ تَنْقِطُ بِهَا وَلَدُهُ، وَلَا تُؤْذِي
بِرِيحٍ قَدِيرَكَ إِلَّا أَنْ تَعْرِفَ لَهُ مِنْهَا^۲

۳/۲۵. حق همسایه

۳۷۳۳ پیامبر خدا ﷺ - درباره حقوق همسایه -، [حق
اوست که] اگر از تو کمک حواس، کمکش کنی اگر
از تو قرض حواس، به او قرض دهی اگر نیازمند
شد، نیازش را بر طرف سازی، اگر مصیبتی دید، او را
دلنداری دهی، اگر حیر او خوبی ای به او رسید، به
وی تبریک بگویی اگر بیمار شد، به عادتش بروی
اگر مُرد، در تشییع جنازه اش شرکت کنی و خانه ات
را بلندتر از خانه او سازی تا جلوی جریان هوا را بر
اثرگیری، مگر آن که خودش اجازه دهد هرگاه
بهره ای خریدی، برای او تعارف بفرستی و اگر این
کار را نمی کنی، میوه را محبوس به خانه ات ببری و
لرزه را همراه آن میوه، بیرون میاورد تا کودکان او
را این دیدن آن میوه در دست لرزیدن [ناراحت کنی
با بوی او یا دود] دهکت، او را ناراحت نکنی، مگر
آن که مقداری از عداوت آن را ببری او بفرستی.

الفصل السادس والعشرون. السفر

۱/۲۶. مَنَافِعُ السَّفَرِ

۳۷۳۴ رسول الله ﷺ سَابِرُوا وَاصْبِرُوا، وَجَاهِدُوا تَسْمُوا^۳
۳۷۳۵ عنه ﷺ سَابِرُوا وَاصْبِرُوا وَتُرْزُقُوا^۴

فصل بیست و ششم: مسافرت

۱/۲۶. فواید مسافرت

۳۷۳۴ پیامبر خدا ﷺ مسافرت کنید، تا تن درست
بمانید، و جهاد کنید، تا عیبت به دست ورید
۳۷۳۵. پیامبر خدا ﷺ مسافرت کنید، تا تن درست
بماند و روزی داده شوید

۲/۲۶. آدابُ السَّفَرِ

۳۷۳۶ رسول الله ﷺ الرَّحْمَقُ ثُمَّ الطَّرِيقُ^۵
۳۷۳۷. عنه ﷺ إِذَا كَانَ ثَلَاثَةٌ فِي سَفَرٍ فَلْيُؤَمِّرُوا أَحَدَهُمْ^۶

۲/۲۶. آداب مسافرت

۳۷۳۶ پیامبر خدا ﷺ: نخست هم سفر، آن گاه سفر
۳۷۳۷. پیامبر خدا ﷺ: هر گاه سه نفر هم سفر شدید،
از میان خود، یک نفر را به سالاری انتخاب کنید

۱ التکافی ج ۲ ص ۲۶۷ ح ۶ ۲ حکن التوابع ص ۱۰۵
۳ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۲۶۵ ح ۲۲۸۷
۴ کتالفتاوی ج ۶ ص ۲۰۱ ح ۱۷۴۶۹
۵ المجلس ج ۲ ص ۱۰۰ ح ۱۳۶۴
۶ کتالفتاوی ج ۶ ص ۷۱۷ ح ۱۷۵۵۰

۳۷۳۸ مکارم الأخلاق. ذَكَرَ عَبْدَ السَّيِّئِ ﷺ رَجُلٌ مَقْبُولٌ لَهُ خَيْرٌ. قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ، خَرَجَ مَعَا حَاحًا فَإِذَا نَزَلْنَا لَمْ يَزَلْ يَهْلُلُ أَقَّةَ حَتَّى تَرْتَجِلَ، فَإِذَا ارْتَحَدْنَا لَمْ يَزَلْ يَذْكُرُ أَقَّةَ حَتَّى نَسِيْلَ. فَقَالَ السَّيِّئُ ﷺ فَصَرَكَ يَكْمِيهِ غُلْفَ سَاقَتِهِ، وَصُنِعَ طَعَامِيهِ؟ قَالُوا كَلَّا. فَقَالَ ﷺ كُلُّكُمْ حَيْرٌ مِثْلِي^۱

۳۷۳۹ رسول الله ﷺ. إِذَا خَرَجَ أَحَدُكُمْ إِلَى سَفَرٍ ثُمَّ قَدِمَ عَلَى أَهْلِهِ فَلْيَهْدِهِمْ وَلْيَهْطِرْهُمْ وَلَوْ جِجَارَةً^۲

الفصل السابع والعشرون المشاورة

۲۷ / ۱ الْحَثُّ عَلَى الْمَشَاوَرَةِ

الكتاب

«وَتَشِيرَ اسْمَاجَانُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنشَرُوا شُورَى بَيْنَهُمْ وَمَعَارِفَهُمْ تَتَفَقَّهُونَ»^۳

الحدیث

۳۷۴۰ رسول الله ﷺ لَا مَظَاهِرَ أَوْثَقُ مِنَ الْمَشَاوَرَةِ^۴
۳۷۴۱ عنه ﷺ مَا مِنْ رَجُلٍ يُشَاوِرُ أَحَدًا إِلَّا هَبِيَ إِلَى الرَّشْدِ^۵

۲ / ۲۷ مَنْ لَا يَنْدَفِعُ مُشَاوَرَتَهُمْ

۳۷۴۲ رسول الله ﷺ - إِبْنِي ﷺ - يَا عَلِيُّ، لَا تُشَاوِرْ

۳۷۳۸ مکارم الأخلاق در حضور پیامبر ﷺ از مردی سخن به میان آمد و گفته شد او آدم خوبی است [تبر] گفت این پیامبر خدا! آن مرد هم سفر حج می‌آید هر گاه در مرگلی پناهی می‌شدیم، ریش به ذکر «لا إله إلا الله» پیوسته گویا بود، تا آن که حرکت می‌کردیم و در پس راه بر همواره ذکر خدا می‌گفت، تا دوباره تفرق می‌کردیم

پیامبر ﷺ فرمود: «پس چه کسی شترش را علوفه می‌داد و علفش را درست می‌کرد؟»
گفت همه ما

پیامبر خدا فرمود: همه شما از او بهره‌مند!

۳۷۳۹ پیامبر خدا ﷺ هر گاه یکی از شما به سفر رفت، هنگام بازگشت، حتی اگر شده یک قطعه نان، برای خانواده‌اش هدیه و تحفه بیاورد

فصل بیست و هفتم مشورت

۲۷ / ۱ یشوبق به مشورت

قرآن

«وَكَسَانِي كَهْ بِه [بَدَا] بِرُودِ الْكَارِثَانِ، بِسَخ [مَشَبَت] دَادَانَد و بار بر پا کرده‌اند و کارشان در میانشان مشورت است و از آنچه روری‌شان کرده‌ایم، اتفاق می‌کند»

حدیث

۳۷۴۰ پیامبر خدا ﷺ هیچ پشت‌گر می‌ای، استوارتر از مشورت نیست

۳۷۴۱ پیامبر خدا ﷺ هیچ مردی نیست که با کسی مشورت کند، مگر آن که به راه درست [برای حل مشکل خود]، رهنمون می‌شود

۲ / ۲۷ کسانی که شایسته مشورت نیستند

۳۷۴۲ پیامبر خدا ﷺ - به امام علی ﷺ - ای علی!

۱ مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۵۶۴ ح ۱۹۵۵

۲ مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۵۶۴ ح ۱۹۵۸

۳ الشوری ۳۸

۴ المجلس ج ۲ ص ۴۳۵ ح ۲۵۰۹

۵ مجمع بیاد ج ۹ ص ۵۱

جَبَانًا فَإِنَّهُ يُضَيِّقُ عَلَيْكَ الصَّخْرَ، وَلَا تُشَاوِرِ بَخِيلَ
فَأِنَّهُ يَقْصُرُ بِكَ عَنْ عَائِيَتِكَ، وَلَا تُشَاوِرِ حَرِيصًا فَإِنَّهُ
يُزِيلُ لَكَ شَرَّهَا.^۱

۲۷ / ۳. مَنْ يُنْجِ فِي مُشَاوَرَتِهِمْ

۲۷۴۳ رسول الله ﷺ: اسْتَرْشِدُوا الْعَاقِلَ، وَلَا تَحْصُوا
فَقْدَمُوا.^۲

۳۷۴۴ عَنْهُ ﷺ: مُشَاوَرَةُ الْعَاقِلِ النَّاصِحِ رُشْدٌ وَمَنْ
وَتَوْفِيقٌ مِنَ اللَّهِ، عِدَدُ أَشَارٍ عَلَيْكَ النَّاصِحِ الْعَاقِلِ فَإِنَّكَ
وَالْجَلَّافَ؛ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ الْقَطْبَ.^۳

۲۷ / ۴. التَّحْذِيرُ مِنْ خِيَانَةِ الْمُسْتَشِيرِ

۳۷۴۵ رسول الله ﷺ: مَنْ عَشَّ الْمُسْلِمِينَ فِي مَشْوَرَةٍ
فَهُدَّ بَرْتٌ بِهِ.^۴

۳۷۴۶ عَنْهُ ﷺ: مَنْ اسْتَشَارَهُ أَحَدُ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ
يَمْنُحُضَةِ النَّصِيحَةِ سَلَبَهُ اللَّهُ لُبَّهُ.^۵

الفصل الثَّامِنُ وَالْعِشْرُونَ: الْفَالُ وَالطَّيْرَةُ

۲۸ / ۱. مَدْحُ الْفَالِ

۳۷۴۷ رسول الله ﷺ: نِعَمَ الشَّيْءِ الْقَالَ: الْكَلِمَةُ بِحَسَنَةٍ
يَسْتَعْمِلُهَا أَحَدُكُمْ.^۶

با ترمو، مشورت مکن؛ زیرا او راه حل مشکل را
یر تو تنگ می‌کند. با بخیل نیز مشورت مکن؛ زیرا
او تو را از هدایت، باز می‌دارد. با شخص حریص
بیز مشورت مکن؛ زیرا او آرمندی را در نظرت،
بیکو جلوه می‌دهد.

۲۷ / ۳. افراد شایسته مشورت

۳۷۴۳. پیامبر خدا ﷺ: «در برخوردمند، راهمایی بگیرید
و با او مخالفت نکنید، که پشیمان می‌شوید.

۳۷۴۴. پیامبر خدا ﷺ: مشورت کردن با خردمند
جبر حواء، [مایه] هدایت و میست است و توفیقی
لصیت از جانب خداوند. پس هر گاه مشاوره
دلایل و خردمند، تو را راهمایی کرد، مباد
مخالفت کنی، که موجب نابودی می‌شود.

۲۷ / ۴. هشدار درباره خیانت در مشورت

۳۷۴۵. پیامبر خدا ﷺ: هر که به مسلمانان، در مشورتی
حیانت کند، من از او بیزارم

۳۷۴۶. پیامبر خدا ﷺ: هر که برادر مؤمنش با وی
مشورت کند و او صادقانه راهمایی‌اش نکند،
خداوند، عقیقش را از او می‌گیرد

فصل بیست و هشتم: فال نیک و فال بد

۲۸ / ۱. ستایش فال نیک زین

۳۷۴۷. پیامبر خدا ﷺ: چه خوب چیزی است فال
خوب زدن؛ سخن یکی که فردی از شما آن را
می‌شود!

۱. علی السرائع ص ۵۵۹ ح ۱

۲. الأملی للطوسی ص ۱۵۳ ح ۲۵۲

۳. المحاسن ج ۲ ص ۱۳۸ ح ۲۵۱۹

۴. هیون اخبار الرضا ج ۲ ص ۶۶ ح ۲۹۶

۵. بحار الأنوار ج ۷۵ ص ۱۰۴ ح ۳۶

۶. کنز العمال ج ۱۰ ص ۱۱۷ ح ۲۸۵۹۳

۳۷۴۸. عَنْهُ ﷺ أَصْدَقُ الطَّيْرِ الْقَالَ^۱

۳۷۴۸. پیامبر خدا ﷺ راست‌ترین فال، فال خوب

است

۲/ ۲۸ انْتَهَى عَنْ التَّطْيِيرِ

۲/ ۲۸ نهی از فال بد زدن

الكتاب

قرآن

﴿قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَكُونُوا لَنَرَجِعَنَّكُمْ

﴾ [به فرستادگان خدا] پاسخ دادند: «ما [حضور] شما را به

شکوی بد گرفته‌ایم. اگر دست بر ندارید سگسارگان

می‌کنیم و قطعاً عذاب دردناکی از ما به شما خواهد

رسید»

۳۷۴۹ رسول الله ﷺ الطَّيْرَةُ شِرْكٌ^۲

حدیث

۳۷۵۰ عَنْهُ ﷺ مَنْ رَدَّتْهُ الطَّيْرَةُ عَنْ حَاجَتِهِ فَقَدْ شَرِكَ^۱

۳۷۴۹ پیامبر خدا ﷺ فال بد زدن، شرک است

۳۷۵۱ عَنْهُ ﷺ لَا طَيْرَةَ وَلَا شَوْمَ^۵

۳۷۵۰ پیامبر خدا ﷺ هر که فال بد زدن، او را از کارش

ناک دارد، شرک ورزیده است

۳/ ۲۸ مَا يَنْفَعُ عِنْدَ الْمُطْيِيرِ

۳۷۵۲ رسول الله ﷺ كَفَّارَةُ الطَّيْرِ الْتَوَكُّلُ^۱

۳۷۵۱ پیامبر خدا ﷺ به فال بد، درست است... و به

۳۷۵۲ عَنْهُ ﷺ إِذَا تَطَيَّرْتَ فَاْمَعْصِ وَأَدَا طَبْتَ وَلَا تَقْصِ، شَوْمِ

شَوْمِ

وإِذَا خَشَدْتَ فَلَا تَجِ^۲

۳/ ۲۸ آنچه در مواجهه با فال بد، سزوار است

۳۷۵۱ مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ إِنَّ النَّمِيَّ ﷺ كَانَ يُجِبُّ الْقَالَ

۳۷۵۲ پیامبر خدا ﷺ کفاره فال بد، توکل است

الْحَسَنَ وَتَكْرَهُ الطَّيْرَةَ، وَكَانَ ﷺ يَأْمُرُ مَنْ رَأَى

۳۷۵۳ پیامبر خدا ﷺ هرگاه فال بدی ردی، کارت را

شَيْئاً يَكْرَهُهُ وَيَطْيِيرُ بِهِ أَنْ يَهْوَلَ اللَّهُمَّ لَا يُؤْتِي

انجام بده [و به آن فال، اعتنا مکن]. هرگاه گمان

الْخَيْرِ إِلَّا أَنْتَ، وَلَا تَدْفَعُ الشَّيْئَاتِ إِلَّا أَنْتَ وَلَا حَوْلَ

بردی، [تا بفهم پیدا مکرده‌ای،] داوری مکن و هر

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ^۴

گاه حس حسادت در تو به وجود آمد، آن را دنبال

نکن

۳۷۵۴ مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ: پیامبر خدا ﷺ فال خوب زدن را دوست

۱ کثر المال ج ۱ ص ۱۱۶ ح ۲۸۵۸۱

داشت و فال بد زدن را خوش نداشت و می‌فرمود:

۲ یس ۱۸

«هر کس چیر باخوشایندی دید که به نظرش

۳ کثر المال ج ۱ ص ۱۱۱ ح ۲۸۵۵۶

بدشگون می‌آید، بگوید: «خدا یا! حوی را کسی جر

۴ کثر المال ج ۱ ص ۱۱۳ ح ۲۸۵۶۶

نویسمی دهد و بدی‌ها را کسی جز تو، دفع نمی‌کند و

۵ الکافی ج ۸ ص ۱۹۶ ح ۲۳۱

هیچ دگرگونی و برویی نیست، مگر به [باری] تو»

۶ الکافی ج ۸ ص ۱۹۸ ح ۲۳۶

۷ تحف الموعود ص ۵۰

۸ مکارم الأخلاق ج ۲ ص ۱۵۳ ح ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵

الفصل التاسع والعشرون: الأشرار

فصل بیست و نهم: بدان

۱/ ۲۹ شرُّ الناس

۱/ ۲۹ بدترین مردم

الكتاب

قرآن

﴿إِنَّ شَرَّ الدَّوَاءِ عِنْدَ اللَّهِ الْعُطْمُ الْبُطْمُ الْبَيْنُ لَا يَعْقِلُونَ﴾^۱

﴿قطعا بدترین چسبندگان نزد خدا، کُتان و لالائی‌اند که سرانندیشند﴾

الحديث

حدیث

۳۷۵۵ رسول الله ﷺ: شَرُّ النَّاسِ مَنْ بَاعَ أَجْرَتَهُ بِدُنْيَا، وَ شَرُّ مِنْ ذَلِكَ مَنْ بَاعَ أَجْرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ^۲

۳۷۵۵. پیامبر خدا ﷺ: بدترین مردم، کسی است که آخرتش را به دیبایش بفروشد و بدتر از او، کسی است که آخرت خود را برای دیبای دیگران بفروشد.

۳۷۵۶ عنه ﷺ: شَرُّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الدَّسُّ يُكْرِمُونَ أَتْقَاءَ شَرِّهِمْ^۳

۳۷۵۶. پیامبر خدا ﷺ: روز قیامت، بدترین مردم در پیشگاه خدا، کسانی هستند که مردم از ترس گزندشان به آنها احترام بگذارند.

۳۷۵۷ عنه ﷺ: لَمَّا سُتِنَ غِيَّ شَرِّ النَّاسِ - الْكُفَّاءُ دَاخِلُهُمْ^۴

۳۷۵۷. پیامبر خدا ﷺ: در پاسخ به این سؤال که بدترین مردم چه کسانی هستند - «عالمان، هرگاه که فاسد شوند»

۳۷۵۸ عنه ﷺ: مَنْ فِي شَرِّ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ نَكَرَهُ مُحَاسِنُهُ يُحَاسِنُهُ^۵

۳۷۵۸. پیامبر خدا ﷺ: یکی از بدترین بندگان خدا، کسی است که بر اربابِ دین، کسی رغبت به همیشگی نأورد می‌کند.

۳۷۵۹. الإمام الضَّافِي عَنْ أَبِيهِ ﷺ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَلَا أُبَيِّنُكُمْ شَرَّ النَّاسِ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: مَنْ أُنْعَضَ النَّاسُ وَبُغِضَهُ النَّاسُ، ثُمَّ قَالَ: أَلَا أُبَيِّنُكُمْ شَرَّ مِنْ هَذَا؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: الَّذِي لَا يَقِيلُ عَثْرَهُ، وَلَا يَهْبِلُ مَعْدِرَهُ، وَلَا يَحْمِلُ دُبًّا. ثُمَّ قَالَ: أَلَا أُبَيِّنُكُمْ شَرَّ مِنْ هَذَا؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ:

۳۷۵۹. امام ضافى رحمه الله - به نقل از پدرانش رحمه الله - پیامبر ﷺ فرمود: «آیا شما را از بدترین افراد مردم، آگاه سازم؟»

گفتند: چرا، ای پیامبر خدا! فرمود: «کسی که مردم را دشمن بدارد و مردم بر او را دشمن بدارند»

سپس فرمود: «آیا بدتر از این را به شما شناسانم؟»

گفتند: چرا، ای پیامبر خدا! فرمود: «کسی که از لعنشی در نمی‌گذرد و لعنشی را نمی‌پذیرد و گاهی را نمی‌بخشد».

پس فرمود: «آیا شما را به بدتر از این فرد، آگاه

۱. الاعمال ۲۲

۲. مکرم الأعلانی ج ۲ ص ۳۱۹ ح ۳۶۵۶

۳. الکافی ج ۲ ص ۳۲۷ ح ۲

۴. شعب اللمعول ص ۳۵

۵. الکافی ج ۲ ص ۳۲۵ ح ۸

مَنْ لَا يُؤْمِنُ شِرَّةً وَلَا يُرْجَى خَيْرُهُ^۱

سازم^۲

گفتد چرا ای پیامبر خدا!

فرمود: آنکسی که نه از شرش ایمنی هست، و نه به

خیرش امید ی

۲/۲۹ شَرَارُ لِلخَلْقِ

۳۷۶۰ رسول الله ﷺ: أَلَا إِنَّ بَعْدَ رِمَانِكُمْ هَذَا رِمَانًا

عُضُوصًا، يَتَعَصَّرُ الثَّوْبِيرُ عَلَى مَا فِي يَدَيْهِ حِدَارَ

الْإِتِّفَاقِ، وَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿وَمَا أَنْفَعْتُمْ مِنْ شَيْءٍ

فَهُوَ يَحْلِفُهُ﴾^۱ وَسَيَكُونُ شِرَارُ الْخَلْقِ يُبَايِعُونَ كُلَّ مُصْطَرٍّ

أَلَا إِنَّ بَيْعَ الْمُصْطَرِّينَ حَرَامٌ^۲

۲/۲۹ مدفویین خلاقی

۳۷۶۰ پیامبر خدا ﷺ: بدانید که بعد از این دورگار شما،

دورکاری بین سخت، هرا می رسد؛ توانگر، آنچه را

دارد، از ترس اتفاق، با چنگ و دندان، بگه می دارد،

حال آن که خداوند متعال فرموده است: ﴿اگر چیزی

مفاد بکنید عوضش را می دهد﴾ سر آمد بدترین حلاق.

کسانی هستند که با افراد مُصْطَر، معامله می کنند

بدانید که معامله با افراد مُصْطَر، با و است

۳/۲۹ فَوْقَ كُلِّ شَرٍّ

۳۷۶۱ رسول الله ﷺ: حَصَلَتَايَ لَيْسَ فَوْقَهُمَا مِثْلُ الْبِرِّ

شَيْءٍ، الْإِيمَانُ بِاللهِ وَالنَّفْعُ لِإِبَادِهِ، وَحَصَلَتَايَ لَيْسَ

فَوْقَهُمَا مِثْلُ الشَّرِّ شَيْءٌ، الشَّرُّ بِاللهِ وَالصِّرُّ لِإِبَادِهِ^۱

۳/۲۹ بالاتر از هر بدی

۳۷۶۱ پیامبر خدا ﷺ: دو کار است که هیچ کار خوبی

بالا نیل از دو بیست ایمان به خدا و سود رساندن به

سندگان حاکم و دو کار است که بالاتر از آن دو، بدی ای

و شر و ندارد: شرک و رزیدن به خدا و زیان رساندن به

سندگان خدا

الفصل الثلاثون: اللعن

۱/۳۰ النَّهْيُ عَنِ لَعْنِ غَيْرِ الْمُسْتَحَقِّ

فصل سیام: نفرین

۱/۳۰ نهی از نفرین کسانی که سزاوار آن نیست

۳۷۶۲ پیامبر خدا ﷺ: بفرین کردن مؤمن، مانند

کشتن گوسفست

۳۷۶۳ پیامبر خدا ﷺ: من، بفرینگر مبعوث نشده ام؛

بلکه برای رحمت، مبعوث شده ام.

۳۷۶۴ پیامبر خدا ﷺ: برای مؤمن، شایسته نیست

که بفرینگر باشد

۳۷۶۵ پیامبر خدا ﷺ: اگر می توانی چهری را بفرین

نکمی، نکمی

۳۷۶۲ رسول الله ﷺ: لَيْسَ الْمُؤْمِنُ كَمَنْبِهِ^۲

۳۷۶۳ عنه ﷺ: إِنِّي لَمْ أَبْعَثْ لِقَاءًا، وَإِنَّمَا بَعَثْتُ رَحْمَةً^۱

۳۷۶۴ عنه ﷺ: لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ لِقَاءًا^۲

۳۷۶۵ عنه ﷺ: إِنْ اسْتَطَعْتَ أَلَّا تَلْعَنَ شَيْئًا فافعل^۳

۱. الأمان للصدوق ص ۲۸۱ ح ۴۸۶

۲. س. ۳۹

۳. كنز العمال ج ۴ ص ۶۲ ح ۴۵۲۲

۴. مصابح الموعود ص ۳۵

۵. كنز العمال ج ۳ ص ۶۱۶ ح ۸۱۸۲

۶. كنز العمال ج ۳ ص ۶۱۵ ح ۸۱۷۶

۷. كنز العمال ج ۳ ص ۶۱۶ ح ۸۱۸۵

۸. كنز العمال ج ۲ ص ۶۱۷ ح ۸۱۹۲

۲/۳۰. الْمُطْعَمُونَ

الكتاب

﴿وَمَنْ أَطْعَمَ مِثْرَ أُخْزَىٰ عَلَىٰ آلِهِ ثَبَاتًا أَوْ لَيْسَ
يُطْرَضُونَ عَلَىٰ رِقَبِهِمْ وَيَقُولُ أَأَلْشُّبُّهُ هَؤُلَاءِ السَّبِينِ
كَذَّبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ آلَا نَعْنَةُ اللَّهِ عَلَىٰ الظَّالِمِينَ﴾^۱
﴿إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكُفَّارِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَجِيرًا﴾^۲

الحديث

۳۷۶۶ رسول الله ﷺ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ذَبَحَ لِحِمْرِ اللَّهِ. لَعَنَ اللَّهُ
مَنْ عَيَّرَ تُحُومَ الْأَرْضِ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ كَفَنَ الْأَعْمَىٰ عَنِ
السَّبِيلِ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَبَّ وَالِدَهُ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ تَوَلَّى
عَمْرَ مَوَالِيهِ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ عَمِلَ عَمَلِ قَوْمِ لُوطٍ ﴿لَعَنَ
اللَّهُ مَنْ عَمِلَ عَمَلِ قَوْمِ لُوطٍ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ عَمِلَ عَمَلِ
قَوْمِ لُوطٍ﴾^۳

۳۷۶۷ عنه ﷺ لَعَنَ اللَّهُ الرَّاشِيَّ، وَالْمُرْتَشِيَّ، وَالْمُشَاشِيَّ
بَيْنَهُمَا^۴

۳۷۶۸ عنه ﷺ ثَلَاثٌ، مَلْعُونٌ مَنْ فَعَلَهُنَّ، الصَّنْعُوطُ
فِي ظِلِّ الرِّئَالِ، وَالْمَانِعُ الْمَاءَ الْمُتَنَابِ، وَالسَّادُّ الطَّرِيقَ
الْمَسْلُوكَ^۵

۳۷۶۹ عنه ﷺ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ غَيَّبَ الدِّيَارَ وَالْدَّرْهَمَ^۶

۳۷۷۰ الإمام علي ﷺ: لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَشْرَةً: أَكِلَ
الرِّبَا، وَمُؤَكِّلُهُ، وَشَاهِدِيهِ، وَكَاتِبِيهِ، وَالْوَائِسِيَّةَ،

۲/۳۰. نهرین‌شدگان

قرآن

﴿و چه کسی مستکارتر از آن کس است که بر خدا دروغ
می‌بندد؟ آنرا، بر پروردگارشان عرضه می‌شود و
گواهین خواهند گشت﴾ «اینان بودند که بر پروردگارشان،
دروغ بستند. همانا نفرین خدا بر مستگران باد»
﴿خدا کافران را نفرین کرده و برای آنها آتش فروزانی
آماده کرده است﴾

حدیث

۳۷۶۶ پیامبر خدا ﷺ نهرین خدا بر کسی که برای
عبر خدا، ذبح کند نهرین خدا بر کسی که حدود زمین
را با تجاوز به حقوق دیگران به مع خود تغییر دهد!
نهرین خدا بر کسی که سابیها را از راه، منحرف کند
نهرین خدا بر کسی که به پدرش عتابی کند نهرین
خدا بر کسی که خود را به عبر مولایش نسبت دهد!
نهرین خدا بر کسی که عمل قوم لوط را انجام دهد!
نهرین خدا بر کسی که عمل قوم لوط را انجام دهد!
نهرین خدا بر کسی که عمل قوم لوط را انجام دهد!

۳۷۶۷ پیامبر خدا ﷺ مسهرین خدا بر رشو و دهنده
و رشوه‌ستان و واسطه‌مان آن دوا

۳۷۶۸ پیامبر خدا ﷺ سه چیز است که هر کس آنها را
انجام دهد، نفرین شده است. کسی که در سایه گاه‌ها [که]
مردم در آن جام می‌نشینند، [مدهوع کند؛ کسی که
جلوی بوبت آب [دیگران] را بگیرد؛ و کسی که راه
عبود و مرور مردم را ببندد

۳۷۶۹ پیامبر خدا ﷺ. نفرین شده است؛ نهرین شده
است کسی که بنده درهم و دینار باشد.

۳۷۷۰ امام علی ﷺ پیامبر خدا، ده نفر را نهرین فرمود
رباحوار و ربا دهنده و گواهان بر [دادن و ستاندن] ربا
و ثبت‌کننده ربا، زن خالکوب و رسی که برای آرایش
خود، به خالکوب مراجعه کند، کسی که از دادن رکعت

۱. هود ۱۸ ۲. الاحزاب ۶۴

۳. مستدرک حبی ج ۱ ص ۶۶۲ ح ۲۹۱۷

۴. معارج الأنوار ج ۱ ص ۱۰۲ ح ۳۷۶

۵. التکالیف ج ۲ ص ۳۹۲ ح ۱۲

۶. الخصال ص ۱۲۹ ح ۱۳۲

وَالْمُسَوِّمَةُ الْخُصِي. وَمَنْعَ الصَّدَقَةِ وَالْمُحْتَلِّ.
وَالْمُحْتَلُّ لَهُ^۱

خودداری ورزد، محتل^۱ و کسی که محتل بگیرد^۲.

فصل سی و یکم یتیم

الفصل الحادي والثلاثون: الیتیم

۱/۳۱ خوشویق به سرپرستی یتیمان

۱/۳۱ الْحَثُّ عَلَى رِعَايَةِ الْيَتَامِ

قرآن

الکتاب

«و چون از فرزندان اسرائیل پسران محکم گرفتیم که: اجر خدا را ببرستید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و مستمندان، احسان کنید و با مردم [به ریا] خوش، سخن بگویید و شمار را به پا دارید و زکات را بدهید، آن گاه جز نزدیکی از شما، [حکمی] به حالت اهراس روی برناتید»

﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِیْلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ
وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِی الْقُرْبَى وَالْحَسَنَى
وَالْأَسْفَی وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَقِیمُوا الصَّلَاةَ
وَأَتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّیْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ
تُحْفَظُونَ﴾^۳

حدیث

الحدیث

۳۷۷۱ پیغمبر خدا ﷺ هر کس یتیمی را سرپرستی کند
ما آتی که بی نیاز گردد، خداوند، به سبب این کار،
بهشت را بر او واجب می‌سازد، همچنان که آتش
بهشت را بر این خورنده مال یتیم، واجب ساخته است
۳۷۷۲ پیغمبر خدا ﷺ برای یتیم، چوون پدر مهریان
باشد و بدان که هر چه بکاری، همان را می‌دروی.
۳۷۷۳ پیغمبر خدا ﷺ هر کس بچه یتیم مسلمان را
را در خورد و خوراک خود، شریک گرداند، قطعاً
خداوند او را به بهشت می‌برد مگر این که گناهی
بناحقشود می مرتکب شود

۳۷۷۱ رسول الله ﷺ مَنْ عَالَ يَتِيمًا حَتَّى يُسَبِّحَ
عَمَهُ أَوْ حَبَّ اللَّهُ لَهُ بِذَلِكَ الْجَنَّةُ كَمَا أُوحِيَ لَاكِلِّ مَسْأَلٍ
الْيَتِيمِ النَّارَ^۴

۳۷۷۲ عَنْهُ ﷺ كُنْ لِلْيَتِيمِ كَالْأَبِ الرَّحِيمِ. وَاعْلَمْ أَنَّكَ
تَرْزُقُ كُلَّ [مَا] تَحْصُدُ^۵

۳۷۷۳ عَنْهُ ﷺ مَنْ قَبِضَ يَتِيمًا مِنْ بَنِي مُسْلِمِينَ إِلَى
طَعَامِهِ وَشَرَابِهِ أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ الْبَتَّةَ إِلَّا أَنْ يَمُوتَ
دَبًّا لَا تُعْمَرُ^۶

۳۷۷۴ امام علی علیه السلام - در وصیت خود، پیش از
شهادت - دربارهٔ بستان، از خدا برسد و مبادا یک

۳۷۷۴. الإمام علي عليه السلام - في وصيته قبل شهادته - الله الله

محبت، مردی را می‌گوید که با ازدواج و مزه‌یکی با زن
سه‌خلافه شد و او را برای ازدواج مسجدین با همسر
دینش، فراهم می‌کند

۱ کثر العمل ج ۵ ص ۸۵۸ ح ۱۴۵۶۰

۲ الهرة ۸۳

۳ کتاب من لا یحضره الفقه ج ۱ ص ۱۹۰ ح ۵۱۳۳

۴ کثر القوائد ج ۲ ص ۳۹

۵ الشریب والشریب ج ۳ ص ۳۱۷ ح ۵

۲ مقصود کسی است که پس از سه‌خلافه کردن همسر خود
برای این که همسرش دوباره بر او حلال شود، محتل بگیرد و
با او شرط کند که پس از مردن یکی یا همسر مطلقه‌اش، وی را
مطلق دهد م

سَيُالِيهِمُ الْآيَاتُ، فَلَا تُجِيبُوا أَمْوَالَهُمْ، وَلَا يَصْرِفُوهَا
بِعَصْرِ يَدَيْكُمْ، فَقَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ «مَنْ
عَالَ يَتِيمًا حَتَّى يَسْتَعْيِي وَجَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ بِذَلِكَ
الْجَنَّةُ كَمَا أُوجِبَ لِأَكْلِ مَالِ الْيَتِيمِ النَّارُ»^۱

۲/۳۱. أَكَلَ مَالِ الْيَتِيمِ

الكتاب

«إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ مِنْ
نُطُوبِهِمْ نَارًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ»^۲

الحديث

۳۷۷۵ رسول الله ﷺ شَرُّ الْمَاكِلِ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ ظُلْمًا^۱

۳۷۷۶ الإمام العطار رحمه الله عن رسول الله ﷺ: سَمِعْتُ أَسَاسَ
مَنْ قُبِرَ هُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَاجِحٌ أَمْوَالَهُمْ بَارَأً، فَقِيلَ لَهُ:
يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ هَؤُلَاءِ؟ قَالَ: الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ
الْيَتَامَى^۲

۳۷۷۷. عَنْهُ ﷺ لَنَا أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ زَابَتْ قَوْمًا
قُذِفَتْ فِي أَمْوَالِهِمُ النَّارُ، وَتُخْرِجُ مِنْ أَدْبَارِهِمْ،
قُلْتُ: مَنْ هَؤُلَاءِ يَا جَبْرِئِيلُ؟ فَقَالَ: هَؤُلَاءِ الَّذِينَ
يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا^۳

رور، سیرشان کنید و یک رور، گرسنه بمانند! مبادا که
با حضور شما، آنان از بین بروند! زیرا از پیامبر خدا
شلیم که می فرمود: هر کس یتیمی را سرپرستی کند
تا آن که بی یار شود، خداوند ﷻ با این کار، بهشت را
بر او واجب می گرداند، همچنان که آتش [دوزخ] را بر
خورنده مال یتیم، واجب ساخت است^۴.

۲/۳۱. خوردن مال یتیم

مرآن

«در حقیقت، کسانی که اموال یتیمان را به ستم می خورند،
چرا این است که آشی در شکم خود، فرو می رود و به
رودی، در آشی فروزان، در می آیند»

حدیث

۳۷۷۵/ پیامبر خدا ﷺ مدثرین حوراکها، به دحق
خوردن مال یتیم است.

۳۷۷۶ امام باقر رحمه الله پیامبر خدا فرمود: «در رور
قیامت، هذای از گورهایشان بیرون می آیند، در
حالی که از دهان هایشان، آتش رمانه می کشد»

گفته شد ای پیامبر خدا! آنان، چه کسانی
هستند؟

فرمود: کسانی که اموال یتیمان را

می خورند...

۳۷۷۷ پیامبر خدا ﷺ شیی که به آسمان برده شد،

گروهی را دیدم که در شکم های آنان، آتش افکنده
می شود و از ماتحتشان بیرون می آیند گشتیم. ای
جبرئیل! بها کیستند؟

گفت: اینها کسانی هستند که اموال یتیمان را به

دحق می خورند

۱. أصْبُ الْقَوْمِ جَاءَهُمْ يَوْمًا وَتَرَكَ يَوْمًا فَالْفَاهِمُ الْمَحْبُطُ ج ۱
ص ۱۰۹ ای: چیلوا افواههم بالإطعام ولا تعطوه عنها (کما
فی هامش نهج البلاغه ص ۱۰۹) الدكتور صبحی الصالح

۲. الکافی ج ۷ ص ۵۱ ح ۷ ۳ النباء ۱۰

۳. کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۳۷۷ ح ۵۷۶

۴. تفسیر المیزانی ج ۱ ص ۲۲۵ ح ۴۷

۵. تفسیر القصص ج ۱ ص ۳۲



مرکز تحقیقات کتابخانه و اسناد ملی

فهرست تفصیلی

۲۱	۱/۲. خردورزی	۷	پیش‌گفتار
۲۱	۲/۲. تفکر	۹	مقدمه «گریده»
۲۲	۳/۲. ژرفاندیشی	۹	معرفی کتاب حاضر
۲۳	۲/۲. هشدار درباره ترک خردورزی		
۲۳	۵/۲. نقش خردورزی در پاداش اعمال		بخش یکم حکمت‌های عقلی و علمی
۲۳	فصل چهارم عوامل تثبیت عقل	۱۵	باب یکم عقل و جهل
۲۳	۱/۲. دانش	۱۵	معنای «عمل» و «جهل»
۲۳	۲/۲. پروا پندگی	۱۶	واژه «عمل» در بحث
۲۴	۳/۲. تلاوت قرآن	۱۶	واژه «عقل» در حدیث اسلامی
۲۴	۴/۲. جهاد در راه خدا	۱۶	خطر جهل
۲۴	فصل پنجم نشانه‌های عقل	۱۶	معنای واژه «جهل»
۲۴	۱/۵. آثار و فواید عقل	۱۹	فصل یکم شناخت عمل
۲۵	۲/۵. آزمون عقل	۱۹	۱/۱. حقیقت عمل
۲۶	۳/۵. ویژگی‌های عاقلان	۱۹	۲، ۱. امریشتن عقل و جهل
۲۶	۴/۵. عاقل‌ترین مردم	۲۰	فصل دوم ارزش عمل
۲۶	۵/۵. آنچه بر عاقلان واجب است	۲۰	۱/۲. هدیه‌ای از سوی خداوند
۲۷	۶/۵. آنچه شایسته عاقلان است	۲۰	۲/۲. بهترین بحثش
۲۷	فصل ششم اسب‌های عقل	۲۰	۳/۲. ریشه انسان
۲۸	فصل هفتم جهل	۲۱	۴/۲. دوست انسان
۲۸	۱/۷. هشدار درباره جهل	۲۱	فصل سوم تشریح بر خردورزی، تفکر...

۲۵	۵/۱ برتری طلب علم بر عبادت	۲۸	۲/۷ لزوم کرج از جوامع جاهل
۲۵	۶/۱ نباید طلب علم	۲۸	فصل هشتم نشانه های جاهل
۲۷	۷/۱ هشدار درباره ترک آموختن	۳۰	فصل نهم آنچه شایسته جاهل است
۲۸	فصل دوم راه های معرفت	۳۰	۱/۹ آموختن
۲۸	۱/۲ آموختن و اندیشیدن	۳۰	۲/۹ درنگ کردن در موارد تردید
۲۸	۲/۲ وحی	۳۰	فصل دهم آنچه در معاشرت با جاهل، شایسته است
۲۹	۳/۲ الهام	۳۰	۱/۱۰ سلام کردن، هنگام روبارویی
۲۹	فصل سوم موانع معرفت	۳۱	۲/۱۰ خاموشی، هنگام کشمکش
۲۹	۱/۳ هواپرستی	۳۱	۳/۱۰ کناره گیری
۵۰	۲/۳ دسادوسی	۳۲	فصل یازدهم جاهلیت بحسب
۵۰	۳/۳ کد	۳۲	۱/۱۱ معنای جاهلیت
۵۰	۴/۳ پستردنی	۳۳	سخنی درباره جاهلیت
۵۱	۵/۲ ستم	۳۵	۲/۱۱ خوی های جاهلی
۵۱	۶/۳ حسد	۳۵	۳/۱۱ کردارهای جاهلی
۵۱	۷/۲ اذرو	۳۶	۴/۱۱ محور عادات جاهلی از سوی اسلام
۵۱	۸/۲ آر	۳۷	۵/۱۱ سبب های جاهلی نباید شده و ماندگار
۵۲	۹/۳ تعصب	۳۸	فصل دوازدهم جاهلیت درم
۵۲	۱۰/۲ پُرحوری	۳۸	۱/۱۲ بازگشت به جاهلیت
۵۲	فصل چهارم عوامل بر طرف شدن حجاب های معرفت	۳۸	۲/۱۲ عوامل بازگشت به جاهلیت
۵۲	۱/۴ قرآن	۴۰	باب دوم علم، حکمت و معرفت
۵۲	۲/۴ ذکر	۴۰	معنای علم، حکمت، و معرفت
۵۳	۳/۴ استعداد	۴۰	علم و معرفت، در قرآن و حدیث
۵۳	فصل پنجم اثر علم و حکمت	۴۱	حکمت، در قرآن و حدیث
۵۴	۱/۵ ایمان	۴۲	فصل یکم. شویین به طلب علم و حکمت
۵۴	۲/۵ خفا ترسی	۴۲	۱/۱ ارزش علم
۵۴	۳/۵ عمل	۴۲	۲/۱ ارزش حکمت
۵۴	۴/۵ درستی	۴۳	۳/۱ و حوب آموختن بر همه مسلمانان
۵۵	فصل ششم آداب آموختن	۴۴	سخنی درباره از گهواره تا گور، دانش بجوی
۵۵	۱/۶ آنچه در طلب علم، شایسته است	۴۵	۴/۱ ارزش طالب علم

۶۸	۵/۱۱. پسته نکر دل به داسته	۵۸	۲/۶ آنچه در طب علم، شایسته نیست
۶۹	فصل دوازدهم آنچه برای عالم، شایسته نیست	۵۹	فصل هفتم احکام آموزش
۶۹	۱/۱۲. عمل نکردن	۵۹	۱/۷ آنچه آموزش، واجب است
۶۹	۲/۱۲. دیادوستی	۶۰	۲/۷ آنچه در آموزش، شایسته است
۶۹	۳/۱۲. معاشرت با پادشاه شنگر و ...	۶۰	۳/۷ آنچه آموزش، حرام است
۷۰	۴/۱۲. برتری طلبی	۶۱	۴/۷ آنچه آموزش، شایسته نیست
۷۰	۵/۱۲. خودنمایی	۶۱	فصل هشتم تشویق به آموزش
۷۰	فصل سیزدهم حقوق عالم	۶۱	۱/۸. وجوب آموزش
۷۰	۱/۱۳. احترام گذاشتن به عالم	۶۲	۲/۸ ارزش آموزش
۷۰	۲/۱۳. تواضع در برابر عالم	۶۲	۳/۸ ارزش آموزگار
۷۱	۳/۱۳. همبستگی با عالم	۶۲	فصل نهم ادب آموزش
۷۱	فصل چهاردهم. عالمان بد	۶۲	۱/۹. اخلاص
۷۱	۱/۱۴. هشدار به عالم بی عمل	۶۲	۲/۹ رفتار برابر با علم آموزان
۷۱	۲/۱۴. عالم بی عمل، جاهل نادان است	۶۲	۳/۹ بزرگداشت علم آموزان
۷۲	۳/۱۴. سخنی حسابرسی عالمان	۶۳	۴/۹ مدارا
۷۲	۴/۱۴. کبر عالمان بد	۶۵	۵/۹. گفتی انبی دانه
	بخش دوم. حکمت های اعتقادی	۶۵	فصل دهم. ارزش عالمان
		۶۵	۱/۱۰. ایمان خد
۷۵	باب یکم ایمان	۶۵	۲/۱۰. دوئان پیامبران
۷۵	فصل یکم شناخت ایمان	۶۶	۳/۱۰. برتری شریک آنان بر خورن شهیدان
۷۵	۱/۱. معنای ایمان	۶۶	۴/۱۰. مرگشان شکافی در دهن است
۷۶	۲/۱. حقیقت ایمان و شایع های آن	۶۶	۵/۱۰. برتری عالم بر عابد
۷۷	۳/۱. ریشه ایمان	۶۷	۶/۱۰. عالمان در روز رستاخیز
۷۸	۴/۱. محکم ترین دستگیره های ایمان	۶۷	فصل یازدهم آنچه برای عالم، شایسته است
۷۸	فصل دوم آنچه ایمان داشتن به آن، ضروری است	۶۷	۱/۱۱. عمل
۷۸	۱/۲. عیب	۶۸	۲/۱۱. اخلاق پسندیده
۷۸	۲/۲. حد و فرشتگان و کتاب ها و پیامبران	۶۸	۳/۱۱. بردباری
۷۹	۳/۲. آخرت	۶۸	۴/۱۱. مبارزه با بدعت

۲/۲. آخرین پیامبر ﷺ و آنچه بر تو نازل شد .	۷۹	فصل هشتم ویژگی های مؤمن	۹۰
فصل سوم بیاد های ایمان	۷۹	۱/۸ ویژگی های درویش	۹۰
۱/۳ چرد	۷۹	۲/۸ ویژگی های اجتماعی	۹۱
۲/۳ دانش	۸۰	۳/۸ ویژگی های عملی	۹۲
۳/۳ وحی	۸۰	فصل نهم یقین	۹۳
۴/۳ توفیق	۸۰	۱/۹ فصیلت یقین	۹۳
فصل چهارم افت های ایمان	۸۱	۲/۹ عدم الیقین	۹۳
۱/۴ مضم	۸۱	۳/۹ تفسیر یقین	۹۴
۲/۴ شری	۸۱	۴/۹ شانم های اعلی یقین	۹۴
۳/۴ عنو	۸۱	۵/۹ آثار یقین	۹۵
۴/۴ دروغ گوئی	۸۲	فصل دهم وسوسه	۹۵
۵/۴ آزار مؤمن	۸۳	۱/۱۰ وسوسه در اعتقادات	۹۵
سخنی درباره امکان یا عدم امکان روال ایمان	۸۴	۲/۱۰ درمان وسوسه	۹۶
فصل پنجم مراتب ایمان	۸۵	۳/۱۰ گذشت حد از وسوسه	۹۶
۱/۵ آنچه مؤمنان را بر یکدیگر برترش	۸۵	فصل یکم شناخت خدا	۹۷
۲/۵ بالاترین مراتب ایمان	۸۵	۱/۱ ارزش شناخت خدا	۹۷
۳/۵ راه رسیدن به بالاترین مراتب ایمان	۸۶	۲/۱ راه نمایان به سوی معرفت خدا	۹۷
فصل ششم آثار و برکات ایمان	۸۷	سخنی درباره احادیث شناخت خدا از طریق حداه	۹۹
۱/۶ شناخت	۸۷	۱ شناخت خدا از طریق آثار	۹۹
۲/۶ احلاقی پسندیده	۸۷	۲ شناخت خدا از طریق تریه و تقدیس	۹۹
۳/۶ نجات مردم از ولایت طاعت	۸۷	۳ شناخت خدا از طریق شهود قلبی	۱۰۰
۴/۶ خیر دنیا و آخرت	۸۸	۳/۱ فطرت توحیدی	۱۰۱
فصل هفتم ارزش ایمان	۸۸	سخنی درباره فطرت خدا شناسی	۱۰۲
۱/۷ فضیلت ایمان	۸۸	روشن ترین براهین توحید فطری	۱۰۳
۲/۷ جایگاه مؤمن در پیشگاه خداوند	۸۹	۲/۱ دیدن خدا مادل	۱۰۴
۳/۷ کرامت مؤمن	۸۹	سخنی در بطلان عقیده به امکان رؤیت خدا یا چشم	۱۰۵
۴/۷ برکت مؤمن در هستی	۸۹	۵/۱ خود شناسی و خدا شناسی	۱۰۶
۵/۷ برکت مؤمن در جامعه	۹۰		

۱۱۹	۱/۲، ارزش توحید	۱۰۷	تحلیلی درباره نقش خودشناسی در خداشناسی
۱۲۰	۲/۲، معنای توحید	۱۰۷	انقسام احادیث دعوت به خودشناسی
۱۲۰	۳/۲، توحید در آفرینش	۱۰۸	۶/۱، شبهه های خداشناسی
۱۲۱	۴/۲، توحید ربوبی	۱۰۹	ناملی درباره نقش خودشناسی در خداشناسی
۱۲۱	۵/۲، توحید در عبادت	۱۰۹	۱ پیدایش انسان از خاک
۱۲۲	سخنی درباره توحید در عبادت	۱۰۹	۲ صورت بندی جسمی
۱۲۳	فصل سوم شناخت اسم و صفات خدا	۱۰۹	۳ پیدایش حیات
۱۲۳	۱/۲، تعدد نام های خدا	۱۰۹	۴، خواب
۱۲۳	۲/۲، روایاتی در تفسیر اسم اعظم	۱۱۰	۵ روری
۱۲۵	پژوهشی درباره معنای اسم اعظم	۱۱۰	۶ همر
۱۲۵	بهترین تحقیق در تبیین اسم اعظم	۱۱۰	۷ پوشاک
۱۲۷	۳/۲، بایسته های در شناخت صفات خدا	۱۱۰	۸ ابزارهای یادگیری
۱۲۷	۴/۲ احد	۱۱۱	۹ اختلاف ریاها و شکل ها
۱۲۸	۵/۲ اول، آخر	۱۱۲	۴/۱ راه های رسیدن به بالاترین
۱۲۸	۱۵/۲ باری	۱۱۳	سخنی درباره راه های رسیدن به ...
۱۲۹	۷/۲ باسط، قاصص	۱۱۳	یک باد خدا
۱۲۹	۸/۲ باقی	۱۱۳	حقیقت دگر
۱۳۰	۹/۲ بدی، بدیع	۱۱۴	در رعایت ادب خدا حور و ...
۱۳۱	۱۰/۲ بصیر	۱۱۴	سه ولایت اهل بیت
۱۳۱	۱۱/۲ تواب	۱۱۴	چهار، استمداد از خداوند متعال
۱۳۲	۱۲/۲ جابر، جبار	۱۱۵	پنج احیای حق و میراندن نفس
۱۳۳	۱۳/۲ حافظ، حمید	۱۱۶	۸/۱ آثار معرفت خدا
۱۳۳	۱۴/۲ حاکم	۱۱۸	چکیده ایچه درباره نقش خداشناسی گذشت
۱۳۴	۱۵/۲ حکیم	۱۱۸	بخش اول نقش خداشناسی در زندگی فردی
۱۳۵	۱۶/۲ حلیم	۱۱۸	بخش دوم نقش خداشناسی در زندگی ...
۱۳۵	۱۷/۲ حمید و محمود و حامد	۱۱۹	۹/۱ کسی به حقیقت معرفت او نمی رسد
۱۳۶	۱۸/۳ حی	۱۱۹	۱۰/۱، پرهیز از اندیشیدن در ذات خدا
۱۳۷	۱۹/۲ خالق	۱۱۹	فصل دوم 'شناخت یگانگی خدا'

۱۵۱	۲۸/۲ نَحِي، مَعِي	۲۸	۲۰/۳ رَاقٍ، رَاقٍ
۱۵۱	۲۹/۲ مَصُور	۳۸	۲۱/۳ رَنُوف
۱۵۲	۳۰/۲ مَقْصَل و مَقْصَل	۱۳۹	۲۲/۳ رَب
۱۵۲	۵۱/۳ مَقْدَر	۱۳۹	۲۳/۳ رَحْمَان و رَحِيم
۱۵۳	۵۲/۳ مَان	۱۴۱	۲۴/۳ شُيُوح، قُدُوس
۱۵۳	۵۳/۳ مَسْتَم	۱۴۱	۲۵/۳ سَلَام
۱۵۳	۵۴/۳ مَرْب	۱۴۱	۲۶/۳ سَجِج
۱۵۴	۵۵/۳ مَشْبِق	۱۴۲	۲۷/۳ شَافِي
۱۵۵	۵۶/۳ مَهِيَك	۱۴۲	۲۸/۳ شَاكِر، شُكُور
۱۵۵	۵۷/۳ مَوْر	۱۴۲	۲۹/۳ صَادِق
۱۵۶	۵۸/۳ وَكِيْل	۱۴۳	۳۰/۳ صَد
۱۵۶	۵۹/۳ وَلِي، مَوْلَا	۱۴۳	۳۱/۳ ظَاهِر، بَاطِن
۱۵۷	۶۰/۳ هَادِي	۱۴۴	۳۲/۳ هَالِم، عَلِيم
۱۵۷	فصل چهارم شناخت صفات‌های سلبي	۱۴۴	۳۳/۳ عَظِيم
۱۵۷	ماترچه ترجمه جبري ماتر اربست	۱۴۴	۳۴/۳ عَزِز
۱۵۸	۱/۴ به کسی و اراده و به از کسی و پند	۱۴۵	۳۵/۳ عَافٍ، عَصُور، عَفَا
۱۵۸	۲/۴ به حیوانی سبک او را فراموشی گیرد و	۱۴۶	۳۶/۴ عَمِي
۱۵۹	فصل پنجم دادگری خدا	۱۴۶	۳۷/۴ قَانِم، قَيُوم
۱۵۹	۱/۵ معنای دادگری خدا	۱۴۶	۳۸/۴ قَادِر، قَدِير
۱۶۱	۲/۵ دادگری در معادرات گناهان	۱۴۷	۳۹/۴ قَدِيم، اَزَلِي
۱۶۲	باب سوم قصار قدر	۱۴۷	۴۰/۴ قَرِيب
۱۶۲	فصل یکم ایمان به تقدیر	۱۴۷	۴۱/۴ قَوِي
۱۶۲	۱/۱ معنای ایمان به قدر	۱۴۸	۴۲/۴ کَاشِف
۱۶۲	۲/۱ وجوب ایمان به قدر	۱۴۸	۴۳/۴ کَافِي
۱۶۲	۳/۱ حرمت شروع پنداشتن تقدیر	۱۴۹	۴۴/۴ کَرِيم، کَرَم
۱۶۳	۴/۱ آنچه با ایمان به تقدیر، صفات ندارد	۱۴۹	۴۵/۴ مَالِك، مَلِك، مَلِك
۱۶۴	سجده برابر نقش قصار قدر در	۱۵۰	۴۶/۴ مَحِيْب
۱۶۴	۱ حیو و شر، مخلوق و مقدر خدا، پند	۱۵۰	۴۷/۴ مَحِيْط

۱۸۱	فصل ششم بدا در قضا	۱۶۲	۲. آفرینش و تقدیر شر، نتیجی است
۱۸۰	۱/۶. معنای بد	۱۶۵	۳. انسان در پیدایش ناگواری‌ها نقش دارد ..
۱۸۰	۲/۶. عوامل بیگو شدن بنا	۱۶۶	فصل دوم نقش قضا و قدر در عالم
۱۸۱	۳/۶. عوامل ناحوش‌بندی بدا	۱۶۶	۱/۲. تقدیر در آفرینش جهان
۱۸۲	سخنی درباره بدا	۱۶۶	۲/۲. تقدیر در آفرینش انسان
۱۸۲	بدا، خلقت	۱۶۷	۳/۲. تقدیر خیر و شر
۱۸۲	بنا، در قرآن و احادیث	۱۶۷	۴/۲. آفرینش خیر، پیش از شر
۱۸۳	سمویه‌هایی از ابتدا در قرآن	۱۶۸	فصل سوم نقش تقدیر در کارهای انسان
۱۸۴	سمویه‌هایی از بدا در احادیث اهل سنت	۱۶۸	۱/۳. تقدیر واجبات و مضایق و گناهان ..
۱۸۴	بنا از دیدگاه وجدان و عمل	۱۶۹	۲/۳. معنای «امر میان دو امر»
۱۸۵	فصل هفتم تقدیر خوش‌بختی و بدبختی	۱۶۹	۳/۳. نکوهش معتقدان به جبر
۱۸۵	۱/۷. خوش‌بخت، در رُجم مافوقش ..	۱۶۹	۴/۳. نکوهش قدرته
۱۸۵	۲/۷. معنای خوش‌بختی و بدبختی بوراد ..	۱۶۹	۵/۳. مقصود از قدرته
۱۸۶	پژوهشی درباره حدیث «خوش‌بخت، در رحم ...»	۱۷۰	تحلیلی درباره جبر و تعویص و امر بین الامرین
۱۸۶	۶. خلل‌یافته، قبل از تولد انسان‌ها ..	۱۷۱	یک نظریه جبر
۱۸۷	۲. خوش‌بختی برای مؤمن و بدبختی برای	۱۷۱	دلایل نظریه جبر و معدانها
۱۸۸	۳/۷. نقش عمل در سربوشت انسان	۱۷۲	دو نظریه تعویص
۱۸۸	۴/۷. عوامل خوش‌بختی	۱۷۲	سه نظریه «جبر و نه تعویص»
۱۹۰	۵/۷. آنچه تیره‌بختان را یک‌بخت می‌کند	۱۷۴	فصل چهارم اقسام قضا و قدر
۱۹۰	۶/۷. ریشه‌های تیره‌بختی	۱۷۴	۱/۲. قضای معلّی و قضای حتمی
۱۹۱	فصل هشتم رصایت از قضا	۱۷۴	۲/۲. از قضای حتمی، گزیری نیست
۱۹۱	۱/۸. تشویق به خشودی از قضا	۱۷۶	بوصیحه درباره احادیثی که به ظاهر
۱۹۲	۲/۸. هشدار درباره ناحشودی از قضا	۱۷۶	دسته‌بندی این احادیث
۱۹۲	۳/۸. عوامل خششودی به قضا	۱۷۷	نکاتی در تبیین این احادیث
۱۹۳	۴/۸. آثار خشودی به قضا	۱۷۹	فصل پنجم ویژگی‌های قضا و قدر
۱۹۳	باب چهارم دوستی خدا و برادری به او	۱۷۹	۱/۵. یکی
۱۹۴	فصل یکم تشویق به خلد دوستی	۱۷۹	۲/۵. دادگری
۱۹۴	۱/۱. فضیلت خدا دوستی	۱۷۹	۳/۵. خیر مؤمن

۲۰۵	۱/۱ فلسفه نبوت	۱۹۴	۲/۱، کاملان در خدا دوستی
۲۰۷	۲/۱ روایاتی درباره شمار پیامبران ﷺ	۱۹۵	۲/۱ پرستش دوستداران
۲۰۷	۲/۱ پدران پیامبران ﷺ	۱۹۵	۲/۱ خدا را دوست بدارید و محبوب
۲۰۸	۲/۱ ویژگی های پیامبران ﷺ	۱۹۶	فصل دوم عوامل خدا دوستی
۲۰۸	فصل دوم پیامبران ﷺ قبل از اسلام	۱۹۶	۱/۲ یاد خدا
۲۰۸	۱/۲ آدم	۱۹۶	۲/۲ در خواب
۲۰۹	۲/۲ نوح	۱۹۶	فصل سوم حاشیگاه محبوبیت در نزد خدا
۲۰۹	۲/۲ ابراهیم	۱۹۶	۱/۳ فرمانبری از خدا
۲۰۹	۲/۲ یسوع	۱۹۷	۲/۲ اخلاق والا
۲۱۰	۵/۲ یحیی	۱۹۷	۳/۳ کارهای نیکو
۲۱۰	۶/۲ یونس	۱۹۸	۴/۳ محبوب ترین کارها نزد خدا
۲۱۱	۷/۲ اسمعیل	۱۹۹	۵/۲ محبوب ترین مردم در نزد خدا
۲۱۱	۸/۲ موسی و هارون	۱۹۹	فصل چهارم موانع خدا دوستی
۲۱۱	۹/۲ موسی و هارون	۱۹۹	۱/۴ خطرناک ترین مانع
۲۱۱	۱۰/۲ النبی	۲۰۰	۲/۴ بچه خدا دشمن می دارد
۲۱۲	۱۱/۲ داود	۲۰۱	۳/۴ مشورت و ترس کارها در نزد خدا
۲۱۲	۱۲/۲ زکریا	۲۰۱	۴/۴ دشمن ترین مردم در نزد خدا
۲۱۳	۱۳/۲ یحیی	۲۰۲	فصل پنجم ویژگی های محبوبان خدا
۲۱۳	۱۴/۲ عیسی	۲۰۲	۱/۵ معیار منزلت شده در نزد خدا
۲۱۴	۱۵/۲ عیسی	۲۰۲	۲/۵ محبوب شدن در میان دوستان خدا
۲۱۴	۱۶/۲ یونس	۲۰۳	۳/۵ انس با خدا
۲۱۵	فصل سوم نبوت محمد ﷺ	۲۰۳	۴/۵ برهبر از دنیا
۲۱۵	۱/۳ دلایل نبوت محمد	۲۰۳	۵/۵ مبتلا شدن به بلای بزرگ
۲۱۷	۲/۳ جهانی بودن رسالت محمد ﷺ	۲۰۴	فصل ششم الراجاء دوستی
۲۱۸	فصل چهارم پایان پیامبری	۲۰۴	۱/۶ اسبجالت دعاها
۲۱۹	تحلیلی درباره حکمت ختم نبوت	۲۰۴	۲/۶ حجر دنیا و آخرت
۲۲۱	فصل پنجم ویژگی های پیامبران ﷺ	۲۰۵	باب پنجم نبوت
۲۲۱	۱/۵ ویژگی های خانوادگی و آموزشی	۲۰۵	فصل یکم نبوت عاقه

۲۲۱	۵/۱ آموزش قرآن	۲۲۲	۲/۵ ویژگی‌های نام پیامبر ﷺ
۲۴۱	۶/۱ ثواب آموختن قرآن	۲۲۳	۳/۵ ویژگی‌های اخلاقی پیامبر ﷺ
۲۴۱	۷/۱ تشویق به حفظ قرآن	۲۲۹	۴/۵ ویژگی‌های سیاسی و اجتماعی پیامبر
۲۴۲	۸/۱ پانزده حاملان قرآن	۲۳۰	۵/۵ ویژگی‌های عبادی پیامبر ﷺ
۲۴۲	۹/۱ آنچه نایسته حاملان قرآن است	۲۴۱	فصل ششم هجرت پیامبر ﷺ
۲۴۲	۱۰/۱ تشویق به تلاوت قرآن	۲۴۱	۱/۶ هجرت به مدینه ..
۲۴۳	۱۱/۱ - خواندن قرآن با صدای خوش ..	۲۴۲	پایه تقویم هجری ..
۲۴۳	۱۲/۱ ادب قرائت	۲۴۳	۱ پیامبر اسلام، پایه گذار تاریخ هجری است
۲۴۴	۱۲/۱ آنچه در تلاوت قرآن، جابر است	۲۴۴	۲ خلیفه دوم، پایه گذار تاریخ هجری است
۲۴۴	۱۴/۱ گوش فرادادن به قرآن	۲۴۵	فصل هفتم معراج پیامبر ﷺ
۲۴۴	۱۵/۱ هشدار درباره تفسیر قرآن به رای	۲۴۵	۱/۷ عروج پیامبر ﷺ به جایی که
۲۴۴	۱۶/۱ گروه‌های آیات قرآن	۲۴۵	۲/۷ مبارک فرشتگان و پیامبران ﷺ
۲۴۵	۱۷/۱ - عظم‌ترین آیه	۲۴۵	فصل هشتم عبودیت‌های پیامبر ﷺ
۲۴۵	۱۸/۱ سوره نوره، نوره‌ترین آیه	۲۴۵	۱/۸ شهادت عتار
۲۴۵	۱۹/۱ امیدبخش‌ترین آیه	۲۴۵	۲/۸ شهادت امام علی ﷺ
۲۴۶	فصل دوم سنت	۲۴۶	۳/۸ جنگ جمل
۲۴۶	۱/۲ تشویق به تمسک به سنت	۲۴۶	۴/۸ پیروزی بر ایران و روم
۲۴۶	۲/۲ اتمام سنت	۲۴۷	۵/۸ شهادت امام حسین ﷺ
۲۴۶	۳/۲ فضیلت حدیث و روای	۲۴۷	۶/۸ پیروزی بر یهود
۲۴۶	۴/۲ - فهم حدیث ..	۲۴۷	۷/۸ فتنه معول
۲۴۷	۵/۲ حدیث اهل بیت ﷺ، حدیث	۲۴۷	۸/۸ انقلاب اسلامی در شرق
۲۴۷	۶/۲ بهی در خروج بس به پیامبر ﷺ	۲۴۸	۹/۸ پیامبر ﷺ با تعلیم خداوند ﷻ
۲۴۷	۷/۲ درستی حدیث و سازگاری آن با قرآن	۲۴۹	باب ششم قرآن و سنت
۲۴۷	۸/۲ درستی حدیث و سازگاری آن با حق	۲۴۹	فصل یکم قرآن
۲۴۸	باب هفتم دین، شریعت و اسلام	۲۴۹	۱/۱ تشویق به تمسک به قرآن
۲۴۸	فصل یکم دین	۲۴۰	۲/۱ قرآن، بهترین سخن است
۲۴۸	۱/۱ یگانگی ادیان	۲۴۰	۳/۱ قرآن، شمای دردهاست
۲۴۸	۲/۱ تشویق به ژرف‌اندیشی در دین	۲۴۱	۴/۱ آنچه از علوم و احیاء در قرآن است

۲۵۹	۱۰/۱. عوامل یادآوری آخرت	۲۴۹	۳/۱. ویژگی های دین شناس
۲۵۹	۱۱/۱. عوامل از یاد بردن آخرت	۲۴۹	۴/۱. تشویق به پاسداری از دین
۲۵۹	۱۲/۱. برکات آباد کردن آخرت	۲۴۹	۵/۱. اسامی دین
۲۶۰	۱۳/۱. آنچه آخرت را آباد می کند	۲۵۰	۶/۱. انجام دادن مباحات و رنج
۲۶۰	۱۴/۱. آنچه آخرت را ویران می کند	۲۵۰	۷/۱. ده برای استوار شدن دین در دل
۲۶۰	۱۵/۱. سبب سودای آخرت	۲۵۰	۸/۱. ویژگی نگاهتان دین خدا
۲۶۱	۱۶/۱. معنای سوداگری آخرت	۲۵۰	۹/۱. پرهیز از فتوای غیر عالمانه
۲۶۲	۱۷/۱. هشدار درباره سودا کردن آخرت	۲۵۱	فصل دوم اسلام
۲۶۲	۱۸/۱. نگوشت آن که آخرتش را به	۲۵۱	۱/۲. اسلام، راه راست است
۲۶۲	فصل دوم مرگ	۲۵۱	۲/۲. اسلام، برتر است از هیچ ایسی
۲۶۲	۱/۲. همگان، چشیده مرگ اند	۲۵۲	۳/۲. اسلام، پیش از خود را مایه می گیرد
۲۶۳	۲/۲. انعام مرگ	۲۵۲	۴/۲. معنای اسلام و مسلمان
۲۶۳	۳/۲. مرگ مزمن	۲۵۳	۵/۲. مصروفیت زبان ردن به خود و
۲۶۳	۴/۲. مرگ کافر	۲۵۳	۶/۲. خوش اسلام برین مسلمانان
۲۶۴	۵/۲. یاد مرگ	۲۵۴	۷/۲. بنیاد اسلام
۲۶۴	۶/۲. ماده تسلل برای مرگ	۲۵۴	۸/۲. همت اسلام
۲۶۴	۷/۲. بدترین عذر خواهی	۲۵۴	۹/۲. کسی که مسلمان نیست
۲۶۵	۸/۲. اوروی مرگ	۲۵۵	باب هشتم ایمان به معاد
۲۶۵	۹/۲. سختی های مرگ	۲۵۵	فصل یکم آخرت
۲۶۶	۱۰/۲. آنچه مرگ را آسان می کند	۲۵۵	۱/۱. نام گذاری آخرت
۲۶۶	۱۱/۲. آنچه انسان، هنگام مرگ می بیند	۲۵۵	۲/۱. تقایب میان آخرت و دنیا
۲۶۶	۱۲/۲. تشییع جنازه	۲۵۶	۳/۱. ویژگی های آخرت
۲۶۶	۱۳/۲. آداب تشییع جنازه	۲۵۶	۴/۱. تشویق به آخرت گرایی
۲۶۷	۱۴/۲. به خاک سپاری	۲۵۷	۵/۱. فرزند آخرت باشید
۲۶۷	فصل سوم قبر	۲۵۷	۶/۱. ویژگی های آخرت گر یان
۲۶۷	۱/۳. اولین مریکاه آخرت	۲۵۸	۷/۱. اندازه پرداختن به آخرت
۲۶۸	۲/۳. سؤال قبر	۲۵۸	۸/۱. آثار اهمیت دادن به آخرت
۲۶۸	۳/۳. عقاب قبر	۲۵۸	۹/۱. تشویق به یادآوری آخرت

۲۸۰	۱/۷. عظمت نعمت‌های بهشت	۲۶۸	۲/۳. آنچه در قبر، سودمند است
۲۸۱	۲/۷. مرحبات رفتن به بهشت	۲۶۹	۵/۳. ریختن فیور
۲۸۱	۳/۷. بهشت، پیچیده در ناخوشایندهاست	۲۷۰	فصل چهارم رسانجیز
۲۸۲	۴/۷. کسانی که بهشت برایشان	۲۷۰	۱/۴. بودیکی رمان قیامت
۲۸۲	۵/۷. کسانی که بهشت برایشان حرام است	۲۷۱	۲/۴. مشام‌های فرارمیلن قیامت
۲۸۲	۶/۷. درجات بهشت	۲۷۲	۳/۴. به حرکت در آمدن گروه‌ها
۲۸۳	۷/۷. نخستین کسی که وارد بهشت می‌شود	۲۷۲	۴/۴. گسروش یاغش رمین
۲۸۳	۸/۷. ویژگی‌های اهل بهشت	۲۷۲	۵/۴. بانگ رمتاحیز
۲۸۴	۹/۷. گنج‌های بهشت	۲۷۳	۶/۴. ویژگی‌های محضر
۲۸۴	فصل ششم اشش دورح	۲۷۳	۷/۴. پرهیزگاران در قیامت
۲۸۴	۱/۸. ویژگی‌های دورح	۲۷۴	۸/۴. برر مؤمنان در عبادت
۲۸۴	۲/۸. خورگ دورحیان	۲۷۴	۹/۴. گنهکاران در قیامت
۲۸۵	۳/۸. پوشش دورحیان	۲۷۵	فصل پنجم حسابرسی
۲۸۵	۴/۸. ویژگی‌های دورحیان	۲۷۵	۱/۵. پیوند عمل و محازات
۲۸۶	۵/۸. امان که در دورح، جلویده‌اند	۲۷۵	۲/۵. نامه اعمال
۲۸۶	۶/۸. کسانی که لزامش، بیرون می‌ایند	۲۷۶	۳/۵. حسابرسی اعمال
۲۸۶	۷/۸. پاداش دادن به برخی کاپران در جهنم	۲۷۷	۴/۵. گواهی دورح
	بخش سوم حکمت‌های عقیدتی، اجتماعی و سیاسی	۲۷۷	۵/۵. گروه‌های مردم در حسابرسی
۲۸۹	باب یکم امامت	۲۷۷	۶/۵. مچه حسابرسی قیامت را اسان می‌کند
۲۸۹	فصل یکم تداوم امامت و هدایت	۲۷۷	۷/۵. کسانی که بدون حسابرسی به
۲۸۹	هر قومی هدایتگری دارد	۲۷۸	۸/۵. کسانی که بدون حسابرسی به
۲۸۹	فصل دوم فصیلت امام	۲۷۸	فصل ششم شفاعت
۲۸۹	برترین مردم	۲۷۸	۱/۶. گروه‌های شفاعت کننده
۲۹۰	فصل سوم حکمت امامت	۲۷۹	۲/۶. شفاعت پیامبر ﷺ
۲۹۱	فصل چهارم شناخت امام	۲۸۰	۳/۶. نیاز همگان به شفاعت
۲۹۱	۱/۴. وجوب شناخت پیشوایان هدایت	۲۸۰	۴/۶. محرومان از شفاعت
۲۹۱	۲/۴. هشدار درباره شناختن امامان	۲۸۰	۵/۶. سزاوارترین مردم به شفاعت
		۲۸۰	فصل هفتم بهشت

۳۰۲	۶/۹ آنچه درباره امام علی ﷺ و ...	۲۹۳	سخنی درباره احادیث هشدار بسبب ...
۳۰۳	بزرگشی درباره احادیث مربوط به تعداد امامان	۲۹۳	جاهلیت، چیست؟
۳۰۳	۱ از ویلی سند احادیث	۲۹۳	امامی که شناختش لازم است، کیست؟
۳۰۳	۳ اختلاف در متن احادیث	۲۹۵	فصل پنجم شرایط امامت
۳۰۴	۶ مقصود از «دوازده خلیفه»	۲۹۵	۱/۵ تقییس شدن از جانب مخالفین
۳۰۶	فصل دهم استمرار امامت اهل بیت ﷺ	۲۹۵	۲/۵ مرتزی در غم
۳۰۶	۱/۱۰. حدیث نقلی، به روایت پیروان ..	۲۹۶	فصل ششم موانع امامت
۳۰۶	۲/۱۰. حدیث تقییس، به روایت اهل بیت	۲۹۶	۱/۶ پیروی از هوای نفس
۳۰۷	۳/۱۰. معنای عترت در حدیث تقییس	۲۹۶	۲/۶ باتوانی
۳۰۸	بررسی اجمالی حدیث تقییس و دلالت ..	۲۹۶	۳/۶ ردیف‌های اخلاقی
۳۰۸	یک. متن حدیث نقلی	۲۹۶	فصل هفتم وظایف امام
۳۰۸	در سند حدیث تقییس	۲۹۶	۱/۷ پامداری از امانت رهبری
۳۰۸	سه صحت و صدور حدیث تقییس	۲۹۷	۲/۷ به کار گذاشتن یوثری‌ها
۳۰۹	چهار مقصود از «عرب» و «اهل بیت»	۲۹۷	۳/۷ به کار نگذاشتن افراد تشنه رهاست
۳۰۹	تح. پیام‌های معنای حدیث نقلی	۲۹۸	۴/۷ صحبت و مهربانی با عموم مردم
۳۰۹	۱. عصمت اهل بیت ﷺ	۲۹۸	۵/۷ ارتباط مستقیم با مردم
۳۰۹	۲. مرجعیت علمی اهل بیت ﷺ	۲۹۸	۶/۷ معذم داشتن مستضعفان
۳۱۰	۳. نیازم مهوریت اهل بیت ﷺ و قرآن	۲۹۸	۷/۷ حریفه جویی در هزینه کردن از
۳۱۱	فصل یازدهم معنای «اهل بیت ﷺ»	۲۹۹	فصل هشتم بررسی حقوق امام
۳۱۱	۱/۱۱. همسران پیامبر ﷺ و مفهوم ..	۲۹۹	۱/۸ فرمان‌برداری
۳۱۳	بزرگشی درباره حدیث کسا	۲۹۹	۲/۸ خبرخواهی
۳۱۳	۱. سند رویداد کس	۳۰۰	۳/۸ برگردانست
۳۱۴	۲. چگونگی رویداد	۳۰۰	فصل نهم شمار امامان اهل بیت ﷺ
۳۱۴	۳. فضای رویداد	۳۰۰	۱/۹ آنچه با عبارت «دوازده خاندان»
۳۱۵	۴/۱۱ اصحاب پیامبر ﷺ و مفهوم ..	۳۰۱	۲/۹ آنچه با عبارت «دوازده امیر» ..
۳۱۸	فصل دوازدهم. منزلت اهل بیت ﷺ	۳۰۱	۳/۹ آنچه با عبارت «دوازده امام»
۳۱۸	۱/۱۲. اهل بیت ﷺ، چو نان کشتی روح	۳۰۱	۴/۹ آنچه با عبارت «دوازده وصی» ..
۳۱۸	۲/۱۲ اهل بیت ﷺ، به سان باب جنة	۳۰۱	۵/۹ آنچه با عبارت «دوازده تن» به ..

۳۳۱	۱/۱۶ نصیبت دوست داشتن اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	۳۱۹	۳/۱۲ اهل بیت <small>علیهم السلام</small> ، مانند حایه خدا
۳۳۲	۲/۱۶، ریزگی های دوست داشتن ..	۳۱۹	۲/۱۲، اهل بیت <small>علیهم السلام</small> همچون ستارگان
۳۳۳	۳/۱۶ بریب فرزندان بر دوستی	۳۱۹	۵/۱۲ منزلت اهل بیت <small>علیهم السلام</small> در روز
۳۳۳	۲/۱۶، آثار دوست داشتن اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	۳۲۰	فصل سیزدهم ریزگی های اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۳۳۴	فصل هفدهم دشمنی با اهل بیت <small>علیهم السلام</small> ..	۳۲۰	۱/۱۳، طهارت ..
۳۳۴	۱/۱۷ هشدار درباره دشمنی با اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	۳۲۱	موصیحتی درباره اسدلال به ریزگی طهارت
۳۳۴	۲/۱۷، آثار دشمنی با اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	۳۲۲	۲/۱۳، همتای قرآن ..
۳۳۵	فصل هجدهم ستم کردن به اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	۳۲۲	۳/۱۳، جانشینان و اوصیای پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>
۳۳۵	۱/۱۸ هشدار پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> درباره ستم کردن ..	۳۲۳	۴/۱۳ بر بریب مردم
۳۳۶	۲/۱۸، حرام بودن بهشت بر ستم کننده ..	۳۲۳	۵/۱۳، اولو الامر ..
۳۳۶	۳/۱۸، پیشگویی پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> درباره ستم ..	۳۲۴	۶/۱۳، اهل ذکر ..
۳۳۷	فصل نوزدهم دولت اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	۳۲۴	۷/۱۳، امان زمینیان
۳۳۷	۱/۱۹، شارب ها در نامه دولت اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	۳۲۴	۸/۱۳، معدن رسالت
۳۳۸	۲/۱۹، رسم سازان دولت اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	۳۲۵	۹/۱۳، اشی و جنگ با آنها، اشی و
۳۳۹	فصل بیستم علو درباره اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	۳۲۵	۱۰/۱۳، دین ما آنان اعزاز می گردد و ..
۳۳۹	۱/۲۰ هشدار درباره علو	۳۲۵	۱۱/۱۳، هیچ کس با ایشان سجده نمی شود
۳۳۹	۲/۲۰، کافر بودن علو کننده	۳۲۵	فصل چهاردهم ریزگی های علمی اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۳۴۰	۳/۲۰، هلاکت علو کننده ..	۳۲۵	۱۲/۱۴، خزانedarان علم غداوت ..
۳۴۰	۴/۲۰، ساجگی بودن احادیث علو امیر	۳۲۶	۱۳/۱۴، وارثان علم پیامبران <small>علیهم السلام</small>
۳۴۱	فصل بیست و یکم شیعه اهل بیت <small>علیهم السلام</small> در قیامت	۳۲۶	۱۴/۱۴، آگاه ترین مردم
۳۴۲	باف دوم، اشت ..	۳۲۶	۱۵/۱۴، معدن علم ..
۳۴۲	فصل یکم عوامل پیشگامی اشت	۳۲۷	۱۶/۱۴، علم کتاب، مرد آنهاست
۳۴۲	۱/۱، رهبری پیشوایان عداوت	۳۲۷	۱۷/۱۴، از هر آنچه در زمین و آسمان ..
۳۴۲	۲/۱، یک پارچگی	۳۲۷	فصل پانزدهم حقوق اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۳۴۲	۳/۱، درستکار بودن حواص	۳۲۷	۱/۱۵، اهمیت شناخت حقوق اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۳۴۳	۴/۱، چنگ دادن به ارزش های اخلاقی و	۳۲۸	۲/۱۵، مشوق به پاسداشت حقوق
۳۴۳	فصل دوم عوامل نابودی اشت	۳۲۸	۳/۱۵، عناوین حقوق اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۳۴۳	۱/۲، رهبری گمراهان و پیروی کورکورانه	۳۳۱	فصل شانزدهم دوست داشتن اهل بیت <small>علیهم السلام</small>

۳۵۷	۱/۸ . نخستین آفتی که حسابرسی می شود	۳۴۴	۲/۲ . وایهادر بهی از مکر .
۳۵۸	۲/۸ گواهان بر آتش	۳۴۴	۳/۲ اختلاف . . .
۳۵۸	۳/۸ شفاعت پیامبر ﷺ در حق آنها	۳۴۵	۴/۲ بیامی حواصی
۳۵۸	۴/۸ بیشتر بهشتیان	۳۴۵	۵/۲ دیادوستی
۳۵۹	فصل نهم گروه های آفت	۳۴۵	۶/۲ بین تو خبی به حقوق ضعیفان
۳۵۹	۱/۹ بهترین های آفت	۳۴۶	۷/۲ معاسد فرهنگی و اقتصادی
۳۶۰	۲/۹ بدترین های آفت	۳۴۷	۸/۲ املا و استخراج
۳۶۰	فصل دهم پارسیان	۳۴۷	فصل سوم . عبرت گرفتن از افشاها
۳۶۰	۱/۱۰ پارسان . بزرگترین سهم ر در	۳۴۷	۱/۴ آزمایش افشاها
۳۶۱	۲/۱۲ پارسیان و یمن	۳۴۸	۲/۲ اندک بودن امضای بجات پارسه
		۳۴۹	۲/۲ اندر گرفتن از پندهای تاریخ
	بخش چهارم حکمت های مربوط به جهان و انسان	۳۴۹	فصل چهارم تضایل است اسلامی
۳۶۵	باب یکم افرینش	۳۴۹	۱/۴ احابیت دعای ابراهیم ﷺ
۳۶۶	بخش دوم زمین	۳۵۰	۲/۴ بهترین افشاها
۳۶۶	۵/۴ گسترش یافتن زمین بر روی آب	۳۵۰	۳/۴ آفت خجسته
۳۶۶	۲/۲ فراوانی گرفتن زمین بدوین مشرق های	۳۵۱	۴/۴ آخرین آفت ها و پیسگام آنها
۳۶۷	۳/۲ تعداد زمین ها	۳۵۱	فصل پنجم ویژگی های آفت محمد ﷺ در .
۳۶۸	برویش درباره تعداد زمین ها از نگاه	۳۵۲	فصل ششم ویژگی های اخلاقی و رفتاری .
۳۶۹	۲/۲ بخشین خشکی ای که در زمین	۳۵۲	۱/۶ امر به معروف و نهی از مکر
۳۷۰	باب سوم دنیا	۳۵۳	۲/۶ . مباد روی
۳۷۰	فصل یکم شناخت دین	۳۵۳	فصل هفتم آینده آفت محمد در دین
۳۷۰	۱/۱ ویژگی های دین	۳۵۴	۱/۷ برگشت گروهی به بین پیشین حرد
۳۷۱	۲/۱ مثل دنیا	۳۵۴	۲/۷ دچار شدن به سر نوشت آفت های
۳۷۱	۳/۱ مثل اهل دنیا	۳۵۴	۳/۷ برور اختلاف در آفت
۳۷۲	۴/۱ دبای پسندیده	۳۵۵	۴/۷ بر حق بودن گروهی از امت نا .
۳۷۲	فصل دوم اهمیت دنیا و بخش آن در .	۳۵۵	۵/۷ فتنه هایی که در این آفت برور می کند
۳۷۲	۱/۲ اسلام ، دین دنیا و آخرت	۳۵۷	۶/۲ حاشیمن در زمین
۳۷۳	۲/۲ مسلمان ، کسی است که به دین و .	۳۵۷	فصل هشتم . ویژگی های آفت محمد ﷺ در قیامت

۳۹۰	باب پنجم شیطان	۳۷۴	۲/۲. دنیا، کشتزار آخرت
۳۹۰	۱/۵. دشمنی شیطان با انسان	۳۷۴	۴/۲. نهی از ناسراگویی به دین و نگرهش آن
۳۹۰	۲/۵. هشدار درباره گمراه سازی های شیطان	۳۷۵	۵/۲. نهی از رهاییب و حرام شمردن ...
۳۹۰	۳/۵. آنچه شیطان را ملأط می کند	۳۷۶	۶/۲. اصلاح معیشت، طلب آخرت است
۳۹۱	۴/۵. آنچه شیطان را دور می کند	۳۷۶	۷/۲. دعا برای رقاء در زندگی
۳۹۱	۵/۵. پاهای ابلیس	۳۷۷	۸/۲. پادشاهی کسی که دنیا را در راه درست ...
۳۹۲	باب ششم انسان	۳۷۸	فصل سوم عوامل دستیابی به حیر دنیا و آخرت
۳۹۲	فصل یکم کرامت انسان	۳۷۸	۱/۳. ترجیح دادن آخرت
۳۹۲	۱/۱. بررسی انسان بر دیگر آفرینشها	۳۷۸	۲/۲. خوش خوئی
۳۹۲	۲/۱. عوامل رستگاری	۳۷۸	۳/۳. یاد خدا
۳۹۳	۳/۱. برابری زن و مرد در فصیلت ها	۳۷۹	۴/۳. مدارا و ملایمت
۳۹۵	فصل دوم قلب انسان	۳۷۹	۵/۳. درود فرستادن بر پیامبر ﷺ و ...
۳۹۵	۱/۲. مثل دل	۳۸۰	فصل چهارم. شناخت دنیای مکرر
۳۹۵	۲/۲. جایگاه دل نسبت به بدن	۳۸۰	۱/۲. ویژگی های دنیا
۳۹۵	۳/۲. سلامت دل	۳۸۰	۲/۲. مثل دنیا
۳۹۶	۴/۲. گشادگی دل	۳۸۱	۳/۲. مثل دنیا و آخرت
۳۹۶	۵/۲. کوری دل	۳۸۱	۴/۲. مجسم شدن دنیا
۳۹۷	۶/۲. عوامل سحت دل	۳۸۲	۵/۲. آوریابی دنیا
۳۹۷	۷/۲. آنچه دل را درمان می کند	۳۸۳	۶/۲. هشدار درباره فریفته شدن به دنیا
۳۹۸	فصل سوم نفس انسان	۳۸۴	۷/۲. هشدار درباره لذت های دنیا
۳۹۸	۱/۳. خودشناسی	۳۸۴	۸/۲. هشدار درباره دید دوستی
۳۹۸	۲/۳. نفس سرکشگر (وجدان بیدار)	۳۸۵	۹/۲. تشویق به معرفت از دنیا
۳۹۹	۳/۳. ترکیب نفس	۳۸۵	۱۰/۲. ریا های دید دوستی
۳۹۹	فصل چهارم رزق	۳۸۷	۱۱/۲. ویژگی های اهل دنیا
۳۹۹	۱/۲. رزق رزق	۳۸۸	باب چهارم اجل
۴۰۰	۲/۲. اقسام رزق	۳۸۸	۱/۲. هر چیزی اجل رقم حوردهای دارد
۴۰۱	باب پنجم آرزو	۳۸۸	۲/۲. اقسام اجل
۴۰۱	فصل یکم نقش آرزو در زندگی	۳۸۹	۳/۲. حکمت پوشیده بودن اجل

۴۱۵	فصل هشتم حیوانات بابرکت	۴۰۱	۱/۱. رحمتی از جانب خداوند ﷻ است
۴۱۶	فصل نهم زمانهای بابرکت	۴۰۱	۲/۱. حکایت آنجل و آرزو
۴۱۷	فصل دهم خوراکی های بابرکت	۴۰۱	فصل دوم آرزوی حمیمی
۴۱۸	فصل یازدهم موشبمنی های بابرکت	۴۰۲	فصل سوم کوتاه کردن آرزو
۴۱۹	فصل دوازدهم موانع برکت	۴۰۲	۱/۳. معارش به کوتاهی آرزو
۴۱۹	۱/۱۲ کارهای بد	۴۰۲	۲/۳ آنچه موجب کوتاهی آرزوست
۴۱۹	۲/۱۲ ترک امر به معروف و نهی از منکر	۴۰۳	فصل چهارم هشدار درباره رزوه های بیهوده
۴۱۹	۳/۱۲ سبک شمردن نیاز	۴۰۴	فصل پنجم ریان آرزوهای بیهوده
۴۲۰	۴/۱۲ ناپاسی رحمت	۴۰۵	باب هشتم برکت
۴۲۰	۵/۱۲ خیانت	۴۰۵	سحی درباره «برکت»
۴۲۰	۶/۱۲ رن	۴۰۵	۱ پیوند عوامل مادی و معنوی
۴۲۱	۷/۱۲ دروغ گسی	۴۰۶	۲. خوشش برکات معنوی از درون
۴۲۱	۸/۱۲ بدادن رگات	۴۰۶	۳ نقش خدا آورش ها در رفتن برکت
۴۲۱	۹/۱۲ فریب دادن مسلمان	۴۰۷	فصل یکم عوامل برکت عمر
۴۲۱	۱۰/۱۲ سوگند خوردن به هنگام فروش	۴۰۸	فصل دوم عوامل برکت خانه
۴۲۱	۱۱/۱۲ «بسم الله» نگفتن به هنگام خوردن	۴۰۸	فصل سوم اخلاقی برکت آفرین
۴۲۲	باب نهم خیر	۴۰۹	فصل چهارم ذکرها و عبادت های برکت آفرین
۴۲۲	مبحث درباره «خیر (نیکی)»	۴۱۰	فصل پنجم کارهای برکت آفرین
۴۲۲	نظری بودن شناخت خیر و شر	۴۱۱	فصل ششم دعاها و برکت آفرین
۴۲۲	نیاز عمل و لطافت به وحی	۴۱۲	فصل هفتم انسان های بابرکت
۴۲۲	«خیر» و «بر غفل	۴۱۲	۱/۷ پیامبر از ﷻ
۴۲۳	آسان تر بودن کار خیر	۴۱۳	۲/۷ حاتم پیامبر از ﷻ
۴۲۴	فصل یکم شناخت خیر	۴۱۳	۳/۷ اهل بیت ﷻ
۴۲۴	۱/۱. زهد و معیار شناخت خیر و شر	۴۱۴	۴/۷ جمعیت
۴۲۴	۲/۱ جمعیت خیر و شر	۴۱۴	۵/۷ مومن
۴۲۵	۳/۱ معنای خیر	۴۱۴	۶/۷ دختران
۴۲۶	۴/۱ معنای احسان	۴۱۵	۷/۷ بزرگان
۴۲۶	فصل دوم تشویق به خیر	۴۱۵	۸/۷ اهل نیکی

۴۲۲	۱/۲. آرمایش	۴۲۶	۱/۲. تأکید بر انجام دادن کار خیر
۴۲۲	۲/۲. ارج نهادن به مؤمن	۴۲۷	۲/۲. تشویق به انجام دادن کار ناپسته
۴۲۲	۳/۲. تذکره به کافر	۴۲۸	۳/۲. تأکید بر کار خیر و مشارکت دادن
۴۲۳	۴/۲. مجازات گناهان	۴۲۸	۴/۲. اهمیت دادن به کار خیر
۴۲۳	۵/۲. پاکیزگی مؤمن از گناهان	۴۲۹	۵/۲. شتاب در کار خیر
۴۲۴	۶/۲. تکامل برای انسان و اولیا	۴۲۹	۶/۲. اهل خیر
۴۲۵	۷/۲. انسان بی‌بلا، مبعوض خدا	۴۲۹	۷/۲. راه‌نمایی به سوی خیر
۴۲۶	فصل سوم عوامل مصیبت‌ها و بلاها و شرور	۴۳۰	فصل سوم خاستگاه‌های خیر
۴۲۶	۱/۳. چشم خدا	۴۳۰	۱/۳. حاسن‌گام‌های علمی
۴۲۶	۲/۳. نفس بطرمان	۴۳۱	۲/۳. آنچه با آن، خیر دنیا و آخرت به
۴۲۶	۳/۳. چشم	۴۳۲	فصل چهارم آنچه از خیر، خیر می‌دهد
۴۲۷	۴/۳. میخوارگی	۴۳۲	۱/۴. نشانه‌های اهل خیر
۴۲۷	۵/۳. رها کردن زمان	۴۳۳	۲/۴. ویژگی‌های اهل خیر
۴۲۷	۶/۳. شیطان‌های چهره‌ورانی	۴۳۴	۳/۴. بهترین مردم
۴۲۸	فصل چهارم موانع مصیبت‌ها و بلاها و شرور	۴۳۵	۴/۴. بهترین مومنان
۴۲۸	۱/۴. ایمان	۴۳۶	فصل پنجم آثار خیر
۴۲۸	۲/۴. عقل	۴۳۶	۱/۵. آثار کارهای خیر
۴۲۸	۳/۴. اخلاقی و احوال‌یک	۴۳۷	۲/۵. آثار نیکی کردن به مردم
۴۵۰	محبی درباره حکمت مصایب و شرور	۴۳۹	باب دهم مصیبت‌ها، بلاها و شرور
۴۵۰	یک حکمت‌گرفنداری‌های انسان‌های آگاه	۴۳۹	فصل یکم مصیبت‌ها
۴۵۰	۱ مصیبت‌های خودکرده	۴۳۹	۱/۱. آنچه مصیبت‌ها را آسان می‌کند
۴۵۱	افسام مصیبت‌های خودکرده	۴۳۹	۲/۱. سختی و آسانی، غریب هم‌اند
۴۵۱	الف محازات	۴۴۰	۳/۱. گریه برای مرگ فرزند و خویشان
۴۵۱	ب. تأدیب	۴۴۰	۴/۱. مصیبت مرگ فرزند
۴۵۲	ج. مظهر	۴۴۱	۵/۱. ادب مصیبت‌دیده
۴۵۲	۲ سختی‌های سازنده	۴۴۱	۶/۱. تسلیت دادن سوگووار
۴۵۳	دو عوامل ناکامی‌های مستضعفان	۴۴۱	۷/۱. دعا، هنگام دیدن بلا دیده
۴۵۴	۱ سوء استفاده از آزادی	۴۴۲	فصل دوم حکمت مصیبت‌ها

۴۶۸	سیر مصطفی مباحث تبلیغی	۴۵۲	۲ آثار نگارینی گاه
۴۶۹	مهم ترین رسالت مبع	۴۵۴	۳ رعایت نکردن مسائل بهداشتی
۴۷۰	فصل چهارم ویژگی های مبع	۴۵۵	۴ حکمت های مشاخصه
۴۷۰	۱/۴ ویژگی های علمی		
۴۷۱	۲/۴ ویژگی های اخلاقی		بخش پنجم: حکمت های تربیتی
۴۷۴	۳/۴ ویژگی های علمی	۴۵۹	باب یکم تبلیغ
۴۷۴	فصل پنجم ابزارهای تبلیغ	۴۵۹	فصل یکم جایگاه تبلیغ
۴۷۴	۱/۵ گفتار	۴۵۹	۱/۱ وجوب تبلیغ
۴۷۴	۲/۵ شعر	۴۵۹	۲/۱ اهمیت تبلیغ
۴۷۵	۳/۵ رسم	۴۶۰	فصل دوم جایگاه مبع
۴۷۵	فصل ششم بهره گیری از مثل ها در تبلیغ	۴۶۰	۱/۲ فضیلت مبع
۴۷۵	۱/۶ مثل راه رسیدن به خدا	۴۶۰	۲/۲ مسئولیت مبع
۴۷۶	۲/۶ مثل پیامبر ﷺ، اقامت نو و رسالت نو	۴۶۱	۳/۲ حقوق مبع
۴۷۶	۳/۶ مثل پیامبر ﷺ و قیامت	۴۶۱	۴/۲ پاداش مبع
۴۷۷	۴/۶ مثل مؤمن	۴۶۴	۵/۲ صلح نمونه
۴۷۷	۵/۶ مثل مؤمن و برادرش	۴۶۴	فصل سوم رسالت مبع
۴۷۷	۶/۶ مثل نمازهای پنجگانه	۴۶۴	۱/۳ دعوت به مصالح دین و دین
۴۷۸	۷/۶ مثل کسی که در راه خدا ﷻ	۴۶۴	۲/۳ دعوت به ایمان آوردن به معاد
۴۷۸	۸/۶ مثل کسی که محبتش سردر	۴۶۴	۳/۳ دعوت به ارادی هدایم
۴۷۸	فصل هفتم ادب تبلیغ	۴۶۴	۴/۳ دعوت به پرهیزگاری
۴۷۸	۱/۷ آداب گری به اسم الله الرحمن الرحیم	۴۶۵	۵/۳ دعوت به برزگواری های اخلاقی
۴۷۹	۲/۷ حمد خدا گفتن و درود فرستادن بر	۴۶۵	۶ دعوت به پرستش خداوند ﷻ
۴۷۹	۳/۷ شکار سخن گفتن	۴۶۵	۷/۲ دعوت به محبت اخوان ﷻ
۴۷۹	۴/۷ اشاره در آن جا که صراحت، روا نباشد	۴۶۶	۸/۳ تعظیم و تزکیه
۴۸۰	۵/۷ مراعات شایستگی مخاطب	۴۶۶	۹/۳ مبارزه با بدعت ها
۴۸۰	۶/۷ مراعات گنجایش مخاطب	۴۶۷	۱۰/۲ نوید و هشدار دادن
۴۸۰	۷/۷ مراعات شادابی مخاطب	۴۶۷	۱۱/۲ برپا داشتن حجت
۴۸۱	مخاطب شناسی در تبلیغ	۴۶۸	سخن درباره مهم ترین وظایف مبع

۴۹۱	۱/۱ تشکیل خانواده	۴۸۱	میزان تاثیر پذیری مخاطب
۴۹۱	۲/۱ فرزندخواهی	۴۸۱	درگیر شدن با خواستهای فطری مردم
۴۹۲	۳/۱ تعصیب فرزند شایسته	۴۸۲	۸/۷ مراعات توتیب اهمیت
۴۹۲	۴/۱ تعصیب دختران	۴۸۲	۹/۷ رعایت اختصار
۴۹۲	۵/۱ توجه ویژه به دختران	۴۸۳	مخمس درباره عوامل موفقیت مبلغ
۴۹۲	۶/۱ مگویش ناخوش دانش دختران	۴۸۳	انگیزه مبلغ
۴۹۳	فصل دوم وراثت	۴۸۳	رسالت مبلغ
۴۹۳	تأثیرگذاری ریشه	۴۸۴	ریزگی های مبلغ
۴۹۳	فصل سوم خوراک پدر و مادر	۴۸۴	امرارهای مبلغ
۴۹۳	۱/۲ تاثیر خوراک حرام در بورد	۴۸۴	شبهه مبلغ
۴۹۴	۲/۲ تاثیر عدلی زن باردار در جیس	۴۸۵	فصل هتم آفات تبلیغ
۴۹۴	فصل چهارم چگونگی بسته شدن طلقه	۴۸۵	۱/۸ ناممگوسی رفتار مانگستار
۴۹۴	۱/۲ پلمدهای پاک و ولادت	۴۸۶	۲/۸ دوروگویی
۴۹۵	۲/۲ پلمدهای ماناکی ولادت	۴۸۷	۳/۸ سخن گفتن بدون علم
۴۹۵	۳/۲ ریاالهای امیرس یا حانص	۴۸۷	۴/۸ درارکویی
۴۹۶	فصل پنجم حقوق بورد	۴۸۷	۵/۸ درخواست مزد
۴۹۶	۱/۵ گمس ابدان و اقامه در گوش بورد	۴۸۸	بحس درباره ذمرد تبلیغ
۴۹۶	۲/۵ کام برداشتن	۴۸۸	الف- اثار و بیانبار درخواست مزد برای مبلغ
۴۹۶	۳/۵ نام گذاری	۴۸۸	۱ از مسا رفتن احلاص
۴۹۷	۴/۵ حقیقه کردن	۴۸۸	۲ کاهش اثر تبلیغ
۴۹۷	۵/۵ حخته کردن	۴۸۸	۳ تعریف ارزش های دیس
۴۹۸	فصل ششم حقوق کودک شیرخوار	۴۸۸	ب گر مس مزد تبلیغ، بدون درخواست
۴۹۸	۱/۶ شیر خوردن از مادر در صورت امکان	۴۸۹	ج راه های تأمین نیاز مالی مبلغ
۴۹۸	۲/۶ احترام به دوک شیرخوار	۴۸۹	۱ نامین نیاز اقتصادی منبع توسط حکومت
۴۹۹	فصل هتم آموزش و پرورش	۴۸۹	۲ خودگردانی اقتصادی
۴۹۹	۱/۷ ارزش دانش آموزش در کودکی	۴۸۹	۳ نفویت بیه معوی و اعمال به تصمیم الهی
۴۹۹	۲/۷ ارزش تربیت	۴۹۱	باب دوم کودک
۴۹۹	۳/۷ مهم ترین آموختنی های واجب	۴۹۱	فصل یکم خانواده

۵۱۳	۹۰/۸ دادن اجاره بازی به کودک	۵۰۱	تعلیمی درباره روش های تربیت کودک
۵۱۴	۱۱/۸ کودکی کردن با کودک و باری با او	۵۰۱	۱. الگوی تربیتی مبتنی بر سختگیری
۵۱۵	۱۲/۸ تفریحگاه کودکان	۵۰۱	۲ الگوی تربیتی مبتنی بر محبت و -
۵۱۶	بش باری در رشد کودک	۵۰۱	۳ الگوی تربیتی مبتنی بر عدم محبت و
۵۱۶	لرزش بازی از نظر روانشناسی	۵۰۱	۴ الگوی تربیتی مبتنی بر محبت و فاطمیت
۵۱۶	۱ آموزش جسمانی	۵۰۲	۵ الگوی تربیتی مبتنی بر محبت فاطمیت
۵۱۶	۲ آموزش درمانی	۵۰۳	۹/۷ رمان تربیت کودک
۵۱۶	۳ آموزش تربیتی	۵۰۳	۵/۷ شیوه تربیت اسلامی
۵۱۷	۴ آموزش اجتماعی	۵۰۴	۶/۷ تربیت حسنی
۵۱۷	۵ ارزش آموزشی	۵۰۵	سختی درباره تربیت جسی
۵۱۷	۶ ارزش اخلاقی (معنوی)	۵۰۵	تدبیرهای لازم برای عفت جسمی
۵۱۷	باری والدین با کودک	۵۰۵	الف - پوشیدن عورت
۵۱۸	فصل نهم ده برای فرزندان	۵۰۵	ب - پوشیده شدن کودک توسط نامحرم
۵۱۸	تشویق به دعا کردن برای فرزندان	۵۰۵	ج - بازی نکردن با اعضای جسمی کودک
۵۱۸	فصل دهم وظایف کودک	۵۰۶	د - حدساری ستر کودکان
۵۱۸	۱/۱۰ وظایف کودک در برابر پدر و مادر	۵۰۶	ه - پنهان بودن روابط رمانشویی والدین
۵۱۹	۲/۱۰ وظایف کودک در برابر آموزگار	۵۰۷	فصل هشتم اخلاقی تربیت
۵۱۹	۳/۱۰ وظایف کودک در برابر بزرگ تر و	۵۰۷	۱/۸ تشویق به دوست داشتن فرزندان و
۵۲۱	باب سوم تربیت جوان	۵۰۷	۲/۸ سیره پیامبر ﷺ در مهریابی به
۵۲۱	فصل یکم بهار زندگی	۵۰۸	۳/۸ سلام کردن به کودکان
۵۲۱	۱/۱ غیبت دانستن جوانی	۵۰۸	۴/۸ نگرانی محبت نکردن به کودکان
۵۲۱	۲/۱ حسابرسی روزگار جوانی	۵۰۹	۵/۸ اندازه محبت به فرزندان
۵۲۱	فصل دوم بهار خودسازی	۵۰۹	۶/۸ عدالت میان فرزندان
۵۲۱	۱/۲ آمادگی جوان برای خودسازی	۵۱۰	سخنی درباره عدالت و روی در رفتار با فرزندان
۵۲۲	۲/۲ پرورش معنوی	۵۱۱	۷/۸ وفای به وعده
۵۲۲	فصل سوم بهار سازندگی	۵۱۱	۸/۸ شاد کردن
۵۲۲	۱/۳ رعایت پیامبران ﷺ در جوانی	۵۱۲	نقش وفای به وعده در تربیت کودک
۵۲۳	۲/۳ ظهور امام مهدی ﷺ به صورت جوان	۵۱۳	۹/۸ ستایش بازیگوشی کودک

۵۲۲	۱/۵ تشویق به تقوا	۵۲۳	فصل چهارم مهم ترین چیزهایی که برای جوان -
۵۲۳	۲/۵ تقوا، کلید کرامت است	۵۲۳	۱/۴ آشنایی با قرآن
۵۲۴	۳/۵ گنایش الهی برای نوازشگان	۵۲۳	۲/۴ توبه
۵۲۴	۴/۵ آنچه تقوا می آورد	۵۲۳	۳/۴ اهتمام به عبادت
۵۲۵	۵/۵ حق تقوا	۵۲۴	۴/۴ اهتمام به پرستگري
۵۲۵	فصل ششم پارسایی	۵۲۵	باب چهارم عوامل خودساری
۵۲۵	۱/۶ مصیبت پارسایی	۵۲۵	فصل یکم الگوگیری از الگوهای خوب
۵۲۵	۲/۶ معنای پارسایی	۵۲۵	۱/۱ پیامبران <small>علیهم السلام</small>
۵۲۶	فصل هفتم خوش خوئی	۵۲۵	۲/۱ اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۵۲۶	۱/۷ تشویق به خوش خوئی	۵۲۶	۳/۱ دانشمندان
۵۲۶	۲/۷ پیامدهای خوش خوئی	۵۲۶	فصل دوم مجاهدت
۵۲۷	۳/۷ معنای خوش خوئی	۵۲۶	۱/۲ جهاد نامعنی
۵۲۷	۴/۷ پیامدهای بد خوئی	۵۲۷	۲/۲ برترین جهاد
۵۲۸	فصل هشتم ادب	۵۲۷	۳/۲ ثمره مجاهدت
۵۲۸	۱/۸ تشویق به ادب	۵۲۸	فصل سوم ترس از خدا
۵۲۸	۲/۸ هشدار درباره بی ادبی	۵۲۸	۱/۳ فضیلت ترس از خدا
۵۲۹	۳/۸ آثار ادب	۵۲۸	۲/۳ فضیلت گریختن از ترس خدا
۵۲۹	۴/۸ مسئولان تربیت	۵۲۹	۳/۳ مؤمن دو بیم و امید به سر می برد
۵۳۰	فصل نهم عدل	۵۲۹	۴/۳ نگرانی مؤمن از بدفرجامی
۵۳۰	۱/۹ تشویق به عدالت	۵۲۹	۵/۳ هر که از خدا پروا کند، همه چیز از
۵۳۱	۲/۹ ویژگی های عادل	۵۳۰	۶/۳ آن جا که ترس، سرافراز نیست
۵۳۱	۳/۹ عادل ترین مردم	۵۳۰	فصل چهارم توبه
۵۳۲	۴/۹ دناخوئی از خود	۵۳۰	۱/۴ تشویق به توبه
۵۳۲	۵/۹ کبر و مامداوان پیداگر	۵۳۱	۲/۴ پذیرش توبه
۵۳۲	فصل دهم مواسات	۵۳۱	۳/۴ تا چه زمانی توبه پذیرفته می شود؟
۵۳۲	۱/۱۰ تشویق به مواسات	۵۳۱	۴/۴ توبه بصوح (راسخ)
۵۳۲	۲/۱۱ انواع مواسات	۵۳۲	۵/۴ به تأخیر افکندن توبه
۵۳۲	سجی درباره مواسات	۵۳۲	فصل پنجم تقوا

۵۵۷	۲/۱۴ یا احسان، دل ها به دست می بیند	۵۴۴	۱ انواع مواسات
۵۵۷	۳/۱۴ بیکی کرد به کسی که ندی	۵۴۵	۲ دلیل تاکید بر مواسات مالی
۵۵۷	فصل نهم شرم	۵۴۶	فصل یازدهم ایثار
۵۵۷	۱/۱۵ فصاحت شرم	۵۴۶	۱/۱۱ ارزش ایثار
۵۵۸	۲ ۱۵ شرم و ایمان	۵۴۷	سحی درباره ایثار
۵۵۸	۳/۱۵ بی شرم، از هیچ کاری لجاج ندارد	۵۴۷	ایثار، در قرآن و حدیث
۵۵۸	فصل ششم بردباری	۵۴۷	ارزش ایثار
۵۵۸	۱/۱۶ فصاحت بردباری	۵۴۷	انواع ایثار
۵۵۹	۲/۱۶ بردباری و دانش	۵۴۹	۲/۱۱ نمونه های ولای ایثار
۵۵۹	۳/۱۶ ویژگی کسی که بردبار نیست	۵۵۱	پژوهشی درباره سان مرول ایه ایثار
۵۵۹	فصل هفتم مهربانی	۵۵۱	یک ایثار انصاف
۵۵۹	۱/۱۷ تشویق به مهربانی با یکدیگر	۵۵۱	در ایثار امام حسین علی
۵۶۰	۲/۱۷ سرافرازی مردم به مهربانی	۵۵۱	سه ایثار مردان صبری
۵۶۰	فصل هشتم نرم خوئی	۵۵۲	چهار ایثار یکی نریاران پیامبر خدا ﷺ
۵۶۰	۱/۱۸ فصاحت نرم خوئی	۵۵۲	پنج ایثار جمعی از شهدای اُحد
۵۶۰	۲/۱۸ خداوند، نرم خوی است و	۵۵۲	بررسی و معونه پادشاه
۵۶۱	۳/۱۸ نرمی در عبادت	۵۵۳	فصل دوازدهم امانتداری
۵۶۱	فصل نهم رهد	۵۵۳	۱/۱۲ اهمیت امانتداری
۵۶۱	۱/۱۹ ارزش رهد	۵۵۳	۲/۱۲ برگ فاندن امانت، در هر حال
۵۶۲	۲/۱۹ برگ های رهد	۵۵۳	۳/۱۲ کسی که امانتدار نیست ایمان ندارد
۵۶۲	۳/۱۹ خاصگی های رهد	۵۵۴	سحی درباره امانت
۵۶۴	۴/۱۹ مشایخ های رهد	۵۵۴	امانت، در قرآن و حدیث
۵۶۶	سحی درباره رهد	۵۵۴	گستره عرصه امانت
۵۶۶	رهد، در قرآن و حدیث	۵۵۶	فصل سیزدهم حاکمیت
۵۶۶	تعریف رهد	۵۵۶	۱/۱۳ تشویق به محاسبه نفس
۵۶۶	الف - بی رعایت طبیعی	۵۵۶	۲/۱۳ سختگیری در محاسبه نفس
۵۶۶	ب - بی رعایت قبی	۵۵۷	فصل چهاردهم بیکی و یکوکاری
۵۶۷	رعایت رهد اسلامی و ژانیت مسیحی	۵۵۷	۱/۱۴ بهترین کارهای یک

۵۷۶	۱/۲۵، فضیلت خاموشی	۵۶۹	فصل بیستم، بخشندگی
۵۷۶	۲/۲۵، ثمرات خاموشی	۵۶۹	۱/۲۰ تشویق به بخشندگی
۵۷۷	فصل بیست و ششم، عفت	۵۶۹	۲/۲۰ مرور بخشندگی
۵۷۷	۱/۲۶ تشویق به عفت	۵۶۹	فصل بیست و یکم، سپاس‌گزاری
۵۷۷	۲/۲۶، ترغیب به عفت از شکم‌بارگی و ...	۵۶۹	۱/۲۱، فضیلت سپاس‌گزار
۵۷۸	فصل بیست و هفتم، گذشت	۵۷۰	۲/۲۱، نقش سپاس‌گزاری در افزایش نعمت
۵۷۸	۱/۲۷ ارزش گذشت	۵۷۰	۳/۲۱، مجده شکر
۵۷۸	۲/۲۷، گذشت به هنگام قدرت	۵۷۰	فصل بیست و دوم، شکیبایی
۵۷۹	فصل بیست و هشتم، عیوب	۵۷۰	۱/۲۲، تعصیب شکستی
۵۷۹	۱/۲۸، سنایش عیوب	۵۷۱	۲/۲۲، شکیبایی و پیروری
۵۷۹	۲/۲۸، غیرت، از صفات خداست	۵۷۱	۳/۲۲، شکیبایی و گناهش
۵۷۹	۳/۲۸، نگوشتی عیوب و زری بی‌جا	۵۷۱	۴/۲۲، معنای شکیبایی
۵۷۹	فصل بیست و نهم، فرص دادن	۵۷۲	۵/۲۲، اقسام شکیبایی
۵۷۹	۱/۲۹، فضیلت فرص دادن	۵۷۳	۶/۲۲، حاشیه‌گاه شکیبایی
۵۸۰	۲/۲۹، مهلت دادن به مدحکار بگذشت	۵۷۴	فصل بیست و سوم، راضی
۵۸۱	۳/۲۹، نهی از بحث در پرداخت بدعی	۵۷۲	۱/۲۳ تشویق به راضی
۵۸۱	فصل سی، بزرگواری	۵۷۳	۲/۲۳، هذیق
۵۸۱	۱/۳۰، فضیلت بزرگواری و بزرگواری	۵۷۳	۳/۲۳، از جا که راست‌گویی، شایسته نیست
۵۸۱	۲/۳۰، کسانی که گرامی‌دانشی آنها	۵۷۳	فصل بیست و چهارم، صدقه
۵۸۲	۳/۳۰، پذیرفتن بزرگواری	۵۷۳	۱/۲۴، فضیلت صدقه
۵۸۲	فصل سی و یک، خیرخواهی	۵۷۴	۲/۲۴، خطاوند، گیرنده صدقات است
۵۸۲	۱/۳۱، فضیلت خیرخواهی	۵۷۴	۳/۲۴، صدقه و دفع بلا
۵۸۳	۲/۳۱، نشانه خیرخواه	۵۷۴	۴/۲۴، هر کار بیکی، صدقه است
۵۸۳	فصل سی و دوم، فراغت	۵۷۵	۵/۲۴، اولویت خویشاوندان در گرفتن
۵۸۳	۱/۳۲، برنامه‌ریزی روزانه	۵۷۵	۶/۲۴، فضیلت و آثار صدقه‌بانی
۵۸۳	۲/۳۲، نظم در سیرت پیامبر ﷺ	۵۷۵	۷/۲۴، مرور صدقه
۵۸۴	فصل سی و سوم، انفاق	۵۷۶	۸/۲۴، کسانی که مستحق صدقه نیستند
۵۸۴	۱/۳۳، انفاق کردن	۵۷۶	فصل بیست و پنجم، خاموشی

۵۹۳	۱/۲ هشدار درباره شرک	۵۸۴	۲/۳۳ وعده خداوند به جبران اتفاق
۵۹۳	۲/۲ کمک گرفتن از مشرکان	۵۸۴	۳/۳۳ ماندگاری اتفاق شده و نابودی
۵۹۳	۳/۲ شرک پنهان	۵۸۵	۴/۳۳ فصلت انصاف کردن تنگدست
۵۹۴	فصل سوم گناه	۵۸۵	فصل سی و چهارم وفای به عهد
۵۹۴	۱/۳ هشدار درباره گناه	۵۸۵	۱/۳۴ تشویق به وفای به عهد
۵۹۴	۲/۳ نظاهر نه گناه	۵۸۵	۲/۳۴ وعده ذبیح است
۵۹۴	۳/۳ برگ برین گناه	۵۸۶	فصل سی و پنجم دروسی
۵۹۵	۴/۳ سبک و کوچک شمردن گناه	۵۸۶	۱/۳۵ تشویق به دروسی
۵۹۵	۵/۳ هشمار دروازه گناهان خُرد انگاشته	۵۸۶	۲/۳۵ دروسی و بلند مرتبگی
۵۹۵	۶/۳ گناهان کبیره	۵۸۶	فصل سی و ششم توکل
۵۹۶	۷/۳ پافشاری بر گناه	۵۸۶	۱/۳۶ معنای توکل
۵۹۶	۸/۳ نقش گناهان در روال محبت	۵۸۷	۲/۳۶ توکل و کارسازی امور
۵۹۷	۹/۳ گناهان درد کبیر	۵۸۷	۳/۳۶ آداب توکل
۵۹۷	۱۰/۳ پاک کننده گناه	۵۸۸	فصل سی و هفتم هدیه
۵۹۸	فصل چهارم انحصار طلبی	۵۸۸	۱/۳۷ نقش هدیه در ایجاد محبت
۵۹۸	۱/۴ دوری کردن پیامبر ﷺ از ..	۵۸۸	۲/۳۷ تشویق به پذیرش هدیه
۵۹۹	۲/۴ پیشگویی پیدایش انحصار طلبی	۵۸۹	۳/۳۷ حرام بودن هدیه دادن به کارگزاران
۶۰۰	سخنی درباره انحصار طلبی	۵۸۹	۴/۳۷ نهی از پذیرفتن هدیه مُشرک
۶۰۰	خطر استنثار	۵۸۹	۵/۳۷ بهترین هدیه
۶۰۰	مبارزه با استنثار	۵۹۰	۶/۳۷ نکوهش پس گرفتن بخشش
۶۰۱	فصل پنجم ازار رسانی	۵۹۱	باب پنجم آفات خودسازی
۶۰۱	۱/۵ ترغیب به خودداری از دار	۵۹۱	فصل یکم هوس
۶۰۱	۲/۵ نکوهش همه انواع ازار رسانی	۵۹۱	۱/۱ خطر هوس
۶۰۳	۳/۵ بدترین نوع ازار رسانی	۵۹۱	۲/۱ هوس، معبودی است پرستیده
۶۰۵	۴/۵ مزای مردم ازار	۵۹۲	۳/۱ مخالفت با هوس
۶۰۶	سخنی درباره ازار رسانی	۵۹۲	۴/۱ قوی ترین مردم کسی است که بر
۶۰۷	فصل ششم تحمل	۵۹۲	۵/۱ خضوع دنیا در برابر چیره شونده -
۶۰۷	۱/۶ نکوهش بحین	۵۹۳	فصل دوم شرک

۶۱۴	فصل پانزدهم نوشیدن شراب ..	۶۰۷	۲/۶. خصلت‌های بخین ..
۶۱۴	۱/۱۵ حرام بودن نوشیدن شراب	۶۰۷	۳/۶ کم بودن آب‌پاش بخیل
۶۱۴	۲/۱۵ نقش شراب در رشکاری‌ها	۶۰۷	فصل هفتم بدعت ..
۶۱۴	۳/۱۵ بهی از شش‌س بر سر سفره‌های ..	۶۰۷	۱/۷ هشدار درباره بدعت‌گذاری
۶۱۵	۴/۱۵ چگونگی محسور شدن شرابخوار	۶۰۸	۲/۷ پذیرفته شدن اعمال صالح ..
۶۱۵	۵/۱۵ تشویق به ترک شرابخواری ..	۶۰۸	۳/۷ وظیفه عالمان به حکم پدید ..
۶۱۵	فصل شانزدهم خیانت ..	۶۰۸	فصل هشتم بیکاری ..
۶۱۵	۱/۱۶ نکوهش خیانت ..	۶۰۸	۱/۸ نکوهش بیکاری ..
۶۱۵	۲/۱۶ بهی از خیانت کردن، حتی به ..	۶۰۹	۲/۸ خطر بیکاری ..
۶۱۶	فصل هجدهم ریاکاری ..	۶۰۹	فصل نهم عیجوبی و سرریش ..
۶۱۶	۱/۱۷ نکوهش ریاکاری و هشدار درباره آن	۶۰۹	۱/۹ هشدار درباره عیجوبی ..
۶۱۶	۲/۱۷ عمل ریاکار، پذیرفته نمی‌شود	۶۱۰	۲/۹ هشدار درباره سرریش کردن دیگری
۶۱۷	۳/۱۷ ربا و شرک	۶۱۰	۳/۹ تسویق به عیب‌پوشی
۶۱۷	۴/۱۷ حاکم برسی ریاکار ..	۶۱۰	۴/۹ ستایش کسی که عیوبش، نورالزین ..
۶۱۷	فصل هیجدهم ربا ..	۶۱۱	فصل دهم آزمندی ..
۶۱۷	۱/۱۸ هشدار درباره ربا ..	۶۱۱	۱/۱۰ نکوهش آزمندی و آزمند
۶۱۷	۲/۱۸ چگونگی محسور شدن رباخوار	۶۱۱	۲/۱۰ آزمندی، زوری زاریاد نمی‌کند
۶۱۸	فصل نوزدهم رشوه ..	۶۱۱	فصل یازدهم حرام‌خواری ..
۶۱۸	۱/۱۹ رشوه گرفتن، کفر است	۶۱۱	۱/۱۱ هشدار درباره حرام‌خواری
۶۱۸	۲/۱۹ نکوهش رشوه‌دهنده و رشوه ..	۶۱۲	۲/۱۱ ثواب ترک حرام، هنگام برانگی ..
۶۱۹	فصل بیستم زنا ..	۶۱۲	فصل دوازدهم حد ..
۶۱۹	۱/۲۰ بهی از زنا ..	۶۱۲	۱/۱۲ نکوهش حد و حدود
۶۱۹	۲/۲۰ بزرگ‌ترین زنا	۶۱۲	۲/۱۲ حد، آلت ایمان است ..
۶۱۹	۳/۲۰ پیامدهای زنا ..	۶۱۳	فصل سیزدهم سوگند خوردن
۶۲۰	فصل بیست و یکم دشنام و ناسراگویی	۶۱۳	۱/۱۳ بهی از سوگند خوردن غیر ضروری ..
۶۲۰	۱/۲۱ هشدار درباره دشنام ..	۶۱۳	۲/۱۳ پیامدهای سوگند دروغ ..
۶۲۰	۲/۲۱ هشدار درباره ناسراگویی به مؤمن ..	۶۱۳	فصل چهاردهم مواد مخدر
۶۲۱	فصل بیست و دوم مسخره کردن ..		

۶۲۹	۱/۲۲ نهی از مسخره کردن	۶۲۹	۲/۲۹ نهی از کتک زدن و کشتن به ناحق
۶۲۹	۲/۲۲ گیر مسخره کنندگان در آخرت	۶۲۹	فصل سی پیمان شکنی
۶۲۹	فصل بیست و سوم اسراف	۶۲۹	۱/۳۰ نکوهش پیمان شکنی
۶۲۹	۱/۲۳ هشدار درباره اسراف	۶۲۹	۲/۲۰ چگونگی محسور شدن پیمان شکن
۶۲۹	۲/۲۲ مرد اسراف	۶۳۰	فصل سی و یکم دهنکاری
۶۲۹	فصل بیست و چهارم طمع	۶۳۰	۱/۳۱ نکوهش دهنکاری
۶۲۹	۱/۲۴ نکوهش طمع و پناه بردن از آن	۶۳۰	۲/۳۱ پیامدهای دهنکاری
۶۲۹	۲/۲۴ سررفهای طمع	۶۳۱	فصل سی و دوم خشم
۶۲۹	فصل بیست و پنجم ستمگری	۶۳۱	۱/۲۲ خشم، کبدها را بدی است
۶۲۹	۱/۲۵ هشدار درباره ستمگری	۶۳۱	۲/۲۲ تشویق به درو خوردن خشم
۶۲۹	۲/۲۵ نقش ظلم در طلب های زیادت	۶۳۱	۲/۲۲ داروی خشم
۶۲۹	۳/۲۵ انواع ستم	۶۳۲	۲ ۲۲ خشم سوده
۶۲۹	۴/۲۵ سبب ترین ستمکاری ها	۶۳۲	۱/۲۳ هشدار درباره عفت
۶۲۹	۵/۲۵ سبب ستمگر	۶۳۲	۲/۲۳ هشدار درباره عفت
۶۲۹	۶/۲۵ شاه های ستمگر	۶۳۲	۲/۲۳ از عافیت، عفت نمی شود
۶۲۹	۷/۲۵ هشدار درباره باری دادن ستمگر	۶۳۲	۲/۲۳ عافیت ترین مردم
۶۲۹	۸/۲۵ تشویق به باری ستم دیده	۶۳۲	فصل سی و چهارم عیبت
۶۲۹	فصل بیست و ششم بدگمانی	۶۳۲	۱/۲۴ نهی از عیبت
۶۲۹	۱/۲۶ معصومیت بدگمانی به مومنین	۶۳۲	۲/۲۴ عیبت و دس
۶۲۹	۲/۲۶ هشدار درباره بدگمانی به خداوند	۶۳۲	۳/۲۴ معنای عیبت
۶۲۹	فصل بیست و هفتم خود پسندی	۶۳۴	۴/۲۴ کسی که عیبتش رواست
۶۲۹	۱/۲۷ خود پسندی سبب هلاکت می شود	۶۳۵	نوعی درباره انواع عیبت
۶۲۹	۲/۲۷ نکوهش خود ستایی	۶۳۷	۵/۲۴ تشویق به واگشتن در برابر عیبت
۶۲۹	فصل بیست و هشتم شنایکاری	۶۳۷	۶/۲۴ کفاره عیبت
۶۲۹	۱ ۲۸ نکوهش شنایکاری	۶۳۷	فصل سی و پنجم کشش
۶۲۹	۲/۲۸ سبب سبب در استفاده از	۶۳۷	۱/۲۵ حرام بودن دهنکاری
۶۲۹	فصل بیست و نهم شکجه	۶۳۸	۲/۲۵ جاهلی که کشش رواست
۶۲۹	۱/۲۹ نهی از شکجه دادن مردم	۶۳۸	۲/۲۵ حرام بودن خود کشی

۶۴۹	۱/۱ تشویق به عبادت خداوند	۶۴۹	فصل سی و هشتم بومیدی
۶۴۹	۲/۱ خود را وقف عبادت کردن	۶۴۹	۱/۳۶ نکوهش بومیدی از رحمت خدا
۶۴۹	۳/۱ باب عبادت	۶۴۹	۲/۳۶ هشدار درباره بومید کردن مردم از ...
۶۵۰	۴/۱ بررسی عبادت	۶۴۹	فصل سی و نهم تکبر
۶۵۰	۵/۱ عبادت باید پرفتنی	۶۴۹	۱/۳۷ نکوهش تکبر
۶۵۰	۶/۱ نشاط در عبادت	۶۴۰	۲/۳۷ کبریا، مخصوص خداست
۶۵۱	۷/۱ پاداش اخلاص در عبادت	۶۴۰	۳/۳۷ هر که تکبر ورزد، خدا او را
۶۵۱	فصل دوم فرمانبری از خداوند	۶۴۰	۴/۳۷ جایگاه متکبران
۶۵۱	۱/۲ تشویق به فرمانبری از خداوند و	۶۴۱	فصل سی و هشتم دروغ
۶۵۱	۲/۲ سختکوشی در فرمانبری از خدا	۶۴۱	۱/۳۸ نکوهش دروغ
۶۵۲	فصل سوم عمل	۶۴۱	۲/۳۸ دروغ و ایمان
۶۵۲	۱/۳ تشویق به انجام دادن واجبات	۶۴۱	۳/۳۸ دستور به ترک دروغ جزی و شرح
۶۵۲	۲/۳ تشویق به مداومت بر کار شایسته	۶۴۲	۴/۳۸ دروغ کوچک
۶۵۲	۳/۳ برتری عمل	۶۴۲	۵/۳۸ نتیجه دروغگویی
۶۵۳	۴/۳ کسی که عملش پدیده می شود	۶۴۲	۶/۳۸ موارد حایر بودن دروغ
۶۵۳	۵/۳ ادب عمل	۶۴۲	فصل سی و نهم بهبودگی
۶۵۳	۶/۳ نیاز شدید به عمل در قیامت	۶۴۲	۱/۳۹ تشویق به ترک بهبودگی و دوری ...
۶۵۴	۷/۳ محکم کاری	۶۴۲	۲/۳۹ هشدار درباره فرو رفتن در امور ...
۶۵۴	فصل چهارم نیت	۶۴۲	فصل چهارم لواط
۶۵۴	۱/۲ نقش نیت در عمل	۶۴۲	۱/۴۰ هشدار درباره لواط
۶۵۴	۲/۲ نقش نیت در حشر	۶۴۵	۲/۴۰ حد لواط
۶۵۵	۳/۲ پاداش نیت خوب	۶۴۵	فصل چهارم و یکم نفاق ...
۶۵۵	۴/۲ نیت مؤمن، بهتر از عمل اوست	۶۴۵	۱/۴۱ آغاز نفاق
۶۵۶	۵/۲ تشویق به داشتن نیت پاک در هر کار	۶۴۵	۲/۴۱ شایه های نفاق
۶۵۶	فصل پنجم اخلاص		
۶۵۶	۱/۵ فضیلت اخلاص		بخش هشتم حکمت های عبادی
۶۵۶	۲/۵ کافی بودن کار اندک مختصانه	۶۴۹	باب یکم اطاعت و عبادت خدا و کارهای شایسته
۶۵۶	۳/۵ نقش اخلاص در پذیرش اعمال	۶۴۹	فصل یکم عبادت

۶۶۷	۷/۲. مهم ترین وظایف مؤذن	۶۵۷	۲/۵. علامت تخصیص
۶۶۸	۸/۲. مهم ترین وظایف شنونده ادب	۶۵۷	۵/۵. آثار اخلاص
۶۶۹	۹/۲. سرور اذانگویی	۶۵۷	فصل ششم شروع
۶۷۰	فصل سوم تشویق به نماز	۶۵۷	۱/۶. فضیلت شروع
۶۷۰	۱/۳. وجوب نماز	۶۵۸	۲/۶. خانم نمایی منافعه
۶۷۰	۲/۳. حکمت نماز	۶۵۸	فصل هفتم خدمتگزاری به مردم
۶۷۱	۳/۳. ویژگی های نماز	۶۵۸	۱/۷. تشویق به بر آوردن حاجت مردم
۶۷۳	۴/۳. مواظبت بر نماز	۶۵۸	۲/۷. پاداش خدمت کردن به مؤمن
۶۷۳	۵/۳. مواظبت بر وقت های نماز	۶۵۹	۳/۷. گناه خودداری از بر آوردن نیاز برادر
۶۷۳	۶/۳. واداشتن خانواده به نماز	۶۶۰	باب دوم نماز و مقدمات آن
۶۷۴	۷/۳. فضیلت نمازگزار	۶۶۰	فصل یکم وضو
۶۷۵	۸/۳. فضیلت انتظار نماز	۶۶۰	۱/۱. فضیلت وضو
۶۷۵	فصل چهارم آداب نماز	۶۶۰	۲/۱. فضیلت زیاد وضو گرفتن و غلبه
۶۷۵	۱/۴. آداب ظاهری	۶۶۰	۳/۱. آثار وضو در قیامت
۶۷۶	۲/۴. آداب باطنی	۶۶۱	فصل دوم اذان
۶۷۷	۳/۴. تکبیر و آداب آن	۶۶۱	۱/۲. آثار شریع اذان
۶۷۸	۴/۴. آداب رکوع و سجود	۶۶۲	پژوهشی درباره چگونگی تشریع اذان
۶۷۸	۵/۴. آنچه برای نمازگزار، شایسته نیست	۶۶۲	یک روایتی که عشا اذان را وحی نمی داند
۶۸۰	فصل پنجم سجود نماز و سبک شمردن آن	۶۶۳	در نقد و مجلس
۶۸۰	۱/۵. آثار نماز خواندن	۶۶۳	۱. ناسازگاری با مقام نبوت
۶۸۰	۲/۵. کبر ترک کننده نماز	۶۶۳	۲. منافات داشتن با حکمت اذان
۶۸۱	۳/۵. سرای کسی که نماز را سبک بشمارد	۶۶۴	۳. تکذیب شدن به وسیله فعل بیست و سه
۶۸۱	فصل ششم آثار نماز	۶۶۴	سه انگیره جعل و حدیث عبد الله بن زید
۶۸۱	۱/۶. از میان رفتن بدی ها	۶۶۵	۲/۲. بندگان اذان
۶۸۲	۲/۶. پاکی جان	۶۶۵	۳/۲. فضیلت اذان
۶۸۲	۳/۶. منع شدن از کارهای رشت و پهن شدن	۶۶۶	۴/۲. فضیلت مؤذن
۶۸۳	۴/۶. فرود آمدن رحمت	۶۶۷	۵/۲. برکات اذان
۶۸۳	۵/۶. رسیدن به هر خوبی	۶۶۷	۶/۲. افراد شایسته برای اذان گفتن

۶۹۲	۱/۱ اهتمام ورزیدن به دعا	۶۸۴	فصل هفتم پدیرش نماز
۶۹۲	۲/۱ اهتمام اروپای خدا به دعا	۶۸۴	۱/۷ عوامل پدیرش نماز
۶۹۳	۳/۱ پیش دستی کردن در دعا	۶۸۴	۲/۷ موانع پدیرش نماز
۶۹۳	فصل دوم آموزش دعا	۶۸۵	فصل هشتم تعقیب نماز
۶۹۳	۱/۲ مقر عبادت	۶۸۵	۱/۸ فضیلت ذکر و دعا پس از نماز
۶۹۳	۲/۲ برترین عبادت	۶۸۵	۲/۸ آیه الکرسی خواندن
۶۹۳	۳/۲ سلاح مؤمن	۶۸۵	۳/۸ سوره توحید خواندن
۶۹۳	۴/۲ دعا، خود، جونی از تقدیر است	۶۸۵	۴/۸ طلب آموزش
۶۹۵	فصل سوم برگشتنهای دعا	۶۸۶	فصل نهم روش پیامبر در نماز
۶۹۵	۱/۳ برآورده شدن حاجت	۶۸۶	فصل دهم نماز شب
۶۹۵	۲/۳ کلید رحمت	۶۸۶	۱/۱۰ فضیلت نماز شب
۶۹۵	۳/۳ برگرداندن قضای الهی	۶۸۷	۲/۱۰ پالیدن خدا به کسی که در دل شب
۶۹۶	۴/۳ دفع بلا	۶۸۷	۳/۱۰ ثمرهای شب روزه داری
۶۹۶	۵/۳ شمای هر دودی	۶۸۸	فصل یازدهم نماز جماعت
۶۹۶	فصل چهارم سر باز زدن از دعا و مستی در آن	۶۸۸	۱/۱۱ اولین نماز جماعت
۶۹۶	۱/۲ هشدار دوباره ترک دعا	۶۸۸	۲/۱۱ خوش گمانی به نماز جماعت خیر
۶۹۷	۲/۲ بکوهش در ماندگی در دعا	۶۸۸	فصل دوازدهم نماز جمعه
۶۹۷	فصل پنجم بایسته های پیش از دعا	۶۸۸	۱/۱۲ تشویق به نماز جمعه
۶۹۷	فصل ششم آداب آغاز کردن دعا	۶۸۹	۲/۱۲ ترک نماز جمعه
۶۹۷	۱/۶ آغاز کردن به نام خدا	۶۸۹	۳/۱۲ آداب گوش دادن به خطبه
۶۹۸	۲/۶ ستایش و ثنای خدا گشتن	۶۹۰	باب سوم - دعا و ذکر
۶۹۸	۳/۶ اصراف به گناه	۶۹۰	درآمد
۶۹۸	۴/۶ درود فرستادن بر پیامبر و جانشینان او	۶۹۰	سخنی در باره دعا
۶۹۹	۵/۶ توسل جستن به اهل بیت علیهم السلام	۶۹۰	حقیقت دعا
۷۰۰	فصل هفتم بایسته های هنگام دعا	۶۹۱	اهمیت دعا و نقش آن در زندگی
۷۰۰	۱/۷ خاکساری و خواری و فروتنی و	۶۹۱	اصلی ترین مقدمات اجابت دعا
۷۰۰	۲/۷ گریستن پا حالت گریه به خود گرفتن	۶۹۱	موانع اجابت دعا
۷۰۱	۳/۷ بهان داشتی	۶۹۲	فصل یکم - تشویق کردن به دعا

۷۱۷	۵/۱۰ در سب	۷۰۱	۲/۷ انگیز صدا
۷۱۷	۶/۱۰ سحرگهان	۷۰۲	توصیحه درباره بلند کردن صد در دعا
۷۱۸	۷/۱۰ از سینه دم تا دبلان حورشید	۷۰۳	۵/۷ بلند کردن دست
۷۱۸	۸/۱۰ هنگام بيمرور	۷۰۵	تحلیف درباره بلند کردن دست به سوی آسمان
۷۱۹	۹/۱۰ شب عرفة در روز آن	۷۰۷	۶/۷ بلند هتقی و بررگی درخواست
۷۱۹	۱۰/۱۰ عده رمضان	۷۰۷	۷/۷ حواس از فصل خداوند
۷۱۹	۱۱/۱۰ هنگام اذان	۷۰۷	۸/۷ فاطمیت
۷۲۰	۱۲/۱۰ هنگام نماز	۷۰۸	۹/۷ دعا کردن برای همکار
۷۲۰	۱۳/۱۰ هنگام قرآن و حتم قر	۷۰۸	۱۰/۷ بسیار حواس
۷۲۰	فصل نازدهم بافصلت ترمس مکان ها برای دعا	۷۰۹	۱۱/۷ پافشاری
۷۲۰	۱/۱۱ مکه و مسجد الحرام	۷۰۹	فصل هشتم پدیدار حسن دعا
۷۲۱	۲/۱۱ عرافات در روز عرفة	۷۰۹	۱/۸ امیر گیس
۷۲۱	۳/۱۱ در نوزدهم حجاب دعا	۷۱۰	توصیحه درباره گیس امیر در پایان دعا
۷۲۱	۱/۱۲ دعا در ۱۰۰ حجاب	۷۱۱	۲/۸ کشیدن دست ها به صورت
۷۲۲	۲/۱۲ در روز حجاب	۷۱۱	فصل نهم آنچه برای دعا کننده ساینده بیکر
۷۲۳	۳/۱۲ موانع اجابت دعا	۷۱۱	۱/۹ درخواست چیزی که نمی داند نه
۷۲۵	۴/۱۲ معای احاث دعا	۷۱۱	۲/۹ از حد گذشتن
۷۲۶	۵/۱۲ بخش نام های مشکوی خداوند در	۷۱۲	توصیحه درباره از حد گذشتن در دعا
۷۲۷	۶/۱۲ آنچه پس از احاث شامنه است	۷۱۳	۳/۹ شتاب کردن
۷۲۷	۷/۱۲ کسانی که دعا شان مستجاب می شود	۷۱۳	۴/۹ خواسته های فراوان داشتن
۷۳۱	۸/۱۲ کسی که حاجتش بی درخواست	۷۱۴	۵/۹ کوچک شمردن حاجت
۷۳۲	۹/۱۲ کسی که دعایش مستجاب نمی شود	۷۱۴	۶/۹ درخواست مرگ
۷۳۳	۱۰/۱۲ حکمت تاخیر احاث	۷۱۵	۷/۹ عزم به خود
۷۳۳	فصل سیزدهم دعا کردن برای دیگران	۷۱۵	فصل دهم به پس از اوقات برای دعا
۷۳۳	۱/۱۳ ترعت به درخواست دعا از دیگران	۷۱۵	۱/۱۰ شب قدر
۷۳۳	۲/۱۳ آنان که سرافراز می شد	۷۱۵	۲/۱۰ شب نیمه شعبان
۷۳۵	۳/۱۳ کسانی که نباید برایشان دعا کرد	۷۱۶	۳/۱۰ شب جمعه
۷۳۶	چهارم : ناره معصومیت دعا کردن در	۷۱۶	۴/۱۰ روز جمعه

۷۵۱	۵/۱۶ حسرو پروریز	۷۳۷	فصل چهاردهم کسانی که پیامبر ﷺ برایشان
۷۵۲	۶/۱۶ مروان بن حکم	۷۳۷	۱/۱۴، ادم عی بن ابی طالب ﷺ
۷۵۲	۷/۱۶ معاویه و عمرو بن عاص	۷۳۷	۲/۱۴ علی ﷺ و فاطمه ﷺ
۷۵۳	۸/۱۶ ضمره بن عاص	۷۳۸	۳/۱۴ حسن و حسین ﷺ
۷۵۳	۹/۱۶ ولید بن عقبه	۷۳۹	۴/۱۴ اهل بیت ﷺ
۷۵۴	۱۰/۱۶ گروهی که پیامبر ﷺ	۷۳۹	۵/۱۴ ابو مریم عسانی
۷۵۷	تحلیلی درباره حکمت مفری های ایما ﷺ و اولاد	۷۴۰	۶/۱۴ عبداللہ بن جعفر
۷۵۸	باب چهارم روزه	۷۴۰	۷/۱۴ عبداللہ بن عباس
۷۵۸	فصل یکم فصیلت های ماه روزه داری	۷۴۰	۸/۱۴ عبداللہ بن مسعود
۷۵۸	۱/۱ عطف و احترام ماه رمضان	۷۴۰	۹/۱۴ عمرو بن خطاب
۷۵۸	۲/۱ ویژگی های ماه رمضان	۷۴۱	۱۰/۱۴ فاطمه زهرا
۷۵۹	۳/۱ برکات ماه رمضان	۷۴۲	۱۱/۱۴ سجاشی
۷۶۱	سجی درباره به بند کشیده شدن شیطان ها	۷۴۲	۱۲/۱۴ بازماندگان شهدای احد
۷۶۱	عده به بند کشیده شدن شیاطین بر	۷۴۲	۱۳/۱۴ پیری از انصار
۷۶۱	عنت اول طبیعت پسگیرانه روزه	۷۴۳	۱۴/۱۴ ائمت اسلامی
۷۶۲	عنت دوم عذاب و بزه خداوند	۷۴۳	۱۵/۱۴ دعای پیامبر ﷺ برای فرشت
۷۶۲	عنت سوم ورود برخی انسان ها از به	۷۴۵	نکاتی درباره دعای پیامبر ﷺ برای دیگران
۷۶۲	دو بند بودن شیطان ها، نسبی است	۷۴۷	۱۶/۱۴ دعای پیامبر ﷺ برای بارش باران
۷۶۳	۴/۱ تأکید بر بهره وری از برکات ماه رمضان	۷۴۷	فصل پانزدهم مفری کردن به دیگران
۷۶۳	فصل دوم میهمانی خدا	۷۴۷	کسانی که نباید مفریشان کرد
۷۶۳	۱/۲ شناخت میهمانی خدا	۷۴۷	الف - مردمان، دوستان و خدمتکاران
۷۶۵	سجی در شرح حدیث «روزه برای من است»	۷۴۸	ب - گنهکار
۷۶۸	۲/۲ برکات میهمانی خدا	۷۴۸	ج - کسی که صحن مفری نیست
۷۷۰	سجی درباره مراتب روزه داری	۷۴۸	فصل شانزدهم کسانی که پیامبر خدا ﷺ -
۷۷۰	دسته اول روزه عوم	۷۴۸	۱/۱۶ ابو موسی اشعری
۷۷۰	دسته دوم روزه خواص	۷۴۹	۲/۱۶ اشعث بن قیس و سل او
۷۷۰	دسته سوم روزه خواص خواص	۷۵۰	۳/۱۶ حکم بن ابی العاص
۷۷۲	فصل سوم آماده کردن مردم برای میهمانی خدا	۷۵۰	۴/۱۶ عقبه بن ابی نهب

۷۸۵	۱/۸ عمن	۷۷۲	خطبه‌های پیامبر ﷺ، هنگام فرارسیدن ماه رمضان
۷۸۵	۲/۸ اعتکاف	۷۷۳	فصل چهارم دعا‌های آمادگی برای میهمانی خدا
۷۸۶	۳/۸ تلاش بیشتر برای عبادت	۷۷۳	۱/۴ دعا‌های دیدن هلال ماه رمضان
۷۸۶	فصل پنجم نوافل ماه رمضان	۷۷۴	۲/۴ دعا‌های زمان فرارسیدن ماه رمضان
۷۸۷	سحری در فصیلت نوافل ماه رمضان و...	۷۷۴	فصل پنجم چگونگی آماده شدن برای...
۷۸۸	فصل ششم شب قدر	۷۷۴	۱/۵ روزه گرفتن در ماه شعبان
۷۸۸	۱/۱۰ تعایل شب قدر	۷۷۴	۲/۵ حلال خوری
۷۸۸	۲/۱۰ ویژگی‌های شب قدر	۷۷۵	سحری درباره نغش خوراک در بهره گیری از...
۷۹۰	۳/۱۰ وجود شب قدر در هر سال	۷۷۵	پرهیز از عدا‌های شبه‌های
۷۹۰	فصل یازدهم شب قدر، چه شبی است؟	۷۷۵	انگیزه‌های خوردن و شامیدن
۷۹۰	۱/۱۱ در دهه آخر است	۷۷۶	فصل ششم آداب روزه داری
۷۹۱	۲/۱۱ شب یست و سوم	۷۷۶	۱/۶ مهم ترین آداب
۷۹۲	۳/۱۱ پوشیده بودن آن، به سود مردم است	۷۷۶	۲/۶ آنچه پیش از روزه گرفتن...
۷۹۲	۴/۱۱ آن که شب قدر را در می‌پاید	۷۷۸	۲/۶ آنچه برای روزه دار، شایسته است
۷۹۳	سحری درباره شب قدر	۷۷۸	۳/۶ آنچه برای روزه دار، شایسته نیست
۷۹۳	یک معنای شب قدر	۷۷۹	۵/۶ آنچه هنگام انتظار شایسته است
۷۹۳	دو ویژگی‌های شب قدر	۷۸۱	فصل هفتم کارهایی که بر امتحاب آنها تأکید...
۷۹۳	الف - برنامه ریزی سالانه	۷۸۱	۱/۷ انجام دادن یکی از کارهای بزرگ
۷۹۴	ب - اختصاص دلش به امام زمان ﷺ	۷۸۱	۲/۷ انطاری دادن به روز حذران
۷۹۴	ج - بهتر بودن از هزار ماه	۷۸۲	۳/۷ بسیار اتفاق کردن
۷۹۵	سه تلاوم شب قدر	۷۸۲	۴/۷ بسیار قرآن خواندن
۷۹۵	چهار تعبیر شب قدر	۷۸۲	فصیلت تلاوت قرآن و تشویق به آن
۷۹۶	فصل دوازدهم آداب شب قدر	۷۸۳	۵/۷ بسیار استعجاز کردن
۷۹۶	۱/۱۲ شب روزه داری	۷۸۳	۶/۷ بسیار دعا خواندن و ذکر گفتن
۷۹۶	۲/۱۲ معاشی کمک به شمریده داری	۷۸۴	۷/۷ بسیار نماز خواندن
۷۹۷	۳/۱۲ دعا	۷۸۴	۸/۷ عمره...
۷۹۷	۴/۱۲ نماز	۷۸۴	۹/۷ اعتکاف
۷۹۸	فصل سیزدهم وداع با ماه رمضان	۷۸۵	فصل هشتم اعمال مخصوص دهه آخر...

فصل چهاردهم، عید فطر	۷۹۸	کروج از مشعر الحرام	۸۱۶
۱/۱۴، نصیبت شب عید	۷۹۸	۸/۳، چگونگی زنی (سگ زدن) و...	۸۱۶
۲/۱۴، آداب شب عید	۷۹۹	۹/۳، مرثیه	۸۱۷
۳/۱۴، نصیبت روز عید	۷۹۹	۱۰/۳، تراشیدن سر	۸۱۷
۴/۱۴، آنچه پیش از رفتن به سری مدار	۸۰۰	فصل چهارم، آداب حج	۸۱۸
۵/۱۴، آنچه هنگام رفتن به سری مدار	۸۰۰	۱/۴، اخلاص	۸۱۸
۶/۱۴، مدار عید	۸۰۱	۲/۴، یاد گرفتن مناسک حج	۸۱۸
باب پنجم، حج و عمره	۸۰۳	۳/۴، پاک کردن مال از حرام	۸۱۹
فصل یکم، فلسفه حج و فضیلت و برکاتش	۸۰۳	۴/۴، تهیه و نوشه از پاکیزه ترین ها	۸۱۹
۱/۱، فلسفه حج	۸۰۳	۵/۴، وایهادر گناهان	۸۲۰
۲/۱، فضیلت حج	۸۰۳	۶/۴، دیدار با حج گزار	۸۲۰
۳/۱، پاداش حج	۸۰۴	فصل پنجم، حج اسفر (عمره)	۸۲۰
۴/۱، نتائج پیوسته حج گزاران	۸۰۵	۱/۵، فضیلت عمره	۸۲۰
۵/۱، برتری حج گزار	۸۰۵	۲/۵، فضیلت عمره در ماه رجب	۸۲۱
۶/۱، آثار حج	۸۰۵	۳/۵، فضیلت عمره در ماه رمضان	۸۲۱
فصل دوم، تأخیر در حج و ترک آن	۸۰۶	فصل ششم، گوناگونی	۸۲۲
۱/۲، هشدار درباره ترک حج	۸۰۶	۱/۶، برائت از مشرکان در حج	۸۲۲
۲/۲، ترک کننده حج	۸۰۶	تعمیم درباره مراسم برائت از مشرکان	۸۲۳
۳/۲، هشدار درباره تعطیل شدن حج	۸۰۷	۱، معنای شرک و مشرک	۸۲۳
فصل سوم، اعمال حج	۸۰۷	۲، ادیان الهی و برائت از مشرکان	۸۲۳
۱/۳، میقات های احرام	۸۰۷	۳، زمان و مکان برائت از مشرکان	۸۲۴
۲/۳، تئیک گفتن در احرام	۸۰۸	۲/۶، حج گذاری پیامبران علیهم السلام	۸۲۵
۳/۳، فضیلت طواف	۸۱۰	۳/۶، نصیبت حج یابی	۸۲۶
۴/۳، دست کشیدن به حجر (استلام) و	۸۱۱	باب ششم، امر به معروف و نهی از منکر	۸۲۷
۵/۳، سعی	۸۱۲	فصل یکم، تشریح به امر به معروف و نهی از منکر	۸۲۷
پاداش سعی	۸۱۲	۱/۱، فضیلت امر به معروف و نهی از منکر	۸۲۷
۶/۳، رموف در عرفات	۸۱۲	۲/۱، فضیلت حق گفتن در برابر	۸۲۷
۷/۳، رلوف در مشعر الحرام	۸۱۵	فصل دوم، ترک امر به معروف و نهی از منکر	۸۲۸

۸۳۷	۴/۳ شعار داد	۸۲۸	۱/۲ سوره کسی که بهی از سکر می کند
۸۳۸	فصل چهارم شهادت در راه خدا	۸۲۸	۲/۲ خطر ترک امر به معروف و نهی
۸۳۸	۱/۴ فضیلت شهادت	۸۲۹	۳/۲ بچه موجب ترک نهی بر سکر می شود
۸۳۸	۲/۴ شوق شهادت	۸۲۹	۴/۲ ترک مهر از سکر به خاطر ترس از
۸۳۸	۳/۴ شهادت و پاک شدن گناهان	۸۳۰	فصل سوم آداب و شریعت امر به معروف و
۸۳۹	۴/۴ آرزوی شهید	۸۳۰	۱/۳ شریعت امر کننده و نهی کننده
۸۳۹	۵ - شهادت طوسی	۸۳۰	۲/۳ ادب امر کردن
۸۳۹	۶/۴ نفس نیت و شهادت	۸۳۰	۳/۳ نکوهش امر کننده ای که خود انجام
۸۴۰	۷/۴ کسانی که شهید محسوب می شوند	۸۳۱	فصل چهارم مراتب بهی از سکر
۸۴۰	۸/۴ برترین شهیدان	۸۳۱	۱/۲ وجوب راهی بودن به سکر
۸۴۰	۹/۴ ثواب جاندار راه خدا	۸۳۱	۲/۲ وجوب گذاره گیری از گناهکاران
۸۴۱	فصل پنجم جنگ های پیامبر ﷺ	۸۳۱	۳ - کمترین مرتبه بهی از سکر و
۸۴۱	۱/۵ جنگ بدر بزرگ	۸۳۲	باب هفتم جهاد
۸۴۲	۲/۵ جنگ های آنشد و حم ایلاسد	۸۳۲	فصل یکم شریعت به جهاد
۸۴۳	۳/۵ جنگ ذات الرقاع	۸۳۳	۱/۱ فضیلت جهاد و محاهد
۸۴۴	۴/۵ جنگ های احرار و بی مریه	۸۳۳	۲/۱ یاری محاهدان
۸۴۴	۵/۵ جنگ خدیجه	۸۳۴	۳/۱ فضیلت جهاد در دریا
۸۴۵	۶/۵ جنگ خیبر	۸۳۴	۴/۱ ترک کردن جهاد
۸۴۶	۷/۵ جنگ موت	۸۳۵	فصل دوم امادگی برای جهاد
۸۴۶	۸/۵ جنگ قنجه مکه	۸۳۵	۱/۲ ساختن اسلحه
۸۴۸	۹/۵ جنگ خیبر	۸۳۵	۲/۲ بهی از فروش سلاح به دشمنان دین
۸۴۹	باب ششم بهترین مکان های صلات	۸۳۵	۳/۲ ارزش مردیانی
۸۴۹	فصل یکم مکه	۸۳۶	۴/۲ ارزش بگهانی
۸۴۹	۱/۱ ارزش مکه	۸۳۶	۵/۲ ارزش سلاح برداشتن در راه خدا
۸۴۹	۲/۱ در امان بودن هر ترسانی که	۸۳۶	فصل سوم آداب جنگ
۸۵۰	۳/۱ صوغیت ربه بریدن ابمی حرم	۸۳۶	۱/۲ جنگ بزرگ است
۸۵۰	۴/۱ صوغیت شکار و کیدن در حب	۸۳۷	۲/۳ دعوت به اسلام
۸۵۱	۵/۱ آداب ورود به مکه	۸۳۷	۳/۳ پرهیز از قتل

۸۶۳	فصل یکم تنویر به دوستی	۸۵۱	فصل دوم خاتمه خدا و معجزات او
۸۶۳	۱/۱ ایمان و اُلفت	۸۵۱	۱/۲ فضیلت مسجد الحرام
۸۶۳	۲/۱ لورس دوستی	۸۵۱	۲/۲ فضیلت نماز در مسجد الحرام
۸۶۳	۳/۱ فضیلت دوست و افروزد دوستدار	۸۵۱	۳/۲ فضیلت کعبه
۸۶۴	فصل دوم تأکید بر دوستی در راه خدا	۸۵۲	۴/۲ حاکمی گذاشتن قطاف برای طواف
۸۶۴	۱/۲ واجب بودن دوستی در راه خدا	۸۵۲	۵/۲ جلوگیری نکردن از طواف و نماز
۸۶۴	۲/۲ ایمان، دوستی و دشمنی است	۸۵۳	۶/۲ حجر الاسود
۸۶۴	۳/۲ استوارترین دستاویز ایمان	۸۵۳	۷/۲ قلنبرم
۸۶۵	۴/۲ عامل پدیدش افعال	۸۵۴	۸/۲ زکریمانی
۸۶۵	۵/۲ یاری خواستن از خدا برای دوستی	۸۵۴	۹/۲ درم
۸۶۵	فصل سوم عوامل دوستی	۸۵۴	۱۰/۲ فضیلت نگاه کردن به کعبه
۸۶۵	۱/۲ سازگاری جانها	۸۵۴	۱۱/۲ تمیز فیه
۸۶۵	۲/۲ ايمان و کار شایسته	۸۵۵	دعای سوم مدینه
۸۶۶	۳/۲ خوش خوئی	۸۵۵	۱/۲ نام های مدینه
۸۶۶	۴/۲ بیگانه گریزی و بیگانه شدن به مردم	۸۵۶	۲/۲ ویژگی های مدینه
۸۶۷	۵/۲ صلوة رحم	۸۵۶	۳/۲ فضیلت اقامت در مدینه
۸۶۷	۶/۲ هدیه دادن	۸۵۶	۴/۲ مسجد پیامبر ﷺ
۸۶۷	فصل چهارم آثار دوستی برای خدا	۸۵۸	توضیحی بر آیه وسعه مسجد پیامبر ﷺ
۸۶۷	۱/۴ کمال ایمان	۸۵۹	فصل پنجم مسجد
۸۶۸	۲/۴ بقای دوستی تا روز قیامت	۸۵۹	۱/۴ فضیلت مسجد
۸۶۸	۳/۴ برانگیخته شدن با محبوب	۸۵۹	۲/۴ ثواب صاحب مسجد
۸۶۹	۴/۴ شفاعت پیامبر خدا ﷺ	۸۵۹	۳/۴ آباد کردن مسجد
۸۶۹	۵/۴ ایمنی در روز قیامت	۸۶۰	۴/۴ رفتن به مسجد
۸۷۰	۶/۴ منزلت یافتن در بهشت	۸۶۰	۵/۴ شش در مساجد
۸۷۰	فصل پنجم اوقات دوستی	۸۶۰	۶/۴ ثمره آمد و شد به مسجد
۸۷۰	فصل ششم گزینش دوست		
۸۷۰	۱/۶ اهمیت گزینش دوست		بخش هفتم، حکمت های اخلاقی و اجتماعی
۸۷۱	۲/۶ کم بودن دوست را پس	۸۶۳	باب یکم مهم ترین عوامل سازنده جامعه

۸۸۴	۲/۲، ثواب ترک جناب	۸۷۱	۳/۶ هشدار دربارهٔ همسپین بد
۸۸۵	۳/۲ هشدار دربارهٔ جناب برای از ...	۸۷۱	فصل هفتم آداب دوستی
۸۸۵	فصل سوم کوچک شمردن دیگران	۸۷۱	۱/۷ آنچه در معاشرت با برادران ...
۸۸۵	۱/۲ بهی از کوچک شمردن مردم	۸۷۳	۲/۷ آنچه در معاشرت با برادران
۸۸۵	۲/۲ هشدار دربارهٔ تحقیر مزمن	۸۷۴	فصل هشتم احکام دوستی
۸۸۵	فصل چهارم نمره	۸۷۴	۱/۸ آنان که دوستی شان واجب است
۸۸۵	۱/۲ پیامدهای اختلاف	۸۷۵	۲/۸ آنان که دوستی شان پسندیده است
۸۸۶	۲/۲ اختلاف، کیمری الهی	۸۷۶	۳/۸ آنان که دوستی شان حرام است
۸۸۶	فصل پنجم فتنه	۸۷۶	۴/۸ آنان که دوستی شان مکرره است
۸۸۶	۱/۵ انواع اودا	۸۷۷	فصل نهم معنی مهرورزی در ناسپس حکومت
۸۸۷	۲/۵ ارموده شدن مردم به وسیله بکذیرگر	۸۷۷	۱/۹ برول آیه برادری
۸۸۷	۳/۵ کسانی که از فتنه ها به سلامت می رهند	۸۷۷	۲/۹ برادر شدن یاران پیامبر ﷺ، پیش ...
۸۸۸	فصل ششم داد	۸۷۷	۳/۹ برادر شدن یاران پیامبر ﷺ پس ...
۸۸۸	۱/۶ آنچه موجب فساد می شود	۸۷۹	۴/۹ تجدید حیات برادری دبی در
۸۸۸	۲/۶ آنچه فساد را از بین می برد	۸۸۰	معنی دربارهٔ برادری در اسلام
۸۸۹	باب سوم حکمت های خداوندی	۸۸۰	یک تشریح قانون برادری در اسلام
۸۸۹	فصل یکم ازدواج	۸۸۰	دو ایجاد قوی ترین پیوندهای اجتماعی
۸۸۹	۱/۱ تشریح به ازدواج	۸۸۰	سه اسلام، دین دوستی و برادری
۸۸۹	۲/۱ ازدواج، سنت پیامبر ﷺ است	۸۸۱	چهار حکمت قانون برادری دبی
۸۹۰	۳/۱ کسی که در جوانی ازدواج کند	۸۸۱	پنج تجدید حیات برادری دبی در آنجز زمان
۸۹۰	۴/۱ کسی که ازدواج کند، نصف دیش ...	۸۸۲	باب دوم آسیب های جامعه
۸۹۰	۵/۱ ارموده شدن زوری با ازدواج	۸۸۲	فصل یکم دشمنی
۸۹۰	۶/۱ ثواب زن گرفتن برای برادران دبی	۸۸۲	۱/۱ هشدار دربارهٔ دشمنی با بکذیرگر
۸۹۱	۷/۱ اهمیت دادن به دینداری زن	۸۸۲	۲/۱ بهی از جدایی پیش از سه روز
۸۹۱	۸/۱ اهمیت دادن به دینداری مرد	۸۸۳	۳/۱ ریان های جدایی
۸۹۱	۹/۱ نکوهش مهریه سنگین	۸۸۳	۴/۱ عوامل دشمنی
۸۹۲	۱۰/۱ به چه کسانی نباید زن داد	۸۸۴	فصل دوم جناب و بگرمگر
۸۹۲	۱۱/۱ با چه زمانی نباید ازدواج کرد	۸۸۴	۱/۲ تشویق به ترک جناب

۱۲/۱ حقوق شوهر	۸۹۲	۴/۱ حقوق حیوانات	۹۰۱
۱۳/۱ حقوق زن	۸۹۲	فصل سوم حدود	۹۰۲
۱۴/۱ خدمت به شوهر	۸۹۳	۱/۲ دور کردن حدود (مجازات‌های شرعی)	۹۰۲
۱۵/۱ خدمت به زن	۸۹۳	۲/۲ اجرای حدود	۹۰۳
۱۶/۱ آوردن شوهر	۸۹۳	۳/۲ ناروایی شفاعت در حدود	۹۰۳
۱۷/۱ آوردن زن	۸۹۳	۴/۲ نهی از تجاوز کردن از حدود	۹۰۳
۱۸/۱ شکیبایی بر کج خلقی زن	۸۹۴	۵/۲ نهی از لعنت کردن به شخص	۹۰۴
۱۹/۱ شکیبایی بر کج خلقی مرد	۸۹۴	فصل سوم داورى	۹۰۴
۲۰/۱ اذیت از زن در مصیبت خدا	۸۹۴	۱/۲ داورى کنندگان به حق	۹۰۴
۲۱/۱ آداب پذیرش دعوت عروسی	۸۹۴	۲/۳ هر که بر اساس آنچه خدا نازل کرده	۹۰۵
فصل دوم بیکی به پدر و مادر	۸۹۵	۳/۳ سختی حسابرسی قاضی در قیامت	۹۰۵
۱/۲ تشویق به بیکی کردن به پدر و مادر	۸۹۵	۴/۲ آداب نصرت	۹۰۶
۲/۲ تشویق به بیکی کردن به پدر و مادر	۸۹۶	۵/۳ قضایانی که خداوند، آنها را کمک	۹۰۶
۳/۲ بهشت، ریز پای مادران است	۸۹۶	۶/۳ انواع قصاص	۹۰۷
۴/۲ آوردن پدر و مادر و نافرمانی آنها	۸۹۶	فصل چهارم شهادت در داورى	۹۰۷
فصل سوم حله رجم	۸۹۷	۱/۴ تشویق به شهادت دادن	۹۰۷
۱/۴ نصیحت صیغه رجم	۸۹۷	۲/۴ نهی از کتمان شهادت	۹۰۷
۲/۴ آثار صیغه رجم کردن	۸۹۷	۳/۴ لزوم رعایت انصاف در شهادت دادن	۹۰۸
۳/۴ پیوند یا حریثاوندی که قطع رجم	۸۹۸	۴/۴ آنچه در شهادت دادن، لازم است	۹۰۸
۴/۴ هشدار درباره قطع رجم	۸۹۸	فصل پنجم قصاص	۹۰۸
فصل چهارم طلاق	۸۹۸	۱/۵ برپا داشتن قصاص	۹۰۸
۱/۴ متغیر بودن طلاق در پیشگاه خداوند	۸۹۸	۲/۵ گذشت کردن از قصاص	۹۰۸
۲/۴ سرودن مردان و زنان اصل طلاق	۸۹۹	فصل ششم زکات	۹۰۹
باب چهارم حکمت‌های حقوقی	۹۰۰	۱/۶ ضمیمه پرداخت زکات	۹۰۹
فصل یکم حقوق	۹۰۰	۲/۶ نقش پرداخت زکات در رشد ثروت	۹۰۹
۱/۱ حقوق خداوند	۹۰۰	۳/۶ کافر بودن کسی که زکات بدهد	۹۰۹
۲/۱ حقوق مردم	۹۰۰	۴/۶ کیفر کسی که زکات ببرد	۹۱۰
۳/۱ حقوق مسلمان	۹۰۰		

۹۲۲	فصل دوم برنامه ریزی		
۹۲۲	۱/۲ برنامه ریزی صحیح و توسعه	بخش هشتم، حکمت های اقتصادی	
۹۲۳	۲/۲ برنامه ریزی نادرست و عقب ماندگی	۹۱۳	باب یکم پیشرفت اقتصادی
۹۲۳	فصل سوم کار	۹۱۳	فصل یکم اهمیت پیشرفت اقتصادی
۹۲۳	۱/۳ تشویق به کار	۹۱۳	۱/۱ خوش بختی دنیا و آخرت
۹۲۵	۲/۳ هشدار درباره سستی در کار	۹۱۳	۲/۱ ثروتمندی جامعه، از نعمت های
۹۲۵	۳/۳ حاره دادن خود	۹۱۴	فصل دوم برکت های پیروان اقتصادی
۹۲۶	۴/۳ مهم ترین ادب انتخاب احب	۹۱۴	۱/۲ سامان یافتن دین و دین
۹۲۷	۵/۳ تشویق به تولید	۹۱۴	۲/۲ کمک به پرهیزگاری
۹۲۸	۶/۳ آنچه برای پیشه و سرافراز است	۹۱۴	۲/۲ چه بر سر یک انسان
۹۲۹	فصل چهارم بازار	۹۱۵	۳/۲ مفسر دینی
۹۲۹	۱/۴ تشویق به بازرگانی	۹۱۵	۵/۲ عزت در دنیا
۹۲۹	۲/۴ بهی از احکام	۹۱۶	فصل سوم عقب ماندگی اقتصادی
۹۳۰	۳/۴ آنچه درباره قیمت گذاری بیان	۹۱۶	۱/۴ فقر جامعه از محاربات های حدیث
۹۳۲	۴/۴ به احادیث قیمت گذاری	۹۱۶	۲/۴ سختی و زحمتی در
۹۳۲	قیمت گذاری بودن حد و اندازه	۹۱۶	فصل چهارم ریه های عقب ماندگی اقتصادی
۹۳۳	مخالفت پیامبر ﷺ با قیمت گذاری	۹۱۶	۱/۴ کفر
۹۳۳	عادلانه بودن قیمت ها در روزگار ..	۹۱۷	۲، ۴ شکار شدن غیب ها
۹۳۵	۲/۴ آنچه برای فروشنده سرافراز است	۹۱۷	فصل پنجم توسعه و توسعه دهنده در اسلام
۹۳۵	۵/۴ آنچه برای فروشنده سرافراز نیست	۹۱۸	فصل ششم فقر منور و فقر مکره
۹۳۵	۶/۴ آنچه در معامله حرام است	۹۱۸	۱/۶ احادیثی در ستایش فقر
۹۳۷	فصل پنجم مصرف	۹۱۹	۲/۶ احادیث نشان دهنده برتری فقر
۹۳۷	۱/۵ آنچه در مصرف درایی های	۹۱۹	۳/۶ آنچه درباره فقر سودی آمده است
۹۳۹	۲/۵ آنچه در مصرف اموال، روا نیست	۹۲۰	نکاتی درباره احادیث ستاینده فقر
۹۴۱	فصل ششم دولت	۹۲۲	باب دوم یاب های توسعه
۹۴۱	۱/۶ حکومت شایسته و توسعه	۹۲۲	فصل یکم دانش
۹۴۱	۲/۶ بهره داری شخصی از اموال عمومی	۹۲۲	۱/۱ نقش دانش در پیشرفت
۹۴۱	۳/۶ نظارت بر بازار	۹۲۲	۲/۱ نقش نادانی در عقب ماندگی

۹۵۲	باب سوم: حاشیه‌های توسعه	۹۴۲	۷/۲	۹۵۲
۹۵۳	فصل یکم حاشیه‌های اعتقادی	۹۴۲	۸/۲	۹۵۳
۹۵۳	۱/۱. خداوند، روزی محشر است	۹۴۲	فصل پنجم حاشیه‌های اجتماعی	۹۵۳
۹۵۳	۲/۱. ویژگی‌های روزی	۹۴۳	۱/۵. ازدواج	۹۵۳
۹۵۳	۳/۱. گونه‌های روزی	۹۴۴	۲/۵. پیوند با خویشان	۹۵۳
۹۵۴	۴/۱. حکمت تنگیی و گشایش روزی	۹۴۵	۳/۵. امتداری	۹۵۴
۹۵۴	۵/۱. کسانی که از جایی که گمان نمی‌رود	۹۴۶	۴/۵. همکاری	۹۵۴
۹۵۴	فصل دوم حاشیه‌های حقوقی	۹۴۶	۵/۵. انصاف	۹۵۴
۹۵۵	۱/۲. دارایی، از آن حدیث است	۹۴۶	۶/۵. رکت	۹۵۵
۹۵۵	۲/۲. احترام داشتن مال مسلمان	۹۴۷	فصل ششم حاشیه‌های بهداشتی	۹۵۵
۹۵۵	۳/۲. احترام داشتن مال نامسلمانی که	۹۴۷	۱/۶. پاکیزگی	۹۵۵
۹۵۵	۴/۲. حقوق دارایی	۹۴۷	۲/۶. خلل کردن و سواک کردن	۹۵۵
۹۵۶	۵/۲. پرداخت نکردن حقوق	۹۴۸	۳/۶. چیدن باغچه‌ها	۹۵۶
۹۵۷	فصل سوم حاشیه‌های اخلاقی	۹۴۸	باب چهارم: موانع توسعه	۹۵۷
۹۵۷	۱/۲. مدارا	۹۴۸	فصل یکم موانع اخلاقی	۹۵۷
۹۵۷	۲/۲. پرهیزگاری	۹۴۸	۱/۱. آزمندی	۹۵۷
۹۵۷	۳/۲. سکرگراری	۹۴۹	۲/۱. دروغگویی	۹۵۷
۹۵۷	۴/۲. میانه‌رویی	۹۴۹	فصل دوم موانع اجتماعی	۹۵۷
۹۵۷	۵/۲. قناعت	۹۴۹	۱/۲. ستمگری	۹۵۷
۹۵۸	۶/۲. ترجیح دادن آخرت	۹۴۹	۲/۲. حیانت	۹۵۸
۹۵۸	۷/۲. نگرش به آن که زندگی قروت‌تری دارد	۹۵۰	۳/۲. گسستن پیوند از خویشان	۹۵۸
۹۵۸	فصل چهارم حاشیه‌های عبادی	۹۵۰	۴/۲. پس رفتن بیازمید	۹۵۸
۹۵۸	۱/۲. آمرزش خواستی	۹۵۰	فصل سوم: موانع علمی	۹۵۸
۹۵۸	۲/۲. نماز	۹۵۱	۱/۲. گناهان	۹۵۸
۹۵۹	۳/۲. نماز شب	۹۵۱	۲/۲. ریا	۹۵۹
۹۵۹	۴/۲. خواندن قرآن	۹۵۲	۳/۲. ریا	۹۵۹
۹۶۰	۵/۲. حج و عمره	۹۵۲	۴/۲. خواب پیش از طلوع خورشید	۹۶۰
۹۶۱	۶/۲. همواره با طهارت بودن	۹۵۲	باب پنجم آفات توسعه	۹۶۱

۹۷۹	درآمد	۹۶۱	فصل یکم ثروت اندوزی
۹۷۹	اهمیت پزشکی	۹۶۱	۱/۱ هشدار درباره ثروت اندوزی
۹۷۹	طبابت کار خداوند است	۹۶۲	۲/۱ هشدار درباره مال اندوزی
۹۷۹	جایگاه طب و بهداشت در قوانین اسلام	۹۶۲	۳/۱ شروط تحقق مال اندوزی
۹۷۹	جایگاه طب پیشگیری در اسلام	۹۶۲	معنای زراعت دوزی، در قرآن و حدیث
۹۸۰	ارویابی کئی احادیث طب و بهداشت	۹۶۲	پیشینه تاریخی
۹۸۰	۱. مشاء عدم طب	۹۶۵	زراعت دوزی، در قرآن
۹۸۱	۲. اهل بیت علیها السلام و دانش پزشکی	۹۶۵	زراعت دوزی، در حدیث
۹۸۱	۳. دین و حرفه پزشکی	۹۶۷	۲/۱ ویژگی های منفی ثروت
۹۸۱	ارویابی احادیث طبی	۹۶۷	۵/۱ هشدار درباره مال پرستی
۹۸۳	فصل یکم پزشکی از دیدگاه اسلام	۹۶۸	۶/۱ بکوشش ترجیح دادن مال
۹۸۳	۱/۱ اهمیت دانش پزشکی	۹۶۸	۷/۱ ریاکارهای ثروت اندوزی، پیش از
۹۸۳	۲/۱ هر دردی درمانی دارد	۹۶۹	۸/۱ ریاکارهای ثروت اندوزی
۹۸۳	۳/۱ درمان، از نقدیر است	۹۷۲	فصل دوم بازپروردگر
۹۸۳	فصل دوم: ادب و احکام طبابت	۹۷۲	۱/۲ هشدار درباره بازپروردگی
۹۸۳	۱/۲ تلاش برای شناخت بیماری	۹۷۳	۲/۲ همبستگی با بازپروردگان
۹۸۴	۲/۲ مسئول بودن پزشک در صورت	۹۷۴	فصل سوم زمینه های اخلاقی توسعه
۹۸۴	۳/۲ درمان با آنچه حرام است	۹۷۴	۱/۳ غفلت از اخلاق
۹۸۵	محنی درباره ادب و احکام طبابت	۹۷۴	۲/۳ گزند سمرقند جریان روری
۹۸۵	۱. احساس مصوب	۹۷۵	۳/۳ حرام طبعی
۹۸۵	۲. تقوای پزشکی	۹۷۵	فصل چهارم موجبات مصوبیت از اخلاقی توسعه
۹۸۵	۳. پاک دامن	۹۷۵	۱/۴ ترجیح دادن اخلاق
۹۸۶	۴. اهتمام به تشخیص بیماری	۹۷۵	۲/۴ اعتدال در طب
۹۸۶	۵. تلاش برای شناخت داروهای طبیعی	۹۷۶	۳/۴ اکتفا کردن به مقدار نیاز
۹۸۶	۶. رعایت ضرورت در تجویز دارو	۹۷۶	۴/۴ عم مخورده برای روری فردا
۹۸۷	۷. حفظ اسرار بیمار		
۹۸۷	۸. ایجاد امیدواری در دلی بیمار		
۹۸۸	فصل سوم توصیه های پزشکی		بخش نهم: حکمت های پزشکی و بهداشتی
۹۸۸	۱/۳ پرهیز از مراجعه به پزشک تا	۹۷۹	باب یکم پزشکی و درمان

۹۹۵	۲۰/۲. پنجد	۹۸۸	۲/۲. راه تن درستی
۹۹۵	۲۱/۲. کدر	۹۸۸	۲/۲. عوامل طول عمر
۹۹۶	۲۲/۲. قارچ	۹۸۸	۴/۲. آنچه موجب پیری زودرس می شود
۹۹۶	۲۳/۲. گلابی	۹۸۹	۵/۲. سرآمد درمان
۹۹۶	۲۴/۲. گندرن	۹۸۹	۶/۲. آندره و بیماری
۹۹۶	۲۵/۲. شیر	۹۸۹	۷/۲. تشویق به پاکیزگی
۹۹۷	۲۶/۲. گوشت	۹۸۹	۸/۲. پاکیزگی و بهداشت
۹۹۷	۲۷/۲. نمک	۹۹۰	۹/۲. مسواکد
۹۹۸	باب سوم: بیماری	۹۹۱	باب دوم: درمان با میوه ها و غذاها و گیاهان دارویی
۹۹۸	فصل یکم: منافع بیماری	۹۹۱	۱/۲. برنج
۹۹۸	۱/۱. تأویب	۹۹۱	۲/۲. پیاز
۹۹۸	۲/۱. کفاره	۹۹۱	۳/۲. خربزه
۹۹۸	۳/۱. گرامیداشت	۹۹۱	۴/۲. تخم مرغ
۱۰۰۰	مغنی درباره حکمت بیماری ها	۹۹۲	۵/۲. میب
۱۰۰۰	۱. بخت	۹۹۲	۶/۲. خرما
۱۰۰۱	۲. کبیر	۹۹۲	۷/۲. انجیر
۱۰۰۱	۳. حامل مرگ	۹۹۲	۸/۲. سیر
۱۰۰۲	۴/۱. پاداش آنچه در دوران تن درستی	۹۹۲	۹/۲. پنیر
۱۰۰۲	فصل دوم: وظایف بیمار	۹۹۳	۱۰/۲. شلیله
۱۰۰۲	۱/۲. پنهان داشتن بیماری	۹۹۳	۱۱/۲. کامو
۱۰۰۲	۲/۲. شکیبایی	۹۹۳	۱۲/۲. انار
۱۰۰۳	۳/۲. صدقه دادن	۹۹۳	۱۳/۲. تریز
۱۰۰۳	۴/۲. دها کردن	۹۹۳	۱۴/۲. زیتون
۱۰۰۳	فصل سوم: پرستاری	۹۹۳	۱۵/۲. پنه
۱۰۰۳	۱/۲. پاداش پرستاری	۹۹۳	۱۶/۲. عدس
۱۰۰۴	۲/۲. ادب پرستاری	۹۹۳	۱۷/۲. عسل
۱۰۰۴	۳/۲. زنان پرستار در نبردهای پیامبر ﷺ	۹۹۵	۱۸/۲. انگور
۱۰۰۵	فصل چهارم: عیادت بیمار	۹۹۵	۱۹/۲. خناب

۱۰۱۸..... فصل ششم: زیبایی	۱۰۰۵..... ۱/۲. تشویق به عبادت
۱۰۱۸..... ۱/۶. پوشش و آرایش	۱۰۰۵..... ۲/۲. پاداش عبادت
۱۰۱۸..... ۲/۶. زیورهای حرام	۱۰۰۵..... ۳/۲. آداب عبادت
۱۰۱۸..... ۳/۶. رسیدگی به مو	۱۰۰۶..... ۴/۲. آنچه رویاروی بیمار، نباید انجام داد
۱۰۱۹..... ۴/۶. گذاشتن ریش	
۱۰۱۹..... فصل هفتم: هجرت	بخش دهم: حکمت‌های گوناگون
۱۰۱۹..... ۱/۷. تا جهاد هست، هجرت هم هست	فصل یکم: عوامل رستگاری
۱۰۱۹..... ۲/۷. برتر از هجرت با پیامبر ﷺ	فصل دوم: نعمت
۱۰۲۰..... فصل هشتم: مصیبت	۱/۲. نعمت‌های آشکار و نهان
۱۰۲۰..... ۱/۸. استرجاع در هنگام مصیبت	۲/۲. ترغیب به پادآوری نعمت‌های خدا
۱۰۲۰..... ۲/۸. مصیبت مرگ فرزندان	۳/۲. کسانی که خداوند به آنان، نعمت
۱۰۲۰..... ۳/۸. ادب مصیبت‌دیده	۴/۲. غفلت از نعمت‌ها
۱۰۲۱..... ۴/۸. گریستن بر مرگ مؤمن	۵/۲. عوامل پابندگی نعمت‌ها
۱۰۲۱..... ۵/۸. توبه کردن برای مُرده	۶/۲. بازگو کردن نعمت‌های خدا
۱۰۲۲..... ۶/۸. آنچه مصیبت‌ها را آسان می‌کند	۷/۲. نعمت تمام
۱۰۲۲..... ۷/۸. ثلث دادن به سوگوار	فصل سوم: رحمت
۱۰۲۲..... فصل نهم: وصیت	۱/۲. خداوند، رحمت را تعهد کرده است
۱۰۲۲..... ۱/۹. تشویق به وصیت کردن	۲/۲. گستردگی رحمت خدا
۱۰۲۳..... ۲/۹. روش وصیت کردن	۳/۲. موجبات رحمت خدا
۱۰۲۵..... ۳/۹. نهی از ضرر زدن در وصیت	فصل چهارم: ستایش
۱۰۲۵..... فصل دهم: نیازخواهی	۱/۲. نکوهش ستودن
۱۰۲۵..... ۱/۱۰. نهی از نیازخواهی از مردم	۲/۲. نکوهش دوست داشتن ستایش
۱۰۲۶..... ۲/۱۰. نهی از نیازخواهی از غیر خدا	۳/۲. ستودن کسی به آنچه در او نیست
۱۰۲۶..... ۳/۱۰. ترغیب به بی‌نیازی از مردم	۴/۲. هشدار درباره ستودن بدکار
۱۰۲۶..... ۴/۱۰. هشدار درباره رد کردن نیازخواه	۵/۲. نهی از خودستایی
۱۰۲۷..... فصل یازدهم: خوردن	فصل پنجم: عزت
۱۰۲۷..... ۱/۱۱. پایسته‌های غذا خوردن	۱/۵. موجبات عزت
۱۰۲۸..... ۲/۱۱. وعده‌های خدا	۲/۵. زیون‌ترین مردم

- ۱۰۵۳ فصل چهاردهم: مجالس
 ۱۰۵۳ ۱/۱۴. شریف‌ترین مجالس
 ۱۰۵۳ ۲/۱۴. نکاتی که باید در مجالس
 ۱۰۵۴ ۲/۱۴. مجالس که از آنها نهی شده است
 ۱۰۵۵ ۴/۱۴. مجالس ما، امانت‌شاند
 ۱۰۵۵ ۵/۱۴. تشویق به حضور در مجالس
 ۱۰۵۵ ۶/۱۴. در پایان مجالس
 ۱۰۵۵ فصل پانزدهم: خواب و بیداری
 ۱۰۵۵ ۱/۱۵. خواب، برادر مرگ است
 ۱۰۵۶ ۲/۱۵. نهی از شب زنده‌داری برای غیر
 ۱۰۵۶ ۳/۱۵. هشدار دربارهٔ پرخوابی
 ۱۰۵۶ ۴/۱۵. آداب خوابیدن
 ۱۰۵۷ فصل شانزدهم: شوخی
 ۱۰۵۷ ۱/۱۶. ستودن شوخی
 ۱۰۵۸ ۲/۱۶. نکوهش شوخی زیاد و شوخی به
 ۱۰۵۹ فصل هفدهم: شادمانی
 ۱۰۵۹ ۱/۱۷. پادش کسی که پشیمان و کردگان
 ۱۰۵۹ ۲/۱۷. ثواب زوددن غم از دل مؤمن
 ۱۰۵۹ فصل هیجدهم: خنده
 ۱۰۵۹ ۱/۱۸. خنده و لبخند
 ۱۰۶۰ ۲/۱۸. نکوهش زیاد خندیدن
 ۱۰۶۰ ۳/۱۸. سخن خنده‌آور نکوهیده
 ۱۰۶۱ فصل نوزدهم: عطر
 ۱۰۶۱ ۱/۱۹. تشویق به استعمال عطر
 ۱۰۶۱ ۲/۱۹. استعمال بوی خوش برای خدا و
 ۱۰۶۱ ۳/۱۹. عطر زنان
 ۱۰۶۱ فصل بیستم: نگاه
 ۱۰۶۱ ۱/۲۰. نگاه‌های زیادی
 ۱۰۳۰ سخنی دربارهٔ احادیث و عده‌های غذا
 ۱۰۳۱ ۳/۱۱. کم خوری
 ۱۰۳۲ ۴/۱۱. پرخوری
 ۱۰۳۳ ۵/۱۱. بهترین غذاها
 ۱۰۳۴ ۶/۱۱. آداب غذا خوردن
 ۱۰۳۶ ۷/۱۱. کارهایی که هنگام خوردن نباید
 ۱۰۳۸ ۸/۱۱. غذا خوردن با دیگران
 ۱۰۴۰ ۹/۱۱. آداب غذا خوردن با دیگران
 ۱۰۴۱ ۱۰/۱۱. آنچه بعد از خوردن، شایسته است
 ۱۰۴۲ ۱۱/۱۱. آداب خوردن گوشت
 ۱۰۴۵ ۱۲/۱۱. آداب خوردن میوه
 ۱۰۴۷ چگونه آداب خوردن از نگاه احادیث
 ۱۰۴۷ یک. حلال بودن غذا
 ۱۰۴۷ دو. توصیه به کم خوری
 ۱۰۴۸ سه. خطر پرخوری
 ۱۰۴۸ پنج. میزان مفید خوراک
 ۱۰۴۸ شش. آداب غذا خوردن
 ۱۰۵۰ فصل دوازدهم: لباس
 ۱۰۵۰ ۱/۱۲. نعمت لباس
 ۱۰۵۰ ۲/۱۲. لباس‌هایی که در دنیا ممنوع است
 ۱۰۵۱ فصل سیزدهم: سخن
 ۱۰۵۱ ۱/۱۳. اهمیت سخن
 ۱۰۵۱ ۲/۱۳. ترغیب به ترک بیهوده‌گویی
 ۱۰۵۲ ۳/۱۳. نکوهش زیاد بیهوده‌گویی
 ۱۰۵۲ ۴/۱۳. پرگویی، دل را می‌میراند
 ۱۰۵۲ ۵/۱۳. گفتار، جزئی از کردار است
 ۱۰۵۳ ۶/۱۳. خاموشی ستوده
 ۱۰۵۳ ۷/۱۳. اقسام سخن

۱۰۶۲. کسی که چشم خود را فرو می بندد ۲/۲۰
 ۱۰۶۲. کسی که نگاه کردن به او عبادت ۳/۲۰
 ۱۰۶۲. تشویق به فرو بستن چشم ۴/۲۰
 ۱۰۶۳. موارد جواز نگاه کردن به زنان ۵/۲۰
 ۱۰۶۳. کسی که چشمش را از حرام ببرد ۶/۲۰
 ۱۰۶۳. فرو بستن چشم و شیرینی عبادت ۷/۲۰
 ۱۰۶۴. نگاه نازل، ناخواسته است و نگاه ۸/۲۰
 ۱۰۶۴. کسی که از نگاه کردن به زن ۹/۲۰
 ۱۰۶۴. فصل بیست و یکم: سلام کردن
 ۱۰۶۴. درود مسلمانان ۱/۲۱
 ۱۰۶۵. سلام کردن، پیش از کلام ۲/۲۱
 ۱۰۶۵. رواج دادن سلام ۳/۲۱
 ۱۰۶۵. پیش دستی کردن در سلام ۴/۲۱
 ۱۰۶۵. واجب بودن پاسخ سلام ۵/۲۱
 ۱۰۶۶. آداب سلام کردن ۶/۲۱
 ۱۰۶۶. سلام خدا حافظی ۷/۲۱
 ۱۰۶۶. فصل بیست و دوم: دست دادن
 ۱۰۶۶. تشویق به دست دادن ۱/۲۲
 ۱۰۶۷. آداب دست دادن ۲/۲۲
 ۱۰۶۷. نهی از دست دادن با زن ۳/۲۲
 ۱۰۶۷. فصل بیست و سوم: میهمانی
 ۱۰۶۷. فضیلت میهمانداری ۱/۲۳
 ۱۰۶۷. نکوهش خاندای که میهمان وارد ۲/۲۳
 ۱۰۶۸. تشویق به پذیرفتن دعوت مؤمن ۳/۲۳
 ۱۰۶۸. نهی از پذیرفتن دعوت فاسق ۴/۲۳
 ۱۰۶۸. نهی از کم شمردن آنچه جلوی ۵/۲۳
 ۱۰۶۸. ۶/۲۳ به مشقت انداختن خود برای میهمان
 ۱۰۶۹. آداب میهمان نوازی ۷/۲۳
 ۱۰۶۹. آن جا که و بچه دادن، شایسته است ۸/۲۳
 فصل بیست و چهارم: پوزش خواهی ۱۰۶۹
 ۱/۲۴. تشویق بر قبول پوزش ۱۰۶۹
 ۲/۲۴. بدترین پوزش ۱۰۷۰
 فصل بیست و پنجم: همایگی ۱۰۷۰
 ۱/۲۵. همایگی شایسته ۱۰۷۰
 ۲/۲۵. آزار رساندن به همسایه ۱۰۷۱
 ۳/۲۵. حق همسایه ۱۰۷۱
 فصل بیست و ششم: مسافرت ۱۰۷۱
 ۱/۲۶. فوائد مسافرت ۱۰۷۱
 ۲/۲۶. آداب مسافرت ۱۰۷۱
 فصل بیست و هفتم: مشورت ۱۰۷۲
 ۱/۲۷. تشویق به مشورت ۱۰۷۲
 ۲/۲۷. کسانی که شایسته مشورت نیست ۱۰۷۲
 ۳/۲۷. افراد شایسته مشورت ۱۰۷۳
 ۴/۲۷. هشدار درباره خیانت در مشورت ۱۰۷۳
 فصل بیست و هشتم: فال نیک و فال بد ۱۰۷۳
 ۱/۲۸. ستایش فال نیک زدن ۱۰۷۳
 ۲/۲۸. نهی از فال بد زدن ۱۰۷۴
 ۳/۲۸. آنچه در مواجهه با فال بد ۱۰۷۴
 فصل بیست و نهم: بدان ۱۰۷۵
 ۱/۲۹. بدترین مردم ۱۰۷۵
 ۲/۲۹. بدترین خلاق ۱۰۷۶
 ۳/۲۹. بالاتر از هر بدی ۱۰۷۶
 فصل سی ام: تقریر ۱۰۷۶
 ۱/۳۰. نهی از تقریر کسی که سرافراز ۱۰۷۶
 ۲/۳۰. تقریر شدگان ۱۰۷۷
 فصل سی و یکم: یتیم ۱۰۷۸
 ۱/۳۱. تشویق به سرپرستی یتیمان ۱۰۷۸
 ۲/۳۱. خوردن مال یتیم ۱۰۷۹